

کتاب پنجاه و یکم

شوروی  
«شرق تجاوزگر»  
بخش سوم (۱)



سند شماره (۱)

تاریخ: ۳ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۱۲ شهریور ۱۳۴۳ محرمانه - وزارت امور خارجه - دفتر امنیت  
از: معاونت مدیریت امنیتی  
شماره نامه دفتر: ۳۶ / ۶۴ - D  
مقامات امنیتی منطقه‌ای، مقامات امنیتی (فنی)  
موضوع: تماس با اتباع شوروی و بلوک کمونیستی

نامه ۴۷۱ - CA مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۴۳ تحت عنوان «تماس با اتباع شوروی و بلوک کمونیستی»  
نیازهای خاص توجیهی افسران امنیتی منطقه‌ای و PSOS را در رابطه با پرسنل روحانی مشخص می‌سازد.  
افسران امنیتی منطقه‌ای باید از آگاهی PSO های منطقه خود در مورد نامه ۱۴۷۱ - CA و تطابق آنها با  
شرایط توجیهی مطمئن گردند.  
بررسیهای امنیتی آتی باید در برگیرنده «گزارش سیاست تماس گیری» طبق بخش D-۴، و نیز اقدام به  
عمل آمده توسط واحد به منظور اجرای دستورالعملهای ۱۴۷۱ - CA باشد.

خیلی محرمانه - ۱۵ مرداد ۱۳۴۳

از: دستورالعمل مشترک دولت، USIA , AID , ACDA به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی  
موضوع: تماس با ملیتهای شوروی و بلوک کمونیست

کاهش کنترل شوروی در رابطه با رژیمهای اروپای شرقی و مخالفت و ملی‌گرایی روزافزون آنها سبب  
بالا رفتن ارزش مقامات اروپای شرقی به عنوان منابع اطلاعاتی سیاسی، اقتصادی و جاسوسی شده است.  
بنابراین از تمام واحدها خواسته می‌شود که تلاشهای خود را جهت گسترش و بهره‌برداری از این منابع  
مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهند. در همان حال، آژانسهای ذیربط میل دارند یک سیستم جهانی ایجاد  
نموده و از طریق آن به ضبط و کنترل تماس پرسنل آمریکایی با ملیتهای بلوک کمونیستی بپردازند.  
این سیستم در مورد تلاشهای شوروی و کشورهای بلوک یک الگوی جهانی به دست خواهد داد و  
سبب خواهد شد که دفاتر مربوطه بتوانند به تحقیق و تحلیل در مورد تغییر عکس‌العملهای کشورهای  
بلوک در رابطه با آمریکا بپردازند.

مهمتر از همه اینکه، این سیستم به حفاظت از پرسنل آمریکایی در تماس با ملیتهای بلوک خواهد  
پرداخت. در رابطه با این نکته باید گفته شود که مقامات بلوک شوروی در تماسهای خود با افراد غربی  
دائماً گزارش تهیه می‌کنند. بعضی از این گزارشها به سازمان امنیتی آمریکا بازگردانده شده تا اطلاعات  
کاذب، تحریف و بازیابیهای ناقص در آنها گنجانده شود. ارزش بازسازی یک گزارش واقعی از منابع  
آمریکا معلوم است.

افسرانی که به علت وظایف خود دائماً در تماس رسمی با اعضای کشورهای بلوک هستند، باید  
یادداشتهای مکالماتی گفتگوهای مهم را مطالعه نمایند. اینگونه یادداشتهای مکالماتی، باید از طریق  
کانالهای آژانس مربوطه به سرپرست مقامات و یا معاون او تسلیم گردد. تمام مقاماتی که با اعضای  
کشورهای بلوک چه در نتیجه کار و چه در مجامع عمومی و یا غیررسمی روبرو می‌شوند، باید در رابطه با  
جنبه‌های مهمه تماس خود گزارشی ارائه نمایند. در صورتی که گفتگو با پرسنل کشورهای بلوک  
کمونیستی (در این مورد شامل یوگسلاوی نمی‌باشد) محدود به تعارفات معمول و یا مطالب عادی

می‌شود که ارزش گزارشی ندارند. باز هم باید در مورد این تماس، به ریاست و یا معاون وی گزارشی ارائه شود تا او بتواند سوابقی از این تماسها را در اختیار داشته باشد. مقامی که این گزارشها را کنترل می‌کند نیز باید در مورد تمام تماسهای رسمی، اجتماعی و اتفاقی به طور مکرر گزارشی به این وزارتخانه ارسال نماید. البته تماسهای دارای اهمیت را باید با رعایت اولویت گزارش نمود. این گزارشها به آژانسهای ذریبط وزارتخانه ارسال و با نمایندگان آژانسها در واشنگتن در مورد آنها هماهنگی به عمل خواهد آمد.

افسران امنیتی منطقه‌ای و افسران امنیتی واحدها نیز که بازجوییهای معمول را به عهده دارند باید به پرسنل روحانی اطلاع دهند که تماس با پرسنل کشور شوروی و یا بلوک کمونیستی کلاً قابل قبول نمی‌باشد. البته تماسهای اتفاقی و غیر رسمی در شرایط خاص قابل اجتناب نیست و باید با آن مؤدبانه و محترمانه برخورد نمود. ولی این گونه تماسها باید تا حد امکان مختصر و گفتگوها نیز محدود به تعارفات اجتماعی باشد و علاوه بر این سعی باید شود که تماس رو در رو برقرار گردد. وزارتخانه علاقه دارد در مورد تماسهای پرسنل روحانی و کارمندی نیز اطلاعاتی داشته باشد و افسر کنترل نیز باید مانند مراتب ذکر شده در پاراگراف پیشین، گزارش این تماسها را به وزارتخانه ارسال دارد.

#### سند شماره (۲)

خیلی محرمانه - ژوئیه ۱۹۶۸ - تیر ۱۳۴۷

عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییها و تأسیسات آمریکایی  
در خارج تجزیه و تحلیل از آیین و عرف شوروی

#### اخطار

این سند شامل اطلاعاتی است که در دفاع ملی ایالات متحده در چهارچوب معنای ماده ۱۸ از بخشهای ۷۹۳ و ۷۹۴ قانون جزائی ایالات متحده آمریکا آن طوری که اصلاح شده است، تأثیر می‌گذارد. انتقال این سند به دیگری یا افشای محتویات آن به یک شخص غیر قابل صلاحیت از نظر قانونی ممنوع است.

#### مقدمه

به موجب یک رهنمود دستگاه رهبری کمیته امنیت دولتی KGB در سال ۱۹۵۹ تحت عنوان «درباره تشدید عملیات علیه آمریکاییان در خارجه» مأموریتهای مهمی به افراد کا.گ.ب. مقیم خارجه داده شده است. به موجب این رهنمود دستور داده شده است تا برای داوطلب‌گیری آمریکاییهایی که در همه نوع تأسیسات دولتی و آمریکاییهایی که در سفارتخانه‌ها و واحدهای نظامی و ستادهای بلوکهای نظامی کار می‌کنند بر کوششهای خود بیفزایند. همچنین آمریکاییهایی که در سازمانهای بین‌المللی کار می‌کنند و آنهایی که نمایندگان مؤسسات علمی و بازرگانی هستند و نیز روزنامه‌نگاران و دانشجویان و غیره در قلمرو این دستور قرار می‌گیرند. «کتاب دستی آموزشی کا.گ.ب. منتشر شده در سال ۱۹۶۲. به کلی سری» داوطلب‌گیری آمریکاییها در ایالات متحده و خارجه.

### ماهیت برنامه عملیاتی شوروی

از نظر حکومت شوروی و همچنین به ویژه از نظر دستگاههای اطلاعاتی شوروی ایالات متحده «دشمن اصلی» به شمار می‌رود و این اصطلاحی است که در اسناد متعدد شوروی به چشم می‌خورد. در مقابل این «دشمن اصلی» دستگاههای اطلاعاتی شوروی، با مرور سالها رشد کرده و امروز برنامه‌های هماهنگ و جهانشمول برای آزمایش و جستجو و داوطلب‌گیری آمریکاییها اعم از رسمی یا خصوصی، غیرنظامی یا نظامی تهیه کرده‌اند تا در سازمانهای ما رخنه کنند و سیستمهای رمزنویسی ما را به دست بیاورند و بیکهای مخابراتی ما را خنثی کنند و پژوهشهای نظامی و عمرانی ما را کشف کنند و غیره و غیره. در این کوشش شورویها این اعتقاد را دارند که آمریکاییها به طور عمده دارای خصلتهای ماتریالیستی هستند و در درجه اول دستخوش انگیزه نیاز پولی یا طمع واقع می‌شوند و بنا بر این می‌توان آنها را برای خدمت به منافع شوروی «خریداری کرد».

این مطالعه از طریق نمونه‌ها، تهدید مهمی را نسبت به امنیت ایالات متحده تشریح می‌کند و آن عبارت است از برنامه مرتب و منظم و فشرده کا.گ.ب. شوروی (کمیته امنیت دولتی) و ج.آر.یو (امنیت نظامی شوروی) درباره داوطلب‌گیری آمریکاییها در خارج و رخنه به تأسیسات آمریکا.

این سند همچنین تجسم بخش آمریکایی متوسط در خارج از کشور آن طوری که دستگاههای اطلاعاتی شوروی او را می‌بینند می‌باشد. یعنی فردی که علاقمند به پول و افزودن بر آن است و کسی که معمولاً نسبت به شیوه‌ها و وسائل و مخاطرات کار بی‌توجه است و کسی که معتقد به دفاع نیست و عادت به پرحرفی دارد. در خارج نزدیک شدن به او آسانتر از این است که اگر او در خود آمریکا می‌بود. این تصور اغواگر خیالی نیست و جزئی از آیین اطلاعاتی شوروی می‌باشد و در سراسر این مطالعه در نقل قولهایی از اسناد کا.گ.ب. گنجانده شده است. نمونه‌های واقعی که ذکر شده و بعضی از آنها تفصیل دارد نشان دهنده این آیین در عرف و عمل می‌باشد. همچنین درباره مفهوم مشابه شوروی مبنی بر اینکه بعضی از طبقات آمریکایی از قبیل کادرهای نظامی داوطلب، کارمندان دون پایه سفارتخانه‌ها و دانشجویان در عمل «شهروندهای درجه دوم» می‌باشند آماجهای بسیار مناسبی برای افسران اطلاعاتی شوروی و عمال آنها هستند.

برنامه شوروی آن طوری که بر یک اساس جهانی مشاهده شده است، با عملیات جاسوسی شوروی در داخل ایالات متحده موازی بوده و تکمیل کننده آن است. یکی از هدفهای عمده آن به دست آوردن عمال آمریکایی در خارج می‌باشد یعنی افرادی که امکانات بالقوه دارند و می‌توان آنها را در جهت منافع جاسوسی شوروی در ایالات متحده در شعبات مختلف حکومت فدرال و در صفوف سه گانه نیروهای مسلح و در احزاب سیاسی و همچنین در مؤسسات علمی و فنی و صنایع به کار گرفت. هماهنگ با اولویتهای اطلاعاتی شوروی که در مفهوم «دشمن عمده» گنجانده شده است آمریکاییهای خارج از ایالات متحده چه در سمتهای رسمی و یا غیر رسمی هرگاه که امکان داشته باشد آماجهایی برای داوطلب‌گیری بوده‌اند. در

اوائل سال ۱۹۵۱ از مسکو به کادرهای اطلاعاتی شوروی در خارج از کشور دستوراتی برای تقویت عملیات موجود و فعالیت علیه آمریکاییها صادر شد. این دستورات در بهار سال ۱۹۵۳ و همچنین در دسامبر همان سال تکرار شد. دستور دستگاه رهبری کا.گ.ب. که در آغاز این مطالعه از آن نقل قول شده

است منعکس کننده یک تصمیم، از سوی گردانندگان شوروی برای افزایش دامنه کوششهای عملیاتی است. اسناد طبقه بندی شده شوروی که به طور قابل ملاحظه جدیدتر هستند نیز در دست است که به موجب آن تهدید شوروی افزایش یافته و پیچیدگیهای فزاینده عملیاتی که امروز علیه آمریکاییها در خارج به کار برده می شود در آن دیده می شود.

در سالهای اخیر همه «تماس گیرندگان طرف اعتماد» و عمال کا.گ.ب. به هر ملیتی که تعلق داشته باشند و فعالیتشان هر چه باشد برای جهت گیری احتمالی آنها علیه اهداف آمریکا بار دیگر در معرض ارزشیابی قرار گرفته اند. اطلاعات قابل اتکای بسیار در دسترس است که تأیید می کند کا.گ.ب. و ج.آر. یو. یعنی اطلاعات نظامی شوروی با کوششهای متمرکز شده شدیدی بر علیه آمریکاییها و تأسیسات آمریکا در خارج کار می کنند و موفقیتهایی نیز به دست آورده اند.

### سازمانهای شوروی

لزومی ندارد که بین دستگاههای اطلاعاتی شوروی و قلمروهای صلاحیت آنها وارد نکات مربوط به کارهای سازمانی و فنی بشویم، ولیکن ذکر مختصر عناصر عمده ترکیب کننده ای که بیش از پیش در برنامه عملیات در مقیاس جهانی علیه آمریکاییها در خارج فعالیت دارند برای درک خود برنامه ضرورت دارد. الف - اولین عنصر ترکیبی و مهمترین آنها مدیریت خارجی کا.گ.ب. می باشد (که به عنوان مدیریت اصلی اول نیز نامیده می شود). این مدیریت در خارج از مرزهای اتحاد جماهیر شوروی مسئولیت اولیه جمع آوری اطلاعات مثبت از طرق مخفی را به عهده دارد. این اطلاعات ممکن است سیاسی، نظامی، اقتصادی و علمی باشد. این مدیریت همچنین مسئول فعالیتهای پنهانی بسیار تخصصی برای نفوذ در سیاستها و اقدامات حکومتهای خارجی می باشد. مدیریت خارجی همچنین مسئولیت ضد اطلاعات در خارج را به عهده دارد که شامل نفوذ در همه دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی خارجی است. افسران ستاد کا.گ.ب. که برای خدمت در خارج تحت پوشش دیپلماتیک خدمات بازرگانی و سایر اشکال تعیین می شوند تحت مدیریت بلاواسطه بخشهای جغرافیائی مربوط در مدیریت خارجی قرار گرفته اند. در سالهای اخیر مشاهده شده است که افسرانی که تجربیاتی در مورد ایالات متحده دارند، به نحو فزاینده ای به پستهایی که از آمریکا بسیار دور است اعزام می شوند و این امر براساس آن تئوری آزمایش شده می باشد که کار علیه آمریکا آسانتر و ثمربخش تر است. (در این باره بعداً بحث بیشتری به عمل خواهد آمد). بسیاری از کارشناسان امور آمریکا در کا.گ.ب. دوره هایی در ایالات متحده دیده اند و به زبان انگلیسی به روانی تکلم می کنند و با جنبه های رسمی و خصوصی آشنا هستند و کوششهای عملیاتی خود را نسبت به اهداف آمریکا هر جا که مستقر شده باشند متمرکز می کنند.

ب - در حالی که کا.گ.ب. به عنوان سازمان بزرگتر و ارشدتر شوروی نقشی عمده را در عملیاتی که در این رساله بحث شده است به عهده دارد، جی.آر.یو. (که عملاً مدیریت اطلاعاتی اصلی ستاد وزارت دفاع است) فعالانه و با صلاحیت تخصصی مشابه برای جمع آوری اطلاعات نظامی استراتژیک در خارج کار می کنند و بنابراین در درجه اول برای سرشاخ شدن با کادرها و تأسیسات نظامی آمریکا تعیین شده است. این سازمان همچنین در عملیات علیه کادرهای علمی و فنی آمریکا در کشورهای غرب، به ویژه در جاهایی که زمینه تخصصی دارای مصرف نظامی است سرگرم است. معذالک جی.آر.یو. از یک

قلمرو انحصاری حتی از زمینه اطلاعات نظامی هم برخوردار نیست و درهم آمیختگی عملیات این دو سازمان با یکدیگر و حتی رقابت جی. آر. یو و کا. گ. ب. یک امر رایج است.

### استقرار کا. گ. ب. و جی. آر. یو در کشورهای خارجی

تعداد کمی از آمریکاییهای در خارج از کشور که در زمینه‌های دیپلماتیک یا نظامی و کارهای رسمی و خصوصی کار می‌کنند، می‌توانند استقرار گسترده‌ی دستگاههای اطلاعاتی شوروی در خارج کشور را که علیه آنها و علیه اهداف غیر آمریکایی می‌تواند عمل کند و همین را هم می‌کند، به طور کامل درک نمایند. واقعیت این است که حدود ۶۰ درصد از اتباع شوروی در خارج که تعداد آنها ۷ هزار نفر است و در تأسیسات رسمی آنها کار می‌کنند، از مأمورین اطلاعاتی این دو سازمان هستند و از هر سه مأمور دو نفر در کا. گ. ب. و یک نفر در جی. آر. یو. کار می‌کنند. در میان اتباع شوروی که درجه دیپلماتیک دارند نسبت افسران اطلاعاتی حتی بالاتر است. حد وسط جهانی اتباع شوروی که مأمور کا. گ. ب. هستند حدود ۷۵ درصد و در بعضی از کشورها ۹۰ درصد است. این آمارها براساس افشاگریهایی است که از مأمورین اطلاعاتی شوروی که به غرب پناه برده‌اند به دست آمده است. این اشخاص قادرند همکاریهای سابق خود را انگشت‌نما کنند. این ارقام همچنین براساس تجزیه و تحلیل دستگاههای امنیتی و ضد اطلاعاتی غرب از جمله دستگاههای اطلاعاتی آمریکا که توانسته‌اند شاهد عملیات اطلاعاتی شوروی باشند فراهم شده است.

واحدهای اطلاعاتی (که به عنوان اقامتگاههای قانونی شناخته شده‌اند) متعلق به کا. گ. ب. و جی. آر. یو. مستقل از یکدیگر در هیئتهای سیاسی شوروی در خارجه وجود دارد و کادرهای اداره هر دو دستگاه بر اساس مسئولیت دیپلماتیک مورد حمایت قرار گرفته یا دارای سمت رسمی دیگر می‌باشند. رئیس عملیاتی هر اقامتگاه (که به عنوان ساکن عنوان می‌گردد) معمولاً یک سمت رسمی دیگر دارد که بر ماهیت عملی او سرپوش می‌گذارد. در مورد کا. گ. ب. فرد ساکن اقامتگاه، ممکن است که راینز رسمی سفارت بوده و یا لاقلاً عنوان دبیر اول را داشته باشد. از سال ۱۹۶۱ مقام ساکن جی. آر. یو. از نقش آشکار وابسته نظامی مجزا شده و اکنون وابستگی نظامی مشهوری ندارد.

چنین شخصی ممکن است دبیر اول سفارت و یا شاید معاون رئیس نماینده بازرگانی شوروی باشد. مأموران عملیاتی اطلاعاتی کا. گ. ب. و جی. آر. یو. در خارجه، به نحو وسیعی در سراسر همه اجزای ترکیبی و سطوح هیئت رسمی شوروی پخش شده‌اند. آنها همه از پوشش برخوردار بوده و براساس نیمه وقت، به عنوان دبیران دیپلماتیک در همه مدارج و به عنوان وابسته‌های سیاسی و فرهنگی و علمی و یا کنسول و یا کنسولیاری و وابسته مطبوعاتی و اطلاعاتی و نماینده بازرگانی خارجی خدمت می‌کنند و همان طوری که گفته شد، در هر کشور تعداد آنها به مراتب بیشتر از دیپلماتهای مشروع وزارت امور خارجه و نمایندگان غیر اطلاعاتی سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای شوروی است. در بعضی از ادارات، کادرهای اطلاعاتی ممکن است از انحصار کامل برخوردار باشند. مثلاً بعضی از اداره‌های کنسولی تماماً از مأمورین کا. گ. ب. تشکیل شده است و اکنون این واقعیت مسلم شده است که همه کادرهای دفاتر وابسته نظامی و از جمله کارمندان غیرنظامی ظاهراً دون پایه، عملاً مأموران نظامی حرفه‌ای و اعضای حرفه‌ای جی. آر. یو. می‌باشند. چنین اوضاعی اغلب تحولات عجیب و غریبی در پوشش و درجه ایجاد می‌کند. برای مثال

می‌توان گفت پاول ایوانویچ لوماکین، یک راننده غیر نظامی دفتر وابسته نظامی در رم از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰، بعداً در قبرس در سال ۱۹۶۴ با درجه سرهنگ دوم با عنوان معاون وابسته نظامی ظاهر شد. همچنین رویسپیران فیلاتوف که سمت راننده و مترجم جهت وابسته نظامی در اتاوا (پایتخت کانادا) از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ را به عهده داشت، در سال ۱۹۶۳ در ریودوژانیرو (پایتخت سابق برزیل) با درجهٔ دبیر دوم خدمت می‌کرد. چنانچه دانسته شده است فیلاتوف در عمل در ارتش شوروی درجهٔ ارشدی داشته است در حالی که در کانادا خدمت می‌کرده و لوماکین نیز شاید هنگام خدمت در رم درجه سرگردی داشته است. استقرار مأموران اطلاعاتی شوروی در خارجه اعم از اینکه در داخل یا خارج تأسیسات رسمی مستقر شده باشند نسبتاً پستهای پوششی اعطاء شده موجود را می‌تواند پر کنند. اکثریت پرسنل رسانه‌های گروهی شوروی در خارج، مأمورین اطلاعاتی می‌باشند. روی هم رفته بیش از ۶۰ درصد آنها در این سمت تشخیص هویت شده‌اند و این ۶۰ درصد حداقل نسبت را نشان می‌دهد. خبرنگاران روزنامه‌های پروادا و ایزوستیا و نمایندگان خبرگزاری تاس و خبرگزاری نووستی در این مقوله به شمار آمده‌اند. آیروفلوت شرکت هواپیمایی غیر نظامی شوروی که در همه جا تشکیل شده و همچنان توسعه می‌یابد پوشش و پیشتیبانی در اختیار دستگاه اطلاعاتی شوروی خصوصاً جی. آر. یو. قرار می‌دهد و در سالهای اخیر طبق بررسیهایی که به عمل آمده ثابت شده است که ۷۰ درصد از نمایندگان خارج از کشور آیروفلوت مأموران ستاد جی. آر. یو می‌باشند.

از موارد جاسوسی متعدد که در ایالات متحده علنی شده است، آمریکاییها روی هم رفته دریافته‌اند که سازمان ملل متحد در نیویورک و از جمله دبیرخانهٔ بین‌المللی آن و مقر دائمی هیئت نمایندگی شوروی، در سازمان ملل متحد به عنوان پوششی از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همین مدعا در مورد ادارات و سازمانهای تخصصی ملل متحد در اروپا نیز صدق می‌کند. یک نمونه بارز، ستاد سازمان اقتصادی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است که در پاریس قرار دارد. در این سازمان بیش از ۶۰ نفر اتباع شوروی در دبیرخانه آن کار می‌کنند و یا وابسته به هیئت شوروی در یونسکو می‌باشند. تقریباً ۲۵٪ کارمندان شوروی به عنوان مأمورین اطلاعاتی تشخیص داده شده و یا مظنون به داشتن وابستگیهای اطلاعاتی می‌باشند.

نمونهٔ دیگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که مقر آن در وین می‌باشد و از ۵۵ نفر اتباع شوروی که در دبیرخانه این مؤسسه بین‌المللی به عنوان کارشناس، مترجم و غیره مشغول به کار هستند و یا از کارمندان دائمی هیئت نمایندگی شوروی در این آژانس می‌باشند، تقریباً نیمی از آنها به عنوان مأموران اطلاعاتی تشخیص هویت شده‌اند و یا مظنون به داشتن چنین سمتی می‌باشند و خطای جزئی ممکن است، بیشتر ماهیت محافظه‌کارانه داشته باشد. با تصویر مشابهی نیز در ژنو می‌توان برخورد کرد که تمرکز افسران کا.گ. ب. و جی. آر. یو. در مقر اروپایی سازمان ملل متحد و هیئت نمایندگی دائمی شوروی در مقر سازمان ملل متحد در ژنو و کمیسیون اقتصادی اروپا و سازمان بهداشت جهانی و سازمان مطالعات جوی جهانی و سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی مخابرات دور دست و غیره بچشم می‌خورد.

سازمانهای اطلاعاتی کا.گ. ب. و کشورهای بلوک اروپای شرقی در خارجه در چندین نقطه به نمونه‌هایی اشاره خواهد شد که در آنها عمال یا کادرهای یکی از دستگاههای



اطلاعاتی کشورهای بلوک کمونیستی اروپای شرقی از عملیات اطلاعاتی شوروی علیه یک آمریکایی در کشورهای غربی پشتیبانی کرده‌اند. این یک نتیجه مناسبات کاری نزدیک می‌باشد که از قرار معلوم بین کا.گ.ب. و دستگاه‌های غیر نظامی کشورهای کمونیست اروپائی که مانند اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا را به عنوان «دشمن اصلی» تلقی می‌کنند وجود دارد. (برای مقاصد این رساله، دستگاه‌ها عبارتند از دستگاه‌های امنیتی آلمان شرقی، لهستان، چکسلواکی و مجارستان و تا حدودی رومانی). لاسلو سابو، یک مأمور ارشد اطلاعاتی که از دستگاه اطلاعاتی مجارستان - ای. وی. ایچ (EVH) - فرار کرده بود، درباره این همکاری طی ادای شهادت در کمیته مجلس نمایندگان آمریکا در کنگره هشتماد و نهم گفت: «شورویها در فواصل زمانی معین کنفرانسی با شرکت دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بلوک در خاک اتحاد جماهیر شوروی برای بحث درباره هدفها و مشکلات اطلاعاتی، کنفرانسهایی تشکیل می‌دهند. کار و روابط بین دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی شوروی و کشورهای بلوک شوروی نتیجه مستقیم همکاری بین احزاب کمونیست ملی و حزب کمونیست اتحاد شوروی است و دستگاه اطلاعاتی هر یک از این کشورها با دستگاه اطلاعاتی شوروی توافق کرده است که بعضی از هدفهای وسیع اطلاعاتی را به نفع خود و به نفع دستگاه‌های اطلاعاتی سایر کشورهای بلوک عملی سازد. ایالات متحده آمریکا در این کنفرانسهها به عنوان دشمن اصلی تلقی می‌شود.»

کنفرانسههای دوره‌ای که سالو به آنها اشاره کرده است هر سال تشکیل می‌شود و توافقهایی بین دستگاه‌های اطلاعاتی این کشورها منجر به هماهنگیهای روزانه و رهنمود از سوی یک گروه کوچک از افسران کا.گ.ب. که در ستادهای هر یک از کشورهای بلوک مأموریت دارند، ابلاغ می‌شود. هر چند بیشتر تأکید، مربوط به عملیات علیه تأسیسات پرسنلی آمریکا و سایر کشورهای غربی در داخل منطقه کشورهای بلوک است (و این مسئله‌ای است که خارج از این رساله به شمار می‌رود). شواهدی در دست است که دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بلوک که در کشورهای خارجی غرب نماینده دارند گاه به گاه همکاری نزدیکی با کا.گ.ب. دارند و اغلب کادرها و عمال محلی خود را در دسترس کا.گ.ب. می‌گذارند.

در زمینه عملیات اطلاعات نظامی و به ویژه عملیاتی که به نظامیان و تأسیسات آمریکایی وابسته به سازمان و پیمان‌آتلانتیک شمالی (ناتو) مربوط می‌باشند، مناسبات بین، جی. آر. یو. و دستگاه‌های اطلاعات نظامی اروپای شرقی بسیار نزدیک است. در اجتماعات سالیانه کشورهای عضو پیمان ورشو، توافقهایی درباره نیازهای اطلاعاتی حاصل می‌شود. شواهدی در دست است که جی. آر. یو. و دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بلوک به طور منظم با یکدیگر درباره تجربیات و دانشهای فنی و مأموریت‌های عملیاتی نه تنها در سطح ستادها و در داخل منطقه کشورهای بلوک، بلکه همچنین در غرب از طریق مناسبات همکاری بین محلهای استقرار از مجرای وابسته‌های بازرگانی کشور مربوطه تبادل نظر می‌کنند.

به طور خلاصه این مقدمه سعی داشته است موجودیت و تشدید مداوم خطر دستگاه‌های اطلاعاتی شوروی علیه آمریکا و پایگاه‌های آن کشور در خارج را تشریح کرده و همچنین عناصر روسی درگیر در بسیاری از مواضع پوششی که از طریق آنها عملیات همه جانبه خود را اجرا می‌کرده‌اند، شناسایی نماید. بخشهای بعدی اصولاً با اهداف عملیاتی دستگاه‌های جاسوسی شوروی در خارج علیه آمریکاییها،

اهداف دارای اولویت، (و آسیب پذیری آنها) و برخورد شوروی با این اهداف به طور مستقیم یا غیر مستقیم از نظر طراحی، تکنیکهای شوروی از نظر پیچیدگی و سادگی در رابطه بوده و همان گونه که خواهیم دید با شکست روبرو می شوند ولی اغلب با وارد آوردن خسارات امنیتی علیه آمریکا موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌اند.

### هدفها و آماجهای آمریکایی در کشورهای خارج برای دستگاه اطلاعاتی شوروی؟

در رهنمود ستاد (دستگاههای کا.گ.ب.) ضرورت به خدمت‌گیری عمالی که بتوانند اسناد رسمی از پایگاههای آمریکایی برای ما فراهم کنند تأکید شده است. درباره عمالی که دسترسی به مکاتبات سری و رمزی دارند از قبیل کارمندان رمز و تکنیسینهای ماشینهای رمز و کارمندان پرونده‌ها و منشیها اولویت داده می‌شود... در این رهنمود به افسران ما دستور داده می‌شود که در فراهم آوردن تماسهای شخصی و مناسبات محرمانه با آمریکاییان ساکن خارج که بتوانند در داخل پایگاههای آمریکایی در خارج و یا در سازمانهای دولتی و علمی آمریکایی در ایالات متحده کار پیدا کنند روش تعرض آمیزتری در پیش گیرند. همچنین روابط محرمانه با آمریکاییان ساکن خارج که با هر سمتی در مؤسسات آمریکایی کار می‌کنند از قبیل مترجمان یا رانندگان و یا حتی پیشخدمتها مطلوب می‌باشند... این چنین شبکه‌های عمال برای به دست آوردن تصویر کاملی از کارمندان و برنامه‌های کاری داخل پایگاههای آمریکایی به کار گرفته می‌شود تا اسناد سری به دست آمده و دستگاههای استراق سمع در آنجا کار گذاشته شود.

### اهداف

هدفهای اولیه عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییان در خارج عبارت است از به دست آوردن مطالب نوشته شده به رمز تا بتوان مخابرات رمزی را قرائت کرد و اسرار رسمی ترجیحاً به شکل اسناد از طریق به کارگیری آمریکاییان اعم از کشوری و نظامی و در هر درجه‌ای که دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده دارند به دست آورند.

البته هدفهای دیگری وجود دارد که عبارتند از: جمع‌آوری اطلاعات علمی و تکنولوژیکی عملاً در همه زمینه‌ها اعم از صنعتی و نظامی و یا آشکار و یا طبقه‌بندی شده به منظور حرکت در جهت رخنه و دستکاری زندگی سیاسی و عمومی آمریکا از طریق تشخیص هویت و ارزیابی آمریکاییانی که بالقوه بتوانند، عمال اقدامات سیاسی شوند و علاوه بر این پرورش طبقات مختلفی از آمریکاییهای غیررسمی در خارج از قبیل، دانشجویان که بتوان آنها را تحت کنترل درآورد و آنها را متقاعد ساخت تا بالمآل کارهایی در تأسیسات دولتی آمریکا و از جمله خدمات اطلاعاتی و امنیتی دست و پا کنند. معذالک همه اینها نسبت به هدف اصلی یعنی به دست آوردن اطلاعات سری از پایگاههای آمریکایی در خارج به هر طریقه ممکن در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است.

### انواع هدفها

در حالی که کا.گ.ب. هرگونه هدف نوید دهنده آمریکایی از قبیل یک سفیر و یا یک مأمور خدمات خارجی یا اینکه مأمور ارشد دیگر آمریکایی در خارج را مورد بی‌اعتنائی قرار نخواهد داد، از آیین

اطلاعاتی شوروی و عملیات گزارش شده و مشاهده شده‌ کا. گ. ب. و جی. آر. یو. و همچنین از فتح بابه‌ای وابسته داوطلب‌گیری، کاملاً روشن است که شدیدترین فعالیت شوروی متوجه کارمندان جزء مراکز دیپلماتیک آمریکا و سایر تأسیسات رسمی کارمندان نظامی آمریکایی در خارج باشند. در این طبقه وسیع منشی‌های رمز، منشی‌های اداری، تفنگداران دریایی محافظ و غیره از سوی شورویها به عنوان اشخاص به ویژه آسیب‌پذیر تلقی می‌شوند، زیرا (طبق مندرجات یک رهنمود کا. گ. ب.) «این اشخاص به طبقات ممتاز تعلق ندارند و از لحاظ مالی وضعشان چندان رضایت بخش نیست.»

### پرسنل رمز و مخابرات

در سال ۱۹۶۱ در یک رهنمود کلی که به محلهای استقرار کا. گ. ب. در خارج فرستاده شده و به امضاء الکساندر نیوکولایویچ شلپین رئیس وقت کا. گ. ب. رسیده بود با شدت هر چه تمامتر تأکید شده بود که وظیفه اولیه دارای اولویت هر یک از قرارگاه‌های کا. گ. ب. عبارت است از «به کار گرفتن منشی‌های رمز» در این رهنمود به نحو صریح یادداشت شده بود که «تمرین‌بخش‌ترین نتایج» بدین طریق به دست می‌آیند. به قرارگاه‌های کا. گ. ب. دستور داده شود که در روی تشخیص هویت منشی‌های رمز آمریکایی به قصد تماس با آنها و استخدامشان فعالیت خود را متمرکز کنند. به طوری که دانسته شده است دست کم یک قرارگاه کا. گ. ب. در غرب از ستاد کا. گ. ب. در مسکو، متعاقب رهنمود شلپین مورد پشتیبانی قرار گرفته است. این پشتیبانی به شکل یک فهرست آماده شده از منشی‌های رمز توأم با نامها و اطلاعات بیوگرافیک بود که در آن زمان به کشورهای غربی برای کار اعزام شده بودند و قرار بود کوشش‌های قرارگاه کا. گ. ب. در مورد همین اشخاص متمرکز شود.

اکثر منشی‌های رمز و سایر دستگاه‌های مخابراتی در خارج در مقوله «کارمندان جزء» از لحاظ درجه و حقوق قرار گرفته‌اند. این اشخاص اکثراً نسبتاً جوان بوده و اغلب فاقد وابستگی می‌باشند (اعم از اینکه مرد یا زن باشند) و اغلب ساعات فراغت خود را در جوار یکدیگر و سایر کارمندان جوان می‌گذارند. برخلاف هم‌تاهای شوروی در خارج که در محدوده تأسیسات رسمی شوروی زندگی می‌کنند و اجازه ندارند بدون اسکورت محافظان در خیابانها دیده شوند. کارمندان سفارت آمریکا هر جا که دلشان بخواهد زندگی می‌کنند و آزادند هرگونه تماس اجتماعی که مایل باشند برقرار کنند و با ساکنان محل و آمریکاییان غیررسمی کشورهای خارجی که به آنجا گمارده شده‌اند معاشرت کنند. در چنین شرایطی شغل‌های تخصصی حساس آنها به نحو وسیعی دانسته می‌شود و در واقع برای یک قرارگاه اطلاعاتی شوروی در خارج و به ویژه قرارگاهی که از شبکه مأمورین محلی استفاده می‌کند تشخیص هویت و ایجاد وسایل تماس مستقیم و یا غیرمستقیم به منظور ارزیابی و در بعضی موارد کوشش برای به خدمت‌گیری آنها نسبتاً آسان است.

کوشش شورویها در مقابل منشی‌های رمز شامل هر شکل قابل تصویری می‌شود و از عملیات شدیداً ناپخته تا عملیاتی که پر از ریزه‌کاری بوده و به خوبی تنظیم شده و بسیار پیچیده است و دست داشتن شورویها در آنها تا آخرین لحظه مخفی می‌ماند و قربانی مورد نظر ناگهان غافلگیر می‌شود، امتداد دارد. یکی از نمونه‌های ناپختگی شوروی به ویژه به یک شکل بسیار آشکاری در دارالسلام پایتخت تانزانیا در سال ۱۹۶۶ روی داد. ولادیمیر پوتیاتوف، دبیر دوم سفارت شوروی و افسر جی. آر. یو. که گویا در

عملیات پرسنل مخابراتی تخصص داشت، به یک کارمند رمز سفارت آمریکا که در یک رستوران واقع در پلاژ از یک منشی سفارت پذیرایی می‌کرد، نزدیک شد. توتیا توف که از پرورش دهندگان با پشتکار افراد آمریکایی بود، چند هفته قبل با این منشی رمز آمریکایی ملاقات کرده و بدون شک از شکل وی آگاه بود. این مأمور شوروی زوج آمریکایی را به شام دعوت کرد و کارش به مستی کشید و آن‌گاه به هر دو نفر آمریکایی وعده داد که اگر آنها اسناد سفارت را به او بدهند او با پرداخت حق‌الزحمه آنها به دلار آمریکایی، آنها را ثروتمند خواهد کرد. او مدام پافشاری می‌کرد که منشی رمز با او به طور خصوصی ملاقات کند. این دو نفر آمریکایی که از مداومت پوتیا توف بیشتر به تنگ آمده بودند تا اینکه مضطرب شد. حتی بعد از ناسزاهای مستقیم نتوانستند افسر جی. آر. یو را وادار کنند که دست از سر آنها بردارد. سرانجام یک نفر از اتباع دیگر شوروی (که مأمور شناخته شده کا.گ.ب. بود) به نزدیک میز آنها آمد و همکار خود را که از فرط مستی تلو تلو می‌خورد از میز آنها دور کرد. معذالک پوتیا توف، حتی هنگامی که هشیار بود دست از سماجت خود بر نمی‌داشت. چند هفته بعد او در یک میهمانی شامی که از سوی یک کارمند آژانس بین‌المللی عمران برای چند نفر آمریکایی ترتیب داده شده بود و یکی از دعوت شدگان همان منشی رمز بود، بدن اینکه دعوت شده باشد ظاهر شد. این بار بدون آنکه لب به مشروب بزند توجه خود را معطوف این منشی رمز آمریکایی کرد. به هر حال منشی رمز، دفتر امنیت سفارت آمریکا را درباره اقدامات گستاخانه پوتیا توف در جریان گذاشت و این مرد روسی سرانجام به کوششهای خود پایان داد.

اغلب یک طریقه غیر مستقیم شامل استفاده از عمال محلی «غیر روسی» و در زحمت قرار دادن فرد مورد نظر از طریق گرفتار کردن او در روابط جنسی از انواع گامهای اولیه مطلوب شوروی است. چند سال قبل در یک کشور آفریقای شمالی یک مأمور اطلاعات شوروی به یکی از عمال خود که یک بازرگان اروپایی بود و در آنجا سکنی داشت گفته بود که هدف اصلی او رخنه در بخش مخابرات و ارتباطات سفارت آمریکا است. او در نظر داشت از طریق گرفتار کردن یک منشی زن در سفارت آمریکا در روابط جنسی که وی به آن عامل معرفی کرده بود به هدف خود برسد. این بازرگان اروپایی که در آن زمان آشنایی کمی با دختر آمریکایی داشت دستور گرفته بود که این دختر را اغوا کند و در مقابل این کار در صورت موفقیت پولی کلان به عنوان پاداش دریافت نماید. در این مورد او موفقیتی به دست نیاورد.

به همین ترتیب در یک کشور واقع در خاور نزدیک، یک کارمند محلی دولت که از سوی شورویها به عنوان عامل به کار گرفته شده بود دستور داشت تا با دو دختر آمریکایی که با هم بسیار نزدیک بودند و یکی از آنها منشی رمز سفارت و دیگری کارمند سیا بود ملاقات کرده آنها را برای مقاصد شوروی پرورش دهد.

مأمور شوروی این دو دختر را جذاب، مجرد و «شهروندان درجه دوم» توصیف کرده بود. مأمور شوروی هنگامی که به عامل خود می‌گفت که با یکی از این دو دختر گرفتاری جنسی پیدا کند، یک انگشتر الماس را به او نشان داد و گفت که اگر او بتواند مأموریت خود را به طور صحیح انجام دهد آن انگشتر الماس در اختیار او به عنوان هدیه قرار خواهد گرفت.

کا.گ.ب. به محض اینکه چشمش به یک هدف رمز یا مخابرات بخورد که حتی از دور دستخوش تلقینها یا تهدیدهای شوروی قرار می‌گیرد از خود سماجت و شکیبایی نشان می‌دهد. تکنیسین مخابرات وزارت امور خارجه ما که هر چند در آمریکا متولد شده، زمینه قومی و تربیتی اروپای شرقی داشته و

زمانی در یک هیئت آمریکایی در اتحاد جماهیر شوروی در جریان جنگ جهانی دوم سمت محقری داشته است. از آن زمان به بعد در معرض تماس در قسمتهای مختلف جهان قرار گرفته و در یک پست خارجی ثالث کوشش به عمل آمده بود که او را به کار گیرند. در این مورد به خصوص کا.گ. ب. ترتیب یک برخورد «تصادفی» در خاور دور با یک شهروند شوروی را داده بود (که این شهروند شوروی هر چند یک مأمور رسمی شوروی نبوده ولی برای این منظور تعلیم دیده بود). فرد مورد نظر آمریکایی او را شانزده سال قبل ملاقات کرده بود که آن زمان او یک الکتریسیین جوان و دوست و فرد قابل دسترس در اتحاد جماهیر شوروی بود. این بار این فرد روسی خود را به عنوان یک مدیر کارخانه تلویزیون سازی مرفه در لنینگراد معرفی کرده بود که به طور موقت برای امور بازرگانی به خاور دور آمده است. (ولی در عمل اسناد مسافرتی حاکی از آن بود که این فرد مجهز با یک گذرنامه دیپلماتیک برای انجام وظیفه موقتی از وزارت امور خارجه در آنجا حضور داشت). دومین کوشش برای تماس از طرف شوروی در اروپا دو سال بعد صورت گرفت و فرد مورد نظر، این بار یک عضو کا.گ. ب. کارشناس عملیات آمریکا و تحت پوشش دیپلماتیک بود که خود را به فرد آمریکایی با عنوان ابلاغ کننده سلام و حامل نامه از طرف دوست روسی معرفی کرده بود. این شخص جدید کوشیده بود با تلاشهای تجدید شده دنباله تماس اولیه را پی گیری کند و بساط دوستی و نزدیکی را فراهم کند. یک تماس سوم نیز که دارای حساسیت بود ۳ سال بعد در یک کشور اروپای غربی صورت گرفت. این آمریکایی بدون اینکه سوءظنی ببرد با شخصی که خود را به عنوان یک بازرگان آمریکای جنوبی دارای ریشه اروپای شرقی مانند آن آمریکایی جا زده بود ملاقات کرد و با او دوست شد. این دو نفر، قبل از اینکه چیزی اتفاق بیفتد مدت حدود هشت ماه با یکدیگر تماسهای گاه به گاه دوستانه برقرار کرده بودند تا هنگامی که پیشنهاد غیرمنتظره به کارگرفتن او عنوان شد - و رد شد - این پیشنهاد ظاهراً به نفع خدمات اطلاعاتی آن کشور اروپای شرقی بوده است که می خواست اطلاعاتی «درباره تمام انواع دستگاههای رمزی آمریکا» به دست بیاورد و در برابر آن، به این آمریکایی یکه خورده پیشنهاد شده بود که امنیت مالی او تا آخر عمرش تضمین خواهد شد. اوضاع و احوال این اقدام به کارگیری که به نتیجه نرسید معلوم کرد که این فرد آمریکای جنوبی که ظاهراً تغییر تابعیت داده است عملاً یک فرد روسی «غیرقانونی» بوده است، یعنی یک مأمور اطلاعاتی که با حالت استتار در غرب زندگی و کار می کند و اسناد هویت او نشان دهنده تعلق او به یک ملیت غیر روسی و قلابی است.

مورد زیر هر چند که تازگی ندارد و در زمان خود در مطبوعات منعکس شده در اینجا با جزئیات بیشتری از سابق نقل می شود. هر چند جنبه های غیرقابل توضیح که به احتمال هرگز حل نخواهد شد، وجود دارد. کوشش شوروی برای به کارگرفتن دونالد اولتان، منشی رمز، یک نمونه کلاسیک از عملیاتی می باشد که به خوبی طرح ریزی شده و از راههای مختلف انجام گرفته است و طی آن دست شوروی تا آخرین لحظه کاملاً پنهان مانده بود.

دونالد والتان، سی ساله، متولد در بروکلین و کارمند سفارت آمریکا در وین، فارغ التحصیل دانشگاه کالیفرنیا و تقاضاکننده کار به عنوان کارحرفه ای در وزارت امور خارجه و آشنا به زندگی اروپائی از زمان سکونت سابقش در پاریس به دلایل مختلفی مورد علاقه دستگاههای اطلاعاتی شوروی قرار گرفت. قبل از همه چیز، او منشی رمز بود و بدین ترتیب به خودی خود برای به کارگیری در درجه اول اولویت قرار داشت. ثانیاً پدر او از مهاجرین روسیه تزاری در ایالات متحده بود و هر چند فرزند او در خانه تنها به زبان

انگلیسی تربیت و پرورده شده بود از دید نزدیک بینانه دستگاہهای اطلاعاتی شوروی ممکن بود مجالی به وجود آید که وی اندکی همدردی و همفکری نسبت به میهن پدر خودش نشان دهد. ثالثاً او یهودی بود و ظاهراً احساسات تندى درباره عملیات نازیها در جنگ جهانی دوم و علاقه به نهضت‌های مقاومت در این جنگ داشت و بالاخره او به فرانسه تسلط کاملی داشت و دوست داشت که به این زبان تکلم کند و به طور کلی علاقه‌مند به زبانها بود. همه این عوامل علاوه بر عوامل دیگر مورد توجه، شورویها در وین از طریق تواناییهای محلی آنها برای خبرگیری از نزدیک درباره وضع کار و خصوصیات شخصی و الگوهای اجتماعی گروه جوان آمریکایی در وین از جمله منشیهای رمزی سفارت و منشیهای دیگر و دانشجویان فارغ‌التحصیل از دانشگاه وین و بعضی از آنهايي که کشور خود را ترک کرده و از طرق مبهمی امرار معاش می‌کردند قرار گرفت. عده دیگری متعلق به ملیتهای مختلف از جمله کارمندان اطریشی سفارت آمریکا با این گروه درهم آمیخته بودند. هر چند این گروه به هیچ وجه یک گروه منحصر به فرد از لحاظ معاشرتهای اجتماعی به سبک جذاب قهوه‌خانه‌های وین و کنسرت‌های این شهر و ضیافت‌های کوکتل نبود. معذالک شورویها در میان خود عاملی داشتند که به نحو انحصاری علیه آمریکاییهای این گروه فعالیت می‌کرد و از مدتها قبل اولتان را انگشت‌نما کرده بود و او و دوستانش را می‌شناخت و در زندگی اجتماعی آنها سهم بود و میل داشت به کا.گ. ب. کمک کند و قابلیت این کار را نیز داشت و به همین دلیل عملیات عجیب و غریبی در مقابل این منشی رمز به راه انداخت.

کافه زاخرو، هتل قدیمی و معروف که محل بسیار خوشایندی برای چشیدن تنقلات در ماه می ۱۹۵۸ بود، صحنه گشایش این ماجرا را تشکیل می‌دهد. عامل شوروی که از اتباع یک کشور اروپای غربی دوست بود که تغییر تابعیت داده بود و ریاضیدان درخشانی به شمار می‌رفت از یک معلم آمریکایی بیکار که از دوستان نزدیک اولتان بود و مانند او به زبان فرانسه کاملاً تسلط داشت دعوت کرده بود که برای آشامیدن مشروب به او ملحق شود. نقشه کاملاً ساده بود و آن عبارت از این بود که یک ملاقات «تصادفی» میان این معلم و یک غریبه که در میز مجاور نشسته بود صورت گیرد. این غریبه یک فرد با قامت متوسط بود که موهای سرش اندکی ریخته بود و حدود چهل سال سن داشت و عینک دودی به چشم می‌زد و وضع لباسش محافظه‌کارانه و خوب بود و به فرانسه تکلم می‌کرد و خود را به نام ژوزف بک، یک بازرگان بلژیکی نیمه بازنشسته معرفی کرده بود و مدعی بود که از تنهایی رنج می‌برد و از صورت غذا به زبان آلمانی ناراحت است، ترتیب این ملاقات چندان دشوار نبود و ریاضیدان مورد بحث که عامل شوروی بود آن‌گاه معذرت خواست و رفت و اعتماد داشت که معلم آمریکایی با نهایت میهمان‌نوازی از بک دعوت خواهد کرد که به اتفاق اولتان در یک رستوران نزدیک شام بخورند. این دقیقاً چیزی بود که اتفاق افتاد. یک جنبه جالب توجه این عملیات شوروی آن است که بک نه در آغاز و نه بعداً مستقیماً نگاهش را به اولتان ندوخته بود، هر چند اولتان منشی رمز سفارت آمریکا در واقع هدف اول بود. پس از این ملاقات اول بر سر میز شام، بک ترتیب یک گردهمایی اجتماعی دیگر با معلم آمریکایی بدون اولتان را داد. او به خوبی می‌دانست هرگاه که او به اتفاق آن معلم باشد یقیناً با اولتان ملاقات خواهد کرد و در سراسر ماه مه و ماه ژوئن اوضاع بر همین منوال بود و این الگویی از ملاقات منظم در کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها بود که به تشویق گروه متشکل از چندین ملیت که اولتان جزئی از آن بود صورت می‌گرفت. مکالمات ساعات طولانی، همیشه به زبان فرانسه جریان داشت (بک زبان فرانسه را به یک لهجه اسلاوی تکلم می‌کرد و این لهجه را به

منشأً بسارابی (واقع در مرز رومانی و شوروی نسبت می‌داد). شبهای آرام، بازی شطرنج و گشت و گذارهایی به یکی از میخانه‌های جذاب واقع در جنگل وین همچنان جریان داشت. بک، خود را یک یهودی معرفی کرده بود که در جستجوی خانه‌ای برای یکی از خواهران خود در اسرائیل است که می‌خواهد به اطیش منتقل شود. او همچنین دربارهٔ برادری که ساکن تل‌آویو است صحبت می‌کرد. بک هرگز افشاء نکرد که در وین در کجا زندگی می‌کند و ظاهراً هیچ کس در پی آن نبود که در این باره از او پرس و جو کند. پس از هر گردهمایی شبانه تقاضا کرد که در یک گوشه خیابانی از قسمت ویژه شهر او را پیاده کنند. بک همچنین نشانه خود را در بلژیک به کسی نداد. حتی در آن موقع که کسی در این باره از او سؤال می‌کرد وی چنین وانمود می‌کرد که او ساکن محلی در نزدیکی بروکسل است. او می‌گفت که تخصص کار بازرگانی او در منسوجات است ولی در این باره بحث کمتر بود و یا می‌توان گفت که اصلاً نبود. آنچه که او را به محفل اولتان دلبسته کرده بوده علاقه ادعایی او به همان چیزی بود که اولتان از آن لذت می‌برد و آن مکالمه به زبان فرانسه و موضوع زبانها به طور کلی و بحث درباره آزار یهودیان و نهضتهای مقاومت در جریان جنگ بود. بک می‌گفت که او عضو نهضت زیرزمینی بلژیک بود و دارد کتابی در این باره می‌نویسد. با توجه به آنچه که بعداً اتفاق افتاد جالب توجه و شگفت‌آور این است که بک ظاهراً هیچ‌گونه کوشش برای دیدن اولتان به تنهایی نمی‌کرد و عدم وجود روابط صمیمی شخصی می‌تواند نشانگر این واقعیت باشد که اولتان و سایر اعضای این گروه همواره دوست جدید خود را آقای «بک» خطاب می‌کردند، با این احساس که به کار بردن نام کوچک او ممکن است نشانه صمیمیت بیش از اندازه باشد. در زمانی قبل از ۱۲ ژوئن و پس از اینکه بک میزبان یک گردهمایی کوچک شام جهت اولتان به اضافه معلم آمریکایی و یک دانشجوی آمریکایی در رشته روان‌شناسی و همسر او بود از نظرها ناپدید شد و ظاهراً بدون آنکه بگوید کجا می‌رود وین را ترک کرده بود و تصور می‌شد که او به بلژیک بازگشته است ولی هیچ کس در این باره یقین نداشت.

حدود پنج ماه بعد یعنی دقیقاً روز اول نوامبر و در زمانی که والدین اولتان از وین دیدن می‌کردند، بک ناگهان در آپارتمان اولتان که به طور مجرد در آن زندگی می‌کرد پدیدار شد. او بدون اینکه قبلاً اعلام کرده باشد و در حالی که یک بطری ویسکی به عنوان هدیه در دست داشت آمده بود. او عصبی به نظر می‌رسید و پس از حداقل گفتگوی پراکنده که شامل هیچ‌گونه توضیحی درباره غیاب وی از وین نبود او به سرعت به نکته مورد نظر خود پرداخت. او گفت که عامل شوروی است و می‌تواند فرصتی برای ثروتمند شدن اولتان فراهم کند. او گفت: «ما چیز زیادی از شما نمی‌خواهیم بلکه تنها آنچه که شما از کار خود می‌دانید. اولتان که به شدت یکه خورده بود و هنوز فکر می‌کرد که با یک فرد بلژیکی طرف است پیشنهاد او را رد کرد. بک آغاز به بحث کرد و تأکید کرد که آنها هر دو یهودی هستند و اشاره به یک «بوگروم» (کشتار به زبان روسی) که اخیراً در نقطه‌ای در فرانسه صورت گرفته بود کرد (معلوم نشد که این امر چه بوده است) ولی او به ویژه تأکید کرد که با فراهم کردن اطلاعات سری برای شورویها براساس یک نوبت اولتان می‌توانست کودتایی را انجام دهد و احتیاجی به آن نخواهد بود که درگیری بعد داشته باشد. در چنین لحظه‌ای مکالمات به طور غیر مترقبه‌ای قطع شد و معلم آمریکایی که دوست اولتان بود برای دیداری وارد منزل شد. همان طور که اغلب چنین کاری می‌کرد و مکالمه به امور عادی در حضور او تبدیل شد. سرانجام اولتان برای خرید آبجو برای همه آنها از آپارتمان خارج شد و بک نیز پشت سر او رفت و آنجا در پیاده‌رو، بحث دوباره درگرفت و

بک به کرات پیشنهاد پول به اولتان کرد و اولتان پرسید «چند» و این سؤال بیشتر از روی کنجکاوی بود تا علت دیگر. بک در پاسخ گفت: «خودت بگو.» بک از اولتان خواست که آیا موافقت خواهد کرد بار دیگر در این باره با او ملاقات کند. هنگامی که اولتان آرام شد، بک ورقه کاغذی از جیب درآورد و آنرا به اولتان داد، بر روی این کاغذ محل ملاقات، محلی در قلب شهر نوشته شده بود. آنها با یکدیگر توافق کردند که ساعت ۳ بعد از ظهر روز پنج‌نومبر با یکدیگر ملاقات کنند. اولتان که در این مرحله هنوز کاملاً اهمیت آن چیزی را که داشت اتفاق می‌افتاد درک نکرده بود، با دلسوزی از بک پرسید که آیا شورویها او را وادار کرده‌اند که برای آنها کار کند. پاسخ کاملاً غیرمترقبه بود و بک گفت که او تحت فشار قرار نگرفته و بلژیکی هم نیست: «من یک شهروند شوروی با گذرنامه شوروی هستم.» او روی خود را برگردانده و در خیابان به حرکت افتاد و از نظر ناپدید شد.

اولتان که کاملاً بهت زده شده بود به آپارتمان خود بازگشت و آنچه را که اتفاق افتاده بود به معلم آمریکایی بازگو کرد. توصیه‌ای که به او شده بود این بود که باید تمامی ماجرا را بلافاصله به مأمور امنیتی سفارت گزارش دهد. اولتان موافقت کرد ولی اشتباهاً چنین احساس کرد که مسئولیت اولیه او این است که والدین خود و به ویژه پدر روسی خود را به بهانه‌ای از شهر خارج کند؛ ظاهراً او به خاطر امنیت والدینش نگران بود. این امر چند روزی طول کشید و روز چهارم نومبر اولتان با مأمور امنیتی سفارت تماس گرفت. برای اینکه هویت حقیقی بک، مسجل شود ترتیباتی با مقامات اطریش برقرار شده بود تا در ملاقاتی که برای روز بعد ترتیب داده شده بود، بک را دستگیر کنند. مأمورین امنیتی با لباسهای ساده در اطراف محوطه‌ای که محل ملاقات در آن قرار داشت مستقر شدند و هنگامی که این دو نفر ملاقات کردند، حلقه محاصره تنگتر شد. معذالک هنگامی که از بک تقاضا شد هویت خود را معلوم کند او مصونیت خود را از دستگیری با ارائه یک گذرنامه دیپلماتیک صادره از مسکو در روز ۱۸ مارس ۱۹۵۸ به نام میخائیل اشچوکین، دبیر سوم وزارت امور خارجه مدعی شد. اطریشها راه دیگری جز رها کردن او نداشتند. او روز بعد با هواپیما به مسکو بازگشت.

مقامات اطریش توانستند هویت اشچوکین را که ممکن بود یک اسم قلابی باشد مشخص کنند. اشچوکین ابتدا در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۵۸ به عنوان کارمند هیئت نمایندگی دائمی شوروی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که یک مؤسسه تابع سازمان ملل متحد بوده و مقر آن در وین است از مسکو به وین آمده بود.

این واقع حدود پنج هفته قبل از تاریخی بود که این شخص، به نام ژوزف بک وارد محفل اطرفیان اولتان شد. در تاریخ ۱۲ ژوئن مشخص شد که اشچوکین با هواپیما بازگشته و تا ۲۴ اکتبر به وین بازنگشته بود. از این الگوی ملاقات مسلم شد که اشچوکین عملاً به عنوان یک کارمند با وظائف دائمی در اطریش مستقر نشده بود. بدون شک به عنوان یک افسر ستاد کا.گ.ب. (و به احتمال غیر یهودی) بر عکس آن چیزی که بک خود را معرفی کرده بود، زیرا وجود یهودیها معمولاً در دستگاه جاسوسی شوروی بسیار نادر است چنین به نظر می‌رسید که او در پوشش دیپلماتیک برای انجام وظیفه موقتی صرفاً به منظور انجام عملیات مربوط به اولتان به وین آمده است. او در ماه ژوئن هنگامی که ظاهراً احساس می‌کرد که مرحله تحول را با موفقیت انجام داده به مسکو رفت و در اواخر اکتبر جهت انجام مرحله نهایی یعنی کوشش ناموفق برای به کارگیری اولتان به وین بازگشته بود. شکاف غیرعادی پنج ماهه بین کار، بر روی وابسته



منشی رمز آمریکایی و کوشش ناموفق برای به کارگیری اولتان را دشوار می‌توان توضیح داد. این تأخیر ممکن بود تدبیری برای حمایت از شخص اصلی ردیاب غیرروسی باشد که برای یک شغل حرفه‌ای در یک کشور دیگر غربی وارد مذاکره شده بود. این عامل ردیاب در واقع درست قبل از کوشش برای به کارگیری اولتان اطریش را ترک کرده بود. از سوی دیگر این تأخیر ممکن بود در نتیجه عوامل دیگر از قبیل بحث در داخل کا. گ. ب. درباره اینکه آیا اولتان حقیقتاً مستعد به کارگیری بود یا خیر باشد.

### پرسنل نظامی

«رهنمود کا. گ. ب. به تاریخ ۱۹۵۹ مشخص‌کننده نیاز برای عمال بیشتر چه آمریکایی و چه شهروندان محلی که در... پایگاههای نظامی و سایر اهداف استراتژیک کار می‌کنند می‌باشد.»  
قبلاً در این رساله اشاره شده بود که هر چند جی. آر. یو. از لحاظ عملیاتی علیه پرسنل و تأسیسات آمریکایی در خارجه فعال است، کا. گ. ب. نیز اهداف نظامی را تعقیب می‌کند و در واقع مأمور چنین کاری هست همان طوری که از نقل قول از یک سند کا. گ. ب. که در بالا نقل شده است برمی‌آید. پرونده‌های دستگاههای امنیتی ایالات متحده مملو از نمونه‌هایی از آزمایش مستقیم و غیرمستقیم پرسنل نظامی آمریکایی در هر گوشه‌ای از جهان از سوی شورویها می‌باشد. این امر درباره افراد نیروهای مسلح که در ادارات وابسته نظامی، دریائی و هوایی در خارجه منصوب شده و به طور کلی همان خاصیت تحرک اجتماعی را در محیط محلی مانند کارمندان جوان کشوری سایر بخشهای تأسیسات دیپلماتیک مربوطه دارند، صدق می‌کند.

این امر همچنین در هر کجا که پرسنل نظامی آمریکایی در خارج از کشور وجود دارند از قبیل آلمان غربی، ایتالیا، اسپانیا، یونان، ترکیه، ایران، لیبی، تایلند، ژاپن و غیره صدق می‌کند.  
هدف شوروی که عبارت است از جستجو و شناسائی نکات ضعف اخلاقی و پرورش آنها و آسیب‌پذیریهای شخصی که در به کارگیری و تحت کنترل داشتن یعنی کنترلی که در درازمدت و پس از به کار گرفته شدن عامل و بازگرداندن آن به آمریکا نیز قابل اجرا باشد؛ صرف نظر از موقعیت و محل یکسان است.

در یک مطالعه‌ای که در سال ۱۹۶۶ تحت عنوان «انگیزه‌های خیانت» تهیه شده، دفتر معاون ستاد اطلاعات وزارت ارتش مقایسه منظم، عواملی را که از جنگ جهانی دوم به بعد پرسنل نظامی آمریکا را به اشتغال به جاسوسی یا تغییر جبهه (پناهندگی) به سوی اتحاد شوروی یا کشورهای بلوک کمونیستی واداشته انجام داده است. آنچه که جالب می‌باشد این است که در این مطالعه هیچ‌گونه مدرکی در مورد عملیات جاسوسی یک سرباز ارتش آمریکا که براساس تولد در یک کشور خارجی و یا ترجیحاً ایدئولوژیک به خاطر کمونیسم یا تهدید خویشاوندان در مناطق تحت کنترل کمونیستها باشد وجود ندارد. معذالک مسلم شده است که پرسنل نظامی که با محیط خود جور نشده‌اند و یا «دلخوریهای» داشته‌اند بیش از دیگران در معرض به کارگیری شوروی و سایر کشورهای متخاصم قرار گرفته‌اند. به عنوان مخرج مشترک در مورد همه اینها در موارد جاسوسی و پناهندگی عواملی نظیر، روابط جنسی و مشروبات و اشکالات زناشویی و عدم بلوغ شخصی و بدهکاری در میان بوده است بزرگترین انگیزه در به کارگیری برای جاسوسی حرص پول بوده است.

این کشفیات به میزان قابل ملاحظه‌ای با آیین اعتقادی اطلاعاتی شوروی تطبیق می‌کند. در یک سند رسمی شوروی این موضوع چنین تشریح شده: «در پرورش کاندیداهای به کارگیری، کا.گ.ب. شدیداً توصیه می‌کند که از عواملی نظیر بهره‌برداری ماهرانه از عدم تأمین مالی و نیازهای مادی و ضعف در مقابل مشروبات الکلی و همچنین قمار و عوامل دیگر آسیب‌پذیری استفاده شود.»

رابرت ال. جانسون، سرگروه‌بان ارتش که در سال ۱۹۶۵ از سوی اف.بی.آی. دستگیر شده و در حال حاضر دوران محکومیت ۲۵ سال زندان خود به خاطر جاسوسی را می‌گذراند، یکی از نمونه‌های اصلی سربازانی است که با مقامات مافوق «درافتاده» و در پی گرایش به شورویها بوده ولی در عوض عاقبت کارش به خدمت به شورویها به عنوان یک عامل چه در اروپا و چه در آمریکا به مدت بیش از ۱۰ سال منجر شد. در جریان این ۱۰ سال آن طوری که خود او برآورد کرده است وی حدود ۲۵ هزار دلار دریافت کرده است و از نظر شوروی این پولی بود که بجا خرج شده است.

جانسون، که محصول یک خانواده از هم پاشیده و یک اخراج شده از مدرسه می‌باشد، در مدت ۱۰ سال خدمت در ارتش با انواع و اقسام مشکلات شخصی و حرفه‌ای تا اوائل سال ۱۹۵۳ دست به گریبان بود و در این زمان به یک واحد پیاده نظام مستقر در برلین غربی پیوست. او از یک معشوقه متولد اطریش که سابقه فساد اخلاق و تزلزل فکری و یک فرزند نامشروع داشت حمایت می‌کرد. در همه کوششهایی که برای گرفتن اجازه ازدواج به عمل آورده بود موفقیت نداشت و او چندان امیدوار هم نبود. در مأموریتهایی که در واحد نظامی به او می‌دادند او دچار یک سلسله ناکامیهای واقعی و خیالی شده بود که به عقیده او تقصیر مافوقهایش بوده است. او بالاخره به این مرحله رسید که آن طوری که خود می‌گوید: «من دیگر نمی‌خواستم سر و کار بیشتری با ارتش یا طرز زندگی آمریکا داشته باشم... و در حالی که این همه عوامل در مغز من بود من تصمیم گرفتم از شورویها پناهندگی سیاسی بگیرم». چنین کوششی در برلین شرقی به عمل آمد، ولی جانسون به آسانی متقاعد شد تا در محل خود به عنوان یک عامل جاسوس شوروی باقی بماند. اندکی بعد از آن او اجازه ازدواج گرفت و حکم انتقال به فرماندهی برلین بخش J2 (ضد جاسوسی) را به عنوان منشی مسئول پرونده‌ها دریافت کرد. در این سمت جدید او به نحو منظم اسناد طبقه‌بندی شده را با یک دوربین عکاسی جاسوسی کوچک، عکسبرداری کرده سپس از همسر خود به عنوان پیک برای انتقال دادن فیلم مربوطه به شورویها استفاده کرد. در این دوران در مقابل پرداخت نقدی، جانسون، جیمز آلن، میتکنبائو را که او هم یکی از منشیهای بخش ضد جاسوسی بود به کار گرفت و بعدها وی را به سرویس اطلاعاتی شوروی معرفی کرد تا وی را در کارهای جاسوسییش یاری دهد. (در سالهای بعد از آن جانسون و میتکنبائو هر دو با هم و به طور جداگانه برای شورویها کار می‌کردند. حتی پس از سال ۱۹۵۶ هنگامی که میتکنبائو برای مرخص شدن به آمریکا بازگشت. میتکنبائو همزمان با جانسون دستگیر شد و هر یک به ۲۵ سال زندان محکوم شدند). هر چند همه کارهای جانسون برای شورویها ارزش داشت، نقطه اوج حرفه‌ای جاسوسی او در هنگامی بود که وی به بخش انتقال پیک نیروهای مسلح در میدان اورلی نزدیک پاریس مأموریت یافت و این یک نقطه انتقال برای ارسال مکاتبات پستی مهر و موم شده که بیشتر آنها طبقه‌بندی شده بودند، بین دستگاههای نظامی آمریکا در اروپا و ایالات متحده آمریکا بود. این سرویس انتقال پیک همچنین به وسیله سایر نهادهای دولتی آمریکا مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. جانسون از ماه مه سال ۱۹۶۱ درباره خدمات پرسنل پیک با ارزیابی خودش گزارش می‌داد (و بدین

ترتیب تعداد چشم‌اندازهای بالقوه را برای به کارگیری توسط آنها فراهم می‌کرد) و بخش قرارگاه‌های پیکها را عکس برداری کرده و توصیف می‌کرد و همه اینها مقدمه هدف واقعی شوروی بوده و نمایانگر رخنه دزدکی شوروی به داخل قرارگاه پیکها برای دسترسی به پاکت‌های داخل کیسه اسناد طبقه بندی شده بود. جانسون برای اینکه این عمل را انجام دهد داوطلب شد برای روزهای پایان هفته در این قرارگاه خدمت کند و در این زمان او شبها تنها بسر می‌برد و دسترسی به محوطه خارج زیر زمین قرارگاه را داشت. جانسون با استفاده از چاپ مومی، کلیدی که برای باز کردن قفل به کار می‌رفت و با به کار بردن یک دستگاه رادیو اکتیو تحویل شده از سوی شوروی برای عکسبرداری با اشعه ایکس از قفل ترکیبی و خواندن عناصر ترکیب دهنده آن در نوامبر سال ۱۹۶۲ به خود زیر زمین که قرارگاه اسناد طبقه بندی شده بود دسترسی پیدا کرد و پاکت‌های کیسه مکاتبات سری را در اختیار شوروی قرارداد و هر بار او تا میزان ۱۵ پاکت اسناد طبقه بندی شده تا مرحله به کلی سری را از قرارگاه بیرون برده و با استفاده از تاریکی شب به فردوسی مورد تماس خود که اندکی با او فاصله داشت منتقل می‌کرد. این پاکت‌ها چند ساعت بعد، پس از اینکه شورویها آنها را باز کرده و از محتویات آنها عکسبرداری می‌کردند دوباره به جانسون بازگشت داده می‌شدند. کارشناسان اسناد کا.گ.ب. از مسکو به پاریس اعزام شدند تا مطالب باارزشی را که جانسون در اختیار آنها گذاشته بود کشف رمز کنند و کار بسیار ظریف باز کردن اسناد و مهر و موم کردن مجدد پاکت‌ها نیز از سوی شورویها انجام می‌گرفت. در اواخر پاییز ۱۹۶۳ شورویها به دلایل امنیتی، عملیات مربوط به قرارگاه سری اسناد را معلق گذارند ولی در نظر داشتند هنگامی که شبها درازتر می‌شود، فعالیت خود را از سر گرفته و توسعه دهند، ولی در آن زمان جانسون از اورلی منتقل شده بود.

مورد زیر که شامل به کارگیری یک سرباز ساده می‌باشد با جزئیاتی کامل به عنوان یک نمونه برجسته از ردیابی کامل قبلی و ارزش یابی دستگاه اطلاعاتی شوروی و بهره‌برداری از نقاط ضعف اخلاقی و طمع برای پول و کاربرد و روش تهدید به فشار بر اساس اطلاعات لازمه شرح داده شده است.

نخستین آمریکایی سیاهپوست که تاکنون به خاطر جاسوسی محاکمه شده است، نلسون سی - دروموند، ملوان یکم نیروی دریائی آمریکا بود که در سال ۱۹۶۳ به خاطر خیانت به کشور خود در مقابل پرداخت حدود ۲۴ هزار دلار از سوی شورویها در یک دوران پنجساله، به حبس ابد محکوم شده است. هر چند حرفه ناپاک او در اواخر یکی از شبهای سپتامبر ۱۹۶۲ در محوطه پارک یک رستوران در لارچمونت نیویورک هنگامی که اف.بی.آی که از مدتی پیش در تعقیب او بود به پایان رسید و او هنگام ارتکاب انتقال اسناد نیروی دریائی به یک افسر ستاد جی.آر.یو که خود را به عنوان یک دیپلمات جا زده بود دستگیر شد، آغاز لغزش و سرازیری او به سوی جاسوسی و انحطاط نهایی در حقیقت در لندن، در فاصله ۳ هزار میلی از محل دستگیری صورت گرفت. دروموند، در اواخر پائیز ۱۹۵۷ یک منشی اداری ۲۸ ساله در ستاد میدان گراسونور، فرماندهی نیروی دریایی در انگلستان و اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه (در آن زمان به عنوان (CINCNELM) شناخته می‌شد) بود. سمت او به عنوان ترخیص اسناد به کلی سری، دسترسی او را به اسناد طبقه بندی شده آمریکایی نیروی دریایی و ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) تسهیل می‌کرد. ولی علیرغم سمت مورد اعتماد، او - این ملوان تنومند که موی سرش تا اندازه‌ای ریخته بود و یک سیبل مرتب و منظمی نیز داشت - دارای عیوب اخلاقی و آسیب‌پذیری به عنوان یک فرد بود. یکی از آن عیوب آن بود که دروموند قمار باز بود و مدام با مشکلات مالی کلنجار می‌رفت و این امر او

را به قرض کردن پول از هر کسی که می‌توانست به او قرض بدهد کشاند. بدهیهای او بر رویهم انباشته شد. او به فروش مشروبات و سیگار از فروشگاه نیروی دریایی آمریکا در بازار سیاه می‌پرداخت. مخارجی وجود داشت که بایستی پرداخت می‌شد، هزینه رفتن به میخانه‌های لندن و شبهای میگساری در یک نقطه بدنام به نام سانست کلوب باید جبران می‌شد. در همین جا بود که او با یک پیشخدمت روسپی که یک فرزند نامشروع نیز داشت ملاقات کرد. این زن بدون اینکه در هیچ یک از حرفه‌های خود، کار بکند مدت یک سال در چندین آپارتمان ارزان قیمت با او زندگی می‌کرد. دروموند بالاخره او را از نزد خود راند و دست به یک سلسله خوش‌گذرانیهای مداوم در کوچه پس‌کوچه‌ها زد و با بعضی از آنها بسیار با خشونت رفتار می‌کرد، به طوری که هیچ یک از آنها هر بار بیش از چند روزی پیش او نمی‌ماندند. دروموند روی هم رفته یک شخص فاسدالاخلاق بود و در جریان ساعات خارج از خدمت هنگام رفتن به محلهای متفاوت با چنین خصوصیتی معروف شده بود. شورویها از طریق چشم و گوشهای ردیاب عمال خود که همواره در شهرهای بیگانه آنها را حفظ می‌کنند، نسبت به این شخص و شغلش و نقطه‌های ضعف و کارهای عادی روزانه‌اش آشنایی کامل پیدا کردند. بقیه کار بسیار آسان بود.

یک شب دروموند هنگامی که لباس غیر نظامی به تن داشت و به سوی خانه خود واقع در خیابان پلیس واتر می‌رفت و می‌خواست سوار قطار زیرزمینی شود، یک نفر بیگانه که ظاهر دوستانه‌ای داشت به او نزدیک شد و باب مکالمه را با او گشود و مجبور شدند به یک میخانه نزدیک بروند، برای بیش از یک ساعت این مرد غریبه پول مشروبهای دروموند را به نرخ هر گیلان یک دلار پرداخت کرد. ملوان سیاهپوست آمریکایی به آسانی پیشنهاد او را برای اینکه شب دیگر در همان مکان با یکدیگر مشروب بخورند پذیرفت. دربار دوم، مشروبخوری به درازا کشید و حدود پنج ساعت ادامه داشت. مرد غریبه بار دیگر حساب او را پرداخت. دروموند پنج سال پس از دستگیری اش اظهار داشت فکر می‌کرد مردی که به او کمک می‌کرده انگلیسی بوده است. بعدها اعتراف کرد که متوجه لهجه او شده بود ولی زیاد به آن اهمیت نداده بود، چون تعداد خارجیها و تعداد لهجه‌های خارجی در لندن زیاد است. به هر حال او اصلاً فکر نمی‌کرد که دوست جدیدش روسی باشد و در این مورد هم سؤالی ننمود و حتی اسم او را نیز نپرسید. حتی در پاسخ به اینکه آیا مایل است با تهیه یک کارت هویت نیروی دریایی به طور غیر قانونی ۲۵۰ پوند به دست آورد تا دوستان وی بتوانند وارد مرکز مبادله اطلاعات نیروی دریایی شوند در حالت مستی پاسخ مثبت داد. او پول را گرفت و بدون آنکه تردیدی به دل خود راه بدهد رسیده آنرا امضاء کرد و مرد بیگانه به او گفت که او این رسید را برای ارائه به «خودبها» برای اینکه ثابت شود پول به کجا رفته است لازم دارد. یک هفته یا ده روز بعد هنگامی که مرد غریبه در همان میخانه با او برخورد کرد دروموند نتوانست کارت شناسایی نیروی دریایی را ارائه دهد و در واقع او وسیله‌ای برای دسترسی به چنین کارتی نداشت. به او وعده داده شده بود که اندکی بیشتر صبر کند و در ملاقات چهارم هنگامی که ملوان هنوز هم نمی‌توانست این کارت را فراهم کند اقدامات بالا گرفت و مرد بیگانه به او گفت که بهتر است با او بیاید و این دو مرد چند بلوک دیگر پیاده راه را طی کردند تا به جایی رسیدند که ملوان ابتدا تصور کرد یک ساختمان مجلل خصوصی است. سپس آنها در امتداد یک جاده خصوصی حرکت کردند و آن گاه به یک مدخل جنبی رسیدند. در اتاقی در پشت طبقه اول مرد غریبه به دروموند گفت بنشینید و خود را به عنوان یک سرهنگ ارتش شوروی معرفی کرد. (بدون آنکه نام خود را افشاء کند). او اصل رسید دریافت ۲۵۰ پوند را که متن

آن تغییر یافته، شامل عبارت‌هایی مبنی بر آن بود که امضاء کننده موافقت کرده است اسناد و یک کارت نیروی دریایی را فراهم کند، به او نشان داد و گفت که اگر دروموند از تحویل اسناد طبقه‌بندی شده از محل کار خود در ستاد نیروی دریایی آمریکا برای انگلستان و ناتو خودداری کند او را به عنوان کسی که در بازار سیاه فعالیت دارد بر ملا کرده و رسید امضاء شده دروموند را به مقامات تحویل خواهد داد. این ملوان که کاملاً بیمناک شده بود موافقت کرد و رسید دیگری برای دریافت ۵۰ پوند امضا کرد و آن گاه او را از یک درب جنبی خارج کرده به یک اتومبیل که در انتظار او بود نشان‌دادند و این اتومبیل او را از طریق یک راه دیگری به خیابان دیگری برد و آن گاه پس از مدتی رانندگی به طور پراکنده، او را در گوشه یک کوچه پیاده کرد. ظرف چند هفته بعد از آن یک اتومبیل که به وسیله راننده‌ای هدایت می‌شد دوباره هنگامی که دروموند در امتداد خیابان پلیس و اتر حرکت می‌کرد کنار او نگاهداشت و از او خواستار اسناد وعده داده شده از ستاد نیروی دریایی آمریکا در انگلستان و ناتو شد. عدم امکان دروموند برای تحویل اسناد مورد تقاضا منجر به برخورد دیگری با این سرهنگ در محلی شد که ملوان آمریکایی پی برده بود که سفارت شوروی است.

تهدیدها این بار شدیدتر بود. پرداخت دیگری به عمل آمد و یک رسید جدید امضاء شد که به ویژه شامل وعده فراهم کردن اطلاعات طبقه‌بندی شده از ستاد میدان گراسونور که همان ستاد آمریکا در ناتو بود می‌شد. در آن مرحله (یا شاید زودتر برای اینکه اعتراف‌های بعدی دروموند رانمی‌توان کاملاً قابل اتکاء تصور کرد) انتقال منظم مطالب حساس آغاز شد. تکنیک کار همیشه یکسان بود. او در روزهای تعیین شده‌ای با دو نفر تبعه شوروی در یک اتومبیل که در کنار او در خیابان پلیس و اتر توقف می‌کرد ملاقات می‌نمود. او اسناد را به فرد روسی که در صندلی عقب نشسته بود تحویل می‌داد و این فرد روسی بزودی بعد از آن در یک گوشه خیابان پیاده می‌شد و ناپدید می‌گردید. راننده اتومبیل (که به گفته دروموند هرگز حرف نمی‌زد) آن گاه بدون هدف در خیابانهای لندن در حالی که ملوان مسافر او بود رانندگی می‌کرد و سرانجام برای سوار کردن آن فرد دیگر روسی که تا آن موقع از اسناد عکسبرداری کرده و اسناد را به دروموند باز می‌گرداند باز می‌گشت و آن گاه دروموند بدون آنکه کسی متوجه او شود با پرونده‌های ستاد نیروی دریایی باز می‌گشت. دو ملاقات دیگر در سفارت شوروی با سرهنگ مورد بحث صورت گرفت. در ملاقات اول، رسیدی به مبلغ ۳۰۰ دلار که شامل فهرست دقیق اسنادی بود که او فراهم کرده بود امضاء کرد. ملاقات دوم که بعد از مارس ۱۹۵۸ روی داد، اندکی بعد از تاریخی بود که دروموند به یک شغل غیر حساس که او را از دسترسی اطلاعات طبقه‌بندی شده محروم می‌کرد منتقل شده بود. سرهنگ به دروموند اخطار کرد که او به خاطر موضوعاتی که با کار او برای شورویها ارتباط ندارد، تحت تعقیب است و بنابراین تماس به طور موقت به عنوان یک تدبیر احتیاطی قطع خواهد شد. این بار مبلغ ۵۰۰ دلار به او پرداخت شد (اخطار شوروی بسیار جالب است. زیرا صحیح بود که دروموند در این زمان یکی از چند نفری در محوطه کار خود در دفتر اطلاعات دریایی بود که به مناسبت ناپدید شدن چند سند تحت تعقیب قرار گرفته بود و دلیل انتقال او به یک کار جدید هم همین بود. ظاهراً شورویها از منابع دیگر، اطلاعاتی از داخل این دستگاه به دست آورده بودند. دروموند بعداً از هر گونه سوءظنی مبرا شد به طوری که او می‌گوید اسنادی که در محل نگهداریشان پیدا نشده بود جز آن اسناد نبود که او به شورویها داده بود).

ترتیب زمانی دقیق معلوم نیست ولی قبل از اینکه دروموند به ایالات متحده در ماه مه ۱۹۵۸ منتقل

شود و دستوراتی از شوروی برای برقراری تماس مجدد با جی. آر. یو در نیویورک دریافت کرد. به طوری که خود او روایت می‌کند این دستورات به وسیله شخصی که هویت او معلوم نبود و هنگامی که او در یک اتاق محل استراحت در بندر سو تامتون اندکی قبل از اینکه سوار کشتی شود به طور کتبی به او داده شده بود. او همچنین یک دستبند با نقش سر اسب که قرار بود در محل قرار ملاقات مجدد در محله هارلم نیویورک به برگردان یقه بزند تا هویت او مشخص شود و طرف روسی نیز همان دستبند را به برگردان یقه خود خواهد زد و همچنین دستوراتی که شامل عبارتی برای شناسایی متقابل بود، دریافت نمود.

این مطالب مربوط به داوطلب‌گیری و بهره‌برداری از این آمریکایی در خارج و طریقه او برای انجام عملیات مداوم جاسوسی برای شورویها در ایالات متحده کافی است. تماس مجدد در نیویورک طبق برنامه پیش‌بینی شده برای چهار سال آینده در جریان سفرهای مأموریتی دروموند به بوستون و نورنوک و سرانجام پایگاه نیروی دریایی آمریکا در نیویورک، رودآیلند به وسیله ۳۰ تا ۴۰ ملاقات مخفیانه با ۳ مأمور متوالی مخفی اطلاعاتی شوروی که همه آنها برای او با عنوان «مایک» شناخته شده و همه آنها نمایندگان رسمی شوروی بودند که در مقر اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد کار می‌کردند، صورت گرفت. ملاقاتها به طور عمده در محدوده نیویورک بود و دروموند مقادیری اسناد طبقه‌بندی شده که مهمترین آنها از پرونده‌های واحد تکنیکی و الکترونیکی سیار در پایگاه نیویورک به دست آمده بود به شورویها انتقال داد. این اسناد درباره تجهیزات رادارهای دریایی و اطلاعات مربوط به تدبیرهای متقابل الکترونیکی و سیستمهای کنترل اسلحه و غیره بود. بزودی پس از اینکه دروموند دستگیر شد چنین برآورد شد که هزینه تجدید نظر و صدور مجدد کتابهای دستی و انتشارات مربوط به نیروی دریایی به تنهایی بیش از ۲۰۰ میلیون دلار تمام شده بود.

در نتیجه دستگیری که در سپتامبر ۱۹۶۲ در لارچمونت صورت گرفت، دو افسر جی. آر. یو از ایالات متحده اخراج شدند. یکی از آنها «مایک ۳» بود که اسم اصلی او یوگنی میخایلوویچ پروخوروف دبیر دوم هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل متحد بود و دیگری همکاری بود که در آن نزدیکیها به عنوان یک ناظر متقابل پرسه می‌زد و اسم او ایوان پاکولویچ ویرادوف بود که به عنوان دبیر سوم هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل متحد انجام وظیفه می‌کرد. دو افسری که در ابتدا در ایالات متحده با دروموند کار می‌کردند و هر دو آنها قبلاً ایالات متحده را طبق رسم معهود تغییر مأموریت، ترک کرده بودند به نامهای میخائیل استپانوویچ ساولف، دبیر اول هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل متحد تا سپتامبر ۱۹۶۱ و دیگر وادیم ولادیمیروویچ سوروکین، دبیر سوم هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل بود که در ماه مه ۱۹۶۲ ایالات متحده را ترک کرده بود. این دو به نامهای «مایک ۱» و «مایک ۲» هر دو افسران ستاد جی. آر. یو بودند.

### تفنگداران دریایی

تفنگداران نیروی دریایی که به عنوان محافظ در تأسیسات دیپلماتیک در خارج خدمت می‌کنند، اهداف بسیار جالبی برای دستگاههای اطلاعاتی شوروی هستند و این به علت دسترسی آنها به ترکیبات گاو صندوق و حضور آنها (گاهی به تنهایی) در سفارتخانه‌ها هنگام کشیک شب و توانایی آشکار آنها در صورت به کارگیری برای نصب میکروفون و سایر دستگاههای استراق سمع و فرستنده می‌باشد.

هر چند پرسنل تفنگداران دریائی که به عنوان محافظ انجام وظیفه می‌کنند به خاطر وظایف خود در خارج آمریکا دست‌چین شده و آموزش ویژه دیده و تحت تعلیمات امور مربوط به امنیت قرار می‌گیرند، بیشتر آنها جوان و مجرد هستند و در ساعات خارج از کشیک خود اغلب در شهر «پرسه می‌زنند.» آنها به نحو اجتناب‌ناپذیری در معرض وسوسه‌هایی قرار می‌گیرند که شورویها می‌توانند در سر راه آنها قرار دهند. آنها ممکن است به وسیله اشخاص محلی که از عمال دستگاه اطلاعاتی شوروی می‌باشند مورد تماس قرار گرفته و اغلب خود شورویها نیز ممکن است با آنها تماس بگیرند. در هر قسمتی از جهان مواردی از تماس هر دو نوع صورت گرفته و کوششهایی برای به‌کارگیری آنها به عمل آمده است.

علاقه شوروی به تفنگداران دریائی اغلب در شرایطی که برای عمال شوروی ارائه شده آشکار گردیده است. به عنوان مثال در ماجرای رخنه کا.گ.ب. به سفارت آمریکا در بروکسل، که اخیراً فاش شده است (بعدها در این بخش شرح داده خواهد شد) از عامل محلی که کارمند بود خواسته شده بود که موقعیت همه پستهای تفنگداران دریائی در داخل سفارت تشریح شود و جزئیات برنامه معاوضه محافظان تهیه شود. در وین یک عامل اطریشی کا.گ.ب. که در جریان استخدام خود به تأسیسات و پرسنل آمریکایی دسترسی داشت دستور گرفته بود اشخاصی از دو مقوله را در داخل سفارت پرورش دهد و این دو مقوله عبارت بودند از شهروندان محلی که به عنوان اپراتور تابلوی کنترل کار می‌کنند و پرسنل تفنگداران دریایی. چند سال قبل در وین یک تیم والیبال متشکل از افراد تفنگداران دریایی قرار بود با یک تیم والیبال محلی شوروی مسابقه دهد. مسابقه اول در یک پایگاه موقتی در نزدیکی محل سکونت تفنگداران دریایی صورت گرفت و شورویها بعداً از تیم والیبال آمریکایی دعوت کردند که بار دیگر در داخل محوطه مسکونی شوروی در محل، مسابقه ترتیب داده شود و این خود یک رفتار بی‌سابقه بود که هدف آن در نهایت وضوح، دادن امکان به کارشناسان عملیاتی کا.گ.ب. نسبت به تأسیسات آمریکایی برای پرورش تفنگداران از لحاظ اجتماعی و گشودن راه جهت تماسهای اجتماعی بعدی و ارزیابی و گسترش آنها بود. برای اینکه این مسابقه شکل یک جشن را داشته باشد، عملاً هم اعضای جامعه اتباع شوروی در اطریش همراه با همسران و کودکان خود در این مراسم حضور داشتند و قبل از انجام بازی نمایش یک فیلم صورت گرفت و پس از انجام گرفتن بازی، نوشابه و سایر ماکولات و مشروبات تعارف شد. مأموران کا.گ.ب. و به ویژه آنهایی که در رابطه با عملیات آمریکاییها شناخته شده بودند، در میان میهمانان خود از تفنگداران دریائی و سایر آمریکاییهایی که حضور داشتند می‌گشتند و سرگرم‌گپ‌زدن و پرسش و در ضمن برآورد چشم‌اندازهای بالقوه فعالیت خود بودند. یک عکاس شوروی در محوطه پرسه می‌زد و از آمریکاییها عکس می‌گرفت. بعداً چندین فقره کوشش برای دنبال کردن تماسهایی که بدین مناسبت برقرار شده بود، به ویژه در یک زمین بازی بولینگ که تفنگداران دریائی و سایر آمریکاییان اغلب به آن سر می‌زدند به عمل آمد. مأموران اطلاعاتی شوروی بدون آنکه از آنها دعوتی شود وارد محوطه می‌شدند و تقاضا داشتند به آنها آموخته شود که چگونه این بازی را انجام دهند و آن‌گاه برای نوشیدن نوشابه از آنها دعوت می‌کردند و برای مناسبات اجتماعی بعدی از این آمریکاییان دعوت به عمل می‌آوردند.

چند سال قبل در جزیره قبرس، تفنگداران دریایی به یک «بار» که صاحب آن بعداً عضو حزب غیرقانونی کمونیست قبرس و یک مأمور اطلاعاتی شوروی از آب درآمد سر می‌زدند. این شخص به طوری که معلوم شده است عده‌ای از تفنگداران دریائی آمریکا را به مأموران اطلاعاتی شوروی که در

قبرس مستقر بودند و یکی از آنها مأمور جی. آر. یوشوری به نام نیکولای ایوانویچ رانوف بود که به زبان انگلیسی به روانی تکلم می‌کرد و با نهایت موفقیت هنگام معرفی نقش یک بازرگان اروپائی را ایفا می‌نمود معرفی کرد. رانوف در واقع در زیر پوشش نماینده محلی آیروفلوت - شرکت هواپیمائی شوروی - انجام وظیفه می‌کرد و حکومت قبرس در ماه مارس ۱۹۶۷ او را به اتهام جاسوسی از قبرس اخراج کرد. در کپنهاگ پایتخت دانمارک کوششی از سوی شوروی برای برقراری مناسبات با یک تفنگدار دریائی سفارت آمریکا صورت گرفت که نحوه آن بسیار ساده و خلع سلاح کننده بود، یک افسر کا.گ. ب. به نام الکساندر ایوانویچ روکانوف همراه با گروهی از متقاضیان روادید برای آمریکا به سفارت آمریکا آمد و این یک دیدار عادی برای سمت پوششی او به عنوان کنسولیار بود. هنگامی که روکانوف در اتاق پذیرایی در انتظار به سر می‌برد، با تفنگدار دریائی آمریکا که سرگرم انجام وظیفه بود وارد گفتگو شد و در جریان آن او نام و درجه و نشانی و شماره تلفن خود را به این تفنگدار نیروی دریائی داد. دو روز بعد او با این تفنگدار دریائی در محل اقامتش تماس تلفنی گرفت و او را به یک نمایشی که قرار بود چند روز بعد انجام گیرد دعوت کرد.

تفنگدار دریایی این دعوت را به مقامات مسئول گزارش داد و آنها به او گفتند که این دعوت را نپذیرد و او بعداً به روکانوف گفت که دیگر مزاحم او نشود.

در سال ۱۹۶۲ در جا کارتا پایتخت اندونزی الکساندر ویچ روسف چندین بار کوشیده بود تا پرسنل تفنگداران دریایی را پرورش دهد و در یک مورد هم می‌خواست آنها را برای مقاصد شوروی به کار گیرد. روش او از این قرار بود که در «بار» یک هتل محلی با تفنگداران دریائی تماس گرفته و پول مشروبات آنها را بپردازد و همراه آنها برای تماس‌های اجتماعی بیشتری روانه اقامتگاههای آنها شود. او پیشنهاد کرده بود که یکی از این تفنگداران دریائی را همراه خود به یک گردش در ایام پایان هفته برده و همراهانی از جنس مؤنث برای او ترتیب دهد. نقطه اوج این ماجرا هنگامی صورت گرفت که او یکی از تفنگداران دریائی را در یکی از خیابانهای جا کارتا متوقف کرده و پس از یک مکالمه طولانی کوشید تا برپایه پرداخت‌های کلان، او را برای فراهم کردن اطلاعاتی که به عنوان رئیس نیروی محافظان در اختیار دارد و از جمله افشای پرسنل نیروی اطلاعاتی آمریکا در اندونزی به کار گیرد.

#### منشیها و کارمندان آرشیو بایگانی

منشیهای مؤنث و کارمندان بایگانی در تأسیسات دیپلماتیک و سایر تأسیسات رسمی آمریکا در خارج به عنوان اهداف مناسب از سوی کا.گ. ب شناخته می‌شوند و این امر به علت دسترسی آنها به اسناد طبقه‌بندی شده و به ویژه تلگراف و همچنین به علت آسیب‌پذیری بالقوه آنها در مورد ماجراهای عشقی اعم از اینکه با خود شورویها باشد (همچنان که این مورد اتفاق افتاده) یا با اتباع غیر شوروی که به نفع کا.گ. ب. کار می‌کنند، می‌باشد.

یک مأمور کا.گ. ب. در یک کشور اروپای غربی دو نفر از عمال محلی خود را مأمور کرد تا از منشی سفیر آمریکا برای تهیه اطلاعات استفاده کنند. او به ویژه می‌خواست نشانی محل سکونت این منشی زن را بداند و همچنین می‌خواست بداند این منشی زن در چه ساعتی هر روز سفارت آمریکا را ترک می‌کند و مسیر بازگشت او به محل اقامتش چیست. در اینکه کا.گ. ب. به چه ترتیبی می‌خواست از این اطلاعات



بهره‌برداری کند معلوم نشده است. زیرا این منشی زن به پایان دوران مأموریت خود نزدیک می‌شد و چند هفته بعد از آن محل مأموریت خود را ترک کرد.

در اوائل ۱۹۶۷ یک کارمند بایگانی مستقر در مصر به نحو غیر منتظره‌ای با ویکتورآی. ولاتسکوف دبیر سوم سفارت شوروی و مأمور اطلاعاتی که هرگز او را قبلاً ندیده بود برخورد کرد. توضیحی که مأمور شوروی برای دیدار از او داد بر آن دلالت می‌کرد که شورویها او را کشف کرده (و ظاهراً به نحو دقیقی ارزیابی کرده بودند) و این عمل مربوط به ۵ سال قبل بود. در سال ۱۹۶۲ این زن آمریکایی که در آن زمان در خاورمیانه مأموریت داشت با یک قایق تفریحی در دریای سیاه روانه یالتا شده بود. در جریان این سیر تفریحی با قایق او با یک غیر نظامی شوروی ملاقات کرد که با او مناسبات دوستانه برقرار کرده بود. آنها نشانیهای یکدیگر را مبادله کرده و مدت یک سال به نحو پراکنده با یکدیگر مکاتبه می‌کردند. آخرین نامه او به مأمور شوروی در اتحاد جماهیر شوروی یک کارت تبریک جشن کریسمس در سال ۱۹۶۳ بود که در آن زمان این زن سمت جدیدی در همان منطقه داشت. ۴ سال بعد از آن هنگامی که ولاتسکوف به او نزدیک شد، او این داستان ظاهراً ساختگی را که فاقد پایه و اساس بود برای او عنوان کرد که دوست او که در سیر و سیاحت یالتا همراهش بود اخیراً با یک کشتی روسی که مدت کوتاهی در مصر لنگر انداخته بود حضور دارد و از ولاتسکوف خواسته بود تا دنبال منشی آمریکایی که به عقیده او باید «در نقطه‌ای در خاورمیانه باشد» تماس بگیرد.

ولاتسکوف موفق شد با این زن آمریکایی در دو اجتماع بسیار پر حرارت ملاقات کند و در جریان آن جذابیت شخصی قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داد و گفت او مایل است مناسبات آنها ادامه یابد. معذالک، خوشبختانه این زن آمریکایی مراتب را به مقامات مافوق خود گزارش داد و به تماس بین این دو خاتمه داده شد.

یک نمونه دیگر از همین نوع تماس که نشانه‌ای از طرح‌ریزی قبلی بود در یک پست آمریکایی در خاور دور در سال ۱۹۶۷ اتفاق افتاد. یک فرد روسی که خود را از دیدارکنندگان یک نمایشگاه محلی معرفی می‌کرد به یک منشی آمریکایی در دفتر آژانس بین‌المللی عمران تلفن کرد. او گفت که مایل است با او ملاقات کرده و نامه‌ای از یکی از خویشاوندان دور دست او در جمهوری لاتویا به او تسلیم کند. منشی آمریکایی با او ملاقات کرد و یک نامه و یک عکس از آن خویشاوند به او تسلیم شد. این منشی که کاملاً از لحاظ عاطفی خلع سلاح شده و شخص زودباوری بود به ابتکارات عشقی فرد روسی در یک سلسله ملاقات بعدی تسلیم شد. هنگامی که وقت عزیمت این فرد روسی فرا رسید او این منشی آمریکایی را به یک مأمور کا.گ.ب. که در زیر پوشش دیپلماتیک کار می‌کرد معرفی نمود. ظاهراً این معرفی بدان منظور بود که مأمور کا.گ.ب. به عنوان وسیله مکاتبه در آینده قرار گیرد. سرانجام اوضاع برای مأمور امنیت سفارت آمریکا روشن شد و این منشی زن مناسبات خطرناک جدید را قبل از اینکه به مراحل حساس برسد قطع کرد.

گاهی لازم شده است که پرسنل آمریکایی که وظیفه منشیگری را انجام می‌دهند از یک پست دیپلماتیک خارجی منتقل شوند و این هنگامی است که این منشیها در یک اوضاع بالقوه زیان‌آور که به دلیلی آنها نتوانسته‌اند از روی واقع‌گرایی ارزیابی کنند گرفتار شوند. مثلاً یک منشی در یک موقعیت حساس در سفارت آمریکا در یک کشور جمهوری آفریقای شرقی با یک کارمند جزء که قومیت عربی

داشت و قبلاً در استخدام سفارت آمریکا بود در یک ماجرای عشقی گرفتار شد. او در این ماجرا علیرغم اخطار مکرری که به او شده بود و به عقیده او این اخطارها، کوششهای دیوان سالاری برای محدود کردن زندگی اجتماعی او بود، در این ماجرا مداومت می‌کرد. اولین نگرانی امنیتی در این مورد بود که، فاسق او یک مرد جلفی بود که طرز زندگانی او با درآمد او مطابقت نداشت و از قرار معلوم اخیراً با یک مأمور اطلاعاتی شوروی در پوشش دیپلماتیک با علاقه ویژه‌ای نسبت به آمریکاییها تماس برقرار کرده بود. هر چند دلیلی وجود نداشت که وفاداری این منشی آمریکایی و یا رازداری او در معرض پرسش قرار گیرد و هر چند شواهدی مبنی بر اینکه دوست پسر او بهره‌برداری از او را برای اطلاعات به نفع شوروی آغاز کرده باشد وجود نداشت، مراتب انتقال او برای خنثی کردن مراحل اولیه عملیات کا.گ. ب در مورد سفارت به فوریت انجام گرفت.

داستانی که در زیر نقل می‌شود طولانی‌تر از دیگر داستانهاست، ولی شایسته مطالعه است. این داستان به شکل یک سرمشق کلاسیک درباره به دام انداختن یک آمریکایی مؤنث در خارج از آمریکا درآمده است. این آمریکایی مؤنث آماج یک سلسله عملیات پیچیده در نهایت مهارت به وسیله کا.گ. ب. قرار گرفته بود. این داستان نشانگر استفاده شوروی از تکنیک «پرچم قرابی» (ملیت استتار شده) و همکاری نزدیک بین کا.گ. ب. و یک دستگاه اطلاعاتی بلوک کمونیست می‌باشد. این داستان همچنین به شکل چشم‌گیری عواقب شخصی تسلیم شدن به آرزو و ایمان کورکورانه هنگام برخورد با فریب‌های ماهرانه را نشان می‌دهد. در ساعات اولیه بامداد روز یازده ژوئن ۱۹۶۱ یک منشی جذاب سی و یک ساله سلف سرویس خارجه که به بخش پرونده‌های محدود سفارت آمریکا در آلمان غربی منصوب شده بود، در معرض وحشتناکترین آزمایش زندگی خود قرار گرفته بود. ساعاتی او را تحت بازجویی تضعیف‌کننده عوامل اطلاعاتی آلمان شرقی به سر برده بود، اتهامات دروغین مبنی بر جاسوسی به او وارد شده و مدارک قانع‌کننده‌ای در جلوی او گذاشته شده بود و تحقیر یک بازرسی دقیق را که در آن از هیچ قسمت بدن او فروگذار نشده بود، همراه با سوء رفتار فیزیکی، بیشتر به صورت سیلیهای مکرر به صورت خود تحمل کرده بود. در مقابل او برای نخستین بار در ساعت دو بامداد یک فرد روسی بدون نام در اونیفورم یک سرهنگ ایستاده بود که به زبان روان انگلیسی اعلام داشته بود که زندگی او و همچنین زندگی نامزد او بستگی به موافقت او به تهیه تلگرامهای رمزی و سایر اسناد سری درباره سیاستهای آمریکا و نقشه‌های مربوط به برلین و آلمان شرقی دارد. الیانور (که اسم حقیقی او نیست) با آگاهی به اینکه نامزد او که به عقیده او یک شهروند آمریکایی است که برای دستگاه اطلاعاتی غربی کار می‌کند و در آن زمان در اختیار شوروی و آلمان شرقی در نقطه دیگری از این شهر است چاره‌ای جز آن نداشت که تسلیم شود. او اعلامیه‌ای را امضاء کرد که به موجب آن موافقت کرده بود برای دستگاه اطلاعاتی شوروی در ازای وعده این سرهنگ مبنی بر حمایت از جرج اشتاین نامزد او کار کند. در جریان یک رویارویی بعدی با این سرهنگ در روز بعد او تحت فشار قرار گرفت که هویت و خصوصیات شخصی همه همکارانش در قسمت آرشیو و بازرسی اتاق رمز و مأمور ارتباطات سفارت را افشاء کرده و درباره آنها اظهار نظر کند. او متوجه شد که سرهنگ ظاهراً با ترتیبات طرح بخش آرشیو و محل اسناد بکلی سری و سایر جزئیات منطقه محدود آشناست. الیانور همچنین پذیرفته بود که در مقابل دریافت پول که به او داده شده بود به آلمان غربی بازگردد و اسناد طبقه‌بندی شده را برای ملاقات بعدی در تاریخ ۲۴ ژوئن همراه خود به برلین شرقی

بیاورد. او آن گاه آزاد شده بود تا با اولین هواپیما از برلین غربی به میهن خود بازگردد. خوشبختانه لیانور قصد نداشت علیرغم نگرانی بسیار جدی در مورد تأمین جانی شخصی که او وعده ازدواج با او را داده بود به عنوان مأمور شوروی که در سفارت آمریکا رخنه کرده است کار کند. بیست دقیقه پس از اینکه او به آپارتمانی بازگشت که با مادر مسن خود در مجتمع مسکونی آمریکا در پلیترزورف در نزدیکی بن در آن زندگی می‌کرد و علیرغم از هم پاشیدگی عاطفی و جسمی، او تمامی ماجرا را برای مأمور امنیتی سفارت آمریکا نقل کرد. پس از اینکه تحقیقات لازم به عمل آمد، لیانور این حقیقت را پذیرفت که آن اشتاین خوش منظر که چهار ماه قبل وارد زندگی او شده بود، آن آمریکایی که او مدعی بود نبود بلکه یکی از عمال (دستگاه اطلاعاتی آلمان شرقی یا کا.گ.ب. بود (که ملیت او معلوم نیست) و به نفع شوروی کار می‌کرد و تنها مأموریت او به دام انداختن این زن بر ضد کشور خود بود. ماجرا در ماه فوریه در یک مجلس رقص در باشگاه غیر رسمی سفارت که از سوی گروه جوانان «مجرد» چند ملیتی جامعه دیپلماتیک ترتیب داده شده بود، آغاز شد. اینکه چگونه این جرج اشتاین ظاهراً توریست آمریکایی که در آلمان تعطیلات خود را می‌گذراند خود را وارد این ماجرا کرد معلوم نیست. ممکن بود از طریق همکاری یک عامل و مأمور جا افتاده در داخل این گروه بوده باشد یا اینکه ممکن است او به طور ساده وارد این باشگاه شده و با جمعیت درآمیخته و خود را به یک یا دو مرد غربیه معرفی کرده و آن گاه ترتیب آن را داده بود تا به وسیله یکی از آنها به لیانور معرفی شود. درباره تأیید این نظر مدارکی در دست است. معذالک احتمال نمی‌رود که اشتاین به طور اتفاقی به سوی لیانور کشیده شده است، لیانور در سفارت آمریکا در بن یک شخص تازه وارد بود و قبلاً به عنوان منشی رمز در سفارت آمریکا در بروکسل و دهلی نو کار کرده بود.

دهلی نو یکی از آن پستهایی است که معلوم شده است که شورویها در آنجا شبکه بسیار خوب آماده شده‌ای از ردیابی و ارزیابی نسبت به آمریکاییها را دارا می‌باشند. از آنجایی که لیانور تنها یک تور جنبی در دهلی نو داشت و مستقیماً از هند به بن منتقل شده و بیشتر به خاطر ارفاق به او (مواظبت از مادرش) می‌توان چنین فرض کرد عملیات کا.گ.ب. علیه او ابتدا در هند طرح‌ریزی شده و سپس برای اجرا هنگامی که او در سمت جدیدش قرار می‌گیرد، منتقل شده بود.

نقشه عملیات برای اجرا مدتی وقت و دقت لازم داشت. لازم بود که یک مأموری پیدا شود که دارای تجربه زندگی در آمریکا در یک مرحله قبلی در زندگی باشد و تلفظ انگلیسی او دارای لهجه آمریکایی بوده و از لهجه‌های خارجی مبرا باشد تا اینکه یک گذرنامه قلابی آمریکایی به او داده شود (واشتاین چنین گذرنامه‌ای داشت) تا او را در مورد یک داستان زندگی قابل باور کردن آموزش دهند و او را به منطقه بن منتقل کنند. اکنون دانسته شده است که مرحله عملیاتی عملاً در اوائل ماه ژانویه آغاز شد. یعنی یک ماه قبل از اینکه اشتاین با لیانور ملاقات کرد. او ابتدا در هتل کلین مستقر شد. در پانسیون که او برای مدت سه ماه اتاقی گرفته بود خود را با موفقیت یک آمریکایی معرفی کرد در همین مدت او دوبار در هتل کلین ثبت نام کرد. بار اول به عنوان یک شهروند آلمانی با مدارک مربوطه و بار دوم با یک هویت آمریکایی. به محض اینکه او با لیانور ملاقات کرد وقت را از دست نداد. شب اول او اجازه خواست تا برای تعیین ملاقات در آینده نزدیکی به او تلفن کند. این مکالمه تلفنی ظرف ۲ روز انجام گرفت. از آن زمان به بعد یک سلسله دیدارها به آپارتمان لیانور و شبها در کاباره‌ها و کوکتل پارتیها و بعداً در گریه‌های عاشقانه صورت می‌گرفت. اشتاین و لیانور هر چند که اغلب تنها بودند ولی با اشخاص دیگری که در گروه اجتماعی لیانور

شرکت داشتند نیز همراه بودند. در جریان دوران بعدی پرورش کوتاه مدت اوضاع، از ماه فوریه تا ماه مه، الیانور اشتاین را به لاقل ده نفر از دوستان آمریکایی خود که همگی منشیهای رمز یا کارمندان آرشیو در سفارت بودند معرفی کرد. آنها بدون هیچ گونه پرسشی همان گونه که الیانور معرفی کرده بود پذیرفتند. الیانور که جذب این جوان تنومند سیاه موی ۲۰۰ پوندی شده بود در وضعی قرار نداشت که چیزی سؤال کند. (ظرف ۴ هفته آنها درباره ازدواج بحث می کردند و اندکی بعد او خود و اشتاین را نامزد یکدیگر تلقی می کردند). او با قطعات جسته گریخته ای از داستانی که اشتاین برای او تعریف کرده بود راضی بود، مبنی بر اینکه اشتاین در سال ۱۹۲۸ از یک پدر آلمانی و یک مادر پرتغالی، در شهر شانگهای چین به دنیا آمده و پس از جنگ جهانی دوم به آمریکا رفته و تابعیت آمریکایی را پذیرفته است. اندکی بعد جرج درباره این اطلاعات مطالب مبهمی گفت مبنی بر اینکه والدین او فوت کرده اند و او مدتی در ناوگان بازرگانی به عنوان ملوان کار می کرد و سابقه ای از تحصیلات دانشگاهی به دست آورد و کارهای ساختمانی را آغاز کرد و سرانجام از خود کار و باری به هم زد. او نشانی خود را در شهر لاس وگاس در ایالات نوادا معرفی کرد. (عملاً در آدرس خیابانی که او داده بود یک مثل قرار داشت و هیچ گونه نشانه ای از او در دست نداشت). او به الیانور گفت که کار و زندگی خود را فروخته و برای مدت نامحدودی به عنوان توریست به اروپا آمده است.

شواهد ظاهری او به عنوان یک آمریکایی تمام عیار، اشتهای او برای خوردن کره از روغن بادام زمینی و ژامبون و تخم مرغ برای صبحانه و پیروی از ماجراها و خواندن هفته نامه نیوزویک برای پیروی از حوادث جهان و مطالعه مداوم کارتونهای دیک ترپسی و ماجراهای نظیر آن به آمریکایی بودن ظاهری او کمک می کرد. او مرد سریع حرکتی بود و در وقت گذرانیهای باشگاه سفارت با کارت الیانور و کارت خود بینگو بازی می کرد. او نسبت به مادر الیانور توجه خاصی داشت و او را ماما صدا می کرد و این امر برای الیانور بسیار خوشایند بود. او همواره برای آنها به مناسبات ویژه هدیه می آورد و برای الیانور این یک حادثه غیر عادی نبود که نامزد او با داشتن چنین سابقه ای به عنوان علاقه مند به تاریخ طبیعی و رابیندرانات شاعر هندی این همه علاقه نشان می داد. جرج اشتاین برای اینکه تصور را کامل کند به موسیقی جاز نیز علاقه مند بود.

هر چند جرج مدعی بود که می خواهد هر چه زودتر ازدواج کند معذالک با الیانور توافق کرد که الیانور ابتدا برنامه جهانگردی از سوی سفارت را که قرار بود قبل از پایان سال منقضی شود به پایان برساند. بدین ترتیب کاملاً طبیعی به نظر می رسید که جرج به جای اینکه به لاس وگاس بازگردد به برلین غربی برود و در جریان دوره قبل از ازدواج یک کار موقتی پیدا کند. او در ماه آوریل حرکت کرد و اتاقی در خانه ارنست ماتسدورف هفتاد و یکساله که یک کارمند بازنشسته مهربان بود و نقش او در این میان به صورت یک واسطه و مرد ساده لوح بیگناه بود، اتاقی اجاره کرد. به زودی پس از رسیدن به برلین غربی، جرج به الیانور گفت که کاری به عنوان مترجم مدارک فنی پیدا کرده است ولی کارفرمای خود را معرفی نکرد. تا آن اندازه که ماتسدورف می دانست مستأجر آمریکایی او یک نوع نقشه کش بود. او هرگز ندیده بود که جرج کاری انجام دهد. (به عنوان جمله معترضه بعداً معلوم شد که جرج نام خود را نزد مقامات برلین غربی طبق تقاضای قانون به عنوان یک شهروند آلمانی و نه آمریکایی به ثبت رسانده است و محل تولد خود را دایرن در چین اعلام داشته است و نه شانگهای، ولی ماتسدورف در این باره اطلاعی نداشت. ماتسدورف در

مورد ماجرای عشقی جرج با الیانور اطلاع داشت، زیرا الیانور و جرج گاه بگاه در برلین یا آلمان غربی با یکدیگر ملاقات می‌کردند و مکالمه تلفنی و مکاتبه بین این دو اغلب صورت می‌گرفت. ممکن است هرگز مشخص نشود که آیا نقشه عملیاتی اصلی شوروی و آلمان غربی مستلزم پرورش طولانی‌تر الیانور با برداشت مربوط به به کارگیری بیشتر از آنچه توصیف شده است بود یا خیر. معذالک احتمالی به نظر می‌رسد که یک حادثه غیر مترقبه باعث شده بود که بعضی از قسمتهای نقشه عملیات مورد تجدید نظر قرار گیرد و همین امر جریان و زمان گسترده دام که متعاقباً انجام گرفت را تعیین کرد. این حادثه تصادف جرج با یک اتومبیل در تاریخ ۳۱ ماه مه در برلین شرقی تنها چند ساعت قبل از اینکه او با هواپیما برای دیدن الیانور و مادرش در آلمان غربی حرکت کند بود. (جرج بدون تردید برای مذاکره با مافوقهای شوروی یا آلمان شرقی خود در برلین شرقی به سر می‌برد) بر اثر این حادثه جرج با زخمهای بسیار جدی بر روی صورتش و یک تورم ناهنجار در قسمت شکم در بیمارستان بستری شده و در انتظار عمل جراحی برای درآوردن طحال بود. (هم الیانور و هم ماتسدورف بعداً شاهد مدارک قانع‌کننده‌ای درباره آسیب جسمی بودند و ماتسدورف در مراحل آخرین پرونده آثار عمل جراحی در شکم او رادیده بود و این نشانه آن بود که عمل جراحی صورت گرفته است).

الیانور که از این حادثه خبر نداشت، بیهوده در فرودگاه بن در تاریخ ۳۱ ماه مه انتظار می‌کشید و سرانجام به منزل رفت. چند ساعت بعد ماتسدورف از برلین غربی به الیانور تلفن کرده و گفت که طبق یک پیام تلفنی از سوی یک شخص ناشناس، جرج در یک حادثه مجروح شده و می‌خواهد که این خبر به الیانور ابلاغ شود. او جزئیات بیشتری در این باره نمی‌دانست و اطلاعی نداشت که جرج کجاست. الیانور که معلوماتش در زبان آلمانی آنقدر کافی نبود با شدت هر چه بیشتر خواستار کمک اپراتور تلفن کشیک شب هنگام سفارت شده و از او تقاضا کرده بود تا درباره نامزد او پرس و جو کنند. در نتیجه رسیدگیها به زودی معلوم شد که جرج در هیچ کدام از بیمارستانهای آلمان غربی نیست.

دو روز بعد سرانجام الیانور نامه‌ای از جرج دریافت کرد که مبدأ پستی آن برلین غربی بود ولی محل او مشخص نشده بود. روز سوم ژوئن ماتسدورف به الیانور تلفن کرده و گفت که یک نفر غریبه از او دیدن کرده و گفته که جرج در بیمارستان فریدریک هاین در برلین شرقی دوره نقاهت را می‌گذراند. الیانور آن‌گاه مستقیماً به بیمارستان تلفن کرد و توانست با جرج که مشتاق دیدار او بود صحبت کند. الیانور بدون اینکه شک و تردیدی به خود راه دهد سوار نخستین هواپیما به مقصد برلین شد و سپس با تاکسی مستقیماً به بیمارستان در بخش شرقی برلین حرکت کرد. (این واقعه قبل از برپا شدن دیوار برلین صورت گرفته). آنگاه این زوج در بیمارستان با نهایت خوشوقتی به یکدیگر ملحق شدند. الیانور بدون هیچ گونه ایرادی توضیح بی‌پایه و اساس جرج را درباره اینکه چگونه خودش در بخش تحت کنترل شوروی اتومبیلی را که مال خودش نبود هنگام وقوع حادثه رانندگی می‌کرد پذیرفت. دیدار اول بدون حادثه‌ای برگزار شد و همچنین دیدار دوم. در روز بعد، پس از اینکه الیانور شب را در خانه ماتسدورف در برلین غربی گذراند بنا به اصرار اکید جرج، الیانور موافقت کرد تا برای دیدارهای بعدی در هفته بعد به برلین برود. این امر ثابت کرد که کار الیانور ساخته است. زیرا نقشه‌های مربوط به آزمایش عذاب آور او در به کار گرفتن او تکمیل شده بود.

روز دهم ژوئن در هنگام دیدار بعدی او با جرج، او برحسب اتفاق یک حلقه فیلم به الیانور داده و از او

خواست که تالطف کرده و این حلقه فیلم را در اتاق او در برلین غربی جا بگذارد. این امر چنان ماهرانه صورت گرفت که او به هیچ وجه احساس خطر نکرد. ولی هنگامی که او چند ساعت بعد بیمارستان را ترک کرد زندگی برای او ناگهان به کابوسی تبدیل شد. مأمورین امنیتی آلمان شرقی به همراهی یک مترجم او را دم در دستگیر کرده و حلقه فیلم را از کیف او بیرون کشیدند و او را به جاسوسی متهم کردند و سپس او را به زور در داخل یک اتومبیل که در انتظارش بود پرتاب کرده و به یک خانه‌ای که دورش حصار کشیده بود و در آغاز این ماجرا به آن اشاره شد، بردند. پس از بازرسی بدنی که بسیار تحقیرکننده انجام گرفته بود، مرحله بازرسی خشن و سیلی‌زدن به صورت او (که همگی اینها جزئی از تکنیک عمدی ایجاد شوک برای درهم شکستن قدرت کنترل نفس او به شمار می‌رفت) ساعتها بدون وقفه ادامه داشت. به او عکسهای چاپ شده‌ای نشان دادند که ظاهراً از حلقه فیلم جرج به دست آمده بود و در آن تانکها و پل و سایر صحنه‌های دارای اهمیت نظامی، به عنوان مدارک جاسوسی نشان داده شد. حدود نیمه شب او را به شکل یک بسته پیچیده و به طور موقت به محل جدیدی بردند و این محوطه‌ای بود که جرج با تختخواب بیمارستان و غیره به آنجا منتقل شده بود. آن گاه این دو نفر را برای تشخیص هویت یکدیگر رو در روی یکدیگر قرار دادند. تواناییهای بازیگری جرج چندان غیر قابل ملاحظه نبود. جرج با قدرت هر چه بیشتر با مقامات آلمان شرقی در حضور الیانور استدلال می‌کرد که او در ارتکاب هرگونه جرمی بی‌تقصیر است. جرج اعتراف کرد که او حلقه فیلم را به الیانور داده است و با اصرار می‌گفت که الیانور از محتویات آن بی‌خبر است. پس از یک دوران بازرسی بیشتر، در یک اتاق جداگانه به الیانور اجازه داده شد که برای چند لحظه‌ای با نامزد خود به تنهایی ملاقات کند. الیانور نامزد خود را در حالی که در تختخواب دراز کشیده بود و در یک حالت ناامیدی ظاهری می‌گریست، یافت. جرج از اینکه الیانور و خود را در یک چنین وضع خطرناکی قرار داده است پوزش طلبید و زمزمه کنان اعتراف کرد که از زمانی که برلین آمده است به طور مخفیانه برای یک دستگاه اطلاعاتی غربی کار می‌کرده است.

این ادعا کذب محض بود همان طور که بعداً تأیید شد ولی الیانور حرف او را باور کرد. الیانور که از وضع فلاکت‌بار خود مأیوس شده بود ظاهراً در عین حال درباره امنیت جرج اشتاین نگران بود. او در این مرحله ملایم‌تر شد و برای تقاضای به کارگیری به اندازه کافی رسیده بود (با این تضمین که جرج محافظت خواهد شد). این تقاضا از سوی یک فرد روسی یونیفورم‌پوش که به محض اینکه او را به نقطه اصلی بازرسی بازگشت داده بودند عنوان شد. همان طوری که در آغاز ماجرا گفته شد وی پذیرفت که توسط آنها به کار گرفته شود و وعده داد که روز ۲۴ ژوئن به برلین شرقی برود ولی در ضمن وفاداری را، مافوق عشق قرار داد و به محض اینکه صحیح و سالم به آلمان غربی رسید ماجرا را برای مأمور امنیتی سفارت آمریکا فاش کرد.

آنچه بعداً در این ماجرا روی داد از اهمیت کمتری برخوردار است ولی در عین حال ممکن است که شایسته گزارش باشد. ماتسدورف که به کلی از شخصیت دوگانه جرج و عملی که نسبت الیانور صورت گرفته بود خبری نداشت همچنان به ایفای نقش یک صاحبخانه مهربان ادامه داد و چندین بار قبل از ۲۴ ژوئن از جرج در بیمارستان برلین شرقی دیدن کرد و گزارش داد که پس از عمل جراحی حالش به تدریج بهتر می‌شود. به تقاضای جرج، ماتسدورف لوازم شخصی او را از اتاق او در برلین غربی به اتاق توشه در فرودگاه تمپلهوف منتقل کرد. جرج توضیح داد که به این ترتیب برای او مناسب‌تر است زیرا او قصد دارد که

به محض اینکه از بیمارستان مرخص شود مستقیماً به ایالات متحده یا بن باز گردد تا همراه الیانور باشد. (بدین ترتیب هیچ چیز متعلق به جرج که حائز اهمیت باشد در اتاق او باقی نماند در حالی که ممکن بود این لوازم شخصی بعداً به دست مقامات بیفتد، خود اسباب و اثاثیه بامداد روز ۲۴ ژوئن در فرودگاه تمپلهوف توسط اشخاصی که هویت آنها شناخته نشده بود تصاحب شد).

الیانور سرانجام متقاعد شده بود که او را بیرحمانه فریب داده بودند و دیگر قصد رفتن به برلین شرقی در ۲۴ ژوئن را نداشت و حتی اجازه چنین کاری به او داده نمی‌شد، معذالک او موافقت کرده بود تا آن تاریخ دست به یک بازی بزند. با در نظر گرفتن این احتمال که جرج اشتاین به برلین غربی کشانده شود و در آنجا مقامات آماده دستگیری او شوند. جرج خستگی‌ناپذیر روز ۲۲ ژوئن به او تلفن کرد تا یقین حاصل کند که او روز ۲۴ ژوئن خواهد آمد. جرج گفت او اکنون می‌تواند بیمارستان را ترک کند. الیانور قول داد به برلین غربی بیاید ولی گفت او از گذشتن بخش مرکزی به سوی برلین شرقی هراسناک است. جرج با یک لحن محبت‌آمیزی به او اطمینان داد که همه چیز روبراه خواهد بود ولی اگر الیانور بر اظهاراتش پافشاری می‌کند می‌تواند در هتل هیلتون برلین غربی ثبت نام کند و او در آنجا با الیانور ملاقات خواهد کرد.

بامداد روز ۲۴ ژوئن الیانور به همراهی یک اسکورت امنیتی که جلب توجه نمی‌کرد و مأمور ایمنی او بود در فرودگاه تمپلهوف سوار هواپیما شد. هنوز الیانور، رهسپار فرودگاه نشده بود که جرج به عنوان یک نامزد ایثارگر به مادر الیانور تلفن کرد تا یقین حاصل کند که آیا الیانور راه افتاده است یا خیر و هنگامی که مادر الیانور به او گفت که الیانور راه افتاده است او بسیار مسرور شد.

در هتل هیلتون برلین الیانور قسمت اعظم روز را در انتظار به سر می‌برد، سرانجام جرج به او تلفن کرد و به او اصرار کرد که به برلین شرقی بیاید. الیانور نپذیرفت. در این مرحله برای نخستین بار جرج همه حقه‌بازیها را کنار گذاشت و به طور ناگهانی و بدون مقدمه به او گفت که «باید حتماً بیاید.» آنگاه ارتباط تلفنی قطع شد. الیانور ظرف یک ساعت با هواپیما از برلین خارج شد و ماجرای جرج اشتاین «آمریکایی قلبی» به پایان رسید.

تنها یک توضیح پاورقی باقی مانده است. هویت مأمور شوروی در این عملیات بسیار پیچیده در مقابل یک تبعه آمریکا و از طریق او علیه یک مؤسسه آمریکایی در نتیجه توصیف خصوصیات ظاهری و مقایسه عکس به آسانی تشخیص داده شد. بوگینی آلکسویچ راتوستروفس مأمور کا.گ.ب. در دفتر امور آمریکا بوده است که دستگاههای اطلاعاتی آمریکا او را خوب می‌شناسند. او قبلاً به عنوان وابسته فرهنگی سفارت شوروی در واشنگتن خدمت می‌کرد و در سال ۱۹۵۹ به اتهام جاسوسی بدون سر و صدا از آمریکا اخراج شده بود. در برلین زیر پوشش دیپلماتیک به عنوان دبیر دوم سفارت شوروی در آلمان شرقی او یک فرد شناخته شده و یک کارشناس عملیات جاسوسی مربوط به آمریکا تشخیص هویت داده شده بود.

### پرسنل دیپلماتیک

چندی قبل یک مأمور حرفه‌ای خدمات خارجی آمریکا با درجه دیپلماتیک دبیر اول، هدف یک کوشش به کارگیری از سوی شورویها در محل خدمت او در اروپا واقع شده بود که موفقیتی نداشت.

این کوشش از سوی یک مأمور کا.گ.ب. تحت پوشش دبیر دوم به عمل آمده بود. هیچ گونه دعوت خاصی برای جاسوسی در میان نبود و نیز اثری از ارباب هم دیده نشده بود. مأمور شوروی با نهایت نزاکت ولی در ضمن با مداومت هر چه بیشتر مأمور خدمات خارجی آمریکا را تحت فشار قرار داده بود تا اطلاعات تحلیلی اقتصادی و آماری به او بدهد.

این مأمور کا.گ.ب. که در زیر پوشش دیپلماتیک قرار گرفته بود افزود که او این اطلاعات را در مقالات بدون امضاء خواهد گنجاند که به ادعای او بدون آگاهی سفارتش به یک مجله با تیراژ محدود برای مطالعه گروهی کارشناس در اتحاد جماهیر شوروی تسلیم خواهد شد. مأمور کا.گ.ب. پیشنهاد کرده بود که حق التحریری که وی به مناسبت این مقالات دریافت می‌کند و بسیار سخاوتمندانه است با افسر خدمات خارجی آمریکا تقسیم کند. افسر کا.گ.ب. در ضمن برای تشویق بیشتر قول داده بود که اطلاعات اقتصادی سوومندی از اوضاع داخلی اتحاد جماهیر شوروی متقابلاً به مأمور خدمات خارجی آمریکا تسلیم کند. به این مأمور آمریکایی اطمینان داده شده بود که «همکاری» او مطلقاً سری خواهد بود. هنگامی که مأمور خدمات خارجی آمریکا که تماسهای دیپلماتیک و اجتماعی منظم او با شورویهای با صلاحدید مقامات مافوق او، در سفارت او در آمریکا صورت می‌گرفت و به طور منظم و کتبی گزارش داده می‌شد بانهایت خشم خاطر نشان ساخت که پذیرفتن چنین پیشنهادی حتی در صورتی که در برگیرنده اطلاعات طبقه‌بندی نشده باشد یک نوع عمل حاکی از عدم وفاداری به خدمات خارجی آمریکا است. مأمور کا.گ.ب. کوشید تا این جنبه را با این ادعای قلابی مردود به شمارد که هیچ گونه وفاداری و یا عدم وفاداری در میان نبوده است و او تنها یک پیشنهاد خصوصی کرده است که متقابلاً به نفع هر دوی آنها به طور انفرادی و هر دو کشور می‌باشد.

ماجرای فوق نشان می‌دهد که مأمور خدمات خارجی آمریکا هر چند در طبقه «شهروندان درجه ۲» که در مورد آنها دستگاههای اطلاعاتی شوروی آشکارا و به نحو تعرض آمیزی فعالیت نشان می‌دهند نمی‌باشد. معذالک در معرض بازرسی و نظارت نزدیک و مداوم کا.گ.ب. در خارج قرار می‌گیرند. دلایل چنین علاقه‌ای کاملاً آشکار است، خدمات خارجی آمریکا روزانه به اطلاعات طبقه‌بندی شده و اغلب حیاتی درباره امور سیاست خارجی دسترسی دارد. به همین ترتیب در نتیجه فعالیتهای عادی دیپلماتیک کارکنان خدمات خارجی می‌توانند نه تنها منعکس‌کننده نظریات سیاسی آمریکا باشند بلکه همچنین اطلاعات دیگری را که برای شوروی جالب است و مأمورین شوروی از طریق مکالمه یا مذاکره با همتهای دیپلماتیک کشورهای دوست به دست می‌آورند کسب کنند. یک مأمور خدمات خارجی آمریکا قادر است با جزئیات بسیاری درباره نقاط ضعف و قدرت مأمورین خدمات خارجی آمریکا در سمتی که وی به آن منصوب شده یا در جایی دیگر گزارش دهد. او با طرح و نقشه و ترتیبات امنیتی سفارت خود و سیاستهای خدمات خارجی و مقررات و ترتیبات قابل اجرا در سراسر جهان آشناست. سرانجام آنچه که در یک دوران دراز مدت از همه مهمتر است او در یک موقعیت بالقوه‌ای قرار گرفته است که ممکن است در نهایت به یک سمت با نفوذ در شکل دادن سیاست خارجی آمریکا منتهی شود.

دستگاه اطلاعاتی شوروی هنگام کار در مقابل پرسنل دیپلماتیک آمریکا در خارجه، از این واقعیت حداکثر استفاده را می‌برد که تماس اجتماعی یک وظیفه عادی دیپلماتیک است و راه را برای برخورد مستقیم با مأموران خدمات خارجی آمریکا جهت پرورش هموار می‌کند. هر چند شورویها کمتر امیدوار



به فراهم کردن عملیات موفقیت آمیز به کارگیری در چهارچوب محفل دیپلماتیک اندکی محصور شده تا در چهارچوب یک محیط غیررسمی «کارمندان کوچکتر» و کم تجربه تر می باشند. یک برنامه آزمایش مرتب و استخراج اطلاعات و ارزیابی خصوصیات از سوی آنها حفظ می شود و انتظار می رود کا.گ. ب. ممکن است در مورد هر گونه ضعف شخصی و یا آسیب پذیری مظنون یا آشکار شده موضوع را تعقیب کند. همه اعضای جامعه رسمی شوروی به این برنامه کمک می کنند، حتی دیپلماتهای به اصطلاح مشروع شوروی (که در اغلب کشورها تعداد آنها بیشتر از مأموران اطلاعاتی با وشنش دیپلماتیک است) باید درباره همه تماسهای خود با آمریکاییها و دیپلماتهای سایر کشورها به کا.گ. ب. گزارش دهند و از سوی کا.گ. ب. در مورد بهره برداری در زمینه های اطلاعاتی و مقاصد دیپلماتیک راهنمایی شوند. والریان الکساندروویچ زورین، معاون سابق وزارت امور خارجه شوروی، در کتاب خود تحت عنوان «اصول خدمات دیپلماتیک» که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، هنگامی که تأکید کرده بود که هر کلمه یک دیپلمات شدیداً تحت کنترل می باشد و در امور مهم هیچ مأموری اجازه ندارد چیزی به ابتکار خود بگوید که ممکن است اهمیت مادی داشته باشد، ممکن است نقش همه گیر کا.گ. ب. را در نظر داشته باشد.

#### آمریکاییهای غیررسمی: بازرگانان و دانشجویان

«... عوامل انگیزه ای و آسیب پذیری که می تواند در برقراری مناسبات بالمآل منجر به به کارگیری (بازرگانان) بشود: آمادگی برای پذیرفتن پاداش مالی در ازای اطلاعات فنی و نمونه های جدید و میل به داد و ستد با اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوی سوسیالیستی... دانشجویان آمریکایی (در خارج) هسته بسیار خوبی را تشکیل می دهند که از میان آنها ما می توانیم اشخاصی را در آینده برای رخنه در دولت آمریکا بکار گیریم... دانشجویان آمریکایی علی القاعده دچار کمبود پول هستند... و اغلب آنها بسیار مستقل بوده و در انتخاب دوستان خویش آزادند... آنها فاقد تجربیات زندگی و پختگی هستند.» هر چند نقل قولهای مقامات کا.گ. ب. که در فوق آمده است، نشان دهنده علاقه شوروی به بازرگانان و دانشجویان آمریکایی در خارج است. این نقل قولها تنها گویای قسمتی از داستان می باشند. علاقه دراز مدت به هر مقوله (یعنی بازرگانان و دانشجویان) بسیار روشن است.

بازرگانان و به ویژه کارشناسان مقوله های مختلف که به طور موقت در خارج به سر می برند از نقطه نظر شوروی بیشتر قابل دسترسی بوده و نزدیک شدن به آنان در یک محیط خارجی که در آنجا فاقد محافظ می باشند و بازرسی ضد اطلاعاتی به طور کلی کمتر از ایالات متحده آمریکا شدت دارد، آسانتر است.

اگر به کارگیری چنین اشخاصی در خارج با موفقیت انجام بگیرد در بسیاری از موارد اطلاعات علمی و فنی با ارزشی در محل فراهم خواهد کرد. معذالک عالیترین امکان بالقوه مربوط به آینده است یعنی هنگامی که فرد مورد بحث به ایالات متحده بازگشته و به عنوان نفوذی در پژوهشهای علمی و مراکز صنعتی یا حتی ردياب و به کارگیرنده به نفع دستگاههای اطلاعاتی شوروی در چنین مراکزی به کار گرفته شود.

دانشجویان آمریکایی در خارج که به تخصص دانشگاهی خود متکی هستند نیز امکانات بالقوه دراز

مدت در زمینه علمی و تکنولوژی دارند.

معدالک بزرگترین امکان بالقوه آنها با رخنه در سازمانهای دولتی آمریکا در آینده وابسته است. علاقه اتباع شوروی در محل نسبت به آمریکاییها در خارج مشاهده می شود. این اشخاص به علت دسترسی آنها به سایر آمریکاییها در سمتهای رسمی که هدفهای اولیه دستگاههای اطلاعاتی شوروی هستند قرار می گیرند. بدین مفهوم آنها به عنوان واسطه ها ارزش دارند، زیرا از آنها می توان برای مأموران اطلاعاتی شوروی و عمال آنها از طریق تماس مستقیم با آمریکاییان دیگر استفاده کرد.

تجربه به کرات نشان داده است که یک نفر آمریکایی در خارج که فاقد سمت دیپلماتیک و رسمی باشد و در یک کشور خارجی به عنوان یک بازرگان یا دانشجو زندگی می کند متأسفانه محتمل نیست که پی ببرد که او به طور خود به خود و به نحو عادی از آماجهای کا.گ.ب یا جی.آر.یو. واقع شده و حتی مظنون به پرورش «دوستانه» از سوی شورویها واقع می شود تا آن اندازه که به تکنیکها و ترفندهای شوروی مربوط است یک چنین شخصی به طور کلی در این باره هیچ گونه آگاهی ندارد.

اخیراً یک تکنیسین جوان و آمریکایی که عضو یک گروه عمل آوردن اطلاعات در یک شرکت آمریکایی بود که با حکومت یک کشور مسلمان قرارداد بسته بود، با نهایت نگرانی گزارش داد که کوشش از سوی شورویها پس از یک سلسله گامهای حساب شده و رشد یابنده که به هیچ وجه سوءظن او را برنینگخته بود برای به خدمت گرفتن او انجام گرفته بود.

او و همسرش که به اتفاق، یک زوج عادی به شمار آمده و ظاهراً هیچ گونه نقاط آسیب پذیر نداشته، در یک مراسم اجتماعی محلی با یک دیپلمات شوروی و همسرش در اوضاع و احوال معصومانه ملاقات کردند. این ملاقات به تماسهای بعدی بین دو خانواده که همیشه به ابتکار دیپلمات شوروی بود منجر شد. بار اولی که دیپلمات شوروی و همسرش از خانه این زوج آمریکایی دیدار کردند. دیپلمات شوروی پنج بطری مشروب الکلی که به هیچ وجه مورد درخواست نبود همراه آورد. در یک مراجعه به زمان گذشته معلوم شد که این مشروب الکلی به عنوان یک هدیه تصادفی نبوده است هر چند از نظر ذوق آمریکایی ممکن بود چنین به نظر برسد، بلکه این هدیه به عنوان یک طعمه شکار تلقی شده بود. هر چند این فرد آمریکایی و همسرش مشروبات الکلی مصرف نمی کردند آنها از این واقعیت آگاه بودند که در این کشور اسلامی قانون منع مشروبات شدیداً مراعات می شود و هرگونه مشروبی ممکن است ارزش معتناهی در بازار سیاه داشته باشد.

این زوج که فاقد سمت رسمی بودند دسترسی به فروشگاه کارمندان دیپلماتیک که در آن مشروبات الکلی به دست می آید نداشتند. فرد روسی که یک مأمور اطلاعاتی بود از این عوامل کاملاً آگاهی داشت. هنگامی که فرد آمریکایی احمقانه داوطلب شد که پنج بطری مشروبات الکلی را به قیمتهای نازل دیپلماتیک خریداری کند، کاملاً رفتار خوشایندی نشان داد. این معامله به نظر فرد روسی برای آن فرد آمریکایی نوعی سازش بود چون هر گونه تخطی از مقررات محلی منع استفاده از مشروبات الکلی، در صورت افشاء می توانست موجبات شرمساری شرکت وی و سفارت آمریکا را که هر دو نسبت به در خطر افتادن روابط محتاطانه بین خود و دولت مسلمان حساسیت به خرج می دادند فراهم آورد. این خرید مشروب از سوی فرد آمریکایی تنها گام اول بود و هنگامی که مناسبات او با فرد روسی منجر به دوستی بسیار نزدیک گردید او از این مشروبات الکلی از فرد روسی تعداد بیشتری خریداری کرد. همسر مأمور

اطلاعاتی شوروی نیز نقشی داشت که می‌توانست انجام دهد و این نیز جزئی از تکنیکهای پرورشی مناسبات بود. همسر این فرد روسی از همسر فرد آمریکایی تقاضا کرد تا درس زبان انگلیسی به او بدهد و او نیز متقابلاً درس زبان روسی به همسر فرد آمریکایی بدهد این عملیات براساس مرتب و منظمی آغاز شد و همسر آمریکایی بدون آنکه خود متوجه شود به فرآیند ارزیابی نقاط آسیب‌پذیر که ممکن بود قابل بهره‌برداری باشد کمک کرد. او علناً درباره شرایط دشوار زندگی در این کشور اسلامی و درباره فقدان فروشگاه کارمندان دیپلماتیک و تسهیلات پستی گله کرده، نتیجه آن شده که زوج آمریکایی حاضر شدند آرد و سایر اقلام مورد فروش در فروشگاه افراد دیپلماتیک شوروی را بپذیرند. ظاهراً این اقلام به عنوان هدیه از سوی فرد روسی پیشنهاد شد و از سوی زوج آمریکایی پذیرفته می‌شد و هدف آن توسعه دوستی با شورویها و ایجاد یک نوع احساس تعهد شخصی نسبت به دیپلمات شوروی که شرایط زندگی آنها را آسوده‌تر می‌ساخت تلقی می‌شد.

سرانجام مأمور جاسوسی شوروی احساس کرد که برای روکردن دست خود آماده است و زمینه‌های موفقیت خود را ابتدا براساس دوستی و در صورت عدم موفقیت در این زمینه براساس سودهای مالی مبتنی ساخت. او زوج آمریکایی را به خانه خود دعوت کرد و شوهر را به کناری کشید. در درجه اول اومی خواست احساس اطمینان کند که آنها با یکدیگر دوست هستند و فرد آمریکایی با نهایت آمادگی و صمیمانه چنین اطمینانی به او داد. فرد روسی آن‌گاه با نهایت صراحت و صمیمیت از تکنیسین آمریکایی خواست تا بعضی اطلاعات کامپیوتری از دفتر شرکت این فرد را در ایالات متحده آمریکا به دست آورد. چیزی که مأمور اطلاعاتی شوروی می‌خواست اطلاعات پیشرفته فنی بود که این فرد آمریکایی می‌دانست که توسط شرکت او برای کشور میزبان مسلمان یا اتحاد شوروی ممنوع است. فرد آمریکایی از مأمور اطلاعاتی شوروی پرسید که آیا وی به طور جدی از او می‌خواهد اطلاعات طبقه‌بندی شده به دست آورد و اگر چنین است چنین تقاضایی به منزله ارتکاب خیانت است. مأمور اطلاعات شوروی ابتدا درباره کلمه «طبقه‌بندی شده» خود را به کوچه علی‌چپ زد و آن‌گاه اظهار رنجش کرد و سپس تقاضای خود را بر این مبنای چنین تقاضایی با توجه به دوستی میان آنها کاملاً بجاست تجدید کرد. هنگامی که فرد آمریکایی بار دیگر دوستی خود را بیان داشت ولی تقاضای او را رد کرد، فرد روسی آن‌گاه موضع دیگری را در پیش گرفت. در این باره ریزه‌کاری دیگر مطرح نبود. اگر فرد آمریکایی موافقت نماید که برای شوروی کار کند فرد روسی به او کمک خواهد کرد تا به حساب خودش کارهای بازرگانی در زمینه فنی در آمریکا انجام دهد و تأمین مالی آنرا کاملاً به عهده خواهد گرفت. درگیریهای کامل این پیشنهاد در این مرحله برای نخستین بار برای فرد آمریکایی روشن شد و او به سرعت همسر خود را برداشته و عزیمت کرد.

برای زوج آمریکایی که سخت تکان خورده بودند ده روز طول کشید تا بتوانند تصمیم بگیرند که چه بکنند، آنها سخت در وضع دشوار قرار گرفته بودند و در مورد چند نکته نگران بودند. آنها متوجه شدند که بسیار ساده‌لوح بودند که مشروبات الکلی را که برخلاف قوانین کشور میزبان آنها است، خریداری کرده بودند. (هنوز روشن نیست که آیا این مشروبات را در بازار سیاه این کشور فروخته بودند یا خیر. البته در صورت مثبت بودن این موضوع خلاف دیگری نیز انجام داده بودند). پذیرفتن کالا از فروشگاه دیپلماتیک شوروی نیز یک تخلف دیگر از آنها بود. معذالک آنها تصمیم صحیحی گرفته و تمامی داستان را به مقامات

مربوط آمریکایی نقل کردند.

هر چند دانشجویان آمریکایی در خارج اکنون سالهاست هدف دستگاه اطلاعاتی شوروی می‌باشند، شواهدی که اخیراً از نقاط مختلف دیگر جهان به دست آمده نشان می‌دهد که کوششهای شوروی و به کار بردن تکنیکهای مختلف برای فراهم کردن تماسهای اولیه در شرایط ظاهراً معصومانه و ادامه پرورش و سرانجام کوشش در به کارگیری این دانشجویان تشدید شده است.

افراد روسی با سمتهای رسمی به اشکال مختلف اغلب در کلاسها و دانشگاههای محلی و مؤسساتی که دارای تحصیلات نیمه وقت می‌باشند و ظاهراً برای تکمیل زبان با مطالعه منطقه صورت می‌گیرد ثبت نام می‌کنند. یک چنین دوره‌هایی از تحصیل وسایل بسیار خوبی برای آغاز تماس با دانشجویان خارجی از جمله دانشجویان آمریکایی است، شورویهایی که اجازه دارند در چنین رشته‌هایی مطالعه کنند. اغلب بدون استثناء مأمورین اطلاعاتی هستند که به مطالعه همدرسیهای خود بیشتر از مطالعه موضوعی که در این رشته تدریس می‌شود علاقه نشان می‌دهند. البته راههای متعدد دیگری نیز برای ملاقات و پرورش دانشجویان آمریکایی وجود دارد. این دانشجویان آمریکایی اغلب توسط مأمورین رسمی شوروی مورد جستجو قرار می‌گیرند و مأمورین شوروی آنها را با پیشنهاد افزایش درآمد حقیر خود از طریق دادن درس زبان انگلیسی یا انجام کارهای ترجمه و سوسه می‌کنند. ملاقاتهای تصادفی اعم از اینکه واقعه طبق نقشه باشد در مراکز دانشجویی، سخنرانیها، کنسرتها و پارتیهای خصوصی و غیره، معمولاً به دنبال خود پوششهایی برای مناسبات اجتماعی دارد که این مناسبات به نوبه خود پس از یک دوران ارزیابی جنبه مخفیانه و زیرزمینی پیدا می‌کند. در نیمکره غربی تاکتیکهایی از این نوع در شهر مکزیکو (پایتخت مکزیک) که گروه بزرگی از دانشجویان آمریکایی تمام وقت و نیمه وقت و تعداد زیادی مأموران اطلاعاتی شوروی در آن حضور دارند در عملیاتی که متوجه کشور همسایه آنها یعنی ایالات متحده است، چشمگیر بوده است. کا. گ. ب. کشور مکزیک (و منطقه آمریکای لاتین به طور کلی) را به عنوان محیط به ویژه جذاب برای به کارگیری دانشجویان آمریکایی که در نظر دارند وارد خدمات دولتی ایالات متحده آمریکا شوند یا می‌توانند به این خدمات کشانده شوند تلقی می‌کنند. یک سند تحلیلی از سوی کا. گ. ب. درباره دانشجویان آمریکایی در کشورهای آمریکای لاتین دلیل آن را در کلمات زیر بیان می‌نماید:

«بیشتر آنها از طبقه متوسط آمریکا می‌باشند، اغلب تنها وسیله امرار معاش آنها بوری است که از ارتش آمریکا) جهت خدمت در ارتش دریافت می‌کنند یا مقرری ناچیز است که خانواده‌شان برای آنها می‌فرستند. دانشجویانی که در این طبقه قرار گرفته‌اند، تمایل آن را دارند که از نظر بینش لیبرال‌تر باشند. آنها به آسانی پذیرای احساسات ملی‌گرایی و ضد استعماری هستند. آنها همچنین تمایل دارند که سیاستهای اقتصادی و خارجی حکومت ایالات متحده و سیاست استعماری آمریکا را نسبت به آمریکای لاتین رد کنند همه این ملاحظات علاوه بر شرایط مساعد عملیات، جهت عملیات اطلاعاتی خارجی شوروی به نحو بسیار وسیعی برنامه عملیاتی ما را در آمریکای لاتین تسهیل می‌کنند.»

یک طریقه اضافی که دستگاه اطلاعاتی شوروی بوسیله آن با دانشجویان آمریکایی تماس می‌گیرد از طریق برنامه مبادله دانشجو با شوروی است این دانشجویان از اواسط دهه ۱۹۵۰ به تعداد زیادی در مراکز تحصیلات عالی در اروپا و آمریکای جنوبی و سایر قسمت‌های دیگر جهان یافت می‌شوند. بیشتر آنها مأمورین اطلاعاتی حرفه‌ای هستند که دوران ابتدائی «آزمایشی» را می‌گذرانند یا اینکه برای مأموریت

بعدی در خارج در زیر سرپوش رسمی اغلب در همان منطقه جغرافیائی که تحصیل کرده‌اند دست به سفرهای آشنایی می‌زنند. مثلاً نیکولای گئورگیویچ کورودینخ، یک دانشجوی مبادله‌ای در دانشگاه لندن در سال تحصیلی ۱۹۶۴-۱۹۶۵ که در سال ۱۹۶۶ بار دیگر در دانمارک با سمت دیپلماتیک دبیر سوم ظاهر شد و وظیفه‌ی وابسته مطبوعاتی را انجام می‌داد. کورودینخ با نهایت جدیت تماسهایی را با دانشجویان آمریکایی در لندن برقرار کرده و بعداً کارهای خود را در دانمارک از طریق رفتن به یک آموزشگاه زبان برای خارجیها در شهر کپنهاگ و یک مرکز بین‌المللی دانشجویی در این شهر ادامه داده است. همچنین والتین ایوانویچ ایلینتسف، یک دانشجوی ۳۳ ساله مشمول برنامه‌ی مبادله‌ی دانشجویی در دانشگاه ییل (YALE) در سال تحصیلی ۱۹۶۳-۱۹۶۴ در سال ۱۹۶۵ با نقش دیپلماتیک وابسته فرهنگی در هندوستان سر درآورد و تا این تاریخ فعالیت اصلی او در دهلی نو، تعقیب و پرورش آمریکاییان بوده است. ایلینتسف یک مأمور در بخش مربوط به آمریکای کا.گ.ب است و دوران آزمایشی او در ایالات متحده برای آشنایی با آمریکا و راه و رسم آمریکاییها و تکمیل زبان انگلیسی خود بوده است. در دانشگاه ییل او به نحو برجسته‌ای فاقد شرایط برای کار مافوق دانشگاهی در رشته‌ی ظاهرأ مورد علاقه خود (حکومت شهری) بود و دوران یکساله تحصیلی خود را به عنوان یک مستمع گاه به گاه در کلاس، بدون تحصیل جدی و یا تهیه‌ی رساله‌ی تحصیلی به پایان رساند.

دانشجویان مبادله‌ای شوروی در غرب که ممکن است مأمورین اطلاعاتی هم نباشند اغلب به عنوان عمال دستگاه اطلاعاتی شوروی به کار برده می‌شوند، هر چند این دانشجویان فاقد آموزش اطلاعاتی هستند مأموران شوروی در محل آنها راهنمایی می‌کنند تا درباره دانشجویان همکلاس آمریکایی خود که در این کشورها تحصیل می‌کنند گزارش دهند و یا آنها را ارزیابی کنند. هر چند موارد متعددی در این باره وجود دارد که می‌توان آنها را نقل کرد، معذالک دو مورد زیر به شکل خلاصه شده کافی خواهد بود که نشان دهد که چگونه دستگاه اطلاعاتی شوروی می‌کوشد دانشجویان آمریکایی در خارج را به کار گرفته و از آنها بهره‌برداری کند. در مورد اول که به سرعت منجر به عملیات به کارگیری شد، هدف یک دانشجوی فارغ‌التحصیل آمریکایی بود که در تلاش برای اخذ درجه دکترا در دانشگاه آکسفورد کار می‌کرد. هنگامی که او علاقه‌ی خود را درباره‌ی مطالعه بعد از دوران دکترا در اتحاد جماهیر شوروی بیک دانشجوی فارغ‌التحصیل شوروی که او نیز در چهارچوب مبادله‌ای دانشجویی در آکسفورد بود بیان داشت، شخص اخیر اطلاعاتی از این دانشجوی آمریکایی بیرون کشید و از جمله این اطلاعات این بود که او در استخدام مقاطعة کار بزرگ دفاعی در ایالات متحده آمریکا بوده و این شرکت مقاطعة کار سرگرم تولید اجزای مرکبه هواپیما و موشک می‌باشد و او شاید در بازگشت خود برای همین شرکت آمریکایی کار بکند. این امر منجر به آن شد که ملاقاتی با یک مأمور شوروی در لندن که یک مأمور اطلاعاتی تشخیص هویت داده شده در رشته علوم و تکنولوژی بود صورت بگیرد. دانشجوی مبادله‌ای شوروی پس از اینکه مقدمات معرفی را به عمل آورد از نظرها ناپدید شد و بعداً مأمور شوروی و دانشجوی آمریکایی یک سلسله ملاقاتهایی با یکدیگر انجام دادند که ابتدا در اطراف چشم‌اندازهای تحصیل پیشرفته در اتحاد جماهیر شوروی دور می‌زد. همه ملاقاتها به خواهش طرف شوروی در آجوفروشیها و رستورانهای لندن صورت می‌گرفت، به جای اینکه در سفارت شوروی انجام بگیرد و در همان تماسهای اولیه به این دانشجوی آمریکایی گفته شده بود که هرگز به سفارت آمریکا تلفن نکند. سرانجام پس از یک دوران

کوتاهی از پرورش و ارزیابی (از جمله درخواستی مبنی بر اینکه دانشجوی آمریکایی خلاصه مفصلی از زمینه تحصیلاتی و تخصصی علمی خود فراهم کند) مأمور شوروی به او وعده داد که می‌تواند از تحصیلات رایگان در اتحاد شوروی در تاریخ بعدی استفاده کند و همچنین به او گفت لازم نیست که در گذرنامه آمریکایی او روادید شوروی وجود داشته باشد. در ازای این لطف فرد روسی از دانشجوی آمریکایی خواست تا به او در به دست آوردن اطلاعاتی از نوعی که در دسترس شوروی نبود کمک کند. دانشجوی آمریکایی به سابقه استخدامی خود و کاربرد نظامی آن اشاره کرد و پرسید که آیا این همان اطلاعاتی است که مورد تقاضای فرد روسی است. مأمور شوروی پاسخ داد: شما به سرعت آنچه را که مورد تقاضاست می‌فایید.» دانشجوی آمریکایی که پی برد او اشتباهی وارد اوضاعی شده است که جدای از خواست اوست تمامی ماجرا را به مقامات آمریکایی گزارش داد. معذالک قبل از اینکه روابط کاملاً قطع شود مأمور شوروی آنرا بر یک اساس مخفیانه (ملاقاتها در خارج شهر و دور از دید احتمالی) قرار داده بود و یک حقوق ماهیانه به دانشجوی آمریکایی در جریان بقیه مدت اقامت او در خارج به اضافه مبلغی که معادل نصف حقوق ماهیانه عادی او پس از بازگشت به آمریکا و از سرگرفتن کار عملی مربوط به دفاع او بود پیشنهاد کرده بود.

وضع فلاکت بار یک دانشجوی آمریکایی در وین که در اوائل ۱۹۶۷ پی برد که مدت یک سال و بدون اینکه مورد سوءظن قرار گیرد از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی به عنوان ردیاب و ارزیابی کننده افراد همتای آمریکایی قرار گرفته است، کمتر چشمگیر بود معذالک آموزنده است. تکنیک به کار رفته در این مورد زمینه‌های دیگری نیز مشاهده شده است. مأمور اطلاعاتی شوروی با نزاکت و ظرافت قابل ملاحظه از عدم بلوغ و عدم پیچیدگی که شورویها انتظار دارند در بسیاری از دانشجویان آمریکایی در خارج مشاهده کننده، استفاده کرد.

این فرد آمریکایی در بهار ۱۹۶۶ در حالی که تنها ۲۴ سال از عمرش می‌گذشت و دانشجوی کالج نبود، برای آموختن زبان آلمانی به وین آمد و در یک خوابگاه دانشجویی مسکن گزید. اندکی پس از ورودش وی با آلبرت گئورگیویچ فاتیف که یک مترجم وابسته به بخش ترجمه روسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود آشنا شد. او و این فرد نامبرده شوروی به اتفاق یکدیگر به ماهیگیری می‌رفتند. در پایان تابستان فاتیف پیشنهاد کرد که او و آن فرد آمریکایی به تنهایی در قسمت مرکزی وین شام صرف کنند. در مدت چند هفته این توافق بدون اینکه جلب توجه کند تبدیل به ملاقاتهای منظم هفتگی در زمان معین و در محلهای از پیش تعیین شده در شهر وین شد.

فاتیف بسیار سر راست بود و در حالی که پانزده سال از دانشجوی آمریکایی بزرگتر بود او این فرد آمریکایی را با نهایت تملق هم فکر خود قلمداد می‌کرد. در حالی که قضیه چنین نبود. برای این فرد آمریکایی به هیچ وجه این سؤال پیش نیامد که چرا این فرد روسی که بیشتر از او تجربه دارد این همه وقت را با او صرف می‌کند، مأمور شوروی از این نکته در معلومات خود استفاده می‌کرد که فرد آمریکایی در سالهای اولیه دانشکده، رشته روان‌شناسی را می‌گذراند و ظاهراً فکر می‌کند که در ارزیابی انسانی کارشناس شده است. بعداً (و این یکی از کهنه‌ترین حقه‌های شوروی به شمار می‌رود) فاتیف از فرد آمریکایی خواست به یک دوست روزنامه‌نگار (که هرگز هویت او معلوم نشده بود) که سلسله داستانهایی درباره جامعه اتریشی و آمریکایی در وین تهیه می‌کرد، کمک کند. دانشجوی آمریکایی با کمال خشنودی

یک مقاله ده صفحه‌ای برای این مأمور شوروی تهیه کرد و مأمور شوروی پیشنهاد کرد که دستمزدی به او بپردازد. فرد آمریکایی که در آن موقع کمبود پولی نداشت، این پیشنهاد را رد کرد و مأمور پرحوصله شوروی در این باره اصراری نورزید. دانشجوی آمریکایی معذالک پذیرفت که اقلامی از فروشگاه دیپلماتیک شوروی به قیمت‌هایی کمتر از قیمت‌های بازارهای وین خریداری کند. او همچنین یک رادیو ترازبستوری را به مناسبت هدیه جشن تولد خود پذیرفت و بدین ترتیب در ظرف یک مدت کوتاه فاتیف گفت دوست روزنامه‌نگار او قصد دارد زمینه فعالیت خود را توسعه دهد و خواستار گزارش‌های کتبی بیشتر به شکل ارزیابی‌های روان‌شناسی درباره دانشجویان وین به ویژه آمریکاییها شد. این دانشجوی آمریکایی «به زودی به طور منظم گزارش‌های مشابهی تسلیم می‌کرد و کمتر متوجه شده بود» که او به نحو مداوم از سوی فاتیف موظف شده بود که مسئله‌ای را درباره هر یک از آمریکاییانی که او درباره آنها مطالبی نوشته بود پیگیری کند. او درباره پیشنهاد‌های دیگر شوروی مطلب ویژه‌ای را متوجه نمی‌شد. مثلاً به او پیشنهاد شده بود که از تماس‌های خود با اتریشیها بکاهد و با آمریکاییهایی که در برنامه دانشگاه استانفورد که در نزدیکی وین سرگرم عملیاتی هستند دوست شود و دامنه تماس‌های اجتماعی خود را توسعه داده و هر روز در مؤسسه مطالعات اروپایی وین برای ملاقات با آمریکاییهای دیگری نهار صرف کند. سرانجام در همین زمینه ولی به دلیلی که مورد عمل قرار نگرفت فاتیف پیشنهاد کرد که این دانشجوی آمریکایی در کنسولگری آمریکا در وین کاری برای خود به عنوان کارمند محلی دست و پا کند.

در اوائل سال ۱۹۶۷ تحولات چندی باعث شد که ذره‌ای از شک و تردید به وجود آمده و پرورش یابد. هنگامی که گزارش‌های ارزیابی کتبی رو به کاهش گذاشت فاتیف بیش از حد نگران شد. او مرتب از دانشجوی آمریکایی می‌خواست تا به نوشتن خود ادامه دهد و استدلال می‌کرد که «مهم نیست چه می‌نویسی ولی برای من چیزی بنویس.» درباره این موضوع یک نوع پافشاری عصبی در کار بود. دانشجوی آمریکایی از اینکه فرد روسی به او اصرار می‌کرد که در وین طولانی‌تر از آنچه قصد داشت باقی بماند اندکی به فکر فرو رفت. فرد روسی به او گفته بود که اگر موضوع سر پول است «من می‌توانم ماهی ۱۰۰ دلار به شما بدهم. شما چنان آدمی خوبی هستید که باید به مطالعات خود ادامه دهید.»

تصمیم نهایی و توأم با شک و تردید دانشجوی آمریکایی برای دادن گزارش آنچه که در جریان است به مأمور امنیتی سفارت آمریکا زمانی گرفته شد که وقوع حادثه‌ای خاص جریان را به نحو نگران‌کننده‌ای در معرض دید قرار داد. فاتیف یک روز به او معادل ۶۰ دلار آمریکایی پول نقد اتریشی داد و توضیح داد که این پول از جانب دوست روزنامه‌نگار - که هویتش فاش نشده بود - بابت «کاری» که او انجام داده بود، پرداخت شده است. فاتیف همچنان به او وعده داد که اگر او به نوشتن برای شورویها ادامه دهد پرداخت‌های دیگری صورت خواهد گرفت. هنگام پرداخت فاتیف از دانشجوی آمریکایی خواست که یک قبض رسید امضاء شده به او بدهد. دانشجوی آمریکایی هنگام نقل داستان خویش به زحمت می‌توانست باور کند که او برای مدت چندین ماه از سوی یک مأمور اطلاعاتی که در درجه اول اهداف آمریکایی مد نظرش بوده گول خورده است. این دانشجو هر چند از ماهیت قضیه بی‌خبر بود به نحو منظمی با مأمور اطلاعاتی براساس شرایط نیمه مخفی ملاقات کرده بود و آنچه را که از او خواسته بودند انجام داده و سرانجام پول دریافت کرده و قبض رسید آن را داده بود. اظهار نظر او درباره دادن گزارش بسیار گویا بود: «من اصلاً نمی‌توانم باور کنم این نوع مطالب را که در روزنامه‌ها می‌خوانیم و فکر نمی‌کنیم که درباره ما هم ممکن

است اتفاق بیفتد، من اکنون می‌توانم آن را ببینم ولی هنوز هم از بعضی لحاظ باور کردن اینکه من در این ماجرا آلوده بودم دشوار است.... این امر برای چند هفته نبود بلکه تقریباً یک سال ادامه داشت.»

در ارتباط با ماجرای فوق لازم است خاطر نشان شود که دانشجویان آمریکایی در خارج گاهی دربارهٔ پرورش شوروی در مراحل اولیه آن ظنن می‌شوند ولی هنگامی که از مقامات آمریکایی در این باره اطلاعی ندارند و درباره مسائل امنیتی چندان هوشیار نیستند توصیه‌های اشتباهی را دریافت می‌کنند. در یکی از چنین مواردی یک دانشجوی آمریکایی به طور منظم مبالغ قابل ملاحظه‌ای از یک دانشجوی مبادله‌ای شوروی برای ترجمهٔ مقالات از مطبوعات محلی به زبان انگلیسی دریافت می‌کرد. او از یک مأمور کنسولگری آمریکا پرسید که آیا چنین ترتیبی ایرادی ندارد. دربارهٔ این پرسش در مدارک رسمی چیزی ثبت نشده و در آن زمان به مأمور امنیتی سفارت گزارش داده نشد. ماجرا هنگامی برملا شد که ماهها بعد دانشجوی آمریکایی بازگشته و گزارش داد که شورویها می‌خواستند او را به عنوان یک عامل اطلاعاتی شوروی به کار گیرند. اگر این آمریکایی در همان دیدار اول مراتب را به مأمور امنیتی سفارت گزارش داده بود، می‌توانست راهنمایی صحیحی دریافت کند. مأمور کنسولگری نتوانسته بود این مطلب را درک کند که هیچ دانشجوی شوروی در غرب نیاز مشروع برای ترجمه مطالب مندرج در مطبوعات یا پول برای پرداخت بابت این ترجمه از سوی خود ندارد.

#### تأسیسات اطلاعاتی شوروی درباره هدفهای آمریکایی در خارج

«در کشورهایی که تجمع آمریکاییان، که از لحاظ اطلاعاتی جالب باشند، وجود دارد، تأسیسات ما در محل به طور منظم شرایط کار آنها را مطالعه می‌کنند و در پی راههایی هستند تا با آنها تماس برقرار کنند. ما از منابع عمال خود و تماسهای شخصی و سایر شکلهای نظارت درباره کارمندان و الگوهای کار در داخل تأسیسات آمریکایی و وضع حقوقی و استخدامی آنها و همچنین الگوهای رفتاری و موضع‌گیری نسبت به تماس با شورویها به عنوان آماجهای انفرادی خودمان اطلاعات جمع‌آوری می‌کنیم.»

#### اتباع شوروی

هر چند ژنرال الکساندر میخایلوویچ ساخاروفسکی، رئیس مدیریت خارجی کا. گ. ب. از قرار معلوم در یک رهنمود سال ۱۹۶۱ به همه نمایندگی‌های مستقر در کشورهای خارجی گله کرده بود که مأمورین کا. گ. ب. با گسترش تماسهای خود با آمریکاییها خود را در معرض دید آنها قرار داده و به صورت هدفهای ضد اطلاعاتی آنها قرار می‌گیرند، کاملاً روشن است که در عمل مأمورین اطلاعاتی شوروی در سراسر جهان در پی تماسهای شخصی با آماجهای بالقوه برای به کارگیری هستند. نمونه‌های از این واقعیت در این رساله داده شده است و نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که متعددتر از آن است که در اینجا بدون پیچیده‌تر کردن مطلب ذکر شود.

در قسمتهای اولیه این رساله خاطر نشان شده بود که در سالهای اخیر، مأمورین کا. گ. ب. دیده شده‌اند که گاهی در اقصی نقاط کره زمین کوششهای خود را علیه آمریکاییها در خارج متمرکز می‌کنند. این اشخاص که از لحاظ دانش زبان کاملاً واجد شرایط بوده و با زندگی و خصوصیات آمریکا آشنا هستند در بسیاری از موارد آماجهایی را که با آنها کار می‌کنند مستقیماً پرورش می‌دهند، گاه به گاه در



مراحل اولیه پرورش آنها از یک پرچم جعلی استفاده می‌کنند. بدین معنی که خودشان را کانادایی یا اتباع کشورهای اروپایی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند، معرفی می‌نمایند. برای نمونه در هند که یک محیط فعالیت فشرده کا.گ.ب. علیه آمریکاییها است، لااقل یک کارشناس با تجربه متخصص در امور آمریکا در رابطه با تماس مستقیم با پرسنل مورد آماج قرار گرفته آمریکایی در هر یک از سالهای دهه قبل حضور داشته است. در جریان بخشهایی از این مدت چندین نفر از این پرسنل همزمان حضور داشتند. یکی از مأموران بخش آمریکا با سه مأمور آمریکایی در تماسهای اجتماعی گرفتار بود و شخصاً یک منشی رمز و چندین کارمند عادی دیگر آمریکایی را پرورش می‌داد. یکی دیگر با لااقل ۸ مأمور آمریکایی از جمله یک مأمور خدمات خارجی و یک منشی رمز تماس داشت. یک نفر سومی مناسبات پرورشی لااقل با ۷ نفر مأمور آمریکایی در مقوله‌های مختلف و همچنین تعدادی آمریکایی غیررسمی داشت. یک نفر چهارمی که دور از دهلی نو مستقر شده بود مشاهده شده بود که در پرورش شخصی آمریکاییها فوق‌العاده فعال است.

هنگامی که سابقه مأمورین شناخته شده بخش آمریکایی کا.گ.ب. را به سابقه سایر پرسنل اطلاعاتی شوروی مشکوک (روی هم رفته بیش از ۳۰ نفر) که مستقیماً در عملیات علیه آمریکاییها در هند در یک زمان شرکت داشتند اضافه کنیم، شواهد ناراحت کننده‌تر می‌شود. تماسهای اطلاعاتی شوروی با عمق و طول زمانی مختلف تقریباً با ۷۰ مأمور آمریکایی به اضافه لااقل ۱۸ «کارمند جزء» و مأمور فنی (از قبیل منشی رمز و نگهبان و سکرترها) و لااقل ۲۵ نفر اتباع خصوصی آمریکا برقرار شده بود. تعداد دهها تماس شامل پرورش مستقیم بود که به ویژه بسیار فشرده به شمار می‌رفت. علاوه بر افسران ستاد که در زیر پوشش دیپلماتیک یا سایر پوششهای رسمی در غرب کار می‌کنند، دستگاه اطلاعاتی شوروی هنگام کار علیه آمریکاییان مقیم خارج از به کار گرفتن افراد غیرقانونی نیز استفاده می‌کند. همان طور که قبلاً گفته شد اینها مأمورین غیرقانونی شوروی هستند که با کارت شناسایی غیر شوروی مجهز به مدارک کامل و در عین حال قلابی به عنوان شهروندان سایر کشورها می‌باشند.

بعضی از آنها در غرب سالهای سال فعالیت دارند و سرگرم انواع مختلف فعالیتهای مشروع استتاری که با مأموریت اطلاعاتی آنها وفق داده شده است، می‌باشند. مثلاً سرهنگ دوم یوگینوویچ رونگ، مأمور کا.گ.ب. و یک فرد غیرقانونی که در ماه اکتبر سال ۱۹۶۷ در آلمان به مقامات آمریکایی پناهنده شد، خود را برای مدت ۱۲ سال با نهایت موفقیت به عنوان یک شهروند آلمانی و یک بازرگان تراز پایین که خود کارفرمای خویش بود معرفی کرده بود. کار او برایش پوشش مناسبی بود و قدرت تحرک و فرصت کافی مورد احتیاج را به او می‌داد تا یک شبکه مهم آلمانی را رهبری کند.

افراد غیرقانونی که در غرب زندگی می‌کنند ممکن است با استفاده از سمت پوششی خود یا اوضاع اجتماعی طبیعی تماسهای قابل قبول با آمریکاییهایی که از لحاظ اطلاعاتی جلب توجه می‌کنند برقرار کنند. آنچه که بعداً اتفاق می‌افتد تابع الگوی معینی نیست. فرد غیرقانونی ممکن است به عنوان یک ردیاب و ارزیاب مشکوک وارد میدان شده و فرد آمریکایی را که آماج او قرار گرفته است به مرحله‌ای برساند که تنها یک گام با کوشش به کارگیری فاصله داشته باشد. در این هنگام شخص دیگری که ممکن است یک فرد غیرقانونی یا یک تبعه معمولی شوروی با سمت رسمی باشد، در اوضاع و احوالی که هیچ گونه سوءظنی ایجاد نمی‌کند، وارد صحنه شده و انجام عملیات را به عهده بگیرد و آن را به پایان برساند. در

زمانهای دیگری تنها یک فرد غیرقانونی ممکن است عملیات را از طریق همه مراحل از ردیابی تا به کارگیری اداره کند.

در بعضی اوضاع، یک فرد غیرقانونی شوروی ممکن است برای کوشش در به کارگیری یک آمریکایی که دستگاه اطلاعاتی شوروی در مورد او اطلاعات دارد و لافل تا اندازه‌ای ارزیابی شده است از اتحاد جماهیر شوروی اعزام شود این نوع فرد غیرقانونی ممکن است خود را به عنوان یک توریست از یک کشور غربی و یا یک روزنامه‌نگار آزاد و یا بازرگان سیار و یا نماینده یک سازمان خیالی برای پیشبرد صلح جهانی یا آرمان با ارزش دیگر معرفی کند. پوشش او به طور کلی سطحی است و هر چند برای ایفای نقش خویش دارای مدارک کافی است، او بی‌میل خواهد بود از اینکه درباره سابقه و شغل خویش عمیقاً مورد سؤال قرار گیرد. یک تبعه یکی از کشورهای اروپای شرقی که در ماجرای که قبلاً نقل شد ظاهراً به عنوان تبعه آفریقای جنوبی تغییر تابعیت داده بود کوشیده بود تا یک کارشناس ارتباطاتی و مخابراتی وزارت امور خارجه را که دارای ریشه قومی یکسان با وی بود، استخدام کند. وی یک فرد غیرقانونی و احتمالاً از نوع تک مأموریتی بود.

دستگاه اطلاعاتی شوروی اغلب از سایر اتباع شوروی در خارج در عملیات علیه آمریکاییها استفاده می‌کند. اینها اتباع شوروی می‌باشند نه اعضای کا.گ.ب. یا جی.آر.یو که سمتهای مشروع آنها در کشورهای خارجی، از قبیل استعداد آنها در تکلم به زبان انگلیسی و تحرک بازرگانی و مناسبات اجتماعی آنها یا تخصص فنی آنها، به آنها این امکان را می‌دهد تا بعضی از وظایف را براساس مأموریتهای نیمه وقت جهت یکی از دو دستگاه کا.گ.ب. یا جی.آر.یو انجام دهند. به کارگیری دانشجویان مبادله‌ای اصیل، بدین طریق قبلاً خاطر نشان شده است. سایر مقوله‌ها شامل خبرنگاران خارجی شوروی در سمتهای مشروع، دانشمندان و کارشناسان بازرگانی خارجی در وزارت امور خارجه می‌باشند. عادیترین نقش آنها عبارت است از ردیابی و ارزیابی آمریکاییانی که با آنها تماس عادی مکرر دارند. گزارشهای آنها درباره چنین تماسهایی به رئیس محلی کا.گ.ب. یا جی.آر.یو تسلیم می‌شود و به دقت تجزیه و تحلیل می‌گردد و به عنوان شالوده‌ای برای برنامه‌ریزی عملیات به کارگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرد روسی اولیه ممکن است آنگاه برای معرفی تحت یک بهانه پذیرفتنی یا یک مأمور اطلاعاتی و یا یک عامل به آن فرد آمریکایی که مشمول هدف قرار گرفته به کار رود.

#### مأمورین اطلاعاتی سایر کشورهای بلوک کمونیست

دستگاههای اطلاعاتی کشورهای بلوک کمونیست در اروپای شرقی علیه آمریکاییها در خارج، در تعقیب هدفهای ویژه خویش، به ویژه هنگامی که منشأ قومی یک مأمور و کارمند آمریکایی متعلق به اروپای شرقی باشد فعالیت دارند ولی همچنان که قبلاً خاطر نشان شده است شواهدی در دست است که دستگاههای کشورهای بلوک کمونیستی اروپای شرقی هر جا که در خارج از این محیط نماینده دارند تنها بخشی از فعالیت خود را به منافع شوروی اختصاص می‌دهند. ماجرای منشی آرشو سفارت آلمان فدرال و نامزد قلبی آمریکایی او که قبلاً به تفصیل ذکر شد، نشان دهنده مشارکت دستگاه اطلاعاتی آلمان شرقی در عملیاتی است که تحت کنترل کا.گ.ب. بوده است.

در چندین نقطه جهان، نمونه‌هایی از واگذاری موقت یک عامل متعلق به این بلوک تحت کنترل مستقیم

دستگاه اطلاعاتی شوروی مشاهده شده است. در یک کشور، شهروند یکی از کشورهای اروپای غربی که از طریق تغییر تابعیت تبعه این کشور شده بود، به عنوان یک عامل از سوی دستگاه اطلاعاتی کشور اصلی او که متعلق به بلوک کمونیستی بود، به کار گرفته شده بود. هر چند دستگاه اطلاعاتی این کشور بلوک کمونیستی نقشه دراز مدتی برای استفاده از این عامل داشت، هنگامی که معلوم شد او به تعدادی از آمریکاییان مورد نظر شوروی دسترسی پیدا کرده است، بلافاصله تحت کنترل مستقیم کا.گ.ب درآمد. او آنگاه منحصراً از سوی شورویها در پشتیبانی از عملیاتی که چندین سال به طول انجامید مورد استفاده قرار گرفت. بعداً در یک کشور دیگر او بار دیگر برای دستگاه اطلاعاتی یک کشور بلوک کمونیستی که زادگاه او بود تغییر شغل داد. به همین ترتیب در یک منطقه غیر اروپایی هنگامی که یک مأمور اطلاعاتی بلوک کمونیست کسب اطلاع کرد که یکی از عمال محلی آن که تا آن زمان علیه آماجهای کشور خودش کار می‌کرد و درسهای خصوصی زبان به یک مأمور آمریکایی می‌داد، این عامل به یک مأمور ستاد بخش آمریکایی کا.گ.ب. واگذار شد. برای مدتی بعد از آن کا.گ.ب. از آن عامل بلوک کمونیستی برای جمع‌آوری اطلاعات درباره این آمریکایی استفاده کرد از آنجایی که درسهای زبان در خانه این آمریکایی انجام می‌گرفت، به این عامل گفته شد تا با خانواده آمریکایی مورد بحث بیشتری دوستی کند تا بتواند دیدارکنندگان از این آمریکایی را تشخیص هویت دهد. همچنین از او خواسته شد تا نقشه تقریبی اتاقهای این خانه را با حداکثر جزئیات تهیه کند (شاید برای اینکه دستگاههای استراق سمع در آن نصب شود) و نمونه‌ای از دست خط این آمریکایی فراهم کند با این بهانه که وی در تجزیه و تحلیل خط مهارت دارد. مأمور کا.گ.ب. نمونه امضای او را در ته یک کاغذ فاقد نوشته لازم داشت و به این عامل آموخته بود که چگونه کاغذ را تا کند به طوری که فرد آمریکایی متوجه نشود که او در زیر یک کاغذ نوشته نشده امضاء می‌کند. (یک چنین نمونه‌ای ممکن بود برای استفاده در عملیات جعل اسناد کا.گ.ب. به کار رود).

همکاری بلوک کمونیستی با دستگاه اطلاعاتی شوروی به طرق دیگر نیز نشان داده شده است. در بعضی کشورها تماسهایی بین مقامات آمریکایی و هم‌تاهای دیپلماتیک شوروی آنها به دلایل سیاسی مربوط به روابط آمریکا با حکومت محلی تشویق نمی‌شود. مناسبات اجتماعی با مقامات بلوک کمونیستی معمولاً کمتر محدود است. مواردی وجود داشته است که در آنها مقامات بلوک کمونیستی از آمریکاییها برای شرکت در جشنهایی دعوت کرده‌اند که در آنها یک مأمور کا.گ.ب. که کارشناس در امور آمریکا می‌باشد شرکت دارد، حضور یک چنین فردی همواره تصادفی نبوده است.

#### اتباع سایر کشورهای بیگانه

هر چند مأمورین اطلاعاتی شوروی در پی تماس مستقیم با آمریکاییها در کشورهای خارج می‌باشند، بسیاری از آمریکاییها که درباره هدفهای شوروی آگاهی و هشیاری دارند، میل ندارند تماس مستقیم با شورویها داشته باشند. از لحاظ غریزی نیز از فرصتهایی که برای چنین تماسهایی پیش می‌آید دوری می‌گزینند. کا.گ.ب. و جی.آر.یو برای غلبه بر چنین دشواری و همچنین برای به تعویق انداختن یا پنهان کردن موجودیت مورد علاقه شوروی بر روی پرورش و دستکاری عمال سایر ملیتها جهت ارزیابی و پرورش و گسترش افراد آمریکایی به منظور به کارگیری بعدی آنها تأکید می‌کنند. یک سند کا.گ.ب. درباره این جنبه از آیین عملیاتی در عبارات زیر اشاره می‌کند:

«تجربه ما از این قرار بوده است که در بعضی از کشورها که در آنها برنامه‌های ضد اطلاعاتی علیه ما وجود دارد.... پرورش مستقیم آمریکاییها از سوی مأموران ما معمولاً چندان مؤثر نیست... در چنین اوضاع و احوالی ترجیح داده می‌شود که از عمال محلی برای پرورش و ارزیابی آمریکاییها برای ما استفاده شود... (مثلاً) هیئت ما در رم تعدادی از این عمال را آموزش داد و به آنها دستور داد تا با آمریکاییان در تأسیسات و واحدهای ویژه دوست شوند و از آنها اطلاعات جمع‌آوری کنند. آنهایی که در بخشهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ارتباطاتی سفارت آمریکا و یا گروه مساعدت نظامی و یا بخش اطلاعاتی (مقصود اطلاعات مطبوعاتی و غیره است - م) آمریکا و نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در ایتالیا کار می‌کنند مشمول این فعالیت می‌باشند.» چند مقوله از اتباع خارجی هستند که به عنوان عمال علیه آمریکاییهای خارجی از سوی کا.گ. ب. و جی. آر. یو. به کار گرفته می‌شوند و در صفحات بعدی این بخش این مقوله‌ها با مثالهای متعدد ذکر خواهد شد.

#### دیپلماتهای جهان سوم

در مسکو هیئت مدیره ضد اطلاعات کا.گ. ب. (مدیریت دوم) مسئول عملیاتی و امنیتی و ضد اطلاعاتی بیگانگان مقیم شوروی یا دیدار کننده از شوروی است. این مدیریت به عنوان یکی از مأموریتهای متعدد خود مسئول تهیه و اجرای برنامه‌های عملیاتی بسیار عظیم و مبارزه جویانه برای رخنه در تأسیسات دیپلماتیک خارجی در مسکو و به کارگیری کادرهای دیپلماتیک خارجی به عنوان عمال شوروی در دوران خدمت آنها در اتحاد جماهیر شوروی است. شرح تفصیلی بسیاری از جنبه‌های این برنامه خارج از گنجایش این رساله است، معذالک می‌توان خاطر نشان ساخت که این برنامه علیه همه کارمندان دیپلماتیک خارجی در حیطه عملیاتی وسیع فنی کا.گ. ب. و منابع آنها در یک محیط کاملاً تحت کنترل می‌باشد. برنامه کا.گ. ب. در طول سالها کاملاً موفقیت آمیز بوده است، یک مأمور اطلاعاتی شوروی که از این کشور فرار کرده، برآورد کرده است که در هر لحظه معین در مسکو کا.گ. ب. لاقلاً دارای یک عامل به کار گرفته در هیئت سیاسی نمایندگی هر یک از کشورهای رو به رشد خاورمیانه، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. کا.گ. ب. همچنین موفقیت چشمگیری در عملیات به کارگیری علیه پرسنل دیپلماتیک اروپایی و سایر کشورهای غربی در مسکو داشته است.

هر چند پرسنل دیپلماتیک خارجی که در مسکو به کار گرفته می‌شوند ممکن است به عنوان منابع اطلاعاتی ارزش بلافاصله داشته باشند، سودمند بودن آنها برای کا.گ. ب. اغلب پس از اینکه آنها خاک اتحاد جماهیر شوروی را ترک می‌کنند، ارزش بیشتری دارد. معمولاً کنترل این اشخاص به مدیریت خارجی کا.گ. ب. واگذار می‌شود و بهره‌برداری دراز مدت از آنها به عنوان عمال شوروی در مأموریتهای بعدی در داخل کشور یا نقاط دیگری در خارج ادامه می‌یابد. آنها علاوه بر خدمت در رخنه کردن در دستگاههای دولتی خود به عنوان عمال شوروی اغلب نقشهایی در عملیات شوروی علیه آمریکاییها در کشورهای خود یا در سایر کشورها ایفا می‌کنند که کشف آنها بسیار دشوار است. آنها به عنوان دیپلماتهای کشورهای بیطرف یا غربی قادرند مناسبات رسمی و اغلب مناسبات نزدیک شخصی با همتاها یا آمریکایی خویش با سهولت بیشتری از نمایندگان شوروی در همان حیطه برقرار کنند. بدین ترتیب مهمترین کمکهای آنها به عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکا عبارت است از تواناییهای آنها در

اوضاع و احوال ظاهراً بسیار عادی برای پرورش و ارزیابی کامل از مأمورین آمریکا به نفع شوروی. آنها همچنین به عنوان کانالهایی جهت معرفی آمریکاییها به مأمورین اطلاعاتی شوروی در زمانها و محلهایی که از سوی شوروی انتخاب می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرند. «همکاری کنندگان» دیپلماتیک از کشورهای بیطرف اعم از اینکه در مسکو به کار گرفته شده باشند و یا در جای دیگری تحت نفوذ شوروی آورده شده باشند، واسطه‌های مطلوبی جهت نزدیک شدن شوروی به آمریکاییها می‌باشند.

محل هر چه باشد، یک ... راه مؤثر برای برقراری تماس با آمریکاییها عبارت است از به طور غیر مستقیم از طریق همکاری کنندگان از کشورهای بیطرف، به ویژه کارمندان سفارت‌های کشورهای بیطرف که در عین حال دارای روابط حسنه با آمریکاییها می‌باشند. نمونه‌هایی از چنین سفارتخانه‌ها را می‌توان سفارتخانه‌های هند و برمه و کشورهای عربی و آمریکای لاتین ذکر کرد. برای برقراری تماس با آمریکاییها بدین طریق مأمورین اطلاعاتی ما در پی برقراری مناسبات همکاری با نمایندگان چنین کشورهای بیطرف هستند. آنچه در زیر خلاصه می‌شود یک نمونه بارز از کار دستگاه اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییها توسط یکی از عمال سطح عالی یک کشور جهان سوم می‌باشد که در مسکو به کار گرفته شد. در این مورد کارفرما - جی. آر. یو - یعنی دستگاه اطلاعاتی نظامی شوروی بود، زیرا این دستگاه قبلاً کارهای مرحله تدارکاتی را برای عملیات به کارگیری در خارج از اتحاد جماهیر شوروی انجام داده بود. بسیاری از خوانندگان شاید با حوادث برجسته کار حرفه‌ای جاسوسی سرهنگ نیروی هوایی سوئد به نام سرهنگ استیگ و نرستروم (Stig Wennerstroem) آشنا باشند. این شخص به مدت ۱۵ سال از عمال موفق جی. آر. یو. تا زمان دستگیری خود در سال ۱۹۶۳ بود و در دادگاه به حبس ابد محکوم شد.

او به خاطر لو دادن سیستم دفاع هوایی سوئد به شورویها که باعث خسارت سنگینی به کشورش شده، معروف است. همچنین در مورد بخشی از زندگی حرفه‌ای او (۵۷-۱۹۵۲) یعنی زمانی که به عنوان وابسته هوایی سوئد در آمریکا به سر می‌برد و حدود دهها هزار نشریه فنی آمریکایی و اسناد نظامی را که بسیاری از آنها دارای طبقه‌بندی خیلی محرمانه بود جمع‌آوری کرده و به صورت میکروفیلم در اختیار اربابان روسی خود قرار داده بود و در همان حال در جوامع اجتماعی و دیپلماتیک واشنگتن نیز توانسته بود راه پیدا کند، مطالب بسیار منتشر گردیده است. مطالعات منتشره، بیشتر این شخص را از جنبه روان‌شناسی مورد مطالعه قرار داده، او را به عنوان مردی که یکی از مقامات حرفه‌ای مستعد و عاری از عیب و نقص یک کشور «بیطرف» است نشان داده‌اند که در پس چهره‌اش دنیایی از تخیلات والترمیتی و تمایل به شهرت شخصی مداخله در اموری که به جهان شکل می‌بخشند وجود دارد. این خصوصیات نقاط ضعف مرگبار شخصیت او بودند که جی. آر. یو. به نحو صحیحی در اواخر دهه ۱۹۴۰ یا شاید قبل از آن تجزیه و تحلیل کرده بود و با پاداش مالی جبران می‌کرد. معذالک آنچه که به موضوع این رساله مربوط می‌شود، جنبه «آمریکاییهای مقیم خارج» در ماجرای و نرستروم می‌باشد که در سراسر آن از ابتدا تا پایان گنجانده شده است. در هنگام به کارگیری رسمی او در سال ۱۹۴۹ در مسکو که او به عنوان وابسته هوایی سوئد در آنجا کار می‌کرد به او گفته شده بود که شورویها با سوئد کاری ندارند و سر و کار آنها با ایالات متحده آمریکا است که همه منابع و امکانات شوروی بر علیه آنها باید به کار رود. از نخستین روز زندگی حرفه‌ای او تحت فرمان جی. آر. یو. ابتدا در مسکو و سپس در استکهلم و آلمان و اسپانیا (و البته ایالات متحده) فعالیت او متوجه آمریکاییها بود. نخستین مأموریت و نرستروم عبارت بود از نزدیکترین تماس ممکن با سفارت

آمریکا در مسکو، زیرا شورویها در سال ۱۹۴۹ مسکو را به عنوان پایگاه اساسی کلیدی در اتحادیه ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) تلقی می‌کردند.

از ورنستروم تقاضا شده بود تا اسامی و سمتها و جزئیات شرح حال و زندگی و خصوصیت‌های اخلاقی شخصی پرسنل سفارت آمریکا را فراهم کند و این مأموریتی بود که او به آسانی می‌توانست انجام دهد زیرا او بسیاری از دیپلماتها و افسران نظامی سفارت آمریکا را می‌شناخت و بعضی از آنها در سوئد خدمت کرده بودند. چنان که خود ورنستروم پس از دستگیری گفته بود: «من به سرعت وارد سفارت آمریکا شدم. این سفارت یک موقعیت مشخصاً مسلط در میان هیئت‌های نمایندگی سیاسی خارجی در مسکو داشت و اگر یکی ورود به این سفارت را برای خود امکان‌پذیر ساخت بقیه (اطلاعات مورد توجه برای شورویها) به خودی خود به دست می‌آمد.» ظاهراً چنین به نظر می‌رسید که به برکت «اعتماد» همناهای آمریکایی، او را آن چنان که ظاهراً می‌نمود بدون هیچ‌گونه سئوالی پذیرفته بودند.

ورنستروم اطلاعاتی نه تنها درباره پرسنل جمع‌آوری می‌کرد، بلکه همچنین اطلاعات دیگری درباره «فرماندهی استراتژیک هوائی» که به تازگی تأسیس شده بود (و درباره آن شورویها خواستار اطلاعاتی بودند)، از جمله مناطق آماجی فرماندهی استراتژیک هوائی در داخل اتحاد جماهیر شوروی در صورت بروز جنگ را در اختیار شوروی قرار می‌داد. در سال ۱۹۵۷ ورنستروم از واشنگتن به استکهلم بازگشت (مأموریت او در ایالات متحده به طوری که کسب اطلاع شده یک پاداش پیش‌بینی نشده برای شورویها بود) و تا زمان بازنشستگی از انجام وظیفه فعال نظامی، در سال ۱۹۶۱ عضو فرماندهی دفاعی سوئد شد. در این دوره آنچه که درباره ایالات متحده از سوی شوروی خواسته می‌شد همچنان اهمیت داشت. به دستور جی. آر. یو. او موظف شد تا ارتباطات صمیمانه را با پرسنل نظامی سفارت آمریکا حفظ کند. بار دیگر انجام این مأموریت برای ورنستروم بسیار آسان بود زیرا او محبوبیت خاصی در میان آمریکاییها داشت و به طور منظم در همه امور اجتماعی سفارت آمریکا شرکت می‌کرد. ورنستروم به عنوان کارمند فرماندهی دفاع سوئد توانسته بود نشریات حجیمی را که درباره هواپیماها و تجهیزات نظامی آمریکا به دست آورده و میکروفیلم آن را تهیه کند.

در سال ۱۹۵۸ از ورنستروم دعوت شد تا چند روزی را به عنوان میهمان یک دوست نزدیک که یک ژنرال برجسته در ستاد نیروی هوائی آمریکا بود در شهر ویسبادن در آلمان بگذراند.

شورویها اصرار داشتند که او این دعوت را بپذیرد و حتی زمان دقیق دیدار او را در ماه ژوئیه تعیین کردند. به او دستور داده شد تا درباره سرکشی از فرودگاه نظامی زحمتی به خود راه ندهد (می‌توان نتیجه گرفت که شورویها این قسمت از اطلاعات را در دست داشتند) بلکه در نزدیکی میزبان خود باقی مانده و هر حادثه جالب توجهی را که اتفاق بیفتد گزارش دهد و این شاید نشان می‌داد که جی. آر. یو. دلیل کافی داشت تا معتقد باشد که اتفاقی خواهد افتاد و چنین اتفاقی در واقع صورت گرفت. اندکی قبل از عزیمت ورنستروم (به او گفته شده بود که مستقیماً به عنوان توریست برای شرکت در یک ملاقات مخفی با ژنرالی که فعالیت جاسوسی او را کنترل می‌کرد به بخش برلن شرقی برود)، میزبان او در ویسبادن قرار بود به طور ناگهانی با هواپیما رهسپار ترکیه شود، به گفته عامل سوئدی هنگامی که ورنستروم این حادثه را در برلن شرقی گزارش داد «ژنرال» شوروی فوراً اتاق را ترک کرد و «ظاهراً قصد داشت تلگرافی به مسکو بفرستد.» ورنستروم تنها بعداً کسب اطلاع کرد که این پرواز ناگهانی میزبان او به ترکیه با تدارکات آمریکا

جهت مداخله نظامی در بحران لبنان ارتباط داشته است.

بار دیگر در سال ۱۹۵۸ هنگامی که ونرستروم به شورویها گفت که بعضی از آمریکاییهایی که با او تماس داشتند به اسپانیا رفته‌اند به او دستور داده شد تا مرخصی خود را در آن کشور گذرانده و تماسهای خود را تجدید کند و حداکثر اطلاعات را درباره فرماندهی استراتژیک و تأسیسات اسپانیا به دست آورد. (جی. آر. یو) به او توضیح داد که به علت نبودن یک هیئت شوروی در اسپانیا جمع‌آوری اطلاعات از این کشور دچار محصه شده است). ونرستروم بعداً درباره این سفر گفت: «من متوجه شدم که علاقه شورویها درباره کار من در سوئد کاهش یافته است... و تأکید اکنون بر روی امکان گماشتن من در اسپانیا به نحوی از انحاء است.»

این تأکید در عمل تا مدتی به حال رکود قرار داشت زیرا ونرستروم دست به فعالیت جاسوسی علیه کشور خود زد که نتایج فلاکت‌باری را برای سوئد داشت. او می‌توانست به اسناد طبقه‌بندی شده سوئدی و آمریکایی، درباره اطلاعات نظامی حتی بعد از بازنشستگی در سال ۱۹۶۱ از طریق به دست آوردن کار جدیدی به عنوان مشاور تسلیحاتی وزارت امور خارجه سوئد دسترسی داشته باشد. معذالک شورویها ظاهراً تدارکات دراز مدتی را برای گماشتن او در اسپانیا پس از بازنشستگی کامل او در سال ۱۹۶۴ می‌دیدند. آنها در این باره چندین بار صحبت کردند و تنها چند روز قبل از دستگیری او در ماه ژوئن ۱۹۶۳ مبلغ هنگفتی پول برای انجام یک سفر اکتشافی به اسپانیا در اختیار او گذاشتند. ونرستروم بعداً اعتراف کرد که در این سفر او قرار بود براساس دستور جی. آر. یو تصمیم بگیرد که چه تماسهای آمریکایی برای بهره‌برداری بعدی باید برقرار کند. متحمل به نظر می‌رسد که شورویها در فکر آن بودند که ونرستروم بعد از بازنشستگی در جنوب اسپانیا و در نزدیکی پایگاه زیر دریایی آمریکایی پلاریس در روتا که از قرار معلوم از مناطق آماجی اطلاعاتی شوروی برخوردار از اولویت بود بگذراند. این فرضیه براساس ادای شهادت ونرستروم می‌باشد، مبنی بر اینکه مأموریت نهایی پیش‌بینی شده‌ی او عبارت از جمع‌آوری اطلاعات دریایی و به ویژه کوشش در تشخیص مناطق آماجی جماهیر شوروی مربوط به موشکهای پلاریس آمریکا بود.

### شهروندان محلی

مسلم است که سرویس اطلاعاتی شوروی در تهیه اطلاعات مربوط به وضع استخدای و نحوه رفتارهای مشخص آمریکاییان مورد نظر و حالات فردیشان در تماس با شورویها شدیداً بر شهروندان محلی هر کشور در خارج یعنی محللهایی که هم روسها و هم آمریکاییها در آن استقرار یافته‌اند متکی است. به استثنای کارمندان محلی تأسیسات آمریکا (مقوله‌ای که بعداً به طور جداگانه مورد بحث قرار خواهد گرفت) شهروندان کشورهای میزبان بر یک اساس بی‌خبری به کار گرفته شده و گاهی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا از عملیات علیه پرسنل آمریکایی مستقیماً پشتیبانی کنند. نقش عمده آنها عبارت است از، ردیابی و ارزیابی آمریکاییهایی که با آنها براساس اجتماعی یا رسمی در تماس می‌باشند. همان طوری که در یک سند کا. گ. ب. گفته شده است: «در مواردی که اطلاعات پیشرفته حاکی از آمادگی یک نفر آمریکایی برای همکاری با ما براساس ایدئولوژیک سیاسی یا مادی وجود دارد و یا اطلاعات حساس ممکن است به دست آید ما قادر هستیم قبل از تماس شخصی گامهای ویژه‌ای را برای جلب او در برقراری

رابطه به عنوان عامل برداریم.»

در واقع شهروندان محلی جزء مکملی از هر شبکه عمال شوروی به شمار می‌آیند که هر هیئت کا.گ. ب. و جی. آر. یو. در کشورهای مختلف انتظار می‌رود به عنوان پشتیبانی از هدفهای کلی دستگاه اطلاعاتی خارجی شوروی در هر کشور این شبکه را برقرار کند. تا آنجایی که مربوط به آماج آمریکایی باشد، شهروند محلی که عامل شوروی است ممکن است یک کارمند بار، یا یک پیشخدمت در محلهایی باشد که آمریکاییها اغلب از آنجا دیدار می‌کنند، یا یک ماشین شوی کنار خیابان در نزدیکی سفارت آمریکا، یا یک فروشنده روزنامه‌ها در کیوسکهای نزدیک به تأسیسات آمریکا یا یک نماینده آژانس توریستی، یا یک واسطه بنگاه معاملات ملکی که آمریکاییها برای یافتن مسکن به او مراجعه می‌کنند، یا یک کارمند دولت با آمریکاییها سر و کار دارد و یا شخصی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی مقام برجسته‌ای دارد و از آمریکاییها پذیرایی می‌کند و در محافلی که آمریکاییها به آن مراجعه می‌کنند مرادده دارد، باشد و فهرست چنین اشخاص تقریباً پایانی ندارد.

در این مرحله بجاست این واقعیت را که درباره آن چندان بحث نشده تأکید کنیم که شیوه دستگاههای اطلاعاتی شوروی در خارج این است که «بارها» و کافه‌هایی را که آمریکاییها بیشتر در آنها پرسه می‌زنند جزء هدفهای آمریکایی شوروی تشخیص دهند و همچنین منشیهای رمز و تفنگداران دریایی و منشیها و کارمندان آرشیو تأسیسات دیپلماتیک نظامی و رسمی آمریکایی نیز جزء این هدفهای اطلاعاتی شوروی می‌باشند. برای شورویها گماشتن عمال محلی در چنین محیطی بسیار آسان است زیرا این عمال سوءظن آماجهای خود را بر نمی‌انگیزند بلکه قادرند با آمریکاییهایی که در نتیجه صحبت‌های آنها و رفتارهای آنها فاش می‌کنند که در بازار سیاه کار می‌کنند یا آنکه در قرض فرو رفته‌اند و یا معشوقه‌های متعدد دارند و یا آنکه بیش از اندازه مشروبات الکلی مصرف می‌کنند و یا اینکه در محل کارشان سرخوردگی پیدا کرده‌اند و یا آنکه از بالا سرهای خودشان ناراضیند تماس برقرار کرده و آنها را ردیابی می‌کنند. این چنین اشخاص و نقاط آسیب‌پذیر آنها، به سرعت برای مأمورین اطلاعاتی شوروی آشکار می‌شود و آنها به خودی خود به صورت آماجهایی برای فعالیت مورد توجه شوروی قرار می‌گیرند.

ماجرای یک صاحب رستوران در پایتخت یکی از کشورهای خارجی که سالها به عنوان یک عامل یا احتمالاً یک ابزار بی‌خبر، محیط منحصر به فردی را برای کا.گ. ب. جهت ردیابی و ارزیابی و گشودن باب دسترسی مستقیم به کارمندان سفارت آمریکا که در حد اعلای اولویت اطلاعاتی قرار گرفته‌اند، نشانگر ارزش اتباع محلی از نظر دستگاه جاسوسی شوروی در مرحله عملیاتی آنها علیه آمریکاییها می‌باشد. این صاحب رستوران که دارای ثروت اندکی بود و از لحاظ اجتماعی در میان سطوح جوانتر کارمندان مورد توجه هیئتهای دیپلماتیک بود، یک شرکت آذوقه‌رسانی برای هیئتهای دیپلماتیک از جمله سفارت شوروی تأسیس کرده بود. هم رستوران و هم خانه شخصی او محل مرادده شورویها و از جمله سه نفر از کارمندان کا.گ. ب. که مأمور بخش آمریکایی آن بودند قرار گرفته بود و او از آنها در نهایت دست و دلبازی پذیرایی می‌کرد. صاحب رستوران که زنان آمریکایی برای او شدیداً جذابیت پیدا کرده بودند و شاید این جذابیت زنان آمریکایی به دستور شورویها بود با تعدادی از منشیهای رمز آمریکایی ترتیبات ملاقاتی را فراهم کرده بود و از طریق این منشیها عملاً همه پرسنل بخش ارتباطات سفارت آمریکا را به محفل اجتماعی خود جلب کرده بود. مأموران کا.گ. ب. که تقریباً همیشه در این گونه جشنها حاضر بودند



فرصت کافی برای مطالعه در نهایت فراغت درباره آماجهای بالقوه خود داشتند. یکی از این منشی‌های رمز که یک زن مطلقه بود یکی از هدفهای فعال دستگاه اطلاعاتی شوروی قبل از منتقل شدن از این منطقه قرار گرفته بود. یکی از مأمورین کا.گ.ب. موفق شد با او قرار ملاقاتی بگذارد (این زن در آن زمان جریان ملاقات را گزارش نداده بود) و یکی از کارمندان غیر دیپلماتیک سفارتخانه یک کشور بیطرف که بعداً اعتراف کرد که در خدمت کا.گ.ب. به عنوان عامل قرار گرفته بود مأموریت یافت که این زن را پرورش داده و او را اغوا کند ولی در مأموریت خود شکست خورد.

### کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی

از آنجایی که پرورش آمریکاییهای برگزیده جهت به کارگیری ایجاب می‌نمود که مأمورین اطلاعاتی شوروی بهترین تصویر ممکن را از کار و طرز رفتار فرد آمریکایی و چگونگی او داشته باشند، کا.گ.ب. خواهان اطلاعات درباره پرسنل آمریکایی سفارتخانه‌ها و سایر تأسیسات رسمی آمریکایی از همه منابع و از جمله کارمندان محلی غیر آمریکایی بود. دامنه این کوشش شورویها چنان وسیع است که باید تصور شود که در میان کارمندان محلی در اغلب سفارتخانه‌ها و تجهیزات نظامی آمریکا عمال شوروی وجود دارند.

به محض اینکه کارمندان محلی به استخدام شوروی درمی‌آیند از آنها خواسته می‌شود که افراد آمریکایی را که به آنها دسترسی دارند توصیف کنند و وظایف و عادات کار و برنامه‌های روزمره و خصوصیات اخلاقی شخصی و موضع‌گیریهای آنها و طرفهای مراوده آنها و نقاط ضعف و آسیب‌پذیری شخصی آنها را تا آن اندازه که ممکن است تشریح کنند.

علاوه بر این از کارمندان محلی که عمال شوروی شده‌اند خواسته می‌شود تا شماره‌های تلفن آنها و نقشه مسکن آنها و فهرست کارمندان و نمونه‌هایی از تمبرهای طبقه‌بندی شده و لوازم‌التحریر را برای شورویها تهیه کرده و روشهای تأسیسات و وظایف و عادات انبارداری اسناد و غیره را تشریح کنند. کارمندان محلی که به طور نهایی در استخدام شوروی قرار گرفته‌اند توانائی آن را دارند تا دستگاههای الکترونیکی استراق سمع را به نمایندگی از کارفرمایان شوروی خود در محل‌های مورد تقاضا نصب کنند. دستگاه اطلاعاتی شوروی کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی را به عنوان افرادی آسیب‌پذیر در قبال به کارگیری شوروی تلقی می‌کنند. هر چند شورویها کاملاً مطلعند که این کارمندان معمولاً براساس معیارهای محلی حقوق خوب می‌گیرند و علاقمند به حفظ کار خود هستند. دستگاههای اطلاعاتی شوروی در ردیابی و جمع‌آوری اطلاعات درباره کارمندان محلی که نامزد به کارگیری هستند در جستجوی افرادی هستند که بیشتر علاقه‌مند به پول باشند تا اینکه با سیاست آمریکا هماهنگی داشته باشند، یا اینکه اشخاصی باشند که از سرنوشت خود به علت اینکه در یک پایه مساوی با همتای آمریکایی خود در آن مؤسسه قرار نگرفته‌اند ناراضی می‌باشند، یا اینکه افرادی باشند که آنها را بتوان به نحوی در وضع ناهنجاری قرار داد و این شخص از ترس بر ملا شدن وضع خود به استخدام آنها درآید.

در کوشش برای به کارگیری کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی، شورویها یک اهرم تلقینی نیز به جای فریب پول و سایر اشکال پاداش در اختیار دارند و این عبارت است از اینکه در بیشتر کشورها قوانین جاسوسی فقط علیه دولت محلی به مورد اجرا گذاشته می‌شود و هیچ قانونی درباره یک کارمند محلی که

درباره پرسنل آمریکایی به شوروی گزارش دهد یا اینکه اسناد آمریکایی را به شورویها گزارش دهد وجود ندارد. کارمند محلی در صورتی که با شورویها همکاری کند فقط کار خود را از دست می‌دهد و هیچ‌گونه امکانی برای اقدام قانونی از سوی دولت محلی علیه او وجود ندارد. در این ارتباط جالب است خاطر نشان سازیم که اخیراً در چند کشور غربی، مأمورین اطلاعات شوروی با بی‌اعتنایی نسبت به نقض سنت، سمتهای پوششی خود را برای مأمورین دولت محلی فاش کرده و علناً اعتراف کرده‌اند آنها کار اطلاعاتی انجام می‌دهند. در کشورهایی که این کار صورت گرفته همراه با این اطمینان بوده که فعالیت اطلاعاتی شوروی لازم نیست که نگرانی دستگاههای امنیتی دولت محلی را برانگیزد زیرا آنها تماماً علیه آمریکاییهاست (ولی این اطمینان صحت ندارد).

در بسیاری از کشورهای خاورمیانه که جوامع ارمنی در آن وجود دارند آمریکاییها کارمندان ارمنی را استخدام می‌کنند و ارمنیها را نسبت به جوامع دیگر محلی ترجیح می‌دهند و این به علت استعداد جاسوسی و ابتکار ارمنیهاست. این گونه اشخاص آماجهای طبیعی برای به کارگیری از سوی شورویها به شمار می‌روند. در سالهای اخیر در کشورهای لبنان - ایران - مصر - سوریه ماجراهای متعددی به وقوع پیوسته که طی آن افسران اطلاعاتی شوروی با ریشه قومی ارمنی از پیوند مشترک میراث ارمنی استفاده کرده و اغلب از وجود خویشاوندان در اتحاد جماهیر شوروی برای برقراری تماس با کارمندان ارمنی تأسیسات آمریکایی و پرورش این تماسها سود برده‌اند. شواهدی در دست است که به موجب آن تعدادی از این کارمندان با موفقیت مورد استفاده کا.گ.ب. قرار گرفته‌اند.

این واقعیت که کا.گ.ب. همچنین در سایر زمینه‌ها موفق بوده است در ماجرای مذکور در ذیل نشان داده می‌شود.

یک فاسق پایه سن گذارده و حسود از روی حس انتقام تصمیم گرفته بود که معشوقه ۳۳ ساله بلژیکی را کاملاً متکی به خود نگهدارد. این شخص در ماه آوریل ۱۹۶۷ عملیات کا.گ.ب. را که مدت پنج سال ادامه داشت بر ملا کرده و موفق به رخنه در سفارت آمریکا در تونس و بلژیک شده و در پایان، مأموریت یافته بود در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا رخنه کند.

در نتیجه یک مأمور کا.گ.ب. که به عنوان خبرنگار خبرگزاری تاس شوروی در بروکسل مأموریت یافته بود دستگیر و از بلژیک اخراج شد. دو نفر از همکاران اطلاعاتی او که آنها نیز در این ماجرا سر و سری داشته‌اند و یکی از آنها وابسته سفارت شوروی و دیگری نماینده فیلمهای شوروی بود به آرامی اطلاع یافتند که ادامه حضور آنها در این کشور دیگر مطلوب نیست.

نه این خیانتکار ۷۰ ساله و نه مأمور اطلاعاتی مؤنث شوروی در این ماجرا هویتشان معلوم نشد. مطبوعات در گزارش مختصر شده خود درباره این زن تنها به نام مادام ایکس اشاره کرده‌اند. با وجود این، این ماجرا شایسته آن است که با تفسیر بیشتر مورد توجه قرار گیرد و نه تنها به عنوان عملیات تکمیلی علیه پرسنل آمریکایی و تأسیسات آمریکایی در خارجه تلقی گردد بلکه به عنوان نشانگر دستکاریهای ماهرانه شوروی علیه آمریکاییها و مداومت صبورانه آنها در قبال مسائلی که کنترل عامل آنها را تهدید می‌کند و در زمانهایی که عملیات به طور موقتی قطع می‌شود می‌باشد.

«مادام ایکس» مادر یک کودک کوچک که اخیراً از شوهرش جدا شده بود در اوائل سال ۱۹۶۲ به تونس رفت تا در کنار پدر ناتنی خود، که یک شهروند بلژیکی بود و برای حکومت تونس کار می‌کرد،

اقامت داشته باشد. او به زودی به عنوان یک منشی و مترجم سه زبانه در مؤسسه زبان بورقیه کاری پیدا کرد و سه ماه بعد متوجه شد که از عمال به کار گرفته اندری نیکولا یویچ زلنین، یک افسر کا.گ.ب. تحت پوشش وابسته سفارت شوروی می باشد.

زلنین ظاهراً برای مطالعه زبان فرانسه ولی عملاً برای بررسی دانشجویان متعلق به ملیتهای مختلف و استفاده از آنها به عنوان عامل نام نویسی کرده بود. زلنین به سرعت از طریق فتح باب بسیار آشنا از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی به «مادام ایکس» مراجعه کرد. او از «مادام ایکس» تقاضا کرد تا به همسرش در خانه آنها درس خصوصی فرانسه بدهد. پس از هر درس منظمی زلنین «مادام ایکس» را به منزل می رساند. هیچ تردیدی نیست که زلنین به سرعت نفوذ بسیار نیرومندی بر روی آماج بلژیکی خود پیدا کرد. از همان لحظه به بعد این زن بلژیکی از لحاظ عاطفی و شاید احساساتی به سوی این مأمور شوروی جلب شد. احساس تعهد شخصی که دستگاه جاسوسی شوروی همواره می کوشد الهام بخش آن باشد بدون شک وجود داشت.

هنگامی که زلنین در ازای اطلاعات او درباره مدرسین و دانشجویان مؤسسه زبان به او پیشنهاد پول کرد، این زن بدون بحث آن را پذیرفت. علاقه زلنین متوجه پرسنل دیپلماتیک و دولتی چندین ملیت و به ویژه آمریکایی و فرانسوی که در این مؤسسه نام نویسی کرده بودند می شد. زلنین می خواست درباره این اشخاص ارزیابی شخصی به دست آورد و او درباره آنها جزئیات نقاط آسیب پذیر و احتیاج به پول، علاقه به امور جنسی و غیره توسط این زن به دست آورد.

در نوامبر ۱۹۶۲ «مادام ایکس» موفق شد کاری در سفارت آمریکا در تونس به دست آورد و این امر زلنین را بسیار شادمان ساخت. او ابتدا در بخش حمل و نقل خدمات عمومی قرار گرفته ولی به زودی سمتهای جالبتری به دست آورد. (البته از نقطه نظر کا.گ.ب.) و آن سمت اپراتور و مأمور پذیرایی بود. مدت هفت ماهی که او کارمند سفارت آمریکا بود نیازهای زلنین را که شامل نقشه های مختصری از دفاتر سفارت و نامهای اشغال کنندگان آن و اطلاعاتی درباره همه کارمندان سفارت آمریکا بود برآورده می کرد. زلنین بر روی بعضی مقوله ها از قبیل مأمور امنیتی، منشی آمریکایی، پرسنل دفتر وابسته نظامی و پرسنل اطلاعاتی و ارتباطاتی تأکید ویژه داشت.

هر چند «مادام ایکس» قرار بود از کار خود در سفارت آمریکا در تونس استعفا داده و در ماه ژوئیه ۱۹۶۳ برای تکمیل روندهای حقوقی و قانونی به مناسبت طلاق رسمی خود به بلژیک بازگردد. زلنین عملاً زودتر از این زن تونس را ترک کرد و مأمور سفارت در الجزیره گردید. معذالک قبل از اینکه زلنین تونس را ترک کند وی این زن بلژیکی را به یک مأمور جدید شوروی به نام یوگنی گورگبیویچ موراتوف، که یک مأمور کا.گ.ب. تحت پوشش دبیر سوم سفارت شوروی در تونس بود، واگذار نمود. در ماههای آخر اقامت خود در آفریقای شمالی این زن بلژیکی همچنان به کار درباره نیازهایی که به او ابلاغ شده بود ادامه می داد و ملاقاتهای مخفیانه از پیش تعیین شده با موراتوف در حومه های شهر تونس انجام می داد. اندکی قبل از اینکه زن بلژیکی رهسپار بروکسل شود موراتوف درباره اینکه چگونه با یک مأمور اطلاعاتی شوروی در بلژیک ملاقات مخفیانه داشته باشد، دستوراتی به او داد.

نخستین مأمور شوروی که با این زن در بروکسل تماس گرفت ویتالی دمیترویویچ بالاشوف، وابسته سفارت شوروی بود که علاقه او درباره آماجهای آمریکایی ابتدا در چند سال قبل در جریان یک

مأموریت اطلاعاتی در بلژیک به عنوان یک دانشجو در دانشگاه بروکسل آغاز شده بود. نقشه‌های شوروی جهت «مادام ایکس» در بلژیک قابل پیشگویی بود. به او دستور داده شده بود برای کاری در سفارت آمریکا تقاضا بنویسد. بالاشوف در عین حال به او گفته بود که تا زمانی که این زن بلژیکی موفقیت پیدا نکند پول به او نخواهد پرداخت. در نوامبر ۱۹۶۳ این زن بلژیکی در سفارت آمریکا به عنوان منشی مشغول کار بود.

«مادام ایکس» ماهی یک بار برای دریافت حدود یکصد دلار در ازای گزارش درباره پیشرفت در انجام نیازهای شوروی ملاقات می‌کرد و دستورات جدیدی دریافت می‌نمود. او فهرستهایی از پرسنل سفارت آمریکا توأم با نشانی خانه‌های آنها و شماره‌های تلفن و شماره‌های پلاک اتومبیل و غیره و غیره فراهم کرد. او همچنین اطلاعات شخصی درباره یک زن آمریکایی منشی رمز فراهم کرد. بالاشوف از او تقاضا کرد که درباره نامهای آمریکاییهایی که او آنها را خدمات ویژه می‌نامید و مقصود پرسنل اطلاعاتی بود گزارش دهد. بالاشوف به او گفته بود که او به آسانی می‌تواند درباره این گونه اشخاص ردیابی کند، زیرا آنها معمولاً در ساعات منظم کار نمی‌کنند و اغلب در ساعات دیر وقت شب مشغول انجام وظیفه هستند. تصور می‌شود که این زن بلژیکی این مأموریت را انجام داده بود. زن بلژیکی محل پاسگاههای تفنگداران دریایی را در تأسیسات سفارت به بالاشوف داده بود، ولی نتوانسته بود تقاضای بالاشوف را مبنی بر کسب اطلاع در مورد تعویض محافظان سفارت به او بدهد. در ضیافتهای سفارت او دستورات بالاشوف را درباره مطالعه رفتار آنهايي که حضور دارند و درباره آنهايي که بیش از اندازه مشروب می‌خورند و همچنین درباره مناسبات مابین گروه سفارت انجام می‌داد.

بالاشوف ظاهراً کمال رضایت را از او نداشت. او به این زن بلژیکی درباره «یک اتاق زره پوش» که در یک طبقه ویژه (با نشان دادن منطقه ارتباطاتی سفارت که با دقت تمام توسط کا.گ.ب. تهیه شده بود) قرار داشت صحبت می‌کرد و از او خواست تا بکوشد سمتی در این اتاق یا نزدیک آن به دست آورد. در غیر این صورت از او خواسته شد که تقاضای انتقال به دفتر وابسته نظامی سفارت آمریکا را بنماید.

در آوریل یا مه ۱۹۶۴ شورویها با مسائلی در زمینه کنترل عمال خود مواجه شدند که بعد از آن عملیات آنها پیچیده تر گشت. «مادام ایکس» تماس خود را با بالاشوف قطع کرد و این ظاهراً به علت تغییر احساسات جنسی نسبت به او بود. همچنین یک عامل دیگر که شاید مهمتر باشد این بود که او معشوقه مردی شده بود که ممکن بود که سن پدر او را داشته باشد. این مرد یک حقوقدان بلژیکی بود که جریان طلاق او را ترتیب داده بود. این یک ماجرای عشقی طوفانی و شدید بود ولی در جریان دورانهای آرامش نسبی و امنیت مالی زن بلژیکی علاقه به جاسوسی به نفع شورویها را از دست داده بود. این زن در عین حال علاقه به استخدام در سفارت آمریکا را نیز از دست داده در واقع در اوت ۱۹۶۴ از کار در سفارت آمریکا استعفا داده بود.

تا ماه ژانویه ۱۹۶۵ کا.گ.ب. او را به حال خود گذاشت. در آن ماه زلنین، یعنی آن مأمور شوروی که او را در تونس به کار گرفته بود و زن بلژیکی نسبت به او علاقه و دلبستگی پیدا کرده بود برای مدت کوتاهی به بروکسل آمد تا زن بلژیکی را بار دیگر تحت کنترل شوروی قرار دهد. او در موقع بسیار مناسب به بروکسل آمده بود زیرا ماجرای عشقی این زن با حقوقدانی که طلاق او را ترتیب داده بود، رو به سردی گذاشته بود و این زن بار دیگر برای تجدید درگیریهای خود آمادگی داشت. زلنین از او مصرّاً خواست تا بار دیگر

تقاضای کار در سفارت آمریکا را بدهد و او را به یک مأمور جدید شوروی که با او سر و کار خواهد داشت معرفی کرد. این مأمور شوروی، آناتولی تریفنویچ اوگر دنیکیف، خبرنگار خبرگزاری تاس بود. زلنین شاید برای اینکه مأمور جدید شوروی را برای این زن پذیرفتنی تر بسازد به این زن گفت که او یعنی گر دنیکیف از دوستان زمان «نوجوانی» او بوده است. زلنین آن گاه به پست خود در الجزیره بازگشت، با این اعتقاد که مأموریت او انجام شده است.

با وجود این اوضاع طبق دلخواه جریان پیدا نکرد و این بار هم علتش ماجرای عشقی او بود. «مادام ایکس» در عمل، بار دیگر تقاضای کار در سفارت آمریکا را داد ولی این تقاضا براساس اینکه در گذشته کار او چندان درخشان نبوده و در پرونده او منعکس شده است، رد شد.

زن بلژیکی که ماجرای خود را با حقوقدان بلژیکی به نحوی وصله پینه کرده بود، چندین قرار ملاقات خود را با (اوگر دنیکیف) مأمور شوروی بر هم زده بود و یک روز در اواخر بهار و یا اوائل تابستان، هنگامی که او با مأمور شوروی در خیابان ملاقات کرد به این مأمور گفت که او حامله شده است (این موضوع حقیقت داشت) و انتظار دارد به زودی ازدواج کند و دیگر مایل نیست با شورویها تماس حاصل کند. او بعداً نامه‌ای به زلنین نوشت و آنچه را که همکار او گفته بود تأیید کرد.

واکنش (اوگر دنیکیف) صبر و شکیبایی بود و برخلاف انتظار، تهدید و امثال این گونه اعمال، هیچ گونه تهدیدی صورت نگرفت. (اوگر دنیکیف) تنها این مطلب را گفت که او همچنان ماهی یک بار به محل ملاقات تعیین شده آنها خواهد رفت با این احتمال که زن بلژیکی تصمیم خود را عوض کرده باشد.

تقریباً یک سال گذشت بدون آنکه حادثه‌ای رخ داده باشد ولی حوادثی که بعداً روی داد حاکی از آن است که کا. گ. ب. «مادام ایکس» را از نزدیک تحت نظر قرار داده بود. در اواخر ماه ژوئیه ۱۹۶۶ زن بلژیکی (که در ضمن دچار سقط جنین شده بود و ازدواج نکرده بود) در نزاع شدید غیر معمولی با حقوقدانی که فاسق او نیز بود درگیر شده بود. این حقوقدان فاسق کوشیده بود که تا او را خفه کند و بدین ترتیب ماجرای عشقی آنها درهم شکست. به احتمال قوی این امر یک تصادف نبود که «اوگر دنیکیف» بار دیگر سر و کله‌اش پیدا شد و با پرداخت صدها دلار به پول بلژیکی از او تقاضا کرد تا کاری در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا، که قرار بود از پاریس به کاسیتو در جنوب بروکسل انتقال داده شود ظرف کمتر از یک سال دست و پا کند. زیرا این ستاد، آن گاه نیاز به کارمندان متعددی با خصوصیات او خواهد داشت. ترتیبات جدیدی برای ملاقات داده شد و در هر بار از این ملاقاتها مبلغ ۱۲۰ دلار به فرانک بلژیکی به او پرداخت می‌شد.

در مدتی که بعداً گذشت اوگر دنیکیف عامل مؤنث بلژیکی خود را، درباره تکنیکهای پیچیده جاسوسی تعلیم می‌داد و ظاهراً پیش‌بینی می‌کرد که پس از آنکه این زن کاری در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا به دست آورد نیاز به انجام مأموریت‌های حرفه‌ای از سوی کا. گ. ب. خواهد داشت.

این زن یک دوربین عکاسی برای عکسبرداری از اسناد خریداری کرد و کاربرد آن را یاد گرفت و فیلمهای آزمایشی آن را به مأمور شوروی داد (اوگر دنیکیف) یک سیستم پیچیده ملاقاتهای مخفیانه را ترتیب داد که از جمله به کار بردن علامتهای خطر و پیش‌بینی تماسهای اضطراری بود. سرانجام پس از اینکه اوگر دنیکیف فرم تقاضانامه او را برای کار در ستاد عالی نیروهای متفقین مطالعه کرد، در دسامبر ۱۹۶۶ به او اطلاع داد که در تابستان ۱۹۶۷ او به کشورش باز خواهد گشت و مأمور شوروی که بعداً با او

سر و کار خواهد داشت، اولگ الکساندروویچ سمیکوف خواهد بود که نماینده توزیع فیلم شوروی در بلژیک از سال ۱۹۶۴ است. اوگردنیکف همچنین به او گفت که به ملاحظات امنیتی این زن بلژیکی با او ملاقات نخواهد کرد. ملاقات بعدی او با سمیکوف تا ژوئیه سال ۱۹۶۷ روی نخواهد داد. معذالک اگر او توانست قبل از این موعد کاری در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا در کاسیتو به دست آورد (زیرا انتقال ستاد در مارس ۱۹۶۷ روی خواهد داد) او علامت لازم را جهت یک ملاقات اضطراری به سمیکوف خواهد داد. اوگردنیکف برای اینکه او را راضی نگهدارد، از پیش مبلغی معادل ۵ ماه حقوق او را به او پرداخت کرد.

«مادام ایکس» در آوریل ۱۹۶۷ توسط مأمورین امنیتی بلژیکی دستگیر شد. هر چند او اطلاعی نداشت فاسق سرخورده ۶ ماه قبل او را به چند مأمور بلژیکی براساس یادداشتهای روزانه‌ای که او از تماسهای خود با شورویها تهیه کرده بود لو داده بود و او با اتهامات فعالیت جاسوسی چه از طرف مقامات آمریکایی و چه بلژیکی تحت تعقیب بود. دستگیری اوگردنیکف و اخراج او از بلژیک اندکی پس از اعترافات عامل او صورت گرفت و همان طوری که قبلاً ذکر شده بود بالاشوف و سمیکوف از ماندن بیشتر در بلژیک به آرامی صرف نظر کردند.

### رسوخ الکترونیکی در تأسیسات آمریکایی در غرب

روش اطلاعاتی شوروی همان طوری که نشان داده شده است، بر گسترش شبکه‌های عاملان با دسترسی مستقیم به تأسیسات آمریکایی در خارج که بتوانند «از داخل» گزارش دهند و از جمله دستگاههای بسیار ریز پنهان شده میکروفون و فرستنده و استراق سمع، تأکید می‌نماید. به کار بردن عمال برای نصب میکروفونها در تأسیسات آمریکایی در غرب یک نوع فرع منتجه از دو رشته اطلاعاتی شوروی و فعالیت امنیتی است: (۱) پرورش و کاربرد دستگاههای پیچیده فنی سمعی در برابر سفارتخانه‌های خارجی در مسکو و (۲) اولویت نسبت داده به برنامه عملیاتی آنها علیه اهداف آمریکایی در خارج. عملیات میکروفونی در داخل کشورهای بلوک کمونیستی البته به خوبی شناخته شده است که از جمله آنها دهها دستگاه میکروفون است که در سالهای اخیر در سفارتخانه آمریکا در مسکو و ورشو و صدها میکروفون دیگر که در سایر سفارتخانه‌های غربی و اقامتگاههای رسمی (از جمله آمریکایی) در کشورهای بلوک کمونیستی کار گذاشته شده است. به طوری که معلوم شده است شورویها عملیات فنی خورد را در مسکو بسیار موفق و با ارزش تلقی می‌کنند و از طریق به کار بردن آنها در طول سالهای متمادی در عملیات سمعی تجربه‌هایی به دست آورده و با مأمورین اطلاعاتی کشورهای بلوک کمونیستی سهیم بوده‌اند.

شگفتی ندارد که شورویها این تکنیکها را به عملیات خود در غرب توسعه داده و به ویژه تأسیسات آمریکایی را در غرب هدف خود قرار داده‌اند. اطلاعات موثقی در دست است که کا.گ.ب. حتی در اوائل ۱۹۵۳ دستگاههای فرستنده‌ای در سفارتخانه‌های آمریکا در دو کشور اروپای غربی نصب کرده‌اند. در یکی از این عملیات، دستگاه فرستنده در یک گلدان که به وسیله یک لباسشوی یا زنی که کارهای خانگی را انجام می‌داد، به محوطه سفارت آمریکا آورده شده بود و همچنین اطلاعات موثقی در دست است که جی. آر. یو. سرگرم عملیات تعرض آمیز سمعی در غرب بوده و با موفقیت دستگاههایی در بعضی از دفاتر

اقامتگاه مأمورین دولتی و نظامیان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی کار گذاشته است. تأیید مقاصد شوروی در این زمینه به کرات از طریق عملیات مأمورین دوجانبه لااقل در بیش از ۱۰ کشور به دست آمده است.

مأمورین اطلاعاتی شوروی طرحهای مربوط به نصب دستگاهها در دفاتر آمریکایی و سایر کشورهای غربی و در اقامتگاه و حتی اتومبیلها را مورد بحث قرار داده‌اند. نشانه‌های ملموسی از این نوع بیش از ۱۰ سال قبل به ظهور رسید، معذالک اخیراً و در پنج سال اخیر این گونه فعالیتها افزایش یافته است.

کشفیاتی که در کشور آفریقایی غنا به دنبال کودتایی که در فوریه ۱۹۶۶ رژیم طرفدار شوروی نکرده را سرنگون ساخت به دست آمده، شواهد چشمگیری را عرضه کرد مبنی بر اینکه شورویها هر جا که در غرب بتوانند عملیات سمعی انجام می‌دهند. به توصیه مستشاران شوروی در سال ۱۹۶۵ یک واحد نظارت سمعی به نام واحد فنی ۳ (۳ - TU) در دستگاه امنیت ملی غنا نصب شده بود.

۳ - TU حدود ۲۲ تکنیسین غنائی داشت که مأمور استفاده از آن بودند که در هنگام کودتا مأموریت استفاده از آن را داشتند و جدول سازمان عملاً خواستار پرسنل اضافی بود. چهار نفر از تکنیسینها در اتحاد شوروی آموزش دیده بودند و بقیه در خود غنا به وسیله مشاور فنی کا. گ. ب. یعنی آندری نیکولایویچ آندریف که از ژوئن تا دسامبر ۱۹۶۵ در غنا به سر می‌برد تعلیم یافته بودند. مقادیر بسیار زیادی تجهیزات شوروی که در کارگاههای الکترونیکی و عملیاتی تهیه شده و هنوز ناتمام مانده بود پیدا شد (و در آزمایشگاههای تحقیقاتی علمی ملی استتار شده بود) شامل دستگاه مخابراتی عمال مخفی شوروی و دستگاههای فرستنده نظارتی و فرستنده‌ها و میکروفونها جهت تأسیسات سمعی بود.

تأسیسات گرانقیمت موجود در غنا که دسترنج کا. گ. ب. بود، ظاهراً به منظور حفظ امنیت داخلی غنا تحت حکومت نکرومه بود و در واقع ۳ - TU با شرکت مستقیم آندریف و یک مأمور دیگر کا. گ. ب. قبلاً از ۲ هتل آکارا (پایتخت غنا) استراق سمع می‌کرد و قرار بود که همین کار را در پنج هتل دیگر انجام دهد. معذالک شکی وجود ندارد که این واحد تحت سرپرستی شورویها و به مأموریت کا. گ. ب. سرانجام متوجه هیئتهای نمایندگی سیاسی غرب از جمله آمریکا می‌شد، البته اگر کودتا رژیم نکرومه را ساقط نمی‌کرد. هر چند استفاده از آمریکاییهای محلی از سوی کا. گ. ب. و جی. آر. یو. برای نصب دستگاههای سمعی را نمی‌توان بعید دانست، عملیات شوروی علیه کارمندان بومی ادارات آمریکایی در خارج درباره تأسیسات سمعی علاقه مخصوصی نشان می‌دهد و همان طوری که در عملیات نظافتچی در ۱۹۵۳ - ۱۹۵۴ که در فوق ذکر شد اتفاق افتاد، نمونه دیگری در سال ۱۹۶۵ به وقوع پیوست. هنگامی که کا. گ. ب. پیشخدمت یک سفیر آمریکا را برای اینکه این شخص یک دستگاه کوچک میکروفون و فرستنده را در زیر میز ناهارخوری سفیر قرار دهد به کار گرفت. تقریباً در همان زمان در کشور دیگری حادثه مشابهی با اندک تفاوت صورت گرفت. یک کارمند محلی یکی از سفارتخانه‌های یک کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که در دفتر وابسته نظامی آن کشور کار می‌کرد اعتراف کرد که از عمال کا. گ. ب. است و دستور گرفته است هرگاه وابسته دفاعی آمریکا قرار باشد با مافوق این عامل ملاقات کند قبلاً مراتب را به کا. گ. ب. گزارش دهد. مأمور کا. گ. ب. متصدی تماس به این عامل گفته بود که آن گاه به او یک دستگاهی که با باتری کار می‌کند خواهد داد تا در زیر میز یا میز تحریر برای ضبط مکالمات بین دو

شخصیت قرار دهد.

تکنیکهای کوچک کردن دستگاههای سمعی و مجهز کردن آنها با وسایل الکترونیکی از مدتها قبل به آن درجه از کمال و پیچیدگی رسیده است که می توان چنین دستگاههایی را به آسانی و سرعت به وسیله یک عامل که به دفتر مورد علاقه دسترسی دارد نصب کرد. مثلاً یک قطعه از چوب اره شده که کمتر از ۱۲ اینچ طول داشت در قسمت عقبی یک قفسه کتاب اتاق کنفرانس یک سفارت آمریکا در خاورمیانه در اوائل ۱۹۶۷ پیدا شده بود. در این قطعه چوب یک فرستنده و یک میکروفون ساخت شوروی و یک دستگاه گیرنده کنترل شده به وسیله سوئیچ (که به وسیله یک علامت الکترونیکی از خارج سفارت ممکن بود که آترا روشن کرد) و یک مخزن باتری که به طور اتوماتیک پر می شد، کار گذاشته شده بود. برای به کار بردن چنین دستگاهی که کوتاهتر از یک خط کش عادی بود و ضخامت چندانی نداشت کمتر از ۱۰ ثانیه وقت بود و عامل می بایست آن را در مقابل یک سطح چوبی فشار دهد و آن گاه به وسیله دو قسمت کوچکی که در داخل هر یک از دو انتهای چوب کار گذاشته بود به کار می افتاد.

در ماه اوت سال ۱۹۶۷ یک دستگاه دیگر میکروفون و فرستنده شوروی که تقریباً با آن حد که توصیف شد یکسان بود در قسمت زیرین یک قفسه کتاب در دفتر کاردار آمریکا در یکی از سفارتخانه های آمریکا در یک کشور آفریقایی مرکزی که تعداد نمایندگان کا.گ.ب. در آن بسیار زیاد بود کشف شد. جای پونزهای متعدد در همان قفسه کتاب و در زیر قفسه کتاب دفتر تخلیه شده سفیر سابق آمریکا دلالت بر آن می کرد که لااقل دو دستگاه سمعی از همین نوع با موفقیت در این دو دفتر در ظرف چند ماه کار گذاشته شده و به طور مرتب برداشته می شد. شاید بدان منظور که باتریهای آن تعویض شده و دوباره در جای خود قرار داده شود. در هر دوی این موارد که در فوق ذکر شد، موفقیت در فعالیت شوروی به علت بهره برداری از عملیات یک عامل شوروی (در داخل) دستگاه سفارت آمریکا بود که درباره الگوی فعالیت شوروی اطلاعات کامل داشت و به اطاقهای برگزیده سفارت دسترسی پیدا می کرد. در مورد کشوری که در خاورمیانه قرار داشت کتابخانه و اطاق کنفرانس سفارت در طبقه همکف در کنار محوطه پذیرایی قرار داشت و یک کارمند محلی آنجا انجام وظیفه می کرد. معمولاً به استثنای زمانی که کنفرانس قرار بود تشکیل شود کتابخانه برای همه کارمندان سفارت از جمله کارمندان محلی برای ورود آزاد بود. در مورد کشور آفریقایی سفارت مورد بحث آمریکا در بخشی از یک ساختمان بزرگی که در آن مؤسسه های بازرگانی و آپارتمانها وجود داشت واقع شده بود و تفنگداران دریایی در آن وجود نداشتند تا حداکثر امنیت فیزیکی در شب و روزهای تعطیل در آن تأمین شود. علاوه بر این کارمندان محلی در ساعات کار سفارت آزادانه حرکت می کردند.

#### بررسی تکنیکها و فتح بابهای عملیاتی شوروی

نمونه هایی که تاکنون برای نشان دادن طریقه استفاده کارمندان و عمال از سوی کا.گ.ب. و جی.آر. یو. علیه آمریکا بیهای مقیم کشورهای خارج ذکر شد، منعکس کننده تکنیکها و فتح بابهای عملیاتی مأموران اطلاعاتی شوروی برای ردیابی آماجهای خود و دستیابی مستقیم و یا غیرمستقیم به آنها و ارزیابی آنها در جستجوی بدون وقفه نقاط آسیب پذیر آنها و استعدادهای آنها بوده است. در این بخش بعضی از تکنیکهای آنها مورد بحث قرار خواهد گرفته و به تکنیکهای دیگری که هنوز ذکر نشده است



اشاره خواهد شد و کوشش به عمل خواهد آمد تا این تکنیکها بر یک اساس وسیعتری بدون اشاره به انواع انفرادی آماجها مورد بحث قرار گیرد.

هر چند مفاهیم آیینی دستگاه اطلاعات شوروی درباره آمریکاییان مقیم (خارج تاکنون روشن شده است) بهترین معنی که کارمندان جواتر در عمل «شهروندان درجه دو به شمار می‌روند و بدین ترتیب آسیب پذیرترند و اینکه دانشجویان به علت عدم بلوغ نسبی و نداشتن پول هدفهای بسیار خوبی به شمار می‌روند» ملاحظاتی عملی و آیینی دیگری نیز وجود دارند که در رابطه با تشدید کوششهای شوروی در مقابل آمریکاییهای مقیم خارج و تکنیکهای به کار رفته می‌باشند.

### نظر شوروی درباره آماجهای آمریکاییهای مقیم خارج

از نقطه نظر شوروی عملیات علیه آمریکاییانی که در کشورهای خارج از بلوک شوروی هستند، به طور کلی آسانتر و ثمربخش‌تر از عملیاتی است که در داخل ایالات متحده آمریکا صورت می‌گیرد و البته یک عامل در این زمینه شدت فعالیت ضد اطلاعات اف. بی. آی. می‌باشد که در مقابل کوششهای کا. گ. ب. و جی. آر. یو برای به کارگیری آمریکاییها در داخل کشور موانعی به وجود آورده است ولیکن ملاحظاتی دیگری نیز وجود دارد و این ملاحظاتی بستگی به چهره‌ای دارد که شورویها براساس تجربه درباره افراد آمریکایی مقیم خارج از محیط عادی آنها ایجاد کرده‌اند.

یک آمریکایی متوسط‌الحال آن طوری که شورویها او را می‌بینند، ترجیح می‌دهد بیشتر برای منافع مادی و هدفهای خودخواهانه در خارج از آمریکا کار کند. کا. گ. ب. این نقطه نظر را به شرح زیر خلاصه کرده است:

«آمریکاییها دوست دارند برای مدتهای مدیدی به خارج بروند و این به دلیل منافع مختلف از قبیل حقوق بیشتر و امکان صرفه‌جویی بیشتر به علت مخارج زندگی ارزانتر در خارج و بعضی از فعالیتهای مالیاتی و خانه‌های رایگان ارزانتر در خارج و بعضی از معافیتهای مالیاتی و خانه‌های رایگان و مرخصیهای طویل‌المدت و فرصت کافی برای اقدام به داد و ستدهای ارز خارجی می‌باشد.»

صرف نظر از دقت این اظهار نظر، امر مسلم این است که طبق برداشت شورویها از تجربیات عملیاتی آمریکاییهایی که خارج از کشورشان زندگی می‌کنند بیشتر تمایل به خویشتن‌داری نشان می‌دهند و آزادانه‌تر صحبت می‌کنند و با خارجی‌ان از جمله شورویها آزادانه‌تر تماس می‌گیرند. البته این نکته را باید متوجه شد که استثنائاتی از قاعده کلی وجود دارد و در بعضی از قلمروها آمریکاییها از تماس با اتباع شوروی خودداری می‌کنند و تمایل به آن را دارند که در صورت وقوع چنین تماسهایی گزارش دهند. با وجود این از لحاظ اصولی و عرف، کا. گ. ب. و جی. آر. یو. براساس این تئوری کار می‌کنند که آمریکاییهای مقیم خارج از کشور به طور کلی با رفتار آشکار خود و طبیعت پرحرف و آزادی نقل و انتقال و مراودات، نسبتاً استعداد مراوده مستقیم و غیرمستقیم را دارند، و تمامی فرایندهای عملیاتی از ردیابی گرفته تا پرورش و به کارگیری آسانتر از آن است که در ایالات متحده صورت گیرد.

یک عامل اضافی (که قبلاً در متن در چهارچوب دیگری ذکر شد) همچنین در شدت و فشرده‌گی برنامه شوروی علیه آمریکاییها ذکر شده و اجازه می‌دهد که تکنیکهای بی‌بند و بار و یا اعمال زور از سوی شورویها در کشورهای خارج به کار رود. شورویها نیک می‌دانند که در فعالیت تعرض‌آمیز علیه

آمریکاییان خارج ایالات متحده و از جمله به کار گرفتن و استفاده از عمال علیه آنها در اغلب در موارد به هیچ وجه قوانین محلی را نقض نمی‌کنند، زیرا فعالیت آنها متوجه کشور میزبان نیست. بدین ترتیب شورویها و عمال محلی آنها در صورتی که عملیات آنها علیه آمریکاییها به شکست انجامد و یا بر ملا شود معمولاً مستوجب مجازات نیستند.

#### به کاربردن عوامل مشوق مادی

دستگاه اطلاعاتی شوروی دقیقاً معتقد است که آمریکاییها در ازای پول هر کاری را خواهند کرد و عامل مشوق مادی تقریباً در هر نوع عملیاتی به کارگیری وجود دارد. آیین کا.گ.ب. در این مورد کاملاً صریح است:

«استفاده موفقیت‌آمیز از انگیزه مالی در به کارگیری، نیازمند به درک ساخت روانی آمریکایی متوسط‌الحال هست. او به طور جدی درباره پول به عنوان تنها چیزی که می‌تواند آزادی و استقلال او را تأمین کند و نیازهای مادی و معنوی او را تحقق بخشد، فکر می‌کند. این موضع‌گیری از سوی یک آمریکایی نمونه نسبت به پول یک نوع بی‌تفاوتی درباره وسیله به دست آوردن آن را ایجاد می‌کند، هر چند که خطراتی نیز در آن وجود داشته باشد... تشخیص درآمد یک نفر آمریکایی در ارتباط با پرورش او و به ویژه به کارگیری او فوق‌العاده اهمیت دارد.»

نقل قول فوق یکی از جنبه‌های برداشت شورویها از آمریکاییان در خارج است. دقت کلی این برداشت مهمترین عامل نیست، معذالک باید گفت که این اظهار نظر نتیجه فعالیت‌های موفق شوروی در به کارگیری آمریکاییهاست و در طرح‌ریزی عملیات کا.گ.ب. و جی.آر.یو. اثر دارد و توضیح می‌دهد که چرا در موارد پرورش سئوالات بسیار معصومانه‌ای درباره حقوقها و دشواریهای مالی کرده می‌شود و چرا پیشنهادهای هدیه و وام از عرفهای عادی شورویهاست. شورویها در غرب وام نمی‌دهند و هدیه پیشنهاد نمی‌کنند مگر اینکه به آنها اجازه داده شود. آنهايي که دست به چنین کاری بزنند یا مأموران اطلاعاتی هستند و یا عمال آنها و انگیزه آنها کاملاً جنبه حرفه‌ای دارد نه شخصی.

#### تماس مستقیم اجتماعی

همان طوری که نشان داده شده است، شیوه‌های پیچ در پیچ و غیرمستقیم تماس شورویها با آمریکاییها در خارج به هیچ وجه غیر معمول نیست ولی در اکثر مواردی که گزارش شده است تماس مستقیم بوده و بر یک پایه اجتماعی به انواع مختلف با حالات متنوع که گاهی فوق‌العاده زیرکانه بوده صورت گرفته است و به دنبال آن تکنیکهای پیگیری به کار رفته است. این تماسها در هر مورد با توجه به فردی که باید پرورش یابد طرح‌ریزی شده است.

تماس مستقیم اجتماعی شوروی با آمریکاییها در خارج تقریباً از سال ۱۹۴۹ مشاهده شده است. در سال ۱۹۵۱ واضح شد که سیاستهای قبلی شوروی که براساس آن پرسنل شوروی مقیم کشورهای خارج از اتحاد شوروی در انزوای کامل قرار گرفته و هرگونه تماس غیررسمی با آمریکاییها و سایر خارجی‌ها ممنوع بود، کنار گذاشته شده است. در سال ۱۹۵۳ روند قطعی از تماس عمومی اجتماعی با آمریکاییها در خارج، در سطوح مختلف رسمی لااقل در سه کشور مشاهده شده بود. این روند اکنون در

عمل کاربرد جهانی پیدا کرده است و استفاده‌های اطلاعاتی در دستورالعمل‌های عملیاتی رسمی کا.گ. ب. رسمیت پیدا کرده که یکی از آنها به شرح زیر است:

«مأمور اطلاعاتی باید درک کند که برقراری مناسبات محرمانه و غیررسمی با یک آمریکایی یک گام به پیش در راه به کارگیری و مناسبات مخفی است... مناسبات مخفی باید به طریقی آغاز شود که فرد آمریکایی پی نبرد که وی با یک مأمور اطلاعاتی تماس گرفته است یا اینکه درباره مقاصد واقعی اطلاعاتی شوروی سوءظن ببرد» «هنگامی که یک آشنایی غیررسمی با یک کارمند دولت آمریکا برقرار می‌شود نکته‌ای که اهمیت دارد این است که نباید با پرسش‌های زودرس درباره مسائل اطلاعاتی او را مضطرب ساخت. بکوشید تا اعتماد آمریکایی را جلب کنید و مناسبات دوستانه ایجاد کنید، تشویق علاقه او در جریان مکالمه با او و دادن جنبه شخصی به علایق خود درباره بعضی موضوعات بسیار مهم است.»

صرف نظر از اینکه تماس اجتماعی فرد روسی با فرد آمریکایی نتیجه یک انجام وظیفه دیپلماتیک یا رسمی باشد و یا یک برخورد «اتفاقی» یا نتیجه معرفی در یک «بار» یا در خیابان یا در استخر شنا باشد، طرف شوروی این کار را به دست می‌گیرد. این شخص رفتار دوستانه دارد و نسبت به آشنایی جدید خود علاقه نشان می‌دهد و احتمالاً به او تملق می‌گوید و پیشنهاد ملاقات بعدی را می‌کند که ممکن است به شکل دعوت به ضیافت‌های سفارت شوروی و یا نمایش فیلم شوروی و یا هنرنمایی هنرمندان سیار شوروی باشد. به محض اینکه یک دعوت پذیرفته شد دعوتهای دیگر به دنبال آن می‌آید که مربوط به مسابقات ورزشی و با نمایش تئاتر می‌شود. همان طوری که کا.گ. ب. خاطر نشان ساخته است: «بلیت برای این گونه حوادث و نمایشات یا فرستاده می‌شود یا به آشناهای نه چندان صمیمی داده می‌شود. چنین رفتارهایی از جانب آمریکاییان کاملاً معصومانه تلقی می‌شود. در جریان تماس مأمور ما با آمریکایی مورد، تماس می‌گیرد و او را وارد مکالماتی می‌نماید که برای این منظور مناسب است ولی هدف اصلی آن ممکن ساختن ادامه مناسبات است.»

در بسیاری از موارد به ویژه در مورد منشیهایی که با علامتهای رمز سر و کار دارند و یا منشیهای دیگر و سایر پرسنل جوانتر، مأمور شوروی خواهد کوشید در مراحل اولیه پرورش یک نوع دوستی با این آمریکایی ایجاد کند و مانع آن شود که فرد آمریکایی این تماسها را به مأمور امنیتی خویش گزارش دهد. مأمور شوروی شاید با نهایت تأسف اظهار بدارد که البته فرد آمریکایی جرأت ندارد بدون دادن گزارش به مأمور امنیتی خود با یک فرد روسی ملاقات کند. آمریکاییهایی شناخته شده‌اند که چنین پیشنهادی را به عنوان توهین به آزادی شخصی خویش تلقی کرده و هر گونه نیازی را به دادن گزارش انکار کرده و مبارزه طلبی طرف مقابل را پذیرفته‌اند. این ترفند شوروی نشان‌دهنده آن است که آنها درباره بسیاری از آمریکاییها درک کامل دارند. آنچه که زیاد معمول است همان نوازی شوروی به زودی به شکل مرادوات خانوادگی و رفتن به گردشها و هدیه‌های کوچک به همسر و کودکان فرد آمریکایی توسعه می‌یابد. کا.گ. ب. این جنبه کار را با چنین کلماتی تشبیه می‌کند:

«برای تحکیم علنی دوستیهایی که به چنین طریق با آمریکاییها برقرار می‌شود مأمورین ما در سفارت شوروی معمولاً هدایایی به مناسبت جشن سال نو یا مناسبت‌های دیگر اختیار دارند. مأمور اطلاعاتی هدیه خود را شخصاً در زمانی که فرد آمریکایی در خانه اقامت دارد به او خواهد داد. مقصود این است که یک نوع حالت غیررسمی و دوستانه به این مناسبات داده شود، در عوض فرد آمریکایی معمولاً از خانه مأمور

شوروی دیدن کرده و هدیه‌ای به او می‌دهد.»

همان طوری که برای تکنیسین کامپیوتر آمریکایی در یک کشور اسلامی اتفاق افتاد. درسهای زبان اغلب در چنین مرحله‌ای پیش کشیده می‌شود و در این مرحله است که همسر مأمور اطلاعاتی شوروی در اغلب موارد نقش پشتیبانی عملیاتی را ایفا می‌کند. کا.گ. ب. بدون اینکه اشاره ویژه‌ای به درسهای زبان که اکنون به صورت یک فتح باب استاندارد درآمده است، کرده باشد نقش همسر فرد شوروی را چنین خلاصه می‌کند:

«اغلب مفید است که مأمور اطلاعاتی شوروی همسر خود را هنگام دیدار از خانه شخصی که در معرض پرورش قرار گرفته همراه ببرد. مأمور شوروی به کمک همسر خویش می‌تواند بعضی از نکات اطلاعاتی یا ارزیابی را درباره فرد مورد هدف روشن کند و بدین ترتیب تشخیص دهد که چگونه به بهترین وجهی مناسبات دوستی خود را با او تحکیم بخشد.»

در مراحل اولیه پرورش، مکالمات معمولاً درباره موضوعات بی‌ضرر از قبیل ورزش و هنر و زندگی در کشورهای یکدیگر می‌باشد. مأمور شوروی ممکن است بگوید که او از زندگی در یک کشور خارجی خسته شده و شاید از تماس با افراد خودش نیز خسته شده و احساس تنهایی می‌کند و خواستار معاشرتهای جالبتر هست، مسائل ضد و نقیض معمولاً مورد بحث قرار نمی‌گیرد یا اینکه به سرعت از آن دور می‌شود. این فرایند مقدماتی هدفی دارد و آن ارزیابی سودمند بودن بالقوه فرد آمریکایی برای مقاصد جاسوسی و ارزیابی او از نظر امکان به کارگیری است. این امر نیاز به آشنایی با تاریخچه زندگی فرد آمریکایی و اوضاع خانوادگی، موفقیت مالی، (که همان طوری که اشاره شد مهمترین عامل است)، آمال تحقق نیافته او و نقطه ضعفهای او نسبت به زنان است. در جریان این مرحله ارزیابی، فرد روسی در پی تحکیم دوستی خویش و در عین حال ایجاد یک نوع تعهد به خاطر مهمان نوازی از طریق دادن هدیه است. با توجه به برداشت شوروی از اینکه پول مهمترین انگیزه آمریکاییهاست تاکتیکهای شوروی ممکن است گاهی بسیار خام و مضحک باشد و شامل پرسشهای مستقیم و شخصی درباره عایدات فرد آمریکایی، بدهیها یا میزان کرایه پرداختی یا پرداختهای مالیاتی او و غیره باشد.

دیر یا زود مرحله پرورش، در صورتی که شورویها به این نتیجه برسند که چشم‌انداز جالبی به دست آورده‌اند جنبه‌های کوچک تماسهای مخفیانه به تدریج وارد این مناسبات خواهد شد. محلهایی که چندان علنی نباشد و بیشتر جنبه غیرمعمولی داشته باشد برای ملاقات پیشنهاد خواهد شد. از فرد آمریکایی تقاضا خواهد شد که «برای اجتناب از اینکه فرد آمریکایی در اوضاع ناهنجاری قرار گیرد» از او خواسته خواهد شد تا به شماره رسمی او تلفن نکند و شاید قرارهای ملاقاتی قبلاً در زمانها و محللهای معینی ترتیب داده شود. تمامی اینها مقدمه‌چینی برای مراحل بعدی است. بالمآل شاید ظرف چند هفته یا شاید چند ماه هدف مأمور شوروی ظاهر خواهد شد؛ هر چند در ابتدا قابل تشخیص نباشد. همان طوری که در مورد دانشجویان وین که قبلاً ذکر شد اتفاق افتاد. فرد شوروی از دوست آمریکایی خود خواهد خواست تا درباره اطلاعاتی که ماهیت علنی دارد به او کمک کند. شاید برای یک دوست روزنامه‌نگار و احیاناً برای تهیه یک رساله تحقیقی و یا مقاله‌ای که فرد روسی مدعی است که آن را خود تهیه می‌کند و شاید حتی برای یک نظرخواهی عمومی غیررسمی. از دانشجوی وین خواسته شده بود تا درباره هم‌دوره‌های آمریکایی خود ارزیابیهای اخلاقی بنماید؛ چیزی که به عقیده آن دانشجو چندان ناراحت کننده نبود. یک تبعه یکی از

کشورهای اروپایی در خاورمیانه که به علت دسترسی او به آمریکاییها در معرض پرورش شوروی قرار گرفته بود از سوی مأمور شوروی با صراحت بیشتری روبرو شد. تقاضای شوروی مطلبی شبیه مراتب ذیل بود: «شما در اینجا خیلیها را می‌شناسید، آنها به شما چیزهای زیادی را که به من نمی‌گویند خواهند گفت. برای اینکه من یک دیپلمات هستم و نماینده یک کشوری هستم که متأسفانه چندان باب طبع آنها نیست... آنها با شما با صمیمیت بیشتری صحبت خواهند کرد، بنابراین اگر شما لطف کرده و از آقای فلانی که او را می‌شناسید پرسید که...»

تقاضاهایی از این نوع حتی برای اطلاعات بسیار علنی ممکن است همراه با پیشنهاد پرداخت پول باشد. اگر چنین پیشنهادی پذیرفته شد تقاضا خواهد شد که به بهانه قابل قبولی قبض رسیده داده شود. فرآیند، آلودگی تدریجی در این مرحله در جریان خواهد بود و عناصر فعالیت مخفی و عوامل احتمالی سازش در این مرحله در میان خواهد آمد. سرانجام یک روز در یک محیط دوستی گرم و اعتماد متقابل فرایند به کارگیری با تقاضاهایی جهت اطلاعات یا خدمت که کاملاً ماهیت اطلاعاتی سیاسی یا نظامی دارد به عمل خواهد آمد. البته وعده پاداش مالی قابل ملاحظه‌ای نیز داده خواهد شد. اگر شخص آمریکایی بترسد یا خودداری کند البته با استدلالهای معقول با او روبرو خواهند شد و اظهار دوستی تجدید خواهد گردید. بر حسب جریان ارزیابی شوروی و فرآیند ملایم کردن برخورد و خط‌مشی سرسخت‌تری به دنبال خواهد بود. از قبیل تهدید یا اخطار برای اینکه دوباره به فکر فرو رود به ویژه اگر فرد آمریکایی از خط و مرز تعیین شده فراتر رفته و خود را در معرض خطر قرار داده باشد. عکس‌العمل فرد آمریکایی هر چه باشد طرف شوروی همان طوری که در مورد دونالد اولتان - منشی رمز آمریکایی - اتفاق افتاد، مصرأ خواستار یک یا چند ملاقات اضافی خواهد شد.

#### تکنیکهای متفرقه برای پرورش و به کارگیری

دامنه کامل روشهای عملیاتی شوروی برای ملاقات و پرورش و به کارگیری آمریکاییها در خارج موارد فرضی معینی ندارد. چند مورد که در ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد شایسته روشنگری و تأکید به‌منظور هشدار می‌باشد.

#### سازش

هر چند کا.گ. ب. طبق آیین خود، انگیزه مالی را به طور کلی عامل اصلی در به کارگیری موفقیت آمیز آمریکاییها در خارج به شمار می‌آورد، عنصر سازش یا به مخاطره انداختن طرف نیز از بخشهای اساسی هر رشته به شمار می‌رود. این اوضاع به طریقی ایجاد می‌شود که اغلب محسوس و مشهود نیست. لذا از نقطه نظر دستگاه اطلاعاتی شوروی هر آمریکایی که به مناسبات شخصی و غیررسمی با یک فرد روسی تن در می‌دهد و این واقعیت را از مافوقهای خود کتمان می‌کند نخستین گام را به سوی به مخاطره انداختن خود برداشته است. همان طوری که مناسبات بین طرفین پرورش می‌یابد و خودمانی تر می‌گردد همان طوری که در بالا ذکر شد هر حرکت شوروی به منظور افزایش درجه مخاطره صورت می‌گیرد. فرد آمریکایی با پذیرفتن جنبه‌های کم‌اهمیت کار مخفیانه که به تدریج انجام می‌گیرد، از قبیل مخاطب قرار دادن طرف شوروی نه از طریق سمت رسمی او یا موافقت ملاقات با او در زمانها و مکانهای غیر عادی

وضع مخاطره خود را پیچیده تر می‌کند. (لطفهای) اولیه معصومانه که فرد روسی بر اساس دوستی از فرد آمریکایی تقاضا می‌کند جزء بخشهای حساب شده فرآیند به مخاطره انداختن اوست. همچنین پیشنهاد پرداخت و تقاضای ظاهراً قابل قبول دریافت قبض رسید. در ضمن فرد روسی از طریق آزمایش و وسایل دیگر نشانهایی از نقاط ضعف شخص و آسیب پذیری فرد آمریکایی را کشف می‌کند. (از قبیل داشتن بدهی یا افراط در مشروب خواری یا روابط جنسی در خارج از محیط عادی و غیره.) این موضوعات به عنوان (اسرار) بین فرد آمریکایی و (دوست روسی او) تلقی می‌شود و بدین ترتیب جزئی از پیچ و خمهای مخاطره به شمار می‌رود. اثرات این فرآیند به مرور زمان فرد آمریکایی را به مناسبات (محرمانه) می‌کشاند که فرد آمریکایی بتدریج پی می‌برد که او نمی‌تواند خود را از میان آن خارج کند مگر به بهای مزاحمت شدید یا شاید عواقب شدید ناگوار شخصی از طریق افشای وضع مخاطره‌انگیز خود به مافوقهای خویش.

عملاً تقویت اوضاع مخاطره از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی بیشتر به منظور اثر روانی در جریان دوره پرورش و هنگام به کارگیری به عمل می‌آید. در عملیاتی که در غرب روی می‌دهد شورویها معمولاً قصد جدی برای اینکه به منظور باجگیری از آمریکاییها برای انجام تقاضای آنها از اطلاعات مخاطره‌انگیز استفاده کنند، ندارند. استفاده از تهدید و جبر برای برهم زدن زندگی حرفه‌ای فرد آمریکایی از طریق برملا کردن اطلاعات مضر جزء تکنیکهایی است که تنها به ندرت در خارج از منطقه بلوک شوروی به کار می‌رود. این بدان جهت است که در کشورهای غربی شورویها فاقد کنترل کامل محیطی که آنها در اتحاد شوروی از آن برخوردارند می‌باشند. بدین ترتیب برای آنها کسب شواهد واقعاً زیانبار به شکلی که برای باجگیری به نحو مؤثری بهره‌برداری شود بسیار دشوار است.

معدالک در مسکو و کشورهای اروپای شرقی، باجگیری یکی از عرفهای معمول علیه غریبها، از جمله آمریکاییها به شمار می‌آید. کا.گ. ب. هنگام عمل در زمینه‌های خودی و یا با همکاری کشورهای بلوک شرق قادر است در شرایط کنترل شده شواهد بسیار خطرناکی بر علیه طرف مقابل به دست آورد (که معمولاً از طریق عکسبرداری یا نوار ضبط صوت انجام می‌گیرد) و آن گاه به عنوان وسیله‌ای برای به کارگیری از آن بهره‌برداری می‌شود. یکی از نمونه‌های متعدد عملیاتی از این نوع ماجرای مشهور ابروین اسکاربک مأمور وزارت امور خارجه می‌باشد که در شهر ورشو مستقر شده و با یک عامل مؤنت لهستانی آلودگی پیدا کرده و برای پذیرفتن به کارگیری در معرض باجگیری قرار گرفته بود.

#### فتح بابهایی با انگیزه‌های جنسی و همجنس‌بازی

در این پژوهش گزارشهایی از فتح بابها از طریق روابط جنسی یا آغاز به روابط جنسی در مورد آمریکاییهایی که در خارج از بلوک کمونیستی واقع شده‌اند، چه به تفصیل و چه به نحوه گذرا، ذکر شده است. هر چند کوشش کا.گ. ب. برای به کارگیری الیانور منشی آرشیو سفارت آمریکا در بن متکی به تاکتیک شک و تهدید علیه ایمنی شخصی او و نامزد خیالی آمریکایی او بود. عملیاتی که علیه او انجام گرفت در مراحل اولیه عبارت بود از ماجرای یک اغواگری که ظرف چند هفته تکمیل شد. در مورد ماجرای منشی سفارت در آفریقا که فاسق محلی او با یک مأمور اطلاعاتی شوروی در تماس بود چنین به نظر می‌رسد که درگیری جنسی او به طور غیر مستقیم به نفع شوروی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. منشی

هیئت نمایندگی کمکهای عمرانی در خاور دور که نامه‌ای را از یک دیدارکننده شوروی دریافت کرده و ظاهراً به فتح بایهای عاشقانه او قبل از تسلیم به یک مأمور محلی کا.گ.ب. تن در داده بود، یقیناً قبلاً در معرض این نوع برخوردها قرار گرفته بود.

لااقل در یک مورد اخیر، در خارج از بلوک کمونیستی کسب اطلاع شده است که کا.گ.ب. یک فرد اروپایی را که دارای تمایلات همجنس‌بازی بوده، به کار گرفته و آن گاه او را علیه آمریکاییها به کار برده است. خود به کارگیری براساس مقاصد باجگیری نبوده است (فرد اروپایی درباره تمایلات همجنس‌بازی خود پنهان‌کاری نکرده بود و از اینکه در این مورد راز او برملا شود ترسی نداشت)، ولی به محض اینکه این فرد از سوی شورویها به کار گرفته شد شورویها کوشیدند تا جنبه تمایلات همجنس‌بازی او را مورد بهره‌برداری قرار دهند. شورویها اقدام این فرد اروپایی در کرایه کردن یک آپارتمان را جهت پذیرایی از لحاظ مالی تأمین کردند و از او خواستند تا درباره آمریکاییهایی که با او آشنایی داشته و سمتهای رسمی داشته و ممکن بود تمایلات علنی یا خفنه همجنس‌بازی داشته باشند به آنها گزارش دهد. این عامل در مأموریت موفقیتی پیدا نکرد؛ اما اگر او می‌توانست یک رابطه مخاطره‌انگیز با یک چنین شخصی برقرار کند، بسیار احتمال می‌رفت که کا.گ.ب. از تکنیک باجگیری برای به کارگیری آن شخص استفاده کند. کا.گ.ب. ظاهراً معتقد است که شواهد مربوط به همجنس‌بازی اطلاعات بسیار زیانباری است که می‌توان آن را از طریق باجگیری مورد بهره‌برداری قرار داد.

#### سفرها به کشورهای بلوک کمونیستی

کا.گ.ب. معمولاً دستور دارد که به نمایندگیهای خود در کشورهای خارجی به عنوان جزئی از برنامه عملیاتی خود علیه آمریکاییهای مقیم خارج «در پی فرصتهایی برای سازمان دادن سفرهایی به اتحاد جماهیر شوروی و دمکراسیهای خلقی باشد تا آماجهای خود را بیرورانند.» دلیل این تکنیک کاملاً آشکار است. این تکنیک به شورویها فرصت می‌دهد که با فراغت در سرزمین خودشان یک عامل احتمالی آینده را با عمق بیشتر از آنچه ممکن است در غرب صورت گیرد و در اوضاع و احوالی که به مراتب برای آنها مساعدتر است از طریق عملیاتی ارزیابی کنند. (در بعضی موارد هنگامی که به کارگیری در غرب صورت گرفته است عامل جدید به اتحاد شوروی یا یکی از شهرهای بلوک اروپای شرقی برده می‌شود تا در معرض تعلیمات فشرده در مورد مأموریت خود قرار گیرد. کا.گ.ب. و جی. آر. یو. می‌توانند این امر را بدون آنکه روایت شوروی در گذرنامه فرد آمریکایی نشان داده شده باشد، انجام دهند. نمونه‌هایی از چنین دعوت‌هایی بسیار متعدد است و برای روشن شدن این مطلب که چگونه دعوت‌هایی انجام می‌گیرد، یک نمونه ذکر می‌شود.

چند سال قبل یک مأمور آژانس عمران بین‌المللی در پاکستان براساس مناسبات اجتماعی دوستانه به وسیله لئونید گابریلویچ کویموف، که یک مأمور اطلاعاتی با پوشش دیپلماتیک به عنوان دبیر اول بود در معرض پرورش قرار گرفت. فرد روسی به طریقی که اکنون دیگر معلوم شده است، هدیه‌های مختصری برای خانواده این فرد آمریکایی می‌آورد و به زودی این دو نفر چنان عادت کردند که هفته‌ای چندین بار با همدیگر ملاقات کنند و سرزده به خانه یکدیگر بروند. فرد روسی سرانجام خواستار کتابچه راهنمای تلفن جیبی هیئت نمایندگی آژانس بین‌المللی عمران شد و یک نسخه کهنه شده که معمولاً به فراوانی یافت

می‌شود به او داده شد. او آن‌گاه چندین بار کوشید تا ببیند که آیا فرد آمریکایی می‌توانست علاقه‌مند باشد که به یک سفر تفریحی به مسکو براساس یک ترتیب ویژه برود. هنگامی که این پیشنهاد رد شد، مأمور شوروی دست به شگرد دیگری زد و از فرد آمریکایی دعوت کرد تا برای یک دوره به اتحاد شوروی بیاید و به عنوان معلم، شغلی برای خود در آنجا اختیار کند. مأمور شوروی به او گفت که این یک تجربه بسیار باارزش خواهد بود و فرد آمریکایی حقوق بسیار بالایی دریافت خواهد داشت.

شورویها همچنین علاقه‌مند به جلب اشخاصی که آنها به عنوان آماجهای احتمالی جهت به کارگیری تشخیص داده‌اند، بوده‌اند. مثلاً در سال ۱۹۶۶ سه داوطلب مؤنث سپاه صلح در ترکیه از دفتر اینتوربست (آژانس مسافرتی شوروی) در آنکارا دیدن کرده و خواستند تا ترتیب سفر آنها به اتحاد شوروی داده شود. هنگامی که آنها در دفتر اینتوربست بودند سه نفر از اتباع شوروی (همه آنها مأمورین اطلاعاتی بودند) که در کوششهای خود برای پرورش آنها اصرار داشتند، با آنها ملاقات کردند. اندکی بعد مدیر سپاه صلح آمریکا در محل، این سه نفر را متقاعد ساخت تا برنامه سفر خود به اتحاد شوروی را حذف کنند. هنگامی که نماینده اینتوربست، که خود یک مأمور کا.گ.ب. بود، اطلاع یافت برنامه سفر این سه عضو سپاه صلح آمریکا حذف شده است، او نرخ سفر را از ۲۵۰ دلار (حدافلی) که تعیین کرده بود به ۱۰۲ دلار کاهش داد. البته سپاه صلح جهت دستگاه اطلاعاتی شوروی هدف بسیار جذابی است زیرا بیشتر داوطلبان سابق این سپاه بعداً در دولت ایالات متحده استخدام شده‌اند و امید می‌رود که در آینده نیز عده دیگری از این افراد استخدام شوند. انواع مختلفی از کوششهای شوروی برای پرورش پرسنل سپاه صلح از کشورهای در قاره آفریقا و خاورمیانه و آسیا گزارش شده است.

### تابعیت قلابی

تکنیک شوروی با استفاده از «تابعیت قلابی» در پرورش یا کوشش در به کارگیری از سوی شوروی چندین بار نشان داده شده و برای تأکید ذکر شده است. زیرا شناسایی یا کشف هویت آنها تا زمانی که دستشان رو نشده است، بسیار دشوار است (و ممکن است هرگز رو نشود). در مواردی که هدف آمریکایی احتمالاً دارای تمایل نسبت به مقاصد شوروی به نظر نمی‌آید. به صورت نظری دست شوروی هرگز روش نمی‌شود چون ماهیت این شیوه مستلزم آن است که استخدام کننده (تبعه شوروی یا یک عامل غیر روسی) تظاهر کند که نماینده یک سرویس اطلاعاتی غیر روسی یا یک سازمان تجاری یا صنعتی است. مثلاً یک آمریکایی که آلمانی الاصل باشد از او ممکن است خواسته شود که به کشور اصلی خود به نحو مخفیانه کمک کند یا از یک آمریکایی که متعلق به جامعه یهود است، می‌خواهند که برای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل کار کند. از تکنیسین مخابرات وزارت امور خارجه آمریکا که ماجرای او در اینجا شرح داده شد، خواسته شده بود تا با دستگاه اطلاعاتی کشور مبدأ خود در اروپای شرقی همکاری کند. معذالک این عملیات به شوروی بستگی داشت و شامل یک فرد روسی بود که خود را غیرقانونی جا زده بود. ماجرای اولتان یک نوع دیگر از همین تکنیک اساسی بود.

### فتح بابها جهت تماس

انواع طرقی که دستگاه اطلاعاتی شوروی می‌کوشد تا تماس اولیه را با آمریکاییها در خارج آغاز کند



و چشم‌انداز ملاقات‌های آینده را تأمین کند بسیار چشمگیر است. در ماجراهایی که تاکنون شرح داده شده است، ما شاهد مأموران شوروی بوده‌ایم که در خیابان یا در «بارها» یا در مهمانیها و پارتیهای خصوصی از طریق افرادی از ملیتهای دیگر و غیره به آمریکاییها نزدیک شده‌اند.

یک سند دستورات عملی که از سوی کا.گ.ب. تهیه شده پیشنهادات دیگری را نیز عنوان می‌کند: «مأمور اطلاعاتی برای آنکه دامنه پوشش خود را برای ملاقات با آمریکاییها توسعه دهد می‌تواند وارد فعالیتهای ورزشی شده و یا خود را مشغول جنبه‌های مختلف علمی یا هنری بنماید، یا اینکه دست به کاری بزند که جنبه مشغولیتی دارد مثلاًهایی از این قبیل مانند ماهیگیری، بازی تیس، جمع‌آوری تمبر و سکه و غیره.»

از این دستورات عملی در همه نقاط جهان در نهایت وفاداری پیروی شده است و حتی بهبود نیز داده شده است. شورویها همان طور که نشان داده شد، بازیهای سازمان داده‌اند. مثلاً بازی والیبال که در وین انجام گرفت و همچنین کوشیده‌اند تا از آمریکاییها بخواهند تا به همسرانشان یا خودشان درس زبان بدهند و همچنین در بازیهای بولینگ آمریکاییها شرکت نموده‌اند و حتی از محل اقامت تفنگداران آمریکایی دیدن کرده‌اند.

گریگوری یوسیفویچ گنجاروف یک مأمور جی.آر.یو. (اطلاعات نظامی شوروی) در رباط مقدار قابل ملاحظه‌ای از وقت خود را در ساحل در جستجوی کادرهای نظامی آمریکایی صرف می‌کرد، به این امید که بتواند یک آشنایی غیر رسمی با آنها پیدا کند. چند سال قبل در سوریه متوجه شدند که شخصی به نام کنستانتین موزل یک مأمور اطلاعاتی شوروی عادت بر آن داشت که قسمت اعظم سه روز در هفته را در استخر شنای جامعه دیپلماتیک بگذارند و وارد گفتگو با همسران انگلیسی زبان بشود در حالی که شوهرانشان در حال کار بودند.

در تریپولی، دستور کا.گ.ب. درباره جمع‌آوری تمبر، عیناً توسط کارمندان اطلاعاتی شوروی به کار برده می‌شد بعضی از آنها دیده می‌شدند که با کلاسورهای حاوی تمبرهای پستی در خیابانها این طرف و آن طرف می‌گردند و برای آغاز گفتگو در بارها، کافه‌ها و سایر امکان عمومی از آن استفاده می‌کنند. اگر شخصی که بدین ترتیب طرف تماس قرار می‌گرفت علاقه به تمبر نشان می‌داد، مأمور شوروی بسته‌ای را که همراه داشت به او می‌داد و پیشنهاد می‌کرد که طرف آن را به منزل برده و مطالعه کند و تصمیم بگیرد که کدام یک از آنها را دلش می‌خواست داشته باشد. البته این امر زمینه را برای ملاقات دیگر فراهم می‌کرد که طی آن موضوع تمبرها مورد بحث قرار می‌گرفت و شاید تمبرهایی مبادله می‌شد ولی شکی نیست که قسمت اعظم وقت از سوی مأمور شوروی صرف تحکیم مناسبات و بیرون کشیدن اطلاعات مربوط به شرح زندگی، کار و پایه‌گذاری زمینه جهت ملاقات‌های بعدی می‌گردید.

مأمور جی.آر.یو. در ترتیب دادن حادثه‌ای در بروکسل در سال ۱۹۶۶ نشان داد که هدف ایجاد تماس یکی از مأموران جی.آر.یو. با یک کارمند آمریکایی مؤنث، هیئت مستشاری - نظامی آمریکایی (MAAG) بود. این زن آمریکایی هنگامی که یک روز به خانه بازمی‌گشت متوجه شد که یک زن روسی که ظاهراً مریض به نظر می‌رسید در خارج اقامتگاه او تکیه داده است. مرد همراه روسی او بنام ولادیمیر آی چرتون، که خود را نماینده شرکت هواپیمایی شوروی ایروفلوت در بلژیک معرفی کرده بود، از این زن آمریکایی تقاضا کرد که آیا می‌تواند همسر خود را برای استراحت به منزل این آمریکایی ببرد. به محض

اینکه این زن روسی وارد منزل شد (در حالی که هویتش معلوم نشد) به فوریت بهبود پیدا کرد و در همان حال چرتون می‌کوشید تا قدردانی خود را به زن آمریکایی ابراز بدارد. او بار دیگر ولی بدون موفقیت چند ماه بعد کوشید تا در خیابان با نزدیک شدن به این زن آمریکایی روابط دوستانه برقرار کند. چرتون در سال ۱۹۶۷ از سوی مقامات بلژیک دستگیر شد و به علت فعالیتهای اطلاعاتی خود وادار شد تا بلژیک را ترک کند.

### نتیجه گیری

کوششهای اطلاعاتی شوروی برای به دست آوردن اطلاعات مخفی از طریق به کارگیری آمریکاییها و رخنه در تأسیسات آمریکایی در خارج، همان طوری که این مطالعه نشان داده است، از لحاظ دامنه سراسر جهان را فرا می‌گیرد و مقیاسهای آن بسیار عظیم و شدت و مداومت آن لاینقطع بوده و قوه تخیل بسیار عالی در نقشه‌های آنها به کار می‌رود. هدفهای مطلوب کا.گ.ب. و جی.آر.یو. متنوع بوده و شامل آمریکاییهای خصوصی و رسمی می‌باشد ولیکن فعالیت عملیاتی که جنبه تعرض آمیز داشته باشد متوجه کارمندان جوان مؤسسات دیپلماتیک و سایر مؤسسات رسمی و همچنین علیه سربازان ساده نیروهای مسلح آمریکاست. البته ارجحیت به کارمندان رمز و مخبرات و تفنگداران دریایی و منشیهای بایگانی و مصادر امور داده می‌شود، زیرا شورویها این گروه وسیع را به عنوان عناصر آسیب‌پذیر نسبتاً آسان جهت نزدیک شدن به آنها تلقی می‌کنند.

مفهوم آیینی کا.گ.ب. درباره یک آمریکایی متوسط الحال و ساخت و ترکیب روانی او و ماهیت مادی او و علاقه درجه یک او به پول و اینکه چگونه هر چه بیشتر پول به دست بیاورد که در این مطالعه به شکل سند تنظیم شده است، یک مطلب مورد اختلاف نظر بوده و ممکن است برای اکثر خوانندگان بسیار ناهنجار باشد. معذالک در بسیاری از موارد انفرادی که طی آنها شورویها موفق شده‌اند به نحو بارز شی عده‌ای را برای هدفهای خود به کار گیرند، این مفهوم صحت خود را ثابت کرده است.

به عنوان یک تعمیم کلی این مفهوم در نتیجه بسیاری از شکستهایی که شورویها در فعالیت به کارگیری خود خورده‌اند حتی پس از ارزیابی و تدارکات دقیق اشتباه از آب درآمده است. ضوابط و سوابق نشان می‌دهد که آمریکاییها به طور کلی به عنوان یک گروه به کشور خود وفادار هستند و از هر ملیت دیگری که شورویها کوشیده‌اند به نفع خود به کار گیرند سر سختی بیشتری نشان داده‌اند. با وجود این با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا «دشمن اصلی و عمده» بوده و کا.گ.ب. و جی.آر.یو. وقت و کوشش بیشتری برای عملیات به کارگیری علیه آمریکاییها نسبت به افراد ملل دیگر اختصاص می‌دهند، این امتیاز آمریکاییها تا اندازه‌ای خنثی می‌شود. هیچ دلیلی نیست که درباره معتبر بودن تجربه شوروی شک داشته باشیم که به کارگیری آمریکاییها در خارج از به کارگیری آنها در خود ایالات متحده آسانتر است یا اینکه درباره این نظر شوروی تردید داشته باشیم که یک نفر آمریکایی مقیم خارج از حالت دفاعی را که در کشور خود دارد از آن مبرا است، و درباره خود آزادانه صحبت می‌کند و بدون هیچ‌گونه سوءظنی با خارجیان معاشرت می‌کند. شورویها از این آزادی نقل و انتقال و معاشرت که آمریکاییان در خارج از ساعات خارج از انجام وظیفه از آن برخوردارند استفاده می‌کنند. شورویها برقراری تماس مستقیم شخصی جهت پرورش و ارزیابی در خارج را آسانتر تشخیص می‌دهند و آنها در عین حال از عده‌ای عمال متنوع خود در خارج که

از همکاران آماده و متمایلی هستند در چنین مواردی بهره‌برداری می‌کنند. نمونه‌هایی از تکنیکهای متعدد عملیاتی شوروی در این مطالعه نشان داده شده است. گاهی این تکنیکهای بسیار واضح می‌باشند ولیکن آنها اغلب از یک زیرکی خاصی برخوردار بوده و غیرمستقیم می‌باشد. شیوه‌های شوروی از ردیابی و ارزشیابی و پرورش و به‌کارگیری افراد بسیار متنوع بوده و تنها بر حسب منابع و امکانات عملیاتی و قوه تخیل مأمور اطلاعاتی شوروی محدود می‌شود. مؤثر بودن این شیوه‌ها منوط به درجه درک آمریکاییها از مقاصد شوروی و درک تکنیکهای شوروی و هوشیاری همیشگی آمریکاییها نسبت به تظاهر احتمالی این مقاصد شوروی و تکنیکهای آنهاست.

این موضوع مهم است که به خاطر داشته باشیم که شورویها در غرب به عنوان یک قاعده کلی، اجازه ندارند تماسهای غیررسمی و اجتماعی با آمریکاییان داشته باشند مگر اینکه برای چنین کاری دلایل و مجوز اطلاعاتی داشته باشند. تماس اتفاقی و ظاهراً بدون نقشه قبلی با یک فرد روسی باید در همان موارد با مقامات امنیتی مربوطه گزارش داده شود. اقدامات کنجکاوانه غیرطبیعی از سوی افراد غیر روسی، به‌ویژه درباره اطلاعات بیوگرافیک اعم از فعالیتهای خصوصی و رسمی و وضع مالی شخصی کارمندان رسمی آمریکایی و کارمندان آمریکایی در خارج باید یادداشت شده و گزارش شود.

مقامات امنیتی اغلب برای تشخیص هویت مأمورین اطلاعاتی شوروی و همچنین عمال آنها دارای اطلاعات بوده و یا قدرت آن را دارند که چنین اطلاعاتی به دست آورند و راهنماییهای لازم را بنمایند.



کتاب پنجاه و دوم

شوروی  
«شرق تجاوزگر»  
بخش سوم (۲)



سند شماره (۳)

خیلی محرمانه  
مدیریت بخش اقتصادی یا دفتر منافع آمریکا  
مشاور سیاسی - جان الف. آرمیتاژ، راهنمای امور خارجه - سیاسی  
نسخه‌ای از آخرین مقررات مربوطه به گفتگو با دیپلماتها و یا ملیتهای کمونیست به پیوست ارسال  
می‌گردد. این دستورالعمل باید توسط تمام پرسنل آمریکایی رؤیت و مطالعه گردد.

ضمیمه:

همان‌گونه که ذکر گردید (خیلی محرمانه)

خیلی محرمانه  
جلد دوم - امور سیاسی تاریخ: ۳ خرداد ۱۳۴۸  
نامه انتقالی: سیاسی - ۲۰  
مقررات یکنواخت دولت ACDA/USIA/AID  
گفتگو با دیپلماتها و ملل تبعه کشورهای کمونیستی  
تمام کارمندان خدمات خارجی واحدها و واشنگتن در بخشهای دولتی ACDA، USIA، AID، باید  
گفتگوهای خود با دیپلماتها و ملل تبعه کشورهای کمونیستی را گزارش نمایند. اهمیت این گزارشها قبلاً  
در ۱۴۷۱ - CA مورخه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۳ مطرح گردیده بود.  
سرلوحه COMTALK که جهت توزیع این گزارشها تعیین شده، در بخش ۲۱۲/۴، ۲۰۰ OFAM  
تجدید نظر شده صادر خواهد شد.

اقدام مورد لزوم

مقامات اداری باید این دستورالعمل را مورد توجه تمام پرسنل آمریکایی قرار دهند.

دستورالعملهای بایگانی

صفحه ضمیمه شده ۲۴۳/۴ را پس از صفحه ۲۴۳/۲ بایگانی نمایید.  
۱۴۷۱ - CA مورخ ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۳ دستورالعمل مشترک دولت، ACDA، USIA، AID را لغو  
نمایید.

خیلی محرمانه

مقررات یکنواخت دولت / اداره اطلاعات ارتش / آژانس کنترل و خلع تسلیحاتی / آژانس اطلاعات  
دفاعی ۲۴۳/۴ گفتگو با دیپلماتها و ملل کمونیستی  
موضوع: تماس با ملیتهای تبعه شوروی و بلوک کمونیست  
الف - بنا به دلایل مهم و غیره، باید در مورد گفتگوهای کارمندان با دیپلماتها و ملل کشورهای  
کمونیستی گزارشاتی ارسال گردد و  
(۱) باید در برگیرنده تماسهای رسمی و شخصی باشد؛

(۲) ممکن است به مسائل سیاسی، اقتصادی و دیگر مسائل رسمی ربط داشته باشد؛  
 (۳) ممکن است تماس در یک محل همگانی و یا شخصی مانند ضیافت‌های شام، حضور در سینما و تأثر و سیاحت رخ داده باشد.  
 به هر حال پس از برقراری چند تماس ظاهراً بی‌اهمیت در مدت چند ماه باید به این‌گونه تماسها اهمیت داد. تماسها زمانی باید گزارش شود که معلوم شود که نماینده ملت کمونیستی در اثر تداوم روابطش به این تماسها اهمیت می‌دهد.  
 ب - منظور از دستورالعمل بالا به هیچ‌وجه این نیست که از تماس با نمایندگان ملل کمونیست جهت اهداف عادی و یا دلایل مطروحه در راهنما امتناع ورزیده شود.

#### ۱-۴-۲۴۳ کارمندان واحدهای سرویس خارجی

در صورتی که محتوای تماس، ارسال تلگرام را ایجاب نماید باید یادداشت مکالماتی تحت پوشش یک نامه هوایی و طبق بخش ۸-۲، ۲۶۳ ارسال گردد. تلگرامها و یا نامه‌های هوایی که حاوی این‌گونه تماسها هستند باید سرلوحه «COMTALK» را داشته باشند و از طریق کانالهای ارتباطی آژانس مادر ارسال شوند. کارمندان آژانس اطلاعاتی آمریکا باید فرم آژانس اطلاعاتی - ۳۹۴ یادداشت مکالماتی را به دفتر امنیتی آژانس بفرستند.

#### ۲-۴-۲۴۳ کارمندان موجود در آمریکا

به منظور مطمئن شدن از فعالیتهای ملل کمونیستی در قبال کارمندان وزارتخانه و خدمات خارجی، نوع تماسی که در پاراگراف الف بخش ۴/۲۴۳ مطرح شده نیز باید توسط تمام کارمندان موجود در واشنگتن گزارش شود. این گزارشها که مانند قبل عنوان و سرلوحه خاصی دارد، به ترتیب زیر ارسال و انتقال می‌یابد:

برای دولت توسط فرم ۱۲۵۴ - DS، یادداشت مکالماتی، مستقیماً به OPR/RS جهت تکثیر و توزیع.  
 برای اداره اطلاعاتی ارتش توسط یادداشت به رئیس، دفتر امنیتی از طریق ناظر این کارمندان.  
 برای آژانس اطلاعاتی آمریکا توسط فرم ۳۹۴ - IA، یادداشت مکالماتی به دفتر امنیتی آژانس.  
 برای آژانس کنترل و خلع تسلیحاتی توسط فرم ۱۲۵۴ - DS یادداشت مکالماتی به OPR/RS داده می‌شود تا به رؤیت ریاست اجرائی برسد.

#### سند شماره (۴)

خیلی محرمانه  
 از: جانشین معاونت مدیر امنیتی  
 تاریخ: ۲۱ ژانویه ۱۹۷۰ - ۱ بهمن ۱۳۴۸  
 به: ناظران امنیتی منطقه‌ای  
 عطف به: نامه «D» Sy به شماره ۶۹/۴۷ مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۴۸ شماره نامه دفتر: 7015 - مقامات:  
 امنیتی منطقه‌ای، مقامات امنیتی (فنی) وزارت امور خارجه - دفتر امنیت  
 موضوع: توجیه‌های امنیتی - خلاصه پرونده‌های اخیر و مهم SAS  
 در رابطه با مرجع مذکور، هشت خلاصه مورد مهم SAS که اخیراً صورت گرفته و شامل تلاشهای



حقیقی و یا مظنون از طرف سرویسهای اطلاعاتی متخاصم برای به سازش کشانیدن و یا استخدام پرسنل سرویس خارجی وزارتخانه و یا دیگر آژانسهای دولت آمریکا می باشد را ضمیمه کرده ایم. در تیر ماه ۱۳۴۸، تعدادی از افسران امنیتی منطقه ای خواستار دریافت اطلاعاتی در مورد تلاشهای انجام شده اخیر نفوذی و یا استخدامی پرسنل شدند تا در جلسات توجیهی واحدها در مورد پرسنل تازه وارد و یا برگزاری جلسات توجیهی بعدی مورد استفاده قرار دهند. همانگونه که خاطر نشان خواهد شد اسامی اشخاص و مکانها حذف شده اند تا از تجسس پیرامون هویت فرد مشمول جلوگیری به عمل آمده باشد و نیز از بروز موجبات شرمساری افرادی که پیرامون این تلاشها گزارش خود را به مقامات مربوطه و نیز افسر امنیتی منطقه ای تسلیم نموده اند، ممانعت شده باشد. واضح است که هر افسر امنیتی منطقه ای بدون تحمل هیچگونه دردسری می تواند هویت هر یک از این افراد را مشخص کند ولی باید از انجام این کار خودداری شود.

مهم به یاد داشتن این مطلب است که نیروهای اطلاعاتی متخاصم دائماً از تاکتیکهای قدیمی استفاده می کنند تا بتوانند از نقاط ضعف شخصی افراد در تلاش خود بر به سازش کشانیدن و یا استخدام پرسنل ما بهره برداری کرده و یا موفق به جلب همکاری آنها بشوند، باج گیری از طریق تهدید به افساء، بی احتیاطیهای عادی و یا غیرعادی سکسی، درگیری در عملیات بازار سیاه و پیشنهاد اقطاع شخص از جمله روشهای اصلی مورد استفاده در اینگونه تماسها می باشد. همانگونه که می دانید موفقیت اینگونه روشها متضمن استفاده بیشتر از این روشها می باشد.

از نظر من یک توجیه و یا توجیه مجدد خوب امنیتی مهمترین اقدامات ضد جاسوسی است و شخصاً از هر یک از افسران امنیتی می خواهم که دقت و توجه کافی به آن مبذول نمایند. در هر یک از جلسات توجیهی، از همه پرسنل موجود باید صریحاً خواسته شود که تماسهای خود با اتباع بلوک کمونیستی را طبق مقررات گزارش نموده و در مورد تلاشهای مربوط به سازش کشانیدن و یا استخدام با تأکید بر این واقعیت که این گزارش مورد توجه کامل افسر امنیتی منطقه ای و وزارتخانه قرار خواهد گرفت. ارسال، گزارش حتماً صورت پذیرد.

در جلسات توجیهی باید یادآور شد که حتی اشخاصی که رفتار نادرست ندارند نیز ممکن است به عنوان یک هدف اطلاعاتی در نظر گرفته شوند؛ و تماسها معمولاً با در نظر گرفتن موقعیت وی در واحد مربوطه و یا آگاهی و یا مشارکت وی در عملیات طبقه بندی شده، صورت می گیرد.

ضمیمه شده:

هشت خلاصه SAS

### خیلی محرمانه

در سال ۱۳۴۷، از یکی از افسران متأهل سرویس خارجی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی، توسط آژانس اطلاعاتی امنیتی محلی عکسی گرفته شد که وی را با یک هنرپیشه زن محلی تابع آن کشور به طور عریان نشان می داد. روش باجگیری و استخدام آمده در ذیل با شکست روبه رو شد.

**جزئیات:**

به علت محتوای مغایر با اخلاق از ترجمه متن اصلی خودداری شده است. مترجم

\*\*\*

در سال ۱۳۴۷، یکی از کارمندان سرویس خارجی که به عنوان ناظر ارتباطاتی در یکی از واحدهای مستقر در دیوار آهنین مشغول به کار بود توسط افسران اطلاعاتی محلی مورد تماس واقع شد تا به کار گرفته شود. به وی پیشنهاد کمک شخصی داده شد که با وظایف رسمیش در سفارتخانه مغایرت داشت و می توانست بعدها به عنوان «باج سبیل» مورد بهره برداری قرار گیرد. این تلاش به کارگیری نیز با شکست روبه رو شد.

**جزئیات:**

ناظر ارتباطاتی و سوابق در یکی از واحدهای اروپای شرقی شخصاً به وزارتخانه دولتی ارتباطات محلی رفت تا اجازه مربوط به تغییر و نصب تجهیزات مورد نیاز در واحد ارتباطی سفارت را کسب کند. به عنوان اطلاع بیشتر در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که این کار تحقق نمی پذیرد مگر آنکه تمام پروانه های معافیت ورود تجهیزات از طریق دولت محلی دریافت شده باشد. چند شرکتی که تجهیزات ارتباطاتی را فروخته و نصب می کنند برای به دست آوردن پیمان مزبور رقابت می کردند که تاکنون هیچ یک از آنها موفق نشده اند.

یک هفته قبل از دیدار بالا، این ناظر ارتباطاتی سفارت در یکی از هتلهای محلی با نماینده یکی از شرکتهای فروشنده تجهیزات ارتباطاتی (که شرکتی آمریکایی است) ملاقات کرد، و در مورد استخدام خود در شرکت مزبور به هنگام بازنشستگی که یک سال بعد از این تاریخ آغاز می شد سؤال کرد. این ملاقات نتیجه ای قطعی به همراه نداشت و گمان نمی رفت که کارمند سفارت پیشنهاد استفاده از نفوذ خود در رابطه با قرارداد مزبور را مطرح کرده باشد.

هنگامی که ناظر ارتباطاتی سفارت وارد دفتر وزارت ارتباطات شد که معمولاً نیز کارهای ارتباطاتی خود را در آنجا انجام می داد با دو نفر غیر نظامی روبرو شد که او آنها را نمی شناخت ولی آنها مدعی شدند که کارمند همان وزارتخانه هستند. آنها اظهار داشتند که عمده مسئولیت اعطای برگهای معافیت کار و واردات به عهده آنها گذاشته شده است. آنها با صراحت گفتند که از موضوع تقاضای کار وی در یکی از شرکتهای جوینده پیمانکاری سفارت پس از بازنشستگی خبر دارند. به ناظر ارتباطات گفته شد که در ازاء همکاری (نامعلوم) وی آن دو نیز از نفوذ بسیار خود در ارائه معافیت های مورد نیاز بهره خواهند گرفت و معافیت های لازم را طوری ارائه خواهند کرد تا شرکت ارتباطاتی مورد نظر بتواند قراردادهای مربوط به کار پیرامون سفارت را به دست بیاورد. به افسر ارتباطات گفته شد که این اقدام سبب جلب نظر شرکت خواهد شد و پس از بازنشستگی نیز خواهد توانست در آنجا به کار مشغول گردد. ناظر ارتباطات، مؤدبانه لیکن با قدرت هر چه تمامتر این پیشنهاد را نپذیرفت و کمی بعد به سفارت بازگشت و این واقعه را به افسر امنیتی منطقه ای گزارش داد. موضوع در همین جا خاتمه یافت.

تحقیق و تجزیه و تحلیل های بعدی نشان داد که سازمان اطلاعاتی محلی قصد داشته با ارائه یک هدیه جالب توجه، ناظر ارتباطاتی را وسوسه کند که اگر این هدیه پذیرفته می شد همکاری (استخدام) وی از

طریق باج‌گیری قطعی می‌شد.

\*\*\*

در اوایل سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات نمایندگی تجاری شوروی با یکی از منشی‌های ارتباطاتی مستقر در سفارت آمریکا که در یکی از کشورهای اروپای غربی واقع شده بود، سه بار همراه با دعوت‌های اجتماعی تماس گرفت که بعدها معلوم شد که این شخص در ارتباط با سازمان اطلاعاتی شوروی (کا.گ.ب) می‌باشد.

جزئیات:

این داستان واقعی مربوط به یکی از کارمندان سرویس خارجی آمریکایی است که به عنوان منشی ارتباطات در سفارت آمریکا واقع در یکی از کشورهای اروپای غربی مشغول به کار بود. وی همراه با یکی از همکارانش در آپارتمان خود سکونت داشت. در سال ۱۳۴۵، پس از انتقال همکار مزبور به جایی دیگر، وی نتوانست شخص مناسب دیگری را بیابد تا بتواند در پرداخت حق‌الاجاره وی را یاری دهد. به همین دلیل این منشی ارتباطات به یک مجتمع آپارتمانی دیگر نقل مکان کرد که کارمندان دون‌رتبه‌تر جامعه دیپلماتیک در آنجا سکونت داشتند. مستأجران سفارتهای خارجی این مجتمع عبارت بودند از دو منشی بخش آمار سرویس خارجی سفارت آمریکا و یک مقام نمایندگی تجاری شوروی و خانواده‌اش.

چند روز پس از اسباب‌کشی به آپارتمان جدید، کارمند سرویس خارجی پس از پایان کار به آپارتمان صاحبخانه‌اش که در همان مجتمع واقع شده بود، رفت. هدف از این ملاقات نیز گفتگو پیرامون این مسئله بود که وی چه زمانی اجازه دارد از ماشین لباسشویی استفاده کرده و در چه مکانی باید زباله‌هایش را دور بریزد، به محض ورود به آپارتمان صاحبخانه وی به مقام نمایندگی تجاری شوروی که در همان شهر سکونت داشت معرفی گردید. صاحبخانه گفت که میهمان روسیش قبلاً در همین مجتمع سکونت داشته و اکنون برای دیدن یکی از همکارانش که در اینجا زندگی می‌کند به اینجا آمده است. فرد روسی گفت که وی آمده است تا به صاحبخانه‌اش سر بزند. پس از پایان کار کارمند سرویس خارجی سفارت آمریکا، وی فکر کرد که بهتر است با شخص روسی نیز چند دقیقه‌ای وارد گفتگو شود. ولی فرد روسی با وی حدود یک ساعت به صحبت مشغول شد و از منافع فرهنگی مشترک، ناآرامیهای داخلی در آمریکا، مداخله آمریکا در ویتنام و غیره سخن به میان آورد. با دشواری بسیار سرانجام کارمند مزبور موفق شد گفتگو را خاتمه دهد. قبل از خروج، فرد روسی وی را به شام دعوت کرد تا پس از آن کارمند سفارت را به نقاط معروف و مورد توجه جهانگردان ببرد و دست آخر نیز وی بلیط یکی از فیلمهای فرهنگی روسی را ارائه کرد. در تمام این موارد کارمند سرویس خارجی آمریکایی مؤدبانه لیکن سرسختانه دعوتها را پذیرفت.

ماه بعد نیز مقام نمایندگی تجاری روسی دوبار با منشی ارتباطات مزبور تماس گرفت و وی را به ضیافت‌های اجتماعی دعوت نمود، لیکن هر بار با امتناع مؤدبانه وی روبرو شد. پس از این ملاقات در آپارتمان صاحبخانه، کارمند سرویس خارجی موضوع را با افراد مافوق خود در سفارت و سپس با افسر امنیتی منطقه‌ای را در میان گذاشت. تحقیقات بعدی نشان داد که مقام نمایندگی تجاری شوروی یکی از اعضای سازمان جاسوسی کا.گ.ب. بوده است. کارمند سرویس خارجی آمریکایی به طرز عادی واحد

مأموریت خود را ترک گفت و اتفاق دیگری رخ نداد.

توجه:

هنوز برای مقام امنیتی منطقه‌ای مشخص نشده که چرا این مأمور سازمان کا.گ.ب. مصرانه می‌خواسته است که از همان روز اول نقل و انتقال این کارمند آمریکایی به ساختمان جدید از وی بهره‌برداری کند و در عین حال از دو منشی آمریکایی دیگری که حدود یک سال در همان مجتمع سکونت داشتند چشم‌پوشی کرده بود.

\*\*\*

در سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات صدور روادید که در یکی از کشورهای اروپای شرقی انجام وظیفه می‌کرد به نحوی از انحاء با اتباع محلی روابط دوستانه و با یکی از آنها در شرایط مظنون روابط جنسی برقرار کرده بود. همه شواهد موجود حاکی از آن است که سازمان اطلاعات محلی در نظر داشته مقام صدور روادید مزبور را به دام انداخته و وی را به همکاری جلب نماید.

جزئیات:

در سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات سرویس خارجی که به عنوان مقام صدور روادید در یکی از سفارت‌های آمریکا واقع در یکی از کشورهای اروپای شرقی کار می‌کرد در یک کوکتل پارتی نیمه رسمی که از طرف یکی از همکاران آمریکاییش ترتیب داده شده بود شرکت جست. در این ضیافت وی با دو نفر آشنا شد که می‌گفتند در وزارت بازرگانی محلی به کار مشغول هستند. مقام مزبور متوجه شد که (از نظر اجتماعی) وی دارای وجوه مشترک بسیاری با این دو نفر است و پس از پایان کوکتل پارتی نیز با آنها به هتلی در همان اطراف رفت تا با آنها مشروب بیشتری بنوشد. وی متوجه شد که دوستان جدیدش به هیچ وجه میل ندارند از کار وی سر در بیاورند بلکه بیشتر خواهان دوستی با وی بوده و ادعا می‌کردند که به زنان محلی برای برقراری روابط نامشروع جنسی به آسانی دسترسی دارند.

یک هفته بعد مقام سرویس خارجی مزبور بنا به دعوت دوستانش به یکی از مشروب‌فروشیهایی که محل اجتماع زنان روسی بود رفت. فرد آمریکایی قبلاً نیز دوبار به آنجا رفته بود ولی با زنان این میکده هیچ‌گونه تماس نادرستی برقرار نکرده بود. پس از پایان خوشگذرانی فرد آمریکایی گفت که دو دوست خود و یکی از زنان آنجا را به محل سکونتشان خواهد رساند. پس از رسانیدن دو دوست مزبور مجبور شد زن روسی را نیز به خانه‌اش برساند. در محل به جای اینکه از وی مؤدبانه جدا شود، زن مزبور مقام سرویس خارجی را به داخل آپارتمان خود کشانید و سعی کرد با وی روابط جنسی انجام دهد. فرد آمریکایی مدعی است که این روابط بطور جدی ادامه نیافت و وی پس از چند دقیقه آنجا را ترک گفت. روز بعد مقام سرویس خارجی پس از یادآوری سخنرانیهای امنیتی و اعلام ممنوعیت برقراری ارتباط اجتماعی با اتباع محلی از طرف سفارت، نزد مقام امنیتی منطقه‌ای رفت. پس از تحقیق مشخص شد که احتمالاً قرار بوده است با اجرای توطئه‌ای وی نیز مجبور به باج دهی و همکاری شود. در خاتمه، مقام سرویس خارجی گفت که در آینده این‌گونه دعوتها را از طرف اتباع محلی نخواهد پذیرفت و در مورد

وی، موضوع به همین جا پایان یافت.

\*\*\*

در اواسط سال ۱۳۴۸ در یکی از واحدهای مستقر در یکی از کشورهای آفریقایی، یکی از مقامات اطلاعاتی شوروی تحت عنوان گزارش اخبار سعی کرد یکی از کارمندان سرویس خارجی را وادار به همکاری نماید و پیشنهاد نمود که وی پس از استعفا از سمت کنونی خود مرکزی را در کانادا ایجاد کند و سربازان فراری آمریکایی را در کانادا پناه دهد.

جزئیات:

در پاییز سال ۱۳۴۷ یکی از مقامات سرویس خارجی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای آفریقایی در کوکتل پارتی مطبوعاتی که از طرف گزارشگر اخبار ملی سویس ترتیب داده شده بود شرکت کرد و در آنجا با یکی از اتباع روسی که می‌گفت در آنجا با سرویس مطبوعاتی شوروی همکاری می‌کند آشنا شد. مقام سرویس خارجی آمریکایی و گزارشگر خبری روسی متوجه شدند که علائق مشترک بسیاری بین آنها وجود دارد و در شش ماه بعد در رستورانهای محلی ملاقاتهای بسیاری انجام دادند. فرد روسی نیز اغلب صورت حسابها را پرداخت می‌کرد و برای فرد آمریکایی ودکا و آبجو سفارش می‌داد. این ملاقاتها که در ملاءعام صورت می‌گرفت، مورد توجه بعضی از همکاران آمریکایی سفارت قرار گرفت لیکن هیچ‌گاه در مورد مقاصد فرد روسی سؤالی پیش نیامد. این گزارشگر روسی در گفتگو با فرد آمریکایی نشان داد که به کارمندان سفارت آمریکا، کار آنها، موارد جالب و مورد تنفر آنها و عکس‌العمل آنها نسبت به ناآرامیهای داخلی در آمریکا، نظر آنها در مورد تداوم مداخلات آمریکا در ویتنام و غیره توجه بسیار دارد. در نتیجه این گفتگوها نیز وی دریافت که فرد آمریکایی از نظام سربازگیری آمریکایی که جوانان این کشور را به آمریکا می‌فرستد خوشش نمی‌آید. رویدادهای بعدی نیز حکایت از آن داشت که خبرنگار روسی فکر می‌کرد که این فرد آمریکایی در برهم زدن وضع سربازی آمریکا وی را یاری خواهد داد. در اواسط سال ۱۳۴۸ طی ملاقاتی که در یک رستوران عمومی صورت گرفت گزارشگر روسی مستقیماً پیشنهاد کرد اگر مقام سرویس خارجی آمریکایی از کار خود استعفا داده و در کانادا مرکزی برای تجمع سربازان فراری آمریکایی ایجاد کند وی نیز از نظر مالی او را حمایت خواهد کرد. وی همچنین گفت که حاضر است با ارائه کمکهای مالی بیشتر موجبات سفر وی را به سوئد فراهم سازد تا با نحوه کار مراکز گردآوری سربازان فراری آمریکایی در آنجا آشنا گردد. مقام آمریکایی نیز به علت دشواریهای موجود در خلاصی از کار و مظنون شدن به اینکه وی احتمالاً درگیر شرایط نادرستی شده است، تمام این موضوع را به افراد مافوق و افسر امنیتی منطقه‌ای خود گزارش داد. مقام مزبور سریعاً به واحد دیگری منتقل شد و از آن بعد نیز گزارشگر مزبور با وی تماس دیگری برقرار نکرده است.

سفارت و افسر امنیتی منطقه‌ای مسئول پس از خاتمه تحقیقات متوجه شدند که فرد روسی مزبور عضو سازمان اطلاعاتی روسیه یعنی کا.گ.ب. بود و سعی داشته است برای انجام مقاصد خود، این کارمند سرویس خارجه را به کار گیرد.

\*\*\*

در اواخر سال ۱۳۴۶ و اوایل ۱۳۴۷ یکی از کارمندان سرویس خارجی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی با یکی از کارمندان محلی سفارت درگیر روابط نادرست شد و ظاهر این امر این بود که گویا زن مزبور تحت کنترل سازمان اطلاعاتی محلی بوده است.

#### جزئیات:

این کارمند سرویس خارجه حدوداً از شهریور ۱۳۴۶ تا دی ماه ۱۳۴۷ در بخش اداری سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی مشغول به کار شد. وی فردی شایسته و با وجدان کاری شناخته شده بود لیکن، اخلاقیات و رفتار وی در خارج از ساعت کار ناپسند بود. این فرد آمریکایی قبل از ورود به واحد جدید از همسرش جدا شده بود؛ وی در نوشیدن مشروبات الکلی افراط می‌کرد و پس از آنکه تحت تأثیر الکل قرار می‌گرفت در ضیافت‌های نیمه رسمی سفارت با زنان مجرد و متأهل رفتار ناشایستی می‌کرد. مسئله مهمتر اینکه وی علیرغم گوشه‌دهای مکرر با یکی از معلمین مؤنث زبان محلی سفارت رابطه نامشروعی برقرار کرده بود. زن مزبور در بعضی از ضیافت‌های سفارت شرکت می‌کرد و به همین علت کارمند سفارت می‌توانست او را تحت تعقیب قرار دهد. پس از پایان ضیافت‌ها کارمند، وی را به آپارتمان خود و یکی از آپارتمانهای مجهز سفارت می‌برد و بنا به گفته خود روابط عادی جنسی با وی برقرار می‌کرد. دوبار هنگامی که وی زن مزبور را به خانه‌اش می‌رساند متوجه شد که ماشینهای گشتی محلی وی را دنبال می‌کنند. کارمند مزبور فکر نمی‌کرد که روابط موجود آن چنان جدی شود، ولی چنین به نظر می‌رسید که معلمه زبان محلی مقاصد دیگری دارد. وی ادعا می‌کرد که عاشق او شده است، بطور خصوصی و علنی تنفر خود را علیه دولت محلی ابراز می‌داشت و می‌گفت که اگر فرصت آن را داشته باشد به یکی از کشورهای اروپای غربی یا آمریکا خواهد گریخت، کارمند مزبور که به نادرستی روابط خود پی برده بود، سعی کرد با عدم ملاقات وی در آینده رابطه‌اش را با وی قطع نماید. معلمه زبان محلی بشدت او را دنبال می‌کرد و همیشه در سر راه کارمند سرویس خارجه قرار می‌گرفت و یک بار نیز توسط یکی از کارمندان نامه سرگشاده‌ای برای وی فرستاده و در آن خصومت خود را نسبت به دولت محلی ابراز داشت و گفت که حاضر است در یک محل کاملاً مخفی با کارمند مزبور ملاقات نماید. کارمند آمریکایی با مقامات مافوق و افسر امنیتی منطقه‌ای مشورت نمود و بدون اینکه واقعه‌ای رخ دهد از آنجا منتقل شد.

در رابطه با ابراز تنفر علنی توسط این معلمه از دولت محلی و این واقعیت که وی هیچ‌گاه از طرف پلیس امنیتی محل مورد تفتیش قرار نمی‌گرفت، باید گفت که گمان می‌رود که وی شدیداً تحت کنترل سازمان اطلاعاتی محلی بود که سعی داشته‌اند کارمند آمریکایی را از طریق وی وادار به همکاری نمایند.

\*\*\*

در اواخر سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات کا.گ.ب. شوروی با یکی از نیروهای امنیتی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای غربی تماس گرفت تا وی را به کار گیرد.

### جزئیات:

در اوایل ۱۳۴۵ یکی از گاردهای امنیتی وارد یکی از سفارت‌های آمریکا در اروپای غربی شد. فرد مزبور دائماً زیر نظر افراد مافوق خود بود چون او را فردی نابالغ، فاقد قضاوت صحیح و زیر پا گذاردن قوانین و مقررات دانسته و به‌عنوان «مهره‌ای ضعیف» در برنامه امنیتی سفارت به حساب می‌آوردند. در یکی از روزهای آذر ماه ۱۳۴۶ این گارد امنیتی به یکی از کافه‌های مورد علاقه‌اش رفته بود. به محض ورود مرد دیگری نیز در کنارش نشست و دوستانه با وی وارد گفتگو گردید. بدون معرفی خود، فرد مزبور گفت که وی از اتباع روسی است که به‌عنوان مترجم انگلیسی در یک سازمان بین‌المللی به کار مشغول است. فرد روسی بسیار سخاوتمند بود و صورتحساب گارد ما را نیز پرداخت نمود و گفت که او و همسرش، همه چیز آمریکا و مردم آمریکایی را دوست دارند و میل دارند که او را برای شام شب بعد به خانه خود دعوت نمایند. فرد روسی گفت که حاضر است کلکسیون سکه‌های خود را نیز به گارد امنیتی نشان دهد. چندین بار وی را به شام دعوت کرد لیکن هر بار با امتناع گارد امنیتی روبرو شد. پس از پایان چند نوشیدنی فرد روسی گفت که او می‌داند که محل کار وی کجاست و حتی می‌داند که او و همکارانش سه بار در هفته در محل خاص به ورزش بولینگ می‌پردازند.

حدود دو ساعت از گفتگو گذشته بود و گارد امنیتی با خود گفت که بهتر است با این فرد روسی قطع رابطه نماید. وی گفت که باید برای انجام کاری برود و نیز نمی‌تواند دعوت وی را برای صرف شام بپذیرد چون در آن موقع باید به بولینگ برود. به این ترتیب وی به تنهایی میکده را ترک گفت.

روز بعد وی جریان ملاقات خود را با فرد روسی را به سرپرست خود و مقام امنیتی منطقه‌ای گزارش داد. به وی دستور داده شد که به کافه مورد علاقه‌اش پانگذاشته و از فرد روسی ناشناس دوری گیرند. وی همان روز عصر به محل بولینگ رفته بود تا همراه دیگر همکارانش مدتی را در آنجا بگذرانند. درست پس از آغاز بولینگ، فرد روسی وارد و به طرف گارد امنیتی آمد. بار دیگر از وی خواست تا بعد از پایان بولینگ به خانه‌اش آمده و با همسرش و او شام را صرف نمایند. گارد مزبور دعوت را نپذیرفت و گفت که با همکارانش شام را صرف خواهد کرد سرپرست وی نیز در همان نزدیکی ایستاده بود و از وی حمایت می‌کرد.

گارد امنیتی نیز مؤدبانه به گفتگو خاتمه داد و بازی را آغاز نمود. فرد روسی نیز آنجا را ترک گفت و دیگر به سراغ وی نیامد.

مقام امنیتی منطقه‌ای مسئول، بعدها فرد روسی مورد نظر را به عنوان عضو کا.گ.ب. شناسایی نمود.



طی سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ یکی از مأمورین آژانس بین‌المللی آمریکا که در یکی از سفارتهای آمریکا در اروپای شرقی کار می‌کرد درگیر اقداماتی شد که تحت نظر سازمان اطلاعاتی محل بود و منجر به یک «باجگیری می‌شد» تا همکاری وی جلب گردد. این تلاش با شکست روبه‌رو گردید و مأمور آژانس بین‌المللی آمریکایی به نقطه‌ای دیگر منتقل گردید.

## جزئیات:

در سال ۱۳۴۴ مقام مزبور به بخش فرهنگی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی مأمور شد. به علت تجارت پیشین و آشنایی وی با زبان محلی، وی اغلب همراه هیئتهای آمریکایی به شهرهای اطراف سفر می‌کرد. همه فکر می‌کردند که وی به موارد امنیتی آگاه بوده و این آگاهی تا حدی است که پلیس امنیتی و اطلاعاتی محلی قادر به دام‌گستری برای وی نیستند.

در اواخر تابستان ۱۳۴۵ این مقام مجرد، هنگامی که گروهی از مقامات آمریکایی را در سفر به چند شهر همراهی می‌کرد با دو خبرنگار محلی که قبلاً آنها را در کوکتل‌پارتیهای نیمه رسمی دولتی ملاقات کرده بود چند بار شام صرف کرد. در اولین میهمانی شام، که چند زن نیز در آن شرکت داشتند، مقام آمریکایی در نوشیدن مشروبات الکلی افراط کرد تا حدی که آنها مجبور شدند وی را به اتاقش ببرند. روز بعد دو خبرنگار مزبور به وی گفتند که افراط وی در مشروب‌خواری به حدی بود که پلیس محلی به وی مظنون گردیده است. علاوه بر این چند عکس به وی نشان داده شد که وی را همراه با یکی از دختران شب قبل به طور عریان نشان می‌داد. ولی به وی گفته شد که اصلاً نگران نباشد و عکسها را در حضور وی نابود کردند. دو خبرنگار وانمود کردند که وضع خود آنها نیز خوب نبوده و اگر عکسها به پلیس محلی داده شود برای آنها نیز گران تمام خواهد شد. مقام مزبور فکر کرد که موضوع خاتمه پیدا کرده است.

در ماههای بعد نیز مقام مزبور هر ده روز یک بار با یکی یا هر دوی آنها ملاقات می‌کرد و معتقد بود که آنها قابل اعتماد هستند؛ ولی همیشه سعی داشت که در نوشیدن مشروبات مانند آن جلسه افراط ننماید. در بهمن ۱۳۴۶ هنگامی که باز هم مأموریتی در خارج از واحد داشت، دو خبرنگار مزبور ناگهان به ملاقات مقام مزبور در هتل محل اقامتش آمدند. هنگام مشروب‌خواری در اتاقش به وی گفته شد که پلیس هنوز هم در مورد مشروب‌خواری قبلی وی به تحقیق مشغول است (اوت ۱۹۶۶). علاوه بر این منبع ناشناسی عکسهای فوق‌الذکر را در اختیار پلیس نهاده است. سرانجام پیشنهاد شد که یا او با پلیس امنیتی محلی همکاری نماید و یا پلیس او را به خاطر برهم زدن آرامش دستگیر خواهد کرد. مقام مزبور از پیشنهاد مطروحه توسط این «دوستان» شدیداً تکان خورد، مقام مزبور با رد کردن پیشنهاد همکاری به طرز مؤدبانه به این ملاقاتها خاتمه داد و دو روز بعد پس از بازگشت به سفارت موضوع را به مقام امنیتی منطقه‌ای گزارش کرد. چند روز بعد وی به نقطه دیگر منتقل گردید و اتفاق دیگری رخ نداد.

## سند شماره (۵)

تاریخ: ۱۵ آوریل ۱۹۷۱

سری

شماره نامه ۷۱/۱۱ - D

از: معاونت مدیر امنیتی - ۲۶ فروردین ۱۳۵۰

به: ناظران امنیتی، مقامات امنیتی منطقه‌ای، مقامات امنیتی (فنی) وزارت امور خارجه، دفتر امنیتی

موضوع: توجیه دوباره اتباع محلی سرویس خارجه

در چند سال گذشته، به کارمندان محلی سرویس خارجه مستقر در نمایندگیهای ما در اروپای شرقی اجازه داده می‌شد تا چه بطور رسمی به منظور انجام کارهای سفارت و یا به منظور خوشگذرانی موطن خود را ترک گفته و به غرب سفر کنند. بعضی از آنها تصمیم گرفتند به کشور خود بازنگردند و در تعدادی از کشورهای اروپای غربی چون اتریش، آلمان و ایتالیا متقاضی دریافت روایید پناهندگی شدند. این افراد



هنگام کار در نمایندگیهای ما، از طرف سرویسهای اطلاعاتی کشورهای متبوع آنها تحت فشار قرار می‌گرفتند تا پیرامون عملیات سفارت آمریکا، پرسنل و فعالیتهای آنها گزارش تهیه نموده و دیگر وظایف مربوط به گردآوری اطلاعات را به آنها محول می‌کردند. این افراد نیز به نوبه خود به صورت منابع بسیار مهمی در رابطه با عملیات نفوذی به داخل تأسیسات ما و پی‌بردن به نکات ضعف نظام امنیتی خودمان درآمد بودند. در نتیجه، شایسته است که به محض پناهنده شدن این‌گونه افراد با آنها تماس گرفته و در این رابطه توجیه شوند، به منظور روشن شدن این دستورالعمل باید گفته شود که یک کارمند محلی سرویس خارجه می‌تواند هر یک از کارمندان مستقیماً استخدام شده و یا پیمانی سفارت را در بخشهای دفتر حفاظت آمریکا، دفتر وابسته دفاعی، کشاورزی و نیز افرادی که گهگاه به استخدام نمایشگاههای تجاری، و پروژه‌های خاص در می‌آیند، در برگیرد. علاوه بر این، افراد داخلی نیز مورد توجه بوده و به همین ترتیب مانند کارمندان محلی سرویس خارجه توجیه خواهند شد.

مقامات امنیتی منطقه‌ای دستور دارند که انتقال کارمندان محلی سرویس خارجه به غرب را چه در واحد محل اقامت و چه در واحدهای تابعه زیر نظر داشته، و در صورتی که قرار است این افراد به جایی سفر کنند، با ذکر مقصد موضوع را به SY/SAS اطلاع دهند. در صورتی که به کارمند محلی سرویس خارجه قانوناً اجازه مهاجرت داده شده باشد، باید خلاصه اطلاعاتی در مورد تقاضای روادید و نیز اسامی افراد حامی آنها در غرب ارسال گردد. گذشته از این، نسخه‌ای از اسناد ذیربط موجود در بایگانی امنیتی واحد و آخرین فرمهای ۳۳ - PSP نیز باید به SY/SAS ارسال گردد.

مقامات امنیتی منطقه‌ای که در کشورهای دارای مراکز پناهندگان و یا سازمانهای پناهندگی داوطلبانه خدمت می‌کنند، باید با مقامات این آژانسها تماس برقرار سازند تا هنگامی که یکی از کارمندان محلی سرویس خارجه از کشورهای کمونیستی (و یا اقوام درجه یک آنها) قرار باشد مهاجرت نموده و یا اسکان دوباره یابند، اطلاع به ما با سهولت بیشتری امکان یابد.

به محض ارزیابی و هماهنگی مناسب SY/SAS، مقام امنیتی منطقه‌ای که قرار است کارمند محلی سرویس خارجه مورد نظر به حیطة اختیارات وی وارد شود آماده می‌شود و شخص مزبور را کاملاً در جریان امر قرار می‌دهد. در هر مورد با در نظر گرفتن وضع کارمند محلی سرویس خارجه یعنی پناهندگی یا مهاجرت و غیره دستوراتی به مقام امنیتی منطقه‌ای داده می‌شود و اطلاعات موجود در بایگانی SY و CAS در سطح قرارگاه در اختیار وی گذاشته خواهد شد.

نکات مورد توجه در این‌گونه توجیه‌ها در ضمیمه الف گنجانده شده، لیکن لازم نیست که صرفاً محدود به آنها شود. علاوه بر این نمونه‌ای از یک جلسه توجیهی ضمیمه شده تا گزارش همه جانبه اطلاعات مفید ناشی از این توجیهات به سهولت گزارش شود (ضمیمه ب). بخش‌های غیر قابل کاربرد می‌تواند به دلخواه مورد جرح و تعدیل واقع گردد.

گزارش به موقع در مورد مسائل SY/SAS مربوط به این دستورالعمل بسیار ضروری است.

ضمائم:

الف / ب

## ضمیمه الف

### نکات خاص مورد توجه

- (۱) سوابق و تاریخچه شخصی.
- (۲) فهرست اقوام، و شغل‌های آنها و محل اقامت کنونی آنها.
- (۳) اطلاعات مربوط به ازدواج، تحصیلات و کار همسر
- (۴) اطلاعات مربوط به تحصیلات و کار به طور مفصل
- (۵) سفرها، به خصوص به خارج از اروپای شرقی و چگونگی انجام آنها. (بهتر است تمام ادوار زمانی تا موقع استخدام در نمایندگی آمریکا ذکر شود).
- (۶) تاریخ کار در نمایندگی آمریکا، سمتها، سرپرستان آمریکا و نحوه استخدام
- (۷) اولین تماس با سرویس اطلاعاتی محلی. نحوه تماس، مکان ملاقات و روش مورد استفاده برای جلب همکاری یعنی روش توسل به فشار بوده و یا توسل به وطن پرستی.
- (۸) مدت ارتباط با سرویس اطلاعاتی محلی (دوران دقیق فعالیتها)، نام و مشخصات عامل، روش ارتباط با عامل و مکانهای ملاقات.
- (۹) دفعات تماس با عامل و آموزشهای خاص در صورت امکان.
- (۱۰) شرایط خاص تعیین شده و توسط عامل در مورد نمایندگی مربوطه و اطلاعات خاص مورد نظر در رابطه با کارمندان محلی و آمریکایی. (در این رابطه فهرستی از آمریکاییهای مستقر در واحد در دوره مزبور تهیه خواهد شد. ارزیابی خاص و دیگر اطلاعات مربوطه در مورد هر یک کسب خواهد شد). همچنین اطلاعات مربوط به نصب دستگاههای استراق سمع و یا دستگاههای جاسوسی در اطراف محوطه سفارت دریافت خواهد شد.
- (۱۱) اطلاعاتی که به سرویس اطلاعاتی محلی داده شده و نکات مورد علاقه عامل در رابطه با نمایندگی.
- (۱۲) اطلاعات مربوط به شرایط گزارش دیگر کارمندان محلی، سرویس خارجه و ماهیت و حدود توجه معطوف شده به این افراد.
- (۱۳) اطلاعاتی در مورد امکان آگاهی سرویس اطلاعاتی محلی، از سفر این افراد به غرب. آیا سرویس اطلاعاتی محلی می‌بایست به آنها در این زمینه اجازه دهد و یا پس از ورود به غرب نیز به آنها دستوراتی داده شده است.
- (۱۴) میزان دشواری موجود در تهیه گذرنامه و روادید خروج.
- (۱۵) تماس با مقامات تابعه کشور مربوطه در غرب. ماهیت و میزان این گونه تماسها باید به تفصیل شرح داده شود.
- ۱۶- برنامه‌های جاری و آتی که شامل مقاصد کوتاه مدت و آتی خواهد بود.

عناوین

شرایط جاری

مختلف

بررسیهای پلی‌گرافی (دروغ سنجی)

اظهارات نهایی

ضمائم یا پیوستها

جزئیات:

آنچه در ذیل می‌آید اطلاعاتی است که از مفعول، طی مصاحبه با مقام گزارشگر در تاریخ ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶ اسفند ۱۳۵۰ به دست آمده است.

سوابق و تاریخچه شخصی:

تحت این عنوان بندهای ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ ضمیمه الف باید بطور مفصل گزارش گردد و باید سوابق والدین، شهرهای محل اقامت، مدارس، مشارکت در سازمانهای جوانان، ماهیت و میزان تلاشهای (آکادمیک) تاریخچه کار، وضع تأهل، مسافرت و سرگرمیها را در بر گیرد.

خویشاوندان:

فهرستی از تمام اقوام پدری و مادری، و محل اقامت کنونی، شغلها و فعالیتهای آنها.

نزدیکترین دوستان لهستانی:

فهرستی از دوستان، محل اقامت کنونی، شغلها، فعالیتهای و ماهیت دوستی آنها.

افسران رابط:

فهرستی از افسران رابط، اسامی مورد استفاده، مشخصات و مدت زمانی که مطیع و فرمانبردار وی بوده‌اند.

جزئیات شرایط، مکان و دفعات تماس:

تحت این عنوان بندهای ۷، ۸، ۹ ضمیمه الف باید به تفصیل گزارش شود. اولین تماس، به کارگیری، روش استخدام، دفعات تماس، مکان ملاقات، روش مورد استفاده در تدارک ملاقات، نحوه مراقبت در مسیر ملاقات و آموزشهای ویژه اطلاعاتی را در بر گیرد. این بخش نیز باید به ترتیب تاریخ وقایع با ذکر هر یک از افسران رابط و تاریخ (ماه و سال) گزارش شود.

شرایط گزارش: (بندهای ۱۰ و ۱۱ ضمیمه الف).

کلی:

موضوعات مورد علاقه کلی افسران رابط (موارد در زیر مشخص شده است) که ناشی از سؤالات مکرر افسر رابط در دستورات خود به تابع است تا از طریق گفتگو با مقامات آمریکایی، نظارتهای مشخص و یا «شایعات» موجود در جامعه آمریکایی پیرامون آنها اطلاعات گردآوری نماید.

ضمیمه ب

طبقه‌بندی پرونده: تحقیق ویژه  
وزارت امور خارجه / دفتر امنیت  
مسئول حوزه: مقام امنیتی منطقه‌ای  
نام: نونامسکی، جرج  
توضیح

سری  
تاریخ گزارش: ۱۰ مارس ۱۹۷۱  
فرم: DS-۸۳۸، ۵-۲۶-۴  
تاریخ تحقیق: ۲، ۳، ۴، ۷ مارس ۱۹۷۱

فرد تابع از سپتامبر ۱۹۶۳ تا ژوئن ۱۹۷۰ در سفارت آمریکا در ورشوی لهستان به عنوان کارمند محلی سرویس خارجه به کار مشغول بوده و توجیه گردیده و اطلاعات جامعی در مورد سوابق، کار، همکاری با UB (UB سازمان اطلاعاتی لهستان) و مشخصات کارمندان آمریکایی و محلی فراهم آورده است. نحوه توجیه مفصل در اینجا آورده شده. - بسته -

عطف به: درخواست ویژه رئیس، ستاد تکالیف ویژه به تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۱

جدول مطالب

عنوان  
سوابق و تاریخچه فردی  
خویشان  
نزدیکترین دوستان لهستانی  
افسر رابط  
جزئیات به کارگیری؛ مکان و دفعات تماس  
نیازهای گزارشی:  
کلی  
ویژه  
مشخصات کارمندان آمریکایی  
مشخصات کارمندان لهستانی  
مطالب مربوط به خروج از لهستان  
تصویب کننده

مقام امنیتی منطقه‌ای

نسخه‌های ارجاع شده

۳-SY/SAS

۱- مقام امنیتی منطقه‌ای

بررسی مجدد توسط ناظر عامل

تاریخ امضاء

سری

این گزارش مربوط به وزارت خارجه آمریکا است و محتوای آن نباید با اشخاص غیر معتبر در میان گذاشته شود.

الف) سابقه: اطلاعات کلی بیوگرافیک

ب) علائق فرهنگی و کلی: شامل ورزش، سرگرمیها و خواندنیهای مورد علاقه.

ج) مسافرت: مسافرت‌های گذشته و پیشنهادی؛ مکان و هدف سفر؛ مسافران همراه؛ وسیله نقلیه.

د) مأموریت‌های قبلی: محل و ماهیت کار.

ه) وضع مزاجی: بیماری‌های موقت یا دائمی و یا امراض جسمی و روحی.

و) نقاط ضعف: نوشیدن مشروبات الکلی، مسائل مربوط به تأهل، امکان دوزخه بودن یا روابط جنسی با دیگر پرسنل مجرد.

ز) روابط بین پرسنل آمریکایی: از کارمندان آمریکایی چه کسی از جمله دوستان صمیمی وی به حساب می‌آید و چه کسی از وی کینه بدل دارد.

ح) دفعات حضور وی در کوکتل پارتی و دیگر ضیافت‌های اجتماعی:

ط) موضوع گفتگو با آمریکاییها: به خصوص اینکه از وی چه سؤالاتی شده و محتوای کلی علاقه آنها به او چیست.

موارد خاص:

نیازهای گزارشی خاص معین شده توسط افسر رابط و میزان تحقق آنها توسط تابع.  
(نمونه‌ها)

فیزیکی

الف) مشخص کنید که از محل درب ورودی تا بخش اداری چند زنگ خطر نصب شده است.

ب) محتوای اتاق ۳۱۲ را مشخص و پرسنل مخصوص آن را شناسایی کنید.

ج) برنامه گشت گارد امنیتی را در طبقه چهارم به دست آورید.

پرسنل

دوروتی وایت: نظر وایت در مورد سیاست عدم مصاحبت، تمایلات وی در مورد انتصاب‌های آتی و نظر وی در مورد سرپرستش یعنی تام جونز.

آلبرت گرین: نظر وی در مورد پوشیدن مینی ژوپ در محل کار، وضع درد استخوان همسرش و امکان ایجاد ارتباط بین او و تابع و یا دیگر زنان موجود در واحد.

مری بلو: ماهیت و میزان علاقه او به بودائیسیم، زن با امکان استفاده از مواد مخدر توسط او و ماهیت تضاد بین او و شوهرش ب. بلو در مورد این مسائل.

غیره

مشخصات کارمندان آمریکایی:

تهیه این مشخصات بر ملاحظات شخصی تابع و سوءظن آمریکاییهایی که با وی تا حدودی رابطه داشته‌اند استوار بوده است.

(مثالها)

آقا و خانم رالف براون: تابع آنها را فقط در ضیافت‌های اجتماعی ملاقات کرده است و به نظر او، کارمندان آمریکایی آنها را افرادی «خونگرم و اجتماعی» می‌دانند. عامل به خانواده براون چندین علاقه‌ای نشان نداد و فقط در مورد نظرات کارمندان آمریکایی در رابطه با سانه اتومبیل خانم براون در سال ۱۹۶۹ گزارش داد.

جورج بلک: وی ظاهراً متصدی بخش روادید است. نسبت به کارمندان محلی سرویس خارجه بسیار صمیمانه رفتار می‌کند و اغلب به واحدهای کنسول تابعه در سراسر لهستان سفر می‌کند. افسر رابط مایل به برقراری رابطه با همسر، به دست آوردن کتابچه یادداشت مسافرت و رابطه با همسران وی می‌باشد. الینور پینک: منشی میان سال خونگرم، ساکت و مجرد، علاقه به کارهای سفارت نشان نداده و در میان آمریکاییها نیز ظاهراً دوستانی ندارد. شایع است که وی با دبیر دوم سفارت ترکیه ملاقات کرده است که برای افسر رابط چندین جالب توجه نیست.

مشخصات کارمندان سفارت:

(مثالها)

میکول پویا پسکی: راننده سفیر. خیلی مغرور و ضد آمریکایی. ظاهراً با سازمان اطلاعاتی لهستان در ارتباط است. گرچه فرد تابع در این زمینه اطلاع خاصی ندارد ولی نکات متعددی که توسط افسر رابط بیان شد، تنها می‌تواند توسط پویا پسکی به وی گفته شده باشد (توضیح دهید). میرا لوداسکا: مسئول بخش پذیرش؛ آمریکاییها و کارمندان محلی او را دوست دارند لیکن خود او عصبی و نگران به نظر می‌رسد. تابع یکبار او را در یکی از کافه‌ها دید که با فرد مشکوکی که به نظر تابع، از اعضای سازمان اطلاعاتی لهستان است در حال گفتگو بود. وی با مشاهده طرز لباس پوشیدن او و اینکه او حرف می‌زد و لوداسکا «مرعوب و مرهوب» مانده بود چنین برداشت کرده است.

جزئیات سفر از لهستان:

نتایج گزارش بندهای ۱۳ و ۱۴ ضمیمه الف.

نیازهای کنونی:

نتایج گزارش بند ۱۵ ضمیمه الف شامل نیازهای کلی و ویژه مشخص شده توسط افسر رابط، در رابطه با غرب.

موارد مختلف:

نتایج گزارش بند ۱۶ ضمیمه الف و دیگر اطلاعات دارای اهمیت از نظر ضدجاسوسی.

آزمایش دروغ سنجی:

در موارد خاص بنا به دستور SY ممکن است به آزمایش دروغ سنجی نیاز باشد. نتایج این آزمایش باید مفصلاً در اینجا گزارش شود.

اظهار نظرهای پایانی:

اظهار نظرهای مقام گزارشگر شامل ارزیابی وی از صحت بیانات تابع، نتایج بررسی اطلاعات و یا ملاحظات شخصی.

عکسها و ضمائم:

حداقل باید یک عکس از تابع و یک نسخه از فرم ۳۳ - DSY وی ضمیمه شود.

سند شماره (۶)

تاریخ: ۳ اوت ۱۹۷۷ - ۱۲ مرداد ۱۳۵۶  
سری شماره اداری نامه: ۷۷/۶ - د  
از: معاونت وزیر در بخش امنیت  
مقامات فنی منطقه ای  
موضوع: مجموعه نیازمندیهای کا.گ. ب درباره تأسیسات و کارمندان سفارت آمریکا در خارج  
به پیوست فهرستی از مجموعه نیازمندیهای کا.گ. ب درباره کارمندان و تأسیسات سفارت آمریکا در خارج که در سال ۱۹۷۷ خواسته شده ارسال می گردد و این نیازمندیها توسط SRF (نام دیگر سیا - م) در دسترس دفتر امنیتی قرار داده شده است. به علت منبع مربوطه، این پیوست از حساسیت اطلاعاتی برخوردار بوده و نباید در دسترس بیگانگان قرار گیرد.  
آنچه در پیوست آمده برای استفاده خاص افسران امنیتی تهیه شده و بر اساس «باید دانسته شود» مورد مراقبت قرار گیرد. به همین جهت، مطالب مندرج در پیوست به دیگر آژانسها و بخشها فقط با اطلاع SRF امکان پذیر خواهد بود.  
پیوست نباید از این نامه جدا شود  
به پیوست: مجموعه نیازمندیهای کا.گ. ب.

سری

I. ساخت درونی، روشهای کار، ارتباط بین تأسیسات.

(۱) بافت مدیریت و وظایف تأسیسات.

(۲) اطلاعات در مورد تبعیت و اختیارات واحدهای سازمانی.

(۳) اطلاعات و سوابق در بخشها و واحدهای تابعه و وظایفشان.

- (۴) اطلاعات و سوابق درباره واحدهای سری.
- (۵) سازمان کاری در تأسیسات ارتباط داخلی واحدهای مختلف.
- (۶) روشهای طراحی و اداره فعالیت تأسیسات و نیز ارائه و مأموریت تابعه.
- (۷) تماس تأسیسات با رهبران کشور مورد نظر، و با نمایندگان ارتش و سازمانهای اطلاعاتی آن.
- (۸) تماس تأسیسات با دیگر ارگانهای دولتی، وزرا و بخشها.
- (۹) تماس با رهبران احزاب پیشین (مثلاً مخالفین) و سازمانهای کشور مورد نظر.
- (۱۰) تماس با نهادهای آموزشی.
- (۱۱) تماس با مراکز سرمایه‌گذاری در حوزه خدمات.
- (۱۲) تماس با وسایل ارتباط جمعی و روزنامه‌نگاران انفرادی.
- (۱۳) تماسهای رسمی با افراد.
- (۱۴) تماس با سازمانهای بین‌المللی که در کشور مورد نظر نماینده دارند.
- (۱۵) تماسهای رسمی یا شخصی کارمندان تأسیسات با نمایندگان روسی و دیگر کشورهای سوسیالیستی.

## II. اطلاعات مورد نیاز درباره کارمندان تأسیسات:

- (۱) تعداد و نحوه توزیع کارمندان در واحدهای مختلف تأسیسات.
- (۲) سیاستهای کارمندی مدیریت تأسیسات.
- (۳) نحوه استخدام رده‌های مختلف یا متعدد کارمندی در پایگاه با ذکر شرایط لازم و طول معمولی کار.
- (۴) حقوق و وظایف کارمندان تأسیسات.
- (۵) اطلاعات و سوابق فردی، از قبیل اطلاعات دارای ماهیت بیوگرافیک، دربارهٔ رابطها، نظریات سیاسی، موقعیت ارتقاء شغلی، عادات، حالات، نقاط ضعف، نکات مهم و غیره.
- (۶) نیازهای کارمندی تأسیسات و عناصر فردی آن در زمان حال و آینده.
- (۷) نحوه انتخاب و استخدام کارمندان جدید محلی.
- (۸) اصول پاداش‌دهی و نحوه پیشرفت.
- (۹) موانع پیشرفت برای طبقات مختلف کارمندی.
- (۱۰) نیازهای انضباطی.
- (۱۱) انتقال کارمندان در درون تأسیسات در صورت ممکن.
- (۱۲) نشانه‌های نتایج کاری و علل آن.
- (۱۳) نحوه انجام تکالیف TDY و سوابق فردی اشخاص.
- (۱۴) نهادهای آموزشی کشور مورد نظر و نهادهای دیگری که به‌عنوان منبع مورد نظر در انتخاب کارمند به کار می‌رود.
- (۱۵) شرکت کارمندان تأسیسات در کلوبها.
- (۱۶) ادارات استخدامی که جهت استخدام کارمند مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- (۱۷) بافت اجتماعی کارمندان تأسیسات.



(۱۸) بافت سیاسی کارمندی، عضویت حزبی.

(۱۹) جو کاری در تأسیسات.

(۲۰) محلهای سکونت کارمندان.

(۲۱) محلهای آمد و رفت کارمندان تأسیسات (کافه‌ها، سواحل دریا، غیره)

### III. موقعیت و تجهیزات تأسیسات

(۱) مشخصات ساختمانها و وضعیت آنها.

(۲) تجهیزات فنی (وسیله تولید نیرو، فاضلاب، شبکه ارتباطات، محل کابلها).

(۳) تجهیزات ویژه تأسیسات (محل SSHO / بخش سری / تلفنخانه، قسمت تله تایپ، آنتنها و غیره).

(۴) صندوق پستی اجاره شده و نحوه توزیع نامه‌ها.

### سند شماره (۷)

خیلی محرمانه ۲۸ آذر ۱۳۵۷، نامه هوایی ۱۲۹۹

از: وزارت امور خارجه به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی و SFM آمریکا

موضوع: راهنمایی در مورد روابط شخصی با ملیتهای کشور شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی  
مقدمه:

(خیلی محرمانه) این نامه هوایی، حاوی سیاست این وزارتخانه در مورد تماسهای شخصی با ملیتهای شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، لائوس و کوبا می‌باشد. دستورالعملهای مطروحه به منظور جلوگیری از بروز موقعیتهایی است که طی آن یکی از سازمانهای اطلاعاتی متخاصم قادر به بهره‌برداری می‌شود. در مورد جمهوری خلق چین نیز، نامه هوایی جداگانه‌ای ارسال خواهد شد.

### زمینه:

(طبقه‌بندی نشده) بخشی از موفقیت خدمات خارجی مرهون توانایی پرسنل ما در ایجاد کارهای مؤثر و روابط اجتماعی با مقامات و شهروندان دیگر کشورهاست. در رابطه با کشورهای مطروحه در بالا در سالهای اخیر از افزایش تماسها منافع بسیاری کسب کرده‌ایم. مأموران واحدهای ما در اکثر این کشورها توانسته‌اند تماسهای رسمی و غیررسمی خود را افزایش داده علاوه بر نمایاندن منافع آمریکا توانسته‌اند روحیات کشور میزبان را نیز گزارش نمایند.

### وضع و موقعیت کنونی:

(خیلی محرمانه) شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی هنوز هم سعی دارند با استفاده از روشهای اطلاعاتی مرسوم بهره‌برداریهایی انجام دهند. گرچه در نیمه اول این دهه در تلاش آنها در مورد به کارگیری آمریکاییها شاهد کاهش بسیار بوده‌ایم، لیکن میزان فعالیتهای اطلاعاتی در سال ۱۹۷۶ افزایش بسیار یافته است. در سال ۱۹۷۵ تعداد گزارش‌های مربوط به عملیات اطلاعاتی خصمانه، عملیات

بهره‌برداری بیش از تعداد گزارشهای مشابه در سه سال گذشته بوده است. سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۰ نیز مشابه سال ۱۹۷۵ بوده است. ظاهر امر این است که این سازمانهای اطلاعاتی متخاصم مانند اوایل سالهای ۱۹۷۰ شکست این تلاشهای بکارگیری را چندان مد نظر قرار نمی‌دهند.

(طبقه‌بندی نشده) تجربه نشان می‌دهد که برقراری رابطه صمیمانه بین یک آمریکایی و یکی از افراد کشورهای مذکور نمی‌تواند برای طرفین خالی از خطر باشد. مطمئن باشید که این‌گونه تماسها تحت مراقبت است و فرد غیر آمریکایی نیز شدیداً تحت کنترل می‌باشد و بالاخره از وی خواسته خواهد شد که در مورد دوست آمریکاییش اطلاعاتی تهیه نماید. در واقع برای سازمان کا.گ.ب. و سازمانهای اطلاعاتی دیگر کشورهای کمونیستی استفاده از شهروندان خود به منظور بهره‌برداری از دوستی با بیگانگان امری بسیار عادی و استاندارد می‌باشد. این بهره‌برداری گاهی به شکل گزارش در مورد حرکات و فعالیتهای آمریکایی ظاهر می‌شود؛ و در موارد دیگر از افراد غیر آمریکایی یا به اجبار و یا به اختیار درخواست شده است که در به کارگیری بیگانگان همکاری نماید. سازمان کا.گ.ب. و هم‌پیمانانش در مورد بهره‌برداری از بیگانگان با توسل به درگیریهای عشقی و فعالیتهای جنسی ملل کشورهایشان، تاریخی طولانی و موفقیت‌آمیز دارند.

#### بیان خط مشی و سیاست:

(طبقه‌بندی نشده) از افسران انتظار می‌رود که در مورد کار و تماس اجتماعی با مقامات و شهروندان کشورهای مزبور تاحدی پیش بروند که عملکرد وظایف رسمی آنها توأم با سهولت شود. حدود این تماس را اهداف تعیین شده توسط ریاست نمایندگیها و وزارتخانه مشخص می‌نماید. ولی همه پرسنل باید از روابط فردی که ممکن است برای افراد کشورهای مزبور مشکلاتی به وجود آورد و یا اساس یک فعالیت اطلاعاتی علیه آمریکاییها را پدید آورد اجتناب ورزند.

(خیلی محرمانه) تجربه نشان می‌دهد که بهره‌برداری، توسط سازمانهای اطلاعاتی متخاصم زمانی انجام گرفته که از قوانین آمریکا و یا کشور میزبان سرپیچی شده و یا پرسنل آمریکایی شخصاً درگیر مسائل سیاسی و یا اجتماعی شده و یا بین کارمندان آمریکایی و شهروندان کشورهای مزبور مسائل جنسی رخ داده است. به عنوان یک قانون کلی، تماس اجتماعی رسمی و قابل قبول با شهروندان کشورهای مذکور تنها زمانی باید برقرار شود که منظور دستیابی به یک هدف در سیاست خارجی باشد. این سیاست بدون در نظر گرفتن محل اقامت آن شهروند و یا بدون در نظر گرفتن محل کار کارمند آمریکایی قابلیت کاربرد و مصداق دارد.

(طبقه‌بندی نشده) سؤالات مربوط به روابط اجتماعی با دیپلماتها یا شهروندان کشورهای مذکور را می‌توانید با سفیر، سرپرست مسئول، ناظر بخش، و نیز افسر امنیتی واحد محل اقامت در میان بگذارید. هرگونه رخداد مشکوک و یا تماسی که در خارج انجام گرفته و نوعی عملیات اطلاعاتی بیگانه تلقی شود بایستی فوراً به سرپرست مسئول و یا افسر امنیتی منطقه گزارش داده شود. پرسنل وزارتخانه باید این اطلاعات را به ناظر بخش (مربوطه) و دفتر امنیتی ستادی ویژه، اطاق ۲۲۳۶ مین استیت، شماره تلفن ۱۰۴۰ - ۶۳۲ گزارش نمایند. پرسنل ACDA, AID, USICA و اشنگتن نیز باید با دفاتر امنیتی ذیربط تماس حاصل نمایند. کارمندانی که این‌گونه گزارشها را ارسال می‌دارند باید منتظر بازجویی و ارائه پاسخ

حرفه‌ای باشند.

(طبقه‌بندی نشده) عدم موفقیت در اعمال قضاوت صحیح در اجتناب از ارتباط شخصی که بتواند منجر به آسیب‌پذیری در برابر تلاش‌های اطلاعاتی خارجی بشود، صریحاً نمی‌تواند زمینه موفقیت در وزارت خارجه را فراهم آورد. اگر تماس‌های اطلاعاتی خارجی گزارش نشود متخلف باید منتظر مجازات و برخورد شدید باشد.

#### سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹ - ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۸  
از: کارل د. آکرمان، دستیار ریاست امنیتی  
شماره اداری نامه، ۷۹/۱۷ - D  
به: ناظران امنیتی منطقه‌ای، مقامات امنیتی منطقه‌ای، مقامات امنیتی فنی  
عطف به: (طبقه‌بندی نشده) نامه هوایی ۱۲۹۹، مورخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ با موضوع بالا  
موضوع: راهنمایی در مورد روابط شخصی با افراد تبعه شوروی و بعضی دیگر از کشورهای کمونیستی  
هدف:

(طبقه‌بندی نشده) نامه هوایی ۱۲۹۹ (نسخه ضمیمه شده) به این جهت نوشته بود تا سیاست این وزارتخانه در مورد تماس بین پرسنل خدمات خارجی (شامل کارمندان مؤسسه ارتباطات بین‌المللی و اداره اطلاعاتی ارتش) و افراد تبعه کشورهای کمونیستی روشن گردد. سیاست این وزارتخانه سالها روشن نبوده و هر واحد کم و بیش یک سیاست محلی «عدم ارتباط صمیمانه» جهت برآورد نیازهای خود طرح‌ریزی کرده بود. نامه هوایی این سیاستها را به صورت هماهنگ ارائه می‌کند.

#### حوزه:

(طبقه‌بندی نشده) همان گونه که در بیانیه سیاست نامه هوایی ذکر شده، این سؤال که آیا باید با فردی از اتباع کشور کمونیستی رابطه برقرار نمود یا نه، بستگی به این دارد که آیا این روابط عملکرد وظایف رسمی را سهولت می‌بخشد و با اهداف مشخص شده توسط وزارتخانه و ریاست نمایندگی مغایرت دارد یا خیر. در رابطه با مقاماتی که مسئولیت‌های نمایندگی و گزارشی دارند این گونه تماسها باید برقرار گردد. لیکن در مواردی که رابطه بین یک کارمند و یکی از اتباع کشورهای کمونیستی برقرار می‌گردد و مجاز دانسته نشده و علاوه بر این هدف ارضای یکی از سیاستهای خارجی نمی‌باشد، نامه هوایی نحوه قطع اینگونه ارتباطها را طرح‌ریزی و پیشنهاد می‌نماید. این سیاست به خصوص در مواردی که کارمند مربوطه حاضر نیست روابط خود با تبعه کشور کمونیستی را قطع نماید و یا درخواست مقام مسئول را در مورد خاتمه دادن به این تماس مورد سؤال قرار می‌دهد، قابل کاربرد است.

(محرمانه) چنین به نظر می‌رسد که این نامه هوایی دارای انعطاف‌پذیری بسیار است و به ارزیابی شایستگیهای هر مورد تماس شخصی بین پرسنل خدمات خارجی و افراد تبعه کشور کمونیستی می‌پردازد و اساس قطع این تماسها را که خطر امنیتی دارند روشن می‌کند. مسئله درگیریهایی عشقی و روابط جنسی با ملیتهای کمونیستی در تمام جهان نوعی عدم قضاوت حسنه به حساب آمده و ممنوع بشمار می‌آید. واحدها و به خصوص آنهایی که در شوروی و اروپای شرقی هستند باید در سیاستهای

خود برقراری روابط جنسی با افراد این کشورها را ممنوع اعلام نمایند.  
 (خیلی محرمانه) نامه هوایی همچنین در برگیرنده روش صحیح گزارش تماسهای مظنون اطلاعاتی است. به محض گزارش به واحد و بسته به حساسیت و فوریت آن، اطلاعات مربوطه باید فوراً از طریق کانال دفتر امنیتی اسکادران پشتیبانی مستقیم هوایی و دفتر امنیتی SAS و یا از طریق یادداشت منحصر به ریاست دفتر امنیتی SAS / به وزارتخانه منتقل گردد. گزارش تلگرافی ارجح است.  
 (خیلی محرمانه) دیگر کانالها از قبیل کانال راجر نباید مورد استفاده گزارشهای مربوط به تلاشهای به کارگیری، نفوذهای خصمانه و یا عملیات مشابه آن قرار گیرد. این کانالها در وزارتخانه موجب انتشارهای وسیعتری می شود و باعث افشای غیر ضروری اطلاعات حساس در رابطه با شهروندان آمریکایی می گردد.

اجرا:

مسائل مطروحه در نامه هوایی ۱۲۹۹ باید توسط SAS با پرسنل مربوطه در اقامتگاه و واحدهای مربوطه در میان گذاشته شود. سوالات مربوط به راهنمایی های مندرج در نامه هوایی باید به ریاست دفتر امنیتی SAS ارجاع گردد. خطرات امنیتی و ضد اطلاعاتی ناشی از رابطه با ملیتهای کمونیستی نیز مانند گذشته و به موقع باید به ریاست دفتر امنیتی SAS گزارش شود.

ضمیمه<sup>۱</sup>: نامه هوایی - ۱۲۹۹

خیلی محرمانه

سند شماره (۹)

سری - ۸ مرداد ۵۸ - اعضاء

به: رئیس

از: تهران ۵۳۸۰۷

هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

۱- اس. دی. ترامپ / ۱ در ۷ مرداد اطلاع داد که وارطامیان (نام اولش مشخص نیست) پس از چهار سال اقامت در کابل به تهران بازگشته است. او قبلاً در ایران کار کرده و فارسی را به آسانی تکلم می کند. تصور می شود که ت / ۱ گفت او از طرف ایزوستیا مأمور اینجا شده اما ممکن است به جای ایزوستیا تاس باشد. صحت و سقم آن را معین خواهیم کرد.

۲- ت / ۱ گفت که همسر وارطامیان خدمتکار کاسیگین بوده یا هست. خانواده وارطامیان ظاهراً چیزهای دیگری هم دارند که به این نوع قرابت اضافه می کند. یعنی داشا، ات... (احتمالاً نام فرزندان آنها)  
 ۳- به نظر متحمل می آید که حتی بدون داشتن نام اول و نام والدین، سابقه چشمگیر وارطامیان بتواند به شناسایی او کمک کند. آیا ستاد او را می شناسد؟

۴- پرونده. بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۸ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سند شماره (۱۰)

سری ۱۲ مرداد ۵۸ - اعضاء

به: تهران

از: رئیس ۴۸۷۸۸۳

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

سی. کی. تاپ

عطف به: تهران ۵۳۸۰۷

۱- فرد مورد اشاره تلگرام مرجع، لوون پاروویویچ وارطامیان دارای پرونده (۸۱۹۵۵۸ - ۲۰۱) می‌باشد. (به گفته مشارالیه، گاهی اوقات شورویها نامش را با تلفظ روسی لو پاولویچ استعمال می‌کنند). تاریخ و محل تولد: ۳۱ مارس ۲۹، ایروان (ارمنستان) همسرش سوفیا نیکولایینفا، تاریخ و محل تولد: ۲۹ سپتامبر ۳۰، لنینگراد. پسرش سورن، تاریخ تولد ۵۹. دخترش ناتالیا، تاریخ تولد ۵۳ (احتمالاً دکتر / جراح است؛ در اواسط سالهای ۷۰ در مدرسه پزشکی حضور می‌یافت).

۲- مشارالیه از دانشگاه مسکو درجه فوق لیسانس را در فلسفه شرق دریافت کرد. زمینه‌های عمده مورد علاقه او اسلام و زبان فارسی و بعد از مدتی امور خلیج فارس است. فارسی را خیلی خوب، انگلیسی را ضعیف، روسی را خوب و ارمنی را در حداقل صحبت می‌کند. در سال ۶۹ مشارالیه عضو «شورای عالی نویسندگان مسکو» شد. (منبع خبر بیشتر از این درباره شورا چیزی اظهار نداشت اما امکان دارد که اتحادیه نویسندگان باشد. این دلیل «عایداتی مثل دسترسی به خرمین، و غیره» می‌باشد.) مشارالیه در سال ۱۹۷۰ مدال دستور لنین گرفت.

۳- مشارالیه نماینده تاس در تهران از مه ۶۷ - تا اکتبر ۷۱ بود. از سپتامبر ۵۷ - تا زمستان ۷۷ به‌عنوان دبیر اول در کابل خدمت کرد.

۴- برادر فرد مزبور، ایگور دارای پرونده (۷۸۵۶۳۴ - ۲۰۱)، تاریخ تولد ۲۵ ژانویه ۳۶، قبلاً به‌عنوان کنسول شوروی در عراق (بعران) خدمت کرد و در تاریخ اکتبر ۷۲ دبیر دوم در اتاوا بود. به گفته پی. دی. ستیزفای ایگور به‌عنوان مأمور شناخته شده کا. گ. ب. به حساب آورده شده. مشارالیه مظنون به فعالیت برای سازمانهای اطلاعاتی روسیه، احتمالاً جی. آر. یو به حساب می‌آید که این حساب به دلیل سیر حرفه‌ای / مأموریت‌های وی و مراودتهای گذشته او با مأموران شناخته شده سازمانهای اطلاعاتی روسیه می‌باشد برای اطلاع شما، پی. دی. استوریچ گفته که فردی به نام ل. پ. وارطانیان یک سروان، رتبه سوم، عضو جی. آر. یو و احتمالاً همان مشارالیه است.

۵- مشارالیه قرار بود که در تابستان سال ۷۴ به‌عنوان نماینده پراودا (که بعداً به نماینده تاس تبدیل شد) به تهران بازگردد. براساس سوابق که سازمان اطلاعاتی همکار / سیا داشتند دال بر اینکه مشارالیه مظنون به... می‌باشد دولت ایران از دادن ویزا به نامبرده خودداری کرد. در ژانویه ۷۷، مشارالیه به‌عنوان سرکنسول شوروی در استانبول پیشنهاد شد... ترک محلی... به دلیل نام ارمنی وی این معرفی را تردیدانگیز به حساب آوردند و قرارگاه کابل خاطرنشان ساخت که اعزام یک ارمنی روسی به استانبول را می‌توان بی‌حرمتی به ترکها دانست. به هر صورت فرد مزبور ظاهراً به استانبول نرفت و احتمالاً دولت ترکیه او را رد نمود.

۶- مشارالیه هنگامی که قبلاً در تهران اقامت داشت هدف عمده قرارگاه... بود تا آنکه عاقبت این نتیجه

گرفته شد که او قابلیت ضعف کمی از خود نشان می‌دهد. منابع مختلف یک جانبه (و سازمان اطلاعاتی همکار) با مشارالیه تماس داشتند که از جمله آنها اس. دی. ترامپ / ۱ بوده که منبع این گفته که مشارالیه اظهار داشته پدرش از یاران لنین بوده می‌باشد... همسرش سابقاً منشی (نه خدمتکار) کاسیگین بوده است. در ارتباط با این موضوع از طرف سایر منابع نظری ابراز نشده است.

۷- قرارگاه تهران در سال ۱۹۷۲ (گزارش از شخصیت‌های شوروی) درباره مشارالیه گزارشی تهیه نمود. او به عنوان خوش برخورد و غیر دگماتیک اما فردی که احتمال کمی دارد استخدام پذیر باشد وصف شده است. نامبرده ظاهراً بسیار به همسر و فرزندانش علاقه دارد. اگر چه او خودش از مأموریت‌های خارج از کشور، خصوصاً در خاورمیانه لذت می‌برد همسرش طی این مأموریتها ناراحت بوده است. همسرش فقط به روسی تکلم می‌کند که عاملی در انزوای او می‌باشد و فرزندانش را... که باعث شد بین مسکو و محل‌های مأموریت در خارج کراراً مسافرت کند.

۸- آیا مشارالیه در مأموریت‌های فعلی همراه همسرش است. در صورت اطلاع، لطفاً خبر هم دهید که او هم اکنون دارای چه مقامی می‌باشد، در چه تاریخ‌هایی وارد شده، به جای که آمده، آیا علاقه‌ای هست که گزارشی از شخصیت‌های شوروی درباره او را دریافت کنید.

۹- پرونده. ۸۱۹۵۵۸ - ۲۰۱ تاریخ ۱۱ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سَرّی

سَرّی

#### سند شماره (۱۱)

سری ۱۹ مرداد ۵۸ تلگرام غیر فوری

از: واشنگتن ۴۹۲۵۰۷

رونوشت برای تهران سی. کی. تاپ - نکراسوف، اریک ایوانوویچ

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

۱- مشارالیه (۲۵۵۹۶۹ - ۲۰۱) تاریخ و محل تولد: ۱۱ ژانویه ۲۹، نزدیک مسکو. پرونده‌ای طولانی دارد. معذالک در حال حاضر گزارش نشده که در تهران به سر می‌برد. آخرین خبر (۱۹۷۷) وی را رئیس دپارتمان بین‌الملل جامعه تماماً متحد «ZNANIYE» (مؤسسه نشر دانش زنایا کشورهای سوسیالیست) مسکو معرفی کرده است.

۲- مشارالیه در ۵۷ - ۵۶ و ۶۸ - ۶۴ در کابل و در ۷۲ - ۷۰ در تهران خدمت کرده است. وی مأمور شناخته شده ک. گ. ب است و احتمالاً در تهران رزیدنت (Resident) بوده و در کابل حداقل مأمور ارشد ک. گ. ب. (اگر رزیدنت نه) بود. پرونده‌اش شامل دو اشاره به فریتز دیهم بود. تاریخ خبر: ۶؟ دیهم نزد مأمور قرارگاه کابل اظهار داشت که مشارالیه مشغول دادن سفارشات به یک بنگاه آلمانی سفارش پستی بود. تاریخ خبر: ۶۷: دیهم «داستان سرگرم‌کننده‌ای» برای کارمند سیاسی کابل درباره درخواست مشارالیه برای کمک در پرداخت به بنگاه آلمان غربی سفارش پستی جهت کالاهای سفارش شده نقل کرد. در تهران مشارالیه مأمور هدف‌های آمریکایی به حساب می‌آید و تماس‌های مشخص نشده‌ای با یک کارمند سفارت آلمان غربی داشت.

۳- مشارالیه جهت مرخصی در وطن در ژوئیه ۷۲ از تهران عزیمت کرد. با این حال بازنگشت و به یاران خود نامه نوشت که درخواست مأموریت در جای دیگری کرده بود چون در تهران «وی دائماً» دچار فشار خون بود. او قبلاً اظهار داشته بود که دوست دارد محل خدمتی در اروپا پیش از بازنشستگی داشته باشد. وی در ژانویه... عضو نمایندگی شورای جهان صلح در کلمبو، سری لانکا بود. در آوریل، ۷۵ وی از شوروی به آلمان غربی مسافرت کرد... معلوم نیست، و همچنین اینکه آیا این مأموریت، اعزام موقت یا به عنوان عضو هیئت نمایندگی بود.

### سند شماره (۱۲)

۲۳ شهریور ۵۸ اعضا  
از: رئیس ۵۱۳۷۲۶  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
سی. آ. وردانت - سی. آ. برایت  
عطف به: بن ۸۴۲۳۱ (در ۳۰۳۳۷۱۹) (۷۷۶۰ - EGN ۷۹ - ۱۵۵۵۹ / ۳۱۵ - TDFIRBD) اطلاعاتی  
۱- مطلب ذیل یک پارگراف از تلگرام مرجع الف که یک گزارش طولانی از مناسبات شوروی - آلمان غربی است می‌باشد که دارای قیود غیرقابل رؤیت برای بیگانگان، غیرقابل رؤیت برای مشاوران یا مشاوران پیمانکار و پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده است. این پارگراف برای اطلاع قرارگاه ارسال می‌شود. مطالب استخراج شده‌ای از این پاراگراف از کانالهای وزارت خارجه در اختیار سفارتخانه تهران قرار می‌گیرد.  
منبع: یک مقام آلمان غربی که به مطلب دسترسی داشت. گزارشهای وی اغلب مورد تأیید قرار گرفته‌اند.  
«یوگنی وی. کورولف، از گزارشگران ایزوستیا» که اخیراً مأمور به خدمت در آلمان غربی شده در اوایل شهریور با یک عضو دفتر نخست‌وزیری تماس گرفت تا درباره موضوعات مختلفی گفتگو کند. کورولف درباره اوضاع ایران که شوروی آن را به دقت زیر نظر دارد نیز صحبت کرد. در ابتدا شورویها «بطور احساسی و با همراهی» از آیت‌الله خمینی حمایت کرده بودند چون او با شاه مخالفت نموده بود. معذالک، خمینی برای تثبیت اوضاع در ایران که ممکن است از دست خارج شود کاری نمی‌کند، لذا اتحاد شوروی دیگر از خمینی حمایت نمی‌کند. شوروی خود را بیطرف نگه می‌دارد اما در عین حال نگران و نظاره‌گر است.  
۲- بدون پرونده - تا تاریخ ۲۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

## سند شماره (۱۳)

۲۷ مهر ۵۸  
 هشدار - شامل منابع و شیوه‌های حساس اطلاعاتی است ضمن ساعات عادی کار به دفتر وابسته دفاعی در تهران بدهید  
 مکمل خلاصه اطلاعاتی اقیانوس هند ۲۷ مهر ۵۸

۱- مخابرات دریایی شوروی. مخابرات قابل توجهی ملاحظه نشد.  
 - هواپیمایی دریایی شوروی  
 - دو هواپیمای ۳۸-IL (می) دریایی قرار است از تاشکند جنوب (تاسه ۴۱۱۶ شمال، ۰۶۹۱۷ شرق) شوروی به عدن در جمهوری دموکراتیک یمن در ۱ آبان پرواز کند و در ۱۰ آبان به تاسه بازگردد. ساعت پیش‌بینی شده عزیمت از تاسه ۲۳۰۲۰۰ و ساعت پیش‌بینی شده ورود به عدن ۲۳۱۲۳۰ می‌باشد. قرار است که این هواپیما در راه عدن از موقعیت‌های ذیل عبور کند: ۶۶۱۶ شمالی ۰۶۹۱۷ شرقی (تاسه)، ۳۷۴۲ شمالی، ۰۵۸۳۳ شرقی، ۲۶۳۸ شمالی، ۰۵۶۳۱ شرقی، ۲۶۱۲ شمالی، ۰۵۶۴۶ شرقی، ۲۵۳۰ شمالی، ۰۵۶۳۱ شرقی، ۱۲۵۰ شمالی و ۰۴۵۰۲ شرقی (عدن). در بازگشت هواپیماهای می در ۱۰ آبان نقشه پروازی دقیقاً برعکس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آنچه درباره‌ی غرض از این اعزام نیرو اظهار شده این بوده که به منظور آموزش خدمه آن در جستجو و نجات سفینه‌های فضایی در منطقه اقیانوس هند است. معذک، ۳۸-IL ها ضمن اعزام به عدن احتمالاً عملیات شناسایی در رابطه با گروه رزمی میدوی USS که ضمن این مدت در اقیانوس هند عملیات دارد خواهند داشت.

در پشتیبانی اعزام ۳۸-IL، دو ۱۲-AN دریایی (CUB) شوروی قرار است بین شوروی و عدن رفت و برگشت داشته باشند. آنها در ۲۹ مهر به عدن پرواز دارند و در ۱۱ آبان به تاشکند بازمی‌گردند. قرار است یک ۱۲-AN مستقر ALINI? KADKHRABROVO / ۶۳۷۰ NIS (۵۴۵۳ شمالی ۰۲۰۳۵ شرقی) به شرح ذیل پرواز کند: عزیمت از تاشکند جنوبی در ۲۱۰۲۰۰ به وقت گرینویچ و ورود به عدن در ساعت ۲۱۱۲ پس از یک ساعت توقف در کراچی (۲۴۵۴ شمالی، ۰۶۷۰۹ شرقی) و پاکستان. این هواپیما در ساعت ۲۲۰۳۰۰ از یک مسیر معکوس پرواز، عدن را ترک خواهد کرد.

یک ۱۲-AN مستقر در KACHA / ۳۷۰ NL (۴۴۴۷ شمالی، ۳۳۳۴ شرقی) با یک فاصله ۱۰ دقیقه‌ای هواپیمای جلو دار را دنبال خواهد کرد. آنچه درباره‌ی غرض از این پرواز اظهار شده انتقال ۵۴۰۰ کیلوگرم وسایل فنی و ۲۱ مسافر بوده است.

همچنین احتمالاً در پشتیبانی از این ۳۸-IL یک ۱۲-AN تابع OSTAF'EVO مسکو قرار است پرواز رفت و برگشت ویژه‌ای بین تاسه و عدن در فاصله ۲۷ مهر - ۱ آبان انجام دهد (۲۴ مهر ۵۸ WPAC IF? FO، پاراگراف A - ؟ مرجع).  
 مکمل ۲۷ مهر ۵۸.....



سند شماره (۱۴)

۸ آبان ۵۸ اعضاء  
از: رئیس ۵۴۲۶۳۳  
(به استثنای پورت آو پرنس، بانگوی، کامپالا) برازاویل، ماپوتو، انجامنا، ژوهانسبورگ  
پیام اداری)

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است حساس پی. ال. آثرونات. پی. دی. کوئیک  
۱- استانیسلاو الکساندروویچ لووچنکو، خبرنگار نوویو در میادر توکیو شب ۱ آبان در توکیو به دولت آمریکا پناهنده شد. اینک او در منطقه ستاد بسر می‌برد تخلیه‌های اطلاعاتی اولیه ظاهراً ادعای وی را مبنی بر اینکه از اعضای رسمی (STAFFER) ک. گ. ب است تأیید می‌کنند. او غیر از ژاپن در جای دیگری از خارج خدمت نکرده و اطلاع او ظاهراً به عملیات ک. گ. ب در ژاپن و همچنین ساخت و شخصیت‌های سازمانی محدود می‌گردد. به اقتضای رخدادهای جدیدتر قرارگاه‌ها را در جریان خواهیم گذارد.

۲- در صورتی که مورد سؤال قرار گرفتید می‌توانید برای رابط‌های سازمان‌های همکار تأیید کنید که لووچنکو در اختیار ماست. لطفاً دربارهٔ موقعیت اطلاعاتی او چیزی اظهار نکنید. در این زمان آشکار است که نمی‌خواهیم خواستار احتیاجات اطلاعاتی از سازمان‌های رابط گردیم و ممنون می‌شویم که قرارگاه‌ها چنین درخواست‌هایی را رد نمایند اگر اطلاعی به دست آوردیم که برای سازمانی اهمیت مستقیم و چشمگیر داشت، البته آن را در اختیار خواهیم گذارد.  
۳- تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۱۵)

سری ۹ آبان ۵۸ تلگرام غیر فوری  
به: تهران رونوشت برای هلسینکی  
از: واشنگتن ۵۴۳۱۲۹  
عطف به: تهران ۵۱۰۵۱

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. سی. کی. لگ - ارکی هویتینین  
۱- تأییدیه موقت عملیاتی برای پرورش ارکی هویتینین، دیپلمات فنلاندی، به عنوان منبعی دربارهٔ مواضع شوروی اروپای شرقی در قبال اوضاع سیاسی ایران و ارزیابی‌های آنها از اعتبار خارج شده است. این تأییدیه در ابتدا در ۲۳ بهمن ۵۸ به درخواست دیمیتروف مأمور قرارگاه تهران صادر شده بود. وی رابطهٔ اجتماعی با هویتینین برقرار کرده بود و او را واجد صفات لازم برای اجرای مؤثر نقش عامل دسترسی به حمایت شورویها دانسته بود. هویتینین پیش از ورود خود به تهران در سال ۱۹۷۸ (۷۵-۵۶) مأمور به خدمت در وین بود و آنجا مدت هیجده ماه یکی از آشنایان اجتماعی مأموری از سیا بود و به‌عنوان یک خبردهندهٔ ناخودآگاه دربارهٔ یکی از مقامات شوروی که مورد توجه قرارگاه بود عمل می‌کرد.

۲- لطفاً اطلاع دهید آیا در حال حاضر با هویتینن در تماس هستید یا نه و آیا می‌خواهید تأییدیه موقت عملیاتی را تمدید کنیم.  
۳- پرونده: ۹۵۹۳۹۵ - ۲۰۱. تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۶)

از: تهران ۵۴۶۲۲۴  
عطف به: الف - واشنگتن ۵۴۳۱۲۹، ب - تهران ۵۱۰۵۱  
موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. سی. کی. لگ - ارکی هویتینن  
۱- تلگرام مرجع ب دیگر در پرونده‌های قرارگاه نیست.  
۲- قرارگاه به تازگی به قدرتی که در برنامه پیش‌بینی شده رسیده و اکنون در مقامی هستیم که فعالانه‌تر به دنبال دستیابی به هیئت نمایندگی شوروی در اینجا باشیم. در حال حاضر با هویتینن تماس نداریم. اما پیشنهاد می‌کنیم اگر هنوز اینجاست او را پیدا کنیم و امکان بازدهی وی به عنوان عامل دسترسی را مشخص نماییم.  
۳- پرونده: ۹۵۹۳۹۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۹ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۷)

از: واشنگتن ۵۴۴۸۸۸  
موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. سی. کن. تاپ - او. زی. رام - ردگیری  
۱- در ستاد سوابقی درباره فلوریان گرکو یافت نشد.  
۲- تا هنگامی که رابطه اجتماعی کلی توسط مأمور مربوطه یا کارمند دیگری از سفارتخانه برقرار نشده باشد نمی‌توانیم علاقه عملیاتی یا انگیزه را مشخص کنیم. لطفاً اگر در آینده هرگونه اطلاعات بیشتری به دست آوردید از قبیل صورتهای متفاوت اسم او، مناصب قبلی و غیره ما را در جریان قرار دهید و ما دوباره ردگیری خواهیم کرد. (برای اطلاع شما به علت محدودیت اطلاعات تهیه شده از حوزه فعالیت درباره حضور افراد SE از اواخر ۱۹۷۸ (پائیز و زمستان ۵۷) ستاد از دریافت اطلاعاتی مثل تلگرام مرجع تشکر می‌کند تا موجودی خود درباره پرسنل شوروی و بلوک شرقی مأمور به خدمت در ایران را تازه کند).  
۳- پرونده ۲ - ۸ - ۴۱. تا تاریخ ۹ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۸)

سری -

شوروی و اروپای شرقی

افزایش ظرفیت انبار تسلیحات در سورو مورسک (بدون طبقه‌بندی) (سری) / هشدار - شامل منابع و

شیوه‌های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) تأسیسات انبار تسلیحات سورو مورسک در فاصله بین ۱۹۷۰ تا اواخر ۱۹۷۲ ساخته شد و در اواسط ۱۹۷۳ شروع به فعالیت کرد. در ساحل شرقی کولسکی زالیف (KOLSKIY ZAKIV) یا دهانه (KOLUINETET) در فاصله ۰/۵ میل دریایی شرق موجگیرها پایگاه دریایی سورو مورسک، این تأسیسات که جاده‌هایی به آن منتهی می‌شوند دارای مأموریت پشتیبانی رزمناوهای سطح دریایی پایگاه دریایی سورو مورسک می‌باشد. از اوایل سال ۱۹۷۵ جعبه‌ها، ظروف و سایر تجهیزات مربوط به موشکهای سطح به سطح SS - N - ۱۴ در این مکان مشاهده شده است، تصور می‌شود که این سیستم موشکی سلاح اصلی تحت حفاظت تأسیسات سورو مورسک باشد. این موشکهای کرو زیدر دریایی که از کشتی شلیک می‌شوند بر روی کشتی کرو ز - II KRCSTA حامل موشک هدایت شونده و ناوچه‌های KRIVAKI - II حامل موشکهای هدایت شونده سوار می‌گردند. این کشتی و ناوچه‌ها تشکیل دهنده... اصلی... دریایی در سورو مورسک می‌باشند. این موشکها... مهمات... ضد زیر دریایی... اژدر با کلاهک ۹۰ کیلوگرمی هستند.

(سری / هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) تأسیسات انبار تسلیحات سورو سورمک یک مرکز تقریباً مستطیل شکل می‌باشد. این مرکز حدوداً ۴ هکتار را در بر گرفته و با یک حصار... و چهار برج حفاظتی که هر یک... چهار گوشه آن مستقر شده‌اند. تعدادی از ساختمانهای... شامل یک ساختمان سوار کردن... سلاحها، یک ساختمان کار روی سلاحها و نگهداری آنها و چندین ساختمان پشتیبانی می‌شوند. در آوریل ۱۹۷۸ یک طرح توسعه ظرفیت انبار این تأسیسات شروع شد. یک انبار سقف طاقی بزرگ که در عکسبرداری ۸ ژوئیه ۷۹ بچشم می‌آید نشان دهنده وضع فعلی این طرح توسعه است. این انبار که اینک تقریباً به اتمام رسیده حدوداً ۴۵×۱۲ متر است و احتمالاً برای نگهداری موشکهای SS - N - ۱۴ به کار گرفته خواهد شد. در گوشه جنوب شرقی تأسیسات، انبار مشابه دیگری مراحل اولیه ساختمان خود را طی می‌کند. در آنجا زمین در دست... است تا برای نهادن زیر بنا... آماده گردد.

(سری / هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سابقاً ذخیره... در این تأسیسات... محدود بود. الحاق این دو انبار موجب افزایش چشمگیری در تعداد سیستمهای تسلیحاتی آماده به کار قابل نگهداری تأسیسات می‌شود.

با توجه به اندازه‌های این انبار تقریباً کامل شده و با فرض اینکه فقط ردیفهای یک سطحی عمودی با راهرو در وسط برای حرکات و انتقالات چیده می‌شوند حدود ۶۰ موشک SS - N - ۱۴ را می‌توان در آنجا نگهداری کرد. به علاوه، با فرض اینکه انبار دوم رو به ساختمان همین اندازه را خواهد داشت، تعداد مشابه موشکهای انبار شده ظرفیت کلی را به ۱۲۰ افزایش می‌دهد این ظرفیت تقریباً امکان دو تغذیه موشکی برای KRIVAKها و KRESTAها در پایگاه دریایی سورو مورسک را فراهم می‌کند. (طبقه بندی توسط منابع مختلف تا تاریخ ۱۴ اکتبر ۹۹ در بایگانی ضبط شود).

کشتی تجاری شوروی با آنتن غیر عادی (بدون طبقه بندی)

(خیلی محرمانه) سوپرتانکر کریم کلاس KRYM CLASS شوروی که در ۱۹۷۶ عرضه شد دارای یک آنتن مخابراتی بود... و فرکانس زیاد، که نام رمز VEE BAR در ناتو به آن اطلاق شده است. این همان

متنی است که بر روی ناو هواپیما بر کیف کلاس KEEVCLAS نیروی دریایی شوروی نصب شده است. تعبیه این آنتنهای مخابراتی فوق العاده کارآمد بر روی کشتیهای تجاری مخصوص به این کلاس CLASS است، هر چند که بعضی از کشتیهای آکادمی علوم شوروی مجهز به (آنتن) وی کون VEE COONE، نمونه قدیمی وی بار VEE BAR می باشند.

(خیلی محرمانه) علت تعبیه این نوع آنتن بر روی کلاس کریم نامعلوم است. تحلیلی که از نمودار فعالیت این کشتیها صورت پذیرفته تاکنون سرنخی به دست نداده است. معذرت، الحاق (آنتن) وی بار به این تانکرهای تجاری ممکن است به منظور آزمایش دیگری از تواناییهای آنها باشد. به علاوه این ممکن است نشان بدهد که تانکرهای حامل این آنتنها واحد قابلیت نظامی هستند (طبقه بندی توسط منابع مختلف، خروج از طبقه بندی در ۱۲ اکتبر ۸۵) آلفرد اشتراوب ۱۲ - DB

#### تسلیمات دریافتی جدید ارتش خلق مغولستان (سرّی)

(سرّی / هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) اولین بار بار توپهای هویتزر ۱۲۲ میلی متری DC - ۳۰ شوروی در یک واحد ارتش خلق مغولستان مشاهده شده اند در عکسبرداری هوایی از دو سر سربازخانه اولان باتار ULAANBAATAR که واحدهای آموزشی ارتش در آن به سر می برند روی هم رفته پنج توپ DC - ۳۰ آشکار گردید. وجود یک سلاح توپخانه ای خط اول شوروی در یک واحد آموزش حاکی از آن است که این سلاح بزودی در واحدهای رزمی مغولستان جای خواهد گرفت و احتمالاً جایگزین ... ۱۲۲ میلیمتری ... خواهد شد.

(سرّی / هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

اینکه دریافت توپهای DC - ۳۰ واقعاً در ضمن یک فروش نظامی بوده یا جزئی از یک ... موافقتنامه تجاری است معلوم نیست. معذرت، این بهبود کیفیت ارتش مغولستان احتمالاً همراه با ... پروژه معدنی و عقد قراردادهای مالی بین مغولستان و شوروی در چند سال گذشته است. فی الجمله، این قراردادها بوسیله تبادل تکنولوژی و ماشین آلات شوروی در ازای ... و مولیدن مغولستان می باشند (طبقه بندی توسط منابع مختلف تا تاریخ ۱۹ سپتامبر ۹۹ در بایگانی ضبط شود).

### مقدمه اسناد لاری جیل

به دنبال گزارشهای سرهنگ سیمور لوین رئیس بیمارستان نظامی آمریکا در تهران از تماسهای اجتماعی و برخوردهای فراوان خود در میهمانیهای به اصطلاح دیپلماتیک با پرسنل مختلف روسی به اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی آمریکا مستقر در تهران (واحد ۷۲)، فعالیتی در جهت استفاده اطلاعاتی از امکانات سرهنگ لوین از طرف آن اداره آغاز می‌گردد. (تا تاریخ ۱۶ اوت ۷۶) پس از توجیحات لازمه و تکمیل تحقیقات در ۲۹ سپتامبر، استخدام رسمی و امضاء قرارداد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی (تنها واحدی از وزارت دفاع آمریکا در ایران که کار تحقیقاتی امنیتی انجام می‌داد و مسئول امنیت نظامیان آمریکائی و تهیه پوشش ضد اطلاعاتی دفاعی برای شرکتهای آمریکایی پیمانکار پروژههای نظامی و کمک ضد تروریستی به آنها بوده است) همکاری بین سرهنگ و اداره ویژه و تعیین نام مستعار صورت می‌گیرد. پائول ویندسور به عنوان نام رمز قراردادی سرهنگ با مأموران و لاری جیل به عنوان نام رمز داخلی برای مکاتبات بین ادارات ویژه مشخص می‌شود. مقاصدی که برای این عملیات در نظر گرفته شده بودند به شرح زیر است:

- ۱- برقراری یک رابطه اجتماعی بین او (سرهنگ لوین یا لاری جیل) با سازانوف و سرهنگ دوم لئونید داوینیا.
- ۲- جمع‌آوری اطلاعات و شرح احوال و شخصیت این دو نفر.
- ۳- معلوم و مشخص کردن مریضی ظاهری سازانوف.
- ۴- با فراهم کردن امکان استفاده از تجهیزات درمانی آمریکا از ناراحتی سازانوف، به واسطه حضور خود در ایران و عدم اعتمادش به امکانات درمانی شوروی استفاده شود.
- ۵- تحلیل و تعیین چیزهای خوشایند و ناخوشایند این دو نفر به قصد روانه کردن جاسوسهای دیگر به سوی آنها.
- ۶- پیشبرد آشنایی او با اعضای سفارت چین به قصد اعزام جاسوسهای دیگر به سوی آنها. سازانوف (آناتولی) مظنون به فعالیت در ک. گ. ب. و سرهنگ داوینیا (لئونید) مأمور شناخته شده جی. آر. یو. (مدیریت اطلاعات ارتش سرخ) بوده‌اند. سازانوف در سفارت شوروی به عنوان دبیر سوم مشغول به کار بود. از همان ابتدا سیا که در جریان قضیه قرار می‌گیرد نسبت به این فعالیت علاقه‌مندی نشان می‌دهد و جلسات منظم و فراوانی برای هماهنگی این عملیات با سیا تشکیل می‌گردد. سیا در ۲۵ اوت ۷۶ اطلاعاتی را که تا آن هنگام درباره سازانوف جمع‌آوری کرده در اختیار مأمورین اداره ویژه قرار می‌دهد که اهم نکات آن از این قرارند: «سازانوف» احتمالاً مأمور ک. گ. ب. می‌باشد و اولین مأموریت خارج از کشورش را در ایران به انجام می‌رساند. طی یک سال گذشته او قدری پریشان بوده و در کار خود چندان موفقیت نداشته است. او فردی نامنظم و آشفته است و بر سر قرارهایی که می‌گذارد حاضر نمی‌شود یا تأخیر دارد. چندین تصادف اتومبیل در تهران داشته است. او احتمالاً سخت مشروبخوار است و حداقل دو بار در حال مستی مشاهده شده است. او قطعاً از کار خود یا زندگی در تهران ناراضی است و به افراد مختلفی منجمله سفیر شوروی در ایران و وزیر خارجه نامه نوشته تا از تهران منتقل شود. او اکثر ارز خارجی دریافتی خود را بابت خرید یک اتومبیل ولگا خرج نموده و این باعث ناراحتی همسرش شده است. از آن مهمتر او از یک ناراحتی ناشی از تشعشع بیش از حد امواج مضره رنج می‌برد و این ناراحتی را

از یکی از مراکز کار خود در شوروی گرفته است. با این حال او ترجیح می‌دهد که به پزشکان بیمارستانهای روسی مراجعه نکند چون به کار و تجهیزات آنها اطمینان ندارد. در ۱ سپتامبر ۷۶ قرار گذاشته می‌شود که طی یک جلسه مشترک بین نماینده سیا و نماینده اداره ویژه و لاری جیل، نماینده سیا اطلاعات مفصلی درباره سازانوف به جیل بدهد و در جلسه بعد بیوگرافیهای از کسانی که توصیه می‌شود درباره آنها اطلاعات جمع‌آوری شوند ارائه دهد. اوراق شناسایی که سیا به مأموران ویژه داده، درباره سرهنگ دان مدیک، وابسته نظامی یوگسلاوی به ضمیمه چندین عکس مخفی از او - سرهنگ داوونیا همراه با نتیجه تحقیق از مدیر و استادان زبان یک مؤسسه تعلیم زبان که داوونیا در تهران به آنجا رفته و درس می‌خواند، آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی - پرومکین معاون سابق آن بیمارستان و عضو جی. آر. یو. موجود است. در ۲۹ سپتامبر ۷۶ لاری جیل یک مهمانی ترتیب می‌دهد و در آن از سازانوف و همسرش نیز دعوت به عمل می‌آید. یکی از مأموران سیا با سازانوف بعد از مهمانی تماس گرفته و سازانوف به او می‌گوید که در آن مهمانی شرکت داشته و نمی‌داند چرا به آن دعوت شده بود.

در ۲۷ اکتبر ۷۶ پیشنهاد می‌شود که لاری جیل از ناراحتی طبیب سازانوف با استفاده از موقعیت پزشکی خود حداکثر استفاده را بنماید و در عین حال به پیشبرد روابط یا برقرار روابط با داوونیا، آشور کووانگ توجه داشته باشد و این کار را با حضور در محافل مختلف انجام دهد تا بتواند آنها را به ملاقات حضوری و فردی با خود بکشد و درباره آنها اطلاعات مختلف و بیوگرافیک جمع‌آوری کند تا با مناسب بودن اوضاع، عوامل منتخبی به جانب آنها روانه گردند و در ضمن پیشنهاد می‌شود که همسر مأمور ویژه تماس با جیل و خود همسر جیل نیز برای تسهیل ارتباطات و تأمین پوشش اجمالاً در جریان فعالیت قرار داده شوند که پیشنهاد بعداً در مورد همسر جیل پذیرفته می‌شود و او هم همکاری با اداره بازرسیهای ویژه را آغاز می‌کند.

در ۲۸ اکتبر ۷۶ یک مأمور سیا که هر هفته یکبار با سازانوف تماس داشته خبر می‌دهد که از سازانوف و همسرش دعوت کرده به یک مسابقه ورزش برونند و آنها قبول کرده‌اند و متعاقباً به منزل عضو سیا رفته‌اند و مشروب صرف کرده‌اند.

عمال دیگری نیز در ارتباط با سازانوف بوده و آنها نیز از او خبر می‌داده‌اند و یکی از آنها یک بار به سازانوف می‌گوید که او از سایر افراد روسی متمایز است در اینکه فردی حساس و مخفی کار ولی در عین حال قابل معاشرت است. عمال سیا در ملاقات خود سعی نمود دائماً اشاره کند به اینکه سازانوف با دیگران فرق دارد. گردانندگان قضیه احتمال داده‌اند که برخورد با وی از این موضع که او فردی غیر از دیگران است و دوستی با وی ارزش خاصی دارد و از طرف دیگر تماسهای سازانوف با سرهنگ آمریکایی موجب می‌شود که ارتباطات با سازانوف صمیمی‌تر شود و کمال مطلوب آنکه اگر بعداً تصمیم گرفته شد پیشنهادی برای همکاری به سازانوف داده شود، این گونه برخورد می‌تواند در پذیرفتن پیشنهاد از جانب او مؤثر باشد. ضمناً سازانوف اگر به کسی از همکارانش بازگو کند که از طرف یک آمریکائی درباره او چه اظهار نظر شده موجب تحقیر او نزد همکارانش و محسوب شدن او به عنوان یک خطر بالقوه و یک نقطه ضعف خواهد شد.

یک مأمور دیگر سیا نیز مدتی بعد از ملاقات فوق‌الذکر در یک مهمانی سفارت امارات متحده عربی سازانوف را می‌بیند و با او گفتگو می‌کند ولی متوجه می‌شود سازانوف جوابهایش طفره‌آمیزتر شده و

صریح پاسخ نمی‌دهد.

در جلسه هماهنگی بعدی (در ۲۹ دسامبر ۷۶) نماینده سیا به تماسهای جیل با ریاباوالوف که حدس می‌زند با جی. آر. یو همکاری داشته باشد اظهار علاقه می‌کند و توافق می‌شود که جیل سعی کند دوباره با ریاباوالوف و سرهنگ داوونیا تماس برقرار کند. از قرار معلوم در این حدود زمانی جهت فعالیت از سازانوف به تدریج به فرد دیگری منتقل می‌شود.

یکی دیگر از آشنایان روسی لاری جیل، دکتر آناتولی رامکف معاون رئیس بیمارستان شوروی در تهران بوده. در عین حالی که ملاقاتهای جیل با رامکف طبیعت اجتماعی داشته و مذاکرات آنها محدود به حرفه خود بود، پزشک روسی بطور مداوم از موقعیت خود و حقوق کم و مزایای پائین و زندگی سطح عادی که داشته ابراز نارضایتی می‌نمود. او از اظهار تفر خود نسبت به رئیس که در کیفیت مادی زندگیش مؤثر بوده و دائماً اعمال ریاست می‌کرده خودداری نمی‌نمود. در بعضی اسناد اداره بازرسیهای ویژه از او با نام رمز بیل و ث نام برده شده است. طی یکی از ملاقاتها، رامکف سه کتاب درباره تکنولوژی طبی شوروی به لاری جیل نشان می‌دهد. در یک جلسه ملاقات دیگر جیل اظهار می‌دارد که قرار است در یک کنفرانس طبی ارتش آمریکا شرکت کند و از همردیف روسی خود دعوت به عمل آورد که او نیز حضور یابد. رامکف، پزشک روسی اظهار اشتیاق می‌کند و ضمناً با حسرت می‌گوید که تصور نمی‌کند هیچ‌گاه به وی اجازه چنین کاری داده شود. به دنبال آن لاری جیل در جلسه بعد یک نشریه طبی ارتش آمریکا را که خود او نیز در آن مقاله‌ای نوشته بود به پزشک روسی می‌دهد. این اقدام پس از قدری تأمل مورد تأیید مأموران اداره ویژه ناظر بر قضیه قرار می‌گیرد به این اعتبار که می‌توان با دادن نسخه‌های متوالی این نشریه، زمینه را برای حفظ تماس با این فرد فراهم نمود. اسناد مورد تحویل حداقل سه فقره از این نشریه را منعکس می‌سازند.

در سه نوبت دیگر نیز، یکبار در ۱۹ ژوئن ۷۷ هنگامیکه پزشک روسی همراه با لاری جیل به پیک نیک رفته بود و دوبار نیز هنگامی که آن پزشک به منزل رفته بود نشریات و کاتالوگهای طبی از او دریافت می‌دارد.

در ۳۰ اوت ۷۷ طی جلسه مشترک مأمور سیا با مأموران اداره ویژه، مسئله تقاضای رامکف برای دریافت نشریات طبی مورد بحث قرار گرفت و به این نتیجه رسیدند که این تقاضای رامکف همراه با افزایش تقاضای شورویها برای گرفتن اطلاعات طبی از مرکز مهم طبی نیروی هوایی آمریکا در تگزاس نشان‌دهنده تأکید و توجه جدید شورویها برای جمع‌آوری اطلاعات طبی است و همچنین نشان می‌دهد که رامکف ممکن است غیر از حرفه پزشکی خود فعالیت دیگری هم داشته باشد خصوصاً آنکه رامکف جانشین فردی شده که عضو جی. آر. یو. بوده است.

در همان جلسه مأمور سیا اطلاع می‌دهد که ساواک طی یک یادداشت خیر داده بود که سرهنگ آمریکایی (همان لاری جیل) با رامکف در ارتباط است و رئیس عملیات سیا در جواب اظهار داشته بود (۱۶ مه ۷۷) که مقامات آمریکایی از این موضوع با خبر شده و نتیجه این بوده که ساواک احتمالاً تلفنهای بیمارستان شوروی را استراق سمع می‌نمود و رامکف را هم تحت مراقبت قرار می‌داد.

در ۲۰ دسامبر ۷۷ مأموران اداره ویژه با رئیس عملیات سیا در تهران اجلاس داشتند. مأمور سیا اظهار داشت که سیا این عملیات را با علاقه فراوانی دنبال می‌کند از آن جهت که فکر می‌کند از طریق رامکف

می‌توان خبرهای فراوانی درباره ناراحتیهای درمانی مأموران شناخته شده اطلاعاتی روس که بستری می‌شوند خصوصاً ناراحتیهای الکلی آنها به دست آورد. همچنین سیا مایل است که سرهنگ آمریکایی از رامکف بخواهد خبرهای فردی طبی به او بدهد و اگر رامکف خبرها را داد آن گاه تقاضای خبر درباره افراد به خصوص از روسها بشود.

در ۱۲ فوریه ۷۸ مأمور سیا اطلاع می‌دهد که سیا تحولات اخیر را بسیار چشمگیر می‌داند. در رابطه با اینکه رامکف تقاضاهای فراوان دریافت خبر داشته است و بدون شک رامکف همکاری اطلاعاتی با جی. آر. یو. یا شاید ک. گ. ب. دارد. همچنین سیا معتقد است که رفتار رامکف امکان حرکت برای استخدام وی را مطرح می‌سازد. سیا به علاوه فکر می‌کند که دادن پاسخ مثبت لاری جیل به درخواستهای دریافت اطلاعات طبی که رامکف عنوان کرده ممکن است باعث شود سازمانهای اطلاعاتی شوروی او را به دیده یک طعمه عالی برای جاسوسی بنگرند (در صورتی که خود رامکف فعالیت اطلاعاتی برای روسها داشته باشد) و این مانع حرکت برای استخدام رامکف شود. لذا بهتر است که سرهنگ آمریکایی در قبال درخواستهای اخیر بی‌اعتنا و بی‌خیال بماند. فعلاً سیا قصد دارد مسئله وارد کردن یک مأمور آشنای به آلمانی یا روسی سیا که جریان را بررسی کند تا در صورت عزیمت و پایان قرارداد کار جیل در ایران در ژوئن ۷۸ او تماس با رامکف را حفظ کند، مورد توجه قرار دهد.

در ۲۸ فوریه ۷۸ طی جلسه مشترک مأموران اداره ویژه با سیا اطلاع داده می‌شود که ستاد مرکزی اداره بازرسیهای ویژه نیروی هوایی با وارد کردن یک مأمور سیا به جریان برای معرفی وی توسط لاری جیل به رامکف موافقت کرده است. مأمور سیا اطلاع می‌دهد که تلاش برای جذب رامکف باید قبل از عزیمت آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی و مافوق رامکف در ۲۲ مارس ۷۸ صورت بگیرد. چون تنفر رامکف از حضور رئیس خود یک تأثیر مثبت روانی در استخدام وی دارد. سپس مأمور سیا خبر می‌دهد که از طرف لاری جیل یک مورد قواعد امنیتی نادیده گرفته شده است. او توضیح می‌دهد که یکی از کارمندان سفارت سوئیس که با رامکف تماس داشته و در مورد تهیه اطلاعات درباره شخصیت رامکف قصد داشته به سیا کمک کند خبر داده است که در ۲۷ فوریه ۷۸ سرهنگ نزد او رفته (در یک میهمانی) و اشاره کرده که می‌داند او و رامکف با هم تماسهایی دارند. به مأمور سیا گفته می‌شود که این حرکت در طرحهای اداره ویژه نبوده و سرهنگ مؤاخذه خواهد شد.

در جلسه مشترک ۱ مارس با مأموران سیا، سیا خبری می‌دهد که طرح برای داخل کردن مأمور جدید و معرفی او به رامکف این است که لاری جیل به رامکف بگوید که مسائل را با دوست نزدیک خود در میان گذارده و مطمئن است که دوستش راه حلی دارد. در صورت قبول ملاقات با فرد جدید از سوی رامکف، اولین جزء از طرح جذب و استخدام او به وی اظهار می‌شود و در صورت قبول آن همین‌طور ادامه داده می‌شود تا طرح به طور کامل اظهار شود، به این صورت هم موقعیت غیراطلاعاتی و دوستانه لاری جیل در رابطه با رامکف و هم هویت مأمور سیا حفظ می‌شود. از معاون رئیس سیا در تهران سؤال می‌شود آیا تاریخ غیر قطعی عزیمت آشورکویک باعث تهیه طرح شده یا غیر از آن هم عواملی بوده؟ پاسخ داده می‌شود که این نکته فقط جزئی از انگیزه این طرح است و سیا از یک منبع دیگر خود از سفارت سوئیس مطلع شده و نتیجه گرفته که رامکف به حرکتهای مخفی پاسخ مثبت می‌دهد و هنوز می‌خواهد روابطش را با خارجیها حفظ کند. او خود را فردی فوق‌العاده مادی که عاشق آزادی فرد خود است نشان داده است. این نکات



همراه با احساساتی که اخیراً به خانم لاری جیل ابراز داشته موجبات این طرح‌ریزی سیا را فراهم نموده و اکنون مناسبترین وقت است. در طرح سیا پیش‌بینی شده که اگر رامکف پیشنهاد را کاملاً رد کرد و خواست بطور علنی علیه دولت آمریکا جنجال کند، نوع اطلاعاتی که او تاکنون به مأمور سفارت سوئیس داده برای وی یادآوری شود که در صورت اطلاع مافوقهایش حتماً متهم به خیانت خواهد شد یا اینکه به ساواک که رامکف را اطلاعاتی می‌داند بگویند که او قصد داشته از یک پزشک ارتش آمریکا اطلاعات بگیرد و این موجب اخراج فوری او از ایران خواهد شد.

در جلسه ۹ مارس ۷۸ با مأموران سیا مأمور سیا خبر می‌دهد که از طریق منبع دیگرشان خبر یافته‌اند که رامکف قرار است یک سال دیگر در تهران ماندگار شود. سپس برای یک سال به مسکو بازگردد و در کلینیک شماره ۲۶ کار کند و بعد امیدوار است مقامی در سازمان جهانی بهداشت در ژنو به دست آورد. مأمور جدید سیا قرار است طی هفته حدود ۱۹ مارس ۷۸ به تهران بیاید و تماسش با رامکف در حدود ۲۴ مارس ۷۸ صورت پذیرد.

در ماه مارس اتفاقاً لاری جیل به رامکف پیشنهاد می‌کند که یک تلویزیون در اختیار رامکف بگذارد. این عمل با اعتراض مأموران ویژه روبرو می‌شود، معهداً موافقت می‌کنند و یک تلویزیون پاناسونیک سیاه و سفید به وی می‌دهند تا در هنگام دیدار رامکف از منزل لاری جیل به او داده شود (۱۹ مارس). در جلسه ۸ مه ۷۸ با سیا، سیا خبر می‌دهد که ..... سیراک جانشین آشورکو رئیس بیمارستان شوروی شده و اطلاعات بیوگرافی ساده‌ای درباره او می‌دهد.

در اسناد هماهنگی با مأمورین سیا که مهمترین اسناد را هم تشکیل می‌دهند نام مأمورین سیا بعضاً با سمت آنها ذکر شده است.

علاوه بر اینها فعلاً یک سند رشته شده از اسناد سازمان سیا موجود است که به تلاشهای مأمورین سفارت برای راه یافتن به محوطه پیشین آرمیش مگ (مستشاری آمریکا در ایران) و دسترسی به اسناد باقیمانده واحد ۷۲ اداره بازرسیهای ویژه نیروی هوایی که اسناد پرونده لاری جیل در میان آنها بود مربوط می‌شود. این اسناد و دسترسی به آنها از آن جهت برای سازمان سیا اهمیت داشته که نام چند تن از مأمورانش و همچنین نام جاسوس سیا از سفارت سوئیس در بعضی اسناد این پرونده خصوصاً پوشه هماهنگی آن ذکر شده والا مابقی این پرونده از لحاظ سیا چندان قابل اعتنا دانسته نشده و علت هم آن بوده که یکی از مقامات پیشین عالیرتبه ساواک که پس از انقلاب به لندن گریخته (اس.دی. پرتیکست / ۱) به سیا اطلاع می‌دهد که یکی از منابعش اظهار داشته آنا تولی رامکف یکی از اعضای سازمان ک.گ.ب. است و در صورت صحت این مطلب قضیه لاری جیل به صورت تلاشهای یک مأمور ک.گ.ب. برای کار روی یکی از عوامل اداره بازرسیهای ویژه در جهت منافع سازمانهای اطلاعاتی شوروی در می‌آید و لذا بازپس گرفتن اسناد مربوط به رامکف چندان حساسیتی ندارد.

در پایان اسناد مربوط به لاری جیل دو سند نیز تحت عنوان بیل کرین وجود دارد که مربوط به اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی آمریکا مستقر در تهران (واحد ۷۲) می‌باشد. محتوای این اسناد نیز شبیه مطالب مندرج در پرونده لاری جیل جذب و استخدام فرد روسی دیگری می‌باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱) ۱

سری یادداشت شماره ۴۷، ۲۵ نوامبر ۱۹۷۴

به: اداره تحقیقات ویژه

از: سیا (SRF)

موضوع: پتر ایوزیفویچ آشورکویک Petr Iosifovich Ashurko رئیس و

یوری سمنوویچ چرومکین قائم مقام رئیس بیمارستان صلیب سرخ شوروی

۱- پرونده‌های ما در رابطه با پتر ایوزیفویچ آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی اطلاعات ذیل را نشان می‌دهند. آشورکویک حدود سال ۱۹۷۳ در بوپروسیک تولد یافته است. او به جای ایوان ایوزیفویچ گاج به عنوان رئیس این بیمارستان نشست و حدود نوامبر / دسامبر ۱۹۷۳ وارد ایران شد. او با رگینا کوزیمیروفنا تارلتزکایا، متولد ۱۹۴۱ در مینسک ازدواج کرده است. رگینا شغل معلمی دارد. آشورکویک به روس بایلوبی تکلم می‌کند و هیچ‌گاه محل خدمت خارج از کشور نداشته است. ما اطلاعی حاکی از آنکه آشورکویک یک مأمور اطلاعاتی است نداریم.

۲- یوری سمنوویچ چرومکین در ۲۳ مه ۱۹۷۳ در گورکی تولد یافته است. همسرش نینا ولادیمیروفنا یوتاشکوا متولد ۱۹۳۲ است. همسر وی ادعا می‌کند که شغلش مدیریت یا ویرایشگری است اما به عنوان تالیست و صندوقدار در بیمارستان شوروی کار می‌کند. وی علاوه بر آن مسئول پرونده‌های مربوط به کارکنان ایرانی محلی بیمارستان می‌باشد.

۳- چرومکین در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۲ به عنوان قائم مقام بیمارستان وارد ایران شد. وی از ۱۰ فوریه تا ۳ اکتبر ۱۹۷۱ دبیر سوم سفارت شوروی در لندن بود. نام چرومکین در کتابی که جان بارون با نام «کا.گ. ب» اخیراً منتشر کرده، در بخشی تحت عنوان «شهروندان شوروی دست‌اندر کار عملیات مخفی در خارج» به چشم می‌خورد. طبق این کتاب، چرومکین در ۳ اکتبر ۱۹۷۱ از بریتانیا اخراج شد. اگر چه اداره ما چرومکین را احتمالاً یک افسر جی. آر. یو. به حساب می‌آورد، ولی وی از زمان ورودش به تهران مشغول در فعالیتهای اطلاعاتی مشاهده نشده است.

۴- در نوامبر ۱۹۷۳، چرومکین اظهار علاقه نمود که به رئیس بیمارستان نیروهای آمریکایی معرفی شود و از تأسیسات بیمارستان بازدید کند. در آن زمان دیداری ترتیب داده نشد اما در سپتامبر ۱۹۷۴ دوباره تمایل خود به ملاقات با رئیس بیمارستان آمریکایی را آشکار کرد. در اکتبر ۱۹۷۴ سرهنگ پلاتوف موافقت نمود که با چرومکین تماس بگیرد و به محض اینکه کار بازگشایی در بیمارستان آمریکایی اتمام پذیرفت، ترتیب یک ملاقات را بدهد.

سند شماره (۲)

سری

سرهنگ دوم لئونید واسیلیوویچ داوینیا مأمور شناخته شده جی. آر. یو.

تاریخ و محل تولد: ۱۹۳۹، اوکراین

تاریخ ورود: ۲ اکتبر ۱۹۷۵

شغل: دستیار وابسته نظامی، سفارت شوروی، تهران

پاسپورت: دیپلماتیک شماره ۲۱۸۷۴

خانواده: همسر - ناتالیا ویکتوروفنا داوینیا؛ دختر - مارینا، متولد ۱۹۶۶؛ پسر - والری، متولد ۱۹۶۸

متفرقه:

داوینیا اظهار داشته که پدرش در آلمان «کشته» شده و مادرش نیز فوت کرده، خودش ده سال است که ازدواج کرده و این اولین مأموریت وی در خارج از کشور است.

مشارالیه فردی صمیمی و همراه توصیف شده است. او خوش بنیه است، چشمان آبی رنگ، موی بلوند، سرخ‌گونه دارد و پوشش موهایش کمی عقب می‌نشیند و به آسانی به خنده می‌افتد. همسرش زیبا و همراه دانسته شده است.

داوینیا به فارسی تکلم نمی‌کند، اما شجاعانه تلاش می‌کند تا گفتگو را در سطح انگلیسی محدود خود نگه دارد. وی در مدرسه زبان، مکتب زبان، فارسی می‌خواند.

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۲ اوت ۷۶

سری

ستاد نیروی هوایی - بازرسیهای ویژه حوزه ۷۲

به: سیا، تهران

عطف به: نامه ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

۱- (سری) پیرو مذاکرات قبلیمان، پرونده و نام پوششی فوق تعیین گردیده تا در آن نتایج عملیاتی ثبت شود که به منظور هدایت فعالیتهای مشارالیه (سوزه) در مناسبات اجتماعی نظارت شده او با شخصیتهای مختلف در ایران شروع گردید.

۲- (سری) اولین فعالیت در جهت پرورش بیشتر مناسبات فعلی با آناتولی سازانوف و سرهنگ دوم لئونید داوینیا خواهد بود تا اطلاعات تفصیلی در خصوص بیوگرافی به دست آید و زمینه‌ای برای معرفی منابع نظارت شده دیگری به این شخصیتهای آماده شود.

۳- (بدون طبقه‌بندی) اداره شما در جریان رویدادهای عملیاتی مهم، گذاشته خواهد شد و گزارشهای کتبی در اختیار شما قرار داده می‌شود.

فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه‌بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۴)

خیلی محرمانه - ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد گزارش تماس شماره ۱ D، ۲۴ اوت ۷۶

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

- ۱- تاریخ و زمان تماس: یکشنبه / ۲۳ اوت ۷۶ / ساعت ۹/۰۰
- ۲- موقعیت محل تماس: بیمارستان ارتش آمریکا، تهران، ایران.
- ۳- موقعیت محل تماس حضوری: دفتر مشارالیه، بیمارستان ارتش آمریکا، تهران - ایران.
- ۴- مدت ملاقات: ۹/۵۰ - ۹/۰۰.
- ۵- افراد حاضر در ملاقات؛ مشارالیه و مأمور مربوطه.
- ۶- وسائط نقلیه مورد استفاده: مأمور مربوطه از یک وسیله نقلیه رسمی که برای اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲ تعیین شده برای رفتن به بیمارستان ارتش آمریکا استفاده کرد. این وسیله نقلیه یک پلیموت فیوری ۱۹۷۳، سفید رنگ، شماره ثبت ۰۳۴۹۸ B ۷۳ ثبت تهران ۹۵۲۳۹ بود. وسیله نقلیه مزبور در محوطه پارکینگ بیمارستان گذاشته شد چون مأمور مربوطه کارهای اداری را هم بررسی می‌کرد.
- ۷- غرض از تماس / ملاقات: ارزیابی بیشتر و حفظ رابطه و کنترل توسط مأمور.
- ۸- معرفی گزارشهای جنبی: گزارش مأمور مربوطه (ملاقات با منبع)
- ۱۰- ترتیب ملاقات بعدی: به مشارالیه گفته شد که ظرف ۱۰ روز تلفنی با او تماس گرفته خواهد شد تا ترتیب ملاقات آینده داده شود.

۱۴- گزارش تماس تهیه شده توسط: مأمور ویژه رونالد ام. فیلیپس

۱۵- توزیع: ستاد اداره تحقیقات ویژه / IVOE-۱

حوزه ۷۲ - ۱

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۵)

سری

شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد

تاریخ: ۲۵ اوت ۷۶

نیروی هوایی - حوزه ۷۲

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

تهیه شده توسط: گروهیان رونالد ام فیلیپس

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱- (سری) در ۲۲ اوت ۷۶، سیا / تهران درخواست یک ملاقات فوری با مأمور مربوطه نمود، غرض از آن تأکید مجدد روی علاقه سیا بود به عملیات پرورش یک رابطه اجتماعی نظارت شده تا با استفاده از مشارالیه اطلاعات به خصوصی در رابطه با آناتولی سازانوف دبیر سوم کنسولگری شوروی در تهران به دست آید. سیا اطلاعات ذیل را که تاکنون در رابطه با سازانوف جمع آوری کرده‌اند در اختیار گذارده و به نظر آنها پس از تأیید صحت این اطلاعات باید برای مسائل بعدی مربوط به فرار از خدمت مورد استفاده

احتمالی قرار گیرد.

سازانوف احتمالاً عضو ک. گ. ب بوده و این اولین مأموریت وی در خارج از کشور است. تصور می‌شود که مقام فعلی وی رئیس یکم مدیریت خارج از کشور در تهران باشد. در شش ماه تا یک سال گذشته، سازانوف مطمئناً دچار زحمت یا اشکال و ناراحتی بوده است. او در تهران خیلی موفق بوده و تا آنجا که سیا اطلاع دارد وی با افراد کشورهای بلوک غیر کمونیستی فقط ۱۶ تماس داشته است. او ظاهراً کارایی خود را از دست داده است. او شلخته، بی‌نظم، و فاقد روحیه تهاجمی است. او مکرراً وعده‌هایی را که قبول کرده می‌شکند، یا اگر هم در سر وعده حاضر می‌شود کاملاً دیر می‌آید. او در طی اقامت خود در تهران چند تصادف اتومبیل داشته است. او احتمالاً سخت مشروبخوار است و حداقل دوبار در حالت مستی در انظار عمومی دیده شده است آشکار است که سازانوف از زندگی خود و همچنین از شرایط کاری خود در تهران راضی نیست. هر چند که او از «خارج رفتن» بطور خاصی بدش نمی‌آید، قطعاً مایل است که از تهران برود.

در این رابطه، او مکاتباتی با یک مقام بلندپایه سابق در اینتوربست مینسک، شوروی داشته، عرضحالی برای سفیر شوروی در تهران نوشته و حتی نامه‌هایی به وزیر خارجه گرومیکو ارسال کرده است، و تمام اینها به قصد خلاصی از مأموریت فعلی خود است.

به نظر سیا، سازانوف مبتلا به مسائل حاد خانوادگی با ازدواج نیست، هر چند که طبق گزارشها یک پسر ۱۱ ساله خود را در شوروی به جای گذارده است. آنها احساس می‌کنند که ازدواجشان اساساً آرام است، علیرغم آنکه خصوصیات همسرش آن را بیشتر به صورت دیگری نشان می‌دهد. درباره همسر سازانوف به نام ناتاشا گفته‌اند که خیلی جلوه گر، خوش‌نما، سرزنده، گستاخ، عشوهرگر، شوخ است و زبان انگلیسی را خوب می‌داند. معذرت درباره اینکه او خواستار مباشرت با یک مرد دیگر بوده باشد هیچگاه اطلاعی داده نشده است. سازانوف و همسرش زمانی با هم آشنا شدند که سازانوف مأمور به خدمت در شهر دوشنبه در تاجیکستان شوروی بود. رابطه بین آنها ضمن تدریس زبان انگلیسی توسط ناتاشا به سازانوف شکل گرفت. ناتاشا در آن موقع یک معلم زبان انگلیسی بود. سازانوف اخیراً حدود تمام مجوزهای مبادله ارز خارجی خود را صرف خرید یک اتومبیل جدید ولگا نمود که در شوروی تحویل داده می‌شود. بنابر گزارشها، سازانوف این کار را بدون اطلاع کامل همسرش انجام داد، و در نتیجه پیش‌بینی می‌کرد که با همسرش مقداری درگیری داشته باشد و به طوری که گزارش داده‌اند همینطور هم شد ولی این درگیری بدون عواقب بعدی گذشت.

علیرغم مطالب یاد شده، مطلب ذیل اهمیت بیشتری دارد:

سازانوف به چند نفر بطور خصوصی اظهار داشته که مبتلا به یک بیماری ناشی از تشعشع رادیولوژیکی است و دچار یک مرض خون است که روی جگر او تأثیر می‌گذارد؛ و کاملاً پیش‌بینی می‌کند که در سنین جوانی از دنیا برود. او گفته که سابقاً مأمور به خدمت در دوشنبه در تاجیکستان بوده، «در آنجا در زمینی که روی آن راه می‌رفت از لابلاش اشعه درز می‌کرد.» هر چند که به سازانوف پیشنهاد شده برای امراض خود به یک بیمارستان برود، بطوریکه گفته‌اند سازانوف به خود اجازه نمی‌دهد که بستری شود چون وی به دکترهای روسی یا تسهیلات بیمارستانی آنها اعتماد ندارد. تصور می‌شود که در این رابطه او یک مالیخولیایی باشد، با این حال توصیه پزشکی روسها را نمی‌پذیرد.

۲- (سری) سیا اطلاع داد که آنها سعی کرده‌اند از تمام مطالب فوق تعبیر منظم به دست آورند. با توجه به اینکه گفته‌اند سازانوف در نوامبر ۷۶ برای مرخصی به وطن خود می‌رود و تا ژانویه ۷۷ باز نخواهد گشت، آنها فکر می‌کنند که زمان تشخیص درستی مطالبی که درباره شرایط جسمی / فکری سازانوف گفته شده و / یا به دست آوردن اطلاع بیشتر از این شرایط هم اکنون فرارسیده است و باید پیش از عزیمت وی باشد و دلایل آن هم مبرهن است. به نظر سیا مشارالیه یک فرد کلیدی در جهت نیل به مقاصدشان می‌باشد یا می‌تواند باشد.

سیا پیشنهاد کرده که طی جلسات اولیه توجه تفصیلی مشارالیه در رابطه با مشکلات سازانوف حضور داشته باشد و یا ترتیب چنین جلساتی را بدهد و کاملاً وابسته به دیدگاه‌های اداره بازرسی‌های ویژه باشد. سیا بدون تردید خاطر نشان ساخت که آنها به هیچ وجه اقدام به گرفتن کنترل اداره بازرسی‌های ویژه بر مشارالیه به نفع خود نخواهند کرد.

۳- (سری) سیا پیشنهاد کرد که کمک‌های لازم را در اختیار قرار دهند و اظهار داشتند که چون مشارالیه هم اکنون یک آشنایی با سازانوف دارد، تماس وی با سازانوف در گردهمایی‌های اجتماعی برای شروع مکالمه کار غیر عادی محسوب نمی‌شود.

۴- (سری) دو طرف توافق نمودند که طرح‌ریزی عملیاتی جهت ترتیب دادن تماس بین مشارالیه و سازانوف هر چه زودتر شروع شود.

توزیع: ستاد اداره بازرسی‌های ویژه - ۱ نسخه  
حوزه ۷۲ - ۱ نسخه

تصویب: فرانک ام. هیوی  
سرهنگ دوم نیروی هوایی  
فرمانده

#### سند شماره (۶)

تاریخ: ۱ سپتامبر ۷۶  
گزارش مأمور اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
تهیه شده توسط: گروهبان رونالد ام. فیلیپس  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)  
خیلی محرمانه - نیروی هوایی - حوزه ۷۲  
شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد

تفصیل:

(هماهنگی)

(خیلی محرمانه) در ۱ سپتامبر ۷۶، موضوع استفاده از مشارالیه و نقش وی در این عملیات توسط مأمور مربوطه و جانشین مأمور مربوطه با سیا / تهران هماهنگی شد. توافق شد که جهت دادن به فعالیتهای مشارالیه و امور نظارت بروی در اختیار قانونی اداره بازرسی‌های ویژه باشد. به درخواست مأمور مربوطه، یک نماینده سیا، تهران کار توجیه مقدماتی تفصیلی مشارالیه در زمینه شخصیت مورد نظر را با حضور مأمور مربوطه انجام خواهد داد. برای برگزاری یک جلسه مشترک با مشارالیه بطور موقت، قراردایی گذاشته شد و جلسه در ۷ سپتامبر ۷۶ صورت خواهد گرفت. در خاتمه این جلسه، سیا / تهران توضیحاتی

در خصوص شرح احوال شخصیت‌های مورد نظر ارائه کرد.

توزیع: ستاد اداره بازرسی‌های ویژه - ۱ نسخه

حوزه ۷۲ - ۱ نسخه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

سند شماره (۷)

سری - ۱۶ سپتامبر ۷۶ ، ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷

بیانیه اهداف عملیاتی تصویب شده

لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

۱- (سری) ایجاد یک ارتباط اجتماعی بین مشارالیه و آنتولی سازانوف دبیر سوم سفارت شوروی، تهران و سرهنگ دوم لئونید داوونیا دستیار وابسته نظامی سفارت شوروی، تهران.

۲- (سری) جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با شناخت بیوگرافی و شخصیت سازانوف و داوونیا.

۳- (سری) تعیین نوع ناراحتی طبی که سازانوف ادعای ابتلا به آن را دارد (یعنی مسمومیت رادیولوژیکی خون).

۴- (سری) در صورت امکان بهره‌برداری از تنفزی که سازانوف اظهار داشته از ایران دارد و عدم اعتماد وی به متخصصین طبی شوروی بوسیله ارائه تکنیک‌های پزشکی مورد استفاده در ایالات متحده.

۵- (سری) تحلیل شخصیت‌های سازانوف و داوونیا در رابطه با خوشایندها و ناخوشایندهای ایشان به منظور معرفی مأموران دیگری برای دسترسی به آنها.

۶- (سری) اقدام به ایجاد و تشویق تماس‌های بین مشارالیه و اعضای سفارت چین در تهران تا عاملان دسترسی را علیه چینی‌ها در تهران روانه کنند.

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۸)

خیلی محرمانه

موضوع: گواهی تفاهم و توافق

من، سیمور لوین، داوطلبانه موافقت دارم که به اداره بازرسی‌های ویژه وابسته به نیروی هوایی (آمریکا) در یک قضیه ضد اطلاعاتی در جهت منافع ایالات متحده کمک کنم و در رابطه با این روابط نهایت مخفیکاری را رعایت کنم. من درک می‌کنم که تمامی اطلاعات، وسایل، مخارج یا دیگر مطالب که از سرویس دشمن در نتیجه این عملیات عاید شده از اموال دولت ایالات متحده می‌باشد. من متعاقباً توافق می‌کنم که داوطلبانه یک آزمایش دروغ‌سنجی را در ارتباط با این قضیه ضد اطلاعاتی در فرصت‌هایی که بوسیله اداره بازرسی‌های ویژه وابسته به نیروی هوایی ضروری تشخیص داده می‌شود بگذرانم.

این مناسبات ممکن است در هر زمانی چه از جانب من یا اداره بازرسی‌های ویژه وابسته به نیروی هوایی با رضایت طرفین فسخ شود. مناسبات یا هر نوع اطلاعات به دست آمده بوسیله من در این مدت

بدون اظهار رضایت آشکار اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی پس از فسخ آن از جانب من فاش نخواهد گردید.

امضاء: سیمور لوین

تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۶

رونالد. ام. فیلیپس

شاهد

سند شماره (۹)

خیلی محرمانه

موضوع: موافقتنامه اسم مستعار

با توجه به جنبه‌های امنیتی همکاری من با اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی (آمریکا)، AFOSI، قرار بر این شده که برای حفظ مخفی کاری کامل در رابطه با این مناسبات، من، سیمور لوین، نام پائول ویندسور را به عنوان اسم مستعار جهت محافظت از این مناسبات انتخاب کنم. به استثنای چیزهایی که میان من و مأمور مربوطه در آینده توافق خواهد شد، من تمامی اسناد همچون رسید پولهای پرداخت شده و وسایل و چنین اقلامی را با اسم مستعار امضاء می‌کنم. من موافقت می‌کنم که امضاء با اسم مستعار، آن چنان که در زیر نشان داده شده، قانوناً همچون امضاء با نام حقیقی الزام آور باشد. من وجود چنین توافقنامه‌ای را بدون اظهار رضایت آشکار اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی فاش نخواهم ساخت.

نام مستعار

تایپ شده یا

چاپ شده: پائول ویندسور

امضا: ویندسور

شاهد:

تایپ شده یا

چاپ شده: رونالد ام. فیلیپس

شغل: مأمور ویژه اداره بازرسیهای ویژه

نام حقیقی

تایپ شده یا

چاپ شده: سیمور لوین

امضا: سیمور لوین

امضاء: رونالد ام. فیلیپس

تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۷۶

سند شماره (۱۰)

لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

طرح‌ریزی عملیاتی

۱- (سری) بنابر ضرورت، تمرکز کوششها در این زمان باید روی تثبیت بیشتر مشارالیه در مناسبات خود با سازانوف پیش از عزیمت سازانوف در نوامبر به وطن خود قرار گیرد. بطور صریحتر، مشارالیه راهنمایی خواهد شد که از هر فرصت برای ملاقات با سازانوف استفاده کرده و آن را غنیمت بشمارد و در صورت امکان، ملاقاتها را بر اساس مبنای یک به یک تثبیت کند. طی این ملاقاتها، مشارالیه روی تمایل طبیعی سازانوف به مطرح کردن مشکلات پزشکی خود، کار خواهد کرد و با احساس ناخوشایندی که

سری - ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد



سازانوف اظهار داشته نسبت به ایران دارد، همراهی خواهد کرد و در این ضمن علاقه صادقانه خود به پیشبرد رفاه و سلامتی سازانوف و پیشنهاد کمک در این زمینه را جامی اندازد. با آنکه ممکن است ولی متحمل نیست که طرز فکر سازانوف درباره اقدام به کاهش مدت مأموریت خود پیش از عزیمتش تغییر شدیدی پیدا کند. معذالک تصور می شود در صورتی که تلاش سازانوف برای کوتاه کردن مدت مأموریتش با موفقیت روبرو نشد، ممکن است در مراجعت به تهران به ندای دوستی مشارالیه بیشتر جواب دهد. به علاوه، این امکان هم وجود دارد که مشارالیه سازانوف را ترغیب کند به یک آزمایش جسمی کامل تن در دهد که این مکن است بسیاری از سؤالات را برای اداره تحقیقات ویژه و سازانوف حل کند. مشارالیه در نظر دارد در هفته حول ۲۲-۱۶ اکتبر ۷۶ سازانوف را برای صرف شام به منزل خود دعوت کند و به دنبال آن یک دعوت متقابل را بپذیرد یا آنکه در صورت مناسبت و آشکار نبودن زیاد پیشنهاد خواهد کرد که پیش از عزیمت سازانوف یک بار دیگر دور هم جمع شوند.

۲- (سری) در همان زمان، مشارالیه راهنمایی خواهد شد که مناسبات خود با داوینا، آشورکویک و ننگ را با حضور در فعالیتهای اجتماعی مختلف رسمی و غیررسمی حفظ یا بیشتر تثبیت کند. براساس موفقیت وی در این تماسها در صورتی که مناسب بود مسئله راهنمایی مشارالیه به برقراری ملاقاتهای یک به یک (دو نفره) با یک یا چند نفر از این افراد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نتیجه این ملاقاتها، اطلاعات بیوگرافیک به دست خواهد آمد و با داشتن یک نظر، معرفی منابع انتخاب شده بیشتر مطابق اقتضای شرایط شخصیت وی سنجیده خواهد شد.

۳- (سری) به منظور زمینه سازی برای تهیه گزارشهایی عمیق تر در نظر گرفته شده که اطلاعات همسر مشارالیه در رابطه با تماسها و مشاهدات خود از شخصیتهای مورد نظر تخلیه شود. در ابتدا یک توجیه مختصر درباره ۵۷ - ۲۰۵ AFR، علاقه اداره تحقیقات ویژه به این هدفها و همکاری مشارالیه با اداره تحقیقات ویژه به او داده خواهد شد. در این توجیهات روی دستیابی به اطلاعات مربوط به بیوگرافی و شخصیت تأکید خواهد شد. با پیدا شدن آشنایان بیشتر و گزارش درباره آنها، استعداد وی در اجرای یک وظیفه عملیاتی در رابطه با همسران افراد مورد نظر سنجیده خواهد شد. این کار وقتی صورت می گیرد که موقعیت، آن را ایجاب کند و به تصویب IVOE / اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی رسیده باشد.

۴- (سری) برای تسهیل ادامه دستیابی به اطلاعات به موقع درباره شخصیت مشارالیه و همچنین فراهم کردن یک راه ارتباط غیر حضوری برای موقع لزوم در نظر گرفته ایم که پس از جلب موافقت IVOE / اداره تحقیقات ویژه، همسر مأمور مربوطه آگاهانه در این عملیات به کار گرفته شود. همسر مشارالیه در محل فعالیت مشارالیه در موقعیتی مشغول به کار است که امکان دسترسی روزانه به تمام مناطق آن محل و تماس شخصی با کارمندان منجمله خود مشارالیه برایش میسر است. مشخصاً، وی منشی در بخش امور بیماران است. اظهارات و مشاهدات اخیری که در رابطه با مشارالیه، موافق یا غیر موافق در مورد شخصیت وی و مناسباتش با کارکنان به همسر مأمور مربوطه گفته شده یا مورد توجه وی واقع شده اند حاکی از آنند که اطلاعات و افری موجودند که بطور مؤثری در سنجش بیشتر مشارالیه کمک می نمایند. ماهیت قضیه این است که گزارشهای محدودی توسط منبع تهیه خواهد شد. همچنین استفاده از همسر مأمور مربوطه به عنوان یک میان بر را می توان در حین اجرای وظایف عادی وی تحقق داد. (توجه: شیوه های ارتباط غیر حضوری، ملاقاتهای شخصی و دستورات عملیاتی امنیتی بیشتری برای استفاده در این

عملیات تحت بررسی می‌باشند. از آنجایی که شرایط اینجا ایجاب می‌کند در کار با منبع به طرز غیر معمولی ملاحظات امنیتی رعایت گردد در طرح‌ریزی عملیاتی خود اشاره ویژه‌ای به آن نمودیم). برای آنکه استفاده از همسر مأمور مربوطه در این عملیات همراه با ایمنی باشد، ضروری است که مختصراً توجیه شود و در صورت مناسبت، یک تعهدنامه امنیتی را پر کند. مشخصاً به وی فقط گفته خواهد شد که: «مشارالیه در یک پرونده حساس ضد اطلاعاتی با اداره تحقیقات ویژه همکاری می‌کند. به منظور جلوگیری از آشکار شدن توجه اداره تحقیقات به مشارالیه نزد عموم بر اثر حضور بیش از حد مأمور مربوطه در آن محل، گاه به گاه از او خواسته خواهد شد که پیامهایی را انتقال دهد و بین مشارالیه و مأمور مربوطه پاکت‌های مهموری را فرداً حمل کند. به علاوه، برای مأمور مربوطه لازم است که از هرگونه خبر، موافق یا غیر موافق در رابطه با مراودات، مناسبات مشارالیه با کارکنانش و یا با سایر افرادی که به اقتضای مقامش تماس دارد و او (همسر مأمور مربوطه) امکان تحت نظر داشتن آنها در ضمن اجرای وظایف روزانه خود را دارد آگاهی یابد.»

تصور می‌شود استفاده از همسر مأمور مربوطه در نقش دوگانه میان بر و منبع فرصتهایی هم برای آزمایش عملیاتی مشارالیه به یک نحو غیر محسوس را فراهم می‌کند. تأکید می‌شود که این طرح کاری نباید به عنوان طریقه «ارجح» یا تنها طریقه ارتباط غیر حضوری محسوب شود.

۵- در رابطه با ملاقاتهای فردی با منبع، در نظر گرفته شده که افراد منتخبی شناسائی شوند تا به عنوان نگهدارندگان محل‌های امن عمل کنند و ترتیب استفاده از اقامتگاههای ایشان بر اساس استفاده یک نوبتی یا غیر مکرر داده شود. این موارد اگر با ملاقاتهای فردی در رستورانهای محلی مختلف و مکانهای احتمالی ملاقات در ساختمان هتل قراردادی محل همراه شوند، تصور می‌شود که امنیت عملیاتی کافی تأمین خواهد شد. استفاده از ساختمانهای هتل‌های تجاری، چون مستلزم پاسپورت برای ثبت است و ملاقات در وسائط نقلیه متحرک به علت مشکلات عظیم رفت و آمد، در تهران مشکلات ویژه‌ای را در بر دارد. تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

#### سند شماره (۱۱)

سری

گزارش مأمور

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

تاریخ: ۲۳ اکتبر ۷۶

نیروی هوایی، حوزه ۷۲

شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد

تهیه شده توسط: گروهبان رونالد ام. فیلیپس

عطف به: RC شماره ۵

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱- (سری) در ۳ اکتبر ۷۶، این عملیات توسط مأمور مربوطه و جانشین مأمور مربوطه با نمایندگان سیا / تهران هماهنگی شد. طی این جلسه سیا در زمینه کوکتل پارتی که مشارالیه در ۲۸ سپتامبر ۷۶ برگزار نمود توجیه شد. چون سازانوف و همسرش در ضیافت شرکت داشتند و بطور غیر قطعی پیشنهاد

مشارالیه را پذیرفتند که در آینده دور هم جمع شوند دو طرف توافق داشتند که این عملیات به آرامی جلو می‌رود. از جمله نکات مهم اظهارات سیا در رابطه با تماسی بود که یکی از نمایندگان آن در ۲ اکتبر ۷۶ با سازانوف داشت، در این تماس سازانوف اظهار داشت که در یک مهمانی در منزل مشارالیه شرکت کرده بود. سازانوف افزود که کاملاً نمی‌داند که چرا او به آن مهمانی دعوت شده بود. نماینده سیا بطور دقیق به خاطر نداشت که سازانوف در چه زمینه‌ای این حرف رازده بود (یعنی چرا او (سازانوف) به یک میهمانی که مشارالیه بانی آن بود دعوت شده بود یا چرا او (سازانوف) به این میهمانی که مدعوین آن از تیپهای بسیار مختلف بودند دعوت شده بود، به ویژه آنکه اکثریت سایر مدعوین افرادی بودند که سازانوف با آنها وجه اشتراکی نداشت).

استفاده فقط برای زمینه هشدار - شامل منابع و شیوه‌های حساس است  
تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

#### سند شماره (۱۲)

از: IVOE (۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد) به: اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲ / IVOE  
ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی (بدون طبقه‌بندی)  
(فرم ۹۶ شما، ۲۷ اکتبر ۷۶، طرح‌های عملیاتی)

#### موضوع: لاری جیل

۱- (سری) مطابق SC، دلیلی ندارد که همسر مشارالیه نتواند به عنوان یک منبع آگاه در این عملیات به کار گرفته شود. عملیات ساسل (۴۵۸ - ۲۲۷ D ستاد) در منطقه شما توسط یک تیم زن و شوهر اداره می‌شد و فوق‌العاده خوب کار کرد. پیش از آنکه برای بدل کردن وی به یک منبع آگاه تصمیم قطعی اتخاذ شود دو چیز باید در نظر گرفته شود. اولاً، اینکه شما او را قابل ایفای این وظیفه به حساب می‌آورید یا نه، باید مشخص گردد. به عبارت دیگر، شناخت شما از قابلیت و التفات وی به اصول امنیتی چگونه است؟ ثانیاً، شما باید به یک نحو غیر مستقیم یقیناً دریابید که نظر جیل درباره مشارکت همسرش چه خواهد بود؟ چون جیل هنوز یک رابطه یک به یک با طرفهای مقابل ایجاد نکرده، برای سنجش همسر وی به تعیین قابلیت‌های وی باید وقت کافی در دست باشد و در عین حال بشود نظر مشارالیه درباره مشارکت همسرش را تشخیص داد. ضمناً شما می‌توانید به تخلیه ۵۷ - ۲۰۵ IAW IFR وی بر یک اساس مورد به مورد ادامه دهید. در چنین زمانی اگر تشخیص دادید که همسر جیل را می‌توان استخدام کرد. لطفاً این ستاد را مطلع فرمایید.

۲- (سری) استفاده از همسر مأمور مربوطه به عنوان یک منبع آگاه افشای غیر ضروری مورد علاقه عملیاتی اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی می‌باشد. اطلاع درباره جیل آشکارا از طریق مکالمات غیررسمی به دست می‌آید. تا به امروز، شواهدی از اینکه جیل رفتارش مظنون یا غیرعادیست و ایجاب می‌کند پرس و جوی دامنه‌داری توسط یک منبع آگاه صورت گیرد مشاهده نشده است. بنابراین، به نظر نمی‌رسد که با آگاه کردن همسر مأمور مربوطه چیزی به دست آید.

۳- (سری) استفاده از همسر مأمور مربوطه به عنوان یک میان‌بر آگاه، مسائل بالقوه‌اش بیش از آن است که بتوان آن را در نظر گرفت جز آنکه به عنوان مستمسک نهایی جهت غلبه بر مشکلات امنیتی عظیم در

روابط بین منبع - مأمور مربوطه بررسی شود. از موارد ۶ تا ۹، بخش «طرح ریزی ضد اطلاعاتی» چنین برمی آید که جیل دلایل قانونی برای تماس آشکار توسط اداره تحقیقات ویژه دارد (یعنی اینکه وی فرمانده یک واحد است).

فورست آ. سینگهوف  
سرهنگ نیروی هوایی آمریکا  
رئیس ضد اطلاعات

### سند شماره (۱۳)

سرّی - ۲۸ اکتبر ۷۶

از: اداره بازرسیهای ویژه، حوزه ۷۰، لیندسی آلمان  
عطف به: نامه حوزه ۷۲، مورخ ۹ اکتبر ۷۶ و اداره بازرسیهای ویژه ۹۶ FM  
مورخ ۱۰ اکتبر ۷۶ (۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد)

#### موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

۱- (سرّی) در ۱۹ اکتبر ۷۶ حوزه CC/70 و IVO با نماینده ضد اطلاعات / معاونت اطلاعاتی ستاد خبری زمینی آمریکا در اروپا هماهنگی نمودند و سرلشکر مک کابی را مطابق درخواست حوزه ۷۲ توجیه نمودند.

۲- (سرّی) تیمسار مک کابی با استفاده از مشارالیه بنا بر طرحی که رئوسش در نامه مرجع مشخص شده کاملاً موافقت داشت. معذرت تیمسار این درخواست را هم مطرح کرد که ما بررسی نماییم آیا بین فعالیتهای مشارالیه و قرارداد زنو تعارضی وجود دارد یا نه؟ خصوصاً آنکه، قرارداد زنو لازم می دارد پرسنل درمانی افراد تمام کشورها را تحت معالجه قرار دهند و هرگونه کمک پزشکی که داده می شود باید به خاطر مریض باشد و لا غیر. ما اطلاع داریم که مشارالیه به عنوان یک «در و پنجره» عمل می کند و از او تقاضای مداخله در فعالیتهای ضد اطلاعاتی نخواهد شد، معذرت این را از طریق ستاد خود تأکید خواهیم کرد و تیمسار مک کابی، را در جریان توصیه آنها قرار نخواهیم داد.

۳- (سرّی) در مذاکرات بعدی با نماینده معاونت اطلاعاتی ستاد در رابطه با درخواست تیمسار مک کابی معاونت اطلاعاتی خواستار هماهنگی اداره بازرسیهای ویژه با دستیار اطلاعاتی ریاست ستاد نیروی زمینی و ستاد مرکزی سیا شد. به گمان معاونت اطلاعاتی برای مواقعی از این قبیل، سوابق قبلی باید وجود داشته باشد. معاونت اطلاعاتی همچنین اظهار داشت که آنها باید ریاست ستاد و سرفرماندهی نیروی زمینی آمریکا در اروپا را توجیه کنند. برای این منظور نسخه ای از نوشته مطالب توجیهی خود را به معاونت اطلاعاتی دادیم.

۴- (سرّی) معاونت اطلاعاتی همچنین درخواست کرد که ما در فکر توجیه رکن ۲ فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا باشیم زیرا آنها در ارتباط با افراد نظامی مأمور به خدمت در حوزه ۷۲ حق ویژه ای دارند. نظریات و موافقت شما با توجیه رکن ۲ فرماندهی اروپا را خواستاریم.

۵- (بدون طبقه بندی) یک نامه گزارشی به حوزه ۷۲ و ستاد اداره بازرسیهای ویژه / IVO متعاقباً ارسال خواهد شد. (خروج از طبقه بندی سال ۲۰۰۶)

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۷۶  
شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد ۷۶  
عطف به: نامه حوزه ۷۲ مورخ ۹ اکتبر ۷۶  
عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱- (سرّی) در ۲۶ اکتبر ۷۶، سرهنگ سی. ال. مارتین فرمانده اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۰، سوابقی را در رابطه با این عملیات به اطلاع افراد ذیل از پرسنل معاونت / اطلاعاتی ستاد / نیروی زمینی آمریکا در اروپا رساند:

سرهنگ دین شانسه معاون اطلاعاتی / نیروی زمینی در اروپا.

سرهنگ جان سی. راجرز رئیس بخش ضد اطلاعات / D معاونت اطلاعاتی / نیروی زمینی در اروپا  
آقای توماس سی. هیوز دستیار ویژه رئیس بخش ضد اطلاعات / D معاونت اطلاعاتی / نیروی زمینی در اروپا.

سرهنگ دوم دوگلاس هالدین رئیس شعبه عملیات ویژه / D معاونت اطلاعاتی / نیروی زمینی در اروپا.

الف - با مرور نوشته مطالب توجیهی ما برای تیمسار سرلشکر مک کابی فرماندهی پزشکی نیروی زمینی آمریکا در اروپا، سرهنگ شانسه و سرهنگ راجرز اظهار داشتند که به نظر آنها در این هماهنگی اشکالی وجود ندارد. معذرت، بنابر شیوه معمول عملیاتی آنها، هم ریاست ستاد و هم سرفرماندهی نیروی زمینی در اروپا باید در جریان این عملیات قرار داده شوند. یک نسخه از نوشته مطلب توجیهی نزد سرهنگ راجرز گذاشته شد تا ایشان یا سرلشکر دیلارد، معاونت اطلاعاتی ستاد / نیروی زمینی در اروپا بتوانند شخصاً ریاست ستاد و سرفرماندهی را توجیه کنند.

ب - سرهنگ شانسه درباره درست بودن توجیه رکن ۲ فرماندهی اروپا سؤال کرد. چون اکثر پرسنل نظامی مستقر در ایران تحت کنترل THEATER فرماندهی نیروهای اروپا می باشند، به سرهنگ شانسه اطلاع داده شد که با موافقت ستاد اداره تحقیقات ویژه ترتیب توجیه رکن ۲ فرماندهی اروپا را خواهیم داد.

ج - مسأله اطلاعات تکمیلی برای پرسنل لازم نیروی زمینی در اروپا هم توسط سرهنگ راجرز مطرح شد. به او گفته شد که خلاصه های مناسبی در اختیار دفتر وی قرار داده خواهد شد تا معاونت اطلاعاتی و سرفرماندهی نیروی زمینی در اروپا در جریان وقایع عمده مربوط به مشارالیه واقع باشند.

۲- (سرّی) در ۲۶ اکتبر ۷۶، سرلشکر مارشال مک کابی در حضور سرهنگ دوم هالدین توسط سرهنگ مارتین و سرگرد دیلون توجیه شد. تیمسار مک کابی با استفاده از مشارالیه بنابر طرحی که رئوسش در ضمیمه ۱ مشخص شده کاملاً موافقت داشت. با این وجود، تیمسار مک کابی این را هم درخواست کرد که ما بررسی کنیم آیا بین فعالیتهای مشارالیه و قرارداد ژنو تعارض وجود دارد یا نه. بگفته تیمسار مک کابی، قرارداد ژنو لازم می دارد که پرسنل پزشکی کمک پزشکی خود را در اختیار افراد همه کشورهای قرار دهند و این کمک باید صرفاً به خاطر مریض باشد و لاغیر.

تیمسار مک کابی اطمینان نداشت که در این مورد به خصوص تعارضی وجود دارد. اما درخواست نمود که این مسئله در سطوح بالاتری بررسی شود تا اطمینان حاصل گردد، درگیری پرسنل پزشکی در فعالیتهای اطلاعاتی عواقب دیپلماتیک ندارد. به تیمسار مک کابی اطلاع داده شد که مشارالیه به عنوان یک «در و پنجره» عمل خواهد کرد و به هیچ وجه از او خواسته نخواهد شد که وارد فعالیتهای اطلاعاتی گردد. به علاوه، اینکه هر کمک عرضه شده به مریض توسط مشارالیه صرفاً به خاطر خود مریض خواهد بود. به تیمسار مک کابی اطلاع داده شد که ما از ستاد خود سؤال خواهیم کرد تا مطمئن شویم، این مسئله از طریق سازمانهای ذی صلاح در واشنگتن هماهنگی می شود و ما او را در جریان پاسخ آن قرار خواهیم داد.

۳- (سری) در یک مذاکره بعدی با نمایندگان معاونت اطلاعاتی در رابطه با درخواست تیمسار مک کابی، سرهنگ راجرز توصیه کرد که ستاد اداره تحقیقات ویژه این مسئله را با دستیار اطلاعاتی ستاد نیروی زمینی و ستاد سیا هماهنگ نماید. سرهنگ راجرز گمان داشت که برای استفاده از پرسنل پزشکی در زمینه عملیات اطلاعاتی باید سوابق قبلی وجود داشته باشد. به سرهنگ راجرز گفته شد که پیش از برگزاری یک ملاقات تکمیلی با تیمسار مک کابی و پاسخ داده شده به تیمسار مک کابی با دفتر وی هماهنگی خواهد شد.

ضمیمه: ۱- نوشته مطالب توجیهی

تصویب الن بی - هرشون  
سرهنگ دوم نیروی هوایی  
معاون فرماندهی عملیات تحقیقی

#### سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۹ دسامبر ۷۶  
نیروی هوایی، حوزه ۷۲  
(اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی)  
تهیه شده توسط: گروه بان رونالد ام. فیلیپس  
عطف به: RC شماره ۱۴

سری  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد  
گزارش مأمور

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۶ این عملیات توسط مأمور مربوطه و مأمور ویژه کورتیس اس. موریس با سیا / تهران هماهنگی شد تا پیرامون فعالیت عملیاتی آتی مشارالیه در رابطه با سازانوف و سایر شخصیتهای مورد نظر طرح ریزی شود.

ولادیمیر اسکوتزکو، نماینده سیا، اظهار داشت که وی بابت تلاشهای عملیاتی جیل خیلی متشکر است. به علاوه، وی فکر می کرد که فعالیتهای جیل در کنار چندین عامل دیگر واسطه در دسترس سیا در ترسیم سیمای روشنتری از سازانوف بسیار مفید بوده است. با توجه به حاضر نشدن سازانوف در قرار شام

با جیل در تاریخ ۱۴ نوامبر ۷۶ و تماس نگرفتن وی با یک عامل مخفی سیا در ۱۶ نوامبر ۷۶، اسکوترکو اظهار داشت که ممکن است اقدامات یک عامل مخفی سیا، مأموریت موقت سازانوف یا فی الواقع شیوه ظاهراً عادی سازانوف که فراموشکاری و بی‌نظمی فردی از خود نشان می‌دهد موجب این عدم حضور شده باشد. این دو دلیل ذکر شده آخر به احتمال قویتر موجب این «غیبت» بوده‌اند. در این اواخر، سایر کسانی که با سازانوف در تماس بوده و مشغول برقراری یک رابطه صمیمی با وی بودند گهگاه و بطور ناگهانی دیده‌اند که تماس با آنها قطع شده است. «خلف وعده» با طرف خود چیز غیر عادی نبود. اسکوترکو اطلاع داد که یک عامل مخفی سیا در ۱۱ نوامبر ۷۶ با سازانوف ملاقات کرد و به او گفت که او با سایر افراد روس در تهران تفاوت دارد. خصوصاً آنکه سازانوف فردی حساس، مخفی کار اما بیشتر قابل معاشرت است. همچنین، این عامل سیا به دوستی با سازانوف ارجح می‌گذارد. این روال کلی در جریان ملاقات آنها دنبال شد به این منظور که به سازانوف فهمانده شود او با دیگران تفاوت دارد. ظاهراً این نقشه همراه با تماسهای سازانوف با جیل ممکن است موجب برقراری مناسبات صمیمانه‌تری شود. کمال مطلوب آن است که این عامل مثبتی برای تحت تأثیر قرار دادن سازانوف شود تا اگر در آینده تصمیم گرفته شد به او «پیشنهاد همکاری» داده شود او بپذیرد. (در حال حاضر طرحی برای اجرای این کار در نظر گرفته نشده و در صورتی که این اقدام مورد بررسی قرار گرفت به اداره تحقیقات ویژه اطلاع داده خواهد شد). «نقشه من فرد متفاوتی هستم» می‌تواند سازانوف را در موقعیت ناهنجاری قرار دهد. اگر سازانوف آن را با کس دیگری از جماعت روسها در تهران در میان بگذارد او به‌عنوان یک «خواهر ضعیف» شناخته خواهد شد یعنی آنکه وی یک خطر امنیتی بالقوه است و از تماس با بیگانگان منع خواهد شد.

خلاصه آنکه، کارایی، موقعیت و شهرت وی به‌عنوان یک «رفیق وفادار» بطور جبران ناپذیری ضایع خواهد شد. چون سازانوف فرد باهوشی است امکان اینکه وی موضوع «من فرد متفاوتی هستم» را با دیگران مطرح کند عملاً بعید است. او ملتفت خواهد شد که به‌عنوان یک خطر امنیتی شناخته شدن چه مشکلاتی برای فرد او در بر دارد و این قابل درک است. پس از اظهار این مطلب در ۱۱ نوامبر ۷۶ به وی، سازانوف در ضیافت شام جیل در ۱۴ و قرار ملاقات با عامل سیا در ۱۶ نوامبر حاضر نشد. به هر دلیل عملی که بود، به نظر می‌رسید که سازانوف تماس با اعضای جماعت دیپلمات رسمی را کنار گذاشته است. معذرت در نتیجه تحقیقات بی و سر و صدای جیل و سیا معلوم شد که سازانوف ظاهراً به مسافرت رفته است.

اطلاع حاصل شد که سازانوف در یک ضیافت بزرگ (با حدود ۷۰۰ میهمان) به تاریخ ۱۲ دسامبر ۷۶ در سفارت امارات عربی متحده در تهران شرکت کرده و در آن مکالمه مختصری با یک نماینده سیا داشته است. سازانوف اظهار داشت که به مسافرتی به اصفهان رفته بوده و در تدارک گذراندن مرخصی در وطن خود بود. سازانوف همچنین اظهار داشت که بواسطه کثرت تعداد گزارشهای آخر سالی که می‌بایست پیش از رفتن به اتمام برساند عزیمت وی به وطن تا ۲۳ دسامبر ۷۶ به تأخیر افتاده است. سازانوف ضمن آنکه گرم و صمیمی بود بیشتر از معمول خوددار به نظر آمد و در جواب به سؤالاتی که در خصوص فعالیتهايش طی هفته‌های اخیر شد طفره می‌رفت. چون سازانوف اظهار داشته بود که شش هفته به مرخصی می‌رود، سیا / تهران فی الواقع پیش‌بینی نمی‌کرد که وی تا آخرین هفته فوریه یا اولین هفته مارس ۱۹۷۷ به تهران بازگردد. به علاوه چون سازانوف در آن ضیافت بوده و در کنار کار خود روی گزارشها، مأموریت موقت

هم داشته اینکه وی درباره موضوع «من فرد متفاوتی هستم» با کسی صحبت کرده باشد قابل تردید است. دو طرف متفقاً نظر دارند که مشارالیه نباید برای تماس با سازانوف حتی پس از مراجعت وی از مرخصی بازگشت به وطن پیشقدمی بیشتر به خرج دهد ولی در صورتی که سازانوف تماس گرفت وی باید همچنان آنها را بپذیرد. سیا به تماسهای مشارالیه با ریاباوالوف که به نظر آنها مظنون به وابستگی به جی. آر. یو است، اظهار علاقه کرد. توافق شد که مشارالیه را واداریم اقدام به برقراری مجدد تماس با وی و همچنین برقراری مجدد و دنبال کردن تماسهای خود با دوانیا نماید.

تصویب: فرانک ام. هیوی  
سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا  
فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

استفاده فقط برای زمینه

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های حساس است.

سند شماره (۱۶)

سوم نوامبر ۷۶  
نیروی هوایی، حوزه ۷۲ (اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی) گزارش مأمور  
شماره پرونده: ستاد مرکزی حوزه ۵۸۲ - ۲۲۷ D دفتر تهیه کننده: حوزه ۷۲  
تهیه شده بوسیله: مأمور ویژه، رونالد. ام. فیلیپس مرجع: RC شماره ۵  
عناوین (توافقنامه‌های مالی)

عنوان: لاری جیل (طبقه بندی نشده)

AR (خیلی محرمانه) در جریان ملاقات ۲۹ سپتامبر ۷۹، (مرجع ملاقات با منبع) شخص فوق الذکر به عنوان منبع در این عملیات استخدام شد و در ارتباط با توجیهی که ضمن استخدام به عمل آمد به وی گفته شد که تمامی مخارجی که او در هنگامی که اداره بازرسیهای ویژه را در پشتیبانی از این عملیات یاری می‌کند، متحمل شود بوسیله مأمور مربوطه جبران خواهد گردید. توضیح داده شد و فرد مذکور با آگاهی دریافت که فقط مخارجی را که به دستور اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی متحمل شده پرداخت خواهد گردید و از فرد مذکور خواسته شد تا حساب دقیقی از مخارجش را حفظ کند. مأمور مربوطه با اشاره به میهمانی صرف مشروب در ۲۸ سپتامبر ۷۶ پیشنهاد کرد، مخارجی که به عهده وی افتاده بود بازپرداخت شود چون وی با دعوت از افراد مورد هدف به عملیات کمک کرده و این کارش مبنای تماسهای بیشتری شده بود و وسیله توسعه بیشتر مناسباتش با آن افراد شده بود.

فرد مذکور اظهار داشت که او در مورد جبران مالی نگرانی نداشته است. وی گفت: «تمایلی ندارم که یک دسته کاغذ اداری را فقط برای چند دلار پر کند.» مأمور مربوطه احتمال افزایش مجالس اجتماعی در آینده را توضیح داد که همه آنها پس از مدتی به طرز چشمگیری افزایش خواهد یافت. پیشنهاد گردید که هر بار که بولی خرج می‌شود جبران بشود تا از پیگیری و جمع آوری تمامی این جزئیات در آینده احتراز شود. فرد مذکور با این توصیف که او هیچ راهی برای دانستن حتمی اینکه چه مقدار میهمانی خرج برای او برداشته است ندارد گفت که «در این مورد فکر خواهد کرد.» مأمور مربوطه به فرد مذکور گفت که فهرستی



از مخارج را حتی الامکان با دقت تهیه ببیند و در یک ملاقات آینده بیشتر درباره موضوع صحبت خواهد شد که فرد مذکور با آن موافقت کرد.

توزیع: ستاد مرکزی اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی تأیید شد.

فرانک. ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

فقط برای استفاده به عنوان سابقه

هشدار شامل منابع و شیوه‌های حساس است.

سند شماره (۱۷)

۶ نوامبر ۷۶

سری

گزارش مأمور

نیروی هوایی، حوزه ۷۲

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد

تهیه شده توسط: گروهان جیمی ال. استوت

عطف به: RC شماره ۶

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱- (سری) در ۲۴ اکتبر ۷۶، گروهان کورتیس اس. موریس و جانشین مأمور مربوطه پیرامون این عملیات با سیا / تهران مذاکره کردند. به تلاشهای جیل برای تماس با آناتولی سازانوف اشارات صریحی گردید. به سیا اطلاع داده شد که جیل هنوز تماس مجددی با سازانوف برقرار نکرده است هر چند که اقداماتی در این رابطه انجام گرفته بود. قرار شد که ملاقاتی بین مأمور مربوطه و جیل در رابطه با اوضاع برگزار شود.

سیا سپس اطلاع داد که یکی از نمایندگان اداره آنها مراودات هفتگی - دو هفتگی با سازانوف داشته و دارد. معذرت، اقدامات اخیر برای برقراری تماس شخصی نیز با موفقیت روبرو نشده و باعث ناامیدی آنها گشته است. به دنبال یک تماس تلفنی با کنسولگری شوروی در تهران (با شماره تلفن دفتر سازانوف) که در هفته گذشته صورت گرفت، نماینده سیا پی برد که سازانوف به علت یک بیماری که نوعش فاش نشد در بیمارستان بستری است و سر کار خود حاضر نشده است.

۲- (سری) در ۲۸ اکتبر ۷۶، نماینده سیا / تهران که فوقاً به وی اشاره شد، به جانشین مأمور مربوطه اطلاع داد که دوباره توانسته با سازانوف تماس برقرار کند.

سازانوف توضیح داد که بعد از یک هفته یا ۱۰ روز طی دوران نقاهت یک حمله قلبی ضعیف، بتازگی از بیمارستان شوروی مرخص شده است. نماینده سیا اظهار داشت که وی از سازانوف و همسرش دعوت کرده بود که با وی به یک برنامه ورزشی در ۲۹ اکتبر ۷۶ بیایند و در آن موقع وی اقدام به پرس و جو درباره جزئیات بیماری اخیر سازانوف خواهد نمود.

۳- (سرّی) در ۲۹ اکتبر ۷۶، سیا / تهران اطلاع داد که سازانوف و همسرش دعوت فوق را قبول کرده‌اند و پیرو آن برای دیدار به منزل نماینده سیا رفتند. سازانوف تکرار کرد که علت بستری شدن وی یک حمله قلبی ضعیف بوده است. معذرت، سیا فکر می‌کند که ممکن است سازانوف کاملاً راست نگفته باشد؛ سازانوف دائماً سیگار می‌کشید و طی آن دیدار اجتماعی وی در پذیرفتن مشروبات مخلوط تردیدی بخود راه نمی‌داد. هنگامی که آن نماینده سیا از سازانوف پرسید علت ادامه استفاده وی از تنباکو و مشروب الکلی چیست با آنکه خودش می‌گوید یک حمله قلبی داشته است؟ سازانوف فقط لبخند زد و با بی‌اعتنایی از این حرف گذشت.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

استفاده فقط برای زمینه

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های حساس است.

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۱۸)

سرّی	۲ فوریه ۷۷
اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۰	نیروی هوایی
گزارش مأمور	شماره پرونده: ۵۸۲ - ۲۲۷ D ستاد
تهیه شده توسط: مأمور ویژه برتون آ. کستیل	اداره تهیه کننده: حوزه ۷۰
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)	

تفصیل:

(هماهنگی)

(سرّی) در ۲۲ ژانویه ۷۷، مأمور ویژه برتون آ. کستیل این عملیات را با سرهنگ دوم دی. دبلیو. هالدین رئیس SO - (ضد اطلاعات) ACACB / سرفرماندهی نیروی زمینی آمریکا در اروپا هیدلبرگ، جمهوری فدرال آلمان هماهنگ کرد و خلاصه‌ای از فعالیتهای جیل تا تاریخ ۲۶ دسامبر ۷۶ را در اختیار گذارد. هالدین از پیشرفت این عملیات راضی بود، معذرت کمی اظهار نگرانی کرد که آیا جیل بطور فعال مؤظف به تلاش و ترتیب دادن / پرورش روابطی بوده که اضافه و فراتر از فعالیت عادی وی بوده‌اند. به هالدین گفته شد که به واسطه رتبه، مقام نظامی و موقعیت اجتماعی جیل بطور فعال وظایفی در جهت داشتن فعالیت تهاجمی / ضربتی برای پرورش افراد به نحوی که غیر عادی باشد به وی ابلاغ نشده است. اضافه بر آن به هالدین اطلاع داده شد که خلاصه‌های دیگری به موقع و بطور منظم در اختیار دفتر وی قرار خواهد گرفت.

تصویب رابرت وس. لوکنز

سرگرد نیروی هوایی

رئیس شعبه عملیات ضد اطلاعاتی

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۱۹)

۱۹ آوریل ۱۹۷۷  
گزارش مأمور  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
عطف به: گزارش تماس شماره ۲۴

سری  
شماره پرونده: ۳۲-۳۴۵-D ستاد ۷۷  
تهیه شده توسط: مأمور ویژه رونالد ام. فیلیپس

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(چیزهای داده شده برای استفاده عملیاتی)

(سری) در ۱۵ مارس ۷۷، طی یک ملاقات حضوری بین مشارالیه و مأمور مربوطه، یک دستگاه تلویزیون قابل حمل سیاه و سفید پاناسونیک مدل BF ۲۳۸ - TR، شماره سری ۲۱۵۳۵...، پیرو مجوز قید شده در پیام ۸ مارس ۷۷ اداره تحقیقات ویژه / IVO در اختیار مشارالیه گذارده شد. توضیح داده شد که مشارالیه این دستگاه تلویزیون را هنگامی که آناتولی رامکف، قائم مقام رئیس بیمارستان شوروی در تهران به منزل او می آید، به وی اهدا کند. به مشارالیه گفته شد که از این دستگاه باید همچون یک «وسیله دست دوم» مراقبت به عمل آید. به علاوه، مشارالیه باید زمانی که این دستگاه به رامکف داده شد، باید برای توضیح نحوه تهیه آن اساساً مطالب ذیل را نقل کند:

مشارالیه به هنگام ورود به تهران، همراه خانواده حدود سه ماه را در یک هتل محلی گذارند تا آنکه اقامتگاهشان آماده شد. طی این مدت این تلویزیون را برای راحتی فرزندانش خرید چون یک سرگرمی بود که در هتل به آن دسترسی نبود. پس از نقل مکان به اقامتگاه و دریافت لوازم خانگی خود که شامل چهار دستگاه تلویزیون هم که سابقاً در ایالات متحده خریده بود می شد این تلویزیون سیاه و سفید کنار گذارده شد و مورد استفاده واقع نشد.

به مشارالیه توصیه شد که هر مبلغ جزئی را اگر دکتر رامکف پیشنهاد کرد که بابت آن بپردازد قبول کند. به مشارالیه گفته شد در صورتی که دکتر رامکف نسبت به قبول این دستگاه به عنوان یک هدیه صاف و ساده بی میلی نشان داد. او می تواند یک قیمت جزئی را عنوان کند و به دکتر رامکف تأکید نماید که این دستگاه واقعاً استفاده ای ندارد و فقط «جا می گیرد.» در خاتمه این ملاقات مشارالیه بابت دستگاه یک رسید با نام حقیقی امضاء کرد که برای مراجعات بعدی نزد مأمور مربوطه نگهداری می شود. نسخه ای از این رسید با محموله جداگانه ای به ستاد اداره تحقیقات ویژه / IVOE ارسال می شود. (رجوع شود به پیامهای ۱۳ فوریه ۷۷، و ۷ مارس ۷۷).

توزیع: ستاد اداره تحقیقات ویژه / IVOE \ نسخه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنک دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۲۰)

سری  
شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
تهیه شده توسط: مأمور ویژه رونالد ام. فیلیپس  
۲۳ آوریل ۱۹۷۷  
گزارش مأمور  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
عطف به: گزارش تماس شماره ۲۴  
عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(اخطارها / اشکالات کنترل)

(سری) در ۱۵ مارس ۷۷، طی یک ملاقات حضوری با مأمور مربوطه، توصیه‌هایی که هنگام استخدامش به وی داده شد خاطر نشان گردید. مشخصاً، به مشارالیه خاطر نشان گردید که لازم است در اتخاذ تصمیماتی که روی جهت امور عملیاتی و خصوصاً روی امور مربوط به هزینه تأثیر می‌گذارند از دستورالعملهای مأمور مربوطه پیروی کند. در رابطه با مذاکرات (وی) با دکتر آنتولی رامکف قائم مقام رئیس بیمارستان شوروی در تاریخ ۲۳ فوریه ۷۷ در تهران که طی آن مشارالیه پیشنهاد کرد یک دستگاه تلویزیون برای رامکف تهیه کند، به مشارالیه خاطر نشان گردید که این قول و تعهد بدون جلب موافقت قبلی مأمور مربوطه صورت گرفته و در نتیجه کارهایی با یادداشتهای فوری انجام گرفتند که اگر وی در آن موقع این قول را به عهده نگرفته بود بهتر می‌شد آنها را برنامه ریزی کرد. مأمور مربوطه به مشارالیه گفت با آنکه هیچ لطمه آشکاری وارد نشده چون رامکف هنوز در رابطه با تلویزیون به دیدار وی نیامده یا تماس نگرفته؛ ولی اگر چنین می‌شد، انعکاس ناخوشایندی روی مقبولیت و مورد اعتماد بودن مشارالیه نزد رامکف می‌داشت و ممکن بود روی طرحهای عملیاتی آتی تأثیر گذارد. مشارالیه به اشتباه خود در این مورد اعتراف کرد و به نظر مأمور مربوطه شرایطی از این قبیل دیگر نباید رخ دهند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۲۱)

سری  
تاریخ: ۱ مه ۷۷  
از: COS تهران  
رونوشت برای: AFSSO USAF  
توزیع محدود از حوزه IVOE / ۷۲  
عطف به: الف) پاراگرافهای ۹-۶، ۳۲-۱۲۴ AFOSIR ب) گزارش مأمور (ملاقات با مأمور)، ۴ ژانویه ۷۷ ج) گزارش مأمور (ملاقات با مأمور)  
عطف به RC ۱۲ و ۱۳، ۲۸ دسامبر ۷۶

۱- (سری) در جریان «پنج صفر» در ۲۵ آوریل ۷۷ با بیل و ت (CN) که یک فرد ۴۳۶ است و در گزارش مرجع ب بیشتر معرفی شده، مذاکره به امور حرفه‌ای کشیده شد. مشارالیه اظهار داشت که در آینده

نزدیک در یک کنفرانس حرفه‌ای که در ناحیه حوزه ۷۰ برگزار می‌شود شرکت خواهد کرد و گفت ای کاش، وث می‌توانست در آن شرکت کند چون این کنفرانس برای وث از لحاظ حرفه‌ای ذیقیمت می‌باشد. وث اظهار داشت که مایل است در آن شرکت کند اما فکر نمی‌کند که هیچ‌گاه بتواند چنین کاری را انجام دهد. وث سپس پرسید آیا مشارالیه از نشریات حرفه‌ای در دسترس در رابطه با فنون، شیوه‌ها و تجهیزات جدید استفاده می‌کند. مشارالیه توضیح داد که بیشتر اطلاعات شفاهاً مطرح خواهد شد اما اگر نشریاتی در دسترس واقع شد اقدام به جمع‌آوری تعدادی از آنها خواهد نمود. به دنبال این مذاکره، مشارالیه جزوه‌ای در اختیار وث گذارد که در آن مقالات ارائه شده توسط متخصصین مختلف در حرفه خود درج گردیده بود و ظاهراً توجه وث را به خود جلب کرد. این جزوه یک سند بدون کنترل، بدون طبقه‌بندی ارتش آمریکاست که ماهانه انتشار می‌یابد و حاوی یک مقاله نوشته مشارالیه بود. لازم به توجه است که دادن این جزوه یک عمل فی‌البداهه بود که مشارالیه مرتکب شد. مأمور مربوطه سابقاً مشارالیه را در رابطه با ضرورت جلب موافقت برای چنین اعمالی توجیه نکرده بود، بنابراین وی رفتاری مناسب با موقعیت حرفه‌ای خود داشته بود.

۲- (سری) جزوه مورد اشاره یک نشریه جاری است. اینک معتقدیم که ممکن است تداوم و پیشبرد بیشتر رابطه ۳۴۵ فعلی بین مشارالیه و وث برای ما با ارزش باشد. پیرو پیام مرجع الف، اقدام برای ادامه مجوز جامع برای شماره‌های آتی این جزوه در پوشش جداگانه‌ای تسلیم می‌شود. خروج از طبقه‌بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

تهیه شده توسط: رونالد ام. فیلیپس

مأمور ویژه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنک دوم

سند شماره (۲۲)

سری

۱۱ ژوئن ۷۷

از: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی - حوزه ۷۲ - تهران - ایران

به: ستاد اداره تحقیقات ویژه - واشنگتن دی. سی.

عطف به: الف) گزارش مأمور (ملاقات با مأمور) ۹ مه ۷۷ ب) پاراگراف ۷-۶، AFOSIR ۳۲-۱۲۴ ج)

ضمیمه دو AFOSIR ۳۴-۱۲۴

منحصراً برای IVOE

موضوع: لاری جیل (۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷)

۱- (سری) مشارالیه اخیراً از مأموریت موقت به کنفرانس در ۳۹۹ که در آن اعضای نظامی و غیرنظامی حرفه مشارالیه شرکت داشتند بازگشت. طی این کنفرانس، مشارالیه ده جزوه مربوط به حرفه خود را که ۱۰۵ بنگاه دارویی به عنوان تبلیغات تهیه کرده بودند به دست آورد. این جزوات فاقد کنترل بوده و مبدأ غیر رسمی دارند هر فرد علاقه‌مندی فارغ از حرفه یا تابعیت خود می‌تواند به سهولت این جزوات را از هر مرکز فعالیت مربوط به حرفه مشارالیه به دست آورد.

۲- (سری) ما اقدام ۴۹ را برای تداوم ۴۳ فعلی خود مفید به حساب می آوریم. بشرط عدم اعتراض اداره شما، ما می خواهیم با استفاده از مجوز پیام مرجع ب در ۴۹ جلو برویم. تاریخ خروج از طبقه بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

تهیه شده توسط جیمی ال. استوت  
مأمور ویژه  
تصویب فرانک ام. هیوی  
سرهنک دوم

### سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۳۰ اوت ۱۹۷۷

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

گزارش مأمور

تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱- (سری) در ۲۹ ژوئن ۷۷، مأمورین ویژه فرانک ام. هیوی و کورتیس اس. موریس با آقای ولادیمیر اسکوتزکو از سیا / تهران ملاقات کردند. توجیه مختصری درباره آخرین تحولات در اختیار اسکوتزکو گذاشته شد. اشاره شد که مجوز لازم به مشارالیه داده شده که در جواب به تقاضاهای رامکف بعضی انواع مدارک / گزارشهای پزشکی بدون طبقه بندی سطح پائین را به وی بدهد. همچنین به این هم اشاره شد که درخواست نسبتاً جدید رامکف برای دریافت مطالب نوشته پزشکی ظاهراً در رابطه با افزایش در، درخواستهای شوروی برای اطلاعات پزشکی در مراکز مختلف مهم پزشکی نیروی هوایی ایالات متحده در تگزاس می باشد. احتمال دارد این منعکس کننده تأکید جدید شوروی روی جمع آوری اطلاعات پزشکی و همچنین این واقعیت باشد که رامکف ممکن است غیر از یک دکتر چیز دیگری هم باشد. اسکوتزکو با این مطالب موافق بود و این را هم قبول داشت که رامکف در حال گرفتن مقامی است که سابقاً در تصدی یکی از اعضای جی. آر. یو. بوده است.

۲- (سری) اسکوتزکو اطلاع داد که ساواک، سازمان اطلاعات کشور ایران، یک یادداشت کوتاه مورخ ۱۶ مه ۷۷ به سیا داده که همین اواخر به دست ما رسید. این یادداشت حاکی از آن بود که مشارالیه (سوژه) با رامکف مراوده دارد و با وی تلفنی مکالمه داشته است. به علاوه مسئله باید تحقیق شود. با دریافت این یادداشت، آقا ویلیام وارنل رئیس عملیات سیا چنانکه قبلاً در چنین امور توافق شده بود به ساواک گفت که مقامات آمریکایی از این وضع اطلاع دارند و مشارالیه مسئله را به مقامات نظامی آمریکایی از OUTSET گزارش داده است. این جواب ساواک را راضی کرد و انتظار نمی رود که از جانب سازمانهای میزبان کنکاش بیشتری به عمل آید. به نظر می رسد که امنیت این عملیات به خطر افتاد باشد. همچنین از این یادداشت اینطور برمی آید که ساواک ظاهراً یک خط استراق سمع از تلفنهای بیمارستانهای شوروی به علاوه مراقبت فیزیکی گاهگاهی از رامکف دارد. اسکوتزکو اظهار داشت که در صورت دریافت سؤالات بیشتری راجع به این عملیات از طرف سازمانهای میزبان، سیا مراتب را فوراً به اداره تحقیقات ویژه اطلاع

خواهد داد.

۳- (خیلی محرمانه) در ۱۳ ژوئیه ۷۷ توسط مأمورین ویژه هیوی و موریس این عملیات با سرلشکر کنت پی. مایلز رئیس مستشاری نظامی تهران، ایران هماهنگ شد. خلاصه‌ای از فعالیتهای مشارالیه تاکنون در این عملیات به اطلاع تیمسار مایلز رسانده شد به علاوه نسبت به نحوه مساعدتی که مشارالیه داشته اظهارات تشکرآمیزی ایراد شد. تیمسار مایلز ابراز تفاهم کرد و در خصوص ادامه مشارکت وی اعتراضی مطرح ننمود و بابت توجیه (پیرامون عملیات) تشکر کرد.

۴- (خیلی محرمانه) در ۲۸ ژوئیه ۷۷، مأمور ویژه هیوی سرلشکر مارشال مک‌کابی فرمانده، فرماندهی پزشکی نیروی زمینی آمریکا در اروپا را در رابطه با بخشهای مربوطه این عملیات تاکنون توجیه کرد. به تیمسار مک‌کابی اطلاع داده شد که اداره تحقیقات ویژه بسیار از پیشرفت امور خوشحال است و بابت پشتیبانی و مساعدتی که مشارالیه داشته خیلی متشکر است. تیمسار مک‌کابی ابراز تفاهم کرد و در خصوص ادامه مشارکت وی اعتراضی مطرح ننمود.

تصویب، فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

#### سند شماره (۲۴)

۳۱ اکتبر ۱۹۷۷

سری

شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷

اداره تهیه‌کننده: حوزه ۷۲

عطف به: گزارش مأمور، ملاقات با منبع، ۱۹ اکتبر ۷۷ تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین هامت

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

تفصیل:

(تحویل مطالب)

(سری) در ۷ اکتبر ۷۷، دکتر آناتولی رامکف، قائم‌مقام «رئیس بیمارستان شوروی، تهران، ایران به اقامتگاه مشارالیه رفت. در خاتمه این دیدار، مشارالیه شماره‌های ژوئیه و اوت ۱۹۷۷ جزوه ۱۶۹ - ۵۰ - ۴۰ بولتن‌های پزشکی USAREUR را در اختیار رامکف قرار داد. مجوز تحویل این مطالب قبلاً از اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۰ به موجب پیام ۸ ژوئن ۷۷ - USREUR - AFSSO کسب شده بود.

الف - بولتن پزشکی USAREUR جلد ۳۴، شماره ۷، نسخه ژوئیه ۷۷، ۲۸ صفحه، بدون طبقه‌بندی و کنترل.

ب - بولتن پزشکی USAREUR جلد ۳۴، شماره ۸، نسخه اوت ۷۷، ۲۸ صفحه بدون طبقه‌بندی و کنترل.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۲۵)

۲۴ دسامبر ۱۹۷۷  
شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
سری  
اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲  
عطف به: گزارش مأمور (ملاقات با منبع)  
تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(تحويل مطالب)

(سری) در ۱۶ نوامبر ۷۷، دکتر آناتولی رامکف، قائم مقام رئیس بیمارستان شوروی، تهران، ایران به منزل مشارالیه رفت. در خاتمه این دیدار، مشارالیه شماره سپتامبر / اکتبر ۱۹۷۷ جزوه ۱۷۱ - ۵۰ - ۴۰ «بولتن پزشکی USAREUR» را در اختیار رامکف قرار داد. مجوز تحويل این سند قبلاً از اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۰ به موجب پیام ۸ ژوئن ۷۷ USAFER - AFSSO کسب شده بود. شایان تذکر است که این سند در جواب به EEE درخواست خاصی که رامکف داده باشد نیست، بلکه تحويل این سند ابتدا یک عمل فی البداهه از طرف مشارالیه بود، اینک به صورت یک «عمل معمولی» وی درآمده است.  
الف - بولتن پزشکی USAREUR جلد ۳۴، شماره ۹، نسخه سپتامبر / اکتبر ۱۹۷۷، ۲۴ صفحه، بدون طبقه بندی و کنترل.

تصویب فرانک ام. هیوی  
سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا  
فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۲۶)

۳ ژانویه ۱۹۷۸  
گزارش مأمور  
شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی حوزه ۷۲  
تهیه شده توسط: مأمور ویژه کورتیس اس. موریس  
عطف به: گزارش مأمور (ملاقات با مأمور) ۲۶ دسامبر ۷۷  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(خیلی محرمانه) در ۲۶ دسامبر ۷۷ سرهنگ دوم جک سی. استاکی کفیل فرمانده فعالیت پشتیبانی آمریکا - ایران و سرهنگ دوم روبرت شانون (نام وسط مشخص نیست) رئیس دژبانی فعالیت پشتیبانی توسط مأمور ویژه کورتیس اس. موریس در مورد ذیل توجیه شدند:  
الف - یک شهروند شوروی که مقامی رسمی دارد ممکن است سعی کند در یک گردهمایی اجتماعی در باشگاه افسران تهران که قرار است در ۲۸ یا ۲۹ دسامبر برگزار شود شرکت کند. به احتمال قوی وی به



عنوان یک مهمان به یک ضیافت صرف مشروب که آقای مک‌کنا مدیر کل فعالیتهای بین‌المللی بل هلیکوپتر در ایران برپا می‌کند، می‌آید.  
ب - از استاکی و شانون سؤال شد آیا به حضور این فرد روسی اعتراضی دارند. هر دو اعتراضی نداشتند. شانون اظهار داشت که با احتیاط سعی خواهد کرد نسخه‌هایی از لیست مهمانان این ضیافت و لیست مهمانان داده شده به دروازه مرکز فعالیت اجتماعی - تفریحی مستشاری آمریکا را برای اداره تحقیقات ویژه تهیه کند.

تصویب: فرانک ام. هیوی  
سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا  
فرمانده

سند شماره (۲۷)

۱۳ مه ۱۹۷۸  
گزارش مأمور  
شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲  
تهیه شده توسط: گروهان ادوین ال. هامت  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سرّی) در ۸ مه ۷۸ طی یک جلسه هماهنگی با سیا / تهران، اطلاعات بیوگرافیک ذیل درباره دیمیتری سیراک در اختیار گذارده شد. سیا / تهران اطلاع داد که سیراک مدیر جدید بیمارستان شوروی در تهران - است که بجای دکتر پیتر آشورکویک آمده است.

نام: دیمیتری لئونتیویچ سیراک

تاریخ و محل تولد: ۱۹۲۴ ونیتسکی اوبلاست

شماره و نوع پاسپورت: ۷۰۲۵۳۸، عادی، صادره در ۲۳ نوامبر ۷۷ مسکو

تابعیت: شوروی

مقام: رئیس بیمارستان شوروی، خیابان ویلا، تهران، ایران

تاریخ ورود: ۶ آوریل ۷۸

همسر: یوگنیا لوگیانوفنا سیراک (که او هم یک پزشک شاغل است) سیا / تهران همچنین اظهار داشت که سیراک از قرار معلوم خویشاوند نزدیک فردی به نام بالتیسکی است که رئیس صلیب سرخ شوروی است.

تصویب: فرانک ام. هیوی  
سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا  
فرمانده

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۲۸)

سری - ۷ ژانویه ۱۹۷۸ شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
گزارش مأمور تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت  
اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی - حوزه ۷۲  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۲۰ دسامبر ۷۷، مأمورین ویژه فرانک. ام. هیوی، جیمی. ال. استوت و ادوین ال. هامت با فرانک جانسون رئیس بخش عملیات سیا / تهران ملاقات کردند. جانسون اظهار داشت که سیا به این عملیات با علاقه وافری می نگرد از آن حیث که فکر می کنند از طریق رامکف می توان اطلاعات فراوانی درباره مأموران اطلاعاتی شناخته شده (IO) شوروی به دست آورد. بطور مشخص، جانسون عقیده داشت که رامکف در موقعیتی خواهد بود که درباره مسائل پزشکی مأموران اطلاعاتی شوروی که تحت درمان قرار دارند از قبیل اعتیاد ایشان به الکل گزارش دهد. به جانسون اطلاع داده شد که در گذشته تمام اطلاعاتی که از طریق رامکف درباره مأموران اطلاعاتی شناخته شده از مشارالیه به دست آمده در اختیار سیا قرار داده شده و در صورتی که در آینده اطلاعاتی به دست آمد آنها هم تحویل خواهند شد. جانسون اضافه بر آن اظهار داشت که سیا، مایل است مشارالیه شروع به دادن درخواستهای EEI های پزشکی به رامکف نماید. تأمین این درخواستها برای رامکف هر چه بیشتر سختی خواهد داشت. اگر وی فی الواقع به این درخواستها پاسخ گفت، آن گاه می شود مطلب دادن درخواستهای EEI هایی درباره شخصیتهای روسی مورد نظر را تحت بررسی قرار داد. به جانسون گفته شد که این پیشنهادها در آینده نزدیک با مشارالیه در میان گذاشته خواهند شد تا بتوان یک برنامه کاری را طرح ریزی کرد چون مشارالیه در تابستان ۱۹۷۸ بطور PCS عزیمت خواهد کرد.

تصویب فرانک ام هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۲۹)

سری - ۱۳ فوریه ۱۹۷۸ شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
گزارش مأمور تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت  
اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی - حوزه ۷۲  
عطف به: گزارش مأمور (ملاقات با مأمور) ۱۲ فوریه ۷۸  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۱۲ فوریه ۷۸، این عملیات با فرانک جانسون، رئیس بخش عملیات سیا / تهران هماهنگی

شد. جانسون اطلاع داد که باتوجه به درخواستهای سطح بالای صریحی که آناتولی رامکف ظاهراً به مشارالیه می‌دهد تا اطلاعات تهیه کند، سیا / تهران تحولات اخیر در این عملیات را بسیار چشمگیر تلقی می‌کند. به نظر سیا / تهران تردیدی وجود ندارد که رامکف یک همکار اطلاعاتی احتمالاً جی. آر. یو. است. اما امکان این را هم که برای ک. گ. ب. کار بکند را کنار نگذارده‌اند. سیا / تهران معتقد است جوانب دیگری نیز از نحوه رفتار رامکف، امکان این را که وی در قبال یک برخورد استخدای احتمالی به منظور متارکه در محل مربوطه‌اش تأثیرپذیر باشد، مطرح می‌سازند اما پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم قطعی در این رابطه سنجش خیلی بیشتری باید به عمل آید. به نظر سیا / تهران اگر مشارالیه به درخواستهای اخیر (یا درخواستهای آتی) جواب دهد، ممکن است که سازمانهای اطلاعاتی شوروی مشارالیه را یک هدف عالی برای استخدام جاسوس به حساب آورند. آشکار است که این کار امیدهای کوتاه مدت به امکان متارکه رامکف در محل مربوطه‌اش را نقش بر آب می‌کند. لذا سیا / تهران پیشنهاد کرد که مشارالیه نسبت به تماسهای آینده رامکف در رابطه با درخواست چیزهایی مثل داروهای متابولیت همچنان «خونسرد و بی‌خیال» باقی بماند تا سنجش بیشتری بتوان به عمل آورد. در حال حاضر، سیا / تهران مایل است امکان وارد کردن یک فرد آلمانی یا روسی‌دان به عملیات از طریق مشارالیه را بررسی کند تا در صورتی که مشارالیه مطابق برنامه، ایران را در ژوئن ۷۸ ترک نمود تماس با رامکف را بتوان حفظ کرد. به جانسون گفته شد که بیش از ادامه کار یا تغییر در جهت فعلی عملیات، تمام مطلب باید با ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی هماهنگی تا تأییدیه لازم برای تغییر جهت مشارالیه از موقعیتی که به عنوان «در و پنجره» دارد و اطلاعات سنجشی درباره بیوگرافی و شخصیت افراد اپوزیسیون جمع‌آوری می‌کند جلب شود.

تصویب: فرانک ام. هیوی  
سرهنک دوم نیروی هوایی آمریکا  
فرمانده

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۳۰)

سرّی - ۵ مارس ۱۹۷۸

شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷

اداره تهیه‌کننده: حوزه ۷۲

تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

موضوع: لاری جیل

تفصیل:

(هماهنگی)

(سرّی) در ۲۸ فوریه ۷۸، جزئیات اخیر این عملیات با فرانک جانسون رئیس بخش عملیات سیا / تهران هماهنگی شد. به جانسون اطلاع داده شد که ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی با به‌کارگیری مشارالیه به منظور معرفی یک مأمور مربوطه سیا به دکتر آناتولی رامکف، برای فراهم آوردن موجبات متارکه رامکف در مکان مربوطه موافق است. جانسون اظهار داشت که تاکنون پیامی به ستاد مرکزی سیا ارسال شده و در آن رئوس طرح پیشنهادی مشخص شده و درخواست گردیده که یک مأمور مربوطه سیا

با مهارت در زبان آلمانی به تهران اعزام شود تا در تماس به منظور متارکه همکاری نماید. جانسون افزود که سناریوی نهایی آن تنظیم نشده، اما زمان آن در آینده نزدیک خواهد بود و اداره تحقیقات ویژه در جریان قرار خواهد گرفت. به نظر جانسون این تماس با رامکف باید پیش از ۲۲ مارس ۷۸ یعنی تاریخ گزارش شده عزیمت دکتر پیتر آشورکویک سرپرست رامکف از ایران صورت پذیرد. اساساً، سیا فکر می‌کند که حضور آشورکویک در یک موقعیت سرپرستی رامکف یک امتیاز روانی قطعی به نفع تماس به منظور متارکه دارد و علت آن تنفر شدید رامکف از آشورکویک است؛ لذا تماس پیش از ۲۲ مارس ۷۸ تأیید می‌شود. جانسون موافقت نمود در ۱ مارس ۷۸ با حضور دستیار رئیس قرارگاه سیا و اعضای نظارتی حوزه ۷۲ در رابطه با تماس پیش‌بینی شده به منظور متارکه در محل مربوطه بیشتر بحث نماید. در خاتمه مذاکره فوق جانسون خاطر نشان ساخت که اطلاع به خصوصی توجه سیا را جلب کرده و به نظر ایشان یک تخطی امنیتی از طرف مشارالیه می‌باشد. جانسون سپس آقای فرد جنی، یک کارمند سفارت سوئیس را که او هم در تماس با رامکف بوده و در شناخت شخصیت رامکف آگاهیهای بیشتری در اختیار سیا / تهران می‌گذارد معرفی کرد. جانسون توضیح داد که تخطی امنیتی چنین بوده که مشارالیه در شب ۲۷ فوریه ۷۸ با جنی تماس گرفته و شفاهاً به جنی اشاره نموده که وی (مشارالیه) می‌داند که جنی و رامکف با یکدیگر ملاقاتهایی داشته‌اند. جانسون اظهار داشت لطمه وارده جبران‌ناپذیر نبوده و معذرت بیم آن دارد که هر تخطی امنیتی دیگری که مشارالیه مرتکب بشود خوب ممکن است که تلاشهایی را که برای فراهم آوردن متارکه رامکف در محل مربوطه اش صورت می‌گیرند عقیم گذارد.

در این مرحله، به جانسون اطلاع داده شد که اداره تحقیقات ویژه از صمیم دل موافقت دارد که اقدام مشارالیه یک تخطی جدی امنیتی بوده و اداره تحقیقات ویژه به هیچ‌وجه آگاهی نداشته که مشارالیه می‌خواهد چنین حرفی را اظهار کند. به جانسون اطمینان داده شد که مشارالیه به خاطر عمل خود بطور مناسب توبیخ گردیده و در مورد ضرورت مراعات کامل امنیت در مراودات خود با رامکف اکیداً آموزش خواهد دید.

تصویب: فرانک ام هیوی

سرهنگ دوم، نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۳۱)

تاریخ: ۵ مارس ۱۹۷۸  
گزارش مأمور  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
عطف به: گزارش مأمور (هماهنگی) ۵ مارس ۷۸  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(اخطارها / اشکالات کنترل)

(سرّی) در ۱ مارس، طی یک ملاقات حضوری با مأمور مربوطه، از مشارالیه خواسته شد که فعالیت‌های

خود در شب ۲۷ فوریه ۷۸ را تشریح کند. مشارالیه اطلاع داد که او و خانم جیل در یک نمایش عکس در سفارت سوئیس، تهران از حدود ساعت ۱۹/۳۰ تا ۲۰/۳۰ شرکت داشتند. در نمایشگاه مشارالیه با چندین کارمند سفارت سوئیس، من جمله آقای فرد جنی صحبت کرد. در یک جای گفتگوی خود با جنی، مشارالیه اظهار داشت که اتفاقاً با یکی از دوستان جنی ملاقات کرده است. جنی از مشارالیه پرسید منظورش کیست و او پاسخ داد که دکتر آنا تولی رامکف را می‌گوید با ذکر نام رامکف، جنی بطور آشکاری نیز آشفته شد اما عمدتاً آرام باقی ماند و پاسخ داد که فی الواقع رامکف را می‌شناخته و در یک یا دو نوبت با هم ملاقات کرده‌اند. پس از پاسخ جنی، موضوع گفتگو دوباره به نمایش عکس کشیده شد و درباره رامکف چیز بیشتری گفته نشد. مشارالیه اظهار داشت که سؤالش از جنی درباره رامکف صرفاً از روی کنجکاوای بدون هدف بوده همان گونه که رامکف در چندین مورد درباره دیدار با جنی صحبت کرده است. مشارالیه افزود پس از ذکر نام رامکف نزد جنی، وی پی برد که در کار خود اشتباه بزرگی نموده است. مشارالیه بابت غفلت از اصول امنیتی توبیخ شد. به او گفته شد که اختیار بر ملا کردن یکجانبه معاشرت خود با رامکف از آن وی نیست و هیچگاه هم نبوده، بلکه منحصرأ در اختیار اداره تحقیقات ویژه است. این تخطی امنیتی نزد تبعه یک کشور ثالث اگر چه غیر قابل جبران نیست ولی بسیار جدی بوده و هرگز نباید تکرار شود. مشخصاً ضرورت پیروی از توصیه‌های مأمور مربوطه را یادآوری کرد زیرا اگر این توصیه‌ها به کار بسته نشوند، احتمال موفقیت در هر طرح عملیاتی آینده کاهش بزرگی خواهد یافت. مشارالیه اظهار داشت که مسئله را کاملاً درک می‌کند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم، نیروی، هوایی

فرمانده

طبقه‌بندی تا تاریخ: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

#### سند شماره (۳۲)

گزارش مأمور

تاریخ: ۷ مارس ۱۹۷۸

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۵۷۷ مارس ۱۹۷۸

تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

عطف به: گزارش مأمور (هماهنگی)

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سرّی) در تاریخ ۱ مارس ۷۸ این عملیات با سیا / تهران هماهنگی شد. افراد حاضر در جلسه عبارت بودند از مأمورین ویژه فرانک ام. هیوی، کورتیس اس. موریس، جیمی ال. استوت و ادوین ال. هامت، از طرف سیا / تهران، جیمز هیگام دستیار رئیس قرارگاه و فرانک جانسون رئیس بخش عملیات شرکت داشتند. هیگام اطلاع داد که سیا دست به کار تنظیم پیشنهادی است که به هنگام تماس برای متارکه در مکان مربوطه به دکتر آنا تولی رامکف ارائه خواهد شد. امید آن است که این پیشنهاد پیش از ۲۲ مارس ۷۸ صورت بگیرد. سیا در نظر دارد که این پیشنهاد جزء به جزء مطرح شود. سیا مایل است که ابتدا جیل به

رامکف بگوید که وی (جیل) با یک دوست بسیار نزدیک خود درباره مشکلات رامکف صحبت کرده و دوست جیل اطمینان دارد که راه حلی برای این مشکلات دارد. در این مرحله مأمور مربوطه آلمانی دان سیا که هنوز معرفی نشده توسط جیل به رامکف معرفی خواهد شد به قصد اینکه بین سیا و رامکف رابطه گفتگویی برقرار شود. اگر رامکف به ملاقات با مأمور مربوطه سیا تن در داد، آنگاه جزء اول پیشنهاد متارکه ارائه خواهد گردید. بر حسب اینکه رامکف چقدر از این قدم اولیه استقبال نماید، سیا اقدام به ادامه رابطه گفتگو خواهد نمود تا بتوان اجزا دیگری از این پیشنهاد را مطرح نمود و این ادامه خواهد یافت تا آنکه تمام پیشنهاد مطرح گردد و رامکف آن را قبول یا رد خواهد کرد. آشکار است که سیا به این دلیل پیشنهاد را اینطور تنظیم خواهد کرد که اگر رامکف در این مرحله آنرا رد کرد، هم موقعیت غیر خصومت آمیز و هم هویت سیا مخفی بماند.

سپس از هیگام پرسیده شد آیا استدلال سیا برای انجام دادن تماس برای متارکه پیش از ۲۲ مارس ۷۸ صرفاً بر مبنای تاریخ غیر (قطعی) ۲۲ مارس ۷۸) عزیمت سرپرست رامکف، دکتر پتر آشورکویک بود. هیگام اطلاع داد که عزیمت آشورکویک فقط بخشی از استدلال سیا بوده، سپس توضیح داد که سیا جدا از اطلاعاتی که جیل تهیه می کند از مجرائی دیگر هم درباره رامکف اطلاعات جمع آوری می کند. سیا از طریق منبع خبری خود (فرد جنی از سفارت سوئیس) فهمیده بود که رامکف برای راهنماییهای مخفیانه پاسخگوست و هنوز می خواهد تماس با بیگانگان را ادامه می دهد. هنگامی که این مراتب در کنار حرکت اخیر رامکف که در حضور خانم جیل احساسات خود را علنی نمود ملاحظه شوند (گزارش مرجع از مأمور، ملاقات با منبع، مورخه ۵ مارس ۷۸) سیا مطمئن می شود که اینک مناسب ترین زمان برای تماس به منظور دادن پیشنهاد متارکه است. هیگام علاوه بر آن اظهار داشت که سیا پیش از انجام دادن هرگونه تماس با رامکف، این طرح کاری پیشنهاد شده را برای ویلیام اچ. سولیوان سفیر آمریکا در ایران و سرلشکر فیلیپ سی. گست رئیس مستشاری آمریکا ارائه خواهد نمود تا موافقت آنها را جلب کند. اضافه بر آن، هیگام اطلاع داد که برای موقعی که رامکف تماس را بکلی رد می کند و به صورت علنی دست به وارد کردن لطمه علیه دولت آمریکا می زند، سیا دو راه مقابله احتمالی در نظر دارد. اولین راه خاطر نشان ساختن این نکته به رامکف است که اطلاعاتی که وی در اختیار جنی گذاشته آن طور است که اگر سرپرستان وی مطلع شوند مطمئناً موجب وارد شدن اتهام خیانت علیه وی خواهند شد. دومین راه این است که نزد ساواک رفته و به آنها اطلاع دهیم رامکف که در نظر آنها یک مأمور اطلاعاتی شوروی به حساب می آید سعی دارد از یک پزشک نظامی ایالات متحده مطالب اطلاعاتی جمع آوری کند. این منجر به اخراج فوری رامکف از ایران خواهد شد. در خاتمه هیگام گفت که به محض تهیه پیشنهاد متارکه نهایی و ارسال آن به ستاد مرکزی سیا، وی پیشنهاد خواهد کرد که برای تسریع در جریان اموری ستاد، سیا مستقیماً با ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی هماهنگی کند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی، هوایی آمریکا

فرمانده

سند شماره (۳۳)

سری - ۹ مارس ۱۹۷۸ شماره پرونده: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷  
گزارش مأمور  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
عطف به: گزارش مأمور (هماهنگی)، ۷ مارس ۱۹۷۸  
موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

سری) در ۹ مارس ۱۹۷۸ این عملیات با سیا / تهران هماهنگ شده، حاضرین عبارت بودند از مأمورین ویژه فرانک ام. هیوی، کورتیس اس. موریس و ادوین ال. هامت. نمایندگان سیا / تهران، جیمز هیگام، دستیار رئیس قرارگاه و فرانک جانسون رئیس بخش عملیات بودند. سیا / تهران اطلاع داد که از طریق یک منبع خبری غیر از لاری جیل (بنام فرد جنی از سفارت سوئیس در تهران) آنها مشغول جمع آوری اطلاعات بیشتر درباره دکتر آنا تولی رامکف هستند. تا به امروز آنها اطلاع یافته اند که در ۴ مارس ۱۹۷۸، ولادیمیر وینوگرادوف سفیر شوروی در ایران دکتر پتر آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی در تهران را تشویق کرده تا مدارک لازم را برای تمدید مأموریت رامکف به مدت یک سال دیگر در ایران امضاء کند. همچنین معلوم گردید که خواستهای رامکف این هستند که یک سال دیگر در ایران بماند، بعد به مسکو بازگشته و مدت یک سال در کلینیک شماره ۲۶ (بیشتر از این مشخص نشد) به کار بپردازد. رامکف امیدوار است که پس از اتمام این یک سال، مقامی در سازمان جهانی بهداشت واقع در ژنو، سوئیس به دست آورد.

ظن سیا / تهران به اینکه رامکف یکی از همکاران جی. آر. یو. است، با یک اشتباهی که رامکف مرتکب شد، کمابیش تایید شده است. اخیراً جنی از رامکف پرسید که او چرا همیشه سعی دارد اطلاعات نظامی / پزشکی جمع آوری کند در حالی که وی یک دکتر غیر نظامی است؟ رامکف جواب داد: «آه، آن را برای داوینیا می خواهم.» (سرهنگ دوم لئونید داوینیا دستیار وابسته نظامی و یک عامل شناخته شده جی. آر. یو.) پس از اظهار این مطلب، رامکف به اشتباه خود پی برد و فوراً موضوع مکالمه را عوض کرد.

سیا / تهران همچنین اطلاع داد که آنها فکر می کنند الان مناسب ترین فرصت برای اجرای یک برخورد Defection با رامکف است. ستاد مرکزی سیا به آنها گفته است که مأمور مربوطه ای که آشنا به زبان آلمانی باشد و تقاضا شده بود در برخورد Defection کمک کند در هفته حول ۱۹ مارس ۷۸ وارد تهران خواهد شد. پس از آنکه مأمور مربوطه سیا در مورد عملیات توجیه می شود و با اداره تحقیقات ویژه و لاری جیل ملاقات می کند. سیا / تهران می خواهد ملاقات مأمور مربوطه سیا با رامکف در ۲۴ مارس ۷۸ صورت پذیرد. در انتها سیا / تهران اظهار داشت که به محض ورود مأمور مربوطه سیا، آنها به اداره تحقیقات ویژه اطلاع خواهند داد تا بتوان برای جلسات هماهنگی دیگری قرار گذاشت.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۳۴)

۱۳ نوامبر ۷۸

خیلی محرمانه

گزارش تماس شماره ۶۹

شماره: ۳۲ - ۳۴۵ D ستاد ۷۷

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه‌بندی)

- ۱- تاریخ و زمان تماس: ۱۲ نوامبر ۷۸ / ساعت ۱۹/۵۵ یکشنبه / تلفنی.
- ۲- ۱۳ نوامبر ۷۸ / ساعت ۰۹/۰۰ دوشنبه / ملاقات حضوری.
- ۳- موقعیت محل تماس حضوری: بیمارستان ارتش آمریکا، تهران، ایران.
- ۴- مدت ملاقات: ۱۹/۵۸ - ۱۹/۵۵، ۱۲ نوامبر ۷۸، تلفنی ۱۰/۰۵ - ۰۹/۰۰، ۱۳ نوامبر ۷۸، تماس حضوری.

۵- افراد شرکت کننده در ملاقات: ۱۲ نوامبر ۷۸، تلفنی، مشارالیه و مأمور مربوطه.

۱۳ نوامبر ۷۸، ملاقات حضوری، مشارالیه و مأمور مربوطه.

۷- غرض از تماس / ملاقات: مشارالیه تلفنی با مأمور مربوطه در اقامتگاهش تماس گرفت تا بگوید دوران بستری شدن وی در آلمان به سر رسیده و بازگشته است. مشارالیه از مأمور مربوطه درخواست کرد که در ۱۳ نوامبر ۷۸ با مأمور مربوطه و خانم جیل ملاقات کند. تماس حضوری در ۱۳ نوامبر ۷۸ به منظور مذاکره با مشارالیه و خانم جیل درباره وضع فعلی ناآرامی داخلی ایران و حفظ کنترل و رابطه خانواده جیل بود.

۸- معرفی گزارشهای جنبی: گزارش مأمور (فعالیت جنبی).

- ۱۰- ترتیبات ملاقات بعدی: ابتدا مشارالیه و / یا خانم جیل به دنبال تماس چشمگیری که با جناح مقابل پیدا می‌کنند، تماس خواهند گرفت. در آن موقع ترتیب یک ملاقات حضوری داده خواهد شد.
- ۱۲- ارزیابی امنیت عملیاتی: مشارالیه تماس تلفنی خود با مأمور مربوطه در ۱۲ نوامبر ۷۸ را تحت لوای سؤال در رابطه با شرایط طبی دفتر مأمور مربوطه انجام داد. سپس وی اظهار داشت به دلایل طبی، وی توسط هواپیما به آلمان انتقال داده شده بود و بتازگی بازگشته و مایل است توسط اداره تحقیقات ویژه درباره وضع فعلی ناآرامی داخلی در ایران، توجیه شود. به نظر نرسید که تماس مشارالیه با مأمور مربوطه با دیدار مأمور مربوطه در دفتر وی در تاریخ ۱۳ نوامبر زیان سختی به امنیت این عملیات وارد کرده باشد.
- ۱۴- گزارش تماس تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت، مأمور مربوطه.

۱۵- توزیع: ستاد اداره تحقیقات ویژه / IVOE - ۱ نسخه

اداره تحقیقات ویژه / حوزه ۷۲ - ۱ نسخه

تاریخ خروج از طبقه‌بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸



سند شماره (۳۵)

۱۳ تیر ۵۸ - استفاده محدود  
از: ستاد مرکزی ۲۹۱۶  
عطف به: الف - ستاد ۱۲۴۵ ب - تهران ۵۳۴۴۷ ج - تهران ۵۳۵۸۴ ام. اچ. کرب - آر. آی. اونت - سی. کی. کون

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

۱- شماره‌های رمز و اوصاف ذکر شده در تلگرام مرجع الف برای صندوقها درست هستند. یعنی شماره رمز صندوق حاوی مطالب ال.ان. ایز درباره عملیات سی. کی. کون ۴۰-۱۸-۳ به جای ۵۰-۲۸-۱۳ (که اشتهاً در پاراگراف ۳ الف تلگرام مرجع ب داده شده) می‌باشد. شماره رمز صندوق آن طرف راهرو همانطور که در پاراگراف ۳ الف تلگرام مرجع ب داده شده صحیح است. در جواب به موارد ژنرال گست، شما می‌توانید از اطلاعات مندرج در پاراگراف ۱ تلگرام مرجع الف در رابطه با ناحیه حوزه ۷۲ استفاده کنید. دیرلینت در جواب به تلگرام مرجع ج از کانال کماند (کانال عادی مخابرات - م) یک پیام ارسال خواهد داشت و در آن اوصاف تمام ناحیه حوزه ۷۲ را برای استفاده مستشاری نظامی تفصیلاً بیان خواهد کرد.

۲- تحت شرایط فوق‌الذکر، به نظر می‌رسد که نمایندگان مستشاری نظامی هم موفق به باز کردن هیچکدام از صندوقها نشده‌اند. اگرچه توصیفی که تلگرام مرجع ب از ساختمان حوزه ۷۲ می‌دهد قدری سردرگم است، ولی به نظر می‌رسد که صندوقهای باز شده در ناحیه‌ای که در انتهای پاراگراف ۱ به آن اشاره شده متعلق به واحد تحقیقات جنائی بوده نه واحد ضد اطلاعاتی حوزه ۷۲ یعنی صندوقهای چهار کشوئی و «به کلی سری» که در تلگرام مرجع الف توصیف شده‌اند هنوز امن و دست نخورده‌اند. ما توصیه می‌کنیم که آن دو صندوق باز نشوند تا آنکه مطالب باقی مانده در آنها را بتوان بدون آگاهی ایرانیها اعاده نمود.

۳- همانطور که می‌دانید، منبع اس. دی. پرینکست / ۱، سی. کی. کون را یک مأمور کادرک. گ. ب. معرفی کرده و اگر این صحت داشته باشد او به خوبی امکان داشته که مشغول پرورش لاری جیل عامل دسترسی ال. ان. ایز برای مقاصد سازمانهای اطلاعاتی روسیه بوده باشد. لذا، اعاده مطالب ال. ان. ایز درباره عملیاتشان علیه وی حساسیت ندارد.

منبعی که ما برای حفاظت وی نهایت نگرانی را داریم آی. ان. ست / ۱ می‌باشد که در یک یادداشت هماهنگی «ال. ان. ایز» در پرونده «لاری جیل» با نام حقیقی معرفی شده است. این یادداشت مورخ ۹ مارس ۷۸ بوده و از حوزه ۷۲ خطاب به ستاد ال. ان. ایز می‌باشد. در آن یادداشت درباره یک ملاقات با پرتلانت و دیما (با نام حقیقی) مأموران قرارگاه سیا در ۹ مارس ۷۸ گزارش شده و سی. کی. کون با نام حقیقی معرفی شده است. در آن آی. ان. ست / ۱ نیز به عنوان یک منبع سیا و فردی که مأمور به خدمت در سفارتخانه کشورش در تهران است وصف شده است. اعاده و نابود کردن این یادداشت با ایمنی، انگیزه اصلی ماست که می‌خواهیم به مطالب ال. ان. ایز دسترسی پیدا کنیم. یعنی این تنها فقره از پرونده لاری جیل است که در درگیری سیا در قضیه سی. کی. کون را نشان می‌دهد و عامل دسترسی ما را معرفی می‌کند.

۴- پرونده: ۹۳۹/۳ - ۶ - ۷۴. تا تاریخ ۱۲ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۳۶)

نیروی هوایی حوزه ۷۲  
گزارش مأمور  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
جزئیات: (هماهنگی)

سری - ۳۰ آذر ۱۳۵۷  
شماره پرونده: ۱۳۶ - ۳۴۰ D ستاد ۷۸  
تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

موضوع: بیل کرین (بدون طبقه بندی)

۱- (سری) در ۲۴ آذر ۵۷، یک جلسه هماهنگی با سیا در تهران برگزار شد تا درباره وضع این عملیات مذاکره شود. اشاره شد که آخرین تماس مشارالیه با یکی از افراد سرویس اطلاعاتی شوروی (SIS ساش) در ۳۰ مرداد ۵۷ صورت گرفته، و ملاقاتی که قرار بود در ماه اکتبر ۷۸ انجام گیرد تحقق نیافت و ساش از اوت ۷۸ (مرداد ۵۷) به اقدام دیگری در جهت تماس مجدد با مشارالیه دست نزده است. همچنین اشاره شد که وضع ناآرامی داخلی فعلی در ایران و ساعت تحمیلی حکومت نظامی بین ۲۱۰۰ تا ۰۵۰۰، به احتمال قوی علت عدم اقدام ساش است. سیا اتفاق نظر داشت و پیشنهاد کرد که در این زمان، اقدام از طرف مشارالیه جهت برقراری مجدد تماس چندان لازم نیست. هر دو طرف موافق بودند که اگر تا موعدهای پیش بینی شده برای ملاقات در ژانویه ۷۹ (دی ماه ۵۷) اقدامی از طرف ساش برای تماس مجدد صورت نگیرد، باید برای طرح ریزی آتی در رابطه با این عملیات مذاکره شود.

۲- (سری) پس از مطالب فوق، سیا چند عکس از اعضای شناخته شده / مظنون ساش را ارائه کرد و درخواست نمود مشارالیه آنها را بررسی کرده تا «جورج» را شناسایی نماید. «جورج» همان فردی است که مشارالیه در ۳۰ مرداد ۵۷ او را ملاقات کرد. سیا خاطر نشان کرد از توصیفی که مشارالیه داده است، «جورج» احتمالاً یوری ام. دنیسوف، دبیر دوم، سفارت شوروی و یک مأمور شناخته شده «اهداف آمریکایی» ک. گ. ب می باشد.

امضاء

فرانک ام.

هیوی، سرهنگ دوم، نیروی هوایی

فرمانده

سند شماره (۳۷)

نیروی هوایی حوزه ۷۲  
گزارش مأمور  
اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲  
عطف به: شماره RC ۳۴

سری - ۲۸ آذر ۱۳۵۷  
شماره پرونده: ۱۳۶ - ۳۴۰ D ستاد ۷۸  
تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

موضوع: بیل کرین (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(ملاقات با منبع)

(سری) در ۲۷ آذر ۵۷ با مشارالیه توسط مأمور مربوطه در تهران، ایران ملاقات شد. اگر چه قسمت

اعظم این ملاقات صرف حفظ کنترل و رابطه با مشارالیه و مذاکره درباره وضع ناآرامی داخلی جاری در ایران شد، به مشارالیه خاطر نشان گردید که او هنوز باید در این زمان اقدامی در جهت برقراری مجدد تماس با «جورج» یکی از اعضای سرویس اطلاعاتی شوروی در تهران انجام دهد.

به مشارالیه دستورالعمل کلی داده شد تا در صورت تماس تلفنی «جورج» یا آمدنش به منزل او چگونه واکنش نشان دهد. اساساً به وی آموخته شد که چنین تماسی را به منزله «شروع همه چیز از اول» به حساب آورد. یعنی او باید «دست خالی» با چنین ملاقاتی برخورد کند و اصرار نماید که می خواهد بداند «جورج» دقیقاً از او چه توقع دارد.

پیش از خاتمه ملاقات، مشارالیه چند عکس از یک پرونده اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲ را که از مقامات مأمور به خدمت در سفارت / کنسولگری شوروی در تهران بود مرور کرد. ضمن این مرور، مشارالیه با تردید، یوری ام. دنیسف دبیر دوم سفارت شوروی در تهران را بسیار شبیه به «جورج» معرفی کرد.

امضاء

فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده



کتاب پنجاه و سوم

شوروی  
«شرق تجاوزگر»  
بخش چهارم



سند شماره (۱)

۱۳ اکتبر ۱۹۵۹ - ۲۱ مهرماه ۱۳۳۸  
به: (اکثر سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای جهان - م)  
عطف به: ۱۶۹۴ - CA، ۲۸ مرداد ۱۳۳۷ تجدیدنظر امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۴/۲ یعنی «برنامه پناهندگان خارجی» ضمیمه شده است.

موضوع: امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۴/۲  
امریه مورد تجدیدنظر قرار گرفته که از تاریخ ۵ تیر ماه ۱۳۳۸ معتبر است و نشان می‌دهد که نام کمیته مشاورت اطلاعاتی به هیئت اطلاعاتی آمریکا تغییر یافته است. هرگز

پیوست:

امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۴/۲  
(فهرست توزیع نیز به پیوست ارسال شده است)  
امریه شماره ۴/۲ ریاست اطلاعات مرکزی  
برنامه پناهندگان خارجی  
(دارای اعتبار از تاریخ ۵ تیر ماه ۱۳۳۸)

۱- حوزه

به دنبال شرایط امریه شماره ۴ شورای امنیت ملی، این امریه مراحل پذیرش، بهره‌برداری، استقرار دوباره و نحوه کار با پناهندگان خارج از محدوده قاره آمریکا و متصرفات آن را روشن می‌نماید. این امریه در میادین جنگی که نیروهای آمریکا درگیر آن هستند و یا در مواردی که رئیس جمهور دستور دهد صادق نمی‌باشد.

۲- تعاریف

از نظر هدف این امریه، عناوین زیر مفهوم مورد نظر را می‌رساند:  
الف. متارکه‌گران: متارکه‌گران به آن دسته از افراد شوروی و یا بلوک چین و شوروی اطلاق می‌گردد که از کنترل چنان کشوری فرار کرده و یا در خارج از حیطه و کنترل آن کشورها بوده و میل ندارند به آنجا بازگردند و برای دولت آمریکا نیز دارای ارزش خاصی می‌باشند چون:  
(۱) آنها می‌توانند اطلاعات ارزشمند جدیدی در تأیید دانسته‌های موجود آمریکا در رابطه با بلوک شوروی ارائه نمایند؛

(۲) آنها از نظر یکی از وزارتخانه‌ها و یا آژانسهای آمریکایی دارای اهمیت ویژه می‌باشند؛

(۳) از فرار آنها می‌توان به نفع آمریکا استفاده روانشناسی نمود.

ب. انگیزه: انگیزه عملی است که یکی از مقامات آمریکایی به وجود می‌آورد، تا شخصی را فرار دهد تا دولت آمریکا نیز در صورت فاش شدن آن مسئولیت آن را پذیرا شود.

ج. متارکه‌گران اصلی: متارکه‌گر اصلی یا تبعه شوروی و یا تبعه یکی از کشورهای بلوک چین و

شوروی است که (۱) از دولت متبوع خود ناراضی است و یا با آن نقض پیمان کرده است؛ (۲) به طور معقول می‌توان چنین برداشت کرد که فرد مزبور مایل است پناهنده و یا به کار گرفته شود، (۳) ظاهراً دارای شرایط پناهندگی که در پاراگراف (۲ الف) بالا مطرح شده می‌باشد.

د. شخص ناراضی: یکی از پناهندگان اصلی است که از طریق ایجاد انگیزه و یا بطور داوطلبانه متمایل به پناهنده شدن گشته است.

ه. تازه وارد: تازه وارد یکی از اشخاص پناهنده است که خود را به یکی از تأسیسات آمریکایی در یک کشور خارجی معرفی و تقاضا می‌کند که به وی پناهندگی داده و یا به او کمک شود تا از کنترل کمونیستها فرار کند.

و. پناهنده یا آواره: یکی از افراد تبعه کشور تحت سلطه کمونیستها است که از کشور خود فرار کرده و یا میل ندارد به کشور خود بازگردد، ملیت دیگری ندارد و در اقتصاد کشور کنونی محل اقامت جایی ندارد و متارکه‌گر نیز نمی‌باشد.

ز. فراری: یکی از پناهندگانی است که تبعه (۱) اقمار اروپایی (به استثنا نژاد آلمانی) یا یوگسلاوی است و از تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۲۷ از کشور خود فرار کرده و یا (۲) تبعه شوروی بدون ذکر تاریخ فرار است، و یا (۳) تبعه چین کمونیست یا اقمار آسیایی است و براساس تمایل شخصی فراری شده است.

### ۳- ملل خارج از بلوک چین و شوروی

شرایط این امریه می‌تواند در مورد ملل کشورهای خارج از شوروی و یا بلوک چین و شوروی که بنا به دلایلی غیر از آنچه در تعریف متارکه‌گران در پاراگراف (۲ الف) گفته شد بطور کلی و یا جزئی صدق کند، البته در صورتی که این عمل به تصویب ریاست اطلاعاتی مرکزی و با مشورت هیئت اطلاعاتی آمریکا رسیده باشد. این عمل معمولاً به وسیله کمیته درون آژانس متارکه‌گران، به واشنگتن توصیه می‌شود.

### ۴- خلاصه سیاست آمریکا در مورد برنامه متارکه‌گران

الف. متارکه بخصوص از شوروی بایستی با استفاده از لوازم قراردادی و غیر موسوم تشویق و تحریک شود، البته با در نظر گرفتن منافع آمریکا. به همین ترتیب آمریکا باید:

(۱) حداکثر اشخاص شوروی و یا ملل روسی خارج از آن کشور را به متارکه‌گری تشویق و ترغیب نماید.

(۲) تلاش خود را جهت فراری دادن اعضای هیئت حاکمه کشورهای خارج از شوروی را که ممکن است شرایط لازم را داشته باشند ادامه و گسترش دهد.

ب. به منظور تشویق و ترغیب و متارکه و عدم بازگشت آنها آمریکا باید نگهداری، اسکان و کمک به فراریان را نه تنها در هنگام بهره‌برداری و استفاده بلکه پس از آن نیز ادامه دهد.

ج. آمریکا نباید اقدامی به عمل آورد که سبب مراجعت تعداد کثیری از ملیتهای بلوک چین و شوروی به استثناء کشور شوروی گردد.

د. قبل از شروع عمل توسط یکی از ادارات و یا آژانسهای آمریکایی جهت وادار به پناهنده شدن، یک متارکه‌گر سیاسی یا شخص ناراضی، ارزش به کارگیری شخص در مکان مورد نظر به دقت مورد بررسی



قرار خواهد گرفت. در صورتی که به کارگیری شخص مورد نظر به نفع آمریکا باشد شرایط امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی مصداق خواهد یافت.

ه. سیاست کلی این است، شخصی که به او پناهندگی داده شده بدون رضایت خودش بازگردانده نخواهد شد.

و. قبل از بهره‌برداری روانشناسی از متارکه‌گران باید به اهداف و ملاحظات اطلاعاتی اولویت داده شود. بهره‌برداری روانشناسی محدود به موارد خاصی می‌شود که صرفاً برای آمریکا نفعی دربر داشته باشد. این سیاستها در مورد اشخاصی که تحت کنترل دولتی غیر از بلوک چین و شوروی قرار دارند باید تا جایی که عملی است به مرحله اجرا درآید.

ز. اجراء سیاست تبلیغاتی آشکار در رابطه با فرد متارکه‌گر باید با هماهنگی ریاست وزارتخانه مربوطه انجام شود.

ح. پیشنهادات خود را در رابطه با افشا و یا انتشار تبلیغات آشکار اولیه در رابطه با فرد متارکه‌گر به IDC و اشنگتن ارسال نماید.

## ۵ - روشها و مراحل عملیاتی

الف. رفتاری که با یک متارکه‌گر احتمالی و یا شخص ناراضی در تماس اول خود با مقام آمریکایی می‌شود ممکن است در تصمیم او جهت پناهنده شدن و یا مفید واقع شدن آتی وی برای آمریکا مؤثر افتد. هرگونه سؤال که مستقیماً و یا از طریق یک واسطه از طرف متارکه‌گر احتمالی مطرح می‌شود تا مطمئن شود که به آمریکا پذیرفته خواهد شد و یا مطمئن شود که به او و خانواده‌اش کمک خواهد شد بایستی توأم با روشن‌سازی مشکلات موجود در این زمینه باشد. البته وانمود شود که این مشکلات را می‌توان به نحوی مرتفع نمود. بجز در موارد به کارگیری در محل و یا دیگر استفاده‌های عملیاتی نباید هیچ‌گونه تعرفه مالی را پذیرفت، تا آنکه پرونده به وسیله کمیته محلی متارکه‌گران مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن جهت انتقال به آمریکا جوازهای مناسب از واشنگتن دریافت گردد. در اولین فرصت ممکن باید از هر فرد ناراضی خواسته شود که یک تقاضا نامه کتبی امضاء نماید و در آن قید کند که پناهندگی وی به طور داوطلبانه بوده و خواستار پناهندگی سیاسی می‌باشد.

ب. هرگاه یک شخص ناراضی و یا متارکه‌گر در اختیار دولتی غیر از دولتهای بلوک شوروی و چین قرار گیرد و مقامات دولت آمریکا در خارج از آن با خبر شوند، آن را به ریاست کمیته محلی متارکه‌گران سریعاً گزارش دهند، تا او نیز با مشاورت با اعضا کمیته اقدامات لازم را در جهت منافع آمریکا به اجرا در آورده و هماهنگ سازد. تا آن جا که ممکن باشد متارکه‌گرانی را که در اختیار دولت دیگری قرار دارند، همان‌گونه که قید شد به نفع آمریکا باید مورد استفاده قرارداد، ولی باید در نظر داشت که ملاحظات و قراردادهای سیاسی نیز می‌تواند، بر بهره‌برداری از متارکه‌گران تحت کنترل آن تأثیر بگذارد.

ج. اگر باید از یک متارکه‌گر به منظور اهداف عملیاتی استفاده شود و نام او نیز مخفی بماند، ریاست کمیته محلی متارکه‌گران کمیته را بدون افشای هویت در جریان موجودیت متارکه‌گر با ارائه سوابق کلی در رابطه با رشته تخصصی و میزان صلاحیت قرار می‌دهد. امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی شماره ۵/۱ در این‌گونه موارد مصداق می‌یابد. باید تلاش شود که نیازهای اطلاعاتی به سرعت و به طور کامل برآورده

شود.

در اطلاعات، اخبار مربوط به اهمیت خصومت یا خطری که علیه تأسیسات آمریکایی وجود دارد، در اولین فرصت از فرد ناراضی دریافت می‌گردد.

د. جلب اعتماد اشخاص ناراضی شایان توجه خاص است و علت آن نیز استفاده آشکار از کانالهای متارکه‌گر از طریق خدمات خصمانه است، تا بتوان نفوذ نمود و اطلاعات گمراه‌کننده و یا کاذب را به سازمانهای اطلاعاتی آمریکایی منتقل نمود.

ه. هماهنگی که در اینجا مطرح شده، بایستی با احترام به منافع، استعدادها و شرایط تمام وزارتخانه‌ها و آژانسها انجام شود تا استفاده کامل از این تواناییها در حمایت از برنامه متارکه‌گران به عمل آید.

### ۶- کمیته‌های محلی متارکه‌گران

تحت سرپرستی یکی از نمایندگان عالی‌رتبه آمریکا در کشور مربوطه کمیته محلی متارکه‌گران ایجاد خواهد شد. این کمیته مرکب از نمایندگان سازمان سیا، ریاست، وزارت امور خارجه، وزارت ارتش، نیروی دریایی و هوایی تشکیل می‌گردد. این کمیته می‌تواند از نمایندگان دیگر وزارتخانه‌ها و آژانسها دعوت به عمل آورد تا در اجلاسهای آن شرکت جویند. کمیته محلی متارکه‌گران کارهای زیر را انجام خواهد داد:

الف. به صورت دوره‌ای و معمولاً فصلی جلسه تشکیل خواهد داد تا جنبه‌های درون آژانس برنامه متارکه‌گران را در منطقه مربوطه هماهنگ کرده و استفاده کامل از منابع و تواناییهای دولت آمریکا را در حمایت از برنامه متارکه‌گران تأمین نماید. نسخه‌هایی از مطالب کمیته‌های محلی متارکه‌گران از طریق کانالهای سیا به IDC واشنگتن فرستاده خواهد شد.

ب. به حل و فصل مسائل متقابل که شامل بررسی اولیه اشخاص ناراضی واجد شرایط پاراگراف (۲.الف) که اعضا نام برده‌اند بپردازند. هنگامی که کمیته‌های محلی نتوانند این مسائل را حل کنند، باید آنها را از طریق کانال سیا به IDC واشنگتن ارجاع دهند. در اینگونه موارد نمایندگان دیگر وزارتخانه‌ها و آژانسها می‌توانند مستقیماً با رؤسای خود در رابطه با مسئله مربوطه تماس برقرار نمایند. در صورتی که محدودیت زمانی اجازه ندهد که مسئله به IDC واشنگتن ارجاع گردد، نماینده آمریکا در منطقه می‌تواند پیرامون آن تصمیم بگیرد.

ج. IDC واشنگتن باید در رابطه با هر متارکه‌گر و وضع بهره‌برداری و اختتام پرونده مطلع گردد. در مورد اشخاص ناراضی گزارشات مناسبی به IDC واشنگتن ارسال خواهد شد. مگر آنکه مسئله به کارگیری در مکان مربوطه و یا دیگر بهره‌برداریهایی عملیاتی مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفته باشد. د. روشهای مکمل مطابق با این امریه را جهت اجرای بهتر برنامه متارکه‌گران در منطقه مربوطه به IDC واشنگتن ارجاع دهد تا تصویب گردد. این پیشنهادات شامل (۱) اقدامات امنیتی مناسب در مورد پرسنل و تسهیلات برنامه متارکه‌گران، (۲) تأمین این مسئله که (الف) در اولین فرصت اطلاعات مربوط به اهمیت خصومت و یا خطرانی علیه امنیت تأسیسات آمریکایی از شخص تازه وارد و یا ناراضی بدست خواهد آمد، (ب) این اطلاعات با ذکر منبع و ارزیابی مناسب فوراً در حوزه و در سطح ملی منتشر خواهد گردید، (ج) شخص ناراضی یا تازه وارد در اولین فرصت همراه با البسه، اسناد و دیگر لوازم شخصی و نتیجه جلسه

توجیهی مقدماتی فرد به سازمان سیا سپرده خواهد شد.  
ه. عملیات محلی را طوری طرح ریزی کنید که فرد تازه وارد سریعاً به مقام مربوطه پایگاه آمریکایی ارجاع و طوری رفتار شود که امنیت فرد مربوطه و پایگاه آمریکایی نیز تأمین گردد.

#### ۷- مسئولیتهای نمایندگان حوزه‌ای سیا

نماینده حوزه‌ای سیا مسئول اجراء برنامه متارکه‌گران خارجی و ارائه خدمات مشترک می‌باشد. او باید:

الف. به‌عنوان نماینده.... ریاست اطلاعاتی مرکزی فعالیت متارکه‌گران را در منطقه حوزه مسئولیت خود هماهنگ سازد که موارد زیر را نیز دربر می‌گیرد:  
(۱) با واحدهای امنیتی و اطلاعاتی و یا دیگر عناصر ذینفع دولتهای خارجی در رابطه با مسئله متارکه‌گران رابطه برقرار نماید،  
(۲) استفاده کامل از منابع و تواناییهای همه وزارتخانه‌ها و آژانسها را در حمایت از این برنامه به عمل آورد.

(۳) ایجاد انگیزه و استفاده عملیاتی از متارکه‌گران بر طبق اصول امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی شماره ۵/۱ از طریق وزارتخانه‌ها و آژانسها  
ب. با کمیته محلی متارکه‌گران مشورت نماید:

(۱) در رابطه با اشخاص ناراضی، ارزش ویژه و خطرات احتمالی علیه منافع سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و امنیتی آمریکا را مشخص سازد.

(۲) اطلاعات به دست آمده از متارکه‌گران را سریعاً به بخشهای اطلاعاتی مربوطه ارسال نماید.  
(۳) نحوه‌های خاص برخورد با این اطلاعات را از قبیل محدودیت انتشار محلی اطلاعات در رابطه با افراد ناراضی و متارکه‌گر هنگامی که مسائل سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، امنیتی و غیره در آن دخیل باشد مشخص سازد. در این گونه موارد، سفارشات مربوط به نحوه برخورد به واشنگتن ارسال خواهد گردید.  
ج. متارکه را تشویق و از متارکه‌گران استفاده عملیاتی به عمل آورد.

د. با مشورت با نمایندگان وزارتخانه‌ها و یا آژانسهایی که احتمالاً در تشخیص هویت و یا تحویل فرد ناراضی همکاری داشته و یا بنابه دلایل دیگر توجه و یا توانایی خاصی در رابطه با وی دارند، میزان صداقت وی را تعیین نمایند.

(۱) نمایندگان وزارتخانه‌ها و یا آژانسهای مربوطه در زمان تشخیص میزان صداقت دائماً در جریان امر قرار داده می‌شوند و هنگام پایان تعیین میزان صداقت و ارزشهای ویژه نیز برای آنها، یک خلاصه گزارش نهایی ارسال می‌گردد. در آن موقع به وزارتخانه‌ها و یا آژانسها اجازه داده می‌شود که به او دسترسی داشته و شرایط مورد نیاز امنیتی و یا عملیاتی اطلاعاتی خود را تأمین نمایند و از وی جهت اهداف دیگر بهره‌برداری نمایند.

(۲) اطلاعات حاکی از اهمیت خصومت یا دیگر اطلاعات بسیار با اهمیت در اولین فرصت استخراج گردیده و فوراً در سطح حوزه و در سطح ملی منتشر گردد. تحقیق و تفحص متارکه‌گران به منظور کسب اطلاعات دارای اهمیت عملیاتی همگام با دیگر وزارتخانه‌ها و آژانسها انجام می‌گیرد؛ سرنخهای ویژه‌ای

که در فعالیتهای مخفی آنها قابلیت کاربرد دارد، به وزارتخانه‌ها و یا آژانسهای ذیربط ارجاع داده خواهد شد.

(۳) اگر در مدت زمان معقول نتوان میزان صداقت یک فرد ناراضی را مشخص نمود، به دیگر اعضای کمیته محلی متارکه‌گران پیرامون فرد ناراضی یک گزارش وضعیت داده می‌شود که در آن به طور کلی درباره سوابق، تخصص و حوزه نسبی صلاحیت و شایستگی مطالبی آمده است. وزارتخانه‌ها و یا آژانسهای ذیربط براساس شرایط مشخص شده به وسیله نماینده سیا و شرایط غیرعادی پرونده موردنظر سعی خواهند کرد در اسرع وقت نیازهای اطلاعاتی خود را تدارک و ارضا نمایند، در حالی که تماس مستقیم با فرد ناراضی ممکن باشد.

(۴) وقتی که پرونده حاکی از عملیات ضد جاسوسی باشد، یعنی عامل را دارای روحیه خصومت‌بار مشخص کرده باشند، شرایط این امریه درباره وی صادق نخواهد بود، بلکه پرونده براساس امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی شماره ۵/۱ بررسی خواهد شد. اگر مشخص گردد که عملیات ضد جاسوسی در کار نیست وزارتخانه‌ها و یا آژانسها تقاضا خواهند کرد که با تماس مستقیم با شخص ناراضی و طبق شرایط تعیین شده توسط نماینده سیا شرایط و نیازهای اطلاعاتی خود را تأمین نمایند.

ه. نماینده آمریکا در محل باید از وجود یک متارکه‌گر یا متارکه‌گر احتمالی مطلع شود و با آن نماینده پیرامون تمام جنبه‌های متارکه‌گر مشورت شود.

و. از متارکه‌گر با مشارکت وزارتخانه‌ها و یا آژانسهای درگیر در برنامه متارکه‌گران جهت کسب اطلاعات مثبت تحقیق به عمل آید.

ز. وسایل و پرسنل لازم را جهت بازجویی از متارکه‌گران و حمل و نقل وی به نقاط امن فراهم آورد.

ح. بین کمیته محلی متارکه‌گران و IDC / واشنگتن به عنوان یک کانال ارتباطی عمل نماید.

ط. با اطلاعات خارجی و خدمات امنیتی در رابطه مسائل متارکه‌گر از قبیل تبادل گزارش، سؤال و جوابها رابطه برقرار سازد.

#### ۸- مسئولیتهای نمایندگان حوزه‌ای وزارت خارجه، ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی

نمایندگان منصوب وزارت خارجه، ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی وظایف زیر را به عهده دارند:

الف. مطابق شرایط پاراگراف ۷ الف بالا، مسئول انجام فعالیتهای مکمل در حمایت از برنامه متارکه‌گران شامل ایجاد انگیزه متارکه، ایجاد رابطه با خدمات اطلاعاتی خارجی و امنیتی در مورد مسائل متارکه‌گر و مبادله گزارش سؤال و جوابهای خود می‌باشند.

ب. هویت هر متارکه‌گر احتمالی را همراه با اطلاعات ذیربط موجود سریعاً به نمایندگان سیا گزارش دهند.

ج. در محدوده توانایی خود باید وسایل حمل و نقل، مسکن، پرسنل و دیگر تسهیلات را در حمایت از برنامه متارکه‌گران فراهم سازند.

د. باید به نماینده ریاست اطلاعاتی مرکزی از تأثیرات سیاسی، نظامی، دیپلماتیک یا امنیتی پیشنهادی در برنامه متارکه‌گران اطلاع دهند.

## ۹- مسئولیت‌های نماینده ارشد آمریکا در منطقه

نماینده ارشد آمریکا در منطقه دارای مسئولیت‌های زیر می‌باشد:

الف. با مشورت و توصیه نماینده ریاست اطلاعاتی مرکزی میزان و نحوه تأثیر اقدامات انجام شده در قبال شخص ناراضی و متارکه‌گران را که می‌تواند از نظر سیاسی و دیپلماتیک بر منافع آمریکا تأثیر بگذارد مشخص سازد.

ب. مطمئن شود که مقامات ذیربط آمریکایی که در پاراگراف ۵ نیامده و احتمالاً با شخص ناراضی در تماس هستند و در رابطه با مسئله متارکه‌گر به نحو محدودی توجیه شده‌اند.

ج. با نمایندگان آمریکایی وزارتخانه‌ها و یا آژانس‌های ذیربط و تا حد لزوم با آژانس‌های دولتهای خارجی در مورد بهره‌برداریهای تبلیغاتی و روانی متارکه‌گر هماهنگی ایجاد نماید.

د. به نماینده سیا در اجراء مسئولیت‌های مطروحه خود در این امریه کمک نماید.

آلن دبلیو دالاس

رئیس اطلاعات مرکزی

۹ بهمن ماه ۱۳۳۹

از: وزارت امور خارجه

به: تمام نمایندگیهای دیپلماتیک آمریکا (به استثناء بوخارست، بوداپست، مسکو، پراگ، صوفیه و ورشو)، اسکندریه، الجزیره، برلن، بمبئی، کلکته، کازابلانکا، داکا، داکار، فرانکفورت، ژنو، هنگ کنگ، اصفهان، استانبول، لاگوس، لاهور، لئوپولدویل، مدرس، مشهد، نایروبی، سالزبورگ، سنگاپور، تبریز، طنجه، تریسته، نمایندگی آمریکا در سازمان ملل

موضوع: حفاظت متارکه‌گران در کشورهای خارجی

سابقه

افزایش سفر و ایجاد نمایندگیهای دیپلماتیک بین بلوک چین و شوروی و جهان آزاد احتمالاً ایجاب خواهد کرد که تعداد واحدهای خدمات خارجی در سر و کار داشتن با متارکه‌گران طبق تجویز امریه‌های کنونی اطلاعاتی افزایش یابد. این امریه‌ها، در مورد بسیاری از جزئیات مفصل مراحل مربوط به متارکه‌گران بطورکلی برخوردار می‌کنند. معذالک، تجارب اخیر ایجاب می‌کند که به موقع بعضی از اصول مؤثر بر موقعیت و رفاه افراد متارکه‌گر، طرز تفکر سنتی آمریکایی در این رابطه، وضع کشورهای میزبانی را که متارکه در آنها به وقوع می‌پیوندند مورد بررسی قرار دهیم.

فرضیه پناهندگی سیاسی

متارکه‌گری که از طرف دولت میزبان خود از نظر اقدامات غیرقانونی متهم نشده ممکن است از یکی از نمایندگان آمریکایی تقاضا کند که به او در قلمرو آمریکا پناهندگی داده شود. دو پاراگراف امریه، ریاست اطلاعات جاسوسی شماره ۴/۲ (که همراه CA-۳۲۵۲ به تاریخ ۲۲ مهر ماه ۱۳۳۸ به اکثر نمایندگیها ارسال گردید) با مسئله «پناهندگی» به صورت زیر برخوردار می‌کنند:

پاراگراف ۲ (ه) داوطلب: داوطلب فردی ناراضی است که وارد یکی از تأسیسات آمریکایی در یکی از کشورهای خارجی می‌شود و تقاضای پناهندگی می‌کند و یا تقاضا می‌کند که به او کمک کنند تا از کنترل کمونیستها فرار کند.

پاراگراف ۶ (الف) «... در اولین فرصت ممکن باید از شخص ناراضی خواسته شود که بیانیه‌ای امضا نموده و در آن قید نماید که متارکه وی داوطلبانه صورت گرفت و خواستار پناهندگی سیاسی می‌باشد». این وزارتخانه کلمه «پناهندگی» را که در پاراگرافهای بالا قید شده به معنی پناهندگی قلمروی آمریکا تفسیر می‌کند و آن را به معنی پناهندگی دیپلماتیک در یکی از تأسیسات رسمی آمریکا نمی‌داند. در حراست از متارکه گر حق حاکمیت دولت میزبان (و نیز گرایشهای سیاسی آن) الزاماً باید مدنظر قرار گیرد. در نهایت، مقامات آمریکایی تمام تلاش خود را باید به کار گیرند تا از بازگشت اجباری متارکه‌گران به کشور موطن خود ممانعت به عمل آورند.

بهرتر است به مقامات محلی بند ۱۴ بیانیه جهانی حقوق بشر (قطعنامه شورای ملی مورخه ۲۳ آذر ماه ۱۳۲۷) به عنوان علت اصلی مقاومت در برابر تقاضای اعاده متارکه‌گر به کشور اصلی خود گوشزد گردد. بند ۱۴ بیانیه قید می‌کند که «هرکس حق دارد جهت فرار از مجازات به کشورهای دیگر پناهنده شود».

#### روشهای احتمالی جهت حراست از متارکه‌گران

ضمیمه ۲، یکی از موارد اخیر را نشان می‌دهد که در آن حقوق متارکه‌گر، آمریکا و کشور میزبان به نحو موفقیت‌آمیزی تحت حراست و سازش درآمده بود. بنابراین از واحدها تقاضا می‌شود که در هنگام بروز موارد مشابه تلاش خود را جهت انجام مراحل زیر به کار بندند:

- ۱- نمایندگان خدمات خارجی واجد شرایط بایستی در اجراء فعالیتهای قانونی ضروری (ثبت، سندبرداری، سؤال و جواب و غیره) مطابق با قوانین و مقررات کشور میزبان همراه متارکه‌گر باشند.
- ۲- اگر ممانعت از رویارویی با رؤسای پیشین او امکان‌پذیر نیست، یکی از مقامات خدمات خارجی در چنین رویارویی‌هایی باید حضور داشته باشند که در آن زبان مورد استعمال نیز باید برای دو رئیس و نماینده آمریکا قابل درک باشد. مقامات محلی باید متقاعد شوند که انحراف از روشهای رویارویی (به ضمیمه ۳ نگاه کنید) علت اختتام جلسه رویارویی را پدید خواهد آورد.

#### روشهای احتمالی در مورد بازگشت به کشور اصلی

اگر متارکه‌گری تقاضای پناهندگی تسلیم مقامات آمریکایی نمود در هنگام (و بعد از) رویارویی اگر او راضی به بازگشت به کشور خودگردد، باید از او خواسته شود که در بیانیه‌ای مطالب زیر را مطرح سازد که: الف) بازگشت او به کشور موطن خود بنا به میل خودش بوده و براساس زور و جبر آن را انجام نداده است؛ ب) هنگام به سر بردن در توقیف آمریکا از حقوق خودش محروم نشده است؛ ج) او تقاضای پناهندگی خود در آمریکا را معتبر نمی‌داند.

#### مسائل خاص آلمان غربی و برلن

در آلمان، واحدهای نظامی آمریکایی مستقیماً با نمایندگیها و قرارگاههای نظامی شوروی در تماس

بوده و مسئولیت تشکیل جلسه رویارویی برای متارکه‌گران نظامی را به عهده دارند. این امر به منظور تغییر برنامه‌ها نیست. لیکن ممکن است که واحدها بخواهند تغییراتی را یا از طریق کانال کمیته متارکه‌گر (آلمان) و یا مستقیماً به وزارتخانه پیشنهاد نمایند تا توسط کمیته درون آژانس متارکه‌گر در واشنگتن مورد بررسی قرار گیرد.

این دستورالعمل باید به اعضای تمام واحدهای مورد خطاب نشان داده شود. هرگز ضمیمه:

۱ - مورد کازناکیف

۲ - راهنمایی در رابطه با تشکیل جلسه رویارویی.

### پرونده کازناکیف

۲ تیرماه ۱۳۳۸: کازناکیف، افسر اطلاعاتی شوروی وارد کتابخانه دفتر حفاظت منافع آمریکا در رانگون شد و از متصدی کتابخانه پرسید که آیا می‌تواند با یکی از مقامات سفارت آمریکا دیدار نماید. تقاضای او به رئیس ایستگاه داده شد و نماینده ریاست ایستگاه از سفارت که زیاد از آنجا فاصله نداشت جهت مصاحبه با او از راه رسید. کازناکیف به افسر مزبور، اطلاعاتی کلی دربارهٔ خویش، و انگیزه‌هایش داد و تقاضا کرد که او را به طور امن از برمه خارج سازند. قرار شد که در ساعت ۹ صبح روز بعد ملاقات دیگری انجام شود (۳ تیرماه) و کازناکیف برای گذراندن شب به محل سکونت خود بازگشت.

در مورد این پرونده در بعد از ظهر روز ۲ تیرماه میان کمیته محلی متارکه‌گران رانگون، سفیر و نماینده دفتر حفاظت منافع آمریکا گفتگویی انجام گرفت. همه توافق کردند که در صورت مشخص شدن صداقت کازناکیف او را به عنوان یک متارکه‌گر خواهند پذیرفت.

۳ تیرماه: کازناکیف طبق برنامه در ساعت ۹ صبح حاضر گردید و یک تقاضای پناهندگی ساده امضاء کرد. او را به محل اقامت وابسته نظامی جهت تحقیقات اولیه بردند و در ساعت ۱ بعد از ظهر به سفارت آمریکا انتقال دادند.

۳ و ۴ تیرماه: تلاش شد تا از برمه اجازه افشاء متارکه‌گر در محل و انتقال آشکار او از برمه انجام شود. در این مورد ملاقات‌هایی چند بین پرسنل سفارت آمریکا و مقامات دولت برمه انجام گرفت.

۵ تیرماه: پس از تأیید و تصویب وزارتخانه، سیاه به ریاست ایستگاه در رانگون دستور داد، در صورت امکان بهتر است که موضوع در برمه افشاء شود در غیر این صورت این پرونده باید به طور یک جانبه مورد بررسی قرار گیرد و فرد مزبور در اختفا به بانکوک منتقل گردد.

۶ تیرماه: صبح روز مذکور دولت برمه به سفارت اجازه داد که علاوه بر افشاء موضوع فرد مزبور به سرعت از برمه خارج شود. وابسته هوایی اقدامات لازم را جهت انجام سفر هوایی به عمل آورد و یک فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ نیروی هوایی آمریکا در بعد از ظهر روز هفتم تیرماه وارد رانگون گردید. ظهر روز ششم تیرماه، سفیر با وزیر خارجه برمه تماس گرفت و او را در جریان اوضاع و برنامه‌ای که توسط مقامات اطلاعاتی و امنیتی برمه جهت محافظت، افشاء زمان تبلیغ و انتقال کازناکیف توسط هواپیما به عمل آمده بود قرارداد. منابع برمه‌ای قبلاً وزیر خارجه را در جریان امر قرار داده بودند.

بعد از ظهر روز ششم تیرماه دفتر روابط خارجه به سفیر یادآور گردید که سفارت شوروی دربارهٔ

کازناکیف پرس وجو کرده است و وی در پاسخ گفته است که فرد مزبور در اختیار سفارت آمریکا قرار دارد. عصر همان روز دفتر روابط خارجی به سفیر اطلاع داد که اجازه دولت برمه جهت انتقال کازناکیف از این کشور لغو گردیده است.

داستان توسط سفارت در ساعت ۸ بعد از ظهر در روز ششم تیرماه در اختیار مطبوعات محلی و خدمات بی سیم به وقت محلی قرار داده شد تا با انتشار خبر مزبور ضربه‌ای به شورویها وارد گرداند. ۷ تیرماه: در سفارت آمریکا یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار گردید. کازناکیف مورد مصاحبه قرار گرفت و از وی عکس برداری شد.

بین پرسنل سفارت آمریکا و مقامات دفتر روابط خارجی برمه و اطلاعات نظامی ملاقاتهایی صورت گرفت و منجر به ملاقات بین سفیر و نخست‌وزیر برمه گردید که در آن او به گفتگو پیرامون جنبه‌های قانونی مورد مذکور پرداخت. آنها توافق کردند که قبل از انتقال از برمه، کازناکیف به وزیر امور خارجه برمه سپرده شود تا مدت کوتاهی در توقیف برمه به سر برد. پس از آن از وی سؤال خواهند کرد که آیا او داوطلبانه این تصمیم را گرفته است و به او پناهنده شدن در برمه را پیشنهاد خواهند نمود. اگر او اظهار دارد که مایل است به آمریکا پناهنده شود او را به سفارت آمریکا خواهند سپرد. قبل از اعاده او به سفارت آمریکا، برمه‌ایها به سفیر شوروی فرصتی خواهند داد تا بتواند در حضور مقامات برمه‌ای با کازناکیف گفتگو نماید. سفیر آمریکا این شرایط را پذیرفت، لیکن گفت که هنگام گفتگوی سفیر شوروی با کازناکیف نماینده آمریکا نیز باید حضور داشته باشد و علاوه بر این مکالمات باید به زبان انگلیسی صورت پذیرد.

۹ تیرماه: مقامات سفارت در ساعت ۱۰/۱۵ صبح روز مزبور کازناکیف را به سفیر معرفی کردند. سفیر هنگام ظهر او را به کالج دفاع ملی برمه برد و با وزیر خارجه ملاقات نمود. سفیر او را در آنجا به حال خود گذاشت، به سفارت بازگشت و به کالج دفاعی برمه در ساعت ۱۲/۵ بازگشت. برمه‌ایها به مدت چهار ساعت با کازناکیف گفتگو کردند. به سفیر شوروی پیشنهاد شد که با کازناکیف گفتگو نماید، لیکن پیشنهاد مذکور به این دلیل که زمان جهت برقراری تماس با مسکو کافی نیست رد گردید.

سفیر آمریکا کازناکیف را شخصاً به فرودگاه برد و از آنجا او با هواپیمای نیروی هوایی آمریکا در ساعت ۴/۴۷ دقیقه بعد از ظهر برمه را ترک گفت (جزئیات سفر به فرودگاه رانگون در ارسالی شماره ۶ مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۳۸ تشریح شده است).

چند هفته بعد، سفیر آمریکا پرونده را به صورت زیر خلاصه نمود:

برمه‌ایها دقیقاً دریافته بودند که برای حفاظت خود در برابر انتقادات سفارت شوروی باید به کازناکیف دسترسی داشته باشند تا بتوانند حقایق پرونده را روشن سازند. سفارت شوروی آنها را متهم کرده بود که کازناکیف به دام افتاده است و توسط آنها و ادار به رفتن به سفارت آمریکا شده است. آنها می‌خواستند مطمئن شوند که کازناکیف و یا سفارت آمریکا قوانین برمه را زیر پا نگذاشته‌اند و کازناکیف بنا به میل و اراده خویش این کار را انجام داده و اتهامات وارده به برمه‌ایها در انجام مسئولیت در قبال سفارت شوروی و پرسنل آن بی‌اساس می‌باشد.

«برداشت من این است که دفتر خارجه برمه در رابطه با معنی پناهندگی دیپلماتیک ابتدا درک صحیحی نداشته و نمی‌دانسته که مقصود ما از ارائه کازناکیف به دولت برمه چیست. ابتدا و اشتباهاً آنها فکر می‌کردند که می‌توانند با او مانند یک زندانی رفتار کرده و برخلاف میل و رضای خود او را وادار به



ملاقات با سفیر شوروی در غیاب نماینده آمریکا بنمایند. آنها بالاخره تحت فشار اعمال شده از طریق من این موضع را اتخاذ نکردند که براساس قوانین برمه‌ای او یک فرد آزاد است.

«این سفارت پرونده را مطابق با دستورات مربوط به رفتار با پرونده‌های متارکه‌گران مورد بررسی قرار داد. و نه مدعی شد که می‌خواهد به کازناکیف پناهندگی دیپلماتیک اعطا کند و هیچ‌گاه اعلام نکرد که کازناکیف در حیطه قانونی برمه قرار ندارد. سفارت به هیچ‌وجه از سنت آمریکا علیه استفاده از مأموریت دیپلماتیک خود به منظور اعطای پناهندگی دیپلماتیک جدا نبوده است».

راهنمای تشکیل جلسات رویارویی با متارکه‌گران این جلسه معمولاً این طور شروع می‌گردد که یکی از مقامات وزارت خارجه محلی طرفین را به یکدیگر معرفی می‌نماید.

نمایندگان بلوک شوروی حق دارند سؤالات زیر را مطرح نمایند.

- ۱- آیا صحت دارد که متارکه‌گر از آمریکا یا دولت محلی تقاضای پناهندگی کرده است؟
- ۲- آیا او داوطلبانه این کار را انجام داده است؟
- ۳- آیا او به جدیت این تصمیم پی برده است؟ آیا او آماده است که خانواده، دوستان، حقوق و امتیازات خود را رها کرده و خود را از زندگی عادی خود جدا سازد؟
- ۴- آیا او به وابستگی‌اش در مورد این تصمیم خود اطلاع داده است؟
- ۵- آیا میل دارد با وابستگان و دوستانش ارتباط برقرار نماید؟ (اگر توافق کرد، متن ارتباط باید برای او خوانده شود) اگر وابستگی‌اش از وی بخواهند که در تصمیم خود تجدید نظر نماید آیا او باز هم به متارکه تمایل نشان خواهد داد؟

۶- آیا وضع سلامت او خوب است؟

۷- آیا او مشغول به کار است؟

- ۸- آیا او تقاضای تبعیت دیگری را نموده است؟ آیا او هویت خود را به مقامات آمریکایی و یا محلی تسلیم نموده است؟ (اگر جواب مثبت است، اسناد مربوطه را دولت صادرکننده می‌تواند بعداً ارائه نماید). در صورتی که نمایندگان بلوک مزبور ناگهان از زبانی غیر مفهوم برای نماینده آمریکا استفاده کنند و یا خانواده و دوستان متارکه‌گر را تهدید نمایند (و یا خود او را تهدید نمایند)، جلسه رویارویی فوراً باید خاتمه یابد، نباید اجازه داده شود که جلسه در روی نوار ضبط گردد چون به منظور تبلیغاتی و یا مقاصد دیگر می‌توان آن را به سادگی تحریف نمود.

۱۷ تیرماه ۱۳۴۳

طبقه‌بندی: طبقه بندی نشده

از: وزارت امور خارجه

موضوع: تجدید نظر FAM ۲۲۵/۲ محدودیت‌های موجود در اعطای پناهندگی

آنچه در پیوست آمده متن مورد تجدید نظر واقع شده ۲۲۵/۲ مربوط به «محدودیت‌های اعطای پناهندگی» می‌باشد. همان‌گونه که از اولین جمله FAM ۲۲۵/۲ ۲ پیشین برمی‌آید، سیاست آمریکا بر آن است که بجز در موارد استثنایی به کسی امتیاز پناهندگی ندهد.

در همان حال تجربه نشان داده است که در مواردی، گذشته از آنکه فردی از طرف یک گروه خشمگین

در معرض تهدید و خطر جسمی قرار می‌گیرد، مواردی نیز وجود دارد که باید به شخصی امتیاز پناهندگی اعطا گردد. موارد آشکار عبارتند از مواردی که خطر جدی از طرف مقامات دولتی بی‌پروا و جسور اعمال می‌گردد. برای روشن شدن مطلب درج کلمه «مانند» قبل از عبارت «گروه خشمگین» مفهوم مصورتر می‌گردد و محدودیت آن از میان می‌رود.

اعطای این امتیاز بدان معنی نیست که می‌توان به فردی که تحت پیگرد قانونی دولت میزبان هست نیز آن امتیاز را داد. شما حتماً می‌دانید که دولت میزبان می‌تواند ادعا کند که با اعطای پناهندگی در حاکمیت آن مداخله به عمل آورده‌اید. بنابراین واضح است که قبل از اعطای پناهندگی باید کمال احتیاط و دقت را مبذول بدارید.

به محض پناهنده شدن، سفارت و یا کنسولگری باید سریعاً با وزارتخانه تماس حاصل نماید تا دستورات لازمه را اخذ نماید و در این رابطه تمام اطلاعات مربوطه را باید ارائه نمایند. کنسولگریها نیز علاوه بر این باید از سفیر در این باره راهنمایی بخواهند، تا زمان دریافت دستور از وزارتخانه، سفارت و کنسولگریها باید به سؤالات پناهنده و یا دولت میزبان درباره حضور پناهنده پاسخ گفته و اظهار دارند که منتظر دریافت دستور از واشنگتن می‌باشند.

پناهندگی ادامه خواهد یافت تا زمانی که مقامات ذیربط دولت ملی به نحو رضایتبخش اطمینان دهند که امنیت شخصی پناهنده در برابر اقدامات خودخواهانه و غیرقانونی تأمین خواهد شد و فرد موردنظر تحت حمایت قانونی قرار خواهد گرفت. هر سؤالی که در رابطه با رضایتبخش بودن اطمینانها پیش آید باید به وزارتخانه ارجاع گردد. بال، اکتیگ

#### «محدودیت‌های اعطای پناهندگی»

قانوناً یک افسر دیپلماتیک و یا کنسولی نباید به اشخاصی که خارج از محل اداری و یا شخصی خود هستند پناهندگی اعطا کند. می‌توان به اشخاص از راه رسیده به خاطر اینکه از طرف یک گروه خشمگین در معرض خطر قرار گرفته‌اند، پناهندگی اعطا کرد ولی این پناهندگی تا زمان دوام خطر ادامه خواهد داشت. به محض دریافت اظهارنامه‌ای که براساس آن دولت ملی امنیت شخص پناهنده را علیه بی‌قانونی و یا خودخواهی تأمین می‌کند و پرونده او براساس صحیح قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد پناهندگی وی نیز پایان می‌یابد (۲FAM۲۲۵/۲).

طبقه‌بندی: سرّی

۲۸ اسفند ماه ۱۳۴۷

به: تمام واحدهای دیپلماتیک آمریکا

از: وزارت خارجه

عطف به: ۶۱۲۰ - CA مورخ ۹ بهمن ماه ۱۳۳۹

موضوع: رویارویی در مورد متارکه گران با حضور ملیتهای شوروی و کشورهای

کمونیستی اروپای شرقی

۱- اخیراً این وزارتخانه در مورد سیاست رویارویی ما با متارکه گران شوروی و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی تجدید نظر کاملی به عمل آورده است. هدف ما این بود که این سیاست را با اهداف مشروع اطلاعاتی و نیز حفاظت شهروندان آمریکایی علیه دستگیریهای ناخواسته در کشورهای مربوطه و

- جلوگیری از پیچیدگیهای غیر ضروری در روابط خود با این کشورها هماهنگ سازیم.
- ۲- این وزارتخانه تصمیم گرفته است که به طور کلی دولتهای شوروی و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی را در جریان متارکه اتباع آنان و پناهنده شدن آنان به آمریکا قرار دهد و در صورت تقاضا ترتیبی بدهد که متارکه گران آنها با نمایندگان مربوطه دولشان رو در رو شوند.
- ۳- به همین ترتیب، به همه متارکه گران نقاط مذکور به محض قرار گرفتن در کنترل ما چه در آمریکا و چه در خارج باید اطلاع داده شود که دولت متبوع آنها در اولین فرصت در جریان امر قرار داده خواهد شد و آنها باید توافق کنند که در صورت لزوم تحت حفاظت ما با نمایندگان دولت خود رو در رو شوند. اگر یکی از این متارکه گران اصل رو در رویی را قبلاً نپذیرفت، قبل از انجام مراحل برنامه متارکه گران، آمریکا مسئله را با وزارتخانه در میان نهد.
- ۴- در صورتی که جامعه اطلاعاتی فکر می کند که وضع یک متارکه گر خاص طوری است که اخطار و یا رویارویی ممکن است اهداف اطلاعاتی ما را به مخاطره بیفکند حقایق مربوطه را به وزارتخانه اطلاع دهید تا پیرامون آن بررسی به عمل آورد.
- ۵- این وزارتخانه می داند که موارد متارکه ای که در کشورهای خارج رخ می دهند مشکلات حساسی را در رابطه با کشورهای ثالث پدید می آورند و تصمیم مربوط به اخطار و رویارویی در این شرایط باید براساس خصوصیات پرونده مورد نظر گرفته شود. در بعضی موارد، ممکن است مسئله اخطار و رویارویی الزاماً تا بعد از ورود متارکه گر به آمریکا به تعویق افتد. معذالک، در صورت امکان، بهتر است که واحدها مسئله رویارویی را حل نمایند و یا از دولت میزبان دوست بخواهد که قبل از انتقال متارکه گر توسط آمریکا به این کار مبادرت ورزند.
- ۶- براساس این سیاست کلی، دولت آمریکا می تواند انعطاف پذیری لازم خود را در رابطه با بعضی موارد به دلایل بشر دوستانه و یا سیاسی و به منظور منافع اطلاعاتی حفظ نماید. معذالک بهتر است که حق انتخاب در مورد اخطار و یا تشکیل جلسه رویارویی به جای متارکه گر از آن دولت آمریکا باشد.
- ۷- باید به یاد داشت که این سیاست کلی تنها در مورد متارکه گران خاص مصداق پیدا می کند و در مورد آوارگانی که جامعه اطلاعاتی مسئولیت مستقیمی درباره آنها ندارد کاربرد نمی یابد.
- ۸- این نامه هوایی که با کمیته درون آژانسی متارکه گران واشنگتن هماهنگ شده باید به اطلاع تمام پرسنل مربوط به متارکه گران و کمیته های محلی متارکه گران رسانیده شود.

#### سند شماره (۲)

۱۸ فوریه ۱۹۶۹ - ۲۹ بهمن ۱۳۴۷

سرّی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

#### روشهای عملکرد کمیته درون آژانس متارکه گران در تهران

- ۱- اختیارات. اختیارات مربوط به ایجاد روشهای عملکرد محلی امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۴/۲ (برنامه متارکه گران خارجی) می باشد. این سند روشهای وسیعی را جهت اقتباس، اسکان دوباره و مسائل دیگر مربوط به متارکه گران را ایجاد کرده و به هر کمیته متارکه گران محلی (که از این به بعد از آنها فقط بنام کمیته یاد خواهیم کرد) امر می کند که روشهای تکمیلی مفصلی را در برخورد با این موارد تهیه نمایند. کمیته تهران مرکب از ریاست ایستگاه (سرپرست)، افسر امنیتی سفارت، مشاور سیاسی،

وابسته دفاعی و یکی از مقامات تعیین شده توسط ریاست ایستگاه به عنوان منشی می‌باشد.

۲- حوزه. این روشهای تکمیلی تنها در رابطه با متارکه‌گران و یا متارکه‌گران احتمالی نمایندگیهای اقماری شوروی در ایران قابلیت کاربرد دارد. نمی‌توان آنها را در رابطه با عوامل ریاست ایستگاه و یا اشخاصی که توسط ریاست ایستگاه به صورت عامل مورد استفاده قرار می‌گیرند به کار برد. در صورتی که یک فرد روسی و یا یک فرد از کشورهای اقماری آن به صورت عامل ریاست ایستگاه درآید و در شغل خود باقی بماند، باز هم با او به عنوان یک عامل و نه یک متارکه‌گر برخورد می‌نماییم. به عنوان یک عامل، ریاست ایستگاه، گزارشهای مربوط به او را به کمیته ارجاع نخواهد داد.

۳- اخطار. اعضای کمیته در اولین فرصت و یا هر شش ماه یکبار به پرسنل ذی‌ربط آژانسهای دولت آمریکا که در ایران به سر می‌برند اطلاع خواهد داد که طبق مسئولیت خود باید به عضو مناسب کمیته سریعاً گزارش دهند که (الف) آیا یک فرد روسی و یا عضو کشورهای اقماری آن متارکه کرده است یا (ب) علائمی در دست است که براساس آن می‌توان گفت که یکی از افراد اقماری شوروی ناراضی است و می‌توان او را تحریک به متارکه کرد، یا (ج) آیا گذشته از ضیافت‌های رسمی، با شهروندان اقماری شوروی تماس برقرار کرده‌اند یا خیر. مسئولیتهای ویژه جهت مطلع ساختن پرسنل مربوط به دیگر آژانسها بر طبق این پاراگراف به شرح زیر است:

الف. وابسته دفاعی باید اطمینان حاصل کند که پرسنل مربوطه مستشار نظامی آمریکا و GENMISH در جریان امر قرار گرفته‌اند.

ب. نماینده وزارت خارجه در کمیته نیز در قبال امور بین‌المللی آمریکا همین مسئولیتهای را دارد.

ج. ریاست ایستگاه با افسر امنیتی سفارت ترتیبی خواهند داد تا گاردهای محافظ پرسنل مربوطه محلی، نسبت به مسئولیتهای خود در نحوه برخورد با یک داوطلب آشنا شوند.

۴- القاء. اگر یکی از اعضای کمیته از وجود یک متارکه‌گر و یا متارکه احتمالی یا رابط تجاری و اجتماعی مهم عملیاتی با خبر شده باشد، باید گزارش وضعیتی را به ریاست کمیته تسلیم نماید. این‌گونه اطلاعات از نظر عملیاتی حساس به حساب آید و باید گزارشی بین عامل خبردهنده و ریاست ایستگاه مطابق امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۵/۱ باشد، تا مشخص شود که به کارگیری درازمدت و یا متارکه کوتاه‌مدت در مکان مربوطه امکان‌ناپذیر است.

۵- در چنین موقعیتی (که شرح آن در پاراگراف ۴ رفته است) ریاست کمیته - براساس شرایط بالا - تشکیل جلسه کمیته را اعلام خواهد کرد تا (الف) مشخص شود که دولت آمریکا به چه طریق می‌تواند متارکه را القاء نماید؛ (ب) کدامیک از اعضای کمیته به طرز مؤثر و صحیحی قادر به اداره پرونده می‌باشد، (ج) چه روشی باید در پیش گرفته شود؛ و (د) به فرد مورد بررسی و واسطه‌ها چه پیشنهاداتی باید بشود.

الف - عضوی که مناسب کار با پرونده تشخیص داده شود در ارتباط و راهنمایی عملیاتی ریاست ایستگاه، کار خود را انجام خواهد داد. هر دو عضو در مدت زمان مورد توافق به کمیته مربوطه گزارش خواهند داد.

ب - نماینده ریاست ایستگاه بر طبق امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۴/۲ به واشنگتن گزارش خواهد داد.

۶- پذیرش. پذیرش هر متارکه‌گر نسبت به شرایط متارکه آن فرق می‌کند. به منظور برخورد مؤثر با این

اوضاع یک سند جداگانه تحت عنوان، روش برخورد با داوطلبین، به عنوان روش عملیاتی پیشنهادی به ضمیمه ارسال شده است. این سند حاوی جزئیات روش برخورد با یک داوطلب یا متارکه گر را که بر عهده گرفته است می باشد.

۷- مسئولیت در قبال دولت میزبان. در برخورد با این مسئله نمی توان قوانین خاصی را از قبل تجویز نمود. هر پرونده مفرد باید براساس شرایط موجود بررسی گردد و تصمیم لازم نیز براساس روش صحیح در رابطه با دولت میزبان اتخاذ شود. در نتیجه کمیته باید بتواند هر پرونده را جدا از دیگری مطالعه کرده و تصمیم بگیرد که آیا به دولت میزبان باید درباره متارکه گر اطلاع دهد یا خیر.

۸- جلسات کمیته درون آژانس متارکه گران هر فصل یک بار جهت بحث پیرامون مسائل و روشهای روزمره برگزار می گردد. با این وصف آنها می توانند هرگاه و به درخواست هر یک از اعضاء جهت بحث درباره یک مسئله دارای فوریت گردهم جمع شوند.

معمولاً مقام آمریکایی سعی خواهد کرد فرد مورد نظر را آرام نموده و در همان حال به افسر امنیتی یا افسر وظیفه سفارت اطلاع دهد که محموله ای وارد شده که باید درباره آن گفتگو شود. این علامتی است که سبب می شود افسر امنیتی یا افسر وظیفه ریاست ایستگاه را از محل فرد مورد نظر مطلع سازد.

هـ- درخواست ملاقات. اگر به یک مقام آمریکایی توسط شخصی که او را می شناسد تلفن شود و از او بخواهد که در مورد یک مسئله «مهم و قطعی» او را در مکان و زمان مشخصی ملاقات کند، وی باید: (۱) یکی از رستورانها و یا مکانهای عمومی را که دور از تأسیسات رسمی بلوک شوروی است جهت ملاقات تعیین نماید. همچنین محل ملاقات باید یکی از مکانهای سفارش شده در تهران باشد که فهرستی از آن به عنوان ضمیمه ای بر مطلب حاضر منتشر خواهد شد.

(۲) سعی کند زمان ملاقات کمتر از دو ساعت بعد از مکالمه تلفنی نباشد.

(۳) در ساعات کار فوراً مطلب را به افسر امنیتی سفارت گزارش نماید و منتظر دریافت دستور باشد. در ساعات غیر اداری مطلب را به افسر امنیتی و یا افسر آماده خدمت تا حد امکان به طور مفصل و امن گزارش دهد.

شخص دوم باید فوراً ترتیب تماس مستقیم بین مقام آمریکایی و ریاست ایستگاه را بدهد.

(د) دستورات عملیاتی به ریاست ایستگاه داده خواهد شد.

۴ - مسئولیتها.

الف - افسر امنیتی سفارت مسئول توجیه و ارائه دستورات به بخش اطلاعات سفارت و گاردهای حفاظتی است او سعی می کند اطمینان حاصل نماید که افسر آماده خدمت سفارت از محتوای این یادداشت و هویت مقامات عالیرتبه ریاست ایستگاه مطلع است.

ب - کنسول نیز مسئول توجیه بخش اطلاعات محلی در کنسولگری می باشد.

ج - ریاست ایستگاه مسئول توجیه افسر امنیتی سفارت است که او نیز به نوبه خود هر یک از افسران آماده به خدمت سفارت را در مورد هویت مقامات ریاست ایستگاه و مکان ایجاد ارتباط با آنها در ساعات غیراداری توجیه می کند.

د - ریاست ایستگاه مسئول اداره فرد مورد نظر پس از تماس اولیه و موارد بعدی آن می باشد.

۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۸

سرّی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: روش ایجاد تماس در رابطه با پناهندگی سیاسی ملیتهای روسی،

اروپای شرقی، کوبایی، ویتنام شمالی و کره شمالی یا چین

۱- حوزه و هدف: این دستورالعمل به این جهت منتشر شده است تا مقامات آمریکایی سفارت و دفاتر کنسولی نسبت به برخورد صحیح با اوضاعی که در آنها یکی از ملیتهای مذکور با تأسیسات و یا افسران آمریکای به منظور اخذ پناهندگی سیاسی تماس می‌گیرند توجیه و راهنمایی شده باشند.

۲- کلی: دولت آمریکا از قدیم الایام پناهندگی سیاسی اعطا می‌کرده و نسبت به افرادی که متقاضی این‌گونه کمک و یاری هستند احساس همدردی می‌کند.

برای هریک از افسران یا مقامات درک این مطلب که رفتار صحیح سریع و مؤدبانه با فردی که خواستار پناهندگی سیاسی است دارای اهمیت بسیار است لازم می‌باشد. یک مقام آمریکایی ممکن است در نتیجه یک تقاضای شخصی در یک ضیافت؛ تلفن «خیلی مهم» به محل سکونتش، یا از طریق تلفنی که از طرف بخش اطلاعات یا محافظ سفارت به او می‌شود و به او گفته می‌شود که فردی مایل است با وی در مورد یک «مسئله مهم و غیرقابل افساء» ملاقات کند، در چنین وضعی قرار بگیرد. این‌گونه درخواست باید فوراً و بدون سردرگمی و غفلت مورد بررسی قرار گیرد. اگر تقاضا در ساعات غیراداری و یا در روزهای تعطیل مطرح گردید، باید فوراً درباره آن عمل نمود و نباید آن را به روز بعد موکول نمود.

مقام آمریکایی دریافت‌کننده درخواست پناهندگی وظیفه دارد که با احساس همدردی و به طور مؤدبانه فرد را بپذیرد و موقتاً امنیت وی را فراهم آورد، و مقامات مربوطه را همان‌گونه که در ذیل گفته می‌شود سریعاً در جریان امر قرار دهد.

واقعیت مربوط به موجودیت یکی از ملیتها که خواستار پناهندگی است و هویت آن فرد، یک مسئله بسیار بسیار حساس است، باید فقط در اختیار افراد مسئول مشروح در ذیل قرار گیرد.

فردی که خواستار پناهندگی سیاسی است ممکن است بسیار خونسرد باشد و یا از طرف دیگر بسیار عصبی باشد. لازم است که حفاظت و امنیت و یک محل خلوت برای وی تأمین گردد. اعصاب او را باید آرام نمود و در صورت امکان نباید او را تنها گذاشت. باید به دقت به داستان او گوش فراداد و سؤالات مناسبی را مطرح کرد، ولی به هیچ‌وجه نباید از وی بازجویی به عمل آورد، هرگز نباید تعهدی نامشروط، و یا قولی در رابطه با تأیید دولت آمریکا در مورد پناهندگی، امکان دوباره و یا کمکهای پولی و یا کمکهای دیگر به فرد مزبور بدهید. به طور کلی می‌توانید فرد را مطمئن سازید که دولت آمریکا از قدیم الایام پناهندگی سیاسی اعطا می‌کرده است و شما حداکثر تلاش خود را به کار می‌برید تا مسئله پناهندگی با سرعت و دقت و تحت حفاظت شدید به انجام برسد.

در صورتی که فرد مورد نظر قادر نیست با مقامات آمریکایی منتظر بماند، برای ملاقاتهای بعدی ترتیبی قطعی و دقیق فراهم آورید.

۳- راهنماییهای ویژه:

الف - در ساعات اداری باید به دفتر اطلاعات سفارت دستور داده شود که تمام تلفنهای غیرعادی ارباب رجوع را به افسر امنیتی ارجاع دهند. در غیاب وی مسئول دفتر اطلاعات باید با اولین افسر آمریکایی که در فهرستی در اختیار وی قرار داده شده تماس حاصل نماید.

ب - در ساعات اداری کنسولگری، باید به دفتر اطلاعات اعلام شود که تلفنهای غیرعادی را به کنسول و در غیاب وی به کنسول دیگر و یا معاون کنسولی ارجاع دهد.

ج - در صورتی که معلوم شد که ارباب رجوع خواستار پناهندگی سیاسی است، افسر آمریکایی (افسر امنیتی یا کنسول و یا غیره) باید:

(۱) فرد را به یک مکان خصوصی و امن منتقل سازد (در سفارت می‌توانید از اطاق کوچکی که در سمت چپ سالن اطلاعات و هم‌اکنون در اشغال ADI است استفاده کنید. در کنسولگری از اطاق ۲۱۱ استفاده نمایید).

فرد مورد نظر نباید تنها گذاشته شود و تا حد امکان نباید به وسیله کارمندان محلی رؤیت شود.  
(۲) سعی کنید فرد مورد نظر را آرام نموده و به حرفهایش همان‌گونه که قبلاً ذکر شد گوش فرا دهید از بازجویی مستقیم امتناع ورزید و قول و تعهدهای صریح و بی‌پرده ندهید.

(۳) افسر امنیتی، کنسول یا مقامی که در بالا ذکر شد فوراً با یکی از مقامات ریاست ایستگاه در دفتر یا محل سکونت وی تماس گرفته و او را در جریان «ورود یک محموله» قرار خواهد داد و از او خواهد خواست که بیاید و آنرا تحویل بگیرد.

د - در ساعات غیراداری:

(۱) گاردهای حفاظتی در سفارت و کنسولگری در مورد پذیرش یک پناهنده احتمالی توجیه شده‌اند. در صورت دریافت یک تلفن غیرعادی آنها سریعاً با افسر امنیتی و یا افسر آماده به خدمت تماس خواهند گرفت. گارد به افسر مربوطه اطلاع خواهد داد که شخصی می‌خواهد در مورد یک مسئله مهم با وی ملاقات کند و او نیز برای بررسی آن خواهد آمد. پس از آن گارد امنیتی سعی خواهد کرد ارباب رجوع را به اعصاب خود مسلط سازد و در صورتی که زبان او را نفهمد سعی خواهد کرد با استفاده از کارتهای مخصوص نام، ملیت و حرفه او را تعیین کند.

(۲) افسر امنیتی یا افسر آماده به خدمت پس از مشخص کردن این مسئله که ارباب رجوع متقاضی پناهندگی سیاسی است فوراً با ریاست ایستگاه تماس گرفته و پیام را به او خواهد داد و منتظر ورود او و تحویل ارباب رجوع می‌گردد.

ه - تماس در محل سکونت: در صورتی که با یکی از مقامات آمریکایی در محل سکونت تماس گرفته شود و یا در صورتی که فردی از ملیتهای مذکور طی یک مکالمه تلفنی بخواهد با وی ملاقات نماید، همان اهداف اساسی از قبیل پذیرش، تأمین امنیت و مطلع ساختن مقامات مسئول به کار گرفته می‌شود، لیکن کاربرد آنها متفاوت است، ولی نباید اصول شدید و سختی در پیش گرفته شود، بخش اعظم مسئله بستگی به قضاوت مقام آمریکایی دارد.

سند شماره (۳)

۳ ژانویه ۷۳ - ۱۳ دی ۱۳۵۱  
از: ریاست بخش بلوک شوروی  
اقدام: بخوانید و به عنوان مرجع نگاه دارید

موضوع: حساس ردتاپ، بازگرداندن داوطلبین کمونیست

۱- در ماههای اخیر تعدادی از اتباع ملیتهای ردتاپ REDTOP وارد تأسیسات ال.ان. باز (L.N.BUZZ) شده و متقاضی پناهندگی سیاسی شده‌اند. بسیاری از آنها به صورت پناهنده و یا متارکه‌گر درآمده‌اند و بسیاری از افراد گروه دوم نیز اطلاعات مفیدی ارائه کرده‌اند. تعداد عمده‌ای از آنها متقاعد شده‌اند که به کشور خویش بازگردند و برای ما کار کنند و اکثر آنها نیز در حال حاضر به عنوان عوامل درازمدت در مکان مربوطه برای ما حائز اهمیت می‌باشند. در بعضی از موارد، قرارگاهها توانسته‌اند در برخورد با داوطلبین ردتاپ به خوبی عمل کنند و در موارد دیگر فرصتهای فوق‌العاده ارزشمندی را از دست داده‌اند. این از دست رفتنها عموماً نتیجه عدم درک صحیح اهداف، اولویتها و تواناییهای دبلیو.او.میس (W.O.MACE) در قرارگاههای حوزه فعالیت و نتیجه مشکل بودن برقراری ارتباط با داوطلب بوده است. این مرسله و ضمیمه آن به منظور تصریح اهدافمان و آشناسازی قرارگاههای حوزه فعالیت با تواناییهای بی.کی. هرالد (BKHERALD) در بهره‌برداری از داوطلبین ردتاپ و به منظور قادر ساختن مأموران به کسب اطلاعات ضروری از اتباع ملیتهای ردتاپ که با آنها زبان مشترک ندارند طرح‌ریزی شده است.

۲- گذشته از مسئولیتهای ال.ان. باز در قبال متقاضیان پناهندگی و کمک به پناهندگان که در مرسله‌ها و نامه‌های هوایی دیگر بحث آن رفته است، ما در اینجا فقط در رابطه با افرادی صحبت می‌کنیم که دارای اهمیت اطلاعاتی هستند. گرچه متارکه‌گران می‌توانند اطلاعات بسیار خطیری ارائه کنند، ولی موارد کمی را می‌توان پیدا کرد که اگر فرد مزبور به محل کار سابق خود بازگشته و در محل مربوطه حداقل برای یک مدت متعارفی مانده بود به ارزشش افزوده نمی‌شد بنابراین «بازگرداندن» باید هدف اولیه در برخورد با یک داوطلب خوش - محل باشد. علاوه بر این، معمولاً تحت ارشاد ستاد مرکزی، گاهی باید سعی کرد که یکی از افرادی که یک عامل مفید می‌تواند باشد، حتی اگر دسترسی چندان به منابع حساس نداشته باشد، بازگردانده شود. در صورتی که یک داوطلب جوان و خوش‌برخورد با انگیزه‌های مهم، ولی بدون دسترسی به منابع مهم وارد شود، ما آماده‌ایم که او را در حرفه‌اش کمک و راهنمایی نمائیم تا بتواند به منابع موردنظر دسترسی پیدا کند. اکثر این‌گونه افراد پناهنده هستند و نه متارکه‌گر، معقول این است که بازگردانیده شوند.

۳- وقتی که ما از بازگرداندن یک داوطلب برای «کار در محل مربوطه» صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که او پس از بازگشت به موطن خود در محل موردنظر به کار مشغول شود. واضح است که اگر یک مقام کمونیست مستقر در منطقه شما بتواند بازگردانده شود، ما خواهیم توانست از موقعیت وی تا زمانی که خارج از کشور کمونیستی مستقر است بهره‌برداری اطلاعاتی بنماییم. ولی به استثناء موارد خاص، هدف نهایی ما این است که داوطلب به موطن خود بازگردد و به عنوان عامل یا جاسوس ما در داخل کشور خود به کار مشغول شود.

۴- بی.کی. هرالد در داخل کشورهای ردتاپ عوامل مقیم بسیاری دارد. ما قادر هستیم عملیات خود



را برای مدت نامعلومی ادامه دهیم و می‌توانیم در زمانی که یک عامل باید کشور خود را ترک کند در خانواده‌های آنها در کشورهای ردتاپ عامل دیگری را به کارگیریم. برای اینکه بتوانیم داوطلبها را به صورت یک عامل مقیم ردتاپ درآوریم، لازم است که تمام مقامات بی.کی. هرالد که ممکن است با این‌گونه اشخاص مصاحبه نمایند. با روشهای ما آشنا شده و علاوه بر این لازم است که تمام قرارگاههای حوزه فعالیت وسایل عملیاتی خاصی را در اختیار داشته باشند، تا بتوانند اطلاعات مورد لزوم ستاد مرکزی را به دست آورده و به ما بدهند تا ما نیز بتوانیم روش اقدام صحیح را پیش پای آنها بگذاریم. در مورد تمام داوطلبین، زمان شدیداً محدود است؛ مگر آنکه مقام‌رابط بتواند حداقل اطلاعات ضروری را به دست آورد، مگر آنکه به ستاد مرکزی سریعاً اطلاع داده شود، و مگر آنکه ستاد بتواند سریعاً با راهنمایهای لازم به آنها پاسخ دهد، و در غیر این صورت می‌بینیم که فرصت بازگرداندن یک داوطلب سریعاً از دست‌رفته است. بنابراین، قرارگاههای حوزه فعالیت باید آماده باشند که بتوانند با عوامل بالقوه‌ای که ممکن است امکان ملاقات دیگری با آنها نباشد و نیز در مورد آنهايي که طرح‌ریزیها می‌تواند سر فرصت و باحوصله انجام گیرد برخورد نماید.

۵ - روشهای کلی مورد استفاده «در بازگرداندن» را شاید با تشریح موارد خاصی که با وجود محدودیت زمان با آنها اخیراً برخورد شده بتوان بهتر توضیح داد:

الف - در اولین ملاقات قرارگاه با پایگاه فرد را در مورد انگیزه‌ها، سوابق بیوگرافیک و دیگر دستورات عملیاتی ضروری مورد سؤال قرار می‌دهید. در صورتی که زمان اجازه دهد، در رابطه با نکات مورد نظر قرارگاه یا پایگاه در پرس‌وجوهای اولیه یا بعدی قبل از عزیمت وی می‌توانید سؤالاتی بنمایید.

ب - جریان و تمام جزئیات مربوطه به وسیله تلگرام فوری یا آنی به اطلاع ستاد رسانیده می‌شود. در این رابطه اگر چند تلگرام کوتاه ارسال کنید مؤثرتر از تلگرامهای طولانی‌تر خواهد بود.

ج - ستاد با راهنمایی در مورد قرارگاه یا پایگاه و داوطلب پاسخ می‌دهد و یک سیستم رمزنویسی خاص را پیشنهاد می‌کند. از داوطلب خواسته می‌شود که این سیستم رمز را حفظ کند و برای او یک شاخص رمزنویسی تعیین می‌گردد. پس از آن به داوطلب گفته می‌شود که به کشورش بازگردد و منتظر نامه‌ای باشد (که توسط مقام بی.کی.هرالد بطریق امنی برای او به کشورش ارسال خواهد شد) که دو یا سه ماه پس از مراجعت برای او فرستاده خواهد شد و حاوی دستورات نوشته شده به رمز می‌باشد.

د - ستاد نیز پس از آن محموله‌ای از وسایل ارتباط مخفی احتیاجات گزارشگری و دستورات دیگر را فراهم می‌آورد و یا از طریق پرتاب از هواپیما و یا به طریق مطمئن دیگری به دست عامل در موطن خود می‌رساند.

ه - پس از آن یک پیام رمز نوشته از داخل کشور به داوطلب داده می‌شود تا بداند که محموله عملیاتی را چگونه دریافت دارد.

۶ - البته طرح عملیاتی دقیق نسبت به شرایط تغییر می‌کند؛ مثلاً آیا هویت و دسترسی به داوطلب مشخص شده و یا نامعلوم است؟ آیا این یک عملیات ضربتی است که در آن ما از نظر زمانی با داوطلب دچار محدودیت هستیم و یا زمان کافی برای تکمیل یک طرح پیچیده و مؤثر عملیاتی وجود دارد؟ پاسخ به این سؤالات مشخص می‌کند که آیا باید با او به طور غیرمستقیم و غیرشخصی تماس برقرار شود و یا باید او را فوراً در یک طرح ارتباطی قرار دهیم که از طرف کارمندانمان در کشورهای ردتاپ ما را به

مخاطره می‌اندازد. اگر زمانی کافی وجود داشته باشد و پاسخ به سؤالات نیز حاکی از آن باشد، به بعضی از این افراد بازگشت شونده می‌توان قبل از مراجعت به کشورشان پیامهای رمز نوشته‌ای تحویل داد.

۷- مهمترین عاملی را که در یک برنامه ضربتی باید در نظر داشته باشیم این است که حتماً آدرس پستی داوطلب در مؤظن وی را به دست آوریم. منظور ما آدرسی است که وی بتواند از طریق آن نامه‌های پستی شده به او در داخل کشورش را بدون دردسر به دست آورد. و ممکن است آدرس محل سکونت و یا آدرس دوست و خویشاوندی باشد که به محض دریافت نامه به او مظنون نشود. مؤثرترین روش کسب این اطلاعات این است که او در پشت پاکتی آدرس را به زبان خودش بنویسد و در ضمن به وی اطمینان داده شود که از آن فقط به عنوان یک نمونه استفاده خواهد شد. علاوه بر این ما باید یک شاخص رمز نوشته برای او در متن باز تهیه کنیم که به صورت یک نام و یا عبارت باشد و او به محض رؤیت آن بفهمد که نامه حاوی رمز نوشته شده است. در اولین پاسخ، قرارگاه معمولاً خواهد گفت که آیا رمز نویسی معتبر است و دیگر اینکه از چه سیستم رمز نویسی باید استفاده شود. در صورتی که زمان کافی وجود ندارد، بی‌درنگ به داوطلب مهم، یکی از سیستمهای آبی و یا حرارتی رمز نویسی را بدهید. تحت این شرایط اگر داوطلب نخواهد هیچ یک از سیستمهای یاد شده را بپذیرد بدون در نظر گرفتن تأیید ستاد مرکزی سیستم میکرو دات را به او بدهید.

۸- در مورد داوطلبی که ستاد فرصت کافی برای راهنمایی و تخصص دارد شرایط برخورد فرق می‌کند. در صورت موجودیت زمان کافی و امیدوارکننده بودن فرد مزبور ما می‌توانیم یکی از مأموران کادری مجرب در سیستمهای ارتباطی مورد استفاده در منطقه کمونیستی را بفرستیم تا وی را در زمینه این ارتباطهای منظم، مستقیماً آموزش دهد. در این مورد ما ممکن است اصلاً احتیاجی به ارسال نامه به عامل در منطقه رد تاپ نداشته باشیم و مستقیماً با وی تماس شخصی برقرار سازیم. در صورت کافی بودن زمان و ناشناس بودن فرد، احتمالاً سعی خواهیم کرد با استفاده از فرصت انگیزه‌ها و تناسب وی را به عنوان یک عامل مشخص سازیم. این مورد نیز می‌تواند از طریق ارتباط تلگرافی به ستاد، یا از طریق ارسال یک افسر آماده به خدمت موقت از قرارگاه حل شود.

۹- به منظور سهولت بازجویی از داوطلبین در برنامه‌های ضربتی و غیر ضربتی، ضمیمه «الف» حاوی سؤالاتی به زبان انگلیسی و چند زبان کشورهای رد تاپ است. از داوطلب خواسته می‌شود که با دست خط خود و با حروف درشت به این سؤالات پاسخ دهد.

جدول از الفبای YKBAND, VSYOKE, CKPOLAR با تلفظ آنها به حروف لاتین تهیه شود که می‌توان توسط آنها پاسخ هر فرد به زبان اصلی اش را گزارش نمود. در صورت تمایل، تلگرامها را می‌توانید به شماره ضمیمه متصل ساخته و به این مرسله ارجاع دهید. پرسش نامه به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول مربوط به وضع، مقام و تاریخچه بیوگرافیک داوطلب است. بخش دوم خواستار دریافت پاسخهایی عملیاتی است که می‌تواند در طرح ارتباطی مخفی مفید واقع شود. در صورت کافی بودن زمان، از داوطلب بخواهید که بخش دوم را پس از تکمیل بخش یکم و پس از صدور اجازه از طرف ستاد به قرارگاه تکمیل نماید، ولی در موارد امیدوارکننده‌ای که وقت کافی موجود نیست به قرارگاهها اجازه داده می‌شود که بنا به ابتکار خود در مورد بخش دوم عمل کنند. ارزش این پرسش نامه این است که از طریق آن مقامی که به زبان اصلی داوطلب آشنایی بسیار ندارد، می‌تواند اطلاعات ضروری و لازم را کسب نماید.

علاوه بر این، این امکان پدید می‌آید که حتی در صورت محدودیت زمانی به مهمترین سؤاها پاسخ داده شود و از طریق جوابهای نوشته شده در قبال سؤاها نکات ابهام و اغلاط نیز به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد.

۱۰- ضمیمه «ب» حاوی فرمهایی به زبان انگلیسی و زبانهای ردتاپ است تا ایجاد ارتباط رمز نویسی با داوطلب با سهولت انجام گیرد. سؤالاتی نیز در رابطه با آدرس پستی او در زادگاهش و نوع نامه‌هایی که در آنجا دریافت می‌کند، تعیین یک شاخص رمز نویسی، یک سری دستورالعمل جهت ظهور یا خواندن سیستمهای رمز نوشته متفاوتی که یک عامل دریافت می‌دارد (شامل میکروادات) و احتیاج به ظاهرکننده خاصی ندارد و رمز نویسی کارین نیز در آن آمده است. دستورالعملهای مربوط به عامل توأم با نمونه پیامهای ظاهر شده و پیامهای آماده‌ای است که داوطلب می‌تواند در صورت فرصت با تمرین آنها را ظاهر نماید. دستورالعملهای مربوط به میکروادات نیز شامل گلوله‌های عدسی و نمونه‌های میکروادات است. کاربنهای رمز نویسی تمرینی نیز با دستورالعمل مربوط به رمز نویسی کاربنی ارائه می‌شود. متون زبانهای خارجی به دو صورت تهیه شده است: به صورت استاندارد و به صورت نوشته‌های ریز با کاغذ قابل حل در آب. نوع دوم را می‌توان به داوطلب داد تا در فرصتهای موجود به مطالعه آنها بپردازد؛ ولی او نباید به هیچ وجه همراه با این دستورالعملها به کشورش مراجعت نماید.

۱۱- دستورالعمل ضمیمه «ب» مفصل‌تر از فرمهای استاندارد WOLOCK به منظور استفاده و آموزش دادن توسط تکنیسین رمز نویسی است. این متون وسیع فرض را بر آن قرار می‌دهند که مقام رابط در موقعیتی قرار دارد که از نظر دستورالعمل قادر نیست کمک چندانی به داوطلب بنماید، ولی باید متوجه بود که گرچه این دستورالعملها گسترده و وسیع هستند، ولی بدون ارائه آموزش توسط یک مدرس رمز نویسی نمی‌توانند به قدر کافی مؤثر واقع شوند. در مواردی که شرایط و زمان ایجاب کند ما ترجیح می‌دهیم که تکنیسین WOLOCK جهت آموزش فرد فراخوانده شود، به همین ترتیب رؤسای قرارگاه و یا پایگاه نیز در صورت فرصت خود را در اختیار تکنیسین CCB/ بگذارند تا مقام رابط نیز به طور کامل در مورد استفاده از سیستمهای ارائه شده آموزش دیده و در موارد لزوم از آنها استفاده کند. حداقل تمام مقاماتی که با داوطلبها سروکار دارند بایستی با مثالها و نمونه‌های ضمیمه «ب» آشنایی پیدا کنند. در صورت لزوم می‌توانیم نسخه‌های دیگری از این نمونه‌ها را برایتان ارسال داریم. تمام افسران عملیاتی حوزه فعالیت نیز باید کاملاً با این فنون آشنا بشوند.

۱۲- تجزیه و تحلیل داوطلبین ردتاپ در سالهای اخیر صریحاً نشان می‌دهد که سازمانهای ردتاپ از داوطلبهای پیچیده و جدی به عنوان یک محرک استفاده نکرده‌اند، ولی ترس از تحریک، بیش از علل دیگر مسئول بد رفتاری با داوطلبین بوده است. ما نتیجه گرفته‌ایم که اگر به دلیل ترس از تحریک از یک مورد امیدبخش دوری گزینیم به خودمان خدمت نکرده‌ایم. ما مایل هستیم که ظاهراً طی یک دوره معقول با یک فرد مفید کار کنیم و می‌توانیم آن را به طریقی انجام دهیم که اگر فرد مورد نظر تحت کنترل بود ضرر چندانی به ما نرسد. ما می‌توانیم مشخص کنیم که آیا یک عامل مولد اطلاعات صادقانه‌ای ارائه می‌کند یا خیر.

۱۳- یک مسئله حقوقی مربوط به ترغیب «به بازگشت» نیازمند اظهار نظر خاصی است. بسیاری از داوطلبین و متارکه‌گران با اصرار، خواهان تضمین اسکان دوباره در WODUAL می‌باشند؛ قرارگاه حق

ندارد به اختیار خود چنین تعهدی بنماید و ستاد نیز از قدیم الایام مایل نیست این اعتبار را عطا کند. عامل یا جاسوسی که با کمال وفاداری «در داخل» طی یک دوره (معمولاً چند سال) به آمریکا خدمت کند اگر زمانی بخواهد «بازنشسته» شود درخواست وی تحقق خواهد یافت و افسران عملیاتی حوزه فعالیت صلاحیت‌دار نیز معمولاً این نکته را بدون تعهدی خاص در مورد اسکان دوباره در WODUAL به آنها یادآور می‌شوند. «غرب» یا «یک کشور دوست» کلماتی قابل قبول هستند. ولی ستاد به عنوان آخرین راه چاره و در صورتی که ارزش یک داوطلب ایجاب کند تعهد خواهند کرد که وی را در WODUAL اسکان دهد، ولی قرارگاه باید تلاش کنند که بدون قبول چنین تعهدی داوطلب مزبور را بازگردانند.

۱۴- یک مسئله نهایی دیگری که مشکلاتی را به وجود آورده این است که تلگرامهای مربوط به داوطلب همیشه مورد توجه عناصر ذینفع ستاد در مواقع درست قرار نمی‌گیرد. به منظور تسریع برخورد و تأمین امنیت کانال تلگرامی باید تحت عنوان «حساس PLAERONAUT» و با اولویت بسیار ارسال گردد. استفاده از اولویت‌های بالا نیز توسط محدودیت زمانی مشخص می‌شود. حداقل در ملاقات اولیه، تلگرام نباید حامل شاخص FJPASTIM و یا حاوی درگیری رسمی با WONIK باشد تا مورد تصویب ستاد قرار گیرد. شاخص PLAERONAUT حداقل تا زمانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت که امیدی به بازگرداندن فرد نباشد. رابرت پی. تیزی

#### سند شماره (۴)

##### سرّی

#### موضوع: دستورالعمل‌های مربوط به داوطلب

این یادداشت به صورت مروری بر مسئولیتهای پرسنل قرارگاه در هنگام رویارویی با داوطلبی از شوروی، اروپای شرقی، چین، کره شمالی، ویتنام شمالی، کوبا و کشورهای چوچون سوریه و عراق مطرح می‌شود. همان‌گونه که حتماً می‌دانید، داوطلبین، مخصوصاً در حوزه شوروی اطلاعات بسیار خطیر و مهمی را در اختیار آژانس قرار داده‌اند. در تجارب بخش بلوک شوروی، حاصل از برخورد با داوطلبین روسی و اروپای شرقی در خارج از بلوک، دلیلی در دست نیست که براساس آن بتوان گفت که سازمان کا.گ.ب.جی.آر.یو سعی کرده‌اند با عملیات نفوذی خود پرده از روشها و پرسنل آژانس بردارند. نکته اصلی این است که داوطلبین این کشورها معمولاً مشروعیت دارند و تا زمانی که عکس آن ثابت نشده باید با آنها به همان نحو رفتار نمود. لطفاً به خاطر بسپارید که یک داوطلب متارکه‌گر نیست و مهم نیست که او چه می‌گوید و موقعیتش چیست. این را به خاطر داشته باشید تا مسئله به کارگیری و یا بازگرداندن در نتیجه این برداشت که وی ممکن است به دنبال بیاناتش یک متارکه‌گر به حساب آید از میان برود.

در اکثر موارد گارد محافظ، افسر آماده خدمت یا افسر امنیتی سفارت حضور یک داوطلب را در محوطه سفارت یا کنسولگری به شما اطلاع خواهد داد. همچنین ممکن است که از دفتر حفاظت منافع آمریکا یا گروه کمک مستشار نظامی آمریکا به عنوان نقطه تماس استفاده شود. به این مقامات دستور داده شده است که ما را با جمله «من برای آقای میدی پیامی دارم» و همراه با محل آقای میری در جریان ورود یک داوطلب احتمالی قرار دهند. به گاردهای محافظ نیز گفته شده است که ریاست ایستگاه، معاون ریاست ایستگاه و ریاست شعبه اول را در جریان امر بگذارند. در غیاب تمام این افراد او باید به یکی از

مقامات ایستگاه آشنا موضوع را گزارش دهد. به هر حال زمانی که شما وارد سفارت یا کنسولگری می‌شوید داوطلب یا همراه گارد محافظ خواهد بود و یا در کتابخانه سفارت منتظر شماست. همراه با فرد مزبور شما وارد اطاق ۱۱۳ سفارت (دفتر مخفی ریاست شعبه اول) یا اطاق ۴۰۴ کنسولگری می‌شوید که هر دو آنها محیطی امن برای بازجویی‌های اولیه است. در صورتی که پس از ملاقات با فرد داوطلب متوجه شدید که زبان یکدیگر را نمی‌فهمید ما در مورد زبانهای بلوک، روسی و چینی مطالبی تهیه کرده‌ایم که حاوی تعارفات اولیه به زبان اصلی فرد مزبور، مطالب مربوط به بازجویی، و تقاضانامه پناهندگی سیاسی است (این پاکتها در گاو صندوق شعبه اول و کشوی بالایی گاو صندوق معاون ریاست ایستگاه قرار دارند). علاوه بر این فهرستی از اسامی آن دسته از مقامات سفارت را که زبانهای خارجی مورد نیاز را می‌دانند تهیه کرده‌ایم.

واضح است تمام مسائل و مشکلاتی را که در رابطه با یک داوطلب ممکن است گریبانگیر شما بشود نمی‌توان پیش‌بینی کرد که روش مورد استفاده جهت تماس او با شما و یا وضع روحی و جسمانی او در لحظه ورود از این جمله است. معذالک فهرست ضمیمه به شما راهنماییهایی لازم را می‌نماید و نشان می‌دهد که حداقل چه اطلاعاتی را باید از یک داوطلب کسب نمایید.

بنابراین:

الف - از او بخواهید که به سفارت یا محل کار خود بازگردد (اگر یکی از مقامات PCS است)، در توجیه این اصرار می‌توانید بگویید که برای خارج نمودن وی از کشور به زمان بیشتری نیاز دارید. اگر فرد معقولی است، به او دستورالعمل ملاقات بعدی (شامل زمان، محل ملاقات و محل ثانی ملاقات) و شرایطی را که باید برای ملاقات بعدی فراهم آورد به او بدهید. هر افسر باید منطقه یا مکان امنی را برای چنین رویدادهایی در نظر داشته باشد.

ب - اگر وی موافقت کند که در محل خودش به کار مشغول شود، ولی به طور موقت به اینجا آمده است و به زودی به نقطه دیگری خواهد رفت مسائل زیر باید در نظر گرفته شود:

(۱) آدرس موطنش را که از طریق آن نامه‌های ارسالی را به دست می‌آورد بگیریید و بگویید که در پشت پاکتی، خودش این آدرس را مرقوم دارد.

(۲) یک شاخص رمز نویسی برای داوطلب معین کنید که معمولاً به صورت نام یا عبارتی در متن باز نامه باشد و او با رؤیت آن متوجه شود که نامه حاوی رمز - نوشته است.

(۳) به او باید نحوه ظهور رمز نویسی نیز گفته شود (دستورالعمل مربوط به رمز نویسی آبی و حرارتی نیز در ضمیمه ارسال شده است). اگر زمان کافی وجود ندارد که بتوان با ستاد در مورد صدور رمز نویسی مشورت کرد، بدون درنگ دستورالعمل مربوط به ظهور سیستم رمز نویسی آبی یا حرارتی را به داوطلب امیدبخش بدهید.

(۴) مشخص کنید که آیا او دوستان و یا خویشاوندان غربی طرف مکاتبه در غرب دارد و یا دوست و خویشاوندی دارد که به غرب مسافرت کرده و یا خواهند کرد یا خیر.

اگر او با کار در محل مربوطه موافقت نکرد یا شرایط موجود این امکان را از بین می‌برد، او را در نقطه‌ای دور از دسترس افراد محلی اسکان دهید تا در مورد وی تصمیمی گرفته شود (در این مورد می‌توان از یک اطاق کوچک دارای توالیت در مجاورت آزمایشگاه عکاسی محوطه سفارت و یا به عنوان آخرین راه

چاره از یکی از آپارتمانهای سفارت استفاده نمود) و در تمام اوقات یکی از افسران ایستگاه باید همراه داوطلب بماند.

یک تلگرام فوری همراه با کلیه اطلاعات مربوطه به قرارگاه بفرستید. در صورتی که داوطلب مزبور عضو یکی از سفارتهای محلی است به پرونده ۲۰۱ سفارت مراجعه کنید و اطلاعات ذکر شده در آن را نیز به قرارگاه بفرستید. به دنبال آن اطلاعات حاصله از بازجویی را نیز ارسال نمایید. در صورتی که داوطلب خواستار متارکه نیست شما نمی‌توانید به او قولی بدهید، لیکن می‌توانید به او اطمینان بدهید که در مورد وی همکاری تام به عمل خواهد آمد. این بار باید حتماً از او یک تقاضای پناهندگی با دست خط خودش دریافت دارید (خطوط اصلی این تقاضانامه به زبانهای مختلف در گاو صندوق ریاست شعبه اول و گاو صندوق معاون رئیس ایستگاه وجود دارد).

در صورتی که داوطلب خواستار متارکه بود و یکی از مقامات اطلاعاتی مورد توجه ستاد است ماسعی خواهیم کرد او را به سرعت از کشور خارج سازیم. اگر داوطلب در این طبقه واقع نمی‌شود و از نظر عملیاتی نیز نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، کمیته متارکه‌گر سفارت بنابه دستور ریاست ایستگاه تشکیل جلسه خواهد داد تا مشخص شود که آیا می‌تواند به او امتیاز متارکه‌گر راداد یا خیر. در صورتی که داوطلب یک افسر اطلاعاتی باشد و یا بتوان از او استفاده عملیاتی نمود، کمیته متارکه‌گر تشکیل جلسه نخواهد داد و در جریان امر نیز قرار نخواهد گرفت.

#### سند شماره (۵)

#### دستورالعمل مورد استفاده برای کاربن نویسی (رمز نویسی)

(این دستورالعملها را به دقت بخوانید)

#### ۱- رمز نویسی با کاربن

یک کاربن رمز نویسی مانند یک قطعه کاغذ نامه‌نگاری عادی است. لیکن این کاغذ خاص مانند کاغذ کاربن ماشین تحریر عمل می‌کند و تحت فشار یک مداد، یک جوهر غیر قابل رؤیت از آن بر روی یک صفحه کاغذ منتقل می‌گردد. بین کاربن ماشین تحریر و کاربن رمز نویسی چهار تفاوت اساسی وجود دارد. (۱) جوهر کاربن رمز نویسی غیر قابل رؤیت و بسیار ناچیز است، (۲) هر دو طرف این کاربن رمز نویسی دارای آن جوهر خاص است و شما می‌توانید از هر دو طرف آن استفاده کنید، (۳) اگر این کاربن را در جای مناسب نگاهدارید و در کارکردن با آن دقت نمائید می‌توانید از هر کاربن برای نوشتن ۳۰ پیام استفاده نمائید. (۴) تنها ما قادر به خواندن آنچه نوشته‌اید هستیم. با استفاده از این کاربن رمز نویسی شما به طریقی خالی از خطر با ما ارتباط برقرار خواهید کرد.

مراقب باشید که کاربن رمز نویسی کثیف و یا با کاغذهای دیگر اشتباه نشود. هنگام استفاده از کاربن دستهایتان باید تمیز باشد و تنها لبه کاغذ را با دست بگیرید کاربن را در جایی بگذارید که بتوانید آن را بعداً پیدا کنید تا در ضمن کثیف نیز نشود. برای سهولت در تشخیص آن می‌توانید یک چیز معمولی مانند یک یادداشت، شماره تلفن و یا آدرس و غیره در یک گوشه آن بنویسید.

## ۲- آماده کردن کاغذ نامه سفید

برای این کار می‌توانید از هر کاغذی که برای نامه‌نگاریهای شخصی استفاده می‌کنید بهره‌برداری نمایید. بهترین نوع کاغذ غیر شفاف است که نه چندان ضخیم و نه چندان نازک می‌باشد.

کاغذی را که می‌خواهید بر روی آن چیز بنویسید بر روی یک سطح تمیز قرار دهید. با یک قطعه پارچه تمیز چون یک دستمال به آرامی از چپ به راست و از بالا به پایین کاغذ را کاملاً پاک کنید. پس از آن کاغذ را ۹۰ درجه چرخانده و همان‌کار را انجام دهید. کار تمیز کردن و چرخاندن نامه را در هر چهار جهت انجام دهید. سپس کاغذ را برگردانده و پشت آن را نیز پاک کنید این پاک‌کردنها سبب می‌شود که الیاف کاغذ بلند شود و جوهر سری را به خوبی در خود بپذیرند.

این نامه را درست مانند نامه‌ای که به اقوام و دوستان خود می‌نویسید، بنویسید این نامه باید حاوی مطالبی باشد که توجه بیگانگان را به خود جلب ننماید و علاوه بر این عناوینی داشته باشد که سبب تحریک سوءظن و کنجکاوی خواننده نامه نشود. بهترین راه برای فهمیدن اینکه این نامه خوب است یا خیر این است که از خودتان سؤال کنید «آیا این نامه ارزش ارسال شدن دارد؟ اگر جواب «بلی» بود نامه خوب است.» نامه را بر روی یک سطح نرم و تمیز و با یک خودکار بنویسید.

الف - در نامه چیزی ننویسید که شما را به عنوان ارسال‌کننده معرفی نماید.

ب - نام اصلی خود را در پایین نامه ننویسید. به جای آن از یک اسم مستعار استفاده کنید و در تمام نامه‌های آتی نیز همان نام را به کار ببرید.

ج - در پشت پاکت نامه آدرس و یا نام بازگشتی نامه را ننویسید.

د - نامه را در صندوق پستی محلی و منطقه‌ای خود نیندازید.

ه - نامه را به اداره پست نبرید. به جای آن از صندوق پست خیابانها استفاده کنید، البته در موقعی که کسی شما را نبیند.

## ۳- آماده کردن پیام سری

قبل از مبادرت به نگارش دستهای خود را کاملاً بشویید، شما باید پیام سری را درست مانند یک نامه عادی بنویسید. متن قابل رؤیت در کار خواندن پیام توسط ما دخالتی نخواهد داشت.

نوشتن پیام رمز باید به صورت زیر انجام شود.

الف - یک ورق کاغذ سفید و تمیز (الف) روی یک سطح سخت و تمیز (شیشه بهتر است) قرار دهید.

ب - نامه (ب) را روی آن قرار دهید به طوری که روی صفحه به سمت بالا باشد.

ج - کاربن رمزنویسی را روی نامه قرار دهید (C). اگر در یک طرف کاربن رمزنویسی چیزی نوشته‌اید تا کنجکاوی کسی تحریک نشود، روی نوشته نشده آن را حتماً بر روی نامه قرار دهید.

د - روی این کاربن یک ورق کاغذ تمیز دیگر (د) قرار دهید. این ورقی است که بر روی آن مطلب خواهید نوشت.

ه - چهار ورق مربوط را از طرف پایین و چپ با یکدیگر تطبیق دهید. با فشار کمی که بر روی حاشیه کاغذها می‌آورد از جابجا شدن آنها در هنگام نوشتن جلوگیری کنید. در نقاطی که چیزی می‌نویسید فشاری وارد ننمایید.

و - برای نوشتن از یک مداد نرم استفاده کنید (چون مدادهای سخت آثار قابل توجهی از خود به جای می‌گذارند). هنگام نوشتن با مداد آنقدر فشار وارد نکنید که آثاری از آن بر روی پیام رمز نوشته باقی بماند. همیشه فشار ثابتی را به کار ببرید. در هر چهار طرف کاغذ ۲ سانتی متر فاصله ایجاد کنید. نامه را به حروف درشت ۵ میلی متری بنویسید. به جای نقطه آخر جمله حرف «X» را بگذارید. اگر کلمه خاصی مانند نام و یا شماره‌ای بسیار پراهمیت است آن را دوبار بنویسید. یعنی یک بار آن را نوشته و پس از کلمه «تکرار» بار دیگر آن را بنویسید. در پایان پیام رمز نویسی کلمه «پایان» را بنویسید.

ز - پس از خاتمه پیام رمز نوشته کاغذ (د) را از بین برده، کاربن رمز نویسی (ج) را جهت استفاده‌های آتی پنهان سازید. با دقت هر دو طرف کاغذ (ب) را بررسی کنید تا آثار نوشتن بر روی آن نمانده باشد. برای این کار آن را به طور مورب در برابر نور بگیرید و نامه را به آرامی بچرخانید و بالا و پایین ببرید اگر در روی این نامه اثری مشاهده کردید آن نامه را از بین ببرید و با استفاده از فشار کمتر نامه دیگری بنویسید. ح - اگر هنگام نوشتن پیام رمز اثری بر روی کاغذ بماند آن نامه باید نابود شود، بهتر است قبل از نوشتن هر پیام تمرین کنید، لیکن به جای استفاده از یک نامه و کاربن رمز نویسی واقعی از اوراق تمیز استفاده کنید. وانمود کنید که در حال نوشتن یک پیام رمز هستید با فشار کم یک جمله بنویسید و به نوشتن این جمله ادامه دهید. لیکن در هر جمله میزان فشار را بالا ببرید. ورق «ب» را در زیر نور بررسی کنید. می‌بینید که باید از بیشترین فشار استفاده کنید تا اثری از آن برجای نماند علت هم این است که کاربن رمز نویسی برخلاف کاغذ کاربن ماشین تحریر حساسیت بسیاری ندارد.

ط - پس از آنکه اطمینان یافتید که از مداد بر روی نامه اصلی اثری باقی نمانده دستهای خود را بشویید، نامه را طبق معمول تا کرده و در پاکت بگذارید. هنگام این کار دقت کنید که انگشتان بر روی بخش رمز نوشته مالیده نشود چون این کار باعث پاک و ناخوانا شدن آن می‌گردد. می‌توانید با استفاده از یک قطعه کاغذ نامه اصلی را تا کنید، ولی یادتان باشد که آن را همراه نامه اصلی در پاکت قرار ندهید.

#### ۴- اقدامات احتیاطی

الف - هرگز نامه اصلی را در تماس با کاربن رمز نویسی قرار ندهید. کاربن رمز نویسی و نامه‌ها را تنها به کمک لبه آنها بردارید و آنها را به هیچ وجه تا ننمایید.

ب - در پیام رمز نویسی هرگز سعی نکنید کلمه‌ای را پاک کرده و یا دوباره بنویسید. به جای آن کلمه اشتباه را پس از کلمه نادرست بنویسید و پس از آن کلمه صحیح را قرار دهید.

ج - قبل از نوشتن پیام، پیش نویسی از آن را تهیه نمایید. به این ترتیب خواهید توانست قبلاً اصلاحات لازم را انجام دهید. علاوه بر این پس از تهیه پیش نویس خواهید توانست به نحوه نوشتن خود توجه بیشتری کرده و اشتباه نکنید.

#### ظاهر کردن پیامهای رمزی با آب

پیامهایی که ما برای شما خواهیم فرستاد در پشت نامه و در زاویه راست متن باز، نوشته خواهد شد. این پیام حاوی دستورالعملهای دیگری برای شما خواهد بود.



نامه‌های سری رامی توان به چند طریق ظاهر نمود. عملی‌ترین کار این است که نامه را در یک ظرف آب تمیزی عاری از روغن، صابون یا گریس قرار دهید تا پیام به صورت حروف شفاف بر روی یک زمینه رنگ پریده ظاهر گردد. اگر نامه مدت زیادی در آب بماند حروف کدر خواهد شد، به محض خوانا شدن متن پیام سری، نامه را از آب بیرون آورید آن را بر روی یک کاغذ سفید و تمیز قرار داده پیام را بخوانید. پیامهایی که با آب ظاهر می‌شوند تنها تا زمانی که خیس باشند قابل خواندن هستند، ولی آن را به همین ترتیب چهار بار می‌توان ظاهر کرد.

اگر مرکب خودنویس به آب ظرف اضافه شود پیام سری برای همیشه ظاهر و هرگز پس از خشک شدن ناپدید نخواهد شد و حروف سیاه‌رنگ و زمینه سفیدتر خواهد نمود. پس از آنکه پیامی را خواندید و یادداشتهای لازم را برداشتید حتماً آن را کاملاً از بین ببرید. احتیاط: کاغذ خیس به آسانی پاره می‌شود. هنگام ورفتن با پیام خیس دقت بسیار به خرج دهید.

### ظاهر کردن پیام رمز با استفاده از حرارت

پیامهای سری که ما برایتان می‌فرستیم حداقل یک بار قابل تکرار است. قسمت رو و پشت نامه هر یک حاوی یک نسخه از پیام خواهند بود. بنابراین در صورت مواجه با اشکال دوبار فرصت خواندن نامه را خواهید داشت. پیام سری، در زاویه راست متن باز نوشته شده است و دستورالعملهای دیگری نیز برای شما به همراه خواهد داشت.

۱- پیام سری با استفاده از حرارت نیز ظاهر می‌گردد. خود پیام سریعتر از کاغذ رنگ تیره به خود می‌گیرد. کاغذ آنقدر باید در مجاورت حرارت قرار گیرد تا پیام کاملاً خوانا باشد. فنون پیشنهادی به شرح زیر است:

۱- کاغذ را در برابر شعله آتش نگیرید چون ممکن است شعله‌ور شود. اگر از اجاق‌گاز استفاده می‌کنید روی شعله یک تاوه قرار دهید تا به صورت یک دیسک داغ درآید. هنگامی که تاوه شدیداً داغ شد کاغذ را روی آن نگهدارید تا کاغذ قهوه‌ای رنگ و پیام ظاهر گردد.

۲- از یک قطعه آهن صاف و یک اطوی برقی نیز می‌توان به عنوان منبع حرارتی استفاده کرد. در این مورد کاغذ توسط یک اطوی داغ اطوکشی می‌شود اطو را آهسته عقب و جلو بکشید تا پیام در روی صفحه ظاهر گردد. پس از خواندن پیام رمز و نت برداری، کاغذ حاوی پیام را کاملاً نابود سازید.

### سند شماره (۶)

#### ارتباط سری

حدود دو تا سه ماه پس از مراجعت به کشورتان نامه‌ای به زبان خودتان و در کشورتان دریافت خواهید کرد. لطفاً آدرس خود را درست مانند وقتی که نامه می‌نویسید بر روی پاکت بنویسید.

چه نوع نامه و یا نوشتارهایی را از طریق این آدرس به دست می‌آورید؟

این نامه حاوی شاخصی خواهد بود و نشان می‌دهد که یک پیام سری برای شما فرستاده شده، این شاخص می‌تواند با شخص امضاءکننده نامه، عبارت یا جمله‌ای در متن نامه و یا نحوه تاریخ‌گذاری نامه و غیره باشد. این شاخص را شما باید به آسانی به یاد بیاورید، لیکن دیگران نباید به آسانی متوجه آن شوند.

لطفاً شاخصی را که میل دارید در این مورد استفاده کنید در ذیل بنویسید.

### سند شماره (۷)

#### سرّی

#### فهرست بررسی داوطلب

- ۱- نام کامل و نام والدین او را مشخص نمایند (تبصره: در صورتی که داوطلب در ابتدا مایل نباشد اسامی را بدهد، بعداً پس از هماهنگی به آن بپردازید).
- ۲- تاریخ: محل تولد؛ خانواده - اسامی - تاریخ و محل تولد آنها.
- ۳- مقام دقیق او.
- ۴- آدرس و شماره تلفن محلی.
- ۵- آدرس و شماره تلفن در کشور اصلی او.
- ۶- اسنادی را که مربوط به هویتش همراه دارد بگیرد تا میزان صدقش معلوم شود (در صورت امکان اسناد عکس دار).
- ۷- او تا چه مدت می تواند در اینجا بماند.
- ۸- مشخص نمایید که آیا او یک مقام اطلاعاتی است. در این صورت نام مستعار، اطلاعات اساسی در مورد اقامت، عملیات او در منطقه و نقاط دیگر علیه اهداف آمریکایی.
- ۹- در مورد مسائل اطلاعاتی او را مورد بازپرسی قرار دهید: آیا اطلاعاتی در مورد خصومت علیه آمریکا، تأسیسات و همپیمانان آن دارد.
- ۱۰- مشخص کنید که آیا او عضو حزب کمونیست است.
- ۱۱- در مورد انگیزه اصلی او از آمدن به اینجا سؤال کنید: پناهندگی، کار در محل مربوطه، کمک، حفاظت و یا اینکه به منظور دیگری به اینجا آمده است؟
- ۱۲- ببینید آیا او در مورد آمدنش به اینجا با کسی صحبت کرده است و آیا خانواده اش نیز با او همراه است و یا با کسان دیگر در این مورد تماس گرفته است.
- ۱۳- در صورتی که این داوطلب عضو اطلاعاتی و یا مقام دولتی چین است، فوراً از او بخواهید که در محل خود با ما همکاری کند و از او بخواهید که فوراً به سفارت و یا محل کار خود بازگردد (در توجیه این امر می توانید اظهار دارید که دولت آمریکا به زمان بیشتری جهت تصمیم پیرامون پرونده و یا خارج کردن او از این کشور احتیاج دارد). اگر او با کار در محل موافقت دارد شرایط را به او بگویید.
- ۱۴- در صورتی که داوطلب موقتاً در اینجا به سر می برد و با همکاری در محل خود موافق است: (الف) آدرس پستی محل سکونت در کشورش را خواسته و بخواهید که آن را در روی پاکتی بنویسد. (ب) یک شاخص رمز نویسی برایش تعیین نمایید (نام یا عبارت). (ج) سیستم رمز نویسی آبی و حرارتی را به او داده و آن را برای او تشریح کنید، و به او بگویید که دستورالعملی در رابطه با رمز نویسی در داخل کشورش به او داده خواهد شد. (د) ببینید که آیا دوست و یا اقوامی در غرب دارد و یا خواهد داشت و یا او کسی را می شناسد که بتواند برای او نقش واسطه را ایفا کند.
- ۱۵- تماس دوباره: (الف) در مورد متقاضیان پناهندگی: در صورت امکان دو روز بعد به سفارت

بازگردد؛ در غیر این صورت در خارج از سفارت با وی ملاقات شود. (ب) در مورد افراد مایل به همکاری در محل مربوطه: در یک مکان عمومی ترتیب ملاقات بدهید (محل، تاریخ ملاقات محل ثانی، و علائم شناسایی را تعیین کنید.) (ج) برای افراد موقت: سعی کنید با وی در خارج در محل مربوطه ملاقات نمایید. ۱۶- مشخصات: قد، وزن، سن ظاهری، رنگ چشم، رنگ مو، رنگ چهره، دندان، لباس، وضع ظاهر، نحوه سخن گفتن.

۱۷- پول: اگر داوطلب به مقداری پول نیازمند است، تا ملاقات بعدی مقدار معقولی پول به او بدهید.

#### سند شماره (۸)

اطلاعاتی که شما با استفاده از این پرسشنامه ارائه می‌کنید تنها به وسیله مقامات ذیربط دولت آمریکا رؤیت و به عنوان اطلاعات خیلی محرمانه حفظ خواهد گردید.

در حال حاضر افسری که به زبان شما آشنایی کامل داشته باشد وجود ندارد. لطفاً اسنادی را که همراه شماست نشان دهید تا شخصی که این دستورالعمل را به شما داده از هویت شما مطلع گردد. این شخص ممکن است بخواهد برای مدت کوتاهی این اسناد را جهت تأیید نگهدارد، ولی قبل از آنکه امروز اینجا را ترک نمایید به شمار بازگردانده خواهد شد.

لطفاً زمانی را که می‌خواهید از اینجا بروید بنویسید (به رقم) ساعت. اگر امکان بازگشت شما به اینجا هست، تاریخ و زمان بازگشت خود به اینجا را در این محل بنویسید.

لطفاً پرسشنامه همراه را پر کنید تا بهتر بتوانیم به شما یاری دهیم. پاسخهای خود را به حروف درشت بنویسید. اگر به صفحات بیشتری احتیاج دارید می‌توانید از پشت این صفحات استفاده کنید.

#### بخش اول

- ۱- نام کامل:
- ۲- تاریخ و محل تولد:
- ۳- تابعیت:
- ۴- شغل:
- ۵- آدرس دائمی و شماره تلفن منزل:
- ۶- آدرس شما در شهر و کشوری که هم‌اکنون در آن به سر می‌برید.
- ۷- اگر لازم باشد که در چند روز آینده با شما تماس برقرار سازیم، چگونه این کار را انجام دهیم؟
- ۸- در صورتی که مسافر هستید چه زمانی این شهر را ترک خواهید کرد؟ تاریخ و محل مورد بازدید آتی خود را بنویسید. چه زمانی به کشور خود باز خواهید گشت؟
- ۹- به چه زبانی صحبت می‌کنید و می‌توانید بنویسید و بخوانید؟ لطفاً فهرستی از زبانها با در نظر گرفتن میزان تسلط خود بنویسید. هر زبانی را که خیلی خوب با آن تکلم می‌کنید اول و زبانی را که آشنایی کمتری دارید در آخر درج نمایید.
- ۱۰- میل دارید درباره چه مطالبی و با چه کسی صحبت کنید؟ ما چگونه می‌توانیم به شما کمک کنیم؟
- ۱۱- نام کامل و آدرس محل کار خود را بنویسید. وظیفه، تولید و رابطه سازمانی آن را با سازمانهای

بالا تر بنویسید؟

۱۲- کار کنونی خود را شرح دهید. عنوان شغلی شما چیست؟ رئیس شرکت / کارخانه / وزارتخانه شما کیست؟

۱۳- آیا در محل کار خود به اطلاعات یا اسناد سری دسترسی دارید؟ اگر پاسخ مثبت است بگویید که چه چیزهایی هستند؟ دسترسی قبلی خود به اطلاعات سری را در شغل کنونی شرح دهید؟

۱۴- میزان تحصیلات و رشته تحصیلی شما چیست؟

۱۵- اگر در ۱۰ سال گذشته در ارتش خدمت کرده‌اید، درجه، شعبه خدمات، واحد و وظایفی را که انجام داده‌اید بنویسید.

۱۶- آیا شما یکی از اعضای حزب کمونیست و یا سازمان وابسته آن هستید؟ تاریخ عضویت و مقام خود را بنویسید.

۱۷- در صورتی که قبلاً با یکی از سازمانهای اطلاعاتی همکاری داشته‌اید، اوضاع، تواریخ، اسامی اشخاص و مکانها و ماهیت دقیق فعالیت خود را شرح دهید.

۱۸- مقام کنونی شما چیست؟ آیا به عنوان یک سیاح تنها و یا با گروه سفر می‌کنید؟ آیا به یک مسافرت رسمی آمده‌اید؟ اگر برای انجام مسافرتها خارجی پاسپورت دارید، چه نوع ویزا و یا جواز سفر با خود دارید و تا چه مدت و برای چه کشورهایی اعتبار دارد؟

۱۹- آیا هیچ یک از اعضای خانواده‌تان با شما در این کشور به سر می‌برند؟ اگر جواب مثبت است نام، تاریخ تولد و نوع وابستگی او را به خودتان بنویسید.

#### سند شماره (۹)

#### بخش دوم

۱- آیا در یک یا دو سال آینده به خارج از کشور سفر خواهید کرد؟ کجا؟ کی؟ و به چه منظور؟

۲- اگر در پایتخت کشورتان زندگی نمی‌کنید چند بار می‌توانید به آنجا سفر کنید؟

۳- آیا در خارج از کشورهای سوسیالیستی دوستان یا اقوامی دارید؟ نام، آدرس و رابطه آنها با خودتان را بنویسید؟

۴- لطفاً آدرس خود را به همان صورتی که در موقع نامه‌نگاری به کار می‌برید روی یک پاکت بنویسید.

۵- توسط این آدرس چه نوع نامه‌های شخصی دریافت می‌دارید. ماهانه در داخل کشور چند نامه دریافت می‌کنید؟ از خارج کشور چند نامه در ماه دریافت می‌کنید؟ آیا مجله، کتاب و یا نوشتارهای تجاری نیز به دست شما می‌رسد؟ از طرف چه کسی؟

۶- آیا از طریق پست عمومی به شما نامه می‌رسد؟ اگر جواب مثبت است آدرس دقیق خود را بنویسید.

۷- در کشور خودتان چه نوع نشریه، روزنامه یا مجله غربی را می‌خوانید؟

۸- در محل سکونت در کشورتان چه کسی با شما زندگی می‌کند و رابطه او با شما چیست محل سکونت و تعداد اطرافها را به طور مختصر شرح دهید. در طبقه چندم ساختمان واقع شده؟ آیا نامه‌های شما در داخل صندوق پستی مخصوص شما نهاده می‌شود؟ اگر جواب مثبت است بگویید که صندوق پستی در کجا واقع شده؟ آیا نام و یا شماره آپارتمان روی آن نوشته شده؟

- ۹- آیا اتومبیل دارید؟ مدل، رنگ و شماره گواهینامه را بنویسید.  
۱۰- لطفاً نام، مدل، سال ساخته شدن رادیو و تلویزیون موج کوتاه خود را بنویسید.  
۱۱- چه نوع وسیله عکسبرداری دارید؟ آیا فیلمها را در خانه ظاهر می‌کنید؟

#### فرم چهارم

(مطالبی به زبان چینی - م)

لطفاً بیانیته بالا را با دست خط خود بر روی این کاغذ نوشته و امضاء کنید.

#### فرم پنجم

ما چنین برداشت کرده‌ایم که شما متقاضی پناهندگی سیاسی در آمریکا هستید، ما کاملاً میل داریم که به شما کمک کنیم، ولی چون در اینجا در حال حاضر کسی که چینی بداند وجود ندارد نمی‌توانیم در مورد این مسئله با شما به طور کامل بحث کنیم. بنابراین بهتر است که شما فوراً به سفارت خود بازگردید تا ما توسط تلگرام مقامی را به اینجا فراخوانیم که بتواند به زبان چینی صحبت کند.  
ما می‌دانیم که شما میل ندارید به سفارت خود بازگردید، ولی از شما می‌خواهیم که به آرامی و به سرعت بازگردید و در صورتی که از شما سؤال شد در مورد غیبت خود یک جواب قانع‌کننده به مقام بالا دست خود بدهید و با آرامش کار خود را ادامه دهید.

در طول هفته بعد با نوشتن نامه‌ای دلایل خود را برای تقاضای پناهندگی، ماهیت کار خود و جزئیات کار معمول خود، و مسافرت‌های تفریحی خودتان به خارج از سفارت را شرح دهید. لازم است بدانیم که شما چه مواقعی سفارت را ترک کرده، به کجا و با چه کسی می‌روید تا بتوانیم ترتیب تماس خالی از خطری را بدهیم. اگر می‌دانید که می‌توانید در دو هفته آتی به مدت ۱۵ دقیقه به سفارت ما بیایید تاریخ و زمان دقیق آن را بنویسید تا منتظر ورود شما باشیم.

نامه را در پاکتی که هم‌اکنون آدرس بر روی آن نوشته شده بگذارید، آن را در جای امنی نگاهدارید و فوراً بدون اینکه کسی شما را ببیند آن را پست نمایید.

شما مهمترین گام را برای رسیدن به پناهندگی و آزادی برداشته‌اید. به محض تأیید هویت و صداقت شما، ما طرحی خواهیم ریخت تا بوسیله آن شما بدون خطر فرار نمایید. لطفاً تصمیم درست را اتخاذ کنید و مطمئن باشید که در بقیه راه ما به شما کمک خواهیم کرد.

#### فرم ششم

شما در سفارت جمهوری خلق چین چه کاری انجام می‌دهید؟

- |  |     |     |
|--|-----|-----|
| کار تحقیق و بررسی در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی؟ | بلی | خیر |
| کار تحقیق و بررسی در مورد مسائل فرهنگی؟          | بلی | خیر |
| کار تحقیق و بررسی در مورد مسائل علمی؟            | بلی | خیر |
| کار ترجمه؟                                       | بلی | خیر |
| حسابداری و کتابداری؟                             | بلی | خیر |

- دریافت و توزیع اسناد رسمی از پکن؟ بلی خیر
- کار تجاری؟ بلی خیر
- کار تایپ و یا کد رمزی؟ بلی خیر
- ترجمه و تحقیق برای دفتر سازمان خبرگزاری چین؟ بلی خیر
- آیا در سفارت آشپز هستید؟ بلی خیر
- آیا به عنوان راننده، کارگر منزل یا باغبان کار می‌کنید؟ بلی خیر
- رئیس بخش مربوط به شما چه کسی است؟
- آیا شما عضو حزب کمونیست چین یا اداره تحقیقات سفارت هستید؟ بلی خیر
- آیا شما عضو ارتش آزادیبخش خلق یا اداره اطلاعاتی سفارت هستید؟ بلی خیر
- آیا شما اعضاء ارتش آزادیبخش خلق یا اداره اطلاعاتی سفارت را می‌شناسید؟ بلی خیر
- آیا شما در رابطه با اداره رابط بین‌المللی کار می‌کنید؟
- بلی خیر
- آیا شما عضو حزب کمونیست چین هستید؟
- بلی خیر
- آیا شما در جلسات توجیهی سفیر و یا کنسول شرکت می‌کنید؟ بلی خیر
- آیا می‌توانید وارد اطاق رمز (یا اطاق سرّی) شوید و اسناد و تلگرامها را بخوانید؟ بلی خیر
- قرار بود در چه زمانی برای کار یا گذراندن تعطیلات به چین بازگردید؟
- همین ماه - ماه آینده - در اواخر سال جاری - سال آینده
- آیا اخیراً توسط بالادست‌هایتان در سفارت از شما انتقاد شده است؟ بلی خیر
- دلیل انتقاد چه بوده است؟
- عکس‌العمل سیاسی ناراحت‌کننده؟ بلی خیر
- گرایشها و رفتارهای بورژوازی؟ بلی خیر
- اشتباه در کار؟ بلی خیر
- حال که اعصابتان آرامتر شده است، آیا می‌توانید خلاصه‌ای از تاریخچه شخصی خود را بنویسید؟ در این بیانیه باید تمام جزئیات مربوطه به تحصیلات، تجارب کاری و تجارب خود در حزب کمونیست چین را بنویسید، همچنین اسامی، محل، و شغل‌های تمام اعضای خانواده خود را بنویسید، در یک نامه ثانی، گزارشی کامل از وظایف خود در سفارت جمهوری خلق چین از زمان ورودتان به آنجا را بنویسید. چون فراگیری زبان انگلیسی برای شما بی‌فایده نخواهد بود، این شخص به شما انگلیسی یاد خواهد داد، کتابهای آموزشی به زبان چینی نداریم بنابراین آموزش به نحو مستقیم صورت خواهد گرفت.
- آیا شما مریض هستید؟ و می‌خواهید با یک پزشک ملاقات کنید؟ بلی خیر

فرم هفتم

دیگر دستورات عملها و عبارات مفید.

لطفاً روی این صندلی بنشینید. می‌خواهم از شما عکس بگیرم.

ما به مدت چند روز شما را به جای امنی خواهیم برد تا ترتیب خروج شما از کشور داده شود. این محل سکونت امن است و از شما حفاظت به عمل می‌آید. یک فرد آمریکایی همیشه با شما خواهد بود و در صورت نیاز به شما کمک خواهد کرد. این دستورالعمل را به کار بندید و بدون اجازه او ساختمان را ترک ننمایید. به شما وسایلی داده خواهد شد تا مدت اقامتتان توأم با آسایش باشد. پس از چند روز یک آمریکایی که به زبان چینی صحبت می‌کند به اینجا برای کمک به شما خواهد آمد و همراه شما از کشور خارج خواهد شد.

ما می‌خواهیم شما را تغییر چهره بدهیم تا در خارج از ساختمان کسی شما را نشناسد. پس از پایان تغییر چهره و در خارج از ساختمان دستورات شخصی را که همراهتان است به دقت به کار بندید. چمدانتان را همراه نبرید. آن چیزهایی را که در جیب جای می‌گیرد با خود برده و بقیه را در همین جا بگذارید. از آنها مواظبت و مراقبت به عمل خواهد آمد.

#### سند شماره (۱۰)

##### کارت ۱

سلام. من یکی از مقامات این سفارت هستم، متأسفم که نه من و نه فرد دیگر قادر به تکلم به زبان چینی نیستیم، لیکن ما این مسئله را پیش‌بینی کرده‌ایم و با استفاده از این کارت‌ها که به زبان شما نوشته شده با شما تماس برقرار خواهیم کرد.

بعد : ۲

##### کارت ۲

لطفاً شهرت و نامهای اول خود را بنویسید. دستورالعمل: اگر نام وی به زبان لاتین نوشته شده کارت شماره ۳ را بردارید و در صورتی که به زبان چینی نوشته شده از کارت ۴ استفاده کنید.

##### کارت ۳

لطفاً نام خود را به زبان چینی بنویسید. راهنمایی: کارت شماره ۴ را بردارید.

##### کارت ۴

آیا شما تبعه جمهوری خلق چین هستید؟  
بلی خیر  
اگر جواب مثبت است کارت شماره ۵ را بردارید  
اگر جواب منفی است، توقف کنید.

### کارت ۵

من درباره شما، اطلاعاتی لازم دارم. مطمئن باشید که این اطلاعات محرمانه به حساب خواهد آمد و تنها در همین سفارت محفوظ خواهد ماند.

بعد : ۶

### کارت ۶

لطفاً اسنادی را که در تأیید هویت خود به همراه دارید نشان دهید. راهنمایی: اگر می خواهید همراه با اسناد مزبور اطاق را ترک کنید کارت ۷ و در غیر این صورت کارت ۸ را مورد استفاده قرار دهید.

### کارت ۷

لطفاً منتظر باشید من باید این اسناد را به ارشد خود نشان دهم و فوراً آنها را برای شما خواهم آورد.

بعدی : ۸

### کارت ۸

آیا شما عضو سفارت چین هستید؟

بلی	خیر
اگر جواب مثبت باشد	اگر جواب منفی باشد
کارت شماره ۹ را بردارید	کارت شماره ۱۱ را بردارید

### کارت ۹

آیا شما در این شهر مستقر هستید؟

بلی	خیر
اگر جواب مثبت باشد	اگر جواب منفی باشد
کارت شماره ۱۰ بردارید	کارت شماره ۱۵ بردارید

### کارت ۱۰

لطفاً بنویسید که در چه زمانی مدت کارتتان به پایان خواهد رسید.

سال \_\_\_\_\_ ماه \_\_\_\_\_ روز

بعدی : ۱۸

### کارت ۱۱

آیا شما به عنوان عضو هیئت نمایندگی تجاری چین از این کشور بازدید می کنید؟

بلی	خیر
-----	-----



اگر جواب مثبت باشد  
کارت شماره ۱۶ بردارید  
اگر جواب منفی باشد  
کارت شماره ۱۲ را  
بردارید

### کارت ۱۲

آیا شما به عنوان عضو هیئت نمایندگی فرهنگی از این کشور بازدید می‌کنید؟

بلی  
اگر جواب مثبت باشد  
کارت شماره ۱۶ بردارید  
خیر  
اگر جواب منفی باشد  
کارت شماره ۱۳ را بردارید

### کارت ۱۳

آیا به عنوان یکی از مقامات چین به اینجا سفر کرده‌اید؟

بلی  
اگر جواب مثبت باشد  
کارت شماره ۱۶ بردارید  
خیر  
اگر جواب منفی باشد  
کارت شماره ۱۴ را بردارید

### کارت ۱۴

لطفاً شغل و آدرس خود را در ذیل بنویسید.

بعدی : ۱۵ یا ۱۶

### کارت ۱۵

لطفاً در روی این نقشه محل خود را مشخص کنید

بعدی : ۱۷

### کارت ۱۶

لطفاً در روی این نقشه مسیر سفر خود را مشخص نمایید.

بعدی : ۱۷

### کارت ۱۷

لطفاً با استفاده از تقویم و ساعت بگویید که در چه تاریخ و زمانی باید این شهر را ترک نمایید.

### کارت ۱۸

لطفاً در این فهرست مقام رسمی خود را مشخص کنید. اگر مقام شما در این فهرست آورده نشده آن را اضافه کنید.

بعدی: استفاده از فهرست  
پس از فهرست کارت ۱۹ را بردارید.

#### کارت ۱۹

لطفاً بگویید چرا به اینجا آمده‌اید.  
اگر دلیل «دیگری» داده شد به کارت ۲۰ و در غیر این صورت به کارت شماره ۲۳ مراجعه کنید.

#### کارت ۲۰

آیا شما خواستار کمکهای سیاسی هستید؟

بلی	خیر
در صورت مثبت بودن	در صورت منفی بودن
کارت ۲۲ را بردارید	کارت ۲۱ را بردارید

#### کارت ۲۱

لطفاً با دست خود آنچه را که می‌خواهید بنویسید.  
بعدی : ۲۳

#### کارت ۲۲

شجاعت شما را در آمدن به اینجا تحسین می‌کنم و معتقدم که تصمیم عاقلانه‌ای گرفته‌اید.  
ما تا سرحد امکان به شما کمک خواهیم کرد. من نماینده دولت هستم و به شما اطمینان می‌دهم که به شما کمک خواهیم کرد.

بعدی : ۲۳

#### کارت ۲۳

در اینجا هیچ‌یک از مقامات آمریکایی به زبان چینی آشنا نیستند. یکی از مقامات آمریکایی که چینی می‌داند به اینجا خواهد آمد. این موضوع حداکثر دو روز طول خواهد کشید. به محض ورود او به اینجا، ما مطلب مورد نیاز شمار را با شما مورد بحث و گفتگو قرار خواهیم داد.  
اگر می‌خواهید که به سفارت بازگردید شماره ۲۴ و در غیر این صورت کارت شماره ۲۵ و طرح تماس دوباره خود را استفاده کنید.

#### کارت ۲۴

به محل خود بازگشته و به کار خود بپردازید. ما دو روز وقت می‌خواهیم تا طی آن یکی از مقامات آمریکایی آشنا به زبان انگلیسی و چینی به اینجا برسد. ۳ تا ۵ روز دیگر به اینجا باز خواهید گشت و زمان ملاقات بین ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر خواهد بود. اگر این ساعات برای شما مشکلی ایجاد می‌کند، هر

وقت که می‌توانید به اینجا بیایید، پس از آنکه به اینجا بازگشتید ما درباره تقاضای شما باهم صحبت خواهیم کرد.

اگر متقاضی «کمک سیاسی» نیستید با کارت ۲۷ به کار پایان دهید در غیر این صورت کارت ۲۶ را بردارید.

#### کارت ۲۵

اکنون از شما می‌خواهیم که به محل خود بازگشته و به کار خود بپردازید. ما دو روز وقت می‌خواهیم تا طی آن یکی از مقامات آمریکایی آشنا به زبان چینی به اینجا برسد. در این مدت به سفارت آمریکا وارد نشوید و دستورات ما را اجرا کنید.

بعدی: ۲۶

#### کارت ۲۶

ما جریان این دیدار را به دولت شما و یا دولت محلی گزارش نخواهیم کرد. لطفاً شما نیز با هیچ‌کس در این باره صحبت نکنید. لطفاً به سرعت به محل کار خود بازگشته و با آرامش به کار خود بپردازید و بار دیگر پس از انقضای دو روز به اینجا بیایید.

بعدی: پایان با کارت ۲۷

#### کارت ۲۷

لطفاً همراه من بیایید. من شما را تا درب خروجی همراهی خواهم نمود.  
آخرین کارت  
ببینید که همه کارتها را جمع کرده‌اید.  
برخاسته و اینجا را ترک نمائید.

#### سند شماره (۱۱)

۱۹ آبان ۱۳۵۲ - ۱۰ نوامبر ۱۹۷۳ سرّی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: نحوه برخورد با تقاضای پناهندگی شهروندان کشورهای کمونیستی (شوروی، جمهوری خلق چین، چکسلواکی، لهستان، مجارستان، بلغارستان، رومانی، آلمان شرقی، آلبانی، یوگسلاوی، کوبا، کره شمالی، ویتنام شمالی)

۱- کشور ما از دیرباز نسبت به کسانی که از ظلم می‌گریخته‌اند احساس همدردی نشان می‌داده است و سیاست دولت آمریکا بر این است که تقاضای پناهندگی در هر نقطه که مطرح گردد سریعاً مورد بررسی کامل قرار گیرد. علاوه بر این، اشخاصی که خواهان پناهندگی و یا برقراری تماس پنهان با دولت آمریکا هستند دارای اطلاعات با ارزشی می‌باشند. به همین علت ملاحظات انسان‌دوستانه و نیز منافع دولت ایجاب می‌کند که سفارت و دیگر عناصر جامعه رسمی آمریکایی در ایران آماده بررسی و برخورد سریع و مطمئن با تقاضای پناهندگی باشند.

۲- این یادداشت (که بر یادداشت ۱۰ آذر ۱۳۵۱ ارجحیت دارد) نشان می‌دهد که در صورت ارائه تقاضای پناهندگی توسط یکی از شهروندان کشورهای کمونیستی به پرسنل دولت آمریکا در ایران، در کمک به وی و یا حراست از وی در برابر مقامات ذیربط چه باید بکنند. همین یادداشت نشان می‌دهد که مقامات آمریکایی در صورت برخورد با اشخاصی که بطور مثال می‌گویند «حاوی اطلاعاتی مهم برای دولت آمریکا» بوده و یا می‌خواهند در مورد «موضوعی محرمانه» با سفیر و یا یکی دیگر از مقامات آمریکایی گفتگو کنند، چگونه اقدام نمایند.

۳- البته بعضی از تقاضاهای پناهندگی و بیانات مربوط به «اطلاعات مهم» ممکن است صحت نداشته باشد، این‌گونه داستانها احتمالاً یا توسط افراد شرور ساخته و پرداخته شده و یا حاصل کار سرویسهای اطلاعاتی متخاصم است که می‌خواهند از روشهای ما و هویت افراد اطلاعاتی ما سر در آورند، ولی بهتر است چند تقاضانامه کاذب پذیرفته شود تا یک تقاضانامه اصیل از دست نرود. از هیچ‌کس نباید تنها به این دلیل که رفتار وی عجیب است و یا داستانش بعید، روگردان شد در صورت اثبات، بسیاری از داستانهای آنها معقول به نظر خواهد رسید.

۴- فرد طالب پناهندگی و یا کمک به طرق مختلفی با مقامات آمریکایی تماس برقرار می‌سازد، و شرح این روشها در ذیل خواهد آمد. ولی، در تمام موارد فرد آمریکایی دریافت‌کننده تقاضای پناهندگی یا کمک باید در کمال ادب و همدردی رفتار کرده و باید طبق شرایط موجود کمک و حفاظت لازم را در اختیار وی قرار دهد. مهمتر از آن، طبق توضیحات ذیل، فرد آمریکایی مسئول است که بدون تأخیر مقامات ذیربط را در جریان امر قرار دهد، البته بدون در نظر گرفتن زمان ارائه تقاضای پناهندگی. معنی آن این است که حتی اگر تقاضای پناهندگی در خارج از ساعات کار نیز دریافت شود فوراً باید در مورد آن اقدام کرد و آن را به روز بعد موکول نمود.

یک نکته دیگر: فرد طالب پناهندگی و یا مصاحبه محرمانه ممکن است اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای داشته باشد که برای دولت آمریکا حائز اهمیت بسیار باشد. به منظور حفاظت از وی و اطلاعات او، هویت یا واقعیت پناهندگی و یا درخواست کمک وی نباید فاش شود و تنها با مقام ذیربط آمریکایی در میان گذاشته شود، که شرح آن در ذیل می‌آید.

۵- کسی که خواستار پناهندگی یا کمک است به احتمال بسیار شخصاً به سفارت و یا کنسولگری چه در ساعات کار و چه در خارج از آن خواهد آمد. ولی امکانات دیگری نیز هست. وی ممکن است با یکی دیگر از پایگاههای آمریکایی تماس بگیرد و در صورتی که ورود وی به آنجا مشکلاتی را پدید آورد ممکن است شخص دیگری را به جای خودش بفرستد. امکان دیگر، برقراری تماس شخص متقاضی پناهندگی با فرد آمریکایی در محل اقامت یا نقطه‌ای دیگر می‌باشد. این‌گونه تماس معمولاً توسط افراد روسی مایل به ارتباط با دولت آمریکا برقرار شده است. گاهی هم ممکن است که از طریق تلفن به سفارت یا دیگر تأسیسات آمریکایی و یا با منزل یک آمریکایی در مورد ارائه تقاضای پناهندگی تماس گرفته شود، ولی ممکن است این‌گونه تلفن‌ها نیز در ساعات کار انجام نشود.

تقاضای پناهندگی شخصی مطروحه در ساعات کار در سفارت

۶- فرد متقاضی پناهندگی ممکن است به گارد امنیتی نزدیک شود و یا ابتدا با گارد ایرانی مستقر در

برابر درب اصلی سفارت تماس بگیرد. اگر فردی غیرایرانی با تقاضای پناهندگی و یا تقاضای ملاقات با سفیر و یا مقامی دیگر با گارد درب اصلی تماس گرفت، باید سریعاً نزد گارد امنیتی فرستاده شود. ۷- در صورتی که گارد امنیتی تقاضانامه مطروحه در پاراگراف قبل را چه مستقیماً و چه از طریق گارد درب اصلی دریافت نمود، وی باید فرد مزبور را به اتاق گارد راهنمایی کند و سپس با افسر امنیتی تماس حاصل نماید. در غیاب افسر امنیتی وی باید با احتیاط با مقام سیا و یا هریک از مقامات سیا که وی او را می‌شناسد تماس برقرار سازد. پس از استماع مطالب فرد مورد نظر (و مسئول دفتر پذیرش) وی باید تلفناً بگوید «من از طرف آقای میدی برای شما پیامی دارم».

این عبارت نشان می‌دهد که کسی یا تقاضای پناهندگی دارد و یا تقاضایی غیرعادی مانند تقاضای مطروحه در پاراگراف ۶ را مطرح کرده است.

۸- در صورت احضار به طریق فوق، افسر امنیتی و یا هریک از دیگر مقامات سفارت.

(الف) باید با استفاده از عبارت میری بخش، سیا را در جریان امر قرار دهد.

(ب) موجبات آسایش فرد مزبور را تا رسیدن نماینده سیا فراهم آورد.

به یاد داشته باشید که فرد طالب پناهندگی و یا تماس مخفیانه با دولت آمریکا بسیار متشنج خواهد بود. بنابراین افسر پذیرائی‌کننده از وی نباید او را تنها بگذارد و در صورت امکان اقدامات لازم را جهت آرام کردن وی به عمل آورد. اگر او و فرد مزبور زبان یکدیگر را می‌فهمند وی باید مشخصات فرد را سؤال کند (از قبیل نام، کشور متبوع، شغل) و اینکه او چه می‌خواهد، ولی نباید از وی بازجویی به عمل آورد. افسر مزبور باید گفته‌های فرد را با دقت و مؤدبانه بشنود و به وی اطمینان دهد که فرد مسئول به زودی برای دیدن وی خواهد آمد و دیگر اینکه مقامات مسئول با تقاضای وی با دقت برخورد خواهند کرد. طبیعتاً این افسر باید از زدن حرفهایی خودداری کند که منجر به پیدایش این تصور برای فرد شود که به تقاضای پناهندگی او به آمریکا پاسخ مثبت داده خواهد شد و یا به منظور خروج وی از ایران، دولت آمریکا به وی کمک خواهد نمود.

در صورتی که فرد گذرنامه و یا اوراق هویت دارد و در صورتی که شرایط ایجاب می‌کند افسر مزبور باید از آنها فتوکپی بگیرد.

۹- نماینده سیا به محض ورود بقیه مسئولیتها را به عهده خواهد گرفت.

۱۰- در صورتی که فرد نمی‌تواند منتظر مأمور سیا باشد، افسر باید از وی بخواهد که در ساعتی معین که بهتر است در همان روز باشد دوباره به سفارت بیاید. اگر فرد اظهار داشت که بازگشت وی به تأسیسات آمریکایی خالی از خطر نیست، وی باید با او در یک محل عمومی مانند مشروب فروشی یکی از هتل‌های محلی قرار ملاقات بگذارد. باید به این فرد گفته شود که مجله‌ای در دست داشته باشد تا افسر سیا بتواند او را به راحتی بشناسد. تعیین تاریخ ملاقات، مکان و وسیله شناسایی باید به دقت انجام شود. قبل از ترک فرد، اطلاعات ذیل را حتماً از وی دریافت کنید.

الف - نام، ملیت، تاریخ و محل تولد، آدرس محل (محل اقامت یا هتل) و شماره تلفن محل.

ب - مشخصات ظاهری وی از قبیل لباسی که به تن دارد را حتماً و با دقت یادداشت کنید.

ج - اگر یادداشت و یا کاغذی به شما می‌دهد حتماً آن را قبول کنید.

د - در صورتی که وقت کافی دارد از او بخواهید که تقاضای خود را بنویسد.

تقاضاهای ارائه شده به سفارت پس از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل  
 ۱۱- در صورتی که گارد محافظ سفارت (واحد شماره ۱) در خارج از ساعات اداری و یا در روزهای  
 تعطیل با فردی روبه‌رو شد که ظاهراً متقاضی پناهندگی است و یا از نوع تقاضاهای غیر عادی مطروحه در  
 پاراگراف ۶ را داد باید:

(الف) فرد را در اتاق گارد مطابق مطالب پاراگراف‌های ۶ و ۷ فوق بنشانید.  
 (ب) وی باید با مراجعه به کتابچه خود ببیند که آیا هیچ‌یک از مقامات بخش سیاسی سفارت در آن  
 موقع (روز جمعه و یا صبح شنبه) در محل سفارت حاضر است یا خیر. در صورتی که جواب مثبت است  
 وی فوراً با استفاده از عبارت آقای میدی که در پاراگراف ۷ آمده او را نزد فرد متقاضی ملاقات بیاورد.  
 در صورتی که هیچ‌یک از افسران بخش سیا در سفارت نباشد، وی باید از طریق تلفن به مقام بخش  
 سیا و یا افسر امنیتی موضوع را اطلاع دهد. این بار نیز وی باید از عبارت آقای میدی پاراگراف ۷ استفاده  
 کند.

(ج) تا رسیدن نماینده سیا، گارد محافظ باید به دستورات پاراگراف ۸ عمل نماید.  
 (د) در صورتی که فرد قادر نیست منتظر بماند، گارد محافظ باید طبق پاراگراف ۱۰ با وی قرار ملاقات  
 بعدی را بگذارد.

#### تقاضاهای تسلیم شده به بخشهای وابسته به سفارت (کنسولگری)

۱۲- در صورتی که تقاضای پناهندگی یا مشابه آن در ساعات اداری به کنسولگری تسلیم شد، مسئول  
 ایرانی پذیرش باید فرد متقاضی را به مقام منصوب توسط سرپرست کنسولگری ارجاع دهد. وی نیز به  
 نوبه خود فرد متقاضی را به اتاق ۳۱۱ و ۴۰۴ کنسولگری خواهد برد و طبق پاراگراف ۸ عمل خواهد کرد.  
 در صورتی که تقاضا پس از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل عنوان شد، گارد محافظ باید فرد  
 متقاضی را به اتاق انتظار متقاضیان روادید بفرستد و سپس طبق پاراگراف‌های ۱۱ (ب)، ۱۱ (ج)، ۱۱ (د) و  
 ۱۱ (ه) عمل کند.

#### تقاضانامه‌های ارائه شده به دیگر تأسیسات آمریکایی

۱۳- در صورتی که تقاضای پناهندگی و یا مشابه آن به دفتر حفاظت منافع آمریکا داده شد، افسر  
 دریافت کننده به افسر امنیتی سفارت و او نیز به نوبه خود نماینده سیا را در جریان امر قرار خواهد داد.  
 ۱۴- در صورتی که کسی در ساعات اداری خود را با تقاضای پناهندگی یا مشابه آن به یکی از  
 تأسیسات هیئت مستشاری نظامی یا GENMISH معرفی کرد، وی باید به افسر امنیتی واحد ارجاع داده  
 شود. او نیز افسر امنیتی سفارت را در جریان قرار خواهد داد و افسر امنیتی هم، به نماینده سیا اطلاع  
 خواهد داد خواهد داد. هنگام اطلاع به افسر امنیتی سفارت، افسر امنیتی واحد باید از عبارت آقای میدی  
 استفاده کند. در خارج از ساعات اداری افسر امنیتی واحد با گارد محافظ سفارت تماس خواهد گرفت که  
 پس از آن افسر امنیتی سفارت و نماینده سیا در جریان امر قرار داده خواهند شد.

### تقاضاهای ارائه شده به نقاط دیگر

۱۵- امکان تماس شخص متقاضی پناهندگی و یا تماس مخفیانه با مقام آمریکایی در محل اقامت وی نیز هست. این امر به خصوص زمانی انجام می‌شود که آنها یکدیگر را بشناسند. در این صورت نیز از همان روش برخورد و اطلاع دادن استفاده شود.

### تقاضاها و یا پیامهای تلفنی

۱۶- فرد متقاضی پناهندگی یا تماس ممکن است ورود به سفارت را خطرناک و یا غیرمنطقی تلقی نماید. در این گونه موارد وی تلفناً خواستار ملاقات با مقام آمریکایی در خارج از سفارت خواهد شد. در صورتی که این تقاضا در خارج از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل مطرح شد، گارد محافظ با نماینده سیا در سفارت تماس گرفته و تلفن را به وی ارجاع خواهد داد. اگر نماینده سیا در سفارت نباشد، می‌تواند دیگر مقامات آمریکایی موجود را در جریان قرار دهد. در صورتی که این کار نیز ممکن نباشد، گارد محافظ باید شماره تلفن فرد مقابل را بگیرد. در صورتی که وی نمی‌تواند شماره تلفن را به او بدهد باید از او بخواهد که دو ساعت دیگر تماس بگیرد. باید با یکی از نمایندگان سیا تماس گرفته شود تا به سفارت آمده و منتظر تلفن بماند.

۱۷- هنگامی نیز که تقاضای پناهندگی و یا تماس از طریق واسطه انجام می‌شود باید از روش اساسی فوق استفاده شود. دریافت‌کننده تقاضا باید از واسطه بخواهد که فرد متقاضی را به سفارت بیاورد. در صورتی که این کار امکان نداشته باشد، باید طبق مفاد پاراگراف ۱۰ در خارج از سفارت قرار ملاقات گذاشت. در هر دو مورد باید مشخصات واسطه و متقاضی یادداشت شود.

### تقاضانامه‌های دریافتی در خرمشهر و تبریز

۱۸- در صورتی که متقاضی پناهندگی یا تماس با کنسولگری خرمشهر یا تبریز تماس بگیرد، به استثناء بعضی تغییرات، به همان روش فوق عمل می‌شود. مشخصات فرد متقاضی (و زبانهایی که می‌داند) یادداشت می‌شود و در صورت امکان او باید در کنسولگری بماند. اگر نمی‌تواند در کنسولگری بماند، از او خواسته شود که کمتر از دو ساعت دیگر به آنجا بیاید. در صورتی که این کار هم غیرممکن باشد باید در خارج از کنسولگری برای دو روز بعد با وی قرار ملاقات گذاشته شود. این تأخیر دو روزه برای این است که نماینده سیا بتواند از تهران به محل مورد نظر بیاید. کنسول با افسر امنیتی سفارت یا یکی از مقامات عالی‌رتبه سیا یا دیگر مقامات سفارت با استفاده از عبارت آقای میدی تلفناً تماس حاصل کند. سپس یکی از مقامات سیا در اولین فرصت از تهران به آنجا خواهد آمد.

### مسئولیت‌های توجیهی

۱۹- سیا مسئول توجیه افسر امنیتی سفارت است که هر دوی آنها مشترکاً گارد محافظ را توجیه می‌نمایند.

۲۰- افسر امنیتی سفارت مسئول توجیه مقامات تازه وارد سفارت و هر یک از افسران آماده به خدمت سفارت می‌باشد. او مسئولیت توجیه گاردهای حفاظتی، مسئول ایرانی پذیرش، تلفنچی و گاردهای درب

اصلی را به عهده دارد.

۲۱- سرپرست بخش کنسولی مسئول توجیه مقامات خود و مسئول ایرانی و پذیرش کنسولگری می باشد.

۲۲- رئیس دفتر حفاظت منافع آمریکا نیز مسئول توجیه مقامات خود و گاردهای ایرانی می باشد.

۲۳- وابسته دفاعی نیز همراه با نماینده سیا مسئولیت توجیه مقامات عالیرتبه و امنیتی در هیئت مستشاری نظامی و GENMISH می باشند.

### سند شماره (۱۲)

۹ نوامبر ۱۹۷۵ - ۱۸ آبان ۱۳۵۴ سرتی

#### کد جایگزین تلفنی جهت گزارش در مورد داوطلبین

این کد برای کنسولگریهای تبریز، شیراز، و اصفهان تهیه شده تا به وسیله آن به سفارت اطلاع دهند که یک داوطلب وارد شده و با او قرار ملاقات بعدی گذاشته شده است.

اگر با یک داوطلب سروکار پیدا کردید، ابتدا او را طبق دستورالعمل داوطلب جاری سفارت بازپرسی نمایید. پس از آن سعی کنید در شهر خود و یا در تهران با وی یک قرار ملاقات دیگر بگذارید. قرار ملاقات بعدی در شهر خودتان از ۲۴ ساعت بعد نباید کمتر باشد و بهتر است که حدود ۴۸ تا ۷۲ ساعت بعد باشد، تا وقت کافی جهت ورود یک افسر سیا از تهران باشد. اگر در تهران قرار ملاقات گذاشتید، یکی از دو مکانی را که در پایین آمده انتخاب کنید و وقت کافی نیز جهت ورود به تهران در نظر بگیرید. با سفارت تماس حاصل کنید و از کد جایگزین مناسب جهت روشن کردن وضع و موقعیت داوطلب استفاده کنید. مکالمه تلفنی نباید به طور پیشنهادی در اینجا حتی شفاهی باشد، بلکه باید حاوی عناصر ضروری مربوط به تشریح اوضاع باشد:

«من (نام تلفن کننده) در (محل) هستم. من پیامی برای (یکی از افسران سیا که در دستورالعمل داوطلب سفارت آمده) دارم. آقای میدی که یک تاجر آمریکایی (شغل: از کد شهر و ایالت استفاده کنید) نیاز به یک قرارداد صادراتی شامل ملیت: از کد کالا استفاده کنید) دارد. او علاقه ویژه‌ای به مقام: از معمای مناسب استفاده کنید). «آیا می‌توانید مقادیر جنس تا (زمانی را استفاده کنید که طی آن یک افسر سیا بتواند خود را به شهر شما برساند) ارسال دارید؟ (البته در صورتی که قرار است بار دیگر در شهر خودتان با وی ملاقات نمایید).

او به تهران می‌آید، و من به او گفته‌ام که به (محل تماس در تهران: «سفارت» یا «کتابخانه تجاری») در تاریخ (تاریخ و زمان ملاقات در تهران) بیاید. (در صورتی که قرار است با وی در تهران ملاقات شود از این جمله استفاده شود).

«آقای میدی مایل است که با (برای نشان دادن زبان داوطلب از نام کشور مربوط استفاده کنید مثلاً انگلستان برای انگلیسی، روسیه برای روسی، و اسپانیا برای اسپانیایی و غیره) در مورد مسائل تجاری گفتگو کند.

(در اینجا به مطالب مختلف مربوطه از قبیل اینکه آیا داوطلب تنها و یا با خانواده‌اش مسافرت می‌کند، آیا از وسیله نقلیه شخصی استفاده می‌کند و چه مدت در ایران خواهد ماند و غیره اشاره کنید).



برقرار نمودن تماس در تهران:

الف - در صورت توافق داوطلب از او بخواهید که در تاریخ و زمان دقیق به سفارت بیاید. در پیام تلفنی خود پس از مشخص کردن زمان و تاریخ بگویید که به آقای میدی گفته‌اید که به «سفارت» بیاید.  
ب - در صورتی که داوطلب مایل به ملاقات در خارج از سفارت در تهران باشد. تاریخ و زمان دقیق آن را تعیین کنید و به او بگویید که در پیاده‌رو جلوهتل کاسپین در خیابان تخت جمشید دو چهارراه دورتر در سمت غربی سفارت آمریکا منتظر ملاقات با یک مقام آمریکایی باشد. او باید یک روزنامه قابل رؤیت به زبان انگلیسی در دست داشته باشد تا شناسائی وی امکان‌پذیر باشد. مقام آمریکایی پس از ملاقات با داوطلب خود را معرفی خواهد کرد و از او خواهد پرسید که آیا او شخصی است که به کنسولگری در تبریز، شیراز یا اصفهان رفته است. در پیام تلفنی خود زمان و تاریخ را ذکر کنید و بگویید که به آقای میدی گفته‌اید که به «کتابخانه تجارتي» برود.

کلمه رمز

- الف. شوروی .... نقره
- ب. جمهوری خلق چین ... چینی آلات
- ج. لهستان .... کاغذ
- د. چکسلواکی .... کریستال
- ه. جمهوری دموکراتیک آلمان .... طلا
- و. مجارستان .... شاهدانه
- ز. یوگسلاوی .... نخ تاییده
- ح. آلبانی ... آسفالت
- ط. رومانی ... لاستیک
- ی. بلغارستان ... آجر
- ک. جمهوری دموکراتیک خلق کره ... سفال کائولین
- ل. ویتنام شمالی.... پلاستیک وینیل
- م. کوبا ... سیگار
- ن. عراق ... آهن
- س. سوریه ... سودا
- ع. لیبی ... سرب
- ف. فلسطین و یا تروریست دارای ملیت دیگر... قلع

کلمه رمز شغل

- الف. مقام اطلاعاتی یا امنیتی ... ایندیانا
- ب. دیپلمات ... دنور
- ج. نماینده تجاری ... تگزاس

- د. مقام حزب کمونیست ... کنکنیکات
- ه. تکنیسین ... تنسی
- و. افسر نظامی ... مین
- ز. سرباز، یا مشمول نظام وظیفه ... سانفرانسیسکو
- ح. غیره ... اوماها

#### کلمه رمز موقعیت

- الف. حاوی اطلاعاتی برای دولت آمریکا است.... «اطلاعات در مورد مقررات گمرکی آمریکا».
- ب. میل دارد به طور پنهانی برای آمریکا کار کند... «اطلاعات در مورد اجازه کار در آمریکا».
- ج. متقاضی پناهندگی یا متارکه، لیکن می تواند به کشورش بازگشته و برای دولت آمریکا کار کند... «می خواهد در مورد جواز صادراتی ایرانی صحبت کند».
- د. برای شخص دیگری واسطه شده است.... «می خواهد با یک بنگاهی صحبت کند».
- ه. به طور غیرقانونی از مرز عبور کرده.... «می خواهد درباره امکان بسته شدن مرز صحبت کند».
- و. غیره... «می خواهد به جای کنسولگری در سفارت با کسی حرف بزند».

کتاب پنجاه و چهارم

مصر



این جانب بیش از پانزده سال است که خطر اسرائیل غاصب را گوشزد کرده‌ام و به دول و ملل عرب این حقیقت را اعلام نموده‌ام. اکنون با طرح استعماری صلح مصر و اسرائیل این خطر بیشتر، نزدیکتر و جدیتر شده است. سادات با قبول این صلح، وابستگی خود به دولت استعمارگر آمریکا را آشکارتر نمود. از دوست شاه سابق ایران انتظاری بیش از این نمی‌توان داشت.

ایران خود را همگام با برادران مسلمان کشورهای عربی دانسته و خود را در تصمیم‌گیریهای آنان سهیم می‌داند. ایران صلح سادات و اسرائیل را خیانت به اسلام و مسلمین و برادران عرب می‌داند و موضع سیاسی کشورهای مخالف این پیمان را تأیید می‌کند.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۹۹

روح‌الله الموسوی الخمینی

### تاریخچه مختصر مصر

تاریخ شش هزار ساله مصر با سلطه فراعنه شروع شده و این سلطه تاکنون در قالب فرعونهای جدید مصر، سادات و مبارک بر سر مردم مظلوم و ستم کشیده این دیار تداوم یافته است. حکومت فراعنه، درگیریهای مصر و ایران و رم قدیم، حاکمیت عثمانیها بر مصر، تهاجم ناپلئون و... تاریخ طولانی مبارزات، شکستها و جنگهای مصر را تشکیل می‌دهد. دیون مصر به کشورهای اروپایی به انضمام جنگها و شورشهای داخلی، بریتانیا را در سال ۱۱۸۱ هجری شمسی بر این کشور مسلط کرد. پیر استعمارگر انگلیس تا سال ۱۳۰۱ (ه.ش) به غارت و چپاول این کشور مشغول بود و در این سال هر چند به ظاهر قرارداد شناسایی استقلال مصر به امضاء رسید، اما عملاً تحت حاکمیت وابستگان به بریتانیا و پادشاهان خود فروخته و به بیانی صریحتر تحت سلطه بریتانیا قرار داشت.

سال ۱۳۳۲ شمسی (۱۹۵۳ میلادی) آغاز عصر نوینی در تاریخ مصر است، یعنی پایان سلطنت و آغاز

جمهوری. این اختتام که به همت گروهی از افسران جوان ارتش مصر صورت گرفت با اعلام جمهوری، ژنرال نجیب را به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر و ریاست شورای فرماندهی انقلاب و جمال عبدالناصر را نیز به نیابت نخست وزیر و وزارت کشور برگزید.

مبارزه بر سر به دست گرفتن قدرت بین ژنرال نجیب و ناصر، منجر به برکناری ژنرال نجیب در سال ۱۳۳۳، به اتهام همکاری با اخوان المسلمین برای ترور ناصر شد. دوران ریاست جمهوری خود را بر پایه ناسیونالیسم عربی و سوسیالیسم بنیان گذاشته بود؛ دوران بریدگی از غرب و اتکا و وابستگی به شوروی و کشورهای بلوک شرق بود. سفرهای دو جانبه رهبران این دو کشور به پایتختهای یکدیگر و قراردادهای اقتصادی و نظامی روابط محکمی را بین مصر و شوروی به وجود آورد.

#### سادات و سیادت بر مصر

جنگ ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ شمسی) بین مصر و اسرائیل و شکست مصر دوران تیره و تاری بود که در آخرین سالهای زمامداری ناصر گریبانگیر مصر و جهان عرب شد و عمیق ترین ضربه در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ شمسی) فرود آمد و آن مرگ ناصر و روی کار آمدن انور سادات بود. سادات که معاون رئیس جمهور و از نزدیکان ناصر بود، در آغاز به عنوان تداوم بخش سیاستهای داخلی و خارجی ناصر پا به عرصه گذاشت و سالهای اولیه زمامداری وی نیز تداوم همان سیاستها یعنی گسترش روابط با دنیای عرب از جمله سودان، لیبی و سوریه و وابستگی و اتکا به شوروی بود. لیکن این تظاهر به تداوم سیاستهای ناصر دیری نپایید و اولین گامها در جهت ناصر زدایی با تصفیه عناصر طرفدار مسکو و آغاز ارتباط با اروپا و آمریکا شروع شد. تغییر قانون اساسی مصر و اعطای آزادیهای فردی به سبک کشورهای سرمایه داری و سیاست درهای باز اقتصادی قدمهای بعدی در ادامه ناصر زدایی از جامعه مصری بود. بعد از شکست جنگ رمضان ۱۹۷۳ که علتش خواه ناشی از وابستگی پنهان سادات به غرب بوده، یا عدم تعهد شوروی نسبت به ارسال تجهیزات نظامی در لحظات سرنوشت ساز و تداوم بلا تکلیفها در قبال حل اختلافات با اسرائیل، آغازگر و انگیزه روابط با اروپا و آمریکا گردید.

در آبان ۱۳۵۲ (نوامبر ۱۹۷۳) مصر و آمریکا در «اصول» آغاز روابط دیپلماتیک به توافق رسیدند و سفیر مصر راهی آمریکا شد. این سیاستها تا قطع روابط امپریالیسم شرق و وابستگی مطلق به امپریالیسم غرب ادامه یافت. سادات هر چند در آغاز زمامداری خویش تهیه مقدمات جنگ جدیدی با اسرائیل را مطرح می ساخت، ولی در عین حال برگسترش روابط دیپلماتیک و حل اختلافات مصر و اسرائیل از طرق سیاسی تأکید داشت که این تفکر بعد از جنگ ۱۹۷۳ نهایتاً منجر به انعقاد قرارداد صلح کمپ دیوید و آغاز روابط رسمی در حد سفارت بین مصر و اسرائیل گردید.

#### مصر و سیاستهای سادات

به طور کلی نتیجه عملکرد و سیاستهای سادات را به صورت زیر می توان خلاصه کرد.

- ۱- افزایش اختلاف طبقاتی با اجرای سیاستهای درهای باز و متعاقب آن رشد سرمایه داری آزاد به قیمت چپاول و فقر توده مستضعف مصر.
- ۲- تخصیص قسمت اعظم بودجه کشور بابت امور دفاعی و پرداخت آن بابت خرید تسلیحات و

تجهیزات نظامی به اروپا و آمریکا، افزایش واردات مواد اولیه غذایی که قبل از سادات در خود مصر تأمین می‌شد و در بعضی موارد آن را نیز صادر می‌کرد، افزایش قیمت‌ها و تورم مهار گسیخته در این کشور، گسترش فرهنگ بی‌بند و باری و سرگرم ساختن مردم به امور مبتذل.

۳- قرارداد صلح مصر و اسرائیل و نتایج آن - این قرارداد روشنفکران و مردم را علیه سادات بسیج کرد و گروه‌های مختلف مذهبی و غیر مذهبی موجود در مصر را بر علیه هیئت حاکمه و سیاست‌های متخذه از طرف آنها شوراند. در صفوف کشورهای عربی به ظاهر ایجاد شکاف کرد و باعث شد تا نحوه موضع‌گیری کشورهای عربی در مقابل اسرائیل به صورت ظاهر مشخص شود.

### کمپ دیوید و کشورهای عربی

طرح این قرارداد از سوی مصر کشورهای عربی را وادار کرد تا در کنفرانس بغداد به تحریم مصر بپردازند. کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس علیرغم مواضع سیاسی‌شان و یا وابستگی‌هایشان در قبال اسرائیل و آمریکا به خاطر حفظ وجهه و بعضی مصالح اقتصادی و اتکانشان به کشورهای پولدار عربی، به ناچار بر این امر توافق نمودند. این مسئله یعنی تحریم مصر از سوی کشورهای عربی، آمریکا و متحدان اروپاییش را بیشتر از خود مصر به وحشت انداخت، زیرا این تحریم باعث به خطر افتادن منافع و درآمدهایی می‌شد که از بابت فروش تسلیحات و کالا به این کشور به دست می‌آوردند. نتیجه این تحریم قطع کمک‌هایی بود که کشورهای عربی و سازمان صنعتی خلیج و در رأس آن سعودیها به مصر بابت خرید تسلیحات می‌کردند. طبق سند ۲۱ «خریدهایی که مصر توسط کمک‌های اعراب از اروپای غربی و آمریکا از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ انجام داده بالغ بر ۵/۳ میلیارد دلار بوده است» و قطع این کمک‌ها ضربه عظیم اقتصادی - نظامی بود که بر مصر، و بیشتر از آن بر آمریکا و اروپا به خصوص فرانسه و انگلیس وارد می‌شد. از سویی این تحریم‌ها باعث می‌شد که سادات از حل مشکلات داخلی مصر نیز عاجز بماند و در نتیجه پایه‌های حکومتش لرزان شود و نهایتاً از بین رفتن مزدور با وفایی چون سادات، ضربه هولناکی بر آمریکا و منافع آن در منطقه بود.

تلاش کشورهای عربی مبنی بر تحریم مصر و اخراج این کشور از کنفرانس کشورهای اسلامی، نهضت غیر متعهدها، آ. اوپک و اتحادیه کشورهای آفریقایی، سادات را به موضع‌گیری دفاعی و یا جذبی در برابر این کشورها واداشت. وی با اتخاذ این موضع توانست بعضی از کشورهای عربی و بعضی کشورهای غیر عرب مسلمان را تحریک به میانه‌روی، عدم موضع‌گیری یا حتی موضع‌گیری مثبت نسبت به قرارداد کمپ دیوید نماید. آمریکا نیز در این وضعیت شریک درد و یاور صمیمی مصر بود. سعودیها نیز که همیشه در تلاش بوده‌اند که با اتخاذ تاکتیک‌های میانه‌روانه موضع‌گیری تند نیروهای رادیکال عرب را نرم‌تر کنند در قبال این مسئله هر چند علاقه‌ای به وارد کردن خسارت عمده بر مصر نداشتند و امید آشتی با مصر را در سر می‌پروراندند، لیکن برای حفظ وجهه اسلامی و تظاهر به مخالفت با اسرائیل همراه با نیروهای رادیکال عرب عمل می‌کردند، ولی این امر یک موضع‌گیری موقت بود و نهایتاً تلاش‌های آمریکا و روابط صمیمانه با سعودیها موضع عربستان را آشکار نمود. تعداد زیادی از اسناد این مجموعه مربوط به موضع‌گیری کشورهای عربی، اسلامی و آفریقایی در قبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل و تلاش‌های مصر و آمریکا در این زمینه است.

## ایران و انقلاب اسلامی، مصر و قرارداد کمپ دیوید

روابط شاهان ایران و فراعنه مصر به زمان کورش و آماریس برمی‌گردد. این روابط چه به صورت اقتصادی یا نظامی (لشکرکشی) ادامه داشته است. در سال ۱۳۳۹ در پی انتشار برقراری روابط سیاسی بین ایران و اسرائیل، روابط مصر و ایران قطع گردید. بعد از روی کار آمدن سادات، دو دولت اقدام به تجدید روابط سیاسی نمودند که این روابط با سفر شاه و زنش به مصر و دیدار سادات از تهران یک بار در سال ۱۳۵۳ و بار دیگر سفر سادات و زنش به تهران و سفر رضا پهلوی به مصر در سال ۱۳۵۵ به اوج خود رسید. شاه و سادات دو مزدوری که تحت حمایت یک ارباب بودند در جهت همگامی با اسرائیل و ایجاد ارتباط با آن و مقابله با خلق محروم فلسطین موضع واحدی اتخاذ کرده و تبادلات اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای را پی‌ریزی کردند.

انقلاب اسلامی طوفانی بود که پایه‌های لرزان کاخهای فراعنه ایران و مصر را به لرزه درآورد و متعاقب آن با فرار شاه و دعوت وی به مصر از سوی سادات، تاریخ بود که تکرار می‌شد و تشابه سرنوشت جبارانی چون شاه و پدرش که وی نیز در آخرین روزهای عمرش به مصر گریخته بود. تلاش سادات و ملاقاتهای مکرر وی با مسئولان کشوری و مأموران سیاسی آمریکا مبنی بر گرفتن قول حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از شاه در خلال انقلاب و بعد از آن، نشانگر ترس وی از عاقبتی نظیر عاقبت شاه و یافتن پناهگاه و نقطه اتکایی نه برای شاه که برای خود بود. به هر حال خانواده سلطنتی در آخرین روزهای حکومتشان با برنامه‌ریزی آمریکا و هماهنگی با سادات به مصر پناهنده شدند و با پیوندهای سببی، پیوند نسبی خویش را که از فراعنه به ارث برده بودند محکمتر و استوارتر گرداندند.

گسترش روزافزون انقلاب اسلامی و انتشار آن در بین مسلمین جهان زنگ خطری برای ابرقدرتهای شرق و غرب و دست‌نشانندگان آنها و نقطه پایانی بر خواب ملتها و یغماگری دولتهای وابسته بود. اسلام که از دیر باز خطری عمده برای ظالمان و استعمارگران بود، در ایران به عنوان ایدئولوژی پویای انقلاب بانگ رهایی ملتها از چنگال استعمارگران را سرداد و این بانگ برای غارتگران و در رأس آنها آمریکا بسیار رعب‌آور و ناخوشایند بود، بدین جهت تلاشهای سابقه‌دار مأموران سیا برای تماس، نفوذ و اعمال نظر در داخل نهضتهای اسلامی مخالف سادات و آمریکا دوباره نضج گرفت و سیا مسئولیت مطالعه نهضتهای اسلامی را در رأس برنامه‌های خویش قرار داد. مطرح کردن آمریکا به عنوان مسئول تمام بدبختیهای مسلمین و مستضعفین جهان و به عنوان دشمن اسلام و انسانیت و باوراندن این امر به آنها از سوی ایران زیباترین ورق تاریخ این امت را رقم زده و اگر از آثار این انقلاب تنها به همین نتیجه اکتفا شود بر اصالت و رسالت اسلامی و ضد امپریالیستی این انقلاب کفایت می‌کند. انقلاب اسلامی آنچنان تنفر نسبت به امپریالیسم را در دل‌های مسلمین نشاند و آنچنان سیاست و دیانتشان را به هم پیوند داد که شعار پایان بخش عبادتشان «مرگ بر آمریکا» شد. اعتراف آمریکاییها را به این نکته می‌توان در سند شماره ۶ مشاهده کرد که رساترین اقرار بر موفقیت و گسترش این تفکر در بین مسلمین جهان است و انگیزه‌ای برای تلاشهای ضداسلامی این کشور «... در هفته‌های گذشته با وخیم‌تر شدن اوضاع ایران، اتفاق آرای مسلمانان متعصب علیه آمریکا افزون‌تر شده است... از نظر آنها آمریکا دشمن اسلام است... در افکار بسیاری از مسلمانان متعصب مصر این ایده شکل گرفته است که آمریکا با اسلام دشمن است. لازم است که یک زنجیره عملیات مثبت از طرف ما صورت بگیرد تا این عدم اعتماد مسلمانان نسبت به ما از بین



برود...»

همزمان با تلاشهای آمریکا برای تماس با رهبران مسلمانان مصر در جهت اعمال سیاست فوق، اسلام‌زدایی سادات نیز شروع می‌شود و به گفته یکی از مخالفین سادات «سادات به یک رویارویی غیر ضروری و ابتدائی با مذهبیبون راستگرا» دست می‌زند (سند ۲۳).

ترس سادات از اینکه یک انقلاب اسلامی دیگر در مصر بساط سلطه ننگین وی را برچیند او را وادار می‌کرد به این اعمال دست بزند که خوشبختانه این عاقبت نیز گریبانگیرش شد و به دست بهترین فرزندان امت اسلام به درک واصل شد.

طرح قرارداد صلح مصر و اسرائیل و متعاقب آن امضای این قرارداد بدون توجه به حقوق حقه ملت فلسطین از سوی سادات در اصل تأییدی بود بر غضب اراضی و اموال و حیثیت ملت فلسطین و تجاوز و اشغالگری صهیونیستها. نتایج مترتب بر این قرارداد از چند سو سادات را در معرض خطر قرار می‌داد: (۱) گسترش مخالفت مردم، ارتش و روشنفکران متعهد مصری، (۲) تحریمهای اقتصادی اعراب و مشکلات اقتصادی، نظامی ناشی از آن، (۳) هراس از عدم موفقیت طرح کمپ دیوید و بر باد رفتن وجهه سادات و (۴) عدم موفقیت سیاستهای اقتصادی داخلی مصر و در نتیجه افزایش قیمتها و... به دنبال این قرارداد آمریکاییها برای جلوگیری از بر باد رفتن وجهه سادات (به گمان خودشان) و شکست طرح کمپ دیوید و مقابله با تحریم اعراب سناریوهای پیشنهادی خود را به سادات و وزارت امور خارجه آمریکا ارائه می‌کردند که اسناد ۲۲ و ۲۱ نمونه‌های بارز این عملکرد می‌باشد، در سند ۲۲ آمریکاییها اظهار می‌دارند که «از نظر مادی و در طول مذاکرات سادات، باید از حمایت دائم و شدید آمریکا و مصر برخوردار باشد» و چون پیش‌بینی می‌کنند که در هر صورت ممکن است خطراتی متوجه سادات شود و با توجه به علاقه سادات مبنی بر اینکه حسنی مبارک جانشین وی شود جانشین احتمالی وی را نیز تعیین می‌کنند، چون معتقدند که «سیاست خارجی حسنی مبارک با سیاست خارجی سادات شباهت زیادی دارد».

بعد از امضای این قرارداد آمریکایی پیام حضرت امام که در تیتیر مطلب آمده پایان بخش روابط سیاسی ایران اسلامی و مصر اسرائیلی بود. رهنمود امام پایان بخش این مطلب است، به امید پیروی ملل مسلمان از این رهنمودها و پیروزی امت اسلامی:

مشکل مسلمین، حکومتهای مسلمین است. این حکومتها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند، ملتها مشکل مسلمین نیستند، ملتها با آن فطرت ذاتی که دارند می‌توانند مسائل را حل کنند. لکن مشکل، دولتها هستند. این حکومتها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرتها و سرسپردگی شان با ابرقدرتهای چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده‌اند. اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته شود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش با دست ملتهاست.

آن روز فتح مطلق و نصر به تمام معناست که همه مستضعفین جهان را این نور سنت الهی و سایه پرچم «نصر من الله» فراگیرد. آن روزی که مسلمین جهان با مدد غیبی در هر کشور و قطر دست جنایتکار ستمگران و چپاولچیان را از کشور خود قطع کنند و پرچم اسلام و آرم الله اکبر را افراشته نمایند. آن روزی که با قیام دلاوران و بانگ الله اکبر، با امثال سادات و هم مسلکان شاه مخلوع، آن کنند که ملت شجاع ایران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با محمدرضا پهلوی کرد.»

سند شماره (۱)

مصر:

خشکی:

۱۰,۰۰۰,۲۵۸ کیلومتر مربع (شامل ۴۸,۹۳۱ کیلومتر مربع اراضی اشغال شده به وسیله اسرائیل، ۲۶ ژوئن ۱۹۷۹)، ۲/۸٪ زمین کشاورزی (که در ۷۰٪ آن انواع محصولات کاشته می شود)، ۹۶/۵٪ بیابان، هرز، یا اراضی شهری، ۰/۷٪ آبهای داخل کشور. طول مرزهای خاکی = ۲۵۲۷ کیلومتر (۱۹۶۷) تقریباً، ۲۵۸۰ کیلومتر که شامل صحرای اشغال شده سینا می شود (از تاریخ سپتامبر ۱۹۷۵).

آبها:

محدوده آبهای داخلی (ادعا شده) = ۱۲ میل دریایی (به اضافه ۶ میل «منطقه نظارت الزامی»). طول نوار ساحلی = ۲۴۵۰ کیلومتر (۱۹۶۷)، که شامل تقریباً ۵۰۰ کیلومتر نوار آبی داخل ۹ صحرای اشغال شده سینا می شود (از تاریخ سپتامبر ۱۹۷۵).

مردم:

جمعیت = ۴۰,۹۵۸,۰۰۰ (ژوئیه ۱۹۷۹) میانگین رشد سالانه ۲/۷٪ (در حال حاضر) ملیت = نام - مصری (ها)، صفت مصری یا جمهوری عربی مصر. تقسیمات نژادی = ۹۰٪ از دودمان سامی شرقی، ۱۰٪ یونانی، ایتالیایی، سوری، لبنانی دین = (برآورد رسمی) ۹۴٪ مسلمان، ۶٪ عیسوی یعقوبی و بقیه ادیان. زبان = زبان رسمی عربی است، انگلیسی و فرانسه در میان طبقه تحصیل کرده رایج است. سطح سواد = در حدود ۴۰٪ نیروی کار = ۱۳ میلیون، ۴۵ تا ۵۰ درصد کارگران به کشاورزی مشغولند، ۱۰٪ کارگران صنعتی، ۱۰٪ تجارت و مالی، ۳۰٪ خدمات و بقیه، کمبود نیروی انسانی متخصص مشهود است. نیروی کار سازمان یافته = یک تا سه میلیون نفر. دولت:

نام حقوقی = جمهوری عربی مصر

نوع = جمهوری، که از تاریخ ۱۹۵۶ تحت رهبری ریاست جمهوری است.

پایتخت = قاهره

تقسیمات فرعی سیاسی = ۲۶ استان

سیستم حقوقی = سیستم حقوقی براساس قوانین عامه انگلیس، حقوق اسلامی و قوانین ناپلئونی می باشد. قانون اساسی دائمی در سال ۱۹۷۱ تدوین گردید. بررسی حقوقی تا اندازه محدود بر روی آن در دیوان عالی و همچنین در شورای کشور که اعتبار و حقانیت تصمیمات اداری را بررسی می نماید انجام شد، تحصیلات حقوقی در دانشگاه قاهره امکان پذیر است، قوانین اجباری کمیسیون بین المللی قضات را قبول دارد.

تعطیل ملی = روز ملی، ۲۳ ژوئیه

شعبات = قدرت اجرایی در دست ریاست جمهور می باشد، او کسی است که کابینه را انتخاب

می‌نماید، مجلس خلق کم‌کم با اجرای قوانین و آزادی سیاسی قدرتش زیادتر می‌شود، وزیر دادگستری به طور مستقل قوه قضائیه را اداره می‌نماید.

رئیس دولت = رئیس جمهور انور سادات

انتخاب عمومی = شرکت در انتخابات برای عموم افراد بالای ۱۸ سال آزاد است.

انتخابات = انتخابات مجلس خلق در هر ۵ سال یک مرتبه اجرا می‌شود (که آخرین آن در ژوئن ۱۹۷۹ برگزار گردید). انتخابات ریاست جمهوری هر ۶ سال یک مرتبه (که آخرین آن در سپتامبر ۱۹۷۶ برگزار گردید).

احزاب و رهبران سیاسی = برای تشکیل، حزب سیاسی باید به وسیله دولت مورد تصویب قرار بگیرد، حزب ملی دموکراتیک که در روابط سال ۱۹۷۸ به وسیله سادات به وجود آمد مهمترین حزب می‌باشد، و تعداد زیادی احزاب کوچک مخالف وجود دارند.

کمونیسته‌ها = به طور تقریب ۵۰۰ نفر که عضو حزب می‌باشند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی = AAPSO، بانک عمران آفریقایی، سازمان مواد و غذایی کشاورزی، گروه - ۷۷، قرارداد عمومی تعرفه و تجارت، آژانس انرژی اتمی بین‌المللی، بانک بازاری و عمران بین‌المللی، ICAC سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی، مؤسسه عمران بین‌المللی، مؤسسه مالی بین‌المللی، IHO، سازمان بین‌المللی کارگری، سازمان مشاوره دریایی بین دولتی، صندوق بین‌المللی پول، نهضت غیر متعهدها، اتحادیه عرب، سازمان ملل، یونسکو، اتحادیه پست جهانی، سازمان بهداشت جهانی، IOOC، اتحادیه تجاری بین‌المللی، شورای غله بین‌المللی، WIPO، سازمان هواشناسی بین‌المللی، سازمان شخم‌زنی جهانی، WPC، WSG، عضویت مصر در آوریل سال ۱۹۷۹ در اتحادیه عرب و اوپک عربی به حالت تعلیق درآمد.

اقتصاد:

تولید ناخالص ملی = ۱۱/۷ میلیارد دلار (۱۹۷۸)، ۲۹۰ دلار درآمد سرانه، در صد رشد سالانه ۹٪ در سال ۱۹۷۸ می‌باشد.

کشاورزی = مهمترین محصول - کتان، انواع دیگر محصولات عبارتند از - برنج، پیاز، لوبیا، مرکبات، غله، ذرت، جو، در تولید مواد غذایی خودکفا نمی‌باشد، ولی بخش کشاورزی یک قسمت برای ورود ارز خارجی می‌باشد.

صنایع مهم = منسوجات، کنسروسازی غذا، مواد شیمیایی، نفت، ساختمان، سیمان.

نیروی الکتریسته = ظرفیت ۵,۰۰۰,۰۰۰ کیلووات (۱۹۷۸)، ۱۴ میلیارد کیلووات ساعت تولید شده در (۱۹۷۸)، تولید سرانه ۳۵۰ کیلووات ساعت برای هر نفر.

صادرات = ۲,۷۲۵ میلیون دلار (با احتساب هزینه حمل تا بندرگاه، تخمین ۱۹۷۸)، کتان خام، کتان به صورت نخ درآمده و پارچه، نفت خام، برنج، پیاز، سیب‌زمینی، مواد شیمیایی، سیمان (خیلی محرمانه). واردات = ۴/۹۰۰ میلیون دلار (با هزینه خود کالا، بیمه و باربری، تخمین ۱۹۷۸)، مواد غذایی، ماشین‌آلات و تجهیزات، کود، چوب. (خیلی محرمانه)

طرفهای مهم تجاری = کشورهای عضو جامعه اروپا، آمریکا (خیلی محرمانه).

کمکها = اوپک (ODA) (۷۷ - ۱۹۷۳) ۷۷۱۳/۵ میلیون دلار، آمریکا ۲۳۱۸/۲ میلیون

دلار، کشورهای غربی (۷۷ - ۱۹۷۰) ۲،۱۸۵/۶ میلیون دلار، کشورهای کمونیستی (۷۷ - ۱۹۷۰) ۸۲۱/۵ میلیون دلار، کمکهای نظامی - از کشورهای کمونیستی (۷۷ - ۱۹۷۰) ۲،۷۳۲ میلیون دلار. (سری)

نرخ تبدیل ارز = نرخ رسمی - یک پوند مصر برابر است با ۲/۵۴ دلار آمریکا (البته این نرخ فروش می باشد)، ۰/۳۹۴ پوند مصر برابر با یک دلار آمریکا است (البته این نرخ فروش می باشد)، - یک پوند مصر برابر است با ۱/۴۳ دلار آمریکا، ۰/۶۹۹ پوند مصر برابر با یک دلار آمریکا.

سال مالی = سال تقویمی، آغاز در ۱۹۷۳

ارتباطات:

خطوط راه آهن = مجموعاً ۴۸۵۷ کیلومتر، ۹۵۱ کیلومتر خط دو طرفه، ۲۵ کیلومتر خط برقی، ۴۵۱۰۹ کیلومتر با فاصله ریل استاندارد (۱/۴۳۵ متر)، ۳۴۷ کیلومتر با فاصله ریل ۰/۷۵۰ متر. جاده ها = مجموعاً ۴۷،۰۲۵ کیلومتر، ۱۲۳۰۰ کیلومتر جاده آسفالت، ۲۵۰۰ کیلومتر شنی و سنگ خرد شده، ۱۴،۲۰۰ کیلومتر جاده خاکی مرمت شده، ۱۸۰۲۵ کیلومتر جاده خاکی مرمت نشده. آبهای داخلی = ۳۲۶۰ کیلومتر، کانال سوئز به طول ۱۶۰ کیلومتر، که به وسیله کشتیهای قاره پیما با ارتفاع حداکثر ۱۱/۵ متر در آب مورد استفاده قرار می گیرد، راه آبی اسکندریه - قاهره برای کرجیهای با ظرفیت یک تن متریک قابل عبور می باشد، رود نیل و کانالهای بزرگ برای کرجیهای ۴۲۰ تن متریک قابل عبور می باشد، کانال اسماعیلیه برای عبور کرجیهای نسبتاً بزرگ بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن متریک قابل عبور می باشد، کانالهای کوچک دیگری وجود دارند که برای کشتیهای کوچک بین ۱۰ تا ۷۰ تن متریک قابل استفاده می باشد.

بار حمل شده = از کانال سوئز (۱۹۶۶) - ۲۴۲ میلیون تن متریک که ۱۷۵/۶ تن متریک آن مواد نفتی

بود.

خط لوله = برای نفت خام ۶۷۵ کیلومتر، برای محصولات پالایش شده ۲۴۰ کیلومتر، برای گاز طبیعی ۳۶۵ کیلومتر.

بندرگاهها = ۳ بندر مهم (اسکندریه، پورت سعید، بندر سوئز)، ۸ بندر کوچک. ناوگان بازرگانی = مجموعاً ۸۵ کشتی (۱۰۰۰ تنی یا بیشتر) که جمعاً ۴۲۵۵۸۶ تن وزن خالص و ۵۷۲۴۲۶ تن وزن ناخالص، که شامل ۸ کشتی مسافربری، ۶۲ کشتی باربری، ۱۴ کشتی نفتکش، یک فروند تانکر می باشد (خیلی محرمانه).

هوایمایی غیر نظامی = ۲۸ هوایمایی حمل و نقل بزرگ که شامل ۳ هوایمایی کرایه شده می باشد. فرودگاهها = جمعاً ۱۰۵ فرودگاه، که ۷۵ فرودگاه قابل استفاده و ۶۷ فرودگاه با باند دائمی، ۴۷ فرودگاه با باندهایی به طول بین ۳۶۵۹ - ۲۴۴۰ متر، یک فرودگاه با باند بیشتر از ۳،۶۶۰ متر، ۱۹ فرودگاه با باندهایی به طولهای بین ۲۴۳۹ - ۱۲۲۰ متر.

ارتباطات = سیستم ارتباطات تلفنی، بزرگ و نامناسب برای احتیاجات می باشد و در وضع نامطلوبی نگهداری می شود، مراکز اصلی آن اسکندریه و قاهره می باشد، ولی مراکز درجه دوم عبارت از المنصوره، اسماعیلیه، و تانتا می باشند، ارتباطات بین شهری به وسیله کابلهای هم محور ماکروویو انجام می گیرد، مقدار زیادی از تأسیسات در حال تعویض شدن با دستگاههای جدید می باشند، ۵۰۰،۰۰۰ تلفن (۱/۳)

تلفن هر ۱۰۰ نفر)، ۲۲ موج آ.ام، موج اف.ام ندارد و ۲۹ ایستگاه تلویزیونی، یک ایستگاه ماهواره‌ای اقیانوس اطلس، ایستگاه ماهواره‌ای سمفونی، ۲ کابل هم محور زیردریایی. نیروی دفاعی:

نیروی انسانی نظامی = مذکر بین ۴۹ - ۱۵ سال ۱۰،۰۲۷،۰۰۰ نفر که ۶،۵۱۷،۰۰۰ مناسب برای خدمت نظامی می‌باشند، در حدود ۴۲۳،۰۰۰ نفر همه ساله به سن (۲۰) سال که سن سربازی است می‌رسند.

پرسنل = نیروی زمینی ۳۲۰،۰۰۰ نفر، نیروی دریایی ۲۰،۰۰۰ نفر، نیروی هوایی ۲۷،۰۰۰ نفر (۱۰۰۰ خلبان)، دفاع هوایی ۸۰،۰۰۰ نفر، سپاهان مرزی ۱۰،۰۰۰ نفر، نیروهای گارد و امنیتی ۴۴،۵۰۰ نفر، گارد ملی ۳۰۰۰ نفر، گارد ساحلی ۷۳۰۰ نفر (سری).

واحدهای مهم زمینی = ۲ ارتش مستقل و یک نیروی مستقل از ۱۰ لشکر (۵ لشکر پیاده، ۲ لشکر مکانیزه، ۳ لشکر زرهی)، ۳۱ تیپ مستقل (۱۰ تیپ پیاده، ۲ تیپ گارد ریاست جمهوری، یک تیپ شناسایی، ۳ تیپ زرهی، ۱۱ تیپ توپخانه صحرایی، ۲ تیپ خمپاره، ۲ تیپ موشکهای زمین به زمین، یک ستاد نیروی مخصوص با یک تیپ چترباز، ۲ تیپ برای حملات هوایی، و ۵ تیپ کماندو، ۲۶ تیپ دفاع هوایی با استفاده از موشکهای سام (سری).

کشتیهای نظامی = ۵ ناوشکن، ۱۲ زیردریایی، ۳ ناوچه گشتی، ۱۲ قایق کوچک مناسب برای دنبال نمودن زیردریایی، ۱۲ قایق تهاجمی مسلح به موشک (۶ واحد جدید تهاجمی مسلح به موشک هنوز به کار گرفته نشده‌اند)، ۲ قایق گشتی سریع، ۱۱ قایق اژدرافکن، ۱۷ قایق آتش سریع پشتیبانی، ۵ قایق گشتی، ۳ فروند هاورکرافت، ۱۲ مین جمع‌کن، ۱۷ فروند قایق خاکی و آبی، ۱۷ فروند قایق کمکی و خدمات، و مقدار معتناهی قایقهای کوچک دیگر (سری).

هوایما = ۹۱۴ فروند (۵۹۴ فروند جت، ۲۵ فروند جت ملخدار، ۱۳۰ ملخدار، ۱۶۵ هلیکوپتر) (سری).

موشک = ۶۵ گردان سام - ۲، ۱۵ گردان سام - ۶، ۱۶۷ سکوی سام - ۷. (سری). تدارکات = مصر اسلحه نیروهای پیاده‌اش، مهمات، کشتی نفت‌سوز و قایق گشتی را تولید می‌نماید و برای بقیه تجهیزات دیگر متکی به منابع خارجی می‌باشد (خیلی محرمانه).

بودجه نظامی = برای سال مالی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ به پایان رسید بودجه نظامی بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار بود، که ۱۹٪ از بودجه دولت مرکزی را تشکیل می‌داد. (خیلی محرمانه). اطلاعات و امنیت:

اطلاعات عمومی برای امور داخلی و خارجی، اداره عمومی برای تحقیقات امنیتی کشور برای امور داخلی، مدیریت اطلاعاتی نظامی برای امور داخلی و خارجی، اطلاعات ریاست جمهوری (PI) برای امور داخلی و خارجی. (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).

سند شماره (۲)

سری

۲۴ دی ۱۳۴۴ - ۱۴ ژانویه ۱۹۶۵

از: وزارت امور خارجه

به: سفارت آمریکا در: آدیس آبابا، الجزیره، امان، آنکارا، بغداد، بیروت، قاهره، دمشق، اورشلیم، جده، خارطوم، کویت، لندن، پاریس، رباط، طائز، تهران، تل آویو، تریپولی، تونس.

موضوع: روابط و گرایش‌های شخصیت‌های مهم جمهوری متحده عربی

به دنبال تشدید مشکلات در جمهوری متحده عربی، گزارشاتی پیرامون تعویض پرسنل در مقامات عالی و احتمال بروز مبارزه برای به دست گرفتن قدرت، رسیده است. این وزارتخانه معتقد است که شخصیت‌های مهم این مانور به شرح زیر خواهند بود:

۱- شخصیت‌های متمایل به شرق

الف: علی صبری: وی سالهاست که دست راست ناصر و مهمترین مشاور وی در زمینه مسائل خارجی و داخلی بوده است به همین دلیل، او بیش از هر کس دیگر پس از ناصر در سیاست‌های مصر نفوذ دارد. او مهمترین ترویج‌کننده وحدت عربی به رهبری جمهوری متحده عربی و حامی تحکیم بیشتر وحدت با بهره‌برداری از احساسات ضد غربی و ضد اسرائیلی و احساسات ناسیونالیستی عربی، می‌باشد. وی ظاهراً به شدت از سیاست بهره‌برداری از شوروی و هراساندن کمونیست‌های محلی طرفداری می‌کند. هم او بود که خیلی زود متوجه شد که می‌تواند از رقابت چین و شوروی به نفع جمهوری متحده عربی بهره‌برداری نماید. در رابطه با مسائل داخلی، صبری شدیداً از سوسیالیزم حکومتی طرفداری می‌کرده است و او و حاتیم مسئول ملی شدن مطبوعات در ماه مه ۱۹۶۰ شناخته شدند.

با این وصف، صبری یک چهره مردمی نیست. او به عنوان فردی دسیسه‌گر، نمک‌نشناس، تشنه قدرت و بسیار مرموز معروف شده و در عین حال به زرنگی و ذکاوت و راستگویی نیز معروف است. گفته می‌شود که وی برای خود در حیظه دولت یاران و همراهانی دست و پا کرده است، تا مقام و موقعیت خود را حفظ کرده و فعالیت‌های رقیبان خود را خنثی سازد. مهمترین دشمنان وی عبارتند از بغدادی و زکریا محی‌الدین، لیکن عبدالحکیم نیز از جمله دوستان وی به شمار نمی‌آید.

ب: عبدالحکیم امیر: امیر برخلاف صبری به تیزهوشی و جاه‌طلبی مشهور نیست، و می‌گویند که او معتاد به حشیش است، ولی صحت این گفته معلوم نشده است. لیکن او نشان داده است که قادر است در برابر تجاوز دیگران به حریم شخصی خود یعنی نیروهای مسلح از خود دفاع نماید. می‌گویند او یک مسلمان سرسپرده و احتمالاً تحت تأثیر اخوان المسلمین است و بیش از آنکه سیاستمدار باشد خود را یک سرباز می‌داند. جالب توجه است که نام او در زمره کسانی که برای رسیدن به قدرت مانور می‌دهند، وارد نشده است. امیر مسئول سرنگونی سوریه در سال ۱۹۶۱ شناخته شده و به همین دلیل ناصر می‌خواست وی را تنبیه نماید. بنا به گزارش‌های رسیده امیر، صبری و هیکل را مسئول تشویق ناصر به این امر دانسته بود. با این وصف دوستی بین امیر و صبری همچنان پا برجاست.

می‌گویند امیر در ارتش از محبوبیت خاصی برخوردار است، محبوبیتی که بدون شک از توزیع شغل و مزایا در میان افسران ناشی شده است. شایع است که افسرانی که مایلند در صنایع ملی شده به جایی برسند

و یا در ارتش ارتقاء درجه یابند دائماً به وی تعظیم و تکریم می‌کنند. هنوز معلوم نیست که مبارزات یمن بر این طرز برخورد و تفکر در قبال وی تأثیر گذاشته باشد. با این وصف گزارشات رسیده حاکی از آن است که تجارب جمهوری متحده عربی در یمن سبب شده است امیر در مورد منطقی بودن ماجراهای بدین شکل نظامی تردید بدل راه دهد.

## ۲- میانه‌روها:

الف - عبداللطیف البغدادی، بغدادی را فردی سرسپرده به آرمانهای انقلاب جمهوری متحده عربی توصیف کرده‌اند، لیکن وی یک سیاستمدار یا ایدئولوگ نبوده و بسیار متعصب است. او با سیاست «مصر ارجح» موافق است و با ماجراجوییهای خارجی مخالفت می‌ورزد، او با اتحاد سوریه و مصر مخالف و خواستار خروج نظامیان مصر از یمن بود.

وی احساس می‌کند که گرایش مصر به سمت شرق زیاده از حد شده است. هنگام اجرای فرامین ملی‌گرایی و سوسیالیزاسیون در سال ۱۹۶۱ وی با آنها شدیداً مخالفت می‌ورزید. در حالی که صبری شدیداً از آنها حمایت می‌کرد. به دنبال این اصطکاک و برخوردهای دیگر وی با ناصر، درخشش ستاره بغدادی کاهش یافته و از مارس ۱۹۶۴ از محافل داخلی جدا شده است، لیکن از سپتامبر ۱۹۶۴ گویا ناصر به او روی آورده است تا در حل معضلات پیچیده اقتصادی وی را یاری دهد. با وجود اینکه شایع شده بود که وی در توطئه تابستان سال ۱۹۶۴ علیه ناصر دست داشت، ولی ما شاهدی در اثبات این ادعا نداریم. بغدادی در میان مردم جمهوری متحده عربی به عنوان مردی که «وظایف خود را انجام می‌دهد» محبوبیت دارد. مرکز محبوبیت وی نیز در نیروهای مسلح ظاهراً نیروی هوایی است. او شدیداً از امیر و صبری متنفر است. از جمله اعضای محافل درونی که با وی شدیداً صمیمی است می‌توان از زکریا محی‌الدین نام برد.

ب: زکریا محی‌الدین. او فردی نیست که جاه‌طلب برای رسیدن به قدرت باشد. در ظاهر، وی با بغدادی پیوند دارد و به وحدت عربی اهمیت چندانی نمی‌دهد، او و بغدادی در اکتبر سال ۱۹۶۱ از ناصر به خاطر پیروی «کورکورانه‌اش از سوسیالیزم یوگسلاوی» انتقاد کردند، ولی زکریا محی‌الدین بیش از بغدادی فرصت‌طلب است. او ظاهراً مایل به مصالحه است و در اکتبر سال ۱۹۶۱ او و امیر خواستار آشتی با رژیم سوریه که از مصر کناره گرفته بود شدند.

نفوذ محی‌الدین از نقطه اوج خود در سال ۱۹۵۶ یعنی قبل از حمله اسرائیل به صحرای سینا کاهش یافته است. در ژوئیه ۱۹۵۷ علی صبری به عنوان سرپرست بخش اطلاعاتی جانشین وی گردید، و از آن زمان به بعد وی از صبری و شهرت و اعتبارش منزجر شده است. در سال ۱۹۶۱ گزارش شد که وی در محافل پلیسی از شهرت و محبوبیت بسیاری برخوردار شده است، و در میان آنها هنوز هم ممکن است پیروان بسیاری داشته باشد.

اطلاعات بالا جهت استفاده پیشینه ارائه شده است. در گفتگو پیرامون این مطالب با مقامات باید کمال احتیاط را رعایت نمود، نباید وانمود کرد که دولت آمریکا مایل است در بافت قدرت جمهوری متحده عربی شاهد تغییراتی باشد و یا مایل که شخصی و یا گروه ویژه‌ای در مبارزه بر سر قدرت در این جمهوری پیروز گردد. اگر اطلاعات تکمیل‌کننده دیگری به دست آوردید برای ما ارسال دارید. راسک

سند شماره (۳)

سرّی  
غیر قابل رؤیت برای خارجیان

نوامبر ۱۹۷۳ - آبان ۱۳۵۲  
سازمان مرکزی اطلاعات (CIA)  
گزارش بیوگرافیک

اشرف عبداللطیف غوربال  
سفیر مصر در آمریکا

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که بر دفاع ملی آمریکا طبق بندهای ۷۹۳ و ۷۹۴ لایحه ۱۸ قانون مصوبه آمریکا تأثیر می‌بخشد. انتقال یا افشای محتوی این سند و یا دریافت آن به وسیله افراد غیرمجاز قانوناً ممنوع می‌باشد.

سرّی  
غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

مقدمه

به دنبال جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ روابط دیپلماتیک بین آمریکا و مصر قطع گردید. چون فکر می‌کردند که هواپیمای آمریکایی هدفهای مصری را به حمایت از اسرائیل کوبیده است. بالاخره نتیجه این شد که جمال عبدالناصر رابطه دیپلماتیک مصر را با این کشور قطع گردانید. آمریکا سفارت خود را در قاهره تعطیل نمود و تنها در بخشی از سفارت اسپانیا دفتر حفاظت منافع آمریکا را وسیله چند کارمند معدود بازگشایی نمود. سفارت مصر در واشنگتن نیز تعطیل گردید و دفتر حفاظت منافع مصر در سفارت هند گشوده شد.

عبدالناصر بعدها به اشتباه خود درباره هواپیماهای آمریکایی پی برد، لیکن هیچ‌گاه نخواست از دولت آمریکا عذرخواهی کرده و آغاز دوباره روابط را خواستار شد - که البته پرزیدنت لیندن، ب، جانسون بر سر این دو مطلب پافشاری بسیار نمود. علیرغم فقدان روابط رسمی، دولت آمریکا رابطهای بسیار والا مرتبه‌ای در حکومت مصر یافته بود تا از طریق آنها به ایجاد صلحی در خاورمیانه اقدام نماید. در هفتم نوامبر ۱۹۷۳ مصر و آمریکا در «اصول» آغاز روابط دیپلماتیک کامل به توافق رسیدند. در آن زمان بود که دولت مصر اشرف غوربال را به عنوان سفیر مصر راهی این کشور نمود.<sup>۱</sup>

سرّی

انتشار خارجی ممنوع

مصر  
اشرف عبداللطیف غوربال  
سفیر مصر در آمریکا

در ۷ نوامبر ۱۹۷۳، پس از آغاز روابط دیپلماتیک میان مصر و آمریکا، دولت مصر اشرف عبداللطیف

۱- این گزارش در سرویس مرجع مرکزی تهیه و در سازمان سیا و وزارت کشور تصحیح گردیده است. اظهار نظرها و سؤالات را می‌توان با گلن هوراک کد ۱۴۳، داخلی ۴۱۷۲ در میان گذاشت.



غوربال را به سمت سفیر مصر در این کشور منصوب نمود. تا قبل از این انتصاب، از ماه ژانویه به بعد او به عنوان مشاور مطبوعاتی پرزیدنت انور سادات خدمت می‌کرد. غوربال که یک کارمند با سابقه وزارت امور خارجه است برای این کشور (آمریکا - م) به هیچ وجه چهره غریبی نیست. او در هاروارد تحصیلات عالی را به پایان رسانید، با شروع کار در وزارت امور خارجه، او به عنوان نماینده دائمی از سوی مصر در سازمان ملل به کار مشغول گردید، و بعدها به عنوان رئیس دفتر حفاظت منافع مصر در سفارت هند در واشنگتن، او مهمترین دیپلمات مصر در آمریکا در سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۶۸ بود.

#### نظرات او درباره خط‌مشی آمریکا در خاورمیانه

غوربال معتقد است که آمریکا، در سالهای اخیر فرصتهای دیپلماتیک بسیاری را در خاورمیانه از دست داده، لیکن وی امیدوار است که روابط بین آمریکا و مصر بهبود یابد. پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، غوربال گفت که به نظر او آمریکا سیاست خود را در قبال خاورمیانه تغییر نخواهد داد، مگر اینکه منافع نفتی خود را در خطر جدی ببیند. او در همین اواخر گفت که جنگ اعراب و اسرائیل و تحریم نفتی متعاقب ضربه مهمی به آمریکا زد.

غوربال اصولاً نمی‌داند که در صورتی که مصر بخواهد در رابطه با مسائل و مشکلات خاورمیانه با آمریکا درگیر شود، چه مشکلاتی خواهد داشت. خوش بینی او نیز از خوش برداشتی او از وزیر امور خارجه هنری کیسینجر ناشی می‌شود.

درباره دکتر کیسینجر اینطور گفته است: «به نظر من او یک دوست است. در گذشته از او درباره خاورمیانه مطالب منطقی بسیار شنیده‌ام که هیچ یک از دیگر اعضای وزارت خارجه نتوانسته بودند اینچنین نظریاتی را ابراز دارند.»

در یک مصاحبه اخیر از غوربال پرسیده شد که وظایف او به عنوان سفیر در آمریکا چه خواهد بود. وی در جواب گفت: «من همه توان خود را در متقاعد ساختن کنگره، مطبوعات و سرمایه‌گذاران به کار خواهم گرفت تا تلاشهای خود را برای رسیدن به صلح عادلانه در منطقه به دو برابر افزایش دهند.»

#### انتصاب قبلی او در واشنگتن

در یک گفتگوی اختصاصی در سال ۱۹۶۹ غوربال گفت که به علت آگاهی در مورد آمریکا و به علت سوابق شخصیش وی را به سمت مهمترین دیپلمات مصری در آمریکا در سالهای بحرانی قطع روابط برگزیده‌اند. زمانی که روابط در حال قطع شدن بود، او در حال آماده شدن برای سمت ریاست سفارت مصر در واشنگتن بود و در آن زمان به همراه معاون رئیس جمهور، زکریا محی‌الدین درست یک روز قبل از آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به واشنگتن جهت انجام مذاکرات سفر کرد. پس از قطع روابط با آمریکا اعلام کرد که حاضر است یک دیپلمات مصر در سطح وزیر را به عنوان ریاست دفتر حفاظت منافع مصر بپذیرد و پذیرشی برای تصدی غوربال در این سمت صادر نمود.

یکی از آمریکاییهایی که او را در آن زمان می‌شناخت درباره او می‌گوید که او شخصی است که اصرار دارد عقاید خود را در قالب سیاستهای رسمی مصر ابراز نماید. به عنوان یک وزیر، غوربال نتوانست با مقامات کاخ سفید و وزارت امور خارجه و رئیس جمهور تماس حاصل نماید. (روابط بین قاهره و آمریکا

از طریق دفتر حفاظت منافع آمریکا در قاهره اداره می‌شد تا دفتر حفاظت منافع مصر در واشنگتن). او که دریافته بود که حتی دولت خود، او را در مذاکرات حساس پیرامون مسائل خاورمیانه منزوی ساخته است، بر آن شد تا با جلب اعتماد افراد متنفذ در دیگر سطوح واشنگتن به مقابله با این عمل برخاسته و خود را از انزوا بیرون کشد. او با تلاش بسیار در جستجوی افرادی بود که از او و عقایدش استقبال می‌کردند، تا بدین وسیله بتواند قاهره را تحت تأثیر کافی قرار دهد. او با مقامات میان رتبه وزارت امور خارجه، اعضای کنگره و کارمندان کنگره و حتی مدیران شرکت نفت آمریکا به این منظور که از نفوذ آنان در دولت بهره برد تماس حاصل می‌نمود. او از نظر ایراد سخنرانیها نیز بسیار فعال بود و یکی از دیپلماتهای فعال عربی در این زمینه به شمار می‌آمد.

غوربال خیلی سعی داشت بداند که چه کسی به مصر سفر می‌کند. نمایندگان کنگره و مدیران بازرگانی از برنامه‌های آشناسازی که او برایشان در قاهره ترتیب می‌داد بسیار راضی بودند. او مخصوصاً در مورد مسافرت شخصیت‌های مهم کنجکاو به خرج می‌داد، و سعی می‌کرد همزمان با آنها در قاهره باشد و بر وظایف آنها نظارت داشته باشد. در زمان اقامتش در واشنگتن، غوربال مکرر به سفارت روسیه می‌رفت تا طرف تماسهایی در آنجا بیابد و از آنها به عنوان منبع اطلاعات دیپلماتیک بهره‌برداری نماید.

#### انتصاب دوباره در قاهره

در طول مدتی که ریاست دفتر حفاظت منافع مصر را به عهده داشت، غوربال توانسته بود اعتماد محمود ریاض وزیر امور خارجه را نسبت به خود جلب نماید. لیکن چون ریاض با طرح مصر مبنی بر یک موافقت میان دوره‌ای که باعث باز شدن کانال سوئز بشود مخالف بود، سادات بر او خشم گرفت. ریاض در ژانویه ۱۹۷۲ از سمت وزارت امور خارجه برکنار شد و در نتیجه غوربال نیز به عنوان یکی از حامیان او در بهار سال ۱۹۷۲ از واشنگتن فراخوانده شد.

لیکن، غوربال با سربلندگی به قاهره بازگشت. قبل از عزیمت از واشنگتن او به درجه سفارت ارتقاء پیدا کرد. پس از آن به عنوان دستیار حافظ اسماعیل مشاور رئیس جمهور در امنیت ملی انتخاب و نصب گردید. این انتصاب نیز همانند انتصاب قبلی او در آمریکا به خاطر آگاهی او از مسائل آمریکا بود.

#### مشاور ریاست جمهوری

ظاهراً غوربال وظایف خود را به عنوان دستیار اسماعیل به خوبی انجام داده بود. چون بعدها او به سمت مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور در ۱۷ فوریه ۱۹۷۳ منصوب گردید. این طور به نظر می‌رسد که سادات این موقعیت را برای غوربال در دفتر به وجود آورد تا از او به عنوان مشاور خود در رابطه با مسائل آمریکا استفاده کند. در همین رابطه بود که غوربال در سپتامبر ۱۹۷۳ به همراه سادات در کنفرانس غیر متعهدها در الجزیره شرکت نمود. او به عضویت کمیته عالی جنگ که قبل از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل توسط سادات به وجود آمده بود، درآمد.

اکثر روزنامه‌نگاران خارجی، به خصوص روزنامه‌نگاران غیر عربی، نحوه عملکرد غوربال را به عنوان مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور ستوده‌اند. گزارش اخبار معمولاً به طرز واقع بینانه انجام می‌گرفت و بیاناتی که در رابطه با جنگ می‌شد معمولاً در حد توجیه اهداف جنگی مصر بود. از این نظر

روزنامه‌نگاران برای غوربال احترام بسیار قائل هستند.

### زندگی و حرفه‌های اولیه

اشرف عبداللطیف در ۲۲ ماه مه ۱۹۲۵ در اسکندریه مصر در خانواده‌ای از طبقه بالا لیکن متوسط‌الحال از نظر معیشت به دنیا آمد. او فرزند معاون وزیر پیشین دادگستری عبداللطیف غوربال بود. مشهورترین فرد خانواده‌اش شفیق غوربال مورخ بود. اشرف غوربال در رشته علوم سیاسی در دانشگاه فؤاد اول (دانشگاه قاهره) به مطالعه پرداخت و در سال ۱۹۴۵ فارغ‌التحصیل گردید. اسماعیل فهمی (وزیر امور خارجه در سال ۱۹۷۳) و محمد ریاض (مشاور رئیس اتحادیه عرب) دو تن از همکلاسیهای او بودند. هر سه آنها مدتی بعد از پایان تحصیل به وزارت امور خارجه پیوستند و آنها را در وزارت امور خارجه به عنوان «مثلث» می‌شناختند.

این وزارتخانه در سال ۱۹۴۶ غوربال را برای ادامه تحصیلات به آمریکا فرستاد. او به وسیله کشتی کورنلیاس گیلیان که یک کشتی آزادیبخش مملو از سربازان آمریکایی مراجعت‌کننده از جنگ بود به آمریکا سفر کرد. در طول سفرش با قاسان طوینی یکی از دانشجویان لبنانی که عازم دانشگاه هاروارد بود آشنا شد (طوینی در حال حاضر معاون نخست وزیر و وزیر اطلاعات و آموزش و نیز سردبیر و ناشر روزنامه بیروتی النهار می‌باشد). این دو پس از سه و نیم سال که در هاروارد با یکدیگر گذراندند، همچنان با یکدیگر دوست و صمیمی هستند.

غوربال در ادامه تحصیل در هاروارد تقریباً مردود شد و در ترم اول به صورت مشروط مجبور به ادامه تحصیل گردید و بعدها او مشکلاتش را به غربت و دوری از وطن نسبت داد. پس از اینکه دید در حال اخراج از دانشگاه هاروارد است با جدیت بیشتر به درس خواندن پرداخت و در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ فوق لیسانس و دکترای خود را در علوم سیاسی گرفت. عنوان تز دکترای او چگونگی ایجاد امنیت در منطقه بود.

در سپتامبر ۱۹۴۹ او به عنوان وابسته به وزارت امور خارجه بازگشت. در فوریه ۱۹۵۰ در نمایندگی سازمان ملل (با دریافت کمک هزینه) به کار مشغول شد. در سال ۱۹۵۱ به عنوان دبیر سوم به قاهره بازگشت و در ماه مه همان سال به عنوان عضو انجمن شهر از آمریکا بازدید به عمل آورد. از آن زمان به بعد، غوربال به عنوان معاون مدیریت سازمانهای بین‌المللی، بخش قراردادهای و کنگره‌ها در وزارت امور خارجه عمل می‌کرد. تا سال ۱۹۵۲ به عنوان دبیر سوم در نمایندگی مصر در سازمان ملل به کار مشغول بود تا اینکه در سال ۱۹۵۴ به عنوان سفیر به پاریس فرستاده شد.

در ژانویه ۱۹۵۶ به عنوان دبیر سوم به لندن رفت و یک ماه بعد غوربال به سمت دبیر اولی ارتقاء یافت. در ژوئیه ۱۹۵۷ به نمایندگی مصر در دفتر اروپایی سازمان ملل در ژنو فرستاده شد، در حالی که در آن سمت بود به عنوان عضو کمیته فرعی جمهوری متحد عربی انجام وظیفه می‌نمود و مذاکرات اقتصادی با فرانسه در سال ۱۹۵۸ را انجام داد. در آخرین سال اقامتش در ژنو در سال ۱۹۶۰ به سمت کنسول نمایندگی در ژنو رسید.

پس از بازگشت به قاهره، غوربال مدت کوتاهی به عنوان معاون مدیریت دپارتمان کنفرانسها و سازمانهای بین‌المللی وزارت امور خارجه انجام وظیفه نمود. در سال ۱۹۶۰ در اولین کنفرانس غیر

متعهدها در بلگراد شرکت نمود. پس از آن از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۶۲ به عنوان معاون مدیریت دپارتمان امور آسیایی خدمت کرد. در ۱۹۶۳ به عنوان کنسول نمایندگی مصر در سازمان ملل به نیویورک رفت. در سال ۱۹۶۳ با وجود اینکه کنسول نمایندگی مصر در اتاوا شده بود، لیکن تا سال ۱۹۶۴ نتوانست در آنجا به کار مشغول شود. پس از بازگشت به قاهره در اوائل ۱۹۶۵ پست ریاست کابینه در دفتر معاونت وزارت امور خارجه را عهده‌دار گردید. در بین سالهای ۶۷ - ۱۹۶۶ او مدیر دپارتمان نظارت و هماهنگی در وزارت امور خارجه گردید، و در آن مقام مشغول به کار بود تا اینکه در ژانویه سال ۱۹۶۸ به سمت ریاست دفتر حفاظت منافع مصر در واشنگتن منصوب گردید.

### انتصابهای او در سازمان ملل

غوربال بر تجربیات حاصله از خدمتش در سازمان ملل ارج بسیار می‌نهد. در سالهای خدمتش بین ۱۹۵۲ و ۱۹۵۴ در سازمان ملل او به عنوان عضو کمیته حقوق بشر کنسول اجتماعی اقتصادی سازمان ملل نیز به کار مشغول بود. در آوریل ۱۹۵۵ در یازدهمین اجلاس این کمیته در ژنو شرکت جست. یکی از اعضای سازمان ملل از غوربال به عنوان یک فرد مطلع، توانا، و صمیمی و همکار یاد می‌کند. در ژوئیه ۱۹۵۹ و آوریل ۱۹۶۳ غوربال به عنوان ناظر در اجلاس ۲۸ و ۳۵ کمیته حقوق بشر کنسول اجتماعی اقتصادی سازمان ملل فعالیت نمود. در آوریل ۱۹۶۳ او در پانزدهمین اجلاس کمیسیون اجتماعی سازمان ملل شرکت جست و کارهای سازنده او در اجلاس ژوئن ۱۹۶۳ کمیته مساعدت فنی، ستایش بسیاری از نمایندگان سازمان ملل را برایش ارمغان آورد. در سپتامبر همان سال غوربال به عنوان معاون ریاست کمیته حقوق بشر کنسول اجتماعی اقتصادی برگزیده شد.

غوربال در بسیاری از اجلاسهای مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان نماینده حضور داشت. او در هنگام وضع قانون دوم کنفرانس دریاها در سال ۱۹۶۰ نیز حضور داشت.

### سوابق شخصی

سفیر منصوب کنونی مصر در آمریکا فردی شناخته شده و بسیار خونگرم است. او به طرز بسیار محافظه کارانه‌ای لباس می‌پوشید. او به زبان انگلیسی و فرانسه مسلط است و در بین آمریکاییها احساس غربت نمی‌کند. او خیلی علاقه دارد راجع به اسکندریه در مصر به خصوص راجع به باغی که در نزدیکی آنجا دارد صحبت کند. اخیراً گفته است که یک باغ هلو در دلتای نیل خریداری کرده است. سخن گفتن خارج از موضوع با غوربال ممکن نیست و او هر چه را که بشنود کاملاً به قاهره مخابره می‌کند. با وجود اینکه مسلمان است، غوربال مشروب نیز می‌نوشد، او سیگار نمی‌کشد مگر اینکه گاهی بعد از شام یک سیگار نیز مصرف کند. او را خیلی وقت شناس در ملاقاتها دانسته و اکثر کارهایش را در اوائل روز انجام می‌دهد.

غوربال شناگر بسیار ماهریست و از راهپیمایی و حمامهای سونا بسیار لذت می‌برد. آخرین باری که به واشنگتن آمده بود تقریباً هر روز خانواده‌اش را به یک کلپ شنا می‌برد. او سعی کرد در زمان عهده‌دار بودن وظیفه کنسولی نقاشی را نیز بیاموزد، لیکن فشار کاری باعث شد که نتواند این مشغولیات را فراگیرد.

## خانواده

غوربال با آمال احمد امیر ازدواج کرده است. وی برخلاف شوهرش با آمریکاییها با خونگرمی برخورد نمی‌کند، لیکن با دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط دارد. خانواده غوربال در خانه‌ای در خیابان ماساچوست واشنگتن قبلاً توسط خود خانم غوربال تزئین شده بود سکونت خواهندگزید. این دو دارای دو فرزند هستند، یکی دختر ۱۹ ساله بنام ناهید و دیگری پسر ۱۵ ساله بنام عمر. ناهید در سال تحصیلی ۷۲-۱۹۷۱ در مدرسه خدمات خارجی جورج تاون به تحصیل مشغول گردید. او در حال حاضر ثبت نام نکرده است. ممکن است برای ترم بهاره و یا آغاز سال ۷۴-۱۹۷۳ به دانشگاه جورج تاون بازگردد. ۲۳ نوامبر ۱۹۷۳

## سند شماره (۴)

۱۴ فروردین ۱۳۵۷ - ۳ آوریل ۱۹۷۸  
از: سفارت آمریکا در قاهره  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

### موضوع: ناو جنگی اتمی و عبور آن از کانال سوئز

۱- در این فکر بودم که چگونه موضوع مرجع را در رابطه با محدودیتهای مطروحه در تلگرام مرجع ارائه نمایم. این موضوع را با درياسالار هالوئی در سفر اخيرش به اینجا در میان گذشته‌ام. محدودیتهای موجود را در مورد آنچه که می‌توان در مورد عبور ناو جنگی اتمی گفت می‌دانم، لیکن امیدوارم که بتوانم چیزهایی در این مورد ارائه کنم تا مصریها نیز از جنبه‌های امنیتی آن مطمئن شوند. در این رابطه، فکر می‌کنم که بهتر است اعتراف کنیم که ورود این ناو جنگی به بنادر و عبور آن از کانال سوئز دو مسئله کاملاً متفاوت است. دو ناو جنگی اتمی که به اسکندریه وارد شده بودند در خارج از اسکله داخلی و حدود ۱/۷ میل دریایی دورتر لنگر انداخته بودند. حداقل بعضی از مصریها معتقدند که درست است که از نظر امنیتی به ناوهای جنگی اتمی ما شک و تردیدی ندارند، ولی لنگراندازی آنها در خارج از اسکله نیز که به خاطر مسائل امنیتی مقرر شده بود. در حالی که عبور این ناو جنگی از کانال سوئز به معنی آن است که این ناو از یک کانال با وسعت ۲۰۰ متر از میان شهرهای پرجمعیت بندر سعید، اسماعیلیه و سوئز که در مقایسه با اسکندریه به ناوها بسیار نزدیک هستند باید بگذرد، موجبات نگرانی بیش از حد مقامات کانال سوئز را فراهم کرده که مشکل بزرگی نیز به حساب می‌آید.

۲- من با معاون نخست وزیر احمد سلطان گفتگوی دیگری نیز داشتم و مشکلات مربوط به افشای این موضوع را نیز به وی یادآور شدم به او گفتم که طبق پیشنهادش حاضریم یک فرد متخصص به محل اعزام داریم، ولی در عین حال یادآور شدم که این فرد نخواهد توانست کار زیادی انجام دهد. تقریباً تمام مطالب مربوط به ناو جنگی اتمی و عملیات و طرحهای آن طبقه‌بندی شده است و ما دائماً از ارائه آن به کشورهای میزبان ناوهای جنگی اتمی خود امتناع ورزیده‌ایم. اگر چه همه قبول دارند که متخصص آمریکایی نخواهد توانست به همه سؤالات پاسخ دهد و اگر این اقدام را نوعی حرکت آرایشی در جهت کمک به سلطان در متقاعد ساختن کمیته خود به حساب می‌آورند، البته این متخصص را به منطقه اعزام خواهیم داشت. سلطان گفت وی به ماهیت مشکلات معترف است، لیکن مایل است که این ملاقات صورت گیرد. وی گفت اگر این فرد متخصص بتواند به آنها توضیح دهد که در هنگام عبور ناو جنگی اتمی از کانال پاناما چه

اقدامات امنیتی خاصی صورت گرفته، برای آنها مفید خواهد بود. اگر در کانال پاناما اقدامات صورت نگرفته باشد، کمیته تحت تأثیر آن واقع خواهد شد. لطفاً در صورت امکان توضیح دهید که هنگام عبور از کانال پاناما چه اقدامات احتیاطی خاصی انجام شده است.

۳- پیرامون این موضوع با معاون رئیس جمهور مبارک نیز صحبت کرده و او را در جریان گفتگوهای پیشین خود با گمسی (GAMSY) کامل، عالی و سلطان قرار دادم. در انجام آن، مبارک را به طور مختصر در جریان سوابق امنیتی عملیاتی بیست ساله گذشته ناوهای جنگی اتمی خود در بنادر مختلف قرار دادم. علاوه بر این به وی گفتم که دو ناو جنگی اتمی آمریکا به اسکندریه نیز سفر کرده‌اند. به وی گفتم که گمسی، کامل و سلطان مایلند در این زمینه تشریح مساعی نمایند. معذالک کمیته فنی در این زمینه با مشکلاتی روبه‌رو می‌باشد. مبارک توصیه کرد که با گمسی، کامل و سلطان همکاری نموده و نگرانیهای کمیته را برطرف نمایم. وی گفت در صورتی که کمیته به لجبازی خود ادامه دهد، وی با کمال میل مداخله خواهد کرد تا تصمیم مقتضی گرفته شود. من از این وسیله به عنوان آخرین راه چاره بهره‌برداری خواهم کرد.

۴- با در نظر گرفتن نظریات سلطان در پاراگراف دوم بالا، معتقدم که بد نیست در پایان چویننگ به مصر بیاید و با سلطان و کمیته فنی در این باره ملاقات نماید، لیکن باید به یاد داشته باشید که هدایت کانال پاناما از اهمیت بسیار برخوردار است. چون سلطان بخش اعظم این ماه را در مسافرت به سر خواهد برد، وی پیشنهاد کرده است که چویننگ در اواخر ماه آوریل به مصر بیاید. لطفاً از امکان این سفر ما را مطلع سازید.

#### سند شماره (۵)

۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ - ۱۰ مارس ۱۹۷۸  
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

سری

به: سفارت آمریکا در قاهره، فوری

موضوع: عبور ناو جنگی اتمی از کانال سوئز

۱- اطلاعات ذیل مربوط است به پاسخگویی به پرس و جوهای تلگرام مرجع در مورد اطلاع دولت آمریکا از تضمینهای انگلستان، فرانسه و شوروی در مورد مسئولیت و امنیت ناو جنگی اتمی.  
الف: بیانیه دولت انگلستان از همه نظر مشابه بیانیه استاندارد آمریکا می‌باشد. علاوه بر این، بیانیه وزیران دولت انگلستان در ژوئن ۱۹۶۷ نیز دارای تأثیر و نتایج مشابه به قانون عمومی آمریکا به شماره ۵۱۳ - ۹۳ می‌باشد. آمریکا و انگلستان نیز در مورد ورود ناو جنگی اتمی به بنادر خارجی روش و برخوردی یکسان دارند.

ب: تا آنجا که ما می‌دانیم تنها فرانسویها هستند که باید قبلاً برای ورود ناوهای اتمی خود به بنادر خارجی تقاضاهایی را مطرح نمایند. در گفتگوی دولت آمریکا با دولت فرانسه در ارتباط با ورود ناو جنگی اتمی به ما خاطر نشان ساختیم که در صورتی با تقاضای ورود ناو اتمی فرانسه موافقت خواهد شد که فرانسه نیز با استانداردهای آمریکایی به طور یک جانبه موافقت نماید و سوابق مربوط به عملکرد خالی از خطر را نشان دهد.

ج: این وزارتخانه در مورد عملکرد شوروی در رابطه با ورود ناوهای اتمی آن کشور به بنادر خارجی اطلاعی ندارد و تنها در مورد دو بندری که ناوهای اتمی شوروی از آنها بازدید کرده‌اند، مطالبی می‌داند.

یکی از بنادر، بندر سنیفوگوس و بندر دیگر بندر اسکندریه بوده است. تصمیمات پیشین دولت مصر در رابطه با سفرهای اوائل سال ۱۹۷۲ و سفرهای پیشین ناو اتمی شوروی به اسکندریه احتمالاً ملاحظات سیاسی را در نظر داشته و در رابطه با وضع حاضر مصداق ندارد.

۲- موضع دولت آمریکا در رابطه با سفرهای ناو اتمی: آمریکا دقیقاً همان نکاتی را در نظر می‌گیرد که شما با وزیر خارجه کامل (پاراگراف ۵ تلگراف مرجع الف) در میان گذاشته‌اید. در رابطه با فرضیات شما در پاراگراف ۸ تلگراف مرجع الف، دولت آمریکا نسبت به صدور اجازه از طرف دولت مصر جهت عبور ناوهای جنگی اعتراضی ندارد، به شرط آنکه شرایط قانون قسطنطنیه ۱۸۸۸ براساس (۱) تضمینهای یک جانبه مانند تضمینهای ارائه شده از طرف خودمان و (۲) نشان دادن سوابق عملکرد خالی از خطر از طرف کشوری که می‌خواهد ناو اتمی خود را از کانال سوئز عبور دهد، در رابطه با همه ناوهای اتمی به کار برده شود.

۳- محض اطلاع شما: هدف ما این است که از فرسایش سیاست یک جانبه‌ای که ما و انگلستان در سرتاسر جهان به منظور عبور ناوهای اتمی خود استفاده می‌کنیم اجتناب ورزیم. چون فرسایش این سیاست ممکن است منجر به لزوم پیدایش توافق دو جانبه و یا چند جانبه شود که مورد قبول آمریکا نخواهد بود. درست است که نمی‌توانیم نحوه قرارداد پیشنهادی یک کشور ثالث را تحت کنترل داشته باشیم، ولی هدف ما این است که دولت مصر را متقاعد سازیم که تنها تضمینهای یک جانبه ما طبق بیانیه استاندارد دولت آمریکا و قانون عمومی ۵۱۳-۹۳ کافی است. پایان، بخش محض اطلاع شما.

۴- تقاضای دولت مصر از اداره اتمی بین‌المللی در مورد ارائه مشورت‌های فنی پیرامون ورود ناو جنگی اتمی، از نظر ما تنها در رابطه با عبور کشتی‌های بازرگانی اتمی صادق خواهد بود، ولی ناوهای جنگی اتمی به طریق کاملاً متفاوت و تنها توسط خودمان و کشورهای میزبان این سفرها اداره می‌گردد. می‌توانید به دولت مصر اطلاع دهید که تقاضای ما تنها در مورد عبور ناو جنگی اتمی آمریکا از کانال سوئز مصداق دارد و ناوهای تجاری اتمی و عبور آنها از کانال با روش دیگر انجام می‌گیرد.

۵- در پاسخ به تلگرام مرجع ج، تنها ناوهای جنگی اتمی ما و انگلستان از کانال پاناما عبور کرده‌اند. محض اطلاع شما: تاکنون هیچ ناو اتمی خارجی از این کانال عبور نکرده است، لیکن قرار است در سال جاری دو ناو اتمی انگلستان از آن عبور نمایند. پایان، محض اطلاع شما.

چون انگلستان تضمینهای مشابهی را در رابطه با ورود ناوهای اتمی انگلستان به بنادر آمریکا ارائه کرده است، بنابراین برای عبور از کانال پاناما نیاز به ارائه مجدد آنها نیست. از آنجایی که در مورد سیاست شوروی و فرانسه در رابطه با ورود ناوهای اتمی آنها به بنادر و ورود آنها به آبهای داخلی کشورهای دیگر اطلاعی نداریم، با قاطعیت نمی‌توانیم در مورد نحوه اداره عبور ناوهای اتمی این کشورها از کانال پاناما اظهار نظر کنیم. تا زمانی که کانال تحت کنترل آمریکاست، ما سعی خواهیم کرد از تضمینهای یک جانبه خود در رابطه با دیگر کشورها استفاده کنیم، تا ثبات سیاست خود را در رابطه با عملکرد ناوهای اتمی خود و انگلستان در سرتاسر جهان حفظ نماییم.

۶- محتوای تلگرافهای مرجع و این تلگرام با سفارت انگلستان در واشنگتن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. سفارت‌های مستقر در قاهره و لندن ممکن است بخواهند با هم‌تاهای خود در این رابطه تماس حاصل نمایند.

## سند شماره (۶)

۲۳ ژانویه ۷۹ - ۳ بهمن ۵۷  
 از: سفارت آمریکا در قاهره  
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. ۸۸۵۷  
 موضوع: تأثیر گزارشاتی که بر مبنای آنها به سازمان سیا دستور داده شده است که  
 نهضت‌های اسلامی را در مصر مورد مطالعه قرار دهد

۱- (تمام متن سری است).

۲- خلاصه: الاهرام مقاله‌ای را که در واشنگتن پست درج گردیده و حاکی از آن است که از سازمان سیا خواسته شده که نهضت‌های اسلامی را در تمام جهان مورد مطالعه قرار دهد، مد نظر قرار داده است. درز نمودن این‌گونه اخبار بسیار تأسف آور، است زیرا شیوع این‌گونه اخبار سری در زمانی که سفارت آمریکا در تلاش است تا به گفتگوهای سازنده با دست راستی‌های مذهبی در مصر دست بزند، روند این‌گونه مذاکرات را بر هم می‌ریزد. بخش اسلامی متعصب بسیار حساس و مظنون است. به علت نگرانی در مورد اورشلیم، احساس همدردی شدیدی با فلسطینی‌ها کرده، از اشغال دائمی ساحل غربی رود اردن و نوار غزه و به خاطر اینکه قادر نیستند کار مثبتی در این باره انجام دهند بسیار عصبانی هستند و تمام سرزنش‌ها را متوجه آمریکا می‌کنند. در هفته‌های گذشته با وخیم‌تر شدن اوضاع ایران، اتفاق آرای مسلمانان متعصب علیه آمریکا افزودن‌تر شده، مقالات شدیدالحن در روزنامه‌های مذهبی مصری به چاپ رسیده و در خطبه‌های روز جمعه نیز انتقادهایی از آمریکا شده است. از نظر آنها آمریکا دشمن اسلام است. لازم است که یک زنجیره عملیات مثبت از طرف ما صورت بگیرد تا این عدم اعتماد مسلمانان نسبت به ما از میان برود. گزارشات مطبوعات در زمینه مطالعات اطلاعاتی اگر هم ضروری باشد، در این زمینه ما را یاری نخواهد داد. پایان خلاصه.

۳- با نفوذترین روزنامه مصری الاهرام، دیروز مقاله، هاگلند از واشنگتن پست را به چاپ رسانده است که در آن دکتر برژینسکی از سازمان سیا خواسته است تا مطالعات همه جانبه‌ای را پیرامون نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان به عمل آورند. این طور که از مقاله برمی‌آید اطلاعات مربوطه از طریق کمیته روابط خارجی به واشنگتن پست داده شده است. با وجود اینکه ما خاطر نشان ساخته‌ایم که در مقاله هاگلند از «جامعه اطلاعاتی» خواسته است که چنین مطالعه‌ای را از سر گیرد، ولی الاهرام این عبارت را به سازمان سیا ترجمه می‌کند. چنین مطالعه‌ای باید خیلی زودتر از اینها انجام می‌گرفت، ولی باعث تأسف است که خبر به این سرعت درز کرده است و حتماً در زنجیره تلاشهایی که از طرف سفارت جهت انجام گفتگوهای سازنده با عناصر مذهبی دست راستی مصری صورت می‌گیرد، تأثیر خواهد کرد.

۴- هیچ بخش دیگر مصری حساس‌تر از بخش دست راستی‌های مسلمان نیست، که در حال حاضر بقایای اخوان المسلمین قبلی است که همچون آفتی بر مصر در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ تاختند، و هنوز قدرتمند است، گر چه در حال حاضر باله‌ایش قیچی شده است و از عدم وجود رهبری رنج می‌برد. از طریق منابع متعددی سعی شده است که با رهبران اخوان تماس مستقیم برقرار شود، ولی موفقیت حاصل نگردید، لیکن در یک سال و نیم گذشته توسط مقامات بخش سیاسی تماسهایی با عمر تلمسانی مدیر نشریه ماهانه اخوان که ادعا می‌کند یکی از رهبران سازمان است حاصل شد. در این مراحل تلاش بر آن بود که تماسها با دقت و احتیاط انجام پذیرد. لیکن تلمسانی و همکارانش گویا از تماس آشکار و مباحث



رک و بی‌پرده با مقامهای سفارتی هراسی ندارند. هیچ چیز آنها را نمی‌ترساند مگر اینکه بفهمند که عملیات سیا برای «مطالعه» (یا از نظر مسلمانان «درک») نهضت‌های اسلامی می‌باشد.

۵- پرداختن تصویر مشکوک آمریکا از نظر این مسلمانان بنیادگرا بسیار مشکل است. آنها به علت علاقه‌شان به اورشلیم با فلسطینیها احساس همبستگی شدید داشته، نگران اشغال دائمی ساحل غربی رود اردن و نوار غزه توسط اسرائیلیها هستند. دست راستیهای مسلمان، سادات را از این نظر که نتوانسته است از طریق قرارداد کمپ دیوید تعهد روشنی در مورد بازگرداندن اورشلیم شرقی یعنی مکان حرم شریفه به اعراب که به معنی کنترل مسلمانان است به دست آورد، شدیداً مورد انتقاد قرار داده‌اند. انتظار می‌رود که اعمال اخیر اسرائیل در هیرون و حرم ابراهیمی عکس‌العمل منفی مسلمانان دست راستی مصری را را به همراه بیاورد. از اینکه دیگر مسلمانان عربی قادر نیستند در قبال اشغال دائمی ساحل غربی رود اردن و اعمال آن کشور کاری انجام دهند، این مسلمانان متعصب تمام تقصیرها را به گردن آمریکا انداخته او را مسئول این کارها می‌شمارند.

۶- در چند هفته گذشته، با وخیمتر شدن اوضاع ایران ما افزایش این شک و تردید را و به خصوص اتفاق رأی مسلمانان مصری متعصب را علیه آمریکا احساس می‌کنیم و هر چند عملکرد سیاسی شیعه و سنی در مصر و ایران متفاوت است، لیکن هر دو گروه یا هر دو ملت در مظنون بودن علیه آمریکا شریک هستند. علاوه بر اینها مقالات ضد آمریکایی نه تنها در دو ماهنامه مذهبی الدعوه و الاعتصام مصری به چاپ رسیده است بسیاری از وزرای مهم مصری نیز نگرانی خود را در مورد انگیزه‌های آمریکا که مورد سؤال خطیبان جمعه مساجد قرار گرفته، ابراز داشته‌اند. این وضع در حالی که روسیه و مصریان چپگرا چون خالد محی‌الدین برآند تا با راست‌گرایان تماس برقرار کرده از فرصت سود برند، بدتر خواهد شد. گزارشهای مربوطه به «مطالعات» سازمان سیا به وخیمتر شدن هر چه بیشتر اوضاع کمک خواهد کرد.

۷- بد نیست در اینجا پیرامون شایستگی یکی از مطالعات سازمان سیا پیرامون فعالیت‌های اسلامی نیز سخن رانده شود. چند سال پیش من شخصاً پیشنهاد آغاز چنین مطالعاتی را دادم، ولی به من جواب داده شد که این موضوع در رابطه با دولت مصر از حساسیت بسیار برخوردار است، به خصوص که سازمان سیا در آن درگیر باشد. این موضوع به طور صحیح تفهیم گردیده بود، لیکن من به سفارت دستور دادم تا در جوامع مسلمانان متعصب تماسهای محتاطانه‌ای برقرار سازند و این چنین نیز شده است. ما این کارها را ادامه خواهیم داد و نشان خواهیم داد که درز این‌گونه خبرها به بیرون از طریق مطبوعات تا چه حد مانع پیشرفت ما در کارها بوده است. حساسیت مسلمانان مصری کمتر از سادات و یا دولت مصر نیست و انجام یک چنین مطالعاتی از طرف سازمان سیا باید از طریق منابع دست دوم (مانند دولت مصر) انجام پذیرد. البته نکات منفی بسیاری در این‌گونه برخورد مطالعاتی وجود دارد. در همان حال، سیا (SRF) نظریات بسیار جالبی درباره مذهبیبون دست راستی دارد و گزارشات سفارت (برای نمونه گزارش سال ۷۸ قاهره به شماره الف - ۱۷۷) اطلاعاتی مشابه آن نظریات دارد و تماسهایی نیز برقرار کرده است.

۸- چون مسلمانان متعصب مصری کلید ثبات سیاسی آینده این کشور را در دست دارند باید با دقت بسیار نظارت گردد. با این حال من امیدوارم که واشنگتن خبرهای مربوط به بنیادگرایی اسلامی در مصر را تا حد امکان پنهان نگه دارد. آرامش‌ناپذیری و حساسیت توأم با عصبانیت این گروه را به آسانی نمی‌توان توصیف نمود. تلاش ما باید در جهت ایجاد گفتگوهای پر ثمر و صریح با اخوان المسلمین باشد نه اینکه

آنان فکر کنند که این فقط یک مطالعات جاسوسی است، هر چند هم که اینگونه اعمال ضرورت زمانی داشته باشد.

۹- در افکار بسیاری از مسلمانان متعصب مصری این ایده شکل گرفته است که آمریکا با اسلام دشمن است. این ایده را به آسانی نمی‌توان از بین برد و اخوان المسلمین بسیاری از مقالاتی را که در این زمینه در مطبوعات آمریکا به چاپ می‌رسد به عنوان دلیلی بر ادعای خود ارائه می‌دهند.

انتقاداتی که توسط رهبران کنگره و دیگر شخصیت‌های آمریکایی و عربستان سعودی در این باره می‌شود، به عنوان حملاتی غیر مستقیم علیه جامعه مسلمانان متعصب نگریسته می‌شود. ما هشدار می‌دهیم که منطق غربی و نحوه تعقل غربی قابل تطبیق با منطق و نحوه تعقل دست راستی‌های مسلمان مصری نمی‌باشد. کارهای مثبتی که از طرف ما ارائه شده تا نشان بدهیم که با حس همدردی می‌خواهیم به درک اسلام بپردازیم، از قبیل دعوت پرزیدنت کارتر از شیخ فقید الازهر و گفتارهای اخیر پرزیدنت کارتر در از بین بردن حس عدم اعتماد علیه انگیزه‌های آمریکا بسیار مفیدتر واقع می‌شوند. لیکن گزارشهای مطبوعاتی پیرامون مطالعات جاسوسی این حالت را دارا نیستند. ایلتس

#### سند شماره (۷)

۵ بهمن ۱۳۵۷ - ۲۵ ژانویه ۷۹  
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی  
به: سفارت آمریکا در تهران فوری  
موضوع: (سرّی) نظریات سادات در مورد شاه و اوضاع ایران

۱- (تمام متن سرّی است)

۲- خلاصه: سادات می‌گوید شاه از رفتار دولت آمریکا بسیار ناراحت و عصبانی شده است. او از شاه و شهبانو خواسته است که به مصر بازگردند و آنها نیز در نظر دارند همین کار را انجام دهند. شاه در آسوان با نیروهای ارتش ایران و یا نیروهای امنیتی تماس نگرفته است، لیکن در قاهره خواهد توانست اوضاع ایران را زیر نظر داشته و نحوه تکامل آن را ارزیابی نماید. سادات از دولت آمریکا می‌خواهد که راههای بیشتری پیش پای وی بگذارد. وی با نگرانی گفت که شاه به او اظهار داشته است که دولت آمریکا از نیروی هوایی ایران خواسته است که در صورت وخامت بیشتر امنیت داخلی ایران تجهیزات نظامی پیشرفته آمریکا در ایران را بمباران نماید. وی گفت حاضر است این تجهیزات را در مصر جای دهد. وی معتقد است که ماشین نظامی ایران عامل اصلی ثبات در منطقه است و مصرانه می‌خواهد که ما رابطه بسیار صمیمانه خود را با آن حفظ نماییم. او علاوه بر این مایل است که یک خط ارتباطی بین آمریکا و ارتش ایران ایجاد گردد. پایان خلاصه.

۳- بخش اعظم مذاکره دو ساعته من با سادات و معاونش مبارک به شاه و اوضاع ایران و پیچیدگیهای آن مربوط می‌شد. سادات به کرات نکات زیر را مطرح نمود:

۴- در گفتگوهای متعدد با شاه در آسوان، رئیس جمهور دریافته بود که شاه باور دارد که آمریکا با وی بد رفتاری کرده است. اکثر چیزهای گفته شده و اقدامات کارتر و مقامات عالی‌رتبه این دولت به ضرر شاه بوده است. شاه بسیار عصبانی است. من گفتم این امر مایه تعجب است، چون دولت کارتر مانند پیشینیان خود از شاه حمایت کرده و او را رهبر مشروع کشور خوانده است. واقعیت امر این است که بسیاری از

منتقدین شاه در آمریکا از دولت کارتر نیز به خاطر حمایت از وی انتقاد کرده‌اند. سخنگویان دولت بارها اعلام کرده‌اند که از ورود شاه به آمریکا استقبال می‌کنند. سادات گفت او به این امور واقف است، لیکن گفت که شاه فکر می‌کند دولت آمریکا با وی بد رفتاری کرده است. لیکن به جزئیات آن اشاره‌ای ننمود.

۵- سادات گفت، از شاه خواسته است که به مصر بازگردد و تا هر زمان که بخواهد در آنجا بماند. وی معتقد است که به جای آمدن به آمریکا، آنها در یکی دو روز آینده به مصر خواهند آمد. هنگام اقامت در آسوان، برخلاف اصرار شهپانو مبنی بر اینکه وی با ارتش ایران و نیروهای امنیتی آن کشور تماس برقرار سازد، شاه از انجام آن سرباز زده بود. شاه گفته بود که قول داده است این کار را نکند و به گفته خود پای بند خواهد بود. سادات گفت، بازگشت شاه به قاهره سبب خواهد شد که به ایران نزدیکتر باشد و تکامل اوضاع ایران را به دقت ارزیابی کند. سادات از اظهار نظر پیرامون کمک دولت مصر به شاه در بازگشت به قدرت خودداری کرد. در واقع، رئیس جمهور مصر گفت نمی‌داند که آیا شاه خواهد توانست به ایران بازگردد یا خیر. معذک وی گفت امید است که آمریکا تمام راهها را در برابر شاه باز بگذارد و به اصطلاح «درها را به روی او نبندد.»

۶- با یادآوری پیشنهاد قبلیش مبنی بر اینکه وی حاضر است تجهیزاتی را که می‌خواهیم از ایران خارج کنیم در مصر جای دهد (قاهره ۲۹۴)، سادات گفت پس از شنیدن این مطلب از شاه که قرار است این تجهیزات نابود شوند بسیار ناراحت شده است. شاه محرمانه به وی گفته بود که روابط آمریکا با نیروهای مسلح ایران و به خصوص نیروی هوایی ایران صمیمانه است. وی گفته بود که به فرمانده نیروی هوایی کاملاً اطمینان دارد. بنا به گفته شاه، دولت آمریکا از فرمانده نیروی هوایی ایران خواسته است (یا دستور داده است) که در صورت وخامت اوضاع امنیتی ایران در صورتی که تجهیزات پیچیده آمریکا در معرض خطر قرار گرفت آنها را نابود نماید. سادات گفت اگر این امر واقعیت داشته باشد، منطقی نیست. وی پیشنهاد کرده بود که این تجهیزات در مصر انبار شود و این پیشنهاد هنوز به قوت خود باقی است. وی گفت این تجهیزات در اینجا بسیار مفید واقع خواهد شد. اگر دولت آمریکا نمی‌تواند در حال حاضر آنها را در اختیار دولت مصر قرار دهد، زمان حمل و نقل آنها را می‌توان به موقع مناسب دیگری موکول کرد.

۷- سادات پس از آن به ماشین نظامی ایران اشاره کرد که به وسیله دولت آمریکا تجهیز شده و آموزش دیده است، و یک نیروی ثابت در منطقه به حساب می‌آید. وی گفت لازم است که تواناییهای آن حفظ گردد. رابطه نزدیک دولت آمریکا با ارتش ایران باید حفظ شود و بنا به گفته سادات وی مایل است که یک خط رابط بین آمریکا و ارتش ایران ایجاد گردد. او پیرامون این مطلب با شاه صحبت نکرده بود. وی تأکید کرد که در حال طرح توطئه‌ای نیست، لیکن امیدوار است که بتواند به اکثریت ارتش ایران بفهماند که سادات معتقد است سرنوشت ایران و مصر به عنوان ضرائب ثبات در منطقه، ضرورت همکاری و تفاهم دو جانبه‌ای را ایجاب می‌نماید.

۸- من به سادات گفتم که ما نیز مانند او در مورد اوضاع ایران نگران هستیم. ما شدیداً و در سطوح عالی‌ه اوضاع این کشور را زیر نظر داریم. من گفتم متأسفم از اینکه شاه فکر کند با وی بد رفتاری شده است، لیکن سادات باید بداند که ما هنوز هم شاه را سلطان مشروع کشور می‌دانیم. اعتراف کردم که ما روابط دیرینه و بسیار نزدیکی با رهبران نظامی ایران برقرار کرده‌ایم و با وجود پرداختن به جزئیات به وی اطمینان دادم که باید هر کاری را انجام داد تا ارتش ایران به صورت یک عنصر ثبات منطقه حفظ شود. در

رابطه با شاه نیز تکرار نمودم که ما او را سلطان مشروع ایران دانسته و فکر نمی‌کنیم که کسی بخواهد به اجبار راهها را به روی او ببندد. در اینجا مردم ایران باید تصمیم بگیرند. گفتم که تردید دارم که به نیروی هوایی ایران دستور داده شده باشد که تجهیزات نظامی آمریکا را از بین ببرند. البته اظهار نظرهای وی را به واشنگتن گزارش خواهم کرد و او را در جریان ماقع قرار خواهم داد.

۹- سادات میل دارد در رابطه با اعتراض خود پاسخی دریافت دارد. لطفاً به وزارتخانه اطلاع دهید که چه پاسخی باید به ایشان بدهم.

۱۰- وزارتخانه ممکن است بخواهد این پیام را به سفارت آمریکا در تهران ارسال دارد. ایلتس. پایان نقل قول.

#### سند شماره (۸)

۶ فروردین ۱۳۵۸ - ۲۶ مارس ۷۹  
از: سفارت آمریکا در تهران

خیلی محرمانه  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی

موضوع: عکس‌العمل ایرانیها در قبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل

۱- تمام متن خیلی محرمانه است.

۲- خلاصه: وزارت امور خارجه ایران، رهبران مذهبی و «مردم» با برگزاری تظاهرات و راهپیماییهای اعتراض آمیز نسبت به قرارداد پیشنهادی صلح مصر و اسرائیل عکس‌العمل نشان داده‌اند. پایان خلاصه.  
۳- وزارت امور خارجه ایران امروز با انتشار یک بیانیه رسمی از طریق رادیوی ملی پیمان صلح مصر و اسرائیل را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. این بیانیه با اعلام حمایت کامل از انقلاب فلسطین اظهار داشته است که تنها پیمانی معتبر خواهد بود که حقوق فلسطینیها را در منطقه به رسمت بشناسد. سنجابی وزیر امور خارجه با ارسال تلگرامی به عرفات او را به عنوان نماینده رسمی فلسطینیها به رسمیت شناخته و حمایت کامل دولت ایران را از وی اعلام داشته است.

۴- رادیو تهران نیز در بیانیه خود که به وسیله دو دانشجوی عرب قرائت شد این قرارداد را شدیداً مورد حمله قرار داد. سخنگویان که عضو گروه اشغالگر سفارت مصر هستند مدعی هستند که گروهشان مرکب از دانشجویان عرب مقیم ایران می‌باشد. آنها همچنین ادعا کرده‌اند که به سفارت حمله نکرده‌اند، بلکه یکی از مقاماتی «که حمایت خود را از انقلاب آنها اعلام داشته بود به آنها آزادانه اجازه داده بود تا سفارت را به اشغال خود درآورند. این ادعا با متن گزارش سفارت مصر مغایرت دارد (به تلگرام مرجع مراجعه شود).

۵- گروهی تحت عنوان «دانشجویان مسلمان» دانشکده افسری تهران بیانیه‌ای در اعتراض نسبت به این قرارداد منتشر ساخته و تظاهرات ضد این قرارداد تاکنون در دو شهر ایالتی برگزار شده است. در رفسنجان، حدود ۴۰ هزار نفر در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و در اعتراض به این قرارداد تظاهراتی به راه انداختند. در تبریز، رادیو تعداد تظاهرکنندگان ضد قرارداد صلح مصر و اسرائیل را «صدها هزار نفر» اعلام کرده است که گویا این تظاهرات هنوز هم ادامه دارد و علاوه بر آن خمینی نیز در ضدیت با این قرارداد سخنرانی کرده (تلگرام جداگانه)، و آیت‌الله بروجردی نیز امضاء این قرارداد را محکوم نموده است.

۶- در تهران در تمام طول روز تظاهرات به صورت پراکنده ادامه داشت. علاوه بر اشغال سفارت مصر، صبح روز جاری تظاهرات اعتراض آمیز دیگری نیز در خیابان شاهرضا برگزار گردید. امروز بعد از ظهر یک گروه کوچک از تظاهرکنندگان از کنار سفارت آمریکا گذشت (بدون توقف) و انتظار می رود که گروههای دیگر نیز همین کار را انجام دهند. سولیوان

#### سند شماره (۹)

۲ می ۷۹ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸  
از: سفارت آمریکا در صنعا  
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی  
موضوع: (خیلی محرمانه) عضویت مصر در کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه  
و آژانسهای سازمان ملل (WHO)

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).
- ۲- کاردار با معاون وزیر امور خارجه ابراهیم القبصی در ۳۰ آوریل ملاقات نمود تا پیرامون نکات مهم (مرجع الف) درباره نقش نیروهای اضطراری سازمان ملل در صحرای سینا که در اجلاس نیز بر سر آن بحثهایی شده بود و در تلگرام سپتامبر نیز گزارش شده بود، به تبادل نظر بنشینند، گفتگوهای کاردار و القبصی بر دو موضوع متمرکز بود که عبارت بودند از کنفرانس وزرای امور خارجه اسلامی و تلاشهایی که جهت اخراج مصر و اسرائیل از آژانسهای تخصصی سازمان ملل به عمل خواهد آمد.
- ۳- القبصی سیاست دولت یمن را که عبارت از «حمایت» توأم با سکوت از مصر بود را دوباره تکرار کرد و گفت که این دولت از اخراج مصر از کنفرانس حمایت نخواهد کرد، مگر اینکه به وسیله دیگر دولتهای عربی مجبور به این کار شود. اصولاً، دولت یمن خیلی مایل است بیش از اینها در حمایت از مصر کار انجام دهد، لیکن موقعیت سیاسی درونی و وابستگی این دولت به کمکهای عربستان سعودی محدودیتهایی برای آن کشور به وجود آورده است. تهدید عراق مبنی بر منحرف کردن دولتهایی که لایحه دوم بغداد را تصویب کرده اند، برای دولت یمن خیلی جدی به حساب می آمد. در اظهار نظر پیرامون قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل القبصی گفت که قبول دارد که این قرارداد سرانجام به یک راه حل همه جانبه خواهد رسید، لیکن خاطر نشان ساخت که پیشرفتهای چشمگیری که نشانه حرکت در این جهت باشد انجام نشده است.
- ۴- کاردار شدیداً خواستار به عضویت درآمدن مصر و اسرائیل در آژانسهای تخصصی سازمان ملل است با تکیه مخصوص بر آژانسهای جهانی بهداشت و اظهار این حقیقت که سرشت انسانی این آژانسها باید حفظ شود و از سیاست به دور ماند، برای بار دیگر توافق خود را بر سر اصول بیان داشت، لیکن گفت که دولت یمن نیز باید منافع خود را در برابر فشار و محدودیتهای اعمال شده از طرف دولتهای عربی حفظ نماید. احتمالاً علاقه یمن در به عضویت درآمدن مصر و اسرائیل در آژانسهای تخصصی قادر به ایستادگی در برابر تهدیدهای عراق و پایان کمکهای مالی عربستان سعودی نیست. دولت یمن بالاخره هم رنگ اکثریت بر سر این موضوع خواهد شد.
- ۵ - در رابطه با پایگاههای منطقه ای سازمان بهداشت جهانی، القبصی به نکاتی اشاره کرد، که آن وزارتخانه حتماً تاکنون از محتوای آن از طریق سفارتخانه های آمریکا در دیگر مناطق با خبر شده است که با تغییر ندادن پایگاههای سازمان بهداشت جهانی از اسکندریه توسط سازمان ملل، این سازمان

کارآیی این سازمان را کاهش داده است. استدلال به این ترتیب است که: در صورتی که مقر سازمان بهداشت جهانی در اسکندریه باقی بماند، اعراب در اجلاسهای آموزشی آن شرکت نخواهند کرد، و در صورتی که اعراب در سازمان بهداشت جهانی شرکت نکنند، این سازمان نخواهد توانست به اکثریت مردم خدمت کند، بنابراین سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی هستند که تصمیمی سیاسی می‌گیرند که سازمان بهداشت جهانی اسکندریه بماند تا از میزان کارایی آن کاسته شود. استدلالات کاردار مبنی بر اینکه آژانسهای بشردوستانه مانند مقر سازمان ملل در نیویورک باید از سیاست جدا نگاه داشته شوند (یعنی اینکه آمریکا به تمام ملل حتی آنهایی که از نظر سیاسی مخالف آنهاست اجازه شرکت در سازمان ملل می‌دهد) بی‌فایده بود. القبصی این گفتگوها را به این ترتیب خاتمه داد که اگر محمد به کوه نمی‌رود کوه باید نزد محمد بیاید.

۶- دولت یمن شمالی علاقه دارد که به حمایت از مصر بپردازد، لیکن در موضعی قوی از نظر سیاسی و مادی قرار ندارد تا بتواند در برابر فشارهای ضد مصری «میان‌روها» و «جبهه امتناع» دولتهای عربی مقاومت نماید.

#### سند شماره (۱۰)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲ می ۷۹ - ۱۲ اردیبهشت ۵۸  
به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا با اولویت ۹۰۰۷

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۰۲ - ۲ می ۱۹۷۹

(پاراگرافهای ۹ - ۱ خیلی محرمانه است)

۱- یک ماه پس از اعلام قرارداد تحریم مصر توسط بغداد تنها ضربه اقتصادی که متوجه مصر شده، عبارت است از دست دادن کمکهای عربی به این کشور و احتمالاً «پایان ضمانت» عربستان سعودی در قبال قرض‌دهندگانی که نسبت به آینده مصر حس اعتمادی در آنها به وجود آمده بود. برنامه سرمایه‌گذاریهای رسمی دچار قدری رکود شده ولی کاملاً متوقف نگردیده است؛ سرمایه‌گذاران خصوصی عربی جانب احتیاط را گرفته‌اند، لیکن در کار خود دچار تردید صد درصد نشده‌اند. علیرغم آشفتگی و نگرانی درباره تحریم کانال سوئز و خط لوله نفتی سوئز مدیترانه روابط حمل و نقل و ایجاد ارتباط در اصل سالم و دست نخورده باقی مانده است. لیکن عراق محدودیت تجاری یک طرفه خود را به معرض اجرا گذارده است.

۲- محدودیتهایی که از طرف اعراب تندرو بر ژاپن و آلمان برای جلوگیری از کمک آنها به مصر ایجاد می‌شود باعث شده که ناراحتیهای در بن و توکیو به وجود آید که میزان این نگرانیها در توکیو بیشتر شده است، لیکن هیچ یک از آنها علیه مصر به این امید که قبل از آنکه مجبور شوند موضع‌گیری کنند طوفان از بین برود، اقدامی ننموده است.

۳- تاکتیک میان‌روهای عرب این بوده است که در موارد مهم با سر تسلیم فرود آوردن نیروهای مهم رادیکال را جذب نمایند. با وجود اینکه سعودیها علاقه‌ای به وارد کردن خسارت به مصر در دراز مدت ندارند و امید آشتی دوباره را در سر می‌پروراندند، لیکن چون معتقد هستند که مصر از اعتماد آنها سوءاستفاده کرده است، لذا مصر باید اولین گام را بردارد. با این وصف، گویا سادات اصلاً تمایلی به آشتی

ندارد. او در اکثر مواقع در حالی که در برابر یک ضربه جا خالی کرده است، ولی جواب آن را به جای یک ضربه با سه ضربه داده است.

۴- کمکهای دو جانبه از قبیل پرداختهای خارطوم و رباط اکنون کاملاً متوقف شده است. سازمان توسعه مصری خلیج که بهترین وسیله کمک اقتصادی اعراب به مصر بود، در حال حاضر به وسیله گردانندگان آن معوق اعلام شده که در حقیقت حرکتی کشنده برای سازندگی دوباره سرمایه‌های مصری است. لیکن موضوع جالب توجه تر قروضی است که مصر به سازمان توسعه مصری خلیج بدهکار است - که در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۱۵۰ میلیون دلار و در ۶ سال آینده بالغ بر ۲/۳ میلیارد دلار می‌گردد. عربستان سعودی، با این حال اعلام کرده است که مبلغ ۵۲۵ میلیون دلار تعهد شده به وسیله این کشور را در قبال برنامه جنگنده‌های اف - ۵ حاضر است به مرحله اجرا درآورد.

۵- عضویت مصر در مؤسسات مالی زیر به حالت «تعلیق» در آمده است: سرمایه عربی، سرمایه ارزی عربی، بانک عرب و آفریقا، شرکت سرمایه‌گذاری عربی، و مرکز بانکهای عربی (تلاشی که در جهت اخراج مصر از سازمان توسعه صنایع کشاورزی در سودان به عمل آمده بود به دلیل اینکه این سازمان یک شرکت غیردولتی بود و مشمول شرایط تحریم بغداد نمی‌گردد، عقیم ماند). پس از به تعلیق درآمدن عضویت مصر، مدیران سرمایه عربی تقبل کرده‌اند که بقیه پروژه وامی ۲۴۵ میلیونی را که تا این زمان فقط ۳۰ درصد آن پرداخت شده بود باز هم بپردازند و آن را قطع ننمایند. آنها پرداخت وام در مورد ۶ پروژه که شامل دوباره‌سازی کانال سوئز نیز می‌شود به این دلیل که مصر دیون خود را نپرداخته است قطع کرده‌اند. ۶- در همین اثناء تندرورها به رهبری عراق سعی در اخراج مصر از کنفرانس اسلامی دارند که باعث می‌شود که این کشور از وامهایی که برای توسعه کانال سوئز از سرمایه‌های بانک اسلامی می‌گیرد نیز بی‌بهره باشد، یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری نیز که قرار بود از طرف چند بانک بازرگانی عربی به این کشور پرداخت شود به علت نگرانی صاحبان سهام صنایع به تعویق افتاده است.

۷- پس از ممنوعیت موقت پروازهای ملی (به ابتکار مصر) جهت دستیابی به راههای بهتر برای بیرون کشیده شدن از وام، تمام خطوط برای بار دیگر گشایش یافت به جز خط هوایی منتهی به بغداد. پیشنهاد تحریم کانال سوئز و خط لوله نفتی سوئز مدیترانه در اجلاس کشورهای عربی صادرکننده نفت (آ.اوپک) مورد بحث قرار گرفت، لیکن میانه‌روها برای مدتی هم که شده از تصویب آن جلوگیری کردند.

۸- پیشرفتهای دیگری که صورت گرفته است عبارتند از:

(الف) عضویت مصر در اوپک و شرکت آن در سازمانهای وابسته به اوپک نیز به حالت تعلیق درآمده است.

(ب) وضعیت سازمان صنعت عربی هنوز کاملاً روشن نیست. گردانندگان سازمان صنعت عربی هنوز نمی‌دانند از بین تندرورهای عربی و تسهیلات فیزیکی سرمایه‌گذاری در مصر کدامیک را انتخاب کنند. (پاراگرافهای ۱۹ - ۱۰ طبقه‌بندی نشده است)

۹- بررسیهای اخیر حاکی از آن است که با وجود حمایت اکثریت مردم آمریکا از قرارداد صلح اسرائیل و مصر نسبت به دورنمای صلح در خاورمیانه در دراز مدت خوش بین نبوده و از آمریکا می‌خواهند که از کمکهای اقتصادی و نظامی و نفتی به مصر و اسرائیل خودداری نماید.

۱۰- تحقیقاتی که به وسیله سی. بی. اس.، هاریس و ان. بی. سی. در اواخر ماه مارس به عمل آمده

حاکمی از مخالفت شدید عموم نسبت به افزایش کمکهای اقتصادی و نظامی به اسرائیل است.  
 ۱۱- تحقیقات سی. بی. اس. نشان می‌دهد که قسمت اعظم مخالفت از طرف آنهاست که فکر می‌کنند برخورد و تضاد بیشتری بین مصر و اسرائیل به وجود خواهد آمد. اکثریت مردم مورد تحقیق (حدود ۶۰ درصد) نسبت به دوام صلح بین مصر و اسرائیل خوش‌بین نیستند. قسمت اعظم همین اکثریت که (حدود ۸۳ درصد است) مخالف افزایش کمکهای مالی آمریکا در این رابطه هستند. از آنهاست که نسبت به آینده صلح مصر و اسرائیل خوش‌بین هستند، مخالفین افزایش کمک به ۳۰ درصد می‌رسند.

۱۲- در پرسشنامه خود هاریس از مردم پرسیده بود که آیا با ۱۲ شرط مختلف قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل موافق هستند یا مخالف. اکثریت قاطعی از پاسخ‌دهندگان با ۱۱ شرط قرار داد که شامل عقب‌نشینی اسرائیل از صحرای سیناست و نیز آن بخش از مذاکرات مصر و اسرائیل که درباره ایجاد یک کشور مستقل و خودمختار فلسطینی در ساحل غربی رود اردن سخن می‌راند موافقت نشان داده‌اند. با این وصف اکثریت عمده آنها (حدود ۶۵ درصد) با دادن کمک عمده نظامی جدید به مصر و اسرائیل مخالف هستند.

۱۳- تقریباً اکثریت همه گروههای مورد بررسی و تحقیق مخالفت نشان داده‌اند. یهودیان تنها پاسخ‌دهندگانی بودند که نسبت به افزایش کمک آمریکا موافقت خود را اعلام کرده‌اند (که بین ۶۲-۲۶ درصد در نوسان بوده است). اکثریت آنها که حامی کمک نظامی بودند از طبقه دانشجو، اساتید و گردانندگان دانشگاهها که درآمدشان بیش از ۲۵۰۰۰ دلار در سال است و افراد ۵۰ ساله به بالا، شرقیها، دموکراتها و لیبرالها هستند (به نسبت ۳۰ درصد موافق در برابر ۶۰ درصد مخالف) و اکثریت مخالف را بیشتر اعضای دبیرستانها و دانش‌آموزان و آنها که کمتر از ۱۵۰۰۰ دلار در سال درآمد دارند و افراد ۴۹-۱۸ ساله و کسانی که در غرب و غرب میانه زندگی می‌کنند و جمهوریخواهان و محافظه‌کاران تشکیل می‌دهند (به نسبت ۲۰ درصد موافق در برابر ۶۵ درصد مخالف).

۱۴- این مخالفت زمانی کاهش خواهد یافت که شواهدی دال بر همکاری بیشتر بین مصر و اسرائیل مشاهده گردد. کمک نظامی آمریکا به مصر و اسرائیل از این جهت مورد مخالفت قرار گرفته که ممکن است این دو این سلاحها را علیه یکدیگر به کار برند. لیکن هدف این است که این کمکها را جمعاً جهت حراست بیشتر از منافع آمریکا به کار ببریم. یکی از تحقیقات دیگر هاریس که در اواخر سال ۱۹۷۶ انجام گرفت این سؤال را در برابر گروه تحقیق شونده قرار داد که «در حالی که روسیه مصر و سوریه را مسلح می‌کند، آیا شما فکر می‌کنید که آمریکا در کمک نظامی به اسرائیل راه صواب یا راه خطا می‌رود»  
 ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان جواب دادند که آمریکا درست عمل می‌کند، در حالی که ۱۹ درصد جواب مخالف داده‌اند.

۱۵- مردم آمریکا به نسبت ۶۰ درصد در برابر ۳۲ درصد با فروش نفت آمریکا به اسرائیل در صورتی که اسرائیل در آینده با کمبود نفت مواجه شود مخالفت نشان می‌دهند.

۱۶- بررسیهای به عمل آمده توسط سی. بی. اس. در اواخر مارس نشان داد که مخالفت با فروش نفت آمریکا به اسرائیل عمده از طرف کسانی بروز داده شده که به سؤال مربوط به کمبود نفت در آینده پاسخ داده‌اند (۶۹ درصد نمونه تحقیق) و یا اینکه معتقد بوده‌اند که تضاد بیشتری بین مصر و اسرائیل به وجود خواهد آمد (۶۸ درصد نمونه مورد تحقیق). آنها که کمبود نفت در جهان را به یک مسئله «واقعی»



انگاشته‌اند و آنها که در دراز مدت نسبت به صلح بین مصر و اسرائیل اظهار خوش‌بینی کرده‌اند به نسبت مساوی در رابطه با فروش نفت آمریکا به اسرائیل مخالفت نشان داده‌اند.

۱۷- فارغ‌التحصیلان و یا دانشجویان دانشگاهی به نسبت آنها که تحصیلات دانشگاهی ندارند مخالفت کمتری در رابطه با فروش نفت آمریکا به اسرائیل نشان داده‌اند (در گروه دانشگاهی ۴۸ درصد مخالفت در برابر ۴۶ درصد موافق قرار گرفتند، و در گروه غیر دانشگاهی ۶۲ درصد مخالف در برابر ۳۰ درصد موافق قرار گرفتند).

۱۸- (خیلی محرمانه) اسرائیل: مطبوعات اسرائیل گزارش می‌دهند که حدود ۵۰ نفر زن و کودک اردوگاه قیریات اربع از ۲۶ آوریل ساختمانی را در مرکز شهر هیرون در ساحل غربی رود اردن در اعتراض به مخالفت دولت در ایجاد اردوگاهی مشرف بر هیرون اشغال کرده‌اند. این ساختمان که در حال حاضر تحت کنترل UNRWA می‌باشد اغلب نقطه برگزاری تظاهرات اسرائیلیها بوده است که خواستار تشکیل اردوگاهی در هیرون برای نشان دادن حضور یهودیها در این منطقه هستند. ربای لونیگر که یکی از شبه نظامیان گوش آمونیوم است بنا به گزارشهای رسیده تقاضاهای خود را تجدید کرده است. برای جلوگیری از ورود دیگر تظاهرکنندگان، نیروی دفاعی اسرائیل این منطقه را ممنوع‌الورود اعلام کرده است، لیکن برای بیرون راندن مهاجرین از این منطقه نیز اقدامی به عمل نیاورده است. شارون و موشه شامیر در ۱۹ آوریل از منطقه بازدید کرده حمایت خود را از تظاهرکنندگان اعلام داشتند.

۱۹- (طبقه‌بندی نشده) فلسطینیها: بنا به گزارش آسوشیتدپرس، شهردار میلهیم از شهر هلهول در ساحل غربی رود اردن که اکنون در آمریکا به سر می‌برد اعلام داشته است که فلسطینیها در مذاکرات آینده خودمختاری شرکت نخواهند کرد، مگر اینکه در ابتدا اسرائیل حق حاکمیت فلسطینیها را به رسمیت بشناسد. وی برای بار دیگر تکرار کرد که در حالی که اسرائیل می‌خواهد «حق» کنترل و نظارت بر زمین و آب و دیگر منابع را برای خود حفظ کند، خودمختاری معنایی نمی‌تواند داشته باشد. وی گفت که فلسطینیها خواستار «یک هویت، یک پاسپورت، و سرزمینی به عنوان وطن هستند تا در آن احساس امنیت داشته باشند.» وی گفت که به محض اینکه اسرائیل حق ملیت فلسطینیها را به رسمیت بشناسد فلسطینیها نیز حق حاکمیت اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت. او امکان ارتباط بین یک کشور فلسطینی با اردن را نیز قبول دارد، چون ساحل غربی رود اردن را بدون ساحل شرقی آن به مثابه بدنی بدون دستگاه تنفس می‌داند.

۲۰- (طبقه‌بندی نشده) مصر - اعراب: سادات شاید در خشونت‌آمیزترین حمله‌اش به منتقدین عربی در تظاهراتی که به مناسبت روز ماه مه در کلیه استانها برگزار شده سخنرانی کرده و گفت:

(الف) «من می‌خواستم مقامات سوری را در مذاکره برای بازگرداندن ارتفاعات جولان یاری نمایم ولی دیگر بس است... «بگذار علویهای کثیف خودشان این کار را بکنند... من می‌توانستم جولان را برایشان به ارمغان بیاورم، ولی در حالی که علویها قدرت را به دست دارند مسئولیتی متوجه من نیست.»

(ب) در ادامه اظهار داشت که، «من مسئول قرار دادن فلسطینیها در یک مسیر صحیح هستم...» زیرا ساف نمی‌تواند در حالی که هر یک از گروههای متشکله این سازمان دیگری را متهم به خیانت می‌کند ادعای مالکیت ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را داشته باشد.

(پ) و سعودیها را متهم کرد که میانه‌روهای عربی را وادار به قطع رابطه با مصر کرده است.

(ت) و پدر بزرگ شاه حسین یعنی شاه عبدالله را متهم به خیانت به آرمان اعراب نمود.  
 (ث) سوگند یاد کرد که روابط خود با اسرائیل را پس از انجام اولین مرحله عقب‌نشینی با وجود مخالفت دیگر دولتهای عربی به حالت عادی برگرداند و گفت که «دیگر راه بازگشت وجود ندارد».  
 ۲۱- (محرمانه) دست راستیهای مذهبی مصر: یک نشریه مذهبی جدید در ۲۷ آوریل، وسیله یک سازمان نیمه دولتی که مسئول هماهنگ‌سازی مسائل مختلف گروههای صوفی مصری است به چاپ رسیده است. پرزیدنت سادات در یک مقاله چهار صفحه‌ای که برای این نشریه نوشته بود خواستار ترویج تصوف واقعی و آثار آن شده است. این نشریه جدید نیز ظاهراً به وسیله طرفداران نشریات طرفدار مسلمان اخوان، الدعوه، الاعتصام که اخیراً از دولت در رابطه با کمپ دیوید انتقاد بسیار کرده‌اند و ممکن است به وسیله دولت تحریم شده باشند استقبال خواهد شد. لیکن هنوز معلوم نیست که این نشریه نیز جزو برنامه‌های دولتی در راه مبارزه با بنیادگرایی اسلامی باشد، چون در حال حاضر روزنامه و نشریات مذهبی بسیاری از طرف دولت نشر و توزیع می‌گردد. ونس

#### سند شماره (۱۱)

۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۳ می ۱۹۷۹  
 از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا با اولویت  
 موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۰۳ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸  
 (پاراگرافهای ۷ - ۱ خیلی محرمانه است).

۱- علیرغم تلاشهای دیپلماتیک مصر به منظور ممانعت از تعلیق عضویت خود یا اخراج از کنفرانس اسلامی فاس (۲۲ - ۱۶ اردیبهشت) قاهره از دورنمای امیدوارکننده‌ای برخوردار نیست. حدود نیمی از ۴۱ عضو کنفرانس کشورهای عربی هستند که با امضاء قطعنامه بغداد از تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت آفریقا و جنبش غیر متعهدها حمایت کرده و با مصر قطع رابطه کرده‌اند.  
 ۲- سه کشور غیر عربی (ایران، افغانستان، و کومودور) نیز احتمالاً با همکاران عربی خود موافقت خواهند کرد. اکثر دیگر اعضای غیر عربی سعی دارند در منازعه بین مصر و دیگر تندروها درگیر نشوند، لیکن بسیاری از آنها نیز از اعراب پیروی خواهند کرد.

۳- مصر نیز بنوبه خود سعی نکرده است با دولتهای متعدد عربی از جمله عربستان سعودی که با وی قطع رابطه کرده‌اند وارد گفتگو شود، ولی سعودیها هنوز هم کلید اصلی ممانعت از تعلیق عضویت مصر را در دست دارند. لیکن انتقادات شدیداللقن سادات از سیاستها و رهبران عربستان سعودی در ۱۱ اردیبهشت، سبب مصمم‌تر شدن سعودیها علیه مصر خواهد گردید.

۴- موضع سعودیها چندان امیدوارکننده نیست. سفارت آمریکا در جده گزارش می‌دهد که، درست است که سعودیها تعلیق عضویت مصر را پیشنهاد نخواهند کرد، لیکن به خاطر تعهدات خود نسبت به تصمیمات اتخاذ شده در بغداد از هرگونه قطعنامه در این رابطه حمایت خواهند کرد. مقامات سعودی می‌گویند آنها در برابر نیروی ابتکار سوریها و عراقیها قادر به انجام کاری نیستند.

۵- مصریها، بنا به گفته پطروس غالی، معتقدند که سعودیها فعالانه بر علیه آنها به تلاش پرداخته‌اند. وی گفت که سخنرانی ۱۱ اردیبهشت سادات بر اطلاعاتی استوار بود که از طریق چند کشور خلیج یعنی

سومالی، جیبوتی، و تونس به دست آمده و حاکی از آن بود که سعودیها خواستار قطع رابطه با قاهره شده و ابتکار عمل را در تعلیق عضویت مصر از اتحادیه عربی و هیئتهای مختلفه آن به دست گرفته‌اند.

۶- طرز برخورد سعودی با تعلیق عضویت مصر بر مواضع دیگر اعراب میانه‌رو، و نیز مواضع کشورهای غیر عربی از قبیل مالزی، اندونزی و پاکستان که اکثراً میل دارند خود اعراب درگیر این مسائل حساس شوند. تأثیر خواهد گذاشت. در غیاب فعالیت سعودی به خاطر مصر کشورهای میانه‌رو برای ممانعت از تعلیق عضویت مصر تلاش چندانی به خرج نخواهند داد و به جای آن سعی خواهند کرد به حراست از روابط خود با اکثریت اعراب پردازند.

۷- تعلیق عضویت مصر از کنفرانس اسلامی الزاماً سبب نخواهد شد که سازمان وحدت آفریقا و نهضت غیر متعهدها نیز از آن پیروی کنند. عضویت، پویایی داخلی و رهبریت این دو سازمان با عضویت، پویایی داخلی و رهبریت کنفرانس اسلامی تفاوت دارد و وظیفه تدریجاً در آنها بسیار مشکل خواهد بود.

۸- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل: در مصاحبه روز استقلال در ۱۲ اردیبهشت بگین گفت «اسرائیل هرگز از ارتفاعات جولان خارج نخواهد شد، حتی اگر با سوریه پیمان صلحی منعقد سازد.» وی گفت «امکان ندارد که امنیت خود را به خاطر به دست آوردن صلح به مخاطره بیفکنیم.» وی بر امتناع اسرائیل از خروج از ساحل غربی تأکید کرد و گفت «در بخش غربی سرزمین اسرائیل هرگز مرز دیگری به وجود نخواهد آمد.» وی گفت «طرح خودمختاری سبب خواهد شد که شهروندان ساحل غربی و نوار غزه از خودمختاری کامل برخوردار شوند و در زمان حال به امنیت یهود و حق سکنی‌گزینی آنها در هر نقطه از ساحل غربی کمک خواهند کرد.» وی گفت «این قرارداد به خودمختاری اداری اشاره دارد نه به خودمختاری مشروع.» وی گفت «اسرائیل هرگز با ساف وارد مذاکره نخواهد شد.»

۹- (محرمانه) سرکنسولگری ما در اورشلیم در ۱۲ اردیبهشت گزارش داد که غیرنظامیان مسلح اسرائیل در اطراف دانشگاه بیرزیت راندگی کرده و بی هدف به همه جا تیراندازی می‌کردند. بنا به همین گزارش یک دانشجو مصدوم و بستری گردید. بنا به گزارش رادیو اورشلیم در نقطه‌ای دیگر از ساحل غربی، چند خانواده اسرائیلی سعی کردند آبادی نشینی را در جلیله غربی برپا سازند و با روستائیان عرب به زد و خورد پرداختند. پلیس این یهودیان و تجهیزات آنها را به جای دیگری انتقال داد.

۱۰- (طبقه‌بندی نشده) دولت اسرائیل آماری را منتشر ساخته است که حاکی از آن است که جمعیت آن به ۳/۷۶ میلیون نفر رسیده است. ۸۴ درصد این رقم یهود و بقیه غیر یهود می‌باشند. از سال ۱۹۴۸ جمعیت یهود ۴۹۰ درصد افزایش داشته که عامل اصلی آن مهاجرت بوده است. جمعیت غیر یهود نیز ۳۸۴ درصد افزایش داشته است که عامل اصلی آن افزایش طبیعی جمعیت می‌باشد.

۱۱- (طبقه‌بندی نشده) در تاریخ ۱۳ اردیبهشت، بگین از اعطای روادید به شفیق الهوت عضو سازمان ساف از سوی آمریکا انتقاد کرد و گفت، «اگر روزی آمریکا با این سازمان جانی وارد مذاکره شود، آن روز، روز تیره‌بختی انسان آزاد خواهد بود.» وی گفت، که در یادداشت اعتراض آمیز به وزارت امور خارجه خواستار آن شده است که قبل از برقراری تماس با مقامات ساف توسط آمریکا با اسرائیل مشورت شود.

۱۲- (محرمانه) تحریمها: سفارت آمریکا در جده گزارش داد که گویا کنفرانس وزیران اوپک عربی در نظر دارد در اجلاس آتی خود در کویت تحریم خط لوله نفتی سوئد (سوئز مدیترانه-م) را پیشنهاد نماید. مطبوعات به نقل از یمانی وزیر نفت سعودی گفته‌اند که هنوز در این مورد تصمیمی اتخاذ نشده است.

همان‌گونه که قبلاً یاد آور شدیم، ۵۰ درصد این خط لوله تحت تصاحب عربستان سعودی و چند کشور خلیج می‌باشد که ممکن است این تحریم به آنها فشار وارد آورد. با این وصف، مقامات بانکی آمریکا در قاهره به سفارت ما اطلاع داده‌اند که طبق گزارشات رسیده به آنها از طرف همکارانشان در جده تحریم خط لوله سومد از حمایت عربستان سعودی برخوردار خواهد بود.

۱۳- (خیلی محرمانه) کمک به مصر: وزیر اطلاعات قطر اخیراً به سفیر کیلگور گفت که تمام کمکهای قطر به مصر متوقف شده است. این امر بعثت امضای قطعنامه بغداد از طرف قطر قابل پیش‌بینی بود. معذک این امر نشانگر ژرفای احساسات در میان اعراب میانه‌رو می‌باشد، چون امیر قطر یکی از حامیان دیرین مصر و سادات و منبع ثابت کمکهای مالی مصر بوده است.

۱۴- (خیلی محرمانه) سفارت آمریکا در توکیو با اظهار نظر پیرامون تلگرامهای اخیر سفارت آمریکا در قاهره و کویت پیرامون روابط ژاپن و مصر گزارش داده است که یکی از مقامات عالی‌رتبه وزارت خارجه در بخش خاورمیانه به‌طور محرمانه گفته است که دولت متبوع وی در موقع مناسب «کمکهای معتدل، لیکن مازادی در اختیار مصر قرار خواهد داد. وی گفت که ژاپن میل ندارد روابطش با کشورهای عربی که بخش اعظم نفت مور نیاز این کشور را تأمین می‌کنند آسیب ببیند و امیدوار است بتواند طوری وانمود کند که آنها فکر نکنند که کمک اضافی این کشور به مصر در نتیجه فشارهای وارده از طرف آمریکا ناشی شده و یا بخشی از ابتکار و برنامه‌های آمریکا به حساب می‌آید. اینها عوامل مؤثر در تأخیر سفر رئیس‌جمهور سادات به ژاپن در ماه ژوئیه بوده‌اند. سفارت یاد آور شد که ژاپن از قرارداد صلح مصر و اسرائیل به‌طور کامل حمایت کرده و در بیانیه مربوط به گفتگوهای نخست وزیر اوئیرا و رئیس‌جمهور کارتر از این موضوع با حالت مثبت یاد خواهد شد.

۱۵- (طبقه‌بندی نشده) عراق - سوئیسیدها: مطبوعات بغداد گزارش می‌دهند که عراق قسط دوم کمک مربوط به اجلاس بغداد را که حدود ۱۷۴ میلیون دلار است در ۱۱ اردیبهشت به اردن، سوریه و ساف خواهد پرداخت. قسط اول آن ۱۶۸/۳ میلیون دلار بود.

۱۶- (طبقه‌بندی نشده) لبنان - گزارش وضعیت: سفارت آمریکا در بیروت گزارش داد که از تاریخ ۱۲ اردیبهشت در پایتخت لبنان صدای شلیک مسلسل، تانک و موشک اندازه‌ها آغاز شده است، این نقطه اوج شلیک سلاحهای کوچک بود که قبلاً گزارش شده بود. مطبوعات لبنان بیانیه‌ای از راستگرایان شبه نظامی را مبنی بر رد هرگونه قرارداد امنیتی بین سوریه و لبنان منتشر کرده‌اند. راستگرایان پیش‌بینی می‌کنند که سوریه سعی دارند از طریق این گونه قراردادهای نقش خود در لبنان را در زمانی که نیروهای دفاعی عربی تنها از عملیات سوری تشکیل شده «مشروعیت» بخشند.

۱۷- (طبقه‌بندی نشده) حداد - نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان: یکی از سخنگویان سازمان ملل در اورشلیم در تاریخ ۱۲ اردیبهشت بیانیه‌ای صادر کرد و طی آن ادعای مطبوعات اسرائیل که اعلام کرده بودند سربازان ایرلندی به فلسطینیها اسلحه می‌فروشنند را تکذیب کرد. سازمان ملل گفت هدف این مقالات نادرست، جلوه دادن حقایق به منظور از بین بردن اعتبار نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان می‌باشد.

ونس

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۴ می ۷۹  
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی

موضوع: دهمین کنفرانس وزرای خارجه اسلامی:  
نکات مطروحهٔ دیگر پیرامون اخراج مصر  
۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- در رابطه با کنفرانس اسلامی مورخ ۲۲ - ۱۴ اردیبهشت واحدهای منتخب ممکن است مایل باشند با استفاده از نکات ذیل دولتهای میزبان خود را در جریان امر قرار دهند. با وجود اینکه ممکن است بعضی از نمایندگان پایتختهای خود را جهت شرکت در مراحل تدارکاتی این اجلاس ترک کرده باشند، ولی ظاهراً وزرای امور خارجه قبل از تاریخ ۱۸ اردیبهشت در پایتختهای خود باقی خواهند ماند و در آن تاریخ رهسپار فاس خواهند شد. علاوه بر ارائه استدلالهای اعراب میانه‌رو، از نظر ما نکات ذیل می‌تواند بیانگر نگرانی شدید دولت آمریکا در نتیجه تشنج ناشی از اخراج مصر باشد.  
۳- نکات مطروحه:

-- در اجلاس غیرمتعهدها در نیویورک حقوق مصر در امضاء قرارداد با اسرائیل به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، اعراب می‌خواهند به خاطر اقدامی مصر را متنبه سازند که کاملاً در حیطهٔ حاکمیت و اختیارات مصر بوده و از نظر جهانیان به رسمیت شناخته شده است.

-- در گفتگوهای متعدد به ما یادآوری شده است که تنها شرط عضویت در کنفرانس اسلامی برای یک کشور، اسلامی بودن آن کشور می‌باشد.

-- اخراج مصر با اهداف بنیاد کنفرانس اسلامی مغایرت دارد، بنابراین این امر از خصیصه جهانی کارایی آن خواهد کاست.

۴- لطفاً اظهار نظرهای قابل توجه توسط دولتهای میزبان را گزارش و نسخه‌ای هم جهت اطلاع رباط ارسال نمایید.  
کریستوفر

سند شماره (۱۳)

۴ می ۱۹۷۹ - ۱۴ اردیبهشت ۵۸  
از: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا - با اولویت

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های حساس اطلاعاتی است - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و یا مشاوران پیمانکار

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۰۴ - ۴ می ۷۹  
(پاراگرافهای ۸ - ۱ خیلی محرمانه است)

۱- عراق و سوریه، با کمکهایی که گهگاه از عربستان سعودی دریافت می‌دارند در تلاش هستند تا تصمیم شماره ۲ بغداد علیه مصر را به مرحله اجرا درآورند. با وجود اینکه مصریها تحریم اقتصادی را یک تهدید جدی به شمار می‌آورند، لیکن اعراب تندرو معتقدند که به انزوا کشیده شدن سیاسی مصر باعث خواهد شد که سادات در عین حالی که نتواند با اسرائیلیها به توافق برسد، قدرت و حمایت مردم را نسبت

به خودش نیز از دست بدهد. در راه نیل به این هدف، مخالفان وی در تلاشند تا قطعنامه بغداد را عملی سازند.

(الف) هدفه کشور عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین، به همین منظور، روابط دیپلماتیک خود را با مصر قطع کرده‌اند.

(ب) مصر از همه هیئتهای عربی که بعد از قطعنامه بغداد اجلاسهای نیز داشته‌اند، موقتاً اخراج شده است.

(پ) علیرغم کارشکنیهای مصر تغییر مکان مقر اتحادیه عرب به تونس در حال انجام شدن است.

(ت) سفرای عربی اغلب از همکاران مصری خود پرهیز می‌نمایند.

(ث) همان طور که قبلاً خاطر نشان کرده بودیم، احتمالاً مصر از کنفرانس اسلامی نیز موقتاً اخراج خواهد شد و مخالفین سعی خواهند کرد که از این «موفقیت» در میداین دیگر سودجویی نمایند.

(ج) تغییر مکان بعضی از دفاتر سازمان ملل در مصر به احتمال زیاد به وقوع خواهد پیوست.

۲- حتی کشورهای چون سودان، سومالی، و عمان نیز که قطع روابط دیپلماتیک با مصر را پیشه خود نساخته‌اند نیز قدری عصبی و نگران هستند. هر سه کشورهای یاد شده تداوم روابطشان با مصر را در امر امنیت خود مهم می‌دانند، لیکن بجز عمان دو کشور دیگر قرارداد (بغداد - م) را صحه نگذاشته، تصمیم دارند تا حد امکان بیطرف باقی بمانند.

(الف) نمیری مورد انتقاد شدید از طرف صدیق المهدی و یارانش قرار گرفته و او نخواهد توانست فرسایش روزافزون پایگاههای حمایت کننده‌اش را شاهد باشد.

(ب) زیادباره نیز امیدوار است که از مصر تانک و سلاحهای دیگر دریافت دارد، ولی از قطع کمکهای عراق به کشورش نیز بیمناک است.

(پ) سلطان قابوس نیز باید به این امید باشد که نگرانی عراق و سوریه از گسترش نفوذ رادیکالها در یمن جنوبی به علاقه‌شان در حرکت علیه او بچربد.

۳- از طرف دیگر، تعدادی از اعراب میانه‌رو از طریق دفاتر حفاظت منافع و کنسولگریها در قاهره و جاهای دیگر تماسهای مخفیانه با مصریها برقرار ساخته‌اند. آنها نیز منتظر هستند تا تغییر کافی، موقعیت اجازه آشتی دوباره را بدهد.

۴- مقامات مصری، به سهم خودشان، از اینکه دوستان قبلیشان با تمایل در تحمیل قراردادهایی علیه مصر شرکت جسته‌اند هم متعجب و هم عصبانی به نظر می‌رسند. سادات که همیشه از طریق مشاورین خود آتشیهای خشم خود را فروکش می‌کرد، این بار آنچنان با عصبانیت به سعودیها تاخت که نزدیک بود آنها را به دامان شبه نظامیان سوق بدهد.

۵- سعودیها مستقیماً به اتهامات سادات پاسخ ندادند، لیکن رادیو دولتی سعودی، به طور مثال، سادات را «دروغگو» خواند. لیکن در مجموع سعودیها از قرارداد (بغداد - م) چندان خشنود نیستند، و مخالفت آنها با بعضی از نظامیان بغداد بیشتر براساس اختلاف تاکتیکی آنها بوده، تا بر اصول.

۶- در بیشتر به انزوا کشیدن مصر در جهان عرب، نظامیان امیدوارند پایگاههای قدرت سادات را در هم بریزند. آنها از این حقیقت نیز به خوبی آگاهند که بسیاری از تحصیلکرده‌های این کشور علاوه بر اینکه خود را عرب می‌دانند خود را مصری نیز می‌دانند. این مصریها از اینکه مصر نقش رهبری خود را در

دنیای عرب از دست می‌دهد بسیار ناراحت هستند. نظامیان عرب نیز می‌خواهند تا حد امکان مصر را از نمایندگی فلسطینیهای معتبر محروم سازند. تندروها با خود حساب کرده‌اند که اگر سادات بر سر قرارداد خودمختاری با شکست مواجه شود و یا امتیازهای تحقیرآمیز به اسرائیلیها بدهد، مردم مصر که در حال حاضر از سختیها و مشکلات اقتصادی برخوردارند، نسبت به سادات و قرارداد حالت یأس و ناامیدی خواهند یافت. مثلاً، وزیر امور خارجه سوریه خدام بارها گفته است که انتظار می‌رود که سادات به زودی سرنگون شود، ولی با این احوال او از حمایت گسترده‌ای در مصر برخوردار است.

۷- در همین اثناء، سادات تا آنجا که بتواند از غرور مصریها در میراث خود بهره‌ها می‌برد و ثروتهای باد آورده اعراب در صحراها را به مسخره می‌گیرد.

۸- با این وصف، سادات باید از افراط در این عمل اجتناب ورزد. یک حرکت خصمانه آشکار که علیه منتقدینش - حتی جبهه پایداری - انجام گیرد می‌تواند حمایت او در داخل کشور و حیثیت بین‌المللی او را تیره سازد.

۹- (خیلی محرمانه) مصر: منصور حسن، که یکی از اعضای هیئت مدیره حزب دموکراتیک ملی است، معتقد است که حزب او در انتخابات ۷ ژوئن خواهد توانست ۳۵۰ کرسی از ۳۸۲ کرسی تحت مبارزه و رقابت را بریابد. منصور به سفارت آمریکا در قاهره گفته است که وی «امیدوار» بود که حزب دموکراتیک ملی بتواند حداقل ۳۰۰ کرسی را به دست آورد (تا به این ترتیب بتواند یک جبهه مخالف قوی بسازد)، اما او اکنون متقاعد شده است که این بار نیز حزب سادات اکثریت را به دست خواهد آورد.

وی مدعی است که از حزب خواسته است که کاندیداهای ضعیف خود را علیه «مخالفین قسم خورده» علم کنند، ولی مطمئن نیست که این کار عملی بشود. ولی منصور گفته است که حزب دموکراتیک ملی سعی خواهد کرد تا منتقدین سادات را شکست دهد. وی «جبهه ملی» را به عنوان هدف اصلی مشخص نمود. وی فکر نمی‌کند WAFD یا اخوان بتوانند نقش عمده‌ای در مبارزات ایفا نمایند.

۱۰- (سرّی) قرارداد صلح: سفارت آمریکا در قاهره از طریق مقامات سرشناس مصری گزارش می‌دهد که والد‌هایم از نیروهای اضطراری سازمان ملل خواسته است که از هرگونه اقدامی که پای نیروهای اضطراری سازمان ملل را به قرارداد صلح بکشد اجتناب ورزند. این دستورات سازمان ملل را از شرکت در عملیات العریش و در صف آراییهای دوباره در رابطه با عقب‌نشینی اسرائیلیها از العریش ممنوع می‌سازد. این نیز به این معنی است که شرکت سازمان ملل در اجلاس کمیسیونهای مشترک مجاز نیست. وزیر دفاع مصر این طور استنباط کرده است که اقدامات اولیه عقب‌نشینی بدون شرکت نیروهای اضطراری سازمان ملل نیز می‌تواند صورت بپذیرد. سفارت آمریکا در قاهره اظهار می‌دارد که امتناع سازمان ملل از به مرحله اجرا درآوردن قرارداد صلح می‌تواند پایان بخش همکاری و تعاون بین مصریها و اسرائیلیها باشد.

۱۱- (طبقه‌بندی نشده) در سوم ماه مه، بگین طرح خودمختاری خود را در اختیار کمیته وزارتی بررسی خودمختاری قرار داد. در این طرح آمده است که خودمختاری در مدیریت به ساکنین نوار غزه و ساحل غربی رود اردن اعطا خواهد شد. دولت نظامی از این مناطق عقب‌نشینی خواهد کرد، لیکن لغو نخواهد شد. اسرائیل نیز تنها از طریق حکومت نظامی می‌تواند «خودگردان» باشد. در همین حال اسرائیل مسئول امنیت، ایجاد اردوگاهها و حافظ کنترل زمینهای عمومی خواهد بود که مورد استفاده پناهندگان

قرار خواهد گرفت. این هفته بگین در مصاحبه‌ای اظهار داشت که دولت پیشنهادات خود را در مورد خودمختاری تا دو هفته آینده تعیین خواهد کرد و قبل از آغاز مذاکرات خودمختاری به سمع عموم خواهد رساند.

۱۲- (طبقه‌بندی نشده) آژانس خبری خاورمیانه از قول وزارت امور خارجه مصر گزارش داده است که طرح خودمختاری ارائه شده به وسیله بگین، سرپیچی از موافقت‌هایی است که در «کمپ دیوید» به آن نائل آمده‌اند. در این بیانیه آمده است که تمام اسنادی که به وسیله مصر و آمریکا امضاء شده است، خواستار خودمختاری کامل برای فلسطینیها، خاتمه حکومت نظامی اسرائیل و عقب‌نشینی نظامیان اسرائیل به «محل‌های مشخص» است. بیانیه مصری اظهار می‌دارد که گفته‌های بگین برای «تصرف محلیها» ایراد شده است.

۱۳- (خیلی محرمانه) اسرائیل: تظاهرات گوش امونیوم در ۲ مه، بنا به گزارشها، از بزرگترین تظاهراتی بوده است که در ساحل غربی رود اردن برگزار شده است. در حالی که حدسیات پیرامون نتایج آن به طرز فاحشی تفاوت دارد، سفارت آمریکا در تل‌آویو گزارش داده است که برخلاف انتظار رهبران گوش امونیوم تظاهرات خیلی عظیمتر بوده است. یک مخبر اسرائیلی این موضوع را اولاً نتیجه هوای مساعد و ثانیاً نتیجه حمایت از گوش امونیوم می‌داند.

سفارت آمریکا اظهار می‌دارد که میزان تظاهرات نشان دهنده این واقعیت است که گوش امونیوم را نمی‌توان دست کم گرفت بلکه نیرویی است بسیار قوی که باید آن را به رسمیت شناخت. رادیو اورشلیم گزارش داد که حدود ۳۰۰ نفر تظاهراتی ترتیب داده‌اند تا مخالفت خود را علیه تلاش گوش امونیوم ابراز دارند. سخنگوی گروه اظهار داشت که نهضت صلح برای حال به طور مشابه عمل نکرده بود.

۱۴- (طبقه‌بندی نشده) بنا به گزارش اخبار، مقامات شوروی امسال هیئتهای نمایندگی گسترده‌ای را به اسرائیل گسیل خواهند داشت تا سالگرد پیروزی بر آلمان نازی را برگزار نمایند. به این ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید -- گرچه این نتیجه‌گیری اساس درستی ندارد -- که ممکن است روابط دیپلماتیک بین روسیه و اسرائیل برقرار گردد. رهبر این هیئت نمایندگی چهار نفره الکساندر بوبین، مخبر غیرنظامی ایزوستیا که به قولی بسیار به پرزیدنت برژنف نزدیک است، خواهد بود. دو تن از سه عضو دیگر این هیئت نمایندگی یهودیهای روسی سرشناس خواهند بود.

۱۵- (طبقه‌بندی نشده) ساحل غربی رود اردن: مقامات اسرائیلی دستور تعطیل دانشگاه بریزیت را به خاطر تظاهراتی که وسیله آسوشیتدپرس گزارش شده صادر کرده‌اند. در ۲ ماه مه یک دانشجوی عرب به وسیله یکی از ساکنین اردوگاه کشته شده بود که این خود سبب اعتراض گردید و از مردم خواسته شد که به اعتصاب عمومی دست بزنند.

۱۶- (خیلی محرمانه) ساف - خودمختاری: سفارت آمریکا در دمشق گزارش داد که ناشاشیبی مدیر کمیته اجرایی ساف در گفتگویی با دیپلماتهای استرالیایی گفته است که در صورتی که ساف بخواهد مانع خودمختاری حقیقی و حق حاکمیت از نوع آمریکایی / مصری شود، حتماً شکست خواهد خورد. در صورتی که یک چنین مدلی علیه نظارات بگین غالب گردد، ناشاشیبی استدلال کرد که ساف بهتر است خود را کنار بکشد و اجازه دهد حامیانش در انتخابات شرکت جویند و پس از گذشت ۲ یا ۳ سال در طرح توسعه چهارچوب کمپ دیوید در ژنو شرکت نماید. ناشاشیبی احساس می‌کرد که ممکن است عرفات



یک چنین سیاست خونسردانه را رد کند تا اینکه بتواند مستقیماً شرکت جسته یا در غیر این صورت به خرابه کاری تلاشهای مصر و آمریکا بینجامد، وی گفت که کارهای تروریستی ساف در اسرائیل فاجعه به بار آورده است و «مضر» نیز بوده است. به جای اینها عرفات بایستی به اردوگاههای ساحل غربی رود اردن بتازد و توجه جهانی را نسبت به آنچه که بگین انجام می‌دهد معطوف سازد.

۱۷- (سرّی) لبنان: آمریکا و سازمان ملل گزارش می‌دهند که لبنان نامه‌ای برای شورای امنیت فرستاده است و می‌خواهد بداند که چه اقداماتی صورت گرفته است تا برنامه‌های اقداماتی مربوط به جنوب لبنان به اجرا درآید. این برنامه به بیانیه ۲۶ آوریل پرزیدنت و شورای امنیت در مورد نیروهای میانجیگر سازمان ملل و جنوب لبنان اشاره می‌نماید. این نامه پیشنهاد می‌کند که در صورتی که چنین اقداماتی انجام شده باشد، شورای امنیت باید خیلی سریع و بدون تأخیر تشکیل جلسه دهد. وزیر امور خارجه لبنان بوتروس به کاردار ما گفت که او فکر نمی‌کند که حرکت دیگری بتوان کرد مگر اینکه شورای امنیت را وادار به تشکیل اجلاس نمود.

۱۸- (طبقه‌بندی نشده) وزیر امور خارجه سوری در ۳ مه در بیروت بود. گزارش مطبوعات حاکی از آن است که قرار است اجلاسی با شرکت سران سوری و لبنانی تشکیل شود که احتمالاً دو هفته طول خواهد کشید.

۱۹- (سرّی - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار) نهضت مستقل ناصریست (مرايطون) اخیراً تلفنی با مبارزین قبلیش در سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۷۵ در جنگ داخلی لبنان تماس گرفته است. از آنها خواسته شده است که هر چه زودتر خود را به دفتر نهضت معرفی ساخته سلاح گرفته و آماده باشند. در همان حال، بنابه گفتار منبع، اعضای گروههای چپی ارتش عربی لبنان در اواخر آوریل از سربازان مسلمان ارتش عادی لبنان خواسته‌اند که به این حزب بپیوندند.

۲۰- (طبقه‌بندی نشده) در اولین برخورد خیلی شدید که بین نیروهای مسلح لبنانی و نظامیان دست‌راستی مسلح درگرفت ۷۰ نفر از لبنانیهای مسلح در منطقه در ۲ مه ربوده شدند و برای چند ساعت آنجا نگاه داشته شدند. ۶۰ نفر از آنها تاکنون آزاد شده‌اند. دست‌راستیها ادعا می‌کنند که این عمل آنها در تلافی زندانی کردن ۴۷ نفر توسط نیروهای مسلح لبنان بوده است.

۲۱- عربستان سعودی - مراکش: رادیو مراکش گزارش داد که ولیعهد عربستان سعودی، فهد در دوم ماه مه وارد رباط شده است.

#### سند شماره (۱۴)

۶ می ۷۹ - ۱۶ اردیبهشت ۵۸  
از: سفارت آمریکا در جیبوتی  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن، فوری  
موضوع: (طبقه‌بندی نشده) نظرات جیبوتی پیرامون عضویت مصر در کنفرانس اسلامی  
۱- تمام متن خیلی محرمانه است.

۲- وزیر امور خارجه مؤمن باهدون که اخیراً از یک سرّی کنفرانسها و دیدارها در کیگالی، پاریس، و غیره بازگشته بود امشب در ۶ ماه مه اینجا را به منظور شرکت جیبوتی در کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه ترک خواهد کرد. کاردار ما از حضور کوتاه وزیر امور خارجه در جیبوتی استفاده کرد تا پیرامون

چند موضوع کوتاه به بحث بنشینند که یکی از آنها همین کنفرانس اسلامی می‌باشد. با وجود اینکه سفارت درباره نکات مهمی که فرستاده می‌شود اقدامی نمی‌کند، ما معتقد هستیم که جواب وزرای امور خارجه نشان‌دهنده روحیه خوبی است که وسیله بعضی از کشورهای عربی کمتر وارد در امور سیاسی ایجاد شده است.

۳- در جواب به کاردار، مؤمن باهدون گفت که جیبوتی تفاوتی میان اتحادیه عرب و کنفرانس اسلامی قائل است. وی خاطر نشان ساخت که منشور کنفرانس اسلامی قانونی برای اخراج یک عضو تدوین نکرده است، به خصوص در زمانهایی که حق حاکمیت مورد نظر باشد که در مورد مسئله قرارداد صلح مصر و اسرائیل موضوع حق حاکمیت بسیار مطرح است. مؤمن باهدون گفت از زمانی که شنیده است که ایران از کنفرانس، تقاضای اخراج مصر را نموده بسیار ناراحت شده است.

۴- وزیر جیبوتی از این مسئله هراس دارد که اخراج مصر از کنفرانس اسلامی هموار کننده و بردارندهٔ موانع برای اخراج وی از اتحادیه عرب باشد. مؤمن باهدون اعلام داشت که جیبوتی نسبت به هر دو اخراج کاملاً مخالفت نشان خواهد داد.

۵- مؤمن باهدون گفت که حضور مصر در کنفرانس رباط در صورتی که اقدامات ضد اخراج این کشور مفید واقع بشود، بلا مانع خواهد بود. این وزیر خارجه گزارش می‌دهد که بسیاری از کشورهای عربی دیگر نیز با او درباره اینکه اقدامات مختلف جهت اخراج مصر خیلی پیشرفته است، هم عقیده هستند. او در این مورد مشخصاتی را ارائه نداد. او از هدف مأموریت‌گی به قاهره سر در نمی‌آورد. ولی امیدوار است که منجر به نادیده گرفتن کنفرانس توسط مصر نشود.

۶- اظهار نظر: وزیر جیبوتی ممکن است بتواند رابط مفیدی در رباط باشد. لیکن، با او بر اساس فردی بهتر می‌توان تماس گرفت. ما متوجه شده‌ایم که او در گروه‌های غیر رسمی، که حتی خیلی کوچک باشند نیز ساکت مانده در مباحث عمومی شرکت نمی‌جوید. ما با خود می‌گوییم نکنند این کناره‌گیری نتیجه‌اش این بشود که این وزیر کشور مرزی عربی در کنفرانس اسلامی با صدایی بلند و رسا سخنگویی آغاز کند. کلاری

#### سند شماره (۱۵)

۸ می ۱۹۷۹ - ۱۸ اردیبهشت ۵۸  
از: سفارت آمریکا در قاهره  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی - فوری  
موضوع: مصریها فکر می‌کنند که مراکش آنها را در «فاس» فریب داده است.

۱- (تمام متن سری است).

۲- ما از طریق مدیر دفتر بین‌المللی وزارت امور خارجه یعنی عامر موسی اطلاعات بیشتری راجع به دوباره به عضویت درآمدن مصر در کنفرانس اسلامی دریافت کردیم. اطلاعات موسی در این زمینه به شرح ذیل است.

۳- بنا به اظهارات موسی، قراردادی که بین دولت مصر و عمب سیلا (که هم نمایندگی مراکش و هم ریاست کنفرانس را به عهده داشت منعقد گردید نشانگر آن است که در اختفا چه پیرامون کار کمیته مقدماتی و چه پیرامون کار خود کنفرانس به توافقیایی رسیده‌اند (سیلا قبل از اجلاس کمیته مقدماتی

جهت هماهنگی بیشتر با سیگ‌گی تلفنی تماس حاصل کرده بود). اساس موافقت‌نامه این بود که هم‌کشور مراکش (به عنوان ریاست کنفرانس) و هم سرپرست آن علیه تعلیق مصر از کنفرانس کار خواهند کرد اما به این شرط که مصر از به هم‌زدن کنفرانس خودداری ورزد. خصوصاً به سیلا این اختیار داده شده بود که اطمینان بدهد که حرکت لیبی در کمیته مقدماتی جهت اضافه کردن موضوع تعلیق به برنامه کار در هم شکسته خواهد شد.

۴- موسی گفت که برای مصر در واقع تنها یک راه باقی مانده بود و آن هم پذیرفتن پیشنهاد سرپرست کنفرانس و مراکش بود. زیرا قبلاً دولت مراکش به هواپیمای مصری که اجازه فرود در خاک آن کشور را درخواست کرده بود، اجازه به زمین نشستن را نداده بود. وقتی که در مورد دلیل قرار گرفتن مراکش در چنین موضعی سؤال شد، موسی گفت که احتمالاً به این دلیل این موضع اتخاذ شده است که این کشور که میزبان کنفرانس است شاید خواسته است که کنفرانس در آرامش و عدم تفرقه خاتمه یابد. در همین رابطه، سیگ‌گی نیز گویا می‌خواسته است که کنفرانس تا زمانی که قوانین به منصفه اصلاح درآمده باشند ادامه یابد، تا بلکه او در کار خود موفق شود.

۵- موسی گفت که وزارت امور خارجه فکر نمی‌کند که مراکشها و سیگ‌گی قراردادی را که با سیلا بسته‌اند به مورد اجرا بگذارند. این عملکرد کمیته مقدماتی که می‌خواست برنامه تعلیق مصر را در اول برنامه کاری خود قرار دهد، می‌تواند گویای این حالت باشد. فرضاً اخراج و یا تعلیق یکی از اعضاء توسط کنفرانس نیاز به دو سوم آراء دارد در حالی که کمیته مقدماتی صرفاً به رأی اکثریت نیازمند می‌باشد، در این رابطه نیز عدم موفقیت ریاست کنفرانس و سیگ در به مخالفت برخاستن علیه حرکت لیبی در وهله اول علامت نامبارکی بود. در حقیقت این عمل چیزی جز یک فریبه کاری نمی‌توانست باشد.

۶- از نظر موسی بسیار بعید به نظر می‌رسد که دولت مصر بخواهد هیئت نمایندگی خود را به «فاس» بفرستد. در صورتی که بخواهند مصر را از کنفرانس اخراج نمایند این کار به سادگی انجام خواهد گرفت و در این صورت مصر دیگر قادر به حضور در کنفرانس نخواهد بود. موسی نیز این نظریه را تأیید می‌کند که اگر از مصر هیئت نمایندگی فرستاده شود این هیئت یک هیئت «مذهبی» به سرکردگی وزیر اوقاف النیمر خواهد بود. با این وصف، گویا کنفرانس تصمیم دارد که یک سره علیه مصر عمل نماید. در این رابطه، او نیز معتقد است که پیام خمینی که کنفرانس اسلامی را مخاطب قرار داده و از آن خواسته است که مصر را اخراج نمایند بی‌تردید هیزم بیشتری بر آتش افروخته شده، بوده است.

#### سند شماره (۱۶)

۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۱۱ می ۱۹۷۹  
 از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا، با اولویت  
 هشدار: شامل منابع و شیوه‌های حساس اطلاعاتی است و غیرقابل رؤیت برای بیگانگان  
 موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۰۹ - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱- (خیلی محرمانه) اکثریت اعضای کنفرانس اسلامی به تعلیق عضویت مصر از آن سازمان رأی داده‌اند. با این وصف، بعضی از کشورهای عربی می‌خواهند با استفاده از این کنفرانس فراتر از موضوع تعلیق عضویت رفته و تنبیه بیشتری را برای مصر در نظر بگیرند تا بدین ترتیب علاوه بر رد قرارداد صلح،

- کشورهای آزادی را که از مصر حمایت می‌کنند دچار رعب و وحشت نمایند.
- ۲- (طبقه‌بندی نشده) احتمالاً قطعنامه‌های بیشتری در مورد فلسطینیها و اورشلیم صادر خواهد شد. یکی از سخنگویان کنفرانس در تاریخ ۲۰ اردیبهشت گفت که کمیته سیاسی این کنفرانس تصمیم گرفته است اورشلیم را پایتخت فلسطین و عضو دائمی سازمان پایتختهای اسلامی به حساب آورد.
- ۳- (طبقه‌بندی نشده) رادیو رباط خاطر نشان ساخت که عربستان سعودی «برای آزادسازی اورشلیم» یک برنامه گام به گام را پیشنهاد کرده است، لیکن در مورد این مسئله رأی‌گیری انجام نشده است.
- ۴- (خیلی محرمانه) سودان و عمان از جمله هشت کشور بودند که در مورد به تعلیق درآمدن عضویت مصر رأی ممتنع داده‌اند. بقیه این کشورها یعنی سنگال، گابن، ولتای علیا، نیجر، گینه بیسائو و گامبیا اعلام کرده‌اند که چون سازمان وحدت آفریقا موضع خاصی در رابطه با قرارداد صلح اتخاذ نکرده است، آنها تصمیم گرفته‌اند در این مسئله مداخله نمایند. ظاهراً، هیچ یک از اعضاء علیه مسئله تعلیق عضویت مصر رأی نداده‌اند.
- ۵- (خیلی محرمانه) اعراب تندرو نیز می‌توانند با کمال رضایت اظهار نمایند که حتی قبل از آغاز کنفرانس، تشنج مربوط به مسئله تعلیق عضویت، روابط بین مصر و مراکش را تیره ساخته است. مصریها فکر می‌کردند که مراکشها در طرح یک استراتژی در کنفرانس آنها را یاری خواهند داد، لیکن بعداً به این نتیجه رسیدند که به آنها خیانت شده است. این امر سبب شد که وزارت امور خارجه مصر بیانیه‌ای منتشر سازد و در آن «مانورهای اجرا شده توسط حکومت مراکش» را افشا نماید. در گذشته مراکش یکی از حامیان محافظه‌کار ابتکار صلح سادات به شمار می‌آمد.
- ۶- (طبقه‌بندی نشده) سادات به انتقادات خود از اعضای کنفرانس که به طرفداری از تعلیق عضویت مصر رأی داده‌اند ادامه داد. وی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت در طول سفر خود از مصر سفلی گفت «مراکش نقش موذیان‌های را ایفا کرده است» سادات گفت مسئله تعلیق عضویت مصر «ادامه طرح عربستان سعودی است»، لیکن در ادامه اضافه کرد که تعلیق عضویت مصر «چندان اهمیت و ارزشی ندارد»
- ۷- (خیلی محرمانه) طرف خطاب سادات آن دسته از مردم مصر است که حداقل در حال حاضر، از حملات و انتقادات وی علیه اعراب ثروتمند شبه جزیره عربی لذت می‌برند. ولی در دراز مدت عناصر اندیشمند موجود در میان جمعیت مصر انزوای کشور خود را از مللی که با آنها روابط مشترک سیاسی، فرهنگی و مذهبی دارند به زیر سؤال خواهند کشید. در صورتی که دریابند که مصر در نتیجه این انزوا و تحریم ضربه خورده و از قرارداد صلح نتیجه‌ای عایدش نشده است، این پرس و جو و شک و تردید شدت بیشتری پیدا خواهد کرد.
- ۸- (طبقه‌بندی نشده) تحریمها: آژانس خبری عراق از تونس گزارش داد که شورای اجرایی سازمان هواپیمای عربی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت پیشنهاد کرده است که از ورود هواپیمایی کشوری مصر به فضای هوایی عربی ممانعت به عمل آید، دفاتر هواپیمایی مصر در کشورهای عربی تعطیل گردد و دفاتر هواپیمایی کشورهای عربی در مصر نیز بسته شوند. شورای اجرایی توصیه کردند که دولت‌های عربی این اقدامات را به مرحله اجرا درآورند.
- ۹- (طبقه‌بندی نشده) مصر - خودمختاری: در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه، پطروس غالی در مصاحبه با

الجمهوریه ادعای اسرائیل را مبنی بر اینکه خودمختاری فلسطینیها شامل کنترل بر زمین نخواهد بود مردود اعلام کرد. وی با اعلام این مطلب که اسرائیلیها به تعبیر خودمختاری برخلاف آنچه توافق شده است پرداخته‌اند و گفت، برای فلسطینیها امکان ندارد که بدون به دست آوردن کنترل بر زمین بتوانند به خودمختاری برسند. غالی گفت که بیانیه‌های اسرائیل برای استفاده محلی و تحریک جبهه پایداری طرح‌ریزی شده است. وی گفت اسرائیل و اعراب جبهه پایداری با یکدیگر «پیمان بسته‌اند» (و با بهره‌برداری از تحریک یکدیگر) میل دارند بر سر راه خودمختاری فلسطینیها موانعی ایجاد کنند.

۱۰- (خیلی محرمانه) فلسطینیها: رشاد شوا شهردار شهر غزه در مصاحبه‌های مطبوعاتی اخیر خود به کرات از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها سخنگوی مشروع فلسطینیها حمایت کرده است. شوا که متنفذترین سیاستمدار غزه می‌باشد، مذاکرات آتی خودمختاری را مورد انتقاد قرار داده گفت، این مذاکرات امکان ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی را از بین می‌برد. معذالک وی به ملاقات با رئیس جمهور مصر علاقه نشان داد و گفت حاضر است با وی پیرامون مذاکرات خودمختاری بحث و تبادل نظر نماید. شوا در حال حاضر از اردن، سوریه و لبنان بازدید می‌کند و در نظر دارد پیرامون مذاکرات با یاسر عرفات رهبر ساف گفتگو نماید.

۱۱- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل: در تاریخ ۲۰ اردیبهشت آسوشیتدپرس گزارش داد که مقامات اسرائیلی دو نفر آمریکایی را به خاطر شرکت در تظاهرات ضد اسرائیلی در ساحل غربی رود اردن زندانی کرده و اخراج خواهند کرد. تظاهرات مورد نظر احتمالاً تظاهراتی است که سبب شد این مقامات چند روز قبل به تعطیل دانشگاه بیرزیت اقدام نمایند. دو آمریکایی مزبور برادران دوقلویی هستند که پدرشان از جمله کارمندان دانشگاه بیرزیت به شمار می‌آید.

۱۲- (خیلی محرمانه) سفارت آمریکا در تل‌آویو گزارش داد که آوراها کاتر عضو کنست هفته گذشته لایحه‌ای را به مجلس برد تا از طریق آن از بازگشت رؤسای جمهوری اسرائیلی پس از ترک این سمت به صحنه سیاسی خودداری گردد. براساس این لایحه، رؤسای جمهوری پیشین چهار سال پس از برکناری از سمت ریاست جمهوری قادر نخواهند بود برای به دست آوردن کرسیهای کنست به مبارزات سیاسی بپردازند. هدف از ارائه این لایحه ظاهراً ممانعت از تحقق جاه‌طلبیهای سیاسی رئیس جمهور ناوان می‌باشد. بنا به گفته سفارت، این لایحه از حمایت چندانی برخوردار نیست، لیکن نشانگر تشنج موجود بین لیکود و ناوان از زمان انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور در سال گذشته می‌باشد.

۱۳- (طبقه‌بندی نشده) در تاریخ ۲۰ اردیبهشت یکی از دادگاه‌های اسرائیلی یک افسر سنگالی نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان را به اتهام قاچاق مواد منفجره به این کشور به ده سال زندان محکوم کرد. این دادگاه ادعای سازمان ملل را که اسرائیل حق ندارد کارمندان سازمان ملل را محاکمه نماید. نپذیرفته است.

۱۴- (طبقه‌بندی نشده) در تاریخ ۲۰ اردیبهشت روزنامه معاریو گزارش داد که اسرائیل یادداشت شدیدالحن اعتراض آمیزی برای فرمانده سازمان ملل در جنوب لبنان ارسال داشته است که علت آن نیز ظاهراً حمله گروهی از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین به یکی از کیبوتزها بوده است که گویا از قلمرو نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان عبور کرده‌اند. معذالک، رادیو اسرائیل بعداً گزارش داد که یک سخنگوی ارتش اسرائیل ارسال این یادداشت اعتراض آمیز را تکذیب کرده است. مطبوعات اسرائیل به

نقل از منابع فاش نشده نظامی اسرائیل گفته‌اند که نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان مسئول عبور چریکها از مناطق تحت کنترل سازمان ملل می‌باشند.

۱۵- (طبقه‌بندی نشده) در تاریخ ۱۹ اردیبهشت، حسابداری کل دولت اسرائیل که بر فعالیتهای دولت نظارت می‌کند، نحوه عملکرد حمله سال گذشته اسرائیل به جنوب لبنان را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. طبق گزارش رویترا، تدارکات حمله به درستی فراهم نشده بود، عملکرد اطلاعاتی توأم با اشکالاتی بود و ناهنجاریهای نظامی و وقایع اجتناب‌پذیر خساراتی را وارد کرده بود. حداقل حدود ۱۷۸ سرباز در حین غارت و جمع‌آوری غنایم دستگیر شده بودند. یکی از سخنگویان ارتش گفت که تحقیق پیرامون نقائص فاش شده آغاز شده و اقداماتی انجام خواهد شد تا از سوءاستفاده و وقایع نادرست جلوگیری شود. در ۱۹ اردیبهشت به طور غیرمستقیم به پیشنهاد بگین مبنی بر آغاز مذاکرات بین دو کشور پاسخ منفی داد. در این پاسخ اعلام شده بود که ایجاد یک راه حل کلی در قبال مسئله فلسطینیها ضرورت دارد. سفارت.

۱۶- (خیلی محرمانه) اسرائیل - لبنان: رئیس‌جمهور لبنان، سرکیس با استفاده از گردهمایی کابینه آمریکا در بیروت اظهار می‌دارد که در رابطه با پاسخ‌نخست وزیر الحوص (مسلمان) که علناً پیشنهاد بگین را نپذیرفته بود، رئیس‌جمهوری سرکیس (که مارونی است) ظاهراً سعی کرده است با این مسئله درگیری بسیار پیدا نکند.

۱۷- (طبقه‌بندی نشده) یک روزنامه عراقی مصاحبه‌ای با سلیمان فرنجه انجام داده که در آن وی اظهار داشته که در صورتی که آمریکا حملات اسرائیل را علیه لبنان متوقف نسازد، لبنان باید با آمریکا قطع رابطه کند.

۱۸- (طبقه‌بندی نشده) طبق گزارش رویترا ریش سفیدهای یک روستای لبنانی به سازمان ملل متوسل شده‌اند، تا بتوانند ۹ تن از افراد محلی را که در طول حمله هفته جاری به لبنان توسط اسرائیل ربوده شده‌اند آزاد سازند.

۱۹- (سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) سوریه - لبنان: یکی از منابع وابسته دفاعی مادر تل‌آویو گزارش داد که گویا سوریها در نظر دارند در لبنان با تغییر آرایش نیروهای خود از طریق عقب‌نشینی و یا تعویض، موضع خود را نیز تغییر دهند. ممکن است سوریها بخواهند تعدادی از مواضع حساس بیروت را به ارتش لبنان بسپارند. این منبع اظهار می‌دارد که فعالیت سوریه ممکن است نشانه ایجاد یک رابطه جدید بین لبنان و سوریه و (احتمالاً یک قرارداد دفاعی) باشد، تا حضور سوریه در لبنان از مشروعیت و معقولیت خاصی برخوردار شود، چون در حال حاضر آنها تنها یاری‌دهندگان این کشور به حساب می‌آیند.

۲۰- (سری) بنا به یکی از گزارشهای سازمان سیا که براساس گزارش سفارت آمریکا در صنعا استوار است، رئیس‌جمهور یمن شمالی علی عبدالله صالح با وجود اینکه علناً از پیوست دوباره یمن شمالی و جنوبی حمایت می‌کند، در حال حاضر در پی به دست آوردن فرصت بیشتر است تا توانایی نظامی یمن شمالی را افزایش دهد. پس از آتش‌بس ماه مارس تنها یکی از هشت کمیته مشترک جلسه‌ای تشکیل داده است، که هدف آن نیز تهیه پیش‌نویس قانون اساسی می‌باشد. مذاکره‌گران شمالی موفق شده‌اند اجلاس آتی این کمیته را تا اول ماه ژوئن به تعویق بیندازند.

۲۱- (خیلی محرمانه) رئیس‌جمهوری یمن جنوبی عبدالفتاح اسماعیل که هدفش متحد ساختن دو

یمن تحت رژیم و رهبریت خودش می‌باشد، به صالح خاطر نشان ساخته است که او دست از تلاش برنخواهد داشت. بنا به گزارش اسماعیل هفته گذشته با صالح اتمام حجت کرد و گفت اگر مذاکرات متوقف گردد، وی به زور متوسل خواهد شد. اسماعیل نیز خواستار آن است که اجلاس آتی که در دوران آتش بس بر سر آن توافق شده بود هفته آینده تشکیل شود.

#### سند شماره (۱۷)

۱۷ می ۷۹ - ۲۷ اردیبهشت ۵۸  
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: تمام پایگاههای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: روابط کنونی خارجی، نشریه شماره ۱۹، ۱۶ ماه مه ۱۹۷۹

۱- فهرست مطالب روابط کنونی خارجی:

۱. EB - قرارداد تجاری بین چین و آمریکا در پکن به امضاء رسید.

۲. IO - مصر از کنفرانس اسلامی اخراج گردید.\*<sup>۱</sup>

۳. NEA - لبنان \*

۴. NEA - ایران: ادامه اعدامها \*

۵. ARA - ریاست دیوان عالی شیلی تقاضای آمریکا را مبنی بر استرداد نمی‌پذیرد.

۶. ARA - تداوم خشونت در نیکاراگوئه و السالوادور

۷. ARA - رئیس جمهور پاناما درباره اجرای معاهده کانال به بحث و تبادل نظر می‌پردازد.

۸. PA - به دنبال واقعه‌ای در رابطه با نیروگاه نگرانی درباره نیروی هسته‌ای افزایش می‌یابد (پاکستان).

۹. INR - کمک شوروی کاهش چندانی نمی‌یابد.

۱۰. AF - چاد: دورنمای نامشخص.

۲- IO - اخراج مصر از کنفرانس اسلامی (خیلی محرمانه). علیرغم تلاشهای گسترده مصر و آمریکا در جهت حمایت از موضع مصر از شرکت هر چه بیشتر این کشور در کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی در تاریخ ۱۲ - ۸ ماه مه در اجلاس آن واقع در شهر فاس جلوگیری به عمل آمد. نتیجه چندان هم شگفت‌انگیز نبود، چون تقریباً نیمی از اعضای حاضر، امضاءکنندگان قراردادهای بغداد ۲ بوده‌اند. با این وصف یکی از وقایع چشمگیر این بود که تعدادی از کشورهای اسلامی آفریقایی از چنین نتیجه‌ای در ملاء عام اظهار نارضایتی کردند و ظاهراً کشور سنگال علیه این ابتکار اعراب تلاش به خرج داده بود. دو عضو آسیایی یعنی اندونزی و مالزی به طور خصوصی از اخراج مصر اظهار نارضایتی کردند، ولی در برابر این حکم اعراب خونسرد ماندند.

اخراج مصر از کنفرانس اسلامی سبب منزوی شدن مصر در دنیای عرب می‌گردد و ممکن است روحیه حاکی از تضاد سادات را در برخورد با مخالفین عربی خود شدیدتر و سخت‌تر بنماید. لیکن، در مورد دیگر هیئتهای بین‌المللی که اعراب از شماره عضویت قابل توجهی برخوردار نیستند این کار امکان‌پذیر نیست. آزمایش بعدی مصر در کنفرانس سازمان وحدت آفریقا در مونروویا که در ماه ژوئیه برگزار می‌گردد، انجام

۱- فقط قسمتهای علامت زده شده ترجمه شده‌اند - م

می‌شود که در آن نارضایتی تقریباً آشکار شده آفریقاییها باید به یک حمایت همه جانبه تبدیل گردد. ۳ - NEA - لبنان (سری). هفته‌های اخیر شاهد افزایش خشونت در لبنان بوده است. زمانی که سعد حداد رهبر شبه نظامیان دست راستی نسبت به کاربرد یک گردان از نیروهای ارتش لبنان در اواسط آوریل جهت کمک به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل اعتراض نمود و گفت که در آن منطقه فقط دولت لبنان حاکمیت دارد وضع در جنوب لبنان بدتر گردید. حداد نیروهای ارتش لبنان و قرارگاههای سازمان ملل را به گلوله بست که در نتیجه تعدادی از پرسنل سازمان ملل مجروح و تعدادی از غیرنظامیان لبنان کشته شدند، و به دنبال آن استقلال منطقه خود را اعلام داشت. با وجود اینکه این اعلامیه او به وسیله هیچ کس حتی حمایت‌کنندگان اسرائیلیش نیز حمایت نشده است، وجود این منطقه خطری جدی علیه تقویت حکومت شکننده لبنان به شمار می‌رود.

زنجیره تشنج فلسطینیها و اعمال تلافی جویانه اسرائیلیها علیه هدف‌های فلسطینی در لبنان نیز شدت یافته است. به دنبال حمله تروریستی، فلسطینیها در ۲۲ آوریل به یک شهر اسرائیلی به نام نهریه، اسرائیل دست به زنجیره‌ای از حملات هوایی علیه پایگاههای فلسطینی زد که در نتیجه آن بسیاری از غیرنظامیان کشته شدند. در حال حاضر اوضاع آرام است، ولی اسرائیل ممکن است دست به تعدادی اعمال تلافی جویانه در لبنان در رابطه با بمباران شهر تیرباس در ۱۴ ماه مه که سبب کشته شدن دو تن اسرائیلی و زخمی شدن عده دیگری شده بود بزند. رهبری ساف در بیروت مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است. در بیروت، در روزهای اخیر حملات شدیدی بین بخشهای مسیحی بر سر به دست آوردن کنترل قسمتهای جنوب شرقی این شهر در گرفته بود. این خشونت کشتارآمیز مسیحیان از مشاجره بین گروههای رقیب ناشی شده و از نظر سیاسی انگیزه‌ای ندارد. جهت توقف این درگیریها، رهبران مهم مسیحی اتحاد بین نیروهای خود را اعلام داشتند که البته قبلاً از طریق یک ستاد مشترک در تئوری با یکدیگر متحده شده بودند.

دولت لبنان نیز در روزهای ۱۶ - ۱۵ ماه مه مشغول مذاکره با رهبر سوریه در دمشق بود. رئیس جمهور سرکیس امیدوارست که از این طریق بتواند به مصالحه‌ای دست یابد که از طریق آن سوریه اجازه دهند که یک نیروی بازسازی شده نظامی لبنانی جای نیروهای سوری در بیروت را بگیرد. هنوز از نتایج مذاکرات اطلاعی در دست نیست.

۴ - NEA - ایران: ادامه اعدامها (خیلی محرمانه). اعدام مهمترین صنعتگر یهودی القانیان در هفته گذشته باعث ایجاد نگرانی شدید در جامعه یهودیان ایران شده است. ترس و نگرانی این جامعه زمانی بیشتر شد که شایعاتی مبنی بر دستگیری بسیاری دیگر از چهره‌های تجاری یهودی پخش شده بود (اطلاعات تقریبی ما گویای این واقعیت است که احتمالاً بین ۲۵ - ۱۲ یهودی در - توقیف به سر می‌برند). آقای القانیان محاکمه شد به خصوص به خاطر اینکه «با اسرائیل و صهیونیسم در ارتباط بوده است.» این اتهام بعد دیگری به اعدامهای ایرانی بخشیده است.

ما به کرات عدم تأیید شدید خود را علیه این اعدامها و محاکمه‌های مختصر در ایران ابراز داشته‌ایم. ما درباره بیگناهی و یا گناهکاری طرفین درگیر مداخله نکرده‌ایم فقط شدیداً اعلام کرده‌ایم که متهمین باید از یک محاکمه عادلانه و آشکار و نیز از فرصت کافی برای دفاع از خود برخوردار باشند، ما از مقامات ایرانی خواسته‌ایم که مراحل را به طور درست اجرا کرده و اصول مورد قبول حقوق بشر و عدالت از نظر



بین‌المللی را محترم به شمارند. در مورد آقای القانین موضوعی که ما اتخاذ کردیم این بود که اعدام ایشان بنا به اتهامات بالا با احترام دموکراتیک به عقاید مختلف که یکی از جنبه‌های استاندارد انقلاب ایران است مغایرت دارد.

دولت ایران به ما اطمینان داد که اعدام آقای القانین یک موضوع فردی بوده و به هیچ وجه در رابطه با جامعه یهودیان ایران نیست. به ما گفته شده است که یهودیان ایران نه مورد اذیت و آزار قرار گرفته و نه خواهند گرفت. آیت‌الله خمینی به گروهی از نمایندگان برجسته یهودیان گفت که مبارزه‌ای علیه جامعه یهودیان - وجود ندارد. لیکن اظهارات خمینی درباره صهیونیسم باعث شد که نگرانی آنها کاملاً از بین نرود. بنا به گزارشات رسیده بین ۵۰۰ - ۳۰۰ یهودی هر روز ایران را ترک می‌کنند و این مهاجرت ظاهراً ادامه خواهد یافت.

در ۱۳ ماهه خمینی اعلام داشت که از این به بعد تنها کسانی که متهم به قتل بوده یا دستور قتل را صادر کرده‌اند و یا کسانی را شکنجه کرده‌اند که منجر به مرگ شده باشد، اعدام خواهند شد.

وزیر دادگستری اعلام کرد که به آنها که متهم به اتهامات کوچک در رژیم قبلی هستند عفو عمومی داده خواهد شد. نخست‌وزیر بازرگان قبلاً خواستار این عفو شده بود و از مردم خواسته بود که گذشته را فراموش کرده برای به راه انداختن دوباره اقتصاد دست به کار شوند. آیت‌الله شریعتمداری تقاضا کرده است که در اجرای عدالت میانه‌روتر باشند، چون هم قرآن و هم اسلام با خشونت مخالف هستند.

آیت‌الله خلخالی در ۱۳ ماهه اعلام داشت که وی رئیس دادگاه انقلاب تهران می‌باشد. بنقل از مطبوعات، خلخالی اعلام داشته است که شاه و دوازده تن از اعضای خانواده و رابطین نزدیکش در غیاب به اعدام محکوم شده‌اند و بنا به اصول اسلام هرکس در هر کجای جهان آزاد است آنها را به قتل برساند. ما اظهار داشتیم که از این‌گونه عملیات خشونت‌بار بسیار متأسف هستیم.

ادامه اعدامها ظاهراً کار رژیمی است که احساس ناامنی شدیدی دارد و خود را در خطر حمله از طرف عناصر طرفدار شاه، چپ و نیروهای خارجی می‌بیند و نیروی کافی و اختیار لازم را جهت برقراری نظم و یا جلوگیری از کشتارها و عصیانهای متفرق ندارد، اعدامها نیز کار عناصر متعصبی است که در دستگاه انقلابی پاسخی به تقاضاهای میانه‌روهایی چون بازرگان نداده و تحت کنترل خمینی نیز نیستند.

#### سند شماره (۱۸)

گزارش شماره ۱۲۰۹ تاریخ: ۲ ژوئیه ۷۹ - ۱۱ تیر ۵۸

سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان / غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

(طبقه‌بندی نشده) مصر: نیازهای نظامی سادات و مشکلات مالی

خیلی محرمانه / NF خلاصه:

تحریمهایی که از طرف اعراب علیه سادات پس از امضاء قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل وضع شده سبب شده است که کمکهای قابل ملاحظه اعراب که در اختیار قاهره قرار داده شده بود تا برای خرید سلاح از اروپای غربی و آمریکا به کار رود، پس گرفته شود. خریدهایی که از این طریق از سال ۱۹۷۶ به بعد صورت گرفت بالغ بر ۵/۳ میلیارد دلار تخمین زده شده است. عدم موجودیت کمکهای اعراب ممکن است بر ۵۰ درصد یا بیشتر از این مبلغ تأثیر بگذارد - که این تأثیر شامل خرید اف-۵ها از آمریکا و

قراردادهای عظیم با فرانسه و انگلیس در مورد سلاحها می شود.  
 (خیلی محرمانه / NF) تحریمهای وضع شده توسط اعراب نمی تواند تأثیری فوری بر استعداد نظامی مصر بگذارد، لیکن در دراز مدت در تلاش مصر برای مدرن سازی نیروهای مسلح خودش می تواند تأثیری جدی برجای بگذارد.  
 (خیلی محرمانه / NF) مصر می تواند از طریق ترکیبی از یک سری اقدامات، کمکهای لازم برای رسیدن به اهداف قراردادی با غرب را تهیه نماید که عبارتند از:  
 -- قرض تجاری با وانمود کردن به اینکه بدون حمایت اعراب نیز این منبع مالی را در اختیار خواهد داشت:

-- منحرف ساختن منابع از واردات غیر نظامی که عملی است خطرناک چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی.  
 -- کاهش برنامه های مدرن سازی در ارتش که در صورت مبهم بودن، مخالفت نیروهای مسلح علیه سادات را بر خواهد انگیخت.  
 -- تقاضای کمک بیشتر از آمریکا.

(سری / NC / NC) یکی دیگر از روشهایی که از طریق آن می توان نیازهای تسلیحاتی مصر را بر آورد این است که به تعمیر تجهیزات روسی موجود در این کشور پرداخته شود. مثلاً موتور هواپیمای میگ - ۲۱ توسط انگلیس، تعمیر بخشهای الکترونیکی میگ - ۲۱ توسط ایتالیاییها و آزمایش زیردریاییهای روسی توسط آمریکا از این گونه عملیات است.

### (سری) قطع کمکهای اعراب

در اواسط ماه مه، وزیر دفاع عربستان سعودی شاهزاده سلطان اعلام داشت که سازمان صنعتی عرب<sup>۱</sup> از تاریخ ۱ ژوئیه منحل می باشد. هدف اصلی تشکیل این کنسرسیوم که در سال ۱۹۷۵ توسط مصر، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به وجود آمد یک هدف مضاعف بود یعنی: توسعه یک صنعت تسلیحاتی در مصر برای برآوردن نیازهای دفاعی قاهره که در اصل منبع اصلی تولید سلاح برای اعضا و دیگر کشورهای عربی باشد. ولی از همان آغاز به نظر می رسید که میان کشورهای خلیج بر سر این موضوع که سازمان صنعتی عرب بتواند فراتر از کمک به مصر برود تردید وجود دارد -- به خصوص که اعراب خلیج بیشتر میل به خرید مستقیم سلاح از اروپای غربی دارند.

به هر حال، هر یک از کشورهای خلیج در ابتدا سهمی معادل ۲۶۰ میلیون دلار فراهم کردند و نیز اعلام نمودند که در صورت نیاز کمکهای بیشتری فراهم خواهد شد (چنین گمان می رود که ۷۸۰ میلیون دلار سرمایه گذاری اولیه بر سر سازمان صنعتی عرب یا مصرف شده و یا در اختیار و تحت کنترل مصر قرار دارد). سهم مصر نیز در این سرمایه گذاری عبارت بود از ایجاد تسلیحات مربوطه به کارخانه تسلیحاتی و موجودیت کارگران فنی که عظیمتر از هر کشور دیگر عربی می باشد.

علاوه بر کمک بر سر سازمان صنعتی عرب، مصر حدود بیش از یک میلیارد دلار مصرف نشده دارد که از کشورهای خلیج از سال ۱۹۷۴ جهت خرید سلاح وام گرفته است. چون اخیراً اطلاعات خاصی

۱- بنا به گزارشی از این سازمان به عنوان سازمان عربی برای صنعتی سازی و یا سازمان صنایع نظامی عربی یاد شده است.

پیرامون وضعیت این بودجه نداریم باید بگوییم که قسمت اعظم این پول دیگر در اختیار مصر نیست.

(سری / NC / NF) خرید اسلحه از اروپای غربی

خرید اسلحه که به طور رسمی و یا غیررسمی توسط مصر از اروپای غربی از سال ۱۹۷۶ صورت گرفت به ۲/۹ میلیارد دلار بالغ می‌گردد که قسمت اعظم آن از فرانسه و انگلیس خریداری شده است.

به علاوه، مصر در این مدت بیش از ۱۲۰ میلیون دلار سلاح از کشورهای کمونیستی بخصوص از چکسلواکی خریداری کرده که در حال حاضر ۱۸ هواپیما از ۴۰ هواپیمای جت جبهه مخصوص اف - ۶ (میگ ۱۹ روسی ساخت چین) را در اواخر ۱۹۷۸ تحویل آن کشور داده است.

سرمایه سازمان صنعتی عرب:

حداقل ۸۳۵ میلیون دلار خرید از اروپای غربی تحت حمایت سازمان صنعتی عرب انجام می‌شود که عبارتند از:

-- حدود ۷۰ میلیون دلار از آلمان غربی جهت خرید ماشین‌آلات و کمکهای فنی برای تولید توپ و تانک و مهمات مربوطه در مصر.

-- حدود ۷۶۵ میلیون دلار از انگلیس، اساساً جهت تولید، ابتدا در انگلیس و بعدها در مصر، هلیکوپتر لیکس، موتور لیکس، و سلاح هدایت شونده ضد تانک سوینگ فایر.

علاوه بر اینها، مصر قراردادی را امضا کرد تا در سال ۱۹۷۸ خرید ۱۶۰ جت بمب افکن آلفا را تحقق بخشد که این جتها قرار بود در قاهره مونتاژ شود. این معامله ۸۰۰ میلیون دلار تمام می‌شد و از نظر مالی قرار بود توسط سازمان صنعتی عرب تأمین گردد. لیکن، شواهد قبل از امضاء قرارداد صلح مصر و اسرائیل، چه از نظر قیمت و چه از نظر کارایی این هواپیما تردید و نگرانیهای در مصریها به وجود آورد. لیکن اینطور به نظر می‌رسد که قرارداد (صلح مصر و اسرائیل - م) به طور اتوماتیک قرارداد مربوط به این هواپیما و هر قرارداد دیگری را که سازمان صنعتی عرب در آن نقشی داشته باشد خاتمه داده است.

کمکهای مالی از طریق منابع عربی و غیر از سازمان صنعتی عرب

همچنین مصر قراردادهای تسلیحاتی متعددی با فرانسه و انگلیس منعقد ساخته که بالغ بر ۸۴۰ میلیون دلار می‌باشد: با انگلیس، جهت خرید کشتیهای تسلیحاتی رمضان، بالغ بر ۲۸۸ میلیون دلار و جهت خرید هلیکوپتر بالغ بر ۷/۲ میلیون دلار، با فرانسه جهت خرید تسلیحات دریائی اتومات و جت‌های میز به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار، و جهت خرید موشکهای زمین به هوا بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار و جهت خرید میزهای ۳ و ۵ به مبلغ ۴۲ میلیون دلار. این خریدها از طریق سازمان صنعتی عرب از نظر مالی تأمین نشده است. لیکن می‌بایستی یا به طریق قسطنطنیه یا به طور کامل از یک میلیارد دلار باقیمانده سرمایه عربی که برای نیازهای نظامی مصر کنار گذاشته شده بود پرداخته شود.

۱- همه آمار دلاری مربوط در این گزارش دربرگیرنده انتقال سلاحها تجهیزات نظامی، مهمات، قطعات یدکی، لوازم لجستیکی، آموزش، و تولید مجاز و یا قراردادهای مربوط به مونتاژ نیز می‌باشد.

درست قبل از قرارداد، بنا به گزارشات مصر قرارداد خرید چند FRIGATE از نوع لوپور از ایتالیا به مبلغ ۲۲۵ میلیون دلار به امضاء رسانید. معامله اصلی در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت، در حالی که قرار بود عربستان سعودی قسمت اعظم یا تمام مبلغ را بپردازد، ولی سرانجام به وسیله قاهره این معامله لغو گردید. در حال حاضر معلوم نیست که آیا بر سر این معامله، قرارداد دوباره‌ای به امضاء رسیده است و یا اینکه حرص و آز مصریها در اولین فصل سال ۱۹۷۹ نسبت به کمک مالی عربستان سعودی نسبت به خود بیشتر شده بود، ولی در صورتی که معامله لوپو همچنان به قوت خود نیز باقیمانده باشد، نمی‌توان گفت که از نظر مالی کمکی از طرف اعراب به این کشور بشود.

### منبع مالی مصری:

۲۰۰ میلیون دلار باقیمانده که برای خرید سلاح از اروپای غربی در سال ۱۹۷۶ به کار رفته باید توسط مصریها پرداخته شود. این مبلغ شامل ۵۰ میلیون دلار برای خرید تانکهای آلمانی، ۵۰ میلیون دلار جهت خرید وسایل الکترونیکی مخصوص هواپیما و ژدرهای ضد زیردریایی از ایتالیا و مبلغی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار بابت خرید تجهیزات و خدمات انگلیسی که عبارتند از قطعات یدکی و مهمات تا دوباره‌سازی هواپیماهای روسی و تبدیل ناوچه‌های گشتی روسی به ناوچه‌های مخصوص پرتاب موشک حتی تا سال ۱۹۷۸، مصر هنوز ۱۰۰ میلیون دلار بابت این محموله‌های بسیار مهم بدهکار است. (سری / NF / NC) تأثیر بر خریدهایی که از طریق اروپا انجام می‌شود. مشکل اصلی که در نتیجه بیرون کشیده شدن سرمایه‌های عربی به وجود می‌آید در وضع خریدهای تسلیحاتی مصر و طرحهای تولیدی و مهمتر از همه تأثیر بر توان مصر در به اتمام رساندن وظایف خود نسبت به این قراردادها می‌باشد.<sup>۱</sup>

### سناریو ۱

براساس اطلاعات تقریبی درباره دیون پرداخت نشده قراردادهای انگلیس و آلمان از طریق سازمان صنعتی عرب می‌توان گفت که مقدار پولی که مصر باید در ۲ یا ۳ سال آینده بپردازد بالغ بر ۶۰۰ - ۲۰۰ میلیون دلار خواهد گردید. گمان می‌رود که مقداری از سرمایه‌گذاری اولیه سازمان صنعتی عرب دست نخورده باقیمانده باشد و بتواند قدری از وظایف قراردادی قاهره را جبران سازد، ولی همه آنها بسته به سرعت عمل مصر در جلوگیری از خروج این ارز توسط کشورهای خلیج دارد.

### سناریو ۲

با این وصف، مصر ممکن است نیاز به صدها میلیون دلار اضافی داشته باشد تا خرج این پروژه‌ها را بتواند تأمین سازد. بنابراین قاهره حدود ۱/۵ میلیارد دلار جهت کامل کردن پروژه‌های سازمان صنعتی

۱- ممکن نیست که بتوان میزان اصلی پولی را که در این معاملات نظامی مصر درگیر بوده است تعیین کرد، چون اطلاعات کافی در مورد میزان بهره پیش پرداخت، پرداخت دوم، و میزان تخفیف و به طور کلی شرایط و وضعیت قرارداد را نمی‌توان به دست آورد. بنابراین تنها از یک روش برای ارزیابی ارزش دلاری و یا کمبود مصر می‌توان بهره گرفت که براساس ارزش کلی قراردادهای منتهای ارزش حدسی بخشهای تحویل شده قراردادهای مهم انجام می‌پذیرد.

عرب نیاز دارد.

### سناریو ۳

دیگر قراردادهای فرانسوی و انگلیسی که معادل ۸۴۰ میلیون می‌باشد و ظاهراً مستقیماً به وسیله کشورهای خلیج فارس تأمین سرمایه می‌شد در حال حاضر یک شکاف ۲/۳ میلیارد دلاری برای مصر به وجود آورده است.

### سناریو ۴

قرارداد مرکب یک میلیارد دلاری جت‌های آلفای فرانسوی و FRIGATE های لویوی ایتالیایی گویا دیگر فراموش شده است و امیدی نیست که از طرف اعراب نسبت به این قراردادها کمکی انجام شود. این خرید برای مصر شکاف را به ۳ میلیارد می‌رساند، البته اگر مخارج و هزینه‌های لازم برای گرداندن کارخانه تولید آلفا را در نظر نگیریم.

### خرید اسلحه از آمریکا

(سرّی) قبل از قرارداد: خریدهایی که از آمریکا قبل از امضای قرارداد صلح مصر و اسرائیل صورت گرفت بالغ بر ۸۷۰ میلیون دلار بود که اساساً در برگیرنده ۵۰ فانتوم اف-۵، ۲۰ دستگاه هواپیمای ۱۳۰- C و فروش در محل و مونتاز جیبهای AMC پس از تحویل هواپیماهای ۱۳۰- C و جیبها مقداری پول پرداخت شد (آمریکا تصویب کرده است که هواپیماهای شناسایی به مبلغ ۶۶ میلیون دلار را به مصر بفروشد، لیکن مصر هنوز رسماً قرارداد را امضاء نکرده است).

(سرّی / NF / NC) تحریمهای اعراب علیه مصر می‌تواند بر خرید اسلحه توسط این کشور از آمریکا نیز تأثیر بگذارد، خرید اف-۵ ها بالغ بر ۵۲۵ میلیون می‌باشد که قرار بود توسط عربستان سعودی پرداخت گردد. لیکن، این تصمیم اخیر سعودیها مبنی بر اینکه پول اف-۵ ها را نخواهد داد، چون قرارداد صلح مصر و اسرائیل امضاء شده است آیا می‌تواند، اعتبار معامله هواپیماها را از بین ببرد یا خیر؟

(سرّی) تأثیر این موضوع بر خرید جیبها هنوز روشن نیست. هر دو قرارداد AMC که بالغ بر ۹۰ میلیون دلار می‌باشد فروشهای تجاری بوده و سرمایه‌گذاری اعراب را شامل نمی‌گردد. کارخانه‌ای که در مونتاز جیب مورد استفاده بود یک کارخانه سازمان صنعتی عرب بود و قادر است در روز ۵۰ جیب را مونتاز نماید. این کارخانه در دسامبر ۱۹۷۸ در قاهره افتتاح گردید و کارخانه دیگری (گویا تحت سرپرستی سازمان صنعتی عرب) که قادر است جیب تولید کند قرار است در ماه دسامبر ۱۹۷۹ افتتاح گردد. بنابراین، انحلال سازمان صنعتی عرب در دراز مدت می‌تواند بر تولید جیب نیز تأثیر بگذارد.

### (سرّی) از زمان انعقاد قرارداد:

براون وزیر دفاع آمریکا رسماً به وزیر دفاع مصر کمال حسن علی اعلام نمود که بنا به قرارداد صلح مصر و اسرائیل آمریکا حاضر است ۱/۵ میلیارد دلار اعتبار برای سه سال آینده مصر ایجاد نماید. یک گروه آمریکایی که به مصر رفته بود تا نیازهای تسلیحاتی این کشور را برآورد نماید، اکنون بازگشته است،

مطالعات مقدماتی نشان می‌دهد که مصریها مایلند ۲۵ جت اف - ۴، ۲ شکاری از نوع گیرینگ، ۱۲ باطری سیستم موشکی هاوک - ۱، سام، ۸۰۰ دستگاه نفربر زرهی، ۱۲۰۰ کامیون و دستگاه آزمایش فشار زیر دریاییهای روسی را خریداری نمایند. در صورتی که این صورت خریداری شود، تمام اعتبار ۱/۵ میلیاردی مصرف خواهد گردید.

#### دورنما

(سری / NF) جمع کلی خریدهای رسمی و غیررسمی تسلیحاتی از اروپای غربی و آمریکا (به علاوه ۱/۵ میلیارد اعتبار) از سال ۱۹۷۶ بالغ بر ۵/۴ می‌گردد. قراردادهای تمام شده و پرداختها نمی‌تواند بیش از ۱ میلیارد یا یک پنجم این مبلغ باشد.

(سری / NF) پایان سرمایه‌گذارهای عربی می‌تواند خطر بزرگی را متوجه قسمت عمده این مبلغ یا ۴ میلیارد باقیمانده بنماید که در ذیل به صورت میلیونی نشان داده می‌شود.

انتخاب «ب»	انتخاب «الف»
(سناریو ۲) ۱۵۰۰	(سناریو ۱) ۶۰۰ - ۲۰۰
(اف - ۵ ها) ۵۲۵	(اف - ۵ ها) ۵۲۵ - ۵۲۵
(۵۰٪) ۲۰۲۵	(۲۸٪ تا ۱۷٪) ۱۱۲۵ - ۷۲۵
انتخاب «د»	انتخاب «ج»
(سناریو ۴) ۳۰۰۰	(سناریو ۳) ۲۳۰۰
(اف - ۵ ها) ۵۲۵	(اف - ۵ ها) ۵۲۵
(۸۸٪) ۳۵۲۵	(۷۰٪) ۲۸۲۵

(محرمانه / NF) با در نظر گرفتن شرایط خرید جتهای آلفای فرانسوی و فریگانههای لویوی ایتالیا انتخاب «د» به نظر درست نمی‌آید، ولی ممکن است مصر بخواهد پروژه‌های انگلیسی و آلمانی را با سرمایه‌های عربی تکمیل کرده، از طریق اف - ۵ ها را خریداری نماید و حداقل یکی از خریدهای فرانسوی یا انگلیسی را نیز عملی سازد. بنابراین کمبودهای مصر برای خرید سلاحهای حاضر چیزی بین انتخاب «ب» و انتخاب «ج» می‌باشد.

(محرمانه / NF) مصر می‌تواند با یک سری اقدامات سرمایه لازم را به دست آورد.

-- استفاده از وامهای تجاری، با این فرض که این وام بدون کمک اعراب در دسترس می‌باشد که البته در این مورد نیز شک وجود دارد.

-- انحراف منابع از واردات غیر نظامی، که با وجود اینکه غیر ممکن نیست، لیکن خطرهای سیاسی و اقتصادی دارد.

-- کاهش برنامه‌های مدرنیزاسیون ارتش که در صورت اهمیت این برنامه‌ها سلب حمایت ارتش از سادات می‌تواند خطری جدی برای سادات باشد.

-- دیگر اینکه مصر از آمریکا بخواهد کمک بیشتری در اختیار وی بگذارد.

(سری / NF) یکی دیگر از روشهایی که می‌توان از طریق آن نیازهای تسلیحاتی مصر را برآورد این است که به تعمیر تجهیزات روسی موجود در این کشور پرداخته شود، مثلاً موتور هواپیماهای میگ - ۲۱

توسط انگلیس، تعمیر بخشهای الکترونیکی میگ - ۲۱ توسط ایتالیائیان و آزمایش زیر دریائیهای روسی توسط آمریکا از این گونه عملیات است.  
تهیه شده وسیله: لوئیس جی ساریس  
تأیید شده وسیله: رابرت الف. مارتین  
NF = غیر قابل رؤیت برای بیگانگان  
NC = غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران

سند شماره (۱۹)

۴ ژوئیه ۷۹ - ۱۳ تیر ۵۸  
به: مجمع گردآوری خلاصه‌های اطلاعاتی - با اولویت  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های حساس اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان  
موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۴۵ - ۳ ژوئیه ۱۹۷۹  
(پاراگرافهای ۶ - ۱ سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان است)

۱- دورنمای داخلی مصر: تحلیل اخیری که توسط سازمان سیا ارائه شده نشانگر این واقعیت است که محبوبیت سادات در ارتش و در میان اکثریت مصریها که قرارداد صلح را حمایت می‌کنند و فکر می‌کنند این قرارداد منافع اقتصادی نیز در بردارد، کاهشی نیافته است. مخالفین سادات در بخش با نفوذ جامعه مصری وجود دارند، لیکن از سازماندهی و رهبریت مکفی برای جلب پیروان بیشتر برخوردار نیستند. موقعیت سادات در درون کشور دستخوش تغییرات است و ممکن است در محبوبیت او در سال آینده کاهش فاحشی به وجود آید. در صورتی که توسعه‌های اقتصادی مورد نیاز مردم برآورده نشود و یا در صورتی که پیشرفتی در مذاکرات خودمختاری در چهارچوب یک ساله‌ای که سادات و بگین تعیین کرده‌اند حاصل نشود، سیاستها و موفقیت سادات در میان مردم با تهدیدی جدی روبه رو خواهد گردید. جهت جلوگیری از رشد و توسعه چنین تهدیدی، ممکن است سادات گامهای بسیار خطرناکی را برای سرکوبی منتقدان خود بردارد.

۲- قرارداد صلح موافقت اکثریت مصریها را که از نتایج برخوردها با مصر بسیار ناراحت بودند جلب نمود. با این وصف همه توقع دارند که قرارداد صلح به دنبال خود پیشرفتهای اقتصادی را به همراه داشته باشد. ارتش مصر نیز چشمداشت چنین پیشرفتهای اقتصادی را دارد و خیلی شاد است از اینکه صحرای سینا بازگشته و دیگر از اینکه برای جنگ با اسرائیل که اصلاً آمادگی آن را ندارد، صف آرایی نخواهد کرد. نگرانیهای ارتش درباره سلاحهای کهنه و متروک رامی توان به وسیله ورود سلاح از آمریکا تسکین بخشد.

۳- سادات برای اینکه بتواند از کاهش محبوبیت خود جلوگیری کند نیاز به پیشرفت آشکار در مذاکرات با اسرائیل یا نیاز به پیشرفت مثبت در زمینه اقتصاد دارد. لیکن در این زمینه‌ها پیشرفتهای چشمگیر به سختی حاصل خواهد شد، چون پیچیدگیهای مشکلات اقتصادی مملکت و عدم امکان آشتی پذیری میان اعراب و مصر، اطلاعات اسرائیل و طبیعت موضوع ساحل غربی رود اردن و نوار غزه این اجازه را نمی‌دهد. در صورتی که در روند مذاکرات پیشرفتی به وجود نیاید، منتقدین مصری پیمان

صلح فعالتر و جدی تر خواهند شد.

۴- سادات از طرف رادیکالهای خارجی و داخلی دائماً در معرض خطر ترور قرار دارد. امنیت سادات، به طور کلی خوب است، لیکن به علت ناراضیتهای اعراب از قرارداد صلح با اسرائیل تلاشهایی در راه از بین بردن او خواهند کرد. در قانون اساسی مصر جانشینی برای سادات تعیین نشده است، لیکن سادات بسیار مایل است که حسنی مبارک جانشین او بشود، مگر اینکه شرایط به طرز عجیبی تغییر کند. سیاست خارجی حسنی مبارک با سیاست خارجی سادات شباهت بسیار دارد و احتمالاً او نیز روند مذاکرات صلح با اسرائیل را دنبال خواهد کرد. مرگ سادات بی ثباتی زیادی را در مصر ایجاد خواهد کرد. لیکن بسیاری از مصریها ترجیح می دهند که «امن»ترین روش یعنی بازگشت به عربیت را مشی خود قرار دهند.

۵- تحریمهای عربی: با وجود اینکه عوارض حاصل از صادرات نفت، جهانگردی، کانال سوئز و کارگران خارجی توانسته است مصر را در برابر اقتصاد اعراب قدرت مقاومت بخشد، می توان گفت که ادامه بیشتر فعالیتهای ضد مصری می تواند از نظر اقتصادی و سیاسی برای این کشور بسیار کشنده باشد. حرکاتی چون احتمال اخراج ۶۰۰،۰۰۰ کارگر مصری از دیگر کشورهای عربی و یا اجتناب از پرداخت حقوق آنها می تواند خسارت جدی به مصر وارد آورد. قاهره قسمت اعظم این سرمایه را که بالغ بر ۱/۷۵ میلیارد دلار است از دست خواهد داد و با مشکل ایجاد مسکن و کار برای آنها که بازگردانده می شوند روبه رو خواهد گردید. هر روز بر میزان کسانی که عقل و درایت سادات را در ابتکار صلح مور سؤال قرار می دهند اضافه می شود که البته این مشکلات اقتصادی نیز می تواند به اختلاف و آشوبهای داخلی دامن بزند. مخالفین راست و چپ سعی خواهند کرد، از موقعیت استفاده نمایند. حتی اگر این مشکلات را نیز نادیده بگیریم، باز هم مخالفین با بهانه قرار دادن نرخها، دستمزدم و مسکن ناکافی نگرانیهای مردم را بالا خواهند برد.

۶- از نظر مادی و در طول مذاکرات، سادات باید از حمایت دائم و شدید آمریکا و مصر برخوردار باشد. در صورتی که مصریها از حمایت آمریکا برخوردار شوند و یا در صورتی که تصمیم بگیرند حمایت خود را کم کنند، درایت و تدبیر سادات در مذاکرات صلح مورد سؤال قرار گرفته، حمایت داخلی از او کاهش ناگهانی خواهد یافت.

۷- (خیلی محرمانه) مصر و عربستان سعودی: سفیر وست گزارش می دهد که نماینده وزیر خارجه، منصورى به او گفته است که حداقل دو سال طول خواهد کشید تا روابط بین مصر و اسرائیل عادی شود. یک سال برای تعویض سفیر با اسرائیل و هشت ماه بعد از آن تا روابط بهتر شود. منصورى خیلی خوشحال بود که بعد از میانجگیری سفیر ایلتس حملات مطبوعات تخفیف بیشتری پیدا کرده است.

۸- (طبقه بندی نشده) مصاحبه عربستان سعودی - خالد: شاه خالد در ۳۰ ژوئن در مصاحبه با یک روزنامه کویتی به چند نکته اشاره کرد. شاه قبول کرد که بر سر مراحل صلح بین عربستان سعودی و آمریکا اختلاف نظر وجود دارد، لیکن اذعان داشت که روابط بین دو کشور «بسیاری قوی و براساس دوستی و تعاون و منافع دو جانبه و مشترک استوار است»... و این گزارش را که گفته اند آمریکا بر عربستان سعودی فشار وارد می کند تا از میزان مخالفت و یا تحریم خود علیه مصر بکاهد، تکذیب نمود. وی اضافه کرد که کشورش به صهیونیسم، کمونیسم و امپریالیسم به عنوان سه عامل متحد علیه حقوق عربی و اسلامی و تعالیم آن می نگردد... و تکرار نمود که: «بدون ارجاع حقوق ملی فلسطینیها و بازگرداندن همه سرزمینهای



اشغال شده عربی و اورشلیم نمی‌توان انتظار صلح و ثبات در این منطقه را داشت». دست‌آخرا این طرز فکر یعنی مداخله کردن نیروی نظامی در شبه جزیره عربی را مورد انتقاد قرار داده گفت: «دوره‌ای که در آن قدرت می‌توانست حافظ منافع باشد دیگر برای همیشه پایان یافته است.»

۹- (طبقه‌بندی نشده) پطروس غالی - و مذاکرات خودمختاری:

روزنامه منا در قاهره در ۲ ژوئیه گزارش داد که پطروس غالی به چند مجمع کمیته مصری گفته است که برای رسیدن به خودمختاری ساحل غربی رود اردن و نوار غزه در صورتی که اسرائیل موضع «تغییر ناپذیر» خود را حفظ کند و یک سال پس از مذاکرات جاری خودمختاری تحقق نیابد، مصر راههای دیپلماتیک را پیشنهاد می‌کند. در ادامه از اسرائیل خواست که از حمله به فلسطینیها در لبنان اجتناب ورزد و سیاست اردوگاههای اسرائیل را نیز مورد انتقاد قرار داد.

۱۰- (طبقه‌بندی نشده) نفت عربستان سعودی: رادیو دولتی عربستان سعودی در ۲ ژوئیه گزارش داد که به منظور حفظ سلامت اقتصاد جهانی بنا به اعلان دیوان سلطنتی، این کشور میزان تولید نفت خویش را افزایش خواهد داد. در این گزارش از نظر میزان و زمان چیزی گفته نشد (گزارشهای قبلی اشاره کرده‌اند که در شرایط خوب عربستان سعودی ممکن است افزایش ۵۰۰،۰۰۰ بشکه در روز را مد نظر قرار دهد).  
۱۱- (خیلی محرمانه) سلاح نفت لیبی: در یک کنفرانس مطبوعاتی در کویت در یکم ژوئیه قذافی ادعا کرد که قطع صدور نفت توسط این کشور «استفاده مشروع از سلاح نفت» می‌باشد. لیکن اظهار داشت که هنوز وقت آن نرسیده است که گفته شود این تصمیم در چه زمان و برای چه مدت به اجرا گذاشته خواهد شد. در رابطه با «تهدیدات» او سفارت آمریکا در تریپولی اظهار می‌دارد که قذافی به تلاشهای خود پیرامون به هم زدن تعادل آمریکا ادامه خواهد داد. عکس‌العمل بازار بین‌المللی نشان داده است که آمریکا نسبت به ابتکارات لیبی بسیار صدمه‌پذیر است.

۱۲- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل - ساحل غربی رود اردن: گزارشات مطبوعات حاکی از آن است که مقامات نظامی اسرائیل اجازه بازگشایی دانشگاه بیرزیت در ساحل غربی را داده‌اند. این دانشگاه در ماه مه پس از تظاهراتی که انجام گرفت و در آن یک دانشجو توسط اسرائیلیها به قتل رسید تعطیل شده بود. گزارشات مطبوعات حاکی از این است که وزیر دفاع و ایزمن در نظر دارد شهردار نابلس شاکا را به علت رهبری یک تظاهرات صلح‌آمیز در اعتراض به تشکیل اردوگاه ایون موره در نزدیکی شهرش به دادگاه بکشاند. بنابر همین گزارشات، مقامات اسرائیل از تشنجاتی که به دنبال این محاکمه به وقوع خواهد پیوست در بیم و هراسند. لیکن، دیگر اقدامات تأدیبی علیه نابلسیها به اجرا گذاشته خواهد شد. شکست اسرائیل در ساحل غربی رود اردن در ماههای اخیر خشم مطبوعات اسرائیل را برانگیخته است. گزارشگر روابط عربیها آرتز در ۲ ژوئیه گفت علیرغم سیاستهایش در اولین ۱۸ ماه خدمتش، وزیر دفاع و ایزمن فعالیتهایی را مورد تأیید قرار می‌دهد که تنها چند ماه قبل آنها را رد می‌کرد - که عبارتند از تخریب خانه‌ها، تعطیل مدارس برای مدتهای طولانی و حکومت نظامیهای طولانی در اردوگاهها و غیره، این مقاله ادعا می‌کند که عکس‌العمل شدید مدیریت نظامی علیه تظاهرات و گردهماییها در ساحل غربی رود اردن، این منطقه را از منطقه تحت مدیریت نظامی به یک منطقه تحت اشغال نظامی درآورده است. گزارشگر روابط عمومی داور نیز مقاله‌ای نوشته است که با خطوط کلی گزارش قبلی موافقت دارد.

۱۳- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل - شایعات: یک سخنگوی سفارت آمریکا در تل‌آویو به شدت این

شایعه را که وابستگان نظامی و یا دیگر مقامات آمریکایی در یک ضیافت شامپاین شرکت جسته تا پیروزی خلبانان اف - ۱۵ را بر هواپیماهای جنگنده سوریه جشن بگیرند تکذیب نمود. این جواب در پاسخ به رادیو خبری انگلیسی اسرائیل در ۲ ژوئیه بود که اظهار می داشت که وابسته نظامی ما در یک چنین مهمانی و ضیافتی شرکت داشته است. با این وصف، یکی از روزنامه‌های کوبیتی این داستان دروغین را چاپ کرده است.

۱۴- (محرمانه) اسرائیل - لبنان: گزارشهایی که از بیروت رسیده حاکی از آن است که توپخانه اسرائیلیها و دست راستیهای مسیحی اهدافی را در جنوب لبنان در مورخه ۲ ژوئیه گلوله باران کردند. وابسته نظامی و گزارشات مطبوعاتی حاکی از آن است که هواپیماهای اسرائیلی نیز بر فراز این سرزمینها به پرواز درآمده بودند، روزنامه‌های لبنانی گفته‌اند که نخست‌وزیر الحوص از فلسطینیها خواسته است که از مناطق پرجمعیت جنوب لبنان خارج شده و از اجرای عملیاتی که باعث شود اسرائیلیها به تلافی برخیزند اجتناب ورزند.

۱۵- (طبقه‌بندی نشده) لبنان - دولت: بنا به گزارش رویتر در ۲ ژوئیه پرزیدنت سرکیس رسماً از نخست‌وزیر الحوص خواست تا دولت جدیدی را تشکیل دهد. الحوص استعفای دولت خود را در ۱۶ ماه مه ارائه داد تا راه را برای یک دولت اتحاد ملی باز کند. لیکن شکاف عمیق میان گروههای مختلف مانع آن شد. انتظار می‌رود که الحوص حجم کابینه خود را گسترش داده، تعداد سیاستمداران در برابر تکنوکراتها را برای کار به‌عنوان وزراء افزایش دهد.

۱۶- (طبقه‌بندی نشده) لبنان - کمکهای مالی عربستان سعودی: سفارت آمریکا در بیروت گزارش می‌دهد که سفیر عربستان سعودی علی سعیر به نخست‌وزیر الحوص چکی از طرف دولت سعودی به مبلغ ۵ میلیون دلار در ۲۷ ژوئیه به عنوان کمک فوری به جنوب لبنان داده است. بنا به گفته آیک دین ۵ میلیون دلار اولین پاسخ به درخواست کمک ۲۲ میلیونی برای جنوب لبنان بوده است. سعیر به حوص گفت که شاه خالد ۱۶ میلیون دلار باقیمانده را کنار گذاشته است، تا برای جوامع مذهبی و بشر دوست برای استفاده در مورد لبنانها به کار رود.

۱۷- (خیلی محرمانه - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان (UNIFIL) ایتالیا: یکی از منابع وابسته دفاعی ما نحوه کمک ایتالیا به UNIFIL را بیان کرده است. گروهی که در اواسط یا اواخر ژوئیه برای مدتی نامعلوم برای کمک به UNIFIL عازم خواهند شد از چهار هلیکوپتر، ۱۳ خلبان و ۱۵ تکنیسین تشکیل شده است. کریستوفر

#### سند شماره (۲۰)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی  
به: مجمع گردآوری خلاصه‌های اطلاعاتی - با اولویت  
۸ مرداد ۱۳۵۸ - ۳۰ ژوئیه ۷۹

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۶۳ - ۸ مرداد ماه ۱۳۵۸

(پاراگرافهای ۶ - ۱ سرتی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان / غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار.

۱- مبارزه سادات با شبه نظامیان اسلامی: سادات هنوز هم به حملات غیر مخفیانه خود علیه حقوق

اسلامی در مصر ادامه می‌دهد. بعضی از سیاستمداران تردید دارند که او با تهاجم علیه نهضتی که می‌تواند به صورت یک مخالفت بالقوه علیه حکومت وی درآید به عمل عاقلانه‌ای دست زده باشد. با این وصف، او نسبت به استعداد خود در پرده برداشتن از روحیه مصری اعتماد دارد و ترسی از بنیادگرایان مسلمان به دل راه نمی‌دهد.

۲- اولین حمله وی در مبارزه کنونی بیانیه فوریه گذشته سادات بوده است که در آن اخطار کرده است که مذهب در سیاست جایی ندارد و این اخطار را ماه بعد نیز تکرار نمود. سادات اخیراً: (الف) پیشنهاد ایجاد تغییرات مهم در قوانین فردی را نموده است که از جمله آنها اعطای حقوق بیشتر به زنان به خصوص در مواضع حساس از قبیل طلاق را می‌توان نام برد. (ب) در خطابه خود در مجلس شورای ملی اعلام نمود که برنامه کنترل زاد و ولد باید بیشتر پیشرفت نماید.

(ج) تمام اتحادیه‌های دانشجویی را منحل اعلام نمود، تا این اتحادیه‌ها از سلطه انجمنهای اسلامی بیرون بیایند.

(د) از حزب حاکمه خود خواست که در اجرای فرائض و آموزشهای اسلامی کوشا باشند.

(ه) خواستار انجام آموزشهای اسلامی از سطح مدارس ابتدایی گردید.

(و) به شاه در مصر پناهندگی اعطا نمود.

۳- رهبران اسلامی راستگرا این حرکات را تلاش در جهت از بین بردن محبوبیت و برنامه‌هایشان می‌دانند، رهبران بنیادگرای اسلامی که قبلاً از سادات به خاطر تعطیل اردوهای کار اجباری محل حبس آنها طرفداری می‌کردند، چون به آنها اجازه داده بود که به طور نیمه آشکار عمل کنند، اکنون نسبت به او اظهار نارضایتی روزافزون می‌کنند. بخشی از این نارضایتی ناشی از تفرق آنها نسبت به معاهده‌ایست که نه اعاده اورشلیم عربی را سبب می‌شود و نه حقوق هم‌کیشان فلسطینی‌شان را تأمین می‌نماید، ولی نارضایتی کلی آنها مربوط به این است که آنها سعی دارند جامعه مصری را از «نفوذ بیگانگان» رهاکنند و به تفاسیر و تعبیر سخت اسلامی سوق دهند.

۴- ممکن است در اینکه این گروه‌های غیر متشکل نمی‌توانند با وی مبارزه کنند سادات درست اندیشیده باشد. معذک تعدادی از مسئولین مصری معتقدند که استراتژی سادات خالی از خطا نمی‌باشد. رهبر «جناح مخالف وفادار» دست‌چین شده، ابراهیم شکری اخیراً اظهار داشته است که رئیس جمهور می‌خواهد به یک رویارویی غیر ضروری و ابتدایی با مذهب‌یون راستگرا دست بزند. شکری از تلاشهایی که جهت منع مخالفت مصمم از مجلس شورای ملی (شامل سخنگویان مسلمانان راستگرا) انجام شده انتقاد کرده است. وی معتقد است که سادات بدون مراجعه به مراحل عادی قانونی با اصلاح قوانین فردی دچار اشتباه شده است.

۵- با این وصف، اشاره به فعالیتهای مخالفین اسلامی بجز ناآرامیهایی که در خوابگاههای دانشجویی در بهار حاضر صورت گرفت، کاری دشوار است علاوه بر این، یک بار گزارش شد که رهبریت اسلامی آماده رویارویی با یک مبارزه همه جانبه شده است. البته ممکن است که در مورد ترس آنها کمی اغراق شده باشد. سادات هنوز هم اجازه می‌دهد که نشریه اخوان المسلمین پس از یک دوره تعلیق کوتاه مدت دوباره توزیع گردد و هنوز به تاکتیکهای صریح مسلحانه متوسل نشده است.

۶- بنیادگرایان اسلامی در پائیز کنونی احتمالاً سعی خواهند کرد جناح مخالف سادات را در خوابگاههای دانشگاهی سازمان دهند، چون نیروی آنها در این بخش از جامعه مصری خیلی قویتر است. معذک هنوز مسئله‌ای وجود ندارد که آنها بتوانند پیرامون آن به مخالفت همه جانبه با سادات دست بزنند.

۷- (سری) اسرائیل - آمریکا - کشورهای عربی: اسرائیل نسبت به برنامه‌های ویژه نظامی آمریکا در عربستان سعودی و اردن اعتراض کرده است. سفارت اسرائیل در واشنگتن گفت که اسرائیل با مدرن‌سازی گارد ملی سعودی مخالف است، چون تسلیحات سعودی به علت مخالفت سعودیها با پیمان صلح ممکن است علیه اسرائیل به کار رود و اگر مسئله‌ای مانند مسئله ایران در عربستان سعودی رخ دهد، این سلاحها در اختیار افراد رادیکال قرار خواهد گرفت. اسرائیل با فروش تانکهای ام - ۶۰ به اردن توسط آمریکا نیز مخالفت بسیار نشان داده است. آنها ادعا می‌کنند که این کار موازنه قدرت در منطقه را به هم خواهد زد و ممکن است که سوریه و عراقیها از این تسلیحات در جبهه‌های شرق بهره‌برداری و استفاده نمایند.

۸- (محرمانه) طرح درابلز - عکس‌العمل رسانه‌های گروهی: مطبوعات عربی، اورشلیم پست و بخش خدمات داخلی اورشلیم همه گزارش داده‌اند که ماتیتیا هو درابلز (سرپرست بخش سازمان جهانی آبادی‌نشین‌های صهیونیستی) پیشنهاد کرده است که در «اطراف نابلس حلقه‌ای از آبادی‌نشینها ایجاد گردد. سرمقاله پنجم مرداد چنین نتیجه‌گیری می‌کند که لحن گستاخانه درابلز عکس‌العمل خصمانه ساحل غربی رود اردن را به دنبال خواهد داشت.

۹- (محرمانه) مذاکرات - برگ - آمریکا: اورشلیم پست در پنجم مرداد گزارش داد که برگ وزیر کشور که ریاست تیم مذاکرات خودمختاری اسرائیل را نیز به عهده دارد، نقش آمریکا در دور کنونی مذاکرات را مورد انتقاد قرار داده است. وی در یک اجتماع عمومی گفت که «آمریکا دقیقاً» در حد وسط طرفین قرار ندارد و بین مکانهای مقدس و مکانهای نفتی تفاوت بسیار قائل می‌شود. برگ گفت که سیاست کنونی دولت بر آن است که به سرعت تعداد آبادی‌نشینهای یهودی را افزایش دهد. او به انعطاف‌پذیری مذاکرات اشاره کرد و گفت اسرائیل نمی‌تواند به اعراب هر چه بخواهند بدهد، چون هیچ چیز برای اعراب کافی نیست. او مصرانه گفت که خودمختاری نمی‌تواند منجر به تشکیل یک دولت فلسطینی شود و گفت که به عنوان وزیر کشور او به ریاست تیم اسرائیلی درآمده است چون مذاکرات یک مسئله داخلی می‌باشد. یکی از دستیاران برگ به سفارت آمریکا در تل‌آویو گفت که آمریکا نباید این مقاله را به عنوان «بحران جدی اعتماد» تلقی نماید، لیکن گفت که برگ از گفته‌های سفیر استراوس و لئونارد در مورد ابتکارات مربوط به مسئله اورشلیم نگران شده است.

۱۰- (خیلی محرمانه / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) اسرائیل بمبهای خوشه‌ای: یکی از منابع وزارت دفاع اسرائیل به وابسته دفاعی ما در تل‌آویو گفت که یکی از کارخانه‌های اسرائیل تولید بمبهای خوشه‌ای را آغاز کرده است. چهار نوع از این بمبها تولید می‌گردد و اسرائیل می‌خواهد اف - ۱۵-۱۶ های خود را مجهز به این سلاح بنماید. این بمب هم اکنون برای استفاده در هواپیماهای آ - ۴، اف - ۴ و کفیر در نظر گرفته شده است.

۱۱- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل - لیکود: رویتر در پنجم مرداد ماه گزارش داد که حزب لیبرال تهدید

کرده است که اگر در عرض ۹۰ روز سیاستهای اقتصادی جدیدی اتخاذ نشود، از ائتلاف لیکود خارج خواهد شد. بنا به گزارشهای رسیده کمیته مرکزی حزب لیبرال به چهار عضو خود که از جمله وزیران کابینه می‌باشند دستور داده است که همکاران خود را وادار به پذیرش پیشنهادات اقتصادی لیبرالها و وزیر دارایی سیمکا اهرلیک بنمایند. یکی از مطبوعات اسرائیلی گفت که سیاستهای اقتصادی قرار است به مدت ۹۰ روز تحت بررسی قرار گیرند، ولی از امکان خروج حزب از لیکود سخنی به میان نیآورده است.

۱۲- (خیلی محرمانه) اسرائیل - آمریکا - قطعنامه ۲۴۲: یکی از مقامات وزارت خارجه اسرائیل به سفارت آمریکا در تل‌آویو در پنجم مرداد ماه گفت که دولت اسرائیل از امکان اصلاح قطعنامه ۲۴۲ توسط شورای امنیت سازمان ملل اظهار نگرانی کرده است. اسرائیل مطمئن است که اعراب تلاش خود را جهت تحقق آن به کار خواهند گرفت. وی گفت که اگر آمریکا تغییراتی از قبیل درج شدن «خودمختاری» یا «حقوق مشروع» را بپذیرد، اسرائیل آن را تغییری اساسی در موضع آمریکا تلقی خواهد کرد و این کار تأثیری بسیار جدی بر روند صلح و مذاکرات خودمختاری خواهد داشت. او از آمریکا خواست که موضع خود را در قبال این تغییر بیانیه روشن نماید.

۱۳- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل - آمریکا - ساف: دایان هنگام بازگشت از هلند به اسرائیل در پنجم مرداد ماه به گزارشگر رادیویی اورشلیم پست گفت که به نظر وی آمریکا به تعهدات خود عمل خواهد کرد، یعنی آمریکا، با ساف تماس برقرار نخواهد کرد مگر آنکه ساف قبلاً قطعنامه ۲۴۲ را به رسمیت بشناسد. دایان گفت که آمریکا پس از امضای قرارداد دو جانبه به دنبال قرارداد صلح، متعهد به انجام این عمل گردید. روزنامه یدیوت آهارونوت گفت که اورشلیم دربارهٔ بیانات آقای ساندرز مبنی بر اینکه، آمریکا قصد دارد «به طور غیررسمی با ساف وارد مذاکره شود نگران است». این روزنامه معتقد است که این بیانیه راه را جهت برگزاری مذاکرات رسمی با ساف هموار خواهد ساخت.

۱۴- (سری) ملاقات برانت با عرفات: برانت صدراعظم اسبق آلمان از نتایج ملاقات مرداد ماه خود با یاسر عرفات رهبر ساف در وین اظهار نظر کرده است. برانت احساس می‌کند که عرفات در طرز تفکر خود نسبت به مذاکره با اسرائیل بسیار انعطاف پذیر شده است (وزارت خارجه آلمان غربی در ارزیابی خود تندروی بسیار به خرج نداد و معتقد است که عرفات در قبال دیدار پر سر و صدای خود با کرایسکی و برانت امتیاز چندانی نداده است). برانت در خلاصهٔ گزارشی که خود از ملاقات با عرفات تهیه کرده گفته است که:

(الف) عرفات مدعی است که ساف به هیچ وجه از نابودی اسرائیل حمایت نمی‌کند.  
 (ب) ساف خواستار خودمختاری جهت تشکیل یک دولت آزاد در کرانه غربی و نوار غزه می‌باشد.  
 (ج) عرفات معتقد است که ملاقات ژنو که دربرگیرنده روسها نیز باشد بهترین وسیله دستیابی به یک راه حل است و گفته است که مایل است نظامیان سازمان ملل تا زمانی که لازم باشد در خاک فلسطین مستقر باشند.

(د) عرفات احساس می‌کند که اسرائیل و کشورهای عربی نمی‌توانند با یکدیگر همکاری نمایند و دیگر اینکه اسرائیل می‌تواند نقش مهمی را در خاورمیانه ایفا نماید.

(ه) وسعت کشور فلسطین اهمیت ندارد: آنچه مهم است این است که فلسطینیها گذرنامه مخصوص به خود را داشته باشند.

(و) عرفات گفته که مایل است به حفاظت جامعه یهود در ایران کمک نماید.

(پاراگرافهای ۱۸ - ۱۵ طبقه‌بندی نشده هستند.)

۱۵- آمریکا- اعراب- فلسطینیها صالح خلف از مقامات ساف در مصاحبه با یک روزنامه کویتی گفت که وی با اعراب تولیدکننده نفت صحبت کرده و از آنها خواسته است، تا تولید خود را ۳۰ تا ۴۰ درصد پائین بیاورند تا جهان بداند که مسئله فلسطین باید حل شود. خلف گفت که تاکنون از اهرم نفتی استفاده مؤثری به عمل نیامده است.

۱۶- قتل محسن - صاعقه: یکی از روزنامه‌های لبنانی در پنجم مرداد ماه گفت که به دنبال فوت ظهیر محسن، سمیع عطاری رهبر جدید صاعقه خواهد شد. عطاری قبلاً نیز یک بار سرپرستی صاعقه را به عهده داشت و عضو فرماندهی ملی حزب بعث سوریه می‌باشد. در همان حال که ساف اسرائیل را مسئول مرگ محسن می‌داند، یکی از سخنگویان صاعقه گفت که بین مصر و اسرائیل در این زمینه همکاری صورت گرفته است و قول داد که انتقام وی را از هر دوی آنها بگیرد.

۱۷- جنوب لبنانیها - فلسطینیها: روزنامه اردنی الرأی در پنجم مرداد ماه گزارش داد که بنا به گفته «منابع آگاه» چریکهای فلسطینی درخواست لبنان را مبنی بر عقب‌نشینی به شمال رودخانه لیتانی در جنوب لبنان پذیرفته‌اند. ما هنوز تأییدیه‌ای در حمایت از این ادعا به دست نیاورده‌ایم. چپگرایان فلسطینی و لبنانی در ۱۵ خرداد ماه تعهد کردند که حضور خود در جنوب لبنان را تغییر دهند و از مناطق پرجمعیت خارج شوند، لیکن حضور واقعی آنها در جنوب تاکنون نه تنها تغییر نکرده بلکه در بعضی نقاط افزایش نیز یافته است.

۱۸- (طبقه‌بندی نشده) نیروهای میانجیگر سازمان در لبنان - اسرائیل: وابسته دفاعی ما در دوبلین گزارش داد که در تاریخ ۴ مرداد در روزنامه آیریش تایمز مقاله‌ای درج شده که در آن فرمانده گردان ایرلندی نیروهای میانجیگر سازمان ملل گفته است که فلسطینیها و چپگرایان لبنانی به طور پراکنده در خطوط جناح راست نیروهای میانجیگر سازمان ملل نفوذ کرده‌اند، لیکن خسارات وارده توسط آنها کمتر از میزان خسارات وارده توسط عملیات مشترک شبه نظامیان دست راستی و اسرائیلیها می‌باشد، مقاله در پایان این‌گونه نقل قول می‌کند که «یک مقام برجسته سازمان ملل» بیان داشته است که اقدامات اسرائیلیها و دست راستیها بهترین تبلیغات ممکن جهت «پیوستن مردم منطقه به ساف» می‌باشد. نیروهای ایرلندی امکان دارد که درگیر یک رویارویی با نیروهای حداد در دهکده بیت یاهون در بخش عملیاتی ایرلندی‌ها شوند.

۱۹- (محرمانه) لبنان - گلوله‌باران: رادیو بیروت گزارش داد که اسرائیل و شبه نظامیان حداد در تاریخ ۶ مرداد شهر حصیبه را گلوله‌باران کردند. بنا به همین گزارش گلوله‌باران به دفتر فرمانداری، چند ساختمان دیگر دولتی و چند منزل آسیب وارد کرده است. تعدادی مرگ و میر نیز در همین رابطه گزارش شده است. ولید جنبلاط نیز اخیراً از گلوله‌باران شدن این شهر در روزی به سفارت آمریکا در بیروت شکایت کرده است.

۲۰- (طبقه‌بندی نشده) اسرائیل - لبنان: رادیو قاهره در تاریخ ۷ مرداد ماه گزارش داد که نیروهای دفاعی اسرائیل در حال تمرکز در مجاورت مرز ساحلی لبنان هستند. ما هنوز اطلاعاتی در تأیید این مطلب به دست نیاورده‌ایم.

۲۱- (طبقه‌بندی نشده) عراق - دستگیریه‌ها: النهار و السفير روزنامه‌های بیروت گزارش داده‌اند که حداقل ۲۵۰ تن از اعضای حزب بعث عراق به منظور یک پاکسازی مهم دستگیر شده‌اند. السفير در ادامه می‌گوید که دستگیرشدگان شامل ۵۰ تن از افسران نظامی، ۷۰ تن از رهبران حزبی در بغداد، ۳۲ تن از رؤسای منطقه‌ای حزبی و ۸ تن از رهبران اتحادیه‌های تجاری می‌باشند. هر دو روزنامه مدعی هستند که «یک دولت ناشناس عربی» در این توطئه دست دارد. آژانس خبری عراق یعنی آژانس رسمی خبری عراق گزارش داده است که توطئه‌گران «از خارج حمایت می‌شده‌اند».

۲۲- (محرمانه) سادات - عربستان سعودی: سادات انتقاد خود از عربستان سعودی را در سخنرانی ۴ مرداد از سر گرفت و این اولین باری بود که در طول سه ماه وی از سعودیها انتقاد کرده است. لیکن لحن سخنرانی مانند گذشته تند و خشن نبوده است. علاوه بر مطالب دیگر وی گفت که سعودیها رضایت داده‌اند که عراق در منطقه خلیج قدرت را به دست گیرد. وی گفت که اعراب خلیج فارس از وقایع ایران وحشت زده شده‌اند. سادات، امیر فقید کویت و فیصل، شاه فقید عربستان سعودی را ستایش نمود. وی گفت که اتحاد سعودی و عراق دوام چندانی نخواهد داشت، چون «این پیمان بر روی شن استوار است» که یک بیان واقع‌گرایانه توسط رئیس جمهور مصر به شمار می‌آید.

۲۳- (خیلی محرمانه) مصر - تحریم روزنامه‌نگاران: سفارت آمریکا در قاهره مطلع شده است که مصطفی امین روزنامه‌نگار الاخبار به علت درج مقاله‌ای که در آن سادات با سوموزا مقایسه شده تحریم گردیده است. به امین اجازه داده شده که به «نوشتارهای روشنفکرانه» خود ادامه دهد، ولی به او گفته شده که باید از سیاست اجتناب ورزد. آخرین تعلیق امین ۴۰ روز طول کشید.

۲۴- (محرمانه) مصر - تحریمها: بااستثناء خطوط هوایی سوریه و عراق بگفته یکی از مقامات هوایی مصر، اکثر خطوط هوایی عربی پروازهای خود به قاهره را علیرغم زمان تعیین شده توسط شورای هوایی غیر نظامی عربی یعنی ۲۴ تیر به تعلیق در نیاورده‌اند. (لیبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن مدتها قبل به علت اختلافات موجود پروازهای خود به قاهره را قطع نموده بودند). خط هوایی مصر به پروازهای خود به دیگر کشورهای عربی همچنان ادامه می‌دهد. و نس

#### سند شماره (۲۱)

۱۸ مرداد ۱۳۵۸ - ۹ اوت ۷۹  
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی  
موضوع: سؤالات خلیل در مورد بیانیه سناتور استون  
به: سفارت آمریکا در قاهره، فوری  
خیلی محرمانه

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).  
۲- شما مجاز هستید به خلیل بگویید در صورتی که وی نکات زیر را مطرح نماید، سناتور استون اعتراضی نشان نخواهد داد:

الف - آمریکا پیش‌نویس مطروحه توسط نماینده کویت در سازمان ملل را وتو خواهد کرد.  
ب - تنها قطعنامه قابل قبول برای آمریکا قطعنامه‌ای است که در آن صریحاً قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت تأیید شده باشد و علاوه بر این در آن حق حیات اسرائیل در مرزهای مشخصه و توأم با امنیت با بیانی روشن به رسمیت شناخته شده باشد.

- ۳- وزیر امور خارجه هیچ‌گونه بیانیه دیگری را معتبر اعلام نکرده است و به خلیل اطمینان دهید که تنها سناتور استون مسئول مطالب مطروحه دیگرش می‌باشد.
- ۴- در صورت درخواست دیگر دولتهای میزبان، دیگر واحدهای مخاطب نیز می‌توانند از این راهنما استفاده کرده به آنها پاسخ دهند.
- ونس

سند شماره (۲۲)

۱۵ اکتبر ۷۹ - ۲۳ مهر ۵۸  
از: سفارت آمریکا در مسکو  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی  
موضوع: (طبقه‌بندی نشده) روابط مصر و شوروی

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).
- ۲- خلاصه: از نظر ما بنا بر اطلاعاتی که در مسکو داریم، روابط بین مصر و شوروی دست نخورده باقیمانده است، و منافع متصل‌کننده دو کشور به هم بسیار ناچیز بوده و شواهدی مبنی بر رابطه در جهت کمکهای نظامی به چشم نمی‌خورد و سطوح و محتوای مذاکرات بر سر موضوعاتی چون خاورمیانه بین شوروی و مصر بسیار محدود است. علیرغم این شایعه که سفیر جدیدی از مصر به مسکو خواهد رفت. اینجنین چیزی اتفاق نیفتاده است، تنها کارداری جدید به اینجا آمده است. به ما گفته شده است که سادات با فرستادن سفیر، علیرغم اصرار شوروی و مقامات وزارت امور خارجه در فرستادن سفیر، موافق نیست. در رابطه با روابط بین آمریکا و مصر، روسها هدف و حجم کمک نظامی آمریکا به مصر در رابطه با امنیت از دست رفته مصر در نتیجه قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل را مورد سؤال قرار داده‌اند. پایان خلاصه.
- ۳- علیرغم اشاره به حرکتهایی که در جهت بهبود روابط می‌شود، در چند ماه گذشته هیچ‌گونه حرکتی که حاکی از بهبود روابط مصر و شوروی باشد به چشم نخورده است. رابطهای سفارت مصر در مسکو به ما اطلاع داده‌اند که سطح روابط بین مصر و مقامات شوروی در مصر بهتر نشده است، مثلاً در ضیافتی که به مناسبت روز ملی مصر و ۶ اکتبر تدارک دیده شده بود، مهمترین مقام شوروی شرکت‌کننده افسر رابط روسی در وزارت امور خارجه بود.
- ۴- احمد ابوالقیط (حفاظت شود) دبیر اول تازه وارد سفارت مصر به مقام سفارتی آمریکا درباره تماس بی‌فایده‌اش با افسر رابط شوروی در وزارت امور خارجه سخن گفت. قیط سعی کرده بود که به طور کلی پیرامون خاورمیانه با وی به بحث و تبادل نظر بپردازد لیکن او به سردی این تقاضا را رد کرده بود. افسر رابط روسی «بدون اینکه حرفی بزند و در حالی که به سقف چشم دوخته بود گوش می‌داد» و تنها دو نکته مهم را بیان کرد: که ظاهراً مصر دارای مشکلات اقتصادی بسیار جدی است و به مصر بستگی دارد که با «برادران عرب» خود بنشیند و این مسائل را حل کند. در رابطه با برنامه در جریان، قیط گفت که پروتکل فرهنگی شوروی و مصر برای تجدید دوره بدون جار و جنجال و یا تغییر محتوی به زودی وارد مصر خواهد شد. پروتکل تجاری در سال ۱۹۷۷ خاتمه یافت، لیکن معاملات بازرگانی به قوت خود باقی هستند.

- ۵- در جبهه سیاسی، طرح ابتکاری جدیدی از طرف مصریها ارائه نشده و مصریها نیز فکر نمی‌کنند که حرکت بزرگی از طرف روسیه آغاز بشود. علیرغم این شایعه که سفیر جدیدی از طرف مصر وارد مسکو



خواهد شد، تنها یک کاردار به اینجا آمده است آنهم در سپتامبر. روسها که خود سفیری در قاهره دارند از مصر نیز خواسته‌اند که سطح نمایندگی خود را به سطح سفارت ارتقاء دهند. بنا به اظهارات مصر، روسها هدفشان از داشتن سفیر در مسکو بالا بردن حیثیت خودشان در مصر است، چون از نظر آنها مصر در دنیای عرب نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنا به اظهار منابع ما در سفارت در مصر، وزیر امور خارجه نیز خواستار ارتقاء نمایندگی مصر در مسکو به درجه سفارت می‌باشد و استدلال می‌کند که با داشتن یک کاردار در مسکو، مصر نفعی نمی‌برد. بنا به استدلال این وزارتخانه، مصر در شوروی چه سفیر داشته باشد و چه نداشته باشد روابط بسیار ناچیز خواهد بود، لیکن برای بیرون کشیدن سفارت مصر از انزوا و دسترسی سریع به مسکو بهتر است سفیری به این کشور اعزام گردد...

۶- در حقیقت در جامعه دیپلماتیک گزارشاتنی شده است که زمانی که انتقاد شوروی از مصر کاهش یابد و فرصت بهتری پیش بیاید مصر سفیری را اعزام مسکو خواهد کرد. با این وصف، منابع ما در سفارت مصر می‌گویند که این موضع فقط بستگی به تصمیم انور سادات دارد و تا حال هم به خاطر اینکه دولت شوروی حالتی خصمانه نسبت به سادات به خصوص پس از مذاکرات کمپ دیوید و قرارداد صلح مصر و اسرائیل اتخاذ کرده با فرستادن سفیر به این کشور بسیار مخالف است.

۷- یک موضوع ناراحت کننده این است که کاردار جدید مصری حسن قندیل بنا به گزارشات خود گفته است که او امیدوار است که روند مذاکرات کمپ دیوید با شکست روبه رو شود، تا سیاست مصر با کمک به بهبود روابط شوروی و مصر تغییر کند. ما هنوز با قندیل ملاقات نکرده‌ایم و این اطلاعات را از طریق قیط و یا مشاوران و حبا دریافت نکرده‌ایم (در صورتی که وزارتخانه یا سفارت اطلاعاتی در مورد قندیل در اختیار ما بگذارد ما بسیار ممنون خواهیم شد).

۸- در رابطه با ارتباطات نظامی مصر و شوروی رابطهای مصری ما وجود هر گونه نقل و انتقال محموله‌های مهم نظامی از شوروی به مصر و یا تلاش در جهت بهبود روابط نظامی را شدیداً تکذیب کرده‌اند. ظاهراً دریافت محموله‌های کوچک نظامی روسی شامل قطعات یدکی ممکن است شامل روابط بازرگانی مجدد باشد و علاوه بر این، این گونه لوازم را مصر می‌تواند از طریق اروپای شرقی نیز برای خود فراهم کند. یکی از این رابطهای مصری ما در این زمینه از رومانی و یوگسلاوی نام برد، لیکن ما هنوز نتوانسته‌ایم آن را مورد تأیید قرار دهیم.

۹- یکی از نگرانیهای مهم شوروی که در بسیاری از گفتارها و ملاقات نیز مشهود است همان رابطه کمک نظامی بین مصر و آمریکا و هدف اساسی سیاسی نظامی از چنین حرکتی می‌باشد. پاول آکاپوف معاون اول دپارتمان خاور نزدیک در بحثی که درباره خاورمیانه با مقام سفارتی داشت اهداف آمریکا در مسلح کردن مصر را مورد سؤال قرار داد. وی ادعا می‌کند با عطف به این واقعیت که قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل امضاء شده است، پس هدف آمریکا از مسلح کردن مصر قرار دادن آن کشور در برابر یکی دیگر از همسایگان عرب این کشور و یا در برابر یک کشور آفریقایی می‌باشد. مقام سفارتی به روابط نظامی مهم بین شوروی و دیگر کشورهای عرب اشاره کرد گفت که مصر از حق حاکمیت خود برای برآوردن نیازهای مشروع دفاعی خود بهره می‌برد. آکاپوف بدبینی خود را نسبت به موضوع این طور ابراز داشت که مسخره است که فکر کنیم که امضاء یک قرارداد صلح باید به مسلح سازی منجر شود و اشاره کرد که به نظر او مصر خود را برای ایفای یک نقش سیاسی - نظامی در منطقه آماده می‌کند. او به اندازه مطبوعات روسی بی‌پرده

سخن نگفت که مصر با هماهنگی با آمریکا و اسرائیل می‌خواهد نقش ژاندارم در خاورمیانه را ایفا کند، لیکن این را می‌توان از گفته‌هایش به وضوح مشاهده کرد.

۱۰- این نگرانی روسیه احتمالاً از طرفی به خاطر انعکاس گزارشات مطبوعاتی آمریکا پیرامون تعاون نظامی آمریکا و مصر به وجود آمده و به خصوص از طرف دیگر به خاطر مقالاتی چون مقاله کریستوفر فرن که از قول یک مقام مهم مصری در نیویورک تایمز نوشته شده است. البته مصر ژاندارم آمریکا نخواهد بود. لیکن زمانی که بین آمریکا و مصر منافع مشترکی وجود داشته باشد، چرا با هم همکاری نکنیم و در رابطه با توسعه طلبی روسیه، ما دارای منافع مشترک هستیم.

#### سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۵ آبان ۱۳۵۸ - ۲۷ اکتبر ۷۹ سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان  
از: آژانس اطلاعاتی دفاعی در واشنگتن دی. سی. به: آژانس اطلاعات دفاعی (CUR INTEL)

#### موضوع: یادداشت اطلاعات دفاعی آژانس اطلاعاتی دفاعی

۱- (خیلی محرمانه / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته دفاعی آمریکا در موگادیشو، ارسال اخیر ۲۲ دستگاه تانک تی - ۵۴ را از مصر به سومالی مورد تأیید قرار داده است. ظاهراً این تانکها در اوائل مهر وارد شده و در رژه نظامی پایتخت سومالی در تاریخ ۲۹ مهرماه شرکت کرده‌اند. محموله مشابه دیگری در اواسط آبان ارسال خواهد شد. ۴۴ دستگاه تانک دیگری که ارسال خواهد شد محموله تسلیحاتی ارسالی مصر به سومالی را تکمیل خواهد کرد.

۲- (سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) ارسال این تانکها احتمالاً نتیجه مستقیم دیدار علی، وزیر دفاع از موگادیشو در اردیبهشت گذشته بوده است. کمی پس از مراجعت خود به قاهره در خرداد، علی در مورد سومالی با سفیر آمریکا گفتگو کرد و خاطر نشان ساخت که مصر می‌تواند تعدادی از تانکهای مورد نیاز آن کشور را تأمین نماید، لیکن قادر نیست تعداد دقیق ۲۰۰ تانک مورد نیاز دولت مذکور را فراهم آورد.

۳- (سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) علیرغم فشارهای وارده از سوی اعراب تندرو، به خصوص عراق، سومالی یکی از سه کشور عربی است که پس از امضاء قرارداد بین مصر و اسرائیل توانسته است روابط عادی خود با مصر را حفظ کند. به همین دلیل، علاوه بر خطر نظامی که از طرف اتیوپی متوجه سومالی است، رئیس جمهور سادات، قطعاً به ارائه کمک نظامی به دولت مزبور ادامه خواهد داد. با این وصف علاوه بر مشکلات مهم قاهره در زمینه قطعات یدکی و مسائل دیگر، کمک مصر نخواهد توانست نیاز سومالی را برآورده سازد. تا اردیبهشت ماه گذشته، حدود ۱۰۰ نفر مستشار نظامی مصری در سومالی به سر می‌بردند.

تهیه شده توسط: سرگرد تی: سیمپسون، نیروی هوایی آمریکا، ۵ - JSI»

کتاب پنجاه و پنجم

خط میانه (۵)



## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار

اسناد مندرج در کتابهای شماره ۲۵ الی ۲۸ از مجموعه اسناد لانه جاسوسی که تحت عنوان «خط میانه» در گذشته منتشر شده است، عموماً به معرفی چهره‌های جریان حامی منافع نامشروع آمریکا و چگونگی امیدها و برنامه‌ریزیهای دستگاه محاکمه آن در جهت فعال کردن و جانشینی این جریان به جای خط انقلاب و امام می‌پرداخت. یادآور می‌شود این اسناد متعلق به بخش سیاسی جاسوسخانه آمریکا در تهران بوده است.

در خلال این مدت بازسازی بخشی از اسناد ایستگاه سیا «سازمان جاسوسی آمریکا» در تهران که تحت پوشش سفارت فعالیت می‌کرد نیز به پایان رسید که در واقع مکمل اسناد گذشته بوده و با وضوح بیشتری پشتیبانی عملیاتی و جاسوسی آمریکا از تقویت جریان خط میانه را نشان می‌دهد. این اسناد در دو جلد در اختیار امت انقلابی و افکار عمومی جهان قرار می‌گیرد تا سند دیگری در حقانیت مبارزات ملت ما در منزوی ساختن جریانات سیاسی وابسته باشد، جلد اول آن شامل اسناد شریعتمداری، مقدم مراغه‌ای و حسن نزیه و جلد دوم مربوط به چهره‌های شناخته شده‌ای از قبیل امیر انتظام، بهرامیان، خسرو قشقائی و چهره‌های ناشناخته دیگری از جمله تورج ناصری و علی سیف‌پور فاطمی می‌باشد.

مجموعه حاضر افشاگر طیف گسترده‌ای از عناصر و جریاناتی است که با شعارهای استقلال، دموکراسی و حقوق بشر و حتی لوای دین، مجریان و کارگزاران مقاصد کسانی بوده و هستند که آرمانشان در قبال ملل محروم چیزی جز استعمار و استثمار نیست، اسناد افشاگر جناحی است «که هر چند در این آب و خاک زاده شده و پرورش یافته‌اند» و هر چند شکست افسانه‌دیرینه شکست‌ناپذیری آمریکا را به دست این مردم دیدند، باز مصلحت مملکت و ملت را از وی می‌جویند؛ «حالی که مملکت ما و ملت ما قدرت آمریکا را در اینجا شکست داده است باز روابط با آمریکا دارند، این ننگ را کجا باید برد و این شکایت را پیش که باید کرد؟» آن جمعیت و اشخاصی که در ازای دریافت وعده حمایت سیاسی، حقوق ماهیانه، ارضای جاه‌طلبیهای فردی و سیاسی و بهتر بگوییم «عشق به آمریکا» آگاه یا ناخودآگاه دل در ناپودی، نظامی بسته بودند که بر گستره کفر زده گیتی، منادی اسلام، استقلال و آزادی است. این طیف گسترده را مقدس مابان سیه قلبی که زنگار نفسانیتشان حائل قلب و خدایشان شده، وجه‌المله‌هایی که افسار ملی‌گرایی ساخته امپریالیسم بر گردنشان افتاده، ملی‌گرایان مسلمانی که تربیت یافتگان فرهنگ

غریبند و سلطنت طلبان معلوم الحالی که کوس رسوائیشان در همه جا نواخته شده، تشکیل می دهند. اما آن مقدس مابان: «که اظهار اسلام می کنند و کمر اسلام را می خواهند بشکنند و کار مسلمانان با اینها مشکل است. حل مسئله اینها بسیار مشکل است... که هویدا معلوم بود دشمن اسلام و مسلمین است و نصیری هم معلوم بود که مردم را چه کرده و تکلیف مردم با او معلوم بود... آن آدم مقدس مابی که تسبیح هم دستش گرفته است و به اسلام هم دارد می گوید من خدمت می کنم، این مقدس ماب را چه باید بکنیم؟» (سخنرانی حضرت امام - ۵۸/۹/۲۴)

حدیث وجیه المله ها، حدیث آنانی است که مأمور بودند تا انقلاب را از درون بیوسانند و «در انقلاب ایجاد نفاق و اختلاف کنند و مدفونش کنند و پس از اینکه انقلاب در خود مدفون شد... یک بساطی درست کنند و همان مسائل سابق را پیش بیاورند... یک مشت از ارادل، یک مشت از اشخاص از خدا بی خبر، یک مشت از اشخاصی که از خانه هایشان چیزهای ننگ آور بیرون آمده است - دیگرانشان هم همین طور - اینها آمده اند در مقابل همه مسلمین به کمک کارتر و امثال کارتر فعالیت بکنند. سخنرانی حضرت امام - ۵۸/۹/۱۹.

حدیث دسته سوم، حدیث آن کسانی است که در طی حاکمیت پنجاه ساله ظلم و ضلالت در این سرزمین، در همان چارچوبی پرورش یافته، اندیشه و عمل کرده اند که شیطان بزرگ برای ترویج آن آمده بود حدیث «همین آدمی بود که معلوم شد چکاره است، مع الاسف همینها باز از اینها تعریف می کنند برای اینکه مغز عوض شده است، یک کسی که پنجاه سال مغزش را آنها تربیت کرده اند و از مغز انسانی بیرونش کردند یک مغز غربی رو آن گذاشتند. این هر چه همه که ضربه از غرب به این مملکتش بخورد، به این کشورش بخورد باز از آنها تعریف می کند، باز هم دنبال این است که برگرداند...» (سخنرانی حضرت امام - ۵۸/۹/۲۱)

خط میانه، خط همپیمانان با کفر است «خودآگاه یا ناخودآگاه» که بر ضد پاکترین انسانها بسیج شده اند. انسانهایی که در حد توان خویش عزم را بر حاکمیت بخشیدن به قوانین قرآن، سنت رسول الله و ائمه معصومین جزم کرده اند. مثل پیروان خط میانه» مثل ابوسفیان و همان اشخاصی است که در آن وقت با هم پیوند می کردند که نگذارند پیغمبر اسلام یک حکومتی تشکیل بدهد. آنها از اسلام می ترسیدند برای منافع خودشان، اینها هم که الان دارند مخالفت می کنند از اسلام می ترسند برای منافع خودشان و برای منافع اربابان خودشان خدمتگزار اجانب هستند. آنها از اینها حالشان بهتر بود، برای اینکه آنها برای اجانب نبود، آنها خودشان می خواستند قیام کنند و برخلاف اسلام قیام کردند، اینها برای اجانب قیام می کنند و برای اجانب فعالیت می کنند که قیام شما مردان خدا را فلج کنند. (سخنرانی حضرت امام - ۵۸/۹/۳۰)

در دنباله مطالب سعی می شود که با استفاده از اسناد، دیدگاههای آمریکا و افراد منتسب به خط میانه پیرامون انقلاب اسلامی و نحوه مقابله با آن آورده شود.

شرکت و دخالت آمریکا در تمام شئون مملکت و رشد طبقه متوسط در ایران این توهم را برای آمریکا پیش آورد که مذهب به عنوان یک عامل انقلاب، صورت ضعیفی پیدا کرده و حرکاتی که ممکن است نارضایتی از رژیم شاه را دامن بزند جریانات چپ و جریانات راست ناسیونالیستی الهام گرفته از غرب با پوشش مذهبی یا غیر مذهبی است. البته این بدان معنی نیست که آمریکا واقعیتهای جامعه ایران را نادیده

گرفته باشد و پارامتر مذهب را کاملاً حذف کرده باشد، بلکه بدین معنی است که، اهمیتی که برای جریانات راست و چپ قائل می‌شد برای حرکت‌های مذهبی قائل نمی‌شد. آمریکا با این دید به شناسایی و برآورد ماهیت مخالفتها با رژیم شاه پرداخت. در این شناسائیهها غیر از دو هدف عمده که یکی برآورد میزان نارضایتی از شاه و رژیم سلطنتی و دیگری هدایت این جریانات به کانال حمایت از شاه بود، هدف سومی را نیز دنبال می‌کرد که آن شناخت جناح و جبهه‌بندیها و کلاً تشکیلات و سیاستهای بافتهای مخالف بود تا از طریق آن عناصری را که مناسب می‌دید به کارگیرد و پرورش دهد تا در صورت مواجه شدن جدی شاه با خطر «آخرین احتمال»، رژیمی مرکب از این عناصر بر سر کار آورد تا منافعش به روال قبل تأمین شود، «البته نباید از نظر دور داشت که این افراد و جریانات نیز بنا بر ماهیتشان خواه ناخواه سر از آخور امپریالیسم در می‌آورند». در این زمینه آمریکا به تمام اهداف تعیین شده‌اش دست می‌یابد.

قیام ۱۵ خرداد هشداری بود تا آمریکا در مورد ارزیابی خود درباره جریانات مخالف تجدید نظر کند. با توجه به این قیام و نقش روحانیت بیدار و مجاهد شیعی و میزان حمایت مردم از آن، آمریکا دریافت که مذهب و روحانیت هنوز عوامل منفرد و مؤثر در بسیج توده‌ها علیه شاه و استبداد شاهنشاهی هستند. در پی این امر، آمریکا در صدد برآمد تا در حین کارکردن در مورد جریانات راست مذکور، دست به شناسایی و احتمالاً به کارگیری عناصری در میان روحانیت بزند و در صورت امکان بتواند با نفوذ با پرورش فردی به عنوان مرجعیت این ستون عظیم تشیع را در خدمت مصالح خویش به کارگیرد. همسانی نیازهای عملیاتی ساواک و سیا و هماهنگی آنها با هم در اجرای طرحهایشان، آنها را به سمت فردی بنام سیدکاظم شریعتمداری سوق داد.

دیدگاه شریعتمداری در مورد آمریکا همچون دیگر هم سخنانش مبتنی بر این نگرش بود که عدم حضور آمریکا در ایران برابر با نابودی استقلال این مملکت است و علت پناه‌بردن به دامن کفر امپریالیسم را مترسک سر خرمن آمریکا یعنی کفر کمونیسم و شوروی می‌دانستند و اعتقاد به این عقیده کافی بود تا آمریکا برای ایشان حساب باز کند. به هر صورت شریعتمداری تا قبل از انقلاب در لباس شامخ مرجعیت و تحت حمایت ساواک در ظاهر و سیا در باطن به رشد باذکنکی خویش ادامه داد تا در روز مبادا بتواند منافع امپریالیسم را برآورده کند.

علیرغم تلاشهای آمریکا از کانال عناصر خط میانه برای جلوگیری از سقوط شاه و سرنگونی رژیم سلطنتی، از دولت آشتی ملی و نخست‌وزیری بختیار گرفته تا اعلامیه‌های آرامش‌بخش و حمایت‌های پنهانی از نظامیان از سوی روحانی‌نمایان، آمریکا نتوانست در مقابل توفندگی و عظمت انقلاب تاب مقاومت بیاورد و توان تحلیل و مقابله با آن را از دست داد و در نهایت انقلاب اسلامی با پیروزی خویش استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را نوید داد.

علتهای عمده‌ای که آمریکا به خاطر آن نتوانست در مقابله با انقلاب اسلامی به موفقیت دست یابد، یکی اعتماد بیش از حد آمریکا به رژیم شاه و عواملش در درون این رژیم و اعتماد به تثبیت نظام شاهنشاهی بود و دیگری یکسان دانستن و همتراز کردن مبارزات مذهبی با جنب و جوشهای برخاسته از گرایشات ملی‌گرایانه و التقاطی، که با توجه به شناختی که از آنان داشت و با توجه به طرز فکر و وابستگیهای سران و گردانندگان جریانات فوق تصور می‌کرد می‌تواند مانع از روی کارآمدن رژیمی بشود که منافعش را تهدید نماید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و درک نسبی عوامل مؤثر در پیروزی آن، آمریکا بر آن شد تا از کانال همین افراد موجبات روی کار آمدن دولتی را فراهم کند که علیرغم تفاوت اسمی و اختلافات صوری با رژیم پهلوی باز هم بازار خوبی برای صنایع نظامی و مصرفی و پایگاه خوبی برای جاسوسی و منبع تأمین انرژی مطمئنی برای چرخهای صنعتی آمریکا باشد. به همین جهت دست به کار استفاده فعال از عناصر خود در رئوس جریانات خط میانه بودند، می شود.

در اینجا سوای از اهداف آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، برخوردها و اهداف گروههای خط میانه نیز مطرح می شود. رشد سریع و سرعت توفنده و تاکتیکهای منحصر به فرد انقلاب اسلامی در مقابله با حاکمیت امپریالیسم موجب شد که گروههای مذکور نیز همچون اربابشان نتوانند تحلیل جامعی در مورد سیر وقایع و حوادث داشته باشند و با فرصت طلبیهای گاه و بیگاه در روند انقلاب اسلامی بیشتر به طور ناخواسته و برای حفظ ظاهر دنباله روی رهبری انقلاب و مردم بودند. سرعت انقلاب و کسب وجهه کاذب این عناصر در بین مردم در آغاز انقلاب و پیروزی آن، عامل عمده ای بود که ماهیت حقیقی شان پوشیده ماند، ولی حقانیت انقلاب اسلامی و عدم همزیستی حق و باطل چهره پلید یکایک اینان را افشا کرد و رسوایشان ساخت.

خصیصه فرصت طلبی و منفعت پرستی فردی و عدم درک اوضاع در آغاز انقلاب باعث شد که جریانات مذکور نتوانند موضع واحدی بر علیه انقلاب اسلامی بگیرند. گروهی با دستیابی به شغل‌های حساس و امکان تحقق بخشیدن به ایده آلهایشان و گروهی دیگر با خیال رسیدن به پستها و مقامها برای اعمال عقایدشان، برای مدتی باز از ابراز عقاید قلبیشان پرهیز می کردند، اما مغایرت نیات اینها با مقاصد ملت که همانا تحقق یافتن احکام اسلام بود و در جریان مجلس خبرگان، تدوین قانون اساسی و اجرای احکام اسلام بروز می کرد باعث شد تا پرده از چهره کریه خود بردارند. دسته ای به مقابله علنی با انقلاب اسلامی پرداختند، گروهی با استفاده از آنچه که انقلاب در دسترسشان گذاشته بود شروع به تخطئه آرمانهای انقلاب نمودند و عناصری دست به ایجاد تشکیلات سیاسی زدند و فی الجمله تهیه مقدمات برای سرنگونی جمهوری اسلامی، و گسترش روابط با آمریکا را در رأس برنامه های خویش قرار دادند.

تلاشهای سیا در این میان در درجه اول به تهیه تحلیل جامعی از اوضاع ایران و سپس تعیین خط مشی با توجه به تحلیل صورت گرفته و سرانجام شیوه اعمال خط مشی معطوف بوده. سیا با به کارگیری تمام عوامل خود در ارتش، ادارات و وزارتخانه ها و افراد شاغل در قسمتهای بازرگانی اولویت کامل را به جمع آوری اطلاعات در مورد کلیه جریانات داخلی و مسائل مورد نیاز اختصاص داد و سپس با توجه به اطلاعات به دست آمده خط مشی و شیوه اعمال آن را به صورت خلاصه به نحو زیر ارائه داد:

۱- خط مشی سیا «آمریکا» در قبال انقلاب اسلامی - آمریکا در سطح حاکمیت و عناصر دخیل در آن در ایران خود را با دو جریان عمده روبه رومی دید، یکی رهبری انقلاب و یاران و همفکران ایشان، دیگری طیف خط میانه که هر کدام به نحوی مصدر امری شده بودند و یا قدرت آن را داشتند که بتوانند عامل به عملی شوند. عزم قاطع امام بر پیاده کردن احکام اسلام و حاکمیت قرآن در جامعه و ستیزه جویی و سازش ناپذیری ایشان در برابر تمامی مظاهر کفر از غرب گرفته تا شرق و عوامل آنها، آمریکا را متوجه کرد که تحقق حاکمیت خط امام به معنای مرگ تمامی آرزوهای امپریالیسم برای دستیابی مجدد به منافع این مرز و بوم است. آمریکا در مقابله با این خط و با توجه به عواملی که در اختیار داشت تصمیم بر نابودی



و سرنگونی جمهوری اسلامی گرفت. اما به خاطر نقصان عوامل کارا و برای شناسایی، پرورش و جایگزین کردن یک نیروی کاملاً وفادار به خود که قدرت نظامی هم داشته باشد «آمریکا گمان می کرد چنین نیرویی در درون ارتش وجود دارد» و همچنین زمان مورد نیاز برای چنین طرحی در مرحله اول سعی کرد تا یک ائتلاف متشکل از سران بالقوه لیبرالهای سیاسی، چهره‌های مذهبی میانه‌رو، سران ارتشی متمایل به غرب، سران قبایل و گروههای قومی را رهبری کند و برای به دست‌گیری حاکمیت «موقت» راهنمایی نماید، تا فضای مناسب و بازی برای پیاده کردن طرح اصلی خود بیاید. بالطبع در صورت پیاده‌شدن طرح اصلی، این عناصر کنار گذاشته نمی‌شدند، بلکه در جهت مصالح و منافع همان رژیم به کار گرفته می‌شدند. علت آنکه آمریکا به حاکمیت عناصر خط میانه اکتفا نمی‌کرد آن بود که در کنار آنها مجبور می‌شد به اعمال فشارهایی که از جانب خط امام صورت می‌گرفت تن در دهد، ولی آمریکا رژیمی را می‌خواست که کاملاً به خواسته‌هایش گردن نهد. «آمریکا همزمان با این طرحها، در استفاده از عوامل ضد انقلاب اعم از ساواکیها، بختیار، سلطنت‌طلبها و کلاً عناصری که از آغاز مخالفت علنی با انقلاب اسلامی داشتند، کوتاهی نمی‌کرد که در این مجموعه به خاطر اختصاص یافتنش به خط میانه از ذکر آنها خودداری می‌شود. اسناد مربوط به این افراد در کتاب شماره ۳۸ به چاپ رسیده است.»

۲- اعمال خط مشی - به دنبال تصمیم سیا مبنی بر تشکیل ائتلافی متشکل از لیبرالهای سیاسی و چهره‌های دینی میانه‌رو و کلاً عناصر خط میانه، کسی که به گمان آمریکا احتمال داده می‌شد این ائتلاف را سرعت ببخشد، شریعتمداری بود. علت انتخاب شریعتمداری به عنوان محور این جریان، این ویژگی بود که وجهه مذهبی وی آن هم در سطح مرجعیت عاملی بود که هم در رابطه با مردم مسلمان کارساز بود و هم شخص وی تمام ملزومات تحقق بخشیدن به چنین ائتلافی را دارا بوده است. تشکیل چنین ائتلافی برای سیا بدین مفهوم نیست که سیا قصد داشته تشکیلات مجزای این افراد را در هم ادغام کند، بلکه سعی داشت که از کانال هر کدام از این جریانات هدفهای مقدماتی طرح اصلی را نیز تحقق بخشد. مثلاً از طریق خسرو قشقایی و مدنی می‌خواست روزنامه‌ای براه بیندازد تا زمینه فرهنگی و تبلیغاتی را آماده کند؛ از طریق نهضت آزادی و دولت موقت سعی در بی‌اعتبار نشان دادن تصمیمات سیاسی متخذه از سوی امام نماید؛ از طریق حزب خلق مسلمان با رهبری شریعتمداری قصد راه‌اندازی روزنامه‌ای را داشت تا حضور سیاسی خویش را و وجهه مذهبی ببخشد. البته این برنامه‌های هماهنگ شده از سوی سیا در عمل، گذشته از اینکه اختلافات صوری این گروهها را حل می‌کرد عاملی بود که در جهت خط مشی اصلی «تشکیل ائتلاف» رانده شوند و تماس و ارتباط آنها را با همدیگر تضمین می‌نمود «تماسهای طرح‌ریزی شده جبهه ملی، خسرو قشقایی و... با شریعتمداری که در اسناد ذکر آنها رفته بیانگر قدمهای اولیه برای برآوردن این هدف است.»

نتایج حاصله از تلاشهای سیا برای تحقق اهدافش در اسناد به خوبی قابل مشاهده است. در پایان اسامی عناصری از این طیف که یا عضو سیا بوده‌اند و یا به نحوی اطلاعات در اختیار مأموران سیا قرار می‌داده‌اند ذکر می‌شود و خود اسناد به صراحت گویای خود فروختگی و خود باختگی آنهاست.

### نهضت آزادی:

بهرام بهرامیان - عضو رهبری عالی نهضت آزادی؛ عامل حقوق‌بگیر سیا از سال ۱۳۵۶.

عباس امیرانتظام - عضو عالیرتبه نهضت آزادی؛ عامل سیا از اوائل دهه ۱۳۴۰ «در سندی که در این مجموعه آمده مأمور سیا جرج کیو به رئیس سیا اظهار می‌دارد که امیر انتظام در اوائل دهه ۱۳۴۰ با وی کار می‌کرده است»؛ مأمور تماس برای تبادل اطلاعات با سیا، از سوی دولت بازرگان.

#### باند ملی‌گراها:

سام سنجایی - در تماس با مأموران سیا در سانفرانسیسکو بوده است. از آنجایی که وی فرزند کریم سنجایی بوده، سیا از وی به عنوان واسطه ارتباط با رهبری جبهه ملی استفاده می‌کرده است. خسرو قشقایی - عامل سابقه‌دار سیا؛ انگیزه وی از همکاری با سیا گرفتن قول حمایت مالی و سیاسی در جهت نیات و اهداف آینده‌اش در قبال جمهوری اسلامی بوده است. رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای - عامل سیا از ۱۳۴۰ و دوست دیرینه قرارگاه سیا در تهران از ۱۳۳۲. حسن نزیه - عامل سیا، «تاریخ رابطه وی با سیا به قبل از انقلاب بازمی‌گردد». در مورد ارتباط با عناصر مذهبی میانه‌رو از سوی سیا و در رأس آنان شریعتمداری، به اسناد شریعتمداری مراجعه شود.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پائیز ۱۳۶۴

### بسمه تعالی

افراد ذیل از سوی سفارت و سیا در رابطه با شریعتمداری بوده و یا گزارش داده‌اند:

#### ۱- فرانک باروز

شغل: رئیس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا

باروز به دنبال ملاقاتی که با شریعتمداری داشته به سفارت گزارش می‌دهد که شریعتمداری به وی گفته است که به علت اینکه همیشه اطلاعات موثقی به دستش نمی‌رسد احساس می‌کند که برای سر و کار داشتن با مسائل جاری آمادگی چندانی ندارد. کاردار این اظهار شریعتمداری را به عنوان یک دعوت ضمنی شریعتمداری از دولت آمریکا برای تهیه خبر و اطلاعات و در جریان قرارداد او تعبیر می‌کند. در همین رابطه ستاد سیا به دنبال این گزارشات علاقه خود را به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا ابراز می‌دارد و به دنبال مجرای مناسبی برای رساندن اطلاعات به وی می‌گردد. در آغاز به دنبال آن بوده‌اند که در صورت توافق باروز از وی بخواهند که به شریعتمداری بگوید، یک پیک مورد اعتماد رامعین نماید «که انگلیسی بداند» تا اطلاعات را از طریق وی دریافت دارد و پس از تهیه مقدمات باروز از صحنه خارج شود.

باروز در رابطه با شریعتمداری این نظر را داشته که سفارت باید مشوق دیدگاههای میانه‌روانه او باشد تا او احساس اطمینان نماید که در طرفداری خود از نظریه «نیاز به ابقای بازرگانی خارجی در ایران» از تأیید آمریکا برخوردار است. باروز شریعتمداری را بهترین امید تجارت در ایران می‌دانست. سیا با توجه به دیدگاه محدود وی در مورد شریعتمداری و اینکه فقط جزئی از اهداف سیا را در نظر دارد و می‌خواهد که این ارتباطات در محدوده کارهای سفارت باشد، از امکان به کارگیری وی چشم‌پوشی می‌کنند اما بدون اینکه او را به عنوان یک کانال بالقوه از نظر دور بدارد.

#### ۲- نام واقعی: نامعلوم

نام رمز: اس. دی. ولید

شغل: احتمالاً کار تجاری و دارای املاک و مستغلاتی بوده است - یکی از جاسوسان حرفه‌ای سیا که در زمینه امور نفتی، تماس با رؤسای جبهه سیاسی ضدانقلاب منجمله فروهر، علی اسلامی از سران حزب خلق مسلمان و رؤسای شورو بعضی قبایل ترکمن صحرا و خوزستان و کارگذاری و استفاده از وسائل جاسوسی، فعال بوده «موضوع پیش‌بردن عملیاتی که بنابر آن تله متری «کسب الکترونیکی اطلاعات از راه دور» به طور مخفی برای آمریکا تهیه می‌شود و در سند ۷ آبان ۵۸ ذکر شده در رابطه با همین جاسوس است».

سیا بعد از اظهارات باروز، اس. دی. ولید را که قرار بوده برای یادبود مرگ پدرش به قم برود مأمور می‌کند که با شریعتمداری تماس بگیرد. هدف عمده از این تماس این بوده که از مفاد مکالمه و نوع استقبال شریعتمداری از وی سرنخی درباره امکان استفاده آینده از ولید را ارزیابی کنند.

ولید در ۱۰ اردیبهشت در قم با شریعتمداری ملاقات می‌کند و ابراز می‌دارد که پیغامی حاوی، عرض ارادت دوستان ایرانی و آمریکایی خود را در آمریکا برای شریعتمداری آورده است. شریعتمداری به گفته

ولید از این پیغام مسرور می‌شود. این ملاقات پس از مقداری صحبت و اظهار مواضع شریعتمداری با دعوت مجدد ایشان از ولید با این بیان که «یک بار بیا، دوبار، هر چند بار که دوست داری» به پایان می‌رسد. سیا پس از این دیدار می‌گوید که گزارش ولید با شواهد اخیر مبنی بر اینکه شریعتمداری ممکن است بخواهد کانال مناسبی با دولت آمریکا برقرار کند هماهنگی دارد.

در ۳۱ اردیبهشت قرارگاه تصمیم می‌گیرد که ولید را برای درک هرگونه علامتی از سوی شریعتمداری مبنی بر میل به برقراری تماس «اطلاعاتی» با سیا به قم بفرستد. این ملاقات در صبح ۵ خرداد صورت می‌گیرد. در این ملاقات، علیرغم تعجب ولید، به زودی و گرمی پذیرفته می‌شود. ولید با اظهار اینکه دوستان آمریکایی وی ابراز احترام نموده و گفته‌اند که می‌دانند او «شریعتمداری» در صحنه سیاسی ایران می‌خواهد چه بکند، از شریعتمداری می‌خواهد که با توجه به میل احتمالی دوستان آمریکاییش نام شخصی را که درباره این امور با وی مذاکره کنند بدهد. شریعتمداری می‌گوید که حزب سیاسی وی احتیاج به کمک دارد و از ولید می‌خواهد که با سران حزب صحبت کند و به حزب بپیوندد. ولید می‌گوید که قصد دارد به حزب بپیوندد، اما فکر می‌کند بهتر آن است که این تماسها توسط فردی صورت پذیرد که شریعتمداری کاملاً به وی اعتماد داشته باشد و مطمئن باشد که این امور را محرمانه نگه می‌دارد. شریعتمداری نام پسرش حسن را به ولید می‌دهد و می‌گوید هر کدام از دوستان را که می‌خواهد نزد حسن ببرد. ولید در ملاقاتش با قرارگاه اظهار می‌دارد که شریعتمداری می‌دانست چه نوع رابطه‌ای در حال برقراری بود و به خوبی می‌داند که «دوستان آمریکایی» همان دولت آمریکا است.

ولید سپس به ملاقات حسن می‌رود و آنچه را بین او و پدرش گذشته به وی بازگو می‌کند، طی آن ملاقات حسن نشانی و تلفن خود در تهران را به ولید می‌دهد و از او دعوت می‌کند که هرگاه آماده بود همراه یا بدون «دوستان» تماس بگیرد. کفیل ریاست قرارگاه تهران «گلگروف» از ولید می‌خواهد که با حسن ملاقات کند، اما نوعی بهانه هم دست و پا کند تا از سرعت جریانات برای مدت کوتاهی کاسته شود. در همین ضمن، قرار می‌شود ولید به حزب خلق مسلمان بپیوندد. در اینجا سیا اظهار می‌دارد که ولید کاری عالی انجام داده و یک کانال مستقل، محتاط و ظاهراً بسیار قابل اطمینان به شریعتمداری برای ما تهیه کرده است.

در ۲۰ خرداد گلگروف تحت پوشش مأمور دیپلماتیک سفارت با حسن شریعتمداری ملاقات می‌کند. ولید معرفی را انجام می‌دهد و به عنوان مترجم عمل می‌کند. ضمناً قرار بوده که ملاقات دیگری از سوی ولید با حسن در مورد اینکه آمریکا چه کار باید بکند در ۲۲ خرداد صورت گیرد.

در رابطه با این ملاقات و ادامه کار اس. دی. ولید در جریان شریعتمداری اسناد دیگری به دست نیامده است. تنها یک سند دیگر در مورد ولید در این بخش موجود است که وی پس از ملاقات با افراد مهم قبائل ترکمن که اهل ناحیه گناباد بودند به سفارت گزارش می‌دهد که این قبایل قصد مبارزه مسلحانه داشته‌اند، اما شریعتمداری این کلام را به آنها رسانده که فعلاً مقاومت مسلحانه را شروع نکنند.

نکته قابل تذکر این است که عوامل دیگری که سیا در جریان شریعتمداری به کار می‌گرفته از وجود بقیه کانالها و رابطین بی اطلاع بوده‌اند.

۳- نام اصلی: سرتیپ «یا سرلشکر» فرازیان

نام رمز: اس. دی. جانوس / ۱۳

شغل: مقام عالیرتبه سابق ساواک

۴- نام اصلی: مرتضی موسوی

شغل: مدیر و رئیس شرکت پیرانکو

فرازیان پیش از انقلاب با قرارگاه سیا تماس رسمی داشته است. وی پس از انقلاب تماس خود را از طریق ملاقات و تلفن حفظ می کرده است. در یکی از اولین ملاقاتهای بعد از انقلاب وی موسوی را به مأمور قرارگاه به عنوان بازرگانی که با شریعتمداری رابطه دارد معرفی می کند.

در سند ۲۰ اردیبهشت، سیا در پی مسائل مربوط به باروز و ولید در مورد شریعتمداری به اقدامی که از سوی فرازیان صورت گرفته مبنی بر اینکه تمایل شریعتمداری به ایجاد رابطه با آمریکا را ارزیابی نمایند، اشاره می کند و می گوید این حرکت از جانب یکی از زیردستان شریعتمداری انجام گرفت.

در پی تصمیمات سیا برای یافتن یک کانال رضایت بخش با شریعتمداری و مسائلی که تا حدودی ذکر آنها رفت، فرازیان نیز به عنوان یک احتمال در نظر گرفته می شود. اما دادن اطلاعات از طریق یک مقام سابق ساواک «فرازیان» و ارتباط بین او و شریعتمداری با توجه به حساسیت جامعه نسبت به ارتباط یک ساواکی با شریعتمداری و احتمال لو رفتن این رابطه، سیا را در صحیح بودن این رابطه به تردید می اندازد. هرگونه تصمیم گیری در مورد نحوه اقدام به ارتباط با شریعتمداری برای سیا مستلزم داشتن اطلاعات کافی در مورد کلیه جوانب ایران و آمادگیهای بالقوه و بالفعل شریعتمداری برای تکیه به وی به عنوان عنصری که کارایی لازم را در آینده داشته باشد و بتواند منافع آمریکا را تضمین کند، بوده است. حزب شریعتمداری «حزب خلق مسلمان» به عنوان یکی از راههای نیل به این اهداف و دسترسی به اطلاعات مورد نظر سیا قرار می گیرد و باز هم فرازیان به خاطر ارتباط و کسب اطلاعات از این حزب فرد مفیدی تشخیص داده می شود.

فرازیان به خاطر جاه طلبیهای فردی و سیاسی در تلاش طلبیهای برای تضمین حمایت آمریکا از شریعتمداری این هدف را دنبال می کرده که خود را رئیس نهایی سازمان جدیدی می دیده که در زمان یک دولت تحت حاکمیت شریعتمداری تشکیل می شود. وی فعالانه ملاقات سیا با شریعتمداری را پیگیری می کرده و برای سهولت کار خویش و از بین بردن اشکال تماس خود با شریعتمداری و همفکرانش، موسوی را که دارای دیدگاههایی همچون خودش و پیرو متعصب شریعتمداری بوده، به کار می گیرد و با خود همراه می کند.

در یک مکالمه تلفنی با فرازیان و یادداشتی که وی از طریق موسوی به یکی از مأموران قرارگاه تهران می رساند، موسوی بیان می دارد که از مقامات ثروتمند ساواک که به خارج گریخته اند وجوهاتی گرفته شود، موسوی و فرازیان هر دو فکر می کنند که شریعتمداری از پشتیبانی، استقبال خواهد نمود مشروط بر آنکه یک کانال کارآمد و کاملاً امن برقرار گردد. آنها همچنین معتقدند که شریعتمداری با ملاقات مستقیم موافقت خواهد نمود.

در ۳۱ اردیبهشت سیا گرفتن خبر در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان از طریق فرازیان را تأیید

می‌کند و از فرازیان می‌خواهد که بفهمد آیا شریعتمداری ایجاد این کانال را تجویز کرده و تأیید می‌کند یا نه. در ۷ خرداد طی یک جلسه‌ای با مأمور سیا، فرازیان اظهار می‌دارد که وی بار دیگر با «سران» حزب جمهوری خلق مسلمان تماس گرفته بود و این افراد فکر همکاری با آمریکاییها را تأیید کرده بودند و می‌گویند در صورت موافقت ما، افراد منتخبی از حزب به قم خواهند رفت تا درباره مسئله با شریعتمداری حرف بزنند. تا تأیید یا عدم تأیید وی را بگیرند. فرازیان می‌گوید که دوستان شریعتمداری فکر می‌کردند که به راهنمایی سیاسی و مالی احتیاج دارند، چون سعی می‌کنند طرفداران خود را به مجلس بفرستند. گلگروف «مأمور قرارگاه» می‌گوید که قبل از مبادرت به هر عملی ضرورت دارد که مقداری اطلاعات کاملاً موثق به دست بیاوریم، سپس در مورد انتخابات و کیفیت نیروها از فرازیان خواستار یافتن اطلاعاتی می‌شود. در ۱۶ خرداد طبق گزارشی، ستاد سیا به تهران اطلاع می‌دهد که به خاطر تحولاتی که در ارتباط با تمایل شریعتمداری به برقراری تماس از طریق پسرش حسن سریعاً روی می‌دهد، در ستاد تصمیم بر این گرفته شده که به خاطر کمبود اطلاعات در مورد اقدام در مورد مسیر آینده سیاسی ایران و سرعت جریانات، ما سریعتر از حد خود به سوی اقدام سیاسی پیش می‌رویم، به علاوه ما خطر از دست دادن کنترل اوضاع را متوجه منابع ذخیره خود می‌کنیم که ممکن است خود منافع و مقاصد سیاسی خاصی داشته باشند. اگر چه منافع ما با آنها عموماً اشتراک دارد، اما دیدگاههای آنها در مورد نحوه نیل به این مقاصد و سرعت حرکت بدون شک با دیدگاههای ما تفاوت دارد، در این رابطه مسئله فرازیان را به عهده قرارگاه تهران می‌گذارد و می‌گوید با این وجود ما تصور می‌کنیم بهترین کار این است که با سرعت خود را از اینکه فرازیان به عنوان کانال شریعتمداری باشد خلاص کنیم، چون میل داریم فرازیان را به عنوان یک منبع ذخیره گزارشگر درباره صحنه سیاسی و سازمان اطلاعاتی حفظ کنیم و توجه به سابقه وی نشان می‌دهد که خطر وی به عنوان یک کانال سیاسی بیش از اندازه بزرگ است.

در تماس تلفنی با فرازیان در ۱۷ خرداد، وی به گلگروف گفت که موسوی به قم رفته و با شریعتمداری ملاقات کرده و شریعتمداری با توصیه‌ای که موسوی با سایر سران حزب جمهوری خلق مسلمان به او نموده بودند، مبنی بر اینکه برای بررسی امکان برخورداری از حمایت دولت آمریکا با آن دولت تماس گرفته شود «کاملاً موافقت کرده بود»، شریعتمداری بعد از ابراز موافقت مشروط به دو شرط می‌گوید که قول می‌دهد در آینده برای بازپرداخت هر مقدار پولی که از دولت آمریکا درخواست خواهد شد، به هر کاری که ممکن باشد دست بزنند. شریعتمداری به مرتضی موسوی می‌گوید که آمریکاییها را خاطر جمع کند که رقم ۵ میلیون دلار برای کمک «یعنی همان رقمی که قبلاً فرازیان به سیا رسانده بود» فقط برای تأمین... کفایت می‌کند. وی می‌گوید تشکل پر هزینه است و نیاز به مبلغی چندین برابر مبلغ ۵ میلیون دلار است. در پایان تماس، فرازیان تأکید می‌کند که شریعتمداری خودش می‌خواهد بالفور بداند آیا دولت آمریکا می‌خواهد از او حمایت کند یا نه، که گلگروف توضیح می‌دهد که چنین تصمیمات برجسته‌ای معمولاً بعد از مقداری بحث و هماهنگی صورت می‌گیرند.

در یک تماس تلفنی دیگر با فرازیان در ۱۹ خرداد، گلگروف بر مواضع قبلی خود مبنی بر رد کمک مالی به شریعتمداری تا هنگام کامل شدن اطلاعات و به دست آوردن توافق کامل تأکید می‌کند ولی درباره دادن اطلاعات به وی موافقت می‌نماید. فرازیان از این موضوع ناراحت می‌شود و می‌گوید که اهداف شریعتمداری کاملاً روشن است و نیازی به صرف وقت بیشتر برای درک آنها وجود ندارد و شریعتمداری

برای به دست آوردن پیروان بیشتر نیاز به پول دارد تا این وجوهات را بین افراد لایق تقسیم کند و وفاداری آنها را به دست آورد، از این وجوهات برای تأمین مخارج اضافی حزب استفاده خواهد شد و در آخر می‌گوید که بسیار به نفع ماست که شریعتمداری... کافی... با نظریاتی به میدان بیاید که خمینی را به مبارزه بطلید، فرازیان قرار بوده تصمیم سیا را به موسوی برساند.

در ۲۵ تیر موسوی و فرازیان با اهرن «رئیس قرارگاه سیا در تهران» ملاقات دو ساعته‌ای برگزار می‌کنند و در این ملاقات اصرار می‌کنند که یک مأمور سیا مستقیماً با شریعتمداری صحبت کند. در رابطه با سؤالی از سوی رئیس قرارگاه تهران مبنی بر اینکه کمک ما اگر تأمین شود چگونه استفاده‌ای از آن به عمل خواهد آمد. موسوی می‌گوید که علیرغم مرتبه اولی که پول در خواست کرده بود و شریعتمداری در آن بار قصد داشت از آن برای خرید سلاح در جهت مسلح کردن آذربایجانیه‌های مقیم تهران استفاده کند، اکنون اوضاع کمتر غیرعادی است.

در ملاقاتی که اهرن با فرازیان و موسوی در... مرداد صورت می‌دهد. فرازیان باز هم در مورد تماس مستقیم با شریعتمداری صحبت می‌نماید و وقتی مأمور سیا می‌گوید که ستاد به مزایای تماس مستقیم واقف است، اما اشکال کار در پیدا کردن کسی است که مباشرت وی با ساواک مانع آمدن وی به اینجا نشود، فرازیان اظهار می‌دارد که سیا می‌تواند با آیت‌الله زنجانی تماس بگیرد، چون زنجانی جنبه‌ی ثانی شخصیت شریعتمداری می‌باشد، وی می‌گوید هر چند زنجانی به انگلیسی تکلم نمی‌کند، ولی می‌توان از پسر وی فرید که فعلاً در تهران است به عنوان مترجم استفاده کرد.

در چند تماس و ملاقات بعد از دیدار در مرداد ماه و طرح مسئله زنجانی، سیا و موسوی و فرازیان در پی تهیه تدارک برای ملاقات با زنجانی بوده‌اند و در ملاقاتی در ۲۲ مهر، فرازیان می‌گوید که موسوی مطابق توافقمان به قم رفته و تأیید شریعتمداری برای آن ملاقات با زنجانی را گرفته و این کلام را نزد زنجانی برده...

#### ۵ - نام اصلی: منوچهر نیک‌پور

نام رمز: اس. دی. بیپ

این فرد به ادعای خودش به واسطه‌ی موقعیت خانوادگی ممتاز و منابع مادیش رابطه‌ی دیرینه‌ای با شریعتمداری داشته است، آخرین تماس حضوری وی با شریعتمداری در سال ۵۷ بوده که جریان این تماس در ۱۸ اردیبهشت ۵۸ به روزنامه‌ها درز پیدا می‌کند. نیک‌پور در ۲۰ شهریور در تماسی با مأمور پایگاه فیلادلفیا گزارشی در مورد، شخصی به نام علی‌اکبر شهلا که رئیس شرکت فرعی شیشه‌آلات وارداتی است می‌دهد. نیک‌پور می‌گوید که این فرد از اقوام درجه‌ی اول و معتمد شریعتمداری است و زمانی که در ایران بود هر هفته مرتب با شریعتمداری ملاقات می‌نمود. نیک‌پور به مأمور سیا می‌گوید که حاضر است از طرف سیا ترتیب ملاقات با شهلا را بدهد. ستاد سیا از پایگاه فیلادلفیا می‌خواهد که هیچ اقدامی برای تماس با دوست نیک‌پور «شهلا» انجام ندهند، اما خواستار اطلاعات وی در مورد شریعتمداری می‌شوند.

همان‌گونه که در قسمت مربوط به فرازیان ذکر شد، در یکی از ملاقاتها فرازیان و موسوی می‌گویند که سیا می‌تواند با آیت‌الله زنجانی تماس بگیرد، زیرا وی جنبه‌ی ثانی شخصیت شریعتمداری است؛ به دنبال این

امر سیا سعی می‌کند در رابطه با وی سوابقی به دست بیاورد، ثانیاً از میزان ارتباط بین شریعتمداری و وی اطلاعاتی تهیه کند.

بعد از چند گزارش و اظهار نظر ستاد سیا به قرارگاه تهران اطلاع می‌دهد که مرور پرونده، ادعای نزدیکی زنجانی و شریعتمداری را تأیید نمی‌کند، اما البته امکان آن را نیز رد نمی‌کند و اظهار می‌دارد که به‌طور کلی موافقیم که با زنجانی به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی حزب خلق مسلمان و... شریعتمداری ملاقات شود.

به دنبال درخواست قرارگاه از ستاد سوابقی در مورد زنجانی و پسرش محمد سعید فرید زنجانی که به مناسبتی درگیر در این جریان بوده ارسال می‌شود.

آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی مشهور به رضا زنجانی مشهور به ملا سیدرضا زنجانی فرد شماره ۶۰۵۴ «؟» - ۲۰۱ و دارای نام رمز هویت الف می‌باشد «سند مربوط به نام رمز زنجانی به دست نیامده»... دوست دیرینه و نزدیک منبع ذخیره‌ی تهران اس. دی. روپ / ۱ «و یکی از امرای سابق ارتش» بود که قرارگاه را در جریان فعالیت‌هایش قرار می‌داد... زنجانی تعداد وسیعی رابط در سرتاسر ایران منجمله سیاسیون ناراضی و افراد سرشناسی که عضو دستگاه نبودند از جمله بازاریها داشت. وی قویاً ضد دولتی بود... و بعد از این مقداری به سوابق فرید اشاره می‌کند.

در یکی از اسناد فرازیان به مأمور قرارگاه می‌گوید، سعید فرید پسر آیت‌الله زنجانی در صورتی که لایق و مایل بود در نظر خواهیم گرفت که او شاید بتواند با کارایی به‌عنوان مسئول تأمین مالی و پاسخگوی روابط عمومی شریعتمداری عمل کند. در یکی دیگر از ملاقاتها موسوی و فرازیان بعد از پیشنهادات ملاقات با زنجانی، فرید را به‌عنوان مترجم پیشنهاد می‌کند و سوابق فرید در این رابطه خواسته می‌شود.

### آمریکا و خط میانه

بعد از ذکر نکاتی راجع به عوامل و جاسوسان درگیر با جریان شریعتمداری، ذکر نگرش آمریکا به این مسئله و اهدافش ضروری به نظر می‌رسد. در یکی از اسناد رئیس قرارگاه سیا در تهران برنامه کار خود را چنین تشریح می‌کند:

«من نظر خود را تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می‌کنم و این هم مرحله‌ای است که برای طی آن از دست ما تقریباً کاری ساخته نیست، کاری که از دست ما برمی‌آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه‌ی یک ائتلاف متشکل از لیبرالهای سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو و سران ارتشی متمایل به غرب «هنگامی که ظهورشان شروع شد» را شناسایی کرده و آماده‌ی حمایت از آنها شویم. کسی که بیش از دیگران احتمال داده می‌شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت‌الله شریعتمداری است.

در شروع کار سیا برای تماس با شریعتمداری، کفالت قرارگاه در یکی از اسناد بعد از ذکر این نکته که باب حمایت از شریعتمداری و حزبش گشوده است می‌گوید در این کار هدف ما همان طور که خمینی نسبت می‌دهد ایجاد شکاف در نهضت اسلامی و تضعیف آن خواهد بود، تا صاحبان افکار معقولانه‌تری بتوانند عرض وجود کنند.» در جواب به این پیشنهاد قرارگاه، ستاد سیا این نظر را تصحیح کرده و تنها ایجاد شکاف را کافی نمی‌داند، بلکه بر روی کار آوردن دولتی موافق با نظرات آمریکا را مد نظر قرار



می‌دهد و می‌گوید «هدف از اقدام سیاسی ما در ایران روی کار آوردن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد. برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راههای نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم.» برای روی کار آوردن چنین دولتی راه حلشان توسعه و حاکم کردن نیروهای میانه‌روی موجود در جامعه بوده که دارای وجهه اسلامی نیز بوده‌اند و با توجه به اینکه برای استقرار چنین حاکمیتی وجود یک نیروی نظامی ضروری بوده است نوعی تشکیلات قابل اطمینان انتظامی اعم از ارتشی و گروههای مسلح همفکر با خودشان را در اولویت کامل قرار داده و آن را تحقق بخش نهایی ایده‌آلهای خود می‌دانسته است و در همین رابطه از قرارگاه در مورد نحوه حمایت گروههای مسلح و میزان جذبشان به حرکت‌های شریعتمداری سؤال می‌کند. البته قبل از تحقق یافتن چنین تشکیلاتی تحکیم پایه‌های یک دولت میانه‌رو برای جلب حمایت توده و پایگاهی مردمی ضروری می‌نموده است. سیا در این رابطه بیان داشته که: «بهترین راه نیل به این هدف استقرار یک دولت میانه‌روی برخوردار از حمایت مردم است که یا تحت رهبری یا حمایت جامعه روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد.»

### آمریکا و شریعتمداری

با توجه به استراتژی کلی آمریکا و سیا در قبال انقلاب اسلامی، سیا سعی داشته با رعایت حداکثر جوانب امنیتی و اطلاعاتی تاکتیکهای خود را پیاده نماید.

بعد از ملاقات با روز و اظهار نداشتن اطلاعات موثق درباره‌ی اوضاع از سوی شریعتمداری این امر به منزله‌ی دعوت ضمنی شریعتمداری از دولت آمریکا برای همکاری قلمداد می‌شود. از سوی دیگر تظاهراتی که در تبریز علیه مقاله‌ی روزنامه‌ی اطلاعات در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان برگزار شده را به گمان باطل خودشان با تظاهراتی که علیه مقاله‌ی کیهان در مورد امام در دی ماه ۱۳۵۶ صورت گرفت مقایسه می‌کنند و آن را به حساب افزایش محبوبیت شریعتمداری می‌گذارند و برای او حساب باز می‌کنند. از همه مهمتر استراتژی کلی آمریکا که ذکر آن رفت، سیا را وامی‌دارد که در این مورد به برنامه‌ریزی بپردازد. در درجه‌ی اول ستاد سیا نسبت به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا موافقت می‌کند و در پی یافتن مجرای مناسبی برای رساندن این اطلاعات می‌گردد. بعد از طی مراحل مقدماتی و اظهارات بعضی از عواملش مبنی بر اینکه شریعتمداری خواهان روابط مستحکمتر و پیچیده‌تر از جمله تقاضای پول برای به راه انداختن یک تشکیلات وسیع سرتاسری سیاسی - نظامی بوده، سیا با مسائل عمده‌ای درگیر می‌شود که در پی حل آن بر می‌آید. آن مسائل عمدتاً عبارتند از:

- ۱- اطمینان به اینکه اظهارات و علامتهای ابراز شده از سوی شریعتمداری دقیقاً همانهایی هستند که منابعشان گزارش داده‌اند. «این امر با توجه به کانالهای مختلفی که با شریعتمداری برقرار می‌کنند تا حدودی حل می‌شود.»

- ۲- مشکلات تماس مستقیم با وی و چاره‌جویی در جهت یافتن رابطی که به‌طور غیرمستقیم از طریق وی بتوانند مسائلشان را به شریعتمداری برسانند و نیز او بتواند کاملاً دیدگاههای شریعتمداری و گروهش را منعکس نماید. «حسن شریعتمداری از سوی پدرش در این رابطه به ولید معرفی می‌شود تا به سیا «دوستان آمریکایی» معرفی گردد و آیت‌الله زنجانی نیز در این رابطه از سوی موسوی و فرازبان به سیا

پیشنهاد می‌شود که تا آنجا که اسناد نشان می‌دهد، مراحل اولیه برای تماس و کسب اطلاعات در مورد وی جریان داشته است».

۳- اقدام به گسترش پایگاه‌های سیاسی و حتی نظامی که حامی شریعتمداری باشند که حزب خلق مسلمان با توجه به ویژگی‌هایش مورد توجه کامل آمریکا قرار می‌گیرد «عضو شدن ولید در این حزب و ارتباط موسوی و فرازیان با سران حزب در جهت تحقق بخشیدن به این هدف صورت می‌گیرند».

۴- در صورت به نتیجه رسیدن موفقیت‌آمیز جنبه‌های ذکر شده در بالا و جمع‌بندی اطلاعات کامل به دست آمده در مراحل قبلی، هماهنگی و برنامه‌ریزی و در اختیار گذاشتن امکانات از سوی آمریکا به شریعتمداری و گروهش برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران «علت اینکه آمریکا در مقابل درخواست صریح منابش برای کمک مالی به شریعتمداری در همان زمان امتناع می‌کرد، یکی کامل نشدن طرح‌های مقدماتی بود و دیگری نیاز به زمان برای یک بررسی کلی و جامع از کلیه شرایط ایران و بافتهای مخالف. البته این نیاز به زمان بدین مفهوم نیست که اقدامات خود را معوق بگذارد و در اسناد مشاهده می‌کنیم که همزمان با جریان امور به شریعتمداری سیا امکاناتش را در مورد تحقق بخشیدن به آملش درباره خسرو قشقایی و مراغه‌ای و... به کار گرفته است».

### شریعتمداری

#### سوابق:

در کتابهای خط میانه در مورد سوابق شریعتمداری و ارتباطاتش با ساواک و دربار مطالبی منتشر شده، در سند مورخ ۱۲ اردیبهشت نیز این روابط تا حدی که آمریکا مطلع بوده آورده شده است: «گزارشهای متعدد اطلاعاتی از تاریخ ۱۳۴۵ وجود دارند که اساساً نشان می‌دهند که او با شاه مناسبات نسبتاً خوبی داشته و همچنین در لیست حقوق‌بگیران ساواک بوده است. به عنوان نمونه ادعای اخیر، در گزارش مورخ آبان ۱۳۵۰ از او به عنوان رئیس مرکز مذهبی قم نامبرده شده که از نخست‌وزیری و ساواک و جوهراتی دریافت می‌کند. در مورخ ۱۳۵۰ شریعتمداری به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران مذهبی که با ساواک برای تشکیل یک.. مذهبی همکاری می‌کند گزارش شده، در یک گزارش در سال ۱۳۵۷ گفته شده که او چهره مذهبی برجسته‌ای است که توسط ساواک..... می‌شود.....»

#### دیدگاهها و اعمال:

با توجه به چنین سوابقی دیدگاههای شریعتمداری در قبال امام و جمهوری اسلامی مشخص است. شریعتمداری در جواب ولید که از او می‌پرسد دوستان آمریکایی می‌خواهند بدانند او چه موضعی در قبال مسائل دارد، می‌گوید که باید متن تلگرامی را بخوانند که او در اوائل اردیبهشت به شیخ محمد خاقانی فرستاده، یعنی زمانی که شیخ محمد تهدید می‌کرد که ایران را ترک خواهد نمود، مگر آنکه فعالیتهای کمیته در آن منطقه تحت کنترل آورده شود. البته این پیام در زمانی بوده که امام و آیت‌الله طالقانی از خاقانی خواسته بودند که ایران را ترک نکند و همزمان با دعوت از او برای آمدن به قم جهت مذاکره، شریعتمداری به خاقانی توصیه کرده بوده که به هیچ وجه آبادان را حتی برای رفتن به قم ترک نکند، چون مملکت در آن محل به او احتیاج دارد. «البته منظور شریعتمداری ایجاد یک منطقه خطر دیگر برای جمهوری اسلامی و

رودرویی با امام در خوزستان بوده است». موضعگیریهایی ایشان در قبال بقیه مسائل از موضع مقابله با امام و جمهوری اسلامی ناشی می‌شده و گرایش فکر و عملی ایشان به عنوان نیروی جایگزین مبتنی بوده بر روی کارآوردن سیستم و جریانی که بتواند منافع شخصی و جاه‌طلبیهای سیاسی ایشان را برآورده کرده و این جز از کانال به قدرت رسیدن گروههای طرفدار آمریکا و عوامل ایشان اکثراً عوامل سیا، ساواکیها، طرفداران رژیم شاهنشاهی و دوستاناران آمریکا بوده‌اند و خود ایشان نیز بنا بر همین نگرشها اقدام به ایجاد رابطه با سیا می‌کند و با علم به اینکه با چه کسانی دارد تماس می‌گیرد نهایت علاقه خویش را به این تماسها ابراز می‌دارد و تقاضای پول می‌نماید.

شریعتمداری پس از طی چند ملاقات با عوامل سیا دقیقاً مشخص می‌کند که انگیزه‌اش فقط کسب خبر و اطلاعات از آمریکا نیست «منظور شریعتمداری از کسب اطلاعات مربوط به جریانات روز، گرفتن مواضع صحیح در جهت مقاصد آمریکاست و نگرانی از اینکه به خاطر ندانستن اخبار موضعی بگیرد که هماهنگ با دیدگاههای آمریکا در مورد ایران نباشد». ایشان از طریق موسوی تقاضای پول می‌نماید که وی در آغاز قصد داشته که این پول را در جهت مسلح کردن آذربایجانیهای مقیم تهران به کار گیرد تا در موقع مقتضی به وسیله این افراد اهداف خویش را جامعه عمل پیوشاند. بعد از مدتی که به اصطلاح خودشان به درک بهتری از مسائل می‌رسند تصمیم می‌گیرد که از این پول در جهت تحقق بخشیدن به یک تشکیلات سرتاسری در ایران استفاده نماید و حتی درخواست همکاری از عناصر آمریکایی برای برنامه‌ریزی و منسجم کردن جریانات تشکیلاتی حزب خلق مسلمان را می‌نماید. شریعتمداری با توجه به خطراتی که در این گونه تماسها وجود داشته نهایت سری بودن و حفظ جوانب امنیتی را نیز خواستار می‌شود و این خود بیانگر این مسئله است که می‌دانسته دقیقاً چه می‌کند و چه نوع رابطه‌ای را پی می‌ریزد. در زمینه هماهنگی با جبهه متحد ضد انقلاب، و واقعیت بخشیدن به استراتژی موقت آمریکا در جهت روی کار آوردن جریان میانه‌رویی که تحت رهبری یا حمایت روحانیت میانه‌رو باشد، شریعتمداری مقدمات تماس، خط دادن و همگامی با جبهه ملی، مقدم، نزیه، خسرو قشقایی را تهیه می‌بیند و قدمهایی نیز برداشته می‌شود.

#### سند شماره (۱)

۳۰ مهر ۵۸ - اعضاء  
 از: رئیس ۵۳۷۱۵۶  
 هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
 عطف به: الف. تهران ۵۳۹۱۰ ب. تهران ۵۴۴۵۴ ج. تهران ۵۴۵۱۳  
 ۱- از تأخیر در پاسخ معذرت می‌خواهیم.  
 ۲- ال. دلبلیو. سرف مشخصه ارتباطات غیررسمی است که مستقیماً بین رؤسای قرارگاهها و رئیس اطلاعات مرکزی صورت می‌گیرد. نامه‌ها باید خطاب به DCS<sup>۱</sup> با نام مستعار و با امضاء مستعار در زیر آن و باید مشخصه ال. دلبلیو. سرف را هم روی خارج پاکت و هم روی خود نامه همراه داشته باشد.

۱- به نظر می‌رسد که DCS می‌بایست DCI به معنای رئیس اطلاعات مرکزی بوده باشد و در مخابره تلگرام اشتباه حرفی روی داده باشد. چنان که در جمله اول پاراگراف دوم همین سند ذکر شده مخاطب نامه رئیس اطلاعات مرکزی است.

- ۳- نامه‌های ال. دبلیو. سرف نباید از دو صفحه تایپ شده بیشتر باشند و نباید حاوی توصیه‌ها یا درخواستهای اقدام باشند «آنها را باید در مکاتبات عادی اعضاء نوشت».
- ۴- معمولاً نامه‌های ال. دبلیو. سرف یک پاراگراف دارند که صحنه کلی «فضای سیاسی» را توصیف می‌کند و به دنبال آن تحولات عملیاتی، مسائل پرسنلی، مشکلات و غیره مورد بحث قرار می‌گیرند.
- ۵- نامه‌های ال. دبلیو. سرف رامی توان هر موقع ارسال نمود، اما براساس برنامه فعلی هر شش ماه یک بار باید آنها را تسلیم نمود. نامه‌های رؤسای قرارگاه‌های خاور نزدیک باید در آبان و اردیبهشت فرستاده شوند.
- ۶- بدون پرونده تا تاریخ ۳۰ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲)

۷ آبان ۱۳۵۸

به: رئیس قرارگاه تهران

از: دونالد سی. پکوئین

یادداشت برای: ادوارد جی. گنین<sup>۱</sup>

موضوع: ال. دبلیو. سرف - اداری غیررسمی

ادوارد عزیز

اینکه چهارماه از زمانی که شما را ملاقات کردم و در تدارک عزیمت به تهران بودم می‌گذرد، تلقی عمده‌ای که من طی این مدت از امور سیاسی ایران به دست آورده‌ام این است که احتمالاً «عوامل سیاسی» همچنان به طور بی‌نتیجه یکدیگر را فشار خواهند داد تا راه خود به جلو را باز کنند و برای رسیدن به موقعیتهای بهتر مانورهای خود را ادامه می‌دهند. تحلیلگران اغلب رویدادهای اینجا را موجب تسریع «یا بر حسب مورد، تأخیر» یک رودرویی اجتناب‌ناپذیر قطعی می‌بینند که در فاصله‌ای نسبتاً نزدیک یا منجر به تحکیم کنترل حکومت الهی یا جایگزین آن توسط چیز دیگری خواهد شد. من بیشتر طرفدار این نظر هستم که فرسایش تدریجی اقتدار شخص خمینی یک دوران رقابت بی‌نظم و ترتیب - گاهی خشونت‌بار - را به دنبال خواهد داشت، که در خلال آن هیچ رقیب منفردی دارای قدرت نظامی یا برنامه‌های جذب‌کننده کافی برای غلبه بر مخالفین خود نخواهد بود. در صورتی که ارتش از کسی طرفداری کند اوضاع می‌تواند صورت دیگری پیدا کند، اما آنها «ارتشیها» هنوز کاملاً وحشت‌زده‌اند. انضباطشان ضعیف است و اشتیاق حرفه‌ای عملاً وجود ندارد و رهبران احتمالی که به نظر برسد بتوانند اعتماد به نفس نهاد خود را بازگردانند، هنوز پدیدار نشده‌اند.

خمینی بدجوری در کردستان اشتباه کرده و اعدامهای سریع مخالفان گرد فراموش نخواهد گشت. دولت اینک - با تأخیر - مشغول مذاکره با کردهاست، اما نحوه مناسبات قم با اقلیتهای قومی دیگر تثبیت شده است.

با وجود نارضایی روبه تزايد از این نوع حکومت اسلامی، به نظر می‌رسد که چپ افراطی چندان

۱- ادوارد جی. گنین نام رمز آدمیرال ترنر رئیس وقت اطلاعات مرکزی آمریکا بوده است.

سودی نمی‌برد. احساسات ضدروس و ضدکمونیستی در تمامی سطوح جامعه که هر یک دیگری را تشدید می‌کند، موجب دشواری کار کمونیستها در ایجاد جذبۀ توده‌ای یا رخنه در ارتش می‌گردد. معذالک، کمونیسم نفوذ چشمگیری در دانشگاهها و حوزه‌های نفتی دارد. اگر وارداتی که با پول نفت تأمین می‌شود برای جلوگیری از فاجعه در زمستان کفایت نکند، فشار اقتصادی احتمالاً باعث رشد سریع قدرت کمونیستها خواهد شد.

شما از من خواستید که در یک فرصت راجع به امکانات اعمال نفوذ در جریان امور اظهار نظر کنم. من نظر خود را فقط به طور حاشیه‌ای و جزئی و تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می‌کنم و این هم مرحله‌ای است که برای طی آن از دست ما تقریباً کاری ساخته نیست. کاری که از دست ما برمی‌آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرالهای سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو و سران ارتشی متمایل به غرب «هنگامی که ظهورشان شروع شد» را شناسایی کرده و آماده حمایت از آنها شویم. کسی که پیش از دیگران احتمال داده می‌شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت‌الله شریعتمداری است؛ من به طور جداگانه با چند تن از حامیان وی تماسهایی داشته‌ام. امکانات از سرگیری فعالیت هیچ‌کدام از دو سایت تک‌زن به نحوی که راجع به آزمایشهای موشکی شوروی تله متری «کسب الکترونیکی اطلاعات از راه دور - م» در اختیار بگذارد دلگرم کننده نیست. دلیلش این است که این کار تا حدی مستلزم مشارکت آمریکاییهاست و ایرانیها احتمالاً آن را از لحاظ سیاسی قابل قبول نمی‌دانند. لذا ما مشغول پیش‌بردن عملیاتی هستیم که بنابر آن تله متری به طور مخفی برای ما تهیه می‌شود؛ این کار خوب جلو می‌رود و با کمی توفیق می‌تواند حدوداً در اوائل سال ۱۹۸۰ «زمستان ۱۳۵۸ - م» فعالیت خود را شروع کند.

از من خواستید که در رابطه با احتیاجات عملیاتی تهران درباره استفاده از پوششهای غیررسمی و همچنین نظامی اظهار نظر کنم. من می‌توانم از یک مأمور دارای پوشش غیر رسمی<sup>۱</sup> تا حدی به منظور ارتباط اضطراری با منابع حساس و تا حدی به منظور دسترسی قرارگاه به اخبار غیرعلنی مربوط به امور مالی و اقتصادی، خصوصاً در بخش نفت، استفاده خوبی بکنم. حداقل احتیاج من در دسترسی به ارتش تأمین شده، چون کاردار به درخواست من یکی از مأموران قرارگاه را در پست خالی کارمند سیاسی - نظامی جای داده است. معذالک، اضافه‌شدن یک مأمور ملبس «به لباس نظامی» نهایت فایده را در برخواهد داشت.

من در اواسط نوامبر «اواخر آبان ماه - م» که به منظور استفاده از مرخصی و مشورت به ستاد می‌آیم به این مسائل مربوط به پوشش و سایر امور رسیدگی خواهم کرد. چشم انتظار دیدار شما در آن زمان می‌باشم.

با بهترین سلامها

دونالد سی. پکوئین

۱- مأموران دارای پوشش غیررسمی جاسوسانی می‌باشند که تحت عناوین قلابی رسمی مثل کارمند سیاسی و اقتصادی کنسولگری سفارتخانه یا سایر واحدهای دولتی فعالیت ندارند، بلکه به عنوان افراد غیردولتی، بازرگان، روزنامه‌نگار، کارمند شرکت و غیره کار جاسوسی خود را پیش می‌برند و رابطه خود با مأمورین جاسوس تحت پوشش رسمی را به طور بسیار مخفی حفظ می‌کنند.

سند شماره (۳)

۴ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۲۷۹۹ به کفالت گلگروف  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس  
عطف به: تلگرام سفارتخانه تهران ۴۲۵۳

۱- به دنبال گزارش مفصلی که کاردار قبلاً در اول روز از یک بازرگان آمریکایی که مدت‌ها ساکن ایران بوده دریافت داشت «تلگرام مرجع را ببینید» پکوئین کفیل ریاست قرارگاه در تاریخ ۳ اردیبهشت مذاکرات طولانی با کاردار درباره آیت‌الله شریعتمداری برگزار نمود. این آمریکایی هر چند نامش در آن تلگرام ذکر نشده، آقای فرانک باروز رئیس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا است. کاردار نقش باروز در این مورد و چشم‌انداز اقامت وی و ثبات در ایران را امور بسیار حساسی تلقی کرد و از ما خواست که نام «باروز» را گزارش نکنیم.

۲- به گفته کاردار آنچه که از تلگرام مرجع عمداً حذف شده بود، شکوه شریعتمداری به مخاطب آمریکایی خود بود درباره اینکه وی «شریعتمداری» به علت اینکه همیشه اطلاعات «موثقی» به دستش نمی‌رسد گاهی احساس می‌کند که برای سر و کار داشتن با مسائل جاری سیاسی آمادگی چندانی ندارد. او از قرار معلوم به شایعاتی اشاره کرد مبنی بر اینکه آشوب اخیر در کردستان تا اندازه زیادی به تحریک دانشجویان تحصیل‌کرده در آمریکا بوده است، یعنی دانشجویانی که اخیراً از آمریکا بازگشته‌اند. شریعتمداری پرسید این گزارشها را چگونه باید ارزیابی کرد؟ او گفت که کاملاً می‌داند مردمی که دوروبر او را گرفته‌اند احتمالاً سعی دارند از او برای مقاصد خودشان استفاده کنند و او بدون اینکه به طور مستمر در جریان حوادث قرار گرفته باشد، آمادگی کافی برای پاسخگویی معقولانه ندارد. کاردار این «اظهار شریعتمداری» را به عنوان یک دعوت ضمنی شریعتمداری از دولت آمریکا برای تهیه و در جریان قرار دادن او تعبیر کرد. به عقیده کاردار، شریعتمداری امید داشته که مخاطب آمریکایی او نتایج ملاقات را به سفارتخانه گزارش خواهد داد.

۳- همان طور که ستاد متوجه خواهد شد، شریعتمداری همراه با طالقانی و خاقانی که آیت‌الله بلند مرتبه خوزستان است در بعضی مسائل بین خود و خمینی هر چه بیشتر.... قائل می‌شوند. محبوبیت شریعتمداری ظاهراً رو به افزایش است؛ تظاهرکنندگان در تبریز در تاریخ ۳ اردیبهشت علیه مقاله اخیر اطلاعات که توسط یک ملای طرفدار خمینی در مخالفت با ایجاد حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شریعتمداری نوشته شده بود اعتراض کردند. اعتراض‌کنندگان ظاهراً اصرار داشتند که هرکس به شریعتمداری توهین کند باید در دادگاه اسلامی محاکمه شود و اینها همه یادآور حمله ناشیانه‌ای است که در دی ماه ۱۳۵۶ علیه خمینی در روزنامه درج شد و جرقه‌ای بود که نیروهایی را که سرانجام شاه را سرنگون کردند به حرکت آورد. رژیم اسلامی فعلی نیز به نوبه خود از دستیاران ناشی برخوردار است.

۴- به خاطر می‌آوریم هنگامی که قرارگاه رابطه خود با اس. دی. فورگیو / ۱ را تجدید نمود، پیشنهادهایی درباره تماس با شریعتمداری ابراز شد. خواهشمند است خلاصه‌ای از عملیات مربوط به تماسهای قبلی اعم از مستقیم یا غیره را که احتمالاً قرارگاه با شریعتمداری داشته در اختیار بگذارد. طبق گزارشهای جراید، او در نظر دارد کشور را به قصد دیداری از مصر ترک کند «این خبر ممکن است مخدوش

باشد، چون محتمل به نظر نمی‌آید که دولت موقت در این موقع بخواهد چنین چهره برجسته‌ای، خود را نشان بدهد».

۵- اس.دی. ولید / ۱ در نظر دارد در ۹ اردیبهشت برای یادبود مرگ پدرش به قم برود و توافق کرده بود که برای ما با شریعتمداری ملاقات کند «مدعی است که خانواده‌اش او را به خوبی می‌شناسد». ما میل نداریم که به و ۱/ مأموریت بدهیم تا به عنوان پلی بین قرارگاه و شریعتمداری عمل کند، مطمئن نیستیم که بتواند از عهده آن برآید. فکر می‌کنیم گزارش و ۱/ مفاد مکالمه‌ای که با شریعتمداری خواهد داشت و نوع استقبالی که از او می‌شود سرنخی درباره امکان استفاده آینده از و ۱/ در این نقش را به دست خواهد داد. ۶- سوابق باروز درخواست می‌شود.

۷- شماره پرونده بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۴ اردیبهشت ۷۸ در باجگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۴)

سری

به: تهران

۱۲ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء

از: رئیس ۴۳۰۲۵۳

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۲۷۹۹

۱- ستاد هیچ‌گونه سابقه‌ای از تماس با شریعتمداری ندارد. گزارشهای متعدد اطلاعاتی از تاریخ ۱۳۴۵ وجود دارند که اساساً نشان می‌دهند که او با شاه مناسبات نسبتاً خوبی داشته و همچنین در لیست حقوق‌بگیران ساواک بوده است. به عنوان نمونه ادعای اخیر، در گزارش مورخ آبان ۱۳۵۰ از او به عنوان رئیس مرکز مذهبی قم نامبرده شده که از نخست وزیری و ساواک و جوهراتی دریافت می‌کند. در مورخ.... ۱۳۵۰ شریعتمداری به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران مذهبی که با ساواک برای تشکیل یک سپاه دین مذهبی همکاری می‌کند گزارش شد. در یک گزارش در سال ۱۳۵۷ گفته شده که او چهره مذهبی برجسته‌ای است که توسط ساواک تأمین می‌شود. تصور می‌شود که قرارگاه سابقه و بیوگرافی کافی از سفارتخانه گرفته باشد، در غیر آن صورت لطفاً اطلاع دهید و ستاد تهیه خواهد کرد.

۲- ما نسبت به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا بسیار علاقه‌مندیم. تصور می‌کنیم که این تمایل فرصتی عالی برای عملیات مخفی را فراهم می‌کند و اگر مجرای مناسبی برای رساندن اطلاعات به وی فراهم شود حاضر خواهیم بود که آنها را فراهم کنیم. براساس تلگرام مرجع، ما آگاهییم که باروز در موقعیت حساس قرار دارد، ولی هنوز نمی‌دانیم آیا او توافق خواهد کرد که به شریعتمداری... که دولت آمریکا اطلاعات محرمانه را «به انگلیسی» در اختیار او قرار خواهد داد، تا به او در ارزیابی نه تنها اوضاع داخلی ایران بلکه مبادی و تأثیرات ایران در خارج از کشور کمک کند. باروز می‌تواند احتمالاً به شریعتمداری پیشنهاد کند که یک پیک مورد اعتماد را معین نماید «ترجیحاً زبان انگلیسی بدانند»، تا این فرد مطالب را در یک محل که از قبل تعیین شده بگیرد. تصور می‌کنیم که تماس مستقیم سفارتخانه با شریعتمداری اعتبار محلی او را از بین خواهد برد. پس از تهیه مقدمات باروز از میدان

خارج خواهد شد. استفاده احتمالی از باروز صرفاً فکر اولیه ماست که براساس اطلاعات محدودی می‌باشد. خواستار پیشنهادهای تفصیلی قرارگاه درباره طرق تماس و تحویل اطلاعات هستیم. اگر تصمیم به رساندن اطلاعات به شریعتمداری گرفته شد ما احتمالاً مایل خواهیم بود در مورد اقلام انتخاب شده‌ای از محور مطالب... کار را با قرارگاه شروع کنیم. اگر او خود را پذیرا و موافق نشان داد ما می‌توانیم دادن مطالب بیشتری را در نظر بگیریم. تقاضا می‌شود که قرارگاه پس از مذاکره درباره مطالب فوق به طور کلی با کاردار، نظر خود را ابراز دارد.

۳- سوابقی در مورد باروز به دست نیامد. در صورتی که دخالت عملیاتی او طرح ریزی شد از دریافت جزئیات بیوگرافیک... تشکر خواهیم کرد.

۴- بدون پرونده. تا تاریخ ۱۲ اردیبهشت در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

#### سند شماره (۵)

۱۶ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۲۹۴۷ «به کفالت گلگروف»  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
اس. دی. ولید کیو. آر. بولستر<sup>۱</sup>  
عطف به: الف - تهران ۵۲۷۹۹ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳

۱- در ۱۴ اردیبهشت اس. دی. ولید ۱/ گزارش نمود که توانسته در ۱۰ اردیبهشت در قم ملاقاتی با شریعتمداری داشته باشد. و/ از نتایج جلسه که به وضوح فراتر از انتظارات او بوده‌اند به وجد آمده بود. ضمن آنکه از این ملاقات محصول اطلاعاتی ضعیفی به دست آمد، حواشی آن بیش از اطلاعات داده شده جلب نظر می‌کند. شرح ملاقات از قول و / ۱ در ذیل آمده:

۲- پس از آنکه شریعتمداری آشنایی با پدر و / ۱ و خانواده وی را اظهار نمود، و / ۱ سوابق شخصی خود را شرح داد و گفت که پیغامی حاوی عرض ارادات دوستان ایرانی و آمریکایی خود در آمریکا برای شریعتمداری آورده است. و / ۱ گفت شریعتمداری به واسطه این پیام مسرور شد، پس از آن و / ۱ گفت که می‌خواهد چند سؤالی از شریعتمداری بنماید.

۳- جوابهای شریعتمداری به پرسشهای و / ۱ غالباً چیزی بر آنچه قبلاً در گزارشهای مطبوعات و وزارت خارجه درباره موضوع سیاسی شریعتمداری گفته شده نیفزود. شریعتمداری به و / ۱ گفت که او از بازرگان مایوس شده بود، زیرا به گفته وی بازرگان اجازه می‌دهد که مورد استفاده «دیگران» واقع شود. او گفت که «دوستان آمریکایی» برای اینکه بدانند او چه موضعی در قبال مسائل دارد، باید متن تلگرامی را بخوانند که او در اوائل اردیبهشت به آیت‌الله شیخ محمد خاقانی، روحانی عالیرتبه خوزستان فرستاد در زمانی که شیخ محمد تهدید می‌کرد که ایران را ترک خواهد نمود، مگر آنکه فعالیتهای کمیته در آن منطقه تحت کنترل آورده نشوند. «قرارگاه سعی دارد گزارش خبری مربوط به این تلگرام را به دست آورده و آن

۱- کیو. آر. بولستر نام رمز فعالیت‌های عملیات مخفی در ارتباط با وسائل جمعی ایران است، چنان که کیو. آر. کابل نام رمز این گونه عملیات در رابطه با افغانستان و کیو. آر. رام در رابطه با کوبا بوده و اسنادی در این رابطه قبلاً به ترتیب در کتابهای اسناد افغانستان و غیرمتمهدها ارائه گردیده است.



را ترجمه کند». شریعتمداری گفت که همزمان با درخواستهای خمینی و طالقانی از خاقانی که ایران را ترک نکند و همزمان با دعوت از او برای آمدن به قم جهت مذاکره، شریعتمداری به خاقانی توصیه کرده بود که به هیچ وجه آبادان را حتی برای رفتن به قم ترک نکند، چون مملکت در آن محل به او احتیاج دارد. ۴- و ۱/ نظر شریعتمداری را در مورد طرح پیش‌نویس قانون اساسی جویا شد. شریعتمداری گفت که طرح ابتدایی و پیش‌نویس قبل از انتشار آن به او نشان داده شده بود و نظریات او را پرسیده بودند. سپس او لبخندی مصنوعی زد و به و ۱/ گفت «ما پیشنهادهای خود را اضافه نمودیم ولیکن جهت این کار ناچار شدیم چندین برگ کاغذ جدید ضمیمه کنیم.» دریافت و ۱/ این بود که شریعتمداری فکر می‌کند قانون اساسی اختلاف فراوانی با آنچه که مطلوب بوده دارد. او به و ۱/ گفت پیش‌بینی می‌کند قانون اساسی در ظرف سه ماه تصویب شود، ولی اجرای انتخابات پنج یا شش ماه طول خواهد کشید.

۵- و ۱/ به مأمور مربوطه گفت که چندین بار طی ملاقات فکر کرد که بیش از حد مقتضی جلسه اول نزد شریعتمداری مانده است، اما دو نوبت که سعی نمود مرخص شود، شریعتمداری اصرار کرده بود که نرود. هنگامی که و ۱/ پرسید آیا ممکن است دوباره وی را ببیند، شریعتمداری جواب داد «یک بار بیا، دوبار بیا، هر چند بار که دوست داری.» و ۱/ گفت سایر افرادی که منتظر دیدار با شریعتمداری بودند، فکر کردند که و ۱/ «کانال» مخصوصی با شریعتمداری دارد و هنگام خروج از او خواستند به عنوان واسطه برای آنها عمل کند.

۶- با در نظر داشتن اینکه و ۱/ چقدر ناجور می‌خواست که در مأموریت خود موفقیت حاصل کند و امکان شاخ و برگ دادن، با این وجود گزارش و ۱/ با شواهد اخیر مبنی بر اینکه شریعتمداری ممکن است بخواهد کانال مناسبی با دولت آمریکا برقرار کند هماهنگی دارد. در این رابطه پیام جداگانه‌ای که حاوی گزارش پیشنهاد اس. دی. جانوس / ۱۳ است ارسال خواهد شد. تصور می‌شود همین که در مورد پیگیری این فرصت عملیاتی و چگونگی آن تصمیم گرفتیم مصلحت در اعزام دوباره و ۱/ به قم باشد. ۷- پرونده: ۲۰۱ - ۹۵۹۵۱۱

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۶)

۲۰ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۳۰۲۳ «به کفالت گلگروف»  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس  
عطف به: الف. تهران ۵۲۷۹۹ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳ ج. تهران ۵۲۹۴۷ د. تهران ۵۲۹۶۹  
۱- تلگرامهای مرجع همگی مربوط می‌شوند به گزارشهایی دال بر اینکه آیت‌الله شریعتمداری شاید بخواهد رابطه‌ای با دولت آمریکا داشته باشد.

۲- به عنوان پیگیری تلگرام مرجع الف کفیل ریاست قرارگاه در یک مکالمه چهار نفره اجتماعی به تاریخ ۱۹ اردیبهشت با حضور خودش، باروز، کارمندان سفارتخانه استمپل و تیلور، شرکت کرده، موضوع این مکالمه «ملاقات باروز با شریعتمداری» بود. باروز نسبت به این موضوع تقریباً بی‌میل نیست

و در واقع فعالانه مشغول تهیه برگزاری یک ملاقات بین کارمندان سفارتخانه و شریعتمداری بود. او شریعتمداری را آخرین امید نجات تجارت آمریکا در ایران می‌داند. باروز از هشدار سفارتخانه در مورد صحبت با شریعتمداری خیلی خرده‌گیری می‌کند، به خاطر داشتن این نکته مهم است که ملاقات با شریعتمداری بنا به فکر باروز صورت پذیرفت و شریعتمداری آن را درخواست نکرده بود. باروز اساساً معتقد است که ما باید شریعتمداری را نرم کرده، مشوق دیدگاههای میانه‌روی او باشیم تا او احساس اطمینان نماید که در طرفداری خود از نظریه «نیاز به ابقای بازرگانی خارجی در ایران» از تأیید آمریکا برخوردار است. باروز پیشنهاد کرد یک کارمند سفارتخانه به فرد واسطه‌ای که «نام برده نشد» و ملاقات او با شریعتمداری را ترتیب داده بود معرفی شود.

۳- محاسبه مقدماتی ما در مورد آقای باروز این است که او برای کاری که در تلگرام مرجع ب شرح داده شده مناسب نیست. او احتمالاً فکر می‌کند که این کار یک امر مربوط به سفارتخانه است که باید به دست خود سفارتخانه باشد. حقیقت امر فقط کمی با هدفی که آقای باروز می‌خواهد در این ملاقاتها در نظر گرفته شود اشتراک دارد. یعنی او می‌خواهد شریعتمداری را جلو بیندازیم که در برابر اقدامات ضد اجنبی، ضد بازرگانی خمینی مقاومت کند. همچنین ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که حدسیات تلگرام مرجع الف دقیقاً منعکس‌کننده تمایلات شریعتمداری هستند یا حتی مطمئن باشیم که شریعتمداری خود خواستار تماس با دولت آمریکا است.

۴- اقدام از طریق اس. دی. جانوس / ۱۳ نیز تا حدودی به همین ترتیب است. در این مورد حرکت از جانب یکی از زیردستان شریعتمداری انجام گرفت و باز هم نمی‌توانیم مطمئن باشیم که شریعتمداری آن را تأیید نماید.

۵- معهدا باب حمایت از شریعتمداری و حزبش گشوده است. با در نظر داشتن اتهامات علنی خمینی مبنی بر اینکه آمریکاییها در صدد شکاف انداختن در وحدت نهضت انقلابی هستند، هرگونه حرکت در جهت تماس با شریعتمداری باید توأم با دقت و حداکثر توجه به امنیت صورت پذیرد. فکر می‌کنیم که باید تصور روشنتری از موضع خود شریعتمداری در قبال تماس با آمریکا، به علاوه توقعاتش از این تماس داشته باشیم. سعی خواهیم کرد که این اطلاعات را به دست آوریم. در این کار، هدف ما همان طور که خمینی نسبت می‌دهد ایجاد شکاف در نهضت اسلامی و تضعیف آن خواهد بود تا صاحبان افکار معقولانه‌تری بتوانند عرض وجود کنند. ما خواستار راهنمایی ستاد در رابطه با اعتبار این هدف از نظرگاه خط‌مشی هستیم.

۶- شماره پرونده بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط گردد.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۷)

۲۱ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۳۶۲۱۱  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
حساس اس. دی. جانوس

عطف به: الف. تهران ۵۲۹۶۹ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳ ج. تهران ۵۲۹۹۹

۱- اطلاعاتی که در مورد تماس اس. دی. جانوس / ۱۳ «ج / ۱۳» با گروه شریعتمداری داده شد موجب تقدیر ما هستند. ما اطلاعات ج / ۱۳ در مورد تماس را قبول می‌کنیم چون در گذشته او خود را یک فرد سیاسی نشان داده و احتمالاً هنوز خود را رئیس نهایی سازمان جدیدی می‌بیند که در زمان یک دولت تحت حاکمیت شریعتمداری تشکیل می‌شود. براساس اظهارات شریعتمداری به باروز، ملاقات اس. دی. ولید / ۱ با شریعتمداری و حالا اطلاعات ج / ۱۳ ما می‌توانیم این فرض قوی را ایراد کنیم که شریعتمداری دارد موضع ما را می‌سنجد. در تلگرام مرجع ب ما اظهار علاقه کرده بودیم اطلاعاتی را که شریعتمداری ادعا کرده بود لازم دارد به وی بدهیم. در صورتی که بتوان یک کانال رضایتبخش پیدا کرد، هنوز می‌خواهیم چنین کنیم. قطعاً به نظر می‌رسد که ج / ۱۳ یک کانال باشد، اما مطمئن نیستیم که رد کردن آن از طریق یک مقام سابق ساواک مصلحت باشد یا به همین علت شریعتمداری حاضر شود آن را از طریق ج / ۱۳ قبول کند یا نه.

۲- برای تشخیص اینکه آیا زمان مناسب «با در نظر گرفتن آشفتگی وضع عمومی ایران» جهت شروع طرح ریزی برای اقدام سیاسی فرا رسیده ما به آگاهی از واقعیات بیشتری در مورد اوضاع محل احتیاج داریم. هدف از اقدام سیاسی ما در ایران روی کارآمدن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد. برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راههای نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم. ج / ۱۳ چگونه به رقم هشت میلیون نفر آماده پیوستن «به حزب» رسید؟ آیا شریعتمداری خط مشی حزب را تعیین می‌کند، یا اینکه مقصود این است که اسماً در رأس قرار داشته باشد؟ آن مقام رتبه دوم که هویتش مشخص نشد و ج / ۱۳ با او تماس دارد کیست؟ چه کسانی کادر اصلی را تشکیل می‌دهند؟ اگر ج / ۱۳ بتواند به اینها و سایر، سوالات جواب دهد کمک خواهد کرد که تعیین کنیم آیا حزب شریعتمداری کارآمد هست یا نه.

۳- ستاد در مورد هوصافی، فیروزی یا سعید فرید هیچ اطلاعات قابل تطبیقی ندارد. در مورد هوصافی یک احتمال بعید ممکن است علی اسافی «با اسم رمز» شماره پرونده ۷۸۹۹۸۳ - ۲۰۱ باشد که رئیس جدید اداره هشتم در سپتامبر ۱۹۷۸ بود. فیروزی ممکن است که دکتر سیف‌الله فیروزی متولد ۱۹۲۰ در رشت باشد. مشاغل امنیتی در رکن ۲ داشت، در ۱۹۵۷ به عنوان رئیس بخش قضایی اداره سوم به ساواک پیوست. در ۱۹۶۳ قائم مقام رئیس اداره سوم شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در سالهای دهه ۱۹۷۰ مسئول کارگزینی «پرسنلی و مالی» اداره یکم بود. در تاریخ ژوئن ۱۹۷۳ به رتبه ۹ «یعنی بالاترین رتبه» رسیده بود. پسرش ضد شاه بود و به طوری که گزارش شده در نیویورک به خاطر تظاهرات علیه شهپانو فرح دستگیر شد. فیروزی در رابطه با فعالیتهای پسرش استعفای خود را تسلیم کرد که اس. دی. رد / ۱ را به خشم آورد. اس. دی. رد / ۱ از پذیرفتن استعفا امتناع ورزید.

۴- تحقیق امنیتی محلی درباره فرید مستلزم تحقیق از همسایگان، کارمندان و غیره است که ستاد ترجیح می دهد در این موقع این کار را نکند. به علاوه اگر فرید از اتباع ایالات متحده باشد، ناچار خواهیم بود پیش از چنین تحقیقی اجازه وی را به دست آوریم. یک نفر به نام محمد سعید فرید «۷۷۸۰۹۱-۲۰۱» دانشجوی ایرانی دانشگاه نیویورک در سال ۱۹۶۵ در حزب توده فعالیت داشت. «بخش» امنیت پرونده ای درباره یک نفر به نام س. رحیمی فرید متولد ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۳ در ایران دارد. پرونده از دور خارج و امکان دارد نابود شده باشد. اما ما مشغول تحقیق هستیم و شما را در جریان خواهیم گذارد. همچنین در اولین فرصت از اس. دی. اینورموس ۱/ پرس و جو خواهیم کرد.

۵- به پسر ج/۱۳ در پاریس اطلاع داده ایم که تماس در تهران شروع شده و لزومی ندارد موضوع را در تلفن، با ج/۱۳ به بحث بگذارد. به او همچنین گفتیم که اگر تماس بیشتری از طریق کامینسکی لازم بود وی باید به ما اطلاع دهد و ما او را با مأمور پاریس که می تواند پیامها را با امنیت ارسال کند در تماس قرار خواهیم داد. پسرش موافقت دارد.

۶- پرونده شماره ۲۰۱ زیر به شریعتمداری داده شد.

۷- ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۸)

۲۲ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء

از: رئیس ۴۳۷۲۶۷

همدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۲۳ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳ ج. رئیس ۴۳۶۲۱۱

۱- براساس اظهارات مندرج در تلگرام مرجع الف درباره باروز، ما با قرارگاه توافق نظر داریم که او ظاهراً آن کانالی که دنبالش بودیم نیست. پیشنهاد اولیه راجع به استفاده از باروز بر این فرض استوار بود که شریعتمداری قدم پیش نهاده است نه باروز. ما هم مثل قرارگاه فکر می کنیم که باید اول مطمئن شویم که شریعتمداری می خواهد کانالی با دولت آمریکا داشته باشد و آن گاه اقدام به برقراری آن نماییم و زمانی هم که برقرار شد باید حتی الامکان کانالی مطمئن باشد.

۲- قصد ما در تماس با شریعتمداری کمک به ایجاد یک «راه حل میانه» است. هدف ما ایجاد شکاف در نهضت اسلامی نیست، بلکه می خواهیم نیروهای میانه رو درون آن را تا حد حاکم شدن توسعه دهیم. وجود یک جناح میانه روی قوی که بر نهضت حاکم باشد، می تواند به خوبی آنهایی را که در سرتاسر کشور صاحب افکار میانه رو دنیوی هستند حداقل در شکل یک ائتلاف جذب کند. در حالی که آشکار است که جناحهای چپ رادیکال همچنان دشمنان هرگونه نهضت میانه رو خواهند بود، آنها بار دیگر ناچار از اتخاذ مواضع افراطی چپ خواهند شد. امیدواریم که نهضت میانه رویی با پایگاه وسیع سر برآورد که گروههای چپ و راست در حاشیه آن واقع باشند.

۳- معهدا، تمام مطالب فوق بر فرض این هستند که امکان وجود ناچیزی شبیه به فعالیت سیاسی عادی

باشد. واقعیت حاضر این است که سلاحها و در نتیجه قدرت حقیقی در دست رادیکالهاست. تا نوعی تشکیلات قابل اطمینان انتظامی «مثل ارتش» تجدید سازمان نشده و ایرانیان میانه‌رو به خود جرأت ندهند نظریات خود را با قوت بیان دارند، فضای مناسب برای رشد نهادهای دموکراتیک موجود نخواهد شد. به شق حزب» رسید؟ آیا شریعتمداری خط مشی حزب را تعیین می‌کند، یا اینکه مقصود این است که اسماً دردیگر آیا گروه شریعتمداری حامیان مسلح ویژه خود دارد؟ آیا هیچ یک از دسته‌های مسلح موجود ابراز حمایت از شریعتمداری می‌نمایند یا قابل جذب به نهضت وی می‌باشند؟

۴- ما در تلگرام مرجع ج هدف از اقدام سیاسی خود را که برپا کردن دولتی است که نسبت به منافع آمریکا نظر موافق داشته باشد اظهار داشته‌ایم. در اوضاع سیاسی جاری، بهترین راه نیل به این هدف استقرار یک دولت میانه‌روی برخوردار از حمایت مردم است که یا تحت رهبری یا حمایت جامعه روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد. در عین حالی که تعریف این هدف ساده است ما هنوز در جستجوی شیوه‌های حصول آن هستیم و از نظریات و پیشنهادهای قرارگاه در این رابطه استقبال می‌نماییم.

۵- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۹)

سرّی

به: رئیس با حق تقدم

۲۶ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء

از: تهران ۵۳۰۹۵ به کفالت گلگروف

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

حساس اس. دی. جانوس

عطف به: الف - رئیس ۴۳۶۲۱۱ ب - رئیس ۴۳۷۲۶۷

۱- تلگرامهای مرجع عالی بودند. تصور می‌کنیم در مورد چیزی که می‌تواند یک ابتکار عمده و فوق‌العاده پرارزش عملیاتی بشود اکنون طرز فکرمان به یکدیگر نزدیک شده است.

۲- خبرهای ذیل از مکالمه تلفنی ۲۳ اردیبهشت با اس. دی. جانوس / ۱۳ «ج / ۱۳» و یادداشتی که ج / ۱۳ نوشته و توسط هویت به دست مورلوت رسانده شود، اخذ شده‌اند. آن هویت یکی از دوستان ج / ۱۳ است که او را تأمین می‌کند: فکر پشتیبانی دولت آمریکا از شریعتمداری یا همکاری با وی فقط بین ج / ۱۳ و آن هویت مورد مذاکره واقع شد و مورلوت به ج / ۱۳ اطلاع داده که قضیه باید همین طور بماند تا هنگامی که ستاد بتواند اوضاع را سبک و سنگین کند. فکر اولیه آن هویت این بود که از مقامات ثروتمند ساواک که به خارج گریخته‌اند وجوهاتی گرفته شود. ج / ۱۳ پیشنهاد کرد که او «ج / ۱۳» امکان این امر را با سیا مورد گفتگو قرار دهد. ج / ۱۳ و هویت هر دو فکر می‌کنند که شریعتمداری از پشتیبانی استقبال خواهد نمود مشروط بر اینکه یک کانال کارآمد و کاملاً امن برقرار گردد. آنها همچنین معتقدند که شریعتمداری با ملاقات مستقیم موافقت خواهد نمود اما در غیاب تضمین شریعتمداری و غیره این مسئله قابل بحث باقی می‌ماند. به نظر قرارگاه مزیت تماس مستقیم با شریعتمداری آن است که به ما یقین می‌دهد

که واقعاً با شریعتمداری در ارتباط هستیم، به علاوه آنکه دقیقاً می‌فهمیم شریعتمداری سعی دارد به چه چیزی نایل آید. اما تماس غیر مستقیم آشکار است که امن‌تر است و امکان تکذیب کردن ارتباط با شریعتمداری را فراهم می‌کند. همچنین این شیوه ممکن است به ما اجازه دهد بر روی هویت به‌عنوان عامل نفوذی یک جانبه در گروه شریعتمداری کار کنیم

۳- ج/۱۳ هویت را یک مقاطعه کار موفق ساختمان‌سازی و جاده‌سازی، یک شیعه که با انقلاب به طور نزدیک همراهی داشته و فردی که اینک به شریعتمداری و حزیش سخت متعهد است توصیف نمود. ج/۱۳ می‌گوید هویت از لحاظ اجتماعی بسیار محبوب و یک لیبرال دموکرات دارای ثبات رأی است. متأسفانه وی انگلیسی نمی‌داند. ج/۱۳ گفت که کاملاً به این فرد اطمینان دارد و مورلوت باید بیفزاید که این فرد برنامه تماس عبوری با اتومبیل را با رفتاری منظم و آرام به انجام رساند. اگر مذاکرات به فارسی برگزار شوند او حاضر خواهد بود مستقیماً با مأمور مربوطه در تهران یا در خارج ملاقات کند.

۴- ج/۱۳ تأکید دارد که تعداد کسانی که در حال حاضر به شریعتمداری وفا دارند ۸/۰۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشند و ادعا می‌کند بیشتر هم خواهند شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت شریعتمداری با قاطبه آذربایجانی «یکپارچه» است و ادعا شد حمایت بیشتری از جانب «حزب رادیکال» رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، و «گروه قران»، بعضی افراد و بازرگانان و انجمنهای کارگری مختلف در تهران ابراز می‌شود. شریعتمداری ۳ تا ۵ هزار نفر از مجاهدین در تهران و یک کمیته طرفدار چریکها را تحت کنترل دارد. ج / ۱۳ مطلب را بعداً تفصیل خواهد داد، اما اظهار داشت که استاد سیدصدرالدین بلاغی هویت، دکتر احمد علیزاده، حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی، پسر شریعتمداری «نامش مشخص نشد» و شبستری‌زاده سران حزب هستند. در نظر است که تشکیلات مرکزی حزب در تهران و تبریز «تعداد کثیری از مجاهدین» باشد و دفاتری در آذربایجان، خراسان، گیلان، قم و بعضی مناطق کردنشین تأسیس گردد. به گفته ج / ۱۳، شریعتمداری از جانب گروه «خلق مسلمان» «شرح بیشتری داده نشد» حمایت مطبوعاتی می‌شود یا می‌تواند از آن برخوردار شود «توضیح مترجم: در متن انگلیسی عیناً تلفظ «خلق مسلمان» درج شده است». ج / ۱۳ و آن هویت می‌گویند که با توجه به مشکلات تشکیلاتی موجود، وجوهات حزب محدود می‌باشند. آن هویت می‌افزاید که، پول بیشتر به معنای مجاهدین مسلح بیشتر نیز هست. درباره تصمیمات حزب، آن هویت می‌گوید که بیشتر تصمیمات را شریعتمداری می‌گیرد، اما گاهی اوقات با مشاورین حزبی خود مذاکره می‌کند «قرارگاه سؤال خواهد کرد آیا این هویت خودش نیز جزو مشاوران است». به گفته ج/۱۳ حمله اخیر شریعتمداری علیه «عدالت» دادگاههای اسلامی آغاز مبارزه‌ای است که طی آن شریعتمداری درباره مسائل اجتماعی مهم ابراز نظر خواهد نمود. مورلوت از ج/۱۳ پرسید آیا شریعتمداری حاضر خواهد شد علناً با خمینی مخالفت ورزد و ج/۱۳ گفت که او «شریعتمداری» در واقع هنگامی که دو یا سه ماه دیگر فرصت مناسب شد به این جدایی تحقق خواهد بخشید.

۵- برای اطلاع شما، فرد مورد اشاره پاراگراف چهارم تلگرام مرجع الف کسی است که کارت سبز دارد و فرزند آیت‌الله سنجابی (زنجانی) «نام اولش مشخص نشد» که به گفته ج / ۱۳ بسیار مورد احترام است می‌باشد. ج/۱۳ در تلفن گفت که یک نسخه از نشریه این فرد در نیوجرسی را برای مطالعه ما ضمیمه خواهد نمود، اما این فقره در تماس عبوری ما داده نشد. اگر مشارالیه لایق و مایل بود در نظر خواهیم گرفت که او شاید بتواند با کارایی به عنوان مسئول تأمین مالی و پاسخگوی روابط عمومی شریعتمداری

عمل کند. با تعداد کثیری از ایرانیان ثروتمند که به غرب گریخته‌اند، مسئله فقدان پول برای شریعتمداری به قدر سازماندهی و اجرای یک فعالیت وسیع برای گردآوری پول اهمیت ندارد. اگر قرار است که سیا در چند ماه آینده یک نقش مخفی به عهده بگیرد پیشنهاد می‌کنیم که با شریعتمداری، ارائه نظریات حرفه‌ای درباره فنون گردآوری پول و زیر و بمهای به راه‌انداختن یک فعالیت وسیع روابط عمومی در آمریکا و اروپا به علاوه «سرمایه گذاشتن» جهت شروع تلاش خود، مطرح شود. در حقیقت بسیاری از میانه‌روها در ایران از تاکتیکهای کمیته‌ای خمینی متوحش و آشفته شده‌اند و حتی ج/۱۳ و آن هويت می‌گویند که افراد شریعتمداری فکر می‌کنند که قدری در صحنه قدرت عقب افتاده‌اند و زمان از دست می‌رود.

۶- درخواست می‌شود که ستاد با حق تقدم سوابقی درباره آن هويت ارائه کند. همچنین از تحلیل شعبه «ایران» در مورد «شناسایی و روابط قدرت بین افراد و گروههای» مذکور در پاراگراف چهارم فوق استقبال خواهیم نمود. کاملاً مشهود است که ج/۱۳ در نوشتن به انگلیسی دچار اشکال بوده و از او خواهیم خواست هنگامی که در ۳۰ اردیبهشت تلفنی با او صحبت می‌کنیم شفاهاً توضیح دهد. با موافقت ستاد، در نظر داریم در مرحله بعدی با ج/۱۳ این مسئله را طرح کنیم که آیا آن هويت می‌تواند امکان تماس دولت آمریکا «نه سیا» با شریعتمداری را تحقیق نماید. در این در این مقطع، نقش ج/۱۳ نزد شریعتمداری فاش نخواهد شد.

۷- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱، ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۶ اردیبهشت در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۱۰)

سرّی

به: با حق تقدم رئیس

۲۶ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء

از: تهران ۵۳۰۹۴ «به کفالت گلگروف»

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۳۰۹۵

۱- هويت: سیدمرتضی موسوی

تاریخ تولد: حدود ۱۳۰۵

شغل: مدیر و رئیس شرکت پیرانکو با مسئولیت محدود و... تهران.

۲- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱؛ ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۱۱)

۳۱ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۳۱۶۶ «به کفالت گلگروف»  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: الف. تهران ۵۲۹۹۹ ب. رئیس ۴۳۶۲۱۱ ج. رئیس ۴۳۷۲۶۷، د. تهران ۵۳۰۲۳ ه. تهران  
۵۳۱۰۵

۱- پیشنهاد می‌شود اقدامات عملیاتی ذیل اتخاذ شود تا مطلوبیت و امکان برقراری یک کانال مخفی با شریعتمداری سنجیده شود:  
الف: از طریق اس. دی. جانوس / ۱۳ گرفتن خبرهای اساسی لازم درباره حزب جمهوری خلق مسلمان، شریعتمداری را ادامه دهیم. اصرار کنیم که ج / ۱۳ بفهمد آیا شریعتمداری ایجاد این کانال را تجویز کرده و تأیید می‌کند یا نه. به دنبال رخنه در جنبش شریعتمداری باشیم.  
احتمالاً از لحاظ امنیتی ملاقات مستقیم با او غیر عاقلانه خواهد بود، مگر آنکه شریعتمداری کشور را ترک نماید.

ب: اس. دی. ولید / ۱ را به قم بفرستیم تا ملاقات دیگری با شریعتمداری داشته باشد. عملاً این کار می‌تواند یک عمل «طعمه‌گیری» باشد یعنی و / ۱ گوش به زنگ هرگونه علامتی باشد که از جانب شریعتمداری ابراز شود، اما خود را نماینده رسمی کسی در آنجا معرفی نکند.

ج: اقدامات سیاسی اس. دی. راتر / ۱۴ را هدایت کنیم تا تأثیری را که می‌تواند بر جناح مخالف سازنده داشته باشد به حداکثر برسانیم و ارزشهایی را که برای ما از لحاظ دادن خبرهای خارجی و عملیات مخفی دارد به حداکثر خود برسانیم. در این رابطه تاکنون به ر / ۴ توصیه کرده‌ایم که جبهه ملی را بیازماید. به شرط آنکه جبهه ملی موقعیت با نفوذی در اختیار وی بگذارد. ر / ۴ در جبهه ملی باید در راه ایجاد نیرویی که میانه‌رو و طرفدار آمریکا باشد تلاش کند و در همان ضمن، مرتب درباره تحولات گزارش بدهد. فعلاً قرارگاه به ر / ۴ پیشنهاد کرده که هم اکنون شروع به فعالیت تمام عیار سیاسی نماید. ما پیشنهاد کرده‌ایم که او «الف» با احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور ملاقات کند تا اطلاع بهتری درباره طرحهای دولت موقت برای انتخابات به دست آورد «ب» با شریعتمداری در قم و خاقانی در خرمشهر، ملاقات کند. ر / ۴ می‌گوید این فکر خوبی است و قصد دارد آن را اجرا کند و سعی نماید پیرامون امکان یک طرح ریزی تحقیق نماید، «ج» با تیمسار جم در لندن ملاقات کند. ر / ۴ سعی خواهد کرد این کار را در سفر بعدی خود به خارج انجام دهد. او جم را دوست دارد و فکر می‌کند او هنگامی که موعدهش فرا برسد می‌تواند نقشی را ایفا نماید.

ر / ۴ فکر خود را برای تشکیل یک شورای قبیله‌ای قشقایی که بتواند طرحی برای سازمان سیاسی سایر گروههای قبیله‌ای و هماهنگی با آنها باشد را دنبال می‌کند.

۲- ما به ر / ۴ گفته‌ایم خوشحالیم که می‌بینیم او و دریادار مدنی با طرح برپا کردن یک روزنامه در تهران فعالیت می‌کنند. اگر چه در آخرین ملاقاتمان چیزی در این رابطه گفته نشده، اما پشتیبانی از ر / ۴ در این ابتکار شاید به صرفه باشد (ر / ۴ می‌گوید او و مدنی پول فراوانی دارند اما از توصیه‌های تخصصی استقبال

۱- اس. دی. راتر / ۴ نام رمز خسرو قشقایی جاسوس سابقه‌دار و معدوم سیا در ایران بوده است.



می‌کنند).

۳- همان طور که در طرح فوق ابراز شده، هدف ما این است که میانه‌روهای طرفدار آمریکا را از حوزه‌های دینی، غیر دینی سیاسی و نظامی گرد هم آوریم و در این کار احتمالاً از ر/۴ به عنوان وسیله اقدام و کاتالیزور اصلی استفاده شود. باید درباره کانال مخفی با بخش شریعتمداری بیشتر تحقیق شود، اما ر/۴ حاضر به رفتن است و اگر ر/۴ بتواند خودش نوعی پیمان با شریعتمداری برقرار کند، ممکن است نیاز به ایجاد چنین کانالی را منتفی سازد (ما می‌توانیم در صورتی که بخواهیم از طریق ر/۴ به شریعتمداری پول برسانیم).

۴- از نظریات ستاد استقبال می‌شود.

۵- پرونده: بعداً تعیین شود تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۱۲)

۴ خرداد ۵۸ - اعضاء

از: رئیس ۴۴۵۴۱۳

سرّی

به: تهران با حق تقدم

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

حساس - اس. دی. جانوس

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۹۵ ب. رئیس ۴۳۶۲۱۱

۱- ستاد سابقه‌ای درباره مرتضی موسوی ندارد.

۲- رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای همچنین مشهور به سرهنگ دوم مقدم دارای پرونده ۲۳۷۹۲۶ - ۲۰۱ و هویت رمز می‌باشد. در آبان ۱۳۴۰ تأییدیه عملیاتی برای استفاده در دادن گزارشهای سیاسی و همچنین تبلیغات مخفی خصمانه (در متن اصلی کلمه «تبلیغات سیاه» بجای «تبلیغات مخفی خصمانه» به کار رفته است - م) برای او صادر شد. دوست دیرینه قرارگاه تهران از سال ۱۳۳۲ بوده است. تلگرام ۲۵۸۱۷ کپنهاک مورخ ۹ اسفند ۱۳۵۷ گزارش کرد که به استانداری آذربایجان منصوب شده و اس. دی. پرنک ۱/ او را نزدیکترین دوست خود در ایران دانسته است. «یک گزارش تلکس خبری مورخ ۲۷ اردیبهشت نشان می‌دهد که او هنوز استاندارد است». او همچنین یک بار هم شهردار تهران بود. کپنهاک اظهار داشت که اگر علاقه‌ای باشد آنها می‌توانند احتمالاً مشوق تماسهای فشرده تر اس. دی. پرنک ۱/ با او باشند.

مطابق خبر اداره مراجعات مرکزی، لمبراکیس در تاریخ ۲۲ خرداد ۵۷ از منزل رحمت‌الله مقدم دیدار کرد. در آنجا چهار تن از سران جنبش مخالفین یعنی بازرگان، سنجابی، فروهر و سید جوادی حاضر بودند. آنها به لمبراکیس گفتند که شبستری زاده اخیراً پیامی از جانب شریعتمداری به آنها رسانده بود که در آن اطمینان داده شده بود که شریعتمداری بدون آنها با دولت ایران مذاکره نخواهد نمود یا به توافقی نخواهد رسید. شبستری زاده از سران مخالفین و نام اولش حاجی هاشم بود.

سفارتخانه باید بتواند شرح حال کامل او را در اختیار گذارد. در غیر این صورت اطلاع دهید و ما ارسال خواهیم نمود.

۳- ما خبری درباره گروه گوران نداریم، اما تصور می‌کنیم که گوران ترجمه غیر صحیح قرآن باشد. هویت خلق مسلمان نامشخص است. طی یک جلسه تخلیه اطلاعات اس.دی. پریستکست/۱ او این گروه را حزب شریعتمداری معرفی نمود. با این وجود، گروه دیگری که از همان نام در فارسی استفاده می‌کند، نام انگلیسی «حزب جمهوری اسلامی توده‌های مسلمان ایران» را به کار می‌گیرد. مرکز آن در استان خراسان قرار دارد.

۴- اطلاعاتی درباره بلاغی، علیزاده با خسروشاهی نداریم.

۵- NITA - ۱۵۲۰۶ مورخ ۸ آذر ۱۳۳۹ گزارش داد که فردی به نام آیت‌الله سید بیوک زنجانی از سران برجسته هواخواهان حزب شاه می‌باشد. همچنین در مورد او ذکر شده که ممکن است عامل انگلیسیها باشد. ما هر آنچه را که بازرسی سوابق در این مورد آشکار نماید باز هم اطلاع خواهیم داد.

۶- درباره پاراگراف ۴ تلگرام مرجع ب، معلوم شد که فریدیک جراح در یک بیمارستان برزیل «ایندین» است.

۷- از ردگیریهای فوق، خبرهایی که ج/۱۳ داده و سایر منابع ما می‌توانیم اثباتاً بگوئیم که حزب جمهوری خلق مسلمان به نحوی از انحاء وجود دارد. چندان تردیدی نیست در اینکه شریعتمداری تصمیم بگیرد فعال شود جذبۀ وی برای میان‌روها او را عامل قابل محاسبه‌ای در آینده سیاسی ایران خواهد ساخت. به هر صورت، در حال حاضر نیروهای دیگری نیز که از اهمیت مساوی برخوردارند یا شاید مهمتر باشند وجود دارند. به گفته تحلیلگران، «حزب جمهوری اسلامی» بهشتی که بنا بر گزارشها حمایت خمینی و قدرتی را که او نماینده آن است پشت سر خود دارد، یک گروه‌بندی عمده دیگر است. در حالی که این حزب به نظر نمی‌رسد که براساس موازین غربی یک حزب سیاسی باشد با این وجود یک ذات سیاسی است که از طریق دستگاه روحانیت عمل می‌کند. در حالی که ناراحتی از خمینی ممکن است در حال رشد باشد، ما این گروه را به عنوان تنها گروهی که هنوز می‌تواند توده‌های جنوب تهران را متشکل کند و آنها را به خیابان بکشانند می‌بینیم. سومین گروه عمده‌ای که علیرغم ضعف فعلیش نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد «جبهه ملی» است. اگر چه سنجایی احتمالاً سخت‌می‌کوشد تا آن را احیاء کند، ما نمی‌توانیم آینده آن را پیش‌بینی کنیم، اما هنوز استعداد ایفای مقام برجسته‌ای را دارد. با خروج شاه از صحنه، جبهه ملی احتمالاً آینده پرزحمتی را برای اینکه عناصر مختلف پیشین خود را در هیئت یک سازمان متحد کند در پیش دارد (مثلاً ۱۰۶۰۱ - NIT را ببینید).

۸- خبر دیگری نشان می‌دهد که «جبهه دموکراتیک ملی» به رهبری هدایت‌الله متین دفتری وکیل، برای مترقیون دنیوی، لیبرالها و افراد مرکزی با تمایلات چپ جذبۀ دارد. در سطح دیگر باید در نظر گرفته شود که گروه‌بندیهای قبیله‌ای بزرگتر سعی خواهند کرد با حمایت از حزبی که بیش از همه محتمل است تقاضاهای آنها برای خودمختاری را تحقق بخشد، در رویدادهای آینده اعمال نفوذ کنند.

۹- گروههای رادیکال کوچک غیر از چریکها نیز که تحت اسمهای گوناگون تشکیل می‌شوند، اما شناسایی آنها مشکل است در حال سر برآوردن هستند. به علاوه ما نیز نباید آیت‌الله طالقانی و طرفداران کثیرش را در بین مجاهدین از یاد ببریم. در این مقطع، به نظر می‌رسد استعداد این گروهها عمدتاً ایجاد اغتشاش است.

۱۰- توصیف فوق به رغم ابهام آن، به طور خلاصه صحنه سیاسی را از نظرگاه ما نشان می‌دهد. قبل از

آنکه بتوانیم مبادرت به اقدام سیاسی خاصی بنماییم، ما باید آگاهی روشنتری از نیروهای در کار، اینکه دقیقاً شریعتمداری چه مقامی دارد و استعداد موفقیت او داشته باشیم. واضح است که در حال حاضر ما اطلاع کافی برای چنین قضاوتی نداریم. قرارگاه پیشرفت عالی در رابطه با این مقصود داشته است، اما باز هم بیشتر مورد احتیاج است. اول باید مطمئن باشیم که علائم را اشتباه نمی خوانیم و شریعتمداری واقعاً خواهان تماس است. شاید یک نوبت ملاقات حضوری با او از طریق کانال دیگر غیر مستقیم مقتضی باشد، سایر شیوه‌های برقراری رابطه دارای اشکال می‌باشند. ما احتیاطات قرارگاه را در مورد باروز می‌پذیریم بدون اینکه به هر حال او را به عنوان یک کانال بالقوه از نظر به دور داریم، اما هنوز احتیاطات خود را در رابطه با مقبولیت کانالی به دولت آمریکا که یک مقام سابق ساواک ترتیب آن را داده باشد حفظ می‌کنیم. ما به زحمتی که قرارگاه در سرو کار داشتن با اس. دی. جانوس/۱۳ از طریق ارتباط غیر حضوری دارد واقفیم، اما تقاضا می‌کنیم شما سؤالات ذیل را در نظر بگیرید:

الف. آیا شریعتمداری می‌داند ج/۱۳ برای او کار می‌کند؟

ب. آیا شریعتمداری ج/۱۳ را به عنوان یک مقام ساواک می‌شناسد؟

اگر او از سابقه ج/۱۳ خبر ندارد، در صورتی که از شخص دیگر آن را بفهمد چه عکس‌العملی خواهد داشت؟

ج. آیا شریعتمداری ج/۱۳ یا شخص نزدیکی به ج/۱۳ را به عنوان واسطه با ما قبول خواهد کرد؟ تصور می‌کنیم که باید به ج/۱۳ تذکر دهیم که این نکات برای ما مسئله هستند. در عین حال باید برای ج/۱۳ روشن کنیم که دادن اطلاعات مربوط درباره صحنه سیاسی باید نسبت به هرگونه قول پشتیبانی تقدم داشته باشد.

۱۱- به یاد می‌آوریم که در حدود دی و بهمن مأمور سیاسی موقت سفارتخانه به نام دیوید پاترسون با شریعتمداری ملاقات کرده بود و شریعتمداری ظاهراً از تماس سفارتخانه خوشحال شده بود. آیا سفارتخانه تماسهای حضوری جدیدتری با شریعتمداری داشته است؟ شما می‌توانید با کاردار مذاکره کرده خاطر نشان کنید که اگر چه تماسهای علنی سفارتخانه در دوران پیش از خمینی امری عادی بودند، شرایط جاری مراعات احتیاط بیشتری را ایجاب می‌کند و به جای آنکه تماس سفارتخانه با شریعتمداری به کلی خاتمه یابد، قرارگاه منحصراً دارای مقدمات ادامه ارتباط با شریعتمداری به قصد جمع‌آوری اطلاعات است. در هر صورت، ممکن است قرارگاه بتواند نکته‌ای از کانال پاترسون را به کار گیرد و پیشنهاد می‌کنیم شما درباره این امکان به عنوان شق سوم احتمالی برای برقراری تماس غیر مستقیم تحقیق کنید.

۱۲- شما به امکان «پیشنهاد» تلگرام کانال ویژه واشنگتن ۳۱۸۰۶ نیز توجه نمائید.<sup>۱</sup>

۱۳- به طور خلاصه، ما هنوز شک داریم که ج/۱۳ بهترین واسطه برقراری تماس اولیه با شریعتمداری باشد. به هر حال، اگر پس از در نظر گرفتن موارد فوق قرارگاه هنوز معتقد باشد که او بهترین مورد را از میان شقوق موجود ارائه می‌کند، موافقت می‌کنیم که شما مسئله تماس نهانی با شریعتمداری را به قصد کسب اطلاعاتی که فوقاً مطرح شد با ج/۱۳ در میان بگذارید.

۱- از مطلب ذکر شده در پاراگراف ۱۲ معلوم می‌شود علاوه بر طرحهایی که تاکنون درباره رابطه با شریعتمداری عنوان شده، طرح فوق‌العاده حساسی هم بوده که مرکز سیا در واشنگتن آن را در ردیف مکاتبات عادی خود ندانسته و از کانال ویژه ارسال کرده است.

۱۴- تلگرام تهران ۵۳۱۶۶ را که جلوتر دریافت شد به طور جداگانه مورد بحث قرار خواهیم داد.  
۱۵- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

#### سند شماره (۱۳)

۸ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۳۲۵۴ «به کفالت گلگروف»  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
حساس اس. دی. ولید  
عطف به: تهران ۵۳۲۰۶

۱- اس. دی. ولید ۱/ پس از موافقت در ملاقات مجدد با شریعتمداری در صبح ۵ خرداد از قم بازگشت.

۲- ذیلاً ماجرای آن ملاقات نقل می‌شود. توصیه‌های قرارگاه در مسئله جامعتر درگیر شدن در اقدامات سیاسی جهت حمایت از شریعتمداری و بعضی از گروههای میانه‌رو ایرانی به طور جداگانه گزارش خواهند شد.

۳- و/ گزارش داد که در ورود به منزل شریعتمداری وی متوجه حضور بسیاری افراد ایلاتی آذربایجانی مسلح هم در محوطه بیرونی و هم اندرونی منزل شد. و/ گفت که این چیز تازه‌ای بود، در آخرین دیدار وی به تاریخ ۱۰ اردیبهشت محافظی در آنجا نبود و بدون شک این امر می‌توان نتیجه موج حملات علیه چهره‌های مذهبی برجسته دانست.

۴- و/ گفت که دستیار اصلی شریعتمداری برای وی گفته بود که و/ آنجا آمده تا او را ببیند و بار دیگر، با اینکه نسبتاً عجیب بود، شریعتمداری فوراً و/ را دعوت کرد داخل شود. پس از مقدمات، و/ در حالی که در سالن بین سایر دیدارکنندگان نشسته بود، آهسته به شریعتمداری گفت که چیز محرمانه‌ای را می‌خواهد با او در میان گذارد. به طوری که گزارش شده، شریعتمداری خم شد تا و/ بتواند در گوشش نجوا کند، و و/ گفت که پس از آخرین ملاقاتشان با یکدیگر وی در تماس با «دوستان آمریکایی» بوده است. آن دوستان بار دیگر نسبت به شریعتمداری ابراز احترام نموده و اظهار داشته بودند که می‌دانند او می‌خواهد در صحنه سیاسی ایران چه بکند. آن‌گاه شریعتمداری گفت که حزب سیاسی که او آن را حمایت می‌کند به کمک احتیاج دارد، حزب حدود دو میلیون عضو دارد اما کارهای زیادی باید انجام گیرد. و/ گفت که دوستان آمریکایی شاید مایل باشند درباره این امور مذاکره کنند و آیا کسی هست که و/ بتواند اسمش را در این رابطه بدهد؟ شریعتمداری آن‌گاه گفت که آنها می‌توانند با سران حزب ما صحبت کنند؛ شریعتمداری از و/ خواست که به حزب بپیوندد و گفت که حزب محتاج افراد تحصیلکرده بیشتر است که آگاهی سیاسی داشته باشند. و/ گفته که قصد دارد به حزب بپیوندد «به توصیه ما حالا این کار را خواهد کرد»، اما حقیقتاً فکر می‌کند بهتر آن است که این تماسها با «دوستان» توسط فردی صورت پذیرد که شریعتمداری کاملاً به وی اعتماد داشته باشد و مطمئن باشد که این امور را محرمانه نگاه می‌دارد. به نظر

رسید که شریعتمداری موافق بود و نام پسرش سیدحسن شریعتمداری را به و ۱/ داده او به و ۱/ گفت که هر کدام از دوستان را که می‌خواهد نزد حسن ببرد. به نظر و ۱/ شریعتمداری دقیقاً می‌دانست چه نوع رابطه‌ای در حال برقراری بود و به خوبی می‌داند که «دوستان آمریکایی» همان دولت آمریکاست. و ۱/ از شریعتمداری تشکر کرد که برای پذیرفتن او وقت داده بود. و دوباره به او گفته شد که هرگاه بیاید خوش آمده است. و ۱/ کمی قبل از آنکه رخصت بگیرد پرسید، آیا می‌تواند نظر او را درباره یک نفر جويا شود، این نظر را «دوستان» آمریکایی خواسته‌اند. شریعتمداری پذیرفت؛ ما گزارش «آن» را در شکل اطلاعاتی به‌طور جداگانه ارسال خواهیم کرد. ملاقات با شریعتمداری حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید.

۵- و ۱/ سپس به ملاقات حسن رفت و حدود ۱۵ دقیقه را با وی گذارند و آنچه را که بین او و پدرش روی داده بود توضیح داد طی آن ملاقات حسن نشانی و تلفن خود در تهران را به و ۱/ داد و و ۱/ را دعوت نمود تا هرگاه آماده بود همراه یا بدون «دوستان» تماس بگیرد. ما نشانی و شماره‌های تلفن را برای پرونده داریم. حسن بین ۳۰ تا ۳۵ سال دارد. و ۱/ مطمئن نیست آیا او انگلیسی تکلم می‌کند یا نه.

۶- در ملاقات ۷ خرداد که اطلاعات فوق در آن به دست آمده گلگروف به و ۱/ گفت که «جریان را» ادامه دهد و با حسن ملاقات کند، اما نوعی بهانه هم دست و پا کند برای اینکه از سرعت جریانات برای مدت کوتاهی کاسته شود. و ۱/ قصد دارد در ۸ یا ۹ خرداد با حسن تماس بگیرد و به او بگوید که فشار امور شخصی باعث می‌شود که ملاقات مربوط به «دوستان» برای یک هفته یا حدود این مدت به تعویق افتد، اما می‌تواند به حسن اطمینان دهد که در اولین فرصت ممکنه دوباره تماس خواهد گرفت. در همین ضمن، و ۱/ به حزب خواهد پیوست.

۷- به نظر می‌رسد که و ۱/ کاری عالی انجام داده و یک کانال مستقل، محتاط و ظاهراً بسیار قابل اطمینان به شریعتمداری برای ما تهیه کرده است.

۸- پرونده: ۹۵۹۵۱۱ - ۲۰۱؛ ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۸ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۱۴)

۹ خرداد ۵۸ - اعضاء

سرّی

به: رئیس

از: تهران ۵۳۲۴۸ «به کفالت گلگروف»

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

حساس - اس. دی. جانوس

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۹۵ ب. رئیس ۴۴۵۴۱۳

۱- این گزارش درباره جلسه ما با اس. دی. جانوس / ۱۳ در ۷ خرداد در رابطه با امکان برقراری یک ارتباط با آیت‌الله شریعتمداری و حزب سیاسی او می‌باشد. توصیه‌های قرارگاه در مورد مسئله جامعتر اشتغال به اقدام سیاسی برای حمایت از... تعدادی از گروه‌های میانه‌رو ایران به‌طور جداگانه بعداً گزارش می‌شوند. پیش از... این گزارش و گزارش‌های بعدی در مورد این موضوع، ستاد باید به گزارش سفارتخانه تهران مورخ ۲ خرداد شماره ۵۲۸۷ مراجعه کند که گزارش تماس جداگانه سفارتخانه با گروه

شریعتمداری را نقل می‌کند و بسیاری از جزئیات گزارش تلگرام مرجع الف ج / ۱۳ را تأیید می‌کند.  
 ۲- با اظهار این مطلب صحبت را شروع کرد که وی بار دیگر با بعضی «سران» حزب جمهوری خلق مسلمان تماس گرفته بود و این افراد فکر همکاری با آمریکاییها را تأیید کرده بودند. هنگامی که از او خواسته شد. اسمهای این سران را بدهد، ج / ۱۳ گفت که آنها همان کسانی بودند که قبلاً نامهایشان را به ما داده بود «تلگرام مرجع الف». ج / ۱۳ گفت که در صورت موافقت ما، افراد منتخبی از حزب به قم خواهند رفت و درباره مسئله با شریعتمداری حرف خواهند زد تا ببینند آیا شریعتمداری آن فکر را تأیید می‌کند یا نه. ج / ۱۳ گفت در فکر این است که خودش هم به عنوان عضوی از این گروه همراه برود، گلگروف وی را متقاعد ساخت که به چندین دلیل این فکر خوبی نیست که او در تمام این قضیه نقشی.... در پایان مکالمه و براساس بعضی تفاهات بسیار مشخص «رجوع شود به ادامه متن» گلگروف به ج / ۱۳ گفت که دوستان خود را روانه مسافرت به قم کند و عکس العمل شریعتمداری را نسبت به قدمی که برداشته‌اند....

۳- ج / ۱۳ گفت که.... شریعتمداری فکر می‌کردند که به راهنمایی مالی و سیاسی احتیاج دارند چون آنها سعی می‌کنند طرفداران خود را به مجلس بفرستند. گلگروف گفت که ما اوضاع سیاسی ایران را آنقدر مشوش و متغیر.... که قبل از مبادرت به هر عملی ضرورت دارد که مقداری اطلاعات کاملاً.... به دست بیاوریم. آیا دوستان ج / ۱۳ خبر داشتند که انتخابات کی و چگونه برگزار خواهد شد؟ آیا آنها رأی محکمی نسبت به توازن فعلی نیروها دارند که بتوانند با ما هم در میان بگذارند؟ ج / ۱۳ گفت که صفوف و مراتب آنها بسیار مغشوش است،..... بهمین علت آنها برای راهنمایی به ما چشم دارند. «هنگامی که گلگروف این را شنید، وی پی برد که دستهای ما بیش از آنچه حدس می‌زدیم درگیر..... بود». ج / ۱۳ گفت که اگر گلگروف.... که هنوز سازماندهی برای انتخابات زود است این فکر مورد نظر قرار خواهد گرفت. ج / ۱۳ گفت که نکته مهم..... انتخابات برگزار خواهند شد. وی گفت که حزب شریعتمداری به همین دلیل دست به کار تماسهای اولیه با جبهه ملی شده است. به گفته ج / ۱۳، جبهه ملی تنها حزبی است که حزب شریعتمداری با آن تماس حاصل کرده است.

۴- ما به ج / ۱۳ گفتیم که در اصل ما میل داریم با حزب شریعتمداری درباره..... مذاکره کنیم. هنوز صحبت درباره پشتیبانی از حزب زود می‌باشد چون نه ج / ۱۳ و نه ما نمی‌دانیم آیا شریعتمداری فکر یک کانال یا رابطه با آمریکاییها را حتی تأیید می‌کند یا نه. ما فکر می‌کنیم که اهمیت دارد به زودی از نظریات شریعتمداری در این مورد مطلع شویم. به هر حال هنگامی که دوستان ج / ۱۳ مسئله را برای شریعتمداری شرح می‌دهند، باید توضیح داده شود که دوستان..... با این فکر نزد آمریکاییها رفتند..... آمریکاییها قدم اول را..... برداشتند..... هنوز مطمئن نیستند که درگیر جریان بشوند.....

..... ۵

..... ۶

سند شماره (۱۵)

۱۰ خرداد ۵۸ - اعضاء

سری

از: تهران ۵۳۲۵۷ «به کفالت گلگروف»

به: رئیس

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

عطف به: الف - رئیس ۴۳۶۲۱۱ ب - رئیس ۴۳۷۲۶۷ ج - رئیس ۴۴۵۴۱۳ د - تهران ۵۳۲۵۴ ه - تهران ۵۳۲۴۸

۱- تلگرامهای مرجع د و ه جدیدترین تحولاتی را گزارش می‌کنند که در تلاشهای .... اس. دی. جانوس/۱۳ و اس. دی. ولید/۱ برای ایجاد یک کانال به شریعتمداری و بدان وسیله گشودن باب امکان... پشتیبانی از این رهبر میانه‌رو مذهبی و حزب سیاسی روی داده‌اند. کاردار درباره این قضایا و این تحولات توجیه شده است.

۲- همان طور که ستاد در تلگرام مرجع.... خاطر نشان کرده، درباره اوضاع سیاسی کلی ایران هنوز نکات مجهول زیاده‌تر از آن است که در تلاشمان برای اعمال نفوذ در آن اوضاع، اجازه دهد چندان احساس آسایش خاطر کنیم فقط در تهران تقریباً هر روز احزاب و گروههای جدید تشکیل می‌شوند. بعضی از این گروهها، سازمانهای... مستقلی نیستند، بلکه گروههای کوچکتر جدیدی هستند که برای ابراز حمایت از نیروهای مذهبی قویتر تشکیل شده‌اند. در چنین فضایی حقیقتاً..... اینکه حقیقت اوضاع چیست، می‌خواهیم چگونه بشود و..... از اینجا به آنجا برسیم غیر ممکن است، خصوصاً در زمانی که انتخابات ممکن است ابزار معتبری برای تأثیر در رویدادها نباشد.

۳- قرارگاه.... گزارش..... پیشنهاد کند که از حزب شریعتمداری یا هر حزب دیگر در این مرحله حمایت کنیم. ما باید در جهت ایجاد راههایی جدای از حمایت از حزب شریعتمداری کار کنیم، یا اینکه در صورتی که خواستیم، از طریق اس. دی. راتر/۴ برای حمایت از وی برای یک حزب مشابه اقدام کنیم. ما پیشنهاد می‌کنیم که سیا با اقدام از طریق پسر شریعتمداری حسن، بازی را..... تا همان طور که از طریق ر/۴ اقدام می‌کنیم «از این طریق هم» مقداری اطلاعات به دست بیاوریم. گلگروف مایل است با حسن ملاقات کند و از و/۱ در صورت لزوم به عنوان مترجم استفاده نماید. موافقت ستاد ..... ر/۴ تقاضا می‌شود.

۴- ما این کانال را به کانالی که از طریق .... و دوستانش در حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان احتمالاً وجود دارد ترجیح می‌دهیم. پیشنهاد می‌شود که با حسن ملاقات نشود تا هنگامی که از..... نتایج سفر گروهش به قم را..... برای آنکه مطمئن شویم که کل فعالیت را تحت کنترل داریم و می‌توانیم به نحوی با ج / ۱۳ تماس بگیریم که اوضاع را به هم نریزیم.

۵- ملاقات با حسن ما را پایبند شریعتمداری نمی‌کند، یا در صورتی که بعداً تصمیم گرفتیم از کسان دیگری پشتیبانی کنیم مانع از این کار نمی‌شود. ما نظرممان نسبت به همکاری با شریعتمداری این خواهد بود که این همکاری از طریقه‌ای است مخفی برای اعمال نفوذ در این نهضت، تا هر اندازه که باشد و در ضمن آن نوع اطلاعاتی را هم که فقط در دسترس افراد فعال در مبارزه سیاسی می‌باشد جمع‌آوری می‌کنیم. این نکته مهم خواهد بود که نگذاریم در موقعیتی واقع شویم که برای حزب تصمیم بگیریم.

۶- اگر یک دو ملاقات اول با حسن مقرر بودند، شاید اقدام به نقل مکان..... به خارج از ایران به

صلاح باشد. خیلی از کار بستگی خواهد داشت به حساب ما از..... کسب امنیت..... در ملاقاتها.  
۷- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

#### سند شماره (۱۶)

۱۶ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۵۲۶۴۷  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
حساس. اس. دی. ولید

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۹۵ ب. تهران ۵۳۲۵۹ ج. تهران ۵۳۲۵۴ د. سفارتخانه تهران ۵۲۸۷.  
۱- به دنبال تحولاتی که در ارتباط با تمایل شریعتمداری به برقراری تماس از طریق پسرش حسن سریعاً روی می‌دهند در ۱۱ خرداد جلسه‌ای بین طرفهای ذینفع ستاد برگزار شد تا جهت حرکت خود را تعیین نماییم. اجماع آراء بر این بود که ما هنوز اطلاعات کافی در اختیار نداریم تا درباره مسیر آینده اقدام سیاسی در ایران قضاوت صحیح نماییم و ممکن است براساس خبرهای محدود موجود سریعتر از حد خود به سوی اقدام سیاسی پیش می‌رویم. به علاوه ما خطر از دست دادن کنترل اوضاع را متوجه منابع ذخیره خود می‌کنیم که ممکن است خود منافع و مقاصد سیاسی خاصی داشته باشند. اگر چه منافع خود ما عموماً با منافع اس. دی. جانوس / ۱۳، اس. دی. ولید / ۱ و اس. دی. راتر / ۴ اشتراک دارد، اما دیدگاههای آنها در مورد نحوه نیل به این مقاصد و سرعت حرکت بدون شک با دیدگاههای ما تفاوت دارد.  
۲- با ملاقات قرارگاه با حسن پسر شریعتمداری موافقت می‌شود. با این وجود، از گلگروف درخواست می‌شود خود را مقید کند به اینکه نقش یک کارمند سیاسی را ایفا نماید که علاقه‌مند به ملاقات با یکی از شخصیت‌های اصلی ایران است و برای حفظ شهرت و آینده سیاسی شریعتمداری تأکید دارد بر اینکه ملاقات با احتیاط برگزار گردد. در این مقطع نباید هیچ‌گونه وعده پشتیبانی به طور غیرمستقیم ابراز شود یا موضوع مذاکره قرار گیرد، هر چند که اگر این موضوع از جانب حسن مطرح شد لزومی هم ندارد گفته شود که هیچ نوع آن در آینده امکان‌پذیر نیست. مقاصد تماس را عبارت می‌دانیم از اینکه حسن به عنوان منبع گزارشگر بالقوه سنجیده شود، ارتباط را بر مبنای مخفی قرار دهیم و امکان حمایت احتمالی از شریعتمداری در یک زمان آینده را فراهم کنیم. درباره حسن سوابقی موجود نبود. همچنین به تماسهای سفارتخانه با یک فرد طرفدار شریعتمداری که در تلگرام مرجع د آمده توجه نمایید. فکر می‌کنیم که قرارگاه تماسهای سیاسی را با وزیر مختار «سفارتخانه» هماهنگ می‌کند بنابراین با فعالیتهای سفارتخانه تداخل پیدا نمی‌کنیم.

۳- مسئله پاراگراف ۴ تلگرام مرجع ج را به قرارگاه محول می‌کنیم. با این وجود، تصور می‌کنیم بهترین کار آن است که با سرعت و تردستی تمام خود را از کانال ج / ۱۳ شریعتمداری خلاص کنیم. ما یقیناً میل داریم ج / ۱۳ را به عنوان یک منبع ذخیره گزارشگر درباره صحنه سیاسی و سازمان اطلاعاتی حفظ کنیم، اما به نظر می‌رسد او بدون آنکه لازم باشد بر رابطه آمریکاییها وقوف یافته و فکر می‌کنیم سابقه او نشان



می‌دهد که خطر وی به عنوان یک کانال سیاسی بیش از اندازه بزرگ است.  
۴- در رابطه با اس.دی. راتر / ۴، ما علاقه وافر داریم به اینکه فعالیتهای سیاسی او و هرگونه اطلاعات ناشی از آن را اداره کنیم. ما با فکر وسیله ارتباط جمعی به عنوان طرح پیشنهادی برای کمک به گردآوری میانه‌روهای طرفدار آمریکا از حوزه‌های دینی، غیردینی، سیاسی و نظامی موافقت داریم. هرگاه روزنامه وی تأسیس گردید، ما خواهیم توانست مقالاتی برای آن تهیه کنیم. تحت شرایط مناسب ما می‌توانیم در صورتی که خواسته شود امکان دادن توصیه‌های تخصصی را در نظر بگیریم.

۵- برای آنکه اطلاع موثقی از گروههای قدرت در ایران به دست آوریم و با این وسیله به مسئولین سیاسی آگاهی بهتری بدهیم درباره اینکه منافع آمریکا در کجا تأمین می‌شوند و کدام راه‌حل‌های اقدامی واقع‌بینانه هستند، ما احتیاج به توسعه استعداد گزارشگری داریم. تنها تحت این شرایط می‌توانیم اقدام سیاسی گسترده‌تری را «برای قرارگاه» پیش‌بینی کنیم. کمال مطلوب این است که و.... منابع ذخیره گزارشگر در سایر مراکز عمده کشور، گزارشهای بیشتر درباره قبایل و ارتش، منابعی بین بازرگانان و سایر گروههای قدرت داشته باشیم. در عین حالی که خود اذعان داریم این یک برنامه دراز مدت است، ولی بعضی منابع هم اکنون در موقعیتی قرار دارند که می‌توان تشویقشان کرد در آینده نزدیک اطلاعات سیاسی تهیه کنند. ما از باراضافی که بر دوش یک قرارگاه دو نفره گذارده شده آگاهیم و به عنوان بهترین کاری که از ما در اینجا برمی‌آید تا کوششهای تهران را تکمیل کنیم، این است که همچنان به شناسایی منابع بالقوه ادامه دهیم.

۶- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۵ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۱۷)

۱۷ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۳۳۷۶ «به کفالت گلگروف»  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس  
عطف به: الف - تهران ۵۳۲۴۸ ب - تهران ۵۳۲۵۷ ج - رئیس ۴۵۱۵۶۹  
۱- چنان که قرار گذاشته شده بود در.... خرداد با اس - دی - جانوس / ۱۳ تماس تلفنی انجام گرفت.  
ج / ۱۳ با قدری شرمساری اعتراف کرد که در تماس تلفنی..... وی با پسرش او از خود فراموشکاری نشان داده بود و بابت آشفتگی احتمالی در کارها معذرت خواهی کرد.  
۲- ج / ۱۴ گزارش داد که مرتضی موسوی به قم رفته و به طور خصوصی با شریعتمداری ملاقات کرده تا..... وصف شده در تلگرام مرجع الف را دنبال کند. ج / ۱۳ همراه او نرفته بود، به طوری که نقل کرده‌اند شریعتمداری این را تصمیم عاقلانه‌ای دانسته بود.  
۳- ج / ۱۳ گفت که شریعتمداری با توصیه‌ای که مرتضی موسوی و سایر سران حزب جمهوری خلق مسلمان به او نموده بودند مبنی بر اینکه برای بررسی امکان برخورداری از حمایت دولت آمریکا با آن دولت تماس گرفته شود «کاملاً موافقت کرده بود»..... خوب می‌داند که افراد او تماس آزمایشی با دولت

آمریکا برقرار می‌کنند نه برعکس. به گفته ج/۱۳، شریعتمداری گفت که موافقت وی فقط مشروط به دو شرط است. اول آنکه این تماسها باید خیلی کم و خیلی سری باشند. دوم آنکه، تماسها باید در محدوده همکاری دو جانبه و تساوی باشند. موقعی که گلگروف از ج/۱۳ برای دادن توضیحات دقیقتری در این مورد پرس و جو کرد، او گفت منظور شریعتمداری این بوده که رابطه به صورت برتر و پائین تر نباید باشد، دو طرف باید مثل یکدیگر پشت یک میز بنشینند. شریعتمداری گفت که قول می‌دهد در آینده برای بازپرداخت هر مقدار پولی که از دولت آمریکا درخواست خواهد شد به هر کاری که ممکن باشد دست بزنند.

۴- به طوری که گزارش شده شریعتمداری به مرتضی موسوی گفت که آمریکا بیهوا را خاطر جمع کند که رقم ۵ میلیون دلار برای کمک یعنی همان رقمی که قبلاً ج/۱۳ به گوش ما رسانده بود فقط برای تأمین... کفایت می‌کند. شریعتمداری گفت که تشکل پرهزینه است و نیاز به... کلاً چندین برابر مبلغ ۵ میلیون دلار است. شریعتمداری نگفت که برای همه کارها به دولت آمریکا تکیه خواهد شد، اما اظهار داشت که ما می‌توانیم..... را تأمین کنیم.

۵- ج/۱۳ گفت که مرتضی موسوی با یک احساس فوری بودن این مسئله از قم بازگشت. شریعتمداری فکر می‌کند که حالا زمان آن فرا رسیده که به طور جدی دست به کار تشکیلاتی شویم. او می‌خواهد ابتدا به آذربایجان بپردازد تا حمایت حوزه پشتیبانی از خود را قطعی کند. بعد سراغ سایر استانهای اصلی («که نام برده نشدند») برود. شریعتمداری می‌خواهد روی استانها تأکید کند، و به مرتضی موسوی گفت که فکر می‌کند با دست به کار شدن از حالا، می‌تواند به مقاصد خود برسد.

۶- در زمینه جزئیات عملی کار، شریعتمداری گفت که به دلایل امنیتی وی شخصاً مایل نیست که با مقامات خارجی در داخل ایران ملاقات کند. شریعتمداری گفت که او تلاشهای سفیر انگلستان و دیگران را که می‌خواستند با او در قم ملاقات کنند رد کرده بود («ما می‌دانستیم که انگلیس سعی داشت قرار ملاقاتی ترتیب دهد»). در صورتی که پوشش مناسبی تهیه شود او با ملاقات با فرستاده دولت آمریکا موافقت خواهد کرد. («ج/۱۳ در مورد اینکه غیر از مرتضی موسوی، که انگلیسی یاد ندارد، چه کس دیگری می‌تواند واسطه ما شود چیزی به نظرش نرسید»). به گفته ج/۱۳، شریعتمداری گفت که می‌خواهد هیچ کس جز آنها که مطلقاً لازم است بدانند، از این ترتیبات مطلع نشود حتی پسرش حسن، تکرار می‌شود حتی پسرش حسن.

۷- ج/۱۳ گفت که شریعتمداری افزوده بود که امیدوار است تماس با دولت آمریکا منجر به بهتر شدن آگاهی او از مسائل جاری گردد. «ستاد به خاطر می‌آورد که این همان قافیه اظهاراتی است که فرانک باروز پس از ملاقات خود با شریعتمداری به کاردار اظهار داشته بود». ج/۱۳ گفت که شریعتمداری پیرامون مجادله اخیری که با واشنگتن بر سر معرفی سفیر روی داده «خیلی سردرگم» است. لازم است که او «مطلع» باشد تا مواضع علنی وی مفید واقع گردند. او همچنین می‌خواهد در یابد آیا در دولت ایران کسی هست که ما به او اعتماد داشته باشیم.

۸- در خاتمه گفتگو با گلگروف، ج/۱۳ تأکید کرد که شریعتمداری خودش می‌خواهد سریعاً بداند آیا دولت آمریکا می‌خواهد از او حمایت کند یا نه. هنگامی که گلگروف توضیح داد چنین تصمیمات برجسته‌ای معمولاً بعد از مقداری بحث و هماهنگی انجام می‌گیرند، ج/۱۳ دلسرد شد. او امید داشت که

پیش از پایان هفته بتواند جوابی به شریعتمداری برساند. ج/۱۳ تأکید کرد که شریعتمداری می‌خواهد فوراً دست به کار شود و می‌خواهد بداند آیا می‌تواند روی کمک آمریکا حساب کند یا نه.

۹- ما یک تماس تلفنی با ج/۱۳ خواهیم داشت که قرار است در ۱۹ خرداد صورت گیرد. اظهارات خود به وی را براساس..... رئیس متکی خواهیم کرد. قصد داریم به ج/۱۳ بگوییم که به نظر ما برای صحبت از تعهد بستن با حزب شریعتمداری هنوز زود است، اما امکان همکاری قابل ملاحظه در زمانی دیگر را مردود نخواهیم شمرد.

۱۰- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱؛ ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱. تا تاریخ ۱۷ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۱۸)

سرّی

به: رئیس

۲۰ خرداد ۵۸ - اعضاء

از: تهران ۵۳۳۹۵ «به کفالت گلگروف»

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۴۳۳۷۶

۱- مطابق قرار قبلی در تاریخ ۱۹ خرداد با اس. دی. جانوس/۱۳ تماس تلفنی حاصل شد. گلگروف توضیح داد که ما حاضر نیستیم به شریعتمداری برای پشتیبانی از او تضمین بدهیم. گلگروف گفت موضع ما این است که ابتدا باید اطلاعات بیشتری درباره‌ی اوضاع ایران و نیروهای در صحنه به دست آورد و افزود که چون شریعتمداری می‌خواهد این قدر زود بداند که آیا ما حاضریم برای او پول فراهم کنیم، رؤسای گلگروف ناچار بودند که قاطعانه پاسخ منفی دهند. وارد شدن در این عملیات تنها موقعی ممکن است که طرح ریزی دقیق به عمل آمده و درباره‌ی هدفها توافق کامل حاصل شده باشد.

۲- ج/۱۳ گفت این پیام را توسط مرتضی موسوی به شریعتمداری خواهد رساند. او گفت اهداف شریعتمداری در این مورد کاملاً روشن است و نیازی به صرف وقت بیشتر برای درک آنها وجود ندارد. هدف شروع سازماندهی جدی است. گلگروف پرسید سازماندهی برای چه؟ اگر انتخاباتی قرار است صورت بگیرد، بدون شک نیاز «به سازماندهی» خواهد بود، اما حالا چه کسی می‌تواند بگوید که انتخاباتی در کار خواهد بود؟ ج/۱۳ گفت که ما باید درک کنیم که چون شریعتمداری یک چهره برجسته مذهبی است، طرف مراجعه مردم برای راهنمایی و کمک قرار داد. شریعتمداری برای به دست آوردن پیروان بیشتر نیاز به پول دارد «از این لحاظ که موقعیت و اهمیت مراجع شیعه بستگی به تعداد پیروان آنها دارد» شریعتمداری..... وجوهات را بین افراد محترم تقسیم خواهد کرد و بدین وسیله وفاداری آنها را به دست خواهد آورد..... این وجوهات همچنین برای تأمین مخارج اضافی حزب استفاده خواهد شد. ج/۱۳ بار دیگر تأکید کرد که شریعتمداری می‌خواهد هر چه زودتر در آذربایجان و سایر شهرستانها شروع کند «رجوع شود به گزارش ۱۰۶۳۶ - NIT راجع به اظهارات استاندار آذربایجان درباره کارهای تشکیلاتی طرفدار خمینی..... در استان وی». ج/۱۳ گفت شریعتمداری..... فکر نمی‌کند که الان زمان به نفع او باشد. ج/۱۳ گلگروف را به خاطر..... او به نظر خود، در مصرف نهایی هر دلار سرزنش کرد. ج/۱۳

گفت..... باید پی ببرد «یا ببریم -م» که بسیار به نفع ماست که شریعتمداری به قدر کافی احساس..... کند تا با نظریاتی به میدان بیاید که خمینی را به مبارزه بطلبد.

۳- ج/۱۳ آن‌گاه دربارهٔ تمایل ما برای در جریان نگاهداشتن شریعتمداری از حقیقت اوضاعی که در مناسبات ایران و آمریکا تأثیر دارند «پاراگراف ۷ تلگرام مرجع» سؤال کرد. گلگروف گفت که ما از اطلاع دادن خبرها به شریعتمداری خوشحال خواهیم شد، ولی با این حال هنوز خیلی مانده تا کم و کیف کار مشخص شود. در جریان ارائه خلاصه‌ای از اوضاع از نظر ما، گلگروف این امکان را مطرح کرد که دولت ایران شاید جداً علاقه‌مند باشد روابط دیپلماتیک را قطع کند. بسیار ضروریست که بهانه‌ای برای این کار، مثل اتهام دست داشتن با شریعتمداری به آنها داده نشود. ج/۱۳ گفته که این پیام را خواهد رساند.

۴- برای آنکه کانال ج/۱۳ به شریعتمداری را مدتی بیشتر فعال نگاه داریم، به ج/۱۳ گفتیم که سؤالاتی درباره اوضاع سیاسی محلی برای او خواهیم داشت که به مرتضی موسوی و شریعتمداری برساند. گلگروف به ج/۱۳ گفت که ما هنوز منتظر نظریات ستاد هستیم. قرار شده که تماس تلفنی بعدی با ج/۱۳ در ۲۶ خرداد صورت پذیرد که در طی آن سؤالات بیشتری را رد خواهیم کرد.

۵- از ج/۱۳ دربارهٔ وضع خودش سؤال شد. او می‌گوید که وی..... ایستاده و صبر می‌کند، اما با فقدان تضمینهای قابل اطمینان به سر کار خود بازمی‌گردد. ج/۱۳ گفت خود را خوب اداره می‌کند و به کمک از جانب ما احتیاج ندارد.

۶- قرارگاه توضیحات و توصیه‌های بیشتری را به‌طور جداگانه ارائه خواهد کرد.

۷- پرونده: ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱؛ ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۰ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

## سند شماره (۱۹)

۲۰ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۳۳۹۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
حساس اس. دی. ولید  
عطف به: الف - تهران ۵۳۳۷۶ ب - رئیس ۴۵۲۶۴۷

۱- گلگروف در تاریخ ۲۰ خرداد با حسن شریعتمداری در منزل وی ملاقات کرد. اس. دی. ولید / ۱ معرفی را انجام داد «گلگروف به عنوان «آقای فرانک» معرفی شد» و به درخواست حسن ماند تا به‌عنوان مترجم عمل کند. حسن انگلیسی را به حد کفایت می‌فهمد، اما مایل نیست به آن صحبت کند. این ملاقات ۴۰ دقیقه طول کشید و بسیار صمیمانه برگزار شد.

۲- مطابق توافق قبلی، و/ ۱ به حسن توضیح داد که «دوستان آمریکاییش» نام گلگروف را به‌عنوان مقام مناسب سفارتخانه آمریکا برای تماس داده بودند. گلگروف کارمند سیاسی سفارتخانه است. گلگروف می‌خواهد که ملاقات به نحوی بسیار معتدانه برگزار شود تا منافع هر دو حفظ گردد. حسن سؤالاتی در این مورد نکرد. او گفت که از فرصت ملاقات گلگروف و بحث با وی درباره امور سیاسی

استقبال می‌کند و در خاتمه گفته که «امیدوارم دوباره شما را ببینم». در رابطه با و/۱، حسن اینک از او انتظار دارد کار تشکیل شعبه آمریکای «واشنگتن» حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان را بین ایرانیان آنجا شروع کند. شاید ستاد بخواهد که با و/۱ طی اقامتش در آنجا در این باره بیشتر صحبت کند.

۳- شکل این ملاقات عمدتاً سؤال و جواب بود. اهداف آن اندازه‌گیری تمایل حسن به بحث صریح درباره اوضاع، سنجش جذابیت وی به عنوان کاندیدای عملیاتی و مقایسه محتوی و جهت کلی این ملاقات با پیامی که جداگانه از اس. دی. جانوس / ۱۳ به دست ما می‌رسد بود. ما انتظار هیچ پیشرفت اطلاعاتی نداشتیم و چنین چیزی هم نشد.

۴- حسن گفت که در هفته چهار روز را در تهران برای فعالیتهای حزب جمهوری خلق مسلمان و سه روز باقیمانده را در قم می‌گذارند. او قدری با حالت تدافعی می‌گوید که در این حزب «نامهای مهم» یافت نمی‌شوند، «او از نام بردن سران آن خودداری ورزید» و می‌گوید که به‌طور جدی در این زمان تلاش جهت همکاری با سایر احزاب سیاسی جریان ندارد. او مزاح کرد و گفت اکنون خیلی احزاب در حال شکل گرفتن هستند و تعداد خیلی کمی از آنها جدی گرفته می‌شوند لذا به دنبال ائتلاف با آنها بودن هنوز زود است. او..... که جبهه ملی با مشکلاتی روبه‌روست فقط برای آنکه به حزب قدیمی آن شکل دهد. حسن معتقد است که این انتظار بزرگی است که حزب یک تشکیلات سراسری در ایران برپا کند، اما با تمرکز بر بعضی نواحی خصوصاً آذربایجان می‌تواند یک حزب کارآمد ایجاد کرده و فکر می‌کند که برای این امر یک مهلت زمانی وجود دارد چون این در دست دولت است که پس از تصویب قانون اساسی هرگاه..... انتخابات «برای مجلس» را اعلام کند.

۵- او شغل خود را آماده کردن حزب برای رقابت..... انتخابات مجلس می‌داند. حزب به مرحله..... معرفی نامزدهایی برای تصدی مقام نرسیده است، تشکیلات فعلاً کار اصلی است که باید انجام گیرد.

۶- حسن از ابراز نظر درباره نقش مجاهدین، فداییان یا سپاه «پاسداران» انقلاب در سازمان دادن انتخابات خودداری ورزید. در رابطه با خواستههای اکراد و شاید سایر اقلیتهای کشور برای خودمختاری منطقه‌ای، حسن توضیح داد که دورنمای شورشهای مسلح در جهت خودمختاری عاملی در سیاست خارجی دولت خواهد بود. به نظر او نیروهای خارجی به‌طور وسیعی پشت این حرکات می‌باشند و اگر دولت بتواند این حامیان خارجی را به توقف فعالیتهایشان تشویق کند، مسئله رفع خواهد شد.

۷- هنگامی که ساخت نسبتاً خشک سؤال و بی‌جوابی جلسه شروع به نرم شدن نمود، حسن پرسید داستان حقیقی پشت جریان کاتلر چیست؟ گلگروف گفت که رسماً اعلام شده بود که ارتباط کاتلر با موبوتو در زئیر برای دولت ایران این معنی را در بردارد که از او برای ارتباطی استفاده شده بود که دولت موقت نمی‌خواهد در اینجا هم آن‌طور باشد. حدس ما این است که علت حقیقی مخالفت با کاتلر از عکس‌العمل..... به قطعنامه سنای آمریکا که از ایران خرده گرفته بود ناشی می‌شود. حسن پرسید که آیا به نظر ما حقیقتاً یزدی یا خمینی حامی این تصمیم درباره کاتلر بودند. ما گفتیم «خمینی»؛ حسن سر تکان داد. برای نشان دادن امکان اینکه بعضی خبرهای محرمانه را می‌توان با حسن مبادله کرد، ما پرسیدیم آیا او شنیده که انتظام می‌خواهد برود. حسن گفت که نشنیده و دو سؤال درباره آن نمود.

۸- هنگامی که ملاقات پایان پذیرفت، دوستانه دست داده شد و به‌طور رسمی و مقدماتی «شاید» گفته

شد به امید دیدار. اما مطمئنم که از حسن هیچ علامتی مبنی بر اینکه فرصت آینده برای تماس با آمریکاییها را مغتنم خواهد شمرد مشاهده نگردید. اظهارات و نظریات وی مجموعه‌ای خیلی سرد و مؤدبانه و برای وقت‌گذرانی بود. حسن کاملاً محتاط به نظر می‌آمد که شاید برای ملاقات اول طبیعی بود و اهداف آشکاری برای اینکه وی به آنها دست یابد نداشت. و ۱/ در ۲۲ خرداد ملاقات دیگری با حسن دارد که برای بحث این است که و ۱/ برای حزب در آمریکا چه کار باید بکند. به و ۱/ گفته‌ایم که گوش به زنگ هرگونه نظری که حسن ممکن است در آن موقع درباره ملاقات ۲۰ خرداد اظهار کند باشد.

۹- پرونده: ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱؛ ۹۵۹۵۱۱ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲۰)

سرّی

۳ تیر ۵۸ - اطلاعاتی

از: رئیس ۴۸۲۰۸۱

به: تهران رونوشت برای امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جدّه، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل‌آویو  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعاتی،

گزارش الحاقی ۷۹-۱۳۰۹۲ / ۳۱۵ - TDFIRDB است که باید مطابق خط مربوط به پخش از حوزه  
فعالیت پخش شود.

تاریخ پخش ۲ مرداد ۵۸

این یک گزارش اطلاعاتی است که بررسی نهایی اطلاعاتی نشده است.

طبقه‌بندی گزارش سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای  
بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر  
تهیه‌کننده - پخش فقط محدود به لیستی است که در پاراگراف آخر آمده است.

کشور: ایران

موضوع: ادعاهایی در مورد فعالیتهای افراطیون و برنامه‌های گروه سیاسی که از طرف شریعتمداری  
پشتیبانی می‌شوند. «تاریخ اطلاعات تیر - مرداد ۵۸».

منبع گزارش: مدیر تجاری ایرانی که قابلیت اطمینان به وی مشخص نشده است. او این اطلاعات را از  
یک فرد که امکانات و دسترسی خوبی دارد به دست آورده است.

۱- یک تاجر «بازاری» مهم به نام علی اسلامی با وضع خوب و طرفدار نظام بازاری قدیم با  
سرمایه‌گذاری‌هایی در کشاورزی و مزرعه‌پرورش دام، در حال حاضر محرم نزدیک و برنامه‌ریز تظاهرات  
برای آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری می‌باشد، اسلامی ادعا دارد که او سی هزار نفر اهالی جنوب شهر  
تهران را آماده راهپیمایی و تظاهرات بر علیه آیت‌الله روح‌الله خمینی دارد. اسلامی ادعا می‌کند که قادر  
است با یک اشاره و اعلام ظرف ۲ ساعت تظاهرکنندگان را به حرکت در بیاورد. او ادعا کرد بعد از سه ماه  
زندانی شدن در کمیته‌ها، رشوه داده و خود را آزاد کرده است. او بیان کرد که تظاهرکنندگان را یک ماه و نیم

بعد از زندانی شدن سازمان داده است.

۲- اسلامی دو مورد را که واحدهایش علیه خمینی عمل کرده بودند بیان کرد. اولین آن حمله‌ای بود که حدود سه هفته پیش با استفاده از نارنجک دستی به محل اقامت خمینی صورت گرفت. هدف این حمله این بود که به مردم به طور کلی ثابت شود که نیروهایی وجود دارند که قادر به مخالفت با خمینی باشند.

۳- دومین حادثه فرستادن تقریباً ۱۰۰۰ نفر زن ایرانی به قم برای پس گرفتن جواهرات شخصیشان بود که بلافاصله بعد از بیرون کردن شاه به جنبش خمینی اهداء کرده بودند. منظور از این عمل ثابت کردن عدم وفاداری به دولت فعلی آیت‌الله خمینی بوده است.

۴- برطبق اظهارات اسلامی وقت کاملاً برای مبارزه علیه خمینی مناسب است، اما یک رهبر سیاسی یا فرد مستبد و دیکتاتوری که، خلاء قدرت را پر کند وجود ندارد. موضوعی که افراد گروه در حال حاضر بر آن توافق دارند این است که هر مرد قدرتمندی که آنها می‌خواهند انتخاب کنند باید مطابق منافع و مورد قبول هم آمریکا و هم شوروی باشد و این احساس می‌شود که هیچ فردی غیر از شاه از عهده این کار بر نمی‌آید. اسلامی سپس اظهار داشت که گروه آنها برنامه‌ریزی کرده که از دست خلخال راحتی و خلاص شوند، البته اگر او قبلاً نمرده باشد.

۵- «نظریه ستاد مرکزی: برای آگاهی بیشتر در مورد روابط اسلامی با شریعتمداری تلگرام شماره ۱۵۸۶ به تاریخ ۱۱ خرداد ۵۸ که از سفارت آمریکا در تهران فرستاده شده را ملاحظه فرمایید».

۶- به دست آمده در تاریخ ۲۸ تیر ۵۸

۷- پخش از حوزه فعالیت: فرستاده شده به تهران - امان بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جدّه، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل‌آویو «فقط برای رؤسای هیئت‌های نمایندگی»

۸- پخش از واشنگتن:

قید می‌شود: فقط برای رئیس، به وزارت خارجه: منحصراً برای رئیس اطلاعات و پژوهشها. طبقه‌بندی گزارش سری - هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاورین پیمانکار - پخش و اقتباس تحت نظر تهیه‌کننده - تا تاریخ ۲ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود، تمام اجزای گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشد.

#### سند شماره (۲۱)

۲۸ تیر ۱۳۵۸ - اعضاء

سری

از: تهران ۵۳۷۱۳

به: رئیس

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس، کیو. آر. بولستر

عطف به: الف: تهران ۵۳۶۹۶ «۱۰۶۶۱ - N.T.I»، ب: رئیس ۴۶۹۴۷۰، ج: رئیس ۴۳۹۹۳۹

۱- رئیس قرارگاه ملاقات دو ساعته‌ای در ۲۵ تیر با اس. دی. جانوس/۱۳ و موسوی «که نام اولش مشخص نیست» داشت. همان طور که پیش‌بینی می‌شد، آنها به خاطر عدم تصمیم‌گیری دولت آمریکا در رابطه با پشتیبانی از شریعتمداری ما را سرزنش کردند و ترغیب نمودند فرصت را از دست ندهیم. ما سابقه اولین درخواستشان برای پشتیبانی را مطرح نمودیم و ج/۱۳ توصیه خود مبنی بر اینکه یک نماینده سیا

مستقیماً با شریعتمداری صحبت کند را دوباره اظهار داشت. اطلاعات این ملاقات به طور جداگانه گزارش شد.

۲- ج/۱۳ و موسوی هر دو - خصوصاً موسوی - به سادگی توقع داشتند کلام مثبتی در رابطه با پشتیبانی از شریعتمداری بشنوند و ج/۱۳ فکر می‌کرد که ما باید کاملاً از کوششهای سازمان امنیت داخلی که تحت نظر مصطفی چمران اداره می‌شود مطلع باشیم. به این ترتیب در جلسه ما سعی بر این شد که از این توقعات بکاهیم و در عین حال میل آنها را به همکاری حفظ کنیم.

۳- حتی با محسوب داشتن اینکه ناتوانی ما از دادن قول تأمین پشتیبانی مادی ممکن است مانع شده باشد آنها هر چه را که می‌دانند در میان بگذارند، باز هم ما این طور دریافتیم که حتی موسوی یعنی فرد رابط حقیقی، هم درباره تشکیلات یا برنامه شریعتمداری چندان اطلاعی ندارد. او اهداف شریعتمداری را ناسیونالیستی توصیف کرد و بعد هنگامی که قدری تحت فشار واقع شد گفت که شریعتمداری و حزبی نسبت به تمام «خارجیهایی» که برای اداره دولت بازگردانده شده بودند معترض بودند. او از یزدی، انتظام و قطب‌زاده به عنوان نمونه «خارجیها» نام برد. «مدتی بعد، موسوی این حرف را تکرار کرد و گفت این نظر خودش است و فکر می‌کند شریعتمداری هم همین نظر را دارد». ما خواستیم بدانیم که کمک ما اگر تأمین شود از آن چگونه استفاده‌ای به عمل خواهد آمد و جواب شنیدیم که نیازهای حزب دیگر عین آن موقع که موضوع برای بار اول مطرح شد نمی‌باشند. به گفته موسوی در ابتدا که تشویق شریعتمداری نسبت به خشونت خودسرانه کمیته‌ها او را واداشته بود تا مسلح کردن ۱۰۰۰/۰۰۰ آذربایجانی مقیم تهران را جهت ساقط کردن حاکمیت کمیته‌ها پیشنهاد کند، او «شریعتمداری» از پول ما برای خرید اسلحه لازم استفاده می‌نمود. اوضاع اکنون کمتر غیرعادیست و موسوی می‌تواند به ما بگوید که شریعتمداری دیگر چنین راه حل افراطی را پیشنهاد نمی‌کند، ما نتوانستیم بفهمیم که در واقع او پیشنهاد می‌کند که چه کاری انجام شود. برای ضبط در بایگانی عنوان می‌شود که در این رابطه به ما گفته شده که نیاز مالی حزب کمتر از موقعی که برای بار اول درخواست کمک شد مبرم است.

۴- موسوی گفت که رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای همکاری کامل با شریعتمداری..... اما قادر نبود هدف تاکتیکی یا استراتژیکی هر کدام از این دو را در تشکیل حزب جداگانه‌ای برای خود بیان کند. موسوی در جواب به سؤال درباره ائتلاف شریعتمداری با چهره‌های نظامی، قومی و مذهبی گفت که روابطی با مجاهدین خلق وجود دارد، اما از ما خواست برای به دست آوردن جزئیات نزد شریعتمداری برویم. «در اینجا نیز مانند سایر مواقع این طور دریافتیم که موسوی اگر چه شاید خبرهایی هم داشته که مجاز به طرح آن نبود، در حقیقت فرد مطلعی نبود».

۵- موسوی و ج/۱۳ همچنان بر مطلوبیت تماس مستقیم با شریعتمداری اصرار ورزیدند. در جواب سؤال ما درباره مخاطره‌ای که به واسطه تماس با مقام رسمی آمریکایی متوجه شریعتمداری می‌شود آنها پیشنهاد کردند که مأموری تحت پوشش روزنامه‌نگار این ملاقات را انجام دهد. جدا از مشکلات احتمالی پیرامون شیوه‌های کار پوششی ما فکر می‌کنیم که این فکر ارزش بررسی را داشته باشد. در صورتی که موسوی درباره تمایل شریعتمداری به رابطه مستقیم درست گفته باشد، یک جلسه تحقیقی تک نوبتی اما تمام و کمال که یک مأمور مجرب عملیاتی فارسی‌دان «آدلیسک؟» مجری آن باشد، آگاهی ما را از این رهبر کلیدی و تشکیلات و ائتلافات وی را به طور فوق‌العاده‌ای بالا خواهد برد.



۶- مانع عمده احتمالی همان است که قبل از عزیمت پکوئین در ستاد مورد بحث قرار گرفت «یعنی»:  
محرز نشده که زوج ج/۱۳ موسوی هنگامی که می خواهند از جانب شریعتمداری حرف بزنند از موضع قاطعیت سخن می گویند و قلت اطلاعات مستند حاصل از ملاقات ۲۵ تیر ماه دلگرم کننده نیست. یک اشکال بالقوه دیگر مرض وابستگی ایرانیها است «یعنی»: نیاز آنها به دریافت علامتی از برادر بزرگ چنان مصرانه است که آنها «حداقل ج/۱۳ و موسوی، اگر نگوئیم خود شریعتمداری» ممکن است موافقت ما به داشتن تماس مستقیم را به عنوان تعهد ضمنی ما به تأمین پشتیبانی تعبیر کنند هر چند که ما تکذیب نکنیم.  
۷- از وجه مثبت «قضیه» ممکن است که ما تأثیر اولین ملاقات ج/۱۳ و موسوی با بیگانه ای که خبر..... را دست کم گرفته باشیم، ممکن است آنها مطلعتر باشند و با بسط معنی ممکن است اعتبار نمایندگان پیش از آنچه نشان داده اند باشد. ما همچنین فکر می کنیم که اگر علاقه شریعتمداری قطعاً محقق شد ما می توانیم با تمهیدات دقیق این خطر را که تماس مستقیم توقعات زیادی را ایجاد می کند تقلیل دهیم. قرار است ملاقات بعدی با ج/۱۳ در ۶ مرداد صورت پذیرد و ما قبل از دیدار با وی از نظریات ستاد حتی اگر نظریات خام باشند استقبال می کنیم.

۸- لطفاً سوابق موجود درباره موسوی را ارسال دارید.

۹- به تازگی ترجمه مصاحبه..... با شریعتمداری را در FBIS لندن دیده ایم که در ۲۶ تیر انتشار یافت. توصیه می شود به آن توجه کنید.

۱۰- پرونده: ۵۱۴۹۰۶ - ۲۰۱، ۹۶۰۸۴۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲۲)

..... مرداد ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۹ ( ) ۵۳  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.  
اس. دی. جانوس. کیو. آر. بولستر  
عطف به: تهران ۳ ( ) ( ) ۵۳

۱- ملاقات با اس. دی. جانوس «ج/۱۳» و موسوی در..... مرداد برگزار شده هیچ یک از این دو اطلاعات مایه داری نداشتند که بدهند..... اصلی دستور کار پیشنهاد آنها در مورد تماس با شریعتمداری بود.

۲- ج/۱۳ می خواست بداند عکس العمل ستاد در مورد پیشنهاد تماس مستقیم با شریعتمداری چیست. ما گفتیم که ستاد به مزایای تماس مستقیم واقف است، اما اشکال کار در پیدا کردن کسی است که «۱» فارسی را به روانی تکلم کند «۲» و مباشرت وی با ساواک مانع آمدن وی به اینجا نشود. ج/۱۳ این را پذیرفت، و اظهار داشت که اگر کسی برای آمدن به اینجا پیدا نشد، ما می توانیم با آیت الله زنجانی «نام کوچکش مشخص نشد» تماس بگیریم. او گفت زنجانی جنبه ثانی شخصیت شریعتمداری می باشد و می داند که ج/۱۳ واسطه بین ما و..... است. ج/۱۳ گفت که زنجانی به انگلیسی تکلم نمی کند، ولی

می‌توان از پسر وی فرید که معمولاً در تهران است. به عنوان مترجم استفاده کرد. به گفته ج/ ۱۳، فرید در نیویورک زندگی می‌کند؛ طی مذاکرات اولیه درباره این موضوع آدرس وی به یکی از مأموران پیش از پکوئین داده شد.

۳- پرونده‌های قرارگاه چیزی درباره زنجانی ندارند و ما از ستاد..... سوابق و اطلاعات ارسال دارند. برای اطلاع شما: مشاور سیاسی زنجانی را به عنوان یار دیرینه بازرگان می‌شناسد، اما نتوانست این ادعا را تأیید کند که او با شریعتمداری رابطه صمیمی داشته است.

۴- در گفتگو درباره..... وقت کفایت نکرد و ما به هر صورت ترجیح دادیم..... بیشتر را به دریافت اطلاعات ستاد درباره این موضوع موکول کنیم. سؤالات..... جواب در ذیل آمده:

الف - آیا زنجانی واقعاً رابطه با..... به وسیله ج / ۱۳ دارد؟

ب - اگر دارد، آیا وی درباره..... تشکیلات و طرح..... که نمی‌توانیم از..... و موسوی به دست آوریم به ما..... خواهد داد؟

ج - آیا در تماس با زنجانی به جای تماس مستقیم با شریعتمداری مزایای امنیتی چشمگیری وجود دارد؟

۵- ستاد هنوز در مورد پیشنهاد ج / ۱۳، ذکر شده در پاراگراف..... تلگرام مرجع اظهار نظر ننموده است. ما هنوز معتقدیم که این پیشنهاد شایان بررسلست،.....

..... درخواست می‌شود ستاد نظر خود را در مورد این..... اعلام دارد. همچنین درخواست داریم در رابطه با پاراگراف چهارم فوق اطلاعات داده شود.

۶- قرار شده ملاقات بعدی با ج / ۱۳ در ۱۶ مرداد صورت گیرد.

۷- پرونده: ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱، تا تاریخ..... مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲۳)

سرّی

به: تهران

۲۳ مرداد ۵۸ - اعضاء

از: رئیس ۴۹۴۱۹۰

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. کیو. آر. بولستر

عطف به: تهران ۵۳۸۵۹

۱- تلگرام تهران ۵۲۹۶۹ مورخ ۱۷ اردیبهشت ۵۸ خواستار سوابق سعید فرید که در کار انتشاراتی در نیوجرسی است شده بود. تلگرام رئیس ۴۳۶۲۱۱ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۵۸ گزارش کرد که یک نفر به نام محمد سعید فرید در سال ۱۳۴۴ دانشجوی دانشگاه نیویورک و از فعالان توده و دارای پرونده شماره ۷۷۸۰۹۱ - ۲۰۱ بود. تلگرام تهران ۵۳۸۵۹ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ در جواب گزارش کرد که فرید پسر آیت‌الله سنجابی «زنجانی» است. ستاد پرونده ۷۷۸۰۹۱ - ۲۰۱ را مرور کرده و در مورد آیت‌الله

زنجان‌ی ردگیری‌هایی به عمل آورد که نتایج آن ذیلاً ملاحظه می‌شود.

۲- فرد شماره ۷۷۸۰۹۱-۲۰۱ محمد سعید فرد به طوری که در خرداد «یا تیر» ۱۳۴۴ گزارش شد دانشجوی نیمه وقت دانشگاه نیویورک و فعال در توده بود. تاریخ و محل تولد: ۸ مرداد ۱۳۱۵ «یا ۱۳۱۱»، زنجان، ایران. در ۱۳۴۶ به استخدام شرکت البسه لانا واقع در مونت کلر علیا نیوجرسی در آمد. نشانی: شماره ۳۸۰ جاده رودخانه علیا آپارتمان ۱۴-۱..... نیوجرسی. از یک فرد به نام م. سعید فرید به عنوان معاون امور بین‌الملل ISA آمریکا تا شهریور ۱۳۴۵ یاد شده است. مطابق تلگرام ۱۹۱۳۰- NITA مورخ ۳۱ خرداد ۱۳۴۴ م- سعید فرید به عنوان دانشجوی نیمه وقت دانشگاه نیویورک ثبت نام کرده و پدرش آیت‌الله سید فرید سابقه فعالیت توده‌ای در ایران دارد. گزارش وزارت خارجه در تاریخ ۱۵ مهر ۴۶ اعلام داشت که محمد سعید فرید با همان تاریخ و محل تولد فوق در سال ۱۳۳۸ وارد آمریکا شد. در مهر ۴۴ درخواست PRA نمود. در استخدام شرکت البسه لانا بوده مقیم پاسایک، همان طور که فوقاً ذکر شد. نام کامل وی محمد سعید فرید زنجان‌ی اعلام شد. گزارش ۱۵۲۱- NITA مورخ ۲۴ شهریور ۴۶ که گزارش چهاردهمین کنگره سالانه ISA بود اعلام داشت که محمد س. فرید معاون SAN «عیناً نقل شده» و رهبر شعبه نیویورک گروه SPLINE است که شعبه نیویورک در پاسایک را تشکیل داده بود.

۳- آیت‌الله حاج آقا رضا زنجان‌ی مشهور به رضا زنجان‌ی مشهور به ملا سید رضا زنجان‌ی فرد شماره ۱۰۶۰۵۴-۲۰۱ و دارای نام رمز هویت الف می‌باشد تاریخ تولد حدود ۱۲۸۴ دوست دیرینه و نزدیک منبع ذخیره تهران، اس. دی. روپ/۱ بود که قرارگاه را در جریان فعالیت‌هایش قرار می‌داد. اس. دی. روپ/۱ گاهی اوقات مایل نبود با زنجان‌ی تماس بگیرد، چون ساواک او «زنجان‌ی» را تحت مراقبت قرار می‌داد. زنجان‌ی تعداد وسیعی رابط در سرتاسر ایران منجمله سیاسیون ناراضی و افراد سرشناسی که عضو دستگاه نبودند از جمله بازاریها داشت. وی قویاً ضد دولتی بود، زنجان‌ی همراه با باقر کاظمی و بختیار از جانب دکتر محمد مصدق جهت تشکیل یک شورای اجرایی سه نفره انتخاب شدند تا بر فعالیت‌های جبهه ملی سوم جدید که براساس دستورات مصدق توسط کاظمی در حال تشکیل بود نظارت داشته باشند. گزارش ۱۹۱۳۰- NITA مورخ ۳۱ خرداد ۱۳۴۵ اعلام داشت که رابط قرارگاه به نام جلال یزدی «دارای نام رمز هویت ب، ۷۸۰۱۲-۲۰۱ مهندس شرکت نفت» مأمور قرارگاه مدنسکی را به برادر زنش «یا شوهر خواهرش» که پسر آیت‌الله زنجان‌ی بود معرفی کرد. آن فرد «برادر زن یا شوهر خواهر» که نامش س. رحیم فرید بود تابعیت آمریکایی را پذیرفته و با یک تبعه آمریکایی ازدواج کرده و چهار فرزند داشت. مطالعاتی در دانشگاه هال نیویورک داشته، نشانی: صندوق پستی ۱۰۸، برازین، ایندیانا، متخصص جراحی عمومی بود و شماره پرونده ۷۷۸۰۹۰-۲۰۱ برای وی تعیین شد. برادر کوچکترش نامش م. سعید فرید بوده، تاریخ و محل تولد حدود ۱۳۱۱ دانشجوی دانشگاه نیویورک که شماره پرونده ۷۷۸۰۹۱-۲۰۱ برای وی تعیین شد. تلگرام تهران ۶۲۶۳ مورخ ۷ مهر ۳۵ گزارش داد که مقامات هیئت دیپلماتیک سوریه در تهران از طریق سید رضا زنجان‌ی در تماس با نهضت مقاومت ملی بودند. نهضت مقاومت ملی مطالبی مربوط به طرز تلقی ایران در مورد «کانال -م» سوئز به سوریه‌ها می‌دادند تا در رادیو قاهره پخش شود.

۴- مرور پرونده، ادعای نزدیکی زنجان‌ی به شریعت‌مداری را تأیید نمی‌کند، اما البته امکان آن را نیز رد نمی‌کند. چون در مورد زنجان‌ی اختلاف زبانی آشکاری وجود دارد و لازم خواهد بود که از طریق پسرش

فرید ارتباط گرفته شود، قسمت اعظم کار به مدت اقامت فرید در تهران و نظر قرارگاه نسبت به مناسب بودن یا قابلیت اطمینان به وی بستگی خواهد داشت. در مجموع ستاد تمایلی به تعقیب این هدف ندارد. ۵- اظهار نظر درباره سایر جهات کار به طور جداگانه ارسال خواهد شد. ۶- پرونده: ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱، ۷۷۸۰۹۱ - ۲۰۱، ۱۰۶۵۴ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۲ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲۴)

۶ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۴۰۵۰  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
عطف به: تهران ۵۴۰۵۱ «۱۰/۷۰۰ - NIT»  
۱- خیر گزارش مرجع را اس. دی. جانوس/۱۳ از موسوی گرفت. موسوی..... حضور داشت و ج/۱۳ کار ترجمه را انجام می‌داد و ما توانستیم چند نکته را که در دفعه اول انتقال مطلب مبهم بودند توضیح دهیم..... از موسوی پرسیدیم آیا این خبر را مستقیماً از شریعتمداری اخذ کرده، ولی او چیزی از خود بروز نداد.  
۲- بدون پرونده. تا تاریخ ۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سرّی

به: رئیس

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲۵)

۱۵ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۵۰۸۵۰۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
اس. دی. جانوس  
عطف به: الف - تهران ۵۴۱۱۵ ب - تهران ۵۴۰۵۷ ج - رئیس ۴۹۴۱۹۰  
۱- به طور کلی موافقیم که با زنجانی به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره حزب خلق مسلمان و شریعتمداری ملاقات شود و اس. دی. جانوس/۱۳ «ج/۱۳» هم کار ترجمه را به عهده داشته باشد. پسر زنجانی را باید به این صحنه وارد نکرد. پکوئین باید برای زنجانی روشن سازد که این ملاقات به منظور جمع‌آوری خبر است و هیچ معنای تعهد، پشتیبانی یا چیز دیگر نباید از آن تعبیر شود.  
۲- مایلیم بدانیم آیا شریعتمداری از این ملاقات آگاهی دارد و آیا زنجانی خود را سخنگوی وی تلقی می‌کند. پیش‌بینی ما این است که این ملاقات موقعیت ج/۱۳ در رابطه با نیروهای شریعتمداری را ارتقاء خواهد داد و امیدواریم دسترسی وی به اخبار راجع به حزب خلق مسلمان را بیشتر کند و همچنین به او

سرّی

به: تهران

نشان خواهد داد که کوششهایش برای ما ثمراتی داشته است.

- ۳- دریافت اطلاعات بیشتر درباره ترتیبات ملاقات و نقش پوشش که مأمور قرارگاه می خواهد ایفا کند، موجب امتنان خواهد بود. لطفاً توضیح دهید آیا به موسوی گفته شده که پکوئین مأمور سیا است.
- ۴- پرونده: ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲۶)

سرّی

۲۲ شهریور ۵۸ - اعضاء

به: رئیس، تهران

از: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۶

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

ردگیری. اس. دی. بیپ

عطف به: رئیس ۵۱۰۷۲۵ «به تهران ارسال نشده»

۱- در ملاقات ۲۰ شهریور، اس. دی. بیپ «ب / ۱» «هویتش برای تهران داده می شود» که منبع ذخیره جدید است به رنسکله مأمور پایگاه فیلادلفیا که به عنوان مأمور سیا و با نام مستعار بود موضوع احتمالاً عملیاتی ذیل را داد:

نام: علی اکبر شهلا «شخص مورد نظر»

تاریخ و محل تولد: حدود ۱۲۹۸، تبریز، ایران.

تابعیت: ایرانی

شغل: رئیس شرکت فرعی شیشه آلات وارداتی که متعلق به دولت چکسلواکی است و محل آن بخش

بازار تهران است.

نشانی: بازار، تهران.

۲- فرد مورد نظر دوست شخصی و قدیمی ب/۱ و از اقوام درجه اول و معتمد آیت الله کاظم شریعتمداری است. ب/۱ به رنسکله گفت که می داند زمانی که در ایران بود فرد مورد نظر و شریعتمداری مرتب هر جمعه با هم ملاقات می کردند. ب/۱ ایران را در «۲۶ بهمن ۵۷» ترک کرد. به گفته ب / ۱، مشارالیه همواره غیرسیاسی بوده تا از فلسفه شریعتمداری مبنی بر اینک رهبران دینی «و خانواده‌هایشان» باید به جای اداره امور حکومتی در مساجد حاضر شوند تبعیت کرده باشد. با این وجود وی به واسطه نفوذ «بی صدای» خود در قاطبه آذربایجانی بازار برای شریعتمداری پر ارج بوده است. ب/۱ وی را فردی عمیقاً مذهبی و قویاً ناسیونالیست دانست. او در ایران تحصیل کرده و حداقل یک دختر دارد که منشی شخصی ب/۱ در تهران بود. وی به فارسی و ترکی تکلم می کند. فرد مذکور چند باری مسافرتهای تجاری به آلمان و چکسلواکی داشته و هنوز نیز با داشتن دلایل قابل قبول «و روابط خانوادگی با شریعتمداری» می تواند آزادانه به خارج از ایران مسافرت نماید.

۳- ب / ۱ به رنسکله گفت که حاضر است از کانال تلفنی مخفی خود با..... استفاده کرده تا از طرف سیا ترتیب ملاقاتی را در آینده با مشارالیه در اروپا بدهد - ب/۱ داوطلب شد تا هنگامی که در اواخر این

ماه «اوائل مهر - مترجم» به لندن و پاریس می‌رود اقدام به تماس با فرد مورد نظر نماید تا از طرحهای وی برای دیدار از اروپا در این سال اطلاع یابد. ب/۱ همچنین داوطلب شد تا اگر با فرد مذکور ملاقات نمود مأمور سیا را «به عنوان مستعار مأمور دولت آمریکا» معرفی نماید. ب/۱ مؤکداً اظهار داشت که این فرد معتمدترین دوست شریعتمداری است و بنابراین دسترسش به شریعتمداری و نفوذش در وی عالی است. ب/۱ هنگامی که به رنسکله گفت که می‌تواند «به نحوی مطمئن» از این فرد درخواست ملاقاتی در خارج از ایران بنماید و او نیز به این دعوت جواب مساعد بدهد به اندازه کلام قبلیش اصرار داشت. ب/۱ گفت که مطمئن است که فرد مذکور قبل از دعوت ب/۱ با شریعتمداری مشورت خواهد نمود و شریعتمداری تأیید خواهد نمود.

۴- ب/۱ نیز بواسطه موقعیت خانوادگی ممتاز خود و منابع مالیش رابطه دیرینه‌ای با آیت‌الله شریعتمداری داشته است. ب/۱ گفت که آخرین ملاقات حضوریش با شریعتمداری در حدود ۱۳۵۷ در قم طی ادوار اولیه انقلاب اسلامی در ایران صورت پذیرفت. آخرین تماس ب/۱ با شریعتمداری مخفیانه در ۱۸ اردیبهشت ۵۸ به صفحه روزنامه‌های ایرانی راه یافت. ب/۱ متهم به داشتن فعالیت‌های «ضد انقلابی» در لندن شده بود. ب/۱ گفت که در آن هنگام وی از کانال تلفنی مخفی خود استفاده نمود تا به شریعتمداری بگوید که آن اتهامات صحت ندارند. شریعتمداری با استفاده از همان کانال به ب/۱ پیام فرستاد که او «باید مداوای خود را در آمریکا ادامه دهد و هرگاه مناسب بود از او خواهم خواست که بازگردد» «به ایران». ب/۱ به رنسکله گفت که فرد مورد نظر در این تماس‌های بین ب/۱ و شریعتمداری نقش واسطه را داشت.

۵- ب/۱ به رنسکله گفت که پدرش و شریعتمداری دوستان نزدیکی با هم بوده‌اند. در سال ۱۳۵۲ ب/۱ در عمل به وصیت پدر در حال احتضار خود مبنی بر اینکه مبلغ معتناهی از ثروت خانواده ب/۱ به شریعتمداری داده شود کوشا بود. ب/۱ گفت که کمک قابل توجه دیگری نیز در سال ۱۳۵۴ به دنبال مرگ پسرش «در یک سانحه رانندگی خارج از سانفرانسیسکو» به عنوان عشریه «ده یک» اعطا نمود. ب/۱ گفت که این دلایل دوستی وی با شریعتمداری و فرد مورد نظر محکم خواهد ماند و اگر شریعتمداری از او بخواهد به ایران بازگردد و امنیت وی را تضمین کند در عمل به آن تردید نخواهد کرد.

۶- گزارشهای دیگری درباره ملاقات ۲۰ شهریور بین ب/۱ و رنسکله با تلگرامهای غیرفوری ارسال خواهند شد. احتیاجات «اطلاعاتی» مندرج در تلگرام مرجع جهت استفاده در رابطه با ب/۱ برای ملاقات ۲۰ شهریور خیلی دیر آمدند و به ملاقات بعدی که قرار است در ۲ مهر بلافاصله قبل از مسافرت ب/۱ به اروپا برگزار گردد موکول می‌شوند.

۷- برای ستاد: تحقیق کنید آیا کامینسکی می‌تواند در ۲ مهر برای ملاقات با ب/۱ و رنسکله در اتاق هتل فیلادلفیا رأس ساعت ۱۲/۰۰ حضور یابد.

۸- پرونده: ۹۶۱۵۸۷ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۲ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۲۷)

۲۲ شهریور ۵۸  
از: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۷  
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ردگیری  
عطف به: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۶  
۱- هویت - منوچهر نیک‌پور<sup>۱</sup>  
۲- تا تاریخ ۲۲ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.  
سری

سند شماره (۲۸)

۲۸ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۵۱۶۳۳۲  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
اس. دی. بیپ  
عطف به: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۶  
۱- بابت اطلاع تلگرام مرجع درباره اس. دی. بیپ ۱/ «ب/۱» با شریعتمداری متشکریم. در حال حاضر می‌خواهیم هیچ اقدامی برای تماس با دوست ب/۱ انجام ندهیم اما همچنان مایلیم به هر چه ب/۱ می‌خواهد درباره شریعتمداری رد کند گوش فرا دهیم. برای اطلاع شما عنوان می‌شود که قرارگاه تهران چند ماهی با پیروان شریعتمداری که خواستار قراردادن سیا در تماس مستقیم با شریعتمداری بوده‌اند تماس داشته است. هنوز به واسطه اشکالات امنیتی و سیاسی لاینفک قضیه ما کانال مستقیم ارتباطی با او برقرار نکرده‌ایم. در حقیقت کاملاً مطمئن نیستیم که او واقعاً خواهان یک رابطه مستقیم با ما است. قرارگاه تهران در جهت مشخص کردن این مطلب فعالیت می‌کند.  
۲- کامینسکی قصد دارد مسافرت به فیلادلفیا برای ملاقات مذکور در تلگرام مرجع به تاریخ..... شهریور «یا مهر» را از طریق مترو لاینر انجام دهد. وی ساعت ۰۸/۰۰ از واشنگتن حرکت می‌کند و کمی بعد از ساعت ۱۰/۰۰ وارد خواهد شد. درخواست می‌شود رنسکله در ایستگاه خیابان سی ام به ملاقات بیاید تا پیش از ملاقات «مذکور در تلگرام مرجع» ساعتی برای مذاکره درباره قضیه دست دهد. طول قد کامینسکی..... فوت و..... اینچ و وزنش ۱۵۰ پوند می‌باشد. موهای قهوه‌ای کم‌رنگ دارد و لباس طرح شطرنجی به تن خواهد داشت.  
۳- درباره فرد مورد اشاره تلگرام مرجع سابقه‌ای موجود نبود.  
۴- پرونده: ۹۶۱۵۸۷ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری  
سری

۱- منوچهر نیک‌پور نام اصلی اس. دی. بیپ است.

سند شماره (۲۹)

۲۸ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۴۲۵۱  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
کیو. آر. بولستر. اس. دی. جانوس  
عطف به: رئیس ۵۰۸۵۰۹

۱- به علت در دسترس نبودن اس. دی. جانوس / ۱۳ نتوانسته‌ایم روی تأییدیه ستاد برای ملاقات با زنجانی اقدام کنیم. مطابق دستورالعمل خود وی، برای تماس با او به منزل دوست فرانسه زبان او زنگ زده‌ایم. اما هرگاه که تماس گرفته‌ایم او آنجا نبوده است و دوستش فقط گفته که فکر می‌کند ج/ ۱۳ در فکر یک مسافرت است.

۲- در آخرین ملاقاتمان، ما شماره خط تلفن مستقیم قرارگاه را به ج / ۱۳ داده‌ایم، او از آن استفاده نکرده است.

۳- ما تلاش خود برای تماس با ج / ۱۳ را ادامه خواهیم داد و ..... را اطلاع خواهیم داد.

۴- پرونده: ۱۴۹۰۶۶ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۳۰)

از: تهران.....  
به:.....،.....

۱-..... اس. دی. جانوس / ۱۳ در منزل دوستش..... و تمایل خود به برگزاری یک ملاقات را نشان دادیم. در..... سپتامبر او و موسوی را دیدیم. ج/ ۱۳ گفت که غیبتش به علت این بود که دخترش در پاسادنا تحت یک جراحی مهم در قسمت پشت قرار داشت و او به هر دری می‌زد تا برای دیدن او اجازه خروج از کشور بگیرد. درخواست وی اینکه در دست چمران است تا به نخست‌وزیر برساند. در عین حال، ج/ ۱۳ درخواست می‌کند که ما جویای احوال دخترش بشویم: او به اخباری که توسط..... به دست آورده راضی نیست. او گفت که کامینسکی می‌تواند از طریق پسر ج/ ۱۳ پرس و جو شود. متشکر خواهیم شد اگر ستاد در این مورد جویا شود. قرار شده ملاقات آینده با ج/ ۱۳ در ۱۲ مهر برگزار گردد.

۳- موسوی می‌گوید زنجانی از پایگاه محبوبیت خاص خود در بین ترکهای آذربایجانی برخوردار است «شاید به همین دلیل شریعتمداری ضمن توصیف..... برای اس. دی. پروب / ۱، مدعی حمایت فقط سه میلیون..... می‌شود.....»



سند شماره (۳۱)

سرّی  
به: رئیس

۱۷ مهر ۵۸ - اعضاء

از: تهران ۵۴۴۳۵

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. اس. دی. پروب

عطف به: الف - تهران ۵۴۳۵۶ ب - ۵۲۴۴۲۳

۱- هنوز اس. دی. جانوس/۱۳ «ج/۱۳» را برای تدارک نهایی ملاقات با زنجانی ندیده‌ایم، از طریق دوست فرانسه زبان ج/۱۳، ملاقات مقرر در ۱۲ مهر را دو روز به تأخیر انداختیم. این تأخیر برای پذیرایی از یک دیدارکننده که در ارتباط با شغل پوششی رئیس قرارگاه است بود. نه ج/۱۳ و نه موسوی هیچ کدام در موعد مقرر حاضر نشدند، ما استنباط می‌کنیم که واسطه «تماس» دستورالعملهای ما را مخدوش نمود. موسوی در ۱۵ و ۱۶ مهر به تلفن خود جواب نداد و ج/۱۳ هم از شماره تلفنی که چند هفته پیش به وی داده شد استفاده نکرده است.

۲- در آخرین ملاقات با اس. دی. پروب/۱ «پ/۱» مادر مورد محبوبیت فردی زنجانی و رابطه‌اش با شریعتمداری از وی سؤال کردیم. پ/۱ گفت که زنجانی بیشتر سیاسی است تا مذهبی و بین روشنفکران به اندازه متوسطی طرفدار دارد. او نفوذ زنجانی در آذربایجان را قابل چشم‌پوشی دانست. پ/۱ گفت که تماسهایی بین زنجانی و شریعتمداری وجود دارد و او در ملاقاتی که با شریعتمداری داشت زنجانی را هم دید. آن ملاقات هنگامی صورت گرفته که شریعتمداری پس از رمضان در سر راهش از مشهد به قم در تهران توقف نمود. پ/۱ روابط آنها را به طور خاصی نزدیک به حساب نمی‌آورد.

۳- ما آنچه را که در بالا ذکر شده هنگام تنظیم سؤالات برای مصاحبه با زنجانی که هنوز امیدواریم ترتیب آن را بتوانیم بدهیم در نظر خواهیم گرفت.

۴- از کمکی که در تلگرام مرجع ب مبذول داشتید تشکر می‌کنیم. اگر ج/۱۳ خود را نشان داد اطلاع خواهیم داد.

۵- پرونده: ۲۳۷۹۲۶ - ۲۰۱، تا تاریخ ۱۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

سند شماره (۳۲)

به: رئیس

از: تهران ۵۴۴۹۰

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس

عطف به: تهران ۵۴۴۳۵

۱- با آن واسطه «که اس. دی. جانوس/۱۳ اکنون می‌گوید شوهر خواهر یا برادر زن وی است» تماس گرفته و قرار ملاقات با ج/۱۳ را گذاشتیم که در ۲۲ مهر انجام گرفت. او گفت که موسوی مطابق توافقمان به قم رفته، تأیید شریعتمداری برای آن ملاقات با زنجانی را گرفته و این کلام را نزد زنجانی برده.....

سند شماره (۳۳)

۲۴ مهر ۵۸ - اعضا  
از: تهران ۵۴۵۰۱  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
اس. دی. ولید. اطلاعاتی  
عطف به: تهران ۵۴۵۰۰

۱- در تاریخ یکشنبه ۲۳ مهر، در خلال سفر به مناطق دریای خزر اس. دی. ولید/۱ «و/۱» با افراد مهم قبایل ترکمن که اهل ناحیه گناباد بودند به بحث سیاسی نشست. اهالی این قبایل شدیداً مخالف دولت فعلی هستند و اظهار می‌دارند که می‌خواهند مبارزه مسلحانه را شروع کنند. آنها به هر حال گفتند که آیت‌الله شریعتمداری این کلام را به آنها رسانده که فعلاً مقاومت مسلحانه را شروع نکنند «و/۱» از شنیدن این مطلب که تنها ممانعت شریعتمداری، ترکمنها را از جنگ بازداشته خیلی متعجب شد و صحت و سقم این موضوع را از حسن شریعتمداری سؤال خواهد کرد.  
۲- پرونده: ۹۵۹۵۱۱ - ۲۰۱. تا ۲۴ مهر ۷۸ در بایگانی حفظ شود.  
تماماً سری

سند شماره (۳۴)

متن بازجویی اهرن در مورد فرازیان

اس. دی. جانوس / ۱۳. آقای فرازیان. مقام عالی‌رتبه سابق ساواک «احتمالاً سرتیپ یا سرلشکر» تخصص: تحلیل اطلاعاتی. دفتر: طبقه دوم یا سوم «ستم چپ پلکان» در یک ساختمان اداری که درست شمال فروشگاه روسی واقع در نادرشاه سابق قرار دارد.  
سن: ۵۵ - ۵۰

غرض از تماس: «۱» خبر درباره تشکیلات و مأموریت ساواکا که آقای فرازیان یکی از مشاوران بدون حقوق (?) آن بود «۲» خبر درباره نقش روحانیون در سیاست ایران، آقای فرازیان پیشنهاد کرد از طریق یک آشنای خود به نام آقای موسوی ترتیب یک ملاقات با آیت‌الله شریعتمداری را بدهد. واشنگتن فکر کرد که ممکن است در مورد مقاصد این ملاقات سوء تفاهم روی دهد و آن را تصویب نکرد. ظاهراً به پیشنهاد آقای موسوی، آقای فرازیان اعلام کرد که آیت‌الله زنجانی هم فرد مطلعی است اما با هیچ حزب سیاسی همراه نیست. واشنگتن اصل قضیه را تصویب کرد. قرار بود که از زنجانی خواسته شود مشخص نماید آیا شریعتمداری خبری دارد که بخواهد برساند. تا تاریخ ۱۳ آبان این ملاقات برگزار نشد.

اس. دی. جانوس / ۱۳

راه‌های تماس: تماس با آقای فرازیان در دفترش یا در منزل خویشاوند وی «بردار زن؟» ترتیب داده می‌شد. محل ملاقاتها در دفتر وی بودند.

در رابطه با مورد ۱ فوق: راجع به طرحهایی برای استخدام مأموران سابق ساواکا که علیه سفارتخانه‌های خارجی کار کرده بودند و راجع به هدف‌گیری ساواکا در رابطه با سفارتخانه‌های کمونیستی، اروپای غربی و ایالات متحده از او خبر گرفته شد.

پرداخت: هیچ

آقای موسوی یک فرد عادی «غیرروحانی، غیرنظامی» و یک بازرگان است «نوع تجارت وی را نمی‌دانیم». سن: ۵۵ - ۵۰ او دفتری در شمال تهران دارد. او طرفدار شریعتمداری است اما اینکه آیا او مستقیماً با آیت‌الله مرتبط هست یا نه را نمی‌دانم.

#### سند شماره (۳۵)

#### اظهارات اهرن در مورد فرازیان

اس. دی. جانوس / ۱۳،

#### آقای فرازیان

آقای ف در پیش از انقلاب با قرارگاه تماس رسمی داشت، پس از انقلاب او با تلفن تماس خود را حفظ کرد. اولین ملاقات با وی در اوائل یا اواسط مرداد در دفترش واقع در ساختمانی درست شمال سویر مارکت روسی خیابان نادرشاه سابق صورت گرفت. در یکی از ملاقاتهای اولیه، آقای ف آقای موسوی را با خود آورد و وی را یک بازرگان معرفی نمود.

ملاقاتها بر یک اساس غیرمنظم به طور متوسط هر سه یا چهار هفته یک بار انجام می‌گرفتند. آقای ف گفت که به عنوان یک مشاور غیررسمی و حقوق‌نگیر در زمینه تشکیلات ساواما با مصطفی چمران در تماس است. وی گفت که در بعضی از جلسات مقامات ساواما شرکت می‌کند؛ که او یا در رابطه با چنین جلساتی یا از طریق قرار ملاقاتهایی که خودش ترتیب می‌داد با مهدی چمران در تماس بود. آقای ف درباره موضوع یک جلسه که در آن اولویتهای عملیاتی مورد بحث قرار گرفت گزارش داد. اکثر شرکت‌کنندگان می‌خواستند اولویت اصلی را برای فعالیتهای اطلاعاتی که به سفارت شوروی نسبت می‌دادند و اولویت دوم را برای سفارت آمریکا تعیین کنند. یک شرکت‌کننده خواستار آن بود که اولویت اصلی برای سفارت آمریکا تعیین شود. آقای فرازیان نام این مقام را داد، اما من به خاطر ندارم.

در همین زمینه، آقای فرازیان در مورد پیشنهاد اینکه ساواما حدود ۵۰ مأمور سابق ساواک را در کار ضداطلاعاتی علیه سفارتخانه‌های بیگانه تجربه داشتند به استخدام آورده شرح داد. در این پروژه تغییرات گوناگونی داده شد: ابتدا، قرار شد که آنها به دور نیمه وقت استخدام شوند؛ سپس قرار شد که تمام طرح کنار گذاشته و تمام مقرریهای مأموران سابق ساواک لغو گردد، سپس قرار شد که حداقل تعدادی از آن ۵۰ نفر به طور تمام وقت استخدام شوند.

آقای موسوی به عنوان یک حامی اما نه نماینده شریعتمداری معرفی شد. «آقای ف گفت که موسوی پکوئین را فقط به عنوان یک مأمور سفارتخانه می‌شناسد». نه آقای ف و نه موسوی ظاهراً در مورد دیدگاههای شریعتمداری یا تشکیلات و برنامه حزب سیاسی وی اطلاع درستی نداشتند و پیشنهاد کردند که بین شریعتمداری و مأموران ترتیب یک ملاقات براساس «فقط خبری»، را بدهند. واشنگتن این را تصویب نکرد، به این دلیل که ممکن است شریعتمداری از مقاصد، سوء تعبیر پیدا کند و چون مسافرت به قم سخت است، آقای ف و موسوی آن گاه اظهار نظر کردند که آیت‌الله زنجانی می‌تواند در مورد حزب شریعتمداری و همچنین هرگونه نظر گاهی که شریعتمداری بخواهد انتقال دهد خبر در اختیار گذارد. تا ۱۳ آبان می‌دانستیم که آقای موسوی مشغول تهیه مقدمات یک ملاقات با آیت‌الله زنجانی است.

سند شماره (۳۶)

متن اظهارات اهرن در مورد

اس. دی. ولید / ۱، اس. دی. ولید / ۱

گلگروف در ماه مه یا اوائل ژوئن با حسن فرزند آیت‌الله شریعتمداری ملاقات نمود. اطلاعات مربوط در این مورد خالی از تردید نمی‌باشد. لیکن عقیده بر این است که اس. دی. ولید / ۱ این ملاقات را ترتیب داده و به‌عنوان مترجم در آن عمل می‌کرد. علاوه بر این گویا به حسن گفته نشده بود که گلگروف تنها یک مقام سفارتی نیست. (احتمالی دیگر اس. دی. فوروارد / ۱ است اگر چنانچه فکر می‌کنم خود اس. دی. ولید / ۱ بوده، وی متعاقباً سفری به آمریکا کرد و چنانکه ذکر شد از آن بازگشت).

### بسمه تعالی

نام اصلی: رحمت الله مقدم مراغه‌ای

نام رمز: اس. دی. پروپ

مقدم مراغه‌ای از سال ۱۳۳۲ دوست دیرینه قرارگاه سیا در تهران بوده، و از آبان ۱۳۴۰ تأییدیه عملیاتی برای استفاده در دادن گزارشهای سیاسی و همچنین تبلیغات خصمانه مخفی «بر علیه مخالفان آمریکا» برای وی صادر شده است. سند این مطلب در اسناد پرونده شریعتمداری «سند شماره ۱۲» می‌باشد. پس از انتصاب مراغه‌ای به سمت استاندار آذربایجان از سوی دولت موقت، آمریکاییها تصمیم می‌گیرند از طریق اس. دی. پرنک مجدداً رابطه خود را برقرار کنند. ظاهراً این امر صورت نمی‌گیرد تا اینکه در مرداد ماه ۵۸ قرار می‌شود به محض اینکه مقدم از آذربایجان به تهران بازگشت، هاسه گاوا، یکی از عوامل سیا در سفارت ژاپن وی را برای برقراری تماس مجدد به رئیس قرارگاه سیا در تهران معرفی کند. بالاخره پس از معرفی، ملاقاتها هر هفته در منزل هاسه گاوا صورت می‌گیرد.

مراغه‌ای در تماسهای خویش گزارشات زیادی راجع به دولت، مقامات، جریانات کردستان، شورای انقلاب، مجلس خبرگان، و وابستگیهای خویش به نهضت رادیکال و شریعتمداری می‌دهد. در یکی از ملاقاتها وی برای بهتر شدن روابط آمریکا با ایران پیشنهاد می‌کند که یکی از افراد آمریکایی برای گشودن باب دسترسی هیئت نمایندگی یا قرارگاه به علمای دیگر، با امام ملاقات کند. وی همچنین در مورد طرحهایی برای تشکیل یک جبهه سیاسی متحد متشکل از نهضت رادیکال خودش، جبهه ملی و حزب جمهوری خلق مسلمان شریعتمداری با سیا صحبت می‌کند.

مراغه‌ای هم با بخش سیاسی سفارت «مدت زمانی طولانی» و هم با بخش سیا ارتباط داشته است. بعد از برقراری تماس مجددش در مهر ۵۸، سیا برای جلوگیری از انگشت‌نما شدن وی، از بخش سیاسی می‌خواهد که ارتباط با وی را قطع کند، چون در هر صورت تماسهای زیاد احتمال مشکوک شدن به وی را زیاد می‌نمود (بخش سیاسی ظاهراً نسبت به مسائل و ارتباطات سیا بی‌اطلاع است).

### سند شماره (۱)

۱۰ مرداد ۵۸ - اعضاء

سری

از: تهران ۵۳۸۲۵

به: رئیس رونوشت برای کپنهاک

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. اس. دی. پروپ. اس. دی. پرنک. اس. دی. پوتی

عطف به: الف - رئیس ۴۸۴۶۳۵

ب - تهران ۵۳۶۷۰ «به کپنهاک فرستاده نشد / لازم نبود».

۱- ما نمی‌دانیم شاید در حین تهیه تلگرام مرجع الف احتمالاً به تلگرام مرجع ب توجه نشده است. در ۱۰ مرداد، هویت تلگرام مرجع ب دوباره تکرار کرد که قصد دارد به محض آنکه مقدم از مسافرت به آذربایجان غربی بازگشت رئیس قرارگاه را به او معرفی کند. ما فعلاً ترتیب یک توصیه ویزا برای پسر مقدم را داده‌ایم و به نظر می‌رسد که این احتمالاً زمینه‌ای جهت تلاش برای ایجاد یک رابطه متمر باشد.

۲- علیرغم هر جنبه دیگری که ستاد بخواهد دنبال کند، تصور می‌کنیم که شما مایل باشید ما این تلاش

محلی را ادامه دهیم.

۳- روشن است که هویت تلگرام مرجع ب خود را در یک رابطه همکاری با سیا به حساب می آورد. درخواست می شود پرونده ۲۰۱ و نام رمز برای وی مشخص گردد. تصور می کنیم که بیوگرافی نسبتاً کاملی در ستاد موجود باشد.

۴- بدون نام برای ثبت در فهرست. پرونده: ۲۳۷۹۲۶-۲۰۱، ۱۰۵۹۰۶-۲۰۱، ۲۲۹۷۲۵-۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۲)

۱۸ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۴۱۶۷  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.  
اس. دی. پروب. اطلاعاتی  
عطف به: تهران ۵۴۱۶۶ «۱۰/۷۲۰ - NIT»

۱- اس. دی. پروب / ۱ «خبر» پاراگراف یک تلگرام مرجع را از پسر شریعتمداری گرفت. منابع کردی وی نام برده نشده اند؛ به نظر می رسد که آنها خبر دهندگان اتفاقی باشند، اما ما هنوز دقیقاً مطمئن نیستیم که او اخبار خود راجع به آن موضوع را از کجا می آورد.  
۲- بدون پرونده: تا تاریخ ۱۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

#### سند شماره (۳)

۳۰ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۴۲۶۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعاتی

۱- اس. دی. پروب / ۱ خبرهای پراکنده ذیل را درباره ۳۴؟ / ۳۰۵ - ۲۰۱ فراهم کرد.  
الف - یزدی، صباغیان، چمران و طباطبایی با یکدیگر سعی بر این دارند تا موقعیت قدرت جمعی خود را بهبود بخشند. از قرار معلوم آنها قصدشان این است که حضور خود در مقامات با نفوذ در دولت جدید را قطعی سازند. درباره این تشریح مساعی شایعاتی وجود داشته، اما یک دلیل قطعی هم در دست است که بخشی از آنچه را که گفته شد تأیید می نماید. «توضیح: برای ما امکان ندارد که بفهمیم این دلیل چیست».  
ب - طالقانی باید واقعاً رئیس شورای انقلاب در هنگام مرگ خود بوده باشد. در غیر این صورت اعلان رسمی آن غیر ممکن می بود «توضیح: اس. دی. پروب / ۱ اذعان داشت که پیش از مرگ طالقانی از ریاست او بر شورای انقلاب آگاه نبود».

ج - شورای انقلاب که به نظر می‌آید اعضای آن نسبتاً ثابت باشند، در هفته دو، یا اغلب سه جلسه در ساختمان پارلمان برگزار می‌کند «توضیح: تا آنجا که ما توانستیم بفهمیم، تلقی اس. دی. پروب ۱/ از ثبات اعضای شورا بر اساس اعلانی بوده که چند هفته قبل داده شده حاکی از اینکه شورای انقلاب به عنوان معاونین وزراء انتصاب شده‌اند و به طور همزمان وزرای... دولت موقت به عضویت شورا ارتقاء می‌یابند».

۲- بدون پرونده. تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

#### سند شماره (۴)

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. طبقه‌بندی گزارش: سری  
غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار..... کشور: ایران  
منبع: یک سیاستمدار لیبرال که روابط خوبی در محافل سیاسی دولتی دارد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی تأیید شده است. او خبر را از یک مقام عالی‌رتبه دولتی با دسترسی عالی اخذ کرده است.  
موضوع: اظهارات آیت‌الله شریعتمداری درباره..... اولتیماتوم به دولت در مورد محاصره مهاباد و امور سیاسی مخالفین تبعیدی و داخلی (تاریخ خبر: ..... اکتبر ۷۹ «مهر ۵۸»)

۱- آیت‌الله کاظم شریعتمداری در اواخر اکتبر ۱۹۷۹ «اوائل مهر ۱۳۵۸» گفت که برای خاتمه دادن به محاصره مهاباد آذربایجان غربی پادرمیانی کرده است. او اظهار داشت که یک فرستاده ویژه نزد هاشم صباغیان وزیر کشور فرستاده و درخواست کرده آن محاصره برداشته شود. شریعتمداری گفت که فرستاده خود را موظف کرده بگوید که اگر محاصره ادامه یابد، او ترکهای آذربایجان را بسیج خواهد کرد تا با زور آن را بردارند. «توضیح منبع: شریعتمداری نگفت که چه موقع این اولتیماتوم را داده بود.» «توضیح حوزه فعالیت: صباغیان یکی از سه عضو یک کمیته دولتی است که اخیراً مأمور شد برای پیدا کردن راه حل شورش کردها اقدام نماید. تهران تایمز گزارش داده که محاصره مهاباد تا ۱ آبان ادامه داشته، اما در ۲ آبان بخشی از آن برداشته شد».

۲- شریعتمداری در جواب به یک سؤال، قویاً داشتن هرگونه ارتباط با شاهپور بختیار نخست وزیر پیشین تبعیدی را مورد تکذیب قرار داد. او گفت که بختیار یک بار پیشنهاد کرده بود که رابطه‌ای برقرار شود، اما ارتباطی بین آنها وجود ندارد. شریعتمداری صریحاً تکذیب کرد که برای حمایت از بختیار تعهدی داده باشد یا چنین قصدی داشته باشد.

۳- شریعتمداری گفت که مشغول توصیه به حزب جمهوری خلق مسلمان است که از رودرویی با آیت‌الله روح‌الله خمینی و رهبری مذهبی اجتناب ورزند. «توضیح منبع: شریعتمداری درباره محکوم شدن تجمع عمومی ۲۷ مهر حزب خلق مسلمان توسط خمینی صحبت می‌کرد. در این تجمع برای انحلال مجلس خبرگان.....» شریعتمداری..... که به نظر وی اقتدار خمینی رو به کاهش است و او..... که احتمالاً ظرف دو یا سه ماه گروههای مخالف امکان خواهند یافت با آزادی بیشتری انتقادهای خود را بیان کنند.....

## سند شماره (۵)

پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده  
کشور: ایران

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

منبع: یک سیاستمدار لیبرال که روابط خوبی در محافل سیاسی دولتی دارد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی تأیید شده است. او خبر را از یک منبع با دسترسی عالی اخذ کرد.

موضوع: اظهارات مقدم مراغه‌ای دربارهٔ اوضاع سیاسی ایران

۱- در اوائل اکتبر ۱۹۷۹ «اواسط مهر ۱۳۵۸» رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای عضو مجلس خبرگان دربارهٔ طرحهایی برای تشکیل یک جبههٔ سیاسی متشکل از نهضت رادیکال خودش، جبهه ملی، و حزب جمهوری خلق مسلمان آیت‌الله کاظم شریعتمداری صحبت کرد، مقدم گفت که خبر دارد کریم سنجابی رهبر جبهه ملی به زودی از ایالات متحده باز خواهد گشت. او گفت که تشکیل جبهه جدید ممکن است تا ۲۱ مهر اعلان شود. در آن روز این سازمان جدید، کار تدارک برای انتخابات پارلمان جدید را شروع خواهد کرد.

۲- مقدم گفت که در حال حاضر جنبش رادیکال مانند سایر گروههای سیاسی ایران است، یعنی ماهیتاً ادامه و گسترش یک شخصیت است. هیچ MEMBERSHIP ROLL یا فعالیت تشکیلاتی رسمی وجود ندارد. «توضیح منبع: مقدم تلویحاً اظهار داشت که آمادگی برای انتخابات به یک برنامهٔ سیستماتیک تر احتیاج دارد. او نگفت که تصمیم گرفته این آمادگی به چه صورتی باشد» «توضیح حوزه فعالیت: گزارش ۱۰/۷۴۴ - NIT از همین منبع حاوی اظهارات مشابهی است که مقدم دربارهٔ وضع تشکیلاتی حزب خلق مسلمان داشته است».

۳- به گفتهٔ مقدم، نفوذ آیت‌الله خمینی بتدریج رو به کاهش می‌رود اما این کاهش ابتدا از چنان موقعیت برتر بی‌چون و چرایی شروع می‌شود که می‌توان انتظار داشت خمینی حداقل مدت چند ماهی و شاید بسیار بیشتر کنترل خود بر دولت را حفظ کند. مقدم گفت که فکر می‌کند با این وجود بعضی از آنها که به خمینی وفا دارند احساس می‌کنند که انقلاب در خطر است و این امر موجب شده عزم ساده‌لوحانه‌ای برای تحکیم کنترل خود بر جامعه و دولت در آنها پدید آید. مقدم از پنج مقام دولتی که ابراهیم یزدی وزیر خارجه یکی از آنها بود نام برد و اظهار داشت که به نظر وی اینها در رأس فعالیتی می‌باشند که برای تحکیم اقتدار انقلاب صورت می‌گیرد. مقدم گفت که یزدی را پیش از انقلاب هم می‌شناخته و او را فردی اساساً میانه‌رو و حتی طرفدار غرب دانست. وی گفت که اینک به نظر می‌رسد که یزدی و دیگران به سبب ایجاد یک سیاست عمومی صحیح توجه ندارند، چون مشغول کشمکش برای تحکیم قدرت خود می‌باشند. مقدم سایر افرادی را که در گروه می‌باشند به این قرار معرفی کرد: مصطفی چمران وزیر دفاع، صادق طباطبایی معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت، هاشم صباغیان وزیر کشور و صادق قطب‌زاده مدیر رادیو و تلویزیون ملی ایران.

۴- به دست آمده در: ایران، تهران «۱۵ مهر ۱۳۵۸» شماره گزارش از حوزهٔ فعالیت ۱۰/۷۶۳ - NIT.

۵- انتشار از حوزهٔ فعالیت، سفارتخانه تهران «فقط برای کاردار». فرستاده شد به منامه، دهلی نو،



تل آویو.

۶- طبقه‌بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده - تا تاریخ ۱۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

#### سند شماره (۶)

سرّی

۱۸ مهر ۵۸ - اعضاء

به: رئیس

از: تهران ۵۴۴۳۸

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. پروب

۱- در جلسه ۱۴ مهر کارکنان، در خلال بحث در امور مربوط به اس. دی. پوتی/۱، کاردار به کفیل مشاور سیاسی دستور داد که با اس. دی. پروب/۱ به عنوان منبع احتمالی پیرامون این قضیه تماس بگیرد. مشاور سیاسی پاسخ داد که شاید بهتر باشد صبر کنیم تا اوضاع آرام شود. چون کاردار در مواقع دیگری هم نسبت به پ/۱ اظهار علاقه کرده ما به این نتیجه رسیدیم که موقع آن فرا رسیده که تماسمان با او را بر ملا کنیم. کاردار آشکارا راضی است به اینکه در امور دخالت نکند و با توجه به عکس‌العمل مشاور سیاسی ما پیش‌بینی می‌کنیم که لزومی به دادن دستور قطع و خاتمه به بخش سیاسی که بیشتر ارتباط ما را آشکار می‌کند نباشد.

۲- خلاصه و نتیجه آن بود که کاردار از ما خواست درباره آنچه که پ/۱ «و ما» به عنوان بدبینی تشدید شده ایرانیان می‌بینیم با او تبادل نظر کنیم. در مذاکره با پ/۱ در این مورد، صحبت کشیده شد به راههای محدود کردن ضرر وارده به روابط متقابلمان. پ/۱ هم مثل اس. دی. ارن/۱ پیشنهاد کرد که باید با خمینی تماس گرفته شود. او گفت که فکر می‌کند که حتی یک عبارت موافق در مورد قبول انقلاب و نگرانی در مورد روابطمان نتایج خوبی در بر خواهد داشت. «موردی که پ/۱ به آن اشاره نکرد این بود که چنین ملاقاتی اگر به طور قابل قبولی خوب جلو رفت، ممکن است باب دسترسی هیئت نمایندگی یا قرارگاه به علمای دیگر را باز کند».

۳- پ/۱ اول پیشنهاد کرد که دیک کاتم انتخاب خوبی برای ملاقات با خمینی است و توضیح داد که پیشنهاد را برای این اساس می‌دهد که کاتم قبلاً با او ملاقات کرده و آشنایی قبلی مقداری مزیت دارد. پ/۱ گفت تماس توسط کاردار با یک مقام دیگر ایالات متحده را به همان اندازه معتبر می‌داند و در انتها گفت که فکر می‌کند ما اگر فاصله خود با خمینی را حفظ کنیم، صرفاً میدان را برای قدرتهای دشمن با ما باز می‌گذارد. در این رابطه، او داوطلبانه اظهار داشت که هیچ حدسی نمی‌تواند بزند که در واقع چه کسی بر افکار خمینی تأثیر می‌گذارد.

۴- مفاد پاراگرافهای دو و سه فوق با کاردار در میان گذاشته شده است.

۵- پرونده: ۲۳۷۹۲۶ - ۲۰۱، تا تاریخ ۱۸ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۷)

۲۰ مهر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۵۳۱۲۰۰  
موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - نمرات و نظریات برای گزارشها  
۱- در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ۱۰/۷۱۰ - NIT الی ۱۰/۷۲۰ - NIT ماه سپتامبر که در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ مرور شدند، می‌آید.<sup>۱</sup>  
هدف: S.I.B نمره: ۵  
شماره گزارش از حوزه فعالیت ۱۰/۷۲۰ - NIT بدون OPACT،  
شماره انتشار: ۷۹ - ۱۵۷۸۳ / ۳۱۵ - TDFIRDB، ۱۷ شهریور ۱۳۵۸،  
یک جانبه، منبع اس. دی. پروب / ۱، با تمام کنترلها،  
موضوع: «۱- موضع خمینی در برابر رویدادهای کردستان ۲ - وجود نداشتن دخالت عراق در کردستان».<sup>۲</sup>  
نظریه: اینکه گزارشی درباره نحوه تلقی خمینی از اوضاع کردستان در زمان تصرف شهرهای کردنشین داشتیم چیز مفیدی بود. همچنین، همان طور که قرارگاه می‌داند، اظهارنظرهای بی‌پایان درباره احتمال دخالت عراق در حرکتهای اقلیتهای قومی ایران ادامه دارد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

سند شماره (۸)

۲۶ مهر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۵۳۴۸۶۱  
موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - نمرات و نظریات برای گزارشها  
۱- در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ۱۰/۷۲۱ - NIT تا ۱۰/۷۳۳ - NIT ماه سپتامبر می‌آید. با توجه به تلگرام تهران ۵۴۴۶۰ بازنویسی می‌شود.  
هدف: S.I.B نمره: ۵  
۱۰/۷۲۱ - NIT بدون OPACT ۷۹ - ۱۵۷۷۷ / ۳۱۵ - TDFIRDB  
۱۸ شهریور ۱۳۵۸  
یک جانبه، اس - دی - پروب / ۱ با تمام کنترلها،  
موضوع: «بیشرفت مجلس خبرگان»،  
نظریه: ما بسیار احساس خوشوقتی می‌کنیم که اس. دی. پروب / ۱ در یک موقعیت منحصر به فرد است که گزارشی از مجلس خبرگان که بسیار مورد علاقه تحلیلگران است می‌دهد. آنها از ادامه دریافت گزارشها درباره این موضوع استقبال می‌کنند. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

۱- از این سند فقط یک مورد مربوط به گزارشهای مراغه‌ای می‌شد که در اینجا آمده است.

۲- این گزارش مراغه‌ای هنوز به دست نیامده است.

هدف: S.I.E نمره: ۵

۱۰/۷۲۲ - NIT بدون OPACT ۷۹ - ۱۵۷۸۲ / ۳۱۵ - TDFIRDB  
۱۸ شهریور ۱۳۵۸.

یک جانبه، اس. دی. پروب / ۱ با تمام کنترلها  
موضوع: «نظرگاه‌های رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای درباره‌ی دورنمایی برای یک ائتلاف سیاسی جدید ایرانی حول حزب جمهوری خلق مسلمان».  
نظریه: این گزارش تحلیل خوبی از اس. دی. پروب / ۱ درباره‌ی مقام احتمالی شریعتمداری در عرصه‌ی سیاست است. به گفته‌ی گلگروف، اس. دی. جانوس / ۱۳ سعی داشته به ما بگوید که شریعتمداری طرفدارانی بین مجاهدین دارد و ما حرف او را باور نکردیم. اس. دی. پیر / ۱ نیز اینک گزارش داده که بین مجاهدین یک دسته‌ی طرفدار شریعتمداری وجود دارد. از گزارش در خلاصه‌ی مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

#### سند شماره (۹)

۲۸ مهر ۵۸ - اعضاء  
از: جده ۵۸۱؟؟؟  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - اطلاعاتی  
عطف به: جده ۵۸۰؟؟؟ «(NIT - ۱۰۷۸۰)»  
۱- اس. دی. پروب / ۱ خبر گزارش مرجع را مستقیماً از انتظام و بهشتی اخذ کرد.  
۲- ما تعجب کردیم وقتی دیدیم پ / ۱ ظاهراً فکر انتظام را هیچ پرت به حساب نیاورد. پ / ۱ گفت که انتقاد وی از آن همین قدر بوده که خواسته بازرگان پیش از انحلال مجلس خبرگان موافقت خمینی را جلب نماید. ما می‌توانیم به آسانی تصور کنیم که خمینی همین طوری کار اکثریت روحانی مجلس خبرگان را کنار بزند، اما پ / ۱ یک فرد با تجربه و به نظر ما یک ناظر زیرک می‌باشد و نظرگاه‌های وی را نباید سبک شمرد.  
۳- بدون پرونده: تا تاریخ ۲۸ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.  
تماماً سرّی  
سرّی

#### سند شماره (۱۰)

هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
کشور: ایران  
«تاریخ اطلاعات: اوائل آبان ۱۳۵۸»  
غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور  
منبع: یک سیاستمدار لیبرال که روابط خوبی در محافل سیاسی دولتی دارد. قابلیت اطمینان به گزارش‌های وی تأیید شده است. او خبر را از یک مقام عالی‌رتبه دولتی با دسترسی عالی اخذ کرده است.  
موضوع: «پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان توسط خمینی»  
۱- در یک اجلاس کابینه به تاریخ ۲۸ یا ۲۹ مهر، ۱۷ نفر از ۲۲ عضو دولت موقت ایران درخواست

نامه‌ای را که نخست وزیر مهدی بازرگان ارائه کرده بود امضاء کردند که در آن انحلال مجلس خبرگان که مشغول تصحیح پیش‌نویس قانون اساسی می‌باشد، تقاضا شده بود. در ۲۹ مهر بازرگان و پنج تن دیگر از وزرای کابینه به قم رفتند تا تأیید آیت‌الله روح‌الله خمینی را جلب کنند. بازرگان عنوان کرد که مجلس با دوباره‌نویسی کامل پیش‌نویس قانون اساسی از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و از مدت قانونی خود فراتر رفته است.

۲- خمینی قاطعانه پیشنهاد را رد کرد و بازرگان را برای ارائه آن شدیداً توبیخ کرد. او بازرگان و سایر وزراء را متهم به همدستی با انتقادکنندگان از مجلس، خصوصاً رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای و کسان دیگری که با حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان بودند نمود. «توضیح منبع: خمینی پیش از آن در یک سخنرانی به تاریخ ۲۸ مهر درخواستهایی را که در میتینگ عمومی ۲۷ مهر حزب خلق مسلمان برای انحلال مجلس ابراز شده بود محکوم نموده بود.» «توضیح حوزه فعالیت: گزارش ۷۹ - ۱۸۴۰۶ / ۳۱۵ - TDFIRDB, ۱۰۷۸۰ - NIT در باره یک پیشنهاد برای ترغیب بازرگان به انحلال مجلس بود.»

۳- عکس‌العمل تند خمینی نسبت به پیشنهاد انحلال، سران حزب خلق مسلمان، نهضت رادیکال و جبهه ملی اعلان رسمی ائتلاف بین سه گروه را به تعویق انداخته است. «توضیح منبع: اتحاد سه گروه هم اکنون نیز وجود دارد و اجتماعات عمومی جمعه مثل جلسه ۲۷ مهر را هر سه گروه برگزار می‌کنند.»

۴- به دست آمده در: ایران، تهران «۲ آبان ۱۳۵۸» شماره از حوزه فعالیت: ۱۰/۷۸۸ - NIT.  
۵- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی تهران، فرستاده شده به امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کراچی، کویت..... دهلی‌نو، تل‌آویو.

طبقه‌بندی گزارش سزای - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای مشاورین یا مشاورین پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده تا تاریخ..... در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

#### سند شماره (۱۱)

سزای

از: تهران ۵۴۵۹۷  
به: با حق تقدم به رئیس رونوشت برای امان، بیروت، قاهره..... کراچی، کویت، منامه، دهلی‌نو، تل‌آویو

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

اطلاعاتی زی. آر. واهو

جزئیات تکمیلی: اس. دی. پروب / ۱، رئیس مراجعه کند به تلگرام تهران ۵۴۵۹۶ که در خط انتشار نیامده است، به سازمان اطلاعاتی همکار داده نشود. بدون نام برای ثبت در فهرست بایگانی بدون پرونده به دست آمده توسط پکوئین..... شماره از حوزه فعالیت ۱۰/۷۸۸ - NTI<sup>۱</sup>

۱- در این سند جزئیات فنی مربوط به سند شماره ۱۰ «۱۰/۷۸۸ - NIT» آمده است.

سند شماره (۱۲)

۴ آبان ۵۸ - اعضاء  
از: تهران ۵۴۵۹۶  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعاتی  
عطف به: الف. تهران ۵۴۵۹۷ «۱۰/۷۸۸ - NIT»، ب. تهران ۵۴۵۹۸ «۱۰/۷۸۹ - NIT»  
۱- اس - دی - پروب / ۱ پاراگراف‌های یک و دو تلگرام مرجع را از جوادی وزیر دادگستری به دست  
آورد که بازرگان را در سفر به قم همراهی کرد، پ / ۱ ..... در اخذ تصمیم ذکر شده در پاراگراف سه  
شرکت داشت.  
۲- پ / ۱ خبر تلگرام مرجع ب را مستقیماً از شریعتمداری ..... در ۱ آبان اخذ کرد.  
۳- بدون پرونده. تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۱۳)

۴ آبان ۵۸ - اعضاء،  
از: تهران ۵۴۵۹۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. پروب  
۱- در ملاقات ۳ آبان، اس. دی. پروب / ۱ گفت که در سفر خود به قم در ۱ آبان به نزد خمینی رفت. او  
گفت که بنا بر عرف معمول در بیت خمینی، قبل از آنکه به حضور برسد وی را در جمع گروهی از  
دیدارکنندگان جای دادند. وی گفت که طی این جلسه خمینی از ملاقات با ..... امتناع ورزید و بعد وقتی  
پ / ۱ درخواست ملاقات خصوصی کرد، به او گفته شد که خمینی ..... او را ببیند.  
۲- پ / ۱ گفت که فکر می‌کند به هر حال مواجهه با این ژست احیاناً به زحمتش می‌ارزد. وی افزود که  
شریعتمداری همان روز به وی توصیه کرد کاری نکند که باعث همان اقدام تنبیهی شود که حسن نزیه شد.  
ما مختارانه آن عمل را تأیید کردیم.  
۳- پرونده: ۲۳۷۹۲۶ - ۲۰۱. تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۱۴)

۷ آبان ۱۳۵۸  
از: کارمند ارجاع دهنده  
سفارت آمریکا، تهران، ارجاع درخواست کننده ویزا، «نوع دوم»  
تصویب‌کننده: توماس ل. اهرن  
من توصیه‌ای درخواست می‌کنم برای متقاضی یا متقاضیان ذیل که به نظرم شایستگی‌های لازم برای  
چنین توصیه‌ای را واجد است «هستند»:

محرمانه

به: بخش کنسولی

از طریق: کارمند

نام: رحمت الله مراغه‌ای مقدم  
مدارک ضمیمه: پاسپورت، درخواست ویزای غیرمهاجرتی و عکس  
اثبات لزوم: مطابق مکالمه شفاهی.

سند شماره (۱۵)

۱۰ آبان ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۵۴۴۵۴۱  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. پروب  
۱- در ۴ آبان ۱۳۵۸ تأییدیه موقت عملیاتی به اس. دی. پروب ۱/ داده شد.  
۲- پرونده: ۲۳۷۹۲۶ - ۰۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

سند شماره (۱۶)

متن نوشته آهرن درباره مراغه‌ای.  
اس. دی. پروب ۱/ آقای مقدم مراغه‌ای. استنادار سابق آذربایجان شرقی. عضو مجلس خبرگان. سن: ۶۰ - ۵۵. آدرس: شمال خیابان میرداماد، نزدیک نفت. متأهل است یک پسرش در ایالات متحده به مدرسه می‌رود. زبانها: فرانسه، انگلیسی. کار معرفی به او را دیپلمات ژاپنی آقای هاسه گاوا در مرداد ماه در منزل مراغه‌ای انجام داد. ملاقاتها هر هفته در همان محل صورت می‌گرفتند. غرض از تماس: ۱- خبر در مورد پیشرفت مجلس خبرگان ۲- خبر در مورد تشکیلات و اعضای احزاب سیاسی ایران؛ ۳- خبر در مورد پیشرفت و مسائل انقلاب ۴- دیدگاههایی که در مورد روابط ایران و آمریکا وجود داشت. در رابطه با «۱»: تأکید اصلی روی مسئله حاکمیت بود یعنی نقش روحانیت، نقش مردم، ولایت فقیه. همچنین توصیف رویدادهای مجلس «خبرگان» خصوصاً در مورد مواد ۵ و ۱۵. در رابطه با «۲»: ساخت غیررسمی و پایگاه قومی شریعتمداری در آذربایجان؛ برنامه شریعتمداری و آقای مراغه‌ای برای گسترش دادن پایگاه حمایت از انقلاب از طریق انتخابات.....

سند شماره (۱۷)

متن اظهارات آهرن در مورد مقدم مراغه‌ای  
رحمت مقدم مراغه‌ای، گزارشات را جمع به: ۱- پیشرفت مجلس خبرگان، ۲- مسائل و مشکلات انقلاب در آینده و بیشتر مسائل کلی.  
او منبع نبوده است و حتی من به او نگفته بودم که مأمور سیا هستم، بلکه به عنوان مأمور سیاسی سفارت تقریباً هر هفته یک بار در روزهای پنجشنبه بعد از ظهر با وی در خانه‌اش ملاقات داشتیم. پول نمی‌گرفته است.  
اسم رمز - اس. دی. پروب ۱ /  
سؤال: درباره مقدم مراغه‌ای قدری بیشتر توضیح دهید:  
یک فرد در سفارت ژاپن آقای مقدم را می‌شناسد، اسم وی هاسه گاوا است. در ماه اوت با وی آشنا شدم. وی به دنبال کسی می‌گشت که برای پسرش که در آمریکا درس می‌خواند و تابستان را در تهران بوده

است، ویزا بگیرد. لذا فرد ژاپنی وی را به من معرفی کرد، زیرا من علاقه مند بودم که با وی تماس بگیرم. محل ملاقات در خانه وی بوده است. بعد از ظهرها معمولاً ساعت ۲/۵ یا ۳ بعد از ظهر ملاقات می کردیم برای مدت یک ساعت و نیم «حدوداً». معمولاً روزهای پنجشنبه به آنجا می رفتیم. یک بار برای وی یک بطری اسکاچ به عنوان هدیه بردم، ولی خودش نخورد و به من هم نداد. در رابطه با رابطه بین شریعتمداری و خمینی بحث کردیم. پیشنهاد کرد که باید کسی از طرف دولت آمریکا به دیدار خمینی برود هر چند که دیر شده است، ولی هنوز هم به نفع منافع آمریکاست که این ملاقات صورت پذیرد.<sup>۱</sup>

---

۱- متن این سند از بازجویی های شفاهی اهرن استخراج شده که اصل آن به صورت نوار ضبط صوت همراه اصل اسناد رشته ای نگاهداری می شود.

### بسمه تعالی

نام اصلی: حسن نزیه، نام رمز: اس. دی. پوتی  
با توجه به سند شماره ۱ این گونه استنباط می شود که حسن نزیه قبل از ۱۱ مرداد ۵۸ و حتی قبل از انقلاب با سیا ارتباط داشته و سیا مجدداً تمایل یافته که تماس خود با نزیه را از طریق رابط سابق وی جوزف دبلیو. آدلسیک برقرار کند «آدلسیک در سالهای پیش از انقلاب معاون رئیس و رئیس قرارگاه سیا در تهران بوده است». در این رابطه سیا سعی می کند تا از برنامه های مسافرت نزیه به خارج اطلاع پیدا کند تا این تماس در خارج از ایران صورت بگیرد.  
از مرکز سیا به قرارگاه تهران اطلاع داده می شود که این طرح را تا ورود آدلسیک به تهران به تعویق بیندازد تا آدلسیک در یک جلسه توجیهی در آبان ۵۸ قبل از اینکه نزیه مأمور قرارگاه را ببیند، تمایل وی را برای همکاری مجدد ارزیابی نماید.

### سند شماره (۱)

۶ مرداد ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس (۴۸۷۴۱۹)  
به: فوری به لندن، پاریس رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: لندن ۱۶۴۳۸ ب. پاریس ۱۱۱۹۶  
۱- موافقت می شود که کیلتایگر با مأموریت موقت به فرانسه برود تا با فتح الله ملاقات کند. تأییدیه موقت عملیاتی در دست تهیه است.  
۲- در گفتگوهای خود با فتح الله لطفاً سعی کنید از طرح های نزیه «هویت» برای مسافرت در آینده نزدیک اطلاع حاصل کنید. ستاد مایل است در اولین فرصت در خارج از ایران مجدداً بین نزیه و رابط سابق وی در سیا، جوزف دبلیو. آدلسیک رابطه برقرار کند.  
۳- پرونده: ۲۲۹؟۲۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

### سند شماره (۲)

۱۱ مرداد ۵۷ - اعضاء  
از: رئیس (۴۸۷۴۲)  
به: فوری به لندن، پاریس رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است  
عطف به: رئیس (۴۸۷۴۱۹)  
۱- هویت اس. دی. پوتی ۱/ است.  
۲- پرونده: ۲۹۹؟۲۵ - ۲۰۱، تا تاریخ ۱۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی



سند شماره (۳)

۲۴ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: کویت ۳۰۰۲۰  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کازمو  
عطف به: کویت ۳۰۰۲۱ «NQK - ۲۶۲۱»

۱- اس. دی. کازمو / ۱ «اس / ۱» تلگرام مرجع را از یک مقام شرکت ملی نفت ایران دریافت داشت «هویتش بیشتر معرفی نشد» که به اس / ۱ تلفن کرد تا ترتیب دیدار حسن نزیه رئیس شرکت نفت از کویت را در اوائل مهر ۱۳۵۸ بدهد. ک / ۱ اطلاعی از جزئیات اموری که قرار بود طی این دیدار مورد مذاکره قرار بگیرد ندارد.

۲- شولار به طور خصوصی از اس / ۱ پرسید علت کاهش تولید نفت ایران چه بود و اس / ۱ روی موضع خود همچنان استوار ماند که علل یاد شده در گزارش مرجع همانهایی بودند که آن مقام شرکت نفت داد.  
۳- اس / ۱ گفت هنگامی که اس. دی. وری / ۱ از دیدار جاری خود از تهران بازگشت، وی دربارهٔ اوضاع تهران سؤال خواهد کرد.

۴- اس / ۱ همچنین گزارش داد که از چندین نفر که اخیراً به ایران مسافرت کرده بودند شنیده که، دفاتر ساف / فتح در تهران و اهواز تعطیل شده‌اند. دفتر تهران به بهانهٔ پیدا کردن تسهیلات بهتر و به دستور دولت موقت و دفتر اهواز به دستور دریا دار مدنی استاندار خوزستان تعطیل شده بود. به گفتهٔ منابع اس / ۱ این دو مورد تعطیلی در سکوت و بدون اعلانهای عمومی صورت گرفته بودند.  
۵ - پرونده: ۹۶۱۰۰۰ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

سند شماره (۴)

۲۸ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۵۱۶۹۹۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
اس. دی. کازمو. اس. دی. پوتی  
عطف به: کویت ۳۰۰۲۰

۱- آن مقام شرکت ملی نفت ایران که در پاراگراف یک تلگرام مرجع به آن اشاره شده بود اس. دی. پوتی / ۱ است که ما خیلی علاقه‌مندیم ترتیب تماس با وی در خارج از ایران را بدهیم.  
۲- لطفاً دیدار پ / ۱ از کویت را با اس. دی. کازمو / ۱ با بصیرت دنبال کنید و ستاد مرکزی و تهران را در جریان مسیر مسافرت وی قرار دهید و حتی الامکان خبرها را پیشاپیش بدهید، تا بتوان اعزام موقت مأمور مربوط سابق پ / ۱ را تدارک نمود.  
۳- برای تهران: درخواست می‌شود هرگونه اطلاعاتی راجع به مسافرت پ / ۱ در اختیار دارید اعلام نمایید.

۴- پرونده: ۲۲۹۷۲۵ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

سند شماره (۵)

۴ مهر ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۵۲۰۸۷۴  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
حساس، اس. دی. پوتی  
عطف به: الف - تهران ۵۴۳۱۱ ب - استکهلم ۲۶۲۱۰  
۱- از ابتکار قرارگاه قدردانی می‌کنیم. یک راه سوم این است که طرحها را تا هنگام ورود آدلسیک به تهران به تعویق اندازیم و قرارگاه بتواند همراه با او در رابطه با اس. دی. پوتی ۱/ جلو برود. برای اطلاع شما طرح آزمایشی ستاد برای آدلسیک این است که برای جلسه توجیهی ما اکتبر، ذکر شده در تلگرام مرجع ب به طور موقت به تهران اعزام شود. مزیت کار این است که پیش از آنکه پ/ ۱/ مأمور قرارگاه را مشاهده کند، آدلسیک می‌تواند یک شناخت فعلی از تمایل اس. دی. پوتی / ۱/ به همکاری به دست آورد.  
۲- به هر صورت اگر قرارگاه فکر می‌کند که باید هم اکنون جلو برود، موافقیم که بهترین راه تدارک از طریق اس. دی. پروب ۱/ می‌باشد. در چنین حالتی، ممکن است بعضی فواید پوششی در استفاده نکردن از نام آدلسیک باشد.

۳- پرونده: ۲۲۹۷۲۵ - ۲۰۱؛ ۲۳۷۹۲۶ - ۲۰۱ تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

سند شماره (۶)

۷۹ - ۱۹۳۵۰ / ۳۱۵ - TDFIRDB، توزیع  
پخش و اقتباس تحت نظر تهیه‌کننده می‌باشد  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است  
این یک گزارش خبریست که مورد سنجش نهایی اطلاعاتی قرار نگرفته است  
غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکاران  
منبع: یک افسر ارشد پیشین ارتش ایران که خبردهنده با قابلیت اطمینان نامعلوم است. تصور می‌شود که وی به خبری که ذیلاً ذکر شده دسترسی خوبی داشته است.

موضوع: رئیس بازنشسته شرکت ملی نفت ایران حسن نزیه تحت‌الحمایه آیت‌الله شریعتمداری

۱- نخست وزیر پیشین شاهپور بختیار و اطرافیانش این خبر به دستشان رسیده که رئیس پیشین شرکت ملی نفت ایران حسن نزیه در تهران در منزل آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری در اختفاء به سر می‌برد. نزیه هنگامی مخفی شد که طی یک تحول دولتی در اواسط مهرماه ۱۳۵۸ از مقام خود به عنوان

رئیس شرکت ملی نفت ایران اخراج شد. در آن زمان نزیه از سوی دادستانی انقلاب مورد تحقیق قرار گرفت که منجر به صدور حکم دستگیری وی شد. نزیه ظاهراً توانست از حمایتی که موقعیت شریعتمداری برایش فراهم کرد در جهت جلوگیری از محاکمه خود استفاده کند.

۲- گروه‌های متعلق به بختیار فکر می‌کنند که نزیه اسنادی به محل اختفای خود برده که ثابت می‌کنند مبالغ معتناهی از درآمدهای نفتی ایران به سازمان آزادیبخش فلسطین «ساف» داده شده است. این گروهها فکر می‌کنند که این اسناد.....، به جنبش بختیار کمک می‌کنند که نشان دهند حکومت خمینی روابطی با ساف برقرار کرده که از آنچه عموماً تصور می‌شود صمیمانه تر است و نشان می‌دهند که در این زمان بحران شدید اقتصادی پول ایران از کشور به خارج فرستاده می‌شود.

۳- به دست آمده در: «۱۰ آبان ۱۳۵۸».

۴- انتشار از حوزه فعالیت: فرستاده شد به تهران، لندن، پاریس، بیروت.....



کتاب پنجاه و ششم

خط میانه (۶)



### بسم الله الرحمن الرحيم

در پی چاپ اسناد مربوط به شریعتمداری، مقدم مراغه‌ای و حسن نزیه در کتاب خط میانه ۵، اینک اسناد عباس امیرانتظام (این اسناد علاوه بر مدارکی است که در کتاب شماره ۱۰ منتشر شده)، بهرام بهرامیان، خسرو قشقایی، سام سنجابی، علی سیف‌پور فاطمی، تورج و فریدون ناصری در این کتاب آورده شده است.

همانند کتاب قبلی، پیش از شروع متن اصلی اسناد هر فرد، توضیحات لازم جهت آشنایی بیشتر خوانندگان ارائه گردیده است، با این امید که گامی دیگر در جهت رسوا نمودن پایگاه‌های داخلی امپریالیسم آشکار بوده باشد و موجب ناامیدی بیشتر آمریکا از رشد جریان‌ات انحرافی در مقابل حرکت انقلاب اسلامی گردد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

زمستان ۶۴

## توضیح اسناد مربوط به امیرانتظام

### بسمه تعالی

نام اصلی : عباس امیر انتظام

نام رمز : اس. دی. پلاد / ۱

شغل : معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت و عضو نهضت آزادی.

اسناد حاضر درباره امیرانتظام اسناد رشته شده‌ای شده و یا به دست آمده است. این اسناد تشریح‌کننده ادامه طرح‌های عملیاتی سیا در ارتباط با تبادل اطلاعات با دولت موقت به ریاست بازرگان است. دو نکته اضافه بر آنچه در کتاب شماره ۱۰ آمده در این اسناد وجود دارد:

۱- اینکه امیر انتظام از اوائل دهه ۱۳۴۰ با سیا و مامور سابقه‌دار سیا جرج کیو (آدلسیک) ارتباط داشته است.

۲- در رابطه با فرستادن امیر انتظام به عنوان سفیرکبیر ایران در استکهلم، دو هدف از سوی گردانندگان نهضت آزادی (دولت موقت) دنبال می‌شده، یکی اینکه ایشان از سوی دولت موقت مامور برقراری تماس مجدد با سیا و تبادل اطلاعات باشند، دیگری جذب ایرانیان مقیم اروپا برای بازگشت به ایران.



سند شماره (۱)

۹ مرداد ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۸۵۹۶۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: استکھلم ۲۵۹۲۹

- ۱- وزارتخانه تلگرامی به سفارتخانه استکھلم می‌فرستد و از آنها می‌خواهد با امیرانتظام سفیر جدید ایران در سوئد تماس بگیرند. قرار شده سفارتخانه به انتظام پیشنهاد کند یک مأمور سرویس خارجه که انتظام وی را خوب می‌شناسد به استکھلم بیاید تا با وی ملاقات نماید.
- ۲- فقط برای اطلاع شما. این اقدام را وزارتخانه به تحریک سیا انجام می‌دهد. اگر انتظام با برگزاری این ملاقات موافق بود، قصد داریم ژوزف دلبیو. آدلسیک معاون سابق رئیس قرارگاه تهران را همراه آن مأمور سرویس خارجه بفرستیم تا با انتظام ملاقات کند. رئیس قرارگاه به صلاحدید خود می‌تواند به کاردار اطلاع دهد که جریان ملاقات با انتظام بتوصیه مقامات بلند پایه دولت آمریکا به منظور توسعه تماسهای دولت آمریکا با دولت موقت ایران انجام می‌پذیرد.
- ۳- تمام افراد ذینفع در این قضیه مایلند این ملاقات هر چه زودتر اجرا شود.
- ۴- بدون پرونده. تا تاریخ ۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

سند شماره (۲)

سری  
از: رئیس ۴۸۸۳۰۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: رئیس ۴۸۵۹۶۹

- ۱- آدلسیک آقای جان استمیل مأمور سرویس خارجه را در مسافرت به استکھلم همراهی خواهد کرد و صبح روز یکشنبه با پرواز شماره ۳۰ خط هوایی نورث وست وارد استکھلم خواهند شد.
- ۲- از قرارگاه تقاضا می‌شود برای آدلسیک (هویت) هتل رزرو کرده و در فرودگاه برای باجه نورث وست پیامی بگذارید. ترجیحاً در همان هتل اتاق رزرو شود که سفارتخانه برای استمیل رزرو می‌کند.
- ۳- بدون پرونده، تا تاریخ ۱۲ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

سند شماره (۳)

۱۹ مرداد ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۴۹۲۲۹۴  
از: بخش خاور نزدیک / ایران  
عطف به: الف - استکھلم ۲۵۹۶۲ ب - استکھلم ۲۵۹۷۰

- موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. پلاد
- ۱- برای اطلاع شما: در ملاقات با فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع در استکھلم به تاریخ ۱۵ مرداد،

آدلسیک دریافت مشارالیه همان فردی است که در اوایل دهه ۶۰ (دهه ۱۳۴۰) با آدلسیک همکاری کرده بود. به هر حال وی این کار را با نام مستعار انجام داده بود و برای وی نام رمز اس.دی. پلاد /۱ تعیین شده بود.<sup>۱</sup>

آدلسیک هیچ گاه اسم حقیقی وی را نمی دانست. تفصیل بیشتر این قضیه و فرصتهایی که اینک به دست آمده، در پیام جداگانه‌ای مطرح خواهد شد.  
۲- بدون پرونده تا تاریخ ۱۸ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

#### سند شماره (۴)

۲۲ مرداد ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۹۳۶۱۸  
به: فوری به استکهلّم، رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اس.دی. پلاد

۱- پیرو مذاکراتی که آدلسیک طی مأموریت موقت خود به استکهلّم داشت... این پیام را به قائم مقام هیئت نمایندگی بدهید.  
لطفاً با آقای امیرانتظام تماس بگیرید و به او بگویید ما آماده‌ایم مطالب توجیهی را در ۱۹ شهریور بدهیم.

لطفاً از آقای امیرانتظام بخواهید که با دکتر یزدی تماس گرفته و از او بخواهد با کاردار در تهران تماس بگیرید تا قرار..... جلسه توجیهی را معین نمایند».  
۲-..... آدلسیک در نظر دارد پس از تعیین تاریخ..... با مأموریت موقت به استکهلّم برود. پس از دریافت..... این را با وزارت خارجه مذاکره خواهیم کرد.  
قرارگاه را در جریان نگاه خواهیم داشت.  
۳- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۰۵۴ تا تاریخ ۱۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی  
سرّی

۱- احتمال دارد این نام مستعاری که مورد اشاره قرار گرفته نام سابق امیر انتظام بوده است. نکته مورد ذکر دیگر اینکه از اوایل دهه ۶۰ (سالهای ۱۳۴۰) نام رمز اس.دی. پلاد /۱ در سیا برای امیر انتظام تعیین شده بود.

سند شماره (۵)<sup>۱</sup>

۳۱ مرداد ۵۸ - اعضاء

سری

از: تهران ۴۳۹۹۶

به: با حق تقدم به رئیس

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اس. دی. پلاد

عطف به: رئیس ۴۹۸۱۸۳

۱- در ۳۱ مرداد بیدن کوپف مدت دو ساعت بازرگان، یزدی و انتظام را درباره اوضاع منطقه توجیه نمود. کاردار و رایزن سیاسی نیز در جلسه حضور داشتند. طول مدت جلسه قرار بود یک ساعت باشد و سؤالات متعدد مطرح شده نشان می‌دهد که ... مقبول افتاده است.

۲- پس از توجیه، بازرگان از طریق انتظام اظهار داشت امیدوار است جلساتی مشابه هر دو ماه یک بار با بیشتر ... اگر ضرورت خاص پیش آمد، ارائه شوند. به بازرگان گفته شد جواب به این درخواست پس از مشورت با واشنگتن از طریق کاردار به دست خواهد رسید. بعد انتظام گفت: امیدواریم سازمان شما روابط خود را با ما بهبود بخشد، درست همان طور که کشورهایمان با کوششهای کاردار و دکتر یزدی روابط خود را بهبود بخشیده‌اند. «انتظام ضمن ادای این گفته ... کنار بازرگان بود (بازرگان آن قدر انگلیسی می‌داند که معنای این حرف را فهمیده باشد). ولی دلیلی نیست که این گفته از طرف بازرگان بوده باشد. بیدن کوپف ارتباط خود با سیا\* را آشکار نکرد و مستقیماً به این حرف پاسخ نداد. بیدن کوپف با کنار گذاشتن حرف انتظام از جانب آدلسیک معذرت خواست که نتوانسته بیاید و انتظام گفت که وضع او را درک می‌کند و مشتاق دیدار وی در استکهلم است. انتظام گفت اول شهریور از تهران به استکهلم عزیمت می‌کند و می‌خواهد کمی پس از مراجعت با آدلسیک دیدار کند. انتظام امروز با خمینی در قم ملاقات داشت و ممکن است ... با ارزش داشته باشد.

۳- بدون پرونده تا تاریخ ۳۱ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

۱- در کتاب سند شماره ۳ حاوی هیچ‌گونه مطلبی نبود، بنابراین حذف گردید. پس سند شماره ۴ به ۳، سند شماره ۵ به ۴ و سند شماره ۵ ال‌ف به ۵ تبدیل گردید.

## سند شماره (۶)

۹ شهریور ۵۸ - اعضاء  
 از : استکهلیم؟ ۲۶۰۹؟  
 به : با حق تقدم به رئیس رو نوشت برای تهران  
 هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اس.دی. پلاد

۱- در شب ۸ شهریور آدلسیک اولین ملاقات خود با اس.دی. پلاد را برگزار نمود. اولین سؤال این بود که چرا قبل از همه چیز اس.دی. پلاد / ۱ / مأمور به استکهلیم شده بود. پ / ۱ / گفت که او در استکهلیم مدت زیادی نخواهد ماند. اگر ایران در آینده نزدیک با ایالات متحده سفیر مبادله کرد. او احتمالاً به عنوان سفیر، مأمور به واشنگتن خواهد شد. اگر این عملی نشد او به تهران باز خواهد گشت و شغل دیگری در دولت خواهد گرفت.

۲- اس.دی. پلاد / ۱ / گفت که او در استکهلیم فقط دو مأموریت دارد. اول آنکه رابطه اطلاعاتی با سیا را دوباره برقرار کند. دولت تهران احساس کرده که اگر درباره ترتیبات امر در خارج از تهران مذاکره شود آسانتر است (..... مذاکرات موضوع تلگرام جداگانه‌ای خواهند بود). پ / ۱ / گفت مسؤلیت عمده دیگر وی اقدام به تشویق تعداد هر چه بیشتری از ایرانیها به پذیرفتن جمهوری اسلامی و..... به ایران است. او اکثر اوقات خود را صرف مسافرت وضعیت برای گروههای بزرگ ایرانیها می‌کند.

۳- از اس.دی. پلاد / ۱ / درباره شاهپور بختیار سؤال شد. او گفت که یکی از وظایفش گزارش از فعالیت سیاسی تبعیدیان ایرانی است. در رابطه با بختیار او هنوز نتوانسته منابع خوبی به دست آورد. او فکر می‌کند که قضیه بختیار بیشتر حرف است. اگر تشکیلاتی در جریان باشد، وی اطمینان دارد که خبر آن به گوشش می‌رسد (در یک پیام جداگانه بیشتر راجع به بختیار گفته خواهد شد).

۴- پ / ۱ / گفت که محض برقراری تماس سیا با..... وظیفه اطلاعاتی وی خاتمه خواهد یافت. تصور می‌شود که او از تماس با سیا استقبال خواهد کرد و آدلسیک محاسبه خواهد کرد آیا این به صرفه است یا نه.

۵- شماره پرونده بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سَری

## سند شماره (۷)

از : لندن ۱۷۴۴۳ (به کفالت شیکلینگ) سَری - ۱۵ شهریور ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
 به : واشنگتن، رونوشت برای تهران، استکهلیم  
 برای : رئیس خاور نزدیک، رونوشت برای معاون رئیس خاور نزدیک / SAO خاور نزدیک / ایران،  
 رئیس قرارگاه تهران، رئیس قرارگاه استکهلیم  
 موضوع : هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعات کشور بیگانه، حساس / ملاقات  
 عملیاتی .....

۱- اس.دی. پلاد / ۱ / و آدلسیک و ۸ و ۹ شهریور پیرامون فعالیتهای..... به مذاکره پرداختند. به عنوان نشانه‌اندازه..... آنها برای از سرگیری رابطه اطلاعاتی قائل هستند، اس.دی. پلاد / ۱ / پس از ملاقات ۸ شهریور..... x اس.دی. پلاد / ۱ / تأکید کرد که..... رابطه اطلاعاتی هرچه زودتر از سر گرفته شود و برای تمایل ما به بررسی..... این رابطه اطلاعاتی اهمیت..... x اس.دی. پلاد / ۱ / روی اظهاراتش تأکید

کرد..... آنها کاملاً آگاه هستند که اگر بخواهند..... حرکت دوباره..... باید برای کمک رو به سوی ایالات متحده آورند. آنها<sup>۱</sup> صادقانه مشتاق هستند..... ایالات متحده در ایران موقعیتی اتخاذ کند..... بتواند دولت ایران را اداره کند. X..... می خواهند با سرعت خودشان جلو بروند و در چنین..... هیچ اعمال نفوذ بی مورد ایالات متحده بر..... داخلی ایران را..... X (اس. دی. پلاد/ ۱)..... گفت که آخوندها در آینده نزدیک (مشکل)..... ایجاد خواهند کرد چون آنها با..... نفوذ بیگانگان در ایران سرسختانه مخالف هستند. به علاوه آنها قادر نیستند این واقعیت اساسی را..... که ایران احتیاج به کمک (خارجی)..... دارد تا بتواند به عمران..... ادامه دهد. به این ترتیب هر کاری که صورت می گیرد باید به آهستگی..... انجام شود تا تشنج سیاسی بی مورد ایجاد نکند. اس. دی. پلاد / ۱ خاطر نشان کرد که..... لحظه کاهش نفوذ روحانیون.... بازرگان و او امیدوار بود که این کار..... ماه انجام شود، اما با این نکته موافق بود که ممکن است خیلی..... به طول کشد..... خاطر نشان کرد که اگر روحانیون در انتخابات..... اکثریت را ببرند برای دولت بسیار بیشتر طول خواهد کشید که خود را..... X (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت که یک امتیاز مثبت این است که.....<sup>۲</sup> از سرگیری ترتیبات رابطه اطلاعاتی و..... احتیاج به کمک خارجی..... X

۲- (اس. دی. پلاد / ۱) گفت که در از سرگیری..... چون آنها در گذشته با ما سروکار داشته اند و..... مناسبات آنها امیدوارند که..... دیگر از طریق رابطی صورت گیرد که به طور خاصی..... رابطه اطلاعاتی..... X (اس. دی. پلاد / ۱) گفت که..... ایالات متحده راهنمائیها و ایده های..... بررسی مشکلات گوناگون..... X آدلسیک به (اس. دی. پلاد / ۱) گفت..... رابطه اطلاعاتی را از سر گیرد به منظور..... اطلاعاتی..... X (آدلسیک)..... از (اس. دی. پلاد / ۱) خواست که این را با بازرگان مورد مذاکره..... که آنها جلسات گفتگویی را با کاردار شروع کنند X..... معضلی که رودروی دولت جدید قرار دارد این است که..... که به طور کلی نسبت به آمریکا و (علی الخصوص سیا)..... نظر خوبی دارند، اما در برابر جمعیتی واقع شده اند که سرخوش از..... است.

۳- آدلسیک پیشنهاد کرد که او واس. دی. پلاد / ۱..... برقراری دوباره یک رابطه را... بعد می توانیم..... موافقت دولتهای متبوع خود را..... X (اس. دی. پلاد / ۱)..... این را..... و افزود که هم اکنون نیز برقراری این رابطه را..... کرده اند. آدلسیک به (اس. دی. پلاد / ۱) گفت از نظر..... این رابطه باید در تهران..... علنی باشد. (اس. دی. پلاد / ۱) گفت که آنها..... به نفعشان است که این واقعیت که..... سری..... X بازرگان تاکنون به مهدی<sup>۳</sup> چمران گفته است پس از..... رابطه را مستقیماً در تهران برگزار کند. اس. دی. پلاد / ۱ افزود چمران چهارمین..... در جلسه توجیه (اطلاعاتی) می باشد، اما نتوانسته..... کردستان..... X

۴- اس. دی. پلاد / ۱ گفت که آنها..... را شروع خوبی به حساب آورده اند. آنها راضی بودند از اینکه..... این بعضی از سؤالاتی که آنها..... جواب داده بود..... مسائل مطرح شده در آن هنگام توجیه کرده بود. به این اس. دی. پلاد / ۱ گفته شد که ما سؤالاتی را که توسط دکتر یزدی به توجیه کننده داده شده بود..... و مقدار زیادی اطلاعات که آنها خواستار بودند..... پروژه آیکس..... کرده ایم. اس. پی. هیاتوس نیز

۱- در اصل سند زیر عبارت «صادقانه مشتاق هستند» تا آخر جمله (... اداره کند.) خط کشیده شده است.

۲- در اصل سند زیر عبارت «از سرگیری ترتیبات رابطه اطلاعاتی» خط کشیده شده است.

۳- در اصل سند زیر کلمه «مهدی» خط کشیده شده است.

..... جاسوسی مخابرات داشت که ..... در گذشته با ارزش بوده است. اس. دی. پلاد / ۱ گفت آیکس  
 .... اما از قابلیت‌های ..... آگاه نمود ..... توجیه کلی پیرامون قابلیت‌های سیستم آیکس ..... به او  
 داد ..... سپس پرسید آیا ما می‌توانیم توجیهی پیرامون  
 آیکس ..... تهیه کنیم ..... اظهار داشت که اس. دی. پلاد / ۱ و سایر اعضای بلند پایه ..... از افسران  
 نیروی هوایی که درگیر ..... بوده‌اند توجیهی دریافت کنند. آدلسیک از سر تیب آذر جدید به عنوان  
 فردی که ریاست ..... را داشت نام برد ..... اظهار داشت که سرهنگ جلالی به خوبی در جریان .....  
 قابلیت‌های (آیکس) ..... است. آدلسیک افزود به این ترتیب ..... هرگونه سوءظن بازرگان ما ممکن  
 است بخواهیم در رابطه با آیکس آنها را به گمراهی بکشیم ..... نام آذر جدید و نام جلالی را ..... او گفت  
 ..... می‌خواهد نظریات ما را بدانند چون آنها مطمئن نیستند ..... نیروی هوایی واقعاً ارزشمند باشد (به  
 نظر آدلسیک ..... این یک اعتراف جالب بود). اس. دی. پلاد / ۱ گفت که ..... برای هر مذاکره‌ای  
 پیرامون اسر سرگیری ..... به تهران ..... چیزهایی که خیلی فنی باشند نمی‌خواهند، هرچند که با زمینه  
 ..... او می‌تواند ..... فنی را هم درک کند. او پیشنهاد کرد که آدلسیک چنین ..... را از طریق رئیس  
 قرارگاه استکهلم که در جلسه ..... به (اس. دی. پلاد / ۱) ..... معرفی شده بود. بفرستند. توصیه می‌شود که  
 ما ..... توجیهی اس. دی. پلاد / ۱ ..... قابلیت‌های آیکس بفرستیم. او گفت که خود شخصاً ..... و  
 ارتباطات ویژه‌ای که ..... نظر او را جلب کرده بود.

۵- در رابطه با زمان بندی احتمالی برگزاری ..... در تهران به شرط توافق طرفین در مورد برقراری  
 مجدد ..... بر سر اوایل ماه اکتبر اتفاق نظر حاصل شد، ما ..... مذاکرات را می‌توان به عنوان بخشی از  
 یک جلسه توجیهی دیگر ..... برگزار کرد x ..... گفت: که آنها از یک جلسه توجیهی در زمینه  
 ..... استقبال خواهند کرد. این می‌تواند انجام شود. او اصرار نمود که آدلسیک ..... مذاکرات پیرامون از  
 سرگیری رابطه اطلاعاتی را اداره کند. وی خاطر نشان ساخت ..... آدلسیک نزد همه مدیران در تهران به  
 خوبی شناخته شده است ..... پیشنهاد کرد که ما یک آدم فنی که بتواند ..... آیکس و سایت‌های (مطلب  
 بعدی را ملاحظه کنید) ..... چون آنها ..... کمک ما در براه انداختن و فعال کردن آیکس در حوزه  
 قابلیت‌های خود ..... از یک تیم سه یا دو نفر، یک ..... متخصص فنی صحبت کرد. ما موافقت کردیم که در  
 مورد ..... رابطه اطلاعاتی ..... از طریق رئیس قرارگاه استکهلم با او ارتباط داشته باشیم. اس. دی.  
 پلاد / ۱ ..... باید حداقل دو هفته پیش از ..... در تهران به وی اطلاع دهد تا وی بتواند زمان بندی ..... را  
 تأیید کند ..... تهران تا ترتیبات لازم، را تدارک نماید. او ..... انتخابات ممکن است با زمان بندی جلسه  
 تداخل کند.

۶- سایت‌های تک‌من به عنوان بخشی از ..... قابلیت جاسوسی الکترونیک مورد مذاکره قرار گرفتند.  
 آدلسیک خاطر نشان ساخت که در ..... سقوط شاه ما دست‌اندرکار ..... دو کامیون آیکس در سایت  
 شماره ۱ بودیم، به علاوه اطلاعات قابل ملاحظه‌ای که برای ..... ارزش فوق‌العاده‌ای دارند در رابطه با  
 قابلیت‌های شوروی ..... آدلسیک ..... اگر به اس. دی. پلاد / ۱ نگوید ..... جمع‌آوری اطلاعات در سایتها  
 قرار دادیم واقعاً ساده لوحی خودش را نشان خواهد داد ..... که می‌داند نیروی هوایی از سایتها محافظت  
 می‌کند ..... آنها هیچ کس را بداخل راه نداده بودند تا یک ..... در مورد آنها انجام شود. اس. دی. پلاد / ۱  
 گفت که ..... دوستی که مایل به فعالیت به عنوان یک ..... خواهد بود ..... موجبات دسترسی سیا به سایتها

را فراهم کند. او پیشنهاد کرد..... هرگونه توجیه اطلاعاتی پیرامون سایتها که..... جلسات در تهران..... در اختیار او بگذاریم، او گفت که در این..... پیش بینی اینکه تصمیم دولت در رابطه با دستیابی سیا به سایتها چه «توجه: اس.دی. پلاد / ۱ براساس این تصور وی بود که سایتها..... لذا ممکن است محلی برای مذاکره باشد».

۷- ملاقات با خطرات خوش از..... خیلی سالهای گذشته خاتمه یافت. به نظر می رسد این واقعیت که خبر تماسها با آنها را محفوظ داشته ایم به ما کمک کرده است و..... که دولت بازرگان رو به سوی..... آورده است..... به طور موقت قرار ملاقاتی برای صبح ۱۰ شهریور گذاشتیم..... در راهروی هتل..... علاقه ای به وی اظهار داشت..... از آنجا ناشی شده که اس.دی. پلاد / ۱ یک محافظ..... ایرانی دارد. بنابراین ملاقاتی برگزار نشد.

۸- پرونده: اس.دی. پلاد / ۱ - ۲۰۱، تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. توضیح سیستم انتشار پیامها: پیرو..... رونوشت برای تهران به استکهمل مخابره شد.

سری

توضیح: در این سند و سند بعد مقداری از رشته های لازم برای تکمیل به دست نیامده و لذا موجب ناقص شدن ترجمه و کاهش میزان صحت آن گردیده است. هر جا که متن ناقص بوده در ترجمه نقطه چین گذارده شده است. علامت X بعد از چند نقطه چین نشان می دهد که به نظر ما در آن محل جمله ای پایان یافته و جایی که کلمه یا عبارتی درون ( ) پیش از چند نقطه چین آمده حاکی از آن است که به احتمال قوی آن کلمه یا عبارت به جای نقطه چین می بایست باشد.

#### سند شماره (۸)

۱۵ شهریور ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: لندن ۱۷۴۶۰ (به کفالت شیکلینگ) به: واشنگتن، رونوشت برای تهران، استکهمل  
برای: رئیس خاور نزدیک، رونوشت برای معاون رئیس خاور نزدیک / SAO خاور نزدیک / ایران،  
رئیس قرارگاه تهران، رئیس قرارگاه استکهمل  
موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعات کشور بیگانه، حساس ملاقاتهای  
عملیاتی آدلسیک با اس.دی. پلاد / ۱

۱- شاید مهمترین نکته ای که باید به آن اشاره کرد..... دو ملاقات بین اس.دی. پلاد / ۱ و آدلسیک..... برقراری مناسبات است. کاملاً روشن است که..... سیا را به دیده احترام می نگرند (ند). این واقعیت که..... تماس پنهانی با سیا داشته و این هیچ گاه به..... ساواک نرسیده بدون شک کمک کرده است. اس.دی. پلاد / ۱ بار دیگر تأکید کرد..... که آنها مایلند از طریق سیا..... با ایالات متحده..... در عین حال نگران چگونگی نگرش ما به اوضاع..... بود..... درباره توانایی سیا به اینکه هر چیزی را..... آدلسیک به او اطمینان داد که اگر اوضاع درهم بریزد..... از اشتباهات خودشان..... به چیزی که ما..... X.

۲- اس.دی. پلاد / ۱ مثالهای متعددی آورد تا نشان دهد چقدر دولت ذاتاً ضعیف است. (مقامات) بلند پایه تهران شبانه روز کار می کنند. او پنج روز صرف طی مسافرت آخر و بیرون از جلسه توجیهی فقط

یک ساعت X ضعف سیاسی دولت به اهمیت شخص خمینی افزوده است. (چند) گفت که امیدوار است و دعا می‌کند هیچ چیز X اس. دی. پلاد / ۱ گفت که اینک آنها نتیجه می‌گیرند که خمینی ۳ تا ۵ سال دیگر تا به آنها بدهد، او تنها کسی است که می‌تواند وارد صحنه شود و حمایت از یک خط مشی مشخص را X او مورد و دستور دادن مراعات انضباطی در ارتش را برای نمونه ذکر کرد. اس. دی. پلاد / ۱ در هر موردی که به خمینی به عنوان «امام» اشاره می‌کرد، همچنین با عبارات نسبتاً اشاره‌ای صحبت می‌کرد. کسی چه می‌داند مهدی بازگشته است.

۳- اس. دی. پلاد / ۱ گفت که خمینی در قم مشاورین ندارد. او به اندازه قابل توجهی خود را دارد، اشکال در اینجاست که او به‌طور مستمر در هفته در برخورد با روحانیون است، روی طرز فکر او اثر می‌گذارد، او وقت زیادی صرف یافتن راه حل از قم به تهران نقل مکان کند. در تهران آنها می‌توانند نفوذ روحانیون و دولت از محبوبیت ملی وی استفاده مؤثری بنمایند.

۴- در یک مرحله ما پیرامون حزب توده روی کارآمدن یک دولت مارکسیست در ایران به مذاکره پرداختیم. اس. دی. پلاد / ۱ ایرانیها به سختی جذب حزب مارکسیست می‌شوند. اس. دی. پلاد / ۱ گفت که آنها فکر می‌کنند حزب توده اخبار موجود در اداره هشتم ساواک گفت که حزب توده و مارکسیستها فقط در یک از کاری که توسط دیگران انجام می‌گیرد بهره‌برداری می‌کنند. او به عنوان قضیه دستور خمینی به پوشیدن تظاهراتی که زنان علیه چادر راه انداختند به خودی خود در رابطه با مارکسیستها با حزب توده نمود. اما آنها سعی کرده بودند تظاهرات یک لعاب مارکسیستی بدهند. اس. دی. پلاد / ۱ که آنها نگران قابلیت فعلی توانایی توده و مارکسیستها با شورویها در (داخل شدن به) فعالیت‌های نیستند بلکه توانایی آینده در چنین فعالیت‌هایی X اس. دی. پلاد / ۱ گفت که آنها می‌باشند شورویها نسبت به آنها دشمنی خواهند ورزید و در مورد نفوذ یک جمهوری اسلامی در کنار مرزهایشان نگرانی دارند X که ما بتوانیم درباره فعالیت‌های شوروی در ایران اطلاعاتی در اختیار بگذاریم.

۵- اس. دی. پلاد / ۱ گفت در این امید وجود دارد<sup>۱</sup> که ایالات متحده مفهوم اسلامی را به رسمیت بشناسد، آدلسیک خاطر نشان کرد که ما را به رسمیت شناخته‌ایم و این مانعی در راه ایجاد مناسبات خوب نبوده است. از طرف وی مقداری نگرانی به چشم می‌خورد که تأخیر در سفرها به نحوی نمایانگر ناخوشنودی آمریکا آینده نزدیک بتوان سفر را مبادله کرد.

۶- طی مذاکرات اس. دی. پلاد / ۱ و دیگران مطرح شدند اس. دی. پلاد / ۱ گفت که به محض اطلاع از برنامه نهایی سفر اس. دی. پلاد / ۱ تماس خواهد گرفت.

۷- موقع خداحافظی بسیار دوستانه بود و چیزی که اس. دی. پلاد / ۱ موافق بود که ما باید تماس حفظ کنیم رابطه اطلاعاتی در تهران به خوبی تثبیت شده اس. دی. پلاد / ۱ موافق بوده ما باید این را بررسی کنیم فکر خوبی است که با او در جای دیگری در اروپا ملاقات کنیم تا مجبور به رودرویی با محافظان وی نشویم یا حداقل محافظ ایرانی وی.

۸- پرونده: اس. دی. پلاد / ۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. توضیح سیستم انتشار پیامها: پیرو رونوشت برای تهران استکهلیم مخابره شد.

۱- در اصل سند زیر عبارت «امید وجود دارد» خط کشیده شده است.



سند شماره (۹)

۲۲ شهریور ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۵۱۲۵۹۸  
از: رئیس بخش خاور نزدیک / ایران

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اس.دی. پلاد

۱- لطفاً به طور مستمر آن گزارشهای اطلاعاتی را که از اس.دی. پلاد ۱/ اخذ می‌شوند به طور حتم به کاردار ابراز کنید که از کیست.

همچنین ما میل داریم که شما درباره نتایج ملاقاتهای اخیر آدلسیک پاپ/ ۱، وی را توجیه کنید چون به گسترش رابطه اطلاعاتی با دولت موقت مربوط می‌شوند.

۲- پس از آنکه لینکن عازم تهران شد و آدلسیک به واشنگتن بازگشت. آدلسیک می‌خواهد به لینکن گفته شود که متأسفیم که ممکن نشد وی را در اینجا پیرامون ملاقاتهای استکهلم توجیه کنیم.

۳- بدون پرونده: تا تاریخ ۲۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سند شماره (۱۰)

۳۰ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: استکهلم ۲۶۱۹۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی. پلاد  
عطف به: لندن ۱۷۴۴۳

۱- اس.دی. پلاد/ ۱ («ادوارد») با رئیس قرارگاه تماس گرفت، هنگامی که رئیس قرارگاه این تماس را جواب گفت، او که ۱۳ مهر از استکهلم عازم تهران می‌شود و در ۱۹ مهر به استکهلم باز می‌گردد. او پرسید آیا می‌شود جلسه توجیهی (پاراگراف ۵ تلگرام مرجع) از ۱۴ یا ۱۵ مهر شروع شود.

۲- رئیس قرارگاه جواب داد که هیچ حرفی راجع به زمان آن به وی گفته نشد و پرس و جو خواهد کرد.

اس.دی. پلاد/ ۱ انتظار دارد در هفته آینده پاسخ خود را بشنود. لطفاً نظر خود را اطلاع دهید.

۳- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۰۵۴ تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سرّی

سند شماره (۱۱)

۳۱ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۵۱۹۲۹۳  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی. پلاد  
عطف به: استکهلم ۲۶۱۹۹

۱- تقاضا می‌شود رئیس قرارگاه با اس.دی. پلاد/ ۱ تماس گرفته و به او اطلاع دهد که ما به واسطه مقداری اشکال که پیش می‌آید از حاضر شدن در موعد پیشنهاد شده در تلگرام مرجع معذوریم. ما مطالب توجیهی را بموقع برای هنگام ورود آدلسیک به تهران در ۲۲ مهر با حدود آن آماده خواهیم کرد. لطفاً از

اس.دی. پلاد/۱ پرسید آیا می‌تواند برنامه ISS را در یک هفته به تأخیر اندازد و تأکید کنید که ما خواهیم توانست با این یک هفته اضافی که داده می‌شود خیلی بهتر آماده شویم.

۲- برای اطلاع شما: اگر اس.دی. پلاد/۱ تأکید می‌کند که جلسه توجیهی در ۱۵-۱۴ مهر برگزار شود ما حاضریم بپذیریم، اما به او خاطر نشان سازید که تمام مطالب لازم برای جلسات توجیهی به آن زودی آماده نخواهند بود. به علاوه آدلسیک و توجیه کننده دیگر تعهداتی هم دارند که ورود ایشان به تهران در ۱۲ مهر را مشکل می‌سازد.

۳- لطفاً به اس.دی. پلاد/۱ توصیه کنید که جواب خود را با قائل شدن اولویت برای آن تهیه کند.

۴- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۰۵۴ تا تاریخ ۳۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

## سند شماره (۱۲)

۳ مهر ۵۸ - اعضاء  
از : استکهلم ۲۶۲۱۰  
به : با حق تقدم به رئیس رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی. پلاد  
عطف به: الف - استکهلم ۲۶۱۹۹، ب - رئیس ۵۱۹۲۹۳  
۱- بعد از مقداری اصرار اس.دی. پلاد/۱ موافقت کرد که جلسه توجیهی تا ۲۲ مهر به تأخیر بیفتد تا در ارائه بیشتری داده شود. رئیس قرارگاه به او گفت که ما.....  
۲- لطفاً هنگامی که تاریخ قطعی تعیین شد اطلاع دهید.  
۳- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۰۵۴ تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

## سند شماره (۱۳)

۱۰ مهر ۵۸ - اعضاء  
از : استکهلم ۲۶۲۶۴  
به : با حق تقدم به رئیس رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی. پلاد  
عطف به: الف - استکهلم ۵۲۴۴۷۷، ب - رئیس ۵۲۰۱۹۷  
۱- اس.دی. پلاد/۱ گفت که جلسات توجیهی هنوز هستند و خبری که این تصمیم را تغییر دهد از تهران نگرفته است. طبق معمول او در تلفن و مودب بود.  
۲- به نظر وی گرفتن ویزا در واشنگتن اشکالی ندارد، اما روشن است که در اینجا از طریق وی آسانتر است. اگر آدلسیک و اسمیت قصد دارند از اینجا ویزا بگیرند ما باید تا آغاز وقت اداری ۱۳ مهر اطلاع پیدا کنیم چون اس.دی. پلاد/۱ در مهر از استکهلم عازم پاریس می‌شود و باید دستورالعملهایی راجع به ویزاها بگذارد. به نظر وی لازم نبود آدلسیک پیش از ملاقات تهران در اینجا با وی مشورت کند.  
۳- اس.دی. پلاد/۱ در ۱۶ یا ۱۷ مهر از پاریس عازم استکهلم می‌شود. لذا وی می‌خواهد جلسه توجیهی تهران حداکثر در ۲۳ مهر انجام می‌پذیرد. تا از «اتلاف وقتش» در تهران جلوگیری شود.  
۴- اگر مطلبی که در محموله شماره ۵۰۷۷۸۵ است روز جمعه ۱۳ مهر به استکهلم رسید آیا باید آن را

بدهیم؟ تشخیص ملاحظات امنیتی آن را به ستاد واگذار می‌کنیم چون اس. دی. پلاد / ۱ از قرار معلوم یا مطالب را در دفتر خود می‌گذارد یا آنکه با خود به پاریس می‌برد. اگر ترجیح می‌دهید که بدهیم آیا باید در مورد رفتار با آن دستورالعمل امنیتی بدهیم؟

۵- پرونده: ۲۰۱-۹۶۲۰۵۴ تا تاریخ ۱۰ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سری

## بسمه تعالی

نام اصلی: بهرام بهرامیان

نام رمز: اس. دی. ارن / ۱

طبق آنچه اسناد سیا نشان می‌دهد، بهرامیان عضو رهبری عالی نهضت آزادی و دوست بازرگان بوده است. وی در ژوئن ۱۹۷۷ به عنوان منبع ذخیره یک جانبه برای گزارش در مورد فعالیتهای به اصطلاح تروریستی و مخالفین در ایران به استخدام سیا در می‌آید. همکاری وی با سیا در آغاز بر این مبنا بوده که نظریات گروه سیاسی میانه‌روی خود را از کانالی به دولت آمریکا برساند به این امید که دولت آمریکا عاقبت برای تماس آشکار با این گروه و حمایت از آن تحت حکومت شاه اقدامی نماید. البته وی از مطلع کردن همکاران خود از تماسش با سیا منع شده بود. با وقوع انقلاب میل وی به ایجاد یک سیستم سیاسی کاملاً باز در ایران افزایش می‌یابد و احساس می‌کند که دولت آمریکا در این زمینه می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. او مدت زیادی از پذیرش دستمزدا امتناع ورزیده بود، ولی از خرداد ۵۷ یک یادداشت تعهد پرداخت حقوق را پذیرفت که به موجب آن سیا پول یک بیمه عمر معادل ۱۰۰۰۰۰ دلار و سالانه ۵۰۰۰ دلار آمریکا در یک حساب غیر مستقیم پردازد. وی دارای یک مجوز مخصوص بیگانه دائم‌الاقامه در آمریکاست که به وی قول داده شده بود که مجوز فوق برای وی و خانواده در مدت زمانی که وی در خارج زندگی می‌کند حفظ شود.

بهرامیان آموزش مخفی نویسی، مخابرات مخفی و امنیت را دیده است. وی دارای رادیوی مخابراتی MX-350 بوده که در جریان بهمن ۵۸ و حمله به سفارت، مأمور قرارگاه سیا با وی تماس می‌گیرد. و از او کمک می‌خواهد، وی نیز به یزیدی اطلاع می‌دهد. از آن زمان به بعد رادیوی وی پس گرفته می‌شود. وی آزمایش دروغ سنجی را با موفقیت گذرانده است.

عمده گزارشهای بهرامیان در مورد رهبری دولت موقت، شورای انقلاب و روحانیت بوده که از اهمیت بسیار بالایی برای سیا برخوردار بوده‌اند و اکثراً نمرات عالی برای گزارشهای خویش گرفته است. وی در حد فاصل دی ۵۷ الی شهریور ۵۸ منبع ۶۷ گزارش بوده است. در پرونده بهرامیان ابتدا چند سند در رابطه با تعیین یک آدرس عملیاتی در انگلستان به منظور استفاده بهرامیان قرار دارد.

به طوری که این اسناد نشان می‌دهند. سیا به این فکر می‌افتد که با بدتر شدن اوضاع ایران برای ملاقاتهای حضوری با بهرامیان و اخذ اطلاعات وی در ایران چاره‌ای بیندیشد تا این ارتباط از بین نرود، لذا یکی از عوامل خود در لندن را برای دریافت گزارشهای بهرامیان که به صورت نامرئی و با ظاهر نامه عادی ارسال خواهند شد تعیین می‌کنند که نام و آدرسش در اسناد آمده است.

سپس مطالبی هم در رابطه با وسائل فنی که در اختیار بهرامیان بوده و نگهداری آنها رد بدل می‌شود. بعد آن اسنادی هم در انتهای پرونده می‌آیند که درباره طرح احتمالی خروج مخفیانه بهرامیان از ایران و فعالیتهایی هستند که سیا برای تهیه مدارک شناسایی جعلی برای بهرامیان داشته بود.

لازم به تذکر است که در اسناد مربوط به نهضت آزادی (سند شماره ۹) از کتاب شماره ۲۴ نیز شرح ملاقاتی است که محمد توسلی از نهضت آزادی همراه با این جاسوس (بهرام بهرامیان) با یکی از مأمورین بخش سیاسی لانه جاسوسی آمریکا داشته‌اند که تاریخ آن ۳ مهر ۵۷ بوده و این جاسوس همراه با محمد

توسلی به نمایندگی از طرف نهضت آزادی این ملاقات را برگزار کرده‌اند.

#### سند شماره (۱)

۶ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۲۵۰۸ (به کفالت پلنتینگا)  
به : با حق تقدم به رئیس  
سری  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس پی. ال. اس. دی. ارن  
۱- اس. دی. ارن / ۱ (الف / ۱) در ۵ فروردین ۵۰۰/۰۰۰ ریال همراه با این درخواست به ما تحویل داد  
که این مبلغ به دلار آمریکایی تبدیل و در شماره حساب هویت سپرده شود.  
۲- الف / ۱ پول را برای آن لازم دارد که همسرش بیمار بود و ظرف چند هفته آینده برای جراحی به  
ایالات متحده مسافرت خواهد کرد.  
۳- خواهشمندیم ستاد تبدیل مبلغ فوق به دلار را تصویب نموده و در تریبیات سپردن دلارها در شماره  
حساب هویت کمک نماید. به اطلاع می‌رساند که سفارتخانه تبدیل ریال به دلار را با نرخ هر دلار آمریکا  
۷۴/۵ ریال انجام می‌دهد. با آنکه این نرخ با نرخ معاملاتی سیا تفاوت دارد. تقاضا می‌شود از همین نرخ  
استفاده شود. اگر سیا در این مبادله تسهیلاتی زیان می‌بیند پیشنهاد می‌شود که در صورت لزوم مبلغ زیان  
از وجوهاتی که به الف / ۱ «می‌پردازیم» تأمین گردد.  
۴- لطفاً اطلاع دهید آیا تسهیلات فوق مورد تصویب قرار می‌گیرند یا نه و همچنین تاریخ ارسال چک  
به شماره حساب هویت را اطلاع دهید، تا اس. دی. ارن / ۱ را با خبر کنیم که آن وجوهات در دسترس  
می‌باشند.  
۵- پرونده: بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

#### سند شماره (۲)

۶ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۲۵۰۹ (به کفالت پلنتینگا)  
به : با حق تقدم به رئیس  
سری  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس. دی. ارن  
عطف به : تهران ۵۲۵۰۸  
هویت : شماره حساب ۷-۱۳۳۰۹-۰۹ فرست نشنال بانک دفتر شهر و روستا خیابان فارهیلز دیتون،  
اوهایو ۴۵۴۲۹ (حساب پس انداز)  
تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره ۳

۱۵ فروردین ۵۸-اعضاء  
از : تهران ۱۳۱۵۱  
هشدار- شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس. پی. ال. اس. دی. ارن<sup>۱</sup>  
عطف به : رئیس ۴۰۵۴۳۷

۱- ما اخیراً یک آدرس عملیاتی را پیشنهاد کرده‌ایم تا از لیبی توسط یک منبع دیگر از خاور نزدیک (ا.سی. ویزارد / ۱ تلگرام لندن ۱۲۹۶۹ به رئیس و دیرتک را ملاحظه کنید) مورد استفاده قرار گیرد.  
۲- ا.سی. ویزارد / ۱ در هفته‌های آتی این آدرس عملیاتی را آزمایش خواهد کرد و ما فرصت خواهیم یافت بینیم کارایی آن چقدر است. ا.سی. ویزارد / ۱ به طور منظم و مکرر از این آدرس استفاده خواهد کرد، در حالی که می‌دانیم اس.دی. ارن / ۱ از آن فقط تحت بدترین شرایط استفاده می‌کند. بنابراین قضاوت ما این است که آدرس عملیاتی می‌تواند کار هر دو عامل را با این شرایط در دست داشته باشد.  
۳- ما مشغول بررسی امکان استفاده از صندوق پستی بجای آدرس عملیاتی هستیم اما این مطلب هنوز تحقق پیدا نکرده است. پیشنهاد می‌شود همان آدرسی که به ا.سی. ویزارد / ۱ داده شده به اس.دی. ارن / ۱ نیز داده شود.  
۴- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۵ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۴)

۱۷ فروردین ۵۸-اعضاء  
از : رئیس ۴۱۴۴۹۹  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس. پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به : لندن ۱۳۱۵۱

۱- اعتراضی نسبت به استفاده از همان آدرس عملیاتی و ا.سی. ویزارد / ۱ نداریم. به نظر ما نامی که به اس.دی. ارن / ۱ داده می‌شود، باید با نامی که به ا.سی. ویزارد / ۱ داده شده تفاوت داشته باشد، یا آنکه با هجی دیگری باشد.  
۲- از کمک شما در این مسئله تشکر می‌کنیم.  
۳- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

۱- پی. ال. اختصار PERSCRIBED LIMITED & است و در گزارشهای حساس در ارتباط با منابع مهم جلوی نام رمز منبع یا پروژه به کار می‌رود و مانند RYBAT که در ترجمه به جای آن حساس نوشته‌ایم از جمله قیود و کنترل‌های اداری بررسی گزارش می‌باشد.

سند شماره (۵)

۲۰ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از : لندن ۱۳۲۹۵  
به : رئیس رونوشت برای تهران، آتتک، دیرتک.  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به : رئیس ۴۱۴۴۹۹

۱- علیرغم آگاهی از پیشنهاد اصلی IIN، ما از نظر خود ترجیح می‌دهیم از یک اسم استفاده کنیم. توجهش هم این است که فقط امیدواریم نام (داده شده) برای نامه رسان آشنایی پیدا کند و روال توزیع محلی نام به آن آدرس به جای رساندن نامه به نام فرد شناخته شده مقیم آن آدرس را بیشتر تقویت نماید. ما امیدواریم که نامه‌های ارسالی از ایران موجب انحراف توجهات از نامه‌های ارسالی از لیبی شود و بالعکس. استفاده از نامهای متفاوت می‌تواند باعث شود نامه رسان متحیر شود چند نفر آنجا زندگی می‌کنند که او تا به حال ایشان را ندیده است. پیش‌بینی می‌کنیم که در فرصتهایی که پیش می‌آیند از سایر نواحی بریتانیا و کشورهای دیگر نامه‌های متناوبی بفرستیم تا ابهام قضایا را بیشتر کنیم).

۲- پیشنهاد می‌شود نام تعیینی برای اس. دی. ارن / ۱ همان نام ولی به جای حرف اختصاری که اس. سی. ویزارد / ۱ به کار می‌برد نامی مثل «جان» یا «جیمز» باشد، مگر به نظر ستاد مرکزی امکان اینکه یک منبع فاش شود و به دنبال آن نام و نشانی آدرس عملیاتی هم افشاگری شود، از لحاظ بیشتر از امنیت اضافی باشد که به نظر ما در این پیشنهاد مطرح است.

۳- این مطلب بسته به انتخاب تهران / ستاد است. اتخاذ تصمیم نهایی را به شما واگذار می‌کنیم. لطفاً اطلاع دهید.

۴- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۲۰ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سرّی

سند شماره (۶)

۲۳ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از : لندن ۱۳۴۲۵  
به : رئیس رونوشت برای تهران، آتتک، دیرتک.  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به : رئیس ۴۱۷۰۶۸

۱- پیشنهاد می‌کنیم که نشانه وجود مخفی نویسی استفاده از حرف مختصر «اس» به عنوان نام وسط باشد.

۲- تهران: آدرسی که می‌توان به اس. دی. ارن داده به عنوان هویت ارائه می‌شود.

۳- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۲۳ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۷)

۲۳ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از : لندن ۱۳۴۲۶  
به : رئیس رونوشت برای تهران، آتک، دیرتک.  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال. اس. دی. ارن  
عطف به : لندن ۱۳۴۲۵  
۱- هویت: آقای جیمز رافرتی تکرار می‌شود رافرتی شماره ۳۵ تکرار می‌شود ۳۵ وایت لجز تکرار می‌شود لجز.  
W - ۱۳۰۰۰۰۰ تکرار می‌شود، W - ۱۳  
لندن 8JB تکرار می‌شود.....  
۲- تا تاریخ ۱ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.  
سری

سند شماره (۸)

۲۵ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از : رئیس ۴۱۹۴۶۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس .پی. سی. هاواک  
عطف به : تهران ۵۲۶۴۹  
پیرو درخواست تلگرام مرجع، ذیلاً خلاصه‌هایی از قضایایی که می‌توان انتظار داشت در تهران لانتش<sup>۱</sup> به دست بگیرد ارائه می‌شوند: اس.دی. ارن (الف / ۱) ۳۹ ساله سابقاً از دانشجویان فعال علیه شاه بوده و استاد دانشگاه و بازرگان است. در ژوئن ۱۹۷۷ به عنوان منبع ذخیره یک جانبه برای گزارش درباره فعالیت‌های تروریستی و مخالفین در ایران استخدام شد. او عضو رهبری عالی نهضت آزادی ایران بود، دوست نخست‌وزیر فعلی است. با خراب شدن اوضاع ایران اکنون انگیزه الف / ۱ میل وی به پدیدار شدن یک سیستم سیاسی کاملاً باز در ایران است و احساس می‌کند که دولت آمریکا نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند او فوق‌العاده ضد کمونیست است. به علاوه الف / ۱ دارای مجوز مخصوص بیگانه دائم‌الاقامه (در آمریکا) است و این نیز جزو انگیزه وی است. او از پذیرفتن دستمزد امتناع ورزیده، اما ما یک حساب غیر مستقیم که توسط ستاد واریز می‌شود و یک حساب تأمین بیمه عمر برای وی حفظ کرده‌ایم، بنابراین او می‌تواند در حالی که خارج از آمریکا است مجوز بیگانه خود را همچنان داشته باشد. همچنین برای وی یک برنامه دادن وام ترتیب داده‌ایم و قول داده‌ایم مجوز بیگانه دائم‌الاقامه را برای وی و خانواده‌اش حفظ کنیم - الف / ۱ آموزش قواعد امنیتی را طی کرده و هنگامی که در تهران بوده به طور مخفی ملاقات داشته

۱- پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ قرارگاه سیا در تهران در صدد می‌شود فعالیت خود را به حال عادی برگرداند، ولی به علت گریختن اکثر مأموران آن در دوران اوج‌گیری انقلاب با کمبود کارکنان مواجه می‌گردد، لذا ستاد مرکزی سیا چند تن از کارکنان خود را که در واحدهای مختلفی در سایر کشورها مشغول به فعالیت بودند، به طور موقت مأمور می‌کند برای از سرگیری این فعالیت به تهران بیایند. یکی از این مأموران فردی به نام مستعار لانتش مستقر در قرارگاه رم بوده که مدتی برای جاسوسی به تهران می‌آید. در این سند ستاد مرکزی سیا خلاصه قضایای چند جاسوس ایرانی را معرفی می‌کند، تا مأمور یاد شده با آنها در تهران رابطه جاسوسی را ادامه دهد. لازم به تذکر است که در این سند نام و قضایای چند جاسوس دیگر هم بوده که قسمتهای مربوط به کسانی از آنها که با موضوع این کتاب (خط میانه) مناسبت دارند در همین مجموعه عنوان شده و مابقی به شرط توفیق‌الهی در کتابهای دیگر معرفی خواهند گردید.



است. او آموزش مخفی نویسی را نیز طی کرده و یک آدرس عملیاتی در لندن (جهت ارسال نامه‌های مخفی) برای وی تعیین شده است. برای استفاده از وسایل مخابراتی مخفی مجوز تصویب شده با این وجود تا تاریخ ۲ (یا ۱۲ یا ۲۲ - م) مارس ۷۸ هیچ وسیله رادیویی در اختیار نداشته است.

#### سند شماره (۹)

۲۸ فروردین ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۱۷۰۶۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس . پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به: لندن ۱۳۲۹۵

۱- ما با طرز فکر شما موافقیم و پیشنهاد IBI را می‌پذیریم که همان نام (آدرس عملیاتی - م) به اس. دی. ارن ۱/ داده شود، اما نام کوچک «جیمز» را به جای آنکه اختصاراً فقط «ج» ذکر کند تماماً بنویسد، چرا که ا.سی. ویزارد ۱/ از نام اختصاری استفاده می‌کند. یک چیزی که به آن توجه داریم این است که اگر علائم پستی محو بودند یا اینکه دو منبع ذخیره از یک منطقه نامه فرستادند از آشفتگی بین نامه‌های ارسالی ا.سی. ویزارد ۱/ و اس. دی. ارن ۱/ جلوگیری شود. چون ا.سی. ویزارد ۱/ نشانه‌هایی برای (وجود) مخفی نویسی جز آدرس ندارد، احتمالاً باید نشانه‌های بیشتری به اس. دی. ارن ۱/ داده شود.  
۲- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۲۱ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

#### سند شماره (۱۰)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۲۹۰۰۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به: تهران ۵۲۷۱۸

۱- برای تسریع در کار درخواست حفظ محل سکونت برای کسب تابعیت<sup>۱</sup>، دیگر لازم نیست که قرارگاه با اس. دی. ارن ۱/ کاری کنند. با دریافت فرم درخواست ما آن را با یک یادداشت به دفتر امور بیگانگان ستاد مرکزی می‌فرستیم و درخواست می‌کنیم برای کسب موافقت اداره مهاجرت و تابعیت در مورد دادن امتیازات مناسب برای اس. دی. ارن ۱/ اقدام کنند. هنگامی که موافقت اداره مهاجرت را به دست آوردیم اطلاع خواهیم داد.  
۲- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

---

۱- از قرار معلوم سیا در تلاش بوده ترتیبات تغییر تابعیت بهرامیان را فراهم کند. احتمالاً این کار به درخواست بهرامیان و براساس دوراندیشی خودش صورت گرفته بود.

سند شماره (۱۱)

۲۳ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۳۴۳۶ (به کفالت گلگروف)  
سری  
به : با حق تقدم به رئیس  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به : تهران ۵۳۴۳۴ (۱۰/۶۴۳ - NIT)

۱- اس. دی. ارن. ۱/ خبرهای پارگرافهای دو و سه تلگرام مرجع را از بازرگان و خبر پاراگراف چهار را از مصطفی چمران گرفت.

۲- در ملاقاتی که طی آن گزارش مرجع اخذ شد، اس. دی. ارن. ۱/ بیش از هر موقع دیگری که او را دیده‌ایم نسبت به آینده انقلاب ایران بدبین بود. الف/ ۱/ شخصاً بسیار خسته و مایوس می‌باشد، او ساعات فراوانی را صرف می‌کند تا برنامه‌ها و جریانهای اقداماتی را که به نظر صحیح و واقع بینانه می‌آیند اختراع کند و عاقبت می‌بیند چنین کار سختی انجام نگرفته (یا حداقل با یک اظهار نشر از طرف خمینی و یا شورای انقلاب کنار گذاشته شده است)، در یافته‌ایم که الف/ ۱/ روز به روز بدبین‌تر می‌شود، تمام این امور بر بازدهی او تأثیر گذاشته است، چون او اکنون وقت کمتری دارد که با ما بگذراند و به سوی این باور متمایل است که اکثر آنچه روی می‌دهد چندان اهمیت حقیقی ندارد.

۳- الف/ ۱/ یک آدم اهل «صحنه‌های مهم» است و بیشترین انطباق را با اوضاعی مثل آنچه در پائیز و زمستان گذشته جاری بود دارد و همکاریش با قرارگاه از لحاظ اقدام سیاسی چشمگیر بود. او از دریافت شواهدی مبنی بر اینکه دولت آمریکا مایل نسبت ابتکار عمل داشته باشد تا مناسبات خود با ایران انقلابی را بهبود بخشد افسرده است. او خصوصاً بابت بی‌میلی ما به ارسال یک فرستاده مخصوص نزد خمینی نگران می‌باشد. ما فکر می‌کنیم که اکنون او شروع کرده از خود پیرسد در همکاریش با ما چقدر مثمرتر است. معهداً او طرح ملاقات با مأمور مربوطه جدید در خردادماه را پذیرفت (گزارش جداگانه را ببینید) و هنوز هیچ نشانه‌ای از اینکه می‌خواهد عقب بکشد از خود بروز نمی‌دهد.  
الف/ ۱/ یک فرد فوق‌العاده با هوش است، اما از آنجا که او ماهیتاً یک فرد ایده‌آلیست از بابت خشکی بعضی متعصبینی که او باید با آنها کار کند بسیار دارد بی‌طاقت می‌شود.

۴- پرونده : ۹۴۹۱۶۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۳ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۲)

۲۴ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۳۴۴۹ (به کفالت گلگروف)  
سری  
به : رئیس  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.  
۱- ذیلاً طرح تماس مجدد برای اس. دی. ارن. ۱/ می‌آید:

الف - طی هفته اول ژوئیه (هفته دوم و سوم تیر)، پکوئین می‌تواند با اس. دی. ارن. ۱/ به وسیله شماره تلفنهای هویت الف یا هویت ب تماس بگیرد. او با معرفی خود به عنوان «دوست آقای ویلیامز» می‌تواند از قراردادهایی راجع به بیمارستانهای محلی متحرک یاد کند و پیشنهاد ملاقات نماید. در هر روزی که توافق می‌شود، پکوئین باید در خیابان نزدیک رستوران پیتزای ونتو عمود بر خیابان مهرشاه به طرف شمال

حرکت کند. نقشه محل ملاقات در پرونده اس.دی.ارن ۱/ جای دارد. الف ۱/ پکوئین را سوار فولکس واگن سبزم رنگ خود (یکی از چند اتومبیل معدود این نوع) خواهد کرد. زمان ملاقات ساعت ۲۰/۳۰ می باشد.

ب- اگر الف ۱/ بخواهد اول تماس بگیرد، تلفن داخلی سفارت شماره ۱۱۰۶ یا ۱۱۳۵ را خواهد گرفت و درخواست می کند با «تام» صحبت کند. او خودش را «برایان» معرفی خواهد کرد. مابقی مشابه ترتیبات پاراگراف الف می باشد.

۲- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۹ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

#### سند شماره (۱۳)

۲۴ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۳۴۵۰ (به کفالت گلگروف)  
سرری به : رئیس  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.  
عطف به : تهران ۵۳۴۴۹  
۱- هویت الف ۲۴۷-۲۱۴ تکرار می شود ۲۴۷-۲۱۴.  
هویت ب ۸۴۱۱۶۲ تکرار می شود ۸۴۱۱۶۲.  
۲- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۹ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

#### سند شماره (۱۴)

۲۳ تیر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از : تهران ۵۳۶۸۰  
سرری به : واشنگتن  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. تماس با اس. دی. ارن ۱/.  
عطف به : تهران ۵۳۶۷۰  
۱- در اوائل شب ۲۲ خرداد با تلفن عمومی از اس. دی. ارن ۱/ با خیر شدیم. علیرغم اینکه روز تعطیل بود، ولی صدای ترافیک در مکالمه تداخل می کرد، اما فهمیدیم که الف ۱/ گفت هنوز نوعی قرارداد بازرگانی پیچیده او را مشغول به خود می دارد. وی ادعا کرد که مسئله پیچیده او را مشغول به خود می دارد. وی ادعا کرد که مسئله پیچیده تر از آن است که بتوان توضیح داد و گفت که در «هفته آینده» با ما تماس خواهد گرفت. ما گفتیم که خیلی علاقه مند به دیدار او هستیم و اطمینان گرفتیم که هنوز شماره تلفن ما را دارد. لحن الف ۱/ مانند بازرگانان ولی خوشایند بود؛ هیچ نکته ای از دلیل غیبت اخیرش یا مقاصدش در رابطه با تماس در آینده به ما نداد.  
۲- ستاد در جریان امر قرار خواهیم داد.  
۳- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۵)

۱۰ خرداد ۵۸ - اعضاء  
از: دیرتک ۵۲۶۱۴  
به: تهران رونوشت برای آتتک رئیس  
سری  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. آکواتیک ای. زی. رالی. ای. زی. گودز  
عطف به: تهران ۵۳۲۷۷

در رابطه با پاراگراف ۳ تلگرام مرجع، توصیه می‌کنیم که قرارگاه SV/A-8 شماره سری ۶۱۹، SV-8 شماره سری ۴۲۹ و SV شماره سری ۳۴۱ همگی را روی طول موج ۱۷۰/۰۳۰ تکرار می‌شود  
۱۷۰/۰۳۰ مگاهرتز برای استفاده اضطراری اس. دی. ارن ۱/ نگاه دارد. تمام ادوات دیگر را از کانالهای  
فست‌اکت به ستاد مرکزی بازگردانید. تا تاریخ ۱۰ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۱۶)

۴ تیر ۵۸ - اعضاء  
از: دیرتک ۵۳۰۶۲  
به: تهران رونوشت برای آتتک رئیس اچ. بی. گریزینگ  
سری  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. آکواتیک ای. زی. رالی. اس. دی. ارن  
عطف به: الف. تهران ۵۲۳۱۳ (برای تمام مخاطبین ارسال نشده). ب: رئیس ۳۹۸۵۷۴ (برای تمام  
مخاطبین ارسال نشده).

۱- در تلگرام مرجع الف اشاره شده بود که DVP -۳۵۰ MX<sup>۲</sup> اس. دی. ارن ۱/ بازپس گرفته شده و  
ستاد نتوانسته جواب داده شده به سؤال تلگرام مرجع ب را پیدا کند که آیا باطری شارژ مخفی شده در  
دستگاه استریو سانپو هنوز مورد احتیاج است یا نه.  
۲- در رابطه با احتیاج احتمالی آتن به SV/A-8 برای اس. دی. ارن ۱/ لطفاً اطلاع دهید آیا باطری  
شارژر MX-۳۵۰ ذکر شده در تلگرام مرجع ب هنوز مورد احتیاج می‌باشد یا نه.  
تا تاریخ ۳۱ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۱۷)

۹ شهریور ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۵۰۵۶۹۲  
به: تهران  
سری  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن جی. بی. سنت  
عطف به: تهران ۵۴۰۵۵

۱- خوشحالیم که می‌بینیم تماس رودرو با اس. دی. ارن ۱/ (الف ۱) دوباره برقرار شده است، چنان  
که در تلگرام مرجع اشاره شده است.  
۲- ما دو فقره (مدرک) اداری داریم که نهایتاً امضای الف ۱/ را لازم دارند تا سوابق بیمه و مالیاتی وی

۱- این حروف و اعداد مشخص‌کننده نوع دستگاه ارتباط رادیویی صوتی به صورت مخفی می‌باشند. S مخفف SECURE VOICE تماس صوتی مخفی یا مطمئن است.

۲- MX-۳۵۰ یک نوع دستگاه تماس رادیویی بوده که سیاه به بهرامیان داده بود و در سند شماره ۲۰ هم به آن اشاره شده است.

تکمیل شوند.

الف - یک تأییدیه (که قرارگاه می تواند بنویسد) امضاء شده به اجمال حاکی از اینکه الف / ۱ می داند که از دستمزد پرداختی به وی توسط سیا هیچ یک از مالیاتهای فدرال یا دولتی یا تأمین اجتماعی اغماض نخواهد شد و او طی یک دوره استخدام هیچ اعتبار تأمین اجتماعی برای خود جمع نخواهد کرد. این تأییدیه باید به منظور نگهداری به ستاد مرکزی ارسال شود تا در صورتی که مسئله ای در مورد متابعت وی از مقررات سرویس درآمد داخله در رابطه با دستمزدش از سیا مطرح شد به کار آید.

ب - تعیین فرد استفاده کننده از بیمه نامه عمر اس. دی. ارن / ۱ این کار محتاج امضای وی و نامهای استفاده کنندگان اصلی و اضطراری به انتخاب وی می باشد.

۳- با توجه به ادامه مخاطرات مربوط به ملاقات الف / ۱ و ماهیت نسبتاً اتهام آمیز خود مدارک، ما ارسال فقره (ب) به قرارگاه را به تعویق انداخته ایم. خواهان نظریات قرارگاه درباره امکان اقدام به گرفتن امضاها در آینده نزدیک هستیم. اگر جواب مثبت بود، فقره (ب) را ارسال خواهیم کرد اما اگر تردیدی وجود داشت می توانیم این مطلب را باز هم به تأخیر بیندازیم.

۴- پرونده: ۹۴۹۱۶۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

#### سند شماره (۱۸)

۱۴ شهریور ۵۸ - اعضاء  
از : فرانکفورت ۷۲۸۶۱

سری  
به : تهران رونوشت برای رئیس

هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. ارن

عطف به : الف. تهران ۵۱۲۹۰ ب. تهران ۵۱۶۲۵ ج. تهران ۵۴۱۲۰

فعال کننده PAPIIDOPRINT که در تلگرام مرجع ج به آن اشاره شده قرارگاه شما در ۳ بهمن ۱۳۵۷ با تلگرام مرجع الف سفارش داده بود. به علت مشکلات پیشین توزیع در ناحیه شما، این دستگاه تا این اواخر حمل نشده، بنابر تلگرام مرجع ب، این فعال کننده برای استفاده با به عمل آورنده سریع FOTORITE مدل D ۱۴۹۴ می باشد. ما نمی توانیم سابقه دیگری در اختیار گذاریم .

تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

#### سند شماره (۱۹)

۱۵ شهریور ۵۸  
یادداشت برای پرونده اس. دی. ارن / ۱

سری

موضوع : ترتیبات ملاقات

۱- ملاقات آینده قرار است از طریق تلفن ترتیب داده شود. الف / ۱ با شماره ۱۱۳۵ یا ۱۱؟۶ تماس گرفته سراغ تام را می گیرد. از تاریخ و موقعی که مورد توافق قرار می گیرد باید دو عدد کاسته شود.

۲- محل (ملاقات) خیابان سیبویه، بالای خیابان آپادانا و عمود بر آن است. مأمور مربوط به طرف شمال پیاده می رود و الف / ۱ که با اتومبیل به سمت شمال می رود او را سوار خواهد کرد.

سند شماره (۲۰)

۲۲ شهریور ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از : واشنگتن ۵۱۲۸۰۶  
متن ذیل FSAR پیشنهادی ما برای اس دی ارن / ۱ جهت گزارشگری وی در حد فاصل فروردین ۵۷ الی مهر ۵۸ است. لطفا هر گونه اظهار نظر یا تصحیح که مناسب می دانید به عمل آورید و لطفا اطلاعات درخواستی را تأمین نمایید تا FSAR تکمیل شود.

مدت گزارشگری : فروردین ۵۷ - مهر ۵۸

موضوع : هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - FSAR برای اس دی. ارن / ۱

۱- هویت: الف - اس. دی. ارن. ب - پی. ال. اس. دی. ارن / ۱

- پرونده: ۲۰۱۰۹۴۹۱۶۳

۲- FAN: ۳۳۴۹۴۴

۳- هدف: S

۴- جزئیات عملیاتی :

الف. تأییدیه موقت عملیاتی.

پی. ال. اس. دی. ارن / ۱ یک شهروند ایرانی مقیم تهران است که دارای مجوز مخصوص بیگانه دائم الاقامه در آمریکا می باشد. او مورد اعتماد رهبران میانه رو است که مخالفین دیرینه شاه بوده اند و اکنون از مقامات عالی رتبه دولت موقت می باشند و او عموماً درباره نظرگاههای ایشان و تحولات داخلی گزارش می دهد. در ۲۲ خرداد ۵۶ به وی تأییدیه موقت عملیاتی و در ۷ فروردین ۵۸ نیز تأییدیه عملیاتی داده شد. ب. دسترسی الف / ۱ به رهبران فعلی دولت موقت در خصوص فعالیت اطلاعاتی در مورد این هدف از اهمیت اساسی برخوردار است.

ج. کنترل و تعهدات :

در آغاز الف / ۱ با سیا همکاری می کرد، برای اینکه نظریات گروه سیاسی میانه رو خود را از کانالی به کانالی به دولت آمریکا برساند، به این امید که دولت آمریکا عاقبت برای تماس آشکار با این گروه و حمایت از آن تحت حکومت شاه اقدامی نماید. او از مطلع کردن همکاران خود از تماسش با سیا منع شد و در آبان ۵۶ یک آزمایش دروغ سنجی را با موفقیت گذراند که کاشف از هماهنگی وی با این رهنمود بود. در جریان بدتر شدن اوضاع سیاسی و امنیتی او یک عامل مخفی حقوق بگیر تمام عیار شده است. الف / ۱ در عین حالی که طی مدت قابل ملاحظه ای از دریافت هرگونه دستمزد خودداری می ورزد، در ۱۷ خرداد ۵۷ یک یادداشت تعهد را که در اسفند ۵۸ اصلاح شد پذیرفت که به موجب آن سیا پول یک بیمه نامه عمر معادل ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکا را می پردازد و سالانه ۵۰۰۰ دلار آمریکا در یک حساب امانی ستاد واریز می نماید.

آخرین اصلاح یادداشت تعهد تاریخ ۹ فروردین ۵۸ را دارد که به موجب آن سیا همچنین به الف / ۱ کمک می کند که حین اقامتش در خارج از آمریکا حق مخصوص بیگانه دائم الاقامه خود را حفظ کند و این حق از مقامات ایرانی پوشیده ماند. در فروردین ۵۸ یک وام با نرخ مساعد برای الف / ۱ ترتیب داده شد که ۱۳۰۰ دلار باز پرداخت آن به سیا به عنوان پاداش ملغی گردید.

د. تماس: ملاقات‌ها با الف / ۱ با سوار شدن او به اتومبیل (مأمور) پس از تماس تلفنی با او در منزلش صورت می‌گیرند. در مرداد و شهریور ۵۸ تماس قطع گردید، اما در اواخر شهریور ۵۸ دو باره برقرار شد و الف / ۱ گزارشهای خود را می‌دهد (لطفاً قرارگاه در مورد هر تغییری که در ترتیبات تماس حاصل شده توضیح دهد). یک آدرس عملیاتی در لندن به الف / ۱ داده شده است و تأییدیه برای استفاده از وسایل مخابراتی و مخفی صادر گردید. در جریان بحران بهمن ۵۸ (رادپوی) MX-350 الف / ۱ به مأمور قرارگاه امکان داد که با او تماس بگیرد و برای سفارتخانه که تحت اشغال در آمده بود کمک بگیرد. از آن زمان آن دستگاه پس گرفته شده است.

هـ- امنیت: الف / ۱ آموزش امنیتی دیده است و قواعد را مراعات می‌کند. در آذر ۵۶ به دستورالعملهای تماس جهت رد کردن پیام از طریق دوست مشترک به مأمور مربوطه اعتنا نمود و FSAR فروردین یادآور شد که در زمینه امنیتی لازم است الف / ۱ به دقت تحت نظارت باشد. (لطفاً قرارگاه در مورد هرگونه مشاهدات امنیتی جاری اظهار نظر نماید). اس. دی. ارن در آبان ۵۷ به عنوان یک مورد که احتیاج به دسترسی محدود و سفارش دارد طبقه‌بندی شد PLSDURN.

و- الف / ۱ آموزش مخفی نویسی با سیستم مدادی (کربنی) و مخابرات به علاوه امنیت را دیده است. (لطفاً قرارگاه در مورد هر طرح آموزشی که دارد اظهار نظر نماید).

#### ۵- موفقیتها و طرحها:

الف / ۱ یک منبع اساسی گزارش در باره رهبری دولت موقت است و تعداد قابل ملاحظه‌ای گزارش ارزشمند تامین کرده است. طی حد فاصل دی ماه ۵۷ الی شهریور ۵۸ او منبع (؟) ۶ گزارش بوده و قسمتی از یک گزارش دیگر را تامین نموده است. ۲۳ فقره آنها نمره «۱۰» و ۴۲ فقره نمره «؟» و دو فقره نمره «۱» گرفتند. طی تصرف سفارتخانه در ۲۵ بهمن منشاء کمک مهمی بود. هنگامی که مأمور مربوطه اش با وی تماس گرفت او به دکتر یزدی تلفن کرد و در تشویق وی به اعزام پاسداران برای نجات کمک نمود (لطفاً قرارگاه در مورد طرحهایش برای تغییرات بیشتر اظهار نظر نماید).

۶....

الف - بودجه ۶۰۰۰ دلار آمریکا در سال.

هزینه‌های عملیاتی (قرارگاه لطفاً اظهار نظر نماید)،

ب - حق بیمه زندگانی و واریز پول به یک حساب امانی در ستاد ج..... (لطفاً قرارگاه تامین نماید). تا تاریخ ۲۲ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سَری

#### سند شماره (۲۱)

سَری

۲۵ شهریور ۵۸ - تلگرام غیر فوری

به : واشنگتن

از : تهران ۵۴۲۲۲

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. ارن / ۱

عطف به : واشنگتن ۵۱۲۸۰۶

۱- متن ذیل در رابطه با تلگرام مرجع است:

۴. د. ملاقات با الف / ۱ در اتومبیل انجام می‌شود و به طوری که از قبل قرار گذاشته می‌شود از اتومبیل

وی یا اتومبیل مامور مربوطه استفاده می‌گردد. علامت درخواست ملاقات به وسیله تلفن از جانب یکی از طرفین داده می‌شود.

۴. ه از موقع برقراری مجدد ارتباط در مرداد ۱۳۵۸ هیچ مسئله امنیتی روی نداده است.

۴. و. در حال حاضر طرحی برای آموزش آتی در دست نیست.

۵ - طرحهای قرارگاه برای استفاده از الف / ۱ در ارتباط با تمایل ادغام دو ساخت قدرت متوازی می‌باشد، ما روی گزارشگری در باره رهبری مذهبی و نقش آن در تعیین جهت دولت موقت و دولت جدید تأکید خواهیم کرد.

۶- الف. هزینه عملیات:.. (؟) دلار آمریکا،

۶- ج. یک دهم.

۲- پرونده: ۲۰۱۰۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۲۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

#### سند شماره (۲۲)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده.

کشور: ایران

موضوع: کوششهای گروهی شامل آیت‌الله طالقانی برای ادغام قدرت مذهبی

و غیر مذهبی در یک رژیم موقت جدید (تاریخ خبر: اوایل شهریور ۱۳۵۸).

منبع: فردی است که مورد اعتماد عضو عالیرتبه‌ای از یک سازمان سیاسی ایران قرار دارد و از نزدیک در جریان انقلاب در ایران بوده و آشنایان عالیرتبه‌ای در دولت ایران دارد. گزارشهای گذشته وی عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

۱- یک گروه غیر دولتی سعی داشته نخست وزیر مهدی بازرگان را تشویق به صحنه گذاردن بر طرحی کند که بنا بر آن قدرت غیر مذهبی که نمایندگی آن با دولت موقت است و قدرت مذهبی که در آیت‌الله روح‌الله خمینی مجسم شده با هم ترکیب می‌شوند. اعضای این گروه که شامل آیت‌الله سید محمود طالقانی، عبدل‌ابوالحسن و عزت سحابی هستند؛ معتقدند که سیستم فعلی قدرت دوگانه قادر به برخورد با مسائل فوری نیست و بازرگان مایل نیست با این مسائل حتی مواجه شود و قدرت فردی خمینی باید در یک تشکیلات حاکم موقتی و یک دست ادغام شود. بازرگان، که نقش خود را محدود به نظارت بر انتقال یک دولت.... می‌بیند، علیرغم روابط شخصی نزدیکش با اعضاء گروه تهیه‌کننده این پیشنهاد، مایل به تأیید آن نبوده است. اگر او نظر خود را در هفته حول ۴ شهریور عوض نکند،.... امید کمی به این کار وجود دارد، طالقانی در آخر هفته به قم خواهد رفت تا موافقت خمینی را جلب کند.

۲- در بافت موقتی که گروه بانی قضیه در نظر گرفته، خمینی رئیس «هیئت» حاکمه خواهد بود. بازرگان هم یکی از اعضاء خواهد بود و به عنوان «دبیرکل» فعالیت می‌کند. تمام اعضاء کابینه فعلی کنار گذاشته خواهند شد و شورای انقلاب هم منحل می‌شود و مقاماتی زیر نظر هیئت حاکمه به مناصب اجرایی مثل..... دفاع، کشاورزی، مسکن... گمارده خواهد شد.... (ادامه سند به دست نیامده)



سند شماره (۲۳)

۴ مهر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از : واشنگتن ۵۲۱۵۶۸  
موضوع : هشدار - منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - نمرات و نظریات مربوط به گزارشها  
۱- در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ماه اوت می‌آید:  
۱۰/۷۰۹ و ۱۰/۷۰۸ و ۱۰/۷۰۷ و ۱۰/۷۰۴ و ۱۰/۷۰۱ و ۱۰/۷۰۰ - NIT های که در ۳ مهر  
۱۳۵۸ مرور شدند. مابقی NIT های ماه اوت گزارشهای نفتی هستند که بخش اقتصادی / خاور نزدیک به  
طور جداگانه به آنها نمره خواهد داد.<sup>۱</sup>  
هدف: S.I.B نمره: ۵

۱۰/۷۰۴ - NIT اس - دی. ارن ۷۹ - ۱۵۱۶۸ / ۳۱۵ - TDFIRDB

۷ شهریور ۱۳۵۸

یک جانبه اس. دی. ارن با تمام کنترلها

موضوع: کوششهای گروهی شامل آیت الله طالقانی برای ادغام قدرت مذهبی و غیر مذهبی در یک  
رژیم موقت جدید.

نظریه: این گزارش به نظر می‌رسد که قدری در مطبوعات تأیید شده باشد. گزارشهای بعدی نشان داد  
که پیشنهادها این گروه رد شده است. تحلیلگران همچنان علاقه‌مند به حرکتی هستند که روحانیت  
برای به دست آوردن یک موقعیت حکومتی فعالانه‌تر ایفا می‌کند. علاقه‌و آفری به هر گزارش در باره  
نظرگاه‌های روحانیون ایران - هرکدام که باشند - وجود دارد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار  
اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

سند شماره (۲۴)

۵ مهر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از : تهران ۵۴۳۲۶  
سری  
به : واشنگتن

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است پی. ال. اس. دی. ارن

۱- از نظر شما دور نمانده که اس دی. ارن / ۱ اخیراً هیچ به آگاهی ما از نسبت بین نیروهای محرکه  
دولتی من جمله ماجرای نزیه نیافزوده است. در آخرین ملاقات ما به درخواست الف / ۱ مبنی بر اینکه  
ملاقات بعدی با تماس تلفنی او شروع شود موافقت کردیم. هنوز از او خبری نشده و طی سه روز گذشته  
پیامهایی در منزل و دفتر وی گذاشته و خواسته‌ایم که با ما تماس بگیرد. نتایج حاصله را اطلاع خواهیم داد.  
۲- پرونده: ۹۴۹۱۶۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۵ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

۱- در این تلگرام که ستاد سیا نظر خود را درباره گزارشهای ارسالی (غیر نفتی) از قرارگاه تهران در ماه اوت اظهار داشته، فقط یک مورد  
مربوط به گزارش اس. دی. ارن / ۱ می‌شده که در اینجا آمده و برای حفظ انسجام مطلب از آوردن سایر قسمتهای آن خودداری شده تا هر مورد در  
پرونده مربوط به خودش مطرح شود.

سند شماره (۲۵)

۱۲ مهر ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۴۴۰۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس پی.ال.اس.دی.ارن  
عطف به : تهران ۵۴۳۲۶

۱- شب ۱۱ مهر به وسیله تلفن.... با اس.دی.ارن / ۱ (الف / ۱) تماس گرفتیم :  
الف: او مشغول خاتمه دادن به تجارت خود و مناسباتش با دولت موقت است. پرسید آیا خبری  
درباره.... داشتیم (جواب منفی دادیم).  
ب - یک محافظ.... برای منزل وی تعیین شده که معلوم نیست چه کسی ترتیب آن را داده است. این  
امر.... احتمالاً علت تماس نگرفتن او با قرارگاه بوده است.  
ج- او باید به بلوچستان مسافرت کند تا به کاری که مشخص نشد رسیدگی نماید. سعی خواهیم نمود  
از فرودگاه.... بازگشت در اواخر هفته آینده.....  
۲- باتوجه به وضع الف / ۱..... ما میلی نداشتیم که مکالمه را طولانی کنیم یا درباره.... سؤال نماییم.  
مطمئن‌ترین گمان ما این است که تصمیم به قطع.... ناشی از ماجرای اس.دی.پوتی / ۱ بوده و پیش از  
تعیین محافظ برای جلوی درب وی اتخاذ شده است. الف / ۱ به نظر افسرده و.... نشان می‌داد.  
۳- در تماسهای اخیر با منزل الف / ۱ ما صدای پسرش و یک فرد مونث که احتمال داده می‌شود همسر  
یا دخترش بوده باشند را شنیدیم.  
این واقعیت که خانواده‌اش هنوز اینجا هستند.  
ممکن است خودش.... که این قضیه مثل قضیه اس.دی.ایگل / ۱ نخواهد بود. معذک، دادستانی  
انقلاب ظاهراً خانواده‌های کسانی را که بزهدار تشخیص داده شده‌اند، مشمول.... گرداند، و امکان دارد  
که الف / ۱ به این نتیجه برسد که باید به تنهایی اقدام به خروج مخفیانه نماید. در باره اینکه آیا ما باید  
برای.... چنین خروجی تلاش نماییم و در چنین صورتی چه طرحهای احتیاطی ابداع کنیم در خواست  
داریم که ستاد نظر خود را اعلام نماید.<sup>۲</sup>

سند شماره (۲۶)

۱۲ مهر ۵۸ - اعضاء  
از : رئیس ۵۲۶۹۷۴  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس. پی.ال.اس.دی.ارن  
عطف به : رئیس ۵۲۶۹۶۶  
۱- هویت عبارتست از :  
بهرام بهرامیان

۱- اس.دی. ایگل / ۱ نام رمز عطارزاده، کارشناس ضد تروریستی ساواک و منبع نفوذی سیا بوده که در اوایل سال ۵۸ توسط متخصصین  
اعزامی سیا تغییر صورت داد و از کشور خارج شد و اینک برای سیا کار می‌کند.  
۲- ادامه این سند هنوز به دست نیامده است.

تاریخ و محل تولد: ۲ اردیبهشت ۱۳۱۹، ایران، جنس: مذکر  
تابعیت: ایران. بهرامیان.... ( دارای ویزای - م ) بیگانه دائم‌الاقامه  
شغل: بازرگان  
اوصاف:  
قد: ۷۰ اینچ وزن: ....  
رنگ پوست: گندمگون، خصوصیات چهره: صورت.... با دماغ بزرگ، عینک می‌زند، رنگ...  
سیاه، رنگ چشم: قهوه‌ای، دندانها  
زبان: زبان مادری فارسی، انگلیسی خوب  
۲- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۲ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۲۷)

۱۳ مهر ۵۸ - اعضاء  
از : تهران ۵۴۴۱۲  
سری  
به : فوری به رئیس رونوشت....  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس پی. ال. اس. دی. ارن. اف. جی پستایم  
عطف به : الف - رئیس ۵۲۶۹۶۶، ب - رئیس ۵۲۶۹۷۴  
۱- توصیف جسمی (ذکر شده) درست است،.... به جای سیاه قهوه‌ای تیره.....  
۲- پرونده: ۲۰۱-۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۲۸)

از: دیرتک ۵۴۸۹۵  
سری - ۱۳ مهر ۵۸ - اعضاء  
به: فوری تهران رونوشت فوری برای فرانتک، رئیس  
حساس. ال. پی. گامین - پی. ال. اس. دی. ارن - اف. جی. پستایم  
عطف به: الف. رئیس ۵۲۶۹۶۶، ب. تهران ۵۴۴۱۲  
۱- چون ممکن است مدارک جعلی جهت خروج مخفی اس. دی ارن / ۱ لازم باشد نظریات زیر ارائه می‌گردد.  
۲- بررسی امکان صدور پاسپورت توسط اداره خدمات فنی در رابطه با ملیت قابل توجیه برای اس دی ارن / ۱ با در نظر گرفتن جنبه‌های نژادی، آشنایی زبان، و شرایط ویزایی برای داخل شدن به ایران و ادامه سفر، صدور پاسپورت پرتهالی در ماکائو را بسیار مناسب جلوه می‌دهد. تمام پاسپورت‌های آمریکای لاتین به ویزا نیاز دارند. پاسپورت‌های موجود کشورهای خاور نزدیک به ویزای ایرانی نیاز دارند. البته به استثناء پاسپورت کشور تونس که چون فرد مذکور فرانسوی نمی‌داند دادن این پاسپورت مناسب نیست. پاسپورت کویتی نیز در نظر گرفته شد، لیکن شرایط اخذ ویزا و ادامه احتمالی سفر از ایران به کویت این انتخاب را نیز چندان مناسب جلوه نمی‌دهد.  
۳- پیشنهاد می‌کنیم از داستان پوششی بازرگان پرتهالی که در ماکائو زندگی می‌کند و سفرهایی چند به هنگ کنگ و اروپای غربی کرده است استفاده شود. آثار این سفرها در پاسپورت خواهد آمد. فرد مذکور

در حال حاضر مرحله بازگشت سفر دو سره فرانکفورت - ماکائو - فرانکفورت را به انجام می‌رساند و به محض فرود آمدن در تهران استفاده واقعی از پاسپورت جعلی آغاز خواهد شد.

۴- امکان صدور اسناد لازم ذیل وجود دارد:

الف: کارت واکسیناسیون آبله و تیفوس از هنگ کنگ.

ب: کارت شناسایی برای افراد مقیم ماکائو. که اگر عکس قدیمیتری از فرد مذکور در دسترس باشد، ممکن است تاریخ آن چند سال جلوتر نشان داده شود.

۵- مدارکی که لازم است از تهران جهت صدور فرستاده شوند عبارتند از:

الف: عکسهای قدیمی و جدید فرد مذکور در صورت موجود بودن. در صورتی که نگاتیوها در دسترس باشد چه بهتر. ستاد مرکزی قادر است اولین سری چاپ عکسهای فرد مذکور را در پرونده‌های ال. ان. یوما جای دهد.

ب: دفتر خدمات فنی می‌تواند دو اسم فرضی و دو شهرت فرضی را جعل کرده به تهران مخابره کند، تا جهت به دست آوردن شش نمونه امضاء مشابه که خود فرد مذکور شخصاً می‌دهد مورد استفاده قرار گیرد.

۶- خواهشمند است قرارگاه نظریات خود را در مورد تناسب استفاده از پاسپورت پرتهالی صادره در ماکائو ارسال دارد. در صورتی که اسناد جعلی مورد استفاده قرار گیرد، اطلاع دهید آیا قرارگاه در استفاده از ظاهر مبدل نیز ضرورتی احساس می‌کند.

۷- فرانتک: خواستار نظریات و پیشنهاد شما هستیم. سوابق دفتر خدمات فنی نشان نمی‌دهند که ای. زی. نوا دارای ظرفیت صدور پاسپورت پرتهالی باشد. در صورت لزوم ارسال خواهد گردید. خواهشمند است نظر خود را اعلام دارید.

۸- پیشنهاد فوق صرفاً به قصد چاره‌جویی مقدماتی برای خروج مخفی بود که در صورت ضرورت مورد استفاده قرار گیرد.

۹- پرونده: ۹۴۹۱۶۳-۲۰۱ تا تاریخ ۱۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

#### سند شماره (۲۹)

سری

۱۴ مهر ۵۸ - اعضاء

از: فرانتک ۳۹۹۴۵

به: فوری به دیرتک رونوشت فوری برای تهران، رئیس

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس - پی. ال. اس. دی. ارن. - اف. جی. پستایم. عطف به: الف. رئیس ۵۲۶۹۶۶، ب. دیرتک ۵۷۸۹۵، ج. فرانتک ۳۹۹۲۶ (به تمام مخاطبین ارسال نشده)

۱- سناریوی طرح شده در تلگرام مرجع ب برای خروج مخفی احتمالی اس. دی. ارن از ایران با اسناد پرتهالی شایان توجه است. معذالک فکر می‌کنیم که مجرد لزوم ویزی ورود نباید موجب از نظر افتادن پاسپورت آمریکای لاتین یا سایر کشورها که پاسپورتهایشان ویزا لازم دارد شود. آخرین اخبار ما در مورد مسافرت به ایران حاکی از لزوم داشتن ویزا می‌باشند (راتر فوراً گزارش داد که او در آتن بدون

۱- راتر فوراً همان مأمور ویژه‌ای بود که سیا برای تماس با بنی صدر خائن به تهران و پاریس اعزام داشته بود.

تأخیر یا اشکالی ویزای ورود گرفت). اطلاع ما در مورد مسافرت بدون ویزا به ایران، خصوصاً در رابطه با دست نوشته‌های وارده در پایین کارت ورود به کشور که هنگام خروج خواسته می‌شود ناقص است. خروج مخفی در این حالت محتاج تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد تا این نقیصه تکمیل شود.

۲- به نظر ما اگر ویزاهای ورود به ایران اکنون بیش از گذشته در دسترس باشد، حتی ممکن است ویزا را به طور قانونی در پاسپورت مشار- الیه جای داد، در غیر اینصورت نمونه‌هایی برای نسخه برداری و جعل موجود خواهد بود. استفاده از پاسپورتهای آمریکای لاتینی یا سایر ملیتها که به ویزاهای ورود احتیاج داشته باشد، باید به طور جدی بررسی شود. ما... خالی پرتغالی نداریم.

۳- راتر فورده گزارش داد که هنگام ورود به ایران، در چندین نقطه متفاوت در جریان کنترل پاسپورت بازرس گمرک راجع به علت مسافرتش به ایران و مدت اقامتی که در نظر دارد از او سؤال نمود. او متوجه هیچ اقدام کنترلی فوق‌العاده‌ای در ضمن عزیمت خود نشد.

۴- برای تهران، ما می‌دانیم که در این مرحله تهیه اسناد خروج تنها چاره است، معذالک پیشنهاد می‌کنیم که برای بررسی پاسپورتهای کارتهای ورود مسافرینی که با داشتن و همچنین بدون ویزا اخیراً به ایران رفته بودند تلاشهایی صورت بگیرد.

۵- پرونده: ۹۴۹۱۶۳-۲۰۱ تا تاریخ ۱۴ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

#### سند شماره (۳۰)

۲۰ مهر ۵۸ - اعضاء  
از: دیرتک ۵۴۹۸۰ به: با حق تقدم به فرانتک رونوشت برای تهران، رئیس  
حساس - ال. پی. گامین - پی. ال. اس. دی. ارن - اف. جی. پستایم تکز.  
عطف به: الف. دیرتک ۵۴۸۹۵ ب. فرانتک ۳۹۹۴۵

۱- اداره خدمات فنی اقلام زیر را برای استفاده احتمالی در تهیه مدارک اس. دی. ارن یا محموله ۴۷۹۱۹۰ به ای. زی. نوا می‌فرستد:

الف: مجموعه چهار نگاتیو که از کارتهای شناسایی اس. دی. ارن ۱ / همسر، پسر و دخترش ساخته شده است.

فیلم مثبت نگاتیوها نیز ضمیمه است. عکسهای اصلی از پرونده‌های ال. ان. یوما<sup>۱</sup> برداشته شده است و می‌بایست به جای خود بازگردانده شود. این عکسها در حد فاصل تقریبی ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ گرفته شده بودند. طرح فعلی برای اعضای خانواده مشارالیه این است که در صورت امکان آنها به طور علنی عازم شوند. شاید بعداً ناچار شویم به خانواده‌اش کمک کنیم.

ب: نسخه‌هایی از نمونه کارتهای شناسایی ماکائو.

۲- اداره خدمات فنی مشغول گردآوری مجموعه لوازم صدور پاسپورت پرتغالی و کارت شناسایی ماکائو می‌باشد که در مدت کوتاهی به ای. زی. نوا ارسال خواهد شد.

۳- در صورتی که مشارالیه تقاضای مدارک با نام مستعار نمود اداره خدمات فنی ترجیح می‌دهد از

۱- ال. ان. یوما نام رمزی یکی از واحدهای دولتی آمریکا می‌باشد، ولی معنای دقیق آن هنوز روشن نشده است. پیشوند ال. ان. مخصوص این تأسیسات می‌باشد، چنان که برای مثال در بعضی اسناد برای اشاره به سفارتخانه‌های آمریکا کلمه رمز ال. ان. فال به کار می‌رود.

پاسپورت پرتغالی استفاده کند. به نظر ما پاسپورت برزیلی در صورت انتخاب آمریکای لاتین بهتر از همه می باشد، زیرا که این تنها پاسپورت به زبان پرتغالی است. تهیه مدارک اسپانیولی زبان شاید مخاطره بیشتری برای مشارالیه در بر داشته باشد، زیرا احتمال بیشتری دارد که مقامات ایرانی به زبان اسپانیولی به جای پرتغالی بازخواست کنند.

- ۴- مایلیم به تهران خاطر نشان کنیم که این نگاتیوهای ارسالی به ای. زی. نوا دومین سری عکسهای چاپی را به دست خواهد داد که حکم داخلی را نسبت به عکسهای اصلی خواهند داشت. نگاتیوهای یاد شده فقط در صورتی داده خواهد شد که تهران نتواند نگاتیوها/ تصاویر بهتر یا... استفاده در کارت شناسایی ماکائو به دست آورد.
- ۵- توضیحات و اقلام فوق که برای ای. زی. نوا ارسال می شوند به شرطی تحویل می گردند که... مدارک مسافرت با نام مستعار تهیه گردد.
- ۶- پرونده: ۹۴۹۱۶۳-۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

#### سند شماره (۳۱)

۲۰ مهر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از : واشنگتن ۵۳۱۲۰۰  
سری  
به : تهران

موضوع : هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

نمرات و نظریات برای گزارشها

نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ۱۰/۷۱۰ - NIT تا ۱۰/۷۲۰ - NIT ماه سپتامبر که در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ مرور شدند.<sup>۱</sup>

هدف: S.I.E

شماره گزارش از حوزه فعالیت: ۱۰/۷۱۶ - NIT.

نمره ۵ اس. دی. ارن.

شماره انتشار: ۷۹ - ۱۵۶۶۷/۳۱۵ - TDFIRDB ۱۵ شهریور ۱۳۵۸.

یک جانبه، منبع اس. دی. ارن / ۱، با تمام کنترلها.

موضوع: ۱- ساخت شورای انقلاب.

۲- روابط بین چهره های سیاسی و دولتی ایران.

نظریه: همچنان به شناسایی چهره های برجسته دولتی و آنها که بالقوه شخصیت های برجسته ای هستند علاقه مندیم. مرکز تحلیلهای خارجی کشور هنوز خواهان گزارشهایی راجع به شورای انقلاب، اعضا و مقام آن در رژیم می باشد.

سند شماره (۳۲)

۳۰ مهر ۵۸ - اعضاء  
از: دیرتک ۵۵۱۵۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس ال. پی. گامین، پی. ال. اس. دی. ارن اف. جی. پستایم  
عطف به - الف - دیرتک ۵۴۸۹۵، ب - دیرتک ۵۴۹۸۰، ج - دیرتک ۵۵۰۰۴  
۱- اقلامی که در ذیل نام برده شده‌اند، چنان که در تلگرامهای مرجع قول داده شده بود، با محموله شماره ۵۱۰۹۶۴ TM فرستاده شدند تا مورد استفاده احتمالی برای تهیه مدارک اس. دی. ارن / ۱ قرار گیرند.  
الف - مهر خشک فرضی برای استفاده روی عکس دارنده پاسپورت پرتغالی که در ماکائو صادر شده است. فیش‌هایی که پاسپورت صادره از ماکائو را نشان می‌دهند، دارای هیچ اثر... از مهر نیستند. به هر حال، پاسپورت‌های پرتغالی که در جاهای دیگری صادر شده‌اند، ظاهراً دارای مهر یا لاک نیستند. همچنین عبارت «(لاک / مهر خشک)» به پرتغالی بین دو محل الصاق عکس در پاسپورت پرتغالی درج می‌شود. مهر فرضی روی لاک سرکنسولگری پرتغال در پاریس در سال ۱۹۷۵ ثبت می‌شود.  
ب - نگاتیوها و نسخه‌های زیراکس رنگی حاشیه نوشته دو صفحه باز از پاسپورت که لاکهای سال ۱۹۷۹ ماکائو و هنگ کنگ را نشان می‌دهند.  
۲- پاسپورتی که نسخه‌های یاد شده در بند ب از آن برداشته شده، به طور عادی از آن عکسبرداری شد تا در سیستم LTD جای داده شود.  
۳- پرونده: ۹۴۹۱۶۳ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۳۳)

متن دست‌نویس اهرن در مورد بهرامیان  
اس. دی. ارن / ۱  
پیمانکار ساختمانی با شغل آزاد. متاهل بوده و حداقل یک فرزند دارد، یک پسرش حدود ۱۲ سال دارد  
الف / ۱ حدود ۴۰ سال داشت.  
تا مرداد ۵۸، الف / ۱ عضو یک گروه غیر رسمی توصیه و مشورت به نخست‌وزیر بازرگان بود. (به یاد می‌آورم که او دو یا سه عضو دیگر را نام برد که فکر می‌کنم انتظام و فردی به نام آقای سحابی بین آنها بودند)، او از این موقعیت خود در مورد طرحها و فعالیتهای دولت گزارش می‌داد.  
در فاصله بین اوایل تیر تا هنگام اشغال سفارت سه یا چهار ملاقات با الف / ۱ بر گزار شد که تمام آنها در مرداد و شهریور صورت گرفتند. گزارشهای خبری او در آن دوره حول یک طرح عمران روستایی دور می‌زد که با اجرای تکنیسینهای بیکار و منابع وزارتخانه‌هایی مثل راه و بهداری به کار گرفته می‌شدند.  
(الف / ۱ قادر نبود به سؤالات قرارگاه در رابطه با موضوعاتی مثل مفاد ملاقاتهای بازرگان با امام پاسخ دهد).  
در اوایل یا اواسط مهر ماه، پس از آنکه الف / ۱ در دو ملاقاتی که قبلاً قرار گذاشته شده بود حاضر

نگریدید چندین بار سعی شد تلفنی با او تماس گرفته شود که این کار نتیجه‌ای بیار نیارود عاقبت توانستند در منزل با او ملاقات کنند. او گفت که نگران ایمنی خود است، چون یک «پاسدار» (احتمالاً یک مراقب) اخیراً جلوی منزل وی آمده بود. او گفت که نمی‌داند این پاسدار از چه سازمانی است اما با توجه به مشکلات آقای «نزیه» می‌ترسد که دستگیر شود. الف / ۱ گفت که تصمیم گرفته مباشرت خود با نخست‌وزیر را قطع کند، کار خود را خاتمه دهد و از کشور خارج شود. او گفت که قصد دارد بلافاصله بعد از مسافرت به بلوچستان (چنان که به خاطر می‌آید) برای خاتمه بخشیدن به یک کاری در آنجا ایران را ترک گوید. از او خواسته شد که پس از مراجعت تلفنی تماس بگیرد. او چنین کاری نکرد و بعد از آن ارتباطی با وی صورت نگرفت.

قرارگاه این امر را گزارش کرد و ستاد به دلیلی. او. لاک، ای. زی. نوا، وای. زی. ویوید دستور داد که دست به کار طرح اضطراری شوند تا در صورتی که الف / ۱ برای خروج از کشور به کمک احتیاج داشت مورد استفاده واقع شود.

جزئیات مکاتبات بعدی را به خاطر نمی‌آورم، اما تصور می‌کنم که مشغول بررسی پاسپورت‌های ماکائو و لبنانی بودند. از آنجایی که تماس دیگری صورت نگرفت، کمکی هم درخواست یا داده نشد.

#### سند شماره (۳۴)

متن اظهارات اهرن در مورد بهرامیان

اسم. بهرامیان. اسم کوچک را نمی‌دانم

موقعیت: یک فرد تاجر است. یک مقاطعه کار ساختمانی است. بین ۴۰ تا ۴۵ سال دارد.

عضو نهضت آزادی است و فردی نزدیک به افراد موجود در دولت است.

به دنبال اطلاعاتی در مورد: روابط بین دولت و رهبران مذهبی بودم. او منبع مأمور قبلی بوده است. به مدت یک ماه منبع من بود. دو ملاقات و دو گزارش داشتم.

موضوع اول: در باره مسائلی از قبیل نقل و انتقال دادن وسائل جاده‌سازی از وزارت خانه به جای دیگری بوده که یک پروژه بوده است.

موضوع دوم: گزارش داد که این پروژه با شکست مواجه شد.

در اواخر سپتامبر یا اوائل اکتبر به من گفت که کارش را بسته و در نظر دارد که کشور را ترک کند، اما نگفت که کدام کشور و در چه تاریخی می‌خواهد ایران را ترک کند. متأهل است و بچه دارد زیرا یک بار که به منزل وی تلفن زدم یک بچه گوشی را برداشت.

اسم رمز - اس.دی.ارن / ۱.



### بسمه تعالی

نام اصلی : خسرو قشقایی

نام رمز : اس. دی. راتر / ۴

در این بخش اسناد مربوط به خسرو قشقایی تنظیم شده که قسمتی از آن مربوط به اسناد وزارت خارجه و بخش دیگر مربوط به اسناد سیا است (اسناد مربوط به سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۳ مربوط به وزارت خارجه و بقیه مربوط به سیا است).

با توجه به تاریخ و محتوای اسناد وزارت خارجه و ملاقاتهای وی با مأموران سفارت (سال ۱۳۳۱) میزان وابستگی وی به آمریکای جنایت کار مشخص و معلوم می شود. وی علیرغم انگیزه های فردی ضد شاهی دارای تمایلات طرفداری از آمریکا و غرب است و در این رابطه از اظهار کمک از آنها هرگز خودداری نمی کند.

اسناد سیا در رابطه با خسرو قشقایی بیشتر شامل ملاقاتها و گزارشهای وی به مأمورین سیا و مواضع وی در قبال جریانهای جاری ایران است و در مورد سابقه وی با سیا چیزی در دست نیست. با توجه به اینکه وی حقوقی از سیا دریافت نمی کرده، انگیزه وی از همکاری با سیا احتمالاً گرفتن قول حمایت از آمریکا در جهت نیات و اهدافش در آینده و در قبال جمهوری اسلامی بوده است.

عمده گزارشها و دیدگاههای خسرو قشقایی بر حول چند محور دور می زند:

با توجه به ضعیف شدن دولت موقت و مخالفت پنهانی با جمهوری اسلامی علیرغم حمایت ظاهری در صدد بوده تا با سران مختلف سیاسی و نظامی در جنوب ایران دست به یک سری اقدامات براندازی بزند. در این رابطه با مدنی تماس می گیرد و از وی می خواهد که یک کودتای نظامی را علیه امام و دولت بازرگان رهبری کند که وی چنین حرکتی را در چنین زمانی زود توصیف می کند. قشقایی بر طبق ادعاهای خودش طرحهای تدارکاتی و تسلیحاتی و استراتژی لازم برای ایجاد مخالفت و درگیری مسلحانه علیه جمهوری اسلامی را داشته است. از طرف بختیار نیز با وی تماسهایی صورت گرفته و حتی به قشقایی گفته شده که پول مورد نیاز برای کودتا نیز به وی پرداخت خواهد شد. در یکی از ملاقاتها وی در مورد تماسش با مخالفین عرب صحبت کرده و گفته که این مخالفین به طور گاه و بیگاه به عنوان حمل کننده سلاح به قبایل غیر عرب در جنوب نیز عمل می کنند.

-- قشقایی در نظر داشته که به همراه مدنی دست به انتشار نشریه ای بزند و این طرح را با سیا نیز در میان می گذارد. سیا نیز به خاطر تمایلی که به داشتن امکانات نشریه ای و بیان نظریاتش در قبال جو ضد آمریکایی و حملات بر علیه آمریکا در ایران داشته، باطناً سعی نموده نه تنها خسرو قشقایی را تشویق کند، بلکه در ازای کمکی که خسرو برای چاپ و توزیع این نشریه خواستار بوده، امکان انتخاب محتوی برای نشریه را از وی جویا می شوند.

سیا از این ملاقاتها و دیدارها در پی کسب اطلاعات در موارد زیر بود:

-- ایل قشقایی و امکانات این ایل در مقابله با جمهوری اسلامی و احتمال استفاده از آن در موارد اضطراری با توجه به باورشان که قشقاییها تنها ایلی هستند که جدا از کردها می توانند فعالیت مخالف چشمگیری ایجاد کنند.

-- اطلاعاتی در مورد وضعیت امنیتی خوزستان و فارس

-- برنامه‌های سیاسی مدنی با توجه به اینکه قشقایی با مدنی تماسهای نزدیک داشته‌اند.  
 -- هدایت اقدامات قشقایی برای تاثیرگذاری بر جریان‌های مخالف (با جمهوری اسلامی). در این مورد توصیه‌هایی به قشقایی می‌شود؛ از جمله نفوذ در جبهه ملی برای رشد میانه روهای طرفدار آمریکا و رساندن و گزارش اطلاعات ملاقات با صدر حاج سید جوادی وزیر کشور برای اطلاع یافتن درباره طرح‌های دولت موقت برای انتخابات، ملاقات با شریعتمداری و خاقانی برای امکان یک طرح ریزی، ملاقات با تیمسار جم به این امید که در موعد معین وی می‌تواند نقشی را ایفا کند. به طور کلی هدف، استفاده از قشقایی به عنوان کاتالیزوری برای گرد هم آوردن میانه‌روهای طرفدار آمریکا از کلیه قشرهای جامعه بوده است (سند مربوط به این بخش در ضمن اسناد شریعتمداری است).

#### سند شماره (۱)\*

خسرو قشقایی در شانزدهمین و هفدهمین دوره مجلس به عنوان نماینده شرکت داشت و مشاور نزدیک مصدق در امور قبیله‌ای بود. او به همراه چند تن از برادرانش به طور رسمی از ایران تبعید شده در ژنو زندگی می‌کند، گرچه در حال حاضر در آمریکا به سر می‌برد. او در مخالفت علیه دولت شاه بسیار فعال است، ولی رابطه‌اش با اکثر گروه‌های موجود در ایران قطع شده است، فقط برادرش محمدحسین اجازه دارد در تهران زندگی نماید. بنا به گزارش‌های رسیده وی معتاد به مواد مخدر است.

#### نامه خسرو قشقایی به مصدق

خسرو قشقایی که در حال حاضر در اروپا به سر می‌برد نامه‌ای به دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر پیشین نوشته است. در این نامه او از وضع جبهه ملی اظهار نارضایتی کرده است. دکتر مصدق نیز در پاسخ در مورد رهبران جبهه ملی اظهار ناخشنودی کرده است. خسرو قشقایی هر دو نامه را در اختیار مطبوعات اروپایی قرار داده است.

#### سند شماره (۲)

تهران ۱۸۶ - ضمیمه ۱  
 سوابق بیوگرافیک: خسرو قشقایی  
 اطلاعات شخصی: تاریخ و محل تولد ۱۹۲۱، فیروزآباد، جوانترین فرزند صولت‌الدوله، مجرد  
 تحصیلات: کالج البرز، تهران  
 زبان: ترکی، فارسی، انگلیسی.  
 سوابق: ۱۹۴۱ - به دوش گرفتن وظایف اداره امور قبیله قشقایی به عنوان یکی از چهار برادر مسؤول نزد مادر خود.  
 نوامبر ۱۹۴۲ - شرکت در کنفرانسی که از طرف کنسول انگلیس پیرامون سیاستهای کلی قبیله‌ای برگزار گردید.  
 ژوئیه ۱۹۴۴ - با دریافت سلاح و تجهیزات از طرف دولت به تعقیب و سرکوب برادرزاده فراری خود

\*- این سند بریده‌های خبری مخصوصی با یگانگی بیوگرافیک سفارتخانه بوده است.

چنگیزخان پرداخت.

۴۹ - ۱۹۴۷ - نماینده مردم فیروزآباد در پانزدهمین دوره مجلس

نوامبر ۱۹۴۷ - به آمریکا و سویس سفر کرد.

آوریل ۱۹۴۸ - به ایران بازگشت.

۱۹۵۰ - نماینده مردم فیروزآباد در شانزدهمین دوره مجلس، عضویت در کمیسیون کشاورزی

مجلس.

### نکات قابل ذکر:

کمی بعد از ترک کالج آمریکایی تهران در سال ۱۹۳۹، خسروخان بر خلاف برادران دیگرش که اکثر اوقات را در تهران می‌گذراندند، به اجرای وظایف قبیله‌ایش پرداخت و از آن زمان قسمت اعظم اوقات خود را در استان مصروف نمود.

قبل از انتخاب شدن به عنوان نماینده در پانزدهمین دوره مجلس، فقط برای سفرهایی گاه‌به‌گاه به تهران می‌آمد و در باره او خیلی کمتر از دیگر برادرانش تبلیغات می‌شد. در سال ۱۹۴۳ او به عنوان فرماندار فیروزآباد انتخاب و منصوب گردید و از جمله مهمترین وظایف او تادیب رهبران جزء قبیله‌ای که سر جنگ داشتند و شرکت در کنفرانسهایی بود که گاه‌به‌گاه با شرکت مقامات ارتش ایران برگزار می‌گشت. در آن زمان قشقایی‌ها طرفدار و مورد لطف دولت مرکزی نبودند، چون قبلاً از آلمانها هواداری کرده بودند و از خلع سلاح نمودن مردان قبیله خود امتناع می‌ورزیدند.

در ماه اوت ۱۹۴۴ خسرو با دریافت اسلحه و مهمات دولتی و به همراه پنجاه تن از یاران خود به تعقیب و سرکوب برادرزاده فراری خود چنگیزخان مبادرت ورزید.

در فوریه ۱۹۴۲، خسروخان در مسئله (سمیرم) درگیر شد. در این واقعه قبیله قشقایی تحت فرمان او به پادگان (سمیرم) حمله برده حدود صد سرباز راکشتند و فرمانده آن پادگان را اعدام کردند. در ۱۹۴۶ در جریان جنبش ملی فارس وی در مبارزه علیه دولت شرکت جست.

در اکتبر ۱۹۴۷ پس از مشاجرات طولانی بر سر خلع سلاح نمودن افراد قبیله به او روادید آمریکا و سویس اعطا گردید. بنا بر اظهارات محلی درباره این مسافرت، قشقاییها به این کار تن دادند تا خشم شاه فروکش نماید....

در مجلس کنونی، خسرو یکی از چهار دبیر مجلس است.

وی دارای قدی متوسط و بدنی تنومند و یک ورزشکار است، با مشخصات درشت خود شبیه ترکه‌هاست، موهای سیاه تیره و لبخندی دلپذیر دارد. خیلی محتاط است، همیشه طرفدار آمریکا، ضد شوروی و بی اعتماد نسبت به انگلیس است.

سند شماره (۳)

۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲ - ۴ مرداد ۱۳۳۱  
اطلاعات امنیتی  
دفتر وابسته نیروی زمینی  
یادداشت برای : آقای کومو، سفارت آمریکا  
نکات مهم گفته‌های خسرو شامل مطالب زیرین است:  
علیرضا پهلوی در ناآرامیهای روز دوشنبه حضور داشت و مشخصاً دو نفر از ایرانیان را به ضرب گلوله کشت.

کمیته تحقیق، افراد مسوؤل کشتارهای دوشنبه را شناسایی و محکوم به اعدام خواهد کرد.  
من از شاه متنفرم .  
تمام اعضای رکن ۲ ارتش مجرم بوده و در برابر کمیته حاضر خواهند شد.  
استفاده از ارتش علیه ایرانیها مغایر با اصول قانون اساسی است.  
به تیمسار گارزان هفته پیش مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان پرداخت نمودم ( بقیه جمله قابل تشخیص نبود).  
من طرفدار آمریکا هستم.

جان ای. هینک  
سرهنگ، وابسته نیروی زمینی

یادداشت - دسترسی محدود

از : آقای نوردن  
به : آقای کومو

موضوع : گفتگو با خسرو قشقایی

شب گذشته در کوکتل پارتی آقای ملبورن بین سرهنگ هینک و خسرو قشقایی گفتگویی انجام شد که من نیز در آن شرکت داشتم و آن را برای شما گزارش می‌نمایم.  
قشقایی به گفتگو در باره احساسات مردم در باره شاه پرداخت و گفت امروز حتی یکی از عکسهای شاه را در مجامع عمومی نمی‌توانید ببینید، چون مردم آنها را پاره کرده‌اند. وی گفت حسابهایی دارد که باید با شاه تصفیه نماید، چون پدر شاه پدر وی را به قتل رسانده است، ولی شاه هنوز هم خالی از فایده نیست. درباره اینکه آیا شاه هنوز هم فرمانده کل قوا هست یا نه، نیز گفتگو در گرفت: قشقایی در این باره گفت که آمریکا کمکهای نظامی را به شاه می‌دهد نه به ایران.  
بعضی از مواقع قشقایی بی‌شبهت به خط حزب توده نبود و من به همین دلیل با کمی ناراحتی از وی سؤال کردم که آیا او عضو جبهه ملی است یا خیر. وی گفت که عضو جبهه ملی می‌باشد. چون گفتگو قبل از رسیدن من شروع شده بود، اطلاعات بیشتری را می‌توانید از هینک دریافت نمایید.

سند شماره (۴)

۴ اکتبر ۱۹۵۲ - ۱۲ مهر ۱۳۳۱  
اطلاعات بیوگرافیک مکمل  
قشقایی، خسروخان  
سوابق:

۱۹۵۰- فوریه ۱۹۵۲: نماینده فیروزآباد در شانزدهمین دوره مجلس، معاون رئیس مجلس  
۲۷ آوریل ۱۹۵۲: نماینده فیروزآباد در هفدهمین دوره مجلس.

نکات مهم:

بر اساس آرائی که از طرف قبیله اش به وی داده شد، وی بی چون و چرا به عنوان نماینده مجلس انتخاب گردید. با وجود انتقادهایی که از سیاستهای دکتر مصدق می کند، ولی دائماً و آشکارا از دولت حمایت کرده یکی از افراد با ارزش جبهه ملی به شمار می رود.

اخیراً قشقایی در مجلس سخنرانی خصمانه ای ایراد نمود و به آمریکاییها برای خرابکاریهایی که در دولت مصدق در هنگام نخست وزیری قوام انجام داده بودند حمله کرد، ولی در دوستی او با چند تن از اعضای سفارت آمریکا تغییری حاصل نشده است. وی گفته که سخنان وی به این منظور ایراد شده تا آمریکا به اشتباهات خود در عدم حمایت فعالانه از دولت جبهه ملی پی ببرد. وی در مورد اعتراض خود نسبت به هیئتهای نظامی آمریکا نیز بیشتر توضیح داده گفت که تجهیزات و افراد آموزش یافته توسط آنان علیه منافع ایران به کار گرفته خواهند شد. ظاهراً در شکافی که بین کاشانی و مصدق به وجود آمده و هر چه بیشتر باز می شود او تصمیم گرفته است با مصدق بماند، ولی تمایل او به دسیسه پردازی در سطح وسیع موجب می شود که استنتاجاتی از این قبیل در بهترین حالت، ضعیف به شمار آیند. ام. آر. پریش

سند شماره (۵)

۲۸ اکتبر ۱۹۵۴ - ۶ آبان ۱۳۳۳  
از : سفارت آمریکا در تهران - ایران      به : جناب برایانت باکینگهام - کنسول آمریکا در اصفهان  
اداری - غیر رسمی  
آقای باکینگهام عزیز:

همراه این نامه متن گفتگویی را که در ملاقات اخیر با خسرو خان در شیراز انجام دادم برایتان ارسال می دارم، شاید توجهتان را جلب نماید. یک نسخه دیگر از آن را نیز در اختیار آقای کورن قرار می دهم. سفر من به فارس بسیار دلپذیر بود. صبح روز شنبه به طرف شیراز پرواز کردم. روز یکشنبه برای دیدن آثار تخت جمشید رفتم و روزهای دوشنبه و سه شنبه را در شیراز ماندم و روز سه شنبه بعد از ظهر به تهران بازگشتم.

امیدوارم که به شما و خانم باکینگهام در سفر خوش گذشته باشد. آقای گیلفیلن گفت امیدوار است که شما بار دیگر به شیراز بیایید.

من نیز از ملاقات با شما بسیار خوشحالم و امیدوارم بار دیگر با شما و خانم باکینگهام ملاقات نمایم.

ارادتمند، رابرت ال. فونست

نماینده کنسولی آمریکا

۲۸ اکتبر ۱۹۵۴ - ۶ آبان ۱۳۳۳

برایانت باکینگهام، کنسول آمریکا - اصفهان  
رابرت ال. فونست، معاون کنسول آمریکا - در تبریز  
خسرو خان - سفر اخیر به شیراز

در هنگام صحبت دوستانه و غیر رسمی در مورد امور کلی قبیله‌ای با آقای بهمن بیگی رئیس برنامه آموزشی قبیله‌ای اصل چهار (ترومن - م) در شیراز، دریافتم که خسروخان در روز یکشنبه ۲۴ اکتبر با تیمسار عزیزی ملاقات نموده است. طبق گفته بهمن بیگی، خسروخان در حال حاضر در فیروزآباد به سر می‌برد.

پس از آن، آقای دونالد گیلفیلین مدیر استانی اصل چهار در شیراز به من گفت که امروز بعد از ظهر قرار است تیمسار عزیزی با وی دیدار نماید (۲۵ اکتبر). به گیلفیلین گفتم که با لحن عادی به ملاقات خسروخان با تیمسار اشاره نماید. اطلاعات زیر توسط آقای گیلفیلین پس از گفتگو با تیمسار عزیزی در اختیار این جانب قرار داده شد.

طبق گفته تیمسار عزیزی یکی از پیکهای خسروخان در روز یکشنبه، با وی تماس گرفته گفت که خسروخان در خارج شهر است و می‌خواهد پس از دریافت امان نامه با تیمسار گفتگو نماید. تیمسار گفت که فوراً یک ملازم فرستاد تا خسروخان را به دفترش راهنمایی نماید. تیمسار به گیلفیلین گفت که خسروخان خیلی عصبی به نظر می‌رسد. عزیزی به خسروخان گفت که به هیچ‌وجه نگرانی به خود راه ندهد و دیگر اینکه خسرو می‌تواند آزادانه به هر کجا که می‌خواهد سفر نماید.

ولی تیمسار به وی گفت که بنا به خواسته دولت خسرو باید تا تاریخ معینی اینجا را ترک نماید، در غیر این صورت دستگیر خواهد شد.

وی گفت که دولت و خصوصاً فرماندهی او در فارس امیدوارند که بتوانند با قبایل روابط حسنه برقرار نمایند. وی به خسرو گفت که برای قبایل مشکلی ایجاد نخواهد شد. وی به خاطر دردهایی که سال گذشته فراهم کرده بود، واجب است که اینجا را ترک گوید. به گفته گیلفیلین، تیمسار به وی اخطار کرده است که اگر تا تاریخ تعیین شده اینجا را ترک ننماید (البته تاریخ را ذکر نکرده است) ارتش وارد شده او را اخراج خواهد کرد.

به این ترتیب اطلاعاتی که در زمینه مکالمه گیلفیلین - عزیزی به دست آورده بودم پایان می‌یابد. در گفتگوهای قبلی بهمن بیگی به من گفت که خسروخان دیگر از حمایت قابل توجهی در قبایل برخوردار نیست، و تنها ثروت اوست که موجب حمایت باقیمانده از وی شده است.

سوابقی در مورد بهمن بیگی:

وی حدوداً ۴۰ ساله و عضو قبیله عماله است. پدرش به همراه بخشهایی از قبیله در کوهستان به سر می‌برد. بهمن بیگی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است. وی گرداندگی برنامه آموزش قبیله‌ای اصل چهار را که ظاهراً یک برنامه عالی است به عهده دارد. او ظاهراً به کارش علاقه بسیار دارد.

برای انجام یک سفر خصوصی در سال ۱۹۵۲ به مدت شش ماه در آمریکا اقامت نمود. بودجه این سفر عمدتاً توسط خسروخان تأمین می‌شد. او به زبان انگلیسی خوب آشنا است. می‌گفت چون با طرح

پارلمانی کاهش‌دهنده سال قبل خسرو مخالف بود او از چشم وی افتاده است، ولی اظهار می‌دارد که در حال ایجاد یک جبهه مخالف علیه طرح پارلمانی خسرو خان است.

رونوشت به: آقای کورن  
کنسول آمریکا در تبریز

سند شماره (۶)

آقای کومو ژوئیه ۱۹۵۷ - تیر ۱۳۳۶  
دیشب در اقامتگاه آقای ملبورن با خسرو قشقایی و فرمانده پولارد چند لحظه گفتگو نمودم. قشقایی می‌گفت که چون سلاحهای آمریکایی مردم بیگناه را کشته، آمریکا نیز در این کشتار بی تقصیر نیست. پولارد خاطر نشان ساخت که همه کمکهای نظامی به دولت ایران داده شده است.  
قشقایی پاسخ داد که چهل سال است که در ایران یک دولت ایرانی واقعی وجود ندارد و تنها یک دولت سرویس اطلاعاتی وجود دارد که دولت سرگرد جکسون، دکتر زنتر و میدل تون است. وی گفت آمریکا باید به دولت واقعی ایران کمک نماید، در حالی که سلاحها در گذشته به شاه داده شده است. وی گفت «بین من و شاه یک مسئله هست که حل نشده و من یک روز آن را حل خواهم کرد». وی گفت ایران خواستار یک شاه دموکرات است و در این لحظه من گروه را ترک نمودم.

سند شماره (۷)

از: معاون ریاست بخش طرحها  
یادداشت برای رئیس اداره تحقیق فدرال (اف.بی.آی) آقای: اس. جی. پایچ  
سازمان مرکزی اطلاعات (سیا)  
واشنگتن دی. سی.

موضوع: خسروخان قشقایی

- ۱- یک منبع معتبر و حساس گزارش کرده است که خواهرزاده خسروخان قشقایی یعنی امیر عبدالله قشقایی که پزشک است و در شماره یک: خیابان مین، چیشلوم، مین زندگی می‌کند از وی دعوت کرده است که به آمریکا سفر نماید.
- ۲- خسروخان قشقایی که ایرانی است در سال ۱۹۲۰ در شیراز، ایران متولد گردید. وی یکی از رهبران تبعید شده قبیله قشقایی ایران است. رهبران قشقایی به خاطر مداومت در مخالفت علیه رژیم کنونی ایران که گاه منجر به شورش مسلحانه می‌شد، در حدود سال ۱۹۵۴ مجبور به فرار شدند. فرد مورد بحث در حال حاضر در شهر مونیخ آلمان به سر می‌برد و با تمام عناصر ضد رژیم مقیم خارج در ارتباط می‌باشد.
- ۳- در صورتی که وی دعوت خواهرزاده‌اش را برای دیدار از آمریکا بپذیرد، این سازمان مایل است فعالیت‌های وی را زیر نظر داشته و از روابط وی اطلاعاتی داشته باشد.
- ۴- برای حفاظت از منبع گزارشگر از شما تقاضا می‌شود که در گفتگوهای خود با خسرو قشقایی از وی نام نبرید.  
رونوشت: به اداره مهاجرت و تابعیت وزارت خارجه.

## سند شماره (۸)

تاریخ خبر: ۶ ژوئن ۱۹۶۳ - ۱۶ خرداد ۴۲ طبقه‌بندی: سرّی - انتشار خارجی ممنوع  
 گزارش خبر اطلاعاتی - وزارت دفاع محل و تاریخ کسب خبر: ۱۵ ژوئن ۱۹۶۳  
 تاریخ گزارش: ۱۹ ژوئن ۱۹۶۳ کشور: ایران  
 تهیه کننده: وابسته نیروی زمینی ایالات متحده ایران منبع: یکی از ناظران برجسته آمریکایی  
 مقام تصویب کننده: سرهنگ سی. ام. پوستون وابسته نیروی زمینی ایالات متحده  
 این گزارش حاوی اخبار بررسی نشده است طرحها و / یا سیاستها نباید صرفاً بر اساس این گزارش تهیه  
 یا جرح و تعدیل شوند.

خلاصه مطلب: این گزارش حاوی مطالبی پیرامون وضع کنونی و نقشه‌های خسروخان قشقایی می باشد.

## موضوع: (خیلی محرمانه) قیام - نقشه خسرو قشقایی

۱- خسروخان قشقایی و مادرش در نظر دارند در آینده نزدیک آلمان را ترک نمایند، چون پاسپورت آنها ضبط گردیده است. وی مقصد نهایی خود را فاش نمی سازد، ولی طبق اظهارات منبع گزارش دهنده وی سعی دارد به داخل ایران «نفوذ» نماید.

۲- محمد حسین در حدود یکم ژوئن در مونیخ به سر می برد. وی به سویس بازگشت و در آینده نزدیک به آلمان باز خواهد گشت.

۳- تظاهرات دانشجویی قرار است در آینده نزدیک در اروپا برگزار گردد. قرار است در هنگام این تظاهرات به سفارتهای ایران حمله شود.

۴- خسروخان مدعی است که دانشجویان ایرانی مقیم اروپا به وی ۲۵۰۰۰ دلار کمک کرده اند. وی در نظر دارد این پول را برای خرید اسلحه استفاده کند. وی مایل است تفنگهای کالیبر ۴۵٪ (۳-ام)، تفنگهای اتوماتیک براونینگ، موشک اندازهای کالیبر ۳/۵ و مواد منفجره پلاستیکی خریداری نماید. وی امیدوار است بتواند اینها را به ایران ببرد و در آنجا علیه خطوط ارتباطی به عملیات تروریستی مبادرت ورزد.  
 ۵- وی معتقد است که ترکهای بختیاری گروه بعدی قبیله‌ای هستند که در نهضت مقاومت علیه دولت شرکت خواهند کرد، البته به استثناء پیروان جوانودی.

۶- اگر بتواند وسایل تبلیغاتی لازم از قبیل رادیو، بلندگو، و تجهیزات فرستنده را به دست بیاورد، در نظر دارد به یک مبارزه تبلیغاتی به طور همزمان با حملات خود علیه خطوط ارتباطی دولت دست بزند.

۷- به گفته وی قبایل تا کنون از ارتش ایران و ژاندارمری ایران در فارس ۲۵۰۰۰ تفنگ گرفته اند.

۸- به گفته وی تفنگ ده گلوله‌ای انگلیسی که در فارس موجود است، از نوع تفنگهای جنگ جهانی

دوم انگلیسی می باشد.

۹- در فارس هر خشاب فشنگ تفنگ ام - ۱ را اینک به مبلغ ۵ تومان ( تقریباً معادل ۶۶ سنت)

می فروشند.

۱۰- خسروخان مدعی است که با تیمور بختیار رابطه نزدیک برقرار کرده است و آنها امیدوارند از نفوذ وی در میان افسران ارتش ایران استفاده کرده بتوانند رژیم کنونی را از بین ببرند.

اظهار نظر:

منبع اظهار می دارد که خسروخان تنها یک هدف دارد و آن سرنگون ساختن اعلیحضرت است و برای



رسیدن به این هدف، وی یک طالب بیقرار عملیات چریکی شده است. منبع که اخیراً با بسیاری از قشقایها دیدار داشته به این نتیجه رسیده است که خسروخان در میان قشقایها بیش از آنچه تصور می‌شود مقبولیت دارد، بنا به اعتقاد وی خسروخان اطلاع نسبتاً دقیق در مورد وقایع ایران در اختیار دارد. ممکن است رقم تخمین سلاحهای به دست آمده از ارتش و ژاندارمری بالا باشد، ولی غیر ممکن نیست. منابع خارجی نظامی معتبر سلاحهای از دست داده شده به وسیله ارتش را در همین حدود تخمین می‌زنند و اظهار می‌دارند که حدود ۴ - ۳ خمپاره‌انداز ۴/۲ و حداقل دو کامیون حامل مسلسل‌های کالیبر ۳۰/۰ که (حدود ۴۰ - ۳۰ عدد می‌باشند) توسط آنها ربوده شده‌است. علاوه بر این، قبایل از طریق استقرار اردوگاههای قلابی مقدار زیادی غذا و مهمات دریافت کرده‌اند.

اظهار نظر:

(مقام تهیه کننده این گزارش) حتی با تخفیفهایی که در اروپا داده می‌شود، با ۲۵۰۰۰ دلار نخواهد توانست تعداد زیادی تفنگ اتوماتیک، بازوکا و تجهیزات مخابراتی خریداری نماید. با این مقدار خرید خسروخان خواهد توانست تعدادی از افراد را برای مدتی گول بزند و نشان بدهد که در خارج نیز از وی حمایت می‌شود.

هماهنگی در حوزه فعالیت: منابع کنترل شده آمریکایی (سیا)، وزارت خارجه / بخش سیاسی.

#### سند شماره (۹)

قشقای، خسرو  
محل اقامت در آلمان

وزارت امور خارجه درخواست کرد که به شخص مذکور در هنگام سفر شاه به آمریکا روایت آمریکا اعطا نشود. سوابق گذشته وی نشان می‌دهد که در سفرهای گذشته شاه، وی ایجاد در دسر و مزاحمت می‌کرده است.

تلگرام تهران ۱۱۱۴.

۳ ژوئن ۱۹۶۴ - ۱۳ خرداد ۱۳۴۳.

#### سند شماره (۱۰)

طبقه‌بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقای است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقای که آشنایان عالیرتبه‌ای در دولت ایران دارد می‌باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.<sup>۱</sup>

کشور - ایران

موضوع: فعالیت سیاسی (ایل) قشقای و تدارک نظامی اضطراری (تاریخ خبر - اواسط تیر ماه ۱۳۵۸)

۱- اگر چه خسرو قشقای از دولت موقت نخست‌وزیر مهدی بازرگان حمایت می‌کند، ولی به نظر وی

۱- منبع تمام گزارشهایی که این عبارت را در معرفی منبع داشته‌اند، خود قشقای بوده است.

اختیارات این دولت محدود و هنوز در حال تقلیل می‌باشند و فکر می‌کند ظرف سه ماه آینده بی‌نظمی گسترده و خشونت ممکن است از سر گرفته شود. وی بنابراین دست‌اندرکار تدارکاتی با سران مختلف سیاسی و نظامی در جنوب ایران و تهران است تا در صورت از بین رفتن اقتدار بیشتر دولت، از مردم قشقایی و متحدانشان محافظت شود. قشقایی تخمین می‌زند که نود درصد مناطقی که افراد (ایل) قشقایی در کثرت قرار دارند، از او حمایت می‌کنند و در بخشهای مجاور آنها در جنوب غرب ایران نیز طرفداری چشمگیری از او وجود دارد. او فکر می‌کند که تعداد طرفدارانش اینک به حدود پنج میلیون نفر بالغ می‌شوند. (توضیح حوزه فعالیت: منبع کاملاً با مقاصد قشقایی موافقت دارد و انتظار نمی‌رود که در مبالغاتی که خسرو قشقایی پیرامون قدرت کمی و نفوذ سیاسی ایل قشقایی داشته باشد، تصحیحی به عمل آورد).

۲- قشقایها مشغول ایجاد تماسهایی با فرماندهی نظامی در محل و در تهران می‌باشند. تماسهای نزدیکی با فرماندهان واحدهای زرهی و پیاده‌شیراز و اصفهان برقرار است و در تهران نیز با سرلشکر ولی فلاحی فرمانده نیروهای زمینی ایران تماس وجود دارد (توضیح حوزه فعالیت - منبع درباره محتوای این تماسها چیزی اظهار نداشت).

تلاشهایی برای فراهم کردن رابطهای مشابهی در نیروی هوایی صورت گرفته‌اند، اما عمدتاً به واسطه اضمحلال فعالیت و سازمان نیروی هوایی توسط تکنیسینهایی بنام همافر، مثرثرر نبوده‌اند.

۳- افراد ایل قشقایی سلاحهای جدید بیشتری دریافت می‌دارند. آخرین حمل ۴۰۰... و تفنگ می‌باشد. اکثر... قشقایی سلاحهای انفرادی می‌باشند، اما چند... و تعداد مسلسل و خمپاره نیز وجود دارد.

۴- به دست آمده در: ایران، تهران ( ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۸)... شماره گزارش از حوزه فعالیت....

۵- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی تهران. فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جدّه، کویت، کابل، کراچی،...، دهلی‌نو، تل‌آویو.

طبقه‌بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده، تا تاریخ ۱۸ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مامور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

#### سند شماره (۱۱)

طبقه‌بندی گزارش سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده.

کشور: ایران

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالی‌رتبه‌ای در دولت موقت ایران دارد می‌باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

موضوع: نظرگاههای رئیس ایل قشقایی در باره اوضاع سیاسی ایران

۱- در اواسط تیرماه ۱۳۵۸، رئیس ایل قشقایی خسرو قشقایی به یاران نزدیک خود تفسیر ذیل را از

اوضاع سیاسی در ایران ارائه کرد.

الف - آیت‌الله روح‌الله خمینی با هوشترین و فردی با کمترین تمایلات ارتجاعی در مقایسه با سایر ملاهای مهم است، اما تکیه وی به اصول دینی مانع می‌شود که او قدرت واقعی را به دولت موقت ایران تفویض کند. او اگر هم مایل باشد چنین کند، مابقی دستگاه مذهبی از آن جلوگیری خواهد کرد. ملاها عموماً نادان، کوتاه فکر، ظنن به یکدیگر و حسود نسبت به پیروان فردی خود می‌باشند. خمینی هنوز از حمایت احتمالاً ۷۰ درصد ایرانیان برخوردار است. اما این حمایت با سرعتی کاهش می‌یابد که در سه ماه آینده می‌تواند تعداد پیروان را به نصف تقلیل دهد. (توضیح حوزه فعالیت: پرسیده شد آیا قشقایی ملاهایی مثل حافظ شریعتمداری\* را بیش از خمینی متکی به اصول می‌داند، منبع گفت که قشقایی، شریعتمداری را یک سیاستمدار نه یک چهره مذهبی به حساب می‌آورد).

ب - ضعف دولت بازرگان فقط تا حدی ناشی از وابستگی آن به خمینی است. دو عامل مهم دیگر فقدان تخصص سیاسی در دولت و درگیریهای داخلی آن است که نتیجه‌اش این می‌شود که دولت موقت قدرتی را که در دست دارد اعمال نمی‌کند (توضیح منبع: قشقایی آن شکافهای داخلی را شرح نداد، یا زمینه‌هایی را که دولت برای نشان دادن اقتدار خود معتنم نمی‌شمرد معرفی نکرد).

ج - برای از سر گرفته شدن بی‌نظمی گسترده دو عامل ممکن است با هم جمع شوند. یکی تشنجات فزاینده بین گروه‌های سیاسی که هر یک از آنها، کم و بیش بی‌توجه به ایدئولوژی مقصدش رسیدن به یک انحصار قدرت است. دوم دور نمای مشکلات شدید اقتصادی می‌باشد. دولت همچنان تامین پروژه‌های خدمات عمومی را معلق گذاشته، در حالی که به دنبال شواهدی از فسادهای مالی گذشته است و در نتیجه موجب افزایش بیکاری شده است. این موضوع با تغییر شکل اقتصاد محلی تشدید می‌شود که در آن اقتصاد مثلاً مشاهده فروش مرغهای یخزده و وارداتی در دهات یک صحنه عادی شده بود. این واردات اینک متوقف شده‌اند و اقتصاد محلی نه آماده است که شهرها را تامین کند نه اینکه تمام احتیاجات خود را تامین کند.

۲- به دست آمده در: ایران، تهران (۱۸ تیر ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت: NIT-۱۰/۶۵۹

۳- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی در تهران فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل‌آویو.

طبقه‌بندی گزارش سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار. پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده. تا تاریخ ۱۹ تیر ۷۸ در باجگانی ضبط شود. تمام اجزاء حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

\*- منظور کاظم شریعتمداری بوده که اسمش را اشتباه نوشته‌اند.

سند شماره (۱۲)<sup>۱</sup>

سری

۱۹ تیر ۵۸ - اطلاعاتی

از: تهران ۴۹ ( ) ۵۳

به: رئیس، رونوشت برای امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل آویو.

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعاتی اس. دی. راتر جزئیات تکمیلی: اس. دی. راتر/ ۴ در ۱۸ تیر. به سازمان اطلاعاتی همکار داده نشود. بدون نام خاص برای ثبت در فهرست بایگانی. اخذ شده توسط پکوئین. DIR به تلگرام تهران ۵۳۶۴۸ مراجعه کند که در خط انتشار نیامده است. شماره گزارش از حوزه فعالیت ۱۰/۶۵۹ - NIT طبقه‌بندی توسط ۱۵۳۵۶. بدون پرونده.

سند شماره (۱۳)

سری

۱۰ مرداد ۵۸ - اعضاء

به: تهران

از: رئیس ۴۸۶۸۳۳

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. راتر عملیات روانی ۱- اینک شش ماه از موقعی که رژیم فعلی قدرت را در ایران به دست گرفت می‌گذرد. امید این بود که اگر ایرانیها برای مدتی کم و بیش به خود واگذاشته شوند یک دولت با ثبات، میانه رو و نسبتاً طرفدار آمریکا شاید سر برآورد. واقعیت این طور نبوده و ما با عدم ثبات مستمر در ایران، مداخله روزافزون شوروی در کشور مجاور افغانستان و یک بحران انرژی رو به رو هستیم. براساس این اوضاع ما می‌خواهیم مکانیسمهای عملیات مخفی را به کار اندازیم تا در صورتی که از ما خواسته شد، سیاست علنی را پشتیبانی کنیم.

۲- برای شروع، ما می‌خواهیم امکان ایجاد یک منفذ به یک روزنامه را بررسی کنیم که بتوانیم یا مستقیماً آن را کنترل کنیم و یا حداقل جوابگوی یک خط مشی مقالات که ما دیکته خواهیم کرد، باشد. در آغاز امیدواریم که آن روزنامه حاضر باشد دخالت شوروی در منطقه را افشاء و با آن مقابله کند و به این دلیل ستاد مجوز لازم را دارد. هنگامی که ظرفیت روزنامه برقرار شد تغییر جهت آن به سوی سیاست محلی در صورتی که چنین درخواستی به سیا تحمیل شد، باید کار نسبتاً ساده‌ای باشد.

۳- در مورد اینکه جستجو برای چنین روزنامه‌ای چگونه شروع شود، فوراً نام اس. دی. راتر/ ۴ به ذهن می‌آید. در ماه فوریه ( بهمن ۵۷ ) ر/ ۴ به ما گفته بود که در نظر دارد یک نشریه هفتگی برپا کند و از کمک مخفی آمریکا استقبال می‌کند. جواب ستاد این بود که اطلاع داد در حالی که تردید داریم چنین فکری به خودی خود چندان جالب باشد، ما باید به جزئیاتی که ر/ ۴ داده شد که گفت جزئیات را در یکی از جلسات آینده خواهد داد. در آوریل ( فروردین ) ر/ ۴ گفت که او و دریادار مدنی در نظر داشتند چند نشریه هفتگی محلی را برپا کنند و برای این منظور ۲۰ میلیون ریال جمع آوری کرده بودند. متکی به اصول می‌داند، منبع گفت که قشقایی (اردبیهشت) قرارگاه گزارش داد که ر/ ۴ گفته او و مدنی حدود یک ماه دیگر

۱- در این سند جزئیات فنی و اداری مربوط به گزارش ۱۰/۶۵۹ - NIT (سند شماره ۱۱) آمده است.

یا همین حدود یک نشریه هفتگی برپا خواهند کرد.

۴- از قرارگاه خواسته می شود در ملاقات آینده از ر/۴ در باره وضع نشریات خود سؤال کنند. از آنجایی که ر/۴ فرد با هوشی است، تصور می کنیم که باید در رابطه با علت مطرح کردن این مسئله صادق باشیم یعنی بگوییم با آنکه هنوز خط مشی بی جهت درگیر شدن در تبلیغات در ایران تصویب نشده، ما می خواهیم قضیه را کاملاً تحقیق کنیم، تا بتوان قضاوت کرد چه اقدامی در صورتی که لازم بود باید اتخاذ شود. ما به هر نشریه ای که دارد انتشار می یابد یا قصد انتشار آن هست، در موارد ذیل علاقه داریم: تیراژ، گروه مورد هدف، طرحهای انتشار، جهت گیری مقالات، نوع و اندازه سانسور دولتی و شیوه تأمین مالی. در صورتی که ر/۴ مسئله کمک مالی از ما را، مطرح کرد، لطفاً تخمینهایی از اینکه احتیاجات او چه خواهند بود و در عوض تمایل او امکان چه مشارکتی از جانب ما در انتخاب محتوی فراهم خواهد شد ارائه کنید.

۵- به علاوه سؤال از ر/۴ درباره روزنامه خودش، همچنین از شما درخواست می شود از او پرسید. آیا از وجود سایر نشریاتی که امکان دارد نسبت به کمک مخفی از جانب ما موافق باشند اطلاع دارد. در جنب مورد ایران، علاقه مند به چنین نشریاتی در اروپا که خوانندگان وسیعی بین ایرانیهای آنجا دارند می باشیم.

۶- از نظریات قرارگاه استقبال می کنیم.

۷- پرونده: ۰۶۳۵۲۷/۲۰۱ تا تاریخ ۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

#### سند شماره (۱۴)

۲۷ مرداد ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۴۹۷۷۱۱  
۱- در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ماه ژوئیه که در اینجا ذکر شده اند می آید. این گزارشها در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ مرور شدند.  
(هدف) S.I.B ۱۰/۶۵۸ - NIT بدون OPACT ۳۱۵/۱۲۲۷۱-۷۹ - TDFIRDB.  
نمره: ۵ (یک جانبه) اس. دی. راتر / ۴ سری / با تمام کنترلها  
انتشار در ۱۹ تیر ۱۳۵۸

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - گزارشها

«فعالیت سیاسی (ایل) قشقایی و تدارک نظامی اضطراری».<sup>۲</sup>

نظریه: با آن توضیحاتی که حوزه فعالیت در پاراگراف یک درج کرده مبنی بر اینکه تخمین های اس. دی. راتر / ۴ در باره قدرت کمی و نفوذ سیاسی احتمالاً مبالغه آمیز است موافقیم، ولی خود گزارشگری راجع به ایل قشقایی منحصر به فرد است. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد نیروی زمینی استفاده شد.

(هدف) S.I.B

۱- از این سند فقط دو مورد که مربوط به خسرو قشقایی بودند ارائه شده و بقیه موارد در جاهای مناسب خود خواهند آمد.

۲- سند شماره ۱۰ پرونده قشقایی.

۱۰/۶۵۹ - NIT بدون OPACT ۳۱۵/۱۲۲۶۷-۷۹ - TDFIRDB

نمره: ۵ (یک جانبه) اس.دی.راتر / ۴ سری / با تمام کنترلها انتشار در ۱۹ تیر ۱۳۵۸،  
«نظرگاه‌های رئیس ایل قشقایی در بارهٔ اوضاع سیاسی ایران»<sup>۱</sup>.  
نظریه: ما ارزش این را که اس.دی.راتر / ۴ سعی داشته یک تصویر واقع بینانه از صحنه سیاسی سیاسی ایران ارائه دهد درک می‌کنیم، و همچنان خواهان نظرگاه‌های وی هستیم.

#### سند شماره (۱۵)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ قشقایی که آشنایان عالیرتبه‌ای در دولت موقت ایران دارد می‌باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.  
کشور: ایران

موضوع: فعالیت سیاسی و نگرانیهای امنیتی استاندار خوزستان مدنی

(تاریخ خبر: اواسط شهریور ۱۳۵۸)

- ۱- تا اواسط شهریور ۱۳۵۸، آیت‌الله محمدحسین بهشتی و آیت‌الله حسن لاهوتی سعی داشته‌اند آیت‌الله روح‌الله خمینی را متقاعد کنند که می‌توان عدم کارایی دولت موقت ایران را با انتصاب دریادار محمد مدنی به جای نخست‌وزیر مهدی بازرگان علاج کرد (توضیح منبع: خمینی اگر تصمیمی گرفته باشد هنوز معلوم نشده، ولی شواهدی وجود دارند حاکی از اینکه خمینی از موفقیت مدنی در مهار کردن ناراضیهای اعراب در خوزستان راضی می‌باشد)، (توضیح حوزه فعالیت: یک منبع قابل اطمینان در ۱۵ شهریور اظهار داشت که عموماً تصور می‌شود که بهشتی شخصاً با مدنی خصومت دارد).
- ۲- خسرو قشقایی رئیس ایل قشقایی به دریادار مدنی توصیه کرده است که یک کودتای نظامی علیه خمینی و دولت بازرگان را رهبری کند. مدنی جواب داد که چنین حرکتی در این موقع زود است. در این زمینه وی به ادامهٔ ضعف نیروهای مسلح اشاره نمود.
- ۳- مدنی عمیقاً نگران وضع امنیت استان خوزستان است. اگر چه فعالیت ناراضیان عرب در چند هفته گذشته تقلیل یافته، ولی مدنی شواهدی در دست دارد مبنی بر اینکه فعالیت تشکیلاتی بین اعراب سرعت فراوانی یافته است (توضیح حوزه فعالیت: منبع تفصیلی در بارهٔ این موضوع نداشت).
- ۴- به دست آمده در: ایران، تهران (۱۴ شهریور ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزهٔ فعالیت ۱۰/۷۱۵ - NIT

۵- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه تهران (فقط برای کاردار) فرستاده شد به: امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کراچی، کویت، دهلی نو، ... تل‌آویو، (فقط برای کارمندان اصلی).

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده. تا تاریخ.... در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مامور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

#### سند شماره (۱۶)

طبقه بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالیرتبه ای در دولت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

کشور: ایران

موضوع: فعالیت تشکیلات نظامی و سیاسی ایل قشقایی (تاریخ خبر: اواسط شهریور ۱۳۵۸)

۱- به گفته رئیس ایل قشقایی خسرو قشقایی، این ایل و متحدانش در فارس و استانهای مجاور مجموعاً ۲۰۰۰۰ سلاح سبک در اختیار دارند. این سلاحها تقریباً فقط از نوع تسلیحات انفرادی می باشند، هر چند که چند خمپاره و مسلسل سبک نیز در این میان یافت می شود (توضیح حوزه فعالیت: احتمالاً در تعداد سلاحهای سبک مبالغه شده است. برای داشتن اخبار قبلی از همین منبع در باره فعالیت (ایل) قشقایی مراجعه کنید به گزارش ۳۱۵/۱۲۲۷-۷۹ - TDFIRDB و ۱۰/۶۵۸ - NIT - فعالیت تشکیلاتی برای تسهیل استفاده از این قوا بخوبی پیش رفته است و خسرو قشقایی معتقد است که می تواند ظرف سه روز تا ۲۰۰۰۰ نفر از افراد قشقایی و قبایل متحد را به تهران انتقال دهد. سازماندهی جوانب تدارکاتی و ترابری چنین انتقالی به این بهانه اعمال می شود که ایل قشقایی شاید ناچار شود در مقابل یک خطر برای آیت الله روح الله خمینی عکس العمل نشان دهد. در واقع، (ایل) قشقایی می خواهد آماده باشد تا هنگامی که مناسب بود برای سرنگونی خمینی قوای نظامی در اختیار گذارد.

۲- برنامه سیاسی نیروهای قشقایی وفادار به خسرو قشقایی خواهان همبستگی رابطهای خود در ارتش ایران است، آنها همچنین به دنبال برقراری اتحادی با سیاستمداران دنیوی (غیر دینی) مثل گروه جوان جبهه ملی می باشند (توضیح منبع: خسرو قشقایی بسیار تحت تاثیر سید جوادی است و فلسفه سیاسی وی را منطبق با منافع افراد قبایل و ملت ایران می داند..... رژیم را در نظر خود دارد که در خط مشی، مشابه رژیم نخست وزیر.... مصدق باشد). نخست وزیر سابق.... بختیار اخیراً اقدام به تماس با.... کرده است.... فکر می کند که صلاح نیست با بختیار.....

۳- (توضیح حوزه فعالیت: منبع یکی از حامیان خسرو قشقایی است. برای ما امکان نبوده که صحت... وی را مبنی بر اینکه عملاً تمام ایل قشقایی به خسرو وفا دارند را تأیید کنیم).

۴- به دست آمده در: ایران، تهران (۱۴ شهریور ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت: -... - NIT

۵- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه تهران (فقط برای کاردار) فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جده، کراچی، کویت، تل آویو، (فقط رؤسای هیئت های نمایندگی)

طبقه بندی گزارش سری - هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده تا تاریخ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

#### سند شماره (۱۷)

طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده

کشور: ایران

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالیرتبه ای در دولت موقت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

موضوع: کوششهای بختیار برای جلب حمایت میانه روها در ایران

(تاریخ خبر - شهریور تا اواسط مهر ۱۳۵۸)

۱- خسرو قشقایی رئیس ایل قشقایی تعدادی پیام کتبی و شفاهی از شاهپور بختیار دریافت داشته است. منظور از این پیامها جلب حمایت قشقایی از کوشش بختیار برای ایجاد رژیم جانشین رژیم اسلامی آیت الله روح الله خمینی می باشد. (توضیح منبع: قشقایی اظهار داشت که آخرین یادداشت بختیار در هفته اول ماه اکتبر - ۹ الی ۱۶ مهر - به دستش رسید).

۲- در ارتباطات بختیار با قشقایی ادعا شده که روحانیون میانه رو منجمله آیت الله کاظم شریعتمداری و عناصری در ارتش از تمام مراتب گروه افسران قول حمایت داده اند. بختیار همچنین ادعا کرد از حمایت تمام اقلیتهای قومی و مشخصاً اعراب ایران برخوردار است.

(توضیح منبع: قشقایی گفت که شریعتمداری را از لحاظ سیاسی زیرک تر از آن می داند که تعهدی به برنامه بختیار داده باشد. وی گفت که درباره صحت دعوی بختیار پیرامون حمایت از وی در ایران تردید دارد و فکر می کند که بختیار با تمایل معمول تبعیدیان که پیرامون حمایت جزئی (از خود) در کشور مبالغه می نمایند این حرف را زده است).

۳- بختیار پیشنهاد کرده حمایت مالی «نامحدود» در اختیار ایل قشقایی بگذارد. او تضمین کرده فوراً تا ۵۰۰ میلیون ریال (حدوداً ۴/۵ میلیون دلار نرخ بازار آزاد) تهیه کند.

(توضیح منبع: قشقایی گفته است که در مورد پیشنهاد کمک مالی مثل دعوی بختیار پیرامون حمایت از خود در ایران شک دارد.<sup>۱</sup>)

#### سند شماره (۱۸)

۲۰ مهر ۵۸ - تلگرام غیر فوری  
از: واشنگتن ۵۳۱۲۰۰

موضوع: هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. - نمرات و نظریات برای گزارشها.

۱- در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ۱۰/۷۱۰-NIT الی ۱۰/۷۲۰-NIT ماه سپتامبر که

۱- ادامه این سند هنوز به دست نیامده است.



در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ مرور شدند می‌آید.<sup>۱</sup>

(هدف): S.I.B. نمره: ۵

شماره گزارش از حوزه فعالیت NIT-۱۰/۷۱۳، OPACT، اس.دی. راتر

شماره انتشار: ۷۹ - ۳۱۵/۱۵۶۱۰، TDFIRDB، ۱۵ شهریور ۱۳۵۸.

یک جانبه: منبع اس.دی. راتر/۴، با تمام کنترلها

موضوع: «فعالیت تشکیلاتی نظامی و سیاسی ایل قشقایی»<sup>۲</sup>

نظریه: علاقه مداومی به گزارشهای مربوط به ایل قشقایی، تشکیلات دسته‌بندیها، رؤسا،

وفاداریهاشان، دریافت تسلیحات و فعالیت آنها وجود دارد. به گفته اس.دی. پیر/۱ قشقاییها تنها ایلی

هستند که می‌توانند فعالیت مخالف چشمگیری ایجاد کنند (جدا از کردها): او بختیارها را به حساب

نمی‌آورد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

هدف: S.I.B. نمره: ۵

شماره گزارش از حوزه فعالیت: NIT - ۱۰/۷۱۵، OPACT

شماره انتشار: ۷۹ - ۳۱۵/۱۵۵۹۵، TDFIRDB

۱۵ شهریور ۱۳۵۸

یک جانبه، منبع اس.دی. راتر/۴، باتمام کنترلها

موضوع: «فعالیت سیاسی و نگرانیهای امنیتی استاندار خوزستان مدنی»<sup>۳</sup>.

نظریه: علاقه مداومی به گزارشهای مربوط به مدنی ومواضع چهره‌های اصلی نسبت به وی وجود دارد. ما

علاقه‌مندیم گزارشهای تکمیلی درباره شواهدی که در دست مدنی قرار دارند، حاکی از اینکه فعالیت

تشکیلاتی بین اعراب به مقدار فراوانی افزایش یافته است. داشته باشیم. از گزارش در خلاصه مخصوص

دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

#### سند شماره (۱۹)

از:.....

عطف به : الف. تهران ۵۴۴۷۳ (NIT-۱۰/۷۶۷)، ب. تهران ۵۴۴۷۲ (NIT-۱۰/۷۶۸)، ج. تهران

۵۴۱۴۴

موضوع:.....اس.دی. راتر

۱- در ملاقات ۲۱ مهر، اس.دی. راتر/۴ (ر/۴) گفت که افراش با مخالفین عرب تماس دارند. این

مخالفین حداقل به طور گاه‌وبیگاه به عنوان حمل‌کننده تسلیحات به قبایل غیر عرب واقع در جنوب نیز

عمل می‌کنند، او گفت که می‌خواهد در... به ما کمک کند، اما در موقعیتی نیست که واسطه... شود.

۳- ر/۴ همچنین انتظار دارد این هفته با مصطفی چمران، ملاقات کند (احتمالات این کار وابسته به

۱- رجوع شود به پاورقی سند شماره ۱۴.

۲- سند شماره ۱۶ پرونده قشقایی.

۳- سند شماره ۱۵ پرونده قشقایی.

۴- NIT-۱۰/۷۶۸ سند شماره ۱۷ پرونده قشقایی می‌باشد.

زمان بازگشت چمران از کردستان می‌باشد). ما خواسته‌های اطلاعاتی خود در رابطه با ارتش و سازمان اطلاعاتی و شناخت فردی را تحمیل کردیم.  
 ۴-ر/۴ چنان که طبق معمول پرسید او و افرادش چه باید بکنند ما، طبق معمول جواب دادیم که نواقص زندگی تحت حکومت خمینی هر چه می‌خواهد باشد، ما قصد نداریم مشوق هرگونه فعالیت‌های باشیم که نتیجه نهایی آن به خوبی ممکن است...<sup>۱</sup>

#### سند شماره (۲۰)

طبقه‌بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده کشور: ایران

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از روسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالی‌رتبه‌ای در دولت موقت ایران دارد می‌باشد. قابلیت اطمینان به گزارش‌های وی مشخص نشده است.

موضوع: اظهارات خسرو قشقایی درباره مقامات عالی‌رتبه ایرانی و

درباره فعالیت سیاسی ایل قشقایی (تاریخ خبر - اواخر مهر ۱۳۵۸)

۱- رئیس ایل قشقایی، خسرو قشقایی در اواخر مهر ۱۳۵۸ اظهار داشت که از پنج نفر از بانفوذترین افراد شخصی (غیر روحانی و نظامی) او فقط یکی از آنها را یک انقلابی قطعی به حساب می‌آورد، این فرد مصطفی چمران وزیر دفاع می‌باشد. (توضیح منبع: قشقایی گفت که حدوداً ده سال می‌شود که چمران را ندیده است و نمی‌تواند یقین داشته باشد که شور ایدئولوژیکی وی در ضمن این مدت برجا مانده است). قشقایی گفت که ابراهیم یزدی وزیر خارجه، صادق طباطبایی معاون نخست‌وزیر و صادق قطب‌زاده مدیر رادیو تلویزیون ملی ایران ماهیتاً فرصت‌طلب‌هایی هستند که بیشتر نگران دستیابی به قدرت و اعمال قدرت می‌باشند، تا آنکه برای تحول جامعه براساس یک برنامه سیاسی منسجم نگرانی داشته باشند. قشقایی نسبت به قطب‌زاده تنفر خاصی اظهار داشت. او قطب‌زاده را فردی دانست که حاضر است خود را به هر کس که تجملات و مداخل مورد آرزوی وی را تهیه کند بفروشد.

۲- درباره یزدی، قشقایی گفت که وی از قطب‌زاده پیچیده‌تر و بسیار مصمم است و قطعاً یک ایدئولوگ انقلابی نیست. خسرو گفت که به نظر او طباطبایی فردی است که به اندازه دیگران انگیزه‌اش منفعت شخصی است، وی گفت که وزیر کشور هاشم صباغیان را یکی دیگر از بانفوذترین افراد شخصی در دولت به حساب می‌آورد و فکر نمی‌کند که او مثلاً از یزدی انقلابی‌تر باشد، خسرو افزود که تمام این پنج مقام را برای موقعیت‌های ذی نفوذ کلاً وابسته به آیت‌الله روح‌الله خمینی می‌داند و گفت که اینها به عنوان افرادی که مدتهای مدیدی در تبعید بوده‌اند طرفداران شخصی در ایران ندارند.

۳- قشقایی گفت که وی به فراهم کردن رابط‌هایی برای ایل قشقایی در بخش‌های مختلف کشور ادامه می‌دهد. او ادعا کرد که بین افسران مشغول به خدمت و بازنشسته محترم رابط‌های جدیدی پیدا شده‌اند. وی گفت که تماسها با رئیس ستاد نیروهای زمینی ولی فلاحی ادامه دارند و منظور از این مناسبات آماده

۱- این سند از تکه‌های باقی مانده در دستگاه پودر کن بوده و قسمتهایی از آن نابود شده که بجای آنها نقطه‌چین گذارده شده است.

شدن برای موارد اضطراری مثل مرگ یا ناتوانی خمینی است. قشقایی گفت که فلاحی هیچ گاه صریحاً اظهار خصومت با خمینی و اسلوب اسلامی حکومت نداشته است.

۴- قشقایی گفت که دولت موقت بدون سر و صدا، اما به طور رسمی دستورهایی را که برای خلع سلاح قبیله قشقایی داده شده بودند لغو کرده است. او گفت که پس از انتشار این دستور، نامه‌ای به قم نوشته و بحث کرده بود که بهترین راه تأمین امنیت منطقه قشقایی دادن اجازه داشته سلاح به افراد ایل بود. به گفته قشقایی، شورای انقلاب در اواسط شهریور به دولت موقت دستور داد قصد اعلان شده خود برای اقدام به خلع سلاح (ایل) قشقایی را دنبال نکند (توضیح منبع: قشقایی تخمین زد که بیش از ۲۰ درصد افراد ایل قشقایی راضی نمی شدند که بدون درگیری سلاح خود را رها کنند). (توضیح حوزه فعالیت: قشقایی شاید به فعالیتی که برای اعاده سلاح‌های غیر مجاز توسط دادستان انقلاب اسلامی اعلان شد اشاره داشته است. این افراد به دنبال خسوتی که پس از تعطیلی روزنامه لیبیرال آیندگان در اواخر مرداد ماه روی داد انجام گرفت).

۵- به دست آمده در: ایران، تهران (۲۱ مهر ۱۳۵۸ شماره گزارش از حوزه فعالیت ۱۰/۷۶۸-NIT.  
۶- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی در تهران، فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کراچی، کویت، دهلی نو.

طبقه‌بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای مشاوران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده تا تاریخ ثبت ۲۲ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

#### سند شماره (۲۱)

طبقه‌بندی گزارش: سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالیرتبه‌ای در دولت موقت ایران دارد می‌باشد. قابلیت اطمینان به گزارش‌های وی مشخص نشده است.

موضوع: ... رئیس ایل قشقایی درباره ملاقاتش با خمینی... تحولات

سیاسی اخیر (تاریخ خبر - اوایل آبان ۱۳۵۸)

۱- رئیس ایل قشقایی خسرو قشقایی در اوایل آبان ۱۳۵۸ اظهار داشت که با پیشقدمی خود در ۳ آبان، یک ملاقات خصوصی با آیت‌الله روح‌الله خمینی داشت. وی گفت که در یک تلگرام به خمینی برای درخواست ملاقات وی به رفتار بعضی از روحانیون اشاره کرده بود و طی این ملاقات به این موضوع پرداخته بود. وی گفت که خمینی گوش فراداد و ضمن این ملاقات صمیمی بود، اما به شکایات جواب نداد. (توضیح منبع: قشقایی نگفت که چه موارد به خصوصی را به خمینی ارائه کرده بود. خمینی به اوضاع خوزستان اشاره نمود و از درباردار مدنی بابت کارش در آنجا تمجید کرد. او از قشقایی خواست که قوای ایل خود را صرف کمک به مدنی در کنترل وضع امنیت در خوزستان نماید (توضیح منبع: مدنی با خمینی

در ۲ آبان ملاقات کرده بود).

۲- به گفته قشقایی، خارج کردن پاسداران انقلاب از بندر انزلی به دنبال ناآرامیهای اخیر در آنجا به دستور مدنی بوده است. او گفت که این رویداد ناراحتی رهبری پاسداران از مدنی را که قبلاً قیود سختی برای فعالیت پاسداران در خوزستان اعمال کرده بود تشدید کرد. (توضیح منبع: به نظر می‌رسید که قشقایی این طرز تلقی را دارد که وزیر دفاع مصطفی چمران نیز با مدنی خصومت دارد، اما شاهدهی در تأیید این مدعا ارائه نکرد). (توضیح حوزه فعالیت: بندر انزلی، بندر پهلوی سابق، پس از درگیریهای بین ماهیگیران و مقامات انقلاب تحت کنترل نیروی دریایی بود. خارج کردن پاسداران انقلاب در مطبوعات گزارش شد....<sup>۱</sup>

#### سند شماره (۲۲)

سری

۸ آبان ۵۸ - اطلاعاتی

از: تهران ۵۴۶۰۳

به: رئیس رونوشت برای امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جدّه، کراچی، کویت، دهلی نو، تل‌آویو

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعاتی

جزئیات تکمیلی: اس. دی. راتر ۴/ در... اکتبر، برای اختفای منبع تاریخ دستیابی تغییر داده شد. به رابطهای سازمان اطلاعاتی همکار داده نشود. بدون پرونده به دست آمده توسط پکوئین، شماره گزارش از حوزه فعالیت ۱۰۷۹۰-NIT<sup>۲</sup>

#### سند شماره (۲۳)

متن نوشته تام آهن در مورد خسرو قشقایی

اس. دی. راتر ۴/ - خسرو قشقایی، رهبر قبیله قشقایی در شیراز زندگی می‌کند. وضعیت تأهل را نمی‌دانم. سنش حدود ۵۵-۵۰ سال است. قبل از انقلاب در آلمان غربی و آمریکا اقامت داشت. تقریباً هر سه یا چهار هفته یک بار در تهران با وی ملاقات می‌شد یا در هتلش و یا اینکه به وسیله ماشین او را در خیابان سوار می‌کردیم از هتل شرایتون و اینتر کننتینانتال استفاده می‌شد. هدف از تماس:

الف - برای تهیه منابع خبرهایی در مورد عربهای خوزستانی که شامل سازماندهی و تشکیلات و رهبری آنها و هرگونه دخالت و حمایت از جانب عراق می‌باشد.

ب - اطلاعاتی در مورد وضعیت امنیتی در مورد استانهای فارس و خوزستان

ج - برنامه‌های سیاسی در یادار مدنی.

در مورد قسمت الف - در ماه مهر قشقایی گفت که به او در مورد دو عرب خوزستانی - که حرفه‌شان قاچاق بود - که احتمالاً می‌توانند اطلاعاتی خواسته شده را تهیه نمایند خبر داده شده است. قشقایی قرار بود اسامی و سایر مسائل مهم را در مقالات ماه آبان با اطلاع برساند.

۱- قسمتهایی از صفحه اول و تمامی صفحه دوم آن هنوز به دست نیامده است.

۲- از شکل برش و رنگ نوشته این سند و مقایسه آن با سند قبلی چنین می‌نماید که جزئیات مربوط به همان سند را شرح می‌دهد.

در مورد قسمت ب- آقای قشقایی اطلاعاتی هم در مورد کوششهایش در حفظ انقلاب از خطرها و هم نسبت به جلوگیری از استقرار پاسداران و کمیته‌ها در میان مردم قشقایی برای ما تهیه نمود. وی کوششهایش را در مورد به دست آوردن دوستان برای قبیله قشقایی در میان افسران ارتش و شخص در یادار مدنی برای ما تشریح کرد.

در مورد قسمت ج- آقای قشقایی علاقه مدنی را برای رئیس جمهور شدن تحت قانون اساسی جدید برای ما توصیف کرد.

آقای قشقایی در مورد هفته‌نامه‌ای که وی و در یادار مدنی مشترکاً می‌خواستند ایجاد کنند توضیح داد. اغلب خبرهای مربوط به ادامه تأخیر در انتشار هفته‌نامه بود که در وهله اول به خاطر نبودن فرد در نظر گرفته شده برای سردبیری هفته‌نامه در ایران بود (اسمش رانمی دانیم). هفته‌نامه قرار بود در تهران در تیراژ ۷۰۰۰۰ چاپ شود به طور کلی ماعلاقه‌مند بودیم که از مطبوعاتی که دنبال توسعه حمایت از انقلاب و اگر ممکن باشد دنبال رفع اختلاف بین ایران و آمریکا باشند حمایت نماییم، اما تا تاریخ ۱۳ آبان هیچ‌گونه حمایتی در مورد این هدف نه پیشنهاد و نه درخواست شده بود. حقوق پرداختی به نامبرده: هیچ. یک ویزای آمریکا برای خواهر آقای قشقایی گرفته شد.

#### سند شماره (۲۴)

#### متن اظهارات اهرن در مورد خسرو قشقایی

اسم: خسرو قشقایی

اطلاعات:

۱- راجع به موقعیت و مسائل گروههای عرب در خوزستان که مخالف دولت هستند.

۲- راجع به موقعیت گروهها و ایلهای محلی موجود

اسم رمز - اس. دی. راتر / ۴

پول نمی‌گرفته است، ولی می‌دانسته که با یک مأمور سیا تبادل اطلاعات می‌کرده است.

سؤال: آیا مطالبی را که در آخر جلسه قبل مطرح شد در ارتباط با فکر کردن بیشتر و به خاطر آوردن مطالب بیشتری درباره منابع به خاطر داری؟

جواب: یک مقدار مطالب جدیدی به خاطر آمده است که عبارتند از:

۱- اس. دی. راتر / ۴ یک مسئله که یادم رفته بود در ارتباط با این فرد گوشزد نمایم این است که در جلسات گفتگویی که با وی داشتم او مطرح کرد که در نظر دارد یک روزنامه چاپ نماید و در دو یا سه جلسه گفتگو او اظهار امیدواری زیادی می‌کرد که این کار را انجام بدهد. قبل از اینکه من به تهران بیایم در واشنگتن، سیا نسبت به مطالبی که اکثراً در روزنامه‌های ایرانی به چاپ می‌رسد که تماماً برخورد نمودن به آمریکا و حمله نمودن به دولت آمریکا و نقش سیا و مقولاتی از این قبیل می‌باشد، نگران بوده و سعی داشتیم که کاری در مقابل این حملات ضد آمریکایی که اکثراً بدون دلیل و سند و مدرک بوده است، انجام دهیم و مرکز به من گفته بود که در این جهت سعی شود کاری انجام پذیرد. قرار بود این کار از طریق انتشار یک روزنامه که اهداف زیر را در برداشته باشد انجام پذیرد:

۱- سعی در تشویق بیشتر مردم در ارتباط با داشتن یک حکومت و دولت دمکراتیک و تأیید روی این

مسئله که ما خواستار دمکراسی بیشتری هستیم.

۲- سعی در تشویق بیشتر سردبیران و مقاله‌نویسان برای نوشتن مقالات راجع به منافع مشترک و درازمدت ایران و آمریکا و ترویج نمودن این عقیده و علاقه‌مندی در بین مردم.

سؤال: کار شما در این زمینه تا به کجا پیشرفت داشته است؟ جواب: در آخرین جلسه‌ای که با وی داشتم توضیح داد که علت عقب افتادن این برنامه مسافرت فردی است که قرار است سردبیری روزنامه را به عهده بگیرد. او هم چنین توضیح داد که از طرف مقابل در تماس تلفنی که با وی داشته است شنیده که قرار است به زودی به ایران بازگردد.

سؤال: آیا این مطلب را شما از وی خواسته‌اید که انجام بدهد؟ جواب نه، خود ایشان علاقه‌مند به انجام چنین کاری بودند و ما هم سعی در تشویق ایشان داشتیم.

### بسمه تعالی

#### کریم سنجابی

اسناد نشان می دهند که سیا علاقه مند به گفتگو با سنجابی بوده منوط بر اینکه پس از این ملاقات وی تقاضای ملاقات با شورای امنیت / کاخ سفید نداشته باشد. سیا با هماهنگی با وزارت خارجه قصد داشته که یکی از مأموران خود را تحت پوشش مقام بلند پایه اطلاعاتی متخصص در امور ایران به ملاقات با وی بفرستد. اما با توجه به وضع مزاجی سنجابی تا ۲۰ شهریور این ملاقات صورت نگرفته بود. تاریخ تلگرام بعدی در مورد سنجابی ۸ آبان می باشد. و با توجه به اینکه اسناد مرجع سند فوق به دست نیامده، صورت گرفتن یا نگرفتن این ملاقات معلوم نشده است. اسناد این بخش همچنین نشان می دهند که سام سنجابی پسر کریم واسطه سیا با پدرش بوده و خود از رابطه بسیار نزدیکی با سیا برخوردار بوده است.

#### سند شماره (۱)

۹ مرداد ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۸۶۰۱۴ به: فوری به بخش خارجه / سانفرانسیسکو رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۰۷۷  
۱- ستاد مرکزی علاقه مند به گفتگو با کریم سنجابی است منوط بر آنکه سنجابی پیشنهاد جداگانه ای برای ملاقات با شورای امنیت کاخ سفید نداشته باشد، چون آن گاه دوباره کاری خواهد شد. وزارت خارجه را از ورود سنجابی مطلع کرده و هماهنگی مقدماتی در رابطه با ملاقات با او را برقرار نموده ایم، وزارت خارجه از طرح های سنجابی برای مسافرت به ایالات متحده جهت درمان پزشکی بی اطلاع بود.  
۲- در رابطه با هویت آن مأمور ستاد که در شرکت خواهد کرد بعداً اطلاع خواهیم داد. (آن مأمور اداری) عنوان پوششی مقام بلند پایه اطلاعاتی متخصص در مورد ایران خواهد بود. با محل و زمان بندی پیشنهاد شده در پاراگراف ۲ تلگرام مرجع موافقیم.  
۳- پرونده: ۲۰۱-۹۶۱۴۴۰، تا تاریخ ۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

#### سند شماره (۱) - الف

از: تهران ۵۳۸۷۹  
به: با حق تقدم به بخش خارجی سانفرانسیسکو رونوشت با حق تقدم برای رئیس.  
هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: بخش خارجی / سانفرانسیسکو.؟؟ ۲۵  
۱- ما هم معتقدیم که سنجابیها احتمالاً از اطلاع راجع به تابعیت یزدی جهت بی حیثیت کردن او استفاده خواهند کرد. این خلاف درک قرارگاه و هیئت نمایندگی از اهداف ما در رابطه با دولت موقت است و به نظر ما شایسته نیست اطلاع صرف نظر از منشاء آن در اختیار کسی گذاشته شود.  
۲- پرونده: ۲۰۱ - ۰۹۶ ..... تا تاریخ ۱۸ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۲)

۱۹ مرداد ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۹۲۹۰۶ به: با حق تقدم به بخش خارجه / سانفرانسیسکو رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: الف - تهران ۵۳۸۷۹ ب - بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۱۴۰  
۱- با تلگرام مرجع الف در رابطه با مصلحت نبودن تأمین درخواست سنجابی توسط سیا موافقیم.  
پایگاه نباید خود را در مقام کمک به سنجابی در این مورد قرار دهد.  
۲- پرونده: ۹۶۱۴۴۰-۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

سند شماره (۳)

۲۰ شهریور ۱۳۵۸ - اعضاء  
از: بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۳۳۰ به: رئیس رونوشت برای تهران  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس  
عطف به: الف - بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۱۴۰ ب - تهران ۵۳۸۷۹  
۱- کریم سنجابی در منزل پسرش سام سنجابی واقع در چیکو کالیفرنیا در حال بهبود یافتن است.  
متأسفانه وی عفونتی همراه با تب شدید دارد که نوع آن مشخص نشده و آنتی بیوتیکها هم روی آن اثر  
نکرده است و به هیچ وجه در وضع مناسبی برای مصاحبه قرار ندارد. سام پیش بینی می کند برای اینکه  
کریم حالش برای صحبت مناسب بشود، لااقل یک هفته دیگر درمان و استراحت ضروری خواهد بود.  
شما را مطلع خواهیم کرد.  
۲- سام بر درخواست خود مبنی بر گرفتن اطلاعات درباره تابعیت یزدی اصرار می ورزد. ما به وی  
گفتیم مدارکی از نوع آنچه که وی درخواست می کند، به موجب قانون حقوق خصوصی محفوظ هستند.  
سام جواب داد که به تهیه مدرک احتیاجی ندارد. بلکه صرفاً آمار اصلی مربوط به تاریخ و محل تابعیت  
یزدی را می خواهد که استدلال می کرد جزء اطلاعاتی است که می تواند در اختیار عموم قرار گیرد. اگر این  
اطلاعات از نوعی است که در اختیار همگان می تواند قرار بگیرد پیشنهاد می شود که ستاد آنها را به دست  
آورده تا در اختیار سام سنجابی قرار گرفته و معرفی به مأمور ستاد آسان شود.  
۳- پرونده ۰۹۶۱۴۴۰ - ۲۰۱ تا ۲۰ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی

سند شماره (۴)

از: بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۵۹۱ سرّی - ۸ آبان ۱۳۵۸ - اعضاء  
به: با حق تقدم به رئیس، تهران رونوشت برای بخش خارجه / لس آنجلس  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.  
عطف به: الف - بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۳۳۰ ب - بخش خارجه سانفرانسیسکو ۲۵۴۵۰ (به  
تهران فرستاده نشده)  
۱- دکتر کریم سنجابی مطابق اظهارات پسرش، سام چند روز پیش پیامی تلفنی از علی اردلان



(خویشاوند کردش که وزیر دارایی است) دریافت داشته که طی آن وی را به بازگشت سریع به تهران دعوت کرد. قبل از ادامه سفر به اروپا جهت دیدن آشنایان ایرانی تبعیدی در آنجا، دکتر کریم سنجابی در تاریخ ۶ آبان کالیفرنیا را به قصد یک توقف کوتاه در ایلی نویز برای ملاقات پسر دیگرش ترک کرد. انتظار می‌رود که وی در ۱۶ آبان یا همین حدود به تهران بازگردد.

۲- سام براساس صحبت‌های خود با پدرش تصور می‌کند که دلایل احضار ممکن است عبارت باشند از:  
الف - کمک به دولت در حل مسئله کردستان از طریق نفوذش در ایل سنجابی،  
ب - همکاری با دولت متزلزل بازرگان یا جانشین آن در مقامی مثل ریاست کابینه کریم سنجابی گفت که وی از پذیرفتن هرگونه شغلی کابینه خودداری خواهد کرد، مگر آنکه اقتدار متناسب با عنوان آن شغل نیز تضمین گردد. او نمی‌خواهد که دوره کوتاهی از وزیر امور خارجه بود دیگر تکرار شود.  
۳- وضع سلامتی دکتر سنجابی بسیار بهبود یافته و در مدت استراحتش در چیکو کمی بر وزنش افزوده شده است.

۴- سام قول داد که ما را از هرگونه تحول جدیدی مطلع سازد.

۵- پرونده ۰۹۶۱۴۴۰ - ۲۰۱ تا ۸ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سرّی

#### سند شماره (۵)

#### طبقه‌بندی گزارش سرّی

غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده. منبع: یک مدیر تجاری که عموماً قابل اطمینان می‌باشد کشور: ایران

هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: اظهارات داریوش فروهر درباره تغییر کابینه (تاریخ خبر: ۷ مهر ۱۳۵۸)

۱- در ۷ مهر ۱۳۵۸، داریوش فروهر گفت که مقام وزیر مشاور در کابینه جدید ایران را پذیرفته است، چون شورای انقلاب می‌خواست از وجهه او در کابینه استفاده کند. خود فروهر نمی‌خواست که در مقام ریاست هیج وزارتخانه‌ای به کار ادامه دهد، چون می‌ترسید مثل حسن نزیه، مدیرعامل پیشین شرکت ملی نفت ایران زمانی مورد اتهام و تحت تعقیب واقع گردد (توضیح حوزه فعالیت: پیش از تغییر کابینه فروهر وزیر کار بود).

۲- فروهر گفت که دکتر علی شریعتمداری وزیر پیشین علوم و آموزش عالی ابتدا در لیست وزاری که می‌بایست عوض شوند قرار نداشت، اما شریعتمداری در ۵ مهر برای اعتراض علیه سایر تغییراتی که در کابینه صورت گرفته بود استعفای خود را تسلیم نمود (توضیح منبع: دکتر علی شریعتمداری از اقوام دور آیت‌الله کاظم شریعتمداری معروف است).

۳- به دست آمده در: ایران، تهران (۹ مهر ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت ۱۰/۷۵۳-NIT.

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی در تهران، فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام‌آباد، جده، کراچی، کویت، منامه، دهلی‌نو، تل‌آویو.

طبقه‌بندی گزارش سرّی - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده - تا تاریخ ۹ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

سری

سند شماره (۶)

از:.....

به:.....

عطف به :.....(NIT-۱۰/۷۵۴)<sup>۱</sup>

۱- اس. دی. ولید ۱/ (و ۱/۱) گزارش مرجع را مستقیماً از داریوش فروهر در ۷ مهر اخذ نمود، در آن تاریخ وی او را در منزل دوست خود، وطنی ملاقات کرد. وطنی و فروهر دوستان قدیمی هستند؛ چون آن دو در زمان شاه با یکدیگر در زندان بودند.

۲- فروهر همچنین اظهار داشت که افراد ذیل به سمتهای دیپلماتیک منصوب خواهند شد.

صراف یزدی - کاردار در بنگلادش،

علی رسولی - کاردار در سنگال،

نادر شهزاد - کاردار در رم<sup>۲</sup>.

قاسم افتخاری - کاردار در برزیل،

احمد حسینی فرد - کارمند مطبوعاتی در برلن شرقی،

۳- به گفته فروهر، افزود افراد ذیل عضو شورای انقلاب می باشند: بنی صدر، قطب زاده، آیت الله خامنه ای و آیت الله رفسنجانی، اس. دی. ولید ۱/ از اظهارات فروهر توانست مطمئن شود که آیا منظورش این بود که فقط این افراد در شورای انقلاب هستند یا آنکه طور دیگر.

۴-..... تا..... مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

اس. دی. مارکت

اس. دی. رایت

اس. دی. مارکت (علی سیف پور فاطمی) استاد اقتصاد در یک دانشگاه آمریکایی است که در آذر ۵۷ به عنوان منبعی در مورد مسایل مربوط به سیاست ایران استخدام شده است. انگیزه وی از همکاری با سیا این بوده که آمریکا باید به حمایت خود از میانه روها ادامه دهد تا آنها بتوانند برای اوضاع سیاسی ایران راه حلی پیدا کنند. وی یک بیگانه دائم الاقامه در آمریکا بوده که برای بررسی کارش در مرکز آموزش بین المللی ایران، چندین بار به ایران آمده بوده است.

با توجه به آنچه جاسوسی دیگر در مورد اس. دی. مارکت به مأمور سیا گفته، احتمالاً اتهامات اختلاس و فساد در رابطه با اردشیر زاهدی متوجه وی بوده است. در همین رابطه سیا با توجه به احتمال خطراتی که متوجه وی می شد قصد نداشته برای تماس وی را در فشار بگذارد.

۱ سند شماره ۵ همین پرونده.

۲- کنار این عبارت با خودکار نوشته شده «تأیید شده است.»

سند شماره (۱)

۲۵ فروردین ۵۸ اعضا  
از: رئیس ۴۱۹۴۶۸  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس بی.سی.هاوک  
عطف به: تهران ۵۵۶۴۹

۱- پیرو درخواست تلگرام مرجع، ذیلاً خلاصه‌هایی از قضایای که می‌توان انتظار داشت در تهران لاتش به دست بگیرد ارائه می‌گردند:

ه. اس. دی. مارکت ۱/ (م/۱)، ۴۳ ساله، استاد اقتصاد در یک دانشگاه آمریکایی، به دفعات به تهران مسافرت می‌کرد تا به کارش در مرکز آموزش بین‌المللی ایران برسد. یک روشنفکر ایرانی است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در گروه‌های غیر کمونیست ضد شاهی در خارج از ایران فعال بود. در آذر ماه ۵۷ به عنوان منبع خبر درباره وضع سیاسی ایران استخدام شد. آشنایان فراوانی در دولت، جبهه ملی و محافل میانه‌رو دارد که با آنها برای کسب خبر درباره رویدادهای محلی دیدار می‌کند. انگیزه‌اش این اعتقاد قوی اوست که دولت آمریکا باید به حمایت خود از ایران ادامه دهد تا در همان حال میانه‌روها تلاش کنند راه‌حلی برای اوضاع پیدا نمایند. او یکی از عواملی است که حقوق نمی‌گیرد هرچند که در دی ماه ۵۷ موافقت شد تبدیل ارزی ۳۰۰/۰۰۰ ریال تسهیل گردد یا آنکه همان مبلغ وام داده شود. تا به مصرف پرداخت حقوق کارمندان محلی مرکز آموزش بین‌المللی ایران برسد. ملاقاتها در انواع سوار شدن به اتومبیل، ملاقات در رستوران و غیره صورت می‌گیرند. استفاده از تجهیزات ارتباطی برای او تصویب شده است. معذالک آن وسیله دیگر در اختیار او نیست (به علت اوضاع امنیتی محل، در تاریخ ۲۱ اسفند ۵۸ مدتی از اعاده آن توسط قرارگاه گذشته بود). اس. دی. مارکت ۱/ فردی باهوش و خوش بیان است و گزارشهای پیشین وی مورد تأیید قرار گرفته‌اند. چون بسیاری از دوستان وی زندانی یا در بعضی موارد اعدام شده‌اند، اس. دی. مارکت ۱/ که یک بیگانه دائم‌الاقامه است قصد دارد به محض آنکه دولت خروج مردان را اجازه داد، تهران را ترک کند. موافقت نموده در آمریکا با سیا ملاقات نمایند.

۲- بدون پرونده: تا تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۲)

۶ فروردین ۵۸ اعضا  
از: تهران ۵۲۵۱۴ (به کفالت پلنتینگا)  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اس. دی. مارکت.

۱- اس. دی. مارکت ۱/ (م/۱) همچنان قصد دارد هر چه زودتر ایران را ترک کند. او امیدوار است تا اواسط فروردین موفق به این کار شود.

۲- در صورتی که م/۱ بعد از ورود گلگروف هنوز در اینجا بود. وی انتظار دارد گلگروف با وی تماس بگیرد. اگر م/۱ توانست در آتی نزدیک از کشور خارج شود ما ترتیبی داده‌ایم که از طریق همسرش در آمریکا با وی تماس برقرار شود. ما به طور موقت موافقت کرده‌ایم که م/۱ مدت کوتاهی پس از ورودش به آمریکا به واشنگتن برود تا اطلاعاتش به طور کامل تخلیه گردد.

- ۳- برای ثبت در پرونده اطلاع داده می‌شود که محل اداره وی تغییر یافته است. شماره جدید اداره و محل «هویت» است.
- ۴- پرونده: بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

سند شماره (۳)

- ۶ فروردین ۵۸ اعضا  
از: تهران ۵۲۵۱۵ (به کفالت پلنتینگا)  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس اس.دی.مارکت  
عطف به: تهران ۵۲۵۱۴، ۱- هویت: مرکز آموزش بین‌المللی ایران  
تلفنها - ۳ (?) ۰- ۶۲۵ ۶۲۵-۵۳۴
- دفتر در گوشه شمالی، تقاطع تخت طاووس و شاه عباس، ساختمان مزبور ۵ طبقه دارد. علائمی در درب ورودی جلو می‌باشد<sup>۱</sup>. (یک بانک در طبقه همکف واقع است.)  
تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود.  
سرّی

سند شماره (۴)

- ۲۷ اردیبهشت ۵۸ اعضا  
از: تهران ۵۳۱۱۴ (به کفالت گلگروف)  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس.دی.رایت
- ۱- مولوت در ۱۷ اردیبهشت از اس.دی.رایت ۱/ شنید که اس.دی.مارکت ۱/ عمدتاً به این دلیل خود را بسیار کم در تهران نشان می‌دهد که از عواقب ارتباط گذشته خود با اردشیر زاهدی در محل واهمه دارد. ر/ ۱/ ادعا می‌کند که زاهدی مقداری پول بابت چند پروژه کشاورزی که هیچ‌گاه به اجراء در نیامدند به م/ ۱/ پرداخت کرده بود. در رابطه با اینکه بر سر آن پول چه آمد سوءظنهایی وجود دارد. ر/ ۱/ فکر می‌کند که م/ ۱/ می‌خواهد به بریتانیا بگریزد.
- ۲- علی‌رغم آنکه تلاش برای بازگرداندن م/ ۱/ به یک ارتباط گزارشگری با ما مطلوب است، ولی قرارگاه می‌تواند نگرانی م/ ۱/ را درک نماید و میلی نداریم به اینکه او را تحت فشار قرار دهیم. اتهامات ادعا شده دایر بر «فساد» و خدمت برای سردمداران رژیم سابق واقعاً خطرناک و گاهی اوقات منجر به مرگ می‌شوند. ما بیشتر می‌خواهیم به نظر م/ ۱/ احترام بگذاریم که اینک داشتن تماس برای او زیاد مخاطره دارد. مگر آنکه ستاد فکر کند که باید به م/ ۱/ فشار بیاوریم تا ارتباط از سر گرفته شود.
- ۳- پرونده ۲۰۱ تا تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

۱- در پائین سند با خودکار نوشته شده «منزل ۸۴۸۱۲۷».

سند شماره (۵)

۲۹ اردیبهشت ۵۸ اعضا  
از: رئیس ۴۴۱۹۲۷  
هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. مارکت. اس. دی. رایت.  
عطف به: تهران ۵۳۱۱۴

۱- بانظر شما مبنی بر اینکه برای تماس با اس. دی. مارکت/۱ تلاش نمایم موافقت می‌شود. معذک، آیا امکان تماسهای تلفنی گاه‌به‌گاه وجود دارد؟  
۲- پرونده. ۳۱۶۶۱۷ - ۲۰۱، ۸۸۵۱۶۳ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.  
تماماً سرّی

۲۸ سپتامبر ۱۹۶۳  
از: سفارت آمریکا در تهران

خیلی محرمانه  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
به نظر ما زمان آن فرا رسیده که بار دیگر روی اخراج دانشجویان ایرانی، علی سیف‌پور فاطمی و صادق قطب‌زاده اصرار ورزیم به این علت که بدون پاسپورتهای معتبر ایرانی در ایالات متحده به سر می‌برند. همان طور که وزارتخانه اطلاع داد این دانشجویان عمیقاً در فعالیتهای سیاسی ضد دولت ایران دست دارند و از قرار معلوم پرونده قضایی خوبی علیه‌شان وجود دارد.

آخرین باری که این امر در تلگرام مرجع مورد بحث قرار گرفت وزارتخانه از سفارت خواست از نخست‌وزیر تضمین بگیرد که در صورت مراجعت ایشان به ایران برای اعمال ارتكابی خود تا آن زمان تحت تعقیب واقع نشوند. متعاقباً سفارت به شرحی که در تلگرام سفارتی شماره ۹۵۷ آمد چنین تضمینی را از خود تضمینی را از خود شاه گرفت. دلیلی ندارد که ما در مورد ادامه اعتبار این تضمینها شک کنیم و در صورت لزوم می‌توانیم آنها را به دولت خاطر نشان کنیم.

واقعه‌ای که آشوبگران دانشجو در رابطه با وزیر خارجه ایران به شرح مندرج در تلگرام مرجع (ب) به وجود آوردند نشان می‌دهد که باید فرصت را غنیمت شمرد و با وزارت دادگستری (آمریکا - م) مجدداً اقدام کرد. اگر چه سفارتخانه شواهدی حاکی از دخالت شخص آنها در این ناآرامی اخیر دریافت نکرده، ولی ما قویاً احساس می‌کنیم که اقدام در مورد فاطمی و قطب‌زاده تأثیری مفید بر سایر دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده دارد.

ضرورت فرصت‌شناسی را خبر اخیر مندرج در تلگرام مرجع (ج) درباره موضع اداره مهاجرت نیز تأیید می‌کند خصوصاً این جمله خبر که اداره (مهاجرت و تابعیت) به طور غیر رسمی به وزارتخانه اطلاع داده احتمالاً مجوز اقامت دانشجویی با این وضع را دیگر تمدید نخواهد کرد «یعنی وقتی که پاسپورت ایرانیش تمدید نشده است».

هولمز

گزارشگر: ام. اف. هرتز - بخش سیاسی

تأیید: جی. پی. لوزتر (پیش نویس)

بخش کنسولی

تاریخ: ۲۶ دسامبر ۱۹۶۳

خیلی محرمانه

از: وزارتخانه

به: سفارت آمریکا در تهران

فاطمی و قطب‌زاده امروز به دفتر کمیسر اداره مهاجرت و تابعیت خواسته شدند و کمیسر به آنها شدیداً اخطار کرد از ایجاد دردرس دست بردارند وگرنه با اقدام قانونی برای اخراج جبری رو به رو می‌شوند، چنان که در مورد بیگانگان فاقد پاسپورت‌های معتبر معمول است. اخطاریه به نام دادستان کل صادر شده بود. کمیسر گفت دادستان «دلگرد» شده بود که در گذشته به درخواست وی ملائمت به عمل آمده و این منجر به اصلاح رفتار انجمن دانشجویان ایرانی نشده بود. به فاطمی و قطب‌زاده گفته شد انتظار این است با استفاده از نفوذ خود در آن انجمن از شرکت دیگران در ایجاد دردرس جلوگیری کنند و این معنا را بفهمانند که دانشجویان فاقد پاسپورت معتبر باید رفتار خود را کنترل کنند، والا با اقدام قانونی لازم مواجه می‌شوند.

دردرس‌هایی که تصریح شدند عبارت بودند از: ایذا و توهین به شخصیت‌های ایرانی بازدیدکننده، دخول جبری به ساختمان‌های دیپلماتیک ایران، و توزیع نشریات کمونیستی.

اقدام فوق در نتیجه نامه ارسالی از دفتر وزیر به دادستان کل صورت گرفت. اخطار امروز در حضور نماینده بخش خاور نزدیک (وزارت خارجه - م) داده شد که جهت تأکید تذکرات کمیسر به آنجا دعوت شده بود. صورت مذاکرات بدون طبقه‌بندی و تصویب شده جلسه امروز در اسرع وقت با پست دیپلماتیک ارسال خواهد شد. فروغی را هم از این ملاقات با خبر کرده‌ایم چون وی به دفعات از طرف آرام در مورد اقدام صورت گرفته از طرف ما جهت محدود ساختن فعالیتهای دانشجویان سؤال کرده است.

جهت اطلاع. دو ایرانی فوق‌الذکر با آنکه اظهار بی‌گناهی کردند و فعالیت‌های سیاسی را به‌عنوان جزئی از حقوق خود وانمود می‌ساختند ولی از جلسه جا خورده بودند و ملاحظه اینکه در موضع دولت آمریکا نسبت به آنها تغییر رخ داده، در آنها اثر گذاشته بود. ایشان سخت تلاش کردند تفاوت‌هایی بین مواضع وزارت‌های خارجه و دادگستری پیدا کنند، ولی چیزی عایدشان نشد. فاطمی براساس اینکه همسرش بعد از کسب تابعیت شهروند آمریکایی است، درخواست کرده موقعیت (اقامتش) به بیگانه دائم‌الاقامه تغییر داده شود، اما امروز روی این قضیه انگشت نگذاشت. ما امیدواریم در نتیجه تحقیق پیرامون توزیع نشریات کمونیستی و منبع مالی انجمن دانشجویان این تغییر موقعی را اگر جلوگیری نشد لافل به تأخیر اندازیم. پایان بخش جهت اطلاع

راسک

۲۸ دسامبر ۱۹۶۳

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه

دانشجویان ایرانی

امروز وقتی خبر مشروحه در تلگرام مرجع را به وزیر خارجه رساندم، وی عمیقاً اظهار قدردانی کرد و از من خواست که تشکرات خود و وزارت خارجه را به وزارتخانه ابلاغ کنم. وی خصوصاً مایل بود مراتب امتنانش از وزیر بابت اینکه رأساً چنین اقدام سازنده‌ای در این قضیه پیش گرفته ابلاغ شود.

راکول

محرمانه  
وزارت امور خارجه - واشنگتن

۱۲ ژوئیه ۱۹۶۶  
رسمی - غیر اداری  
جناب مارتین اف - هرتر  
مشاور سفارتخانه در امور سیاسی  
سفارتخانه آمریکا - تهران  
مارتین عزیز:

دیروز وکیل علی فاطمی زنگ زد که بگوید اداره مهاجرت در خواست فاطمی دایر بر تغییر موقعیت خود به وضع (بیگانه) دائم الاقامه را اجابت کرده است که با اداره مهاجرت ارتباط دارد بعداً این ادعا را تأیید کرد. وقتی من تذکر دادم که به دلایل سیاسی علاقه داریم پیشاپیش از اتخاذ تصمیماتی مثل این مطلع شویم جواب داد که مأمور تحقیق ویژه که با موقعیتی نیمه قضایی عمل می کند هنگامی که تصمیم اتخاذ شد بدون قید و شرط نتیجه را به متقاضی اطلاع می دهد. خوشبختانه تصمیم بر مبنای این ادعا گرفته نشده بود که در صورت اخراج فاطمی به ایران وی تحت تعقیب قرار می گیرد. به احتمال قوی علت این تصمیم مانند موارد مشابه اش این بوده که همسر و فرزند فاطمی تبعه آمریکا هستند و اخراج فاطمی ممکن است موجب سختی برای آنها شود.

از ابتدا تا انتهای مراحل اداری اتخاذ تصمیم، وزارتخانه بر موضوع خود که اولین بار در سال ۱۹۶۴ اظهار شد پابرجا ماند که تغییر موقعیت (اقامت فاطمی) تأثیر و خیمی بر روابطمان با ایران خواهد گذاشت. اداره مهاجرت که به موجب قانون مسؤل اتخاذ تصمیماتی از این قبیل است نظر ما را قبول نکرد. با آنکه این ماجرا از لحاظ روابط خارجی امان مطمئناً سبب انگیز است، ولی به نظر من ودان و مایر وزارتخانه به هر وسیله اداری قانونی که در اختیار داشت تا سر حد ادعای وجود منافع ملی مهمتر توسل شد تا ترتیبی دهد سازمان مسؤل در این امر از جوانب تأثیر این قضیه بر روابط خارجی کاملاً آگاه باشد. البته علاقه مندییم بدانیم چه واکنشهایی در تهران انجام می گیرند.

با سلام  
ارادتمند  
فرانکلین ج. کرافورد  
امور ایران  
محرمانه

سری

۱۹ ژوئیه ۶۶  
سفیر  
بخش سیاسی - مارتین هرتر

#### اقدام اداره مهاجرت و تابعیت در مورد علی فاطمی

علی محمد سیف پور فاطمی، فرد مورد اشاره نامه پیوست رئیس سازمانهای دانشجویان ایرانی در ایالات متحده و قدرت پشت دو نشریه دانشجویان ایرانی به نامهای ایران نامه و دانشجو که جهت گیری ناسیونالیستی دارند بوده است. او در فعالیتهای متعدد ضد شاهی دست داشته است که از آنها می توان از اعتصاب نشسته ضد شاهی در سفارت ایران در واشنگتن در ژانویه ۱۹۶۳ و تظاهرات در سازمان ملل در

سپتامبر و اکتبر همان سال نام برد. سفارت ایران که در سال ۱۹۶۱ از تجدید پاسپورت فاطمی به علت فعالیتهای سیاسی ضد شاهی او در آمریکا خودداری کرده بود در ۱۹۶۳ از تجدید مجوز دانشجویی او نیز امتناع ورزید.

فاطمی در ۱۵ مه ۱۹۳۵ در اصفهان به دنیا آمد و برادرزاده وزیر خارجه دکتر مصدق، دکتر حسین فاطمی است که در ۱۰ نوامبر ۱۹۵۴ اعدام شد. خانواده فاطمی که پس از اعدام یکی از اعضایش بسیار از میل انتقام انگیز شده، احتمالاً سرسخت ترین گروه از گروههای اصلی ایرانیان مخالف شاه را تشکیل می دهند. علی که «دانشجو» است با ژاله امیر طهماسبی (یک ایرانی که بعد از کسب تابعیت شهروند آمریکا گردید) ازدواج کرده و مقیم نیوجرسی است.

در سپتامبر ۱۹۶۴ کمیسر اداره مهاجرت و تابعیت در منطقه نیوجرسی تقاضای او را برای تغییر موقعیت به (بیگانه) دائم اقامه رد کرد و به او اطلاع داد اگر قبل از ۱۱ اکتبر ۱۹۶۴ داوطلبانه از ایالات متحده خارج نشود، خروجش جبری خواهد شد. با دریافت اطلاعیه اداره مهاجرت، علی فاطمی با عمویش نصرالله فاطمی که استاد دانشگاه فیرلی دیکنسن در شهر مدیسون نیوجرسی است خواستار مساعدت سناتور کیس از نیوجرسی شدند. تا مانع اجرای دستور اخراج اداره مهاجرت شود. دلایل ایشان این بود که فاطمی در صورت مراجعت به ایران تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. علی فاطمی که با قاضی ویلیام دوگلاس و سناتور رابرت کندی آشنا و دوست است ظاهراً توانست سد اقدامات اداره مهاجرت در ۱۹۶۴ برای اخراجش شود.

گزارشهایی حکایت می کنند که علی فاطمی در ۱۹۶۳ با احمد بن بلا در سازمان ملل ملاقات کرد و خود را نزد رئیس جمهور سابق الجزایر خوب نشان داد و بن بلا از او دعوت کرد به الجزایر برود. بنابر گزارشها بعد از این ملاقات سفارت الجزایر در واشنگتن پاسپورتی الجزایری به علی داد او به الجزایر رفت، گفته می شود که او در آنجا دوره آموزش شبه نظامی طی کرد.

در مورد فاطمی گزارشهایی هم هست مبنی بر اینکه در سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ سفرهایی به اروپا داشته و با عناصر مختلفی از جبهه ملی و سایر مخالفین تماس گرفته است، اما اینکه او با چه مدارکی از ایالات متحده خارج شده و بازگشته معلوم نیست.

گزارشگر ال. و. سماکیس

۱۹ ژوئیه ۶۶

سری



### بسمه تعالی

نام اصلی: تورج ناصری  
نام رمز: اس. دی. کاراوی ۱/

نام اصلی: فریدون ناصری (برادر تورج)  
نام رمز: اس. دی. پکن ۱/

تورج ناصری استاد دانشگاه صنعتی شریف بوده که از قبل از انقلاب با سیاراتبایط داشته و سه گزارش تا قبل از سقوط بختیار به سیاراتبایط داده است. به دنبال انقلاب و مسائل امنیتی، در رابطه وی با سیای وقفه حاصل می‌شود، ولی بعد از انقلاب سیای تصمیم به تماس مجدد با وی می‌گیرد. ناصری در تماس تلفنی با گنجیان (نام رمز یکی از مأموران قرارگاه سیای در تهران) به وی می‌گوید که عضو کمیته تصفیة دانشگاه صنعتی شریف است و به خاطر مسائل امنیتی نمی‌تواند ملاقات حضوری داشته باشد، اما مایل است که تماسهای تلفنی ادامه یابد.

در مجموعه خط میانه از اسناد بخش سیاسی لانه جاسوسی آمریکا سند مورخ ۱۲ فوریه ۷۸، شرح ملاقات دکتر تورج ناصری با جان استمیل از مأموران بخش سیاسی می‌باشد. تورج ناصری عامل معرفی برادر خود فریدون (اس. دی. پکن ۱/ به گنجیان (مأمور سیای) است. فریدون در تاریخ مرداد ۱۳۵۷ معاون وزیر کشور و قائم مقام سازمان برنامه و بودجه بوده است. در شهریور ۱۳۵۷ به استخدام سیای درآمده و ماهانه ۷۵۰ دلار به حساب امانی او پرداخت می‌شده است. وی در مورد طرحهای و مقاصد دولت ایران فعالیتهای کابینه، رویدادهای سیاسی و آشنایان خود در ارتش و گروههای نظامی، اطلاعاتی برای سیای تهیه می‌کرده است.

### سند شماره (۱)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: ۴۲۹۰۱۰  
سری  
به: تهران

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کاراوی

۱- قرارگاه می‌تواند سند تماس مجدد با اس. دی. کاراوی ۱/ (ک ۱/ (هویت الف) را که استاد دانشگاه (هویت ب) است دوباره در نظر گیرد. ک ۱/ برادر اس. دی. پکن ۱/ (پ ۱/ است و اولین بار او پ ۱/ را به گنجیان معرفی نمود. ک ۱/ می‌دانست که پ ۱۹ تماسهایی با گنجیان دارد. اما احتمالاً نمی‌دانست که همکاری پ ۱/ با سیای تا چه حد است.

۲- ک ۱/ منبع سه گزارش در مورد مخالفین مستقل «پناه (نه جبهه ملی، نه دینی) پیش از سقوط دولت بختیار بود. او از وابستگی گنجیان به سیای اطلاع داشت. موافقت کرده بود که رابطه خود را محرمانه و محتاطانه نگه دارد و طرح تماس مجدد را پذیرفت (به پاراگراف سه رجوع شود). آخرین تماس با ک ۱/ تلفنی بود و پیش از عزیمت گنجیان صورت گرفت. ک ۱/ گفت که او عضو «کمیته» هویت ب است و افزود آنها مشغول تحقیق از مقامات دولتی پیشین هستند که با هویت ب ارتباط داشته بودند ک ۱/ به دلیل وضع

امنیتی از پذیرفتن ملاقات حضوری خودداری نمود، اما اظهار داشت که قصد دارد تماس تلفنی را ادامه دهد. ک/ ۱/ تمایل «روشنفکری» داشت به اینکه دربارهٔ تمایلات و وقایع کلی اوضاع سیاسی ایران به قدر قابل توجهی صحبت کند، اما در عین حال اخبار مستندی نیز که دارای ارزش اطلاعاتی بودند می داد. به هر صورت ک/ ۱/ خود را فردی با هوش و خوش بیان با علائق سیاسی پرمایه نشان داده است. او بر حسب شرایط فردی خود ممکن است حاضر باشد تماس با مأمور سیا را بپذیرد.

۳- مشارالیه پذیرفت که به هر کس که از عبارت کلیدی «سنگ گچ انگلیسی» استفاده کند جواب دهد. اگر او اسم رمز را فراموش کرده باشد. به هر کس که خود را دوست و همکار گنجیان (نام حقیقی) معرفی کند جواب خواهد داد. محل ملاقات باید در تماس او معین گردد. ۴- پرونده: ۰۹۵۸۸۵۴ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

#### سند شماره (۲)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء  
از: رئیس ۴۲۹۰۲۸  
هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است  
عطف به: رئیس ۴۲۹۰۱۰  
۱- در ذیل هویت مرجع می آیند:  
هویت الف - دکتر تورج ناصری  
هویت ب - دانشگاه صنعتی آریامهر  
هویت ج - نشانی منزل: شهرک غرب، قطعه ۹۰۷، فاز...  
تلفن منزل: ۶۸۹۲۲۸ تکرار می شود ۶۸۹۲۲۸ تلفن اداره: ۹۱۸۵۱۱ تکرار می شود ۹۱۸۵۱۱  
۲- پرونده: ۰۹۵۸۸۵۴ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سرّی

#### سند شماره (۳)

۲۵ فروردین ۵۸ اعضاء  
از: رئیس ۴۱۹۴۶۸  
هشدار - شامل منابع و شیوههای اطلاعاتی است. حساس بی.سی. هاوک  
عطف به: تهران ۵۵۶۴۹  
۱- پیرو درخواست تلگرام مرجع، ذیلاً خلاصههایی از قضایی که می توان انتظار داشت توسط لاتش به دست گرفته شوند ارائه می گردند:  
الف -.....

ب- اس.دی. پکن ۱/، ۴۴ ساله در مرداد ۱۳۵۷ معاون وزیر کشور و قائم مقام سازمان برنامه و بودجه در امور بودجه بود. وضع فعلی وی در دولت موقت هنوز نامعلوم است. او از مقام خود استعفاء نموده و باید مورد تحقیقات رژیم جدید قرار گیرد. لذا وی تا فروردین ۱۳۵۸ هنوز درخواست ملاقات ننموده است. قرار است ملاقات بعدی در ۱۷ اردیبهشت صورت پذیرد. مایل است رابطه خود با قرارگاه را حفظ کند،

هرچند که ترجیح می‌دهد ناچار به ملاقاتهای مخفی نباشد. او در شهریور ۱۳۵۷ شناسایی و استخدام شد. از زمان استخدام خود اطلاعاتی درباره طرح و مقاصد دولت ایران، فعالیتهای کابینه و رویدادهای سیاسی تهیه کرده است. همچنین اطلاعات مفیدی از آشنایان خود در ارتش و گروه‌های نظامی اخذ کرده است. او فردی باهوش و یک گزارشگر خوب می‌باشد. با آنکه آموزش رسمی فنون حرفه‌ای را طی نکرده است، ولی شرایط فعلی تهران باعث شده به سرعت رفتار ملازم با ملاقاتهای مخفی را پیدا کند. او اخیراً در یک طرح تماس مجدد شرکت کرده و با مأمور مربوطه جدید خود ملاقاتهایی در اتومبیل داشته است. به او گفته شده که هم اینک داشتن ارتباط علنی امکان‌پذیر نیست. اس. دی. پکن ۱/ اینک یادداشت تعهد شفاهی دارد و ماهانه ۷۵۰ دلار به حساب امانی او پرداخت می‌شود. او این پول را یک دستمزد به حساب نمی‌آورد بلکه آن را تقریباً نوعی پول احتیاطی می‌داند که برای کمک به او با خانواده‌اش در به او با خانواده‌اش در زمان احتیاج پرداخت می‌شود. خانواده‌اش اینک در لندن به سر می‌برند. او یک برادر هم در ایالات متحده دارد. در بهمن ماه ۱۳۵۷ درخواست تسهیلات مبادله ارزی ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال به دلار و واریز کردن دلارها به حساب بانکی برادرش در آمریکا نمود. این تسهیلات مبادله با نرخ ۵/۹۱-۹۷ (نرخ رایج در ۸ اسفند) مورد تصویب قرار گرفت. سوابق ستاد نشان نمی‌دهند آیا تصویب این مطلب یا نرخ مبادله به اس. دی. پکن ۱/ اعلام شد یا نه. در صورتی که او هنوز بخواهد این مبادله را انجام دهد، ماقبل از آن به اطلاعات بانکی احتیاج خواهیم داشت، به نظر می‌رسد انگیزه اس. دی. پکن ۱/ (در رابطه خود با سیا) در این باشد که او ناسیونالیستی است که فکر می‌کند اگر تصمیم‌گیرندگان سیاسی ایالات متحده در جریان اوضاع قرار داده شوند به نفع کشور وی تمام خواهد شد.

#### سند شماره (۴)

تاریخ و محل: ۱۲/۰۰ نیمه شب ۳۱ خرداد ۱۳۵۶  
 یادداشت مکالمه خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان  
 شرکت‌کنندگان: دکتر فریدون ناصری معاون اول سابق وزارت کار و امور اجتماعی میتوب وارد، کارمند کمیسیون مشترک ایران در آمریکا، سفارت آمریکا در تهران.  
 موضوعات: طرحهای آینده دکتر ناصری، وضع کمیسیون مشترک ایران و آمریکا و نیروی کار در ایران.

پس از تعارفات اولیه، وارد از ناصری پرسید چرا تصمیم گرفته از وزارت کار بیرون بیاید و آیا قصد دارد همچنان شغلی دولتی داشته باشد. ناصری احترام خود نسبت به وزیر کار جدید منوچهر آزمون را مورد تأکید قرار داد و چند مرتبه تکرار کرد که وی به خوبی از صلاحیت لازم برای مقام برخوردار است. وی به هر حال همچون شش ماه گذشته اشاره نمود که او و دکتر آزمون در بعضی مسائل بنیادی در خصوص تشکیلات وزارتخانه اختلاف نظر دارند و در رابطه با شخصیات خود و آزمون یک.... اساسی وجود دارد، لذا عزیمت وی از وزارتخانه اجتناب‌ناپذیر بود. به علاوه ناصری اظهار داشت که بیش از سه سال وی معاون اول بوده و به چیز بهتری علاقه دارد (یعنی وزارتخانه‌ای از آن خودش). مسئله اینکه آیا به فعالیت در دولت ادامه می‌دهد یا شغلی در جای دیگر پیدا می‌کند هنوز حل نشده است. ناصری به «الطاف» نخست‌وزیر هویدا، پیش از آنکه خدمت دولتی را بالکل ترک کند، چشم داد. وی برای وارد

توضیح دارد که میل ندارد این تلقی را در اذهان به جای گذارد که خدمت دولت را ترک می‌کند. چون در آخرین دور انتصابات وزرای کابینه از او نام برده نشده است. ناصری ادعا می‌کند که به اعتقاد وی مقامات عالی‌رتبه دولتی باید منظمأً به مشاغلی در بخش خصوصی انتقال داده شوند و مدیران موفق بخش خصوصی به دولت آورده شوند تا به این ترتیب تخصصهای مدیریتی در هر دو بخش مستمراً تجدید شود. ناصری شغلی در بخش خصوصی را ترجیح می‌دهد، ولی اگر نخست‌وزیر اصرار ورزد در خدمت دولت باقی خواهد ماند.

ناصری برای وارد فاش ساخت که استانداری اصفهان یا شیراز را به انتخاب خودش پیشنهاد کرده‌اند. هرچند که وی علاقه‌ای به زندگی در «شهرستان» ندارد. به گفته ناصری، زیر و زبر حفظ یک مرکز اداری با تمام کارکنانش در استان، در تهران و در لندن بسیار شبیه ابتلاء به سر درد است. دوست قدیمی ناصری هم، دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده وزیر بهداشتی از او خواسته مسؤولیت مدیریت بنیاد خدمات اجتماعی ایران با سالانه یک میلیارد دلار را به عهده بگیرد. این بنیاد بزرگترین بنیاد سرمایه‌گذاری در ایران و مقام مدیریت، عواید جنبی چندی شامل حقوق ماهانه ۳۰۰۰ دلار، دو برابر حقوق ناصری در مقام معاونت وزارت کار دارد. معذک ناصری گفت که ترجیح می‌دهد خدمت دولت را بالکل ترک کند. او ادعا می‌کند که مقام مشاورت یک شرکت بزرگ چند ملیتی، که وی نامش را نگفت، با حقوق ماهانه ۱۰۰۰۰ دلار به او پیشنهاد کرده‌اند.

#### فعالیت‌های دولت ایران

وارد از ناصری پرسید آیا در سه سال گذشته تغییراتی چه خوب چه بد در تشکیلات و فعالیت دولت ایران به چشم خورده است.

ناصری جواب خود را با ذکر این مطلب آغاز کرد که در ایران بعضی چیزها هیچ‌گاه عوض نمی‌شوند و بعضی چیزها هم در مورد حکومتها هیچ‌گاه عوض نمی‌شوند. وزارتخانه‌ها همچنان بیشتر به قلمرو خصوصی وزرا می‌مانند و بین وزرا در سطح کاری هماهنگی کمی وجود دارد، یا اصلاً نیست چون هیچ ایرانی واقعی سعی نمی‌کند در اداره قلمرو همکار خود «فضولی» کند. ناصری به هر حال فکر می‌کند در سطوح بالای دولت هماهنگی قویتر و بهتری از هنگامی که وارد خدمت دولت شد وجود دارد. ناصری اشاره نمود با آنکه عدم صداقت و کارایی هنوز در دولت ایران به چشم می‌خورد، این مورد در هر دولتی هست و احساس می‌کند که امروز کمتر از گذشته این موارد وجود دارند. پرسنل کاری عموماً تحصیلاتشان بهتر از گذشته است و اکثر وزارتخانه‌های ایران به تدریج «مانند وزارتخانه‌های اروپایی» فعالیت می‌کنند. وارد از او خواست کارایی عمومی فعالیت بوروکراسی ایران را با آنچه در سایر کشورهاست مقایسه کند. ناصری

اعتراف کرد که با فعالیت‌های کاری سایر وزارتخانه‌ها آشنا نیست، اما به نظر وی وزارت کار به کارایی وزارتخانه مشابهش در انگلستان فعالیت می‌کند، اما شاید با کارایی کمتر از وزارتخانه‌ها مشابه آلمان غربی، فرانسه و ایالات متحده.

سند شماره (۵)

فریدون ناصری - معاون طرح و بررسی  
وزارت کار و امور اجتماعی  
طرز خطاب: آقای ناصری

فریدون ناصری، حدوداً ۳۹ ساله در ۱ خرداد ۱۳۵۳ معاون طرح و بررسی وزارت کار شد. وی قبلاً در آن وزارتخانه مدیر کل استخدامی بود و در این مقام وی عمدتاً درگیر امور طرح ریزی برای نیروی کار و مشغول پیشبرد ایده‌ایجاد سرویس استخدامی جدا و مستقلی بود.

ناصری فوق لیسانس حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد از دانشگاه تهران و دکترا در همین رشته‌ها از دانشگاه تولوز فرانسه دارد و به منظور شرکت در یک برنامه آموزش تخصصی در مسائل اجتماعی سیاسی به ایالات متحده آمد. وی در دانشگاه تهران حقوق تدریس کرده و به عنوان وکیل در وزارت دادگستری و به عنوان کارشناس در سازمان برنامه و بودجه کار کرده است. پس از خدمت در مقام مشاور سفارت ایران در واشنگتن به ایران بازگشت و مدیر دفتر مطالعات اجتماعی سیاسی و بررسی و نیروی کار در وزارت کار شد.

ناصری به اروپای غربی مسافرت کرده است. وی انگلیس و فرانسه را به روانی تکلم می‌کند.

۱۳۵۳ اسفند ۷



کتاب پنجاه و هفتم

صنعت بین المللی

نفت در

سال ۱۹۸۰





## پیشگفتار

دستیابی بشر به نفت خام به هزاران سال پیش باز می‌گردد. اما قریب یک قرن قبل بود که بشر توانست با حفر چاه در آمریکای شمالی به میزان وسیع به نفت خام دسترسی پیدا کند. از آن پس بود که این منبع انرژی جای خویش را به تدریج در صنعت باز کرد. صنعت نفت همگام با دیگر صنایع گسترش پیدا کرد و امکان اکتشاف و استخراج و پالایش نفت را در مقیاسهای بسیار بزرگ فراهم ساخت. به دلیل نیاز بشر به یک منبع ارزان و فراوان انرژی، جریان نفت اکنون به مثابه رگ حیات صنایع درآمده است. با توسعه صنایع جنبی نفت نظیر پتروشیمی در چند دهه اخیر، بر اهمیت نقش نفت افزوده شد و مکانی را نیز به عنوان مواد اولیه بعضی صنایع پیدا نمود.

فرآورده‌های این‌گونه صنایع که انواع پلمیرها و مواد پلاستیک می‌باشند، به دلیل قیمت تمام شده پایین و سهولت کاربرد صنعتی، مورد استفاده فراوانی پیدا کرده‌اند. از طرفی سرعت رشد صنعت و دانش شیمی پلیمر، روزه‌به‌روز کاربرد این نوع مواد را متنوع‌تر ساخته و اهمیت آنها فزونی می‌بخشد. به این دلایل است که مصرف نفت به عنوان سوخت، یکی از بدترین انواع کاربرد آن به شمار می‌رود.

علیرغم تلاش وسیع و سرمایه‌گذاریهای فراوانی که تاکنون توسط کشورهای صنعتی در جهت یافتن جانشینی دیگر برای انرژی صورت پذیرفته است، در این زمینه هنوز موفقیت چشمگیری به دست نیامده است.

کاربرد انرژی هسته‌ای به دلیل نیاز به سرمایه‌های هنگفت و تجهیزات سنگین، محدودیتهای بسیاری را در بردارد و نقش این نوع انرژی آن‌چنان با اهمیت نیست. قابل ذکر است که در سال ۱۹۷۵، ۶۵/۸ درصد مصرف انرژی جهان از نفت و گاز و ۲۶/۷ درصد از زغال سنگ تأمین می‌شد، در حالی که سهم سایر انرژیها (از جمله انرژی هسته‌ای) فقط ۷/۵ درصد بود. به هر صورت نفت، نقش خویش را به عنوان اولین منبع انرژی حفظ نموده و برای سالهای نه چندان نزدیک آینده هم، یقیناً حفظ خواهد نمود.

اگر از نقطه نظر اقتصادی نیز به موضوع نگاه کنیم، مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مسئله نفت با شتاب فزاینده‌ای با وضعیت اقتصادی و سرنوشت کشورهای عجین می‌شود و تأثیر تغییرات بازار آن بر اقتصاد کشورها عمیق‌تر می‌گردد. برای آنکه در این زمینه معیاری به دست داده شود. نظر یکی از کارشناسان اقتصادی سازمان سیا که در ماه اوت ۱۹۷۸ پیرامون مسئله افزایش قیمت نفت اظهار گشته، آورده می‌شود:

«از نظر ما افزایش در حد ۱۰٪ قیمت نفت تأثیری معادل ۶۰٪ افزایش قیمت در سال ۱۹۷۳ را خواهد

داشت،<sup>۱</sup> چون در آن زمان نقش نفت در فعالیتهای اقتصادی بسیار ناچیزتر از زمان حال بوده است. هر ۱۰٪ افزایش قیمت نفت تأثیری معادل نیم درصد کاهش در رشد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی خواهد داشت و میزان بیکاری را ۵۰۰/۰۰۰ نفر بالا خواهد بود و نیم درصد نیز به تورم اضافه خواهد کرد و علاوه بر این مشکلاتی نیز در موازنه پرداختهای بسیاری از کشورها پدید خواهد آورد.<sup>۲</sup>»

به راستی اگر تغییرات کم دامنه بازار نفت تا به این حد غارتگران جهان را به هراس می افکند، کنترل بازار نفت چگونه انجام می شود؟ چگونه برخاسته‌های به حق صاحبان اصلی درآمدهای نفت، که مردم محروم کشورهای صادرکننده می باشند، سرپوش گذاشته می شود؟ چگونه دولتمردان این کشورها را نفتخوران در مجرای سیاستهای خویش هدایت می کنند؟ چگونه جناحهای مختلف حاکمیت در کشوری مانند آمریکا بر سر این مسئله تبدیل به سدی نفوذناپذیر می شوند؟ جواب این سؤالات و بسیاری پرسشهای اساسی دیگر را درباره نفت از کجا می توان یافت؟ واقعیت آن است که آگاهی در مورد بسیاری از این مسائل را نمی توان از طریق بررسی اخبار و مطالب منتشره در رسانه‌های گروهی به دست آورد. آنچه که در بسیاری از موارد راهنمای خوبی برای بررسی و تحقیق در اینگونه موضوعات است، اطلاع از اخبار پشت پرده و به اصطلاح طبقه بندی شده در این مورد می باشد.

اسناد ارزشمند بسیاری که عمدتاً دارای طبقه بندی بالایی هستند در لانه جاسوسی وجود دارد که محور تمامی آنها مسائل نفتی بوده و قبل از اشغال نیز تحت همین عنوان توسط گردانندگان سفارت نگهداری می شده است. اهمیت این اسناد زمانی مشخص می شود که دریابیم این اولین موردی است که اخبار سری و خیلی محرمانه نفتی برای اطلاع عموم منتشر می شود و از همین روست که اهمیت بررسی و تحلیل آنها بیش از پیش روشن می گردد این اسناد در مجموعه‌های مرتبط تنظیم گشته است و به خواست خدا به تدریج منتشر خواهد شد.

#### سند حاضر: صنعت بین‌المللی نفت در سال ۱۹۸۰

بعد از دستیابی به حوزه‌های وسیع نفتی در آمریکا، اروپاییان که خود را از این منبع عظیم و با اهمیت انرژی بی بهره می دیدند، در پی نفت، به جستجو در مستعمرات و سرزمینهای تحت نفوذ خویش پرداختند. در خاورمیانه و بخصوص حوزه خلیج فارس که عظیم ترین میدانهای نفتی در آن قرار دارد، انگلیسها به نفت دست یافتند. حرص و طمع آنها از سویی و بی خبری فرمانروایان وقت این کشورها، اشتباهی دست یابندگان به نفت را بیش از پیش تحریک کرد و آنها برای غارت این منابع، حکمفرمایان را تطمیع کرده و فریفتند و قراردادهای ناصرالدین شاه قاجار با بارون ژولیوس دورویتر انگلیسی و مظفرالدین شاه با ویلیام ناکس داریسی که او نیز انگلیسی بود از این زمره است. رویتر حق انحصار کلیه منابع معدنی را به استثنای معادن طلا و نقره و سنگهای قیمتی به مدت ۷۰ سال در ازای پرداخت ۴۰/۰۰۰ لیره استرلینگ گرفت که به دلیل مخالفت روسیه تزاری این امتیاز لغو شد. سپس داریسی امتیازی خاص و انحصاری جهت

۱- در سال ۱۹۷۳، قیمت نفت در بازارهای جهانی، جهش بیسابقه‌ای پیدا کرد و از بشکه‌ای ۳ دلار به ۱۲ دلار رسید (قیمتها تقریبی است و برحسب انواع مختلف نفت تغییر می کند).

۲- نقل از یکی از جزوه‌های تحلیلی سیا موجود در لانه جاسوسی.

اکتشاف و استخراج و صدور نفت و گاز و قیر و موم طبیعی به مدت ۶۰ سال از فرزند شاه قبلی اخذ کرد بهای این امتیاز ۲۰/۰۰۰ لیره استرلینگ پول نقد و ۲۰/۰۰۰ سهم شرکت استخراج بود، در حالی که سهام شرکت بالغ بر ۶۰۰/۰۰۰ سهم می‌گشت. ره‌آورد این قراردادها که اصطلاحاً «قراردادهای امتیازی» نامیده می‌شود به یغما رفتن ثروت ملی کشورهای محروم و وابستگی روزافزون آنها به غارتگران یهود بود، به عنوان مثال در سال ۱۹۱۷ میلادی (۹۶-۱۲۹۵ هجری شمسی) منافع خاص شرکت نفت ایران و انگلیس (که پس از برخورد داریسی به مشکلات مالی و عدم توانایی ادامه کار، در سال ۱۹۰۹ توسط دولت انگلیس برای ابقای امتیاز داریسی تأسیس شد)، پس از کسر استهلاک، بهره، عوارض داخلی و حق الامتیاز به ۳۴۴/۱۰۹ لیره استرلینگ بالغ می‌شد. در آن سال حق الامتیاز دولت ۳۸۲۹ لیره بود که به مقامات ایران پرداخت نگردید و در ازای خسارتی که بر اثر قطع خط لوله توسط ایلات ایران به شرکت وارد آمده بود، ضبط گردید.

روابط شرکتهای نفتی، که عامل اصلی تاراج نفت هستند، با کشورهای تولیدکننده نفت (صاحب منابع) آن قدر یک‌جانبه است که دولتمردان آمریکایی نیز در سالهای اخیر با لحن اعتراض آمیزی از آن یاد می‌کنند. به مطلب زیر که برگزیده از همین کتاب است بنگرید:

«۶۰ یا حتی ۲۰ سال پیش این چنین به نظر می‌رسید که شرکتهای نفتی منبع را به وجود می‌آورند و اگر تلاشهای آنان در زمینه علمی و سرمایه‌گذاری نفتی نبود، نفت همچنان در قلب زمین باقی می‌ماند. در نتیجه بومیان بایستی نسبت به هر چه که کمپانیها به آنان می‌دهند راضی و خشنود باشند و این داده‌ها نیز لزوماً نباید زیاد باشد. برخی وجود دارند که هنوز این نظر را گرامی می‌دارند، ولی اکثراً مواضع روشنفکرانه تری اتخاذ نموده‌اند. در حقیقت امتیازات به هیچ طریق اسنادی خشک نبوده‌اند، بلکه مکرراً در طول ۳۰ سال گذشته و تقریباً به صورت تغییرناپذیری به نفع دولتهای تولیدکننده تعدیل شده‌اند.»

«متأسفانه هنوز در دولتها و دانشگاههای کشورهای تولیدکننده، افرادی وجود دارند که تغییرات کمپانیها را حس نکرده‌اند.»

تحلیل عباراتی نظیر «تغییرات کمپانیها» که از آن بالحن مثبت یاد شده است و «تغییرات به نفع دولتهای تولیدکننده» که به عنوان یک اقدام لازم و مثبت قلمداد شده است، بیانگر آن است که امتیازات و روابط سابق شرکتهای نفتی با دولتهای تولیدکننده چقدر یک‌جانبه بوده است. در هر صورت سالهای متوالی این قراردادها با تغییرات اندکی که تحت فشار افکار عمومی کشورهای صاحب منابع توسط کمپانیها به عمل می‌آمد، تنها عامل تعیین کننده بود و سهم ناچیزی از درآمدهای نفت نصیب صاحبان واقعی آنها می‌شد. رشد افکار عمومی و بیداری نسبی توده‌های مردم در این کشورها و وقوع تغییرات در دولتها، تا حدودی موانعی بودند که صدور نفت، مانند شرایط گذشته را مختل می‌کردند و واکنشهای شدیدی در جهت قطع این غارتگری و خلع ید از غارتگران به وقوع پیوست، اما این واکنشها عموماً با ترفندهای سیاسی و گاه اقدامات حادثر نظیر کودتا خنثی شد. مبارزات ریشه‌دار مردم ایران در سالهای ۱۳۲۸-۱۳۳۲ که منجر به ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۹ و بیرون راندن انگلیسیها شد، از مثالهای جالب و بارز در این مورد است و کودتای ۲۸ مرداد نمونه‌ای از پاسخهایی است که به این نوع مبارزات داده می‌شود. باگذشت زمان وضع به صورت دیگری درآمد. رشد افکار عمومی آنقدر زیاد شد که امکان پرده‌پوشی موضوع و سرپوش نهادن برخواستهای مردم صاحب نفت که دولتها نیز به ناچار مجبور به انعکاس آنها

شده بودند، نمی‌رفت. این جو ملتهب در سالهای ۱۹۷۰ (۴۹-۱۳۴۸) جوشش بیشتری به خود می‌گیرد و غارتگران را به بررسی دوبارهٔ اوضاع و تحلیل دقیق آن وامی‌دارد. این کتاب شامل یک سند سری از وزارت خارجهٔ آمریکا است که موضوع فوق را تحلیل و مورد بررسی قرار داده است. همان‌طور که توضیح داده شد، اوضاع و احوال حاکم بر بازار نفت و صنعت نفت به گونه‌ای است که اقدامی خاص را برای کنترل آن می‌طلبد. وضعیت به گونه‌ای است که امکان دارد کشورهای اوپک دست به اعمالی زده و تصمیماتی را اتخاذ کنند که ضایعات جبران‌ناپذیری برای شرکتها و مصرف‌کنندگان نفتی به همراه داشته و آنان را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. از این رو وزارت خارجه آمریکا در جهت هماهنگی بین محافلی که سیاست نفتی ایالات متحده را تعیین می‌نماید، دست به یک اقدام خاص می‌زند. این محافل به قرار زیرند:

- دولتمردان ایالات متحده در وزارتخانه‌های مختلف مانند وزارت کشور، بازرگانی، خارجه، دادگستری و...

- بانکهای عمده و مهم آمریکایی نظیر چیس مانهاتان، فرست نشنال سیتی بانک نیویورک و...  
- مدیریت شرکت‌های عمدهٔ نفتی آمریکایی که اکثریت اعضای هفت خواهران را تشکیل می‌دهند:  
تگزاکو، استاندارد اوایل کالیفرنیا، استاندارد اوایل نیوجرسی، گلف و موبیل<sup>۱</sup>  
- شرکت‌های مستقل نفتی آمریکایی: آتلانتیک ریچفیلد، کنتیننتال، مارتون، اکسیدنتال و استاندارد ایندیانا.

محورهای عمدهٔ اقدام خاصی که وزارت خارجه عهده‌دار آن است به این ترتیب است:  
- طرح سؤالات متعددی که جواب آنها مشخص کنندهٔ تحلیل مسائل روز و تصمیمات محافل است.  
- ارسال این سؤالات برای محافل خاص فوق‌الذکر به منظور کسب نظر از آنها (سؤالات در قسمت آخر سند به صورت یک ضمیمه آمده است).

- تحلیل همه جانبهٔ مسائل جهت روشن نمودن وضعیت برای محافل تصمیم‌گیری.

- پیشنهاد انجام اقداماتی برای حل مسئله روز.

مطالب سند بسیار واضح است و به خودی خود بیانگر همهٔ آن چیزی است که باید در زمینهٔ نقش آمریکا در بازار و صنعت نفت گفت. این نقش آن چنان انحصارگرایانه و یک‌طرفه است که فقط از ورای مطالب اسنادی که سخنان صریح گردانندگان آمریکا است، روشن می‌شود. اما نکاتی در سند وجود دارند که باید به آنها توجه عمده‌ای نمود. بررسی دقیق این نکات شناخت عمیق تری نسبت به مسئلهٔ حیاتی نفت ایجاد کرده و ما را قادر می‌سازد تا به عنوان یک تولیدکنندهٔ عمدهٔ نفت و به عنوان یکی از اعضای برجستهٔ اوپک در مقابل سیاست‌های نفتخواران بین‌المللی و هیاهوی تبلیغاتی آنها راه خود را آسانتر و صحیح‌تر تشخیص دهیم.

### اهمیت نفت برای اقتصاد آمریکا

گذشته از آنکه آمریکا به عنوان یک کشور صنعتی و دارای بالاترین مصرف انرژی در جهان، به این منبع انرژی نیاز حیاتی دارد، از نقطه نظر اقتصادی نیز اهمیت بسیار زیادی برای آن قائل است. سودهای

۱- دو شرکت دیگر، بریتیش پترولیوم انگلیسی و رویال داچ شل هلندی انگلیسی می‌باشند.

هنگفت و کلانی که از قبل تجارت نفت عاید اقتصاد آمریکا می‌شود به مراتب دارای اهمیت است. کافی است به یاد آوریم که از هفت شرکت عمده نفتخوار جهانی، پنج‌تای آن آمریکایی هستند و در استخراج، پالایش، بازاریابی و فروش نفت جهان غیر کمونیست، بیشترین سهم را دارند. در این باره بهتر است به این مطلب از دیدگاه آمریکاییها توجه شود. در این کتاب به نقل از تحلیلگر وزارت خارجه می‌خوانیم:

«سهم صنعت نفت بین‌المللی در تراز پرداختهای ما به اندازه مجموع تمام سرمایه‌گذاریهای دیگر در خارج از کشور می‌باشد و همین دلیل دیگری است برای اثبات علاقه ما به سالم و مولد باقی‌ماندن شرکتهای نفتی مان.»

به همین جهت است که آمریکاییها مایل نیستند از منافعشان و به عبارت دیگر غصب حقوق مردم محروم صاحب منابع حتی یک سنت گذشت نمایند. وقتی مسئله مشارکت کشورهای صاحب منابع در شرکتهای استخراج‌کننده نفت به عنوان گامی در راه کسب منافع بیشتر از سوی آنها مطرح می‌شود، طیف حاکمان آمریکا گذشته از اینکه چه ارتباطی با مسئله نفت دارند، در مقابل آن جبهه‌گیری کرده و آن را به عنوان خطری که تهدیدکننده منافعشان است قلمداد می‌کنند:

«یک درصد مشارکت برابر است با یک سنت منفعت کمتر در هر بشکه نفت تولیدی.»

و در هر صورت آخرین حرف این است که، آمریکاییها حاضر نیستند از موضع کسب منافع بی‌حد و حساب، حتی گامی عقب‌نشینی کنند.

«ولی به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم در انتظار نشان بدهیم که ملی‌شدن نفت و یا تبدیل ساختن شرکتهای خریداران برای ما قابل قبول است.»

راههای دیگر دستیابی به نفت خام برای کاهش وابستگی به منابع فعلی

همان‌طور که در اول این نوشتار آمد، تلاشهای بسیاری برای یافتن دیگر منابع انرژی به عمل آمده است، اما منابع و محدودیتهای بسیار، دستیابی و سهولت استفاده از آنها را با اشکال مواجه می‌سازد. در این سند راههای وصول به دیگر اشکال نفت خام مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. اصولی‌ترین روشها به قرار زیرند:

- به دست آوردن نفت از زغال سنگ،

- استحصال نفت از ماسه سنگهای نفتی (tar sands)،

- شیوه‌های بازیابی ثانویه و ثالث از چاههای نفتی که فشار آنها کم شده است،

- تهیه نفت از شیل (shale).

به لحاظ مخارج زیادی که تهیه و بازیابی نفت خام به شیوه‌های فوق در بردارد، قیمت نفت خام به دست آمده از این طرق قابل رقابت با قیمت نفت تولیدی از راههای معمولی نیست و در این سند نیز همچنان که در عبارات زیر دیده می‌شود با ناامیدی به آنها نگرسته می‌شود.

«در هر صورت تردیدی نیست که این دو منبع» (شیل و زغال سنگ «و» ماسه سنگهای نفتی «-م»).

مهمترین ذخایر می‌باشند و حداقل بخشی از نیاز آمریکا به هیدروکربن نیز می‌تواند از طریق نفت تولیدی از این دو منبع تأمین می‌گردد. علاوه بر این، این دو پرهزینه‌ترین ذخایر هستند که تحت بررسی قرار گرفته‌اند.»

«کشورهای مصرف‌کننده می‌توانند نفت کمتری خریداری نمایند، ولی نمی‌توانند تا مدت زیادی دوام

بیاورند، چون نه می‌توانند این نفت لازم را از منابع غیر اوپیک دریافت نمایند و نه اینکه به دیگر اشکال انرژی دسترسی دارند.»

از طرفی باید در نظر داشت که تحلیلگر در این سند تفاوت قیمت تمام شده نفت به دست آمده از این شیوه‌ها را با قیمت متداول نفت کمتر از حد واقعی نشان داده است. در یک جزوه دیگر که مربوط به سیا بوده و موضوع بازدیدی فنی تر بررسی شده است، نتایج منفی تری ارائه می‌گردد، از این رو باید اذعان داشت که در این مورد به موضوع خوشبینانه نگرینسته شده و بهایی بیش از آنچه که باید، به این منابع داده شده است.

### قدرت تولیدکنندگان نفت در مقابل نفتخواران

عبارت «استفاده از نفت به عنوان یک سلاح سیاسی» بسیار مصطلح است. سخنگویانی که در پی طرح «مسئله قدرت مستضعفین کشورهای نفت خیز» هستند، همواره آن را طرح می‌کنند. از سویی کاربرد نفت به عنوان یک سلاح سیاسی همواره از طرف کشورهای صاحب قدرت صنعتی محکوم شده و آن را به عنوان یک عمل غیر عادلانه تقبیح می‌نمایند. هر چند که در تبلیغات، روی معیارها و ضوابط اخلاقی انسانی تکیه می‌شود و این امر مغایر با قراردادهای بین‌المللی قلمداد می‌شود. اما در ریشه‌یابی امر می‌توان دریافت که انگیزه مطلب دیگری است. واقعیت آن است که نفتخواران و کشورهای صنعتی همواره از اتحاد کشورهای صاحب منابع نفتی هراس بسیاری داشته و همواره در صدد آن هستند که مانع پاگرفتن موضوعی به عنوان محور همبستگی کشورهای تولیدکننده شوند. در این سند ضعف فراوان نفتخواران در یک مواجهه اصولی با صاحبان منابع مشاهده می‌شود و از این رو که تکیه، حتی صرفاً بر عبارت «سلاح»، خود می‌تواند نمونه‌ای از اقتدار و توانمندی را در میان کشورهای تولیدکننده به نمایش گذارد، کشورهای عمده مصرف‌کننده مانع طرح و پاگرفتن آن می‌شوند.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپیک) به مثابه تنها جبهه مدافع کشورهای صاحب منابع همواره هراس فراوانی را در میان نفتخواران برانگیخته است. اطلاق عباراتی مانند «کارتل نفتی» و یا «سازمان عقابها» به این سازمان مبین آن است که هر عنصر وحدت که باعث یکسان شدن سیاستهای نفتی و در نتیجه حفظ منافع صاحبان اصلی درآمدهای نفتی می‌شود، همواره در معرض کینه و بغض کشورهای غارتگر قرار می‌گیرد. عملکرد این سازمان تا تاریخ سند (۱۹۷۱) باعث آن شده است که نفتخواران در مقابل آن احساس ضعف شدیدی بنمایند. در قسمتی از سند دیده می‌شود:

«با حداقل همکاری در داخل اوپیک (که در سال گذشته این همکاری بسیار قابل ملاحظه بوده است) این کشورها خواهند توانست در سال ۱۹۷۶ و در پایان قرارداد تهران،<sup>۱</sup> قیمتها را خیلی بالاتر ببرند و در همان حال قادر خواهند بود شرکتهای نفتی را وادار سازند که با تقاضاهای آنها در زمینه مشارکت موافقت نمایند. البته اگر زودتر دست به کار شوند، موافقت آنها را قبل از آن زمان نیز به دست خواهند آورد.» سپس تحلیلگر عواقب برخورد خشن و نامناسب را از سوی شرکتهای عمده نفتی این چنین ارزیابی

۱- قرارداد تهران در سال ۱۹۷۱ بین اوپیک و کمیته ۳ نفر منتخب شرکتهای نفتی بسته شد. مهمترین مواد این موافقتنامه را می‌توان افزایش نرخ مالیات به ۵۵٪ در کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس و افزایش ۳۳ سنت به قیمت هر بشکه نفت خام حوزه خلیج فارس ذکر کرد. این قرارداد از ۱۵ فوریه ۱۹۷۱ به اجرا درآمد.

می‌نماید:

«ولی اگر شرکتها مقاومت به خرج دهند، ممکن است سبب ملی شدن کامل شرکتها بشوند که در زمینه منافع شرکتها و عرضه نفت جهانی نتایج تأسّف‌باری خواهد داشت.»  
از لحاظ سیاسی نیز دقت شود که تا چه حدودی روی واکنشهای کشورهای صاحب منابع حساب می‌شده است:

«مبادرت به اتخاذ موضع حمایت از اسرائیل به‌طور آشکار و انحصاری می‌تواند خنثی‌سازنده تمام گامهایی باشد که آمریکا برای تأمین عرضه نفت برخواهد داشت.»

حال باید دید که دلیل انحصار منابع نفتی عربستان سعودی توسط کمپانی آرامکو و تاخت و تاز فعلی کشورهای صنعتی و شرکتهای نفتی بر سر قیمت نفت و از سوی دیگر برخوردهای وقیحانه آمریکا در حمایت از صهیونیسم بین‌المللی چیست؟ آیا علت آن جز در تفرقه مسلمان و جز در خودفروشی و وابستگی سران و امرای کشورهای مرتجع عرب می‌باشد؟

بی‌مناسبت نیست اشاره‌ای بر موضوعی که در متن سند خواهد آمد بشود. شیخ زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی در اجتماع دانشجویان آمریکایی در بیروت، در اوائل سال ۱۹۶۷، آرامکو را این‌گونه توصیف می‌نماید:

«آرامکو گاوی شیرده است که نباید آن را اذیت و آزار نمود، تا دهقان سعودی تا آنجا که ممکن است بتواند آن را بدو شد.»

برخوردی اینچنین ضعیف، آن هم برای توجیه عملکردهای خفت‌بار قبلی می‌نمایند که اشکال قضیه در کجاست. در عبارت زیر که ارزیابی طرف مقابل از توان کشورهای تولیدکننده است تفاوت، آنچه که «باید» با آنچه که «هست» بهتر دریافته می‌شود:

«با وجود اینکه بعضی از مقامات شرکتها و حتی مقامات دولتهای مصرف‌کننده رؤیای روزهای گذشته را در سر می‌پروانند، ولی باید اذعان داشت که دیگر در برخورد با دولتها قدرت چندانی ندارند.»  
و ماحصل کلام:

«خلاصه اینکه و در حال حاضر و حتی در بیست سال آینده شلاق در دست کشورهای تولیدکننده بوده و خواهد بود.»

«شرکتها و دولتهای مصرف‌کننده و شرکتهای خودمان هنوز هم برگهای برنده‌ای در دست دارند که در بخش بعد به توضیح و تشریح آنها خواهیم پرداخت، ولی این برگها را باید با احتیاط تمام رو کرد، تا شکست نابودکننده‌ای نصیبمان نشود.» ترفندهای غرب برای ایجاد وضعیت و رابطه مطلوب در این نوشتار، راه‌حلهای موجود که از جانب سازمانها و محافل مختلف برای کاهش خطرات و ضایعات قطع نفت و یا کم کردن امکان وقوع این خطر داده شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. از طرفی میزان هنگفت ارزی که کشورهای صنعتی برای خرید نفت می‌پردازند، مورد توجه قرار گرفته است و یکی از اهداف راه‌حلهای ارائه شده آن بوده که بتواند مقداری از این ارز را به مبداء آن بازگرداند. اساس این راه‌حلهای مبتنی بر ایجاد و تشدید وابستگیهای اقتصادی، سیاسی و نظامی و گسترش روابط تجاری است. در قسمتی از دیده می‌شود:

«کشورهای بزرگ تولیدکننده صنایع با افزایش روابط تجاری بین خود و دولتهای تولیدکننده خواهند

توانست مقدار زیادی از این ارز را (ارز پرداخت شده بابت خرید نفت<sup>۱</sup>) از این کشورها پس بگیرند.» به هدف کشورهای صنعتی از گسترش روابط تجاری با دولتهای تولید کننده پرداخته شد و حال به منظور و مقصود این کشورها از کمکهای فنی، اقتصادی و فرهنگی به کشورهای صاحب منابع دقت شود: «ولی با افزایش پیشرفت اوپک، وابستگی آنها به کالاهای خارجی و کمکهای فنی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین به نفع کشورهای مصرف کننده است که کشورهای تولید کننده را به سوی پیشرفت سوق دهند. ایجاد یک طبقه متوسط در منطقه اوپک و وارد ساختن تمام جمعیت این منطقه به بازار پولی سبب گسترش وابستگی این کشورها به کشورهای مصرف کننده می شود که باید کالا در اختیارشان بگذارد.»

وقتی در باغ سبز «توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون» به کشورهای جهان سوم نشان داده شده و به دنبال آن تبلیغات فراوان و تلاش وسیع فرهنگی به منظور پرده پوشی اصل قضیه صورت می گیرد، آرزوی دیرین غارتگران برآورده می شود. کشورهای تولید کننده خلع سلاح می شوند و در این میان طرف مقابل است که تعیین تکلیف می نماید. تحلیل قضیه نیز به صورت زیر است:

«این طرح که وسیله مقامات جامعه اقتصادی اروپا (EEC) در بروکسل تهیه شده، خواستار نوعی وابستگی اقتصادی بین کشورهای مصرف کننده و تولید کننده است و معتقد است که در این صورت اگر تولید کنندگان به تحریم نفتی مبادرت ورزند اقتصاد خود آنها نیز به اندازه اقتصاد کشورهای مصرف کننده آسیب خواهد دید. بنابراین وابستگی دو جانبه ضامن ثبات در عرضه نفتی خواهد گردید.»

ارسال سلاحهای پیچیده و وابستگیهای نظامی نیز اهرم کنترل کشورهای تولید کننده را تقویت کرده و کارایی بیشتری بدان می بخشد. با دامن زدن با اختلافات قومی، مذهبی و ارضی در میان کشورهای منطقه ای خاص، تشدید تنش می شود تا زمینه مساعدی در کشورهای مورد هدف برای خرید سلاح به وجود آید. سپس اقدام به فروش اسلحه می شود تا از این طریق هم سودهای سرشاری نصیب سازندگان آن شود و از سوی دیگر موضع سیاسی را در برخورد با کشور خریدار تقویت نماید. در این رابطه به عبارت زیر دقت شود:

«موضع رسمی آمریکا در عربستان سعودی با افزایش تمایل این کشور برای به دست آوردن تجهیزات نظامی و کمکهای فنی آمریکا که توسط برنامه تسلیحاتی گروه مهندسی مشاور ریتون هاوک نشان داده شده و بیشتر شدن نقش رسمی و خصوصی آمریکا در مدرنیزه ساختن نیروهای هوایی عربستان سعودی، لجستیک، ارتش، گارد ملی، نیروی دریایی و گارد ساحلی بهبود بسیار یافته است.»

ما حصل کلام آنکه، وابستگی از هر نوع و به هر صورت و تحت هر عنوان، بیش از آنچه به نفع کشورهای مستضعف صاحب منابع باشد به ضرر آنها و بسود دولتهای غارتگری است که برای نابودی منابع آنها کمر بسته اند.

«در صورتی که این امکان وجود داشته باشد که از طریق آن بتوان تولید کنندگان اصلی را به شدت به کشورهای مصرف کننده وابسته کرد، باید بدون درنگ و با تلاش بسیار این کار را انجام داد.»

۱- توضیح داخل پرانتز از ماست.



### رقابت در دنیای سرمایه‌داری

غارث منابع نفتی کشورهای مستضعف دارای نفت از طریق استخراج بی حساب آنها و خرید ارزان و بازگرداندن ارز مصرفی بابت خرید، به روش وابستگی اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. نکته جالب توجه دیگری که مبین حرص و آز سیری‌ناپذیر دنیای سرمایه‌داری است، دندان تیزکردن کشورهای سرمایه‌داری غرب برای منابع یکدیگر است. صورت قضیه این است که آمریکا به منظور تأمین قسمتی از نفت خام مورد نیاز خویش مایل به انعقاد قراردادی با کانادا می‌باشد. تحلیلگر پیشنهاد می‌کند در صورتی که کانادا مایل به عقد قرارداد نباشد، باید کنترل و نظارت را از روی نفت کانادا برداشت و ورود آن را به آمریکا اعلام کرد و نتیجه این اقدام باعث افزایش فشارهای تجاری بر نفت و گاز کانادا و در نتیجه اکتشاف و استخراج منابع نفتی آن می‌شود.

### حرف آخر

در اوضاع و احوال کنونی تلاش وسیع و همه جانبه‌ای از ناحیه نفتخواران برای تضعیف جبهه وحدت کشورهای تولیدکننده، به عمل می‌آید. این تلاشها که به دلیل رکود نسبی بازار نفت و به پشتوانه تولید وسیع نفت خام از دریای شمال توسط انگلیس و نروژ و دیگر تولیدکنندگان غیر اوپک صورت گرفته، در جهت ایجاد یک «جنگ قیمت» بین تولیدکنندگان و در نهایت سپردن بازار به دست خریداران به جای فروشندگان فرونی می‌یابد. به موازات این تلاشها و نمود می‌شود که روزهای اقتدار کشورهای تولیدکننده سپری شده و ابتکار عمل در دست کشورهای مصرف‌کننده است. از سویی به دلیل اقدامات خودسرانه بعضی کشورهای تولیدکننده که در میان آنها اعضاء اوپک نیز دیده می‌شود، زمینه مناسبی ایجاد شده است که نفتخواران و بوقهای تبلیغاتی آنها صحبت از نزدیکی انحلال اوپک بنمایند. اما آنچه از ورای این جنجالها آشکار و هویدا است، ترس پایان‌ناپذیر کشورهای صنعتی مصرف‌کننده نفت و قدرت بی‌مانند تولیدکنندگان است. اگر تولیدکنندگان با همه کاستیها و ضعفها، با شگردهای متنوع جبهه مقابل، مدافعه کرده و در برابر آن پایدار بمانند، بدون تردید سالهای آینده قدرت افزونتری خواهند یافت. باید باور داشته باشیم که نفت یک سلاح است و به تعبیر امام عزیزمان:

«این سلاحی که شما دارید، دنیا ندارد و او سلاح نفت است. دنیا به سلاح شما احتیاج دارد، رگ حیات دنیاست. این سلاحی که خدای تبارک و تعالی به اختیار شما گذاشته است، برای خدای تبارک و تعالی از او استفاده کنید.»

این سلاح کارایی خود را در برخی موارد نشان داده است، اما هیچ‌گاه با تمام قدرت عمل نکرده است. اگر با پایداری و تحمل سختی به سمتی برویم که توان استفاده از سلاح را تمام و کمال به دست آوریم، بدون شک سرنوشت شرکتها و دولتهای غارتگر به تعبیر خودشان «شکست نابودکننده‌ای» خواهد بود. زمستان ۱۳۶۴

والسلام

من الله التوفیق وعلیه التکلان

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

دسامبر ۱۹۷۱

وزارت امور خارجه

سری

صنعت بین‌المللی نفت در سال ۱۹۸۰

صنعت بین‌المللی نفت در سال ۱۹۸۰

## خلاصه مطلب و نتیجه‌گیری

جهان کنونی شاهد بازار خرید کوتاه عمر خود در زمینه نفت قراردادی است. ما در سال ۱۹۷۵ و احتمالاً قبل از آن به میدان بازار دائمی فروشندگان پا خواهیم گذاشت، در حالی که هر یک از تولیدکنندگان اصلی قادر خواهند بود با قطع صدور نفت بحرانی جدی در عرضه آن به وجود آورند. خود آمریکا نیز در موقعیت نسبتاً راحت انرژی‌اش شاهد نوعی زوال است تا جایی که در سال ۱۹۸۰ مجبور خواهد شد نیمی از واردات مورد نیاز نفتی خود را از نیمکره شرقی فراهم آورد.

آمریکا و هم‌پیمانانش پس از به نمایش گذاردن وحدت بین مصرف‌کنندگان، و با ایجاد فشارها و متقاعدسازیهای دیپلماتیک در چند کشور عضو اوپک، از بحران ایجاد شده به وسیله این سازمان بدون اینکه خسارتی را متحمل گردند جان سالم به در بردند. آینده موفقیت، حتی اگر بتوان به آن نائل آمد، چندان طولانی و رضایتبخش نیست، مگر اینکه شرکتهای نفتی مایل باشند با دولتهای تولیدکننده در زمینه ایجاد روابطی جدید پس از ۱۹۷۶ به بحث و تبادل نظر بپردازند.

آمریکا و هم‌پیمانانش نخواهند توانست اوپک را به سازش وادار سازند، بلکه باید بتوان تولیدکنندگان نفت را متقاعد کرد که برخورد ما با آنها منصفانه بوده و دیگر اینکه در نتیجه ثبات است که آنها در درازمدت نفع خواهند برد نه در نتیجه ایجاد بی‌ثباتی و سودجوییهای کوتاه مدت.

دولت آمریکا باید به «مطالعات» پایان‌ناپذیر خود درباره مشکلات انرژی پایان داده، اقداماتی انجام دهد. در آمریکا باید تصمیماتی اتخاذ شود که براساس آن بتوانیم نیاز دو دهه دیگر خود را در زمینه انرژی تأمین نماییم. اتخاذ تصمیم در زمینه کاهش میزان رشد مصرف، بالا بردن هزینه‌های گزاف را نیز سبب خواهد شد. برآورده ساختن این نیازها، احتیاج به تهور سیاسی بسیار دارد و وزارت امور خارجه باید در پیشنهاد و دفاع از آنها نقش مهمی را ایفاء نماید.

هماهنگ ساختن سیاستهای سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی در زمینه مسائل مربوط به انرژی و اتخاذ یک جبهه مشترک در قبال کشورهای تولیدکننده و متقاعد ساختن اوپک به اتخاذ سیاستهایی که در نتیجه قیمت‌های قابل پیش‌بینی به ثبات در عرضه نفت کمک می‌کند، فعالیت‌های مهم دیپلماتیک آمریکا در دو سال آینده را تشکیل خواهد داد.

دومین تقاضای اوپک به منظور «مشارکت» مسئله‌ای بسیار جدی خواهد بود. شرکتهای نفتی معتقدند که این تقاضا با مفاد قراردادهای تهران مغایرت دارد و ما هم با آنها هم‌عقیده‌ایم، اکثر آنها در برابر این تقاضا مقاومت خواهند کرد و ما هم باید از نظر دیپلماتیک از آنها پشتیبانی بنماییم و به فکر ما فقط در صورتی می‌توان از اقدامات اوپک که می‌تواند به مصادره شدن اموال منجر گردد. جلوگیری نمود که شرکتهای نفتی مایل باشند هم‌اکنون به بحث و تبادل نظر درباره روابط جدید بین دولت و شرکت نفتی برای بعد از سال ۱۹۷۶ بپردازند.

اگر نتوانیم اقدامات کنونی را در رابطه با مشارکت به تأخیر بیندازیم باید از سال ۱۹۷۶ به ایجاد روابطی جدید میان تولیدکننده - شرکت مصرف‌کننده بپردازیم. در حال حاضر مهمترین مسئله این است که

بتوان نفت را بطور ثابت و یا شرایط منطقی عرضه کرد، یعنی شرایط طوری باشد که مصرف‌کنندگان قادر به پرداخت آن بوده و در دراز مدت بتوانند روی آن حساب کنند.

## صنعت بین‌المللی نفت در سال ۱۹۸۰

### فهرست مطالب

- ۱- مقدمه
- ۲- اهداف کمپانی
- ۳- منابع، تولید و تقاضا
- ۴- امتیازات قراردادی یا مرسوم
- ۵- مسائل مربوط به تراز پرداختها و پائین آمدن ارزش دلار
- ۶- ملاحظات مربوط به تراز پرداختها و درآمد کشورهای عضو اوپک
- ۷- قدرت کشورهای تولیدکننده در مقابله با شرکتها
- ۸- قدرت کمپانی
- ۹- ضعف‌های کشورهای مصرف‌کننده در مقابل اوپک
- ۱۰- منابع جایگزین انرژی قبل از ۱۹۸۰
- ۱۱- گاز
- ۱۲- روابط جدید بین دولتهای مصرف‌کننده و تولیدکننده
- ۱۳- روابط جدید بین دولتهای مصرف‌کننده و کمپانیها
- ۱۴- روابط سیاسی کشورهای تولیدکننده‌ای که در تأمین عرضه نفت نقش به‌سزایی دارند.
- ۱۵- نیازهای سرمایه‌ای دهه آتی
- ۱۶- نتیجه‌گیری
- ۱۷- اقدامات پیشنهادی

### ۱- مقدمه

در طول چهار سال گذشته مقامات وزارت خارجه موضوع آینده صنعت بین‌المللی نفت را تقریباً با مقامات تمام شرکتهای نفتی که منافی در خارج دارند، مورد مذاکره قرار داده‌اند. این گفتگوها به صورت ویژه‌ای بوده‌اند و عموماً در اطراف مسائلی از قبیل نیاز شدید و فوری دور می‌زده‌اند. در ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۷۱ این مذاکرات به دفعات تکرار شد، گرچه دارای بافت مشخص و برنامه کار و نتیجه‌چندانی نبود و اقدامات پیشنهادی چندانی نیز به همراه نداشت. در ژوئیه ۱۹۷۱ به منظور جلب توجه به این مسئله، بخصوص اهداف و اقداماتی که دولت و صنعت می‌توانند در دستیابی به این اهداف در نظر داشته باشند، تعدادی سؤال مطرح کرده برای دستیابی به این صنعت ارسال نمودیم (ضمیمه ۱)، منظور این نبود که سؤالات منحصر به فرد باشند یا بر اقدام مشخصی اشاره داشته باشند؛ بلکه منظور طرح مشکلاتی بود که باید قبل از تهیه یک برنامه جدی برای دهه آتی، به حل و فصل آنها پرداخته شود.

در چهار ماه گذشته ما با پنج کمپانی بزرگ آمریکایی یعنی باگلف، موبیل، استاندارد اوایل کالیفرنیا،

استاندارد اوایل نیوجرسی و تگزاس، شل (به استثناء بریتیش پترولیوم) و نیز با پنج شرکت بزرگ «مستقل» یعنی آتلانتیک ریجفیلد، کنتیننتال، ماراتون، اکسیدنتال و شرکت نفت استاندارد ایندیانا ملاقاتهایی داشته‌ایم. همچنین سؤالات برای چندین شرکت مستقل دیگر نیز فرستاده شد و لیکن هنوز هیچ جوابی واصل نشده است. سؤالات با مقامات بانک چیس مانهاتان و بانک فرست نشنال سیتی نیویورک و با واترلوی مطرح گردید. در زمانهای مختلف دیگری موضوع به صورتی کلی ولی نه با سؤالات ویژه و با تعداد قابل ملاحظه‌ای از مقامات رده دوم شرکتهایی که نامشان در بالا آمد و نیز با مقامات شرکت‌های وابسته آنها در خارج مطرح گردید. مجموع افرادی که نظراتشان را در خصوص لیست سؤالات ویژه ارائه کردند، حدود ۱۰۰ نفر بودند، مذاکراتی در مورد همین موضوع در خلال سال گذشته با مقامات ۱۰۰ شرکت دیگر نیز صورت گرفت.

برخی از شرکتها در مورد موضوع تغییر شرایط در روابط بین کمپانی و دولت در محدوده تولید و مصرف عقاید زیادی ابراز نمودند، دیگران ظاهراً ترجیح می‌دادند که در مقابل وقایع عکس‌العمل نشان دهند، نه اینکه آنها را پیش‌بینی نمایند. در هر حال با استثنائاتی چند، امکان آن نیست که بتوان راجع به یک «موضوع» یک پارچه و بدون نقص کمپانیها صحبت کرد. برداشتها و برخوردها در داخل اغلب شرکتها مانند وزارت خارجه (از دولت فدرال که بگذریم) به صورت قابل ملاحظه‌ای متغیر هستند. در چندین مورد اختلافات وحشتناک عقیدتی در میان مقامات ارشد یک کمپانی وجود داشت. چیزی که کمتر مایه تعجب بود این بود که نظراتی که توسط مقامات ارشد یک شرکت ابراز می‌شد مغایر بود و سرانجام اختلافات نسبتاً شناخته شده‌ای در روش و گرایشات مقامات بالای صنعت به طور کلی وجود دارد که برخی به صورتی سنتی یک خط سرسختانه را برگزیده‌اند و دیگران یک خط مصالحه جویانه تر را. در این گزارش نظریات یک شخص یا کمپانی خاص به طور ویژه نمایان نخواهد شد.

ما همچنین لیست سؤالات را برای نمایندگان یمن در پایتخت کشورهای عضو اوپک و در مراکز عمده مصرف ارسال داشتیم و نظرات آنان را جویا شدیم. پاسخهای آنان نیز در این گزارش آمده است. یکی از واحدها اظهار داشته است که کمپانیهای نفتی در پاسخهای خود صداقت کامل نشان نداده‌اند و احتمالاً می‌دانند که در صحنه بین‌المللی نفت تغییراتی به وجود خواهد آمد و به همین دلیل طرحهای دقیق برای مقابله با این تغییرات نیز پیش‌بینی کرده‌اند. این واحد معتقد است که کمپانیها در نشان دادن سرسختی خود مبالغه کرده‌اند تا در برخوردهای آتی شان با تولیدکنندگان، دولت آمریکا به طور کامل از آنها حمایت کند. به عبارتی راحت تر خواهد بود اگر باور کنیم که صنعت مال‌اندیش و با بصیرت بوده است و به دقت برنامه‌هایش را به نحوی تنظیم کرده است تا با مشکلات جدی دهه ۱۹۷۰ رویارو شود.

البته این موضوع باعث می‌شود که صنعت نفت بتواند در پیش‌بینی وقایع از مقدار زیادی پیش‌آگاهی و هماهنگی و تمایل برخوردار باشد.

چنین رشد فکری و فردی همیشه حتی از خصوصیات وزارت خارجه نیز نبوده است. به هر حال ما هیچ‌گونه مدرکی در مورد مانورهای تعمدی صنعت نفت نداشته‌ایم و فرض را بر صراحت و صداقت کامل از جانب آنها می‌کنیم که ما با آنان صحبت کرده‌ایم گذشته‌ایم.

## ۲- اهداف شرکتها و دولت

در اوان تحقیق، کسانی در صنعت وجود داشتند که می‌گفتند منافع و اهداف دولت آمریکا و شرکتهای نفتی یکسان نبوده و با یکدیگر مغایرت بسیار نیز دارند. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، همکاری بین صنعت و دولت مشکل خواهد بود (و شاید غیر ممکن). بنا به گفته آنها شرکتهای می‌خواهند همیشه تولیدکنندگان نفت خارجی باشند؛ در حالی که دولت فقط به تداوم جریان نفت به کشور علاقه‌مند بوده و برایش فرق نمی‌کند که چه کسی مالک نفت باشد و در ادامه به نقل قول بیانات مقامات دولتی پرداختند که حاکی از آن بود که برای آمریکا فرق ندارد که شرکتهای نفتی کنترل‌کننده نفت عربی باشند یا روسیه این نقش را ایفا نماید. اعراب بجز بازار غرب بازار دیگری ندارند، علاوه بر این آنها نمی‌توانند نفت را بنوشند؛ بنابراین در تداوم جریان نفت هیچ‌گونه تغییری پدید نخواهد آمد و برای امنیت و منافع آمریکا نیز خطری جدی به وجود نخواهد آورد.

ما در مشورتها و تبادل نظرهای خود با صنعت سعی کردیم اول اهداف خودمان را مشخص کنیم و امیدواریم که در خلال تحقیق به نگرانیهای صنعت پاسخ گفته شده باشد و صنعت نیز اکنون متوجه شده است که منافعش به طور کامل با منافع دولت آمریکا یکسان می‌باشد. اگر سرنوشت صنعت نفت برای دولت موضوع بی‌اهمیتی بود، هیچ‌گونه احتیاجی برای چنین تحقیقی نبود و دیگر اینکه لازم نبود که دولت و یا صنعت اقدامات پیشنهادی ارائه نمایند.

ما با صبر و متانت اجازه خواهیم داد که شرکتهای برخوردارهای غیرقابل اجتنابشان با اوپک و سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی پردازند و نقش ناظرانی را که تقریباً در این موضوع ذینفع هستند بازی خواهیم کرد. کنترل منابع اصلی نفت دنیا موضوع بسیار پراهمیتی برای دولت آمریکا می‌باشد. دولت آمریکا مایل است شاهد عدم قطع جریان نفت باشد و شرکتهای نفتی نیز همین‌طور. بعضیها ممکن است اصلاً نگران این نباشند که کنترل نفت اوپک و یا حتی خاورمیانه ممکن است به دست نیروهای متخاصم با آمریکا بیفتد. ولی امکان چنین رخدادی برای وزارت امور خارجه به هیچ‌وجه خالی از نگرانی نیست.

ما از منابع ارزی بزرگ خیلی از کشورهای اوپک مطلع هستیم و می‌دانیم که این منابع آنان را قادر می‌سازد تا در فواصل طولانی قطع تولید نفت دوام بیاورند. ما می‌دانیم جمعیتهای آنها چقدر کوچک است و چقدر از اقتصاد پولی به دور هستند. و می‌دانیم که (همان‌گونه که توسط آنگلساکسونها گفته شده) عکس‌العمل آنها بیشتر جنبه احساساتی دارد تا نفع شخصی.

ما به خاطر داریم در سال ۱۹۵۰ در ایران و در ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ در خاورمیانه چه اقدامی به عمل آمد و ما می‌دانیم منابع ژاپن و اروپا چقدر محدود بوده و در نتیجه قطع صدور نفت اقتصاد آنها نیز به سرعت دچار بحران می‌گردد، تا آنجا که در آمریکا نخواهیم توانست این خسارات وارده را جبران نماییم.

یکی از وظایف مهم و سنتی سرویس خارجی حمایت از سرمایه‌گذاری آمریکا بوده است. این وظیفه تغییر نیافته است. سهم صنعت بین‌المللی نفت در تراز پرداختهای ما به اندازه مجموع تمام سرمایه‌گذاری‌های دیگر در خارج از کشور می‌باشد و همین دلیل دیگری است برای اثبات علاقه ما به سالم و مولد باقی ماندن شرکتهای نفتی مان.

دولت ایالات متحده در اکتشاف مستمر و تولید نفت جدید به اندازه شرکتهای نفتی ذی‌علاقه است و

چنانچه صنعت بین‌المللی نفت از صحنه تولید نفت برکنار بماند یا حتی از نقش آن در تولید نفت کاسته شود فکر نمی‌کنیم که اکتشاف و توسعه بیشتر نفت امکان‌پذیر باشد.

خلاصه کلام این است که دولت و صنعت مایلند هر دو شاهد استمرار نقش ویژه صنایع آمریکا در تولید نفت خارجی، حمل و نقل، پالایش و بازاریابی آن باشند. دولت و صنعت هر دو معتقدند که باید یک جو پایدار وجود داشته باشد تا شرکتها در آن بتوانند به اکتشاف و توسعه ذخایر جدید نفتی بپردازند و علاوه بر این هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که برای دستیابی به اهداف ثبات و رشد در زمینه تولید نفت باید تلاش زیادی به خرج دهند.

گذشته از این مطلب، در مورد نحوه دستیابی به این اهداف تفاوت سلیقه‌هایی وجود دارد. ۲۰۰ مقام شرکت نفتی و دیگران که ما با آنها صحبت کردیم را می‌توان به پنج گروه تقسیم نمود:

۱- آنهایی که می‌گویند سیستم امتیازی فعلی خوب است... و ایجاد تغییرات وضع را بهتر نخواهد کرد و شرکت‌های نفتی باید با تمام نیروی خود در برابر تغییرات مقاومت نمایند... و وظیفه دولت‌های مصرف‌کننده اروپا، ژاپن و نیز آمریکا این خواهد بود که از شرکتها در مقابله‌شان با دولت‌های تولیدکننده اوپک حمایت نمایند.

۲- آنهایی که می‌گویند تغییر، احتمالاً غیرقابل اجتناب است، ولی باید در هر مرحله در مقابل آن مقاومت نمود. چون چیزی که به آسانی و بدون مقاومت به دست آید به آسانی نیز از دست می‌رود. این گروه معتقد است که آنها می‌توانند با موفقیت امتیازاتشان را طولانی‌تر نمایند. در صورتی که فقط زمانی تسلیم شوند که کاملاً مجبور به این کار شده باشند.

۳- آنهایی که معتقدند تغییر غیرقابل اجتناب است و مایل هستند که در کمال سربلندی و افتخار به یک دوران جدید وارد شوند، ولی خودشان نمی‌خواهند داوطلبانه به ایجاد تغییرات در زمینه قراردادها تن در دهند.

۴- آنهایی که معتقدند که این تغییرات بالاخره به صنعت تحمیل خواهد شد و بنابراین بهتر است که قبلاً تقاضاهای آنها را پیش‌بینی کرده در ایجاد روابطی جدید، حداقل با بعضی از کشورهای عضو اوپک، پیشگام گردند. این وضع سبب می‌شود که برای مذاکرات جو دوستانه‌تری به وجود آید تا به توافقاتی بهتری دست یابند که در یک جو خصمانه امکان دستیابی به آنها غیر محتمل است.

۵- آنهایی که معتقدند ملی شدن کامل غیر قابل اجتناب است و احتمالاً خیلی زود واقع خواهد شد. بنابراین شرکتها بایستی شروع به برنامه‌ریزی نقش جدیدشان به عنوان خریداران نفت خام از شرکت‌های ملی نفت بنمایند.

از تمام پنج موضع می‌توان دفاع کرد. چرا به چیزی تسلیم شویم که فوراً لازم نیست؟ و با این حال مشخص گردیده که عدم توافق می‌تواند به وجود آورنده اقدام خصمانه و حتی ملی‌کردن کامل باشد که نمی‌توان در مقابلش مقاومت نمود. اگر می‌شد آینده را به صورت صحیحی دید تمام پنج گروه در یک گروه خلاصه می‌شدند. درست پیش از آنکه تغییر عملی می‌شد، شرکتها به اندازه کافی عقب می‌کشیدند تا دولت‌های تولیدکننده را راضی نگه‌دارند. بدبختانه هیچ‌کس در دولت یا صنعت در این مورد نظر صریحی ندارد و زبان تن دادن به خواستها به طور نابهنگام خیلی بیشتر از زبان مقاومت در برابر آنهاست. سنجیدن این راه چارها و ارائه اقدامات پیشنهادی دومین هدف این گزارش است. ارائه طریقها براساس حقایقی

خواهد بود که ما در مورد آنها اطلاع داریم، ولی تفسیر این حقایق به ناچار ذهنی خواهد بود.

### ۳- منابع، تولید و تقاضا

#### الف - منابع اولیه

بین دو سوم و سه چهارم منابع نفتی شناخته شده جهان غیر کمونیست در کشورهای عرب، آفریقای شمالی و خاورمیانه می‌باشد. ارقام جدول زیر عموماً مورد قبول صنعت واقع شده است.

ارقام به میلیارد بشکه

۴۰	ایالات متحده
۱۰	کانادا
۱۵	ونزوئلا
۱۵	دیگر کشورهای آمریکای لاتین

مجموع نیمکره غربی ۸۰

۳۵۰	دنیای عرب <sup>۱</sup>
۵۵	ایران
۱۰	اندونزی
۱۰	آفریقای غیر عرب
۵	دیگر کشورها
۴۳۰	مجموع نیمکره شرقی
۵۱۰	مجموع جهان غیر کمونیست

برآورد کمتر از ۳۰ میلیارد بشکه که برای عراق به کار رفته نیز پایین است و منابع احتمالی قابل برداشت حداقل ۱۰۰ میلیارد بشکه می‌باشد. یک عقیده نسبتاً همگانی در صنعت وجود دارد که تا سال ۱۹۸۵ تولید تمام کشورهای اوپک به استثنای عربستان سعودی و عراق به انتها خواهد رسید و شروع به کاهش خواهد کرد، مگر اینکه روشهای برداشت ثانی در این زمینه به وجود آید.

جدول بالا موضوعی بسیار حائز اهمیت برای مصرف‌کنندگان نفت و شرکتهای نفتی که تقریباً تمام هزینه‌های اکتشافی خود را به محدوده‌هایی غیر از خاورمیانه و آفریقای شمالی اختصاص می‌دهند می‌باشد. آنها در جنوب شرقی آسیا، در مناطق شمال کانادا و آلاسکا، در دریای شمال، در آمریکای جنوبی و در حقیقت در هرجایی که حوزه‌های جالب توجه رسوبی وجود دارد به دنبال نفت هستند، ولی این حقیقت نیز وجود دارد که میزان قابل توجهی از نفت دنیا در منطقه‌ای قرار دارد که به شدت ناامن است و در برخی موارد واقعاً نسبت به ایالات متحده متخاصم می‌باشد.

۱- بیش از نصف مجموع نفت دنیای عرب در شبه جزیره عربستان (عربستان سعودی، کویت، کشورهای بیطرف و عمان) قرار دارد. برخی زمین‌شناسان مدعی هستند که برآورد ۱۳۰ میلیارد بشکه‌ای دی گالیر (deGolyer) و مک‌ناوتان (McNaughton) در مورد نفت عربستان سعودی درست نیست و میزان ذخایر این کشور خیلی بیشتر از اینهاست و منابع قابل استخراج این کشور دو یا سه برابر رقم ارائه شده است.

## ب - عرضه و تقاضا

ایالات متحده اکنون حدود ۱۲ میلیون بشکه از ۱۵/۵ میلیون بشکه نفت مورد نیاز مصرفی خود را تولید می‌نماید. تا سال ۱۹۸۰ چنانچه یک اقدام فوری از طرف دولت برای تغییر دادن این روند به وجود نیاید، ایالات متحده ۱۲۴ میلیون بشکه نفت در روز مصرف خواهد نمود، در صورتی که سطح تولید داخلی آن چندان هم بیش از سطح کنونی تولید نخواهد بود. این موضوع شامل این فرض خواهد بود که ۳ میلیون بشکه روزانه در آلاسکا تولید خواهد شد. از ۱۲ میلیون بشکه باقیمانده کمی بیش از یک میلیون بشکه در روز از طریق کانادا وارد خواهد شد، مگر اینکه قراردادهای جدیدی بین کانادا و آمریکا در زمینه انرژی منعقد گردد که سبب بالا رفتن میزان تولید نفت کانادا بشود، علاوه بر این دو میلیون بشکه دیگر آن هم احتمالاً از دیگر کشورهای نیمکره غربی تأمین خواهد شد. در مجموع ۹ میلیون بشکه باقی می‌ماند که بایستی از نیمکره شرقی و عمدتاً از خاورمیانه و آفریقای شمالی وارد شود.

ارقام احتمالی تولید و مصرف جهانی در سال ۱۹۸۰ که با ۱۹۷۱ مقایسه شده‌اند در جدول زیر نمایش داده شده‌اند. این برآورد بر این فرض قرار داده شده که یک سیاست عدم مداخله اساسی از جانب بیشتر کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود خواهد داشت و هیچ‌گونه اغتشاشی در مناطق تولیدکننده و نیز هیچ‌گونه بحران اقتصادی حاد وجود نخواهد داشت.

ارقام به میلیون بشکه در روز  
(فقط برای کشورهای غیرکمونیسیت)

مصرف		
۱۹۸۰ (۲)	۱۹۷۱	
۲۴	۱۵/۶	ایالات متحده
۲۷	۱۳/۴	اروپای غربی
۱۳	۴/۸	ژاپن
۱۶	۱۰/۲ (۱)	دیگر کشورها
۸۰	۴۴	جمع
تولید		
۱۹۸۰	۱۹۷۱	
۱۳	۱۲۱۹۸۰	ایالات متحده
۳۵	۱۵/۴	مجموع دنیای عرب:
(۶)	(۴/۸)	(کشورهای عرب آفریقای شمالی)
(۲۹)	(۱۰/۶)	(کشورهای عرب خاورمیانه)
۱۲	۴/۳	ایران
۴	۳/۸	ونزوئلا
۱۶ (۴)	۷/۵ (۳)	دیگر کشورها
۸۰	۴۳	جمع

۱- اختلاف بین ارقام مصرف و تولید کل با وارد کردن یک میلیون بشکه در روز از کشورهای کمونیستی از بین برده می‌شود.

۲- فرض می‌شود تولید و مصرف اتحاد جماهیر شوروی متعادل هستند و اساساً نه نفتی صادر می‌شود و نه وارد می‌شود و یا واردات با صادرات معادل هستند. مطالعات انگلیس و ناتو اشاره بر این دارند که

۱- تخمین نیاز مصرفی بین ۲۲ میلیون بشکه در روز (توسط وزارت کشور) و ۲۶ میلیون بشکه در روز (توسط چیس مانهاتان) در نوسان است و به فرضیاتی بستگی دارد که مهمترین آنها وضع اقتصادی این دهه می‌باشد.



اتحاد شوروی مثل امروز در ۱۹۸۰ به صادرکردن حدود ۸۰۰,۰۰۰ بشکه نفت در روز به دنیای غیرکمونیسست ادامه می‌دهد. یکی از بررسیهای سازمان سیا نشان می‌دهد که میزان خالص واردات شوروی تقریباً معادل میزان صادرات آن کشور است. در هر حال طرفین معادله برابر است و اشتباهات و خطاها در سال ۱۹۸۰ قابل پیش‌بینی است. در هر حال بعید به نظر می‌رسد که احتیاج شوروی به نفت یا رقابت شوروی با تولیدکنندگان نفت اوپک به زودی از موضوعات حائز اهمیت شود. کشورهای کمونیست اروپای شرقی ممکن است تا سال ۱۹۸۰ به همان اندازه‌ای که از شوروی نفت وارد می‌کنند از کشورهای عضو اوپک نیز وارد نمایند، ولی با در نظر گرفتن پایه و مقداری که با آن شروع کرده‌اند، بعید به نظر می‌آید که تا آن هنگام عوامل مهمی در صحنه بین‌المللی نفت دنیا پدیدار گردند.

۳- این رقم شامل ۱/۶ میلیون بشکه در روز در کانادا، ۱/۹ میلیون در دیگر کشورهای آمریکای لاتین، ۱/۹ میلیون در آفریقای غربی و ۱/۵ میلیون در جنوب شرقی آسیا می‌باشد.

۴- این رقم شامل ۳ میلیون بشکه در روز در کانادا، ۲/۵ میلیون بشکه در دیگر کشورهای آمریکای لاتین، ۴/۵ میلیون در آفریقای غربی و ۳ میلیون در آسیای جنوب شرقی می‌باشد.

به نظر می‌رسد که نفت از لحاظ قیمت به طور قابل توجهی غیر قابل انعطاف است. در هر صورت این موضوع از لحاظ تغییرات نسبتاً کوچک در قیمت‌های نفت صحت داشته است. زمانی که قیمت بنزین در ایالات متحده گالی ۲ سنت افزایش یافته است، هیچ کاهش قابل توجهی در مصرف بنزین به وجود نیامده است. یک چنین موردی عمدتاً در اروپا نیز وقوع یافته است. در هر حال اگر قرار بود که ما تغییرات عمده‌ای را در قیمت‌ها شاهد باشیم برای مثال، اگر قرار باشد که افزایشی در مالیات بنزین در ایالات متحده از قرار ۲۰ یا ۳۰ سنت در هر گالن به وجود آید، مطمئناً کاهشی در مصرف ایجاد خواهد شد و یقیناً تغییری در جهت استفاده از موتورهای کوچکتر و باصرفه‌تر به وجود خواهد آمد. اگر نرخهای سابق مالیات در اروپا و ژاپن به چیزی نزدیک به نرخ داخلی آمریکا افزایش یابد و چنانچه قیمت نفت خام حمل شده در اروپا و ژاپن قرار باشد که از ۲/۵۰ دلار فعلی به مثلاً ۳/۵۰ دلار در هر بشکه افزایش یابد، در نتیجه مصرف نفت احتمالاً در آنجا نیز کاهش خواهد یافت. مسئله این است که چه مقدار کاهش خواهد یافت؟\* بررسی انجام شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی درباره انعطاف‌پذیری تقاضای نفت در رابطه با افزایشهای اساسی در قیمت‌ها می‌تواند طرّحی باارزش باشد.

### ج - نفت قراردادی از منابع غیر عربی

تا جایی که به ایالات متحده مربوط می‌شود، چنانچه اکنون اقدامی صورت گیرد که ما را از منابع جدید انرژی و نحوه استفاده با صرفه‌تر از نفت موجود برخوردار سازد، دورنما کاملاً متفاوت خواهد بود. برای مثال، چنانچه جو سیاسی و اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین و عمدتاً در ونزوئلا چنان باشد که سرمایه‌گذارهایی در جهت پیدا کردن و توسعه ذخایر جدید بتواند انجام پذیرد، آمریکا می‌تواند به میزان خیلی بیشتری از آن کشورها نفت وارد نماید. به همین ترتیب انعقاد قراردادی در زمینه انرژی با کانادا

\*- حتی در اروپا اطلاعات تجربی خیلی کمی در مورد این موضوع وجود دارد. مالیاتهای بنزین انگلستان به مدت کوتاهی پس از جنگ ۱۹۶۷ خاورمیانه معادل ۱۰ سنت در هر گالن افزایش یافت. مصرف به میزان کمی کاهش یافت، ولی به سرعت افزایش پیدا کرد و در عرض ۶ ماه تقریباً به سطح مصرفی قبل از وضع مالیاتها برگشت.

می‌تواند منجر به تولید و صادرات عمدتاً بیشتری به ایالات متحده گردد. کشف هیدروکربن در دریای شمال شدیداً مهم بوده است و تولید از آن منبع ممکن است کمتر از میزان اصلی برآورد شده باشد. در ۱۹۸۰ تولید می‌تواند به ۲ میلیون بشکه در روز برسد (یک منبع تخمین می‌زند که می‌تواند این رقم به ۳ میلیون بشکه نیز برسد)، ولی چون مصرف اروپای غربی در آن زمان حدود ۲۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود، تولید دریای شمال در مقایسه با واردات، کم خواهد بود. اکتشافات زیادی برای نفت در اندونزی وجود داشته است، ولی امیدهای بزرگ اولیه هنوز تحقق پیدا نکرده‌اند. این موضوع دورنماهای مربوط به مابقی مناطق ساحلی آسیای شرقی را پیشگویی نمی‌کند.

تمام کمپانیها موافقت داشتند که تقریباً و به طور حتم مقدار زیادی نفت در فلات خارجی قاره ایالات متحده وجود دارد. به طور صریح غیرممکن خواهد بود که قبل از اینکه آن سوی خط جغرافیایی هم عمق ۲۰۰ متر به اجاره داده شود از آن بتوان بهره‌برداری نمود. سیاست فعلی دولت آمریکا که همانا اجاره‌ندان مناطق عمیق‌تر از این خط جغرافیایی است، به وجود آورنده مانعی بر سر راه توسعه تکنولوژی لازم برای برآورده ساختن نیاز نفتی کنونی می‌باشد. در هر حال برای اینکه بتوان مناطق با عمق بیش از ۲۰۰ متر را اجاره داد و در عین حال از بیانیه رئیس جمهور در ۲۳ مه ۱۹۷۰ در مورد اقیانوسها نیز سرپیچی ننمود. بایستی از طریق رژیم بین‌المللی که قرار است توسط سازمان ملل در کنفرانس دریاها در سال ۱۹۷۳ تشکیل شود اقدام به اجاره‌دادن آنها نمود. معذک کار چند کمپانی در زمینه حفر چاههای نفتی در بستر اقیانوسها رو به اتمام است.

هر زمان که این تحقیق به طور موفقیت‌آمیز پایان پذیرد، محدودیت عمق که اکنون توسط محدودیت‌هایی در مورد طول پایه‌های سکوهای حفاری برقرار شده است، کنار خواهد رفت و امکان پذیر خواهد بود که تا ۲۰۰۰ متر و حتی عمیق‌تر به حفاری پرداخت. در هر حال سیاست اجاره‌دادن عمق دریاها توسعه این تکنولوژی را موجب خواهد شد.

تمامی این موضوع نسبتاً برای ایالات متحده آرامش‌بخش است، ولی برای اروپا یا ژاپن نسبتاً کمتر آرامش‌بخش خواهد بود و وابستگی آنان به اعراب و ایران احتمالاً به وضع کنونی باقی خواهد ماند. دو سوم مصرف فعلی آنان و یک سوم تولید دنیای غیرکمونئیست اکنون از این کشورها می‌آید. تا سال ۱۹۸۰ سه چهارم مصرف اروپا و ژاپن و تقریباً ۶۰٪ مصرف دنیای غیرکمونئیست از این کشورها خواهد بود. افزایشهای خالص به گونه‌ای که مصرف تقریباً در آن دوران دو برابر خواهد شد و حتی چشمگیرتر خواهد بود.

بایستی متذکر شد که تا به حال ما فقط به تولید از چیزی که در اینجا «ذخایر اولیه» خوانده می‌شود اشاره کرده‌ایم که نفتی است که تحت فشار خودش از زمین بیرون می‌آید و هزینه تولید آن بسیار پایین است. شاید مقدار نفت بیشتری به میزان دو یا سه برابر این حجم را بتوان با روشهای بازیافت گرانتر ثانی و ثالث در خاورمیانه کشف نمود.

#### د - نفت غیرمرسوم

منابع اصلی دیگری از هیدروکربن در خارج از خاورمیانه وجود دارد که بایستی «ذخایر ثانویه» خوانده شوند (این اصطلاح نباید با «بازیافت ثانویه» اشتباه شود). این ذخایر نفت سنگین و نوزئلا و ماسه

سنگهای نفتی (tar sands) کانادا و آمریکا را شامل می‌شوند و منابع عظیم متعددی را تشکیل می‌دهند. ونزوئلا قطعاً حدود یک تا سه تریلیون بشکه در حوزه نفتی خود دارد. از طریق منابع ماسه سنگهای نفتی کانادا نیز می‌توان حدود یک تریلیون بشکه نفت به دست آورد. گرچه با تکنولوژی کنونی نمی‌توان بیش از بخشی از این نفت را استخراج نمود، ولی ده درصد بازیافت (یک رقم معقول) یک تریلیون بشکه معادل ۱۰۰ میلیارد بشکه است که در نتیجه معادل دو یا سه برابر منابع کنونی آمریکا است.

هزینه بازیافت این نفت به صورت قابل توجهی از هزینه «ذخایر اولیه نفت» بالاتر است. برای مثال از نظر اقتصادی نفت سنگین ونزوئلا با مالیاتهای فعلی ونزوئلا نمی‌تواند تولید شود و در بازار دنیا به فروش برسد. و به همین ترتیب نفت موجود در منابع ماسه سنگهای نفتی آتاباسکای کانادا نیز نمی‌تواند تولید و به فروش برسد. در هر حال نفت ونزوئلا از نظر اقتصادی چنانچه آزادانه و تحت قیمت‌های پشتیبانی شده ایالات متحده می‌توانست وارد آمریکا بشود، قابل تولید بود. این جریان در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که یک موافقتنامه با ونزوئلا منعقد گردد که از سرمایه‌گذار بیهامان حمایت نماید و کمپانیهای ما را قادر سازد تا نفت سنگین را توسعه دهند. اگر این امر انجام گردد، واردات از ونزوئلا در سال ۱۹۸۰ حداقل دو برابر رقمی می‌تواند باشد که در بالا ارائه شد. احتمالاً به همراه ورود آزادانه به ایالات متحده این امر افزایش مختصری در قیمت‌های ایالات متحده به وجود خواهد آورد که نفت آتاباسکا را با صرفه‌تر می‌سازد.

سرانجام ذخایر ثانویه وجود دارند که از شیل (shale) و زغال سنگ تشکیل می‌شوند. در اینجاست که ایالات متحده بیشترین خوشبختی را دارا می‌باشد. ذخایر شیل در ایالات متحده احتمالاً در دنیا بیشترین ذخایر هستند. برآوردها مختلف است، ولی اغلب توافق دارند که معادل بیش از یک تریلیون بشکه نفت در این مکان وجود دارد. نفتی که از شیل یا زغال سنگ تولید می‌شود حتی از «ذخایر ثانویه» نیز گرانتر تمام می‌شود ولی در مورد هزینه عقاید مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که نفت حاصله از شیل و زغال سنگ را می‌توان با قیمتی کمی بیش از قیمت نفت خام کنونی، یعنی حدود هر بشکه ۴ دلار به بازار ارائه نمود، دیگران معتقدند این رقم خیلی نزدیکتر به ۵/۵ دلار در هر بشکه خواهد بود. یک جنبه از نفت حاصل از شیل که همیشه در برآوردهای هزینه به حساب گرفته نشده است. این حقیقت می‌باشد که تولید مقادیر کم نفت از شیل با آب کافی موجود ممکن است واقعاً هزینه کمتری از تولید مقادیر زیاد نفت از شیل را در برداشته باشد.

همچنین اختلاف عقیده قابل ملاحظه‌ای در این مورد که آیا نفت به مقادیر زیاد ابتدا از سنگ شیل تولید می‌شود یا از زغال سنگ وجود دارد که ظاهراً ناشی از منافع شخصی است؛ آنهایی که سنگ شیل را در اختیار دارند، معتقدند که نفت ابتدا باید از حوزه آنها تولید شود؛ لیکن آنهایی که منابع چشمگیر زغال سنگ را در اختیار دارند، معتقدند که تغییر زغال سنگ به نفت بسیار ساده‌تر است و هزینه‌هایی آن نیز خیلی پایین‌تر از هزینه‌هایی تبدیل شیل به نفت می‌باشد.

در هر صورت تردیدی نیست که این دو منبع (شیل و زغال سنگ و ماسه سنگهای نفتی - م) مهمترین ذخایر جهانی می‌باشند و حداقل بخشی از نیاز آمریکا به هیدروکربن نیز می‌تواند از طریق نفت تولیدی از این دو منبع تأمین گردد. به علاوه این دو پر هزینه‌ترین ذخایری هستند که تحت بررسی قرار گرفته‌اند.

##### ۵- قیمت نفت جهانی که توسط هزینه تولید ترکیبات نفتی تعیین می‌شود

زمانی که نفت به مقدار زیاد با استفاده از منابع ترکیبی گرانتقیمت تهیه شود، دیگر نمی‌توان قیمت نفت قراردادی را پایین نگاه داشت. حتی اگر این کار امکان‌پذیر باشد که در صورتی که این قیمت نیز مانند قیمت گاز تحت کنترل هیئت قیمت‌گذاری فدرال باشد امکان‌پذیر هم هست، ولی نمی‌توان باور کرد که خواهیم توانست قیمت‌های تعیین شده توسط اوپک را کنترل نماییم. ما می‌توانیم عوارض گمرکی سنگینی روی نفت وارداتی بگذاریم، ولی باورکردن این نکته مشکل است که تولیدکنندگان اصلی نفت (با این فرض که نفت به مقدار کم عرضه می‌شود) به سادگی راضی گردند که به دولت ایالات متحده اجازه دهند تفاوت بین ارزش واقعی نفت که توسط هزینه تبدیل زغال سنگ و شیل معین می‌شود و هزینه نفت وارداتی را از میان بردارند. اوپک مکرراً درآمدی را که دولت‌های اروپایی از مالیات‌های غیرمستقیم بر روی تولیدات نفتی عایدشان می‌گردد، متذکر شده است. آنها می‌گویند که حتی پس از افزایش قیمت‌های اخیر، دولت‌های مصرف‌کننده درآمدی بسیار زیادتر از یک بشکه نفت اوپک به دست می‌آورند تا دولت‌های تولیدکننده. بحث دولت‌های مصرف‌کننده در این مورد که آنان آزادند تا مالیات‌ها را در هر سطحی که مایل هستند برقرار نمایند و مالیات‌های داخلی ارتباطی به قیمت‌ها ندارند، کاملاً از نظر دولت‌های تولیدکننده قانع‌کننده نیست. موضع تولیدکنندگان این است که ارزش حقیقی نفت و مشتقات آن توسط ارزش خرده‌فروشی تولیدات در بازارها با در نظر داشتن مالیات و عوارض معین می‌شود. مصرف‌کننده مایل است که این قیمت‌ها را بپردازد و در نتیجه او این ارزش را برای نفت معین کرده است. تنها عامل مربوطه دیگر ارزش منابع جایگزین انرژی است.

در عین حالی که هزینه تبدیل شیل و زغال سنگ می‌تواند در تأثیرگذاران بر دولت‌های تولیدکننده برای افزایش قیمت‌های نفت عاملی اصلی باشد، در ضمن و به احتمال زیاد محدودیت بیشتر افزایشی را بر روی قیمت نفت عادی قرار خواهد داد. می‌توان با مقادیر عظیم شیل و زغال سنگی که وجود دارد چنین تصور نمود که در بلند مدت چنانچه قرار باشد قیمت‌های نفت بیشتر از هزینه تولید نفت از ترکیبات نفتی افزایش یابد، مصرف‌کنندگان به نفت به دست آمده از این منابع روی بیاورند. این بدین مفهوم نیست که تمام دنیا می‌تواند یا می‌خواهد که به وسیله زغال سنگ یا شیل یا ماسه سنگ‌های نفتی قاره آمریکای شمالی تأمین شود (حداقل نه در چند دهه آینده). بلکه در صورتی که قیمت نفت بیش از هزینه نفت حاصله از ترکیبات نفتی شود، منطقی است که مقداری از نفت مورد نیاز در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از این طریق تأمین گردد. منبع یا نوع نفت امروزه به صورت کلی یک مسئله اقتصادی است. امروزه تکنولوژی بجایی رسیده است که نفت را می‌توان از ماسه سنگ‌های نفتی آتاباسکا (فی‌الواقع این نفت در مقادیر کم هم‌اکنون تولید می‌شود) و از نفت سنگین ونزوئلا یا از شیل و زغال سنگ ایالات متحده تولید نمود. عمده‌تأ هزینه این نفت است که از تولیدش جلوگیری می‌کند. اگر تصمیم گرفته شود که نفت از این منابع غیرمرسوم تولید شود، در آن صورت وابستگی آمریکای شمالی به نفت نیمکره شرقی می‌تواند کاهش یابد. از لحاظ تئوری حتی این نفت می‌تواند صادر شود. به طوری که گزارش شده ژاپن‌ها به جنبه‌های تولید نفت از ماسه سنگ‌های نفتی آتاباسکا نظری داشته‌اند، ولی این موضوع دارای مشکلات اقتصادی است و ما مطمئن نیستیم که ژاپن‌ها در این مورد جدی بوده باشند.

#### ۴- امتیازات مرسوم

سیستم امتیازی فعلی خیلی خوب عمل کرده است. این یک سیستم آزمایش شده و قابل پیش‌بینی است. این سیستم توسعه مؤثر میدانهای نفتی در بلوکهای بزرگ را امکان‌پذیر ساخته است و به میزان زیادی به عملیات انعطاف‌پذیری داده است و مصرف‌کنندگان را از ثبات دراز مدت در تولیداتشان مطمئن ساخته است. این سیستم دولتهای تولیدکننده را به بازگشایی مناطق بزرگ برای توسعه قادر ساخته است و در بسیاری از موارد در پیشرفت اقتصادی آنها نیز سهم به‌سزایی داشته است. این سیستم چنان سقفی برای درآمدهای دولتهای تولیدکننده به وجود آورده است که درگیر شدن آنان در بازاریابی نفت را غیر لازم نموده است.

کمپانیها سرمایه و تکنولوژی لازم برای تولید نفت را مهیا می‌سازند، ولی دولتهای تولیدکننده جز زمین و منابع چیز دیگری را عرضه نمی‌دارند. این موضوع از نظر برخی از کمپانیها به عنوان هدیه‌ای که به مناطق تولیدکننده داده شده است نگریسته می‌شود. ۶۰ یا حتی ۲۰ سال پیش این چنین به نظر می‌رسید که شرکت‌های نفتی منبع را به وجود می‌آورند؛ و اگر تلاشهای آنان در زمینه علمی، سرمایه‌گذاری نبود، نفت همچنان در قلب زمین باقی می‌ماند. در نتیجه بومیان بایستی نسبت به هر چه که کمپانی‌ها به آنان می‌دهند راضی و خشنود باشند و این داده‌ها نیز لزوماً نباید زیاد باشد. برخی وجود دارند که هنوز این نظر را گرامی می‌دارند، ولی اغلب مواضع روشنفکرانه‌تری اتخاذ نموده‌اند. در حقیقت امتیازات به هیچ طریقی اسنادی خشک نبوده‌اند، بلکه متناوباً در طول ۳۰ سال گذشته و تقریباً به صورت تغییرناپذیری به نفع دولتهای تولیدکننده تعدیل شده‌اند. متأسفانه هنوز در دولتها و دانشگاههای کشورهای تولیدکننده افرادی وجود دارند که تغییرات کمپانیها را حس نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد آنان بر این باور باشند که کمپانیها فقط به هر چه سریعتر استفاده کردن از منابع تا آنجایی که در توان دارند و دادن هر چه کمتر به دولت و مردم کشور علاقه‌مند هستند، ولی به هر اندازه‌ای که مدیریت کمپانیها مال‌اندیش باشد حقیقت غیر قابل‌گریز این است که به استثنای شرکت‌های بزرگ جدیدتر کمپانیهایی که امتیازات را امروزه در اوپک به دست دارند با مناطق تولیدی بیگانه هستند. آن شرکت‌هایی که خیلی بزرگ هستند و خیلی از جنبه‌های یک تشکیلات مستعمراتی را دارا بوده‌اند، امتیازاتشان را خیلی وقت پیش دریافت داشتند و تشکیلاتشان را مستقر ساختند. فی‌الواقع لغت عربی امتیاز همان لغت مرسوم عثمانی برای کاپیتولاسیون است و خیلیها خصوصاً در دنیای عرب تفاوت خیلی کمی بین شرکت‌های امتیازی و جوامع خارجی که صد سال پیش در امپراطوری عثمانی مستقر شدند قائل می‌گردند.

هیچ‌گونه بحثی در مورد این حقایق وجود ندارد که: خارجیها می‌آیند، نفت را تولید می‌کنند، به دولتها در عوض مقدار زیادی پول می‌دهند، ولی به جای ابراز قدردانی نسبت به شرکت‌های نفتی برای بزرگ منشی و پیشقدمی آنان، ناسیونالیستهای جدید با تأکید فزاینده می‌گویند که سیستم امتیازی خوار و خفیف‌کننده است. اینکه دولت بایستی آخرین حرف را در مورد سرنوشت اقتصادی خودش بزند شعار حزبی جدید ناسیونالیستها است و ناسیونالیستها باور دارند که زمانی دولت می‌تواند این کار را انجام دهد که ابتداء شرکت‌های نفتی عمل‌کننده در حوزه خود را تحت کنترل درآورد.

احتمالاً بدون هیچ‌گونه استثنایی دولتهای تولیدکننده نیز این عقیده را دارند که منافی که از استخراج نفت کشورهایشان به وجود می‌آید گزاف است و دولتها حتی با تقسیم منافع به نسبت ۶۰ و ۴۰ به نفع

دولتهای تولیدکننده (یا ۸۰ یا ۲۰ براساس قیمت‌های واقعی) به منافع شرکتها و ارزش مجموع سرمایه‌گذاری در کشورهايشان می‌نگرند و آن را با بازده معمولی تجاری ۱۰ یا ۱۵ درصد مقایسه می‌کنند. آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که منافع شرکتها تماماً خارج از حدود فعالیت‌های معمول تجاری است. البته مقداری از این گناه بستگی به شرکتها یا مقررات مالیاتی در ایالات متحده یا جای دیگر دارد که به شرکتها این منفعت را می‌رساند که تمام یا قسمتی از سودشان را به پایان تولید اختصاص دهند و در عملیات ابتدایی سود نسبتاً کمی را نشان دهند. این حقیقت که بازدهی صنعت نفت از چاهها تا پمپ بنزین‌ها از بازدهی عمومی در صنایع تولیدی کمتر است، در کشورهای تولیدکننده تشخیص داده نشده است. فی‌الواقع این موضوع در بسیاری از مناطق مصرفی نیز نادیده گرفته می‌شود.

به‌طور کلی سیستم امتیازی در خاورمیانه و جاهای دیگر منافع بسیاری به کشورهای تولیدکننده و نیز کمپانیها رسانیده است. زمانی که عملیات ابتدایی نیز در نظر گرفته شوند، منافع شرکتها زیاد نبوده است و اگر قرار بود کشورهای تولیدکننده فقط به منافع اقتصادی که می‌توانستند از صنعت نفت دریافت کنند نظر داشته باشند، احتمال زیادی وجود دارد که سیستم امتیازی فعلی تنها با تعدیلات خیلی کمی تا پایان شرایط امتیازی در آغاز یا اواسط قرن آینده ادامه یابد.

در هر حال امروزه به نظر می‌رسد که ملاحظاتی اقتصادی از احساسات یا ناسیونالیسم کم اهمیت‌تر باشد و خیلی محتمل به نظر می‌آید (و از نظر ما قطعی است) که سازمان کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) در دهه آینده علاوه بر درآمدی بیشتر از هر بشکه نفت تقاضای برخی کنترلها (و احتمالاً کنترل کامل) را بر کمپانیهای نفتی که در داخل مرزهایشان فعالیت دارند داشته باشد و به احتمال زیاد کنترلها را به دست می‌آورند. موافقتنامه تهران که در فوریه ۱۹۷۱ به وسیله کمپانیهای نفتی امضاء شد، شرط افزایش تدریجی قیمت‌ها و در نتیجه آن مالیات و پرداخت‌های حق لیسانس افزایش یافته را تا ۱۹۷۵ تأمین می‌نمود. کشورهای عضو اوپک موافقت کرده‌اند تا برای یک دوره کامل از شرایط این موافقتنامه تبعیت نمایند. آنها می‌گویند تقاضاهای جاری که آنان در مورد «مشارکت» عنوان می‌کنند بایستی خارج از موافقتنامه‌های تهران در نظر گرفته شود و به هیچ طریقی تخلفی از جانب آنان نیست.

دولتهای اوپک با استفاده از جنبه قانونی متن قرارداد و مفهوم آن به آسانی نخواهند توانست منظور خود را ابراز نمایند و کمپانیها نیز با این تقاضاها مخالفت خواهند ورزید. بخصوص که طبق مطالعات و بیانات اوپک خسارات وارده جبران نیز نخواهد گردید.

طبق قرارداد تهران، منعقد شده بین شرکت‌های نفتی و کشورهای حوزه خلیج در فوریه ۱۹۷۱، علاوه بر موارد دیگر موافقت گردید که:

۱) «توافق و قرارداد موجود بین دولتهای خلیج و هر یک از شرکت‌های نفتی که این قرارداد اصلاحیه‌ای بر آن است طبق شرایط آنها معتبر باقی می‌ماند»

۲) «شرایط ذیل نمایانگر شرایط مربوط به برداشت دولت و وظایف مالی کمپانیهای عمل‌کننده در کشورهای خلیج با در نظر گرفتن مفاد قطعنامه‌های اوپک و صدور نفت از خلیج از تاریخ پانزدهم فوریه ۱۹۷۱ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ می‌باشد»

خلاصه مطلب اینکه این قراردادها امتیازاتی را که شرکتها از دولتها دریافت داشته بودند معتبر شناخته است، و به عبارت دیگر بیان داشته است که شرایط قرارداد حق الامتیاز، مالیات دولتها و دیگر تعهدات

مالی را به مدت ۵ سال مشخص کرده است و عدم درگیری آمریکا در این مسئله نیز تصویری محال است. در ژانویه ۱۹۷۱ معاون وزیر ایروین با حکام ایران، عربستان سعودی و کویت ملاقات نمود و آنها به وی اطمینان دادند که قراردادهای بین خود و شرکتهای نفتی را به طور کامل اجرا خواهند نمود. در صورتی که هر سه آنها نیز به شدت از مسئله مشارکت پشتیبانی نمایند، باید توسط نمایندگان دیپلماتیک در سطوح بالا اقدام نمود.

با وجود اینکه بسیاری از کمپانیها با خوش بینی معتقدند که در امور مالیاتی و در زمینه حق الامتیاز مورد توافق در قرارداد تهران تریپولی بغداد تغییرات چندانی به وجود نخواهد آمد، در عین حال اکثر آنها معتقدند که پس از سال ۱۹۷۶ قیمتها به طور عمده‌ای افزایش خواهند یافت و قبل از آن جهان وارد بازار فروشندگان نفتی شده است و در آن حال قیمت و موجودیت منابع جایگزین نفت در آمریکا به  $4/5$  دلار در هر بشکه رسیده است (در حالی که قیمت کنونی آن  $3/5$  دلار است و قیمت هر بشکه نفت تحویلی از حوزه خلیج حدود  $2/5$  دلار در هر بشکه است). با وجود اینکه در سال ۱۹۷۶ قیمت نفت جهان ممکن است معادل قیمت نفت در داخل آمریکا نشده باشد، ولی نمی‌توان گفت که اختلاف بین آنها چندان فاحش است. در صورتی که مقدار ۲۵ سنت جهت حمل و نقل هر بشکه نفت از حوزه به خلیج مکزیک و ۷۵ سنت دیگر جهت حمل و نقل آن از خلیج مکزیک به خلیج فارس را از قیمت  $4/5$  دلار در تگزاس کم کنیم، قیمت فروش احتمالی خلیج فارس برای هر بشکه  $3/5$  دلار خواهد بود. این محاسبه قابل دفاع است، گرچه ممکن است قیمتها این قدر بالا نرود. به عبارت دیگر ساحل شمالی خلیج مکزیک همان‌گونه که تا سال ۱۹۵۰ این‌گونه بود، می‌تواند تعیین‌کننده قیمت نفت باشد.

همان‌گونه که در بخش پیشین اشاره شد هزینه تبدیل زغال سنگ یا شیل به نفت، عامل محدودکننده قیمتهای نفتی در آمریکا خواهد بود، ولی پیرامون رقم صحیح این قیمت اختلاف نظر وجود دارد: (طبق ارزش کنونی دلار) آیا این قیمت به گفته بعضی از شرکتهای ۴ دلار خواهد بود و یا به گفته دیگران  $5/5$  دلار، ولی این قیمت هر چه باشد محدودکننده قیمت نفت قراردادی در آمریکا نیز خواهد بود. البته اگر  $5/5$  دلار برای هر بشکه تعیین شود نفت قراردادی بیشتری نیز تولید خواهد گشت؛ ولی در مورد میزان واقعی نفتی که از این طریق تولید خواهد شد نیز اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. بعضی از کمپانیها معتقدند که قیمت  $5/5$  دلار باعث خواهد شد که از طریق اکتشافات حاصله از حفاری مناطق حاشیه‌ای، حفاری عمیق‌تر و راههای بازیافتی ثالث بتوان میزان زیادی از نفت داخلی را تولید نمود. در واقع، بعضی از آنها معتقدند که این قیمت می‌تواند میزان منابع قابل بازیافت ما را به دو یا سه برابر افزایش دهد. دیگران درست در نقطه عکس این نظر به قرار داشته، اظهار می‌دارند که  $5/5$  دلار قادر نیست نفت زیادی را در آمریکا به وجود آورد. به هر حال اگر هزینه شیل را  $5/5$  دلار پذیرفته باشیم، قیمت نفت قراردادی نیز همان و یا نزدیک به آن خواهد بود. به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که قیمت نفت خلیج فارس به  $4/5$  دلار برسد. پس از ژانویه ۱۹۷۶ یعنی زمان خاتمه یافتن قراردادها وضع با امروز تفاوت بسیار خواهد داشت. احتمالاً تنها راه ممکن برای جلوگیری از مشارکت این است که به کشورهای اوپک و بخصوص به عربستان سعودی، کویت و ایران بفهمانیم که در همان حال که ما (دولت و شرکتهای ما) میل هستیم که قراردادهای زیر پا گذاشته نشود، خواهان آن هستیم که در خاتمه این قراردادها روابطی جدید را ایجاد نماییم. این روش برخورد زمانی موفقیت به همراه خواهد داشت که شرکتهای همین حالا و یا در آینده خیلی

نزدیک به بحث پیرامون ماهیت این روابط جدید بپردازند. البته نباید به مشارکت به عنوان تنها نوع رابطه نگریست. مثلاً می‌توان قسمتهایی از امتیازات، خدمات آمده در قرارداد و سرمایه‌گذاری مشترک را نادیده گرفت. احتمالاً اگر این کار صورت بگیرد امتیازات با کاهشهای حاصله در بخشهایی از آنها ادامه خواهد یافت. علاوه بر این کلمه «امتیاز» باید از میان برداشته شود؛ چون مفاهیم ضمنی بسیار ناشایستی به همراه دارد. کلمه «قرارداد» بسیار قابل قبول‌تر است، چون مفهوم توافق بین دو عنصر مساوی را می‌رساند. علاوه بر این احترام به قراردادهای یک سنت اسلامی است و دولتی که امتیاز را زیر پا می‌گذارد قبل از زیر پای گذاردن قرارداد دچار تردید و دو دلی می‌شود.

خلاصه اینکه، به نظر ما بهتر است برای حفظ سلامت صنعت بین‌المللی نفت نظریات گروه‌های ۱ و ۲ را که در بخش ۲ درباره آنها توضیح داده شده در پیش‌گیریم: یعنی مصرانه بخواهیم که تا پایان سال ۱۹۷۶ قرارداد تهران محترم شمرده شود و پس از آن در درازمدت نظریات گروه‌های ۳ و ۴ را مد نظر قرار دهیم، یعنی به کشورهای اوپک بفهمانیم که مایلیم از ژانویه سال ۱۹۷۶ براساس روابط جدید به کار خود ادامه دهیم. دلایل این نتیجه‌گیری بدبینانه در بخشهای ۷، ۸، ۱۹ ذیل ارائه شده است. البته گروه ۵ که بدبین‌ترین عضو در میان دیگر گروه‌هاست نیز ممکن است بر حق باشد؛ ملی شدن نفت و یا تبدیل ساختن شرکتها به ولی به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم در انتظار نشان بدهیم که ملی شدن نفت و یا تبدیل ساختن شرکتها به خریداران برای ما قابل قبول است. ما اصلاً آن را نخواهیم پذیرفت و فکر هم نمی‌کنیم که این کار برای تولیدکنندگان نفت فایده‌ای به همراه داشته باشد. چون نمی‌توانیم بفهمیم که کارتل اوپک و قیمت‌های بالای نفت چگونه می‌توانند ادامه پیدا کنند، در حالی که بین مصرف‌کنندگان در زمینه قیمت‌ها جنگی صورت پذیرد، که منافع بسیار گذرا و ناپایدار در برخواهد داشت. و اصولاً نمی‌توانیم متقاعد شویم که اگر قرار باشد شرکت‌های ملی نفت برای خودشان عمل کنند و به رقابت با خود برخیزند چگونه خواهند توانست در تسهیلات صادراتی و تولیداتی جدید مورد نیاز جهان سرمایه‌گذاری نمایند.

##### ۵ - مسائل مربوط به مشارکت و کاهش ارزش دلار

ناسیونالیزم دلیل اصلی تقاضای مبنی بر اشتراک در شرکت‌های نفتی است. دولتها شاید می‌خواهند درگیر باشند تا بتوانند با نیروی حکومتی خود در صنعت اصلی عمل‌کننده در درون مرزهای خودشان قدرت خود را نیز نشان دهند. وزیر دارایی کویت اخیراً گفته است که مسئله اصلی «کنترل» است. لازم نیست که شرکت‌های نفتی پول بیشتری بپردازند. کشورهای دیگری چون ایران و عراق که برخلاف کویت با کمبود مالی روبه‌رو هستند علاوه بر کنترل در مدیریت خواهان افزایش پرداختها نیز هستند. اصولاً شرکت‌های نگرانی نداشتند اگر فکر می‌کردند که محدودیت مشارکت دولتها در شرکت‌های نفتی در سطح ۲۰ درصد باقی خواهد ماند. ولی آنها شدیداً نگران هستند چون وضع آینده و بیانات بسیاری از اعضاء اوپک که گفته‌اند این تنها اول کار است و دولتها می‌خواهند ۵۱ درصد و یا تمام تسهیلات تولیدی را در اختیار خود داشته باشند، این نگرانی آنها را تشدید کرده است. البته ممکن است برای شرکت‌هایی که خودشان تسهیلات حمل و نقل، پالایش و بازاریابی را در اختیار دارند این موضوع چندان هم نگران‌کننده نباشد. در آینده آنها می‌توانند با دولتها قراردادهای خرید منعقد سازند و منافعشان هم حتی بیش از گذشته و حتی عظیم‌تر باشد، ولی شرکت‌های کوچکتر که دارای بازارهای خاصی در خارج نیستند و دسترسی آنها



به آمریکا نیز محدود است به احتمال زیاد از بین خواهند رفت.

کمپانیهای بزرگ به دو دلیل در برابر چنین تغییری مقاومت خواهند کرد. دلیل اول این است که برای جلوگیری از پرداخت مالیات، آنها نشان می‌دهند که قسمت اعظم منافعیشان در زمان تولید عایدشان می‌گردد و پرداختهای خود به دولت میزبان را «مالیات بر درآمد» نامگذاری کرده آن را به عنوان اعتبار مالیاتی از «مالیات بر درآمدی» که باید در کشورهای مصرف‌کننده پردازند کم می‌کنند. نتیجه این است که بسیاری از شرکتهای بزرگ در آمریکا مالیات درستی نمی‌پردازند. اگر از آنها به اجبار خواسته شود که منافع حقیقی خود را نشان دهند، البته منافی را که امروز به دست می‌آورند نشان خواهند داد، ولی نیمی از آن به عنوان مالیات بر درآمد از دست آنها گرفته خواهد شد. نیاز شدید شرکتهای به سرمایه رانیز می‌تواند با بالا بردن قیمت تولیدات نفتی تأمین نمود، لیکن این موضوع مقاومت جدی مصرف‌کننده رانیز به همراه خواهد داشت. دلیل دوم این است که شرکتهای مطمئن نیستند (ما هم نیستیم) که دولت‌های تولیدکننده با سرمایه‌هایی که در اختیار دارند و باید در جنبه‌های مختلف مملکتی به کار رود بتوانند به سرمایه‌گذاری در زمینه نفت پرداخته نیازهای یک یا دو دهه آینده را برآورده سازند.

تا زمانی که اطلاعات دقیقی در مورد خواست اصلی دولت‌های عضو اوپک و قیمت دلخواه آنها و زمان به دست نیارده‌ایم نمی‌توانیم بگوئیم که این مشارکت برای شرکتهای چقدر خرج برمی‌دارد، ولی نمی‌توان گفت که یک درصد مشارکت برابر است با یک سنت منفعت کمتر در هر بشکه نفت تولیدی در صورتی که کمپانی مزبور (براساس قیمت‌های گذشته) بین ۸۰ سنت تا یک دلار در هر بشکه سود عاید خودش نماید. مثلاً اگر یکی از کشورهای خواستار ۲۰ درصد مشارکت باشد و آن دولت نیز دولت عربستان سعودی باشد، باید ۱۶ سنت دیگر به این دولت برای هر بشکه پرداخت شود. تقاضای لیبی برای تصاحب ۵۱ درصد سهام شرکت به معنی آن است که در ازاء هر بشکه ۵۰ سنت دیگر نیز باید به این دولت داده شود. البته این موضوع در مورد هر کشور با در نظر گرفتن هزینه تولید فرق می‌کند. اگر برای محاسبه سودهایی که عاید شرکت شده از قیمت‌های حقیقی به جای قیمت تعیین شده استفاده شود میزان پول اضافی نیز که باید به کشور خواستار مشارکت پرداخت شود کمتر خواهد بود.\*

طبق اطلاعاتی که در مورد اوپک به دست آورده‌ایم، جبران خسارات وارده بر شرکتهای براساس ارزش دفتری اموال احتساب می‌گردد که مبلغ ناچیزی خواهد بود.\*\* بنابراین پرداختها از محل منافع آن سهامی از شرکت که مصادره می‌شود صورت می‌پذیرد (تا در عواید دولت کاهشی رخ ندهد) و در مدت حداقل پنج سال باید پرداخت آن به پایان برسد. بنابراین درآمد شرکت در طول مدتی که «خسارات جبران» می‌شود یا دست نخورده باقی می‌ماند و یا اینکه با برداشتهای دولتی کاهش می‌یابد. به هر حال، کمپانیها

\*- انگلیسیها معتقدند که برای احتساب هزینه‌های اضافی بهتر است از قیمت‌های واقعی استفاده شود. چون، تقاضای ۲۰٪ مشارکت در خلیج فارس به معنی این است که به هزینه خالص شرکت در مورد استخراج هر بشکه، نفت ۶ سنت افزوده می‌شود. دولت نیز به شرکتهای اجازه می‌دهد که سهم نفت آنها را نیز در «بازار» به فروش برسانند که در نتیجه در مقدار ۶ سنت افزایش هزینه یا مخارج به این ترتیب کاهش پدید می‌آید. بنابراین تقاضای ۲۰٪ مشارکت به معنی ۲ یا ۳ سنت هزینه اضافی در هر بشکه است که در حقیقت اصلاً هزینه‌ای اضافی به حساب نمی‌آید، ولی فکر نمی‌کنیم که کشورهای اوپک براساس قیمت‌های واقعی مذاکره نمایند، گر چه ممکن است نتیجه نهایی همان باشد. بنابراین در رابطه با تقاضای مشارکت کشورهای اوپک از طرف مصرف‌کنندگان مخالفتی بروز نخواهد کرد (که از مخالفت شرکتهای جدا باشد).

\*\* - احتمالاً کشورهای اوپک در محاسبات خود از ارقامی که وسیله وزارت بازرگانی آمریکا در مورد ارزش سرمایه‌گذارهای آمریکا در خارج سالانه منتشر می‌گردد، استفاده خواهند کرد.

نیز این هزینه اضافی را از طریق مصرف‌کنندگان به دست می‌آورند، چون امکان ندارد که این شرکتها بتوانند افزایشهایی بیش از آنچه در ژانویه ۱۹۷۱ به وجود آمد را متحمل بشوند. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، دولت آمریکا نیز باید در مورد مشارکت اوپک قبل از پایان قرارداد تهران اعتراض نماید.

درخواست اوپک برای ایجاد تغییرات در پرداختها در رابطه با افزایش مؤثر ارزش دلار بسیار پیچیده است. اوپک ممکن است اظهار نماید که به دلیل ضرورت این قراردادها به‌طور اتوماتیک مورد گفتگو قرار گرفته‌اند، ولی شرکتها نیز استدلال می‌کنند که در قرارداد تهران در زمینه بالا رفتن تورم مفادی وجود دارد که در مورد کاسته شدن ارزش پولی اقدامی انجام می‌دهد. به هر حال، آمریکا به آسانی نخواهد توانست اوپک را متقاعد سازد که به دنبال درآمد بیشتر نباشد. مشکلات ارزی کنونی جهان نیز در نتیجه اقدامات آمریکا به وجود آمده، بنابراین به آسانی نمی‌توان از اوپک خواست که در جهت بقاء خود اقداماتی انجام ندهد. این موضوع خصوصاً در مواردی که قیمت مواد خارجی را به دلار افزایش داد نیز صادق است. اگر بخواهیم بگوییم که ما مایل هستیم که قیمت کالاهای ساخته شده یا کالاهای بعضی از کشورها افزایش یابد، ولی قیمت نفت به صورت قبلی باقی بماند، حرف ما در کشورهای اوپک خریداری نخواهد داشت. ما به شرکت‌های نفتی خود اطلاع داده‌ایم که از نظر دیپلماتیک نمی‌توانیم در این زمینه آنها را یاری دهیم. آنها گفته‌اند که خواستار حمایت ما نیستند، ولی بیندیشند. ما نیز مقالات بررسی تجارت تهیه شده وزارت دادگستری را بر ایشان ارسال داشته‌ایم، تا آنها نیز بتوانند کار خود را انجام دهند. در مورد این موضوع با اروپاییها نیز گفتگو کردیم و اظهار داشتیم که اگر موجبات نگرانی آنها فراهم شود آنها نیز می‌توانند با دولتهای اوپک این موضوع را در میان بگذارند، ولی اکثر آنها ظاهراً مایل نیستند این کار را انجام دهند.

#### ۶- درآمد آتی دولتهای اوپک و ملاحظات مربوط به تراز پرداختها الف: درآمد اوپک:

جدول ضمیمه این بخش نمایشگر تقریبی درآمدهای نفتی دولتهای خاورمیانه و آفریقای شمالی در سال ۱۹۷۵ است. میزان رشد پایین ۱۰ درصد است که خیلی پایین‌تر از میزان رشد تولید در چند سال گذشته است.

در صورتی که دولتهای خاورمیانه‌ای و آفریقای شمالی عضو اوپک تا سال ۱۹۷۵ موفق به بالا بردن قیمتها به دلار بشوند عوایدی که نصیب آنها می‌شود دو برابر شده و از ۱۴/۶ میلیارد دلار به ۲۷ میلیارد دلار خواهد رسید. با در نظر گرفتن ۳/۳۰ دلار تا ۳/۶۰ دلار برای هر بشکه به هنگام تولید و اضافه کردن ضریب تورم و هزینه حمل هر بشکه به پالایشگاه ساحلی آمریکا و منطقه صادراتی، رقم ۴/۵۰ دلار برای هر بشکه در سال ۱۹۷۵ در به دست آمدن رقم بالا به کار برده شده است. عوارض و درآمدهایی که نصیب دولتها در خلیج فارس می‌شود با کم کردن هزینه حمل و نقل از آمریکا به خلیج فارس، هزینه تولید نفت در خلیج و مبلغی که به شرکتها می‌رسد از ۴/۵۰ دلار تعیین می‌گردد که میزان این عایدات در هر بشکه ۲/۸۰ دلار می‌باشد. در مورد دولتهای آفریقای شمالی نیز همین کار انجام شد و چون هزینه حمل و نقل از آفریقای شمالی به آمریکا در مقایسه با هزینه حمل و نقل از خلیج فارس به آمریکا خیلی کمتر است، عواید حاصله برای دولتهای آفریقای شمالی بر اساس قیمت‌گذاری آمریکا در هر بشکه ۳/۳۵ دلار

می‌باشد.

البته این ارقام همه حدودی و تقریبی هستند. البته فرض می‌کنیم که هزینه حمل و نقل همیشه ثابت و زیاد است (که همیشه این طور نیست) (مقیاس جهانی ۱۰۰). هزینه حمل و نقل ارزان در میزان عایدات دولتی نیز افزایشی پدید می‌آورد.

از ارقام مربوط به نیجریه، ونزوئلا، اندونزی و دیگر تولیدکنندگان در این جدول آورده نشده است. با وجود اینکه به دست آوردن ارقام صحیح در مورد تولیدات این کشورها کاری است بسیار مشکل، ولی منطقی است اگر فرض کنیم که میزان تولیدات و عواید حاصله معادل یک سوم ارقامی است که در جدول نشان داده شده است. بنابراین اگر بر اساس قرارداد تهران عمل شود، تولید گروه اوپک به ۳۴ میلیون بشکه در روز و عواید حاصله ۲۰ میلیارد دلار خواهد شد؛ ولی اگر تا سال ۱۹۷۵ قیمت نفت هم سطح قیمت آن در امریکا افزایش یابد عواید حاصله بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار خواهد گردید.

میزان تولید نفت در سال ۱۹۷۰ و میزان تقریبی آن در سال ۱۹۷۵ (ارقام به هزار بشکه در روز) و عایدات دولتی (به میزان میلیارد دلار در سال)

تولید	عواید	تولید	عواید براساس قرارداد ۱۹۷۱	عواید در صورتی که قیمت نفت هم سطح قیمت نفت در آمریکا تعیین شود	خاورمیانه
۳۸۴۸	۱/۱	۶۵۰۰	۳/۴	۶/۶	۱- ایران
۳۷۹۸	۱/۲	۶۵۰۰	۳/۵	۶/۶	۲- عربستان
۲۹۸۹	۰/۹	۴۰۰۰	۲/۱	۴/۱	۳- کویت
۱۵۵۸	۰/۵	۲۶۰۰	۱/۴	۲/۸	۴- عراق
۶۹۱	۰/۲	۱۰۰۰	۰/۵	۱	۵- ابوظبی
۳۶۰	۰/۱	۳۶۱	۰/۲	۰/۴	۶- قطر
۳۳۳	۰/۱	۴۰۰	۰/۲	۰/۴	۷- عمان
۸۶	۰/۰۳	۱۵۰	۰/۱	۰/۲	۸- دویی
۷۷	۰/۰۳	۷۷	۰/۰۴	۰/۱	۹- بحرین
۱۳۷۴۱	۴/۲	۲۱۵۸۸	۱۱/۴	۲۲/۲	کل خاورمیانه
۳۳۲۱	۱/۳	۲۵۰۰	۲/۱	۳/۱	آفریقای شمالی:
۹۹۰	۰/۴	۱۴۳۰	۱/۱	۱/۷	لیبی
۹۹۰	۰/۴	۱۴۳۰	۱/۱	۱/۷	الجزیره
۴۳۱۱	۱/۷	۳۹۳۰	۳/۲	۴/۸	کل آفریقای شمالی
۱۸۰۵۲	۵/۹	۲۵۵۱۸	۱۴/۶	۲۷	کل خاورمیانه و آفریقای شمالی

در سال ۱۹۸۰ درآمد کشورهای تولیدکننده به طرز فزاینده‌ای بالا خواهد رفت و با بالا رفتن قیمت نفت جهانی و برابری آن با قیمت نفت در داخل آمریکا و در نتیجه تغییراتی که در آن از تبدیل شیل و زغال سنگ به نفت به وجود خواهد آمد پرداخت خالص به دولتها برای هر بشکه معادل ۳ دلار خواهد بود، و درآمد دولتهای تولیدکننده به حدود ۸۰ میلیارد دلار در سال خواهد رسید. این درآمد حدود ۱۰ برابر درآمد آنها در سال ۱۹۷۱ و حدود ۴ برابر درآمد آنها در سال ۱۹۷۵ خواهد بود، البته در صورتی که در این مدت قرارداد تهران به طور کامل اجرا شود.

در مورد این نتایج با رئیس بخش جدید انرژی صندوق بین‌المللی پول نیز صحبت و تبادل نظر گردید و ایشان فرضیات ما در زمینه قیمت‌های آتی نفت و حجم تولید جهانی نفت پذیرفته‌اند. این صندوق به زودی

مطالعه‌ای را در زمینه حجم درآمد اوپک که انتظار می‌رود به بازار تجارت برگردانده شود و مقداری از آن نیز به‌عنوان ذخایر ارزی ذخیره گردند و تأثیر آن بر ثبات سرمایه‌ای بین‌المللی آغاز خواهد کرد.

#### ب: ملاحظات مربوط به موازنه یا تراز پرداختها

اگر در سال ۱۹۸۰ آمریکا هر روز ۱۲ میلیون بشکه نفت وارد نماید و قیمت نفت نیز در آن زمان به میزان کنونی باقی بماند و در دریافت پولی شرکتها نیز تغییری به وجود نیاید، هزینه خالص موازنه پرداختهای آمریکا برای هر بشکه ۱/۵ دلار یا ۶/۵ میلیارد دلار در سال خواهد بود. لیکن، اگر قیمت نفت جهانی معادل قیمت نفت در آمریکا بشود که احتمال این فرض بیشتر است و نیز تغییر تبدیل شیل نیز بر آن تأثیر بگذارد (همان‌گونه که قبلاً درباره آن صحبت شد)، آمریکا باید برای هر بشکه به‌طور خالص ۳ دلار به دولت تولیدکننده بپردازد و هزینه خالص وارد کردن هر بشکه به آمریکا ۳/۵ دلار خواهد بود. در این صورت موازنه پرداختهای آمریکا معادل ۲۵ میلیارد دلار در سال خواهد گردید.

لیکن در صورتی که شرکتها نفتی به وضع کنونی باقی بمانند، یعنی بتوانند به عملیات انتفاعی خود به نحوی ادامه دهند، سودی که عاید آنها می‌شود از فرار ارز جلوگیری می‌کند، ولی برای مصرف‌کنندگان اروپایی و ژاپنی هزینه مصرف برای هر بشکه بیشتر از هزینه مصرف توسط آمریکا خواهد گردید. در صورتی که قیمت نفت به طرز فاحشی بالاتر برود، برای اروپاییها (بجز انگلیس و هلند) هزینه خالص برای هر بشکه معادل ۴ دلار خواهد شد. و در صورتی که اروپا در سال ۱۹۸۰ هر روز ۲۶ میلیون بشکه نفت مصرف نماید، کل هزینه‌ای که اروپا باید در هر سال متحمل شود معادل ۳۸ میلیارد دلار می‌شود. ولی اگر ژاپن در هر روز ۱۲ میلیون بشکه مصرف نماید که احتمال آن زیاد است (شاید هم میزان مصرف کم حدس زده باشد)، هزینه کلی که ژاپن در هر سال باید بپردازد ۱۷ میلیارد دلار خواهد بود.

کشورهای بزرگ صنعتی با افزایش روابط تجاری بین خود و دولتهای تولیدکننده خواهند توانست مقدار زیادی از این ارز را از این کشورها پس بگیرند، گرچه ممکن است که مخارج هر کشور نتواند با فروش اضافی آن برابر و جبران گردد. برای ملل توسعه نیافته افزایش این‌گونه‌ای فاجعه‌آمیز خواهد بود.

#### ۷- قدرت و توان کشورهای تولیدکننده در برخورد با شرکتها:

مصرف نفت در جهان در سال ۱۹۵۱ یعنی همزمان با ملی شدن شرکت انگلیسی-ایرانی کشور ایران، حدود یک چهارم مصرف کنونی نفت در جهان بود. تولید نفت در ایران دچار توقف گردید، لیکن پس از مدت کوتاهی این کاهش تولید به وسیله کشورهای حوزه خلیج از قبیل عراق، عربستان سعودی و بخصوص کویت جبران گردید. در ۱۵ سال بعد استعداد افزایش تولید نفت در جهان بالا رفت. آمریکا به مقدار زیادی خودکفا شده بود هر روز حدود ۲ میلیون بشکه وارد مخازن خود می‌نمود. در بسیاری از کشورهای مهم تولیدکننده نیز همین وضع حاکم بود. این ظرفیت اضافی سبب شد که شرکتها نفتی از امنیت و انعطاف‌پذیری بسیار برخوردار شوند. با سرنگونی خشونت‌بار سلطنت عراق در سال ۱۹۵۸ و حملاتی که علیه شرکتها نفتی انجام گرفت، طرحهای توسعه طلبانه شرکتها در عراق بی‌فایده ماند، ولی دولت عراق در تولید نفت کاهشی ایجاد نمود. رژیم تندرو عبدالکریم قاسم و رژیمهای بعد ناسیونالیست عربی و بعضی تهدید کردند که شرکت نفت عراق را ملی خواهند کرد، ولی تاکنون تهدیدهای خود را عملی

ساخته نساخته‌اند، چون می‌دانند و یا حداقل ترس از آن دارند که شرکت‌های نفتی کاهش نفت عراق را در خارج از این کشور جبران نمایند و چون عراق هرگز نتوانسته است همکاری دیگر تولیدکنندگان را به خود جلب نماید، ترس از آن دارد که نتواند بازاری برای نفت خود بیابد و در نتیجه درآمدی نیز نداشته باشد. دولت عراق دچار نوعی کمبود دائمی مالی بود و به همین دلیل نمی‌توانست حتی از یک چهارم درآمد حاصله از نفت نیز چشم‌پوشی نماید.

همزمان با جنگ ۱۹۶۷ خاورمیانه و بسته شدن کانال سوئز نیز در خلیج فارس، ظرفیت تولیدی قابل ملاحظه‌ای وجود داشت، ولی با توقف تانکرهای نفت‌کش و وسیله دیگری برای واردکردن این نفت به بازار وجود نداشت، و در آن حال لیبی نقش کویت در سال ۱۹۵۱ را ایفاء کرد؛ میزان تولید نفت این کشور به سرعت بالا رفت و وابستگی جهان به نفت لیبی بیشتر شد. کمی بعد از سرنگونی سلطنت لیبی در سپتامبر ۱۹۶۹، دولت جدید تندرو لیبی دریافت که قدرت آن را دارد که شرایط جدیدی را بر شرکت‌های نفتی تحمیل نماید و به همین جهت تهدید نمود که اگر خواستهای این کشور برآورده نشود تولید نفت را متوقف خواهد کرد و این کشور بیش از هر کشور دیگر قادر به عملی ساختن تهدید خود بود. چون جمعیت لیبی بسیار کوچک بود و علاوه بر این دولت آن کشور حدود ۲ میلیارد دلار ارز خارجی در اختیار داشت که می‌توانست به وسیله آن در صورت عدم تولید نفت نیز به حیات خود ادامه دهد. علاوه بر این، معلوم نبود که اروپا بتواند تحمل فقدان نفت لیبی را داشته باشد. خط لوله نفتی ترانس - عربی قطع گردید، و به نظر می‌رسید که عراق نیز منتظر است تا به محض اقدام لیبی در مورد شرکتها، وی نیز به ملی کردن شرکت نفت عراق مبادرت ورزد و به این ترتیب خریداران نفت و شرکت‌های نفتی در وضع کاملاً جدیدی قرار گرفتند. در گذشته هیچ‌یک از این کشورها نمی‌خواستند و یا قادر نبودند به منظور گرفتن امتیازات اقتصادی از شرکت‌های نفتی عمل‌کننده در آنجا به تنهایی صدور نفت را قطع نمایند، ولی لیبی این کار را کرد و دیگر کشورهای عضو اوپک نیز از وی دنباله‌روی کردند، ولی تقاضاهای آنها در قبال شرکت‌های نفتی معادل تقاضاهای لیبی نبود.

ولی در ماه‌های اخیر وضع آرامش بیشتری یافته است. نرخ نفت‌کشا کاهش یافت و چون قیمت‌های تعیین شده به وسیله اوپک بر اساس مرغوبیت نفت تعیین گردید، قیمت نفت مدیترانه، آفریقای غربی و ونزوئلا افزایش یافت، ولی تولید در هر سه منطقه کم شد و این کاهش تولید نیز به وسیله خلیج فارس جبران گردید و در برخورد آتی ما با لیبی ما بیش از سال گذشته ملایمت و خونسردی نشان خواهیم داد. چون تولید نفت آن در حال حاضر (نوامبر ۱۹۷۱) کمتر از ۲/۵ میلیون بشکه در روز تولید می‌کرد. و در صورتی که علیه شرکتها اقدامی انجام دهد و حتی اگر تولید نفت لیبی کاملاً قطع گردد، به احتمال زیاد خواهیم توانست تمام این کمبود را با افزایش تولید از طریق خط لوله نفتی عراق و خط لوله ترانس - عربی (که در حال حاضر فقط از ۵۰٪ ظرفیت آن بهره‌برداری می‌شود) و نیز از طریق نیجریه و ونزوئلا جبران نماییم.

ولی این راه حل نیز نگرانیها را به طور کلی برطرف نمی‌نماید. اگر یکی از کشورهای «حوزه خلیج» از لیبی حمایت کند، یعنی عراق شرکت نفت خود را ملی نماید و خط لوله ترانس - عربی نیز قطع شود، باز هم ما با بحرانی روبه‌رو خواهیم شد که البته شدت این بحران مانند سال قبل نخواهد بود و خسارات وارده نفتی نیز به همان میزان نخواهد بود.

یکی از خطراتی که جبران کمبود لیبی می‌تواند دربرداشته باشد، به وجود آوردن روحیه آسوده خاطری است. برای مصرف‌کنندگان نفت و نیز شرکتها «بازار خریداران» خیلی سودآورتر است، که در حال حاضر ما در همین نوع بازار قرار داریم. ولی باید در نظر داشت که عمر این بازار کوتاه است و احتمالاً آخرین بازار این‌گونه‌ای است که ما شاهد آن خواهیم بود.\*

تا سال ۱۹۷۵ مصرف جهانی نفت آن قدر بالا رفته و تولید جهانی نفت آن قدر در خاورمیانه و آفریقای شمالی متمرکز خواهد گردید که احتمالاً یکی از دو واقعه زیر رخ خواهد داد:

(۱) ظرفیت تولید اضافی و ذخیره‌ای جهانی آنقدر کم خواهد شد که قطع عرضه نفت توسط هر یک از پنج کشور اصلی عرضه‌کننده یعنی ونزوئلا، لیبی، ایران، کویت و عربستان سعودی، سبب خواهد شد که عرضه نفت به اروپا و ژاپن بحرانی پدید آید؛ یعنی پنج کشور خود را در موقعیت لیبی در سال ۱۹۷۰ خواهند دید، گرچه ذخایر ارزی ایران و ونزوئلا آنقدر نیست که آنها بتوانند در برابر کمبود درآمدهای خود مقاومت نمایند.

(۲) اکثر کشورهای اوپک که دائماً روی تولید اضافی خود حساب می‌کرده‌اند که میزان رشد آن نیز دائماً رو به افزایش بوده است - در آینده نزدیکی خواهند دید که تولید کاهش یافته و سقوط شدیدی پیدا خواهد کرد. بنابراین از اوپک به عنوان یک گروه باید انتظار داشت که دائماً طالب افزایش قیمت هر بشکه باشد؛ از این رو اوپک ممکن است اقدام به محدود نمودن تولید نماید تا بتواند نفت را برای آینده حفظ نماید. این استدلال که ارزش نفت کنونی در رابطه با نفتی که در سال ۱۹۹۰ تولید خواهد شد صفر است، به مذاق بسیاری از اعضای اوپک چندان خوشایند نمی‌آید. ارزش تئوریک این استدلال هر چه باشد، تنها زمانی حائز اهمیت می‌گردد که درآمد حاصله از نفت در زمینه‌های تولیدی مورد استفاده قرار گیرد، نه در زمینه خرید اجناس تجملی و تسلیحاتی.

تا سال ۱۹۸۰ یا ۱۹۸۵ تولید نفت ونزوئلا، نیجریه، الجزایر، لیبی، کویت و اندونزی احتمالاً به «اوج» خود رسیده درجه نهایی را نشان خواهد داد. اگر تا سال ۱۹۸۰، در نقاط دیگر جهان اکتشافات جدید و غیرمنتظره دیگری رخ ندهد، مطمئناً عربستان سعودی و عراق و احتمالاً ایران در تولیدات نفتی خود افزایش پدید خواهند آورد.

اگر از روشهای بازیافت ثانی و ثالث نیز استفاده شود. این افزایش تولید احتمالاً در چند دهه آتی و حتی در قرن آینده نیز ادامه خواهد یافت، ولی هزینه مصروف در این زمینه بسیار سنگین خواهد بود و برای استفاده از چنین منابع بازیافتی باید بتوان کاری کرد که دولتها نیز در مقابل هر بشکه نفت پول کمتری دریافت نمایند.

البته منظور این نیست که عایدات آنها کمتر از آنچه امروز هست باشد، بلکه باید کمتر از عوایدی باشد که در زمان توسل به روشهای بازیافت ثانی دریافت می‌گردد. در آن موقع حتی اگر فرض کنیم که تبدیل زغال سنگ، شیل و یا نفتی تعیین‌کننده قیمت نفت جهانی باشد، باز هم میزان عایداتی که نصیب دولتهای تولیدکننده می‌شود خیلی بیشتر از امروز خواهد بود، یعنی در قبال هر بشکه عایدات خیلی بیشتری به

\*- در گفتگویی که با دولت انگلیس در پایان اکتبر و اوایل نوامبر داشتیم، دولت انگلیس اظهار داشت که ما در تعریف کنونی بازار نفت خیلی بیشتر از آمریکاییها بدبین هستیم. چون ما در تعریف خود آن را «آخرین لحظات بازار خریداران» نامیدیم، در حالی که انگلیسیها فکر می‌کنند که به نظر آنها «بازار دائمی فروشندگان که جهان آن را در سال ۱۹۷۶ تجربه خواهد کرد، موقتاً نرمش به خرج داده است.»

جیب آنها سرازیر خواهد شد.

با حداقل همکاری در داخل اوپک (که در سال گذشته این همکاری بسیار قابل ملاحظه بوده است) این کشورها خواهند توانست در سال ۱۹۷۶ و در پایان قراردادهای تهران قیمت‌ها را خیلی بالاتر ببرند و در همان حال قادر خواهند بود شرکتهای نفتی را وادار سازند که با تقاضاهای آنها در زمینه «مشارکت» موافقت نمایند. البته اگر زودتر دست به کار شوند موافقت آنها را قبل از آن زمان نیز به دست خواهند آورد. خلاصه اینکه، در حال حاضر و حتی در بیست سال آینده شلاق در دست کشورهای تولیدکننده بوده و خواهد بود. شرکتهای دولتهای مصرف‌کننده و شرکتهای خودمان هنوز هم برگهای برنده‌ای در دست دارند که در بخش بعد به توضیح و تشریح آنها خواهیم پرداخت، ولی این برگها را باید با احتیاط تمام رو کرد تا شکست نابودکننده‌ای نصیب‌مان نشود.

#### ۸- قدرت شرکتهای

در گذشته شرکتهای نفتی بزرگ، در رابطه با دولتهای تولیدکننده طوری رفتار می‌کردند که گویی آنها (شرکت) ملل حاکم هستند و در بسیاری از موارد، تکنولوژی درآمد و عظمت شرکتهای آنها را نیرومندتر از بسیاری از دولتها نشان می‌داد. این شرکتهای در مناطق تحت امتیاز خود دولتها را مورد تهدید قرار می‌دادند و اظهار می‌داشتند که تولید را متوقف کرده به مناطق بهتری کوچ خواهند کرد. نتیجه این روش جسورانه در برخورد با دولتها خصوصاً آنهایی است که امروزه در رابطه با شرکتهای نشان داده می‌شود. لیکن با وجود این که بعضی از مقامات شرکتهای و حتی مقامات دولتهای مصرف‌کننده رؤیای روزهای گذشته را هنوز هم در سر می‌پرورانند، ولی باید اذعان داشت که دیگر در برخورد با دولتها چندان قدرتی ندارند و در مدت کوتاهی این مطلب برای هر یک از تولیدکنندگان اوپک اگر تاکنون روشن نشده، حتماً آشکار خواهد شد. با این وصف، شرکتهای هنوز هم آنقدر ضعیف نشده‌اند. آنها سه وظیفه مهم دارند که باید در انجام آن بکوشند:

(۱) مهمترین وظیفه آنها تأمین و تضمین سرمایه است.

طبق برآورد بانک چیس مانهاتان، این صنعت در خارج از دنیای کمونیستی در ده سال آینده به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیز خواهد داشت. که از این مبلغ ۱۸۰ میلیارد آن برای برآورد نیاز کاری و دیگر نیازهای عمومی شامل اوراق قرضه است، و ۳۶۰ میلیارد دیگر سرمایه مورد نیاز در زمینه مخارج است. (در این مورد در همین مقاله در موضوعی دیگر بحث خواهد شد). از سرمایه مورد نیاز برای مخارج حدود یک سوم دیگر تسهیلات آتی (یعنی، اکتشاف، توسعه و تولید) به کار خواهد رفت. بعضی از کشورهای اوپک احتمالاً سرمایه زیادی را ذخیره خواهند کرد، ولی اکثر آنها به این کار تن در نخواهند داد. به هر حال، نیاز محلی به سرمایه بر نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه نفت ارجحیت خواهد یافت. اگر دولتها تصمیم بگیرند که شرکتهای را ملی نمایند و یا حداقل کنترل آنها را به دست گیرند، حداقل امکان دارد که وحدت میان اوپک از میان برود؛ و در آن صورت خلاف اوضاع کنونی که تمام دولتهای تولیدکننده در برابر صنعت قرار گرفته‌اند، این امکان کاملاً وجود دارد که رقابت میان این دولتها قیمت نفت را کاهش دهد. این موضوع در کوتاه مدت به نفع مصرف‌کنندگان و حتی شرکتهای خواهد بود چون آنها ابتدا مبادرت با

خرید نفت کرده، حمل و نقل، پالایش و بازاریابی آن را نیز به عهده می‌گیرند (دلایل بسیاری حاکی از آن است که کشورهای اوپک این خطر را شناخته‌اند و به همین دلیل اجازه خواهند داد که شرکتها تا حدی در تولید نقش داشته باشند). بنابراین، می‌توان گفت که سرمایه لازم در زمینه تولید مصرف نخواهد شد و در مدت کوتاهی جهان بحرانی را در زمینه عرضه تجربه خواهد کرد که بجز کاهش شدید در مصرف راه فرار دیگری از آن نخواهد داشت.

ممکن است اینطور استدلال بشود که دولتهای تولیدکننده آن قدر بالغ شده‌اند که مقدار زیادی از درآمد خود را برای ایجاد تسهیلات تولیدی بکار برند و امکان دارد که بعضی از کشورها نیز این کار را انجام بدهند، ولی امکان ندارد و اصولاً قابل درک نیست که یکی از کشورهای اوپک پول و تولید خود را در کشوری دیگر به کار گیرد، بخصوص که خطر از دست رفتن سرمایه آنها مانند شرکتهای نفتی نیز وجود دارد.

البته این امکان نیز وجود دارد که کشورهای مصرف‌کننده سرمایه لازم را برای توسعه منابع جدید به کار گیرند، ولی مشکل بتوان بدون استفاده از شرکتهای نفتی که تجربه لازم در این زمینه را در اختیار دارند به این هدف چ آمد. تجارب ENI، CFP، ERAP در زمینه تولید در خارج نیز نمی‌تواند سبب از بین رفتن نگرانی کسانی شود که فکر می‌کنند شرکتهای نفتی دولتی قادر هستند در زمینه مسئله عرضه نفت راه حلی ارائه دهند.

(۲) دومین قدرت صنعت مهارتی است که در زمینه تکنولوژی دارد و نیز در پیچیدگی بسیار توزیع و بازار نفت نهفته است.

اگر همه کشورهای اوپک نتوانند، اکثر آنها خواهند توانست امور حوزه‌های نفتی خود را در دست بگیرند. نفت در حال حاضر استخراج شده است و مطمئناً از طریق چاههای نفت کنونی تولید خواهد شد، ولی حفر چاههای جدید مشکلات جدیدی را نیز به همراه خواهد داشت و اکثر تکنیسینهای کشورهای اوپک حتی در ونزوئلا که از نظر تکنولوژی در میان کشورهای اوپک خیلی پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر نیز هست، قادر نخواهند بود که حوزه‌های جدید نفتی را کشف و مورد بهره‌برداری قرار دهند. پیچیدگی مشکلات در زمینه بهره‌برداری حوزه‌های نفتی جدید با اضافه شدن مشکل بازاریابی نفت دوصد چندان خواهد شد، ولی شک نیست که کشورهای اوپک اهمیت این موضوع را نیز دریافته‌اند. در تقاضای اوپک برای «مشارکت» صریحاً آمده است که خود کمپانیها باید نفت را مستقیماً به بازار عرضه کنند، به احتمال قوی در طرح بازار معمولی شرکتها، نه شرکتها و نه دولتها هیچ‌یک نخواهند توانست به تنهایی بازار جدیدی برای ۲۰٪ نفت تولید شده در کشورهای اوپک پیدا کنند.

(۳) سومین نکته عبارت است از وظیفه شرکتها به عنوان مانعی میان دولتهای تولیدکننده و مصرف‌کننده. این موضوع برای هر دو حائز اهمیت است. دولتهای تولیدکننده می‌توانند شرکتها را مورد تهدید و اذیت و آزار قرار دهند. در صورتی که با دیگر شرکتهای ملی نفت و یا با دولتهای مصرف‌کننده مستقیماً سر و کار داشتند موضوع حیثیت ملی به میان می‌آمد و سازش و مصالحه اصولاً امکان‌پذیر نمی‌بود. حتی اگر این موضوع هم در میان نباشد، شک نیست که قراردادهای تهران / تریپولی / بغداد در نیمه اول ۱۹۷۱



طوری اجرا گردید که از به میان کشیده شدن حیثیت و شرف ملی اجتناب ورزیده شود. اگر در ژانویه ۱۹۷۱ دولتها به جای شرکتها در تهران حضور می‌داشتند، مشکل بتوان تصور کرد که نتیجه حاصله به اندازه نتایج حاصله کنونی رضایتبخش می‌بود.

اقدامات دولت آمریکا از طریق نمایندگی ابروین به خلیج فارس صرفاً شامل: الف) اعلام اخطار نسبت به کشوری بود که صدور نفت به آمریکا و دوستانش را قطع نماید که در نتیجه بر روابط بین آن کشور و آمریکا نیز شدیداً تأثیر خواهد بخشید. ب) خواستار تمدید زمان مذاکره برای شرکتها شده بود. پ) خواستار توقف جهش قیمتها در اوپک شده بود. دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی صرفاً به حمایت از شرکتها و تلاشهای آمریکا پرداختند.

در اینجا نکته دیگری نیز هست که نباید زیاد بر آن تکیه نمود، ولی ذکر آن هم خالی از فایده نیست. ما معمولاً کشورهای تولیدکننده را راهزنان بی‌وجدانی می‌نامیم که برای قوانین بین‌المللی و اخلاقیات احترام قائل نیستند. اگر شرکتها و دولتهای مصرف‌کننده و دولت خودمان نیز همین رویه را در پیش بگیرند ما نیز به همان نام خوانده خواهیم شد، ولی باید اعتراف کنیم که در اوپک مردانی چون شاه فیصل، امیر کویت و دیگران... وجود دارند که به شرف و تمامیت ارضی احترام می‌گذارند. اگر واقعیت را در نظر بگیریم می‌بینیم که باید از آنها انتظار داشته باشیم که برای حفظ منافع خود به طور منصفانه عمل نمایند. بعضی از دولتهای اوپک از قبیل دولت عراق گاهی اقداماتی انجام داده‌اند که با هیچ منطقی مطابقت نمی‌کند، ولی اکثر آنها رفاه اقتصادی خودشان را نیز در نظر دارند. برای شرکتها و یا دولتهای مصرف‌کننده چندان هم مشکل نیست اگر بخواهند از طریق نمایندگیهای دیپلماتیک و یا سفیران ویژه تولیدکنندگان را متقاعد سازند که باید به قراردادی که براساس اعتماد دو جانبه و تفاهم منعقد گردیده احترام بگذارند تا منابع جدید نفتی کشف شود و تسهیلات لازم برای تولید، پالایش، حمل و نقل و توزیع آن ایجاد گردد، و باید روشن شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هر دو از ثبات در بازار نفت بهره می‌برند.

#### ۹- نقاط ضعف کشورهای مصرف‌کننده در برابر اوپک\*

وابستگی روزافزون کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، بخصوص اروپای غربی و ژاپن به نفت اوپک امکان انجام اقدامات مؤثر توسط آنها را محدود و هر کاری که بخواهند انجام دهند باید بدون مداخله نظامی (که در اینجا این مورد در نظر گرفته نشده است) تأثیری فوری داشته باشد، در حالی که برای به اجرا گذاشتن بسیاری از سیاستها زمان لازم است. علاوه بر این، تفرقه اقتصادی و ایدئولوژیک حاد جهان احتمالاً به این معنی خواهد بود که ائتلافی از ملل کشورهای کمتر توسعه یافته در خارج سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و کشورهای اروپای شرقی و شاید چین سبب شود که اقدامات انجام شده توسط این سازمان خنثی گردد.

در رابطه با خواست اوپک مبنی بر افزایش نامحدود قیمت نفت و یا قطع صدور نفت تا زمانی که قیمتها

\*- این فصل را می‌توان نقاط قوت تولیدکنندگان نیز نامگذاری کرد. این بخش را به این دلیل از قسمت جدا شده است تا بتوان به طور کامل در مورد پیشنهادات ارائه شده در زمینه اقدامات تلافی‌جویانه‌ای که از طرف مصرف‌کنندگان علیه تولیدکنندگان نفت ممکن است اتخاذ شود، بحث نمود.

افزایش یابد، کشورهای مصرف کننده می توانند نفت کمتری خریداری نمایند، ولی نمی توانند تا مدت زیادی دوام بیاورند چون نه می توانند این نفت لازم را از منابع غیراوپک دریافت نمایند و نه اینکه به دیگر اشکال انرژی دسترسی دارند.

به عنوان اقدامات تلافی جویانه‌ای که کشورهای مصرف کننده ممکن است در قبال افزایش قیمت نفت علیه کشورهای اوپک انجام دهند، در زمانهای مختلف سه پیشنهاد شده است که عبارتند از: تحریم تجارتي، مسدود ساختن آن بخش از منابع مالی اوپک که در کشورهای مصرف کننده نگاهداری می شود و حذف کمک به اوپک ولی هیچ یک از آنها عامل مشوق نبوده، عملی نیز نمی باشد:

### (۱) تحریم تجاری

بسیاری از کشورهای اوپک دارای نظامهای اقتصادی و اجتماعی نسبتاً ابتدایی هستند. اکثریت جمعیتهای آنان به کشاورزی اشغال داشته، خارج از اقتصاد پولی عمل می کنند. به عبارت دیگر، ممانعت از جریان واردات به آنها کمتر از دیگر جوامع پیشرفته آسیب می رساند، ولی بدون شک در برنامه های عمرانی و میزان رشد آنان وقفه عمده ای پدید خواهد آمد. ممکن است مجبور شوند از بعضی از کالاهای تجملی چشم پوشی بنمایند، ولی واردات عمده از قبیل مواد غذایی و سرمایه ای را که برای تداوم حداقل فعالیت اقتصادی احتیاج دارند، قطعاً از طریق کشورهای دیگری در آفریقا، آسیا یا بلوک شوروی تأمین خواهند نمود. علاوه بر این، تحریمهای تجاری غالباً فاقد عملکرد مثبت هستند. تحریمی که در این زمینه تحت حمایت بسیاری از کشورهای جهان علیه رودزیا صورت گرفت نیز فاقد تأثیر لازم بود، و تحریم کشورهای اوپک نیز از حمایت مشابه آن چنانی برخوردار نخواهد بود.

ذخایر ارزی بین المللی پنج کشور بزرگ اوپک در پایان سال ۱۹۷۰ به قرار زیر بوده است:

عراق	۳۹۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار
عربستان سعودی	۹۴۶/۰۰۰/۰۰۰ دلار
کویت	۲۲۳/۰۰۰/۰۰۰ دلار
ایران	۳۱۵/۰۰۰/۰۰۰ دلار
لیبی	۲/۳۳۱/۰۰۰/۰۰۰ دلار

در مقایسه با ذخیره ارزی و میزان کل واردات می توان گفت که ایران آسیب پذیرترین این کشورها می باشد. چون ذخایر ارزی این کشور تقریباً معادل صورت حساب واردات سه ماهه این کشور در سال است.

ولی، لیبی با ذخایر ارزی خود می تواند حدود ۴۱ ماه دوام بیاورد. در واقع صورت حساب وارداتی بهنگام تحریم کاهش می یابد، چون واردات غیر ضروری نفتی در این زمان حذف می گردد و در همان حال صورت حساب وارداتی به قدری کم نخواهد شد که آن را واردات «بحرانی» بتوان نامید، چون باید واردات گران قیمت تری جایگزین آنها بشود. لیکن در صورت تعادل، حتی کشور ضعیف ایران نیز می تواند بیشتر از سه ماه دوام بیاورد و در صورتی که لیبی و عربستان سعودی هم به این کشور از نظر مالی کمک نمایند، خواهد توانست بیشتر روی پای خود بایستد.

## (۲) مسدود شدن منابع مالی

کشورهای مصرف‌کننده می‌توانند منابع مالی کشورهای اوپک را، یا توام با تحریم تجاری و یا به عنوان سیاستی مستقل مسدود نمایند. قسمت اعظم منابع مالی کشورهای اوپک یا در سویس و یا در انگلیس نگاهداری می‌شود. مشکل به اجرا گذاشتن و موجودیت اعتبارهای کوتاه مدت از طریق کشورهای کمونیستی از تأثیر مسدود شدن منابع مالی اوپک می‌کاهد. ممکن است که انگلیس نیز که به عنوان مرکز بانکداری و پولی بین‌المللی عمل می‌کند، با مسدود شدن منابع مالی اوپک در کشور خود موافقت نماید، گرچه این احتمال چندان هم امکان‌پذیر نیست. در تمایل سویس به این کار نیز تردید بسیاری وجود دارد، حتی امریکا نیز ممکن است نتواند چنین کاری را انجام دهد؛ چون مسئله این است که آیا در صورت بروز یک موقعیت اضطراری ملی ما از نظر قانونی قادر به انجام چنین کاری هستیم یا خیر. بنابراین مسدود شدن منابع مالی چندان هم واقعگرایانه نیست و اگر هم باشد چندان مؤثر نخواهد بود.

## (۳) قطع کمکها

در این زمینه ایران تنها دریافت‌کننده کمکهای خارجی چشمگیر می‌باشد و حتی این کشور نیز با کمک عربستان سعودی، لیبی و بلوک شرق خواهد توانست تا مدت زیادی دوام بیاورد. البته مبادرت به هر یک از اقدامات بالا سبب خواهد شد که شوروی و چین در منطقه اوپک مواضع خود را مستحکم نمایند و به این ترتیب در پایان مرافعه کشورهای مصرف‌کننده مواضعشان ضعیفتر از آغاز این برخورد شده است.

## ۱۰- منابع جایگزین انرژی قبل از سال ۱۹۸۰

برآوردهای حاصله نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۰ از طریق شیل می‌توان حدود ۱۰۰/۰۰۰ تا یک میلیون بشکه در روز تولید نمود، در حالی که خوش‌بینانه‌ترین این برآوردها تولید ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز را ممکن می‌دانند. یکی از شرکت‌هایی که شدیداً در زمینه شیل به کار مشغول است اظهار داشته که با تلاش دولت و صنعت و با اعمال نظارت‌های زمان جنگ بر تولید، تا آن زمان می‌توان هر روز حدود ۳ میلیون بشکه نفت از این طریق تولید نمود. ولی دیگران معتقدند که این کار امکان‌پذیر نیست. در کوتاه مدت آینده تولید نفت از زغال سنگ نیز چندان رضایتبخش نیست. در منطقه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز آینده استفاده از انرژی هیدروالکتریک چشم‌انداز امید بخشی ندارد و در این چهارچوب زمانی مبادرت ورزیدن به یک برنامه ضربتی انرژی اتمی نیز نخواهد توانست وابستگی ما به نفت را کاهش دهد. غیرعادی‌ترین انواع انرژی تبدیل انرژی خورشیدی یا ترکیب هیدروژنی است که از مهمترین منابع نیرو به شمار می‌آیند، ولی هیچ‌یک از آنها تا پایان این قرن امکان‌پذیر نمی‌باشد. استفاده مؤثرتر از انرژی، به کمک MHD که هنوز کشف نشده است نیز می‌تواند مقداری از این وابستگی را از بین ببرد، لیکن در حال حاضر مقدور نیست.

به این ترتیب نمی‌توان چندان هم به کشفیات یا اختراعات جدید در حل مشکلات ما در زمینه انرژی در قرن بیست و یکم امیدوار بود. مسؤله‌ای نخواهد بود اگر فکر کنیم که قبل از سال ۱۹۸۰ ماشینی به کمک ما خواهد آمد. بلکه باید در زمینه پیشنهادات کمی بیشتر کار کنیم یعنی این واقعیت را در نظر بگیریم که در

صورتی که بهترین تلاشها نیز مثمر ثمر واقع شود، اروپای غربی، ژاپن و احتمالاً آمریکا هیچ کدام نخواهند توانست در آینده‌ای قابل پیش‌بینی (یعنی قبل از ۱۹۸۰) خود را از قید وابستگی کامل به اوپک برهانند.

## ۱۱- گاز

هدف اصلی مورد بحث در این رساله نفت است، ولی بد نیست در اینجا چند کلمه‌ای هم درباره‌ی گاز گفته شود. گاز را «سوخن ایدیه آل» نامگذاری کرده‌اند. گاز بدون آلودگی می‌سوزد و تولیدات آن دی‌اکسید کربن و آب است. تولید کثافت و سولفور نمی‌کند و به آسانی می‌توان آن را در آشپزخانه و نیروگاههای عظیم به کار برد. با سیاست قیمت‌گذاری کمیسیون فدرال نیرو، قیمت گاز مصرفی در آمریکا نیز بسیار ارزان است. گاز کنونی به قیمت ۲۰ سنت برای هر هزار فوت مکعب فروخته می‌شود و گاز جدیداً کشف شده را نیز حدود ۲۵ سنت برای همین مقدار می‌فروشند. قیمت گاز در حال حاضر خیلی کمتر از قیمت نفت است. با قیمت ۲۵ سنت برای هر هزار فوت مکعب گاز، در حالی که هر ۵۸۰۰ فوت مکعب آن از نظر محتوای حرارتی برابر یک بشکه نفت است، قیمت هر بشکه نفت باید ۱/۴۵ دلار باشد. در آمریکا قیمت کنونی هر بشکه نفت حدود ۳/۵ تا ۳/۷۵ دلار است؛ قیمت هر بشکه نفت در خلیج نزدیک به ۲ دلار تمام می‌شود و قیمت هر بشکه نفت خام کم سولفور نیجریه و لیبی که گاز کاملاً می‌تواند با آن رقابت کند، حدود ۳ دلار تمام می‌شود.

ذخایر گازی آمریکا به طرز قابل ملاحظه‌ای رو به کاهش است و اکنون آمریکا گاز را به نسبت ۲۲ تریلیون فوت مکعب در سال مصرف می‌کند و منابع بازیافتی جدید گاز فقط نیمی از آن را می‌توانند تأمین نمایند. به عبارت دیگر ذخایر ما به میزان ۱۰ تا ۱۲ تریلیون فوت مکعب در حال از بین رفتن است و با این وصف که کل ذخایر گازی ما بالغ بر ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب می‌شود باید گفت که وضع چندان نیز امیدوارکننده نیست. در واقع به عقیده صنعت تا سال ۱۹۷۵ مصرف ما در این زمینه دچار محدودیت خواهد گردید و چون در سال ۱۹۸۰ نفت تنها معادل واقعی گاز می‌باشد، شاید رقم مصرفی نفت در جاهای دیگر پایین نشان داده شده است.

صنعت گاز معتقد است پایین بودن مصنوعی قیمت گاز در آمریکا تنها دلیل مستقیم برای کشف نشدن حوزه‌های جدید گازی است. البته دیگران با این نظریه چندان هم موافق نیستند؛ چون فکر می‌کنند که افزایش قیمت تولید گاز تنها سبب می‌شود که میزان عرضه گاز به مقدار ناچیز افزایش یابد. بنابراین لازم است که دولت و صنعت مشخص نمایند که افزایش قیمت گاز به هنگام تولید در آمریکا چه نقشی را در عرضه گاز ایفا خواهد کرد. البته این مسئله از طرف وزارت امور خارجه به صنعت گاز، صنعت نفت و کمیسیون نیروی فدرال توصیه گردیده است. یکی از مجلات مهم تجاری کار خود را در این زمینه به زودی آغاز خواهد کرد.

از همان زمانی که نفت در کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس کشف گردید، گاز به موازات آن پیدا شد و بی‌هدف سوزانده می‌شد. اکنون ایران مقداری از گاز طبیعی خود را به شوروی می‌فروشد و مقداری از آن را وارد کپسولها می‌نماید، ولی به طور کلی حدود سه چهارم گاز تولید شده در خلیج فارس به هدر می‌رود. شرکتهای نفتی معتقدند که این نوع گاز یک منبع نیست و همراه با تولید و استخراج نفت تولید می‌گردد، بنابراین نمی‌توان از آن بهره‌برداری کرد. در حال حاضر حدود ۱۰ میلیارد

فوت مکعب گاز در روز به هدر می‌رود و درست است که قبلاً برای آن بازاری وجود نداشته است، لیکن این موضوع نیز به زودی تغییر خواهد کرد. در حال حاضر تعدادی از کشورهای آفریقای شمالی از قبیل لیبی و الجزایر که به بازارهای اروپایی نزدیک‌ترند، گاز مایع را در آنجا می‌فروشند. الجزایر نیز قرار است طبق یک پروژه عظیم به آمریکا گاز بفروشد. البته نرخ این گاز در مقایسه با نرخ گاز در آمریکا بسیار بالا است. بسیاری از خریداران آتی گاز از اینکه باید گاز الجزایر را به قیمت هر هزار فوت مکعب ۸۰ سنت در آمریکا بفروشند بسیار تعجب کرده‌اند. البته این قیمت در مقایسه با گازی که آمریکا به قیمت هر هزار فوت مکعب ۴۰ سنت می‌فروشد بسیار گران است، ولی اگر با قیمت نفت مقایسه شود می‌بینیم که اصلاً گران نیست. چون قیمت ۸۰ سنت برای هر هزار فوت مکعب برابر است با قیمت ۴/۶۴ دلار برای هر بشکه نفت، در حالی که نفت نامرغوب کم سولفور که چندان هم مفیدتر از گاز نیست و در نیویورک به قیمت ۴/۴۰ دلار برای هر بشکه به فروش می‌رسد.

گاز را می‌توان از نفتا\* نیز تولید کرد، اما این کار بستگی به قیمت ارزان نفت دارد. البته قیمت آن امروزه خیلی پایین است، ولی اگر تبدیل به گاز شود قیمت آن افزایش خواهد یافت. و به هر حال نیز قیمت آن بالا خواهد رفت چون صنعت پتروشیمی از نفتا به عنوان منبع تغذیه خود استفاده می‌کند، و احتمالاً پروژه‌های تبدیل زغال سنگ یا نفت خام به گاز منطقی‌تر به نظر می‌رسد. لیکن در اینجا قیمت هر هزار فوت مکعب گاز ترکیبی حدود ۱/۲۰ دلار است. که با این قیمت هر بشکه نفت باید ۷ دلار تمام بشود. با وجود امتیازات بسیار گاز، گمان نمی‌رود که بسیاری از استفاده‌کنندگان (بجز منازل) بتوانند چنین قیمت‌گزافی را برای آن پردازند.

قیمت گاز مایع به هنگام تولید در مقایسه با هزینه لازم برای سرمایه‌گذاری و تولید و صدور آن بسیار ناچیز است. ظاهراً در الجزایر هر هزار فوت مکعب آن حدود ۱۰ سنت تمام می‌شود. ممکن است این قیمت نیز افزایش پیدا کند، ولی چون گاز نیز مانند نفت برای این کشورها یک منبع درآمد اصلی نیست امکان افزایش آن خیلی کم است.

هزینه حمل و نقل گاز از خلیج فارس آنقدر بالاست که گمان نمی‌رود بتوان آن را عملی نمود. در آینده، در صورتی که قیمت‌ها بالاتر برود و در صورتی که کانال سوئز نیز باز بشود خلیج فارس علاوه بر عمده‌ترین منبع نفت مهم‌ترین منبع گاز نیز به حساب خواهد آمد.

## ۱۲- رابطه جدید بین دولتهای مصرف‌کننده و تولیدکننده

بعضی از کشورهای مصرف‌کننده معتقدند که عدم ثبات در عرضه نفت ناشی از خصومت اعراب علیه آمریکا است، چون بسیاری از اعراب معتقدند که آمریکا با حمایت از اسرائیل با منافع آنها مخالفت می‌ورزد. تعدادی از کشورهای مصرف‌کننده (از قبیل ایتالیا، فرانسه و اسپانیا) معتقدند که برای ایجاد ثبات در این زمینه باید روابط جدید با کشورهای تولیدکننده برقرار کرد که فراتر از روابط ایجاد شده توسط شرکت‌های نفتی «انگلساکسون» باشد و به این ترتیب بتوان مانع اقدامات بعدی اعراب علیه آمریکا گردید. این طرح که به وسیله مقامات جامعه اقتصادی اروپا در بروکسل تهیه شده خواستار نوعی وابستگی اقتصادی بین کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده است و معتقد است که در این صورت اگر تولیدکنندگان

\*- بخشی از نفت خام در برج تقطیر (م).

به تحریم نفتی مبادرت ورزند اقتصاد خود آنها نیز به اندازه اقتصاد کشورهای مصرف‌کننده آسیب خواهد دید. بنابراین وابستگی دو جانبه ضامن ثبات در عرضه نفت خواهد گردید. ولی معلوم نیست که تمام کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و یا حتی بخشی از آنها بتوانند در برابر نتایج سیاسی داخلی علیه موضع آمریکا در خاورمیانه مقاومت نمایند. چون در این صورت مجبور خواهند بود برخلاف بسیاری از سیاستهای سنتی خود عمل نمایند. آلمان، هلند، دانمارک، نروژ و انگلیس با اسرائیل همبستگی بسیار دارند. علیرغم موضع دولت فرانسه از سال ۱۹۶۷، مردم فرانسه با سیاست وابستگی کلی به اعراب تمایل نشان نمی‌دهند. ایتالیا و ژاپن نیز ممکن است بخواهند چنین سیاستی را اتخاذ نمایند و با مخالفت داخلی سیاسی قابل توجهی روبه‌رو نشوند و نتایج چنین حرکتی به هیچ‌وجه به حل مسئله اعراب و اسرائیل کمکی ننموده، در رابطه آنها با ما، انگلیس و دیگران ایجاد اشکال خواهد نمود.

کشورهای اوپک در رابطه با واردات صنایع مادر وابستگی بسیار دارند، لیکن در همه حال آنها خواهند توانست بدون آنها نیز زندگی کنند، یعنی خیلی طولانی‌تر از مدتی که اروپاییها خواهند توانست بدون نفت سر کنند. وابسته‌نمودن اقتصاد پیشرفته اروپایی به اقتصادهای اصولاً ابتدایی از قبیل اقتصاد لیبی، سبب خواهد شد که لیبیاییها بر اقدامات مشتریان خود کنترل شدید داشته باشند، بنابراین مشکل به نظر می‌رسد که چگونه ضد آمریکایی‌ترین یا پر حرارت‌ترین هواداران عربی دولتهای مصرف‌کننده بتوانند به دفاع از این نظریه بپردازند، ولی با افزایش پیشرفت اوپک وابستگی آنها به کالاهای خارجی و کمکهایی فنی خارجی نیز افزایش پیدا خواهد کرد، بنابراین به نفع کشورهای مصرف‌کننده است که کشورهای تولیدکننده را به سوی پیشرفت سوق دهند. ایجاد یک طبقه متوسط در منطقه اوپک و وارد ساختن تمام جمعیت این منطقه به بازار پولی سبب گسترش وابستگی این کشورها به کشورهای مصرف‌کننده می‌شود که باید کالا در اختیارشان بگذارند. لیکن این برنامه به زمانی طولانی نیازمند است و در این مدت ایجاد هر گونه رابطه یک جانبه برای کشورهای مصرف‌کننده بیش از نظام کنونی که در آن شرکتهای نفتی به عنوان میانجی واسطه در عرضه نفت عمل می‌کنند، خطر در بر خواهد داشت.

کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ممکن است با پیشنهاد کمک، کمکهایی نظامی، یا روابط تجاری یک جانبه در رابطه خود با کشورهای تولیدکننده بهبود ایجاد نمایند، لیکن آینده این روابط نیز چندان امید بخش و دلگرم‌کننده نیست. گذشته از همه اینها، باید اذعان داشت که با بهتر شدن روابط سیاسی کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده در وضع کشورهای مصرف‌کننده نیز بهبود پدید خواهد آمد، و معلوم است که اگر عدم توافق سیاسی اعراب نسبت به ما کاهش یافته یا از بین برود، آمریکا، شرکتهای نفتی آنگلو ساکسون و مصرف‌کنندگان از موضع بهتری برخوردار خواهند شد. و در صورتی که این امکان وجود داشته باشد که از طریق آن بتوان تولیدکنندگان اصلی را به شدت به کشورهای مصرف‌کننده وابسته کرد، باید بدون درنگ و تردید و با تلاش بسیار این کار را انجام داد.

### ۱۳- روابط جدید بین دولتهای مصرف‌کننده و شرکتهای نفتی

آزادی تجاری شرکتهای نفتی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در تعدادی از

این کشورها از قبیل، انگلیس، امریکا، آلمان و بنلوکس،\* نامحدود (برخلاف دیگر صنایع) بوده و در فرانسه و ژاپن توأم با نظارت می‌باشد و در ژاپن از شرکتهای خارجی خواسته شده است که با شرکتهای ژاپنی در کار خود شریک بشوند.

مدتها قبل توسط دبیر جامعه اقتصادی اروپا نظریه‌ای پیشنهاد شد و به وسیله بعضیها مورد قبول واقع گردید، گرچه مقامات ایتالیایی آن را نپذیرفتند. این نظریه مبنی بر این بود که نفت مهمتر از آن است که در اختیار شرکتهای خصوصی قرار گیرد و اقتصاد هر یک از کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (بجز آمریکا و کانادا) بستگی به مقدار زیاد نفت وارداتی دارد. همه کسانی که این پیشنهاد را پذیرفتند معتقدند که شرکتهای در گذشته خیلی خوب عمل کرده‌اند، لیکن به گفته یکی از مقامات ایتالیایی «انعطاف‌پذیری مبالغه‌آمیز در پائیز سال ۱۹۷۰» یعنی زمانی که یکی از کشورها (لیبی) اظهار داشت که جهان را با بحرانی در عرضه نفت روبه‌رو خواهد کرد، پایان یافت چون شرکتهای نتوانستند برای جلوگیری از آن کاری انجام دهند.

این نظریه خواستار آنست که شرکتهای نیز مانند دیگر «مؤسسات عمومی تنظیم» گردند. یعنی دولتها در زمینه نفت با دولتهای تولیدکننده قرارداد منعقد سازند و قیمتها را نیز تعیین نمایند و شرکتهای نفت را استخراج، پالایش و به بازار منتقل نمایند، لیکن باز هم دولت قیمت مواد را تعیین نماید، و برای سرمایه‌گذاری شرکتهای نیز سودی «منصفانه» تعیین نماید.

ولی این اتهام که شرکتهای دیگر انعطاف‌پذیری خود را از دست داده‌اند چندان هم منصفانه نیست. مسئله مهم بسته شدن کانال سوئز شرکتهای را تحت تأثیر قرار نداد، آنها خسارات وارده در نتیجه قطع نفت خط لوله ترانس - عربی را جبران کردند و حتی کاهش تولید نفت لیبی به میزان سه چهارم میلیون بشکه در روز نیز نتوانست در مسئله عرضه نفت بحرانی به وجود آورد. لیکن انعطاف‌پذیری نیز یک عامل نامحدود نبود، و زمانی این انعطاف‌پذیری پایان یافت که لیبی تهدید نمود که اصولاً صدور نفت خود را به‌طور کامل قطع خواهد نمود. بنابراین این سابقه انعطاف‌پذیری آنها چندان هم بد نبوده است.

ولی امروزه اوضاع فرق کرده است. قرارداد بغداد و تریپولی قیمت نفت کوتاه مسافت را بالا برد، البته این مسئله نیز تا زمانی که نرخ حمل و نقل نفتکشها نیز بالا بود قابل توجیه می‌نمود، لیکن به خاطر کمتر شدن سرعت رشد مصرف و بحران ناچیز اقتصادی ژاپن که سبب شد کشتیهای حمل‌کننده کلوخه صنعتی به صورت کشتیهای نفتکش در آیند، این مسئله نیز از بین رفت. با پایین آمدن نرخ حمل و نقل تانکرهای نفتکش، تولید خلیج فارس نیز به قیمت از دست رفتن تولید در عراق، لیبی، نیجریه و ونزوئلا افزایش یافته است و خط لوله ترانس - عربی نیز به میزان نصف ظرفیت خود به کار افتاده است. امروز اگر باز هم لیبی بخواهد تولید خود را متوقف سازد، قدری درد سر ایجاد خواهد شد، ولی بحرانی در عرضه نفت به وجود نخواهد آمد - البته به این شرط که یکی دیگر از تولیدکنندگان اصلی کم مسافت نیز تولید خود را قطع ننماید. بنابراین «انعطاف‌پذیری مبالغه‌آمیز» دوباره به جای خود بازگشته است.

و تا زمانی که این انعطاف‌پذیری ادامه داشته باشد، تقاضاهای اروپاییان مبنی بر تحت کنترل گرفتن شرکتهای تا مدتی مسکوت خواهد ماند، ولی متأسفانه باید گفت این انعطاف‌پذیری برای همیشه و یا حتی برای مدت زیادی ادامه نخواهد یافت و قطعاً و یقیناً قبل از ۱۹۷۵ یا تمام و یا از میزان آن به شدت کاسته

\* - اتحادیه اقتصادی کشورهای بلژیک - هلند و لوکزامبورگ (م)

شده است. مسئله بعدی این است که آیا کشورهای مصرف‌کننده می‌توانند این انعطاف‌پذیری را به وسیله شرکت‌های ملی نفتی خود بازگردانند یا با تنظیم شرکت‌های مهم بین‌المللی؟ جواب این است که آنان قادر به انجام این کار نخواهند بود و حداقل می‌توان گفت که تاکنون نتوانسته‌اند سابقه خوبی را در این زمینه کسب نمایند. شرکت‌های ملی از قبیل ENI نیز نتوانسته‌اند در زمینه اکتشاف و تولید نفت موفقیتی بدست آورند. با وجود کمکهایی که به ENI می‌شود، این آژانس خواهد توانست تا حدی به رقابت با شرکت‌های نفتی اصلی بین‌المللی بپردازد، لیکن سودی به دست نخواهد آورد. معذالک، اگر بحران جدیدی در عرضه نفت به وجود آید، و یا شرکت‌ها نتوانند در برابر قیمت‌های سنگین و یا خساراتی که از «مشارکت» نصیب آنها می‌شود مقاومت نمایند، احتمالاً اروپاییان بار دیگر این مسئله را مطرح خواهند کرد و محدودیتی که جامعه اعمال خواهد کرد احتمالاً با میزان افزایش قیمت نفت رابطه مستقیم خواهد داشت.

بعضی از مدیران شرکت‌های نفتی آمریکایی که ما با آنها گفتگو کرده‌ایم اظهار داشته‌اند که وضع «روابط» جدید برای آنها در اروپا چندان مشکلی ایجاد نخواهد کرد. اگر به سرمایه‌گذاری آنها سودی «منصفانه» تعلق گیرد خوبست، چون در این صورت می‌توانند با بسیاری از شرکت‌های ملی اروپایی رقابت نمایند و در زمینه تولید و بازاریابی مشکلات خود را کاهش دهند.

ولی بسیاری از مقامات شرکت‌ها از این نحو برخورد متعجب شده، شدیداً به مخالفت با آن برخاستند. دولت آمریکا نیز باید با آن قویاً مخالفت نماید مگر اینکه بتواند ثابت نماید که این عمل امنیت و ثبات را افزایش داده و سبب خواهد شد که سرمایه‌های جدیدی برای بازیافت و توسعه ذخایر جدید نفتی به کار خواهد رفت. اکثر دولتهای اروپایی نیز با نگرانیهای مشابه دست به گریبان بوده درباره افزایش قیمت نیز نگران هستند، ولی قبل از اینکه جامعه یا سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در این جهت عملی انجام دهد، باید مطمئن بشود که در پایان پشیمان نخواهند شد که چرا به شرکت‌ها اجازه نداده است که خودشان این مسئله را حل و فصل نمایند.

مذاکرات سازمان توسعه و همکاری اقتصادی با اوپک برخلاف گذشته چندان هم خلاف واقع به نظر نمی‌رسد، لیکن باید مطمئن بشویم که می‌دانیم در نتیجه این عمل چه چیزی را می‌خواهیم به دست بیاوریم، چطور می‌خواهیم آن را به دست بیاوریم، نیرویمان در برابر اوپک چقدر است و علیه تولیدکنندگان چه نوع محدودیتهایی را خواهیم توانست به وجود بیاوریم. در حال حاضر سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به این درجه نرسیده است.

۱۴- ایجاد روابط سیاسی با دولتهای تولیدکننده خاورمیانه به نحوی که در ثبات عرضه نفت مؤثر باشد بخصوص در خاورمیانه، امور مربوط به کار و تجارت در جو دوستانه بهتر انجام می‌شود. بنابراین، حفظ روابط دوستانه سیاسی آمریکا با دولتهای تولیدکننده محیطی گرم را به وجود می‌آورد که در آن برخوردهای بین دولتهای میزبان و شرکت‌های نفتی آمریکایی و نیز مذاکراتی که در دهه ۱۹۷۰ باید در زمینه تغییر روابط انجام گیرد با سهولت و صمیمیت به وقوع پیوندد. مهمترین نمونه منفی این تغییر روابط خصمانه را می‌توان در محیطهایی دید که شرکت‌های نفتی در آنجاها به کار مشغول بوده‌اند، از قبیل عراق و لیبی پس از انقلابهایی که در این کشورها به وقوع پیوست. نمونه مثبت‌تر و مربوط به آن را در سفر هیئت نمایندگی ابروین به ایران، عربستان سعودی و کویت به هنگام بحران نفتی قبل از «قرارداد تهران» در سال



۱۹۷۱ می‌توان مشاهده کرد. با بهره‌برداری از روابط سیاسی دوستانه بین آمریکا و این کشورها، وی از آنان درخواست نمود که از تهدیدی که علیه شرکتها شده جلوگیری به عمل آورده جریان نفت خلیج را قطع نمایند و با شرکتها در مورد قیمتها براساس تجاری و نه سیاسی وارد مذاکره شوند، ولی لیبی در همان حال خواستار پیروی از عکس این قضیه شده بود. نخست‌وزیر این کشور به شرکتهای نفتی که برای مذاکره به آنجا رفته بودند گفت که دولت وی در نظر دارد خواستههای خود را در رابطه با شرکت افزایش داده، آنها را وادار نماید که قیمتها را آنقدر بالا ببرند تا مصرف‌کنندگان نفت و هم‌پیمانان آمریکا، آمریکا را وادار نمایند که در سیاست حمایت از اسرائیل در خاورمیانه تغییراتی ایجاد نمایند.

این تجارب نشان می‌دهند که برای در نظر گرفتن منافع آمریکا در نفت خاورمیانه سیاست خارجی ما در قبال این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تا آنجایی که به دولتهای تولیدکننده عربی مربوط می‌شود، ما نمی‌توانیم از افزایش توانایی آنها، همان‌گونه که به طور مختصر در سال ۱۹۶۷ نشان داده شد، در استفاده از نفت به عنوان یک «سلاح سیاسی» علیه غرب بی‌توجه باشیم، در گذشته نیز، ما به طور مؤکد اظهار داشته‌ایم که در حفظ و تداوم جریان نفت خاورمیانه به هم‌پیمانان خود در ناتو، ما مقاصد استراتژیک خود را دنبال می‌کنیم و تواناییهای مثبت آمریکا را در ادامه جریان آن نیز نشان داده‌ایم.

حقیقت این است که ما باید جلو یک سری عکس‌العملهای منفی علیه سیاستهای خاورمیانه‌ای خود را بگیریم، یعنی باید اقداماتی انجام دهیم که اعراب نتوانند بر مصرف‌کنندگان اروپایی فشار وارد آورده، آنها را وادار به عدم حمایت از سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و نادیده گرفتن دارندگان امتیاز نفتی آمریکا بنمایند تا بتوانند عرضه نفت خام ضروری خود را حفظ نمایند.

ما برای حفظ روابط دو جانبه با تولیدکنندگان نفتی خاورمیانه، گذشته از اتخاذ یک سیاست عربی اسرائیلی که برای آنها قابل تحمل باشد، باید روش کنونی خود را ادامه دهیم. موضع رسمی آمریکا در عربستان سعودی با افزایش تمایل این کشور برای به دست آوردن تجهیزات نظامی و کمکهای فنی آمریکا که توسط برنامه تسلیحاتی گروه مهندسين مشاور ریتون هاوک نشان داده شده، و بیشتر شدن نقش رسمی و خصوصی آمریکا در مدرنیزه ساختن نیروی هوایی سعودی، لجستیک ارتش، گارد ملی، نیروی دریایی و گارد ساحلی، بهبود بسیار یافته است. نفوذ ما در ایران ناشی از حمایت تاریخی ما از آنها در مقابل فشارهای شوروی است و امروز بسته به ارسال کمکهای مالی تجهیزات و مشاورین نظامی به این کشور است. در کویت ما برآنیم تا در زمینه امنیتی و پیشرفت اقتصادی نقش خود را بیش از انگلیس توسعه دهیم و این مقصد خود را در شیخ‌نشینهای خلیج نیز که به زودی از تحت‌الحمایگی انگلیس خارج خواهند شد، دنبال خواهیم کرد. این اقدامات آمریکا علاوه بر این، به منظور بر آورد یک سری نیازهای تکنولوژیکی است که حتی اگر در عربستان سعودی یک رژیم ناسیونالیست نیز روی کار بیاید، بی‌فایده نخواهند بود. این همکاری آمریکا با کشورهای تولیدکننده سبب می‌شود که یک جو روانی دوستانه در زمینه روابط نفتی پدید آید، ولی این جو به هیچ‌وجه نخواهد توانست در زمینه مسائل نفتی این کشورها به عنوان اهرمی مؤثر در دست آمریکا باشد. بنابراین به حکم ضرورت باید بر محدودیتهای وارده در توانائی روابط سیاسی خود با کشورهای تولیدکننده به منظور حفظ منافع نفتی خود اعتراف نماییم. کشورهای تولیدکننده از مدتها قبل با انگیزه اقتصادی سودجویانه، خواستار افزایش یافتن عایداتی هستند که از طریق نفت نصیب آنها می‌گردد. در اوایل ۱۹۶۷، وزیر نفت سعودی یعنی یمانی برای دانشجویان عربی در بیروت آرامکو را

اینطور تعریف کرد «که این شرکت گاوی شیرده است که نباید آن را اذیت و آزار نمود تا دهقان سعودی بتواند تا آنجا که ممکن است آن را بدوشد.» هیئت نمایندگی ابروین بحران نفتی ۷۱ - ۱۹۷۰ را دوباره به کانال تجاری انداخت، ولی مستقیماً از مشخص کردن صورت حساب ناشی از چک و چانه زدنهای خودداری کرد. در تحلیل نهایی، ما امیدواریم که به جنبه دوجانبگی منافع اقتصادی بین دولتهای تولیدکننده و شرکتهای نفتی امریکایی، بخصوص در حوزه تولیدکنندگان عربی، بیش از روابط سیاسی با آمریکا تأکید و توجه شود.

متأسفانه، کشورهای تولیدکننده دارای انگیزه‌های اقتصادی ناسیونالیستی هستند که در سکوی اوپک به نمایش گذشته می‌شود و گاهی هم احساسات سیاسی بر این ناسیونالیزم اقتصادی غلبه می‌کند. هر بار که در کویت مجلس شورای ملی به طور آزاد انتخاب گردید (مانند سالهای ۶۶ - ۱۹۶۴ و امسال)، فوراً قراردادهای بین شرکت و دولت مسدود اعلام گردید و بهانه این کار نیز این بوده است که به منظور حفاظت از منافع مادی کویت لازم است در اعتبار قراردادهای امتیازات نفتی مطالعه و مروری دیگر شود. ایران، یعنی مهمترین منطقه نفوذ سیاسی آمریکا در خاورمیانه نیز در سالهای ۷۱ - ۱۹۷۰ تیغ تیز حمله خود را متوجه شرکت امریکایی در آنجا نمود. این وضع نشانگر این واقعیت است که سیاست «مشارکت» کشورهای تولیدکننده نمی‌تواند تحت تأثیر روابط سیاسی دوستانه امریکایی انگلیسی با دولت میزبان قرار گیرد، ولی این روابط ممکن است در نحوه مذاکرات بهبودی ایجاد نماید.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از میانه‌روها «مشارکت» را یک گام تندروانه نمی‌پندارند. یمانی در چند سال گذشته به کرات به آرامکو گفته است که این شرکت باید به دولت عربستان سعودی در اداره صنعت نفت کشورش اختیاراتی بدهد و همیشه گفته است که وی به عنوان یک میانه‌رو و به عنوان دوست شرکتها این حرف را می‌زند. وی در ادامه می‌گوید اگر شرکتها در این باره قدری انعطاف‌پذیری نشان ندهند تدروها را وادار به ملی کردن شرکتها خواهند نمود. در یکی از جلسات پایان ماه نوامبر، یمانی به آرامکو گفت که مسئله مشارکت دیگر بر کلمه «اگر» متکی نیست بلکه به «چه وقت و چگونه» چشم دوخته است. او از شرکت خواسته است که این اصل را پذیرفته درباره نحوه اجرای آن پیشنهاداتی بنماید.

#### ۱۵- نیازهای سرمایه‌ای دهه آینده

همان طور که قبلاً اشاره شد، طبق برآورد بانک چیس مانهاتان صنعت بین‌المللی نفت در دهه آینده ۳۶۰ میلیارد دلار سرمایه در زمینه مخارج و ۱۸۰ میلیارد دلار سرمایه کاری احتیاج خواهد داشت. البته این مقدار سرمایه معادل است با کل سرمایه‌ای که این صنعت در تاریخ خود تا به حال مصرف نموده است، لیکن مصرف نفت نیز در دهه آتی بیش از آنچه تاکنون مصرف شده است خواهد بود و هزینه اکتشاف و ایجاد حوزه‌های جدید نفتی به میزان فاحشی بالا خواهد رفت، چون صنعت مجبور است برای این کار به حوزه‌های عمیقتر و محدودتر و نیز آبهای ژرف دور از ساحل پناه ببرد.

در منابع کنونی جهان حدود ۵۰۰ میلیارد بشکه نفت وجود دارد که به راحتی می‌تواند نفت ۳۰ سال آینده را تأمین نماید (در این مورد از بیانات درست استفاده نمی‌گردد. از نظر مهندسی و فنی این یک موضع آرامش بخش است، لیکن نگرانی ما در مورد این است که بخش اعظم این منابع در خاورمیانه قرار گرفته است). اگر فرض کنیم که مقداری هم ذخیره و صرفه جویی خواهیم کرد، در پایان این دهه برای حدود ۲۰

سال دیگر خواهیم توانست نفت تولید نماییم. در آن هنگام نفت در سال ۳۰ میلیارد بشکه خواهد بود که به این ترتیب کل ذخایر باید حدود ۶۰۰ میلیارد بشکه، یعنی ۱۰۰ میلیارد بشکه بیش از مقدار منابع کنونی باشد، ولی تا پایان همین دهه حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه نفت مصرف خواهد شد، یعنی باید حدود ۳۵۰ میلیارد بشکه نفت دیگر نیز در همین دوره کشف شده باشد. با در نظر گرفتن این کمیتها، می‌بینیم که خلیج پرودهو ۱۰ میلیارد بشکه و کویت نیز ۷۰ میلیارد بشکه نفت دارند. در هر یک از سالهای اخیر نتوانسته‌ایم سه نقطه مانند خلیج پرودهو کشف نماییم، بنابراین آینده کشفیات عمده نفتی چندان هم امیدوارکننده نیست.

در دهه آینده هر سال مصرف به میزان ۴۰ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. برای مطالعه مصرف، باید گفت که مصرف فرانسه ۲ میلیون بشکه در روز، مصرف آلمان ۲/۷ میلیون بشکه در روز و مصرف انگلیس ۲/۱ میلیون بشکه در روز می‌باشد. اکنون سؤال این است که سرمایه لازم از کجا خواهد آمد؟ باید گفت که صنعت خودش این سرمایه را تولید کرده است. در سال ۱۹۶۰ این صنعت ۹۰۰ میلیون دلار یا ۱۶ درصد سرمایه لازم خود از ۵/۵ میلیارد دلار را وام گرفت. در سال ۱۹۷۰ میزان این وام به ۳/۱ میلیارد دلار یا ۲۷/۲ درصد از ۱۱/۴ میلیارد دلار لازم رسیده بود. بدهی دراز مدت استاندارد اوپل نیوجرسی در سال ۱۹۶۱ معادل ۸۰۰ میلیون دلار بود که در سال ۱۹۷۰ معادل ۲/۴۴ میلیارد دلار گردید. ولی منافعی که عاید صنعت می‌شود به نسبت سرمایه‌گذاری آن زیاد نیست. «گروه» شرکت‌های نفتی بانک چیس مانهاتان که متشکل از همه شرکت‌های مهم بین‌المللی و شرکت‌های مهم مستقل کنترل‌کننده تولید نفت جهان در خارج از آمریکا می‌باشد، در سال ۱۹۷۰ معادل ۱۰/۳ درصد کل سرمایه سود برد که البته این میزان سود حدود یک درصد کمتر از سودی است که نصیب کارخانه‌های سازنده وسایل صنعتی آمریکا شده است.

در واقع اگر میزان منافع و سود به همین نسبت باقی بماند، صنعت به هیچ‌وجه قادر نخواهد بود سرمایه لازم برای گسترش مورد نیاز در سالهای ۱۹۷۰ را تهیه نماید. دیوید بارن، سرپرست شرکت نفت شل گفته است که سود شرکت‌های نفتی برای هر بشکه باید معادل ۰/۴ دلار باشد (که در حال حاضر سود آنها در ازای هر بشکه نفت نیمکره شرقی ۰/۳۳ دلار و در ازای هر بشکه نفت نیمکره غربی کمی بیشتر است). حتی اگر این خواسته نیز تحقق یابد و در دهه آینده ۲۵۰ میلیارد بشکه نفت هم مصرف شود سود کل آنها معادل ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. ۲۰۰ میلیارد دلار مورد نیاز دیگر را احتمالاً از طریق استهلاک وسایل به دست خواهند آورد. لیکن هنوز ۲۰۰ میلیارد دیگر باقی می‌ماند که ۲۰ میلیارد دلار آنرا احتمالاً خواهند توانست از طریق رهنی در ده سال آتی به دست آورند. که این مبلغ آخر معادل هفت برابر ۳ میلیارد دلاری است که در سال ۱۹۷۰ وام گرفته‌اند. آیا ممکن است بتوان این مبالغ را از طریق وام و یا فروش سهام تهیه نمود؟ البته این کار خطر زیادی را در بردارد و بانکها منابع مالی خود را در امور و زمینه‌های سودآورتری سرمایه‌گذاری خواهند کرد. اگر ارقام ارائه شده توسط بانک چیس مانهاتان درست باشد و اگر ارقام تهیه شده به وسیله سیتی بانک نیز قابل پذیرش باشد، متوجه می‌شویم که سود ۰/۴۰ دلاری آقای بارن در قبال هر بشکه کم است. این سود معادل حدود یک سنت کمتر در یک گالن آمریکایی است که این رقم خیلی پایین است، اگر آن را با مالیات دریافتی ۱۲ سنت برای هر گالن در آمریکا و حدود چهار برابر آن در کشورهای اروپایی مقایسه کنیم.

یک دورنمای جالب توجه این است که کشورهای تولیدکننده می‌توانند مقداری از ذخایر سرمایه خود را در دهه آینده برای خرید سهام ارائه شده و یا حتی برای خرید سهام شرکتها در زمانی که بازار سهام دچار رکود می‌شود به کار ببرند. به این ترتیب در مدتی نسبتاً کوتاه، در صنعت بین‌المللی نفت تولیدکنندگان دارای موضعی نیرومند می‌شوند و اگر بخواهند می‌توانند چند شرکت مهم را تحت کنترل خود درآورند.

#### ۱۶- نتیجه‌گیریها

امروزه وضع کشورهای مصرف‌کننده بهتر از سال قبل است. ارزشهای سهام بالا رفته است و نرخ حمل و نقل و وسیله نفتکشها پایین، تولید نفت کوتاه مسافت نیز پایین آمده است و به همین جهت ظرفیت ذخایر لیبی، نیجریه و ونزوئلا نیز افزایش یافته است. در مذاکراتی که هم اکنون آغاز شده است، اوپک در برابر شرکتها دو تقاضا را مطرح خواهد ساخت. تقاضای اول تطبیق پرداختها به تولیدکنندگان در برابر کاهش ارزش دلار است. شرکتها سعی کرده‌اند با اعلام این حقیقت که این خواست با مفاد قرارداد تهران مغایرت دارد، در برابر آن مقاومت نمایند، ولی فکر نمی‌کنیم که موفقیتی به دست آورند. البته با پیشنهادهایی که برای دولتهای تولیدکننده می‌نمایند معلوم است که در این راه موفق نشده‌اند. و احتمالاً نتیجه به این ترتیب است که دولت تولیدکننده در هنگام کاهش ارزش دلار در رابطه با (مثلاً) مارک آلمان پول بیشتری دریافت می‌کند، نخواهد بود بلکه ظاهراً سعی بر آن است که فرمولی تهیه شود تا براساس افزایش هزینه تجاری استوار باشد، یعنی کل افزایش پرداخت به دولت میزبان به عنوان دلار معادل سه یا چهار درصد باشد.

تقاضای مربوط به مشارکت خیلی جدی تر است، بخصوص که معلوم است که این موضوع به مشارکت معادل ۲۰ درصد در خلیج فارس ختم نخواهد شد و موضوع ۵۱ درصد و حتی ۱۰۰ درصد مشارکت به پیش کشیده خواهد شد. به نظر ما این مسئله کاملاً مغایر مفاد قرارداد تهران است. به این ترتیب، شرکتها باید اعتراض نمایند و ما هم راهی نداریم مگر از آنها در مذاکراتشان با کشورهای اوپک حمایت نماییم. ب نظر ما دیگر نمی‌توان امکان برخوردهای دیگر را از بین برد، مگر اینکه شرکتها حاضر بشوند پیرامون روابطی جدید با دولتهای تولیدکننده برای بعد از سال ۱۹۷۶ یعنی پایان قرارداد تهران گفتگو نمایند. لیکن اگر دولتهای اوپک درباره تقاضاهای خود در حال حاضر پافشاری نمایند، آمریکا باید از آنها بخواهد که (خسارات وارده بر کمپانیها را سریعاً و به طور کامل) بپردازند و اگر به این خواست ما پاسخ ندهند در بسیاری از کشورهای اوپک بجز ایران نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. (ما فرض را بر این گرفته‌ایم که اندونزی از این خط اوپک پیروی نخواهد کرد، قراردادهای ونزوئلا از هم اکنون تا سال ۱۹۸۳ نیز به زودی منعقد خواهد گردید و ایران نیز اعلام کرده است که پس از سال ۱۹۷۹ با کنسرسیوم قراردادی نخواهد بست و بنابراین ممکن است خواستار ۲۰ درصد مشارکت نیز نباشد). اکثر کشورهای تولیدکننده از ما کمک دریافت نمی‌کنند و جهان نیز به نفت احتیاج دارد. اگر تقاضای مشارکت نیز جنبه قانونی به خود بگیرد. شرکتها چاره‌ای جز موافقت با آن نخواهند داشت. البته آنها می‌توانند اساس تعیین منافع شرکتها را قیمتهای واقعی بدانند و نه قیمتهای تعیین شده و نیز می‌توانند خواستار مقداری فوق‌العاده بازاری بشوند که به آنها اجازه دهد که نفت را برای شرکتهای ملی بفروشند. به این صورت بار مالی که بر دوش شرکت

قرار می‌گیرد ناچیز خواهد بود.

با در نظر گرفتن قدرت دولتهای تولیدکننده و تقاضای ناسیونالیسم باید گفت که در دراز مدت حرکت در جهت مشارکت یافتن عملی حاکی از عدم مسئولیت است، ولی اگر شرکتها مقاومت به خرج دهند، ممکن است سبب ملی‌شدن کامل شرکتها بشوند که در زمینه منافع شرکتها و عرضه نفت جهانی نتایج تأسّف‌باری خواهد داشت. بنابراین بهتر است که در حال حاضر شرکتها اقدام به ارائه پیشنهادات خود مبنی بر ایجاد روابطی جدید با تولیدکنندگان برای دوران پس از سال ۱۹۷۶ بنمایند. این روابط می‌تواند مانند امتیازاتی که در حال حاضر اعطا می‌شود نوعی قرارداد ۵۰ - ۵۰ باشد، در حالی که سهم ارائه شده توسط شرکتها جبران می‌شود و دولت نیز ۵۰ درصد نیاز سرمایه‌ای آتی را برآورده خواهد ساخت. این مسئله می‌تواند مشارکت در هنگام تولید را نیز در برگیرد، شرکتها اغلب به این شرط تن در نداده‌اند، لیکن میزان سود خود را همیشه در پایان تولید نشان می‌دهند و اگر کشورهای اوپک مایل باشند که در زمینه پالایش و بازار نیز سرمایه‌گذاری نمایند، باید پیش از گذشته و با دقت بیشتر آن را مورد مطالعه قرار داد. چون در این صورت هم آنها قادر خواهند بود مقداری از سرمایه خود را ذخیره بنمایند.

روابط جدید می‌تواند شامل خروج داوطلبانه شرکتها از بخش عظیمی از حوزه امتیازاتی خودشان باشد (همان‌طور که در عراق در سال ۱۹۶۰ با توسل به زور این کار انجام شد) و پس از این شرکتها شاید بتوانند با ایجاد روابط جدید با دولتهای تولیدکننده و احتمالاً با دیگر شرکتهای کشورهای مصرف‌کننده باز هم وارد مناطق اخراجی بشوند. بنابراین دولتها نیز از همان ابتدا می‌توانند در تولید نفت بیش از میزان کنونی دخالت مستقیم داشته باشند.

اوضاعی که این رساله به تشریح آن پرداخته است چندان هم دلگرم‌کننده نیست، ولی کار جدیدی نیست، چون سازمان ناتو و سازمان توسعه همکاری اقتصادی نیز قبلاً در مورد اوضاع بین‌المللی بررسیهایی داشته‌اند. وزارت کشور، وزارت دفاع، شورای نفتی ملی، مشاور علمی رئیس‌جمهور، شورای امور داخلی و کمیته سیاست نفتی نیز اوضاع داخلی و خطر وابستگی به نفت وارداتی را مورد مطالعه و گوشزد قرار داده‌اند.

نتیجه‌گیری همه آنها مشابه و بسیار ترسناک بوده است. این نتایج آن قدر ناخوشایند بود که ما تصمیم گرفتیم آنها را نادیده گرفته و مسئله را با مطالعات بیشتر حل نماییم. سناتور جکسون معاون ریاست کمیته وزارت کشور در مجلس سنا مطالعه وسیعی را آغاز کرده است که احتمالاً به اهتمام کنگره و سنا و با شرکت قوه مجریه، دولت در حال انجام است. ما امیدوار بودیم که توصیه‌های ارائه شده در این رساله مورد قبول واقع شده، اقداماتی در قبال آنها انجام گیرد و البته نگران هم بودیم که نکند این کار چند سال طول بکشد. این مطالعه در آغاز با مشکلاتی مواجه شده بود و از حمایت کامل مجلس سنا و کنگره برخوردار نبود. سناتور پراکسمایر به تنهایی در این زمینه به بررسی پرداخته است و نماینده کنگره اسپینال که معتقد است جکسون برای به دست آوردن حمایت بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری به این بررسی پرداخته است، نیز یک نیروی ویژه در زمینه انرژی و منابع تشکیل داده است. ما معتقدیم که این مطالعات و بررسیها هر چه زودتر باید خاتمه یابد، مگر اینکه فردی پیدا بشود که بتواند خیلی سریع و بدون وقفه نتیجه‌های گرفته شده در مطالعات قبلی را به درستی رد نماید، چون زمان آن رسیده است که چه در داخل و چه در خارج اقدامات مناسب انجام شود. ما اقدامات ویژه وزارت امور خارجه را در بخش بعدی پیشنهاد

می‌کنیم:

## ۱۷- اقدامات پیشنهادی

الف - اقداماتی که باید به وسیله شرکتها انجام شود

(۱) با اوپک قراردادهای جدیدی در زمینه تولید برای بعد از سال ۱۹۷۶ منعقد گردد

شرکتها باید بدانند که سال ۱۹۷۶ پایان مدتی خواهد بود که آنها قادر به حفظ امتیازات خود می‌باشند، مگر اینکه تغییری صورت پذیرد. پایان قرارداد تهران جنبشهای گول آسایی در قیمت نفت به وجود خواهد آورد و دولتهای اوپک خواستار ایجاد روابط جدید بین دولت و شرکت خواهند شد اگر تاکنون این تقاضاها را مطرح نکرده باشند و تنها راه مقاومت در برابر افزایش قیمت و تقاضای مشارکت این است که برای بعد از سال ۱۹۷۶ با کشورهای تولیدکننده قرار دادی در زمینه روابط جدید منعقد گردد و این به معنی کاهش منافع شرکتها نباید باشد، بلکه به این معنی است که به دولتهای تولیدکننده در مدیریت شرکتها در حال کار در مرزهایشان اختیاراتی داده شود.

(۲) ترکیب شرکتهای تولیدکننده نفت را افزایش دهید.

در حال حاضر بخش اعظم تولید نفت در اختیار هفت شرکت عظیم اصلی نفت است، که پنج شرکت آنها آمریکایی، یکی از آنها انگلیسی و دیگری انگلیسی - هلندی می‌باشد. فرانسویها نیز در تولید نفت نیمکره شرقی نقش دارند، ولی این نقش نمی‌تواند نیازهای نفتی خودشان را نیز به تنهایی برآورده سازد. مصرف‌کنندگان مهم نفت یعنی ژاپن، آلمان و ایتالیا سعی کرده‌اند خودشان کنترل تولید مربوط به خود را بگیرند، شرکتها باید کاری کنند که قدری از امتیازاتشان در اختیار شرکتها این سه کشور قرار گیرد. مثلاً می‌توان به گسترش کنسرسیوم در ایران یا آرامکو در عربستان سعودی همت ورزید. برای شرکتها بهترین کار این است که به سرمایه‌گذاری مشترک در مناطق جدید مبادرت ورزند. مثال بسیار خوب این مورد عملیات موبیل ژاپنی در ایران می‌باشد.

..... اقدام ویژه (۱) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود

وزیر امور خارجه و معاون وزیر باید مقامات مهم اجرایی شرکتها نفتی بزرگ و مستقل را فرا خوانده، نظریات ما را درباره وقایع احتمالی در جهان نفت با آنها در میان گذاشته و اقداماتی را که ما ممکن است به خاطر آنها انجام دهیم برای آنها (همان‌گونه که در ذیل تشریح شده) مطرح نمایند و از آنها خواسته شود که اقدامات بالا را انجام دهند و نیز به آنها گفته شود که اگر آنها به اعضاء اوپک نشان ندهند که مایل هستند برای بعد از سال ۱۹۷۶ روابط جدیدی را برقرار نمایند، شانس موفقیت ما نیز در زمینه دیپلماتیک بسیار ناچیز خواهد بود.

ب - اقداماتی که دولت آمریکا باید در داخل کشور به خاطر شرکتها انجام دهد.

(۱) تشکیل یک گروه مشاور نفتی بین‌المللی

این گروه می‌تواند مشابه شورای نفت ملی که با وزیر کشور همکاری می‌نماید، باشد. این گروه وزیر

امور خارجه را در جریان امور نفتی بین‌المللی قرار داده جلسات آن طبق برنامه یا و به قید فوریت تشکیل خواهد شد. این گروه بسته به نحوه عملکرد خود ممکن است به یک نشریه مانند مجله بررسیهای تجاری و یا شکل دیگری از آن که به تصویب وزارت دادگستری برسد نیاز داشته باشد.

..... اقدام ویژه (۲) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام گیرد  
هنگامی که سرپرستان اجرائی شرکتها در واشنگتن گرد می‌آیند تا پیرامون آینده صنعت نفت بحث و تبادل نظر نمایند، وزیر یا معاون وزیر باید این موضوع را با آنها در میان بگذارد. در حال حاضر با تعدادی از مقامات نیز در این مورد گفتگو شده و همه از آن حمایت کرده‌اند. در اجلاس یک کمیته ویژه برگزیده خواهد شد.

(۲) به شرکتها اجازه داده شود که مشترکاً برای رسیدن به اهداف محدود همکاری نمایند.  
دولت آمریکا باید به شرکتها اجازه دهد که در برابر اوپک متحداً عمل نمایند، بدون اینکه از مجازاتهای ضد تراستی در آمریکا ترس داشته باشند. شرکتهاى اروپایی و ژاپنی تحت حمایت کامل دولتهای خود عمل می‌کنند و لازم است که شرکتهاى آمریکایی نیز از همین امتیاز برخوردار باشند. البته همیشه این طور نبوده است، و بعضی از دولتهای تولیدکننده فکر می‌کنند که امریکا حاضر است از شرکتها به‌عنوان مهره‌های خود در سیاست خارجی استفاده نماید.  
اقدامات لازم درباره شرکتها در ژانویه ۱۹۷۱ و ۲۲ اکتبر ۱۹۷۱ انجام شد و وزارت دادگستری به شرکتها اجازه داد که در برابر اوپک یک جبهه مشترک و متحد را تشکیل دهند.

..... اقدام ویژه (۳) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.  
بنا به درخواست وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری به شرکتها در ژانویه ۱۹۷۱ و ۲۲ اکتبر ۱۹۷۱ اجازه داد که در برابر اوپک یک جبهه مشترک و متحد را تشکیل دهند. این وزارتخانه باید دائماً با وزارت دادگستری و نمایندگان مهم کنگره تماس داشته باشد و به آنها دلایل مربوط به این اقدامات و منافع که برای شرکتها و مصرف‌کننده‌ها در نظر گرفته شده را تفهیم نماید. در حال حاضر این کار انجام می‌شود.

پ: روشهای دیپلماتیک به خاطر شرکتها  
(۱) در خلیج فارس - در نتیجه سفر هیئت نمایندگی ابروین  
در صورتی که اوپک بر تقاضاهای خود مبنی بر مشارکت اصرار و پافشاری نماید، آمریکا نیز باید از شرکتها در زمینه دیپلماتیک حمایت کافی بنماید.

..... اقدام ویژه (۴) که باید توسط وزارت خارجه انجام گیرد.  
این وزارتخانه باید به تهران، جده و کویت یادداشت‌هایی ارسال دارد و به حکام این کشورها خاطرنشان سازد که آنها به نماینده رئیس جمهور آمریکا قول داده‌اند که تا پایان قرارداد آن را زیر پا نگذارند. این

وزارتخانه باید خطرات و مشکلاتی را که متوجه ما، دیگر مصرف‌کنندگان و بالاخره خود اوپک در نتیجه تقاضای «مشارکت» می‌شود، آن هم پس از آنکه جهان فکر می‌کرد پس از قرارداد تهران در فوریه ۱۹۷۱ در عرضه نفت یک ثبات پنج‌ساله به وجود آمده است، یادآور شود. بالاخره، این وزارتخانه باید حکام این کشورها را متوجه سازد که پس از سفر آقای ابروین، آمریکا در مورد این قراردادها احساس اطمینان کرد و به هم‌بیمانان خود نیز این احساس را منتقل نموده است و به دنبال آن می‌توان نامه‌ای از طرف رئیس جمهور ارسال نمود و یا سفیر ریاست جمهوری را باز هم به این مناطق روانه نمود.

۲) در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز درباره نیازهای سرمایه صنعت در ده سال آتی مرور و بررسی انجام گیرد.

..... اقدام ویژه (۵) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام گیرد.

این وزارتخانه باید نظریات تمام اعضاء سازمان توسعه و همکاری اقتصادی را جویا شده، در مورد تعیین و تعریف «نفع منطقی» که باید در دهه آینده عاید شرکتها شود ایجاد تفاهم نماید.

۳) بحث درباره نیاز به ثبات در بازار نفت جهانی

وزارتخانه باید نظریه زیر را به بحث بگذارد، اما لزوماً نباید از آن دفاع کند:

نظریه تماس کشورهای OECD یا جمعی برگزیده از کشورهای OECD با بعضی کشورهای اوپک برای برقراری روابط جدید بین تولیدکننده و مصرف‌کننده همان‌گونه قبلاً بوسیله EEC و ایتالیایی‌ها مطرح شده است.

۴) سرمایه‌گذاری در زمینه نفت غیر قراردادی

این وزارتخانه می‌تواند بار دیگر امکان سرمایه‌گذاری اروپاییان و ژاپنیها را در زمینه شیل آمریکا، ماسه سنگهای نفتی کانادا یا نفت سنگین ونزوئلا مطرح نماید. البته باید این کار با موافقت دولتهای کانادا و ونزوئلا و کنگره آمریکا صورت گیرد. کمیته تخصصی انرژی و ژاپن اگر از ثبات این نفت بیش از سال گذشته مطمئن بشوند احتمالاً برای آن قیمت بیشتری نیز خواهند پرداخت.

..... اقدام ویژه (۷) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

این وزارتخانه پس از مطلع ساختن شورای امنیت ملی باید این امکان را با دولتهای کانادا و ونزوئلا و کمیته‌های داخلی سنا و کنگره آمریکا در میان بگذارد. در صورت دریافت جواب مثبت آن رادر برنامه کار کمیته نفتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی قرار دهد.

۵) افزایش ذخایر نفتی

پس از بحران خاورمیانه‌ای در سال ۱۹۶۷، نماینده آمریکا در کمیته نفتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی از این سازمان خواست که قدرت مصرف ذخایر را ۱۸۰ روز تمدید نماید. در آن هنگام اکثرین ذخایر دارای برنامه مصرفی ۶۰ روزه بودند و بسیاری از کشورها نیز مدت کمتری برای آن قائل شده



بودند. اکنون بسیاری از کشورهای عضو این سازمان با ناراحتی اعتراف می‌کنند که آمریکا درست پیش‌بینی کرده بود، و اگر اروپا و ژاپن نیز ۱۸۰ روز به زمان تعیین شده مصرف ذخایر خود اضافه می‌کردند، امکان مقاومت در برابر باج‌خواهی لیبی بیشتر می‌شد. طبق اظهارات این سازمان زمان مصرف ذخایر به ۹۰ روز افزایش داده شده است.

..... اقدام ویژه (۸) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

نماینده آمریکا در کمیته نفت باید باز هم این موضوع را مطرح نماید و خواستار تمدید مدت مصرف ذخایر به ۱۸۰ روز بشود، ولی ۱۲۰ روز هم مانعی ندارد، ولی در صورتی که امکان آن هم نبود همان ۹۰ روز کافی است. لیکن اساس این ذخایر باید در مصرف آتی و ذخایر مؤثر باشد و نمی‌توان نفت باقیمانده در ذخیره‌گاهها و خط لوله را نیز ذخیره نامید.

(۶) تسریع در ایجاد انرژی هسته‌ای با همکاری اروپا و ژاپن.

البته در این زمینه هم اکنون کارهایی در حال انجام است. ولی کافی نیست. موانع مالی و امنیتی که کمیته مشترک بر سر راه همکاریهای چند ملیتی برای غنی‌ساختن اورانیوم و موارد مربوطه قرار داده است، همکاری واقعی را غیر ممکن می‌سازد. اگر نتوان در زمینه همکاری به موقع به نتیجه رسید هم پیمانان نخواهند توانست به موقع از این انرژی برای برآورده ساختن نیازهای خود بهره‌برداری نمایند و در دراز مدت هم این کار ممکن است سبب شود که بازار اورانیوم غنی شده و سرمایه‌های تجهیزاتی مربوط به صنعت انرژی هسته‌ای به روی آمریکا بسته شود. باید به یک همکاری مشترک میان آمریکا، اروپا و ژاپن در زمینه انرژی هسته‌ای از طریق ایجاد کنسرسیومی مشابه INTELSAT پرداخت، در صورتی که آمریکا سهم بیشتری در تولید اورانیوم غنی شده در سر تا سر جهان به دست آورد.

..... اقدام ویژه (۹) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

این امر به رهبری مهم وزارت امور خارجه و نیز تصویب کنگره آمریکا نیازمند است و لازم هم نیست که با سیاست کنونی آمریکا مبنی بر تحویل اورانیوم غنی شده به بخش خصوصی مغایرت داشته باشد. وزارت امور خارجه باید سریعاً این مسئله را نیز با شورای امنیت ملی و کمیسیون انرژی اتمی و کمیته مشترک کنگره در امور انرژی اتمی در میان بگذارد.

(۷) ایجاد روابط دوستانه با کشورهای تولیدکننده

..... اقدام ویژه (۱۰) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

برنامه‌ای را که در بخش ۱۴ همین رساله تشریح شده در مورد عربستان سعودی و ایران در پیش بگیرد. سیاست کنونی دولت را در حفظ تعادل روابط با همه کشورهای خاورمیانه ادامه دهید. مبادرت به اتخاذ موضع حمایت از اسرائیل به طور آشکار و انحصاری می‌تواند خنثی‌سازنده تمام گامهایی باشد که آمریکا برای تأمین عرضه نفت برخواهد داشت.

ت. اقداماتی که دولت امریکا باید انجام دهد تا ثبات و انعطاف پذیری خود را در برخورد با کشورهای تولیدکننده افزایش دهد.

#### (۱) افزایش بخشیدن به عرضه نفت داخلی

این کار را می توان به طرق مختلف انجام داد:

(الف) اجاره دادن فوری بخش خارجی قاره.

برای اینکه اجاره دادن اعماق بیش از ۲۰۰ متر بایبانه رئیس جمهور در مورد اقیانوسها مغایرت نداشته باشد، باید از هر گونه رژیم و روش بین المللی که سازمان ملل در کنفرانس امور دریا در پیش خواهد گرفت پیروی نمود و این کار هم باید براساس پرداخت پاداش صورت گیرد، چون به این ترتیب فقط تعداد انگشت شماری از شرکتها قادر به شرکت در این زمینه خواهند شد. قراردادهای مالیاتی جدید و یا برقراری ظرفیت مکمل را می توان در نظر گرفت (که یکی از شروط مناقصه می تواند باشد).

اقدام ویژه (۱۱) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

وزیر خارجه به طور کتبی به وزیر کشور اطلاع دهد که در همان حال که امیدواریم بتوانیم به یک قرارداد بین المللی در زمینه بخش خارجی قاره دست یابیم، با اجاره دادن اعماق بیش از ۲۰۰ متر حوزه های نفتی توسط آن وزارتخانه نیز معترض نیستیم. برای اینکه این اجاره دادنها نقض بیبانه رئیس جمهور در مورد اقیانوسها را به همراه نداشته باشد، این کار را با تبعیت از رژیم بین المللی که توسط سازمان ملل در کنفرانس دریاها تعیین خواهد شد، انجام خواهیم داد.

(ب) اجاره دادن ذخایر دریایی نفتی شماره ۴ آلاسکا با شرایطی از قبیل برقراری ظرفیت مکمل.

(پ) بهره برداری سریع از شیل و تبدیل زغال سنگ، این هم بدین معنی است که باید مناطق اداری شیل را نیز فوراً اجاره داد احتمالاً لازم خواهد بود که به نفت ترکیبی نیز همان فوق العاده استخراجی را که به نفت مرسوم داده می شود، بدهیم.

(ت) تشویق تولید نفت قراردادی و گاز با وضع فوق العاده های مالیاتی در زمینه نفتهای جدیداً کشف

شده، یا در مورد نفتی که از طریق روشهای بازیافت ثالث تولید می گردد.

(ث) به دقت تعیین می گردد که اگر قیمت گاز جدیداً کشف شده به هنگام تولید ۱۰ سنت بیشتر از قیمت

گاز مایع باشد، در آمریکا چه مقدار گاز دیگر تولید خواهد شد. اگر کمیته هماهنگ کننده قیمت های فدرال، وزارت کشور و صنعت نشان دهند که تحت این قیمتها گاز بیشتری تولید خواهد شد، باید حتماً قیمت را بالا برد و چون در آینده مجبور خواهیم شد که برای گاز مایع وارداتی قیمت بیشتری بپردازیم، از نظرامنیتی و موازنه پرداختها بهتر است که تا حد امکان به تولید گاز در خود امریکا مبادرت ورزیم.

..... اقدام ویژه (۱۲) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

نماینده این وزارتخانه در کمیته فرعی شورای داخلی انرژی و کمیته سیاست نفتی باید نگرانی ما را در مورد کمبود انرژی در سال ۱۹۸۰ نشان دهد نکات (ب)، (پ)، (ت) و (ث) را خاطر نشان گردد. وی همچنین باید خاطر نشان سازد که تاکنون این وزارتخانه در مورد خطوط لوله نفتی آلاسکا کار خود را انجام داده است و دیگر وزارتخانه ها نیز باید با وزیر کشور همین موضوع را مطرح نمایند. مقامات این

وزارتخانه باید همه موضوعات را در کمیته‌های امور خارجه و داخله مجلس سنا و کنگره نیز مطرح نماید.

## ۲) تشویق در زمینه ایجاد اشکال جدید انرژی

آنچه به وضوح در بیانیه رئیس جمهور در مورد انرژی در ۴ ژوئن ۱۹۷۱ مشهود بود این است که دولت آمریکا به تحقیق در زمینه انرژی اولویت خواهد داد. لیکن گویا همه کسانی که این پیام را شنیده‌اند منظور آن را دریافت نکرده‌اند.

اقدام ویژه (۱۳) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

وزیر باید در برنامه‌ای به رئیس جمهور نگرانیهای ما را در مورد عرضه انرژی منعکس ساخته، با اشاره به پیام رئیس جمهور در ماه ژوئن از او یا از مشاور علمیش بخواهد که در یک بیانیه عمومی اعلام نماید که دولت سیاستی را اتخاذ کرده است که براساس آن اشکال جدید انرژی باید به وجود آید، و در صورتی که علم نشان بدهد که به سرمایه برای تحقیقات و اکتشافات خود نیاز دارد، دولت این منابع مالی را در اختیار وی قرار خواهد داد، به عبارت دیگر پول عامل محدودکننده در کشفیات مربوط به اشکال جدید انرژی نخواهد بود.

## ۳) اقداماتی انجام شود تا از طریق آنها میزان رشد مصرف انرژی در آمریکا کاهش یابد

این موضوع علاوه بر موارد دیگر شامل:

(الف) بالابردن میزان مالیات بنزین و جداساختن مالیات و عوارض بنزین از صندوق ترمیم شاهراهها و پس از آن از همین عوارض برای ایجاد وسائط نقلیه عمومی استفاده شود.

(ب) جلوگیری از افزایش مصرف برق با حذف قیمت‌های ویژه برای کسانی که برق زیاد مصرف می‌کنند.

(پ) تشویق به مصرف برق در ساعتی که مصرف برق در اوج خود نیست. این کار با وضع نرخهای ویژه برای برقی که از ساعت ۶ صبح مصرف می‌گردد امکان پذیر است. کنتورهای جدیدی نیز باید ساخته شود. که این کار در حال حاضر در اروپا انجام شده است.

(ت) تشویق کردن مردم به اینکه آلومینیم را دور نریزند و یا در استفاده از آن صرفه‌جویی کنند. تولید آلومینیم انرژی بسیار لازم دارد که معادل ۱۵ برابر انرژی است که برای همان مقدار آهن مصرف می‌شود. به هر حال، با بالا رفتن قیمت انرژی در مصرف آلومینیم نیز کاهشی پدید خواهد آمد.

(ث) با تشویق آمریکاییها به ۵ درجه گرمتر نگاه‌داشتن منازل در تابستان و ۵ درجه خنک‌تر نگاه داشتن آنها در زمستان یک برنامه ملی تحت عنوان «یک وات صرفه‌جویی کنید» آغاز گردد و این رابطه باید جلو تمام تبلیغاتی را که هدفشان افزایش استفاده انرژی (بخصوص گاز) است گرفت.

..... اقدام ویژه (۱۴) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

نماینده این وزارتخانه باید این مسائل را در شورای داخلی و کمیته سیاست نفتی مطرح نماید. این

وزارتخانه همچنین باید از سناتورها و نمایندگان کنگره بخواهد که قوانینی را ارائه نمایند که این اهداف را دنبال کند.

قانونی برای جداسازی عوارض بنزین از صندوق ترمیم شاهراهها به زودی وضع خواهد گردید. ما این موضوع را با شرکتهای عمده نفتی در میان گذاشته‌ایم و آنان نیز با این قانون برخلاف گذشته مخالف نیستند.

#### ۴) هماهنگی در سیاست انرژی

همه می‌دانند که آمریکا در حال ورود به یک بحران در زمینه انرژی است، با این وصف هنوز هم در دولت آمریکا در زمینه انرژی هماهنگی وجود ندارد. به نظر ما بهتر است که یک گروه مسئولیت همه مسائل مربوط به انرژی را به عهده بگیرد که عبارتند از: نفت، گاز، زغال سنگ، انرژی اتمی و اشکال غیر مرسوم انرژی - رئیس جمهور اعلام نمود که امور مربوط به انرژی در وزارت منابع طبیعی تمرکز خواهد یافت و ما هم آن را تأیید می‌کنیم. ولی معتقدیم که برای ایجاد هماهنگی در امور انرژی لازم نیست منتظر تشکیل این وزارتخانه بشویم. به نظر ما مهمترین عامل هماهنگ‌کننده وزیر کشور می‌تواند باشد.

..... اقدام ویژه (۱۵) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام گیرد.

وزیر در نامه‌ای که به رئیس جمهور در رابطه با اقدام پیشنهادی شماره ۱۳ می‌نویسد باید از وی تقاضا نماید که یک کمیسیون انرژی تشکیل دهد که مشکلات و مسائل انرژی دهه هفتاد را شناخته برای آنها راه حل پیشنهاد نماید، البته وقتی که وزارت منابع طبیعی تشکیل شد این کمیسیون نیز می‌تواند جذب آن گردد.

#### ۵) انعقاد قرارداد انرژی با کانادا

البته این قرارداد می‌تواند براساس پیشنهادهایی که سال گذشته به کانادا شده بود منعقد گردد. در صورتی که کانادا مایل به انعقاد این قرارداد نباشد، ما می‌توانیم بطور یک جانبه اعلام نماییم که دیگر نظارت و کنترل کاناداییها از درجه اعتبار ساقط است (البته در واقع هم همین طور است) و دیگر اینکه نفت کانادا برای ورود به آمریکا آزاد است، البته مشروط بر اینکه نفت وارداتی کانادا از خط مرزی غرب دره اوتاوا نگذرد (در حال حاضر این یکی از سیاستهای کانادا است) و خطوط لوله‌ای که از مرز گذشته وارد آمریکا نیز می‌شوند همیشه دارای ظرفیت مکمل باشند. به این ترتیب با این فشارهای تجاری بر نفت و گاز کانادا می‌توان انتظار کشف و توسعه بیشتر آنها را داشت در مورد مکزیک نیز باید همین اقدام انجام گیرد.

..... اقدام ویژه (۱۶) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

تلاشهای کنونی را برای انعقاد قرارداد با کانادا قطع ننمایید و با مکزیک هم این موضوع را در میان بگذارید.

۶) انعقاد یک قرارداد در زمینه انرژی با ونزوئلا و دیگر تولیدکنندگان واقع در آمریکا لاتین. این موضوع شامل دو بخش است: (۱) تضمین در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمینه نفت سنگین ونزوئلا می‌شود و اجازه ورود آزاد این نفت به آمریکا به همین ترتیب می‌توان قراردادهایی با اکوادور و کلمبیا وضع کرد.

..... اقدام ویژه (۱۷) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود. آن وزارتخانه باید امکان ورود به چنین قراردادهایی را با ونزوئلا، اکوادور و کلمبیا مطرح نماید و در صورت ممکن مذاکرات را به منظور منعقد شدن این قراردادها آغاز نماید.

### آخرین حرف

در صورت انجام اقدامات پیشنهادی آمده در این رساله آمریکا در سال ۱۹۸۰ موضعی کاملاً متفاوت از آنچه در دیگر بخشها نشان داده شده خواهد داشت. مصرف ۲۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود (به جای ۲۴ میلیون بشکه). تولید داخلی معادل ۱۵ میلیون بشکه خواهد بود (به جای ۱۲ میلیون) و واردات از نیمکره غربی به جای چهار میلیون بالغ بر ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. باقیمانده واردات مورد نیاز نفت یعنی ۲ - ۱ میلیون بشکه دیگر را نیز می‌توان از نیمکره شرقی به دست آورد. سؤالات ضمیمه شده است.

رابطه تولیدکننده و شرکتها

- ۱- فواید و مضرات نظام امتیازاتی سنتی چیست؟
- ۲- آیا فکر می‌کنید که این نظام امتیازاتی تا ده سال آینده نیز دوام داشته باشد؟ در غیر این صورت فکر می‌کنید چه نظام دیگری جایگزین آن بشود؟
- ۳- آیا هیچ‌یک از دولتهای اوپک در مراحل تصمیم‌گیری شرکتهای نفتی وارد شده‌اند؟ اگر جواب مثبت است شرح دهید چگونه؟
- ۴- برای ایجاد تغییر در امتیازات در ۱۰ سال آینده، کشورهای تولیدکننده چه تقاضاهایی را مطرح خواهند کرد؟
- ۵- فواید و مضرات این تغییرات برای ما، شرکتهایمان، مصرف‌کنندگان و دولتهای تولیدکننده چه می‌باشد؟
- ۶- دولت آمریکا چه امکاناتی برای نفوذ در مناطق تولیدکننده دارد؟ دیگر کشورهای مصرف‌کننده چگونه؟
- ۷- دولت آمریکا (و احتمالاً انگلیس، هلند و فرانسه) از شرکتها در مذاکراتشان با دولتهای تولیدکننده چه نوع حمایت باید (و شاید) بنمایند؟
- ۸- آیا این امکان هست که بتوان به تشکیل یک «کارتل مصرف‌کننده» دست زد، فواید و مضرات این سازمان چیست؟
- ۹- نکات مثبت و منفی بیانیه ENI یعنی «تنظیم عرضه نفت باید به طور یک جانبه قابل فسخ نباشد - روابط پیچیده سیاسی اقتصادی که از طرفین (تولیدکننده و مصرف‌کننده) هر دو از آن نفع می‌برند، یک

اصل ضروری باشد»، چیست؟

۱۰- آیا برای این استدلال ENI که شرکتهای بین المللی نفتی، دیگر کنترل رابطه خود با دولتهای تولیدکننده را از دست داده اند و بنابراین نمی توان به این شرکتهای به عنوان عرضه کنندگان نفت به قیمت قابل قبول نگریم، می توان اعتبار قائل شد؟

- رابطه مصرف کننده و تولید کننده

۱۱- در دهه آینده دولتهای مصرف کننده چه تقاضاهایی را در رابطه با به دست گرفتن کنترل صنعت نفت ارائه خواهند نمود؟

۱۲- فواید و مضرات چنین تغییرات برای دولتها و مصرف کنندگان چه می تواند باشد؟

۱۳- آیا امکان دارد که دولت آمریکا بتواند در عکس العمل کشورهای مصرف کننده علیه شرکتهای نافذ واقع شود؟

۱۴- آیا ENI سخنگوی دولت ایتالیا است؟ آیا در آینده نزدیک خواهد بود؟ دیگر کشورهای جامعه اقتصادی اروپا چگونه؟ آیا ENI بر نظریات خود مصمم است؟ آیا می توان آنها را تغییر داد؟ چگونه؟  
۱۵- در خارج از جامعه اقتصادی اروپا تا چه حد بر عملیات شرکتهای کنترل اعمال می گردد؟ آیا ممکن است که نظریات ENI در میان دیگر مصرف کنندگان نیز شایع شود؟

۱۶- اگر جامعه اقتصادی اروپا به اتخاذ یک نظام استوار بر «شرکتهای» خودی «بپردازد شرکتهای آمریکایی چه خواهند کرد؟ آیا به شرکتهای آمریکایی اجازه خواهند داد که از طریق اروپا بیان واجد شرایط گردند.

- انعطاف پذیری مصرف کنندگان در برخورد با اوپک

۱۷- معنی این جمله چیست؟ دولتهای مصرف کننده در برابر افزایش بی رویه قیمتها چه کاری می توانند انجام دهند؟

۱۸- برای اینکه در هنگام بروز یک بحران جدید «کمکی انجام» دهد، آمریکا چه کار می تواند بکند؟  
۱۹- با عرضه نفت ترکیبی و منابع جایگزینی انرژی انعطاف پذیری ما تا چه حد بالا خواهد رفت؟  
۲۰- در سال ۱۹۷۵ کشورهای اوپک چه مقدار نفت تولید خواهند کرد؟ در سال ۱۹۸۰؟ و در هر یک از این سالها ظرفیت مکمل چقدر است؟ و در کجاست؟

۲۱- تا سال ۱۹۸۰ چه مقدار نفت را می توان در خارج از حوزه اوپک تولید نمود؟

۲۲- آیا تولید در هر یک از کشورهای اوپک قبل از سال ۱۹۸۰ نزول خواهد کرد؟ ۱۹۸۵؟ ۱۹۹۰؟

اگر جواب مثبت است به چه میزان؟

۲۳- نیروهای تفرقه انداز در اوپک کدامند؟ آیا باید آنها را تشدید کرد، چگونه؟

- نیازهای سرمایه ای

۲۴- فرض کنیم که در سال ۱۹۸۰ مصرف نفت دو برابر شود، سرمایه لازم برای به دست آوردن منابع جدید نفت از کجا به وجود می آید چه در شرایط موجود امتیازی و چه در شرایطی که تغییراتی در این نظام

ایجاد شده باشد؟

۲۵- در سال ۱۹۷۵ در اوپک باید چه مقدار سرمایه‌گذاری کرد؟ ۱۹۸۰؟

۲۶- تا سال ۱۹۸۰ هزینه سرمایه‌گذاری اروپای غربی ژاپن و آمریکا در زمینه تسهیلات تولیدی چه مقدار خواهد بود؟

۲۷- سرمایه‌گذاری در تولید و تسهیلات تولیدی در حالی که در اروپا و ژاپن فعالیت شرکتها کاملاً محدود و در کشورهای تولیدکننده در حال ملی شدن است، چگونه خواهد شد؟

نتیجه‌گیری

۲۸- چه نوع رابطه‌ جدیدی را برای شرکت و دولت تولیدکننده در سال ۱۹۸۰ می‌پسندید؟ آیا می‌توان به آن دست یافت؟ دولت آمریکا و شرکتها برای به وجود آمدن این رابطه جدید یا چیزی شبیه به آن چه کاری می‌توانند بکنند؟

تذکر

دو سندی که در صفحات بعد می‌آید، اظهارنظرهای وابسته نفتی سفارت آمریکا در تهران و رایزن اقتصادی این سفارت است که پس از مطالعه پیش‌نویس سند «صنعت بین‌المللی نفت در سال ۱۹۸۰» برای نویسنده آن ارسال شده است.

دفتر سوخت و انرژی وزارت امور خارجه آمریکا قبل از انتشار وسیع این تحلیل، پیش‌نویس آن را جهت کسب نظر برای سفارتخانه‌ها و محافل چندی از جمله سفارت آمریکا در تهران ارسال می‌دارد که اظهار نظر دو تن از مقامات سفارت طی اسناد بعدی مشاهده می‌گردد.

لازم به تذکر است که در این دو سند به شماره صفحاتی از سند اصلی اشاره شده است که این شماره‌ها مربوط به پیش‌نویس سند بوده و با صفحات سند چاپ شده در این کتاب مطابقت ندارد. پیشنهاد می‌شود برای پیگیری مطالب، با توجه به موضوع آن در متن سند اصلی جستجو شود.

۲۹ نوامبر ۱۹۷۱

اداری - غیررسمی

وزارت امور خارجه

واشنگتن دی - سی ۲۰۵۲۰

آقای جمیز، ئی - آکینز

جیم عزیز:

از دریافت نامه مورخ ۲۷ اکتبر شما که شامل پیش‌نویس نوشتار شما در مورد صنعت نفت بود بسیار خوشحال و سپاسگذار شدم. از آنجا که کاردار نیز اظهارات آژانس انرژی ملی را در مورد اظهارات شما دریافت داشته، فکر کردم بهتر است نامه حاوی اظهارات ما از طریق بیبل لهفلد به دست شما برسد، چون به این ترتیب سفارت نیز بر اظهارات شما صحنه گذاشته و احتمالاً از نظر اداری بیشتر برای شما مفید واقع خواهد شد.

سری

تهران، ایران

دفتر سوخت و انرژی

میل دارم در اینجا مطلبی را بیان دارم که در واقع خارج حدود و ثغور نوشته شماست، اما با آن رابطه دارد به نظر من خیلی قبل از سال ۱۹۸۰ ایران با شدتی بیش از آنچه که در پاراگراف دوم صفحات ۳۶ و ۳۷ شما مطرح شود در صدد مشارکت در روند تولید بر خواهد آمد. اخیراً مصاحبه‌ای بسیار نگران‌کننده با آقای هادی انتخابی رئیس گروه پروژه‌های ویژه ماوراء بحار شرکت ملی نفت ایران (که یکی از موارد آن شامل پالایشگاه بلژیک می‌شود) داشتم. همکاری‌های انتخابی را فردی فاقد صلاحیت و متکبر می‌دانند، ولی به خاطر صمیمیتی که بین او و اقبال یعنی حامیش وجود دارد مجبورند وجود او را تحمل کنند. انتخابی در بیان این مطلب که ایران تحت تأثیر علل ناسیونالیستی - عاطفی و نیز اقتصادی قرار داشته و با افزایش کنترل خویش بر مبادی دسترسی به نفت ایران کمپانی‌هایی را که با ایران خصومتی نشان نمی‌دهند مورد لطف و مرحمت قرار خواهد داد، لیکن با آن دسته از کمپانی‌هایی که در زمینه فرآورده‌های پالایشگاهی و نیز بازاریابی در کشورهای مصرف‌کننده به رقابت ایران برخاسته‌اند شدیداً برخورد خواهد نمود و شیر نفت را به روی آنها خواهد بست، تصریح نمود که به نمایندگی از جانب اقبال سخن می‌گوید. البته در مورد میزان و سرعت سرمایه‌گذاری‌های ایران در روند تولید بلوف زده شده و مبالغه‌گویی شده است، اما موضوع اصلی به وضوح نشان داده شده و من به عنوان واقعیتی غیرقابل انکار آن را می‌پذیرم. به همین دلیل، من فراتر از مطلب مشارکت را می‌بینم که خود مسئله‌ای است بسیار نگران‌کننده در مورد اینکه با کشورهای تولیدکننده ثروتمند که پیشرفت روزافزونی را در زمینه صنعت نفت کسب می‌کنند و عزم خود را جزم کرده‌اند که پرچم کشورشان نیز باید به دنبال جریان نفتشان در نقاط دیگر به اهتزاز درآید چگونه باید برخورد نمود.

ارادتمند

جان واشبرن

وابسته امور نفتی

سرّی

تهران - ایران

دفتر سوخت و انرژی

۲۹ نوامبر ۱۹۷۱

اداری - غیررسمی

وزارت امور خارجه

واشنگتن دی - سی ۲۰۵۲۰

آقای جمیز، ئی آکینز

جیم عزیز:

این نوشتار در پاسخ به نامه مورخ ۲۷ اکتبر به جان واشبرن یعنی پیش‌نویس رساله شما در مورد آینده صنعت بین‌المللی نفت است. جان احساس طبق برداشت من حتماً این موضع را با شما در میان گذاشته که اگر این اظهارات به امضاء من برسد از نظر اداری کمی بیشتر به شما کمک خواهد شد. من کاملاً با این عقیده موافق نیستم، ولی بالاخره به این کار تن در دادم چون هر دوی ما می‌خواهیم تا سر حد امکان در تلاش مهم شما مفید واقع شویم. علاوه بر این، اظهار نظرهای آژانس ملی انرژی را نیز دریافت داشته‌ایم، بنابراین در مورد این موضوعات به ذکر چند نکته خواهیم پرداخت. از بخش جدید مربوط به روابط بین دولت مصرف‌کننده و کمپانی بدمان نمی‌آید. ما معتقدیم که پیشنهاد برقراری یک رابطه جدید با بعضی از



کشورهای حوزه خلیج به احتمال بسیار مؤثر واقع نخواهد شد. از طرف دیگر، در مورد این سؤال که آیا ما نیز در بازار خرید ارزان به آخر خط رسیده‌ایم یا شما موافقم نه با آژانس ملی انرژی. به نظر ما پس از ارائه براهین مستدل در بخش اول رساله‌تان، استفاده از کلماتی چون «به طور قطع» در صفحه ۲۹، و «به احتمالی» در همان صفحه و صفحه ۳۰ نشانگر رعایت کافی احتیاط در انجام پیش‌بینی‌هاست که مورد موافقت ما نیز می‌باشد.

در مورد تأثیر موافقت‌نامه تهران، ما نیز با آژانس ملی انرژی هم عقیده هستیم که در پاراگراف آغازین موافقت‌نامه، رعایت تمام جنبه‌های قرارداد امتیازی موجود برای ۵ سال آینده مورد نظر نبوده، ولی به تعریف و محدودسازی تأثیرات اصلاحی بر این قراردادهای موافقت‌نامه تهران بدون ممانعت از بروز تغییرات آتی بر مسائلی بجز آنچه که در موافقت‌نامه مذکور منعکس گردیده مانند توافقات مالی و میزان برداشت دولتی، پرداخته شده است. توضیحات نمایندگان کمپانی در فوریه گذشته و نیز استدلال حقوقی خود شرکت که سهمین شدن یا مشارکت را مغایر با ممنوعیت خاص مندرج در بند مربوط به تجدید نظر توافقات مالی قرارداد تهران می‌داند، موجب افزایش میزان اطمینانمان نسبت به این نکته شده است. بنابراین در همین رابطه ما ترجیح می‌دهیم که در مورد نحوه و چگونگی حمایت دولت آمریکا از کمپانیها، راه را بر خود باز نگاهداریم، زیرا تقاضای دولت تولیدکننده برای سهمین شدن در روند تولید می‌تواند به صورتی ابراز شود که خود مغایر با توافقات مالی باشد و یا نباشد و یا اینکه منجر به افزایش میزان برداشت دولت بشود.

در بررسی مستقیم نوشتار شما، از آخرین سطر صفحه ۲۱ و مفهوم آن مبنی بر اینکه در تقاضای اوپک برای مشارکت در روند تولید هیچ سخنی از امکانات جبران‌سازی به میان نیامده سر در نمی‌آوریم. بحث بیشتر شما در این مورد در صفحات ۳۲ و ۳۳ چنین می‌نمایند که منظور شما این است که پیشنهاد اوپک یعنی جبران در حد ارزش دفتری، خنده‌دار است و یا اینکه روش پرداخت پیشنهادی هیچ‌گونه اقدام جبران‌کننده واقعی را برای این شرکتها به دنبال نخواهد داشت. در این صورت بهتر است این مطلب را در تجزیه و تحلیل خود از مشارکت و جبران‌سازی، صریحاً بیان نموده و این تجزیه و تحلیل کامل را در پایین صفحه ۲۱ بگنجانید. گذشته از این موضوع، گمان نمی‌کنیم که طبق گفته شما در صفحه ۳۳، ارائه مطالب توسط اوپک در مورد ارزش سرمایه‌های آمریکایی در خارج از کشور که به نقل از وزارت بازرگانی بیان شده، کمپانیها را در وضع ناهنجار قرار دهد. اگر موضوع تقاضای مشارکت در روند تولید در خلیج به کرسی نشانده شود، به طور قطع کمپانیها خواستار تجدید نظر و مرور بر تمام آمار و سوابق مربوطه خواهند شد که این مرور و بررسی مشابه آن چیزی است که در تعیین مجدد ارزش ارزی در مذاکرات وین جریان دارد.

در رابطه با پاراگراف دوم صفحات ۳۶ و ۳۷ شما باید بگوییم که ایران با استفاده از منابع مالی خویش می‌تواند تخصص مورد نیاز جهت دستیابی به برنامه‌های اکتشاف و توسعه به جای کمپانیهای نفتی را آغاز کند و در این راه با هیچ مشکلی مواجه نخواهد شد. به جز متخصصین ابزارآلات نفتی، اکثر کارکنان دستگاههای حفاری مشغول کار در ایران اکنون صد درصد ایرانی هستند، بنابراین در صورت خروج کمپانیها، ما دلیلی نمی‌بینیم که سدکو، ریدینگ اندیتس و دیگران (شرکتهای حفاری - م) از کار برای ایران خودداری کنند. با اشاره به پاراگراف الف شما در صفحه ۵۶، باید بگوییم که به نظر ما دولت ایران

هیچ اقدامی در مورد کنسرسیوم به عمل نخواهد آورد تا مفاد اصلی قرارداد ۱۹۶۴ در سال ۱۹۷۹ اختتام پیدا کند، البته اگر کنسرسیوم به تقاضای دولت ایران یعنی گسترش ظرفیت طی چند سال آینده عکس العمل مساعد نشان دهد، این موضوع بیشتر به واقعیت نزدیک خواهد بود، همچنان که در حال حاضر تمایل خویش را برای آغاز مذاکره پیرامون نحوه طرح مشارکت در سال ۱۹۷۹ و پس از آن نشان داده است.

اظهار نظرهای ما را همینها تشکیل می‌دهد، ولی به هیچ وجه مانع از موافقت قبلی و پشتیبانی ما از تز اساسی شما که در نوشتار به خوبی مطرح شده، نمی‌شود. ما با عقیده شما در این مورد که صنعت بین‌المللی نفت در راهی گام بر می‌دارد که نهایت آن کنترل ملی روند تولید و توسعه است، موافقیم، مشارکت و سرمایه‌گذاری مشترک و انعقاد قراردادهای خدماتی نیز قدمهایی در جهت نیل به همین هدف می‌باشند. مهمترین برگ برنده موجود در اختیار کمپانیها این است که تضمین شود که پس از تکمیل این روند، تجارت بین‌المللی پر منفعتی مانند پالایش و مهارتهای بازاریابی و توان آنها در جذب سرمایه، طبق گفته شما باز هم در انحصار آنها باقی بماند. وظیفه اساسی ما در دولت این است که اطمینان حاصل کنیم که کمپانیها به ماهیت رویدادها پی برده و آنها را با آغوش باز پذیرا شوند. نوشتار و ابتکار شما که بخشی از آن است، در نیل به این اهتمام تفاهم بسیار مؤثر واقع خواهد شد.

با آرزوهای صمیمانه

ارادتمند

ویلیام. دبلیو. لهفلد

مشاور سفارت در امور اقتصادی

توضیح اختصارات آمده در متن کتاب:

CFP	شرکت نفت دولتی فرانسه
EEC	جامعه اقتصادی اروپا
ENI	آژانس ملی سوخت ایتالیا
ERAP	شرکت فرانسوی توسعه و تحقیقات نفتی
INTELSAT	سازمان بین‌المللی ارتباطات ماهواره‌ای
MHD	ماگنتو هیدرو دینامیک
N.E.P	سیاست اقتصادی نیکسون (احتمالاً)
OECD	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی

کتاب پنجاه و هشتم

بازار نفت تا  
پایان سال ۱۹۸۵



## مقدمه

هدف از انتشار این اسناد که دومین کتاب از مجموعه اسناد لائنه جاسوسی در زمینه نفت می باشد، معرفی و افشای یکی از ابعاد ناشناخته و در عین حال بسیار مهم از فعالیتهای گسترده سازمان جاسوسی سیا است. تاکنون اسناد منتشره هرکدام گواهی بر عملکرد مذموم سیا در بعد براندازی و تعقیب دیگر اهداف سیاسی هیئت حاکمه آمریکا بوده است. این اعمال با توجه به آنچه که در مورد این سازمان در اذهان وجود داشته و دارد، حکم مصادیق عملکرد سیا را پیدا نموده و طبیعی و شاید بدیهی به نظر می رسد، لیکن جاسوسی پیرامون مسائل اقتصادی آن هم در یک سطح وسیع و گسترده در نظر اول در چهارچوب فعالیت سیا قرار نمی گیرد.

آن گونه که اسناد به دست آمده در لائنه جاسوسی نشان می دهد، دقیقاً به موازات فعالیتهای وزارتخانه های انرژی، بازرگانی، کشور خارجه و نهادهای خصوصی نظیر شرکتهای نفتی و بانکهای مهم آمریکا، سیا نیز با به کارگیری ابزارهای پنهان و آشکار به عنوان مکمل آنها و چشم بینی دولت آمریکا در جایی که نیاز به اطلاعات غیرقابل دسترسی جهت تصمیم گیری است، عمل می کند.

ابعاد جاسوسی اقتصادی سیا از لحاظ موضوعی طیف وسیعی را در بر می گیرد، لیکن به طور مشخص در رابطه با نفت و انرژی، سرمایه گذاری عمده و مشهودی صورت گرفته که این وجه را کاملاً متمایز می سازد. این نکته در واقع تأکیدی است بر اهمیت نقشی که منابع نفت و انرژی در برنامه ریزی کلی سیاستگذاران آمریکایی دارا می باشد و اینکه کنترل بازار نفت در اختیار کسی است که اطلاعات بیشتر و صدالبته نفوذ بیشتری در سطوح مختلف تصمیم گیری در کشورهای صاحب نفت داشته باشد.

کار اگر به همین جا خاتمه می یافت و در حد جمع آوری اطلاعات باقی می ماند، شاید به عنوان نیاز طبیعی هر حکومتی برای اتخاذ تصمیم صحیح و مناسب تلقی می گردید، لیکن سیا پس از اطلاع از جزئی ترین مسائل انرژی کشورهای جهان سوم متناسب با برنامه ها و اهداف حاکمیت آمریکا شروع به اعمال نفوذ در رده های مختلف تصمیم گیری آن کشورها می کند و روشن است که نتیجه کار افزایش سرمایه های آمریکایی و در طرف مقابل کاهش ذخایر حیاتی صاحبان منابع انرژی و افزایش فقر آنهاست. البته در این بین واسطه های غارت که باید به عنوان امین مردم محروم صاحب منابع نفتی عمل کنند خود و اعوان و انصارشان به نوایی می رسند.

بدیهی است اساس طرحهای اقتصادی سیاسی که در کشورهای صاحب انرژی به اجرا در می آید متأثر از روندی است که برای جریان استخراج و تولید و قیمت گذاری و توزیع انرژی در جهان در نظر گرفته

شده است. از سوی دیگر در اختیار داشتن نفت برای ماشین عظیم صنعت غرب امری حیاتی است. مجموعه این شرایط نشان می‌دهد، که اهمیت بقاء یا فنای حکومت‌های دست‌نشانده برای غارتگران غربی در گرو مسئله نفت است و سرمایه‌گذارهای سیا در این راستا قابل توجه می‌باشد.

اگر بخواهیم اسناد به دست آمده در سفارت آمریکا در تهران را که پوشش فعالیت‌های جاسوسی سیا را نیز تأمین می‌کرده تیتربندی کنیم به غیر از اسنادی که جنبه عام داشته و مسئله نفت و انرژی را در سطح جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. تنها در رابطه با کشورمان عناوین زیر قابل توجه می‌باشد:

- شناخت منابع نفتی در سطح کشور و میزان ذخیره آنها
- شناخت نحوه استخراج نفت در نقاط مختلف و نیازمندیهای مربوطه
- تواناییهای فنی موجود به لحاظ کیفیت نیروی انسانی و تجهیزات
- وضعیت پالایشگاهها با جزئیات کامل
- میزان تولید و استخراج از حوزه‌های مختلف به صورت روزمره
- میزان فروش و بهای فروش به صورت روزانه
- توانایی برای صدور به لحاظ فنی و اطلاع دقیق از ترمینالهای بارگیری و صدور
- چارت سازمانی تشکیلات صنعت نفت و شناخت عناصر با نفوذ در رده‌های مختلف
- وضعیت رفاهی و صنفی طبقات مختلف شاغل در صنعت نفت
- گرایشهای سیاسی و مسائل کارگری در صنعت نفت و..

اسنادی که تاکنون در رابطه با چند کشور نفت خیز منتشر شده، حاکی از عملکرد مشابه دستگاه جاسوسی آمریکا در این کشورهاست.

سندی که در این کتاب چاپ شده است یکی از تحلیلهای سیا می‌باشد که اختصاص به درونمای هفت ساله بازار جهانی نفت داشته، در نهایت قصد آن دارد که تقاضای جهانی برای نفت اوپک و میزان وابستگی به این سازمان را برآورد نماید. دوره زمانی که این تحلیل آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۵ قرار دارد به طور خلاصه مراحل این مطالعه را به ترتیب زیر می‌توان برشمرد:

- برآورد میزان عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵ از طریق بررسی وضعیت تولیدی کشورهای مهم عضو سازمان.

- تشکیل چند سناریو از تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک و کمبود انرژی این کشورها.

- برآورد تقاضای نفت کشورهای رو به رشد، کشورهای کمونیستی و بقیه نقاط جهان.

- مقایسه سناریوهای مختلف عرضه و تقاضا.

از آنجا که نتایج گرفته شده در این مطالعه، ذاتاً از نوع پیش‌بینی می‌باشند، حتی در صورت طی شدن روندهای در نظر گرفته شده در آن نیز، نمی‌باید انتظار دقت چندانی را در آنها داشت و به مقایسه ارقام و آمار مستند در دوره‌های مختلف با آنچه در این رساله پیش‌بینی شده است پرداخت. علی‌الخصوص که جریان‌ات و اتفاقات غیرمنتظره چندانی سیر و گذر روندهای نفتی و اقتصادی را تغییرات اساسی بخشیده و مسیر آنها را به کلی عوض نموده است.

یکی از این اتفاقات که تنها شش ماه پس از انتشار این تحلیل به وقوع پیوسته است، ولی در این نوشتار

کوچکترین احتمالی برای تأثیر آن در نتیجه‌ها در نظر گرفته نشده است، رشد و پای‌گیری انقلاب اسلامی در ایران است. این انقلاب اثرات عمیقی بر کلیه روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گذاشت و بسیاری از معادلات جهانی را تغییر داد. در این تحلیل می‌بینیم که اقتصاددانان سیا در نظر دارند با تشکیل سناریوهایی برای عرضه و تولید نفت اوپک، عرضه و تقاضای جهانی نفت را با یکدیگر هماهنگ نموده و از این طریق مانع افزایشهای ناگهانی در قیمت‌های نفت که به گمان آنها اثرات تخریبی بر اقتصاد غرب می‌گذارد، شده و بالتبلیجه رشد قیمت‌ها را با رشد اقتصادی متناسب نمایند. پس بسیار قابل تأمل است وقتی در بایم در نتیجه شوک نفتی که وقوع انقلاب اسلامی به بازار نفت وارد کرد، قیمت نفت در ظرف کمتر از دو سال از بشکه‌ای ۱۳ دلار به ۳۸ دلار رسید و یک مسیر رشد سیصد درصدی را طی نمود.

از ظرفی وقوع این اتفاق و در نتیجه انجام اقدامات بسیاری از سوی مصرف‌کنندگان عمده نفت در جهت کاهش وابستگی به نفت اوپک از جمله صرفه‌جوییهای بسیار و از سوی دیگر افزایش تولید کشورهای غیر اوپک، باعث شد تقاضا در سال ۱۹۸۵ برای نفت اوپک بین ۱۶ الی ۱۸ میلیون بشکه در روز باشد در حالی که در این تحلیل برای آن رقمی بین ۳۳ الی ۴۰ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده است.

بحث مفصل و تحلیلی پیرامون سیر این روندهای در حوصله این کلام نیست. این دو مثال نیز برای آن زده شد تا خواننده در حین مطالعه مطالب در ذهن خود آمار و ارقام پیش‌بینی شده برای دوره‌های زمانی متفاوت را با آنچه در واقع وجود داشته است، مقایسه نماید. بلکه آنچه که باید مورد نظر قرار گیرد، روش کار، طریقه تنظیم و ارائه اطلاعات، میزان بهادادن به پارامترهای مختلف و در حالت کلی متدولوژی حاکم بر این تحلیل است.

امیدوارم خوانندگان محترم لغزشهای موجود در ترجمه و تنظیم سند را با توجه به حجم کار بر ما ببخشند و از راهنماییها و ارشادات خود ما را بی‌نصیب نگذارند. خواهشمند است پیشنهادات خود را برای استفاده در چاپهای بعدی، به آدرس مرکز نشر اسناد لانه‌ها جاسوسی ارسال نمایند.

من... التوفیق و علیه التکلان

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پاییز ۶۵

توضیح:

برای استفاده از جداول و اشکالی که در ترجمه سند به آنها اشاره شده است به متن انگلیسی کتاب (۵۸)، در C.D ضمیمه کتاب مراجعه شود. به لحاظ اینکه جداول و نمودارها عمدتاً شامل اعداد بوده‌اند، از ترجمه آنها خودداری شده است.

فهرست

خلاصه

پیشگفتار

۱- عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

عربستان سعودی

ایران

عراق

ونزوئلا

نیجریه

کویت

ابوظیبی

اندونزی

الجزیره

لیبی

دیگران

۲- سناریوهای تولید اوپک

۳- تقاضای کشورهای سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک

نگرشی بر تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای آینده

عرضه انرژی توسط سازمان همکاری و عمران اقتصادی

تقاضای واردات خالص نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

۴- تقاضای کشورهای غیرکمونستی خارج از کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای

نفت اوپک

تقاضای خالص واردات نفتی کشورهای در حال توسعه غیراوپک

۵- کشورهای کمونیست در بازار نفت

مشکل نفتی شوروی

فقر انرژی در اروپای شرقی

دیگر کشورهای کمونیستی

تداوم صادرات چین

موازنه تجارت نفتی کمونیستی

۶- تقاضای جهانی برای نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

موازنه عرضه و تقاضای نفتی: تأثیرات

ضد فشارها

تأثیر افزایش احتمالی قیمت



تصمیمات اوپک پیرامون قیمت‌گذاری  
نتیجه‌گیری پایانی

ضمیمه‌ها

- الف - متدولوژی
- ب - جداول آماری تکمیلی
- ج - جزوه «بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵» در مقایسه با جزوه «اوضاع انرژی بین‌المللی: نگرشی بر سال ۱۹۸۵»
- د - تقاضای جهان برای نفت اوپک
- ه - عرضه و مصرف انرژی در کشور

## بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

آژانس اطلاعات مرکزی (سیا - م)  
مرکز ملی ارزیابی خارجی  
اوت ۱۹۷۸ خلاصه

## دامنه (مطالعات) و محدودیتها

این مطالعات دورنمای بازار بین‌المللی نفت را در هفت سال آینده مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> به منظور تشخیص شرایطی طرح‌ریزی شده که براساس آنها فشار تقاضا بر عرضه موجود نفت ممکن سبب افزایش قیمتها گردد و علاوه بر این احتمال وقوع این شرایط را نیز ارزیابی می‌کند، ولی راه‌حلهایی برای حل یک مشکل بالقوه پیشنهاد نمی‌کند.

این تجزیه و تحلیل بسیار پیچیده است، چون بر تداخل پیش‌بینی‌های سه متغیر مهم بستگی دارد که عبارتند از رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی، میزان کارایی اقدامات مربوط به صرفه‌جویی در انرژی و تولید نفت. علاوه بر این، پیش‌بینی‌ها ذاتاً واجد عدم قطعیت می‌باشند. آنها متکی به سوابق تاریخی هستند که تعابیر مختلفی از آنان می‌شود و گذشته از آن به وقایع آتی متکی می‌باشند، که در مورد آنها نمی‌توان پیش‌بینی نمود.

به خاطر نقش بحرانی کشورهای مرتبط با سازمان کشورهای صادرکننده نفت در عرضه نفت مورد نیاز جهانی، این تجزیه و تحلیل بر اساس تقاضا برای نفت اوپک و تمایل و توانایی کشورهای اوپک به برآورده ساختن این تقاضا تدوین شده است، ما برای آسانتر کردن مسئله این تجزیه و تحلیل را از سه راه محدود ساخته‌ایم:

- قیمت‌های اوپک براساس شرایط واقعی ثابت تلقی شده است.

- تأثیر تغییرات احتمالی سیاست‌های انرژی کشورهای صنعتی را در نظر نگرفته‌ایم.

- از نظر زمان، فقط تا پایان ۱۹۸۵ را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. چون این مدت به قدر کافی کوتاه است و برنامه‌های زمانی لازم جهت طرح‌ریزی و اجرای پروژه‌های بزرگ موانع مهمی بر سر راه افزایش و توسعه ظرفیت تولید نفت می‌باشند.

البته در عمل اگر تقاضا برای انرژی بر عرضه نفت فشار وارد آورد، قیمت‌های واقعی نفت افزایش خواهد یافت و احتمالاً در سیاست‌های دولت نیز تغییراتی پدید خواهد آمد. افزایش قیمت‌ها مستقیماً و به طور غیر مستقیم در نتیجه تأثیر منفی آن بر رشد اقتصادی سبب کاهش تقاضا برای نفت خواهد شد. دولت‌ها نیز به نحو جدی تری سعی در صرفه‌جویی انرژی و افزایش عرضه خواهند نمود.

در این چهارچوب تحلیلی، ما دامنه‌های زیر را به عنوان پارامترهای محتمل برای متغیرهای اصلی در نظر گرفته‌ایم:

- در طول سالهای ۸۵-۱۹۷۸ رشد واقعی اقتصادی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و عمران از میانگین سالانه ۳/۷ درصد به سطح ۴/۲ درصد افزایش خواهد یافت.

- صرفه‌جویی در انرژی، در پاسخ به افزایش قیمت‌های گذشته و سیاست‌های موجود دولت‌ها، رشد تقاضای انرژی کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و عمران را بین ۷۰ تا ۸۰ درصد میزان رشد

۱- این مطالعات تحلیلهای انجام شده در نشریه، ER 77-10240 (وضعیت بین‌المللی انرژی، دورنگری به سال ۱۹۸۵، آوریل ۱۹۷۷) را با شرایط روز تطبیق داده و آنها را گسترش می‌بخشد.

اقتصادی نگاه خواهد داشت.

- تولید نفت اوپک از ۳۱/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به سطحی بین ۳۳ تا ۴۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش پیدا می‌کند.

### عرضه و تقاضای نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

نتایج حاصله از مطالعات در آوریل ۱۹۷۷ چنین بود: «در صورتی که در میزان صرفه‌جویی انرژی افزایش پدید نیاید، تقاضای جهانی برای نفت در اوائل سالهای ۱۹۸۰ معادل ظرفیت تولید خواهد گشت... و قیمت‌ها آنقدر افزایش پیدا خواهند کرد که میزان نفت موجود جیره‌بندی شود.» لیکن در سال گذشته چند فاکتور دستخوش تغییر گشته است. مهمترین آنها این است که ظرفیت تولیدی اوپک و به خصوص عربستان سعودی به سطح پیش‌بینی شده قبلی نخواهد رسید، و یکی از دلایل آن نیز این است که دولتهای اوپک که در اخذ تصمیمات نقش عمده‌ای دارند، اهدافی متفاوت با اهداف صاحبان شرکتهای پیشین دارند. در رابطه با تقاضا، به نظر می‌رسد رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ معادل نیم درصد کمتر از پیش‌بینی ماه آوریل گذشته بوده که در تقاضای آتی نفتی، نوعی اعتدال پدید می‌آورد. علاوه بر این ما پیش‌بینی‌های خود را در رابطه با حداکثر واردات خالص نفتی کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۸۵ پایین آورده‌ایم، تا به خصوص نشان دهیم که شوروی و کشورهای اروپای شرقی نیاز مبرمی به ارز معتبر دارند.

با در نظر گرفتن تمام این تغییرات، خطر کاهش تولید نفت در نیمه اول سالهای ۱۹۸۰ که می‌تواند منجر به سیر صعودی قیمت واقعی نفت اوپک گردد هنوز بسیار زیاد است. ترکیبهای دیگر پیش‌بینی‌های سه متغیر اصلی نشان می‌دهد که چندین سال طول می‌کشد تا چنین مشکلی پدید آید.

در صورتی که عرضه نفت اوپک فقط به ۳۳ میلیون بشکه در روز برسد و میانگین میزان رشد اقتصادی نیز سالانه معادل ۴/۲ درصد باشد، تا سال ۱۹۸۰ یک مشکل نفتی به وجود خواهد آمد. حتی در صورتی که تولید نفت کشورهای عضو اوپک به ۴۰ میلیون بشکه در روز برسد، که به عقیده ما بسیار خوش‌بینانه است، تقاضا برای نفت اوپک قبل از سال ۱۹۸۵ با میزان عرضه نفت تطبیق خواهد کرد، البته در صورتیکه میزان رشد اقتصادی به بالاترین سطحی که پیش‌بینی کردیم برسد. ترکیبی از افزایش تولید نفت اوپک، کاهش رشد اقتصادی، و صرفه‌جویی شدید نفتی حداقل تا پایان سال ۱۹۸۵ از بروز این مسئله جلوگیری خواهد کرد.

البته همه صاحب‌نظران نفتی با نحوه قضاوت ما درباره اهمیت مسئله موافق نیستند. لیکن اکثر پیش‌بینی‌هایی که در مورد تقاضا برای انرژی و تولید داخلی انرژی کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شده مشابه پیش‌بینی‌های ما می‌باشند. تعداد کمی از این صاحب‌نظران امکان اینکه کشورهای کمونیستی تبدیل به واردکنندگان خالص نفتی بشوند را در نظر گرفته‌اند، ولی این اختلاف در مقایسه با برآوردها، بحرانی نیست. اگر کشورهای کمونیستی به نحوی از انحاء در زمره واردکنندگان تقاضای پیش‌بینی شده بر ذخایر نفتی فقط یک سال به تعویق می‌افتد. تفاوت اصلی بر تولید نفت اوپک متمرکز است. خوش‌بین‌ترین صاحب‌نظران فرض را بر آن قرار داده‌اند که ظرفیت تولیدی اوپک و به خصوص عربستان سعودی خیلی بیش از نتایج پیش‌بینی‌های ما می‌باشد. البته بعضی از آنها در سال گذشته

پیش‌بینی‌های خود را در مورد ظرفیت تولیدی اوپک تقلیل داده و بعضی دیگر نیز مشابه ما پیش‌بینی کرده‌اند.

### نقش اوپک

به نظر ما تمایل و توانایی کشورهای اوپک در تأمین نیازهای نفتی جهان توام با تردید فزاینده‌ای است. سیاستهای اقتصادی و سیاسی و نیز ملاحظات فنی کشورهای اصلی تولیدکننده بر افزایش و گسترش ظرفیت تولیدی اوپک تأثیر خواهد بخشید. بعضی از کشورهای صادرکننده نفت که کنترل منابع خود را خود در دست دارند، نسبت به کمپانیهای بین‌المللی نفتی افقهای دورتری را مدنظر دارند. آنهایی که پول بیشتری از درآمد نفت نصیبشان می‌شود، یا ظرفیت تولید را پایین می‌آورند و یا از تأسیس ظرفیتهای جدید تولیدی خودداری می‌ورزند. انگیزه این محدودیت تولید می‌تواند ناشی از نگرانیهای توام با صرف‌جویی در جهت بالا بردن سود فرآورده‌های نفتی باشد. دلایلی از قبیل سیاست خارجی نیز می‌تواند در تسریع و یا به تأخیر افتادن برنامه‌های گسترش ظرفیت تولیدی مؤثر واقع شود. چندین دولت مهم عضو اوپک در حال حاضر اقداماتی در زمینه کاهش تولید نفت و محدود نمودن سرمایه‌گذاری در جهت گسترش ظرفیت تولیدی انجام داده‌اند. عربستان سعودی و ابوظبی در مورد بعضی از حوزه‌های نفتی و بعضی از انواع نفت خام خود سقف تولیدی خاصی را معین کرده و عملیات کمپانیهای نفتی را محدود نموده‌اند.

### عربستان سعودی - عامل مهم

عربستان سعودی، مهمترین تولیدکننده بخش اعظم نفت بازارهای جهان در دهه گذشته، کلید اصلی توانایی اوپک برای تأمین تقاضای فزاینده نفتی جهان در سالهای ۱۹۸۰ را در دست دارد. دورنمای گسترش ظرفیت تولیدی نفت عربستان سعودی در سال گذشته رو به وخامت نهاده است. کمپانی آرامکو، که تولیدکننده تمام نفت عربستان سعودی می‌باشد، در اوائل سال گذشته تصمیم گرفت که تا سال ۱۹۸۵ حداکثر ظرفیت تولیدی را به ۱۶ میلیون بشکه در روز برساند. لیکن سعودیها این برنامه را هرگز تصویب نمودند و دستیابی به این هدف دیگر مقدور نمی‌باشد.

سعودیها در مورد بعضی از حوزه‌های نفتی و انواع نفت خام خود سقف تولیدی خاصی را تعیین کرده، بر عملیات کمپانیهای نفتی، محدودیتهایی قائل شده‌اند و منابع مالی که برای سرمایه‌گذاری در اختیار آرامکو قرار می‌دهند را محدود نموده‌اند. آرامکو در آخرین برنامه خود اعلام کرده است که تا سال ۱۹۸۳ ظرفیت تولیدی را به ۱۱/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رساند.

ما معتقدیم که ظرفیت تولیدی عربستان سعودی را می‌توان تا سال ۱۹۸۵ به ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز (پیش‌بینی ما در مورد حداکثر ظرفیت تولیدی اوپک) رساند البته مشروط بر آنکه سرمایه‌گذاریهای جدید بشود و بخشی از محدودیت تولیدی تحمیل شده به وسیله عربستان سعودی نیز از میان برداشته شود. ولی برای دست یافتن به این ظرفیت تولیدی لازم است که ظرفیت تولیدی بعضی از حوزه‌های نفتی سعودی به میزان معقولی بالا برده شود و سرمایه‌گذاریهای درازمدتی نیز در این زمینه انجام گیرد. در حالی که، رعایت مقررات کنونی سبب می‌گردد که ظرفیت تولید از سطح کنونی ۸/۸ میلیون بشکه در روز

پایین تر بیاید (پیش‌بینی ما در مورد حداقل ظرفیت تولیدی اوپک).  
 از نقطه نظر سودجویی اقتصادی کوتاه‌بینانه، سعودیها ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که با پیروی از برنامه‌های گسترش ظرفیت تولیدی گران‌قیمت، که توأم با خطراتی نیز هست فایده زیادی عایدشان نخواهد شد. اکثر سیاستمداران ارشد نفتی عربستان سعودی طرفدار محدود کردن نه تنها تولید نفت بلکه ظرفیت تولیدی آینده نیز هستند. آنها معتقدند که اگر نفت در اعماق زمین بماند، بهترین نوع پس‌انداز برای آنها به شمار می‌رود و نمی‌خواهند تحت فشارهای خارجی، سطح تولید خود را بیش از آنچه که مایل هستند بالا ببرند. علاقه به صرفه‌جویی با این نظریه شدت گرفته است که محاسبه غلط در مورد سطح تولیدی مناسب می‌تواند به از دست رفتن دائمی ذخایر نفتی منجر گردد.  
 گرچه افزایش عمده ظرفیت اهرمی علیه تصمیمات اوپک پدید می‌آورد، لیکن سعودیها معتقدند که این افزایش عمده ظرفیت تولیدی، تحت فشار افزایش تقاضای جهانی بی‌اثر خواهد گردید. بنابراین باید ملاحظاتی در زمینه سیاست خارجی انجام داد، تا سعودیها متقاعد شوند که باید یک سری تصمیمات مثبت اتخاذ نمایند، تا در سال ۱۹۸۵ ظرفیت تولیدی را به سطح ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز برسانند. به هر حال، ما معتقدیم که تولید نفت عربستان سعودی در سطح ۱۰/۵ میلیون بشکه در روز (حد وسط پیش‌بینی ما در مورد ظرفیت تولیدی اوپک) تا سال ۱۹۸۵ بیشتر امکان‌پذیر خواهد بود.

#### دیگر کشورهای اوپک

در رابطه با دیگر کشورهای اوپک، احتمال افزایش ظرفیت تولیدی نفت بسیار ناچیز است. در حالی که نصب تجهیزات تولیدی جدید در ایران دچار وقفه گشته است، ظرفیت تولیدی ۶/۵ میلیون بشکه‌ای این کشور نیز تا اواسط ۱۹۸۰ به سطح ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. عراق باید بتواند ظرفیت تولیدی خود را تا حدی بالا ببرد لیکن برنامه‌های بغداد در رابطه با تولید نفت در آینده از سال ۱۹۷۳ تا به حال چندین بار با کاهش همراه شده است. نظریات مربوط به صرفه‌جویی در کویت و ابوظبی نیز مانع از افزایش ظرفیت تولیدی می‌گردد. نیجریه، ونزوئلا و اندونزی نیز خواهند توانست سطح تولید کنونی خود را حفظ نمایند.

#### کشورهای کمونیستی

دورنمای تولیدی کشورهای کمونیستی از زمان به پایان رسیدن آخرین تحقیق ما هنوز تغییر نکرده است. ما پیش‌بینی کرده بودیم که در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ ظرفیت تولیدی شوروی به سطح ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت و این مقدار تولید نیاز داخلی شوروی را برآورده خواهد ساخت. لیکن برای صدور آن به خارج، مازادی باقی نخواهد گذارد و از آنجایی که چین تنها مقدار کمی از نفت خود را به خارج صادر خواهد کرد و اکثر کشورهای کمونیستی دیگر نیز دچار کمبود زیاد و فزاینده نفتی خواهند شد. ما پیش‌بینی کرده‌ایم که کشورهای کمونیستی به جای صدور به‌واردکردن نفت می‌پردازند.  
 ولی معلوم نیست که تا سال ۱۹۸۵ میزان واردات نفتی آنها چقدر خواهد بود. پتانسیل تقاضای آنها به صرفه‌جویی و رشد اقتصادی بستگی دارد. علاوه بر این، آنها مجبورند ذخایر محدود ارزش معتبر خود را بین واردات نفتی و دیگر واردات دارای اولویت تقسیم نمایند. آنها اگر تنها رشد اقتصادی را در نظر بگیرند،

نخواهند توانست تمام نفت مورد نیاز خود را وارد نمایند. کشورهای کمونیستی کلاً به صورت یک گروه در سال ۱۹۷۷ معادل ۱/۱ میلیون بشکه نفت در روز صادر کرده بودند. با در نظر گرفتن دورنمای اقتصادی آنها، صرفه‌جویی انرژی و جایگزینی دیگر منابع انرژی و محدودیت آنها در تحصیل ارز معتبر، بر این باوریم که در صورت ثابت ماندن قیمت‌های واقعی نفت، شوروی، اروپای شرقی، کوبا و دیگر کشورهای خریدار نفت شوروی در خاور دور تا سال ۱۹۸۵ معادل سه میلیون بشکه در روز نفت وارد خواهند کرد. چین نیز احتمالاً ۵۰۰/۰۰۰ بشکه نفت صادر خواهد کرد و به این ترتیب میزان واردات نفتی کشورهای کمونیستی را به سطح ۲/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رساند.<sup>۱</sup>

گرچه بخش اعظم این واردات نفتی برای اروپای شرقی و کوبا می‌باشد ولی مسکو نیز باید در تأمین منابع مالی مورد نیاز به آنها کمک نماید، چون اروپای شرقی و کوبا نمی‌توانند بدون متحمل شدن مشکلات حاد اقتصادی هزینه‌های مربوطه را به تنهایی بپردازند. بنابراین شوروی و اروپای شرقی مجبور خواهند بود از واردات غیرنفتی خود از کشورهای که دارای ارز معتبر می‌باشند بکاهند، تا بتوانند ارز معتبر موجود خود را در زمینه واردات نفتی مصرف نمایند.

به همین دلیل، مسکو با یک مشکل نفتی روبرو است که به سختی قابل حل است و باید در سیاست‌های خود تصمیمات در دناکی بگیرد، یعنی باید در مورد یکی از این راه‌ها تصمیم بگیرد: چه مقدار از واردات غیرنفتی خود از غرب را بکاهد تا بتواند ارز معتبر خود را در مورد واردات نفتی مصرف نماید، و یا برای کمک به کوبا و اروپای شرقی چه مقدار از هزینه‌ها را متحمل شود و چه مقدار از رشد اقتصادی شوروی و اروپای شرقی را کاهش دهد تا بتواند در میزان مصرف انرژی و میزان واردات نیز کاهشی پدید آورد.<sup>۲</sup>

۱- در تحقیق آوریل ۱۹۷۷، ما پیش‌بینی کردیم که حداکثر ظرفیت تولیدی شوروی در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز و حداقل نیاز وارداتی نفتی شوروی و اروپای شرقی معادل ۳/۵ میلیون بشکه در روز و صادرات نفتی چین نیز ناچیز خواهد بود. در تحقیق حاضر پیش‌بینی ما در مورد وضع تولیدی شوروی تغییر نکرده است. واردات خالص نفتی شوروی و اروپای شرقی نیز به رقمی معادل ۲/۷ میلیون بشکه در روز کاهش داده شد، تغییر ۸۰۰/۰۰۰ بشکه در روز نشانگر انتظارات ما از این امر است که در شوروی احتمالاً معادل ۷۰۰/۰۰۰ بشکه در روز در مصرف نفت صرفه‌جویی خواهد گردید و تغییرات رشد اقتصادی و برآورد میزان صرفه‌جویی در اروپای شرقی نیز ۱۰۰/۰۰۰ بشکه در روز باقیمانده را دربر می‌گیرد. پیش‌بینی کنونی ما این است که چین تا سال ۱۹۸۵ معادل ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز، نفت صادر خواهد کرد. علاوه بر این، در تحقیق کنونی میزان واردات خالص نفتی کوبا و دیگر کشورهای کمونیستی تا سال ۱۹۸۵ سیصد هزار بشکه در روز در نظر گرفته شده تا کل واردات همه کشورهای کمونیستی معادل ۲/۵ میلیون بشکه در روز بشود. یکی از اختلافات دیگر این تحقیقها این است که در تحقیق قبل پیش‌بینی بود که اگر ظرفیت تولیدی شوروی کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز بشود میزان واردات شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی به میزان ۴/۵ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. لاین در حال حاضر به این نتیجه رسیده‌ایم که حداکثر واردات نفتی شوروی و اروپای شرقی معادل ۲/۷ میلیون بشکه در روز خواهد بود چون در زمینه ارز معتبر دچار محدودیتهایی هستند و علاوه بر این اگر تولید نفت شوروی به کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز برسد برای جبران کمبود به واردات بیشتر متوسل نخواهند شد بلکه در رشد اقتصادی اروپای شرقی و شوروی کاهش پدید خواهند آورد.

۲- اختلافات دیگر این تحقیقها این است که در تحقیق قبل پیش‌بینی بود، که اگر ظرفیت تولیدی شوروی کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز بشود، میزان واردات شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی به میزان ۴/۵ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. لیکن در حال حاضر به این نتیجه رسیده‌ایم که حداکثر واردات نفتی شوروی و اروپای شرقی معادل ۲/۷ میلیون بشکه در روز خواهد بود چون در زمینه ارز معتبر دچار محدودیتهایی هستند و علاوه بر این اگر تولید نفت شوروی به کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز برسد برای جبران کمبود به واردات بیشتر متوسل نخواهند شد، بلکه در رشد اقتصادی اروپای شرقی و شوروی کاهش پدید خواهند آورد.

### دیگر تولیدکنندگان نفت

انتظار می‌رود که در طول مدت این ارزیابی، در رشد ذخایر نفتی قابل دسترس خارج از اوپک نیز نوعی کندی پدید آید. تولید نفت دریای شمال که در سالهای ۸۰-۱۹۷۸ تقریباً سه برابر یعنی معادل ۲/۹ میلیون بشکه در روز (پیش‌بینی) گردیده بود، تا سال ۱۹۸۵ افزایشی معادل فقط ۱/۴ میلیون بشکه در روز خواهد داشت. تولید نفت در ایالات متحده در دوره ۵-۱۹۸۰ احتمالاً ثابت خواهد بود. پس از اولین افزایش سریع در جریان نفتی آلاسکا، مازاد نفت شیبه‌های شمال به سختی خواهد توانست کاهش تولید نقاط دیگر را جبران نماید. مکزیک نیز یک منبع نفتی جدید خواهد بود، و در صورت تداوم برنامه‌های توسعه دولت کنونی این کشور، سطح تولید آن را ۱/۱ میلیون بشکه در روز در سال گذشته به سطح روزانه ۳/۹ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید. اکثر کشورهای روبه‌رشد نیز در جستجوی نفت بوده‌اند، ولی میزان واردات نفتی آنها بازهم بالا خواهد رفت.

### منابع انرژی جایگزین - چاره مایوس کننده

گسترش و استفاده از منابع انرژی غیرنفتی نمی‌تواند کاهش عرضه نفتی را جبران نماید. گرچه و هنوز مشخص نشده است که از زغال‌سنگ و گاز طبیعی چه چیزی می‌توان به دست آورد. این ارزیابی افزایش تولید زغال‌سنگ کشورهای صنعتی را معادل ۲۵ درصد بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵ در نظر گرفته که تقریباً و به‌طور عمده منعکس‌کننده ۴۰٪ افزایش در ایالات متحده می‌باشد. استفاده روزافزون از زغال‌سنگ در کشورهای پیشرفته به وسیله (الف) هزینه سنگین تولید در بعضی از کشورها، (ب) زیربنای غیرکافی، و (ج) عدم وجود انگیزه کافی در ترغیب صنایع و مصارف عمومی به استفاده از زغال‌سنگ و گاز به جای نفت، محدود می‌گردد.

در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۵، انرژی هسته‌ای سهم تولید انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را دوبرابر کرده و به ۱۱ درصد خواهد رساند. برنامه‌های درازمدت چند ساله و افزایش فشارهای سیاسی و قانونی در بسیاری از کشورهای صنعتی، استفاده بیشتر از این انرژی را در طول این مدت زمانی محدود کرده است. تولید گاز طبیعی در کشورهای پیشرفته تا حدی کاهش خواهد یافت، لیکن افزایش قابل ملاحظه واردات گاز طبیعی و گاز مایع از کشورهای اوپک، مصرف گاز را در کشورهای صنعتی بالا خواهد برد. در رابطه با دیگر منابع انرژی از قبیل نیروی هیدروالکتریک و منابع حرارتی زمینی باید گفت که محدودیت منابع موجود قابل بهره‌برداری، برنامه‌های درازمدت زمانی، و هزینه‌های سنگین در این مورد موانعی ایجاد کرده است. فنون انرژی خورشیدی موجود که از نظر هزینه بسیار مقرون به صرفه است، ایجاد ساختمانهایی که بتوانند حداکثر استفاده از نور خورشید و انرژی خورشیدی را در زمینه گرم کردن آب بنمایند، احتمالاً به کندی جایی برای خود باز خواهد کرد.

### میزان تأثیرات بر رشد اقتصادی

اکثر کشورهای پیشرفته در یک دوران انتقال به سوی کاهش اتکاء به نفت دچار مشکلاتی هستند حتی اگر صرفه‌جویی سبب شود که در رابطه بین استفاده از انرژی و تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در طول سالهای ۸۵-۱۹۷۷ سیر نزولی پدید آید. اگر تقاضا برای

انرژی به سرعتی همانند سرعت تولید ناخالص ملی تا سطح ۸۰ درصد افزایش پیدا کند، حتی یک رشد اقتصادی به میزان ۳/۷ درصد در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز خطر کاهش عرضه نفت را تا قبل از سال ۱۹۸۵ پدید خواهد آورد (به جدول ۱ مراجعه شود) این وضع سبب بالا رفتن قیمت‌های نفتی و متعاقباً کاهش رشد اقتصادی خواهد گشت.

افزایش صرفه‌جویی مشکل را فقط مدت کوتاهی به تعویق خواهد افکند. تحت اکثر ترکیبات عرضه و تقاضا، هرگونه تغییری که تقاضا برای انرژی در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را به مقدار ۲/۵ درصد تا سال ۱۹۸۵ کاهش دهد.<sup>۱</sup> میزان رشد تقاضای انرژی را معادل ۷۰ درصد رشد اقتصادی نگهدارد، خواهد توانست کاهش عرضه در بازار نفت را فقط یک سال و اندی به تأخیر اندازد. حتی این مقدار صرفه‌جویی نیز قبل از سال ۱۹۸۵ در عرضه بازار نفت کمبود پدید خواهد آورده مگر آنکه تولید نفت اوپک معادل بالاترین میزان پیش‌بینی ما باشد.

به نظر می‌رسد فشارهای سیاسی و اجتماعی کشورهای مصرف‌کننده نفت در بسیاری موارد با توسعه‌هایی که سبب از بین رفتن کمبود عرضه بازار نفت تا سال ۱۹۸۵ خواهند شد، در تضاد می‌باشند. در حالی که تعداد بیکاران سه سال پس از آخرین بحران اقتصادی معادل ۱۶ میلیون نفر می‌باشد، فشارهای زیادی به دولتهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی وارد می‌شود تا رشد اقتصادی را افزایش دهند. یک سری انتخابات ملی برنامه‌ریزی شده برای سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ تمایل به افزایش قیمت‌ها پس از یک دوره رکود را تشدید خواهد نمود. گرچه معلوم نیست که عموم تا چه حد قادر به تحمل بیکاری باشند، ولی گمان نمی‌رود که رأی‌دهندگان واقعیت مشاغل کمتر در کوتاه مدت را بپذیرند، تا از سیر نزولی اقتصاد متکی به نفت در یک سال آینده اجتناب ورزند.

در همین حال، چند عامل سبب می‌گردد که مردم و در بعضی موارد دولتها نتوانند وجود یک مشکل نفتی را بپذیرا شوند. مهمتر از همه اینکه به خاطر جریان یافتن نفت دریای شمال و آلاسکا در حال حاضر و در حالی که تقاضا پایین است در بازار نفت حالت اشباع ایجاد شده است. در مجموع صنایع زغال سنگ آمریکا و اروپا نیز به علت کاهش تقاضای جهانی فولاد دارای افزایش ظرفیت واقعی هستند. البته اگر رشد اقتصادی همین سیر صعودی اعتدالی خود را در دو سال آتی ادامه دهد، این شرایط نیز از میان خواهد رفت و اتخاذ تصمیمات شدیدتری در زمینه صرفه‌جویی انرژی و تغییر سبک زندگی را نیز به تأخیر خواهد انداخت. کند بودن سرعت رشد سرمایه‌گذاری نیز در بسیاری از کشورها سبب به تعویق افتادن و به کارگیری روشها و ماشین‌آلات تولیدی با صرفه‌جویی بیشتر در انرژی خواهد گردید.

### راههای تطابق ممکن

مشکل آتی نفتی ممکن است به صورت افزایش عظیم و سریع قیمت‌ها مانند سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۷۴ بروز ننماید، و اگر به این ترتیب ظاهر شود بر رشد اقتصادی، بیکاری و تورم در کشورهای صنعتی بار دیگر ضربه‌ای کشنده خواهد زد. از نظر ما افزایش در حد ۱۰ درصد در قیمت نفت در حال حاضر تأثیر معادل ۶۰ درصد افزایش در سال ۱۹۷۳ را خواهد داشت، چون در آن زمان نقش نفت در فعالیتهای

۱- برای مثال، این تأثیر تقریبی قانونی است که با توجه به تخمینهای وزارت انرژی در مورد انرژی وضع شده و انتظار تصویب کنگره به سر می‌برد.



اقتصادی بسیار ناچیزتر از زمان حال بوده است. هر ۱۰ درصد افزایش قیمت نفت خام تأثیری معادل نیم درصد کاهش در تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی خواهد داشت و میزان بیکاری را ۵۰۰/۰۰۰ نفر بالا خواهد برد و نیم درصد نیز به تورم اضافه خواهد کرد و علاوه بر این به مشکلات حاد فعلی در تراز پرداختهای بسیاری از ملل خواهد افزود.

لیکن اگر سیر صعودی قیمتها معتدلتر انجام گیرد، تعدیل نیز تدریجاً صورت خواهد گرفت. در هر حال در چند سال آینده قیمتهای نفت مستعد افزایش خواهد بود، چون کشورهای اوپک می‌خواهند که به شرایط تجاری خود که در نتیجه تأثیر تورم جهانی و کاهش ارزش دلار و خیم شده بود بهبودی بخشند. با پیدایش و وسعت گرفتن مشکل احتمالی عرضه، نفت قیمتهای نفت نیز بالا خواهد رفت.

### پاورقی مربوط به جدول صفحه قبل

۱- این نرخهای رشد براساس پیش‌بینی‌های روندهای سنی ویژه جمعیت و پیش‌بینی نرخهای مشارکت و کاربرد رابطه تولید ناخالص ملی با اشتغال، محاسبه شده این نرخها با در نظر گرفتن رابطه تاریخی بین اشتغال رشد و تولید ناخالص ملی، بیکاری مداوم را به طور تلویحی در کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه می‌رساند. (میانگین ۴/۲٪ برای سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه) و یا به گونه‌ای دیگر و با در نظر گرفتن کاهش در رابطه تاریخی کارآیی تولیدی به رشد تولید ناخالص ملی آن را بیان می‌دارد. (۳/۷٪ میانگین برای کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه)

۲- تقاضای جهانی برای انرژی یا کاهش ۲/۵٪ در تقاضای انرژی سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۸۵ تعدیل شده است، به طوریکه مقادیر به صورت خطی در سال ۱۹۸۵ به این سطح می‌رسد. این اثر تقریبی قانون مربوط به انرژی است، که توسط وزارت انرژی تهیه شده و در انتظار تصویب کنگره است.

\* \* \*

### جدول ۱

شکل (۱)

سناریوهای تقاضای جهانی برای نفت اوپک  
(در شرایط قیمت ثابت نفت اوپک)

تولید ناخالص ملی کشورهای OECD، ۱۹۷۸-۱۹۸۱								سناریوهای عرضه
۱۹۸۱	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	
-	+	+	+	+	+	+	+	عرضه بالا توسط اوپک
-	-	-	-	+	+	+	+	عرضه متوسط توسط اوپک
-	-	-	-	-	+	+	+	عرضه پائین توسط اوپک
تولید ناخالص ملی کشورهای OECD، ۱۹۷۸-۱۹۸۱، ۴/۲٪								سناریوهای عرضه
۱۹۸۱	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	
-	-	-	-	-	+	+	+	عرضه بالا توسط اوپک
-	-	-	-	+	+	+	+	عرضه متوسط توسط اوپک
-	-	-	-	-	-	+	+	عرضه پائین توسط اوپک

عرضه از تقاضا بیشتر است +

تقاضا از عرضه بیشتر است -

تولید ناخالص ملی کشورهای OECD ۱٪ ۳/۷								تقاضای جهانی برای نفت اوپک یا منظور کردن صرفه‌جویی بیشتر (۲)
۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	سناریوهای عرضه
+	+	+	+	+	+	+	+	عرضه بالا توسط اوپک
-	-	+	+	+	+	+	+	عرضه پائین توسط اوپک
-	-	+	+	+	+	+	+	عرضه بالا توسط اوپک
-	-	-	-	+	+	+	+	عرضه متوسط توسط اوپک
-	-	-	-	-	-	+	+	عرضه پائین توسط اوپک
تولید ناخالص ملی کشورهای OECD ۱٪ ۴/۲								
-	-	+	+	+	+	+	+	عرضه بالا توسط اوپک
-	-	-	-	+	+	+	+	عرضه متوسط توسط اوپک
-	-	-	-	-	-	+	+	عرضه پایین توسط اوپک

عرضه از تقاضا بیشتر است +  
تقاضا از عرضه بیشتر است -

### پیشگفتار

این مطالعه به تحلیل پیرامون دورنمای بازار بین‌المللی نفت در هفت سال آینده می‌پردازد. چون کشورهای اوپک، که ۸۵ درصد نفت جهانی را تولید می‌نمایند، عناصر اصلی بازار نفتی در این دوره خواهند بود، این تحلیل نیز براساس تقاضا برای نفت اوپک و تمایل و توانایی کشورهای اوپک در برآورد این تقاضای نفتی تدوین شده است.

بررسی این متن پیرامون عرضه نفت اوپک در دورانی مابین حال حاضر و سال ۱۹۸۵ بوده و آن را با پیش‌بینی‌های مختلفی که در مورد تقاضای جهانی برای نفت اوپک خواهد شد، مقایسه خواهد نمود. علاوه بر این به بررسی و نتیجه‌گیری پیرامون عوامل اصلی تعیین‌کننده نتایج عرضه و تقاضا نیز می‌پردازد. این مطالعه نوعی تجدیدنظر در تحقیق ارائه شده در آوریل ۱۹۷۷ بوده و مانند تمام تلاشهای دیگری که در زمینه ارزیابی موازنه‌های عرضه و تقاضای جهانی شده، با ظهور اطلاعات و اخبار جدیدتر دستخوش تغییر و دگرگونی خواهد گشت. این تجزیه و تحلیل از آنجا که مبتنی بر پیش‌بینی است عاری از خطا نیست و با کسب اطلاعات جدیدتر باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

در رابطه با عرضه نفت اوپک، ما در کشورهای مهم دامنه‌ای از امکانات تولید نفت را در نظر گرفته‌ایم و مانند دیگر تحلیلگران بازار نفتی، ما نیز سعی در تعیین یک حداکثر ظرفیت تولید نفت اوپک تا سال ۱۹۸۵ کردیم، البته با در نظر گرفتن برنامه‌های دولتی برای بالا بردن ظرفیت، و عوامل فنی دیگر از قبیل میزان تولید و ذخایر و میزان اکتشاف نفت. البته در نتیجه قضاوت‌های خودمان عوامل دیگری را نیز در نظر گرفته‌ایم که با عرضه در ارتباط بوده و با سیاست‌های مدیریت منابع نفت و تعدادی از وقایع سیاسی و نهادی کشورهای اوپک بستگی پیدا می‌کنند.

سناریوهای مربوط به تقاضای نفت براساس دو فرضیه رشد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی<sup>۱</sup> استوار بوده و تحت فرضیه‌های مختلف روندهای کارایی تولید بر بیکاری مداوم دلالت دارد. این سناریوها صریحاً فرض را بر آن قرار داده‌اند که قیمت واقعی نفت در بازار جهانی در هشت سال آتی ثابت خواهد بود، یعنی افزایش قیمت نفت اوپک معادل افزایش قیمت صادرات کشورهای غیر اوپک خواهد بود.

در این فرضیات ۲/۵ درصد افزایش سالانه در قیمت واقعی انرژی آمریکا نیز براساس لایحه قانونی اخیر که مشابه لایحه صرفه‌جویی انرژی سال ۱۹۷۶ می‌باشد در نظر گرفته شده است، و چون ما با قیمت‌ها و حجمهایی (از تولید) سروکار داریم که تنها با تکاپو نمودن عرضه امکان‌پذیر می‌باشد، سناریوهای تقاضا را باید به عنوان یک وسیله سنجش در نظر گرفت و نه پیش‌بینی. زمانیکه پیش‌بینی تقاضا برای نفت اوپک بر عرضه نفت اوپک فزونی یابد، به میزان تقاضا مقرر نمی‌توان دست یافت و در نتیجه بالا رفتن قیمت‌های جهانی نفت از افزایش باز خواهد ماند. به خاطر عدم وجود سیاست‌های متعادل‌کننده دولتی در افزایش قیمت‌ها، تقاضای نفت اوپک به وسیله پایین آوردن رشد اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده نفت، و ادارسازی به صرفه‌جویی بیشتر و افزایش بازده انرژی کشورهای غیر عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه با عرضه نفت اوپک معادل می‌شود.

۱- در سرتاسر این نوشتار، منظور از کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی همه کشورهای عضو این سازمان به استثناء استرالیا و زلاندنو می‌باشد، مگر اینکه خلاف این موضوع دقیقاً ذکر گردد.

گزارش و روند تحلیلی آن شامل چهار بخش اصلی می‌باشد. اول آنکه میزان عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵ برآورد شده است. ثانیاً، چند سناریو در مورد تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه در رابطه با نفت اوپک در نتیجه برآورد تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه و کمبود انرژی این کشورها تشکیل یافته است. ثالثاً، در مورد تقاضای کشورهای رو به رو شد غیر اوپک در زمینه وارد کردن نفت و تقاضای کشورهای کمونیستی و بقیه نقاط جهان نیز برآوردهایی شده است. رابعاً، سناریوهای تقاضا و عرضه مختلف نیز با یکدیگر مقایسه گشته‌اند.

\* \* \*

### بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

#### ۱- عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

عوامل فنی، اقتصادی، نهادی و سیاسی احتمالاً قابلیت دسترسی به نفت اوپک را در هشت سال آینده محدود خواهد نمود. برآوردهایی که در مورد تولید آتی می‌شود، نه تنها باید عواملی چون پایه منابع و زیر بنای تولید و تحویل نفت را در نظر بگیرد، بلکه باید طرز تفکر دولتهای تولیدکننده را نیز در مورد نحوه بهره‌برداری از این منابع مورد ملاحظه و بررسی قرار دهد.

تا همین اواخر، برنامه‌های تولیدی اوپک بر معیارهای کمپانیهای نفتی در جهت تأمین نیازهای نفتی بازار استوار بود. با ملی شدن صنعت نفت، این ۹ معیارها نیز دچار دگرگونی و تغییر خواهند شد. برنامه زمانی دولتهای بسیار طولانی‌تر از برنامه زمانی کمپانیهای نفتی است (و معنی آن این است که میزان کاهش تولید خیلی پایین‌تر خواهد بود). ارزشهای نسبی که در مورد تولید آتی پدید آمده با ارزشهای موجود در رابطه با تولید در زمان حاضر تفاوت بسیار دارند به همین ترتیب در مورد صلاحیت سرمایه‌گذارهای کنونی و عملیات مؤثر در افزایش اکتشاف درازمدت نفت نیز اختلاف نظرهایی به وجود آمده است.

تعدادی از دولتهای اوپک از هم‌اکنون اقداماتی در جهت کاهش تولید نفتی و محدود کردن سرمایه‌گذارهای مربوط به گسترش ظرفیت تولیدی انجام داده‌اند. عربستان سعودی و ابوظبی در مورد حوزه‌های خاص و انواع ویژه نفت خام خود سقف تولید به خصوصی را تعیین کرده و در زمینه عملیات تولیدی نیز محدودیتهایی به وجود آورده‌اند تا تولید را زیر ظرفیت نگاه دارند. این سیاستها زمانی اتخاذ شده که بازار دچار ضعف است و با ظاهر شدن کاهش عرضه این ضعف نیز تبدیل به بحران خواهد گردید. با این وصف آنها پافشاری کرده و در آینده سعی در محدود کردن حوزه عملیاتی شرکتهای نفتی خواهند نمود.

مهمتر اینکه، تلاش این دولتها در کاهش تولید سبب می‌شود که نه تنها انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در رابطه با گسترش ظرفیت باقی‌مانده، بلکه برای ابقاء ظرفیت کنونی نیز از سرمایه‌گذاری امتناع شود. کویت در این رابطه مثال بسیار بارزی است. به علت مازاد درآمد وسیع و به علت احساسات صرفه‌جویانه قوی، این کشور سقف تولید سالانه خود را روزانه یک میلیون بشکه کمتر از ظرفیت تولید موجود تعیین کرده است. بنابراین کویتی‌ها و پیمانکارانی که در حوزه‌های این کشور به کار مشغول هستند، برای اقدام به

حفاریهای جدید، و انجام کارهای تعمیر و نگهداری روزانه از قبیل انجام کار در مورد چاهها بیش از نیازشان انگیزه‌ای نمی‌بینند و به همین دلیل ظرفیت تولید روزانه از سال ۱۹۷۳ معادل ۵۰۰/۰۰۰ بشکه کمتر شده است. به همین ترتیب، تصمیم سعودیها مبنی بر کاهش تولید بزرگترین حوزه نفتی دنیا یعنی حوزه الغوار سبب شده است، که سفارشات مربوط به نصب تجهیزات نمک‌زدایی لغو گردند. در غیاب این نمک‌زدایی‌ها، تعداد چاههایی که در حوزه الغوار در اثر هجوم آب بسته شده‌اند، افزایش یافته و ظرفیت تولید نیز پایین‌تر می‌آید.

جهت تعیین دامنه‌ای برای میزان احتمال تولید نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵، ما سه نوع فرضیه را در مورد ظرفیت تولیدی اوپک در نظر گرفته‌ایم.

✳️ ظرفیت ثابت، که «ظرفیت تأسیساتی» نیز خوانده می‌شود، عبارت است از حداکثر ظرفیت چاهها، خطوط لوله نفتی، و بقیه نظام انتقال نفت. در این فرضیه محدودیتهای عادی عملیاتی از قبیل زمان لازم برای تعمیر و نگهداری و آب و هوا در نظر گرفته نشده است.

✳️ ظرفیت قابل ابقاء، سطح تولیدی می‌باشد که می‌تواند، برای یک مدت طولانی از قبیل چندماه و یا بیشتر ادامه یابد بدون اینکه به حوزه نفتی خساراتی وارد گردد. برای هر حوزه، این مضمون ظرفیت یک عنصر قضاوت و نتیجه‌گیری را شامل می‌شود. مهندسین نفتی بسیار مطلع در مورد حداکثر میزان تولیدی یک حوزه موافقت نظر نداشته و ندارند.

✳️ ظرفیت مجاز، میزان تولیدی را گویند که به وسیله مقررات و قوانین دولتی مجاز شناخته شده است. پیش‌بینی‌های ما در مورد تولید اوپک هر سه فرضیه را در بر می‌گیرد. ما طرحهای موجود هر کشور را در مورد ظرفیت ثابت براساس سرمایه‌گذارها، زمان لازم جهت توسعه ذخایر احتمالی و تثبیت شده، و سیاست دولتی مورد بررسی قرار داده‌ایم. ظرفیت قابل ابقاء نیز براساس تجارب تاریخی تولید و مطالعات مهندسی موجود پیش‌بینی شده است و در اغلب موارد معادل ۹۰ تا ۹۵ درصد ظرفیت ثابت می‌باشد. در هر موردی که سقف تولیدی در مورد ظرفیت تولید مجاز مانند عربستان سعودی، کویت و ابوظبی تعیین شده باشد ما میزانهای بازده ممکن را در نظر گرفته‌ایم تا سیاستهای مختلف دولتی را نشان داده باشیم.

## تصویر ۱

### عربستان سعودی

عربستان سعودی کلید اصلی برآورد نیازهای روزافزون نفتی جهان را در سالهای ۱۹۸۰ در اختیار دارد. ذخایر احتمالی و تثبیت شده عربستان سعودی دربرگیرنده ۱۵۰ میلیارد بشکه نفت است، که یک چهارم ذخایر نفتی شناخته شده جهان غیرکمونویست را شامل می‌شود و حدود یک دهه است که به‌عنوان مهمترین منبع تأمین نیاز فزاینده نفتی جهان عمل می‌کند. تا سال ۱۹۷۷ سعودیها ۲۹/۶ درصد تولید کلی اوپک را تولید می‌کردند، درحالیکه این تولید در سال ۱۹۶۰ معادل ۱۵/۱ درصد بود. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ آنها بر تولید نفت جهانی ۴۰ درصد افزودند که سهم آنها در تولید کلی جهانی ۱۵ درصد بوده است. (به تصویر ۲ نگاه کنید) لیکن سطح تولید هنوز هم در مقایسه با میزان ذخایر بسیار پایین است. با این وصف، دورنمای گسترش سریع ظرفیت تولید نفتی عربستان سعودی در سال گذشته وخیم‌تر

شده است. برنامه اولیه آرامکو برای بالا بردن ظرفیت قابل ابقاء تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز کنار گذاشته شده است. برنامه‌های سرمایه‌گذاری برای رسانیدن ظرفیت قابل ابقاء به ۱۲/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۳ و ۱۲/۷ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۸۷ در اوایل سال ۱۹۷۷ در اصول مورد تصویب دولت سعودی قرار گرفت، لیکن آرامکو معتقد است که شرایط سرمایه‌گذاری تحمیلی توسط سعودیها نیل به این سطح پیشنهادی را غیرممکن می‌سازد. تحت برنامه کنونی سرمایه‌گذاری آرامکو پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۱۹۸۳ نخواهد توانست ظرفیت تولیدی را بیش از ۱۱/۵ میلیون بشکه در روز بالا ببرد<sup>۱</sup> (به جدول ۱ نگاه کنید).<sup>۲</sup>

برنامه‌های سرمایه‌گذاری منعکس‌کننده ملاحظات مالی و مشکلات فنی موجود در بعضی از حوزه‌های نفتی است. این هر دو عامل نیز گرایش عربستان سعودی را نسبت به اتخاذ سیاستهای توأم با صرفه‌جویی در رابطه با گسترش منابع نفتی تشدید می‌نمایند. این طرز برخوردها نیز به نوبه خود سبب کاهش تولید نفت و کاهش سرمایه‌گذاریها گشته است. بنابراین اگر دلایل اجباری سیاست خارجی وجود نداشته باشند، انتظار نمی‌رود که تصمیمی در جهت افزایش عمده ظرفیت تولیدی اتخاذ گردد. با در نظر گرفتن عواملی که در ذیل شرح آنها به تفصیل خواهد رفت از قبیل نظریه صرفه‌جویی سعودیها هزینه و زمان لازم برای مرتفع ساختن مشکلات فنی و تصمیمات اخیر سعودی در مورد سرمایه‌گذاریها، احتمالاً حدود ۱ تا ۲ میلیون بشکه در روز به ظرفیت قابل ابقاء سعودی اضافه خواهد گشت که ظرفیت تولیدی آن را تا پایان سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰/۴ میلیون بشکه در روز می‌گرداند. در واقع بسته به تصمیمات سعودیها ظرفیت تولیدی یا ثابت خواهد ماند و یا حتی سیر نزولی در بیش خواهد گرفت.

## تصویر ۲

### ملاحظات فنی

تعدادی مشکلات فنی در عربستان سعودی ظهور کرده که حاکی از جریان کامل شدن توسعه حوزه‌های نفتی است، ولی برای سعودیها نسبتاً تازگی دارد.

\* با ادامه تولید یک حوزه نفتی، فشار طبیعی کاهش می‌یابد، تا جایی که مقدار کافی آب و یا گاز را باید به طور مصنوعی در حوزه تزریق نمود، تا سطح تولید حفظ گردد و بخشی از ذخایر بازیافتی نیز به هدر نرود.

\* هنگامی که وجود آب شور در ذخایر نفتی مشاهده شود باید با نصب تجهیزات نمک‌زدائی آب شور را از نفت جدا نموده و یا چاه را مسدود نمود.

ملاحظات فنی تابع تصمیمات کلی سعودیها در مورد ظرفیت آتی نفتی و سیاست تولیدی می‌باشد. معذالک، مسائل فنی در تعیین مدت و هزینه لازم برای رسیدن به یک ظرفیت تولیدی مورد نظر، اهمیت

۱- این برنامه‌ها ظرفیت تولیدی منطقه بی طرف را که خارج از حیطه عملیاتی آرامکو است و عربستان سعودی در بازده آن با کویت سهیم است از این قاعده مستثنی ساخته است. ظرفیت تولیدی کنونی عربستان سعودی در منطقه بی طرف معادل ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد.

۲- برای مراجعه به جداول و تصاویری که در این بحث به آنها اشاره شده است، لطفاً به C.D ضمیمه این کتاب، جلد ۵۸ مراجعه نمایید.

بسیار دارند. علاوه بر این تا زمانی که در مورد نحوه برخورد با مشکلات فنی تصمیماتی اتخاذ نشود، ظرفیت قابل ابقاء نیز سیر نزولی خواهد داشت.

بروز مشکلات فنی در حوزه الغوار که یکی از حوزه‌های گول‌آسای نفتی سعودی است و ۹ درصد تولید نفت خام جهان از آنجا به دست می‌آید و بروز همین مشکلات در حوزه‌های دیگر سعودی که آنها هم با توجه به معیارهای جهانی، بزرگ هستند مشکلات منحصر به فرد و پیچیده‌ای را پدید آورده است. (به تصویر شماره ۳ نگاه کنید) میزان ذخایری که ممکن است در نتیجه محاسبات نادرست از بین برود بسیار عظیم است. در نتیجه، عدم اطمینان معمول در پیش‌بینی نحوه رفتار یک حوزه نفتی سبب شده است که در مورد میزان تولید احتمالی و مقرون به صرفه، نتیجه‌گیری و قضاوت‌های بسیاری بشود. علاوه بر این، ارزیابی متخصصین تا حدی بستگی به این دارد که این نظام اگر تحت فشار قرار گیرد تا چه مقدار خواهد توانست تولید نماید و یا اینکه با حداقل خطر چه مقداری باید تولید نماید.

با نشان دادن تمایل سعودی به حداکثر رساندن تولید نهائی منابع نفتی، وزارت نفت در مورد آرامکو مقررات محدودکننده عملیاتی وضع کرده است سقف تولیدی ۸/۵ میلیون بشکه در روز که در سال ۱۹۷۳، در نتیجه اقدامات صرفه‌جویانه و قبل از تحریم نفتی اعراب برای آرامکو تعیین شده بود ولی در سال ۱۹۷۷ به علت جدایی عربستان سعودی از دیگر کشورهای اوپک به خاطر مسئله قیمت‌های نفتی از بین رفته بود، بار دیگر در سال ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمد، و سعودیها در نظر دارند باز هم این سقف تولید را پایین تر بیاورند حتی اگر سقف تولید پایین تر نیاید، دیگر مقرراتی که در پایین شرح آنها رفته و تحمیل شده است و یا توسط سعودیها تحت بررسی و مطالعه است امکان دارد میزان بازده را به مدت دو سال و اندی کمتر از ۸ میلیون بشکه در روز تعیین نماید.

عربستان سعودی در ماه فوریه به آرامکو اطلاع داد که تولید نفت خام سبک عربی نباید بیش از ۶۵ درصد بازده کلی نفت این کشور را تشکیل دهد. در حالی که سقف تولید ۸/۵ میلیون بشکه در روز است قانون ۶۵ درصد به آرامکو اجازه نمی‌دهد که بیش از ۵ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید نماید و سهم پترومین نیز ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد. ظرفیت قابل ابقاء نفت فوق‌العاده سبک حوزه البری و نفت خام متوسط و سنگین حدود ۳ میلیون بشکه در روز است و این مقدار، تولید آرامکو را به سختی به سطح ۸/۵ میلیون بشکه در روز می‌رساند.

تکنیسینهای وزارت نفت در نظر دارند تولید مجاز نفت خام سبک عربی را پایین تر آورده و در سال ۱۹۷۹ یا ۱۹۸۰ مقدار تولید آن را ۶۰ درصد بازده کل تعیین نمایند، تا تولید انواع نفت خام با میزان تولید ذخایر متناسب گردد. این گام سبب می‌شود که در سقف تولیدی ۸/۵ میلیون بشکه در روز، تولید مجاز نفت خام سبک عربی بیش از ۵/۱ میلیون بشکه در روز نباشد. با این وصف، اگر ظرفیت تولیدی نفت فوق‌العاده سبک حوزه البری و نفت متوسط و سنگین را به سطح بیش از ۳ میلیون بشکه در روز افزایش ندهند، کل بازده نفتی این کشور نیز نخواهد توانست فراتر از ۸/۱ میلیون بشکه در روز باشد. به هر حال این سقف تولید کلی از بین خواهد رفت و جای آن را سقفهای تولیدی معین در مورد هر حوزه خواهد گرفت، که احتمالاً در مراحل اولیه بسیار محدود خواهد بود.

محدود کردن میزان تولید یک وسیله مناسب جهت هدایت آشفستگی تولید در هنگام رکود بازارهای نفتی بوده و در همان حال انعطاف‌پذیری را در برخورد با افزایش تقاضا حفظ می‌نماید. از نقطه نظر

خط مشی، سعودیها می خواهند فروش نفت متوسط و نفت سنگین خام را افزایش دهند و تا حد امکان نفت سبک خود را ذخیره نمایند. آنها در حال حاضر می توانند، تولید خود را محدود سازند بدون اینکه به کشورهای مصرف کننده ضربه ای وارد نمایند، چون دیگر کشورهای اوپک ظرفیت تولیدی استفاده نشده بسیار دارند. می توانند کمبود بازار نفت را جبران نمایند و یا بحرانی تر شدن بازار در سالهای ۱۹۸۰ سعودیها خواهند توانست قوانین محدود کننده تولید را از بین ببرند، تا منجر به اعتدال در افزایش قیمتها و جبران کمبود بازار نفتی شود.

### تصویر ۳

حتی قبل از وضع قانون ۶۵ درصد، به آرامکو دستور داده شده بود که از تولید در مناطقی که فشار ذخایر آن به پایین تر از «نقطه جوش» رسیده است، یعنی در آن نقطه گاز محلول در ذخیره نفتی خود بخود از نفت تجزیه می گردد، اجتناب ورزند. افزایش شدید تولید نفتی سعودی در اوائل سالهای ۱۹۷۰ با تزریق آب کافی جهت حفظ فشار ذخایر همراه نبوده است، به همین دلیل فشار ذخایر نفتی به خصوص در حوزه الغوار به سطح پائین تر از «نقطه جوش» نزول پیدا کرد. از سال ۱۹۷۴ میزان تزریق شده به داخل چاهها افزایش بسیار پیدا کرده و منجر به اعاده نسبی فشار گردید، لیکن مناطق وسیعی از حوزه الغوار که حاوی چاههای نفتی بسیار پر بار می باشد، هنوز دارای فشاری پایین تر از «نقطه جوش» می باشد.

متخصصین امر در مورد اینکه تا چه مدت می توان به یک چاه نفتی اجازه داد که فشار آن پایین تر از «نقطه جوش» بماند اختلاف نظر دارند. با تداوم سیر نزولی فشار، سرانجام فشار چاه مزبور به نقطه ای به نام «اشباع بحرانی گاز» می رسد. در این حال، گاز که از نفت همراه خود جدا شده به سرعت از محل و موقعیت اصلی خود فرار می کند. تزریق آب قادر به اعاده فشار هست، ولی نمی تواند گاز را وارد نفتی که از آن خارج شده است بنماید، و در صورت فرار گاز مقدار زیادی از نفت بازیافتی به طور دائمی از بین می رود.

آرامکو به وزارت نفت اطلاع داده است که علیرغم ایجاد فشار مصنوعی، میزان گاز فرار در حوزه الغوار خیلی بیش از دو سال گذشته افزایش یافته است، با این وصف این وزارتخانه تمایل به اتخاذ یک سیر تولیدی محافظه کارانه را نشان داده است تا از خطر از دست دادن تولید آتی در امان بماند. نمودارهای آرامکو در مورد فشار ذخایر نفتی نشان می دهد، که اگر قوانین مربوط به نقطه جوش اجرا گردد، بازده الغوار در سال ۱۹۷۸ به سطح ۳/۵ میلیون بشکه در روز تنزل خواهد یافت که روزانه ۲ میلیون بشکه کمتر از بازده آن در سال ۱۹۷۷ می باشد و بازده کلی نفت عربستان سعودی را به سطح ۷ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد داد.

### تغییر برنامه های سرمایه گذاری

محدودیتهای عملیاتی با افزایش تقاضا برای نفت سعودی از میان برداشته خواهد شد، لیکن سعودیها در مورد سرمایه گذاریها نیز محدودیتهایی قائل شده اند. تأخیر در کارهای مربوط به تعمیر و نگهداری و سفارشات مربوط به تجهیزات در ماههای اخیر سبب به هدر رفتن وقت گردیده است. هرگونه تأخیر در



انجام سرمایه‌گذاری موجودیت ظرفیتهای جدید تولیدی را به تعویق می‌اندازد، چون برنامه‌های زمانی اغلب انعطاف‌پذیر نیستند، بنابراین حتی تغییر خط‌مشی سعودی در آینده نزدیک نیز قادر نخواهد بود تأثیر سیاستهای اخیر را بر ظرفیت تولیدی اوائل سالهای ۱۹۸۰ از بین ببرد.

یک سال قبل آرامکو در نظر داشت که تولید خود را در اواسط سالهای ۱۹۸۰ به سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز برساند. لیکن این برنامه مورد تصویب دولت سعودی واقع نشده است. در این برنامه‌ها کاهش اساسی پدید آمده است. این شرکت در حال حاضر معتقد است که ظرفیت ثابت سال ۱۹۷۸ خود یعنی ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز را خواهد توانست در سال ۱۹۸۳ به سطح ۱۳/۱ میلیون بشکه در روز رسانده و ظرفیت قابل ابقاء را از ۱۰/۱ میلیون بشکه در روز در همان مدت به ۱۱/۵ میلیون بشکه در روز برساند.<sup>۱</sup>

تقریباً پس از یک سال شک و تردید، دولت سعودی ظاهراً آخرین برنامه سرمایه‌گذاری را که شامل میزان تأمین منابع مالی و پروژه‌های مهم می‌باشد، تصویب کرده است. سهامداران آرامکو در مورد تمایل سعودیها به تجدیدنظر صعودی برنامه در سال ۱۹۸۳ یا گسترش عمده ظرفیت در سال ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ تردید دارند.

بنابراین آنها احساس می‌کنند که تأثیر تصویب برنامه ۱۱/۵ میلیون بشکه در روز منطقه آرامکو تا پایان سال ۱۹۸۳ به معنی محدود شدن ظرفیت قابل ابقاء کشور به ۱۲ میلیون بشکه در روز تا پایان سال ۱۹۸۵ می‌باشد.

از نظر آرامکو سرمایه‌گذاری تنها عامل محدودکننده به شمار می‌آید. به این شرکت در ماه نوامبر دستور داده شد تا برای اهداف برنامه‌ریزی درآمد، سطح تولید خود را در سالهای ۱۹۸۰ نیز همان مقدار ۸/۵ میلیون بشکه در روز تعیین نماید. در حالی که سرمایه‌گذاری مجاز در قبال درآمد حاصله از فروش هر بشکه نفت توسط سعودیها ۵۰ سنت می‌باشد، درآمد سالانه حاصل شده بالغ بر ۱/۶ میلیارد دلار می‌گردد.<sup>۲</sup> البته سقف تولید می‌تواند افزایش یابد. اما تأیید برنامه آرامکو توسط سعودیها بر پایه محدودیت سقف سرمایه‌گذاری عکس این خط‌مشی را باعث می‌شود. درحالیکه سقف تولید ثابت می‌ماند، نیاز مالی عظیم پروژه‌های مربوط به ابقاء ظرفیت موجود، سرمایه کمی را برای گسترش ظرفیت باقی می‌گذارد.

### تداوم ظرفیت

مهمترین مسئله، هزینه پروژه‌های تزریق آب است. تحت شرایط حاضر، تداوم ظرفیت و رعایت مقررات مربوط به تأمین فشار ذخایر نفتی، افزایش حجم آب تزریق در داخل چاهها را ایجاب می‌نماید. لیکن، هنوز برنامه‌ای جهت افزایش تزریق آب به داخل چاهها در نظر گرفته نشده است. در تمام برنامه‌های مربوطه، تزریق و جانشینی آب دریا به جای آبهای زیرزمینی در نظر گرفته شده است.

۱- این برنامه‌ها دربرگیرنده برنامه‌های گسترش ظرفیت حوزه‌های غیر آرامکو در منطقه بی طرف که عربستان سعودی و کویت در آن سهیم هستند، نمی‌باشد.

۲- طرحهای بزرگ چند میلیارد دلاری بهره‌برداری از گاز و تولید برق از آن، که به عهده آرامکو گذاشته شده به طور جداگانه از نظر مالی تأمین می‌گردند.

البته تا به حال، از آبهای سفره‌های زیرزمینی جهت تزریق استفاده شده است، لیکن نگرانیهای مربوط به خشک شدن منابع آب زیرزمینی باعث شده که سعودیها اصرار ورزند که از آب دریا جهت تزریق در چاههای استفاده گردد.

در سال جاری پس از پایان یافتن تأسیسات آب دریا در بخش شمال‌العثمانیه در حوزه الغوار که می‌تواند روزانه ۴/۳ میلیون بشکه آب را منتقل نماید، استفاده از آب دریا آغاز خواهد گشت. در این بخش از حوزه الغوار برای استخراج یک بشکه نفت باید ۱/۷ بشکه آب به داخل چاهها تزریق گردد، بنابراین احداث این سیستم آبرسانی در بخش شمال‌العثمانیه ضرورت دارد تا بتوان ظرفیت قابل ابقاء را از ۱/۸ میلیون بشکه در روز به ۲/۶ میلیون بشکه در روز بالا برد. ولی تا قبل از نصب تأسیسات نمک‌زدایی نمی‌توان از ظرفیت کامل این بخش استفاده نمود.

در اوائل سال ۱۹۷۸ وزارت نفت سعودی به آرامکو توصیه نمود که یک پروژه دیگر به ظرفیت ۴/۳ میلیون بشکه در روز جهت تزریق آب به مناطق عین‌دار و شدقم حوزه الغوار طرح‌ریزی نماید. این پروژه که قرار است در ژوئن ۱۹۸۲ به پایان رسد، شامل اتصال خطلوله آبی موجود و تأسیس پمپ و تأسیسات آبی اضافی می‌باشد، و هزینه لازم برای آن معادل یک میلیارد دلار است که اگر در این زمینه مصرف نشود، آرامکو می‌تواند با استفاده از آن به ظرفیت تولیدی نفت روزانه حدود یک میلیون بشکه بیفزاید. مطابق این طرح، مقدار ۲/۶ میلیون بشکه نفت در روز از مناطق عین‌دار - شدقم فراهم خواهد آمد. با این وجود این مقدار ممکن است کاهش داده شود، زیرا وزارت نفت ظاهراً در نظر دارد که تولید نفت را تا اندازه‌ای محدود کند. به هر صورت طرح استفاده از آب دریا به جای آبهای زیرزمینی اجرا خواهد شد، ولی کاملاً واضح است که افزایشی در ظرفیت تولید به وجود نخواهد آورد.

نیاز تأمین منابع مالی تأسیسات عظیم تزریق آب، در اثر محدودیت‌های سرمایه‌گذاری تحمیلی سعودیها، سبب شده است که در برنامه نمک‌زدایی تأخیرهای رخ دهد. برنامه سال ۱۹۷۷ آرامکو بدو خواستار تأسیس و نصب تجهیزات نمک‌زدایی به ارزش یک میلیارد دلار در کارخانه‌های تجزیه گاز و نفت الغوار و بقیق تا قبل از سال ۱۹۸۱ بود، لیکن تهیه ۲۲ دستگاه از ۲۵ دستگاه نمک‌زدایی به بعد از سال ۱۹۸۱ موکول گشته است. این تجهیزات می‌بایست روزانه ۶ میلیون بشکه مایع (حاوی نفت و آب) را تجزیه نماید. سه واحد نمک‌زدایی خریداری شده قادر نیستند ظرفیت قابل ابقای حوزه الغوار را حفظ نمایند. و هم‌اکنون تعداد ۲۰۰ حلقه چاه به علت هجوم آب مسدود گشته‌اند و تا زمانی که بقیه واحدهای نمک‌زدایی تهیه شوند، چاههای بیشتری در اثر هجوم آب شور مسدود خواهند شد.

#### امکانات گسترش

برنامه کنونی آرامکو چنین فرض می‌کند که پس از تأمین هزینه پروژه‌های لازم برای حفظ ظرفیت کنونی سرمایه باقیمانده را می‌توان تا پایان سال ۱۹۸۳ برای بالا بردن ظرفیت جدید به میزان یک میلیون بشکه در روز مصرف نمود. بخش اعظم این افزایش ظرفیت در مورد حوزه‌های خارج از خشکی از قبیل مرجان و الظلوف صورت خواهد گرفت و در این نقاط باید به حفاریهای جدید و نصب خطوط لوله تازه مبادرت ورزید.

با فرض اینکه آرامکو تا پایان سال ۱۹۸۳ به ظرفیت ۱۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز برسد، ظرفیت

قابل ابقاء کلی عربستان سعودی نیز تا پایان سال ۱۹۸۵ می‌تواند به سطح روزانه ۱۲/۵ میلیون بشکه افزایش یابد. سهم عربستان سعودی در تولید نفت منطقه بی طرف نیز در همین مدت روزانه معادل ۵۰۰/۰۰۰ بشکه خواهد بود. برای اینکه بتوان روزانه ۵۰۰/۰۰۰ بشکه دیگر تولید نمود چند راه دیگر نیز وجود دارد که به طور مثال به ذکر آنها می‌پردازیم:

منطقه الشیبه که حاوی نیمی از ذخایر تثبیت شده ۲۲ حوزه شناخته شده سعودی است هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و تقریباً گسترش یافته است. آرامکو به علت محدودیت‌های موجود در امر سرمایه‌گذاری کار در آنجا را متوقف کرده است، ولی معتقد است که تا پایان سال ۱۹۸۵ می‌توان روزانه ۵۰۰/۰۰۰ بشکه نفت از الشیبه استخراج نمود.

\* منیفه، که در سال ۱۹۷۷ روزانه ۴۵/۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌کرد، قرار بود طبق برنامه آوریل ۱۹۷۷ آرامکو، سطح تولید روزانه آن به ۴۷۵/۰۰۰ بشکه برسد. ولی چون نفت خام منیفه بسیار سنگین و حاوی ناخالصیهای فلزی می‌باشد و از نظر پالایشی فقط در حد اکثر ظرفیت تولیدی مقرون به صرفه است، توسعه آن یکی از اولین برنامه‌هایی بود که هنگام کاهش برنامه‌های تولیدی توسط آرامکو لغو گردید؛ ولی کار پیرامون آن را می‌توان دوباره از سرگرفت.

علاوه بر این، نصب واحدهای نمک‌زدایی در منطقه آرامکو می‌تواند موجب افتتاح دوباره چاهها و بالا بردن ظرفیت تولیدی کلی کشور به سطح ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز بشود.

افزایش ظرفیت قابل ابقاء به سطحی بالاتر از ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ متضمن تغییرات عمده‌ای در اولویت پروژه‌ها و تعهدات عمده و جدید در زمینه سرمایه‌گذاری است. محدودیت سرمایه‌گذاری موضوعی مرتبط با خط‌مشکی و بنا بر این قابل تغییر است. الغوار دارای توانی قابل توجه برای افزایش ظرفیت در درازمدت می‌باشد. لیکن بعضی از برنامه‌ها را نمی‌توان تا پایان سال ۱۹۸۵ به مرحله اتمام رسانید.

حفظ فشار ذخایر به میزان لازم در سطوح تولیدی بالای ۱۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز، مستلزم تزریق مقادیر بالقوه بیشتر آب از آنچه که در برنامه‌های جاری پیش‌بینی شده و در بالا شرح آن رفت خواهد بود. لیکن یک برنامه جامع تزریق آب دریا علاوه بر دو برنامه تصویب شده فعلی تا زمانی که عملکرد اولین پروژه برای شمال‌العثمانیه کاملاً ارزیابی نشده، نمی‌تواند طرح‌ریزی شود. اگر مدت یک سال برای ارزیابی و یک سال هم برای طرح‌ریزی در نظر بگیریم، دومین فرصت برای تصویب این پروژه سال ۱۹۸۰ خواهد بود. حدوداً پنج سال وقت برای ساختن و نصب اقلام عمده تجهیزات ضروری لازم است. البته با این فرض که تولیدکنندگان عمده ظرفیت تولیدی لازم را داشته باشند. بنابراین تکمیل شدن برنامه تزریق آب در سال ۱۹۸۵ امکان‌پذیر خواهد بود. لیکن بکتل Bechtel که مهمترین پیمانکار دو پروژه موجود تزریق آب می‌باشد، معتقد است که این مدت زمان برای مدیریت خوب پروژه مناسب نیست. حتی با فرض اینکه سعودیها زودتر از موعد تصمیم به گسترش ظرفیت بگیرند. خیلی محتمل به نظر می‌رسد که ملاحظات مدیریتی، رقابت دیگر خریداران تجهیزات و وقفه‌های معمولی کار که در پروژه‌های بزرگ مهندسی با آن برخورد شده تکمیل آنها را تا سال ۱۹۸۶ و یا ۱۹۸۷ بتعویق افکند. البته ظرفیت تولیدی نفت بدون ظرفیت اضافی تزریق آب نیز می‌تواند افزایش یابد ولی این امر نیز مستلزم آن است که سعودیها اجازه دهند که آب به داخل حوزه‌های نفتی و نه اطراف آنها تزریق گردد.

کمپانی از عربستان سعودی خواسته است که در این مورد موضع ملایم‌تری را اتخاذ نماید و با این کار به آرامکو اجازه دهد که فشار را با سرعت بیشتری حفظ نماید. این عمل توأم با نصب گسترده دستگاههای نمک‌زدایی، مؤثرترین روش برای افزایش عمده ظرفیت تولیدی عربستان سعودی است.

با این حال مقامات سعودی معتقدند که تزریق آب در حوزه الغوار موجب از دست رفتن ذخایر بازیافتی زیادی خواهد شد و تا به حال در مقابل ارائه تمام راههای دیگر مقاومت نشان داده‌اند و به علت وسعت عظیم حوزه الغوار و فاصله پیرامون حوزه از مرکز، تزریق آب فقط در بخش محیطی آن مانع حفظ فشار در نزدیکی مرکز حوزه می‌شود. اگر تزریق آب به داخل حوزه الغوار به دقت انجام گیرد میزان خسارات وارده بر نفت بازیافتی بسیار ناچیز خواهد بود با این وصف همیشه این خطر نیز وجود دارد که به لحاظ عدم پیش‌بینی خصایص ذخایر، خسارات بسیار جدی به بار آید. در بعضی موارد از قبیل دو ذخیره نفتی مهم ابوظبی که دارای لایه‌های نفوذپذیر می‌باشد. تزریق آب سبب شده است که مقدار زیادی نفت از بین برود. و چون هدر رفتن ناچیز نفت در بازیافت نهائی حوزه الغوار معادل حجم بسیار زیادی نفت است، سعودیها میل ندارند در این زمینه دست به کارها و تصمیم‌گیریهایی خطرناک که لزومی بر آن نمی‌بینند، بزنند.

در صورتی که سعودیها محدودیت استفاده از آبهای زیرزمینی را از میان بردارند، با هزینه کمی می‌توان ظرفیت قابل ابقاء نفتی را به سرعت افزایش داد. به محض به کار افتادن تأسیسات تزریق آب دریا در عین‌دار و شدقم و در شمال العثمانیه به فاصله دو سال می‌توان تأسیسات برای تزریق تکمیلی آب زیرزمینی را نیز نصب نمود. به عنوان یک خط مشی، سعودیها میل دارند سفره‌های آب زیرزمینی خود را به منظور استفاده‌های آتی در کشاورزی حفظ نمایند. و این یکی از ملاحظات است که در رابطه با تصمیم‌گیری نهائی موثر واقع می‌گردد.

### نظریه سعودیها

مسئله‌ای که سلسله مراتب سعودی در حال حاضر با آن دست به‌گریبان است، این است که در مورد ظرفیت آتی چه می‌توان کرد. استدلالهایی که بر علیه افزایش ظرفیت تولید در آینده نزدیک می‌شود نسبتاً صریح و بی‌پرده هستند:

\* سعودیها درآمد بیشتر نیازی ندارند. با قیمتهای کنونی اوپک، درآمدی که عربستان سعودی با ادامه سطح تولید کنونی و سرمایه‌گذاریهای خارجی خودمی‌تواند بدست آورد، نیاز مالی برنامه‌های عمرانی و سیاست خارجی آن را تأمین می‌نماید.

\* تورمی که عربستان سعودی در چهار سال گذشته تجربه کرده ناشی از افزایش مخارج از محل عایدات نفتی بوده است. اکنون که سعودیها توانسته‌اند این تورم را تحت کنترل درآورند، نمی‌خواهند دوباره آن را شعله‌ور سازند.

\* اگر تقاضای خارجی در چندسال آینده در توجیه افزایش ظرفیت بالا نرود، سرمایه‌گذاری در افزایش قیمت موجب به هدر دادن منابع مالی خواهد بود.

\* اگر ظرفیت تولیدی در همین حد باقی بماند و تقاضا افزایش یابد سعودیها تحت فشارهای وارده مجبور به افزایش تولید و تخلیه موجودی ذخایر نفتی خود، خواهند شد.

\* افزایش عمده ارزش نفت در درازمدت، نفت باقیمانده در منابع را بهترین نوع پس انداز جلوه گر می‌سازد.

استدللهایی نیز که به طرفدارای از افزایش تولید می‌شود بسیاری پیچیده است و در برگیرنده محاسباتی درباره اقتصاد جهانی و ثبات سیاسی می‌باشد. سعودیها وابستگی زیادی به آینده جهان غرب دارند و خود نیز بر آن واقفند. در صورت بروز بحرانهای اقتصادی در اروپا و آمریکا به منافع عظیم مالی آنها در این نقاط جهان لطمه شدیدی وارد خواهد آمد. آنها همچنین معتقدند که اگر نابسامانیهای اقتصادی در اروپا و آمریکا بوجود آید ممکن است راه را برای سلطه دولتهای کمونیستی در این نقاط بگشاید. بنابراین از نقطه نظر ژئوپلیتیک آنها میل دارند در زمینه برقراری ثبات سیاسی و رفاه اقتصادی جهانی همکاری نمایند. علاوه بر این، اگر آنها معتقد باشند که افزایش تولید عربستان سعودی در حفظ نظم جهانی نقش عظیمی را بر عهده دارد، بهترین حافظ ذخایر می‌تواند نصب تأسیسات برای ظرفیت بالاتر باشد که به حداقل رساندن خطر فنی را طرح می‌ریزد. از افزایش ظرفیت تولید، در اوپک نیز می‌توان به عنوان یک اهرم مؤثر استفاده کرد.

یکی از عوامل مؤثر در طرز تفکر سعودیها، رابطه بین تصمیم‌گیری در مورد ظرفیت تولید و روند مصرف کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی است. سعودیها می‌خواهند کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را وادار به صرفه‌جویی کنند تا تقاضای بیشتر و بیشتر برای نفت کاهش یابد. آنها می‌توانند مستقیماً با افزودن بر قیمت نفت اوپک به صورتی که شرایط بازار اجازه دهد صرفه‌جویی را تشویق نمایند. لیکن نمی‌خواهند با این عمل تورم را در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی شعله‌ور نمایند. آنها می‌توانند کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را «وادار» به صرفه‌جویی شدیدتر نمایند. و در صورتی که این کشورها اقدامات مربوط به صرفه‌جویی را در پیش گیرند. آنها نیز خواهند توانست ظرفیت تولیدی خود را بالا ببرند.

تصمیم‌گیرندگان سعودی مجبور هستند که عکس‌العملهای سیاسی داخلی را نیز در قبال ظرفیت تولیدی خود مورد ملاحظه قرار دهند. این عقیده که برای منفعت نسلهای بعدی در منابع نفتی سعودی باید صرفه‌جویی شود بسیار گسترده و همه‌گیر است. بسیاری در عربستان سعودی به این اعتقاد دست یافته‌اند که عربستان سعودی در رابطه خود با غرب به طور اعم و آمریکا به طور اخص بیش از آنچه دریافت کند، از دست می‌دهد. بنابراین اگر مسلم شود که منافع عربستان سعودی فدای منافع غرب می‌شود، از هیچ یک از خط‌مشی‌های قیمت‌گذاری تولیدات نفتی از نظر سیاسی حمایت نخواهد شد.

بسیاری از اعضای شورای عالی نفتی طرفدار محدود شدن تولید نفت و ظرفیت تولیدی آتی عربستان سعودی هستند و معتقدند که اگر نفت در زمین باقی بماند، بهترین نوع پس انداز می‌باشد. اشباع فعلی بازار نفت جهانی به آنها این فرصت را داده که انتخابهای خود را بیشتر بررسی نمایند. علاوه بر این دوران عدم تصمیم‌گیری در مورد سطوح ظرفیت آتی همراه با کندی روند تصمیم‌گیری سعودیها، که بر اساس مصالحه، آشتی، و هنر ظریف به تأخیراندازی استوار می‌باشد، طولانی‌تر شده است. در جایی که عدم قاطعیت و یا مخالفت با تغییرات وجود داشته باشد، به دفع‌الوقت‌گذراندن قاعده روز است و موقعی که در مورد ایجاد تغییر در مسائل مهم توافق نظر وجود نداشته باشد، نوعی رخوت و سستی حاکم می‌گردد، مگر اینکه ملاحظات غالب دیگری وجود داشته باشد.

کشمکشی که در سلسله مراتب سعودی جهت کنترل تولید نفت سیاست و سرمایه گذاری آغاز شده بود و هم اکنون ظاهراً حل شده است، تمایل به تعویق انداختن تصمیمات مربوط به گسترش ظرفیت را تشدید نموده است. یمانی وزیر نفت خواستار ایجاد یک مؤسسه مستقل دولتی به ریاست یکی از طرفداران خود بود تا نیازهای سرمایه گذاری نفتی سعودی را جدا از شورای عالی نفتی مشخص و تعیین نماید. وزیر دارایی ابوالخیل و وزیر برنامه ریزی نظیر با وی مخالفت کرده و هر دو اشتیاق داشتند که این تصمیم گیرها باید در شورای عالی نفتی که خودشان نیز از جمله اعضای آن هستند مطرح و اتخاذ گردد. مهمترین مسئله کنترل امور مالی و مبارزه کلی برای به دست آوردن قدرت و نفوذ بوده است. ولیعهد فهد تصمیم گرفته است که شرکت ملی نفت جدید را که به دنبال ملی شدن (فعالاً معلق) آرامکو به وجود خواهد آمد تحت اختیار شورای عالی نفت قرار دهد. به هر حال مبارزه بر سر به دست گرفتن قدرت تصمیم گیری بوده است و نه بر سر تعیین سطح تولید در آینده. اکثر رهبران دو طرف مبارزه در عربستان سعودی و خودیمانی معتقدند که تولید نفت آتی عربستان سعودی باید محدود به ۱۲ میلیون بشکه در روز یا کمتر شود.

به منظور برنامه ریزیهای درازمدت، رهبران سعودی ظاهراً در مورد چهارچوبی ملی برای تولید نفت که تا سطح ۱۲ میلیون بشکه در روز تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ ثابت می ماند ائتلاف کرده اند. براساس ذخایر کنونی سعودی و پیش بینی درصد اکتشافات آتی می توان حدود ۲۵ تا ۳۰ سال این درصد اکتشافی را حفظ نموده و چند دهه طول خواهد کشید تا سطح تولید سیر نزولی در پیش گیرد. سعودیها مطلوبیت کمتری را در سطح تولیدی بالاتر تشخیص می دهند (برای مثال ۱۴ میلیون بشکه در روز) چون آن ظرفیت ۱۵ تا ۲۰ سال دوام خواهد آورد و سیر نزولی زودتر از موعد مقرر فرا خواهد رسید. در مقایسه با نسبت بین تولید عادی و ذخایر نقاط دیگر جهان، سطوح بالاتر تولید امکان پذیر است. لیکن از نظر سعودیها چندان مطلوب نمی باشد.

#### دورنما و نتیجه گیری

بالاخره، ما معتقدیم که احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که عربستان سعودی تا پایان سال ۱۹۸۵ به ظرفیت قابل ابقاء بیش از ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز دست یابد. حتی اضافه کردن ۲ میلیون بشکه در روز به ظرفیت قابل ابقاء کنونی و رساندن سطح تولید به ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز نیز بسیار دشوار به نظر می رسد. سیاست سعودیها بر این است که میزان نهائی نفت باز یافتی را افزایش دهند، نه اینکه به میزان درآمد خود در آینده نزدیک بیفزایند. چنین به نظر می رسد که سعودیها مایل نبوده اند حتی ظرفیت کنونی روزانه ۱۰/۱ میلیون بشکه ای منطقه آرامکو را به سطح ۱۱/۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهند. و اگر بخواهند این ظرفیت را بیش از این افزایش دهند، بایستی متکی به دلایل سیاست خارجی قاطع تری باشند. عربستان سعودی همگام با گسترش ظرفیت قابل ابقاء، احتمالاً سعی خواهد کرد سرمایه گذاریهای جدید را طوری شکل بدهد که با حداکثر اکتشاف نفت در درازمدت مغایرت نداشته باشد. این موضوع نیز احتمالاً به معنی تداوم محدودیتهای عملیاتی از جمله محدودیت تولید خواهد بود تا از میزان خسارات وارده احتمالی به حوزه های جلوگیری شود. این استراتژی نیز از حمایت سیاسی کافی برخوردار خواهد بود. این روش نوعی انعطاف پذیری به سعودیها خواهد داد تا بتوانند برای تقاضاهای اضطراری بازده را با

از بین بردن محدودیتهای عملیاتی به عنوان آخرین راه چاره، افزایش دهند.

## ایران

ظرفیت نفت قابل ابقای ایران در حال حاضر ۶/۵ میلیون بشکه در روز است. عامل قاطع تعیین‌کننده ظرفیت آینده ایران، زمان‌بندی و میزان موفقیت در اجرای برنامه‌های وسیع تزریق مجدد گاز و سرمایه‌گذاریهای عظیم در حوزه‌های تحت عملکرد اسکو یا کنسرسیوم شرکت‌های نفتی خارجی تولیدکننده نفت ایران می‌باشد.

حفظ فشار ذخایر مارون و اهواز که دو حوزه نفتی عظیم این کنسرسیوم می‌باشد و روزانه ۲ میلیون بشکه از تولیدات نفتی از آن حوزه‌ها برداشت می‌شود، (و بخش اعظم گاز طبیعی آن به شوروی صادر می‌گردد) از اهم مسائل مورد توجه خاص شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. ظرفیت ثانویه گاز مارون به سرعت رو به گسترش است و شرکت ملی نفت ایران به اسکو دستور داده است که تا سال ۱۹۸۱ تولید گاز اهواز و مارون را کاهش دهد. در عین حال قرار است گاز حوزه پارس جهت تزریق به مارون آورده شود که از سال ۱۹۸۱ شروع می‌شود. در گچساران که سومین حوزه بزرگ نفتی است عملیات تزریق گاز آغاز شده و یک برنامه احداث تونل فرعی تزریق گاز در کرنج در دست مطالعه است. حوزه نفتی آغاچاری که به طور وسیعی در آن تولید انجام گرفته و در وضعیت کاهش تولید قرار دارد.

اسکو پیش‌بینی می‌کند که ظرفیت قابل ابقاء آن تا پایان سال ۱۹۸۰ به ۶/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و از آن پس کاهش یافته و تا پایان سال ۱۹۸۳ به سطح ۵/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. ولی حتی ادامه یافتن تولید ۵/۸ میلیون بشکه در روز نیز مستلزم حصول به یک زمانبندی پیچیده سرمایه‌گذاری و اکتشاف ثانویه می‌باشد. برنامهٔ پرخرج تزریق گاز (در سالهای ۸۴-۱۹۷۸ معادل ۱۱ میلیارد دلار) نه برای رسیدن به مرتبه بالاتر در تولید بلکه به منظور بیشترین افزایش در باز یافت که عمدتاً به وسیله بالا بردن عمر حوزه‌ها انجام می‌گیرد، طرح‌ریزی شده است، علاوه بر این سالانه معادل ۵۰۰ میلیون دلار لازم است تا در زمینه تهیه تجهیزات نمک‌زدایی، انجام کار در مورد چاههای موجود و حفاریهای جدید مصرف گردد. و اکتشافات جدید نیز باید به طور متوسط معادل ۵۰۰ میلیون بشکه در سال باشد، تا سطح ظرفیت تولیدی برنامه ریزی شده را حفظ نماید. لیکن برنامه تزریق گاز به طور جدی دچار وقفه گشته است. علاوه بر این ظرفیت اسکو نیز در حال حاضر ممکن است شروع به کاهش نموده باشد. ارزیابی اخیر حوزه اسکو نشان داد که ظرفیت قابل ابقاء در آوریل ۱۹۷۸ کمتر از ۵/۹ میلیون بشکه در روز بوده است و در مقایسه، همین ظرفیت در سال ۱۹۷۷ معادل ۶/۱ میلیون بشکه در روز و در سال ۱۹۷۶ معادل ۶/۳ میلیون بشکه در روز بود. احتمال موفقیت برنامه‌های حفاری اکتشافی نیز با در نظر گرفتن نتایج ناراحت‌کننده گذشته اخیر چندان زیاد نیست. با توجه به کلیه جهات، ما فکر نمی‌کنیم که اسکو بتواند به هدف تولیدی خود دست یابد.

چهار شرکت مشترک با ایران نیز در خارج از حوزه عملکرد اسکو در سال ۱۹۷۷ معادل ۶۰۰/۰۰۰ بشکه در روز نفت تولید کرده‌اند و میزان بازده آنها تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ به طور معتدل افزایش خواهد یافت. در مقایسه با معیارهای خاورمیانه، ذخایر حوزه‌های این شرکتها بسیار ناچیز بوده و امکان اکتشافات دیگر نیز چندان زیاد نیست. اکثر این حوزه‌ها نیز در اوایل و اواسط سالهای ۱۹۶۰ کشف شده

بودند و منطقه تحت عملیات اکتشافی وسیع قرار گرفته است. افزایش تولید این شرکت همچنین نخواهد توانست کاهش تولید منطقه اسکو را جبران نماید. براساس خوشبینانه ترین فرضیات تولید این شرکت‌های مشترک با ایران تا پایان سال ۱۹۸۵ می‌تواند به ۱ میلیون بشکه در روز برسد، ولی نتیجه محتمل الوقوع تر ۷۰۰/۰۰۰ بشکه در روز است. به نظر ما ترکیب ظرفیت رو به کاهش در حوزه‌های اسکو و افزایش محدود در حوزه‌های شرکت‌های مشترک با ایران سبب می‌گردد که ظرفیت قابل ابقای این کشور در مقایسه با ۶/۵ میلیون بشکه امروز چیزی بین ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ باشد.

### عراق

دولت عراق در نظر دارد ظرفیت قابل ابقای سال ۱۹۷۸ خود را از ۳ میلیون بشکه در روز تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ به سطح ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. در مورد این گسترش برنامه‌ریزی شده اطلاعات چندانی در دست نیست.

گسترش تولید نفت عراق کمتر از حد مورد انتظار بوده است، و برنامه‌های بغداد در مورد بازده آتی نیز از سال ۱۹۷۳ چندین بار کاهش یافته است. مهمترین حوزه‌های نفتی یعنی کرکوک و رومیله به نقطه اوج تولیدی خود رسیده‌اند و باید برای ابقاء تولید از راه‌های چاره بسیار وسیع بهره گرفت. افزایش تولید باید از اکتشافات اخیر تأمین گردد.

براس پترو، شاخه خارجی انحصار نفت دولتی برزیل و الف - اراپ فرانسوی که هر دو با بغداد به صورت پیمانکار همکاری می‌نمایند، اعلام کرده‌اند که از سال ۱۹۷۴ اکتشافات نفتی صورت گرفته ۳ میلیارد بشکه نفت به ذخایر باز یافتی اضافه کرده است. این شرکتها در نظر دارند حفاریهای بیشتری انجام دهند. در صورتی که وضع تولیدی حوزه‌های قدیمی تر ثابت بماند، گسترش برنامه‌ریزی شده حوزه‌های جدید سبب خواهد شد که تولید کلی نفت خام عراق به ۳/۵ تا ۴ میلیون بشکه در روز تا پایان سال ۱۹۸۵ برسد.

### ونزوئلا

در سال ۱۹۷۷ تولید نفت روزانه ۲/۲ میلیون بشکه تقریباً ۴۰۰/۰۰۰ بشکه پایین تر از ظرفیت قابل ابقاء ولی برابر با سطوح برنامه‌ریزی شده صرفه‌جویی بود. ونزوئلا برای اینکه بتواند ظرفیت تولیدی کنونی خود را حفظ نماید باید فعالیتهای اکتشافی خود را افزایش داده و در آبهای کارائیب و دریایچه ماراکائیبو ذخایر بیشتری کشف نماید. لیکن از زمان ملی شدن صنعت نفت این تلاشها بی ثمر مانده است. فعالیتهای اکتشافی در سال ۱۹۷۶ نزدیک به حدود پایین حفاریهای انجام شده در آخرین سال عملیات شرکت‌های خصوصی بوده و مخارجی که در سال ۱۹۷۷ برای حفاری صرف گردید، فقط مقدار کمی فعالیت بیشتر را به دنبال داشت. با درصدهای توسعه فعلی، ما پیش‌بینی می‌کنیم که ظرفیت تا حدودی کاهش خواهد یافت و از سطح کنونی ۲/۶ میلیون بشکه در روز به ۲/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ و ۲/۳ میلیون بشکه در روز تا پایان سال ۱۹۸۵ تنزل خواهد کرد.

دولت در نظر دارد اهمیت زیادی برای تسریع اکتشافات و حفظ ظرفیت تولیدی در سالهای ۱۹۷۸-۸۵ قائل شود. و سعی خواهد کرد تلاشهای خود را بر حوزه‌های نفتی امیدوارکننده، ولی واقع در



خارج از خشکی و گسترش دادن اورینوکوتاربلت متمرکز نماید. ونزوئلا امیدوار است که در دوران ۸۰-۱۹۷۶ به ۶ میلیارد بشکه نفت دست یابد و چنانچه در این بین تولید در سطوح فعلی ادامه یابد، حاصل آن افزایش خالص دو میلیارد بشکه نفت تا سال ۱۹۸۰ به ذخایر تثبیت یافته خواهد بود. کشف و توسعه ذخایر جدید مستلزم مشارکت روزافزون شرکتهای خارجی می باشد. بدون کمک آنها ونزوئلا مستقلاً نخواهد توانست تکنولوژی پیچیده لازم برای بهره برداری از حوزه های نفتی خارج از خشکی و اورینوکو را فراهم آورد. در درازمدت نیز افزایش عمده ذخایر باز یافتی بستگی به موفقیت در بهره برداری از اورینوکوتاربلت دارد که معادل ۷۰۰ میلیارد بشکه نفت را در خود جای داده است. لیکن با قیمت های کنونی تنها از جزئی از این ذخایر می توان بهره برداری کرد.

### نیجریه

ذخایر نفتی نیجریه از سال ۱۹۷۵ در نتیجه کاهش میزان اکتشافات سیر نزولی یافته است. اگر روندهای کنونی ادامه یابد، نیجریه به سختی خواهد توانست در سطوح بالای تولیدی گذشته که ۲ میلیون تا ۲/۳ میلیون بشکه در روز بوده و در اوائل و اواسط سالهای ۱۹۷۰ حاصل می شد، به طور مؤثر به تولید بپردازد. حوزه های نفتی نیجریه کوچک و دارای عمر تولیدی کوتاهی هستند. در نتیجه فقط برای حفظ ظرفیت تولید کنونی یک برنامه اکتشافی فعال مورد نیاز می باشد و تا زمانی که منافع توسعه جدید شروع به تأثیر گذاردن بر تولید نمایند، ظرفیت از سطح کنونی تولیدی ۲/۳ میلیون بشکه در روز اندکی کاهش پیدا خواهد کرد.

با این وصف نیجریه برخلاف دیگر کشورهای تولیدکننده اقدامات مثبتی در راه افزایش اکتشافات انجام داده است. پاسخ شرکت نفت به انگیزه های اخیر سرمایه گذاری که در اواخر سال گذشته ارائه شد کلاً مثبت بوده است. افزایش اکتشافات و فعالیتهای گسترشی احتمالاً به میزان ذخایر نفتی اضافه خواهد کرد تا تولید در سطح کنونی بتواند تا اوائل سالهای ۱۹۸۰ ادامه یافته و تا پایان سال ۱۹۸۵ مقداری افزایش نیز در آن پدید آید.

شرکتهای مشغول به کار حتی با انگیزه های جدید نیز پیش بینی می کنند که برای نیجریه در اواسط سالهای ۱۹۸۰ مشکلاتی به وجود خواهد آمد. گرچه شرایط و انگیزه برای انجام اکتشافات در خشکی و در داخل آب تا اعماق کمتر از ۹۰ متر جالب توجه است ولی برای افزایش اکتشاف در آبهای عمیق تر و گرانتر انگیزه های کافی به نظر نمی رسد. اگر نیجریه بخواهد سطح تولید کنونی خود را در سالهای بعد از ۱۹۸۰ نیز حفظ نماید، فعالیت بیشتری مورد نیاز خواهد بود.

### کویت

کویت در سه سال گذشته روزانه معادل ۲ میلیون بشکه نفت تولید می کرده است. در حالی که ظرفیت تولیدی قابل ابقاء آن ۲/۳ میلیون بشکه در روز (شامل منطقه بی طرف) می باشد. دولت کویت برای شرکت نفتی کویت که تقریباً بخش اعظم نفت این کشور را تولید می کند، یک سقف تولیدی ۲ میلیون بشکه در روز تعیین کرده است. حامیان نظریه صرفه جویی در دولت کویت معتقدند که ظرفیت تولید باید به سطح ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یابد تا این میراث ملی برای نسلهای آینده محفوظ بماند. همین سطح اغلب به

عنوان حجم تولیدی ذکر می‌گردد که گاز طبیعی مرتبط با آن را به مقدار کافی برای برآوردن نیازهای داخلی کویت فراهم سازد.

با سرمایه‌گذارهای عظیم می‌توان ظرفیت تولیدی را افزایش داد. یکی از مطالعات اخیر ما در مورد اوپک این نتیجه را به دست داد که بازده نفتی کویت تا پایان سال ۱۹۸۵ می‌تواند به سطح ۴/۲۸ میلیون بشکه در روز و پس از ۱۹۹۰ نیز به سطح ۶/۵ میلیون بشکه در روز برسد، که مستلزم یک برنامه سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری می‌باشد. مهمترین محدودیتهای موجود در مورد گسترش ظرفیت عبارتند از: (الف) فقدان تجهیزات جداکننده آب و نفت و (ب) شیرین غیر کافی جهت پالایش نفت خام. با در نظر گرفتن موقعیت کنونی کویت از نظر مازاد درآمد عظیم و مستمر نفتی و سیاست اقتصادی تر کردن تولید تا حد امکان، گمان نمی‌رود که مقامات دولتی اجازه تولید متوسطه بیش از ۲ میلیون بشکه در روز را بدهند تا چه رسد به تقلیل یک برنامه سرمایه‌گذاری جدید و مهم.

#### ابوظبی

ابوظبی برای شرکتهای نفتی خارجی محدودیتهای عملیاتی تعیین کرده است که تولید سال ۱۹۷۸ را به ۱/۵ میلیون بشکه در روز یعنی روزانه ۴۰۰/۰۰۰ بشکه کمتر از ظرفیت تولیدی قابل ابقاء محدود خواهد کرد. دولت تصریح کرده است که صرفه‌جویی نقش عظیمی را در تصمیمات آتی ابوظبی در امر تولید ایفا خواهد کرد. عتیبه وزیر نفت ابوظبی در اواخر سال ۱۹۷۷ اعلام کرد که سقف تولید مجاز بعضی از حوزه‌ها کاهش یافته است، چون دولت فکر می‌کند که بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی خیلی سریع انجام می‌گیرد. وی گفت با در نظر گرفتن اینکه به ذخایر افزوده نمی‌شود، تولید آتی نیز ممکن است دچار محدودیت گردد.

مقدار سرمایه‌گذاری لازم جهت انجام اکتشاف و تولید از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ معادل ۴/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. حدود ۴۰ درصد این سرمایه‌گذاری برای گسترش ساختمان قسمت فوقانی حوزه نفتی خارج از خشکی زاکوم که ظاهراً توان تولیدی بین ۵۰۰/۰۰۰ بشکه و ۱/۳ میلیون بشکه در روز را دارد مصرف خواهد شد، ۱۲ درصد دیگر آن برای ساختمان دو حوزه نفتی استفاده نشده خارج از خشکی که مشترکاً قادر به تولید روزانه ۲۰۰/۰۰۰ بشکه نفت خواهند بود به کار گرفته خواهد شد. ولی تنها بخشی از این افزایشها در تولید نفت تا پایان سال ۱۹۸۵ قابل دستیابی خواهد بود.

#### اندونزی

تولید نفت اندونزی در سال ۱۹۷۷ به سطح ۱/۷ میلیون بشکه در روز رسید و احتمالاً تا سال ۱۹۸۵ افزایش زیادی نخواهد یافت. عملیات اکتشافی در نتیجه وخامت روابط صنعت نفت و دولت و تجدیدنظرهای متعاقب آن در قراردادهای پیمانکاران خارجی فعلی عملاً متوقف گشته است. بدون انجام عملیات اکتشافی جدی در خارج از خشکی نمی‌توان انتظار داشت که به بیش از معدودی حوزه‌های جدید دست یافته شود. ذخایر نفتی خارج از خشکی اندونزی عمری کوتاه از نظر اقتصادی داشته و برای جبران این تخلیه سریع نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی در زمینه اکتشاف و گسترش می‌باشد. شرکتهای نفتی که در اندونزی فعالیت دارند، خواستار وضع قوانین مالیاتی مطلوبتری شده‌اند تا بتوانند حفاریهای

اکتشافی خود را از سر بگیرند، که در غیر این صورت تا قبل از سال ۱۹۸۰ تولید نفت کاهش خواهد یافت. استعداد این کشور به خاطر ساختار ژئولوژیکی آن برای ذخایر جدید محدود است، به طوری که معمولاً ذخایر کوچکی ایجاد می‌شود و میزان تخلیه آنها بسیار شدید است. حوزه نفتی میناس در سوماترای مرکزی که روزانه معادل ۳۶۰/۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌نماید، بزرگترین حوزه نفتی اندونزی به حساب می‌آید. گمان نمی‌رود که حوزه دیگری به بزرگی حوزه میناس در اندونزی پیدا شود. اکتشافات آتی نیز محدود به ذخایر خیلی کوچکی خواهند بود که برای گسترش، نیاز به هزینه‌های سرمایه‌ای سنگین دارند.

### الجزایر

تولید کلی نفت الجزایر تا پایان سال ۱۹۸۵ باید کمی افزایش یابد. گرچه بازده نفت خام در حدود سال ۱۹۸۰ کاهش خواهد یافت ولی پیش‌بینی می‌شود که میزان بازده گاز مایع طبیعی در طول سالهای ۸۵-۱۹۸۰ به میزان کافی افزایش پیدا کند که کاهش نفت خام را جبران نماید. تولید گاز طبیعی مایع (NGL) همراه با بازده رو به رو شد، گاز طبیعی برای برآوردن نیازهای مربوط به فروش گاز طبیعی مایع (LNG) افزایش خواهد یافت. اکتشافات نفتی انجام شده در الجزایر امیدوارکننده نبوده است، و در ۱۲ سال گذشته اکتشافات نفتی پیاپی صورت نپذیرفته است.

### لیبی

به علت اینکه سرمایه‌گذاری در سطح حداقل نگاه داشته شده، تولید نفت لیبی در سالهای اخیر کاهش یافته است. ظرفیت کنونی حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز است که از سطح ۳ میلیون بشکه در روز در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ پایینتر آمده است. طرابلس پروژه‌های متعددی را برای بالا بردن بازده در پیش گرفته است. ولی به علت سرمایه‌گذاریهای ناکافی و مشکلات فنی کار پیرامون این پروژه‌ها دچار وقفه گشته است و نخواهند توانست تولید رو به کاهش حوزه‌های نفتی قدیمی‌تر را جبران نمایند. به طور کلی، بازده نفتی لیبی تا پایان سال ۱۹۸۵ از مرز ۲ میلیون بشکه در روز فراتر نخواهد رفت.

### دیگران

دیگر اعضای اوپک از قبیل قطر، گابن و اکوادور نیز به همین سرنوشت دچار شده‌اند هر یک از آنها ذخایر بسیار کوچکی را در اختیار داشته و انتظار نمی‌رود که بتوانند به ذخایر عمده دیگری دست پیدا کنند. تا پایان سال ۱۹۸۵ تولید هر یک از سه کشور یاد شده احتمالاً ثابت خواهد ماند.

### ۲- سناریوهای تولید اوپک

ما سه سناریوی نمایش یا تصویرگر به وجود آورده‌ایم که راههای مختلفی که کشورهای اوپک می‌توانند از آن طریق به گسترش تولیدشان در خلال سالهای ۸۵-۱۹۷۸ بپردازند را به معرض دید می‌گذارند. (به جدول ۲ نگاه کنید) سناریوهای سطح بالا و سطح پایین حدود نتایج ممکن برای کل تولید اوپک را نشان می‌دهند. سناریوی سطح متوسط به طور تخمینی آنچه را که ما فکر می‌کنیم محتمل‌ترین

سطح تولید اوپک در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ می‌باشد را به نمایش می‌گذارد.

در این سناریوها دامنه‌های پیش‌بینی شده برای تولید کشورهای عربستان سعودی، کویت و ابوظبی نشانگر وجود اختیارات برای تعیین خط‌مشی تعمدی می‌باشد. در دیگر کشورها از قبیل ایران و عراق دامنه‌های وسیع پیش‌بینی‌های بازده تا سال ۱۹۸۵ نشان‌دهنده ملاحظات فنی می‌باشد. در دیگر کشورهای اوپک، دامنه تولید آتی مورد انتظار نسبتاً محدود است.

سطح بالاترین سناریوی تولیدی اوپک حداکثر نیست که براساس امکانات فنی کشورهای مهم اوپک باشد، بلکه در برگیرنده حد نهائی دامنه‌ای است که نتایج فراگیر احتمالات منطقی را در این مدت دربر می‌گیرد و مخصوصاً فرض را بر این قرار داده است که:

- \* عربستان سعودی محدودیتهای تولیدی را از بین برده و در خلال سال آینده یا کمی پیش از آن تصمیم خواهد گرفت سرمایه‌گذاریهای لازم جهت افزایش ظرفیت تولید مداوم و رسانیدن آن به سطح ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز را تا سال ۱۹۸۵ انجام دهد.
- \* کویت محدودیتهای تولیدی را تا سال ۱۹۸۵ از بین می‌برد لیکن ظرفیت خود را افزایش نمی‌دهد.
- \* ابوظبی در سال ۱۹۷۹ محدودیتهای تولیدی را از بین می‌برد و به میزان تولید تدریجاً می‌افزاید تا در سال ۱۹۸۵ به سطح ۲/۵ میلیون بشکه در روز برسد.
- \* تولید نفت ایران پس از سال ۱۹۸۰ کمی کاهش خواهد یافت و تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.
- \* تولید نفت عراق مداوماً افزایش یافته و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

سناریوی سطح متوسط بر فرضیات زیر استوار است:

- \* عربستان سعودی سرمایه‌گذاریهای لازم را به تدریج انجام داده و برخی محدودیتهای تولیدی را از بین خواهد برد تا در خلال سالهای ۸۵-۱۹۸۲ به میزان مداوم ۱۰/۵ میلیون بشکه در روز تولید نماید.
- \* کویت برای شرکت نفت اوپک سقف تولید سالانه جاری را حفظ می‌کند و روزانه ۳۰۰/۰۰۰ بشکه نفت به عنوان سهم خود از بازده منطقه بی‌طرف دریافت می‌نماید.
- \* ابوظبی میزان تولید خود را تدریجاً افزایش داده و تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۲/۳ میلیون بشکه در روز می‌رساند.
- \* برنامه تزریق گاز ایران مانع از کاهش سطح تولید به کمتر از ۵/۵ میلیون بشکه در روز خواهد شد.
- \* عراق مانند سناریوی سطح بالا سطح تولید خود را تا سال ۱۹۸۵ معادل ۴ میلیون بشکه در روز بالا می‌برد.

سناریوی سطح پایین‌تر بر فرضیات زیر استوار است:

- \* عربستان سعودی تا پایان سال ۱۹۸۵ محدودیت سطح تولید مجاز را در سطح ۸/۸ میلیون بشکه در روز حفظ می‌کند که ۸/۵ میلیون بشکه آن مربوط به آرامکو و ۳۰۰/۰۰۰ بشکه آن مربوط به بازده منطقه بی‌طرف که با کویت در آن سهیم است، خواهد بود.
- \* ابوظبی سقف تولید ۱/۶ میلیون بشکه در روز را تا سال ۱۹۸۰ حفظ خواهد کرد و از آن پس نیز اجازه خواهد داد تا با برداشت از ذخایر جدید به تولید افزوده گردد.

- \* ظرفیت تولیدی ایران در سال ۱۹۸۰ به پایین تر از ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و به تدریج به سطح ۵ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت.
- \* عراق ظرفیت تولیدی خود را فقط به ۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد داد.
- \* کویت سقف تولیدی کنونی خود را حفظ می‌کند.

## جدول ۲

### ۳- تقاضای کشورهای سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک

همان گونه که تولید کشورهای اوپک شاخص اصلی عرضه نفت جهانی است، نیاز نفت وارداتی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز شاخص تقاضای جهانی برای نفت اوپک می‌باشد. برای تعیین دامنه ارقام تقاضای کشورهای عضو همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک در سالهای ۸۵-۱۹۷۸، این تجزیه و تحلیل به بررسی عرضه و تقاضا در زمینه همه اشکال انرژی پرداخته و نفت اوپک را به عنوان یک وزنه ایجاد تعادل در نظر می‌گیرد. تقاضای انرژی در چهار منطقه عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی یعنی آمریکا، ژاپن، اروپای غربی<sup>۱</sup> و کانادا بر اساس فرضیه‌های مختلف رشد تولید ناخالص ملی برآورد شده است. (به جدول ۳ نگاه کنید)

در تمام موارد پیش‌بینی‌های پایه‌ای ما در برگزیده تأثیر قوانین گذشته بر تقاضا برای انرژی است لیکن شرایط حاصله از قوانین پیشنهادی را در نظر نمی‌گیرد.

## جدول ۳

قیمت انرژی داخلی در رابطه با قیمت دیگر کالاها در اروپای غربی، ژاپن و کانادا ثابت انگاشته شده است. سیاست انرژی کنونی کانادا خواستار افزایش قیمت نفت داخلی در برابر سطوح بین‌المللی تا سال ۱۹۹۰ و افزایش قیمت گاز طبیعی داخلی به سطح رقابتی مناسب با نفت می‌باشد. ولی افزایشهایی که تاکنون برنامه‌ریزی شده‌اند در سرتاسر دوران ۸۵-۱۹۷۸ تأثیر ناچیزی بر قیمت‌های نسبی انرژی خواهد گذارد. در آمریکا، که قیمت داخلی انرژی خیلی کمتر از سطوح بازار جهانی آن است، ما فرض کرده‌ایم که در این دوره و تا پایان سال ۱۹۸۵ قیمت نسبی انرژی سالانه ۲/۵ درصد افزایش خواهد یافت. این بالاترین میزان افزایشی است که دیگر تحلیلگران در صورت عدم تعادل قیمت‌ها برآورد کرده‌اند.

عرضه انرژی غیرنفتی قابل حصول و تولید نفت داخلی از میزان تقاضای انرژی هر یک از کشورهای منطقه عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی کم شده است تا میزان تقاضا برای واردات نفتی برآورد شود.<sup>۲</sup> پیش‌بینی‌های مربوط به عرضه داخلی به نظر ما در رابطه با آنچه امکان‌پذیر است عموماً قضاوت‌های

۱- در سرتاسر این ارزیابی اروپای غربی شامل فرانسه، ایتالیا، انگلیس، آلمان غربی، اتریش، بلژیک، لوکزامبورگ، دانمارک، فنلاند، یونان، ایسلند، ایرلند، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئیس، سوئد و ترکیه می‌باشد.

۲- چون ما براساس هریک از فرضیات مربوط به رشد واقعی تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در تولیدات داخلی انرژی آنان تغییر به وجود نیاوردیم، متدولوژی ما نشان می‌دهد که واردات نفتی می‌تواند تقاضای روز افزون انرژی را در

خوشبینانه می‌باشد. این قضاوتها در مورد آمریکا، مقداری افزایش قیمتها را حتی در غیاب عدم تعادلات بیشتر در قیمتها در نظر می‌گیرند. هرگونه افزایش بیشتر در قیمتها و یا دیگر اقدامات مؤثر بر افزایش قیمتها، احتمالاً تا نیمه دوم سالهای ۱۹۸۰ بر تولید تأثیر بسیار نخواهند داشت.

محاسبات مربوط به تولید و مصرف انرژی در رابطه با منابع اصلی انرژی از قبیل نفت خام، گاز طبیعی مایع، زغال سنگ، گاز طبیعی، انرژی اتمی و انرژی هیدروالکتریک و ژئوحرارتی انجام گرفته است.<sup>۱</sup> تمام منابع انرژی به معادل آنها یعنی یک میلیون بشکه نفت در روز تبدیل شده است.

#### تصویر ۴

##### نگرشی بر تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی

در سالهای ۷۰-۱۹۶۱ تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی سریعتر از تولید واقعی ناخالص ملی افزایش یافت، درحالیکه قیمتها نسبی انرژی مداوماً کاهش پیدا کرده بودند. باکند شدن سیر نزولی قیمتها نسبی در سال ۷۳-۱۹۷۱ افزایش تقاضا برای انرژی با سرعت کمتری از تولید واقعی ناخالص ملی در سه منطقه از چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی افزایش پیدا کرد. پس از آن در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ افزایش شدیدتری در قیمتها نسبی پدید آمد و رشد تولید ناخالص ملی به میزان قابل ملاحظه‌ای بر تقاضای انرژی فزونی یافت. (به شکل ۴ نگاه کنید). روابط تاریخی مشاهده شده بین تقاضا برای انرژی، تولید واقعی ناخالص ملی، و قیمتها نسبی انرژی در سالهای ۷۶-۱۹۶۱ از طریق مدل‌های معادلات ساده (تک مجهولی) تقاضای انرژی در هر یک از چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی به مقادیر کمی تبدیل شدند. به طور کلی، در نتیجه هر یک درصد افزایش در تولید واقعی ناخالص ملی، تقاضا برای انرژی ۰/۹۶ درصد تا ۱/۱ درصد افزایش می‌یافت در حالی که در برابر هر یک درصد افزایش در قیمتها نسبی انرژی، در تقاضا برای انرژی ۰/۲۰ درصد تا ۰/۲۷ درصد با گذشت زمان بسته به منطقه مورد نظر کاهش پدید می‌آمد. گرچه این نتایج از نظر تئوریک منطقی می‌باشند و با اطلاعات تاریخی به خوبی مطابقت می‌کنند، ولی باید یادآور شد که دیگر محققین با استفاده از معادله‌هایی با مشخصات متفاوت و دوره‌های زمانی نمونه، کششهای قیمت و درآمد متفاوتی به دست آورده‌اند. به طور مثال در بعضی از مطالعات و بررسیها در آمریکا به تخمین درآمد اساساً پایین تر و کشش قیمت بالاتری از ما دست یافته شده است. در نتیجه، چون بیش بینهای چند ساله (بلند مدت) تغییراتی که از اختلاف بین پارامترها حادث می‌شوند را بزرگتر نشان می‌دهد، پیش بینی ما در مورد تقاضای انرژی آمریکا برای سال ۱۹۸۵ در مقایسه با دیگر محققینی که به کششهای پایین تر درآمد دست یافته‌اند، کمی بیشتر می‌باشد.<sup>۲</sup>

برای آزمایش تقریبی صحت روشها و مراحل برآوردهایمان در پیش بینی صرفه جویی اخیر انرژی، ما

سطوح بالاتر رشد اقتصادی تأمین نماید. پیش‌بینی‌های مربوط به میزان و بافت آتی ظرفیت تولید برق با استفاده از سوخت فسیل نشان می‌دهد که کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی ظرفیت کافی برای کاربرد مقادیر نفت پیش‌بینی شده توسط ما را خواهند داشت.

۱- به ضمیمه الف در رابطه با متدولوژی مراجعه نمایید.

۲- ضمیمه «الف» را نیز مشاهده کنید.

تغییر مصرف انرژی آمریکا را که برای سال ۱۹۷۷ پیش‌بینی شده بود به وسیله متدولوژی خودتان محاسبه کرده و با تغییرات نشان داده شده در اطلاعات اولیه ۱۹۷۷ مقایسه کرده‌ایم. معادله ما نشان داد که در سال ۱۹۷۷ معادل ۱/۷ میلیون بشکه در روز به این مصرف افزوده می‌شود، در حالی که افزایش واقعی مقدماتی ۱/۵ میلیون بشکه در روز بوده است. اطلاعات مربوط به تقاضای انرژی اولیه سال ۱۹۷۷ در رابطه با دیگر مناطق کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی هنوز در دسترس نمی‌باشد. معادلات مربوط به چهار منطقه برای میزان ذخیره‌سازی در انرژی به لحاظ افزایش زیاد قیمت‌های نسبی انرژی که به دنبال تحریم نفتی به وقوع پیوسته بود، مورد استفاده قرار گرفته است. مقایسه تقاضای واقعی انرژی با تقاضایی که با فرض باقی ماندن قیمت‌ها در حد قیمت‌های سال ۱۹۷۳ به وجود می‌آمد، نشان‌دهنده این است که کشورهای پیشرفته در مصرف انرژی در سال ۱۹۷۶ معادل ۳/۹ میلیون بشکه در روز صرفه‌جویی کرده‌اند (به تصویر ۵ نگاه کنید) پس از افزایش میزان صرفه‌جویی در سال ۱۹۷۴ به دنبال پایین آوردن درجه ترموستات‌ها و اتخاذ روش‌های کم‌هزینه در زمینه مصرف انرژی، بهبود آن در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ بسیار کندتر انجام گرفت. به طور مثال در سال ۱۹۷۶ فرانسه هیچ‌گونه صرفه‌جویی نکرده بود.

## تصویر ۵

تاکنون بخش اعظم صرفه‌جویی در بخش‌های تجاری و مسکونی کشورهای پیشرفته انجام گرفته است. در بسیاری از کشورها، صرفه‌جویی در بخش‌های صنعتی به‌کندی و نامحسوس تحقق یافته است، بازگشت سرمایه از طریق سود سهام به خاطر تقاضای ناچیز برای سرمایه‌گذاری از سال ۱۹۷۳ بسیار کند بوده است. چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی هر یک نشانگر الگوی تقریباً متفاوتی از یکدیگر در زمینه صرفه‌جویی هستند:

✳ در آمریکا در سال ۱۹۷۶ میزان صرفه‌جویی انرژی روزانه ۱/۶ میلیون بشکه (۴ درصد مصرف) بوده است، استفاده سوخت توسط وسایط نقلیه در سال‌های ۷۶-۱۹۷۴ بسیار کاهش یافت و استفاده انرژی در واحدهای صنعتی برای هر واحد کالای تولید شده کمتر از میزان استفاده انرژی در دوران قبل از تحریم نفتی بوده است.

✳ در ژاپن، میزان صرفه‌جویی در سال ۱۹۷۶، ۸۰۰/۰۰۰ بشکه در روز (۱۲ درصد مصرف) برآورد شده است، که این میزان صرفه‌جویی نیز محدود به بخش‌های مسکن، تجارت، خدمات عمومی و کشاورزی می‌شود که از عایق‌بندی بهتر و درجه حرارت داخلی کمتری برخوردار بوده‌اند. در بخش حمل و نقل به علت برقراری ضوابط جدی‌تر و شدیدتر در مورد وسایط نقلیه دودزا، تراکم شدیدتر ترافیک، و استفاده از اتومبیل‌های بزرگتر، فی‌الواقع میزان مصرف انرژی برای هر وسیله نقلیه از سال ۱۹۷۳ بیشتر شده است. ✳ در میان کشورهای بزرگتر اروپای غربی، فرانسه از همه موفقتر بوده است. مقررات وضع شده تأثیر قیمت‌های بالاتر را افزایش داده است، به خصوص اینکه نفت مورد مصرف حرارتی از اواسط ۱۹۷۴ جیره‌بندی شده بود. گرچه مقدار صرفه‌جویی در بخش‌های غیرصنعتی خیلی بیشتر از دیگر بخش‌ها بوده است، در کارایی بخش‌های صنعتی و حمل و نقل نیز مقداری بهبود حاصل شده، و کارایی تولید انرژی برق

نیز بیشتر شده است. ایتالیا نیز در بخش حمل و نقل به صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای دست یافته، و منعکس‌کننده گران‌ترین قیمت برای بنزین در اروپا بوده است. درصد صرفه‌جویی در آلمان غربی خیلی کمتر از فرانسه و ایتالیا بوده ولی بیشتر از انگلیس بوده است، چون در انگلیس صرفه‌جویی کمتر از گسترش منابع داخلی اولویت دارد.

✽ کانادا صرفه‌جویی آنچنانی در زمینه مصرف انرژی نداشته است. افزایش قیمت داخلی انرژی کانادا در سال ۱۹۷۶ خیلی کمتر از دیگر کشورهای صنعتی بوده و برای مثال معادل نیمی از افزایش قیمت نسبی انرژی در ژاپن بوده است.

### تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای آتی

برای پیش‌بینی تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی تا پایان سال ۱۹۸۵ ما روابط تخمینی بین تقاضای انرژی، تولید واقعی ناخالص ملی و قیمت‌های نسبی انرژی هریک از مناطق را از طریق پیش‌بینی آن تغییرها ترکیب کرده‌ایم. معادلات ما اکثر صرفه‌جوییها در تقاضای انرژی را به خاطر تغییرات قبلی در قیمت‌های نسبی و در مورد آمریکا به خاطر تغییرات پیش‌بینی شده به دست می‌دهند. با این وصف مقررات جدید دولتی و یا تغییرات آمار جمعیتی را در بر نمی‌گیرند. این معادلات ممکن است تمامی تأثیرات افزایش قیمت‌های گذشته در مورد کارایی تجهیزات انرژی، ساختمانها و دیگر کالاهای بادوامی که در آینده تولید و معرفی خواهند شد را در بر نگیرد. تعیین کمیت این صرفه‌جوییهای اضافی بسیار دشوار بوده و تا حد زیادی به قضات شخصی بستگی دارد. باید تأکید نماییم که روی هم رفته دامنه خطا به دلیل استفاده از روشهای تخمینی و تردیدهای موجود در مورد صرفه‌جویی می‌تواند وسیع باشد. بدون توجه به شرایط بازار، احتمالاً در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در چند سال آینده در زمینه انرژی صرفه‌جوییهای بیشتری صورت خواهد گرفت.

✽ کنگره آمریکا مقرر داشته است که در سال ۱۹۸۵ میانگین جدید بنزین مصرفی توسط اتومبیلها بایستی به یک گالن در هر ۲۷/۵ مایل (۸/۸ لیتر به ازای یکصد کیلومتر - م) برسد. تأثیر این مقررات بر مصرف بنزین که در حال حاضر در برگیرنده ۲۰ درصد تقاضای انرژی است با کاهش شدید رشد جمعیت راننده در دهه بعد افزایش خواهد یافت. (به تصویر ۶ نگاه کنید). بعضی از منابع صنعتی معتقدند که این تحولات خواهد توانست معادل ۲ تا ۲/۵ میلیون بشکه در روز از میزان تقاضا برای انرژی بکاهد. انتظار می‌رود دیگر اقداماتی که در این زمینه در آمریکا در پیش گرفته شده، مقدار کمی به این صرفه‌جویی اضافه نماید.

✽ ژاپن برای بالا بردن میزان صرفه‌جویی کار زیادی انجام نداده است. مهمترین اقدام صرفه‌جویانه توکیو بر بخش صنعتی متمرکز است. بانک عمران ژاپن به صنایعی که در زمینه تأسیسات و تجهیزات صرفه‌جویی انرژی سرمایه‌گذاری می‌کنند، طرحهایی با نرخ بهره کمتری از وامهای تجاری می‌دهد. تخصیص منابع مالی برای این برنامه‌ها در بودجه سال ۷۸-۱۹۷۷ فقط ۷۰ میلیون دلار بوده است. کارخانه‌های کوچک و متوسطی که مبدل‌های حرارتی را به کوره‌های موجود می‌افزایند در سال اول اجازه دارند یک چهارم این سرمایه‌گذاری را مستهلک نمایند.



## تصویر ۶

\* دورنمای صرفه‌جویی بیشتر در اروپای غربی بسیار تیره است. مقررات آلمان غربی بر بخش مسکن متمرکز می‌باشد. یکی از پیمانکاران وزارت تحقیقات و تکنولوژی برآورد کرده است که خانه‌سازی جدید و مقررات جدید در رابطه با تأمین گرمای منازل به تدریج باعث می‌شود، تا روزانه ۵۴۰/۰۰۰ تا ۶۴۰/۰۰۰ بشکه صرفه‌جویی گردد. فرانسه بیش از دیگر کشورهای اروپایی بر صرفه‌جویی تأکید ورزیده و شانس خوبی دارد که تا سال ۱۹۸۵ به هدف صرفه‌جویی روزانه ۹۰۰/۰۰۰ بشکه در مجموع دست یابد. برای کمک به دست‌یابی به این هدف از صرفه‌جویی غیرمرتبط با ایجاد انگیزه به وسیله قیمت‌ها استفاده شده است، که منتج از اقداماتی برای تنظیم معیارهایی در مورد ساختمانهای جدید، ایجاد انگیزه‌های مالی برای ترغیب به ساخت تجهیزاتی که فعلاً موجود نمی‌باشد و اختصاص ۲۰۰ میلیون دلار در بودجه جاری برای کمک به تأمین سرمایه‌گذارهای صنعتی در زمینه صرفه‌جویی در انرژی، می‌باشد. توانایی برای صرفه‌جویی غیرمرتبط با انگیزه‌های قیمتی به نظر می‌رسد که در انگلیس و ایتالیا محدود باشد. لندن به طور کلی در زمینه صرفه‌جویی تأکید بسیار نداشته است، گرچه نصب عایق‌های حرارتی در صنایع را از نظر مالیاتی ۱۰۰ درصد آزاد اعلام کرده است. علاوه بر این تجهیزات سرمایه‌ای که به مناطق روبه رشد داده می‌شد شامل تجهیزات صرفه‌جویی انرژی شده‌اند. در ایتالیا تلاش برای صرفه‌جویی بر مالیات و قیمت‌ها متمرکز بوده است، که تأثیر آن در معادلات ما برای اروپای غربی با رابطه قیمت به دست داده می‌شود.

\* کانادا برآورد می‌کند که با بوجه برنامه عایق‌بندی منازل مسکونی که از سپتامبر ۱۹۷۷ آغاز گشته می‌تواند روزانه ۱۴۰/۰۰۰ بشکه صرفه‌جویی نماید. بودجه این برنامه در هفت سال آینده ۱/۴ میلیارد دلار می‌باشد که تا میزان دوسوم آن برای هزینه سرمایه‌گذاری ساخت تجهیزات عایق‌بندی منازل برای تجهیز واحدهای مسکونی موجود به صورت وام اعطاء خواهد شد.

با توجه به شناسایی مشکلات تعیین کمیت تأثیرات صرفه‌جوییهای اضافی، ما از روی قضاوت برآورد ابتدایی خود از تقاضای انرژی را کاهش دادیم تا پایه پیش‌بینی خود را در زمینه تقاضا بدست آوریم. پس از بررسی دقیق مقررات کنونی انرژی، ما تقاضای انرژی هر یک از مناطق سازمان همکاری و عمران اقتصادی را در سال ۱۹۸۵، ۵ درصد کاهش دادیم و فرض کردیم که در رابطه با این مقدار، میزان صرفه‌جویی در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ به صورت خطی بالا خواهد رفت. بار دیگر باید هشدار دهیم که هم در نتایج حاصله از معادلات و هم در ۵ درصد کاهش در صرفه‌جوییهای اضافی، احتمالاً دامنه قابل ملاحظه‌ای از خطا وجود دارد. مقررات پیشنهادی هرچقدر به میزان صرفه‌جویی بیفزاید، تقاضای آتی انرژی نیز به همان نسبت از پیش‌بینی ما کمتر خواهد بود. به طور مثال، وزارت انرژی آمریکا برآورد می‌کند که مقررات پیشنهادی تا سال ۱۹۸۵ به اندازه کافی خواهد توانست در میزان تقاضای انرژی آمریکا کاهش ایجاد نماید و حدوداً روزانه ۲ میلیون بشکه از تقاضای بالقوه (۴ درصد کل تقاضا) خواهد کاست. این معادل همان مقدار صرفه‌جویی است که در نتیجه لایحه قانونی مصوبه ۱۹۷۶ در مورد معیارهای سرعت در اتومبیلرانی پیش‌بینی می‌شود.

متدولوژی ما میزان صرفه‌جویی را بسیار زیاد برآورد می‌کند و نشان می‌دهد که سالانه از میزان شدت

مصرف انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی به طور متوسط ۰/۷ درصد کاسته خواهد شد که این میزان انرژی مورد نیاز برای تولید یک واحد تولید ناخالص ملی در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ است. این مقدار معادل نیمی از نرخ کاهش به دست آمده در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ می باشد. (به تصویر ۷ نگاه کنید) این مقدار بادامنه‌ای از کاهشهای سالانه از ۰/۲ درصد تا یک درصد که توسط دیگر تحلیلگران پیش‌بینی شده قابل مقایسه است.<sup>۱</sup> متدولوژی ما همچنین فرض را بر آن قرار می‌دهد که نرخهای صرفه‌جویی در تقاضای انرژی هر یک از چهار منطقه کاهش خواهد یافت: نسبتهای تولید واقعی ناخالص ملی در طول نه سال با روندهای دوره ۷۶-۱۹۷۴ مقایسه شده است.

\* در آمریکا نسبت تقاضای انرژی به تولید ناخالص ملی به میزان سالانه ۰/۸ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ پیش‌بینی شده که کاهش خواهد یافت در حالی که در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ این میزان کاهش ۱ درصد در سال بوده است.

\* در ژاپن نسبت تقاضای انرژی به تولید ناخالص ملی نشانگر ۰/۹ درصد کاهش سالانه در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ است در حالی که در مقایسه این میزان کاهش در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ سه درصد در سال بوده است.

\* در اروپای غربی میزان کاهش پیش‌بینی شده آتی ۰/۶ درصد است که از ۱/۳ درصد کاهش سالانه در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ پایین تر است.

\* در کانادا که صرفه‌جویی موضوع یک خط‌مشی عمده نیست، پیش‌بینی شده که نسبت به میزان ۰/۲ درصد در سال که اساساً کمتر از سالهای ۷۶-۱۹۷۴ خواهد بود، کاهش می‌پذیرد.

ما به منظور درک مفاهیم وسیع برآوردهایمان در مورد عرضه نفت اوپک، سناریوهای تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی را مرتبط با دو نرخ رشد اقتصادی واقعی ایجاد کرده‌ایم که ملازم با بیکاری ثابت این کشورها و براساس فرضیه‌های بهره‌وری جایگزینی مختلف هستند. در سناریوی پایه، ما میزان رشد تولید ناخالص ملی هر منطقه را به میزانی که بتواند بیکاری را در سطوح کنونی نگهدارد، برآورد کرده‌ایم. میانگین سالانه به دست آمده در مورد سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ حدود ۴/۲ درصد بود.

## تصویر ۷

ما چند عامل مؤثر در میزان بیکاری آتی، از قبیل رشد جمعیت قادر به کار، پیش‌بینی نرخهای مشارکت نیروی کار، روابط مشاهده شده در سالهای ۱۹۷۰ بین تغییرات در تولید ناخالص ملی واقعی و تغییرات در اشتغال را در این برآوردها دخالت داده‌ایم. (به جدول ۴ نگاه کنید)

چون تغییرات عمده‌ای در جمعیت قادر به کار سه منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی از زمان حال تا اوائل سالهای ۱۹۸۰ رخ خواهد داد، ما نرخهای رشد را آنقدر تغییر داده‌ایم تا نرخ بیکاری ثابت بماند. منبع پیش‌بینی‌های ما در مورد جمعیتها (سازمان ملل)، این ارقام را در دوره‌های زمانی پنجساله ارائه می‌دهد که باعث می‌شود در پیش‌بینی‌های ما برای سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ عدم تداوم و گسیختگی

۱- برای بحثی در مورد پیش‌بینی مقایسه‌ای تقاضای انرژی ضمیمه «د» را ببینید.

قابل ملاحظه‌ای پدید آید. استفاده از ارقام سال به سال منتج به نرخهای رشد لازمه با تغییرات ملایمتری می‌شود. تغییرات مزبور در رشد جمعیت قادر به کار، بیانگر یک نسبت کوچکتر از میزان بیکاری ثابت، به میزان رشد تولید ناخالص ملی در کانادا و آمریکا پس از سال ۱۹۸۱ کمتر و نسبت بزرگتری در کشورهای اروپای غربی می‌باشد.

به بعثت امکان تغییر در روندها و روابط تاریخی، میانگین سالانه محاسبه شده  $4/2$  درصد رشد برای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ را باید صرفاً نشانگر رشد تولید ناخالص ملی که برای ثابت ماندن بیکاری لازم می‌باشد دانست و نباید آن را یک پیش‌بینی دقیق انگاشت. به طور مثال، در مورد آمریکا بسیاری از ناظران معتقدند که نرخهای رشد بیکاری مداوم کمتر از آن چیزی است که علی‌الخصوص در سالهای ۸۱-۱۹۷۸ مورد استفاده قرار داده‌ایم. ظاهراً این نظریات مختلف به موارد زیر ربط دارند: (الف) پیش‌بینی مشارکت کمتر نیروی کار و (ب) این اعتقاد که به لحاظ نرخهای کاهش یافته تشکیل سرمایه و دیگر ضرایب، افزایشهای فرض شده در تولید ناخالص ملی ممکن است مستلزم تغییرات بالاتری در اشتغال به جای افزایش در کارایی تولیدی بشود. برای در نظر گرفتن این امکان که میزان اشتغال ممکن است در رابطه با تولید ناخالص ملی آتی بیش از گذشته بالا برود، ما یک سری فرضیات مختلف برای رشد تولید ناخالص ملی به میزان  $0/5$  درصد کمتر از سناریوی پایه در نظر گرفتیم (نرخ میانگین برای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ معادل  $3/7$  درصد می‌باشد).

#### جدول ۴

سطح پایین‌ترین سناریوی رشد، ما نرخهایی از میزان رشد تولید ناخالص ملی سالانه برای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ را با میانگینی معادل  $3/7$  درصد دربر می‌گیرد. در بسیاری از موارد نرخها مشابه پیش‌بینی‌های بسیاری از پیشگویان اقتصادی است، گرچه افزایش تولید ناخالص ملی آمریکا و کانادا در سالهای ۸۵-۱۹۸۲ در قسمت مقادیر کوچکتر قرار گرفته‌اند. گذشته از مسئله انرژی، بدبینی مربوط به رشد اقتصادی آتی ناشی از (الف) دورنمای تیره سرمایه‌گذاری در رابطه با منافع ناچیز و تردید در زمینه تجارت و (ب) سیاستهای اقتصادی محتاطانه دولتی در برابر کسری بودجه و پرداختهای عظیم، می‌باشد. در این سناریو، تقاضای انرژی کشورهای پیشرفته به میزان سالانه  $2/9$  درصد در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ افزایش خواهد یافت که در سال ۱۹۸۵ معادل  $94/6$  میلیون بشکه در روز می‌باشد.

در سناریوی سطح بالای رشد، تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای انرژی از  $75/4$  میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به  $98$  میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش می‌یابد.<sup>۱</sup> نرخهای رشد تولید ناخالص ملی که در این سناریوها مورد استفاده واقع شده است کلاً در رابطه با میزان حداکثری که پیش‌بینی‌کنندگان در مورد کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ ابراز می‌دارند، بسیار ناچیز است و میانگین آن  $4/2$  درصد سال می‌گردد و میزان رشد

۱- به ضمیمه د در مورد مقایسه تقاضاهای پیش‌بینی شده انرژی نگاه کنید.

مصرف انرژی نیز معادل ۳/۳ درصد می‌باشد.

### عرضه انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی

برآورد ما در مورد عرضه انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ بر تحلیل مفصل طرحها و پیش‌بینی‌ها در مورد هر یک از منابع انرژی در چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی استوار است. در این رابطه ما مخصوصاً (الف) سیاستهای عمرانی دولتها و مدیریت منابع، (ب) برآورد پایه منابع، (ج) قراردادهای موجود و کاملاً قابل اجرای تجاری، و (د) برنامه زمانی لازم برای راه‌اندازی پروژه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اصولاً، ما «بهترین برآوردها» را در صورت عدم ایجاد وقفه طولانی در برنامه‌های زمانی ساختمانی، از آنچه که می‌تواند تحت قوانین جاری حاصل شود، تهیه کرده‌ایم.

رشد تولید انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۱-۱۹۷۸ به طور میانگین بیش از ۳/۹ درصد خواهد بود و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ با کاهش شدیدی معادل ۲ درصد همراه خواهد بود. (به تصویر ۸ نگاه کنید) این کاهش نمایانگر کاهش سرعت رشد تولید نفت سازمان همکاری و عمران اقتصادی پس از سال ۱۹۸۰ است که در آن تولید نفت دریای شمال و شیب شمالی آلاسکا کاهش خواهد یافت. از جمله منابع انرژی غیر نفتی که پیش‌بینی شده استفاده از آن در هشت سال آتی بسیار زیاد خواهد شد، می‌توان از انرژی هسته‌ای و زغال‌سنگ نام برد. تولید گاز طبیعی احتمالاً پس از سال ۱۹۸۰ دچار رکود خواهد گشت. انتظار می‌رود تا سال ۱۹۸۵ واردات زغال‌سنگ و گاز طبیعی که معادل ۳ تا ۴ میلیون بشکه نفت است جایگزین تولید داخلی انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی بشود. (به جداول ۵ و ۶ نگاه کنید)

### تصویر ۸

بخش اعظم افزایش تولید نفت سازمان همکاری و عمران اقتصادی بین زمان حال و سال ۱۹۸۵ از دریای شمال پدید خواهد آمد که گمان بر این می‌رود که این افزایش نیز پس از سال ۱۹۸۰ سیر نزولی داشته باشد. بازده نفتی انگلیس که در سال گذشته معادل ۸۰۰/۰۰۰ بشکه در روز بود، در هشت سال آینده چهار برابر خواهد شد. انتظار می‌رود تولید نفتی انگلیس در امسال و سال آتی روزانه ۵۰۰/۰۰۰ بشکه افزایش یابد، لیکن پس از آن این افزایش تولید دچار سیر نزولی خواهد گشت. تولید نفت نروژ نیز در سال جاری دو برابر یعنی ۶۰۰/۰۰۰ بشکه در روز خواهد شد و پس از آن افزایش خواهد یافت و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۱/۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. مهمترین حوزه نفتی کشف شده در دریای شمال به نام استات افجورد که در سال ۱۹۸۰ تولید و بهره‌برداری آن آغاز خواهد شد، تولید حوزه اکوفیسک را افزایش خواهد داد. میزان ذخایر نیز آنقدر زیاد است که می‌تواند این سطوح تولیدی پیش‌بینی شده را تأمین نماید. مجموع ذخایر کشف شده در آبهای انگلیس معادل ۲۰ میلیارد بشکه نفت است. مجموع ذخایر مجتمع استات افجورد و اکوفیسک نروژ نیز رو به هم رفته به ۸ میلیارد بشکه نفت می‌رسد. میزان تولید تا پایان سال ۱۹۸۵ بستگی به برنامه‌ریزی توسعه که از هر حیث استوار باشد، دارد.

انتظار می‌رود در تولید نفت کانادا و آمریکا فقط افزایشات کوچکی وجود داشته باشد.

✳️ تولید نفت آمریکا در سال ۱۹۸۵ احتمالاً به سطح  $۱۰/۳$  میلیون بشکه در روز خواهد رسید. البته این میزان با دامنه‌ای از پیش‌بینی‌ها بین  $۹/۵$  و  $۱۰/۵$  میلیون بشکه در روز پیش‌بینی شده توسط اکثر شرکت‌های نفتی، وزارت انرژی، و بخش خدمات تحقیقاتی کنگره مورد مقایسه قرار می‌گیرد. بازده شیب شمالی آلاسکا که قرار است از  $۳۰۰/۰۰۰$  بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ برسد، خواهد توانست کاهش مداوم تولید منابع دیگر را جبران نماید. چون بخش اعظم تلاشهای اکتشافی آمریکا در مناطق قدیمی و کشف شده قبلی صورت گرفته است. افزایش در میزان حفاریها منجر به افزایش در ذخایر نشده است، ولی ادامه این عملیات سبب شده است که نرخ کاهش در تولید در خارج از شیبهای شمالی کند شود. با وجود اینکه آمریکا در خارج از خشکی ذخایر نفتی بسیار دارد، ولی عرضه نفت این منابع تا سال ۱۹۸۵ عمده نخواهد بود.

✳️ بازده نفتی کانادا پس از سیر نزولی آن در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ در سال گذشته به سطح اولیه بازگشت و تا سال ۱۹۸۵ ممکن است قدری افزایش یابد. افزایش حفاری در مخازن کم عمق در آلبرتا سبب شده تا از کاهش در حوزه های قدیمتر در سال گذشته، ممانعت به عمل آید.

## جدول ۵ و ۶

هنوز ذخایر مهمی کشف نشده است، لیکن اکتشافات در بخش پمپینای غربی آلبرتا امیدوارکننده به نظر می‌رسد. نتایج حاصله از بخش پمپینا باید در سالهای ۸۵-۱۹۸۲ روزانه بین  $۲۰۰/۰۰۰$  تا  $۳۰۰/۰۰۰$  بشکه نفت تولیدی جدید به تولیدات بیفزاید. تولید نفت مصنوعی از شنهای نفتی نیز از سطح  $۵۰/۰۰۰$  بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به سطح  $۳۰۰/۰۰۰$  بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش می‌یابد. تولید نفت ذخایر قطبی کانادا در دوران ماقبل ۱۹۸۵ آغاز نخواهد شد چون هزینه‌های مربوط به گسترش و توزیع این ذخایر بسیار سنگین می‌باشد.

تولید گاز طبیعی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت و در سال ۱۹۸۵ به معادل نفتی آن یعنی ۱۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. برآورد ما در مورد بازده گاز طبیعی آمریکا یعنی معادل  $۸/۴$  میلیون بشکه نفت در روز تا سال ۱۹۸۵ توأم با کاهش مداوم خواهد بود و تولید بر اضافات جدید در ذخایر فزونی می‌یابد و در میزان اکتشاف افزایش حاصل نمی‌شود. و تا قبل از سال ۱۹۸۵ از حوزه شیب شمالی آلاسکا، گازی در دسترس قرار نخواهد گرفت. بسیاری از پیش‌بینی‌کنندگان معتقدند که تولید گاز آمریکا تا سال ۱۹۸۵ معادل مقدار نفتی آن، یعنی ۷ تا ۹ میلیون بشکه در روز می‌باشد.

تولید گاز طبیعی در اروپای غربی نیز ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. گرچه از عرضه گاز هلند، که ۴۵ درصد مصرف اروپای غربی را تشکیل می‌دهد، به دلایل صرفه‌جویانه کاسته خواهد شد، ولی شروع بهره‌برداری از حوزه برنت و به اضافه استفاده کامل از حوزه فریگ، بازده دریای شمال را به میزان یک پنجم آن تا سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد داد. تولید گاز توسط نروژ در دریای شمال قرار است از معادل نفتی آن یعنی  $۲۸/۰۰۰$  بشکه در روز در سال گذشته به  $۵۰۰/۰۰۰$  بشکه در روز در سالهای ۱۹۸۰ برسد.

در میزان تولید گاز طبیعی کانادا نیز قرار است افزایشی پدید آید. اکتشافات اخیر که با انگیزه‌های تشویقی اکتشافاتی فدرال، مالیات کم، و امتیازات بهره‌برداری در سطح فدرال و استان همراه است باید بتواند، تولید گاز کانادا را در اوائل سالهای ۱۹۸۰ بالا ببرد. ژاپن نیز قادر است مقدار زیادی گاز طبیعی از حوزه‌های خارج از خشکی تولید نماید، لیکن تلاشهای اکتشافی و گسترش به لحاظ ادعاهای حل نشده ژاپن، چین و کره در مورد آن دچار وقفه گشته است.

تولید زغال‌سنگ سازمان همکاری و عمران اقتصادی از معادل نفتی آن یعنی ۱۲/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۱۵/۴ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ بالغ خواهد گردید. با مقررات کنونی آمریکا، ما پیش‌بینی می‌کنیم که بازده زغال‌سنگ آمریکا از معادل نفتی آن یعنی ۷/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۱۰/۴ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید، در حالی که بخش اعظم مصرف انرژی آمریکا مختص به تولید برق خواهد بود. این پیش‌بینی تقریباً مشابه مطالعات اخیر بخش خدمات تحقیقاتی کنگره، تحت عنوان عرضه و تقاضای انرژی در آمریکا، اختیارات محدود، فشارهای نامحدود می‌باشد. تصویب مقررات جدید جهت فراهم آوردن انگیزه‌های بیشتر برای شرکت‌های صنعتی و خدمات عمومی می‌تواند سبب مصرف بیشتر در زمینه زغال‌سنگ بشود، البته اگر مشکلات مربوط به حفاظت محیط زیست، کار و حمل و نقل در رابطه با تولید زغال‌سنگ حل گردد.

بازده زغال‌سنگ اروپای غربی، کانادا و ژاپن به میزان کمی افزایش خواهد یافت.

✽ هزینه بهره‌برداری از زغال‌سنگ اروپای غربی به علت اینکه رگه‌های زغال‌سنگ باریک بوده و در اعماق معادن جای دارد، بسیار سنگین است و در بعضی از کشورها قیمت زغال‌سنگ وارداتی برابر قیمت زغال‌سنگ تولید شده در داخل است. افزایش در تولید زغال‌سنگ انگلیسی قادر خواهد بود کاهشهای مداوم در تولید زغال‌سنگ آلمان غربی و فرانسه را جبران نماید، و این کشورها روی هم رفته ۹۰ درصد زغال‌سنگ اروپای غربی را تولید می‌نمایند. انتظار می‌رود تولید زغال‌سنگ در دیگر نقاط اروپا به خصوص، یونان، اسپانیا و ترکیه حاصل کمی دربرداشته باشد.

✽ تولید زغال‌سنگ کانادا نیز افزایش چشمگیری نخواهد داشت. گسترش این منبع انرژی به وسیله (الف) فقدان تسهیلات حمل و نقل لازم جهت تحویل زغال‌سنگ غرب به بازار شرق، (ب) تأخیر در پیمانهای صادراتی که قبلاً از گسترش حمایت می‌کردند، و (ج) عدم توانایی اتاوا در تطبیق دادن اهداف خود در زمینه انرژی و در رابطه با جمعیت، دچار وقفه گشته است.

✽ ذخایر زغال‌سنگ ژاپن در مناطق دورافتاده و کوهستانی و در بافتهای عمیق واقع شده است. هزینه‌های تولید خیلی بیشتر از قیمت زغال‌سنگ در بازار است، و کمبود حاد کارگران ماهر نیز از قدرت تولیدی ژاپن در رابطه با زغال‌سنگ می‌کاهد.

انرژی هسته‌ای در کشورهای پیشرفته تحت فشارهای سیاسی و قانونی بسیار قرار دارد. بحث و مناظره فزاینده پیرامون مطلوبیت و کارایی انرژی هسته‌ای که با کاهش تقاضای مربوط به الکتریسیته و هزینه‌های سریعاً رشد یابنده تأسیسات هسته‌ای دو چندان گردیده، انتظارات مربوط به دستیابی به انرژی هسته‌ای تا سال ۱۹۸۵ را به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. (به جدول ۷ نگاه کنید) برآورد ظرفیت آتی با طولانی‌تر شدن برنامه‌های ساخت تأسیسات هسته‌ای دائماً کاهش می‌یابد. اکنون چنین به نظر می‌رسد که حتی با ایجاد یک اختلال مهم در صنایع هسته‌ای از قبیل یک تأخیر طولانی در ساخت یا

اداره در یک کشور مهم، کاهشهای بیشتر در ظرفیت پیش‌بینی شده غیر محتمل می‌باشند. به این ترتیب تا سال ۱۹۸۵ برق تولیدی توسط انرژی هسته‌ای معادل نفتی ۶/۶ میلیون بشکه در روز به تولید انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی خواهد افزود که سه برابر مقدار آن در سال ۱۹۷۷ می‌باشد.

## جدول ۷

ظرفیت تولیدی ثابت آمریکا در اواسط سالهای ۱۹۸۰ از مرز ۱۰۰/۰۰۰ مگاوات خواهد گذشت برق تولید شده توسط انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۸۵ معادل ۳ میلیون بشکه نفت در روز می‌شود که مساوی ۱۰ درصد تولیدات انرژی آمریکا خواهد بود. گسترش انرژی هسته‌ای نیز در برگیرنده سه چهارم افزایش عرضه انرژی ژاپن در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ خواهد بود. در ژاپن ظرفیت ثابت ۲۲/۰۰۰ تا ۲۳/۰۰۰ مگاوات تا سال ۱۹۸۵ که خیلی پایین تر از پیش‌بینی‌های دولتی است، خواهد توانست تولید برقی معادل روزانه ۶۰۰/۰۰۰ بشکه نفت را تضمین نماید، البته اگر پیرامون مشکلات که به ظرفیت هسته‌ای کنونی ژاپن آسیب وارد می‌سازد، راه‌حلی اندیشیده شود. در کانادا افزایش فعالیت دولت مرکزی در زمینه انرژی هسته‌ای خواهد توانست در هشت سال آینده در منطقه اونتاریو ۵۰۰۰ مگاوات به ظرفیت انرژی هسته‌ای این کشور اضافه نماید.

در اروپای غربی، فرانسه نمونه‌ای برای گسترش انرژی هسته‌ای می‌باشد.

\* کنترل مستقیم دولت بر بازار داخلی انرژی، پاریس را قادر خواهد ساخت تا ظرفیت انرژی هسته‌ای خود را بیش از هر کشور دیگری در اروپای غربی بالا ببرد. تا سال ۱۹۸۵، ظرفیت انرژی هسته‌ای فرانسه به ۳۱/۰۰۰ مگاوات خواهد رسید که در مقابل در سال ۱۹۷۷ این ظرفیت معادل ۴۶۰۰ مگاوات بوده است.

\* در آلمان غربی جایی که بازار انرژی آزادانه‌تر از فرانسه عمل می‌کند، ظرفیت انرژی هسته‌ای از میزان ۱/۴۰۰ مگاوات افزایش می‌یابد و در سال ۱۹۸۵ به ۲/۰۰۰ مگاوات خواهد رسید. این میزان خیلی کمتر از برنامه‌ای است که دولت چندسال قبل طرح آن را ریخته بود. دعاوی قانونی گروه‌های حفاظت محیط زیست و شرایط سخت دولتی جهت دفن مواد زائد هسته‌ای، ساختمان بسیاری از کارخانه‌ها را به تأخیر انداخته و آغاز کار بسیاری را نیز به تعویق انداخته است.

\* انگلیس که پیشگام در صنعت انرژی هسته‌ای بوده است، در تولید انرژی هسته‌ای افزایش ناچیزی را برنامه‌ریزی کرده است. تولید فراوان زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی در داخل، نیاز به انرژی هسته‌ای را در کوتاه‌مدت از بین برده است.

دیگر منابع انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی در چندسال آینده افزایش معتدلی خواهند یافت. کلیه مناطق مهم سازمان همکاری و عمران اقتصادی در نظر دارند، در برنامه تولید برق هیدروالکتریک و ژئوحرارتی خود گسترشی به وجود آورده، و میزان تولید سازمان را از این منابع در سال ۱۹۸۵ به ۶/۳ میلیون بشکه در روز برسانند. میزان افزایش استفاده از انرژی خورشیدی، باد و دیگر منابع انرژی غیرمرسوم در سال ۱۹۸۵ بسیار ناچیز و احتمالاً معادل نفتی آن یعنی ۵۰/۰۰۰ بشکه در روز

خواهد بود. تکنیکهای موجود استفاده از انرژی خورشیدی که با قیمت‌های فعلی از نظر هزینه مقرون به صرفه است از قبیل ایجاد ساختمانهایی که بتوانند حداکثر استفاده از گرمای خورشید را بنمایند و نیز استفاده از این انرژی در گرم کردن آب، احتمالاً به کندی در معرض استفاده قرار خواهند گرفت.

واردات خالص زغال سنگ و گاز طبیعی به میزانی برابر معادل نفتی آن یعنی ۳/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵، مکملی برای منابع داخلی انرژی سازمان خواهد شد، در حالی که در سال گذشته میزان این واردات معادل ۱/۷ میلیون بشکه نفت در روز بوده است. آمریکا، اروپای غربی و ژاپن در این دوره بخش اعظم گاز طبیعی مورد نیاز خود را از طریق کشورهای عضو اوپک وارد خواهند نمود. ژاپن امیدوار است که بتواند تا سال ۱۹۸۵ واردات گاز مایع طبیعی خود را دو برابر یعنی معادل ۵۰۰/۰۰۰ بشکه نفت در روز بنماید، تا بتواند نیاز خود را در زمینه تغییر منابع انرژی و استفاده از سوخت بدون دود برآورده سازد. به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور و تکنولوژی پیچیده لازم، ژاپن فقط به تعداد محدودی از برنامه‌های تولید گاز مایع طبیعی در خارج از کشور پرداخته است. مشکلات مربوط به انبار کردن و حمل و نقل نیز بر میزانی که ژاپن می‌تواند واردات گاز طبیعی مایع خود را افزایش دهد تأثیر خواهد گذارد. واردات گاز طبیعی اروپای غربی در سال ۱۹۸۵ دو برابر خواهد شد که بیشتر از گاز طبیعی مایع الجزایر تشکیل می‌گردد. فروش گاز طبیعی شوروی به اروپای غربی نیز احتمالاً افزایش خواهد یافت (از معادل نفتی آن یعنی ۸۵۰/۰۰۰ بشکه در روز به ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز) و به این ترتیب تا سال ۱۹۸۵ شوروی ۵۰ درصد نیاز وارداتی اروپای غربی را از نظر گاز طبیعی برآورده خواهد ساخت.

انتظار می‌رود واردات خالص زغال سنگ سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سال ۱۹۸۵ معادل ۱/۴ میلیون بشکه نفت در روز بشود. واردات زغال سنگ اروپای غربی که از طریق آفریقای جنوبی، لهستان، استرالیا و نیز آمریکا تأمین می‌گردد، نیز افزایش معتدلی خواهد داشت، ولی افزایش عمده‌ای در این رابطه پدید نخواهد آمد، چون صنعت فولادسازی که چهل درصد مصرف زغال سنگ را به خود اختصاص داده است رشد سریعی نخواهد داشت و در زمینه تولید انرژی برق یا در استفاده از زغال سنگ به عنوان سوخت نیز افزایش چشمگیر حاصل نخواهد گردید. بنا به دلایل مشابه واردات زغال سنگ ژاپن نیز افزایش چندانی نخواهد یافت.

#### تقاضای خالص واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

کسر کردن تولید داخلی انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی و نیز واردات خالص غیرنفتی از تقاضای انرژی مذکور در سناریوهای ما، نشان‌دهنده این امر می‌باشد که تقاضای وارداتی انرژی این سازمان در سال ۱۹۸۵ دامنه‌ای از ۳۱/۵ تا ۳۴/۹ میلیون بشکه در روز را خواهد داشت، و بستگی به رشد تولید ناخالص ملی نیز دارد. (به جدول ۸ نگاه کنید) در هر دو سناریو، رشد تقاضای واردات نفتی سازمان در سالهای ۸۲-۱۹۸۰ سرعت می‌یابد، که منعکس کننده، کند شدن رشد تولید انرژی داخلی می‌باشد. \* با در نظر گرفتن فرضیات پایین تر رشد تولید ناخالص ملی که نزدیک بدان فرضیاتی است که توسط بسیاری از پیش‌بینی‌کنندگان انرژی صنعتی مورد استفاده قرار گرفته است، تقاضای خالص واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی برابر با ۳۱/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ خواهد بود که از این مقدار ۱۲/۵ میلیون بشکه آن روزانه توسط آمریکا وارد می‌گردد.



با در نظر گرفتن سناریوی رشد بیشتر، واردات خالص نفتی در سال ۱۹۸۵ مشتمل بر ۳۴/۹ میلیون بشکه در روز خواهد گردید، با این فرض که میزان عرضه برای تکافوی این مقدار تقاضا مناسب خواهد بود، در این سناریو تقاضای خالص وارداتی آمریکا به ۱۴/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید، که ظرفیت بنادر موجود را تحت فشار قرار خواهد داد.

#### ۴- تقاضای کشورهای غیرکمونستی خارج از کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک

در مرحله بعدی تجزیه و تحلیل، ما به برآورد تقاضای کشورهای در حال توسعه غیر اوپک و چند کشور صنعتی خارج از حوزه سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک پرداختیم. برای ساده تر شدن تحلیل و متمرکز شدن آن بر سیاستهای موازنه‌ای در کشورهای پیشرفته، تصمیم گرفتیم محتمل ترین برآورد را در مورد تقاضای این کشورها در مورد نفت اوپک به دست آوریم. به علت عدم کفایت اطلاعات موجود، بقیه کشورهای غیر اوپک و غیرکمونستی را نمی توان با کشورهای پیشرفته در یک ترازو قرار داد. در عوض، رابطه تاریخی بین فعالیت اقتصادی را که به وسیله تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می شود و مصرف نفتی یازده کشور مصرف کننده بزرگ در حال توسعه و بقیه کشورهای در حال توسعه غیر اوپک و چهار کشور پیشرفته را مورد بررسی قرار داده ایم.

#### تقاضای خالص وارداتی نفتی کشورهای در حال توسعه غیر اوپک

از نظر ما کشورهای در حال توسعه غیر اوپک به طور گروهی در سال ۱۹۸۵ کمتر از امروز به نفت وارداتی نیاز خواهند داشت که در سال مزبور تقاضای وارداتی آنها برابر ۲/۳ میلیون بشکه در روز خواهد بود، در حالی که در سال ۱۹۷۷ این تقاضا معادل ۳ میلیون بشکه در روز بوده است. با این وصف این تولید سریعاً رشد یابنده نفت مکزیک است که وابستگی وارداتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه غیر اوپک را مخفی نگاه می دارد. صادرات نفتی مکزیک از ۲۵۰/۰۰۰ بشکه در روز در سال گذشته به ۲/۷ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد یافت. (به جدول ۹ نگاه کنید)

به نظر ما در طول سالهای ۸۵-۱۹۷۸ مصرف نفت در کشورهای در حال توسعه غیر اوپک افزایش خواهد یافت. در بسیاری از این کشورها سهم صنعت در بازده ملی رو به افزایش است، و کاهش استفاده از نفت را مشکل می سازد. به طور کلی، برآورد ما نشان می دهد که تقاضای نفتی کشورهای در حال توسعه غیر اوپک از ۷/۲ میلیون بشکه در روز در سال گذشته به بیش از ۱۱ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ بالغ خواهد گردید. این برآوردهای مربوط به تقاضا، فرض را بر آن قرار داده است که این کشورها به طور گروهی در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ به رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۴/۵ درصد در سال دست خواهند یافت. این میزان رشد اقتصادی تقریباً برابر چهار پنجم میزان رشد تاریخی است. گرچه در میان کشورهای در حال توسعه تفاوتهایی نیز در این زمینه به وجود خواهد آمد، ولی این میزان با نرخ نسبتاً کند رشد در کشورهای پیشرفته همراهی خواهد داشت.

تولید نفت داخلی کشورهای در حال توسعه غیر اوپک از ۴/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۶/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ و ۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد یافت.

(به تصویر ۹ نگاه کنید) بخش اعظم این افزایش در کشورهای مکزیک و مصر و بخش کمتر آن از کشورهای هند، برزیل و پروئی و مالزی تأمین خواهد گردید. تولید نفت و گاز طبیعی مایع در مکزیک از بیش از یک میلیون بشکه در روز در سال گذشته به  $\frac{2}{3}$  میلیون بشکه در سال ۱۹۸۰ و  $\frac{3}{9}$  میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ بالغ خواهد گردید. بازده نفتی مصر احتمالاً به  $\frac{700}{1000}$  بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ و یک میلیون بشکه در روز در سال ۸۴-۱۹۸۳ بالغ خواهد گردید.

کشف ذخایر نفتی وسیع در ایالات چیاپاز و تاباسکو در جنوب شرقی مکزیک در سال ۱۹۷۲ دورنمای وخیم عرضه نفت را دگرگون ساخت. پمکس، کمپانی دولتی نفتی یک برنامه ضربتی را برای گسترش دادن ذخائر نفتی جدید ترتیب داد و مکزیک دوباره عنوان قبلی خود یعنی بشکه صادرکننده خالص نفت خام را در سپتامبر ۱۹۷۴ به دست آورد. در اواخر سال ۱۹۷۷ تولید نفت مکزیک به بیش از یک میلیون بشکه در روز بالغ گردید.

\* برآوردهای اخیر مربوط به ذخایر نفتی واقع در خشکی حوزه رفورما در جنوب شرقی نشان می‌دهد که بین ۲۰ تا ۶۰ میلیارد بشکه نفت در این منابع وجود دارد. در این بخش ۲۰ حوزه نفتی کشف شده و حداقل ۶۵ حوزه دیگر آن کشف نشده باقی مانده است. شش حوزه نفتی با حداقل ۱۳۰ حلقه چاه فعال روزانه معادل  $\frac{750}{1000}$  بشکه نفت تولید می‌نماید. در خارج از خشکی، کمپانی پمکس در منطقه «چاک» به چهارحوزه نفتی دیگر دست یافته است، که در ۷۵ کیلومتری شمال کویداد دل کارمن قرار دارد که حدود ۶۰ حوزه یا بیشتر آن هنوز بکر باقی مانده است.

قدرت نفتی مصر خیلی بیشتر از اکثر کشورهای در حال توسعه غیراوپک می‌باشد. کمپانیهای بین‌المللی نفتی به توان ذخایر مصر امید بسیار دارند، که این امید آنها بیشتر در منطقه کانال سوئز متمرکز است که در آن به چهار اکتشاف مهم و چشمگیر دست یافته شده است. به نظر ما تولید نفت مصر به آرامی گسترش خواهد یافت، چون به لحاظ ادعاهای اسرائیل، امتیازات مربوط به اکتشافات نفت در کانال سوئز توأم با تردید باقی خواهد ماند. با توجه به عدم اطمینان در مورد وضعیت سیاسی، بازده نفتی مصر تا سال ۱۹۸۳ یا ۱۹۸۴ و در مقایسه با پیش‌بینی قاهره در مورد تولید ۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ به سطح یک میلیون بشکه در روز نخواهد رسید.

#### دیگر کشورهای پیشرفته

دورنمای تولیدی دیگر کشورهای پیشرفته از قبیل استرالیا، اسرائیل، نیوزیلند و آفریقای جنوبی چندان امیدوار کننده نمی‌باشد. در استرالیا که مهمترین تولیدکننده نفت این گروه به شمار می‌آید، انتظار می‌رود که در ۸۵-۱۹۷۸ تولید به سطح  $\frac{500}{1000}$  بشکه در روز کاهش یابد. به‌طور کلی، واردات نفتی این گروه از  $\frac{700}{1000}$  بشکه در سال ۱۹۷۷ به روزانه  $\frac{1}{3}$  میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد یافت.

#### ۵- کشورهای کمونیست در بازار نفت

ما پیش‌بینی می‌کنیم که تولید نفت شوروی در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ کاهش خواهد یافت و به سطحی می‌رسد که تنها خواهد توانست نیازهای داخلی را برآورده سازد و مازادی برای صدور به خارج باقی

نخواهد گذاشت. ما انتظار داریم به این لحاظ که اروپای شرقی، کوبا، ویتنام، کره شمالی و مغولستان مناطق مواجه با کمبود هستند، روند تغییرات شوروی سبب خواهد شد که موضع کشورهای کمونیستی به عنوان صادرکننده خالص نفتی به وارد کننده خالص نفتی تغییر یابد. اینکه آنها تا سال ۱۹۸۵ چه مقدار نفت وارد خواهند کرد نامعلوم است. پیش‌بینی‌های ما نه تنها تحت تأثیر نامشخص بودن اطلاعات مربوط به تولید و مصرف قرار دارد، بلکه از این واقعیت نیز متأثر می‌شود که واردات حتی ناچیز نفتی با توجه به استانداردهای جهانی موجب مصرف سنگین درآمدهای محدود ارز خارجی کسب شده، توسط کشورهای کمونیستی می‌گردد. با در نظر گرفتن شرایط احتمالی عرضه و تقاضای نفتی و با فرض اینکه قیمت‌های نفت ثابت بمانند. می‌توان گفت که مضیقه‌های مالی مرتبط با تراز پرداخت‌های کشورهای کمونیستی، واردات خالص نفتی آنان را در سال ۱۹۸۵ به ۲/۵ میلیون بشکه در روز محدود خواهد کرد. (به تصویر ۱۰ نگاه کنید). علاوه بر این، حتی اگر کشورهای کمونیستی از وارد کردن نفت اجتناب ورزند، تأثیر این اقدام آنها بر عرضه نفت جهانی، هجوم فشار وارده بر تقاضا را تنها یک سال به تعویق خواهد افکند.

#### مشکل نفتی شوروی

گرچه شوروی موضع خود را به عنوان مهمترین تولید کننده نفتی روزانه ۱۰/۹ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۷ حفظ کرده است، لیکن میزان رشد بازده نفتی به طرز قابل توجهی کندتر شده است. در تولید نفت شوروی در سال ۱۹۷۷ تنها ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز افزایش وجود داشت. این مقدار از سال ۱۹۷۲ کوچکترین افزایش واقعی بود و در مقایسه با دوران بعد از جنگ کمترین میزان رشد تولید به شمار می‌رود. میزان بازده تمام مناطق نفتی شوروی در حال حاضر رو به کاهش است بجز غرب سیبری که اکنون به لحاظ اینکه حوزه نفتی گول آسای ساموتلر به اوج تولید خود رسیده است، بازده تولید به نظر می‌رسد که دچار مشکلات بیشتری شود. (به تصویر ۱۱ نگاه کنید).

حوزه نفتی ساموتلر به تنهایی بیشترین سهم را در رشد تولید نفت شوروی در پنج تا شش سال گذشته داشته است. گسترش و بهره‌برداری از حوزه‌های دیگر غرب سیبری از برنامه خیلی عقب است. در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ حداقل از شش تا هشت حوزه جدید می‌بایست بهره‌برداری تجاری آغاز گردد، تا کاهش تولید ساموتلر جبران گردد. ولی در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ سالانه فقط پنج حوزه نفتی کشف گردید که علت آن نیز عدم توانایی برآورد نیازهای مربوط به حفاری و کارهای زیربنایی بوده است.

مهمتر از همه اینکه، بازده حوزه ساموتلر احتمالاً در سال ۱۹۸۰ رو به کاهش خواهد گذارد و در سالهای ۸۵-۱۹۸۲ کاهش آن عمده خواهد بود، در حالی که کاهشی که هم‌اکنون در مناطق دیگر در جریان است در اثر تخلیه ذخایر سریعاً افزایش می‌یابد. در نتیجه ما معتقدیم که بازده نفتی شوروی در سال ۱۹۸۰ به اوج خود خواهد رسید و در اوایل سالهای ۱۹۸۰ سیر نزولی سریعتری پیدا خواهد کرد. بنابراین برآورد ما پیش‌بینی می‌کنیم بازده نفتی این کشور در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود. البته اعتقاد داریم این مقدار بالاترین دامنه امکان تولید است و در صورتی که اکتشافات موفقیت‌آمیز باشند و حفاریها به خوبی انجام گیرد و شوروی بتواند تجهیزات و تکنولوژی مورد نیاز خود را وارد نماید، بدان نائل می‌شود. اگر نتیجه این اقدامات چندان مثبت نباشد، میزان بازده حداقل ۸ میلیون بشکه در روز

خواهد بود.

در کوتاه مدت حداکثر تولید سوخته‌های جایگزین از قبیل زغال سنگ و گاز طبیعی کاهش بازده نفت را به طور نسبی خواهد توانست جبران نماید. صنعت گاز طبیعی شوروی از مرحله رشد چشمگیر گذشته و وارد یک مرحله کاهش رشد گشته است. تولید زغال سنگ شوروی نیز بسیار کم و برای تأمین نیاز برنامه‌های کافی نمی‌باشد.

گرچه ذخایر گازخیز بسیار بزرگ و تولید سالانه سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ بیش از حد مورد نیاز بود، ولی در آینده این میزان توأم با نقصان خواهد گشت.

\* پتانسیل مهم رشد هم‌اکنون بیش از هر زمان از وقتی که صنعت گاز شوروی رشد سریع خود را از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد، بیشتر بر یک منطقه منفرد متمرکز شده است. در حال حاضر مهمترین منطقه گازخیز تویمان اوبلاست شمالی در غرب سیبری می‌باشد. مشکلات فیزیکی و قیمت تمام شده مربوط به گسترش ذخایر در قلمروهای غیر قابل سکونت و احداث هزاران کیلومتر خط لوله جهت انتقال گاز برای استفاده داخلی و صادرات، مشکلات جدیدی را به وجود آورده است. زیربنای نه چندان خوب و شرایط سخت قطبی، حفاری، تولید و احداث خطوط لوله را توأم با کندی خواهد کرد و مانع از آن خواهد شد که شوروی‌ها بتوانند از این ذخایر عظیم بهره‌برداری نمایند.

\* تولید ذخایر مهم دیگر کشور در اوکراین، قفقاز شمالی، و ازبکستان در سال ۱۹۷۶ به اوج خود رسید و برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ کاهش یافت و حتی برنامه‌ریزی شده که در چند سال آینده نیز سیر نزولی بیشتری را طی نماید.

شوروی دارای ذخایر عظیم زغال سنگ است، لیکن بسیاری از این ذخایر که در بخش اروپایی شوروی قرار دارند نیز مانند منابع نفت و گاز در حال رسیدن به انتها بوده و بهره‌برداری از آنها بسیار مشکل و گران قیمت می‌باشد. بخش اعظم ذخایر جدید نیز در شرق مراکز صنعتی و بخش اروپایی کشور قرار دارند و بسیاری دیگر از ذخایر قابل دسترس شرق نیز از نظر کیفیت نامرغوب هستند. در دو دهه گذشته میزان افزایش سالانه زغال سنگ دو درصد بوده است و ۳ درصد افزایش سالانه سالهای ۸۰-۱۹۷۶ هنوز تأمین نشده است. کمبود واگن‌های راه آهن جهت حمل و نقل زغال سنگ، استفاده نادرست از نیروی کار و کاهش‌های اضافه شده بر ظرفیت بهره‌برداری از معادن جدید از جمله موانع مهم به شمار می‌آیند. با افتتاح معادن جدید در سیبری، مسئله حمل و نقل یک مشکل غامض رو به افزایش خواهد شد.

کاهش رشد مصرف انرژی در شوروی بدون تأثیر شدید بر اقتصاد بسیار مشکل خواهد بود.<sup>۱</sup> نحوه مصرف انرژی شوروی با الگوی مصرف آن در کشورهای صنعتی غرب بسیار متفاوت است و مشکلی است که صرفه‌جویی در انرژی را بسیار دشوارتر می‌سازد. صنایع شدیداً پرمصرف انرژی آهن و فولاد حدود ۱۳ درصد مصرف انرژی شوروی را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که این صنایع در آمریکا تنها ۳ درصد مصرف انرژی را شامل می‌شوند. در کشورهای غربی حمل و نقل و مسکن بخش اعظم مصرف انرژی را به خود اختصاص داده‌اند، و دورنمای صرفه‌جویی در این نقاط بسیار امیدوارکننده است. در شوروی بسیاری از تکنیک‌های مربوط به صرفه‌جویی انرژی در صنایع و منازل که اکنون در غرب مورد بحث قرار گرفته، در شوروی به خدمت گرفته شده‌اند. در شوروی حرارت بسیاری از مناطق شهری و نیز

۱- به ضمیمه «ه» جهت مشاهده بحث مفصل پیرامون عرضه و مصرف انرژی در شوروی رجوع شود.

صنعتی از طریق سیستمهای مولد مشترک تأمین می‌گردد. در حالی که در غرب تعداد این سیستمها بسیار کم است (که اکثر آنها در آلمان غربی و سوئد واقع شده‌اند). ولی شوروی هزاران سیستم اینگونه‌ای را در خود مستقر کرده است. بخش اعظم حمل و نقل بار در شوروی توسط خطوط راه‌آهن انجام می‌گردد، در حالی که در آمریکا و اروپای غربی به جای آن از کامیون استفاده می‌شود. در رابطه با اتومبیلهای سواری، شوروی برای هر ۴۰ تا ۵۰ نفر از ساکنین خود یک اتومبیل دارد، در حالی که در آمریکا و کانادا هر دو نفر بیش از یک ماشین سواری و در اروپای غربی هر چهار تا پنج نفر یک اتومبیل سواری دارند.

به خاطر ساختار مصرف، صرفه‌جویی یا باید از طریق ارتقای تکنولوژی صنعتی و یا تغییر تولید از صنایع سنگین به صنایع و خدمات سبک تأمین گردد. ولی هیچ‌کدام از این کارها آسان نیست. ارتقای تکنولوژی زمان و هزینه بسیار لازم دارد. تغییر روش از صنایع سنگین مانند آهن و فولاد نیز با نظریات گروههای حاکم ذی نفع شوروی مغایرت دارد.

تولید واقعی ناخالص ملی در شوروی رو به کاهش است و انتظار می‌رود در سالهای ۱۹۸۰ نیز توأم با کاهش بیشتر باشد. ما پیش‌بینی می‌کنیم که افزایش تولید واقعی ناخالص ملی در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ معادل ۴ درصد در سال و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ معادل ۳ تا ۳/۵ درصد در سال باشد.<sup>۱</sup>

مصرف انرژی شوروی دارای رشدی سریعتر از تولید ناخالص ملی در سالهای اخیر و سالهای ۱۹۶۰ می‌باشد. با در نظر گرفتن محدودیت موجود در زمینه صرفه‌جویی انرژی مجموع تقاضا برای انرژی احتمالاً با نرخ مشابه به نرخ رشد، تولید ناخالص ملی در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ افزایش خواهد یافت.<sup>۲</sup> کاهش قریب‌الوقوع در تولید نفت همراه با رشد تولید ناخالص ملی سبب خواهد شد که شوروی نتواند در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ به قدر کفایت نیازهای داخلی، نفت تولید نماید و در همان حال موضع خود را به عنوان صادرکننده عمده حفظ نماید. ما انتظار داریم که نرخ رشد برای تولید انرژی، حدود نیمی از تقاضا باشد. بنابراین شوروی باید از مقدار صادرات انرژی خود به مقدار قابل ملاحظه‌ای بکاهد. در سال ۱۹۷۶ میزان صادرات انرژی این کشور معادل ۳/۳ میلیون بشکه نفت در روز بود، ولی تا سال ۱۹۸۵ تداوم حداقل ۱ میلیون بشکه نفت در روز نیز، کاری بس دشوار خواهد بود. ما فکر می‌کنیم که تا سال ۱۹۸۵ بخش اعظم انرژی صادراتی این کشور را گاز طبیعی تشکیل دهد. در آن زمان، بین تولید و مصرف نفت شوروی به سختی توازن برقرار خواهد گشت، بنابراین صدور مستمر نفت شوروی به دیگر کشورهای کمونیستی به وسیله واردات حاصله از غرب تأمین خواهد شد.

### فقر انرژی اروپای شرقی

به دلیل قلت منابع انرژی داخلی، حدود ۸۰ درصد انرژی مصرفی اروپای شرقی از طریق واردات تأمین می‌شود. از ۲ میلیون بشکه نفتی که روزانه در سال ۱۹۷۶ مصرف شد، حدود ۱/۶ میلیون بشکه آن

۱- در دهه آتی شوروی با مشکل اقتصادی حادی روبرو خواهد شد. گذشته از مسئله انرژی، به خاطر کاهش شدید در میزان رشد نیروی کار، نرخهای رو به کاهش بازدهی سرمایه، و کشاورزی فاقد کارایی و غیرقابل اعتماد، و محدودیت در توانایی کسب ارز معتبر جهت واردات تکنولوژی موردنیاز و خریدهای وسیع و متناوب گندم، انتظار بر پایین آمدن نرخ رشد می‌رود. بحث مفصل مربوط به دورنماها و مشکلات اقتصادی شوروی در نشریه ۱۰۴۳۶ - ۰۷۷ ژوئیه ۱۹۷۷ آورده شده است.

۲- به ضمیمه «ه» رجوع گردد.

را واردات نفتی تشکیل می‌داد که ۸۵ درصد آن از طریق شوروی تأمین می‌گردید. تقریباً تمام نفت تولیدی اروپای شرقی از رومانی که تقریباً خودکفاست به دست می‌آید و مقداری از آن نیز در یوگسلاوی تولید می‌گردد که این کشور نیز می‌تواند ۳۰ درصد نیاز خود را تأمین کرده و بقیه آن را در ازای ارز معتبر خریداری می‌نماید. بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان و آلمان شرقی تقریباً به‌طور کامل به واردات متکی هستند که در حال حاضر تقریباً و منحصرأً با پرداخت ارز معتبر از اتحاد شوروی تأمین می‌نمایند.

رشد اقتصادی اروپای شرقی با کندی روبرو شده است. یعنی در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ معادل ۳/۵ درصد بوده است در حالی که در سالهای ۷۵-۱۹۷۱ میزان رشد برابر با ۴/۵ درصد بوده و ما فکر می‌کنیم که این کندی رشد همچنان ادامه خواهد داشت و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ معادل ۳/۵ تا ۴ درصد در سال خواهد بود. رشد تقاضای انرژی نیز دچار سیر نزولی شده است. علیرغم افزایش واردات گاز، تأکید بر تولید زغال سنگ و آغاز یک برنامه جاه طلبانه در زمینه انرژی هسته‌ای واردات فزاینده نفتی باید بتواند بخش اعظم تقاضای انرژی را بر آورده نماید. به نظر ما میانگین سالانه رشد واردات نفتی نیز بشدت کاهش خواهد یافت و از ۱۲ درصد در سالهای ۷۶-۱۹۷۱ به ۵ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ تقلیل خواهد یافت. به‌طور کلی اروپای شرقی نیاز مبرمی به واردات نفتی روزافزون خواهد داشت.

احتمالاً رومانی و یوگسلاوی خواهند توانست در ازای نفت مورد نیاز خود ارز معتبر بپردازند. نیاز رومانی به نفت وارداتی در سال ۱۹۸۵ نباید بیش از ۱۰۰/۰۰۰ بشکه در روز باشد. یوگسلاوی نیز در حال حاضر روزانه ۱۸۰/۰۰۰ بشکه نفت وارد می‌کند که احتمالاً نیمی از آن از طریق شوروی و در ازاء ارز معتبر به دست می‌آید. ولی تا سال ۱۹۸۵ یوگسلاوی روزانه به ۲۵۰/۰۰۰ بشکه نفت وارداتی نیاز خواهد داشت که تقریباً باید در ازای همه آن ارز معتبر بپردازد.

کاهش احتمالی تولید نفت شوروی مشکلات زیادی برای اروپای شرقی به وجود خواهد آورد، و احتمالاً این کشورها نیز مجبور خواهند شد در تحمل بار سنگین کمبود نفتی شوروی شریک باشند. بهترین وضع این است که پس از سال ۱۹۸۰ به احتمال زیاد در میزان صدور نفت شوروی به اروپای شرقی افزایشی پدید نخواهد آمد و بدترین وضع این است که این صادرات ممکن است، متوقف گردد. اگر بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی و مجارستان تا سال ۱۹۸۵ مجبور شوند نفت خود را از طریق غرب تأمین نمایند، باقیمت‌هایی که نفت در سال ۱۹۷۷ خواهد داشت باید معادل ۱۳ میلیارد دلار بپردازند و این رقم برابر کل ارز معتبری است که جمعاً در سال گذشته به دست آورده بودند. ولی واضح است هیچ راهی وجود ندارد که آنها بتوانند چنین مخارجی را متحمل شوند. تحت چنین شرایطی احتمالاً شوروی به صادرات نفتی خود در سطحی پایین‌تر به اروپای شرقی ادامه خواهد داد و متعاقباً در ازای ارز معتبر از طرف آنها مقداری از نفت اوپک را نیز خریداری خواهد نمود.

#### دیگر کشورهای کمونیستی

در حال حاضر دیگر کشورهای کمونیستی بجز چین، نفت مورد نیاز خود را از شوروی وارد می‌کنند. آنها منابع انرژی جایگزین معدودی دارند و احتمالاً میزان واردات نفتی آنها افزایش خواهد یافت. کوبا بخش اعظم صادرات نفتی ۳۳۰/۰۰۰ بشکه در روز شوروی را در سال ۱۹۷۷ به خود اختصاص داده

است و مسکو برای تأمین نیاز انرژی آتی هاوانا اولویت خاصی قائل شده است. کوبا در سال ۱۹۷۶ روزانه معادل ۱۸۰/۰۰۰ بشکه نفت مصرف نمود و در سال ۱۹۸۵ احتمالاً معادل ۲۵۰/۰۰۰ بشکه در روز و یا بیشتر استفاده خواهد کرد. در سال ۱۹۷۶ هزینه کل واردات نفتی کوبا حدود ۹۰۰ میلیون دلار یا بیش از کل ارز معتبر اکتسابی توسط این کشور گردید. در رابطه با کره شمالی، ویتنام، و مغولستان باید گفت که در حال حاضر مجموع واردات روزانه آنها فقط حدود ۵۰/۰۰۰ بشکه نفت می باشد و احتمال دارد که فقط به میزان کمی افزایش یابد. چین می تواند احتمالاً در آینده برای آنها منبع جایگزین انرژی به شمار آید.

### تداوم صادرات چین

در دهه آتی احتمالاً چین نخواهد توانست در زمره عرضه کنندگان اصلی نفت به بازار جهانی درآید. بازده ۱/۸ میلیون بشکه در روز سال ۱۹۷۷، چین را در زمره تولیدکنندگان نفتی مهم جهان قرار داده که با اندونزی و ابوظبی قابل قیاس می باشد. لیکن تقاضای داخلی به سرعت رو به افزایش است و در حال حاضر این کشور ۹۰ درصد تولیدات نفتی خود را خود مصرف می نماید.

رشد تولید نفت خام از ۲۰ درصد و یا بیشتر در اوائل سالهای ۱۹۷۰ به ۸ درصد در سال ۱۹۷۷ کاهش پیدا کرده است. این کاهش نیز ظاهراً به دلیل ناآرامیهای سیاسی و سرعت پیدا کردن مشکلات فنی در بالا بردن بازده حوزه های نفتی بزرگ به وجود آمده است. مهمترین حوزه های تولیدی اکنون ده سال و یا بیشتر از عمر خود را سپری ساخته اند و بخشهای کم عمق آنها در حال تخلیه کامل است. با این وصف چهار حوزه کم عمق جدید دیگر نیز وجود دارد که چین آنها خواهند توانست با تواناییهای کنونی حفاری خود بهره برداری از آنها را آغاز نمایند. و در همین حال پکن در حال وارد کردن تکنولوژی حفاری عمیق از آمریکا است. این کشور بهره برداری از خلیج پوهای را آغاز کرده و با استفاده از مته های وارده از سنگاپور، ژاپن و نروژ به حفاریها اکتشافی مبادرت ورزیده است.

در اوائل سالهای ۱۹۸۰ احتمالاً چین خواهد توانست بیش از نیاز اقتصادی داخلی نفت تولید نماید. و در سال ۱۹۸۲ میزان صدور نفت برابر با ۵۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰/۰۰۰ بشکه در روز خواهد گردید. ژاپن نیز احتمالاً بخش اعظم این صادرات را جذب خواهد نمود، چون براساس یک قرارداد تجاری درازمدت بین چین و ژاپن نفت و زغال سنگ چین با تکنولوژی ژاپن معاوضه خواهد گردید. برای افزایش صادرات نفت به سطحی فراتر از سال ۱۹۸۲، چین نیازمند شانس قابل ملاحظه ای برای یافتن ذخایر بزرگ که به آسانی قابل بهره برداری هستند، می باشد و یا اینکه باید در میزان مصرف داخلی نفت، اقتصاد مبنی بر صرفه جویی را تقویت نماید.

### موازنه تجارت نفتی کمونیستی

بسته به اینکه تولید نفت شوروی در چه زمانی شروع به کاهش یافتن خواهد کرد و با در نظر گرفتن میزان رشد اقتصادی کشورهای کمونیستی مختلف، و رشد ارز معتبر اکتسابی آنان، واردات خالص نفتی آنها در سال ۱۹۸۵ معادل ۲/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود. (به جدول ۱۰ نگاه کنید) این رقم در برگیرنده ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز صادرات قابل پیش بینی چین، واردات ۲/۷ میلیون بشکه در روز اروپای شرقی، موقعیت تعادلی برای شوروی، واردات خالص ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز برای دیگر

کشورهای کمونیستی به خصوص کوبا می‌باشد. روشی که شوروی مشخصاً در تخصیص واردات و صادرات نفتی خود اعمال می‌نماید، البته جای تعمق و بررسی دارد. مسکو در حال حاضر حدود ۵ میلیارد دلار از طریق صادرات نفتی خود، عمدتاً به اروپای غربی ارز معتبر به دست می‌آورد.

## جدول ۱۰

البته ممکن است شوروی بخشی از این صادرات را ادامه دهد و مقداری نفت نیز از اوپک خریداری نماید تا نیاز خود را برآورده سازد و به همین ترتیب به صدور نفت خود به اروپای شرقی ادامه خواهد داد و مقدار موردنیاز برای جبران را نیز از اوپک وارد خواهد کرد. ولی چون هیچ یک از کشورهای اوپک حاضر نیستند که در ازاء چیز دیگری به جز ارز معتبر نفت خود را به فروش برسانند، بنابراین تأثیر آن بر تر از پرداختهای ارزی شوروی، حداقل مشابه توقف صدور نفت شوروی خواهد بود. تا زمانی که شوروی نفت را در ازاء ارز معتبر وارد نماید تا بتواند به صادرات نفتی خود به اروپای شرقی و یا کوبا در ازاء ارز غیرمعتبر ادامه دهد، تراز پرداختهای ارزی آن وضع وخیمتری پیدا خواهد کرد.

در صورتی که قیمت نفت معادل قیمت زمان حال آن باقی می‌ماند، کشورهای کمونیستی احتمالاً قادر می‌بودند تا وجوه لازم برای واردات نفتی خود را به میزانی که پیش‌بینی شده بود، تأمین نمایند. در سال ۱۹۷۷ مجموع واردات در مقابل ارز و دریافتهای ارزی شوروی، اروپای شرقی و کوبا به طور گروهی تقریباً موازنه داشت، و در هر طرف تراز معادل ۳۳ میلیارد دلار می‌گردید. میزان ارز معتبری که این کشورها در نتیجه صدور نفت در سال ۱۹۷۷ به دست آوردند معادل ۵ میلیارد دلار بود. واردات نفتی مورد نیاز آنها در سال ۱۹۸۵<sup>۱</sup> برابر با ۲/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود که اگر قیمت‌های نفت در سال ۱۹۷۷ ثابت بماند بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار خواهد گردید. بنابراین ۱۷ میلیارد دلار ارز لازم، نیمی از ارز معتبر دریافتی آنان را تشکیل خواهد داد. بنابراین منطقی است اگر فرض کنیم که ارز معتبر دریافتی حاصله از صادرات غیرنفتی، طلا، و اعتبارات خالص تا پایان سال ۱۹۸۵ باید حداقل به سطح ۱۰ میلیارد دلار برسد. در نتیجه گرچه لازم خواهد شد که در واردات غیرنفتی کاهش پدید آید، ولی به نظر می‌رسد که تمام واردات واجد ارجحیت آنها به این ترتیب برآورده شود.

این پیش‌بینی فرض را بر آن قرار داده است که تولید نفت شوروی در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز و یا حد بالای دامنه‌ای که ما احتمال آن را می‌دهیم، خواهد بود. ولی اگر تولید نفت در حد پایین دامنه مورد پیش‌بینی ما یعنی ۸ میلیون بشکه در روز باشد، فکر نمی‌کنیم که بتواند کمبود مربوط را با وارد کردن نفت اضافی مورد نیاز در ازاء ارز معتبر جبران نمایند. واردات به میزان مورد لزوم بر تراز پرداختهای تلفیقی شوروی و اروپای شرقی تأثیر غیرقابل‌تحملی خواهد گذاشت. به همین دلیل ما معتقدیم که پیدایش هرگونه کمبود در تولید نفت شوروی از طریق رشد اقتصادی کندتر در اقتصاد شوروی

۱- به استثنای پیش‌بینی نفتی که به صورت پایاپای وارد می‌گردد و معادل ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد و به استثنای صادرات پیش‌بینی شده چین.



واروپای شرقی جذب خواهد گشت و در بازار جهانی منعکس نخواهد گردید.<sup>۱</sup> گرچه حجم واردات نفتی کمونیستی مشخص و معلوم نیست، لیکن شک نداریم که شوروی و اروپای شرقی با مشکل عظیمی در زمینه انرژی و اتخاذ سیاستهای دردناک روبرو می‌شوند.

#### ۶- تقاضای جهانی برای نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

براساس پیش‌بینی‌های متعددی که در بالا شرح آن رفت، ما فکر می‌کنیم که تقاضای جهان برای نفت اوپک به  $41/6$  تا  $45$  میلیون بشکه در روز خواهد رسید، البته در صورتی که عرضه نفت جهت تأمین این تقاضاها کافی باشد. (به جدول ۱۱ نگاه کنید) سطح تقاضای پایین‌تر همراه با  $3/7$  درصد رشد سالانه در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ خواهد بود. ولی سطح بالای دامنه تقاضا منعکس کننده  $4/2$  درصد رشد سالانه کشورهای پیشرفته می‌باشد. در هر دو سناریو فرض بر این قرار داده شده که تقاضای اوپک برای نفت خودش بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵ دوبرابر و معادل ۴ میلیون بشکه در روز خواهد گردید.

#### موازنه عرضه و تقاضای نفتی: تأثیرات

گرچه دامنه عدم اطمینان که عرضه و تقاضای انرژی را دربر می‌گیرد وسیع است، لیکن واضح است که عرضه نفت در کشورهای مهم اوپک و غیر اوپک در نیمه اول سالهای ۱۹۸۰ مازاد چندانی برای برآوردن تقاضای بیشتر و احتمالی باقی نخواهد گذاشت مگر اینکه شرایط بسیار مناسب باشد. این موضوع الزاماً به معنی آن نیست که قیمت‌های نفت بسیار افزایش خواهد یافت، حتی اگر خطر این تحول زیاد باشد. اگر رشد اقتصادی آنقدر پایین باشد که بتواند مانع افزایش مهم در قیمت‌ها بشود، احتمالاً به جای آن میزان بیکاری در کشورهای پیشرفته بالا خواهد رفت.

با نزدیک شدن به سال ۱۹۸۵ احتمال کمبود نفت نیز زیاد می‌شود. (به تصویر ۱۲ نگاه کنید) بجز در مواردی که نرخهای رشد اقتصادی خیلی بالا هستند احتمال برابری عرضه با تقاضا تا سال ۱۹۸۲ نسبتاً پایین است. اگر رشد اقتصادی سازمان همکاری و عمران اقتصادی آنقدر بالا باشد که میزان بیکاری را تخفیف دهد (یعنی سالانه بیش از  $4/2$  درصد باشد) براساس تمام فرضیات، عرضه می‌تواند بر بازار نفت در سال ۱۹۸۲ فشارهایی وارد سازد.

#### تصویر ۱۲ و جدول ۱۱

در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ تعهد عربستان سعودی مبنی بر رسانیدن سطح تولید به  $12/5$  میلیون بشکه در روز و تحولات امیدوارکننده همزمان در دیگر کشورهای اوپک توأم با رشد اقتصادی کمتر از  $3/5$  درصد می‌تواند از بین برنده مشکلات بازار نفت باشد. تا سال ۱۹۸۵ کلیه تلفیقات در سناریوهای پایه ما در مورد عرضه و تقاضا دیگر قابل دفاع نیستند. پیش‌بینی ما در مورد واردات خالص نفتی کشورهای کمونیستی

۱- ارقام  $3/5$  میلیون تا  $4/5$  میلیون بشکه در روز که در گزارش آوریل ۱۹۷۷ ارائه شده بود براساس رشد اقتصادی سریعتر شوروی به دست آمده بود و میزان صرفه‌جویی و مشکلات تراز پرداختها را در نظر نگرفته بود.

آنقدر بحرانی نیست که بتواند به نتیجه‌گیری همه‌جانبه در مورد کمبود در بازار نفتی بینجامد. ولی اگر کشورهای کمونیستی بتوانند از وارد کردن نفت خودداری نمایند، فشار تقاضای پیش‌بینی شده بر تولیدات نفت در مورد هر یک از ترکیبات عرضه اوپک و تقاضای سازمان همکاری و عمران اقتصادی مدت یک سال به تعویق خواهد افتاد.

برای به آزمایش گذاشتن حساسیت این نتایج نسبت به تحولات مربوط به عرضه انرژی غیر نفتی و صرفه‌جویی، ما سناریوهای پایه‌ای تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی را در سال ۱۹۸۵ معادل ۲/۵ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد کاهش دادیم (که در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ به صورت خطی افزایش یابند).<sup>۱</sup>

اولین کاهش سبب می‌شود که در میزان تقاضای آمریکا در مورد وارد کردن نفت به مقدار ۲ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا شود که این امر را وزارت انرژی نیز به دنبال قانون و مقررات پیشنهادی آمریکا یا به خاطر برنامه‌هایی با تأثیر مساوی در تمامی دیگر نقاط سازمان همکاری و عمران اقتصادی محتمل می‌داند. کاهش دوم هر دو نتیجه را به دست می‌دهد. سومین کاهش خطاهای بزرگتری را در پیش‌بینی تقاضای انرژی و نفت پدید می‌آورد. با در نظر گرفتن ۱۰ درصد کاهش شدید، می‌توان گفت که از میزان تقاضای نفتی سازمان در سال ۱۹۸۵ روزانه ۱۰ تا ۱۰/۷ میلیون بشکه کم می‌شود و تقاضای جهان برای نفت اوپک را فقط به میزان ۳۱/۶ تا ۳۴/۳ میلیون بشکه در روز براساس فرضیات مربوط به تولید ناخالص کاهش می‌دهد.

اگر کاهش ۲/۵ درصد در نظر گرفته شود، دوران پرخطر مشکل نفتی تا سال ۸۵-۱۹۸۳ مدت یک سال به تأخیر خواهد افتاد. در واقع، براساس این فرضیه صرفه‌جویی جایگزینی یعنی ترکیب رشد اقتصادی کمتر و عرضه بیشتر اوپک، بروز کمبودهای بازار نفت به سال ۱۹۸۶ موکول می‌گردد. ولی درصد کاهش تأخیر بیشتری را ایجاد می‌نماید، حتی اگر فشارهای تقاضا برای نفت تا سال ۱۹۸۵ به حدود یک میلیون بشکه نفت در روز از تولیدات نفتی تحت کلیه ترکیبات سناریوهای ما بجز ترکیب تولید بالای اوپک و رشد پایین سازمان همکاری و عمران اقتصادی، نزدیک شود، ۱۰ درصد کاهش نیز سبب می‌شود که جهان تا سال ۱۹۸۵ با مشکل نفتی روبرو نشده، مگر آنکه تولید نفت اوپک در سطح پایین و میزان رشد در سطح بالای دامنه پیشنهادی ما باشد.

چند عامل می‌تواند خطر مشکل نفتی را در نیمه اول سالهای ۱۹۸۰ از میان بردارد، که عبارتند از:  
\* در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ میانگین رشد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی باید کمتر از ۳/۷ درصد در سال باشد، یا؛

۱- خطاهای مستقل در پیش‌بینی عرضه و تقاضای انرژی بدون اینکه بر احتمال کمبود عرضه نفت اوپک تأثیر بگذارند از بین می‌روند. برای ارزیابی از بین رفتن این خطاها، ما احتمال کمبود نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ را با در نظر گرفتن پنج شرط محاسبه کردیم. یعنی: (الف) شکاف بین عرضه و تقاضای اوپک به ۱۱ متغیر مختلف بستگی دارد که عبارتند از تقاضای انرژی، تولید نفت و منابع انرژی غیر نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی، عرضه و تقاضای نفتی دیگر کشورهای پیشرفته، کشورهای روبه‌رشد غیر اوپک، کشورهای کمونیست و کشورهای اوپک، (ب) بهترین حدس در مورد هر یک از ۱۱ متغیر در رابطه با برآورد حد وسط، (ج) هر برآورد تابع نوعی خطا است، (د) حد خطای هر برآورد یک متغیر تصادفی در توزیع نرمال با میانگین صفر و انحراف معیاری معادل ۱۰٪ برآورد می‌باشد، و (ه) حدود ۱۱ خطا مستقل هستند. حتی با در نظر گرفتن چنین وسعتی برای خطای برآوردها، احتمال بروز کمبود نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ به میزان ۷۴ درصد وجود دارد.

\* کویت و ابوظبی باید محدودیتهای تولیدی فعلی را از بین ببرند، عربستان سعودی نیز باید محدودیت عملیاتی را از میان بردارد و اقدام به سرمایه‌گذاریهای جدید سنگینی بنماید، ایران در برنامه تزریق کار موفق شود و عراق نیز بیشترین مقدار مورد پیش‌بینی ما را تولید نماید، یا؛

\* کشورهای مصرف‌کننده نفت بایستی انگیزه‌های جدیدی برای ساخت تجهیزات صرفه‌جویی‌کننده انرژی، ساخت ماشین‌آلاتی که انرژی را به صورت مفیدتری مصرف نمایند، بازگشت سریعتر سرمایه کارخانجات اتومبیل‌سازی و افزایش در استفاده از انرژی غیرنفتی، ابداع نمایند. این صرفه‌جوییها بایستی سبب شود که در رابطه مصرف انرژی و تولید ناخالص ملی کاهش معادل ۱/۵ درصد در سال، و به همان سرعتی که در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ پدید آمد، بوجود آید.

\* و یا رشد اقتصادی کندتر و صرفه‌جویی انرژی خیلی بیشتر از آن چیزی باشد که اکثر پیش‌بینی کنندگان اظهار می‌دارند و سیاستهای نفتی اوپک نیز گسترش بیشتری پیدا کنند.

#### ضد فشارها

فشارهای سیاسی و اجتماعی موجود در کشورهای مصرف‌کننده در خیلی از موارد در جهت عکس تحولاتی است که کمبودهای بازار نفت را کاهش می‌دهند. مثلاً در حالی که سه سال پس از آخرین بحران اقتصادی میزان بیکاری ۱۶ میلیون نفر است، به دولتهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی فشار وارد می‌شود، تا میزان رشد اقتصادی را بالا ببرند. مجموعه‌ای از انتخابات ملی که برای سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ در نظر گرفته شده‌اند تمایل به افزایش قیمت‌ها تا سطح مطلوب را تقویت می‌نمایند. گرچه میزان تحمل عموم در رابطه با بیکاری چندان مشخص نیست، ولی بدون شک معلوم نیست که بسیاری از رأی‌دهندگان واقعیت مشاغل کمتر در کوتاه‌مدت را بپذیرند، تا از کاهش روند اقتصاد متکی به نفت در اواسط سالهای ۱۹۸۰ دور بمانند.

در همین حال، عرضه اضافی نفت در نتیجه جریانهای جدید نفت آلاسکا و دریای شمال در زمانی که میزان تقاضا پایین است و صنعت زغال‌سنگ نیز به خاطر کاهش تقاضای جهانی فولاد بیش از این نمی‌تواند تولید نماید، سبب شده است که مردم و حتی در بعضی موارد دولتها فرارسیدن مشکل نفتی را باور ننمایند. همین مسائل سبب می‌گردد که در مورد انرژی سیاست‌های بهتری اتخاذ نگردد و سبک زندگی نیز تغییری نیابد. و در بسیاری از کشورها نحوه سرمایه‌گذاری با سرعت کند و با به تعویق انداختن عرضه روشها و ماشین‌آلات تولیدی با صرفه‌تر از نظر مصرف انرژی برخلاف منافع حاصله از صرفه‌جویی اساسی عمل می‌نماید.

#### تأثیر افزایش احتمالی قیمت

در صورتی که سیاستهای دولتی در کشورهای پیشرفته سبب شود که در موقع کندی رشد عرضه نفت، تقاضا بالا برود، قیمت نفت و تدریجاً دیگر اشکال انرژی بشدت بالا خواهد رفت. در کوتاه‌مدت بار سنگین تطابق با قیمت‌های بالاتر بر رشد اقتصادی تأثیر گذاشته و فشار خواهد آورد. افزایش واقعی قیمت‌های انرژی به چند طریق زیر، رشد تولید ناخالص ملی را کاهش و میزان بیکاری را افزایش خواهد داد.

\* افزایش قیمت انرژی سبب می‌شود که درآمد از عرضه نفت اوپک و تقاضا برای آن مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان انرژی انتقال یابد که آنها نیز احتمالاً منابع مالی در دسترس خود را فوراً مصرف نخواهند کرد. کاهش حاصله در درآمد هر کشور نیز امری بحرانی به حساب می‌آید، چون کشورها در رشد دادن اقتصاد خود به واردات دیگران متکی هستند.

\* افزایش قیمت‌های نفت یکی از ضرایب تولیدی (نفت) را محدود کرده، نیروی تولیدی اقتصاد جهانی را کاهش می‌بخشد. بنابراین حتی اگر دولتها تلاش کنند تا تأثیرات کاهش تقاضا به خاطر قیمت‌های بالاتر نفت را خنثی نمایند، تولید ناخالص ملی، همچنان کمتر و تورم بیشتر از آنی خواهد شد که در صورت رشد سریعتر تولیدات نفتی به وقوع می‌پیوست.

\* بعضی از دولتها از سیاست‌های تحدیدی اقتصادی پیروی می‌کنند به این منظور که در کسری پرداخت‌های خارجی و تورم حاصله از افزایش قیمت انرژی تقلیل ایجاد نمایند. گرچه تصمیم‌گیرندگان آگاهند که این گونه اقدامات به دنبال افزایش قیمت‌ها در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ سیر نزولی فعالیت‌های اقتصادی را وخیم‌تر کرد، ولی عکس‌العمل امروز آنها نیز چندان متفاوت نخواهد بود، چون بسیاری از کشورهای صنعتی اکنون بدهی‌های خارجی عظیمی را دارا می‌باشند. به هر حال، در بازاری که کمبود نفت بسیار شدید است، تلاش برای از بین بردن تأثیر افزایش قیمت بر تولید ناخالص ملی، راه را برای افزایش بعدی قیمت‌ها هموار می‌سازد.

به دنبال افزایش قیمت نفت در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ جهان پیشرفته از عمیق‌ترین بحران پس از جنگ لطمه دید. کاهش رشد با تورم دورقمی و وخیم‌تر شدن موضع تجاری بین‌المللی کشورهای صنعتی همراه بود. بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵، رشد تولید ناخالص ملی سازمان همکاری و عمران اقتصادی ۸ درصد کاهش یافت. ولی قیمت کالاهای مصرفی ۳۰ درصد افزایش یافت. گرچه چهار برابر شدن قیمت نفت به دنبال تحریم نفتی تنها عامل مؤثر نبود، ولی تأثیر متعاقب آن بر نحوه عملکرد منفی اقتصادی بسیار زیاد بود. طبق محاسبات ما در حال حاضر هر ۱۰ درصد افزایش در قیمت نفت خام معادل نیم درصد از نرخ رشد اقتصادی سازمان همکاری و عمران اقتصادی می‌کاهد و کمی بیش از آن (۵/۰ درصد) به نرخ تورم می‌افزاید. افزایش قیمت‌ها به این میزان در زمان حال با ۶۰ درصد افزایش قیمت نفت اوپک در زمان تحریم نفتی برابر است، چون در حال حاضر نفت در فعالیت‌های اقتصادی و علی‌الخصوص در ساختار قیمت تمام شده مصنوعات کارخانجات نقش مهمتری را بر عهده دارد.

#### تصمیمات اوپک پیرامون قیمت‌گذاری

همان طور که قبلاً گفتیم، تجزیه و تحلیل اساسی ما فرض را بر آن قرار داده است:

\* در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ قیمت واقعی و نهائی انرژی در کشورهای اروپای غربی، ژاپن و کانادا ثابت خواهد ماند.

\* در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ قیمت‌های واقعی و نهائی انرژی در آمریکا سالانه ۲/۵ درصد افزایش خواهد یافت.

\* قیمت واقعی صادرات نفتی اوپک در سالهای ۸۵-۱۹۷۹ ثابت خواهد ماند.

در پیش‌بینی‌های ما قیمت‌های واقعی و نهائی انرژی و تولید ناخالص ملی واقعی، تعیین‌کننده تقاضا

برای نفت اوپک می‌باشند. قیمت واقعی نفت اوپک نیز به نوبه خود قیمت‌های واقعی و نهائی انرژی را مشخص می‌نماید. قیمت‌های واقعی نفت از سال ۱۹۷۶ به بعد کاهش یافته‌اند، ولی اطلاعات ناچیز موجود حاکی از آن است که قیمت‌های نهائی انرژی در کشورهای مصرف‌کننده در نتیجه افزایش مالیات محصولات انرژی و قیمت انرژی غیرنفتی ثابت مانده و یا افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیات ما در مورد قیمت‌های واقعی ثابت و نهائی برای انرژی در کشورهای صنعتی در خلال مدتی که قیمت واقعی نفت اوپک کاهش می‌یابد، منطقی به نظر می‌رسد. در نتیجه، افزایش رسمی قیمت نفت اوپک اگر آنقدر باشد که بتواند قدرت خرید هر بشکه نفت صادر شده را به سطح سال ۱۹۷۶ اعاده نماید، قیمت نهائی انرژی در کشورهای مصرف‌کننده را نیز افزایش خواهد داد، مگر آنکه این کشورها میزان مالیات‌ها را پایین آورده و یا اقدامات جبران‌کننده دیگری انجام دهند.

در داخل اوپک فشارهای زیادی برای افزایش دادن قیمت واقعی نفت به وجود آمده است. مازاد حساب جاری تلفیقی کوچک (برای تمام اعضا) در حال کاهش می‌باشد. (به جدول ۱۲ نگاه کنید) اعضای اوپک دریافته‌اند که علت کاهش قیمت‌های نفت در سالهای ۷۸-۱۹۷۶ (الف) افزایش ناچیز یا عدم افزایش در قیمت‌های رسمی نفت، (ب) افزایش قیمت‌های صادراتی از طرف تولیدکنندگان اوپک، (ج) و کاهش اخیر ارزش دلار بوده است. در سال ۱۹۷۸ ما حدس می‌زنیم که در میانگین قیمت واقعی نفت نسبت به قیمت‌های سال ۱۹۷۶ معادل ۸ درصد کاهش پدید خواهد آمد. در همان حال، تعدادی از کشورهای اوپک مانند نیجریه، اکوادور، الجزایر و ونزوئلا به درآمد بیشتری نیاز دارند تا بتوانند نیاز وارداتی خود را در مورد برنامه‌های عمرانی جاه‌طلبانه برآورده سازند.

## جدول ۱۲

بنابراین اوپک می‌تواند با وجود کساد بازار نفت، قیمت نفت خود را بالا ببرد، و این کارتل نفتی خواهد توانست با کاهش مشترک اعضا در تولید به صورت سهمیه‌ای از قیمت‌های افزایش یافته حمایت نماید و در عین حال به میزان درآمدهای خود بیفزاید. اگر اوپک تصمیم بگیرد که با نرخ بیشتر از نرخ تورم جهانی قیمت‌های نفت خود را افزایش دهد، افزایش در قیمت‌های واقعی نفت موجب خواهد شد که صرفه‌جویی شدیدتری در پیش گرفته شود. اگر دولت‌ها نتوانند مانع از تأثیر هزینه‌های فزاینده انرژی بر تولید ناخالص ملی شوند، افزایش قیمت واقعی نفت اوپک با کاهش دادن رشد اقتصاد جهانی موجب پایین آمدن تقاضای نفتی خواهد گردید. کاهش تقاضا نیز مدت پیدایش بحران شدید در بازار نفتی را به تعویق خواهد انداخت و فشار نفت بر رشد اقتصادی هرگز خود را به صورت آشکار نشان نخواهد داد. البته یک خسارت در چند سال آینده احتمالاً بیکاری فزاینده خواهد بود تا مورد دیگری.

پیش‌بینی پیدایش کمبود نفت نیز می‌تواند در چند سال آینده منجر به پیش‌بینی افزایش‌هایی در قیمت واقعی اوپک گردد. اگر اوپک یک بازار وخیم و مواجه با کمبود را پیش‌روی ببیند، ممکن است تصمیم بگیرد که قبلاً قیمت‌ها را بالا ببرد تا تأثیر آنها بر اقتصاد جهان تدریجی باشد. یک سری افزایش قیمت واقعی معتدل پی‌درپی و پیش‌بینی شده، تأثیر تدریجی ولیکن متراکم ضد تورمی بر اقتصاد جهان خواهد گذاشت. به ترتیب دیگری، اگر آگاهی جهان در مورد مسائل محتمل وقوع گسترش یابد فشارهای ناشی از احتکار

نیز به خودی خود در چند سال آینده ممکن است باعث بالا بردن قیمت‌ها شوند. در صورتی که تا اوائل سالهای ۱۹۸۰ قیمت واقعی نفت اوپک ثابت بماند، با شروع پیشی گرفتن تقاضا بر تولید و عرضه نفت، یک ترقی سریع و ناگهانی در قیمت‌های نفت می‌تواند به وجود آید.

### نتیجه‌گیری پایانی

فشار نفتی به هر صورتی که اعمال گردد، اکثر کشورها در انتقال به جوامع غیرمتکی به نفت دچار مشکلات فراوانی خواهند شد. در کوتاه‌مدت برنامه‌های زمانی برای پروژه‌های عمرانی، میزان سرمایه، و حتی فرامین دادگاهها و سبک زندگی بر نحوه و وسعت تصمیم‌گیریها محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند. سیاست‌هایی که قادرند تقاضای نفتی را کاهش دهند احتمالاً با سیاست‌هایی که هدف آنها ایجاد کار بیشتر و کاهش تورم است و نیز با نگرانیهای مربوط به حفاظت محیط‌زیست در تضاد می‌باشند. چون برقراری تعادل در عناصر مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار سخت و شدید است. تصمیماتی که سیاستمداران در خلال چند سال آتی مجبور به اتخاذ آن می‌باشند ابعاد جدیدی از خطرات را دربر خواهند داشت.

بسیاری از افراد دفتر تحقیقات اقتصادی در تهیه این رساله ما را یاری داده‌اند. از نقطه نظرها و سؤالات استقبال می‌شود و لطفاً آنها را برای شعبه انرژی بین‌المللی شماره ۵۸۰۴-۳۵۱ بفرستید.

### ضمیمه الف

متدولوژی (روشها، قوانین، فرضیات و نظامات حاکم بر این تحقیق علمی - م)

### اطلاعات پایه مربوط به انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

در تدوین سری تقاضاهای انرژی آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و کانادا، ما در جایی که امکان داشته از منابع اصلی اطلاعات استفاده کرده‌ایم. در اکثر موارد اطلاعات اولیه به صورت واحدهای اصلی انرژی گزارش شده است (واحد مربوطه) که ما آنها را به یک واحد یکسان یعنی معادل نفتی یک میلیون بشکه در روز تبدیل کردیم. (به جدول الف - ۱ نگاه کنید) این تبدیل واحد به میلیون بشکه در روز سبب می‌گردد که تقاضای نفتی که مهمترین عنصر تقاضای انرژی آمریکا محسوب می‌گردد، بدون توسل به تبدیل، محاسبه شود.

اطلاعات ما در مورد تقاضای انرژی با اطلاعات مشابه جمع‌آوری شده توسط دیگر تحقیق‌کنندگان تفاوت دارد. این اختلافات به ترتیب کاهش میزان اهمیت به شرح زیر می‌باشند:

- \* سری تقاضاهای ما به جای مجموع اطلاعات در مورد استفاده نهائی از انرژی توسط هریک از بخشهای مصرف‌کننده انرژی، مجموعه‌ای از کل اطلاعات تولید و مبادله مربوط به هر سوخت به طور منفرد می‌باشد.

\* در برآورد مصرف نفت، انبارهای ذخیره نفت واحدهای دریایی را نیز در نظر گرفته‌ایم.

\* برآورد ما در مورد مصرف نفت آمریکا شامل محصولات حاصله از جریان تولید (با پالایش) نفت نمی‌گردد.

\* برای اندازه‌گیری برق تولیدی توسط منابع ژئوحرارتی، هسته‌ای و هیدرو از یک واحد میانگین حرارتی استفاده کرده‌ایم (که معادل میلیون بشکه نفت در روز می‌باشد).

\* در مورد گاز طبیعی کانادا از اطلاعاتی استفاده کرده‌ایم که با تعریف آمریکا در مورد گاز تولیدی قابل فروش در بازار منافات نداشته باشد.

### (جدول الف - ۱)

\* جهت جلوگیری از تجدیدنظر در اطلاعات تشریح نشده و یا ناقص موجود در یک سری اطلاعات منتشره مربوط به تقاضا برای انرژی در زمانهای مختلف، به منابع اطلاعاتی اولیه تکیه کرده‌ایم.

\* ما از اطلاعات انرژی ژاپن براساس سال تقویمی به جای سال مالی استفاده کرده‌ایم.

\* به جای تولید خالص برق تولید ناخالص آن را گزارش نموده‌ایم.

\* از ضرایب تبدیلی متفاوت برای سوختها و کشورهای مختلف استفاده کرده‌ایم تا تقاضای انرژی را به معادل نفتی آن یعنی میلیون بشکه در روز تبدیل نماییم.

برای برآورد قیمت‌های نسبی انرژی آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و کانادا، برای هر یک از چهار منطقه یک سری قیمت‌های مصرف‌کننده نهایی انرژی به وجود آوردیم و پس از آن این قیمت‌ها را با استفاده از عوامل جلوگیری از رشد تولید ناخالص ملی به دلار با نرخ تسعیر ثابت تبدیل کرده‌ایم. سری قیمت‌های مصرف‌کننده نهایی میانگین‌های محاسبه شده قیمت انواع مهم انرژی از قبیل سوخت‌های جامد، نفت تولیدی، گاز طبیعی، و برق به شمار می‌آیند. این میانگین‌ها سهمی از مصرف کلی انرژی می‌باشند. قیمت‌های مهمترین انواع انرژی، میانگین قیمت‌هایی است که توسط مصرف‌کنندگان انرژی پرداخت می‌گردد.

(به جدول الف - ۲ نگاه کنید)

مطالعات دیگر در مورد تقاضای انرژی در کوتاه‌مدت و درازمدت به برآورد بالاتری از کشش قیمت‌ها نسبت به تحقیقات ما دست یافته‌اند. تحلیل ما پیرامون علت‌های احتمالی این تفاوتها و اختلافات نشان می‌دهد که منبع مهم تولید اختلاف، انتخاب زمان تاریخی خاص به‌عنوان پایه برآوردها می‌باشد. اکثر برآوردهای دیگر در مورد زمانهای قبل و تا سال ۱۹۷۳ انجام گرفته، در حالی که ما در ارائه برآوردهای خود از اطلاعات مربوط به سالهای ۷۶-۱۹۷۴ استفاده کرده‌ایم. دوره زمانی انتخابی تفاوت زیادی را در زمینه نتایج حاصله پدید می‌آورد. به طور مثال برآوردهای ما در مورد کشش قیمت برای تقاضای انرژی کوتاه‌مدت و درازمدت آمریکا با استفاده از اطلاعات مربوط به سالهای ۷۶-۱۹۶۱ به ترتیب عبارت است از ۰/۰۷۵-، ۰/۰۲۰- با استفاده از معادلات مشابه، برآوردهای مربوط به سالهای ۷۳-۱۹۶۱ کشش قیمت کوتاه‌مدت و درازمدت معادل ۰/۰۹۵- و ۰/۲۶۸- را نشان می‌دهد، ولی برآورد مربوط به سالهای ۷۲-۱۹۶۱ کشش قیمت کوتاه‌مدت و درازمدت ۰/۳۳۴- و ۰/۱۱- را به دست می‌دهد.

### جدول الف - ۲

پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای پیش‌بینی تقاضای انرژی سالانه این سازمان تا پایان سال ۱۹۸۵ چهار مرحله را در مدنظر قرار داده‌ایم:

\* در مورد تولید ناخالص ملی واقعی و قیمت‌های انرژی، سناریوهای آتی را در نظر گرفته‌ایم. در این رابطه از دو سناریوی قابل جایگزینی برای تولید ناخالص ملی استفاده کرده‌ایم. اطلاعات تاریخی مربوط به رشد تولید ناخالص ملی در جدول الف - ۳، و سناریوهای مربوط به آینده در جدول الف - ۴ و الف - ۵ نشان داده شده است. در رابطه با قیمت‌های نسبی انرژی، ما فرض را بر آن قرار داده‌ایم که پس از سال ۱۹۷۷، در قیمت‌هایی انرژی آمریکا سالانه ۲/۵ درصد افزایش به وجود خواهد آمد. قیمت‌های واقعی انرژی در نقاط دیگر ثابت فرض شده است. سناریوهای مربوط به تولید ناخالص ملی و قیمت‌های انرژی پیش‌بینی نمی‌باشند، بلکه برای برآورد زمانی که عوامل بازار سبب بالا رفتن قیمت نفت اوپک می‌شود به کار خواهند رفت.

\* در مورد آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و کانادا نیز معادلاتی در زمینه تقاضای انرژی آنها تهیه کرده‌ایم. در ذیل به شرح مفصل این معادلات پرداخته خواهد شد. در استفاده از معادلات جهت پیش‌بینی تقاضای انرژی، ما تأثیر روندهای مفروض قیمت‌های انرژی و فعالیت کلی اقتصادی را نیز در نظر گرفته‌ایم؛ لیکن تأثیر لایحه سیاست انرژی و صرفه‌جویی آمریکا و دیگر سیاست‌های انرژی ملی را که کاملاً بر تغییر قیمت انرژی متکی نیستند، حذف کرده‌ایم.

\* برای دخالت دادن تأثیر آتی لایحه سیاست انرژی و صرفه‌جویی آمریکا و دیگر تأثیرات غیر مرتبط با قیمت بر تقاضای انرژی، ما پیش‌بینی‌های حاصله از معادلات تقاضا را کاهش دادیم. درصد کاهش به‌طور مستقیم از صفر در سال ۱۹۷۷ به ۵ درصد در سال ۱۹۸۵ افزایش می‌یابد. این برآورد کاهش یافته پایه پیش‌بینی سیا در مورد تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی می‌باشد.

#### جدول الف - ۳، الف - ۴ و الف - ۵

\* با جرح و تعدیل پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضا در رابطه با لایحه سیاست انرژی و صرفه‌جویی آمریکا و دیگر اقدامات توأم با صرفه‌جویی که با قیمت در ارتباط نمی‌باشند، در هر یک از پیش‌بینی‌های سالانه، جایی برای تقاضای نفتی لازم جهت تأمین برنامه‌های دولت در مورد ذخایر اضطراری باز کرده‌ایم.

این اضافات و پیش‌بینی‌ها در مورد تقاضای نهایی انرژی در جدول الف - ۶ نشان داده شده است) معادلات ما در مورد تقاضای انرژی بر دو فرضیه استوار است:

\* در صورتی که در هر یک از چهار منطقه‌ای که ما تقاضای انرژی آن را برآورد می‌نماییم، قیمت‌های انرژی ثابت بماند، بنابراین درصد تغییر در تولید ناخالص ملی منطقه تقریباً متناسب با تغییری است که در تقاضای انرژی آن منطقه پدید می‌آید. این ضریب تناسب، که اغلب آن را حساسیت تقاضای انرژی با توجه به تولید ناخالص ملی می‌خوانند در رابطه با هر منطقه متفاوت است.

\* درصد ناچیز تغییر در قیمت‌های انرژی در یک سال در هر منطقه نشانگر درصد کاهش تقاضای



انرژی همان سال آن منطقه است. ضریب متناسب سال اول به عنوان کشش قیمت کوتاه مدت تقاضای انرژی آن منطقه به حساب می آید. علاوه بر این، افزایش قیمت انرژی هر سال موجب می گردد که تقاضای انرژی در سالهای بعدی کاهش یابد. تأثیر کلی افزایش قیمت بر تقاضا به وسیله کشش قیمت در درازمدت اندازه گیری می شود.

از نظر ریاضی ما فرض می کنیم که تقاضای کلی انرژی هر منطقه در هر سال که  $ED(t)$  است، با تولید ناخالص ملی واقعی هر منطقه یعنی  $GNP(t)$  و قیمت های انرژی در گذشته و حال یعنی  $P(t)$ ،  $P(t-1)$ ،  $P(t-2)$  ... بستگی دارد. و نیز تقاضای انرژی  $ED(t)$  بر چند پارامتر تقریبی یعنی عامل ثابت  $AO$ ، تقاضای انرژی / نوسان تولید ناخالص ملی  $A1$  و کشش ها یعنی  $BO$ ،  $B1$ ،  $B2$  و ... بستگی داشته، و با تغییرهای قیمت یعنی  $P(t)$ ،  $P(t-1)$ ،  $P(t-2)$  تطابق می نماید. کشش قیمتها فرضاً در طول این مدت یک سیر نزولی هندسی را در پیش می گیرد. خصوصاً اینکه، ما از حرف  $L$  برای نشان دادن ارزش صفر تا یک و از حرف  $B$  برای نشان دادن پارامتر منفی برآورد استفاده کرده ایم، یعنی  $BO$  نتیجه حاصل ضرب  $B$  در  $L$  به توان صفر است، و  $B1=B(L^{-1})$ ،  $B2=B(L^{-2})$ ، و الیغ.

بنابراین لگاریتم طبیعی تقاضای انرژی  $(\ln ED(t))$  را می توان به صورت زیر نوشت:

$$\ln ED(t) = \ln AO + A1 \ln GNP(t) + BL \ln P(t) + BL1 \ln P(t-1) + BL2 \ln P(t-2) + \dots$$

بنابراین

$$(L) \ln ED(t-1) = (L) \ln AO = (L) (A1 \ln GNP(t-1)) + BL \ln P(t-1) + BL^2 \ln P(t-2) + BL^3 \ln P(t-3) + \dots$$

## جدول الف - ۶

با در نظر گرفتن اختلاف بین این دو معادله و ترتیب عنوانی آنها، می توانیم شکل کلی معادلات تقاضای انرژی خود را به دست آوریم:

$$\ln ED(t) = (1-L) \ln AO + A1 \ln GNP(t) - (L) (A1 \ln GNP(t-1) + B \ln P(t) + (L) \ln ED(t-1)).$$

برآوردهای ما در مورد پارامترهای معادله تقاضا در جدول الف - ۷ نشان داده شده است.

اگر از این برآوردها برای پیش بینی تقاضای انرژی در گذشته استفاده می کردیم، پیش بینی ها صحیح می بودند و برای هر یک از چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی +۴ درصد و برای کل کشورهای این سازمان معادل +۳ درصد می بود. (به جدول الف - ۸ تا الف - ۱۲ نگاه کنید).

پیش بینی های جایگزین تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

تغییرات جزئی در پارامترهای معادله تقاضا می تواند موجب بروز اختلافات بزرگ در پیش بینی تقاضای انرژی بشود. معادله تقاضای انرژی آمریکا مثال خوبی در این مورد است. برآورد ما در مورد نوسان انرژی و تولید ناخالص ملی آمریکا معادل ۱/۱ می باشد. حال اگر به جای آن تنها از رقم ۱/۰ استفاده کنیم و کشش قیمت در کوتاه مدت و دراز مدت را نیز تا حدودی افزایش دهیم (یعنی نقش تولید ناخالص ملی را کم اهمیت و نقش قیمت را در تعیین تقاضا پراهمیت بدانیم) منتج به یک معادله تجدیدنظر

شده تقاضا با اندکی کارایی بهبود یافته در آزمایشات تاریخی یعنی طی یک دوران ۱۵ ساله (۷۶-۱۹۶۲) می‌شود. ولی این بهبود به سالهای ۱۹۶۰ یعنی زمانی که قیمت انرژی دائماً رو به کاهش بود و بافت اقتصادی و تکنولوژی کمترین تشابه را هم با بافت امروزی نداشت، می‌گردد. در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ یعنی زمانی که تأثیرات افزایش فاحش قیمت نفت در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ و افزایشهای تدریجی بعدی تجربه می‌باشد، و افزایشهای تدریجی بعدی تجربه می‌شد، معادله مورد تجدید نظر واقع شده در پیش‌بینی تقاضای انرژی از آن معادله‌ای که ما انتخاب کرده‌ایم دقت کمتری دارد. علاوه بر این، معادله مزبور براساس سه سال تجربه به نظر می‌رسد که انحرافی دائمی به سمت پایین داشته باشد (منحنی)، در حالی که معادله منتخب ما نتایج واقعی را نشان می‌دهد. (به جدول الف - ۱۳ نگاه کنید).

پیش‌بینی‌های مربوط به کشورهای غیرکمونستی، خارج از سازمان همکاری و عمران اقتصادی ما رابطه تاریخی بین فعالیت اقتصادی را با استفاده از تولید ناخالص داخلی و مصرف نفت اندازه‌گیری شده برای ده کشور روبه‌رشد مصرف‌کننده نفت برآورد کرده‌ایم که عبارتند از: استرالیا، اسرائیل، نیوزیلند، افریقای جنوبی و دیگر کشورهای رو به رشد غیراوپیک به طور گروهی. (به جدول الف - ۱۴ نگاه کنید). نوسانات نفت بر تولید ناخالص داخلی در هریک از گروهها در سالهای ۷۳-۱۹۶۰ محاسبه شده است مصرف نفت از سال ۱۹۷۷ براساس نوسانات تاریخی و فرضیات در مورد سطوح و رشد آتی تولید ناخالص ملی پیش‌بینی شده است. در اکثر موارد، نرخهای رشد تقریباً برابر با چهار پنجم تاریخی آن می‌باشد. در مورد مکزیک از برآوردهای کمپانی پمکس در مورد مصرف نفت استفاده کرده‌ایم.

### ضمیمه ج

جزوه «بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵» در مقایسه با جزوه «اوضاع انرژی بین‌المللی: نگرشی بر سال ۱۹۸۵»

این ارزیابی اساساً به یک نتیجه‌گیری مشابه با آخرین گزارش منتشر شده ما درباره این موضوع دست می‌یابد. (۱۰۲۴۰ - اوضاع انرژی بین‌المللی: نگرشی بر سال ۱۹۸۵، طبقه‌بندی نشده، آوریل ۱۹۷۷). معذک بین این دو گزارش چند تفاوت وجود دارد. یکی از مهمترین این تفاوتها این است که ارزیابی کنونی، با عربستان سعودی به عنوان یک تولیدکننده اضافی که کمبودها را تأمین نماید برخورد نمی‌کند. در مطالعه آوریل ۱۹۷۷، سطح تولید اوپیک جهت تأمین تقاضای نفتی غیرکمونستی بروشی مشابه آنچه که در ارزیابی کنونی مورد استفاده قرار گرفت پیش‌بینی شد. در آنجا فرض بر این قرار داده شده بود که همه کشورهای اوپیک به استثناء عربستان سعودی با ظرفیتی تولید خواهند کرد که تقاضا برای نفت را برآورده سازند و از عربستان سعودی خواسته شد، تا نفت باقیمانده را تولید نماید تا در بازار نفتی تعادل پدید آورد. این میزان نفت که بین ۱۹ تا ۲۳ میلیون بشکه در روز در مطالعه آوریل ۱۹۷۷ برآورد شده بود، نوعی پیش‌بینی در مورد تولید نبود، و مطالعات پیشین نیز حاکی از آن بود که تولید در چنین سطوحی شدیداً غیرمحمتمل می‌باشد.

تفاوت دوم بین این دو گزارش این است که در معادلات پایه تقاضای انرژی ارزیابی کنونی به طور ساده یک شرط قیمت نیز در نظر گرفته شده است. لیکن در گزارش قبلی، تمام صرفه‌جویی‌هایی که انگیزه

آنها قیمت بود براساس قضاوت برآورد شده بود. جزئیات تطبیقی در این خصوص که چگونه به پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی دست یافته شده را می‌توان در ضمیمه الف و صفحات ۴ و ۵ گزارش آوریل ۱۹۷۷ رؤیت نمود.

نکته آخر اینکه، البته تفاوت‌های بسیاری بین پیش‌بینی‌های مربوط به ارزش ضرایب متعدد عرضه و تقاضای نفتی وجود دارد. لیکن اکثر این تفاوتها بسیار جزئی و در بعضی از موارد قابل اغماض می‌باشند. (به جدول نگاه کنید).

مهمترین تجدیدنظرهای ما در این پیش‌بینی از زمان گزارش آوریل ۱۹۷۷ عبارتند از:

- \* کاهش میزان تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی به خاطر پایین آمدن انتظارات در مورد رشد تولید ناخالص ملی واقعی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸
- \* کاهش عرضه زغال سنگ سازمان همکاری و عمران اقتصادی در نتیجه دورنمای مایوس کننده صنعت زغال سنگ آمریکا
- \* کاهش رشد واردات خالص نفتی کشورهای کمونیستی
- \* کاهش پیش‌بینی‌های مربوط به ظرفیت تولیدی اوپک و عربستان سعودی

#### ضمیمه د

##### تقاضای جهان برای نفت اوپک پیش‌بینی‌ها و فرضیات تطبیقی

ما پیش‌بینی‌های خود را در رابطه با تقاضا برای نفت اوپک با پیش‌بینی‌های دیگر محققین مورد مقایسه قرار داده‌ایم. این مقایسه‌ها (به جدول د - الف نگاه کنید) نشانگر تغییر قابل ملاحظه‌ای در تقاضا برای نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ می‌باشد و دامنه آن را از  $3/3$  تا  $3/46$  میلیون بشکه در روز یعنی بالاترین پیش‌بینی توسط آژانس بین‌المللی انرژی ادامه می‌یابد. پیش‌بینی‌های ما در مورد تقاضا برای نفت اوپک در سناریوهای رشد سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز در همین حدود واقع می‌شوند. بخش اعظم تغییرات موجود در مورد پیش‌بینی تقاضا ناشی از اختلافات موجود در فرضیات مبنائی است. معذالک مهمترین عامل مشکل‌کننده مقایسه این است که واحدهای اندازه‌گیری مختلف تقاضای انرژی توسط گروه‌های پیش‌بینی‌کننده مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. ما پیش‌بینی‌های تقاضای انرژی را تنها زمانی در واحدهای فیزیکی مورد مقایسه قرار داده‌ایم که مشکلات مربوط به تعریف، اندازه‌گیری و تبدیل در حداقل باشند که مثال مربوط به این مورد، تقاضای وارداتی نفت و تقاضای جهان برای نفت اوپک می‌باشد. در صورتی که این مشکلات مهم باشند، مانند اندازه‌گیری و تعیین کل تقاضای انرژی، ما درصد افزایشهای مورد استفاده در پیش‌بینی تقاضا را نشان داده‌ایم.

تغییر پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضا برای نفت اوپک را می‌توان به شرح زیر تحلیل نمود: (الف) فرضیات مربوط به رشد اقتصادی، (ب) فرضیات مربوط به صرفه‌جویی، (ج) فرضیات مربوط به عرضه غیرنفتی، و (د) برآورد مبادله نفتی خالص کشورهای کمونیستی.

### رشد اقتصادی و صرفه‌جویی

اکثر پیش‌بینی‌کنندگان نرخهای رشد اقتصادی سازمان همکاری و عمران اقتصادی موجود در دو سناریوی ما و سازمان بین‌المللی انرژی و سازمان اطلاعات انرژی را نزدیک به، یا در بالاترین حد برگزیده‌اند. اختلافات موجود در مورد صرفه‌جویی سازمان همکاری و عمران اقتصادی ناچیز است، در حالی که پیش‌بینی ما در مورد صرفه‌جویی امیدوارکننده می‌باشد. برخلاف آنچه که از جانب دیگر پیش‌بینی‌کنندگان ارائه شده ما میزان صرفه‌جویی آمریکا را خیلی کم در نظر گرفته‌ایم. در هر حال فرضیات ما در مورد حاصل صرفه‌جویی مستمر در دیگر نقاط سازمان همکاری و عمران اقتصادی پیش از اینکه با فرضیات دیگران در مورد این نقاط که میزان صرفه‌جویی را کم و یا خیلی ناچیز در نظر گرفته‌ایم، انحراف داشته باشد، در تضاد شدید با یکدیگر واقع می‌شوند.

### تقاضای واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

دیگر پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز در دامنه پیش‌بینی‌های ما واقع می‌گردند. لیکن با دو سناریوی رشد بیشتر رابطه نزدیکتری دارند. این مسئله نه تنها نشانگر تشابه در پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای انرژی می‌باشد، بلکه تشابه پیش‌بینی‌های مربوط به تولید انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی را نیز می‌رساند و اختلاف مربوط به منابع انرژی خاص حالت متعادل‌کننده دارند. پیش‌بینی حداکثر ما در مورد تقاضای وارداتی آمریکا نه تنها نشان می‌دهد که میزان صرفه‌جویی در آمریکا کم برآورد شده بلکه میزان تولید زغال‌سنگ آمریکا نیز در مقایسه با دیگر پیش‌بینی‌کنندگان کمتر برآورد شده است.

### مبادلات نفتی کمونیستی

فرضیات مختلف مربوط به تجارت خالص نفتی کشورهای کمونیستی یکی از منابع قابل ذکر تغییردهنده پیش‌بینی تقاضای جهان برای نفت اوپک می‌باشد. ما و سازمان بین‌المللی انرژی برآورد کرده‌ایم که در سال ۱۹۸۵ واردات خالص منطقه کمونیستی از نظر نفت معادل ۲/۵ میلیون بشکه خواهد بود. سازمان بین‌المللی انرژی نیز نیاز وارداتی این کشورها را پیش‌بینی کرده است، لیکن به میزان کمتری ولی پیش‌بینی‌های شرکت‌های نفتی حاکی از آن است که در تجارت نفتی کشورهای کمونیستی موازنه وجود خواهد داشت و با صادرات خالص آنها نیز ادامه خواهد یافت.

### تأثیرات این اختلافات

با در نظر گرفتن تشابه پیش‌بینی‌های متعدد در مورد تقاضا برای نفت اوپک، اختلافات موجود در نتیجه‌گیری‌های مطالعات مختلف در مورد توازن آتی عرضه و تقاضا حول پیش‌بینی‌های مربوط به دورنمای عرضه و نفت اوپک دور می‌زند. در این مورد اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. پیش‌بینی‌های سازمان بین‌المللی انرژی مشابه پیش‌بینی‌های ما (۳۷ میلیون تا ۳۹ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۸۵) می‌باشد. پیش‌بینی‌های شرکت‌های نفتی از تولید اوپک عموماً در حدود بالاتری هستند (۴۴ تا ۴۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵) این اختلافات احتمالاً ناشی از ماهیت سؤالاتی است که مطرح می‌شود

(یعنی آنچه که از نظر فنی ممکن است و از سیاستهای دولت میزبان چه نتایجی حاصل خواهد آمد)، و ناشی از جوابهای مختلف به آن مسئله نیست. اختلافات مربوط به نقش کشورهای کمونیستی در رابطه با نتیجه تجزیه و تحلیل‌های مختلف چندان مهم نیست، چون تأثیر یک جواب یا جواب دیگر بر مسئله کمونیستها تنها قادر است مسئله کمبود را یک سال و اندی به تعویق اندازد.

#### ضمیمه ۵

#### عرضه و مصرف انرژی در شوروی

#### مصرف انرژی

با استفاده از میزان رشد تولید ناخالص ملی فرضی ۴ درصد در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ و ۳ تا ۳/۵ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ میزان مصرف انرژی شوروی را برای سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ پیش‌بینی کرده‌ایم. در شوروی عموماً مصرف انرژی با سرعتی بیش از تولید ناخالص ملی افزایش یافته است و علت آن نیز تأکیدی است که برگسترش صنایع سنگین متکی به انرژی می‌شود. این افزایش در نسبت مصرف انرژی و تولید ناخالص ملی واقعی علیرغم تغییر سریع شوروی از استفاده زغال‌سنگ به نفت و گاز ناشی شده است چون نحوه سوخت آنها در مقایسه با زغال‌سنگ مؤثرتر می‌باشد. و علیرغم سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در ایجاد سیستمهای ارتقایی در جهت برقی شدن راه‌آهن که سبب بالا رفتن کارایی انرژی شده است، این مصرف همچنان بالا رفته است. در مقایسه با اقتصادهای غربی، که تأکید صنایع بر انرژی از سال ۱۹۷۳ کاهش یافته است، در شوروی مصرف انرژی پس از سال ۱۹۷۳ با سرعتی بیش از سرعت رشد تولید ناخالص ملی افزایش یافته است.

#### صرفه‌جویی انرژی در شوروی

به خصوص از سال ۱۹۷۵ که میزان صادرات انرژی شوروی برای کمک به بهبود د تراز مبادلات ارزی این کشور افزایش یافت، شوروی به طور فزاینده‌ای نیازمند بالا بردن میزان کارایی انرژی گشته است. در دو سال گذشته اقداماتی چند در زمینه محدود کردن اختصاص سهمیه سوخت انجام گرفته و در موجودی منابع سوخت نیز کاهش پدید آمده است و موقعیتهایی به وجود آمده که از اواسط سال ۱۹۷۶ کمبود سوخت بعضی از مناطق گزارش شده است. اطلاعات اولیه ۱۹۷۷ نشانگر کاهش سریع مصرف انرژی به ۳/۳ درصد (رشد تولید ناخالص ملی نیز ۳/۳ درصد بوده است.) می‌باشد. شورویها در سال ۱۹۷۷ اقدامات شدیدی در زمینه صرفه‌جویی انجام داده‌اند و ما معتقدیم که آنها توانسته‌اند در زمینه کارایی انرژی به موفقیت‌هایی مقطعی نائل آیند که در آینده امکان تکرار آن وجود ندارد.

در واقع مقداری از این صرفه‌جویی در زمینه سوخت از طریق کاهش اختصاص سهمیه سوخت احتمالاً توانسته است، زمان ظهور مشکل رامدتی به تعویق اندازد. تاکنون در سال ۱۹۷۸ اقداماتی در این زمینه انجام شده است که شامل دوبرابر کردن قیمت بنزین (که اصولاً یک اقدام سمبولیک می‌باشد) و آغاز یک برنامه برای بهبود بخشیدن به راندمان طراحی موتور می‌باشد.

تا زمانی که اولویتهای صنعتی بر روی صنایع سنگین پر مصرف (انرژی) باشد، بهبودیهای آینده در زمینه راندمان سوخت ناچیز خواهد بود. متخصصین انرژی شوروی از قبیل ان.وی. مالنیکف (یکی از

اعضای آکادمی علوم) و ام. آ. فیلنسکی در سال ۱۹۷۶ پیش‌بینی کرده‌اند که تا پایان سالهای ۱۹۸۰ مصرف انرژی شوروی سالانه ۴/۵ درصد تولید ناخالص ملی خواهد بود. در ماه دسامبر سال ۱۹۷۷، در کنفرانس انرژی آمریکا و شوروی، به مقامات آمریکایی گفته شد که در برنامه‌های پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ و ۸۵-۱۹۸۱ مصرف انرژی سالانه ۴ تا ۶ درصد افزایش خواهد یافت.

ما مصرف انرژی ی تی (؟؟) شوروی را براساس روابط گذشته (تاریخی) انرژی و تولید ناخالص ملی پیش‌بینی کرده‌ایم و تا سال ۱۹۸۵ میزان صرفه‌جویی انرژی که تماماً به صورت نفت باشد را ۲/۵ درصد در نظر گرفته‌ایم. البته امکان صرفه‌جویی بیشتر وجود دارد. ولی برای دست یافتن به این امکان باید اولویتهای صنعتی نیز تغییر یابد. لیکن در برنامه سال ۱۹۷۸ و نیز برنامه پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ اینگونه تغییر اولویت مشاهده نشده است. در نتیجه ما پیش‌بینی می‌کنیم که رشد مصرف انرژی در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ کمی بیشتر از تولید ناخالص ملی (۴/۱ درصد نرخ میانگین سالانه) و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ کمتر از تولید ناخالص ملی (یعنی ۳/۲ درصد برای انرژی در مقایسه با ۳ تا ۳/۵ درصد برای تولید ناخالص ملی خواهد بود. نتیجه این است که در نیاز داخلی شوروی به انرژی از ۲۱/۲ میلیون بشکه در روز (معادل نفتی) در سال ۱۹۷۶ به ۲۴/۷ میلیون بشکه در روز (معادل نفتی) در سال ۱۹۸۰ و ۲۸/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش پیدا شود.

پیش‌بینی‌های ما در مورد موازنه انرژی شوروی در رابطه با سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ در جدول ه-۲ نشان داده شده است).

مانند تمام ترازهای پیش‌بینی شده دیگر، اینها نیز باید حکم شاخص را داشته باشند. روندها مشخص است و ما کاملاً مطمئن هستیم که بازده نفتی شوروی تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۸ تا ۱۰ میلیون بشکه کاهش خواهد یافت. لیکن، نتیجه دقیق بسیاری از متغیرها از قبیل رشد اقتصادی، اولویت اقتصادی، برنامه‌های صرفه‌جویی، و تولید منابع انرژی جایگزین، پیش‌بینی‌های مربوط به مبادله خالص نفتی را به شدت نامطمئن می‌گرداند. آنچه ما پیش‌بینی کرده‌ایم، نتیجه قطعی موازنه انرژی شوروی براساس مفروضات رشد تولید ناخالص ملی و بالاترین میزان بازده نفتی شوروی در بالاترین حد دامنه نتایج احتمالی می‌باشد. با کاهش بازده نفت، رشد اقتصادی نیز قطعاً ضربه خواهد خورد و منجر به کاهش در مصرف انرژی خواهد شد.

این پیش‌بینی با پیش‌بینی‌های ارائه شده در مشکلات و دورنمای اقتصادی شوروی از دو نظر متفاوت دارد. پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای انرژی و رشد اقتصادی مشابه هستند، لیکن میزان بازده انرژی جایگزین به خصوص زغال سنگ بسیار کم است و در آنها از حداکثر پیش‌بینی میزان تولید نفت بجای حد وسط در سال ۱۹۸۵ استفاده شده است.

پایین آوردن پیش‌بینی زغال سنگ اصولاً بر نحوه عملکرد نادرست صنعت زغال سنگ شوروی در نیمه اول برنامه پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ استوار است. دورنما و مشکلات شوروی فرض را بر آن قرار داده بود که شوروی خواهد توانست به هدف موردنظر خود در برنامه ۱۹۸۰ یعنی تولید زغال سنگ خام معادل ۹/۵ میلیون تن دست یابد، که میزان این تولید در سال ۱۹۷۵ معادل ۷۰۱ میلیون تن بوده است. در فصل اول سال ۱۹۷۸ میزان بازده ۷۲۵ میلیون تن در سال بوده است و به همین دلیل ما پیش‌بینی می‌کنیم که شوروی نخواهد توانست به هدف موردنظر سال ۱۹۸۰ دست یابد و میزان تولید ۴۰ میلیون تن کمتر

خواهد بود و طبق پیش‌بینی‌های ما میزان تولید تا سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰۰ میلیون تن کمتر خواهد شد. این منفی‌گرایی در مورد تولید زغال‌سنگ شوروی ناشی از بیانات وزیر زغال‌سنگ شوروی است که در چند ماه گذشته پیش‌بینی خود را در مورد تولید این منبع انرژی به طرز عمده‌ای پایین آورده است. در سال ۱۹۷۵-۷۶ وی به کرات گفته بود که میزان تولید تا سال ۱۹۹۰ به سطح یک میلیارد تن در سال خواهد رسید. ولی در ماههای گذشته وی گفته است که «تا پایان قرن» به هدف ۱ میلیارد تنی تولید دسترسی پیدا خواهد شد.





**کتاب پنجاه و نهم**

**فعالیت‌های  
اقتصادی - نظامی  
کشورهای کمونیستی**



## توضیحات

سازمان سیا در نظر داشته گزارشاتی راجع به وضعیت کمکهای اقتصادی تکنیکی و نظامی کشورهای کمونیست و به ویژه شوروی به کشورهای در حال توسعه غیر کمونیست و جهان سوم تهیه نماید. بر این اساس نکات مورد نظر سیا به صورت سئوالهایی تدوین و در میان سفارتخانه‌های آمریکا در سراسر جهان توزیع می‌گردید. بعد از جمع‌آوری سئوالات که توسط بخشهای مختلف سفارتخانه‌ها جواب داده شده بود، جوابها تنظیم و به صورت گزارشات سه ماهه منتشر می‌گردید. در پایان هر سال چهار گزارش منتشره در آن سال جمع‌بندی و به صورت گزارش واحدی تحت عنوان «فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست روبه رو شد در سال...» درمی‌آمد.

مجموعه حاضر گزارش سالانه مربوط به سال ۱۹۷۸ (۱۳۷۵ ه.ش.) می‌باشد که پس از جمع‌بندی چهار گزارش سه ماهه مربوطه تهیه گردیده است. در ضمن در این مجموعه فقط مقدمه یکی از این جزوات سه ماهه (فصل سوم سال ۱۹۷۸) در مورد چین به واسطه اهمیت موضوع ترجمه گردیده، ولی اصل سند به طور کامل چاپ شده است. این مجموعه به تفصیل و با ذکر آمار و ارقام و زمینه‌های ارتباط سعی دارد که بخشی از سیاست خارجی و ارتباطات برون مرزی دنیای کمونیست و جهان سوم را نشان دهد و هر چند که نمایشگر عملکرد کشور رقیب و سردمدار دنیای استکبار و سرمایه‌داری آمریکاست، به واسطه تحقیقاتی بودن این رساله و تنظیم آن بدون در نظر گرفتن بهره‌برداریهای تبلیغاتی، به اعتقاد ما می‌تواند راهنمای خوبی جهت اهل نظر و اندیشمندان جهان سوم باشد.

## انگیزه و مواضع آمریکا

از سوی ملت‌های تحت سلطه، همسانی و اشتراک اهداف دو ابرقدرت در به غارت بردن سرمایه‌های مالی و انسانی کشورهای جهان، اصل پذیرفته شده‌ای است که براساس آن می‌توان پی به اهداف تمام اصطلاح کمکهای اقتصادی نظامی این شیاطین برد زیرا مردم را نه توجیه‌های ایدئولوژیک فریب می‌دهد و نه دغلبازیهای سیاسی که آنچه آنها در طی قرون متمادی و به ویژه در قرن اخیر از سردمداران استکبار دیده‌اند تجاوز و فریب بوده و نه رفاه و عمران. اشتراک خصلتها یعنی «نفع طلبی» و «قدرت طلبی» دو ابرقدرت ایجاب می‌کند که هر کدام جهان را عرصه و جولانگاه خاص خویش بدانند و بر سرخوان نعمت دنیا تنها بنشینند و در ثروت حاصله از غارت شریکی نداشته باشند. جنگ دو ابرقدرت در اصل رقابت

است و تظاهر این امر که استکبار اساساً رقیب بردار نیست.

جدای از روشها و سیاستهای دول استکباری در برابر کشورهای جهان و سیاست مقابله در برابر همدیگر نکته‌ای که در این مجموعه در مرحله اول نظر خواننده را جلب می‌کند گستردگی و کمیت اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی آمریکاییهاست و میزان فعالیت و توان فوق‌العاده آنها را در کسب اطلاعات از کشور رقیب می‌رساند. در اینجا بررسی توان آمریکاییها مد نظر نیست بلکه غرض نگرش به اختصاص بودجه‌های کلانی است که برای این امر اختصاص می‌یابد و نیروی انسانی زیادی که جهت از میدان به در بردن رقیب با سرمایه حاصل از غارت کشورهای روبه رشد و جهان سوم به کار گرفته می‌شود. کنترل حرکات و سیاستهای روسها در جهان در ضمن این امکان را به آمریکا می‌دهد که در مقابله با حوادث و واکنشهای احتمالی در جهان سوم که از سوی روسها تحریک می‌شود ابتکار عمل را در دست داشته باشد و با عکس‌العمل مناسب بتواند گوی سبقت را از رقیب برآید.

## شوروی

### سیاستهای خارجی:

سیاست خارجی شوروی را می‌توان در مجموع به دو دوره تقسیم کرد که هر کدام فرازهای خاص خود را دارد. در دوره اول که از اکتبر ۱۹۱۷ تا پایان جنگهای داخلی و آغاز سیاست نوین اقتصادی بدرازا کشید، تحریکات خارجی بدون اینکه نظم و روند متعلق به یک جامعه سیاسی تثبیت شده را یافته باشد، از الهامات و تعالیم مارکسیستی بهره بیشتری داشت.

از دوره دوم که حکومت مرکزی بلشویکها می‌رفت تا ماندگاری خود را پس از نبردهای سختی با روسهای سفید و دیگر مخالفین بلشویسم با طراحی سیاستهای پایدارتر داخلی و خارجی تثبیت کند (سال ۱۹۲۱)، تاکنون سیاست خارجی روسیه شوروی آمیخته‌ای از برخوردهای ایدئولوژیک و آنچه که «منافع ملی» خوانده می‌شود، بوده است. ارجحیت یکی بر دیگری قاعداً با روشن شدن موضوع و شرایط زمانی اعمال سیاست مذکور مشخص می‌شود.

بی‌تردید مهمترین فراز در سیات خارجی شوروی پس از مرگ لنین، به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. طی این جنگ ارتش سرخ که یکی از پیروزمندان جنگ بود، موفق شد که با همکاری کمونیستهای داخلی تعدادی از کشورهای اروپایی، سلطه کمونیسم را به بیرون از مرزهای شوروی بکشاند.

افزایش کشورهای اردوگاه شرق از یک سو و زمینه رقابت و قدرت‌طلبی موجود تحت عنوان «منافع ملی» از سوی دیگر، با پذیرش این مسئله از سوی روسها همراه شد که می‌توان با کشورهای جهان سوم و یا به تعبیر دیگر روبه رشد تحت عنوان حکومتهای «بورژوا - دمکراتیک» همکاریهای گسترده داشت. این امر مقارن با زمانی است که روسیه شوروی ناامید از انتظار وقوع جدال میان دنیای سرمایه‌داری و افتادن کشورهای سرمایه‌دار به دامن کمونیسم علیرغم تحلیلهای از پیش بافته مارکسیستی، سعی کرد از پوسته دفاعی و انزوای تحمیل شده از سوی دنیای سرمایه‌داری و برخی از شرایط داخلی، بیرون بیاید و به آزمایش قدرت خود با حضور در دیگر کشورها دست یازد. همان گونه که ذکر شد هر چند این تحول امر جدیدی در سیاستهای خارجی کمونیستها نبود، تداوم سیاست بلشویکها در جهت تأمین «منافع ملی» در دنیای بیرون از جرگه آنها بود، ولی در واقع شرایط مناسب و مساعد برای این مهم با جنگ جهانی دوم

به طور بی سابقه‌ای فراهم گشت.

پذیرش رسمی سیاست همزیستی مسالمت آمیز از سوی حکومت خروشچف که باز ریشه‌های واقعی آن را در زمان لنین باید جستجو کرد، این فرصت را برای شوروی فراهم کرد که با توجیهی ایدئولوژیکی و با فراغت بال همکاریهای گسترده‌ای را با نزدیک به تمامی کشورهای دنیا طراحی نماید. در توجیه این سیاست این‌گونه استدلال می‌شد که دخالت مؤثر شوروی به شکل همکاریهای فنی - اقتصادی و فنی - نظامی، در تغییر ساختار کشورهای غیر کمونیست به کار خواهد آمد. به ظاهر تغییر ساختار حتی به شکل بطئی آن گامی به سوی پیش راندن جهان به سمت سوسیالیسم و کمونیسم تلقی می‌شد و در حقیقت «منافع ملی» شوروی در پرتو حضور در کشورهای در حال توسعه تأمین می‌گردید.

### مشخصه‌های کمکهای شوروی

شوروی در حال حاضر در صحنه‌های بین‌المللی همانند یک کشور مقتدر و در رقابتی تنگاتنگ با آمریکا قرار دارد و خصلت مشترک ابرقدرتی و استکباری، توسعه‌گسترده‌ای به «منافع ملی» که در اصل تعریف پذیر نمی‌باشد، می‌دهد. کمک و مشارکت شوروی عمدتاً پروژه‌هایی است که به کار بخش خصوصی می‌آید و تأکید بیشتر بر این پروژه‌ها بهره‌برداری تبلیغاتی جهت انسانی نشان دادن این اعمال در پی دارد. بعضاً سرمایه‌گذارهای هنگفتی در پاره‌ای از ممالک انجام داده است که افزون بر منافع و امتیازات سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی نوعی رقابت «فنی و مالی» عظیم را نسبت به رقبای غربی در بر داشته است.

بر طبق اسناد موجود، در سال ۱۹۷۸ شوروی معادل ۳/۷ میلیارد دلار جهت کمکهای اقتصادی خویش اختصاص داده است که برای اولین بار از نظر معادل سرمایه‌گذاری نسبت به آمریکا کمترین فاصله را می‌یابد (کمکهای اقتصادی آمریکا در این سال معادل ۵-۴ میلیارد دلار بوده است). بخش قابل توجهی از این کمکها به کشورهایی که آشکارا جهت‌گیری غربی داشته‌اند سرازیر شده است. توجیهات و فریبه‌کاریهای ایدئولوژیک بدون کوچکترین گوشه چشمی به اصول بنیادین مارکسیسم - لنینیسم زمینه‌های مناسبی را برای همکاری گسترده با کشورهای نظیر ترکیه، مراکش و ایران (قبل از انقلاب) فراهم ساخته بود. روابط با ایران و ترکیه را شاید بتوان به دلایل «همجواری» به سیاستهای «حسن همجواری» که جایگاه اولیه آن در متون مارکسیسم - لنینیسم چندان مشخص نیست، ارجاع داد، ولی سرمایه‌گذاری در مراکش (معادن فسفات) را نمی‌توان جز به تشدید حس «نفع‌طلبی» روسها به چیز دیگری تعبیر کرد.

### مواضع و موقعیت کشورهای رو به رشد

مراکش در میان کشورهای در حال توسعه مهمترین پروژه شوروی را به خود اختصاص داده بود و شرکت در معادن فسفات با یک قرارداد دو میلیارد دلاری و به مدت ۳۰ سال «قرارداد قرن» را برای روسها به ارمغان آورده بود. زمانی رهبران کرمیلین در توصیف تلخی و شوروی روابط احتمالی خود با برخی از کشورهای عربی نفتی خلیج فارس، می‌گفتند که «حاضرند چند کیلو نمک بخورند، ولی چنین روابطی نداشته باشند»، ولی امروز با گذشتن چیزی بیش از یک دهه، شاهد تلاش و علاقه روز افزون این

کشور به داشتن روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای مراکش، عربستان، کویت و... می‌باشیم. این مواضع به وضوح تفسیر نزدیکی دو اردوگاه شرق و غرب است و همسانی اهداف و ماهیت ساختاری یکسانشان را می‌رساند.

تغییر سریع دولتهای چند کشور در حال توسعه در نیمه اول سال ۱۹۷۸ زمینه را برای دیپلماسی نظامی و اقتصادی شوروی در جهان سوم فراهم می‌سازد. در افغانستان یک کودتا دولت وابسته به شوروی را به قدرت می‌رساند و شوروی به این بهانه که رژیم بی‌تجربه جدید را در تحکیم قدرت خودیاری دهد، حضور نظامی و اقتصادی خود را افزایش می‌دهد. از همین اوان در شبه جزیره عربی، مارکسیستهای طرفدار مسکو، پس از کودتای ماه ژوئن، کنترل یمن جنوبی را به دست می‌گیرند و راه را برای افزایش حمایت‌های روسها بازتر می‌کنند.

علیرغم چند معامله بزرگ تسلیحاتی - اقتصادی با کشورهای فوق و چند کشور در حال توسعه دیگر، قراردادهای نظامی کمونیستی منعقد شده با کشورهای روبه رشد در طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ به پایین‌ترین سطح خود نزول می‌کند. برای این کاهش دلایل متعددی ارائه می‌شود که بیشتر آنها را باید به عنوان باخت‌های کشور شوروی و اقمارش در برابر رقبای غربیشان قلمداد کرد. از جمله این دلایل می‌توان نیاز کشورهای خریدار برای جذب سلاحهای خریداری شده در سالهای ۷۷-۱۹۷۶، از دست رفتن مشتریها و تنزل نفوذ تسلیحاتی شوروی را نام برد. سه عامل عمده از سوی آمریکا به عنوان عوامل از دست رفتن مشتری و تنزل نفوذ تسلیحاتی شوروی قلمداد می‌شود. عامل اول به روسها و مشکلات مربوطه برمی‌گردد از قبیل فقدان آمادگی شوروی برای واگذاری تخفیفهای قابل توجه به خاطر مسائل اقتصادی، عدم امکان ارائه قطعات و تجهیزات یدکی، کیفیت پایین تسلیحات و لوازم ارسالی. عامل دوم برتریها تکنولوژیکی، بازاریابی و خدمات جذابتر غرب را مطرح می‌کند که با نفوذ به درون پایگاههای سنتی روسها (عراق، هند و سوریه) بازار را از دست روسها گرفته‌اند. سومین عامل به کشورهای خریدار برمی‌گردد که به واسطه تحولات سیاسی جهانی و موضع گیریهای خویش قصد داشته‌اند که منابع تسلیحاتی خود را متنوع گردانند. در نهایت آنچه از این دلایل برمی‌آید چیزی جز تفوق و برتری کشورهای غربی به ویژه آمریکا، فرانسه و انگلستان را در یک رقابت بلند مدت با روسها بر مبنای خصلتهای مشترک «نفع طلبی» و «قدرت طلبی» نمی‌رساند.

سال ۱۹۷۸ عظیم‌ترین حرکت‌های رو به غرب هواداران سنتی روسها شروع می‌شود. به طور مثال عراق که زمانی تصور می‌شد موفق خواهد شد که جای مصر ناصری را در میان اعراب بگیرد و حتی مقامات روسی فتوای «مترقی‌تر» بودن آنها را صادر کرده بودند، مبادلات گسترده تجاری، تسلیحاتی با غرب به ویژه فرانسه برقرار کرد. سوریه نیز به واسطه اتکای به کمکهای کشورهای ثروتمند عربی وابسته به غرب و تمایل این کشورها به خریدهای تسلیحاتی از غرب طبیعتاً گرایشاتی را برای متنوع ساختن سیستم سلاحهای نظامی خود بروز داد. هند نیز بر مبنای تمایل مذکور یعنی ایجاد تنوع در سیستمهای نظامی - صنعتی وضعیتی مشابه سوریه پیدا کرد.

در آفریقا گذشته از لیبی و الجزایر که جزء تأمین‌کنندگان عمده ارزهای ناشی از مبادلات و همکاریهای تجاری، تسلیحاتی برای روسها و دیگر کشورهای کمونیست هستند. کشورهایی مانند آنگولا و اتیوپی در شاخ آفریقا را باید مد نظر قرار داد. این کشورها به واسطه حکومت‌های مارکسیست و

وابستگی این حکومتها به کمکهای نظامی - مستشاری و اقتصادی شوروی همچنین جنگها و درگیریها و کشمکشهای داخلی و خارجی آنها، منبع جذب عمده سلاحهای روسی و کمکهای آنها هستند. وضعیت آنها در آفریقا و چگونگی حضور شوروی و دیگر کشورهای کمونیست در آنجا تقریباً مشابه وضعیت افغانستان در آسیا می‌باشد.

### دیگر کشورهای کمونیست

همان‌گونه که آمریکا با همکاری همپیمانان غربی خود و به شکلی منسجم و هماهنگ پایگاههای نفوذی خویش را در کشورهای در حال توسعه مستحکم می‌کند شوروی نیز با همکاری کشورهای بلوک شرق و کوبا زمینه نفوذ خویش را فراهم می‌آورد. تحریکات و شیوه اعمال روشهای روسها همسان رقیب خود حاکی از یک نوع تقسیم اولیه اقدامات و فعالیتهاست. برای مثال کوبا در مرحله اول مستشاران نظامی خود را به کشورهای آشفته و مورد نظر گسیل می‌دارد و در صورت لزوم در بعضی از پروژه‌های ساختمانی برای کسب ارز شرکت می‌جوید. آلمان شرقی و چکسلواکی با توجه به بافت صنعتی خود، اقلام ماشینی و نیازمندیهای تکنولوژیکی را در همکاریها و قراردادهای خویش می‌گنجانند و... هر یک از کشورهای بلوک شرق جهت تأمین منافع و نیازهای ارزی خویش نیز راساً اقدام و با همکاریهای اقتصادی، نظامی و ارائه خدمات در تحقق این اهداف سهم به سزایی را ایفا می‌نمایند.

در میان کشورهای کمونیست چین جایگاه ویژه‌ای دارد. چین که تا دوران استالین برای روسیه حق پیشگامی و اولویت قائل بود، از زمان خروشچف با طرح این مسئله که «همزیستی مسالمت‌آمیز» یک انحراف بزرگ از اصول مارکسیسم - لنینیسم است، خطی متمایز از روسها برای خود در پیش گرفت. امروز پس از گذشت نزدیک به سی سال آنچه را که چین برای شوروی گناهی نابخشودنی می‌دانست، برای خود یک «سیاست اصولی» می‌پندارد. به هر حال چین در میان کشورهای در حال توسعه سعی دارد که رهبری و هدایت را از آن خود کند. ارتباط با فقیرترین کشورها و تلاش برای رقابت با شوروی و یا پرکردن جای خالی این کشور (به طور مثال در سودان و سومالی)، حرکات گسترده‌ای را در نزد چینها موجب شده است. انگیزه چین برای به رسمیت شناخته شدن در جامعه بین‌المللی در سالهای ۱۹۷۰ با ارائه کمکهای بی‌سابقه همراه بود و با جدایی برنامه‌های اقتصادی از محتوای ایدئولوژیک، به عنوان یکی از اسباب و وسائل اصلی سیاست خارجی در مبارزه برای ابقاء رهبریت کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شده است. در سال ۱۹۷۴ به خاطر مسائل و درگیریهای قدرت میان تندروها و میانه‌روها، کمکهای اقتصادی یکن سیر نزولی در پیش گرفت. به هر حال با حاکمیت میانه‌روها (هواکوفنگ) سیاستهای خارجی مائو در قبال کشورهای فقیر ادامه پیدا کرد و با اعلام علنی آمادگی برای کمک به کشورهایی که سیاستهایی مغایر با سیاستهای شوروی اتخاذ نمایند، به تحکیم موقعیت خویش در میان کشورهای در حال توسعه پرداخت.

نکته جالب توجه در قسمت مربوط به چین اعتراف ضمنی آمریکا به ماهیت کمکهای نظامی و اقتصادی ایرقدرتها به کشورهای در حال توسعه است. در قسمتی از سند آمده است که «چین در میان ملل فقیر به عنوان یک کشور ارائه دهنده کمکهای اقتصادی از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. شرایط متعادل برنامه‌های کمکی که به طور مؤثری پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی را بالا می‌برد سبب شده است

که چین برخلاف برنامه‌های غربی و کمونیستی برای در نظر نگرفتن نیازهای بشری مورد انتقاد واقع نگردد. حتی اگر میزان و مقدار آنها ناچیز باشد، برنامه‌های کمک چین سبب بالا رفتن رفاه و میزان تولید بوده و نقصانهای اساسی و ریشه‌ای زیر بنایی و کشاورزی را مورد حمله قرار می‌داده است. فنون و تکنولوژی چینها همیشه با شرایط فقیرترین کشورهای در حال توسعه تطابق داشته است. کمکهای چین همیشه در جهت گسترش برنامه‌های زیربنایی، صنایع مادر و کشاورزی به کار گرفته شده‌اند. نکات مورد توجه در تحلیل آمریکاییها نسبت به کمکهای چین و تأکید بر روی جنبه‌های انسانی این کمکها و تطابق با شرایط فقیرترین کشورهای جهان همان ویژگیهایی است که در کمکهای خویش نشانه‌ای از آن نمی‌بینند. آنچه تحت عنوان «کمک» در فرهنگ این مستکبرین از آن یاد می‌شود، مجموعه‌ای از امتیازات را برای آنها به ارمغان می‌آورد. فروش کالاهای تجارتي و بنجل و بالتبع رونق اقتصاد و تجارت کشور به اصطلاح کمک دهنده، فروش کالاهای تسلیحاتی و در نتیجه کسب امتیازات نظامی و نفوذ در ساختار نظامی کشورهای مربوطه و توسعه صنایع تسلیحات، تبدیل کشورهای خریدار به پایگاههای نظامی جهت دستیابی به مقاصد مورد نظر، ترویج فرهنگ مادیرگرایي همراه با صدور کالاهای مصرفی و کمکهای اقتصادی، در اختیار گرفتن رأی کشورهای پذیرای کمک در مجامع بین‌المللی توسط کشورهای کمک‌دهنده و... از این جمله است. نهایتاً آنچه عاید کشورهای پذیرنده کمک می‌شود، یک وابستگی تمام عیار در تمامی زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی و مزید بر آن کسب یک هویت بیگانه با ماهیت انسانی و فرهنگی خویش و منطبق بر اهداف کشورهای مستکبر است.

«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»

بهار ۱۳۶۵



مرکز ملی اطلاعات خارجی  
فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست در حال توسعه در سال ۱۹۷۸  
یک رساله تحقیقی

هشدار - منابع و طرق اطلاعاتی به کار گرفته شده است.

اطلاعات مربوط به امنیت کشور

افشای بدون مجوز، جرائم جنائی در بردارد

اختصارات مربوط به کنترل انتشار این سند

NOFORN(NF) غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

NOCONTRACT(NC) غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران

PROPIN(PP) هشدار - اطلاعات اختصاصی به کار گرفته شده است.

NFIBONLY(NO) فقط ادارات هیئت خبرگیری خارجی کشور

ORCON(OC) انتشارات واحد اطلاعات تحت نظر تهیه کننده کنترل می شود.

REL.... ارائه به... مورد تصویب قرار گرفته

FGI اطلاعات دولت بیگانه

نسخه میکروفیش این سند از طریق (۳۵۱-۷۱۷۷) CR/BSO قابل دسترسی است؛ نسخه‌های چاپی از (۳۵۱-۵۲۰۳) PPG-RBD تهیه گردد. دریافت منظم گزارشهای مرکز سنجش خارجی کشور به صورت اشتقاقی طبقه بندی به موجب ۰۱۵۳۱۹ صورت می گیرد. ۶ سال بعد از این روز مورد تجدید نظر قرار گیرد. مأخوذ از منابع مختلف.

فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست در حال توسعه در سال ۱۹۷۸  
یک رساله تحقیقی

اطلاعات رسیده تا ۱۵ مارس ۱۹۷۹ در تهیه

این گزارش مورد استفاده قرار گرفته است.

این رساله توسط کارول فوگارتی از دفتر تحقیقات اقتصادی تهیه شده است. سئوالات و نقطه نظرهای

خود را به خانم فوگارتی از طریق تلفن ۳۵۱-۵۲۹۱ ارائه نمائید.

فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست روبه‌رو شد در سال ۱۹۷۸  
نگرش کلی

فعالیت‌های کمکی اقتصادی و نظامی کمونیستی به جهان سوم در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ در طول یک ربع قرن از تاریخ این برنامه شاهد نوسانات وسیعی بوده است. کمکهای نظامی که در سال ۱۹۷۷ به سطح ۵/۷ میلیارد دلار رسیده بود، در سال ۱۹۷۸ به سطح ۲/۳ میلیارد دلار نزول کرد، ولی در سال ۱۹۷۸ کمک اقتصادی معادل ۵/۴ میلیارد دلار از تمام رکوردهای پیشین فراتر رفته است. (به تصویر یک مراجعه نمایید). معذک به علت تعهدهای پیشین ارائه محموله‌های نظامی و اقتصادی در سال ۱۹۷۸ همچنان به قوت خود باقی بود. شوروی همچنان در تمام جنبه‌های برنامه کمک کمونیستی از قبیل انتخاب

دریافت‌کننده و تدارک منابع مورد نیاز تسلط و نقش برتر خود را حفظ کرده بود (طبقه‌بندی نشده).

تصویر ۱. کشورهای کمونیستی:

قراردادهای اقتصادی و نظامی با کشورهای رو به رشد

تعهدهای سالانه کشورهای کمونیستی در روند خود سیر نزولی و صعودی داشت و علت آن نیز: (الف) تغییرات سریع اوضاع سیاسی کشورهای دریافت‌کننده کمک که بر روحیه کمک دهنده و دریافت‌دارنده کمک تأثیر می‌گذارد و در رابطه با کمکهای نظامی منجر به شرایط بسیار حیاتی پیرامون عملیات اضطراری و عرضه دوباره می‌گردد؛ (ب) مدت زمان درازی چه جهت اجرای کمکهای اقتصادی و جذب تجهیزات نظامی در فهرست موجودیهای کشورهای در حال توسعه لازم است؛ (ج) مذاکرات دراز مدت مورد نیاز جهت تکمیل قراردادهای اقتصادی و نظامی و فقدان هماهنگی سالانه بعدی در اضافه این قراردادها و (د) فشارهای اقتصادی و سیاسی درونی کشورهای کمونیستی که بر میزان و نحوه توزیع تعهدات و تحویل کمکها تأثیر می‌بخشد. (خیلی محرمانه).

گرچه افتهای پیشین فروشهای تسلیحاتی شوروی موقتی به حساب می‌آمد، ولی کاهشهای کنونی ممکن است ناشی از عوامل سیاسی و اقتصادی بوده و تأثیر عظیم و دراز مدتی داشته باشد. اگر این مطلب مصداق داشته باشد، در آینده شوروی از نظر نفوذ سیاسی و نظامی خود در بعضی از کشورها و از نظر توانایی خود در تحصیل ارز معتبر دچار مشکلاتی خواهد شد. افت ناگهانی فروشهای شوروی به مشتریان مهم خود در خاورمیانه موجب ۶۵ درصد کاهش فروش در سال ۱۹۷۸ گردید. ایران، عراق و سوریه که جمع خریدهای سالانه آنها تقریباً معادل ۱/۵ میلیارد دلار در سالهای

۷۷-۱۹۷۳ بود، در سال ۱۹۷۸ نتوانستند قرارداد جدیدی را منعقد سازند، فروشهای این کشور به الجزیره، هند و لیبی نیز خیلی کمتر از قبل بود. خریدهای تسلیحاتی عظیم اتیوپی و افغانستان نیز که جمعاً بالغ بر یک میلیارد دلار شده بود نتوانست خسارات وارده را جبران نماید. (سری)

سیر نزولی فروش تسلیحاتی شوروی در سال ۱۹۷۸ و عدم موفقیت آنها در بالا بردن این میزان فروش در شش ماهه اول سال ۱۹۷۹ به (الف) دسترسی روزافزون مشتریان مهم سلاحهای شوروی به منابع مالی سازمان کشورهای صادرکننده نفت که از طریق آنها می‌توانند بسیاری از نیاز خود را از غرب تأمین نماید (این مشتریان اغلب ترجیح می‌دهند تجهیزات غربی خریداری نمایند چون قابلیت اعتماد امکان تعمیر و تأمین قطعات یدکی آنها بسیار است). (ب) گرایش روزافزون مشتریان تسلیحاتی مهم شوروی به تغییر منابع خریدهای خود، آن‌چنان که هند، عراق و سوریه نیز در همین اواخر سفارشات تسلیحاتی چشمگیری را به غرب داده‌اند و (ج) از دست رفتن بعضی از مشتریان بنا به دلایل سیاسی که مصر و ایران از آن جمله می‌باشند، بستگی دارد. بنابراین در طول دو سال پس از اواسط سال ۱۹۷۷، کشورهای در حال توسعه جهت تأمین حدود ۴ میلیارد دلار سلاحهای خود به سازندگان غربی روی آورده‌اند، در حالی که همین مقدار قبلاً می‌توانست نصیب شوروی بشود. (سری)

در سال ۱۹۷۸ نیز برای دومین سال فروشهای نظامی شوروی به اتیوپی ۴۰ درصد فروش کلی نظامی این کشور را تشکیل می‌داد. ۴۰ درصد دیگر نصیب افغانستان، هند و الجزیره گردید و یازده درصد باقیمانده نیز نصیب یمن جنوبی و لیبی گردید. (سری).

با احتساب درخواست خریدهای عظیم اتیوپی از مسکو، میزان تحویل تسلیحات نظامی شوروی به ۳/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ رسید. این فروشها که بخش اعظم کسری تجارت شوروی با کشورهای در حال توسعه را جبران می‌کرد، تقریباً معادل ۱۰ درصد از ارز معتبر اکتسابی شوروی به حساب می‌آمد. اولین فروشها به کشورهای در حال توسعه شامل جت‌های جنگنده میگ - ۲۵ به الجزایر و لیبی، هواپیمای باری ۷۶ - IL، و هلیکوپترهای می - ۲۴ به الجزایر، عراق و سوریه بود. (سری).

در سال ۱۹۷۸ تعداد پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه ۶۰ درصد افزایش و به سطح ۵۲۰۰۰ نفر رسید که بخش اعظم آن ناشی از اضافه شدن ۱۶۰۰۰ نفر کوبایی به پرسنل موجود در کشورهای آفریقایی مادون صحرا می‌باشد. (طبقه‌بندی نشده)

برخلاف برنامه نظامی، دو اعتبار عظیم شوروی که شامل ۲ میلیارد دلار به مراکش و ۱/۳ میلیارد دلار به ترکیه است، تعهدات اقتصادی شوروی در سال ۱۹۷۸ را به سطح بی‌سابقه ۳/۷ میلیارد دلار رسانید. کمک اقتصادی ارائه شده از طرف کشورهای اروپای شرقی به سطح ۱/۵ میلیارد دلار رسید که آلمان شرقی رتبه اول را به دست آورده است. چینها نیز الگوی کمک اقتصادی اخیر خود را دنبال کردند و کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار کمک ارائه نمودند و بیشتر بر روی پروژه‌های کارگری متمرکز شدند که در این زمینه رکورد بیسابقه‌ای را به دست آورده‌اند. (سری)

ملاحظات سودجویانه در برنامه‌های کمک اقتصادی شوروی و اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ بسیار به چشم می‌خورد. فاحشترین نمونه آن اعتبارهای صادره از طرف شوروی جهت گسترش معادن فسفات مراکش است تا شوروی بتواند در ازای این اعتبار به مدت ۳۰ سال، سالانه ۱۰ میلیون تن فسفات از این کشور دریافت دارد و این در زمانی است که بهره‌برداری از معادن خود شوروی بسیار گرانتر و پردرستر

است. کمک ۱/۳ میلیارد دلاری شوروی به ترکیه نیز به منظور گسترش کارخانه‌های فولاد و آلومینیوم و احداث نیروگاهها و یک پالایشگاه جدید ارائه شده است. هر دو اعتبار عظیم مزبور براساس «چهار چوب» مورد توافق (غیر اجباری و مجاز به دریافت قروض اضافی مورد نیاز) اعطا شده که نمونه کمکهای چند سال گذشته شوروی به کشورهای در حال توسعه می باشد. قرارداد مربوط به گسترش فسفات نیز نشانگر حرکت اخیر شوروی در تکمیل تولیدات داخلی از قبیل بوکسیت، آلومینیوم، نفت، گاز، سنگ آهن و قلع می باشد. (سری)

برای اروپای شرقی و تا حدود کمتر از آن برای شوروی خدمات غیر نظامی فنی در سالهای ۱۹۸۰ نخواهد توانست منبع خوبی در تحصیل ارز معتبر به حساب آید. در سال ۱۹۷۸ تقریباً حدود ۱۰۸۰۰۰ تکنیسین کمونیست در جهان سوم به سر می بردند در حالی که تعداد آنها در سال ۱۹۷۰ حدود ۲۴۰۰۰ نفر بود، ۴۰ درصد این تکنیسینها متعلق به کشورهای اروپای شرقی است. تکنیسینهای کمونیست در مناطق نفت خیز متمرکز شده بودند و تعدادی از آنها نیز براساس پیمانهای تجاری به عنوان مدیر، پزشک و کارگران ساختمانی به کار مشغول گردیده بودند. در سال ۱۹۷۸ این تکنیسینها ۵۰۰ میلیون دلار نصیب اروپای شرقی و تقریباً ۱۵۰ میلیون دلار نصیب شوروی کردند. (طبقه بندی نشده)

#### فهرست مطالب

#### نگرش کلی

#### مقدمه

برنامه کمکهای نظامی: کاهش فروش، افزایش محموله‌ها

ارزش سلاحهای کمونیستی

الگوها در سال ۱۹۷۸

عواید بازرگانی برنامه

خدمات فنی نظامی در سطح جدید

برنامه کمکهای اقتصادی: در نقطه اوج

شوروی: رکورد سال در ارائه کمکها

اروپای شرقی: به دنبال سودهای بازرگانی

برنامه کمکها: منابع حاصله برای شوروی

خدمات فنی: وسیله جذب ارز

آموزش فنی: تلاشی روزافزون

دانشجویان آکادمیک: سرمایه گذاری کم خرج

#### ضمیمه

بخشهای کشوری

آفریقای شمالی

آفریقای مادون صحرا

آسیای شرقی

آمریکای لاتین  
اروپا  
خاورمیانه  
آسیای جنوبی  
جداول

- ۱- معاملات نظامی کمونیستی با کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸
- ۲- شوروی: فروش و تحویل سلاح به کشورهای در حال توسعه به قیمت صادراتی شوروی و هزینه تولید آمریکا
- ۳- پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸
- ۴- پرسنل نظامی کشورهای در حال توسعه که در کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ مشغول آموزش هستند.
- ۵- کمک اقتصادی کمونیستی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸
- ۶- تکنیسینهای اقتصادی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸
- ۷- دانشجویان آکادمیک کشورهای در حال توسعه که در کشورهای کمونیستی از دسامبر ۱۹۷۸ مشغول آموزش می‌باشند.

تصاویر

- ۱- کشورهای کمونیستی: قراردادهای نظامی و اقتصادی با کشورهای در حال توسعه.
- ۲- قراردادهای نظامی کمونیستی و تحویل آنها به کشورهای در حال توسعه.
- ۳- شوروی: سهم ارز معتبر در کل فروش نظامی به کشورهای در حال توسعه.
- ۴- قراردادهای اقتصادی کمونیستی و تحویل آنها به کشورهای در حال توسعه.
- ۵- شوروی: کمک به صنایع فلزی و معدنی کشورهای در حال توسعه به صورت بخشی از کمک کلی
- ۶- آفریقا: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸
- ۷- آسیای شرقی: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸
- ۸- آمریکا لاتین: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸
- ۹- خاورمیانه: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸
- ۱۰- آسیای جنوبی: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸

مقدمه

این بررسی مربوط به کمک‌های کمونیستی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ و دنباله مطالعات آغاز شده در سال ۱۹۵۶ است. بررسی این موضوع تا سال ۱۹۷۴ در زنجیره گزارشهای ۱۴- تحت عنوان فعالیتهای تجاری و کمکی کشورهای کمونیستی در کشورهای در حال توسعه جهان آزاد در نتیجه تلاش کمیته فرعی اطلاعاتی اقتصادی - تجاری و کمکی، دفتر اطلاعاتی آمریکا بررسی گردیده است. این کمیته فرعی در تاریخ اول اکتبر ۱۹۷۴ منحل گردید، در حال حاضر گزارش سالانه توسط دفتر تحقیقات اقتصادی مرکز ملی ارزیابی خارجی سازمان سیا تهیه می‌گردد. (خیلی محرمانه)

این گزارش علاوه بر ارائه اطلاعات مفصل درباره رویدادهای ۱۹۷۸، تفسیرهای تحلیلی را مرور نموده و اطلاعات گزارشهای پیشین سالانه را نیز مورد تجدید نظر قرار می‌دهد. ارزش قراردادهای و محموله‌های نظامی کمونیستی نیز با قیمت تجاری شوروی سنجیده شده. که همان قیمتی است که طبق برآورد ما کشورهای کمونیستی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته‌اند. اطلاعات آماری مربوط به کمکهای نظامی و اقتصادی کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ در یک جلد جداگانه کمک مرجع بنام ER ۷۹-۱۰۱۶۰ با عنوان کمک کمونیستی به کشورهای در حال توسعه، تاریخ ۱۹۷۸ - مارس ۱۹۷۹ و طبقه‌بندی سرّی و غیر قابل رؤیت برای بیگانگان منتشر گردیده بود. این کتابچه حاوی اطلاعات تجاری بین کشورهای کمونیستی و در حال توسعه نمی‌باشد. این گونه اطلاعات به محض آماده شدن به عنوان مکمل گزارشهای مربوط به فعالیتهای تجاری و کمکی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه انتشار خواهد یافت. (خیلی محرمانه)

عنوان کشورهای کمونیستی، شوروی، جمهوری خلق چین، و کشورهای اروپای شرقی یعنی بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، مجارستان، لهستان، و رومانی را در بر می‌گیرد. آنچه در این نشریه ضمیمه شده عبارت است از اطلاعات مربوط به کوبا، کره شمالی، و کمکهای یوگسلاوی و تعداد پرسنل این کشور که در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند. (طبقه بندی شده).

عنوان کشورهای در حال توسعه جهان غیر کمونیستی کشورهای زیر را شامل می‌شود: (۱) تمام کشورهای آفریقایی به استثنای جمهوری آفریقای جنوبی؛ (۲) تمام کشورهای آسیای شرقی به استثنای هنگ کنگ و ژاپن؛ (۳) مالت، پرتغال، و اسپانیا در اروپا؛ (۴) تمام کشورهای آمریکای لاتین به استثنای کوبا؛ (۵) تمام کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوبی به استثنای اسرائیل در خاورمیانه؛ کامبوج، لائوس و ویتنام که در سال ۱۹۷۵ در زمره کشورهای کمونیستی در آمدند و بنا به دلایل تاریخی در چند سال قبل شرح آنها رفته است. (طبقه بندی نشده)

کلمه Extention در صورتی به کار برده می‌شود که قرار باشد کالا و یا خدماتی به صورت بلاعوض و یا پرداخت آتی ارائه شود. این گونه کمکها پس از امضای قراردادها ارائه شده و یک بیانیه رسمی را در بر می‌گیرد. منظور از کلمه Drawing تحویل کالا و یا استفاده از خدمات است. (طبقه بندی نشده)

کلمه «ناچیز» با اشاره به ارزشهای کمتر از ۵۰۰۰۰۰ دلار است و کلمه «هیچ» به معنی آن است که قراردادی منعقد گردیده، لیکن ارزش مالی آن معلوم نمی‌باشد. سه نقطه (...) یا به معنی آن است که معلوم نیست قراردادی منعقد شده باشد و یا از کشور مربوطه پرسنلی در کشور ثانی مشغول به کار نمی‌باشد. (طبقه بندی نشده).

محتوای این گزارش با هماهنگی دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجه، آژانس اطلاعاتی دفاعی، و آژانس رویدادهای بین‌المللی تهیه شده است. (طبقه بندی نشده).

### فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه غیر کمونیستی

در سال ۱۹۷۸ (طبقه‌بندی نشده)

برنامه کمک‌های نظامی:

کاهش فروش، افزایش محموله‌ها

قراردادهای نظامی شوروی از سطح حداکثر آن یعنی ۵/۲ (این رقم با توجه به شکل ۲ و مطالب قبلی باید ۵/۷ میلیارد دلار باشد - مترجم) میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ و میانگین سالانه ۳ میلیارد دلار در سالهای ۷۶-۱۹۷۳، در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱/۸ میلیارد دلار تقلیل پیدا کرد. در همان حال، میزان محموله‌های ارائه شده از ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به سطح ۳/۸ میلیارد دلار افزایش یافت و مهمترین صادرات مسکو به جهان سوم را تشکیل داد. مهمترین میزان صادرات شامل ارائه محموله‌های یک میلیارد دلاری به اتیوپی است که بالاترین میزان تحویل سلاح‌های روسی به یک کشور در حال توسعه در زمان صلح را نشان می‌دهد. (سری)

به علت کاهش قراردادهای جدید شوروی و قراردادهای تقریباً بی‌سابقه چین (۹۱ میلیون دلار) و فروشهای اروپای شرقی (۴۶۳ میلیون دلار)، شوروی نتوانست در کمک‌های تسلیحاتی کمونیستی به کشورهای کمونیستی اروپای شرقی در حالی که ۲ تجهیزات بفروش رفته آنها (از قبیل کامیون، مهمات و پشتیبانی) به مشتریان اصلی شوروی مانند الجزایر، عراق، لیبی و سوریه تعلق می‌گرفت، برنامه‌های شوروی را تکمیل می‌کرد.

تصویر ۲: قراردادهای نظامی کمونیستی و ارسال تجهیزات به

کشورهای رو به رشد

علاوه بر این شوروی مقام خود را به عنوان دومین فروشنده تسلیحات جهانی از دست داد و انگلیس و فرانسه بعد از آمریکا مقامهای بعدی را به دست آوردند. (سری)

## جدول ۱

معاملات نظامی کمونیستی با کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸						
میلیون دلار آمریکا						
مراسلات			قراردادها			
شوروی اروپای شرقی چین			شوروی اروپای شرقی چین			
۵۵	۳۲۵	۳۰۸۲۵	۹۱	۴۶۳	۱۷۶۷	جمع
۰۰۰	۰۰۰	۴۵	۰۰۰	۱۸	۲۷۵	افغانستان
۰۰۰	۵۰	۳۸۵	۰۰۰	۱۰۰	۲۳۶	الجزایر
۰۰۰	۳۰	۸۵	۰۰۰	۴۸	۲۶	آنگولا
۱۰	۵	۵	۵۲	۹	۱۳	مصر
۰۰۰	۱۵	۱۰۰۰	۰۰۰	۱۰	۷۵۰	اتیوپی
۰۰۰	۰۰۰	۲۱۵	۰۰۰	۰۰۰	۲۱۵	هند
۰۰۰	قابل اغماض	هیچ	۰۰۰	۵۰	۰۰۰	ایران
۰۰۰	۴۵	۶۱۰	۰۰۰	۳۳	۱	عراق
۰۰۰	۱۰۰	۷۸۵	۰۰۰	۵۴	۸۱	لیبی
۰۰۰	قابل اغماض	۱۳۵	۰۰۰	۲	۷۵	یمن جنوبی
۰۰۰	۳۵	۳۱۰	۰۰۰	۱۱۱	۹	سوریه
۴۵	۴۵	۲۵۰	۳۹	۲۸	۸۶	سایر کشورها

مهمترین و قاطع‌ترین فعالیت‌های این گونه‌ای مسکو، مانند سال ۱۹۷۷ در شاخ آفریقا صورت گرفت. اتیوپی که هنوز در مراحل ابتدایی تکامل تجهیزاتی خود به سر می‌برد، بیش از ۴۰ درصد فروشهای شوروی را به خود اختصاص داده و آن در حالی است که آدیس آبابا دومین اسکادران جنگنده‌های پیشرفته میگ ۲۳، صدها دستگاه تانک، نفر بره‌های زرهی، توپخانه سنگین، و تناژ عظیمی از مهمات و تجهیزات پشتیبانی لازم خود را از شوروی خریداری می‌نماید. قرار داد منعقدۀ جدید ۷۵۰ میلیون دلاری با اتیوپی ارزش کلی برنامه سه ساله نظامی شوروی در اتیوپی را به ۲ میلیارد دلار، یعنی شش برابر ارزش کمک‌های ارائه شده به کشور همجوار آن سوماتالی در طول روابط ۱۶ ساله مسکو با این کشور می‌رساند. حدود ۱۳۰۰ تکنیسین روسی و ۱۶۵۰۰ تکنیسین کوبائی وظایف آموزشی و تعمیر و نگهداری را در اتیوپی انجام می‌دهند، تا جذب تسلیحات یک میلیارد دلاری در اتیوپی به سهولت انجام گیرد و آدیس آبابا نیز حدود هزار نفر از پرسنل نظامی خود را به شوروی فرستاده است تا آموزشهای لازم را دریافت دارند. (S NF)

۴۰ درصد دیگر از فروشهای شوروی در سال ۱۹۷۸ به افغانستان، الجزایر و هند تعلق گرفت، در حالی که این کشورها قبلاً بیش از ۲۰ درصد فروشهای شوروی را به خود اختصاص نمی‌دادند. قراردادهای مربوط به افغانستان سبب شد که ۲۷۵ میلیون دلار هواپیماهایی پیچیده در اختیار رژیم نوپای مارکسیستی این کشور قرار گیرد و شرایط اعتبار نیز مانند دیگر قراردادهای شوروی با کابل سهل و آسان بوده است. قرارداد ۲۳۵ میلیون دلاری این کشور با الجزایر و قرارداد ۲۱۵ میلیون دلاری آن با هندوستان نیز ارائه تجهیزات لازم به این دو کشور در چند سال گذشته را تکمیل نمود. قراردادهای شوروی و هند سبب خواهد شد که هند بتواند اجازه مونتاژ و تولید جنگنده پیشرفته میگ ۲۱ را به دست آورد. در جهان سوم الجزایر دومین کشوری است که قرارداد مربوط به اکتساب میگ ۲۵ را منعقد ساخته و



تاکنون چند فروند از آنها را دریافت داشته است. علاوه بر این الجزایر همراه با عراق چند فروند هلیکوپتر می - ۲۴ را دریافت داشت که ارسال این هلیکوپترهای رزمی به جهان سوم برای اولین بار صورت گرفته است. دیگر هواپیماهایی که برای اولین بار به جهان سوم ارسال گردید عبارت است از تحویل هواپیماهای باری ۷۶ - IL به عراق (S NF).

در میان ۱۱ کشور باقیمانده‌ای که در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۹۰ میلیون دلار تسلیحات شوروی را خریداری کرده‌اند، لیبی ۸۰ میلیون دلار سلاح و یمن جنوبی نیز تقریباً معادل همین مقدار دریافت نمودند که نشانگر حرکت تازه مسکو در حمایت از دولتهای مارکسیست رادیکال نوپا می‌باشد. ارائه تسهیلات هوایی و دریایی توسط عدن در ازای دریافت جنگنده‌های میگ ۲۱ و تانکهای تی - ۶۲، مقداری از خسارات وارده به شوروی را در نتیجه از دست دادن سومالی جبران خواهد کرد. یک قرارداد ۵۵ میلیون دلاری با ماداگاسکار جهت دریافت جنگنده‌های شکاری میگ - ۲۱ و کمکهای آموزشی و فنی مهمترین قرارداد بزرگی است که این کشور کوچک با یک عرضه‌کننده تسلیحات خارجی منعقد ساخته است. (NFS)

#### ارزش سلاحهای کمونیستی

در تمام این رساله ارزش تسلیحات و محموله‌های فروخته شده با در نظر گرفتن قیمت صادراتی شوروی یعنی روبل (تبدیل آن به دلار با در نظر گرفتن قیمت تبدیل ارز) که این کشور برای کشورهای در حال توسعه تعیین کرده، مشخص می‌شود. این قیمتها در تمام انتشارات تجاری و کمکی استفاده خواهد شد چون (الف) در مقایسه سالانه فروش نظامی کمونیستی، (ب) مقایسه صدور تسلیحات در رابطه با کل صادرات کمونیستی ۷ و (ج) برآورد میزان قروض کشورهای در حال توسعه به کشورهای کمونیستی و نشان دادن تأثیر آن بر موازنه پرداختهای کشورهای در حال توسعه، مفید واقع می‌شود. ارزشهایی که جهت محاسبه قیمت‌های صادرات به کار می‌رود از فهرست قیمت‌های شوروی (که از منابع مختلف به دست آمده) و دائماً به خاطر تغییر ارزش دلاری روبل در معاملات تجاری خارجی جرح و تعدیل می‌گردد، به دست می‌آید. تحقیقات در حال انجام بر برآوردهای آتی هزینه پشتیبانیهای نظامی (به خصوص اردنانس و تعمیر و نگهداری پشتیبانی شامل: قطعات یدکی، کالاها، تجهیزات و ابزار مربوط به تعمیر سیستمهای تسلیحاتی در کشورهای خریدار، پیاده کردن و تعمیر در کشور فروشنده) تأثیر خواهد گذاشت. تغییرات این برآوردها می‌تواند در ارقام برآورد شده مربوط به فروشهای کمونیستی سالانه ۲۰-۱۵ درصد افزایش پدید آورد. (خیلی محرمانه)

گرچه قیمت‌های صادراتی کمونیستی مناسب منظور این رساله در برآورد فروشها و محموله‌های ارسالی به کشورهای در حال توسعه است، ولی مقیاس خوبی برای مقایسه معاملات تسلیحات بین کمونیستها و کشورهای روبرو شد؛ معاملات انجام شده با آمریکا و یا دیگر صادرکنندگان غربی نمی‌باشد، چون قیمت آنها در رابطه با قیمت‌های غربی تجهیزات مشابه تفاوت بسیار دارد. به منظور انجام این گونه مقایسات، ما بادر نظر گرفتن امکان خرید تجهیزات مشابه از آمریکا، هزینه‌های لازم را برآورد می‌کنیم. این سیستم هزینه‌یابی ارزش دلاری فروشها و محموله‌های کمونیستی را (براساس قیمت‌های صادراتی) همان طور که در جدول زیر در مورد شوروی نشان داده شده معادل یک چهارم افزایش می‌دهد. (طبقه‌بندی نشده).

با استفاده از هزینه تولید آمریکا، سهم شوروی در بازار فروش تسلیحات به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ معادل ۱۰ درصد گردید، که در سال ۱۹۷۷ معادل ۲۵ درصد و در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ معادل ۲۰ درصد بود. ولی ارسال محموله‌های شوروی ۳۰ درصد تسلیحات ارسالی در جهان را در سال گذشته تشکیل می‌داد، که از سال ۱۹۷۵ تقریباً در همین سطح باقیمانده است. (سری).

### الگوها در سال ۱۹۷۸

ما معمولاً به نوسانات سالانه فروشهای تسلیحاتی شوروی اهمیت بسیاری نمی‌دهیم، اغلب پس از فروشهای سالانه سنگین کاهشی پدید می‌آید و علت نیز این است که کشورهای در حال توسعه قراردادهای پیشین خود را کم می‌کنند و برای جذب تسلیحات مدرن در سیستم خود به وقت و زمان نیاز پیدا می‌کنند. کاهش شدید فروشها در سال ۱۹۷۸ و عدم توانایی این فروشها در رسیدن به سطح پیشین در شش ماهه اول سال ۱۹۷۹ ممکن است دارای اهمیت بیشتری باشد، چون (الف) مسکو تعدادی از مشتریان بزرگ خود را از دست داده؛ و (ب) مشتریان مهم شوروی در همین رابطه با غرب قراردادهایی امضاء کرده‌اند. (سری)

### جدول ۲

شوروی: فروش و ارسال تسلیحات به کشورهای در حال توسعه با احتساب قیمت صادراتی شوروی و هزینه تولید در آمریکا میلیون دلار کنونی آمریکا

	فروش، به ارز		مراسلات، به ارزش		
	هزینه تولید در آمریکا	قیمت صادراتی شوروی	هزینه تولید در آمریکا	قیمت صادراتی شوروی	
۱۹۷۴	۴۲۲۷	۴۶۹۵	۲۳۱۰	۲۵۶۷	
۱۹۷۵	۲۰۳۶	۲۶۷۲	۱۸۴۵	۲۴۲۲	
۱۹۷۶	۳۳۷۴	۴۲۳۲	۲۵۷۶	۳۲۲۹	
۱۹۷۷	۵۲۱۶	۶۱۶۷	۳۵۱۵	۴۱۵۷	
۱۹۷۸	۱۷۶۷	۲۲۹۹	۳۸۲۷	۴۹۸۲	

این جدول فاقد طبقه‌بندی است

به نظر ما پرو، مصر یا ایران در چند سال آتی تقاضاهای عمده‌ای نخواهند داشت. پرو که یک قرارداد ۶۵۵ میلیون دلاری در زمینه تسلیحات با شوروی منعقد ساخته بود. به علت ناراضی بودن از روش تعمیر و نگهداری روسی، در آینده نزدیک چیزی به قراردادهای خود نخواهد افزود؛ مصر نیز در همین رابطه اجتناب را پیشه خود ساخته و ایران که با یک قرارداد ۱/۴ میلیارد دلاری در طول یک دهه خواستار دریافت تجهیزات نیروی زمینی شده بود، در رابطه با فروشهای اضافی عکس‌العمل چندانی نشان نداده است. (S NF).

کاهش اخیر فروشها احتمالاً نشانگر این واقعیت است که تعدادی از مشتریان بزرگ به بازارهای دیگر تسلیحاتی روی آورده‌اند که این می‌تواند بر سطح آتی فروشهای شوروی تأثیر بگذارد. گرچه هنوز زمان ارزیابی تأثیرات درازمدت تغییر بازار این خریداران تسلیحات در کشورهای در حال توسعه نرسیده ولی

گرایش آنها به غرب برای شوروی در دو سال گذشته کاهش فروشی معادل ۴ میلیارد دلار را به همراه داشته است. کشورهای غربی که اشتیاق زیادی به جذب بازار فرار مسکو نشان داده‌اند، در رابطه با فروش هواپیماها که نیمی از فروش تسلیحاتی شوروی در سالهای ۷۸-۱۹۷۴ را تشکیل می‌داد، فعالیت بسیار به خرج داده‌اند. پیشرفتهای فنی غربی (به خصوص در رابطه با جت‌های جنگنده، هلیکوپتر و الکترونیک)، تمایل آنها به فروش تکنولوژی پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، و برتری آنها در ارائه خدمات و قطعات یدکی به خصوص در زمانی که مشتریان احتمالی دسترسی زیادی به دلارهای نفتی دارند، سبب بالا رفتن میزان رقابت عرضه‌کنندگان غربی شده است. امتیاز شوروی در رابطه با قیمت‌ها و شرایط فروش از بین رفته است. از زمان افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴، شوروی دیگر در رابطه با قیمت تسلیحات مدرن خود تخفیف عمده‌ای قائل نمی‌شود و در بعضی موارد قیمت تسلیحات روسی معادل قیمت آنها در بازار جهانی شده است. (سری).

عراق مهمترین نمونه مشتریان شوروی است که سعی کرده است منبع تأمین سلاح و وابستگی خود به تسلیحات شوروی را تغییر دهد. هند نیز در سال ۱۹۷۸ اولین خرید بزرگ خود را در غرب انجام داد، و سوریه نیز با شدت کمتری در همان طریق گام برداشته است. عدم توانایی عراق در انعقاد قراردادهای جدید تسلیحاتی با شوروی در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ تا حدودی ناشی از تشنجات سیاسی وی با مسکو و نیاز بغداد به زمان بیشتر جهت جذب تسلیحات ۱/۵ میلیارد دلاری سال ۱۹۷۶ می‌باشد از طرف دیگر بغداد معادل ۲ میلیارد دلار سلاح (که بخش اعظم آن را هواپیماهای فرانسوی تشکیل می‌داد) از غرب خریداری نمود که در گذشته این رقم نیز نصیب شوروی می‌شد. قراردادهای دیگری (به ارزش ۳-۱/۵ میلیارد دلار) جهت دریافت هواپیماها و تجهیزات دریایی با فرانسه منعقد خواهد شد که بازار فروش شوروی در عراق را با فرسایش بیشتری روبه‌رو خواهد کرد. حداقل وضعی که پیش خواهد آمد این است که تجهیزات غربی جایگزین خرید ۵ میلیارد دلاری عراق از کشورهای کمونیستی خواهد شد. ما انتظار داریم که عراق تجهیزات روسی بیشتری را دریافت دارد و تسلیحات مدرن روسی دیگری را به تسلیحات کمونیستی خریداری شده خود در دو دهه گذشته بیفزاید. خصوصاً اینکه عراق میل دارد تحویل سلاحها به سرعت صورت پذیرد. این سرعت ارسال که از مشخصات بارز سیاست تسلیحاتی شوروی است، بار دیگر با دریافت یک محموله ۶۰۰ میلیون دلاری توسط عراق در سال ۱۹۷۸ منعکس شده است. براساس قراردادهای پیشین حدود ۲۰۰ میلیون دلار سلاح دیگر باید به این کشور تحویل داده شود. (سری).

موضع مالی اخیراً تقویت شده هند و گرایشات وسیعتر سیاسیش سبب شد که وابستگی ۱۷ ساله این کشور به تسلیحات شوروی قطع شود. به همین دلیل، دهلی‌نو در سال ۱۹۷۸ جنگنده‌های جاگوار انگلیسی - فرانسوی را به ارزش ۱/۷ میلیارد دلار به جای میگ ۲۳ و سوخو ۲۰ روسی انتخاب کرد. این معامله که مهمترین خرید تسلیحاتی هند در غرب به شمار می‌آید، ممکن است چند سفارش مربوط به تجهیزات نیروی دریایی را نیز به دنبال داشته باشد، چون در حال حاضر هندپها پیرامون این موضوع در چند کشور غربی مذاکره را آغاز کرده‌اند. ارائه این سفارشات وسیع به غرب و افزایش اتکاء هند به صنعت تسلیحاتی خود سبب خواهد شد که فروشهای شوروی به هند کاهش یابد، گرچه حداقل انتظار ما این است که هند به خرید تجهیزات اصلی مورد نیاز خود از شوروی ادامه دهد. علاوه بر این هند در رابطه با صنعت تسلیحاتی خود به طرحها و عناصر بحرانی شوروی وابستگی بسیار خواهد داشت ارسال سریع

تجهیزات شوروی انگیزه‌ای برای تداوم خریدها خواهد بود، ولی تأخیر در فروش میگ ۲۳ بدین جهت که هند تا تحویل جنگنده‌های جاگوار سرگرم بماند. شرایطی چون باز پرداخت به رویه نیز انگیزه دیگری در این رابطه خواهد بود. (سری).

عدم موفقیت مسکو و سوریه در انعقاد یک قرارداد جدید در سال ۱۹۷۸ علیرغم کاهش یافتن قراردادهای مهم یک امر سیاسی به شمار می‌رود؛ معذالک، بهره‌برداری مسکو از تسلیحات به عنوان یک اسلحه سیاسی علیه سوریه سبب روی آوردن دمشق به دیگر منابع تسلیحاتی شده است. به دنبال کمک اقتصادی و کمک نظامی مستقیم ۶ میلیارد دلاری اوپک به سوریه نیز این امکان به وجود آمده است. در سال ۱۹۷۸، سوریه برای اولین بار چند خرید مهم در غرب انجام داد (که شامل ۳۰۰ میلیون دلار جهت دریافت سیستمهای موشکی میلان فرانسوی و موشکهای ضد تانک حرارتی بود). توافق سیاسی اخیر این کشور با عراق و ایجاد یک فرماندهی نظامی متمرکز احتمالاً توانایی مالی سوریه را جهت خرید از عرضه کنندگان غیر کمونیستی بالا خواهد برد و فروشهای شوروی به سوریه (که با ۴/۵ میلیارد دلار بزرگترین مشتری آن به شمار می‌رفت) محدود خواهد شد. (سری).

اگر عراق، سوریه، و هند در این رابطه هم سطح شوند، به استثناء لیبی هیچ یک از دیگر مشتریان مسکو نخواهد توانست این کاهش تقاضای کشورهای در حال توسعه را در رابطه با تسلیحات شوروی جبران نماید. لیبی که همراه با خریدهای بزرگ خود از عرضه کنندگان غربی، در پنج سال گذشته ۳ میلیارد دلار سلاح از شوروی خریداری کرده، به مسکو سفارشات را داده که به نظر ما ادامه خواهد داشت. مشتریان قدیمی شوروی نیز در روابط با تجهیزات مهم به شوروی وابسته خواهند بود. در میان اینها تنها الجزایر یک مشتری مهم به شمار می‌رود، که تاکنون خواستار دریافت ۲ میلیارد دلار تجهیزات شده است؛ افغانستان نیز در طول ۲۵ سال گذشته با کمتر از یک میلیارد دلار در رده بعدی قرار می‌گیرد و یمن جنوبی نیز سهمی معادل کمتر از نیم میلیون دلار دارد. مناطق جدید (به خصوص آفریقای مادون صحرا) به علت محدودیتهای مالی و ظرفیت جذب در رابطه با فروشهای شوروی اهمیت چندانی ندارند. (خیلی محرمانه).

#### عواید بازرگانی حاصله از این برنامه‌ها

با وجود اینکه ابتکارات اخیر شوروی مؤید تصمیم مسکو در استفاده از فروشهای نظامی به عنوان دستاویزی برای حضور در خاور میانه و منطقه اقیانوس هند است، مسکو به منافع اقتصادی حاصله از معاملات تسلیحاتی نیز واقف است؛ به طور مثال این کشور دائماً بر روی دولتهای عربی متنفذ کار کرده و در قابل سلاحهای خود از آنها ارز معتبر دریافت می‌دارد. این صادرات بخش عظیمی از کسری بودجه سالانه تجارت غیر نظامی شوروی با کشورهای در حال توسعه را از بین برده و توانایی مسکو را در به دست آوردن ارز معتبر افزایش می‌دهد. تقریباً تمام قراردادهایی که براساس تبادل سلاح در قبال کالا منعقد می‌شد اکنون جای خود را به سلاح در ازای دریافت ارز معتبر داده است، چون مشتریان صاحب نفت شوروی در ازای سلاحهای خریداری شده توسط خودشان و نیز کشورهای فقیرتر قادر به پرداخت ارز خارجی شده‌اند. عربستان سعودی و کویت پرداخت هزینه مالی خریدهای تسلیحاتی چند کشور عربی از جمله سوریه را تقبل کرده‌اند. تنها افغانستان، هند و چند خریدار کوچک در آفریقا و آسیا امتیاز

باز پرداخت به صورت ارز و یا کالای محلی را حفظ نموده‌اند. طبق برآورد ما در سالهای ۷۷-۱۹۷۴ فروش تسلیحاتی شوروی در ازای ارز معتبر ۱۲ میلیارد دلار (یعنی سه چهارم کل فروش) بوده است؛ در سال ۱۹۷۸، این میزان معادل ۱ میلیارد دلار یا ۶۰ درصد کل فروش نیز نشده است. به تصویر ۳ نگاه کنید (سری).

تصویر ۳. شوروی فروشهایی که در ازای ارز معتبر به صورت سهمی از فروش کلی نظامی به کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود

### خدمات فنی نظامی در سطح جدید

در سال ۱۹۷۸ برای دومین سال متوالی تعداد پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت. تقریباً سه چهارم ۵۲۰۰۰ مدرس، مستشار، تکنیسین و نظامی را کوباییهای مشغول به کار در آفریقای مادون صحرا تشکیل می‌دادند که بسیاری از آنها در رزم نیز شرکت می‌جستند (به جدول ۳ نگاه کنید). (طبقه‌بندی نشده).

اعزام ۱۵۵۰۰ کوبایی به اتیوپی در اوائل سال ۱۹۷۸ به منظور مقابله با نیروهای سومالی در اوگادن، شامل کل افزایش حضور نظامی کمونیستی در طول سال می‌باشد. بسیاری از این نظامیان از آنگولا به اتیوپی آورده شده بودند، حضور کوبا در آنگولا نیز با ورود ۱۹۰۰۰ کوبایی جایگزین به این کشور تأمین شد. نیروی کوبا در موزامبیک نیز (به ۸۰۰ نفر) بالغ گردیده، چون در ماه اکتبر چند صد نفر از نظامیان کوبایی مستقر در اتیوپی و آنگولا جهت تقویت بنیه دفاعی موزامبیک در برابر حملات مرزی مخرب رودزیا به این کشور وارد شدند. در این اثناء، گینه از تعداد کوباییها در کشور خود کاست، و تانزانیا علیرغم دریافت مقادیر زیادی تجهیزات روسی تا پایان سال حضور کوباییها را کاملاً از بین برد. (سری)

ورود شدید تسلیحات پیشرفته شوروی به کشورهای در حال توسعه آموزش پرسنل محلی را در رابطه با تعمیر و نگهداری و استفاده از تجهیزات، بدوش شوروی گذاشته است. در پایان سال ۱۹۷۸ تقریباً حدود ۱۹۰۰ نفر از پرسنل کشورهای در حال توسعه در شوروی دوره‌های آموزشی تخصصی را می‌گذراندند (که نیمی از آنها اهل اتیوپی بوده‌اند) (به جدول ۴ نگاه کنید). در همین حال، حدود ۱۸۰۰

روسی و ۱۳۰۰ پرسنل اروپای شرقی (۲۰ درصد بیش از تعداد سال ۱۹۷۷) در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند. در مقایسه با سالهای اخیر یعنی زمانی که بخش عظیمی از این نیروهای شوروی و اروپای شرقی در آفریقای سیاه به سر می‌بردند، بخش اعظم افزایش در رابطه با آفریقای شمالی و خاورمیانه و در رابطه با ارسال اولیه جنگنده‌های میگ - ۲۵ و هلیکوپترهای می - ۲۴ به الجزایر و لیبی و ارسال توپ ضد هوایی خود کششی ۲۳-۴ ZSU به یمن جنوبی صورت گرفته بود. (سری)

### جدول ۳

پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

تعداد افراد

دیگر کشورها	چین	کوبا	اروپای شرقی	شوروی	جمع	
۵۳۵	۶۸۰	۳۸۶۵۰	۱۳۰۰	۱۰۷۷۰	۵۱۹۳۵	جمع
۷۰	۰۰۰	۲۱۵	۴۵۰	۲۳۱۰	۳۰۴۵	شمال آفریقا
۴۰۵	۵۹۰	۳۷۲۷۵	۵۱۵	۳۳۰۰	۴۲۰۸۵	آفریقای مادون صحرا
۰۰۰	۰۰۰	۱۰	۰۰۰	۱۵۰	۱۶۰	آمریکای لاتین
۶۰	۰۰۰	۱۱۵۰	۳۳۵	۴۱۶۰	۵۷۰۵	خاورمیانه
۰۰۰	۹۰	۰۰۰	۰۰۰	۸۵۰	۹۴۰	جنوب آسیا

این جدول فاقد طبقه‌بندی است

### جدول ۴

تعداد پرسنل نظامی کشورهای در حال توسعه که در کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ به طی دوره‌های آموزشی مشغولند

تعداد افراد

چین	شوروی اروپای شرقی	جمع	
۵۰	۸۴۵	۱۹۲۵	۲۸۲۰
۰۰۰	۴۰	۵	۴۵
۲۵	۱۵۵	۱۴۴۰	۱۶۲۰
۰۰۰	۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۰۰۰	۶۵۰	۳۸۰	۱۰۳۰
۲۵	هیچ	هیچ	۲۵

کاهش موجود در ارتباط با آفریقای مادون صحرا از (الف) اخراج ۱۵۰۰ مستشار کمونیستی از سومالی در ماه نوامبر سال ۱۹۷۷؛ (ب) کاهش کمتر در گینه که سبب لغو قرارداد ۶۰ مستشار روسی گردید و (ج) کاهشهای بیشتر در تانزانیا که حضور شوروی را به تدریج کم می‌کرد، ناشی شده است لیکن تعداد این افراد در آنگولا و اتیوپی تقریباً بیشتر از دو برابر شده است؛ پرسنل اروپای شرقی در رابطه با امور امنیتی و اطلاعاتی فعالیت بسیار داشته‌اند. (سری).

برنامه کمک اقتصادی: در نقطه اوج

کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ تقریباً ۵/۴ میلیارد دلار به صورت کمک اقتصادی در اختیار جهان سوم قرار دادند که به این ترتیب کل کمکهای این گونه‌ای کشورهای کمونیستی از سال ۱۹۵۴ به این

سوالغ بر ۳۱ میلیارد دلار شده است، میزان تعهدات شوروی و اروپای شرقی در قبال این برنامه‌ها در اوج خود بود در حالی که کمکهای ۱۸۵ میلیون دلاری چین به ۱۶ کشور در حال توسعه در مقایسه با سال ۱۹۷۷ تغییر نکرده بود. (طبقه‌بندی نشده).

کمکهای بیسابقه ۳/۷ میلیارد دلاری مسکو در سال ۱۹۷۸ برای اولین بار برنامه سالانه آن را برابر با کمکهای سالانه آمریکا (۵-۴ میلیارد دلار) نمود. برخلاف کمکهای آمریکایی که توأم با کمکهای عظیم غذایی و سرمایه مورد نیاز جهت عمران زیربنایی است، کمکهای شوروی به طور کامل مربوط به پروژه‌های صنعتی بخش عمومی می‌شد. سیاستمداران شوروی نسبت به فشارهای اعمال شده از طرف اقتصاددانان جوانتر جهت اتخاذ یک روش جدید و پیچیده‌تر در رابطه با برنامه‌های عمرانی بی‌اعتنایی نشان داده‌اند. این روش که از طرف بعضی از اعضای جامعه کمک بین‌المللی حمایت می‌شود، خواستار کمک به عمران روستایی جهت برآوردن نیازهای اصلی انسانی است. شوروی به تقاضاهای کشورهای در حال توسعه در رابطه با کمکهای امتیازی بی‌اعتنایی نشان داده و هنوز نشانه‌ای دال بر نرم‌تر شدن شرایط کمکهای کمونیستی به دست نیامده است. گرچه کمکهای شوروی به مراکش از شرایط بهتری برخوردار بود، یعنی مدت بازپرداخت ۱۵ سال و سه سال پاداش با نرخ بهره ۳/۵ درصد در نظر گرفته شده بود، لیکن بخش اعظم قراردادهای ترکیه دارای مدت بازپرداخت ۱۰ ساله و نرخ بهره ۴/۵ درصد بوده است. قراردادهای اروپای شرقی نیز به همین ترتیب و مدت بازپرداخت آنها بین ۸ تا ۱۵ سال با نرخ بهره ۲/۵ تا ۶ درصد بوده است که احتمالاً اکثر طرفهای قرارداد از مدت بازپرداخت ۱۰ ساله و نرخ بهره ۴/۵ درصد که شاخص معمول کمکهای اروپای شرقی است استفاده می‌کنند. (خیلی محرمانه).

کمک ۱/۵ میلیارد دلاری اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ نسبت به کمکهای سالهای قبل چون ۱۹۷۷ بیش از نیم میلیون دلار افزایش یافته بود و آلمان شرقی با اعتباری معادل ۹۶۵ میلیون دلار نقش عمده‌ای را در این گروه ایفا کرده است. (SNF).

تصویر ۴:

قراردادهای اقتصادی کمونیستی و ارسال آنها به کشورهای در حال توسعه

## شوروی: رکورد سال در ارائه کمکها

کمک اقتصادی ۳/۷ میلیارد دلاری شوروی در سال ۱۹۷۸ نسبت به سال ۱۹۷۵ معادل ۹۰ درصد افزایش داشت و کل کمکهای ۲۴ ساله شوروی را به سطح ۱۷ میلیارد دلار رساند (به جدول ۵ نگاه کنید). (طبقه‌بندی نشده).

اعتبارهای عظیم داده شده به دو کشور دارای تمایلات غربی یعنی ترکیه و مراکش (که ۹۰ درصد کمک اقتصادی شوروی در سال ۱۹۷۸ را به خود اختصاص داده‌اند)، سبب بالا رفتن میزان کمکهای شوروی که در ده سال قبل از سال ۱۹۷۷ در سطح کمتری قرار داشت گردید.

اعتبارهای داده شده به ترکیه و مراکش براساس چهارچوب توافقیهای انجام شده صادر گردیده‌اند: قرارداد مربوط به مراکش در سال ۱۹۷۸ منعقد گردید، لیکن کمکهای مربوط به ترکیه در ادامه قرارداد سال ۱۹۷۵ به این کشور اعطا شده است. اصولاً این قراردادها نقاط همکاریهای اقتصادی و فنی را مشخص کرده، ولی مقدار کمک مختص هر برنامه را تعیین نمی‌کند، پس از کامل شدن مطالعات تک تک پروژه‌ها، قراردادهای جدیدی امضاء می‌شود که شرایط مالی نیز از جنبه اعتبارهای بازرگانی تا توافقیهای امتیازاتی تغییر می‌نماید. در چند سال گذشته شوروی بارها این‌گونه قراردادهای فاقد محدودیت زمانی که در آنها اختصاص کمک مدتهای مدید ادامه می‌یابد را امضاء کرده است. (خیلی محرمانه)

## جدول ۵

کمک اقتصادی کمونیستی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ میلیون دلار آمریکا

چین	اروپای شرقی (کل بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، مجارستان، لهستان، رومانی)						شوروی	جمع		
۱۸۴	۱۶۲	۲۳	۵۳	۹۶۳	۲۴۵	۵۶	۱۵۰۲	۳۷۰۷	۵۳۹۴	جمع
۷۱	۱۵۲	۲۳	۱۹	۳۰۷	۱۰۵	۲۱	۶۲۷	۲۰۱۱	۲۷۰۸	آفریقا
۲۰	۵۰	۱۴	...	۲۱	۲۵	...	۱۱۰	۲۰۰۰	۲۱۳۰	شمال آفریقا
۲۰	۵۰	۱۴	...	...	۲۵	...	۸۹	۲۰۰۰	۲۱۰۹	مراکش
...	...	...	...	۲۱	...	...	۲۱	...	۲۱	تونس
۵۱	۱۰۲	۹	۱۹	۲۸۶	۸۰	۲۱	۵۱۷	۱۱	۵۷۸	آفریقای مادون صحرا
...	۷۵	۱	...	هیچ	...	...	۷۶	۱	۷۷	آنگولا
...	۲۶	قابل اغماض	۹	۲۰۶	۴۵	۲۱	۳۰۶	قابل اغماض	۳۰۶	اتیوپی
...	...	...	...	۴۲	...	...	۴۲	...	۴۲	غنا
۱۸	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۸	سومالی
قابل اغماض	...	...	...	قابل اغماض	۲۴	...	۲۴	...	۲۵	سودان
...	...	۸	۱۰	۱۲	...	...	۳۰	...	۳۰	تانزانیا
۲۶	...	...	...	۲۲	...	...	۲۲	...	۴۹	اوگاندا
۷	۱	...	...	۴	۱۱	...	۱۷	۱۰	۳۱	سایر کشورها
هیچ	...	...	...	۳۰	۱۴۰	...	۱۷۰	...	۱۷۰	شرق آسیا
...	...	...	...	...	۱۴۰	...	۱۴۰	...	۱۴۰	برمه
...	...	...	...	۳۰	...	...	۳۰	...	۳۰	فیلیپین
...	...	...	...	...	...	...	...	...	هیچ	تایلند
۲	۱۰	...	۲۸	۲۰۶	...	...	۲۴۴	۱۵	۲۶۱	آمریکای لاتین
...	...	...	...	۲۰۰	...	...	۲۰۰	...	۲۰۰	برزیل
۲	...	...	۲۸	...	...	...	۲۸	...	۳۰	جامائیکا
...	۱۰	...	...	۶	...	...	۱۶	۱۵	۳۱	سایر کشورها
۲۷	...	...	۶	۴۰۰	...	۳۵	۴۴۱	۱۳۹۹	۱۸۶۷	خاورمیانه
۲۲	...	...	...	...	...	...	...	۳۸	۶۰	یمن شمالی
۵	...	...	۶	هیچ	...	...	۶	۹۰	۱۰۱	یمن جنوبی
...	...	...	...	۳۵۰	...	...	۳۵۰	...	۳۵۰	سوریه
...	...	...	...	۵۰	...	۳۵	۸۵	۱۲۷۰	۱۳۵۵	ترکیه
۸۵	...	...	...	۲۰	...	...	۲۰	۲۸۳	۲۸۸	جنوب آسیا
۲۵	...	...	...	...	...	...	...	۲۲۵	۲۵۰	پاکستان
۶۰	...	...	...	۲۰	...	...	۲۰	۵۸	۱۳۸	سرلانکا

این جدول سری و غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است.



کمک ۱/۳ میلیارد دلاری این کشور به ترکیه جهت توسعه کارخانه‌های روسی آلومینیم و آهن و احداث نیروگاه و یک پالایشگاه جدید، میزان کمک‌های شوروی به این کشور را دو برابر کرده، که در پاسخ به بحران مالی آنکارا این کار انجام شده است.\*

برنامه ماهیگیری شوروی در کشورهای در حال توسعه در گسترش حوزه عملیات ماهیگیری شوروی بسیار موفق آمیز بوده است. در ازای کمک ۲۶۰ میلیون دلاری به ۴۰ صنعت ماهیگیری جهان سوم، شوروی امتیاز استفاده از تسهیلات خشکی و ماهیگیری را به دست آورده است و سبب شده است که ناوگانهای ماهیگیری آن کشور به صورت مدرن‌ترین و عظیم‌ترین ناوگانهای موجود در دریاهای آزاد در آید. به طور مثال، میزان صید شوروی در سال ۱۹۷۶ (۱/۳ میلیون تن) از آبهای غرب آفریقا با صید تمام کشورهای آفریقای غربی به تنهایی برابری می‌کرد. در همان سال شوروی ۴۷۰۰۰۰ تن ماهی به ارزش ۱۳۰ میلیون دلار به خارج صادر نمود. (طبقه بندی نشده).

علیرغم خودکفایی بسیار مسکو در رابطه با کبالت، عدم ثبات زئیر (که یکی از تولیدکنندگان مهم کبالت بشمار می‌آید) سبب شده که چند خرید دراز مدت با تولیدکنندگان آفریقایی کبالت منعقد گردد. مسکو به نیویوم آهن دار و منگنز جهت استفاده در صنعت فولاد و نیز محصولات آهن و فولاد علاقه نشان داده است. طرحهای شوروی در رابطه با گسترش استخراج سنگ آهن به خاطر کیفیت آن دچار وقفه شده است. در رابطه با تأمین نیازهای داخلی و کمبودهای پیش آمده، مسکو به اروپای شرقی اطلاع داده که نمی‌تواند نیازهای روزافزون آنها را به سنگ آهن برآورده سازد. با وجود اینکه شوروی مهمترین صادرکننده سنگ آهن است، ولی در هند به مبادله نفت و سنگ آهن پرداخته و براساس یک قرارداد منعقد قرار شده است که سالانه ۲۷۰۰۰ تن آهن خام و فولاد از کارخانه ذوب آهن ساخت شوروی در کراچی پاکستان دریافت دارد. علاوه بر این مسکو مجتمع ۳ میلیون تنی ذوب آهنی که قرار است در هند بسازد فولاد وارد خواهد کرد و از دیگر کارخانه‌های ساخت شوروی در هند نیز وارداتی خواهد داشت. با کاهش رشد ظرفیت فولاد شوروی که با افزایش هزینه عملیاتی و گسترش همراه است شوروی دیگر دارای امتیاز صادرکننده خالص فولاد نمی‌باشد. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶، مسکو میزان واردات فولاد نورد شده خود را دو برابر کرد. نیاز این کشور به فولادهای دارای مقاومت بسیار افزایش می‌یابد، چون در رابطه با پروژه‌های عظیم سیبری مورد نیاز می‌باشند. (خیلی محرمانه).

به طور کلی، پیشنهاد شوروی در رابطه با سرمایه‌گذاری در برنامه‌های عمرانی پرخرج عمومی با استقبال گرم کشورهای جهان سوم که مایل به پیشرفت هستند روبه رو بوده است. کشورهای در حال توسعه نیز در ازای این برنامه‌ها منابعی را دراز مدت به شوروی اختصاص داده‌اند تا بدین ترتیب انگیزه لازم برای پیشرفت پروژه‌ها را فراهم آورده باشند. (طبقه بندی نشده).

#### خدمات فنی: وسیله جذب ارز

برنامه خدمات فنی کمونیستی که یکی از شاخه‌های سودبخش برنامه کمکی است با ارسال ۱۰۸۰۰۰ تکنیسین کمونیستی به کشورهای در حال توسعه که ۲۰۰۰ نفر بیش از تعداد آنها در سال ۱۹۷۷ است، در سال ۱۹۷۸ به سیر صعودی خود همچنان ادامه داده است. (به جدول ۶ نگاه کنید).

این خدمات هم از طریق برنامه‌های کمکی و هم از طریق قراردادهای بازرگانی در اختیار ۷۷ کشور قرار داده شده است، بخش عمده افزایش مربوط به پرسنل اروپای شرقی (۹۰۰۰ نفر) بوده که در چهار سال گذشته نیز سهم عمده‌ای در ارائه کمکهای فنی کمونیستی داشته است؛ حضور کوبا به دو برابر و بیش از ۱۲۵۰۰ نفر رسید؛ و شوروی نیز به تعداد تکنیسینهای خود در این نقاط ۵۰۰۰ نفر دیگر اضافه کرد؛ چین که مشغول احداث مهمترین پروژه‌های راهسازی رواندا و سودان بوده است، برای اولین بار در هفت سال گذشته تعداد پرسنل موجود خود در آفریقای مادون صحرا به کمتر از ۲۰۰۰۰ نفر کاهش داد. این مسئله ۱۰ درصد کاهش کلی برنامه‌های چین را در بر می‌گیرد. (طبقه‌بندی نشده).

تمرکز پرسنل شوروی و اروپای شرقی در کشورهای نفت خیز با حضور ۳۲۵۰۰ پرسنل اروپای شرقی و ۱۴۰۰۰ پرسنل شوروی در الجزایر، لیبی، ایران، عراق و کویت بیش از پیش چشمگیرتر شده است. تقریباً نیمی از پرسنل اروپای شرقی (۲۲۰۰۰ نفر) مستقر در خارج در لیبی به سر می‌برند و الجزایر و سوریه نیز در رابطه با دریافت این خدمات مقامهای بعدی را دارا بوده‌اند، در بعضی از موارد هزینه مالی مربوط به این خدمات از طریق برنامه‌های کمکی تأمین می‌گردد؛ در موارد دیگر به خصوص در مورد خدمات غیر پروژه‌ای، شوروی در ازای آنها ارز معتبر دریافت می‌دارد. شوروی در سال ۱۹۷۸ از این طریق احتمالاً معادل ۱۵۰ میلیون دلار به دست آورده است. تعداد زیادی از تکنیسینهای اروپای شرقی براساس قراردادهای بازرگانی، در ازای پرداخت ارز معتبر استخدام شده‌اند که در سال ۱۹۷۸ معادل ۵۰۰ میلیون دلار نصیب اروپای شرقی نمودند. به طور مثال، خدمات بلغارستان به لیبی معادل ۱۱۵ میلیون دلار برآورد شده بود که از کل صادرات بلغارستان به لیبی که معادل ۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بوده فراتر رفت. طبق گزارش مجارستان این کشور نیز از طریق برنامه خدمات خود به جهان سوم سالانه ۵۰ میلیون دلار به دست می‌آورد. (سرّی).

## جدول ۶

تکنیسینهای اقتصادی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

جمع	شوروی	اروپای شرقی	چین	کوبا	کره شمالی	تعداد افراد
جمع	۱۰۷۹۹۵	۲۷۶۲۰	۴۵۰۳۵	۲۲۰۰۵	۱۲۵۲۵	۸۱۰
شمال آفریقا	۳۸۰۳۰	۶۶۸۰	۲۹۴۸۵	۷۱۵	۴۵۰	۷۰۰
آفریقای مادون صحرا	۳۷۳۲۰	۴۸۹۵	۲۷۴۵	۱۸۶۱۵	۱۰۹۷۰	۹۵
شرق آسیا	۲۲۰	۳۵	۵۰	۱۳۵	...	...
اروپا	۱۵۵	۰۰	۳۰	۱۲۵	...	...
آمریکای لاتین	۱۰۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۱۶۰	۱۹۰	...
خاورمیانه	۲۵۸۹۵	۱۱۸۸۵	۱۲۰۰۵	۱۰۷۵	۹۱۵	۱۵
جنوب آسیا	۵۳۲۵	۳۷۷۵	۳۷۰	۱۱۸۰	...	...

۱- حداقل برآورد مربوط به یک ماه یا بیشتر، ارقام فاقد اعشارند تا به عدد ۵ نزدیکتر باشند.  
این جدول سرّی و غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است.

میزان حقوق‌های بالا و رو به افزایش در سه سال گذشته خدمات فنی را توأم با سودهای سرشار نموده است. حرفه‌ای‌های چکسلواکی و لهستان بیشترین حقوق (ماهانه ۲۵۰۰ دلار) را دریافت داشته ولی پرسنل بلغارستان ماهانه فقط حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار دریافت می‌کنند. حقوق و دستمزد هر پرسنل روسی در رابطه با هر یک از کشورهای در حال توسعه فرق می‌کند. علیرغم امتیازاتی که شوروی در رابطه با پرداخت دستمزد پرسنل خود قائل می‌شود، چند کشور آفریقایی از خطر تحمیل تکنیسینهای شوروی بر روی اقتصادی خود شکوه نموده‌اند. گرچه ما شواهدی دال بر افراطی بودن میزان حقوق پرسنل روسی نداریم، ولی چاد و گینه در یک مشاجره مربوط به هزینه‌ها از تجدید قراردادهای بعضی از تکنیسینهای روسی امتناع ورزیده‌اند. (سری)

کشورهای خاورمیانه بیشترین تعداد تکنیسینهای روسی (۱۱۸۸۵ نفر) را به کار گرفته‌اند تعداد افرادی که شامل ۴۵ درصد پرسنل موجود این کشور در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. نیروی حاضر شوروی در آفریقا به مقدار ناچیزی کمتر از آن بوده است؛ ۷۰ درصد این گونه پرسنل مستقر در آفریقا بجای اشتغال در پروژه‌ها به انجام خدمات حرفه‌ای مشغول بوده‌اند، در حالی که تعداد این گونه افراد در خاورمیانه بیش از ۱۵ - ۱۰ درصد نبوده است. معنی آن این است که آفریقا تقریباً ۸۵ درصد از ۱۶۰۰ پزشک و ۴۵۰۰ معلم روسی مستقر در کشورهای در حال توسعه را در سال ۱۹۷۸ جذب کرده و تقریباً نیمی از ۲۱۰۰ زمین شناس روسی مستقر در جهان سوم را در نقاط مختلف به کار گرفته است. از طرف دیگر مشتریان خاورمیانه‌ای و آسیای جنوبی شوروی سه چهارم ۱۸۲۰۰ پرسنل مشغول به کار در پروژه‌های عمرانی همچون ۲۲۵ پزشک، ۷۵۰ معلم و ۱۲۰۰ زمین شناس را پذیرفته‌اند. تمام ۳۵۰ پرسنل روسی مستقر در آمریکای لاتین در رابطه با پروژه‌های عمرانی مشغول به کار می‌باشند. (خیلی محرمانه)

کوبا نیز به حمایت خود از ابتکارات شوروی در جهان سوم ادامه داد و تلاشهای فنی خود را در بازارهای ارز معتبر گسترش و در همان حال حضور خود در جنوب آفریقا را در سال ۱۹۷۸ نیز افزایش داد. به طور مثال، الجزایر، لیبی و عراق در طول همین سال حدود ۹۰۰ پزشک کوبایی را جهت کار پذیرفتند. خدمات ارائه شده به مناطق جدید، همراه با مضاعف شدن پرسنل مستقر در آفریقای مادون صحرا حضور اقتصادی کوبا را به ۱۲۵۰۰ نفر رسانید. از این تعداد حداقل ۳۰۰۰ نفر پزشک و ۲۰۰۰ نفر آنان معلم بودند که بنا بر گفته مقامات کوبایی در سال ۱۹۷۸ معادل ۵۰ میلیون دلار ارز نصیب این کشور نمودند. بقیه این پرسنل را کارگران ساختمان مشغول به کار در پروژه‌های زیر بنایی تشکیل می‌داده‌اند. (خیلی محرمانه).

تعداد بیشتری از پرسنل جدید کوبایی در نتیجه تغییر گرایش آنگولا در استفاده از نیروهای غیر نظامی به جای نیروهای نظامی و با گسترش کارهای ساختمانی موزامبیک براساس قراردادهای منعقد در سال مزبور به آنگولا و موزامبیک روانه شدند. تعداد این پرسنل در سال ۱۹۷۹ افزایش و در پایان سال به سطح بیش از ۱۰۰۰۰ نفر بالغ خواهد گردید. علیرغم شکوه‌های هر دو کشور در مورد کیفیت و بعضاً در مورد درستی و امانتداری کادر کوبایی، افزایش تعداد آنها ادامه می‌یابد. افزایش اخیر دستمزدها (که این دستمزدهای ماهانه بین ۲۵۰ تا ۸۵۰ دلار است و دستمزد پزشکان در الجزایر حدود ۳۰۰۰ دلار در ماه گزارش شده است)، ظاهراً به این معنی است که استخدام کوباییها به عنوان یک اقدام اقتصادی جذابیت

خود را از دست خواهد داد. بنا به گزارشهای رسیده، کوبا در سالهای اولیه این برنامه بسیاری از خدمات را به طور مجانی ارائه می‌کرد و کشورهای دریافت‌کننده فقط هزینه‌های محلی و پرداخت یک هزینه مختصر (۳۰ تا ۵۰ دلار در ماه) را به عهده می‌گرفتند. (سری)

کوبا علیرغم کمبود منابع نیروی انسانی داخلی، به قراردادهای ساختمانی در عراق و لیبی تن داده و امیدوار است که در سال ۱۹۷۹ از این طریق ۱۵۰ میلیون دلار از کشورهای تولیدکننده نفت به دست آورد. (طبقه‌بندی نشده).

چین در سال ۱۹۷۸ براساس این قرارداد منعقد با کویت جهت احداث ۴۰۰۰ واحد مسکونی، اولین خدمات بازرگانی خود را ارائه نمود. در صورتی که این قرارداد کویتی موافق چشمداشت چین در تأمین ارز معتبر باشد، پکن سعی خواهد کرد با ارائه شرایط رقابت‌آمیز این‌گونه خدمات خود را در سطح جهان گسترش دهد. در همین حال، پکن بسیاری از خدمات خود را در ازای حقوقهای ناچیز ۳۰ تا ۱۰۰ دلار در ماه به اضافه مخارج محل هر تکنیسین براساس قراردادهای کمکی دریافت نموده است. در سال ۱۹۷۹ به دنبال پروژه بندری موریتانی و جاده‌سازی ماداگاسکار تعداد تکنیسینهای چینی به سطح چند هزار نفر خواهد رسید. (S NF).

#### آموزش فنی: تلاشی روزافزون

کشورهای کمونیست در بخشی از برنامه خدمات فنی به آموزش افراد محلی کشورها مبادرت ورزیده‌اند تا مدیریت پروژه‌های عمرانی را به دست آنها بسپارند. با بیشتر شدن کارایی و کمتر شدن هزینه آموزش درون کشوری، مسکو به تدریج از تعداد پرسنلی که جهت آموزش به شوروی گسیل می‌شدند کاسته است. تنها حدود ۳۳۰۰ دانشجوی فنی از مهمترین مشترکان کمونیستی کشورهای عربی و آسیای جنوبی در سال ۱۹۷۸ به کشورهای کمونیستی روانه شدند و جمع کل آموزش یافتگان از ابتدای برنامه به ۴۸۰۰۰ نفر رسید. در همین حال، شوروی به یک برنامه آموزش در حین کار مبادرت ورزید که ۵۵۰۰۰۰ تبعه مختلف و ۶۰۰۰۰ نفر افغانستانی را در بر می‌گیرد. (طبقه‌بندی نشده).

کوبا نیز برنامه آموزشی وسیع خود را با پذیرش ۱۵۰۰ کودک دبستانی از اتیوپی و ۱۲۰۰ کودک دبستانی از موزامبیک در محل جدیدی در جزیره پاینز که ظرفیت پذیرش ۲۰۰۰۰ دانشجوی را خواهد داشت، آغاز کرده است. (طبقه‌بندی نشده).

#### دانشجویان آکادمیک: یک سرمایه‌گذاری کم خرج

مسکو در دو دهه گذشته احتمالاً معادل ۱ میلیارد دلار در مورد آموزش دانشجویی جهان سوم در شوروی مصرف کرده است و به منظور حمایت و آموزش هر یک از دانشجویان کشورهای در حال رشد سالانه ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار خرج می‌کند. کمک هزینه‌های اروپای شرقی در هر سال برای یک دانشجوی آکادمیک معادل ۶۰۰۰ دلار و برای رشته‌های مهندسی ۴۵۰۰ دلار می‌باشد. (سری).

در سال ۱۹۷۸ تعداد ملیتهای کشورهای در حال توسعه در شوروی و اروپای شرقی به بیش از روسی (۱۱۸۸۵ نفر) را به کار گرفته‌اند ۴۵۰۰۰ نفر رسید، چون ۸۷۰۰ دانشجوی جدید جهت انجام تحصیل به این کشورها وارد شده‌اند (به جدول ۷ نگاه کنید). ۲۶۵۰۰ دانشجوی جهان سوم تقریباً نیمی از کرسه‌های

مربوط به دانشجویان خارجی را اشغال کرده‌اند و براساس برنامه شوروی جهت افزایش ثبات نام دانشجویان کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۰، این تعداد به میزان یک سوم افزایش خواهد یافت. دانشجویان آفریقایی که در شوروی و اروپای شرقی اکثریت را تشکیل می‌دهند، بالغ بر ۲۳۵۰۰ نفر یعنی معادل نیمی از دانشجویان کشورهای در حال توسعه در نهادهای کمونیستی می‌باشند. (خیلی محرمانه).

### جدول ۷

تعداد دانشجویان کشورهای رو ب رشد که تا دسامبر ۱۹۷۸ در کشورهای

کمونیستی مشغول گذراندن دوره‌های آموزشی بوده‌اند. تعداد افراد

چین	اروپای شرقی	شوروی	جمع	
۲۶۰	۱۸۵۶۰	۲۶۴۴۵	۴۵۲۶۵	جمع
۲۰	۱۵۲۰	۲۰۳۵	۳۵۷۵	شمال آفریقا
۱۴۰	۸۲۳۵	۱۱۶۰۰	۱۹۹۷۵	آفریقای مادون صحرا
۰۰۰	۱۰	۲۵	۳۵	شرق آسیا
۵	۵	۱۰	۲۰	اروپا
۰۰۰	۱۸۹۰	۲۷۶۰	۴۶۵۰	آمریکای لاتین
۱۵	۵۵۲۵	۶۶۱۵	۱۲۱۵۵	خاورمیانه
۸۰	۱۳۷۵	۳۴۰۰	۴۸۵۵	جنوب آسیا

این جدول سرّی و غیر قابل رویت برای بیگانگان است.

تصویر ۶: آفریقا

قراردادهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد - ۱۹۷۸

ضمیمه

کشورهای منتخب

آفریقای شمالی

کلی

انتقال سلاحها و قراردادهای جدید کمک اقتصادی کمونیستی با کشورهای آفریقای شمالی در سال ۱۹۷۸ به اوج خود رسید و این منطقه برای اولین بار در زمره مشتریان کمکهای اقتصادی و نظامی کمونیستی درآمد. این برنامه عبارتند از: (الف) عظیمترین قرارداد مسکو با یکی از کشورهای در حال توسعه (مراکش، (ب) نقطه اوج کمکهای فنی نظامی و اقتصادی، و (ج) قراردادهای مربوط به ارسال جنگندههای پیشرفته میگ ۲۵ به الجزایر و لیبی، که اولین هواپیماهای پیشرفته می باشند که در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار گرفته اند. تشنجهای جدید ناشی از قرارداد کمپ دیوید و عدم موفقیت در دستیابی به یک راه حل در صحرای غربی سبب گردید که الجزایر و لیبی نیز متقاضی دریافت سلاحهای مدرن شدند. (خیلی محرمانه).

علیرغم کاهش ارزش قراردادهای جدید در سال ۱۹۷۸، تحویل سلاح به آفریقای شمالی افزایش

یافت، و تعداد مشاورین فنی کمونیستی تقریباً دو برابر گردید. بخش اعظم افزایش در لیبی که چهارمین مشتری بزرگ سلاح‌های شوروی است و بعد از اتیوپی از نظر حضور فنی شوروی دومین کشور است، صورت گرفته است. علاقه مسکو به گسترش روابط تجاری با آفریقای شمالی نشانگر قرارداد ۲ میلیارد دلاری فسفات با مراکش است. (طبقه‌بندی نشده).

### الجزایر

قرارداد ۲۳۵ میلیون دلاری این کشور با شوروی جهت دریافت پیشرفته‌ترین جت جنگنده مسکو یعنی میگ ۲۵ شاخص روابط الجزیره با جهان کمونیستی در سال ۱۹۷۸ است. رهبریت جدید الجزایر که پس از رئیس‌جمهور فقید بومدین قدرت را به دست گرفت مواضع پیشین رادیکال خود را در رابطه با امور آفریقای شمالی و خاورمیانه تأیید نمود و با صدور اجازه استفاده از بندر مرز الکبیر Mersel-Kebir توسط کشتیها و اسکادران شوروی در مدیترانه گامی دیگر به شوروی نزدیکتر گردید. میزان سلاح‌های تحویلی نشانگر توافق بی‌چون و چرای مسکو با الجزایر در مورد اختلافات این کشور با مراکش و موریتانی بر سر صحرای غربی است. میزان این تسلیحات تحویلی در سال ۱۹۷۸ به ۳۹۰ میلیون دلار رسیده و شامل اولین فروندهای میگ ۲۵، هلیکوپترهای می-۲۴، نفربرهای زرهی، توپهای خودکششی، موشکهای زمین به هوا، و ناوچه‌های رزمی اوزا-۲ می‌باشد. (S NF NC).

انتقال جت‌های جنگنده میگ ۲۱ و میگ ۲۳، هلیکوپتر، سیستم‌های دفاع هوایی، تجهیزات نیروی زمینی، و اسکورتهای نیروی دریایی ادامه یافت و ۴۰۰ نظامی دیگر شوروی در سال ۱۹۷۸ به الجزایر روانه شدند که تعداد کل آنها در این کشور به ۱۰۰۰ نفر رسیده است. علی‌رغم افزایش یافتن پرسنل مستشاری، ناظران غربی در مورد توانایی الجزایر در استفاده مؤثر از این سلاحها تردید داشته و پیش‌بینی می‌کنند که این کشور در زمینه این‌گونه خدمات یک وابستگی درازمدت به شوروی پیدا خواهد کرد. (S NF NC).

الجزایر با بلغارستان نیز یک قرارداد ۱۰۰ میلیون دلاری جهت خرید مهمات امضاء کرد، که از جمله مهمترین قراردادهای نظامی صوفیه با یک کشور جهان سوم به شمار می‌آید. (S NF NC).

توجه روزافزون الجزایر به آموزش و تکنولوژی غربی و قبول وام‌های عمرانی غربی مقداری از نفوذ مسکو را در امور اقتصادی این کشور کاهش داده است. با این وصف شوروی هنوز هم فعالانه برنامه‌های خود را دنبال می‌کند. این کشور بر اساس اعتبار ۲۹۰ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۷۷ مطالعات خود را جهت احداث یک مجتمع آلومینیم و یک مجتمع معدنی و فلزشناسی و احتمالاً ایجاد یک کارخانه ذوب آهن دیگر آغاز کرده است، در حالی که شوروی میل ندارد در حال حاضر اقدام به احداث کارخانه ذوب آهن جدیدی بنماید. شوروی همچنین توافق کرده است که ۲۲۵۰۰ خانه مسکونی در الجزیره، اوران‌واسکیدا ساخته و در سال ۱۹۸۱ یک کارخانه تولید خانه‌های پیش ساخته نیز احداث نماید. در مورد گفتگوهای به عمل آمده بر اساس چهارچوبه قرارداد ژانویه ۱۹۷۶ که قرار بود یک مجتمع ماشین‌آلات سنگین برقی، یک سد و یک پروژه آبیاری، یک پالایشگاه احداث و انجام شود، اقدامات جدیدی تاکنون صورت نگرفته است. (طبقه‌بندی نشده).

در همین حال، کار مربوط به نصب دومین کوره محترقه در کارخانه ذوب آهن عنابه (Annaba) که

قریب به ۴۵ در صید برنامه کمک ۷۱۵ میلیون دلاری شوروی در الجزایر را تشکیل می‌دهد، ادامه دارد. کمک عمرانی ۵۲۵ میلیون دلاری اروپای شرقی نیز همانند کمکهای شوروی دارای اهمیت بوده و گفته می‌شود که در بسیاری موارد الجزایر تکنولوژی اروپای شرقی را به تکنولوژی شوروی ترجیح می‌دهد. کشورهای اروپای شرقی نیز وارد کارهایی مانند ساختن منازل مسکونی شده‌اند، که الجزایر در این باره یک برنامه ضربتی را در مد نظر قرار داده است. به‌طور مثال مجارستان توافق کرده است که محل سکونت یک کارخانه ساختمان‌سازی عمومی را که ۵۰۰ خانه در عنابه خواهد ساخت طرح ریزی نماید و لهستان و الجزایر با تشکیل کنسرسیومی براساس برنامه‌های دولت الجزایر سالانه ۱۰۰۰۰۰ واحد مسکونی ایجاد خواهند کرد. در این رابطه ورشو مصالح ساختمانی، تجهیزات، و خدمات مهندسی لازم را در اختیار الجزایر قرار خواهد داد. مهمترین پروژه‌های دیگر لهستان عبارتند از یک کارخانه تولید اسید سولفویک و یک کارخانه ۵۰۰۰۰۰ تنی سیمان، بنا به گزارشهای شرکت‌های لهستانی در مورد قرارداد ۷۵۰ میلیون دلاری کشتی‌سازی مرز الکبیر مشغول به کار بوده و هم اکنون این کشور یک کارخانه کشتی‌سازی ما در ایجاد کرده که دو سال قبل وارد مرحله تولید شده است. چکسلواکی و آلمان شرقی بر روی کارخانه‌های فولادسازی و بلغارستان در ساختن سد و پروژه‌های آبیاری مشغول به کار بوده‌اند (طبقه‌بندی نشده). تعداد پرسنل اقتصادی کمونیستی در الجزایر به ۱۱۷۵۰ نفر رسید که ۶۰۰۰ نفر آنها روسی و مهمترین نیروی پرسنلی شوروی در جهان سوم به شمار می‌آیند. حدود ۵۵۰۰ پرسنل اروپای شرقی در الجزایر و در سمت‌های اداری به صورت معلم و پزشک مشغول به کار بودند. کوباییها نیز برای اولین بار به دیگر تکنیسینهای کمونیستی پیوسته و ۵۰ پرسنل پزشکی کوبایی براساس قرارداد منعقد در اواسط سال وارد این کشور گردیدند. حدود ۳۰۰ نفر پرسنل چینی در بخش کشاورزی کار می‌کردند. با آموزش دیدن ۵۰۰۰۰ الجزایری در کارخانه‌های ساخت کمونیستی، کشورهای کمونیستی نقش مؤثری در آموزش نیروی کار فاقد مهارت الجزایر ایفا کرده و شکاف موجود در خدمات فنی را که در نتیجه خروج فرانسه در سالهای ۱۹۶۰ به وجود آمده بود پرکردند (طبقه‌بندی نشده).

## لیبی

اختلاف پیشین میان لیبی و شوروی از بین رفته است چون واقعیت‌های سیاسی - اقتصادی همکاریهای بیشتری را ایجاد می‌کند. این رابطه تاکنون به (الف) قراردادهای تسلیحاتی ۳/۶ میلیارد دلاری منعقد با کشورهای کمونیستی، که گسترده‌ترین نیروی آتش را در خارج از پیمان ورشو در اختیار تریپولی نهاد، و (ب) خدمات فنی اروپای شرقی در اجزاء قراردادهای تجاری، که لیبی برای مناقصه‌های اروپای شرقی ارجحیت بیشتری قائل است، بستگی دارد. (S NF NC)

خرید تسلیحات کمونیستی توسط لیبی در ازای ارز معتبر دارای یک شاخص مهم یعنی افزایش پیچیدگی تسلیحاتی و قیمت‌های گزاف است. گرچه فروش شوروی در سال ۱۹۸۱ به سطح ۸۱ میلیون دلار (قیمت حداقل ۵ فروند هواپیمای باری ۷۶ - IL) تنزل نمود، ولی نقل و انتقالات واقعی برابر با ۸۰۰ میلیون دلار بود. تجهیزات جدیدی که در رژه روز ملی ماه سپتامبر به نمایش گذاشته شد عبارت بود از جت‌های جنگنده میگ ۲۵، سیستم‌های موشکی دفاع هوایی سام - ۹، موشک‌های فراگ - ۷ و جت آموزشی ال - ۳۹ ساخت چکسلواکی. دیگر تجهیزات تحویل داده شده در سال ۱۹۷۸ شامل دو زیر دریایی اف -



کلاس روسی، یک وسیله زمین نشین لهستانی به نام پکنکنی ال اس تی، و انواع موشک، هواپیما، و تجهیزات نیروی زمینی، بود. تریپولی با کره شمالی، لهستان، رومانی و یوگسلاوی نیز قراردادهایی با ارزش کلی ۱۶۹ میلیون دلار منعقد ساخته است. (S NF NC) تعداد پرسنل فنی شوروی در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱۳۰۰ نفر رسید که اکثر آنها در گروه مستشاری نظامی شوروی در زمینه‌های آموزشی، تاکتیکی و کارهای تعمیر و نگهداری به کار مشغول بوده‌اند (S NF NC)

تعداد پرسنل فنی شوروی در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱۳۰۰ نفر رسید که اکثر آنها در گروه مستشاری نظامی شوروی در زمینه‌های آموزشی تاکتیکی و کارهای تعمیر و نگهداری به کار مشغول بوده‌اند. (S NF NC)

تعداد پرسنل اروپای شرقی که در زمینه قراردادهای عمرانی لیبی به کار مشغول بودند در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۲۰۰۰ نفر گردید. این رقم دربرگیرنده نیمی از پرسنل اروپای شرقی مستقر در خارج و ۱۰ درصد نیروی کار لیبی بود. البته این رقم افزایش بیشتری خواهد یافت چون آژانسهای لیبی مجبورند پاسخگوی دستورات فذافی در اعطای قراردادهای عمرانی به کشورهای کمونیستی باشند.

در سال ۱۹۷۸، دولتهای اروپای شرقی قراردادهای زیر را با لیبی منعقد ساختند:

\* یک قرارداد بلغاری ۸۰ میلیون دلاری جهت نصب تسهیلات در شش بیمارستان و نیز یک قرارداد هفت ساله دیگر جهت برقراری همکاری فنی بیشتر در زمینه کشاورزی، حمل و نقل، پروژه‌های صنعتی و دو برابر شدن حضور فنی که در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱۰۰۰۰ نفر رسیده است.

\* یک معاهده ۱۰ ساله با آلمان شرقی پیرامون همکاریهای سیاسی، اقتصادی و علمی که شرایط آنها مشخص نشده است.

\* انعقاد یک پروتکل فنی با لهستان جهت ایجاد ۴۴۰ مزرعه در لیبی، علاوه بر ۱۳۰ مزرعه‌ای که لهستانیها تا به حال ایجاد کرده‌اند و جهت افزایش مشارکت لهستان در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرحهای شهرسازی. (طبقه بندی نشده)

قراردادهای میلیارد دلاری مطروحه در توافق اقتصادی لیبی و شوروی در سال ۱۹۷۶، قرار است موارد زیر را در برگیرد؛ (الف) احداث یک نیروگاه هسته‌ای ۳۰۰ مگاواتی؛ (ب) یک برنامه عمرانی برای صنعت گاز تا سال ۲۰۰۰؛ (ج) استخراج نفت و اورانیوم؛ (د) احداث یک رآکتور تحقیقاتی ۴۰۰ میلیون دلاری در تجورا (Tajura) (ه) احداث یک خط لوله گازی ۶۵۰ کیلومتری و (و) یک کارخانه آهن و فولاد ۵ میلیون تنی. (طبقه بندی نشده).

هم اکنون شوروی کار مربوط به رآکتور را آغاز کرده و قرارداد مربوط به احداث خط لوله گازی نیز منعقد شده است. تکنیسینهای شوروی تحقیقات مربوط به استخراج اورانیوم را آغاز کرده‌اند و قرار بود که قبل از پایان سال حدود ۱۰۰ تکنیسین روسی در رابطه با انجام اکتشافات نفتی وارد این کشور شوند. (S NF NC)

در سال ۱۹۷۸، چین در مورد برقراری روابط دیپلماتیک با لیبی به توافق رسید. این امر به دنبال اولین قرارداد همکاری اقتصادی و فنی پدید آمد. کوبا نیز براساس یک قرارداد منعقد شده توافق کرد که ۳۰۰ نفر پزشک به لیبی ارسال دارد که لیبی در ازای آن با احتساب هزینه‌های حمل و نقل سالانه یک میلیون دلار ارز معتبر پرداخت خواهد کرد. دو طرف مزبور پیرامون احداث یک کارخانه قند ۲۰۰۰۰۰ تنی توسط

کوبا در لیبی مذاکره کردند که قرار است پس از احداث، کوبا شکر خام را در اختیار این کارخانه بگذارد. (S NF NC).

ذخائر نفتی لیبی همیشه مورد توجه کمونیستها بوده است. به استثناء دوره دو ساله اواسط سالهای ۱۹۷۰ که لیبی یکی از مهمترین صادرکنندگان نفت به اروپای شرقی به شمار می آمد، اختلاف موجود بر سر قیمتها مانع از انعقاد یک قرارداد بزرگ و جدید می شد، ولی در سال ۱۹۷۸ بلغارستان توافق کرد که در ازای دریافت نفت خدمات ارائه کند و بنا به گزارشها چکسلواکی نیز توافق کرد که در ازای کالاهای صنعتی سالانه ۲۰ میلیون بشکه نفت از لیبی خریداری نماید، بنا به گزارشها و براساس یکی از قراردادهای امضاء شده در سال ۱۹۷۶، لیبی در سال ۱۹۷۸ معادل ۶۰ میلیون بشکه نفت خام را یک ساله به قیمت هر بشکه بین ۸ تا ۱۰ دلار به شوروی فروخت. دیگر منابع گزارش داده اند که شوروی در سال ۱۹۷۷ خرید ۲۰۰۰۰ بشکه نفت در روز را به جای پرداخت ارزش تجهیزات نظامی تقبل کرده و در سال ۱۹۷۸ نیز در ازای ارز معتبر روزانه ۴۰۰۰ بشکه نفت از این کشور خریداری خواهد کرد. نفت لیبی در پالایشگاههای کارائیب، احتمالاً برای کوبا تصفیه می گردد. (S NF NC).

#### موریتانی

جمهوری خلق چین به عنوان مهمترین کمک دهنده موریتانی، توانست روابط خود را با دولت جدید موریتانی که پس از کودتای ژوئیه ۱۹۷۸ به قدرت رسید بهبود بخشد. موقعیت شوروی در این کشور نیز احتمالاً به خاطر مسئله صحرای غربی و فعالیتهای ماهیگیری شوروی ضعیف شده است. رومانی که تنها کشور اروپای شرقی دارای منافع در موریتانی اگر کمک ۵۰۰ میلیون دلاری غربی و کمکهای عمده فرانسوی را که کمکهای ۸۵ میلیون دلاری چین را کوچک جلوه گر می سازد در نظر نگیریم، باید بگوئیم که چین محبوب ترین کمک دهنده موریتانی است. چینی ها نیروگاه نوآکچوت را احداث و با سر و صدای زیاد در ماه نوامبر افتتاح کردند که می تواند ۲۵ درصد نیاز شهری را برطرف کرده و مانع قطع برق چون گذشته بشود. کار چین در این کشور با احداث بندر نوآکچوت در آبهای عمیق موریتانی به ارزش ۵۵ میلیون دلار آغاز و با چند پروژه کشاورزی و طبیی ادامه یافته است. (طبقه بندی نشده).

اقدامات کمکی شوروی همیشه با برخوردی مؤدبانه مواجه بوده، لیکن در مورد آنها اقداماتی آنچنانی به عمل نمی آمده است. دولت جدید تمام قراردادهای ماهیگیری از قبیل قرارداد شوروی را لغو کرد. چون کشورهای خارجی در آبهای موریتانی به ماهیگیری بیش از حد مشغول بوده اند. پروژه های کمکی عمرانی مسکو شامل ارائه کشتیهای ماهیگیری و کارخانه شیلات و انجام تحقیقات زمین شناسی و معدنی و جستجو برای منابع طبیعی از قبیل نفت و اورانیوم می باشد. مسکو امیدوار است که بار دیگر امتیازات سودآور صنعت ماهیگیری موریتانی را به دست آورد. (S NF NC).

موریتانی نگران این است که شوروی از مرکز تحقیقاتی اقیانوس شناسی NOUADHIBOU جهت خرابه کاری علیه این کشور استفاده کند. براساس قراردادی که قبلاً با دولت پیشین منعقد شده بود، شوروی می بایست نیروی انسانی لازم برای این مرکز را جهت انجام تحقیقات و مطالعات فراهم سازد. در حال حاضر موریتانی برای راه اندازی این پروژه به کشورهای دیگر روی آورده است. (S NF NC).

قرارداد ۲ میلیارد دلاری ۳۰ ساله شوروی در رابطه با گسترش منابع فسفات متقاله (Meskala) در جنوب

مراکش که توسط شاه‌حسن دوم پادشاه مراکش تحت عنوان «قرارداد قرن» منعقد شده بود، مهمترین قرارداد مسکو در رابطه با یک پروژه خاص در جهان سوم بوده و اولین قرارداد شوروی در زمینه وارد کردن فسفات می‌باشد. یک قرارداد ۲۰ میلیون دلاری اولیه جهت مطالعه امکانات و طراحی جنبه‌های مختلف پروژه اختصاص یافته که احداث راه‌آهن، شبکه جاده‌ای و تسهیلات بندری و انبارسازی و عملیات استخراج معادن را شامل می‌گردد. بیش از ۱۰۰ پرسنل روسی جهت انجام مطالعات مربوطه به محل پروژه وارد شده‌اند. ناظران غربی به نحو خوش بینانه‌ای اظهار داشته‌اند که بیش از ۲۰ درصد تجهیزات مورد نیاز باید در بازارهای ارز معتبر خریداری گردد و مسکو نیز سعی خواهد کرد وام‌های قابل تبدیل به ارز معتبر را در اختیار این کشور قرار دهد. (سری).

بخش اعظم بازده ۱۰ میلیون تنی متقارن به شوروی صادر خواهد شد، تا وام ۲ میلیارد دلاری تأسیساتی پرداخت شده و علاوه بر این مقداری از آن نیز در ازای کالاهای روسی صادر خواهد شد. این معامله تجاری، شوروی و مراکش را در فهرست تجاری این کشور با کشورهای آفریقایی در مقام اول قرار خواهد داد. تجارت تقریباً متعادل کنونی شوروی و مراکش که تنها به وسیله قرارداد پایاپای نفت و مرکبات پشتیبانی می‌گردد، شوروی را به عنوان اصلی‌ترین منبع نفتی رباط درآورده است. (طبقه‌بندی نشده).

شوروی و مراکش در ماه آوریل یک شرکت ماهیگیری مشترک افتتاح کردند که شوروی در ازای یک سهم ۴۹ درصدی فنون و اکثر تجهیزات لازم را فراهم آورد. تنها معامله نظامی بزرگ مراکش با شوروی یک قرارداد ۲۵ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۴ مربوط به دفاع هوایی و نیروی زمینی بود که هرگز به طور کامل به مرحله اجرا در نیامده است. (سری).

اعتبار ۹۰ میلیون دلاری مراکش از چکسلواکی، لهستان و رومانی به منظور گسترش فروش تجهیزات این کشورهای اروپای شرقی صادر گردیده بود تا از طریق آن بر کسری تجاری ناشی از ادامه خریدهای عظیم فسفات فائق آیند. فقط وام ۱۴ میلیون دلاری لهستان به یک پروژه خاص یعنی گسترش ظرفیت کارخانه فسفات در صافی (Safi) به ۵۰۰۰۰۰ تن اختصاص یافته است.

گسترش این کارخانه، که چهارمین کارخانه اینگونه‌ای ساخته شده توسط لهستان در مراکش است، سطح بازده اسید سولفوریک این کارخانه‌های لهستانی را به ۲ میلیون تن در سال افزایش خواهد داد. کار احداث این کارخانه در سال ۱۹۸۲ به پایان خواهد رسید و لهستان در ازای آن فسفات دریافت خواهد نمود. در سال ۱۹۷۸، مجارستان کار نصب جرثقیلهای بندری در آقادیر (Agadir) را به پایان رساند. این کار به دنبال نصب همین اسباب و آلات در بندر کنیترا آغازگشته بود. مراکش از خدمات فنی اروپای شرقی در این کشور راضی است و تعداد پرسنل اروپای شرقی در مراکش در سطح ۱۵۰۰ نفر ثابت باقی مانده است. (طبقه‌بندی نشده).

#### تونس

تونس قراردادهای اقتصادی و نظامی جدیدی با کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ امضاء کرد. که وابستگی تونس را به غرب و به خصوص آمریکا دستخوش تغییر ننمود. قرارداد ۱۲ میلیون دلاری نظامی چین در رابطه با ارائه تفنگهای اتوماتیک، مسلسل دستی، نارنجک، و اقلام سررشته‌داری به قرارداد ۹

میلیون دلاری پیشین چین در مورد اعطای دو قایق گشتی نوع شانگهای - ۲ و تجهیزات نیروی زمینی اضافه شد. (S NF NC).

در همین حال، چین و شوروی به کمکهای خود در پروژه‌های عمرانی آبی که هزینه‌های مربوطه از طریق اعتبارهای پیشین، تأمین می‌گردد ادامه داده‌اند. در اواسط سال، متخصصین شوروی طرحهای مهندسی ۵۵ میلیون دلاری اعتبار سال ۱۹۷۶ احداث یک سد در رودخانه جومین را براساس اعتبار ۵۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ به پایان رسانیدند و چین نیز تکنیسینهای خود را به این کشور فرستاد تا احداث کانال مجردا - کاپ بن (Medjerda - Cap Bon) را براساس یکی از قراردادهای ۹۰ میلیون دلاری چین آغاز نمایند. (طبقه بندی نشده).

کشورهای اروپای شرقی بسیار فعالتر بودند و کمکهای جدیدی در سال ۱۹۷۸ ارائه نمودند که شامل ۵۲۵ تکنیسین که اکثر آنها معلم و پزشک بودند، می‌گردد. تلاشهای جدید آنها عبارت است از (الف) اعتبار ۲۰ میلیون دلاری آلمان شرقی جهت احداث راه آهن؛ (ب) یک قرارداد ۲۲ میلیون دلاری مجارستانی در رابطه با ورود قطارهای دیزلی که هزینه مالی آن از اعتبار ۳۵ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۷۷ تأمین خواهد گشت. (S NF NC).

## آفریقای مادون صحرا

### کلی

برنامه تسلیحاتی شوروی در آفریقا در سال ۱۹۷۸ توجه جهانی را به خود جلب نموده بود، و مسکو با قراردادهای جدید تسلیحاتی ۸۴۵ میلیون دلاری مقام خود را به عنوان مهمترین تأمین‌کننده سلاح آفریقای مادون صحرا مستحکم نمود. در نتیجه بذل حمایت از دولتهای جدید مارکسیستی در آفریقا که در آنگولا در سال ۱۹۷۵ و بعدها در موزامبیک و اتیوپی آغاز گردید، آفریقای مادون صحرا نیمی از سلاحهای فروخته شده توسط شوروی به جهان سوم و یک چهارم فروش سال ۱۹۷۷ را به خود اختصاص داد. در حالی که قبل از سال ۱۹۷۵ میزان آن کمتر از ۵ درصد بود. (خیلی محرمانه).

قرارداد جدید ۷۵۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۸ با اتیوپی میزان قراردادهای نظامی کلی مسکو با این هم پیمان جدید را به سطحی بیش از ۲ میلیارد دلار بالا برد. تحویل سلاحهای ۱ میلیارد دلاری به اتیوپی تنها مشابه تحویل سلاح به سوریه پس از جنگ ۱۹۷۳ بوده است. این تسلیحات مدرن اتیوپی را در برابر تجزیه طلبان اریتره برای مدت طولانی مجهز خواهد کرد. ادامه تحویل سلاح به آنگولا (۸۵ میلیون دلار) و موزامبیک (۵۰ میلیون دلار) به منظور تقویت این دولتهای مارکسیستی صورت گرفته است. دیگر کشورهای خط مقدم از قبیل تانزانیا و زامبیا سلاحهایی جهت تحویل به نیروهای شورشی و حفاظت از مرزهای خود به دست آورده‌اند. در همین حال، تعداد تکنیسینهای کمونیستی در آفریقای سیاه در سال ۱۹۷۸ به خاطر ورود ۱۵۰۰۰ کوبایی دیگر به اتیوپی ۶۰ درصد افزایش یافت. این پرسنل در مبارزات اریتره و اوگادان نحوه استفاده از تسلیحات مدرن و هدایت لجستیک و مخابرات نظامی را آموزش می‌دادند. ۷۰۰ کوبایی دیگر در سال ۱۹۷۸ به موزامبیک فرستاده شدند و تعداد کل آنها در این کشور به ۸۰۰ نفر رسید. (سری)

تسلیحات روسی که به وسیله لیبی به شورشیان فرولیئات تحویل داده می‌شد، سقوط دولت مالوم در

چاد را به دنبال داشت و حمله شورشیان کاتانگا تحت حمایت کمونیستی به زئیر (شبا ۲) سبب شد که آفریقا کوبا و شوروی را مسئول مداخله در این قاره بداند. (سری)

در همین حال بعضی از مشتریان قدیمی اقداماتی در جهت کاهش حضور شوروی انجام دادند. به طور مثال، گینه در اواخر سال ۱۹۷۸ اکثر مستشاران روسی و کوبایی را اخراج کرده و تهدید نمود که اجازه استفاده شوروی از بندر کوناکری را لغو خواهد کرد. این موضوع به دنبال لغو حقوق شوروی در استفاده از حوزه هوایی کوناکری جهت پروازهای شناسایی دور برد پدیدار شد. از دست رفتن تسهیلات گینه و سومالی در سال ۱۹۷۷ سبب شد که شوروی از دولت اتیوپی بخواهد که در ازای کمکهای نظامی بیشتر استفاده از تأسیسات بندری جنوب آساب (Assab) را منحصرأً به شوروی بدهد. (S NF).

برنامه اقتصادی مسکو در آفریقای مادون صحرا در سال ۱۹۷۸ علیرغم درخواستهای مداوم افزایش کمکهای چندان چشمگیر نبوده است. کمکهای جدید تنها معادل ۱۰ میلیون دلار (به هفت کشور) بوده است. شوروی با استفاده از اعتبارهای باقیمانده از قرارداد ۱۹۵۹ کمک جدیدی به اتیوپی ننموده و پروژه جدیدی را نیز مورد گفتگو قرار نداد. گزارشهایی درباره کمک جدید ۲-۳ میلیارد دلاری داده شده به اتیوپی براساس توافق اقتصادی و فنی سپتامبر رسیده که مورد تأیید ما نیست. (S NF).

از طرف دیگر، کشورهای اروپای شرقی با قراردادهای ۵۱۵ میلیون دلاری جدید، به کمکهای کلی خود به این کشورها ۵۰ درصد افزودند. اتیوپی در رابطه با برنامه‌های عمرانی زیربنایی از کشورهای اروپای شرقی ۳۰۰ میلیون دلار کمک دریافت نمود. علاوه بر این کشورهای اروپای شرقی ۷۵ میلیون دلار به آنگولا، ۴۵ میلیون دلار به غنا و مقادیر کمتری به چند کشور دیگر آفریقایی کمک کرده‌اند. (S NF).

چین که در اوائل سالهای ۱۹۷۰ یکی از محبوب‌ترین کمک‌دهندگان کشورهای آفریقایی شده بود، به خاطر تمرکز پکن بر طرحهای عمرانی خود، در سال ۱۹۷۸ تنها ۵۰ میلیون دلار کمک اقتصادی جدید به این کشورها داد. پکن در برنامه‌های در حال انجام خود سرعتی به وجود آورد و ۸۵ درصد ۲۲۰۰۰ تکنیسین خود در کشورهای در حال توسعه در آفریقای مادون صحرا را در مورد پروژه‌های عمرانی کشاورزی، شاهراهها، و پروژه‌های راه‌آهن به کار گرفت. (طبقه بندی نشده) در مباحث ذیل، ابتدا کشورهای آفریقایی دریافت‌کننده مهمترین کمکهای کمونیستی به ترتیب الفبا مطرح شده و سپس کشورهای دارای اهمیت کمتر نیز به ترتیب حروف الفبا مطرح گردیده‌اند. (طبقه بندی نشده).

## آنگولا

علیرغم تلاشهای عمده کمونیستی در ارائه تجهیزات و نیروی انسانی به بنیة دفاعی نهضت آزادی بخش خلق آنگولا، چریکهای ضد دولتی در سال ۱۹۷۸ تلفات سنگینی به نیروهای دولتی وارد کردند، آنگولاییها از عدم توانایی کمونیستها در کنترل شورش و اعاده نظم اقتصادی اظهار نارضایتی نموده‌اند. با وجود اینکه لوآندا (پایتخت آنگولا - م) درصدد فرصت برای برقراری روابط اقتصادی و فنی مجدد با غرب بود. ملل اروپای شرقی سعی می‌کردند روابط اقتصادی صمیمانه‌تری را برقرار سازند. (طبقه بندی نشده).

قراردادهای جدید تسلیحاتی کمونیستی در سال ۱۹۷۸ کاهش یافت، چون آنگولا به زمان بیشتری جهت جذب تجهیزات دریافتی کمونیستی به ارزش ۴۸۰ میلیون دلار داشته است. دو سوم کمکهای ۷۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۸ از طرف کشورهای اروپای شرقی در رابطه با تجهیزات غیر مرگبار از قبیل کامیون از آلمان شرقی و لهستان، یونیفورم از رومانی و تجهیزات مخابراتی از مجارستان ارائه شده بود. ارسال هواپیماهای باری ۴۰-YAK و ۲۶-AN به ارزش ۲۶ میلیون دلار تنها تجهیزات نظامی فروخته شده به آنگولا توسط مسکو به حساب می آید. ارسال تسلیحات ۱۱۵ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۸ هواپیماهای باری و رزمی، تجهیزات نیروی دریایی روسی، و هلیکوپترها و کامیونهای اروپای شرقی را در بر می گرفت. (سرّی).

تعداد مستشاران نظامی شوروی در آنگولا دو برابر تعداد آنها در زمان جنگ و معادل ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۸ بود. افسران شوروی هنوز هم موقعیتهای مهمی را در فرماندهی نظامی و ساخت کنترل آنگولا در اشغال دارند. تعداد مستشاران آلمان شرقی که در حال حاضر بیش از ۳۰۰ نفر است عملیات امنیتی و اطلاعاتی آنگولا را بهبود بخشیده اند. حضور نظامی کوبا نیز در این کشور با ۲۰۰۰۰ کوبایی حفظ شده است. (سرّی).

کشورهای کمونیست اروپای شرقی و کوبا حضور اقتصادی خود در آنگولا را در سال ۱۹۷۸ از طریق برنامه های خدمات فنی افزایش دادند، در حالی که افزایش این فعالیتها در طول سال منجر به عقد قرارداد نسبتاً بزرگ نگردید. رومانی تنها توانست یک قرارداد خاص (۷۵ میلیون دلار جهت پروژه های عمرانی) منعقد سازد و دیگر قراردادها در مراحل مذاکراتی باقیمانده است. حدود ۱۰۰۰۰۰ تکنیسین کمونیستی در پاسخ به نیاز شدید دولت آنگولا برای اشغال ۱۰۰۰۰۰ موقعیت شغلی بدون سرپرست در نتیجه استقلال این کشور از سلطه پرتغال، به کار مشغول شده اند. (خیلی محرمانه).

با وخیمتر شدن اوضاع اقتصادی میزان شکایات علیه کمونیستها در سال ۱۹۷۸ فزونی گرفت. گرچه آنگولا بیها پرسنل شوروی و کوبا را به مدیریت نادرست در تجارت خارجی و سرقت کالاها (مانند قهوه) متهم می کنند، ما شواهدی در دست نداریم که این مسئله در همه سطوح اتفاق افتاده باشد. علاوه بر این نمی دانیم که کمونیستها شرایط سختی را برای ارائه خدمات فنی تعیین کرده باشند. پرسنل شوروی و اروپای شرقی ماهانه ۱۲۰۰ دلار و کوباییها ۸۰۰ دلار دریافت می کنند که حداقل نیمی از آن به صورت ارز معتبر پرداخت می گردد. براساس قراردادهای منعقد شده در دسامبر ۱۹۷۸ حضور کوبا در این کشور گسترش بیشتری خواهد یافت. (S NF).

کشورهای اروپای شرقی با ارائه اعتبارات تجاری جهت خرید تجهیزات روابط بازرگانی خود با آنگولا را گسترش دادند. آلمان شرقی در رابطه با کارخانه ها و ماشین آلات کامل یک اعتبار پنج تا هفت ساله صادر کرد و بلغارستان، چکسلواکی و لهستان نیز در ازای فروش وسائط نقلیه شرایط مشابهی را قائل شده اند. (S NF).

قراردادهای دیگر عبارتند از: (الف) پروتکل بلغارستان جهت کمک به کشاورزی و مدرنیزه سازی شهری، (ب) تعهد کوبا برای آموزش دادن ۲۵۰۰ تکنیسین آنگولائی در کوبا، (ج) تحویل شش کشتی ماهیگیری روسی به صورت هدیه؛ و (د) تعهد شوروی مبنی بر احداث یک مزرعه غله ۴۰۰ هکتاری به صورت هدیه (طبقه بندی نشده).

برنامه اقتصادی بی‌اهمیت شوروی در آنگولا مشابه تلاش‌های توأم با بی‌تفاوتی شوروی در دیگر کشورهای آفریقایی است که در آن نشانه‌ای از علاقه به عمران صنایع حیاتی بخش عمومی وجود ندارد. تنها در رابطه با صنعت ماهیگیری آنگولا، که به کشتی‌های روسی اجازه صید در آب‌های آنگولا را می‌دهد، و ارائه تجهیزات مدارس آموزشی، کمک‌هایی داده شده است. (طبقه‌بندی نشده)

#### اتیوپی

یک سال و اندی بعد تغییر جهت حمایت شوروی از سومالی به اتیوپی، هنوز هم مهمترین عامل موجود در روابط شوروی و اتیوپی برنامه کمک نظامی مسکو و افزایش وابستگی اتیوپی به کشورهای کمونیستی از نظر حمایت فنی است. برخلاف شایعات مربوط به انعقاد قراردادهای عظیم اقتصادی، آدیس آبابا کمک اقتصادی جدیدی از شوروی دریافت نکرده، گرچه اروپای شرقی ۳۰۰ میلیون دلار کمک جدید به این کشور پیشنهاد نموده است. برنامه اقتصادی مسکو هنوز هم از اعتبار ۱۰۰ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۵۹ ناشی می‌گردد. (S NF NC).

تأمین تسلیحاتی سه ساله مسکو برای اتیوپی سه برابر میزان سلاح‌هایی است که شوروی در طول ۱۳ سال در اختیار سومالی کشور همجوار اتیوپی قرار داده بود. تا پایان سال ۱۹۷۸، اتیوپی ۲ میلیارد دلار کمک نظامی از شوروی و ۶۶ میلیون دلار از اروپای شرقی دریافت کرده بود. در ازای این کمک، اتیوپی یک قرارداد دو جانبه دوستی بیست ساله با مسکو در ماه نوامبر امضاء کرد و به شوروی حق انحصاری استفاده از بنادری را که قرار است در شمال آساب بسازد اعطا نمود. (S NF NC).

تقریباً تمام کمک‌های نظامی شوروی قبل و در طول حملات موفقیت‌آمیز اتیوپی در بیرون راندن نیروهای سومالی از اوگادن و در اوائل سال مزبور ارائه گردید. با وجود اینکه ما در برآوردهایمان قراردادهای جدید تسلیحاتی شوروی از آوریل ۱۹۷۸ را وارد نموده‌ایم، ولی فکر می‌کنیم که در نیمه دوم سال قراردادهای جدیدی امضاء شده است، تا اتیوپی بتواند از تجهیزات غربی چشم پوشیده و به تسلیحات و تاکتیک‌های روسی دست یابد. قراردادهای قبلی رژیم منگیستو را از سقوط حتمی نجات داد، لیکن میزان حمایت فنی و لجستیکی آنقدر کافی نبود که بتواند یک نیروی مبارز تجهیز شده توسط شوروی را برای مدتی دراز روی پای خود نگهدارد. حتی در غیاب قراردادهای موجود بین شوروی و اتیوپی پس از آوریل سال ۱۹۷۹ نیز سیاست شوروی در قبال اتیوپی تغییر نکرد. الگوی تداوم تأمین سلاح بدون شک مشابه کارهایی است که در رابطه با بعضی از مشتریان خاورمیانه‌ای مسکو انجام شده، یعنی تجهیزات بیشتری روانه شده، آموزش فنی بیشتری ارائه شده و تسلیحات مدرن‌تری به زرادخانه اتیوپی اضافه شده و خواهد شد. (S NF).

ارسال سلاح چه از طریق دریا و چه از راه هوا که در چهار ماهه اول سال ۱۹۷۸ به اتیوپی انجام گرفت، کل یک میلیارد دلار سلاح ارسالی در این سال را در بر می‌گیرد. اتیوپی اولین کشور آفریقایی مادون صحرا بود که در سال گذشته جنگنده میگ ۲۳ را دریافت می‌کرد و علاوه بر این سلاح‌ها و تجهیزات زیر را نیز دریافت نمود که عبارتند از: (الف) پایگاه‌های موشکی هدایت شونده دفاع هوایی سام - ۲ و سام - ۳ که به سرعت در اطراف آساب و آدیس آبابا مستقر گردید، (ب) ۲۰ فروند هلیکوپتر می - ۲۴؛ (ج) یک دوجین هواپیمای باری AN-۱۲ (به صورت وام) و (د) هزاران وسیله حمل و نقل روسی جهت حمایت

عظیم لجستیکی در یک جنگ دو جبهه‌ای. تحویل تسلیحات سنگین زمینی متناسب تیبهای مکانیزه کوبایی نیز به صورت همه جانبه انجام گرفت. این تجهیزات عبارت بودند از ۲۵۰ دستگاه تانک متوسط، بیش از ۵۰۰ دستگاه نفربر زرهی، ۳۶۰ دستگاه توپ کالیبر بزرگ و چند دوجین دیگر از سلاحهای ضد هوایی کنترل شونده توسط راداری به نام ۲۳/۴-(S ZSU). (NF).

تحویل جت‌های جنگنده، تجهیزات نیروی دریایی و تسلیحات سنگین مکانیزه زمینی دیگری نیز براساس یک قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری به این کشور صورت خواهد گرفت. بیشتر سلاحهای روسی ارائه شده به اتیوپی ۵۰ درصد کمتر از قیمت معمول به این کشور داده می‌شود، ولی بررسی مقدماتی حاکی از آن است که قیمت بعضی از اقلام خیلی بیشتر از قیمت فروش آنها به دیگر مشتریان شوروی در کشورهای در حال توسعه در سالهای اخیر است. گرچه در ازای بعضی از تجهیزات باید پول نقد پرداخت شود. ولی بخش اعظم پرداختها به صورت ارز معتبر و در اقساط ۱۰ ساله پرداخت خواهد شد (که لیبی نیز پرداخت مقادیری از آن را تقبل کرده است). (S NF).

علاوه بر ارسال سلاح، شورویها قراردادهایی برای توسعه و مدرنیزه کردن تسهیلات نظامی اتیوپی و تسریع آموزش نیروهای مسلح این کشور منعقد ساخته‌اند. در اوائل سال ۱۹۷۸، حدود ۱۶۵۰۰ پرسنل کوبایی و ۱۶۰۰ پرسنل روسی به آموزش اتیوپیاییها در کاربرد سلاحهای مدرن و هدایت لجستیکی و مخابراتی نظامی در اوگادن و اریتره مشغول بودند، علاوه بر این، ۹۰۰ نفر افسر و افراد مشمول به شوروی روانه شدند تا دوره‌های تعلیم عملیات و تعمیر و نگهداری هواپیماها، سیستمهای دفاع هوایی، ناوهای دریایی، و تجهیزات پشتیبانی مربوطه را فراگیرند. افسران اتیوپیایی در مدارس فرماندهی شوروی نیز در حال طی دوره‌های آموزشی هستند. (S NF).

در همین حال، تکنیسینهای روسی تعدادی از فرودگاههای قدیمی را به پایگاههای دارای سیستم دفاعی خوب جت‌های جنگنده تبدیل نموده و تعدادی از آنها نیز در گسترش و توسعه تسهیلات بندری آساب و ساختمان پایگاههای آموزشی نظامی در خولت (Kholette) نظارت می‌کردند. ساختمان یک مرکز دریایی در آساب جهت استفاده انحصاری شوروی در آینده نزدیک آغاز خواهد شد. گرچه این مرکز در رابطه با عملیات ناوگان شوروی ضرورت چندانی ندارد، ولی حضور و حیثیت شوروی را در مناطق استراتژیک تنگه دریای سرخ افزایش خواهد داد و میزان کارایی عملیات دریایی شوروی را نیز بالا خواهد برد. کشتیهای یدک کش شوروی یک اسکله شناور را (که ابتدا در آبهای سومالی و پس از آن در آبهای یمن جنوبی مستقر شده بود) به آبهای اتیوپی وارد نمودند. (S NF).

شایعات مبتنی بر اینکه قرارداد کمک فنی و اقتصادی منعقد در سپتامبر ۱۹۷۸ حدود ۳-۲ میلیارد دلار اعتبار را در برمی‌گرفته، خالی از اعتبار است. این توافق نیز از نظر محتوای اصلی مشابه قراردادهای دیگری است که در چند سال گذشته توسط مسکو منعقد گردیده است. قرارداد اقتصادی سپتامبر تنها خواستار تشکیل یک کمیسیون مشترک جهت نظارت بر فعالیتهای اقتصادی موجود شوروی و بررسی امکانات گسترش در مناطق جدید شده است. میزان کمک هر پروژه مطالعه شده جداگانه خواهد بود. ۸۰ میلیون دلار باقیمانده از اعتبار ۱۰۰ میلیونی سال ۱۹۵۹ نیز قبل از آنکه شوروی قراردادهای جدید سنگین تری را منعقد سازد استفاده خواهد شد. در همین حال مسکو درباره پروژههای کمکی جدید پیشنهاداتی ننموده و از پاسخ به درخواست اتیوپی جهت تأسیس یک کارخانه ذوب آهن و پروژههای



صنایع سنگین دیگر نیز اجتناب ورزیده است.

در مقابل آن شوروی به اتیوپی توصیه کرده است که فعالیت‌های خود را در امور کشاورزی متمرکز نماید. کمک‌های شوروی هم اکنون براساس پروتکل ماه مه ۱۹۷۷ به اتیوپی اجازه استفاده از اعتبار سال ۱۹۵۹ را می‌دهد که ۱۵ میلیون دلار جهت ورود کالا، مقدار دیگری از آن جهت گسترش پالایشگاه روسی در آساب تا ۷۵ درصد و نصب خط لوله و مخازن نفتی در مناطق مجاور به کار خواهد رفت. تعهدات جدید به منظور پروژه‌های آبیاری و کشاورزی که در دره آواش مورد بررسی است، حداقل به ۳۰۰ میلیون دلار اعتبار نیاز خواهد داشت. (S NF NC).

کشورهای اروپای شرقی به تقاضای اتیوپی برای دریافت کمک پاسخ دادند: (الف) آلمان شرقی ۲۰۰ میلیون دلار به منظور توسعه بندر آساب، احداث یک خط لوله نفتی و احتمالاً یک راه آهن در اختیار این کشور قرار داد: (ب) چکسلواکی ۴۵ میلیون دلار کمک به این کشور داد؛ و (ج) بلغارستان، مجارستان و رومانی نیز در مجموع ۵۵ میلیون دلار در اختیار اتیوپی قرار داده‌اند. (S NF NC)

چین که قبلاً یکی از فعالترین کمک‌دهندگان اتیوپی به شمار می‌رفت. به خاطر حملات اتیوپی که به تحریک شوروی، علیه سیاست‌های چین در جهان سوم صورت می‌گرفت فعالیت‌های خود در این کشور را رها نمود. (S NF NC).

افزایش توجه کمونیستها به اتیوپی در سال ۱۹۷۸ سبب دو برابر شدن پرسنل اقتصادی اروپای کمونیستی در این کشور شد. از ۱۴۰۰ تکنیسین، ۴۰۰ نفر آنها را معلمین و پرسنل اداری روسی، ۳۰۰ نفر را پرسنل آلمان شرقی و ۵۰۰ کوبایی در بخش خدمات پزشکی تشکیل می‌دادند. (طبقه بندی نشده). علاوه بر این اتیوپی در سال ۱۹۷۸ حدود ۷۰۰ دانشجوی سال اول خود را به مراکز آموزشی آکادمیک شوروی فرستاد که جمع دانشجویان اتیوپی در دانشگاه‌های شوروی را به ۱۵۰۰ تن رساند. کوبا نیز با ارائه ۱۲۶۰ بورس تحصیلی جدید به دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه اتیوپی جهت تحصیل در جزایر پانیز (PINES) برنامه شوروی را تکمیل نمود. (طبقه بندی نشده).

### گینه

روزهای پر جنجال روابط شوروی و گینه احتمالاً سپری شده است. چون رئیس جمهور توره سعی دارد به نهضت غیر متعهدانه پیوندد و کمک بیشتری از غرب دریافت دارد. این وضع سیاسی جدید در سال ۱۹۷۸ بر برنامه‌های اقتصادی و نظامی تأثیر بسیار گذاشت:

◦ امتیاز سوخت‌گیری هواپیماهای ۹۵ - TU شوروی و حق پرواز این کشور لغو گردید.

◦ دسترسی شوروی به اسکله کوناکری محدود گشت.

◦ پیشنهاد شوروی به منظور احداث یک اسکله شناور رد شد.

◦ تعدادی از پرسنل نظامی و اقتصادی شوروی اخراج گردیدند. (S NF).

ظاهراً شوروی از اخراج ۶۰ تن از مستشاران نظامی خود از این کشور در ماه نوامبر شگفت‌زده شده بود. ۱۰۰ تن از پرسنل کوبایی که شبه نظامیان گینه را آموزش داده و میگهای آنها را تعمیر کرده بودند نیز اخراج گشتند. در اوائل سال، کوناکری یک قرارداد ۱۰ میلیون دلاری نظامی با شوروی امضاء کرده بود که

مهمترین بخش آن دربرگیرنده قرارداد ماه ژوئن جهت تحویل یک ناواسکورت و دو قایق گشتی دست دوم از نوع شرشن بود (که گینه قبل از آن این نوع قایقها را دریافت نموده بود). با وجود اینکه مسکو چند فروند جت میگ - ۱۷ به این کشور ارسال داشته و توافق کرده است که یک اردوگاه نظامی ۶ میلیون دلاری برای گردانهای تانک این کشور بسازد، ولی روابط آتی گینه و شوروی مشکوک به نظر می رسد و در حال حاضر کوناگری به فروشندگان تسلیحاتی دیگر روی آورده است. (S NF NC).

با اظهار نارضایتی کوناگری از ۱۵ سال کمک غیر مؤثر شوروی و عدم توانایی مسکو در ارائه کمکهای جدید در ازای برنامه های رو به اتمام برنامه های اقتصادی نیز رو به وخامت نهاده بود. تعدادی تکنیسین ۱۰ درصد کاهش و به ۴۵۰ نفر رسید که نشان دهنده امتناع گینه از تجدید قراردادهای ۵۵ معلم در دانشگاهها، دبیرستانها و مدارس فنی گینه در سال تحصیلی ۷۹-۱۹۷۸ بود و علت آن نیز عدم تسلط این معلمین به زبان فرانسه و فنون تدریس قدیمی شمرده شده است. چند تن از آنان نیز متهم به فعالیتهای سیاسی و عملیات بازار سیاه شده بودند. (S NF NC)

روابط اروپای شرقی که هیچ گاه مستحکم نبوده است، پس از اتخاذ سیاست ارز معتبر توسط گینه به عنوان تنها رسید بازپرداخت، متشنج تر گشت. تنها رومانی پیشنهاد کرد که حاضر است در سال ۱۹۷۸ در رابطه با یک پالایشگاه نفت در کوناگری و استخراج بوکسیت کمک عمرانی بدهد که منابع مالی آن نیز از طریق چند کشور ناشناس اوپیک پرداخت خواهد شد. چین که تاریخی طولانی در ارائه کمک به گینه دارد. ارائه کمک جدیدی را اعلام نکرده است. در حالی که از ۸۳ میلیون دلار کمک داده شده به این کشور در گذشته مابه التفاوت چندانی (حدود ۳ میلیون دلار) باقی نمانده است. (S NF NC)

## مالی

کمک نظامی مهمترین عامل در روابط بین مالی و شوروی بوده است. گرچه با ماکو (پایتخت مالی - م) تمایل به کاهش وابستگی به تسلیحات شوروی نشان داده است. اعلام وزیر دفاع مالی در اکتبر سال ۱۹۷۸ که یکی از مهمترین حامیان تسلیحات نظامی شوروی به حساب می آمد، بر روابط بین دو کشور تأثیر منفی به جای خواهد گذاشت. (سرّی).

مالی هنوز هم فرودگاههای خود را (که اکثراً توسط شوروی ساخته شده است) در اختیار شوروی می گذارد، تا این کشور بتواند به عملیات خود در جنوب آفریقا ادامه دهد و در عوض تجهیزات نظامی دریافت می کند. در رژه سنتی روز استقلال در ماه سپتامبر، مالی ۳۸ دستگاه موشک جدید سام، هواپیماهای میگ، تانک، و نفربرهای زرهی تحویلی به این کشور براساس قرارداد سال ۱۹۷۷ را به نمایش گذاشت. (سرّی).

با وجود اینکه تجهیزات مدرن مالی همسایگان آن را ترسانیده است، ولی ارسال ۸۰۰ میلیون دلار تسلیحات نظامی در سالهای ۷۸-۱۹۷۴ توسط شوروی میزان کارایی رزمی مالی را بالا نبرده است. بخش اعظم این تجهیزات در نقاط دور از مرز انبار شده و برای شناسایی و دفاع مناسب نمی باشند. فقدان منبع مالی مورد نیاز جهت خرید قطعات یدکی بسیاری از هواپیماها را فاقد آمادگی پرواز کرده و هواپیماهای دیگر را نیز غیر قابل تحریک خواهد کرد. (سرّی).

مالی ها نسبت به کافی نبودن کمک اقتصادی شوروی اظهار نارضایتی کرده اند. تلاش مسکو نیز به

گسترش معدن طلای کالانا و ارسال پزشک و معلم به این کشور معطوف شده که بسیاری از آنها در مقایسه با پرسنل چینی و فرانسوی فاقد کارایی لازم به حساب می‌آیند. (طبقه‌بندی نشده).  
چین که تمام تعهدات ۱۰۰ میلیون دلاری خود را در رابطه با کشاورزی و پروژه‌های صنعتی برق مالی انجام داده، طرح‌های جدیدی را جهت اجرای برنامه‌های خود در دهه آتی پی‌ریزی می‌کند. (طبقه‌بندی نشده).

### موزامبیک

وابستگی موزامبیک به کشورهای کمونیستی که از زمان ارائه حمایت نظامی قبل از دستیابی به استقلال از سلطه پرتغالیها آغاز شده بود. با اتکای روزافزون این کشور به تسلیحات کمونیستی در برپاداشتن تأسیسات نظامی خود افزایش بیشتری یافته است. کمک اقتصادی کشورهای کمونیستی که در بخش خدمات فنی متمرکز بوده چندان رضایتبخش نبوده است. (طبقه‌بندی نشده).

ارسال سلاح از شوروی و کشورهای اروپای شرقی به موزامبیک در سال ۱۹۷۸ معادل ۸۴ میلیون دلار بود، لیکن قراردادهای جدید تنها ۱۱ میلیون دلار ارزش دارد. شوروی اولین موشک‌اندازهای زمین به هوای سام - ۳ و تجهیزات مربوط به دفاع مرزی را در اختیار این کشور قرار داد. زرادخانه کمونیستی ۱۰۰ میلیون دلاری موزامبیک که از سال ۱۹۷۵ تشکیل گردید، موزامبیک را قادر به برقراری امنیت در مرزهای خود نساخته است. نیروهای رودزیایی هرگاه بخواهند به حمله علیه اردوگاه‌های چریکی در موزامبیک دست می‌زنند. اگر سیستم‌های موشکی سام - ۳ وارد عمل شود جای توپ‌های ضد هوایی و موشک‌های دستی سام - ۷ را خواهد گرفت و در حفاظت فرودگاه‌های موزامبیک در برابر حملات رودزیا بهبودی پدید خواهد آورد. به علت عدم آشنایی موزامبیکها، تکنیسینهای روسی تا مدت‌ها موشک‌های سام - ۳ را به کار خواهند برد. تعداد تکنیسینهای روسی در موزامبیک در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۳۰ نفر بود. مایوتو (پایتخت موزامبیک - م) از شوروی و اروپای شرقی هلیکوپتر، تانک، توپخانه، و انواع سلاح‌های سبک دریافت کرده است. (S NF NC).

کوباییها در برنامه‌های آموزش و تعمیر و نگهداری شوروی در موزامبیک نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. با ورود ۴۰۰ نظامی کوبایی از آنگولا و اتیوپی به موزامبیک حضور کوبا در این کشور در ماه اکتبر به شدت افزایش گسیل شده‌اند، به سلاح‌های ضد هوایی مجهز هستند. حدود ۴۰۰ کوبایی دیگر در موزامبیک نقش مستشار و تکنیسین را ایفا می‌کردند. (سری).

کشورهای کمونیستی از سال ۱۹۷۵ بیش از ۱۶۰ میلیون دلار اعتبار اقتصادی به این کشور داده‌اند، لیکن هنوز هم این برنامه بر کمک فنی به جای تحویل تجهیزات و مواد متمرکز است، تقریباً ۱۳۰۰ تکنیسین اقتصادی کمونیستی، که اکثر آنها ارزش معتبر دریافت می‌دارند، در سال ۱۹۷۸ به موزامبیک وارد گردیدند. میانگین بازپرداخت حدود ۱۰ میلیون دلار در سال بوده است. چین با حدود ۶۰ میلیون دلار اعتبار، یکی از مهمترین کمک‌دهندگان موزامبیک بوده است، لیکن براساس قرارداد اعتباری سال ۱۹۷۵ پروژه‌ای پیشنهاد نشده است. (خیلی محرمانه).

بعضی از فعالیت‌های کمونیستی سبب نقصان در کشاورزی درخشان این کشور شده است. بلغارستان و شوروی با هم در سال جاری به کار بر روی پروژه عمرانی حوضچه لیمپوپو پرداخته‌اند. بلغارستان در نظر

دارد احداث سدهای ماسینگر و مایابی را به پایان رسانیده و یک نیروگاه ۴۰ مگاواتی بر روی سد ماسینگر و در حوضچه لیمپوپو بسازد. براساس قرارداد سال ۱۹۷۷ بلغارستان شاهراه بین مایوتو - کابودلگادو را احداث خواهد کرد. مسکو نیز به تحقیقات زمین شناسی و تجهیزات مدارس فنی ادامه داد. آلمان شرقی نیز مطالعات خود را بر روی پروژه‌هایی از قبیل عمران کشاورزی، اکتشاف معادن، ماهیگیری، ایجاد خطوط نیروی فشار قوی، احداث یک کارخانه نساجی، و کارخانه مونتاژ کامیون که قرار است بر اساس قرارداد سال ۱۹۷۷ در پیش گرفته شود، آغاز کرده است. مجارستان نیز احتمالاً براساس همین قرارداد سال ۱۹۷۷ حدود ۵۰ دستگاه اتوبوس به مایوتو تحویل داده است. (طبقه‌بندی نشده).

#### نیجریه

روابط نیجریه با دولتهای اروپای شرقی به دنبال قرارداد منعقد شده جدید همکاری در سال ۱۹۷۸ گرمتر شد، در حالی که پس از واقعه شبا - ۲ روابط این کشور با شوروی و کوبا سردتر شده است. (طبقه‌بندی نشده).

روابط نظامی شوروی با نیجریه که ناشی از حمایت مسکو در طول شورش بیافرائیها در سال ۱۹۶۷ بوده است، در سالهای اخیر به خاطر نگرانی لاگوس (پایتخت نیجریه - م) در مورد سیاستهای شوروی در آفریقا رو به سردی نهاده است. از زمان فروش ۷۵ میلیون دلاری هواپیماهای شوروی که بزرگترین خرید نیجریه به حساب می‌آمد، شوروی تنها توانسته است موشکهای سام - ۷ و قطعات یدکی مورد نیاز نیروهای مسلح نیجریه را به این کشور بفروشد. با وجود اینکه پایگاههای نظامی نیجریه غرب زده است، ولی این کشور همچنان به تسلیحات نظامی کمونیستی علاقه نشان می‌دهد. گفتگوهای این کشور با لهستان و یوگسلاوی سبب شد که این کشورها پیشنهاد ارسال تانک بنمایند که قبلاً از آمریکا دریافت می‌گردید. (S NF).

علیرغم کاهش حضور نظامی شوروی، حضور غیر نظامی آن به ۱۱۰۰ نفر رسید که اکثر آنها را تکنیسینهای مشغول به کار در پروژه ۱۳۷ میلیون دلاری خط لوله نفتی تشکیل می‌دهند. قرار بود این خط لوله ۸۰۰ کیلومتری تا پایان سال ۱۹۷۸ احداث گردد، لیکن بنا به گزارشها شوروی حدود ۸ تا ۱۰ ماه تأخیر داشته و توانسته است که تنها بخش اول این خط لوله را در سال ۱۹۷۸ تحویل دهد. (S) (NF). طرحها و برنامه‌های مربوط به احداث کارخانه ذوب آهن آجائوکوتا، که مهمترین پروژه شوروی در نیجریه است، در ماه نوامبر به پایان رسید. دو طرف مزبور در مورد هزینه احداث به توافق نرسیده‌اند، چون شوروی ۹۰۰ میلیون دلار را در نظر دارد، ولی نیجریه گفته است که حاضر نیست بیش از ۶۰۰ میلیون دلار بپردازد. (سری).

کشورهای اروپای شرقی برخلاف شوروی با امضاء چند قرارداد حیثیت خود را در نیجریه افزایش داده‌اند:

- بلغارستان یک قرارداد همکاری اقتصادی را امضاء کرد که براساس آن یک کمیسیون مشترک جهت مطالعه و بررسی پروژه‌های کشاورزی، تهیه مواد غذایی و مسکن تشکیل گردید.
- براساس یک قرارداد منعقد شده در ماه سپتامبر چکسلواکی توافق کرد که معلم و دیگر متخصصین را در

اختیار این کشور قرار دهد.

○ مجارستان طول عمر اعتبار ۲۶ میلیون دلاری سال ۱۹۷۴ خود را در رابطه با تجهیزات بیمارستانی که در مورد ۲۵ درصد آن قراردادهایی امضاء شده، افزایش داد.

○ لهستان ۳۰۰ متخصص به نیجریه خواهد فرستاد و سالانه ۳۰۰ دانشجوی نیجریه‌ای را در دانشگاهها و آموزشگاههای فنی خود براساس یک قرارداد دو ساله منعقد در ماه مارس، خواهد پذیرفت.

○ لهستان و رومانی قراردادهایی برای معامله پایاپای کالاها و خدمات خود در ازای نفت نیجریه امضاء کردند که نیجریه دیگر تمایل چندانی به اجراء آن نشان نداده است. (طبقه بندی نشده).

ورشو در مورد همکاری در رابطه با کشتی‌سازی، عمران بنادر، معادن و کشاورزی با نیجریه یعنی بزرگترین مشتری خود در آفریقای مادون صحرا مذاکره نمود و یک کمیسیون مشترک جهت بررسی امکانات پروژه‌ها تشکیل گردید. رومانی بر برنامه ایجاد یک خط کشتیرانی و ماهیگیری مشترک متمرکز شده و مشارکت در چند پروژه از قبیل (الف) یک پالایشگاه نفت، (ب) کارخانه‌های پتروشیمی، (ج) پروژه‌های کشاورزی، (د) کارخانه سیمان‌سازی، و (ه) برق‌رسانی به روستاها را پیشنهاد نمود. مهمترین کار رومانی تا به حال احداث یک کارخانه چوب ۳۵ میلیون دلاری بود، ولی لهستان در رابطه با معادن زغال سنگ مشغول به کار بوده است. (خیلی محرمانه).

### سومالی

یک سال پس از لغو پیمان دوستی شوروی و سومالی، تلاش رئیس‌جمهور زیاد (زیاد باره - م) جهت دستیابی به منابع تسلیحاتی دیگر به جایی نرسید. تعدادی از عرضه‌کنندگان غربی اظهار داشتند که به محض عادی شدن اوضاع اوگادن، تجهیزات لازم را به سومالی خواهند فروخت. در همین حال، کمکهای کوچکی از طرف (الف) عربستان سعودی، که معادل ۱۵ میلیون دلار سلاح سبک و مهمات از فروشندگان تجاری مجارستان و لهستان در سال گذشته برای سومالی خریداری نمود؛ و (ب) مصر، قطعات یدکی مورد نیاز را از انبارهای روسی خود برای دفاع هوایی و تجهیز نیروی زمینی سومالی ارسال داشت. صورت گرفت. سعودیها و دیگر شیخ‌نشینهای خاورمیانه هزینه مورد نیاز برای این اقدام خریداری شده را ارائه کرده و بنادر و فرودگاههای خود را به صورت کانال انتقال سلاح به سومالی در اختیار این کشور قرار دادند، با این وصف نیروی هوایی سومالی به علت کمبود قطعات یدکی قادر به پرواز نمی‌باشد. (خیلی محرمانه).

در آوریل ۱۹۷۸، رئیس‌جمهور زیاد به پکن سفر کرد تا شخصاً درخواست دریافت کمک اضطراری اقتصادی و نظامی بنماید. چینها پیشنهاد کمک آموزشی و فنی دادند و تنها پس از سفر رئیس‌جمهور زیاد مقادیری تجهیزات نظامی به موگادیشو ارسال داشتند. تجهیزات ارسالی شامل چند نوع وسیله نقلیه نظامی ناشناس، توپخانه، توپهای ضد هوایی، سلاحهای سبک مقادیر قابل توجهی مهمات و قطعات یدکی مورد نیاز نفربرهای زرهی روسی بود. احتمالاً هنگام سفر دو هیئت عالی‌رتبه چینی به سومالی در ماه‌های ژوئیه و نوامبر نیز قراردادهای دیگری جهت ارسال کمکهای دیگر نظامی چین منعقد شده است. (سری). چین به حضور ۳۰۰۰ نفری خود ادامه داده است، گرچه نمی‌تواند جای خالی ۱۰۰۰ تکنیسین روسی

و اروپای شرقی اخراجی را بگیرد، لیکن با ارائه یک کمک ۱۸ میلیون دلاری توافق کرده است که پروژه‌های ناتمام شوروی را به پایان برساند. همچنین براساس یک قرارداد ۱۰۹ میلیون دلاری سال ۱۹۷۱ توافق کرده است که یک شاهراه ۲۰ میلیون دلاری بین بوراما و جیبوتی احداث نماید. این شاهراه به یکی از جاده‌هایی که توسط اعراب بین هارگی سا (Hargaisa) و بوراما ساخته شده متصل خواهد شد. کارگران جاده سازی نیز از پروژه جاده بلت اوئن - بورائو که در ماه اوت تکمیل گردیده بود به این نقطه منتقل گشته‌اند. رومانی که تنها کشور اروپای شرقی فعال در این کشور است، طی امضای یک پروتکل توافق کرده است که در رابطه با کشاورزی، جنگلداری، و ماهیگیری با سومالی همکاری نماید. ۱۰۰ میلیون دلار کمک جدیدی که از طرف اعراب به سومالی داده شده برابر است با ۶۰ درصد کمکی که شوروی از نظر اقتصادی در طول ۱۵ سال به این کشور داده است. (S NF NC).

کار شوروی بر روی پروژه‌های ۶۰ میلیون دلاری نه تنها متوقف گشت، بلکه سومالی ۳۷۰ دانشجوی این کشور را از دانشگاه‌های شوروی فراخواند و ادعا کرد که شوروی هزینه زندگی آنها را قطع کرده است. (S NF).

### تانزانیا

قراردادهای تسلیحاتی ۲۷۵ میلیون دلاری مهمترین عامل در روابط شوروی و تانزانیا به حساب می‌آید. علیرغم سوءظن دارالسلام نسبت به انگیزه‌های شوروی، مسکو تنها منبع تأمین کننده سلاحهای مورد نیاز تانزانیا در مقابله با اوگاندا و حمایت از موزامبیک در برابر حملات رودزیا بوده است. (خیلی محرمانه).

گرچه در سال ۱۹۷۸ قرارداد نظامی جدید امضاء نشده، ولی بر اساس توافق ۱۹۷۷ قراردادهایی در رابطه با (الف) دریافت ۲۰ سیستم موشک ضد هوایی برد متوسط سام - ۶، که مسکو تنها به این کشور در آفریقای مادون صحرا داده است؛ (ب) ۱۸ دستگاه موشک انداز BM-۲۱ (ج) موشکهای زمین به هوای سام - ۷؛ (د) توپخانه؛ و (ه) تجهیزات مخابراتی، منعقد گردیده است. (S NF NC).

تانزانیا مقداری سلاح سبک و قایق نفربر از چند کشور اروپای شرقی خریداری نمود و پکن نیز ۴ میلیون دلار سلاح سبک و تجهیزات دیگر به این کشور داده است. چین علاوه بر این توافق کرده است که یک کارخانه مخصوص ساختن این سلاحها را در تانزانیا احداث نماید. (S NF NC).

شوروی که هرگز در عمران تانزانیا فعالیت چندانی نداشت، براساس اعتبار سال ۱۹۷۷ قراردادهایی جهت احداث چند مزرعه دولتی در روویومو (Ruvumu) و مورگورو امضاء کرد و در زمینه احداث یک سد و یک نیروگاه نیز به کندی در حال انجام کار است. با سیر نزولی برنامه اقتصادی ۱۵ ساله شوروی، چین هنوز هم با استفاده از شهرت خود در ایجاد راه آهن تان - زام به کار مشغول است. علیرغم سردی روابط ناشی از حمایت چین از رژیم غیر مردمی مویوتو در طول حمله شبا حدود یک هزار نفر از تکنیسیینهای چینی در زمینه پروژه‌های کشاورزی و معادن به کار مشغول بودند. در ماه سپتامبر پروتکلی در رابطه با توافق ۷۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۴ چین امضاء شد تا یک معدن ۳۰۰۰۰۰ تنی زغال سنگ و نیروگاه مربوط به آن توسعه یافته و یک ساختمان محل تجمع حزبی نیز بناگردد. با این وصف، چین از احداث یک خط آهن بین آروشا و موسوما امتناع ورزیده است. (S) (NF).

در بخش اقتصادی کشورهای اروپای شرقی فعالیت‌ها شده بودند و با ارائه ۳۰ میلیون دلار اعتبار در سال ۱۹۷۸ کل تعهدات خود را به ۵۰ میلیون دلار رسانیدند. اعتبار مشترک آلمان شرقی و لهستان در پروژه نساجی امبیا (Mbeya) ۲۰ میلیون دلار بود، ولی مجارستان فقط ۱۰ میلیون دلار جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات در اختیار این کشور قرار داده است. کوبا که حدود پنج سال است که به حضور خود در تانزانیا ادامه می‌دهد. با امضاء پروتکلی در سال ۱۹۷۴ توافق کرد که در زمینه ماهیگیری، کشاورزی و بهداشت عمومی تانزانیا را یاری دهد. در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲۰۰ کوبایی در پروژه‌های تانزانیا کار می‌کردند که معادل یک پنجم بیش از تعداد کارمندان شوروی و اروپای شرقی می‌باشد. (S NF NC).

### زئیر

افزایش تضاد شبا (که به نظر زئیر به تحریک شوروی، آلمان شرقی و کوبائنها رخ داده بود) در روابط بین کینشازا و قدرتهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ تأثیر بخشید. (طبقه‌بندی نشده). چین که سعی داشت از عدم اعتماد زئیر به مسکو و اروپای شرقی بهره‌برداری کند، تنها کشور کمونیستی حامی دولت رئیس‌جمهور موبوتو در برابر جدایی طلبان کاتانگا بود. در طول این حمله معادل ۶ میلیون دلار سلاح سبک و دیگر کمکها به زئیر داده شد که دو قایق توپدار شانگهای و ۲۰ دستگاه تانک متوسط را دربر می‌گرفت. چین علاوه بر این توافق کرد که ۱۸ توپخانه، مهمات، کامیون و قطعات یدکی مورد نیاز قایقهای گشتی چینی به زئیر بدهد و پرسنل زئیر را در چین در مورد توپخانه، عملیات قایقهای گشتی، و فنون ضد شورشی آموزش دهد. (S NF).

چین در بخش اقتصادی براساس یک اعتبار ۱۰۰ میلیون دلاری کار مربوط به احداث یک کارخانه قند و تصفیه خانه آن را سرعت بخشید و در مورد ساختمان مجتمعهای ورزشی نیز مذاکراتی انجام داده است، دیگر فعالیت‌های کمونیستی محدود به شرکتهای تجاری مشترک بوده است. ولی رومانی در ماه اوت یک قرارداد اقتصادی امضاء کرد که بر اساس آن باید پاسخگوی تقاضای کمک زئیر در رابطه با پروژه‌های کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری، معادن و داروسازی، به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار در برنامه پنج ساله بعدی آن کشور باشد (۸۵-۱۹۸۱). (S NF NC).

### زامبیا

رئیس‌جمهور کوآندا هنوز هم در رابطه با تسلیحات شوروی در جنوب آفریقا مظنون است، ولی در غیاب حمایت غرب، او مجبور شده است پیشنهاد مسکو را برای بالا بردن بنیه دفاعی زامبیا در برابر حملات رودزاییها مورد بررسی قرار دهد. با وجود اینکه زامبیا کمکهای چین را به کمکهای شوروی ترجیح می‌دهد، پکن نمی‌تواند در کوتاه مدت انواع مختلف سلاحهای مدرن را در اختیار این کشور قرار دهد. زامبیا براساس یک قرارداد منعقد شده در سال ۱۹۷۷ تنها توانست ۱۲ فروند اف-۶ (یا میگ ۱۹) از چین تحویل بگیرد. بنا به گزارشهای رسیده شوروی در اوائل نوامبر به عنوان قسمتی از قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری جهت بازسازی نیروهای دفاعی زامبیا مشابه و طبق مدل نیروهای شوروی، ارائه جت‌های جنگنده میگ، موشکهای ضد هوایی و تانک را به این کشور پیشنهاد کرده است. زامبیا حتی با وجود اعتبارات صادره نیز نخواهد توانست قیمت این تجهیزات را بازپرداخت نماید و رئیس‌جمهور کوآندا نیز تا

کنون از پذیرش تعداد زیادی از پرسنل شوروی امتناع ورزیده است تا این وضع پیش نیاید. ولی در نهایت زامبیا مجبور به پذیرش بعضی از تجهیزات روسی جهت بهبود وضع دفاعی زامبیا در برابر حملات مرزی رودزیا خواهد شد. (S NF NC)

در همین حال، مسکو حدود ۲ میلیون دلار سلاح شامل توپخانه و نفربرهای زرهی را براساس قراردادهای گذشته به زامبیا تحویل داد. در حال حاضر حدود ۱۰۰ نفر کوبایی در زامبیا با شورشیان زیمابوه و با نامیبیایی همکاری می‌کنند. انتقال تعداد زیادی از کوباییها از آنگولا به زامبیا برای آموزش دادن زاپو هنوز تأیید نشده و در شرایط کنونی رئیس‌جمهور کوآندا نیز این مسئله را تأیید نمی‌کند. (S NF). بنا به درخواست مقامات راه‌آهن تان-زام در سال ۱۹۷۸ پرسنل چین به زامبیا بازگردانده شدند، چون پرسنل محلی نتوانسته بودند با موفقیت به کار خود ادامه دهند. این راه‌آهن (که بزرگترین پروژه چین در جهان سوم به حساب می‌آید) رسماً در سال ۱۹۷۶ به تانزانیا و زامبیا سپرده شده بود، لیکن قرار بود که ۱۰۰۰ تکنیسین چینی به مدت دو سال در این راه‌آهن به کار مشغول باشند، اما با پایان یافتن دوره‌های آموزشی پرسنل، افراد چینی به کشور خود بازگشتند. در سال ۱۹۷۸ و براساس یک اعتبار ۵۱ میلیون دلاری چین در رابطه با کشاورزی و معادن کمکهایی به زامبیا داد. (طبقه‌بندی نشده).

مسکو طبق اعتبار ۶ میلیون دلاری خود، اکثر تجهیزات سفارش شده را به این کشور تحویل داد و کشورهای اروپای شرقی نیز در عمران زامبیا فعالتر شده‌اند. رومانی نیز براساس یک اعتبار ۵۰ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۷۲ برنامه‌های خود را جهت احداث یک سردخانه، کارخانه مونتاز تراکتور، کارخانه نساجی، کارخانه سرامیک، و یا کارخانه کفش‌سازی اعلام کرده است. چکسلواکی در رابطه با عمران صنعتی ۱۲ میلیون دلار وام به زامبیا داده است. (طبقه‌بندی نشده).

### دیگر کشورهای آفریقای مادون صحرا

بنین. رژیم تندرو رئیس‌جمهوری کرکو در بنین تلاش نمود که شهرت مارکسیست را استحکام بخشد، در سال ۱۹۷۸ قدرت نظامی بنین را تقویت نموده، و از حق استفاده از بنادر و فرودگاههای خود که از اواسط سالهای ۱۹۷۰ به مسکو داده شده بود، جهت گسترش یافتن فعالیت‌های شوروی در غرب آفریقا بهره‌برداری نماید. گرچه شوروی ممکن است با تقاضای بنین مبنی بر جایگزین ساختن ناوهای اژدرافکن به جای ناوهای نامرغوب روسی ساخت کره شمالی موافقت نماید، ولی قرارداد تسلیحاتی جدیدی منعقد نشده است. شوروی یک هواپیمای باری AN-۲۶ و AN-۲ به ارزش ۳ میلیون دلار به بنین ارسال داشته است. (S NF).

چین هنوز هم یکی از فعالترین کمک‌دهندگان اقتصادی بنین به شمار می‌آید و حدود ۲۲۵ چینی بر روی پروژه‌های کشاورزی و یک استادیوم مشغول به کار بوده‌اند، گرچه قراردادهای اقتصادی جدیدی در ماه ژوئن با آلمان شرقی و در ماه سپتامبر با بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان و لهستان امضاء گردید، لیکن این قراردادها پروژه خاصی را به همراه نداشته است. شوروی توافق کرد که تجهیزات مربوط به یک مزرعه نمونه را براساس توافق ۱۹۷۴ به این کشور بدهد، رومانی نیز پیرامون کمک به کشاورزی، صنعت برق، معادن و نفت با این کشور مذاکره کرده است. (طبقه‌بندی نشده).



بوتسوانا. روابط کمی دو ساله بوتسوانا با چین، که تا سال ۱۹۷۸ بر اعطای تجهیزات کوچک نظامی برای نیروهای دفاعی بوتسوانا استوار بود، با دریافت مقدار زیادی سلاح محک‌تر شد، چون یکن براساس قرارداد ۱۹۷۶ معادل ۱۶/۶ میلیارد دلار اعتبار به این کشور اختصاص داد. در پایان سال، بوتسوانا به پیشنهاد ارسال پزشکان چینی توجه نشان داد، لیکن انتظار نمی‌رود که به پیشنهاد ارسال معلمین شوروی به بوتسوانا علاقه‌ای نشان دهد. (طبقه‌بندی نشده).

بوروندی. علیرغم چند پیشنهاد جدید کمونیستی جهت گسترش معادن بوروندی، الگوی کمک کمونیستی به بوروندی در سال ۱۹۷۸ تغییری نکرده است. چین، مهمترین کمونیست کمک‌دهنده به بوروندی، کار تکنیسی‌های خود را بر روی پروژه مجتمع نساجی و نیروگاه آبی ادامه داده است، لیکن عملیات مربوط به احداث جاده بین بوجومبورا - روتو (Rutovo) به علت اختلافات مربوط به خدمات فنی معوق مانده است. (خیلی محرمانه)

رومانی در ماه نوامبر پروتکلی در زمینه پروژه‌های اضافی کشاورزی، صنعتی، گسترش معادن و نیروگاهها امضاء کرد که مکمل عملیات مشترک موجود بود: (الف) یک عملیات معدنی، که عملیات آن در ماه سپتامبر آغاز شد، (ب) یک شرکت کشاورزی که در زمینی به مساحت ۱۰۰۰۰ هکتار در سال ۱۹۷۸ غلات و پنبه کشت نمود. (طبقه‌بندی نشده).

در همین حال، به علت اختلافات موجود در مورد نحوه پرداخت جهت پی‌جویی روی، سرب، تنگستن، مس، مولیبدن، و قلع، یک تیم روسی جای تیم رومانی را خواهد گرفت. در پایان سال، بوروندی یکی از پیشنهادات کوبا را مورد بررسی قرار داده است که احتمالاً براساس قرارداد همکاری اقتصادی سال ۱۹۷۶ و در رابطه با گسترش منابع نیکل که بنا به اظهارات سازمان ملل بسیار وسیع است، مطرح شده بود. (C NF).

کامرون. کامرون به استفاده از ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار ارائه شده توسط چین در رابطه با خطوط انتقال نیروی سد لاگدو برای پروژه برق‌رسانی روستایی ادامه داده است. (طبقه‌بندی نشده).

کیپ ورد. به خاطر تصمیم رئیس‌جمهور پیرا (Pereira) جهت ایجاد تأسیسات نظامی کیپ ورد با تجهیزات و آموزشهای روسی جدا از ارتش گینه بیسائو. حضور مسکو در کیپ ورد در سال ۱۹۷۸ افزایش چشمگیری یافت. در سال ۱۹۷۸ کیپ ورد حدود ۲ میلیون دلار تجهیزات نظامی از مسکو خریداری نمود و براساس توافق سال ۱۹۷۶ حدود نیمی از این مبلغ را به صورت (کامیون، سلاحهای سبک، و مهمات) از مسکو دریافت نمود. مسئله با اهمیت دیگر این است که در ماه مارس شوروی اولین گروه مستشاران نظامی خود را برای آموزش و تعمیر و نگهداری هواپیماها به این جزیره ارسال نمود. در ماه سپتامبر تعداد مستشاران این کشور به ۵۰ نفر رسید و حدود ۲۵۰ نفر از پرسنل کیپ ورد جهت گذراندن دوره‌های آموزشی رهسپار شوروی شدند. حدود ۱۵ پرسنل کوبایی و اروپای شرقی نیز در کیپ ورد مشغول به کار بوده‌اند. شوروی که امیدوار بود امتیاز استفاده از بنادر و ماهیگیری را در این جزیره به دست آورد. توافق کرد که نیازهای نفتی کیپ ورد را (که سالانه ۲/۵ میلیون دلار است)، به دنبال صدور یک اعتبار ۱۶ ساله در رابطه با محصولات نفتی در ماه سپتامبر، برآورده سازد. با این وصف کیپ ورد به دلیل عدم توانایی در تعمیر و نگهداری، پیشنهاد مسکو را در رابطه با احداث یک نیروگاه برق ۵۳۰ کیلوواتی در میندلو نپذیرفت. کیپ ورد اولین کمک پیشنهادی ارائه شده از طرف چین را در رابطه با احداث یک

ساختمان به عنوان محل اجتماع دولت که بسیار مورد نیاز این کشور بود و کار آن در مارس ۱۹۷۹ آغاز خواهد شد، پذیرفته است. پکن در نظر دارد احتمالاً براساس یک قرارداد منعقد در سال ۱۹۷۷، ۵۰۰۰۰۰ دلار وام کشاورزی به این کشور بدهد. (S NF).

امپراطوری آفریقای مرکزی. روابط بین مسکو و امپراطوری آفریقای مرکزی به دنبال حمله شبا و سوءظن رئیس جمهور بوکاسا در مورد نقش کشورهای کمونیستی در این حملات، تیره تر شده است. برنامه ۸ میلیون دلاری نظامی نیز پس از آن که رئیس جمهور بوکاسا در سال ۱۹۷۷ یک تیم هلیکوپتر روسی را به علت اختلافات پرداخت حقوق اخراج کرد. با تأخیر و تعویق روبه رو شده است. مهمترین منبع کمکهای اقتصادی و فنی امپراطوری آفریقای مرکزی فرانسه به حساب می آید و شوروی و چین نیز برنامه های خود را بر خدمات فنی متمرکز ساخته اند. در سال ۱۹۷۸ حدود ۲۲۵ پرسنل روسی و ۸۰ پرسنل چینی در امپراطوری آفریقای مرکزی به کار مشغول بودند. (S NF)

چاد. روابط شوروی و چاد در سال ۱۹۷۸ به علت استفاده از سلاحهای روسی ارسالی لیبی توسط مسلمانان شورشی در حمله به چاد شمالی و عدم ارسالی قطعات یدکی و مهمات توسط شوروی برای نیروهای دولتی روبه وخامت نهاد. قرارداد جدید تسلیحاتی بین چاد و شوروی منعقد نگردید، ولی چاد براساس قرارداد سال ۱۹۷۶ مقادیر ناچیزی سلاح از این کشور دریافت نمود. در همین حال بیست نفر پرسنل نظامی روسی موجود در چاد در اوائل سال ۱۹۷۸ به پنج نفر در ماه اکتبر تقلیل یافت. چاد به غرب و به خصوص فرانسه که در عملیات ضدچریکی نقش بسیار فعال داشته، متکی شده است. (سری).

در سال گذشته هنگامی که مسکو هزینه پرسنل خود را بالا برد. چاد اظهار ناراحتی نمود، و علاوه بر این هنگامی که چاد از پرداخت هزینه های محلی ۵۰ پزشک و معلم روسی امتناع ورزید، در ارائه برنامه کمک فنی ناچیز شوروی در این کشور اصطکاکهایی پدید آمد؛ در پایان سال حدود ۳۰ نفر تکنیسین غیر نظامی روسی به خرج شوروی در چاد مشغول به کار بودند. چین، مورد توجه ترین کمک دهنده چاد، ۳۶۰۰۰۰ دلار کالاهای پزشکی را مجاناً به این کشور داد و قول داد که برنامه احداث کارخانه برنج پاک کنی، احداث یک بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی و حفر چاههای آب را مورد بررسی قرار دهد، کار مربوط به احداث یک استادیوم و یک سد که پروژه های مربوط به قرارداد سال ۱۹۷۳ می باشد در سال ۱۹۷۹ آغاز خواهد گردید. (خیلی محرمانه).

کوموروس. کوموروس پیشنهاد کمک شوروی را در ازای استفاده از فرودگاه هاها یا (Hahaya) در جزیره گراند کومور و استفاده از یک لنگرگاه در دماغه آنجوان را رد کرد. (خیلی محرمانه).

کنگو. چینیها بر روی پروژه های مهم خود یعنی سد بوئرا و برق رسانی روستایی و شوروی در رابطه با اکتشافات زمین شناسی به کار مشغول هستند. کوبا در اواخر سال ۱۹۷۸ اولین دامداری نمونه را در کنگو ایجاد کرد و در نظر دارد ۱۴ دامداری دیگر بسازد. فعالیتها بر بهبود یافتن وضع نژاد دامهای محلی استوار است و کوبا هم اکنون چند نوع دام گوشتی و شیرده را به این پروژه هدیه کرده است. در اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی اوائل سال ۱۹۷۸، رومانی یک قرارداد همکاری اقتصادی جامع امضاء نمود. کنگو از فعالیتهای کشاورزی رومانی به علت بازده ناچیز محصول ناراضی بوده است. این کشور همچنین در مورد پیشرفت ناچیز ساختمان کارخانه الیاف ترکیبی که رومانی برای آن ۲۰ میلیون دلار تجهیزات وارد کرده اظهار ناراضی نموده است. (خیلی محرمانه).

جیبوتی. شوروی و جیبوتی در ۳ آوریل ۱۹۷۸ در سطح سفارت روابط دیپلماتیک برقرار کردند. (طبقه‌بندی نشده).

گینه استوایی. در سال ۱۹۷۸، گینه استوایی براساس قرارداد ۹ میلیون دلاری خود یک فروند هواپیمای باری ۴۰ - YAK از روسیه تحویل گرفت. با کاهش تجهیزات ارسالی شوروی، تعداد پرسنل مستشار کوبایی در حمایت از برنامه‌های شوروی (از ۲۶۰ نفر در سال ۱۹۷۷) به ۴۰ نفر در سال ۱۹۷۸ تقلیل پیدا کرد. از طرف دیگر مستشاران اقتصادی کمونیستی هنوز در این کشور به کار مشغول هستند. حدود ۵۰۰ نفر پرسنل روسی در رابطه با برنامه ماهیگیری وسیع مسکو در خارج از بندر لوبا مشغول فعالیت بوده‌اند. حدود ۱۰۰ نفر از پرسنل آموزشی، پزشکی و ساختمانی کوبایی نیز در گینه به سر می‌برند. چین تنها کشور کمونیستی که کمک‌های بزرگی به این کشور کرده است (با ۲۴ میلیون دلار کمک) ۲۰۰۰ نفر از پرسنل خود را در رابطه با پروژه‌های زیربنایی در این کشور به کار گماشته است. (S NF NC).

غنا. کودتای بدون خونریزی که یک دولت دارای گرایش‌های غربی را در ماه ژوئیه در غنا بر سر کار آورد، بر برنامه‌های اقتصادی کمونیستی تأثیر نگذاشت، لیکن معاملات نظامی کمونیستی ظاهراً کنار گذاشته شده است. مهم‌ترین قرارداد کمونیستی آکراد در سال ۱۹۷۸ یک اعتبار ۴۲ میلیون دلاری با آلمان شرقی در رابطه با دریافت ماشین آلات و تجهیزات بود که مهم‌ترین قرارداد این کشور با اروپای شرقی به شمار می‌رود. بلغارستان در رابطه با کشاورزی، ماهیگیری و صنعت برق اعتبارهایی خواهد داد و مجارستان نیز قراردادهایی جهت وارد کردن جرثقیلهای بندری با این کشور منعقد ساخته است. چین که هنوز هم یکی از کشورهای کمونیست فعال در غنا به حساب می‌آید، به کار خود بر روی پروژه آبیاری ۱۳ میلیون دلاری عفیفه (Afife) ادامه داده و تکنیسینهای چینی نیز به غنا آمده‌اند تا پیرامون احداث یک کارخانه شیشه‌سازی، مزرعه نیشکر و پالایشگاه، احتمالاً با استفاده از اعتبار ۲۲ میلیون دلاری قرار داد سال ۱۹۶۴ به مطالعه و بررسی بپردازند. پکن، پیرامون احداث یک آسیای برنج‌کوبی، کارخانه تولید سرامیک پیشنهاد کمک داده است و احداث یک کارخانه نخ‌ریسی را برای یک شرکت خصوصی غنا نیز به پایان رسانده است، گذشته از ادامه کار در مورد کارخانه تولید پانلهای بتنی، روسها برنامه‌های خود را توسعه ندادند، چون غنا از پرداخت ارز مستقیم در قبال خدمات فنی شوروی برای بازسازی پروژه‌های زمان نکرومه امتناع ورزیده است. (S NF NC).

غنا برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ پس از سرنگونی نکرومه، اولین هیئت نمایندگی کوبایی را به این کشور پذیرفت. در این ملاقات پیرامون تجارت نیشکر و چوب مذاکراتی انجام گرفت و کوبا ارسال متخصصین خود را برای بالا بردن ظرفیت تولیدی کارخانه‌های شکر ساخت لهستان و چکسلواکی مورد بررسی قرار خواهد داد. (طبقه‌بندی نشده).

گابن. با وجود روابط غیر خصمانه گابن با دیگر کشورهای کمونیستی، رهبریت متمایل به غرب این کشور از برقراری روابط خود با شوروی و کوبا به خاطر فعالیت‌هایشان علیه ثبات آفریقا سرباز زده است. چین با یک قرارداد ۲۵ میلیون دلاری تنها کشور کمونیستی است که توانسته حضور کمکی خود در گابن را حفظ نماید. بنا به گزارشهای رسیده این کشور پیرامون مشارکت چین در احداث خط آهن گابن مذاکره کرده است. ولی تا به حال در مورد اعتبار ۲۹۰ میلیون دلاری رومانی جهت احداث بخشی از راه آهن

سرتاسری گابن اقدامی به عمل نیاورده است. رومانی قبول کرده است که اعتبار صادره اش در مدت بیست سال با کالاهایی از قبیل مواد نفتی، سنگ آهن و دیگر فلزات بازپرداخت شود. (خیلی محرمانه).

گینه بیسائو. افزایش کمک اقتصادی غربی نفوذ کشورهای کمونیستی و به خصوص شوروی را در گینه بیسائو کاهش داده، ولی روابط نظامی همچنان به قوت خود باقی مانده است. (طبقه بندی نشده).

گینه بیسائو در سال ۱۹۷۸ حدود ۲ میلیون دلار تجهیزات نظامی از شوروی دریافت کرد، که ۳ هلیکوپتر میگ - ۴ را نیز در برمی گیرد. تنها قرارداد اقتصادی منعقد شده با شوروی در رابطه با یک قرارداد ماهیگیری بود که موجبات نارضایتی این کشور را فراهم نمود. بنابه گفته رئیس جمهور این کشور، مسکو نه تنها ماهی کافی به بازارهای محلی این کشور وارد نکرد، بلکه ماهیگیران محلی را نیز آموزش نداد و حتی به بیسائو اجازه نداد که منافع حاصله از سرمایه گذاری خود را به دست بیاورد. (سری).

در سال ۱۹۷۸ آموزشهای آکادمیک کمونیستی مهمترین برنامه آنها به شمار می رفت. از ۲۳۵ دانشجویی که به بیسائو بازگشته اند به استثناء ۳۰ نفر از آنها بقیه در کشورهای کمونیستی آموزش دیده اند و دوسوم دانشجویان مشغول به تحصیل این کشور در خارج از نهادهای کمونیستی بسر می برند. (خیلی محرمانه).

کنیا. مرگ جومو کینیا تا رهبر دیرین کنیا در ماه اوت در روحیه توأم با تردید کنیا در رابطه با کشورهای کمونیستی تغییری پدید نیاورد. با وجود اینکه کنیا رسماً از اختلافات اتیوپی در مورد اوگادن حمایت می کند و علت آن نیز ادعای مشابه سومالی در مورد قلمرو کنیاست، ولی نایروبی درگیری و مداخله شوروی در اتیوپی را محکوم کرده است. کنیا به پیشنهاد کمک ۶/۷ میلیون دلاری مسکو جهت بازسازی بیمارستان ماثار (Mathare) و یا گسترش بیمارستان ساخت شوروی در نایروبی پاسخ مثبت نداده است. در سال ۱۹۷۸ کنیا سرانجام پیشنهاد کمک گسترش فلوریت در دره کریورا که از طرف شوروی مطرح شده بود را رد کرد. نایروبی پیشنهاد چین را در مورد احداث یک استادیوم و پروژه تولید برنج مورد بررسی قرار داده است. (خیلی محرمانه).

لسوتو. لسوتو در پایان سال ۱۹۷۸ و به دنبال بازدید یک هیئت نمایندگی کوبا در اواسط سال مزبور آماده به رسمیت شناختن کوبا شده بود. (طبقه بندی نشده).

لیبریا. چین مهمترین عامل خیر در ابتکار لیبریا برای بهبود روابط خود با کشورهای کمونیستی و بالا بردن اعتبار عدم تعهد لیبریا بوده است. حدود ۲۰۰ پرسنل چینی در لیبریا بر روی پروژه قبلی قند ملی چین در این کشور مشغول به کار هستند. در طول سفر رئیس جمهور تولبرت به چین در ماه ژوئن، چین توافق کرد که ۲۳ میلیون دلار اعتبار برای سه ایستگاه رادیو، محصولات کشاورزی و احداث یک استادیوم در اختیار این کشور قرار دهد. چین همچنین توافق کرده است که در کارخانه قندی که پکن در سال ۱۹۷۷ از تایوان تحویل گرفت، یک کارخانه الکل سازی احداث نماید. برخلاف دیگر قراردادهای چین، لیبریا هزینه های محلی را تأمین خواهد کرد و چین نیز طرحها، تجهیزات و بعضی از مصالح ساختمانی را به این کشور خواهد داد. (خیلی محرمانه).

ماداگاسکار. شرقی گرای در سال ۱۹۷۸ با امضاء یک قرارداد نظامی ۵۵ میلیون دلاری با روسیه مشخص گردید که بزرگترین قرارداد این کشور با یک کشور عرضه کننده تجهیزات نظامی به حساب می آید، و طی همین قرارداد ۱۲ جت میگ - ۲۱، آموزش، و کمک فنی درون کشوری را دریافت خواهد

کرد. آنتاناریو در سال ۱۹۷۷ قرارداد مشابهی را در ازای دسترسی یک جانبه شوروی به بندر دیگوسوآرز (Diego Suarez) امضاء کرد. لیکن این قرارداد به علت ترس از افزایش حضور شوروی لغو گردید. در سال ۱۹۷۸ کره شمالی (تنها تأمین کننده دیگر کمونیستی) به ماداگاسکار و برای پایگاه دیگوسوآرز چهار میگ - ۱۷ قرض داد و حدود یک میلیون دلار تجهیزات از قبیل ۱۸ دستگاه توپ ضد هوایی به این کشور تحویل داد. (S NF).

علاوه بر این مسکو ۶ میلیون دلار کمک اقتصادی جدید در اختیار این کشور قرارداد که نیمی از آن مربوط به ارسال هواپیمای باری ۴۰ - YAK و ۲۰۰ دستگاه تراکتور بوده و در اواخر سال مزبور به این کشور تحویل گردید. تکنیسینهای شوروی براساس اعتبار صادره در سال ۱۹۷۴ پیرامون احداث یک کارخانه سیمان‌سازی، تولید آرد و ایستگاه پخش رادیویی مطالعات و بررسیهای خود را آغاز کرده‌اند. (طبقه‌بندی نشده).

چین که هنوز هم مهمترین کمک دهنده ماداگاسکار به حساب می‌آید، در مورد پروژه‌های بزرگ فعالیت خود را کمتر کرد تا عدم تأیید خود را از برقراری نزدیک روابط این کشور با شوروی نشان داده باشد. معذک، چین به ارسال تجهیزات برای بازسازی جاده تاماتاوه - مورمانگا که مهمترین پروژه این کشور براساس اعتبار ۵۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۵ می‌باشد، ادامه داده است. یک تیم پزشکی چینی نیز در اواسط سال برای کار در مرکز پزشکی ساخته شده توسط چین وارد واتوماندری گردید. (طبقه بندی نشده).

رومانی پیرامون پروژه‌هایی مذاکرات خود را آغاز کرد که اگر به منصفه اجرا درآید، این کشور را در زمره مهمترین کمک‌دهندگان ماداگاسکار در خواهد آورد. این مذاکرات در برگیرنده گسترش پالایشگاه نفت تاماتاوه جهت ایجاد تنوع در بازده، بهره‌برداری از منبع سنگ‌آهن سوآلالا (Soalala)، ایجاد یک مجتمع کشاورزی ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ هکتاری، یک کارخانه مونتاژ وسیله نقلیه، یک کارخانه ذوب آهن در مورمانگا، بهبود وضع جاده‌ها و ایجاد نیروگاههای حرارتی می‌باشد. (S NF).

موریس. شوروی علی‌رغم آثار و علائم بهبود روابط، در سال ۱۹۷۸ نتوانست روابط بهتری با موریس برقرار سازد. قراردادهای شوروی با شرکت خصوصی موریس جهت تعمیر کشتیهای ماهیگیری شوروی (در ازای ارز معتبر) دارای کارایی عملیاتی نبود؛ موریس در سال گذشته قراردادهای ماهیگیری خود با شوروی را ملغی اعلام کرد چون شوروی ماهی کافی به بازارهای محلی عرضه نکرده و نیازهای آموزشی را نیز تأمین نساخته بود. موریس شوروی را متهم به غارت و چپاول در سواحل صیهاد و مالها (Sayhade - Malha) که طبق ادعای موریس از آبهای این کشور بشمار می‌آید متهم کرده است. لیکن کشتیهای موریس به معاملات تجاری خود با کشتیهای تجاری روسی ادامه داده‌اند. (خیلی محرمانه).

چین به علت سه برابر شدن هزینه‌های برآورده شده، کار مربوط به احداث یک فرودگاه براساس توافق سال ۱۹۷۷ را آغاز نکرده است. از زمانی که پیشنهاد ۳۰ میلیون دلاری چین مطرح شده بود، تورم هزینه‌های برآورد شده را به ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار افزایش داده که امکان ساخت این فرودگاه را با هزینه اولیه پیشنهادی غیر ممکن می‌سازد. (خیلی محرمانه).

روآندا. روآندا و چین در ژوئن سال ۱۹۷۸ یک قرارداد اقتصادی و فنی جدید امضاء نموده و خواستار انجام مطالعات و بررسیهای پیرامون احداث یک بیمارستان، یک استادیوم ورزشی، یک کارخانه

آردسازی، یک کارخانه تولیدکننده سرامیک شدند. این پروژه‌ها به منابع مالی بیشتری نیاز خواهد داشت، چون از ۲۲ میلیون دلار اعتبار سال ۱۹۷۲ تقریباً چیزی باقی نمانده است. چین در ماه ژوئیه یک نمایشگاه تجاری و اقتصادی در گیگالی برپا کرد که اولین نمایشگاه خارجی برگزار شده در روآندا به حساب می‌آید. (طبقه‌بندی نشده)

سی شلز. چین و شوروی جهت نفوذ در سی شلز که به خاطر قرار گرفتن در ساحل شرقی آفریقا دارای موقعیت استراتژیک است، به رقابت پرداخته‌اند. در سال ۱۹۷۸، سی شلز اولین محموله‌های تسلیحاتی کمونیستی را به دست آورد: (الف) ۲۰۰/۰۰۰ دلار سلاح سبک، مهمات، وسیله نقلیه، و وسایل مخابراتی از چین؛ و (ب) ۲ میلیون دلار تجهیزات روسی از قبیل ۶ دستگاه نفربر زرهی BRDM-۲، ۳ فروند قایق گشتی نیروی دریایی، و تعدادی موشک انداز قابل حمل آرپی جی - ۷. با وجود اینکه مستشاران نظامی کمونیستی هنوز به این جزیره وارد نشده‌اند، ولی وجود آنها جهت آموزش عملیاتی و تعمیر و نگهداری تجهیزات مدرن تر ضروری خواهد بود. (S NF).

سنگال. علیرغم مخالفت رئیس جمهور سینگهور (Singhor) با فعالیتهای شوروی در آفریقا، روابط چین و اروپای شرقی با سنگال در سال ۱۹۷۸ گرم و صمیمانه بود. سنگال علیه حضور نظامی شوروی و کوبا در آفریقا مبارزاتی را آغاز نمود، لیکن اعطای ۱۲۰۰۰۰ دلار گندم را از طرف چین در زمان خشکسالی بی‌وقفه قبول کرد. این کشور با لهستان نیز براساس قرارداد سال ۱۹۷۶ پروتکلی را در ارتباط با تولید مواد شیمیایی (به خصوص کود فسفات)، تهیه مواد غذایی، انرژی و صنعت برق امضاء نمود. ورشو با یک شرکت محلی جهت افزایش تجارت در رابطه با تجهیزات صنعت شیمیایی و مواد خام با سنگال شریک شده است. در ماه اکتبر بلغارستان نیز توافق کرد که در رابطه با کشاورزی، معادن و تحقیقات زمین‌شناسی به این کشور کمک نماید، و رومانی نیز پروتکلی را در ارتباط با همکاری در زمینه کشاورزی، نیروی برق، صنایع و معادن امضاء نمود. (طبقه‌بندی نشده).

سیرالئون. چین هنوز هم مهمترین کمک‌دهنده کمونیست به سیرالئون بوده و قرارداد اعتباری ۴۰ میلیون دلاری این کشور موجب احداث یک استادیوم، دوپل و ۱۳ ایستگاه کشاورزی گردیده است. شرکت ملی تجاری، یعنی تنها واردکننده کالاهای چینی، اخیراً گسترش یافته و کالاهای مردمی ارزان قیمت بیشتری از چین خریدار خواهد کرد. تنها پروژه بزرگ چین در سیرالئون یک شرکت ماهیگیری مشترک است و مسکو بار دیگر به فری‌تاون فشار وارد آورده است تا یک قرارداد ماهیگیری ده ساله شامل احداث یک اسکله و تأسیسات ساحلی را امضاء نماید. (طبقه‌بندی نشده).

سائوتومه و پرنسپ. کمک کمونیستی به سائوتومه و پرنسپ (که بیشتر از طرف چین ارائه می‌گردد) خیلی بیشتر از کمک منابع دیگر بوده، و نفوذ کمونیستها در آنجا نیز بسیار زیاد است. در سال ۱۹۷۸، چین ۱۷/۶ میلیون دلار کمک عمرانی به این کشور داد تا قرارداد دسامبر ۱۹۷۵ در رابطه با کشت برنج، گسترش نیروگاههای آبی، و کمکهای پزشکی به مرحله اجرا درآید. برنامه کمک فنی کوبا نیز ۱۴۰ پزشک، معلم و کارگر ساختمانی از طرف مسکو به سائوتومه ارسال داشته است. براساس همین برنامه کوبا احداث دو ساختمان آپارتمانی را در سال ۱۹۷۸ به پایان رسانید. (طبقه‌بندی نشده).

سودان. روابط شوروی و سودان که به دنبال اخراج مستشاران نظامی روسی از این کشور در سال ۱۹۷۷ تیره شده بود، حتی پس از برقراری روابط دیپلماتیک نیز دچار بهبود نشده است. نفوذ شوروی در

سودان ناشی از یک برنامه نظامی ۸۷ میلیون دلاری بود؛ در حال حاضر سودان ظاهراً از دیگر کشورهای کمونیستی قطعات یدکی مورد نیاز خود را خود خریداری می‌نماید. لهستان در سال ۱۹۷۸ ارائه معادل یک میلیون دلار هلیکوپترهای طرح روسی و نیروگاه‌های مخصوص تانک تی - ۵۵ را به سودان پیشنهاد کرد؛ لیکن معلوم نیست که سودان این پیشنهاد را پذیرفته باشد. نمیری هنوز هم از همکاری شوروی در اتیوپی و کمک نظامی لیبی به مخالفین سودان ابراز تنفر و انزجار می‌کند. (S NF)

کمک‌های جدید کمونیستی در سال ۱۹۷۸ عمدتاً از طرف چکسلواکی براساس یک اعتبار ۲۴ میلیون دلاری جدید در رابطه با مسکن و دیگر تجهیزات مطرح گردید. چین و آلمان شرقی مقدار کمی کمک به این کشور ارائه کردند و لهستان توافق کرد که براساس اعتبار صادره در سال ۱۹۷۷ معادل ۱۲ میلیون دلار تجهیزات برقی به این کشور داده و براساس یک قرارداد تجاری یک تعمیرگاه کشتی ۳ میلیون دلاری در خارطوم بنا نماید. (خیلی محرمانه).

علیرغم اعتبار ۱۶۰ میلیون دلاری اخیر اروپای شرقی، چین هنوز هم یکی از مؤثرترین کمک‌دهندگان سودان است. تکنیسینهای چین دومین مرحله احداث کارخانه نساجی هاساهایسا (Hasahaisa) را در ماه ژوئن به پایان رسانیده و تدارکات مربوط به ساختن یک کارخانه پارچه بافی مربوط به کارخانه نساجی را آغاز کرده‌اند. پروژه‌های گسترش ماهیگیری چینی در دریاچه ان - نوبا (An Nubah) که براساس یک قرارداد ۴۰ میلیون دلاری انجام می‌شود، در حال اتمام است. کمک‌های ارائه شده در این زمینه شامل ۴۰ قایق ماهیگیری و دو سردخانه می‌باشد. (طبقه بندی نشده).

توگو. علیرغم ترس از اقدامات خرابه کارانه شوروی در آفریقا، توگو دانشجویان خود را به شوروی می‌فرستد، و در ماه ژوئن نیز یک قرارداد اقتصادی امضاء نمود که به پروژه‌های عمرانی شوروی در توگو منجر خواهد گشت. کشورهای اروپای شرقی نیز بیش از گذشته فعالیت داشتند؛ مجارستان در رابطه با تجهیزات معادن فسفات یک قرارداد ۱۰ میلیون دلاری امضاء کرد و لهستان نیز در نظر داشت با مشارکت چند کشور غربی یک کارخانه تولید کود فسفاته به ارزش ۳۰۰-۲۵۰ میلیون دلار در توگو بنا نهد. چین نیز با استفاده از قرارداد ۴۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۲ احداث سد و مجتمع آبیاری ۶ میلیون دلاری رودخانه سیو را آغاز کرد.

این پروژه به محض اتمام در سال ۱۹۸۰ خواهد توانست ۶۶۰ هکتار شالیزار را آبیاری نماید. پروژه مشابه کره شمالی بر روی رودخانه مونز نیز به علت کمبود آب در فصول خشک با موفقیت روبه رو نمی‌باشد. (طبقه بندی نشده)

اوگاندا. علیرغم کمبود خلبانان واجد شرایط، اوگاندا در سال ۱۹۷۸ پنج فروند میگ - ۲۱ و سه فروند میگ - ۱۷ به ارزش ۱۴ میلیون دلار و براساس قرارداد سال ۱۹۷۷ از شوروی تحویل گرفت. مسکو همچنین از طریق هوا در اوائل سال جاری مقادیری تجهیزات فنی به کامپالا ارسال کرد. در حالی که تقاضای امین را در رابطه با دریافت سلاح و خلبانان میگ - ۲۱ در مبارزه علیه تانزانیا پذیرفته بود. در بخش اقتصادی نیز قرارداد مسکو در رابطه با اکتشافات معدنی خیلی کمتر از قرارداد ۳۵ میلیون دلاری چین جهت احداث یک کارخانه نساجی بود. ارزش قرارداد، هزینه نصب را در بر نمی‌گیرد و شرایط نیز برخلاف دیگر اعتبارات چین بسیار سخت است، یعنی ۲۵ درصد آن اول باید پرداخت شود و بقیه آن در طول ۹ سال و با نرخ بهره ۵ درصد بازپرداخت گردد. (S NF NC).

ولتای علیا. یک اعتبار ۴۸ میلیون دلاری چین که در سال ۱۹۷۳ صادر گشت، مهمترین کمک کمونیستی به ولتای علیا به حساب می آید. چین در سال ۱۹۷۸ دومین پروژه برنج خود در بانفورارا به این کشور تحویل، و حدود ۲۰۰۰۰۰ دلار کمک در مبارزه علیه خشکسالی در اختیار این کشور قرارداد. شوروی که هیچگاه کمک آنچنانی به ولتای علیا نمی کرد، مقداری دارو و شش دستگاه کامیون ۵ تنی به ولتای علیا داد تا مواد لازم را در سال ۱۹۷۸ به قربانیان خشکسالی برساند. (طبقه بندی نشده).



تصویر ۷: آسیای شرقی

قراردادهای کشورهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد - ۱۹۷۸

## آسیای شرقی کلی

آسیای شرقی که از دیرباز یک منطقه دارای اهمیت تجاری برای بزرگترین کمک‌دهندگان کمونیستی بود، در سال ۱۹۷۸ معادل ۱۷۰ میلیون دلار کمک اقتصادی از طرف کشورهای اروپای شرقی دریافت کرد که تمام آن نیز به برمه و فلیپین تعلق گرفت که این بخشی از تلاش اروپای شرقی در جهت فرسایش سلطه غرب و ژاپن در بازارهای آسیایی به شمار می‌رود. (طبقه بندی نشده)

برمه. مهمترین اعتباری که رانگون از یک کشور کمونیستی دریافت نمود، یک اعتبار ۱۴۰ میلیون دلاری ۱۶ ساله با نرخ بهره ۲/۵ درصد از طرف چکسلواکی برای توسعه کارخانه تراکتورسازی مالون که توسط چکسلواکی ساخته شده بود و نیز احداث کارخانه پمپهای دیزلی و تایر می‌باشد. معذک، روابط چین و برمه به علت مرز مشترک بین این دو کشور از اهمیت بیشتری برخوردار است. با وجود اینکه چین کمک جدیدی ارائه نکرده است، ولی توافق کرد که یک استادیوم ۱۰ میلیون دلاری براساس قرارداد ۵۷

میلیون دلاری سال ۱۹۷۱ در این کشور بسازد. (طبقه بندی نشده).

فیجی. یک تیم چینی بررسی یک کمک ۲۰ میلیون دلاری را که شامل کمک در زمینه تولید کارهای دستی، نیروی برق آبی، کشت برنج و بهبود وضع روستاها می شود آغاز نموده است. (خیلی محرمانه) اندونزی. علیرغم سرد شدن روابط سیاسی، ۱۰ مهندس و زمین شناس روسی به اندونزی فرستاده شده بودند تا براساس قرارداد ۲/۳ میلیون دلاری مارس ۱۹۷۸ پیرامون احداث یک نیروگاه ۱۰۰ میلیون دلاری در آمریکا (Mrica) و جاده مرکزی به مطالعه و بررسی بپردازند. مسکو تأمین هزینه مورد نیاز نیروگاه ۸۰۰ مگاواتی را به عهده گرفته و احداث یک نیروگاه دیگر نیز مورد بررسی است. (سرّی). اندونزی پیشنهاد ۵۰ میلیون دلار اعتبار رومانی را برای گسترش صنعت نفت که باز پرداخت آن می بایست بصورت طلا و با نرخ بهره ۶ درصد و در مدت ۱۰ سال انجام شود را نپذیرفت. جاکارتا (پایتخت اندونزی - م) پیشنهاد ۱۰۰ میلیون دلاری مجارستان را در رابطه با احداث ریخته گری، مرکز شکل بخشی فلزات (Forging) و قالبسازی مربوط به مجتمع موتور ماشین را نپذیرفت، لیکن نسبت به پیشنهاد لهستان در رابطه با ارائه تکنولوژی زغال سنگ، پتروشیمی، و ماهیگیری اظهار علاقه نمود. (S NF NC). با وجود تلاش جاکارتا در گسترش روابط خود با اروپای شرقی، اندونزی از برقراری روابط تجاری مستقیم با چین امتناع ورزید، چون پکن از تبعیدشدگان کمونیست این کشور حمایت می کند و اندونزی نگران آن است که مبادا پکن بخواهد از این طریق وارد جامعه چینی اندونزی بشود. احتمالاً اندونزی به خرید برنج چینی که سالانه معادل ۱۵۰ میلیون دلار است از طریق واسطه های آسیایی خود ادامه خواهد داد. (خیلی محرمانه).

یوگسلاوی تنها کشور کمونیستی است که کمک نظامی در اختیار اندونزی قرار می دهد. جاکارتا در سال ۱۹۷۸ یک ناو جنگی آموزشی و مهمات از بلغراد خریداری نمود و در مورد احداث یک کارخانه اسلحه سازی به کمک یوگسلاوی اظهار علاقه نمود. (سرّی).

مالزی. مالزی علیرغم چند اختلاف برطرف نشده روابط خود را با چین بهبود بخشید. خرید محصولات کشاورزی مالزی توسط چین تعادل بیشتری را در روابط تجاری بین دو کشور ایجاد کرد، ولی در روابط بین مالزی و اروپای شرقی به علت وابستگی شدید آنها به مواد خام مالزی عدم موازنه بسیاری قابل رؤیت است. (طبقه بندی نشده)

در طول سال مزبور کوالالمپور (پایتخت مالزی - م) تصمیم دو ساله خود را علیه سرمایه گذاری شوروی در زمینه سد تمبلینگ Tembing علناً اعلام نمود. گرچه مطبوعات دلیل آن را تنها عوامل محیطی ذکر کرده اند، ولی دولت از حضور یک نیروی عظیم روسی در مناطق دور افتاده اظهار نگرانی کرده است. (طبقه بندی نشده).

پاپوا گینه جدید. چین با امضاء یک قرارداد سه ساله متعهد شد که سالانه ۲۰۰۰۰ تن مس کنستانتره به ارزش ۲۲ میلیون دلار از پاپوا گینه جدید خریداری نماید که دو برابر خرید سالانه چین در سالهای ۱۹۷۵-۷۷ می باشد. (خیلی محرمانه).

فیلیپین. علاقه فلیپین به افزایش تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود با کشورهای کمونیستی به دنبال کاهش قیمت شکر که موجب کسری موازنه ۱۰۰ میلیون دلاری در تجارت بین شوروی و مانیل گردید، بشدت ضعیف شده است. درخشانترین نقطه در این روابط تجاری قرارداد پنج ساله بین فیلیپین و چین

است که در آن چین نفت خود را به این کشور خواهد فروخت. در ازای ۴۴ میلیون بشکه نفت خام سنگلی (به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار با قیمت‌های سال ۱۹۷۸) چین شکر، مس، کنستاتره و محصولات شیمیایی و کشاورزی از این کشور دریافت خواهد کرد. (خیلی محرمانه).

آلمان شرقی نیز برای سال ۱۹۷۹ پروتکلی را امضاء کرد تا در ازای دریافت ۲۰ میلیون دلار کالای فیلیپینی، ۲۶ میلیون دلار مواد شیمیایی، کود و کالاهای مصرفی به فیلیپین بفروشد. برای تأمین هزینه مالی مورد نیاز واردات فیلیپین، آلمان شرقی ۳۰ میلیون دلار اعتبار به این کشور داد. مانیل توافق کرد که یک شرکت ماهیگیری مشترک با لهستان به وجود آورد که بتواند کشتیهای ماهیگیری لهستان را برای مدتی طولانی اجاره نماید. در مورد مراحل دیگر و نیز ایجاد مراکز پشتیبانی لازم مذاکراتی به عمل آمده است. این امر به دنبال بیش از چهار سال مذاکره فیلیپین و شوروی جهت تشکیل یک عملیات مشترک ماهیگیری مشابه صورت گرفته است. (طبقه بندی نشده).

سنگاپور. در سال ۱۹۷۸ در روابط تجاری بین سنگاپور، شوروی و اروپای شرقی تغییری پدید نیامد. سنگاپور تقاضای لهستان برای استفاده از لنگرگاههای سنگاپور جهت تعمیرات و نیز ایجاد یک کارخانه مشترک را مورد بررسی قرار داده است. ناوهای نیروی دریایی شوروی برای اولین بار در میان کشتیهای دیگر شوروی و براساس یک قرارداد ۱۷ میلیون دلاری تعمیر کشتی در کشتی سازی دولتی کپل (Keppel) دیده شد. از اواسط سالهای ۱۹۶۰ کشتیهای غیر نظامی در سنگاپور تعمیر می‌گردید، چون براساس یکی از قوانین این کشور نیمی از محموله این کشتیها می‌بایست در سنگاپور به فروش رسد. قرارداد ۴۶ میلیون دلاری چین برای دو دکل نفتی روابط چین با کشتی سازیهای محلی را گسترش داد. پکن مقداری از نفت خام سنگلی (Shengli) را به یکی از شرکت‌های هنگ کنگ فروخت تا در پالایشگاههای سنگاپور تصفیه گردد و این شرکت امیدوار است بتواند یک شرکت جدید برای تصفیه نفت خام چین در پالایشگاه سنگاپور به وجود آورد. (S NF).

تایلند. قراردادهای جدید تجاری و همکاری اقتصادی بین چین و تایلند در سال ۱۹۷۸ و پیمان مبادله وابسته‌های نظامی بین دو کشور احتمالاً روابط دو کشور را بهبود خواهد بخشید که به دنبال قراردادهای تجاری این گونه‌ای پس از به رسمیت شناختن دیپلماتیک در سال ۱۹۷۵ دچار رکود شده بود. در نتیجه قرارداد منعقد در ماه دسامبر، تایلند گندم و دیگر محصولات کشاورزی را در ازای ۲۴۰/۰۰۰ تن نفت دیزل و ۶۰۰/۰۰۰ تن نفت خام به چین صادر خواهد کرد و پکن نیز تکنیسینهای خود را برای مطالعه فنون صنعتی و کشاورزی تایلندی به این کشور روانه خواهد کرد. به دنبال تصمیم دولت جدید تایلند در گسترش روابط تجاری با کشورهای کمونیستی، بانکوک با چکسلواکی، مجارستان و رومانی نیز قراردادهای تجاری منعقد ساخت. (خیلی محرمانه).

تصویر ۸: آسیای شرقی

قراردادهای کشورهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد - ۱۹۷۸

## آمریکای لاتین کلی

ورود کالاهای کشاورزی و معدنی به کشورهای کمونیست اروپایی از آمریکای لاتین سبب شده است که موازنه تجاری بین این دو منطقه به مدت یک دهه نامتعادل بماند. پس از تورم قیمتها در سال ۱۹۷۳ وضع وخیم تر و کسری سالانه بیش از یک میلیارد دلار گردید. کشورهای کمونیستی نیز تلاش کردند ماشین آلات و تجهیزات خود را فروخته و ضمناً تهدید نمودند که اگر طرفین مهم آمریکای لاتین گامی مثبت در برقراری تعادل برندارند، آنها به ناچار به بازارهای دیگری روی خواهند آورد. آنها خواستار افزایش خریدهای اعتباری مهم شدند و صدور اعتبار در قبال مواد خام و مواد غذایی از کشورهای متنفذ دیگر از قبیل آرژانتین و برزیل را پذیرا شدند. (طبقه بندی نشده).

آلمان شرقی در سال ۱۹۷۸ مهمترین سرمایه گذاری را در رابطه با صدور کالا به آمریکای لاتین انجام داد. ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار تجهیزاتی به برزیل داده شد، به این امید که این مقدار کمک به ۲ میلیارد دلار کمک کمونیستی مورد استفاده واقع نشده در آمریکای لاتین، اضافه نگردد. کشورهای آمریکای لاتین ترجیح می دهند که تجهیزات مورد نیاز خود را از غرب خریداری نمایند و کلاً تجهیزات کمونیستی را نادیده گرفته اند. (طبقه بندی نشده).

گرچه قراردادهای مدت چند سال را در برمی‌گیرد، ولی ظاهراً مسکو در زمینه تجهیزات نیرو از وضع بهتری برخوردار است. در سال ۱۹۷۸ شوروی پیرامون قراردادهای چند میلیارد دلاری پروژه‌های نیرو در آرژانتین و برزیل به مذاکره پرداخت، لیکن تنها کمک جدید آن به یک کشور آمریکای لاتین اعطای دو توربین به ارزش ۱۵ میلیون دلار به نیروگاه آبی سالتو گراند بود که توسط آرژانتین و اوروگوئه ساخته می‌شود. مسکو تلاش نمود با ارسال نفت به برزیل در تجارت خود با این کشور تعادلی به وجود آورد و به مشتریان و نزوئلا در اروپای شرقی نفت ارسال نمود تا براساس یک قرارداد چهار جانبه و نزوئلا نیز مقدار نفت مورد نیاز کوبا را تأمین نماید. چین با اولین نفت ارسالی به نیمکره غربی، از نفت به عنوان عامل برقراری تعادل تجاری با برزیل بهره‌برداری نمود. پکن با چند کشور کوچکتر منطقه نیز پیشنهاد ارسال نفت را مطرح نموده است. (S NF).

کوبا با ارائه کمک به باربادوس، دومینیکا، جمهوری دومینیکن، گویان (Guyana)، جامائیکا، و پاناما فعالانه وارد بازار گردید و سعی کرد از طریق شرکت‌های خصوصی تحت کنترل کوبا در جزایر کارائیب مقدمات نفوذ بیشتری را فراهم آورد. (خیلی محرمانه).

آرژانتین. شوروی در سال ۱۹۷۸ فروشهای خود به آرژانتین را تجدید نمود، تا کسری موازنه تجاری نیم میلیارد دلاری خود را کاهش دهد. مسکو که بار دیگر با تمرکز بر صنایع نیرو سعی دارد از وخامت روابط بین آمریکا و آرژانتین بر سر مسائل حقوق بشر بهره‌برداری نماید، تلاش می‌کند قراردادهایی در مورد پروژه آبی یا سیرتا و توربین‌های پارانا مدیو منعقد سازد. مسکو قرارداد طرح پروژه پارانا مدیو را که یک پروژه نیرورسانی و آبیاری ۲/۵ میلیارد دلاری است به دست آورد و در ماه اکتبر قراردادی را در مورد دو ژنراتور ۳۱۰ مگاواتی نیروگاه حرارتی بوئنوس آیرس امضاء نمود. اعطای ۲ توربین به تأسیسات سالتوگراند به منظور شیرین جلوه‌گر شدن کمک ۸۰ میلیون دلاری شوروی به پروژه مشترک آرژانتین و اوروگوئه انجام شده بود. در همین حال شوروی بر اساس یک قرارداد ۱۲۰ میلیون دلاری مربوط به سه نیروگاه، نصب توربین در نیروگاه لوجان دوکویو را به پایان رسانید. (S NF NC).

کشورهای اروپای شرقی نیز مانند شوروی نتوانسته‌اند کسری تجاری خود و آرژانتین را کاهش دهند و تلاشهای مربوط به استفاده از ۲۵۰ میلیون دلار اعتبار دست نخورده توسط آرژانتین نیز عقیم مانده است. به جای آن آرژانتین ۳۰ میلیون دلار اعتبار به لهستان داد تا این کشور به وارد کردن کالاهای کشاورزی از آرژانتین بپردازد.

برزیل. برزیل بزرگترین کمک کمونیستی خود یعنی ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار از آلمان شرقی در سال ۱۹۷۸ پذیرفت، ولی در همان حال از تلاش شوروی در جهت گسترش روابط بین دو کشور اجتناب ورزید. این کمک همگام با قرارداد تجاری سه ساله بین برزیل و آلمان شرقی ارائه شده، قرار است در این رابطه موازنه‌ای پدید آورد که اکثر شرکای کمونیستی برزیل با آن دست به گریبان هستند. برزیل نیز در همین حال به کشورهای اروپای شرقی در رابطه با ورود کالاهای کشاورزی خود اعتبارهایی داده است. (سری).

گرچه ارتقاء فروش شوروی محدود نیست، لیکن دولت نظامی نسبت به فعالیت‌هایی که باعث شود حضور شوروی در سال ۱۹۷۸ در برزیل بیش از ۲۵ نفر تکنیسین‌های این کشور باشد معترض است. دولت در رابطه با اعتبار ۵۰۰ میلیون دلاری شوروی جهت پروژه نیروی پورتو پریماورا که باعث حضور ۲۵۰

تکنیسین روسی در برزیل می‌شد شدیداً مخالفت کرده است. علیرغم پیشنهاد مسکو برای تأمین ۴۰ درصد هزینه مورد نیاز ۱/۳ میلیارد دلاری با شرایط باز پرداخت ۸ تا ۱۰ ساله با نرخ بهره ۴/۵ درصد، برزیل به دنبال سرمایه‌گذارهای غربی است. برزیل پیشنهاد مشابه شوروی را در مورد پروژه نیروی آبی اتیاپو رد کرد و در همان حال شوروی به خاطر تأخیر در نصب اولین توربین پروژه آبی سوبرادینهو براساس اعتبار سال ۱۹۷۵ مورد ملامت قرار گرفت. (S NF NC).

در همان حال، فروش ۳۰/۰۰۰ بشکه نفت خام شوروی با قیمت هر بشکه ۱۳ دلار به گرمی پذیرفته شد. قبلاً نیز پیشنهادات این گونه‌ای سبب پایین آمدن کسری تجاری از ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۸ به ۱۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ شده بود. (S NF NC).

مجارستان نیز که با همین‌گونه مشکلات تجاری دست به گریبان است. پیشنهاد کرد که حاضر است برای جبران کسری تجاری ۱۸۰ میلیون دلاری خود در سال ۱۹۷۷ در برزیل کارخانه‌های داروسازی و آلومینیم‌سازی احداث نماید. بوداپست امیدوار است که قرارداد سه ساله ۳۰۰ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۸ در رابطه با وارد کردن مصنوعات و مواد خام برزیل در ازای تجهیزات مجارستانی بتواند تجارت بین دو کشور را متعادل تر سازد. لهستان نیز سعی کرده است با یک قرارداد سه ساله ۵۰۰ میلیون دلاری که تجارت پایاپای سالانه زغال سنگ و سنگ آهن را در بر می‌گیرد کسری تجاری ۱۰۰ میلیون دلاری خود را جبران نماید. (طبقه‌بندی نشده).

چین که کسری تجاری سالهای ۷۷-۱۹۷۴ آن تقریباً معادل ۲۵۰ میلیون دلار است و علت آن نیز معاملات این جمهوری با شرکتهای خصوصی برزیل بوده است، پس از برقراری روابط با برزیل با انعقاد یک قرارداد بین دولتی سعی کرده است این کسری را جبران نماید. این قرارداد که ارزش معتبر را به عنوان یکی از شرایط خود گنجانیده است به دنبال قرارداد مبادله یک میلیون تن سنگ آهن در ازای ۲/۵ میلیون تن نفت خام چین به مدت دو سال از سال ۱۹۷۹ پدید آمد و مقادیر بیشتری را نیز در سه سال آتی در بر خواهد گرفت. این اولین فروش نفتی چین در نیمکره غربی به حساب می‌آید. (طبقه‌بندی نشده).

پرو. گرچه برنامه نظامی ۶۵۵ میلیون دلاری شوروی بر روابط بین شوروی و پرو در سال ۱۹۷۸ تأثیر منفی داشت، لیکن توافق مسکو بر برنامه‌ریزی دوباره فروش نظامی لیما سبب ادامه این همکاریها شده است، ولی در حال حاضر در رابطه با تجهیزات نظامی سفارشات جدیدی ارائه نشده است. لیما با کشورهای عضو پیمان ورشو به عنوان عامل برهم زننده تعادل نفوذ غرب و سمبل عدم تعهد خود روابطی برقرار ساخته است. (سری).

از زمان آغاز خریدهای تسلیحاتی پرو از شوروی در سال ۱۹۷۳، سال ۱۹۷۸ اولین سالی است که پرو با شوروی معامله تسلیحاتی انجام نداده است. علت آن نیز فشار صندوق بین‌المللی پول جهت محدود شدن خریدهای تسلیحاتی لیما و نارضایتی پرو در رابطه با مقدار و کیفیت حمایت شوروی، آموزش و اقدامات مربوط به تعمیر و نگهداری بوده است. معذالک مسکو تمام تجهیزات مهم درخواستی پرو را به این کشور ارسال داشته که نتیجه آن ارائه ۷۷ میلیون دلار تجهیزات در سال ۱۹۷۸ که ۲۰ درصد محموله‌های سال ۱۹۷۷ را تشکیل می‌دهد، بوده است. (سری).

ارسال هواپیما دو سوم تجهیزات ارسالی ۱۹۷۸ مسکو را شامل می‌شد که عبارتند از دو فروند هواپیمای آموزشی SU-۲۲، ۱۲ فروند هواپیمای باری AN-۲۶ و سه هلیکوپتر MI-۶، دو دستگاه

وسیله نقلیه شناسائی آبی ۲-BRDM نیز برای اولین بار به پرو تعلق گرفت. گزارشات مربوط به این ارتش این کشور تانک‌های متوسط تی - ۶۲ را نیز تحویل گرفته است، مورد تأیید واقع نشده است. (S NF). پرو با کمک ۱۵۰ پرسنل نظامی شوروی به استقرار سیستم‌های موشکی زمین به هوا، سام - ۳ که به سیستم‌های موشکی سام - ۶ و سام - ۷ اضافه شده بود و توپ ضدهوایی ۴ - ۲۳ - ZSU و ۲۲ - SU و MI-۶ پرداخت. این تجهیزات و چند فروند جنگنده میراژ فرانسوی پرو را بر دشمنان هم مرز خود تفوق خواهد بخشید. (S NF).

مسکو در بهار سال ۱۹۸۰ توافق کرد که در مورد برنامه‌ریزی دوبارهٔ پرداخت قروض نظامی لیما که در سالهای ۸۰-۱۹۷۸ آغاز خواهد شد تجدید نظر نماید. مسکو پذیرفت که ۹۸ میلیون دلاری را که موعده پرداخت آن سالهای ۸۹-۱۹۷۸ است و ۵۱ میلیون دلاری را که باید در سال ۱۹۸۰ پرداخت شود تا سال ۱۹۸۵ به تعویق بیندازد. ولی لیما در ازای این مبالغ سالانه ۸ میلیون دلار خواهد پرداخت. (طبقه‌بندی نشده).

روابط اقتصادی پرو با کشورهای کمونیستی پس از بحران اقتصادی ۱۹۷۶ یعنی زمانی که بر رژیم این کشور بنا به اصرار جامعه بانکی بین‌المللی یک برنامه انزوای طلبی تحمیل گردید، بهبود چندانی نیافته است. گرچه کشورهای کمونیستی خرید ۱۵ درصد صادرات پرو را به خود اختصاص داده بودند، ولی بیش از ۲۸۵ میلیون دلار کمک ارائه شده کمک جدیدی به این کشور نکردند و بسیاری از پروژه‌های عمرانی اوائل سالهای ۱۹۷۰ نیز وارد مرحله فعالیت نشده‌اند. (خیلی محرمانه).

گرچه شوروی مطالعات اولیه پروژه نیروی آب و آبیاری اولموس را که یک پروژه یک میلیارد دلاری است و تکمیل آن ۱۰ تا ۱۵ سال به طول خواهد انجامید به پایان رسانیده است. ولی در رابطه با آغاز ساختمان پروژه اقداماتی به عمل نیآورده است. (طبقه‌بندی نشده).

دیگر کشورهای کمونیستی نیز در جبهه کمک اقتصادی سال آرامی را پشت سر گذارده‌اند. چکسلواکی ۱۰ میلیون دلار اعتبار به نیروگاه ایکویتوس اختصاص داد و مجارستان نیز براساس یک قرارداد ۱/۲ میلیون دلاری تجهیزات آموزشی در اختیار این کشور قرار داد، رومانی که سالانه ۴۵۰۰۰۰ تن سنگ آهن از پرو خریداری می‌کند پیشنهاد کرد که در رابطه با مس، نقره، سرب، روی و دیگر مواد معدنی روابط خود را گسترش بخشد. در سال ۱۹۷۸، بخارست یک قرارداد ۶ میلیون دلاری در رابطه با تجهیزات راه آهن منعقد ساخت و اعلام کرد که حاضر است یک کارخانه ۱۰۰۰۰۰ تنی کربنات سدیم و تجهیزات ضروری صنایع فولاد را به این کشور بفروشد. بررسی‌های رومانی بر روی پروژه معدن مس آنتامینا که در سال ۱۹۷۸ به پایان رسید. در پایان سال منجر به انعقاد قرارداد دیگری نشد. (طبقه‌بندی نشده).

### دیگر کشورهای آمریکا لاتین

بولیوی. بزرگترین کارخانه تبخیر قلع جهان که توسط شوروی در پوتوسی احداث می‌گردد، عامل اصلی روابط اقتصادی بولیوی و کشورهای کمونیست بوده است. برنامه‌های مربوط به کمک شوروی پیرامون احداث یک کارخانه دیگر در مارچامارکا رو به پیشرفت است. مسکو همچنین خرید قلع خود را که سالانه ۴۰ میلیون دلار است افزایش خواهد داد و پس از آمریکا و انگلیس سومین مشتری بزرگ قلع

بولیوی خواهد شد. قرار است شوروی و آلمان غربی در مورد ساختن یک کارخانه ذوب سرب و نقره در بولیوی با استفاده از تکنولوژی شوروی به توافق برسند. یک قرارداد تجهیزاتی ۱۰ میلیون دلاری براساس توافق سال ۱۹۷۶ کل معاملات انجام شده براساس این توافق را به ۷۰ میلیون دلار رسانید. (طبقه بندی نشده).

لهستان احداث یک کارخانه شیشه‌سازی ۵ میلیون دلاری را بر اساس اعتبار صادره به پایان رسانید، و چکسلواکی پیشنهاد کرد که یک کارخانه مونتاژ موتور سیکلت و یک کارخانه ذوب ۱۰ میلیون تنی فولاد و قراضه فلزات در این کشور احداث نماید. (طبقه بندی نشده).

کارائیب. باهاماس و آنتیل هلند. این گروه از جزایر از طریق یک واسطه سوئیسی از چین تقاضای خرید نفت خام کردند که به دنبال تجارب حاصله از اولین محموله نفت بفروش رسیده زمینه برای انعقاد قراردادهای طویل‌مدت فراهم خواهد گردید. (S NF).

باربادوس. به دنبال پیشنهاد کمک کوبا در زمینه تولید شکر، لبنیات، دامداری و ماهیگیری، احتمالاً باربادوس به کوبا اجازه افتتاح یک دفتر بازرگانی در بریج تاون را خواهد داد. چین نیز در طول سفر یک هیئت چهار نفره به این کشور پیشنهاد پروژه‌های کمکی داد. (خیلی محرمانه).

دومینیکا. این کشور پیشنهاد کمک کوبا را در رابطه با احداث یک کارخانه سیمان‌سازی، چاپخانه، مراکز پزشکی، ارائه بورس تحصیلی و آموزش پرسنل در زمینه ماهیگیری و کشاورزی نپذیرفت. (S NF NC).

جمهوری دومینیکن. کوبا به این کشور پیشنهاد کرده است که حاضر است در تبدیل تفاله نیشکر به غذای دام کمک کند که خود جمهوری دومینیکن نیز در نظر دارد در صنعت شکر خود این تنوع را پدید آورد. (طبقه بندی نشده).

هائیتی. هائیتی در ازای برقراری روابط دیپلماتیک از چین کمک اقتصادی دریافت کرده است. لهستان در میان کشورهای کمونیستی، در پرنس پورت حضور دارد. (S NF NC)

جامائیکا. کار بر روی پروژه ۸/۵ میلیون دلاری کارخانه نساجی الیاف پلی‌استر چینی در اولدهارپور جامائیکا در حال انجام است. دو سال قبل جامائیکا به علت وضع مادی نامساعد خود پیشنهاد ۱۵۰ میلیون دلار اعتبار مجارستان را در رابطه با تأسیس یک کارخانه آلومینیم ۶۰۰۰۰۰ تنی نپذیرفت. ولی پذیرفت که ۲۸ میلیون دلار به اعتبار تجاری سال ۱۹۷۷ اضافه شود که نیمی از آن به پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته است و بقیه آن نیز به کالاهای مصرفی، تجهیزات پزشکی، داروسازی و نساجی اختصاص داده شده است. شرایط بازپرداخت ۸ ساله بوده و نرخ بهره ۷ تا ۸ درصد را دربر می‌گیرد. یک تیم مجارستانی در اواسط سال به جامائیکا وارد شد تا پیرامون سرمایه‌گذاری‌های مشترک در رابطه با کارخانه دوچرخه‌سازی، کارخانه تهیه محصولات کشاورزی، پرورش ماهی و کشت سبزیجات بررسی نماید. کوبا برای ساختن ۶ مدرسه ۱۴ میلیون دلار به این کشور کمک خواهد کرد. علاوه بر ۴۰ پزشک، ۶۰۰ کوبائی دیگر نیز بر روی این پروژه کار خواهند کرد و در رابطه با پروژه‌های تأمین آب و کارخانه تهیه قطعات پیش ساخته در جامائیکا، هاوانا پرسنل فنی مورد لزوم را ارسال خواهد داشت. در اواخر سال ۱۹۷۸، جامائیکا پیشنهاد خرید ۲۰۰۰۰۰ تن آلومینیوم توسط شوروی را رد کرد، چون قیمت پیشنهادی مسکو بسیار نازل بوده است. (خیلی محرمانه).



## آمریکای مرکزی

کاستاریکا، این کشور بخش استفاده نشده اعتبار پروژه اتوبوس شوروی را لغو نمود و طرح رومانی را در مورد استخراج بوکسیت براساس توافق ۱۹۷۷ نپذیرفت. با این وصف رومانی و کاستاریکا پروتکلی را در زمینه همکاری اکتشافات معدنی و مبادلات بازرگانی امضاء کرده‌اند؛ چکسلواکی ارائه، تجهیزات نیروگاه، ابزار آلات ماشین، کارخانه نساجی و مصالح ساختمانی را مطرح کرده؛ ولی کوبا نتوانست در سال ۱۹۷۸ با این کشور قرار داد تجاری منعقد سازد و به جای آن یک یادداشت تجاری امضاء کرد. (طبقه‌بندی نشده).

گواتمالا. خرید ۲۰۰۰۰۰ عدل پنبه توسط چین در سال ۱۹۷۸ که یک سوم پنبه صادراتی گواتمالا را تشکیل می‌دهد. چین را به صورت بزرگترین خریدار پنبه از این کشور در آورده. چین مقدار مشابهی پنبه برای سال ۱۹۷۹ خریداری کرده است و مقامات گواتمالا احتمالاً به چین اجازه خواهند داد که یک دفتر بازرگانی در این کشور افتتاح نماید. (طبقه‌بندی نشده).

هندوراس. با اولین قرارداد تجاری خود با کوبا در طول ۱۷ سال گذشته، هندوراس ۲۰۰۰ تن سیمان از این کشور خریداری کرد، چون کوبا بهترین قیمت و بهترین شرایط تحویل را ارائه کرده بود. (طبقه بندی نشده).

نیکاراگوئه. چین ۱۵۰۰۰۰ عدل پنبه که معادل یک سوم کل محصول پنبه نیکاراگوئه است از این کشور خریداری کرد. (خیلی محرمانه).

پاناما. یک کمیسیون اقتصادی پانامایی در چکسلواکی، آلمان شرقی، لهستان و شوروی قراردادهای تجاری منعقد نمود و کشورهای مزبور پیشنهاد ارائه کمکهای عمرانی را مطرح کردند. کشورهای کمونیستی متقاضی خرید ۱۰ میلیون دلار موز در سال شدند؛ چکسلواکی یک قرارداد همکاری فنی منعقد ساخت؛ و شوروی متعهد گردید که یک نیروگاه آبی ۳۰۰ مگاواتی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار در بوکاس دل تورو بسازد که طرح آن قبلاً توسط تکنیسینهای روسی در سال ۱۹۷۷ مطالعه و بررسی شده بود.

کشورهای اروپای شرقی ۱۰۰ بورس تحصیلی برای سال ۷۹-۱۹۷۸ در اختیار دانشجویان این کشور گذاشتند و لهستان یک قرارداد فرهنگی پنجساله مبادله دانشجو امضاء کرد و در مورد ساختن یک کارخانه کشتی سازی در بند ماهیگیری جدیدی که در واکامونت در دست ساختمان است اظهار علاقه نمود. یک هیئت کوبایی در پاناما پیرامون گسترش همکاریهای کشاورزی مذاکراتی به عمل آورد. (خیلی محرمانه)

شیلی. مذاکرات مجدد شیلی در رابطه با قروض دوران آئنده به اکثر کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۷ منجر به افزایش تجارت این کشور با تمام کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ گردید. بدین ترتیب، شیلی از زمان کودتای ۱۹۷۳ اولین قرارداد خود را با شوروی در زمینه فروش مقادیر کمی مولیبدن منعقد ساخت، چکسلواکی، لهستان و رومانی جهت خرید مقادیر کمی از محصولات شیلی قراردادهایی امضاء کردند و بانک بین المللی همکاری اقتصادی نیز بازپرداخت ۵۰ میلیون دلار از قروض شش ساله شیلی را به عهده گرفت و بدین ترتیب این کشور ۲۰ میلیون دلار به شوروی و ۵ میلیون دلار به بلغارستان بدهکار است که پیرامون آنها نیز مذاکراتی انجام خواهد گرفت. روابط کمونیستی پیشین شیلی

قبلاً محدود به روابط آن کشور با چین و رومانی بود. (خیلی محرمانه).  
 در طول سال مزبور سانتیاگو (پایتخت شیلی - م) به دنبال برقراری روابط بیشتر با چین که تنها کشور ادامه دهنده برنامه کمکهای خود پس از کودتاست، برآمد و در نظر داشت از چین تجهیزات نظامی دریافت دارد. در اواخر سال ۱۹۷۸، چین با امضاء یک قرارداد خواستار خرید ۹۰/۰۰۰ تن مس به ارزش سالانه ۴۶ میلیون دلار در طول سه سال آتی گشت. وزیر خارجه شیلی در سال ۱۹۷۸ به پکن سفر کرد تا پیرامون مبادله نفت چین با مس، نیترات و سنگ آهن شیلی به مذاکره بپردازد. S. (NFNC) کلمبیا. علیرغم بیانیه عمومی دولت جدید مبنی بر گسترش روابط این کشور با کمونیستها در نزدیکی روابط کلمبیا با این کشورها در سال ۱۹۷۸ تغییری پدید نیامده است. طرحهای احداث پروژه هیدروالکتریک او را (Urta) بر روی رودخانه آلتوسینو که بزرگترین پروژه نیروی ساخت شوروی در آمریکای لاتین می باشد، به پایان رسید و براساس اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۵ ساخته خواهد شد. (خیلی محرمانه).

بوگو تا. (بنابه توصیه رومانی) به شورای کمک دو جانبه اقتصادی نخواهد پیوست، لیکن همیشه سعی داشته است روابط دو جانبه را گسترش بخشد. کلمبیا اعلام کرد که در نظر دارد در مورد احداث یک کارخانه کنسرو سبزیجات یک قرارداد مشترک با بلغارستان و در مورد احداث یک کارخانه ماشین آلات کشاورزی یک قرارداد با لهستان منعقد سازد و فروش قهوه به کشورهای اروپای شرقی را در ازای دریافت ماشین آلات جاده سازی و تجهیزات نیروگاهی افزایش دهد. تجارت ۱۵۰ میلیون دلار در سال کلمبیا با کشورهای کمونیستی (که معمولاً به نفع کلمبیا است) به صورت تهاتری و ارزش معتبر انجام می گیرد. (خیلی محرمانه).

کوبا و چین نیز روابط خود را با دولت جدید بهبود بخشیده اند، قرارداد یک میلیون دلاری منعقد در اواسط سال ۱۹۷۸ اجازه می دهد که کشتیهای کوبایی در کارتاجنا تعمیر شوند و قراردادهای جدید تجاری، فرهنگی و نساجی نیز در دست مطالعه است. قرار است چین و کلمبیا در اواسط سال ۱۹۷۹ روابط دیپلماتیک برقرار سازند.

اکوادور. دولت نظامی اکوادور از برقراری روابط با شوروی دوری می جوید، لیکن روابط خود با کوبا و اروپای شرقی را گسترش می دهد. حضور شوروی محدود به دو نفر تکنیسین روسی است که در سال ۱۹۷۸ جهت آموزش فنون ماهیگیری به پرسنل اکوادور وارد این کشور شده اند. در همین حال رومانی اولین قرارداد پنجساله و باز پرداخت تجاری خود را با اکوادور منعقد ساخت و یک قرارداد همکاری فنی و اقتصادی دیگر نیز جای قرار دارد ۱۹۷۳ را خواهد گرفت. لهستان یک محموله ۱۲ میلیون دلاری را به شرکت کشتی رانی دولتی تحویل داد و امیدوار است بتواند براساس قرارداد ماهیگیری قابل اجراء از سال ۱۹۷۹ تعدادی قایق ماهی گیری به این کشور بفروشد. در همین حال کوبا و اکوادور یک قرارداد تجارت مستقیم در ازای دلار کانادا منعقد ساختند، تا از طریق آن ۲۰۰۰۰ تن سیمان کوبایی با قهوه اکوادور مبادله گردد. (خیلی محرمانه)

گویان. گرچه گویان تنها حدود ۷۰ میلیون دلار کمک اقتصادی از کشورهای کمونیستی دریافت کرده، ولی گرایش سیاسی آن به جهان کمونیستی نشانگر کاهش در روابط فیما بین نیست. در سال ۱۹۷۸، آلمان شرقی (الف) ۶/۵ میلیون دلار اعتبار کوتاه مدت به ۳۰ میلیون دلار تعهدات پیشین خود افزود. (ب)

توافق کرد که کار مربوط به کارخانه روغن نباتی را سرعت بخشد و (ج) به ارسال تکنیسینهای خود جهت بررسی پروژه بوکسیت تمایل نشان داد. پروتکلی که به دنبال توافق ۱۹۷۷ با شوروی امضاء گردید به گویان اجازه داد که از طریق یک اعتبار ۱۰ ساله و با نرخ بهره ۴/۵ درصد تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز خود را از شوروی خریداری نماید. علاوه بر این گویان و شوروی مشترکاً به ماهیگیری ماهیگیری خواهند پرداخت و شوروی نیز یک طرح ۱۰ ساله برای صنعت گویان خواهد ریخت. گرچه شوروی در رابطه با پروژه هیدروالکتریک رودخانه مارارونی علیا کمکی ارائه نکرده، ولی یک تیم روسی مطالعات مربوط به احداث یک کارخانه آلومینیم سازی ۶۰۰/۰۰۰ تنی و نیروگاه وابسته آن را آغاز کرده‌اند. مسکو ظاهراً قبول کرده است که پس از تکمیل این کارخانه نیمی از بازده آن را خریداری نماید. پروژه‌های چینی دچار مشکلاتی شده‌اند چون پیمانکاران محلی کار مربوط به پروژه ۳۶ میلیون دلاری را کندتر کرده‌اند مجارستان براساس قرارداد تجاری ۱۹۷۷ خود توافق کرد که ۱۰ میلیون دلار اعتبار یک ساله خود را کالای مصرفی و اعتبارهای ۵ تا ۷ ساله خود را کالاهای سرمایه‌ای به گویان بفروشد و گویان نیز سعی کرد برنج، شکر، دام و بوکسیت به این کشور بفروشد. در میان کشورهای کمونیست کوچکتر، کوبا تعهد کرد که یک مرکز پزشکی در دانشگاه کوبان ایجاد کند و در زمینه صنعت شکر و تسهیلات خبرپرانی رادیویی نیز کمک فنی ارائه کند و کره شمالی نیز شش پروتکل کشاورزی، تولید فیبر و سرامیک، ماهیگیری مشترک و کمک در بازسازی صنعت کشتی‌سازی چوبی گویان امضاء کرد. گویان مقادیر کمی کمک نظامی از کوبا، کره شمالی، و آلمان شرقی دریافت نمود. (S NF NC)

مکزیک. مکزیکی سفر رئیس جمهور لویز پورتیلو به مسکو در ماه آوریل ۱۹۷۸ را که در آن شوروی پروتکل دوم معاهده تلالتلکو (Tlatelolco) جهت ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در آمریکای لاتین را امضاء کرد، یک گام بزرگ در سیاست خارجی تلقی کرده است. با این وصف مکزیکی دارای گرایشات بازرگانی غربی است و با وجود اینکه شوروی در سال گذشته به مکزیکی فشار آورد (تا براساس قرارداد اعتباری نامحدود سال ۱۹۷۶) ماشین‌آلات و تجهیزات از شوروی خریداری نماید، ولی قراردادی در این رابطه امضاء نگردید. قرارداد چهارجانبه نفتی بین این کشور، اسپانیا، کوبا و شوروی نیز امضاء نشد چون شوروی این قرارداد را با تزوئلا منعقد ساخته بود، ولی در پایان سال مکزیکی خواستار خرید هواپیمای باری YAK-۴۰ برای استفاده در مناطق دور افتاده و ماشین‌آلات حفاری نفتی روسی گردید. کشورهای اروپایی شرقی در روابط خود پیشرفت چشمگیری داشتند:

\* بلغارستان در رابطه با طرح، ساختمان، و مدیریت یک مجتمع کشاورزی در مکزیکی براساس یک برنامه دو ساله قراردادهایی امضاء کرده است.

\* در مورد احداث یک نیروگاه حرارتی در بندر لوبوس با چکسلواکی به توافقی دست یافته شد.  
\* مجارستان در مورد ایجاد یک شرکت مکزیکی مجارستانی برای تولید ماشین‌آلات سبک و کارهای صنعتی به مذاکره پرداخت.

\* رومانی توافق کرد که از طریق افزایش صادرات مواد شیمیایی و ماشین‌آلات به مکزیکی و با همکاری در بخش صنعت نفت، همکاری اقتصادی خود را افزایش دهد. (S NF NC).

سورینام. علیرغم فقدان اشتیاق سورینام، چین اولین نمایشگاه تجاری کمونیستی را در پاراماریبو در پاییز ۱۹۷۸ برگزار کرد. در مورد پیشنهادات کمک شوروی به سورینام جهت احداث یک نیروگاه آبی در

سال ۱۹۷۷ گزارش جدیدی نرسیده است. (S NF).

اوروگوئه. این کشور در اعطای دو توربین ۱۵ میلیون دلاری شوروی به پروژه هیدروالکتریک سالتوگراند اوروگوئه و آرژانتین سهیم است. اولین توربین در ماه مارس ۱۹۷۹ آغاز به کار خواهد کرد؛ تمام ۱۴ توربین این پروژه در دسامبر سال ۱۹۸۱ به طور جمعی به کار خواهند افتاد. این توربینها از ۸۱ میلیون دلار اعتبار صادره توسط شوروی در رابطه با این پروژه ۱/۳ میلیارد دلاری ناشی می شود. از دیگر عملیات کمونیستی در سال ۱۹۷۸ بازدید معاون وزیر بازرگانی مجارستان از مونته ویدئو در اواخر سال جاری بود که طی آن پیشنهاد کرد که به اعتبار تجاری مجارستان در اوروگوئه ۱۰ میلیون دلار افزوده گردد. (S NF NC).

ونزوئلا. پس از دو سال مذاکره. براساس یک قرارداد چهار جانبه ونزوئلا ارسال نفت به کوبا را آغاز نمود. این قرارداد ارسال روزانه ۱۰۰۰۰ بشکه نفت خام ونزوئلا به کوبا را در ازای ارسال همین مقدار نفت توسط شوروی به اسپانیا شامل می گردد. طبق این قرارداد یک ساله اسپانیا به ونزوئلا در ازای نفت شوروی ارز معتبر خواهد داد و کوبا نیز در ازای دریافت نفت ونزوئلا هزینه لازم را به شوروی خواهد پرداخت. (خیلی محرمانه).

#### اروپا

مالت. مالت در سال ۱۹۷۸ روابط خود را با چین و اروپای شرقی گسترش داد، لیکن به علت ورود غیر مجاز ناوهای شوروی به آبهای مالت در گراند هاربور روابط این کشور با شوروی رو به وخامت نهاده است. مالت از عدم تمایل مسکو به گسترش کمکهای و روابط بازرگانی نیز ناراضی است. به دنبال سفر کنگ پیائو معاون وزیر چینی، چین کار مربوط به موج شکن بندر Marsaxlokk و تأسیسات ساحلی را که یکی از پروژه های بزرگ چین در جهان سوم بوده و براساس اعتبار ۴۵ میلیون دلاری ساخته می گردد آغاز کرد. لهستان نیز در پروژه مزبور با اعطای امتیاز ۳۷۰۰۰ دلاری مشاورتی سازمان ملل شرکت دارد. عملیات مشترک این کشور با چکسلواکی در مورد تکمیل کارخانه سازنده لوازم میکروسکوپی و تجهیزات هیدرولیک ادامه یافته است. چکسلواکی و مالت پیرامون احداث یک کارخانه ریخته گری فولاد و یک کارخانه کفش سازی مذاکره کرده اند (طبقه بندی نشده).

پرتغال. پرتغال به کوبا اجازه داد که از تأسیسات تعمیر کشتی این کشور در ازای تحویل شکر به پرتغال استفاده نماید. (طبقه بندی نشده).

تصویر ۹: خاورمیانه

قراردادهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد - ۱۹۷۸

خاورمیانه

کلی

علیرغم علاقه دیرین مسکو به برقراری حضوری نیرومند در خاورمیانه، شوروی‌ها در سال ۱۹۷۸ اقدامات چندان مثبتی برای تحکیم روابط خود با ملل اصلی منطقه به عمل نیاوردند. کمک‌های نظامی، یعنی مهمترین وسیله نفوذ شوروی در جهان سوم، به کشورهای خاورمیانه‌ای در ۱۳ سال گذشته به کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار رسید و تنها ترکیه توانست کمک‌های اقتصادی زیادی به دست آورد. تقریباً تمام کمک‌های نظامی جدید به یمن جنوبی اختصاص داده شد، چون مسکو با ارسال جت‌های جنگنده، تانک، و موشک به حمایت از رژیم مارکسیستی جدیدی که در ژوئن ۱۹۷۸ به قدرت رسیده بود پرداخت؛ روسها کمک فنی خود را به ۱۵۰ نفر پرسنل رسانید و حدود ۱۰۰۰ پرسنل کوبایی از اتیوپی به این کشور اعزام گردیدند تا در تحکیم قدرت رژیم جدید عدن آن را یاری دهند. ۵۰۰ نفر کوبایی دیگر غیر نظامی اعزامی به یمن جنوبی و ۴۰۰ پزشک کوبایی اعزامی به عراق اولین گروه پرسنل غیر نظامی کوبایی هستند که مستقیماً در خاورمیانه مستقر شده‌اند. بنا به گزارشهای متعدد رسیده، شوروی چند پایگاه هوایی و دریایی در یمن جنوبی خواهد ساخت تا نیازهای خود را تأمین نماید. (سری).

سلاحهای ارسالی به این منطقه در سال ۱۹۷۸، که معادل سطح ارسالی یک میلیارد دلاری آن در سالهای ۷۷-۱۹۷۵ بود، جبران کمبود تعهدات جدید را نموده است. ارسال تسلیحات به عراق و سوریه یعنی بزرگترین مشتریان سلاحهای روسی، بسیار زیاد بود؛ البته این کشورها از سفارشات سالهای ۷۷-۱۹۷۶ خود که در سال ۱۹۷۸ تکرار نشده بود استفاده می‌کردند. عدم امضاء قراردادهای جدید ناشی از چند عامل است که عبارتند از: (الف) نیاز عراق و سوریه به زمان بیشتر جهت جذب سلاحهای مدرن در نیروهای عملیاتی خود، (ب) دلایل استراتژیکی - سیاسی، شامل تأمل شوروی قبل از ارسال مقادیر زیادی سلاح جدید تا مسکو بتواند تأثیر ترک خصومت بین عراق و سوریه و تأثیر آن را بر توانایی نظامی سوریه ارزیابی نماید؛ و (ج) راهیابی اخیر اروپای غربی (به خصوص فرانسه) در بازارهای تسلیحاتی عراق و سوریه، علاوه بر این ثروت بی‌انتهای نفتی ملل خاورمیانه موقعیت شوروی را به عنوان عرضه‌کننده اصلی سلاح به منطقه به مخاطره می‌افکند، چون خریداران خواهند توانست نیازهای خود را از طریق غرب تأمین نمایند. (سرّی).

کاهش معاملات تسلیحاتی جدید در مورد کمکهای اقتصادی صادق نیست. عراق مقادیر بسیاری تجهیزات براساس قدرت میلیارد دلاری و قرار دادهای عمران نفتی خود با شوروی به دست آورد. عراقیها در سال ۱۹۷۸ نیز قرار دادهای جدیدی با شوروی در رابطه با برنامه‌های عمرانی به خصوص عمران مدنی و عمران منابع آبی امضاء کرده‌اند. در سوریه ساختمان ۱۰ ساله نیروگاه روسی ۸۰۰ مگاواتی فرات در سال ۱۹۷۸ به پایان رسید و گرچه قرارداد جدیدی امضاء نشد، لیکن آلمان شرقی در رابطه با برنامه‌های صنعتی بیشترین مقدار اعتبار (۳۵۰ میلیون دلار) را به سوریه داد. (S NF NC).

سقوط شاه در ماه دسامبر به یک سال تردید در روابط بین ایران و شوروی خاتمه داد. تکنیسینهای اقتصادی مسکو در تمام طول سال به کار بر روی پروژه‌های روسی مشغول بودند، در حالی که (الف) با انبار شدن کالاها در ناحیه مرزی فعالیتها کاهش یافته بود؛ و (ب) خط لوله‌ای که گاز ایران را به مرز شوروی می‌رساند بسته شده بود. طرح اکثر کارخانه‌ها دست نخورده باقیمانده و قرار داد سه جانبه خط لوله ۱۹۷۵ نیز نتیجه‌ای به بار نیاورد. از طریق قراردادهای ۶۰۰ میلیون دلاری سلاح جدیدی به ایران تحویل داده نشد. خریداران کمونیست در نتیجه قطع صادرات ایران، در بازار نفت دچار کمبود شدند و رومانی بیشترین ضربه را خورد. بخارست به دیگر فروشندگان روی آورد، در حالی که واردات آن از ایران یک سوم واردات نفتی آن را تشکیل می‌داد. (سرّی).

به دولتهای میانه روی عربی فشار وارد شد تا روابط خود با کشورهای کمونیستی را عادی سازند، به دنبال آن ابوظبی و عمان با چین روابط دیپلماتیک برقرار کردند، و سعودیها نیز با مسکو اولین مذاکرات خود را انجام دادند. از طرف دیگر کویت از پذیرش تکنیسینهای روسی جهت تجهیزات دفاع هوایی خریداری شده از روسیه (در سال ۱۹۷۷) امتناع ورزید. (سرّی).

مصر. با تیره شدن روابط مصر با شوروی و اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ قاهره با پذیرفتن مقادیر زیادی کمک نظامی روابط خود با چین را مستحکم نمود. در همین حال بالا رفتن میزان ارز خارجی دریافتی در قبال نفت یولهای ارسالی توسط کارگران کمکهای اعراب و همکاری نزدیک سیاسی با آمریکا، گرایش دوباره روابط اقتصادی مصر را به سوی غرب سهولت و سرعت بخشید. (سرّی).  
از میزان اهمیت سلاحهای شوروی در زرادخانه‌های مصر کاسته شد. تنها در سال گذشته چند میلیون

دلار قطعات یدکی و وسیله نقلیه از طرف شوروی برای مصر ارسال گردید. در همین حین، مصر تحت حمایت سرمایه‌های عربی، با فروشندگان اصلی غربی قراردادهایی به ارزش ۴ میلیارد دلار جهت دریافت سلاح‌های مدرن منعقد ساخت که سهم آمریکا در این میان یک میلیارد دلار بود. این سفارشات عبارت بوده‌اند از: (الف) ۵۲۵ میلیون دلار برای دریافت جنگنده‌های اف - ۵ از آمریکا (ب) ۱۰۰ میلیون دلار جیپ، کامیون، و تریلی از شرکت‌های آمریکایی (ج) ۲۰ فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ از آمریکا؛ (د) ۱۲۰ فروند جنگنده آلفا جت از فرانسه، (ه) موشک‌های ضد تانک سوئینگ فایر Swingfire و هلیکوپتر لینکس (Lynx) از انگلیس؛ (و) ۶ فروند قایق موشکی نوع رمضان Ramadan به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار از انگلیس؛ (ز) ۱۵۰ میلیون دلار تجهیزات پشتیبانی زمینی از آلمان غربی؛ (ح) ۵۰ میلیون دلار تجهیزات الکترونیکی از ایتالیا. (سری)

کشورهای عربی توافق کرده بودند که هزینه مربوط به تمام این سفارشات را تأمین نمایند. لیکن امضاء پیمان صلح بین مصر و اسرائیل در ماه مارس ۱۹۷۹ مشارکت آنها و موقعیت این قراردادها را توأم با تردید کرده است. قاهره نیز در همان حال که به انتظار دریافت تجهیزات جدید و در دوره انتقالی به سر می‌برد، سعی دارد با استفاده از دیگر تسلیحات کمونیستی، ارتش مجهز به سلاح‌های روسی خود را نیز دارای آمادگی عملیاتی بنماید. چین که بعضاً قطعات یدکی به این کشور ارسال می‌داشت. برای اولین بار هواپیمای جنگنده اف - ۶ (میگ ۱۹ روسی) را در اختیار مصر قرارداد. در پایان سال شش فروند از این هواپیماها به مصر تحویل داده شده بود. قرارداد مربوط به دریافت ۵۰ تا ۱۰۰ فروند از این هواپیماها یکی از دو قراردادی را تشکیل می‌دهد که در سال ۱۹۷۸ بین چین و این کشور امضاء شده است. قرارداد دیگر شامل کمک فنی و مالی برای احداث یک کارخانه سازنده قطعات یدکی در مصر است. گرچه ما در مورد شرایط بازپرداخت اطلاعاتی در دست نداریم، ولی چین معمولاً کمک نظامی خود را به صورت اعطایی در اختیار کشورهای قرار می‌دهد. (S NF NC).

رومانی نیز یکی از منابع مهم قطعات یدکی برای مصر بوده است. در سال ۱۹۷۸ براساس دو قرارداد جداگانه رومانی توافق کرد که ۵۰۰۰ تفنگ تهاجمی AKM به مصر بدهد. (S NF NC). برنامه کمکی و تجاری بسیار اندک تنها چیز باقیمانده از روابط درخشان شوروی و مصر در گذشته است که ۱/۱ میلیارد دلار کمک اقتصادی در بخش عمومی و ۴ میلیارد دلار تجهیزات نظامی را شامل می‌گشت. کمک ۶ میلیارد دلاری اعراب (به صورت نقد) که از زمان جنگ ۱۹۷۳ خاورمیانه به مصر انتقال یافت، مصر را در تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت اقتصادی خود انعطاف‌پذیر ساخته و سبب شده است که این کشور به غرب روی آورد. علیرغم شایعات سال مزبور پیرامون اینکه سادات می‌خواهد روسها را از پروژه‌های عمرانی اخراج کند (به خصوص از پروژه‌های نفتی و برق‌رسانی روستایی)، در پایان سال ۷۵۰ تکنیسین روسی در مصر و به خصوص در کارخانه ذوب آهن حلوان، و کارخانه آلومینیم‌سازی حمادی به کار مشغول بودند (در ماه مه، یک هیئت مصری قراردادی را برای توسعه کارخانه مواد نسوز حلوان منعقد ساخت). (S NF)

در میان کشورهای اروپای شرقی رومانی با حمایت از ابتکار صلح قاهره بهترین روابط را با مصر برقرار کرده است. تکنیسینهای رومانی نصب نیروگاه حرارتی در مجتمع فسفات حمراوین (Hamrawein) را به پایان رسانیده و در اوایل سال مزبور بخارست یک سوم ۹۰ میلیون دلار اعتبار باقیمانده از قرارداد

۱۹۷۱ را به پروژه‌های برق‌رسانی در مصر اختصاص داد. آلمان شرقی که در سال ۱۹۷۷ معادل ۹۵ میلیون دلار اعتبار به مصر داده بود در سال ۱۹۷۸ روابط تجاریش با مصر ۱۰ درصد کاهش و به ۸۰ میلیون دلار رسید و در همین حال مصر به خاطر یک مسئله کم‌اهمیت روابط خود را با بلغارستان قطع کرد. (طبقه بندی نشده).

در پایان سال مطبوعات مصری اعلام داشتند که عدم صدور پنبه خام به شوروی و چکسلواکی در سال ۱۹۷۹ نیز به قوت خود باقی خواهد بود؛ دیگر خریدهای شوروی نیز در سطح پیشین ادامه یافت. در سال ۱۹۷۸، تجارت بین مصر و شوروی نسبت به سال ۱۹۷۷ معادل ۲۱۵ میلیون دلار کمتر شده بود، که علت آن نیز ۱۳۵ میلیون دلار کاهش در واردات شوروی بود. در همین حال مصر توانست از طریق تجارت با پای پای خود با شوروی ۱۵۰ میلیون دلار صرفه‌جویی نماید. گرچه مسکو با تحریم زغال سنگ، چوب و دیگر کالاهای استراتژیک به مصر پاسخ نداد، ولی تهدید کرد که اگر مصر بخواهد بنا به امر به ۱۹۷۷ سادات تنها با ۲۰ میلیون دلار سرویس قروض اقتصادی، موازنه تجاری ایجاد کند، مسکو نیز ارسال زغال کک شوو دیگر مواد استراتژیک را به مصر قطع خواهد کرد. (خیلی محرمانه).

چین که سعی داشت از سیاست ضد روسی سادات بهره‌برداری کند، پیشنهاد کمک به صنایع نساجی و معدنی مصر را مطرح کرد و متعهد شد که یک مرکز کنفرانس در قاهره بسازد. (طبقه بندی نشده). ایران. علیرغم کاهش در کمکها و ارسال محموله‌های بازرگانی به ایران در اواخر سال ۱۹۷۸، مسکو به کار خود در مورد قراردادهای عمرانی ادامه داد و سعی کرد حضور فنی شدیدی را در این کشور حفظ کند. ظاهراً شوروی امیدوار است که به دنبال ارزیابی مجدد تهران از اولویت‌های عمرانی و روابط خود با پیمانکاران خارجی، روابط ۱۵ ساله شوروی و ایران حیاتی شود. (طبقه بندی نشده).

با وجود قطع برنامه کار در نتیجه انباشته شدن کالاها در مرز ایران حدود ۴۰۰۰ تکنیسین روسی به کار بر روی پروژه‌های مهم شوروی در ایران ادامه داده‌اند. به این تکنیسینها اجازه داده شده است که کوره‌های ذوب و کوره‌های کک‌سازی در کارخانه اصفهان را در حد آمادگی عملیاتی نگاه دارند، چون حتی یک تعطیلی موقت نیز بر این کارخانه فولادسازی ضربه زده و شروع مجدد آن دو سال و یا بیشتر طول خواهد کشید. کار پروژه‌های دیگر روسی عبارتند از: (الف) یک سد ثانویه بر روی رود ارس، که در هر سوی رود ۴۸۶۰۰ هکتار زمین را آبیاری خواهد کرد و به نیروی برق هر کشور ۱۰۰ مگاوات خواهد افزود؛ (ب) احداث یک نیروگاه حرارتی ۱۲۰۰ مگاواتی در اهواز؛ و (ج) کارخانه ابزارآلات ماشین‌سازی اراک که ظرفیت سالانه آن از ۳۰۰۰۰ تن به ۵۰۰۰۰ تن افزایش خواهد یافت. (سری).

به دنبال چندین ماه عملیات منقطع، خط لوله ایگات - که گاز ایران را به مرز شوروی می‌رساند بسته شد. میزان صادرات شوروی به ۶۳۵ میلیون دلار رسید، ولی میزان واردات آن به علت تعطیل کار این خط لوله شدیداً کاهش یافت. در مورد وضع ارسال سلاحهای روسی به ایران در سال ۱۹۷۸ اطلاعی در دست نیست، امکان فروشهای بیشتر در آینده نزدیک نیز چندان زیاد نیست. (خیلی محرمانه)

نابسامانیهای ایران، حضور شوروی در این کشور را توأم با عدم قطعیت کرده است. مسکو ظاهراً معتقد است که ایران به فروش گاز به شوروی ادامه خواهد داد و قراردادهای موجود نیز به قوت خود با برجا خواهند بود. که یکی از این قراردادها توافق ۳ میلیارد دلاری سال ۱۹۷۵ برای عمران و آبادانی دو طرف مرز ایران و شوروی می‌باشد. در پایان سال ۱۹۷۸، بیش از یک میلیارد دلار قراردادهای تجاری



منتظر اجرا بود و دیگر پروژه‌ها نیز تنها به صورت طرح باقیمانده بود، این قراردادها و طرحها عبارتند از: (الف) کارخانه‌های صنعتی در اصفهان و کرمان به ارزش یک میلیارد دلار طبق توافق سال ۱۹۷۶؛ (ب) یک نیروگاه ۴۵۰ میلیون دلاری در اصفهان؛ (ج) یک بخش ۲۵۰ میلیون دلاری از خط لوله ایگات - ۲؛ (د) یک رابط راه‌آهن با شوروی طبق توافق سال ۱۹۷۶؛ (ه) یک کارخانه آلومینیوم‌سازی ۵۰۰ میلیون دلاری که هنوز هم تحت بررسی می‌باشد؛ و (و) سه برابر کردن ظرفیت کارخانه ذوب آهن اصفهان. (خیلی محرمانه).

اطلاعات مقدماتی حاکی از آن است که ایران برنامه ساختمان یک خط لوله براساس توافق سه جانبه ۲۰ ساله در سال ۱۹۷۵ با شوروی و فروش گاز به اروپای شرقی را کنار گذاشته است. براساس این توافقنامه مسکو می‌بایست بخشی از خط لوله ۱۵۰۰ کیلومتری (ایگات - ۲) را بسازد تا سالانه ۴۷۵ میلیارد فوت مکعب گاز را به مرز شوروی در آستارا برساند. شوروی در ازای دریافت این گاز، می‌بایست ۳۹۰ میلیارد فوت مکعب گاز خود را به اطریش، آلمان غربی و فرانسه بدهد که ایران نیز در ازای آن ارز معتبر دریافت کند. مسکو نیز ۸۵ میلیارد فوت مکعب گاز را به عنوان هزینه احداث خط لوله دریافت می‌کرد. سالانه ۱۳۰ میلیارد فوت مکعب دیگر از گاز ایران نیز به چکسلواکی ارسال می‌گردید. گرچه کشورهای ثالث کار را بر روی بخشی از خط لوله آغاز کرده‌اند، ولی مادر مورد وضع این خط لوله و میزان مشارکت شوروی در آن اطلاعی نداریم. (طبقه‌بندی نشده).

رابطه بین ایران و شوروی که در نتیجه مرز مشترک تکامل یافته از طریق منافع اقتصادی دو جانبه نیز مستحکم شده است. توافق سال ۱۹۶۶ شوروی برای احداث یک خط لوله گاز طبیعی از حوزه‌های جنوب غربی ایران تا آستارا در مرز شوروی، مبادلات بازرگانی این دو کشور را تا سال ۱۹۷۸ به یک رابطه میلیارد دلاری تبدیل کرد و سبب شد که تهران بتواند محصول بی‌مصرف پیشین خود را (یعنی گازی که آتش زده می‌شد) سالانه منبع ۲۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی بسازد. جریان سالانه ۳۵۰ میلیارد فوت مکعب گاز ایران به شوروی از سال ۱۹۷۰ توانسته است منبع بسیار عظیمی برای پرداخت قروض ۱/۴ میلیارد دلاری تهران، بابت کمک‌های نظامی و اقتصادی شوروی باشد. (طبقه‌بندی نشده).

انتقال گاز ارزان قیمت ایران به مناطق ماوراء قفقاز شوروی را از احداث یک خط لوله طویل از حوزه‌های خود به این منطقه معاف ساخت. ارسال این گاز از ایران به شوروی سبب شده است که مقداری از گاز شوروی به همیمانان آن در اروپای شرقی و دیگر مشتریان دارای ارز معتبر صادر گردد. (طبقه بندی نشده).

شوروی و ایران از روابط تجاری خود که مرهون برنامه کمک شوروی است نفع بسیار برده‌اند. فروش تجهیزات مسکو به ایران پس از سال ۱۹۷۳ و به دنبال راه یافتن به بازار خریدهای ایران به اوج خود رسید و در سال ۱۹۷۷ ایران به صورت بزرگترین بازار کالاهای روسی در جهان سوم درآمدی بود. علاوه بر فروشهای ۵۷۵ میلیون دلاری شوروی در آن سال مسکو از طریق خدمات فنی در پروژه‌های ایران نیز ۵۰ میلیون دلار به دست آورد. گرچه سهم شوروی از کل تجارت ایران (شامل صدور نفت) کمتر از ۵ درصد بود، ولی ورود ماشین‌آلات از شوروی به ایران سهم عمده‌ای در عمران این کشور داشت. (طبقه بندی نشده).

در اروپای شرقی، ناآرامیهای ایران مهمترین تأثیر را بر رومانی گذاشت، چون بخارست روابط

گسترده تجاری و فنی با تهران برقرار کرده بود و از نظر واردات نفتی نیز دو سوم واردات خود را به آن کشور متکی بود. در پایان سال رومانی به دیگر عرضه کنندگان نفت روی آورده بود تا ۶۰۰۰۰۰ بشکه نفتی را که قبلاً از ایران خریداری می‌کرد جبران نماید. در اوائل سال ۱۹۷۸، مجارستان و لهستان توافق کردند که با همکاری شوروی نیروگاه حرارتی ۴۰۰ میلیون دلاری اصفهان را بسازند و ایران نیز توافق کرد تا تجارت نفتی خود با اروپای شرقی را گسترش دهد. تهران (الف) با امضاء یک قرارداد متعهد شده بود که تا سال ۱۹۸۰ میزان تجارت خود با رومانی را به یک میلیارد دلار برساند، و (ب) براساس امضاء یک پروتکل ۲۱۵ میلیون دلاری متعهد شده بود که ۳۵ درصد نفت مجارستان را تأمین نماید. (خیلی محرمانه).

عراق. اذیت و آزار کمونیستهای عراق توسط بغداد، آشتی عراق و سوریه، سوءظن بغداد در مورد مقاصد شوروی و کوبا در شبه جزیره عربی، و حمایت شدید عراق از شورشیان اریتره در اتیوپی، دست به دست هم داد و بحران روابط شوروی و عراق را در سال ۱۹۷۸ پدید آورد. با این وصف، شوروی به عنوان منبع اصلی تسلیحات، تجهیزات پشتیبانی و کمک فنی عراق در سال ۱۹۷۸ به تلاشهای خود ادامه داد. (خیلی محرمانه).

ظاهراً این دو کشور در سال ۱۹۷۸ قرارداد جدیدی را امضاء نکرده‌اند. ولی شایعاتی پراکنده شده است که یک هیئت عالی‌رتبه نظامی عراق در ماه نوامبر با مسکو معاملات تسلیحاتی انجام داده است. (S NF NC)

بغداد بیشتر سلاحهای مدرن و به خصوص هواپیماهای مورد نیاز خود را از غرب خریداری می‌کند. در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ این خریدها (که اغلب از فرانسه انجام شده) به ۲ میلیارد دلار یعنی ۲ برابر کل سفارشات تسلیحاتی آن به غرب در بیست ساله گذشته رسیده است. تجهیزات غربی نه تنها تجهیزات روسی را کامل می‌کند، بلکه فرصت راهیابی دیگر تولیدکنندگان سلاح را به این بازار انحصاری شوروی و اروپای شرقی ایجاد می‌نماید. کشورهای کمونیستی در دو دهه گذشته حدود ۵ میلیارد دلار سفارشات تسلیحاتی از طرف عراق دریافت کرده بودند، که نیمی از آن در سالهای ۷۸-۱۹۷۴ ارسال شده بود. تحویل سلاح توسط شوروی در سال ۱۹۷۸ تقریباً به اوج خود یعنی ۶۱۰ میلیون دلار رسید. عراق که به علت غنای آن از نظر ارز معتبر یکی از مشتریان ارجح به شمار می‌رفت، پیشرفته‌ترین تجهیزات را قبل از هر مشتری دیگر شوروی دریافت می‌کرد. هواپیما ۶۰ درصد تجهیزات ارسالی توسط شوروی را تشکیل می‌داد که شامل آخرین مدل هواپیمای شوروی می‌گردید. شش فروند جت باری دور برد ۷۶ - IL (که اولین هواپیماهای صادراتی شوروی از این نوع است)، بر اساس قرارداد ۱۹۷۷ در نیمه دوم سال ۱۹۷۸ به عراق تحویل داده شد. عراق پس از الجزایر دومین کشور خارج از پیمان ورشو بود که هلیکوپترهای رزمی MI - ۲۴ را دریافت می‌کرد.

۱۰ فروند هلیکوپتر MI - ۲۴ و ۶۰ فروند هلیکوپتر MI - ۸ بزرگترین یگان هلیکوپتر رزمی در جهان عرب را نصیب عراق کرده است. علاوه بر این، بغداد ۳۰ فروند جت جنگنده سوخو (احتمالاً از نوع سوخو ۲۰/۲۲، جت جنگنده بمب افکن) و ۸ فروند میگ - ۲۱ نیز از شوروی دریافت کرده است. (S NF NC). عراق نیز مانند لیبی و سوریه در زمره تنها کشورهای در حال توسعه درآمد که توانست موشک زمین به هوای سام - ۹ را که سلاحی مؤثرتر از سام - ۷ در برابر جنگنده‌های پیشرفته است، دریافت دارد. تعداد

زیادی تانک، نفربرهای زرهی، توپ و قطعات توپخانه به عراق ارسال گردید تا برنامه توسعه نیروهای زرهی و توپخانه نیروی زمینی به مرحله اجرا درآید. (سری).

معاملات تسلیحاتی این کشور با اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ عبارت بودند از (الف) یک قرارداد ۲۵ میلیون دلاری با مجارستان برای دریافت تجهیزات نامعلوم؛ (ب) حدود ۸ میلیون دلار کامیون از آلمان شرقی؛ (ج) مقادیر کمی اقلام سررشته دارای از چکسلواکی ارسالیه‌های اروپای شرقی سومین ناو نیرو بر لهستانی را نصیب عراق نمود، و ۱۵۰ توپ ضد هوایی ۵۷ میلی متری اس-۶۰ و مقادیر زیادی سلاحهای سبک مجارستانی را که رویهم رفته ۵۰ میلیون دلار ارزش داشتند نصیب این کشور کرد. (S NF).

مستشاران نظامی شوروی در عراق با افزایش کمی به ۱۱۰۰ نفر رسید تا ورود تجهیزات دفاع هوایی و هواپیماهای پیچیده به این کشور به سهولت انجام شود. حدود ۵۵۰ نفر پرسنل شوروی در ارتش عراق به کار مشغول بودند که ۵۰۰ تن از آنان در نیروی هوایی و ۵۰ تن از آنان در نیروی دریایی به سر می بردند. علاوه بر این، حدود ۱۵۰ کوبایی و ۱۰۰ پرسنل نظامی اروپای شرقی به عنوان مستشار و تکنیسین مورد استفاده واقع شدند. حدود ۱۰۰ تن از پرسنل نظامی عراق برای طی دوره‌های آموزشی به شوروی و ۱۵۰ تن از آنان به اروپای شرقی روانه شدند که تعداد آنها معادل تعداد روانه شده در سال ۱۹۷۷ بوده است. (سری).

با وجود اینکه عواید نفتی ۱۱ میلیارد دلاری عراق به بغداد اجازه می دهد که به انتخاب خود از تخصص خارجی بهره برداری کند، ولی عراق باز هم به کشورهای عضو شورای کمک دو جانبه اقتصادی در رابطه با کارهای عمرانی، به خصوص عمران منابع آب و نیرو متکی است. علاوه بر ملاحظات ژئو سیاسی، کمونیستها رابطه نفتی و اکتساب ارز معتبر را با اشتیاق تمام دنبال می کنند. تقریباً تمام نفت ارسالی عراق به شوروی، چه به صورت بازپرداخت قروض گذشته و چه به صورت پایاپای در ازای ارز معتبر بار دیگر به فروش می رسد. (طبقه بندی نشده)

در سال ۱۹۷۸، مسکو با انعقاد یک قرارداد ۱۴۰ میلیون دلاری تعهد کرد که برنامه تزریق آب به حوزه نفتی رومیله (Rumaylah) را دنبال کند تا مشکلات مربوط به کاهش فشار که ظرفیت تولیدی این حوزه را پایین آورده است، از میان برداشته شود و توافق کرده است که یک کارخانه نمک و آب زدایی نفتی نیز براساس اعتبار سال ۱۹۷۶ احداث نماید. کمک شوروی به صنعت نفت ملی عراق، دومین و مهمترین هدف کمکهای شوروی به عراق، با آغاز تولید در حوزه Luhais که توسط روسیه توسعه یافته بود و در جنوب عراق واقع شده (به میزان ۵۰۰۰۰ بشکه در روز) افزایش بیشتری یافته است. تمام بازده این حوزه که براساس یک قرارداد ۲۲ میلیون دلاری شوروی توسعه یافته است، به خارج صادر می گردد. در پایان سال ۱۹۷۸ یعنی با قطع صدور نفت ایران کمونیستها به عرضه نفتی دراز مدت علاقه بیشتری نشان دادند. (طبقه بندی نشده).

در سال ۱۹۷۸، سازمانهای شوروی فعالانه در مورد چند قرارداد تجاری پرمفعت شامل: (الف) یک نیروگاه آبی ۶۰۰ مگاواتی بر روی رود بزرگ زاب (Zab) (ب) یک نیروگاه حرارتی ۳۵۰ میلیون دلاری در بجزیل (Bajil)؛ (ج) یک پروژه انتقال نیرو، به مناقصه پرداختند. مسکو تعهد کرده است که حدود ۲ میلیارد دلار کمک به پروژه‌های نیرو و آبیاری عراق براساس قراردادهای تجاری و کمکی که نیمی از آنها در سال ۱۹۷۶ امضاء شده بود، برساند. (S NF).

در سال ۱۹۷۸ حدود ۶۵۰۰ نفر از پرسنل روسی و اروپای شرقی بر روی پروژه‌های عمرانی عراق کار می‌کردند و برای اولین بار عراق ۴۰۰ پزشک کوبایی را براساس پروتکل امضاء شده در اواسط سال به کار گرفت. به دنبال اعطای قراردادهای جاده‌سازی و مسکن اعطایی به هاوانا در سال ۱۹۷۸ تعداد بیشتری از کوباییها به عراق خواهند آمد، و علاوه بر این بغداد از کوبا ۳۰۰ پرسنل پزشکی دیگر نیز خواسته است. (سری)

یمن شمالی. رابطه بین یمن شمالی و شوروی در سال ۱۹۷۸ به علت حمایت شوروی از یمن جنوبی که به خرابه کاری و تروریسم در یمن شمالی پرداخته بود روبه وخامت نهاد. در همان حال برنامه‌های گسترده مدرن‌سازی ارتش، با حمایت مالی عربستان سعودی و حمایت تجهیزاتی آمریکا و فرانسه سبب سوق دادن یمن شمالی به سوی غرب گردید. (خیلی محرمانه). معذک، نقش سنتی مستشاری نظامی شوروی (تا سطح واحدها) موقعیتی را برای آن فراهم آورده است که حضور آن رادائی می‌سازد. در سال ۱۹۷۸ مسکو، تانک، هواپیمای باری، میگ - ۱۷ و قایقهای گشتی Zhuk به این کشور تحویل داد. لهستان ۵۰ دستگاه تانک تی - ۵۴ به این کشور داد که هر ۵۰ دستگاه آن توسط رئیس جمهور قشمی فقید سفارش شده بود. (S NF). در بخش اقتصادی شوروی توافق کرد که با ارائه ۳۸ میلیون دلار اعتبار جدید ظرفیت کارخانه سیمان سازی ۱۰۰۰۰۰ تنی بجیل (Bajil) ساخته شده توسط روسیه را تا سه برابر بالا ببرد. این قرارداد جدید کل کمکهای اختصاص یافته روسی را به ۱۴۰ میلیون دلار رسانید. (طبقه‌بندی نشده). در اواخر سال ۱۹۷۸ چین قراردادی برای ساختن یک سالن کنفرانس در صنعا امضاء کرد. ولی بنا به یک گزارش، چین به علت مشکلات تولیدی از پروژه کارخانه نساجی که توسط خودشان در صنعا ساخته شده و از بزرگترین کارخانه‌های صنعتی یمن می‌باشد اخراج خواهد شد. (خیلی محرمانه).

یمن جنوبی. سیاستهای رادیکال یمن جنوبی و اعطای اجازه استفاده از تأسیسات هوایی و دریایی یمن جنوبی به شوروی این کشور را یک وسیله بسیار مفید برای دیپلماسی تسلیحاتی شوروی ساخته است. شوروی در سال ۱۹۷۸ مهمترین منبع عرضه تجهیزات نظامی عدن به شمار می‌رفت. طبق گزارش، شوروی توافق کرده بود که پایگاههای دریایی و هوایی چندی در یمن بسازد تا احتمالاً نیازهای خود را برآورده سازد. یک قرارداد جدید ۷۵ میلیون دلاری و دو اسکادران میگ - ۲۱، تانک تی - ۶۲ و موشکهای زمین به زمین را نصیب عدن خواهد کرد. مهمترین اقلام موجود در محموله ۱۳۵ میلیون دلاری شوروی در سال ۱۹۷۸ عبارت بودند از اولین ناو مین‌یاب عدن، اولین هواپیمای جنگنده بمب افکن سوخو - ۲۰/۲۲ و اولین توپ ضد هوایی ZSU - ۲۳/۴ بخشی از تجهیزات جدید، در قبال کمک یمن جنوبی به اتیوپی در اوگادن و ارزیابی مسکو از حفاظت منافع شوروی توسط یمن جنوبی در شاخ آفریقا و شبه جزیره عربی به این کشور هدیه داده شده است. (S NF).

مسکو در حمایت از فعالیتهای خود در یمن جنوبی به دیگر کشورهای کمونیستی نیز متکی بود. بلغارستان و مجارستان قراردادهای تسلیحاتی و مهماتی کوچکی با جمهوری دموکراتیک خلق یمن منعقد ساختند و حدود ۱۰۰۰ نفر از پرسنل کوبایی و آلمان شرقی حضور ۵۰۰ نفری شوروی را تکمیل نمودند. این کادر به تحکیم قدرت دولت جدید کمک کرده و آموزشهای سیاسی و اطلاعاتی ارائه کردند. (سری).

گزارش مربوط به نجات اقتصاد یمن جنوبی توسط کمونیستها به دنبال تحریم اعراب خالی از اغراق

نیست. علیرغم درخواست عدن برای دریافت کمک از دولتهای کمونیستی به جای کمکهای از دست رفته اعراب، از کشورهای اروپای شرقی تنها مجارستان و آلمان شرقی کمکهایی ارائه کرده‌اند، به این ترتیب که مجارستان ۵/۹ میلیون دلار کمک کشاورزی و آلمان شرقی نیز وامهایی در رابطه با کالاهایی مصرفی و گسترش ماهیگیری در اختیار این کشور قرار داده‌اند. فقط یک کمک ۸۵ میلیون دلاری برای برنامه پنجساله دوم عدن و ۵ میلیون دلار کمک غذایی و کمکهای دیگر در سال ۱۹۷۸ از طرف شوروی ارائه گردید. در حالی که قبلاً شوروی در سال ۱۹۷۶ اعلام کرده بود که میزان کمکهای خود به یمن جنوبی را در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ به چهار برابر گذشته خواهد رسانید. مقداری از کمک اعلام شده نیز ممکن است از طریق هزینه‌های تأمین شده توسط شوروی در برابر کسری تجاری عدن ارائه شود که این کسری به دنبال افزایش صادرات شوروی به یمن جنوبی در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ بدون افزایش قابل قیاس واردات پدید آمده بود. مسکو همچنین توافق کرده است که مدت بازپرداخت قروض عدن را مورد تجدید نظر قرار داده (که اکنون در مدت ۱۲ سال با ۲/۵ درصد نرخ بهره پرداخت خواهد شد) و در مورد نرخ بهره نیز ملاحظاتی صورت بگیرد. (س.ر.ی).

چین در تلاش برای برقراری حضور خود در عدن در سال ۱۹۷۸ توافق کرد که علاوه بر ارائه ۵ میلیون دلار کمک نقدی فعالیتهای جاده سازی خود را بیش از آنچه که بین Sayhut و Shihir ادامه داشت افزایش دهد. چین ساختمان پنج سردخانه در Mukalla را براساس کمکهای ماهیگیری خود به یمن جنوبی آغاز کرده است. پرسنل چین در یمن جنوبی از محبوبیت خاصی برخوردار هستند، چون آنها سخت فعالیت می‌کنند و از سیاستهای داخلی نیز اجتناب می‌ورزند. (S NF)

سوریه. علیرغم وخامت روابط سیاسی شوروی و سوریه در سال ۱۹۷۸ و پیدایش منابع مالی جدید جهت تأمین تجهیزات نظامی از منابع غیر کمونیستی، سوریه مایل نیست رابطه تسلیحاتی خود با شوروی را قطع نماید. معادلک دمشق نسبت به فعالیتهای شوروی و کوبا اعتراض نمود و سلاحهای روسی در اختیار انقلابیون اریتره قرار داد. (S NF).

عوامل سیاسی نقش چندان مهمی در عدم تمایل شوروی به انعقاد قراردادهای جدید نظامی با سوریه در سال ۱۹۷۸ نداشت. سیاست تسلیحاتی شوروی در سوریه انعکاس ارزیابی نیازها و ظرفیت جذب تسلیحاتی در نیروهای مسلح دمشق از طرف شوروی می‌باشد، مطالعات اخیر شوروی در سوریه نشانگر تأخیر در قراردادهای جدید است تا محموله‌های عظیم اخیر در ارتش سوریه به خوبی جذب شود تقاضای تسلیحاتی سوریه در سال ۱۹۷۸ شامل یک قرارداد ۹ میلیون دلاری خدمات و تجهیزات پشتیبانی روسی گردید. تجهیزات ارسالی شوروی بالغ بر ۳۱۰ میلیون دلار یعنی کمتر از میزان آنها در دو سال گذشته بود. حدود ۲۷۵ میلیون دلار تجهیزات دیگر براساس قرارداد نظامی ۴/۶ میلیارد دلاری دمشق بعداً به این کشور ارسال خواهد شد که احتمالاً تانکهای تی - ۷۲ و جنگنده‌های میگ ۲۵ را نیز دربرخواهد گرفت. (S NF).

گرچه ارسال هواپیماها در سال ۱۹۷۸ (به ارزش تقریبی ۱۰۰ میلیون دلار) توأم با کاهش بود، ولی این هواپیماها شامل دو اسکادران آخرین مدل میگ - ۲۱ بود. حداقل ۱۴ آتشبار از موشکهای جدید زمین به هوا (سام - ۲، سام - ۳، و سام - ۶) یعنی ۴ آتشبار بیش از سال ۱۹۷۷ در این کشور مستقر گردید، سوریه برای اولین بار دو فروند قایق گشتی دارای موشکهای هدایت شونده اوزا - ۲ را دریافت نمود.

ارسال تجهیزات زمینی نیز کمتر از سال ۱۹۷۷ بود و شش تانک تی - ۶۲، ۵۴ دستگاه نفربر زرهی پی ام پی ۵۴، ۳۳ دستگاه APCS و ۱۴ توپ ضد هوایی ۲۳/۴ - ZSU را در بر می گرفت. سوریه اخیراً به تغییر منابع تأمین سلاح خود علاقه نشان داده است. (S NF NC).

در سال ۱۹۷۸ قراردادهای تسلیحاتی اروپای شرقی به سطح ۱۱۱ میلیون دلار رسید که نیمی از آن از طریق آلمان شرقی تأمین شده است، و ۵۰ میلیون دلار اعتبار بزرگترین کمکی است که این کشور به یکی از کشورهای رو به رشد جهان کرده است. چکسلواکی با یک قرارداد ۴۳ میلیون دلاری در رابطه با ۳۵ فروند ال - ۳۹ و ۴۰ فروند جت آموزشی یو - میگ - ۱۵ و تجهیزات رادیویی در ردیف بعدی قرار گرفت. قرارداد آلمان شرقی تجهیزات ویژه الکترونیک، اجزاء تعمیراتی جنگنده میگ - ۲۱ و کمک به نیروهای امنیت داخلی سوریه را شامل می گردد. مجارستان نیز توافق توافق کرد که حدود ۱۰ میلیون دلار تجهیزات مخابراتی به این کشور بدهد. کشورهای اروپای شرقی معادل ۴۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی ساخت چکسلواکی به این کشور ارسال کردند. چکسلواکی ۱۶۰ تانک تغییر یافته تی - ۵۵، ۱۰ موشک انداز فراگ - ۲ مستقر بر کامیونهای تاترا، چهار هواپیمای آموزشی ال - ۲۹ و ۲ فروند هواپیمای آموزشی یو - میگ - ۱۵ به این کشور تحویل داد. (S NF).

مسکو ۲۰۰ تکنیسین دیگر به ۲۲۰۰ مستشار نظامی خود در سوریه در سال ۱۹۷۷ افزود که احتمالاً این افزایش میزان کارایی پرسنلی آن را به دنبال نارضایتی سوریه از کیفیت آموزشی شوروی بالا برده است. حدود ۱۸۰ نفر از پرسنل اروپای شرقی نیز در سوریه مشغول به کار بوده اند:

\* ۶۰ نفر از پرسنل آلمان شرقی در رابطه با تعمیر و نگهداری هواپیماها و تعداد کمی از آنها در رابطه با امنیت داخلی کار می کردند.

\* ۶۰ نفر از پرسنل چکسلواکی در رابطه با پیاده کردن تانکهای تی - ۵۵ و آموزشهای مخابراتی به کار گرفته شده بودند.

\* ۵۰ نفر از پرسنل آموزش مهندسی و فنی در آکادمی فنی نظامی Aleppo مشغول به کار بودند.

\* ۱۰ نفر از پرسنل بلغاری نیز هلیکوپترها را تعمیر می کردند. علاوه بر این کره شمالی نیز با یک

نیروی ۳۰ نفره در تولید مهمات به این کشور یاری می داد. (S NF NC).

سوریه ۵۰۰ تن از پرسنل نیروی هوایی خود را در سال ۱۹۷۸ جهت گذراندن دوره های آموزشی پرواز ال - ۳۹ و تعمیر و نگهداری به چکسلواکی اعزام کرد. در سال ۱۹۷۸ تنها ۱۰۰ تن از پرسنل سوری به شوروی جهت طی دوره های آموزشی رفتند، چون سوریه در چند سال گذشته بر آن بود که تعداد افراد اعزامی خود به شوروی را که در سال ۱۹۷۳ معادل ۷۰۰ نفر بود دائماً کاهش دهد. (S NF NC)

مهمترین رویداد در روابط اقتصادی شوروی در سال ۱۹۷۸ پایان کار احداث سد و نیروگاه ۸۰۰ مگاواتی ۱۰ ساله فرات بود و این رویداد آن قدر مهم بود که ریاست کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی شوروی برای شرکت در این جشن به سوریه سفر نمود. این پروژه نیم میلیارد دلاری که شوروی ۱۸۵ میلیون دلار آن را تأمین کرده بود، بازده برق سوریه را دو برابر کرد و میزان زمینهای قابل کشت سوریه را سالانه ۷۰۰۰۰۰ هکتار افزایش خواهد داد. (S NF NC).

گرچه شوروی کمک جدیدی به سوریه نداد، ولی با امضاء یک پروتکل متعهد همکاری در زمینه صنعت نفت گردید و حدود ۱۰۰ کیلومتر از راه آهن دمشق - حمص (Homs) را به پایان رسانید، که قرار

است در سال ۱۹۷۸ به طور کامل وارد مرحله عملیاتی گردد. درباره پروژه‌های عظیم درخواستی سوریه براساس توافقنامه ۳۰۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ (یک نیروگاه هسته‌ای، یک کارخانه ذوب آهن و آبیاری وسیع) هنوز اقدامی به عمل نیامده است. (طبقه بندی نشده)

آلمان شرقی در سال ۱۹۷۸ معادل ۳۵۰ میلیون دلار اعتبار جهت خرید تجهیزات به سوریه داد که بزرگترین کمک آلمان شرقی به یکی از کشورهای جهان سوم به حساب می‌آید. این کمک جدید احتمالاً در مورد دو کارخانه سیمان سازی (۱۳۰ میلیون دلار)، یک نیروگاه ۳۰ میلیون دلاری، یک کارخانه نساجی، و یک کارخانه تولید لامپ‌های برقی مصرف خواهد شد. (خیلی محرمانه).

برنامه ۴۰۰ میلیون دلاری رومانی که در دهه گذشته آغاز گردید این کشور را به صورت فعالترین کمک‌دهنده سوریه در آورده است. بزرگترین پروژه رومانی در جهان سوم یعنی پالایشگاه نفت بانپاس به ظرفیت ۱۲۰۰۰۰ بشکه در روز به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار در پایان سال وارد عملیات آزمایشی گردید که پس از برآورد نیازهای سوریه در رابطه با گاز، نفت سوختی، و دیگر محصولات، برای صادرات نیز مازادی تولید خواهد کرد. نیمی از کمک‌های رومانی صرف این پروژه شده است؛ یک چهارم دیگر صرف اجرای یک پروژه فسفات در حمص گردید که در سال ۱۹۷۹ ساختمان آن به پایان خواهد رسید. رومانی در سال ۱۹۷۸ در مورد یک کارخانه ذوب آهن اقدام به مناقصه کرد و طی یک قرارداد ۵۰ میلیون دلاری تجاری گسترش پروژه صنعت گاز سوریه را به عهده گرفت. (سری).

کشورهای کمونیستی از تلاش سوریه در گسترش پایگاه صنعتی بخش عمومی که ۸۵ درصد سرمایه‌گذاریهای درون‌کشوری را تشکیل می‌دهد، سود سرشاری می‌برند. در این خصوص اروپای شرقی با شرایط باز پرداخت سخاوتمندانه به رقابت پرداخته است. کشورهای کمونیستی از طریق این قراردادهای عمرانی سهم عظیمی از بازار ماشین‌آلات و تجهیزات سوریه را به خود اختصاص داده‌اند در سال ۱۹۷۷ آنها ۲۰ درصد از کل واردات سوریه را تأمین می‌کردند و احتمالاً در سال ۱۹۷۸ نیز همین مقدار واردات را تأمین می‌کنند. (طبقه بندی نشده).

ترکیه. سفر نخست‌وزیر اجویت در اواسط سال به مسکو و صحنه گذاردن وی بر «سند سیاسی» که شوروی چندین سال در تلاش برای آن بود مرحله جدیدی را در روابط ترکیه و کشورهای کمونیستی گشود. این کشورها با عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی ترکیه کمک‌های اقتصادی عظیمی به این کشور پیشنهاد کردند و شوروی براساس قرارداد ۱۰ ساله ۱۹۷۵ معادل ۱/۲ میلیارد دلار کمک به ترکیه داده است، شوروی در رابطه با کارخانه ذوب آهن اسکندرون و کارخانه آلومینیم سازی Seydesehir و چند نیروگاه شدیداً مورد نیاز ترکیه کمک‌های خود را ارائه کرده است.

همان‌گونه که در ذیل گفته خواهد شد، در پایان سال پروژه‌هایی که به ۴ میلیارد دلار اعتبار شوروی نیاز دارد مورد بحث قرار گرفته بود. (خیلی محرمانه).

گرچه شوروی ظاهراً آماده است تا اعتبارهای لازم برای کارخانه اورهانلی (Orhaneli) با شرایط بازپرداخت ۱۰ ساله و نرخ بهره ۴/۵ درصد تأمین کند، ولی مقامات ترکیه امید دارند که شوروی حداقل ۴۵۰ میلیون دلار دیگر نیز به پروژه‌های مطرح شده در فهرست برنامه ۸۵-۱۹۸۱ اختصاص دهد.

(S NF)

علیرغم اصرار ترکیه به انجام معاملات پایاپای نفت و گندم برای جبران کمبود نیرو تا پایان سال

۱۹۷۸، شوروی در این رابطه قراردادی را منعقد نساخته است. طبق این درخواست قرار بود که شوروی حدود ۶۰۰۰۰ بشکه نفت روزانه خود را از سال ۱۹۷۹ (حدود بیست درصد نیاز ترکیه) در ازای گندم و تنگستن به ترکیه بفروشد. موازنه تجاری نیز از طریق ارز معتبر برقرار می‌شد. این قرار داد نفتی سطح تجارت سالانه ۴۰۰ میلیون دلاری را که بر اساس قرارداد امضاء شده در ماه سپتامبر تعیین شده بود دو برابر می‌کرد. به منظور کاهش بحران انرژی ترکیه، بلغارستان و شوروی سالانه ۱۲۰۰ کیلووات ساعت برق به ترکیه می‌فروشدند، که نیروی برق فروخته شده از طرف شوروی از طریق خط انتقال نیروی این کشور به مرز ترکیه تأمین می‌گردد. (طبقه‌بندی نشده).

کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ در رابطه با کالا حمایت بی‌نظیری از ترکیه به عمل آوردند: \* بلغارستان ۳۵ میلیون دلار مواد خام صنعتی به این کشور داد و پیشنهاد کرد که یک سد آبیاری بر روی رود تونکا بسازد.

\* آلمان شرقی قول داد که ۵۰ میلیون دلار اعتبار دراز مدت جهت ورود کالاهای آلمانی به ترکیه بدهد.

\* رومانی توافق کرد که در طول سه سال آتی ۲۴۰ میلیون دلار کالا به ترکیه صادر کند، که ارزش آن نیز از یک تا هفت سال و با نرخ بهره ۷ درصد قابل پرداخت باشد. (طبقه‌بندی نشده)

بخارست همچنین توافق کرد که (الف) کار ساختمان پالایشگاه نفتی آناتولی را سرعت بخشد، (ب) کار مربوط به احداث یک خط لوله ۴۰۰ کیلومتری مربوط به همین پالایشگاه را هرچه زودتر آغاز کند، (ج) یک کارخانه فسفات احداث نماید، و (د) در رابطه با اکتشاف و تولید مواد معدنی و نفت این کشور را یاری دهد. هزینه مالی مربوط به پالایشگاه و تجهیزات اکتشاف نفتی از طریق اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ تأمین می‌گردد، لیکن در مورد هزینه دیگر پروژه‌ها چیزی گفته نشده است. (طبقه‌بندی نشده).

ظرفیت سالانه	اعتبار تقریبی مورد نیاز (میلیون دلار آمریکا)
نیروگاه حرارتی اورهانلی	۱۵۴
نیروگاه حرارتی کان	۴۳۰
توسعه کارخانه آلومینیم سید سهریر	۹۳
توسعه کارخانه ذوب آهن اسکندرون	۲۰۰۰
معدن لیگنیت	۳۳۳
سد و نیروگاه کاساک - کاتاران	۴۰۰
ریخته‌گری	۴۰
کارخانه آجر نسوز	۳۳
نیروگاه هسته‌ای	هیچ
صنعت تجهیزات برق	۸۷
خانه‌های پیش ساخته	۱۳
ساختن تجهیزات صنایع سنگین	۱۳۳

این جدول سری و غیر قابل رؤیت برای بیگانگان است.



### دیگر کشورهای خاورمیانه

قبرس. قبرس پروتکلی را جهت وارد کردن ماشین آلات و تجهیزات چکسلواکی امضاء کرده است، که اولین معامله این کشور براساس اعتبار ۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ به حساب می‌آید. (طبقه‌بندی نشده) یونان. چین و شوروی روابط خود با یونان را گسترش داده‌اند. مسکو توافق کرده است که امکان (الف) تأمین هزینه مالی مربوط به احداث یک کارخانه آلومینیم سازی در یونان را که بازده آن به شوروی صادر خواهد شد؛ (ب) استفاده از کشتی‌های یونان جهت تعمیر و ساخت ناوهای روسی؛ (ج) ارائه کمک فنی در مورد یک کارخانه نیروی هسته‌ای و (د) فروش برق و گاز طبیعی به یونان را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. علیرغم نارضایتی یونان از نصب یک نیروگاه ۲۰۰ مگاواتی در اوائل سال، این کشور یک قرارداد دیگر جهت احداث یک نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی که با سوخت نفت کار خواهد کرد با شوروی امضاء کرده است. یونان و لهستان توافق کردند که به سرمایه‌گذاری مشترک در رابطه با بهره‌برداری بوکسیت یونان و احداث یک کارخانه نخ ریزی در سالونیکا مبادرت ورزند. براساس قراردادی که در اوائل سال ۱۹۷۸ بین یونان و پکن جهت مبادله پایپای نفت با محصولات یونان منعقد شده بود، اولین محموله تنباکوی یونان تجارت این کشور با چین را افتتاح نمود. (خیلی محرمانه).

اردن. اردن در سال گذشته روابط اقتصادی خود با کشورهای کمونیستی را افزایش داد. قرارداد دراز مدت تجارت و همکاری اقتصادی منعقد در ماه ژوئن فعالیت‌های اقتصادی، نظامی کشورهای کمونیستی پراگ در احداث نیروگاه‌ها، کارخانه‌های سیمان‌سازی، تولید سرامیک و کارخانه‌های چرم‌سازی در اردن خواهد شد. لهستان در اواخر ماه سپتامبر یک قرارداد همکاری پزشکی با اردن امضاء کرد تا از طریق آن علاوه بر کمک فنی به اردن پرسنل این کشور را نیز از نظر پزشکی آموزش دهد، رومانی با یک قرارداد ۱۷۰ میلیون دلاری مربوط به گسترش پالایشگاه Zarqa که در اثر مشکلات موجود با پیمانکاران، ساختمان آن به پایان نرسیده بیشترین منافع را در این کشور به دست آورده است. چین اولین قرارداد تجاری خود را با اردن امضاء کرد و امان در مورد گسترش فسفات در یک منطقه جدید در ازای سنگ فسفات به شوروی امتیازاتی داده است. (S NF NC).

کویت. کشورهای کمونیستی بی‌سر و صدا به تلاش‌های خود برای راهیابی به بازارهای کویت ادامه داده‌اند و شوروی نیز با استفاده از تنها قرارداد تسلیحاتی بزرگ کویت با کمونیستها که یک قرارداد ۵۱ میلیون دلاری با شوروی جهت دریافت تجهیزات دفاع هوایی است، سلاح‌های مورد نیاز را به این کشور ارسال داشته است. براساس همین قرارداد کویت در سال ۱۹۷۸ موشک‌های فراگ - ۷، موشک اندازه‌های فراگ، و موشک‌های سالم - ۷ را از شوروی دریافت نمود. یک هیئت نظامی کویتی در ماه نوامبر به مسکو رفت تا پیرامون مشکلات آموزشی و تعمیر و نگهداری موشک‌ها گفتگو نماید و علاوه بر این اعلام کرده است که این کشور به مسکو اجازه نخواهد داد که مستشاران نظامی دیگری به این کشور ارسال نماید. چین پیشنهاد کرده است که ۴۵۰۰ کارگر خود را به کویت بفرستد تا پیرامون یک پروژه مسکن ۴۰۰۰ واحدی ارزان قیمت و احداث یک استادیوم که براساس قرارداد بازرگانی در کویت احداث خواهد شد، کار خود را آغاز نمایند. این اولین تلاش عمرانی بازرگانی چین در جهان سوم است که در قبال دریافت هزینه پروژه، انجام خواهد شد. رومانی نیز امید مشارکت کویت را در پروژه پتروشیمی Navodari در دریای سیاه از دست داده و در جستجوی جلب سرمایه‌های لیبی در این زمینه است. براساس توافق اولیه کویت

می‌بایست علاوه بر تأمین ۴۹ درصد سرمایه لازم روزانه ۱۶۰۰۰۰ بشکه نفت خام به رومانی بفروشد. آلمان شرقی از وضع بهتری برخوردار است چون شرکت سرمایه‌گذاری بین‌المللی کویت اولین وام سندیکای تمام عربی آلمان شرقی را در رابطه با ورود غله و علیق از غرب با نرخ روز فراهم کرده است. این نهاد کویتی سال گذشته حدود ۵۰ میلیون دلار وام مشابه را در رابطه با لهستان فراهم آورد. (سری). عمان، عمان و چین در ماه مارس ۱۹۷۸ روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفارت آغاز کردند. (طبقه‌بندی نشده).

عربستان سعودی. در سال ۱۹۷۸، چین، رومانی، و شوروی به برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی اظهار تمایل نمودند. (طبقه‌بندی نشده).

امارات متحده عربی. در میان امارات متحده عربی، در سیاستهای ضد کمونیستی ابوظبی تغییری حاصل نشد، گرچه آلمان شرقی اجازه یافت که اولین دفتر تجاری خود را مانند رومانی در دوبی افتتاح نماید. آلمان شرقی توافق کرده است که پزشکان لازم برای بیمارستانهای ابوظبی را روانه این امارت نماید. شارجه در اوائل سال ۱۹۷۸ میزبان اولین نمایشگاه تجاری اروپای شرقی از طرف چکسلواکی بود. چکسلواکی امیدوار است بتواند یک نمایندگی تجاری دائمی در امارات شمالی دارای گرایشهای بازرگانی افتتاح نماید. (خیلی محرمانه).

تصویر ۱۰: آسیای جنوبی

قراردادهای کشورهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد - ۱۹۷۸

## آسیای جنوبی کلی

کودتای مارکسیستی ماه آوریل افغانستان به مسکو فرصت داد که نفوذ خود را در این کشور مرزی که از دریافت کنندگان دیرین کمکهای شوروی بوده است، افزایش دهد. در پایان سال، افغانستان یک پیمان دوستی دراز مدت با شوروی بسته بود و حدود ۳۰۰۰ تکنیسین اقتصادی نظامی روسی در تمام واحدهای نظامی و اقتصادی به کار مشغول شده و افراد بی تجربه منصوب توسط دولت انقلابی را هدایت می کردند. مسکو با امضاء یک قرارداد نظامی توافق کرد که ۲۷۵ میلیون دلار هواپیمای مدرن در اختیار این کشور قرار دهد و قراردادهای کمک مذاکره شده توسط دولت قبلی را نیز امضاء نمود. علیرغم شایعات مبنی بر اینکه کمکهای جدید شوروی به سطح میلیاردها دلار خواهد رسید، کشورهای کمونیستی کمکهای جدید اقتصادی به افغانستان نداده اند تا جای کمکهای عربی را بگیرد. (S NF NC).

دیگر کشورهای آسیای جنوبی نیز قراردادهای جدیدی با شوروی در سال ۱۹۷۸ منعقد ساختند، گرچه در مورد تاثیر ثبات بر هم زنده انقلاب افغانستان و نقش شوروی در این کودتا نگرانی بسیاری مشهود بود. مسکو که نگران تمایل دوستی روزافزون بین هند و چین و احتمال ضربه زدن آن به منافع

شوروی در قاره آسیا بود، در مذاکرات خود با هند اشتیاق بیشتری نشان می‌داد و یک قرارداد روبل و روپیه و یک قرارداد نظامی ۲۱۵ میلیون دلاری با این کشور را امضاء کرده است. (S NF NC).  
 پاکستان در رابطه با کارخانه ذوب آهن کراچی و جهت تامین مخارج اضافی مورد نیاز، ۲۲۵ میلیون دلار اعتبار دریافت نمود و اسلام‌آباد بزرگترین قرارداد ۱۹ میلیون دلاری خود با شوروی را برای دریافت هلیکوپتر امضاء نمود. شوروی همچنین ۵۸ میلیون دلار کمک برای پروژه آبیاری ماهاولی (Mahaweli) به سریلانکا داده است (S NF).

با کاهش فعالیتهای چین فعالیتهای مسکو اوج می‌گیرد. نفوذ چین در پاکستان که بزرگترین دریافت‌کننده کمکهای نظامی و اقتصادی چین بوده است، به علت روی آوردن پاکستان به غرب در جهت اکتساب سلاحهای پیچیده‌تر و قابل رقابت با تسلیحات هند کاهش یافته است. اکثر کشورهای آسیای جنوبی چین را یک هم‌پیمان با ارزش در برابر توسعه‌طلبی هند و شوروی در منطقه می‌دانند. در سال ۱۹۷۸، کمک نظامی جدید چین تنها ۱۶ میلیون دلار و کمک اقتصادی آن به پاکستان و سریلانکا ۸۵ میلیون دلار بود (S NF).

افغانستان. تعداد مستشاران نظامی و اقتصادی شوروی از زمان کودتای آوریل ۱۹۷۸ که موجب به قدرت رسیدن دولت چپ‌گرای نخست‌وزیر نورمحمد ترکی گردید، دو برابر شده است. حدود ۳۰۰۰ مستشار روسی به کارهای زیر مشغول هستند: (الف) آموزش نظامیان افغانی در مورد سلاحهای مدرن (ب) برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی و نظامی، (ج) پشتیبانی مهندسی و مدیریتی از ساختمان و عملیات چند پروژه عمرانی و (د) انطباق سیستم آموزشی با مارکسیسم. سرعت ارسال کمکهای شوروی معادل سرعت افزایش مستشاران روسی نبوده است، چون افغانستان قادر نیست کمکهای بیشتر را به خود جذب نماید. (S NF NC)

رژیم ترکی کمی بعد از به قدرت رسیدن بزرگترین قرارداد نظامی افغانستان با شوروی را برای دریافت ۲۷۵ میلیون دلار هواپیمای مدرن منعقد ساخت. شرایط قرارداد تخفیف ۷۵ درصد، دوران باز پرداخت ۱۲ تا ۲۵ ساله و نرخ بهره ۲ درصد را در برمی‌گیرد. هواپیماها عبارتند از (الف) جنگنده‌های سوخو - ۲۰/۲۲، (ب) جت جنگنده میگ - ۲۱، و (ج) MI - ۲۴ که قبلاً در جهان سوم تنها به الجزایر و عراق تعلق داشت. شوروی همچنین توافق کرده است که در وضع تعمیرگاه میگ - ۲۱ پایگاه هوایی بگرام که تجهیزات لازم برای تعمیر قاب و بالهای این جت را فراهم می‌آورد بهبودی پدید آورد (SNF NC).

براساس توافقات پیشین ارسال تجهیزات نظامی شوروی به افغانستان علیه عناصر شورشی و دفاع کلی مرزهای این کشور ادامه داشته است. از جمله تجهیزات ۴۶ میلیون دلاری ارسالی در سال ۱۹۷۸ می‌توان: ۷۰ دستگاه تانک تی - ۶۲، توپخانه، و میگ - ۲۱ آموزشی را نام برد. جریان ارسال تجهیزات استعداد فنی افغانیها را از بین برده و وابستگی کابل را از نظر حمایت کامل نظامی به شوروی تکمیل نمود. ارتقاء دسته جمعی افسران جوان توسط حزب دموکراتیک خلق به رتبه‌های مهم بافت نظارت و کنترل نظامی را تضعیف و نیاز به کمک فنی شوروی را در آموزش، تعمیر، نگهداری و عملیات سلاحهای مدرن موجود در این کشور به افغانیها افزایش داده است. تعداد تکنیسینهای روسی در اوائل سال ۱۹۷۹ سه برابر و معادل ۱۰۰۰ نفر گردید. حدود ۱۰۰ نفر خلبان آموزشی در ماه ژانویه و براساس یک برنامه آموزشی به شوروی رفتند و از طریق همین برنامه ۳۷۰۰ پرسنل نظامی افغانستان در رشته‌های مختلف نظامی

فارغ‌التحصیل گشته‌اند. تعلیم‌دهندگان روسی هزاران تن دیگر را نیز در افغانستان آموزش می‌دهند. (S NF NC).

نقش سلطه‌جویانه مسکو در نهادهای نظامی افغانستان به سال ۱۹۵۶ برمی‌گردد که در آن زمان شوروی ۱۰۰ میلیون دلار کمک نظامی به کابل داده بود. پس از آن، شوروی و چکسلواکی تنها تأمین‌کنندگان سلاح‌های مورد نیاز افغانستان شدند. شوروی حدود ۷۰۰ میلیون دلار سلاح به افغانستان ارسال داشته که ۹۵ درصد تسلیحات این کشور را تشکیل می‌دهد و عبارتند از (الف) ۹۳۰ دستگاه تانک متوسط (که ۱۱۵ دستگاه آنها تی - ۶۲ هستند) (ب) ۶۴۵ نفر بر زرهی؛ (ج) سه گردان سام - ۲ و سام - ۳ و تعداد کمی سام - ۷؛ (د) ۶۴۰ سلاح دفاعی هوایی؛ (ه) بیش از ۳۰۰۰ توپ و موشک انداز؛ (و) ۳۹۰ فروند هواپیما (که ۴۴ فروند آن میگ - ۲۱ و ۲۵ فروند آن سوخوی - ۷ می‌باشند). (S NF NC).

حتی با ارسال مقادیر زیادی اسلحه و افزایش تعداد مستشاران نظامی روسی نیز استعدادها و نظامی افغانستان محدود و احتمالاً از زمان کودتای ۱۹۷۸ کاهش نیز یافته است. به علت رهبریت و آموزش نظامی نادرست، وسایل حمل و نقل غیر مکفی و کمبود قطعات یدکی ارتش نخواهد توانست در برابر یکی از حملات مؤثر خارجی ایستادگی کند. نیروی هوایی نیز با رهبریت ناشایست، وسایل ابتدایی مخابراتی، پرسنل عملیاتی و تعمیر و نگهداری فاقد آموزش کافی، و کمبود پایگاه‌های هوایی دست به گریبان است. (S NF NC).

برخلاف برنامه کمک نظامی شدید که دارای اهمیتی حیاتی برای کابل است، شوروی در حمایت از اقتصاد افغانستان کمک چندانی به کابل نکرده است. مهمترین کمک اقتصادی آموزش و خدمات فنی بوده است. با ورود طراحان دیگر شوروی در سال ۱۹۷۸ جهت اشغال پست‌های مدیریت در وزارتخانه‌های اقتصادی افغانستان و بررسی و طرح برنامه‌های جدید، تعداد پرسنل اقتصادی شوروی دو برابر و به ۲۰۰۰ نفر رسید. در تلاش به منظور انطباق سیستم آموزشی و بالا بردن وابستگی سیاسی این کشور هم‌جوار، شوروی یک برنامه درسی جدید مارکیستی و زبان روسی را در سیستم آموزشی افغانستان گنجانده است. شوروی نیز مانند کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۰۰۰ بورسیه دانشجویی به دانشجویان افغانستان اعطا کرده است (S NF NC).

از زمان کودتا، شوروی کمک چندانی به برنامه ۱/۳ میلیارد دلاری ۲۴ سال گذشته خود نیفزوده است. از این برنامه، ۵۰۰ میلیون دلار دیگر باید به این کشور تحویل داده شود. محدودیت توانایی جذب افغانستان و فعالیت‌های شورشیان در مناطق اجرای پروژه‌ها مانع از ادامه ارسال این کمک‌ها گشته است. با وجود عدم انعقاد قراردادهای جدید در سال گذشته، دولت ترکی ۶۰ قرارداد مذاکره شده توسط دولت پیشین را امضاء نمود. این قراردادها ۲۰۰ میلیون دلار ارزش دارند؛ حداقل سه چهارم آن از طریق اعتبارات شوروی تأمین هزینه و بقیه آن نیز احتمالاً تجاری است. قراردادهای امضاء شده عبارتند از:

❖ احداث یک پل راه آهن و عبور وسیله نقلیه ۵۰ میلیون دلاری بر روی رود آمودریا در حیرتان به عنوان اولین خط ارتباطی مستقیم بین افغانستان و شوروی.

❖ ۳۰ میلیون دلار تجهیزات نفتی جهت ارسال در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰.

❖ مطالعات و طرح‌های مربوط به کارخانه ذوب مس ۶۰۰ میلیون دلاری Ainak و احداث یک کارخانه ۳۰۰۰۰۰ تنی کود در نزدیکی کارخانه ساخته شده توسط شوروی در مزار شریف.

\* یک پروژه ۷ ساله ۲۲ میلیون دلاری برای نقشه برداری از شمال افغانستان.  
\* بازسازی ۵ میلیون دلاری بندر رود شرخان تا بتواند ظرفیت بارگیری ۲۵۰۰ تن بار در سال را داشته باشد. (خیلی محرمانه).

در ماه نوامبر، افغانستان اکتشافات جدید نفتی شوروی در شمال افغانستان را اعلام کرد که راه را برای احداث یک پالایشگاه نفتی ۵۰۰۰۰۰ تنی که سالها برنامه آن تهیه شده بود را هموار می سازد. صنعت نفت گسترش یافته توسط شوروی سرانجام علاوه بر تأمین نیازهای نفتی داخلی افغانستان مقدار کمی نیز برای صدور ارائه خواهد کرد. از اواسط سالهای ۱۹۶۰، شوروی بیش از ۲۳۵ میلیون دلار را به گسترش نفت و گاز این کشور اختصاص داده است. شوروی هم اکنون سالانه ۳ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی از افغانستان دریافت می دارد (از طریق خط لوله ساخته شده توسط روسیه) و توسط همین گاز بخش اعظم قروض اقتصادی و نظامی این کشور به شوروی پرداخت می گردد. مسکو توافق کرد که در قبال گاز افغانستان در سال ۱۹۷۸ یک سوم بیشتر بپردازد و مدت بازپرداخت را دو تا سه سال تمدید نماید. (خیلی محرمانه).

برنامه کمک شوروی حدود نیمی از واردات مورد نیاز پروژه های کابل را در چهار برنامه پنجساله (۷۵-۱۹۵۶) تأمین کرده است. دو سوم جاده ها و دو سوم ظرفیت نیروی برق افغانستان به کمک شوروی ساخته شده است. شوروی فرودگاه های اصلی و شبکه وسیع انتقال نیروی این کشور را ساخته و بیش از ۴۰۰۰۰ هکتار زمین را به زیر کشت برده است. (خیلی محرمانه).

نقش مسکو به عنوان مهمترین کمک دهنده به افغانستان وی را به صورت مهمترین شریک تجاری این کشور نیز در آورده است. در سال ۱۹۷۸، واردات افغانستان از شوروی (اکثراً ماشین آلات و تجهیزات، نفت و غذا) ۲۵ درصد افزایش و به ۲۰۵ میلیون دلار رسید در حالی که صادرات این کشور به شوروی (که اکثر آن گاز طبیعی و محصولات کشاورزی بود) در سطح ۱۰۰ میلیون دلار باقیمانده است. به علت وجود تورم احتمالاً افزایش واردات معادل بیست درصد بوده و حجم صادرات نیز کاهش یافته است. (طبقه بندی نشده).

علیرغم شایعات مبنی بر صدور صدها میلیون دلار اعتبار، کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ به افغانستان کمک جدیدی نداده اند. آنها تنها براساس قرار دادهای قدیمی ۴۰ میلیون دلاری پیمان های کوچکی با این کشور بسته اند. روند کمک چین نیز عادی بوده است. پکن در نظر دارد در رابطه با بیمارستان ساخته شده توسط خود در قندهار تجهیزات و دارو به این کشور ارسال دارد، و تصمیم گرفته است به لیست پروژه های ۴۵ میلیون دلاری خود براساس اعتبار سال ۱۹۷۲ یک کارخانه سیگار سازی نیز اضافه نماید. چینها براساس همین اعتبار احداث یک مجتمع نساجی و یک پروژه آبیاری را در پیش گرفته اند. (طبقه بندی نشده).

بنگلادش. بنگلادش برای کاهش قدرت شوروی در منطقه در رابطه با کمک های نظامی در سال ۱۹۷۸ به چین نزدیک تر گردید. گرچه پکن به تقاضای داکا جهت دریافت تانک، نفربر زرهی، توپخانه، و چهار قایق گشتی شانگهای پاسخ نداده است، لیکن توافق کرده است که ۱۱ میلیون دلار هواپیمای اف - ۶ در اختیار این کشور قرار دهد. گرایش این کشور به چین در اثر امتناع شوروی در سال ۱۹۷۶ از ارسال قطعات یدکی برای تجهیزات ۴۵ میلیون دلاری نظامی شوروی به بنگلادش به وجود آمده است. گرچه

ارسال تجهیزات شوروی در سال ۱۹۷۷ آغاز گردیده بود، ولی ما در مورد ارسال بیشتر این تجهیزات در سال ۱۹۷۸ اطلاعی در دست نداریم. (S NF NC).

شوروی در سال ۱۹۷۸ فعالیت خود را در زمینه اقتصادی ادامه داده بود و در رابطه با کارخانه تجهیزات برق احداث شده توسط خود براساس اعتبار سال ۱۹۷۲ معادل ۴ میلیون دلار ابزار و رنگ در اختیار این کشور قرار داد. مسکو در دو حوزه گاز خیز این کشور دو چاه نیز حفر کرده و پیرامون گسترش نیروگاه روسی GHOROSAL به ۲۳۰ مگاوات اقدام به مناقصه کرده است. معذک هنوز هم داکا در مورد هزینه کمک‌های شوروی اظهار نارضایتی می‌کند. خرید ۶/۲ میلیون دلاری گندم آمریکا در ارزی ارزش معتبر در سال ۱۹۷۸ جهت بازپرداخت گندم قرض گرفته شده در سال ۱۹۷۳ از شوروی، موجبات رنجش خاطر بیشتر بنگلادش را فراهم ساخت. (خیلی محرمانه).

چین در سال ۱۹۷۸ با ماشین‌آلات جدید، تجهیزات برقی، و قطعات یدکی کارخانه اردنانس تونگی (Tongi) را بازسازی کرد و با ارسال مواد خام و ارائه خدمات ۱۲۵ تکنیسین خود ادامه عملیات این کارخانه را امکان‌پذیر ساخت. برنامه کمک ۶۰ میلیون دلاری چین که براساس قرارداد ۱۹۷۷ به پیش می‌رود نشانگر احتیاط چین در انتخاب پروژه‌هاست. چین یک کارخانه تولید کود نیترا ته و احداث پروژه سیل بند را آغاز کرد که محل آنها نیز انتخاب شده بود. چین توافق کرده است که درخواست بنگلادش را در مورد تصفیه خانه شکر، آسیای برنج کوبی و روغن کشتی و گسترش زغال سنگ مورد ملاحظه قرار دهد. (طبقه‌بندی نشده)

هند. وابستگی تاریخی هند به شوروی در رابطه با تسلیحات نیروی هوایی و زمینی در سال ۱۹۷۸ با یک معامله ۲ میلیارد دلاری خرید ۱۷۰ تا ۲۰۰ فروند جت جنگنده جاگوار از انگلیس کاهش یافته است. هند پیشنهاد مسکو را برای ارسال میگ - ۲۳ و جت جنگنده و بمب افکن سوخو - ۲۰ به علت محدودیتهای برد و تمایل دهلی نو به ایجاد تنوع در منابع تأمین تسلیحات مورد نیاز خود نپذیرفت. هند ۲۰ فروند هواپیمای دریایی هاریر نیز از انگلیس خریداری کرد و مایل است زیردریاییهای جدیدی از غرب خریداری نماید. گرچه هند از سالهای ۱۹۶۰ با خرید تجهیزات کمی از غرب تجهیزات روسی خود را تکمیل کرده و با کسب جواز، تانک و بیجایانتهای انگلیسی را ساخته است، خریدها و قراردادهای منعقد شده اخیر این کشور در غرب برای اولین بار موجب ارسال تجهیزات بسیاری از غرب به این کشور شده و حاکی از آن است که هند می‌خواهد منابع تأمین سلاح خود را گسترش دهد. (سری).

گرچه هند در بازارهای غربی فعالتر از پیش خواستار خرید تجهیزات خواهد بود، لیکن در رابطه با نیازهای اصلی تجهیزاتی‌اش در چند سال آتی به شوروی متکی خواهد بود. اجازه تولید داخلی هواپیماهای میگ و تجهیزات روسی دیگر بر میزان فروش تسلیحاتی شوروی به هند تأثیر خواهد بخشید. در ورود سلاحهای روسی به این کشور در سال ۱۹۷۸ افزایش (۲۲۶ میلیون دلار) مشاهده گردید. دهلی نو که سعی دارد رابطه ۳ میلیارد دلاری تسلیحاتی خود را با شوروی حفظ نماید، پیرامون کسب امتیاز تولید و مونتاژ تسلیحات دیگر روسی برای رسیدن به خودکفایی مذاکراتی انجام داده است. (سری).

دهلی نو در رابطه با طرحهای بخشهای اصلی و قطعات یدکی سلاحهای روسی تولیدی توسط خود، هنوز هم به شوروی متکی می‌باشد. به طور مثال، موتورهای ساخت روسیه خواهد توانست نیروی لازم

برای چند صد میگ ۲۱ را فراهم کرده و خطوط مونتاژ هند را از سالهای ۱۹۸۰ یا ۱۹۸۱ به راه اندازد. بیش از نیمی از جت‌های جنگنده نیروی هوایی هند یا از شوروی وارد می‌شود و یا با کسب اجازه از شوروی در داخل تولید می‌گردد. (سری)

مسکو دومین جمع‌کن از نوع ناتیا (Natya) و یک قایق گشتی موشکی نانوچکا (Nanuchka) را براساس قرارداد سال ۱۹۷۵ به هند تحویل داده است. این قایق گشتی به نوع جدیدی از موشک زمین به زمین ۲ - N - SS مجهز است. دهلی نو، علاوه بر این ۱۲۰ دستگاه تانک تی - ۵۵ نیز از شوروی دریافت نمود. (S NF NC).

تجدید نظر پیرامون نرخ مبادله روبل و روپیه در ماه نوامبر اختلاف چند ساله موجود در رابطه هند و شوروی را از میان برداشت. گرچه دو طرف برای رسیدن به یک توافق امتیازاتی به یکدیگر داده‌اند، لیکن گرم شدن روابط بین هند و چین منجر به نرمتر شدن موضع مسکو گردیده بود. نرخ جدید ۱۰ روپیه در ازای هر روبل قابل مقایسه با نرخ پیشین ۸/۳ روپیه و درخواست ۱۲ روپیه برای هر روبل توسط شوروی است. توافق شده است که نرخ جدید در مورد باز پرداختها به کار برده نشود، لیکن در مورد قروض مهم استفاده شده از منابع اعتباری که باید بدون بهره در مدت ۴۵ سال پرداخت گردد به کار برده خواهد شد. این وضع ۲۰ درصد به قروض پرداخت نشده هند به شوروی خواهد افزود. هند تلاش بسیار به خرج داد تا قروض موجود از تأثیر این قرارداد جدید مستثنی گردد و بنا به اظهارات هند، در چهار سال آینده میزان باز پرداخت سالانه ۲۵۰ میلیون دلار خواهد بود. ولی تمدید مدت باز پرداخت بی سابقه توسط شوروی به ۴۵ سال تأثیر این افزایش را بر باز پرداختهای سالانه از میان می‌برد. (S NF NC).

در روابط اقتصادی دو کشور نیز کاهش بحران و تشنج مشهود است چون شوروی توافق کرده است که تجهیزات مورد نیاز برای پروژه‌های الجزایر، ایران و نیجریه را از کارخانه‌های ساخت شوروی در هند خریداری نماید. دهلی نو در نظر داشت با شورای همکاری دو جانبه اقتصادی دیدار کرده و از فرصتهای پیش آمده در پیمانکارهای اروپای شرقی استفاده کند. (S NF NC)

رابطه کمک اقتصادی ۲۰ ساله هند با کمیسیون مشترک اقتصادی عالیرتبه هند و شوروی که اهداف همکاریهای اقتصادی و فنی ۱۰ تا ۱۵ سال بعدی را مشخص کرده، در ماه مارس حیات تازه یافته است. بیشترین توجه به صنایع فولاد و ماشین سازی، تولید و تصفیه نفت، حمل و نقل و مخابرات داده شده بود. این پروژه‌ها عبارتند از:

✳️ احداث یک کارخانه آلومینیم سازی به ظرفیت ۶۰۰۰۰۰ تن و ارزش ۵۵۰-۵۰۰ میلیون دلار با استفاده از اعتبار ۳۴۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۷ که در ازای آن به شوروی آلومینیم داده خواهد شد. (شوروی توافق کرده است که سالانه ۳۰۰۰۰۰ تن آلومینیم دریافت دارد).

✳️ احداث یک مجتمع کوره محترقه ذوب فلز ۳ میلیون تنی در ویشناکاپتنام (vishnalaptnam)  
✳️ بالا بردن ظرفیت تولید آهن کارخانه‌های ذوب آهن ساخت شوروی در Bhilai و بوکارو (Bolaro) به ۱۰/۵ میلیون تن.

✳️ احداث یک کارخانه استخراج نیکل به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار توسط شوروی و کوبا در ایالت اوريسا که مطالعات مربوط به آن آغاز شده و از سنگ نیکل مشابه کوبایی آن در هند در این کارخانه استفاده خواهد شد.



\* پی‌جویی و گسترش نفت و گاز در غرب بنگال.

\* بهره‌برداری از منابع منگنز و سنگ آهن نامرغوب. (خیلی محرمانه).

پس از یک دهه وقفه کاری، در سال ۱۹۷۸ پروژه‌های شوروی حیات جدیدی یافت. فشار شدیدتر شوروی برای همکاری و توافق به گسترش بیشتر صنایع سنگین بخش عمومی توأم با تکمیل کارخانه ذوب آلومینیم در کوربا (Korba) و اولین مرحله کارخانه ذوب آهن بوکارو منجر گردید. کارخانه ذوب کوربا در پایان سال ۶۰۰۰۰ تن آلومینیم تولید کرده بود. روسها ارسال تجهیزات به پالایشگاه ۲۵۰ میلیون دلاری ماثورا (Mathura) را که در دست ساختمان است آغاز کرده‌اند و شوروی به منظور توسعه ظرفیت ماهیگیری سالانه هند به ۸ میلیون تن از ۲/۲۵ میلیون تن کنونی با این کشور مذاکراتی انجام داده است. (طبقه‌بندی نشده).

روابط هند با کشورهای اروپای شرقی توأم با انعقاد قراردادهای جدیدی بود که طرح‌های عمرانی اقتصادی جاه‌طلبانه‌ای را در بر می‌گیرد.

\* بلغارستان پروتکلی را امضاء کرد تا در رابطه با مجتمع‌های مهم کشاورزی بهار و کارناکاتا برای پرورش و تولید میوه، سبزیجات، غله، و گوشت این کشور را یاری دهد. بلغارستان همچنین توافق کرده است که یک کمپانی ماهیگیری مشترک با هند تشکیل داده و در رابطه با کالاهای چرمی، الکترونیک، مواد شیمیایی و داروسازی با این کشور همکاری نماید.

\* مجارستان پیرامون سرمایه‌گذارهای مشترک در دیگر کشورهای در حال توسعه مطالعاتی انجام داده و کمپانی ابزار ماشین‌آلات هندوستان نیز بخشی از تجهیزات مربوطه را فراهم خواهد آورد. دیگر پروژه‌های جاه‌طلبانه مورد بحث عبارتند از کارخانه آلومینیم گجرات، کارخانه تیتانیوم در Kerala و تأسیسات مربوط به استخراج معادن تنگستن در راجستان (Ragastan). مجارستان توافق کرده است که کارخانه‌های تولید چرم و کفش، داروسازی، و کنسرو میوه در جنوب هندوستان ساخته و در نظر دارد یک کوره کک مشابه آنچه به بلغارستان داده در مجارستان احداث کند.

\* رومانی به عنوان بخشی از برنامه وسیع اقتصادی خود احداث یک نیروگاه ۳۳۰ مگاواتی و یک کارخانه سیمان ۱۵۰۰ تن در روز را پیشنهاد کرده است. این برنامه کمک‌های مربوط به توسعه نفت و گاز، مونتاژ وسیله نقلیه، تولید کالاهای شیمیایی و چرمی، و گسترش صنعت الکترونیک را نیز در بر خواهد گرفت. (طبقه‌بندی نشده).

علیرغم تلاش‌های پراکنده جهت دستیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری جدید، تجارت بین اروپای شرقی و هند در سال ۱۹۷۸ معادل ۶۵ میلیون دلار کاهش و به سطح ۴۵۰ میلیون دلار رسید. (طبقه‌بندی نشده).

پاکستان. علیرغم نگرانی پاکستان در مورد افزایش حضور شوروی در افغانستان و ترس از تغییر موازنه قدرت در منطقه، پاکستان ۲۲۵ میلیون دلار اعتبار برای تأمین هزینه کارخانه ذوب آهن کراچی از شوروی دریافت کرد. علیرغم کاهش برنامه‌های کمکی، چین هنوز هم محبوبترین کمک‌دهنده پاکستان به حساب می‌آید. (طبقه‌بندی نشده)

پاکستان به تدریج وابستگی خود را به چین به عنوان مهمترین منبع تسلیحاتی خود کاهش داده است. چین که تا یک دهه پس از جنگ هند و پاکستان منبع اصلی سلاح برای پاکستان به حساب می‌آمد، اکنون

جای خود را به فروشندگان تسلیحاتی غربی که می‌توانند در برابر هند به پاکستان سلاحهای مدرنتری بدهند، داده است. در سال ۱۹۷۸ پاکستان تنها یک قرارداد ۵ میلیون دلاری نظامی با پکن منعقد ساخت در حالی که از زمان جنگ ۱۹۶۵ این‌گونه قراردادها بالغ بر ۵۲۵ میلیون دلار بوده و سه چهارم تسلیحات این کشور از چین وارد گردیده بود. چین در مجتمع مکانیکی تاکسیلا (Taxila) تأسیسات تعمیر و ساخت اسلحه را بنا کرده بود (که مهمترین کارخانه صنعتی چین در جهان سوم به حساب می‌آید) و در سال ۱۹۷۸ تعداد ۱۶ فروند جت اف - ۶ به ارزش ۲۵ میلیون دلار به پاکستان تحویل داد. (SNF NC).

علیرغم نگرانی پاکستان از خطر شوروی، اسلام‌آباد یک قرارداد ۱۹ میلیون دلاری جهت دریافت ۱۲ فروند هیلکوپتر می - ۸ با شوروی منعقد ساخت که قیمت ارزان، و شرایط اعتباری مناسب از مشخصات این قرارداد می‌باشد. (S NF NC).

برخلاف توصیه‌های جامعه مالی بین‌المللی، پاکستان برای به پایان رسانیدن ساختمان کارخانه ذوب آهن کراچی ۲۲۵ میلیون دلار اعتبار از شوروی دریافت کرد که قبلاً شوروی برای آن ۴۳۰ میلیون دلار ارائه کرده بود که ۴۵ میلیون دلار اعتبار استفاده نشده را نیز در بر می‌گرفت. در قبال اعتبارهای جدید شوروی سالانه ۲۷۰/۰۰۰ تن آهن و فولاد دریافت خواهد کرد. شوروی با پی بردن به محدودیتهای مالی پاکستان به این کشور اجازه داد که یک سال پس از وارد عمل شدن کارخانه هزینه‌ها را باز پرداخت نماید. کمک دهندگان غربی اختصاص منابع کمیاب را به کارخانه ذوب آهن مورد انتقاد قرار داده‌اند، در حالی که پاکستان فقط تقاضای بودجه حمایتی و برنامه‌ریزی دوباره قروض را داشته است. (طبقه‌بندی نشده). در میان کشورهای اروپای شرقی، مجارستان ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار ۱۲ ساله با نرخ بهره ۵ درصد جهت احداث قطار زیرزمینی و اتوبوس برقی در پاکستان اختصاص داد و لهستان از سال ۱۹۸۰ ارسال ۱۶ فروند کشتی را به این کشور آغاز خواهد کرد. رومانی پالایشگاه نفت ۶۰ میلیون دلاری کراچی را که با اعتبار ۱۶ میلیون دلاری خود ساخته شده بود افتتاح کرد. بخارست توافق کرد که ساختمان کارخانه سیمان‌سازی را که هزینه آن سال قبل اعلام شده بود آغاز کرده و پیرامون احداث مجتمع تجهیزات برقی بررسیهای خود را آغاز نماید. چین ساختمان یک فرودگاه در اسکار دو (Skardu) را آغاز کرد و بزرگترین پروژه چین در پاکستان را که شاهراه ۲۰۰ میلیون دلاری کارکورام (Karakoram) است و چین را به پاکستان متصل می‌کند به پایان رساند، این شاهراه توسط چین و بدون هزینه برای پاکستان ساخته شده است. چینیه کارگران جاده‌سازی را سریعاً بر روی یک پروژه شاهراه‌سازی دیگری که اسکار دو پاکستان را به Yarkand متصل خواهد کرد، با شرایط شاهراه قبلی منتقل کردند.

#### غیره

نیپال. نیپال به روابط خود با چین که ۱۸۵ میلیون دلار کمک به این کشور داده است، ارج بسیار می‌نهد. در سال ۱۹۷۸ چین توافق کرد که پیرامون احداث یک کارخانه قند و یک کارخانه کاغذسازی به ارزش ۴۰ میلیون دلار بررسیهایی انجام دهد. چین کارخانه نساجی Hitaura را براساس قرارداد سال ۱۹۷۲ به پایان رسانید و احداث جاده ۶۰ کیلو متری Gurka-Narayanghat را سرعت بخشید. نیپال سرانجام کارخانه تولید راتیانه و تربیانتین مورد نیاز خود را از شوروی و براساس قرارداد ۴/۳ میلیون دلاری منعقد در اواسط سال ۱۹۷۸ دریافت خواهد کرد. گرچه نیپالها از شرایط قرارداد ناراضی هستند، لیکن

این شرایط یعنی مدت باز پرداخت ۱۲ ساله با نرخ بهره ۲/۵ درصد از نظر روسها بسیار جالب است. (طبقه‌بندی نشده).

سريلانكا. سری لانکا ۱۲۰ میلیون دلار کمک جدید از چین و شوروی برای گسترش منابع آب و ۲۰ میلیون دلار از طرف آلمان شرقی جهت احداث ۲۵ آسیای برنج کوبی و خرید ۵۰۰ واگن قطار به دست آورد. پیشنهاد کمک چین و شوروی برای کمک به طرح عمرانی یک میلیارد دلاری رود ماهاولی در شرق سیلان، یعنی هسته اصلی طرح عمران کشاورزی کلمبو که چند دولت غربی نیز در آن مشارکت خواهد داشت، کمک ۶۰ میلیون دلاری چین در مورد ساختن جاده، مسکن، مدارس و ساختمانهای عمومی را نیز شامل می‌شود. کمک شوروی نیز که حدود ۶۰ میلیون دلار است به دو پروژه آبیاری اختصاص یافته که علاوه بر پروژه سامانالویوا (Samanalawewa) براساس اعتبار ۵۷ میلیون دلاری سال ۱۹۷۵ ساخته خواهند شد. گذشته از این شوروی پنج کشتی در اختیار مؤسسه کشتیرانی سیلان براساس قرارداد ۴۵ میلیون دلاری قرار خواهد داد. (طبقه‌بندی نشده)

### فعالیت‌های کمکی و تجاری کمونیستی در کشورهای

رو به رشد، در فصل سوم سال ۱۹۷۸

محتوا

آژانس اطلاعات مرکزی

دسامبر ۱۹۷۸

مرکز ارزیابی خارجی ملی

نکات اصلی

مقاله

برنامه‌های کمک چین نشانگر واقعیت‌های اقتصادی است

این بخش به بحث پیرامون روند برنامه‌های کمک چین در جهان سوم می‌پردازد.

پیشرفت‌های فصل سوم

فعالیت‌های اقتصادی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه

قراردادهای نظامی کمونیستی با کشورهای در حال توسعه

سری - گیری قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران

نکات اصلی

چکسلواکی با انعقاد یک قرارداد به مراکش ۵۰ میلیون دلار اعتبار داد، تا بتواند نیروگاهها و تجهیزات سبک صنعتی را خریداری نماید.

بنین اولین قراردادهای اقتصادی خود را با لهستان و بلغارستان در ماه سپتامبر منعقد ساخت، و با چکسلواکی و رومانی نیز مذاکراتی را آغاز کرده است.

شوروی به کیپ ورد اعتبار ۱۶ ساله برای خرید محصولات نفتی داده است.

یک قرارداد اقتصادی فنی جدید شوروی اتیوپی به فعالیت‌های شوروی رسمیت می‌بخشد، لیکن اعتبار جدیدی در اختیار این کشور قرار نداده است.

بنابه گزارشها چین تقبل کرده است که یک شاهراه ۳۸۵ کیلومتری در سومالی بین بوداما و مرز جیبوتی به ارزش ۲۰ میلیون دلار بسازد.

شوروی توافق کرده است که دو توربین را مجاناً به پروژه نیروگاه آبی آرژانتین اورگوئه‌ای سالتوگراند بدهد، تا بدین وسیله موجبات بهبود را در روابط خود با آرژانتین فراهم آورد. برزیل یک قرارداد سه ساله تجاری به ارزش کلی ۲ میلیارد دلار با آلمان شرقی، مجارستان و لهستان منعقد ساخت و پیرامون اعتبار ۵۰۰ میلیون دلاری پیشنهادی شوروی برای تأسیس پروژه نیروی پورتوپیریماورا به مطالعه پرداخت.

چین و شوروی در نظر دارند به سری لانکا در مورد پروژه یک میلیارد دلاری آبیاری ماهاولی کمک نمایند.

شوروی پیشنهاد کرده است که حاضر است به مطالعه امکانات ایجاد یک کارخانه آلومینیم سازی و نیروگاه هسته‌ای در یونان بپردازد.

ایران با شوروی، مجارستان و لهستان یک قرارداد ۴۱۰ میلیون دلاری در رابطه با نیروگاه‌های حرارتی منعقد ساخته است.

الجزایر نیز قراردادی امضاء کرده است تا از شوروی ۲ اسکادران میگ ۲۵ دریافت نماید، و در ازای آن به شوروی حق ورود به بنادر خود را خواهد داد.

افغانستان یک قرارداد ۲۵۰ میلیون دلاری جهت دریافت هواپیما و تجهیزات پشتیبانی زمینی با شوروی امضاء کرده است.

#### مقاله

#### برنامه کمکهای چین منعکس سازنده واقعیت‌های اقتصادی

تأکید پکن بر حل مشکلات داخلی سبب شده است که در برنامه کمکهای اقتصادی چین به جهان سوم در دو سال گذشته کاهشی پدید آید. کمکهای جدید اقتصادی در سال ۱۹۷۷ کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار بود در حالی که در سالهای ۷۵-۱۹۷۰ معادل ۵۰۰ میلیون دلار می‌گردید. در حالی که در نیم سال میزان این کمکهای به ۵۰ میلیون دلار رسیده، کمکها قرار است همچنان در سطح پایین سال ۱۹۷۸ باقی بمانند، چون دولت هوا در حال مبارزه با مشکلات داخلی از قبیل (الف) افزایش ظرفیت در زغال سنگ، آهن و دیگر شاخه‌های صنایع اصلی، (ب) ارائه انگیزه برای بالا بردن تولید؛ (ج) و بهبود سطح زندگی می‌باشد. با این وصف پکن به تعهدات سنگین گذشته خود نیز عمل می‌کند. جمهوری خلق چین که از نظر ارائه کمکهای نظامی در موقعیت ممتازی قرار ندارد، بر برنامه‌های اقتصادی در کمکهای خود به جهان سوم تأکید بسیار دارد.

#### کمکهای اقتصادی

انگیزه چین برای به رسمیت شناخته شدن در جامعه بین‌المللی در سالهای ۱۹۷۰ با ارائه کمکهای بی‌سابقه همراه بود. برنامه‌های اقتصادی از محتوای ایدئولوژیک خود جدا گردیدند و به عنوان یکی از اسباب و وسایل اصلی سیاست خارجی در مبارزه برای ابقاء رهبریت کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شد. در دوره پنج ساله سالهای ۷۴/۱۹۷۰ کمکهای اقتصادی بالغ بر ۲/۸ میلیارد دلار گردید که تقریباً معادل سه برابر یک میلیارد دلار کمک ارائه شده در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۹ می‌باشد (به جدول

یک مراجعه شود). شصت درصد کمکهای جدید نصیب ملل آفریقایی گردید.

### جدول ۱

چین: کمکهای اقتصادی ارائه شده به کشورهای در حال توسعه

جمع	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸
جمع	۳۴۹۶	۷۸۱	۵۶۳	۶۰۷	۵۷۴	۲۸۲	۳۴۸	۱۵۸	۴۷
آفریقا	۲۱۸۸	۴۷۳	۳۵۹	۲۴۵	۳۵۷	۲۴۲	۲۵۷	۱۰۶	۴۲
شمال آفریقا	۲۵۳	۰	۶۱	۴۱	۲	۵۷	۳۵	۵۷	۰
آفریقای مادون صحرا	۱۹۳۵	۴۳۷	۲۹۸	۲۰۵	۳۵۵	۱۸۵	۲۲۲	۱۰۶	۴۲
آسیای شرقی	۱۰۷	۰	۸۱	۰	۰	۲۵	۱	۰	۰
اروپا	۴۵	۰	۰	۴۵	۰	۰	۰	۰	۰
آمریکای لاتین	۱۵۲	۰	۴۴	۸۹	۰	۸	۱۰	۱	۰
خاورمیانه	۲۴۷	۴۳	۴۵	۸۸	۳۷	۲	۰	۲۷	۵
آسیای جنوبی	۷۵۷	۲۶۵	۳۴	۱۳۹	۱۸۰	۵	۸۰	۳	۵۱

۱. این اطلاعات مربوط به دوره یکم ژانویه تا سی ام ژوئن است.

۲. ارقام گرد شده‌اند به همین علت است در جمع برابر صفر نشوند.

با فرارسیدن سال ۱۹۷۴، به علت مبارزه‌ای که بر سر قدرت میان رادیکالها و میانه‌روها در گرفته بود برنامه کمکهای اقتصادی پکن سیر نزولی در پیش گرفت.

جناح میانه‌رو که سرانجام به رهبری هواکوفنگ به قدرت رسید به جهان سوم اطمینان داد که سیاست رئیس‌جمهور مائو در کمک به کشورهای فقیر ادامه خواهد داد، لیکن خاطر نشان ساخت که به علت وضع جمهوری خلق چین به عنوان یک کشور فقیر و در حال توسعه در میزان این کمکها محدودیتی ایجاد خواهد گردید. علاوه بر این مقامات چینی گفتند که هر مقدار منابعی که پس از برنامه‌های داخلی عمران باقی بماند به کشورهایی تعلق خواهد گرفت که حاضر باشند علناً از سیاستهای چین به خصوص سیاستهای مغایر با سیاست شوروی حمایت نمایند. به طور مثال، چین در سال ۱۹۷۶ به مصر و در سال ۱۹۷۷ به سومالی و سودان قول حمایت از برنامه‌های عمرانی آنها را داد، چون آنها با مسکو قطع رابطه کرده بودند. بخش اعظم کمکهای اقتصادی چین در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ بر آفریقا متمرکز بود؛ در مجموع تنها دو برنامه دارای ارزش بیش از ۵۰ میلیون دلار بودند. میزان و وسعت قراردادهای کنونی با محدودیت ظرفیت اقتصادی چین متناسب بوده و مانند اوائل دهه جاه‌طلبانه نیستند. قراردادهای اخیر با پیروی از سنت چین بر پروژه‌های کشاورزی، صنایع سبک و کارگری تأکید دارد. و کمکهای فنی ارائه شده نیز متناسب با نیاز کشورهای در حال توسعه می‌باشد. گرچه کار چین در تأسیس راه‌آهن تان - زام بسیار عالی بود. لیکن اخیراً این کشور تقاضاهای آفریقاییها را برای کمک در ایجاد راه‌آهن و دیگر پروژه‌های زیربنایی رد کرده است؛ ظاهراً دولت جدید مایل است از پروژه‌های بزرگی که از برنامه کمکهای خارجی چین بهره‌ای ندارند، استفاده ننماید. گرچه روند تعهدات کندتر شده، لیکن پرداخت و انجام تعهدات مربوط به وامهای پیشین هنوز ادامه دارد. چون پکن هنوز هم به تعهدات گذشته خود عمل می‌نماید. یک پنجم ۲/۳ میلیارد دلار کمکهای ارائه شده به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ پرداخت گردید

(به جدول ۲ نگاه کنید). در حالی که مهمترین کمکهای سالهای ۷۴-۱۹۷۱ عبارت بود از برآورد نیاز پروژه راه آهن تان - زام، لیکن کمکهای اخیر گسترش توزیعی بیشتری یافته است. بزرگترین پروژه‌هایی که در سال ۷۷-۱۹۷۶ آغاز می‌گردد عبارتند از پروژه ۵۵ میلیون دلاری تأسیس یک بندر در آبهای عمیق موریتانی، مطالعات مربوط به احداث یک کانال ۹۰ میلیون دلاری در تونس، احداث راه در ماداگاسکار، توسعه مجتمع ماشین‌سازی در پاکستان، و پروژه ۳۰ میلیون دلاری آبیاری در سری لانکا، پروژه‌های راهسازی ۴۰۰ میلیون دلاری اتیوپی، پاکستان، رواندا، سومالی، سودان و دو کشور یمن رو به اتمام بود.

در سال گذشته بیش از ۲۴۰۰۰ تکنیسین چینی در جهان سوم مشغول به کار بودند که این بالاترین میزان این افراد از ابتدای برنامه‌ها بوده است. مراجعت ۱۰۰۰۰ تکنیسین از منطقه احداث راه آهن تان زام نیز با جریان ورود این افراد به پروژه‌های آفریقایی جبران گردید. آفریقای مادون صحرا حدود ۸۵ درصد پرسنل کمکهای چینی در خارج را در بر می‌گیرد.

خدمات فنی ارزان چین ارزشمندترین جنبه تلاشهای عمرانی جمهوری خلق چین بوده است. چین در برابر خدمات فنی خود از کشورهای در حال توسعه ارز معتبر دریافت نمی‌دارد؛ کشورهای در حال توسعه تنها مقداری از مخارج از قبیل مخارج مورد نیاز برای مسکن، تغذیه و حمل و نقل را در داخل کشور خود می‌پردازند؛ و پرسنل چینی نیز بسیار سخت کوش و کم توقع هستند. و در بعضی موارد به خصوص اگر خدمات بهداشتی مورد نیاز باشد، چین تمام مخارج متحمل شده را باز می‌گرداند.

## جدول ۲

چین: کمکهای اقتصادی ارائه شده به کشورهای در حال توسعه

جمع	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷
جمع	۱۶۷۲	۷۲	۱۸۹	۲۵۹	۲۳۸	۲۵۲	۱۸۱	۲۸۳
آفریقا	۱۰۳۰	۳۷	۱۱۶	۱۴۸	۱۶۴	۱۳۷	۱۱۸	۱۱۵
آفریقا شمالی	۴۳	۵	۱۰	۳	۴	۵	۵	۶
آفریقای مادون صحرا	۹۸۷	۳۲	۱۰۶	۱۴۵	۱۶۰	۱۳۲	۱۱۳	۱۰۹
آسیای شرقی	۴۰	۰۰۰	۰۰۰	۸	۸	۱۲	۸	۳
اروپا	۱۰	۰۰۰	۰۰۰	۴	۰۰۰	۲	۱	۱
آمریکای لاتین	۲۵	۰۰۰	۲	۱۴	۱	۱	۱	۳
خاورمیانه	۱۵۷	۶	۱۰	۹	۳۹	۳۰	۱۷	۲۳
آسیای جنوبی	۴۱۰	۲۹	۶۱	۷۶	۲۶	۷۰	۳۶	۵۴

چین در میان ملل فقیر به عنوان یک کشور ارائه دهنده کمکهای اقتصادی از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. شرایط متعادل برنامه‌های کمکی که به طرز مؤثری پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی را بالا می‌برد سبب شده است که چین برخلاف برنامه‌های غربی و کمونیستی برای در نظر نگرفتن نیازهای بشری مورد انتقاد واقع نگردد. حتی اگر میزان و مقدار آنها ناچیز باشد برنامه‌های کمک چین سبب بالا رفتن رفاه و میزان تولید بوده و نقصانهای اساسی و ریشه‌ای زیربنایی و کشاورزی را مورد حمله قرار می‌داده است.

فنون و تکنولوژی چینها همیشه با شرایط فقیرترین کشورهای در حال توسعه تطابق داشته است.

کشورهایی که درآمد سرانه سالانه آنها کمتر از ۲۰۰ دلار بوده همیشه بیش از نیمی از کمک‌های چین را از آغاز به خود اختصاص داده‌اند.

کمک‌های چین همیشه در جهت گسترش برنامه‌های زیربنایی، صنایع مادر، و کشاورزی به کار گرفته شده‌اند. مهمترین کمک‌ها هنوز هم در زمینه احداث راه‌آهن، جاده، سد و احداث بنا در ارائه شده است (۳۵ درصد) کمک‌های مربوط به کشاورزی، آبیاری و پروژه‌های چند کاره شامل ۲۰ درصد می‌گردد و کمک به صنایع سبک نیز ۲۰ درصد دیگر را به خود اختصاص می‌دهد. تنها ۵ درصد کل این کمک‌ها به صنایع سنگین آن هم در پاکستان اختصاص داده شده است. باقیمانده این کمک‌ها به عمران شهری، تحقیقات زمین‌شناسی و ایجاد تأسیسات توریستی، بندری، آموزشی، فرهنگی و پزشکی اختصاص یافته است. راه‌های احداث شده و دیگر پروژه‌های حمل و نقل چینی مرحله جدیدی را در پیشرفت به وجود آورده، مشکلات موجود در حمل و نقل کالا و پرسنل را برطرف ساخته است. مثلاً چین در یمن جنوبی نیمی از شبکه راه‌ها و در سومالی و سودان ۱۰ درصد این شبکه را احداث نموده است. راه آهن تان-زام که با ظرفیت نسبی به کار خود مشغول است، در حمل کالاها به بخش‌های داخلی و به زامبیا سرعت ایجاد کرده و تراکم موجود در بندر دارالسلام را کاهش داده است. پروژه‌های صنعتی و کشاورزی با نیاز هر یک از کشورهای در حال توسعه مطابقت داده شده است. چین با استفاده از تجارب خود در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بر پروژه‌ها کم‌خرج و آسانی که از واردات بکاهد تأکید دارد این پروژه‌ها اغلب تأسیساتی برای پروراندن مواد خام به وجود می‌آورند. تأسیسات صنعتی از قبیل کارخانه‌های نساجی، فیبرسازی، کاغذسازی، تهیه غذا، و کشاورزی با قیمت ارزان تأسیس و به سرعت راه‌اندازی می‌شوند. آنها از منابع انسانی و مصالح بهره‌برداری می‌کنند و برای راه‌اندازی و نگهداری آنها نیز مهارت بسیاری لازم نیست. کمک‌های چین به جهان سوم از امتیازات خاصی برخوردار است. در سالهای ۱۹۷۰ چین حدود نیم میلیارد دلار کمک ارائه کرده است و از ابتدای این برنامه‌ها میزان این کمک‌ها بیش از ۸۰۰ میلیون دلار است در سالهای اخیر، یکن در شرایط اعتبارهای خود نوعی میانه‌روی و اعتدال در پیش گرفته است. قراردادهای عمرانی چین در سالهای ۱۹۶۰ خالی از نرخ بهره بود و معمولاً مدت بازپرداخت آنها ده سال دیگر نیز قابل تمدید بود. لیکن دوره‌های تمدیدی اکنون بیش از گذشته و به ۲۰ تا ۳۰ سال نیز می‌رسد. در مقایسه با میانگین دوره بازپرداخت وام‌های غربی که ۳۳ سال است و ۹ سال نیز پاداش آن محسوب می‌گردد و نرخ بهره نیز ۲/۶ درصد می‌باشد و در مقایسه با دیگر کمک‌های کمونیستی که بیش از ۱۲ سال دوره بازپرداخت آن نیست و نرخ بهره آنها نیز ۲/۵ تا ۳ درصد می‌باشد، جالب توجه است.

### کمک‌های نظامی

میزان نسبتاً ناچیز کمک‌های نظامی چین (مجموعاً ۸۴۵ میلیون دلار) ناشی از عدم توانایی چین در رقابت با دیگر کشورهای کمونیستی و غربی در مسلح کردن تأسیسات نظامی جهان سوم می‌باشد. گرچه این کمک‌ها به ۳۸ کشور ارائه می‌شود که ۲۶ تای آنها آفریقایی می‌باشند، ولی باید گفت که ۷۵ درصد این گونه کمک‌ها به پاکستان و تانزانیا داده شده است. مجموع کمک‌های نظامی سال ۱۹۷۷ مقدار ناچیزی معادل ۵۰ میلیون دلار بوده (به جدول ۳ نگاه شود) که نیمی از آن به آفریقای مادون صحرا اختصاص یافته و در سال ۱۹۷۸ نیز به همان میزان ارائه می‌گردد. تولیدات نظامی چین ۲۰ سال عقب‌تر از غرب و شوروی

بوده و چین کیفیت و کمیت تسلیحاتی مورد نیاز کشورهای در حال توسعه را ندارد. حتی در کشورهایی که عمدتاً سلاحهای خود را از چین وارد می‌کردند به علت رقابت کشورهای مهم تولید سلاح نیز تغییر گرایشی پدید آمده است و به طور مثال، تانزانیا که دومین مشتری بزرگ سلاحهای پکن به شمار می‌رفت و تنها کشور جهان سوم بود که وابستگی عمیق به آموزش و تجهیزات چین پیدا کرده بود، دیگر مایل نیست تجهیزات چینی را مورد استفاده قرار دهد. تانزانیا تعمداً به مسکو روی آورده است، چون چین قادر نیست سلاحهای مدرن در اختیار وی قرار دهد. در موزامبیک نیز، دولت جدید یک دهه همکاری نظامی با چین را در زمینه دریافت سلاحهای کوچک و آموزش مورد نیاز گروههای چریکی پایان بخشیده و برای تهیه سلاحهای مدرن تر به شوروی روی آورده است. در سالهای اخیر نیز چین به مصر، سودان و سومالی تنها حمایت ظاهری نظامی داده است. در همه موارد، چین به برنامه کمکهای اقتصادی خود به عنوان وسیله ایجاد صلح و ثبات یاد می‌کند. پکن که بر نیاز تأکید بسیار دارد، فروش تسلیحاتی قدرتهای بزرگ را در مقایسه با کمکهای خود در پیشرفت مسالمت‌آمیز اقتصادی، تأسف بار می‌خواند.

### جدول ۳

چین: قراردادهای نظامی با کشورهای در حال توسعه

۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	جمع	
۲۱	۵۱	۱۴۳	۴۲	۸۶	۲۷	۷۹	۸۱	۶۳	۵۹۳	جمع ۲
۱۶	۲۹	۳۲	۳۴	۱۹	۷	۱۲	۱۵	۲۳	۱۸۷	آفریقا
۱۲	...	...	۹	...	...	...	...	...	۲۱	شمال آفریقا
۴	۲۹	۳۲	۲۵	۱۹	۷	۱۲	۱۵	۲۳	۱۶۶	آفریقای مادون صحرا
...	...	...	...	...	قابل اغماض	...	...	...	قابل اغماض	آسیای شرقی
...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	آمریکای لاتین
...	...	۱۱	۶	...	...	...	قابل اغماض	...	۱۷	خاورمیانه
۵	۲۱	۱۰۰	۲	۶۷	۲۰	۶۷	۶۶	۴۰	۳۸۸	آسیای جنوبی

- این اطلاعات مربوط به دوره یکم ژانویه تا سی‌ام ژوئن است.
- ارقام گرد شده‌اند به همین علت است در جمع برابر صفر نشوند.



کتاب شصت

دخالت‌های  
آمریکا در ایران



## بسم الله الرحمن الرحيم

### معرفی کتاب

بررسی تحلیلهایی که توسط تحلیلگران آمریکایی در سازمانهای مختلف دولتی و غیردولتی آمریکا در مورد ایران صورت گرفته و در سفارت آمریکا در تهران به دست آمده است، تاکنون تحت عنوان «دخالت‌های آمریکا در ایران» در ۸ مجلد به چاپ رسیده است. نکته اساسی که برای انتشار این مجموعه تحت یک عنوان مدنظر بوده محتوای تحلیلی این اسناد است که بررسی جنبه‌های گوناگون جامعه و کشور ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی در زمانهای مختلف پرداخته است. تنظیم این اسناد برحسب تاریخ تهیه گزارش یا تحلیل، در حد مطالب مندرج در اسناد، مجموعه عواملی را که در مقاطع مختلف زمانی و نقاط عطف آن، زمینه‌ساز تحولات بوده‌اند و نهایتاً به پیدایش انقلاب در این کشور منجر شده‌اند را تصویر می‌کند.

با گذشت زمان و افزایش حجم کار اسناد دیگری در زمینه تحلیل اوضاع و شرایط ایران و تحت عنوان اسناد منتشره قبلی یعنی «دخالت‌های آمریکا در ایران» ترجمه و آماده چاپ گردیده‌اند، که در چهار جلد و به روال سابق یعنی تنظیم برحسب تاریخ سند، ارائه می‌گردد.

جلد اول یعنی کتاب حاضر مشتمل بر هشت سند است که در فاصله زمانی سالهای ۱۳۴۱/۱۹۶۵ تا ۱۳۵۳/۱۹۷۴ تهیه شده است. این اسناد در چهار موضوع کلی یعنی امنیت؛ شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران؛ انقلاب سفید و سازمان دفاعی قابل تقسیم است که ذیلاً به توضیحی مختصر در مورد هرکدام از موضوعات بسنده می‌شود:

### امنیت

اولین سند با موضوع «امنیت در حکومت ایران» مروری دارد بر سیستم امنیتی در ایران. به واسطه گسترش روابط ایران و آمریکا در زمینه فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته و نیاز ایالات متحده آمریکا به حفظ اسرار نظامی و تسلیحاتی خویش در کشورهای طرف معامله و همچنین تصمیم آمریکا مبنی بر تجهیز ایران به موشک‌های «هاوک» و «BIULLPUP»، وزارت دفاع آمریکا «کمیته کنترل اطلاعات نظامی دفاع کشوری» می‌باشد و براساس مشاهدات گروه و اطلاعاتی که از سوی مقامات آمریکایی و ایرانی در اختیار آنان نهاده شده، تهیه گردیده است.

در آغاز سند مبادی قانونی، نقش حکمرانی استبدادی شاه و دیدگاه عمومی در ارتباط با مسئله امنیت

مطرح شده و سپس به تشریح سازمانهای تشکیل شده برای تأمین امنیت در کشور با ذکر توضیحاتی در مورد موقعیت سازمانی، تاریخچه تشکیل و مسئولین هر سازمان و وظایف مربوطه می‌پردازد. تشکیلات مذکور «شورای امنیت ملی»، «ساواک» «رکن دو ستاد مشترک»، «ضد اطلاعات»، «پلیس کشوری»، «ژاندارمری» و «اداره اطلاعات ویژه» را شامل می‌شود.

رؤسای ساواک، رکن ۲، پلیس و ژاندارمری همگی گزارش کار خود را مستقیماً به شاه ارائه می‌دادند و بدین ترتیب میزانی از هماهنگی تا حد مطلوب از نظر شاه ارائه می‌دادند و بدین ترتیب میزانی از هماهنگی تا حد مطلوب از نظر شاه، توسط وی اعمال می‌گردید، و این هماهنگی توسط افرادی نظیر «سرلشگر فردوست» و با تشکیل جلسات ماهانه، هفتگی و روزانه در بین سازمانهای مختلف، تعمیم می‌یافت. گروه تحقیقات در ادامه گزارش به بررسی امنیت در جنبه‌های غیرنظامی حکومت مانند وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی پرداخته و سیستمهای حفاظت اسناد طبقه‌بندی شده در پایگاههای نظامی، غیرنظامی و ادارات تابعه هرکدام را مورد بحث قرار می‌دهد.

برنامه امنیت پرسنلی که در ایران وجود دارد نیز مورد بحث گروه قرار گرفته و هرچند این برنامه روشی برای سنجش میزان وفاداری (به شاه) نیز به شمار می‌رفته ولی روشی بوده است که عوامل تشکیل‌دهنده آن در امنیت و حفاظت از اسرار تعیین‌کننده بوده و بدین ترتیب مراحل که یک متقاضی عضویت در نیروهای مسلح یا واحدهای تابعه بایستی طی می‌کرد و ملاحظات امنیتی که در این رابطه مرعی می‌شد، توسط گروه مورد بررسی قرار گرفته است.

### شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران

اسناد شماره دو، سه، پنج و هفت به‌طور کلی مشتمل بر مطالبی در باب شرایط و اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ایران هستند. موقعیت شاه به عنوان رئیس بی‌چون چرای خانه خود، ثبات سیاسی، رشد اقتصادی و سیاست خارجی ایران در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ در سند شماره ۳ به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. این ارزیابی شش ماهه به تحلیل کلیه ابعاد حکومت شاه پرداخته و شاه و مواضعش را این‌گونه توصیف نموده است: «دولتمردی مجرب که در صحنه جهانی، سیاست خارجی کشور را با اعتماد کامل هدایت کرده است و به صورتی غیرعلنی به ترویج مواضع مورد نظر آمریکا در میان دوستان آمریکا پرداخته، ولی در انتظار عموم آن چنان نقش متعادل را ایفا کرده که از طریق آن به گسترش جاه‌طلبیهای ایران در خلیج فارس و بهره‌برداری از روابط خود با غرب، جهان سوم و کشورهای بلوک کمونیست نائل آید.» و وی را به واسطه سرسختی در مذاکرات نفتی، اصرار وی بر قطع روابط دیپلماتیک با لبنان بر سر موضوع تیمور بختیار، موضع تهاجمی در قبال عراق به خاطر مرز بین دو کشور در شط‌العرب مورد انتقاد قرار داده است.

سند شماره ۳ به‌طور عمده شامل مطالب زیر است که فهرست‌وار ذکر گردیده است:

- اوضاع اقتصادی ایران در سال ۱۳۴۸ و بررسی برنامه عمرانی چهارساله و نتایج مترتب بر آن در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، کنترل پول، تورم، میزان ذخایر ارزی، پروژه‌های صنعتی عمده مانند خط لوله نفت و مجتمع پتروشیمی شاهپور و...
- ماهیت و محتوای روابط ایران و آمریکا، ملاقات شاه با نیکسون، شرکت وزیر خارجه وقت آمریکا

«راجرز» در کنفرانس سنتو در تهران، تأثیر پرواز آپولوی ۱۱ بر ایرانیان، نقش آمریکا و روابط با آن در «متن ناسیونالیزم مستقل» ایرانی، فروش تسلیحات به ویژه هواپیماهای اف - ۴، استخدام تکنیسینهای نیروی هوایی آمریکا برای تعمیر جت‌های نیروی هوایی ایران و اختلافات موجود بین ایران و آمریکا بر سر دو موضوع آخر، روند مذاکرات سالانه نفتی بین دولت ایران و کنسرسیوم، همکاری دو جانبه در زمینه کاربرد انرژی اتمی در مورد اهداف غیرنظامی، وضعیت تجارت ایران و آمریکا.

- نقش ایران در خلیج فارس و اعلام اینکه ایران پس از خروج انگلستان از خلیج فارس قصد دارد نقش ژاندارمی منطقه را به عهده بگیرد و سعی در تفهیم این امر به انگلیسها و سایر شیوخ خلیج فارس، طرح یک سیاست دفاعی مشترک در منطقه با همکاری عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس. - درگیری ایران و عراق در مورد مرز مشترک دو کشور در شط العرب، ذکر موارد اختلاف و اصل دعوا از نقطه نظر مرزی، حوادث اتفاق افتاده در خلال دوران درگیری، نحوه برخوردها و شیوه‌های به کار گرفته شده از سوی دو کشور.

- روابط ایران با سایر کشورها و به ویژه همسایگان از جمله قطع روابط دیپلماتیک با لبنان بر سر مسئله استرداد تیمور بختیار رئیس قبلی ساواک (قبل از ۱۳۴۸)، سقوط ایوب خان و روابط با پاکستان، اختلاف مرزی ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند و روابط با این کشور، روابط با هند، اسرائیل و اردن و نقش میانجیگرانه شاه حسین اردنی در درگیری بین ایران و عراق.

- روابط ایران با شوروی و کشورهای بلوک کمونیست، انگیزه شاه از ایجاد روابط با آنان، تماسهای تجاری، اقتصادی و فرهنگی بین ایران و شوروی، مذاکرات بر سر کارخانه ذوب آهن و خط لوله گاز، روابط با رومانی، چکسلواکی و یوگسلاوی و سفر رؤسای جمهور چکسلواکی و رومانی و نخست‌وزیر یوگسلاوی به تهران.

- وضعیت دولت، پارلمان و احزاب، تغییرات و انتصابات مهم دولتی، وضعیت گروههای مخالف شاه، حوادث اتفاق افتاده و مغایر با امنیت در ایران.

سند شماره ۵ تحلیلی است راجع به وضعیت جوانان در ایران و توصیف اعتقادات، دیدگاهها و میزان مشارکت آنها در مقابله یا همکاری با رژیم شاه، البته این اطلاعات و تحلیلها قشر تحصیل کرده و شهری جمعیت جوان کشور را شامل می‌شود و نهایتاً به تحلیل جامعه بوروکرات و طبقه متوسط شهری منجر می‌گردد.

سند شماره ۷ با موضوع «بررسی کلی - ایران» یکی از جزوات واحد بررسی اطلاعات ملی آمریکا است که در سال ۱۹۷۳ / ۱۳۵۲ تهیه گردیده و فهرست وار شامل مطالب زیر است :  
- تاریخچه مختصری در رابطه با به قدرت رسیدن شاه و وقایع دوران مصدق، تأثیر وقایع و حوادثی که منجر به کودتای ۲۸ مرداد گردید بر تفکرات شاه، دیدگاههای وی در مورد مدرنیزه کردن ایران و نظراتی که به طرح «انقلاب سفید» منجر گردید.

- تحلیل شخصیت ایرانی و تأثیرپذیری ایرانیان از شرایط جغرافیایی و تاریخی کشورشان (خود بزرگ بینی، فردگرایی و مخالفت با تحول و نوآوری)؛ نقش مذهب، اهمیت روحانیون و اعتراضات علیه حاکمیت از سوی مذهبیون؛ پادشاهی در ایران و تاریخچه‌ای مختصر از سلسله‌های حاکم بر ایران.  
- مجلس و جایگاه آن در سیستم حکومتی شاه؛ نحوه کنترل و به اختیار درآوردن مجلس توسط شاه؛

انحصاری کردن قدرت سیاسی از طریق اعمال نفوذ در انتخابات، انتصابات و تصدی شغل‌های حساس و غیرحساس توسط شاه؛ نقش نیروهای امنیتی و سرکوب هرگونه مخالفت با انحصارگرایی قدرت و استبداد شاه.

- مدرنیزاسیون و صنعتی کردن ایران و نقش نفت در این روند؛ موقعیت بخش خصوصی، صنایع و بانکها در سیستم اقتصادی ایران؛ بررسی اقتصاد ایران و نقش نفت و دیگر منابع در آن؛ سیاستهای مربوط به تولید و فروش نفت و وضعیت ذخایر نفتی ایران.

- سیاست خارجی ایران؛ روابط با آمریکا، تاریخچه مختصری در مورد روابط ایران با شوروی، روابط فعلی ایران با شوروی، سیاست ایران در خلیج فارس و نحوه روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق و مسئله درگیری با ایران.

- موفقیت‌های شاه در دوران زمامداری، مشکلات مبتلا به رژیم به واسطه رشد اقتصادی و روند نوآوری، پیش‌بینی ثبات کشور و چشم‌انداز اقتصادی رژیم شاه، پیش‌بینی موقعیت آتی شاه و وضعیت سیاسی کشور.

- مشخصات کلی کشوری ایران در سال ۱۹۷۲ / ۱۳۵۱ شامل وسعت، آب، مردم، حکومت، اقتصاد، کمکها، ارتباطات و نیروهای دفاعی با ذکر آمار و ارقام.

### سازمان دفاعی

سند شماره ۸ در آغاز به بررسی منافع آمریکا در ایران و سپس به ارزیابی تأثیرات موقعیت جغرافیایی ایران در خاورمیانه بر نیازهای دفاعی و موضع دفاعی آن می‌پردازد. مردم، مذهب، آداب و رسوم و پیشرفت‌های عمرانی و اقتصادی و ضرایب مهم فرهنگی جامعه ایرانی به عنوان مقدمه‌ای بر بیان خطر خارجی که ایرانیان می‌پندارند و نیز استراتژی شاه برای خنثی کردن خطر مزبور مورد بحث قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم‌گیرنده در امور دفاعی ایران و سپس قدرت و تسلیحات موجود و طرح‌های مربوط به گسترش نیروهای سه‌گانه، به طور مجزا و مختصر مطالب بعدی را تشکیل می‌دهد. در نهایت به مرور برنامه‌های کمک امنیتی آمریکا در حمایت از نیروهای نظامی ایران می‌پردازد و در مورد فروشهای نظامی، هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران (آرمیش مگ)، تیمهای کمک فنی حوزه‌ای (تافت)، برنامه آموزشی نظامی جاری و آتی خارج از کشور نیروهای نظامی ایران، خطرات حاصله از تسلیح بیش از حد ایران برای آمریکا، اندکی بحث می‌کند.

### انقلاب سفید و اصلاحات اجتماعی

اسناد شماره ۴ و ۵ با عنوان اصلاحات در ایران به تحلیل انگیزه‌ها، اهداف، شیوه‌های اجرا و بررسی شکستها و موفقیت‌های رژیم شاه در اجرای اصول انقلاب سفید می‌پردازد. سند شماره ۴ در سال ۱۹۶۹ / ۱۳۴۸ و سند شماره ۵ در سال ۱۹۷۲ / ۱۳۵۱ تهیه شده است. در سند شماره ۷ نیز قسمتی با عنوان انقلاب سفید به بحث در مورد این رفرم پرداخته است.

جامع‌ترین این اسناد در باب انقلاب سفید، سند شماره ۴ است که به طور مفصل و جداگانه هرکدام از اصول دوازده‌گانه آن را مورد بحث قرار داده است. پس از ذکر مراحل طی شده در اجرای هرکدام از اصول

فوق به طور ضمنی و در خلال مطالب انگیزه‌ها و اهداف شاه و طراحان این اصول مطرح گشته، سپس مروری بر نتایج حاصله از اجرای این اصول صورت گرفته است. موفقیتها، شکستها و عوامل مؤثر بر این نتایج بررسی شده است و با توجه به عوامل مختلف (شیوه‌های اجرائی مطروحه در سند، بیانات و موضع‌گیریهای مسئولین اجرائی، تبلیغات رژیم و نتایج حاصله) تحلیل به نحوی صورت گرفته که اساس این اصول و اساس انگیزه‌های طراحان آن مورد سؤال قرار می‌گیرد، هرچند در نهایت کلیه آنها از سوی تحلیل‌گر موفقیت‌آمیز و نویدبخش ثبات، رشد اقتصادی و پویایی اجتماعی و سیاسی ایران در آینده قلمداد می‌گردد.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که علیرغم نیاز به گزارشاتی دقیق، موشکافانه و واقع‌بینانه برای تحلیل مناسب و صحیح از شرایط و اوضاع، اسناد نشان می‌دهد که واقعیتها و حقایق آن‌گونه تصویر شده و به رشته تحریر درآمده‌اند که گزارشگر یا تحلیلگر دوست داشته ببیند. آمال و آرزوهایشان در مورد شاه و منافع در ایران آنان را به سطحی نگری، ساده‌اندیشی، زودباوری و نظریه‌پردازیهای عجولانه کشانده بدان حد که نهایتاً از تحلیل اوضاع و پیش‌بینی حوادث ایران در سالهای بعد درمانده گشته و طوفان انقلاب اسلامی ایران خیمه‌های آمالشان را ویران و کاخهای بنا شده از ثروت ایران و کشورهای مشابه ایران را بر سرشان خراب نموده است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

سند شماره (۱)

ایالات متحده آمریکا  
کمیته کنترل اطلاعات نظامی  
این سند شامل ۳۷ صفحه بوده و رونوشت شماره ۴۶ از ۴۹ رونوشت موجود می‌باشد، سریهای A  
«امنیت در حکومت ایران»

یادداشت منشی:

- ۱- گزارش ضمیمه به منظور ثبت مشاهدات «گروه کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده» تهیه شده که از ۲۵ اکتبر الی ۳ نوامبر ۱۹۷۵، برنامه امنیتی در حکومت ایران را مورد بررسی قرار داده است.
- ۲- «کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده» این گزارش را طی جلسه مورخه ۱۵ دسامبر ۱۹۶۵ تأیید نموده است.
- ۳- این سند مستلزم «استفاده خاص» بوده و «غیر قابل واگذاری به اتباع بیگانه» می‌باشد.
- ۴- پخش و واگذاری این سند منحصر به اشخاصی است که نیاز رسمی به آن دارند (مسئولیت اداری و رسمی آنان استفاده از آن را اقتضا می‌کند).

دونالد اس. هرلیس

منشی

گروه ۱

از تنزل طبقه به صورت اتوماتیک مستثنی بوده و نمی‌بایست از طبقه بندی (محرمانه) خارج شود.  
سری مستلزم استفاده خاص بوده و غیر قابل واگذاری به اتباع بیگانه است.

مروری بر سیستم امنیتی ایران

الف. مقدمه

نظر به پیشنهاد «وزارت دفاع ایالات متحده» مبنی بر تجهیز ایران به سیستم‌های پرتاب موشک «HAWK» و «BWKKPUP»، و نیز از آنجا که سیستم امنیتی ایران آخرین بار توسط یک گروه کمیته کنترل اطلاعات نظامی دفاع کشوری، که طی ماه‌های اوت و سپتامبر ۱۹۶۰ از ایران بازدید نمود، به طور رسمی مورد ارزیابی قرار گرفته است، «کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده» (USMICC) بر آن شد تا یک گروه تحقیقات امنیتی برای بررسی مجدد سیستم امنیتی در ایران، به این کشور اعزام نماید. این گروه تحقیقات خود در ایران را از ۲۳ اکتبر آغاز و در ۴ نوامبر ۱۹۶۵ به انجام رسانید. جلسات بحث و مذاکره‌ای با حضور مقامات رسمی ایران و نیز نمایندگان سفارت آمریکا، هیئت مستشاری نظامی (ARMISH MAAG) و هیئت مستشاری در ژاندارمری «GENMISH» برگزار گردید.

ارزیابی امنیتی (قبلی) که ذکر آن گذشت، تحت شماره «MIC ۲۰۶/۱۲۹» مورخه ۸ فوریه ۱۹۶۱، بایگانی گردیده است. هدف از گزارش فعلی عمدتاً آن است که اطلاعات موجود در گزارش شماره «MIC ۲۰۶/۱۲۹» را تکمیل نماید. اظهارات موجود در این گزارش اساساً بر مشاهدات گروه و اطلاعاتی که از سوی مقامات ایرانی و آمریکایی در اختیار گروه نهاده شد، مبتنی است.



ضمیمه A: صورت اسامی اعضاء گروه است.  
ضمیمه B: لیست اسامی عمده مقامات رسمی ایرانی است که گروه با ایشان مذاکره نموده‌است.  
ضمیمه C: شامل اسامی عمده مقامات آمریکایی است که گروه با آنان جلسات بحث و مذاکره برگزار کرده‌است.  
ضمیمه D: حاوی برنامه ملاقات‌های گروه می‌باشد.

#### ب - مبادی قانونی در ارتباط با مسئله امنیت

همان طور که در گزارش شماره «MIC ۲۰۶/۱۲۹» ذکر شده‌است. اصول قانونگذاری امنیتی در ایران تغییری نکرده است. مواد قانونی مورخه ۱۹۰۶ (۱۲۸۵) ۱۹۰۷ (۱۲۸۶) و ۱۹۲۵ (۱۳۰۴)، همچنان شالوده قانونی حکومت ایران و تقسیم آن به قوایی مجزا از هم مجریه، مقننه و قضائیه را تشکیل می‌دهد. با وجودی که حکومت ایران اسماً دموکراتیک می‌باشد، اما شاه - در راستای سنت قدیمی پادشاهی مطلقه که از ابتدای ثبت تاریخ در ایران به چشم می‌خورد - بیش از پیش نقش یک حکمران مستبد را ایفا می‌نماید. بنابراین، دیدگاه شاه نسبت به مسئله امنیت و ثبات موقعیت وی، بایستی به عنوان عامل مهمی در هرگونه ارزیابی از نظام امنیتی ایران ملحوظ گردد.

قوانین امنیتی مدنی (غیرنظامی) نیز تغییری نداشته و بر مواد ۷۹-۶۰ از «قانون کیفری عمومی ایران» مورخه ۱۹۲۵ (حاوی اصلاحات و تجدید نظرات سال ۱۹۴۵ میلادی مطابق ۱۳۲۴ هـ.ش) و نیز «قانون مخالفین امنیت و استقلال کشور» مورخه ۱۹۳۱ (۱۳۱۰)، مبتنی می‌باشد. فعالیتهای نظامی همچنان تحت نظارت «قوانین خط مشی و قانون کیفری ارتش» مورخه ۱۹۳۶ میلادی مطابق ۱۳۱۵ هـ.ش (که به نام «عدالت نظامی و قانون کیفری ایران» نیز مشهور است) قرار دارند. لازم به توضیح است که بنابر قانون کیفری ۱۹۲۵ فوق‌الذکر ترتیبی اتخاذ شده‌است که افراد غیرنظامی و اعضای نیروهای مسلح، در موارد جاسوسی، توسط دادگاههای نظامی محاکمه خواهند شد. محاکمه افراد غیرنظامی در دادگاههای نظامی در موارد دیگری چون سوء قصد به جان شاه یا ولیعهد نیز طی فصول مختلف «عدالت نظامی و قانون کیفری ایران» پیش‌بینی شده‌است. در مدتی که گروه در ایران به سر می‌برد، یک دادگاه نظامی محاکمه تعدادی غیرنظامی را که در سوء قصد به جان شاه در قصر مرمر (۱۹۶۵ میلادی مطابق ۱۳۴۴ هـ.ش) شرکت داشتند، به پایان رسانید. در میان احکام صادره، دو نفر به مرگ، یک نفر به حبس ابد و ۹ نفر به حبس ۳ الی ۸ سال محکوم شدند.

(تذکر: سوء قصد به جان شاه عملاً توسط یک سرباز وظیفه عضو گارد شاهنشاهی انجام گرفت که خود در حین مبادرت به قتل شاه که با شکست رو به رو شد، کشته شد.)

سوء قصد به جان شاه یا ولیعهد تنها جرایمی نیستند که مجازاتشان طبق قوانین متعدد فوق‌الذکر مرگ است. جرایم فراوان دیگری نیز وجود دارند که مرتکبین آنها ممکن است به مرگ محکوم شوند، و از آن جمله جاسوسی است. گواه این مدعا که مجازات مرگ در مورد جاسوسی نیز اعمال می‌گردد آن است که در اوائل سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)، سه افسر ایرانی پس از اثبات محکومیت در یک دادگاه نظامی، به جرم جاسوسی برای روسها اعدام شدند. (تذکر: مورد جاسوسی که سه افسر مذکور محکوم به ارتکاب آن شدند، مورد تازه‌ای نیست. این مورد توسط «گروه ضد اطلاعات شاهنشاهی ایران» (HCIC) کشف

گردیده است.)

### ج : دیدگاه عمومی در ارتباط با مسئله امنیت

دلیلی بر این اعتقاد وجود ندارد که ملت ایران اکنون بیش از زمانی که ارزیابی امنیتی قبلی در سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۹) انجام گرفت، ضرورت امنیت استحقاقی را درک می‌کند. هر چند تحولاتی در جامعه به چشم می‌خورد - برای مثال: رشد تدریجی یک طبقه متوسط و و نیز کاهش ناچیز درصد بیسوادی - اما این تحولات برای جبران فقدان هوشیاری ملی (از آن نوع که در میان ملل غربی وجود دارد)، سطح پایین زندگی بین اقشار متوسط، فقدان آموزش رسمی (هنوز بیش از ۸۰٪ ایرانیان بیسوادند) و عقب ماندگی عمومی شایع در اکثر نقاط کشور، کافی نیست. به فرض آنکه تلاش شاه برای ارتقای سطح زندگی، ریشه کن ساختن بی سوادی، بهبود ارتباطات و ترویج هوشیاری ملی با موفقیت قرین گردد، می‌توان انتظار داشت که شرایط برای نسل بعد بهبود یابد.

### د : تشکیلات کشوری برای تأمین امنیت

چون این مسئله به تفصیل در گزارش شماره «MIC ۲۰۶/۱۲۹» مورد بحث قرار گرفته است و اکثر مطالب مندرج در آن گزارش همچنان معتبر می‌باشد، این قسمت از گزارش فعلاً عمدتاً به تجدید نظر و اصلاح مواردی از گزارش قبلی که نیاز به اصلاح داشته است، خواهد پرداخت. عامل مهمی که طی هرگونه ارزیابی در مورد مسئله امنیت در ایران بایستی مد نظر قرار گیرد، موقعیت و مقام شاه می‌باشد، از زمان تهیه گزارش امنیتی قبلی در سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) تاکنون، هیچ‌گونه نقصانی در مرکزیت و علی‌الطلاق بودن نقش شاه در حکومت ایران به چشم نمی‌خورد؛ بلکه دل بستگی شاه نسبت به مسئله امنیت و نظارت وی بر این امر به مراتب افزایش یافته است. انواع گوناگون سازمانهای امنیتی در ایران، در حقیقت به عنوان ضامم حکومت مطلقه شاه فعالیت می‌کنند. از سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، که شاه با سقوط «مصدق» دگر باره قدرت را به دست گرفت، وی نسبت به عملکرد روزانه سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی مختلف علاقه شخصی عمیقی پیدا کرده است. تمامی تصمیمات مهم و بسیاری از تصمیم‌گیریهای جزئی در این زمینه بر عهده شاه است. دل بستگی شاه نسبت به امنیت، به ویژه پس از سوء قصد به جان وی در کاخ مرمر (آوریل ۱۹۶۵ - اردیبهشت ۱۳۴۴) که با موفقیت فاصله چندانی نداشت، افزوده گشته است. حفظ و ابقا پادشاهی مهمترین اهداف امنیتی در ایران را تشکیل می‌دهد. دیگر مقاصد اصلی امنیتی در ایران شامل مقابله با خطر روسیه و رویارویی با تهدیدات دیگر کشورهای منطقه، یعنی عراق و جمهوری متحده عربی (UAR)، می‌باشد. شاه، جمهوری متحده عربی را که «ناصر» مظهر آن است، بزرگترین خطر دهه اخیر برای ایران می‌داند. برعکس، در مقایسه با سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹)، ایران نسبت به روسها از آرامش خاطر بیشتری بهره مند است.

رویهم رفته می‌توان گفت که قدرت و نفوذ شاه در ارتباط با امنیت در ایران حداقل از دیدگاه ایالات متحده، نتایج مثبتی داشته است. با این همه نقش منحصر به فرد شاه ناگزیر این پرسش را برمی‌انگیزد که در صورت مرگ یا انتقال ناگهانی قدرت از وی چه روی خواهد داد؟ در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که احتمال خلع شاه از سلطنت، از طریق مقابله تشکیلاتی و سازمان یافته‌ای وجود داشته باشد، چرا که چنین

تشکیلات کارا و مؤثری وجود ندارد. اما احتمال قتل شاه همواره هست، بنابراین، همانگونه که «هلمز» - سفیر پیشین (آمریکا در ایران) - گفته است، موقعیت ایران در عین ثبات، شکننده می‌باشد. در صورت وقوع چنین حادثه‌ای، با در نظر گرفتن این مسئله که مخالفت سازمان یافته‌ای علیه رژیم فعلی وجود ندارد، ارتش احتمالاً قادر خواهد بود تداوم نوعی حکومت پایدار را که اهداف سیاست‌گذاری آن با خط مشی و سیاست‌های آمریکا در منطقه هماهنگ باشد، تضمین نماید.

#### ۱- «شورای امنیت ملی»

شورای امنیت ملی (NSC)، حداقل در تئوری، عالی‌ترین هیئت سیاست‌گذاری جامعه اطلاعاتی ایران را تشکیل می‌دهد. تا آن جا که مشخص است، هیچ تغییری در تشکیلات این شورا به وقوع نپیوسته است. کمیته‌های فرعی که همزمان با «NSC» (یعنی در سال ۱۹۵۶ میلادی مطابق ۱۳۳۵ هـ - ش) به وجود آمدند، یعنی: «کمیته هماهنگ کننده حفاظت داخلی» (IPCC) و «کمیته هماهنگ کننده اطلاعات» (ICC) فعالیت خود را در کنار «NSC» ادامه می‌دهند.

در ملاقات گروه با نمایندگان ساواک (SAVAK)، «سرتیپ ماهوتیان» (رئیس امنیتی ساواک) گروه را مطلع ساخت که دو کمیته فرعی به‌طور ماهانه ملاقات می‌کنند و «IPCC» گاه دوبار در ماه تشکیل جلسه می‌دهد. بنابر اظهارات سرتیپ ماهوتیان، اعضای «ICC» را عمدتاً مأمورین امنیتی وزارتخانه‌های مختلف تشکیل می‌دهند. آنان مقامات ارشد وزارتخانه‌ها بوده و انتصاب ایشان توسط وزرای مربوطه و با مشورت ساواک صورت می‌گیرد. جلسات ICC معمولاً به ریاست سرتیپ ماهوتیان برگزار می‌شود. سرتیپ، ماهوتیان توضیح داد که «IPCC»، که سرپرستی آن را رئیس ساواک عهده‌دار است، نسبت به کمیته فرعی دیگر (یعنی ICC) دارای اهمیت بیشتری است. وی گفت که علاوه بر کلیه وزارتخانه‌ها، «شرکت ملی نفت ایران»، «سازمان برنامه (ریزی) ملی» و «شهرداری تهران» نیز در این کمیته نماینده دارند. یکی از ابعاد امنیتی حائز توجه این کمیته آن است که هر یک از اعضای آن موظفند سالانه گزارشی حاوی مشکلات امنیتی محیط کار خویش و نظرات خود پیرامون آن مشکلات را به کمیته تسلیم نمایند. این گزارش به سرپرست کمیته، یعنی رئیس ساواک ارائه می‌گردد. لازم به تذکر است که «ICC» و «IPCC» به‌طور منظم مشکلات و مسائل امنیتی مربوط به وزارتخانه‌های مختلف را مورد بحث قرار داده و «IPCC» حل مشکلاتی را که «ICC» قادر به رفع آن نبوده است را بر عهده می‌گیرد.

#### ۲- سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)

هنگام تهیه گزارش قبلی، ریاست ساواک را سرلشکر قدرتمند و باکفایت «تیمور بختیار» عهده‌دار بود که در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) - ظاهراً به دلیل آن که بیش از حد صاحب قدرت شده بود - توسط شاه برکنار شد. آن‌گاه «سرتیپ پاکروان» جانشین «سرلشکر بختیار» گردید، اما او هم مدت کوتاهی پس از کشته شدن نخست وزیر «حسنعلی منصور» در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۵ (۱۱ بهمن ۱۳۴۴)، از این منصب برکنار گردید. برای «پاکروان» مایه تأسف بود که تشکیلات تحت سرپرستی وی، هیچ‌گونه اطلاع قبلی از توطئه قتل نخست‌وزیر نداشت. رئیس کنونی ساواک، سپهبد نعمت‌الله نصیری، به‌عنوان یک افسر بی‌رحم اما باکفایت که سخت هوادار شاه و وفادار نسبت به اوست شهرت دارد. رئیس ساواک سمت مشاور «NSC» و قائم

مقام نخست‌وزیر را نیز عهده‌دار می‌باشد.

ساواک همچنان یک سازمان قدرتمند بوده و در زمینه مسائل امنیتی کشور از مسئولیت تام و همه جانبه برخوردار است. وظایف ساواک امور زیر را شامل می‌گردد:

کنترل فعالیتهای سیاسی دانشجویان ایرانی خارج از کشور، رسیدگی به جاسوسی، خرابکاری، خیانت، شورش و دیگر اقدامات براندازی، جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مخالفین سیاسی، نظارت بر سفارتخانه‌های خارجی، هیئتهای رسمی بیگانه و بیگانگان مقیم کشور، عملیات و اقدامات خارجی مرتبط با اطلاعات و ضد اطلاعات، ارتباط رسمی با سرویسهای اطلاعاتی کشورهای خارجی دوست ایران (به ویژه اسرائیلی‌ها) و حفظ امنیت در وزارتخانه‌های غیر نظامی، به گفته «رنسم هیگ»، وابسته سفارت آمریکا، شاه طی شش ماه گذشته، یک بار ابراز علاقه نموده بود که ساواک فعالیتهای شبه پلیسی را کنار گذاشته و جاسوسی و ضدجاسوسی را محور فعالیت خود قرار دهد. اما، هیگ می‌افزاید، تاکنون تحول چندانی در این زمینه مشاهده نشده‌است.

گروه به طور اخص نسبت به وظایف امنیتی ساواک در وزارتخانه‌های غیر نظامی علاقه‌مند گردید. ساواک به چند طریق وزارتخانه‌ها را کنترل می‌نماید. در وهله اول، هر وزارتخانه دارای یک مأمور امنیتی است که به عنوان یکی از مقامات ارشد آن انجام وظیفه می‌کند. این شخص توسط وزیر و با مشورت ساواک انتخاب می‌شود، ساواک صلاحیت وی را تأیید نموده و بر کفایت و کاردانی او صحنه می‌گذارد. ساواک تأکید می‌کند که این مقامات امنیتی نمی‌بایستی به سادگی تعویض گردند. آموزش اولیه این مقامات توسط ساواک انجام می‌گیرد. (آقای هیگ متذکر شد که پرسنل وزارتخانه‌های مختلف عموماً این مأمورین را مزدوران ساواک دانسته و بدین جهت از ایشان اجتناب می‌ورزند.) به هر ترتیب مأمورین امنیتی موظفند مسائل و مشکلات امنیتی موجود در وزارتخانه‌های مربوطه را به ساواک گزارش کنند. به علاوه، این مقامات در جلسات مداوم «ICC» که طی آن مشکلات امنیتی مرتباً مطرح می‌شوند، شرکت می‌جویند. بنابراین ساواک بازرسی وزارتخانه‌ها از نظر امنیتی را طبق یک برنامه منظم از پیش مقرر شده، ضروری نمی‌داند، اما حق بازرسی کلیه وزارتخانه‌ها، در هر شرایط و زمانی که ساواک لازم بداند برای این سازمان محفوظ است.

آقای «هیگ» معتقد بود که ساواک در کار خود پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نموده‌است. اما در مقایسه با استانداردهای ایالات متحده هنوز راه زیادی در پیش دارد. به عقیده وی، نقاط مثبت ساواک در آگاهی زیرکانه این سازمان نسبت به خطر شوروی و کارایی و شایستگی‌اش در شئون سیاسی نهفته است.

### ۳- بخش «۲- J» (اداره دوم ستاد مشترک)، ستاد عالی فرماندهی

در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷)، به فرمان شاه، بسیاری از وظایفی که قبلاً توسط «۲- G» انجام می‌گرفت، به «۲- J» منتقل گردید. در حال حاضر، «۲- J» فعالیت اطلاعاتی نظامی ایران را هدایت و هماهنگ کرده و اطلاعات نظامی را جمع‌آوری، تنظیم و منتشر می‌نماید. این بخش در ارتباط با موارد زیر از مسئولیت تام برخوردار می‌باشد: امنیت تأسیسات و کارکنان نیروهای مسلح، عملیات ضدجاسوسی نظامی، نظارت بر وابستگان نظامی ایرانی خارج از کشور، نظارت بر فعالیتهای «سازمان مقاومت ملی» (تا آنجا که تحقیقات گروه نشان می‌دهد، فعالیت این سازمان هرگز از مرحله طرح فراتر نرفته است.) در رأس «۲- J» از بهار

۱۹۶۱ (۱۳۴۰) تاکنون، «سپهد عزیزالله کمال» قرار داشته است. پیش از او «سپهد حاج علی کیا» ریاست «۲- J» را بر عهده داشت، اما چون پیش از آنچه باید صاحب قدرت شده بود توسط شاه برکنار گردید. (کسب قدرت بیش از حد در ایران از جمله علل متداول انفصال اشخاص از خدمت به شمار می‌رود) کارایی فنی «سپهد کمال» چندان چشمگیر نیست، اما همه در این باره اتفاق نظر دارند که وی روباه پیر حيله‌گری است که می‌داند چگونه، تحت هر شرایطی، خود را مسلط بر امور جلوه دهد. همچنین به نظر می‌رسد آمریکا بیانی که با «۲- J» ارتباط رسمی دارند، اکثراً بر این عقیده‌اند که اقدامات ایمنی و آگاهی امنیتی در «۲- J» (و لذا در نیروهای مسلح)، طی سال گذشته و به ویژه در طول شش ماه اخیر، فوق‌العاده بهبود یافته است. این امر ناشی از علل فراوانی است که «امکان دریافت تسلیحات حساسی نظیر «HAWK» و «BULLPUP» توسط ایران، و «تمایل شاه به بهبود عملیات امنیتی» و «تأثیر روانی بازدید گروه» «USMICC» - که با علل دوگانه مسبق‌الذکر مرتبط می‌باشد - از جمله مهمترین آنها به شمار می‌رود.

«هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران» برای اصلاح شئون اطلاعاتی و امنیتی با «۲- J» همکاری نزدیکی داشته است. در این رابطه، «سرگرد رابرت هند» از نیروی زمینی ایالات متحده، شایسته قدردانی ویژه است چرا که همکاری مؤثر او با «۲- J» در اصلاح بهبود خط‌مشی‌ها و ارتقای هوشیاری امنیتی این بخش نقش عمده‌ای داشته است.

#### ۴- بخش «۲- G» از ستاد ارتش

«۲- G» در حال حاضر تنها از یک نقش فرعی در امور امنیتی برخوردار بوده، لذا مورد توجه خاص گروه قرار نگرفته است و وظیفه اصلی این بخش گردآوری و تنظیم اطلاعات رزمی است.

#### ۵- گروه ضد اطلاعات (CIC)

اکثر ناظرانی که گروه با ایشان گفتگو و مذاکره نمود معتقد بودند که «CIC» نخبه و برگزیده سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی در ایران است. مشاهدات گروه نیز مؤید این واقعیت بود. «CIC» تشکیلات نسبتاً کوچکی است (که هنگام بازدید گروه دارای ۶۱۱ عضو بود)، اما از قابلیت تحرک، نظم و کارایی بالایی بهره‌مند می‌باشد در گذشته «CIC» بخشی از «۲- G» به شمار می‌آمد، اما اکنون تحت نظارت «۲- J» فعالیت می‌کند و رئیس «CIC» قائم‌مقام «۲- J» نیز هست، در عین حال، چنین به نظر می‌رسد که «CIC» عملاً از استقلال قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. تأمین و تضمین وفاداری نیروهای مسلح مهمترین مسئولیت «CIC» است. «CIC» پاکسازی و تصفیه پرسنل نظامی را عهده‌دار بوده، فعالیت‌های اطلاعاتی بیگانه در ارتباط با تأسیسات نظامی ایران را تحت نظر دارد. رسیدگی به فعالیت نیروهای مخالف رژیم و نیز ایمنی فیزیکی (محیطی) و امنیت اسناد و مدارک موجود در نیروهای مسلح بر عهده «CIC» است. از جمله اختیارات «CIC» حق بازداشت پرسنل ارتش و افراد عادی (در صورتی که به طور ضمنی با ایمنی ارتش مرتبط باشد) را می‌توان برشمرد، در این‌گونه موارد، تنها شاه قادر است «CIC» را استیضاح نماید. «سرتیپ اردشیر تاجبخش ریاست «CIC» را بر عهده دارد. وی در اکتبر ۱۹۶۳ (مهر ۱۳۴۲) رسماً به این سمت منصوب گردید، اما عملاً از سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) به عنوان سرپرست این سازمان فعالیت داشته است.

عموماً بر این عقیده‌اند که تاجبخش با کفایت‌ترین و فعالترین مقام ارشد اطلاعاتی ایرانی است. بنا به گزارش «گروه مسائل کشوری» (The Country Team) تجدیدنظر در تشکیلات «CIC» یعنی تقسیم و تفکیک آن به عناصر و اجزایی که تحت فرماندهی جداگانه نیروی زمینی، دریایی و هوایی عمل نمایند، تا حدودی مورد بحث بوده است. گروه «USMICC» متذکر گردید که تفکیک عملکرد «CIC» و تبعیت آن از سرویسهای نظامی منفرد قابلیت و توانائی «CIC» برای محافظت از رژیم در برابر یک کودتای نظامی را از این نهاد سلب می‌کند.

#### ۶- پلیس کشوری ایران

پلیس کشوری ایران مدتهاست که، به خصوص از طریق دفتر اطلاعات خود، با مسائل امنیتی ایران معاصر تماس نزدیک داشته است. پلیس کشوری عمدتاً حفظ نظم عمومی در شهرهایی که بیش از ۵۰۰۰ نفر سکنه دارند را بر عهده داشته، در حالی که دفتر اطلاعات منحصراً عهده‌دار مسئولیتی ضد اطلاعاتی است. پلیس کشوری همگام با ساواک موظف است فعالیت بیگانگان را در شهرها و شهرستانها تحت نظر داشته باشد. نیروی پلیس کشوری مجموعاً بالغ بر حدود ۲۴۰۰۰ نفر است. این رقم افسران پلیس، درجه‌داران، پلیس وظیفه و افراد شخصی (غیرنظامی) را در برمی‌گیرد. «سرلشکر محسن مبصر» از دوستان نزدیک «سپهد نصیری» (رئیس ساواک)، پس از وی به ریاست پلیس کشوری انتخاب شد و از ۳۰ ژانویه ۱۹۶۵ (۱۰ بهمن ۱۳۴۴) این سمت را بر عهده داشته است.

سرپرستی دفتر اطلاعات را «سرتیپ صمد صمدیان‌پور» عهده‌دار است. مهمترین وظایف این دفتر عبارتند از: انجام تحقیقات پیرامون اشخاص و گروههایی که به فعالیتهای خرابکارانه پرداخته و با اینکه مورد سوءظن قرار دارند و نیز نظارت بر بیگانگان مقیم ایران. پلیس کشوری بدین منظور در مؤسسات دولتی، احزاب سیاسی (قانونی یا غیرقانونی)، اتحادیه‌های تجاری، گروههای مذهبی و در حقیقت در تمامی ابعاد حیات اجتماعی ایرانیان راه یافته است. اطلاعات کسب شده توسط این عوامل نفوذی و دیگر منابع، به‌طور منظم به دفتر اطلاعات ارجاع داده می‌شود که به نوبه خود این دفتر آن اطلاعات را ارزیابی و طبقه‌بندی نموده و در دفتر «ثبت مرکزی» خود بایگانی می‌نمایند. در میان اقلام موجود در دفتر اخیر، بنا به گفته «سرتیپ صمدیان‌پور» اثر انگشت یک پنجم جمعیت ایران وجود دارد. این دفتر (به استثنای موارد جنایی) اطلاعات مربوط به یک میلیون و شش صد هزار نفر را گردآوری و ضبط نموده است. «سرتیپ صمدیان‌پور» اظهار امیدواری نمود که این دفتر سرانجام اثر انگشت و اطلاعات مربوط به کلیه ساکنین ایران را فراهم خواهد کرد. شرح حال تمامی اعضای احزاب سیاسی (اعم از قانونی) از جمله اطلاعات بایگانی شده در این دفتر است.

#### ۷- ژاندارمری شاهنشاهی ایران

ژاندارمری در میان سازمانهای گوناگون امنیتی در ایران، به‌طور معمول کمترین امتیاز را به خود اختصاص می‌دهد. «سرتیپ ملک (مالک) که پیش از فرمانده فعلی ژاندارمری عهده‌دار این قسمت بود، پس از «سرتیپ عزیزی» (که به جرم فساد برکنار گردید) به جانشینی وی انتخاب شد. گفته می‌شود که وی ۹۵٪ از اوقات خود را به مبارزه با فساد اختصاص داده و تنها ۵٪ درصد به وظایف روزمره ژاندارمری

می‌پردازد. این تشکیلات دارای نیرویی بالغ بر ۳۶۰۰۰ نفر است، اما از نظر تعداد افسران وضع وخیمی دارد. چیزی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از ژاندارم وظیفه‌ها بی‌سواد هستند. سطح دستمزد بسیار پائین است. بیش از ۲۰۰۰ پاسگاه ژاندارمری در سراسر ایران مستقر می‌باشند.

مهمترین وظایف ژاندارمری عبارتند از: (۱) اعمال قوانین در شهرها و شهرستانهایی که زیر ۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند (یعنی ۷۵ الی ۸۰٪ کشور)، (۲) مراقبت از مرزها (در سال ۱۹۶۳، ژاندارمری حدود ۵۶۰۰ نگهبان مرزی را جذب نمود که این افراد تا آن زمان قسمتی از نیروی زمینی را تشکیل می‌دادند)، (۳) سربازگیری، (۴) کنترل قاچاق، (۵) تأمین پوشش اطلاعاتی در نواحی مرزی، (۶) داوری احقاق حقوق و میانجیگری در مشاجرات میان روستاییان و اصلاحات ارضی، (۷) اعلان فوری تجاوزات (مرزی) و رویارویی مقدماتی با آن و (۸) نظارت (همگام با ساواک) بر شهرها و شهرستانهای حوزه فعالیت خود. آثار و علائم امیدوارکننده‌ای به چشم می‌خورند حاکی از آن که احتمالاً در کارایی ژاندارمری بهبود حاصل خواهد شد. فرمانده جدید ژاندارمری، «سرلشگر اویسی» که از سپتامبر ۱۹۶۵ (شهریور ۱۳۴۴) به این قسمت برگزیده شده و پیش از آن فرماندهی نیروهای گارد مخصوص را عهده‌دار بود، به تعلیم و سازماندهی مجدد ستادهای ژاندارمری علاقه زیادی ابراز داشته است، یک مقیاس جدید دستمزد، شبیه آنچه در نیروی زمینی هست، تصویب گردیده، اما بودجه آن هنوز تأمین نشده است. ایالات متحده در پی آن است که یک «مدرسه آموزش افسری» تأسیس نماید.

سرپرست هیئت مستشاری ایالات متحده در ژاندارمری (GENMISH) معتقد است که ژاندارمری، علیرغم ضعف و سستی حاکم بر آن، تشکیلات مؤثری بوده و نقش مهمی در حفظ ثبات در مناطق روستایی ایفا می‌کند. (مسئولیت مستشاری «GENMISH» در قبال ژاندارمری طبق قراردادی تأمین گردیده است، طبق این قرارداد، تقبل و اعمال این مسئولیت از جانب دول دیگر ممنوع اعلام شده است. به عقیده سرپرست (GENMISH)، مذاکرات مجدد پیرامون این قرارداد به هر دلیل - به عنوان مثال به منظور «GENMISH» را تابع «ARMISH» قرار دادن - این امتیاز انحصاری را به مخاطره می‌افکند.)

#### ۸- اداره اطلاعات ویژه

هیچ گزارشی پیرامون تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی در ایران بدون ذکری از «اداره اطلاعات ویژه» کامل نخواهد بود. این اداره واحد کوچکی است متشکل از ۴۰ افسر و کارمند که توسط شاه در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸)، در کاخ سلطنتی تأسیس شد. هدف از تأسیس این اداره آن است که شاه را به طور مستمر در جریان تمامی تحولات مهم، که توسط اعضای جامعه اطلاعاتی و دیگر منابع گزارش می‌شود، قرار دهد، این اداره اختیارات و توانایی آن را دارد که تحقیقات و پژوهشهای ویژه‌ای را به انجام رساند. سرپرست این اداره، «سرلشگر حسین فردوست»، یک مقام اطلاعاتی حرفه‌ای است. وی از سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) نایب رئیس ساواک بوده است و به کفایت و وفاداری کامل نسبت به شاه شهرت دارد.

#### ۵: روابط و هماهنگی درون سازمانی

اگر چه ارائه شواهد عینی فراوان برای اثبات این مدعا دشوار می‌باشد، اما چنین به نظر می‌رسد که روابط و هماهنگی درون سازمانی در مقایسه با زمان تهیه گزارش قبلی بهبود نسبی یافته است و هر چند

هنوز با استانداردهای ایده‌آل آمریکایی فاصله دارد، شاید برای مقاصد در ایران کفایت کرده و رضایتبخش باشد. از آنجایی که رؤسای ساواک «۲-۲»، پلیس کشوری و ژاندارمری، همگی گزارش کار خود را مستقیماً به شاه ارائه می‌دهند، ظاهراً میزانی از هماهنگی تا آن حد که شاه مطلوب و مقتضی بداند - ضرورتاً بایستی توسط وی اعمال گردد. از سوی دیگر، هماهنگی و کنترل غیر رسمی از طرف شخص «سرلشکر فردوست» صورت می‌پذیرد که به‌عنوان دوست نزدیک شاه، نایب رئیس ساواک و نیز در مقام فردی که مسئول انتقال مستمر تحولات امنیتی و اطلاعاتی به شاه می‌باشد، الزاماً می‌بایست برخی وظایف هماهنگ‌کننده را نیز عهده‌دار گشته و انجام دهد، یک رابطه نزدیک و غیررسمی دیگر نیز (میان تشکیلات مختلف امنیتی) موجودیت خود را مرهون این واقعیت است که دوست نزدیک رئیس ساواک پس از او به ریاست پلیس کشوری منصوب گشته است (مقصود «سرلشکر مبصر» است - مترجم). بدیهی است هیچ یک از افراد مذکور، بدون کسب اعتماد شاه، پستهای کنونی را اشغال نمی‌نمودند.

جلسات ماهانه «CIC»، به صورتی رسمی، مأمورین امنیتی وزارتخانه‌ها را گرد هم می‌آورد. جلسات ماهانه یا دوبار در ماه «IPCC» در سطح مقامات بالاتر برگزار می‌شود. کلیه وزارتخانه‌ها در این جلسات، از طریق نمایندگان خود، حضور دارند و سرپرستی جلسات بر عهده رئیس ساواک می‌باشد. و باز در سطحی بالاتر، جلسات «NSC» به سرپرستی نخست‌وزیر تشکیل می‌شود که ریاست عالی ستاد و رؤسای «۲-۲» پلیس کشوری، ساواک و ژاندارمری در آن شرکت می‌کنند. «سرتیپ تاجبخش» گروه رامطلع ساخت که در سطوح پایین تر، «CIC» و ساواک روزانه برای انجام هماهنگی تشکیل جلسه می‌دهند و در مرحله‌ای نسبتاً بالاتر، نمایندگان «CIC» ساواک و پلیس کشوری به همین منظور در جلسات هفتگی شرکت می‌نمایند و بی‌شائبگی اضافه کرد که همکاری میان «CIC» ساواک و پلیس کشوری (دفتر اطلاعات) با مشکلی رو به رو نیست، اما در سطح مقامات ارشد - مقصود وی افسرانی است که فرماندهی این سازمانها را عهده دارند - مسائل و مشکلات خصلتی و رقابتی بر سر تخصص پول و پرسنل وجود دارد.

#### و: امنیت در ادارات دولتی

گروه در ارتباط با ابعاد غیرنظامی حکومت ملی، به جز در زمینه امنیت پرسنل (که بعد در این باره بحث خواهد شد) و همین طور مقررات حاکم بر امنیت، پیشرفت چندانی نسبت به آنچه در گزارش قبلی «۲۰۶/۱۲۹ MIC» آمده است، مشاهده نمود. در زمانی نامشخص (ظاهراً نه چندان پس از بررسی قبلی «USMICC»)، آیین‌نامه امنیتی نسبتاً مشروحو برای تمام وزارتخانه‌های غیرنظامی از سوی ساواک اعلام گردید. این آیین‌نامه حاوی ۹۷ ماده جداگانه است، به‌عنوان یک خط مشی امنیتی از مزایای بسیاری برخوردار می‌باشد.

در رابطه با نیروهای مسلح نیز یک آیین‌نامه جدید و مفصل امنیتی طی شش ماه گذشته اعلام شده است که مقررات مندرج در آن ظاهراً ملهم و متأثر از بازدید گروه «USMICC» بوده است. آیین‌نامه مذکور توسط «ARMISH-MAAG» از «آیین‌نامه امنیتی نیروی هوایی ایالات متحده» اخذ و اقتباس گردیده و در نتیجه با استانداردهای مورد نظر برابری می‌کند. گروه بر این عقیده است که تلاشهای جدی در جهت مراعات و اجرا این آیین‌نامه، از سوی نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد، در ابتدا حدود ۲۰۰



رونوشت از این آیین‌نامه توزیع گردید و اکنون ۳۰۰ نسخه دیگر نیز در حال توزیع است که با پخش این تعداد، میزان توزیع در سطح گردان خواهد بود مسئله‌ای که مایه دلگرمی است و گروه آن را به اطلاع افسر فرمانده «(IIAF/CIC)» نیز رسانده است، آن است که مقررات امنیتی جدید «(IIAF)» طبقه‌بندی نشده‌اند (در گذشته طبقه‌بندی شده بودند، لذا انتشار وسیع و استفاده از آنها به سهولت وسیع و استفاده از آنها به سهولت وسیع و استفاده از آنها به سهولت امکان پذیر می‌باشد).

ز: امنیت فیزیکی (محیط و تجهیزات)

#### ۱- وزارتخانه‌های غیر نظامی

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، تنها مسئله قابل اشاره در این ارتباط صدور آیین‌نامه امنیتی مسوق‌الذکر است که اعمال روشهای امنیت فیزیکی را به طور نسبتاً مشروح میسر می‌سازد. اما این روشها در عمل چگونه به مورد اجرا گذاشته می‌شوند، مسئله‌ای است که برای گروه قابل مشاهده نبود. با این همه می‌توان گفت که به عقیده اکثر ناظران صاحب صلاحیت، اقدامات مربوط به امنیت فیزیکی در وزارتخانه‌های غیر نظامی مختلف در مقایسه با نیروهای مسلح در سطح بسیار نازلی است.

#### ۲- نیروهای مسلح

گروه برای بررسی اقدامات و روشهای امنیت فیزیکی در ستاد «(۲- J)»، «ستاد نیروی هوایی»، «ستاد CIC» و پایگاه هوایی مهرآباد از فرصت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. برنامه گروه برای بازدید از پایگاه هوایی دزفول و پایگاه نیروی دریایی خرمشهر به علت شرایط نامطلوب جوی برای پرواز، ناگزیر حذف شد. در اماکنی که مورد بازدید قرار گرفت - به ویژه در پایگاه هوایی مهرآباد - روشهای حفظ امنیت فیزیکی بسیار عالی بود. این روشها عبارت بودند از: نگرهبانی تمام وقت، گشت پیاده و موتوریزه و روشهای کنترل ورود و خروج، حصار مناسب، روشهای کنترل اسناد و ایجاد روشنایی (در محیط) و نیز میزان بالایی از هوشیاری و آمادگی در میان کارکنان تأسیسات فوق‌الذکر

#### ح - حفاظت اسناد طبقه‌بندی شده

گروه فرصت نیافت از روشهای حفظ اسناد در مؤسسات و وزارتخانه‌های غیر نظامی بازدید نماید، احتمالاً منطقی خواهد بود که فرض کنیم این روشها از زمان تهیه گزارش قبلی چندان تغییر نکرده باشد. اما در ارتباط با نیروهای مسلح، مشاهدات گروه و ناظران آمریکایی حاضر در صحنه، متفقاً مؤید آن بود که روشهای کنترل اسناد پیشرفت شایان توجهی نموده‌است. این روشها در ستاد «(۲- J)»، ستاد نیروی هوایی و پایگاه هوایی مهرآباد مورد بررسی قرار گرفتند، (در مهرآباد مقدار نسبتاً ناچیزی اسناد طبقه‌بندی شده موجود است). روشهای کنترل اسناد در ستادهای مذکور بسیار عالی بود. در هر دو مورد، روشهای پیشرفته به تازگی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به جز افزایش آگاهی امنیتی در این ستادها، علت پیشرفت و بهبود روشها را بایستی عمدتاً در مطالعه مقررات امنیتی جدید جستجو کرد که به نگارش برخی «(SOP)»های جدید انجامیده است. علت دیگر بهبودی است که در برنامه توسعه توزیع گاو صندوقهای فولادی با ترکیب جدید حاصل شده‌است. ۳۰۰ عدد از این گاو صندوقها سفارش داده شده و بیش از ۸۰

عدد نیز تاکنون توزیع گردیده است. (تذکر: چهار سال پیش، تنها ۲۹ گاو صندوق در کل نیروهای مسلح موجود بود.) هر ستاد دارای یک مرکز حفاظت اسناد است که تمامی اسناد سری و فوق سری می‌بایست در این مرکز نگاه داشته شوند. این اسناد به پرسنل کاملاً مجاز واگذار می‌گردد، اما بایستی پیش از پایان ساعت کار به مرکز بازگردانده شود. این مراکز ۲۴ ساعته توسط نگهبانان مسلح محافظت می‌شوند طی ساعات کار، افسر مأمور مرکز کنترل اسناد حضور دارد از جمله وظایف وی، ثبت دقیق تحویل و اعاده اسناد طبقه‌بندی شده و پیگیری کامل جهت بازپس گرفتن اسنادی است که به پرسنل مجاز تحویل داده شده‌اند. وی همچنین صورت اسامی کسانی را که در استفاده از اسناد مختلف مجاز می‌باشند، تهیه و بایگانی می‌نماید. در این رابطه گروه متوجه شد که دسترسی به اسناد سری و فوق سری به شخصی که محتاج به آگاهی از محتوای آن است و یک معاون او منحصر می‌باشد. در این ستادها، زباله (اسناد بلااستفاده یا از رده خارج شده (TRASH) طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی نشده، روزانه در پایان ساعت کار جمع‌آوری و سوزانده می‌شود.

مرکز حفاظت از اسناد پایگاه هوایی مهرآباد در ساختمان کوچکی قرار دارد که بین این مرکز و دفتر «CIC» محلی مشترک می‌باشد. پنجره‌های این مرکز توسط میله‌های فلزی مسدود شده‌اند و در طول ۲۴ ساعت نگهبانان مسلح از آن محافظت می‌نمایند. این مرکز صاحب یکی از گاو صندوقهای سابق الذکر می‌باشد. روشهای (استحفاظی) مورد استفاده در این مرکز به مراکز ستادهایی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت شباهت داشته و تنها برخی تفاوتی خاص محلی وجود دارد. برای مثال، اسناد سری و فوق سری که در این مرکز نگهداری می‌شوند، فقط در مرکز کنترل اسناد قابل مطالعه می‌باشند، مگر آنکه این اسناد تحت حفاظت شخصی افسر امنیتی پایگاه قرار داشته باشند.

به عقیده ناظران آمریکایی مستقر در این اماکن که با این امور آشنایی دارند، امنیت مربوط به حفاظت اسناد در ایران به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای نائل شده و اکنون نیز در حال بهبود است. یکی از علل این مسئله، ورود اسناد طبقه‌بندی شده سنتو «CENTO» است که برای حفاظت از آنها روشهای دقیق امنیتی (برای نخستین بار) اعمال گردید و اکنون نیز استفاده از این روشها ادامه دارد.

#### ط : امنیت پرسنلی

برنامه امنیت پرسنلی به صورتی که در ایران وجود دارد، از دید یک آمریکایی، احتمالاً در عین حالی که برنامه‌ای امنیتی محسوب می‌گردد روشی برای (سنجش میزان) وفاداری نیز به شمار خواهد رفت. یک ناظر آمریکایی بسیار با صلاحیت، برنامه امنیتی نیروهای مسلح در ایران را عمدتاً منطبق بر اصول و روشهای مورد استفاده در نیروهای مسلح ایالات متحده توصیف نمود، با این تفاوت که در ایران روشی (جهت سنجش و حفظ) وفاداری بر برنامه مذکور تطبیق داده شده است، روشی که عوامل تشکیل دهنده آن احتمالاً تعیین کننده می‌باشند. کل برنامه امنیتی نیروهای مسلح به وسیله «CIC» به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ذکر مراحل که یک متقاضی عضویت در نیروهای مسلح بایستی پشت سرگذارد به درک مطلب کمک می‌کند: از جمله مراحل پذیرش پر کردن تقاضانامه مفصلی حاوی اطلاعات زیر است: سرگذشت شخصی داوطلب: نام و آدرس خویشاوندان درجه یک، دو و سه، محل اقامت (در این قسمت کروکی محل اقامت هم بایستی ترسیم شود)، مشاغل قبلی، هر گونه اشتغال قبلی در نیروهای مسلح، تابعیت فعلی و

تابعیت‌های دیگری که ممکن است فرد داوطلب در گذشته دارا بوده باشد، نام همکلاسی‌ها، نام اقوام مقیم خارج از کشور، اسامی شش معرف، عضویت در هرگونه سازمان سیاسی، ورزشی، خیریه، مذهبی یا اجتماعی (بنابر مقاصد، داوطلب می‌بایست ظرف پانزده دقیقه این قسمت را پر کند. ارائه اطلاعات در مورد هر یک از اقوام داوطلب که احتمالاً در یک حزب یا گروه سیاسی فعالیت دارند، اظهار نظر داوطلب درباره این که به نظر وی منتخبین کدام حزب مفید به حال کشور خواهند بود؟ ذکر هرگونه اشتغال در مؤسسات وابسته به کشورهای خارج، ارائه اطلاعات درباره اشخاصی که، در صورت اشتغال داوطلب در چنین مؤسسه‌ای، معرف وی بوده‌اند و اینکه آیا او طرفدار هیچ یک از احزاب مخالف حکومت هست یا خیر؟ پر کردن این سند بایستی با حضور افراد «CIC» انجام گرفته و متقاضی نسبت به صحت اطلاعات ارائه شده توسط خود سوگند یاد کند. او باید شش عدد عکس همراه با نگاتیو این عکسها (چراکه عکس چاپ شده قابل دست کاری است) و نیز کارت شناسایی خود را ارائه نماید (این کارت با کارتی که در پرونده مخصوص اتباع موجود است مقایسه و تطبیق داده می‌شود). اثر انگشت متقاضی نیز روی دو برگ ثبت می‌گردد، آن گاه به سوابق وی در مؤسسات محلی و کشوری، یعنی اداره پلیس، ساواک ژاندارمری و دادگاه‌های غیر نظامی رسیدگی می‌شود. طی این مراحل تحقیق ممکن است از ۵ الی ۷ ماه به طول انجامد، اگر این مراحل با موفقیت پشت سر نهاده شود و متقاضی از جهات دیگر نیز شایسته ورود به نیروهای مسلح تشخیص داده شود، آن گاه او (در صورت لزوم) مجاز خواهد بود که مطالب و اسناد «خیلی محرمانه» را مورد استفاده قرار دهد. در صورتی که فرد مذکور به استفاده از اسناد «سری» و «فوق سری» نیز احتیاج داشته باشد، درباره او تحقیقات مفصلتری باید انجام پذیرد. افراد غیر نظامی که مایل به استخدام در نیروهای مسلح می‌باشند، بایستی مراحل مشابهی را پشت سر نهند.

از جمله اقدامات مهم در ارتباط با امنیت کارکنان وزارتخانه‌های غیر نظامی آن است که بنابر مصوبه نخست وزیری، کارمندان بالقوه پیش از استخدام برای انجام تحقیقات سوء پیشینه به ساواک ارجاع داده می‌شوند. در چنین مواردی، آنچه بیش از هر چیز مد نظر ساواک قرار دارد، سابقه سیاسی این گونه اشخاص است. ساواک مدعی است که در ارتباط با حدود صد هزار نفر دارای پرونده‌هایی است که هر یک شامل اطلاعات موهن می‌باشد. اینکه این پرونده‌ها بسیار کامل و جامع هستند مسئله‌ای است که مورد تصدیق و اذعان عمومی است.

کلیه مشاغل در تمامی وزارتخانه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) عادی، (۲) حساس و (۳) مهم و حساس.

مشاغل دسته اول غیر حساس و پایین رتبه می‌باشند: کارمندان جزء، دربانها، نظافتچیها و غیره. مشاغل دسته دوم، برای مثال، شامل اشخاصی است که با مقررات و قوانین سر و کار دارند. مشاغل دسته سوم وزراء و مدیران کل را در برمی‌گیرد. ساواک برای متقاضیان مشاغل دسته اول که از سوی وزارتخانه‌ها برای انجام تحقیقات معرفی می‌شوند، فرم جداگانه و برای متقاضیان مشاغل دسته دوم و سوم فرم خاصی دارد که مفصلتر از فرم اول است. تمامی وزارتخانه‌ها ملزم به استفاده از این فرمها می‌باشند. فرم مشاغل دسته اول فقط شامل اطلاعاتی است که مأمورین ساواک بتوانند با استفاده از آن پرونده‌های مربوط به سوابق سیاسی متقاضیان را بررسی کنند. فرم مشاغل دسته دوم و سوم اطلاعات کافی برای انجام تحقیقات بیشتر در باره سوابق متقاضی را در اختیار ساواک قرار می‌دهد. هر دو فرم

سمتی را که متقاضی برای احراز آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، مشخص می‌کنند. تا آنجا که تحقیقات گروه نشان می‌داد، تحقیقات انجام شده در ارتباط با سوابق متقاضیان مشاغل دسته دوم و سوم فوق‌العاده کامل و مفصل می‌باشند.

#### ی: امنیت صنعتی

در ایران چیزی که واقعاً بتوان آن را یک برنامه صنعتی نامید وجود ندارد، چرا که نیاز به چنین برنامه‌ای تاکنون چندان محسوس نبوده است. البته مقدمات چنین برنامه‌ای برای پذیرش کارکنان کارخانه‌های توپ و مهمات و کارگرانی که برای بنای پایگاههای دفاعی استخدام می‌شوند، موجود است.

#### ک: نتایج حاصله

۱- برنامه امنیتی ایران پایگاه قانونی مناسبی دارد و شواهد کافی دال بر اعمال مجازاتهای شدید در مواردی که امنیت دولت در معرض تهدید قرار می‌گیرد، موجود است.

۲- با وجود آن که گاه به گاه در وظایف و عملکرد مؤسسات امنیتی (یعنی: «گروه اطلاعاتی ویژه دربار شاهنشاهی»، «۲J»، «CIC» «ساواک» و «پلیس کشوری» (شامل دفتر اطلاعات) تداخل صورت می‌گیرد، این مؤسسات در جایگاه حکومتی مقتضی خود، تحت نظارت و کنترل مستقیم شاه به نحو مؤثری عمل می‌کنند. هرچند سرلوحه اهداف مؤسسات (امنیتی) نظامی و غیرنظامی را، حفظ و ابقای رژیم فعلی تشکیل می‌دهد، این سازمانها خطر محور چین-روسیه را به خوبی درک می‌کنند. با وجود رقابت مستمر میان مؤسسات امنیتی، به نظر نمی‌رسد که این امر بر هماهنگی و همکاری این مؤسسات در سطوح اجرایی اثر نامطلوبی بگذارد.

۳- آیین‌نامه امنیتی که با تأیید شخصی شاه ابلاغ گردید، مدت کوتاهی پس از گزارش قبلی «USMICC» به مورد اجرا گذاشته شد و تاکنون نیز به قوت خود باقی است. این آیین‌نامه که اساساً بیانگر یک سری اصول (کلی) است، جز در ارتباط با نیروهای مسلح و مؤسسات امنیتی، به صورت مفصل و مشروح بسط نیافته است.

۴- برنامه امنیتی ایران از زمان تهیه گزارش قبلی «USMICC» به طور مشخص بهبود کلی یافته و حاکی از رشد و ارتقای هوشیاری امنیتی در این کشور می‌باشد.

۵- علیرغم فقدان مقررات مشروح در ارتباط با امنیت فیزیکی و کمبود تجهیزات امنیتی، نیروهای مسلح به ویژه از طریق استفاده فراوان از پرسنل حفاظتی، به مراتب بالایی از امنیت فیزیکی دست یافته است. به جز در مورد مؤسسات امنیتی، هیچ‌گونه شواهدی دال بر وجود یک برنامه امنیت فیزیکی خارج از نیروهای مسلح مشاهده نشده است.

۶- به درخواست و با همیاری «ARMISH - MAAG»، یک برنامه کنترل اسناد در بهار ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)، با صدور آیین‌نامه امنیتی نیروهای مسلح بر مبنای «1 - USAF AFR 205» به مورد اجرا گذارده شد. طبق مشاهدات گروه، آنچه در عمل پیاده می‌شود با آیین‌نامه فوق مطابقت دارد. اعمال مؤثر این برنامه مستقیماً به تلاش مستمر فرماندهان و «2-J» (SCS) بستگی خواهد داشت، به جز در مورد مؤسسات امنیتی، هیچ‌گونه مدرکی دال بر وجود یک برنامه کنترل اسناد خارج از نیروهای مسلح ارائه

نگردید.

۷- برنامه امنیتی مربوط به پرسنل مؤسسات امنیتی غیرنظامی عمدتاً «حول کانون» وفاداری» (عدم مخالفت با رژیم کنونی) متمرکز است. نیروهای مسلح دارای برنامه امنیتی متمرکزتری است که عناصر «وفاداری» و «امنیت» را در کنار هم مد نظر دارد.

۸- برنامه کارآموزی امنیتی مربوط به نیروهای مسلح که اخیراً آغاز شده محتاج به توسعه بیشتری است.

۹- اجرای مؤثر و مطلوب برنامه امنیتی در ایران بیش از هر چیز از طریق جلب توجه و تحریک احساس مسئولیت شاه تأمین خواهد شد.

۱۰- به علت فقدان شرایط، هیچ نوع برنامه امنیت صنعتی در ایران موجود نیست. بررسی سوابق و پذیرش پرسنل غیرنظامی که در پروژه‌های ساختمانی و صنعتی - که حائز اهمیت دفاعی هستند - استخدام می‌شوند، عملاً توسط نیروهای مسلح انجام می‌پذیرد.

#### ل - پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود که:

۱- سفیر (آمریکا در ایران) به شاه توصیه نماید که وی (شاه) طی صدور فرمانی، تمایل خود به تأمین حفاظت تجهیزات و اطلاعات طبقه‌بندی شده متعلق و مربوط به ایالات متحده، در تمامی سطوح را اعلام نماید. در این ارتباط، بایستی توجه داشت که روش استفاده از علائم ویژه احتمالاً مفید خواهد بود.

۲- «ARMISH - MAAG» بایستی به تشویق و حمایت از توسعه بیشتر کلیه ابعاد و جوانب برنامه امنیتی نیروهای مسلح ادامه دهد.

۳- آموزش مسائل امنیتی در نیروهای مسلح باید به عنوان گامی اساسی در جهت اجرای مؤثر برنامه امنیتی با شدت پیگیری شود.

۴- «ARMISH - MAAG» باید ترتیبی اتخاذ نماید که افراد منتخب جهت «برنامه HAWK» آموزشهای امنیتی ویژه حفاظت از این سیستم تسلیحاتی را فراگیرند. در ارتباط با هرگونه تجهیزات طبقه‌بندی شده دیگری که ممکن است (به ایران) واگذار گردد، اقدام مشابهی باید صورت پذیرد.

۵- طی دو سال آینده، «ARMISH - MAAG» گزارش شش ماهه از پیشرفت برنامه امنیتی در ایران به «USMICC» ارائه نماید.

#### م : نتیجه

هر چند برنامه امنیتی نیروهای مسلح ایران برای حفاظت از اطلاعات و تجهیزات طبقه‌بندی شده ایالات متحده کفایت می‌کند، مقتضی است اقدام لازم جهت اجرا پیشنهادات فوق انجام پذیرد.

ضمیمه «الف»

کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده

ایران - ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)

آقای رابرت ان. مارگریو - رئیس، USMICC، مدیر، اداره کنترل مهمات، وزارت امور خارجه، رئیس.  
آقای یوجین اوژن) ام. وینترز - سازمان اطلاعات مرکزی (CIA)  
سروان جیمز آ. گواناف، USN - عضو نیروی دریایی، USMICC  
آقای هوارد آر. بوس - عضو علی‌البدل نیروی زمینی، USMICC  
سرهنگ دوم توماس اچ. گان، USAF - عضو علی‌البدل نیروی هوایی USMICC  
آقای دونالد اس. هریس - منشی، USMICC، وزارت امور خارجه، منشی

ضمیمه «ب»

عمده افسران ایرانی که گروه «USMICC» با آنان مذاکره و مشورت نمود:

سرهنگ ح (ه) برنجیان، IIAF فرمانده CIC و IIAF و A-2

آقای هسکم (HASKEM)، اداره ۴ ساواک

سپهد عزیزالله کمال، رئیس، ۲ - J

سرتیپ ماهوتیان، رئیس، امنیت (اداره ۴)، ساواک

سرهنگ مقدم، اداره ۳، ساواک

سرلشکر محسن مبصر، رئیس، پلیس کشوری

سرهنگ م. مطهری، قائم‌مقام فرمانده پایگاه، پایگاه هوایی مهرآباد

سرلشکر معتضد، رئیس، اطلاعات خارجی، ساواک

سرتیپ صمد صمدیان پور، رئیس دفتر اطلاعات، پلیس کشوری

سرتیپ اردشیر تاجبخش، رئیس، «CIC»

ضمیمه «ج»

عمده مأمورین آمریکایی که گروه «USMICC» با ایشان مذاکره و مشورت نمود:

عالیجناب «آرمین میر» سفیر آمریکا

سرتیپ «هیوز ال. اش»، رئیس، بخش نیروی زمینی، «MAAG»

سرهنگ «پرستون ب. کندی» رئیس، «GENMISH»

سرهنگ «ویلیام د. کونس»، وابسته سفارتی (وزارت) دفاع و وابسته سفارتی نیروی زمینی

«آلن سی. کانوی»، وابسته سفارت

«للاندام. دان» مأمور (متخصص در امور) اقتصادی

«رنسم اس، هیگ»، وابسته سفارت

سرگرد «رابرت د. هند»، «۲ - J» «ARMISH - MAAG»

«رابرت هرلن»، مشاور امور اقتصادی

«ویلیام آ. هلست»، مأمور سیاسی  
 «مارتین اف. هرتز»، مشاور امور سیاسی  
 سرلشکر «هاروی آ. جبلنسکی»، رئیس، «ARMISH - MAAG»  
 سرتیپ «لاک»، رئیس، قسمت مشاورت نیروی هوایی، «MAAG»  
 «آر. کلیتون ماد»، دستیار ویژه سفیر  
 «ریچارد ال. اولسون»، مأمور امنیت منطقه‌ای  
 سرگرد «بی بی آر. پریم»، دستیار وابسته سفارتی (نیروی هوایی)  
 سروان «اف. اچ. والیس»، رئیس، قسمت (نیروی دریایی)، «MAAG»  
 سرهنگ دوم «ب. ام. یورک»، وابسته سفارتی (نیروی هوایی)

ضمیمه «د»

برنامه ملاقات‌های «USMICC»

ایران ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)

دوشنبه، ۲۵ اکتبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۳

ملاقات با سفیر میر	۱۰ - ۱۱
ملاقات با سرلشکر جبلنسکی، رئیس MAAG	۱۳ - ۳/۳۰
ملاقات با سرگرد هند: ARMISH - MAAG	۱۳/۳۰ - ۱۵/۱۵
ملاقات با آقای آلن کانوی، وابسته سفارت	۱۵/۳۰ - ۱۷
سه‌شنبه، ۲۶ اکتبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۴	
ملاقات با آقای رنسم اس. هیگ، وابسته سفارت	۱۰
ملاقات با آقای ویلیام آ. هلست، قسمت سیاسی	۱۱

چهارشنبه، ۲۷ اکتبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۵

ملاقات با سپهد کمال، ۲ - «SCS» و سرتیپ	۹/۳۰ - ۱۲/۳۰
تاجبخش، رئیس، IICIC	
صرف ناهار و ملاقات با رئیس IICIC	۱۲/۴۵ - ۱۶/۳۰

پنجشنبه، ۲۸ اکتبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۶

سرهنگ برنجیان، رئیس	۹/۳۰ - ۱۲/۳۰
CIC - IIAF ستاد IIAF	
سرهنگ کندی، ایالات متحده آمریکا،	۱۴/۱۵ - ۱۵/۳۰
رئیس ENMISH	
سرهنگ یورک، سرگرد	۱۵/۳۰ - ۱۶/۳۰
پریم، وابسته سفارتی (نیروی هوایی)	
هوایی و دستیار وی	
آقای هرتز، مشاور امور سیاسی	۱۶/۳۰ - ۱۷/۳۰

جمعه، ۲۹ اکتبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۷

۹-۱۰ آقای اولسون، مأمور امنیت منطقه‌ای، ایران  
 ۱۰-۱۱ (وزارت) دفاع  
 ۱۱-۱۲ آقای هرلن، مشاور امور اقتصادی و آقای دان، مأمور  
 (متخصص در امور اقتصادی)

شنبه، ۳۰ اکتبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۸

۹/۳۰ - ۱۲/۳۰ ملاقات با مقامات ساواک  
 ۱۴/۱۵ - ۱۶/۳۰ بازدید از صدویکمین بال جنگنده (WING FIGHTER [O] ST)،  
 پایگاه هوایی مهرآباد، تهران. گفتگو با سرهنگ م. مطهری. قائم‌مقام  
 فرمانده پایگاه  
 ۱۷ - ۱۸/۳۰ گفتگو با سرلشکر مبصر، رئیس پلیس کشوری و سرتیپ  
 صمدیان‌پور، رئیس دفتر اطلاعات پلیس کشوری

دوشنبه، اول نوامبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۱۰

۸ سفری به پایگاه هوایی مهرآباد در ارتباط با برنامه سفر دو روزه  
 به دزفول، آبادان و خرمشهر  
 ۱۶/۳۰ - ۱۷/۳۰ آقای رنسم هیگ، وابسته سفارت

سه شنبه، ۲ نوامبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۱۱

۹/۳۰ - ۱۱/۳۰ سرگرد هند،

« ARMISH - MAGG »

چهارشنبه، ۳ نوامبر، ۱۹۶۵ - ۴۴/۸/۱۲

۱۰ سرتیپ اش،  
 رئیس قسمت نیروی زمینی، «MAAG»  
 ۱۴ ملاقات با سپهبد کمال،  
 «۲ - J»، جهت خداحافظی  
 ۱۵/۳۰ اعلام خروج سرلشکر جبلنسکی  
 ۱۸/۳۰ اعلام خروج، سفیر میر

پنجشنبه، ۴ نوامبر

۸/۳۰ عزیمت به سوی رم



## سند شماره (۲)

یادداشت مکالمه  
شرکت‌کنندگان: دومینیکو راورا - کنسول فرانسه در خرمشهر، لاری دلبیو، سماکیس، دبیر دوم سفارت  
آمریکا  
مکان: محل اقامت راورا  
خوزستان  
زمان ۱ اسفند ۱۳۴۶ - ۲۰ فوریه ۱۹۶۸

در سال‌های اخیر در زمینه عمران خوزستان پیشرفت‌های مهمی رخ داده است. برای ساکنین عرب این منطقه میزان کار، تعداد بیمارستانها و مدارس افزایش یافته و وضع اقتصادی خوزستان نیز به‌طور کلی بهبود یافته است. «راورا» که اغلب به نقاط ساحلی جهت شکار سفر می‌کند خاطر نشان ساخت که چند سال قبل وی نمی‌توانست به زبان فارسی با اعراب ساکن روستاهای خوزستان گفتگو کند. البته اعراب خوزستان خود را جزئی از جهان عرب می‌دانند. ولی نباید بر آن تأکید بسیار کرد. آنها هنوز هم به شیوخ محلی که در رژیم کنونی از وضع خوبی برخوردار هستند وفادارند. راورا در حین جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ در رابطه با اعراب خوزستانی که عمیقاً از آرمان عربی حمایت می‌کردند آزمایش جالبی انجام داده بود. راورا به چند تن از آنان گفته بود به خاطر حمایت فرانسه از آرمان اعراب وی به عنوان کنسول فرانسه قادر است آنها را که می‌خواهند از کشور خارج شده و به نیروهای عربی ببینند از نظر مالی تأمین کند. هیچ کس به او پاسخ مثبت نداد.

## سیاست‌های داخلی

مردم اصولاً به احزاب سیاسی علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. آنها حزب ایران نوین را یکی از باورهای بوروکراسی دولتی به حساب می‌آورند. حزب پان ایرانیست نیز طرفداران چندانی نداشته و معمولاً «سازمان مضحک» به حساب می‌آید. شاه مورد احترام و محبوبیت او بیش از گذشته است. ولی ایرانیها بی‌ثبات هستند و محبوبیت شاه نیز با «تغییر هوا» دستخوش تغییر می‌شود.

## خلیج فارس

ایران مهمترین قدرت خلیج فارس خواهد شد، و اگر عربستان سعودی و دیگر شیخ‌نشین‌ها با این کشور همکاری کنند از وضع خوبی برخوردار خواهند شد. راورا که به بحرین نیز سفر کرده است، می‌گوید ایرانیها بخش اعظم جمعیت بحرین را تشکیل داده و طولی نخواهد کشید که بحرین جزو قلمرو ایران خواهد شد.

## شرکت‌های نفتی فرانسه و اقبال

راورا که در حال حاضر برای یک شرکت نفتی فرانسه در جزیره لاوان کار می‌کند، گفت منوچهر اقبال حامی فعالیت‌های نفتی فرانسه در ایران است. در زمان نخست‌وزیر امینی، اقبال مورد انتقاد شدید قرار گرفت و مجبور به ترک ایران شد، تا از محاکمه جان سالم به در برد. در اروپا نیز، اقبال با دوگل تماس گرفت و گفت اگر وی شاه را متقاعد سازد که به وی سمت مهمی بدهد، وی نیز به فرانسه خدمت خواهد کرد. دوگل

نیز در سفر خود به ایران شاه را متقاعد کرد که نسبت به اقبال با نظر مساعدی برخورد نماید از آن زمان به بعد اقبال نیز منافع فرانسه کمکهای بسیاری کرده، و فرانسه نیز سعی کرده است با تضمین منافع مالی وی را راضی نگاهدارد. بنا به گفته راورا، اقبال مهمترین شخصیت در تجارت پرسودی است که سبب جذب سرمایه گذاران خارجی به ایران شده است.

سند شماره (۳)

تاریخ: ۴ سپتامبر ۱۹۶۹ - ۱۳ شهریور ۱۳۴۸  
از: سفارت آمریکا در تهران  
عطف به: تهران الف - ۰۶۸ مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۶۹  
موضوع: ارزیابی شش ماهه اوضاع سیاسی ایران

فهرست مطالب

- ۱- خلاصه
- ۲- شاه
- ۳- وضع اقتصادی
- ۴- روابط ایران و آمریکا
- ۵- ایران و خلیج فارس
- ۶- ایران و عراق: درگیری شط
- ۷- ایران و کشورهای دیگر
- ۸- ایران و روابط آن با کشورهای کمونیستی
- ۹- دولت، پارلمان و احزاب
- ۱۰- مخالفت و امنیت داخلی

ارزیابی شش ماهه اوضاع سیاسی ایران

۱- خلاصه:

این شش ماه دورانی توأم با آرامش غیر عادی بود. موضع شاه بدون تغییر و به قوت خود باقی بود. رشد سریع اقتصادی و گسترش کامیابیهای اقتصادی ثبات درونی کشور را تضمین می نمود. از نظر مالی کشور دستخوش مشکلاتی بود، لیکن برنامه ریزان صلاحیت دار و شایسته کنترل اوضاع را در اختیار داشتند. تغییرات کابینه نخست وزیر هویدا ظاهراً به تقویت موضع وی در قبال دیگر اعضای دولت انجامیده بود ولی او دیگر اعضای کابینه همچنان در اختیار شاه مانده بودند، پارلمان کشور بدون اینکه تغییری کرده باشد بدون مطالعه دقیق به ایفا نقش خود در قانونگذاری ادامه می داد. پس از اخراج دبیر کل خسروانی، کنگره حزب ایران نوین در سپتامبر تشکیل خواهد شد، تا علاوه بر ایجاد تغییر در ساختار آن در پرسنل حزب نیز تغییراتی ایجاد گردد. نفوذ در سازمان امنیت کشور و نیز سرعت تغییرات اجتماعی و اقتصادی سازمان روحیه مخالف را بر هم زده بود. به کارگیری کردهای عراق به تعهد بیش از پیش سازمان امنیت ایران در کردستان نیاز داشت، با این حال کنترل اوضاع مشخصاً در اختیار دولت بود. دانشجویان و

کارگران آرام بودند و فقط گاه دست به اعتصابات مختصر می‌زدند.

ایران در سیاست خارجی راهی نیرومند و مستقل را در پیش گرفته بود. رابطه بین ایران و آمریکا در نتیجه تماس‌های شخصی بین شاه و رئیس‌جمهوری و نیز تأثیر موضعی پرواز آپولوی ۱۱ در سطحی بسیار عالی قرار داشت. مذاکرات سالانه در مورد فروشهای نظامی و درآمد‌های شرکت‌های نفتی توأم با مشکلات بسیار بود، لیکن نتیجه‌ای رضایتبخش داشت. سیاست مراوده شاه با شوروی و اروپای شرقی تا حدودی موجبات گسترش تجارت و همکاری به خصوص با رومانی و چکسلواکی را به دنبال داشت. ایران موضع مرز خود در شط‌العرب را طبق معاهده ۱۹۳۷ پیش کشید، ولی عراق تمایل به مذاکره براساس شرایط ایران را نداشت و پس از چند بار چنگ و دندان نشان دادن، موضوع به صورت جنگ لفظی ادامه پیدا کرد. مهمترین منافع ایران در خلیج فارس نهفته بود. شاه اعلام کرده بود که پس از خروج انگلیس در سال ۱۹۷۱ از حضور هیچ نیروی بیگانه‌ای در خلیج فارس استقبال نخواهد شد، و بار دیگر اعلام کرد که آمریکا نیز باید تسهیلات بندری خود در بحرین را رها سازد. تلاش برای هماهنگ‌سازی روابط این کشور با عربستان سعودی و جلب حمایت شیخ‌نشینهای خلیج به آرامی ادامه داشت. ولی شاه از توسل به زور در مورد بحرین اجتناب ورزید و حاضر به پذیرش فدراسیونی شد که بحرین از آن مستثنی باشد. در نقاط دیگر، ایران با لبنان به قطع روابط دیپلماتیک دست زد چون این کشور، بختیار رئیس ساواک را که به آنجا پناهنده شده بود، مسترد نمود. لیکن در برخورد با جمهوری متحده عربی جانب اعتدال را در پیش گرفت و از خواسته پیشین، یعنی عذرخواهی جمهوری به‌عنوان شرط اول عادی شدن روابط چشم پوشید. ایران به پاکستان توجه خاصی داشت، و به خاطر نگرانی در مورد امنیت مرزهای شرقی خود به سرعت دولت یحیی‌خان را به رسمیت شناخت و از روابط نزدیک بین دو کشور بهره‌برداری نمود.

با پایان دوره گزارش حاضر، شواهدی دال بر تغییر ثبات سیاسی ایران رؤیت نشد، لیکن در مورد کاهش سرعت رشد اقتصادی ابراز نگرانی می‌شد. دلایل و شواهد امیدوارکننده حاکی از آن بود که خودداری و پیگیری سیاست آرام، در مورد بحرین می‌تواند راه حلی را پدید آورده و راه را برای ایجاد روابط بهتر در خلیج هموار سازد. در روابط ایران و آمریکا، مشکلات سالانه از قبیل فروش اعتبار نظامی و مذاکرات مربوط به درآمد‌های نفتی در حال پدید آوردن مسائل جدیدی بود. لیکن سفر رسمی شاه به آمریکا در ماه اکتبر موجب تقویت هر چه بیشتر روابطمان گردید و طرفین بار دیگر اطمینان یافتند که قادرند مسائل را با در نظر گرفتن منافع دوجانبه حل و فصل نمایند.

## ۲- شاه

طی شش ماه گذشته شاه همچنان رئیس بی‌چون و چرای خانه خود بود و ثبات سیاسی یکنواخت کشور، رشد اقتصادی، انقلاب سفید، و یا سیاست خارجی مستقل و مفید به حال ایران را هیچ خطری تهدید نمی‌نمود. بنا به گفته خود او، وی با احساس یک دولتمرد مجرب در بیست و هشتمین سال سلطنت خود در صحنه جهانی سیاست خارجی کشور را با اعتماد کامل هدایت کرده‌است، و به صورت غیرعلنی به ترویج مواضع مورد نظر آمریکا در میان دوستان ایران پرداخته، لیکن در انتظار عموم آن چنان نقش متعادلی را ایفا کرده که از طریق آن به گسترش جاه‌طلبی‌های ایران در خلیج و بهره‌برداری از روابط خود با غرب، جهان سوم و کشورهای بلوک کمونیست نائل آید. سرسختی شاه در مذاکرات نفتی، اصرار وی در

قطع روابط دیپلماتیک با لبنان بر سر موضوع بختیار، و موضع تهاجمی وی در قبال عراق به خاطر مرز بین دو کشور در شط العرب بر وجهه وی به عنوان سیاستمداری منطقی لطمه وارد ساخته است. علیرغم نشانه‌های حاکی از بحرانهای اقتصادی، در داخل کشور شاه برای تسریع پیشرفت اقتصادی اعمال فشار می‌نمود. با نزدیک شدن زمان خروج انگلستان از خلیج و رویارویی با عراق در مورد شط العرب، شاه بخش اعظم توجه خود را به آمادگی نظامی ایران معطوف داشت، و علاقه وی به کسب سیستمهای دفاعی بیش از پیش افزایش پیدا کرد. طی یک خانه تکانی نظامی بیش از ۵۰ افسر عالی رتبه، از جمله رئیس ستاد فرماندهی کل، فرمانده نیروی زمینی و هفت نفر از هشت فرمانده نیروی دریایی بازنشسته و افسران جدیدی به جای آنان منصوب شدند. ریاست جدید فرماندهی کل یعنی ژنرال فریدون جم، به سمت عالی رتبه ترین مشاور شاه منصوب گردید. لیکن ژنرال خاتمی فرمانده نیروی هوایی از موضع نیرومند قبلی خود برخوردار بود. انتصاب ریاست ستاد با صلاحیت مناسب برای اولین بار در تاریخ اخیر ایران نشانگر میزان اعتماد شاه نسبت به امنیت و بقای موضع خود می‌باشد.

با افزایش مشارکت گروه نخبگان در صنعتی سازی ایران به جای مشاغل سیاسی، با گسترش منافع و کامیابیهای اقتصادی، و با صدور تصاویر شاه به عنوان فردی خیر و نیک به روستاها توسط انقلاب سفید شانس بقای شاه بیشتر و بیشتر شده بود. تلاش وسیعی صورت گرفته بود، تا با تبلیغ پیرامون فعالیتهای خیریه و امور داخلی دیگر به سلطنت وجهه انسانی بیشتری داده شود، ملکه به خاطر صمیمیت بی شائبه‌اش از محبوبیت بسیار برخوردار شده بود و چنین به نظر می‌رسد که پس از مبارزات وی در برابر چالوسیهای درباری و سخنرانیهایش در مورد حراست از موروثات فرهنگی کشور به وی اجازه داده شود تا نقش بیشتری را در ادامه امور مملکت به عهده گیرد تا بتواند برای ایفای نقش احتمالی خود به عنوان نایب السلطنه آماده شود.

لیکن محبوبیت خاندان سلطنتی هنوز قادر نیست جانشین اقتدار شاه برای ابقای سلطنت گردد، و مسئله حراست در آن، در صورت برکناری شاه از صحنه نیز هنوز لاینحل باقیمانده است.

### ۳- اوضاع اقتصادی

رشد سریع اقتصادی ایران بدون وقفه ادامه دارد، لیکن حرارت و تأکید موجود حاکی از آن است که اعلامیه یا بیانیه دیگر صادر خواهد شد. برنامه ریزان اقتصادی برای مقابله با فشارهای موجود آماده شده و انتظار می‌رود که پیشرفت مداوم اقتصادی زیر بنای ثبات اقتصادی کشور را تشکیل دهد. طی سال ایرانی که در تاریخ ۳۱ مارس خاتمه خواهد یافت و اولین سال برنامه عمرانی چهار ساله می‌باشد، رشد تولید ناخالص ملی به ۱۰/۳٪ افزایش یافت و برای جمعیت ۲۸ میلیونی ایران درآمد سرانه‌ای معادل ۳۰۰ دلار را به همراه داشت. در شش ماهه اول سال ۱۹۶۹، صادرات نفتی، پروژه‌های ساختمانی، تولید داخلی، سطح اشتغال، و میزان سرمایه گذاریها همچنان بالا بود. میزان برداشت محصول نسبتاً خوب بود، ولی میزان برداشت در محصولات مولد نقدینگی به استثنای پنبه در مقایسه با برداشت در سال ۱۹۶۹ پایین بود. پیشرفت گرچه در بعضی موارد کندتر بود، ولی در زمینه پروژه‌های صنعتی از قبیل مجتمع پتروشیمی که به مرحله تولید رسیده خط لوله گاز، کارخانه ذوب آهن، و کارخانه‌های تولید تراکتور و ماشین آلات ادامه داشته است. برنامه‌های تهیه شده می‌تواند موجبات افزایش در زمینه کشاورزی -

صنعتی را فراهم آورد.

نکته نگران‌کننده این است که کنترل پولی سال ۱۹۶۸ قادر به کاهش فشار ناشی از تورم نبوده است. هنگامی که شاخص هزینه زندگی که خود نیز از نظر کلی بسیار عجیب و غریب بود ۳/۲٪ افزایش قیمت در دوره بین ۲۱ مارس تا ۲۱ ژوئن ۱۹۶۹ در مقایسه با همان دوره از سال گذشته را نشان می‌داد بانک مرکزی بار دیگر اقداماتی را در جهت محدودسازی نقدینگی با افزایش میزان بهره، ذخایر مورد نیاز بانکها بازرگانی، حداکثر بهره‌برداری سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز انجام داد.

نکته نگران‌کننده میزان ذخایر ارزی خارجی رو به کاهش بود که در مارس ۱۹۶۹ معادل ۱۵ میلیون دلار ارز آزاد خارجی را نشان می‌داد. با رسیدن سطح ذخایر ارزی در ماه ژوئن به سطح ۴۵ میلیون دلار، وضع تا حدودی بهتر شده بود و نشانگر آن بود که سازمان برنامه به بدهی‌های خارجی توجه بیشتری معطوف داشته و در زمینه دریافت وامها با احتیاط بیشتر عمل می‌کند. کمبود داخلی پول نیز برای دولت مشکل ایجاد کرده بود، چون دولت علیرغم میزان قروض داخلی تورم‌زا قادر به تأمین اسکناسهای مورد نیاز نبود. هزینه‌های جاری نیز قابل کنترل نبود، چون بودجه سال جاری در مقایسه با سال قبل ۱۰/۵٪ افزایش یافته بود.

با وجود این مشکلات و مشکلات عمده ناشی از پروژه‌های صنعتی مهمی از قبیل پروژه خط لوله نفتی و مجتمع پتروشیمی شاهپور و امکان اینکه درآمدهای نفتی سال آتی نتواند نیاز عمرانی کشور را تأمین کند. سازمان برنامه راه تجدیدنظر را در پیش گرفته چون دریافته است که منابع مالی موجود قادر به تأمین نیاز تمام پروژه‌های مندرج در برنامه‌های عمرانی چهارم نیست. بنابراین احتمال تأخیر در مورد بعضی از پروژه‌های مهم وجود دارد.

لیکن اگر ایران در رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت عمرانی خود به بیش از آنچه قابل هضم است دست یافته می‌توان گفت که خطر آنچنانی در برابرش وجود ندارد. با وجود اینکه حفظ موازنه اقتصادی در برابر فشارهای عالی از طرف شاه در رابطه با افزایش سرعت پیشرفت اقتصادی و خریدهای نظامی دشوار است ولی رده‌های بالای مقامات نیز دریافته‌اند که میزان پیشرفت قابل تحقق محدود است و اقداماتی نیز به عمل آمده، تا پیشرفت اقتصادی همگام با امکانات کشور تحقق یابد. گرچه این امر سبب کاهش میزان رشد غیرعادی خواهد شد، ولی نتیجه آن پیشرفتی منظم و سالم خواهد بود.

#### ۴- روابط ایران و آمریکا

ماهیت و محتوای روابط آمریکا و ایران در شش ماه گذشته تغییر نکرد و علیرغم مشکلات موجود اساس این روابط به قوت خود باقی ماند. حضور شاه در تشییع جنازه آیزنهاور فرصتی پدید آورد، تا شاه شخصاً با رئیس جمهور نیکسون و دیگر رهبران دولت جدید آمریکا آشنا گردد. مشارکت وزیر خارجه راجرز در کنفرانس وزراء سنتو در تهران در ماه می جو دوستی و صمیمیت بین رهبران دو دولت را مستحکم‌تر ساخت. موفقیت بی‌نظیر ماه پیمای آپولوی ۱۱ نیز مورد توجه خاص ایرانیان قرار گرفت و احساسات تمام طبقات ایرانی را برانگیخت. این امر شهرت آمریکا را دوچندان کرد و برتری آمریکا از نظر فنی و مدیریت را در نظر آنها بسیار مورد توجه جلوه‌گر ساخت. سفر رسمی شاه به واشنگتن که قرار است در ماه اکتبر صورت گیرد نیز بر اهمیت روابط بین دو کشور خواهد افزود.

رابطه آمریکا با ایران حتی در متن «ناسیونالیزم مستقل» ایران از اولویت خاص برخوردار گردید که بخش اعظم این اولویت ناشی از همکاری نظامی ما با ایران است که شاه برای آن ارزش بسیاری قائل است. مذاکره در مورد برنامه فروش نظامی خارجی (بخش هفته) بار دیگر آغاز شد و علیرغم این واقعیت که نیاز شاه به خصوص در زمینه دریافت هواپیماهای اف - ۴ بیش از حد برنامه بود، در این زمینه موافقتنامه‌ای امضا گردید. درک دوجانبه مشکلات سبب پیدایش یک راه حل رضایتبخش گردید. که براساس آن تحویل هواپیماهای اف - ۴ می‌توانست از طریق یک «تعهد قابل اتکا» با ارائه اعتبار از طرف دولت آمریکا توسط پرداختهای آتی صورت گیرد. یک نکته اختلاف بالقوه پدید آمد که هنوز لاینحل مانده و آن مسئله استخدام تکنیسی‌های نیروی هوایی آمریکا برای تعمیر جت‌های نیروی هوایی ایران بود که در صورت تشدید اختلاف با عراق می‌توانست، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مسئله کاربرد مجدد پرسنل آمریکایی در جنوب به طور غیر رسمی مطرح شد، و پس از مطلع ساختن ایرانیها از این امر که این کار می‌تواند برای واشنگتن مشکلاتی جدی پدید آورد پس گرفته شد. این واقعه شاید شاه را به یاد موضع آمریکا در قبال پاکستان آن هم در جنگ هند و پاکستان انداخته و شاید شاه در سفر آتی خود به واشنگتن این مسئله را بار دیگر مطرح سازد.

روند مذاکرات سالانه نفتی بین دولت ایران و کنسرسیوم شدیدتر از پیش بود. گاهی به بن‌بست کشانیده می‌شد، ولی در نهایت طرفین به توافق رسیدند. اعلامیه صریح کنسرسیوم به شاه در فوریه مبنی بر اینکه کنسرسیوم نخواهد توانست، سطح تولید را آنقدر بالا ببرد که بتواند به نیاز یک میلیارد دلاری ایران در سال آتی پاسخ دهد، موجب بروز عکس‌العمل تند شاه گردید. مذاکرات از آن پس با وقفه ادامه یافت و دولت ایران دست از تقاضاهای خود برنداشته و اعلام کرد که سهم مشارکت خود در کنسرسیوم را افزایش خواهد داد / کنسرسیوم نیز ترس از آن داشت که اگر مصالحه نماید، سال بعد نیز باید به تقاضاهای بزرگتر ایران پاسخ مثبت دهد، لیکن در نهایت کنسرسیوم فرمول جدیدی را یافت که با ترکیب افزایش برداشت و تجدید پیش پرداخت در پایان سال بتواند نیاز ایران را تأمین نماید، ولی این کار تنها از طریق عواید نفتی ممکن نبود.

طبق معمول، قرارداد همکاری دوجانبه دو کشور در زمینه کاربرد انرژی اتمی در امور غیر نظامی مانند قرارداد امنیتی سه جانبه آمریکا، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تأخیر رو به رو شد. در نهایت متن قابل قبول طرفین در زمینه تضمین سرمایه‌گذارهای مربوط تهیه و توسط کابینه تصویب و به مجلس فرستاده شد - چون ایران مایل به اصلاح قرارداد حمل و نقل هوایی دوجانبه بود، گفتگو در مورد هواپیمایی غیر نظامی آغاز شد، لیکن تغییری نمود. تعطیل دو کنسولگری از چهار کنسولگری آمریکا در ایران در رابطه با BALPA در نهایت مورد قبول واقع گردید. تجارت آمریکا همگام با تجارت کلی ایران با صادرات آمریکا ادامه داشت و ۱۸٪ خریدهای خارجی ایران را تشکیل می‌داد و خریداران آمریکایی ۱۰٪ صادرات غیر نفتی ایرانی را به خود اختصاص داده بودند. در شش ماهه اول ۱۹۶۹ صادرات آمریکا به ایران معادل ۱۶۰ میلیون دلار و خریدهای آمریکا از ایران (شامل فرآورده‌های نفتی) معادل ۵۰ میلیون دلار بود. بین شرکتهای آمریکایی و دولت ایران اختلافات مهمی در زمینه کارخانه شیمیایی شاهپور، کارخانه لوله‌سازی اهواز و پشم کاشمر پدید آمد ولی منجر به فسخ هیچ یک از قراردادهای مربوطه نگردید. عدم حمایت آمریکا از ایران در مناقشه با عراق آن هم بر سر شط العرب و حمایت نه چندان شدید

ما از طرح لژیون رفاه بین‌المللی شاه نارضایتیهایی را در ایران پدید آورد، لیکن اعتراضات چندانی را برنینگبخت.

مذاکرات آتی نفت و فروش نظامی بار دیگر آغاز و روابط ایران و آمریکا را بار دیگر به مرحله آزمایش خواهد گذاشت. شکاف موجود بین عواید نفتی مورد نیاز ایران و پرداخت‌های پیش‌بینی شده کنسرسیوم در سال آتی ایرانی ممکن است وسیعتر از سال گذشته باشد. ولی شواهد موجود حاکی از آن است که شاه دریافته که شرایط متغیر بازارهای جهان نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای ایران باشد، بنابراین در سال ۱۹۶۹ با ایرانی منطقی‌تر و به رو خواهیم بود. مذاکرات مربوط به فروش نظامی در برنامه بعدی نیز خالی از دردسر نخواهد بود. «فهرست نیازمندیهای» شاه به خاطر تمایل وی به مدرنیزه ساختن سریع نیروهای مسلح این کشور با نزدیک شدن زمان خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس گسترش می‌یابد. لیکن با وجود این مشکلات منافع دو جانبه، اعتماد متقابل و تمایل به همکاری جهت از بین بردن اختلافات و ایجاد تفاهم بین طرفین وجود دارد.

## ۵- ایران و خلیج فارس

طی دوره مورد بررسی، ایران در خلیج فارس از موضعی توأم با اعتدال و ممانعت از دیپلماسی قدرت‌نمایی برخوردار بود، که منجر به رویارویی با عراق در مورد شط‌العرب گردید (به بخش ۶ رجوع شود) شاه به همه فهماند که ایران در نظر دارد پس از خروج انگلستان نقش مهمی را در منطقه ایفا کند و به کرات اعلام نمود که پس از سال ۱۹۷۱ از هیچ قدرت بزرگی در خلیج فارس استقبال به عمل نخواهد آمد. هنگامی که ادوارد هیت رهبر حزب محافظه‌کار انگلستان اعلام نمود که در صورت پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات آتی سیاست حزب تغییر خواهد کرد، شاه مؤدبانه لیکن قاطعانه اعلام کرد که دولت ایران از حضور مجدد بریتانیا در خلیج فارس استقبال نخواهد کرد. شاه به عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج (از بهار ۱۹۶۸) اعلام داشتند که برای طرح یک سیاست دفاعی مشترک در منطقه به وی بپیوندند و از ما نیز خواست که تسهیلات بندری خود را در بحرین رها سازیم تا این بنادر براساس طرح دفاعی مشترک منطقه مورد استفاده قرار گیرد.

شاه با اشاره به بیانیه خود در دهلی نو اعلام داشت که در قبال سیاست خود در رابطه با بحرین به زور متوسل خواهد شد. عکس‌العمل ایرانیان در قبال فدراسیون عربی از «نفی فدراسیون دربرگیرنده بحرین به «نفی فدراسیون دربرگیرنده بحرین تا زمان حل مسئله مورد اختلاف» تغییر یافت. دولت ایران به شیخ‌نشین‌ها یادآور می‌شد که بحرین نمی‌تواند ضمیمه فدراسیون عربی گردد لیکن جلسات و رویدادهای مربوط به تشکیل فدراسیون عکس‌العمل چندانی را از طرف محافل مطبوعاتی و خصوصی ایران به همراه نداشت. در پایان این دوره همه دریافتند که سیاست آرام‌تر بخش بوده و در مورد مسئله غامض بحرین می‌توان به راه‌حل رضایتبخش دست یافت. دولت ایران در برابر این خبر که شیخ عیسی به لندن و واشنگتن سفر خواهد کرد اعتنایی ننمود.

ایران به تلاش در جهت هماهنگ‌سازی روابط خود با عربستان سعودی ادامه داد. سقاف (Saqaf) وزیر خارجه این کشور در ماه آوریل از ایران دیدار به عمل آورد و در عین حال که این سفر نتایج چندانی نداشت، ولی سبب شد که بهبود روابط بین دو کشور ادامه پیدا کند. علاوه بر این دو کشور در مورد سفر

زایرین بین ایران و عربستان سعودی به توافق دست یافتند. جنبه منفی قضیه این است که، قطع رابطه ایران با لبنان و درگیری در رود شط العرب به احتمال زیاد مقاصد ایران را در نظر ملک فیصل مشکوک جلوه گر ساخته، ولی تاکنون شواهدی دال بر اثبات این موضوع در روابط بین دو کشور مشاهده نکرده ایم. با پایان گرفتن این دوره انتظار نمی رود که ملک فیصل در ماه اکتبر به ایران سفر کند. شخص سقاف نیز نگران از این اعتقاد ایرانیها بود که باور داشتند، می توانند با توسل به زور عراقیها و احتمالاً دیگر اعراب را مرعوب سازند.

در مورد خلیج سفلی، ایران موضع معتدلتری را از خود نشان داده است. شیخ شارجه که قرار بود در اوایل این دوره به تهران رفته و در مورد جزیره ابوموسی به گفتگو بنشیند، دست از این سفر برداشت. در مورد جزایر تنب نیز پیشرفتی پدید نیامد چون شیخ رأس الخیمه قرارداد مربوط را تأیید نمود. دولت ایران در رابطه با این رویدادها هیچ گونه نگرانی از خود نشان نداد. تا جایی که می دانیم، ادامه مذاکرات در مورد خط فاصل بین ایران و کویت حاصلی نداشته، ولی ایران با قطر در این مورد به توافق دست یافته و قرار است در ماه جاری قراردادی منعقد گردد.

ایران به جلب دوستی شیخ نشینهای خلیج ادامه داد. ولیعهدهای ابوظبی و دبئی طی برنامه دولت برای نزدیک ساختن شیوخ به یکدیگر از تهران دیدار کردند، ولی هیچ یک موفقیتی به دست نیاوردند. یک هیئت کنسولی ایرانی به مدت سه ماه در منطقه سفر کرد و برای ایرانیهای مقیم این منطقه پاسپورت صادر و تمدید کرد و به آنها اطمینان داد که ایران نسبت به آنها علاقه مند است. لیکن شاید بهتر از اینها سفر سناتور عباس مسعودی ناشر روزنامه اطلاعات به این منطقه باشد که با اجازه شاه صورت گرفت. مسعودی با مقامات منطقه از جمله حاکم بحرین ملاقات نمود. مهمتر از همه این که او اولین مقام ایرانی بود که ظرف چند سال گذشته با یکی از حکام بحرین دیدار می کرد. در مراجعت به تهران مسعودی مقالات متعددی در مورد بحرین و شیخ نشینهای خلیج نوشت و به ایرانیان فهماند که ساکنین حوزه جنوبی خلیج به مقاصد ایران به دیده تردید و سوءظن می ننگرند.

#### ۶- ایران و عراق - رویارویی شط

در ماه مارس سال جاری دولت ایران تصمیم گرفت موضوع شط العرب را که یکی از مسائل اختلاف برانگیز است بار دیگر با عراق مطرح سازد. علت این امر هنوز کاملاً مشخص نیست. اقدامات ایذائی متعددی صورت گرفت و عراقیها با یک هیئت ایرانی که برای انجام مذاکرات به بغداد سفر کرده بودند برخورد درستی نداشتند، ولیکن امکان مذاکره در مورد مرز جدید شط (با در نظر گرفتن خط تالواگ به جای خط مرزی مورد تأیید ایرانیان) با دولت متزلزل عراق بعید به نظر می رسد و اعلام این مطلب که کشتیهای ایرانی حق دارند با پرچم ایران در آنجا به دریانوردی بپردازند، مانع از بروز خصومتهای مداوم نگردید. نتیجه گیری ما این است که دولت ایران دریافته است که می تواند عراقیها را که مهمترین قدرت نظام عربی در خلیج هستند تحت تأثیر قرار دهد و علاوه بر این به دیگر اعراب تندرو منطقه قدرت نظامی ایران را نشان داده و به آنها بقبولاند که ایران مایل است، رهبری خلیج را عهده دار شود. از زمانی که نظامیان عراقی متعهد نبرد با اسرائیل و کردها شده اند، خطر چندانی متوجه ایران نبوده است. شاید ریشه های تضاد در سفر دسامبر گذشته نخست وزیر و وزیر دفاع عراق ژنرال حردان التکریتی به



تهران نهفته باشد. تکریتی که بنا به گزارشات واصله برای رسیدن به قدرت در عراق در صدد جلب حمایت ایران بود و گویا در آن زمان نیز کنترل بسیاری از امور را در دست داشت، از طرف دولت ایران مورد استقبال قرار گرفت. سفر وی به ایران سبب شد که چشمداشت‌های دولت ایران از عراق افزایش یابد. علیرغم اختلاف نظر سرویس‌های اطلاعاتی ایران و آژانس‌های دولتی در اواخر ماه ژانویه، خلعتبری به عراق رفت تا پیرامون مسئله شط و موارد دیگر به گفتگو بنشیند. ولی هیئت ایرانی با ناراحتی عراق را ترک گفت، چون عراقیها به بحث در مورد شط علاقه‌ای نشان نداده و با این هیئت رفتاری ناشایست داشتند. اتفاقات بسیاری به سرعت رخ داد. ابتدا ماهیگیران ایرانی در شط مورد اذیت و آزار قرار گرفتند و پس از آن عراق اقدام به توقف و تفتیش دو قایق رودپیمای ایرانی کردند. مناقشات دیپلماتیک بین دو کشور در ۱۹ آوریل به اوج خود رسید و افشار جانشین وزیر خارجه وقت قرارداد ۱۹۳۷ را مغایر با قوانین بین‌المللی خواند و عراق را متهم به سرپیچی از شرایط خاص این قرارداد نمود. افشار با نمایش تمایل به مذاکره اعلام نمود که ایران در مورد مسئله شط پاسخ هرگونه آتش را با آتش خواهد گفت. ایران نیز به تمرکز قوا و تسلیحات در منطقه شط مبادرت ورزیده و در دیگر تأسیسات دفاعی کشور اقدامات احتیاطی لازم را به مورد اجرا گذاشته بود.

علیرغم اعلام این مطلب توسط دولت ایران که هر کشتی عازم ایران باید دارای پرچم و ناخدای ایرانی باشد، معلوم شد که این امر تنها در مورد کشتیهای ایرانی رعایت می‌گردد. (کشتیهای خارجی بنا به علل بسیار از جمله مسئله بیمه و امنیت کشتیرانی مایل نبودند که کشتیهای خود را در شط به ناخداهای ایرانی بسپارند.) پس از آنکه دو کشتی در مسیر شط از پرچم و ناخداهای ایرانی استفاده کردند (که البته اسکورت دریایی نیز آنان را همراهی می‌نمود) در اواخر ماه آوریل دولت ایران اعلام کرد که در شط به اهداف خود دست یافته است، ولی واقعیت امر این است که در نتیجه این درگیری تنها در رابطه با کشتیهای ایرانی وارد و خارج شونده از ایران در مسیر شط مقررات جدیدی وضع شده بود.

این امر بیش از آنچه که در نگاه اول به نظر می‌رسد حائز اهمیت است، چون ایرانیها امیدوارند که بتوانند در آینده این معاهده را کاملاً نفی کرده و عراقیها را وادار به مذاکره در این مورد بنمایند. علیرغم حسن نیت بسیاری از کشورها و نیز میانجیگریهای اردن، عراق تا به حال نشان داده که براساس شرایط سخت پیشنهادی توسط ایران حاضر به مذاکره نمی‌باشد و توجه عموم ایرانیان از این مسئله منحرف شده و مقداری از نیروها نیز از این منطقه به عقب بازگردانده شده‌اند.

دو عامل مهم اختلاف برانگیز بین دو کشور، یعنی همکاری عراق با ژنرال بختیار، فعالیت‌های عراق در خلیج فارس و تبلیغات ضدایرانی بغداد و بدرفتاری و اخراج ایرانیهای مقیم عراق هنوز به قوت خود باقی است. اخیراً دولت ایران اعلام کرده است که شمار ایرانیهایی که از عراق به ایران رانده شده‌اند ۱۸۶۰۰ نفر می‌رسد. ایران نیز عکس‌العمل نشان داده و هر سیلی را با سیلی پاسخ گفته است. تبلیغات مطبوعات و رادیو ایران علیه عراق با وقفه‌هایی، گهگاه ادامه داشته است. کمک ایرانیها به کردها که دور از انتظار عراق نبود، آشکارا و در طول بحران شط افزایش یافت تا با اعمال فشار بیشتر، دولت عراق به زانو درآید. در پایان این دوره از درگیری مستقیم دو کشور جلوگیری به عمل آمده بود. لیکن هیچ نشانه‌ای، حاکی از پر شدن شکاف بین دو کشور باشد، وجود نداشت.

## ۷- ایران و کشورهای دیگر

به طور کلی ایران به تلاش خود در تقویت روابط با کشورهایایی که در بالا ذکری از آنها به میان نیامده، ادامه داده است.

عراق (در بخش ۶) و لبنان که ایران پس از مدتها مذاکرات تلخ در مورد استرداد ژنرال بختیار رئیس قبلی ساواک با آنها قطع رابطه کرد، از این قاعده مستثنی می‌باشند. غرض ورزی شخصی شاه این موضوع را به صورت امری خاص درآورده بود، اما به عنوان پیروزی یک عقیده شخصی بر شعور معمولی نمودار گردید.

پس از سقوط ایوب، دولت ایران تلاش کرد تا رابطه صمیمانه بین خود و پاکستان را حفظ کند. ایران به سرعت حمایت خود را از دولت یحیی خان اعلام کرد و هویدا اولین شخصیت خارجی بود که در ماه می و پس از وضع حکومت نظامی به پاکستان سفر نمود. در بیانیه‌ای ایران حمایت خود را از موضع پاکستان در قبال کشمیر اعلام کرد و هویدا در محافل خصوصی اعلام داشت که در صورت بروز خصومت با هند، پاکستان می‌تواند روی حمایت ایران حساب کند و پاکستان نیز به نوبه خود از موضع ایران در قبال شط حمایت کرد. شخصیت‌های دیگری از پاکستان از قبیل نورخان فرمانده نیروی هوایی و رحمان استاندار پاکستان غربی، در اواسط تابستان به ایران سفر کردند. بین ایران و هم‌پیمان دیگرش در سنتو یعنی ترکیه در این دوره انتقادهای مطبوعاتی رخ نداد و ایران نیز در مورد سیاست کشت خشخاش ترکیه مطلبی اظهار ننمود (به الف - ۹۱۷ مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۶۸ رجوع شود). گرچه دورنمای احداث خط لوله نفتی خلیج فارس به اسکندرون که در مورد آن در سفر ماه ژوئن نخست‌وزیر هویدا به ترکیه تبلیغ شده بود، چندان امیدوارکننده نیست ولی این دیدار، حسن نیت و تفاهم بسیاری را بین طرفین به وجود آورده و روابط جنبه عادی به خود گرفته است. اجلاس ماه می شورای وزیران در مورد سنتو نیز به دنبال تهاجم شوروی به چکسلواکی از خود بردباری بسیاری نشان داد و بر ضرورت حمایت آمریکا از این سازمان صحه گذارد، ولی شواهد ناشی از هواداری و خوش‌بینی زیاده از حد نسبت به آینده سنتو نبود.

موضوع رودخانه هیرمند، مهمترین مسئله موجود بین این کشور و افغانستان بود. در اوائل دوره مذکور پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در جهت دستیابی به یک راه حل صورت گرفت، لیکن در اوایل تابستان و اعلام تمایل افغانستان به فروش آب به ایران بیش از آنچه که در قرارداد ذکر شده، مذاکرات به بن بست رسید. به طور کلی روابط دو کشور از یک بهبود کلی برخوردار بود و گاهی نیز بهتر از قبل بود. ولی ایران همیشه نسبت به نقش شوروی و چین در کابل و نیز اختلافات بین پاکستان و افغانستان ابراز نگرانی می‌کرد.

دولت ایران نسبت به توسعه روابط دوستانه با هند در پی سفر شاه به این کشور در ماه ژانویه علاقه بسیار نشان داد. وزیر خارجه هند رانش سینگ همراه با هیئتی به ایران سفر کرد و پیرامون مسائل بازرگانی از قبیل ترانزیت کالاهای هندی به اروپای غربی و کشورهای حوزه مدیترانه و فروش وسیع فرآورده‌های پتروشیمیایی ایران به خصوص آمونیاک برای تهیه کود شیمیایی به هند و نیز سرمایه‌گذاریهای مشترک تبادل نظر نمود.

بهبود روابط با دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز ادامه داشت. شاه حسین و نخست‌وزیرش جداگانه به تهران سفر کرده و نقش فعال دیپلماتیک خود را به نمایش گذاردند. ظاهراً در پاسخ به

پافشاری‌های شاه حسین، شاه نیز با چشم پوشی از تقاضای پیشین خود، یعنی دریافت نامه عذرخواهی به عنوان شرط اصلی برقراری روابط دیپلماتیک، با امارات متحده عربی آشتی کرد. تبادل دیپلماتیک از طریق کشورهای ثالث پیشرفت چندانی نداشت، لیکن مطبوعات ایران در مورد امارات مطالب انتقاد آمیز چندانی درج نکرده و امارات نیز به نوبه خود در مورد مسئله شط مطلبی را عنوان نکرده و خاموش مانده است. شاه حسین نیز به خاطر حفظ منافع خود و به عنوان نشانه‌ای از روابط اردن و ایران تلاش کرده است تا ایران و عراق را در مورد مسئله شط بر سر میز مذاکره بکشانند ولی در این کار چندان موفق نبوده است.

در زمینه گسترش روابط با کشورهای عربی پیشرفت چندانی حاصل نشد، اما شاه و ملکه در آوریل سفر موفقیت آمیزی به تونس داشتند و مراکش و ایران نیز در مورد قرارداد فروش فسفات و نفت به مذاکره پرداخته و جو موجود بین دو کشور با سفر هیئت‌های حسن نیت وزیران متعدد از جمله نخست وزیر هویدا که به عنوان میهمان شاه حسن در اواسط اوت همسرش را تنها گذاشته بود، گرمتر شد.

دولت ایران در ابراز مخالفت نسبت به توسل به زور در کسب امتیازات ارضی ادامه داده، خواستار خروج نیروهای اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و اعاده وضعیت قبلی اورشلیم، و تأیید حمایت خود از ملت فلسطین گردید. شاه خاطر نشان ساخته است که اسرائیل در دوره بعد از جنگ ژوئن سرسختی بسیار نشان داده است. در همان حال ایران اسرائیل را به رسمیت شناخته و تهدید مبنی بر به دریا ریختن اسرائیلیها را غیر واقع‌گرایانه می‌داند.

در خارج از منطقه، سفر وزیر دریایی آلمان غربی اشتراوس به تهران در ماه آوریل و سفر هویدا به آلمان در همان ماه، اساس تمایل طرفین به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی گردید. سفر شاه و ملکه مالزی به تهران تنها جنبه تشریفاتی داشته و سفر مزبور هیچ نتیجه خاص و چشمگیری را در پی نداشت.

#### ۸- روابط ایران با کمونیستها

مراوده مداوم ایران با شوروی و کشورهای اروپایی شرقی سبب افزایش سطح بازرگانی و همکاریهای اقتصادی در دوره مزبور گردید، اما به طور کلی این دوره یک دوره تجاری معمولی به حساب می‌آید. انگیزه اصلی شاه در این روابط عبارت است از جلب منافع اقتصادی حاصل از بازارهای بزرگ برای فروش منابع نفتی ایران و دیگر صادرات کشور، دریافت اعتبار بیشتر برای هزینه‌های عمرانی و جلب کمک فنی بسیار مورد نیاز. شاه هنوز هم معتقد است که حمایت ایران از آن دسته از کشورهای که از اندیشه‌ای مستقل برخوردارند می‌تواند به تحقق کامل استقلال آنان بینجامد. روابط ایران با کشورهای بلوک، در صفحه بین‌المللی ایران را به کشوری دارای سیاست خارجی مستقل مشهور نمود و در داخل کشور شاه را فردی روشنفکر و معماری خستگی ناپذیر معرفی کرده است.

تماسهای تجاری و اقتصادی بین ایران و شوروی در شش ماهه آخر سال افزایش یافت، ولی نتایج ملموس بسیاری به همراه نداشت. در سفر معاون نخست وزیر شوروی با بیاکف به تهران در ماه آوریل و سفیر وزیر اقتصاد ایران همراه با هیئت بزرگ به مسکو در ماه می و سفر وزیر راه در ماه ژوئن مذاکرات اقتصادی صورت گرفت. ماه آینده نیز قرار است که یک هیئت بازرگانی از شوروی به ایران سفر کند. ایران یک نمایشگاه تجاری در مسکو برپا کرد، که نتایج حاصله مفید بود و نمایندگان جمهوریهای جنوبی

شوروی که با ایران هم مرز می‌باشند، به این کشور سفر کردند تا تجارت مستقیم بین دو بخش مرزی را که هم‌اکنون بسیار محدود است، گسترش دهند. در فعالیتهای مربوط به کارخانه ذوب آهن روسیه پیشرفتهای چشمگیری حاصل شد، پروژه خطر لوله گاز دنبال شد، لیکن ادامه کار توأم با تأخیر بود و هزینه‌ها بیش از برآوردهای اولیه می‌باشد. و برای تمدید برنامه احداث سیلو به کمک شوروی نیز به توافقی دست یافته شد. در زمینه برقی سازی خط آهن بین تبریز و جوروفت (Juroft) و بهبود خطوط ارتباطی با شوروی نیز موافقت اصولی حاصل شد. در مورد برنامه‌های همکاری مورد بحث در گذشته، گرچه مطبوعات مقالاتی درج می‌کردند، ولی پیشرفتی پدید نیامد. ایران پیشنهاد شوروی را مبنی بر آغاز یک پروژه مشترک حفاری و بهره‌برداری از امکانات نفتی دریای خزر را نپذیرفت. شاه موضوع احداث خط لوله ترانز - ایران را که از طریق آن بتوان نفت عربی را از حوزه خلیج به شوروی انتقال داد، در سر می‌پروراند، لیکن مشکلات لاینفک این پروژه، و اعتراضات شدید آمریکا و بریتانیا (که هنوز رسماً تسلیم دولت ایران نشده) تحقق این مسئله را بعید می‌نماید. دو کشور توافق کرده‌اند که شوروی یک کارخانه بازسازی هشت میلیون دلاری برای تعمیر و نگهداری وسایط نقلیه نظامی روسی در ایران احداث کند. با این حال ایران به خرید تجهیزات نظامی غیرپیشرفته از شوروی براساس قراردادهای اعتباری قبلی ادامه داد. و هیچ‌گونه تغییر چشمگیری در روند این قراردادها صورت نخواهد گرفت. تبادل پرسنل فنی افزایش یافت، لیکن ایران به خوبی مراقب اوضاع ایران است و تا اوت ۱۹۶۹ حدود ۱۲۰۰ تکنیسین روسی در ایران مستقر شده (همراه با خانواده‌هایشان) و حدود ۲۳۰ ایرانی نیز در شوروی به آموزش مشغول هستند.

گسترش فعالیتهای شوروی در ایران اعتماد دولت ایران را نسبت به کنترل حضور شوروی متزلزل ساخته است. این کشور هنوز هم نسبت به مقاصد شوروی در درازمدت مظنون است و تماسهای غیر اقتصادی را شدیداً محدود ساخته است. اجازه ایجاد کنسولگریهای شوروی در اصفهان و رشت داده شد، به کشتیهای شوروی اجازه داده شد که در ماه ژوئن توقف کوتاهی در بندر عباس داشته باشند و سیرکهای روسی به تهران آمدند و مورد استقبال قرار گرفتند، اما تلاش برای تبادل دانشجو کاهش یافت و آموزش بینندگان ایرانی در شوروی تحت کنترل شدید قرار گرفتند. پیشنهاد روسی برگزاری کنفرانس تجارت ترانزیت منطقه‌ای در کابل مورد استقبال دولت ایران قرار گرفت، لیکن پیشنهاد شوروی برای ایجاد نوعی ترتیبات امنیتی منطقه‌ای با سردی رو به رو گردید. حمایت شوروی از حزب توده که به پخش برنامه‌های رادیوی مخفی خود ادامه می‌داد و در کنگره بین‌المللی حزب کمونیست شرکت کرده و در ماه مارس تظاهراتی را در برابر سفارت ایران در مسکو در مخالفت با محاکمه دانشجویان در ایران، برگزار کرد که همه نشانگر منافع شوروی است که به هیچ وجه منافع ایران را در نظر نمی‌گیرد. شاه در محافل خصوصی (و نه به روسها) در مورد تحویل سلاحهای روسی به کشورهای عرب متخاصم با ایران یعنی عراق و سوریه ابراز نگرانی کرد و اظهار داشت که اتحاد احتمالی این دو تحت رهبری عراق به صورت یک مشکل عمده خودنمایی خواهد کرد، وی همچنین در مورد گسترش نیروی دریایی و خطری که از این جانب سیاست ایران را در قبال خلیج فارس تهدید می‌کند، اظهار نگرانی نمود. برای نمایش این اختلافات بزرگ با شوروی به مطبوعات ایران اجازه داده شد تا مقالاتی انتقادی در سالگرد انعقاد پیمان بین هیتلر و استالین و حمله شوروی به چکسلواکی درج نمایند.

در میان کشورهای اروپایی شرقی ایران با کشورهایی که از نظر فکری مستقل‌تر می‌باشند، از جمله رومانی، چکسلواکی، و یوگسلاوی ارتباط نزدیکی را برقرار ساخت. در سفر وزیر تجارت خارجی رومانی در ماه‌های ژوئن و ژوئیه به ایران، یک موافقتنامه اصولی در مورد گسترش تجارت پایاپای منعقد، و گسترش و بهبود همکاریهای اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. بعدها اعلام شد که چائوشسکو رئیس‌جمهور رومانی نیز در ماه سپتامبر به ایران سفر خواهد کرد و یک هیئت عالی‌رتبه اقتصادی را نیز به همراه خود به این کشور خواهد آورد. چکسلواکی قراردادهای جدیدی با ایران منعقد ساخت و طی آن ۲۰۰ میلیون اعتبار خرید کالاهای سرمایه‌ای در اختیار ایران گذاشت و تجارت پایاپای بین دو کشور را گسترش بخشید، و رئیس‌جمهور چکسلواکی سووودا (SVOBODA) نیز در ماه نوامبر به ایران خواهد آمد. معاون نخست‌وزیر یوگسلاوی یزدراک نیز در ماه آوریل به ایران سفر می‌کند. یوگسلاوی در مورد اداره یک پروژه کشاورزی صنعتی در جنوب ایران به توافق رسید، و ایران نسبت به احداث یک خط لوله نفتی بین ایران و یوگسلاوی جهت انتقال نفت به چکسلواکی و مجارستان علاقه نشان داد، ولی در مورد امور مالی و مسائل مربوطه دیگر هنوز به توافق نرسیده‌اند. گرچه تجارت و کمک اساس روابط ایران با این کشورها را تشکیل می‌دهد عنصر حمایت از تلاش برای کسب استقلال آنها نیز چشمگیر بود، بدون شک سفر چائوشسکو به ایران در حالی که شوروی نسبت به رومانی نظر مساعدی ندارد و انتخاب سووودا، آخرین بازمانده دوران قبل از تهاجم شوروی به عنوان نماینده چکسلواکی نشانگر این واقعیت است که حمایت ایران از تمایلات لیبرالی کشورهای عضو بلوک تا چه اندازه می‌تواند مفید واقع گردد.

نکته قابل توجه دیگر سفر وزیر اقتصاد علیخانی به مجارستان و لهستان در ماه می است، که سبب انعقاد یک قرارداد درازمدت تجارتي پایاپای با مجارستان گردید. حمایت آلمان شرقی از عراق در مناقشه شط العرب سبب شد که ایران تجارت بین ایران و آلمان شرقی را محدود ساخته و از تلاش آلمان غربی در جلوگیری از عضویت آلمان شرقی، در سازمان بهداشت جهانی حمایت نماید. در تنها رویداد مربوط به کشورهای کمونیستی که از نظر دیپلماتیک به رسمیت شناخته شده‌اند، به پنج روزنامه‌نگار کره شمالی اجازه داده شد تا به مدت یک هفته وارد ایران شده و به بررسی انقلاب سفید بپردازند.

#### ۹- دولت، پارلمان و احزاب

علیرغم وجود شایعات در مورد برکناری وی، نخست‌وزیر هویدا در این دوره همچنان رئیس دولت بود. واقعیت امر این است که در نتیجه تغییرات شخصی در کابینه و دیگر ادارات دولتی، وی از موقعیت نیرومندتری برخوردار شده است. ایجاد تغییرات دو مرحله‌ای ماههای اوت و ژوئیه در کابینه سبب برکناری وزیر اقتصاد علیخانی، وزیر کشور خسروانی و وزیر مسکن و عمران نیک‌پی گردید. در این تغییر داخلی وزیر کشاورزی حسن زاهدی وزیر کشور شد، و سه چهره جدید یعنی هوشنگ انصاری به عنوان وزیر اقتصاد، ایرج وحیدی به عنوان وزیر کشاورزی و محمد یگانه به عنوان وزیر مسکن و عمران وارد کابینه شده و هر سه آنها به عنوان مدیرانی لایق و سخت‌کوش به دولت ایران افزوده شدند. برکناری علیخانی و خسروانی و نیز بازنشستگی اجباری عبدالرضا انصاری در سال ۱۹۶۸ از وزارت کشور سبب شد که افراد برجسته، و مستقل از نظر فکری که احتمالاً رقبای بالقوه نخست‌وزیر نیز به شمار می‌آمدند، برکنار شوند. افراد جدیدی که وارد کابینه شده‌اند مانند افراد سال ۱۹۶۸ جوانتر و از مهارتهای بیشتری در

زمینه‌های فنی و مدیریت برخوردارند و این امر وجهه کابینه را به عنوان گروهی متشکل از افراد حرفه‌ای که می‌توانند با نخست‌وزیر همکاری کنند، بالا می‌برد.

در زمانی که اوضاع داخلی کشور آرام است، مهمترین رویداد همین تغییرات داخلی دولتی به شمار می‌آید. سال قبل ۲۲ فقره تغییر شامل ۱۶ نفر در کابینه صورت گرفت. تغییرات مهم پرسنلی در پایان سال ۱۹۶۸ سبب وارد شدن چهره‌های جدید به سازمان برنامه و بانک مرکزی گردید. هر دوی این نهادهای اقتصادی چشمگیر از آن زمان دستخوش تحولات و یا تغییر مسئولیت‌هایی شده‌اند که وزارتخانه‌ها نیز با وجود وزیران جدید از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. به طور کلی می‌توان گفت که تغییرات مزبور سبب روی کار آمدن مدیران امروری در نقاط حساس شده و برخلاف گذشته از استعدادها و مسئولیت‌ها حداکثر بهره‌برداری صورت می‌گیرد.

روند عدم تمرکز قدرت و توزیع آن میان استانها نیز به آرامی صورت می‌گیرد مقامات منطقه‌ای وزارتخانه‌های بهداشتی و اصلاحات ارضی توانسته‌اند، هزینه‌های محلی را به خوبی تحت کنترل گرفته و بر پرسنل خود نظارت نمایند.

تغییر و تقسیم مجدد مرزی استانها و افزایش اختیارات استانداران نیز در آینده‌ای نه چندان دور صورت خواهد گرفت. انگیزه‌های جدید (غیرمستقیم) برای اصلاح آموزش دانشگاهی در نشست دوم رؤسای دانشگاهها و مقامات عالی‌رتبه آموزشی در حضور شاه و انتصاب علی‌خانی به عنوان رئیس دانشگاه تهران ایجاد شد. مقامات عالی‌رتبه دولتی در نتیجه بررسیهای سازمان بازرسی شاهنشاهی که منجر به پرده‌برداری از اختلاس در شرکت واحد اتوبوسرانی شد متقاعد شده‌اند که دولت در مبارزه خود با فساد بسیار جدی است، لیکن مجازاتهای ناچیز مسئولین تأثیر این تلاش را از بین برد.

پارلمان مانند گذشته نقش قانونگذاری خود را ایفا کرد، ولی فاقد اعتقاد و اعتماد به نفس بود. در روند تصویب لوایح هیچ‌گونه بحث و مناظره آن چنانی صورت نمی‌گرفت، و در مورد مسائلی که امکان ایجاد اختلاف را پدید می‌آورد (از قبیل کشت خشخاش، اختصاص بودجه اضطراری نظامی) درباره اجازه هیچ‌گونه بحث و مناظره‌ای را نمی‌داد. سروصدایی که از مجلس به گوش می‌رسید عبارت بود از گفتارهای عوامفربانه در مورد دشمنان ملی مانند، شرکتهای نفتی و عراق.

خسروانی دبیر کل حزب ایران در اوایل سال مزبور اعلام کرد که در نظر دارد، حزب را از وجود «عناصر فرصت‌طلب و فردگرا» پاکسازی کند، ولی کمیته مرکزی ۲۰۰ نفره حزب تنها اقدام به ایجاد تغییرات جزئی در کمیته اجرائی کرد. اختلاف درون حزبی بین گروه سنت‌گرایان خسروانی و هیئت نخبگان ادامه یافت و دبیرکل متهم شد که با استفاده از پست وزارت خود، سعی دارد حامیان شخصی و حزبی خود را به قدرت برساند، لیکن این اختلافات با برکناری خسروانی از کابینه و استعفای وی از حزب در ماه اوت خاتمه یافت. اجلاس ویژه کنگره حزبی در ماه سپتامبر حتماً تغییرات عمده حزبی و پرسنلی را به دنبال خواهد داشت.

در میان مخالفین وفادار هیچ رویداد مهمی به وقوع نپیوست. حزب مردم علیرغم اعلام حمایت شاه از نظام دو حزبی در سال ۱۹۶۸ شاهد هیچ‌گونه افزایشی در میزان حمایت از خود نبود. حزب پان ایرانیست همچنان از ناسیونالیسم سخن می‌گفت و یک «کنگره حزبی» برگزار کرد و جلسات دیگری نیز با شرکت دانشجویان ایرانی تشکیل داد. ولی هیچ‌گونه شواهدی وجود نداشت که براساس آن بتوان گفت که شاه در

نظر دارد حمایت خود از پان ایرانیسم را افزایش داده و به آن اجازه دهد که در زمینه تحریک احساسات بیش از این فعالیت نماید.

#### ۱۰- مخالفت و امنیت داخلی

کنترل دولت بر اوضاع سیاسی در دوره مزبور به طرز مؤثری اعمال می‌شد. فعالیت‌های خرابکارانه علنی محدود بود و نتایج قابل رؤیتی به دنبال نداشت. در یک رویداد کوچک، گروه اندکی مرکب از چند جوان و مردان بی تجربه که گویا عضو جناح چپکون حزب توده بودند، به اتهام طی دوره‌های چریکی دستگیر شدند، ولی فعالیت کمونیستی در ایران محدود به توزیع گهگاه نشریه‌ها می‌باشد. مخالفین هر دو جبهه کمونیست و غیر کمونیست از نظر میزان نفوذ و فرصت‌های عملی موفقیت‌های بسیار ناچیزی به دست آورده‌اند. در نتیجه رسوخ نیروهای امنیتی، مخالفین غیرقانونی دریافتند که پیشرفت‌های اقتصادی و اصلاحات اجتماعی دیگر برای آنها بهانه‌ای برای مبارزه باقی نگذاشته است.

حزب توده و دیگر ناراضیان در خارج فعالیت داشته ولی در داخل نفوذی نداشتند. برنامه‌های رادیویی روزانه حزب توده که از طریق اروپای شرقی به ایران می‌رسد کاهش نیافت، ولی پیشرفت‌های ایران را به رسمیت شناخت و سعی در توجیه و تحقیر آن کرد. دولت ایران نیز تلاش خود را برای دستیابی به دانشجویان ایرانی و دیگر افرادی که در خارج به سر می‌برند گسترش داد و رهبران پان ایرانیست را به اروپا فرستاد تا پیام انقلاب سفید را به گروه‌های دانشجویی رسانده و خواستار بازگشت داوطلبانه منتقدین سازنده دولت گردند (به پائین رجوع شود) در نتیجه تحریم سازمان دانشجویی ایرانی در اطیش به خاطر فعالیت‌های سیاسی غیرمجاز علیه شاه در اوایل سال مزبور ناراضیان تبعیدی با شکست فاحشی روبه‌رو شدند. تلاش عراق برای به کارگیری کردها و اعراب ایرانی علیه رژیم کاملاً تحت کنترل و زیر نظر دولت قرار داشت. دستگیری گروهی از پیروان جلال طباطبائی در ماه می نشان داد که آنها در نظر داشته‌اند که با کردهای ایرانی تماس بگیرند، ولی این توطئه ریشه کن شد. اکثر کردهایی که به جرم فعالیت‌های ضد دولتی دستگیر شده بودند، آزاد گردیدند. جمعیت عرب ایرانی نیز هیچ‌گاه نسبت به درخواست‌های رادیویی عراق مبنی بر قیام برای آزادسازی «عربستان» (خوزستان) از ایران عکس‌العمل مثبت نشان نمی‌دادند.

در داخل کشور دسایس خارجی با درج مقالات، و انتشار گسترده و مخفی کتابی که در آن از نخست‌وزیر و سخنگوی پارلمان به‌عنوان اعضای فرقه فراماسونری یاد شده از سرگرفته شد و این افراد متهم شدند که بازیچه سرویس اطلاعاتی انگلستان می‌باشند. برای خنثی‌سازی تأثیر این عمل، فهرستی از اسامی افرادی انتشار یافت که در آن از آن دسته از اعضای کابینه که در آمریکا تحصیل کرده بودند به‌عنوان عمال سازمان سیا یاد شده بود. گرچه این امر سبب بروز اقدامات تلافی‌جویانه دشمنان می‌شد، ولی هیچ‌گونه بحران جدی به دنبال نداشت و فقط احتمالاً میزان نفوذ عده‌ای را کاهش می‌داد. التهاب و تشنج ناشی از این کتاب و آن فهرست نشان می‌داد که موضوع دیگری وجود نداشته تا سیاست‌های داخلی را به خود سرگرم کند.

علیرغم موضع قوی خود، دولت همچنان نسبت به ابراز مخالفت‌ها حساس بود. کنترل مطبوعات و سانسور با شدت بیشتری دنبال می‌شد. در نتیجه ملی شدن تنها شبکه تلویزیونی کشور فرصت ابراز عقاید

به نحو مستقل نیز از میان رفت، و دولت گویا در نظر گرفته‌است که تعداد نشریات مطبوعاتی را کاهش بخشد. ناآرامیهای دانشجویی چندان زیاد نبود، و به شکل تحریم محدود کلاسها در حمایت از شکوایه‌های محلی تجلی می‌یافت. کارگران نیز گهگاه در حمایت از شکوایه‌های محلی دست به اعتصابات محدود و یا کاهش سرعت کار می‌زدند، ولی در این موارد نیز دولت به سرعت وارد عمل می‌شد تا به اعتصابات خاتمه دهد و در صورت لزوم بعضی از افراد را دستگیر کرده و یا به خدمت سربازی می‌فرستاد تا از در سازش درآیند، در میان بازاریها و رهبران مسلمان نیز هیچ‌گونه مخالفت متشکل رؤیت نشده و برنامه حمایت دولت از رهبران جوانتر شیعه ظاهراً سبب مقبول واقع شدن تغییرات اجتماعی و روند مدرن‌سازی نزد آنها گردیده‌است.

در تلاش محدودسازی مداوم چند اقدام در جهت ایجاد فضای آزاد سیاسی تقریبی صورت گرفت. در میان کارگران صنعتی تشکیل سازمانهای کارگری تحت کنترل مجاز شمرده شد. به دانشجویان نیز اجازه داده شد که برای خود تشکیلات دانشجویی بزرگ تشکیل دهند، ولی میزان فعالیت دانشجویان در امور فوق درسی هنوز هم محدود می‌باشد. طی برنامه‌ای دولت به آن دسته از مخالفین خود که در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برند اجازه بازگشت به کشور را داد مشروط بر آنکه با اشتغال در سمتهای غیرحساس به عمران کشور کمک نمایند. انتقاد از گروههایی از دولت مانند شهرداریها و مسائل گذرا نیز مجاز شمرده شد. گرچه هدف از این اقدامات ایجاد جامعه آزاد آن چنانی نبود و در حقیقت بعضی از آنها سبب تحت کنترل درآمدن تغییرات اجتماعی می‌شد، ولی نوعی سوپاپ اطمینان را در کشور به وجود آورده بود. با این وصف، تا زمانی که حجم این فشارها به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش نیافته، نمی‌توان انتظار تغییرات عمده‌ای را در نحوه کنترل اعمالی در داخل کشور داشت.

#### سند شماره (۴)

تاریخ: ۲۸ اوت ۱۹۶۹ - ۶ شهریور ۱۳۴۸  
از: سفارت آمریکا در ایران

به: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: اصلاحات ایران

#### فهرست مطالب

- خلاصه و مقدمه
- ۱- اصلاحات ارضی
- ۲- ملی شدن جنگلها
- ۳- فروش سهام کارخانجات دولتی
- ۴- سهام شدن کارگران در سود کارخانه‌ها
- ۵- اصلاح قانون انتخابات
- ۶- سپاه دانش
- ۷- سپاه بهداشت
- ۸- سپاه ترویج و عمران
- ۹- خانه‌های اصناف و شوراهای داوری



۱۰- ملی شدن منابع آب

۱۱- بازسازی کشور

۱۲- انقلاب اداری و آموزشی

۱۳- اقدامات دیگر

### خلاصه و مقدمه

همزمان با پیشرفت اقتصاد ایران و برخورداری کشور از ثبات بی سابقه، شاه نیز به تلاش‌های خویش ادامه داده تا شهرت خویش را به عنوان یک فرد نوگرا و ایجادکننده اصلاحات حفظ نماید. او هنوز هم شبیه مردی عجول است که خواهان شتاب بخشیدن بیشتر به سرعت روند عمران اقتصادی ایران است. بخش اعظم شهرت عمومی وی بر تمایل و خواست او برای به کرسی نشاندن این نظریه استوار است که او سلطانی امروزی و علاقه‌مند به رفاه مردمش می‌باشد و برای پیشرفت ملتش تلاش می‌کند.

از زمان اعلام انقلاب سفید شش ماده‌ای در سال ۱۹۶۳، پیگیری اصلاحات به صورت مهمترین مسئله روزمره در حیات ایران در آمده‌است. این برنامه اولیه در سال ۱۹۶۵ شامل ۹ ماده و بعدها دوازده ماده شد. اقدامات اصلاحی دیگری نیز در کار انقلاب سفید انجام شده تا این نظریه که شاه حامی تغییر و پیشرفت ایران است بیش از پیش تقویت گردد.

بعضی از این برنامه‌ها پرمعنی بوده و بعضی دیگر نه. ولی اکثر آنها در زمینه اصلاحات تأثیراتی کلی برجای می‌نهند. از نظر یک ایرانی عامی، نیمی از یک قرص نان از هیچ بهتر است و به همین دلیل بخش عظیم تبلیغات دولتی همراه با برنامه‌های جدید را به خاطر مقدار پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور تحمل می‌کند. ممکن است که خود او در زمینه افزایش میانگین درآمد سرانه نقش چندانی نداشته باشد، ولی امیدوار است و به این دلخوش که شاید فرزندان او یا نوه‌هایش از وضع بهتری برخوردار شوند. البته در روند مزبور همیشه خطر بیدار شدن و تحریک افزایش چشمداشتها و توقعات نیز وجود دارد. با این حال اگر قرار بر این باشد که شاه همچنان تلاش کند تا نشان دهد که خواهان تغییر و پیشرفت ایران است، ضرورت اصلاحات همیشه در دستور کار قرار خواهد داشت. (پایان خلاصه و مقدمه)

### ۱- اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی که قلب انقلاب سفید شاه را تشکیل می‌دهد، از چند مرحله گذشته است. در اولین مرحله زمینداران بزرگ می‌بایست تمام زمینهای خود را به استثنای یک روستا به دولت بفروشند. تا میان دهقانانی که بر روی زمین کار می‌کنند تقسیم شود. براساس مرحله دوم مالکین یک روستا می‌توانستند یا باقیماندهٔ املاک خویش را به دهقانان بفروشند، یا املاک خویش را در میان دهقانان تقسیم کرده و قسمتی را برای خود نگاهدارند و یا زمینهای خود را به‌طور سی ساله اجاره دهند. تا بهار ۱۹۶۹، حدود ۲۰۹۷۰۸ مالک زمینهای خود را اجاره دادند که در نتیجه ۵۴۱۸۳ (از ۶۲۰۰۰) روستای کشور، ۱۹۰۲۰ مزرعه و ۲۴۱۴۴۴۷ زارع مستقیماً از شرایط و مواهب اصلاحات ارضی بهره‌مند شدند.

همزمان با دو مرحله اول اصلاحات ارضی، تعاونیهای روستایی ایجاد شد تا اعتبار لازم، بذر و سوخت ارزان قیمت و دیگر خدمات سپاه ترویج و زارتخانه‌های اصلاحات ارضی و کشاورزی را در

اختیار اعضای تعاونی قرار دهند. تاکنون ۶۸۰۰۰ تعاونی و با مجموع اعضای مساوی ۱۲۷۸۳۸۹ نفر در ۲۳۶۹۷ روستا و با کل سرمایه‌ای معادل ۱۹ میلیون دلار (حدود ۲۲۰۰ دلار برای هر تعاونی) تأسیس گردیده‌است.

در اثر اجرای دو مرحله اول اصلاحات ارضی وضع بخش کشاورزی بهبود یافت. میانگین افزایش ۳/۴٪ تولید کشاورزی در پنج ساله گذشته نیز به‌عنوان دلیلی در اثبات کارایی برنامه مزبور مطرح شده، ولی بهبود وضع آب و هوا به‌عنوان یک عامل مؤثر را هم نباید نادیده گرفت. بانک کشاورزی یعنی مهم‌ترین منبع وام‌های کوچک برای کشاورزان، حدود ۱/۶ میلیون وام به ارزش کلی ۱۵/۶ میلیارد ریال (کمی بیش از ۲۰۰ میلیون دلار) طی پنج سال گذشته ارائه کرده است. سپاهیان ترویج و تعاونیها ارائه بذره‌های اصلاح شده به کشاورزان را آغاز کرده‌اند. تعاونیها با همکاری شرکت ملی نفت ایران سوخت ارزان قیمت را در اختیار زارعین قرار می‌دهند. ایجاد بعضی از مراکز بازاری برای اینکه دهقانان بتوانند از شر واسطه‌ها خلاص شوند، می‌تواند نویدبخش درآمدهای بیشتر برای زارعین و بهتر شدن وضع کنترل بر بازار باشد. دهقانان از طریق تعاونیها میزان مشارکت در امور روستاها را افزایش داده‌اند، زیرا ساکنین روستاها هیئت مدیره تعاونی را از میان خودشان انتخاب می‌کنند. مکانیزه شدن کشاورزی از طریق خرید ماشین آلات کشاورزی از تعاونیها، تسریع شده‌است. فنون مدرن کشاورزی نیز به وسیله اعضای وزارت سپاه ترویج و مشاورین تعاونیهای وزارت اصلاحات ارضی به دهقانان آموخته می‌شود، در زمینه گسترش تعاونیها فعالیتها و اقدامات بسیاری باید انجام شود، ولی حرکت به خوبی آغاز شده‌است.

روستاییان عموماً به تلاشهایی که دولت به خاطر آنها انجام می‌دهد، واقفند. به طور مثال، روستاهای دور افتاده که قبلاً در دسترس دولت مرکزی نبود و نمایندگان آن تنها برای دریافت مالیات و یا سر بازگیری به آن نقاط می‌رفتند، اکنون از نعماتی چون تعاونیهای زراعی و فنون پیشرفته زراعی برخوردارند. با این حال علیرغم پیشرفتهای حاصله در زمینه اصلاحات ارضی باید گفت که اکثر روستاییان هنوز به صورت رعیت زندگی می‌کنند، گرچه اکثر آنها مانند گذشته در محصول سهیم نبوده و درآمد حاصل از کشت نیز افزایش چندانی نیافته است. به منظور ایجاد بهبود بیشتر در این وضع، سومین مرحله اصلاحات ارضی در دو بخش آغاز گردید.

اولین لایحه قانونی مهم مربوط به مرحله سوم اصلاحات ارضی، لایحه شرکتهای سهامی زراعی است. براساس این قانون پانزده شرکت سهامی که معمولاً از آنها به عنوان شرکتهای زراعی یاد می‌شود تأسیس گردیده و طی برنامه چهارم عمرانی نیز قرار است ۱۱۰ شرکت دیگر ایجاد شود.

چنین شرکتی زمانی می‌تواند تأسیس شود که ۱۵٪ از زارعین، رعایا و مالکین در یک روستا و یا گروهی از روستاهای مجاور هم از دولت اجازه تأسیس یک شرکت زراعی را بخواهند. در صورت دریافت جواز، تمام زارعین باید برای مدت ۵ سال حتماً عضو شرکت باقی بمانند. سپس کلیه اعضا یک گروه پنج نفره هیئت مدیره مرکب از سه عضو دائم و دو عضو علی‌البدل را بر می‌گزینند. مدیرکل شرکت که به وسیله وزارت اصلاحات ارضی انتخاب می‌شود، مهندسی است که به شرکت در اجرای تصمیمات آن یاری می‌دهد.

هدف از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی انجام کشتهای وسیع در سراسر ایران است. در عین حال که افزایش سطح تولیدات کشاورزی خواست و آرزوی همگان است، معلوم نیست وقتی که زارعین کوچک

دریابند که هدف از ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی تغییر برنامه اصلاحات ارضی است چه عکس‌العملی نشان خواهند داد. مالکیت مزرعه از آن زارع است، ولی شرکت زراعی آن را تحت کنترل خویش می‌گیرد. این موضوع زمانی روشن خواهد شد که شرکتها نوع کشت زارعین را مشخص کنند و یا زارعین بفهمند که بدون اجازه شرکت حق فروش زمینهای خویش را ندارند. اگر قرار بر این باشد که مالکیت سهام یک شرکت زراعی از نظر روانی مالک یک قطعه زمین را ارضاء کند، باید منافعی را نیز برای شرکا در برداشته باشد.

لایحه قانونی دیگری که براساس آن رعایای زارع می‌توانند صاحب زمین شوند، به عنوان دومین بخش مرحله سوم اصلاحات ارضی، در اوایل سال ۱۹۶۹ وضع گردید. براساس این قانون زارعین پس از پرداخت اجاره‌بها به مدت دوازده سال صاحب زمین می‌شوند. (رقم دوازده سال به عنوان ارزش تقریبی زمین انتخاب شده بود)، برای اینکه پرداخت اجاره‌بها به مالکین تضمین شده باشد، دولت اعلام نمود که در صورت عدم پرداخت وجوه مورد نظر دولت اوراق قرضه صنعتی در اختیار مالکین قرار خواهد داد. آنها نیز می‌توانستند با استفاده از این اوراق در ایجاد صنایع کوچک و یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعتی عمرانی مورد تأیید دولت شرکت کرده و یا زمینهای بایر و یا کشت نشده‌ای را خریداری کنند. این قانون که به سرعت به مرحله اجرا درآمد، افق جدیدی را بر روی زارعین که به صورت رعیت و یا به صورت سهام شدن در محصولات، بر روی زمین کار می‌کردند گشود و تضمین می‌نمود که بالاخره آنها نیز به صورت مالکین زمینهای کوچک خویش درمی‌آیند.

## ۲- ملی شدن جنگلها

طی چند سال گذشته، دولت ۱/۱ میلیون هکتار جنگل و زمینهای قابل کشت را ملی اعلام کرد (قسمت دوم زمینهای جنگلی دولتی بود که به صورت غیرقانونی تصرف شده و پس از صرف کار چندین ساله به زمینهای قابل کشت تبدیل شده بود). در عین حال که مقداری از این زمینها، به خصوص در میان دشتها، برای توسعه کشاورزی به زارعین فروخته خواهد شد، ولی بخش اعظم زمینهای جنگلی توسعه خواهد یافت، به این امید که ایران بتواند مقدار قابل توجهی چوب و الوار را همزمان با تجدید جنگلهای خویش تولید نماید.

به این منظور وزارت منابع طبیعی با کمک سازمان ملل از طریق جنگل‌کاری و کاشت درختان متنوع و مناسب با شرایط جوی و خاکی هر منطقه سعی در بهبود وضع جنگلها دارد. این وزارتخانه برای افراد و شرکتهایی که در برنامه جنگل‌کاری وزارتخانه شرکت می‌جویند، در زمینه مدیریت کمکهایی ارائه می‌کند. در حال حاضر، این وزارتخانه سرگرم سه پروژه برای بهره‌برداری از محصولات جنگلی است. کوچکترین این پروژه‌ها (که مدیریت آن به خوبی انجام می‌شود) شامل ۱۴/۰۰۰ هکتار زمین جنگلی است، دومین پروژه ۵۰/۰۰۰ هکتار زمین را در برمی‌گیرد، و سومین آنها در برگیرنده ۸۰/۰۰۰ هکتار زمین جنگلی می‌باشد. شرکتی که برای انجام پروژه نخست تأسیس شده به خاطر فقدان تجهیزات سنگین با یک سوم ظرفیت خویش کار می‌کند. پس از انعقاد و قراردادی با وزارتخانه مزبور، یک شرکت متعلق به رومانی با اجرای پروژه سوم تجهیزات سنگین موردنیاز را وارد خواهد کرد. یک هیئت از کشور رومانی حدود یک سال قبل به ایران سفر کرد تا به بحث و تبادل نظر در مورد این پروژه بپردازد و مطبوعات نیز

مردم را در جریان این ملاقاتها قرار می‌دادند.

### ۳- فروش سهام کارخانجات دولتی

براساس دو فاز اول اصلاحات ارضی، مالکین می‌توانستند در قبال زمین یا اوراق قرضه دولتی ۶ درصد و یا سهام کارخانجات دولتی که دارای ۶ درصد سود تضمینی سالانه بود دریافت نمایند. به همین منظور ۵۵ کارخانه دولتی به ارزش ۲/۷ میلیارد ریال براساس قانون مزبور ثبت گردید. تاکنون، هشت کارخانه (دو کارخانه قند، دو کارخانه تولید روغن نباتی، یک کارخانه کنسروسازی و یک کارخانه صابون و کارخانه تولید گلیسرین) به‌طور کامل به افراد غیر دولتی فروخته شده است. در سه مورد دیگر یعنی کارخانه‌های قند، از طریق فروش بیش از ۵۰٪ سهام، کنترل کاملاً در اختیار مالکین بخش خصوصی قرار داده شده است. موانع موجود در سر راه خرید بقیه کارخانه‌ها که اکثراً کارخانه‌های نساجی هستند، عبارت است از میزان سرمایه‌گذاری هنگامت مورد نیاز برای بالابردن کارایی کارخانه‌ها و مشکل کاهش شمار کارگران غیر ضروری. مشکل دوم در دسرهایی را چه برای دولت و چه برای صاحب کارخانه پدید خواهد آورد. به هر حال فروش کارخانجات دولتی هیچ‌گاه با موفقیت رو به رو نبوده است، و حتی یکی از نشریات دولتی نیز مجبور شده است اعتراف کند که «مردم به خرید سهام این کارخانه‌ها علاقه چندانی نشان نداده‌اند».

### ۴- سهام شدن کارگران در سود کارخانه‌ها

قانون و مقررات مربوط به سهام شدن کارگران در سود کارخانجات تصریح می‌دارد، که کارگران باید ۲۰٪ منافع کارخانه‌ها و شرکتها را دریافت کنند. طی پنج سال گذشته حدود ۱۲۸/۰۰۰ کارگر قراردادهای سهام شدن در سود کارخانه‌ها را با مدیریت آنها امضاء کرده‌اند. ولی بررسیهای اخیر نشان می‌دهد که بسیاری از کارگران کارخانه سودی کمتر از ۲۰٪ قید شده در قانون را دریافت می‌نمایند. در صنایع سودآورتر درآمد کارگران خیلی کمتر است. به ما گفته شده که مدیریت با تأیید دولت در حال طفره رفتن و شانه خالی کردن از زیر بار این امر است، چون دولت نیز نمی‌خواهد با بالا بردن هزینه کارگری در ایران مهار عوامل تورم را در رابطه با اقتصاد کشور از دست بدهد. ولی دولت بنا به دلایل سیاسی به تبلیغ در مورد حقوق قانونی کارگران می‌پردازد و کارگران ایرانی (همان‌طور که در سمینار سالانه سهام شدن کارگران در سود کارخانجات در تهران نشان داده شد) بیش از پیش به حقوق خود واقف شده‌اند (به الف - ۱۱۵ رجوع شود).

در اینجا می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجرای شدیدتر قانون سهام شدن در سود در ایران دشوار است و علت آن نیز درست همان علت کمبود مشارکت در بازار سهام است. چون در هر دو مورد صورت حسابها باید دقیق و آشکار باشد، که پیامد آن مسائل جالبی از قبیل مالیات، مبلغی که باید به دولت پرداخته شود و مسائل دیگر مطرح می‌شوند.

بنابراین بی‌انصافی نیست اگر فرض شود که صاحبان کارخانه‌ها، نمایندگان کارگران و نمایندگان وزارت کار که در یک گردهمایی پیرامون مبلغ قابل پرداخت به هر کارگر چک و چانه می‌زنند، در مورد مزبور توافق می‌کنند، هنوز موقع آن نرسید که از نمایندگان کارگری انتظار داشته باشیم که سود، هزینه،

درآمد خالص و مسائل دیگر مربوط به صاحبان کارخانه‌ها را به زیر سؤال بکشند و علیرغم حسن تفاهات نهفته در پیشنهاد اولیه، کارگر ایرانی احتمالاً می‌داند که خود بازیچه دست صاحب کارخانه و دولت شده است.

## ۵- اصلاح قانون انتخابات

وزارت کشور در زمان وزیر اسبق عبدالرضا انصاری با بهره‌برداری از تغییرات موجود در قانون انتخابات به مشخص کردن روشها و مکانیزم روند انتخابات پرداخت. در نتیجه، ایران توانست در ماه اوت ۱۹۶۷ یک انتخابات پارلمانی آرام و سراسری را برگزار نماید و پس از آن نیز انتخابات انجمن شهر را در ماه اکتبر ۱۹۶۸ (به الف - ۸۶۴ رجوع گردد) در شهرهای بزرگ و شهرکها به اجرا گذاشت. دستورالعملهای مربوط به انتخابات و صندوقها جمع‌آوری آرا به سرعت اعلام شد و به این ترتیب رأی‌گیری در مدت یک روز و در سرتاسر کشور انجام گرفت. یک شبکه ارتباطاتی بسیار مؤثر متمرکز در تهران باعث می‌شد که نتیجه انتخابات در عرض چند ساعت اعلام شده و نشانگر پیشرفت سریع ناشی از برنامه اصلاح انتخابات شاه باشد. این انتخابات با انتخابات دوران قبل از اجرای برنامه اصلاح قانون انتخابات شاه تفاوت بسیار داشت، زیرا در آن زمان رأی‌گیری چند روز طول می‌کشید و امکان جلوگیری از تقلب نیز وجود نداشت. علیرغم کارایی جدید و صمیمانه دولت، انتخابات از نظر معیارهای غربی به صورت آزاد و آشکار برگزار نشده بود. نتایج قبلاً تعیین شده بود و هیچ‌گونه اختلاف انتخاباتی نیز وجود نداشت، که قبل از رأی‌گیری حل نشده باشد. اصلاح انتخابات در فوت و فن انتخابات بهبودهایی را پدید آورده و می‌تواند برای مبارزات سیاسی آینده مقدمه خوبی باشد، اما برگزاری انتخابات واقعی به اصلاحات سیاسی اساسی بستگی دارد.

## ۶- سپاه دانش

از زمان آغاز این برنامه یعنی شش سال قبل، ۵۲/۰۰۰ جوان سرباز در سپاه دانش شرکت جسته و به ۱/۵ میلیون ایرانی در ۱۷/۰۰۰ روستا خواندن و نوشتن را یاد داده‌اند. سپاهیان دانش در زمینه احداث مدارس، حمامهای عمومی، مساجد و جاده‌های هزاران روستا نقش مؤثری را ایفا کرده و حدود ۳ میلیون درخت کاشته‌اند. در حال حاضر ۹۰۰۰ سپاهی در ۷۰۰۰ روستای کشور مشغول کار هستند، از زمان آغاز برنامه این بیشترین تعداد روستایی است که تحت پوشش سپاه دانش درآمده است. پس از ایجاد یک برنامه آموزشی صحیح و مناسب در روستاها توسط سپاه دانش، معلمان وزارت آموزش و پرورش جهت ادامه کار به نقاط مزبور اعزام خواهند شد.

در سال جاری، دولت ایران اولین اعزام گروه از زنان را به عنوان سپاه دانش اعلام نمود. هم‌اکنون دو هزار زن جوان در سنین بین ۱۹ تا ۲۸ سال در مناطق روستایی به خدمت مشغولند. دولت امیدوار است که سپاهیان مؤنث بتوانند زنان و دختران روستایی را به کلاسها جذب کنند چون تا به حال هیچ یک از آنها به حضور در کلاسهای دارای معلمان مذکر تمایلی نشان نداده‌اند. (در روستاهایی که مورد بازدید مقام سفارت قرار گرفته درصد دختران در مقایسه با پسران حاضر در کلاسهای سپاهیان دانش ۱ به ۱۰ بوده است.)

برنامه سوادآموزی یکی از موفقترین برنامه‌های اصلاحی شاه و عامل مهمی در دو برابر شدن میزان با سوادی از سال ۱۹۵۶ تا کنون بوده است. یکی از منابع جنبی برنامه نیز این است که سپاهیان پس از اتمام دوره خدمت سربازی به حرفه تعلیم و تعلم جذب می‌شوند.

بیست هزار نفر از آنهایی که در برنامه‌های شش سال اول شرکت داشتند، تصمیم گرفتند، به عنوان معلم به وزارت آموزش و پرورش بپیوندند.

در خلال دو سال گذشته، وزارتخانه به صورت فزاینده‌ای با مشکل جذب آنها به حرفه معلمی مواجه بوده، زیرا اکثر آنها پیشنهاداتی برای دریافت پول و شرایط شغلی بهتر در صنایعی که جدیداً در شهرها تأسیس می‌شوند، دریافت نموده‌اند، معذالک وزارتخانه امیدوار است زنان سپاه ترویج احتمالاً به ادامه تدریس بپردازند و در نتیجه منابع انسانی وزارتخانه را تقویت نمایند.

مهمترین انتقادی که از این برنامه به عمل می‌آید مربوط به عدم پیگیری برنامه است. پس از آن که یک روستایی قادر به خواندن و نوشتن می‌شود، هیچ کار دیگری در مورد وی انجام نمی‌شود. در صورت عدم تقویت برنامه‌های بعدی از نظر دولت یک روستایی به محض باسواد شدن از نظر آماری به صف باسوادها پیوسته و در همان حال می‌ماند و ادامه یا قطع باسوادی وی نیز حائز اهمیت نیست.

#### ۷- سپاه بهداشت

در حال حاضر ۱۷۴۱ پزشک، دندانپزشک و داروساز و ۳۷۲۹ کمک پزشک در ۵۰۰ تیم مختلف مشغول انتقال تسهیلات عادی بهداشتی به روستاهایی از کشور هستند که هرگز از موهبت‌های درمانی برخوردار نبوده‌اند. (در برنامه عمرانی چهارم باید ۶۰۶ تیم به وجود آید).

اعضای تیم علاوه بر انجام کارهای پزشکی، بر کار احداث لوله‌های آب، حفر چاه، بهداشت محیط و فعالیتهای مربوطه نظارت می‌کنند.

در مورد شمار روستاهای بهره‌مند از خدمات سپاهیان بهداشت هیچ‌گونه آماری ارائه نشده است. اکثر روستاها هنوز از این گونه خدمات بهره‌مند نشده‌اند، ولی بدون شک حضور سپاهیان برای کسانی که تاکنون به دست فراموشی سپرده شده بودند، محسوس و ارزشمند می‌باشد.

از آنجا که استخدام افراد مایل به خدمت دشوار است، دولت ایران برای افزودن به شمار سپاهیان بهداشت در صدد اعزام دانشجویان رشته پزشکی به دیگر استانهاست. این امر مخالفت بسیاری از چهره‌ها و اساتید پزشکی را برانگیخته چون معتقدند که دانشجویان از چنان صلاحیتی برخوردار نیستند که بتوانند به عنوان پزشک و یا مشاور پزشکی عمل کنند. در کنفرانس انقلاب آموزشی که در شیراز برگزار گردید، شاه به دانشجویان پزشکی توصیه نمود که در برنامه مزبور شرکت نمایند.

حضور سپاهیان بهداشت مانند حضور سپاهیان ترویج، گذشته از اینکه دانشجویان دارای درجه پزشکی باشند یا نباشند می‌تواند به صورت یک عامل روانی به روستاییان نشان دهد که دولت به رفاه آنها چشم دوخته است.

#### ۸- سپاه ترویج و عمران

در طول مدت پنج سالی که از پیدایش سپاه ترویج و عمران می‌گذرد، ۸۵۰۰ سپاهی به عنوان کارآموز

در استانها به کار و فعالیت پرداخته و نه تنها به تدریس روشهای کشاورزی امروزی مشغول بوده‌اند، بلکه روستاییان را تشویق کرده‌اند که به انجام پروژه‌های خودیاری در روستاهایشان بپردازند. این سپاه از این نظر مورد انتقاد واقع شده که افراد صلاحیت‌داری را برای تدریس روشهای کشاورزی به روستاها اعزام نمی‌دارد. که مقامات سپاه ترویج نیز در رد انتقادات می‌گویند که اداره ترویج کشاورزی قادر نیست افراد مروج عادی را به نقاط دورافتاده اعزام نماید و وجود سپاهیان ترویج بهتر از هیچ است. اعضای سپاه دانش متخصصین مجرب کشاورزی نمی‌باشند، ولی همه آنها کسانی هستند که از میان فارغ‌التحصیلان دوره دبیرستان انتخاب می‌شوند و مسائل مربوط به کشاورزی را نیز در دبیرستان فرا گرفته‌اند. علاوه بر این قبل از اعزام به محل مأموریت مقداری آشنایی نیز با برنامه مورد نظر پیدا می‌کنند. نکته مهم دیگر این است که آنها به عنوان یک کانال ارتباطی بین دولت و روستاها و بالعکس عمل می‌کنند. از نقطه نظر روانشناسی نیز حضور آنها در خدمت مجاز به غیبت از محل مأموریت خویش نیست. روستاها نشانگر علاقه دولت به روستاییان است. یک عضو سپاهی پس از اعزام به محل مأموریت باید برای مدت هیجده ماه در آنجا خدمت کند و تا پایان مدت خدمت مجاز به غیبت از محل مأموریت خویش نیست.

بنا به گفته مقامات سپاه ترویج، بسیاری از کسانی که به استانها اعزام می‌شوند، از نوعی ذوق میسیونری و علاقه به انجام کار خاص محوله برخوردار شده و شماری از آنها نیز پس از پایان دوره خدمتشان به وزارت کشاورزی می‌پیوندند، بدین ترتیب از نظر دولت، سپاهیان ابتدا به صورت کارآموز به کار پرداخته و در تقاطعی که از نظر عاملین ترویج وزارت کشاورزی مناسب فعالیت نیست، جای آنها را می‌گیرند.

#### ۹- خانه‌های انصاف و شوراهای داوری

از زمان ایجاد اولین خانه انصاف در دسامبر ۱۹۶۳، دولت ۱۵۷۳ خانه انصاف دیگر در مناطق روستایی ایران به وجود آورده که حدود ۲۰۰۰ روستا و توابع آنها را در برمی‌گیرد. به ما گفته شده که ۱/۵ میلیون روستایی یعنی معادل ۱۰٪ جمعیت ۱۵ میلیون روستانشین که به این مراکز دسترسی دارند. طبق برنامه‌های موجود باید حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ خانه انصاف دیگر تا قبل از پایان سال ایرانی جاری ایجاد شود (۲۱ مارس ۱۹۷۰) و دولت نیز قول داده که منابع لازم برای تأمین هزینه این سیستم کم خرج را تأمین نماید. بر طبق گزارش وزارت دادگستری هر خانه انصاف سالانه به ۲۰۰۰۰ ریال بودجه (۲۷۰ دلار) برای تأمین هزینه مربوط به میز و صندلی، لوازم التحریر و دیگر ضروریات نیاز دارد. طبق برآوردهای انجام شده، باید حدود ۱۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ خانه انصاف ایجاد شود تا نیاز کلی جمعیت روستانشین کشور برآورده گردد، و طبق پیش‌بینی‌های موجود این برنامه در مدت ده سال تکمیل خواهد شد.

خانه‌های انصاف در یاری گرفتن از نظام «ریش سفیدان» (معتمدین روستا) بسیار موفق بوده‌است. به عبارت دیگر این برنامه به نظام دیرین وجود افراد مسن و متعهد روستایی در حل مسائل مدنی روستایی رسمیت داده است. علاوه بر این صورت جلسات تهیه شده توسط این نظام را از جنبه حقوقی برخوردار ساخته که خود سطح تأثیر و کارایی آنها را نیز بالا برده‌است. مهمترین امتیاز این امر این است که در حال حاضر روستاییان می‌توانند برای حل اختلافات جزئی خود سریعاً اقدام کنند و برای این کار به خانه

انصاف مستقر در نزدیکی روستاهای خود مراجعه می‌کنند و نیاز به مسافرت به نزدیکترین شهر از بین می‌رود.

در حال حاضر ۴۹ شورای داوری ایجاد شده که در شهرکها و شهرهای ایران به جمعیت شهری کشور خدمت می‌کنند. بعضی از شهرکهای بزرگتر بیش از یک شورای داوری دارند و برای تهران سی شورای این گونه‌ای در نظر گرفته شده است.

هر شورا دارای پنج عضو است که به وسیله اهالی منطقه تابع شورا انتخاب می‌شوند و علاوه بر این دارای یک مشاور حقوقی می‌باشد که از طرف وزارت دادگستری به عضویت شورا منصوب می‌گردد. در صورتی که این مشاور نتیجه‌گیری شورا را غیر منصفانه بداند، می‌تواند پرونده را به دادگاه ارجاع دهد. این موضوع در مورد یک تا دو درصد پرونده‌ها صادق است. شورا نیز مانند خانه‌های انصاف به اختلافات مدنی که مدعی مطالبه بیش از ۱۳۰ دلار و جرایمی که مدعی مطالبه بیش از ۱۵ دلار نباشند، رسیدگی می‌کند. شوراها تاکنون بسیار موفق بوده‌اند و شوراهای فعالتر مستقر در شهرهای بزرگتر ماهانه به ۸۰۰ پرونده رسیدگی می‌کنند. وزارت دادگستری در حال حاضر از مجلس خواسته است که به شوراهای محل، اجازه رسیدگی به پرونده‌های بزرگتر را تفویض کند.

شوراها به خاطر میزان کارمند و عضویت افراد دریافت‌کننده حقوق و موقعیت شهری خویش بیش از خانه‌های انصاف به هزینه‌های بودجه‌ای نیازمند است. هزینه سالانه اداره یک شورای داوری تقریباً معادل ۶۰۰/۰۰۰ ریال (۸/۰۰۰ دلار) است. وزارت دادگستری در نظر دارد در سال جاری ۴۰ شورای دیگر ایجاد کند. به ما گفته شده که دولت ایران در سال جاری مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (۴۰۰/۰۰۰ دلار) برای اداره خانه‌های انصاف و ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (۵۳۰۰۰۰ دلار) برای اداره شوراهای داوری در اختیار وزارت دادگستری قرار داده است. خانه‌های انصاف و شوراهای داوری هر دو برنامه‌های محبوب و مردمی می‌باشند (به الف - ۷۷۵، ۱۹ اوت ۱۹۶۸ رجوع شود).

## ۱۰- ملی شدن منابع آب

منابع آبی ایران پس از تصویب لایحه ملی سازی آبها مورخ ژوئیه ۱۹۶۸ ملی اعلام شد. از نظر تئوریک این عمل باعث شده که دولت از طریق وزارت آب و نیرو بر منابع کشور کنترل بیشتری را اعمال نماید که خود منجر به بهره‌برداری سازنده‌تر از این منابع حیاتی خواهند شد نتایج ملی سازی تا به حال چندان ملموس نبوده است. هدف از ملی ساختن آنها علاوه بر حفاظت از آنها انجام بهره‌برداری علمی از منابع طبیعی نیز بود. به عنوان یک هدف دراز مدت دولت باید مناطق مهم از نظر کشاورزی را نقشه‌برداری کرده، و میزان آب موجود و میزان آبدهی آن را مشخص نماید و محدودیتها را در زمینه استفاده از آب هر منطقه تعیین نماید. این برنامه صرفه‌جویی در صورتی که با فنون بهره‌برداری بهتری توأم باشد، می‌تواند به استفاده منسجم‌تر و مؤثرتر آب منجر گردد. منابع آب در مقایسه با جنگلها توسط مالکین و زارعین با کارایی بهتر مورد استفاده قرار گرفته است. ولی به خاطر استفاده از روش آبیاری قنات (آب به میزان ثابت و بدون در نظر گرفتن نیاز در کانالهای زیرزمینی جریان می‌یابد) جهالت زارعین و زیاده‌روی در مصرف، بخش قابل ملاحظه‌ای از این منبع با ارزش طی سالهای متمادی به هدر رفته است.



## ۱۱- بازسازی کشور

شاید بتوان این برنامه را بی‌مسماترین برنامه اصلاحاتی خواند، زیرا در برگیرنده قوانین و پیشنهادات به ظاهر بی‌ارتباطی است که هیچ‌گاه جنبه قانونی نیافته و نکاتی از دیگر برنامه‌های اصلاحی را نیز تحت‌عنوان بازسازی کشور شامل می‌گردد. به طور کلی، هدف این برنامه در ابتدای امر بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی کشور به خصوص خاک و آب به سود روستاییان بوده است. ولی حدود و ثغور این برنامه توسعه یافته و برنامه‌های متنوع دیگری از قبیل احداث خانه‌های مقاوم در برابر زلزله و تهیه نقشه جامع شهرها را به‌عنوان بخشی از اصلاحات مد نظر قرار داده است.

در زمان اعلام این برنامه، سه بخش اصلی اصلاحاتی وجود داشت، اولین آنها ایجاد وزارت عمران روستایی بود. برنامه دوم شامل توسعه کاربرد سپاه ترویج بود که به مرحله اجرا درآمد. بخش سوم، تقدیم لایحه‌ای به مجلس برای ایجاد واحدهای زراعی تحت کنترل وزارت آب نیرو بود تا فنون کشاورزی مدرن از آن طریق به روستاها راه پیدا کند. بالاخره همین لایحه به لایحه شرکت‌های سهامی زراعی تبدیل شد که شرکت‌های زراعی تحت کنترل وزارت اصلاحات ارضی را پدیدار ساخت.

دو برنامه دیگری که زمانی به عنوان ماده یازدهم انقلاب سفید معرفی شده بود، عبارتند از تهیه نقشه جامع شهرها و احداث خانه‌های مقاوم در برابر زلزله، نقشه جامع تعدادی از شهرهای ایران از قبیل تهران و اصفهان تهیه شده، ولی جلب همکاری و برنامه‌ریزی بین شوراهای شهری، وزارتخانه‌ها و طرفین ذی‌نفع برای تحقق بخشیدن به این نقشه‌ها تاکنون امری بسیار دشوار بوده و هست. پس از وقوع زلزله سال گذشته در خراسان، احداث خانه‌های مقاوم در برابر زلزله از اهمیت بیشتری برخوردار شد. ولی علاقه چندانی نسبت به این برنامه وجود ندارد و روستاییان نیز نمی‌خواهند برای ساختن این‌گونه محله‌های سکونت خاص بدون کمک مالی قابل ملاحظه دولت، متحمل هزینه‌های اضافی بشوند.

بخش بازسازی کشوری انقلاب سفید گویا در اصل منعکس‌کننده برنامه‌های شاه برای بهبود وضع روستاییان از طریق کاهش بودجه برنامه‌های مختلف وزارتخانه‌ها بوده است. بعضی از برنامه‌ها جنبه قانونی پیدا کرده‌اند، لیکن میزان اصلاحات گسترش یافته تا به حال، مفهوم اصلی خویش را از دست داده است.

## ۱۲- انقلاب اداری و آموزشی

انقلاب اداری حوزه وسیعی را در برمی‌گیرد. تقریباً تمام فعالیتهای دولتی به منظور بهبود یا پاکسازی یک عملیات یا سازمان خاص تحت پوشش این برنامه واقع می‌شود. تماشایی‌ترین اکتشاف این برنامه پرده‌برداری از اختلاس در شرکت اتوبوسرانی بوده در حالی که موارد پرمعنی‌تر دیگری نیز وجود داشته است.

استقرار مجدد بازرسی شاهنشاهی در اواسط سال ۱۹۶۸ و به سرپرستی مستقیم شاه، برای شنیدن شکوایه‌های مردم در مورد بوروکراسی و انجام اقدامات سریع، حرکت اصلاحات اداری را از تحرک بیشتری برخوردار ساخت. چنین برخوردی با این مشکل دیرین که مستقیماً پسر ستیز شاه را درگیر می‌ساخت، می‌توانست از نظر روانی اذهان ایرانیان را به سوی او جلب کند، اما آنها ظاهراً امید چندانی به موفقیت این‌گونه اقدامات ندارند. بسیاری از کسانی که برای اخراج شدن برگزیده شده‌اند در کاخ سلطنتی،

کابینه یا مجلس حامیانی دارند و حمایت این‌گونه حامیان سرشناس می‌تواند، این برنامه را قبل از آغاز فعالیت نابود سازد.

اصلاحات خدمات مدنی نیز یکی از سنگهای زیربنایی اصلاح اداری است. اجرای مجموعه قوانین مصوبه پارلمان در ۱۹۶۶ که از طریق آن ۳۰۰/۰۰۰ کارمند دولتی در یک نظام پرسنلی سازماندهی می‌شوند، حدود پنج سال دیگر طول خواهد کشید. در همان حال، سازمان اداری و امور استخدامی کشوری بارها تلاش کرده‌است تا به کارمندان دولت بقبولاند که مجموعه قوانین جدید استخدامی به ضرر آنها نیست، چون هیچ‌کس را از کار برکنار نمی‌کند و آسبایی را نیز متوجه سطح درآمد آنها نمی‌سازد. ولی در این برنامه نیز شکافهایی رو به پیدایش است. سازمان طرح و برنامه وزارت امور خارجه تحت پوشش این لایحه قرار نگرفته و به آنها اجازه داده شد که سیستم کارگزینی مختص خود را داشته باشند. وزارتخانه‌های دیگر نیز با تقدیم عریضه‌هایی به مجلس خواستار معافیت از شرایط این برنامه اصلاحی شده‌اند. اصلاحات اداری یکی امتیاز نویدبخش‌ترین برنامه‌های انقلاب سفید شاه نیست و تمام پیشرفتهای مربوطه نیز حاشیه‌ای و اتفاقی بوده است. بوروکراسی ایران از دیرباز قادر به جذب امواج اصلاحی و انتقادات خشمگینانه شهروندان و در نهایت ادامه روال قبلی بوده‌است. هنگامی که بازرسی وارد شهری می‌شوند، نوعی تغییرات کوچک و مثبت ایجاد می‌شود، ولی به محض خروج آنها از نقطه مورد نظر وضع به صورت سابق برمی‌گردد.

انقلاب آموزشی در اوت ۱۹۶۸ با برگزاری کنفرانس مشهور رامسر به ریاست شاه آغاز گردید. یکی از اهداف این برنامه در اوان امر نوسازی دانشگاههای قدیمی ایران و تأمین پرسنل فنی مورد نیاز و هدف دیگر آن ریشه‌کن ساختن مشکلات دانشجویی در ایران و یا انجام اقداماتی بر علیه آنها بود. با وجود پیشرفتهایی که در این زمینه به خصوص در دانشگاه پهلوی و آریامهر صورت گرفته، ولی واقعیت این است که موفقیتها به هیچ وجه مشابه وعده‌های مطروحه در رامسر نبوده و وسعت و پیچیدگی مشکل و مسئله هرگونه خوش بینی را از بین می‌برد. دانشجویان که مستقیماً تحت تأثیر این برنامه قرار می‌گیرند. نیز ظاهراً مورد تفقد اعلامیه رامسر قرار نگرفته و گویا خط مشی ببینیم چه می‌شود را پیشه کرده‌اند. رؤسای تمام دانشگاهها به استثنای یک مورد عوض شده‌اند و اساتید جوانتر که اکثراً ایرانیهای از خارج برگشته می‌باشند به استخدام درآمده و بعضی از واحدهای درسی قدیمی‌تر با شدت بیشتر دنبال شده و واحدهای درسی جدیدتر نیز به برنامه بعضی از دانشگاهها اضافه شده و تغییرات دیگری نیز صورت گرفته است. در دانشگاههای پهلوی و آریامهر پیشرفتهای واقعی در زمینه تجدید و نوسازی روند آموزشی انجام شده است. ولی این دو دانشگاه دارای رؤسای جوان و پرتحرک می‌باشند که برای خود دستیارانی بسیار صلاحیت‌دار و شایسته دست و پا کرده‌اند. این دو دانشگاه اخیراً تأسیس شده و مشمول تغییر در فنون تدریس و تسهیلات آموزشی دانشگاههای دیگر از جمله دانشگاه تهران نبوده‌اند. این واقعیت نیز نباید نادیده گرفته شود که این دو دانشگاه جایگاه ویژه‌ای را در صحنه آموزشی کشور دارا می‌باشند، زیرا به میزان قابل ملاحظه‌ای توجه مردم را به شاه معطوف می‌دارند. آینده نشان خواهد داد که آیا پویایی و رشد امیدوارکننده دانشگاههای آریامهر و پهلوی جنبه نهادی خواهد یافت، یا اینکه تحت تأثیر شرایط ضروری صورت گرفته و در آینده دستخوش تغییرات حادی خواهد شد. با این حال به دو شکوائیه بسیار مهم که یکی اصلاح دانشگاهها (منظور دانشگاه تهران) است و دیگری مشارکت دانشجویی، به مفهوم

واقعی پرداخته نشده و به ناچار باید چنین نتیجه‌گیری کرد که علیرغم تحرک ایجاد شده در انقلاب سفید از طریق انقلاب آموزشی و از بین رفتن مسائل جزئی توسط همین انقلاب، انقلاب آموزشی نتوانسته است بسیار از موانع موجود در راه اصلاح برنامه آموزشی کشور را از میان بردارد.

### ۱۳- اقدامات دیگر

طی چند ماه گذشته اقدامات دیگری نیز صورت گرفته تا منعکس‌سازنده حس تحرک در انقلاب سفید باشد. حمایت مالی از کارمندان دولت، وعده ایجاد شرایط کاری بهتر در مورد صنعت فرش بافی، برخورد بهتر با خدمتکاران منازل، ایجاد یک «فرهنگستان» به منظور تخلص زبان فارسی، و تشکیل شورای عالی انجمن ملی خانه فرهنگ روستایی، نمونه دیگری از تلاشهای دولت می‌باشد. مطبوعات با بعضی از این موارد چند روزی برخورد می‌کند، ولی به تدریج دنباله آن را رها می‌کنند و نشان می‌دهند که گرچه دولت به این اقدامات شدیداً توجه دارد، ولی اشاعه آنها به این خاطر صورت می‌گیرد که حرکت و پیشروی برنامه اصلاحی حفظ شود.

در واقع، پیشرفتهایی که در مورد آنها تبلیغاتی صورت نمی‌گیرد به طور مداوم در سراسر کشور انجام می‌شود، جاده‌های بسیاری در دست احداث است (گرچه وجود جاده‌های بسیار زیاد دیگری برای کشور ضروری است)، برق هر روز به روستاهای بیشتری رسانیده می‌شود، سیستمهای آبیاری و حمامهای عمومی در دست احداث است و خانه‌های فرهنگ روستایی نیز گشایش می‌یابد، همان‌گونه که قبلاً گفته شد سطح افراد باسواد کشور دو برابر شده، شمار دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دوره دبیرستان از ۷۷ هزار به ۳۵۹ هزار نفر در مدت ده سال گذشته افزایش یافته، شمار کلی دانش‌آموزان در همان مدت از ۴۹۹۰۶۹ به ۱۳۳۶۳۰ نفر رسیده، ۱۹ ایستگاه فرستنده رادیویی و هفت ایستگاه تلویزیونی در کشور به فعالیت مشغول است، و در ایران ۳۲۵ سینما وجود دارد و دولت نیز ۳۰۰ واحد سیار سینمایی در اختیار دارد، ۱۴ فرودگاه در سرتاسر کشور در دست احداث و بازسازی است و زندگی روستاییان و شهروندان فقیر نیز رو به بهبود است. سطح حداقل دستمزد بالا رفته، به طور مثال از ۳۰ الی ۴۰ ریال در ساعت به ۶۰ ریال در ساعت در تهران و خوزستان افزایش یافته است. رادیوهای ترانزیستوری و موتورسیکلت و دوچرخه در همه نقاط کشور قابل رؤیت است. خلاصه اینکه، روستاییان و کارگران دیگر نگران تأمین معیشت روزمره خویش نیستند و می‌دانند که دیر یا زود به مقداری از «تجملات» نیز دست خواهند یافت.

### اظهار نظر

پیشروی حرکت اصلاحی گرچه ادامه داشته و گاهی نیز با وقفه‌هایی رو به رو می‌شود، ولی نکته مهم این است که پویایی خویش را به هیچ‌وجه به طور کامل از دست نداده است. محدودی از برنامه‌های برجسته‌تر مفهوم بهتری به جنبش اصلاحی داده و با تحرک هر از چند یکباره خویش حیات تازه‌ای به آن می‌بخشد. اصلاحات ارضی به نحوی از انحاء از زمان پیدایش قانون آن ادامه داشته، که آخرین مرحله آن انگیزه جدیدی را برای نهضت پدید آورده است. سپاه دانش، سپاه بهداشت و سپاه عمران همگی قادر به انجام کار مؤثرتر در محیط روستایی عاری از روابط ارباب و رعیتی بوده و میزان فعالیت آنها نیز رو به افزایش است. خانه‌های اصناف و شوراهای داوری جدیدی نیز هر روز گشایش می‌یابد. انقلاب

آموزشی، که هنوز چیزی کمتر از یک سال از عمر آن سپری شده، فعالانه به پاسخگویی در قبال مشکلات دانشگاهی ایران پرداخته، بگذریم از اینکه نتایج حاصله محدود بوده است.

دیگر بخشهای برنامه ۱۲ ماده‌ای نتایج چندان درخشانی را به همراه نداشته‌اند. ملی ساختن جنگلها و منابع آبی کشور به کندی به مرحله اجرا درآمده و در هر دو مورد چندان چشمگیر نبوده و کمک چندان به پیشرفت ایران ننموده است. فروش سهام کارخانه‌های دولتی نیز از هواداری چندان برخوردار نبوده و علیرغم ادامه تلاشهای دولت برای به فروش رساندن بعضی از کارخانه‌هایی که مقرون به صرفه نیستند، این ماده نیز با موفقیت چندان رو به رو نبوده است. برنامه سهیم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها نیز هنوز جنبه تئوریک داشته و بنا به علل مختلف بعدی است که بتواند به اهداف عالی مورد نظر دست پیدا کند. اصلاح قانون انتخابات، در مکانیزم برگزاری انتخابات ایران بهبودهایی را ایجاد کرده، اما نتوانسته است پدیدآورنده رقابتهای سیاسی واقعی باشد، بازسازی کشور را کد مانده و به‌طور کامل مفهوم خویش را از دست داده است. به اصلاحات اداری نیز بدبینانه نگریده می‌شود. برنامه اصلاحات تاکنون بیشترین تأثیر را بر بخش روستایی داشته است. روستاییان امروز که از قید سیستم ارباب و رعیتی آزاد شده‌اند یا صاحب زمین خویش هستند و یا خواهند شد، وضع زندگی شخصی و روستای آنها نیز بسیار بهبود یافته است. آنها از بسیاری از منافع جنبی انقلاب سفید بهره‌مند شده و راه برای اشتراک مساعی آنها در زمین ترقی و پیشرفت کشور هموار شده است.

منافعی که نصیب جمعیت شهرنشین کشور شده به جز چند مورد استثنایی می‌تواند تقریباً به‌طور کامل به پیشرفت عمومی اقتصاد کشور ربط داده شود و نه به برنامه خاص اصلاحی، طبقه سرمایه‌دار روبرو شد، گرچه در برنامه‌های اصلاحی نقش ندارد، ولی در کامیابی و تحرک ناشی از آن سهیم است. نیروی کار از برنامه‌های فوق بهره چندان نبرده ولی حرکتهایی نیز در این رابطه آغاز شده است. البته دانشجویان تنها کسانی هستند که مستقیماً از پیشرفتهای حاصل از انقلاب سفید بهره‌مند خواهند شد. مهمتر اینکه اگر روشنفکران جامعه اذعان نمایند که بخش اعظم جمعیت از این برنامه‌ها بهره‌مند شده و می‌شوند، خود آنها تا حدود زیادی خلع سلاح و تخطئه خواهند شد.

شهرت شاه طی چند سال گذشته دستخوش تغییرات بسیار شده است، که همه این تغییرات ناشی از برنامه‌های اصلاحی وی بوده است.

ترس پیشین روستاییان به تدریج از بین رفته و جای آن را نوعی احترام و احساس همدردی هر چند احتیاط‌آمیز گرفته است. گرچه همه ایرانیان دارای چنین حس هواداری نیستند، ولی بدون شک میزان احترام و تمجید از وی در چند سال گذشته افزایش یافته است. چون ایرانیان به‌طور کلی معتقدند و اعتراف می‌کنند که تنها خود او قادر بوده است چنین برنامه‌هایی را در مدتی این چنین کوتاه به مرحله اجرا درآورد. موفقیت وی گرچه در زمینه اصلاحات محدود بوده، ولی در خنثی‌سازی نقش منتقدینش مؤثر بوده است.

بنابراین می‌توان با اطمینان گفت که برنامه اصلاحی شاه به ایجاد ثبات سیاسی که در چند سال گذشته بر ایران حاکم بوده، کمک کرده است. این برنامه جمعیت روستایی کشور را وادار به مشارکت در پیشرفت هیجان‌انگیز کشور کرده و می‌تواند موجب از بین رفتن ناآرامی در مناطق روستایی گردد. این برنامه برای دیگر بخشهای جمعیت ایران نیز نویدهایی را به همراه داشته است. و عده‌های ادامه اصلاحات میزان

چشمداشت و توقعات را نیز بالا خواهد برد. پیشرفت اقتصادی مداوم کشور هر گونه فشار ناشی از آن را خنثی خواهد کرد، اما آگاهی نسبت به ضرورت اصلاحات دور از دسترس روز به روز زیادتر شده و اگر شاه باز هم درصد نشان دادن این امر یعنی ادامه اصلاحات در ایران و ایجاد کشوری کامیاب از نظر اقتصادی باشد، باید به دفعات با این مسئله برخوردی جدی‌تر داشته باشد.

#### سند شماره (۵)

می ۱۹۷۲ - اردیبهشت ۱۳۵۱

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

جوانان

خلاصه

«جوانان تحصیل‌کرده و فعال ایران تنها بخش کوچکی از کل جمعیت جوان کشور را تشکیل می‌دهند. با این وصف اعتقاد بر این است که مدیران آینده کشور از میان همین گروه برگزیده خواهند شد. نکته این است که با وجود این که ۵۴٪ جمعیت ایران را افراد جوانتر از ۲۴ سال تشکیل می‌دهند ولی نقطه نظرات آنها حائز اهمیت بسیار است. فعالان شهری که همیشه آماج حملات ساواک واقع می‌شوند، مخالفت خود را پنهان ساخته و فعالیت‌های خود را به تظاهرات غیر خشونت‌بار و هواداری از اعتصابات محدود کرده‌اند.»

تماسها و اطلاعات سفارت در مورد جوانان ایرانی تنها به گروه فعال تحصیل‌کرده و شهری محدود است، این گروه تنها بخش کوچکی از جمعیت جوان ایران است (۵۴٪ کل جمعیت ایران را افراد زیر ۲۴ سال تشکیل می‌دهند). اما نظرات دهقانان و کارگران جوان به خوبی مطرح نشده و حتی در زمینه آنها حرفی نیز به میان نمی‌آید. ولی اتفاق آرا بر این است که این جوانان همیشه به روش کار افراد مسن‌تر از خود پایبند بوده و نمی‌توانند گروه قابل توجه و با اهمیتی باشند. با این حال در مورد اقلیت فعال شهری مطالب بسیاری می‌توان گفت تظاهرات دانشگاهی چند سال قبل که عکس‌العمل وحشیانه پلیس را به دنبال داشت و موجب خونریزی شد در دهه ۱۹۷۰ راه را برای برگزاری تظاهرات عاری از خشونت و اعتصابات توأم با هواداری هموار نمود، چنین به نظر می‌رسد که تظاهرات دانشجویی قدرت و شدت خود را از دست داده است. جشنهای بیست و پنجمین قرن شاهنشاهی در اواخر سال ۱۹۷۱، تا حدودی موجب برانگیخته شدن اعتراضات دانشجویی گردید، ولی تعداد کمی از آنها دستگیر شدند و خشونت بسیار ناچیز بود. محاکمه اخیر خرابکاران و تروریستها نیز نگرانی و اضطراب دانشجویی را تشدید نمود، لیکن عکس‌العمل آنها برخلاف گذشته توأم با نرمش و انعطاف‌پذیری بود.

جوانان تحصیل‌کرده ایران - تکنوکراتها، بوروکراتها و فرهنگیان جوان - به طور کلی اصلاحات آموزشی انقلاب سفید را ناموفق می‌دانند. مداخله خارجی، مناقشات مربوط به تعیین اختیارات، تجهیزات و نحوه تدریس غیراستاندارد هنوز هم به قوت خود باقی است. گرچه گاهی نیز اساتید و مدیران فعال و معمولاً تحصیل‌کرده غرب پای به صحنه می‌گذارند، ولی بنا به اعتقاد دانشجویان، حضور ساواک سبب کاهش کارایی آنها می‌گردد. هر زمان اعتراض کاهش یافته، طبق گزارشات فعالیت‌های ساواک نیز کم شده است. دانشجویان و جوانان دیگر، امروز برخلاف گذشته مایل نیستند، اعتراضات خود را مطرح کنند (چون در آن زمان ساواک به نظر آنها یک سازمان چندان جدی به حساب نمی‌آمد) و رخنه مؤثر در تمام

گروه‌های مخالف سبب سرکوب هرگونه نارضایتی شده است. ظاهراً دانشجویان دریافته‌اند که اعتراضات، فراتر از نارضایتی آکادمیک معمولاً عکس‌العمل سرکوبگرانه و خشن به دنبال دارد. این عکس‌العمل توسط اعتراضات مطروحه و علنی مطبوعات و رسانه‌های دولتی علیه دانشجویان شدت بیشتری می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت که اعمال کنترل بیشتر بر تکنولوژی رو به بهبود، به سرکوب مخالفین کمک کرده‌است.

ایرانیهای جوان بر خلاف افراد مسن‌تر می‌توانند با کار در نظام موجود روحیه عصیانگر خود را مخفی نمایند. این واقعیت که سالانه حدود ۱۵/۰۰۰ ایرانی تلاش می‌کنند تا به دانشگاهها راه یابند، لیکن به دلایلی چون کمبود مالی و یا کمبود مکان، قادر به این کار نیستند خود گواهی است بر جذابیت تحصیلات عالی در ایران برای بسیاری از مردم دانشگاه و مدرک تحصیلی، گذرنامه ورود به زندگی بهتر در ایران است. با این وصف، محدودیتهای اعمالی در مورد تحصیلات عالی خسارات خود را وارد خواهد کرد چون جوانان ایرانی درمی‌یابند که آنها محتاج به تطابق و همراهی بیشتر با دستگاه دولتی ایران بوده و مباحثات سازنده (معمول در بین تمام دانشجویان دنیا) برای آنان ممنوع است. اتحادیه‌های دانشجویی و ورزشی تا حدود زیادی جایگزین مشارکتهای دیگر شده تا ذهن دانشجویان را به خود مشغول دارند این جایگزین‌سازی چیزهای دیگر به جای مشارکت دانشجویی نیز در کنترل محیط دانشگاهی در سالهای اخیر نسبتاً موفق بوده‌است، اما احتمالاً نتیجه مستقیم آن ارائه روشنفکرانی جوان و فاقد تجربه کافی به اجتماع خواهد بود. شاه و دولت در میان ایرانیهای جوان گاهی وحشت‌انگیز گاه قابل احترام و گاه قابل انزجار جلوه‌گر می‌شود. بدون شک افسران جوان نظامی به شاه و ایران وفادارند، و بخش اعظم جوانان عضو سپاهیان دانش، بهداشت و عمران و ترویج نیز از آن جمله‌اند. این گروهها دارای چنان احساس سرسپردگی و نخبگی هستند که جوانان ایرانی عموماً فاقد آن هستند. بنا به دلایلی که هنوز روشن نشده - شاید فردگرایی ایرانیها و نیز این تصور آنها مبنی بر اینکه هیچ چیزی نیست که واقعاً ارزش مبارزه را داشته باشد مرتبط است - در میان آنها هیچ‌گاه نفع عمومی مدنظر نیست.

درست یا نادرست، جوانان ایرانی معتقدند که تجهیزات و دستگاههای دولتی هیچ‌گاه مانند امروز محدود کننده نبوده است. پس از برگزاری جشنها اقدامات احتیاط‌آمیز امنیتی که در سراسر کشور برقرار شده بود، ادامه یافت چون دولت مصمم شده بود که گروههای چریکی و تروریست را سرکوب نماید. در نتیجه، گردهمایی دانشجویی و جوانان بیش از گذشته تحت کنترل قرار گرفته مباحثات سیاسی در میان این دانشجویان بیش از گذشته نادر شده است.

برای جوانان شهری و تحصیلکرده، نه اصلاحات پرجنجال و نه بهبود وضع بازار کار هیچ‌یک جذابیتی ندارند، دانشگاهها تا حدود زیادی با پذیرش تعداد بی‌شماری از جوانان محروم از نظر اقتصادی با دموکراسی همراه شده، اما برای بعضی از آنها روش تحصیل مضحک است و دانشگاه شباهت بسیاری به یک سیرک پیدا کرده است. اقتصاد کشور فعال شده، اما بیکاری واقعی و اشتغال در سطح پایین در میان جوانانی که چیزی به جز ارائه مدرک دانشگاهی ایران ندارند، افزایش یافته است. جوانان تحصیلکرده ناراضی و ناراحت هستند. آنها خواستار منافع ثروتمندان و افراد بانفوذ هستند، اما از محدودیتی که بر مشارکت آنها در حیات سیاسی ملی اعمال می‌شود، متنفر هستند.

سند شماره (۶)

می ۱۹۷۲ - اردیبهشت ۱۳۵۱

طبقه‌بندی : خیلی محرمانه

برنامه اصلاحی

خلاصه

انقلاب سفید ایران که در سال ۱۹۶۲ آغاز شد در سالهای اخیر قدری از پویایی خود را از دست داده است. برنامه اصلاحی ۱۳ ماده‌ای که قرار بود ملت ایران را وارد قرن بیستم بنماید، در زمینه‌هایی چون اصلاحات ارضی و سوادآموزی موفقیت بسیار داشته، لیکن در زمینه‌های دیگر از قبیل اصلاح امور اداری و انقلاب آموزشی موفقیت چندانی در بر نداشته است. تأثیر کل برنامه اصلاحی سبب تغییر وجهه شاه از فردی فاقد حس اعتماد به فردی علاقه‌مند به کشور و قادر به حکومت شده، لیکن فقدان حس اصلاحات سیاسی کافی در آینده مسائلی را ایجاد خواهد کرد.

در اثر پویایی وجهه شخصی شاه و قدرت اجرایی تکنوکرات‌های ذی‌صلاح ایرانی برنامه اصلاحی به صورت بخشی از حیات جامعه ایرانی درآمده است، از زمان اعلام برنامه اصلاحی ۶ ماده‌ای در سال ۱۹۶۲ اصلاحات زبانه‌زد خاص و عام گشته و تلاش‌های بسیاری صرف می‌شود تا هرگونه قانونی هر چند بی‌ربط با برنامه اصلاحی مربوط گردد.

برنامه اصلاحی ظاهراً در طول دو سال گذشته تحرک خود را از دست داده، لیکن طی سال آتی یا پس از آن مجدداً تحرک بیشتری خواهد یافت. واقعیت این است که بعضی از برنامه‌های خیالی انقلاب سفید کمک زیادی به پیشرفت ایران در سالهای اخیر کرده و شاه اغلب اوقات با غرور بسیار از موفقیت‌های خویش دم می‌زند. واقعیت این است که بعضی از برنامه‌های اصلاحی ایران سرمشق برای دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته شده است.

انقلاب سفید شامل برنامه‌های زیر است:

- ۱- اصلاحات ارضی
- ۲- ملی شدن جنگلها
- ۳- فروش سهام کارخانجات دولتی
- ۴- سهام شدن کارگران در سود کارخانه‌ها
- ۵- اصلاح قانون انتخابات
- ۶- سپاه دانش
- ۷- سپاه بهداشت
- ۸- سپاه ترویج و آبادانی
- ۹- خانه‌های انصاف و شوراهای داوری محلی
- ۱۰- ملی شدن منابع آب
- ۱۱- بازسازی کشور
- ۱۲- انقلاب اداری و آموزشی
- ۱۳- سپاه دین

نیمی از این برنامه‌ها راه را برای پیشرفت و ترقی ایران هموار کرده است. اصلاحات ارضی زیربنای

تمام برنامه‌های اصلاحی است و موفقترین آنها نیز بوده‌است و سبب آزادی دهقانان از چنگال سیستم فئودالیت‌ه غالب شده و راه را برای زمیندار شدن آنان باز کرده‌است. در نتیجه فعالیت جوانان مشمول خدمت در نظام وظیفه در مناطق استانی به عنوان سپاه دانش، سطح سواد از سال ۱۹۵۶ دو برابر شده و برنامه عمرانی سازمان ملل که مشغول اجرای برنامه‌های سوادآموزی است، اعلام کرده‌است که کشور در حال شکستن سد بزرگ بی‌سوادی است. سپاه بهداشت که تسهیلات طبی را در نقاط دور افتاده کشور فراهم می‌کند و سپاه عمران که خدماتی را در نقاط دور افتاده همین کشور ارائه می‌کند هم نتایج خوبی داشته و هم در حال گسترش است. خانه‌های انصاف عدالت را برای اولین بار در تاریخ کشور به روستاها برده است.

دیگر جنبه‌های انقلاب سفید به سادگی قابل رؤیت نیست. ملی شدن جنگلها و منابع آب به تدریج اجرا شده و نقش چندانی در پیشرفت ایران نداشته‌اند، لیکن ظاهراً در درازمدت منافع برای کشور به همراه خواهند داشت. فروش کارخانجات دولتی هواداری چندانی را برنینگیکخته و ظاهراً تلاشی است از طرف دولت برای شانه خالی کردن از زیر بار سرمایه‌گذارهای فاقد سود. سهم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها هنوز به مرحله مورد نظر نرسیده و اصلاح قانون انتخابات وضع مبارزات سیاسی کشور را بهبود نبخشیده است (واقعیت این است که این کار با وجود سیستم سیاسی موجود تحقق‌پذیر نیست و برای شاه جنبه تبلیغاتی داشته تا یک اصلاحات واقعی). بازسازی کشور ثمری نداشته و اصلاحات اداری هنوز هم با بدبینی و تردید مورد برخورد قرار می‌گیرد، و به خاطر عدم موفقیت در کمک به عدم تمرکزگرایی بوروکراسی حجیم ایران مورد انتقاد قرار گرفته است. اصلاح آموزشی که در تابستان ۱۹۶۸ با جنجال بسیار بازگشایی شد (که ما فکر می‌کردیم شاید نوعی تعادل در این نهضت اصلاح طلبانه ایجاد کند)، نتوانسته است مشکلات دانشگاهها و دانشجویان و اساتید ایرانی را حل کند و به همین دلیل همه این عناصر نسبت به اصلاحات آموزشی بی‌تفاوت می‌باشند. سپاه دین به خاطر فشارهای اعمالی از طرف ملامهایی که این برنامه را طرحی دولتی در جهت کاهش نفوذ خود در میان مردم به حساب می‌آوردند، راکد مانده است.

انقلاب سفید مهمترین تأثیر را در بخش روستایی به جا گذاشته است: در حال حاضر دهقانان صاحب زمین خود بوده و وضع زندگی در روستاهایشان بهبود یافته است. آنها از منافع جنبی بسیاری برخوردارند و راه مشارکت آنها در ترقی کشور به طرز قابل توجهی باز شده است. جمعیت روستایی در کامیابی اقتصادی ناشی از اصلاحات سهمیم است، لیکن دانشجویان و روشنفکران در اجرای برنامه‌های اصلاحی شرکت نکرده و در امتناع از این کار می‌گویند که نباید عمران اقتصادی را به جای اصلاحات واقعی اجتماعی و سیاسی پذیرفت.

وجهه شاه نیز به خاطر همین برنامه‌های اصلاحی دستخوش تغییر بسیار در چند سال گذشته شده است. ترس سالهای پیشین دهقانان از بین رفته و احترام جدیدی جای آن را گرفته است. به کمک فعالیتهای انسان دوستانه ملکه فرح، شاه دیگر شهرت خود را به عنوان یک فرد زن‌باز از دست داده و به صورت یک فرمانروای جدی درآمده که به رفاه کشور و مردمش چشم دوخته است. در عین حالی که همه این‌گونه احساس هواداری نسبت به او را ندارند، ولی ایرانیها به طور کلی دریافته‌اند که این تنها شاه است که توان پیشبرد برنامه‌های اصلاحی را در مدتی کوتاه دارد، و به لحاظ عملکرد وی احترام او افزایش یافته



است.

تعهد شاه نسبت به برنامه‌های اصلاحی و شواهد موجود مبنی بر اینکه برنامه‌های اصلاحی به قوت خود باقی خواهند ماند، سبب شده که میزان چشمداشتها نیز افزایش یابد. فشار وارده بر اعمال اصلاحات بیشتر به خصوص در زمینه سیاسی افزایش خواهد یافت، چون ماه عسل سیاسی شاه نیز رو به پایان است. وی شخصاً معترف است که مردمش باید آماده رسیدن روزی باشند که مشارکت بیشتر آنها در دولت متبوعشان الزامی خواهد بود. ولی از طرف دیگر وی میل ندارد به آنها اجازه مشارکت دهد. اینکه او چگونه این دو موضع را با یکدیگر منطبق می‌سازد و خود را با اوضاع دائماً متغیر وفق دهد معلوم نیست. ولی پاسخ به این سؤالها کلید اصلی آینده سیاسی ایران است، زیرا مشخص است که در سالهای آتی بارها و بارها باید با مشکلات اصلاحی برخورد نمود.

#### سند شماره (۷)

می ۱۹۷۳ - اردیبهشت ۱۳۵۲

بررسی کلی

ایران

بررسی اطلاعات ملی

هشدار

جزوه حاضر حاوی بررسی اطلاعات ملی است و نباید منتشر و یا در اختیار نمایندگان هیچ دولت خارجی و یا هیئت بین‌المللی قرار گیرد، مگر با کسب مجوز از رئیس سازمان اطلاعات، بر طبق مفاد مندرج در بخشنامه شماره ۱ شورای اطلاعات امنیت ملی.

ولی مطالب طبقه‌بندی نشده بررسی اطلاعات ملی می‌تواند در جهت نیل به اهداف رسمی در اختیار اتباع خارجی و یا پرسنل غیر دولتی قرار گیرد، مشروط بر اینکه در آنها اشاره‌ای به اطلاعات ملی و بررسی اطلاعاتی ملی به عنوان مأخذ و مرجع نشده باشد.

مطالب فرعی و گرافها جداگانه و برحسب موضوع طبقه‌بندی شده است / عناوین کنترلی عبارتند از:  
(U/OU) - طبقه بندی نشده / فقط برای استفاده شخصی

(C) - خیلی محرمانه

(S) - سری

فصول بررسی کلی

نگرشی جامع به کشور مورد نظر: تاریخ کشور، مختصر مطالب مربوط به کشور.

خلاصه نقشه

جامعه: ساختار اجتماعی، جمعیت، بهداشت، شرایط زندگی، مسائل اجتماعی، مذهب، آموزش و پرورش، فعالیتهای هنری. اطلاعات عمومی.

دولت و سیاست: تکامل اقتصاد کشور. ساختار آن - کشاورزی، شیلات، جنگلداری، سوخت و نیرو، فلزات و کانیها، صنایع و ساختمان سازی. تجارت داخلی، خط مشی اقتصادی و عمران، نیروی انسانی،

روابط اقتصادی بین‌المللی.

حمل و نقل و مخابرات: ارزیابی سیستمها، تحرک استراتژیک، خط آهن شاهراهها، آبهای داخلی، خطوط لوله، بنادر، کشتیهای بازرگانی، هواپیمایی داخلی، فرودگاهها، سیستم مخابراتی. جغرافیای نظامی: توپوگرافی و آب و هوا، مناطق جغرافیایی نظامی، مناطق استراتژیک، راههای داخلی. مبادی ورودی: زمینی، دریایی، هوایی.

نیروهای مسلح: نهاد دفاعی، فعالیتها، مشترک، نیروهای زمینی، نیروهای دریایی، نیروهای هوایی، شبه نظامی.

اطلاعات و امنیت: ساختار سازمانهای مرتبط با امنیت داخلی و اطلاعات خارجی، مسئولیتها و معیارهای حرفه‌ای و تداخل روابط آنها، مأموریت، سازمان، عملکرد، کارایی و روشهای عملیاتی هر یک، بیوگرافی مقامات عالی‌رتبه.

این بررسی کلی جایگزین مجلد مورخ نوامبر ۱۹۶۹ که نسخ آن باید نابود گردد، می‌شود

نمای کشور: ایران

تغییر از بالا:

موانع موجود در برابر تغییر، سنت تفوق طلبی، انحصاری سازی قدرت سیاسی، انقلاب سفید، نفت و دیگر چه؟ نگاهی به غرب، شرق و به خاورمیانه، با رفتن شاه ایران بر باد می‌رود.

تاریخ کشور

مختصر مطالب مربوط به کشور

خلاصه نقشه

این نمای کشوری توسط سازمان سیا برای بررسی اطلاعاتی ملی تهیه شده است. تحقیقات در ژانویه ۱۹۷۳ به پایان رسید.

تغییر از بالا

در میان کشورهای کمتر توسعه یافته، مهمترین کوششها برای مدرنیزه شدن در کشور ایران جریان دارد. برخلاف سایر کشورهای آسیایی و آفریقایی، به خصوص کشورهای خاورمیانه، ایران در جهت مدرنیزه شدن گامهایی برداشته که ناشی از انقلاب یا واژگونی خشونت بار نظام اجتماعی نبوده بلکه از ابتکارات فرمانروای این کشور، محمدرضا شاه پهلوی سرچشمه می‌گیرد. (U/OU)

محمدرضا همیشه پیشتاز حرکت نوگرایی کشور نبوده است. او در سال ۱۹۴۱، هنگامی که پدرش به خاطر مشکوک واقع شدن در زمینه همکاری با نازیها توسط روسها و انگلیسیها - که ایران را اشغال نموده بودند تا از رشد و نفوذ نیروهای خط مقدم جلوگیری نمایند - مجبور به کناره گیری از حکومت شد، به تخت نشست. شاه جوان که در زمان نزول بر تخت سلطنت تنها ۲۲ سال داشت مدتی از عمر خود را در سایه پدر قدرتمند و زیرک خود که مؤسس دودمان بود و چهره‌ای نیرومند و مسلط بر اوضاع، گذراند. به علاوه در ۱۰ سال اول حکومت خود، محمدرضا از نقشی که می‌بایست در اداره کشورش ایفا کند، ظاهراً

آگاهی کافی داشت. او که در سوئیس تحصیل کرده و تحت تأثیر سنت‌های دموکراتیک غربی قرار داشت، تصور می‌کرد که باید مانند سلاطین اروپایی که در آنها یک دولت منتخب اهداف و خط مشی‌های ملی را تعیین می‌کند، انجام وظیفه کند. (U/OU)

در دوران پرنج‌آلود نخست‌وزیری محمد مصدق یعنی از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ نقطه عطفی در تحول سیاسی شاه پدیدار گشت که منجر به اتخاذ روش حکومتی کنونی وی گردید. مصدق هنگامی به قدرت رسید که تخاصم و منازعه میان دولت ایران و شرکت نفت انگلیس بر سر افزایش حق الامتياز منجر به ملی شدن این شرکت شده بود. در اثر اقدامات اقتصادی متقابل انگلیس و قطع تولید نفت این شرکت، ایران مشکلات اقتصادی فزاینده‌ای را تجربه نمود. (U/OU)

مصدق که قادر به اصلاح خرابی اوضاع اقتصادی نبود برای خاموش کردن و فرونشاندن منتقدین خویش، به اقدامات سرکوبگرانه متوسل شد. در نتیجه او بسیاری از حامیان محافظه کار خود را از دست داد و پس از کناره‌گیری آنها، حزب کمونیست توده به عنوان تنها حامی او باقی ماند. سپس مصدق بر آن شد تا با انحلال مجلس موقعیت خود را تحکیم بخشد. هنگامی که شاه خواست او را برکنار کند وی از مردم خواست که با ریختن به خیابانها به نفع او تظاهرات کنند و شاه را از سلطنت خلع نموده و یک شورای نیابت سلطنت را تشکیل داد. شاه به بغداد و پس از آن به رم گریخت و سپس ارتشیان ایران با حمایت آمریکا در اوت ۱۹۵۳ طرح کودتا بر علیه مصدق را به مورد اجرا گذارده و شاه را دوباره بر تخت سلطنت نشاندند.

شاه که دریافت کرده بود که در حکومت یا باید اقتدار بیشتری از خود نشان دهد و یا خطر از دست دادن مجدد تاج و تخت را به جان خریدار شود، در صدد تحکیم مقام و موقعیت خویش برآمد. پس از حل مسئله نفت با انگلیس، او بقیه سالهای دهه ۱۹۵۰ را صرف تقویت حکومت خود در سراسر کشور و به ویژه در نظام ارتش و بوروکراسی دولت نمود. پس از انجام این کار او تلاش خود را به مدرنیزه کردن کشور معطوف داشت و برنامه وسیعی را برای ایجاد تغییر در نظام اجتماعی و اقتصادی کشور تهیه نمود. (U/OU)

یکی از جنبه‌های تلاش شاه برای مدرنیزه کردن کشور همان هدفی را دنبال می‌کرد که پدرش نیز در صدد تحقق بخشیدن به آن بود: ایجاد ارتشی نیرومند برای کنترل اوضاع داخلی در سرزمینی با رقابتها و خصومت‌های دیرین و کهنسال و گسترش نفوذ کشور در خاورمیانه. ولی مدرنیزه شدن ارتش و نیروهای مسلح به خودی خود امکان پذیر نبود و برای این کار باید ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور نیز تغییر داده می‌شد. تأمین نیروی انسانی برای یک نیروی مسلح که در زمینه کاربرد سلاحهای مدرن آموزش دیده و مجهز به آنها باشد، مستلزم وجودسربازانی آموزش دیده‌تر و سالمتر بود، و این تنها در صورتی امکان پذیر است که عموم مردم از آموزش و پرورش و بهداشت بهتر برخوردار باشند. عملکرد یک سیستم نظامی نیز محتاج یک دستگاه اداری پیچیده خواهد بود. (U/OU)

شاه همچنین سعی داشت تا از طریق برنامه اصلاحات ارضی موقعیت خود را مستحکم نماید. ثروت زیاد تعدادی از خانواده‌ها را در ایران (احتمالاً، کمتر از ۱۰۰۰ تایی است که معمولاً ذکر می‌شود) قادر ساخته بود که به قدرت سلطنتی دست درازی نموده و گاه گاهی نیز با آن به مبارزه برخیزند. در ایران از دیرباز ثروت بر مالکیت زمین استوار بوده‌است. شاه با گنجاندن تقسیم مجدد اراضی در برنامه جدید خود دو هدف را دنبال می‌کرد: درهم شکستن قدرت سیاسی زمینداران به وسیله تقسیم املاکشان که منبع

درآمد آنها بوده و در عین حال جلب توجه و عطف رعایا. شاه امیدوار بود که از این توجه و حق شناسی رعایا برای ایجاد یک هم پیمانی سیاسی با آنها جهت مقابله با بقایای سلاطین که در اواسط دهه ۱۹۵۰ هنوز مجلس را در کنترل داشتند، استفاده نماید. (U/OU)

نوع دوستی و ملی‌گرایی نیز سهم عمده‌ای در کوششهای شاه برای نوسازی کشور داشتند. او آشکارا متعهد شده است که اصلاحاتی را پدید آورد. در نطق تاجگذاری خود وعده داد که تمام تلاش خود را «صرف بهبود مستمر وضع ملت ایران خواهد ساخت تا هم سطح پیشرفته‌ترین و خوشبخت‌ترین جوامع دنیا گردد». او بر اهمیت تغییر نظام ملوک‌الطوایفی موجود تأکید نموده است. بدین ترتیب او در کتاب خود تحت عنوان «فلسفه انقلاب» که در سال ۱۹۶۷ در مورد برنامه اصلاحات نگاشته، اعلام داشته است که: «نظام اجتماعی سابق که قرن‌ها در ایران رواج داشت و در آن امتیازات و برتریهای طبقاتی کم و بیش در اصل و طبیعت مسائل در نظر گرفته می‌شد دیگر قابل قبول نیست. متعاقباً اگر ملت ما می‌خواهد که در مسیر حرکت و پیشرفت و جزء ملل آزاد دنیا باقی بماند هیچ راهی جز تغییر و اصلاح کامل نظام اجتماعی کهنه و قدیمی و ساختن آینده خود در یک نظام جدید و سازگار با نیازها و نگرش روز ندارد.»

شاه در سال ۱۹۵۲ برای نشان دادن حقانیت کلامش، شروع به فروش املاک شخصی و سبب نمود. او زمینهای خود را به صورت دراز مدت به روستاییانی که روی آن کار می‌کردند فروخت و تقسیم‌هایی در ژانویه ۱۹۶۳ انجام شد. شاه همچنین مؤسسات دولتی را وادار نمود که اراضی مازاد خود را که جزء املاک عمومی می‌باشد بین مردم تقسیم نمایند، حرکتی که در سال ۱۹۵۸ شروع شد. در سال ۱۹۶۱ شاه اقدام به تشکیل بنیاد پهلوی نمود که سود سهام مؤسسات تجاری شاهی را دریافت کرده و آن را در جهت حمایت از خدمات اجتماعی گوناگون صرف می‌نماید شاه تاجگذاری خود را تا سال ۱۹۶۷ یعنی ۲۶ سال پس از به قدرت رسیدن به تأخیر انداخت، چرا که معتقد بود اگر چه این تاج میراث اوست، ولی تا زمانی که شایستگی کافی برای این کار را به دست نیاورده نمی‌تواند آن را بر سر بگذارد. (U/OU)

#### موانع موجود در برابر تغییر (C)

دستیابی به تحول در ایران آسان نبوده و شاه مجبور بود با مشکلات زیادی که مستقیماً بر میزان و جهت فعالیتهای مربوط به نوآوری کشور تأثیر می‌گذارند، مقابله کند. نظر به نیاز یک ارتش مدرن به تحرک و دسترسی یک اقتصاد صنعتی مدرن به بازار و مواد خام می‌بایست با مشکلات محیط دست و پنجه نرم می‌شد.

ایران سرزمین صعب‌العبوری است مرکب از یک فلات مرتفع مثلث شکل محصور در میان کوهها، این سرزمین گوناگون از لحاظ شرایط طبیعی به چهار منطقه تقسیم می‌شود. کوههای غربی و جنوبی، رشته کوهها و سرزمینهای کم ارتفاع اطراف دریای خزر، فلات خشک و لم‌یزرع مرکزی، مناطق مرتفع شرقی، محیط طبیعی کشور منجر به پیدایش آب و هوای مخالف می‌شود. میزان متوسط بارش باران در منطقه تحتانی دریای خزر به ۵۰ اینچ در سال بالغ می‌شود. این مقدار با کمی تفاوت در کوههای شمالی و غربی نیز دیده می‌شود. ولی هر چه به طرف جنوب شرقی و مناطق مرکزی پیش رویم این میزان کاهش بیشتری نشان می‌دهد. کوهها مانع از رسیدن ابرها به منطقه مرکزی که کویر بزرگی است و تقریباً نیمی از کشور را در بر می‌گیرد. می‌شوند. وجود آب یک عامل اساسی و عمده در مشخص کردن، اندازه و موقعیت و الگوی

سکونت انسان در ایران می‌باشد. در خارج از مناطق شمالی و غربی که بیشتر جمعیت ۳۰/۸ میلیونی ایران در آن زندگی می‌کنند روستاها در اطراف منابع آب متمرکز شده‌اند. در برخی مکانها منابع آب آن قدر اندک است که مردم فقط در صورتی می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند که به خصوصیات زندگی بادیه نشینی عادت نموده و از صحراهای کم ارتفاع به علفزارهای واقع در مناطق مرتفع‌تر کوچ کنند. راههایی که قسمتهای مختلف کشور را به یکدیگر متصل می‌کند از میان صحرا عبور کرده پس از چرخش در اطراف گذرگاههای کوهستانی به دره‌ها ختم می‌شود. در قسمت مرکزی کشور تنها یک جاده وجود دارد، که شمال را به جنوب وصل می‌کند و تنها دو جاده وجود دارد که از غرب به شرق می‌رود. سیستم راه‌آهن اندکی توسعه یافته و تنها شامل ۳۰۰۰ مایل خطوط آهن است که خلیج فارس را به بحر خزر و مراکز کشاورزی عمده شمال غرب و شمال شرق را به تهران وصل می‌کند. شهرهای بزرگتر از حمل و نقل هوایی برخوردارند، ولی مسافران معمولی برای سفر از پایتخت به استانها باید از وسایط نقلیه مشکلتری استفاده کنند. این تنوع قسمتهای مختلف کشور باعث تفرق مردم شده‌است. بسیاری از آنان اولاد و نوادگان کسانی هستند که قرن‌ها پیش به این سرزمین حمله کرده و اکنون به صورت اقلیتهایی باقی مانده‌اند که بزرگترین آنها ترکها، اکراد و اعراب هستند. تنها در حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشور به زبان فارسی به عنوان زبان ملی خود تکلم می‌کنند. گرچه عده بسیار زیادتری این زبان را در مدرسه فرامی‌گیرند. شهرنشینی باعث از بین رفتن موانع زبانی و ایجاد انسجام بیشتر شده ولی استانگرایی (تمایل به سکونت در استانها - م) هنوز هم صفت مشخصه جامعه است. از نظر تاریخی به فرضیه کشور تحت حاکمیت ملت و برنامه‌هایی که کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد توجه چندانی نشده‌است. حتی امروز هم تنها جزء کوچکی از مردم ایران که در شهرها زندگی می‌کنند خود را بخشی از این ملت می‌دانند. بیشتر مردم در روستاها زندگی می‌کنند و زندگی آنها در درجه اول به خانواده و سپس به روستا وابسته است. آنها حتی به روستای مجاور خود کمک نمی‌کنند تا چه رسد به بقیه کشور و ملت. قبایل چادرنشین حتی بیشتر از این حد از شرکت در حیات ملی کناره گرفته‌اند. تلاشهای دولت برای اسکان عشایر با موفقیت همراه بوده و سرشماری سال ۱۹۶۶ تعداد آنها را ۵۰۰/۰۰۰ و احتمال اندکی بیشتر نشان داده‌است. بسیاری از عشایر اسکان یافته شرکت در مسائل قبیله‌ای را همچنان حفظ نموده و به دولت و کشور جز به عنوان یک قدرت مرکزی که سعی در تغییر شیوه زندگی آنان دارد، نمی‌نگرند. حتی سواى مسائل استانگرایی شاه و حکومت او برای جلب حمایت توده‌های روستایی از برنامه‌های اصلاحی خود با مشکلاتی رو به رو خواهند بود. در نتیجه شیوه خاص زندگی خود، روستاییان نوعاً محافظه‌کار می‌باشند آماده قبول تغییراتی که آنها را مجاز به تملک اراضیشان و یا افزودن املاکشان می‌کنند، هستند. ولی تمایل به قبول تغییراتی از قبیل بهبود وضع زنان که بر روی امور شخصیشان تأثیر گذارده ندارند. در بیشتر نقاط آنها در فقر و بی‌سوادی به سر می‌برند و از شرایط زندگی خود راضی بوده و از زندگی توقع چندانی ندارند و در درجه اول نگرانی آنها مسئله ادامه زندگی و بقا تشکیل می‌دهد.

در سطوح بالاتر جامعه ایران، بیشتر افراد در فکر بهبود موقعیت و افزایش ثروت خود می‌باشند. البته خودپسندی و خودبینی امر تازه‌ای نیست، ولی جامعه ایرانی به طور سنتی خود بزرگ‌بین را یک فضیلت می‌داند. شخصی که با توسل به طرق مختلف راه ترقی را می‌پیماید در این جامعه مورد تمجید و تحسین واقع می‌شود. بنابراین و به همین دلیل هنگامی که جیمز موریس انگلیسی کتاب طنز خود را تحت عنوان

حاجی بابای اصفهانی نوشت که در آن یک فرد حقه باز و بی قید نسبت به موازین اخلاقی شخصیت اول داستان بود. به جای تقبیح یک خصوصیت غیر قابل قبول، این کتاب به عنوان داستان یک قهرمان ملی در میان ایرانیان محبوبیت یافت. در نتیجه همین کردار رایج بسیار به ندرت می توان فردی را یافت که مایل به شرکت در برنامه های ملی باشد، حال چه به عنوان مجری و چه به عنوان شرکت کننده، مگر در صورتی که نفع شخصی خود را در این مسئله بیابد.

از سویی، بخشی از تاریخ کشور مانع از مقبول واقع شدن برنامه های آینده نگر شاه می گردد. موجودیت ۲۵۰۰ ساله ایران باعث بروز مقاومت عمومی در برابر تغییر سریع شده مگر آن که این تغییر جنبه تحمیلی داشته باشد. در بخش عظیمی از تاریخ ایران این تمایل نوعی فضیلت به شمار می رفته، چرا که خطر جدی از بین رفتن هویت فرهنگی ملت در اثر حمله و اشغال اعراب، ترکها، مغولها، تاتارها و افغانها مطرح بوده است. اکنون بخشهایی از جمعیت ایران شاه را به خاطر گسستن پیوستگی فرهنگی و همچنین مقابله اش با مذهب که به نظر آنها در سیاستهای وی نهفته است مورد انتقاد قرار می دهند.

اعتراضات شدید نسبت به برنامه های اصلاحی شاه به خصوص از جانب مذهبیین که از قدیم الایام قدرتمندترین گروه موجود در ایران بوده اند، سرچشمه می گیرند. برای پی بردن به اهمیت رهبران مذهبی و روحانیون در ایران کافی است بدانیم، که اسلام تنها یک مذهب نیست. اسلام یک نظام مذهبی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و معنوی است که کلیه جنبه های زندگی را از نماز و عبادت گرفته تا قوانین ارشاد و روابط بین افراد در بر می گیرد. مذهبیین به خاطر علم و قدرت تفسیر قوانین اسلامی از دیر باز خواستار برخورداری از حق و تو در مورد هرگونه فعالیت دولت که متناقض با اسلام است، بوده اند.

مذهبیین از یک قرن پیش تاکنون نسبت به دخالت دولت در مسائلی از قبیل آموزش و پرورش، الگوهای مالکیت زمین و وضع زنان اعتراض نمود و مخالفت نشان داده اند، رهبران مذهبی به درستی می دانستند که نتیجه نهایی رویه دولت در صورت عدم کنترل توسط آنان چیزی جز دنیا پرستی و مادی گرایی نبوده و مسائل شخصی توسط قوانین دولتی و دادگاههای دولتی اداره خواهند شد، نه با قوانین و مقررات اسلام. بنابراین هنگامی که برنامه اصلاحاتی شاه در ژانویه ۱۹۶۳ به صورت قانون درآمد، چهره های ارتجاعی مذهبیین اولین کسانی بودند که علناً به مخالفت با آن برخاستند. آنها همچنین شورشهایی را که در برخی از مراکز شهری در ژوئن ۱۹۶۳ رخ داد رهبری می کردند. اگر چه بعداً دولت نفوذ مذهبیین را در شهرهای ایران محدود نمود ولی رهبران مذهبی در مناطق روستایی همچنان تأثیر عمده خود را بر روی روستاییان که عمیقاً تحت تأثیر مذهب قرار داشتند، حفظ کردند. شاه برای آرام کردن و ساکت نمودن مخالفت مذهبیین تأکید می کند که ملت با اسلام رابطه نزدیکی دارد و خود را در انظار مردم از لحاظ عمل به وظایف مذهبی مقید می نمایاند.

#### سنت پادشاهی (U/OU)

ماهیت گریز از مرکز نیروهای مؤثر در امور ایران تا اندازه ای به لحاظ جنبه دیگری از تاریخ این کشور محدود می شود، که سنت وجود یک حکمران نیرومند است که در رأس یک حکومت مقتدر، بر ملت حکومت می کند. در طول تاریخ در جریان حملات و پیروزیها، وجود یک رهبر نیرومند همواره عاملی ضروری بوده و احتمالاً عامل مهمی در حفظ فرهنگ آن سرزمین ایران در برخی ادوار حتی قرنهای تحت

تسلط بیگانگان قرار گرفته، ولی هرگز شیوه‌های زندگی فاتحان خود را به طور کامل نپذیرفته، بلکه در عوض، گاهی اوقات اعقاب همین فاتحان خود فرمانروایان ایرانی نیرومندی شده‌اند. شاهنشاه - شاه شاهان در نظر مردم تجسم عینی قدرتی مهربان و حکومتی پایدار و بسیار برتر و والاتر از آنان است. اگرچه روستاییان ممکن است از اوضاع مملکت آگاه نباشند ولی حکمران آن را می‌شناسند، چرا که از شکوه و عظمت تاریخی کشورشان از طریق اشعار شعرای گذشته و سابقه تاریخ این کشور چه از طریق نوشتجات و چه از طریق نقل داستانهای سینه به سینه آشنا شده‌اند. کورش کبیر<sup>۱</sup> با شکست مدها و سایر پادشاهان در سرزمین بین ساحل مدیترانه‌ای سوریه و رود اکسوس (OXUS) در آسیای مرکزی در قرن ششم قبل از میلاد اولین امپراطوری ایرانی را بنا نهاده و نوه او داریوش این امپراطوری را به ۲۰ قلمرو یا استان که توسط شبکه‌های از راههای شاهی به یکدیگر متصل می‌شدند، تقسیم نمود. پس از پیروزی اسکندر و قرن‌ها سلطه یونانیان، سلسله پارتها روی کار آمد و سپس نوبت به سامانیان رسید که ایرانیان امروز آن را بلافاصله بعد از هخامنشیان می‌دانند. ساسانیان در خلال ۴۰۰ سال سلطنت خود که از قرن سوم تا اواسط قرن هفتم میلادی به طول انجامید، قدرت دولت مرکزی را تقویت نمودند. آنها دست به اقدامات اصلاحی در سرزمینی که هم اکنون ایران نامیده می‌شود زدند، و نقشه آن را تهیه کردند. با شکست آخرین پادشاه ساسانی توسط اعراب مهاجم در سال ۶۵۱ میلادی ایران پای به دوره‌ای نهاد که ۹ قرن به درازا کشید و شاهد تسلط بیگانگان بود. به هر حال با به قدرت رسیدن صفویان در سال ۱۵۰۱ میلادی بار دیگر یک سلسله ایرانی حکومت را به دست گرفت. شاه عباس بزرگترین حکمران صفویان، پادشاهی بی‌نظیر بود و در زمان حکومت وی (۱۵۶۹) امپراطوری ایران مجدداً تحت کنترل یک حکومت مرکزی مقتدر قرار گرفت. پس از دو قرن سلسله صفویه توسط پادشاه کشور افغانستان که در همسایگی ایران قرار داشت، منقرض گردید.

افغانها نیز به نوبه خود توسط نادرشاه که از قبایل ترک زبان بودند سرنگون شدند. نادرشاه آخرین فاتح بزرگ آسیایی به شمار می‌رود. او که شاهی مستبد بود به هندوستان حمله برد و گنجینه وسیعی شامل تخت طاووس معروف و الماس کوه نور را با خود به ارمغان آورد. آخرین سلسله خاندان ترک قاجار بود که دوران دراز حکومتش نمایانگر دخالت سیاسی و اقتصادی اجانب و علی‌الخصوص روس و انگلیس بود.

انقراض قاجاریان در سال ۱۹۲۱ توسط رضاشاه، پدر شاه فعلی باعث شد که مجدداً یک حاکم نیرومند بر تخت نشیند. قبل از اینکه رضا شاه توسط روس و انگلیس مجبور به استعفا شود توانست کمبودهایی را که در دوران قاجار ایجاد شده بود، اصلاح نماید. رضاشاه با قدرت تمام حکومت را متمرکز نمود و ارگانهای جدا و پراکنده ارتش را در قالب ارتشی یکپارچه درآورد، اولین گامها را برای درهم شکستن قدرت مذهبیبون برداشت.

شاه فعلی سعی کرده تا با تحریک غرور مردم کشورش نسبت به عظمت پادشاهی ایران قدیم و قابل

۱- حکاکهایی که از زمان هخامنشیان برجای مانده نشان می‌دهد که آنان طایفه خود را هخامنش، قبیله خود را پارسا و نژاد خود را آریایی می‌نامیدند. ایران به عنوان یک اسم جغرافیایی از لغت آریا مشتق شد. این نام رسماً در سال ۱۹۳۵ به عنوان نام کشور اعلام شد. از لغت پارسا لغت یونانی پارسی که در سایر زبانهای اروپایی به پرشیا تبدیل شده، گرفته شده است. این لغت وقتی که داخل زبان عربی شده چون زبان عربی (پ) ندارد تبدیل به فارسی شد که ایرانیان همین را مورد استفاده قرار می‌دهند و نام یک استان نیز هست.

قبول بودن وجود و استقرار یک پادشاهی نیرومند بر روابط و وابستگی خود به اجداد تاریخیش تأکید نماید. جدیدترین و معروفترین کوشش وی در بها دادن به این سنت، نمایش مضحک جشن بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران در تخت جمشید در سال ۱۹۷۱ بود که پادشاهان، رؤسای جمهور و سران بیش از ۶۰ کشور در آن حضور داشتند.

به انحصار در آوردن قدرت سیاسی (S)

مخالفت مجلس با برنامه‌های شاه تنها چیزی بوده که وی هرگز با آن روبرو نشده است و از آنجایی که وی کنترل مجلس را به دست دارد برای تصویب برنامه‌ها و اخذ بودجه‌های لازم از مجلس با مشکل چندانی رو به رو نیست. اگر چه ایران یک کشور مشروطه سلطنتی است و دارای سیستم انتخابی می‌باشد، لیکن شاه توانسته با توسل به تهدید و تطمیع، مجلس را به عاملی برای دمکراتیک جلوه دادن سیستم و رژیم خود تبدیل نماید.

برای اطمینان از عدم مواجهه با هرگونه مخالفتی، کاندیداها جهت تصدی پستهایی در احزاب قانونی سیاسی و یا اخذ کرسی در سطح پایین تر پارلمان (مجلس) به دقت دستچین شده و مشخصاً توسط شاه تأیید می‌شوند، آن بخش نسبتاً کوچک جامعه که آگاهی سیاسی دارند، از دخالت شاه در روند سیاسی ناراضی هستند، ولی به خوبی می‌دانند که جز جلب توجه مردم به این مسائل در رابطه با اوضاع موجود، کار دیگری از دستشان بر نمی‌آید. شاه نیز به نوبه خود برای اینکه کنترل کامل خویش بر صحنه سیاسی را نشان دهد به آنها تا اندازه‌ای آزادی داده که ناراحتیهای خود را شفاهاً بروز دهند، به همین دلیل چند سال پیش این مصاحبه ساختگی با یک نماینده فرضی پارلمان در یکی از روزنامه‌های تهران به چاپ رسید:

سؤال : جمعیت حوزه انتخابیه شما چند نفر است؟

جواب : ۱۰/۰۰۰ نفر

س : شما چند رأی آورده‌اید؟

ج : ۱۵۰/۰۰۰

س : آیا فکر نمی‌کنید که در اینجا اختلافی وجود دارد؟

ج : چرا ولی به من گفته شده که حرفی نزنم.

س : چند کاندیدای رقیب داشتید؟ آیا هیچ یک از آنها بیشتر از شما رأی آورد؟

ج : خیلی بودند. همه آنها از من بیشتر رأی آوردند.

س : پس شما چطور انتخاب شدید؟

ج : این معجزه صندوق رأی‌گیری است.

س : سه حادثه مهم که در طول دوران نمایندگی شما رخ داد چه بودند؟

ج : اولی هنگامی اتفاق افتاد که من در خانه نشسته بودم و فکر می‌کردم چه کاری پیدا کنم که رادیو

اعلام کرد من برای نمایندگی در پارلمان انتخاب شده‌ام، دومی روزی بود که پارلمان حقوق ما را به ۱۰۰۰

دلار در ماه افزایش داد و سومی وقتی بود که به ما یک حق مسکن کلان دادند.

شاه با انحصاری کردن قدرت سیاسی در واقع همان حکومت است و به تنهایی در مورد جهت و کیفیت

سیاستهای ملی تصمیم می‌گیرد. شاه برای اجرای جنبه‌های عملی حکومت عده‌ای از هم‌مسئولان خود را



در قالب افراد کابینه، کارمندان غیرنظامی سطح بالا، مقامات نظامی بلند پایه، رهبران پارلمانی، متخصصین، تجار و اعضای خانواده سلطنتی، درباریان و افراد مورد اعتماد، گرد خود جمع نموده است. شاه عده‌ای دیگر را نیز برای خدمت به خود به عنوان عوامل سیاسی اش در استانها در قالب سطح دومی از کارمندان دولتی و مقامات محلی که در درجات پایین تری قرار دارند به کار گماشته است. شاه برای اطمینان از ادامه سلطنت خود و اطمینان از اینکه هیچ‌کس بر علیه وی قیام نخواهد کرد به هیچ فرد یا گروهی فرصت ایجاد پایگاه قدرت مستقلی نمی‌دهد. معمولاً کسی که مظنون به داشتن چنین تمایلی است از موقعیت خود به حوزه نامربوطی انتقال داده می‌شود.

اگر چه نیروی امنیتی کشور هر گونه مخالفت با انحصار گرایی قدرتر توسط شاه را در هم کوبیده ولی مواردی از اغتشاش و ناامنی وجود داشته تا به دنیا نشان داده شود که در کشور هنوز مخالفانی که قادر به اقدامات سریع و عجولانه هستند، وجود دارند. یکی از این قبیل حوادث در ماه می ۱۹۷۲ هنگام دیدار پرزیدنت نیکسون از تهران به وقوع پیوست، که طی آن چندین بمب در این شهر منفجر شد. در خلال همان سال مقامات ایرانی اعلام کردند که در رابطه با اقداماتی چون حمله به پلیس و نیروهای امنیتی و ترور و آدم‌ربایی ۲۸ تن دیگر را زندانی کرده‌اند.

بیشتر افراطیون سیاسی که تعداد آنها حداقل چند صد نفر می‌باشد، جوان تحصیلکرده از طبقه متوسط جامعه ایرانی می‌باشند. از جانب اینها هیچ گونه خطر جدی متوجه حکومت نیست.

به هر حال می‌توان گفت که آنها تا اندازه‌ای اقدامات سیاسی و اقتصادی کنونی شاه را در معرض تهدید قرار می‌دهند، چون که تنها عده قلیلی از آنها ممکن است از طریق اقدامات انتحاری اقدام به ترور شاه بنمایند. از آنجایی که شاه معمار و پیشتاز حرکت‌های اصلاحی و توسعه اقتصاد کشور است، ترور وی ادامه این حرکتها را غیرممکن خواهد ساخت.

دستگاه امنیتی به واسطه نفوذی که توسط شاه کنترل می‌شود قادر به کاهش و تنزل این خطر و همچنین سرپوش گذاردن بر هرگونه قدرتی که نظم و آرامش عمومی را به میزان بیشتر تهدید کند، می‌باشند.

#### انقلاب سفید (خیلی محرمانه)

شاه برای نشان دادن این مطلب که تغییراتی را که قصد انجام آن را در ایران دارد بدون خونریزی به‌به دست خواهد آمد، این انقلاب را انقلاب سفید نامید. او همچنین گفته است که اصلاحات ارضی هسته این تغییرات می‌باشد. زمانی که این انقلاب رسماً در سال ۱۹۶۳ به وقوع پیوست اقتصاد ایران، اقتصادی کشاورزی بود. اگرچه هم‌اکنون محصولات کشاورزی تنها در حدود ۱۶ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد، ولی وجود این محصولات همچنان برای تهیه غذای مورد نیاز جمعیت رو به رشد و مواد خام صنعت رو به توسعه این کشور یک مسئله حیاتی به شمار می‌آید. به همین دلیل طرحهای شاه در جهت افزایش محصول دهی و تولید مزارع صورت گرفته است. در سیستم سنتی مالکیت زمین به این مسئله توجه چندانی نمی‌شد. طبقات صاحب زمین و ملاکین تنها به فکر سرمایه‌گذاری در مسائلی از قبیل خرید و فروش اراضی شهری بودند، و توجهی به تکنیکهای جدید برای مدرنیزه کردن کشاورزی نداشتند. روستاییان هیچ سهمی در زمین نداشتند و در حقیقت حاضر بودند که زمینهای اجاره‌ای خود را ترک کرده و در جستجوی کار پردرآمدتر به مراکز شهری مهاجرت کنند. امید آن می‌رفت که با سهیم کردن روستاییان

در زمینها می توان علاقه به تولید بیشتر را در آنان کم کم ایجاد نمود. قبل از به اجرا درآمدن قانون اصلاحات اراضی تنها یک درصد از مردم - که بیشتر آنها ملاکین غایب بودند - مالکیت بیش از نصف زمینهای زراعی کشور را در اختیار داشتند. این قانون آنان را مجبور کرد که به استثنای مقداری خاص کلیه املاک خود را بفروشند و برای روستاییان شرایطی فراهم کرد که بتوانند پول زمین را در مدت ۱۵ سال بپردازند. اداره اوقاف مذهبی که ۱۵ تا ۲۵ درصد دیگر زمینها را در اختیار داشت موظف شد، که این زمینها را ۹۹ ساله به مستأجرین خود اجاره دهد. در سال ۱۹۷۱ دولت اعلام داشت که کار تقسیم اراضی پایان یافته است. اگر چه آمار دقیقی در مورد مقدار ملاکینی که مشمول این قانون شده بودند در دست نیست، ولی دولت ادعا می کند که کلیه ۵۲۸۱۸ روستای موجود در ایران تحت پوشش این قانون قرار گرفتند و هم اکنون ۱۸۵۰۰۰۰ مالک جدید وجود دارد. به هر حال منافع اقتصادی حاصله به میزان مورد انتظار نبوده است.

روستاییانی که در سیستم گذشته زمینداری تنها قوت لایموتی برای ادامه زندگی به شدت می آوردند برای خرید بذر و سایر مایحتاج هنوز محتاج پولند و به علاوه حالا فشار مالی برای پرداخت پول زمینها نیز دامنگیر آنها شده است.

از نظر دولت بازدهی کشاورزی به میزان مورد نظر افزایش نیافته است. روستاییان همچنان سرمایه لازم جهت خرید تجهیزات مکانیزه و کودهای شیمیایی که می تواند تولید و بازدهی را بالا برد در اختیار ندارند. دولت معتقد است که مکانیزه کردن کشاورزی تنها در صورتی امکان پذیر است که خرده مالکین شرکت تعاونی تشکیل دهند، و هم اکنون سرگرم ترویج تشکیل چنین تعاونیهایی در این مرحله از برنامه اصلاحات ارضی است. ایران برای اداره شرکتهای تعاونی هم که قبلاً تشکیل شده اند نیروی انسانی تعلیم دیده کافی در اختیار ندارد. آنهایی که برای تشکیل شرکت تعاونی گرد هم آمده اند از کمبود سرمایه و عدم کارایی مدیریت رنج می برند. مشکلات و مسائل روستاییان تنها در اثر کمبود پول نیست. جهالت، بیماری و عدم آگاهی از روشهای دیگر زراعتی که کارایی بیشتری دارند نیز از دیگر مسائلی است که گریبانگیر آنان است. هر یک از این نقایص به نظر می رسد که در تقویت سایر مشکلات برای بازداشتن کشاورز از ادامه راهی که خود را در آن یافته، مؤثر می باشد، انقلاب سفید در صدد توسعه آموزش در جهت تعلیم سواد خواندن و نوشتن، بهداشت و پیشرفت جامعه است. اقدام دولت در این زمینه شامل تشکیل گروههای سربازان وظیفه به نام سپاهی است که براساس خط مشی های نظامی سازماندهی می شوند. تشکیل این سپاهها به فارغ التحصیلان مدارس متوسطه و دانشگاهها این فرصت را می دهد که در عوض خدمت سربازی در زمینه آموزش خود به روستاها رفته و به مردم این مناطق خدمت کنند. موفقترین این گروه سپاهیان دانش بوده اند که در روستاهایی که در آنها هیچ مدرسه رسمی تشکیل نشده، فعالیت دارند. آمار دولتی نشان می دهد که تا سال ۱۹۷۱ سپاهیان بهداشت ۱/۴ میلیون نفر را در زمینه خواندن و نوشتن مقدماتی تعلیم داده اند. کمی پس از روشن شدن موقعیت سپاه دانش، سپاه بهداشت را به عهده داشت. در جریان اجرای این برنامه ۶۶۰۰ سپاهی از میان اطباء و پرسنل بهداشتی در کلینیکها و خانه های بهداشت و ۵۰۰ واحد سیار در سرتاسر کشور به کارگماشته شدند. بنا به گفته شاه تعداد روستاییانی که به خدمات این سپاهیان دسترسی داشتند، از یک میلیون در سال ۱۹۶۲ به ۸ میلیون یعنی تقریباً ۵۰ درصد جمعیت روستایی در سال ۱۹۷۱ افزایش یافته است. در این میان سپاهیان ترویج به دلیل کمبود پرسنل ورزیده در

زمینه‌های کشاورزی، دامپزشکی و مهندسی کمترین موفقیت را در این جمع دارا بوده‌اند. سایر موانع موجود بر سر راه فعالیت ایشان عبارت از کمبود سرمایه و کمبود منابع در روستاهایی که قرار است تحت پوشش کمک قرار گیرند، بوده‌است. برخی از این سپاهیان قادر به پر کردن جای خالی گردانندگان شرکتهای تعاونی در این مرحله از برنامه اصلاحات ارضی بوده و برخی از کشاورزان را به استفاده از تکنیکهای مدرن کشاورزی تشویق می‌کنند. برای رسیدن به اهداف انقلاب سفید حرکت خوبی آغاز شده است. با این وجود برخی از مشکلات کلیه ابعاد برنامه را تحت تأثیر قرار داده که واضحترین و مبرم‌ترین آنها کمبود پرسنل متخصص می‌باشد. پس از این کمبود سرمایه برای تأمین اعتبار پروژه‌ها از آغاز شروع آنها را باید ذکر نمود. تا اندازه‌ای می‌توان گفت که دولت با اصرار بر پیشرفت بیشتر این مشکلات را در روی خود قرار داده، ولی پیش از این که به تقویت هدفهای نایل آمده بپردازد به توسعه عجولانه پروژه‌ها دست زده است.

#### نفت و دیگر چه؟ (سری)

شاه برای حرکت هر چه سریعتر در جهت صنعتی کردن ایران بشدت به نفت متکی بوده‌است. از آنجایی که ذخایر نفتی حتی با میزان استخراج فعلی تنها برای استفاده ۴۲ سال دیگر کافی خواهد بود شاه در نظر دارد از صنایع به عنوان عاملی برای عدم اتکای به نفت استفاده کند. به دلیل هزینه کلانی که ایجاد صنایع مختلف مدرن در مراحل ابتدایی در بر دارد دولت مجبور بوده که بار عمده این هزینه‌های مورد نیاز را به دوش خود گیرد. بخش خصوصی عمدتاً فعالیت‌های مجتمع مانند را در بر می‌گیرد که سود سریع و زیادی را در بر داشته باشد. بیشتر این شرکتهای چندان بزرگ نیستند؛ بنا به آمار دولت ایران ۹۱ درصد از شرکتهای ایران تنها ۹ نفر یا عده کمتری را در استخدام خود دارند. اگر چه دولت مایل است که صنایع فرعی که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود وابسته به صنایع مادر نظیر کارخانه ذوب آهن و پتروشیمی است رشد کند، لیکن بخشی خصوصی نیز با همان موانعی که در سر راه مدرنیزه شدن صنایع و برنامه‌های اصلاحی دولت وجود دارد رو به روست. هر دو بخش دولتی و خصوصی دچار کمبود پرسنل متخصص و مدیر برای رفع نیازهای خود بوده و در عین حال کمبود سرمایه نیز به چشم می‌خورد. دولت برای حل مشکل سرمایه اقدام به قرار دادن منابع مالی بیشتر در اختیار بانکهای سرمایه‌گذاری نموده و برای حل مشکل نیروی متخصص و کاهش این کمبود نیز طرح تعلیم در حین کار را به مورد اجرا گذارده‌است. حداقل شرکتهای بزرگتر از این اقدامات سود می‌برند. علیرغم این حقیقت که صنایع بخش خصوصی بر خلاف انتظار دولت چندان سریع رشد ننموده، ولی آنها مانند بخش صنایع (دولتی) رو به رشد بوده و سریعترین رشد در میان دیگر اجزای اقتصاد کشور دارا می‌باشند. پیشرفتهای جدید، مانند طرحهای دولت برای کار بر روی معادن عظیم مس و همچنین سنگ آهن که به تازگی کشف شده باعث تقویت و توسعه مستمر صنایع در ایران می‌شوند. به هر حال تا به امروز شاه توانسته است که برنامه مدرنیزه کردن اقتصادی و اجتماعی خود را اجرا نموده و به علاوه توانسته یک ارتش مدرن ایجاد نماید و اینها بیشتر در اثر وجود نفت بوده‌است. تولید ناخالص ملی در حال حاضر در ایران از کلیه کشورهای خاورمیانه بیشتر بوده و از دو برابر میزان تولید ناخالص ملی مصر و اسرائیل زیادتر است. در ۷ سال گذشته این تولید، رشد متوسط سالانه ۱۱ درصد را نشان داده‌است. صنعت نفت بزرگترین سهم را در تولید ناخالص ملی داشته و تنها عامل افزایش روزافزون

آن می‌باشد. درآمد ایران از نفت در سال مالی که در مارس ۱۹۷۲ پایان پذیرفت ۲/۲ میلیارد دلار ارز خارجی بوده و میزان این درآمد سال مالی جاری به ۲/۷ میلیارد دلار خواهد رسید. در دهه ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ میزان تولید متوسط سالانه نفت ایران ۱۴/۵ درصد افزایش یافت در همین مدت میزان افزایش تولید جهانی ۸ درصد و افزایش تولید بقیه کشورهای خاورمیانه ۱۰ درصد بوده است. امروزه ایران پس از ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و عربستان سعودی چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان می‌باشد. میزان تولید آن در سال ۱۹۷۱، ۱/۷ میلیارد بشکه بوده که ده درصد تولید کل جهان را تشکیل می‌دهد. وجود ذخایر نفتی معادل حدود ۷۰ میلیارد بشکه که ۱۰ درصد ذخایر نفتی دنیا را تشکیل می‌دهد، اهمیت ایران را به عنوان یک تولیدکننده بین‌المللی نفت نشان می‌دهد. افزایش درآمد نفت ایران تنها به خاطر افزایش تولید نبوده است، چرا که گاهی اوقات شاه و یا نمایندگان وی با زیرکی با شرکت‌های نفتی خارجی درباره افزایش سهم ایران از سودی که این شرکتها از صادرات نفت ایران کسب می‌کند، به مذاکره نشسته‌اند. میزان واقعی سود به وسیله ایجاد یک قیمت ثابت مصنوعی که ایران برای نفت دریافت می‌دارد، مشخص می‌شود. از ابتدای امضای قرارداد اولیه، هم درصد سود و هم قیمت ثابت به نفع ایران افزایش یافته است. براساس قراردادهای جدیدی که به امضا رسیده است، انتظار می‌رود که ایران بتواند حدود ۱۴ میلیارد دلار در سالهای ۱۹۷۱/۷۲ تا ۱۹۷۵/۷۶ از طریق نفت کسب نماید. به علاوه، در اواسط سال ۱۹۷۲ ایران برای تهیه ترتیبات بیشتر جهت مجاز نمودن شرکت ملی نفت ایران به صدور زیاده‌تر در چهارچوب فروش نامحدود در بازار جهانی وارد مذاکراتی شد. تهران همچنین خواستار اعمال کنترل عملیاتی بر روی تأسیسات پالایشگاهی و همچنین سرمایه‌گذاری بیشتر از جانب شرکت‌های خارجی در زمینه مسائل پالایشگاهی و سایر فعالیتها شده است. شاه برای وادار کردن شرکت‌های نفت به قبول طرح‌های خویش در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۳ تهدید به فسخ قراردادهای جاری نمود و این در حالی بود که مذاکرات با کنسرسیون در این زمینه در جریان بود. به هر ترتیب ایران همچنان خواستار به دست آوردن درآمد بیشتر از نفت جهت تأمین اعتبار برای طرح‌های شاه می‌باشد. ایران همچنین سرگرم توسعه سایر منابع درآمد می‌باشد. ایران از لحاظ حجم ذخایر گاز طبیعی سومین کشور دنیا بوده و میزان این ذخایر معادل ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است. در حال حاضر بزرگترین خریدار گاز ایران اتحاد شوروی است که در سال ۱۹۷۱ حدود ۲۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز به ارزش ۳۷ میلیون دلار از ایران خریداری کرده است. ایران با مسکو قراردادی برای فروش ۵۰۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز منعقد نموده است. همچنین مذاکراتی جهت تولید گاز مایع در جریان است. با شروع سال ۱۹۷۳ طرح کارخانه‌های جدیدی با سرمایه‌گذاری سه میلیارد دلار و با مشارکت شرکت‌های ژاپنی و سایر شرکت‌های خارجی جهت احداث آماده شد. البته درآمد حاصل از نفت به تنهایی قادر نبوده است که راه را برای تمامی اصلاحات مورد نظر شاه و برنامه‌های مدرنیزه کردن و صنعتی کردن کشور هموار نماید. به هر حال اعتبارات خارجی حدود یک چهارم از بودجه لازم برای طرح‌های ایران را در برنامه ۵ ساله جاری تأمین خواهند نمود. ایالات متحده از سال ۱۹۴۶ با در اختیار قرار دادن حدود ۱/۱ میلیارد دلار در قالب وام‌های بلاعوض و اعتبارات برای اقتصاد و ۱/۷ میلیارد دلار برای ارتش ایران یکی از منابع اصلی این کمکها می‌باشد سایر اعتبارات بزرگ عمرانی توسط آلمان غربی، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و ژاپن ارائه شده، و کشورهای کمونیستی نیز از سال ۱۹۵۸ بیش از یک میلیارد دلار اعتبار اقتصادی در اختیار این کشور قرار داده‌اند که

منبع بیش از نیمی از آن شوروی بوده که بین سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ نیز حدود ۳۲۵ میلیون دلار اعتبار برای مصارف نظامی در اختیار ایران گذاشته است.

نظر به شرق، غرب و به خاورمیانه (خیلی محرمانه)

سیاست خارجی ایران رابطه نزدیکی با اوضاع داخلی آن دارد، از زمان مصدق به بعد شاه از نظر کمک‌های اقتصادی و تسلیحاتی بشدت به ایالات متحده متکی شد. در همین راستا وی هم‌پیمانی نزدیکی با غرب پیدا کرد. در سال ۱۹۵۵ ایران به پیمان ضد شوروی، بغداد پیوست و در ۱۹۵۹ یک موافقتنامه دو جانبه با ایالات متحده به امضاء رسانید. وقتی که اقتصاد ایران در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به‌طور روز افزونی قویتر شد، شاه خواهان کنار کشیدن خود از رابطه نزدیک با آمریکا و به‌طور کلی با غرب شد. او هم اکنون به نظر می‌رسد که خواستار میدان عمل بیشتری در روابطش با شرق و غرب می‌باشد.

روابط تهران با اتحاد شوروی از سال ۱۹۶۳ به‌طور مستمر گسترش یافت. مدتها پیش از آنکه شاه از اتحاد شوروی به خاطر حمایت از مصدق در دهه ۱۹۵۰ خشمگین شود، روابط ایران با همسایه شمالی‌اش تیره و تار بود. در بیشتر سالهای قرن ۱۹ ایران شاهد تعدیات اتحاد شوروی به خاک خود بوده و گرچه دولت بلشویک سیاستهای امپراطوری تزاری را مردود اعلام کرد با این حال سربازان روسی دوبار خاک ایران را به اشغال خود درآوردند. در سال ۱۹۲۰ روسها برای حمایت از «جمهوری سوسیالیستی گیلان» که در کناره جنوب غربی دریای خزر برپا شده بود وارد این کشور شدند. روسها زمانی که پدر شاه از امضای قراردادی با مسکو امتناع نمود و آن خطه به سرزمین ایران بازگشت از ایران عقب‌نشینی کردند. پس از جنگ جهانی دوم هنگامی که سربازان روس و انگلیس، ایران را در تصرف خویش داشتند، روسها از خارج شدن از این کشور خودداری نموده و حضور آنان باعث ایجاد دو جمهوری مستقل در قسمتهایی از کشور که کردها و ترکهای آذربایجان در آنها زندگی می‌کردند شد، ولی سرانجام به دلیل فشار سازمان ملل، اتحاد شوروی نیروهای خود را از ایران خارج نمود.

به هر حال از اواسط دهه ۱۹۶۰ اتحاد شوروی به صورت یک منبع مهم کمک‌های اقتصادی برای ایران درآمد. بسیاری از کارخانجات صناعی سنگین ایران توسط اتحاد شوروی و اقمارش در اختیار دولت این کشور قرار گرفته‌اند. مسکو همچنین خریدار عمده گاز طبیعی ایران بوده است. میان سران دو کشور دیدارهایی به عمل آمده و به‌طور کلی دو کشور مواضع خصومت‌آمیز گذشته نه چندان دور خود را تغییر داده‌اند.

به‌طور طبیعی شاه نگرانی خاصی نسبت به موقعیت ایران در خاورمیانه نشان داده‌است. تأکید اخیر وی هنگامی بروز نمود که وی تصمیم گرفت پس از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه در سال ۱۹۷۱ ایران را به صورت قدرت حاکم بر خلیج فارس درآورد. او برای پر کردن خلاء موجود به سرعت وارد کار شد و به هدف خود دست یافت. در سال ۱۹۷۱ برای پایان دادن و حل مناقشات دیرینه ایران با دو شیخ‌نشین بر سر تصاحب و مالکیت جزایر استراتژیکی که در مدخل خلیج فارس قرار داشتند، شاه اقدام به یک نمایش قدرت نمود. او نیروهایی برای دست گرفتن کنترل این جزایر و تحمیل شرایط ایران به آنجا گسیل داشت. ایران همچنان با همسایه عرب خود عراق که در غرب آن واقع است، مناقشاتی دارد.

مهمترین مسئله موجود در مناقشات دو کشور مربوط به ادعا و کشمکش عراق در زمینه مرز مشترک خود با ایران در طول شط العرب، که یک آبراه بین‌المللی است که دسترسی به بندر آبادان را امکان پذیر می‌سازد بوده و عراق ادعا می‌کند این مرز در ساحل ایران قرار دارد نه در خط میانی این آبراه. عراق همچنین ایران متهم به حمایت از شورشیان مناطق کردنشین شمال عراق که در خلال ۱۰ سال گذشته شورشیان متناوبی بر علیه دولت بغداد برپا کرده‌اند، نموده است. ایران نیز به نوبه خود از اخراج متناوب ایرانیان از شهرهای مذهبی عراق خشمگین است ادامه این کشمکش بین یک رژیم پادشاهی غیرعرب و یک رژیم تندرو عرب چندان شگفت‌آور نیست. ولی بزرگ کردن این اختلافات و تبدیل آن به بحران نظامی موضوع دیگری است که هر دو طرف به دلایلی مجبور به اجتناب از آن می‌باشند. هیچ یک از دو طرف حاضر نیست که برای دست یافتن به مقاصد خود دست به مبارزه بزنند، لاقلاً عراق حاضر به این کار نیست، چرا که نیروی نظامی ضعیفتری دارد.

اگر شاه برود، ایران هم می‌رود (خیلی محرمانه)

در مدت ده سالی که شاه برنامه‌های اصلاحی خود را آغاز نمود، موفقیت‌هایی به دست آورده است. اقتصاد ملت شاهد یک رشد واقعی بوده و صنعت رو به رشد آن به نظر می‌رسد میزان سالمی از رشد را دنبال خواهد کرد. در مناطق روستایی، انقلاب سفید، املاک فراوان ملاکین ثروتمند را از آنان گرفته و در اختیار کسانی قرار داده که زمینی نداشته و یا تنها قطعه کوچکی زمین در اختیار داشتند. برنامه‌های سوادآموزی شاه به روستاییان بی‌بضاعت امکان بیشتری برای دسترسی به آموزش داده‌است. فارغ‌التحصیلان دانشگاهها نیز در این میان سود برده‌اند، بسیاری از آنان برای اداره برنامه‌های اصلاحی مختلف تکنوکرات شده‌اند، ثروتمندان در رشد اقتصاد شرکت داشتند و از آن سود برده‌اند. مخالفان پیشرفتهای دهه اخیر عمدتاً از تحصیل کرده‌های طبقه متوسط می‌باشند که ندای سیاسی آنها مطابق با چشمداشت‌هایشان نیست. ایران بدون ضعف نیست، به عنوان مثال مسئله افزایش میزان زاد و ولد در دراز مدت تهدیدی نسبت به موفقیت انقلاب سفید به حساب می‌آید. میزان رشد جمعیت بیش از یک میلیون نفر در سال است. جمعیت ایران در سال ۱۹۷۳ سی و یک میلیون نفر بود در سال ۱۹۸۹ به پنجاه میلیون نفر خواهد رسید بیشتر این جمعیت از نظر اقتصادی تولیدکننده نخواهند بود. در حال حاضر در حدود پنجاه و هفت درصد جمعیت ایران زیر ۲۰ سال هستند و همچنان که جمعیت افزایش می‌یابد میانگین سنی نیز کاهش می‌یابد.

چون میزان ورود جوانان به نیروی کار بیش از حد توانایی جذب اقتصاد است. ایران علیرغم بزرگترین رشد و توسعه اقتصاد خود با بیکاری روزافزون رو به روست. در شهرها که افراد از مناطق روستایی برای یافتن کار به آنها هجوم می‌آورند میزان بیکاری به ۱۲ درصد نیروی کار بالغ می‌شود. در اثر توسعه اقتصاد، توانایی‌های عده‌ای برای تحرک اجتماعی رو به افزایش است. ولی هیچ نشانی از کمتر شدن شکاف میان طبقه ثروتمند و فقیر به چشم نمی‌خورد. ایران ضرورتاً به خاطر تولید ناخالص ملی سرانه آن (در حدود ۴۰۰ دلار در سال) باید هنوز در جرگه کشورهای توسعه نیافته در نظر گرفته شود.

با این وصف ثبات کشور و چشم انداز اقتصادی آن دورنمای کلی این کشور را خوب و آینده آن را اطمینان بخش می‌سازد. روابط کشور با غرب مستحکم است به علاوه در قبال مسئله اعراب و اسرائیل

موضع تشنج‌آفرینی نداشته و از طرف دیگر به ترک مخاصمه با اتخاذ جماهیر شوروی تمایل نشان داده است.

هیچ خطری موقعیت شاه را تهدید نمی‌کند و موقعیت وی امن است. او بر ایران حکومت می‌کند. او تغییرات مهیج و مسالمت‌آمیزی را در رده‌های بالای جامعه به وجود آورده است. ضعف عمده سیستم شاه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - که هنوز به قوت خود باقی است این است که این سیستم هنوز به صورت نهادی در نیامده است. و چنین به نظر می‌رسد که در رابطه با انگیزه‌ها، جهت‌ها و نظرها تنها به او وابسته است. اگرچه برای اجرا پروژه‌ها و طرح‌های وی دستگاه اجرائی دست‌اندرکار است، ولی فقط جزء کوچکی از تصمیمات وجود دارد که اشخاص دیگری جز شاه در اتخاذ آنها دخالت دارند.

دهه‌ای که او برای مدرنیزه کردن کشور گذرانده ممکن است وفاداری‌ها و پویایی‌ها را برای خودش ایجاد کرده باشد و سن شاه (که در اکتبر ۱۹۷۳ وارد ۵۴ سالگی خواهد شد) و همچنین سلامتی وی به او اجازه می‌دهد، سالهای دیگری را برای تقویت سیاستهای خود و ایجاد ریشه‌های عمیقتر برای آنان سپری کند. ولی از آنجایی که سیستم فعلی به این صورت تک قطبی شده و ابزارهای سیاسی تنها در دست یک نفر که در رأس سیاست قرار دارد می‌باشد، برای آزمایش کامل قدرت دوام ایران باید منتظر از بین رفتن وی باشیم.

#### وقایع نگار (U/OU)

۳۳۰ - ۵۵۹ قبل از میلاد مسیح

اولین امپراطوری پارس توسط کوروش بزرگ و دودمان هخامنشی تأسیس شد و در برگیرنده افغانستان کنونی در شرق و مدیترانه و دریای اژه در غرب بود.

۳۳۰ قبل از میلاد مسیح

اسکندر کبیر پس از شکست نیروهای پارسی به‌عنوان شاه پارس تاج بر سر می‌نهد و آغازگر حکومت یونان بر این خطه می‌گردد که تا ۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح دوام پیدا می‌کند.

۲۵۰ قبل از میلاد مسیح

شورش علیه حکومت یونانیان منجر به پیدایش دودمان پارت می‌شود، که پنج قرن حیات آن ادامه می‌یابد.

۶۵۱ میلادی

تمام قلمرو ساسانیان تحت کنترل اعراب مسلمان در می‌آید و موجب پیدایش سقوط سیاسی، تفرقه، و بی‌نظمی ۹۰۰ ساله تحت حکومت اعراب، ترکها و مغولها می‌شود.

۱۷۳۶ - ۱۵۰۱ میلادی

تحت حکومت صفویان نظم و وحدت داخلی به کشور بازگشته و شیعه اسلامی مذهب رسمی کشور اعلام می‌گردد.

۱۷۹۵ میلادی

حکومت طولانی قاجاریان ترک آغاز می‌شود.

- ۱۹۰۶ - دسامبر  
قوانین بنیادین (قانون اساسی ملی) در زمان سلطنت دودمان قاجار به تصویب پارلمان ایران می‌رسد.
- ۱۹۰۷ - اکتبر  
بخش متمم قانون اساسی نیز تصویب می‌گردد.
- ۱۹۲۱ - فوریه  
رضاخان سرکرده تیپ قزاق ارتش ایران و سید ضیاءالدین طباطبائی که بعداً نخست‌وزیر شد با موفقیت علیه خاندان قاجاریه کودتا می‌کنند. پیمان دوستی بین ایران و جمهوری سوسیالیستی فدرال روسیه شوروی منعقد می‌گردد.
- ۱۹۲۵ - دسامبر  
تاجگذاری رضاخان که از این پس به رضاشاه پهلوی مشهور می‌گردد.
- ۱۹۴۱ - اوت  
انگلستان و شوروی به ایران حمله می‌آورند تا مانع گسترش نفوذ آلمان شوند.  
سپتامبر  
رضاشاه به نفع پسرش محمدرضا شاه از سلطنت کناره می‌گیرد.
- ۱۹۴۶ - می  
شوروی نظامیان خود را پس از طرح شکوائیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر عدم خروج شوروی از ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم، خارج می‌سازد.
- ۱۹۴۹ - فوریه  
حزب توده، حزب سیاسی کمونیست ایران، به خاطر دست داشتن در طرح سوء قصد علیه شاه غیرقانونی اعلام می‌شود.
- ۱۹۵۱ - مارس  
صنعت نفت انگلیس ملی اعلام می‌شود، تظاهرات خیابانی ضدانگلیس، امنیت ملی کشور را در معرض تهدید قرار می‌دهند.  
آوریل  
محمد مصدق نخست‌وزیر می‌شود.
- ۱۹۵۳ - اوت  
مصدق به دنبال یک کودتا از کار برکنار و شاه که پس از تلاشی ناموفق علیه مصدق چند روز قبل از آن به اروپا گریخته بود به ایران بازمی‌گردد.
- ۱۹۵۵ - نوامبر  
ایران به پیمان بغداد که در سال ۱۹۵۹ عنوان سازمان پیمان مرکزی (سنتو) را یافت، می‌پیوندد.
- ۱۹۵۹ - ژوئیه  
قرارداد دفاعی دوجانبه را با آمریکا منعقد می‌سازد.
- ۱۹۶۰ - ژوئیه  
ایران و جمهوری عربی متحده به دنبال مناقشه مربوط به اسرائیل روابط دیپلماتیک خویش را قطع



می‌کند.

اکتبر

وارث ذکور شاه متولد و رضا کورش علی نام می‌گیرد.

۱۹۶۱ - می

علی امینی نخست‌وزیر می‌شود و از طرف شاه مأمور انجام اصلاحات وسیع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌گردد.

۱۹۶۲ - سپتامبر

اعلامیه یک جانبه ایران به نفع شوروی مبنی بر اینکه قلمرو ایران به پایگاه هیچ یک از قدرتهای خارجی تبدیل نخواهد شد.

۱۹۶۳ - ژانویه

فرانکوم ملی در مورد برنامه اصلاحی شش ماده‌ای شاه سبب می‌شود که همگان به این برنامه رأی مثبت بدهند.

سپتامبر

انتخابات پارلمانی مجلس بیست و یکم برگزار می‌شود.

۱۹۶۴ - ژوئیه

ایران، پاکستان و ترکیه سازمان همکاریهای عمران منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند.

۱۹۶۵ - ژانویه

نخست‌وزیر حسن علی منصور توسط یکی از اعضای گروه متعصب مسلمان به قتل می‌رسد، امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری می‌رسد.

آوریل

یکی از سربازان وظیفه گارد سلطنتی به جان شاه سوء قصد می‌کند.

ژوئن

شاه رسماً به شوروی سفر می‌کند.

۱۹۶۶ - ژانویه

ایران و شوروی در مورد احداث کارخانه ذوب آهن، توسعه معادن آهن و زغال سنگ و احداث یک لوله جهت انتقال گاز طبیعی ایران به شوروی، توافق می‌کنند.

۱۹۶۷ - ژانویه

شوروی یک اعتبار نظامی ۱۱۰ میلیون دلاری در اختیار ایران قرار می‌دهد.

اوت

انتخابات پارلمانی مجلس بیست و دوم برگزار می‌شود.

سپتامبر

مجلس مؤسسان قانون اساسی را اصلاح می‌کند تا جانشین شاه مشخص شود، ملکه نیز عنوان نائبالسلطنه می‌گیرد.

اکتبر

تاجگذاری محمدرضا شاه .

نوامبر

کمک اقتصادی آمریکا به ایران رسماً پایان می‌یابد.

۱۹۶۸ - ژانویه

انگلستان اعلام می‌کند که در پایان سال ۱۹۷۱ نیروهای خود را از خلیج فارس خارج خواهد ساخت.

۱۹۶۸ - فوریه

شاه سفر به عربستان سعودی جهت گفتگو در مورد وضعیت بحرین را لغو می‌کند زیرا رقابت موجود در خلیج فارس افزایش می‌یابد.

سپتامبر

شاه به شوروی سفر می‌کند.

اکتبر

انتخابات شوراهای شهری در شهرهای بزرگ و شهرکها برگزار می‌شود.

نوامبر

شاه به عربستان سعودی و کویت سفر می‌کند.

۱۹۶۹ - آوریل

از آنجا که لبنان از استرداد سپهد تیمور بختیار به ایران امتناع می‌ورزد، چون باید در ایران محاکمه شود، ایران با لبنان روابط دیپلماتیک خود را قطع می‌کنند.

ایران قرارداد ۱۹۳۷ خود با عراق را در مورد مرز شط‌العرب زیر پا می‌گذارد، زیرا معتقد است که عراق از آن سرپیچی کرده است.

اکتبر

شاه به آمریکا سفر می‌کند.

۱۹۷۰ - ژوئیه

سپهد تیمور بختیار توسط عوامل ایرانی در عراق به قتل می‌رسد.

۱۹۷۱ - ژوئیه

انتخابات پارلمانی مجلس بیست و سوم برگزار می‌گردد.

اکتبر

مراسم بزرگداشت ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران

نوامبر

نیروهای ایران جزایر ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ در خلیج فارس را اشغال می‌کند.

۱۹۷۲ - اکتبر

شاه و ملکه به شوروی سفر می‌کنند

## مشخصات کشور<sup>۱</sup>

زمین:

۶۳۶۰۰۰ مایل مربع، ۱۴٪ کشاورزی، ۱۱٪ جنگلی، ۱۶٪ قابل کشاورزی و دارای آب کافی، ۵۱٪ کویری، لم‌بزرع، یا شهری، ۸٪ مراتع مهاجرتی و غیره  
مرزهای خشکی: ۳۳۰۵ مایل  
آب:

محدوده قلمرو آبی (مورد ادعا): ۱۲ مایل دریایی  
خط ساحلی: ۱۵۶۰ مایل (شامل جزایر دورافتاده)

مردم:

جمعیت ۳۰/۸۰۵/۰۰۰ نفر طبق برآورد یکم ژانویه ۱۹۷۳، پراکندگی جمعیت، ۴۸ نفر در هر مایل مربع، ۴۳٪ شهری، ۵۷٪ روستایی.

ترکیب نژادی: بیش از ۵۰٪ جمعیت را می‌توان فارس نامید، در حالی که ۲۲٪ دیگر از جمله کردها (۶٪) نژاد ایرانی هستند. مردم ترک زبان ۲۲٪، اعراب ۵٪ و دیگر نژادها ۱٪ می‌باشند.

مذهب: ۹۰٪ رسماً مسلمان شیعه می‌باشند، ۸٪ مسلمان سنی، ۲٪ مسیحی، یهودی، زردشتی و غیره.  
زبانها: پارسی (فارسی)، ترکی، کردی، عربی

سطح سواد، حدود ۳۳٪ جمعیت ۱۰ ساله به بالا (آمار ۱۹۷۲)

نیروی کار: ۸/۳ میلیون نفر شامل: ۳۷٪ در بخش کشاورزی، ۲۷٪ در بخش صنعت و ۲۵٪ در بخش خدمات.

سطح بهداشت، تغذیه و بهزیستی: پایین.

حکومت:

نام حقوقی: امپراطوری ایران

نوع: سلطنت مشروطه تحت کنترل شاه

پایتخت: تهران

تقسیمات فرعی سیاسی: ۱۴ استان و نه فرمانداری مستقل که به حوزه، حومه، بخش و روستا تقسیم‌بندی شده‌اند. قرار است تقسیمات استانی جدیدی در این کشور انجام شود. (خیلی محرمانه)

نظام حقوقی: استوار بر مجموعه قوانین فرانسه همراه با عناصری از مجموعه قوانین جهانی و قانون اسلام: قانون اساسی در سال ۱۹۰۶ به تصویب رسید، دیوان عالی برترین مرجع قضایی کشور است، منبع تحصیلات حقوقی دانشگاه تهران است، حیطة قضایی دادگاه بین‌المللی قضاات را نپذیرفته است.

شعبات: شاه قوه مجریه را در اختیار دارد، نخست‌وزیر توسط شاه منصوب و باید توسط مجلس تأیید شود، ولی کابینه در حیطة مسئولیت‌های نخست‌وزیری است و شاه در انتخاب وزراء نفوذ شدیدی را اعمال می‌کند، قوه مقننه دوگانه، مجلس دارای ۲۶۸ کرسی است (که دو کرسی خالی برای جزایر خلیج فارس در نظر گرفته شده است) که نمایندگان آن برای یک دوره چهارساله برگزیده می‌شوند نیمی از اعضای مجلس

۱- این مطالب از کتاب وقایع‌نامه نیمساله اطلاعاتی ۱۹۷۳ اقتباس شده است، مطالب فوق طبقه‌بندی نشده و برای استفاده اداری است مگر آنکه غیر از آن بیان شود.

سنا را شاه منصوب می‌کند و نیمی دیگر انتخابی هستند.  
 برای بررسی قضایی لوایح قانونگذاری هیچ شرطی در نظر گرفته نشده است.  
 رهبر دولت: محمدرضا شاه پهلوی  
 حق رأی: برای تمام افراد ۲۰ ساله به بالا آزاد است.  
 انتخابات: مجلس هر چهار سال یک بار: سنا هر چهار سال یک بار، آخرین انتخابات ملی در ژوئیه ۱۹۷۱، و انتخابات محلی در اکتبر ۱۹۷۲ برگزار گردید.

احزاب سیاسی: حزب ایران نوین، حزب مردم، حزب ایرانیان، قدرت رأی: مجلس - حزب ایران نوین، ۲۳۰ کرسی، حزب مردم، ۳۷ کرسی، حزب ایرانیان ۱ کرسی، سنا - حزب ایران نوین، ۲۸ کرسی، حزب مردم، ۲ کرسی، ب اضافه ۳۸ کرسی موجود برای نمایندگان انتصابی توسط شاه، تمام نامزدهای مجلسین باید مورد تأیید دولت باشند.  
 کمونیستها: ۵۰۰ الی ۴۵۰۰ (هسته اصلی، تقریبی)، دارای هوادارانی در میان کارگران و روشنفکران می‌باشند، اکثراً طرفدار شوروی هستند، ولی جناح طرفدار چین نیز رو به گسترش است. (سرّی) دیگر گروه‌های سیاسی یا صاحب نفوذ: حزب توده (کمونیست، غیر قانونی) کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (غیر قانونی).

عضویت در: سنتو، طرح کلمبو، سازمان خواروبار و کشاورزی، سازمان انرژی اتمی بین‌المللی، بانک بین‌المللی بازسازی و عمران، سازمان هوانوردی غیر نظامی بین‌المللی، IHB, IDA، سازمان کار بین‌المللی، IMCO، صندوق بین‌المللی پول، اتحادیه تجاری بین‌المللی OPEC، سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، سازمان ملل، یونسکو، UPU، سازمان بهداشت جهانی.  
 اقتصاد:

تولید ناخالص ملی: ۱۲ میلیارد دلار (تقریبی در سال مالی ۱۹۷۱-۷۲ ایرانی)، ۴۰۰ دلار سرانه، رشد واقعی تولید ناخالص ملی ۱۴٪ در سال مالی ۱۹۷۱-۷۲ ایرانی.  
 کشاورزی و دامداری: گندم، جو، برنج، چغندر، پنبه، خرما، کشمش، چای، تنباکو، پرورش گوسفند و بز.

صنایع مهم: تولید نفت خام (۱۶۵۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۱) و پالایش، منسوجات، سیمان و دیگر مصالح ساختمانی، تهیه مواد غذایی (به خصوص قند و تولید روغن نباتی) مصنوعات فلزی (خیلی محرمانه)

نیروی برق: ۲/۸۰۰/۰۰۰ کیلو وات ظرفیت (۱۹۷۲)، ۸/۳ میلیارد کیلو وات ساعت سطح تولید (۱۹۷۱).

صادرات: ۳۵۶ میلیون دلار (غیر نفتی در سال مالی ایرانی ۱۹۷۱-۷۲)، ۸۹٪ نفتی، فرش، پنبه خام، میوه، خشکبار، پوست و اقلام چرمی، سنگهای معدنی، کشورهای کمونیست (به خصوص شوروی) ۳۱٪ صادرات غیر نفتی کشور را دریافت داشته‌اند.

واردات: ۱۸۷۲ میلیون دلار سال مالی ایرانی (۱۹۷۱-۷۲)، ماشین آلات، آهن و محصولات فولادی، شیمیایی، دارویی، تجهیزات برقی، کشورهای کمونیست منبع تأمین ۱۳٪ از کالاهای وارداتی این کشور می‌باشند.

مهمترین طرفین تجاری: صادرات - آلمان غربی، آمریکا، ژاپن شوروی و دیگر کشورهای کمونیست، واردات - آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، ژاپن، شوروی.  
کمک:

اقتصادی: ۱۰۲۹ میلیون دلار اعتبار اقتصادی توسط کشورهای کمونیست از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۱ (۶۰۱ میلیون دلار توسط شوروی)، کل کمک‌های آمریکا (سالهای مالی ۷۱-۴۶) ۱۱۳۱ میلیون دلار، برنامه کمک، که معادل ۶۰۳ میلیون دلار (در سالهای مالی ۷۱-۴۶) بود در نوامبر ۱۹۶۷ خاتمه یافت. دریافت کمک از سازمان‌های بین‌المللی معادل ۶۸۲/۱ میلیون دلار بود (سالهای مالی ۷۱-۴۹).  
نظامی: ۳۲۵ میلیون دلار کمک توسط شوروی (۱۹۶۷-۷۱)، کل کمک‌های نظامی آمریکا در سالهای ۷۱-۱۹۴۶ معادل ۱۷۰۰ میلیون دلار بود. (سرتی)

نرخ تبدیل پول ایران: ۷۵/۷۵ ریال = ۱ دلار آمریکا (۱۹۷۲)  
سال مالی: از ۲۱ مارس الی ۲۰ مارس  
ارتباطات:

راه آهن: ۲۸۷۵ مایل با اندازه ۴ فوت و ۸/۵ اینچ، ۵۷ مایل با اندازه ۵ فوت و ۶ اینچ  
شاهراهها: ۲۶۵۰۰ مایل، ۷۱۰۰ مایل آسفالت، ۱۲۹۰۰ ایل شوسه و ۶۵۰۰ مایل خاکی.  
راه‌های آبی: ۵۶۵ مایل به استثنای دریای خزر، شط العرب و دریاچه ارومیه.  
خط لوله: نفت خام، ۳۳۰۰ مایل، فرآورده‌های پالایشگاهی، ۲۷۸۵ مایل گاز طبیعی ۱۷۶۰ مایل.  
بنادر: ۷ بندر بزرگ، ۶ بندر کوچک  
ناوگان تجاری: ۱۵ کشتی (۱۰۰۰ تنی و بیشتر) معادل ۱۵۰۳۹۹ تن یا ۲۱۹۰۷۵ تن، ظرفیت کامل، شامل ۱۱ کشتی باری و ۴ تانکر.

هواپیمایی کشوری: ۱۸ هواپیمای بزرگ ترابری

پایگاه‌های هوایی: ۱۴۸ پایگاه قابل استفاده، که شش تای آنها باند فرود بالغ بر ۱۲۰۰۰ فوت، ۱۵ تا باند فرود بین ۸۰۰۰ الی ۱۱/۹۹۹ فوت، ۴۹ تا باندهای فرود بین ۴۰۰۰ الی ۷۹۹۹ فوت دارند و ۴۹ پایگاه دیگر دارای باندهای دائمی می‌باشند و ۸۲ پایگاه هوایی دیگر نیز در دست احداث است.  
مخابرات راه دور: سیستم پیشرفته رابط‌های رله رادیویی، خطوط باسیم، کابلی، و رابط‌های ماهواره زمینی، تهران مهمترین مرکز آن است، مراکز ثانوی عبارتند از اصفهان، مشهد و تبریز، ۳۰۷/۵۰۰ تلفن (۱۹۷۱)، ۳ میلیون گیرنده رادیویی (۱۹۷۰) و ۷۰۰/۰۰۰ گیرنده تلویزیونی (۱۹۷۲)، ۲۴ موج ۱-ام، امواج اف-ام و ۱۸ ایستگاه تلویزیونی (ژانویه ۱۹۷۳)، ایستگاه ماهواره‌های زمینی.  
نیروهای دفاعی:

نیروهای انسانی نظامی: ذکور ۱۵-۴۹ ساله، ۷۲۵۵۰۰۰ نفر، حدود ۵۹٪ مناسب برای خدمات نظامی، حدود ۳۱۷۰۰۰ نفر سالانه به سن مناسب برای ورود به خدمت نظام وظیفه (۲۱ سالگی) می‌رسند.

پرسنل: ۲۹۸۳۰۰ نفر به شرح زیر: نیروهای زمینی ۱۶۵۰۰۰ نفر، نیروی دریایی، ۱۳۰۰۰ نفر (شامل ۳۰۰۰ نفر نیروی پیاده دریایی)، نیروی هوایی ۵۰۰۰۰ نفر (۴۶۱ خلبان)، ژاندارمری، ۷۰۳۰۰ نفر (سرتی).

واحدهای مهم زمینی: ۵ لشکر (۲ پیاده، ۳ زرهی)، یک ستاد فرماندهی هوایی ارتش، ۴ تیپ مستقل (۲ تیپ پیاده، ۱ تیپ هوابرد پیاده، ۱ تیپ نیروهای ویژه (سرّی) ناوها: یک ناوشکن حامل موشکهای هدایت‌شونده، ۲ ناواسکورت حامل موشکهای هدایت‌شونده، ۱۲ قایق گشتی، ۶ مین جمع‌کن، ۴ قایق آبی-خاکی، ۲۱ ناو خدماتی، ۲ قایق، ۱۰ فروند هاورکرافت (سرّی).

هواپیما: ۵۰۸ فروند شامل ۳۲۰ فروند (۲۱۲ جت) در نیروی هوایی، ۵۲ هواپیمای ملخی در ژاندارمری، ۱۱۷ فروند ملخی در نیروهای زمینی و ۱۹ هواپیمای ملخی در نیروی دریایی (سرّی) تدارکات: بخش کوچکی از مهمات سلاحهای کوچک و مهمان ۱۰۵ میلی متری را تولید می‌کند، بخش اعظم تجهیزات آمریکایی است، قسمتی از موشکهای ضدتانک فرانسوی است، بخشی از موشکهای زمین به هوا و ناوهای دریایی انگلیسی است، و هلیکوپترهای آن ایتالیایی است از سال ۱۹۶۷ مقادیر زیادی وسایط نقلیه، زرهی، توپخانه (از جمله توپهای خودکشی ضد هوایی) و وسایط نقلیه ترابری از شوروی دریافت کرده است، اخیراً نیز توپهای ضد هوایی و رادارهای مربوط را از سوئیس و تانکهای مورد نیاز خویش را از انگلستان دریافت کرده است (سرّی) بودجه نظامی: برای سال مالی که در ۲۰ مارس ۱۹۷۳ خاتمه می‌یابد حدود ۱۴۷۰/۲ میلیون دلار در نظر گرفته شده که حدود ۲۰٪ کل بودجه کشور را تشکیل می‌دهد.

#### سند شماره (۸)

قابل توجه برای پرسنل نیمه وقت

(طبقه‌بندی نشده) صبح (بعد از ظهر) بخیر آقایان. من... هستم. از آنجا که مدت اقامت شما در ایران کوتاه خواهد بود. یک جلسه توجیهی برای شما طرح‌ریزی کرده‌ایم تا حوزه دید و بینش شما را نسبت به وضعیت اینجا گسترش دهد، به این امید که در اجرای مأموریت شما مؤثر واقع گردد.

(خیلی محرمانه) مقدمه:

این نوشتار در آغاز به بررسی منافع ملی آمریکا در ایران می‌پردازد، در ادامه به سنجش و ارزیابی تأثیرات موقعیت جغرافیایی ایران در خاورمیانه و بررسی جنبه‌های فیزیکی اصلی کشور می‌پردازد، چون این عمل می‌تواند در تشریح نیازهای دفاعی ایران و موضع دفاعی ایران مفید واقع شود. علاوه بر این به عمران اجتماعی و صنعتی ایران، مردم آن و مذاهب آنها نیز نگاهی خواهیم داشت و به طور مختصر در مورد چند ضریب مهم فرهنگی اظهاراتی را مطرح خواهیم کرد. آنچه گفته شد مقدمه‌ای است بر بیان خطر خارجی که ایران آن را متصور است و نیز استراتژی شاه برای خنثی ساختن خطر مزبور، تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم‌گیرنده در امور دفاعی ایران نیز در مرحله بعد قرار می‌گیرد و پس از آن از قدرت، تسلیحات موجود و طرحهای مربوط به توسعه و گسترش نیروهای نظامی سه‌گانه، به طور مختصر سخن به میان خواهد آمد. سپس به مرور و بررسی برنامه کمک امنیتی آمریکا در حمایت از نیروهای ایرانی پرداخته و به طور مفصل در مورد دو عنصر مهم آن صحبت می‌کنیم که عبارتند از هیئت مستشاری نظامی و تافت یعنی تیمهای کمک فنی حوزه‌ای.

از ژانویه ۱۹۷۲، ایران حدود ۲/۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی آمریکایی خریداری کرده که به این ترتیب این کشور به صورت مهم‌ترین خریدار مصالح تولیدی توسط صنایع دفاعی آمریکا در آمده است. جدولی از فروشهای خارجی نظامی که تا به حال انجام گرفته و نیز فهرستی از فروشهای مهمی که قرار است در آینده صورت پذیرد. در اینجا ارائه خواهد شد. این خریدهای مهم نظامی گرچه بسیار حیرت‌انگیز و مؤثر می‌باشند، ولی باید توأم با یک برنامه آموزشی جاه‌طلبانه باشند تا اکتساب تسلیحات به صورت توان رزمی تحقق پیدا کند. بنابراین، تشریح برنامه آموزشی نظامی جاری و آتی خارج از کشور برای نیروهای نظامی ایران نیز ضرورت داشته و در اینجا به آن پرداخته می‌شود. بالاخره در این نوشتار، به بررسی فشرده عواملی می‌پردازیم که علاوه بر خطر خارجی به تعهد شاه در رابطه با گسترش و نوسازی نیروهای مسلح ایران شکل می‌بخشند.

#### (طبقه‌بندی نشده) منافع آمریکا:

بررسی منافع آمریکا نقطه آغاز بسیار مفیدی است، زیرا نشان می‌دهد که چرا آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم دائماً از ایران حمایت کرده چرا میزان این حمایت طی دو سال گذشته افزایشی چنین چشمگیری داشته است. ایران که در سمت غربی آن تضاد رو به انفجار اعراب و اسرائیل و در شرق آن خصومت پایدار بین پاکستان و هند وجود دارد، مانند جزیره‌ای از ثبات ترقی در بخشی از جهان است که این شرایط بسیار کمیاب می‌باشد.

(خیلی محرمانه) ثانیاً، موافقت نامه امنیتی دو جانبه منعقد شده در سال ۱۹۵۹ عامل برقراری رابطه بین آمریکا و ایران است. علاوه بر این، آمریکا و ایران در سازمان پیمان مرکزی (سنتو) هم پیمان می‌باشند که ایران عضو کامل آن سازمان است و آمریکا عضو وابسته به آن، طی چند سال گذشته ارزش ساختار هم پیمانی نظامی آمریکا در بخشهایی از جهان درست مانند سرعت کاهش ارزش دلار سیر نزولی طی کرده است.

معدالک، وجود ایران به عنوان مانعی در راه دستیابی اتحاد جماهیر شوروی به آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند برای آمریکا دلگرم کننده می‌باشد.

(خیلی محرمانه) ثالثاً، در هر زمانی که موانع سیاسی سدی نفوذ ناپذیرتر از موانع تکنولوژیک می‌باشند، ایران برای هواپیماهای نظامی آمریکا یک فضای پرواز بی نظیر فراهم آورده است. با در نظر گرفتن این مطلب که هواپیماهای ما از پرواز بر فضای ساحل جنوبی مدیترانه در کمانی از الجزیره تا سوریه منع شده‌اند، مسیر پرواز موجود در ترکیه و ایران تنها رابطه معقول و عملی بین اروپا و چند مقصد مهم در منطقه اقیانوس هند را پدید آورده است. به عنوان مثال، از طریق ایران فرماندهی هواپرد نظامی از نظر ارتباطی به ایستگاه ما در اتیوپی، فرمانده نیروی دریای آمریکا، نیروی خاورمیانه، و برنامه کمک امنیتی در عربستان سعودی خدمات ارزنده‌ای می‌نماید.

(طبقه بندی نشده) رابعاً، موازنه پرداختها به صورت یک مسئله مزمن و حاد در اقتصاد آمریکا خودنمایی می‌کند. علاوه بر فروش تجهیزات نظامی، ایران، به صورت بازاری بسیار پررونق برای سرمایه‌ها و کالاهای بازرگانی آمریکا در آمده است. در حال حاضر، بیش از ۲۰۰ شرکت آمریکایی دفاتری در تهران دارند. دفاتر ۲۰ شرکت نفتی آمریکایی نیز از همین جمله است. ایران حتی برای کالاهای

کشاورزی آمریکا نیز بازار خوبی است که در سال گذشته میزان فروش این گونه کالاها به بیش از دو میلیون دلار رسید.

(خیلی محرمانه) خامساً، نفت موضوعی است که امروزه افکار همگان را به خود مشغول داشته است. آمریکا در حال حاضر ۴۰ درصد نفت تولیدی جهان را مصرف می‌کند. نیاز ما به انرژی روی به افزایش می‌باشد در حالی که میزان تولید داخلی مان رو به کاهش است. بدون شک آمریکا مجبور خواهد بود حداقل تا پایان دهه ۱۹۸۰ مقادیر بیشتری نفت را وارد کند. در حال حاضر کمتر از ۵ درصد نفت صادراتی ایران مستقیماً به آمریکا فرستاده می‌شود. ولی مقادیر بسیار بیشتری به کشور هم‌پیمان مهم ما در آسیا یعنی ژاپن، و نیز به هم‌پیمانان ما در سازمان ناتو در اروپای غربی صادر می‌گردد. در صورت بروز بحرانی در زمینه انرژی و در صورت اجرا تهدیدهای اعراب مینی بر استفاده از نفت به عنوان سلاحی برای ایجاد اعتدال در حمایت آمریکا از اسرائیل، ایران به صورت یک منبع مهم نفت وارداتی مطمئن عمل می‌کند. (خیلی محرمانه) بالاخره، ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی خویش محل مناسبی برای فعالیت تأسیسات متعدد آمریکایی می‌باشد که به نوبه خود مساعدتی است حیاتی در امنیت ملی آمریکا.

#### (طبقه بندی نشده) مشخصات فیزیکی:

برای ایجاد یک چهارچوب مرجع صحیح، لازم است به یاد داشته باشیم که ایران کشوری است وسیع که مساحت آن معادل ۶۳۶/۰۰۰ مایل مربع است. برای اینکه وسعت آن بهتر نشان داده شود می‌توان گفت که اگر می‌توانستیم ایران را روی نقشه‌ای از آمریکا قرار دهیم می‌دیدیم که بخش اعظم کشور را در شرق رودخانه می‌سی‌سی‌پی در بر می‌گیرد. علاوه بر این اگر همین عمل بر روی نقشه اروپا انجام شود می‌بینیم که بخش اعظم اروپای غربی را از اسکاتلند گرفته تا رم و از دریای بالتیک تا مرز اسپانیا می‌پوشاند. (طبقه بندی نشده) در دو سوی ایران دو منبع آبی بسیار مهم قرار گرفته است. دریای خزر در شمال که آنها آن بخش اعظم خاویار جهان را تأمین می‌کند و خلیج فارس در جنوب که در بزرگترین ذخایر نفتی جهان است.

(طبقه بندی نشده) ایران با عراق و ترکیه در غرب و افغانستان و پاکستان در شرق هم مرز است. این کشور از فلاتی نیمه خشک و یا سلسله کوههای رفیع و بخش قابل توجهی کویر لم‌یزرع تشکیل شده است. منطقه دریای خزر نیمه استوایی است و بسیار حاصلخیز، در حالی که منطقه مجاور خلیج فارس بسیار گرم و خشک است.

(طبقه بندی نشده) ایران دارای سه بخش جغرافیایی مهم است، سلسله جبال البرز از جنوب شرقی ترکیه در تمام طول مرز ۱۲۰۰ مایلی ایران و شوروی تا مرز افغانستان ادامه می‌یابد. سطح ارتفاع این منطقه از ۸۶ فوت زیر دریا در دریای خزر تا حدود ۱۹۰۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا در کوه دماوند تغییر پیدا می‌کند.

(طبقه بندی نشده) منطقه سلسله جبال البرز بسیار صعب‌العبور بوده و به صورت مانع طبیعی قد علم کرده و فقط دارای چند معبر به سمت شمال است. منطقه واقع در میان شیبهای شمالی کوههای البرز و دریای خزر در تمام طول سال دارای میزان بارش بسیار آب و هوایی معتدل می‌باشد. نهرها و رودهای پرپیچ و خم کوهستانی، منطقه دریای خزر را به صورت منطقه‌ای بسیار زیبا، غنی، حاصلخیز و کشاورزی



درآورده است. در ثانی منطقه محصولات بسیاری از قبیل برنج، نیشکر، ذرت... پنبه، تنباکو و چای به عمل می‌آید، محصول مرکبات این منطقه نیز دارای اهمیت بسیار می‌باشد. شهر تبریز در نزدیکی این منطقه واقع شده و به خاطر باغهای زیبای شاه و گلستان خویش شهرت یافته است. مهمترین محصولات این شهر عبارتند از فرش، پتو و نقره‌جات بسیار عالی.

(طبقه‌بندی نشده) دومین منطقه جغرافیایی مهم ایران سلسله جبال زاگرس است که از کوهها کردستان ترکیه در طول مرز عراق ادامه یافته و به کوههای بلوچستان و پاکستان متصل می‌گردد. این سلسله جبال نیز در تقاطعی مانند کوههای البرز صعب‌العبور بوده و از عمق بیشتری برخوردار و در بعضی نقاط عرض آنها بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ مایل متغیر است.

(طبقه‌بندی نشده) شهر شیراز در سلسله جبال زاگرس قرار دارد و شاعرانه‌ترین شهر ایران می‌باشد. مقبره‌های شعرای شهیری چون سعدی و حافظ در این شهر قرار دارند. در نزدیکی این شهر، شهری بسیار قدیمی و تاریخی قرار دارد که همان تخت جمشید پایتخت سابق امپراطوری پارس می‌باشد، که در همان جا جشنهای بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی در سال ۱۹۷۱ برگزار گردید. بین او دو سلسله جبال صعب‌العبور یک دشت خشک بسیار وسیع قرار گرفته که عاری از هرگونه حیات نباتی، حیوانی و انسانی است.

(طبقه‌بندی نشده) این سرزمین خشک و لم‌یزرع که در بخش شرقی و مرکزی ایران قرار دارد از ارتفاعی بین ۱۰۰۰ تا ۸۰۰۰ فوت از سطح دریا برخوردار است و با افغانستان و پاکستان هم مرز می‌باشد. فلات عظیم کشور در برگیرنده دشت کویر و دشت لوط می‌باشد. شهر اصفهان درست در لبه این فلات واقع شده و شامل مجموعه‌ای از مساجد زیبای ایران و بزرگترین کارخانه‌های نساجی کشور است. بخش اعظم کارهای دستی برنجی و بسیار زیبا در بازار کار بزرگ اصفهان تولید می‌شود. از نقطه نظر توریستی اصفهان به خاطر مساجد زیبا، سدهای تاریخی و مناظر غیر آن جذابیت بسیار دارد.

(طبقه بندی نشده) از نظر سنتی و از دیر باز، کوهها موانعی دفاعی برای این کشور بوده است. ولی نکته مضحک جالب توجه این است که مهمترین اهداف استراتژیک ایران یعنی تأسیسات تولید، پالایش و صدور نفت کشور در جنوب غربی، در دشتی باز و در خارج از سلسله جبال دفاعی ایران واقع شده‌اند. (طبقه‌بندی نشده) جزایر لاوان و خارک در خلیج فارس مهمترین مناطق ذخیره و صدور فرآورده‌های نفتی کشور می‌باشند. شکوه و جلال تاریخی ایران به سرعت با پدیده‌هایی نو چون خط لوله گاز از خلیج فارس تا شوروی جایگزین می‌گردد.

(طبقه بندی نشده) مردم، مذهب، فرهنگ:

جمعیت ایران ۳۰ میلیون نفر است که اکثر آنها مسلمان یعنی پیرو اسلام می‌باشند. مسلمانان ایران بیشتر پیرو مذهب تشیع هستند تا مذهب تسنن اسلامی. در ایران مسلمانان عرب، ترک، افغان و پاکستانی نیز زندگی می‌کنند. اقلیتهای مذهبی عبارتند از مسیحیان، یهودیان و زردشتیها. در ایران معاصر ۸۰۰۰۰ یهودی زندگی می‌کنند و یکی از قدیمی‌ترین جمعیتهای یهودی جهان را تشکیل می‌دهند.

(طبقه‌بندی نشده) منشأ اختلاف بین مذاهب تشیع و تسنن اسلامی مناقشه‌ای بود که پس از درگذشت محمد پیامبر اسلام در مورد تعیین جانشینی وی در گرفت. شیعیان معتقدند که پس از محمد دامادش علی

و سپس گروهی از امامان جانشین وی می‌شوند و دوازدهمین امام، امام غایب است که از نظرها پنهان شده و روزی باز خواهد گشت.

فرقه تسنن که تمام اعراب متعلق به آن هستند، معتقد است که خلفای منتخب باید عهده‌دار سمت جانشینی شوند. شیعیان معتقدند که قرآن آنان را چندان مقید نمی‌سازد، به همین دلیل است که مثلاً در رابطه با مشروبات الکلی انعطاف پذیرتر از اهل تسنن می‌باشند.

(طبقه‌بندی نشده) نقش مذهب در حیات ایرانیان بهتر از نقش آن در حیات اکثر غریبها بوده است. از آنجا که عکس‌العملهای عاطفی و روشنفکرانه در قابل محیطی مادی اغلب به صورت مذهبی فرمول‌بندی شده، تقریباً تمام حرکت‌های مذهبی ایران دارای تأثیرات بسیار شدید اجتماع و سیاسی بوده است. (طبقه‌بندی نشده) روحانیت اساساً نیرویی محافظه‌کار در ایران معاصر است. آنها با برنامه اصلاحاتی شاه و به‌خصوص با برنامه اصلاحات ارضی و آزادی زنان مخالفت ورزیده‌اند. حتی قوانین مدنی چون قوانین طلاق که اخیراً وضع شده بر مفاهیم قرآنی استوار است.

(طبقه‌بندی نشده) مشروعیت دودمان حاکمه از این فرضیه نشأت می‌گیرد که شاه به‌عنوان نماینده یا نایب امام غایب که در آخرین روزهای عمر جهان به زمین بازمی‌گردد تا حقیقت، صلح و عدالت را مستقر سازد، بر مردم حکومت می‌کند.

(طبقه‌بندی نشده) حدود ۳ درصد کل جمعیت کشور را مردم قبایل و بیابانگردی تشکیل می‌دهند که تا همین اواخر تمام متعلقات خویش را دوبار در سال بر شترها، قاطرها و اشتران بار کرده و به چراگاههای بهتر کوچ می‌کرده‌اند. به عنوان بخشی از اصلاحات اخیر، دولت در جهت اسکان این قبایل در روستاها و شهرکها اقداماتی را به عمل آورده است تا بتوانند در آن نقاط به کار پرورش دام، کشاورزی و یا خرده بازرگانی مشغول شوند.

(طبقه‌بندی نشده) کردها، بختیارها، قشقاییها، بلوچها ترکمنها مهمترین قبایل مهم کشور می‌باشند. همچنین قبایل کوچک دیگری چون لرها، شاهسونها، افشارها و دیگر عناصر قبیله‌ای کوچک نیز در این کشور به سر می‌برند. در میان نامبردگان، کردها و بختیارها بزرگترین قبایل بوده و به ترتیب شامل دو میلیون و یک میلیون عضو قبیله‌ای می‌باشند. به استثناء تلاشی که پس از جنگ جهانی دوم صورت گرفت و خنثی شد، کردها هیچ‌گاه به صورت ملتی جدا قد علم نکرده‌اند ولی ۳۰۰۰ سال است که این گروه به صورت نژادی خاص به حیات خویش ادامه داده است. کردهای ایران در منطقه مرزی شمال غربی کشور زندگی می‌کند.

(طبقه‌بندی نشده) تفاوت فرهنگ ایران و فرهنگ ما مانند تفاوت میان مذهب آن و مذهب ماست. گرچه بعضی از جنبه‌های آن حیرت آور و شگفت‌انگیز است ولی بعضی از جنبه‌های دیگر آن بسیار زیبا و باب طبع است. اجازه دهید تنها به طرح چند نکته پرداخته و از بحثی جامع پرهیز نمایم.

(طبقه‌بندی نشده) از نظر اکثر ایرانیها، غریبها افرادی خونسرد و بی‌تفاوت و علاقه‌مند به تنهایی و گوشه‌گیری و رعایت قوانین می‌باشند و به وفاداریهای شخصی توجهی ندارند، ولی خود را افرادی صمیمی، سخاوتمند و مهربان می‌دانند.

(طبقه‌بندی نشده) ولی آنچه که بیش از همه اذهان آمریکاییان را به خود مشغول می‌دارد این جامعه حصارکشی شده است، که نفوذ و رخنه به درون آن بسیار دشوار می‌نماید. در درون این حصارها این افراد

در واحدهایی امن محصور در میان دوستان و اقوام زندگی می‌کنند و تنها به افرادی که می‌شناسند اعتماد دارند و آنها را «خودی» یا «یکی از خودمان» می‌خوانند.

(طبقه‌بندی نشده) برای ایرانیها رعایت احترام از همان ارزشی برخوردار است که برای خانواده و دوستان قائلند. آنها که در شرف خدمت کرده‌اند می‌دانند «آبرو» چقدر اهمیت دارد. اگر به کسی در برابر دیگران ناسزا بگوئید، بدانید که کلماتتان بیش از هر ضربه‌ای که از شما به او وارد شود او را می‌آزارد. اهانت در اینجا واقعاً شخص را می‌آزارد. بعضی از کلماتی که ممکن است شما حتی به زبان انگلیسی در مورد وی به کار ببرید، حتماً از همین تأثیر برخوردار خواهد بود. بنابراین به سادگی نمی‌توان دریافت که کدام یک از عبارات ممکن است خشم و نفرت آنان را برانگیزد.

(طبقه‌بندی نشده) و نکته دیگر اینکه اسماء و اشارات نیز در اینجا مملو از معانی جدید می‌باشد. حتی نشان دادن علامت انگشت شست نیز دارای مفهومی بسیار توهین‌آمیز می‌باشد. ایرانیها با استفاده از دستهایشان سخن می‌گویند. بهتر است قبل از استفاده از دستهای خویش کاربرد زبان را فراگیرید.

(طبقه‌بندی نشده) علاوه بر انتقاد راههای دیگری نیز برای اهانت به دیگران وجود دارد. مردم طبقات پایین اجتماع همیشه ابتدا به شما سلام می‌گویند، ولی شما نیز حتماً باید با گفتن «سلام» به آنها پاسخ دهید. در ایران، برخاستن در برابر یک فرد هم‌تا و یا والا مقامتر که به اتاق وارد می‌شود، عملی مؤدبانه است. بعضی از زنان نیز در برابر دیگر زنان و یا مردان مسن از جای بر می‌خیزند. هنگامی که میهمانی خانه شما را ترک می‌گوید، حتماً او را تا خیابان و یا قسمتی از راه مشایعت نمایید، در غیر این صورت چنین تلقی می‌شود که او را تحقیر کرده‌اید.

(طبقه‌بندی نشده) توجه ایرانیها به رعایت احترام منجر به پیدایش خصیصه دیگری می‌شود که غریبها را بیشتر شگفت زده می‌کند. آیا می‌دانستید که در زبان فارسی کلمه‌ای شدیدالحن تر از «نه» وجود ندارد. آنها نمی‌خواهند شما را ناراحت کنند. بنابراین آن چیزی را بر زبان می‌رانند که فکر می‌کنند از شنیدن آن خوشحال می‌شوید. ممکن است ناراحت شوید از اینکه هیچ کس از شما انتقاد نمی‌کند و حتی یک پاسخ «منفی» مؤدبانه به شما نمی‌دهند، ولی بدانید که آنها می‌خواهند با این کار آبروی شما را حفظ کنند.

(طبقه‌بندی نشده) در ایران با نظام بسیار ظریفی بنام «تعارف» مواجه خواهید شد. بعضی از عبارات مؤدبانه به مذاق تازه واردین خوش می‌آید و همان‌گونه که از فراگیری موسیقی و یا کارهای دستی ایرانی خوشحال می‌شوید از فراگرفتن این عبارات نیز لذت خواهید برد. بطور مثال اگر متوجه شوید که در حالی که ایستاده‌اید به فردی پشت کرده‌اید و از او معذرت بخواهید، او نیز در پاسخ خواهد گفت که «گل پشت و رو ندارد». یکی دیگر از موارد مورد نظر تعارف در مورد این است که چه کسی اول باید وارد اتاق شود. نظم تعارف بسیار دقیق است و به تدریج همگان از آن پیروی می‌کنند. مهمترین یا ارشدترین فرد معمولاً از این امتیاز برخوردار می‌شود و معمولاً همکاری خارجی نیز دارای چنین رتبه‌ای است، اما سعی کنید آن را سرسری نگیرید. این کار معمولاً نوعی بی‌ادبی تلقی می‌شود. زنان معمولاً در این کارها اولویت دارند.

(طبقه‌بندی نشده) برای خارجیها «تعارف» بیشتر جنبه چانه زدن دارد و در این کار قدری تفریح و شیطنت مانعی ندارد. لیکن در «تعارفات» سخاوت و میهمان‌نوازی واقعی و عمیق نهفته است. بنابراین فراگرفتن آن از ارزش خاصی برخوردار است و بی‌فایده نیست.

(طبقه‌بندی نشده) ایرانیها می‌گویند «میهمان حبیب خداست» و هر بیگانه‌ای که به ایران می‌آید از

مواهب این میهمان‌نوازی که به صورت هنری ملی جلوه‌گر می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. (طبقه‌بندی نشده) دعوت‌کننده یا پیشنهادکننده یک نفر میزبان می‌شود، که خود یکی از نقشهایی است که ایرانیها با احتیاط بسیار عهده‌دار آن می‌شوند. «میهمان کردن» نیز در اینجا بسیار رایج است. در پایان دیدن یک فیلم و یا صرف غذا در رستوران بحث بسیار زیادی آغاز می‌گردد تا مشخص شود که چه کسی باید هزینه‌ها را بپردازد. ایرانیها میزبانی را دوست داشته و از مصاحبت با شما لذت می‌برند. میهمان‌نوازی سنتی آن چنان شدید و مهم است که میهمان باید دقت کند که چیزی را به میزبان تحمیل ننماید. مردم نه چندان ثروتمند متحمل هزینه‌های بسیار می‌شوند تا بتوانند به میهمانی که به خصوص خارجی باشد، خدمت کنند. هیچ‌گاه از اشیایی که از آن میزبان شماست تعریف نکنید چون وی ممکن است اصرار نماید که آن را برای خودتان بردارید، ولی شما نیز باید در امتناع از این کار سخت بکوشید. (طبقه‌بندی نشده) اکثر ایرانیها ظهرها غذای کاملی صرف می‌کنند و پس از آن در هوای گرم چرتی می‌زنند و شب نیز شامی سبک مرکب از نان و کره و پنیر می‌خورند. ولی وقتی که شما به جایی دعوت می‌شوید حتماً غذای خوبی تهیه می‌بینند.

(طبقه‌بندی نشده) در محافل سنتی برای میهمانان فوراً چایی می‌آورند. در محافل مدرن، معمولاً کوکتل آورده می‌شود. گرچه اکثر زنان تقاضای نوشیدنیهای غیرالکلی خواهند کرد. وقتی که به شما تعارف شد، بدانید که ویسکی بسیار گران است ولی ودکا و آبجو، نه.

(طبقه‌بندی نشده) به گفته ایرانیها یک سفره رنگین بیش از هر چیز دیگر آنها را خوشحال می‌کند چون نشانه «برکت» در آن است. در خانه‌های سنتی سفره‌ای بر روی قالی اتاق پهن شده و میهمانان در اطراف آن می‌نشینند. در خانه‌های امروزی تر غذا به سبک بوفه‌ای سرو شده و هر یک از میهمانان بشقاب غذای خود را برداشته و در اطراف میز به صرف آن مشغول می‌شوند و در صورت لزوم غذای بیشتری بر می‌دارند. در ایران لذت بردن از غذا امری بسیار جدی و حائز اهمیت است. صرف غذا به سرعت و بدون سخن گفتن چندانی صورت می‌گیرد. قانونی که باید رعایت کرد این است که به محض دریافت غذا به صرف آن مشغول شوید و در عین حال که منتظر دیگران می‌مانید، نگذارید غذایتان سرد شود. ولی حتی اگر میزبان شما تعارف نمود، فکر نکنید که مجبورید بیش از نیاز خود غذا بخورید. چند چیز دیگر از جمله چایی نوشیده خواهد شد، ولی لازم نیست نگران صرف چایی تا آخرین قطره موجود در فنجان باشید و علاوه بر این می‌توانید شیرینی و میوه‌ای را که به شما تعارف می‌شود قبول کنید ولی مانعی ندارد که آن را کنار گذاشته و دست نزنید.

(طبقه‌بندی نشده) دعوتها نیز گاهی گیج‌کننده می‌شوند چون نظریات رایج در اینجا در مورد زنان تفاوت دارد. «روز» ایرانی از غروب آفتاب شروع می‌شود بنابراین شب می‌تواند فاصله بین یک روز و روز بعد باشد. مثلاً، غروب جمعه شاید در برگیرنده شب بین پنجشنبه و جمعه باشد. بهتر است حتماً در این مورد سؤال کنید.

(طبقه‌بندی نشده) در مورد فرهنگ ایرانی مایلیم تنها به یک نکته دیگر اشاره کنم. ایرانیها به موروثات خویش بسیار افتخار می‌کنند. برای آنها شاه و پرچم کشور مایه فخر و مباهات است. ممکن است آنها به انتقاد از دولت و نهادهای دولتی خویش بپردازند، ولی در صورتی که شخص دیگری مبادرت به انجام آن نماید حتماً عصبانی خواهند شد. حتی ایماء و اشارات نیز می‌تواند توهین‌آمیز تلقی گردد. به نظر من بهتر

است هنگام حضور در جمع ایرانیها، حتماً جانب احتیاط را حفظ کنید. چون اگر دیگران به آمریکا بی‌احترامی کنند خودمان هم ناراحت می‌شویم. پس چرا آنها این‌طور نباشند؟

(طبقه‌بندی نشده) عمران اجتماعی و صنعتی:

آنهایی که با تاریخ ایران معاصر آشنا هستند می‌دانند که اعلیحضرت شاهنشاه، از دیرباز یک برنامه عمرانی برای کشور تهیه دیده است، وی ابتدا این برنامه را در کتاب خویش تحت عنوان مأموریت برای وطنم در سال ۱۹۶۲ بیان نمود. بعدها وی «انقلاب سفید» را اعلام کرد و کتاب دیگری تحت همین عنوان نوشت که حاوی ۱۲ برنامه مهم اصلاحی بود. این برنامه‌ها که اکنون «انقلاب شاه و مردم» لقب گرفت مبنای تمام اصلاحات اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهد. بیابید مختصراً به بررسی این برنامه بپردازیم. ستون فقرات همه آنها اصلاحات ارضی بوده و در این برنامه اعلیحضرت پیشگام شده و بخش اعظم زمینهای سلطنتی را میان دهقانان توزیع کرده و از ملاکین غایب خواسته است که زمین را در اختیار دهقانان که در اصل بر روی آنها کار می‌کنند قرار دهند. اکنون پس از گذشت یک دهه، این برنامه گسترش یافته و شامل تعاونیهای زارعی، برنامه‌های تأمین وام به منظور خرید تراکتور و کود شیمیایی و یک برنامه نوسازی کلی برای کشاورزی می‌باشد.

(طبقه‌بندی نشده) سه برنامه بعدی مرتبط با یکدیگر می‌باشند، شاید بدانید که در ایران هر زن و مرد جوانی باید در صورت ضرورت خدمت نظام وظیفه را انجام دهد. علاوه نیروهای مسلح سه گانه، مردان و زنان، معمولاً از میان فارغ‌التحصیلان دبیرستانها دانشگاهها به ارتش فراخوانده شده و پس از گذراندن چند هفته آموزش نظامی به وزارتخانه‌ای مربوط برای فراگیریهای بیشتر سپرده می‌شوند و سپس به روستاهای محل مأموریت خویش اعزام می‌شوند تا بقیه مدت خدمت خویش را در آنجا سپری کنند. سپاه دانش در روستاها به تشکیل مدارس پرداخته و به جوانان و دیگر مردم روستاها خواندن و نوشتن می‌آموزند. سپاه بهداشت در روستاها کلینیکهایی را بر پا کرده به تزریق واکسنها پرداخته و آموزش بهداشت را برعهده دارد. سپاه ترویج عمران نیز با احداث خیابان، و مراکز روستایی پرداخته و اجرای دیگر پروژه‌های مورد نیاز روستاها را عهده‌دار می‌شود.

(طبقه‌بندی نشده) یکی دیگر از جنبه‌های انقلاب سفید اصلاح قانون انتخابات است. حدود ده سال قبل زنان از حق رأی برخوردار شدند، ولی شاید مهمترین جنبه این برنامه اصلاحی تعیین حوزه‌های انتخاباتی باشد که براساس آن نمایندگان هر بخش براساس مناطق جغرافیایی و نژادی جمعیت به مجلسین سنا و شورای ملی راه می‌یابند.

(طبقه‌بندی نشده) قبل از تولد انقلاب سفید سازمانهای دولتی بسیار کندکار بوده و انجام هیچ کاری از طریق آنها ممکن نبود. حقوق کارمندان دولت مکفی نبود و تنها از طریق انعام دادن کارها صورت می‌گرفت. اعلیحضرت نه تنها سطح حقوق کارمندان را بالا برده، بلکه برنامه‌ای تهاجمی را برای بهبود کارایی و آموزش کارگران دولتی مد نظر قرار داده است. تقریباً تمام کارمندان دولتی در یکی از انواع کلاسهای شبانه شرکت می‌جویند.

(طبقه‌بندی نشده) تا همین اواخر در روستاها، هیچ‌گونه سیستم قضایی رسمی وجود نداشت. انقلاب سفید در برگزیده خانه‌های اصناف است که قضات آنها انتصابی می‌باشند و به حل اختلافات می‌پردازند.

هشت هزارمین خانه اصناف اخیراً در نزدیک رشت افتتاح شد که خود پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در طول یک دهه به شمار می‌آید.

(طبقه‌بندی نشده) ایران در تلاش برای ایجاد یک زیر بنای صنعتی است که بتواند با زیر بنای صنعتی کشورهای اروپای غربی به رقابت برخیزد. در آغاز دولت صنایع را سازماندهی کرده و به صورت سرمایه‌گذاری مشترک با یک کمپانی کاپیتالیستی از کشورهای بیگانه آنان را به راه می‌اندازد. در صورت موفق شدن صنعت مورد نظر، به ایرانیها اجازه داده خواهد شد که از طریق خرید سهام صنایع در آن سهم شوند. علاوه بر این در بسیاری از صنایع از انگیزه سهم شدن در سود کارخانجات استفاده می‌شود تا به افزایش میزان کارایی و تولید منجر گردد.

(طبقه‌بندی نشده) در مورد برنامه نوسازی ایران آنچه گفته شد کفایت می‌کند. تنها کاری که باید بکنید این است که به اطراف خود دقیق شوید، روزنامه‌ها را بخوانید تا دریابید که احتمالاً هیچ کشور دیگری در جهان وجود ندارد که در زمینه‌های مختلف چنین پیشرفتی داشته باشد.

(طبقه‌بندی نشده) اگر بر روی این سرزمین خشک و کویری پرواز کنید، باور نخواهید کرد که تا چند صد سال پیش این سرزمین مملو از درختان بسیار و مراتع فراوان بوده است. برای بازگشت به روزهای وفور نعمت گذشته است که دولت منابع آب، جنگل و مراتع را ملی اعلام کرده و در زمینه جنگلکاری مدیریت جنگلها، بهبود وضع مراتع، توسعه آبیاری و استفاده از آب به عنوان مولد نیروی برق برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ای را مد نظر قرار داده است.

(طبقه‌بندی نشده) همین خود انقلاب شاه و مردم است این انقلابی است واقعی و دولت هر دلار یاریالی را که به دست می‌آورد در این زمینه صرف می‌کند.

(طبقه‌بندی نشده) احتمالاً جشنهای دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران را که در سال ۱۹۷۱ در تخت جمشید برگزار شد به یاد می‌آورد. بنای شهیاد که اکنون از سمت فرودگاه مهرآباد به صورت دروازه شهر تهران درآمده در بزرگداشت این موقعیت ساخته شده است. شاه از طریق برگزاری این مراسم به جهانیان اعلام کرد که ایران به خانواده ملل مدرن جهان پیوسته است. اعلیحضرت صراحتاً اعلام کرده بود که ایران در این بخش از جهان نقش ایجادکننده ثبات را ایفا خواهد نمود.

#### (طبقه بندی نشده) توسعه صنعتی:

از طریق کاربرد سازنده و مؤثر منابع خویش، ایران به بالاترین رقم نرخ رشد اقتصادی در جهان دست یافته که خود دو برابر نرخ رشد اقتصادی آمریکاست. هزینه زندگی دائماً رو به افزایش بوده است لیکن خیلی کمتر از سطح هزینه زندگی در آمریکا می‌باشد.

(طبقه‌بندی نشده) طی پنج سال گذشته درآمدهای ایران از منابع عظیم نفتی اش دو برابر شده و از همان طریق هزینه مالی مربوط به ۶۵ درصد از واردات کشور را که سه چهارم آن کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام می‌باشند تأمین می‌نماید، تا صنعت ایران بیش از پیش گسترش یابد. یکی از نمونه‌های بارز توسعه صنعتی سریع، گسترش مداوم تأسیسات ذخیره و صدور نفت در جزایر خارک و لاوان می‌باشد. یکی از عظیمترین سرمایه‌گذاریهای ایران، یعنی خط لوله گاز به شوروی، حدود ۵۵۰ میلیون دلار برای این کشور هزینه در برداشته است. به کمک روسها در اراک یک کارخانه ماشین‌سازی احداث شده و یک تأسیسات تولیدی

دیگر در رابطه با ماشینهای بافندگی نیز ایجاد شده است. در اصفهان یک کارخانه ذوب آهن جدید توسط روسها احداث شده که حدود ۳۰۰ میلیون دلار هزینه داشته است.

(طبقه‌بندی نشده) پروژه‌های دیگر عبارتند از یک کارخانه تراکتورسازی رومانی که سالانه ۵۰۰۰ تراکتور تولید می‌کند. در اثر موافقتنامه عالی اعتباری با چکسلواکی یک کارخانه تولید ژنراتور، یک کارخانه تولید موتورهای جت توربینی، یک کارخانه سیمان و یک کارخانه قند نیز احداث خواهد شد. در این افزایش تجارت غیر غربی منافع مالی بسیاری نهفته است. بلوک شوروی معمولاً اعتبارات دوازده ساله‌ای را با نرخ بهره دو و یک و نیم درصد ارائه می‌کنند؛ و علاوه بر این در این کار انگیزه‌های دیگری نهفته است که دول و شرکت‌های غربی قادر به رقابت با آن نمی‌باشند.

(طبقه‌بندی نشده) همچنین ایران قادر است اعتبارات بلوک شوروی را از طریق فروش گازی که قبلاً به هدر می‌رفت و یا در هوا سوخته می‌شد، بازپرداخت نماید. با این وصف، شرکت‌های غربی نیز توسعه سریع صنعتی کشور مشارکت دارند. یک کارخانه آمریکایی مولد بخش اعظم لوله‌های ۴۲ اینچی مخصوص خط لوله گاز کشور به شوروی و همچنین تحقیقات مربوط به کارگذاری آنها بوده است. (طبقه‌بندی نشده) فعالیتهای دیگر عبارتند از عملیات عظیم معادن و گسترش مداوم سه کارخانه پتروشیمی آبادان و جزیره خارک در زمینه تولید انرژی برق - کشتی‌سازی و عملیات کارخانه‌ای، اسپانیا، آلمان و انگلستان نیز مشارکت دارند.

(طبقه‌بندی نشده) در بخش کالاهای مصرفی، ایران خود تولید کننده، یخچال، اجاق گاز و رادیو و تلویزیون می‌باشد. در این زمینه ایستگاه ماهواره زمینی در همدان باعث شده که ایران بتواند، رویدادهای ورزشی را دنبال کرده و قسمتهایی از جشنهای با شکوه سلطنتی سال ۱۹۷۱ را در معرض دید جهانیان قرار دهد. اتوبوس، اتومبیل‌های سواری و جیب، کامیون، کامیون سنگین و نیز ماشین آلات کشاورزی از جمله اقلام دیگری است که در ایران تولید می‌شود.

(طبقه‌بندی نشده) صنعتگران ایران آثار شیشه‌ای بسیار ظریف همراه با فرشهای ایرانی دارای شهرت جهانی را که هنوز توسط بسیاری از زنان و مردان کشور بافته می‌شوند، تولید می‌کنند. ودکا و دیگر مشروبات الکلی نیز در این جا تولید می‌شود. یکی از نشانه‌های ترقی و پیشرفت در کشور این است که در اینجا می‌توان قایق تفریحی فایبر گلاس ساخت ایران را خریداری نمود.

#### (خیلی محرمانه) خطر خارجی:

علت اصلی تجهیز نظامی ایران در خطر خارجی متصور شاه نهفته است. از دیرباز، شوروی مهمترین عنصری بوده که ایران را تهدید می‌کرده است. طی جنگ جهانی دوم، روسها مداخله کرده و نیمه شمالی کشور را به تصرف خویش درآوردند. همزمان با این واقعه، انگلیسها نیز وارد معرکه شده و نیمه جنوبی کشور را تحت کنترل درآوردند. این دو قدرت زمانه سعی داشتند با این‌گونه اعمال یک راه حیاتی تدارکاتی را به سمت شوروی به وجود بیاورند. در خاتمه جنگ آنها توافق کردند که از ایران سریعاً خارج شوند. انگلیسها به قول خود عمل کردند. اما روسها همچنان در بخش تحت سیطره خویش ماندند، و سعی داشتند با منحرف ساختن ساکنین منطقه، یک حکومت دست‌نشانده را در استانهای شمال غربی ایران روی کار آورند. در نتیجه اعمال فشارهای آمریکا، روسها مجبور به رها کردن طرحهای ارضی خویش

شدند. به یاد داشتن این نکته مهم است که در گذشته‌ای نه چندان دور حدود نیمی از ایران تحت تصرف و کنترل شوروی قرار داشت. از اواسط دهه ۱۹۶۰ ایران با اتخاذ تدابیری سعی کرده است با ابرقدرت موجود در شمال خویش روابط عادی برقرار سازد. از همان زمان میزان همکاری فنی، اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور افزایش چشمگیری پیدا نمود. در نتیجه، ایران کنونی ترسی از حمله شوروی ندارد. معذالک، شاه همچنان نگران گسترش نفوذ شوروی در سراسر منطقه است.

#### (خیلی محرمانه) عراق فعالترین دشمن ایران است:

از نظر نژادی یک عرب رو در روی یک آریایی قرار گرفته، از نظر مذهبی مسلمانان سنی عراق در مقابل مسلمانان شیعی ایران، از نظر نظامی - تجهیزات و مستشاران روسی در عراق به کار مشغولند در حالی که در ایران تجهیزات و مستشاران آمریکایی. عراق بارها ایران را متهم به ارائه کمک به کردهای شمال عراق کرده و ایران نیز معتقد است که تروریسم شهری ایران الهام گرفته از تحریکات عراق است. حدود ده سالی است که در طول مرز ۸۰۰ مایلی عراق و ایران درگیری‌هایی رخ داده است. بالاخره، اختلاف فلسفه سیاسی دولتین دو کشور مطرح می‌شود. ایران نمونه بارز یک حکومت باثبات، سنتی و مسئول است، در حالی که رژیم تندرو عربی بغداد دستخوش تجزیه طلبیها است و وضع آن قابل پیش‌بینی نیست. (خیلی محرمانه) ایران مهمترین هم پیمان منطقه‌ای پاکستان است. ایران به کرات خود را متعهد به حفظ ثبات سیاسی پاکستان نشان داده است. پاکستان که در نتیجه جنگ ۱۹۷۱ با هند ضعیف شده بود، دارای چند اقلیت نژادی است که دائماً خطراتی را برایش به وجود می‌آورند. ایران نیز مانند پاکستان دستخوش مسائل قبیله‌ای است. در بخش جنوب شرق ایران حدود نیم میلیون نفر اعضای قبیله بلوچ به سر می‌برند. قبیله بلوچ بخشهایی از پاکستان و افغانستان را تحت کنترل دارد. گهگاهی نیز برای تجزیه بلوچستان حرکتهایی از آنها سر می‌زند.

بلوچستان مفروض نیز قرار است از بخشهایی از ایران، پاکستان و افغانستان کنونی پدیدار شود و با اقیانوس هند هم مرز باشد و در یک نقطه نیز با شوروی تماس خواهد داشت از نظر ایران، این یک مسئله حاد امنیتی داخلی می‌باشد. هر چند این مسئله هنوز در زیر خاکستر پنهان شده، ولی می‌تواند یکی از علل تقویت نیروهای ایران در بخش جنوب شرقی کشور باشد.

(خیلی محرمانه) علاوه بر این ایران نگران آینده کشورهای عرب سنتی واقع در ساحل جنوبی خلیج فارس است. بنا به اعتقاد شاه کویت، عربستان سعودی، و شیخ‌نشین‌های متعدد امارات متحده عربی به خاطر پایگاههای ملی نسبتاً ضعیف و ثروت سرشار نفت‌شان اهداف اغواکننده‌ای برای فرصت‌طلبان بین‌المللی محسوب می‌شوند. براساس اشکال مشابه حکومتی، علاقه مشترک به تولید و صدور نفت و دیگر منافع مشترک منطقه‌ای، ایران سعی کرده است بین خود و کشورهای عرب حوزه خلیج پل ارتباطی برقرار سازد. شاه تلاش کرده است که به کشورهای عرب نقش رهبریت ایران در امور خلیج فارس را بقبولاند. لیکن کشورهای عرب از دادن این امتیاز سرباز زده‌اند. در اوایل بهار جاری هنگامی که بین عراق و کویت مناقشه مرزی در گرفت. ایران سریعاً به کویت پیشنهاد کمک نظامی داد. کویت با سپاسگزاری از پیشنهاد شفاهی به موقع ایران، اعلام داشت که قبول پیشنهاد ایران را ضروری نمی‌داند. در بخش دیگری از خلیج، سلطان‌نشین عمان پیشنهاد کمک ایران را پذیرا شد، حدود ده سال است که عمان درگیر یک مبارزه



ضد شورشی علیه عناصر چریکی تندرو می‌باشد که از چین و شوروی کمک‌هایی دریافت می‌دارند. در حال حاضر، یک نیروی ویژه نظامی ۳۰۰ نفره ایرانی با پشتیبانی هلیکوپترها در کنار نیروهای این سلطان‌نشین به مبارزه مشغول می‌باشند.

#### (خیلی محرمانه) استراتژی:

در نتیجه استراتژی شاه در قبال شوروی، می‌توان گفت که ایران انتظار ندارد که حمله‌ای از آن سوی مرز صورت پذیرد. ولی در صورت بروز چنین حمله‌ای، ایران به هیچ‌وجه نخواهد توانست به تنهایی در برابر آن مقاومت نماید. معذک نیروهای ایرانی با عقب‌نشینی به سمت درونی جنوب کشور در پیشروی این حمله تأخیر ایجاد خواهند کرد. این کار توأم با سوزاندن زمینها موجود برای نومید ساختن نیروی مهاجم همراه خواهد بود، تا زمان بیشتری بگذرد و قدرت غربی بتواند راه حلی را تحمیل کرده و یا به مذاکره در مورد آن بپردازد.

(خیلی محرمانه) در صورت بروز درگیری با عراق، احتمالاً شاه سریعاً و بدون هیچ‌گونه مشورتی به جنگ خواهد پرداخت. با الگو قرار دادن کار اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نیروی هوایی رعدآسا حمله خواهد کرد تا حوزه‌های هوایی عراق را خنثی ساخته و از برتری هوایی برخوردار شود. مانورهای نیروی زمینی نیز طوری انجام خواهد شد تا مقداری از قلمرو عراق به تصرف درآمده و حفظ شود و آتش‌بس در اراضی عراق اجرا گردد. در همین اثنا، نیروی هوایی و دریایی ایران نیز به دفاع از تأسیسات حیاتی نفتی ایران خواهند پرداخت.

(خیلی محرمانه) گرچه مأموریت نیروی دریایی ایران حراست ساحلی و ممانعت از عملیات نفوذی بوده، ولی در حال حاضر مأموریت وسیعتری به آن محول شده‌است. ظاهراً شاه یک استراتژی جنوبی را فرموله کرده که از طریق آن کشور دارای یک مرز دفاعی دریای عمیق خواهد شد. طراحی جایجایی نیروها، تدارک تسلیحاتی و احداث تأسیسات در جنوب شرقی ایران، همه در حمایت از نظریه در حال اجراست. نیروی دریایی ایران تحت پوشش نیروی هوایی قادر به انجام عملیات آبی خواهد بود. شاه مصمم به حراست از تنگه هرمز یعنی شاه‌رگ اقتصادی منطقه است. از طریق همین تنگه، روزانه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ بشکه نفت در اختیار ملل صنعتی جهان قرار می‌گیرد. ایران ۲۵ درصد این مقدار نفت را تولید می‌نماید. حراست از این شاهراه حیاتی برای ادامه حرکت و رشد اقتصادی کشور ضروری است. (خیلی محرمانه) شاه معتقد است که ایران در آینده نقش مهمی را در اقیانوس هند ایفا خواهد نمود. به تدریج، وی از نیروی دریایی برای به اهتزاز درآوردن پرچم ایران در این منطقه و حراست از خطوط ارتباطی دریایی ایران حتی به طور محدود، استفاده خواهد نمود. شاه با بصیرت قابل ملاحظه‌ای که دارد در نهایت نوعی «مثلثی» بین ایران، آفریقای جنوبی، استرالیا و سنگاپور به وجود خواهد آورد تا در خدمت منافع آتی ایران در این منطقه درآید.

#### (خیلی محرمانه) سازمان دفاعی:

تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم‌گیری نظامی ایران نشان می‌دهد که شاه فعالانه به عنوان فرمانده کل قوا عمل می‌کند و قدرت بی‌چون و چرای خویش را اعمال می‌نماید. در رده‌های بعدی پنج نقطه قدرت نظامی

اصلی وجود دارد. یکی از آنها ارتشبد از هاری رئیس ستاد عالی فرماندهی است که با ستاد مشترک و ساختار نظامی خودمان تا حدودی مشابهت دارد. با این حال ستاد عالی فرماندهی تفاوت‌هایی نیز دارد. یعنی فقط مسئول ایجاد هماهنگی است و هیچ نیرویی را تحت کنترل ندارد و فاقد قدرت صدور فرمان است. فرماندهان نیروهای سه‌گانه، ارتشبد خاتمی (نیروی هوایی) ارتشبد اویسی (نیروهای زمینی) و دریادار عطایی (نیروی دریایی) دیگر نقاط قدرتی هستند که مستقیماً با اعلیحضرت مرتبط می‌باشند. فرد قدرتمند پنجم معاون وزیر جنگ، طوفانیان ارتشبد نیروی هوایی است که مسئول خرید تمام تجهیزات نظامی خارجی و تولیدات نظامی داخلی اوست. او نیز باید گزارش کار خود را مستقیماً به شاه بدهد. بدین ترتیب، تنها در کاخ شاهی است که سیاستهای دفاعی کشور طراحی می‌گردد، علاوه بر این، این امر سبب می‌شود تا شاه بتواند نیروهای نظامی را دائماً تحت کنترل داشته باشد.

(خیلی محرمانه) وزیر جنگ مسئول مسائلی حقوقی و بودجه‌ای نیروهای سه‌گانه است. وزیر کشور دو نیروی شبه نظامی ایران یعنی نیروی پلیس ملی و ژاندارمری را تحت کنترل دارد. هر دوی این نیروها در زمان جنگ می‌توانند تحت فرمان مستقیم ارتشبد نیروهای زمینی قرار گیرند. ژاندارمری مسئول حفظ امنیت داخلی، مرزی، کنترل شاهراهها و فعالیتهای ضد قاچاق، و ضد مواد مخدر و سر بازگیری است. پلیس ملی به انجام عملیات عادی پلیسی در شهر بانی می‌پردازد.

#### (خیلی محرمانه) توسعه و تجهیزات نیروها، نیروهای زمینی:

نیروی زمینی با داشتن ۱۸۰۰۰۰ نیرو بخش اعظم نیروی انسانی نظامی کشور را به خود اختصاص داده است. این بخش از نیروهای مسلح که با دو قرارگاه لشکر سازماندهی شده، دارای واحدهای رزمی مرکب از سه لشکر پیاده، سه لشکر زرهی، و پنج تیپ مستقل شامل یک تیپ هوارد و نیروی ویژه است. نیروی زمینی ایران دارای واحدهای پیاده مکانیزه و عناصر پشتیبانی عادی توپخانه نیز می‌باشد. واحدهای معمول پشتیبانی رزمی و واحدهای پشتیبانی خدمات رزمی نیز در این نیرو وجود داشته و قادر به اجرای وظایف خویش می‌باشد. در مراسم سالانه جشن تولد شاه واحدهای نیروی زمینی رژه بسیار تماشایی را در برابر بینندگان اجرا می‌کنند که قادر به رقابت با واحدهای رژه رونده آمریکایی است.

(خیلی محرمانه) با این حال، بهتر است سطح نیروی کنونی را با سطح پیش‌بینی شده برای پایان برنامه پنجساله که در سال ۱۹۷۸ خاتمه می‌یابد مقایسه کنیم. در نیروی زمینی سطح نیروها به مقدار ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. در نتیجه افزایش نسبتاً کمی در توان لشکرهای رزمی پدید خواهد آمد و نیروی اضافی برای تقویت این واحدها به صورت واحدهای پشتیبانی سازماندهی می‌شوند و علاوه بر این جهت تکمیل کادر مورد نیاز هوانیروز ارتش ایران استفاده خواهند شد.

افزایش هفت برابر تعداد هلیکوپترهای این نیرو عظیمترین نوع تجهیز در جهان به شمار می‌آید. افزایش شمار تانکهای این نیرو نیز شایان توجه و اهمیت است. شمار پیش‌بینی شده ۱۸۰۰ تانک شامل ۷۵۰ تانک چیفتن متوسط و ۲۵۰ وسیله نقلیه شناسایی رزمی اسکورپیون است که ایران از انگلستان خریداری نموده است. در جدول، آماری در رابطه با توپخانه این نیروها آمده که نشانگر توپهای ۱۵۵ میلی متری و توپهای خودکششی آن است.

### (خیلی محرمانه) نیروی هوایی:

این نیرو که منحصراً مجهز به تجهیزات آمریکایی است در میان نیروهای مسلح ایران از نظر تکنولوژیکی پیشرفته‌ترین و پویاترین آنها محسوب می‌شود. از زمان آغاز به کار بسیار کم‌اهمیت در سال ۱۹۲۹ و وضعیت آن در پایان جنگ جهانی دوم که تنها شامل دو اسکادران متروکه و خارج از رده بود، وضع آن در حال حاضر بهبود بسیار یافته است. امروزه، نیروی هوایی تحت رهبری ارتشبد خاتمی مجهز به مدرنترین هواپیماها شده، و از نظر آموزش و انگیزه در سطح بسیار خوبی قرار دارد و قادر است به خوبی از هواپیماهای خویش که شامل اف-۴، اف-۵، سی-۱۳۰ و چند هواپیمای خدماتی مختلف است بهره‌برداری کند.

(خیلی محرمانه) تأسیسات هواپیمایی مدرن احداث شده و نیروی هوایی دارای پایگاههای عملیاتی در مهرآباد، دوشان تپه، دزفول، همدان (وحدتی) و مشهد و نقاط دیگر کشور است. نیروی هوایی در حین پرواز از زبان انگلیسی استفاده می‌کند و در تهران دارای مدرسه‌ای مدرن برای تدریس این زبان است. همسران بسیاری از همکاران ما در همین مرکز به تدریس زبان مشغولند. نیروی هوایی همچنین دارای سایتهای رادار مختلفی است که بسیاری از آنها در نقاط دورافتاده مستقر شده و در شرایط آب و هوایی بسیار سخت فعالیت می‌کنند.

(خیلی محرمانه) نیروی هوایی نیز مانند نیروی زمینی در نظر دارد طی برنامه پنج ساله بعدی شمار پرسنل خود را به میزان ۵۰ درصد افزایش دهد. سه پایگاه اصلی عملیاتی نیز احداث خواهد شد تا شمار اسکادرانهای عملیاتی دو برابر شود. تقریباً حدود ۲۰۰ هواپیمای مدرن پیشرفته دیگر در اختیار این نیرو قرار خواهد گرفت. این تعداد شامل بعضی از هواپیماهای آمریکایی بسیار پیشرفته خواهد بود. ایران به اطلاع رسانده است که می‌خواهد ۳۰ فروند اف-۱۴ و ۵۰ فروند جت جنگنده اف-۱۵، شش فروند هواپیما P-۳۷ شناسایی گشتی نیروی دریایی، شش فروند تانکر C-۱۱۹-۳ و تعدادی هواپیمای پشتیبانی زمینی A-۱۰ خریداری نماید. نیروی هوایی مسئولیت کل شبکه دفاع هوایی کشور را عهده‌دار است. تا به حال، از آمریکا شش گردان موشک هاوک پیشرفته و از انگلستان دو گردان موشک رایبرسام خریداری کرده تا بتواند امنیت پایگاههای هوایی، مراکز فرماندهی نظامی و تأسیسات نفتی را تأمین نماید.

### (خیلی محرمانه) سازمان نیروی دریایی ایران:

با وجود انهدام کامل نیروی دریایی ایران در زمان جنگ جهانی دوم، این نیروگاههای مؤثری برداشته تا به یک نیروی دریایی مدرن تبدیل گردد. تحت فرماندهی دریادار عطایی، این نیرو به دو حوزه شمالی و جنوبی و یک قرارگاه مرکز وقایع در تهران تبدیل شده که قرارگاه تهران به صورت مرکز فرماندهی و فعالیتهای دریای خزر و خلیج فارس عمل کرده و هماهنگی لازم را بین نیروی دریایی و نیروهای دیگر و نیز دیگر آژانسهای دولت ایران پدید می‌آورد. حوزه شمالی نیروی دریایی در بندر پهلوی واقع شده و در گرداندگی مدرسه سربازان وظیفه، مدرسه دریانوردی، و دیگر مدارس و نیز چند کشتی کوچک را به عهده دارد. دیگر مراکز نیروی دریایی در بندر پهلوی عبارتند از مراکز آموزشی و مراکز سربازگیری در نزدیک شهر رشت.

(خیلی محرمانه) قرارگاه حوزه جنوبی نیروی دریایی در حال انتقال یافتن از خرمشهر در ابتدای خلیج فارس به بندرعباس می‌باشد. این نیروی دریایی جنوبی در حال حاضر دارای چند ناوشکن، ناوچه‌های کشتی، ناوهای توپدار گشتی، مین جمع‌کن ۷ تانکر و کشتیهای پشتیبانی لجستیکی و ناوهای گشتی ساحلی می‌باشد.

(خیلی محرمانه) با وجود این که نیروی دریایی کوچکترین نیروهای ایران است، ولی رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه می‌کند. نیروی دریایی ایران نیز برنامه‌هایی در دست اقدام دارد تا براساس آنها تعداد پرسنل خود را ۵۰ درصد افزایش دهد و در نظر دارد یک پایگاه جدید در چاه بهار احداث کرده و از آنجا اقیانوس هند را زیر نظر بگیرد و علاوه بر این تأسیسات موجود در بندرعباس و بوشهر را توسعه دهد. ناوهای جدیدی که در اختیار نیروی دریایی قرار گرفته عبارتند از ناوشکنهای موشک‌انداز آمریکایی و ناوچه‌های انگلیسی نیروی دریایی ایران که دارای بزرگترین واحد عملیاتی هاور کرافت در جهان است. در نظر دارد چهار فروند دیگر از این ماشینها را خریداری نماید. در صورت دریافت هلیکوپترهای مجهز به موشک ضد زیر دریایی، مین جمع‌کن و غیره توان رزمی هوایی این نیرو نیز گسترش خواهد یافت.

(خیلی محرمانه) موقعیت نیروها:

بررسی موقعیت پایگاههای مهم نظامی کشور نشان می‌دهد که این پایگاهها بیشتر در بخش غربی آن تمرکز یافته‌اند. ولی طرحهای آتی نشان می‌دهد که بر احداث پایگاه هر سه نیرو در بخش جنوب شرقی ایران تأکید می‌گردد.

(طبقه‌بندی نشده) تاریخ کمک نظامی و هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا:

از زمان پیدایش آن در سپتامبر ۱۹۴۱ که یک گروه آمریکایی تشکیل شد تا در برنامه‌های بده و بستان برای شوروی و خاورمیانه در جنگ جهانی دوم کمک کند، کمک نظامی به ایران اشکال مختلف گرفته است.

(طبقه‌بندی نشده) یک قرارداد رسمی در نوامبر ۱۹۴۳ منعقد گردید و در اکتبر ۱۹۴۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به این ترتیب گروه ارتشی آمریکایی مأمور به ایران به وجود آمد. در ماه می ۱۹۵۰ قرارداد کمک دفاعی دو جانبه که موجب پیدایش هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران شد. امضا گردید. در سال ۱۹۵۸ گروههای مختلف گروه ارتشی آمریکایی مأمور به ایران و هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا در این کشور در یکدیگر ادغام شدند. در سال ۱۹۶۵ هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا مجدداً سازماندهی شد و سه بخش نیروی زمینی، هوایی و دریایی، یک ستاد مستشاری مشترک و عناصر پشتیبانی و اداری به وجود آمده که بعداً در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. مأموریتهای هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا در اسلاید نشان داده شده است. هر ماه با تعدادی از کشورهای دیگر، ایران آن قدر پیشرفت کرده که خود می‌تواند تجهیزات مورد نیاز خویش را خریداری نماید. کنگره آمریکا نیز در سال ۱۹۶۱ برنامه «فروش نظامی خارجی» را تصویب نمود. برنامه فروش نظامی خارجی از سال ۱۹۶۴ مهمترین منبع خرید تجهیزات آمریکایی مورد نیاز ایران بوده است.

**(طبقه‌بندی نشده) تشکیلات گروه کمک مستشاری نظامی:**

هیئت کمک مستشاری نظامی در حال حاضر تحت فرمان ارتشید دول برت (DEVOL BERTT) است که علاوه بر وظایف اصلی‌اش در زمینه کمک مستشاری نظامی به عنوان نماینده ارشد وزارت دفاع در ایران عمل می‌کند و هماهنگی‌های لازم را میان چند آژانس مربوط به وزارت دفاع پدید می‌آورد. (طبقه‌بندی نشده) پس از سفیر ریچارد هلمز و معاونش دوگلاس ال. هک، ارتشید برت سومین مقام برجسته آمریکا در ایران است. هیئت کمک مستشاری نظامی دارای تشکیلاتی بسیار ساده است. ستاد مشترک گروه تحت فرمان رئیس ستاد عمل می‌کند. هیئت کمک مستشاری نظامی علاوه بر ارائه پشتیبانی ستاد از رئیس، در رابطه با هم‌تایان خود در ستاد عالی فرماندهی ایران نیز نقش مستشاری ایفا می‌کند. (طبقه‌بندی نشده) در حال حاضر هیئت کمک مستشاری نظامی چیزی حدود ۲۵۰ پرسنل دارد. گرچه تعداد آنها کمتر از سالهای قبل است، ولی علت این کاهش در سازماندهی مجدد نهفته است. در سپتامبر ۱۹۷۲ کل بخش پشتیبانی از گروه گرفته شد و به فرماندهی کل نیروهای آمریکا در اروپا پیوست بنابراین فعالیت پشتیبانی دیگری در تهران صورت نمی‌گیرد و دولت ایران نیز هزینه این‌گونه پرسنل را تأمین نمی‌نماید.

**(طبقه‌بندی نشده) بخش ارتشی:**

قرارگاه‌های مستشاری ارتش موقتاً در ساختمانی در نزدیک محوطه بخش خلیج واقع شده‌است. قرارگاه نیروی زمینی نیز اخیراً به ساختمان جدیدی منتقل شده‌است. بخش ارتشی تا شش ماه دیگر به محل قرارگاه نیروی زمینی انتقال خواهد یافت. بخش ارتشی در حال حاضر تحت سرپرستی سرتیپ لئوای، سوسک (LEO E. SOUCEK) که خود در تهران دارای ستادی خاص است عمل می‌کند. شمار قابل ملاحظه‌ای از پرسنل وی به تیمهای کمکی صحرائی مأمور شده و هر یک از آنها تحت فرماندهی یک سرهنگ بوده و در یکی از دو قرارگاه لشکر ایران به سر می‌برند از میان این تیمها نیز عناصر یک یا دو نفری به‌طور موقت یا دائمی به واحدهای ویژه ایرانی یا مدارس بر اساس شرایط جاری مأمور شده‌اند.

**(طبقه‌بندی نشده) بخش نیروی هوایی:**

بخش نیروی هوایی در قرارگاه‌های نیروی هوایی در بخش جنوب شرقی شهر مستقر شده‌است. رئیس بخش مستشاری نیروی هوایی سرتیپ والتر دی. درون (WALTER D. DRUEN) می‌باشد که خود دارای ستاد کوچکی است و در رابطه با فعالیت‌های مختلف نیروی هوایی نقش مستشاری را ایفا می‌کند.

**(طبقه‌بندی نشده) بخش نیروی دریایی:**

کوچکترین عنصر مستشاری هیئت مستشاری نظامی آمریکا همین بخش است. سرپرستی بخش به عهده سروان رابرت اس. هاروارد است که خود همراه با ستاد کوچکش در قرارگاه نیروی دریایی در تهران مستقر می‌باشد. بخشی از ستاد مستشاری در حوزه دریای جنوب خلیج فارس یعنی خرمشهر، جزیره خارک و بندرعباس مشغول فعالیت می‌باشد.

(طبقه‌بندی نشده) فعالیت پشتیبانی فرماندهی اروپایی:

تا پاییز گذشته، هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا نه تنها از خود بلکه از دیگر فعالیتهای وزارت دفاع در ایران پشتیبانی می‌نمود. یک عنصر کوچک پشتیبانی در این گروه مسئول حسابرسی امور پرسنلی و بخشهای حمل و نقل و تدارکات بود در سپتامبر ۱۹۷۲ این وظایف از هیئت مستشاری گرفته شد و یک گروه پشتیبانی کوچک تحت فرماندهی مستقیم فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپا به وجود آمد. مسئولیت این گروه در تاریخ ۱ ژوئیه ۱۹۷۴ به ارتش آمریکا در اروپا محول خواهد شد.

(طبقه‌بندی نشده) تیمهای کمک فنی صحرائی:

در زمان فرمول‌بندی برنامه توسعه نظامی ایران، معلوم شد که ایران به کمک تکنیسینهای آمریکایی نیاز خواهد داشت، تا بتواند تجهیزات مدرن آمریکایی را در نیروهای خود به کارگیرد. بالاخره آمریکا موافقت کرد که ۵۵۰ تکنیسین را به ایران اعزام نمایند. به علت محدودیتهای کنگره، این تعداد پرسنل نمی‌توانست به صورت حساب هیئت کمک مستشاری اضافه شود. در نتیجه یک فرضیه و سازمان جدید به نام تیم کمک فنی صحرائی پدیدار گشت از نظر سازمانی تیم کمک فنی صحرائی جدای از هیئت کمک مستشاری نظامی عمل کرده و گزارش کار خود را به عناصر فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا تسلیم می‌نماید. رئیس گروه کمک مستشاری نظامی مسئول نظارت، هماهنگ‌سازی و ارزیابی فعالیتهای این گروه است. تیم کمک فنی صحرائی با هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا از چند نظر تفاوت دارد. هیئت کمک مستشاری دارای وظایف ستادی مداوم است، ولی تیم کمک فنی صحرائی در مورد معرفی و شناساندن تجهیزات نظامی جدید و سیستمهای پشتیبانی مربوط فعالیت می‌نماید. علاوه بر این، دولت آمریکا بخش اعظم هزینه‌های هیئت کمک مستشاری نظامی را تقبل و پرداخت می‌کند. ولی هزینه‌های مربوط به تیم کمک فنی صحرائی تماماً به عهده دولت ایران است، این هزینه‌ها عبارتند از پرداخت حقوق و مزایای پایه، هزینه سفر، و کل هزینه‌های سرانه و اداری و نیز هزینه‌هایی که چندان محسوس نیست مانند پرداخت شهریه فرزندان اعضا تیم و کمک به صندوق بازنشستگی نظامی آمریکا.

(خیلی محرمانه) تفاوت دیگر آنها در موقعیت و مکان استقرار آنهاست. در حالی که اعضای هیئت کمک مستشاری نظامی تماماً در منطقه تهران مستقر می‌باشند. نیمی از پرسنل تیم کمک فنی صحرائی در پایگاههای مختلف نظامی ایران از تبریز در شمال غربی تا کرمانشاه و شیراز و تا بندرعباس در جنوب شرقی مستقر شده‌اند. در نتیجه فعالیت این تیم موقعیت و قابلیت رؤیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران به طرز چشمگیری افزایش یافته است. با احتساب پرسنل هیئت کمک مستشاری نظامی، تیم کمک فنی صحرائی و گروه پشتیبانی فرماندهی اروپا می‌توان گفت که حدود ۹۰۰ موقعیت پرسنلی نظامی در ایران در رابطه با برنامه کمک امنیتی وجود دارد. در حال حاضر بیش از ۷۵۰ نفر پستهای مزبور را اشغال کرده و در سال مالی جاری نیز تعدادی از پرسنل و تکنیسین فنی بقیه موقعیتهای موجود را پر خواهند کرد.

(خیلی محرمانه) فروش نظامی خارجی:

طی گفتگوهای رئیس جمهور نیکسون با اعلیحضرت در تهران در ماه می ۱۹۷۲، آمریکا موافقت نمود که تمام تجهیزات قراردادی تولید شونده توسط صنایع دفاعی آمریکا را در اختیار ایران قرار دهد.

این اسلاید نشان می‌دهد که ایران تا چه حد از این فرصت استفاده کرده‌است. (خیلی محرمانه) با وجودی که دولت ایران قراردادهایی را مستقیماً با کمپانیهای آمریکایی منعقد ساخته، ولی ترجیح می‌دهد بخش اعظم خریدهای خویش را از طریق برنامه فروش نظامی خارجی انجام دهد.

به این ترتیب با اکتساب خدمات میان دوره‌ای وزارت دفاع آمریکا، شاه می‌خواهد، مطمئن شود که با ایران در زمینه قراردادهای تجاری منصفانه برخوردار شود. در سالهای قبل، ایران مقداری وام بلاعوض از آمریکا دریافت نمود. ولی در حال حاضر تمام حسابهای خود را پرداخت می‌کند. مبالغ صرف شده به دلار نشان می‌دهد که بخش اعظم هزینه‌های ایران در این زمینه صرف خرید هواپیما شده‌است. خرید سیستم دفاع هوایی موشک هاوک، نشانگر بخش دیگری از این سرمایه‌گذاری عظیم است. علاوه بر هزینه‌های سرسام‌آور مزبور، پیشرفت بعضی از این سیستمهای تسلیحاتی نیز شایان توجه است. علاوه بر این، علاقه شاه به خرید تجهیزات تسلیحاتی پیشرفته همچنان به قوت خود باقی است. در رأس خریدهای ایران می‌توان از خرید هواپیماهای اف - ۱۴ و اف - ۱۵ نام برد که مبلغی بالغ بر یک میلیارد دلار را شامل می‌گردد. در نتیجه تجزیه و تحلیل نتایج حاصله از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل می‌توان گفت که ایران باز هم به خرید بیشتر تسلیحات آمریکایی خواهد پرداخت.

#### (خیلی محرمانه) آموزش CONUS:

عامل مهم در تسریع گسترش نیروهای ایرانی جذب پرسنل آموزش دیده و قابل آموزش می‌باشد. همراه با برنامه اکتساب تجهیزات نظامی ۷ هیئت کمک مستشاری نظامی به تلاشی هماهنگ در زمینه آموزش نیز می‌پردازد. طی سال مالی گذشته، حدود ۱۴۰۰ دانشجوی ایرانی به آمریکا اعزام شدند تا در ۲۰۰ دوره مورد نیاز آموزش ببینند. در سال مالی ۱۹۷۴ این تعداد بیش از اینها افزایش خواهد یافت. بخش اعظم آموزشهایی که به پرسنل نظامی ایران داده می‌شود در زمینه‌های بسیار فنی است و تا سالهای بعد میزان نفوذ آمریکا بر نیروهای ایرانی را نشان خواهد داد. به عنوان مثال، اکثر خلبانان ایران در آمریکا دوره دیده‌اند. علاوه بر این بسیاری از افسران ارشد نیروها نیز دوره‌هایی را در آمریکا گذرانده‌اند.

(خیلی محرمانه) بالاخره برای بازدیدکنندگان هیئت کمکی مستشاری نظامی این سؤال پیش می‌آید که: «در حال حاضر چرا ایران این مقدار عظیم از ثروت ملی خود را صرف نیروهای نظامی خویش می‌نماید؟» برای یک خارجی، عاملی چون تهدید خارجی نمی‌تواند پاسخگوی این سؤال باشد. بنابراین برای درک بهتر مقاصد شاه، لازم است به چند عامل دیگر نیز اشاره شود. اولاً هدف شاه از گسترش نیروی نظامی‌اش به وجود آوردن یک نیروی مدافع است. بنابه اعتقاد وی، اگر نیروهای کشور بقدر کافی گسترش یافته، نوسازی شوند و آموزش ببینند به تنهایی خواهند توانست مهاجمین را منصرف سازند. علاوه بر این وی تصور می‌کند که نیروهایش می‌توانند شهرت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور را بالا ببرند. گذشته از آنچه که گفته شد، تورم نیز فشار قابل ملاحظه‌ای را به این کشور وارد می‌آورد. ساده‌تر بگوییم اگر ایران بخواهد به تجهیز نیروهای نظامی خود ادامه دهد، سرمایه‌گذاری مربوطه امروز ارزان‌تر از فردا برایش تمام خواهد شد. علاوه بر این موضوع موجودیت تجهیزات نیز حائز اهمیت است. هم‌اکنون، شاه می‌تواند برای دریافت تجهیزات مدرن به آمریکا روی آورد. ولی در عصری که روابط سیاسی دائماً رو به

تغییر است، وی مطمئن نیست که این وضع همیشه ادامه خواهد داشت. گذشته از این، شاه به این نتیجه رسیده که آینده شاه بستگی به انطباق موفقیت آمیز تکنولوژی غربی، فرهنگ پارسی دارد تا بتواند کشور را به عرصه «تمدن بزرگ» برساند. او در نظر دارد تغییرات عمده‌ای در برنامه‌های نظامی خویش پدید آورده و منابع مالی مربوطه را صرف مدرن سازی جامعه ایران بنماید. بالاخره، یک عنصر روانی تاریخی وجود دارد که در تصمیمات شاه دخیل می‌باشد. در زمان جنگ جهانی دوم یعنی در دوران زندگی خودش، شاه با قدرتهای خارجی رو به رو بود که کشورش را تصرف کرده و پدرش را از سلطنت خلع نمودند. از این نظر او به نیروهای نظامی اش متکی شده تا مانع از آن شود که نیروهای مهاجم بار دیگر بتوانند شرایطی را به ایران تحمیل نمایند.

(طبقه بندی نشده) در اینجا جلسه توجیهی پایان می‌یابد و سؤالی ندارید؟



کتاب شصت و یکم

دخالت‌های  
آمریکا در ایران



چقدر برای یک مملکتی عیب است و سرشکستگی که دستش را دراز کند طرف آمریکا که گندم بده، کشکول گداییش را باز کند پیش دشمنش و از او بخواهد که رزقش را بدهد، چقدر برای ما سرشکستگی دارد. تا این ملت بنای بر این نگذارد که کشاورزیش را تقویت کند و بسازد به آنکه خودش به دست می آورد، ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم. تا این ملت بنای بر این نگذارد که ما باید همه چیزمان از خودمان باشد، ما باید قطع رابطه اقتصادی، رابطه فرهنگی از خارج بکنیم، فرهنگ از خود ما باید باشد، اقتصاد هم از خود ما باشد. تا این بنا در توده‌ها نباشد و تا این مغزی که انگلی است و استعماری عوض نشود و باورمان نیاید که ما هم آدم هستیم، نمی توانیم استقلال پیدا کنیم..... مملکتمان هم یک مملکتی است همه چیز هم دارد یک مملکت غنی‌ای است. و چنان کردند که ما باید در آنجایی که چاههای نفتمان هست گرسنگی بخوریم... می خواستند در محیط نفت مردم گدا باشند تا کارگر ارزان باشد تا بتوانند استعمارشان بکنند. همه جا را، هر جا را با یک نقشه‌ای عقب نگه داشتند تا استفاده کنند.

امام خمینی - ۵۸/۹/۲۱

#### معرفی کتاب

به دنبال انتشار کتاب قبل، مجموعه حاضر محتوی ۱۳ سند می باشد که در فاصله زمانی سالهای ۱۳۵۲/۱۹۷۴ تا ژوئن ۱۹۷۸ / خرداد ۱۳۵۹ تهیه گردیده است و چهار موضوع کلی را شامل می گردد: موضوعات و وقایع سیاسی، اصلاحات اجتماعی - رفاهی، طرز فکر ایرانیان در مورد بیگانگان مقیم ایران و بررسی اوضاع اقتصادی. جهت معرفی کتاب و امکان استفاده راحت تر از موضوعات مورد علاقه، مطالب مندرج در اسناد به صورت اختصار توضیح داده می شود

## موضوعات و وقایع سیاسی

تحت موضوع فوق دو محور یعنی سیاست خارجی ایران (اسناد شماره ۱ و ۲) و سیاست داخلی و وقایع جاری (اسناد شماره ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) مطرح است.

اولین سند نامه‌ای است از ریچارد هلمز (سفیر سابق آمریکا در تهران در سالهای حدود ۱۹۷۴ و رئیس پیشین سیا) به عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه وقت ایران، که در آن پس از اشاره به روند رو به رشد تبادل اطلاعات طبقه‌بندی شده بین دولتین و توافق دوجانبه بر سر محرمانه بودن این اطلاعات، پیشنهاد می‌نماید که یک تفاهم‌نامه دوجانبه را در رابطه با تبادل اطلاعات طبقه‌بندی شده که چه به‌طور مستقیم و چه غیر مستقیم بین دو دولت تبادل می‌گردد، تأیید نماید. در ادامه سند مواد مختلف این تفاهم‌نامه تشریح شده و بیان نموده که هرگونه سند، نوشته، نقشه، عکس، طرح، مدل، مشخصات و یا نمونه‌هایی که چه به صورت شفاهی و چه کتبی، یا به صورت انتقال تجهیزات و مصالح بین دو دولت مبادله می‌گردد، مشمول این تفاهم‌نامه قرار می‌گیرد. همچنین براساس تفاهم‌نامه به هریک از متخصصین امنیتی دولت مقابل اجازه داده شده هر از چند یک بار به قلمرو کشور طرف مقابل سفر کرده تا با مقامات امنیتی آن در مورد روشها و تسهیلات لازم جهت حراست از اطلاعات طبقه‌بندی شده تبادل نظر به عمل آورد. در بخش ضمیمه سند اقدامات و روشهای کلی امنیتی در مورد حراست از موارد فوق تشریح شده و در پایان جوابیه خلعتبری مبنی بر تأیید این تفاهم‌نامه آورده شده است.

سند شماره ۲ به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۷۵/۱۹ دی ۱۳۵۳ با عنوان دیدار سناتور پرسی شرح مذاکراتی است که بین سناتور پرسی (سناتور آمریکایی)، آموزگار و انصاری (وزرای کابینه هویدا) و لوبرانی (نماینده اسرائیلی) در موضوعات مختلف سیاسی صورت گرفته است که از اهم موضوعات مورد بحث قرار گرفته می‌توان از مسائل مربوط به موضوع دولت ایران در قبال رویارویی اعراب و اسرائیل، کشور فلسطینیها، آینده عربستان سعودی و آسیب‌پذیری این رژیم در برابر مخالفت‌های داخلی، وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران و موضع مردم در برابر این اوضاع نام برد. تظاهرات ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم و تداوم آن به صورت مراسم چهلم شهدای قم در تبریز و سپس برگزاری چهلم شهدای تبریز در دیگر شهرهای ایران از جمله اصفهان و شیراز موضوع مورد بحث در اسناد شماره ۶، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۲ می‌باشد که در آنها همراه با ذکر جزئیات حوادث و وقایع اتفاق افتاده به تحلیل تظاهرات و ریشه‌های آن پرداخته شده است.

سند شماره ۶ توصیف حوادث و تظاهرات تبریز است و سند بعدی با عنوان تحلیلی مقدماتی در ارتباط با آشوب و قیام مردمی در تبریز به ارزیابی و بررسی این حرکت شورآفرین پرداخته است. تعداد مردم و تلفات مکانهای مورد حمله قرار گرفته و میزان خسارات فیزیکی، ماهیت و بافت اجتماعی تظاهرکنندگان، شیوه‌های اقدام و مقابله جمعیت تظاهرکننده و پلیس، شعارها و انگیزه‌های تظاهرکنندگان و ارزیابی ریشه‌های نارضایتی مردم تبریز از جمله موارد مطروحه در این سند است.

چهل روز پس از تظاهرات تبریز، اصفهان شاهد تظاهرات و درگیریهای مداومی به مناسبت چهلم شهدای تبریز می‌گردد، که احساس ناامنی را در میان جوامع ایران و آمریکایی افزایش داده و موجب رشد بی‌اعتمادی وسیع در بین مردم نسبت به انگیزه‌ها و تاکتیکهای دولت می‌گردد. سند شماره ۱۱ اغتشاشات اصفهان را تشریح کرده و شیوه‌های مبارزه مردم با حکومت و مقابله حکومت با مردم را طرح و نهایتاً تحلیلی نسبتاً جامع از پدیده نوظهور چماقداری در اصفهان و پیدایش گروههای به اصطلاح انتقام در

سطح این شهر و ارتباط آنها با مقامات امنیتی و دولتی ارائه می‌نماید. سند شماره ۱۲ پس از ذکر توضیحاتی مختصر در مورد حوادث شیراز و تظاهرات مردم آن شهر به مناسبت چهلم شهدای تبریز، روند رو به خشونت در شیراز و نقش نوگرایان و مذهب‌یون در این روند را به بحث کشیده است. وحدت نوگرایان (دانشگاهیان) و عناصر محافظه کار مذهبی در مقابله با رژیم شاه، نگارنده را به تحلیلی جامع در مورد انگیزه‌های مختلف و تضادهای اصولی عقیدتی بین دو گروه مذکور کشانده، و نقش فلسفه اسلامی و گرایش به عدالت اجتماعی نهفته در بطن این فلسفه را به عنوان عامل وحدت مطرح کرده است. با توجه به نظریه نگارنده مبنی بر اینکه نوگرایان در جریان فعالیتهای ضد رژیم دستخوش موج محافظه کاری شده‌اند، بررسی عوامل دخیل در این امر از دیدگاه تحلیلی، مطالب درج شده در ادامه سند است که مختصراً می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: عدم مدرنیزاسیون کامل در کل جامعه ایران، رویگردانی عناصر نوگرا از سیاست در خلال سالهای اخیر، نداشتن تعریف و تصویر واضح از اهداف نوگرایی (به استثناء مارکسیستها)، مشخص بودن چهار چوب اصلی اهداف و جامعه دلخواه از نظر محافظه کاران مذهبی. مطالب انتهایی سند تحلیلی است در مورد نوع و ماهیت مشکلاتی که رژیم شاه از قبل داشته و یا به واسطه گسترش تظاهرات با آن روبرو شده است و به بررسی شیوه‌های متخذه از سوی رژیم در مقابله یا در جهت خنثی کردن آنها نیز پرداخته است.

گزارشی از برداشتهای عمومی در مورد دولت آموزگار و عملکرد آن در حدود یک سال دوران زمامداری و تأثیر اختلالات اجتماعی و اقتصادی باقیمانده از دولت هویدا بر دولت وی موضوع سند شماره ۱۰ را تشکیل می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که پس از نه ماه همان نومیدها یعنی تورم، افزایش قیمت‌ها، کمبودها، نابرابریهای اقتصادی، کاغذ بازیهای دوران قبل از انتصاب آموزگار به جای هویدا هنوز به چشم می‌خورد که روند رو به رشد واپسگراییانه اقتصادی و سیاستهای غیر واقع‌گرایانه دولت در قبال ناآرامیهای اجتماعی نیز بر شدت آنها افزوده است.

### اصلاحات اجتماعی - رفاهی

حرکت در جهت رفاه اجتماعی کشور، عنوان سند شماره ۳ است که در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۵/۱ اسفند ۱۳۵۳ تهیه شده است. شاه و دولت او با صرف درآمدهای عظیم نفتی در پیشگاه ملت هدفشان را به ظاهر برای شروع یک سری برنامه‌های رفاه اجتماعی که متضمن تندرستی، آموزش و شرایط زندگی بهتر و به ادعای خودشان توزیع عادلانه تر درآمدهای نفتی، نشان می‌داده‌اند. این برنامه‌ها که در این سند مورد بحث قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

آموزش و نیروی انسانی - در این قسمت در مورد بودجه اختصاص یافته برای آموزش، دانشجویان و امکانات رفاهی، آموزش اجباری، تغذیه رایگان، آموزش رایگان، کمبود استاد و معلم و ظرفیت آموزشی ایران و کنفرانس رامسر بحث کرده و سپس به بررسی نیروی کار ماهر و نیمه ماهر نیازهای ایران به افراد متخصص در کلیه زمینه‌ها و همچنین کارگران فنی و امکان استخدام آنها از خارج می‌پردازد، و جنبه‌های مختلف آموزشی جاری در ایران و کیفیت این آموزشها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اصلاحات پزشکی - از جمله موارد مطروحه، تلاشهای رژیم برای بهبود کیفیت و کمیت امکانات پزشکی در ایران و به ویژه در روستا و مناطق محروم می‌باشد که به واسطه کمبود پزشک در سطح ایران و

برای رفع این کمبود تسهیلات ویژه‌ای برای بهیاران و تیمهای امدادی در امر ادامه تحصیل، و امکان دادن اجازه کار برای پزشکان ایران فارغ التحصیل از دانشگاههای خارجی در نظر گرفته می‌شده است. وضعیت بیمارستانها، تعداد آنها، کیفیت خدمات درمانی بیمه همگانی و طرحهای دولت برای بهبود این امور از جمله مسائل مطروحه، دیگر است.

مسکن و زمین - بخش مربوط به مسکن بحث جامعی است راجع به سیاستهای دولتی رژیم شاه، نقش بخش خصوصی و دولت در امر خانه‌سازی و تهیه مسکن برای جامعه ایران و بررسی میزان نیازها و امکانات در حل مشکل مسکن در دنبال آن مروری دارد بر ارتباط افزایش قیمت مسکن و اجاره‌ها از یک سو و افزایش قیمت زمین از سوی دیگر. سیاستهای دولت منجمله اقدامات مجلس و لویح ضد زمینخواری نیز تشریح شده است.

سازمان کشاورزان ایران - شاه به واسطه اهدافی که از اجرای اصطلاحات ارضی در سر داشت (این اهداف مغایر با اهداف تبلیغ شده از سوی رژیم بود) موجب گردید که زمینهای واگذار شده به کشاورزان یارها شوند و یا به مرور زمان تقسیم گردند. همچنین عدم دسترسی کشاورزان به امکانات و وسایل لازم برای کار و فقدان سرمایه امکان استفاده صحیح از زمین را از آنان گرفته بود، بدین جهت دولت سیستم تعاونی و شرکتهای سهامی زارعی را با بهانه دگرگون نمودن متدهای سنتی کشاورزی و بازاریابی از طریق گروه‌بندی و سازماندهی دهقانان، ایجاد کرد. سیاست مذکور اهداف آن و نتایج حاصل از اجرای این سیاست مطلب مورد بحث در این بخش از سند است. در مورد وزارت جدیدالتأسیس (۱۹۷۴) رفاه اجتماعی، وظایف، نیازها و کمبودهای آن مطالبی آورده شده و در پایان افزایش درآمد نفتی و بالا رفتن سطح انتظارات مردم، ساختار سنتی و سیاسی جامعه ایران، فساد و قوم و خویش بازی و مشکل انجام اصلاحات در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

#### طرز فکر ایرانیان در مورد بیگانگان مقیم ایران

سند شماره ۵ در واقع مجموع ۲۶ مصاحبه و یک نتیجه‌گیری است که به واسطه اشتراک موضوع به عنوان یک سند ارائه گردیده است. به دنبال گسترش روابط ایران و آمریکا و سود حاصله برای آمریکا، مستشاران نظامی و فنی، پرسنل تجاری و بازرگانی و کلاً سیل آمریکاییها برای پرکردن جیبهای خود و خزان کشورشان به ایران سرازیر شدند. افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ این روند را رشدی چند برابر بخشید به نحوی که تعداد آمریکاییها در سال ۱۹۷۶ به حدود ۲۰ هزار نفر رسید و سفارت پیش‌بینی تا چند برابر شدن آنها را در سالهای آتی می‌کرد. رشد آگاهی ملت به واسطه ستمی که بر آنها می‌رفت و غارت ثروت مملکت و بر باد رفتن استقلال و حیثیت فرهنگی کشور، آمریکاییها و طراحان آمریکایی را متوجه کرد که آخرالامر تپشها، ناله و ناله‌ها فریاد خواهد شد و فریادها گلوله، و اولین گلوله قلب آنان را نشانه خواهد گرفت. بدین جهت سفارت آمریکا در تهران برای سنجش و ارزیابی عقاید و آراء مردم به صورت نظرخواهی به طرح سه سؤال کلی پرداخت و در گفتگوهای خود با افراد مصاحبه شونده در پی جواب برآمد. هر سه سؤال به نحوی در جستجوی ارزیابی میزان خطری بودند که افراد و منافع آنان را مورد تهدید قرار می‌داد. البته باید توجه داشت که این سه سؤال به فرمهای گوناگون و همراه با حواشی و جزئیات مطرح می‌گردیده است. سؤالات مطرح شده پیرامون مطالب زیر است:

۱- آگاهی از تعداد خارجی‌های مقیم ایران و میزان تغییر آنها در دو یا سه سال گذشته.  
(سؤالات جنبی: خارجی‌ها را چگونه می‌شناسید؟ آیا می‌توانید ملیت یک خارجی به ویژه یک آمریکایی را در میان خارجی‌های دیگر بشناسید و براساس چه مشخصات و ویژگی‌هایی؟ نظرتان راجع به افزایش خارجی‌های در سالهای آینده چیست؟)

۲- تأثیرات ناشی از حضور بیگانگان در ایران.

(سؤالات جنبی: تا چه حد از تسهیلات ویژه آمریکاییان در ایران خبر دارید؟ راجع به برنامه‌های انگلیس رادیو و تلویزیون ایران و کانال آمریکا نظرتان چیست؟ درباره افزایش اجاره بهای منازل و تأثیرات آمریکاییان در این باب چه نظری دارید؟ برخوردهای اخلاقی و اجتماعی آمریکاییان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ تأثیر مصرف آمریکاییها در مایحتاج عمومی و کمبود آنها را چگونه می‌بینید تأثیرات فرهنگی ناشی از حضور آمریکاییها بر نسل جوان ایران را چگونه می‌بینید؟)

۳- ایجاد محله‌های ویژه جهت سکونت خارجی‌ان

(سؤالات جنبی: جدا کردن محل زندگی نظامیان آمریکایی چه نتایجی دارد؟ جدا کردن آمریکاییان و ایجاد محله‌های خاص برای آنها در شهرهای بزرگ چه عواقبی دارد؟)

لازم به ذکر است اکثر افرادی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند عناصر و مهره‌های اجرائی یا فرهنگی رژیم بوده‌اند که با توجه به بافت فکری فرهنگی آنها و اینکه اکثراً تحصیلات غربی داشته‌اند، امکان یک نتیجه‌گیری مطلوب و دقیق از این نظرخواهی را از طراحان این امر گرفته بودند.

### بررسی اوضاع اقتصادی

موضوع مورد بحث در اسناد ۴ و ۱۳ مسائل اقتصادی و اقتصادی سیاسی ایران است. سند شماره ۴ یک تحلیل اقتصادی سیاسی جامع است که در سال ۱۳۵۴ - ۱۹۷۵ توسط افسر توسعه اقتصادی مالی سفارت تهیه گردیده و سعی نگارنده بر آن بوده که عوامل سیاسی و اقتصادی را ترکیب نموده و با توجه به پیش‌بینی دورنمایی روشن برای اقتصاد ایران، نقش و دخالت روبه‌تزايد آمریکا در ایران را چندان مطلوب جلوه‌گر نسازد. به واسطه جامعیت سند و تراکم مطالب مورد بحث، رئوس مطالب به صورت فهرست‌وار ذکر می‌گردد:

اقتصاد داخلی - تولید ناخالص سرانه ایران، نفت و نقش آن در اقتصاد داخلی، تحلیل فقر در ایران، موقعیت اقتصادی ایران در جهان سوم و رو به رشد، طرح‌های توسعه صنعتی، اقتصاد ایران بدون نفت، سازمان برنامه و بودجه و اهمیت برنامه‌ریزی، مشکلات عمده اقتصاد ایران (کمبود بنادر و شبکه حمل و نقل، کمبود پرسنل ماهر، وضع اسفناک کشاورزی)، مصرف‌زدگی و تنوع در مصرف مواد غذایی، تورم و اقدامات ضد تورمی دولت، تضاد بین رشد اقتصادی و سیستم استبدادی سیاسی، پیش‌بینی آینده اقتصادی ایران.

روابط اقتصادی خارجی - موقعیت ایران در اقتصاد جهان، افزایش قیمت نفت و دیدگاه‌های ایران و آمریکا در این مورد، روابط آمریکا با ایران (تأمین تسلیحات و تجهیزات و مستشاران نظامی، روابط تجاری و تأمین غلات و ماشین‌آلات، ارائه مشاوره‌های فنی، سرمایه‌گذاری و رونق شرکت‌های تجاری آمریکا در ایران)، عواقب سیاسی ناشی از درگیری آمریکا در سیاست نظامی و اقتصادی ایران، نظارت

نگارنده در مورد روابط و کیفیت آنها با ایران، رفتار ایران در قبال نظام مالی بین‌المللی و بررسی قرضه‌ها و بدهی‌های ایران، تناقضات سیاسی (عوامل مورد اختلاف در روابط دوجانبه، تفاهات سیاسی)، تشریح وضعیت سیاسی ایران در گذشته، حال و آینده، تضاد بین روند نوگرایی و مدرنیزاسیون و ساختار استبدادی حاکمیت، پیش‌بینی آینده سیاسی ایران. اهرم‌های احتمالی جهت نفوذ آمریکا - تحلیل نیازهای ایران به آمریکا و برعکس، نیازهای ایران (تسلیمات، نیروهای فنی و نظامی، مشاوره، غلات، ماشین‌آلات....)، نیازهای آمریکا (نفت، بازار ایران، موقعیت اطلاعاتی و استراتژیک ایران)، اهداف و نیات در اعمال فشار بر ایران (اتخاذ مواضع متعادل در قیمت‌گذاری نفت)، اهرم‌های فشار آمریکا (تسلیمات نظامی، غلات....)، وضعیت نظامی ایران از نظر تجهیزات.

آخرین سند یک بررسی صرفاً اقتصادی است که با ارائه آمار و ارقام به صورت جداول و توضیحات وضعیت اقتصادی ایران را در زمینه‌های زیر مورد مرور قرار می‌دهد: تجارت خارجی ایران (صادرات شامل خدمات و کالاهای نفتی و غیرنفتی، واردات شامل خدمات و کالاهای نظامی و غیرنظامی)، صادرات نفتی ایران در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ (به کشورهای طرف قرارداد)، موافقتنامه‌ها و محموله‌های نظامی (از کشورهای کمونیستی و غربی غیر از آمریکا)، گزارش تحلیلی تسلیحاتی برنامه فروشهای نظامی خارجی به ایران در سالهای ۷۴ تا ۷۷ (۵۳ تا ۵۶) و گزارش تحلیلی تسلیحاتی محوله فروشهای نظامی خارجی به ایران در سال ۷۴ تا ۱۹۷۷.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶



سند شماره (۱)

تهران، ۲۸ مه ۱۹۷۴ - ۷ خرداد ۱۳۵۳

وزیر امور خارجه ایران

عباسعلی خلعتبری

حضرت مستطاب:

مفتخراً در اینجا به روند رو به رشد تبادل اطلاعات طبقه بندی شده بین دولتی ما اشاره می‌نماید. همان‌گونه که در روابط دیپلماتیک معمول است، این اطلاعات به‌طور محرمانه مبادله گردیده و توافق بر این است که محرمانه بودن آنها حتماً رعایت گردد. این اصل در زمینه قوانین و مقررات داخلی در حراست از اسرار نظامی و دولتی منعکس و در بسیاری از قراردادهای دو و یا چند جانبه نیز گنجانده شده است. بنا به اعتقاد دولت آمریکا اطلاع از اصول حاکم بر تبادل این اخبار بسیار شایسته است، تا تبادل این‌گونه اطلاعات بین دو دولت ما با سهولت بیشتری انجام گیرد. به همین علت اینجانب افتخار دارد که تأیید یک تفاهم‌نامه دوجانبه را در رابطه با تبادل اطلاعات طبقه‌بندی شده که چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم بین دو دولت ما صورت می‌گیرد، پیشنهاد نماید، به این ترتیب که دریافت‌کنندگان اطلاعات مزبور:

الف: بدون تأیید دولت مربوطه، اطلاعات را در اختیار دولت ثالثی قرار ندهند؛

ب: تلاش خواهند کرد تا اطلاعات دریافتی را طبق طبقه بندی دولت منتشرکننده تحت حفاظت خویش قرار دهند؛

ج: این اطلاعات را برای مقصود دیگری جز آنچه که بیان شده به کار نبرند؛ و

د: به حقوقی خاص مانند حق ثبت، حق طبع و نشر و تبادل اسرار که در این اطلاعات گنجانده شده، احترام بگذارند.

به منظور تصریح این قرار داد باید گفته شود که منظور و مقصود از این اطلاعات، هرگونه سند، نوشته، نقشه، عکس، طرح، مدل، مشخصات و یا طرح و نمونه‌هایی است که چه به صورت شفاهی یا بصری، یا کتبی و یا به صورت انتقال تجهیزات و مصالح بین دو دولت مبادله می‌گردد. این اصول در رابطه با دولت آمریکا به اطلاعاتی اطلاق می‌گردد که توسط همین دولت با طبقه‌بندیهای خیلی محرمانه، سری و یا خیلی سری مشخص شده و یا به اطلاعاتی مربوط می‌شود که توسط دولت شما و براساس همان قرارداد مبادله می‌شوند، ولی این قرارداد در مورد اطلاعاتی که تبادل آنها به قراردادهای خاصی نیازمند می‌باشد، کاربردی ندارد.

این تفاهم‌نامه در مورد تمام اطلاعات مبادله شده بین تمام سازمانها و مقامات معتبر بین دو دولت چه در پایتختهای دو کشور و چه در کنفرانسهای بین‌المللی یا نقاط دیگر، کاربرد دارد. و انعقاد هرگونه قرارداد دیگری بین دولت ما و یا سازمانهای تابعه آنها در رابطه با تبادل این‌گونه اطلاعات، تا جایی که با محتوای این قرارداد مغایر نباشد، تحت تأثیر این تفاهم‌نامه واقع نخواهد شد. جزئیات مربوط به کانالهای ارتباطی و کاربرد اصول فوق در نتیجه مذاکرات فنی بین سازمانهای ذی‌ربط دولتی مشخص خواهد کردید. هر یک از دولتی به متخصصین امنیتی دولت مقابل اجازه خواهد داد، که هر از چند یک‌بار به قلمرو آن سفر کرده تا با مقامات امنیتی آن در مورد روشها و تسهیلات لازم جهت حراست از اطلاعات طبقه بندی شده که توسط دولت مقابل در اختیار آن قرار گرفته تبادل نظر به عمل آورد، و تسهیلاتی در اختیار این

افراد متخصص قرار خواهد داد، تا آنها مشخص نمایند که آیا از این گونه اطلاعات حراست کافی به عمل می آید یا خیر. پس از شناخت این واقعیت که حراست از اطلاعات طبقه بندی شده به خصوص در زمینه تحقیق و توسعه و تولید تجهیزات دفاعی نقش مهمی در امنیت ملی دو کشور دارد، مراحل و روش کلی حراست از این اطلاعات در ضمیمه همین نوشتار درج خواهد شد. در صورتی که دولت متبوع شما با مطالب فوق موافقت دارد، پیشنهاد می کنم که این یادداشت و پاسخ شما به آن پس از مشخص شدن نوع اطلاعاتی که بنا به میل دولت شما باید تحت پوشش این موافقتنامه واقع شود. از تاریخ پاسخ شما به صورت موافقتنامه مورد نظر تلقی گردد.

امیدوار است عالیجناب احترامات گرم و صمیمانه مرا ببینند.  
ریچارد هلمز  
سفیر آمریکا

#### ضمیمه مربوط به روشها و اقدامات کلی امنیتی

۱- اطلاعات رسمی دارای طبقه بندی امنیتی که توسط هر یک از دولتین ما و یا بر اساس توافقنامه بین این دو دولت مشخص شود و یکی از دولتین در اختیار دولت، دیگر و از طریق کانالهای دولتی قرار می دهد، توسط مقامات ذی صلاح دولت دریافت کننده از یک طبقه بندی خاص دیگر برخوردار می گردد، تا میزان حراستی که از آن اطلاعات به عمل می آید معادل یا بیش از طبقه بندی مورد نظر دولت دهنده باشد.

۲- دولت دریافت کننده، اطلاعات را برای هیچ مقصود دیگری مگر هدف انتشار آن به کار نخواهد برد و این اطلاعات را بدون رضایت دولت دهنده در اختیار دولت ثالثی قرار نخواهد داد.

۳- در رابطه با اطلاعات ارائه شده در زمینه قرار دادهای منعقد شده بین هر یک از دولتین، سازمانها بخش خصوصی و یا افراد تابعه آن با دولت کشوری که قرارداد در قلمرو آن قابل اجراست مسئولیت اقدامات امنیتی لازم را جهت حراست از این گونه اطلاعات که دارای طبقه بندی شده بر طبق معیارها و شرایط مشخص شده توسط آن دولت در زمینه مفاد قرار داد و اطلاعات مورد استفاده از طبقه بندی امنیتی، عهده دار می گردد. قبل از انتشار این گونه اطلاعات طبقه بندی خیلی محرمانه یا مهمتر است، به پیمانکار یا پیمانکار احتمالی، دولتی که در نظر دارد آن اطلاعات را واگذار نماید باید قبلاً تضمین کند که آن پیمانکار یا پیمانکار احتمالی و تسهیلات آن توان کافی جهت حراست از اطلاعات طبقه بندی شده را دارد، در این رابطه مجوز خاصی را ارائه خواهد نمود و مجوزهای خاص امنیتی را برای افرادی که وظیفه شان دسترسی داشتن به این اطلاعات طبقه بندی شده است را صادر خواهد نمود.

۴- دولت دریافت کننده نیز موظف به انجام وظایف زیر است:

الف: حصول اطمینان از این امر که تمام اشخاص دارای امکان دسترسی به این اطلاعات طبقه بندی شده از مسئولیتهای خود در حراست از این اطلاعات بر طبق قوانین مربوطه مطلع می باشند.

ب: بازرسیهای امنیتی را در مورد تسهیلاتی که در نتیجه اجراء قرارداد با این اطلاعات طبقه بندی شده سرو کار دارند به مرحله اجراء درآورد.

ج: حصول اطمینان از این امر که وجود این گونه اطلاعات در تسهیلات ذکر شده در پاراگراف فرعی ب تنها مورد استفاده اشخاصی قرار خواهد گرفت، که برای اجراء اهداف رسمی نیازمند آن می باشند. در این

رابطه درخواست مجوز ورود به این گونه تسهیلات در صورت نیاز به دسترسی داشتن به این گونه اطلاعات، توسط سازمان دولت مقابل تسلیم سازمان دولتی ذی‌ربط خواهد شد، و در این درخواست به مجوز امنیتی و رتبه رسمی بازدیدکننده و ضرورت بازدید نیز اشاره خواهد شد. برای بازدیدهای طولی‌مدت‌تر نیز می‌توان مجوزهای مناسب صادر نمود. دولت دریافت‌کننده درخواست بازدید موظف است که به پیمانکار مربوطه اطلاع داده و آن را در جریان بازدید مورد قبول خویش قرار دهد.

۵- هزینه‌های متحمل شده در اجراء تحقیقات امنیتی و بازرسیهای لازم از این پس بازپرداخت نخواهد شد.

۶- اطلاعات و تجهیزات طبقه بندی شده تنها بر اساس دولت به دولت انتقال خواهد یافت.  
۷- دولت دریافت‌کننده تجهیزات تولید شده براساس قرارداد موجود در قلمرو دولت دیگر در جهت حراست از اطلاعات طبقه‌بندی شده همان اقداماتی را معمول دارد که در حراست از اطلاعات طبقه‌بندی شده خود انجام می‌دهد.

#### وزارت خارجه شاهنشاهی ایران

تهران، ۶ ژوئن ۱۹۷۴

شماره: ۲۵۱۵/۱۸

آقای سفیر:

افتخار دارد به یادداشت شماره ۳۷۰ مورخ ۲۸ می ۱۹۷۴ شما و ضمیمه آن اشاره کند که پیشنهاد می‌نماید اطلاعات طبقه‌بندی شده مبادله شده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت آمریکا تابع بعضی از اصول امنیتی مورد توافق و مشخص شده در آن باشد.

در اینجا با کمال افتخار اعلام می‌دارد که دولت شاهنشاهی ایران با پیشنهاد مندرج در یادداشت فوق‌الذکر و ضمیمه آن موافقت خویش را اعلام می‌نماید. در رابطه با اطلاعاتی که از سوی دولت ایران ارائه می‌گردد، اصول و روشهای مطروحه شامل تمام اطلاعات دارای طبقه‌بندی محرمانه، خیلی محرمانه، سری و خیلی سری می‌باشد، مگر آن که در مورد این‌گونه اطلاعات توافق خاص دیگری به عمل آید. بر طبق پیشنهاد مطروحه در یادداشت شما، بدین وسیله موافقت می‌نماید که یادداشت شماره ۳۷ مورخ ۲۸ می ۱۹۷۱ شما و ضمیمه آن و این پاسخ از همین تاریخ به صورت قراردادی بین دو دولت ما تلقی گردد. با استفاده از این فرصت احترامات بی‌شائبه خود را تقدیم می‌دارد.

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور خارجه ایران

#### سند شماره (۲)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۹ ژانویه ۱۹۷۵ - ۱۹ دی ۱۳۵۳

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.

از: سفارت آمریکا در تهران

عطف به: تهران ۱۶۹ (کتبی)

موضوع: دیدار سناتور پرسی: موضوعات سیاسی

۱- سناتور پرسی در تماسهای جداگانه‌ای با آموزگار و انصاری وزرای کابینه و نماینده اسرائیل،

لوبرانی در مسائل زیر با آنان تبادل نظر نمود. این گزارش از مرحله تصویب و تأیید نگذشته و ممکن است از طرف سناتور مورد تجدید نظر واقع گردد.

#### الف - موضع دولت ایران در قبال رویارویی اعراب و اسرائیل

هر سه موافق بوده و یا مسلم می‌دانستند که موضع ایران اساساً تغییری نکرده یعنی، ایران به اعراب برای مقابله با اسرائیل کمک نظامی نخواهد نمود و در تحریم نفتی بر علیه اسرائیل شرکت نخواهد جست. لوبرانی معتقد است که ایران در صدد جلب حمایت اعراب، به خصوص مصر در رابطه با مشکلات بین ایران و عراق است تا موقعیت خویش را در خلیج تحکیم بخشد. وی افزود همکاریهای نهانی با اسرائیل علیرغم حساسیتهای سیاسی موجود ادامه دارد.

#### ب - کشور فلسطینیها

آموزگار و انصاری بر این عقیده بودند که پیشنهاد تشکیل یک کشور فلسطینی ضروری و حیاتی است. هر دو در مورد مکان و چگونگی تشکیل این کشور فلسطینی به طرز ابهام آمیزی سخن می‌گفتند، ولی امیدوار بودند که برای حفظ موقعیت حسین اقدامی به عمل آید. لوبرانی معتقد بود که حسین خود را برای نمایش قدرتی با فلسطینیها آماده می‌کند و شاه قصد دارد که امکانات حسین را قبل از دیدار با سادات، ارزیابی کند.

#### ج - آینده عربستان سعودی

آموزگار و لوبرانی احساس می‌کنند که دولت عربستان سعودی بسیار آسیب پذیر بوده و به احتمال قوی یک رژیم ضد غربی مانند رژیم قذافی جای آن را خواهد گرفت. آموزگار معتقد بود که تشکیل کشورهای کوچک در خلیج فارس اشتباهی عظیم بوده و گفت که این امارات باید خود را در یک تمامیت بزرگتر سازماندهی کنند. هم او و هم لوبرانی معتقدند که یک کشور فلسطینی فشار زیادی را بر روی کشورهای شبه جزیره اعمال خواهد نمود. لوبرانی معتقد است که در صورتی که تغییرات سیاسی منافع دولت ایران را به خطر اندازد ایران در آن سوی خلیج به مداخله خواهد پرداخت.

#### د - عکس العمل مردم ایران

انصاری دوران فعلی را دورانی حساس توصیف کرد که ناشی از سطح چشمداشتهای شخصی ایرانیان به منافع حاصله از نفت است و فشارهای تورم‌زای ناشی از تزریق مقادیر زیادی پول به جدید در اقتصاد. آموزگار مسائل دولت ایران را با لحن تندتری بیان کرد و در این زمینه از موانع فیزیکی و پرسنلی موجود در راه پیشرفت و این واقعیت که سطح درآمدها در مناطق شهری هفت برابر مناطق روستایی است، سخن گفت. انصاری اظهار داشت که دولت ایران با دقت بسیار به اداره امور مربوط به اوضاع جاری پرداخته است. هم او و هم آموزگار معتقدند که دولت ایران در رابطه با تأمین سوئید کالاهای اساسی به منظور مهار تورم (که میزان این تورم هم اکنون به گفته انصاری ۱۲ درصد است) و ارائه خدمات اجتماعی عملکردی منطقی و معقول داشته است. هر دو بر سر این موضوع اتفاق نظر داشتند که دانشجویان و دیگران

نسبت به برنامه جدید کمک‌های خارجی ایران در زمانی که نیازهای داخلی برآورده نشده، معترض هستند. هر دو معتقد بودند که دولت ایران مردم این کشور را قانع ساخته که در این کار منافع بیشتری نرفته است. نقطه نظرهای لوبرانی چندان مثبت و خوش بینانه نبود. او از این بیم داشت که خود بزرگ بینی شاه ممکن است باعث شود که وی دست به اجرای نوعی از برنامه‌های اجتماعی و یا اقتصادی بزند که زیردستان وی احتمالاً نتوانند آنان را اداره کرده، و بدین وسیله موجب دلسردی و ناامیدی مردم شود. لوبرانی همچنین از اختلاف درآمد و نفوذ ارتجاعی عناصر مذهبی‌ابراز نگرانی می‌کرد. آموزگار تصور می‌کرد که قدرت مذهبیون رو به زوال است. خلاصه اینکه هر سه نفر اوضاع داخلی را برخلاف آنچه که ترسیم می‌گردد، نوید بخش توصیف نمی‌کردند.

### سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۰ فوریه ۱۹۷۵ - ۱ اسفند ۱۳۵۳  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت خارجه - واشنگتن  
موضوع: حرکت در جهت رفاه اجتماعی کشور

#### خلاصه:

شاه و دولت او با صرف درآمدهای وسیع و فزاینده نفتی هدفشان را برای شروع یک سری برنامه‌های رفاه اجتماعی که متضمن تندرستی بهتر، آموزش بهتر و شرایط بهتر زندگی برای مردم ایران و برای اطمینان یافتن از توزیع عادلانه‌تر درآمدهای نفتی می‌باشد، نشان داده‌اند. این برنامه‌های بزرگ شامل اصلاحات عظیم احتمالی در آموزش و تربیت نیروی انسانی، خدمات درمانی، مسکن، استفاده از زمین، سازمان کشاورزان ایران و رفاه و بیمه اجتماعی که در این گزارش مورد توجه قرار گرفته‌اند می‌باشد. گزارش تکمیلی دیگری که در دست تهیه است، پیشرفت انقلاب شاه و ملت را در جزئیات مورد بحث قرار می‌دهد. فهم این برنامه مستلزم سالهای زیاد و به وجود آوردن زیرسازي و کارشناسی کامل که ایران مثل اغلب کشورهای دیگر در حال توسعه فعلاً فاقد آن است، می‌باشد. موفقیت ایران در پیدا کردن راههایی برای انجام این اصلاحات عظیم اجتماعی برای توسعه و ثبات مستمر ملی حیاتی است.

#### الف - آموزش و نیروی انسانی

در محدوده کلی توسعه ملی و رفاه اجتماعی به نظر می‌رسد که دولت ایران در حال حاضر توجه بیشتری به مشکلات آموزش و تربیت و به کارگیری نیروی انسانی نسبت به دیگر موضوعات معطوف می‌دارد. برنامه تجدید نظر شده پنجم ۱۳۰ میلیارد ریال (حدوداً ۱/۹ میلیارد دلار) برای آموزش و پرورش اختصاص داده است که شامل ۲۰ میلیارد ریال (حدوداً ۲۹۷ میلیون دلار) تنها برای برنامه آموزش ابتدایی رایگان می‌باشد. رقم ۱/۹ میلیارد دلار با وجود جالب توجه بودن، فقط نشان‌دهنده ۲/۴٪ افزایش و تشخیص عدم توانایی سیستم آموزشی ایران برای جذب مبلغ بیشتر می‌باشد. از ۱۲۴/۰۰۰ دانشجوی ایرانی که در حال حاضر در دانشگاهها هستند، تقریباً ۴۱/۰۰۰ نفر از دولت کمک دریافت می‌دارند. شورای هماهنگی امور دانشجویان تحت نظارت نخست وزیر اخیراً یک صندوق برای کمک به دانشجویان ایرانی خارج از کشور تأسیس نموده است و سازمان جدیدالتأسیس دانشجویان در

وزارت علوم و آموزش عالی به فارغ‌التحصیلان برای گرفتن شغل در آینده کمک خواهد نمود، درجات تحصیلی خارجی را ارزیابی خواهد نمود و فعالیتهای مختلف آموزشی در سطح دانشگاه را سرپرستی خواهد کرد. تعداد ۴۰/۰۰۰ دانشجو و دانش آموز داوطلب در یک طرح ۲۴ میلیون دلاری توسعه در تابستان در مناطق روستایی شرکت کردند و انتظار می‌رود که تعداد آنها تا سال ۱۹۷۸ به یک میلیون نفر برسد.

شاه فرمان داده است که هشت سال اول آموزش منجمله یک جیره شیر و پروتئین روزانه برای هر دانش آموز مجانی باشد. قانون دیگری والدین را از ممانعت فرزندانشان برای حضور در مدارس منع می‌کند. برای اطمینان پیدا کردن از اینکه از قانون تخطی نخواهد شد، برای هر کودک تازه متولد یک کارت آموزشی صادر خواهد شد. این فرمان منجر به افزایش سریع تعداد کودکان ایرانی شد که آموزش ابتدایی می‌بینند. بر طبق ارزیابیهای رسمی ۷۷٪ از ۴/۷۶۴/۰۰۰ کودک ایرانی بین سن ۶ تا ۱۰ سال در حال حاضر در مدارس ابتدایی عادی و مدارس سپاهی دانش و یا کلاسهای مبارزه با بیسوادی ثبت نام کرده‌اند. وزارت آموزش و پرورش مسؤل اجرای فرمان تا سال ۱۹۷۴ شد. در عمل، هنوز امکان نداشته است که طرح نهار مجانی کاملاً اجرا گردد و در نوامبر ۱۹۷۴ مسؤلیت اجرای این بخش از برنامه به وزارت بازرگانی سپرده شد. مشکلات توزیع و خراب شدن (مواد غذایی) همچنان ادامه پیدا کردند، ولیکن تلاشی عمده برای بهبود مؤثر تغذیه تعداد زیادی دانش آموز انجام شده بود. علاوه بر این شاه اشاره کرده است که آموزش عالی مجانی منجمله هزینه‌های زندگی در صورتی که دانش آموز و دانشجو موافقت کنند که یک سال در مقابل هر سال تحصیلی دبیرستان و ۲ سال در مقابل هر سال تحصیلی دانشگاه برای کشور کار کنند به وسیله دولت فراهم خواهد شد. تعلیمات فنی دانشگاهی بدون شرایط بازپرداخت فراهم خواهد شد. در کوتاه مدت کیفیت آموزشی به خاطر کمبود حاد معلم که ۳۰/۰۰۰ در سال تخمین زده شده احتمالاً پایین خواهد بود و برای چند سالی نمی‌توان بر آن غلبه نمود؛ چون که ظرفیت آموزش معلم در ایران ۱۰/۰۰۰ تا ۱۳/۰۰۰ می‌باشد. به علاوه با در نظر داشتن درصد بالای رشد جمعیت ایران کل کودکان سن دبستان که در حدود ۴/۸ میلیون در سال ۱۹۷۱ تخمین زده شده، در سال ۱۹۸۶ به ۸/۶ میلیون خواهد رسید، افزایشی که هر سیستم آموزشی را تحت فشار قرار خواهد داد. این کمبود فقط یک جهش ناگهانی تقاضای معلم را منعکس نمی‌کند، بلکه همچنین حقوق سطح پایین آنها و احترام کمی که ایرانیها برای این حرفه قائلند را منعکس می‌سازد. ایرانیان از این مشکل آگاهی دارند و در سپتامبر ۱۹۷۴، کنفرانس رامسر رأی به فراهم نمودن حقوق بهتر، بیمه و مسکن و دیگر خدمات رفاه اجتماعی برای جلب افراد بیشتری به حرفه معلمی داد. این منجر به تهیه برنامه‌ای جهت ساختمان ۷۰۰ واحد مسکونی برای معلمان در تهران شد. هرچند با گفتگو بر سر مکان آن به تأخیر افتاد، ولی نمایش واقعی تصمیمی است که به طور مطلوبی معلمان آینده را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این اثنا سپاهیان دانش و مبارزه با بیسوادی آسودگی خاطری در مورد کمبود معلم برای مناطق روستایی فراهم می‌آورند و مقامات امیدوارند که از طریق آموزش تلویزیونی و استفاده از معلمانانی که شرایط پایین تری نسبت به بقیه دارند، کمبود معلم را برای دروسهای ابتدایی کاهش دهند. ضمناً ساختمان دانشگاه و مدارس ابتدایی با سرعت به جلو می‌رود. در سال گذشته ۷۰۰ مدرسه ابتدایی و متوسطه ساخته شد. بودجه دانشگاه تهران از ۱۳/۸ میلیون دلار به ۸۴ میلیون دلار افزایش پیدا کرد و تعدادی دانشگاههای منطقه‌ای برای مناطق درو دست کشور برنامه ریزی شد.

در زمینه آموزش نیروی انسانی، ایرانیها پیش‌بینی می‌کنند که تا سال ۱۹۷۸ به ۲/۱ میلیون کارگر جدید احتیاج خواهد بود؛ حتی اگر تمام برنامه‌ها در سطح مطلوبشان اجرا شوند، یک کمبود در حدود ۷۲۰/۰۰۰ نفر پیش‌بینی شده است. این شغلهای ممکن است از طریق وارد کردن کارگر خارجی پر شود و در حقیقت، ایران هم اکنون از خیلی از دکترهای پاکستانی و هندی در مناطق روستایی استفاده می‌کند. به علاوه برنامه‌های در جریانی وجود دارد که ۷/۰۰۰ مهندس، پرسنل پزشکی و تکنیسینهای ساختمانی از فیلیپین و همچنین کارشناسانی از دیگر ملل استخدام نمایند. برای هماهنگی درخواستهای بخش عمومی و خصوصی برای کارگر خارجی وزارت کار و امور اجتماعی یک مرکز کاریابی برپا کرده است، که به پرسنل پزشکی و کارشناسان ساختمانی و راه‌سازی ارجحیت می‌دهد.

همچنین دولت ایران در تلاش است که ایرانیهای تعلیم دیده که در خارج زندگی می‌کنند را تشویق به بازگشت نماید. خصوصاً در رشته‌های پزشکی و در میان مهندسين توجه به کاهش فرار مغزها به اروپا و ایالات متحده، معطوف شده است. آمار وزارت علوم نشان می‌دهد. که ۷۱٪ تمام دانشجویان ایرانی که در خارج تحصیل می‌کنند در آمریکا ۲۵ درصد در آلمان غربی، ۱۰٪ در انگلستان و ۶٪ در فرانسه هستند. دولت ایران قصد دارد که تیمهایی از استخدام کنندگان را به خارج اعزام دارد که با ایرانیان مهاجر تماس برقرار کنند و به آنها پیشنهاد حقوق بهتر و توضیحاتی در مورد شرایط بهبود یافته کاری و اجتماعی بدهند، که آنها را تحریک به بازگشت به ایران کنند. ولی قسمت اعظم نیروی انسانی مورد نیاز آینده ایران بایستی در داخل فراهم آید. با کمک وام ۱۹ میلیون دلاری بانک جهانی، دولت ایران و یونسکو طرحی دارند که یک پروژه ۷۰ میلیون دلاری برای ساختمان ۳۹ مدرسه جدید کشاورزی و حرفه‌ای، مدارس ابتدایی و راهنمایی و تسهیلات آموزش معلم را شروع کنند. برنامه‌های جاری نیاز به دانش‌آموزان حرفه‌ای تا سال ۱۹۷۸ را به ده برابر (حدود ۵۶۰/۰۰۰) آن چیزی که هم اکنون آموزش می‌بینند، عنوان می‌دارد. دولت ایران امیدوار است که بیشتر این آموزش در آینده از طریق ۱۵۰ مرکز آموزش حرفه‌ای سیار که فارغ‌التحصیلان خود را به یک سیستم ۲۰۰ مرکزی کاریابی سیار و ۱۵۰ مرکز کاریابی ثابت مرتبط می‌کند انجام گیرد، و وزارت کار انتظار دارد که قادر باشد این کارگران را به مناطقی که گاز وجود دارد منتقل نماید. در حال حاضر این مراکز عمدتاً در مرحله برنامه‌ریزی هستند.

بعضی جنبه‌های آموزش جاری ایران بی‌هدف است و بایستی در آن تجدید نظر شود. تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از اینکه می‌بینند بدون آموزش عملی بیشتر غیر قابل استخدام هستند ناامید و پریشان می‌شوند. فارغ‌التحصیلان بی تخصص دبیرستانی اغلب قادر به پیدا کردن کارهای خوب بجز بخش خصوصی که برنامه‌های آموزشی دارند نیستند. بعضی دانشگاهها شروع به عرضه درسهای کوتاه مدت برای به وجود آوردن مهارتهای قابل جذب در بازار کرده‌اند، تا پاسخگوی این مشکل باشند و دولت ایران در نظر دارد که ۶۰۰ فارغ‌التحصیل دبیرستان را سالانه تحت نظر سازمان بین‌المللی کار به خارج اعزام دارد. تأکید بیشتر متوجه به کارگیری بهتر زنان می‌شود که قسمت بزرگی از بیکاران جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر فقط ۱۳/۶٪ زنان کار می‌کنند و انتظار می‌رود که این رقم فقط ۱۵/۳٪ تا سال ۱۹۷۸ یعنی پایان برنامه پنجم افزایش پیدا کند.

گرچه بیش از نیمی فعالیت اقتصادی ایران در حال حاضر در دست دولت است، بخش خصوصی در زمینه کارگر ماهر و نیمه ماهر یک نقش مستمر و مهم بازی می‌کند و اکثریت عظیمی از چنان کارگرانی

آموزش و تجربه را خارج از برنامه‌های دولت دریافت داشته‌اند. در کنفرانس مدیریت شیراز در نوامبر ۱۹۷۴، دولت ایران این موضوع را (خصوصاً در قسمت شکر، سیمان و پارچه بافی) به وسیله پیشنهاد تأمین بودجه تمام یا قسمتی از هزینه‌های آموزشی بخش خصوصی از طریق کمک و یا تخفیف مالیاتی صریحاً تشخیص داد. این احتیاج ناگهانی به نیروی انسانی ماهر بر این حقیقت تأکید دارد که آموزش و پرورش ایران و آموزش نیروی انسانی توسعه پیدا کرده است (شاید بدون پیش‌بینی قابل فهم احتیاجاتی که از رشد عظیم و سریع درآمدهای نفتی ایران سرچشمه می‌گیرد). در بخش آموزش و به‌کارگیری کارگران ماهر و نیمه ماهر است که دولت ایران هم اکنون با مشکلات عاجل مربوط به توسعه روبرو است. اگر چه کنفرانس شیراز شروع به ساختن شمایی از نیازهای انسانی ایران نمود، ایران هنوز آن اساس آماری که او را قادر به استفاده صحیح از نیروی کارگری موجودش، آموزش کارگران لازم برای آینده و یا استفاده از نیروی انسانی بیکار از قبیل زنان و یا کارگران فصلی کشاورزی بنماید، ندارد. سازمان برنامه و بودجه، که مسئولیت اصلی را در این زمینه به عهده دارد، و وزارت کار هر دو مشغول تهیه امکانات آماری و تحلیلی هستند تا مشخص شود بهترین روش برخورد با این مشکلات چگونه است و بتوان به سؤالاتی از قبیل تطبیق حقوق، نیازمندیهای مسکن، بازگشت کارگران ماهر به میهن (که در وارد کردن کارگران خارجی به تعداد مورد لزوم برای ساختن ایران به انجام برنامه‌های توسعه‌اش نهفته است) پاسخ داد.

#### ب - اصلاحات پزشکی

شاه کمی بعد از صدور فرمان آموزشی یک برنامه فراگیر پیشگیری پزشکی را نیز اعلام نمود. برای وسیعتر کردن دامنه مراقبت‌های پزشکی قابل دسترسی در استانها و برای تعدیل اثر کمبود ملی دکتر، سازمان خدمات اجتماعی شاهنشاهی زیر نظر اشرف در نظر دارد که یک برنامه آموزشی نه‌ماهه برای تیمهای امدادی که شغل خودشان را باید به پیش‌گیریهایی طبی و استعلاجی در مناطق روستایی اختصاص دهند، ارائه کند. در پایان برنامه امید است که تیمهای امدادی به بیش از ۶۰/۰۰۰ برسند، ولی مقاومت مستقیم به وسیله دکترهای ایرانی شروع برنامه را به تعویق انداخته است. دولت همچنین یک برنامه جداگانه و کمی مشترک (با برنامه سازمان خدمات) برای آموزش دستیار و بهیار که یک دوره اجباری دوساله را باید در تیمهای امدادی بگذرانند، در نظر دارد. ولیکن پس از دوره مأموریت ابتدایی دوساله‌شان آنها مجاز خواهند بود یک دوره چهار ساله را شروع نمایند، که به هزینه دولت منجر به دریافت لیسانس بهیاری خواهد شد. پس از فارغ التحصیلی آنها می‌توانند به عنوان معلم برای تربیت دستیارهای آتی خدمت کنند و، یا به تحصیل پزشکی تا سطح دکترا ادامه دهند.

با اشاره به توسعه کمکهای پزشکی (در سطح پایین‌تر از دکتري)، ایرانیها در تلاش هستند که در یک مدت کوتاه بر اثرات کمبود دکتر و بی‌میلی دکترهای ایرانی، برای خدمت در مناطق دور افتاده استانها که یک رقم تخمینی ۸۰٪ جمعیت را بدون پوشش لازم طبی گذاشته است، غلبه کنند. برای مثال ایران با یک جمعیت ۳۲ میلیونی فقط ۱۱۷۷۴ دکتر دارد که از این تعداد ۳۵۳۸ نفر متخصص هستند که ۲۳۴۷ نفرشان (از متخصصین) در تهران کار می‌کنند.

دولت ایران امیدوار که ۳۰۰ تا ۵۰۰ دکتر ایرانی که در آلمان غربی به کار مشغولند را از طریق معتبر دانستن مدارک آلمانی آنها که قبلاً غیر کافی برای اشتغال به طبابت در ایران تشخیص داده شده بود،



ترغیب به بازگشت به وطن نماید. به دکترهای ایرانی که در کشورهای دیگر به کار مشغول می‌باشند، پیشنهاد معافیت از خدمت نظام و وظیفه با کارکردن در بیمارستانی که دولت معین می‌کند با حقوق کامل و اجازه پرداختن به کار خصوصی پس از ساعات بیمارستان داده شده است. ایران همچنین شروع به وارد کردن دکتر از پاکستان و هند به منظور رویارویی با نیازهای توسعه‌اش کرده است. به هر حال تحقق بیشتر این برنامه‌ها که چندین فقره از آنها مکمل سپاه بهداشت می‌باشد، در آینده بدون اشکال خواهد بود. به استثنای برنامه واکسیناسیون که هم‌اکنون در دست انجام است خیلی زود است که این برنامه‌ها را چیزی جز پیشنهادات معرفی نماییم.

دولت در تهران برنامه‌های قابل تحقق فوری‌تری که برای افزایش دسترسی فقرا به خدمات درمانی طرح‌ریزی شده را شروع نموده است. اینها (برنامه‌ها) شامل ساختمان ۲ بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی است که نرخهای ثابت ۳۰۰ ریال روزانه برای کلینیکهایی که دارای تجهیزات کمتر هستند و ۹۰۰ ریال برای بیمارستانهای عادی را عرضه می‌نمایند. کلیه بیمارستانهای دیگری که ۳۰٪ یا بیشتر بودجه‌شان را از دولت دریافت می‌دارند، و نیز بیمارستانهایی که برای درمان کارمندان با دولت قرارداد دارند از این نرخهای ثابت استفاده می‌کنند.

دولت ایران تأکید می‌کند که قصد ندارد بیمه همگانی را در ایران تحمیل کند، بلکه هدفش این است که خدمات درمانی وسیع و مجانی برای آنهايي که قادر به پرداختی برای آن نمی‌باشند، فراهم کند در عین حال که افراد ثروتمند را که از کیفیت خدمات و درمان در بیمارستانهای عمومی ناراضی هستند، آزاد می‌گذارد تا برای نوع مراقبتهای پزشکی که می‌خواهند پول بپردازند.

### ج - مسکن

در ابتدا دولت ایران قصد داشت که ۷۵ درصد خانه‌سازی ایران را به بخش خصوصی واگذار نماید و دولت منابع ساختمانی را به طور اصلی روی خانه‌سازی برای کارمندان دولت و نظامیان متمرکز کند. در مقایسه با برنامه چهارم (۱۹۶۹-۱۹۷۳) بخش خصوصی فی‌الواقع ۲۵۶۰۰۰ واحد مسکونی در مقابل ۳۷/۰۰۰ واحد دولت بنا نمود. به هر حال تراکم مسکن در این دوره از ۷/۷ به ۸/۸ نفر در مقابل یک واحد مسکونی افزایش پیدا کرد و به دنبال ترمیم کابینه در ۱۹۷۴ و علیرغم کمبود مسکن در سطح کشور (در حدود ۱/۷ میلیون واحد) دولت تصمیم گرفت که مداخله کند. هدف خانه‌سازی در برنامه تجدیدنظر شده پنجم از ۷۴۰/۰۰۰ واحد به ۱/۰۵۰/۰۰۰ واحد ترقی پیدا کرد و تخصیص (منابع) برای خانه‌سازی از ۹۰ میلیارد ریال به ۲۵۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. برطبق برآوردهای رسمی منابع اضافی به‌علاوه توسعه سریع و تشویق صنعت خانه‌سازی پیش ساخته به دولت اجازه خواهد داد که تا سال ۱۹۷۸ سالانه ۱۰۰/۰۰۰ واحد بنا کند (برطبق ارزیابیهای رسمی). (اشاره می‌شود به یک تذکر نامتجانس: امیرشاهی مدیر شرکت خانه‌سازی کورش توضیح داد که حداقل دو سال طول می‌کشد تا کارخانه‌های خانه‌سازی پی ساخته قبل از اینکه واحدی ساخته شود، برپا شوند.) همایون جابر انصاری وزیر مسکن و شهرسازی یک هدف عظیمتر خانه‌سازی را اعلام نموده است، که بر اساس آن ۲۰۰/۰۰۰ واحد در طول سال آینده ساخته خواهد شد که ۱۲۰/۰۰۰ واحد آن به‌وسیله بخش خصوصی و ۸۰/۰۰۰ واحد به‌وسیله دولت (منجمله ۲۰/۰۰۰ واحد به‌وسیله وزارتخانه او) ساخته خواهد شد. او انتظار دارد که این هدف ۶/۶۹

میلیارد دلار خرج بردارد. او همکاریهایی را از طرف شرکتهای آمریکایی، فرانسوی دانمارکی و عرب که نسبت به بازار خانه‌سازی ایران به درجات مختلف ابراز علاقه نموده‌اند، پیش‌بینی می‌کند. به هر حال بخش خصوصی در گذشته متمایل به تمرکز روی ساختمان آپارتمانهای مجلل که سود بیشتری را عاید می‌کرد، بوده است. دولت باید برنامه‌ای طرح کند که پیمانکاران خصوصی را به ساختن پروژه‌های خانه‌سازی به مقیاس وسیعتر و هزینه پایین برای رفع احتیاجات زیاده‌تر ترغیب نماید. دولت همچنین در نظر دارد که آپارتمانها ساخته شده به وسیله بخش خصوصی را خریداری نماید و برای فروش مسکن ارزان قیمت به نرخهای پایین، خود نیز اقدام به ساختمان بنماید و در این میان کارگران، اعضای تعاونیهای مسکن و تعاونیهای روستایی و کسانی که برای کار فرمایانی کار می‌کنند که آنها را نزد سازمان بیمه‌های اجتماعی بیمه کرده‌اند، از اولویت بالا برخوردارند. برای تشویق بیشتر مسکن قرار است یک اعتبار یک میلیارد ریالی در اختیار بانک ساختمان قرار دهند که به صورت وامهای ۲۰ ساله به اعضای تعاونیها با نرخ بهره پایین ۲ تا ۶ درصد در تهران و در استانها با نرخ کمتر اعطاء شود. وامهای بانک ساختمان نیز جالب توجه تر شده است، زیرا که بانک مرکزی نرخ (بهره) وام به بانک ساختمان را از ۸ درصد به ۶ درصد کاهش داد. از خریدارانی که عضو تعاونی نیستند انتظار می‌رود پیش قسطی معادل ۲۰٪ وام رهنی مسکن را که از بانکهای مجاز قابل دریافت است ابتدا بپردازند و باقیمانده آنها (منجمله ۵۰ درصد ارزش زمینی که خانه روی آن ساخته شده است) را به اقساط ۱۵ ساله با نرخ بهره ۱۲ درصد بپردازند. چندین پروژه موجود خانه‌سازی که به وسیله بانک رفاه کارگران، بانک رهنی و سازمان مسکن تأمین بودجه شد (که بعضی از آنها قابل مقایسه با پروژه‌های دیگر کشورهای در حال پیشرفت می‌باشد) مستلزم ۲۰٪ پیش قسط با نرخهای بهره ۲ تا ۹ درصد می‌باشند. اگر چه جریان اخیر پول نفت، نرخهای پایین بهره و وامهای آسانتر را ممکن ساخت، ولی وامهای مسکن پرداختی به کارگران یک سیاست دراز مدت مستمر دولت ایران می‌باشد. (از ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۴ سازمانهای مختلف وام‌دهنده دولتی ۱۲/۴ میلیارد ریال را به ۱۳۲/۱۹۴ کارگر پرداخت نمودند).

دولت ایران همچنین امیدوار است که اجاره را به وسیله الزام موجرین به محاسبه اجاره بهای سالانه‌شان براساس درصد مالیاتی که آنها روی زمین و ساختمان مورد اجاره می‌پردازند، تثبیت گرداند. (در حال حاضر خانه‌هایی که زیر ۳۰۰/۰۰۰ ریال ارزش دارند، از مالیات معافند و از طرق قرارهایی بین صاحبخانه‌ها و ممیزین مالیاتی خیلی از خانه‌ها زیر قیمت اصلی ارزیابی شده‌اند.) تا ۲۱ مارس ۱۹۷۵ اجاره بهای ساختمانهای قدیمی تر محدود به اجاره بهایی است که از ۲۱ مارس ۱۹۷۲ گرفته شده است. به هر حال تقاضا برای مسکن اجاره‌ای در پایتخت آن قدر بالا است که هر چند اجاره‌ها کنترل می‌شوند، صاحبخانه‌ها مشکل زیادی برای دریافت پولهای اضافی مخفیانه از مستأجرین ندارند.

براساس قرار داد آوریل ۱۹۷۴ با UNDP (برنامه توسعه سازمان ملل)، سازمان برنامه بودجه یک مرکز برای مطالعات مسکن و ساختمان به وجود آورد، که مسئول تهیه و تنظیم آیین‌نامه ملی ساختمان شده است. این آیین‌نامه و دیگر مقررات برای کمک به وزارت مسکن در تحقق طرح بزرگ ۲۰ ساله سازمان برای ساختن ۲۳۴۹۰۰۰ واحدی شهری ۷/۵ میلیون واحد روستایی می‌باشد (هدفی که وقتی نخست وزیر در کنگره حزب ایران نوین در ژانویه ۱۹۷۵ صحبت می‌کرد آن را تا ۱۱/۵ میلیون واحد در ۱۵ سال بالا برد).

هویدا پیش بینی می‌کند که ۶۰٪ مسکن طرح‌ریزی شده برای افزایش جمعیت مورد نیاز خواهد بود و ۱۴٪ برای غلبه بر کمبود موجود مسکن و ۲۵٪ برای جایگزینی و ۱٪ باقیمانده به عنوان ذخیره. به این معیارها دولت ایران یک تعهد مهم در جهت توسعه مسکن برای ایرانیان دارد، لیکن هدفهای خانه‌سازی قبلی که به میزان کمتری بود عمدتاً به‌خاطر کمبود مصالح اصلی از قبیل سیمان و انواع مشخص آهن که صنعت ساختمان با آن روبرو بوده است، تحقق پیدا نکرده.

موقعیت سیمان بهبود پیدا کرده است، ولی رشد سریع جمعیت ایران (۳/۲٪ که یکی از بالاترین رشد‌های دنیاست) و گرایش فعلی به مهاجرت به شهر فشارهای فزاینده‌ای روی ظرفیت ساختمانی کشور وارد می‌کند (دولت ایران برنامه‌ای تنظیم کرده است که مهاجرت بالعکس را ترغیب نماید، ولی تاکنون به‌طوری که قابل توجه باشد موفقیت نداشته است). منابع مواد ایران، نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر و ظرفیت حمل و نقل و واردات آن از منابع مالی او خیلی محدودترند. دولت ایران برای انجام موفقیت‌آمیز برنامه‌های مسکن خود و اطمینان یافتن از این که مسکن بیش از حد لازم با توسعه در دیگر رشته‌ها به‌خاطر این منابع محدود رقابت نمی‌کند، باید ارجحیت‌هایی برقرار نماید.

#### د - استفاده زمین

یک عامل اصلی در افزایش قیمت مسکن و اجاره‌ها ازدیاد سریع قیمت زمین بوده است. دولت در یک تلاش برای کاهش زمین‌خواری گسترده، برنامه‌هایی را برای خرید قطعات استفاده نشده زمینهای بزرگتر از ۵۰۰ متر مربع در نزدیکی شهرهایی که بیش از ۲۵/۰۰۰ جمعیت دارند، اعلام نموده است. زمین در اختیار بانک مسکن دولت ایران قرار خواهد گرفت که برای مسکن دولتی، پارک و مناطق تفریحی مورد استفاده قرار گیرد. بها به مالکین براساس قیمت روز پرداخت خواهد شد، ولی تشویق خواهند شد که عایدات خودشان را در سهام کارخانجات دولتی به عنوان اقدام ضد تورمی سرمایه‌گذاری کنند.

در یک حرکت مهمتر، مجلس در حال حاضر لایحه زمین را تحت بررسی دارد (مراجعه کنید به ضمیمه ۱ برای متن لایحه) که شاید وسعیت‌ترین مبنای قانونی زمین پس از اصلاحات ارضی شاه باشد به‌طور اساسی لایحه، فروش زمین استفاده نشده را برای بیش از یک‌بار ممنوع می‌کند. قطعاتی که خارج از محدوده شهری قرار دارند به فروششان ادامه داده می‌شود، ولی مالیات بر هر قطعه زمین با هر بار فروش دو برابر خواهد شد. مالک می‌تواند زمین ساخته نشده را نگهدارد یا آن را بسازد و بعد به فروش رساند و یا اجاره دهد و یا آن را به دولت بفروشد. اگر دولت زمین را بخرد او (دولت) می‌تواند آن را به بخش خصوصی اجاره دهد و یا برای ساختمان طرحهای خانه‌سازی موافقت شده بفروشد. به هر صورت اگر پیمانکار نسبت به تکمیل پروژه در زمان تصریح شده قصور ورزید، جریمه خواهد شد.

این لایحه توجه بیشتری را بیش از هر چیز دیگری در تاریخ اخیر مجلس به خود جلب نمود و منجر به اصلاحیه‌های پیشنهادی شد. بعضی از این پیشنهادات از قبیل پیشنهادی که مالکین را به ساختن تمام قطعات شهری در ۱ تا ۳ سال ملزم می‌سازد و یا مواجه با فروش زمین به دولت می‌کند، عملی نیستند. تهران به تنهایی ۲۶/۹۴۳ قطعه خالی در اندازه‌های مختلف دارد و ایران فاقد مصالح ساختمانی و کارگر ماهر برای شروع برنامه ساختمان به این ابعاد و علاوه بر هر چیز دیگری که برنامه‌ریزی شده است، می‌باشد. دیگر مواد این لایحه شامل راه‌گیزهایی است (نوع ساختمانی که مجاز به فروش مجدد است

تشریح نشده و آنهایی که نفوذ کافی دارند، بدون شک می‌توانند زمین را خریداری کنند و ترتیبی بدهند که دولت از خرید آن امتناع ورزد) که بدان وسیله فروش خصوصی مجدد را تضمین می‌کند. برحسب آنکه سرانجام چه پیشنهادی قبول خواهد شد، این لایحه عام ممکن است کنترل دولت بر شرایط فروش زمینهای حومه شهری استفاده نشده (و برخی زمینهای روستایی)، ساختمانها، هزینه‌های اجاره، مالیات زمین و در حقیقت هر چیزی که بالقوه با معاملات زمین حومه شهری سروکار دارند، برقرار نماید.

یک حرکت مؤثر دیگر در مقابل زمینخواری ملی کردن ۴۲۹/۰۰۰ هکتار چراگاه در آذربایجان شرقی، ۳ میلیون متر مربع زمین نزدیک کاشان و قطعات مختلف زمین اصلاح نشده نزدیک قم و کرج بود. چون مبلغی که برای زمینهای ملی شده پرداخت شد، خیلی کمتر از ارزش بازار آن بود، زمین بازان به سرعت از بازار کنار کشیدند و تقاضا برای زمینهای واقع در خارج از محدوده شهر به تندی پایین آمد. برای دلسرد کردن بیشتر زمین خواران و پایین آوردن میزان زمینی که بایر می‌شود و تولید کشاورزی در آن انجام نمی‌گیرد و محدود ساختن مهاجرت ناخواسته به شهرها، وزارت کشاورزی تقسیم زمینهای کشاورزی که در یک فاصله مشخص از شهرها قرار دارند را ممنوع کرده است. همچنین مجلس به عنوان اصلاحیه‌ای در لایحه زمین ذکر شده در بالا، پیشنهادی را تحت رسیدگی قرار داده است که بر مبنای آن فروش زمینهای کشاورزی یا حقوق آب را که تحت قوانین اصلاحات ارضی حاصل شده است به جز به کشاورز دیگر و یا یک تعاونی زراعی قدغن می‌کند. حتی این فروش محدود مستلزم تایید قبلی وزارت تعاون و امور روستاها می‌باشد.

#### ه - سازمان کشاورزان ایران

دولت ایران در حال توسعه یک سیستم تعاونی و شرکتهای سهامی زراعی برای دگرگون نمودن متدهای سنتی کشاورزی و بازاریابی از طریق گروه بندی فزاینده و سازماندهی مؤثر دهقانان منزوی فرد گرامی باشد. تعاونیهای روستایی که قرار است تسهیلات بازاریابی و وامهای کم بهره بانک تعاونی کشاورزی و بانک توسعه کشاورزی را برای اعضاء فراهم نمایند، یک بار تعدادشان به ۸/۳۰۰ رسید، ولی اقدام اخیر در جهت ادغام تعداد آنها را به ۲۶۹۷ رسانید. این تعاونیهای با سرمایه ۴/۸ میلیارد ریال (حدوداً ۷۱ میلیون دلار) فعالیت می‌کنند. قبل از ادغام هر تعاونی شامل بیش از حدوداً سه روستا می‌شد، ولی اکنون هیچ یک شامل کمتر از ده دهکده نمی‌شود و ۲۲۳ تعاونی شامل بیش از ۵۰ روستا می‌شود. همبستگی این تعاونیها بر اساس تصور کلی مناطق رأی بود که جمعیت دهات تشویق به بهبود تولید کشاورزی شوند و فراهم نمودن آموزش، بهداشت و دیگر خدمات اجتماعی آسانتر گردد و بعضی می‌گویند که این ادغام برای آسان کردن هدایت کشاورزان به وسیله دولت بوده است. در آینده دولت ایران در نظر دارد که تعداد بیشتری از روستاییان را در شهرکهای روستایی جمع کند، جایی که صنایع سبک وابسته به کشاورزی از قبیل صنایع مواد غذایی برپا خواهد شد، تا برای کشاورزان در فصل بیکاری کار فراهم گردد. در حال حاضر ۶۰ شهرک از این دست در مرحله برنامه‌ریزی هستند. همچنین شاه تقاضای نوعی از بیمه محصول را نمود و خرید تولیدات کشاورزی به وسیله دولت را تضمین نمود.

نتیجه ایده تعاونی و شرکت سهامی زراعی (این دو مفهوم در گفتار مقامات ایران گاهی اشتراک پیدا می‌کنند) یک برنامه وسیع برای افزایش تولیدات کشاورزی به وسیله گروه بندی دهقانان (داوطلبانه یا

غیر داوطلبانه) در مجتمعه‌ها می‌باشد. با کمک وام ۶۰ میلیون دلاری بانک جهانی ۶۵، مجتمع تشکیل شده است. مجتمع صاحب تمام زمینها و تجهیزاتی که در قلمرو قدرت او است می‌باشد، و به اعضا سهامی بر اساس زمین، آب دیگر داراییهایی که آنها در زمان تشکیل مجتمع مالک بودند، اختصاص می‌یابد. اعضا بخشی از سود را بر اساس سهام خود دریافت می‌دارند. سهام (ولی نه زمین) قابل انتقال و قابل توارث می‌باشد. در تمام موضوعات تعاونی (منجمله مشاجرات شخصی بین اعضا)، به وسیله کمیته‌های مدیریت مرکب از ۳ نفر که به وسیله وزارت تعاون و امور روستاها تعیین می‌گردند، حکم داده می‌شود. این کمیته کارتهایی صادر می‌کند که به اعضا اجازه می‌دهد تا از فروشگاه شرکت به طور اعتباری در مقابل سود سهامی که تعلق خواهد گرفت، خرید کنند. کمیته‌ها می‌توانند اعضا را از سهام خود محروم سازند و در بعضی شرکت‌های سهامی زراعی مسافرت اعضا به خارج از منطقه تعاونی را کنترل کنند.

با وجود این برنامه‌ها، در سالهای اخیر افزایش تولیدات کشاورزی همگام با درصد افزایش جمعیت و نیز مصرف که شدیداً افزایش یافته بود و درآمد سرانه بالاتر این امکان را به آن داد، نبوده است. فقط در سال ۱۹۷۴ مصرف شکر ایران ۱۸٪، روغن نباتی ۴۰٪ و گوشت صددرصد نسبت به سال قبلی افزایش پیدا کرد. ایران به طور معقولانه‌ای منابع نقدی افزایش یافته خود را برای تأمین بودجه واردات عظیم گندم، برنج، دانه‌های غذایی سویا، شکر، پنیر، گوشت و دیگر خوراکیهایی که با قیمتهای کاهش یافته در دسترس مردم قرار می‌گیرد، مورد استفاده قرار داده است. به هر صورت یک چنین برنامه‌ای علائم را در زمان می‌کند تا علل را و جانشینی برای افزایشی در تولید داخلی نیست. اما چون که انتظار می‌رود فقط ۶٪ از ۱/۲ میلیون شغل جدید که در طول برنامه پنجم (مراجعه شود به قسمت الف) پیش‌بینی شده مربوط به قسمت کشاورزی شود و چون کشاورزی بزرگترین رقم بیکار را دارد، چنین استنباط می‌شود که بیشتر مستخدمین داخلی برای ۹۴٪ باقیمانده شغلها باید از میان جمعیت روستایی انتخاب شوند. برخی صنایع می‌تواند در مناطق روستایی تأسیس شود، ولی چنانچه ایران بخواهد که مواد غذایی بیشتر با دهقانان کمتری تولید کند، کارایی تولید سرانه کشاورزی باید چندین برابر شود.

متأسفانه سیستم تعاونی که ایران مقدار زیادی از امیدش را برای آینده روی آن گذاشته بود خوب عمل نکرده است. کریم‌گودرزی معاون اسبق تعاونیها در وزارت تعاون و امور روستاها به طور خصوصی و شاید اغراق‌آمیز، تعاونیها را به عنوان یک شکست کامل توصیف کرد. بر طبق گزارش گروه مطالعات انقلاب سفید، مقامات محلی تعاونیها به خوبی آموزش ندیده‌اند و نه آنها و نه اعضای آنها آگاه به توان و مسئولیتهای سیستم تعاونی نیستند. آنها موفق به دادن کالا به اعضایشان با قیمت کمتر نبوده‌اند و همچنین هیچ‌گونه نفوذ قابل تشخیصی بر روی تورم سراسری نداشته‌اند تعاونیها وظیفه بازاریابی خود را به خوبی انجام نداده‌اند، اگر چه آنها موفقیت در دادن وام به اعضا داشته‌اند. ولیکن نرخهای بهره به سرعت نوسان پیدا کرده‌اند. علاوه بر این سرمایه‌وام آنها آنقدر کافی نبوده است که احتیاجات اعضا را برآورده کند و آنها را (اعضا) مجبور به تکیه به بانکهای دورافتاده یا وام‌دهندگان خصوصی سنتی نموده است.

تاکنون تعاونیها و شرکت‌های سهامی زراعی بیشتر توانایی خود را در به هم ریختن ساخت سنتی دهات و قرار دادن دهاتیان تحت هدایت و کنترل فزاینده دولت نشان داده‌اند تا در خدمت کردن به عنوان یک سیستم کشاورزی، وام دهی، و بازاریابی پیشرفته. شاید تاکنون تعاونیها و شرکت‌های سهامی زراعی بهترین نمونه از یک شکست عمده در طرحهای رفاهی ایران باشند. یک پیشنهاد خیالی از بالا که از طرف

تمام سطوح دولت حمایت شده و یا به صورت شفاهی تأیید شده، به خاطر عدم هماهنگی و تفاهم، نقصان نیروی انسانی ماهر و عدم کفایت اداری شدیداً ضربه خورده است. همان طوری که در گزارش گروه تحقیق انقلاب سفید اشاره شده است، دولت آگاهی دارد که برنامه تعاونیهای اشکالاتی دارد. برنامه تجدیدنظر شده پنجم شامل ۲۴ درصد افزایش در سرمایه‌های تخصیص داده شده به توسعه روستایی و ۹۸ درصد افزایش در مخارج کشاورزی (منجمله ۱۰ میلیارد ریال که در ۲۱ مارس ۱۹۷۵ در اختیار قرار خواهد گرفت) برای قادر ساختن تعاونیها برای خرید تولید خودشان (تحت قیمت‌های از پیش تعیین شده دولت) و به بازار رساندن آنها از طریق یک شرکت سهامی زراعی بازاریابی می‌باشد. دولت ایران همچنین بر تصمیمش در مورد کمک به کشاورزان از فروش کود شیمیایی با قیمت‌های پایین و اختصاص ۴ میلیارد ریال برای باز پرداخت بدهیهای کشاورزان به وام‌دهندگان سنتی تأکید نموده است. به هر صورت، خیلی از کمبودهایی که تعاونیها را دچار درسر می‌کنند به واسطه چیزهایی از قبیل کمبود پرسنل آموزش دیده مایل به کار و زندگی در مناطق روستایی ایجاد می‌شود و فقط به وسیله افزایش مخارج نمی‌توان این کمبودها را محدود نمود. بنابراین مورد سؤال و تردید است که برنامه در کوتاه‌مدت به هدفهایش دست پیدا کند.

#### و - رفاه و امنیت اجتماعی

وزارت رفاه اجتماعی (بهبیستی) که در زمان ترمیم کابینه در آوریل ۱۹۷۴ تشکیل شده موظف شد که کلیه فعالیتهای رفاهی در سطح کشور را کنترل نماید و در صورت وجود سازمانهای داوطلب این فعالیتها را هماهنگ سازد. وزارتخانه برنامه‌های وسیعی برای سرپرستی طرحهای بیمه درمانی و اجتماعی و بهبودیستی دارد و قصد دارد مراکزی برای توانبخشی فاحشه‌ها، معتادان به مواد مخدر و عقب افتاده‌های ذهنی ایجاد نماید. علاوه بر مسئولیت برای اجرای فرمان ۶ ژانویه ۱۹۷۵ شاه که به معلولین، بیوه‌ها، یتیمها و خانواده‌های بدون نان آور یاری میدهد، قصد دارد که تا ۱۹۸۳ پوشش بیمه‌های اجتماعی را به تمام ایرانیها توسعه دهد. برنامه کمک را به صورت کمکهای نقدی فراهم می‌آورد.

به هر حال وزارتخانه تازه شروع کرده است و هنوز برای استقرار موضع برتر خویش با گروههای رفاه اجتماعی که پیش از این مستقل بوده‌اند و اغلب فاسد می‌باشند درگیر کشمکش و جنگ است. علاوه بر این وزارتخانه فاقد پرسنل آموزش دیده (در دسامبر ۱۹۷۴ سازمان بیمه‌های اجتماعی ۲۶ ساله اولین دبیر (آمارگیر) خود را استخدام نمود) و مطالعات تحقیقاتی لازم برای اجرای برنامه‌های بزرگ رفاهی می‌باشد و از وزارت بهداشتی، آموزش و پرورش و بهبودیستی ایالات متحده برای بیشتر کارهایش درخواست همکاری نموده است. وزارتخانه انتفاعی نیست و اهدافش از حمایت تاج و تخت برخوردار می‌باشند، اما در مرحله فعلی توسعه‌اش در تلاش برای دستیابی به راههایی است که وظیفه‌اش را انجام دهد.

#### نتایج

آشکار است که ایران تعهدی عظیم و روشنگرانه برای ایجاد طرحهای وسیع رفاهی تقبل کرده است، که در صورت موفقیت، شرایط زندگی برای اکثریت جامعه بهبود خواهد یافت. در انجام این امر ایران در هر

چیزی به جز پول خود را دچار کمبود و نقصان می‌بیند. موفقیت برنامه‌های رفاهی ایران هر چند در مراحل اولیه‌اش می‌باشد، ولی برای توسعه مستمر ملی و شاید به مفهومی محدودتر، برای ثبات ملی نظر مهم می‌باشد. توسعه ایران لزوماً به طریقی صورت گرفته است که معدود افرادی به میزان خیلی بیشتری از اکثریت از آن نفع برده‌اند. درآمدهای زیادتر نفت انتظارات را افزایش داده است ولی توزیع درآمد همچنان به مقدار زیادی نامتوازن است. تورم همچنان بالاتر از ۲۰٪ است و فساد و قوم و خویش پرستی (انتصاب اقوام به مقامات مهم) مشکلات بی‌کفایتی و نابرابری را مطرح می‌کنند. این مسائل در جامعه ایران سنتی هستند و ساخت سیاسی - اجتماعی ایران احتمالاً در کوتاه مدت و به اندازه کافی برای قبول نوع تغییراتی که یک دولت مسئول برای برطرف کردن بعضی از این نابرابریها بخواهد اعمال کند، قابل انعطاف نیست. دولت با درک این موضوع پاسخ‌های ایجاد طرح‌های عظیم رفاهی بوده است که ممکن است به انتقال مقداری از سود جدید نفت به مردم با گذشتن از سد سیستم سنتی و به‌طور مستقیم کمک کند. در حالی که این روش بیشتر علائم مشکل را مورد حمله قرار می‌دهد تا خود مشکل را، ولی زمان را برای جا افتادن اصلاحات بلندمدت دولت که در متن برنامه‌های رفاهی قرار گرفته کوتاه می‌کند. توده‌های ایرانی به‌طور غیرقابل انتظاری صبور هستند و با این برنامه‌های رفاهی آنها می‌توانند متوجه بهبودهایی در طریقه زندگی‌شان شوند. اما مشکلات اجرای برنامه‌های رفاهی در ایران زیاد هستند و در کشوری که تأکید غالباً بر روی ظاهر می‌شود تا اساس و بنیان، بعضی برنامه‌های خوش منظر دولت هرگز انجام نمی‌شوند. بعضی دیگر دچار تعویق‌های طولانی می‌شوند و با بی‌کفایتی که در بوروکراسی ایران بومی می‌باشد، دست به گریبان می‌شوند و تأثیرهای احتمالی آنها کاهش می‌یابد. اگر چه ایرانیها این نوع اجرا را انتظار دارند با این حال، برنامه‌های توسعه با اهداف عالی که نمی‌توانند نتایج را با سرعت کافی برای ارضاء نیازها و خواسته‌های مردم نشان دهند، ممکن است از هیچ بدتر باشند. جالب توجه خواهد بود که شاهد باشیم چگونه تلاشهای ایران برای هدایت یک برنامه مؤثر رفاهی، نیازها و انتظارات فزاینده طبقات فقیرتر را ارضاء خواهند نمود.

ضمیمه ۱: لایحه ضد زمین خواری

ضمیمه ۲: قانون تشکیل شرکتهای سهامی زراعی

سند شماره (۴)

تاریخ: ۴ اوت ۱۹۷۵ - ۱۳ مرداد ۱۳۵۴

موضوع: گزارش پایان مأموریت - دورنمایی از ایران  
این نامه انعکاس ارزیابی پایان دوره مأموریت تهیه شده از سوی افسر توسعه اقتصادی مالی سفارت آمریکا در تهران طی دو سال گذشته می‌باشد و سعی آن بر این است که فاکتورهای عوامل اقتصادی و سیاسی را ترکیب نموده و نتیجه‌گیری نماید که علیرغم مطلوبیت زیاد دورنمای اقتصادی این کشور، درگیری روبه‌تزايد ایالات متحده در امور اقتصادی حاوی بذر برخوردهای احتمالی دو طرف، هر چند که ممکن است این برخوردها جدی نباشد، می‌باشد. دورنمای روابط سیاسی بالنسبه خوب و مبتنی بر تساوی طرفین میان دو کشور روشن است. ناسازگاری رشد سریع اقتصادی و مدرنیزاسیون با حاکمیتی استبدادی - که نسبت به رونق اقتصادی بیشتر برای توده‌های مردم و تغییر اجتماعی و نه سیاسی، متعهد

است - مهمترین عاملی است مانع از پیش بینی خوشبینانه در مورد ایران می شود. در صورتی که کشور بتواند ثبات نسبی را با در پیش گرفتن نوعی اصلاح، و نه انقلاب، با هدف لیبرالیزه کردن سیستم دولت حفظ کند، دورنمای بلند مدت تداوم رونق آن احتمالاً چیزی در حد دیگر کشورهای در حال توسعه جهان خواهد بود.

ایالات متحده و ایران هر دو احتیاجات متقابل دارند. تنها یک تغییر شدید در سیستم دولت و یا بروز یک بحران در سیستم مالی جهان احتمالاً می تواند روابط سودمند دوجانبه فعلی را به طور جدی آشفته سازد. احتمالاً ایالات متحده اعمال نفوذ زیادی در روند توسعه ایران نخواهد کرد.

هلمز

پیوست - تهران ۱۷۰ - الف

مقدمه: افزایش سریع قیمت در جهان و ثروت بادآورده حاصل از دلارهای نفتی طی دو سال گذشته آن چنان تغییرات شگرفی را در ایران موجب شده این امر که این کشور در اواسط ۱۹۷۳ نیز یکی از کشورهای در حال رشد سریع جهان بوده است فراموش می شود. در طی مدت برنامه چهارم عمرانی (از ۲۱ مارس ۱۹۶۸ الی ۲۰ مارس ۱۹۷۳) نرخ رشد ایران برحسب قیمت های ثابت به طور متوسط معادل ۱۱ درصد در سال بود. مازاد ارز خارجی حاصل از چهار تا پنج برابر شدن قیمت طی سالهای ۷۲ و ۷۳ در زمان بسیار مناسبی به دست ایران رسد. کشور در صدد شروع برنامه عمرانی بسیار جاه طلبانه ششم بود و از قبل زیربنایی بسیار برتر از آنچه که در دیگر کشورهای نفتی کناره خلیج فارس شاهد هستیم، ایجاد کرده بود.

خط مشی اقتصادی و سیاسی که ایران طی دو سال گذشته تعقیب کرده است، از دیدگاه منافع ملی این کشور معقول و تقریباً بدون استثناء با موفقیت شایانی همراه بوده اند. جز در مورد موضع ایران نسبت به قیمت نفت سیاست های این کشور با منافع ایالات متحده مغایرتی نداشته است. در صورتی که اقتصاد ایران قوی و مردم آن کامیاب بمانند، احتمال اینکه ایران قوی، با ثبات و طرفدار غرب به عنوان متحدی قابل اطمینان در بخش وسیعی از مرزهای جنوب غربی روسیه باقی بماند، بیشتر است. ایران عمیقاً به سرمایه گذاریهای مختلط متعهد است و در این راه مشکلات ایدئولوژیکی زیادی ندارد. ایرانیان از سرمایه آمریکاییان و دیگر خارجیان استقبال می کنند. ما بر بازار واردات نظامی ایران غلبه داریم و سهم روبه تزایدی از خریدهای غیر نظامی این کشور را، که به زیان اروپای غربی و ژاپن تمام می شود، تأمین می کنیم. به او یا بدون اعمال نفوذ دولت ایالات متحده منافع ما در این کشور بایستی به رشد سریع خود ادامه دهند.

#### اقتصاد داخلی - شکوفایی در عین مشکلات

ایران با آشفته گی ولی به سرعت در حال رشد است. تولید ناخالص ملی این کشور معادل ۶۱ میلیارد دلار یعنی برحسب قیمت های ثابت ۲۲ درصد بیشتر از سال ۱۹۷۴ تخمین زده شده است. بر اساس این تخمین ایران با تولید ناخالص ملی سرانه ای نزدیک به ۱۸۰۰ دلار در ردیف ثروتمندترین کشورهای در حال توسعه قرار می گیرد. به راحتی می توان افزایش قیمت نفت را عامل نیمی از نرخ رشد ایران دانست، اما حتی بدون افزایش قیمت نفت نیز عملکرد اقتصادی ایران چشمگیر است. فقر وجود دارد، اما در ایران یافتن مواردی شبیه به فقر شومی - که در مناطق وسیعی از جنوب و جنوب غربی آسیا وجود دارد - مشکل



و مشکل‌تر می‌شود و چنین سطحی از فقر نه در مناطق شهری و نه روستایی در سطح وسیع وجود ندارد. مشکل باقیمانده مشکل تقسیم درآمدها و احتمال گسترش شکاف میان ثروتمندان و فقرا می‌باشد. با این حال علیرغم عدم وجود اطلاعات آماری لازم اکثر ناظران معتقدند که طبقات فقیرتر در مناطق شهری و غیر شهری می‌توانند، بهبود سالانه اوضاعشان را شاهد باشند.

در مقایسه با چشم‌انداز اقتصادی تیره بخش اعظم جهان در حال توسعه، وضع ایران رضایت‌بخش است. همان قدر که چشم‌انداز بلند مدت روشن است، باید به خاطر داشت که هنوز هیچ‌کس نمی‌تواند با اطمینان بگوید که این کشور - خصوصاً پس از خوی گرفتن به سطوح بالاتر زندگی ناشی از افزایش درآمد صادرات نفت - زیربنای صنعتی لازم را برای حفظ رونق اقتصادی در ۲۰ تا ۳۰ آینده که مازاد درآمد حاصل از فروش نفت روبه نقصان گذارده و تا حد زیادی کاهش می‌یابد - ایجاد کرده است. با این حال ایران در جهت صحیح نیل به رشد اقتصادی که بدون مازاد درآمد عظیم حاصل از نفت نیز قابل تداوم باشد، حرکت می‌کند. طرح توسعه این کشور منطقی می‌باشد، اما اجرای پروژه‌های عظیم فولاد و پتروشیمی که ستون فقرات این طرح را تشکیل می‌دهند، عقب‌تر از برنامه پیش بینی شده می‌باشد و بخش‌های عمده‌ای از این پروژه‌ها هنوز در مرحله طراحی می‌باشند. هنوز تنها کشور جهان آزاد میان اروپا و ژاپن که دارای صنایع سنگین مستقل می‌باشد، هند است. در این کشور تولید فولاد ۵۰ سال قبل از ایران شروع شد. در حالی که شکل مورد تجدید نظر قرار گرفته برنامه عمرانی پنجم طرحی معقول به نظر می‌رسد، ارتباط آن با آنچه که عملاً در کشور می‌گذرد، محدود است. قدرت سازمان برنامه سابق (سازمان برنامه و بودجه فعلی) از بیش از دو سال قبل که آخرین اختیارات اجرائی خود را از دست داد کاملاً به پایان رسید. با توجه به دست کشیدن دولت ایران از برخی اهداف جاه‌طلبانه کوتاه مدت خود و اعتراف علنی مبنی بر این که منابع ارز خارجی کشور پایان‌ناپذیر نیستند و نباید بر باد داده شوند، ممکن است برنامه ریزان بخشی از قدرت از دست داده خود را به دست آورند، ولی هنوز نشانی از این امر به چشم نمی‌خورد.

طی این سال و نیم گذشته در مورد دو مشکل عمده اقتصاد ایران کمبود بنادر و شبکه حمل و نقل داخلی و کمبود پرسنل ماهر زیاد گفته شده است. ایرانیان به‌طور قابل توجهی با این مشکلات مقابله کرده‌اند، اما با توجه به برنامه‌هایشان هنوز فاصله زیادی با حذف کامل این مشکلات دارند. طرح ضربتی که از ۱۸ ماه قبل جهت تبدیل بندر شاهپور به بندر اصلی کشور تهیه شده بود، به زحمت در دست اجرا است و هر روز براندازهای بندر شاهپور و خرمشهر انباشته‌تر می‌گردند.

خط آهن کرمان - بندرعباس سالها از برنامه عقب است. شاهراه به‌خاطر افزایش رفت و آمد کامیون‌ها مسدود شده‌اند و طرح توسعه آنها نیز به آهستگی پیش می‌رود. در برنامه عمرانی پنجم (که در ۲۰ مارس ۱۹۷۸ پایان می‌یابد) پیش‌بینی شده بود که از نیروی کار ۷۲۱/۰۰۰ کارگر خارجی استفاده شود. اقتصاد ایران تا حد زیادی به کارگران ایرانی که فاقد آموزشهای لازم هستند تکیه کرده است، و ورود کارگران خارجی نیز ادامه دارد. این امر مشکل تأمین مسکن و دیگر تسهیلات را افزایش داده و انتظار بدتر از آن هم می‌رود. ثبات بنیادین اجتماع فرهنگ ایرانی چنان بوده است که تاکنون نفوذ خارجی‌ان احساسات غیردوستانه زیادی بر نینگیخته است، ولی هنوز هم احتمال بروز مشکلات جدی می‌رود.

کشاورزی هنوز هم به‌طور جدی می‌لنگد. کارشناسان خارجی شاغل در این بخش بیش از دیگران دلسرد شده‌اند. آب و هوای نامناسب سالهای ۷۳ و ۷۴ دلیل اصلی کمبود مواد کشاورزی طی دو سال اول برنامه

عمرانی جاری بوده است، اما مشکلات جدی دیگر نیز حل نشده‌اند و به نظر می‌رسد هیچ‌کس رشد هفت درصدی پیش‌بینی شده در بخش کشاورزی طی برنامه پنجم را جدی نگیرد. سیاستگذاران بخش کشاورزی با ایده کشت اشتراکی (تعاونیها) و کشاورزی محدود مخالفند فقدان سیاسی منطقی در قیمت گذاری کالاهای کشاورزی به چشم می‌خورد.

مشکلات کشاورزی ایران خاص این کشور نمی‌باشد و در جاهای دیگر نیز راه‌حل مناسبی برای آن یافت نشده، اما در حال حاضر میزان تقاضا برای رژیم غذایی بهتر و متنوعتر هماهنگ با سطح درآمدها افزایش می‌یابد و هزینه‌های صعودی واردات مواد غذایی موجب زحمت برنامه‌ریزانی - که نگران توانایی آتی کشور در اداره خود بدون درآمد ناشی از صدور نفت هستند - شده است.

اقداماتی از قبیل پرداخت سوبسید جهت کالاهای اساسی و تهدید دولت مبنی بر اتخاذ اقدامات شدید بر علیه سود جویان و محترکین نتوانسته است، تورم را مهار کند. ممکن است این اقدامات سرعت افزایش قیمت‌ها را کاهش داده باشند، اما نرخ ۲۵ درصدی تورم در سطح وسیعی به عنوان تخمینی صحیح تلقی می‌شود. احتمال این که این نرخ به صعود خود ادامه داده و بعدها روزه کاهش گذارد بیشتر است. در این مورد نیز دیگر کشورها هم نتوانسته‌اند راز رشد سریع اقتصادی بدون تورم حاد را دریابند و باید از انتقاد بی‌مورد از ایران خودداری کرد، ولی در هر حال این مشکلی جدی است و احتمالاً بدتر نیز خواهد شد. حداقل ایران نسبت دادن مسئولیت این مشکل به تورم وارداتی از دیگر کشورها را متوقف ساخته و این نشان خوبی از ایجاد واقع بینی در میان سیاستگذاران اقتصادی می‌باشد.

نشانه دیگر درک واقعیات موقعیت ایران از سوی مراجع تصمیم‌گیری اقتصادی کشور را می‌توان در اقرارات عمومی حاکی از این که اهداف برنامه عمرانی پنجم از برنامه عقب خواهند ماند، دید. انگیزه‌های چنین اعترافاتی اختلاطی از انگیزه‌های مختلف می‌باشند و عبارتند از: (۱) تمایل به اشاعه این نظر که کشور بخاطر کاهش تولید نفت، که این نیز خود به خاطر توجیه بین المللی افزایش بیشتر قیمت آن انجام شده، با کمبود منابع مالی مواجه است، (۲) تمایل به متقاعد ساختن بوروکراتهای ایرانی به اینکه ایشان پول نامحدودی برای خرج کردن ندارند، و (۳) لزوم توجیه رد درخواستهای رو به ازدیاد دریافت کمک از ایران، ولی به سادگی می‌توان دلیل اصلی را لزوم اعتراف به واقعیات مشکلات توسعه اقتصادی و تأخیرهای احتمالی، که روز به روز نمود بیشتری پیدا می‌کنند، دانست.

با وجودی که دست یافته‌ها مطمئناً کمتر از آنچه که وعده داده شده خواهند بود، ولی دولت ایران به خاطر اقداماتی که طی سال ۱۹۷۴ جهت رایگان و همگانی نمودن تحصیلات و تأمین خدمات بهداشتی عمومی به عمل آورد، شایسته اعتبار است. حذف بخش عمده شهریه مدارس، درآمد واقعی اکثریت طبقه متوسط شهری را که شدیداً تحت فشار بودند، افزایش داد. دیگر تلاشهای عمده جهت درک مشکل تقسیم درآمدها و تخصیص بخش عمده‌ای از سود واقعی شکوفایی اقتصادی ایران به طبقات فقیرتر، عبارتند از برنامه اعلام شده در مورد اصلاح قوانین مالیات بر درآمد و شرکتها و طرح توسعه مالکیت صنایع ایران به سود کارگران، کشاورزان و عموم.

اجرای این برنامه‌ها مشکل خواهد بود، ولی به نظر می‌رسد واقعاً آثار سودمندی به دنبال داشته باشند و نشانگر عزم رهبری کشور به تقسیم منافع حاصل از کامیابی اقتصادی می‌باشد.

مشکلات بسیاری برای اقتصاد ایران باقی می‌ماند، ولی به نظر می‌رسد اکثر آنها در بلندمدت قابل

کنترل باشند. باید به خاطر داشت که معدودی از کشورهای جهان آزاد سیاستها و برنامه‌های کاملاً منطقی و مناسبی جهت توسعه اقتصادی دارند. طبیعت اقتصاد مختلط مانع برنامه‌ریزی کاملاً دقیق می‌گردد. سیستم استبدادی دولت، وسعت عظیم بخش دولتی و رابطه نزدیک دولت با تجارت، در مقایسه با جوامع با اقتصاد کمتر کنترل شده، به دولت ایران قدرت بیشتری جهت هدایت اقتصاد را می‌دهد. از سوی دیگر استعدادهای اداره کنندگان اقتصاد کشور شدیداً محدود است و حتی کمبود جدیتری در سطح مدیران میانه و کارشناسانی که باید برنامه‌های اقتصادی را به اجرا در آورند، وجود دارد. در این برهه به نظر می‌رسد که تمامی این عوامل نهایتاً به اقتصادی با قدرت متوسط برای ایران منجر می‌شوند. این کشور تا پایان قرن بیستم از نظر استاندارد زندگی به پای کشورهای جنوب اروپا خواهد رسید و به راحتی می‌تواند از نظر تولید ناخالص ملی، جز کشورهای بزرگ اروپایی، بر دیگران پیشی جوید، ولی در میان قدرتهای اقتصادی عمده قرار نخواهد گرفت.

#### روابط اقتصادی خارجی - آثار آن بر ایالات متحده

دو سال گذشته تغییرات عمیقی در موقعیت ایران در اقتصاد جهان به دنبال داشته است. ایران یکی از مهمترین اعضاء و بنیانگذاران موفقترین کارتل دوران بوده است. این کشور به سرعت از یک وارده کننده سرمایه به یک صادرکننده نسبتاً یا اهمیت سرمایه تبدیل شده است. ایران هنوز در میان کشورهای در حال توسعه طبقه بندی می‌شود و تا سالهای متمادی نیز چنین خواهد بود، ولی از گروه کشورهای غنی این طبقه به یکی از ثروتمندترین قدرتهای جهان سوم تبدیل شده است.

از نظر منافع ایالات متحده و دیگر کشورهای واردکننده نفت، حمایت ایران از افزایش بهای نفت مهمترین فاکتور در تغییر روابط اقتصادی آن با دیگر کشورهای جهان است. از این اقدام در تمام ایران استقبال شده است. واقعاً هیچ ایرانی قضیه را جز در جهت توجیه سیاست دولت ایران در قیمت گذاری نفت بررسی نمی‌کند. البته می‌توان این گونه استدلال کرد که افزایش قیمت انرژی به خاطر مشکلات اکولوژیکی و محیط زیستی و محدودیت ذخایر سوخت فسیلی برای بقیه کشورهای جهان مفید خواهد بود، ولی نمی‌توان مدعی شد که جهش ناگهانی قیمت نفت جز زیان چیزی برای منافع کوتاه مدت ایالات متحده و دیگر کشورهای وارد کننده انرژی داشته است. طی سال ۱۹۷۴ ایران با صدور ۲ میلیارد دلار نفت به ایالات متحده برای اولین بار تبدیل به مهمترین تأمین کننده نفت این کشور شد.

همانند قیمت نفت، دومین فاکتور مهم روابط ایالات متحده با ایران، یعنی تأمین تجهیزات نظامی، نیز آثار سیاسی و اقتصادی قوی خواهد داشت. در این مورد وضعیت کاملاً متفاوت است چرا که ما تاکنون مهمترین شریک تجاری ایران بوده‌ایم. ایرانیان اطلاعات تجاری که حاوی اقلام واردات نظامی می‌باشند را منتشر نمی‌سازند، اما موازنه پرداختها نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از ۱۰ میلیارد دلاری که طی سال ایرانی ختم شده در ۲۰ مارس هزینه واردات شده، صرف تجهیزات نظامی شده است. آمار فروشهای نظامی و ما نیز نشان می‌دهد که حدود نیمی از این پول صرف تجهیزات نظامی آمریکایی شده است. اطلاعات دقیقی در مورد بودجه نظامی ایران وجود ندارد، چرا که بخش عمده‌ای از هزینه‌های نظامی در دیگر بخشهای بودجه گنجانده می‌شوند، ولی تخمینهای اخیر نشان می‌دهد که کل هزینه‌های نظامی ایران طی سال جاری بیش از ده میلیارد دلار و معادل یک سوم هزینه‌های دولت ایران می‌باشد. تأثیر منفی این

مبلغ عظیم بر ذخایر مالی ایران کمتر از آن است که به نظر می‌رسد چرا که ظرفیت جذب دیگر بخشهای اقتصاد تقریباً به حداکثر رسیده است. احتمالاً زیان جدیتر به بخش غیر نظامی اقتصاد از ناحیه جذب تعداد زیادی از افراد آموزش دیده و استعدادهای اجرایی توسط ارتش وارد می‌شود. از سوی دیگر این زیان تا حدی با سودی که اقتصاد از آموزشهای داده شده به مشمولین و سربازان، که پس از چند سال خدمت نظام به زندگی غیر نظامی باز می‌گردند، می‌برد جبران می‌شود.

پس از نفت و تجهیزات نظامی سومین بخش مهم در تجارت میان ایالات متحده و ایران طی سال ۱۹۷۴ ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل می‌باشد، البته غلات با فاصله کمی در رتبه چهارم قرار دارند و از نظر اهمیت روبه افزایش هستند. احتمالاً ایران پس از تجهیزات نظامی، غلات را مهمترین چیزی می‌داند که از ایالات متحده آمریکا می‌خرد. بسیاری از ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل را می‌توان از دیگر کشورهای خریداری نمود، ولی جز ایالات متحده هیچ کشوری توانایی عرضه مقادیر عظیمی غلات و دیگر محصولات کشاورزی به بازارهای جهانی را ندارد.

با افزایش درآمدها ایرانیان انتظار دارند مواد غذایی بیشتر و متنوعتری مصرف کنند. در عین حال، همان طور که اشاره شد، بخش کشاورزی ایران می‌لنگد و دورنمای میل به خودکفایی دورتر از آنچه که دو سه سال قبل به نظر می‌رسید، می‌باشد. احتمالاً طی سال جاری ایران از نظر وسعت دهمین بازار محصولات کشاورزی ما خواهد بود و فروش غلات به ۶۵۰ میلیون دلار خواهد رسید.

در حال حاضر، نه در تهران و نه در واشنگتن، اطلاع موثقی از میزان سرمایه‌گذاری آمریکایی در ایران وجود ندارد. سفارت اخیراً این سرمایه‌گذاریها را معادل ۴۰۰ الی ۵۰۰ میلیون دلار تخمین می‌زند. این رقم کمی کمتر از سه سال گذشته و قبل از انحلال کنسرسیوم نفتی گذشته می‌باشد، ولی در عوض سرمایه‌گذاری آمریکایی در دو کشور دیگر آسیایی - ژاپن و فیلیپین - افزایش یافته است. در رابطه با آینده سرمایه‌گذاریهای مشترک، که بسیاری از آنها هم اکنون در مراحل برنامه ریزی می‌باشند، چشم‌انداز مناسبی جهت افزایش سرمایه‌گذاریهای آمریکایی در ایران به میزان سه تا چهار برابر تا سال ۱۹۸۰ وجود دارد. انتظار می‌رود جو سرمایه‌گذاریهای خارجی همچنان مطلوب باقی بماند، اما ممکن است دولت ایران در درخواست خود سرمایه‌گذاران خارجی مبنی بر تبعیت از قوانین ایران سختگیری و حساسیت بیشتری به خرج دهد. درخواست یاد شده بدین صورت است که کلیه شرکت‌های خصوصی چه شریک خارجی داشته باشند و چه نداشته باشند، باید ظرف ۵ سال از تأسیس شرکت ۴۹ درصد سهام خود را به کارگران، کشاورزان و عموم مردم واگذار نمایند. این مثال خوبی است از عزم دولت ایران جهت کسب اطمینان از مشارکت شرکت‌های خصوصی در برنامه‌هایی که به سود اجتماع تلقی می‌شوند. سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی نباید انتظار دریافت هیچ امتیازی را داشته باشند، مگر هنگامی که جهت جذب صنایعی که برای میل به اهداف توسعه لازم شمرده می‌شوند و یا باید در مناطق دور افتاده کشور ایجاد شوند امتیازاتی در مورد مالیات، حق گمرکی و از این قبیل در متن قرار داد گنجانیده شود.

به نظر می‌رسد که رابطه نزدیکتر اقتصادی میان ایالات متحده و ایران اجتناب‌ناپذیر باشد، چرا که ما مهمترین منبع تأمین (الف) پیچیده‌ترین تجهیزات نظامی مورد درخواست ایران، (ب) غلات و دیگر مواد غذایی که انتظار نمی‌رود ایران بتواند در کوتاه مدت نیاز روبه افزایش داخلی آن را تأمین کند و (ج) بخش عمده‌ای از کارخانجات و تجهیزاتی که باید برای صنعتی شدن ایران وارد شوند، هستیم و می‌توانیم بخش

عمده‌ای از سرمایه و تکنولوژی جهت سرمایه‌گذاران مشترک و دیگر صنایع ایران را تأمین نمایم. چنین رابطه‌ای به او بدون تشویق رسمی دو دولت ایجاد خواهد شد. رشد روابط اقتصادی دو کشور در ماه فوریه سال جاری با تأسیس کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی رسمیت یافت. ممکن است کمیسیون مشترک در بعضی موارد به معنی همکاری نزدیکتر و انتقال سریعتر کالا و خدمات باشد، ولی مشکلاتی هم به همراه خواهد داشت. باید از مداخلات اداری در امور که بخش خصوصی یک یا هر دو کشور می‌تواند به تنهایی بهتر ترتیب دهد، خودداری کرد. اجلاس ماه مارس کمیسیون پیش‌بینی کرد که ایالات متحده طی ۵ سال آینده در معامله با ایران ۱۵ میلیارد دلار مازاد موازنه بازرگانی خواهد داشت. به نظر می‌رسد به هر ترتیب بخش عمده‌ای از این مبلغ عینیت خواهد پذیرفت. بوروکراسی از پیش‌ناتوان ایران به درخواستهای ایالات متحده - مبنی بر حمایتی که بحق باید جهت تکنیسینهای آمریکایی، که برای به اجرا در آوردن پروژه‌های مختلف وارد ایران می‌شوند را تأمین نماید - پاسخ مناسبی نمی‌دهد.

به علاوه این خطر وجود دارد که رسمی شدن درگیری ایالات متحده در اقتصاد ایران تحت عنوان کمیسیون مشترک به صورت مشکلی جدی در روابط ایالات متحده و ایران در آید. توسعه اقتصادی ایران خیابان یک طرفه مسطحی نیست. برخورد به گودال و عقب‌گردهای گاه و بیگاه اجتناب‌ناپذیرند. قدرت خارجی که بیشترین درگیری را داشته باشد، قربانی مناسبی خواهد بود و شاید این توصیه خوبی به ما باشد که مشارکت رسمی را در پایین‌ترین سطح ممکن نگاه داریم.

ما جدای از قیمت پایین تر نفت، سهم بیشتر در بازار ایران و حفظ فضای مطلوب جهت سرمایه‌گذاری، خواهان رفتار مسئولانه‌تر ایران در قبال نظام مالی بین‌المللی هستیم. عملکرد این کشور در به جریان انداختن مجدد مازاد دلارهای نفتی‌اش تاکنون قابل ستایش بوده است، هرچند به درستی می‌توان مطرح کرد که امتیازات و دیگر قرضه‌های اعطا شده از سوی ایران فقط به خاطر منافع خود این کشور بود (منافع سیاسی، اقتصادی و یا هر دو)، اما ایران قرضه‌های عظیم با نرخ بهره پایین به برخی از بزرگترین و در عین حال فقیرترین کشورهای در حال توسعه نظیر هند، پاکستان، مصر و افغانستان ارائه نموده، اوراق قرضه بانک جهانی خریداری کرده، و به تأسیسات نفتی<sup>۱</sup> IMP نیز قرض داده است. به نظر می‌رسد رده‌های بالای دولت ایران دریافته‌اند که احتیاج شدید کشور به واردات جهت اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی بدون ادامه کار منظم نظام مالی بین‌الملل تأمین نمی‌گردد. می‌توان بر روی ایرانیان حساب کرد چرا که منافع شخصی خود ایشان در صدر مسائل ذهنی ایشان قرار دارد و منافع ایشان در عدم حمایت از افزایش قیمت نفت به میزانی که ثبات نظام پولی بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد می‌باشد.

اخیراً در مورد مسئله تداوم مازاد درآمدهای نفتی ایران در داخل و خارج این کشور نظرات متفاوتی ارائه شده است. استقراض از - خارج، عمدتاً جهت تأمین پولی مخارج کوتاه مدت صادرات و واردات و از بانک جهانی جهت پروژه‌های کشاورزی هیچ‌گاه متوقف نشد، چرا که قرضه‌های IBRD<sup>۲</sup> با کمکهای تکنیکی مورد نیاز همراه بوده است. احتمالاً مذاکراتی با مؤسسات خارجی تأمین اعتبار جهت گرفتن قرضه‌های میان مدت برای اجرای برخی پروژه‌ها طی سال ۱۹۷۶ انجام خواهد شد، ولی با توجه به قرضه‌های عظیم باز پس گرفته نشده‌ای که ایران طی سالهای قبل از ۱۹۷۷ و بعد از آن به کشورهای

۱- IMF: صندوق بین‌المللی پول.

۲- IBRD: بانک بین‌المللی نوسازی و توسعه.

مختلف می‌دهد، احتمالاً این کشور به یک واردکننده صرف سرمایه تبدیل نخواهد شد. البته در این معادله آن قدر متغیرهای مختلفی وجود دارد که هرگونه پیش‌بینی و تجسم موقعیت مالی بین‌المللی ایران تقریباً بی‌معنی است. آینده قیمت نفت و سطح تولید نامطمئن است و هیچ‌کس نمی‌تواند در مورد نرخ رشد واردات و توانایی اقتصاد ایران در حفظ آن پیشگویی نماید. همان‌طور که در بالا اشاره شد به نظر می‌رسد که اخیراً دولت ایران در تلاش است افکار عمومی را متقاعد سازد که کشور فقیرتر از واقع می‌باشد. از دیدگاه ایرانیان این سیاستی کاملاً موجه می‌باشد، چرا که به دولت ایران ابزار لازم را جهت عقلایی نمودن حمایت از افزایش قیمت نفت می‌دهد و مقاصد دیگری را که قبلاً ذکر شد، تأمین می‌نماید. از جمله مهمترین این مقاصد لزوم مواجهه با این واقعیت است که بسیاری از پروژه‌ها به خاطر مشکلاتی از قبیل کمبود لوازم، زیربنای لازم و دیگر کمبودها طبق برنامه به پایان نمی‌رسند.

تناقضهای سیاسی: دو سال گذشته شاهد تغییرات شدید در روابط اقتصادی ایالات متحده و ایران بوده است و ایران به صورت بازاری مهم و مناسب برای صادرات آمریکا و سرمایه‌گذاری منصفانه در طرحهای مشترک درآمده است. دولت ایران با موضعی که در مورد مسئله قیمت نفت اتخاذ نمود برای اولین بار در تاریخ اتحاد سی ساله ما و در موضوعی بسیار با اهمیت موضعی خلاف منافع ایالات متحده گرفت. از بعد کاملاً سیاسی تغییر زیادی در روابط ایالات متحده و ایران رخ نداده است. ایران هنوز به ما به عنوان حامی عمده خود در برابر دست اندازهای غول شمالی می‌نگرد. هنوز می‌توان بر حمایت ایران از اکثر مواضع جهان آزاد در صحنه بین‌المللی حساب کرد. دولت ایران از نفوذ ایالات متحده در دیگر کشورهای هم‌مرز با شوروی استقبال می‌کند و حداقل به‌طور ضمنی حضور قویتر ایالات متحده در اقیانوس هند را جهت ایجاد تعادل در مقابل حضور نیروی دریایی شوروی در این منطقه تأیید می‌نماید.

شاید بخش عمده فعالیت در روابط دوجانبه اقتصادی باشد، ولی مشکلاتی سؤالاتی که باید به آنها پاسخ داد سیاسی هستند و نه اقتصادی. کل روند توسعه اقتصادی و مدرنیزاسیون ایران که به سرعت در حال انجام است با عکس‌العملهای جدی که احتمالاً در آینده بروز خواهد کرد مغایر است. باور این مطلب تقریباً غیر ممکن است که در بلندمدت حتی رژیم با ثبات و قدرت رژیم ایران بتواند کشور را طی چند دهه از شکل یک اجتماع تقریباً بی‌سواد فقیر و عمدتاً روستائین به ملتی با تحصیلات نسبتاً خوب، تا حد موجهی، ثروتمند، مدرن و پرتحرک تبدیل نماید بدون آن که در برخی مقاطع درگیر ناملايمات شدید سیاسی و شاید حتی تغییرات رادیکال در جامعه شود. به عبارت دیگر رژیم فعلی ایران از مردم می‌خواهد جنبه‌های مختلف مدرنیزاسیون را بپذیرند و در عین حال در صدد حفظ نظام استبدادی که هنوز آزادیهای اولیه انسانی را از ایشان نفی می‌کند می‌باشد، در حالی که این آزادیها در اکثر جوامع غربی که ایران در تلاش رقابت با آنهاست، کاملاً پذیرفته شده‌اند.

آنچه که یک ناظر خارجی می‌تواند امیدوار باشد آن است که یک تحول سیاسی و نه یک انقلاب طی مدت زمان مناسب کشور را به سوی چیزی شبیه به یک سلطنت مشروطه مدرن هدایت کند. ایرانیانی که با آنها در این مورد بحث کرده‌ام در تئوری با این مطلب موافق هستند. ولی هیچ ایده‌ای در مورد چگونگی اجرای چنین تحولی ندارند. به نظر می‌رسد تعداد اندکی از ایشان جانشین مناسبی برای شاه سراغ داشته باشند. و افسوس که تاریخ سابقه نامیدکننده از سالهای سقوط مستبدین ارائه می‌دهد. هیچ نمونه از حاکم مطلق که با میل خود زمام قدرت را آزادتر نماید به خاطر نمی‌آورم. ایجاد سیستم تک حزبی که اخیراً

انجام گرفت، حتی امید وجود اپوزیسیون وفادار به دولت اعلیحضرت را از بین برد. البته می‌توان مدعی شد که در واقع با تأسیس حزب رستاخیر تغییر عمده‌ای روی نداده است، ولی با این حال شواهد ایجاد سیستم دولتی دموکراتیک در ایران دل‌سرد کننده است. با توجه به این که طبقه تحصیلکرده عمدتاً مجموعه‌ای از افراد منفعل و غیرسیاسی را تشکیل می‌دهند که نگرانی عمده‌شان باز نمودن جای خود در سیستم موجود می‌باشد و توانایی یا تمایل ایجاد رهبری محافظه کارانه‌ای که منشأ تغییرات مسالمت‌جویانه گردد را ندارند، بیم آن می‌رود که ایشان صحنه را به سود رادیکال‌های ترک نمایند. رادیکال‌ها از گروه‌های نسبتاً کوچک و پراکنده‌ای تشکیل شده‌اند، اما توانایی ایشان در انجام اعمال تروریستی بی‌هدف بر علیه مقامات ایرانی و آمریکایی طی ماه‌های اخیر بسیار نگران‌کننده است. جوامع دموکراتیک‌تر با سازماندهی بهتر و با ثبات‌تر از ایران نتوانسته‌اند تروریسم را از بین ببرند، ولی در این کشور تنها به بیماری و نه ریشه اصلی آن حمله می‌شود. احتمال وقوع سوء قصدها و اعمال تروریستی بیشتر می‌رود.

علیرغم تمامی مشکلات موجود بر سر راه توسعه کشور، چشم انداز اقتصادی ایران بسیار روشن‌تر از پیش‌بینی سیاسی آن است. از سوی دیگر عملکرد بسیار موفق اقتصادی کشور احتمالاً خطر بروز انقلاب اجتماعی را کاهش می‌دهد. با گسترش بیشتر ثروت واقعی در تمامی کشور ایرانیان بیشتری سود خود را در حفظ چیزی شبیه به وضع موجود می‌بینند. شانس تجربه مدرنیزاسیون بالنسبه مسالمت‌آمیز نیز به خاطر ثبات بنیادین جامعه و فرهنگ ایرانی و احترام سنتی آن نسبت به قدرت بیشتر شده است. علیرغم پیش‌بینی بروز مشکلات عدیده در آینده ایران، که مهمترین آنها چگونگی گذر از برزخی است که پس از خروج اجتناب‌ناپذیر شاه از صحنه به وجود می‌آید، به نظر می‌رسد هنوز هم شانس کشور برای پرهیز از تغییرات رادیکال و آشوب‌های بلند مدت و تضعیف‌کننده نسبتاً خوب است.

#### اهرم‌های احتمالی جهت نفوذ ایالات متحده:

آیا ما می‌توانیم اعمال نفوذ زیادی بر روند آینده وقایع ایران بنماییم؟ شاید ولی احتمالاً نخواهیم توانست. از ظواهر این امر این‌گونه بر می‌آید که ایران بیش از آنچه که ما به آن نیاز داریم به ما نیاز دارد. در مقایسه با احتیاج ایرانیان به ما، جهت خرید تجهیزات نظامی پیچیده‌ای که به آنها عادت کرده و خواهان ادامه خرید آن هستند و تأمین مقادیر عظیم غلاتی که طی چند سال آینده برای برآوردن تقاضای رو به افزایش داخلی ضروری است، ما راحت‌تر می‌توانیم به منابع جایگزینی جهت تأمین واردات نفتی مان دسترسی پیدا کنیم. ایران همچنین خواهان مشارکت بیشتر ما در طرح‌های مشترک می‌باشد و بانک‌های ایالات متحده را به عنوان امنترین مکان جهت سپردن ذخایر ارز خارجی به صورت سپرده‌های کوتاه مدت ترجیح می‌دهد.

اگر ما بخواهیم تلاش کنیم که با استفاده از هر وسیله ممکن در سیاست‌های ایران اعمال نفوذ کنیم، احتمالاً اولین هدف ما باید تلاش جهت وارد ساختن ایران به اتخاذ موضع متعادل‌تر در مورد قیمت نفت باشد. اما در هر زمینه‌ای که بخواهیم در سیاست‌های ایران تغییری ایجاد کنیم، تعهد ما به مکانیسم بازار آزاد ما را محدود می‌سازد. با کنار گذاشتن احتمال بروز تغییرات شدید در سیاست‌های آمریکا احتمالاً ما دخالتی در روند انتقال تکنولوژی و سرمایه از هر دو سو و فروش غلات نخواهیم کرد. طرف آمریکایی تمامی این فعالیتها، بخش خصوصی است. تنها خریدهای نظامی باقی می‌ماند که در این زمینه از قبل

مکانیسمی جهت اعمال کنترل دولت ایالات متحده وجود داشته است. در گذشته دلیل مناسبی که جهت عدم ایجاد محدودیت در فروش تجهیزات نظامی به ایران ارائه می شد آن بود که ایران به راحتی می تواند فروشنده دیگری در میان رقبای ما بیابد. اما امروز این دلیل فقط تا حدی صحیح است. برای مثال در حال حاضر هیچ کشور دیگری نمی تواند جنگنده های قابل مقایسه با اف - ۱۴ به ایران بفروشد. ولی تا زمانی که ما برای مسئله کلی چگونگی اعمال نفوذ بر دیگر کشورهای عضو اوپک پاسخی نیافته ایم، تلاش جهت فشار به ایران از طریق ممنوعیت فروش برخی تجهیزات نظامی کاری غیر عاقلانه است. از آنجا که ایران در تعیین قیمت های جهانی نفت به تنهایی عمل نمی کند، فشار بر این کشور برای اخذ نتیجه کافی نخواهد بود. همچنین باید با توجه به سیاست خود نسبت به خلیج فارس و اقیانوس هند محدودیت هایی در مورد خرید های نظامی ایران در نظر بگیریم.

به هر حال در بلند مدت استفاده از منابع انرژی خودمان، در مقایسه با تحت فشار قرار دادن اعضای اوپک، موفقیت بیشتری در متوقف ساختن رشد قیمت نفت و حتی کاهش آن خواهد داشت. با توجه به این که تاکنون کشورهای وارد کننده نفت از انجام اقدامات هماهنگ ناتوان بوده اند، هیچ چیز نمی تواند اعضای اوپک را تحت تأثیر قرار دهد مگر موفقیت در ایجاد منابع جایگزین انرژی به میزانی که موجب کاهش چشمگیر در تقاضای جهانی نفت گردد.

از مسئله موضع ایران در مورد قیمت نفت گذشته، به نظر نمی رسد ایران هیچ گونه موضع گیری، که زبان جدی به منافع حیاتی ایالات متحده وارد سازد، بنماید؛ مگر آنکه تغییری شدید در سیستم دولت آن روی دهد. ایالات متحده و ایران متحد طبیعی یکدیگر بر علیه شوروی باقی خواهند ماند. به نظر می رسد منافع ما در خلیج فارس و اقیانوس هند طی سالهای متمادی نزدیک به هم باقی خواهد ماند، و برنامه های جاه طلبانه ایران برای توسعه متکی بر حفظ رونق نظامی مالی جهان می باشد که در این نظام ایالات متحده به عنوان مهمترین کشور مطرح است. ایران به طور اتوماتیک از رهبری ایالات متحده تبعیت نخواهد کرد. اما مخالفت آشکاری هم با اغلب سیاست های ما نخواهد داشت، چرا که منافع بنیادین ما هنوز بر هم منطبق می باشد.

#### سند شماره (۵)

از: مشاور سیاسی، جان د. استمپل تاریخ: ۲۷ آوریل ۱۹۷۶ - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۵ بیگانگان  
به: سفیر طبقه بندی: خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای

#### موضوع: طرز فکر ایرانیان در مورد خارجیهای مقیم ایران

همان طور که می دانید در مورد طرز فکر ایرانیان در رابطه با خارجیهای مقیم ایران با عناصر ایرانی سطوح مختلف جامعه ایران در حال گفتگو و نظرخواهی بوده ایم. بیست و شش مورد مصاحبه ای که تا به حال انجام شده و توسط اینجانب مرور گردیده و می تواند نتایج کلی را در مورد این طرز فکر ارائه کند. به نظر من این یادداشت و متن مصاحبه ها می تواند در مورد توجه و استفاده بسیاری از افسران منتخب هیئت و کنسولگریهایمان قرار گیرد و از آنجایی که نتایج جالب توجهی نیز پدیدار گشته در نظر دارم یک نسخه از این مطالب را در اختیار آنان قرار دهم.



## ۱- نمونه

تعداد افراد شرکت‌کننده در مصاحبه (۲۶ نفر) بسیار کم بوده، و اکثر آنها عضو نخبگان طبقه بالا و یا متوسط جامعه ایران می‌باشند. این افراد بیش از اکثر ایرانی‌ها تحصیل کرده و مطلع می‌باشند، به همین دلیل نظراتشان نیز با اهمیت‌تر از افراد عامی است، زیرا آنها در زمینه‌های مختلف صاحب نظر می‌باشند. شایان توجه است که نگرانی‌های ابراز شده توسط این افراد تحصیلکرده ایران هیچ‌گاه در پاسخ‌های کسانی که خود را نماینده درصد بیشتری از مردم ایران می‌دانند منعکس نمی‌باشد. مسلم این است که مسئله حضور بیگانه تنها بر کسانی تأثیر می‌بخشد که تا حدود زیادی با بیگانگان یا خارجی‌ها در تماس می‌باشند. بسیاری از مصاحبه‌شدگان به طور کلی نگران حضور بیگانگان و نه آمریکاییان در ایران هستند. نکته قابل توجه دیگر این است که دو سوم اعضای این گروه از پاکستانی‌ها، هندی‌ها، و آسیای شرقی‌ها، مانند فیلیپینی‌ها و اتباع کره جنوبی بعنوان گروه‌هایی یادکرده‌اند که بیشترین رشد حضوری را داشته (و بیشترین تأثیر را بر آنها داشته‌اند). تنها یک سوم اعضای این گروه اظهار داشته‌اند که حضور آمریکایی‌ها طی دو یا سه سال گذشته رشد سریعی داشته است. برآورد تعداد آمریکایی‌ها در تهران بین چهار هزار تا چهل هزار نفر بوده و برآورد معتدلتر آن ۱۰ هزار تا ۱۵ هزار بوده است. تنها هشت نفر از افراد مصاحبه شده خود را آگاه نسبت به حضور خارجی‌ها بر خلاف دو سال قبل می‌دانند. چند نفر از مصاحبه‌شدگان در خارج از کشور تحصیل کرده و یا دارای همسر خارجی می‌باشند، اما این موضوع در میان طبقه بالا و متوسط امری غیر عادی نیست.

## ۲- تأثیرات ناشی از حضور بیگانه

هفت تن از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که حضور کنونی بیگانگان هیچ‌گونه تأثیری در وضع آنها نداشته است. بقیه آنها یا با این موضوع مخالفت کرده و یا به طور ضمنی معترف بر تأثیر حضور بیگانه بر وضع خودشان شده‌اند. چند نفر نیز به جنبه‌های مثبت حضور بیگانه از قبیل افزایش مهارت‌های تکنولوژیکی، و نیروی انسانی مجرب‌تر، اشاره کرده‌اند. بیش از نیمی از اعضای این نمونه اظهار داشتند که خود و دوستانشان معتقدند که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها عامل اصلی افزایش اجاره‌بها طی دو سال گذشته می‌باشند. هفت نفر در مورد مشکلات ناشی از رانندگان خارجی سخن گفته‌اند. شگفت‌آورتر اینکه تنها هشت نفر به ذکر وقایع ناپسند پرداخته و اکثر آنها مربوط به آمریکایی‌های طبقه پایین اجتماع بود که علناً به شرابخواری و عربده‌کشی می‌پردازند.

این افراد از تسهیلات ویژه خارجی‌ها بطرز غریبی بی‌اطلاع بودند، اکثر اعضای این گروه در حمایت از برنامه‌های رادیو و تلویزیون نیروهای آمریکایی سخن گفتند؛ بسیاری از آنها که این برنامه را دنبال کرده و یا به آن گوش می‌دهند آن را یکی از تسهیلات مخصوص بیگانگان نمی‌دانند. تنها دو نفر از آنها خواستار کنترل آن توسط ایرانی‌ها شده، ولی یکی از آنها هشدار داد که اگر اصطکاک بین ایرانی‌ها و خارجی‌ها افزایش یابد رادیو و تلویزیون نیروهای آمریکا در آینده به صورت آماج منطقی حملات در خواهد آمد. تنها ۵ نفر به ذکر تسهیلات ویژه خارجی‌ها (مانند کمبسی‌ری و حوزه خلیج) پرداختند و تنها دو نفر اعلام داشتند که این تسهیلات حسادت هیچ کس را بر نمی‌انگیزد. سه تن از آنها گفتند که اگر روابط ایران و آمریکا روبه‌وخامت نهد، این تسهیلات به صورت آماج حملات در خواهند آمد.

### ۳- ایجاد محلهای مخصوص زندگی خارجیها در مقابل نظریه انطباق حیات

هیچ یک از افراد مورد نظر در حمایت از نظریه ایجاد جوامع خاص خارجیها در ایران سخن نگفت، ولی دو نفر از آنها گفتند که انجام آن در موارد خاص، (از جمله برای اتباع بلوک شوروی و دیگران در شهرهای دیگر) مانعی ندارد. بیش از نیمی از افراد مصاحبه شده (از تمام سطوح اجتماع) معتقدند که گسترش یکسان حضور بیگانه در اجتماع هم به نفع آنها و هم به نفع خارجیهاست: تنها سه نفر از این افراد به ذکر مشکلات مربوط به ایجاد محیط زیستهای خاص به خصوص تهدیدات امنیتی ناشی از همزیستی پاکستانیها و هندیها پرداختند.

تنها سه نفر از این افراد معتقدند که مضاعف یا سه برابر شدن جامعه آمریکایی در ایران مشکلات جدی را به دنبال خواهد داشت و دو نفرشان معتقدند که علت این امر نیز فقدان مسکن و فروشگاههای کافی است. پنج تن از پاسخ دهندگان معتقدند که ایران از حضور بیشتر آمریکاییها به خصوص در زمینه فنی فواید بسیار کسب خواهد کرد.

### ۴- نتیجه گیری

در مورد افزایش حضور خارجی نگرانیهایی ابراز شده، اما هیچ کس مشکل و خطر جدی را پیش بینی نمی کند. چند تن از پاسخ دهندگان متذکر شدند که گسترش حضور خارجیها همگام با رشد موجود در زمینه ملی است. افزایش مشکلات زندگی شهری بر خارجیها و ایرانیها تأثیرات یکسانی را اعمال می کند، اگر چه در اکثر موارد خارجیها مقصر این مشکلات شناخته می شوند، باید گفته شود که آنها در تمام موارد مقصر نیستند و ایرانیها نیز به این معترف هستند.

آنهايي که بیش از همه تحت تأثیر قرار می گیرند، اعضای طبقه متوسط طیف اجتماعی و اقتصادی ایران می باشند. آنها بیش از همیشه با خارجیها سر و کار داشته، و موقعیت حرفه ای و شخصی آنها نیز با پروژه هایی که خارجیها بر روی آنها کار می کنند مرتبط است. نخبگان طبقه بالای اجتماع کمتر با خارجیها سر و کار دارند. ایرانیهای طبقه پایین اجتماع نسبت به حضور آمریکاییها توجه چندانی نشان نمی دهند اما از حضور روز افزون هندیها و آسیاییها در نتیجه رونق اقتصادی ایران متنفر می باشند.

در مواردی معدود، مانند مدیریت دانشگاهها، آنهايي که در اروپا تحصیل کرده اند از روشهای آمریکایی برخلاف حضور آنها متنفرند، زیرا همتایان آنها که در آمریکا تحصیل کرده اند (و رقباي آنها به شمار می روند) در حال دستیابی به موقعیتهای مهم در نهادهای اجتماعی ایران هستند. بنابراین موفقیت ایرانیهای تحصیل کرده آمریکا ترس و حسادت بسیاری را برانگیخته که گهگاه باعث ابراز مخالفت با جامعه آمریکایی مقیم ایران می گردد.

گرچه ترس از ضد آمریکایی گرایی بی اساس تلقی می شود، ولی باید به نگرانیهای ابراز شده توسط اعضاء گروه توجه بیشتری معطوف نمود. شاید مهمترین نظریه این باشد که در دورانی که مشکلات زندگی شهری توأم با افزایش حضور خارجی است، شاید بهتر باشد که آمریکاییهایی به این جامعه ارسال شوند که از نظر فرهنگی حساستر و بالغترند. چهار یا پنج نفر از پاسخ دهندگان از شرکتهای آمریکایی می خواهند که افراد مورد نظر خود را با در نظر گرفتن حساسیتهای ایرانی انتخاب کنند. البته این امر در مورد دولت آمریکا مانند صنایع بخش خصوصی نیز مصداق پیدا می کنند.

از آنجا که زندگی شهری در ایران برای همه مشکل‌تر شده، و به خصوص امکان کاهش روند پیشروی اقتصادی نیز وجود دارد، بهتر است شمار آمریکاییهایی که به اینجا وارد می‌شوند ثابت نگاه داشته شود. پس از ذکر این مطالب، باید گفته شود که حتی اگر به جای ۲۵/۰۰۰ آمریکایی تنها ۱۰۰۰ نفرشان در ایران حضور داشته باشند، بخش اعظم انتقادات مطروحه باز هم ابراز می‌شود. بنابراین طرز فکرهای مندرج در این تحقیق تنها نوعی عامل مشخص‌کننده محسوب می‌شود، ولی نمی‌تواند تعریف دقیق از طرز فکر ایرانیها را ارائه کند.

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور خارجیها در ایران  
مصاحبه مورخ ۱۸ فوریه با دکتر کیوان صالح در دفتر کار گوردون وینکلر  
دکتر صالح صحبت‌هایش را با اظهار نظر در مورد خود مصاحبه آغاز کرد و گفت این کار می‌بایست مدتها قبل انجام می‌شد و خوشحال است که سفارت با دیدی مثبت در حال گردآوری اطلاعات در این زمینه است.

دکتر صالح گفت که می‌داند تعداد خارجیها بیش از دو یا سه سال قبل است و آمریکاییهای اعظم آنان را تشکیل می‌دهند. وی گفت در اینجا به تمام خارجیهای آمریکایی اطلاق می‌شود، مگر آنکه تعریف دیگری از آنها شده باشد.

دکتر صالح حدس می‌زند که تعداد آمریکاییهای مقیم تهران حدود ۳۰/۰۰۰ نفر است ولی وقتی که به او گفته شد که تعداد آنها حدود نصف رقم ذکر شده توسط اوست تعجب کرد. وی یادآور شد که تعداد آمریکاییهای مقیم ایران دائماً رو به افزایش است و گویا قرار است حدود ۵۰/۰۰۰ خانواده آمریکایی دیگر نیز طی سه سال آینده وارد ایران شوند. او و دوستانش می‌گویند که این افراد اکثراً در جنوب ایران اسکان خواهند یافت. دکتر صالح گفت دوستانش نمی‌توانند ارائه رقم ۵۰/۰۰۰ نفر درست گفته باشند، ولی آنها معتقدند که تعداد آنها خیلی زیاد خواهد بود. وی گفت ظاهراً شرکت بل هلیکوپتر در نظر دارد تعداد کارمندان خود را در ایران دو برابر کند، و گویا لیبیات پاک نیز در صدد دو برابر کردن تعداد کارمندان آمریکایی خود می‌باشد.

دکتر صالح گفت که یک خارجی به خصوص اگر آمریکایی باشد به سادگی برای او قابل تشخیص است. وی گفت که قادر است یک آمریکایی را از پشت سرش تشخیص دهد. او گفت «شاخصهای مهم در این رابطه نحوه اصلاح سر و شلواری است که یک آمریکایی به پا می‌کند.» وی در توضیح مطلب گفت شلوار آمریکاییها بسیار وارفته و در بخش نشیمنگاه بسیار شل است. چون آنها عادت ندارند شلوارشان را بالا بکشند. وی گفت به نظر او و دوستانش ظاهراً آمریکاییها چندان جذاب نیستند، به خصوص از نظر رنگ لباس چون اغلب پیراهنهای سبز روش، شلوار قرمز، کفشهای سفید و جورابهای قرمز به تن می‌کنند. او ظاهر آمریکاییها را مسخره خواند. دکتر صالح گفت که وی می‌تواند بین مدیران عالیرتبه شرکتها و دیپلماتهای آمریکایی و افرادی آمریکایی رده پایین تر تفاوتی قائل شود. علاوه بر این وی گفت که افراد رده آخر تنها مکانیکهای شرکت بل هلیکوپتر نیستند بلکه ظاهراً افرادی حرفه‌ای هستند که برای انجام چند کار به ایران آمده‌اند.

در پاسخ به این سؤال که آیا حضور خارجیها بر زندگی او و خانواده و دوستانش تأثیر دارد یا خیر، وی

گفت حتماً دارد و همیشه موجبات شرمساری وی فراهم می‌آید. او گفت «این موضوع برای من حائز اهمیت بسیار است زیرا من شدیداً با آمریکاییها سروکار دارم. در صورتی که حرفه‌ای نباشند من آسیب می‌بینم. وی گفت: «وقتی می‌شنوم که آمریکاییها به خوبی با مسائل ایران و ایرانی آشنا نشده‌اند ناراحت می‌شوم. آنها در اغلب موارد در جلساتی شرکت کرده و بیاناتی را ایراد می‌کنند که نشانگر برداشت نادرست آنها از اوضاع کشور است. او و دوستانش احساس می‌کنند که اکثر آمریکاییها در ایران تأثیر منفی داشته و قابلیت انطباق پذیری ندارند. «آنها به اینجا می‌آیند تا پول به جیب بزنند.»

او گفت: «آنچه ما را ناراحت می‌کند این است که آمریکاییها حقوقهای گزافی چون ۵۰/۰۰۰ دلار در سال دریافت کرده و در مورد آن در انظار عموم سخن می‌گویند. این کار باعث بروز عکس‌العمل منفی ایرانیهای تحصیلکرده می‌شود، چون معتقدند که این افراد از نظر حرفه‌ای شایستگی دریافت این گونه حقوقهای کلان را ندارند». دکتر صالح گفت دوستانش اغلب به آمریکا سفر کرده و با آمریکاییهایی در آنجا ملاقات می‌کنند که با آمریکاییهای مقیم اینجا از نظر حرفه‌ای تفاوت دارند و به نظر او اینها افراد گلچین شده نیستند.»

وی گفت برای او و همسر و دوستانش واضح است که آنها دارای مشکلات روانی هستند، همسرانشان از امنیت برخوردار نبوده و فساد در میان آنها رواج دارد، شرابخواری بسیار است و همسران آنها در اغلب موارد افسرده هستند.

وی خاطر نشان ساخت که مدرسه آمریکایی تهران به عنوان یک «مدرسه نظامی» بین دوستانش معروف است و آموزش مکفی و مؤثر را ارائه نمی‌کند. وی گفت اکثر بچه‌های آمریکاییها اغلب از نقطه‌ای از جهان به نقطه دیگر منتقل شده و به همین دلیل فاقد ریشه‌های اجتماعی و ارزشهای لازم می‌باشند. مدرسه ایران زمین و مدارس دیگر از شهرت کمتری برخوردارند.

دکتر صالح در مورد تسهیلات و سازمانهای ویژه خارجیها در تهران از کلوب زنان آمریکایی، کلوب پارس آمریکا و حوزه خلیج نام برد. (او از حوزه خلیج با نام «قلعه» یاد می‌کرد و چندی بعد گفت به نظر او حوزه خلیج این نام مستعار را از نشان حک شده بر سر در آن به ارث برده است.)

از او سؤال شد که در مورد حوزه خلیج چگونه می‌اندیشد. وی گفت هیچ گونه خصومتی با آن ندارد، ولی گفت که تصور می‌کند که تعداد زیادی از بچه‌های هیپی نما در حوزه خلیج وجود دارند و بسیاری از دختران آمریکایی در کنار خیابان خواستار اتومبیل سواری مجانی می‌شوند. وی یادآور شد که این کار مناسب جامعه ایرانی نیست.

وی گفت که به نظر او و دوستانش کلوب زنان آمریکایی تنها دارای جنبه ظاهری است: «به نظر ما زنان آمریکایی در پارتیها خونگرم نیستند و به خوبی قاطی اجتماع نمی‌شوند. آنها در خود کلوب زنان احساس راحتی بیشتری دارند»، وی گفت این امر در مورد زنان ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، آلمانی و دیگر زنان اروپایی صادق نیست، چون اکثر آنها اجتماعی بوده و به زبان فارسی تکلم می‌کنند، ولی این امر در مورد زنان آمریکایی صادق نیست، وی گفت در ضیافتهای سطح بالای اجتماعی کمتر با آمریکاییها برخورد می‌کند ولی اکثراً با انگلیسیها، فرانسویها بلژیکیها و دیگران روبرو می‌شود.

در رابطه با رادیو و تلویزیون، وی اظهار داشت که دیوانه برنامه بین المللی جدید رادیو و تلویزیون ایران است و اغلب برنامه‌های خود را طوری تنظیم می‌کند تا فرصت دیدن و شنیدن این برنامه‌ها را داشته

باشد (وی احساس می‌کند که دوگرداننده آمریکایی برنامه چندان مفید نبوده و اغلب مایه شرمساری می‌شوند). بنا به گفته او خیر انگلیسی خیلی بهتر از خبر فارسی است. وی گفت قطع برنامه‌های آمریکایی هیچ‌گاه موجب نگرانی وی نخواهد شد. با این حال وی معتقد است که برنامه رادیویی نیروهای مسلح آمریکایی «به استثناء بخش موسیقی آن که مورد انزجار همگان است» باید ادامه پیدا کند. وی گفت اکثر دوستانش به برنامه‌های رادیویی آمریکا گوش داده و آن را دوست دارند. وی گفت این برنامه به افراد طبقه متوسط اجتماع در زمینه فراگیری زبان انگلیسی کمک بسیار می‌کند. در رابطه با رویداد های ناشایستی که بین خارجیها و ایرانیها به وقوع پیوسته، دکتر صالح گفت، که اطلاع خاصی ندارد، ولی در مورد رانندگان آمریکایی با لحن بسیار تندی صحبت کرد. وی گفت ایرانیها می‌دانند که این خود آنها هستند که به محض ورود به شاهراهها و خیابانهای تهران قوانین را زیر پا می‌گذارند. اما، وی گفت اینجا کشور ما است. وی گفت بسیاری از آمریکاییها پس از اقامت در اینجا بدتر از ما رانندگی می‌کنند. چراغهای راهنمایی و خطوط تفکیک کننده خیابان را نادیده گرفته و به نظر می‌رسد که ما را افرادی بسیار پست تلقی می‌کنند. دکتر صالح گفت در بسیاری از موارد دوستان من شیشه اتومبیل خود را پایین کشیده و فریاد زده‌اند که مواظب باش اینجا کشور من است. تو نمی‌توانی این‌طور در اینجا رانندگی کنی. وی گفت همه چنین تصور می‌کنند که این آمریکاییهای حرامزاده در کشور ما خوب زندگی کرده و خوب پول درمی‌آورند و گذشته از این که هیچ چیزی را نصیب کشورمان نمی‌کنند، وارد تمام جزئیات زندگی ما نیز می‌شوند. ظاهراً رانندگان آمریکایی با هدف زیرگرفتن به ما نزدیک می‌شوند.

در مورد رانندگی، وی گفت زنان خارجی در حین رانندگی حالتی تهاجمی پیدا می‌کنند. وی گفت تمام مشکلات ناشی از رانندگی وی در طول ۹ تا ۱۲ ماه گذشته رخ داده است. قبل از آن رانندگان خارجی خیلی خوب رانندگی کرده و حالتی تهاجمی نداشتند. وی گفت که مشکل برای آمریکاییها را وضعیت این است که به نظر می‌آید که همه خارجیها اینطور زندگی می‌کنند و بهمین دلیل ایرانیها خارجیها را آمریکایی تصور می‌کنند و بنا به گفته دکتر صالح «عکس‌العمل اساسی ایرانیها در قبال این مسئله این است که آمریکاییها هیچ‌گونه احترامی برای ما قائل نبوده و ما را کثافت تلقی می‌کنند.»

در دنباله گفتگو وی که دوستانش شدیداً معتقدند که آمریکاییها برای کمک به ما اینجا نیامده‌اند بلکه هدفشان پول به جیب زدن است. او اغلب این سؤال را می‌شنود که «آنها برای ما چه کرده‌اند؟ وی خاطر نشان ساخت که دولت نیز تلاش می‌کند تا کلمات فارسی انگلیسی‌الاصول کمتر استعمال گردد.

وی در ادامه گفت پنج سال قبل روش آمریکایی مورد احترام همگان بود. نظام آمریکایی چه در زمینه ساخت، چه در زمینه آموزش یا پزشکی بهترین تلقی می‌شد. ولی در حال حاضر تنفر از این روش و نظام آن چنان افزایش یافته که ایرانیها بیش از پیش می‌گویند که نمی‌خواهند شاهد پیاده شدن روش آمریکایی باشند. ولی نکته جالب توجه این است که بنا به گفته دکتر صالح هنوز هم ماشینها و دیگر کالاهای ساخت آمریکا در جهان بهترین چیزها قلمداد می‌شوند: «ظاهراً ایرانیها نمی‌دانند که این مصنوعات از همان روش آمریکایی مورد تنفر آنها ناشی شده است.»

حضور آمریکاییها در مجامع عمومی نیز مسئله ساز است. دکتر صالح نمی‌داند که چرا این مسائل در رستوران محل اطراق او رخ نمی‌دهد، و علت آن نیز شاید حضور و آمد و شد آمریکاییها عالیرتبه باشد. با این حال همسرش و دوستان او در سوپرمارکتها با این‌گونه مسائل روبرو شده‌اند. دکتر صالح خاطر نشان

ساخت که سوپرمارکتها تجلیگاه تنفرهای شدید است. وی گفت خارجیها باعث افزایش شدید قیمتها شده‌اند و هنگامی که یک آمریکایی وارد فروشگاه می‌شود مانند «ملخ» همه چیز را با خود می‌برد و وقتی که ایرانیها وارد می‌شوند چیزی برای آنها باقی نمی‌ماند. وی گفت از صحت این موضوع اطلاعی ندارد، ولی مهم این است که این طرز فکر ایرانیهاست.

وی گفت در زمینه مسکن هیچ امیدی برای مانیست، چون اگر او و همسرش خانه نداشتند، نمی‌توانستند در تهران زندگی کنند. به خاطر این که توان اجاره محل سکونت را ندارند مجبور می‌شدند از کشور خارج شوند. وی گفت که تمام مساکن خوب توسط خارجیها تصرف شده است. وی گفت در مورد دفاتر کار، و دستیاران زبده اصلی و خارجی نیز همین موضوع صادق است. «آمریکاییها تمام شوهرها و رانندگان موجود را به استخدام خود درآورده‌اند».

بنا به گفته دکتر صالح یکی از نشانه‌های ترسناک حضور آمریکاییها در ایران، وجود تبلیغات بسیار در بخش آگهی‌های روزنامه‌های انگلیسی زبان تهران است. وی گفت این روزنامه‌ها به صورت یک بازار مکاره در آمده‌اند. او کیهان اینترنشنال را باز کرد و ستون آگهی‌ها را نشان داد که مربوط به آمریکاییهای در حال خروج از کشور بود. آنها می‌خواهند آشغالهای خود را به ما بفروشند. وی گفت «من آگهی‌هایی را دیده‌ام که در آنها در مورد فروش زیرپوشها مطالبی درج شده است.» وی گفت حدود شش ماه تا یک سال قبل «این آگهی‌ها وجود نداشت و حتی کسانی که می‌خواستند با فروش زمین در اسپانیا پول به جیب بزنند، نیز آگهی نمی‌دادند.» وی گفت گردآوردن آمریکاییها در محل‌های خاص اشتباه بزرگی است. وی گفت هنگام عبور از محلهایی که آمریکاییها یا خارجیها در آنجا زندگی می‌کنند، می‌بینید که بچه‌های ایرانی و خارجی با هم سرگرم بازی هستند. وی گفت این موضوع دلگرم کننده است. زیرا نشانگر نوعی امتزاج اجتماعی است. لیکن وی تصور نمی‌کند که اسکان نظامیان آمریکایی در منطقه‌ای خاص مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. وی گفت بهتر است که آنها در خیابانها ظاهر نشوند. وی نسبت به آنها برداشتی منفی دارد و تصور می‌کند که اکثر آنها در خیابانها و در جیبهای مخصوص رانندگی می‌کنند. وقتی به او گفتم که بخش اعظم افراد هیأت مستشاری نظامی آمریکایی را افسران عالی‌رتبه و تحصیل کرده تشکیل می‌دهند وی تعجب کرد. وی گفت «در یک جمله توانستید شک و شبهه‌های موجود در ذهن مرا پاک کنید.» وی در مورد ارتش گفت که به نظر او حضور تعداد بیشماری از هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا در فرودگاه مهرآباد مسائلی را در زمینه روابط عمومی ایجاد کرده است. او و دوستانش حضور آنها را به دقت دنبال کرده و می‌دانند که کالاهای بسیاری توسط همین هواپیماها برای جامعه آمریکایی مقیم تهران وارد کشور می‌شود.

دکتر صالح دائماً صحبت را به بی‌توجهی آمریکاییها نسبت به ایران می‌کشاند. از او سؤال کردم که در مورد آگهی سفر به تخت جمشید، شوش و کاخ گلستان در تلویزیون آمریکا چطور فکر می‌کند، گفتم که این آگهی‌ها قطعاً نشانگر توجه بسیار آمریکاییها به فرهنگ است. دکتر صالح آن را نپذیرفت و گفت این امر فقط جنبه سیاحت دارد «چون آمریکاییها یک بار به آنجا می‌روند و آن را فراموش می‌کنند.» وی گفت در حالی که اروپاییها به محض پای گذاشتن به این نقاط عمیقاً به اصل موضوع توجه می‌کنند.»

در این لحظه از او سؤال کردم که آیا او و دوستانش می‌دانند که یک دانشجوی آمریکایی در آمریکا

می‌تواند برخلاف دانشجویان دیگر در مورد ایران و تاریخ آن مطالب بسیاری را فراگیرد. وی گفت او به این موضوع واقف است. ولی گمان نمی‌کند که ایرانیها چنین فرصتی داشته باشند.

وی گفت یکی از نقاط مشکل برانگیز مهم کلوپ کشوری شاهنشاهی (سلطنتی) است. وی گفت در حال حاضر بسیاری از آمریکاییها به این کلوپ پیوسته و در همه جا دیده می‌شوند. ظاهراً هدف آنها بازی گلف و دیدن فیلم‌های سینمایی است و در ماههای اخیر اعضاء ایرانی کلوپ نتوانسته‌اند به راحتی به آنجا وارد شوند. از او سوال کردم که چرا کمیته عضویت کلوپ مانع از عضویت آمریکاییها نمی‌شود؛ چون چنین به نظر می‌رسد که به پول آنها احتیاجی ندارند. ولی او جوابی نداشت.

دکتر صالح گفت او و دوستانش عمیقاً نگران آینده هستند. وی گفت از دیاد شمار آمریکاییها در این کشور مسائل بسیاری را برای ایران به وجود خواهد آورد: «برای ما محیط خفقان آور شده است، چون می‌بینیم که تعداد بیشتری از آمریکاییهای موجود و نیمه حرفه‌ای وارد کشور می‌شوند. که نسبت به این کشور هیچ‌گونه احساسی ندارند و به سرعت یک برداشت منفی به جای گذاشته و می‌خواهند با عجله پول کافی به دست آورده و از این کشور خارج شوند.»

(محرمانه)

#### مصاحبه با دانشجویان

دو دانشجوی ایرانی در کلاس درس من در دانشکده گسترش همکاریهای منطقه‌ای (که شامل دانشجویان ایرانی، پاکستانی و ترک است) شاهد افزایش حضور آسیاییها در ایران بوده‌اند. آنها معتقدند که شمار اعضاء دیگر گروههای خارجی افزایش چندانی نیافته و برای آنها تشخیص آمریکاییها از دیگر ساکنین اروپای غربی و اسکاندیناوی دشوار است. تنها نگرانی آنها در مورد تأثیر بیگانگان این است که آیا آنها قرار است به جای دانشجویان ایرانی پستهای دانشگاهی را پر کنند یا خیر؟ هیچ یک از آنها در مورد تسهیلات خاص خارجیها اطلاعی نداشت، ولی در مورد معابد هندوها و کلیساهای مسیحیان سخن می‌گفت. هر دوی آنها معتقد بودند که عمل تفکیک محل زندگی بیگانگان کار درستی نیست. هر دو دانشجو ظاهراً در مورد حضور آمریکاییها در ایران بی‌اطلاع بوده و به آن علاقه‌ای نشان نمی‌دادند.

#### یک ایرانی ۲۴ ساله مشغول کسب و کار

رضا از طرف یک شرکت کوچک در تهران به فروش تجهیزات ترافیک و ابزار مهندسی راه و ساختمان مشغول است. او که فارغ‌التحصیل دانشگاه پهلوی شیراز است، در چهار سال گذشته در تهران بسر برده و شاهد افزایش قلیل در شمار خارجیها بوده است. در حال حاضر تعداد پاکستانیها و هندیهای مقیم تهران افزایش بسیار یافته، زیرا قبلاً این گروهها به امارات واقع در خلیج فارس جهت تحصیل معاش می‌رفتند، ولی اکنون همه آنها به تهران هجوم آورده‌اند. تا بخشی از درآمد نفتی ما را نصیب خود سازند. رضا معتقد است که برخلاف گذشته تعداد آمریکاییها نیز افزایش یافته ولی از تسهیلات ویژه خارجیها بی‌اطلاع است (با وجود اینکه این فرد و همسرش گاهی به تلویزیون نیروهای آمریکا نگاه می‌کنند، ولی رضا هیچ‌گاه حتی با تلاش برای بی بردن به این موضوع از آن ذکری به میان نیاورد). رضا معتقد است که محل زندگی خارجیها نباید تفکیک گردد، زیرا این امر در مورد اعراب و دیگر گروههای این قاره از نظر امنیتی

مشکلات را برای دولت ایران در بر خواهد داشت. به نظر او پروژه‌های ویژه مسکن در دیگر شهرهای استانی مناسب است، البته تا زمانی که تفاوت فاحشی میان وضع زندگی آنها با وضع زندگی افراد محلی مشهود نباشد. استمیل

تاریخ: ۱۹ فوریه ۱۹۷۶

از: مشاور اقتصادی - لانیج شرمهرن  
موضوع: پروژه ویژه سیاسی - طرز برخورد ایرانیان در قبال حضور آمریکاییها در ایران  
اظهارات یک زن برجسته در مورد حضور آمریکاییها در ایران می‌تواند در تهیه گزارش شما با اهمیت باشد.

خانم فرهنگ مهر همسر رئیس دانشگاه شیراز دیشب با من صحبت آغاز کرد و گفت شیراز اخیراً مملو از آمریکاییها شده است و منظورش آمریکاییهایی بود که به خاطر قرارداد وستینگهاوس به این شهر وارد شده‌اند. وی سؤال کرد که چرا این شرکت افراد بهتری را انتخاب نمی‌کند؟ بچه‌ها همه وحشی شده‌اند، و به ذکر چند نمونه از رفتار جوانان پرداخت که همسایگان ایرانی این خانواده‌های آمریکایی را آزرده است که یکی از آنها یک جوان ۱۰ الی ۱۱ ساله است که در انتظار عموم به کشیدن سیگار و خوردن مشروب می‌پردازد. خانم مهر گفت شخصاً نزدیک خانواده رفته و از آنها خواسته است که با رفتار فرزندان خود را تحت کنترل گرفته و یا به محل دیگری برای سکونت نقل مکان کنند. وی گفت این خانواده اکنون آن محله را ترک کرده ولی معلوم نیست که آیا از کشور خارج شده و یا به آپارتمان دیگری نقل مکان کرده و آیا محرک اصلی خود او بوده که هنوز مشخص نشده است.

اظهار نظر: متأسفانه بسیاری از کارمندان در زمینه سبک زندگی شخصی خود توجیه نشده و این سؤال باقی می‌ماند که آیا شرکتها باید در زمینه رفتار عمومی و انطباق پذیری کارمندان خود را تحت کنترل داشته باشند یا نه. اگر برنامه‌های عمرانی اصفهان و شیراز ادامه یابد تعداد بیشتری از آمریکاییها وارد این مناطق خواهند شد و اظهاراتی شبیه آنچه خانم مهر بیان داشت پدیدار خواهد گشت، مگر آنکه شرکتها با کمک یا بدون کمک دولت آمریکا برنامه‌های معارفه و کنترل رفتار کارمندان خود را جدی‌تر دنبال کنند.

شرمهرن

محرمانه

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران  
مصاحبه با دکتر مهدی هروی، استاد علوم سیاسی و تحصیلکرده آمریکا در دانشگاه ملی، که قرار است به عنوان معاون رئیس دانشگاه رازی برگزیده شود. مصاحبه در حین صرف ناهار در یک رستوران انجام گرفت.

پروفسور هروی گفت حضور خارجیها بر خلاف دو یا سه سال گذشته تغییر چندانی نکرده، ولی برخلاف ده سال گذشته وی نسبت به حضور آنها مطلعتر است، طبق برآورد وی حدود ۸/۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می‌برند. او می‌گوید که قادر است یک آمریکایی را از خارجیهای دیگر تمیز دهد، ولی نحوه این کار را دقیقاً نمی‌تواند بیان کند. وی می‌گوید علت آن شاید تجارب وسیع وی در خود آمریکا بوده



باشد.

نکته جالب توجه این است که دکتر هروی اظهار داشت که او و دوستانش بیش از پیش نسبت به حضور روسها در ایران آگاهی یافته‌اند. وی گفت این امر به خصوص در مورد دوستانش در اصفهان صادق است. بعضی از آنها معتقدند که شهر به تصرف روسها درآمده است. با این حال وی شخصاً معتقد است که تعداد روسها فعالیت سفارت روسیه در زمینه اجتماعی و غیره بطرز محسوسی افزایش یافته است.

در پاسخ به این سؤال که آیا حضور بیگانگان بر زندگی وی تأثیر دارد و می‌گفت: «بله، از حضور آنها لذت می‌برم و دوست دارم با آنها باشم.» وی گفت شکی نیست که مردم گناه بالا رفتن قیمت‌ها را به گردن آمریکاییها می‌اندازند. هروی گفت: «همه شما را ۱۰۰٪ در زمینه بالا رفتن اجاره‌ها مقصر می‌دانند.» وی خاطر نشان ساخت که در یک مورد یک استرالیایی با دو برابر کردن اجاره‌ها به خانه‌ای نقل مکان کرد و مردم پس از شنیدن موضوع، استرالیایی را به عنوان آمریکایی خطاب کردند که باعث افزایش اجاره‌ها شده است.» پروفیسور هروی اظهار داشت چهار روز قبل نیز آمریکاییها خانه‌ای را که ۱۰۰ دلار اجاره بهای آن بود به قیمت ۱۷۵ تا ۲۰۰ دلار اجاره کرده بودند. وی گفت این میزان اجاره‌ها در کشور شما حائز اهمیت نیست، ولی برای ما بسیار گران است و همین امر وجهه آمریکاییها را از جنبه منفی برخوردار ساخته است.

از وی سؤال شد که آیا می‌توان چند محله خاص خارجیها را نام برد و وی از حوزه خلیج، مدرسه آمریکایی تهران و بیمارستان آمریکایی یاد کرد. وی در مورد این محل‌ها نظر خاصی ندارد، فقط در مورد حوزه خلیج اظهار می‌دارد که ایرانیها مایلند بیش از پیش از آنجا استفاده کنند. با این حال وی با این کار موافق نیست، چون اختلاط این کار آنها در می‌خانه سبب بروز همه‌گونه مشکلات خواهد شد.

دکتر هروی گفت هرگز به برنامه‌های تلویزیون «چه آمریکایی و چه ایرانی» توجهی ندارد. با این حال معمولاً به برنامه‌های رادیو آمریکا در اتومبیل خود گوش می‌دهد چون: «این برنامه را بیش از برنامه رادیویی ایران دوست دارم. البته کیفیت آن مشابه کیفیت آمریکایی آن نیست، ولی من آن را دوست دارم چون دروغ‌پردازی در آن نیست.»

وی در ادامه گفت اعتبار و شهرت مهمترین مسئله تلویزیون ایران است، ولی بنا به گفته او بعضی از دوستانش از برنامه‌های جدید و بین‌المللی تلویزیون ایران تعریف کرده‌اند. وی گفت بسیاری از جوانان به رادیوی آمریکا گوش می‌دهند، چون موسیقی آن نسبت به موسیقی رایج در رادیو ایران معاصرتر و جهانی‌تر است.

از طرف دیگر بسیاری از دانشجویان جناح چپ احساس می‌کنند که حضور تلویزیون آمریکا به معنی «استعمار» این کشور است. وی گفت تعدادی از دانشجویانش این موضوع را به وی گوشزد کرده‌اند. از او سؤال کردم که آیا به نظر او درست است که با در نظر گرفتن روابط ایران و آمریکا این برنامه حذف شود؟ او نیز پس از قدری تأمل گفت: «البته اگر آن را حذف کنید، این دانشجویان چیز دیگری از جمله مجله آمریکایی و یا مرکز فرهنگی را به عنوان امپریالیسم آمریکا مورد انتقاد قرار خواهند داد.»

در زمینه رویدادهای ناخوشایند وی گفت به یاد می‌آورد که: «به یک پسر آمریکایی در یک می‌خانه واقع در سلطنت آباد چاقو کشی شد و یک ایرانی نیز در یک هتل دیگر با یک خارجی وارد منازعه شد و چون گمان می‌کرد که او به همسرش خیره شده است.» با این حال هروی نمی‌دانست که این فرد خارجی

آمریکایی است یا نه. وی گفت تصور می‌کند که افزایش حضور خارجیها در ایران بروز این وقایع را تشدید خواهد کرد.

وی شخصاً به حضور نظامیان آمریکا واقف نیست، ولی دانشجویان چپگرا و لیبرال از آن اطلاع دارند. نسل جوانتر که حضور نظامیان آمریکا را در اینجا احساس می‌کنند و دانشجویان با وی در این زمینه‌ها سخن گفته‌اند. در پاسخ به سؤالی در زمینه رانندگی، هروی گفت: «آمریکاییها نیز یاد گرفته‌اند مانند ما رانندگی کنند» و این موضوع سبب رنجش خاطر بسیاری از ایرانیها شده است. همه احساس می‌کنند که آمریکاییها به جای اکتساب عادات خوب، تنها عادات بد ما را می‌گیرند، وی گفت ایرانیها خطاهای دیگر ایرانیها را در زمینه ترافیک نادیده می‌گیرند ولی نمی‌توانند از خطاهای آمریکاییها بگذرند.

پروفسور هروی معتقد است که اشکالی در مورد نحوه لباس پوشیدن آمریکاییها وجود ندارد و واقعیت این است که فرزندانمان سعی دارند مانند آنها لباس تن کنند.» وی افزود این امر نیز موجب رنجش خاطر ایرانیهای مسن تر و سنتی تر می‌شود و هنگامی که فرزندان خود را در شلوار جین و با موهای بلند می‌بینند سؤال می‌کنند که چرا «عادات بد آمریکاییها را جذب می‌کنید؟»

از پروفسور هروی پرسیدم که ایرانیها چه عادات خوبی دارند که آمریکاییها باید آنها را کسب کنند، وی با قدری تأمل گفت: «خوب، مؤدب بودن بیش از حد ما.» وی گفت وقتی که میزبان به مهمانان خود جای تعارف می‌کند انتظار دارد که یکی از آنها اولین فینجان را بردارد. ولی در همان حال انتظار دارد که او آن را به خود او تعارف کند. مسئله تعارف همیشه در این گونه مراودات شخصی معمول است و میزبان هنگام صرف جای خواستار صورت گرفتن مکالمه‌ای هر چند محدود است. دکتر هروی اظهار داشت که چند تن از ایرانیها در مورد این عادت بد آمریکاییها یعنی قرار دادن پا بر روی میز سخن گفته‌اند. این امر در فرهنگ ایرانی کاملاً ممنوع است.

به محض مطرح شدن مسئله اسکان آمریکاییها در محله‌ای خاص، دکتر هروی گفت کاملاً با این موضوع مخالف است، به او گفتم چطور است که گروه کوچک نظامیان آمریکایی به محوطه خاص جهت زندگی نقل مکان پیدا کند. وی گفت نظامیان در حال حاضر در شمال شهر پراکنده شده و هیچ کس به آنان توجهی ندارند. ولی اگر آنها را به محله خاصی ببرند توجه همگان جلب خواهد شد. این امر بنوبه خود مردم را متوجه تجهیز نظامی ایران و هزینه سرسام آوری که صرف آن می‌شود می‌کنند. به همین دلیل این کار اشتباه است. وی افزود مردم نسبت به وجود یک جامعه جذاب آمریکایی حسادت خواهند کرد. در این موقع موضوع کمیسری آمریکایی پیش کشیده شد. پروفسور هروی گفت خیلیها به آمریکاییها حسادت می‌ورزند. زیرا آنها از اجناسی برخوردارند که بهتر از چیزهایی است که در اختیار ایرانیهاست. وی گفت حسودترین ایرانیها کسانی هستند که در آمریکا تحصیل کرده‌اند و برداشت وی این است که هرکس که یک پاسپورت آمریکایی داشته باشد می‌تواند به کمیسری راه یابد. او گفت که این موضوع صحت ندارد.

کلاً دکتر هروی احساس می‌کند، حضور آمریکاییها امروز مسئله حادی را ایجاد نموده است. وقتی که در مورد امکان افزایش حضور آمریکاییها صحبت می‌کردیم، او گفت بهتر است که این افراد در سرتاسر کشور پخش شوند. اگر یک گروه این چنین بزرگ حتی در شهری بزرگ چون تهران متمرکز شود در دسرهایی را پدید خواهد آورد.

وی گفت: «یک گروه خاص امروزه برخلاف گذشته حضور آمریکاییها را احساس کرده و از آن انتقاد می‌کنند. این گروه را کلاً دانشجویان تشکیل می‌دهند. معمولاً از زبان آنها می‌شنویم که تمام این آمریکاییها به اینجا آمده‌اند تا پول در بیاورند و هیچ کاری برای ما انجام ندهند.»  
بعضیها می‌گویند که تعدادی از این آمریکاییها بازنشسته‌های نظامی هستند که حقوق گزافی دریافت می‌دارند. ولی کاری انجام نمی‌دهند. دانشجویان علاوه بر این گمان می‌کنند که درصد زیادی از آمریکاییهای مقیم اینجا اعضای سازمان سیا هستند.

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران  
مصاحبه با روزنامه نگار شول بخش ( SHAUL BAKHASH )

تاریخ ۲۲ فوریه در حین صرف ناهار در یک رستوران

آقای بخش گفت احساس می‌کند که اقدامات سفارت در زمینه تحقیقی و تفحص پیرامون این موضوع بسیار بجاست. در پاسخ به این سؤال که آیا حضور بیگانگان در این کشور برای او محسوس است یا نه؟ وی جواب مثبت داد و گفت این مسئله در فروشگاهها، رستورانها و محل‌های اسکی و دیگر اماکن عمومی محسوس تر است. او شخصاً به این موضوع واقف است. چون در نزدیکی خیابانهای میرداماد و جردن زندگی می‌کند که خارجیهای بسیاری در حال نقل مکان به آنجا هستند. با این حال در همان موقعی که آقای بخش به این سؤال پاسخ می‌داد هر دو به این نتیجه رسیدیم که اکثر افرادی که تا بحال مورد مصاحبه واقع شده‌اند. برای این کار مناسب نبوده‌اند. بنا به گفته وی این افراد کسانی هستند که در اروپا و آمریکا و تجارب زیادی کسب کرده‌اند و به همین دلیل تأثیر حضور خارجیها چه مثبت و چه منفی نفی بر زندگی آنها نمی‌تواند چندان مهم باشد؛ درست برعکس ایرانیهایی که هرگز به خارج از کشور پا نگذاشته‌اند. در پاسخ به این سؤال که چند آمریکایی در تهران زندگی می‌کنند، وی گفت ۲۰۰۰۰ نفر. وی گفت معمولاً قادر است با مشاهده رفتار و شنیدن لهجه یک خارجی بگوید که او آمریکایی است یا نه. در پاسخ به این سؤال که آیا بیگانگان تأثیری در زندگی او دارند یا خیر؟ وی گفت که آنها یک تأثیر مثبت دارند. یک فروشگاه واقع در محله آنها اکنون به سوپرمارکت تبدیل شده و نیاز خارجیها را تأمین می‌کند. در این فروشگاه کالاهایی یافت می‌شود که در نقاط دیگر شهر غیر قابل دسترسی است به این ترتیب زندگی بخش، از غنای خاصی برخوردار شده است. در این لحظه وی اظهار داشت که گویا نخست‌وزیر گفته است که فروشگاههای سنتی ایران را به سوپرمارکتها ترجیح می‌دهد، چون سوپرمارکتها با وجود اجناس بیشمارشان چشمداشت‌های مردم را بالا می‌برند و نخست‌وزیر امیدوار است که دولت بتواند این انتظارات را برآورده سازد.

در بحث پیرامون عکس العمل موجود در قبال خارجیها، بخش گفت که به نظر او مهمترین تأثیر منفی ناشی از میزان اجاره‌بهای منازل است. وی گفت فعلاً افزایش میزان اجاره‌بها را مستقیماً به گردن خارجیها می‌اندازند، چون اجاره کردن محل سکونت برای ایرانیها یک امر واهی شده است. او می‌گوید که اغلب اظهاراتی منفی در مورد خارجیها می‌شنود، به طور مثال در صف اسکی شنیده است که مردم می‌گویند «من که برای اسکی به آلپ نمی‌روم؛ چرا آنها به اینجا می‌آیند و صف اسکی ما طولتر می‌کنند؟» (وی گفت حضور خارجیها مسئله کمبود خدمتکار را پیش کشیده و تسهیلات عمومی نیز مورد استفاده

اعضاء طبقات بالای اجتماع قرار می‌گیرد.

در رابطه با تسهیلات ویژه خارجیها، وی از کمیسری آمریکا، چند کلوپ و حوزه خلیج یاد کرد. با این وصف وی احساس می‌کند که وجود این گونه تسهیلات نیز دارای همان جنبه منفی می‌باشد. قبلاً اکثر ایرانیها از فروش اجناس ویژه در این مکانها احساس ناراحتی می‌کردند، ولی امروزه این اقلام از جمله مواد غذایی برای اکثر مردم موجود است. یکی از مهمترین نکات نگران کننده این احساس است که خارجیها بیش از ایرانیها در کارهای مشابه حقوق دریافت می‌دارند، در حالی که صلاحیت آنها نیز ممکن است بیش از صلاحیت همتهای ایرانیشان نباشد. بعنوان مثال وی گفت مهندسین مشاور گاهی کارمندان خود را از اروپا و آمریکا وارد می‌کنند تا جایگزین ایرانیانی شوند که از همان صلاحیتها برخوردارند و حتی در همان دانشگاهها تحصیل کرده‌اند. بخش گفت این شکوائیه‌ها را می‌توان در میان ایرانیهای تحصیل کرده و صلاحیت دار نیز شنید.

بخش همچنین یادآور شد که ایرانیها بین خارجیها نیز تفاوت قائل می‌شوند. وی گفت اغلب به کلوپ تهران می‌رود که محل آمد و شد افراد انگلیسی است و متوجه شده است که امروزه این محل مملو از انگلیسیهایی است که فاقد تحصیلات کافی بوده و لهجه بسیار نامناسبی نیز دارند. وی گفت اینها همان تکنوکراتهایی هستند که برای به جیب زدن پول به اینجا می‌آیند. وی گفت همین موضوع در مورد آمریکاییها نیز صادق است.

سؤال شد که نظرش در مورد سه برابر شدن تعداد آمریکاییها در این کشور چیست؟ او با حالتی بسیار افسرده گفت، بهتر است با دقت بیشتر کار کنید.» وی بار دیگر گفت این تحقیق بسیار عاقلانه است ولی خاطرنشان ساخت که آمریکاییها دارای طرز برخوردی بسیار تهاجمی بود، و این روحیه می‌تواند باعث بروز مشکلاتی جدی گردد. وی گفت: «بهتر است میزان جامعه مقیم آمریکایی اینجا را محدود سازید.» وی افزود جامعه کنونی به حد اشباع نرسیده و او نمی‌داند که نقطه اشباع آن کدام است «ولی بدون شک این نقطه اشباع وجود دارد.» حد اشباع مستقیماً به روابط بین دولتی و تغییرات آن بستگی دارد، اگر تشنج در سطوح عالی پدیدار شود، حد اشباع نیز دستخوش تغییر و تأثیر خواهد شد.» وی همچنین یادآور شد که اگر تشنجهای بحرانی داخلی رشد کند، اقتصاد کشور آسیب خواهد دید، و اگر کمبودی پدیدار شود مشکلات ظاهر خواهد شد. وی به خصوص گفت اگر در میان ایرانیها بیکاری ایجاد شود، همان طور که تعداد آمریکاییها افزایش می‌یابد، این امر می‌تواند باعث بروز کشمکشهای وخیمی شود زیرا مردم خواهند دانست که آمریکاییها شغلای آنان را از دستشان گرفته‌اند وی گفت: «این وضع می‌تواند نتایجی بسیار جدی به دنبال داشته باشد.»

وی گفت گسترش و جهان شمولی ایران هر چه باشد، روحیه ایرانی جنبه استانی دارد. به طور مثال اگر یک ایرانی به انگلستان یا آمریکا سفر کند، شهروندان این کشورها توجه نمی‌کنند که برداشت آن ایرانی از فرهنگ و تاریخ انگلستان یا آمریکا چگونه است. ولی در اینجا موضوع فرق می‌کند. در اینجا نوعی خود آگاهی وجود دارد و مردم خواهان محترم شمردن این جامعه از طرف دیگران هستند. به همین دلیل وی معتقد است که قبل از هر چیز باید تازه واردین را با فرهنگ و تاریخ ایران آشنا ساخت. ولی با اشاره به سه برابر شدن جامعه آمریکایی مقیم ایران گفت باید در قبال آن اقداماتی انجام داد و دولت من باید مانند دولت شما در مورد این مسئله نگران باشد و به آن توجه بیشتری مبذول نماید.

در رابطه با رادیو و تلویزیون، وی گفت که شخصاً به برنامه‌های هیچ‌کدام گوش نمی‌دهد (او به نوشته‌ها علاقه‌مند است). با این حال دوستانش برنامه‌های تلویزیون آمریکا را می‌بینند. وی معتقد است که در حال حاضر بخش خارجی برنامه‌ها نمی‌تواند مشکلی را در رابطه با برنامه «فرهنگی امپریالیسم» در خاک ایران پدید آورد. ولی در صورتی که مشکلاتی در زمینه بین‌الملتین یا بین‌دولتین پدید آید، وجود استودیوی پخش برنامه‌های نیروهای مسلح آمریکا می‌تواند به بحران دامن بزند. بخش همچنین اظهاراتی را در مورد یک نکته مثبت بیان داشت وی گفت در صحبتی که با هوشنگ مهرآئین از انجمن ایران و آمریکا داشت و نتیجه نیز درج یک مقاله بسیار مثبت در کیهان بود، مهر آئین به بخش گفته بود «از آنجا که من عمیقاً» به دموکراسی ایمان دارم، می‌خواهم مراکزی چون انجمن ایران و آمریکا در این کشور بیشتر گسترش یابد. نهادهایی این چنین شخصیت و غرور انسانی را حفظ کرده و نوعی سپر ایمنی برای ما نیز محسوب می‌گردد.

بخش گفت نمی‌داند که آیا واقعه‌ای ناگوار بین ایرانیها و آمریکاییها رخ داده یا خیر. وی نسبت به نحوه راندگی امروزی آمریکاییها در تهران حساسیت نشان داد و گفت این امر مشکلاتی را پدید خواهد آورد؛ ولی این احساس وی چندان تند نیست.

هنگامی که از وی خواسته شد تا در مورد تفکیک محل سکونت خارجیها نظر بدهد وی گفت کاملاً با این امر حتی در مورد نظامیان آمریکایی مخالف است. «این بدترین کاری است که می‌توان انجام داد.» وی خاطر نشان ساخت که حضور نظامیان آمریکایی در ایران برای وی محسوس نبوده ولی با تفکیک محل زندگی آنها شناسایی آنها با سهولت بیشتر صورت خواهد گرفت. وی گفت: «شما نه تنها با این کار این سهولتها را پدید می‌آورید بلکه سبب تحریک حسادت بسیاری از ایرانیها می‌شوید چون مجبورید برای آمریکاییها امکانات و تسهیلات ویژه‌ای برپا کنید.»

۲۴ فوریه ۱۹۷۶

طبقه بندی نشده

از: مشاور سیاسی - آرچی ام. بولستر

موضوع: حضور آمریکا در ایران - شهرام چوبین

به عنوان یک ایرانی تحصیلکرده در خارج (که دارای درجه دکترا در روابط بین‌الملل از دانشگاه کلمبیاست) چوبین را نمی‌توان الزاماً یک ناظر فاقد تعصب دانست. هنگامی که به ایران آمد تا به مؤسسه مطالعات اقتصادی و سیاسی بین‌المللی ببینند، چوبین تا حدودی به زبان فارسی و تکلم با آن آشنا بود، ولی قادر به خواندن و نوشتن آن نبود. بنابراین می‌توان گفت که وی بیشتر نسبت به مشکلات خارجیها در ایران ابراز همدردی می‌کند. چوبین خاطر نشان ساخت که ایرانیها معمولاً وجود خارجیها را تحمل کرده و حضور آنها در ایران برایشان عادی شده است. اروپاییها و آمریکاییها آشکارتر از دیگر خارجیها می‌باشند، و بیشتر توجه‌ها به آمریکاییها معطوف می‌گردد. چون ایرانیها می‌دانند که آمریکا بیش از هر کشور دیگر قادر به اعمال نفوذ در روند وقایع ایران است. مهمترین احساس تنفر افراد حرفه‌ای ایرانی علیه آمریکاییها ناشی از این واقعیت است که متخصصین آمریکائی اغلب از حقوق بسیار گزاف برخلاف ایرانیها برخوردارند، و این موضوع حتی در مورد ایرانیها و آمریکاییهای تحصیلکرده در یک دانشگاه نیز صادق است. یکی دیگر از ناراحتیهای ایرانیان این است که اکثر افرادی که وارد ایران می‌شوند با وضع این

کشور بیگانه، هستند «مزدورانی» در اینجا به سر می‌برند که هدفشان صرفاً پول در آوردن است و به هیچ وجه سعی نمی‌کنند طرز فکر ایرانیها را درک کنند. بهرام چوبین و یکی دیگر از همکارانش که در بخشی از مصاحبه حضور داشت (فریدون فشارکی) معتقدند که وابستگی ایران به مستشاران خارجی افزایش خواهد یافت. این امر به خصوص زمانی واقعیت پیدا می‌کند که می‌بینیم که ایران آن‌چنان تسلیحات پیشرفته‌ای را از آمریکا خریداری می‌کند که تعمیر و نگهداری آنها توسط ایرانیها ممکن نیست. هر دوی آنها معتقدند که این وضع مشکل بسیار جدی را در روابط ایران و آمریکا پدید خواهد آورد، چون ایرانیها عموماً می‌خواهند که وابستگی آنها به بیگانگان به تدریج کاهش یابد. اگر این امر تحقق نیابد، سرخوردگیهای بسیار شدیدی پدیدار گشته و منجر به پیدایش احساسات ضد بیگانه، به خصوص علیه آمریکا و آمریکاییان خواهد شد.

تاریخ: ۱۰ مارس ۱۹۷۶  
 از: مشاور اقتصادی - آقای پاترسون  
 به: مشاور اقتصادی - آقای بروین  
 موضوع: طرز فکر ایرانیها در قبال حضور آمریکا  
 مصاحبه با باری چوبین از شرکت ملی نفت ایران  
 پاسخ به سؤالات به شرح زیر است:

۱- حضور خارجیها در ایران در حال حاضر محسوستر از دو یا سه سال گذشته نیست و فقط تعداد سیاحان افزایش یافته است.

ملیتهایی که بیش از دیگران برای وی محسوس است عبارتند از انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی. وی گمان می‌کند که حدود ۴/۰۰۰ آمریکایی در تهران زندگی می‌کنند، اما پس از تکرار سؤال وی گفت هرگز به فکر شمارش تعداد وابستگان نیفتاده و فقط کارمندان خارجی را در نظر گرفته است او نمی‌داند که تعداد وابستگان خارجیها در چه حدود است. وی گفت قطعاً می‌تواند بگوید که کدام یک از خارجیها آمریکایی است. زیرا بنا به گفته او: «من با آنها بزرگ شده‌ام و با طرز راه رفتن، صحبت کردن لباس پوشیدن و غیره آنها آشنا هستم.»

۲- وی گفت تا به حال به این نیندیشیده است که آیا حضور خارجیها بر زندگی او یا خانواده و دوستانش تأثیری دارد و یا نه. وی گفت به طور کلی خارجیها صحنه تهران را دلپذیرتر می‌سازند.

۳- وی گفت در زمینه تسهیلات ویژه خارجیها تنها از حوزه خلیج و کمیسری خبر دارد، و خوشحال است که خارجیها دارای این گونه مکانهای ویژه هستند و خیلی مایل است که خود او نیز بتواند به این نقاط وارد شود. با این حال، هیچ گاه از وجود این گونه تأسیسات منجر نیست. وی گفت تنها به برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی مخصوص آمریکاییها گوش می‌دهد و معتقد است که این برنامه‌ها باید ادامه یابد. شنیده است که رویدادهای ناخوشایند بسیاری بین خارجیها و ایرانیان به وقوع پیوسته، ولی به استثنای یک مورد از جزئیات آنها اطلاعی ندارد. در عوض، می‌تواند بگوید که این رویدادها بیشتر با شراپخوارگیها مربوط بوده‌اند. مورد استثنایی مربوط به دو آمریکایی تازه وارد بود که خود را کارمندان انستیتو هودسون، ا.بی.سی و یک آژانس دولتی ژاپنی معرفی کرده بودند. مدتها قبل USIS تلگرافی به واشنگتن در مورد این واقعه فرستاد، و این دو خارجی در دفتر کار آقای چوبین به وی گفته بودند که به

خاطر افزایش قیمت‌های نفتی «روزی خواهد رسید که از این پنجره به بیرون نگاه کنید و متوجه شوید که آسمان مملو از هواپیماها و خلبانهاست.» این مسئله در ذهن چوبین باقی مانده است. آقای چوبین گفت در مورد خارجی‌های مقیم ایران نشنیده است که درگیر رویدادهای ناخوشایند شده باشند. ولی وی اذعان داشت که شاید تغییراتی پدید آمده در میزان آگاهی و روش زندگی سبب این عدم آگاهی شده باشد.

۴- وی معتقد است که برای خارجی‌ها و ایرانی‌ها بهتر است که خارجی‌ها همراه با طبقات مختلف جامعه ایران زندگی کنند نه در محوطه‌های مجزا. تفکیک محل زندگی نوعی «خود منزوی سازی» است و اگر در اطراف یک گروه خاص مرزی ایجاد کنید مورد توجه و انزجار واقع خواهند شد. وی گفت در زمینه گروه‌های بزرگی از خارجی‌ان و اسکان آنها در شهرهای استانی نیز دارای همین نظر است. وی گفت برای «او مهم نیست» که تعداد خارجی‌ها دو یا سه برابر شوند.

چوبین نیز مانند بسیاری دیگر از ایرانی‌ها گناه بالا رفتن غیر منتظره اجاره مسکن را متوجه خارجی‌ها می‌داند. او می‌داند که علت اصلی کمبود عرضه است؛ اما با وجود مشکلات عملی بر سر راه این مسئله، وی معتقد است که تمام جوامع خارجی گرد هم خواهند آمد و خواهند گفت که آری بیشترین میزان اجاره‌بها را آنان با کمال میل پرداخت کرده و می‌کنند. علاوه بر این او نیز معتقد است که مالکین ایرانی بین مستأجرین خارجی و ایرانی تبعیض قائل می‌شوند (چون می‌ترسند که اگر خانه را به یک ایرانی اجاره دهند او برای مدتها در آنجا بماند و نقل مکان نکند).

دیدگاه چوبین بیشتر جنبه شخصی و فلسفی دارد. به طور مثل وی تأکید دارد که گروه‌های مختلف باید با یکدیگر مراد داشته باشند تا سلامت آنها از طریق این آشنایی تضمین گردد. ولی چوبین تحصیلکرده انگلستان و آمریکاست و بخش اعظم زندگی‌اش را در آن کشورها سپری کرده است. زبان انگلیسی زبان مادری او محسوب می‌شود و خیلی بهتر از زبان فارسی‌اش می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که اکثر افرادی که تا بحال با آنها مصاحبه داشته‌ایم سر و ته یک کرباس باشند. اگر این مسئله صحت داشته باشد، باید بگویم که این عمل بی فایده است. من معتقدم که بخش اعظم این جامعه بسیار سنتی و مذهبی است و احساسات ضد بیگانگان در آن شدید است.

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۷۶

از: مشاور اقتصادی - لین لامبرت  
به: مشاور اقتصادی دیوید ئی وستلی

موضوع: طرز فکر ایرانی‌ها در قبال حضور آمریکا؛ مصاحبه با آقای رحیمی نژادی

از شرکت کشتیرانی یا حمل و نقل تی.تی.تی

پاسخ سؤالات به شرح زیر است:

۱- حضور بیگانگان در ایران در حال حاضر برای او محسوس‌تر از دو یا سه سال قبل است با این حال، معتقد است که حضور خارجی‌ها مفید است، چون علاوه بر تکنولوژی لازم جهت برنامه‌های عمرانی ایران کارگران ماهری را که در این کشور به خصوص در بخش ساختمان‌های کم است تأمین می‌کنند. وی معتقد است که حضور خارجی‌هایی که قبلاً در کشورهای دیگری زندگی کرده‌اند، مفیدتر از حضور آمریکایی‌ها تازه از آمریکا خارج شده در ایران است. معتقد است که آن دسته از خارجی‌هایی که در رویدادهای داخلی

شرکت می‌کنند و عادات و رسوم ایرانیها را اقتباس می‌کنند، بهتر از دیگران در ایران زندگی کرده و مورد احترام مردم واقع می‌گردند. بنا به اعتقاد او آمریکاییها و کره شمالیها بخش اعظم خارجیهای مقیم تهران را تشکیل می‌دهند و طبق برآوردی حدود ۱۰/۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می‌برند. وی مدعی است که با مشاهده لباس، ظاهر، و رفتار یک خارجی می‌تواند آمریکایی بودن یا نبودن وی را تشخیص دهد. علاوه بر این قادر است اتباع اروپای شمالی را از اتباع جنوب اروپا تمیز دهد، ولی نمی‌تواند کشور هر یک را مشخص نماید.

۲- حضور خارجیها بر زندگی او، خانواده و دوستانش تأثیر خاصی ندارد. در مورد تسهیلات ویژه خارجیها، وی گفت که تنها از کمیسری آمریکایی خبر دارد، ولی در مورد آن نظری ندارد. اغلب اوقات به برنامه‌های رادیو و تلویزیون آمریکا گوش می‌دهد، خواستار ادامه کار آن است و امیدوار است که در محتوای آنها بهبودی حاصل گردد. فرزندان آقای نژادی در مدرسه خارجیها درس می‌خوانند و به برنامه‌های آمریکایی گوش می‌دهند تا در زبان انگلیسی پیشرفت کنند.

او می‌داند که بین ایرانیها و خارجیها اتفاقات ناگواری رخ داده است. او مدعی است که اکثر این رویدادها ناشی از شرابخوارگیهای آمریکاییهای طبقه پایین اجتماع و رفتار تهاجمی آنها در قبال ایرانیها می‌باشد. وقوع این اتفاقات در سالهای اخیر افزایش یافته، ولی اقلیت کوچکی از آمریکاییهای مقیم ایران را شامل می‌گردد.

۳- آقای نژادی معتقد است که خارجیها باید با نحوه زندگی انطباق پیداکنند، چون هر دو طرف باید از فرهنگ یکدیگر مطلع شوند. وی معتقد است که ایجاد محیطهای زندگی جداگانه مشکلات فرهنگی را به وجود خواهد آورد و منافع ناشی از تبادل بین‌المللی را از بین خواهد برد. طرز فکر او در قبال ایجاد این محله‌ها چه در تهران، شیراز و یا دیگر استانها یکسان است. وی از ورود خارجیهای بیشتر در پنج سال آینده در زمینه مهارتها و کمک برنامه‌های عمرانی ایران استقبال می‌کند. وی خواستار آن است که خارجیها بیشتر با فرهنگ ایرانی آشنا شوند، و تنها کسانی به ایران فرستاده شوند که علاقه‌مند به زندگی بین‌المللی و فراگیری فرهنگ ایران هستند.

لامبرت

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۷۶

محرمانه

از: آلبرت اس. چاپمن

به: بخش سیاسی - جان استمپل

موضوع: بررسی غیر رسمی طرز فکر ایرانیها در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

آقای بهروز شاهنده

پاسخ به سؤالات به شرح زیر است:

۱- بلی، حضور خارجیها در ایران بیش از ۲ یا ۳ سال قبل محسوس است. البته او آمریکاییها را در میان آنها بیشتر دیده و اخیراً آلمانی و آسیای شرقیها را نیز مشاهده کرده است. وی تصور می‌کند که حدود ۱۰۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می‌برند. بلی، او می‌تواند بگوید که یک خارجی آمریکایی است یا نه و برای این کار از ظاهر (لباس، رنگ پیراهن) اخلاق و صدای او استفاده می‌کند.

۲- خیر، حضور خارجیها بر زندگی وی یا خانواده و دوستانش تأثیر مستقیم ندارد. ولی، حضور



خارجیها به‌طور غیر مستقیم بر حیات ایرانیها تأثیر می‌گذارند، مثلاً سبب کمبود مسکن اجاره‌ای شده است. وی گمان می‌کند که در ابتدای کار استقرار شرکتهای خارجی در تهران در سالهای اخیر، به‌علت جستجوی تهاجمی آنها برای مسکن و وسیله حمل و نقل، قیمت این امکانات به‌سرعت افزایش یافته است. بسیاری از صاحبخانه‌های ایرانی ترجیح می‌دهند که منازل خود را به خارجیها اجاره دهند. چون بالاخره خارجیها این منازل را ترک کرده و آنان نیز به خانه‌های خود می‌رسند. از تسهیلات ویژه خارجیها تنها می‌تواند به ذکر نام حوزه خلیج پردازد. وجود این مکان برای وی مهم نیست، ولی نقش آن به‌انزوا کشانیدن آمریکاییهاست. وی معتقد است که این گونه تسهیلات سبب بروز عکس‌العمل ایرانیها می‌گردند. وی اغلب به برنامه‌های تلویزیون و رادیویی آمریکا گوش فرامی‌دهد. اغلب اوقات نیز در اتومبیل خود به رادیویی آمریکا احتمالاً به خاطر موسیقی آن گوش می‌دهد. علاوه بر این دوست دارد ورزش و فیلمهای آمریکایی را از طریق این تلویزیون ببیند. (آقای شاهنده سالهایی از عمر خود را در آمریکا گذرانده است او می‌داند که بین ایرانیها و خارجیها مسائل ناخوشایندی به‌خصوص در رابطه با زندگی آپارتمانی، بلند صحبت کردن و سوء تفاهم ناشی از عدم آشنایی به زبان پدید آمده است. او در این زمینه از انگلیسیها یاد کرد، ولی معتقد است که همه خارجیها با این گونه مسائل روبرو هستند که این وقایع بیشتر در روزهای ملی آنها رخ می‌دهد. وی معتقد است که این رویدادها افزایش یافته چون شکایات بسیاری را شنیده است. ۳- وی دوست ندارد که خارجیها در محل زندگی منفکی به سر برده و در همانجا کار و زندگی کنند. وی معتقد است که این کار سبب پیدایش خصومت بین طرفین می‌گردد در حالی که هدف اصلی آن کاهش اصطکاک بوده است. ایجاد این گونه محیطها بدین معنی است که خارجیها و ایرانیها یکدیگر را نمی‌پذیرند و نمی‌توانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. اگر قرار باشد گروه‌های بزرگ از خارجیها در شهرهای استانی اسکان یابند، وی اعتراضی ندارد، ولی امیدوار است که تعداد آنها دستخوش افزایش آنچنانی شود. وی معتقد است که خارجیها از استقبال طبیعی ایرانیها محروم مانده‌اند. زیرا آنها یا فراتر از تسهیلات فراهم آمده برای تأمین نیاز خود به‌خصوص در زمینه مسکن گذاشته‌اند. اگر تعداد خارجیها دو یا سه برابر شود، خوشایند نیست. چون تسهیلات ایجاد شده برای آنها از هم اکنون دچار تراکم شده و موجب بروز تشنجاتی میان خود و ساکنین محلی گشته است.

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۷۶

محرمانه

از: ا.اس. چاپمن

به: جان استمپل

#### موضوع: طرز فکر ایرانیها در قبال حضور آمریکا

مصاحبه با علی قاضی، رئیس بخش دریافت اطلاعات کامپیوتری سازمان برنامه و بودجه دولت ایران

۱- آقای قاضی گفت که حضور خارجیها بیش از دو یا سه سال قبل برای او محسوس است و بیش از همه از حضور آمریکاییها با خبر است، ولی می‌داند که تعداد بسیاری از اروپائین نیز در اینجا به سر می‌برند. وی معتقد است که حدود بیش از هفت هزار آمریکایی در تهران زندگی می‌کنند و معمولاً با شنیدن لهجه یک خارجی، قد و قامت و طرز لباس پوشیدنش می‌تواند بگوید این فرد آمریکایی است یا خیر.

۲- خیر، معمولاً حضور خارجیها بر زندگی او، خانواده و دوستانش هیچ‌گونه تأثیری نداشته است. وی گفت که شخصاً با یک شرکت آمریکایی همکاری نزدیک دارد و خانوادهايشان اغلب با یکدیگر دیدار

می‌کنند. معمولاً آمریکاییها دوست دارند در محیط خودشان مرادده داشته باشند. او از وجود تسهیلات ویژه خارجیها در تهران مطلع است و گفت که می‌داند که یک کلوپ آمریکایی در نزدیک خیابان دروس وجود دارد (ولی نام کلوپ را نمی‌دانست و نیز خبر نداشت که حتی ایرانیها نیز می‌توانند در آن عضو شوند). وی گفت: «بنابه تصور من این کلوپها نباید در انحصار خارجیها باشد. چون این کار در کشور شما مجاز نیست». وی گفت که اغلب به رادیو آمریکا گوش می‌دهد، چون او و همسرش هر دو به موسیقی پاپ علاقه‌مندند. ولی به برنامه تلویزیون آمریکا گوش نمی‌دهیم چون باید آنتن ویژه داشته باشیم. وقتی از وی سؤال شد که آیا به نظر او کار تلویزیون و رادیو آمریکا در اینجا باید ادامه پیدا کند، وی پس از قدری تأمل گفت باید تحت نظارت رادیو و تلویزیون ملی ایران قرار گیرند. در پاسخ به سؤال مربوط به رویدادهای ناخوشایند بین آمریکاییها و خارجیهای مقیم اینجا وی گفت مطالب بسیاری شنیده است. وی گفت به نظر او آمریکاییهای مقیم تهران قابل تقسیم به دودسته هستند: «آمریکاییهای تحصیل کرده که مزاحمتی فراهم نمی‌کنند، اما در بعضی از موارد آمریکاییهای طبقه کارگر قادر به انجام یک گفتگوی منطقی با ایرانیها هستند، و گاهی نیز لحن بیانشان از جنبه ناخوشایندی برخوردار می‌شود. او نمی‌داند که بجز آمریکاییها، خارجیهای دیگر نیز در این رویدادها دخیل بوده‌اند یا نه، اما گمان می‌کند که مشکلاتی در رابطه با آنها نیز وجود داشته است. وی معتقد است که این وقایع در سالهای اخیر بسیار کاهش یافته است.

۳- او عمیقاً معتقد است که خارجیهای مقیم تهران باید در سرتاسر شهر پراکنده شوند، در غیر این صورت انزوای آنان شدیدتر می‌شود و امکان تماس بیشتر و پیدایش اصطکاک افزایش می‌یابد. وی می‌گوید که حتی اگر قرار بر افزایش تعداد خارجیها باشد باز هم باید اصل پراکندگی در میان آنان رعایت شود، چون معتقد است که ایران به تکنولوژی غرب احتیاج دارد بنابراین خارجیها باید به ایران آمده و شرکتهای مدرن را به راه بیندازند. «انتقال مؤثر تکنولوژی به ایران تنها از طریق زندگی هماهنگ خارجیها و ایرانیها ممکن می‌گردد و انفکاک محل زندگی نمی‌تواند تماس لازم را بین آنها پدید آورد.»

#### محرمانه

آقای مهابی، رفتگری که در جنوب خیابان نادری کار می‌کند

این فرد بین ۵۵ تا ۷۰ سال دارد و مدت ۲۵ سال است که در شغل حاضر کار می‌کند. عقاید و نظارت وی در واقع با چهارچوب روشنفکرانه تحقیق ما منطبق نیست، ولی از آنجا که این نظریات ممکن است نمایانگر نظریات بسیاری از ایرانیهای طبقه پایین باشد، آن را از نظر شما می‌گذرانم:

مهابی معتقد است که تعداد خارجیها در تهران احتمالاً بیشتر شده است، ولی به خاطر کثرت تعدد نمی‌توان شمار آنان را مشخص نمود کثافتکاری همه بیشتر شده است، خصوصاً جوانان ایرانی که آشغالهای خود را از ماشینها بیرون می‌ریزند. ولی خارجیها هیچ‌گاه خیابانها را کثیف نمی‌کنند. خارجیها برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کنند. آنها واقعاً مانند بعضی از مقاماتی که او می‌شناسد بد نیستند و او امیدوار است که بعضی از آمریکاییها نیز به محله وی نقل مکان کنند، چون دوستانش که در عباس‌آباد هستند می‌گویند که آنها خوب انعام می‌دهند «مهم نیست که خارجیها در کجا زندگی می‌کنند؟ من خودم به اندازه کافی در دسر دارم.» (این عبارت آخر بویی از دیوانگی لیکن جنون بی‌آزار فرد مورد نظر را داشت، بنابراین

این دوستانه از یکدیگر جدا شدیم.»

## انجمن ایران و آمریکا

بررسی غیر رسمی طرز فکر ایرانیها در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران مدیر واحدهای درسی با یک معلم ایرانی که به‌طور نیمه وقت زبان انگلیسی تدریس می‌کنند مصاحبه کرد. فرد مورد نظر در حین مصاحبه همکاری لازم را مبذول داشت و برایش بسیار خوشایند بود که فرصتی برایش پیش آمده تا نظریاتش را ابراز دارد.

۱- وی گفت که قطعاً بیش از دو تاسه سال گذشته حضور خارجیها محسوس است.

- آمریکاییها

- ۱۰۰۰۰ نفر

- خیر

۲- وی گفت حضور خارجیها بر زندگی، او خانواده و دوستانش تأثیر بسیار دارد. او و دوستانش نمی‌توانند آپارتمانی را با قیمتی مناسب اجاره کنند. صاحبخانه‌ها ترجیح می‌دهند که منازل خود را به خارجیها اجاره دهند، چون اجاره زیادی پرداخت کرده و در یک محدوده زمانی خاصی مکانها را تخلیه می‌کنند.

- هنگامی که گروههایی از ایرانیها به کلونپهای شبانه و غیره می‌روند مردان خارجی اغلب از دختران می‌خواهند که با آنها برقصند و این امر برای مردان ایرانی ناخوشایند است. وی به ذکر یک نمونه در هتل هیلتون پرداخت که در نتیجه گروه همراه وی بسیار عصبانی شدند، ولی عکس‌العمل خشونت‌باری از خود نشان ندادند.

- بلی، او از وجود تسهیلات ویژه خارجیها در تهران مطلع است. او از هتل اوین بعنوان یکی از این مکانها یاد کرد و گفت بخشی از هتل تنها دلار را به عنوان وسیله خرید می‌پذیرد. از مرکز بولینگ نیز به عنوان یکی دیگر از این موارد یاد کرد که ایرانیها باید برای ورود به آن پول بپردازند، ولی خارجیها از پرداخت آن معافند. ولی با کنترل قیمتها این وضع تغییر کرده است.

- وی از انجام این اعمال ابراز تنفر کرد.

- او به برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی آمریکا گوش می‌دهد. در مورد تلویزیون و رادیویی نیروهای آمریکایی احساس منفی ندارد، ولی او و دوستانش به وجود برنامه انگلیسی در تلویزیون ایران مشکوک هستند.

علاوه بر این از اینکه برنامه‌های تلویزیون انگلیسی دیرتر از برنامه‌های فارسی شروع می‌شود بدشان می‌آید. وی گفت برنامه‌های تنها ایستگاه اف ام تهران بسیار فشرده و زیاد است.

- او شکایات مداوم خارجیها از وضع ترافیک را یکی از رویدادهای ناخوشایند می‌داند، آنها تنها به شکایت کردن از وضع ترافیک و مسکن اکتفا می‌کنند، ولی با درآوردن پول بسیار ثروتمند از قبل از ایران خارج می‌شوند.

- این خارجیها حتماً از یک کشور خاصی نیستند. (گمان می‌کنم منظور وی آمریکایی است در حالیکه اکثر افراد مورد تماسش آمریکایی می‌باشند).

- او معتقد است که وقوع رویدادها افزایش یافته و افزایش خواهد یافت.
- ۳- بلی، او نیز معتقد است که خارجیها و ایرانیها قطعاً باید با یکدیگر کار کنند.
- در صورتی که تعداد خارجیها افزایش یابد حتی در دیگر استانها باز هم همین نظریه را دنبال می‌کند.
- افزایش خارجیها به میزان دو یا سه برابر در پنج سال آینده او را نگران خواهد نمود.

### اظهار نظر

برداشت من این است که این فرد از اینکه فرصت اظهار نظر یافته بسیار خوشحال است. وی همچنین یاد آور شد که بنا به گفته دوستانش خارجیها بیش از ایرانیهای مشغول به کارهای مشابه حقوق دریافت می‌کنند، وی گفت ایرانیها نیز در طرز لباس پوشیدن شبیه غربیها هستند که بیشتر جنبه تصنعی دارد.

تاریخ: ۱۶ مارس ۱۹۷۶ - ۲۵ اسفند ۱۳۵۴  
 از: مشاور اقتصادی دیوید ئی. وستلی  
 به: مشاور سیاسی - جان استمپل  
 موضوع: طرز فکر ایرانیان در مورد حضور آمریکا؛ مصاحبه با آقای مایک پیشوائیان،  
 مدیر بازرگانی شرکت دیزل اتوپارت

آقای پیشوائیان اظهار داشت که در حال حاضر در مورد حضور بیگانگان در ایران مطلع تر است و این آگاهی بیش از همیشه در مورد حضور آمریکاییها صادق است. وی حدس می‌زند که حدود ۴۰/۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می‌برند. وی اظهار داشت که به سادگی باروئیت طرز لباس پوشیدن، سخن گفتن و اقدامات یک فرد می‌تواند بگوید که او آمریکایی است یا خیر (به طور مثال، یک آمریکایی در هنگام صرف غذا و طرز استفاده از قاشق و چنگال روش خاصی دارد و برای صرف غذایی دیگر اقدامات لازم را در یک رستوران انجام می‌دهد و منتظر همراهان خود نمی‌شود تا غذای خود را کاملاً صرف کنند).

آقای پیشوائیان گفت حضور خارجیها سبب معرفی عقاید جدید و مفید و بالا رفتن سطح زندگی از طریق معرفی غذاهای جدید می‌گردد. در مورد آخر، وی از تأثیر وضع غذایی که توسط آمریکاییها در ژاپن معمول گردید و نیز جنبه‌های مثبت آن بر بهداشت و وضع ظاهری ژاپنیهای بعد از جنگ جهانی دوم سخن گفت. پیشوائیان در مورد کمیسری و USAFOOM و کلپ پیکان مطالب زیادی می‌دانست و نیز واقف بود که این مراکز مختص آمریکاییهاست و او و ایرانیها از این مسئله ناراضی هستند، زیرا آمریکاییها در صورت تمایل از این مزایا برخوردار می‌شوند، اما وی احساس می‌کند که آمریکاییها بین خودشان تبعیض بسیار قائل می‌شوند. وی گفت با استفاده از کمیسری می‌تواند هر محصول آمریکایی مورد نظر خود را دو یا سه برابر قیمت اصلی خریداری کند.

وی گفت در منزلش (همسرش آمریکایی است) همه فقط به رادیو و تلویزیون آمریکا گوش می‌دهند. فرزندانش زمانی کانال ایرانی را باز می‌کند که قرار باشد فیلم آمریکایی به نمایش گذاشته شود تا با استفاده از موج اف. ام بتوانند زبان اصلی فیلم را نیز بشنوند. به نظر وی این کار در آموزش انگلیسی به کودکان بسیار مفید است. وی گفت در صورت افزایش محتوای ایستگاه ایرانی باز هم ایستگاه آمریکایی باید فعالیت خود را دنبال کند.

پیشوائیان گفت که شخصاً در مورد وقوع رویدادهای ناپسند بین آمریکاییها و ایرانیها خبری ندارد،

ولی می‌داند که بین خود آمریکاییها این وقایع رخ داده است علاوه بر این وی نمی‌تواند، بگوید که میزان این وقایع افزایش یا کاهش یافته است.

پیشوایان معتقد است که وضع کنونی زندگی خارجیها که در چند نقطه تهران پراکنده شده‌اند بهتر از تراکم آنها در یک محوطه است، ولی خاطر نشان ساخت که آمریکاییها (و خارجیهای دیگر) همیشه در نقاط معینی گرد می‌آیند. وی گفت ایرانیها اساساً میهمان نوازند. در مورد دیگر شهرهای ایران و یا در صورت مضاعف شدن خارجیها نیز همین عقیده را دارد. در همان حال وی اظهار داشت، درست است که هجوم خارجیها خوب است و در اینجا از ایران و اسرائیل به عنوان دو کشوری که در نتیجه هجوم نفوذ خارجی و نیز ازدواجها گامهای بزرگی برداشته‌اند یاد کرد - ولی افزود نمی‌خواهد شاهد افزایش هجوم پاکستانیها و غیره به جای آمریکاییها، انگلیسیها و آلمانیها باشد.

اظهار نظر: سخنان پیشوایان دارای دیدگاهی خاص است. او در آمریکا (آیوا) تحصیل کرده است. ده سال از عمر خود را در آمریکا گذرانده است، دارای همسری آمریکایی و یک کارت سبز است و احتمالاً در همین ایام به آمریکا مهاجرت خواهد کرد. علاوه بر این برای شرکتی کار می‌کند به نام آلیس چالمرز که دارای خط و خطوط بسیار آمریکایی است. با وجود اینکه سعی داشتیم حد اعلای دنائت پیشوایان روشن شود، ولی او در صراحت خود جانب احتیاط را نیز رعایت می‌کرد.

#### محرمانه

محسن دربانی، مدیر کارگزینی، شرکت آسانسور اوتیس در

دربانی پنج سال مشاور وزیر کشور یعنی جمشید آموزگار بود و این کار تا دسامبر گذشته ادامه داشت؛ در مورد حضور واقعی بیگانگان در ایران مطالب بسیاری می‌داند و شاید بتوان گفت که مطلعترین کسی است که تا به حال با وی مصاحبه کرده‌ام. دربانی می‌گوید شمار خارجیهایی که در ایران به سر می‌برند طی چهار سال گذشته افزایش چشمگیری یافته است. در حال حاضر تعداد پاکستانیها، هندیها، فیلیپینیها و اتباع کره جنوبی بیشتر شده و افزایش حضور اتباع اروپایی از جمله آمریکایی معتدل بوده است. مشکل اصلی وجود فیلیپینیها و اتباع کره جنوبی در مشاغل است که می‌تواند توسط ایرانیها اشغال شود.

(اظهار نظر: در عین حال این دو گروه از خارجیها ظاهراً افرادی ماهر در زمینه ساختمانی، رانندگی کامیون و غیره به شمار می‌آید، ولی بنا به گفته دربانی، ایرانیها آنان را کارگرانی چندان ماهر به خصوص در حوزه خلیج فارس به حساب نمی‌آورند.) ایرانیها نمی‌دانند که چرا باید کار با آسیاییهای (در اغلب موارد) بی‌سواد را بپذیرند در حالی که خود می‌توانند در زمینه مهارتهای لازم آموزش ببینند. اکثر ایرانیها احساس تنفیری نسبت به آمریکاییها و آلمانیها ندارند. چون می‌دانند که این خارجیها «مهارتهایی را به کشورشان وارد می‌کنند که آموختن آنها مدت بسیاری به طول می‌انجامد» که خود امتیازی برای اروپاییها و آمریکاییها به حساب می‌آید. از دیدگاه دربانی مشکلات اصلی ناشی از هجوم آسیاییها به این کشور است، و به ورود تعداد بی‌شمار اروپاییها ربطی ندارد، چون این دسته تجاوزی به حیات شهروندان کشور ندارند. به نظر وی هیچ‌گونه تسهیلات خاص در اختیار این خارجیها قرار داده نشده است. (دربانی نیز مانند بسیاری دیگر از افراد مصاحبه شده ایستگاههای تلویزیونی و رادیویی نیروهای مسلح آمریکا را بخشی از تأسیسات محلی یعنی صرفاً برای استفاده ایرانیها و خارجیها می‌داند.)

محل زندگی آمریکاییها و اروپاییها تفاوت چندانی را در اصل مسئله ایجاد نمی‌کند، چون آنها در مقایسه با دیگران از جمله پاکستانیها و دیگر اتباع آسیایی، خطری علیه ایرانیها ایجاد نمی‌کنند. به نظر درباری ایجاد محلات خاص آمریکاییها امری منطقی نیست زیرا مانع از انطباق پذیریهای فرهنگی می‌گردد «و آمریکاییها بیش از دیگران مایل به ادامه این روند هستند»، اما وی معتقد است که ایجاد این‌گونه محلات برای آسیاییها به نفع دولت است زیرا خواهد توانست جنبه‌های امنیتی این جوامع خارجی را بهتر کنترل کند.

مصاحبه مرلین مک‌کافی با مهناز افخمی، وزیر مشاور در امور زنان، در محل دفتر کارش در تاریخ یکم مارس

در تمام طول صحبت مهناز مؤکداً می‌گفت که وی شخص صاحب نظری نیست زیرا آن قدر مشغول کار است که می‌توان گفت که وی منزوی است. بنا به گفته خودش وی تا ساعت ۸ شب کار می‌کند و هیچ‌گاه قبل از ساعت ۹ به منزلش نمی‌رود و آن قدر خسته است که ترجیح می‌دهد فوراً به خواب برود. در یکی از دو شب از هفته که دعوتنامه‌هایی را قبول می‌کند، ضیافت‌ها بیشتر جنبه رسمی یافته و فرصتی برای صحبت کردن با مردم به وجود نمی‌آید.

وی همچنین گفت که دوستدار آمریکا و آمریکائیان است -- «من در آنجا بزرگ شده‌ام. آنجا کشور دوم من است» او تا آنجا پیش رفت که تشخیص نمی‌داد دیگرانی که نسبت به او علاقه کمتری به آمریکا دارند ممکن است به این طرز گفتار وی حساس شوند برای مثال گفت که شوهرش پس از دبیرستان به آمریکا رفت و وی گفته بود که او ممکن است مسائل را به گونه دیگری ببیند. با این حال صحبت‌های ما دارای نکاتی جالب توجه نیز بود:

برنامه بین‌المللی تلویزیون ملی ایران مورد تنفر همه و به خصوص کسانی است که آن را تماشا می‌کنند. چرا این اوقات با ارزش باید صرف انتشار برنامه‌های انگلیسی زبان گردد؟ تلویزیون نیروهای مسلح آمریکایی مورد قبول است، زیرا گردانندگان آن آمریکایی هستند. آنچه مردم را عصبانی می‌کند این است که چرا تلویزیون ایران باید پخش انگلیسی زبان داشته باشد. طبق برآورد مهناز بین ۵۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰ خارجی در ایران به سر می‌برند. ولی از تعداد آمریکاییها در این کشور اطلاعی ندارد. وی گفت مطمئن است که تعداد آنها افزایش یافته، ولی با اشاره به زندگی «منزوی» خود گفت که این افزایش برای او محسوس نبوده است. وی گفت قبلاً در مورد عکس‌العملهای منفی مطالب بسیاری می‌شنید، ولی بنا به گفته خودش، زندگی وی در آن زمان عاری از محدودیتهای کنونی بود.

او نگران افزایش احتمالی تعداد خارجیها نبود، ولی سؤال موجود در ذهن وی این بود که این شهر چگونه قادر به جذب آنها خواهد بود (مثلاً از نظر مسکن).

به نظر وی ایجاد زیستگاههای متراکم برای آمریکاییها مثمرتر نیست، حتی اگر این کار برای عده خاصی باشد و نه برای همه. در عین حال که بعضی از مشکلات حل خواهد شد، ولی به صورت امری تأسّف‌بار ظاهر خواهد گردید. آمریکاییها نخواهند توانست در مورد فرهنگ ایرانی مطالبی فراگیرند درست مانند این که در آمریکا زندگی می‌کنند. علاوه بر این وی فکر می‌کند که تأثیر وجود زنان خارجی بر

وضع زنان ایرانی خوب بوده و خواهد بود.

مهناز گفت که اصولاً به واسطه کارش در سازمان زنان ایرانی با زنان طبقه پایین اجتماع ایران و مقامات دولتی سرو کار دارد. به نظر وی طبقه متوسط و به خصوص افراد بالای این طبقه، از بیشترین تأثیر برخوردار هستند و بیشترین عکس‌العمل را نشان خواهند داد.

وی ساعات بسیاری را صرف گفتگو در مورد مشکلات زنان موجود در این طبقه می‌کند. آنها مشکلات بسیاری از جمله اجاره‌نشینی دارند، اما این امر به خارجیها ارتباطی ندارد. آنها اصلاً نگران خارجیها نیستند. در میان مقامات دولتی و به خصوص تصمیم‌گیرندگان، تنفر فزاینده‌ای نسبت به فرهنگ وارداتی وجود دارد. تصمیم‌گیرندگان، تنفر فزاینده‌ای نسبت به فرهنگ وارداتی وجود دارد. «علی‌احضرت همیشه در مورد آن سخن می‌گوید. یعنی باید برای مشکلات محلی راه‌حلهای محلی یافت شود.»

مقامات دولتی از تبلیغات مطبوعاتی که در مورد آنها در آمریکا به راه می‌افتد، ناراحت و عصبانی هستند. این عصبانیت جنبه عمیق شخصی پیدا کرده است، مقامات ایرانی بیش از پیش حساسیت پیدا کرده‌اند زیرا ایران بیش از پیش مورد حمله و انتقاد واقع می‌گردد. «این امر به میزان زیادی غیر منصفانه است.»

شاید مقامات دولتی بیش از حد حساس شده، و شاید از ماهیت مطبوعات آمریکایی بی‌خبر باشند، اما نسبت به آن حساسیت بسیار نشان داده و ابراز تنفر می‌نمایند، و این تنفر در درون کشور محسوس‌تر است. «یکی از این موارد داستان ماریون جاویتس است. اگر عراق به جای ایران قرار داشت هرگز با آن این‌گونه برخورد نمی‌شد.»

روحیه غالب در کشور روحیه‌ای در حمایت از خارجیها نیست بلکه بیشتر جنبه ناسیونالیستی پیدا کرده است. حتی همسران خارجی ایرانیها نیز در وضع بدی به سر می‌برند، چون تازگی موضوع از بین رفته است. قبلاً با آنها به عنوان افراد جالب توجه صمیمانه برخورد می‌شد. ولی در حال حاضر این‌طور نیست آنها بیش از این مورد اغماض واقع نمی‌شوند. اکنون با مزاحمت‌های موجود در فرهنگ ایرانی آشنا شده‌اند. اشتباه آنها دیگر «امری جالب توجه» نیست.

#### مصاحبه میلز با دکتر ضیائی رئیس کمیته روابط خارجی مجلس

۱- از وجود خارجیها بیشتر مطلع است. ولی از تراکم آنها چیزی نمی‌داند. ۸-۶ ماه قبل یعنی در دوران رونق اقتصادی وضع خیلی خوب بود، زیرا هرکس سعی داشت قراردادی منعقد ساخته و پولی را به جیب بزند. اکنون حرکت این موج تمام شده است. در حال حاضر در وی احساس انزجاری وجود ندارد. افراد معقول و منطقی می‌دانند که وجود متخصصین خارجی برای انجام کارها ضروری است، به همین جهت حاضر به پرداخت هزینه‌ها و تحمل وجود آنها نیز هستند. در مورد کارگران باید اقداماتی در جهت تنظیم ورود آنان به عمل آید تا مانند کشورهای اروپایی دچار دردسر نشویم. بعضی از جوانان چپ‌گرا در این مورد ابراز انزجار کرده‌اند. اما عده آنها نیز کم است، وی می‌گوید که حدود ۴۰۰۰ - ۲۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می‌برند. او نمی‌تواند تفاوت بین آمریکاییها و دیگر اتباع کشورهای غربی را بیان کند، ولی وقتی که به یک می‌خانه، یا هتل آمریکایی مانند می‌رود احساسی متفاوت دارد. گاهی اوقات آمریکاییها

بیش از دیگران با صراحت سخن می‌گویند (منظورش کله شقی و لجاجت است).  
۲- فاقد تأثیر در مورد کلوبها و PX مطالب بسیاری می‌داند، ولی مردم از آنها بیزار نیستند. به نظر آنها وضع درمان و تندرستی آمریکاییها بهتر شده است، لیکن از این امر خوششان نمی‌آید (من او را از آن میرا کردم) این افسانه که آمریکاییها با جیب پر وارد می‌شوند هنوز به قوت خود باقی است، ولی در حال تغییر است.

او به برنامه‌های تلویزیون آمریکا نگاه می‌کند، و در حین رانندگی اخبار را به گوش می‌دهد و این برنامه‌ها را دوست دارد، مردم نیز معترض نیستند.  
وی در مورد اجاره نشینها اخبار نامعقولی شنیده است. در گذشته این گونه رویدادها جنبه عمومی داشته و پر درسر بوده است.

۳- وی هوادار اختلاط ایرانیها و خارجیهاست. انزوا مسائلی را به وجود می‌آورد که در انگلستان نمونه‌های آن دیده شده بود و هنوز هم باعث انزجار و تنفر آنهاست. اگر ناگهان تعداد زیادی از خارجیها وارد استانها شوند، می‌توان آنها را موقتاً جدا نگاه داشت تا به یکدیگر عادت کنند، ولی اگر قدرت انطباق‌پذیری وجود داشته باشد، نیاز به منزوی سازی نیست. باید آنها را به عنوان بخشی از حیات عمومی جامعه نگاهداشت.

در عکس‌العمل در مورد خبرهای حاکی از سه برابر شدن، وی گفت که از روسها هندیهها، پاکستانیها متنفر است، چون تعداد افراد خانواده‌شان بسیار زیاد است. کثرت تعداد آنها در ایران سبب می‌شود که ایرانیها نتوانند مهارتهای لازم را فراگیرند. غریبهها مورد تنفر نیستند، زیرا منافعی را نصیب کشور می‌سازند؛ افرادی چون بازرگانان، سرمایه‌گذاران و تکنیسینها برای این منظور مناسبند، لیکن تعداد کارگران ماهر و نیمه‌ماهر کاهش یابد.

بررسی طرز فکر ایرانیها در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران  
مصاحبه گوردون وینکلر با خداداد فرمانفرمائیان، رئیس بانک صنعتی ایران، ۱۶ مارس ۱۹۷۶، محل مصاحبه در انجمن ایران و آمریکا

به خداداد توضیح دادم که این مصاحبه چیست و او خواهش کرد که به او اجازه دهم تا در آغاز مطلبی را بیان کند و پس از آن به طرح سؤالات پرداخته شود.

خداداد در آغاز مطلب گفت اقدامات سفارت در تحقیق پیرامون این موضوع بسیار بجاست، ولی بهتر است این مسئله را زیاد بزرگ نکنیم. او نگران از این است که مبدا نگرانی خود ما مسئله را برای ایرانیها بزرگ جلوه‌گر سازد. وی گفت از اینکه تنها با ۲۵ یا ۳۰ نفر مصاحبه کرده‌ایم خوشحال است و یادآور شد که هر یک از این افراد می‌تواند به نخست وزیر و یا یک مقام عالیرتبه دیگر بگوید که «سفارت آمریکا در مورد این مسئله ابراز نگرانی کرده بنابراین ما هم باید نگران باشیم.» بدین ترتیب نخست وزیر نیز مسئله را با شورای وزیران و یا مقامات عالیرتبه دیگر در میان خواهد گذاشت.

خداداد گفت ۱۵ تا ۱۸ سال قبل آمریکاییها به اینجا وارد شدند و در آن زمان بیش از آنچه در حال حاضر است برای ایران مسئله‌ساز بودند، چون امروز دستخوش تغییرات بسیار شده است. یک و نیم دهه قبل این کشور تنها جنبه استانی داشت. امروزه مردم بیشتری باسواد شده، تلویزیون دارند و به عبارت



دیگر بین‌المللی شده‌اند. خداداد گفت: «به این ترتیب ما به دیدن شما عادت کرده‌ایم.» او از جوی که از زمان تصدی امور توسط سفیر هلمز به وجود آمده بسیار ستایش نمود. وی معتقد است که سفیر حضور خود را خالی از جنجال نگاه می‌دارد و در اطراف کشور برای انجام سخنرانی حضور نمی‌یابد. و حتی «ظاهراً» سعی دارد مانع از چاپ عکس خود در روزنامه‌ها گردد. وی گفت مشخص است که انجمن ایران و آمریکا و دیگر عناصر سفارت نیز طبق اوامر سفیر دریافته‌اند که حضور آنها در اینجا نباید با جنجال و تبلیغات بسیار توأم باشد.

خداداد گفت نکته مهم این است که ما نباید روابط ویژه بین دو کشور را به رخ همگان بکشیم. بارها و به کرات از روش سفیر هلمز، طی سه سال گذشته از مأموریتش در ایران تمجید نمود. از وی سؤال شد که آیا حضور بیگانگان در ایران در حال حاضر محسوس‌تر از گذشته است یا خیر و خداداد جواب داد: «کلاً آری».

وی یادآور شد که افزایش سریع درآمدهای نفتی بسیاری از آمریکاییها و اتباع دیگر به خصوص بازرگانان را به تهران جلب و جذب کرده است. فعالیت بسیاری از این افراد پول ساز برای وی محسوس است و ظاهراً ناراحت است که چرا بسیاری از آنها می‌خواهند با او ملاقات کنند و بگویند که تا به حال چه اقداماتی صورت داده‌اند تا در حین گزارش به رئیس مافوقشان از قلم نیفتند.

وی گفت: احساس می‌کند که در عین مفید بودن، جریان جدید تجارت در تهران می‌تواند سوءظنهایی را پدید آورد «به خصوص که اگر به این امر همزمان با افشای مطالب مربوط به لاکهید نگر بسته شود.» او قادر است آمریکاییها را از دیگر خارجیها تمیز دهد. «برای این کار کافی است به کفشهایشان نگاه کنید.» وی گفت پاشنه کفش آمریکاییها ضخیم‌تر از پاشنه کفش اروپاییهاست. وی افزود به خاطر تجربه بسیار وسیع خود با مردم انگلیسی زبان با شنیدن لهجه یک فرد نیز می‌تواند بگوید که آن فرد آمریکایی است یا بالعکس.

بار دیگر در بحث پیرامون تجارت و خارجیهایی که وارد کشور می‌شوند، خداداد گفت، وارد کردن انگلیسیها، آلمانیها و یا دیگر اتباع اروپایی ارزشاتر از وارد کردن آمریکاییها به ایران است. «چون آنها حقوق کمتری دریافت می‌دارند.» البته ایرانیها تا حدودی نسبت به حقوق دریافتی توسط آمریکاییها حسادت می‌کنند، ولی وی خاطر نشان ساخت که در رده‌های بالا متخصصین عالی‌رتبه ایرانی نیز مانند آمریکاییها حقوق دریافت می‌دارند.

وی خاطر نشان ساخت که البته چند متخصص «قلابی» نیز به کشور وارد می‌شوند، ولی «اکنون ما می‌توانیم بهترینها را انتخاب کنیم. ما جواهر شناس هستیم، بنابراین می‌توانیم بین شیشه و الماس تفاوت قائل شویم.» وی گفت علاوه بر این اکثر این متخصصین از طرف شرکتهای خصوصی به اینجا می‌آیند و نمی‌توانند این شرکتهای را تا ابد تحمیق کنند.

وقتی از وی خواسته شد که تعداد آمریکاییهای مقیم تهران را حدس بزند، وی رقم ۴/۰۰۰ تا ۵/۰۰۰ را بیان داشت. پس از آنکه به وی گفتم که تعداد آنها ۱۶۰۰۰ نفر است تعجب کرد ولی ناراحت نشد. در پاسخ به این سؤال که آیا حضور خارجیها بر زندگی او و خانواده‌اش تأثیر دارد یا نه وی گفت از نظر مواد غذایی، استفاده از تاکسی و تسهیلات دیگر خیر، وی گفت در رابطه با نمونه‌های خاصی از مسکن، افزایش اجاره‌ها شاید ناشی از حضور همین خارجیها باشد.

وی در ادامه گفت بعضی از فعالیتهای خارجی از جمله شورای بریتیش، انستیتو گوته و انجمن ایران و آمریکا برای ایرانیها مفید است و بر روابط دو جانبه نیز تأثیر می‌گذارد. وقتی از او سؤال شد که تعدادی از تسهیلات ویژه خارجیها را نام ببرد، وی گفت شنیده است که کلویهایی برای این منظور ایجاد شده، لیکن در هیچ یک از آنها حضور نداشته است. پس از ذکر نام حوزه خلیج او حضور و هدف از ایجاد آن را به یاد آورد، ولی وجود این گونه مراکز برای وی ناخوشایند نیست، و فکر می‌کنند که برای دیگران نیز باید همین طور باشد.

در مورد رادیو و تلویزیون وی گفت که همیشه به برنامه‌های کانال ۷ گوش می‌دهد و نمی‌خواهد، شاهد حذف آن باشد. وی گفت به نظر او نیز کانال بین‌المللی تلویزیون ملی ایران مفید است ولی بهتر است دو کانال انگلیسی مختلف در کشور وجود داشته باشد.

خداداد به یاد داشت که واقعه ناخوشایندی بین ایرانیها و خارجیها رخ داده باشد و فقط کشته شدن دو آمریکایی در آذربایجان را بطرز مبهمی به یاد داشت. او به بحث پیرامون حالت آمریکاییها در حین رانندگی پرداخت و گفت: «تمام خارجیها دارند مانند ما رفتار می‌کنند.»

لیکن معتقد است که ایرانیها آن حالت تهاجمی خاص را در رانندگی آمریکاییها احساس نمی‌کنند چون این حالت را در رفتار خود نیز نمی‌بینند. به نظر آنها «عبور ناگهانی از برابر دیگران» خطا نیست. خداداد در مورد امکان تفکیک محل زندگی و محل‌های تفریح آمریکاییها یا خارجیها ابراز مخالفت کرد و گفت این امر سبب مشخص شدن و شناسایی افراد خاص موجود در میان خارجیها خواهد شد و حسادتها و رشک‌هایی را تحریک خواهد کرد و روی هم رفته مخرب خواهد بود.

از وی سؤال شد که آیا این کار حتی در یک جامعه کوچکتر مانند اصفهان نیز مناسب نیست (و در اینجا گفتم که یک روستای خارجی در شمال شهر در دست احداث است) خداداد از عبارت «محل پست» استفاده کرد، ولی گفت که البته مشکلات متفاوتی در استانها وجود دارد. «ولی با این حال من با این عقیده مخالف هستم. وی گفت در این صورت نباید چند روستای خارجی در چند شهر بنا شود، بلکه این خارجیها باید در میان جمعیت ایران پراکنده شوند. نهایت اینکه، این نظریه به هیچ وجه موافق میل خداداد نبود.

در مورد تأثیر سه برابر شدن احتمالی شمار آمریکاییها در ایران صحبت کردم، ولی ظاهراً خداداد اصلاً نگران نشد. ولی اعتراف کرد که با افزایش شمار آمریکاییها و یا دیگر خارجیها در ایران مشکلاتی نیز پدیدار خواهد شد. اما پیش بینی محل و عامل مسئله و مسئله سازی کاری بس دشوار است.

خداداد در خاتمه گفت متوجه شده است که تمام آمریکاییهایی که در تهران با وی ملاقات کرده‌اند با آمریکاییهایی دیگر تفاوت دارند. وی گفت «آمریکاییها بیشتر بین‌المللی شده‌اند» یعنی بسیاری از آنها که به اینجا آمده‌اند، در کشورهای دیگری نیز زندگی کرده‌اند. (البته پس از این گفتگو شخص به این نتیجه می‌رسد که خداداد تنها با افرادی از طبقه بالای اجتماع از نظر اقتصادی سر و کار داشته است.)

## محرمانه

موضوع: نظریات آقای محمد طاهری در مورد افزایش حضور بیگانگان در ایران

سابقه:

آقای طاهری مدیر عامل شرکت فیلور است و ظاهراً در حال ترقی. او فردی است حدوداً ۴۰ ساله، خوش بیان و برجسته از نظر اجتماعی. از او خواسته شده که در اجلاس بعدی شورای تجاری مشترک ایران و آمریکا نقش مهمی را عهده‌دار شود. او ۱۰ سال از عمر خود را در دانشگاه‌های آمریکا گذراند و در نهایت درجه دکترای تحصیلی در رشته مهندسی گرفت.

آقای طاهری گفت البته افزایش شمار خارجیها در ایران برای او محسوس بوده، ولی هیچ‌گاه به این فکر نیفتاده که جامعه تجاری ایران (منظورش اشل بالای جامعه است) در نتیجه هجوم خارجیها دستخوش مشکلاتی شده باشند. در پاسخ به سؤال من، وی تعداد آمریکاییهای مقیم تهران را بین ۱۰/۰۰۰ تا ۱۵/۰۰۰ نفر برآورد کرد. وی گفت که معمولاً می‌تواند یک آمریکایی را بین چند خارجی تشخیص دهد، چون آمریکاییها در روش زندگی خود خیلی خودمانی هستند، و به خصوص در لباس پوشیدن برخلاف دیگر افراد خارجی غیر رسمی می‌باشند. با این اظهارات هدفش انتقاد بوده بلکه نوعی صفات شخصی را بیان می‌کرد.

وی در ادامه گفت که به نظر او آمریکاییها بیش از دیگران «قبیله‌گرا» هستند. اکثر آنها در منطقه سلطنت‌آباد زندگی می‌کنند که شاید علت، وجود هیئت مستشاری نظامی در آن منطقه باشد. در ابتدای صحبت چنین به نظر می‌رسید که طبق نظر وی این قبیله‌گرایی آمریکائیان را از بسیاری از مزایای فرهنگی محروم می‌سازد. به طور مثال، اگر او به عنوان یک ایرانی در فرانسه زندگی کند، سعی خواهد کرد محصولات فرانسوی را خریداری کند و خود را وارد جامعه فرانسه نماید. به او گفته شده که حدود ۱۳/۰۰۰ آلمانی در تهران به سر می‌برند که او را متعجب کرده است چون آلمانیها از نظر جغرافیایی در سرتاسر تهران پراکنده شده‌اند. در تناقض با این موضوع وی خاطر نشان ساخت که این قبیله‌گرایی نوعی مشخصه آمریکایی است که به هیچ‌وجه برای او ناخوشایند نیست.

او می‌داند که تسهیلات ویژه‌ای برای آمریکاییها ایجاد شده است. سفارت آمریکا نیز با شهروندان خود تماس بسیار نزدیکی ایجاد نموده است، و بیش از دیگر سفارتخانه‌ها برای این شهروندان آمریکایی فعالیت می‌کند. ولی وظیفه سفارت همین است.

وی گفت ممکن است که طبقه پایین اجتماع اقتصادی ایران در رابطه با جامعه خارجیها مشکلاتی داشته باشد. به طور مثال از نظر بعضی از ایرانیها محافظه کار نحوه لباس پوشیدن آمریکاییها عجیب است و حتی نوعی توهین تلقی می‌گردد. بار دیگر وی گفت که از نظر افراد هم طبقه خود در این جامعه این مسائل چندان مهم نیست. او نشنیده است که اتفاق ناخوشایندی بین ایرانیها و خارجیها رخ داده باشد، ولی در پاسخ به اظهارات من گفت احتمالاً این مشکلات بین رانندگان تاکسی و یا صاحبخانه‌ها و خارجیها حتماً پیش آمده است. از طرف دیگر ایرانیها نیز با همین مسائل دست به گریبان هستند. او در واقع به فکر وجود مشکلات بین ایرانیها و خارجیها نیفتاده بود و مطمئن نبود که واقعه مهمی رخ داده باشد. دو یا سه برابر شدن شمار خارجیها در ایران طی پنج سال آینده مسئله‌ای را برای جامعه تجاری ایران به وجود نخواهد آورد، ولی این‌گونه مشکلات حتماً در سطوح پایین اجتماع پدیدار خواهد گردید. بروین

۲۵ مارس ۱۹۷۶

یادداشت برای بایگانی

از: مشاور سیاسی - آرچی ام. بولستر

موضوع: حضور آمریکاییها در ایران

در مورد این موضوع با همسایه ام سعید کوکبی، در تاریخ ۶ مارس گفتگویی داشتم. کوکبی یک دانش آموز ۱۷ ساله و یکی از سه فرزند پسر و یک دختر یک تاجر بازاری است. خانواده کوکبی هشت سال پیش از ناحیه بازار به خیابان دروس نقل مکان کردند و سرپرست خانواده روزانه دو بار به بازار می رود. کوکبی ها یک خانواده محافظه کار هستند، اما فرزندان شان شلوار جین به پا کرده، به موزیک راک گوش می دهند و با معیارهای ایرانی می توان گفت که امروزی شده اند.

سعید کوکبی معتقد است که حضور خارجیها در ایران، مانند حضور آلمانیها در این محله بخاطر مدرسه آلمانی و کلیسای آلمانی بسیار مفید است، چون تخصصهای مورد نیاز کشور را تأمین می کنند. آموزش و پرورش در ایران آن قدر پیشرفت کرده که بتواند ایرانیها را در زمینه فنی تربیت کند. سعید برادری دارد که متالوژی خوانده و مدتها در نزدیکی اصفهان مشغول به کار بوده است. ولی در حال حاضر برای یک شرکت آمریکائی واقع در غرب تهران کار می کند. یکی از خویشاوندان دور وی (نامشخص) با تکنیسینهای روسی در یکی از سیلوهای واقع در جنوب ایران آشنا بود. روسهایی که بدون خانواده های خود در ایران به سر می برند در مجتمعات آپارتمانی به سر برده و در خارج از محل کار خود با ایرانیها تماس چندانی ندارند. سعید گفت این روش چندان خوب نیست. از او سؤال کردم که نظرش در مورد زندگی خارجیها با خانواده هایشان در محله های خاص چیست. او گفت مخالف این کار است. وی معتقد است که خارجیها باید در میان ایرانیها زندگی کنند، فارسی را از آنها یاد بگیرند و به همسایگان خود زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و یا غیره را بیاموزند.

۲۵ مارس ۱۹۷۶

یادداشت برای بایگانی

از: مشاور سیاسی - آرچی ام. بولستر

موضوع: حضور آمریکاییها در ایران

در این خصوص در تاریخ ۶ مارس با همسایه ام آقای پارسا صحبت کردم. وی کارمند وزارت آموزش و پرورش و در زمینه تحصیلات متوسط مشغول به کار است. او زبان انگلیسی را تا حدودی می داند ولی به زبان فرانسه به خوبی تکلم می کند. او فرزند جوانش را به مدرسه فرانسوی رازی می فرستد. زبان مورد استفاده ما در مورد موضوع مورد نظر فارسی بود. من موضوع را به صورت یک نظر خواهی مطرح نکردم، ولی صحبت را به نحوی به این موضوع کشاندم. وقتی از پارسا سؤال کردم که به نظر او چند نفر آمریکایی در ایران به سر می برند، وی گفت حدود ۲۰/۰۰۰ نفر که به طرز عجیبی مشابه رقم برآورد شده توسط سفارت است. وی معتقد بود که تعداد ژاپنیها بیش از آمریکاییهاست (!؟) و تعداد آلمانیها و فرانسویها نیز نمی تواند کمتر از آمریکاییها باشد. پارسا خاطر نشان ساخت که ایرانیها از گذشته های دور با خارجیها کنار آمده اند، چون کار آگاهانه خارجیها کمک زیادی برای ایران محسوب شده و منافع بسیاری به دنبال داشته است. وی اذعان داشت که این روحیه شاید بیش از همه در میان تحصیلکردگان مشهود باشد، چون آنها برای اینگونه تماسها ارزش قائلند، ولی از آنجایی که افراد عامی با خارجیها تماس چندانی ندارند

نمی‌توانند در مورد حضور آنها صاحب نظر باشند. وی عارضه منفی ناشی از حضور بیگانگان در ایران را لمس نکرده است. خارجیها را می‌توان در زمینه افزایش میزان اجاره بها مقصر دانست، زیرا بنا به گفته او، این مالکین خانه‌ها هستند که میزان اجاره را چه برای خارجیها و چه برای ایرانیها بالا می‌برند. وی می‌گوید این مالکین هر وقت که بتوانند میزان اجاره بها را برای خارجیها افزایش می‌دهند. پارسال که سال گذشته به آلمان سفر کرده بود، از ترافیک منظم آنجا تعریف می‌کرد. وی در مقایسه این وضع با وضع ترافیک در ایران گفت، هموطنانش علیرغم شایعات رایج در مورد میهمان نوازشان، در مجامع عمومی رفتار ناهنجاری دارند. وی به عنوان مثال بوق زدن ماشینها را در هنگامی که چراغ راهنمایی قرمز است ذکر کرد، تا ماشینهای واقع در ردیف نخست حتی قبل از سبز شدن چراغ به حرکت درآیند.

#### محرمانه

آقای شابی، مدیر رستوران چلوکبابی در خیابان هشت گرد (حدود چهل مایلی غرب تهران) شابی ۲۶ ساله به زبان انگلیسی آشنا نیست و طی دو سال گذشته پس از اتمام دوره دبیرستان و کار برای خانواده چلوکبابی خود را اداره می‌کرد، است. وی معتقد است که تعداد خارجیها در کشورش چندان افزایش نیافته، ولی می‌گوید که در تهران تعداد آنها بیش از ده سال گذشته یعنی زمانی است که وی به عنوان یک فرد جوان در آنجا زندگی می‌کرد می‌باشد. خارجیها تأثیر چندانی بر زندگی وی ندارند، ولی از یک سال قبل که محل کار خود را نقاشی کرده و میز و صندلیهای جدیدی خریداری کرده آنها چلوکبابی او را بر دو رقیب وی در خیابان هشت گرد ترجیح می‌دهند (به همین علت ما به آنجا رفته بودیم) خارجیها بهتر از ایرانیها انعام می‌دهند، ولی نه او و نه هیچ یک از سه خدمتکارش نمی‌توانند ملیت خارجیها را حدس بزنند، ولی معتقدند که اکثر آنها اروپایی می‌باشند.

محل زندگی خارجیها برای شابی اهمیتی ندارد، ولی چند نفر از آنها که در این خیابان زندگی می‌کنند در منازلی تمیز به سر می‌برند و زیاد وارد شهر نمی‌شوند. وی شخصاً معتقد است که بد نیست خارجیهای دیگر نیز برای صرف غذا به اینجا بیایند.

#### محرمانه

##### سیروس الهی، استاد اقتصاد در دانشگاه ملی

الهی که پس از گفتگو برای گذرانیدن مدت ۶ هفته عازم آمریکا گردید، یک دانشمند علوم اجتماعی تحصیلکرده آمریکاست و در صحنه سیاسی ایران رابطهای خوبی دارد، ولی به گفته خودش شخصاً فاقد جاه‌طلبیهای سیاسی است. الهی گفت تعداد خارجیها در ایران ظاهراً افزایش یافته است. مهمترین گروههای افزایش یافته عبارتند از هندیها و سکنه «اروپای غربی» از جمله آمریکاییها. الهی از مدت‌ها قبل سرگرم مطالعه در زمینه مشکلات خارجیها در ایران و به خصوص مسئله انطباق پذیری آنها بوده است. اکنون که شهرها به خصوص تهران، به سرعت توسعه می‌یابند، خارجیها نه تنها شوک عادی فرهنگی را تجربه می‌کنند، بلکه با همان یأسها و نومیدهایی روبرو می‌شوند که سبب افزایش خشونت‌های شهری در ایران در طول دو تا سه سال گذشته شده است. تنها تسهیلات خاص خارجیها دفتر مسکن بود که از آن ذکر به میان آمد (این امر بسیار عجیب است، چون الهی گهگاه به برنامه‌های تلویزیونی نیروهای مسلح آمریکا

گوش می‌دهد). الهی معتقد است که دولت ایران باید تلاش بیشتری را در جهت از بین بردن نحوه زندگی محله‌ای صرف کند، «البته روسها از این قاعده مستثنی هستند، چون نمی‌توانند هیچ‌گونه ارتباطی برقرار سازند، بنابراین بهتر است در جایی زندگی کنند که دائماً تحت کنترل نیروهای امنیتی باشند.» الهی متوجه شده که اخیراً میزان خصومت نسبت به بیگانگان افزایش پیدا کرده است. از وی سؤال شد که آیا این خصومت از طرف یک گروه اجتماعی خاص اعمال می‌گردد، و وی در پاسخ اظهار داشت طبقات مختلف از طرف گروه‌های مختلف به ستوه آمده‌اند، یعنی ایرانیهای طبقه پایین اجتماع از هجوم افسار گسیخته پاکستانیها و هندیها ناراحت بوده و بعضی از ایرانیهای طبقه بالا به خصوص کسانی که دارای سوابق تحصیلی فرانسوی و اروپایی هستند با آمریکاییها ضدیت پیدا کرده‌اند. الهی افزود بین تحصیل کردگان در آمریکا و ایرانیهایی که در اروپا و به خصوص فرانسه درس خوانده‌اند مبارزه‌ای واقعی برای به دست گرفتن قدرت در نهادهای دانشگاهی آغاز شده است.» شما می‌توانید منتظر ضربه خوردن از طرف هواداران اروپا باشید، ولی آن را جدی تلقی نکنید، زیرا ایرانیهای آمریکایی در حال پیروز شدن هستند.

استمپل

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

مصاحبه گوردون وینکلر با دکتر کامبیز محمودی، معاون مدیر کل رادیو و تلویزیون ملی ایران در دفتر کارش در تاریخ ۸ آوریل ۱۹۷۶

کامبیز گفت برخلاف دو یا سه سال گذشته اکنون نسبت به حضور بیشتر خارجیها در ایران آگاه‌تر است. اما هنگامی که از وی خواسته شد که به ذکر ملیتها بپردازد، وی از کره‌ایها، پاکستانیها، هندیها و فیلیپینیها یاد نمود. وی گفت که قبلاً سکنه خارجی ایران را تنها آمریکاییها تشکیل می‌دادند، اما طی دو سال گذشته هجوم آسیاییها به ایران افزایش یافته و او و دوستانش به این مسئله واقف هستند.

وی خاطر نشان ساخت که گویا حدود ۳/۰۰۰ پزشک هندی در استانهای مختلف ایران مشغول به کار هستند، و بسیاری نیز در مورد رفتار این پزشکان ابراز نگرانی کرده‌اند. وی گفت بعضی از ایرانیها معتقدند که تأثیر عمده یک پزشک بر زندگی فردی می‌تواند جنبه تأثیر فرهنگی نیز پیدا کند، وی گفت بعضیها نگران این هستند که مبادا روستاییان انگلیسی را با لهجه هندی و پاکستانی در روستاهای کشور فرا گرفته و به کار برند.

کامبیز گفت حدود ۵۰/۰۰۰ آمریکایی در ایران به سر می‌برند، ولی وقتی به او گفته شد که تعداد آنها معادل نیمی از این رقم است شگفت زده شد. وی گفت می‌تواند یک ایرانی را از یک خارجی تشخیص دهد، ولی تشخیص آمریکایی از انگلیسی یا کانادایی، آلمانی و یا فرانسوی برایش دشوار است.

وی گفت حضور خارجیها تأثیر چندانی بر زندگی وی ندارد، اما شکی نیست که مردم به این نتیجه رسیده‌اند که خارجیها باعث افزایش اجاره‌بها شده و باعث کمبود خدمتکاران داخلی شده‌اند. با این حال وی گفت آمریکاییها هسته اصلی موضوع را تشکیل نمی‌دهند. وی گفت البته در گذشته این طور نبود چون آمریکاییها بخش اصلی حضور بیگانه را تشکیل می‌دادند اما امروزه ایرانیها مسئله افزایش اجاره‌بها را به گردن کل خارجیها و ایرانیهایی که حاضرند هر اجاره بهایی را بپردازند، می‌اندازند.

هنگامی که در مورد تسهیلات ویژه خارجیها از وی سؤال شد، کامبیز فوراً نام کلپ آلمانها را به میان

آورد (و این امر نیز طبیعی است چون این کلوپ در سمت دیگر خیابان محل کار وی قرار دارد)، و به طرزی ابهام‌آمیز از کلوپ پارس آمریکا یاد نمود. وی ظاهراً از وجود حوزه خلیج بی‌خبر بود. هنگامی که در مورد رادیو و تلویزیون صحبت آغاز شد، کامبیز گفت ایرانیها هیچ‌گونه انتقادی نسبت به حضور تلویزیون نیروهای آمریکا نداشته و شکوائیه‌ها و انتقادات اصلی از طرف ترکها، پاکستانیها، و دیگر مقامات رادیویی که به ایران سفر می‌کنند مطرح شده است. وی گفت حتی مقامات پخش خبر آمریکایی که به ایران سفر کرده‌اند، نیز در حضور وی سؤالاتی را در مورد نقش این تلویزیون مطرح کرده‌اند.

کامبیز گفت بیاد ندارد که واقعه ناخوشایندی بین ایرانیها و خارجیهای مقیم آنجا رخ داده باشد ولی بین کارمندان خارجی تلویزیون ملی ایران چند رویداد به وقوع پیوسته بود. وی گفت به‌طور مثال آنها مجبور شدند یک انگلیسی را به خاطر وارد کردن حشیش به داخل محوطه اخراج کنند و او می‌دانست که بعضی از اساتید دانشگاههای کالیفرنیا جنوبی بایکدیگر عناد دارند ولی در رابطه با ایرانیها مشکلی وجود نداشت. کامبیز در ادامه گفت که مشکلات مربوط به وجهه آمریکاییها چندین سال قبل از این وجود داشته است. وی گفت مطمئن است تعداد کنونی آمریکاییها در این کشور بیش از گذشته است، اما پس از آن که آژانس آمریکایی توسعه بین‌الملل، برنامه‌های خود را در اینجا آغاز کرد صدها آمریکایی را وارد ایران نمود که اکثرشان افراد فاقد آداب معاشرت و تحصیلات لازم بودند. وی گفت این افراد تا حدودی وجهه آمریکاییها را لکه‌دار کرده و در نتیجه آن بین کارمندان ایرانی و سران آمریکایی ادارات اصطکاکهایی پدید آمد. وی گفت این وجهه منفی چند سال پس از پایان برنامه آژانس نیز ادامه داشت، ولی ظاهراً در حال حاضر به‌طور کامل فروکش کرده است. وی گفت شاید آمریکاییهایی که اکنون به ایران آمده‌اند با گذشتگان فرقی دارند یا «ما ایرانیها جهانگراتر و مترقی‌تر شده و طرز فکرمان عوض شده است.»

کامبیز به هیچ‌وجه با تفکیک محل زندگی آمریکاییها و یا خارجیهای دیگر در ایران موافق نیست. وی گفت یک جامعه مصنوعی اوضاع را وخیمتر خواهد کرد و حضور خارجیها را آشکارتر، وی گفت «شما با این: کار آماجهایی را برای انتقاد فراهم می‌آورید و بهتر است بدانید که فرهنگ ما ضرورت امتزاج افراد را ایجاد می‌نماید.» وی یادآور شد که تمام بازرگانان خواستار ایجاد چنین جامعه‌ای هستند: «با وجود اینکه شما کمیسری مخصوص خود را دارید، بازرگانان احساس می‌کنند که وجود جامعه خارجیها به کسب و کار آنان رونق بخشیده است در صورتی که اگر شما یک گروه خارجی را در یک محل خاصی اسکان دهید و فروشگاههای نیز برای آنان ایجاد کنید، بازرگانان متوجه خواهند شد که فرصتهای مهم تجاری خود را از دست داده‌اند.»

وقتی که از وی سؤال شد که آیا در رابطه با شهرهای کوچکتر نیز همین عکس‌العمل را نشان می‌دهد وی پاسخ داد: «قطعاً.» در حین صحبت پیرامون امکان دو برابر یا سه برابر شدن جوامع آمریکایی یا خارجی در ایران کامبیز اظهار داشت که در آن صورت نمی‌داند چه عکس‌العملی پدید خواهد آمد. «با این حال اگر قرار است این کار صورت پذیرد، بهتر است گامهایی بردارید تا ورود این افراد به ایران به سهولت صورت پذیرد.» وی گفت یکی از این گامها آشناسازی جدی این افراد با ایران است که باید پیگیری شود.

در راه رسیدن به این هدف، بنا به گفته کامبیز، تلویزیون ایران در حال ساختن ۹ فیلم است. پنج فیلم (در زمینه جغرافیا مردم، زن، فرهنگ ما قبل از اسلام، فرهنگ بعد از اسلام تا سال ۱۸۰۰) ساخته شده و

چهار حلقه فیلم دیگر تا آخر تابستان جاری به پایان خواهد رسید. این فیلمها صرفاً جهت استفاده در ۱۸ کالج و دانشگاه آمریکایی که دروس مربوط به ایران و زبان فارسی را تدریس می‌کنند، تهیه می‌شوند. در نتیجه گفتگوهای قبلی بین من و کامبیز در این مورد، وی گفت از تولیدکنندگان این فیلمها خواسته است که با آژانس اخبار آمریکا در واشنگتن تماس بگیرند، تا این فیلمها در جلسات معارفه مورد استفاده قرار گیرند. وی گفت تعدادی از این فیلمها در آمریکا آزمایش شده و نتایج به دست آمده موفقیت آمیز بوده است. وی گفت با وجود اینکه این فیلمها مختص دانشگاهها علی‌الخصوص در سطح دوران لیسانس ساخته شده‌اند، ولی توجه بسیاری از افراد تحصیلکرده را نیز به خود جلب کرده‌اند.

#### سند شماره (۶)

یادداشت مکالمات  
 زمان و مکان: ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ - ۴ اسفند ۱۳۵۶، اقامتگاه کنسول  
 شرکت‌کنندگان: ام. هنری مارشال، مدیر مرکز فرهنگی فرانسه در تبریز - دیوید سی. مک‌گافی کنسول  
 آمریکا در اصفهان

#### موضوع: شورشهای تبریز در ۱۸ مارس ۱۹۷۸

مقدمه: ام. مارشال دوستی از روزهای کار در تبریز، در حالی که برای شرکت در کنفرانس مدیران مرکز فرهنگی فرانسه در اصفهان به سر می‌برد، به ملاقات من آمد. هنگام صرف ناهار، وی به صحبت در مورد شورشهای تبریز پرداخت. مارشال گفت که مقامات برای جلوگیری از اغتشاش اقدامات احتیاط آمیز را رعایت کرده بودند، ولی آماده مقابله با اقدامات خشونت آمیز نیز بودند. در اطراف دانشگاه و کلاتریها نیروی پلیس را مستقر ساخته و پلیسهای بی سیم به دست در هر چهار راهی دیده می‌شدند، کنترل آنها بر دانشگاه آنچنان شدید بود که آنجا در تمام طول روز آرام بود. با این حال به محض آغاز ناآرامیها هرج و مرج بر همه جا حاکم گردید.

نقطه آغاز مسائل تظاهرات عظیمی بود که در برابر هتل آریا در مرکز شهر برگزار شده بود. در ابتدا گروهی از مردم به آرامی گرد آمده و به طرف «کاخ جوانان» دولتی در آن نزدیکی سنگ پرتاب کردند. شایع شده است که یک زن بدون چادر از درون اتومبیل خود بیرون کشیده شده و ناپدید گشته و می‌گوید که سوزانده شده است. گروه‌های کوچک مورد نظر وی بسیار سازمان داده شده و در تمام شهر ناگهان ظاهر گردیده بودند. شعبات بانک صادرات هدف اصلی آنها بود، و شورشیان وارد بانکها شده و به نابود کردن لوازم و مدارک پرداخته و آشغالها را آتش می‌زدند، ولی در مورد سرقت پول بنا به گفته وی گزارشاتی نرسیده است. در تبریز می‌گویند که این بانک از این جهت مورد حمله واقع شده که رابطه نزدیکی با خاندان سلطنتی نزدیکی با خاندان سلطنتی دارد. آقای مارشال گفت تخریب بانکها، کاخ جوانان، دفاتر حزب رستاخیز و پلاکارتهای مربوط به تجلیل از انقلاب شاه و مردم در برابر اداره اصلی پست در مدت ۲ ساعت به پایان رسید و تظاهرات بعدی چندان سازمان داده نشده بود، ولی مردم بسیاری را در بر می‌گرفت. بنا به گفته او پلیس از سلاحهای خود کار علیه تجمعیهای بزرگ استفاده می‌کرد و دوستان پزشک موجود در ساعت ۱۳ اطلاع دادند که بیمارستانها مملو از حدود بیش از ۵۰۰ نفر زخمی یا در حال مرگ است و



تانک‌های چيفتن در چهار راه‌های اصلی مستقر شده‌اند و در نتیجه تيراندازي‌های آنان نیز عهده‌ای ديگر کشته يا زخمی شده‌اند. طبق اطلاعاتی که از پزشکان تبريز دریافت داشته تعداد کشته‌شدگان ۱۰۰ - ۹۰ نفر و تعداد زخمی‌شدگان حدود ۷۰۰ نفر بوده‌اند و بسياری نیز به‌طور سرپایی مداوا شده‌اند.

بنا به گفته او حدود بيست دختر در مدرسه پروين که یک مدرسه دختران تيزهوش است مورد ضرب و شتم واقع شده‌اند چون می‌خواستند از مدرسه خارج شوند و مقامات از والدين آنها خواسته بودند که با اتومبيل به مدرسه آمده و با چادر دختران خود را از آنجا ببرند.

وی گفت شنیده است که شعارهای تظاهرکنندگان ضد شاه و به طرفداری از اسلام بوده و حداقل یکی از گروه‌ها شعارهایی به طرفداری از ترک‌ها می‌داده است (ولی معلوم نیست که منظور ترکیه بود يا هدف از این شعار زبان و فرهنگ محلی آذربایجان بوده است). بنا به گفته وی هیچ‌گونه فعالیت ضد آمریکایی و ضد خارجی مشاهده نشده، لیکن سعی داشتند به اقامتگاه کارگران خارجی پروژه IDRO حمله کنند و به انجمن ایران و آمریکا خساراتی برسانند. گفته می‌شود که قرار است پایگاه استاندار و رئیس پلیس ساواک و ارتش مورد تهاجم قرار گیرد. «تجربه» انتصاب مقامات ارشد دارای تماس نزدیک با آذربایجان در تبريز به پایان خط رسیده است.

طبق اظهارات وی سازمان دهندگان دارای افرادی داوطلب بودند که علت آن نیز نارضایتي جمعیت کشاورز از سیاست‌های دولت در قبال قیمت محصولات کشاورزی می‌باشد، با این حال، وی می‌گوید که همه رابط‌های وی در تبريز معتقدند که تظاهرکنندگان تحت کنترل «عناصر بیگانه» نبوده‌اند، زیرا در عین سازمان داشتن و اهداف مورد تهاجم، نشانگر نارضایتي‌های آذربایجانیها بوده است. آنها معتقدند که محرک اصلی این تظاهرات افراد محلی (و يا غیر آذربایجانی ایرانی) بوده که عملیات خرابکاری آنان را مؤثرتر ساخته‌اند.

اظهار نظر سفارت آمریکا در تهران: در عین حال که آمار و ارقام مربوط به تلفات با آمار رسمی و موثق بسیار مغایر است، ولی اصل گفتگو واقعیت دارد هر چند تا حدودی مهیج است.

مقام سیاسی از تبريز: دیوید مک کافی

۱۹۷۸/۱/۳

#### سند شماره (۷)

تاریخ: ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ - ۴ اسفند ۱۳۵۶ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تحلیلی مقدماتی در ارتباط با:

«آشوب و قیام مردمی در تبريز»

ابتدای خلاصه: در روز شنبه ۱۸ فوریه ۱۹۷۸، جمعیتی بالغ بر چند هزار نفر، یک روز تمام را به ایجاب آشوب و درگیری با نیروهای پلیس و ارتش گذراندند. خسارت وارده بر اموال خصوصی و دولتی قابل ملاحظه بود و آمار کشته‌ها و مجروحین صدها نفر تخمین زده می‌شد. خیابان‌های شهر تا این تاریخ، یعنی ۲۱ فوریه، هنوز تحت کنترل نظامی قرار دارند و انتظار می‌رود که آثار و عوارض آشوب تا مدتی مدید ادامه داشته باشند. انتهای خلاصه.

اندکی پس از ساعت ۱۰ صبح شنبه ۱۸ فوریه، گروه‌هایی که اکثریت آنان را جوانان تشکیل می‌دادند

در بازار و مرکز خرید اصلی شهر گرد آمدند. کوشش پلیس محلی برای جلوگیری از ازدحام به زد و خورد شدیدی منجر گردید که به سرعت و به طرز خشونت باری به دیگر نقاط شهر سرایت کرده و گسترش یافت. با وجود آنکه شنبه به طور رسمی روز کار محسوب می شد، اوراق چایی از هفته گذشته بین مردم توزیع گشته و به آنان سفارش شده بود که روز شنبه را به مناسبت چهلم مقتولین مرکز مذهبی «قم» تعطیل نمایند و لذا، منطقه بازار و اکثریت مطلق مغازه‌های شهر تعطیل کرده بودند. اما تمام ادارات، فروشگاه‌های وابسته به دولت و بانکها باز بودند. این اماکن، همزمان با آغاز آشوب، از سوی جمعیت مورد حمله و تهاجم قرار گرفتند. با ادامه ناآرامی و آشوب در طول روز، این مسئله بیش از پیش آشکار گردید که حملات علیه ساختمانهای مختلف از قبل پیش‌بینی و تعیین شده و توده‌ای اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند. هرچند تعطیل مغازه‌ها به مناسبت کشته‌های قم از قبل به طور وسیعی منتشر شده بود، اما مأمورین پلیس شهری آشکارا فاقد آمادگی لازم جهت مقابله با انفجار خشونت‌ناکی که در پیش بود، به نظر می‌رسیدند و ظاهراً هیچ‌گونه برنامه‌ریزی قبلی در این باره انجام نگرفته، و اگر گرفته بود به هیچ‌وجه کفایت نمی‌کرد. پلیس محلی که ابتدا کوشیده بود جمعیت را از ازدحام و ایجاد آشوب منصرف نماید و آن‌گاه به شلیک تیرهای هوایی مبادرت ورزیده بود، به زودی کنترل خود را از دست داد و در حالی که توده‌ها در دیگر نقاط شهر نیز ازدحام می‌نمودند، پلیس اقدام به عقب‌نشینی نمود. اوائل بعد از ظهر، سربازان پیاده نظام به کمک پلیس شتافته و وارد صحنه شدند. (بنا به گزارش، این سربازان به پایگاه‌های نیروی زمینی ارتش در شهرهای «مرند» - که از تبریز با ماشین ۴۵ دقیقه فاصله دارد - و «مراغه» که تا تبریز حدود ۲ ساعت راه است - تعلق داشته‌اند.) هنگامی که این نیروهای کمکی رسیدند و شلیک گلوله به سمت جمعیت به طور جدی آغاز گردید. آشوب در منطقه‌ای به طول ۱۲ کیلومتر (از «دانشگاه آذرآبادگان» در شرق تا ترمینال راه‌آهن در غرب شهر) و پهنای حدود ۴ کیلومتر (از «ستاد حزب رستاخیز» در شمال تا دو بلوک مانده به کنسولگری آمریکا در جنوب) گسترش یافته بود. ورود ارتش و به‌ویژه تانک‌های «چفتن» که برای گشت و پاسداری از شهر وارد صحنه شدند (و استفاده از آنها تا حدودی موجبات نگرانی سفارت انگلیس را فراهم آورده) باعث شد که موضع تهاجمی توده‌ها کاهش پذیرد.

اکثر تلفات و زخمی‌های محلی به همین سربازان پیاده نظام نسبت داده می‌شود. در حالیکه عکس‌العمل دولت در برابر آشوب بی‌برنامه به نظر می‌رسید و برای چند ساعت متوالی مؤثر واقع نشد، تاکتیک‌ها و روش‌های به کار گرفته شده از سوی مردم حاکی از آمادگی بسیار خوب ایشان بود. آشوب‌طلبان اهداف خاصی در سر داشتند و ظهور گروه‌های مختلف در مناطق گوناگون شهر - گروه‌هایی که به مواد آتش‌زا برای ایجاد حریق در نقاط مناسب کاملاً مجهز بودند - مستلزم وجود یک هسته مرکزی متشکل از شورشیان بود که به خوبی می‌دانستند. چه می‌خواهند بکنند. به آتش کشیده شدن ساختمان‌هایی که چندین مایل از یکدیگر فاصله دارند، در فواصل زمانی نسبتاً کوتاه، تردیدی برجای نمی‌گذارد که این گروه‌ها به طور تصادفی تشکیل نشده‌اند. گرچه سلاح توده‌ها عموماً به سنگ، چماق و چاقو محدود می‌شد. (اخباری در ارتباط با شورشیان مسلح به تفنگ و اشخاصی که از مخفیگاه‌های خود مبادرت به تیراندازی نموده‌اند، شایع شده است، اما اکنون چنین به نظر می‌رسد که این موارد استثنایی بوده‌اند.) با این همه حتی این سلاح‌های ابتدایی نیز نیاستی از سوی آشوب‌طلبان به طور اتفاقی انتخاب شده باشند. به ساختمانها - به‌ویژه نواحی تجاری که بیشترین ویرانی را متحمل شده‌اند - آن قدر خسارت

وارد شده است که باید گفت مردم اقلام (سلاح‌های) فوق را قبلاً گردآوری و ذخیره نموده‌اند. شمار تلفات و مجروحین در این روز به‌طور رسمی ۱۲۵ زخمی و ۶ کشته تخمین زده می‌شود و تعداد از مجروحین را افراد پلیس و مأمورین امنیتی تشکیل می‌دهند؛ اما بنا بر منابع دیگر، این ارقام، بسیار بالاتر است. تنها در یک بیمارستان بیش از ۱۵۰ نفر، طبق گزارشات واصله، تحت مداوا قرار گرفته‌اند و یک ناظر خارجی که آپارتمان محل سکونتش بر منطقه بازار، که خسارات سنگینی دیده است، مشرف می‌باشد مدعی است که ۷ وانت بار کوچک، اجساد کشته شدگان را حمل نموده‌اند.

تعداد کشته‌ها طبق منابع غیر رسمی ۲۰۰ تن تخمین زده می‌شود. اما با در نظر گرفتن این مسئله که دولت چنین آماری را به‌طور معمول کمتر از تعداد واقعی گزارش می‌کند و از سوی دیگر، مردم در گزارش خود عادتاً مبالغه می‌نمایند، کسب آمار واقعی تلفات و زخمی‌ها تقریباً غیر ممکن است.

آنچه به وضوح قابل مشاهده است خسارات وسیع فیزیکی است و در این میان ساختمانهای بانکها بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. شیشه‌های پنجره‌های بیش از ۷۰ شعبه بانک خرد شده و حداقل ۱۰ بانک هم کاملاً تخریب گشته‌اند. پرونده‌ها و قبوض بانکی در تمام شهر روی زمین پراکنده شده‌اند و جمع‌آوری و تنظیم امور مالی مربوط به هزاران مشتری این بانکها کار بسیار مشکلی خواهد بود.

اماکن دولتی نیز آسیب جدی دیده‌اند: توده‌ها دو شعبه از ساختمانهای شهرداری، اداره آموزش و پرورش، اداره اوقاف، دادگستری شهر، اداره مالیات، یک ساختمان متعلق به اداره تلفن و تلگراف، دو شعبه از فروشگاههای تعاونی روستایی، چندین کیوسک پلیس و ساختمان بیمه اجتماعی را مورد تهاجم قرار داده و مهمتر از همه ستاد حزب رستاخیز را به آتش کشیده‌اند.

مؤسسات فرهنگی نیز هدف قرار گرفته‌اند که «انجمن ایران آمریکا» و «کلوپ معلمین» از جمله مهمترین آنها می‌باشند؛ شیشه‌های پنجره‌های انجمن عمدتاً شکسته‌اند. «کاخ جوانان» نیز که وابسته به دولت می‌باشد به آتش کشیده شده و آسیب زیادی دیده است. در ارتباط با بخش خصوصی، چندین مغازه و حداقل یک سینما به کلی تخریب شده‌اند. کارخانه محلی «پرسی کولا» و یک هتل به‌سختی آسیب دیده‌اند. پنجره‌های چندین هتل دیگر، تقریباً تمام سینماهای شهر و تعداد محدودی مغازه نیز خرد شده‌اند.

ساختمانهایی که مورد حمله قرار گرفته و یا به آتش کشیده شده‌اند به چند دسته مشخص قابل تقسیم می‌باشند: برخی وابسته به دولت یا بانکها هستند و بعضی - چون کارخانه پرسی کولا و تعدادی از مغازه‌های طعمه حریق شده - وابسته به انجمن بهائیه‌های محلی است. دلیلی که عموماً در ارتباط با حمله به سینماها ارائه می‌گردد. آن بود که در این اماکن زنها روی پرده ظاهر می‌شدند. در رابطه با کاخ جوانان، انجمن ایران - آمریکا، کلوپ معلمین و هتلها نیز گفته می‌شد که در این مؤسسات زن و مرد آزادانه معاشرت و آمیزش داشته و در نتیجه موجبات انزجار و تنفر مسلمانان متعبد را فراهم می‌آوردند.

آنچه در تخریب اماکن به‌وضوح آشکار می‌نمود، آن بود که شورشیان به خوبی می‌دانستند کدام ساختمانها را مورد تهاجم قرار دهند. آنان گاه برای تخریب برخی ساختمانها (نظیر ساختمان انجمن ایران - آمریکا) از مسیر خود خارج می‌شدند، در حالی که خانه‌ها و مغازه‌های مجاور اهداف خود را دست نخورده بر جای می‌گذاشتند. در طول تظاهرات و آشوب، ساختمانهای معمولی بندرت صدمه دیده‌اند و این مسئله به‌طور قطع حاکی از آن است که مسئولین سازماندهی آشوب گروه‌های خود را تحت کنترل و نظارت کامل داشته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که خود شورشیان اقدام به دزدی و غارت اماکن مورد تهاجم

خویش نموده و یا به ندرت دست به این کار زده‌اند و دزدی‌های کوچکی که اتفاق افتاده‌اند، توسط اشخاصی (از جمله تعدادی زن) انجام گرفته که توده‌های تظاهر کننده را تعقیب می‌کرده‌اند. ظاهراً خود شورشیان عمدتاً جوان بوده و پایتترین حدود سنی بین ۱۲ تا ۱۵ سال بوده است. هر چند بنا بر اعلان رسمی، شورشیان «مارکسیستهای اسلامی» بوده‌اند. اما از دیدگاه ناظران محلی (و غیر رسمی) این لفظ هیچ گونه ارتباطی با آنچه که در تبریز به وقوع پیوست ندارد. اعتقاد عمومی بر آنست که شورشیان را اقشار بیکار و پایتترین طبقات شاغل تشکیل می‌داده‌اند - اقشار ناراضی و فوق‌العاده انعطاف‌پذیری از جنس مذکر که چیزی ندارند تا با ایجاد آشوب از دست بدهند و به آسانی نیز بازیچه محرکین قرار می‌گیرند. هر چند چنین گروهی را می‌توان «مسلمان» نامید، اما افزودن برجسب «مارکسیست» بر آنان متناقض به نظر می‌رسد.

تبریز همچون دیگر شهرهای بزرگ ایران مورد هجوم سیل عظیمی از روستاییان جوانی قرار گرفته است که در پی یافتن اشتغال به این شهر یورش برده و بر تراکم رو به افزایش پست‌ترین قشر اجتماعی در این شهر، که هم اکنون نیز بیش از حد رشد یافته است، می‌افزایند آنان می‌کوشند در جامعه بسته و بسیار محافظه‌کار تبریز جایی برای خود باز کنند، در حالی که اکثراً بی‌سواد بوده و یا از سواد کمی برخوردارند. مردان جوانی که غالباً از خانواده‌های خود جدا شده‌اند، و بدین ترتیب فاقد تکیه‌گاه خانوادگی ای می‌باشند که از نظر روانی برای ایرانیان بسیار حائز اهمیت است. اگر بتوانند کاری پیدا کنند، پست‌ترین نوع مشاغل بدی به ایشان واگذار می‌گردد. هرگونه تفریح و سرگرمی عادی جهت آزاد ساختن انرژی، از توان مالی آنان خارج است (فعالیت‌های ورزشی و تماشای فیلم، اوقات فراغت و پول می‌خواهد و هرگونه تماس واقعی با جنس مخالف ممنوع است). با این تفصیلات، تعجبی ندارد که این گروه سخت انعطاف‌پذیر (و دمدمی مزاج) می‌باشند. با وجود جو متعصب و مذهبی حاکم که بر محدود نمودن نقش زنان در جامعه تأکید می‌ورزد و لذات دنیوی، چون سینما و اماکنی که در آن «زنان خود را در معرض تماشای مردان قرار می‌دهند» - یعنی کلویهای تفریحی، هتلها، کاخ جوانان و انجمن ایران - آمریکا که صرف حضور یافتن در آنها مستلزم صرف هزینه بوده و بنابراین تنها در اختیار اقشار مرفه و متوسط قرار دارند - را مردود می‌شمارد، تعجبی ندارد که گروه مذکور دست به حرکات خشونت‌بار و عاطفی بزنند. مذهب یکی از معدود عناصر پایداری در میان این قشر از مردم است و شناخت محدود ایشان از اسلام و حس احترام آنان نسبت به سلسله مراتب شیعی، از جمله اندک چیزهایی است که آنها می‌توانند در جامعه‌ای که احساس می‌کنند از آن طور شده و از سوی آن مورد تهدید قرار گرفته‌اند، برای خود نگاه دارند.

تصمیم رهبران مذهبی مبنی بر بستن بازار و تعطیل نمودن شهر به یاد کشته‌های قم می‌تواند، اعتراض مستقیمی علیه حاکمیت دولت به شمار رود؛ اما از جهت دیگر، این امر را می‌توان به جای آوردن یک تکلیف دینی از سوی مردمی دانست که عمیقاً معتقدند کشته‌های قم در راه ایمان خود به شهادت رسیده‌اند. نفوذ واقعی روحانیت بر بخشی از مردم (در این حادثه) آشکارا به‌نمایش گذاشته شده و فریاد «مرگ بر شاه» و تقاضای بازگشت خمینی (رهبر مذهبی شیعی که اکنون در تبعید به سر می‌برد) به ایران، حاکی از نارضایتی سیاسی و نیز بیانگر ایمان مذهبی است. اینکه آیا انگیزه اصلی متشکل کنندگان توده مردم صرفاً سیاسی یا صرفاً مذهبی، و یا ترکیبی از این دو بوده است که در کنار آن دیگر محرکین و آشوب‌طلبان سیاسی نیز برای ارباب رژیم مداخله نموده‌اند، مسئله‌ای است که شاید هرگز کاملاً روشن

نشود. آنچه روشن است این است که توده عوام (در سراسر ایران) و به طور کلی تمام اقشار ناراضی مردم که آشوب‌طلبان از میان آنان برخاسته‌اند، دگرباره به سلاحی پر قدرت برای استفاده علیه رژیم تبدیل شده‌اند. کسانی که طرح آشوب را ریخته‌اند، چه روحانیون که هدف آنها اثبات ایمان و از خود گذشتگی‌شان نسبت به نوعی از اسلام، می‌باشد که به اعتقاد آنان از سوی رژیم مورد تهدید واقع شده و چه آنان، در حقیقت «آشوب‌طلبان مارکسیست» باشند، در هر صورت دعوی مبارزه جدی ایشان علیه رژیم، که در قالب تهاجم به مؤسسات متعدد مسبوق‌الذکر ابراز گردید، عواقب بسیار گسترده‌ای خواهد داشت. در کوتاه مدت، تا زمانی که مؤسسات آسیب دیده دوباره به حال عادی خود بازگردند، حیات اقتصادی و اجتماعی شهر مختل خواهد بود و احتمالاً تحولات جدی در سطح مقامات حکومتی محلی به خاطر قصورشان در پیش‌بینی و پیشگیری از آشوب، صورت خواهد گرفت. بدون تردید بسیاری از مقامات شهر و استان که سهل‌انگار و تا حدود انعطاف‌پذیر و ملایم بوده‌اند، تعویض شده و گروه سخت‌گیر تر و سرکوب‌کننده‌تری جایگزین آنان خواهند گردید. می‌توان پیش‌بینی نمود که رژیم از طریق حذف برنامه‌های اجتماعی و طرح‌های توسعه منطقه نیز عکس‌العمل نشان خواهد داد. مسئله بسیار مهم‌تر در درازمدت آن است که آشوب تبریز نشان داد که چگونه حاکمیت بالفعل رژیم بر استانهای کشور می‌تواند به طور جدی از سوی نیروهای مذهبی و اجتماعی که مدتها توسط تهران نادیده انگاشته شده‌اند، در معرض تهدید قرار گیرد؛ نیروهایی که اکنون بسیار قدرتمندتر از آن هستند که بتوان آنان را نادیده پنداشت و یا به آسانی با خود همراه نمود.

#### سند شماره (۸)

تاریخ: ۵ مارس ۱۹۷۸ - ۱۴ اسفند ۱۳۵۶  
 از: کلاید د. تیلور

طبقه بندی: خیلی محرمانه

به: مشاور سیاسی - جان استمپل

#### موضوع: ناآرامیهای قم و تبریز

آقای بختیان امروز صبح گفت که پسر عمویش که پزشک است در طول تعطیلات آخر هفته با وی دیدار کرده و رویدادهای قم را به وی گزارش نموده است. پسر عمویش گرداننده امور یک کلینیک در قم است و در آغاز اظهار داشت که تعداد کشته شدگان ناآرامیهای قم حدود ۴۰۰ نفر می‌باشد. وی گفت که سخنگویان دولت پس از شورشهای تبریز برای یک آیت‌الله در قم پیامی آورده بودند، مبنی بر اینکه اعلیحضرت مدت ۵ روز است که به خواب نرفته است و در پاسخ، آیت‌الله قم گفته بود «به او بگویند که ما ۵۰ سال است که نخوابیده‌ایم»

بنا به گفته این پزشک یکی از علل ناآرامیهای قم این است که آیت‌الله ایرانی که در عراق در تبعید به سر می‌برد به پایان شانزده سال تبعید خود رسیده و در مورد بازگشت وی سؤالاتی مطرح شده که ریشه تمام این اغتشاشات می‌باشد.

یکی از جالب توجه‌ترین اظهارات آقای بختیان این بود که به گفته وی رادیوی صبح کشور اعلام کرده بود که راه قم به علت مراسم جاری در این شهر بسته شده است. وی از من سؤال کرد که آیا قرار است بازار و مغازه‌های دیگر شهرهای ایران نیز تعطیل شوند یا نه که پاسخ من منفی بود. تیلور

## سند شماره ۹

تاریخ: ۱۹ آوریل ۱۹۷۸ - ۳۰ فروردین ۱۳۵۷  
 یادداشت مکالمات مکان: منزل سرلشکر حسن پاکروان، نیاوران، تهران

شرکت کنندگان: سرلشکر حسن پاکروان، دبیر اول سفارت آمریکا کلاید دی. تیلور

موضوع: تمایل سرلشکر پاکروان مبنی بر افزایش نقش مشورتی آمریکا برای شاه

مقدمه: ضیافت شام مورد نظر فرصتی بود برای اختلاط دوستان سرلشکر (سرلشکر بازنشسته، معاون سابق نخست وزیر و رئیس ساواک، و غیره) و خانم پاکروان و دوستان پسرش دکتر کریم پاکروان (استاد اقتصاد در دانشگاه آزاد ایران و مشاور سازمان برنامه و بودجه در امر انرژی) و همسرش. در تمام طول شب سرلشکر دائماً نزد من می آمد و دنباله صحبت‌های گزارش شده را ادامه می داد که حدودی یک ساعت به طول انجامید.

سرلشکر پاکروان در مقدمه صحبت‌هایش گفت که دیگر به شاه دسترسی ندارد، اما بعضی از دوستان جوانترش با وی در تماس می باشند. اما در نتیجه تماس سالها تماس مستقیم معتقد است که «شاه را همچون کتابی می شناسد» و هنوز هم قادر است به دقت در زمینه طرز فکر شاه در رابطه در رویدادها و آینده تعمق نموده و به قضاوت بنشیند. او گفت که افکارش را به عنوان یک وطن پرست نگران با من در میان می گذارد. سرلشکر در ابتدا از من خواست که نظر خود را در مورد وضع اقتصادی جاری و آتی ایران بیان نمایم. سپس پرسید که نظر آمریکا در مورد ایران چیست. پاسخ من منطبق با مطالبی بود که سفیر سولیوان در دیدار با میهمانان خود بیان می داشت یعنی ارزش منافع آمریکا در ایران به عنوان کشور مولد گاز و نفت و نیز کشوری که دارای ارزشهای ژئوپلیتیک غیر قابل قیاس و سنجش است.

سرلشکر گفت که شاه اخیراً در مورد اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران شدیداً اظهار نگرانی کرده است. (منظور وی تنها عدم توازن اقتصادی، فعالیت بیش از حد اقتصادی و نویدهای ناشی از عدم موفقیت برنامه پنجم ایران که قبلاً در مورد آن تبادل نظر کرده بودیم، نبود، بلکه شامل افزایش مخالفت‌های سیاسی اجتماعی و مذهبی در ایران نیز می شد.) وی گفت از منزوی شدن بیش از حد شاه نگران است و معتقد است که تنها شمار کمی از افراد هستند که به خاطر بالا بردن رفا ایران اطلاعات صادقانه‌ای را در اختیار وی قرار می دهند. شخص او معتقد نیست که ایران می تواند به اهداف تعیین شده دست یابد. بنابراین اگر قرار است یک اقتصاد سالم در دراز مدت پیاده شود که نتایج نادرست سیاسی اجتماعی به دنبال نداشته باشد، باید از شدت و حدت این اهداف کاسته شود.

سؤال کردم که آیا واقعیت ندارد که شاه برای مطلع بودن از امور جاری در جهان تجاری دائماً با گروهی از تجار و بازرگانان در تماس است؟ سرلشکر در پاسخ گفت که متأسفانه این تجار که قبلاً نیز با شاه در تماس بوده‌اند یا از جریان امر خبر ندارند و یا در برخورد با وی صادق نیستند. وی در مقام اعتراف گفت احتمالاً شاه آنچنان مجذوب اهداف خود شده که بیش از گذشته نسبت به کسانی که اخبار بدی را به او می دهند، مطمئن می شود. وی گفت در جنبه رسمی و مقاماتی نیز متأسفانه وزیران و نیز رهبران تجارت خارجی و سران کشورها مانند دیگر ایرانیان عمل می کنند، یعنی به امید تحصیل چیزی از شاه و ایران به او نزدیک می شوند.

نکته مهم نهفته در گفتگوهایش این بود که اینجانب می بایست به دولت آمریکا و یا سران غیر دولتی

آمریکا (از جمله دیوید راکفلر) این پیام را برسانم که در زمینه مشورت با شاه فعالیت بیشتری داشته باشند. وی گفت گمان می‌کند که مانند سال‌های گذشته، آمریکا، رئیس‌جمهور و سفیر تا حدودی این کار را انجام می‌دهند، اما معتقد است که این نقش در حال حاضر باید با فعالیت بیشتر دنبال شود و به صورتی بسیار دیپلماتیک نشانگر علاقه آنان به آینده ایران باشد. وی در مقام هشدار گفت البته ممکن است شاه عصبانی شده و یا فریاد بزند، چون طبیعتش این است. اما قبل از آن که مهار وضعیت موجود از کنترل خارج شود باید وی را مطلع ساخت. در رابطه وضع سیاسی داخلی ایران، وی گفت که آنها کاملاً به خارجیان واگذار شده است، لیکن شاه از دهه ۱۹۶۰ (زمانی که سرلشکر رئیس ساواک و طبیعتاً در تماس نزدیک با شاه بود) به این نتیجه رسیده بود که اعطای آزادی‌های در ایران باید تحقق یابد. وی گفت از من می‌خواهد که این مطالب را به سفیر بگویم چون فکر می‌کند که آمریکا برای ارائه نصایح سیاستمداران به شاه از موقعیتی بهتر از دیگران برخوردار است. وی گفت دیگران از جمله رهبران آلمان، بریتانیا، فرانسه و احتمالاً ژاپن نیز می‌توانند نظر شاه را جلب کرده و با در نظر نگرفتن منافع تجاری خود در ایران می‌توانند با شاه در مورد آینده ایران صادقانه سخن بگویند.

#### بیوگرافی

##### سرلشکر حسن پاکروان:

متولد ۱۹۱۴ است و قبلاً معاون رئیس ساواک در سال‌های آخر ریاست تیمور بختیار (اواخر دهه ۱۹۵۰) بود و پس از آن به‌عنوان رئیس ساواک و معاون نخست‌وزیر از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ برگزیده شد. به‌خاطر تضادی که با ژنرال نعمت‌الله نصیری پیدا کرد. از ساواک برکنار شد و از آن زمان به بعد نصیری رئیس ساواک بوده است. بعدها سرلشکر پاکروان وزیر اطلاعات، سفیر ایران در پاکستان و فرانسه (از سپتامبر ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳) شد. از آن پس نیز چند سمت دولتی داشته است. او به زبان انگلیسی به خوبی تکلم می‌کند و فردی است که از جریان‌های موجود در ایران کاملاً مطلع است. بدون شک علت آن نیز شرکت وی در چند عملیات بزرگ تجاری است که یکی از آنها احداث یک کارخانه بزرگ ذوب آهن است که در نزدیکی مشهد و توسط شوروی ساخته خواهد شد.

##### دکتر کریم پاکروان:

فرزند سرلشکر پاکروان است و ظاهراً بیش از ۳۰ سال ندارد. او لیسانس خود را در سوئیس و در فوق لیسانس را از دانشکده اقتصاد لندن دریافت نمود و درجه دکترا را از دانشگاه شیکاگو در ریاضیات و اقتصاد گرفت. در سال ۱۹۷۶ به ایران بازگشت و در دانشگاه آزاد ایران مشغول به کار شد. وی دارای یک فرزند ۲/۵ ساله است و همسرش Aziti نیز که درجات تحصیلی چندی از انگلستان و آمریکا در رشته تلویزیون یا ارتباطات دارد نیز در ایران به‌طور نیمه وقت در دانشکده تلویزیون و ارتباطات دانشگاه آزاد کار می‌کند. دکتر پاکروان اخیراً به‌عنوان مدیر کل یک شرکت مشاوره تجاری بنام شرکت آگرگ در آمده که در زمینه کشاورزی، منابع و انرژی فعالیت می‌نماید.

چند استاد در دانشگاه نیز با وی در این شرکت سهیم هستند. علاوه بر این وی تنها مشاور سازمان برنامه و بودجه در زمینه انرژی است و با فریدون فشارکی مشاور انرژی نخست‌وزیر و نیز دیگر

متخصصین انرژی موجود در ایران روابط صمیمانه‌ای برقرار کرده است. او با سفارت بسیار صریح و بی پرده است و می‌تواند یک منبع خوب باشد. تیلور

#### سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷  
از: کنسولگری آمریکا در شیراز  
به: وزارت امور خارجه

#### موضوع: برداشتهای عمومی در مورد دولت آموزگار

طی چند ماه گذشته این واحد تلاش کرده تا با تماس با تعدادی از افراد موجود در جنوب ایران از نظریات آنان در مورد دولت آموزگار که از تابستان قبل روی کار آمده مطلع گردد. پاسخ بسیاری از آنها به خصوص مقامات دولتی و افراد دارای خیال پروریهای سیاسی بیشتر مطالب کلیشه‌ای و معلول از جمله ایران در حال ورود به دروازه‌های تمدن بزرگ است، می‌باشد. با این حال، اظهارات صریحتر حاکی از نارضایتی نسبتاً وسیع است. این نارضایتی نیز ناشی از خطاهای ملموس دولت نیست. بلکه علت اصلی آن این است که همه معتقدند که این دولت هیچ کار خاصی انجام نداده است، از جمله علل احتمالی این نحوه برداشت می‌توان موارد زیر را نام برد:

سالهاست که ایرانیها تحت تأثیر سخنان مقامات برای یافتن پاسخ تمام مسائل توجه خود را به دولت مرکزی معطوف ساخته‌اند. شخص آموزگار گاهی تأکید کرده است که در هیچ موردی راه حل معجزه‌آسایی وجود ندارد، که به نظر بسیاری از ناظران بی‌طرف، نظری واقع‌گرایانه و سالم است. با این خیال شخص نخست‌وزیر نیز عاری از مبالغه‌گریهای یک سیاستمدار نبوده است. نتیجه این شد که حضار وی علائم گیج‌کننده‌ای دریافت کرده‌اند یعنی یک روز از آنها خواسته می‌شود که سطح توقعات خود را پایین بیاورند و روز دیگر تعاریف پر آب و تاب از وضعیت موجود آغاز می‌گردد.

آموزگار بخاطر شهرتی که در زمینه مدیریت داشت به این سمت منصوب گردید. بسیاری گمان می‌کردند که او خواهد توانست در آخرین ماههای دولت هویدا که توأم با اختلالات اجتماعی و اقتصادی بوده نظم و ترتیب را حکمفرما سازد. ولی نه ماه بعد همان نومیدهای یعنی تورم، افزایش قیمتها، کمبودها، نابرابریهای اقتصادی، کاغذبازیهای اداری دوران قبل از انتصاب آموزگار به جای هویدا، هنوز هم به چشم می‌خورد. روند واپس‌گرایانه اقتصادی بسیاری پر حرارت که همزمان با آغاز دولت آموزگار پدیدار شده بود، سبب گردید که بسیاری از رابطهای سفارت به خصوص در بخش خصوصی نسبت به دولت وی بدبین شوند. در عین حال که علت اصلی گسترش سریع اقتصادی از نظر همین افراد ناشی از بسیاری از عدم موازنه‌ها بود و سکونی موقت می‌توانست فرصت ایجاد استحکام و انسجام را پدید آورد، ولی در چند ماهه اخیر همه این افراد از روزهای پر جنجال سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ دم می‌زنند.

سیاستهای دولت در قبال ناآرامیهای داخلی، از نظر بسیاری از آنها، نشانه ناتوانی آن در برخورد واقع‌گرایانه‌تر با مسائل بحرانی است. طرز برخورد افراد در قبال ناآرامیها نیز بسیار پیچیده بوده و ناشی از بی‌میلی افراطی بسیاری از عناصر متجدد جامعه ایران در درک منابع و مفاهیم آن است، اما همه در برابر نوسانات دولت بهت‌زده می‌شوند، چون گاهی متوجه می‌شوند که دولت نمی‌داند در انتخاب دو راه یعنی بردباری در برابر نظرات ناراضیان و سرکوب کدام یک را برگزیند. جاه‌طلبیها گرچه شاخص اصلی



منتقدین نیست، ولی از نظر آنها این مسائل نقاط ضعف دولت محسوب می‌گردند. خلاصه اینکه، دولت آموزگار تا حدودی قربانی شرایط موجود گشته است. چنین نتیجه‌گیری شده که به خاطر عدم توان خود در برابر شرایطی که موجود است نمی‌خواهد به صورت وسیله‌ای درآید. شکسته نفسی و واقعگرایی در برخورد با مسائل پیچیده همیشه به عنوان نقاط ضعف تعبیر شده است. معذالک، چنین به نظر می‌رسد که دولت نتوانسته است آنچنان رهبری را به وجود آورد که موجب از بین رفتن نارضایتیها از عملکرد آن به خصوص در جنوب ایران گردد. تامست

#### سند شماره ۱۱

تاریخ: ۶ مه ۱۹۷۸ - ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷  
از: کنسولگری آمریکا در اصفهان  
موضوع: اغتشاشات اصفهان

#### آغاز خلاصه متن

اصفهان در تاریخ ۲۸ مارس یعنی بزرگداشت کشته شدگان تظاهرات تبریز در تاریخ ۱۸ فوریه، شاهد تظاهرات مداومی بوده است که احساس ناامنی را در میان جوامع ایرانی و آمریکایی افزایش داده، و ایرانیها را نسبت به انگیزه‌ها و تاکتیکهای دولت ایران بی اعتماد ساخته است: اخیراً ماهیت تظاهرات تغییر کرده و بسیاری از محافظه کاران را وارد درگیریها ساخته و احساسات ضد آمریکایی نیز در حال پیدایش است در صورتی که روش جدیدی در ممانعت از درگیریها ابداع نشود بی نظمی شدیدی حاکم شده و منافع شهروندان آمریکایی مقیم اینجا را به مخاطره خواهند افکند. (پایان خلاصه متن)

#### سرقت‌های ایدائی

۴۰ روز پس از شورشهای تبریز که سبب کشته شدن بسیاری از افراد گردید، در اصفهان نیز احتمال بروز چنین درگیریهایی آن هم در آخرین روز از عزاداریهای ۴۰ روزه قوت پیدا کرده است. مقامات محلی می‌گویند که انتظار بروز آشوب را نداشتند، اما دفاتر امنیتی و دولتی به مدت سه روز قبل از این تاریخ در آماده باش ۲۴ ساعته به سر می‌بردند. در نگاه اول رویدادهای ۲۸ مارس کم اهمیت تلقی می‌شد، که عبارت بود از سرقت (پرتاب سنگ) در چند دفتر شهرداری و بانک جمعیت‌های خیابانی به سرعت وضع عادی پیدا کرده، و حضور کارمندان در محل کار و پلیس در محلهای کنترل ترافیک نیز جنبه عادی خود را یافت، ولی دو روز بعد و به خصوص هر روز بعد از آن رویدادهای مشابه دیگری به وقوع پیوست، یعنی در هر مورد چند نفر اتومبیل یا موتور سیکلت سوار به طرف تأسیسات فاقد نگهبان (بانکها، سینماها، مشروب فروشیها، و دفاتر پستی) حمله ور شده و به طرف آنها یا سنگ پرتاب می‌کردند و یا بمبهای آتش‌زا که اغلب عمل نمی‌کردند و پس از آن مهاجمین ناپدید می‌شدند. از سی و شش حمله گزارش شده هیچ کدام منجر به رویارویی با پلیس و یا دستگیری نشده است. پس از ده روز اول این حملات کاهش یافت، اما تا اواسط ماه آوریل همچنان ادامه داشت.

## مداخله دولت ایران / تصادم؟

با ادامه این حملات در نقاطی که پلیس حضور نداشت و با تحقیقات پلیسی که فاقد هرگونه اطلاعات دقیق و یا دستگیری بود، روزنامه مطالبی را در محکوم ساختن فعالیت‌های «عناصر ضد دولت» منتشر ساخته و از «سازمانهای وفادار و مردمی ایران» درخواست می‌کردند که مانع از ادامه این اعمال گردند، در نتیجه سازمان دفاع غیر نظامی در اصفهان تحت عنوان «جوخه‌های اقدام»<sup>\*</sup> تشکیل گردید و برخلاف پلیس سریعاً موفق به درگیری و دستگیری «محرکین مظنون» و تحویل آنان به پلیس گردیدند.

این روش در اصفهان مورد سوءظن واقع گردید، تا اینکه اکثریت مردم این شهر به این نتیجه رسیدند که خرابکارها بنا به دستور دولت ایران و با حمایت آن انجام می‌شده است. گفته می‌شد که هدف دولت از این کار توجیه پیدایش «جماع به دستهای» ظاهراً مردمی ولی باطناً نظامی و امنیتی بوده است. این گروه‌های اقدام سریع خیابانی بعداً می‌توانست علیه مخالفین دولتی به صورتی مشروع و یا نیمه قانونی مورد بهره‌برداری واقع گردد، چون دولت قادر نبود بخاطر مخالفت جهانی (به خصوص آمریکا) در زمینه حقوق بشر و سرکوب‌های اعمالی از طرف دولت، مستقیماً مرتکب چنین اعمالی شود. این امر سبب می‌شود که دولت ایران علناً بتواند از حقوق و آزادی‌های بیشتر طرفداری و در عین حال از «افراط‌کارهای» این گروه از شهروندان علاقه‌مند که قادر است مخالفین را به طرز وحشیانه‌ای سرکوب کند، ابراز تأسف و نگرانی نماید.

عدم مواجهه همیشگی پلیس و این خرابکاران را اصفهانیه‌ها و عامل اصلی پیدایش این فرضیه می‌دانند چون اصفهان شهری است که نیروهای امنیتی آن همیشه به حال آماده باش هستند و شهر را تحت نظر دارند و علت این خرابکارها نیز اطلاع کافی از حرکات نیروهای امنیتی در شهر است و یا بی تفاوتی مردم در برابر پیدایش این خرابکارها در غیاب نیروهای پلیس و یا همکاری دولت با خرابکاران.

اولین دلیل با هماهنگی و یکسان بودن شیوه‌های خرابکاری جور در نمی‌آید، و دومی به لحاظ حضور و موفقیت ناگهانی جوخه‌های اقدام سازمان دفاع ملی واقعیت ندارد که جا را برای سومی باز می‌کند. علاوه بر این اصفهانیه‌ها خاطر نشان می‌سازند که با وجود رایج بودن این رویدادها، میزان خسارات وارده ناچیز و مغایر خسارات وارده توسط تظاهر کنندگان واقعی علیه همان‌گونه اهداف در تبریز می‌باشند.

## تظاهرات مرحله دوم

گروه‌های دانشجویی محافظه کار در دانشگاه اصفهان تظاهراتی همراه با عکسها و اسامی قربانیان تبریز مورخه ۲۹ تا ۳۱ مارس بر پا کردند که با خرابکارهای ایدایی کاملاً متفاوت بود. پس از این مراسم اعلام یک هفته اعتصاب یاد بود کردند که به خوبی پیگیری شد (گرچه کتابخانه و اتاقهای مطالعه مملو از دانشجویانی بود که در تدارک امتحانات بودند). تا اینجا عامل نگران‌کننده‌ای پدیدار نشده بود. ولی در تاریخ ۱۴ آوریل، واقعه‌ای در مسجد حسین‌آباد نزدیک دانشگاه رخ داد که نتایج خطرناکی را به دنبال داشت. بنا به گزارشات واصله یک ملای محافظه کار (رهبر مذهبی) اعلام کرده بود که قصد دارد در مورد خطراتی که در ایران اسلامی را تهدید می‌کنند، سخن بگویند، وی و همراهانش به محض ورود به مسجد، با

\* تذکر: در یادداشتها و گزارشات سفارت دولت به این گروهها «سپاه مقاومت» اطلاق می‌کند که «گروه‌های اقدام کننده» و «سپاه مقاومت» هر دو یکی هستند.

پلیس روبرو شدند که قصد داشتند مانع ورود وی به مسجد شوند که در این کار نیز موفق شدند گذشته از موقعیت، مناقشه مربوطه جمعیتی عظیم و کینه توز را به سوی خود جذب نمود. شاهدان عینی می‌گویند که چهار وسیله نقلیه نظامی به این صحنه نزدیک شد، و افراد مسلح نظامی دارای تفنگ، سرنیزه و سلاح‌های خودکار از آنها پیاده شده و از خود حرکات و نظم و ترتیب نظامی نشان دادند، ولی تیراندازی نشد. ظاهراً همین نیروها محل سکونت چهره‌های محافظه کار رامورد تهاجم قرار داده و بین ۲۰ تا ۵۰ نفر را جهت بازجویی با خود بردند. روزنامه‌ها این واقعه را اولین فعالیت جوخه‌های اقدام سازمان دفاع ملی در اصفهان قلمداد کردند که طی آن هشت نفر یا به جرم تحریک آشوب‌های اخیر و یا توزیع نشریات مخرب (تهران ژورنال ۱۶/۴/۱۹۷۸) دستگیر شده بودند. رابط‌های من می‌گویند که این افراد همان نظامیان بوده ولی در حین اقدام نشان‌های نظامی خود را به تن نداشتند.

در یک عکس‌العمل خصمانه نسبت به رویداد حسین‌آباد روز سه شنبه ۱۸ آوریل حدود ۵۰۰ دانشجوی محوطه دانشگاه اصفهان گرد آمدند و اقدام به شکستن پنجره‌های ساختمانها و ماشین‌های پارک شده در محوطه دانشگاه کرده، و پس از خروج از دانشگاه به طرف هتلی که در آن نزدیکی قرار داشت و یک شعبه بانک صادرات سنگ پرتاب کرده، و در نهایت به کارخانه پپسی کولا در یکی از خیابانهای اصلی نزدیک دانشگاه حمله ور شدند. پلیس نیز به این منطقه هجوم آورد و تیراندازی شروع شد و حداقل دو تن از دانشجویان دستگیر شدند. بنا به گفته شاهدان تعداد بسیاری از دانشجویان توسط پلیس دستگیر شدند، لیکن بعداً آزاد گردیدند و مدعی شدند که در حین بازجویی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. در روز یکشنبه ۲۳ آوریل، حدود ۲۰۰۰ دانشجوی محوطه دانشگاه را ترک و جریان ترافیک را مختل کرده و چند نفر از رانندگان را از اتومبیل‌های خود بیرون کشیدند، ولی به محض آغاز حمله پلیس به یکی از مساجد محل پناهنده شدند. در این مسجد نیز بیش از بیست نفر دستگیر شدند.

در همین حال در داخل دانشگاه حدود ۱۰ درصد دانشجویان به برگزاری تظاهرات دارای ماهیت ارتجاعی مذهبی پرداخته و دانشجویان دختری را که چادر به سر نداشتند مورد اهانت قرار داده و سعی داشتند دانشجویان را وادار کنند که برای انجام نماز کلاسها را ترک نمایند. اکثر دانشجویان به‌خاطر امتحانات در کلاسها حاضر می‌شدند، اما بسیاری از آنها در برنامه جلسات رئیس و دیگر مقامات اداری دانشگاه شرکت کرده و خواهان اجرای فرایض اسلامی در دانشگاهها شدند. (زنان چادر به سرکنند، محل غذاخوری آنها تفکیک شده، کلاسها برای انجام نماز تعطیل گردد و حدود ۳۰ درصد از کارمندان دانشکده‌ها بخاطر گرایش غیر اسلامی اخراج شوند). حدود ۳/۰۰۰ نفر در جلسه‌ای با شرکت ریاست دانشگاه شرکت نمودند تا این تقاضاها را نزد وی مطرح سازند. رئیس دانشگاه نیز در این جلسه حاضر شد، لیکن تقاضاها را نپذیرفت و به دانشجویان دستور داد که یا به کلاسها بازگشته و یا اخراج شوند. پس از عزیمت وی، جمعیت خشمگین با توسل به لوله‌های فشار قوی آب متفرق گردیدند.

### شایعات، شایعات و عکس‌العمل

در تمام موارد فوق، شهر، و به‌خصوص جامعه آمریکایی دستخوش شایعات بود. شایعات ابتدا دارای ماهیت اغراق‌آمیز نشأت گرفته از درون این جامعه بود، لیکن تازگیها یک نوع شایعه‌نگران‌کننده پدیدار گشته است. چند نفر با من تماس گرفته و در مورد رپوده شدن یک کودک آمریکایی، اسیدپاشی بر روی دو

زن آمریکایی، تجمع دانشجویان در نزدیکی اقامتگاههای چند آمریکایی، حمله به آمریکاییها در اتوبوسهای شهری و چند فقره حمله و تجاوز سؤالاتی را مطرح نمودند. در مدرسه ابتدایی پس از این شایعات میزان حضور دانش آموزان بشدت کاهش یافت. ولی هیچ یک از این شایعات واقعیت نداشت و آنهایی که قابل ردیابی بودند نیز توسط منابع (نامشخص) ایرانی پخش شده بودند. چنین به نظر می رسد که شخصی عمداً سعی دارد با این شایعات آمریکائیان را متوحش سازد. بالاخره ظاهراً ساواک با یکی از افسران امنیتی تماس گرفته و به وی گفته بود که دو زن آمریکایی از اتومبیلهای خود بیرون کشیده شده، لباسهای آنها دریده شده، و از آنها عکسبرداری شده است و این منبع ساواک به مقام مزبور دستور داده بود که با انتشار یک بولتن امنیتی از زنهاي آمریکایی بخواهد اقامتگاههای خود خارج نشوند. او نیز بدون هیچ گونه تحقیق بیشتر طبق دستور دریافتی عمل نمود و انتشار بولتنی امنیتی سبب فرار خانواده‌های آمریکایی از اصفهان گردید و بسیاری از افراد باقیمانده نیز متقاضی خروج از این منطقه می باشد. یکی از منابع دانشگاهی گزارش داد که در میان دانشجویان کتابچه‌ای در تمجید از موفقیت آنها در ترسانیدن آمریکاییها توزیع شده و از آنها خواسته شده که به این شایعه پراکنیها ادامه دهند؛ لیکن صحت ادعای توزیع این نشریه مورد تأیید قرار نگرفته است. علاوه بر این یک شرکت دیگر تهدیدهای تلفنی و کتبی دریافت نمود، و یکی از مقامات ژاندارمری نیز گزارش داد که چند گروهان دیگر نیز تهدیدات تلفنی دریافت نموده‌اند، بالاخره، یکی دیگر از گزارشات این جانب حاکی است که ملای مسجد حسین آباد و چهار ملای دیگر در خطابه‌های ضد شاهی خود مطالب ضد بیگانه و ضد آمریکایی را نیز گنجانده‌اند و آنها و دانشجویان حامی شان در حال تشکیل نیروهای دفاع از خود علیه حملات جوخه‌های اقدام سازمان دفاع ملی می باشند.

### تجزیه و تحلیل

به نظر من نیروهای دولت ایران نتوانسته‌اند اوضاع اصفهان را به خوبی تحت کنترل در آورند. واقعیت مشارکت دولت در خراب کاریها هر چه باشد (که خب بعید به نظر می رسد ولی اثبات و یا اینکار آن نیز کار ساده‌ای نیست) تاکتیکهای بسیار متضادشان در مقابله با آنها و تظاهرکنندگان محافظه کار و دانشجویی و نیز تشکیل جوخه‌های سازمان دفاع مقصر بودن آنها را در انظار دانشجویان و مردم حتمی جلوه گر ساخته است. قدرت و خشونت روز افزون و تظاهرات محافظه کاران عکس‌العملی است، در قبال تهدیدات موزیانه دولت ایران. با تظاهرات افزایش قدرت آن همیشه این خطر وجود دارد که اقدامات ضد دولتی متوجه اهداف دیگری شود که عبارتند از جوامع یهودی، آمریکایی و بهائی مقیم اصفهان، که از میان آنها آمریکاییان به مرحله جنون رسیده‌اند. درگیری آشکار بین جوخه‌های سازمان دفاع ملی و نیروهای دفاع از خود می تواند سبب گسترش سریع شورشها گردد. مردم در عین ناراضی بودن از وضع موجود، هوادار عکس‌العمل محافظه کارانه می باشند. به طور مثال، با وجود این که اقلیت کوچکی از دانشجویان واپس گرا هستند، ولی ۴۵٪ کل دانشجویان در جلسه ملاقات با رئیس دانشگاه حاضر شدند، و استفاده از ماشینهای آب پاش توسط پلیس جهت متفرق ساختن این جمعیت موجب افزایش پیروان افراطیون گردید. مقامات آمریکایی اکنون در حال هشدار دادن به آمریکاییها هستند در حالیکه هفته‌ها بود که می گفتند نباید از چیزی ترسید. به نظر من در حال حاضر هیچ گونه خطری آمریکاییان یا منافع آمریکا را تهدید نمی کند اگر

آرامش کوتاهی برقرار شود، ترس آمریکایی‌های مقیم این شهر از بین خواهد رفت، ولی بحرانی شدن اوضاع امنیت شخصی آمریکاییان را به خطر انداخته و ممکن است پرسنل مشغول به کار در پروژه‌های آمریکایی هدف‌های بزرگ ثانوی تظاهرات وسیع قرار گیرند.

در همین حالی که روحیه تظاهرات گسترش می‌یابد، ظاهراً تنها مداخله خارجی می‌تواند مانع از بروز خشونت بیشتر گردد، و شاید این رویداد خارجی تا به حال به وقوع نپیوسته باشد. کودتای کمونیستی در کشور همسایه ایران یعنی افغانستان که گویا تحت پوشش تظاهرات مذهبی و محافظه کارانه انجام گرفته تأثیر هشیارکننده‌ای داشته است، چون سه روز است که تظاهراتی برگزار نشده است. اگر تظاهرکنندگان متقاعد شوند که تظاهرات آنها کمکی به پیشبرد اهداف کمونیستی خواهد بود، سعی خواهند کرد جنجال آنچنانی برپا نکنند. با این حال، حتی اگر اصفهان آرام شود، مشخص شده که عناصر ارتجاعی مذهبی قادرند حمایت بسیای از مردم را جلب کرده و جمعیت عظیمی را برای برپایی تظاهرات جذب نمایند؛ و در عین حال که این تظاهرات (مسالمت‌آمیز) است، ولی از مبادرت به خشونت و درگیری نیز ابایی ندارند. این موضوع یک نتیجه‌گیری عمومی است و مربوط به رویدادی خاص نمی‌باشد و همچنان ثبات کشور را تهدید خواهد کرد حتی اگر این تظاهرات و آشوبها به آرامش کشانیده شود. مک‌گافی

#### سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۱۴ مه ۱۹۷۸ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷  
از: کنسولگری آمریکا در شیراز  
به: وزارت امور خارجه

#### موضوع: ناآرامیهای اجتماعی در شیراز

در تمام طول هفته هفتم ماه مه شیراز نیز مانند دیگر شهرهای موجود در قلمرو کنسولگری و نیز دیگر شهرهای ایران شاهد موجی از تظاهرات ضد رژیم بود. تلاش تظاهرکنندگان بیشتر بر چهلمین روز بروز به خشونت در تاریخ ۳۰ مارس که ۴۰ روز پس از شورش تبریز که آن هم ۴۰ روز پس از قتل عام ژانویه در قم بود، متمرکز گردیده بود. آنچه مسلم است این است که این دوره‌های بزرگداشت چهل روزه وسیله‌ای شده برای بروز احساسات ضد رژیم که در جامعه ایران ریشه‌های عمیق و گسترده‌ای دارد. رشد روند روبه خشونت در شیراز حاکی است که بسیاری از ایرانیهای مذهبی (و احتمالاً نقاط دیگر کشور) عمیقاً نگران ماهیت حکومت و جنبه‌های برنامه‌های نوگرایی در کشورشان می‌باشند.

ولی وجود این واقعیت که دو گروه یعنی عناصر نوگرا مرکب از دانشجویان دانشگاهی و نیروهای محافظه کار اسلامی در تظاهرات و خشونتها درگیر بوده‌اند. ارزیابی علل نهفته در ناآرامیها را دشوارتر و پیچیده‌تر می‌سازد و ضرورت آزادیهای سیاسی بیشتر به نظر می‌رسد که مستقیماً با نادانی محافظه کاران در تضاد است. در حقیقت، خط تمایز بین این دو گروه معمولاً، به واسطه جاه‌طلبیهای بسیاری از عناصر نوگرا نادیده گرفته می‌شود. در اغلب اوقات چنین به نظر می‌رسد که این افراد آماده‌اند تضاد آشتی‌ناپذیر روند نوآوری را با بنیادگرایی اسلامی تحت‌الحمایه منتقدین محافظه کار رژیم نادیده بگیرند. گرایش به عدالت اجتماعی در فلسفه اسلامی نیز ظاهراً وحدت عجیب و غریب آنها را منطقی جلوه گر می‌سازد، چون سبب می‌شود که نوگرایان و مسلمانان خرافاتی که بیشتر نگران تأثیر این روند نوگرایی بر شکل مذهب خود به صورت که در میان مردم به آن عمل می‌شود، نه به لحاظ ماهیت فلسفی آن، به نوعی اشتراک هدف برسند.

با وجود اینکه ایران از دیر باز شاه داشته است، سنت جهان وطنی اسلامی وحدت بین نوگرایان و محافظه کاران را در مخالفت با رژیم سهولت بخشیده است. روشنفکران صادق نیز اغلب اوقات نگران عدم تجانس نوگرایی در محیطی تحت سلطه مطلق گرایی سلطنتی می باشند. حتی کسانی که مایلند اعتبار و ارزش مهارت‌های سیاسی شاه را به رسمیت بشناسند، نیز فضای سلطنتی و بی فکریهایی که شاخص اطرافیان سلطان است را به دیده تحقیر می نگرند. آنها نسبت به حضور همه گیر سلطنت در عصری کاملاً پیشرفته و پیچیده بدبین بوده و با توسل به فرضیه اخوت اسلامی سعی دارند، علاوه بر یافتن یک نظام بهتر، برای مشارکت با محافظه کاران نیز انگیزه‌ای را پدید آورند.

بعضی از نوگرایان علناً این نوع مشارکت را وسیله‌ای برای سهولت در نیل به هدف توصیف کرده، و بعضی دیگر از جمله عناصر مارکسیست بدون هیچ گونه تردید و دودلی در مقام بهره برداری از احساسات ضد رژیمی محافظه کاران برای رسیدن به اهدافی که مورد تأیید محافظه کاران نیست، برآمده‌اند. با این حال در جنوب ایران، نشانه‌ها حکایت از آن دارد که نوگرایان شرکت کننده در فعالیتهای ضد رژیمی دنباله رو یک حرکت محافظه کارانه می باشند. این نوگرایان به جای اینکه پیشاهنگان نهضت باشند، دستخوش موج محافظه کاری شده‌اند. در این روند نیز ظاهراً چند عالم دخیل است که عبارتند از: اولاً، علیرغم تغییرات بسیار فاحش دو دهه گذشته، ایران (خارج از تهران) هنوز هم جامعه‌ای است که مدرنیزاسیون به طور کامل در آن جامعه عمل نبوده است. حتی عناصر عمده جمعیت‌های سریعاً روبه رشد مراکز شهری چون شیراز، اهواز، آبادان، خرمشهر، کرمان و بندرعباس در همین اواخر از محیط‌های سنتی زیست در شهرک‌های و روستاها خارج شده‌اند ثانیاً در بخش نو شده جامعه، بسیاری از عناصر از سیاست روی گردان شده‌اند. ثالثاً، همان گونه که قبلاً گفته شد، آن دسته از نوگرایان فعال، به استثنای مارکسیست‌ها، اغلب تعریف واضحی از اهداف خود ارائه نکرده‌اند. آنها می دانند که با چه چیزی مخالفت می کنند، ولی تصویر واضحی از مطلب مورد حمایت خود ندارند. نهایتاً، محافظه کاران، حداقل، این قدرت تفکر را دارند که بدانند خواستار جامعه‌ای هستند که عاری از صفات «غیر اسلامی» باشد. این امر مشتمل بر خلاصی یافتن از چنگال رهبری است که دفاع از دین را در صدر برنامه‌های خود قرار نداده و در واقع هوادار مسائلی از قبیل آزادی زن می باشد، ولی در اینجا تغییر وضع اقتصادی را که سبب بهبود وضع زندگی بسیاری از ایرانیان از جمله خود محافظه کاران شده، نادیده می گیرند. عدم تحقق هدف محافظه کاران در باب ایجاد اقتصادی صنعتی در جامعه‌ای که در یک قالب قرون وسطایی کامل با زنان چادری و اجرای احکام مذهبی (شریعت) قرار می گیرد، تأثیر بسیار کمی بر مشکل عملی حکومت در ایران می گذارد. اولین و مهمترین واقعیت این است که رژیم با نارضایتیهای وسیعی روبروست که نتایج مستقیم و اجتناب ناپذیر روند نوآوری در میان بخش اعظم جمعیت ایرانی است که از عصر جدید بویی نبرده‌اند.

تغییر روند نوآوری تقریباً غیر قابل تصور است، اما پیشرفت این روند توأم با افزایش ناآرامی در میان کسانی است که با بسیاری از تجلیات آن مخالف هستند و یا از نتایج این تجلیات هراس دارند. گرچه محافظه کاران فاقد قدرت لازم برای واپس گرایی می باشند، ولی می توانند پیشرفت را کندتر کنند. یکی از مسائلی که وضع را پیچیده تر می کند این است که آن دسته از افرادی که از نظر سیاسی در منتهی الیه طیف اجتماعی فعال هستند نگران بسیاری از بیمورد کاریها بوده و بدون تردید خواستار آزادیهای سیاسی بیشتری خواهند شد و در این راه در صورت تشخیص ضرورت حتی با نیروهای ارتجاعی نیز همگام

خواهند شد.

رژیم نیز که با این دو تنگنای سیاسی هم جهت روبرو است، شاید بخواهد درصدد بهره‌برداری از گرایش نوظهور نوگرایان برای عکس‌العمل برآید که تا به حال در زمره عناصر غیر سیاسی ایران بوده‌اند. این افراد که شامل کارمندان دولتی، تکنوکراتها، افسران نظامی، تجار (در برابر بازاریها که از جمله سنت گرایان محسوب می‌شوند) می‌باشند، اصولاً مایل به دنبال کردن حرفه و مسائل شخصی خود بوده‌اند. ولی در حال حاضر خود را با ناآرامیهای دانشگاهی و اختلال در امور تجاری به خاطر بزرگداشت شهادت قهرمانان این شهر و آن شهر افزایش موجبات رنجش خاطر در حیات خود روبرو می‌بینند، به این ترتیب ذهن خود را با راه‌حلهای فاشیستی مشغول می‌دارند تا بتوانند خشونت‌هایی را که دامنگیر بسیاری از شهرها شده از بین ببرند. ندهای گهگاه در رابطه با برخورد آگاهانه باچماق به‌دستها و عناصر ضد دولت حاکی از آن است که رژیم نیز همین روش را مد نظر داشته و شاید تا به حال آن را رد نکرده است. تغییر جهت، به سیاست اعطای آزادیها که به عناصر ناراضی ایرانی اجازه ابراز عقیده داده است می‌تواند سبب پایان گرفتن تجلیات علنی ناآرامیهای اجتماعی ناشی از روند نوآوری گردد، اما گمان نمی‌رود که قادر به تغییر علل ریشه‌ای آن باشد، زیرا، واضح است که قبل از شکوفا ساختن گلهای بسیار، سرکوب و سانسور نتوانسته است، مانع از پدیدار گشتن ناآرامی اجتماعی گردد، که اکنون در همه جا به چشم می‌خورد. تامست

#### سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۷ ژوئن ۱۹۷۸ - ۱۷ خرداد ۱۳۵۷ طبقه بندی: سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان  
از: کلاید دی. تیلور - مشاور اقتصادی  
از طریق: معاونت سفارت - آقای چارلز ناس مشاور اقتصادی - آقای راجر بروین  
طبقه بندی بدون مطالب پیوست: محرمانه

#### موضوع: واردات نظامی و صادرات نفتی ایران

به پیوست جداول حاوی آمار و ارقام و برآوردهای مربوط به واردات نظامی و صادرات نفتی ایران آمده است که در برگیرنده تمام تجارت خارجی ایران (کالاها و خدمات) و تجارت آن با آمریکا می‌باشد. در بیانیه‌ای نیز که به پیوست آمده مشکلات موجود در راه تهیه این آمار، و ارقام و هشدارهای لازم در زمینه موثق بودن آنها ارائه شده است. از ابتدای ورود خویش به ایران از فقدان آمار و ارقام جامع در زمینه تجارت ایران شگفت‌زده بوده‌ام و می‌دانم که پیشینیان من نیز با همین مسئله دست به‌گریبان بوده‌اند. آقای کاری هاف بوئر دستیار معاون وزیر خزانه‌داری در امور سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی و اینجانب در اوائل سال جاری پیرامون همین مسئله بحثهای مفصلی داشتیم. او با مهربانی بر روی آن کار کرد و اطلاعاتی را که از طریق چهار دفتر آمریکایی گردآوری کرده بود در اختیار من قرار داد. پس از این تلاش وی در مورد این آمار و ارقام چنین اظهار نمود، «گمان نمی‌کنم گزارش مناسبی باشد.» من یک نسخه از نامه و ارقام نامه‌اش را محض اطلاع شما ارسال می‌دارم.  
علاوه بر آقای هاف بوئر، آقای بش نیز در این تلاش مرا یاری داده است.  
مطالب پیوست:

- ۱- نامه هاف بوئر به تیلور در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۷۸ با چند مطلب پیوست.
- ۲- تراز تجارت خارجی و حساب جاری ایران با جهان و آمریکا با جدولهای ۱، ۲، ۳.

### سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

بدون مطالب پیوست محرمانه است

تراز تجارت خارجی و حساب جاری ایران با جهان و آمریکا در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷

مشکلات و توضیحات در رابطه با ارقام ضمیمه

آمار و ارقام کامل مربوط به تجارت خارجی ایران یا منتشر نمی شود و یا تا آنجا که می دانم توسط دولت ایران به دقت دنبال نمی شود. در آمار مربوط به تجارت کالایی، نفت از صادرات و کالاهایی که توسط ارتش وارد می شود و همه آنها نیز الزاماً نظامی نیستند، تفکیک می گردد. عناصر مهم غیر قابل رؤیت دیگر در حساب جاری از جمله جهانگردی، بهداشتی، انتقال حساب، بهره، حمل و نقل و غیره تنها در صورت موازنه پرداختها منظور گشته و تقسیمات مربوط به هر کشور در آن ذکر نمی گردد. اگر در صدد کسب اطلاعاتی در مورد ارزش صادرات نفتی ایران باشید باید با استفاده از منابع اطلاعاتی یا کشورهای دریافت کننده اطلاعات لازم را گردآوری کرده و یا به تخمین و برآورد اکتفا کنید. البته این مورد دوم مشکلاتی از قبیل «یافتن سرنخ و کندی کار» و نیز مبانی قیمت گذاری مانند FAS (تحویل در بندر) CIF (قیمت تمام شده + بیمه + حمل) و FOB (تحویل روی عرشه) را در برخواهد داشت.

به دست آوردن آمار و ارقام مربوط به واردات نظامی ایران دشوارتر است. در ابتدا فرض بر این بود که تفاوت بین واردات غیر نظامی که توسط اداره گمرکات (وزارت اقتصاد و دارایی) گزارش می شود و تراز پرداختهای مربوط به واردات کالایی گزارش شده توسط بانک مرکزی تحت عنوان تراز پرداختهای ارز خارجی می تواند نشانگر میزان واردات نظامی این کشور باشد. به این ترتیب و همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده، واردات نظامی ایران در سالهای اخیر نباید (به میلیون دلار آمریکا) در سال ۱۹۷۵ معادل ۵۲۹۸ میلیون دلار، در سال ۱۹۷۶ معادل ۳۳۰۹ میلیون دلار، و در سال ۱۹۷۷ معادل ۲۵۵۰ میلیون دلار بوده باشد. بخش اعظم اعتبار این فرضیه به رابطه نزدیک بین واردات و پرداختها بستگی دارد چون دو فرضیه کاملاً متفاوت تجاری را به یکدیگر ربط می دهد که عبارتند از گمرکات (بر اساس اسناد کالاهای دریافتی) و جریان وجوه نقدی تراز پرداختها.

این موضوع احتمالاً تا مارس ۱۹۷۶ صادق بوده است. از آن پس، به خصوص بخش دولتی ایران واردات خود را بر اساس اعتبار به جای پرداخت نقدی انجام می داد. این امر سبب تغییر شرایط پرداخت واردات غیر نظامی گردید در حالی که بخش اعظم واردات نظامی بر اساس شرایط برنامه فروش نظامی خارجی آمریکا صورت می گرفت. نتیجه این امر این است که تراز پرداخت واردات به نسبت گمرکات به طرز نادرستی برآورد می شود و بهمین ترتیب در مورد واردات نظامی نیز نمی توان نتیجه گیری معقولی داشت. نکته ضعف دیگر در این فرضیه که ناشی از برآورد بیش از حد واردات و مبنا قرار دادن تراز پرداختها است، مسئله پیش پرداخت واردات می باشد (یعنی پرداخت نقدینه بیشتر در مورد کالاهایی که اگر از طریق گمرکات وارد می شد، نقدینه کمتری به آن تعلق می گرفت، و همین موضوع میزان واردات نظامی را بیشتر از آنچه که هست جلوه گر می سازد) که بر آمار و ارقام ۱۹۷۵ و تا حدود کمتری بر آمار و



ارقام ۱۹۷۶ تأثیر می‌بخشد. (به سطور ششم و هفتم جدول ۲ رجوع شود).  
آمار و ارقام مربوط به محموله‌های نظامی ارسالی به ایران که از طریق اسناد طبقه بندی نشده وزارت دفاع آمریکا در زمینه فروشهای نظامی خارجی و اسناد طبقه بندی شده (سری برای کشورهای دیگر و از طریق سیا) به دست آمده، ارقام مربوط به ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ را بسیار مبالغه آمیز جلوه گر ساخته (سطر هفتم جدول ۲) و انسان را در مورد جامع بودن این ارقام به شک و تردید وامی‌دارد. علاوه بر این بین سال مالی آمریکا و سال گریگوریان (سال میادی - م) تمایزی قائل نمی‌شود، تاریخ تحویل را همان تاریخ انتقال اعلام کرده و محل درج ارزش محموله را نیز خالی می‌گذارد.

آمار و ارقام مربوط به صادرات نفتی ایران نیز باید مورد مطالعه و برآورد دقیق واقع شود. آمار خام شرکت ملی نفت ایران که برای اطلاع عموم منتشر می‌شود، حاوی نام کشورهای مقصد کالا و یا مقاصد نهایی کالا نمی‌باشد و هیچ‌گاه به مقادیر پولی تبدیل نمی‌گردد. همان طوری که در جدول یک و سه گفته شده، سفارت ارزشها را محاسبه کرد و با استفاده از ارقام بدست آمده از طریق منابع خاص مقصد نهایی نفت خام و یا نفت پالایش شده را نیز حدس زده است؛ به این دلیل آنها دارای طبقه‌بندی محرمانه می‌باشند.

واردات غیر کالایی و صادرات غیر قابل رؤیت ایرانی نیز از طریق موازنه پرداختهای بانک مرکزی قابل محاسبه بوده، و آنهایی که مربوط به آمریکا است نیز طبق آنچه که در جدول ۲ گفته شده محاسبه می‌شود. ارقام مربوط به جریان صادرات غیر قابل رؤیت به آمریکا محافظه کارانه است. ارقام مربوط به خدمات صادراتی از ایران به آمریکا نه موجود است و نه از نظر وسعت قابل ارزش.

جمع و ترازهای مربوط به جدولهای ۱ و ۲ در رابطه با تجارت بیش ایران و آمریکا در زمینه کالاها و خدمات تقریباً درست است، ولی به طور کلی از مبنای چندان استواری برخوردار نیست.

ضمائم جدول ۱ و ۲ و ۳ مشاور اقتصادی: تیلور

### سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

#### جدول ۱

تجارت خارجی ایران

(به میلیون دلار)

آمریکا	۱۹۷۷	آمریکا	۱۹۷۶	
۳۵۶۸	۲۷۸۲۹/۹	۲۱۴۲	۲۱۲۲۴/۶	جمع صادرات - خدمات و کالاها
<u>۳۵۶۸</u>	<u>۲۳۹۴۶/۸</u>	<u>۲۱۴۲</u>	<u>۲۳۱۹۳/۱</u>	کالاها
۳۵۰۰	۲۳۱۵۴/۷	۲۱۰۰	۲۲۲۷۰/۵	نفت / الف
۱۴۹۶/۹	(۲۲۰۱۳/۴)	(۸۶۵/۶)	(۲۱۳۰۳)	نفت خام
۲۰۰۳/۱	(۱۱۴۱/۳)	(۱۲۴۵/۴)	(۹۶۷/۵)	فرآورده‌ها
—	۱۹۱/۱	—	۲۱۹/۶	گاز / ب
۶۸	۶۰۱	۴۲	۷۰۳	غیره / ج
NA/NM	۳۸۸۳/۱	NA/NM	ب / ۳۰۳۱/۵	خدمات
۶۰۳۶	۲۱۵۳۱/۶	۴۶۸۸	۱۸۱۰۰	جمع واردات - کالاها

و خدمات / ب	(۲۰۱۵۱)	(۲۲۱۷۳)	کالاما
	۱۴۲۵۷	۱۵۹۶۶	۴۰۲۲/۹
غیر نظامی/ج	۱۲۷۵۲	۱۳۸۳۳	۲۲۰۱
نظامی/د	۱۵۰۵	۲۱۲۸	۱۸۲۱/۹
خدمات	۳۸۴۳/۴	۵۵۶۵/۶	۲۰۱۴/۵
تراز	+ ۸۱۲۴/۶	+ ۶۲۹۸	- ۲۴۶۸/۹

## منابع

- الف / محاسبات سفارت با استفاده از ارقام شرکت اسکو و شرکت ملی نفت ایران، محاسبات سفارت برای آمریکا، بدون احتساب هزینه حمل و نقل.
- ب / آمار ارقام مربوط به موازنه پرداختهای ارز خارجی ایران که بر طبق سال گریگوریان توسط بانک مرکزی شده است.
- ج / سفارت «آمار و ارقام مربوط به تجارت خارجی ایران»، وزارت اقتصاد و دارایی، صادرات FOB و واردات CIF
- د / اسناد آمریکا (جهت کنترل مهمات)، وزارت دفاع آمریکا (برای فروشهای نظامی خارجی) و سازمان سیا (برای کشورهای دیگر غیر آمریکا)، براساس FOB.
- ه / برآوردهای سفارت و بخش خدمات فروشهای نظامی خارجی وزارت دفاع آمریکا.
- \* نرخ تبدیل دلار به ریال ۷۰/۵ ریال برابر یک دلار آمریکا.

## سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

## جدول ۲

## واردات نظامی ایران

(به میلیون دلار آمریکا)

درصد	درصد	درصد	
از مجموع ۱۹۷۷	از مجموع ۱۹۷۶	از مجموع ۱۹۷۵	
۱۳۹/۶	۱۰۶/۵	۱۱۸/۵	۱- از آمریکا
۱۶۸۲/۳	۳۷۰/۱۲	۷۵۵/۷	الف: مهمات کنترل شده / الف
(۸۵/۶)۱۸۲۱/۹	(۷۸/۴)۱۱۷۹/۷	(۸۰/۱)۸۷۴/۲	ب: فروشهای نظامی خارجی / ب
۵۵۷/۱	۳۹۳/۵	۱۵۷/۶	ج: جمع واردات از آمریکا/ ج
۲۳۷۹/۰	۱۵۷۳/۲	۱۰۳۱/۸	د: (خدمات پشتیبانی از فروشهای نظامی خارجی)
			(جمع با احتساب بند «ج»)
			۲- از کشورهای دیگر/ د
۳۸	۶۲	۸۴	الف: شوروی
۲۶۸	۲۶۳	۱۳۳	ب: غربی (غیر از آمریکا)
(۱۴/۴)۳۰۶	(۲۱/۶)۳۲۵	(۱۹/۹) ۲۱۷	جمع
(۱۰۰)۲۱۲۷/۹	(۱۰۰)۱۵۰۴/۷	(۱۰۰)۱۰۹۱/۲	۳- جمع
۱۶۳۸۸	۱۶۰۶۱	۱۵۶۰۲	۴- پرداخت واردات (براساس موازنه پرداخت)
۱۳۸۳۸	۱۲۷۵۲	۱۰۳۰۴	۵- واردات (CIF)، گمرکات ایران / ه
۲۵۵۰	۳۳۰۹	۵۲۹۸	۶- واردات نظامی مفروض (۴ و ۵)

دخالت‌های آمریکا در ایران ۸۰۳

۲۱۲۸	۱۵۰۵	۱۰۹۱	۷- واردات نظامی (کالا در مبدأ آن به صورت FOB یعنی روی عرشه دریافت شده - جمع)
۴۲۲	۱۸۰۴	۴۲۰۷	۸- شکاف مبهم (۶ و ۷)
			۹- خلاصه دریافتهای آمریکا از تهران
۱۶۸۲/۳	۱۰۷۳	۷۵۶	نظامی (ا.ب)
۲۷۳۰/۰	۲۷۷۶	۳۲۴۲	غیره (دفتر گمرکات. ا. الف)
(۴۴۱۲)	(۳۸۴۹)	(۳۹۹۸)	جمع کالا
۵۵۷	۳۹۴	۱۵۸	خدمات فروشهای نظامی خارجی (فاحش. ا.د)
۱۴۵۷	۹۶۴	۶۲۶	برآورد دیگر خدمات / و
(۲۰۱۴)	(۱۳۵۸)	(۸۸۴)	کل خدمات
۶۴۲۶	۴۲۰۷	۴۸۸۲	کل دریافتها

الف / منبع: دفتر کنترل مهمات، وزارت خارجه، دفتر آمار سال تقویمی، FOB  
 ب / سال مالی آمریکا (۱۹۷۷ شامل ۵ فصل) گاهی نیز این عنوان به ایران اطلاق می‌شود.  
 ج / به استثنای صادرات غیر از مهمات کنترل شده توسط عرضه کنندگان تجاری.  
 د / محموله‌ها، نه قراردادهای منبع: سازمان سیا، سال تقویمی.  
 ه / جدای از کالاهای غیر نظامی وارداتی وزارت جنگ.  
 و / براساس ۳۰٪ پرداخت بخش خصوصی و ۲۰٪ پرداختهای دولتی: آمار و ارقام بانک مرکزی ایران  
 در مورد تراز پرداختهای ارز خارجی برای سال تقویمی گریگوریان (سال میلادی - م).

محرمانه

جدول ۳

صادرات نفتی ایران به درآمد تقریبی آن

میزان درآمد دولت FOB (به میلیون دلار آمریکا)	کمیت (به) ۱۹۶۷ و ۱۹۷۶ برداشت دولتی (میلیون بشکه)	در ازاء هر بشکه	
\$۴۰۰۵/۹	\$۱۱/۱۴	۳۵۹/۶ (۱۸/۸٪)	۱- نفت خام
۱۷۰۸/۹	۱۱/۱۴	۱۵۳/۴ (۸/۰٪)	ژاپن
۳۱۴۱/۵	۱۱/۱۴	۲۸۲/۰ (۱۴/۸٪)	کارائیب* از جمله جزائر ویرجین
۱۸۲۷/۰	۱۱/۱۴	۱۶۴/۰ (۸/۶٪)	انگلستان
۱۴۹۰/۵	۱۱/۱۴	۱۳۳/۸ (۷/۰٪)	هلند
۸۶۵/۶	۱۱/۱۴	۷۷/۷ (۴/۱٪)	جبل الطارق
۱۰۱۷/۱	۱۱/۱۴	۹۱/۳ (۴/۸٪)	آمریکا
۷۳۶/۴	۱۱/۱۴	۶۶/۱ (۳/۵٪)	آفریقای جنوبی
۱۱۸۹/۸	۱۱/۱۴	۱۰۶/۸ (۵/۶٪)	ایتالیا
۵۳۱۹/۴	۱۱/۱۴	۴۷۷/۵ (۲۵/۰٪)	فرانسه
\$۲۱۳۰۳/۰	\$۱۱/۱۴	۱۹۱۲/۳ (۱۰۰٪)	غیره
۹۶۷/۵	۱۲/۵۰	۷۷/۴	جمع نفت خام
۲۲۲۷۰/۵		۱۹۸۹/۷	۲- فرآورده‌های پالایش شده (تمام مقاصد)
			۳- جمع مربوط به نفت

\* احتمالاً ۷۰٪ نفت خام صادر شده توسط ایران به «کارائیب و جزائر ویرجین» تصفیه شده و مجدداً به صورت فرآورده‌های نفتی به آمریکا صادر می‌گردد. بنابراین واردات نفتی سال ۱۹۷۶ آمریکا از ایران چه مستقیم و چه غیرمستقیم احتمالاً حدود ۱۸۵/۱ میلیون بشکه بوده که بدون هزینه حمل و نقل ارزش آن حدود ۲/۱ میلیارد دلار می‌باشد.

## ادامه جدول ۳

۱۹۷۷

میزان درآمد دولت FOB (به میلیون دلار آمریکا)	برداشت دولتی در ازاء هر بشکه	کمیت (به) (میلیون بشکه)	
\$۳۶۶/۵	\$۱۲/۳۲	۳۹۷/۲ (۱۶/۶٪)	۱- نفت خام
۲۸۵۴/۵	۱۲/۳۲	۲۳۱/۷ (۱۳/۲٪)	ژاپن
۲۱۰۰/۶	۱۲/۱۲	۱۷۰/۵ (۹/۵٪)	کارائیب* از جمله جزایر ویرجین
۱۸۰۰/۰	۱۲/۳۲	۱۴۶/۱ (۸/۲٪)	انگلستان
۱۵۸۳/۱	۱۲/۳۲	۱۲۸/۵ (۷/۲٪)	هلند
۱۴۹۶/۹	۱۲/۳۲	۱۲۱/۵ (۶/۸٪)	جبل الطارق
۱۲۶۰/۳	۱۲/۳۲	۱۰۲/۳ (۵/۷٪)	آمریکا
۱۰۷۳/۱	۱۲/۳۲	۸۷/۱ (۴/۹٪)	آفریقای جنوبی
۹۳۰/۲	۱۲/۳۲	۷۵/۵ (۴/۲٪)	ایتالیا
۵۲۵۰/۸	۱۲/۳۲	۴۲۶/۲ (۲۳/۹٪)	فرانسه
\$۲۲۰۱۳/۴	\$۱۲/۳۲	۱۷۸۶/۸ (۱۰۰/۰٪)	غیره
۱۱۴۱/۳	۱۳/۷۵	۸۳/۰	جمع
۲۳۱۵۴/۷		۱۸۶۹/۸	۲- فرآورده‌های پالایش شده (تمام مقاصد)
			۳- جمع مربوط به نفت

\* احتمالاً ۷۰٪ نفت صادراتی ایران به جزایر کارائیب و ویرجین تصفیه شده و مجدداً به آمریکا صادر می‌گردد. بنابراین واردات نفتی آمریکا از ایران در سال ۱۹۷۷ چه مستقیم و چه غیر مستقیم احتمالاً حدود ۲۸۳/۷ میلیون بشکه و معادل ۳/۵ میلیارد دلار بوده است.

تاریخ: ۱۳ مارس ۱۹۷۸ - ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ طبقه بندی: سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

وزارت خزانه‌داری - واشنگتن

آقای کلاید تیلور

افسر امور مالی بخش اقتصادی سفارت آمریکا - تهران

کلاید عزیز:

شما از ما خواسته بودید که تعداد محموله‌های اخیر تسلیحاتی به ایران را در اختیار شما قرار دهیم. این امر ما را ملزم ساخت تا از چهار منبع کسب اطلاع نماییم که عبارتند از: ۱- وزارت دفاع، ۲- دفتر کنترل مهمات وزارت خارجه، ۳- وزارت بازرگانی، ۴- سازمان اطلاعات مرکزی (سیا). ما با این چهار سازمان تماس گرفته‌ایم و اطلاعاتی را که در دسترس هستند. جمع‌آوری نموده‌ایم. لیکن این اطلاعات برای ارائه گزارشی مرتب در یک قالب قرار نمی‌گیرند.

وزارت دفاع ایالات متحده اطلاعاتی مفصل در مورد محموله‌های تسلیحاتی برای ایران در اختیار دارد که آنها را براساس سال مالی ایالات متحده نگاهداری می‌نماید. من نسخه‌ای از داده‌های کامپیوتری این محمولات را به منظور فراهم آوردن اطلاعات تا آنجایی که میسر باشد، ضمیمه نموده‌ام. «حمل مواد» برای وزارت دفاع به این معناست که عنوان مالکیت به دولت خریدار داده شده است و معمولاً عنوان مالکیت زمانی در داخل دستگاه دولت آمریکا به خریدار داده می‌شود که مواد و تجهیزات آماده بارگیری و حمل باشند (و بنابر این درست کمی قبل از زمان واقعی صدور از ایالات متحده به آن اطلاق می‌شود). من داده‌های کامپیوتری وزارت دفاع را مورد موافقتنامه‌های فروش با ایران را نیز ضمیمه کرده‌ام و این

موضوع به شما اجازه می‌دهد تا محمولات را با برنامه‌های فروش مورد مقایسه قرار دهید. (منظور مقادیر حمل شده و یا در حال حمل و فروشهای آینده - م) دفتر کنترل مهمات نیز اطلاعاتی در مورد صدور مواد و تجهیزاتی که براساس اختیارات (سازمان) مقررات مبادلات بین‌المللی تسلیحاتی کنترل می‌شود، به شرح زیر فراهم آورده است:

سال مالی ایالات متحده	دلار آمریکا
۱۹۷۵	۱۱۸۴۹۹۲۱۹
۱۹۷۶	۱۰۶۵۱۰۱۰۷
سه ماه آخر ۷۶ و اول ۷۷	۲۰۵۰۶۷۶۹
۱۹۷۷	۱۱۹۱۲۴۱۰۶

این ارقام صادراتی براساس اطلاعات اداره آمار ارائه شده و منعکس‌کننده مقادیر حمل شده واقعی از ایالات متحده می‌باشند. من در مورد مجوزهای صادره برای صادرات به مقصد ایران اطلاعاتی به ضمیمه ارسال نکرده‌ام، چون که ارقام بدون استفاده‌ای خواهند بود. خیلی از مجوزهای صادراتی هرگز مورد استفاده واقع نمی‌شوند. ما با وزارت بازرگانی تماس گرفتیم تا اطلاعاتی در مورد صادرات تجاری به غیر از ارقام گنجانده شده در اطلاعات (سازمان) مقررات مبادلات بین‌المللی تسلیحاتی و کنترل شده به وسیله دفتر کنترل مهمات به دست آوریم. این اقلام غیر نظامی هستند، و نیز اقلامی از آن قبیل که هم مواد استفاده نظامی و هم غیر نظامی دارند را در بر می‌گیرند، مثل: تجهیزات ساختمانی، چادر و وسایل چادرزنی، لباس و وسایل شخصی، موتور هواپیما، و غیره که باید از منابع تجاری در آمریکا خریداری شوند. وزارت بازرگانی قادر است تا اطلاعاتی در مورد مجموع مبادلات با ایران برحسب نوع کالا فراهم آورد، ولی متأسفانه نمی‌تواند آن را بر حسب مصرف‌کننده نهایی در اختیار گذارد و بنابراین نمی‌تواند خریدهای نظامی ایران را مشخص نماید. از این جهت ما باید بگوییم که ما از این طبقه‌بندی صادراتی آگاهیم، ولی قادر به فراهم آوردن اطلاعات مربوطه نیستیم. وسیله‌ای که معمولاً در گزارشاتی با این ماهیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، این است که: «صادرات خارج از اقلام دفتر کنترل مهمات توسط فروشندگان تجارتی از این گزارش مستثنی هستند.» سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) اطلاعاتی در مورد محمولات نظامی به ایران از کشورهایی به غیر از ایالات متحده، فراهم آورده است. این اطلاعات براساس سال تقویمی تهیه شده‌اند. ستونی که با کلمه «موافقتنامه‌ها» مشخص شده منعکس‌کننده تعهدات ایران برای خرید می‌باشد و ستون «محمولات» به اقلامی اطلاق می‌شود که توسط ایران دریافت شده است. این گزارش شامل موافقتنامه‌ها و همچنین محمولات می‌باشد، چون که برخی از کشورها موافقتنامه‌های تسلیحاتی منعقد نموده‌اند، ولی ظاهراً هنوز شروع به حمل نموده‌اند و یا حداقل گزارشی در مورد محمولات ندارند. در هر یک از دو حالت به شما ایده‌ای در مورد محمولات احتمالی می‌دهد. نسخه‌ای از جدول سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) به پیوست می‌باشد.

این بهترین اطلاعاتی بوده است که ما قادر به جمع‌آوری بوده‌ایم و من امیدوارم که به مقصود شما کمک کند. اگر کار بیشتری از دست ما بر می‌آید، لطفاً مرا مطلع نمایید.

ارادتمند

گری هاف بائر

## سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

ایران: موافقتنامه‌ها و محموله‌های نظامی

کشورهای کمونیستی ۱۹۷۵، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷

۱۹۷۷		۱۹۷۶		۱۹۷۵		
محموله‌ها	موافقتنامه‌ها	محموله‌ها	موافقتنامه‌ها	محموله‌ها	موافقتنامه‌ها	
۳۰۶	۵۵۸	۳۲۵	۱۷۹	۲۱۷	۱۰۷۶	مجموع
۳۸	...	۶۲	۵۴۴	۸۴	ناچیز	مجموع کشورهای کمونیستی
۳۸	...	۶۲	۵۴۴	۸۴	...	شوروی
...	...	ناچیز	ناچیز	...	ناچیز	اروپای شرقی
...	...	...	...	...	...	چین

کشورهای غربی به غیر از آمریکا ۱۹۷۵، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷

محموله‌ها	موافقتنامه‌ها	محموله‌ها	موافقتنامه‌ها	محموله‌ها	موافقتنامه‌ها	
۲۶۸	۵۵۸	۲۶۳	۱۲۴۷	۱۲۳	۱۰۷۶	مجموع کشورهای غربی
...	...	۱	۱	...	...	استرالیا
۷	...	...	۷	...	...	مصر
۵۳	...	۱۵	۳	۱	۱	فرانسه
۱۱۷	۱۷	۱۶۱	۳۲	۳۹	۳۴۹	آلمان غربی (جمهوری فدرال)
...	...	...	۲۳	...	...	هند
۱۰	۱۶	۱۱	۲۵	...	۱۰	اسرائیل
۹	۴۲۶	۳۱	۱	۴۲	۱۴	ایتالیا
۲	۲	...	...	...	...	سوئد
۱	۱	...	...	...	...	سوئیس
۶۹	۹۶	۴۴	۱۱۵۵	۵۱	۷۰۲	انگلیس

## سازمان همکاریهای امنیتی

طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل از روی درصد انواع اقلام و خدمات دفاعی

گزارش تحلیلی تسلیحاتی برنامه فروشهای نظامی خارجی - ایران

سازمان اجرائی - همه سازمانها

ترتیب توالی - منطقه - کشور

درصد	سال مالی ۷۷ تا ۷۵	درصد	سال مالی ۷۷	درصد	سال مالی ۷۶	درصد	سال مالی ۷۵	درصد	سال مالی ۷۴	
	۴۴۸۰۹۶۸		۱۷۰۴۵۸۴		—		—		۱۶۵۰۹۴۸	هواپیمای جنگی
	۱۴۲۵۴۷۶		۲۵۰		۳۲۱۰		۸۹۲۴۸۸		۵۱۳۵۵۱	کشتی جنگی
	۲۷۷۰۵۱		۲۶۴۱		۳۳۸۳۲		۴۴۷۵۲		۵۴۹۲۶	خودروهای جنگی
	۵۰۲۸۸		۴۶۲۱		۳۴۷۰۸		۳۶۶۶		۴۲۲۱	تسلیمات
	۹۳۶۴۲۶		۱۳۴۳۳۰		۱۷۲۱۵۷		۳۹۰۵۷۴		۵۸۱۶۲	مهمات
	۱۱۴۹۱۶۵		۲۲۲۹۳۰		۲۷۳۳۵۹		۱۴۹۸۷۳		۱۵۸۵۳۶	موثک
۴۷	۸۴۶۴۳۷۶	۳۶	۲۰۹۶۳۵۵	۳۱	۵۱۷۳۶۵	۶۱	۱۵۲۶۴۴۴	۵۹	۲۴۵۰۳۴۴	مجموع تسلیحات و مهمات
	۸۵۲۰۸۴		۴۹۹۵۰		۱۴۵۸۶۴		۱۴۵۸۶۴		۱۴۹۶۱۴	دیگر انواع هواپیما
	۱۸۵۰		۸۵۰		—		—		—	دیگر انواع کشتی
	۴۸۶۶۰		۱۰۹۳		۳۴۷۹۵		۲۴۱۶		۲۰۴۶	خودروهای پشتیبانی
	۳۷۸۴۰۹		۴۲۳۷۶		۳۸۹۳		۱۱۵۶۰۹		۹۵۰۱۴	تجهیزات مخابراتی
	۲۹۰۴۲۶		۵۹۸۲۹		۴۳۳۵۴		۵۴۲۳۱		۵۵۰۹۶	دیگر تجهیزات و وسایل
۹	۱۵۸۰۴۲۹	۳	۱۷۸۰۷۱	۸	۱۳۱۹۹۲	۱۳	۳۱۸۱۲۰	۷	۳۰۱۷۷۰	مجموع تجهیزات پشتیبانی
	۳۳۲۱۴۹۴		۱۳۳۱۴۴۰		۲۸۳۵۹۱		۲۹۴۴۰۷		۷۸۸۱۸۳	لوازم بدکی و ایجاد تغییر برای هواپیما
	۶۸۳۷۱		۱۷۹۵۸		۲۴۶۵۹		۲۳۸۴		۸۲۶۳	لوازم بدکی کشتی و تسهیم

دخالت‌های آمریکا در ایران ۸۰۷

هزینه									
۶۸۴۵۱	۲۰۳۱	۱۷۴۷۱	۹۷۳۹	۳۰۶۴	لوازم یدکی تسلیحات				
۳۳۸۲۸	۳۸۹	۹۸۶۳	۱۰۱۶	۷۲۰۲	لوازم یدکی تجهیزات و				
وسایل متحرک									
۲۳۹۱۵۰	۱۷۹۷۱	۵۳۹۱۸	۲۷۵۹۸	۶۲۱۱۳	لوازم یدکی و ایجاد تغییر در				
					موشک				
۳۱۵۴۵	۱۰۱۳۵	۳۴۶۸	۳۰۹۸	۱۸۳۱	لوازم یدکی تجهیزات				
					مخابراتی				
۲۱	۳۷۶۲۸۴۰	۲۴	۱۳۸۰۹۲۵	۲۳	۳۹۲۹۷۱	۱۴	۳۳۹۲۴۳	۲۱	۸۷۰۶۵۶
مجموع لوازم یدکی و وسایل ایجاد تغییر									
	۵۷۲	—	—	۱۵	۵۵۷				
	۱۶۶۷۳۳	۳۸۱۰۶	۵۵۲۱۹	۸۶۰۴	۲۸۴				
	۶۴۷۱۸۸	۱۹۵۹۸۲	۸۰۷۰۸	۱۰۴۵۸۵	۱۲۲۰۰۱				
	۵۸۰۹۹۳	۲۰۳۰۴۴	۷۹۶۸۸۸	۹۴۲۱۵	۷۲۹۶۸				
	۲۸۹۶۲۶۶	۱۷۴۰۵۷۹	۴۳۰۴۰۱	۱۱۰۲۹۴	۳۵۱۲۷۳				
۲۴	۴۲۸۷۵۲	۳۹	۲۱۷۷۷۱۵	۳۸	۶۴۸۰۱۵	۱۳	۳۱۵۷۱۳	۱۳	۵۴۷۰۸۲
مجموع خدمات پشتیبانی									
۱۰۰	۱۸۰۸۵۳۹۶	۱۰۰	۵۹۰۶۰۶۰	۱۰۰	۱۶۸۸۳۴۳	۱۰۰	۲۴۹۸۵۱۹	۱۰۰	۴۱۶۹۸۵۱
مجموع برای ایران									

سازمان همکاری‌های امنیتی دفاعی  
 طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل از روی درصد انواع اقلام و خدمات دفاعی  
 گزارش تحلیلی تسلیحاتی محموله فروشهای نظامی خارجی - ایران  
 ترتیب توالی - منطقه - کشور  
 سازمان اجرائی - همه سازمانها

درصد	سال مالی ۷۷ تا ۷۵	درصد	سال مالی ۷۷	درصد	سال مالی ۷۶	درصد	سال مالی ۷۵	درصد	سال مالی ۷۴	
	۱۴۴۴۰۹۳		۶۲۵۷۵۴		۱۶۴۹۰۶		۲۷۶۳۴۲		۱۹۲۵۶۹	هواپیمای جنگی
	۱۱۱۱۱		۳۵۵۷		۶۲۷		۳۴۹		—	کشتی جنگ
	۲۳۹۱۱۴		۱۵۴۹۲		۴۳۲۷۵		۴۷۴۳۰		۴۰۳۷۵	خودروهای جنگی
	۵۳۲۶		۱۲۷۷		۲۹۶۶		۱۳۰۷		۸۴۷	تسلیحات
	۴۷۰۲۲۳		۹۹۹۶۲		۱۷۴۲۳۱		۶۰۸۲۱		۲۶۴۷۶	مهمات
	۳۹۳۰۸۶		۱۶۰۲۸۹		۶۳۹۰۵		۱۱۰۰۳۳		۴۲۱۷۴	موشک
۴۳	۲۵۶۵۹۵۴	۴۰	۹۰۶۳۳۱	۳۱	۴۴۹۹۱۲	۵۴	۴۹۶۲۸۲	۵۹	۳۰۲۴۴۱	مجموع تسلیحات و مهمات
	۶۵۲۸۷۴		۳۰۸۱۴۸		۲۱۵۲۹۶		۹۶۷۲۶		۲۴۹	دیگر انواع هواپیما
	۱۰۰۰		—		—		—		۴۰۹	دیگر انواع کشتی
	۱۵۹۹۳		۹۲۲۵		۲۸۸۷		۸۵۶		۱۵۸۴	خودروهای پشتیبانی
	۱۳۳۳۱۶		۱۱۵۳۸		۱۶۶۰۵		۲۱۰۱		۱۸۷۱۷	تجهیزات مخابراتی
	۱۲۹۹۰۵		۲۶۳۴۳		۲۴۵۳۶		۱۶۹۹۳		۹۴۳۱	دیگر تجهیزات و وسایل
۱۵	۹۳۲۷۸۹	۱۶	۳۵۵۲۵۳	۱۸	۲۵۹۳۲۴	۱۳	۱۱۶۶۶۶	۶	۳۰۳۹۰	مجموع تجهیزات پشتیبانی
	۱۰۱۱۱۳۵		۳۳۴۵۳۰		۲۸۴۱۹۶		۱۲۳۱۷۸		۱۱۳۹۸۷	لوازم یدکی و ایجاد تغییر برای هواپیما
	۲۶۷۲۶		۶۸۷۶		۵۱۲۲		۴۹۱۴		۳۸۴۶	لوازم یدکی کشتی و تسهیم هزینه
	۵۲۶۲۷		۱۳۱۹۰		۸۵۶۶		۶۵۵۴		۶۷۱۶	لوازم یدکی تسلیحات
	۱۲۷۹۵		۱۷۰۲		۱۰۷۹۹		۸۷		۷۸	لوازم یدکی تجهیزات و وسایل متحرک
	۱۲۵۱۲۸		۶۳۲۱۸		۵۳۷۵۶		۶۱۰۷		۱۷۰۴	لوازم یدکی و ایجاد تغییر در

		۱۲۰۲		۱۵۷۰		۱۸۹۸		۱۵۳۴		موشک
		۱۹		۲۵		۱۶		۲۵		لوازم یدکی تجهیزات
۲۱	۱۰۹۸۰	۱۲۳۹۳۹۱	۴۲۰۷۱۸	۳۶۴۰۰۸	۱۴۲۷۳۸	۱۲۷۸۶۵	مخابراتی	مجموع لوازم یدکی و وسایل ایجاد تغییر		
	۵۷۲	۱	۲۶۲	۳۰۸	—		ساختمانی			
	۲۹۰۳۹	۲۱۹۴۷	۱۳۴۵	۲۲۷	۱۲۸۱		تعمیرات و نوسازی			
	۲۰۱۹۴۱	۴۳۳۹۰	۸۰۷۶۵	۲۴۷۰۵	۱۱۵۳۴		عملیات تدارکاتی			
	۲۷۵۳۶۵	۶۸۰۰۱	۷۶۲۲۱	۵۵۴۵۸	۲۰۹۶۰		آموزش			
	۷۸۲۱۵۶	۴۲۳۷۰۶	۲۳۴۹۳۱	۷۶۸۷۳	۱۵۸۷۶		دیگر خدمات			
۲۱	۱۲۸۹۰۷۴	۲۵	۵۵۷۰۴۶	۲۷	۳۹۳۵۲۴	۱۷	۱۵۷۵۷۱	۱۰	۴۹۶۵۱	مجموع خدمات پشتیبانی
۱۰۰	۶۰۲۷۲۰۸	۱۰۰	۲۲۳۹۳۴۸	۱۰۰	۱۴۶۶۷۶۷	۱۰۰	۹۱۳۲۶۷	۱۰۰	۱۵۰۳۴۷	مجموع برای ایران

(ارقام سال مالی ۱۹۷۶ شامل سه ماهه انتقالی آخر ۷۶ و اول ۷۷ می باشد).  
 \* ارقام کمتر از ۵۰۰ دلار (به لحاظ روند کردن ارقام ممکن است در مجموع تفاوتی داشته باشد).



کتاب شصت و دوم

دخالت‌های  
آمریکا در ایران



«... در زمان این (شاه جنایتکار) چقدر از ذخایر این مملکت برای خرید یک ابزارهای جنگی که خود ایرانیها نمی توانند استعمالش کنند، چقدر ذخایر ما، بودجه این مملکت صرف شد برای خریدن اینها، چیزهایی که به درد ما نمی خورد و برای پایگاه درست کردن برای آمریکا بود. نفت ما را، ثروت ما را دادند، در مقابلش به ما چه دادند؟ به ما این معنا را دادند که پایگاه برای آمریکا درست کردند. عوض پول نفتی که از ما گرفتند، نفت را از ما گرفتند عوضش یک اسلحه‌هایی، یک چیزهایی دادند که ما خودمان نتوانیم استعمال کنیم و محتاج به کارشناس و مستشار باشیم و امثال ذلک و به درد خود آنها بخورد، پایگاه، خود آنها درست کنند در این مملکت، از پول ما برای خودشان پایگاه درست کنند. وارد کردن چیزهای مترقی آنها این طوری است، برای خودشان است. شما تصور نکنید که اینها برای ما و برای صلاح ما یک قدم بردارند. هر که این را تصور بکند، که اینها بخواهند ممالک شرق یک قدم رو به ترقی بروند، این جاهل است. ممالک شرق باید فکر خودشان باشند، نسیان کنند غرب را و خودشان مشغول بشوند به اصلاح خودشان. اگر ما می توانستیم که بلکی منقطع بشویم از اینها، اجازه می داد این مسائل که بکلی منقطع بشویم از اینها، به صلاحمان بود خیال نکنید که روابط ما با آمریکا و روابط ما با شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است. رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست. اینها می خواهند از ما بدوشند. اینها نمی خواهند به ما چیزی بدهند.»

امام خمینی - ۵۸/۸/۴

یازدهمین جلد از مجموعه اسناد «دخالت‌های آمریکا در ایران» یعنی کتاب حاضر، یک گزارش بازرسی داخلی وزارت خارجه آمریکا است که به ارزیابی خط مشی و کارایی مدیریت در این وزارت و بخشهای تابعه آن می پردازد و نیازهای اطلاعاتی حساسی، امور مالی و مدیریت و غیره را تأمین و به طور کلی یک ارزیابی همه جانبه در مورد مدیریت و به طور خاص یک ارزیابی در مورد سفارت آمریکا،

مدیریت امور کشوری و کلیه قسمتهای وابسته به سفارت آمریکا در تهران ارائه می‌دهد. این گزارش در آغاز به بررسی ایران و منافع آن برای آمریکا می‌پردازد و بیان می‌دارد که: «ایران برای یک آینده قابل پیش‌بینی، حائز اهمیت بسیار برای آمریکا خواهد بود. موقعیت استراتژیک، منابع نفت و گاز و نفوذ سیاسی آن بر دیگر کشورهای منطقه، به صورت لاینفک، به این معنی است که عمران و بهبود وضع ایران بر بعضی از منافع خاص آمریکا و هم‌پیمانان ما در پیمان ناتو تأثیری مستقیم دارد». سپس در باب مسائل مذکور به صورت مجزا توضیح می‌دهد: «... ایران مهمترین عرضه کننده نفت ژاپن و اروپای غربی است و مهمترین عنصر موجود در اوپک در زمینه تعیین قیمت نفت است. علاوه بر این، این کشور در پیشبرد عمران صلح‌آمیز کشورهای حوزه خلیج فارس و محدود ساختن نفوذ شوروی در این منطقه بحرانی نقش منطقه‌ای بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بالاخره ایران محل استقرار بعضی از تجهیزات اطلاعاتی بسیار منحصر به فرد آمریکایی است که تکثیر یا تغییر مکان آنها امری بسیار دشوار است».

روابط بین ایران و آمریکا در خلال ۳۰ سال همکاری دو جانبه و روابط بین رؤسای جمهور پیشین آمریکا و شاه و روابط کارتر با شاه به عنوان روابطی که بسیار سازنده و صمیمانه بوده، مورد بحث قرار گرفته است. مشکلات بین دو کشور در زمینه حقوق بشر، فروش تسلیحات، تسلیحات هسته‌ای و سیاستهای مربوطه به عنوان مقدمه‌ای بر گسترش بحث میان دولتمردان آمریکا برای یافتن بهترین راه برخورد با شاه و سپس روش مورد کاربرد که فشار بی‌سروصدا از طریق رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و سفیر می‌باشد مطرح گردیده است.

چون محتوای اساسی سیاسی کتاب در سه قسمت با عناوین «نگرشی کلی»، «خط مشی» و «مدیریت» درج شده، بخشهایی از مطالب مندرج به نقل از اسناد می‌آید:

«روابطمان با ایران به خوبی هدایت و اداره می‌شوند... سفیر کنترل کامل هیئت نمایندگی خویش در تهران را در دست دارد. تماسهای سفارت را گسترش داده تا در برگیرنده گروه بزرگتری از ایرانیها از جمله کسانی که مخالف شاه هستند، باشد... منابع پرسنلی کافی است و کیفیت پرسنل خوب است...»

«... در زمینه حمایت آمریکا از دولت ایران محدودیتهای سیاسی و روانی خاصی پدید آمده که در گذشته به میزان و شدت کنونی سابقه نداشته است. این محدودیتهای بر حقوق بشر، فروش تسلیحاتی و سیاستهایمان در زمینه عدم تکثیر هسته‌ای متمرکز است که هر یک از آنها مشکلاتی را در زمینه روابط با دولت ایران ایجاد کرده است... اعمال فشار آرام، لیکن مداوم سفیر سبب پیدایش اعتدال قابل توجهی در زمینه حقوق بشر و برنامه اعطای آزادیهای سیاسی شاه شده... در عین حال که فروشهای نظامی آمریکایی و آموزش مرتبط با آن سنگین است، ولی فروشها دقیقاً تحت نظارت است تا مانع از خدشه‌دار شدن روابط یا کاهش توان نظامی ایران گردد... یک قرارداد همکاری هسته‌ای دو جانبه بین ایران و آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۸ / تیر ۱۳۵۷ در تهران منعقد گردید...»

«... تمایل شاه به دریافت تجهیزات پیشرفته‌تر دو سؤال را مطرح می‌نماید که یکی نیازهای واقعی نظامی و دیگری تأثیرات تمایل او به خرید برخی تجهیزات مخرب و گرانقیمت بر اقتصاد ایران می‌باشد... مهمترین وظیفه دیپلماسی آمریکا تزریق واقعگرایی و تعادل به جنبه فروش تسلیحاتی روابطمان با ایران است... یکی دیگر از مسائلمان به میزان حضور آمریکا که اکنون معادل ۴۰۰۰۰ نفر برآورد شده، مربوط است. بخش اعظم این آمریکاییها به خاطر فعالیتهای نظامی در ایران حضور دارند...».

«... مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد مسئله دانشجویان ایرانی است. ظاهراً حدود بیش از ۶۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آمریکا مشغول به تحصیل بوده و شمار آنها هر سال رو به افزایش است... دانشجویان ایران منبع مهمی برای گسترش این روابط و کمک مهمی در عمران در جهت مورد نظر ما به شمار می‌آیند...»

«روابط ما با ایران بیشتر بر شخص شاه متمرکز است زیرا روند تصمیم‌گیریها در این کشور از تخت طاوس سرچشمه می‌گیرد... سفیر قادر است به طور مداوم و با سهولت با شاه تماس برقرار سازد. دو تن دیگر از مقامات با او ملاقات می‌نمایند... هیئت نمایندگی به طور کلی با تمام سطوح دولت ایران ارتباط خوبی برقرار ساخته و بین افسران هیئت مستشاری نظامی آمریکا و هم‌تایان ایرانی آنها نیز رابطه صمیمانه ایجاد شده است...»

ادامه این گزارش در ۲۶ یادداشت جداگانه به بررسی واحدهای مختلف مرتبط با ایران و واحدهای مستقر در سفارت آمریکا در تهران یا بخشهای تابعه آن در تهران و دیگر شهرها می‌پردازد. یادداشت اول مربوط به مدیریت بخش کشوری (ایران) است. این اداره با سه افسر و دو منشی فعالیت می‌کرد. افسر اول مدیر امور کشوری، افسر دوم مسئول نظارت بر مسائل اقتصادی نظامی و حقوق بشر بوده و افسر سوم مسائل اقتصادی را زیر نظر داشته و پشتیبانی لازم را از کمیسیون مشترک آمریکا و ایران به عمل می‌آورد. این اداره همیشه سفارت را در جریان امور مربوط به برنامه‌های مهم دستگاه اداری قرار می‌داد. از جمله وظایف این اداره می‌توان از طرحی یاد کرد که نحوه برخورد با مسائل بسیار غامض و عاطفی حقوق بشر را مشخص می‌کرد، تا اصطکاک بین دفاتر موجود در وزارت خارجه را کاهش دهد و همچنین تعیین برنامه مشخصی در رابطه با برنامه پیشنهادی فروش نظامی به صورتی دقیق تا مانع از فروشهای عمده که سبب منحرف ساختن و تحریک جناح مخالف می‌گردید، بشود.

دومین یادداشت مدیریت پست دیپلماتیک یا مدیریت هیئت نمایندگی آمریکا در تهران را مورد بحث قرار می‌دهد. این هیئت با ۱۴۰۰ آمریکایی (۱۲۰۰ نفر در هیئت مستشاری نظامی کار می‌کردند) و ۸۵۰ کارمند محلی، تشکیلات وسیعی را به وجود آورده بودند. در این واحد ۱۰۲ کارمند آمریکایی و ۱۶۵ کارمند در بخش وزارت خارجه به علاوه نمایندگانی از وزارتخانه‌های بازرگانی، کشاورزی، دادگستری، خزانه‌داری، دفاع و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) مشغول به کار بوده‌اند. این هیئت دارای نمایندگیهایی در تبریز، اصفهان و شیراز نیز بوده و بخش اجرایی سفارت تحت نظر سفیر، معاون، مشاور ستادی و یک مقام بسیار قرار داشته است. وظایف و مشکلات این هیئت در گزارش آمده است.

گزارشگری سیاسی برای پوشش و تجزیه و تحلیل مسایل مهم مورد علاقه آمریکا در ایران، دانشجویان ایرانی، فعالیت احزاب سیاسی، زنان، حقوق بشر، سیاستهای خارجی ایران، مقامات ایرانی و رویدادهای داخلی وظایف محوله بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران بوده که با سه افسر و دو منشی مشغول به کار بوده و در یادداشت شماره ۳ مورد بحث واقع شده است. ماهیت قدرت سیاسی در ایران و مشکلات گزارشگری سیاسی در این کشور، از جمله مسائل مطروحه در این قسمت می‌باشد.

امور بخش اقتصادی / بازرگانی شامل ۸ پرسنل آمریکایی و ۹ پرسنل محلی و تحت سرپرستی یک افسر سرویس خارجه فعالیت می‌کرده است. وظایف این واحد مطالب مندرج در یادداشت شماره ۴ را تشکیل می‌دهد. انتشار اطلاعات مربوط به بازار و تهیه مقدمات برای ۳۵۰ شرکت آمریکایی و دفتر بانکی

آمریکایی در ایران و سیل بازرگانی که به این کشور سفر می‌کردند از جمله وظایف بخش مهم اقتصادی - بازرگانی سفارت بوده است. گزارشگری در زمینه امور نفتی و اقتصادی از وظایف واحد اقتصادی؛ تأمین اطلاعات مورد نیاز برای منافع بازرگانی آمریکایی و تحقیق در امر بازار از وظایف واحد بازرگانی؛ و هماهنگی فعالیتها و بهبود در وضعیت انتقال کمک فنی و تکنولوژیکی به ایران از وظایف کمیسیون مشترک بوده است.

صدر روایدهای دانشجویی، مهاجرتی، امور مربوط به اتباع آمریکایی از وظایف واحد امور کنسولی بوده که با ۱۰ افسر آمریکایی ۶ کارمند آمریکایی و ۱۷ کارمند محلی مشغول به کار بوده است و در یادداشت شماره ۵ مورد بحث قرار گرفته و به مشکلات و مسایل این واحد پرداخته شده است. یادداشت شماره ۶ در هشت قسمت فعالیتهای واحد امور اداری سفارت را تحت عناوین عملیات کارگزینی، بودجه و مالی، ارتباطات و بایگانی، خدمات عمومی، پزشکی، املاک سفارت و امنیت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این واحد با ۲۴ کارمند آمریکایی، ۱۴۵ کارمند محلی، ۱۴ نفر گارد امنیتی و حدود ۱۵۰ کارمند پیمانی خدمات مربوطه را به هیئت دیپلماتیک ارائه می‌نموده است. وظایف و مشکلات هر قسمت در یادداشت مربوطه مطرح شده است.

حضور ۱۰۰۰۰ آمریکایی تحت پوشش حوزه مأموریت کنسولگری اصفهان، تبدیل اصفهان به یک شهر مرکزی در رابطه با مجتمع صنعتی - نظامی، یک مرکز مهم آموزشی و پرورشی و زادگاه بسیاری از عناصر محافظه کار مذهبی و متنفذ از نظر سیاسی از عوامل توجیه وجود کنسولگری آمریکا در اصفهان بوده است. این کنسولگری با دو آمریکایی سه کارمند محلی، یک دستیار کنسولی، سه گارد امنیتی و یک تعمیر کار پیمانی اداره می‌شده است. یادداشت شماره ۸ الف به تشریح وظایف اداری، کنسولی و مدیریتی این واحد می‌پردازد.

یادداشت‌های شماره ۸ ب و ۸ ج نیز توجیه وجودی کنسولگریهای شیراز و تبریز را مورد بحث قرار داده‌اند و وظایف و عملکرد هر کدام را به نقد و بررسی کشیده‌اند: «تحت پوشش بودن ۴۰۰۰ آمریکایی، در بر گرفتن تمام منطقه جنوب ایران و مراکز و بنادر تولید نفت، وجود ارتباطات مقامات کنسولگری با رابطهای خوب در شیراز و جنوب و گزارشگریهای سیاسی بسیار عالی» به عنوان دلایل وجودی کنسولگری شیراز و «ارزش واحد تبریز در رابطه با منافع آمریکا، گزارشات عالی کنسولگری در مورد رویدادهای مهم این منطقه، عوامل مربوط به حیثیت و وجهه در روابط بین ایران و آمریکا، موقعیت منطقه از نظر تاریخی، حضور کنسولگریهای ترکیه و شوروی و حضور ۲۰۰۰ آمریکایی در این منطقه» نیز به عنوان دلایل توجیه وجودی کنسولگری تبریز در نظر بوده‌اند. مسائل مربوط به وظایف و عملکرد کنسولگریهای فوق نیز به همراه یادداشت آمده است.

دفتر وابسته دفاعی با ۸ کارمند آمریکایی و ۵ کارمند محلی تحت پوشش وزارت دفاع آمریکا و زیر نظر یک سرلشکر نیروی هوایی که نماینده وزارت دفاع نیز بوده، فعالیت می‌نموده است. این واحد مسائل مربوط به هیئت نمایندگی نظامی در ایران و مستشاری نظامی شامل ۹۱۸ پرسنل نظامی و ۲۷۴ پرسنل غیر نظامی را حل و فصل می‌کرده است. رئیس هیئت مستشاری نظامی بر فعالیت ۷۰۰۰ پرسنل پیمانی آمریکا و بر فروشهای نظامی خارجی (۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ / ۱۳۵۶ و ۳ میلیارد دلار در ۱۹۷۸ / ۱۳۵۷) و بر کار چند تیم کمک فنی حوزه‌ای نظارت داشته است. بررسی این فعالیتها مطالب مندرج در

یادداشت ۹ - الف را تشکیل می‌دهد.

واحدهای وابسته به وزارتخانه‌های دیگر غیر از وزارت خارجه که در سفارت آمریکا در تهران مشغول بوده‌اند و وظایف این واحدها مطلب یادداشتهای ۹ ب، ۹ ج، ۹ د و ۹ و، را تشکیل می‌دهند. واحدهای وابسته عبارتند از: سازمان ارتباطات بین‌المللی، سازمان مبارزه با مواد مخدر (وزارت دادگستری)، دفتر وابسته کشاورزی (وزارت کشاورزی)، مرکز تجاری آمریکا در تهران (وزارت بازرگانی) و اداره مالیات بر درآمد (وزارت خزانه‌داری).

یادداشتهای شماره ۱۰ - الف و ۱۰ ب به فعالیتهای متفرقه و مربوط به خدمات رفاهی و آموزشی افراد آمریکایی مقیم ایران و وابسته به هیئت دیپلماتیک اشاره دارد که این واحدها عبارتند از: مدرسه آمریکایی تهران، انجمن کارمندان آمریکا و وابسته امور علمی.

این گزارش هر ساله و توسط گروه بازرسی کل دفتر هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) به شکل جزوه حاضر تهیه می‌شده است که گزارش حاضر مربوط به سال ۱۹۷۸ / ۱۳۵۷ می‌باشد. لازم به تذکر است که فعالیت واحدهای اطلاعاتی از جمله قرارگاه سیا در تهران از وظایف گزارشگری گروه مذکور نبوده و توسط گروه ویژه بررسی و ارزیابی می‌شده است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

سپتامبر ۱۹۷۸ - شهریور ۵۷

خیلی محرمانه

وزارت امور خارجه

دفتر بازرسی کل

گزارش بازرسی در مورد هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

هشدار در مورد توزیع این نشریه

این گزارش بازرسی گزارش داخلی وزارت خارجه است و بخشی مستقیم از روند برنامه ریزی شده آن می باشد که به ارزیابی خط مشی و کارایی مدیریت می پردازد. این گزارش برای وزیر امور خارجه و معاونین وی تهیه شده و در زمینه ایجاد تغییر در خط مشی و مدیریت برای آنها حاوی توصیه ها و پیشنهاداتی است.

این گزارش نباید چه به صورت کامل و چه به صورت جزء در خارج از وزارتخانه توزیع گردد. ولی در صورت دریافت مجوز کتبی قبلی از بازرسی کل وزارت خارجه می تواند در اختیار آن دسته از سازمانهایی قرار گیرد که در شکل دادن و مدیریت سیاست خارجی مستقیماً دخیل هستند. در واحدها و هیئت های نمایندگی وزارت خارجه، بنا به صلاحدید سرپرست آن واحد نمایندگی بخشهای مناسبی از این گزارش می تواند به نمایندگان دیگر آژانسهای اجرایی و یا وزارت خارجه دولت آمریکا نشان داده شود، مشروط بر آنکه آنان نیز با توصیه های مربوط به خط مشی مورد نظر مستقیماً در ارتباط باشند.

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

پیشگفتار

گزارشات بازرسی به منظور تأمین نیازهای بازرسی بخش ۶۸۱ قانون خدمات خارجی سال ۱۹۴۶ و اصلاحات آن و همچنین نیازهای حسابرسی امور مالی و مدیریت بخش ۱۱۳ قانون بودجه و روشها و مراحل حسابداری سال ۱۹۵۰ و اصلاحات آن که به وسیله بخشنامه ۲ - ۷۳ مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۳ مدیریت فدرال به مورد اجراء گذاشته شده است، یک ارزیابی همه جانبه در مورد مدیریت ارائه می دهد. این بازرسی مشتمل بر آزمایشهای مناسب جهت ارزیابی کارایی کنترلهای داخلی و عملیات مدیریت بوده، لیکن بررسی جزء به جزء کلیه فعالیتها و نقل و انتقالات انجام نگردیده است. این بازرسی در : واشنگتن در تاریخهای ۱۵ مه تا ۳۰ مه ۱۹۷۸ و ۱۴ ژوئیه تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۸؛ در تهران در تاریخهای ۲۰ ژوئن ۷۸؛ شیراز در تاریخهای ۲۱ ژوئن تا ۲۲ ژوئن ۷۸؛ اصفهان در تاریخهای ۲۸ ژوئن تا ۲۹ ژوئن ۷۸ انجام گرفت.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

لورنس ا. فولر

بازرس

ویرجینیا وایرز

بازرس

آلن دبلیو. برنسون

بازرس

کنت ان. راجرز

بازرس



هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

فهرست مقامات اصلی

سفارت

سفیر  
رئیس هیئت نمایندگی

جناب ویلیام اچ . سولیوان  
چارلز دبلیو. ناس

رؤسای بخشها

سیاسی  
اقتصادی - بازرگانی  
کنسولی  
اداری

جورج . بی . لمبراکیس  
راجر سی . بروین  
لوئیس پی . گوئلز  
هنری آر . میلز رابرت ال . جینگلز

دیگر سازمانها

وزارت دفاع: هیئت نظامی آمریکا در ایران  
آژانس ارتباطات بین‌المللی  
وزارت دادگستری: اداره مبارزه با مواد مخدر  
وزارت کشاورزی  
وزارت بازرگانی: مرکز تجاری آمریکا  
وزارت خزانه‌داری: اداره مالیات بر درآمد

سرلشگر فیلیپ سی. گاست، از نیروی هوایی آمریکا  
جک اچ . شلنبرگر  
پیتر ددیچ  
پل جی . فری  
بروکس رانیو  
مریلین رانیو

کنسولگریها

تبریز  
شیراز  
اصفهان

مایکل جی . مترنیکو  
ویکتور ال . تامست  
دیوید مک کافی

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

فهرست مندرجات

نگرشی کلی

خط مشی

مدیریت

جدول ۱ . فهرست تمام منابع پیشنهادی

جدول ۲ . خلاصه‌ای از تغییرات پیشنهادی در پستها

\*\*\*\*\*

یادداشت‌های بازرسی (جداگانه موجود است)

یادداشت	
۱	دفتر مدیریت (امور خاور نزدیک / ایران)
۲	مدیریت واحد
۳	امور سیاسی
۴	امور اقتصادی بازرگانی
۵	امور اقتصادی بازرگانی
۶ الف	عملیات اداری
۶ ب	عملیات پرسنلی
۶ ج	عملیات بودجه و مالی
۶ د	ارتباطات و سوابق
۶ هـ	عملیات خدمات عمومی
۶ و	واحد پزشکی
۶ ز	دارایی غیرمنقول
۶ ح	امنیتی
۷	سیستم ارزیابی پرسنلی
۸ الف	اصفهان
۸ ب	شیراز
۸ ج	تبریز
۹ الف	وزارت دفاع
۹ ب	آژانس ارتباطات بین‌المللی
۹ ج	اداره مبارزه با مواد مخدر
۹ د	وزارت کشاورزی
۹ هـ	وزارت بازرگانی: مرکز تجاری آمریکا
۹ و	اداره مالیات بر درآمد
۱۰ الف	مدرسه
۱۰ ب	انجمن کارمندان
۱۱	امور علمی

\*\*\*\*\*

جدول کنترل پیشنهادات (جداگانه موجود است)

خیلی محرمانه

نگرش کلی

در آینده قابل پیش‌بینی، ایران برای آمریکا حائز اهمیت بسیار خواهد بود. موقعیت استراتژیک، منابع نفت و گاز و نفوذ سیاسی آن بر دیگر کشورهای منطقه، به صورت لاینفک، به این معنی است که عمران و بهبود وضع ایران بر بعضی از منافع خاص آمریکا و هم‌پیمانان ما در پیمان ناتو تأثیری مستقیم دارد. ایران در رأس منطقه حائل بین شوروی و شبه جزیره نفت خیز عربستان واقع است. در عین حال که آمریکا تنها ۵ درصد نفت این کشور را برداشت می‌کند، ولی ایران مهمترین عرضه کننده نفت ژاپن و اروپای غربی است و مهمترین عنصر موجود در اوپک در زمینه تعیین قیمت نفت است. علاوه بر این این کشور در پیشبرد عمران صلح‌آمیز و استقلال کشورهای حوزه خلیج فارس و محدود ساختن نفوذ شوروی در این منطقه بحرانی نقش منطقه‌ای بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بالاخره ایران محل استقرار بعضی از تجهیزات اطلاعاتی بسیار منحصر بفرد آمریکایی است که تکثیر و یا تغییر مکان آنها امری بسیار دشوار است.

روابط بین آمریکا و ایران خوب است. مدت بیش از ۳۰ سال است که با یکدیگر در زمینه مسائل حائز اهمیت از نظر منافع ملی دو کشور همکاری کرده، و در این مدت عادات و روابط کاری از جمله بین شاه و یکایک رؤسای جمهور پیشین آمریکا برقرار نموده‌ایم که بسیار سازنده و صمیمانه بوده است. این وضع تا زمان دولت کارتر ادامه یافته است. شخص رئیس جمهور در زمینه اتخاذ سیاستها در قبال ایران بسیار دخیل بوده و با شاه دید و بازدید کرده‌اند. در تهران، سفیر قادر است به سهولت با شاه ملاقات نماید. معذالک، چند موضوع هست که مشکلاتی را بین دو کشور به وجود آورده است. این دشواریها حول و حوش حقوق بشر، فروش تسلیحات، و سیاستهای ما در زمینه عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای دور می‌زند. عقاید ناموجه در میان دولتمردان آمریکایی برای یافتن بهترین راه برخورد با شاه در خصوص هر یک از این موارد بالا گرفته است. روش ما عموماً فشار بی‌سروصدا از طریق رئیس جمهور، وزیر امور خارجه، سفیر و به همین ترتیب در سطوح پایینتر بوده است. ما تا به حال درخواستهای متعدیانه را مطرح نکرده‌ایم و دست به اقداماتی نزده‌ایم که در نتیجه آنها منافع وسیعترمان به خطر افتد.

تاکنون این نوع دیپلماسی تا حدودی موفق بوده است: وضع حقوق بشر تا حدودی بهبود یافته و امکان به وجود آمدن روند بهتری نیز وجود دارد، مذاکراتی واقعگرایانه در مورد خریدهای تسلیحاتی با شاه صورت گرفته و یک قرارداد همکاری هسته‌ای نمونه نیز که حاوی تمام پیشگوییهای مهم مورد نظر ما در خصوص عدم تکثیر هسته‌ای می‌باشد به امضاء رسیده است.

روابطمان با ایران به خوبی هدایت و اداره می‌شوند. علاقه و توجه مقامات عالی‌رتبه در واشنگتن سبب می‌شود که در مورد مسائل مربوط به ایران سریعاً تصمیماتی اتخاذ شود. ستاد مدیریت امور کشوری که بسیار سخت کوش و ذیصلاح است ترتیبات همکاری مؤثری را با دیگر سازمانها بخصوص وزارت دفاع و جامعه اطلاعاتی ایجاد کرده است. در داخل وزارتخانه، مدیریت بخش ایران با HA و PM در زمینه نحوه برخورد با جنبه‌های عملی حقوق بشر و سیاستهای مربوط به فروش تسلیحات اختلافات بسیار فاحش داشته؛ ولی در نهایت اقدامات منسجمی پدیدار گردیده است. مدیر بخش ایران هم اکنون به گونه صحیحی

بر دورنمای درازمدت تر و برنامه ریزی سیستماتیک برای برخورد با این گونه موارد تکرار شونده تأکید مجدد خویش را اعلام می نماید.

سفیر کنترل کامل هیئت نمایندگی خویش در تهران را در دست دارد و تمام سازمانهای نماینده دولت آمریکا در ایران بر طبق نامه مورخ اکتبر ۱۹۷۷ رئیس جمهور عمل می کنند. اکنون سفیر که وارد سال دوم خدمت خویش در ایران شده، تماسهای سفارت را گسترش داده تا در برگیرنده گروه بزرگتری از ایرانیها از جمله کسانی که مخالف شاه هستند، باشد. به همین ترتیب وی از آژانس ارتباطات بین المللی در ایران خواسته است، تا به تلاشهایش برای دسترسی به نخبگان جدیدی که قبلاً خارج از دسترس بودند وسعت بیشتری ببخشد. برنامه های کمک نظامی ما در نتیجه سعی و تلاش ریاست هیئت مستشاری نظامی پر انرژی و مجرب نظامی آمریکا در ایران محدودتر می گردد و با بعضی از مسائل حساس اطلاعاتی برخوردی صریح به عمل می آید.

منابع پرسنلی کافی است و کیفیت پرسنل خوب است و بجز در اصفهان و واحد بازرگانی تهران ضعفهای واقعی وجود ندارند. میزان کار هیئت نمایندگی در نتیجه فعالیت های کنسولگریهای تبریز، شیراز و اصفهان رو به افزایش است چون آنها خدمات مورد نیاز آمریکاییها را که شمارشان در ایران رو به افزایش است ارائه کرده و گزارشات سیاسی سفارت را تکمیل می کنند و در صورت ارائه رهنمودها و پشتیبانیهای لازم می توانند بر میزان فعالیت های بازرگانی سفارت بیفزایند.

علیرغم مشکلات کار و زندگی در تهران، با تراکم ترافیکی آن که بدترین نوع در جهان است تمرکز جمعیت و مشکلات فرهنگی، روحیه موجود در سفارت خوب است. همسران به خاطر فرصتهای شغلی موجود بخصوص در سفارت و به خاطر توجه مدیریت سفارت به نیاز خانواده ها بهتر قادر به تحمل مشکلات زندگی در تهران می باشند.

تسهیلات فیزیکی موجود در محوطه سفارت برای تأمین نیاز کنونی مکفی است، گرچه بعضی از ساختمانها باید تعمیر و بازسازی شوند. احداث یک ساختمان جدید برای بخش کنسولی که اکنون در مکانی غیر قابل قبول فعالیت می کند نیز ضرورت دارد.

### خط مشی

ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی، منابع نفتی و نفوذ سیاسی خویش در منطقه از اهمیت استراتژیک ویژه ای برخوردار است. هدف سیاستهای آمریکا تداوم کشوری با ثبات، مسئول و دوست است که (الف) برای آمریکا و هم پیمانانش تسهیلات اطلاعاتی و نظامی استراتژیک فراهم آورده و دسترسی آنها به نفت و بازارهایش را ممکن سازد و (ب) در منطقه نقش سازنده ای را منجمله در زمینه محدودسازی نفوذ شوروی ایفا کند. این خط مشیها تاکنون کاربرد خوبی داشته است.

با وجود اینکه آمریکا با ایران یک قرارداد همکاری دفاعی دو جانبه در متن پیمان سنتو در سال ۱۹۵۹ منعقد ساخته، ولی در زمینه حمایت آمریکا از دولت ایران محدودیتهای سیاسی و روانی خاصی پدید آمده که در گذشته به میزان و شدت کنونی سابقه نداشته است. این محدودیتهای بر حقوق بشر، فروش تسلیحاتی و سیاستهایمان در زمینه عدم تکثیر هسته ای متمرکز است که هر یک از آنها مشکلاتی را در زمینه روابط با دولت ایران ایجاد کرده است. مهارت و ظرافت بسیار لازم است تا اجرای این سیاستها با نیل

به اهداف فوق‌الذکرمان هماهنگ گردد.

بازرسین معتقدند که ما تا حدودی موفق بوده‌ایم. اعمال فشار آرام لیکن مداوم سفیر سبب پیدایش معتدل لیکن قابل توجهی در زمینه حقوق بشر و برنامه اعطای آزادیهای سیاسی شاه شده که احتمالاً روند مداومی را دنبال خواهد کرد. در عین حال که فروش تجهیزات نظامی آمریکایی و آموزشهای مرتبط با آن سنگین است، ولی رهنمودها همیشه در مد نظر بوده و فروشها دقیقاً تحت نظارت است، تا مانع از خدشه‌دار شدن روابط یا کاهش توان نظامی ایران گردد. یک قرارداد همکاری هسته‌ای دوجانبه بین ایران و آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۸ در تهران منعقد گردید که اولین نوع آن است. این قرارداد توسعه‌اتمی، ایران را در محدوده کنترلها و پیشگیریهایی قابل قبول برای ما در می‌آورد و بایستی نمونه و مشوقی برای دیگر موافقتنامه‌هایی از این قبیل باشد.

به هر حال بعضی از مشکلات جدی هنوز به قوت خود باقی است. محدودیتهای موجود در مورد هزینه‌های دلاری فروشهای نظامی، برنامه‌ریزی را مشکل می‌سازد چون هزینه‌های لوازم یدکی و تعمیرات و نگهداری هر چه بیشتر و بیشتر کل مبالغ در نظر گرفته شده برای ایران را به خود اختصاص می‌دهند. تمایل شاه به دریافت تجهیزات پیشرفته‌تر دو سؤال را مطرح می‌نماید که یکی نیازهای واقعی نظامی و دیگر تأثیرات تمایل او به خرید برخی تجهیزات مخرب و گرانقیمت بر اقتصاد ایران می‌باشد. در داخل دولت آمریکا با شدت بر سر آن گونه موارد کشمکش وجود دارد، اما بازرسین نمی‌دانند که انصاف ایرانیان در برخورد با این مسائل تا چه حدی بوده است. مهمترین وظیفه دیپلماسی آمریکا تزریق واقعگرایی و تعادل به جنبه فروش تسلیحاتی روابطمان با ایران است.

یکی از مسائل دیگر به میزان حضور آمریکا که اکنون معادل ۴۰۰۰۰ نفر برآورد شده، مربوط است بخش اعظم این آمریکاییها به خاطر فعالیتهای نظامی در ایران حضور دارند. اکثر آنها با کار در خارج از آمریکا به عنوان غیر نظامی آشنا نبوده و خانواده‌هایشان نیز به‌زندگی در یک جامعه نسبتاً محافظه کار مسلماً عادت ندارند. در نتیجه مشکلات عظیمی در رابطه با روابط عمومی و حراست پدیدار می‌گردد که مداوماً سفارت و کنسولگریهای تابعه آن و علی‌الخصوص اصفهان را با دردسر مواجه می‌سازند. سفارت در هدایت و فعالیتهای پشتیبانی برای تطبیق‌پذیری این آمریکاییها به خوبی انجام وظیفه می‌کند و دولت ایران نیز که هزینه این حضور آنها را تأمین می‌کند، از هیچ‌گونه همکاری فروگذار نکرده است. با این حال، مهمترین وظیفه سفارت تداوم بخشیدن به پیشرفت برنامه‌های بزرگتر است تا زمان و شمار آمریکاییهای موجود در کشور به حداقل کاهش یابد. افسران واحد همکاری نظامی ما تحت امر سفیر قادر به دستیابی به این امر می‌باشند، مثلاً اصرار و پافشاری برانگیزه‌ها و اهداف قراردادهای شرکتیهای آمریکایی با ایران به تکمیل به موقع پروژه‌ها و خروج پرسنل پیمانی آمریکایی از ایران کمک می‌نماید.

مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد مسئله دانشجویان ایرانی است. ظاهراً حدود بیش از ۶۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آمریکا مشغول به تحصیل بوده و شمار آنها هر سال رو به افزایش است. بسیاری از این دانشجویان یا واجد شرایط نیستند و یا انگیزه درستی ندارند، در نتیجه به سرعت تحت تأثیر فعالیت سیاسی - اغلب خشونت بار قرار می‌گیرند که آمریکاییها را مضطرب ساخته و بحرانهایی را در روابط ایران و آمریکا فراهم می‌آورند. البته در همان حال، دانشجویان ایرانی منبع مهمی برای گسترش این روابط و کمک مهمی در عمران ایران در جهت مورد نظر ما به شمار می‌آیند. آنچه مورد نیاز است اینست که دولت

آمریکا بر سر نحوه کار در مورد این مسئله نوعی توافق کلی داشته باشد. بازرسی پیشنهاد کرده‌اند که یک گروه مطالعه درون سازمانی تشکیل شود تا معیارها و طرحهای مربوط به روایدهای دانشجویی (سطح زبان انگلیسی، نمرات دبیرستانی، غیره)، نوع جلسات معارفه‌ای که باید برای دانشجویان قبل از ورود به آمریکا تشکیل شود و روش مشاوره با دانشجو در حین اقامت وی در آنجا (آمریکا - م) را مشخص کند. بازرسی دریافت‌اند که مکانیزم‌های گسترش و هماهنگی سیاست چه در واشنگتن و چه در محل مأموریت هیئت مؤثر واقع می‌شود. آخرین اسناد مربوط به این گونه خط مشی‌ها، PARM ۱۹۷۷ و GORM ۱۹۷۸ بر طبق رهنمودهای وزارت خارجه تهیه گردیده و مسائل و مشکلات را مشخص نموده است. با وجود این که، ایران مورد توجه عالیرتبه‌ترین مقامات موجود در دولت آمریکا است، تصمیمات اتخاذ شده در کاخ سفید و یا طبقه هفتم در اختیار مقامات در سطوح پایین تر قرار می‌گیرد و بازرسی این برداشت را داشته‌اند که مدیر بخش کشور ایران از امور کاملاً مطلع می‌شود. ایجاد هماهنگی بین سازمانی در واشنگتن دشوار است، چون تعداد سازمانهای قدرتمند و اختلاف نظر در مورد مسائل مربوط به ایران آن قدر زیاد است که گاهی رویارویی‌هایی نیز به وقوع می‌پیوندد، ولی در نهایت همه آنها احتمالاً به خاطر توجه مقامات عالیرتبه حل می‌شوند. ارتباط بین واشنگتن و سفارت در تهران در زمینه خط مشی‌ها بسیار عالی است.

#### مدیریت

رابطه ما با ایران بیشتر بر شخص شاه متمرکز است زیرا روند تصمیم‌گیریها در این کشور از تخت طاووس سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، اجرای مؤثر سیاستهای آمریکا در ایران به توان قابل ملاحظه سفیر و دیگر همکارانش در داشتن دسترسی به شاه و محفل کوچکی از مقاماتی که بر او نفوذ دارند، بستگی دارد. سفیر قادر است به طور مداوم و با سهولت با شاه تماس برقرار سازد. دو تن دیگر از مقامات نیز با او ملاقات می‌نمایند، ولی آنان تحت کنترل سفیر عمل می‌نمایند. هیئت نمایندگی به طور کلی با تمام سطوح دولت ایران ارتباط خوبی برقرار ساخته و بین افسران هیئت مستشاری نظامی آمریکا و هم‌تایان ایرانی آنها نیز رابطه صمیمانه‌ای ایجاد شده است. هر یک از کنسولگریها نیز با مقامات محلی چنین رابطه‌ای را برقرار ساخته‌اند. در واشنگتن مدیریت امور کشوری با عناصر دیگر موجود در دولت آمریکا که در رابطه با ایران فعالیت دارند رابطه کاری مفیدی برقرار کرده است.

با در نظر گرفتن وسعت و پیچیدگیهای انجام کار در ایران می‌توان گفت که سفارت آمریکا در تهران از مدیریت خوبی برخوردار است. سفیر نیز از جزئیات عملیات به خوبی مطلع است و در همه فعالیتها مگر فعالیتهای بسیاری عادی و روزمره شرکت دارد. معاونت سفیر که جدیدالورود است و در امور ایران تجارب وسیع دارد، به خوبی جریان را تحت کنترل گرفته و در تمام مدتی که بازرسی صورت می‌گرفت به عنوان کاردار عمل می‌کرد. سفیر بر معاونت نمایندگی به عنوان مقام اجرایی سفارت متکی است، تا ناظر بر عملیات روزانه سفارت باشد؛ شاهد اجرای مسئولیتهای توسط عناصر مختلف باشد؛ برنامه‌های سفارت را هماهنگ ساخته و به مناقشات بین عناصر سفارت خاتمه دهد.

ارتباط بین واشنگتن و حوزه در مورد عملیات روزمره کافی بود و خالی از هر گونه نقیصه قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. در زمینه خط مشی و موضوعات دارای اولویت بیشتر با سرعت و دقت کافی عمل

می‌شود. به خاطر خصوصیت فراگیر جلسات روزانه ستادی، در سطوح ریاست سازمان و بخش‌های تابعه سفارت اطلاعات جریانی آزاد را دنبال می‌کند، اما در سطوح پایین‌تر، خصوصاً در بخش‌های کنسولی و اداری این جریان دچار وقفه‌هایی می‌گردد. سفارت از عدم توجه به احساسات موجود در این بخش‌ها آگاه است و لذا در جهت بهبود این وضع گام‌هایی بر خواهد داشت.

به نظر بازرسین، تبریز، اصفهان و شیراز در زمینه منافع آمریکا اهمیت بسیاری دارند، به همین جهت آنها به پیشنهاد مطروحه خویش در گزارش بازرسی ۱۹۷۶ مبنی بر تعطیل کنسولگری آمریکا در تبریز را پس گرفتند. مدیریت کنسولگریها در تبریز و شیراز خوب است؛ ولی در اصفهان این طور نیست و بازرسین پیشنهادهای را در جهت خلاصی یافتن این واحد از بی‌نظمیها مطرح ساخته‌اند. هر سه واحد مزبور به رهنمودها و پشتیبانی بیشتر سفارت نیاز دارند و بازرسین توصیه می‌کنند که مسئولیت نظارت مستقیم فعالیت آنها از سرکنسول گرفته شود، چون مسئولیتهای وی بیش از حد زیاد است و به معاون سفیر سپرده شود.

عملیات کنسولی از زمان ورود سرکنسول کنونی و علیرغم افزایش رویدادها و موارد امنیتی بهبود بسیار یافته است. با این حال غیر مکفی بودن تسهیلات فیزیکی (از جمله مسکن و دفتر کار - م) میزان عملیات را محدود می‌سازد و این تسهیلات هم اکنون آنچنان مملو از افراد است که اگر قرار باشد مقامات کنسولی به تهران اعزام شوند، مکانی برای انجام فعالیت‌هایشان وجود نخواهد داشت.

گزارشگرهای سیاسی کلاً خوب است، ولی منشأ بخش اعظم گزارش‌ها از مقامات تصمیم‌گیرنده است. پوشش گروه‌های مخالف به آرامی در حال گسترش است و کنسولگریها اطلاعات جالبی را در زمینه طرز فکر سیاسی دیگر نقاط کشور ارائه کرده‌اند. بازرسین با بررسی دقیق سعی کردند دریابند که آیا گزارشگری توسط کارمندان تازه‌کار از نظر محتوا محدود و یا به آن جهت داده می‌شود و یا یک «خط حزبی» از سوی سفارت بر شاه نفوذ دارد. آنها دریافته‌اند که ممکن است در گذشته اظهارات تندی در مورد شاه و فعالیت‌هایش اظهار شده باشد، ولی در حال حاضر این طور نیست.

کار اقتصادی - بازرگانی از کیفیت مختلطی برخوردار است. گزارشگرهای مالی و اقتصادی از نظر محتوا، حوزه پوشش و تجزیه و تحلیل حائز اهمیت است. از طرف دیگر، عملیات بخش بازرگانی در بازار پس از رقابت ایران غیر مکفی است.

البته علت نقایص موجود در بخشی نیست که با وجود نقیضه‌های فلج‌کننده فعالیت‌های خویش را دنبال می‌کند. وضع ترافیک ارتباطی، تعیین وقت ملاقات و پیگیری آن را دشوار می‌سازد. کتابخانه بخش بازرگانی در محوطه سفارت ایجاد شده که دسترسی به آن را دشوار می‌سازد. تدابیر امنیتی برای بازدیدکنندگان دشواری را پدید می‌آورد و مانع از ایجاد انعطاف‌پذیری در ساعات اداری می‌گردد. معذالک بازرسین احساس می‌کنند که با سازماندهی بهتر و ایجاد انگیزه و تخیل بیشتر این بخش می‌تواند خدمات بیشتری را در اختیار تجار آمریکایی قرار داده و از برنامه‌های ما در زمینه صادرات حمایت بیشتری به عمل آورد. بازرسین معتقدند که مرکز بازرگانی به خوبی مورد بهره‌برداری واقع نشده و به همین جهت پیشنهاد می‌کنند که این مرکز در ژانویه ۱۹۸۰ تعطیل گردد، مگر آنکه روش بهتری برای بهره‌برداری از آن ابداع گردد.

امور علمی مورد توجه بیشتر سفارت واقع شده زیرا اهمیت آنها در ایران روز به روز آشکارتر می‌گردد

و گردش و اداره این امور نیز به عهده مقامی است که در زمینه صنعت و وزارتخانه تجارب بسیار اندوخته است. وی فردی با ارزش در حمایت از تلاشهای بازرگانی آمریکا در زمینه انرژی و بخصوص انرژی هسته‌ای است. وابسته علمی نیز مسئول امور جمعیتی است و رابطه بسیار خوبی را با متخصصین امور خانواده در ایران برقرار ساخته است.

دفتر اجاره‌ای ضمیمه سفارت که محل بخش کنسولی، دفتر بودجه و امور مالی، دفتر اداره مبارزه با مواد مخدر و دفتر اداره عوارض داخلی است از فضای کافی برخوردار نمی‌باشد. برنامه تعویض زمین تحت مالکیت سفارت در تبریز با یک ساختمان اداری پیش ساخته در محوطه سفارت در تهران موفقیتی به همراه نداشته، ولی نیاز شدید به این ساختمان نیز از بین نرفته است. بازرسی توصیه می‌کنند که اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا مستقیماً هزینه مورد نیاز ساخت این ساختمان پیش ساخته را تأمین نماید.

از زمین با ارزش موجود در محوطه سفارت به خوبی بهره‌برداری نمی‌شود. در مورد ارزیابی قیمت آن کاری انجام نشده، ولی برآوردهای غیر رسمی حکایت از آن دارند که این زمین حدود ۶۵ تا ۲۵۰ میلیون دلار ارزش دارد. برنامه‌های دراز مدت جهت ایجاد فضای دفتری و مسکن کافی برای آینده طراحی نشده است.

آپارتمانهای موقتی که در محوطه سفارت بنا شده بود عمر مفید خود را سپری کرده و به محض دریافت منابع مالی لازم در جهت تخریب آنها باید اقدام گردد. ارزش زمین در تبریز به خاطر آشوبهای اخیر در آنجا و قوانین ضداحتکار (زمینخواری) نزول بسیار وحشتناکی داشته است.

در حال حاضر زمین تحت تملک اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا در تبریز باید در مالکیت آن باقی بماند. برنامه‌های دراز مدتی باید طراحی شود تا بخشهای غیر ضروری زمین پس از بالا رفتن قیمتها به فروش برسد و قیمتها هم حتماً افزایش خواهد یافت، چون فشارهای تورم‌زا در ایران این امر را ایجاب می‌کند.

از آنجا که سفارت نمی‌تواند به تنهایی برنامه‌های واقعگرایانه و دراز مدت مربوط به املاک را تهیه کند، باید یک تیم AMAT مرکب از مهندسين اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا و دیگر افراد ذیصلاح جهت مساعدت در این زمینه به تهران اعزام شوند.

برخلاف انتظار بازرسی روحیه پرسنل سفارت خیلی خوب بود. آنهایی که به سفارت در تهران منصوب شده‌اند معتقدند که مدیریت سفارت به مسائل مؤثر بر روحیه توجه بیشتری داشته و مثلاً با بهبود وضع مسکن، و نشان دادن برخوردی پاسخگویانه به نگرانیهای شخصی پرسنل در این راه اقدام می‌نماید. جنبه‌های سخت زندگی فیزیکی در تهران نیز بر همگان معلوم است. تراکم ترافیک، آلودگی هوا، مشکلات فرهنگی و دیگر موانع طاقت‌فرسا ضرورت صبر و بردباری بیشتر را آشکار می‌نماید. اکثر همسران به خوبی با محیط جدید تطابق پیدا کرده‌اند و این امر در مورد کسانی که موفق به یافتن شغلی شده‌اند صادق‌تر است. افراد ما می‌دانند که خدمت آنها برای آمریکا در ایران حائز اهمیت است و به همین جهت زندگی را به صورت موجود در آنجا پذیرفته‌اند. با تخصص کلاً خوبی که دارند، همه آنها به خوبی قادر به مبارزه با مشکلات می‌باشند.





مسائل اقتصادی نظامی و حقوق بشر کرده است. افسر سوم مسائل اقتصادی را زیر نظر داشته و پشتیبانی لازم از کمیسیون مشترک آمریکا و ایران را به عمل می‌آورد.

### ارزیابی و نتیجه‌گیری

اداره امور کشوری، علیرغم تغییرات بسیار پرسنلی، به عنوان مرکز توزیع محدود در یک واحد سرویس خارجه، این یادداشت تنها می‌تواند در اختیار کارمندان مستقیماً ذیربط قرار گیرد. در واشنگتن، توزیع آن در خارج از وزارت امور خارجه تنها توسط بازرسی کل سرویس خارجه امکان پذیر است.

اداره امور ایران در داخل دولت آمریکا به خوبی عمل می‌کند. خوشبختانه مدیر اداره امور کشوری (۲ - ۰) و افسر دوم اداره (۳ - ۰) تجارب وسیعی در ایران داشته و افسر سوم یک فرد (۴ - ۰) بسیار فعال و پرنرژی است که توانسته است تداوم و پیوستگی لازم را فراهم آورد. شمار کارمندان این اداره در حال حاضر کافی است، ولی در مواقع بحرانی تحت فشار بسیار قرار خواهد گرفت.

کیفیت مطالعات، نوشتارهای توجیهی، اسناد مربوط به سیاستها، مکاتبات کنگره و غیره بسیار خوب است و نشانگر برداشت صحیحی از موضوعات مورد نظر و اقدامات ضروری در دموکراسی می‌باشد. در تمام سطوح بین مدیریت بخش کشورهای ایران و سفارت در تهران تماس بسیار خوبی برقرار است. این اداره همیشه سفارت را در جریان امور مربوط به برنامه‌های مهم دستگاه اداری قرار می‌دهد. اداره امور کشوری در داخل بخش امور خاور نزدیک در زمینه پاسخگویی به موقع به درخواستهای ضربتی از شهرت به سزایی برخوردار است.

دفتر امور خاور نزدیک بنا به ضرورت توجه خویش را بر تضاد اعراب و اسرائیل متمرکز ساخته و بازرسی با دقت بیشتر به تفحص پرداختند تا دریابند که آیا این امر در زمینه ارائه رهنمودهای مربوط به خط مشی‌های مربوط به ایران خدشه وارد ساخته یا نه. نتیجه این بود که رهنمودها و پشتیبانیهای ارائه شده توسط افسران امور خاور نزدیک کافی بود و با منافع مورد نظر کاخ سفید و طبقه هفتم در مورد ایران مطابقت داشته و اداره امور کشوری نیز به این مسئله توجه کافی مبذول داشته است. در واقع، تمرکز و توجه عالیرتبه‌ترین مقامات به این اداره کمک کرده است تا در زمینه اتخاذ تصمیمات در سطوح پایین‌تر سرعت لازم را پدید آورد.

فشارهای وارده بر اداره امور کشوری آن قدر زیاد بود که بخش اعظم فعالیت آن توأم با عکس‌العمل بود و تلاش کرده است تا با رویدادها هماهنگ شده و در مورد خط مشی‌ها و برنامه‌های تعیین شده از قبل حرکت‌های توأم با پیشرفت لازم را داشته باشد. مدیر جدید امور کشوری نیز اذعان دارد که وضع حاضر ایده‌آل نیست و امیدوار است که فنون برنامه‌ریزی دراز مدت تری را طراحی کند تا برخورد منظمتر با خط مشی‌ها را امکان‌پذیر سازد. به طور مثال، او بر روی طرحی کار می‌کند تا نحوه برخورد با مسائل بسیار غامض و عاطفی حقوق بشر در ایران مشخص شود و اصطکاک بین دفاتر موجود در وزارت خارجه کاهش یافته و در عین حال ضرائب و عوامل مؤثر در حقوق بشر نیز مد نظر واقع گردند.

یکی دیگر از ایده‌های مدیر امور کشوری، تعیین تعیین برنامه مشخصی در رابطه با برنامه پیشنهادی فروش نظامی به صورتی بسیار دقیق است، تا مانع از فروشهای عمده که سبب منحرف ساختن و تحریک

جناح مخالف می‌گردد بشود. بازرسین معتقدند که این نظریات با ارزش می‌باشند. علاوه بر این، بازرسین معتقدند که در زمینه و تجزیه و تحلیل دراز مدت برنامه‌های اقتصادی ایران با نظر گرفتن امکان از میان رفتن ذخائر نفتی آن کشور باید تلاش بیشتری مبذول شود. تأثیر اختصاص بخش عمده‌ای از منابع به برنامه‌های دفاعی بر برنامه‌ریزیهای صنعتی کشور نیز یکی دیگر از مسائل مهم است. هدف از این مطالعات باید مشخص کردن عناصری از سیاستهای اقتصادی و نظامی ما باشد که بقای ایران را در دراز مدت تضمین کرده و یا به مخاطره می‌افکند.

(پیشنهاد ۱ - ۱)

مدیریت بخش کشور ایران با دیگر آژانسهای مرتبط با امور ایران بخصوص اداره امور امنیتی بین‌المللی در وزارت دفاع و عناصر مختلف جامعه اطلاعاتی رابطه خوب و سازنده‌ای برقرار کرده است. در زمینه هماهنگی بین سازمانی مشکل چندانی وجود ندارد.

در داخل وزارت خارجه، میان بخش امور ایران، HA و بعضی از بخشهای PM تضاد و درگیریهای تندی پدید آمده بود. اختلاف سلیقه‌های بین این اداره و سازمانهای مزبور احتمالاً تا زمانی که از ایران به عنوان کشوری متخلف در زمینه حقوق بشر یاد شود و روابط ما با ایران اینچنین صمیمانه و نزدیک باشد، ادامه خواهد یافت. با این حال ابداع روشهای از قبل تعیین شده و مورد توافق و مورد نظر اداره امور کشوری می‌تواند تشنجه‌ها را کاهش داده و بهبودی را در امور پدید آورد.

میزان کار کمیسیون مشترک آمریکا در ایران ظاهراً رو به افزایش است و مقام اقتصادی این اداره قبل از برگزاری اجلاس خویش که سه بار در سال است، شدیداً مشغول رتق و فتق امور می‌باشد (به یاد داشت بازرسی ۴ رجوع شود). بنا به ابتکار همین مقام اقتصادی است که نقش کمیسیون مشترک سازنده‌تر از پیش شده است.

#### پیشنهاد

۱ - ۱ مدیریت امور کشوری (امور خاور نزدیک / ایران) باید در جهت مشخص سازی این مطلب که کدام یک از سیاستهای اقتصادی و نظامی ما بقاء ایران در دراز مدت را تضمین و یا تهدید می‌کند، مطالعاتی را انجام دهد.

چارلز تی. کراس

وزارت امور خارجه محرمانه یادداشت بازرسی - شماره ۲ ۱۹۷۸

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) واحد: تهران - ژوئیه

مدیریت پست دیپلماتیک

#### حقایق

هیئت نمایندگی آمریکا در ایران از سازمانی بسیار وسیع مرکب از ۱۴۰۰ آمریکایی برخوردار است که بخش اعظم آنها (۱۲۰۰ نفر) در گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران مشغول به کار بوده و ۸۵۰ نفر آنها از اتباع محلی هستند. وزارت خارجه دارای ۱۰۲ کارمند آمریکایی و ۱۶۵ کارمند محلی است. علاوه بر وزارت خارجه نمایندگانی از وزارت بازرگانی، کشاورزی، آژانس مبارزه با مواد مخدر، اداره

مالیات بر درآمد، اداره هوایی فدرال، آژانس ارتباطات بین‌المللی و وزارت دفاع نیز در آنجا به کار مشغول می‌باشند. این نمایندگی در تبریز، اصفهان و شیراز نیز واحدهایی دارد. بخش اجرایی سفارت نسبتاً کوچک و متشکل از سفیر، معاون سفیر مشاور ستادی سفیر که در کمیسیون مشترک ایران و آمریکا کار می‌کند (به یادداشت بازرسی شماره ۴ رجوع گردد) و معمولاً یک مقام سیار است که اولین دوره خدمت خود را در آنجا می‌گذرانند. دو منشی آمریکایی و یک کارمند محلی با عنوان مقام پروتکل، می‌باشند. سفیر به معاونت نمایندگی به عنوان مقام اجرایی سفارت متکی است، تا بر عملیات روزمره سفارت نظارت اعمال نماید؛ اطمینان حاصل کند که تمام عناصر نمایندگی مسئولیت‌های محوله را انجام می‌دهند. برنامه‌های سفارت را هماهنگ ساخته و مناقشات مربوط به اختیارات بین عناصر سفارت را حل و فصل نماید.

سفیر روزانه یک جلسه ستادی تشکیل می‌دهند که مقامات اصلی نمایندگی از جمله رئیس هیئت مستشاری نظامی که مسافتی بسیار طولانی را جهت شرکت در این جلسه طی می‌کند، در آن شرکت می‌نمایند. هفته‌ای یک بار نیز جلسه مربوط به تیم کشوری تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت جلسات دیگری به منظور ایجاد هماهنگی و برنامه‌ریزی ترتیب داده می‌شود.

### ارزیابی

مدیریت نمایندگی بخصوص با در نظر گرفتن وسعت و پیچیدگیهای انجام کار در ایران، خوب است. سفیر به خوبی در جریان جزئیات عملیات قرار داشته و فعالانه در تمام آنها به استثناء عملیات روزمره شرکت و دخالت دارد. معاون سفیر که اخیراً وارد این واحد شده، به نحو قابل تمجیدی اداره امور را در دست گرفته و در تمام مدت اقامت این تیم در ایران، وی به عنوان کاردار عمل می‌نمود. وضع ارتباطات در سطح رؤسای بخش و سازمان خوب است چون ماهیت جامع جلسات روزانه کارمندی که در آنجا تصمیمات و تکالیف در مسائل عملیاتی اتخاذ و مشخص می‌گردد. چنین ایجاب می‌کند، این گروه در مورد رویدادهای مربوط به فعالیتهای مهم توجه می‌گردد و سفیر رهنمودهای کلی را ارائه می‌نماید. با این حال، بازرسین شکایات نه چندان تندی مبنی بر عدم وجود ارتباطات در سطوح پائین‌تر دریافت داشته و مقامات و کارمندان، بخصوص در بخشهای کنسولی و اداری معتقدند که آنها آن طور که باید و شاید در جریان وقایع قرار نمی‌گیرند. واحد از این گونه احساسات با خبر است و تلاش دارد تا بایگانی قابل مطالعه را در اختیار همگان قرار داده و مشارکت بیشتر آنان در جلسات تیم کشوری را سبب شود. این امر بسیار دشوار است چون اتاق کنفرانس مخصوص به جلسات طبقه‌بندی شده بسیار کوچک است. تمام بخشها به استثنای بخش اداری جلسات ستادی خویش را برگزار می‌کنند که البته با ورود مقام اداری جدید این نقیصه بر طرف خواهد شد. بازرسین معتقدند که بخشی از مطالب مورد تبادل نظر میان رؤسای بخشها باید در اختیار کارمندان تابع آنها نیز قرار گیرد. بازرسی سه واحد تابعه حاکی از آن است که در زمینه ارائه رهنمود و اطلاعات لازم به خصوص در موارد سیاسی و اقتصادی و بازرگانی باید توجه بیشتری به این بخشها بشود. بازرسین پیشنهاد کردند که معاون سفیر و مشاورین سفارت در امور سیاسی، اداری، اقتصادی / بازرگانی، و کنسولی هر یک دوبار در سال به واحدهای تابعه طبق برنامه از قبل تعیین شده سفر نمایند. (پیشنهاد ۱ - ۲) این بازدیدها باید توأم با کنفرانس عادی برگزار شوند با به

سه افسر اصلی در تهران باشد و در آنها سعی شود که واحدهای تابعه نیز وارد فعالیتهای سفارت به طور کلی بشوند.

در بازرسی قبل پیشنهاد شده بود که یک نفر به عنوان «هماهنگ کننده کنسولگریها» تعیین گردد. از آنجا که از این سه واحد تابعه دو واحد تنها امور کنسولی را اجرا می‌کنند، بازرسین پیشنهاد کردند که هماهنگ کننده همان رئیس بخش کنسولی باشد و از عنوان سرکنسولی برخوردار گشته و درجه شغلی وی نیز ۲-۰ طبقه بندی گردد. این کار صورت گرفته است و در زمینه هماهنگی و ارائه رهنمودها در بخش کنسولی، وضع بهبود بیشتری پیدا کرده است.

با این حال، در رابطه با دیگر فعالیتهای مهم کنسولگریها و کیفیت سطح پشتیبانی اداری تغییر چندانی را ایجاد نموده است. سر کنسول، که افسر بسیار مجربی است، فقط در تهران که بخش اعظم فعالیتهای کنسولی در آنجا انجام می‌شد، حجم بسیار زیادی از کار را بر عهده دارد، و از او نمی‌توان انتظار داشت که بتواند به سازماندهی فعالیتهای تابعه و نیز واحد تحت فرمان مستقیم خویش بپردازد. بازرسین پیشنهاد می‌کنند که نقش هماهنگی به معاونت سفیر داده شده ولی سرکنسول نیز عملیات کنسولی را زیر نظر داشته باشد. این تغییر، مسئولیتهای وی را کاهش نخواهد داد و به طبقه بندی مقام وی نیز لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت که همان سطح ۲-۰ خواهد بود. (پیشنهاد ۲-۲).

هر سال چند شخصیت مهم به تک تک این سه واحد تابعه سفر می‌کنند. بنابراین بهتر است که به مقامات این واحدها فرصت داده شود تا در برنامه‌ریزی و تهیه مقدمات این گونه سفرها مستقیماً شرکت داشته باشند. معمولاً تا بحال از آنها خواسته می‌شد که در زمینه کارهای لجستیکی و رزرو هتل کار کنند ولی در بخشهای دیگر فعالیتی نداشته‌اند. اهمیت «وجهه» برای این مقامات جوان نباید از نظر نگاه داشته شود. (پیشنهاد ۳-۲).

برنامه سیار بودن مقامات جوان به خوبی پیشرفت می‌کند و آنها ظاهراً از اینکه در جریان تمامی جنبه‌های خدمت در امور خارجی قرار می‌گیرند خوشحال هستند. کیفیت این برنامه‌ها را با برگزاری جلساتی که سفیر و معاون وی نیز در آنها شرکت داشته و به تبادل تجارب پرداخته و نحوه بهره‌برداری بهتر از آموزشها را فراگیرند، می‌توان افزایش داد. (پیشنهاد ۴-۲).

روحیه کلی خوب است و وضع حاکم بر این واحدها به نسبت دو سال قبل تغییر بسیار یافته است. بازرسین معتقدند که علت این امر توجه کافی سفارت به مشکلات موجود در زمینه روحیه از جمله وضع مسکن، تفریحگاه و جلسات معارفه و پیگیری مسائل اداری به نحو احسن می‌باشد.

این پست دیپلماتیک دارای یازده منشی آمریکایی است که تعداد آنها کافی می‌باشد. به منظور بهره‌برداری بهتر از منابع منشیگری موجود، باید برنامه‌های پشتیبانی بهتری تهیه گردد. به طور مثال بخشهای سیاسی و سیاسی نظامی باید بتوانند منشیهای خود را با یکدیگر تعویض کرده و یا در صورت لزوم منشیها به یکدیگر کمک نمایند و منشیهای بخش اقتصادی و بازرگانی نیز باید در بخشهای یکدیگر آموزشهای لازم را ببینند تا در صورت لزوم هر یک بتواند جای دیگری را بگیرد. این برنامه‌ها سبب ایجاد جو هماهنگی بیشتر و از بین رفتن احساس انزوا می‌گردد. (پیشنهاد ۵-۲).

- ۱ - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید سیستم سرکشی مرتب معاونت نمایندگی و مشاورین سیاسی، اداری، اقتصادی/بازرگانی و امور کنسولی را به واحدهای تابعه پیاده کند تا هر یک از این مقامات بتوانند حداقل سالی دو بار طبق برنامه مشخص به هر یک از این واحدها سفر کنند.
- ۲ - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت نظارت و ایجاد هماهنگی در کار واحدهای تابعه خویش را به معاونت نمایندگی محول نماید. سفارت باید با صلاحدید خود پیشنهاد به لغو شغل و عنوان هماهنگ کننده کنسولگریها را بدهد که در آن صورت باید توصیه نماید که مقام سرکنسول به قوت خویش باقیمانده و رده شغلی اش نیز همان رده ۲ - ۰ باشد.
- ۳ - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید اقداماتی را در جهت دخالت مدیران واحدهای تابعه در برنامه ریزی و سازماندهی سفر شخصیت‌های مهم انجام دهد تا وجهه آنان نزد مقامات محلی بالا رود.
- ۴ - ۲. سفیر با معاونت نمایندگی در سفارت تهران باید هر چند وقت یک بار با افسران سیار به صورت گروهی تشکیکی جلسه داده و ملاقات نمایند.
- ۵ - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک سیستم مبادله منشی با جهت کمک و پشتیبانی را برنامه ریز کند تا مثلاً منشیهای بخشهای سیاسی و نظامی و بخشهای اقتصادی /بازرگانی بتوانند با یکدیگر تعویض شده و یا در کارها یکدیگر را یاری دهند.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

خیلی محرمانه

یادداشت بازرسی - شماره ۳

وزارت امور خارجه

هدایت روابط با ایران (امور خارجه نزدیک ایران)

واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

حقایق

بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران به وسیله یکی از افسران سرویس خارجی رده شغلی ۲ - ۰ سرپرستی و شامل دو مقام تمام وقت دیگر و دو منشی است. بخش سیاسی / نظامی یک واحد جداگانه است، ولی در این یادداشت بازرسی به آن پرداخته می شود و یکی از کارمندان رده شغلی ۳ - ۰ در آن مشغول به کار است که یک منشی امور مربوط به او را انجام می دهد.

ارزیابی و نتیجه گیریها

الف. امور سیاسی

ارزیابی کار بخش سیاسی نشان می دهد که عملکرد آن به طور کلی خوب است. این بخش یک برنامه گزارشگری سیاسی بسیار جالب ارائه نمود که برای پوشش و تجزیه و تحلیل مسائل مهم مورد علاقه آمریکا طرح ریزی شده بود. موضوعات مندرج در این برنامه مانند ارسال گزارش در مورد دانشجویان ایرانی در آمریکا، فعالیت احزاب سیاسی، فعالیت زنان، حقوق بشر، سیاست ایران در قبال اقیانوس هند و خلیج فارس، مقامات ایران و رویدادهای داخلی دستورالعملی برای گزارشات کامل گردید. این گزارشگری طبق برنامه به پیش می رود و بسیاری از گزارشها هم اکنون به مرحله نهایی رسیده است. چند

موضوع جدید نیز به این گزارش افزوده شده است. گزارشات مستمر موضوعی نیز تقریباً به طور روزمره تهیه و به تناسب ارسال می‌شود.

ماهیت تمرکز قدرت سیاسی در دست شاه و این واقعیت که تمام تصمیمات مهم توسط شاه اتخاذ می‌گردد، گزارشگری سیاسی سنتی بخش سیاسی را دچار محدودیتهایی می‌سازد. سفیر دائماً با شاه در تماس است و از این طریق گزارشهای سیاسی قابل ملاحظه‌ای را ارسال می‌نماید که این کار نیز مکمل گزارشگری بخش سیاسی می‌گردد. تماسهای بخش (سیاسی) نیز ظاهراً کافی است و کیفیت آنها نیز با گسترش اخیر برنامه‌ها رو به بهبود است.

وزارت امور خارجه (ایران - م) و دیگر شخصیت‌های مهم ساختار قدرت در ایران همیشه تحت پوشش گزارشات بخش سیاسی قرار دارند.

کار بخش سیاسی به دو بخش مهم مسایل داخلی و روابط خارجی ایران تقسیم می‌گردد. گزارشات داخلی در طول سال گذشته پیچیده و شدیدتر شده و این به خاطر چند رویداد است که در نتیجه برنامه اعطای آزادیها توسط شاه رخ داده است. این امر عکس‌العمل رهبران مذهبی محافظه کار، دانشجویان و دیگر گروهها را به دنبال داشته است.

روابط خارجی ایران، بخصوص با همسایگان نزدیکش، کشورهای کوچک حوزه خلیج، منطقه خاور نزدیک و آمریکا و شوروی نیز تحت پوشش گزارشات سفارت قرار داشته است. گزارشها از ماهیتی روشن، فشرده و تقریباً کامل برخوردار بوده ولی بهتر است در مورد مفهوم و اهمیت رویدادها تجزیه و تحلیل‌های بیشتری ارائه شود. بعضی از یادداشتهای مکالماتی نیز باید به تلگرام تبدیل شوند.

گزارشات ارسالی زندگینامه‌ای عالی، جامع و دقیق است. پرونده زندگینامه‌های این بخش بسیار حائز اهمیت بوده و بسیاری برای درک طرز فکر و آشنایی با شخصیت‌های مهم ایران از آن استفاده می‌کنند موضوعات چند جانبه از جمله امور زنان و قانون دریاها نیز به خوبی توسط بخش سیاسی تحت پوشش واقع شده است.

تعداد کارمندان این بخش نیز ظاهراً کافی است، ولی بخش گزارشات داخلی گسترده‌تر از بخش تهیه گزارشات خارجی است. در تهیه گزارشات داخلی حمایت بسیار عالی سرکنسولگری آمریکا در ایران تأثیر به‌سزایی دارد. مدیران این کنسولگریها هر چهار ماه یک بار در تهران گرد هم می‌آیند تا در مورد فعالیتهای حوزه خویش تبادل نظر نمایند. این عمل درست نه تنها برای سفارت بلکه برای مدیران نیز با ارزش است، زیرا تماس شخصی آنها با یکدیگر و عناصر سفارت، حوزه دید و برداشت آنها را در مورد مسائلی که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرند، گسترش می‌دهد.

#### ب. امور سیاسی / نظامی

کار بخش امور سیاسی / نظامی نیز برجسته و با اهمیت است. رابطه بین آمریکا و ایران در زمینه همکاری در فروشهای نظامی بسیار گسترده بوده، و بزرگترین برنامه اینچینی ما در جهان محسوب می‌شود. ارزش این فروشها به دلار بسیار عظیم بوده و حضور حدود ۱۸۰۰۰ پرسنل آمریکایی و وابستگانشان که اکثراً غیر نظامی هستند، در ایران رشدی چشمگیر یافته است.

فروشهای نظامی خارجی به ایران تحت کنترل رهنمودها و بخشنامه‌های قوه مقننه، ریاست جمهوری،

وزارت خارجه و دفاع می‌باشد. مشاور سیاسی نظامی این موارد را کاملاً درک کرده است. رابطه خوب وی با هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران موجبات رعایت این رهنمودها و اجرای مؤثر آنها را در پیشبرد منافع و اهداف آمریکا فراهم می‌آورد.

سفیر شخصاً بر امور سیاسی / نظامی نظارت دارد و مشاور سیاسی نظامی دائماً وی را در جریان رویدادها قرار می‌دهد. این بخش همیشه پرکار است و اعزام یک مقام از رده متوسط و آشنا به امور حوزه مأموریت و بخصوص با تجربه در زمینه PM / SAS می‌تواند کمک مؤثری به آن باشد. (پیشنهاد ۱ - ۳). مشاور سیاسی نظامی به اهمیت بعد کار خویش در زمینه حقوق بشر واقف بوده و با این گونه موارد برخوردی مؤثر دارد.

از جمله مسائل مهمی که اخیراً توسط مشاور سیاسی / نظامی به آنها اشاره شده مسئله فروش هواپیمای بوئینگ آواکس جهت افزایش توان ایران در زمینه هشدار هوایی دفاعی این کشور، پیش‌بینی خریدهای دفاعی ایران و انگیزه‌های پیمانکاران آمریکایی در تسریع خارج‌سازی پرسنل خویش بر طبق رهنمودهای لایحه ۱۹۷۷ همکاری امنیتی بین‌المللی (لایحه عمومی ۹۲ - ۹۵) را می‌توان نام برد. مسئله حساس نظارت بر افزایش فروش تسلیحاتی آمریکا توسط پیمانکاران دفاعی آمریکایی در چهارچوب قوانین و سیاستهای مورد تصویب قوه مجریه نیز یکی از جنبه‌های مهم کار مشاور سیاسی / نظامی است. او این کار را به خوبی انجام می‌دهد و به تداوم رابطه بسیار عالی بین هیئت مستشاری نظامی آمریکایی و سفارت کمک می‌نماید.

### امور کارگری

گزارشگری امور کار و کارگری در سفارت، کامل نیست. این کار به عنوان بخشی از وظایف نیمه وقت به بخش سیاسی محول شده است. این امر رضایتبخش نبوده و نیاز وزارتخانه‌های امور خارجه و یا کار را تأمین نمی‌کند. گرچه گزارش کارگری سالانه (مورخ ۵ ژانویه ۱۹۷۸، CERP ۰۰۵) کامل و دقیق تهیه شده است، معذالک فقدان جریان مداوم گزارشات از صحنه کارگری رو به تکامل ایران قابل توجه و محسوس است. البته گزارشات کارگری بسیار خوبی که از شیراز می‌رسد استثناء است. پیشنهاد می‌شود که گزارش کارگری به بخش اقتصادی و بازرگانی محول شود. در مسائل کارگری حداقل در آینده نزدیک محتوای سیاسی چندانی به چشم می‌خورد، اما از نظر عناصر اقتصادی چرا. (پیشنهاد ۳ - ۲).

سفارت باید اطلاعات خود را در زمینه سازمان و فعالیتهای وزارت کار و امور اجتماعی مطابق با شرایط روز وفق داده و این اطلاعات باید در برگیرنده رهبریت کنونی، گرایشها و فعالیتهای سازمان کارگران ایرانی؛ طرز برخورد دولت ایران و مواضع آن در قبال سازمان کارگران ایرانی که مستقیماً آمریکا را نگران می‌سازد و تکامل وضع نیروی انسانی و کار (شامل روندهای موجود در استخدام، دستمزدها، قیمتها، تولید و توزیع درآمدها) رویدادهای مهم در روابط کارگری، مهاجرت کارگری، سیاستها و مقررات مربوط به کارگران خارجی، و در مورد برنامه‌ها و طرحهای مربوط به بالا بردن معیارهای کار، باشد. تجدید مداوم ارقام مربوط به نیروی انسانی، رویدادهای اتحادیه‌های تجاری، مسائل کارگری بین‌المللی و معیارهای کاری و کارگری ضرورت دارد.

در پایان سال، این کار باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در صورت رضایتبخش نبودن آن، باید یک



مقام خاص را به طور تمام وقت مأمور تهیه و ارسال این گزارشات نمود.

#### پیشنهادات

۱ - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید ضرورت وجود یک مقام دیگر در امور سیاسی و نظامی را مشخص کند و یا یکی از کارمندان بخش سیاسی را به آنجا منتقل سازد و یا افسر جدیدی را درخواست نماید.

۲ - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید وظیفه تهیه گزارش امور کار و کارگری را به بخش اقتصادی - بازرگانی و موقعیت شغلی ۳۰ - ۳۱۷ محول نماید.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

کنت ان. راجرز  
بازرس

طبقه‌بندی نشده

وزارت امور خارجه

یادداشت بازرسی - شماره ۴

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)

واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

#### امور اقتصادی / بازرگانی

#### حقایق

بخش اقتصادی بازرگانی شامل هشت پرسنل آمریکایی و نه پرسنل محلی تحت سرپرستی یک افسر سرویس خارجه با رده شغلی ۱ - ۰ است. معاون وی یکی از کارمندان بخش سرویس خارجه وزارت بازرگانی با رده شغلی ۲ است که به وزارت خارجه مأمور شده است. عناصر این بخش عبارتند از واحد اقتصادی با یک افسر سرویس خارجه از رده شغلی ۳ و یک کارمند محلی، یک وابسته علمی و فنی، یک مقام امور نفتی؛ و واحد بازرگانی مرکب از سه کارمند آمریکایی و هفت کارمند محلی است که دو نفر از آنها در کتابخانه بازرگانی کار می‌کنند. واحد اقتصادی بر کار دو کارمند برنامه کمک‌های آمریکایی نظارت دارد که مشغول آموزش فردی در زمینه برنامه‌های کمک آمریکا در کابل هستند. بخش اقتصادی بازرگانی یک رابطه رسمی نیز با وابسته هوایی غیرنظامی و نماینده اداره مالیات بر درآمد دارد. قسمتی از این بخش را مرکز تجاری در تهران تشکیل می‌دهد، که در یادداشت بازرسی ۹ تشریح شده است. جلسات ستادی تمام پرسنل چه آمریکایی چه محلی به صورت هفتگی برگزار می‌شود.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

منافع اقتصادی آمریکا در ایران طبیعتاً بر نفت متمرکز است، گرچه ایران تنها ۴/۸ درصد واردات نفتی آمریکا را تأمین می‌کند. ما در مورد هیچ کالای استراتژیک دیگر به ایران متکی نیستیم، لیکن گاز و ثروتهای معدنی دیگر آن نیز به موقع خود برای ما حائز اهمیت خواهد شد.

انتشار اطلاعات مربوط به بازار و تهیه مقدمات جالب برای شرکت‌های آمریکایی از جمله مأموریت‌های مهم بخش اقتصادی / بازرگانی، سه واحد تابعه سفارت، دفتر وابسته کشاورزی و مرکز بازرگانی است. منابع قابل ملاحظه‌ای برای خدمت به ۳۵۰ شرکت آمریکایی و ۱۴ دفتر بانکی آمریکایی در ایران و سیل بازرگانانی که به این کشور سفر می‌کنند پیش‌بینی شده است.

کار واحد اقتصادی و کار وابسته علمی بسیار عالی است. کار واحد بازرگانی آن طور که باید و شاید خوب نیست.

#### الف. واحد اقتصادی

گزارشگری اقتصادی بخصوص در زمینه اقتصاد کلان از کیفیت بالایی برخوردار است. البته کمبودها و وقفه‌هایی وجود دارد که با سازماندهی مجدد منابع می‌تواند از میان برداشته شود. گزارشات اطلاعات جاری اقتصادی کامل است و طبق برنامه تهیه و ارسال می‌گردد. در همان حال، گزارش مربوط به امور نفتی، گرچه عالی است، ولی تا حدودی نسبت به روزهای بحرانی گذشته کاهش یافته و گزارش مربوط به مواد معدنی نیز کافی نبوده است. بهمین دلیل توصیه می‌شود که تهیه گزارش مربوط به مواد معدنی برعهده افسر گزارشگر امور نفتی گذاشته شود. (پیشنهاد ۱-۴).

در عین حال که گزارشات اطلاعات جاری اقتصادی به صورت نامه هوایی ارسال می‌گردد، سفارت باید از تلگرام در زمینه گزارشات خود استفاده بیشتری بنماید. این امر در نحوه توزیع و ارسال به موقع بهبود بیشتری را ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این هزینه ارسال تلگرام کمتر از هزینه ارسال نامه هوایی است. این بخش همچنین باید میزان وابستگی خود به ارسال یادداشتهای مکالماتی را کاهش داده و بیشتر به ارسال گزارشهای تلگرافی بپردازد. یادداشتهای مکالماتی به طور کافی توزیع نمی‌گردند و ظاهراً توجه چندانی را نیز جلب نمی‌کنند.

تهیه آمار و ارقام اقتصادی موثق و اطلاعات دیگر در ایران دشوار است، ولی این بخش در تلاش خود در این زمینه موفق بوده است و در مورد این مطالب مهم لیکن پیچیده روش تجزیه و تحلیل و تفسیر خوبی را ابداع کرده است. رابطه این بخش با نهادهای مالی بسیار قابل توجه است و رابطه و حمایت آن از جامعه بانکی عظیم آمریکایی در ایران نیز شایان توجه خاص است. وزارت خزانه‌داری آمریکا از دریافت گزارشها و تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده توسط این واحد بسیار خرسند است.

#### ب. واحد بازرگانی

واحد بازرگانی مرکب از یک وابسته بازرگانی اعزامی از وزارت بازرگانی و یک کمک وابسته بازرگانی ۵-۰، یک کارمند بازرگانی ۶-۰ و معمولاً یک کارمند سیار است، که هیچ‌گاه به صورت تمام وقت در این واحد انجام وظیفه نمی‌کند. در رابطه با واحد اقتصادی، باید گفته شود که تأمین اطلاعات مورد نیاز برای منافع بازرگانی آمریکایی دشوار بوده است. این گونه مشکلات اغلب سبب کندی بروز عکس‌العمل نسبت به درخواستهای مربوط به گزارش راهنمای تجارت جهانی و ADS می‌گردد. بازرسین پیشنهاد کرده بودند که برای کاهش این گونه تأخیرها که وقفه‌های قابل ملاحظه‌ای را نیز ایجاد کرده‌اند (گرچه در زمان بازرسی کاهش پیدا کرده بود) واحد بازرگانی در هنگام پاسخگویی به یک درخواست محلی برای اطلاعات اعلام نماید که در خاتمه ۳۰ روز از زمان دریافت درخواست پاسخ به واشنگتن ارسال خواهد گردید. اگر شرکت درخواست کننده به زمان بیشتری نیاز داشته باشد باید واحد بازرگانی را در جریان امر قرار دهد.

بازرسین همچنین پیشنهادی کردند که اگر پس از ۳۰ روز پاسخ مقتضی دریافت نشد، این واحد با اطلاعات موجود به واشنگتن اطلاع داده و اعلام نماید که در صورت بروز اطلاعات بیشتر مطالب باز هم ارسال خواهد شد. این چنین گزارشگری زمان وقفه‌ها را کاهش خواهد داد و از کیفیت کلی گزارشات چیزی کم نخواهد کرد. کمک وابسته بازرگانی که رده شغلی ۵-۰ دارد، برای اولین بار است که به عنوان یک کارمند بازرگانی انجام وظیفه می‌کند. هفت کارمند محلی نیز در این بخش خدمت می‌کنند. معمولاً آنها تحت نظر یک افسر سیار تازه کار قرار می‌گیرند.

کیفیت کار آنها مانند حضور و غیابشان مختلط است. شاید علت این امر این باشد که نظارت کافی بر کار آنها اعمال نمی‌شود. آنها می‌دانند که افسران سیار بزودی این محل را ترک می‌گویند و به همین دلیل به رهنمودهای آنان واقعی نمی‌نهند. بنابراین توصیه می‌شود که نظارت بر کار کارمندان محلی به عهده کمک وابسته بازرگانی گذاشته شود نه افسر سیار. این امر همچنین باعث می‌شود که در زمانی که افسر سیار به این بخش مأمور نشده وقفه در نظارت پدید نیاید. (پیشنهاد ۲ - ۴).

یکی از کارمندان تحقیق در امر بازار از بخش اقتصادی / بازرگانی معمولاً به مرکز بازرگانی آمریکا مأمور می‌شود. این پست سازمانی خدمات ارزنده‌ای به بخش اقتصادی / بازرگانی کرده و می‌تواند در پیدایش عالی فرصتهای تجاری نقش مهمی داشته باشد. این وظیفه و شغل باید ابقا شود و وضعیت مرکز تجاری نباید در آن تغییری پدید آورد (پیشنهاد ۳ - ۴).

کتابخانه بازرگانی کافی است اما محل آن مناسب برای استفاده از آن نیست. از آنجا که عموم قادر به استفاده از آن نیستند باید محل آن را تغییر داد (پیشنهاد ۴ - ۴؛ به یادداشت بازرسی شماره ۶ نیز رجوع شود).

ساعات کار بخش اقتصادی بازرگانی مانند ساعات کار بقیه قسمتهای سفارت از ساعت ۷/۳۰ تا ۴ بعدازظهر است. اکثر مراکز بازرگانی تهران از ساعت ۹/۳۰ یا ۱۰ کار خود را آغاز و در ساعت ۶ بعدازظهر تمام می‌کنند. علاوه بر این روزهای کار آنها نیز با روزهای اداری دیگر بخشهای جامعه تفاوت دارد. بنابراین، سفارت باید ساعات کار بخش اقتصادی / بازرگانی را مورد تجدید نظر قرار دهد تا کارایی آن افزایش یابد. بقیه قسمتهای سفارت به منظور و مطابقت با ساعات کار محلی چه ساعات کار خود را تغییر دهند و چه ندهند، ولی واحد بازرگانی باید این کار را انجام دهد و احتمالاً از یکی از کارمندان خود در روزهای عادی کار به صورت کشیک استفاده کند. (پیشنهاد ۵ - ۴)

یک خبرنگار بازرگانی محلی نیز معمولاً چهار بار در سال منتشر می‌شود. انتشار آن نیز در نتیجه مشکلات مربوط به تولید دچار تأخیر می‌گردد. خوشبختانه، پس از دریافت ماشین چاپ جدید توسط آژانس ارتباطات بین‌المللی وضع بهتر خواهد شد.

فرصتهای بازرگانی در حومه سه کنسولگری باید با انرژی بیشتری دنبال شود. این واحد باید در تهران جلساتی برگزار نماید که در آن مدیران سه کنسولگری گرد آمده و پیرامون موقعیت بازار و فرصتهای تجاری موجود بحث و تبادل نظر به عمل آورند. (پیشنهاد ۶ - ۴)

#### ج. کمیسیون مشترک

کمیسیون مشترک در سال ۱۹۷۴ تأسیس گردید تا وضعیت انتقال کمک فنی و تکنولوژیکی به ایران را

بر طبق خط مشی های ارائه شده در زمینه کمک بهبود بخشید، در حالی که هزینه های مورد اول توسط ایران تأمین می گردد. (دفتر کمک در سال ۱۹۶۷ تعطیل گردید).

افسر مسئول کمیسیون مشترک مستقر در سفارت آمریکا تا همین اواخر در بخش اقتصادی / بازرگانی کار می کرد. ولی بعدها ثابت شد که این کار نمی تواند یک شغل تمام وقت باشد، بنابراین وظیفه به کارمند بخش کمک محول شد که آن را به عنوان یکی از وظایف خود انجام می دهد. کمیسیون مشترک ایران و آمریکا از پنج کمیته تشکیل شده است:

۱ - کمیته اقتصادی و مالی، شامل کمیته های فرعی تجارت، بهداشت، مسکن، حمل و نقل و الکترونیک (که این کمیته فرعی آخر هنوز فعال نشده است).

۲ - کمیته نیروی انسانی و همکاری فنی، شامل امور کار و کارگری.

۳ - کمیته کشاورزی (به یادداشت بازرسی ۹ رجوع شود).

۴ - کمیته انرژی، شامل کمیته های فرعی انرژی هسته ای، خورشیدی، نفتی، گازی و برق رسانی روستایی.

۵ - کمیته علوم، تکنولوژی و آموزش پرورش.

این کمیسیون دو بار در سال تشکیل جلسه می دهد و گزارش وضعیت های مربوط به فعالیتهای کمیته ها را هماهنگ می سازد. به طور کلی، این کمیسیون مشترک فعال است و در بعضی از بخشها این فعالیت بیشتر است. با این حال، به چند موضوع دیگر نیز توجه خود را معطوف داشته و هماهنگی هایی را در آن موارد به وجود می آورد.

درست مثل مسائل دیگر موجود در دولت ایران، فعالیتهای کمیسیون مشترک با مشکلات و موانعی روبه رو می گردد چون معمولاً تصمیمات لازم در سطح کابینه اتخاذ می گردد. این کمیسیون به عنوان سمبل همکاری جدی بین آمریکا و ایران تلقی می گردد.

#### پیشنهادات

۱ - ۴. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت گزارشگریهای مربوط به مواد معدنی را به افسر

گزارشگر امور نفتی محول نماید.

۲ - ۴. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت نظارت بر کار کارمندان محلی بخش اقتصادی بازرگانی

را به کمک وابسته بازرگانی محول کند.

۳ - ۴. سفارت آمریکا در تهران باید حتی در صورت تعطیل مرکز تجاری آمریکا در تهران، پست افسر

تحقیق در زمینه بازار و ابقاء نموده و آن را در بخش اقتصادی و بازرگانی به کار بگمارد.

۴ - ۴. سفارت آمریکا در تهران باید برای سه کنسولگری خویش در ایران حداقل سالی یک بار یک

کنفرانس بازرگانی - تجاری برگزار نماید.

چارلز تی. کراس

کنت ان. راجرز

بازرس ارشد

بازرس

واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۵  
امور کنسولی

#### حقایق

بخش کنسولی سفارت آمریکا در تهران تحت سرپرستی یک افسر سرویس خارجه - ۳ در امور کنسولی می‌باشد. وی همچنین فعالیتهای سه واحد تابعه سفارت در ایران را زیر نظر دارد. بخش کنسولی در صورت تکمیل بودن کادر پرسنلی مرکب از ۱۰ افسر آمریکایی (که دو نفر از آنها به صورت نیمه وقت در این بخش کار می‌کنند)، ۱۷ کارمند محلی و ۶ کارمند PIT است که همه آنان آمریکایی می‌باشند. بخش کنسولی در یک ساختمان جداگانه و حدود سه خیابان دورتر از محوطه اصلی سفارت واقع شده است. در ایام شلوغیهای تابستانی، مسئله روادید دانشجویی در ساختمان دیگر انجام می‌شود که اخیراً برای این کار احداث شده و در محوطه سفارت قرار دارد ولی از خیابان دارای یک درب ورودی جداگانه نیز می‌باشد.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

##### الف. مدیریت

عملیات کنسولی از زمان انجام آخرین بازرسی، بهبود قابل توجهی یافته است که با در نظر گرفتن واقعیت افزایش قابل ملاحظه حجم کار، این بهبود وضع شایان توجه بسیار می‌باشد. تقاضای روادیدهای غیر مهاجرتی طی سال مالی جاری ممکن است به مرز ۱۰۰۰۰۰ برسد، در حالی که تعداد آنها در سال مالی ۱۹۷۶ برابر با ۶۰۰۰۰ مورد بود. روادیدهای مهاجرتی نیز از ۲۱۰۰ مورد به حدود ۳۷۰۰ تا ۳۸۰۰ مورد افزایش یافته است. شهروندان آمریکایی مقیم حومه کنسولی تهران نیز بیش از ۴۰۰۰۰ نفر برآورد شده در حالی که دو سال قبل تعداد آنها حدود ۲۸۰۰۰ نفر بود.

جذب این مقدار کار افزوده شده تنها با استفاده از فنون مدیریت تدبیر شده توسط کنسول و حمایت سفیر و معاونت وی امکان پذیر بوده است. تغییرات کوچک و بزرگ بسیاری نیز ایجاد شده تا این بخش علاوه بر هماهنگ ماندن با میزان خدمات مورد نیاز بتواند نسبت به عموم چه ایرانی و چه آمریکایی پاسخگو باشد. علیرغم کمبود کارمندان آمریکایی و برنامه نه چندان مؤثر این کار صورت گرفته است. تا همین اواخر تعداد کارمندان آمریکایی عبارت بود از ده نفر که دو نفر آنها به صورت نیمه وقت در این بخش کار می‌کردند. این دو افسر در حال حاضر به بخش اقتصادی و سیاسی منتقل شده و تعداد کارمندان بخش کنسولی را به ۸ نفر تقلیل داده‌اند. برای سال مالی ۱۹۷۹ سه موقعیت شغلی جدید برای بخش کنسولی مورد تصویب قرار گرفته، ولی امکان آموزش آنها به زبان فارسی و آشناسازی قبلی آنها در نیمه بعدی سال ضعیف به نظر می‌رسد.

##### ب. روادیدها

یکی از چشمگیرترین بهبودها در بخش کنسولی گشایش بخش صدور روادید دانشجویی در محل

سکونت قبلی تفنگداران دریایی در کناره محوطه سفارت می‌باشد. گرچه این ساختمان برای عملیات صدور روادید پر حجم مناسب و ایده‌آل نیست، ولی از فضای موجود به دقت استفاده شده تا متقاضیان بتوانند به ترتیب مراحل مورد نظر را طی کنند: به طور مثال، سندلیهای اطاق انتظار طبق رنگ کدبندی شده‌اند، یعنی اگر کسی را از یک سندلی آبی برای کنترل اولیه مدارک فراخوانند و به او بگویند که پس از اتمام کار روی یک سندلی زرد بنشیند، می‌داند که بعداً باید چه مرحله‌ای را بگذراند که مرحله مصاحبه در مورد صدور روادید است. برای یک فرد ناظر بر امور، مهمترین جنبه تسهیلات جدید دانشجویی جو صداقت و کارایی موجود در آنجاست، گرچه هنوز فصل ازدحام روادیدهای دانشجویی از راه نرسیده، ولی مشخص است که در آن زمان نیز اقدامات لازم به عمل خواهد آمد تا نه برای متقاضی ناراحتی به وجود آید و نه بر اعصاب کارمندان فشاری وارد شود.

وضع مربوط به روادیدهای غیر مهاجرتی در ساختمان اصلی کنسولی نیز بهبود بسیار یافته است. یک بخش از محل پارک موتوری برای محل تجمع متقاضیان در خارج از محدوده خیابان در نظر گرفته شده، تا پس از دریافت شماره نوبت به صورت گروه‌های کوچک وارد بخش صدور روادید غیر مهاجرتی شوند. مقام کنسولی تازه وارد مسئول بخش روادیدهای غیر مهاجرتی، پاسپورها و متقاضیان را از نظر می‌گذراند تا موارد خاصی که روادید بدون نیاز به مصاحبه می‌تواند صادر شود، مشخص گردد (که شامل متقاضیانی است که برای چندمین بار درخواست صدور این گونه روادیدها را دارند). در این گونه موارد (که شامل ۳۰ درصد روادیدهاست) به فرد مورد نظر گفته می‌شود که نیازی به مصاحبه نیست و می‌تواند محل را ترک گوید و بعد از ظهر همان روز پاسپورت خود را با روادید لازم دریافت نماید. سپس بقیه متقاضیان توسط کارمندان آمریکایی PIT، مقامات کنسولی و یا مقامات تازه کار بخشهای دیگر سفارت که اکثراً به صورت هفته‌ای در بخش کنسولی به کار می‌پردازند تا بتوانند در فصول توأم با ازدحام متقاضی برای این بخش کمک واقع شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این عمل باعث می‌شود که کسانی که مدارک لازم را تهیه کرده و مصاحبه با آنها ضرورتی ندارد از رده حذف شده و روادید لازم را دریافت دارند و در عوض کسانی که براساس ماده ۲۲۱ مدارک لازم را تهیه نکرده‌اند نیز کنار گذاشته می‌شوند. حدود ۱۰ درصدی که پس از این مرحله باقی می‌مانند و از نظر فرد مسئول و بر طبق ماده (ب) ۲۱۴ و یا مقررات دیگر واجد شرایط برای دریافت روادید نمی‌باشند نیز توسط مقام کنسولی مورد مصاحبه‌ای دقیق قرار می‌گیرند تا در مورد استحقاق آنها برای دریافت روادید تصمیم‌گیری شود.

نقطه ضعف این سیستم این است که تقاضا نامه‌هایی که توسط کارمندان PIT، در مرحله قبل از مصاحبه مورد قبول قرار گرفته‌اند از نظر صدور روادید مورد بررسی مجدد یک مقام کنسولی قرار نمی‌گیرد. این مقامات روادیدها را امضاء نمی‌کنند چون مهر روادید حاوی امضاء سر کنسول می‌باشد. در نتیجه کارمندان آمریکایی PIT بخودی خود صدور روادید مورد نظر را تصویب کرده‌اند. بازرسین، بدون سوء ظن به صلاحیت و یا صداقت این کارمندان، معتقدند که این عمل باید متوقف گردد و یک مقام کنسولی تمام موارد بررسی شده توسط مقامات غیر کنسولی را مورد مطالعه مجدد قرار دهد. (پیشنهاد ۱ - ۵).  
رئیس بخش کنسولی پاسخننامه‌های رد شده متقاضیان روادید غیر مهاجرتی را برخلاف مفاد ۴۰۵۸ - CA مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۵ مورد بررسی قرار نداده و امضاء نمی‌کند. از آنجا که در بخش صدور روادید غیر مهاجرتی کارمندان بسیاری به صورت سیار به کار می‌پردازند، بهتر است که این گونه پاسخننامه‌های

رد شده (بجز در مواردی که علت، فقدان مدارک لازم است) توسط یک مقام مجرب بررسی شود تا هماهنگی لازم نیز حفظ گردد. این گونه موارد تنها حدود پنج درصد کل متقاضیان روزانه را تشکیل می‌دهد و نباید تصور شود که برای رئیس بخش مسئولیتی مازاد بر ضرورت ایجاد شده است. (پیشنهاد ۲-۵).

میزان درخواست برای روایدهای مهاجرتی نیز افزایش یافته است. اگر تعداد آنها حدود ۳۷۰۰ مورد در سال باشد، یک افسر، یک کارمند PIT آمریکایی، و سه کارمند محلی برای انجام آن کافی است ولی، افزایش سفر دانشجویان و ایرانیان دیگر به آمریکا حتماً به روند مهاجرت سیر صعودی خواهد بخشید. درخواستهای تلفنی و یا کتبی برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد این گونه روایدهای مهاجرتی بخشی از وقت کارمندان این واحد را تلف می‌سازد. به همین دلیل در آینده نزدیک یا باید تعداد کارمندان این بخش افزایش یابد، یا وظایف دیگر این واحد از جمله تصویب عریضه‌ها، درخواست ورود مجدد، بررسی تقاضانامه‌های مربوط به صدور روایدهای سرمایه‌گذاران و غیره به واحد دیگری محول شود.

رئیس بخش بر امور نظارتی عالی دارد و مورد تمجید همه کارمندانش می‌باشد. وی ترکیب جالبی است از رهنمودها و ترغیب قوه ابتکار. با در نظر گرفتن شهرت سفارت آمریکا در تهران به عنوان یکی از سخت‌ترین واحدهای کنسولی وزارت خارجه، باید گفته شود که وضع روحی کارمندان آمریکایی و محلی بسیار خوب است. در همان حال، مقامات تازه کاری که وارد بخش کنسولی می‌شوند، دائماً اظهار می‌دارند که گویا از بقیه قسمتهای سفارت جدا مانده‌اند. فشارهای ناشی از حجم کار و دوری از سفارت باعث می‌شود که بسیاری از آنها در جلسات هفتگی تیم کشوری حضور به هم نرسانند. تماس با دیگر کارمندان در طول ساعات اداری نیز به ندرت صورت می‌پذیرد. بایگانی مخصوص مطالعه نیز در مرکز ارتباطات در ساختمان اصلی سفارت نگاهداری می‌شود که برای دسترسی به آن باید از بخش کنسولی هر روز به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه پیاده روی نمود.

بازرسین معتقدند که سفارت باید این بایگانی را به صورت بهتر و بیشتری در اختیار کارمندان بخش کنسولی از طریق ارسال نسخ دوم پرونده‌ها به صورت روزانه قرار دهد. (پیشنهاد ۳-۵).  
گرچه از کارمندان تازه کار خواسته می‌شود که در جلسات هفتگی تیم کشوری شرکت جویند، ولی آنهایی که در بخش کنسولی مشغول کار می‌شوند، به خاطر فشار کار در این جلسات حاضر نمی‌شوند. به نظر بازرسین باید تلاش بیشتری در جهت دعوت این کارمندان برای حضور در این جلسات به عمل آید. رئیس بخش کنسولی که باید هر هفته همراه با یکی از کارمندان خود در این جلسات حاضر شود، بایستی لیستی از این افراد همراه تهیه کند تا حضور و غیاب کارمندان نیز با سهولت بیشتری انجام شود. (پیشنهاد ۴-۵).

### ج. منابع پرسنلی کنسولی و آموزش

سفارت یک برنامه متناوب بسیار فعال نیز برای کارمندان تازه کار تهیه کرده که در زمینه دو مورد از وظایف آنها در تهران آموزش و تجربه لازم را ارائه می‌کند. ظاهراً، یکی از این کارمندان تازه‌وارد (با رده شغلی ۳۳۲-۳۰) در بخش کنسولی در این برنامه متناوب گنجانده نشده بود. این نقیصه باید مرتفع گردد تا این کارمند نیز بتواند مانند دیگران از آموزش‌های نهفته در این برنامه بهره‌مند شود. (پیشنهاد ۵-۵)

علاوه بر آموزشهای فوق، رئیس بخش کنونی نیز کارمندان بخش را هر از چند یک بار جا به جا می‌کند تا علاوه بر کسب آموزش در مورد وظایف گوناگون کنسولی تا حدودی از فشار کار ناشی از «صدور رواید» خلاصی یابند. تعداد کمی از متقاضیان و مقامات ایرانی طبقه متوسط یا پایین هرم سازمانی دولت به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند. بازرسین معتقدند که تمام کارمندان بخش کنسولی به استثناء رئیس بخش باید در زمینه زبان آموزش ببینند. (پیشنهاد ۶-۵) بازرسین چنین تصور می‌کردند که این کارمندان در زمینه زبان فارسی آموزش می‌بینند، ولی دو تن از کسانی که اخیراً وارد این بخش شده‌اند از این گونه آموزشها برخوردار نشده‌اند و به یکی از آنها نیز گفته شده بود که این کار ضرورتی ندارد. سفارت و وزارت خارجه باید مراقبت به عمل آورند تا کلیه این مناصب به وسیله افرادی که زبان فارسی فرا گرفته‌اند پر شوند و تمام دانشجویان آنان نیز به فراگیری زبان فارسی بپردازند. در همان حال برنامه آموزش فارسی نیز باید مورد تجدید نظر واقع گردد تا مفاد آن مطابق شرایط روز باشد. بسیاری از منتقدین این برنامه مدعی هستند که زبان فارسی که در مؤسسه سرویس خارجه تدریس می‌شود، فارسی رایج در تهران امروز نیست. دیگران نیز معتقدند که در این برنامه بیشتر روی فارسی مکتوب تأکید می‌گردد که در تهران ضرورت چندانی ندارد. (پیشنهاد ۷-۵).

#### د. مشکل مربوط به روایدهای دانشجویی

این سؤال که آیا معیارهای علمی و مالی و یا دیگر ضوابط مربوط به صدور ویزای دانشجویی برای ایرانیها در کمترین حد لازم تعیین می‌شوند یا خیر، مشکلی است که بسیاری از مقامات کنسولی که با متقاضیان رواید دانشجویی مصاحبه می‌کنند را نگران کرده است. سوءظنی قوی وجود دارد که بسیاری از دانشجویان ایرانی با کار در آمریکا از وضعیت قانونی خود تخلف می‌کنند، ولی هنوز مسجل نشده است. میزان تطبیق وضعیت آن دسته از دانشجویانی که چندین سال در آمریکا بوده‌اند نیز نگران کننده است. (بررسی بایگانی روایدها توسط بازرسین نشان می‌دهد که میزان انطباق پذیری آنها ۲۵ درصد یا بیشتر است).

علاوه بر این معلوم نیست که آیا آموزشهای اکتسابی توسط ایرانیان در مدارس کوچک و کم اهمیت آنها را قادر به دنبال کردن حرفه مورد نظر خویش در ایران می‌سازد یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، سؤال این است که تأثیرات این روند بر ثبات آتی ایران و سیاست خارجی آمریکا چگونه خواهد بود؟ با افزایش تعداد روایدهای دانشجویی صادره در ایران در هر سال از چند هزار در دهه ۱۹۷۰ به حدود ۲۰۰۰۰ در سال جاری، باید گفته شود که یافتن پاسخهای مربوط به این سؤالات حائز اهمیت بسیار است. در اینجا مناسبت دارد که وزارت خارجه (امور خاور نزدیک / ایران و CA/VO) و اداره مهاجرت به جمع آوری اطلاعات و تحلیل آنها پرداخته تا بتوان آماری منطقیاً صحیح در مورد تحصیل، کار و موارد مطابقت وضعیت دانشجویان ایرانی فراهم آورد و در نتیجه به تجزیه و تحلیلی قابل اتکاء در این خصوص که آیا مسائلی که ذکر آن در بالا رفت واقعاً وجود دارند یا خیر دست یافت. (پیشنهاد ۸-۵ و ۹-۵).

#### پیشنهادات

۵-۱. سفارت آمریکا در تهران باید ترتیبی دهد تا تمام روایدهای غیرمهاجرتی به تأیید مقام کنسولی



رسیده باشد.

۲-۵. سفارت آمریکا در تهران باید اطمینان حاصل کند که رئیس بخش کنسولی تمام پاسخنامه‌های رد شده مربوط به روایدهای غیر مهاجرتی را بر طبق مفاد ۴۰۵۸ - CA مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۵ مرور و بررسی می‌نماید.

۳-۵. سفارت آمریکا در تهران باید نسخه رونوشت پرونده‌ها را از بایگانی مخصوص مطالعه در اختیار بخش کنسولی قرار دهد تا کارمندان آن بخش بتوانند در جریان فعالیتهای سفارت قرار گیرند.

۴-۵. سفارت آمریکا در تهران باید مطمئن شود که یکی از کارمندان بخش کنسولی همیشه همراه سرپرست بخش کنسولی و به صورت متناوب در جلسات هفتگی تیم کشوری شرکت می‌نماید.

۵-۵. سفارت آمریکا در تهران باید ترتیبی دهد تا کارمند تازه کار دارای رده شغلی ۳۳۲ - ۳۰ نیز در برنامه آموزشی متناوب کارمندان تازه کار شرکت نماید.

۶-۵. وزارت خارجه و سفارت باید از تمام کارمندان بخش کنسولی به استثناء رئیس بخش بخواهد که در زمینه زبان فارسی آموزش ببینند. همچنین باید مطمئن شوند که افراد مأمور به این گونه مناصب حتماً این دوره آموزشی را دیده‌اند.

۷-۵. وزارت امور خارجه باید برنامه زبان فارسی مؤسسه سرویس خارجی را مورد بررسی قرار دهد تا مطمئن شود که این برنامه شامل آموزش زبان محاوره‌ای کنونی در ایران است.

۸-۵. وزارت خارجه (امور خاور نزدیک / ایران و CA/VO) با همکاری آژانس ارتباطات بین‌المللی در اداره مهاجرت و تابعیت باید نحوه زندگی دانشجویان ایرانی در آمریکا را مورد مطالعه قرار دهند. میزان تغییر وضعیت، الگوی کاری، نوع مؤسساتی که در آنها تحصیل می‌کنند و عملکرد آنها باید در این بررسی گنجانده شود.

۹-۵. سفارت آمریکا در تهران باید کمیته خاصی را برای بررسی معیارهای مخصوص صدور روایدهای دانشجویان ایرانی تشکیل دهد. بنا به دستور معاونت نمایندگی، این کمیته باید مرکب از کارمندان بخش کنسولی، بخش امور فرهنگی آژانس ارتباطات بین‌المللی و بخش سیاسی باشد. این کمیته باید در رابطه با ریز نمرات، حمایت مالی، درک زبان انگلیسی، و تناسب رشته تحصیلی مورد نظر با تأکید بر آموزش قبل از دانشگاه رهنمودهایی را ارائه کند.

ویرجینیا وایرز  
بازرس

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

طبقه‌بندی نشده  
یادداشت بازرسی - شماره ۶ الف

فعالیهای امور اداری

حقایق

بخش اداری شامل ۲۴ کارمند آمریکایی، ۱۴۵ کارمند محلی سرویس خارجه، ۱۴ نفر گارد امنیتی تفنگدار دریایی، یک افسر خدمات ساختمانی نیروی دریایی و حدود ۱۵۰ کارمند پیمانی است. دفاتر آن

در نقاط مختلف محوطه سفارت و محوطه اجاره‌ای سفارت پراکنده است.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

با وجود اینکه مشاور اداری که در اواخر ژوئن ۱۹۷۸ تهران را ترک نمود، دارای سبک مدیریتی بسیار عادی بود، ولی برای خود او مفید واقع شد و یک سلسله عملیات مؤثر برای امور اداری ایجاد نموده بود که مسائل کوتاه مدت را حل می‌کرد. او از مرکز دایره مدیریتی که ایجاد نموده بود عمل می‌کرد که توجه اصلی را به تأمین نیازهای رده بالای مدیریت، پروژه‌های خاص و قسمت‌ها و بخش‌های مشکل‌زا معطوف می‌داشت. او محل شغلی ۳ - ۰ خدمات عمومی را پر نکرده بود، اما به طور جداگانه خدمات عمومی را سرپرستی و هدایت می‌نمود. او از وجود یک کارمند تجزیه و تحلیل روشهای مدیریت ۵ - ۰ بهره‌برداری کرد که یکی از وظایفش بررسی داخلی و انتخابی از عملیات اداری سفارت بود.

کارمند بخش تجزیه و تحلیل روشهای مدیریت به عنوان جانشین مشاور اداری، در مدت غیبت وی عمل می‌کرد. او به خوبی از عهده این کار برمی‌آمد چون رؤسای شعبات اداری گرچه مستتر از وی بودند، ولی از کل عملیات اداری سر در نمی‌آوردند و به همین دلیل مایل به عهده‌دار شدن مسئولیتها نیز نبودند. این مشاور اداری هیچ‌گاه جلسات ستادی را تشکیل نمی‌داد و به همین دلیل میزان اطلاعات در تمام بخش از عملیات اداری بسیار محدود شده بود.

این نوع مدیریت نمی‌تواند در تشکیلات هرم گونه وزارت خارجه جایی داشته باشد و الزاماً نمی‌تواند نشانه بهبود وضع باشد. استفاده بهتر از نیروی انسانی موجود در اختیار وزارت خارجه احتمالاً از طریق نظارت مستقیم امکان‌پذیرتر است. به همین دلیل، بازرسین پیشنهاد کردند که جای خالی کارمند بخش خدمات عمومی ۳ - ۰ همان‌طور که پیش‌بینی شده پر شود و عنوان کارمند تجزیه و تحلیل روشهای مدیریت (۴۳۶ - ۲۱۳۰ - ۵۰) نیز به کارمند خدمات عمومی تغییر پیدا کند. فرد مزبور هم اکنون به عنوان کارمند خدمات عمومی خدمت می‌کند و مهمترین وظیفه‌اش که یافتن موارد استفاده از مینی کامپیوتر وانگ است، در حالی که مستقیماً از وظایف متعلق به کارمند بخش سرپرستی خدمات عمومی می‌باشد (پیشنهاد ۶ الف - ۱).

یکی از اقدامات مشاور اداری قبلی سفارش یک مینی کامپیوتر وانگ به ارزش ۶۹۴۰۰ دلار بود. قبل از ارسال سفارش هیچ‌گونه زمینه کاربرد خاصی برای آن طرح‌ریزی نشده بود، ولی این کامپیوتر با دستگاههایی که در واحدهای دیگری در حال نصب است سازگار می‌باشد. سفارت آمریکا در تهران در نظر دارد برنامه‌های مخصوص کامپیوتر وانگ را از سفارت آمریکا در سئول قرض بگیرد. به جای تأمین بودجه برای کامپیوتر سفارت آمریکا در تهران از منابع معقول، بخشی از هزینه (۲۴۴۲۹ دلار) از طریق انجمن کارمندان آمریکایی و بخشی دیگر از محل درآمدهای ناشی از فروش داراییهای غیرقابل مصرف (۲۰۸۱۲ دلار) تأمین گردیده است. این روش کاملاً غیر عادی است. بقیه این مبلغ نیز به وزارت خارجه اختصاص داده شده تا از بودجه مشترک تخصیص یافته برای پشتیبانی تجهیزاتی تأمین گردد. قبل از نصب مقدمات لازم برای شروع کار با این کامپیوتر توسط اپراتورها فراهم نشده بود. سفارت و وزارت خارجه آمریکا باید مشترکاً به بررسی مطلب بپردازند تا مطمئن شوند که عملیات کامپیوتر مقرون به صرفه است، یعنی فضای پرسنلی به میزان لازم محدود و اطلاعات مورد نیاز مدیریت تأمین شود تا تمام هزینه‌های مصرفی برای عملیات کامپیوتری جبران شود. در این بررسی باید تعداد پرسنل مورد نیاز برای بخش

کامپیوتری و نیز اختصاص بودجه صحیح به آن نیز مد نظر قرار گیرد. (پیشنهاد ۶ الف - ۲)

#### پیشنهادات

۶ الف - ۰۱ وزارت خارجه (PER، امور خاور نزدیک / EX) باید عنوان شغلی تجزیه و تحلیل روش‌های مدیریت (۴۳۶ - ۲۶۳۰ - ۵۰) را در سفارت آمریکا در تهران به کارمند خدمات عمومی تغییر دهد.

۶ الف - ۰۲ وزارت خارجه (امور خاور نزدیک / EX, ISO / A) و سفارت آمریکا در تهران باید مشترکاً به بررسی عملیات طراحی شده کامپیوتری بپردازند تا از مقرون به صرفه بودن، وجود پرسنل مورد نیاز برای به کار انداختن و استفاده از سیستم و تأمین مالی صحیح خرید کامپیوتر اطمینان حاصل کنند.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

لاورنس ا. فولر  
بازرس

وزارت خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

طبقه‌بندی نشده  
گزارش بازرسی - شماره ۶ ب

#### عملیات کارگزینی

#### حقایق

تعداد ۱۰۴ آمریکایی و ۸۳۷ کارمند محلی سرویس خارجه سازمان‌های دولت آمریکا در ایران، از خدمات کامل قسمت کارگزینی استفاده می‌کنند تعداد کارمندان آن از دو آمریکایی و نه کارمند محلی سرویس خارجه تشکیل شده که یکی از کارمندان محلی سرویس خارجه دارای سمت نظامی است. ۱۰۴ آمریکایی فوق‌الذکر از کارمندان خارجه، آژانس ارتباطات بین‌المللی، سرویس خارجی وزارت کشاورزی و وزارت بازرگانی می‌باشند. ۷۳ آمریکایی دیگر و ۲۷۰ نفر از وابستگانشان از کمک محدود قسمت کارگزینی برخوردار می‌شوند. از ۸۳۷ پرسنل محلی سرویس خارجی، حدود ۵۹۳ نفر در استخدام سازمان‌های نظامی آمریکایی می‌باشند.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

عملیات پرسنلی کلاً به خوبی اداره می‌شود. تلاش‌هایی در جهت ممانعت از بروز مشکلات در این بخش انجام می‌شود و در صورت بروز آنها سعی می‌شود به موقع مرتفع گردند. با در نظر گرفتن وضعیت تهران به عنوان یک شهر دستخوش ترافیک سنگین، باید گفت که وضع روحی کارمندان آمریکایی بسیار خوب است. تهران یک پایتخت فاقد هرگونه مطبوعیت است. سفارت نیز تلاش بسیاری را در جهت تأمین مسکن برای کارمندان آمریکایی خویش در طول ماه‌های اخیر مصروف داشته است. افسر کارگزینی با رتبه ۳ - RU مسئول قسمت کارگزینی است، ولی مدیریت برنامه کارمندان آمریکایی را به فرد تابع خویش که یک کارمند کارگزینی با رتبه ۶ - RU است سپرده و خود منحصراً فعالیتش را بر مدیریت برنامه کارمندان متمرکز کرده است.

در گفتگو با بازرسین، افسر کارگزینی با بیان این مطلب که مدیریت برنامه پرسنل محلی دشوارتر است و مدیریت پرسنل آمریکایی کاری غیر عادی و سخت نیست این کنجکاوی ما را برطرف ساخت. وی اخیراً به بررسی دستمزدها پرداخت، که نتیجه آن در آوریل ۱۹۷۸ منتشر گردید و در حال حاضر مشغول مطالعه طبقه‌بندی مشاغل محلی است. علاوه بر این وی در حال ایجاد یک شورای محلی کارمندی است تا موضوعات مورد علاقه کارمندان محلی را حل و فصل کرده و راه‌های مناسبی برای آنها بیابد، و ظاهراً پروژه بسیار خوبی است.

افسر کارگزینی تازه‌کارتر برای اولین بار به عنوان مقام پرسنلی به کار پرداخته است. حدود نیمی از اوقات وی صرف مشاوره با کارمندان آمریکایی و یا وابستگان و بقیه اوقات وی صرف انجام امور دفتری مربوطه می‌شود. دوره خدمت وی امسال به پایان می‌رسد در حالی که در زمینه مدیریت برنامه پرسنل محلی تجربه چندانی کسب نکرده است.

سوء تفاهمهای جزئی در سفارت پدیدار گشته، چون قسمت کارگزینی عملاً به دو سازمان مستقل تقسیم شده است. بعضی از پرسنل آمریکایی از این که افسر کارگزینی خود را درگیر امور پرسنلی آنها نساخته اظهار شگفتی کرده‌اند. افراد متقاضی کمک در زمینه مسائل مربوط به پرسنل محلی نیز گاهی از این که به آنها گفته شده که افسر تازه کار کارگزینی قادر به کمک به آنها نیست رنجش خاطر یافته‌اند. همچنین، در مورد سلسله مراتب فرماندهی مرتبط به مقام پرسنلی تازه کار در این گونه شرایط سؤالاتی به وجود آمده است. با وجود این که او فعالیت بسیار خوبی از خویش نشان داده، ولی قبلاً می‌بایست در زمینه امور پرسنلی آموزشی کافی دریافت می‌نمود. (پیشنهاد ۶ ب - ۱) در نتیجه طبقه‌بندی مجدد مشاغل محلی، کسانی ارتقاء درجه پیدا می‌کنند که تغییرات شغلی آنها باید مورد موافقت افسر کارگزینی و ناظر مربوطه قرار گیرد. خطر موجود در این گونه بررسی محدود این است که ممکن است ارتقاء درجه بعضیها چندان درست نیز نباشد. به منظور ایجاد هماهنگی، افسر کارگزینی در نظر دارد. رده‌های شغلی حدود ۲۰۰ کارمند پیمانی را طبقه‌بندی نماید. او نباید این کار را انجام دهد، زیرا این افراد کارمندان دولتی نیستند. بازرسین پیشنهاد کردند که سفارت یک هیئت بررسی ارتقای رده‌های شغلی تشکیل دهد تا رده شغلی هیچ‌کس به ناحق تغییر نکند و علاوه بر این از طبقه‌بندی مشاغل پیمانی دست بردارند. (پیشنهاد ۶ ب - ۲).

یکی از کارمندان محلی سرویس خارجه که متخصص امنیتی می‌باشد رسماً به قسمت کارگزینی منصوب گشته است. حقوق سالانه وی معادل ۱۴۰۰۰ دلار است. او به عنوان دستیار افسر کشیک شب از چهارشنبه تا یکشنبه انجام وظیفه می‌کند. (به هر حال بخش اعظم مشکلات به وسیله کارمندان عادی آمریکایی و کارمندان محلی سرویس خارجی حل و فصل می‌گردند). این شغل غیر ضروری است و باید حذف گردد. (پیشنهاد ۶ ب - ۳). در صورت عملی بودن، این کارمند باید به جای دیگری منتقل گردد. یکی از پرسنل کارشناسان محلی کارگزینی سرویس خارجی از کارمندان محلی که مایلند از پوشش بهداشتی بیشتری برای والدین و یا فرزندان ۱۸ سال به بالای خویش برخوردار شوند پول جمع‌آوری می‌کند و این پول را به بیمارستان بیمه‌کننده آنان می‌پردازد. از آنجا که وی یک کارمند دولتی آمریکایی است، کارمند ارشد بودجه و امور مالی باید بر جمع‌آوری و هزینه کردن این وجوه کنترل رسمی را اعمال نماید. (پیشنهاد ۶ ب - ۴)

برای دفتر کارگزینی در زمینه پذیرش ارباب رجوع، مشاوره با کارمندان محلی و مصاحبه با متقاضیان فضای کار کافی ایجاد نشده است. قسمت کارگزینی و کتابخانه بازرگانی در طبقه دوم یک ساختمان کوچک نزدیک درب ورودی اصلی محوطه سفارت قرار دارند. باید فضای کافی برای قسمت کارگزینی ایجاد نمود و این کار تنها با انتقال کتابخانه بازرگانی به یک محل موقت در محوطه سفارت یا بالعکس امکان پذیر است. (پیشنهاد ۶ ب - ۵)

بازرسی در طول این بازدید با یک گروه از نمایندگان کارمندان محلی سرویس خارجی ملاقات و پیرامون مسائل و مشکلات جاری آنان به تبادل نظر پرداختند. بعضی از این مشکلات در زیر فهرست شده است.

- - دستمزدهای نشان داده شده در لیست حقوق کارمندان محلی به دو بخش حقوق و مزایا تقسیم شده است. کسورات مربوط به بازنشستگی از خدمات دولتی تنها از حقوق اصلی کسر می شود که به نفع کارمندان محلی سرویس خارجی نیست. آنها تقاضا دارند که این دو بخش ترکیب شده و عنوان حقوق اصلی به آن داده شود.

- - تعدادی از کارمندان محلی سرویس خارجی در ایران برای صندوق مشترک اصلی کار می کردند که یک نهاد آمریکایی ایرانی بود. این صندوق بیش از پنج سال دوام نداشت. اکثر کسانی که تحت تأثیر این روایت قرار گرفته اند کارمندان آمریکایی بودند، که برای کار به این صندوق منتقل شده بودند ولی پس از آن برای مدت کار در آنجا از مزایای بازنشستگی محروم شده اند. آنها معتقدند که حتی در آن زمان نیز کارمند دولت آمریکا بوده اند.

- - بهداشت و درمان برای کارمندان محلی سرویس خارجی در تهران تنها توسط بیمارستان عمومی تهران و از طریق یک برنامه تهیه شده توسط سفارت تأمین می گردد. اگر یک طرح بیمه درمانی جامع ابداع شود مثمرتر خواهد بود.

- - بهداشت و درمان برای وابستگان یک کارمند محلی سرویس خارجی در سن ۱۸ سالگی قطع می گردد، مگر آن که حق بیمه اضافی پرداخت گردد. بعضی دیگر از کارفرمایان تا سن ۲۵ سالگی افراد را شامل این خدمات می دانند مشروط بر آن که آنان در حال تحصیل باشند.

- - وامهای بانکی و غیره در ایران به سختی قابل دریافت است. کارفرمایان معمولاً این شکاف موجود را پر می کنند. اطلاعات مربوط به راههای ممکن برای ایجاد یک اتحادیه اعتباری می تواند در این زمینه مفید واقع گردد.

- - ساعت شروع کار یعنی ۷/۳۰ دقیقه در روزهای زمستانی خیلی زود است. بهتر است در آن قسمت از سال ساعت کار تغییر کند. این مسائل با مشاور اداری و دو کارمند ارشد پرسنلی قبل از عزیمت بازرسی مورد تبادل نظر قرار گرفت. آنها نیز معتقدند که این پیشنهادات شایستگی و ارزش ملاحظه را دارد. (پیشنهاد ۶ ب - ۶)

#### پیشنهادات

۶ ب - ۱ سفارت آمریکا در تهران باید در آینده به کسانی که برای اولین بار به عنوان کارمند پرسنلی به آن واحد منصوب می شوند فرصت دهد تا به صورت متناوب برنامه های پرسنلی آمریکایی و محلی را

تجربه کنند.

۶ ب - ۰۲ سفارت آمریکا در تهران باید یک هیئت بررسی ارتقای درجات شغلی را تشکیل دهد تا مبادا فردی به ناحق ارتقای درجه پیدا کند و علاوه بر این نباید به طبقه‌بندی مشاغل پیمانی بپردازد.  
۶ ب - ۰۳ سفارت آمریکا در تهران باید رده شغلی متخصص امنیتی محلی سرویس خارجی به شماره ۵۱۰/۲ را حذف کند.

۶ ب - ۰۴ سفارت آمریکا در تهران باید بر وجوهات جمع‌آوری شده از قسمت کارگزینی بخش کارمندان محلی جهت پوشش بیمه درمانی والدین و فرزندان بالای ۱۸ سال آنها نظارت رسمی داشته باشد.

۶ ب - ۰۵ سفارت آمریکا در تهران باید فضای کافی برای قسمت کارگزینی خویش ایجاد کند.  
۶ ب - ۰۶ سفارت آمریکا در تهران باید مسائل مورد علاقه کارمندان محلی سرویس خارجی را که در یادداشت ۶ ب مورخ ژوئیه ۱۹۷۸ فهرست شده حل کرده و خلاصه‌ای از اقدامات انجام شده را در اختیار کارمندان محلی سرویس خارجی در سفارت و واحدهای تابعه آن قرار دهد.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

لورنس ا. فولر  
بازرس

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

طبقه‌بندی نشده  
گزارش بازرسی - شماره ۶ ج

### عملیات بودجه و مالی

#### حقایق

دو آمریکایی و ۱۹ کارمند محلی سرویس خارجی در دفتر بودجه و مالی که در دفتر اجاره‌ای سفارت واقع شده کار می‌کنند. دو کارمند آمریکایی دارای عناوین شغلی مقام بودجه و مدیریت و مقام بودجه و مالی هستند.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

برداشت کلی بازرسین این است که دفتر بودجه و مالی عملکرد بسیار خوبی دارد، ولی در صورت مرتب‌تر شدن مراحل کاری با تعداد کمتری کارمند خواهد توانست کار بهتری انجام دهد. در ماه مارس ۱۹۷۸ تنها ۳۳۹ صورت‌حساب از این بخش گذشته بود. بخش اعظم کارمندان محلی سرویس خارجی از نظر فیزیکی و از نظر وظایف دارای اتاقهای جداگانه هستند و بسیاری از آنها آموزشهای مختلف را ندیده‌اند. در نتیجه مسئولان بخش بودجه و مدیریت و بودجه و مالی قادر نیستند میزان تولید کار کارمندان محلی سرویس خارجی خود را مقایسه کرده و یا برای بهبود وضع عملیات خویش از آنها اطلاعات لازم را دریافت دارند. برای حل این مسئله، بازرسین توصیه می‌کنند که واحد کنترل وجوهات و واحد کنترل صورت بها به صورت یک واحد مالی در یکدیگر ادغام شده و کار بین آنها تقسیم گردد. یعنی همان متخصص مالی هم به کار حسابداری خواهد پرداخت و هم به عنوان بررسی کننده، صورت

حسابهای بخش خود عمل خواهد کرد. متخصصین مالی باید هر شش ماه یک بار به کار در بخش دیگر بپردازند تا به نحوه، انجام حل وظایف واحد آشنا شوند. (پیشنهاد ۶ ج - ۱)

واحد مالی باید تحت نظارت مستقیم مقام آمریکایی بودجه و مالی قرار گیرد. در این صورت، رده شغلی ۵۳۰/۱ کارمند محلی سرویس خارجه در دفتر بودجه و مالی نیز می‌تواند حذف بشود. (توصیه ۶ ج - ۲)

به منظور اعمال کنترل داخلی، مسئولیت توزیع چک‌های وارده از RFC پاریس باید از دوش واحد رابط RFC برداشته و به مسئول امور پستی محول گردد. این فرد نیز باید مستقیماً گزارش کار خود را به مقام بودجه و مدیریت تسلیم نماید. مسئولیت ارسال اسناد به RFC پاریس نیز باید بر عهده واحد رابط RFC باشد که تعداد کارمندان آن نیز می‌تواند به یک نفر تقلیل یابد. این فرد نیز باید گزارش کار خود را به مقام بودجه و مالی که مقام تصویب کننده است، تسلیم نماید. هدف این است که یک نفر علاوه بر تسلیم صورت‌حساب، دریافت کننده چک مربوط به آن نیز نباشد. (پیشنهاد ۶ ج - ۳)

روشهایی باید ابداع گردد تا آمار و ارقام مناسب حسابداری در کلیه اسناد هزینه و تعهدات ارسالی به دفتر بودجه و مالی نشان داده شوند. صورت‌حسابها باید در دفاتر صادر کننده ماشین شود، نه در دفتر بودجه و مالی، و قبل از ارسال آنها به دفتر بودجه و مالی حتماً باید تصویب شده باشند. این تغییر باید تمام صورت‌حسابها - از جمله آنهایی که از محل صندوق وجوه جزئی پرداخت می‌شوند و دفتر ذیربط مایل به تصویب آنهاست - را در برگیرد. (پیشنهاد ۶ ج - ۳)

در حال حاضر روش باز پرداخت نقدی صورت‌حسابها در دفتر بودجه و مالی به طرز غیر ضروری پیچیده است و باعث پیدایش تأخیر در ارسال آن به RFC پاریس می‌گردد و احتمال رفع نقایص به موقع را ضعیف می‌سازد. بعضی از صورت‌حسابهای فرعی که هنوز تا تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۷۸ در مورد آنها اقدامی به عمل نیامده است مربوط به ماههای آوریل و مه ۱۹۷۸ می‌باشند. در روشها باید تجدید نظری صورت گیرد تا اطلاعات حسابداری (کدگذاری حسابها) در هر صورت‌حساب فرعی قابل پرداخت از صندوق در زمان پرداخت منعکس گردیده و هر صندوقدار بتواند آمار و ارقام حسابداری مربوط به بازپرداخت صورت‌حسابهای خویش را به صورت خلاصه جمع بزند. از آنجا که بسیاری از اسناد هزینه به زبان فارسی است، سندرس باید دائماً صحت ترجمه آنها را کنترل کند تا مطمئن شود که این اسناد معتبر بوده و مبالغ منعکس شده در آنها صحت دارد. از آنجا که بررسی کنندگان صورت‌حسابهای جزئی قابل پرداخت از صندوق آنها را به موقع بررسی نکرده‌اند، فرد دیگری باید مأمور انجام این امر گردد. (پیشنهاد ۶ ج - ۴)

به منظور کاهش نیاز به مبالغ هنگفت مالی هر صندوقدار فرعی باید تمام صورت‌حسابهای موجود در اختیار خویش را هر روز به صندوقدار طبقه ب تحویل دهد و این کار را به صورت فعلی آن یعنی هفتگی یا ماهانه انجام ندهد. هر صندوقدار باید فهرستی از صورت‌حسابهای فرعی باز پرداخت شده را یک یا دوبار در هفته تهیه کرده و به مقام مسئول تحویل دهد و این کار را مانند گذشته به صورت دو هفته یا ماهی یک بار انجام ندهد. مقام تأیید کننده باید اطمینان حاصل کند که تمام صورت‌حسابهای بازپرداختی در پایان هر روز کار و پس از دریافت توسط دفتر بودجه و مالی مراحل خاص خود را طی کرده باشند. همان طور که قبلاً گفته شد، از تاریخ بعضی از صورت‌حسابهای فرعی موجود دو ماه گذشته بود و این امر مربوط به زمان عزیمت ما می‌باشد. (پیشنهاد ۶ ج - ۳)

بعضی از پرونده‌های موجود در دفتر بودجه و مالی مربوط به سال ۱۹۷۴ و سالهای قبل از آن است. بسیاری از آنها نیز نسخه دوم پرونده‌های حسابداری رسمی سفارت است که توسط RFC پاریس نگهداری می‌شوند. به منظور ایجاد روحیه تولید در متخصصین مالی بجای روحیه پیروی از بایگانی، پرونده‌های موجود در اختیار آنها باید به صورت (۱) پرونده اسناد تعهدات انجام نشده، (۲) پرونده اسناد تعهداتی که در ماه جاری پرداخت شده‌اند، (۳) پرونده قراردادهای و وامهای فعال، (۴) پرونده‌های مرکب از قراردادهای و وامهایی که در ماه جاری مختومه اعلام شده‌اند، و (۵) فرمهای ۶۰، ۶۲، ۸۰، ۹۰، و ۱۳۶ مربوط به RFC برای ماه جاری. در پایان هر ماه، صورتهای مربوط به حسابهای پرداختی، مختومه و اسناد تکمیل شده با قرار گرفتن در جعبه‌های مقوایی به اتاق بایگانی انتقال اتاق بایگانی انتقال به منظور ایجاد سرعت بیشتر در تولید مالی، متخصصین مربوطه باید در زمینه بودجه، آمار و یا ارسال گزارشات ویژه مسئولیتی نداشته باشند. یک واحد بودجه و گزارشات باید با انتقال یک یا دو نفر از واحد کنترل منابع مالی تشکیل شده تا عهده‌دار انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم و گزارشهای مورد نیاز باشد. رئیس این واحد نیز باید گزارش کار خود را به مقام بودجه و مدیریت بدهد تا مقام آمریکایی بودجه و مالی نیز بتواند توجه خود را به واحد مالی پیشنهادی متمرکز ساخته و صدور صورتحسابها را تسریع نماید. (پیشنهاد ۶ ج - ۴)

در صورت انجام این تغییرات، تعدادی از مشاغل کارمندان محلی سرویس خارجه در دفتر بودجه و مالی نیز می‌تواند حذف گردد، اما سازماندهی مجدد برای کارمندان محلی قدیمی سرویس خارجه اثرات روحی جبران ناپذیری پدید خواهد آورد. به همین دلیل ما پیشنهاد می‌کنیم که چهار سمت خالی موجود در دفتر بودجه و مالی در صورت بازنشسته شدن یکی از کارمندان محلی سرویس خارجی، اشغال نشود تا سازمان جدید عملاً فعال بشود و شمار واقعی کارمندان ضروری مشخص گردد. (پیشنهاد ۶ ج - ۴)

علاوه بر این، مقدار پول نقد لازم برای عملیات آمریکا در ایران نیز می‌تواند کاهش یابد. صندوقدار سفارت به تنهایی ۲۵۰۰۰۰ دلار در اختیار دارد. به محض تکمیل روند سازماندهی مجدد حداکثر موجودی نقدی در صندوق وی باید به ۱۰۰۰۰۰ دلار کاهش پیدا کند. در صورت نیاز به مبالغ اضافی در هر زمان، RFC پاریس باید آن مبلغ را به صورت تلگرافی در اختیار صندوقدار مسئول قرار دهد. (پیشنهاد ۶ - ۳)

در حال حاضر دفتر صندوقدار ب سفارت در طبقه دوم دفتر اجاره‌ای سفارت واقع شده که جدای از دیگر دفاتر بودجه و مالی است که در طبقات چهارم و پنجم همان ساختمان قرار گرفته‌اند. کسانی که به بخش کنسولی وارد می‌شوند معمولاً از این صندوقدار سؤالاتی کرده و گاهی نیز خواستار تبدیل ارز می‌شوند. بخش کنسولی دارای یک انبار در طبقه پنجم است که می‌تواند به صورت دفتر صندوقدار مورد استفاده قرار گیرد. بازرسین توصیه می‌کنند که جای این دو اطاق با یکدیگر عوض شود. علاوه بر این آنها توصیه می‌کنند که صندوقدار کنسولی دارای عنوان صندوقدار فرعی شود و مقداری پول خرد نیز در اختیار وی قرار داده شود. (پیشنهاد ۶ ج - ۴)

در حال حاضر سه نفر در دفتر صندوقدار سفارت مشغول کار می‌باشند که عبارتند از صندوقدار ب، یک صندوقدار فرعی، یک صندوقدار بیمانی برای تابستان که بنظر ما تنها وجود یک صندوقدار کافی است. از آنجا که صندوقدار فرعی کار دریافت و پرداخت صورتحسابها را انجام می‌دهد، بازرسین پیشنهاد می‌کنند که او از عنوان صندوقدار ب برخوردار شود. از صندوقدار ب قبلی می‌توان به عنوان



بررسی‌کننده صورتحساب‌های پرداختی استفاده کرد تا زمانی که بازنشسته شود. نه صندوقدار پیمانی برای تابستان و نه افراد دیگر، هیچ یک نباید به دفتر صندوقدار و یا تقدینه موجود دسترسی داشته باشند. (پیشنهاد ۶ ج - ۴)

برای کاهش میزان کار صندوقداران سفارت و تسریع در روند کار مربوط به اسناد چند راه وجود دارد. به طور مثال، می‌توان از تبدیل ارز نقدی جلوگیری به عمل آورد، بخصوص به خاطر آن که انجمن کارمندان آمریکایی چنین خدماتی را ارائه می‌نماید. این کار از طریق محدودسازی زمان دریافت ارز تبدیلی امکان‌پذیر است. صندوقدار فرعی کنسولی می‌تواند به جای صندوقدار ب پیمانی طرفین ذی‌علاقه را جمع‌آوری کند. پنجره مخصوص دفتر صندوقدار می‌تواند به طور کامل یک یا دو روز در هفته بسته باشد تا صندوقدار به صورتحسابها و دیگر اسناد خود جهت انتقال به صندوقدار مالی منطقه‌ای RFC پاریس بدون اتلاف وقت بپردازد (پیشنهاد ۶ ج - ۴)

امنیت وجوهات نقدی در دفتر صندوقدار سفارت نیز باید تقویت شود. در حال حاضر، صندوقدار فرعی مبالغ هنگفتی پول نقد را در کشورهای چوبی زیر پنجره خود در تمام طول روز نگاهداری می‌کند و این مبالغ شبها در صندوقی که در داخل یک محل شبیه به گاوصندوق تعبیه شده نگاهداری می‌شود. صندوقدار کنسولی صندوق قفل شده را به هنگام شب در داخل این کمد شبیه به گاوصندوق قرار می‌دهد. رمز قفل این کمد نیز در اختیار صندوقدار ب و صندوقدار فرعی می‌باشد. صندوقدار پیمانی مخصوص تابستان نیز گاهی وظایف صندوقدار فرعی را انجام می‌دهد. صورتحساب‌های فرعی که بخشی از وجوه موجود نزد صندوقدار ب را تشکیل می‌دهد، در حین بازرسی در اختیار بسیاری از کارمندان بودجه و مالی قرار داشت و بازرسین شاهد تأیید یک صورتحساب در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۷۸ بودند. این تأییدیه در سیستم کمرشکن صندوقدار منطقه‌ای RFC حدود ۱۰ ساعت وقت را تلف نمود. همان گونه که در گذشته نیز گزارش شده، نه مقام تأیید کننده و نه بازرسین مطمئن نیستند که آیا اقلام بیشمار در حال نقل و انتقال در زمانی که صورتحساب تلفیقی تهیه می‌شود از صحت و درستی برخوردار می‌باشند یا خیر. (پیشنهاد ۶ ج - ۳)

### پیشنهادات

- ۶ ج - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید دفتر بودجه و مالی خود را مجدداً سازماندهی نماید و روشهای مالی خود را طبق آنچه گفته شده به جریان اندازد و مرتب نماید.
- ۶ ج - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید محل شغلی کارمند محلی سرویس خارجه ۵۳۰/۱ و مقام بودجه و مالی در سفارت را حذف کند.
- ۶ ج - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید کنترل داخلی خود را بر موجودی نقدی اعمال کرده و میزان موجودی نقدی را به ۱۰۰۰۰۰ دلار کاهش دهد.
- ۶ ج - ۴. سفارت آمریکا در تهران نباید چهار کارمند محلی سرویس خارجه در دفتر بودجه مالی را که تا زمان سازماندهی مجدد بازنشسته خواهند شد تعویض نماید تا مشخص شود که به چه تعداد کارمند در این بخش نیازمند است.

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

بازرس  
بازرس ارشد  
محرمانه  
یادداشت بازرسی - شماره ۶ د

ارتباطات و بایگانی

### حقایق

بخش ارتباطات و بایگانی دارای ۹ کارمند آمریکایی و بیست کارمند محلی است. دو تن از کارمندان آمریکایی تکنیسینهای منطقه‌ای می‌باشند. میزان تلگرام، نامه‌ها و مراسلات طی سال گذشته افزایش یافته و به خاطر فزونی گرفتن تعداد سازمانهای مورد حمایت از میزان مراسلات در آینده نزدیک کاسته نخواهد شد.

### ارزیابی و نتیجه‌گیری

عملیات ارتباطات و بایگانی از زمان انجام بازرسی قبلی تا حدودی بهبود یافته است. یکی از مهمترین پیشرفتها عبارتست از نصب موفقیت آمیز یک سیستم جدید تلفنی بجای سیستم تلفنی قدیمی و از کار افتاده سفارت تهران. مقدمات ایجاد ارتباط مستقیم تلفنی با هیئت مستشاری نظامی آمریکایی نیز فراهم شده که با در نظر گرفتن میزان و حجم فعالیتهای وزارت دفاع در ایران (به گزارش بازرسی ۹ الف توجه شود) از ضروریات است.

در اکثر موارد، خط تلگرافی به سرعت به وسیله این بخش اداره شده، گرچه واحد ارتباطات طی ماههای گذشته از تعداد لازم کارمندان مربوطه برخوردار نبوده است. کار اضافی محدود و نیز استخدام کارمندان PIT برای تولید مجدد و توزیع در زمینه از بین رفتن وقفه‌های جدی، مؤثر واقع شده است. ولی در مواردی، بعضی از تلگرامهایی که می‌بایست در اواخر روز ارسال می‌شد با تأخیری معادل دو روز انجام شده است. تصور بر این است که نصب سیستم کامل TERP می‌تواند حلال بقیه مشکلات موجود در زمینه ارسال و دریافت تلگرامها باشد گرچه سیستم TERP برای سفارت آمریکا در تهران برنامه ریز شده، ولی برای نصب آن تاریخ قطعی معین نشده است.

به عنوان یک اقدام میان مدت، که از نظر پرسنل این بخش می‌تواند پاسخگوی تلگرامهای ارسالی باشد، پرسنل بخش ارتباطات و بایگانی پیشنهاد می‌کنند که دستگاه حروفخوان چشمی سریعاً نصب و راه اندازی شود. این دستگاه بخشی از سیستم TERP است و پس از نصب دستگاه TERP نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در همین حال وقفه‌های موجود در این زمینه مرتفع گردیده و آموزشهای لازم در رابطه با دستگاه حروفخوان چشمی نیز انجام خواهد شد (پیشنهاد ۶ د - ۱)

مدیریت بایگانی نیز به صورت مسئله‌ای خودنمایی کرده است. پرونده‌های این واحد طی یک سیستم تمرکز یافته نگاهداری می‌شود. پرونده‌های مربوط به دو سال که می‌بایست از رده خارج می‌شد اکنون در اینجا جمع آوری شده است. تلاشهای پرسنل این بخش برای حل این مسئله با موفقیت چندانی همراه نبود تا این که معاونت نمایندگی جدید بر اهمیت مدیریت بایگانی تأکید نمود. از آن زمان به بعد همکاری دفاتر و بخشهای مختلف افزایش یافته و همه تأکید دارند که این مسئله باید حل شود.

بازرسین یک نکته دیگر را که باید سفارت آمریکا در تهران به آن پاسخ گوید تا مانع از بروز مشکلات دیگر در آینده شود. یادآور شدند. اخیراً یک دستگاه تلکس بازرگانی در اتاق پست و مراسلات نصب شده است، قرار است در نهایت این تلکس به بخش عملیات کنسولی متصل شود تا ارسال تلگرامهای خصوصی با سرعت بیشتری انجام پذیرد. در این مدت، تلگرامهای بازرگانی برای انجمن کارمندان فرستاده می‌شد و حال آن که این انجمن به تلگرامهای اضطراری پاسخ می‌گفت و محموله‌های مفقودالایر و یا توأم با تأخیر را پی‌گیری می‌کرد. تاکنون از شرکت تلگراف صورتحسابی نرسیده، ولی در هر زمان انتظار آن می‌رود. با این حال، روشهای لازم برای ضبط، صدور صورتحساب و جمع‌آوری هزینه تلگرامها ابداع نشده است. بازرسین معتقدند که روشی مشابه روش مربوط به تلفنهای راه دور باید ابداع شود تا دفتر بودجه و مالی بتواند این هزینه‌ها را جمع‌آوری کند و این هزینه‌ها از بخش ارتباطات و باجگانی عبور بنماید. (پیشنهاد ۶ د - ۲)

#### پیشنهادات

۶ د - ۱. سفارت آمریکا در تهران، همگام با وزارت خارجه (A/OC) باید به بررسی وضعیت سیستم TERP و امکان نصب حروفخوان چشمی به عنوان یک اقدام کوتاه مدت بپردازد.  
۶ د - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید روشهای رسمی مربوط به صدور صورتحساب و جمع‌آوری هزینه ارسال تلگرامهای تجاری را ابداع نموده و از مشخص شدن مسئولیتها و قبول آن توسط پرسنل ذیربط اطمینان حاصل کند.

آلن برنسون  
بازرس

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
طبقه‌بندی نشده  
یادداشت بازرسی - شماره ۶ ه

#### عملیات خدمات عمومی

#### حقایق

دفتر خدمات عمومی بزرگترین عنصر دولتی در این واحد بوده و دارای چهار کارمند آمریکایی و ۶۹ کارمند محلی مجاز می‌باشد. علاوه بر این به استثنای محافظین، ۶۵ کارمند پیمانی نیز در این بخش مشغول کار می‌باشند. این دفتر در برگیرنده عملیات ساختمانی و تعمیر و نگهداری، تدارکات، انبارداری، گمرکات و حمل و نقل و دفتر مخصوص اجاره منازل مسکونی می‌باشد. این دفتر در زمینه‌های فوق از وزارت خارجه، آژانس ارتباطات بین‌المللی، وزارت بازرگانی، کشاورزی اداره مالیات بردرآمد و اداره مبارزه با مواد مخدر پشتیبانی به عمل می‌آورد.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

الف. انعقاد قرارداد پیرامون خدمات

به طور کلی و با در نظر گرفتن میزان سنگین کار موجود در رابطه با ارائه پشتیبانی از هیئت نمایندگی بی با این وسعت، دفتر مزبور عملکرد خوبی داشته است. پس از آخرین بازرسی، بر بهبود روحیه پرسنل تأکید شد و عملیات این دفتر با موفقیت بسیار در این مسیر قرار داده شد. اما این دفتر نیز خالی از مشکلات نیست، ولی اکثر آنها شناسایی شده و می‌تواند در محل تصحیح گردد، ولی یکی از مسائل، یعنی انعقاد قرارداد برای خدمات، بدون خلاصی از مقررات نمی‌تواند حل و فصل گردد.

وضع سفارت آمریکا در تهران مشابه وضع سفارتخانه‌های دیگری است که در کشورهای نه چندان پیشرفته از جهان مستقر می‌باشند. این واحد نیز باید خدمات بسیاری از باغبانی گرفته تا تعمیر و رنگ آمیزی میز و صندلی و مبلمان را به کار گیرد. علاوه بر این محدودیت فضای کار پرسنلی، استخدام مستقیم کارمندان لازم برای اجرای این گونه خدمات را غیر ممکن می‌سازد. اما اقتصاد محلی به چنان سطحی نرسیده که بتوان خدمات مورد نظر را از طریق قراردادهای خدماتی واقعی با شرکتها فراهم آورد. در نتیجه سفارت آمریکا در تهران از قراردادهای شخصی برای بهره‌مندی از این گونه خدمات به استثنای خدمات مستخدمی و باغبانی استفاده می‌کند که البته دو مورد آخر را می‌توان از طریق انعقاد قراردادهای واقعی با شرکتها تأمین نمود.

در زمان بازرسی، هفت قرارداد خدمات در تهران به ارزش ۷۰۰۰۰۰ دلار در سال منعقد شده بود. همان‌طور که گفته شد، دو قرارداد یعنی باغبانی و مستخدمی با شرکتها منعقد شده بود. بقیه خدمات ماهیتاً و از نظر اجرایی خدمات شخصی می‌باشند. به طور مثال، قرارداد راننده، نقاش، و غیره می‌باشد. پرسنل به کار گرفته شده پس از استخدام، آموزش یافته و سپس تحت نظارت مستقیم پرسنل سفارت کار می‌کردند. همین مسئله در مورد گاردهای پیمانی سفارت نیز صادق بوده است.

با در نظر گرفتن این شرایط و این واقعیت که بسیاری از کارمندان پیمانی مستقیماً استخدام شده و به مدت بیش از بیست سال در زمینه یک کار خاص فعالیت داشته‌اند. کارمندان پیمانی خود را مستخدمین دولت آمریکا به حساب می‌آورند. اقدامات بعضی از پرسنل سفارت نیز این آشفتگی و سوء تفاهات را تشدید نموده است. به جای برخورد با مقام منعقد سازنده قرارداد یا نماینده‌اش، شکایات کارمندان پیمانی، اختلافات و درخواست آنها برای افزایش حقوق با سرپرستان آمریکایی و مقام کارگزینی سفارت در میان گذاشته می‌شود. این مقام، گرچه نماینده فرد منعقد سازنده قرارداد نیست، مگر در مورد قرارداد انجمن کارمندان آمریکایی، ولی شخصاً اقداماتی به عمل آورده و حتی قول افزایش حقوق و مزایای بهتر را به آنها داده و گاهی نیز برنامه حقوق را برای کارمندان پیمانی طرح ریزی کرده است. (پیشنهاد ۶ هـ - ۱) این فرد به اصطلاح پیمانکار در زمینه تهیه لیست حقوق خدمات و ایجاد هماهنگی همکاری می‌کرده است. در طول مدت بازرسی، برنامه‌هایی تهیه شده بود تا کارمندان ساختمانی و تعمیراتی و گاردهای پیمانی به انجمن کارمندان به نوبه خویش تنها به صورت رسمی می‌تواند پیمانکار باشد، انتقال یابند. خدمات حفاظتی در تهران توسط چند شرکت ارائه می‌گردد. بازرسی توصیه می‌کنند که تلاش شود تا این قراردادها با رهنمود وزارت خارجه (الف - ۲۰۰۷، مورخ ۵ مه ۱۹۷۷) منطبق گردد. یکی از این اقدامات عبارت است از انعقاد قرارداد با شرکتی که این گونه خدمات را ارائه می‌کنند و نیز درخواست این مطلب از انجمن کارمندان که مسئولیت نظارت و مدیریت پرسنل پیمانی را عهده‌دار شوند. (پیشنهاد ۶ هـ - ۲) علاوه بر قراردادهای خدماتی برای کارمندان محلی، سفارت با انجمن کارمندان نیز قراردادی منعقد

ساخته تا از این طریق نیز به طور موقت برای شهروندان آمریکایی خدماتی انجام شود. در این مورد نیز از قرارداد به عنوان وسیله‌ای در تسریع امور استفاده می‌شود. این قرارداد عمدتاً برای تسریع استخدام کارمندان PIT مورد استفاده قرار می‌گیرد تا در این بین تشریفات اداری از قبیل (امنیت، تهیه لیست حقوق، سوابق از نظر کارگزینی و غیره) تکمیل گردد. این کارمندان توسط سفارت تهران مصاحبه، انتخاب، و استخدام می‌شوند. اکثر آنها هیچ‌گاه به دفاتر انجمن کارمندان پای نگذاشته‌اند. به جای آن دفتر کارگزینی یادداشتی برای انجمن فرستاده و به آن اطلاع می‌دهد که فرد جدیدی در لیست حقوق قرار می‌گیرد. در یک مورد یک کارمند به مدت سه هفته برای کنسولگری تبریز کار کرده بود، ولی تازه پس از این مدت سه هفته بلاغیه دفتر کارگزینی به انجمن ارسال شده بود. تا آن زمان، تنها مدیر کنسولگری مسئول پرداخت حقوق این کارمند بود. باید در مورد برنامه‌ریزی و پیش‌بینی جایگزین سازی کارمندان تأکید بیشتری اعمال شود تا شرایط و نیازهای اداری تأمین شده و از قرارداد به این منظور استفاده نشود. (پیشنهاد ۶-۳)

اسنادی وجود ندارند که نشان دهنده این باشند که قبل از انعقاد قرارداد بررسی‌های لازم به عمل آمده است. در نتیجه، نمی‌توان گفت در موقع انعقاد قراردادهای مربوطه به نظافت و باغبانی قراردادی با مناسبترین قیمت منعقد شده است. در هر دو مورد آگهی‌هایی منتشر شده و بسیاری از مقاطعه‌کاران قیمت‌های خاص و مورد نظر خود را ارائه داده بودند. ولی در نهایت قرارداد با کسی منعقد گردیده که قبلاً قراردادهای دیگری با سفارت بسته و پیمانکار ساختمانی، تعمیراتی و حراستی سفارت به شمار می‌آید. در هر دو مورد، پیمانکاران دیگر قیمت‌هایی کمتر از وی ارائه کرده بودند، ولی توجهات برای انعقاد روشن نشده بود و در یک مورد تمام هزینه‌ها در تعیین پیمانکار برنده مناقصه مورد شمول قرار نگرفته بود. (پیشنهاد ۶-۴)

#### ب. کنترل انبار

از سال ۱۹۷۶ تاکنون وسایل و تجهیزات مصرف نکردنی صورت برداری نشده است. البته در زمان انجام این بازرسی این کار در حال انجام بود. گمان نمی‌رود که این عمل در مدت معقول به پایان برسد و یا صورت با موجودی تطابق پیدا کند چون در پرونده انبار هم وسایل موجود ثبت شده و هم وسایلی که به دفاتر و اقامتگاهها ارسال شده است. در نتیجه، باید تلاشی بیهوده و غیر ضروری به خرج داد تا تمام وسایل مصرف نکردنی موجود در دفاتر و اقامتگاهها و نیز انبار مشخص شود و با رقم موجود در پرونده انبار مطابقت پیدا کند.

سفارت آمریکا در تهران باید وضع کنترل خویش بر وسایل موجود را بهبود بخشیده و با تهیه کارتهایی برای اجناس موجود در انبار روند صورت برداری از آنها را سهولت بخشد. پس از آن صورت برداری سالانه از اجناس انبار ممکن خواهد بود و می‌تواند با موجودی کارتها مطابقت پیدا کند. اجناس مصرف نکردنی که از انبار خارج شده نیز می‌تواند در پرونده فرد یا دفتر دریافت کننده ثبت شده و با تعبیر افراد در اختیار گیرنده آنها این پرونده‌ها نیز حتماً باید تغییر پیدا کند. (پیشنهاد ۶-۵)

#### ج. سیاست مسکن

از سفارت باید به خاطر تلاش بی‌وقفه خویش در تهیه مسکن مورد نیاز پرسنل سفارت تمجید به عمل آورد. بازرسین معتقدند که اقدامات انجام شده در این زمینه نقش مهمی را در بهبود روحیه کارمندان ایفا کرده است. با این حال سیاست موجود در این رابطه مطابق شرایط روز نیست و هیئت تهیه مسکن نماینده تمام افسار کارمندی سفارت نبود و جنبه نهفته داشت. در نتیجه، پذیرش یک محل اقامت معمولاً تابع احساسات فردی بود و در حالی که میزان اجاره بها سرسام آور می‌باشد، در بسیاری از موارد واحدهای بسیار گرانتقیمت تا مدت‌ها خالی از سکنه باقی می‌ماند. علاوه بر این، تهیه اقامتگاه برای افراد تازه وارد همیشه به صورت دقیق و کامل انجام نمی‌گیرد و ساکنین تازه وارد می‌بایست شخصاً به نظافت محل بپردازند. بازرسین معتقدند که سیاست تهیه مسکن سفارت آمریکا در تهران باید جنبه رسمی پیدا کرده و تدوین شود و یک کمیته مسکن مرکب از نمایندگان سفارت تشکیل شود تا در این زمینه مشارکت متعادل و یکنواخت همگان تضمین گردد. (پیشنهاد ۶ هـ - ۶). علاوه بر این، اقامتگاه مورد نظر باید قبل از ورود کارمندان جدید، از نظر نظافت دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. (پیشنهاد ۶ هـ - ۷)

#### عملیات پارک موتوری

عملیات پارک موتوری را با بررسی بهتر نحوه استفاده از وسایط نقلیه و مصرف میزان بنزین می‌توان بهبود بخشید. میانگین بنزین مصرفی روزانه معادل ۴۰۰ گالن در روز است و برای سال ۱۹۷۸ هزینه‌ای معادل ۵۰۰۰۰ دلار را برای سفارت در برداشت. بعضی از وسایط نقلیه حتی با در نظر گرفتن ترافیک وحشتناک تهران، حدود یک گالن برای هر مایل بنزین مصرف می‌کردند که صرف غیر ضروری هزینه‌ها می‌باشد. در مواقع دیگر هزینه مصرف همان اتومبیل بهتر بود. مطالعه در این زمینه علل مصرف بیش از حد را روشن می‌سازد. شمار اتومبیل‌های موجود در اختیار سفارت نیز چندان زیاد نبود. از بعضی از وسایط نقلیه شدیداً استفاده می‌شد، ولی از بعضی دیگر خیر. اگر در زمینه استفاده از آنها نیز بررسی‌هایی انجام شود برنامه استفاده بهتری تهیه می‌گردد که می‌تواند منجر به استفاده بهتر از عمر مفید کل اتومبیل‌ها گردد. این گونه مطالعات می‌تواند نیاز به تعمیرات را نیز سریعتر مشخص نماید. (پیشنهاد ۶ هـ - ۸)

#### پیشنهادات

- ۱- ۵۶ هـ. سفارت آمریکا در تهران باید ترتیبی دهد تا تنها پرسنل مجاز قادر به مذاکره با پیمانکاران باشند و کارمندان پیمانی نیز مستقیماً در برابر آنها مسئول باشند.
- ۲- ۵۶ هـ. سفارت آمریکا در تهران باید در زمینه انعقاد قراردادها مفاد رهنمود وزارت خارجه (الف - ۲۰۰۷، مورخ ۵ مه ۱۹۷۷) را رعایت نموده و یا شرکت‌هایی قرارداد منعقد نماید که ارائه کننده خدمات مورد نظر باشند و ضمناً ترتیبی دهد تا انجمن کارمندان بر کار کارمندان پیمانی نظارت و مدیریت داشته باشند.
- ۳- ۵۶ هـ. سفارت باید روشی را ابداع کند تا با استفاده از آن در کاربرد کارمندان جدید PIT تأخیر چندانی به وجود نیاید و از انجمن کارمندان به عنوان وسیله وارد کردن و یا بکارگیر کارمندان PIT استفاده نکنند.
- ۴- ۵۶ هـ. سفارت آمریکا در تهران باید روشی را برای به مناقصه گذاشتن قراردادها پدید آورد تا در آنها

تصمیمات متخذه توسط کارمندان امور قراردادهای از صحت و حمایت کافی برخوردار باشد.

۵-۶. سفارت آمریکا در تهران باید کارت بایگانی اجناس مصرف نکرده را تهیه کرده که نشان‌دهنده مقادیر اجناس موجود در انبار باشد. صورت برداری سالانه از اجناس باید انجام شود و صورت موجودی عینی با ارقام مندرج در کارتها موجودی انبار مطابقت داشته باشد. در صورت تغییر اشخاص استفاده‌کننده باید از اجناس موجود در دفاتر و اقامتگاهها نیز صورت‌برداری شود.

۶-۶. سفارت آمریکا در تهران باید یک سیاست مسکن هماهنگ را تهیه و تدوین کند و یک دفتر مسکن متشکل از نمایندگان کارمندان سفارت ایجاد کند.

۷-۶. سفارت آمریکا در تهران باید اقامتگاههای استیجاری را مورد بازدید مفصل عینی قرار دهد تا قبل از تصرف آنها توسط تازه واردین، از نظافت کامل آنها اطمینان حاصل گردد.

۸-۶. سفارت آمریکا در تهران در زمینه بهره‌برداری و مصرف بنزین و وسایط نقلیه مرتباً بررسیهای لازم را به عمل آورد.

آلن برنسون  
بازرس

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

طبقه‌بندی نشده  
یادداشت بازرسی - شماره ۶

### پزشکی

#### حقایق

در تهران یک بیمارستان ارتش آمریکا وجود دارد. علاوه بر این سفارت دارای یک واحد پزشکی در خود محوطه سفارت است که در آن یک پرستار و پزشک آمریکایی پیمانی به صورت نیمه وقت انجام وظیفه می‌کنند. مقام پزشکی مسئول منطقه‌ای نیز در سفارت آمریکا در کویت مستقر می‌باشد.

در نتیجه تلاشهای گروهی از والدین علاقه‌مند، سازمانی به نام مرکز بهبود اجتماعی تشکیل شده است تا از نظر روانشناسی مشاوره لازم را در اختیار آمریکاییان مقیم تهران قرار دهد. این مرکز دارای یک روانپزشک آمریکایی، چهار دستیار حرفه‌ای محلی، یک دستیار اداری و یک منشی است. انجمن کارمندان آمریکایی به عنوان بانکدار و پرداخت‌کننده مخارج این مرکز عمل می‌کند. به عبارت دیگر مرکز بهبود اجتماعی به عنوان یک نهاد مستقل عمل می‌کند.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

وضع بهداشت و درمان در تهران عموماً خوب است؛ ولی در صورت لزوم و توصیه پزشکان از نظر درمانی نقل و انتقالات لازم انجام می‌گیرد.

مدیر بیمارستان ارتش آمریکا با ایجاد واحد بهداشتی و درمانی در خود سفارت مخالف بوده و با پرسنل این واحد همیشه همکاری لازم را مبذول نداشته است. به منظور جلوگیری از بروز شکایات دولت ایران که منابع مالی لازم در اختیار بیمارستان ارتش قرار می‌دهد، این بیمارستان عرضه دارو به واحد





وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۶ ز  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

### املاک سفارت

#### حقایق

محوطه ۲۷ جریبی (جریب آمریکایی معادل ۴۰۴۷ متر مربع است - م) سفارت و نیز ساختمان دفتر آژانس ارتباطات بین‌المللی در تهران در مالکیت دولت آمریکاست. علاوه بر این، سفارت ساختمانی را به عنوان دفتر ضمیمه سفارت، یک مرکز تجاری و دفاتر جداگانه کشاورزی و حدود ۱۱۱ اقامتگاه دیگر را به صورت کوتاه‌مدت و به مبلغ سالانه معادل ۱۸۰۰۰۰۰ دلار اجاره کرده است. ساختمانهای موجود در محوطه سفارت عبارتند از ساختمان اصلی سفارتخانه، اقامتگاه سفیر، اقامتگاه معاون سفیر و پانزده ساختمان دیگر.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

از محوطه سفارت بهره‌برداری کامل صورت نگرفته است. این محوطه دارای فضای کافی برای ایجاد دفاتر و اقامتگاههای دیگری می‌باشد که ایجاد آنها شدیداً ضرورت دارد. ارزش زمین موجود در اختیار سفارت از نظر حرفه‌ای برآورد نشده است، ولی برآوردهای غیررسمی مقامات سفارت حکایت از آن دارد که ارزش آن بین ۶۵ تا ۲۵۰ میلیون دلار است.

به سفارت و نه اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه راههای گوناگونی برای بهترین نوع بهره‌برداری از این دارایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده‌اند. به خاطر ارزش هنگفت آن، این مورد باید بررسی شود تا مشخص گردد که آیا می‌توان بخشی از آن را در ازای دفاتر کار و آپارتمان تعویض کرد تا این گونه ساختمانها با مشخصات مورد نظر اداره ساختمانهای خارجی یا در خود محوطه دایر شوند و یا در زمینی ارزان قیمت‌تر در تهران ایجاد شوند. یک فرد متخصص از اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه و یا یک AMAT بایستی به این منظور به تهران اعزام شود. (پیشنهاد ۶ ز - ۱)

مدت اجاره دفتر ضمیمه کنونی سفارت در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ پایان خواهد یافت. این ساختمان مناسب شمار کنونی متقاضیان خدمات کنسولی نیست. در صورت تمدید اجاره این ساختمان هزینه مربوطه احتمالاً از ۳۶۰۰۰ دلار به ۱۵۰۰۰۰ دلار در سال افزایش خواهد یافت. چاره این است که یا ساختمان پیش ساخته‌ای در خود محوطه سفارت نصب شود و یا ساختمان مناسبتری اجاره شود. طرح تعویض بخشی از املاک اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا در تبریز با یک ساختمان آماده به عنوان دفتر کار و یک ساختمان جهت سکونت تفنگداران دریایی که قرار بود در محوطه سفارت بنا شود نیز گویا مؤثر واقع نشده است. سفارت پیشنهاد کرده است که اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه مستقیماً هزینه خرید این ساختمانها را تأمین نماید. (تهران ۶۲۴۷ مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۷۸) در صورت عملی نبودن این رویه، سفارت در نظر دارد ساختمان روبه‌روی در ورودی سفارت را به مبلغ ۲۴۰۰۰۰ دلار در سال اجاره نماید. (تهران ۰۶۲۱۲ مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹) وزارت امور خارجه (اداره

ساختمانهای خارجی و امور خاور نزدیک / خارجی) در مورد مکان استقرار بخش کنسولی پس از تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ باید هر چه سریعتر تصمیم‌گیری نماید. (پیشنهاد ۶ ز - ۲)

محل سکونت تفنگداران، واحد بهداشت و درمان و ساختمان ضمیمه روادید دانشجویی در آپارتمانهای موقتی واقع در محوطه سفارت قرار گرفته است. این ساختمانهای قدیمی را نمی‌توان با شرایط مورد نیاز کنونی وفق داد بنابراین باید در اسرع وقت تخریب شوند. علاوه بر این، ساختمان چوبی جلوی ساختمان اصلی سفارت نیز که قبلاً محل صدور روادید دانشجویی بود، از ساختمان خوبی برخوردار نیست و باید در فرصتی مناسب تخریب گردد. (پیشنهاد ۶ ز - ۳)

سیستمهای حرارتی و خنک‌کننده ساختمان اصلی سفارت و نیز اقامتگاه سفیر از ابتدای امر از کیفیت خوبی برخوردار نبوده و روبرو به فرسایش است. در فرصتی مناسب اداره ساختمانهای خارجی باید یکی از نمایندگان ذیصلاح خویش را به تهران اعزام دارد تا طرحی را برای تعویض این سیستم پیاده کند.

#### پیشنهادات

۶ ز - ۱. وزارت خارجه (الف) باید یکی از متخصصین اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه یا یک AMAT را به تهران اعزام نماید تا طرح دراز مدت املاک سفارت را تهیه نماید.

۶ ز - ۲. وزارت خارجه (اداره ساختمانهای خارجی و CA و امور خاور نزدیک / خارجی) باید سریعاً در مورد محل بخش کنسولی پس از تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۷۹ تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. در صورت عملی بودن، دفتر بودجه و مالی باید مستقیماً هزینه احداث ساختمان بخش کنسولی را در محوطه سفارت تأمین کند.

۶ ز - ۳. وزارت امور خارجه (اداره ساختمانهای خارجی) باید به سفارت آمریکا در تهران اختیار دهد تا برای تخریب آپارتمانهای موقتی قبلی واقع در محوطه سفارت در زمان مناسب اقدام مقتضی را به عمل آورد و ساختمان چوبی موقت نزدیک در ورودی محوطه سفارت را که قبلاً محل صدور روادید دانشجویی بود از میان بردارد.

۶ ز - ۴. وزارت امور خارجه (اداره ساختمانهای خارجی) باید نماینده واجد شرایط خویش را به تهران اعزام دارد تا طرح تعویض سیستم حرارتی و خنک‌کننده ساختمان اصلی سفارت و اقامتگاه سفیر را پیاده کند.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

لاورنس ا. فولر  
بازرس

محرمانه

یادداشت بازرسی - شماره ۶ ح

وزارت امور خارجه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

امنیت

حقایق

مقامات ذیل مستقیماً در زمینه امنیت سفارت آمریکا در تهران و سازمانهای تابعه آن مسئول

می‌باشند:

افسران امنیتی آمریکایی  
تفنگداران دریایی امنیتی  
گارد‌های پلیس ملی ایران  
گارد‌های پیمانی محلی  
کارمند محلی پذیرش سرویس خارجه  
افسر امنیتی فنی آمریکایی  
افسر اداره امور ساختمانی نیروی دریایی  
محققین محلی سرویس خارجه  
دستیار آمریکایی مخصوص تشخیص هویت  
منشی آمریکایی

سازمان‌های آمریکایی نظامی موجود در تهران نیز هر یک دارای پرسنل امنیتی خاص خود می‌باشند. افسران امنیتی، مأمورین محلی تحقیق سرویس خارجه، افسر امنیتی فنی، و افسر اداره امور ساختمانی نیروی دریایی مسئولیت امنیتی واحدهای تابعه سفارت در ایران را نیز بر عهده دارند. علاوه بر این، افسر امنیتی فنی و افسر اداره امور ساختمانی نیروی دریایی خدمات فنی امنیتی لازم را به دیگر واحدهای موجود در کشورهای حوزه خلیج فارس ارائه می‌نمایند.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

طراحی و نظارت امنیتی در سفارت آمریکا خیلی خوب بوده است. بررسی امنیتی در ژوئن ۱۹۷۸ به پایان رسید؛ و برنامه تخلیه اضطراری افراد بنا به شرایط روز تغییر یافته است. گروه‌هایی که ممکن است هراز چند یک بار امنیت حدود ۴۰۰۰۰ آمریکایی موجود در ایران را که معمولاً بنا به دلایل حرفه‌ای خویش در اینجا به سر می‌برند، به مخاطره افکنند عبارتند از تروریست‌های چپ‌گرا، محرکین مذهبی ضد بیگانه، فعالین دانشجویی، و یا ائتلاف موقتی از همه گروه‌های فوق‌الذکر.

با یک بررسی اجمالی می‌توان گفت که بخش کنسولی آسیب‌پذیرترین محل انجام فعالیت رسمی آمریکا در ایران است. این بخش کنسولی در یک ساختمان اجاره‌ای واقع در حدود دو خیابان دورتر از سفارت واقع شده است. امکان اعمال کنترل فیزیکی بر این محل بسیار ضعیف است و به راحتی قابل تقویت نمی‌باشد. تعداد کثیری از ایرانیها معمولاً یا در داخل ساختمان و یا در کناره خیابان منتظر پذیرش می‌باشند. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شده، تنها راه حل موجود انتقال بخش کنسولی به محلی دیگر است تا امکان برقراری امنیت بیشتری فراهم شود.

به علت کثرت تعداد متقاضیان روادید، یک بخش صدور روادید ثانوی برای فصل تابستان بر طبق روال سالهای قبل ایجاد شده است. برای این کار از یک آپارتمان موقت واقع در قسمت عقب محوطه سفارت استفاده می‌شود. این محل باعث می‌شود که هزاران دانشجوی ایرانی روزانه متوجه شوند که از طریق آپارتمانهای موقت قبلی که اکنون محل سکونت تفنگداران دریایی و واحد بهداشت و درمان و نیز محل صدور روادید دانشجویی است، می‌توان وارد محوطه سفارت شد. بنابراین بهتر است که مبدأ ورودی

سفارت مجهز به زنگ خطر شود تا در صورت گشوده شدن آنها گاردها به سرعت در جریان امر قرار گیرند. (پیشنهاد ۶ ح - ۱)

اکثر ناظران معتقدند که این ساختمانها نمی توانند براساس توافقیهای وزارت خارجه با سپاه تفنگداران دریایی محل کافی به شمار آیند و سفارت چندین سال است که در تلاش برای احداث ساختمانی جدید جهت اسکان تفنگداران دریایی بوده است. در حال حاضر باید اقداماتی در جهت اجاره یک ساختمان مناسب برای تفنگداران به عمل آید تا ساختمان مورد نظر برای آنها احداث گردد. (پیشنهاد ۶ ح - ۲) با وجود این که بخش اعظم محوطه ۲۷ جریبی (جریب آمریکایی معادل ۴۰۴۷ متر مربع) سفارت با دیوارهایی محصور شده، ولی مهمترین وسیله حراست از آن گاردهایی هستند که حفظ امنیت آنجا را بر عهده دارند. گروههای غیرمجاز مردمی به علت وجود گاردها نخواهند توانست به ساختمان اصلی سفارت حمله ور شوند، ولی به علت سنگینی میزان آمد و شد و نیز وجود چندین مبدأ ورودی کارمندان پیشین در انجام این عمل با موانع چندانی روبه رو نخواهند بود.

کسانی که می خواهند وارد ساختمان اصلی سفارت شوند طبق معمول ابتدا وارد اتاق نگهبانی می شوند. در آنجا یک گارد امنیتی تفنگدار و یک کارمند محلی پذیرش سرویس خارجه در یک کیوسک حفاظت شده قرار دارند. پس از آن تا در اصلی ساختمان سفارت پیش رفته و در آنجا منتظر رسیدن راهنمایشان می شوند. در راهروی ساختمان سفارت نیز یک تفنگدار امنیتی دیگر در یک کیوسک حفاظت شده مستقر می باشد. او از طریق قفلهای الکترونیک تمام شش مبدأ ورودی منتهی به سفارت را تحت کنترل دارد.

یکی از نقاط ضعف راهروی بسته این است که کارمندان نمی توانند آزادانه وارد دفاتر دیگر کاری شوند و این خود ایجادکننده مزاحمت قابل ملاحظه ای است. دستشویی مردانه در یک طرف راهرو و دستشویی زنانه در طرف دیگر است. نقطه ضعف دیگر این است که در صورت بروز حمله، افسر و کشیک مسئول امنیت در دفتر کار خود محبوس می مانند و به علت نبودن در ورودی پشتی نخواهند توانست به کمک تفنگداران بشتابند. (توصیه ۶ - ۳)

در ورودی شرقی ساختمان اصلی سفارت همیشه به خوبی کار نمی کند و قفل آن به خوبی بسته نمی شود. گرچه تفنگدار مستقر در راهرو می تواند از طریق یک تلویزیون مدار بسته این در را زیر نظر داشته باشد، ولی در صورت بسته نبودن، یک فرد مطلع می تواند از آنجا وارد شده و از پشت به این تفنگدار نزدیک شود. اکثر کارمندان سفارت با استفاده از در غربی زیرزمین که برای انتقال اشیاء نیز از آن استفاده می شود، به این ساختمان وارد و یا از آن خارج می شوند. تفنگدار مسئول نمی تواند این در را زیر نظر داشته باشد، ولی می تواند با استفاده از تلویزیون مدار بسته راهرو را تحت کنترل داشته باشد. معمولاً یک گارد پیمانی در کیوسکی در نزدیکی این در مستقر می باشد؛ ولی در چند مورد بازرسی مشخص شد که این مبدأ ورودی باز بوده و نگهبان آن در محل خود مستقر نیست. یک مانع فلزی کوتاه نیز راهنمای کسانی است که می خواهند با استفاده از پله ها به راهرو طبقه همکف وارد شوند. در صورتی که آنها بخواهند با استفاده از همین پله ها به طبقات بالاتر بروند، تفنگدار مربوطه در دیگری را برای آنها می گشاید. ولی بعضیها نیز که قصد داشته باشند می توانند با پیریدن از روی این مانع پنهان از دید تفنگداران به طبقه دوم یعنی محلی که پرونده های حساس وجود دارد و سفیر مستقر است راه یابند.

برای کنترل مبادی ورودی به ساختمان اصلی سفارت چند راه عملی وجود دارد. به طور مثال، می‌توان دری را در محل ورود به زیرزمین، مجهز به زنگ خطر نصب کرد تا تنها در صورت بروز موقعیتهای اضطراری باز شود. کارمندانی که در طبقات فوقانی ساختمان کار می‌کنند نیز می‌توانند از در شرقی رفت و آمد کنند. گاردهای محلی را می‌توان در داخل زیرزمین و در شرق آن هم در ساعات معمولی اداری مستقر نمود. در آن طرف راهرو می‌توان یک مانع ایجاد کرد و یک کیوسک مخصوص نگهبانی را در کناره پله‌ها دایر نمود تا وی بتواند عبور افراد به سمت ساختمان سفارت و طبقه بالا را بدون ایجاد وقفه درآمد و شدهای مربوط به طبقه همکف کنترل نماید. کارمند محلی پذیرش سرویس خارجه نیز می‌تواند از در ورودی اصلی نقل مکان کرده و به سمت دیگر راهرو بیاید و به این ترتیب واحد نگهبانی گارد امنیتی آنجا نیز از بین می‌رود. حداقل، وزارت خارجه (بخش امنیتی) باید بار دیگر در مورد کنترل‌های مبادی ورودی به ساختمان اصلی سفارت تجدید نظر نماید تا مطمئن شود که مطابق حداقل معیارهای لازم می‌باشند. (پیشنهاد ۶ ح - ۴)

بخشی از سلاحهای ضد تروریستی این واحد در ساختمان اصلی سفارت نگاهداری می‌شود و بخشی دیگر در دفاتر مأمورین تحقیق محلی سرویس خارجه که تقریباً ۵۰ متر دورتر از مبدأ ورودی زیرزمینی سفارت واقع شده‌اند. از آنجا که قرار است تفنگداران در صورت بروز موقعیت اضطراری در این ساختمان مستقر شوند، تمام این سلاحها باید به درون ساختمان اصلی منتقل شوند. (پیشنهاد ۶ ح - ۵)

به خاطر امکان حمله به آمریکاییهای غیررسمی، افسر ارشد امنیتی تلاش بسیاری را صرف ایجاد یک سیستم نگهبانی با همکاری فعالانه حدود ۲۰۰ شرکت آمریکایی کرده است. هدف اصلی از ایجاد این سیستم خنثی‌سازی شایعات مربوط به امنیت آمریکاییها در ایران و انتقال اطلاعات موثق به آنها در صورت بروز وضعیت اضطراری است.

بر خلاف اعتراضات افسر ارشد امنیتی منشی امنیتی به کرات برای انجام وظایف موقت به نقاط دیگر سفارت مأمور شده است. به خاطر اهمیت شاخه امنیتی برای این واحد و جامعه تجاری آمریکایی در ایران، باید از مأمور شدن وی به نقاط دیگر بدون جلب رضایت افسر امنیتی ارشد بجز در موارد اضطراری جلوگیری به عمل آید. (پیشنهاد ۶ ح - ۶)

### پیشنهادهای

۶ ح - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید مبادی ورودی خیابانی به آپارتمانهای موقت پشت محوطه سفارت را از نظر امنیتی تأمین کرده و آنها را مجهز به زنگهای خطر نماید تا در صورت باز شدن این درها، نگهبان سریعاً در جریان امر قرار گیرد.

۶ ح - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک محل مناسب را جهت اسکان تفنگداران امنیتی اجاره کند تا ساختمان مناسب برای آنها ساخته شود.

۶ ح - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید محل استقرار افسر کشیک امنیتی خویش را طوری تغییر دهد که در صورت بروز موقعیتهای اضطراری وی بتواند به کمک تفنگداران بشتابد.

۶ ح - ۴. وزارت خارجه (بخش امنیتی) باید نحوه کنترل بر مبادی قابل دسترسی به ساختمان اصلی سفارت در تهران را مورد بررسی قرار دهد تا مطمئن شود که آنها با حداقل معیارهای موجود مطابقت

دارند.

۶ ح - ۵. سفارت آمریکا در تهران باید تمام سلاحهای ضد تروریستی خویش را در زمانهایی که بلااستفاده هستند در ساختمان اصلی سفارت نگاهداری کند.

۶ ح - ۶. سفارت آمریکا در تهران نباید منشی امنیتی را بدون جلب رضایت افسر ارشد امنیتی بجز در موارد اضطراری به نقاط دیگر جهت انجام وظایف موقت مأمور کند.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

لاورنس ا. فولر  
بازرس

طبقه‌بندی نشده

وزارت امور خارجه

یادداشت بازرسی - شماره ۷

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)

واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

ارزیابی پرسنلی

حقایق

سفارت آمریکا در تهران تمام گزارشات مربوط به ارزیابی پرسنل سال ۱۹۷۸ خویش را به موقع تسلیم نموده است.

ارزیابی و نتیجه‌گیری

به جز چند مورد استثنایی تمام گزارشات ارزیابی پرسنلی تهیه شده در این واحد منصفانه و متعادل است. شواهد موجود حکایت از هیچ‌گونه تبعیض و انتقاد بی‌اساس در مورد افراد نمی‌کند. بخش ۴ ج این گزارشات که مربوط به امکان ایجاد بهبود وضعیت پرسنلی است بطرز خلاق و منطقی تهیه شده و در اکثر موارد می‌تواند راهنمای کار مقام مورد نظر باشد. بخش بررسی‌کننده نیز ظاهراً با دقت و حداکثر کارایی عمل کرده است. بازرسین خاطر نشان ساخته‌اند که تبادل نظرهای سازنده‌ای میان اعضای این بخش صورت گرفته و به دنبال بررسیهای انجام شده در این بخش چند اظهار نظر غیرقابل پذیرش و یا نادرست از متن گزارشات حذف گردیده است.

بخش اعظم اظهارات مربوط به الزامات کاری در زمان مورد نظر تهیه شده و در انجام آن وقفه‌های جدی پدید نیامده است. بازرسین در کمال خوشحالی شاهد بوده‌اند که سفارت از این ابزار مدیریت خویش حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورده و شرایط کاری را با اهداف مورد نظر مرتبط ساخته و مسئولیتها را نیز به وضوح مشخص ساخته است.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

آلن برنسون  
بازرس

کنت ان. راجرز  
بازرس

لاورنس ا. فولر  
بازرس

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۸ الف  
واحد: اصفهان - ژوئیه ۱۹۷۸

### کنسولگری اصفهان

#### حقایق

کارمندان کنسولگری اصفهان عبارتند از دو آمریکایی، سه کارمند محلی سرویس خارجه، یک دستیار کنسولی پیمانی، سه گارد پیمانی، و یک تعمیرکار پیمانی، کنسول یک افسر سرویس خارجه دارای رده شغلی ۴ - FSO است؛ معاون کنسول برای دومین بار در این واحد مشغول خدمت شده است. دفتر کنسولگری در طبقه همکف اقامتگاه کنسول واقع گردیده است.

در حوزه این کنسولگری حدود ۱۰۰۰۰ آمریکایی وجود دارند که خود توجیه کننده وجود کنسولگری آمریکا در این شهر است. عامل توجیه کننده دیگر این است که اصفهان در حال تبدیل به صورت یک شهر مرکزی ایران در رابطه با مجتمع نظامی صنعتی جاه طلبانه آن است. علاوه بر این اصفهان یک مرکز مهم آموزش و پرورشی است و زادگاه بسیاری از عناصر مذهبی محافظه کار و منتقد از نظر سیاسی.

#### ارزیابی و نتیجه گیری

##### الف. مقدمه

مدیریت کنسولگری اصفهان چندان خوب نیست و نتوانسته بر مشکلات ناشی از فقدان کارمندان مهم محلی طی سال گذشته فائق آید. حقیقت این است که هیچ یک از کارمندان محلی در این کنسولگری به مدت بیش از ۱۸ ماه کار نکرده است؛ و کنسول نیز بالاچار با مشکلات مداوم آموزشی روبه رو بوده است. از آنجا که کنسول مقدمات لازم برای بازرسی را تدارک ندیده بود، بازرسین متوجه شدند که شخص کنسول و معاونش در انجام کارها بی نظم بوده و آشفتگی وضع دفتر کارشان نشانگر وجود بسیاری از کارهای نیمه تمام بود. اگر معاون کنسول مجربتر بود می توانست ضعف کنسول را در این بخش پوشاند.

(پیشنهاد ۸ الف - ۱)

یکی دیگر از نشانه‌های فقدان تشکیلات مناسب این است که بایگانی طبقه بندی شده جاری در اینجا وجود ندارد و در عین حال بسیاری از پرونده‌های نیمه تمام مربوط به سالهای قبل هنوز به قوت خود باقی است. این واحد همچنین از پشتیبانی و رهنمودهای کافی سفارت بخصوص در بخش مربوط به کارمندان محلی برخوردار نیست. به طور مثال مدت زیادی طول کشید تا مشاور استانی محلی سرویس خارجه را که بیمار بود و بعدها در گذشت، تعویض نماید.

به هنگام ورود کنسول در ژوئیه ۱۹۷۷، رابطه بین ایرانیهای محلی و تعداد کثیری از آمریکاییهایی که اخیراً وارد این منطقه شده و فاقد هر گونه سابقه خدمت در خارج از کشور خویش بودند، رو به وخامت نهاده بود. روحیه جامعه آمریکایی مقیم اینجا بسیار پایین و فاقد رهبریت لازم بود. کنسول در چنین وضعیتی به سرعت دست به کار شد و در میان آمریکاییها مؤسسات مشارکت و همکاری از جمله شورای

پیشاهنگی و شورای کلیسا و یک مرکز منابع اصفهان ایجاد کرد، تا علاوه بر ارائه خدمات حرفه‌ای برای کسانی که دچار اختلالات روانی شده بودند با مسائل دیگری چون مشروبات الکلی، مواد مخدر و دیگر مشکلات اجتماعی دست و پنجه نرم کند. گذشته از این کنسول همیشه با مقامات کارگزینی شرکتهای بزرگ آمریکایی ملاقات و تبادل نظر می‌کند، تا برای مشکلات مشترک آنها راه‌حلهای توأم با تعاون و فاقد رقابت ابداع کند. در همان حال وی به تقویت روابط کنسولگری و مقامات محلی پرداخت تا همکاری بیشتر آنان را جلب نماید. به نظر می‌رسد که وضع موجود در نتیجه این تلاشها تا حدودی بهبود یافته است. این گونه فعالیتها و دیگر اقدامات کنسولی سبب شده است که این واحد نتواند فرصت کافی برای تهیه گزارشهای سیاسی و برنامه‌های تجاری داشته باشد. این واحد همچنین برای یک مدت بحرانی ۹ هفته‌ای مشاور استانی محلی را در اختیار نداشت. در نتیجه حجم گزارشات مکتوب بسیار کم ولی از محتوای خوبی برخوردار بود. این واحد در زمینه تهیه گزارشات کلی سیاسی سفارت و ارسال گزارشات خود از طریق تلفن بسیار مثمرتر بوده است.

بنا به همین علل، کار بازرگانی اصلاً انجام نمی‌شود، اما شخص کنسول با کمک خویش به شرکتهای آمریکایی مشغول کار در این منطقه کمک بسیاری به جامعه تجاری آمریکا می‌کند. مشاور استانی جدید در زمینه فعالیتهای بازرگانی تجربه داشته و ظاهراً این کار را دوست دارد و در صورت راهنمایی و ارشاد از طرف سفارت خواهد توانست یک برنامه بازرگانی را عهده‌دار شود. بازرسین معتقدند برای تشخیص این مطلب که آیا افزایش فعالیت کنسولگری ضرورتی دارد یا نه، باید در زمینه بازار تحقیقاتی به عمل آید. به هر حال مشارکت و توجه بیشتر بخش اقتصادی و بازرگانی سفارت می‌تواند کمک مؤثری در این زمینه باشد.

یک عامل ممانعت در تمام فعالیتهای کنسولگری شخصیت محافظه‌کار و درونگرای اصفهانهاست که ایجاد رابطه با آنها را مشکل و غیرسازنده می‌نماید. دسترسی کنسول به عالیرتبه‌ترین مقامات محلی در صورتی بهتر خواهد شد که وی مستقیماً در برنامه‌ریزی و تدارک سفر بسیاری از چهره‌های مهم آمریکایی که هر ساله به اصفهان می‌آیند دخیل باشد.

به کنسولگری اجازه داده شده که یک منشی آمریکایی PIT را استخدام کند، ولی هنوز این کار صورت نگرفته است، چون در زمینه کسب گواهی عدم وجود اشکالات امنیتی در مورد متقاضیان مشکلاتی وجود داشته است. علاوه بر این، کنسولگری خواستار یک کارمند آمریکایی و یک دستیار محلی کنسولی سرویس خارجه دیگر شده است. در صورتی که شرح وظایف شغلی مورد نظر حاوی وظایف منشی‌گری نیز باشد، این منصب بایستی به ترتیبی مورد تصویب قرار گیرد که کنسول نیازی به ادامه قرارداد استخدام دستیار دوم محلی کنسولی نداشته باشد. تا زمانی که وضع این واحد از نظر تشکیلات بهبود نیافته، نمی‌توان گفت که آیا وجود یک کارمند دیگر در آنجا ضروری است یا نه. در صورت لزوم، سفارت آمریکا در تهران می‌تواند یکی از کارمندان بخش کنسولی را به کنسولگری اصفهان بفرستد تا در دوران ازدحام متقاضیان روادید به این واحد کمک کند. (پیشنهاد ۸ الف - ۲)

در این کنسولگری مطالب طبقه‌بندی شده چندانی تهیه نمی‌شود و آن مقداری نیز که تهیه می‌شود می‌تواند توسط یک منشی آمریکایی PIT ماشین شود. با این حال، بازرسین معتقدند که یک منشی ذیصلاح سرویس خارجه باید موقتاً به این واحد اعزام گردد تا وضع پرونده‌ها را مرتب کرده و سازماندهی



نماید. (پیشنهاد ۸ الف - ۳)

ب. امور کنسولی

طبق برآورد کنسولگری در سال ۱۹۷۸ حجم کار مربوط به صدور روادید غیر مهاجرتی معادل ۳۷۰۰ تقاضانامه می‌باشد. گرچه میانگین روادید مربوط به هر روز معادل ۱۵ تقاضا نامه می‌باشد، ولی جریان متقاضیان تابع فصل است که در ماه‌های تابستان به نقطه اوج خود می‌رسد. بنا به درخواست مقامات امنیتی ایران، کنسولگری در جهت کنترل شمار متقاضیان اقداماتی به عمل آورده که از نظر بازرسین از نقطه نظر حجم کار و روابط عمومی موجه نیست. طبق این سیستم متقاضی روادید باید ساعت ۴ بعد از ظهر پنج‌شنبه به کنسولگری بیاید (جمعه و شنبه نیز تعطیلات آخر هفته است) تا شماره‌ای را دریافت نموده و هفته بعد تقاضانامه خود را تسلیم نماید. گاهی بیش از بیست شماره در روز توزیع نمی‌شود. در نتیجه تعداد کثیری از متقاضیان قبل از شروع ساعات کار اداری در روزهای پنج‌شنبه در کنار خیابان صف کشیده یا می‌نشینند به امید آن که یکی از این شماره‌های کذایی را دریافت نمایند. آنهایی که این کار طاقت فرسا را تحمل کرده و یکی از شماره‌های محدود را می‌گیرند باید ساعت ۱۰ صبح روز موعود برای مصاحبه به کنسولگری بیایند. سپس به افراد واجد شرایط گفته می‌شود که ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر همان روز جهت دریافت پاسپورت خویش مراجعت نمایند.

بازرسین به مدت ۴۵ دقیقه شاهد روند مصاحبه با متقاضیان بودند. در این مدت ده نفر از نظر افسر کنسولی گذشتند. مدت مصاحبه‌ها بین یک تا نه دقیقه در نوسان بود و میانگین مصاحبه‌ها ۳ دقیقه بود چهار بار وقفه سبب هدر رفتن ۱۵ دقیقه از آن مدت گردید. در نتیجه، نیمی از بیست مورد اختصاص یافته در آن روز در مدت یک ساعت و نیم به اتمام رسید، در حالی که صد نفر در خارج از ساختمان و در هوای گرم منتظر دریافت شماره‌ای بودند تا بتوانند هفته بعد تقاضانامه خویش را به کنسولگری تسلیم نمایند. بازرسین توصیه می‌کنند که سیستم شماره دهی فوراً متوقف گردد. با مرتب کردن وضع خویش در صورت لزوم یک کارمند کنسولی می‌تواند تمام وقت خویش را در طول صبح هر روز به مصاحبه با متقاضیان اختصاص داده و بدون هیچ‌گونه دردسری روزانه ۵۰ نفر را مورد مصاحبه قرار دهد. در صورتی که شمار متقاضیان در روز بیش از این باشد (که با در نظر گرفتن آمار سالانه غیرممکن است) می‌توان به متقاضیان باقیمانده شماره‌ای داد که به آنها اولویت می‌دهد روز بعد مراجعه کنند. (پیشنهاد ۸ الف - ۴)

«پرونده‌های روادید چندان مرتب نیست و فقط تحت پنج گروه الفبایی قرار دارد. از آنجا که این واحد در سال ۱۹۷۵ افتتاح گردیده تلاش برای یافتن پرونده لازم در چند نقطه برای کارمند این واحد کار دشواری نیست، با این حال اگر این پرونده‌ها سریعتر مرتب شوند سهولت بیشتری ایجاد خواهد شد، بنابراین بازرسین پیشنهاد می‌کنند که این واحد در انجام آن هر چه زودتر اقدامات مقتضی را به عمل آورد.»

(پیشنهاد ۸ الف - ۵)

دیگر پرونده‌ها و دستورالعمل‌های مورد نیاز کنسولی نیز می‌تواند روی میز هر کسی و یا در بایگانی یعنی جایی که واقعاً باید باشد، پیدا شود. بار دیگر، باید گفته شود که به خاطر حجم سبک کار، پرسنل موجود می‌توانند آنچه را که می‌خواهند بدون دردسر بسیار پیدا کنند، ولی باید وضع بایگانی مرتب شود تا برای یافتن یک مورد اجباراً به حافظه اشخاص وابستگی غیر ضروری پیدا نشود. (پیشنهاد ۸ الف - ۶)

خدمات مخصوص آمریکا بیها برخلاف خدمات بخش صدور روادید مناسبتر است. روز حضور بازرسین

در این واحد روز پنج‌شنبه بود که در آن روز اکثر شرکتهای آمریکایی دست از کار می‌کشند. در آن روز حجم خدمات مربوط به گواهی امضاء و تمدید پاسپورتها بسیار سنگین می‌شود، ولی تمام موارد در کمال ادب و به طرز مؤثری انجام گرفت. در حال حاضر در حوزه کنسولگری اصفهان تنها یک آمریکایی در زندان به سر می‌برد. از این زندانی آن طور که لازم بوده هر ماه دیدار به عمل نیامده و گزارشی در مورد بازدیدهای انجام شده به وزارت خارجه ارسال نشده، در حالی که مقررات کتابچه توقیفها این امر را تصریح و تأکید نموده است. (پیشنهاد ۸ الف - ۷)

کنسولگری معمولاً از طریق دوستان کارمندان آمریکایی در جریان توقیف افراد آمریکایی قرار گرفته و مستقیماً قادر به تماس با فرد مذکور که معمولاً مورد لطف و مرحمت مقامات قرار دارند، می‌باشد. در اکثر موارد دستگیر شدگان در کمتر از مدت ۲۴ ساعت آزاد شده و به این ترتیب ارسال گزارش به وزارت خارجه نیز ضرورتی ندارد. معذالک، بازرسی معتقدند که بهتر است این واحد این گونه سوابق را بایگانی نماید. (پیشنهاد ۸ الف - ۸)

وزارت خارجه (CA/SCS) به بازرسی اعلام کرده است که اسامی موجود وکلاد در پرونده آنها متعلق به تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۷۶ می‌باشد. ولی در حال حاضر کنسولگری فهرستی را در اختیار دارد که فاقد تاریخ است و بنا به گفته کنسول در طول سال قبل مورد تجدید نظر واقع شده است. این فهرست باید تجدید و نسخه‌ای از آن به بخش امور امنیتی وزارت خارجه ارسال گردد. (پیشنهاد ۸ الف - ۹)

در اتافک مخصوص گواهی امضاها، در همان کشویی که فهرست وکلای دعاوی جهت توزیع قرار دارد، بازرسی بسته‌ای حاوی تبلیغات مورخ مه ۱۹۷۸ مربوط به یک مؤسسه مشاوره حقوقی را یافتند که شامل مختصر مطالبی در مورد سابقه اعضای مؤسسه و نیز نقشه محل شرکت بود. این مطالب فوراً باید از آنجا برداشته شود و کنسولگری با انجام اقدامات لازم اطمینان حاصل کند که هیچ یک از کارمندان آن عملی را انجام ندهد که براساس آن یک وکیل خاص بر وکلای دعاوی موجود در فهرست وکلاد رجحیت داده شود. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۰)

### ج. امور اداری

حقوق دستیار کنسولی پیمانی از طریق سفارشات خرید پرداخت می‌گردد و همسر کنسول نیز به دفعات به استخدام کنسولگری در آمده است. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۱) دیگر کارگران پیمانی نیز از طریق کارفرمای ناظر سفارت استخدام می‌شوند و او نیز به نوبه خود با دیگران در این زمینه قرارداد منعقد می‌سازد.

بخش اعظم اوقات دستیار اداری محلی سرویس خارجه نسبتاً بی‌تجربه به این ترتیب تلف می‌شود. به طور مثال، وی یک فرم مخصوص صندوقدار مالی منطقه‌ای را در رابطه با پرداخت هر صورتحساب تهیه می‌کند. هفت صورتحساب ناقص پرداختی مربوط به ۱۹ آوریل ۱۹۷۸ در آنجا وجود داشت که در آن هنگام یکی از بازرسیین شاهد شمارش پول نقد در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ بود. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۲)

معاون کنسول که شمارش پول نقد را انجام می‌داد هیچ‌گاه در زمینه تهیه صورتحساب مربوط به صندوقدار مالی منطقه‌ای آموزش ندیده بود. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۳) منابع مالی صندوقدار شامل ۹۵۰۰ دلار به پول ایران و ۵۰۰ دلار به پول آمریکا بود. این واحد کوچک به دلار نیازی ندارد. هزینه‌های نقدی ماه گذشته

معادل مبلغی کمتر از ۱۰۰۰ دلار بود. بنابراین میزان منابع مالی باید کاهش پیدا کند (پیشنهاد ۸ الف - ۱۴). صندوقدار پولهای نقد را در صندوق نگاهداری می‌کند که در هنگام شب در داخل یک اتاق قرار داده می‌شود، برای کنترل بیشتر باید یک گاو صندوق در اختیار وی قرار داده شود. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۵) او به طرز نادرستی از ماشین رسیدهای هزینه‌های کنسولی مبالغ نقدی دریافت می‌دارد، ولی رسماً آن مبالغ را انتقال نمی‌دهد. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۶)

سوابق مربوط به اشیای مصرف نکردنی در مورد اشیائی که از طریق خرمشهر، تبریز، تهران و نقاط دیگر به این واحد ارسال شده، کامل نیست. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۷ و ۱۸) در کنسولگری که در طبقه همکف اقامتگاه کنسول قرار دارد چند اقدام امنیتی احتیاطی به عمل آمده، لیکن اتاقهای مرتبط مسکونی عملاً فاقد هر گونه حفاظتی بوده و روی پنجره‌ها هیچ قفلی وجود ندارد و از طریق پشت بامها نیز دسترسی به آنها آسان است. (پیشنهاد ۸ الف - ۱۹) دفاتر شلوغ و دارای فضای غیر مکفی است؛ در حالی که در محل اقامتگاه کنسولی فضای استفاده نشده بیشتری موجود است. (پیشنهاد ۸ الف - ۲۰)

این ساختمان در عین زیبایی، از نظر سیم‌کشی برق، لوله‌کشی، پنجره‌ها، درها و دیگر مصالح در وضعیت مناسبی نیست. (پیشنهاد ۸ الف - ۲۱) هیچ‌گونه طرح اضطراری تخلیه افراد در این واحد وجود نداشت. (پیشنهاد ۸ الف - ۲۲)

کنسولگری گزارش مفصلی در مورد پرداخت خرده هزینه‌های خویش تهیه نکرده است. دو هتل قابل قبول موجود در این شهر روزانه ۵۷ دلار دریافت می‌کنند؛ در حالی که میزان بودجه‌ای که در حال حاضر برای این کار در نظر گرفته شده ۶۱ دلار در روز است. (پیشنهاد ۸ الف - ۲۳)

### پیشنهادات

۸ الف - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید در مورد امکان انتصاب مقامات کنسولی تازه کار به سفارت و امکان انتصاب افراد مجرب در امور کنسولی از میان کارمندان خود سفارت به واحدهای تابعه با وزارت خارجه جهت بررسی امر تماس برقرار سازد.

۸ الف - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک مقام کنسولی را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا در صورت لزوم در مواقعی که حجم کار صدور روادید بخصوص در مواقع تعطیلات سنگین است به آن واحد یاری دهد.

۸ الف - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید یک منشی آمریکایی صلاحیتدار را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا در زمینه سازماندهی کارهای دفتری کنسولگری به آن واحد یاری دهد.

۸ الف - ۴. کنسولگری اصفهان باید در برنامه کار و روش خویش تجدید نظری به عمل آورد تا بتواند در فصول ازدحام متقاضیان میزان روادید بیشتری را صادر نماید و سیستم شماره دهی برای مصاحبه آن هم هر یک روز در هفته را سریعاً متوقف نماید.

۸ الف - ۵. کنسولگری اصفهان باید پرونده‌های روادید خود را بر طبق ضمیمه د بخش ۹ جلد چهارم نظامنامه امور خارجه و بخشنامه اصلاحی ۲۷۴ مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۷۷ مرتب سازد.

- ۸ الف - ۶. کنسولگری اصفهان باید تمام پرونده‌ها و نظامنامه‌های خویش را مطابق شرایط روز مرتب کند، تا در صورت نیاز بتوان بدون اتلاف وقت به آنها دسترسی پیدا کرد.
- ۸ الف - ۷. کنسولگری اصفهان باید به آمریکاییهای زندانی ماهی یک بار سرزده و در مورد هر ملاقات گزارشی را برای وزارت خارجه ارسال نماید (امور امنیتی).
- ۸ الف - ۸. کنسولگری اصفهان باید سوابق مربوط به توقیف شدگان و اقدامات به عمل آمده در مورد آنها را نگهداری کرده و این کار حتی در مورد کسانی که مدت حبس آنها کمتر از ۲۴ ساعت بوده و ارسال گزارش در مورد آنها به وزارت خارجه ضرورتی ندارد، لازم است انجام شود.
- ۸ الف - ۹. کنسولگری اصفهان باید فهرست جدیدی از وکلای دعاوی را تهیه کرده و نسخه‌ای از آن را به وزارت خارجه (بخش امور امنیتی) ارسال دارد.
- ۸ الف - ۱۰. کنسولگری اصفهان باید از توزیع مطالب مربوط به وکلای موجود در فهرست خویش دست برداشته و طوری عمل نکند که استنباط از آن ارجحیت یک فرد بر دیگر افراد موجود در آن فهرست باشد.
- ۸ الف - ۱۱. کنسولگری اصفهان نباید از طریق سفارش خرید به استخدام دستیار کنسولی بپردازد و وزارت خارجه نیز باید یک کارمند محلی سرویس خارجه در اختیار آن قرار داده، تا از کنسولگری پشتیبانی لازم را به عمل آورد.
- ۸ الف - ۱۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک مقام بودجه و مالی را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا در رابطه با روش حسابداری وجوه نقد به آنها کمک نماید.
- ۸ الف - ۱۳. سفارت آمریکا در تهران باید اطمینان حاصل کند که هر یک از آمریکاییهای انتصابی به کنسولگری اصفهان با نحوه تهیه صورتحساب مربوط به صندوقدار مالی منطقه‌ای آشنایی دارد.
- ۸ الف - ۱۴. کنسولگری اصفهان باید ۵۰۰ دلار موجودی خویش را به صندوقدار مالی منطقه‌ای در پاریس بازگردانده و پول ایرانی خود را به میزان مورد نیاز برای سه هفته کاهش دهد.
- ۸ الف - ۱۵. سفارت آمریکا در تهران باید یک گاو صندوق را منحصراً جهت استفاده صندوقدار ب به کنسولگری اصفهان منتقل سازد.
- ۸ الف - ۱۶. کنسولگری اصفهان باید مفاد بخشنامه الف - ۲۷۱۱ مورخ ۱۹۷۷/۶/۲۹ را در رابطه با کنترل و اداره امور مربوط به هزینه‌های کنسولی اجرا کند.
- ۸ الف - ۱۷. سفارت باید یکی از کارمندان خدمات عمومی خود را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا صورت مربوط به اشیای مصرف‌نکردنی کنسولگری را از سال تأسیس آن یعنی ۱۹۷۵ تهیه کرده و گزارش کار خویش را برای تیم بازرسی بعدی بر جای بگذارد.
- ۸ الف - ۱۸. کنسولگری اصفهان باید برای تمام اشیاء و املاک مصرف‌نکردنی خویش سوابق لازم را تهیه کرده و هر سال از کلیه اقلام موجودی برداری عینی کرده و سیاهه مربوط به آنها را و تفاوت بین هر دو صورت اشیاء را مقایسه نماید.
- ۸ الف - ۱۹. سفارت آمریکا در تهران باید یک مقام امنیتی را موقتاً به اصفهان اعزام نماید تا وضع امنیت اقامتگاه کنسول را که در همان ساختمان کنسولگری قرارداد بهبود بخشد.
- ۸ الف - ۲۰. کنسولگری اصفهان باید بخشی از اقامتگاه کنسول را به دفاتر کار و اداری اختصاص دهد.

۸ الف - ۲۱. سفارت آمریکا در تهران باید در صورت پیدایش فرصت مناسب، محل بهتری را برای کنسولگری و اقامتگاه کنسول تهیه کند.

۸ الف - ۲۲. کنسولگری اصفهان باید با کمک سفارت یک برنامه اضطراری تخلیه افراد را تهیه کرده و تمام کارمندان خویش را از مسئولیت‌هایشان در صورت بروز موقعیتهای اضطراری مطلع سازد.

۸ الف - ۲۳. کنسولگری اصفهان باید گزارشات لازم برای حصول اطمینان از میزان هزینه‌های مورد نیاز روزانه آن در اصفهان را تهیه و مرتباً ارسال نماید.

ویرجینیا وایز  
بازرس

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

لورنس ا. فولر  
بازرس

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
واحدهای تابعه  
محرمانه  
یادداشت بازرسی - شماره ۸ ب  
واحد: شیراز - ژوئیه ۱۹۷۸

### کنسولگری شیراز

#### حقایق

کنسولگری شیراز در ماه سپتامبر ۱۹۷۵ و همزمان با تعطیل کنسولگری آمریکا در خرمشهر افتتاح گردید. این واحد دارای سه کارمند آمریکایی و پنج کارمند محلی است و سرپرستی آن را یک افسر مدیریت رده ۴ عهده‌دار است. واحد مزبور دارای سه گارد و یک تعمیرکار پیمانی نیز می‌باشد. در حوزه مأموریت این کنسولگری حدود ۴۰۰۰ آمریکایی مقیم می‌باشند. کنسولگری شیراز تمام خدمات کنسولی را به استثنای صدور روادید مهاجرت انجام می‌دهد (متقاضیان مربوطه در این مورد را به سفارت آمریکا در تهران ارجاع می‌نماید).

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

##### الف. مقدمه

کنسولگری شیراز به نحوی بسیار عالی اداره شده و واحدی سازنده به شمار می‌آید. با وجود این که حجم کار این واحد بسیار سنگین است و خدمات آن از نظر شمار روزافزون آمریکاییهای مقیم این حوزه با ارزش می‌باشد، ولی این علل نمی‌تواند تنها عوامل توجیه‌کننده حضور آن باشد. با این وصف حوزه این کنسولگری شامل تمام منطقه جنوبی ایران و دربرگیرنده تمام مراکز و بنادر تولید نفت مهم کشور می‌باشد. از آنجا که مقامات کنسولگری رابطهای خوبی در خود شیراز داشته و طبق برنامه دقیق به تمام نقاط حوزه خویش سفر می‌نمایند تا رویدادهای سیاسی و اقتصادی را گزارش کنند، اطلاعاتی که توسط آنها ارائه می‌شود در تهران نیز قابل تهیه نیست. شاید مهمترین نکته این باشد که آنها برداشتی کاملاً متفاوت با برداشت موجود در تهران را ارائه می‌کنند که خود به طور کلی برای درک بهتر ایران ضروری است و به همین دلیل از نظر سفارت و واشنگتن حائز اهمیت و ارزش بسیار می‌باشد. این گزارشات و مطالب با در نظر گرفتن عملکرد کنسولی نشان می‌دهد که این واحد در مسیر منافع آمریکا

عمل می‌کند.

تمام عملیات این واحد به خوبی سازماندهی شده و به طرز مؤثری اداره می‌شود. هر سه مقام موجود توأمأً عملیات کنسولی و اداری را انجام می‌دهند و دو مقام تازه کار نیز به تهیه گزارش رویدادهای سیاسی و اقتصادی ترغیب می‌شوند تا علاوه بر تکمیل گزارشات افسر ارشد کنسولگری در این زمینه آموزش لازم را نیز دیده باشند. نظارت و رهنمودهای سفارت در مورد مسائل مربوط به خط مشی و مدیریت کافی است، ولی در روند تهیه مقدمات بودجه‌ای باید با آن مشورت بیشتری شود و رؤسای بخشهای مختلف سفارت نیز باید به این حوزه بیشتر سفر کنند. این واحد مکلف به کمک در رابطه با اسناد خط مشی کشوری شده و بازرسی احساس می‌کنند که سفارت باید توجه بیشتری را معطوف عملیاتی سازد که در چهارچوب این کنسولگری صورت می‌پذیرد.

این کنسولگری دائماً گزارشات بسیار خوبی را به صورت نامه هوایی و یادداشت مکالماتی ارسال می‌دارد. محتوای تجزیه و تحلیلی این گزارشات نیز عالی بوده و موضوعات انتخاب شده توسط افسر ارشد این واحد نیز با علایق سفارت مرتبط بوده است. بخش سیاسی سفارت باید بیش از این واحد مزبور را راهنمایی و ارشاد نماید.

انجام وظیفه واحد در زمینه تهیه و ارسال گزارشات اقتصادی بخصوص طی سال گذشته بسیار خوب بوده و بنادر، سیستم راهها، ظرفیت تولید انرژی و کشاورزی ایران را در بر می‌گرفته است. واحد مزبور گزارشات بازرگانی چندانی را تهیه نمی‌کند، چون کارمند محلی که باید آمار و ارقام و مطالب اولیه را تهیه کند به قدر کافی دارای سرعت عمل نیست. کار بازرگانی در شیراز به طور کلی از عدم توجه بخش اقتصادی بازرگانی نیز برخوردار است و به تنهایی عمل می‌کرده است. انجام تحقیق در زمینه بازار اقدامی با ارزش است و باید بین بخش اقتصادی و بازرگانی سفارت و کنسولگری تماسهای بیشتری برقرار شود.

#### ب. امور کنسولی

علیرغم موانعی چون فضای کار شلوغ و غیرمکفی، یک جامعه آمریکایی بزرگ روبه رشد (۴۰۰۰ نفر)، وسعت حوزه کنسولی که تقریباً ۴۰ درصد کشور را در بر می‌گیرد و تقاضای روزافزون برای خدمات صدور روادید غیرمهاجرتی، عملیات کنسولی به خوبی دنبال می‌شود. تقاضا نامه‌های روادید تنها در سال گذشته به سه برابر افزایش یافته بود. این واحد توانسته است تقاضای رو به افزایش مربوط به همه نوع خدمات کنسولی را برآورده ساخته و این کار تنها از طریق برنامه‌ریزیهای خلاق و انعطاف‌پذیری سه افسر ارشد واحد امکان‌پذیر بوده، چون همین امر موجبات مسافرت‌های آنان به نقاط مختلف حوزه کنسولی را جهت ارائه خدمات به شمار بسیاری از آمریکاییها، فراهم آورده و در عین حال در کار خود کنسولگری نیز وقفه‌ای ایجاد نکرده است.

در حوزه کنسولگری شیراز و در حال حاضر هیچ یک از آمریکاییان در زندان به سر نمی‌برند و طی دو سال گذشته تنها سه نفر دستگیر شده‌اند. مقامات ایرانی رسماً کنسولگری را از طریق وزارت خارجه در جریان دستگیریها قرار می‌دهند، ولی در تمام این سه مورد، کنسولگری به طور غیررسمی در جریان امور قرار گرفته و قبل از رسیدن اخطاریه رسمی، تماس خویش را با دستگیر شدگان برقرار ساخته بود. اصولاً مأموران قانون ایران با آمریکاییها بهتر از اتباع خویش رفتار می‌کنند.

ظاهراً در یک مورد آن هم در ژوئیه ۱۹۷۷ با یک آمریکایی توقیف شده بدرفتاری شده و شبانه روانه زندان شده بود. کنسولگری پس از مطلع شدن از موضوع، با فرد آمریکایی تماس حاصل نمود و از وی خواست که نوشته‌ای حاوی شرح واقعه را تهیه کند و او نیز چنین نمود. دستگیری و بدرفتاری به طرز صحیحی به وزارت خارجه (بخش امور امنیتی) و سفارت آمریکا گزارش گردید. در همین مورد به مقامات محلی اعتراضیه‌ای تسلیم شد و سفیر نیز شخصاً موضوع را با نخست‌وزیر در میان گذاشت. عقیده بر این است که این واقعه منحصر به فرد بوده و نشانه‌دهنده طرز برخورد نسبت به آمریکاییهایی که دستگیر شده‌اند نیست.

### ج. امور اداری

همان‌طور که در گزارش بازرسی ۱۹۷۶ خاطر نشان شده بود، عنوان شغلی ۰۰۲ - ۲۰۲۱ - ۵۰ یعنی افسر اداری مناسب نیست، چون این فرد بخش اعظم اوقات خود را صرف کارهای کنسولی و بازرگانی می‌کند. فردی که با این عنوان شغلی به فعالیت بپردازد در حال گذراندن اولین دوره خدمت خویش می‌باشد. همان‌طور که انتظار می‌رفته او در نظارت بر کار کارمندان محلی سرویس خارجه با مشکلاتی روبه‌رو شده است. مثلاً وی در عین تازه وارد بودن سعی کرده است به آنها دستور بدهد. اسلاف وی نیز در دوره اول خدمت خویش با همین مشکلات روبه‌رو بوده‌اند. به همین دلیل، توصیه می‌کنیم که فردی عهده‌دار این مسئولیت شود که قبلاً در سفارت تهران به مدت یک سال یا بیشتر در این زمینه تجربه داشته باشد. (پیشنهاد ۸ ب - ۱)

در حال حاضر، کنسولگری در طبقه دوم یک ساختمان دوبلکس واقع شده و شخص کنسول نیز در طبقه اول اقامت دارد. اتاقها طوری ساخته شده‌اند که بعضی از دفاتر کار به صورت محل عبور ارباب رجوع مورد استفاده قرار می‌گیرد که به هیچ وجه مناسب نیست. فردی به طور غیررسمی به کنسول اطلاع داده که در صورت انعقاد قرارداد اجاره مناسبی حاضر است یک ساختمان اداری و سه خانه مسکونی را بر طبق مشخصات مورد نظر اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه برای کنسولگری احداث کند. وضع امنیتی کنسولگری ضعیف است، اما کنسول میل ندارد تدابیر پیشنهادی افسر امنیتی سفارت را که در برگیرنده هزینه بسیار می‌باشد، اجرا کند، چون امیدوار است که مذاکراتش با فرد ساختمان ساز مورد نظر به نتیجه برسد. (پیشنهاد ۸ ب - ۳).

به روشهای مورد استفاده توسط صندوقدار ب توجه بسیار معطوف شد، چون او موافقت کرده است که مبلغ ۳۷۳۱۴ ریال (۵۲۹/۶۵ دلار) کسری حساب صندوق خود را شخصاً پرداخت نماید. وی فردی بی‌نظم است و بیشتر برای یافتن و یا آگاهی از موجودی صندوق به حافظه خویش متکی است؛ او با صورتحسابهای خویش بنا به درخواست سفارت آمریکا در تهران ور می‌رود تا نشان دهد که اسناد ارسالی به سفارت هنوز در اختیار وی می‌باشد تا سفارت شماره‌های انتقالی صندوقدار مالی منطقه‌ای را به او گزارش کند؛ او در سوابق حسابداری خود تراز حساب صندوق را نگاهداری نمی‌کند و چکهای حقوقی کارمندان محلی را نقد می‌کند و هر دو هفته یکبار صورتحسابهای هزینه را تحویل می‌دهد. بخش اعظم این ضعفها با بی‌تجربگی ناظران وی و نیز فقدان رهنمود کافی از سوی سفارت مرتبط است. یک افسر بودجه و مالی باید به این کنسولگری سفر کند و روشهای کنترل نقدینه بهتری را پیاده نماید. (پیشنهاد

۸ ب - ۴). شماره انتقالی صندوقدار مالی منطقه‌ای نیز باید توسط کنسولگری مشخص شود نه توسط سفارت.

وضع پرونده مربوط به اشیای مصرف نکرده قابل قبول نیست. یکی از افسران خدمات عمومی سفارت باید به این کنسولگری آمده و روشهای کنترل بهتری را برنامه‌ریزی کند. (پیشنهاد ۸ ب - ۵) به استثنای کنترل مربوط به مدیریت نقدینه‌ها که در فوق به آن اشاره شد، پشتیبانی اداری سفارت از این واحد رضایتبخش بوده است.

### پیشنهادات

۸ ب - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید با همکاری وزارت خارجه موضوع امکان انتصاب تمام مقامات جدیدالانتصاب را به سفارت و انتصاب مقامات مجرب از سفارت به واحدهای تابعه را مورد بررسی قرار دهد.

۸ ب - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید در اولین فرصت دفاتر کارکنسولگری شیراز را به محل امنتری منتقل سازد. در صورتی که تأخیر بیش از ۱ ماه باشد، پیشنهادات مطروحه در آخرین بررسی امنیتی حتماً باید به مرحله اجرا در آید.

۸ ب - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید افسر بودجه و مالی خود را به کنسولگری شیراز اعزام نماید تا زمینه کنترل بهتر نقدینه‌ها را فراهم آورد.

۸ ب - ۴. سفارت آمریکا در تهران باید یک افسر خدمات عمومی را به کنسولگری شیراز بفرستد تا روشهای بهتری را برای کنترل اشیای مصرف نکرده طراحی کند.

ویرجینیا وایرز

بازرس

لاورنس ا. فولر

بازرس

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

محرمانه

وزارت امور خارجه

یادداشت بازرسی - شماره ۸ ج

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

واحد: تبریز - ژوئیه ۱۹۷۸

واحدهای تابعه

کنسولگری تبریز

### حقایق

کنسولگری آمریکا در تبریز در شمال غربی ایران دارای یک افسر آمریکایی و ۱۲ کارمند محلی (پنج کارمند استخدامی و هفت کارمند پیمانی) بوده و در محوطه‌ای وسیع و جالب واقع شده است. این واحد خدمات مورد نیاز کنسولی را برای یک جامعه آمریکایی عظیم ارائه کرده و گزارشات منطقه‌ای مهمی را ارسال می‌نماید.

ارزیابی و نتیجه‌گیری



بازرسین تصمیم گرفته‌اند پیشنهادات مندرج در گزارش بازرسی قبلی (۱۹۷۶) را تغییر داده و ایفای کنسولگری تبریز را توصیه نمایند. ارزش این واحد در رابطه با منافع آمریکا، تنها در گزارشات عالی کنسولگری در مورد رویدادهای مهم این منطقه خطیر ایران نهفته نیست، بلکه عوامل روانی و مربوط به وجهه و حیثیت نیز وجود دارند که به طرز پیچیده با یکدیگر مرتبط بوده و دریافت روابط ایران و آمریکا حائز اهمیت می‌باشند.

به عبارت دیگر باید گفته شود که هنوز موقع آن نرسیده که بتوان سمبل مشهود منافع آمریکا که دیرزمانی است از استقرار آن می‌گذرد را در این منطقه بی‌ثبات و تجزیه طلب از میان برداشت و آینده این منطقه را دستخوش ناآرامی نمود. این حرکت ممکن است برای دولت ایران به سادگی قابل درک نباشد، چون در حال حاضر دولت ایران در صدد تقویت روابط خویش با بخش شمال غربی ایران می‌باشد. بسته شدن کنسولگری در این منطقه ممکن است به صورت علائمی نادرست توسط عراق، ترکیه و شوروی تعبیر شود، چون همه آنها به این منطقه همجوار با مرزهای خویش با علاقه خاصی می‌نگرند. علاوه بر این، این کار باعث می‌شود که ۲۰۰۰ آمریکایی مقیم این حوزه کنسولی از خدمات مهم آن محروم بمانند. (تعداد آمریکاییهای مقیم این حوزه در حین بازرسی سال ۱۹۷۶ برابر با ۴۰۰ نفر بود) شمار آنها رو به افزایش است و مشکلاتشان نیز پیچیده‌تر. ملک متعلق به کنسولگری در تبریز نیز بسیار وسیع است و از شهرت بسیار برخوردار و گاهی این نگرانی ابراز شده است که نیاز به این مکان بسیار وسیع نیست. این موضوع در حال حاضر درست است، ولی جای دیگری وجود ندارد که بتوان بدون صرف هزینه سنگین آن را در اختیار گرفت، ولی به هر حال، بخشی از محوطه کنسولگری برای فروش عرضه شده است. در همین رابطه گفته شده است که ارزش کل این دارایی بسیار زیاد است. برآوردهای سنگینی نیز با در نظر گرفتن قیمت‌های «بازار آزاد» به عمل آمده است. با این حال، این گونه برآوردها را غیر واقع‌گرایانه می‌دانیم. بازار پررونق خرید و فروش زمین در تبریز از بین رفته و در طول سال گذشته قیمت‌ها شکسته شده است. علاوه بر این، ایرانیها مایل به پرداخت قیمت بازار آزاد در ازای زمین کنسولگری نیستند، چون تصور می‌کنند که این زمین پس از خریداری توسط آنها ممکن است توسط دولت ایران ضبط شود. اخیراً این امر در منطقه تبریز چندین بار صورت گرفته است. در چنین مواردی اغلب بخش کوچکی از هزینه‌های متحمل شده توسط خریدار و شاید چیزی در حدود ۱۰ درصد به وی بازگردانده شده است. فضای باز بسیاری در نقاط مختلف شهر وجود دارد، ولی نرخ زمین چندان بالا نیست.

گزارشات سیاسی ارسالی از تبریز عالی بوده است. مقام مسئول کنسولگری صحنه منطقه تبریز را کاملاً تحت پوشش قرار داده است. گزارشات وی در مورد شورشها و دیگر مطالب از کیفیت بسیار عالی برخوردار بوده است (تا همین اواخر، سفارت، ظاهراً گزارشات سیاسی تبریز را سانسور و یا محدود می‌کرده است، ولی این مسئله در حال حاضر حل شده است). با این حال، وی در زمینه ارسال گزارشات اقتصادی و بازرگانی فعالیت چندانی نداشته چون فاقد فرصت و تجربه کافی در این زمینه است.

حجم کار کنسولی در تبریز بخصوص در رابطه با حراست و حفاظت افزایش یافته است. در طول مدت بازرسی، سه جوان آمریکایی به جرم سرقت اتومبیل دستگیر شده بودند. مقام مسئول کنسولگری نیز با این مسائل با حساسیت و تخصص خاص خویش برخورد نمود. او موجبات انتقال دو تن از این آمریکاییها را از یک سلول کوچک و فاقد پنجره و دارای دمای ۱۰۰ درجه در حالی که مجبور بودند با ۱۲ هم سلول

ایرانی عصبانی به سر برند، به یک اتاق در بیمارستان زندان فراهم آورد. بازرسین همچنین توصیه کرده بودند که اختیار صدور پاسپورت به کنسولگری تبریز داده شود تا وضع خدمات ارائه شده به آمریکاییهای مقیم این منطقه بهبود یابد. کار مربوط به صدور روادید غیر مهاجرتی رو به افزایش است و در سال ۱۹۷۹ دو برابر ۱۹۷۷ خواهد شد. (پیشنهاد ۸ ج - ۱)

بخش اقتصادی بازرگانی کنسولگری تبریز باید فعالتر شود. به طور مثال، مسئول تحقیق در امور بازار که اکنون در خارج مرکز تجاری، آمریکا در تهران مشغول کار است باید به تبریز اعزام و مطالعات تحقیقاتی مربوطه را انجام دهد. (توصیه ۸ ج - ۲) فرصتهای تجاری حتماً در این منطقه وجود دارد ولی در مورد آنها گزارشی ارسال نشده است.

بنا به اعتقاد بازرسین، حوزه عمل افسر اصلی کنسولگری بسیار محدود است و آمریکا از بسیاری از مزایای نهفته در ابقای این واحد در تبریز محروم مانده است. به منظور تحت پوشش درآوردن بهتر این منطقه و ارائه خدمات کافی، او در اغلب اوقات باید به نقاط مختلف سفر کند و به این ترتیب واحد وی تحت پوشش کافی قرار نمی‌گیرد. در عین حال که یک کارمند توانسته است فراتر از حداقل نیاز بخش کنسولی، سیاسی و اداری عمل کند، ولی در زمینه اقتصادی و بازرگانی و یا گزارش و تجزیه و تحلیل رویدادهای شمال غرب ایران عمق مطلوب را نداشته است. به همین دلیل بازرسین توصیه می‌کنند که یک کارمند تازه کار دیگری که به زبان فارسی آشنا باشد، به واحد مزبور در تبریز اعزام گردد. (پیشنهاد ۸ ج - ۳)

بازرسین به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی کنسولگری تبریز از مدیریت خوبی برخوردار بوده است. صورتی از تمام مایملک شخصی در دست تهیه بود؛ دسترسی به ماشین صدور روادید محدود بود؛ رسیدهای کنسولی کنترل شده و کلاً کنسولگری از وضعیت خوبی برخوردار می‌باشد، ولی در یک زمینه یعنی کنترل ۱۰۰۰۰ دلار پیش‌پرداخت نقد باید تلاش بیشتری اعمال شود. بررسی اعلام نشده ماهانه حسابها صورت نمی‌گیرد. روشهای توصیه شده مربوط به دریافت، سپرده‌ها و انتقال اشیاء نیز باید دنبال نشود و این واحد باید مدارک مربوط به این گواهیها را ضبط و در بایگانی نگهداری کند. (پیشنهاد ۸ ج - ۴)

### پیشنهادات

- ۸ ج - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید اختیار صدور پاسپورت را به کنسولگری تبریز تفویض نماید.
- ۸ ج - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید افسر تحقیق در امور بازار را به تبریز جهت تهیه گزارش از وضع بازار اعزام نماید.
- ۸ ج - ۳. سفارت آمریکا در تهران و وزارت خارجه باید ترتیبی دهند تا یک مقام دیگر به کنسولگری تبریز اعزام و منصوب شود.
- ۸ ج - ۴. کنسولگری تبریز باید به صورت صحیحی بررسی و تأیید پیش پرداخت نقدینه‌ها را انجام داده و گزارش کار لازم را تهیه و نگاهداری نماید.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

کنت ان. راجرز

آلن دبلیو. برنسون

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
سازمانهای دیگر

بازرس  
خیلی محرمانه  
یادداشت بازرسی - شماره ۹ الف  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

وزارت دفاع

#### حقایق

هیئت نمایندگی نظامی در ایران / و مستشاری نظامی مرکب از ۹۱۸ پرسنل نظامی و ۲۷۴ پرسنل غیر نظامی وزارت دفاع به سرپرستی یک سرلشگر نیروی هوایی که نماینده وزارت دفاع نیز هست، می‌باشد. رئیس هیئت مستشاری نظامی بر فعالیت ۷۰۰۰ پرسنل پیمانی آمریکایی نیز نظارت دارد. هیئت مستشاری نظامی با رعایت رده خدمتی سازماندهی شده بر فروشهای نظامی خارجی که در سال ۱۹۷۷ معادل ۶ میلیارد دلار بوده و در سال مالی ۱۹۷۸ نیز معادل ۳ میلیارد دلار خواهد شد نظارت اعمال می‌کند. چند تیم کمک فنی حوزه‌ای نیز وجود دارد که ارائه آموزش لازم در زمینه سیستمهای تسلیحاتی و عملکردهای نظامی را بر عهده دارد.

دفتر وابسته دفاعی دارای هشت کارمند آمریکایی و پنج کارمند محلی است. وابسته دفاعی نیز یک سرهنگ نیروی هوایی آمریکا می‌باشد.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

عملیات تحت سرپرستی رئیس هیئت مستشاری نظامی از نظر حجم و پیچیدگی در حوزه کمک نظامی باید بی‌نظیر باشد. او رهبریتی مؤثر برای دیگر عناصر تیم کشوری محسوب می‌شود و با آنها به خوبی همکاری می‌کند. سفیر نیز مستقیماً در تمام جنبه‌های عملیات وزارت دفاع در ایران دخالت دارد و از جزئیات برنامه‌ها به خوبی مطلع است. او در جلسات روزانه کارمندی که ریاست هیئت مستشاری نیز در آن شرکت دارد، رهنمودهای لازم را ارائه می‌کند.

یک مشاور سیاسی نظامی توانا و سخت‌کوش بین‌سفرات و هیئت مستشاری نظامی و بین‌نماینده‌گی آمریکا در ایران و واشنگتن رابطه لازم را حفظ کرده و تداوم می‌بخشد. او مطابقت فروشهای نظامی با مقررات و رهنمودها را به دقت زیر نظر دارد و علل توجیه‌کننده خریدهای تسلیحاتی را که توسط دولت ایران و مستشاری نظامی مطرح می‌گردد مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مشکلات مربوط به خطوط ارتباطی مستقیم که در گزارش بازرسی قبل مطرح شده بود ظاهراً مرتفع گشته است.

در زمینه رعایت مقررات مربوط به فروشهای نظامی در برگیرنده شمار عظیمی از پرسنل آمریکایی و مبالغی چنین هنگفت نمایندگی با مشکلاتی روبه‌رو می‌باشد. بازرسین معتقدند که تلاشی صادقانه در حال انجام است تا بر اساس این مقررات از افزایش فروشها جلوگیری به عمل آید و با انحرافات مربوطه نیز به طور جدی برخورد شود. معذالک بین مشاوره با ایرانیها در مورد استفاده و تناسب یک سیستم تسلیحاتی و حمایت از آن و یا پیشنهاد مربوط به یک راه حل دیگر نمی‌توان وجه تمایز خاصی ایجاد کرد و در این رابطه تمام طرفین ذیربط باید با کمال هوشیاری مراقب عدم تخلف از آن باشند.

مشکل دیگر اشتباهات سیری‌ناپذیر ایرانیان برای سیستمهای تسلیحاتی برخوردار از تکنولوژیهای

پیشرفته است. گرچه سیاست آمریکا بر کمک به ساخت و مدرن سازی نیروهای نظامی آن کشور و تأمین سلاحهای مورد نیاز آن تأکید دارد، دولت ایران بنا به علل مختلف می خواهد تجهیزاتی را به دست آورد که توان جذب آنها را در حال حاضر ندارد. در مورد روشهای مورد استفاده در ارسال درخواستهای خرید تسلیحاتی ایران، بازرسی توجیه شده و از روش پیچیده و منسجمی که در نتیجه آن جریان تجهیزات، آموزش پرسنل مخصوص آنها، مکان انبار آن، و وسایل تعمیراتی آن قبل از ارسال درخواستها پیش بینی می شد، تحت تأثیر قرار گرفتند.

هیئت مستشاری نظامی بسیار بزرگ و مستقر در محل همتای خویش در نیروهای دفاعی ایران گاهی اوقات نقش وابسته دفاعی را به عنوان رابطه بین نیروهای دفاعی ایران و به عنوان مشاور سفیر در مسائل نظامی این کشور را بر عهده می گیرد. با این حال، می گویند که ایرانها نسبت به گردآوری اطلاعات نظامی توسط خارجیها حساس هستند و به دقت کانالهای رابط و وابسته دفاعی را زیر نظر می گیرند. معذالک، دفتر وابسته دفاعی در زمینه تهیه گزارشات بیوگرافیک حائز اهمیت از نظر واحد مشغول کار است. دفتر وابسته دفاعی با دیگر بخشهای سفارت نیز روابط بسیار خوبی برقرار نموده است.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

کنت ان. راجرز  
بازرس

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک - ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۹ ب  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
سازمانهای دیگر  
سازمان ارتباطات بین المللی

#### حقایق

سازمان ارتباطات بین المللی مرکب از ۱۴ کارمند آمریکایی و ۱۷ کارمند محلی در عملیاتی بسیار وسیع و پرتحرک و مرتبط با مراکز دولتی می باشد. در استانها این سازمان از طریق انجمن ایران و آمریکا عمل می کند. ساختمان سازمان ارتباطات بین المللی در تهران شامل یک دفتر کار بزرگ، یک مرکز فرهنگی بسیار مجهز و یک مرکز آکادمیک تقریباً رضایتبخش می باشد. قرار است یک ساختمان جدید نیز توسط انجمن ایران و آمریکا در کنار مرکز فرهنگی طی سال جاری احداث شود تا مرکز آکادمیک به آنجا منتقل گردد.

#### ارزیابی و نتیجه گیری

سازمان ارتباطات بین المللی آمریکا در ایران که از دیرباز عنصر مهمی در روابط ایران و آمریکا و بخصوص در عصر کنونی حیات فرهنگی ایران بوده است، روشها و برنامه های خود را با ایران و تغییرات آن به خوبی انطباق داده و سعی دارد توجه خود را از اهداف قبلی خویش که همان نخبگان ماهر از نظر زبان، جهان دیده و عموماً تحصیل کرده آمریکا می باشند منحرف ساخته و به حضاری مرکب از آنها می که کمتر با آمریکا آشنا بوده، ولی به تدریج بر رویدادهای ایران در ۵ تا ۱۰ سال آینده تأثیر خواهند گذاشت، معطوف نماید. در این حرکت جدید سعی خواهد کرد از ایجاد ارتباط بیشتر با ایرانیانی که دارای روابط

خصوصی بسیار با آمریکا هستند جلوگیری به عمل آورد. در این مسیر، سازمان ارتباطات بین‌المللی در حال تقویت عنصر فارسی برنامه‌های خویش می‌باشد. برنامه‌های انجمن ایران و آمریکا را توسعه می‌دهد تا بتوانند اتباع ایرانی بیشتری را در بر گیرند، فیلمهایی را به زبان فارسی به نمایش در می‌آورد، از متخصصین آمریکایی برای سخنرانی در زمینه باستان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ ایران دعوت به عمل می‌آورد. اقداماتی در دست اجراست تا بخشی از برنامه‌های صدای آمریکا به زبان فارسی پخش شود، چون پخش این برنامه‌ها از خارج توجه بسیاری از افراد کنجکا و از نظر سیاسی را بر می‌انگیزد. این برنامه‌ها طوری ترتیب داده شده تا پایگاه تماس سازمان ارتباطات بین‌المللی گسترش یافته و با هدف کلی این سازمان یعنی افزایش سطح ارتباط دو جانبه با مردم سازگار واقع شود. با این حال، کارمندان این آژانس نمی‌توانند به تنهایی تمام وظایف را انجام دهند و به نظر بازرسین کارمندان آمریکایی بخشهای دیگر نمایندگی نیز باید در برنامه‌های انجمن ایران و آمریکا مشارکت بیشتری داشته باشند. (پیشنهاد ۹ ب - ۱)

یک مطلب دیگر مورد توجه این سازمان دانشجویان ایرانی هستند که عازم آمریکا می‌باشند. در حال حاضر حدود ۶۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آمریکا به سر می‌برند و شمار آنها هر ساله رو به افزایش است. این دانشجویان هم برای آینده ایران ارزشمند هستند و هم خطری برای زمان حال آن محسوب می‌شوند. جنبه مثبت قضیه آن است که آنها به شمار ایرانیان تحصیلکرده‌ای که با آمریکا آشنا بوده و از آن هواداری می‌کنند، می‌افزایند. جنبه منفی قضیه این است که بسیاری از دانشجویان نه چندان ذیصلاحی که در آمریکا به سر می‌برند درگیر فعالیتهای ضد رژیم می‌شوند و به روابط بین ایران و آمریکا لطمه وارد می‌سازند. سازمان ارتباطات بین‌المللی نقش خود را در زمینه مشاوره و معارفه گسترش داده و تلاش خود را در زمینه آموزش زبان انگلیسی به ۵۰۰۰ دانشجوی زبانی که در انجمن ایران و آمریکا ثبت نام کرده‌اند تقویت نموده است. این برنامه کاملاً خودجوش است و هزینه‌های عملیاتی این مرکز دو ملیتی را خود تأمین می‌نماید.

شمار دانشجویان فاقد صلاحیتی که به مدارس نه چندان معتبر می‌روند نیز بخشهای کنسولی و سیاسی را نگران کرده است. بازرسین معتقدند که باید سیاست مشخصتری در زمینه صدور روادید دانشجویی اعمال شود و سازمان ارتباطات بین‌المللی نیز با تخصیص ویژه خویش باید به عنوان یکی از عوامل مؤثر در این روند به کار گرفته شود. (به گزارش ۵ بازرسی رجوع شود)

برنامه‌های مبادله دانشجویی در عین فعال بودن نقش چندان خطیری در رابطه با اهداف آمریکا ایفا نمی‌کنند و علت آن نیز روابط بسیار گسترده است که بین نهادهای ایرانی و آمریکایی ایجاد شده که عامل عمده آن نیز سازمان ارتباطات بین‌المللی و اسلاف آن بوده‌اند. به همین دلیل برنامه مبادله دانشجویان از حوزه عمل بسیار محدودی برخوردار است. دولت ایران نیمی از هزینه‌های سازمان ارتباطات بین‌المللی را پرداخت می‌کند و بقیه توسط خود سازمان در بالا بردن سطح مبادلات فردی تأمین می‌گردد. جهت‌گیری و تأکید برنامه‌های سازمان ارتباطات بین‌المللی در برنامه کشوری هماهنگ با اهداف آمریکا در ایران است. سفیر نیز در تهیه این برنامه شخصاً مشارکت و توجه داشت تا به این ترتیب حوزه تماسهای سازمان گسترش یابد. مسئول روابط عمومی نیز عضو مهمی از تیم کشوری است و در زمینه تمام مسائل مربوط به دیپلماسی عمومی نظریات وی مؤثر واقع می‌گردد. بین سازمان ارتباطات بین‌المللی و بخش

اقتصادی بازرگانی نیز همکاری نزدیک برقرار است تا خدمات مربوط به حفظ سوابق حضار به طرز مؤثری انجام شود. بازرسین معتقدند که از این وسیله باید بیش از اینها بهره‌برداری شده چون این بخشها می‌توانند با استفاده از خدمات بایگانی سوابق حضار در زمینه تهیه فهرست اسامی میهمانان، بازدید و غیره مفید و مؤثر واقع گردند. طبق اظهارت مسئول روابط عمومی، حمایت اداری سفارت با در نظر گرفتن مشکلات کار در تهران بسیار عالی بوده است؛ مشکلات مربوط به مسکن که گویا در گذشته روابط عناصر موجود در نمایندگی را تیره ساخته بود اکنون تا حدود زیادی برطرف شده است. (پیشنهاد ۹ ب - ۲)

### پیشنهادات

۹ ب - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید موجبات مشارکت بیشتر پرسنل خویش را در برنامه‌های انجمن ایران و آمریکا فراهم آورد.

۹ ب - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید از خدمات بایگانی سوابق حضار در سازمان ارتباطات بین‌المللی توسط دیگر مقامات سفارت بخصوص سیاسی و اقتصادی بازرگانی، بیشتر استفاده کند.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

### وزارت امور خارجه

محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

یادداشت بازرسی - شماره ۹ ج

واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸ سازمانهای دیگر

وزارت دادگستری و سازمان مبارزه با مواد مخدر

### حقایق

نماینده سازمان مبارزه با مواد مخدر در سفارت آمریکا در تهران یک مقام مجرب است. دفتر کار وی در ساختمان کنسولی که قرار است محل آن تغییر یابد، واقع شده است. وی دارای یک منشی آمریکایی است. مقام مسئول سازمان مبارزه با مواد مخدر گزارش کار خویش را به معاونت نمایندگی تسلیم می‌کند. و هر دو هفته یکبار وی را در جریان فعالیتهای خود قرار می‌دهد. علاوه بر این وی از حمایت سفیر نیز برخوردار است و هر گاه که مایل باشد می‌تواند با وی ملاقات نماید.

مقام مسئول هماهنگی در مواد مخدر دومین مقام موجود در بخش سیاسی است. کمیته مواد مخدر که ریاستش به عهده معاونت نمایندگی است، دارای نه عضو از گروههای دیگر چون وابسته کشاورزی، هیئت مستشاری نظامی، سازمان ارتباطات بین‌المللی و وابسته سازمان مبارزه با مواد مخدر است.

### ارزیابی و نتیجه‌گیری

مقام مسئول در سازمان مبارزه با مواد مخدر ارتباطات زیادی با پلیس کشور میزبان دارا می‌باشد. به نظر وی این رابطه بسیار عالی است. وی در ایجاد نهادها، حمایت فنی و تحقیقات مشترک در زمینه مسائل مربوط به فعالیتهای موجود در مورد مواد مخدر در خارج از مرزهای ایران نیز اقداماتی معمول می‌دارد. رابطه اطلاعاتی معمولاً به انتقال یا حمل مواد مخدر به خارج از ایران و یا از طریق آن کشور به خارج ربط

دارد. مقام سازمان مبارزه با مواد مخدر در مورد مشکلات ناشی از استفاده نادرست از مواد مخدر در چند مرحله سخنرانی‌هایی را انجام می‌دهد. او از لایحه مانسفیلد که در آن پرسنل سازمان مبارزه با مواد مخدر از مشارکت در حمله علیه خاطیان منع شده‌اند به خوبی آگاه است.

ایران از دیرباز صحنه استفاده نادرست از مواد مخدر بوده و دارای یک میلیون تریاک کش و ۵۰۰۰ فرد معتاد به هروئین می‌باشد. گرچه کشت خشخاش توسط ایران در سال ۱۹۵۵ ممنوع گردیده بود، ولی قاچاق آن از طریق ترکیه و افغانستان به صورت آفتی به جان ایران افتاد؛ در سال ۱۹۶۷ ایران کشت قانونی خشخاش را آغاز کرد تا نیاز ۱۶۷۰۰۰ معتاد ثبت شده ایرانی را تأمین کند. این گونه کشت اکنون در ۲۳ مزرعه با تولید سالانه ۳۰۰ کیلو مجاز می‌باشد. هر سال میزان سنی افراد واجد شرایط برای دریافت جیره دولتی یک سال کاهش می‌یابد. در حال حاضر تنها افراد ۶۲ ساله یا مسن‌تر تحت پوشش این برنامه هستند. ایران با مسئله مواد مخدر به صورت جدی مبارزه می‌کند و طی دهه گذشته حدود ۳۰۰ نفر را به جرم قاچاق اعدام کرده است، ولی نه در این اواخر.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

کنت ان. راجرز  
بازرس

طبقه‌بندی نشده

وزارت امور خارجه

گزارش بازرسی - شماره ۹ د  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
سازمانهای دیگر  
وزارت کشاورزی

#### حقایق

نماینده وزارت کشاورزی (آمریکا - م) در ایران یک افسر سرویس کشاورزی خارجی و یک دستیار وابسته تازه کار است که برای اولین بار در رابطه با وزارت کشاورزی در خارج از کشور انجام وظیفه می‌کند. دفاتر کار وابسته کشاورزی در حدود دو خیابان دورتر از محوطه سفارت واقع شده است. از نظر فضای کار این دفاتر مکفی است و بهتر از دفاتر وابسته‌های کشاورزی قبلی در ساختمان نامناسب کنسولی می‌باشد. وظیفه اصلی دفتر وابسته کشاورزی تهیه گزارشات تحلیلی مربوط به کشاورزی از جمله هوا، سیاستهای تجاری و رویدادهای مربوط به آن، تغییر نوسان قیمت‌ها و موجودی کالاها و واردات می‌باشد.

وابسته کشاورزی هر ماه یک بار یک گزارش جامع در مورد دورنمای کشاورزی و یک بار در سال گزارش وضعیتی در مورد سیاست و خط‌مشی کشاورزی ارائه می‌کند. این گزارش جامع در برگیرنده گزارش وضعیت کامل اقتصادی، خط‌مشی و برنامه‌ریزی کشاورزی، اطلاعات در مورد سازمانهای تخصصی کشاورزی، بودجه و برنامه‌ریزی کشاورزی، تحقیق و اعتبار موجود و نیز خدمات مربوط به آموزش و ادامه کار می‌باشد.

گزارشات وسیع در مورد قیمت‌گذاری، بازاریابی، و تجارت کشاورزی، حقوق گمرکی و تعرفه و تجارت دولتی از جمله مهمترین جنبه‌های این گونه گزارشات محسوب می‌شود. استفاده از زمین، سازمانهای دهقانی، منابع و بعضی از جنبه‌های گزارشگری مربوط به امور کارگری نیز در آنها گنجانده

می‌شود. گزارشات بسیار مفصلی در مورد محصولات، بخصوص پنبه، شکر، سیب‌زمینی، غلات و سبزیجات، نیز در این بخش ارائه می‌شود.

کار اصلی وابسته کشاورزی سوای گزارشگری، حمایت از فروش محصولات کشاورزی آمریکایی در ایران و مشارکت در فعالیتهای کمیسیون مشترک آمریکا و ایران است. در حال حاضر فروش محصولات کشاورزی آمریکایی به ایران سالانه مبلغی معادل نیم میلیارد دلار را در بر می‌گیرد. مهمترین این محصولات عبارتند از گندم سفید، دانه‌های روغنی و روغن این دانه‌ها، روغن پنبه دانه، برنج و غلات دیگر، بخصوص غلات غذایی، جو، ذرت و محصولات دیگری چون مرغ یخزده، گاوهای شیرده نیز از آمریکا از طریق هوا وارد ایران می‌شوند.

دفتر وابسته کشاورزی در زمینه فروش ماشین‌آلات کشاورزی عرضه کنندگان آمریکایی و نیز فروش مواد شیمیایی مانند کود به بخش اقتصادی بازرگانی کمک می‌کند. وابسته کشاورزی گاهی نیز نمایشگاه کوچکی از مواد غذایی دایر می‌کند و برای این منظور یکبار از مرکز تجاری آمریکا (در ژوئن ۱۹۷۷) استفاده کرده است.

#### نتیجه‌گیری و ارزیابی

دفتر وابسته کشاورزی تهران، بسیار شلوغ و سازنده است. حجم دلار ناشی از فروش محصولات کشاورزی آمریکا به ایران نیز نشانگر اهمیت فعالیت این دفتر است. شمار کسانی که از آمریکا به این کشور سفر کرده و به دفتر وابسته کشاورزی مراجعه می‌کنند در سال بالغ بر ۱۰۰۰ نفر می‌شود. گزارشات وابسته کشاورزی بسیار جامع و ارزشمند می‌باشد. در کمک و غنی سازی محتوای گزارشات بخش اقتصادی سفارت نیز بسیار مؤثر واقع می‌گردد.

در گذشته، دفتر وابسته کشاورزی بخشی از دفتر مشاور اقتصادی بود و همین امر باعث پیدایش مشکلاتی در زمینه هماهنگی و انتشار گزارش وقایع کشاورزی می‌گردید. این مشکل هم اکنون حل شده و مسئولیت هماهنگی گزارشگری به انتخاب وابسته کشاورزی می‌باشد.

وابسته کشاورزی با وقوف بر ضرورت ایجاد بهبود وضع فروش در زمینه کشاورزی، مکانیکی، فنی و شیمیایی در ایران، مطالب قابل ملاحظه‌ای را برای بخش اقتصادی - بازرگانی تهیه کرد تا راه برای این مهم هموار گردد.

وابسته کشاورزی در یکی از پنج کمیته کمیسیون مشترک شرکت می‌نماید که همان کمیته کشاورزی است و در تسهیل کار کمیسیون بخصوص در زمینه دامداری و بهداشت آن، ممانعت از آتش‌سوزی در جنگلها، آموزش کشاورزی، قرنطینه‌سازی گیاهی، و بازرسی گوشت نقش به‌سزایی داشته است (برای درک بهتر وضع کمیسیون به یادداشت بازرسی شماره ۴ رجوع شود).

دفتر کار وابسته کشاورزی از فضای کافی برخوردار است، لیکن در صورت احداث ساختمانی در محوطه سفارت دفتر ایشان نیز باید به آنجا انتقال یابد. این امر در تأمین نظریات نماینده اداره کشاورزی خارجه و دیگر عناصر موجود در سفارت مفید واقع خواهد شد.

چارلز تی. کراس

کنت ان. راجرز

بازرس ارشد

بازرس



وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
گزارش بازرسی - شماره ۹ ه  
سازمانهای دیگر  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
وزارت بازرگانی مرکز تجاری آمریکا در تهران

#### حقایق

مرکز تجاری آمریکا در تهران در سال ۱۹۷۳ و قبل از افزایش بی سابقه قیمت نفت تأسیس گردید. از پانزده مرکز تجاری وزارت بازرگانی این مرکز یکی از دو مرکزی است که به وسیله دفتر بازاریابی بین‌المللی اداره نمی‌شود (مرکز تجاری آمریکا در مسکو تحت نظارت دفتر تجارت شرق و غرب وزارت بازرگانی است). مرکز تجاری واقع در تهران به وسیله گروه بازرگانی امور خاور نزدیک اداره می‌شود. مرکز تجاری وزارت بازرگانی در تهران دارای دو کارمند آمریکایی از وزارت بازرگانی، پنج کارمند محلی تحت استخدام وزارت بازرگانی، یک نفر که در استخدام وزارت خارجه می‌باشد و پنج کارمند پیمانی است. یک افسر دارای رده شغلی ۵ از دفتر سرویس خارجی بخش اقتصادی / بازرگانی سفارت به عنوان مسئول تحقیقات در امور بازار به این مرکز منصوب گشته است. مرکز تجاری زیر نظر مشاور اقتصادی / بازرگانی سفارت عمل می‌کند. این مرکز در ساختمانی واقع در پائین شهر تهران قرار گرفته و طی دو سالی که از آخرین بازرسی می‌گذرد نه نمایشگاه بزرگ دائر کرده است. این مرکز همچنین از مشارکت نمایشگاه‌های آمریکایی در نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران نیز حمایت و پشتیبانی به عمل می‌آورد. مهمترین نمایشگاه‌هایی که پس از آخرین بازرسی برگزار گردیده به شرح زیر می‌باشند.

تاریخ	عنوان	شمار شرکت‌کنندگان	شمار بازدید کنندگان
اکتبر ۷۶	تجهیزات و سیستم‌های بازرگانی	۲۳	۶۶۳
فوریه ۷۷	تجهیزات ارتباطاتی	۲۱	۷۱۷
ژوئن ۷۷	منابع آب	۲۶	۲۴۱
ژوئیه ۷۷	عیب یابی وسائط نقلیه و ماشین‌آلات	۱۱	۶۹۰
نوامبر ۷۷	جیبای w & g	۱۰	۷۵
دسامبر ۷۷	مصالح و تجهیزات ساختمانی	۱۰	۶۵۰
ژانویه ۷۸	شیمیایی / پتروشیمی	۲۴	۴۱۸
مارس ۷۸	بسته‌بندی و تهیه مواد غذایی	۱۳	۴۰۷
مه ۷۸	انرژی خورشیدی	۱۴	۴۴۴

#### نتیجه‌گیری و ارزیابی

مرکز تجاری آمریکا در تهران در مواقع برگزاری نمایشگاه‌ها بسیار فعال است، لیکن میزان فعالیت آن در فواصل زمانی بین برگزاری نمایشگاه‌ها و علیرغم تلاش شدید این مرکز برای جلب توجه عموم چندان زیاد نیست. این مرکز از نظر محیط فیزیکی بخصوص در رابطه با نمایشگاه‌ها و فقدان محل پارک وسائط نقلیه که در همه نقاط پائین شهر تهران به چشم می‌خورد دچار محدودیتهایی می‌باشد. کارمندان وزارت

بازرگانی مشغول به کار در این مرکز افراد بسیار مجرب می‌باشند. مدیر این مرکز حدود ۱۵ سال در زمینه بازاریابی با کار در یک شرکت بزرگ آمریکایی تجربه اندوخته و در وزارت بازرگانی و نیز به عنوان مدیر مرکز تجاری در بانکوک فعالیت وسیعی داشته است. معاون وی نیز در زمینه ایجاد نمایشگاههای تجاری فعالیت داشته است.

میزان فعالیت آمریکا در بازار ایران طی دو سال گذشته تا حدودی کاهش داشته، ولی حجم دلاری فروشهای آمریکا به این کشور افزایش یافته است. بازاریابی در ایران کار فوق‌العاده طاقت‌فرسایی است و وظیفه‌ای آسان نیست.

برنامه‌ریزی، تهیه مقدمات، و سازماندهی بر خلاف دیگر مراکز تجاری در اینجا دشوارتر است. معذالک، با همکاری بخش اقتصادی بازرگانی و پشتیبانی یک فرد مسئول تحقیق در امور بازار، به نتایج بسیار مفیدی دست یافته که این امر بخصوص در زمینه فروش «کالاهای انبار شده» و اجناسی که «جدیداً» به بازار وارد شده صادق بوده است. بعضی از نمایشگاهها بسیار موفق و بعضی دیگر ناموفق بوده است. با این حال، سنجش نتایج حاصل از نمایشگاههای مهم به صورت مجزا دشوار است و نمی‌توان منطق قاطع و مبرهنی را جهت ادامه عملکرد مرکز تجاری آمریکا در تهران ارائه نمود. بررسی عملیات مرکز تجاری توسط بازرسین حاکی از آن است که این مرکز عمر مفید خود را به پایان رسانده و ادامه حضور آن در این کشور فاقد ارزش است. طبق برداشت بازرسین، فلسفه عملیات مرکز تجاری این است که پس از چند سال فعالیت از میان برداشته شود، بنابراین آنها توصیه می‌کنند که این مرکز تا قبل از سال مالی ۱۹۸۰ از مرحله عمل خارج شود تا روش بهتری برای استفاده بیشتر از تسهیلات آن ابداع گردد (پیشنهاد ۹ هـ - ۱)

محوطه نمایشگاه بازرگانی تهران ظاهراً جای مناسبی برای به نمایش گذاشتن محصولات آمریکایی است و قبلاً نیز در موارد مناسب این مکان مورد استفاده شرکت‌های آمریکایی بخصوص در نمایشگاههای سالانه قرار گرفته است.

قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم نهایی باید عکس‌العملهای سیاسی و اجتماعی حاصل از این عمل را نیز در نظر گرفت، گرچه احتمال بروز این گونه فعل و انفعالات بسیار ضعیف است.

این مرکز در زمینه امور گمرکی مربوط به اقلام وارداتی از طریق مرکز تجاری جهت برگزاری نمایشگاهها با مشکلات بسیار شدیدی دست به‌گریبان بوده است. این امر مسائلی را در برخورد با مقامات گمرکی ایران ایجاد کرده و باید به آن توجه شود، گرچه در این اواخر وضع بهبود بیشتری پیدا کرده است. (پیشنهاد ۹ هـ - ۲)

اگر این مرکز تعطیل شود، مسئول تحقیق در امور بازار باید در بخش اقتصادی / بازرگانی به کار مشغول گردد. این بخش باید تقویت شود و بعضی از خدمات ارائه شده توسط مرکز تجاری برای جامعه تجاری آمریکا باید در بخش اقتصادی / بازرگانی انجام شود که عبارتند از کمک و مشاوره با آنها در برقراری تماس با جامعه بازرگانی ایران و راهنمایی تجار جدید در امور این کشور.

#### پیشنهادات

۹ هـ - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید بر فعالیت مرکز تجاری مروری داشته باشد یا بهره‌برداری از آن

را به طرز مؤثرتری افزایش دهد و یا برنامه‌ای برای حذف آن تا قبل از سال ۱۹۸۰ پیشنهاد نماید. در انجام این عمل سفارت باید با دفتر امور خاور نزدیک / امور ایران و وزارت بازرگانی همکاری نماید. ۹-۲. مرکز تجاری آمریکا در تهران باید مسائل گمرکی خود را در مورد کالاهایی که این مرکز وارد کشور کرده با مقامات محلی حل و فصل کند.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

کنت ان. راجرز  
بازرس

آلن برنسون  
بازرس

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
سازمانهای دیگر  
یادداشت بازرسی - شماره ۹  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
وزارت خزانه‌داری و اداره مالیات بر درآمد

#### حقایق

دفتر اداره مالیات بر درآمد در سفارت آمریکا در تهران یکی از چهارده دفتر این گونه‌ای است که در شهرهای بزرگ جهان مستقر می‌باشد و از سال ۱۹۷۴ در تهران کار خود را آغاز نمود است. این دفتر در بخش برنامه‌های خارجی دفتر عملیات بین‌المللی اداره مالیات بر درآمد فعالیت می‌کند. این دفتر دارای مسئولیت منطقه‌ای در برگیرنده ایران، لبنان، لیبی، مصر، بحرین، اردن، کویت، عراق، عمان، یمن، قطر، سوریه، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، پاکستان و افغانستان می‌باشد. دفتر مزبور در ساختمان سرکنسولگری آمریکا حدود دو خیابان دورتر از سفارت قرار دارد. دفتر تهران تحت نظارت یک افسر GS-۱۵ و معاونش که یک افسر GS-۱۴ است عمل می‌کند و هر دوی آنها کارمندان وزارت خزانه‌داری آمریکا می‌باشند. این دفتر دارای یک کارمند دیگر آمریکایی و یک منشی محلی نیز می‌باشد. این دفتر در طبقه چهارم ساختمان سرکنسولگری حدود دو خیابان دورتر از محوطه سفارت قرار دارد. در طول مدت شش ماه از سال یک پرسنل دیگر نیز به طور موقت به این دفتر مأمور می‌گردد تا در تهیه اظهار نامه‌های مالیاتی، مالیات دهندگان آمریکایی را یاری دهد. دفتر اداره مالیات بر درآمد رسماً با بخش اقتصادی بازرگانی سفارت مرتبط می‌باشد.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

نمایندگان اداره مالیات بر درآمد سعی می‌کنند سالی دو بار به شهرهای بزرگ تحت پوشش خویش در منطقه سفر کرده و امور مربوطه را انجام دهند که خود کاری دشوار است. وظیفه اصلی این دفتر حصول اطمینان از این امر است که شهروندان آمریکایی و شرکتهای آمریکایی و اتباع خارجی تابع مقررات مالیاتی آمریکا، قوانین و مقررات مالیاتی را رعایت می‌نمایند. مهمترین فعالیت این دفتر شامل کمک به مالیات دهندگان، حسابرسی مالیاتی، و برقراری تماس با مقامات مالیاتی دول منطقه می‌باشد. شمار آمریکاییهای مقیم این منطقه بسیار است و به طور مثال ۴۱۰۰۰ نفر از آنها در ایران و ۳۵۰۰۰ نفر در عربستان سعودی به کار مشغول می‌باشند.

دوره حاضر دوره‌ای بحرانی و پر فعالیت برای اداره مالیات بر درآمد بوده است، چون طی این مدت کنگره آمریکا در حال بحث پیرامون بخش ۹۱۱ قانون مالیاتی بود که بر بدهی مالیاتی آمریکاییهای مقیم خارج از کشور به استثنای مقامات دولتی تأثیر خواهد داشت. این امر نه تنها مایه نگرانی مالیات دهندگان بلکه شرکتهای استخدام کننده آنان نیز شده است، چون تغییر این قانون نه تنها هزینه کار بلکه نحوه رقابت ما را نیز دگرگون خواهد ساخت.

تعداد کثیری خارجی مقیم آمریکا نیز هستند که شهروندان ایرانی بوده و با «کارتهای سبز خویش» به ایران بازگشته‌اند. این افراد با وجود این که زمان چندانی را در آمریکا به صورت اقامت نمی‌گذرانند، ولی مقیم آمریکا شناخته می‌شوند. بنابراین تابع مقررات مالیاتی مربوط به درآمدهای خویش در تمام نقاط جهان می‌گردند، اجرای این مقررات در مورد کلیه این چنین افرادی در اغلب موارد در مورد درآمدهایشان در ایران دشوار است، چون بین ایران و آمریکا هیچ‌گونه معاهده مالیاتی منعقد نگردیده است. گاهی نیز این مورد تحت بررسی قرار گرفته ولی موفقیت چندانی نداشته است بنابراین، توصیه می‌شود که تلاش بیشتری در زمینه انعقاد چنین پیمانی با ایران به عمل آید. (پیشنهاد ۹ و - ۱)

#### پیشنهادات

۹ و - ۱. وزارت امور خارجه (دفتر خارجی اداره مالی داخلی) هماهنگ با وزارت خزانه‌داری، باید در صدد انعقاد پیمان مالیاتی با ایران باشد.

۹ و - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید در صورت یافتن یا احداث محل جدید و مناسب بخش کنسولی، مکان مناسبی را در همان ساختمان برای دفتر اداره مالیات بر درآمد در نظر بگیرد.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

کنت ان. راجرز  
بازرس

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۱۰ الف  
وحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
فعالیت‌های دیگر  
مدرسه آمریکایی تهران

#### حقایق

مدرسه آمریکایی تهران یک مدرسه خصوصی غیرانتفاعی آموزشی است که شامل برنامه‌های تحصیلی از کلاس اول دبستان تا سال آخر دبیرستان می‌باشد. شمار دانش‌آموزان کنونی این دبیرستان ۳۲۰۰ نفر است.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

وامهای بلاعوض دریافتی توسط این مدرسه در ژوئن ۱۹۷۶ معادل ۱۷۵۰۰ دلار؛ در آوریل ۱۹۷۷ معادل ۷۵۰۰ دلار؛ و در سپتامبر ۱۹۷۷ معادل ۲۵۰۰ دلار بوده است. به استثنای هزینه‌های مصرف شده جهت به کارگیری یک هواپیمای خارجی که جهت تأمین هزینه‌های لازم برای آن از وام بلاعوض ژوئن

۱۹۷۶ استفاده شده بود، تمام مخارج دیگر بر طبق شرایط وام قابل پرداخت مصرف شده بود. تنها توضیحی که در زمینه استفاده از هواپیمای خارجی داده شده این است که بخش مدیریت مدرسه این امر را ضروری تشخیص داده است. اگر این موضوع صحت داشته باشد و توضیح دیگری در توجیه مطلب ارائه نشود. هزینه حمل و نقل هوایی معادل ۱۰۲۶/۵۲

#### پیشنهادات

۱۰ الف - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید علت استفاده از هواپیمای خارجی را روشن نماید و در صورت عدم دستیابی به توضیحات کافی، باید هزینه حمل و نقل هوایی را عودت دهد.

آلن برنسون	چارلز تی. کراس
بازرس	بازرس ارشد

وزارت امور خارجه  
هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۱۰ ب  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸  
فعالیت‌های دیگر  
انجمن کارمندان آمریکا

#### حقایق

انجمن کارمندان آمریکایی یکی از عملیات وسیع از این دست در سرویس خارجه است. این انجمن دارای ۸۰۰۰ عضو بوده و در برگیرنده شهروندان آمریکایی مشغول به کار رسمی در ایران و نیز تعدادی از پرسنل بازنشسته نظامی آمریکا یا وزارت خارجه است که در ایران به سر می‌برند و دولت ایران به آنها اجازه داده که از مزیت خرید معاف از حقوق گمرکی محدودی برخوردار شوند. این انجمن دارای یک رستوران یک محل صرف مشروبات الکلی، فروشگاه، سرویس تاکسیرانی، سرویس استخداسی، آپارتمانهای موقتی و سرویسهای پستی می‌باشد. فروش سالانه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸، از مرز ۶ میلیون دلار فراتر خواهد رفت. در صورت اجرای عملیات گسترشی، میزان فروش سالانه به مرز ۱۰ میلیون دلار نزدیک خواهد شد.

آخرین حسابرسی مستقل انجام شده توسط حسابداران رسمی شامل دوره ۱۸ ماهه قبل از دسامبر ۱۹۷۶ بوده است. بر طبق برنامه‌های موجود باید کارمندان دولت غیر ذینفع آمریکایی حسابرسی لازم را در ژوئیه ۱۹۷۸ انجام دهند.

#### ارزیابی و نتیجه‌گیری

نحوه کنترل و نظارت بر عملیات اصولاً خوب است. با این حال میزان بیمه مربوط به خسارات وارده به کالاهای در نتیجه آتش‌سوزی، طوفان و وقایع دیگر، باید افزایش پیدا کند. در حال حاضر، میزان بیمه تنها کالاهای به ارزش یک میلیون دلار را در بر می‌گیرد، ولی ارزش کالای موجود حدود ۱/۵ میلیون دلار برآورد شده است. از آنجا که شرکت بیمه به ندرت کل ارزش مربوط به کالاهای بیمه شده را تأمین می‌کند، میزان خسارات احتمالی وارده به انجمن کارمندان آمریکایی می‌تواند وسیع باشد (پیشنهاد ۱۰ ب - ۱).

مورد دیگری که باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد میزان پول نقدی است که بلا استفاده مانده و می تواند در صورت سرمایه گذاری به صورت سپرده بانکی کوتاه مدت مبلغی به عنوان بهره کسب نماید. تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸، بیش از یک میلیون دلار یا به صورت موجودی وجود داشته و یا در حساب چکی انجمن سپرده شده بوده است. (پیشنهاد ۱۰ ب - ۲).

در یک مورد دیگر متوجه شدیم که انجمن کارمندان آمریکا می تواند در زمینه حسابداری به گروه مشاوره تفریحی سفارت آمریکا در تهران یاری دهد. اخیراً این گروه اقدام به جمع آوری مقدراری اعانات کرده و قرار است این کار بیش از اینها نیز ادامه پیدا کند. ولی هیچ گونه نظارتی بر دریافت و پرداخت این پولها و مبالغ اعمال نمی شود. مبالغ جمع آوری شده در صندوق یکی از کارمندان سفارت نگهداری می شود و اسناد مربوطه شامل یادداشتهای مربوط به آنها می باشد.

به منظور برقراری یک سیستم حسابداری موجه و کنترلهای داخلی و جلوگیری از بروز مشکلات این مبالغ بایستی به تنخواه گردانی که توسط انجمن کارمندان آمریکایی نگهداری می شود، انتقال یابد و همین انجمن مسئول نقل و انتقالات مربوطه باشد. (پیشنهاد ۱۰ ب - ۳)

#### پیشنهادات

۱۰ ب - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید از انجمن کارمندان آمریکایی بخواهد که میزان بیمه کالاهای خویش را افزایش دهد تا از وارد آمدن خسارات احتمالی جلوگیری به عمل آید.

۱۰ ب - ۲. سفارت آمریکا در تهران باید از انجمن کارمندان آمریکایی بخواهد که حداقل نقدینه مورد نیاز را نزد خویش نگهداری کند. مبالغ مازاد نیز باید به صورت سپرده های مدت دار نزد بانک سپرده شود.

۱۰ ب - ۳. سفارت آمریکا در تهران باید از گروه مشاوره تفریحی بخواهد که تمام موجودی خویش را به انجمن کارمندان آمریکایی بسپارد و این انجمن نیز باید حسابی را مخصوص این گروه افتتاح کرده و تمام نقل و انتقالات مالی مربوط به آن را در آن حساب ضبط کند.

آلن برنسون  
بازرس

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

وزارت امور خارجه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)  
یادداشت بازرسی - شماره ۱۱  
واحد: تهران - ژوئیه ۱۹۷۸

امور علمی

#### حقایق

در سفارت آمریکا در تهران بخش اقتصادی - بازرگانی پاسخگوی امور علمی نیز می باشد. وابسته علمی با موضوعات مهمی از قبیل مسائل مربوط به انرژی هسته ای سروکار دارد.

ارزیابی و نتیجه گیری

ایران پیمان عدم تکثیر سلاحهای هسته ای را امضاء و تأیید نموده است. به دنبال امضای لایحه

همکاری هسته‌ای توسط رئیس‌جمهور در آوریل ۱۹۷۸، تمام قراردادهای همکاری هسته‌ای باید مورد مذاکره مجدد قرار گرفته و از اهمیت بیشتری برخوردار گردند. ایران اولین کشوری بود که در مورد آن این امر به مرحله اجرا در آمد. بنابراین اهمیت این مذاکرات و تأثیر آن بر دیگر ملل که شمار آنها به ۴۰ می‌رسد. قابل ملاحظه می‌باشد.

وابسته علمی در زمینه امور مربوط به جمعیت نیز فعالیت داشته و با مقامات وزارت بهداشت و رفاه اجتماعی تماس‌های بسیار می‌گیرد. او برنامه‌های کنترل خانواده در ایران را برای آژانس گسترش بین‌المللی ارزیابی کرده و در غیر این صورت به عنوان رابط عمل می‌کند. گرچه آمریکا در زمینه برنامه‌های کنترل خانواده ایران کمک مستقیمی را ارائه نمی‌کند، ولی ما در تلاش جهانی سازمان ملل مانند برنامه‌های آن در فدراسیون برنامه‌ریزی بین‌المللی والدین همکاری داریم. علاوه بر این به خاطر وابستگی ضروری موجود بین تکنولوژی مربوط به ارتقاء سطح زندگی و برنامه کنترل خانواده، می‌توان گفت که وابسته علمی نقش بسیار حائز اهمیتی را ایفا می‌کند. بازرسین احساس می‌کنند که وی در این زمینه عملکرد خوبی داشته و دارد. یکی از جنبه‌های مهم دفتر وابسته علمی مربوط به کار بخش اقتصادی / بازرگانی است و تلاش‌های مهمی را در زمینه ارتقاء وضع فروش تجهیزات و خدمات مهندسی، تکنولوژیکی و علمی در بر می‌گیرد. موفقیت این نوع تلاش‌ها نیاز به آگاهی از مسائلی را ایجاد می‌کند که نمی‌توان از مقام امور بازرگانی انتظار داشت، بنابراین حضور چنین وابسته علمی در تهران به نفع آمریکا می‌باشد. حدود نیمی از کار وی را بهبود وضع تجارت و فروش‌های بازرگانی تشکیل می‌دهد. بخشی دیگر از کارهای وی نیز عبارت است از تماس با جامعه آکادمیک و علمی ایران که وی در صورت داشتن یک دستیار تمام وقت، مایل به گسترش آن می‌باشد. وابسته علمی به بازرگانان منتخب آمریکایی توجه بسیاری را معطوف می‌دارد و به آنها در زمینه‌های مختلف بخصوص انرژی هسته‌ای، باد، برق و خورشیدی کمک می‌کند. اینها زمینه‌هایی است که ملل دیگر از جمله فرانسه و آلمان غربی در آنها فعالیت بسیار دارند. ظاهراً آمریکا در تسخیر این گونه بازارها بازنده بوده است و خنده‌دارتر این است که شرکت‌های برنده بازار از کشورهایی هستند که خود جواز تولید تجهیزات طراحی شده در آمریکا را در اختیار دارند. ظاهراً آمریکا شرکت‌چندانی در مناقصه‌ها نداشته و در ارائه خدمات و ارزیابی مستمر فعالیت چندانی ندارد. وزارت انرژی آمریکا نیز مایل به جمع‌آوری سودهای حاصله از برگزاری نمایشگاه تجاری انرژی خورشیدی در مرکز تجاری آمریکا در تهران به تاریخ مه ۱۹۷۸ است که این نمایشگاه نیز ظاهراً در برانگیختن توجهات سهم به سزایی داشته است. به احتمال زیاد ایران در نقاط مختلف جهان به مقایسه امکانات خرید در زمینه تجهیزات انرژی خورشیدی خواهد پرداخت. این نمونه‌ای از رقابت سرسختانه‌ای است که در این بخش جریان دارد چون فرانسه و آلمان معمولاً خدمات فنی نرم‌افزار متعاقب فروش‌های تجاری خویش را کاهش می‌دهند.

وابسته علمی در هر دو مورد از وظایف خویش یعنی وظیفه علمی و بهبود وضع فروش‌های بازرگانی با مشکلاتی عمده چون گردآوری اطلاعات موثق روبرو می‌باشد. بخش اعظم این گونه مشکلات مربوط به پنهان کاری سنتی و دیرین ایرانیهاست. ولی آمریکا هنوز هم در زمینه فروش و ارائه خدمات تکنولوژیکی عالی پیشگام می‌باشد.

وابسته علمی در دفتر سازمان ثبات اقتصادی تجارب بسیاری کسب کرده و تجربه بیست ساله‌ای نیز

در زمینه صنعت اندوخته است، که در نحوه برخورد وی با صنعتگران آمریکایی تأثیر به سزایی داشته است. با وجود اینکه بیش از دو ماه از اقامت وی در ایران نگذشته، ولی وی کمکهای شایان توجهی به سفارت نموده است. میزان این کمکها در آینده نیز افزایش خواهد یافت. تغییر عنوان شغلی وی به مشاور باعث ارتقاء مقام وی و سهولت در تماس با جامعه علمی و آکادمیک ایرانی خواهد گردید. (پیشنهاد ۱۱ - ۱) نهایت این که او به یک دستیار تمام وقت نیازمند می باشد.

#### پیشنهاد

۱۱ - ۱. سفارت آمریکا در تهران باید از وزارت امور خارجه درخواست نماید که عنوان وابسته علمی را به مشاور امور علمی و تکنولوژی تغییر دهد.

چارلز تی. کراس  
بازرس ارشد

کنت ان. راجرز  
بازرس



فهرست اعلام



- آ - الف
- آرونات، پی. ال. / ۹۷
- آ. اوپک / ۲۱۵، ۱۹۱
- آبادان / ۲۶۶، ۲۷۳، ۶۴۸، ۶۹۴، ۷۱۱، ۷۹۸
- آتاباسکای (کانادا) / ۴۱۹، ۴۲۰
- آتک / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸
- آتلانتیک ریجفیلد / ۴۰۴، ۴۱۲
- آتن / ۳۴۸، ۳۵۶
- آدلسیک، جوزف دبلیو. / ۲۹۶، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸
- ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶
- ۳۳۷، ۳۳۸
- آدمیرال ترنر / ۲۶۸
- آدیس آبابا / ۱۹۸، ۵۴۴، ۵۶۷
- آذربایجان / ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۵
- ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۸، ۶۹۳، ۷۷۸، ۷۸۵
- آذربایجان شرقی / ۳۱۸، ۷۴۰
- آذربایجان غربی / ۳۰۹، ۳۱۱
- آذر (سرتیپ) / ۳۳۴
- آرتز / ۲۴۱
- آرژانتین / ۵۸۹، ۵۹۶، ۶۲۰
- آرمیتاژ، جان الف. / ۷۱
- آروشا / ۵۷۴
- آزمون، منوچهر / ۳۹۵
- آژانس آمریکایی توسعه بین الملل / ۷۸۳
- آژانس ارتباطات بین المللی / ۸۱۷، ۸۲۰، ۸۲۷
- ۸۳۵، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۵۱، ۸۵۷
- آژانس اطلاعات دفاعی / ۷۱، ۲۵۰، ۵۴۲
- آژانس اطلاعات مرکزی سیا / ۴۶۶، ۶۱۹
- آژانس بین المللی آمریکا / ۷۹
- آژانس بین المللی انرژی اتمی / ۸، ۱۶، ۳۸، ۶۵۴
- آژانس جهانی بهداشت / ۲۱۳
- آژانس خبری خاورمیانه / ۲۲۴
- آژانس خبری عراق / ۲۴۷
- آژانس دولتی ژاپنی / ۷۶۶
- آژانس سازمان ملل / ۲۱۳
- آژانس عمران بین المللی / ۶۳
- آژانس کنترل و خلع تسلیحاتی / ۷۱، ۷۲
- آژانس گسترش بین المللی / ۸۸۷
- آژانس مبارزه با مواد مخدر / ۸۲۷
- آژانس متارکه گران / ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۷
- آژانس ملی انرژی / ۴۵۶، ۴۵۷
- آساب / ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹
- آستارا / ۶۰۱
- آسوان / ۲۱۰، ۲۱۱
- آسیا / ۴۴، ۶۴، ۱۴۴، ۲۰۴، ۲۳۱، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۴، ۵۳۵، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۷، ۵۷۹، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۲، ۶۸۷، ۷۰۴، ۷۴۴، ۷۴۸، ۷۴۸، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۸، ۷۷۴، ۷۸۲
- آشورکویک، پتر ایوزیفویچ / ۱۰۶، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۴، ۵۴۸، ۵۴۱، ۵۶۴، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۲، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴

- آکاپوف، پاول / ۲۴۹  
 آکرمان، کارل د. / ۹۱  
 آکینز، جمیز، ئی. / ۴۵۵، ۴۵۶  
 آلاسکا / ۴۱۵، ۴۵۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۰۰، ۵۰۱  
 ۵۱۵  
 آلبانی / ۱۷۹، ۱۸۵  
 آلبرتا / ۵۰۱  
 آلکسوئیچ، بوگینی / ۳۱  
 آلمان / ۹، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۸۰، ۹۵، ۱۰۷، ۱۳۶، ۱۳۶، ۲۳۶، ۳۰۱، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۶۹۶، ۷۱۱، ۷۸۱، ۷۸۱، ۸۵۶، ۸۸۷  
 آلمان شرقی / ۱۷۹، ۵۱۰، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۲، ۵۵۱، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۶۱  
 آلمان غربی / ۱۷، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۹۴، ۹۵، ۱۵۰، ۲۳۵، ۲۴۵، ۳۸۰، ۳۹۶، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۹، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۹۲، ۷۰۱، ۷۳۵، ۷۳۶، ۸۸۷  
 آلمان نازی / ۲۲۴  
 آلن، جیمز / ۱۸  
 آلنده، سالوادور / ۵۹۳  
 آماریس / ۱۹۲  
 آمریکا / (اکثر صفحات)  
 آمریکای لاتین / ۳۵۶، ۴۱۷، ۴۵۳، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴  
 آموزگار، جمشید / ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۷۳، ۷۹۲، ۷۹۳  
 آمونیاک / ۶۵۸  
 آنتولی / ۱۰۱  
 آنتاناریو / ۵۸۱  
 آنتیل هلند / ۵۹۲  
 آندریف، آندری نیکولایویچ / ۵۵  
 آنکارا / ۶۴، ۱۹۸، ۵۵۳  
 آنگوساکسون / ۴۳۷  
 آنگولا، ۵۳۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۱، ۵۷۶  
 آواکس / ۸۳۲  
 آیروفلوت / ۸، ۲۴، ۶۵  
 ابالخیل / ۴۸۶  
 ابراهیم القیسی / ۲۱۳  
 ابوسفیان / ۲۵۴  
 ابوظبی / ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۹۸، ۶۱۰  
 ا.بی. سی / ۷۶۶  
 اتاق بازرگانی ایران و آمریکا / ۲۵۹  
 اتاوا / ۸، ۹۳، ۲۰۴، ۲۰۲  
 اتحادیه بین‌المللی مخابرات / ۸  
 اتحادیه پست جهانی / ۱۹۵  
 اتحادیه تجاری بین‌المللی / ۱۹۵، ۷۰۰  
 اتحادیه عرب / ۲۲۲، ۲۲۶  
 اتریش / ۴۹۳  
 اتیوپی / ۲۵۰، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۸۰، ۵۸۳، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۹، ۶۲۲، ۷۰۳  
 اجلاس بغداد / ۲۲۰  
 احمد ابوالقیط / ۲۴۸  
 احمد امیر، آمال / ۲۰۵  
 احمد بن بلا، ۳۹۲  
 احمد سلطان / ۲۰۵  
 اخوان المسلمین / ۱۹۰، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۴۳  
 اداره اوقاف / ۷۸۷  
 اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی / ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴



- اسکندریه / ۱۴۹، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۰۷
- اسکو / ۴۸۷
- اسکو تزکو، ولادیمیر / ۱۱۸، ۱۲۶
- اسلام آباد / ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲
- ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۶۱۲، ۶۱۸
- اسلامی، علی / ۲۵۹، ۲۹۴
- اسماعیل فهمی / ۲۰۳
- اسماعیلیه / ۱۹۶، ۲۰۵
- اشتاین / ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱
- اشتراوب، آلفرد / ۱۰۰
- اشتراوس / ۶۵۹
- اشچوکن، میخائیل / ۱۶
- اشرف عبداللطیف غوریال / ۲۰۰، ۲۰۳
- اش، هیوز ال. (سرتیپ) / ۶۴۶، ۶۴۸
- اصفهان / ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۶۵، ۳۶۶
- ۳۷۰، ۳۹۲، ۶۰۲، ۶۶۰، ۶۷۳، ۶۸۶، ۷۰۱، ۷۰۵
- ۷۱۱، ۷۲۴، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۹۳، ۷۹۴
- ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۱۷
- ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۶، ۸۶۷
- ۸۶۸، ۸۶۹
- اطریش / ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۸۰، ۶۰۱، ۶۶۳
- اف. بی. آی / ۱۸، ۱۹، ۵۷
- افتخاری، قاسم / ۳۸۶
- افخمی، مهناز / ۷۷۴
- افریقای جنوبی / ۵۰۴، ۵۲۲
- افغانستان / ۲۱۸، ۲۷۲، ۳۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۹
- ۵۴۴، ۵۴۸، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۲۰
- ۶۲۹، ۶۵۸، ۶۸۷، ۶۹۵، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۴۹
- ۷۹۷، ۸۷۹، ۸۸۳
- اقبال، منوچهر / ۶۴۹، ۶۵۰
- اقیانوس اطلس / ۱۹۷
- اقیانوس هند / ۹۶، ۵۴۸، ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۶
- ۷۵۰، ۷۵۲، ۸۳۰
- ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲
- اس.دی. یکن / ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵
- اس.دی. پلاد / ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲
- ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹
- اس.دی. پوتی / ۳۲۱، ۳۲۲
- اس.دی. پیر / ۳۱۵
- اس.دی. ترامپ / ۹۲، ۹۴
- اس.دی. جانوس / ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵
- ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹
- ۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷
- اس.دی. راتر / ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۷۲، ۳۷۳
- ۳۸۰، ۳۸۱
- اس.دی. رایت / ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹
- اس.دی. روپ / ۲۶۴
- اس.دی. فورگیو / ۲۷۰
- اس.دی. کاراوی / ۳۹۳
- اس.دی. کازمو / ۳۲۱
- اس.دی. مارکت / ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹
- اس.دی. ولید / ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۰
- ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۸۶
- اسرائیل / ۱۵، ۶۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳
- ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵
- ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴
- ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹
- ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰، ۴۰۷
- ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۶
- ۶۵۹، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۱۳، ۷۲۴
- ۷۳۱، ۷۳۲
- اسکاتلند / ۷۰۴
- اسکاربک، ایروین / ۶۲
- اسکاردو (Skardu) / ۶۱۸
- اسکله کوناگری / ۵۶۹
- اسکندر / ۶۹۵
- اسکندرون / ۶۵۸

- اکتینگ / ۱۵۴  
 اکسیدنتال / ۴۱۲، ۴۰۴  
 اکوادور / ۵۹۴، ۵۱۷، ۴۵۳  
 الازهر / ۲۱۰  
 ال.ان. ایز / ۱۳۷  
 ال.ان. یوما (رمز) / ۳۵۷، ۳۵۶  
 ال. پی. گامین / ۳۵۷، ۳۵۹  
 الجزایر / ۳۹۲، ۴۳۰، ۴۳۷، ۴۹۱، ۵۰۴، ۵۱۷، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۴  
 الجزیره / ۵۵۹، ۵۵۸، ۵۵۵، ۵۶۰، ۶۰۲، ۶۱۲، ۶۱۶، ۶۲۰، ۵۵۹، ۵۳۹، ۲۰۲، ۱۹۸، ۱۴۹، ۵۳، ۵۱، ۷۰۳  
 السالوادور / ۲۳۱  
 العریش / ۲۲۳  
 الغوار / ۴۸۳  
 القانین، حبیب / ۲۳۲  
 القبصی / ۲۱۳  
 الکبیر / ۵۵۹  
 المنصوره / ۱۹۶  
 الهی، سیروس / ۷۸۱  
 الیاس سرکیس (رئیس جمهور لبنان) / ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲  
 الیانور / ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۶۲  
 امارات متحده عربی / ۲۳۴، ۶۱۰، ۶۵۹، ۸۸۳  
 امام خمینی / ۲۵۴، ۲۳۳، ۲۲۷، ۲۱۲، ۱۸۹، ۹۵، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸  
 امان / ۸۱۱، ۷۸۸، ۷۲۳، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۱۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۱۹۸  
 امیرانتظام، عباس / ۳۸۰، ۳۷۵، ۳۷۴، ۲۹۶، ۲۹۳، ۲۵۸، ۲۵۳  
 ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۵۹
- امیرطهماسبی، زاله / ۳۹۲  
 امینی، علی / ۶۹۷، ۶۴۹  
 ان. بی. سی / ۲۱۵  
 انجامنا / ۹۷  
 انجمن ایران - آمریکا / ۷۶۵، ۷۷۱، ۷۷۶، ۷۷۷  
 ۷۷۸، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۷۸  
 اندونزی / ۲۱۹، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۴۴، ۴۶۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۱۱، ۵۸۶  
 انستیتو گوته / ۷۷۸  
 انستیتو هودسون / ۷۶۶  
 انصاری، عبدالرضا / ۶۶۱، ۶۶۹  
 انصاری، هوشنگ / ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۲۴، ۶۶۱  
 انقلاب سفید / ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۷۳، ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۹، ۷۰۹، ۷۴۱  
 انگلستان / ۱۹، ۲۱، ۱۸۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۹۰، ۳۴۰، ۳۹۶، ۴۱۷، ۵۳۴، ۶۲۹، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۶۳، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۱۱، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۵، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۶۷، ۷۹۱  
 انگلیس / ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۹۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۹۷، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۴۳، ۵۹۱، ۵۹۹، ۶۱۵، ۶۵۱، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۹۲، ۶۹۳، ۷۲۷، ۷۸۶  
 اوبلاست، ونیتسکی / ۱۲۹  
 اوپک / ۱۹۱، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۱۹، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۲

ایروین / ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۴۸	۵۲۳، ۵۲۴، ۵۴۸، ۵۷۰، ۷۵۲، ۸۱۲، ۸۱۹
ایزمن / ۲۴۱	اورشلیم / ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۴۱
ایزوستیا / ۸، ۹۲، ۹۵، ۲۲۴	۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۶۵۹
ای. زی. نوا / ۳۶۰	اورشلیم پست / ۲۴۴
ایستگاه ماهواره‌ای سمفونی / ۱۹۷	اورشلیم شرقی / ۲۰۹
ایستگاه ماهواره زمینی در همدان / ۷۱۱	اورلی / ۱۸، ۱۹
ایسلند / ۴۹۳	اوروگوئه / ۵۸۹، ۵۹۶
ایگور / ۹۳	اورینکو تاربلت / ۴۸۹
ایلتس / ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۴۰	او. زی. رام / ۹۸
ایل قشقای / ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۴	اوکراین / ۱۰۷، ۵۰۸
۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹	اوگاند / ۵۶۴، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۸۰
ایلیتسلف، والتین ایوانویچ / ۳۷	۶۰۴
ایتوریست مینسک / ۱۰۶، ۱۰۹	اوگاندا / ۵۷۴، ۵۸۳
ایندیانا / ۱۸۵، ۲۹۹، ۴۰۴	اوگردنیکیف، آناتولی تریفنویچ / ۵۳، ۵۴
ایندین / ۲۸۲	اولان باتار / ۱۰۰
ایوانوویچ، اریک / ۹۴	اولتان، دونالد / ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۶۱، ۶۴
ای. وی. اچ (EVH) / ۹	اولسون، ریچارد ال. / ۶۴۷، ۶۴۸
	اوتتاریو / ۵۰۳
ب	اوهاها / ۱۸۶
بائر، گری هاف / ۸۰۵	اوهایو / ۳۴۱
باربادوس / ۵۸۹، ۵۹۲	اوهیرا / ۲۲۰
بارن، دیوید / ۴۴۳	اویسی، غلامعلی (ارتشبد) / ۶۳۹، ۷۱۴
باروز، فرانک / ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۱	اویل کالیفرنیا / ۴۰۴، ۴۱۱
۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۹۰	اویل نیوجرسی / ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۴۳
بارون، جان / ۱۰۶	اهرلیک، سیمکا / ۲۴۵
بازار تهران / ۳۰۱	اهرم / ۲۴۶
بازرگان، مهدی (مهندس) / ۲۳۳، ۲۵۸، ۲۷۲	اهرن، توماس ل. / ۲۶۳، ۳۰۸، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹
۲۸۱، ۲۹۸، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱	۳۵۹، ۳۸۱
۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۹	اهواز / ۳۲۱، ۴۸۷، ۷۹۸
۳۷۴، ۳۸۵	ایالت اوریسا / ۶۱۶
باشگاه افسران تهران / ۱۲۸	ایتالیا / ۲۳۶، ۲۳۸، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۶، ۴۹۳
باکینگهام، بریانت / ۳۶۵، ۳۶۶	۴۹۶، ۴۹۷، ۶۹۲
باکینگهام (خانم) / ۳۶۵	ایرلند / ۴۹۳
بال / ۱۵۴	ایروان / ۹۳



- بالاشوف / ۵۴، ۵۲، ۵۱  
 بالفور / ۲۶۲  
 بانفورا / ۵۸۴  
 بانک بین‌المللی بازسازی و عمران / ۷۰۰  
 بانک تعاونی کشاورزی / ۷۴۰  
 بانک چیس مانهاتان / ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۳۱  
 ۴۴۲، ۴۴۳  
 بانک رفاه کارگران / ۷۳۸  
 بانک رهنی / ۷۳۸  
 بانک صادرات ایران / ۷۹۵  
 بانک صنعتی ایران / ۷۷۶  
 بانک عمران آفریقایی / ۱۹۵  
 بانک عمران ژاپن / ۴۹۶  
 بانک فرست نشنال سیتی (نیویورک) / ۳۴۱، ۴۰۴، ۴۱۲  
 بانک مرکزی ایران / ۶۵۳، ۶۶۲، ۷۳۸، ۸۰۱  
 ۸۰۲، ۸۰۳  
 بانگوی / ۹۷  
 باوالوف، ریا / ۱۰۳، ۱۲۰  
 باهاماس / ۵۹۲  
 باهدون، مؤمن / ۲۲۵، ۲۲۶  
 بجیل (Bajil) / ۶۰۳  
 بحر خزر / ۶۸۵  
 بحرین / ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۵، ۶۵۶، ۸۸۳  
 بخارست / ۵۹۱، ۶۰۱، ۶۰۸، ۶۱۸  
 بختیار، تیمور (سپهبد) / ۳۶۸، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۵، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۹۸، ۷۹۱  
 بختیار، شاهپور / ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۹۹، ۳۱۱، ۳۲۲  
 ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۶۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۹۳  
 بختیان / ۷۸۹  
 بخش، شول / ۷۶۳  
 برازویل / ۹۷  
 برازین / ۲۹۹  
 براس پترو / ۴۸۸  
 برانت، ویلی (صدراعظم اسبق آلمان) / ۲۴۵  
 براون، رالف / ۸۶، ۲۳۷  
 برایان / ۳۴۷  
 برت، دیول (ارتشبد) / ۷۱۷  
 برزیل / ۸، ۲۸۲، ۳۸۶، ۴۸۸، ۵۰۶، ۵۸۸، ۵۸۹  
 ۵۹۰، ۶۲۰  
 برژنف / ۲۲۴  
 برژینسکی، زیگنیو / ۲۰۸  
 برلن / ۱۴۹  
 برلن شرقی / ۴۶، ۳۸۶  
 برلین / ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱  
 برمه / ۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۵۸۵  
 برنجیان (سرهنگ) / ۶۴۶، ۶۴۷  
 برنسون، آلن دبلیو. / ۸۱۶، ۸۵۱، ۸۵۵، ۸۶۲  
 ۸۷۴، ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۸۶  
 بروان (خانم) / ۸۶  
 بروجردی (آیت‌الله) / ۲۱۲  
 بروکسل / ۱۵، ۲۳، ۲۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۵  
 بروکلین / ۱۳  
 بروین، راجر سی. / ۷۶۶، ۷۷۹، ۷۹۹، ۸۱۷  
 بریتانیا / ۱۸۹، ۳۴۳، ۳۸۸، ۶۵۵، ۶۶۰، ۷۹۱  
 بریتیش پترولیوم / ۴۰۴، ۴۱۲  
 بریج تاون / ۵۹۲  
 بش / ۷۹۹  
 بغداد / ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲  
 ۲۳۱، ۲۴۷، ۴۲۳، ۴۳۹، ۴۸۸، ۵۴۷، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۱۲  
 بغدادی / ۱۹۸، ۱۹۹  
 بک، ژوزف / ۱۴، ۱۶  
 بگین، مناخیم / ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۹  
 بلاغی، سیدصدرالدین / ۲۷۸، ۲۸۲  
 بلژیک / ۱۵، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۶۵، ۶۶، ۴۳۹  
 ۴۹۳  
 بلغارستان / ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۵۱۰، ۵۴۲، ۵۵۴

- ۵۵۵، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۸، ۶۱۷، ۶۱۹
- بلک، جورج / ۸۶
- بلگراد / ۲۰۴
- بلوچستان / ۳۵۴، ۳۶۰، ۷۰۵
- بلو، مری / ۸۵
- بمیئی / ۱۴۹
- بن / ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۶۲، ۹۵، ۲۱۴، ۳۹۲، ۶۵۸
- بندر آبادان / ۶۹۴
- بندر پورت سعید / ۱۹۶
- بندر پهلوی (بندر انزلی) / ۳۸۰، ۷۱۵
- بندر رود شرخان / ۶۱۴
- بندر سعید / ۲۰۵
- بندر سنیفوگوس / ۲۰۷
- بندر سوئز / ۱۹۶
- بندر سوتامتون / ۲۲
- بندر شاهپور / ۷۴۵
- بندرعباس / ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۴۵، ۷۹۸
- بندر لوبا / ۵۷۹
- بندر نوآکچوت / ۵۶۲
- بنگلادش / ۶۱۴، ۶۱۵، ۳۸۶
- بنلوکس / ۴۳۹
- بنیاد پهلوی / ۶۸۴
- بنیاد سرمایه‌گذاری در ایران / ۳۹۶
- بنی صدر، ابوالحسن / ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۸۶
- بنین / ۵۷۶، ۶۱۹
- بوئر، کاری هاف / ۷۹۹
- بوئنوس آیرس / ۵۸۹
- بوین، الکساندر / ۲۲۴
- بوتروس / ۲۲۵
- بوتسوانا / ۵۷۷
- بوخارست / ۱۴۹
- بودائیسیم / ۸۵
- بوداپست / ۱۴۹، ۵۹۰
- بوداما / ۶۱۹
- بوراما / ۵۷۴
- بوروندی / ۵۷۷
- بوستون / ۲۲
- بوس، هوارد آر. / ۶۴۶
- بوکارو / ۶۱۶
- بوکاسا / ۵۷۸
- بوکاس دل‌تورو / ۵۹۳
- بوکسیت یونان / ۶۰۹
- بوگوتا / ۵۹۴
- بولستر، آرچی ام. / ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۸۰
- بولستر، کیو. آر. / ۲۷۲، ۳۰۴
- بولیوی / ۵۹۱، ۵۹۲
- بهرامیان، بهرام / ۲۵۳، ۲۵۷، ۳۲۷، ۳۴۰، ۳۴۵
- بهرام / ۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰
- بهشتی، سیدمحمدحسین (آیت‌الله) / ۲۸۲، ۳۱۵
- بهرام / ۳۷۴
- بیروت / ۱۹۸، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶
- بیمارستان ارتش آمریکا (تهران) / ۱۰۱، ۱۰۸، ۳۲۳، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۵
- بیسائو / ۴۰۷، ۴۴۱
- بی.سی. هاوک / ۵۷۷، ۵۸۰
- بیگی، بهمن / ۳۶۶
- بیل واث / ۱۰۳
- بیمارستان ارتش آمریکا (تهران) / ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۳۶، ۸۵۵، ۸۵۶
- بیمارستان شوروی (تهران) / ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۳۵
- بیمارستان ماثار (Mathare) / ۵۸۰
- پ
- پاپوآ گینه / ۵۸۶
- پاپیچ، اس. جی. / ۳۶۷

- پاترسون، دیوید / ۲۸۳، ۷۶۶  
 پادگان سمیرم / ۳۶۳  
 پاراماریبو / ۵۹۵  
 پارسا / ۷۸۰  
 پاریس / ۱۹۸، ۲۲۵، ۲۷۶، ۳۰۲، ۳۲۰، ۳۲۳  
 ۳۳۸، ۳۵۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۶۸  
 پاسادنا / ۳۰۴  
 پاسایک / ۲۹۹  
 پاکروان، حسن / ۶۳۵، ۷۹۰، ۷۹۱  
 پاکروان، کریم (دکتر) / ۷۹۰، ۷۹۱  
 پاکستان / ۶۳، ۶۶، ۹۶، ۲۱۹، ۲۳۱، ۶۱۲، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۹۷، ۷۰۳  
 ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۳۷، ۷۴۹، ۷۹۱، ۸۸۳  
 پاکستان غربی / ۶۵۸  
 پالایشگاه ساحلی آمریکا / ۴۲۶  
 پالایشگاه سنگاپور / ۵۸۷  
 پالایشگاه (غنا) / ۵۷۹  
 پالایشگاه ماثورا (Mathura) / ۶۱۷  
 پالایشگاه نفت آناتولی / ۶۰۸  
 پالایشگاه نفت بانیاس / ۶۰۷  
 پالایشگاه نفت تاماتاوہ / ۵۸۱  
 پالایشگاه نفت در کوناکری / ۵۷۰  
 پالایشگاههای کارائیب / ۵۶۲  
 پاناما / ۲۳۱، ۵۸۹، ۵۹۳  
 پایگاه فیلادلفیا / ۲۶۳، ۳۰۱  
 پایگاه نیروی دریایی خرمشهر / ۶۴۱  
 پایگاه هوایی دزفول / ۶۴۱  
 پایگاه هوایی مهرآباد / ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۴۸  
 پراکسمایر (سناتور) / ۴۴۵  
 پراگ / ۱۴۹  
 پراودا / ۸، ۹۳  
 پرتغال / ۴۹۳، ۵۴۲، ۵۹۶  
 پرتلانت / ۱۳۷  
 پرسی (سناتور) / ۷۲۴، ۷۳۱  
 پرو / ۵۴۶، ۵۹۰  
 پروخوروف، یوگنی میخایلوویچ / ۲۲  
 پروژه بلت اوئن - بورائو / ۵۷۴  
 پروژه نیروی آبی اتیاپو / ۵۹۰  
 پیرا (Pereira) / ۵۷۷  
 پریش، ام. آر. / ۳۶۵  
 پریم، بیبی آر. (سرگرد) / ۶۴۷  
 پرینس پورت / ۵۹۲  
 پستایم تکز، اف. جی. / ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹  
 پطروس غالی / ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۱  
 پکن / ۱۷۴، ۲۳۱، ۵۱۱، ۵۳۵، ۵۵۶، ۵۷۳  
 ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۶، ۵۸۷  
 ۵۸۹، ۵۹۴، ۶۰۹، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۳  
 ۶۲۴  
 پکوئین، دونالد سی. / ۱۳۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰  
 ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۴۶، ۳۴۷  
 ۳۷۲، ۳۸۰  
 پلاتوف (سرهنگ) / ۱۰۶  
 پلنتینگا / ۳۴۱، ۳۸۸  
 پوتوسی / ۵۹۱  
 پوتیاتوف، ولادیمیر / ۱۱، ۱۲  
 پورت آپرینس / ۹۷  
 پورتیلو، لویز / ۵۹۵  
 پوستون، سی. ام. / ۳۶۸  
 پولارد / ۳۶۷  
 پویاپسکی، میکول / ۸۶  
 پهلوی، رضا / ۱۹۲  
 پهلوی، علیرضا / ۳۶۴  
 پهلوی، فرح / ۲۱۱، ۶۵۹، ۶۹۸  
 پهلوی، محمدرضا / ۹۵، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۰  
 ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷  
 ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۹۵  
 ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۶۲  
 ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۲

تاگور، رایبندرانات / ۲۸	۶۲۹، ۶۲۸، ۶۲۷، ۵۹۸، ۵۶۳، ۴۳۳، ۴۰۳، ۴۰۲
تالواگ / ۶۵۶	۶۳۹، ۶۳۷، ۶۳۶، ۶۳۵، ۶۳۴، ۶۳۳، ۶۳۱، ۶۳۰
تامست، ویکتورال . / ۸۱۷، ۷۹۹، ۷۹۳	۶۵۳، ۶۵۲، ۶۵۱، ۶۵۰، ۶۴۹، ۶۴۵، ۶۴۴، ۶۴۰
تاننا / ۱۹۶	۶۶۳، ۶۶۲، ۶۶۰، ۶۵۹، ۶۵۸، ۶۵۶، ۶۵۵، ۶۵۴
تانزانیا / ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۶۴، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶	۶۷۸، ۶۷۷، ۶۷۶، ۶۷۴، ۶۷۳، ۶۷۰، ۶۶۹، ۶۶۵
۵۸۳، ۶۲۳، ۶۲۴	۶۸۶، ۶۸۵، ۶۸۴، ۶۸۳، ۶۸۲، ۶۸۱، ۶۸۰، ۶۷۹
تانک سوینگ فایر / ۲۳۵	۶۹۴، ۶۹۳، ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۹۰، ۶۸۹، ۶۸۸، ۶۸۷
تایلند / ۵۸۷	۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۲، ۷۰۳
تایوان / ۵۸۰	۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳
تأسیسات سالتوگراند / ۶۲۰	۷۱۴، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴
تأسیسات سورو مورسک / ۹۹	۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۲، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۸۴، ۷۸۵
تأسیسات نظامی کیپ ورد / ۵۷۷	۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۸، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۹
تبریز / ۱۴۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۱۲، ۲۶۵	۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۳۱
۲۷۸، ۳۰۱، ۳۶۶، ۳۶۷، ۶۶۰، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۲۴	پی. ال. اس. دی. ارن / ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴
۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۴، ۸۱۳، ۸۱۴	۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵
۸۱۷، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۸، ۸۵۳، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲	۳۵۶، ۳۵۹
۸۷۳، ۸۷۴	پیشوائیان، مایک / ۷۷۲
تخت جمشید / ۷۵۸، ۷۱۰، ۷۰۵، ۶۸۸، ۳۶۵	پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) / ۹، ۱۹، ۴۴، ۴۶
تخت طاووس / ۸۱۳، ۶۸۷، ۳۸۸	۵۵، ۴۴۵، ۸۱۲، ۸۱۹
ترکمن / ۳۰۶	پیمان سنتو / ۶۲۹، ۶۴۲، ۶۵۳، ۶۵۸، ۶۹۶، ۷۰۰
ترکیه / ۱۷، ۴۶، ۴۶، ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۳۳، ۵۳۹	۷۰۳، ۸۲۰
۵۴۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۹۷، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۵۸، ۶۹۷	پیمان عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای / ۸۸۶
۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۸۵، ۸۱۴، ۸۷۳، ۸۷۹	پیمان ورشو / ۸۴، ۱۴۹، ۵۶۰، ۵۷۳، ۵۸۲، ۵۹۰
تره‌کی، نورمحمد / ۶۱۲	۶۰۲
تریپولی / ۵۶۰، ۴۳۹، ۴۳۲، ۴۲۳، ۱۹۸، ۶۵	پینک، الینور / ۸۶
تریسته / ۱۴۹	
تصفیه خانه شکر (بنگلادش) / ۶۱۵	ت
تگراس / ۴۲۳، ۱۸۵، ۱۲۶، ۱۰۳	تاباسکو / ۵۰۶
تگراکو / ۴۱۲، ۴۰۴	تاجبخش، اردشیر (سرتیپ) / ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۶
تل‌آویو / ۱۵، ۱۹۸، ۲۲۴، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۱	۶۴۷
۲۴۴، ۲۴۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۷۰، ۳۷۱	تاجیکستان / ۱۰۹
۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۵	تاچر / ۶۶۴
تلویزیون آمریکا / ۷۶۱، ۷۷۰	تارلتزکایا، رگینا کوزیمیروفنا / ۱۰۶
تلویزیون ملی ایران / ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۸۳	تاشکند / ۹۶

- تتباکوی یونان / ۶۰۹  
 تنب کوچک و بزرگ / ۶۹۸  
 تنسی / ۱۸۶  
 تنگه هرمز / ۷۱۳  
 توسلی، محمد / ۳۴۱  
 توکیو / ۹۷، ۲۱۴، ۲۲۰، ۴۹۶  
 توگو / ۵۸۳  
 تولبرت (رئیس جمهور) / ۵۸۰  
 توماس اچ. گان (سرهنگ دوم) / ۶۴۶  
 تون / ۲۵۰  
 تونس / ۵۱، ۵۲، ۱۹۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۳۵۵، ۵۶۳  
 ۶۲۲، ۶۵۹  
 تهران / (اکثر صفحات)  
 تهران ژورنال / ۷۹۵  
 تیرباس / ۲۳۲  
 تیپ گارد ریاست جمهوری / ۱۹۷  
 تیبسی، رابرت پی. / ۱۶۴  
 تیلور، کلاید د. / ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹  
 ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۴
- ج  
 ج. آر. یو / ۵، ۶  
 جابر انصاری، همایون / ۷۳۷  
 جاده تاماتاوه - مورامانگا / ۵۸۱  
 جاکارتا / ۲۴، ۵۸۶  
 جامائیکا / ۵۸۹، ۵۹۲  
 جامعه اقتصادی اروپا / ۴۰۸، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۵۴  
 جانسون، رابرت ال. / ۱۸، ۱۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲  
 ۱۳۳، ۱۳۵، ۲۰۰  
 جانسون، فرانک / ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳  
 جانسون، لیندن / ۲۰۰  
 جبلنسکی، هاروی آ. (سرلشکر) / ۶۴۷، ۶۴۸  
 جبهه خلق آزادیبخش فلسطین / ۲۲۹  
 جبهه دموکراتیک ملی / ۲۸۲
- جبهه ملی / ۲۲۳، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶  
 ۲۹۳، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۵  
 ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۳  
 جبهه ملی سوم / ۲۹۹  
 جدو / ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۷۰  
 ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۴۴۷  
 جزایر ابوموسی / ۶۹۸  
 جزایر پانیز / ۵۶۹  
 جزایر خلیج فارس / ۶۹۹  
 جزایر کارائیب / ۵۸۹، ۸۰۴  
 جزایر ویرجین / ۸۰۳، ۸۰۴  
 جزیره ابوموسی / ۶۵۶  
 جزیره خارک / ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۷  
 جزیره گراند کومور / ۵۷۸  
 جزیره لاوان / ۶۴۹، ۷۱۰  
 جسکول / ۴۴۵  
 جشنهای دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران /  
 ۷۱۰  
 جعفر نمیری / ۲۲۲  
 جکسون (سرگرد) / ۳۶۷  
 جکسون (سناتور) / ۴۴۵  
 جمال عبدالناصر / ۱۹۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۶۳۴  
 جم، فریدون (تیمسار) / ۲۸۰، ۶۵۲  
 جمهوری دمکراتیک آلمان / ۸۹، ۱۸۵  
 جمهوری دمکراتیک خلق کره / ۱۸۵  
 جمهوری دمکراتیک خلق یمن / ۹۶، ۲۴۷، ۶۰۴  
 جمهوری سوسیالیستی ویتنام / ۸۹  
 جمهوری عربی مصر / ۱۹۴  
 جمهوری فدرال آلمان / ۱۲۲  
 جمهوری لاتویا / ۲۵  
 جمهوری متحده عربی / ۱۹۸، ۱۹۹، ۶۳۴، ۶۵۱  
 جمهوری یمن جنوبی / ۲۳۰  
 جنبش رادیکال / ۳۱۲  
 جنبش غیرمتعهدها / ۲۰۲، ۲۲۱، ۲۷۲

- جنیش ملی فارس / ۳۶۳  
 جنگ اعراب و اسرائیل / ۲۰۰، ۲۰۱، ۶۴۹  
 جنگ جهانی دوم / ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۸  
 جنوب لبنان / ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲، ۲۴۶  
 جوادی / ۳۱۷  
 جوزف، الیس / ۹۹  
 جونز، تام / ۸۵  
 جی. آر. یو (سازمان اطلاعاتی روسیه) / ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۳۴، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۵  
 جیبوتی / ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۵۷۴، ۵۷۹، ۶۱۹  
 جیل، لاری / ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷  
 جینگلز، رابرت ال. / ۸۱۷  
 چ  
 چائوشسکو / ۶۶۱  
 چاپمن، آلبرت اس. / ۷۶۸، ۷۶۹  
 چاد / ۲۳۱، ۳۳۶، ۵۵۵، ۵۶۵، ۵۷۸، ۶۸۵، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۵، ۷۹۸، ۸۰۵  
 چرتون / ۶۵، ۶۶  
 چرومکین، یوری سمنوویچ / ۱۰۶  
 چکسلواکی / ۹، ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۳۵، ۳۰۱، ۵۱۰، ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۱، ۷۱۱  
 چردان التکریتی (ژنرال) / ۶۵۶  
 چین / ۲۳، ۲۸، ۸۹، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۸، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۰۲، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۴۴، ۶۵۸، ۷۰۰، ۷۱۳  
 ح  
 حاتیم / ۱۹۸  
 حاج سید جوادی / ۳۶۲  
 حاج سید جوادی، احمد صدر / ۲۸۰، ۲۸۱  
 حاجی بابای اصفهانی (کتاب) / ۶۸۶  
 حاجی هاشم / ۲۸۱  
 حافظ / ۷۰۵  
 حافظ اسماعیل / ۲۰۲  
 حبیب زیادهاره / ۲۲۲  
 حردان التکریتی (ژنرال) / ۶۵۶

- حوزه نفتی ساموتلر / ۵۰۷  
 حوزه نفتی میناس / ۴۹۱  
 حوضچه لیمپوب / ۵۷۲
- خ
- خاتمی، محمد (ارتشبد) / ۶۵۲، ۷۱۴، ۷۱۵  
 خارطوم / ۱۹۸، ۵۸۳  
 خاقانی، شیخ محمدطاهر (آیت‌الله) / ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۰، ۳۶۲  
 خالد محی‌الدین / ۲۰۹  
 خامنه‌ای، محمد (آیت‌الله) / ۳۸۶  
 خاور دور / ۱۳، ۲۵، ۶۳  
 خاورمیانه / ۵۶، ۴۴۰، ۴۴۱، ۵۴۱، ۵۵۰، ۵۵۴  
 ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۲  
 خاور نزدیک / ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۵۳  
 ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۷، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۳۱، ۸۳۳  
 ۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۵  
 ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۹، ۸۷۲، ۸۷۵، ۸۷۶  
 ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶  
 خبرگزاری آسوشیتدپرس / ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۹  
 خبرگزاری تاس / ۸، ۵۰، ۵۳، ۹۲  
 خبرگزاری چین / ۱۷۴  
 خبرگزاری نووستی / ۸  
 خراسان / ۲۷۸، ۲۸۲، ۶۷۳  
 خرمشهر / ۱۸۳، ۲۸۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۴۹، ۷۱۶  
 ۷۱۷، ۷۴۵، ۷۹۸، ۸۶۷، ۸۶۹  
 خروشچف / ۵۳۵  
 خسروانی / ۶۵۰، ۶۶۱، ۶۶۲  
 خسروخان / ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸  
 خسروشاهی، سیدهادی / ۲۷۸، ۲۸۲  
 خلخال، صادق / ۲۳۳، ۲۹۵  
 خلعتبری، عباسعلی / ۶۵۷، ۷۲۹، ۷۳۱  
 خلیج پرودهو / ۴۴۳  
 خلیج سفلی / ۶۵۶
- حزب ایران / ۶۶۲  
 حزب ایران نوین / ۶۴۹، ۷۰۰  
 حزب ایرانیان / ۷۰۰  
 حزب بعث سوریه / ۲۴۶  
 حزب پان ایرانیست / ۶۴۹، ۶۶۲  
 حزب توده / ۳۳۶، ۶۶۰، ۶۶۳، ۶۹۶، ۷۰۰  
 حزب جمهوری اسلامی / ۲۸۲  
 حزب جمهوری خلق مسلمان / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۳  
 ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۶  
 حزب دموکراتیک خلق / ۶۱۲  
 حزب دموکراتیک ملی / ۲۲۳  
 حزب رادیکال / ۲۷۸  
 حزب رستاخیز / ۷۸۴، ۷۸۶، ۷۸۷  
 حزب کمونیست ایران / ۶۹۶  
 حزب کمونیست چین / ۱۷۴  
 حزب لیبرال / ۲۴۴، ۲۴۵  
 حزب لیکود / ۲۴۴  
 حزب محافظه‌کار انگلستان / ۲۶۹  
 حزب مردم / ۶۶۲، ۷۰۰  
 حزب ملی دموکراتیک / ۱۹۵  
 حسنی مبارک / ۲۰۶، ۲۴۰  
 حسینی فرد، احمد / ۳۸۶  
 حصیه / ۲۴۶  
 حضرت علی (ع) / ۷۰۵  
 حضرت محمد (ص) / ۷۰۵  
 حوزه اکوفیسک / ۵۰۰  
 حوزه الغوار / ۴۸۰، ۴۸۴  
 حوزه شمالی آلاسکا / ۵۰۱  
 حوزه فریگ / ۵۰۱  
 حوزه مدیترانه / ۶۵۸  
 حوزه نفتی استات افجورد (دریای شمال) / ۵۰۰  
 حوزه نفتی اندونزی / ۴۹۱  
 حوزه نفتی رومیله (Rumaylah) / ۶۰۳

داکا / ۱۴۹، ۶۱۴، ۶۱۵	خلیج فارس / ۲۳۷، ۲۴۷، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۲۳
داکار / ۱۴۹	۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۴
دالاس، آلن دبلیو / ۱۴۹	۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۴۷، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱
دان / ۳۹۱	۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۸
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱، ۱۰۵	۶۹۹، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷
۱۹۳، ۲۵۸، ۳۲۷، ۴۰۹، ۴۶۳، ۵۳۶، ۶۳۱، ۷۲۸	۷۳۲، ۷۴۴، ۷۵۲، ۷۵۹، ۷۶۴، ۷۷۳، ۸۱۲، ۸۱۹
دانشکده افسری تهران / ۲۱۲	۸۳۰، ۸۵۹
دانشکده اقتصاد لندن / ۷۹۱	خلیج مکزیک / ۴۲۳
دانشگاه آذر آبادگان / ۷۸۶	خلیل / ۲۴۷
دانشگاه آریامهر / ۶۷۴	خوزستان / ۲۵۹، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲، ۳۲۱، ۳۶۱
دانشگاه آزاد ایران / ۷۹۱، ۷۹۰	۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۶۴۹، ۶۶۳، ۶۷۵
دانشگاه آکسفورد / ۳۷	خولت (Kholette) / ۵۶۸
دانشگاه استانفورد / ۳۹	خیابان آپادانا / ۳۴۹
دانشگاه اصفهان / ۷۹۴، ۷۹۵	خیابان بلیس واتر / ۲۰، ۲۱
دانشگاه بیرزیت / ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۹، ۲۴۱	خیابان تخت جمشید / ۱۸۵
دانشگاه پهلوی شیراز / ۷۵۹، ۷۶۰	خیابان جردن / ۷۶۳
دانشگاه تولوز فرانسه / ۳۹۷	خیابان دروس / ۷۷۰
دانشگاه تهران / ۳۹۷، ۶۶۲، ۶۷۴، ۶۹۹، ۷۳۴	خیابان سی ام / ۳۰۳
دانشگاه جورج تاون / ۲۰۵	خیابان سیبویه / ۳۴۹
دانشگاه رازی / ۷۶۰	خیابان شاهرضا / ۲۱۳
دانشگاه شیکاگو / ۷۹۱	خیابان فارهیلز / ۳۴۱
دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) / ۳۹۳، ۳۹۴	خیابان ماساچوست واشنگتن / ۲۰۵
دانشگاه فیرلی دیکنسن / ۳۹۲	خیابان مهرشاه / ۳۴۶
دانشگاه فؤاد / ۲۰۳	خیابان میرداماد / ۳۱۸، ۷۶۳
دانشگاه قاهره / ۱۹۴، ۲۰۳	خیابان مین / ۳۶۷
دانشگاه کالیفرنیا / ۱۳	خیابان نادرشاه / ۳۰۷
دانشگاه کلمبیا / ۷۶۵	خیابان نادری / ۷۷۰
دانشگاه لندن / ۳۷	خیابان نیاوران / ۷۹۰
دانشگاه مسکو / ۹۳	خیابان ویلا، ۱۲۹
دانشگاه ملی / ۷۶۰، ۷۸۱	خیابان هشت گرد / ۷۸۱
دانشگاه نیویورک / ۲۹۸، ۲۹۹	خیز تویمان اوبلاست شمالی / ۵۰۸
دانشگاه هاروارد / ۲۰۳	
دانشگاه هال نیویورک / ۲۹۹	
دانشگاه یل (YALE) / ۳۷	د
	دارالسلام / ۱۱، ۵۷۴، ۶۲۳



- دان، لاندان. / ۶۴۶، ۶۴۸  
 دانمارک / ۴۳۸، ۴۹۳  
 داوینیا، لئونید واسیلیوویچ (سرهننگ دوم) / ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۳۵  
 داوینیا، ناتالیا ویکتوروفنا / ۱۰۷  
 دایان، موشه / ۲۴۵  
 دلبلیو. او. لاک / ۳۶۰  
 دلبلیو. او. میس / ۱۶۰  
 ددیچ، پیتر / ۸۱۷  
 درابلز، ماتیتیا هو / ۲۴۴  
 دربانی، محسن / ۷۷۳  
 دروموند، نلسون سی. / ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲  
 درون، والتر دی. (سرتیپ) / ۷۱۷  
 دره آواش / ۵۶۹  
 دره کریورا / ۵۸۰  
 دریچه ارومیه / ۷۰۱  
 دریچه ان - نوبا / ۵۸۳  
 دریچه ماراکائیبو / ۴۸۸  
 دریای اژه / ۶۹۵  
 دریای بالتیک / ۷۰۴  
 دریای خزر / ۶۶۰، ۶۹۳، ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۱۵  
 دریای سیاه / ۲۵، ۶۰۹  
 دریای شمال / ۴۱۵  
 دریای مدیترانه / ۱۹  
 دزفول / ۶۴۸، ۷۱۵  
 دستگاه اطلاعاتی مجارستان / ۹  
 دستگاه جاسوسی آمریکا / ۴۶۲  
 دفاع هوایی موشک هاوک / ۷۱۹  
 دفتر اطلاعاتی آمریکا / ۵۴۱  
 دفتر اینتوربیست / ۶۴  
 دفتر بازرسی کل / ۸۱۶  
 دفتر حفاظت آمریکا / ۸۱  
 دفتر کنترل مهمات وزارت خارجه / ۸۰۴  
 دلتای نیل / ۲۰۴
- دماغه آنجوان / ۵۷۸  
 دمشق / ۱۹۸، ۲۲۴، ۲۳۲، ۶۰۵  
 دنور / ۱۸۵  
 دنیس، یوری ام. / ۱۳۸، ۱۳۹  
 دورویتر، بارون ژولیوس / ۴۰۲  
 دوشان تپه / ۷۱۵  
 دوگل / ۶۴۹  
 دوگلاس، ال. هک (معاون سفیر) / ۷۱۷  
 دوگلاس، ویلیام / ۳۹۲  
 دومینیکن / ۵۸۹، ۵۹۲  
 دهانه (KOLUINET) / ۹۹  
 دهکده بیت یاهون / ۲۴۶  
 دهلی نو / ۲۷، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۷۰  
 ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۵۵  
 دیتون / ۳۴۱  
 دیرتک / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۵۴  
 ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹  
 دیلارد / ۱۱۷  
 دیلون، فرانسیس آر. (گروهبان) / ۱۱۷  
 دیما / ۱۳۷، ۴۸۶  
 دیمیتروف / ۹۷  
 دیوان عالی شیلی / ۲۳۱  
 دیهم، فریتز / ۹۴
- ر  
 راجرز، جان سی. (سرهننگ) / ۱۱۷، ۱۱۸، ۶۲۹، ۶۵۳، ۸۱۶، ۸۳۳، ۸۶۲، ۸۷۴، ۸۸۳  
 رادیو آمریکا / ۷۶۱، ۷۷۰  
 رادیو اسرائیل / ۲۲۹  
 رادیو اورشلیم / ۲۲۴  
 رادیو بیروت / ۲۴۶  
 رادیو تهران / ۲۱۲  
 رادیو قاهره / ۲۴۶، ۲۹۹

رادیو مراکش / ۲۲۵	رودخانه آلتوسینو / ۵۹۴
رادیو و تلویزیون ملی ایران / ۳۱۲، ۷۷۰، ۷۲۷، ۷۵۶، ۷۸۲	رودخانه سیو / ۵۸۳
راسک / ۱۵۵، ۳۹۰	رودخانه لیتانی / ۲۴۶
رافرتی، جیمز / ۳۴۴	رودخانه مارارونی علیا / ۵۹۵
راکفلر، دیوید / ۷۹۱	رودخانه هیرمند / ۶۵۸
راکول / ۳۹۰	رود ماهاولی (سیلان) / ۶۱۹
رامسر / ۶۷۴	رود نیل / ۱۹۶
رامکف، آنا تولی (دکتر) / ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳	روزنامه آیریش تایمز / ۲۴۶
رانگون / ۱۳۵، ۱۳۴	روزنامه آیندگان / ۳۷۹
رانوف، نیکولای ایوانویچ / ۲۴	روزنامه اردنی الرأی / ۲۴۶
رانویو، بروکس / ۸۱۷	روزنامه اطلاعات / ۲۶۵، ۶۵۶
رانویو، مرلین / ۸۱۷	روزنامه الاخبار / ۲۴۷
راورا، دومنیکو / ۶۴۹	روزنامه الاهرام / ۲۰۸
راه آهن تان - زام / ۵۷۴، ۵۷۶، ۶۲۱، ۶۲۲	روزنامه السفير / ۲۴۷
رأس الخیمه / ۶۵۶	روزنامه النهار / ۲۴۷
رباط / ۱۹۸	روزنامه بیروتی النهار / ۲۰۳
رحمان / ۶۵۸	روزنامه صاعقه / ۲۴۶
رحیمی فرید، س. / ۲۷۶	روزنامه کیهان / ۲۶۵
رحیمی نژادی / ۷۶۷	روزنامه کیهان اینترنشنال / ۷۵۸
رسولی، علی / ۳۸۶	روزنامه معاریو / ۲۲۹
رشت / ۶۶۰، ۷۱۵	روزنامه منا / ۲۴۱
رضاخان / ۶۸۷، ۶۹۶، ۱۹۲	روزنامه نوویو (روسی) / ۹۷
رفسنجان / ۲۱۲	روزنامه یدیوت آهارونوت / ۲۴۵
رم / ۱۸۹، ۳۴۴، ۳۸۶، ۳۹۴، ۶۴۸، ۷۰۴	روس / ۱۰۴، ۱۱۹، ۶۸۷، ۶۹۳
رنسکله / ۳۰۱	روسف، الکساندروویچ / ۲۴
رن، کریستوفر / ۲۵۰	روسیه / ۱۳، ۹۳، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۴
روآندا / ۵۵۴، ۵۸۱، ۶۲۲	رومانی / ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۴۹، ۵۱۰، ۵۴۲
رود آمودریا / ۶۱۳	روکانوف، الکساندر ایوانویچ / ۲۴
رود اردن / ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۴۴	رومانی / ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴
رود اکسوس / ۶۸۷	رومانی / ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲
رود تونکا / ۶۰۸	رومانی / ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۵۹۹
	رومانی / ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۸

- س
- سائوتومه / ۵۸۲
- سابو، لاسلو / ۹
- ساحل غربی رود اردن / ۲۳۹
- ساخاروفسکی، الکساندر میخایلوویچ / ۴۰
- ساریس، لوئیس جی / ۲۳۹
- سازانوف، آنتولی / ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
- سازمان آزادیبخش فلسطین / ۲۲۲، ۳۲۳
- سازمان ارتباطات بین‌المللی آمریکا (ایران) / ۸۱۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸
- سازمان اطلاعات شوروی (کا.گ.ب.) / ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۶۴
- سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) / ۷۶، ۱۰۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۸۰، ۳۵۲، ۴۰۱، ۴۱۷، ۴۶۱، ۵۴۱، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۶۳، ۶۸۲، ۷۶۳، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۱۳
- سازمان اطلاعاتی لهستان / ۸۴، ۸۶
- سازمان امنیت ایران در کردستان / ۶۵۰
- سازمان بازرسی شاهنشاهی / ۶۶۲
- سازمان برنامه و بودجه ایران / ۳۹۴، ۳۹۷، ۷۲۷، ۷۳۸، ۷۴۵، ۷۴۵، ۷۶۹، ۷۹۰
- سازمان بهداشت جهانی / ۱۹۵، ۲۱۳، ۲۱۴، ۷۰۰
- سازمان بیمه‌های اجتماعی / ۷۳۸
- سازمان بین‌المللی انرژی / ۵۲۴
- سازمان بین‌المللی کارگری / ۱۹۵
- ۶۱۹، ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۶۱، ۶۶۷
- رومیله / ۴۸۸
- روننگ، یوگینوویچ / ۴۱
- رویتز / ۲۴۲
- ریاض، محمود / ۲۰۲
- ریودوژانیرو / ۸
- ز
- زئیر / ۲۹۳، ۵۵۳، ۵۶۵، ۵۷۵
- زاپو / ۵۷۶
- زامبیا / ۵۶۴، ۵۷۵، ۵۷۶
- زاهدی، اردشیر / ۳۸۸
- زاهدی، حسن / ۶۶۱
- زکریا محی‌الدین / ۱۹۸، ۱۹۹
- زلاندنو / ۴۷۵
- زلنین / ۵۱، ۵۲، ۵۳
- زنجان / ۲۹۹
- زنجان، حاج‌آقارضا / ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷
- زنجان، سید بیوک / ۲۸۲
- زنتر (دکتر) / ۳۶۷
- زورین، والرین الکساندروویچ / ۳۳
- زیمابوه / ۵۷۶
- ژ
- ژاپن / ۱۷، ۲۲۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۴۲، ۵۸۵، ۶۹۲، ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۸، ۷۷۲، ۷۹۱، ۸۱۲، ۸۱۹
- ژاندارمری ایران / ۷۱۴
- ژنو / ۸، ۱۱۶، ۱۳۵، ۱۴۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۴، ۳۶۲
- ژوهانسبورگ / ۹۷

ساف / ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۳۲۱، ۳۲۳	سازمان توسعه صنایع کشاورزی در سودان / ۲۱۵
سالتوگراند (اوروگوئه) / ۵۸۹، ۵۹۶	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی / ۴۴۸
سالزبورگ / ۱۴۹	سازمان ثبات اقتصادی / ۸۸۷
سامانلاویوا (Samanalawewa) / ۶۱۹	سازمان جهانی آبادی‌نشین‌های صهیونیستی / ۲۴۴
ساموتلر / ۵۰۷	سازمان جهانی بهداشت / ۱۰۵، ۱۳۵
سانتیاگو / ۵۹۴	سازمان خواروبار و کشاورزی / ۷۰۰
ساندرز / ۲۴۵	سازمان دانشجویی ایرانی / ۶۶۳
سانفرانسیسکو / ۱۸۶، ۲۵۸، ۳۰۲، ۳۸۳، ۳۸۴	سازمان دفاع ملی / ۷۹۵، ۷۹۶
ساواک / ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۳۴، ۲۵۵، ۲۶۱	سازمان دفاعی / ۶۳۰، ۷۱۳
۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۹۷، ۲۹۹	سازمان رفاه و بیمه اجتماعی / ۷۳۳
۳۰۶، ۳۰۷، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۵۴، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۵	سازمان زنان ایرانی / ۷۷۵
۳۳۶، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۸	سازمان صنعتی عرب / ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷
۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۸۵، ۳۹۱، ۳۹۶	سازمان عقابها / ۴۰۶
ساواما / ۳۰۶، ۳۰۷	سازمان کار بین‌المللی / ۷۰۰
ساولف، میخائیل استیانویچ / ۲۲	سازمان کشاورزان ایران / ۷۲۶، ۷۳۳، ۷۴۰
سپاه بهداشت / ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۹۰	سازمان مبارزه با مواد مخدر / ۸۷۸، ۸۷۹
۳۷۹، ۳۷۰	سازمان مجاهدین خلق / ۲۹۶
سپاه پاسداران انقلاب / ۲۹۳	سازمان مشاوره دریایی بین‌دولتین / ۱۹۵
سپاه ترویج و عمران / ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۳	سازمان مقاومت ملی / ۳۳۶
۳۷۹، ۳۷۰	سازمان ملل (ژنو) / ۲۰۳
سپاه دانش / ۳۶۴، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۸، ۳۷۹	سازمان ملل متحد / ۸، ۱۶، ۲۲، ۱۴۹، ۱۹۵
۳۸۰، ۳۹۰، ۳۷۹	۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳
سپاه دین / ۳۷۹	۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷
سپاه عمران / ۳۷۵	۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۱۸، ۴۵۰، ۴۹۸، ۵۷۷، ۵۹۶، ۶۶۷
ست، آی.ان. / ۱۳۷	۳۸۰، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۷۰، ۳۳۸، ۳۸۷
ستیزفای ایگور، پی.دی. / ۹۳	سازمان مواد و غذایی کشاورزی / ۱۹۵
سحابی / ۳۵۹	سازمان وحدت آفریقا / ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۱
سحابی، عزت‌الله / ۳۵۲	سازمان همکاری و عمران اقتصادی / ۴۶۲، ۴۶۶
سد کاوساک - کاتاران / ۶۰۸	۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۸۵، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵
سد لاگدو / ۵۷۷	۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳
سد مایایی / ۵۷۲	۴۰۴، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲
سد ماسینگر / ۵۷۲	۴۲۳، ۴۲۴
س.دی. یوتی (رمز) / ۳۲۰	سازمان هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی / ۷۰۰
س.دی. راتر / ۳۷۴	

- سرف، ال. دبلیو. / ۲۶۸، ۲۶۷
- سری لانکا / ۹۵، ۶۱۲، ۶۱۹، ۶۲۲
- سعد حداد / ۲۳۲
- سعدی / ۷۰۵
- سفارت آمریکا (آنکارا) / ۲۲۱
- سفارت آمریکا (بیروت) / ۲۴۲، ۲۴۶
- سفارت آمریکا (تل آویو) / ۲۲۴، ۲۴۵
- سفارت آمریکا (توکیو) / ۲۲۰
- سفارت آمریکا (تهران) / اکثر صفحات
- سفارت آمریکا (جده) / ۲۱۸، ۲۱۹
- سفارت آمریکا (جیبوتی) / ۲۲۵
- سفارت آمریکا (صنعا) / ۲۱۳، ۲۳۰
- سفارت آمریکا (قاهره) / ۲۰۸، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۴۷
- سفارت امارات عربی متحده (تهران) / ۱۱۹
- سفارت ایران (مسکو) / ۶۶۰
- سفارت ایران (واشنگتن) / ۳۹۱، ۳۹۷
- سفارتخانه استکهلم / ۳۲۹
- سفارت ژاپن / ۳۰۹
- سفارت سوئیس / ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵
- سفارت شوروی / ۱۱، ۲۱، ۲۵، ۳۱، ۳۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۹، ۱۳۹
- سفارت مصر / ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۴۸، ۲۴۹
- سفارت مصر (مسکو) / ۲۴۸
- سلسله جبال زاگرس / ۷۰۵
- سلطان / ۲۰۶، ۲۱۱
- سلطان قابوس / ۲۲۲
- سلطنت آباد / ۷۷۹
- سلیم الحوص / ۲۳۰، ۲۴۲
- سلیمان فرنجه / ۲۳۰
- سماکیس، ال. و. / ۳۹۲، ۶۴۹
- سمیرم / ۳۶۳
- سمیکوف، اولگ الکساندروویچ / ۵۴
- سنا / ۴۴۵، ۷۰۰
- سنت، جی. بی. / ۳۴۸
- سنجایی، سام / ۲۵۸، ۳۲۷، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵
- سنجایی، کریم / ۲۵۸، ۳۱۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵
- سنگاپور / ۱۴۹، ۵۱۱، ۵۸۷، ۷۱۳
- سنگال / ۲۲۸، ۳۸۶، ۵۸۲
- سوئد / ۲۱۹، ۴۹۳، ۵۰۹
- سوئیس / ۱۰۴، ۱۳۵، ۶۸۳، ۷۹۱
- سوآرز، دیگو / ۵۸۱
- سواحل صیهاد / ۵۸۱
- سواحل مالها / ۵۸۱
- سودان / ۱۹۰، ۲۲۲، ۲۲۸، ۵۳۵، ۵۵۴، ۵۸۲، ۵۸۳، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴
- سورن (پسر لنینگراد) / ۹۳
- سوروکین، وادیم ولادیمیروویچ / ۲۲
- سورو مورسک / ۹۸، ۹۹
- سورینام / ۵۹۵
- سوریه / ۵۰، ۶۵، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲
- ۲۴۷، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۶۴، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۶۰، ۶۸۷، ۷۰۳، ۸۸۳
- سوئیک، سر تیب لئو ای. / ۷۱۷
- سولیوان، ویلیام ایچ. / ۱۳۴، ۲۱۳، ۷۹۰، ۸۱۷
- سوماترا / ۴۹۱
- سومالی / ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۵۰، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴
- سومد / ۲۲۰
- سوموزا / ۲۴۷
- سووبودا / ۶۶۱
- سوئیس / ۷۷، ۳۶۳، ۳۶۸، ۴۳۵، ۴۹۳
- سی. آ. برایت / ۹۵
- سی. آ. وردانت / ۹۵

شانگهای / ۲۸، ۵۶۴، ۵۷۵، ۶۱۴	سیا / ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸
شانون، روبرت / ۱۲۸، ۱۲۹	۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶
شاه حسن / ۵۶۳، ۶۵۹	۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷
شاه حسین / ۶۲۹، ۶۵۸	۱۳۸، ۱۴۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۵۵، ۲۵۶
شاه خالد / ۲۴۰، ۲۴۲	۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴
شاهراه مایوتو - کابودلگادو / ۵۷۲	۲۶۵، ۲۶۶، ۲۸۰، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۰، ۳۳۰
شاهزاده سلطان / ۲۳۴	۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۸۳
شاه عباس / ۳۸۸، ۶۸۷	۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۶، ۴۶۱، ۴۶۳
شاهنده، بهروز / ۷۶۸	۵۲۰، ۷۲۴، ۸۰۱، ۸۰۲
شبهتری زاده / ۲۷۸، ۲۸۱	سبیری / ۵۰۷، ۵۰۸
شبه جزیره عربستان / ۴۱۵	سی. بی. اس. / ۲۱۵
شرکت آسانسور اوتیس / ۷۷۳	سیراک / ۱۰۵، ۱۲۹
شرکت آگرگ / ۷۹۱	سیراک، دیمیتری لئونتیویچ / ۱۲۹
شرکت اسکو / ۸۰۲	سیراک، یوگنیا لوگیانوفنا / ۱۲۹
شرکت پیرانکو / ۲۶۱، ۲۷۹	سیرالئون / ۵۸۲
شرکت خانه سازی کورش / ۷۳۷	سی شلز / ۵۸۲
شرکت دیزل اتوپارت / ۷۷۲	سیف پور فاطمی، علی محمد / ۲۵۳، ۳۲۷، ۳۸۶
شرکت فیلور / ۷۷۹	۳۸۹، ۳۹۱
شرکت لانا / ۲۹۹	سی. کن. تاپ / ۹۳، ۹۸
شرکت ملی تجاری (سیرالئون) / ۵۸۲	سی. کی. لگ / ۹۸
شرکت ملی نفت ایران / ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۸۵	سی. کی. کون / ۱۳۷
۴۰۳، ۴۵۶، ۴۸۷، ۶۳۵، ۶۶۶، ۶۹۲، ۷۶۶، ۸۰۱	سیگگی / ۲۲۷
۸۰۲	سیلا، ۲۲۷
شرکت موریس / ۵۸۱	سیماکیس، لاری دلبیو / ۶۴۹
شرکت نفت استاندارد ایندیانا / ۴۱۲	سیمپسون، تی (سرگرد) / ۲۵۰
شرکت نفت انگلیس / ۶۸۳	سینگ، رانش (وزیر خارجه هند) / ۶۵۸
شرکت نفت شل / ۴۱۲، ۴۴۳	سینگهور (Singhor) / ۵۸۲
شرکت نفت عراق / ۴۲۹	
شرکت نفتی آرامکو / ۴۰۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۶	ش
۴۶۸، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴	شابی / ۷۸۱
۴۸۶، ۴۹۲	شارون / ۲۱۷
شرکت نفتی آنگلو ساکسون / ۴۳۸	شاکا (شهردار نابلس) / ۲۴۱
شرمرهن، لانج / ۷۶۰	شامیر، موشه / ۲۱۷
شریعتمداری، سیدحسن / ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۸۵	شانشه، دین (سرهننگ) / ۱۱۷

- ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۸۵، ۱۷۹، ۱۶۴، ۱۶۰، ۱۵۷، ۱۵۶  
 ۲۶۹، ۲۵۵، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۳۱، ۲۲۴، ۲۰۷، ۲۰۶  
 ۴۱۷، ۴۱۶، ۳۷۲، ۳۶۳، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۰۷، ۲۹۵  
 ۴۸۷، ۴۷۰، ۴۶۹، ۴۶۷، ۴۴۱، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴  
 ۵۱۲، ۵۱۱، ۵۱۰، ۵۰۹، ۵۰۸، ۵۰۷، ۵۰۶، ۵۰۴  
 ۵۳۴، ۵۳۳، ۵۳۲، ۵۳۱، ۵۲۷، ۵۲۶، ۵۲۵، ۵۱۳  
 ۵۴۳، ۵۴۲، ۵۴۱، ۵۴۰، ۵۳۹، ۵۳۸، ۵۳۷، ۵۳۵  
 ۵۵۱، ۵۵۰، ۵۴۹، ۵۴۸، ۵۴۷، ۵۴۶، ۵۴۵، ۵۴۴  
 ۵۶۰، ۵۵۹، ۵۵۷، ۵۵۶، ۵۵۵، ۵۵۴، ۵۵۳، ۵۵۲  
 ۵۶۸، ۵۶۷، ۵۶۶، ۵۶۵، ۵۶۴، ۵۶۳، ۵۶۲، ۵۶۱  
 ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۷۴، ۵۷۳، ۵۷۲، ۵۷۱، ۵۷۰، ۵۶۹  
 ۵۸۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۸۱، ۵۸۰، ۵۷۹، ۵۷۸، ۵۷۷  
 ۵۹۴، ۵۹۳، ۵۹۲، ۵۹۱، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۸۷، ۵۸۶  
 ۶۰۲، ۶۰۱، ۶۰۰، ۵۹۹، ۵۹۸، ۵۹۷، ۵۹۶، ۵۹۵  
 ۶۱۰، ۶۰۹، ۶۰۸، ۶۰۷، ۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۴، ۶۰۳  
 ۶۱۸، ۶۱۷، ۶۱۶، ۶۱۵، ۶۱۴، ۶۱۳، ۶۱۲، ۶۱۱  
 ۶۳۶، ۶۳۰، ۶۲۹، ۶۲۴، ۶۲۳، ۶۲۱، ۶۲۰، ۶۱۹  
 ۶۹۵، ۶۹۳، ۶۹۲، ۶۶۱، ۶۶۰، ۶۵۹، ۶۵۸، ۶۵۱  
 ۷۰۴، ۷۰۳، ۷۰۲، ۷۰۱، ۷۰۰، ۶۹۸، ۶۹۷، ۶۹۶  
 ۷۵۲، ۷۵۰، ۷۱۶، ۷۱۳، ۷۱۲، ۷۱۱، ۷۱۰، ۷۰۵  
 ۸۳۱، ۸۲۰، ۸۱۹، ۸۱۴، ۸۱۲، ۸۱۱، ۷۹۱، ۷۵۴  
 ۸۷۳  
 شوش / ۷۵۸  
 شولار / ۳۲۱  
 شهرک غرب / ۳۹۴  
 شهر مدیسون نیوجرسی / ۳۹۲  
 شهر هیرون / ۲۱۷  
 شهزاد، نادر / ۳۸۶  
 شهلا، علی اکبر / ۳۰۱، ۲۶۳  
 شیخ الاسلام زاده، شجاع الدین (دکتر) / ۳۹۶  
 شیخ زکی یمانی / ۴۰۷  
 شیخ عیسی / ۶۵۵  
 شیراز / ۳۷۰، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۱۸۵، ۱۸۴  
 ۷۳۶، ۷۲۵، ۷۲۴، ۷۱۸، ۷۰۵، ۶۷۰، ۳۹۶، ۳۸۰
- ۳۰۸، ۳۰۶، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۸۸، ۲۸۷  
 شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله) / ۲۵۳، ۲۳۳  
 ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۵  
 ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵  
 ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴  
 ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲  
 ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۴، ۲۹۲، ۲۹۱  
 ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱  
 ۳۲۷، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۱۱  
 ۳۸۵، ۳۷۶، ۳۷۱، ۳۶۲  
 شریعتمداری، علی (دکتر) / ۳۸۵  
 شط العرب (اروند رود) / ۶۵۴، ۶۵۲، ۶۵۱، ۶۲۸  
 ۷۰۱، ۶۹۴، ۶۶۱، ۶۵۶، ۶۵۵  
 شفیق الهوت / ۲۱۹  
 شلین، الکساندر نیوکولایویچ / ۱۱  
 شلنبرگر / جک اچ / ۸۱۷  
 شوا، رشاد / ۲۲۹  
 شورای امنیت سازمان ملل / ۶۹۶، ۲۴۵  
 شورای امنیت ملی / ۶۳۵، ۶۲۸، ۴۴۹، ۴۴۸  
 شورای انقلاب / ۳۴۶، ۳۴۰، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹  
 شورای داخلی انرژی / ۴۵۰  
 شورای صلح (کلمبو) / ۹۵  
 شورای عالی نویسندگان مسکو / ۹۳  
 شوروی / ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳  
 ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴  
 ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۹، ۲۷، ۲۶، ۲۵  
 ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸  
 ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹  
 ۷۷، ۷۵، ۷۱، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰  
 ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۱، ۸۹، ۷۸  
 ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰  
 ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۸  
 ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹  
 ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۵

- عباس آباد / ۷۷۰، ۸۱۶، ۸۱۴، ۸۱۳، ۷۹۸، ۷۹۷، ۷۹۲، ۷۶۸، ۷۶۰  
 عبدالحکیم امیر / ۱۹۸، ۱۹۹، ۸۷۲، ۸۷۰، ۸۶۹، ۸۳۲، ۸۲۸، ۸۲۳، ۸۱۷  
 عبدالحلیم خدام / ۲۲۳، ۳۳۲  
 عبدالفتاح اسماعیل / ۲۳۰، ۵۹۴، ۵۹۳  
 عبدالکریم قاسم / ۴۲۸، ۲۴۶  
 عبداللطیف البغدادی / ۱۹۹، ۷۵۹، ۷۵۸، ۷۵۷، ۷۵۶، ۷۵۵  
 عبدل، ابوالحسن / ۳۵۲، ۳۷۸، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰  
 عدن / ۶۰۵، ۶۰۴، ۵۹۷، ۵۴۵، ۹۶، ۱۹۸  
 عراق / ۲۲۰، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۱۸۵، ۱۶۴، ۹۳، ۲۱۸، ۲۱۴، ۲۱۳، ۱۹۹، ۲۲۷  
 ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۴۷، ۲۵۰، ۳۱۴، ۳۸۰، ۴۱۵، ۵۵۹  
 ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰، ۵۵۹  
 ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۱۵، ۵۳۴، ۵۳۸، ۲۲۲  
 ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹  
 ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۲۸، ۶۲۹، ۵۵۹  
 ۶۳۰، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۲۲۲  
 ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۹۳، ۳۸۶  
 ۶۹۴، ۶۹۸، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۳۲، ۷۷۵، صحرای غربی / ۵۵۹  
 ۷۸۹، ۸۷۳، ۸۸۳، صلاح خلف / ۲۴۶  
 عربستان سعودی / ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، صمدیان پور، صمد (سرتیپ) / ۶۴۸، ۶۴۶، ۶۳۸  
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، صندوق بین‌المللی پول / ۷۰۰، ۱۹۵  
 ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۲۳، صنعا / ۶۰۴  
 ۲۴۵، ۲۴۸، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، صوفیه / ۱۴۹  
 ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۷۷۵  
 ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۲، ۲۷۰، ۲۶۶ / طالقانی، سید محمود (آیت‌الله) / ۲۷۰، ۲۶۶  
 ۵۱۳، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۴۸، ۵۷۳، ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۴۹، ۲۷۳، ۲۸۲، ۳۱۰، ۳۵۲، ۳۵۳  
 ۶۵۵، ۶۹۸، ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۳۲، ۸۸۳، طاهری / ۷۷۹  
 عزیز (تیمسار) / ۳۶۶، ۶۳۸، طباطبائی، جلال / ۶۶۳  
 عطارزاده / ۳۵۴، طباطبائی، سید ضیاء‌الدین / ۶۹۶  
 عطاری، سمیع / ۲۴۶، طباطبائی / ۳۷۸، ۳۱۰  
 علیخانی / ۶۶۱، طباطبائی، صادق / ۳۷۸، ۳۱۲  
 علیزاده / ۲۸۲، ظهیر محسن / ۲۴۶  
 علی سعیر / ۲۴۲  
 علی عبدالله صالح / ۲۳۰، ع - غ  
 عمان / ۸۸۳، ۷۱۲، ۶۱۰، ۵۹۸، ۴۱۵، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۲۶، ۲۲۷



- عمر (پسر غوربال) / ۲۰۵  
 عمر تلمسانی / ۲۰۸  
 عیسی مسیح (ع) / ۶۹۵  
 غنا / ۵۷۹، ۵۵  
 غوربال / ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱
- ف
- فاتیف، آلبرت گئورگیویچ / ۳۸، ۳۹  
 فارس / ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۸۰، ۶۹۹  
 فاس / ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱  
 فاطمی، تورج / ۳۲۷  
 فاطمی، حسین (دکتر) / ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۲  
 فاطمی، علی / ۳۹۱، ۳۹۲  
 فاطمی، نصرالله / ۳۹۲  
 فرازیان / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۳۰۶، ۳۰۷  
 فرانتک / ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹  
 فرانسه / ۱۴، ۱۵، ۵۱، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۶، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۲۳، ۵۴۷، ۵۴۰، ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۹۲، ۶۹۹، ۷۳۵، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۹۱، ۸۸۷  
 فرانکفورت / ۱۴۹، ۳۴۹، ۳۵۶  
 فرد جنی / ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵  
 فردوست، حسین (سرلشگر) / ۶۲۸، ۶۳۹، ۶۴۰  
 فرمانفرمائی، خداداد / ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸  
 فرودگاه بن / ۲۹  
 فرودگاه تمپلهوف / ۳۰، ۳۱  
 فرودگاه رانگون / ۱۵۲  
 فرودگاه مهرآباد / ۷۱۰، ۷۵۸  
 فرودگاه هاهایا (Hahaya) / ۵۷۸  
 فروغی / ۳۹۰  
 فروهر، داریوش / ۲۵۹، ۲۸۱، ۳۸۵، ۳۸۶
- فری، پل جی، ۸۱۷  
 فری تاون / ۵۸۲  
 فرید، رحیم / ۲۹۹  
 فرید زنجانی، محمد سعید / ۲۷۶، ۲۹۸، ۲۹۹  
 فریدیک / ۲۸۲  
 فشارکی، فریدون / ۷۹۱  
 فلاحی، ولی (سرلشگر) / ۳۷۰  
 فلسطین / ۱۸۵، ۱۹۳، ۲۱۲، ۲۴۵، ۶۵۹  
 فلوریت / ۵۸۰  
 فنلاند / ۴۹۳  
 فورد، راتر / ۳۵۶، ۳۵۷  
 فورست آ. سینگهوف / ۱۱۶  
 فوگارتی (خانم) / ۵۳۷  
 فولر، لاورنس ا. / ۸۱۶، ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۴۹، ۸۵۶، ۸۵۸، ۸۶۲، ۸۶۹، ۸۷۲  
 فونست، رابرت ال. / ۳۶۵، ۳۶۶  
 فهد / ۲۲۵  
 فیجی / ۵۸۶  
 فیروزآباد / ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶  
 فیروزی، سیف‌الله (دکتر) / ۲۷۵  
 فیلاتوف، روبسپیران / ۸  
 فیلادلفیا / ۳۰۱، ۳۰۳  
 فیلسکی، ام.آ. / ۵۲۶  
 فیلیس، رونالد ام. (گروه‌بان) / ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵  
 فیلیپین / ۵۸۶، ۷۴۸
- ق
- قاضی، علی / ۷۶۹  
 قاهره / ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵  
 ق / ۳۸۰، ۳۸۵، ۵۹۹، ۶۰۰

کاتانگا / ۵۶۵، ۵۷۵	قبرس / ۸، ۲۳، ۲۴، ۶۰۹
کاتلر / ۲۹۳	قرارداد ژنو / ۱۱۶، ۱۱۷
کاتم، دیک / ۳۱۳	قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل / ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۳۷، ۲۱۶
کاخ جوانان / ۷۸۴، ۷۸۷	قرارگاه استکهلم / ۳۳۲، ۳۳۴
کاخ سفید / ۳۸۳، ۸۲۲، ۸۲۶	قرارگاه تهران / ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴
کاخ سلطنتی / ۶۳۹، ۶۷۳	قرارگاه رم / ۲۶۸، ۳۰۳، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۵۳، ۷۱۵
کاخ شاهی / ۷۱۴	قرارگاه سیا / ۳۴۰، ۳۴۴، ۸۱۵
کاخ گلستان / ۷۵۸	قرارگاه سیا (تهران) / ۲۶۴، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۹۳
کاخ مرمر / ۶۳۳، ۶۳۴	قرارگاه کابل / ۹۳، ۹۴
کارائیب / ۵۹۲	قرارگاه مدنسکی / ۲۹۹
کارتاجنا / ۵۹۴	قسطنطنیه / ۲۰۷
کارتز، جیمی / ۲۱۰، ۲۵۴، ۸۱۲، ۸۱۹	قشقای، امیر عبدالله / ۳۶۷
کارناکانا / ۶۱۷	قشقای، خسرو / ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۶۷
کازابلانکا / ۱۴۹	۲۸۰، ۳۲۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۸
کازناکیف / ۱۵۱، ۱۵۲	۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹
کاستاریکا / ۵۹۳	۳۸۱، ۳۸۰
کاسیگین / ۹۲، ۹۴	قشقای، صولت الدوله / ۳۶۲
کاشان / ۷۴۰	قشقای، محمدحسین / ۳۶۲
کاشمر / ۶۵۴	قطب‌زاده، صادق / ۲۹۶، ۳۱۲، ۳۷۸، ۳۸۶، ۳۸۹
کاظمی، باقر / ۲۹۹	۳۹۰
کافه زاخرو / ۱۴	قطر / ۲۲۰، ۲۳۴، ۶۵۶، ۸۸۳
کالج آمریکایی تهران / ۳۶۳	قطعه‌نامه بغداد / ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲
کالج البرز / ۳۶۲	قفقاز شمالی / ۵۰۸
کالیفرنیا / ۳۸۵	قم / ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۸
کامبوج / ۵۴۲	۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۳۰
کامیالا، ۹۷، ۵۸۳	۳۳۶، ۴۰۶، ۴۸۲، ۷۲۴، ۷۴۰، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹
کامرون / ۵۷۷	۷۹۷
کامینسکی / ۳۰۳، ۳۰۴	قیام ۱۵ خرداد / ۲۵۵
کانادا / ۷۷، ۴۰۹، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۳۹	
۴۴۸، ۴۵۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲	
۵۰۹، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۹۴	
کانال پاناما / ۲۰۶، ۲۰۷	
کانال سوئز / ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۴۰	
۲۹۹، ۴۲۹، ۴۳۷، ۴۳۹، ۵۰۶	
	ک
	کابل / ۹۴، ۲۷۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲
	۶۱۲، ۶۱۴، ۶۶۰

- کانال فست اکت / ۳۴۸  
 کانال کاپ بن / ۵۶۴  
 کانال مجردا / ۵۶۴  
 کانوی، آلن سی. / ۶۴۶، ۶۴۷  
 کپنهاک / ۳۰۹، ۲۸۱، ۳۷، ۲۴  
 کراچی (پاکستان) / ۳۷۰، ۳۱۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۹۶  
 ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۵۵۳  
 ۶۱۸  
 کراس، چارلز تی. / ۸۳۳، ۸۳۰، ۸۲۷، ۸۱۶  
 ۸۳۶، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۵، ۸۵۶  
 ۸۵۸، ۸۶۲، ۸۶۹، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۷۹  
 ۸۸۰، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۸  
 کرافورد، فرانکلین ج. / ۳۹۱  
 کرانه غربی / ۲۴۵  
 کرایسکی / ۲۴۵  
 کرب، ام. اچ. / ۱۳۷  
 کرج / ۷۴۰  
 کردستان / ۳۷۸، ۳۳۳، ۳۱۴، ۳۰۹، ۲۷۰، ۲۶۸  
 ۷۰۵  
 کرکوک / ۴۸۸  
 کرمان / ۷۹۸  
 کرمانشاه / ۷۱۸  
 کره جنوبی / ۷۷۳  
 کره شمالی / ۵۵۴، ۵۱۱، ۵۰۷، ۱۷۹، ۱۶۴، ۱۵۸  
 ۵۶۱، ۵۷۶، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۶۱  
 کریستوفر / ۲۴۲، ۲۲۵، ۲۲۱  
 کرین، بیل / ۱۳۸، ۱۰۵  
 کستیل، برتون آ. / ۱۲۲  
 کشمیر / ۶۵۸  
 کشورهای حوزه خلیج فارس / ۸۵۹، ۸۱۹، ۸۱۲  
 کلارک / ۲۲۶  
 کلاید / ۸۰۴  
 کلکته / ۱۴۹  
 کلمبو / ۷۰۰، ۶۱۹  
 کلمبیا / ۴۵۳، ۵۹۴  
 کلوپ پارس آمریکا / ۷۸۳، ۷۵۶  
 کلوپ پیکان / ۷۷۲  
 کلوپ تهران / ۷۶۴  
 کلوپ زنان آمریکایی / ۷۵۶  
 کلوپ کشوری شاهنشاهی (سلطنتی) / ۷۵۹  
 کلوپ معلمین / ۷۸۷  
 کلیتون ماد، آر. / ۶۴۷  
 کمال حسن علی / ۲۳۷  
 کمال، عزیزالله (سپهبد) / ۶۴۸، ۶۴۶، ۶۳۷  
 کمپانی آرامکو / ۴۶۸  
 کمپانی پمکس / ۵۰۶  
 کمپانی رویال داچ شل / ۴۰۴  
 کمپ دیوید / ۲۲۴، ۲۱۸، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱  
 ۵۵۸، ۲۴۹  
 کمیسیون انرژی اتمی / ۴۴۹  
 کمیسیون بین‌المللی قضاات / ۱۹۴  
 کمیسیون مشترک آمریکا و ایران / ۸۲۶، ۸۱۳  
 ۸۸۰، ۸۳۶، ۸۲۸  
 کنت ان. راجرز / ۸۷۴، ۸۶۲، ۸۳۶، ۸۳۳، ۸۱۶  
 ۸۷۶، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۸  
 کنت پی. مایلز (سرلشگر) / ۱۲۷  
 کنتیننتال / ۴۱۲، ۴۰۴  
 کندی، پرستون ب. (سرهنگ) / ۶۴۶  
 کندی، رابرت / ۳۹۲  
 کندی (سرهنگ) / ۶۴۷  
 کنسولگری آمریکا (اصفهان) / ۸۶۳  
 کنسولگری آمریکا (تبریز) / ۸۷۴، ۸۲۳، ۸۲۰  
 کنسولگری آمریکا (خرمشهر) / ۸۶۹  
 کنسولگری آمریکا (شیراز) / ۸۷۰، ۸۶۹، ۸۲۰  
 کنسولگری شوروی (تهران) / ۱۳۹  
 کنفرانس اسلامی / ۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۵، ۲۱۳  
 ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱  
 کنفرانس رامسر / ۷۳۴

- کنفرانس وزراء سنتو در تهران / ۶۲۹، ۶۵۳  
 کنکنیکات / ۱۸۶  
 کنگ پیائو / ۵۹۶  
 کنگره آمریکا / ۴۴۸، ۴۴۹، ۷۱۶  
 کنگره بین‌المللی حزب کمونیست / ۶۶۰  
 کنگره حزب ایران نوین / ۶۵۰، ۷۳۸  
 کنگو / ۵۷۸  
 کنیا / ۵۸۰  
 کنیاتا، جومو (رهبر کنیا) / ۵۸۰  
 کوئیک، پی. دی. / ۹۷  
 کوآندا / ۵۷۵، ۵۷۶  
 کوالامپور / ۹۴، ۵۸۶  
 کوبا / ۸۹، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۷۲، ۴۷۰، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۱۶  
 کوپف، بیدن / ۳۳۱  
 کورش / ۶۸۷، ۶۹۵  
 کورش، رضا / ۶۹۷  
 کورن / ۳۶۷  
 کورنلیاس گیلیان (کشتی) / ۲۰۳  
 کورودیک، نیکولای گئورگیویچ / ۳۷  
 کورولف، یوگنی وی. / ۹۵  
 کوره کک (مجارستان) / ۶۱۷  
 کوکبی، سعید / ۷۸۰  
 کوکتل پارتی / ۷۶، ۷۷، ۱۱۴، ۳۶۴  
 کولسکی زالیف (KOLSKIY) / ۹۹  
 کومو / ۳۶۴، ۳۶۷  
 کومودور / ۲۱۸  
 کوموروس / ۵۷۸  
 کوناگری / ۵۶۵  
 کونس، ویلیام د. (سرهنگ) / ۶۴۶  
 کووانگ / ۱۰۲  
 کووانگ، آشور / ۱۰۲، ۱۰۵  
 کوه البرز / ۷۰۴  
 کوه دماوند / ۷۰۴  
 کوه نور / ۶۸۷  
 کویت / ۱۹۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۵۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۱۵، ۵۳۴، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۹۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۵۶، ۶۹۸، ۷۱۲، ۸۵۵، ۸۸۳  
 کویک، آشور / ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵  
 کویموف، لئونید گابریلویچ / ۶۳  
 کیا، حاج علی (سپهبد) / ۶۳۷  
 کیپ ورد / ۵۷۷، ۶۱۹  
 کیس (سناتور) / ۳۹۲  
 کیسینجر، هنری / ۲۰۱  
 کیگالی / ۲۲۵  
 کیلتایگر / ۳۲۰  
 کیلگور / ۲۲۰  
 کینشازا / ۵۷۵  
 کیو. آر. بولستر / ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸  
 کیو. آر. رام / ۲۷۲  
 کیو. آر. کابل / ۲۷۲  
 گ  
 گابن / ۲۲۸، ۵۷۹  
 گاج، ایوان ایوزیفویچ / ۱۰۶  
 گارد ملی سعودی / ۲۴۴  
 گارزان (تیمسار) / ۳۶۴  
 گاست، فیلیپ سی. (سرلشگر) / ۸۱۷



- ۶۱۰، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۶۱  
 لهفلد، ویلیام. دبلیو / ۴۵۸، ۴۵۵  
 لیبریا / ۵۸۰  
 لیبی / ۱۷، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۲۷، ۲۴۷، ۳۴۳، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۹۱، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۸، ۵۸۳، ۸۸۳  
 لیما / ۵۹۰  
 لیندسی (آلمان) / ۱۱۶  
 لینگن / ۳۳۷
- م  
 مائو (رئیس جمهور) / ۶۲۱  
 مایوتو / ۹۷، ۵۷۱، ۵۷۲  
 ماتسدورف، ارنست / ۲۸، ۲۹، ۳۰  
 ماداگاسکار / ۵۴۵، ۵۵۶، ۵۸۰، ۵۸۱، ۶۲۲  
 مادام ایکس / ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴  
 مادون صحرا / ۵۳۹، ۵۶۷  
 مارتین، رابرت الف. / ۲۳۹  
 مارتین، سی. ال. (سرهنگ) / ۱۱۷  
 مارشال، ام. هنری / ۷۸۴  
 مارگریو، رابرت ان. / ۶۴۶  
 مارون / ۴۸۷  
 مارینا (دختر لئونید) / ۱۰۷  
 ماکائو / ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹  
 مالت / ۵۴۲، ۵۹۶  
 مالزی / ۲۱۹، ۵۸۶، ۶۵۹  
 مالنیف، ان.وی. / ۵۲۵  
 مالی / ۵۷۰  
 مانیل / ۵۸۶، ۵۸۷  
 ماهنامه الاعتصام (مصر) / ۲۰۹  
 ماهنامه الدعوه / ۲۰۹، ۲۱۸  
 ماهوتیان (سرتیپ) / ۶۳۵، ۶۴۶
- مایر / ۳۹۱  
 مایک ۱، ۲، ۲۲  
 مأموریت برای وطنم (کتاب) / ۷۰۹  
 مبصر، حسن (سرلشکر) / ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۸، ۶۴۶  
 مترنیکو، مایکل جی / ۷۸۹، ۸۱۷  
 متین دفتری، هدایت‌الله / ۲۸۲  
 مجارستان / ۹، ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۵۱۰، ۵۴۲، ۵۵۴، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۱۷، ۶۶۱، ۶۲۰، ۶۶۱  
 مجتمع پتروشیمی شاهپور / ۶۵۲، ۶۵۳  
 مجتمع مکانیکی تاکسیلا (Taxila) / ۶۱۸  
 مجلس خبرگان / ۲۵۶، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸  
 مجلس سنا / ۴۴۵، ۴۵۱، ۷۰۰، ۷۰۹  
 مجلس شورای ملی / ۲۴۳، ۴۴۲  
 مجلس مؤسسان قانون اساسی / ۶۹۷  
 مجلس نمایندگان آمریکا / ۹  
 مجله غربی / ۱۷۲  
 محمد انورسادات / ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۹، ۶۰۰  
 محمودی، کامبیز (دکتر) / ۷۸۲، ۷۸۳  
 مدارس فنی گینه / ۵۷۰  
 مدرس / ۱۴۹  
 مدرسه آمریکایی تهران / ۷۵۶، ۷۶۱، ۸۱۵، ۸۵۶، ۸۸۴  
 مدرسه ایران / ۷۸۰  
 مدرسه ایران زمین / ۷۵۶  
 مدرسه پروین / ۷۸۵  
 مدرسه جورج تاون / ۲۰۵  
 مدنی، محمد (دریادار) / ۲۸۰، ۳۲۱، ۳۶۱، ۳۷۲

- ۶۹۶، ۶۹۳، ۶۸۳، ۶۳۴، ۶۲۹، ۳۹۲، ۳۷۵، ۳۶۵ / مصر / ۲۵، ۵۰، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۰، ۵۰۶، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۶، ۵۷۳، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۹۱، ۷۳۲، ۷۴۹، ۸۸۳
- مصطفی امین / ۲۴۷  
 مطهری، م. (سرهنگ) / ۶۴۶، ۶۴۸  
 مظفرالدین شاه / ۴۰۲  
 معادن بوروندی / ۵۷۷  
 معاهده تلاتولوکو (Tlatelolco) / ۵۹۵  
 معتضد (سرلشکر) / ۶۴۶  
 معدن تنگستن (راجستان) / ۶۱۷  
 معدن مس آنتامینا / ۵۹۱  
 معمر قذافی / ۲۴۱، ۵۶۱، ۷۳۲  
 مغولستان / ۱۰۰، ۵۰۷، ۵۱۱  
 مقدم مراغه‌ای، رحمت‌الله / ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۷  
 مقدم، ناصر (رئیس ساواک) / ۶۴۶  
 مکزیک / ۴۷۱، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۲۲، ۵۹۵  
 مک‌کابی (تیمسار) / ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۷  
 مک‌کنا / ۱۲۹  
 مک‌گافی، دیوید سی. / ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۱۷  
 مگ، آرمیش / ۱۰۵، ۶۳۰  
 ملبورن / ۳۶۴، ۳۶۷  
 ملک فیصل / ۲۴۷، ۴۳۳، ۴۳۴، ۶۵۶  
 منامه / ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۸۵  
 منصور، حسنعلی / ۶۳۵، ۶۹۷
- ۶۷۲، ۶۷۱، ۶۳۳، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۷، ۳۷۴ / ۷۰۶، ۶۷۴  
 مدیترانه / ۴۲۹  
 مدیک، دان / ۱۰۲  
 مریطون / ۲۲۵  
 مراغه‌ای / ۳۱۸، ۳۱۴، ۳۰۹، ۲۶۶  
 مراکز پزشکی دومینیکا / ۵۹۲  
 مراکش / ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۹  
 مرز الکبیر / ۵۶۰  
 مرز رودزیا / ۵۷۶  
 مرز شط‌العرب / ۶۹۸  
 مرکز آموزش بین‌المللی ایران / ۳۸۷، ۳۸۸  
 مرکز ارزیابی خارجی ملی / ۶۱۹  
 مرکز بازرگانی آمریکا / ۸۳۵  
 مرکز بولینگ / ۷۷۱  
 مرکز تجاری آمریکا (تهران) / ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۳۶، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۷  
 مرکز ملی ارزیابی خارجی / ۴۶۶  
 مزار شریف / ۶۱۳  
 مسجد حسین آباد / ۷۹۴، ۷۹۶  
 مسعودی، عباس / ۶۵۶  
 مسکو / ۵، ۱۱، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۶۲، ۶۴، ۹۴، ۹۶، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۹، ۱۹۰، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۳۹، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۵۹، ۶۹۳  
 مشهد / ۱۴۹، ۳۰۵، ۷۰۱، ۷۱۵، ۷۹۱  
 مصدق، محمد (دکتر) / مصدق / ۲۹۹، ۳۶۲

منصوری / ۲۴۰	میر، آرمین / ۶۴۸، ۶۴۶
منگیستو / ۵۶۷	میرا لوداسکا / ۸۶
موبوتو / ۲۹۳	میکلوس / ۷۳۳
موبیل / ۴۰۴، ۴۱۱	میلز، هنری آر. / ۷۷۵، ۸۱۷
موتوریزه / ۶۴۱	میلهم / ۲۱۷
موراتوف، یوگنی گورگیویچ / ۵۱	مین / ۱۸۶
مورلوت / ۲۷۸	میتکنبائو / ۱۸
موریتانی / ۵۶۲، ۵۵۹	میندلو / ۵۷۷
موریس، جیمز / ۶۸۵	مؤسسه ارتباطات بین المللی / ۹۱
موریس، کورتیس اس. / ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۸	مؤسسه عمران بین المللی / ۱۹۵
۱۳۳، ۱۳۵	
موزامبیک / ۵۴۹، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۴، ۵۷۱، ۵۷۴	ن
۶۲۴	ناپلئون / ۱۸۹
موزل، کنستانتین / ۶۵	ناتاشا (همسر سازانوف) / ۱۰۹
موسوما / ۵۷۴	ناتو / ۹، ۱۹، ۲۱، ۴۶، ۵۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵
موسوی / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶	۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸
۲۶۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۵	۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۲۹۶، ۳۷۹، ۴۱۶، ۴۴۱، ۴۴۵
۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶	۶۰۸، ۷۰۴، ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۹۲، ۸۱۲، ۸۱۹
۳۰۷	نادرشاه / ۳۰۶، ۶۸۷
موسوی، مرتضی / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۹	ناس، چارلز دبلیو. / ۷۹۹، ۸۱۷
۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲	ناصرالدین شاه قاجار / ۴۰۲
موسی / ۲۲۷	ناصری، تورج (دکتر) / ۲۵۳، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶
موگادیشو / ۲۵۰	ناصری، فریدون (دکتر) / ۳۲۷، ۳۹۵، ۳۹۷
مونته کلر علیا (نیوجرسی) / ۲۹۹	ناکس، ویلیام / ۴۰۲
مونرویا / ۲۳۱	نامیبیایی / ۵۷۶
مونیک (آلمان) / ۳۶۷	ناهید (دختر غوریال) / ۲۰۵
مهاباد / ۳۱۱	ناپروبی / ۱۴۹
مهابی / ۷۷۰	نیپال / ۶۱۸
مهرآئین، هوشنگ / ۷۶۵	نجیب (ژنرال) / ۱۹۰
مهرآباد / ۷۱۵	نروژ / ۴۰۹، ۴۳۸، ۴۹۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۱۱
میدان اورلی / ۱۸	نزیه، حسن / ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۷، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲
میدان گراسونور / ۱۹، ۲۱	۳۲۷، ۳۷۴، ۳۸۵
میدل تون / ۳۶۷	نصیری، نعمت الله (تیمسار) / ۲۵۴، ۶۳۵، ۶۳۸
میدی / ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵	۷۹۱



- نیکمکره غربی / ۴۵۳  
نیوپورت / ۲۲  
نیوجرسی / ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۹۲  
نیوزیلند / ۵۰۶، ۵۲۲  
نیویورک / ۸، ۱۹، ۲۲، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۵۰، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۳۷  
نیویورک تایمز / ۲۵۰
- و
- واترلوی / ۴۱۲  
وارنل، ویلیام / ۱۲۶  
واسکیدا، اوران / ۵۵۹  
واشبرن، جان / ۴۵۶  
واشنگتن / (اکثر صفحات)  
والتان، دونالد / ۱۳  
والدهایم، کورت / ۲۲۳  
والری (پسر داوینیا) / ۱۰۷  
والیس، اف. اچ. (سروان) / ۶۴۷  
واهو، زی. آر. / ۳۱۶  
وایت، دوروتی / ۸۵  
وایرز، ویرجینیا / ۸۱۶، ۸۴۱، ۸۶۹، ۸۷۲  
وٹ، بایبل / ۱۲۴  
وحیدی، ایرج / ۶۶۱  
وزارت آموزش و پرورش / ۶۶۹، ۶۷۰  
وزارت ارتباطات / ۷۴  
وزارت اصلاحات ارضی / ۶۶۶، ۶۷۳  
وزارت اقتصاد و دارایی / ۸۰۲  
وزارت امور خارجه آمریکا / (اکثر صفحات)  
وزارت انرژی آمریکا / ۴۹۷  
وزارت بازرگانی / ۷۶، ۴۵۷، ۷۳۴، ۸۰۴، ۸۰۵  
۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۴۳، ۸۵۱، ۸۸۱  
۸۸۲، ۸۸۳  
وزارت بازرگانی آمریکا / ۴۲۵، ۸۱۷، ۸۲۷  
وزارت بهداری / ۷۴۲
- نکراسوف / ۹۴  
نکرومه / ۵۵، ۵۷۹  
نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران / ۸۸۱، ۸۸۲  
نمایشگاه تجاری در مسکو / ۶۵۹  
نمایشگاه تجاری و اقتصادی (گیگالی) / ۵۸۲  
نماینده‌گی آمریکا در صحرای سینا / ۲۲۱  
نوا، ای. زی. / ۳۵۸  
نوار غزه / ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۴۵  
نورخان / ۶۵۸  
نوردن / ۳۶۴  
نورنوگ / ۲۲  
نونامسکی، جرج / ۸۴  
نهضت آزادی ایران / ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۲۸، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۶۰، ۵۶۵  
نهضت مقاومت ملی / ۲۹۹  
نیجر / ۲۲۸  
نیجریه / ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۶۹، ۴۸۹، ۵۱۷، ۵۷۲، ۵۷۳، ۶۱۶  
نیروهای مسلح آمریکا / ۶۴۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۸۱  
نیروهای مسلح ایران / ۲۱۱، ۶۴۵، ۷۰۳  
نیروهای مسلح لبنان / ۲۲۵  
نیروی پورتو پریماورا / ۵۸۹  
نیروی دریایی ایران / ۷۱۳  
نیروی زمینی آمریکا / ۱۱۶، ۱۱۷، ۶۳۷، ۶۴۶  
نیروی زمینی ایران / ۷۱۴  
نیروی هوایی آمریکا / ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۲۵۰، ۲۵۹، ۶۴۰، ۶۵۴، ۷۵۸، ۸۱۷، ۸۷۵  
نیروی هوایی ایران / ۲۱۱، ۶۵۴، ۷۱۳  
نیکاراگوئه / ۵۹۳  
نیک‌پور، منوچهر / ۲۶۳، ۳۰۳  
نیک‌پی، غلامرضا / ۶۶۱  
نیکسون / ۶۲۸، ۶۵۳، ۶۸۹، ۷۱۸  
نیکولاینفا، سوفیا / ۹۳

ونس / ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۴۷، ۲۴۸	وزارت بهداشتی آمریکا / ۸۵۶
ونگ / ۱۱۳	وزارت بهداشت و رفاه اجتماعی / ۸۸۷
ویتنام / ۷۵، ۷۷، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۴۲	وزارت تحقیقات و تکنولوژی / ۴۹۷
ویتنام شمالی / ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۹، ۱۸۵	وزارت خارجه ایران / ۷۳۱
ویرادوف، ایوان پاکولویچ / ۲۲	وزارت خزانه‌داری / ۸۱۵، ۸۰۴، ۸۱۷، ۸۳۴
ویزارد، ا.سی. / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵	۸۸۴، ۸۸۳
ویسبادن / ۴۶	وزارت دادگستری / ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۴۷، ۶۷۲
ویلیامز / ۳۴۶	۸۱۷، ۸۱۵
وین / ۱۵، ۲۳، ۳۹، ۶۰	وزارت دفاع آمریکا / ۶، ۳۶۸، ۶۲۷، ۶۳۲، ۴۴۵
ویندسور، پائول / ۱۰۱، ۱۱۲	۶۴۶، ۶۴۸، ۷۱۷، ۷۱۹، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۱۴
وینکلر، گوردون / ۷۵۵، ۷۷۶، ۷۸۲	۸۱۷، ۸۲۷، ۸۳۱
وینوگرادوف، ولادیمیر / ۱۳۵	وزارت دفاع اسرائیل / ۲۴۴
ویوید، ای.زی. / ۳۶۰	وزارت رفاه اجتماعی / ۷۴۲
ه	وزارت علوم و آموزش عالی / ۷۳۴
هارگی سا (Hargaisa) / ۵۷۴	وزارت عمران روستایی / ۶۷۳
هاروارد / ۲۰۱	وزارت کار و امور اجتماعی / ۳۹۶، ۳۹۷، ۶۶۸
هاروارد، رابرت اس. (سروان) / ۷۱۷	۷۳۵
هاریس / ۲۱۵، ۲۱۶	وزارت کشاورزی آمریکا / ۶۷۱، ۸۱۵، ۸۱۷
هاشمی رفسنجانی، اکبر / ۳۸۶	۸۲۷، ۸۴۳، ۸۵۱، ۸۷۹
هاگلند / ۲۰۸	وزارت کشور / ۱۹۰، ۴۰۴، ۴۱۶، ۴۴۵، ۴۵۰
هالدین، دوروتی (سرهنگ دوم) / ۱۱۷، ۱۲۲	۶۶۹، ۶۶۱
هالدین، دوگلاس (سرهنگ دوم) / ۱۱۷	وزارت منابع طبیعی / ۴۵۲
هالوئی (دریاسالار) / ۲۰۵	وزارت نفت / ۴۷۹
هامت، ادوین ال. / ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲	وزارت نیرو ایران / ۶۷۲
۱۳۳، ۱۳۵	وست / ۲۴۰
هاواک، بی. سی. / ۳۴۴، ۳۸۷، ۳۹۴	وستلی، دیوید ئی / ۷۶۷، ۷۷۲
هاوانا / ۵۱۱، ۵۹۲، ۶۰۴	وستینگهاوس / ۷۶۰
هاوک، ریتون / ۴۰۸، ۴۴۱	ولاتسکوف، ویکتور آی. / ۲۵
هیرون / ۲۰۹، ۲۱۷	ولتای علیا / ۲۲۸، ۵۸۴
هتل آریا / ۷۸۴	ولید / ۲۶۰، ۲۶۵
هتل آکارا / ۵۵	ونرستروم، استیگ / ۴۵، ۴۶، ۴۷
هتل اوین / ۷۷۱	ونزوئلا، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۲
هتل شرایتون / ۳۸۰	۴۳۹، ۴۴۴، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۶۹، ۴۸۸، ۴۸۹
	۵۱۷، ۵۱۹، ۵۹۵، ۵۹۶

هیئت نظامی آمریکا (ایران) / ۸۱۷	هتل فیلادلفیا / ۳۰۲
هیئت نمایندگی تجاری چین / ۱۷۶	هتل کاسپین / ۱۸۵
هیتلر، آدولف / ۶۶۰	هتل کلین / ۲۷
هیث، ادوارد / ۲۶۹	هتل هیلتون / ۷۷۱، ۳۱
هیدلبرگ / ۱۲۲	هرالد، بی.کی. / ۱۶۰، ۱۶۱
هیگ / ۶۳۶	هرتز، مارتین اف / ۱۴۳، ۱۵۱، ۳۸۹، ۳۹۱، ۶۴۷
هیگام، جیمز / ۱۳۳، ۱۳۴	هرشون، الن بی (سرهنگ دوم) / ۱۱۸
هیگ، رنسم اس / ۶۳۶، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸	هرلن، رابرت / ۶۴۶، ۶۴۸
هینک، جان ای. (سرهنگ) / ۳۶۴	هرلیس، دونالد اس. / ۶۳۲
هیوز، توماس سی. / ۱۱۷	هروی، مهدی (دکتر) / ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲
هیوی، فرانک ام. / ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱	هفته‌نامه نیوزویک / ۲۸
۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹	هلست، ویلیام آ. / ۶۴۷
۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹	هلسینکی / ۹۷
ی	هلمز، ریچارد (سفیر) / ۶۳۵، ۷۱۷، ۷۳۰، ۷۴۳
یاسر عرفات / ۲۲۴، ۲۴۵	۷۴۴
یالنا / ۲۵	هلند / ۴۲۸، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۵۳، ۴۹۳، ۵۰۱
یحیی خان / ۶۵۱، ۶۵۸	هلهول (شهر) / ۲۱۷
یزدی، ابراهیم / ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۱۲، ۳۲۹، ۳۳۰	هلیکوپتر لیکس / ۲۳۵
۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۵۱، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۸۴	همدان / ۷۱۵
یزدی، جلال / ۲۹۹	هند / ۲۷، ۳۷، ۴۱، ۴۵، ۲۰۰، ۲۰۱، ۵۰۶، ۵۳۴
یگانه، محمد / ۶۶۱	۵۳۹، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۳، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۵
یمانی / ۴۴۲	۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۹، ۶۵۴، ۶۵۸، ۷۰۳، ۷۱۲
یمن / ۱۹۹، ۲۱۳، ۶۲۲، ۸۸۳	۷۳۷، ۷۴۵، ۸۳۰
یمن جنوبی / ۲۲۲، ۲۳۰، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۸	هند، رابرت د. (سرگرد) / ۶۳۷، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸
۵۵۰، ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۲۳	هندوراس / ۵۹۳
یمن شمالی / ۲۱۴، ۲۳۰، ۶۰۴	هنگ کنگ / ۱۴۹، ۳۵۵، ۳۵۶، ۵۴۲، ۵۸۷
یوتاشکوا، نینا ولادیمیروفنا (همسر یوری) / ۱۰۶	هولمز / ۳۸۹
یوجین (اوژن) ام. وینترز / ۶۴۶	هویتینن، ارکی / ۶۷، ۹۷، ۹۸
یورک، ب. ام. (سرهنگ) / ۶۴۷	هویدا، امیرعباس / ۲۵۴، ۳۹۵، ۴۰۹، ۶۵۰
یوگسلاوی / ۳، ۱۰۲، ۱۴۴، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۹	۶۵۸، ۶۵۹، ۶۹۷، ۶۶۱، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۹، ۷۹۲
۲۴۹، ۵۱۰، ۵۴۲، ۵۶۱، ۵۷۲، ۵۸۶، ۶۲۹، ۶۶۱	هیئت دیپلماتیک سوریه در تهران / ۲۹۹
یونان / ۱۷، ۴۹۳، ۵۰۲، ۶۰۹، ۶۹۵	هیئت مستشاری نظامی آمریکا (MAAG) / ۶۵
یونسکو / ۸، ۱۹۵، ۷۰۰، ۷۳۵	۸۱۴، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۵۰، ۸۷۵
	۸۷۸